



مرکز تحقیقات اسلامی

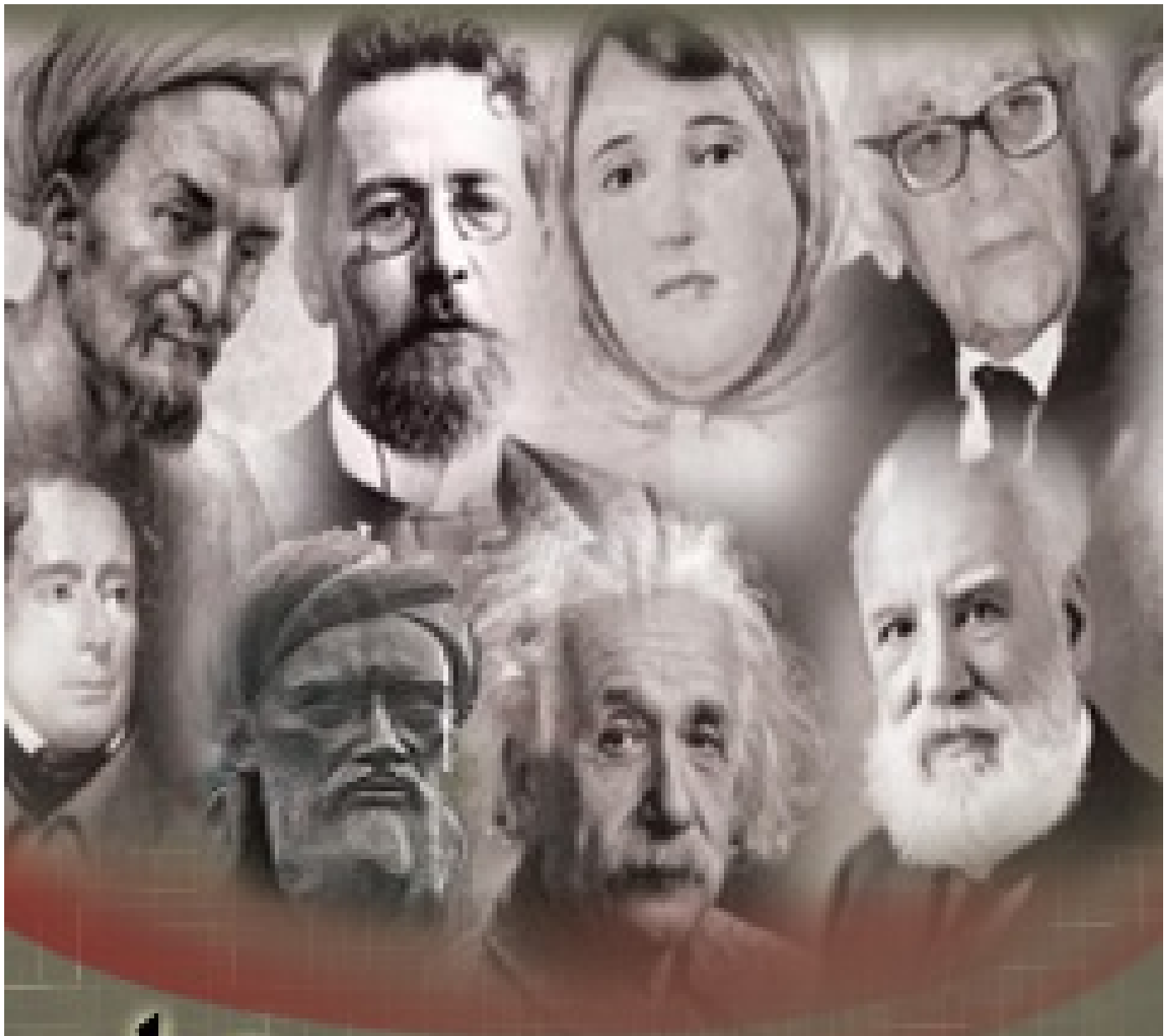
اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۴

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶۵	زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۶
۶۵	مشخصات کتاب
۶۵	صنعتگران
۶۵	ابتیاع، حسین
۶۶	ابن ابی‌الخیر، ابوالعباس معین‌الدین احمد
۶۶	ابن ابی‌ثلج کاتب، ابوبکر محمد
۶۷	ابن ابی‌طاهر مروزی، ابوالفضل احمد
۶۷	ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد
۶۸	ابن بابویه ابوجعفر، محمد
۷۰	ابن بلخی
۷۱	ابن بُندار یزدی، ابوذر، اسعد
۷۱	ابن بی‌بی، ناصرالدین، یحیی
۷۱	ابن مردویه‌ی اصفهانی، ابوبکر احمد
۷۲	ابن مسکویه
۷۳	ابن بابا کاشانی، ابوالعباس، احمد
۷۳	ابن بَوَاب، ابوالحسن علی
۷۴	ابن‌بوذی شیرازی، ابوالقاسم هبةُ الله
۷۴	ابن‌بی‌بی جعفری رُغَدی، امیر ناصرالدین حسین
۷۴	ابن تانه خرجانی، ابونصر محمد
۷۵	ابن جراح بغدادی، ابوالحسن علی
۷۵	ابن جنید رازی، ابوالحسین محمد
۷۶	ابن جَبَّان تَمیمی بُستی، ابوحاتم محمد

- ۷۶ ابن حبیب نیشابوری، ابوالقاسم حسن
- ۷۷ ابن حمویه جوینی سرخسی، تاج‌الدین، ابومحمد عبدالله
- ۷۷ ابن خرداذبه، ابوالقاسم عبیدالله
- ۷۸ ابن‌رزین رازی اصفهانی، ابوعبدالله محمد
- ۷۸ ابن‌سّمقه، محمد
- ۷۸ ابن‌سمنانی، ابوالقاسم علی
- ۷۹ ابن‌ستیار مروزی، ابوالحسن احمد
- ۷۹ ابن‌شهاب یزدی، حسن
- ۷۹ ابن‌طبری مروزی، ابوحامد احمد
- ۸۰ ابن‌طیفور، ابوالحسن، ابوالحسن عبیدالله
- ۸۰ ابن‌عربشاه، شهاب‌الدین، ابومحمد، ابوالعباس احمد
- ۸۱ ابن‌فوطی، کمال‌الدین، ابوالفضل
- ۸۱ ابن‌کثیر داری، ابومعبد، ابوبکر عبدالله
- ۸۲ ابن‌ماجهی قزوینی، ابوعبدالله محمد
- ۸۲ ابن‌مجاور، جمال‌الدین، نجم‌الدین، ابوالفتح یوسف
- ۸۳ ابن‌منده اصفهانی، ابوالقاسم عبدالرحمان
- ۸۳ ابن‌منده اصفهانی، ابوزکریا یحیی
- ۸۴ ابن‌منده اصفهانی، ابوعبدالله محمد
- ۸۴ ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن هيثم
- ۸۵ ابوالقاسمی، احمد
- ۸۷ ابونعیم اصفهانی، احمد
- ۸۷ ابهری، ابوبکر محمد
- ۸۸ اتحادیه، منصوره
- ۸۹ احد الحسینی

۸۹	احمدخان بیگی، علیرضا
۹۰	احمدی، مهدی
۹۰	احسیکئی، ابوالوفاء محمد
۹۱	احسیکئی، ابورشاد احمد
۹۱	اخویان، محمد علی
۹۲	ادیب بهروز، محسن
۹۲	ادیب طوسی، محمدامین
۹۳	ادیب کرمانی، غلامحسین
۹۳	ارفع، محمدکاظم
۹۴	استاد ولی، حسین
۹۶	استرآبادی، محمدمهدی
۹۶	اسفراینی، محمد
۹۷	اسکافی، ابوعلی محمد
۹۷	اشراقی، احسان
۹۸	اشرفی اصفهانی، عطاالله
۱۰۰	اصفهانی کاظمینی، محمد حسین
۱۰۰	اصفهانی، زین العابدین
۱۰۰	اصفهانی، مصطفی
۱۰۱	اصفهانی، نجف
۱۰۱	اصفهانیان، داود
۱۰۲	اصلاح عربانی، ابراهیم
۱۰۲	اصلانی، مختار
۱۰۳	اعمش، ابومحمد سلیمان
۱۰۴	افشاری کاشانیان، حسن

- ۱۰۷ افضل کرمانی، افضل‌الدین، ابوحامد، احمد
- ۱۰۸ افوشته‌های نطنزی، محمود
- ۱۰۸ اقبال آشتیانی، عباس
- ۱۰۹ اقتداری، احمد
- ۱۱۳ اکبری، سیاوش
- ۱۱۶ اکبری، هوشنگ
- ۱۱۸ اکرمی، محمد
- ۱۱۹ الحسینی، حسین
- ۱۱۹ الشریف، ابومحمد
- ۱۲۰ الله اکبری، محمد
- ۱۲۰ الهی قمشه‌ای، مهدی
- ۱۲۲ امام جمعه، عباس
- ۱۲۲ امام، جلال
- ۱۲۳ امامی فر، علی
- ۱۲۳ امامی، ابوالقاسم
- ۱۲۴ امامی، محمدجعفر
- ۱۲۵ امیرلو، عنایت الله
- ۱۲۶ امین ذبیحی، علیرضا
- ۱۲۶ امینی تبریزی، عبدالحسین
- ۱۲۸ امینی هروی، صدرالدین ابراهیم
- ۱۲۸ امینی، علی‌اکبر
- ۱۲۹ انصاری، مسعود
- ۱۳۰ انصاریان، حسین
- ۱۳۱ انیسی قندهاری

- ۱۳۲ اهوازی، ابوعلی حسن
- ۱۳۲ ایدرم، حسن
- ۱۳۳ ایرانی، عبدالمحمد
- ۱۳۳ ایزدی، حسین
- ۱۳۴ آبان، محمد
- ۱۳۴ آبری سیستانی، ابوالحسن محمد
- ۱۳۴ آبنوسی، نریمان
- ۱۳۵ آبی، ابوسعد، ابوسعید منصور
- ۱۳۶ آدمیت، فریدون
- ۱۳۶ آذرنوش، مسعود
- ۱۳۹ آذری، علاءالدین
- ۱۳۹ آزاد ارمکی، تقی
- ۱۴۲ آزاد سرو
- ۱۴۳ آزادانی، ابوعبدالرحمان قتیبه
- ۱۴۳ آزر، اسماعیل
- ۱۴۴ آسایش، حسین
- ۱۴۶ آشتیانی، مهدی
- ۱۴۹ آشنا، محمدطاهر
- ۱۴۹ آغاسی وزیراف، دربندی، حیدر
- ۱۵۰ آقا ابوالقاسم
- ۱۵۰ آقاسردار، نجف قلی
- ۱۵۰ آگهی یزدی، ابوالحسن
- ۱۵۱ آل بحر العلوم، حسن
- ۱۵۱ آلیاری، حسین

- ۱۵۲ آملی طبرستانی، اولیاءالله، محمد
- ۱۵۲ آیتی، عبدالحسین
- ۱۵۴ آیتی، عبدالمحمد
- ۱۵۶ آئینه وند، صادق
- ۱۵۷ بابیوردی، حسین
- ۱۵۸ بارانی، محمدرضا
- ۱۶۱ باستانی پاریزی، محمدابراهیم
- ۱۶۷ باطرقانی اصفهانی، ابوبکر احمد
- ۱۶۸ باقری، عباس
- ۱۶۸ بخارایی، ابراهیم
- ۱۶۹ بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه، یزیده
- ۱۶۹ برقی، علی اکبر
- ۱۷۲ بروجردی، ابو حفص عمر
- ۱۷۲ بروجردی، داوود
- ۱۷۳ بقای شیرازی، علی حکاک
- ۱۷۳ بقایی کرمانی، مظفر
- ۱۷۶ بلاذری، ابوجعفر، ابوالحسن احمد
- ۱۷۷ بلاغی، شیخ حسن
- ۱۸۲ بلعمی، ابوعلی محمد
- ۱۸۳ بناکتی، فخرالدین، ابوسلیمان داوود
- ۱۸۳ بنی فاطمه، حسین
- ۱۸۴ بوداق قزوینی، منشی
- ۱۸۴ بهبودی، محمدباقر
- ۱۸۵ بهرام پور، ابوالفضل

- ۱۸۶ بهرامی خشنودی، مرتضی
- ۱۸۶ بهرامیان، محمد حسین
- ۱۸۸ بهروزی، علی نقی
- ۱۸۹ بهزاد، حسین
- ۱۹۰ بهشتی، حسین
- ۱۹۰ بهمنش، احمد
- ۱۹۱ بیات، عزیزالله
- ۱۹۳ بیات، محمد
- ۱۹۳ بیانی، شیرین
- ۱۹۹ بیرام شیرازی، محمود
- ۱۹۹ بیرجندی، حسین
- ۱۹۹ بیرونی، ابوریحان محمد
- ۲۰۰ بیضاوی فارسی، ابوالخیر، ابوسعید عبدالله
- ۲۰۱ بیگدلی، علی
- ۲۰۳ بیگدلی، غلامحسین
- ۲۰۵ بیهقی، ابوالحسن علی
- ۲۰۶ بیهقی، ابوالفضل محمد
- ۲۰۷ بیهقی، ابوالقاسم اسماعیل
- ۲۰۷ پارسا، احمد
- ۲۰۷ پارسا، حبیب‌الله
- ۲۰۸ باقلعه‌ای، علی
- ۲۰۸ پاکدین، کامل
- ۲۰۹ پاینده، ابوالقاسم
- ۲۱۰ پرویز، عباس

- ۲۱۱ پرهیزگار، شهریار
- ۲۱۳ پور داوود، ابراهیم
- ۲۱۵ پورحسینی، ابوالقاسم
- ۲۱۶ پوررنجبر، کوکب
- ۲۱۷ پورزرگری، محمدرضا
- ۲۱۸ پیرنیا، مشیرالدوله، حسن
- ۲۲۰ پیشوایی، مهدی
- ۲۲۱ تاج سلمانی
- ۲۲۱ تبریزی، ابومحمد
- ۲۲۱ تبریزی، عبدالعزیز
- ۲۲۱ تبریزی، محمدصالح
- ۲۲۲ تبریزی، محمدمحسن
- ۲۲۲ تجلی‌پور، مهدی
- ۲۲۲ تقوی، یحیی
- ۲۲۳ تقی زاده، لطف الله
- ۲۲۳ تقی‌زاده، حسن
- ۲۲۷ تکلو، احمد
- ۲۲۷ تکمیل همایون، ناصر
- ۲۲۸ توفیق شیرازی، رفیع‌الدین ابراهیم
- ۲۲۹ توکل کوثری، محمدعلی
- ۲۳۰ تهرانی، محمدصادق
- ۲۳۰ ثابت تبریزی، محمدعلی
- ۲۳۱ ثابتهای کاشی
- ۲۳۱ ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک

- ۲۳۲ ثعلبی، ابومنصور حسین
- ۲۳۲ ثعلبی، ابواسحاق، احمد
- ۲۳۲ ثقفی نژاد، محمد
- ۲۳۳ ثقه الاسلامی، محمد هاشم
- ۲۳۴ ثلاثی، محسن
- ۲۳۶ جان احمدی، فاطمه
- ۲۳۷ جاویدان، محسن
- ۲۳۸ جباردار، علیقلی
- ۲۳۸ جرجانی، ابوالحسن علی
- ۲۳۹ جرفادقانی، ابوشرف ناصح
- ۲۳۹ جزایری شوشتری، عبدالله
- ۲۴۰ جزایی، عبدالعلی
- ۲۴۰ جزایی، محمدباقر
- ۲۴۰ جزری، شمس‌الدین، ابوالخیر محمد
- ۲۴۱ جزى برخوارى، محمد علی
- ۲۴۱ جعفری تبار، مجید
- ۲۴۲ جعفری تبار، مجید
- ۲۴۲ جعفری یزدی، جعفر
- ۲۴۳ جعفریان، رسول
- ۲۴۳ جلالوند، علی کرم
- ۲۴۴ جلاير، اسماعیل
- ۲۴۵ جمشیدیها، غلامرضا
- ۲۴۵ جنابی، ابومحمد مصطفی امیر
- ۲۴۶ جندی شاپوری، جبرئیل

- ۲۴۶ جوادى، قاسم
- ۲۴۷ جوان، على
- ۲۴۸ جواهر كلام، عبدالعزيز
- ۲۴۸ جهانگیر، عيسى
- ۲۴۹ چاهيچى، جواد
- ۲۵۰ چراغى كوتيانى، اسماعيل
- ۲۵۰ چليپى، مسعود
- ۲۵۱ چليپى، مسعود
- ۲۵۲ چهره نما
- ۲۵۲ حاجى زاده، يدالله
- ۲۵۳ حاجى آقا
- ۲۵۳ حافظ ابرو، شهاب‌الدين عبدالله
- ۲۵۴ حافظ هروى، كمال‌الدين حسين
- ۲۵۴ حايرى طبرسى مازندرانى، ابوعلی محمد
- ۲۵۵ حائرى مجد، على
- ۲۵۵ حائرى، عبدالهادى
- ۲۵۷ حجازى، ايرج
- ۲۵۷ حريرى اكبرى، محمد
- ۲۵۸ حسام‌الدين
- ۲۵۹ حسامى، فاضل
- ۲۵۹ حسن الحسينى، احمد
- ۲۶۰ حسن بيگ
- ۲۶۰ حسن لو، اميرعلى
- ۲۶۱ حسنى، عطاء الله

- ۲۶۲ حسینی، علی اکبر
- ۲۶۳ حسینی، کریم
- ۲۶۴ حسین زاده، منصور
- ۲۶۴ حسینقلی خان
- ۲۶۵ حسینی امامی، محمد
- ۲۶۵ حسینی عربی، مهدی
- ۲۶۶ حسینی هاشمی شاهرودی، محمود
- ۲۶۸ حسینی، خورشاه
- ۲۶۸ حقایق نگار خورموجی، جعفر
- ۲۶۸ حکمت، علی اصغر
- ۲۷۱ حکیم، مندر
- ۲۷۳ حلبی، علی اصغر
- ۲۷۳ حمادراویه، ابوالقاسم
- ۲۷۴ حمزوی شیرازی، عبدالوهاب
- ۲۷۴ حمزه‌ی اصفهانی، ابو عبدالله
- ۲۷۴ حویزی، فرج الله
- ۲۷۵ حیدری نیک، مجید
- ۲۷۶ حیدری نیک، مسعود
- ۲۷۷ خاتون آبادی، عبدالحسین
- ۲۷۷ خادمیان، عباس
- ۲۷۸ خاکی شیرازی، حسن
- ۲۷۸ خاکی شیرازی، محمد ابراهیم
- ۲۷۹ خاکی، رحیم
- ۲۸۰ خان محمدی، کریم

- ۲۸۱ خانجانی، قاسم
- ۲۸۲ خائفی، پرویز
- ۲۸۳ خدادادیان، اردشیر
- ۲۸۳ خرسندی شیرازی، اسماعیل
- ۲۸۴ خرم دل، مصطفی
- ۲۸۴ خرمشاهی، بهاءالدین
- ۲۸۷ خسروشاهی، هادی
- ۲۸۷ خلفه نیشابوری، احمد
- ۲۸۷ خواجوی، محمد
- ۲۸۸ خوافی، فصیح الدین احمد
- ۲۸۹ خواند میر، غیاث‌الدین
- ۲۹۰ خواند میر، محمود
- ۲۹۱ خودگر بخارایی، علی
- ۲۹۱ خوشایند، محمدحسین
- ۲۹۲ خیرخواه علوی، علی
- ۲۹۲ خیری، حسن
- ۲۹۳ خیری، یوسف
- ۲۹۴ دانش، سیاوش
- ۲۹۴ دانشور علوی، نورالله
- ۲۹۴ داوری، محمد
- ۲۹۵ دخلی گیلانی
- ۲۹۵ درویش زاده، علی
- ۲۹۷ دریایی، تورج
- ۲۹۹ دزفولی موسوی، عبدالله

- ۲۹۹ دشتکی شیرازی هروی، جمال‌الدین امیر عطاءالله
- ۲۹۹ دشتی، محمد
- ۳۰۱ دقیقی شاهرودی، مهدی
- ۳۰۱ دکنی، رحیم
- ۳۰۲ دلشاد، فیض‌الله
- ۳۰۳ دوران، بهزاد
- ۳۰۴ دولابی، ابوبشر محمد
- ۳۰۴ دولت‌آبادی، میرزا یحیی
- ۳۰۶ دهگان، ابراهیم
- ۳۰۶ دهلوی، شاه ولی الله
- ۳۰۸ دیلمی همدانی، ابوشجاع شیرویه
- ۳۰۹ دیوان بیگی شیرازی، احمد
- ۳۰۹ ذاکری، علی اکبر
- ۳۱۰ ذبیح زاده روشن، علی نقی
- ۳۱۲ ذهبی دزفولی، عین‌الدین حسین
- ۳۱۲ رادمنش، عزت‌الله
- ۳۱۳ رازی صنعایی، ابوالعباس احمد
- ۳۱۳ رازی، ابوالفضل عبدالرحمان
- ۳۱۴ رازی، حیدر
- ۳۱۴ رازی، محمد شریف
- ۳۱۵ راستگو، محمد
- ۳۱۶ راسخ، محسن
- ۳۱۷ راقم سمرقندی، شرف‌الدین
- ۳۱۷ راود راد، اعظم

- ۳۱۹ راوندی، مرتضی
- ۳۲۰ راوندی، نجم الدین ابوبکر
- ۳۲۲ راوندی، نجم الدین، ابوبکر محمد
- ۳۲۳ راویه دیلمی، ابوالقاسم حماد
- ۳۲۳ ربانی خوراسگانی، محمدصادق
- ۳۲۳ ربیعی، یدالله
- ۳۲۴ رجب زاده، هاشم
- ۳۲۸ رجبی، محمود
- ۳۲۹ رحیملو، یوسف
- ۳۲۹ رحیمی، غلامرضا
- ۳۳۰ رحیمی، منصور
- ۳۳۱ رزاقی، نصرالله
- ۳۳۱ رسولی، محمود
- ۳۳۲ رشید یاسمی، غلامرضا
- ۳۳۳ رشیدالدین، فضل الله
- ۳۳۵ رضازاده لنگرودی، رضا
- ۳۳۸ رضای الهی، محمود
- ۳۳۸ رضای قاجار
- ۳۳۸ رضایی، عبدالله
- ۳۳۹ رضائیان، حسن
- ۳۴۰ رضوانی، محمداسماعیل
- ۳۴۲ رضوی، تقی
- ۳۴۲ رضوی، رسول
- ۳۴۳ رضوی، محمد زمان

- ۳۴۳ رضوی، محمدحسن
- ۳۴۳ رضوی، مرتضی
- ۳۴۴ رضیعی، قاسم
- ۳۴۶ رفعت انصاری همدانی، عباس، محمدعباس
- ۳۴۶ رفیع پور، فرامرز
- ۳۴۹ رفیع فر، جلال الدین
- ۳۵۱ رفیعی، رمضانعلی
- ۳۵۳ رکنی، محمدمهدی
- ۳۵۳ رمضان شاهی، حسن
- ۳۵۳ رمضان نرگسی، رضا
- ۳۵۴ رمضان، شاهرخ
- ۳۵۴ رنجبر، محسن
- ۳۵۵ روح الامینی، محمود
- ۳۵۶ روزبهانی، علیرضا
- ۳۵۶ روستایی، محسن
- ۳۵۸ روملو، حسن
- ۳۵۸ رویانی طبرستانی، علی
- ۳۵۸ رهنما، زین العابدین
- ۳۶۰ ریحان یزدی، علیرضا حسینی
- ۳۶۱ زابلی، پرویز
- ۳۶۱ زادخیل، حسن
- ۳۶۴ زادور ارمنی
- ۳۶۵ زاری مشهدی، محمدقاسم
- ۳۶۵ زاوه‌ای یزدی، مهدی

- زاهد، حسین ۳۶۵
- زاهدی اصل، محمد ۳۶۶
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد ۳۶۹
- زبور، ابراهیم ۳۶۹
- زجاجی چرندابی تبریزی ۳۷۰
- زرگری نژاد، غلامحسین ۳۷۰
- زریاب خویی، عباس ۳۷۲
- زرین کوب، عبدالحسین ۳۷۳
- زمانی، رضا ۳۷۵
- زمجی، معین الدین ۳۷۶
- زنجانی زاده، هما ۳۷۸
- زنجانی طبسی، محمدجواد ۳۷۹
- زنجانی، حبیب الله ۳۸۰
- زنجانی، عثمان ۳۸۲
- زنجانی، محمدرضا ۳۸۲
- زندى، افضل الملك غلام حسين ۳۸۲
- زنگنه، اصغر ۳۸۳
- زوار، اکبر ۳۸۳
- زوار، حسین ۳۸۴
- زوارهای اصفهانی، محمد ۳۸۴
- زیدری نسوی، شهاب‌الدین، نورالدین محمد ۳۸۴
- ژاله، رضا ۳۸۴
- ساروخانی، باقر ۳۸۷
- ساروی، محمد ۳۸۸

- ۳۸۸ ساعت‌ساز یزدی، ابوبکر
- ۳۸۸ ساکی، علی محمد
- ۳۸۸ سالکی، بهرام
- ۳۸۹ سام آرام، عزت الله
- ۳۹۰ سبذمونی بخاری، ابومحمد عبدالله
- ۳۹۰ سبذعلی، محمدحسین
- ۳۹۲ سبزواری، حسن
- ۳۹۲ سپهر کاشانی، محمدتقی
- ۳۹۳ ستوده، منوچهر
- ۳۹۵ سجستانی، ابوحاتم سهل
- ۳۹۵ سدیدالسلطنه‌ی کبابی، محمدعلی
- ۳۹۶ سرابی، حسن
- ۳۹۶ سرخوش، علی اکبر
- ۳۹۸ سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی
- ۳۹۸ سرداری نیا، صمد
- ۴۰۰ سروری، جواد
- ۴۰۱ سکندری، علی جان
- ۴۰۱ سلامی بیهقی نیشابوری، ابوعلی حسین احمد
- ۴۰۲ سلامی شیرازی، ابوتراب ولی
- ۴۰۲ سلطان القراء تبریزی، عبدالرحیم
- ۴۰۳ سلطان القرایی، جعفر
- ۴۰۳ سلمان‌ی امیری، جواد
- ۴۰۴ سلمی نیشابوری، ابوعبدالرحمان
- ۴۰۵ سمرقندی عبدالرزاق، کمال الدین

- ۴۰۶ سمعانی مروزی، قوام‌الدین
- ۴۰۶ سمیع زرگر، خواجه
- ۴۰۷ سنجی، ابوداوود سلیمان
- ۴۰۷ سنقر، محمود
- ۴۰۸ سهروردی، ضیاء‌الدین، ابوالنجیب عبدالقاهر
- ۴۰۸ سهمی قرشی جرجانی، ابوالقاسم حمزه
- ۴۰۹ سیاقی فارسی، نظام‌الدین علی
- ۴۰۹ سید میرزایی، محمد
- ۴۱۰ سیدالحکمای تبریزی، شرف‌الدین، علی
- ۴۱۰ سیدعلوی، میرابراهیم
- ۴۱۱ سیدی نیا، اکبر
- ۴۱۲ سیستانی، محمد
- ۴۱۲ شادی طلب، ژاله
- ۴۱۳ شارع پور، محمود
- ۴۱۵ شاهین، داریوش
- ۴۱۶ شایان، عباس
- ۴۱۶ شبانکاره ای، محمد
- ۴۱۶ شجیعی، زهرا
- ۴۱۷ شرف‌الدین، حسین
- ۴۱۸ شرف یزدی، شرف‌الدین علی
- ۴۱۹ شریف قاینی، محمدجعفر
- ۴۱۹ شریف قاینی، محمدعلی
- ۴۲۰ شریف، محمدعلی
- ۴۲۰ شعبانی صمغ‌آبادی، رضا

- ۴۲۱ شفقت، حسین
- ۴۲۱ شمس کاشانی، شمس‌الدین
- ۴۲۱ شمسی طبسی
- ۴۲۲ شوکت شیرازی، شمس‌الدین حسن
- ۴۲۲ شهیدی، جعفر
- ۴۲۳ شبانی، بصیرالملک
- ۴۲۴ شیرازی، جانی
- ۴۲۴ شیرازی، عباس
- ۴۲۵ شیرازی، مصطفی
- ۴۲۵ شیرازی، یدالله
- ۴۲۶ شیرین، جلال
- ۴۲۶ صاحبی، محمدجواد
- ۴۲۷ صادق نیا، مهرباب
- ۴۲۸ صادقی پناه، حسن
- ۴۲۹ صادقی، مصطفی
- ۴۳۰ صالح، محسن
- ۴۳۱ صالحی مازندرانی، مهدی
- ۴۳۲ صدر عاملی کاظمی، ابومحمد حسن
- ۴۳۳ صدر نیشابوری، صدرالدین
- ۴۳۳ صدرالشریعه بخاری، جمال‌الدین عبیدالله
- ۴۳۳ صدرنبوی، رامپور
- ۴۳۵ صدرهاشمی، محمد
- ۴۳۶ صدیق سروستانی، رحمت‌الله
- ۴۳۷ صفا، ذبیح‌الله

- ۴۳۷ صفارزاده، طاهره
- ۴۴۰ صفایی سواد کوهی، عبدالصاحب
- ۴۴۱ صفایی ملایری، ابراهیم
- ۴۴۱ صفایی، علی محمد
- ۴۴۲ صفت گل، منصور
- ۴۴۳ صفری فروشانی، نعمت الله
- ۴۴۴ صفی نژاد، جواد
- ۴۴۷ صفیر، محمد علی
- ۴۴۹ صمیمی، غلامحسین
- ۴۵۰ صنعت، عباس
- ۴۵۰ صنیع خاتم، محمد
- ۴۵۰ صنیع خاتم، محمد حسین
- ۴۵۱ صنیع همایون اصفهانی، عبدالحسین
- ۴۵۱ صنیع همایون، عبداللطیف
- ۴۵۲ صنیعی
- ۴۵۲ صیاد، عبدالعزيز
- ۴۵۲ طالب، مهدی
- ۴۵۴ طاووس یمانی، ابو عبدالرحمان طاووس
- ۴۵۵ طاهر اصفهانی، طاهر
- ۴۵۵ طاهری قزوینی، علی اکبر
- ۴۵۶ طاهری یزدی، احمد
- ۴۵۶ طایر، حاج طایر
- ۴۵۶ طباطبایی اردکانی، محمود
- ۴۵۸ طباطبایی نژاد، محمود

- ۴۵۸ طبرسی، ابومنصور احمد
- ۴۵۹ طرفه، علی
- ۴۶۱ طریان، آینوش
- ۴۶۲ طفال نیشابوری، ابوالحسن محمد
- ۴۶۳ طوبی، ابراهیم
- ۴۶۳ طوسی، ابوابراهیم اسحاق
- ۴۶۴ طوسی، رضی‌الدین، ابوالحسن مؤید
- ۴۶۴ طوسی، سعید
- ۴۶۴ ظاهری، خلیل
- ۴۶۵ ظهیر کازرونی، علی
- ۴۶۵ عابدینی، ابوالفضل
- ۴۶۶ عارف عجمی، فتح الله
- ۴۶۶ عاقلی، محمدرضا
- ۴۶۷ عالم‌زاده، هادی
- ۴۶۸ عاملی رنانی، سعیدرضا
- ۴۶۹ عباسعلی
- ۴۶۹ عباسی، محمد
- ۴۷۱ عبدالائمہ
- ۴۷۱ عبداللہیان، حمید
- ۴۷۴ عبدالمطلب
- ۴۷۴ عبدی بیگ نویدی شیرازی، زین‌العابدین علی
- ۴۷۵ عتبی، ابونصر محمد
- ۴۷۵ عتیقی‌مقدم، محمدحسین
- ۴۷۵ عجلی رازی، ابوالفضل عبدالرحمان

- ۴۷۶ عرب ابوزیدآبادی، عبدالرضا
- ۴۷۷ عریضی اصفهانی، محمد
- ۴۷۷ عزت پور
- ۴۷۷ عسال اصفهانی، ابواحمد محمد
- ۴۷۸ عسکر زاده، لطفی علی
- ۴۷۹ عشقی نوایی، محمد
- ۴۸۱ عضالدوله، احمد
- ۴۸۱ عطاملک جوینی، علاءالدین، ابوالمظفر عطاء ملک
- ۴۸۲ عظیمی، فخرالدین
- ۴۸۴ علاءالدین بیرجندی
- ۴۸۵ علامه، میرحسین
- ۴۸۶ علمی، علی اکبر
- ۴۸۶ علویان، مرتضی
- ۴۸۷ علینی، محمد
- ۴۸۸ عمادالدین کاتب اصفهانی، ابوعبدالله محمد
- ۴۸۹ عمادزاده‌ی اصفهانی، حسین
- ۴۹۰ عناصری، جابر
- ۴۹۲ عودی، ستار
- ۴۹۴ عیسی زاده، ولی الله
- ۴۹۵ غانمی هروی، ابوسعد محمد
- ۴۹۵ غزال زعفرانی اصفهانی، ابوعبدالله محمد
- ۴۹۶ غفاری فر، حسن
- ۴۹۶ غفاری قزوینی، احمد
- ۴۹۷ غفاری، غلامرضا

- ۴۹۸ غفوری، محمد
- ۴۹۹ غلامرضا
- ۴۹۹ غنجان بحاری، ابوعبدالله محمد
- ۴۹۹ فارسی نیشابوری، ابوالحسن عبدالغافر
- ۵۰۰ فارسی، جلال الدین
- ۵۰۱ فاضلی، احمد
- ۵۰۱ فاضلی، رضا
- ۵۰۲ فاطمی، حسن
- ۵۰۲ فامی هروی، ثقه‌الدین ابونصر، ابونصر عبدالرحمان
- ۵۰۳ فخر زارع، حسین
- ۵۰۳ فراشبندی، علیمراد
- ۵۰۴ فرامرزی، احمد
- ۵۰۵ فرجی سلطان آبادی، علی اکبر
- ۵۰۵ فرخ، مهدی
- ۵۰۷ فرزانه، حافظ
- ۵۰۸ فرشته استرآبادی، محمد قاسم
- ۵۰۸ فروغی، جواد
- ۵۰۹ فرهادی، مرتضی
- ۵۱۱ فرهودی، حسین
- ۵۱۲ فزونی استرآبادی، محمد هاشم
- ۵۱۲ فسوی فارسی، ابویوسف یعقوب
- ۵۱۳ فصیح خوافی، احمد
- ۵۱۴ فضل اصفهانی، امین‌الدین، ابوالخیر فضل‌الله
- ۵۱۴ فقیهی، علی اصغر

- ۵۱۵ فکوهی، ناصر
- ۵۱۷ فلاح زاده، حسین
- ۵۱۸ فلسفی، نصرالله
- ۵۲۲ فولادوند، محمدمهدی
- ۵۲۲ فولادی وندا، محمد
- ۵۲۳ فولادی، حفیظ الله
- ۵۲۴ فیض الاسلام، علینقی
- ۵۲۵ فیوضات، ابراهیم
- ۵۲۶ قاری رمجاری نیشابوری، ابومحمد اسماعیل
- ۵۲۷ قاری مشهدی خراسانی، ابوالقاسم
- ۵۲۷ قاسمی، عبدالرحیم
- ۵۲۸ قاضی طباطبایی، حسن
- ۵۲۹ قاضی طباطبایی، محمود
- ۵۲۹ قانعی راد، محمدامین
- ۵۳۰ قراب سرخسی هروی
- ۵۳۰ قراب سرخسی هروی، ابویعقوب اسحاق
- ۵۳۱ قره چانلو، حسین
- ۵۳۱ قره شیخ لو، مهدی
- ۵۳۳ قزانلو، جمیل
- ۵۳۳ قزوینی فارسی، سراج‌الدین، ابوحفص عمر
- ۵۳۳ قزوینی، عمادالدین، ابوعبدالله زکریا
- ۵۳۴ قطبی اهری، ابوبکر
- ۵۳۴ قمصری، علیرضا
- ۵۳۴ قنبری (مهر)، ابراهیم

- ۵۴۱ قهپایی، زکی‌الدین، عنایت‌الله
- ۵۴۲ قهرمانی نژاد، بهاء‌الدین
- ۵۴۳ قیاسی، جلال‌الدین
- ۵۴۳ کاتبی کاشی کار، علی
- ۵۴۳ کازرونی، ابوعبدالله محمد
- ۵۴۴ کاشانی، جمال‌الدین، ابوالقاسم عبدالله
- ۵۴۴ کاشانی، عبدالحسین
- ۵۴۵ کاشانی، عبدالمطلب
- ۵۴۵ کاشانی، فتح‌الله
- ۵۴۶ کاشفی، امیرمحمود
- ۵۴۷ کاشی پز اصفهانی، علی محمد
- ۵۴۷ کاشی تراش کاشانی، اسماعیل
- ۵۴۷ کاشی تراش، شمس‌الدین
- ۵۴۸ کاشی‌پز اصفهانی، آقاجان
- ۵۴۸ کافی، مجید
- ۵۴۸ کرباسچی، غلامرضا
- ۵۴۹ کردوانی، پرویز
- ۵۵۲ کردی، قدرت‌الله
- ۵۵۳ کردی، محمود
- ۵۵۳ کرمانی، جعفر
- ۵۵۳ کرمانی، محمود
- ۵۵۴ کرمی، حسین
- ۵۵۵ کریمی، بهمن
- ۵۵۵ کسایی، ابوالحسن علی بن حمزة بن عبدالله بن بهمن بن فیروز اسدی فارسی

- ۵۵۶ کسروی، احمد
- ۵۵۷ کلابی نیشابوری، ابومحمد عمرو
- ۵۵۸ کلوری، رضا
- ۵۵۹ کنتوری، اعجاز حسین
- ۵۵۹ گچ بر، علی
- ۵۵۹ گرایلی، فریدون
- ۵۶۰ گردیزی، عبدالحی
- ۵۶۱ گرگانجی مروزی، ابونصر، ابوحامد محمد
- ۵۶۱ گلچین معانی، احمد
- ۵۶۳ گلشنی، عبدالکریم
- ۵۶۶ گلمانی، عبدالکریم
- ۵۶۷ گوستاو، فلوگل
- ۵۶۷ لاهیجی، علی
- ۵۶۷ لطفی نیا، محمود
- ۵۶۹ لطیفیان، حمید
- ۵۶۹ لواسانی، حسن
- ۵۷۱ لهستانی زاده، عبدالعلی
- ۵۷۲ مبارک میرزا قاجار
- ۵۷۲ متقی زاده، احمد
- ۵۷۳ متقی زاده، عبدالله
- ۵۷۴ مجتبوی، جلال الدین
- ۵۷۵ مجلد خاقانی، محمدطاهر
- ۵۷۶ مجلد مروی سامی، سلطانعلی
- ۵۷۶ محرمی، غلامحسن

۵۷۷ محسنی تبریزی، علیرضا
۵۸۰ محسنی، منوچهر
۵۸۱ محقق، محمدباقر
۵۸۲ محلاتی، ذبیح‌الله
۵۸۵ محمد شریف
۵۸۵ محمد صابر
۵۸۵ محمد نبی
۵۸۶ محمدجواد
۵۸۶ محمدی، ذکراالله
۵۸۷ محمدی، رمضان
۵۸۸ محمود، محمود
۵۸۹ محمودی بختیاری، علیقلی
۵۹۰ محمودیان، حسین
۵۹۱ محیط طباطبایی، محمد
۵۹۲ محیط فراهانی، معصوم
۵۹۲ مخبرالسلطنه
۵۹۲ مختار
۵۹۳ مدائنی
۵۹۳ مدنی ثانی
۵۹۳ مدنی‌مقدم، رضا
۵۹۴ مذهب اصفهانی، محمدتقی
۵۹۴ مذهب اصفهانی، محمدحسین
۵۹۵ مذهب باشی شیرازی، عبدالوهاب
۵۹۵ مذهب باشی شیرازی، محمود

- ۵۹۶ مرادی نسب، حسین
- ۵۹۶ مرزبانی بغدادی، ابوعبدالله محمد
- ۵۹۷ مرعشی نجفی، شهاب‌الدین
- ۶۰۳ مروجی طبسی، محمدمحسن
- ۶۰۴ مروزی، ابومعاذ فضل
- ۶۰۴ مریجی، شمس الله
- ۶۰۵ مستعلی زرگر خراسانی
- ۶۰۵ مستوفی قزوینی، حمدالله
- ۶۰۶ مسعودی
- ۶۰۶ مسعودی کوهستانی
- ۶۰۷ مسعودی، علی اکبر
- ۶۰۷ مسیبی، علی
- ۶۰۸ مشحون، حسن
- ۶۰۹ مشکور، محمدجواد
- ۶۱۱ مشکینی، علی اکبر
- ۶۱۳ مشهدی، محمد زمان
- ۶۱۳ مشیرفراهی، جعفر
- ۶۱۴ مصدق رشتی، علی اصغر
- ۶۱۵ مصنف مریوانی، ابوبکر
- ۶۱۵ مصور اصفهانی، عبدالله
- ۶۱۵ مصور مشهدی، علیقلی
- ۶۱۶ مطهری، حمیدرضا
- ۶۱۶ مطیر، محمود
- ۶۱۷ مظاهری، علی اکبر

- ۶۱۷ معرفت، حسن
- ۶۱۷ معزی، حسام‌الدوله، نجفقلی
- ۶۱۸ معزی، محمدکاظم
- ۶۱۸ معصومی همدانی، حسین
- ۶۱۹ معلی، محمد
- ۶۲۰ معیدفر، سعید
- ۶۲۳ مفتون دنبلی آذربایجانی، عبدالرزاق
- ۶۲۴ مفید رازی، ابوالوفاء عبدالجبار
- ۶۲۴ مفیدی فر، محمدصادق
- ۶۲۵ مقدس جعفری، محمدحسن
- ۶۲۷ مقدم، حسن
- ۶۲۷ مکارم شیرازی، ناصر
- ۶۳۲ ملک المورخین، عبدالحسین
- ۶۳۲ ملک زاده، محمدحسین
- ۶۳۶ ملک محمد
- ۶۳۶ ملکی زنجانی، حسین
- ۶۳۷ منتظری مقدم، حامد
- ۶۳۹ منجم یزدی، محمد
- ۶۳۹ منشی، روح‌الله
- ۶۳۹ منشی، محسن
- ۶۴۰ منظور الاجداد، محمدحسین
- ۶۴۱ منوچهری، حسن
- ۶۴۲ موذن زاده، رحیم
- ۶۴۳ مورخ الاسلام، محمد

- ۶۴۴ موسوی بلده، محسن
- ۶۴۵ موسوی گرمارودی، علی
- ۶۵۱ موسوی، علی اکبر
- ۶۵۱ موسوی، کاظم
- ۶۵۲ موسوی، محمد مهدی
- ۶۵۳ موسوی، ناصر
- ۶۵۳ مولوی شیرازی، علی اکبر
- ۶۵۴ مهدوی، مصلح‌الدین محمد حسین
- ۶۵۴ مهر علی
- ۶۵۵ مهران‌نی نیشابوری، ابوبکر احمد
- ۶۵۵ میر خواند بلخی، محمد
- ۶۵۶ میر شمس شهبهانی، سهیلا
- ۶۵۷ میر احمدی، مریم
- ۶۵۷ میر جعفری، حسین
- ۶۵۸ میر حسنی، اکبر
- ۶۵۹ میرزا باشی، شکرالله
- ۶۵۹ میرزایی، محمد
- ۶۶۰ میرقرشی
- ۶۶۰ میرم چلبی، محمود
- ۶۶۱ میری، عباس
- ۶۶۲ میناساز، تقی
- ۶۶۳ میناساز، محمدباقر
- ۶۶۳ میناساز، محمدجعفر
- ۶۶۴ میناکار باشی، غلامحسین

- ۶۶۴ نادری، فیروز
- ۶۶۷ ناصر منشی، ناصرالدین
- ۶۶۸ ناصری، مسلم
- ۶۶۸ ناظمی، مهدی
- ۶۷۰ نافع
- ۶۷۰ نامی اصفهانی، محمدصادق
- ۶۷۱ نبئی، ابوالفضل
- ۶۷۲ نجار ساروی، حسین
- ۶۷۲ نجار ساوی، شمس‌الدین
- ۶۷۲ نجار لواسانی، حسین
- ۶۷۲ نجار، احمد
- ۶۷۳ نراقی، حسن
- ۶۷۳ نرشخی، ابوبکر محمد
- ۶۷۴ نصرآبادی، بدیع الزمان
- ۶۷۴ نصیب قزوینی
- ۶۷۴ نصیری، محمدرضا
- ۶۷۵ نطنزی، معین‌الدین
- ۶۷۶ نظام شامی، نظام‌الدین عبدالواسع
- ۶۷۶ نظامی عروضی سمرقندی، نجم‌الدین، ابوالحسن احمد
- ۶۷۷ نظری منفرد، علیرضا
- ۶۷۸ نظری، خلیل
- ۶۷۸ نعیمی جرجانی، ابومنصور، احمد
- ۶۷۸ نفیسی، سعید
- ۶۷۹ نقاش باشی اصفهانی، عبدالرحیم

- ۶۸۰ نقاش خویی، عبدالمومن
- ۶۸۰ نقاشباشی اصفهانی، نجف‌علی
- ۶۸۱ نقاشباشی، اصفهانی
- ۶۸۱ نقاشباشی، محمد
- ۶۸۲ نقاشباشی، محمد اسماعیل
- ۶۸۲ نگین تراش، ابراهیم
- ۶۸۲ نمازی شاهرودی، علی
- ۶۸۵ نوایی، عبدالحسین
- ۶۹۱ نوذری، عزت الله
- ۶۹۲ نورالله
- ۶۹۳ نورانی، امیر
- ۶۹۳ نیشابوری، قطب‌الدین، ابو جعفر محمد
- ۶۹۴ نیک گهر، عبدالحسین
- ۶۹۷ واثقی نیا، حسین
- ۶۹۸ واحد شیرازی، لطف‌الله
- ۶۹۸ واسعی، علیرضا
- ۶۹۹ واله اصفهانی، یوسف
- ۶۹۹ والیزاده، علیرضا
- ۷۰۰ وثوقی، منصور
- ۷۰۱ وحید قزوینی، عمادالدوله طاهر
- ۷۰۲ ورهرام، غلامرضا
- ۷۰۲ وصال‌الحضره، شرف‌الدین عبدالله
- ۷۰۳ وطن پرست، اسماعیل
- ۷۰۳ وطن دوست، غلامرضا

- ۷۰۴ وفا، جعفر
- ۷۰۵ وفايي خوافي اکبرآبادي، زين الدين
- ۷۰۵ وهب
- ۷۰۶ هروی، ابواسحاق احمد
- ۷۰۶ هروی، ابوبکر احمد
- ۷۰۶ هروی، ابو عبدالرحمان، ابو جعفر محمد
- ۷۰۷ هروی، ابو علی حسین
- ۷۰۷ همای مروزی، صادق
- ۷۰۸ همایونفرخ
- ۷۰۸ همایی، جلال الدین
- ۷۱۱ همدانی، ابوالحسن محمد
- ۷۱۱ همدانی، ابوالعلاء حسن
- ۷۱۲ همدانی، ابوالفرج حمد
- ۷۱۲ همدانیان، علی
- ۷۱۳ همد سمناي، محمدعلي
- ۷۱۴ یابری محمد، صادق
- ۷۱۴ یآوری سرتختی، محمدجواد
- ۷۱۵ یحیای سیفی قزوینی، علاءالدین امیر یحیی
- ۷۱۶ یزدی غیاث الدین، علی
- ۷۱۶ یزدی، ابوالحسن علی
- ۷۱۶ یزدی، معین الدین
- ۷۱۷ یشیل کایا، علیرضا
- ۷۱۸ یعقوبی، عبدالرسول
- ۷۱۹ یعقوبی، عبدالرسول

- فلسفه - منطق ۷۱۹
- ابراهیم زاده، عبدالله ۷۱۹
- ابراهیم نژاد، محمدرضا ۷۲۰
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین ۷۲۱
- ابراهیمی فر، عبدالجواد ۷۲۵
- ابراهیمی، رحمت الله ۷۲۷
- ابن راوندی، ابوالحسین احمد ۷۲۸
- ابن صابونی، کمال الدین عبدالرزاق ۷۲۸
- ابن عمید، ابوالفضل محمد ۷۲۹
- ابن مسکویه ۷۲۹
- ابن اشرف سمرقندی، شمس‌الدین محمد ۷۳۰
- ابن خمار، ابوالخیر حسن ۷۳۰
- ابن رفاعه‌ی هاشمی، ابوالخیر زید ۷۳۱
- ابن زبیله، ابومنصور حسین ۷۳۱
- ابن سمکه قمی، ابوعلی احمد ۷۳۲
- ابن سیتار شیرازی، ابوماهر، ابوعمران موسی ۷۳۲
- ابن سینا، ابوعلی حسین ۷۳۲
- ابن شرفشاه حسینی استرآبادی، رکن‌الدین ۷۳۴
- ابن صلاح همدانی، نجم‌الدین، ابوالفتوح احمد ۷۳۴
- ابن عربشاه اسفراینی، عصام‌الدین، ابراهیم ۷۳۵
- ابن عمید قمی، ابوالفضل محمد ۷۳۶
- ابن غیلان، افضل‌الدین عمر ۷۳۶
- ابن مسکویه، ابوعلی، ابوعبدالله احمد ۷۳۷
- ابن مندویه‌ی اصفهانی، ابوعلی احمد ۷۳۸

- ۷۳۸ ابن‌هارون دشت میثانی، ابوعمرو سهل
- ۷۳۹ ابوترابی، احمد
- ۷۴۰ ابوترابی، محمود
- ۷۴۱ اثیرالدین ابهری سمرقندی، مفضل
- ۷۴۱ احدی نسب، مصطفی
- ۷۴۲ احدی، مهدی
- ۷۴۲ احسائی، احمد
- ۷۴۳ احمدخان بیگی، علیرضا
- ۷۴۴ احمدی، احمد
- ۷۴۵ احمدی، بابک
- ۷۴۷ احمدی، حسن
- ۷۴۸ احمدی، محمد مهدی
- ۷۴۹ احمدیان، ابراهیم
- ۷۵۰ ارباب، رحیم
- ۷۵۰ اردستانی، محمدصادق
- ۷۵۱ ارشادی نیا، محمدصادق
- ۷۵۱ ارفع، محمدکاظم
- ۷۵۲ اژه‌ای، محمدعلی
- ۷۵۳ استادی مقدم، کاظم
- ۷۵۳ اسراری، هادی
- ۷۵۵ اسفندیاری، مصطفی
- ۷۵۵ اسکافی مروزی، ابوحنیفه
- ۷۵۶ اسلامپور کریمی، حسن
- ۷۵۷ اسلامی اردکانی، حسین

- ۷۵۹ اسماعیل پور نیازی، حسن
- ۷۵۹ اسماعیلی ایولی، علی
- ۷۶۰ اصطهباناتی، ابوالقاسم
- ۷۶۱ اصغری، عبدالله
- ۷۶۱ اصفهانی، ابوالمجد شیخ محمد رضا
- ۷۶۲ اصفهانی، ابوالمجد محمدرضا
- ۷۶۲ اصفهانی، حسنعلی
- ۷۶۳ اصفهانی، شمس‌الدین، ابوالثناء محمود
- ۷۶۳ اعرافی، علیرضا
- ۷۶۴ اعوانی، غلامرضا
- ۷۶۶ افشار ارموی، تقی
- ۷۶۶ افضلی، محمد مهدی
- ۷۶۷ اکبریان، محمد
- ۷۶۸ القمی، ابوالمحارب حنین
- ۷۶۸ الله بداشتی، علی
- ۷۶۹ الهی طباطبایی، محمدحسن
- ۷۷۰ الهی قمشه ای، مهدی
- ۷۷۱ الهی منش، رضا
- ۷۷۱ الهی نژاد، واحد
- ۷۷۲ امجد، محمود
- ۷۷۳ امین، نصرت
- ۷۷۵ انتظام، محمد
- ۷۷۵ اوحید سبزواری، خواجه فخرالدین
- ۷۷۶ اوستا، مهرداد

- ۷۷۷ اویسی، محمدحسین
- ۷۷۸ ایرانی، مصیب
- ۷۷۹ ایزد پناه، عباس
- ۷۸۰ ایزدجو، تقی
- ۷۸۱ ایزدی، میرزا اسحاق
- ۷۸۲ آدینه اصفهانی، جواد
- ۷۸۲ آرندی نایینی، حسن
- ۷۸۲ آزاد قزوینی، میرآزاد
- ۷۸۳ آستارایی، حسین
- ۷۸۳ آسوده شیرازی، محمد مهدی
- ۷۸۴ آشتیانی، جعفر
- ۷۸۴ آشتیانی، فضل‌الله
- ۷۸۴ آشتیانی، مهدی
- ۷۸۵ آشتیانی، مهدی
- ۷۸۸ آقابزرگ ساوجی، محمدحسن
- ۷۸۹ آقاجانی، محمد
- ۷۸۹ آقاجفی قوچانی، سید حسن، محمدحسن
- ۷۹۰ آل احمد، شمس
- ۷۹۱ آل بحر العلوم، محمد
- ۷۹۱ آل طیب، محمدحسن
- ۷۹۲ آملی، محمدتقی
- ۷۹۳ آیتی، عبدالمحمد
- ۷۹۵ بابا افضل کاشانی
- ۷۹۶ بابکی، محمد

- ۷۹۷ بادکوبه‌ای، حسین
- ۷۹۷ بادکوبه‌ای، محمد
- ۷۹۸ بحری، علی
- ۷۹۸ بختیاری، ابوالحسن
- ۷۹۹ بدیع اسطرلابی، بدیع‌الزمان، ابوالقاسم هبة الله
- ۷۹۹ بدیع، امیرمهدی
- ۸۰۰ براری گاوزنی، عبدالحق
- ۸۰۱ برغانی قزوینی، عبدالوهاب
- ۸۰۲ برنجکار، رضا
- ۸۰۲ بروجردی، ابوتراب
- ۸۰۳ بزنجانی، محمدرضا
- ۸۰۳ بسطامی، مطلب
- ۸۰۴ بطحایی، هاشم
- ۸۰۵ بلخی ابوزید، احمد
- ۸۰۵ بنجیری شیرازی، شمس‌الدین عبدالله
- ۸۰۶ بهبهانی، عبدالحسین
- ۸۰۶ بهروز، محمدرضا
- ۸۰۷ بهشتی، احمد
- ۸۱۰ بهمنیار
- ۸۱۰ بیدآبادی، محمد
- ۸۱۱ بیرونی، ابوریحان محمد
- ۸۱۲ بیهقی، ابوالحسن علی
- ۸۱۳ پازوکی، شهرام
- ۸۱۷ پایا، علی

- ۸۱۹ پریمی، علی
- ۸۲۰ پورجوادی، نصرالله
- ۸۲۴ پورمحمد، محسن
- ۸۲۵ پهلوانیان، احمد
- ۸۲۵ پیروزمند، محمد
- ۸۲۶ تبریزی، اسماعیل
- ۸۲۶ ترخان، قاسم
- ۸۲۷ ترکمانی اصفهانی، مهدی‌قلی
- ۸۲۷ توحیدی، ابوحنان علی
- ۸۲۸ تونی، موسی
- ۸۲۹ جان محمدی، حسین
- ۸۲۹ جاودان، محمد
- ۸۳۱ جرجانی، شریف‌الدین، علی
- ۸۳۲ جعفری تبریزی، محمدتقی
- ۸۳۶ جلوه، ابوالحسن
- ۸۳۷ جمال‌پور، بهرام
- ۸۳۷ جمالی، مصطفی
- ۸۳۸ جناب حسینی اصفهانی، علی
- ۸۳۹ جوادی آملی، عبدالله
- ۸۴۲ جوادی، محسن
- ۸۴۲ جهانگیری، محسن
- ۸۴۳ جیلی، رفیع‌الدین، ابوحامد عبدالعزیز
- ۸۴۴ چلبی‌بیگ علامی، کمال‌الدین، ابوالفضل
- ۸۴۴ چهارسوقی، محمدباقر

- ۸۴۵ حاج حسینیان، مسعود
- ۸۴۶ حاج سید جوادی، کمال
- ۸۴۷ حاجی ابراهیمی، رضا
- ۸۴۸ حاجیان، مهدی
- ۸۴۸ حالی، میرک
- ۸۴۸ حایری مازندرانی، هادی
- ۸۴۹ حائری یزدی، مهدی
- ۸۵۴ حبیب اللهی، محمود
- ۸۵۵ حبیش تفلیسی، شرف الدین، ابوالفضل
- ۸۵۵ حجازی خمینی‌شهری، محمد
- ۸۵۶ حجت، آقامیرزا
- ۸۵۷ حجت، هادی
- ۸۵۷ حسن بگی، علی
- ۸۵۸ حسن زاده آملی، حسن
- ۸۶۴ حسنیه
- ۸۶۴ حسین زاده، محمد
- ۸۶۵ حسینعلی پور، حمید
- ۸۶۶ حسینی ارسنجانی، محمدحسن
- ۸۶۶ حسینی اسحاق نیا، رضا
- ۸۶۸ حسینی بهشتی، محمدرضا
- ۸۷۱ حسینی تهرانی، محمدحسین
- ۸۷۱ حسینی طباطبایی، محمدتقی
- ۸۷۲ حسینی کوهساری، اسحاق
- ۸۷۳ حقانی، حسین

- ۸۷۶ حکمت، نصرالله
- ۸۷۷ حکمی قزوینی، ملاآقا
- ۸۷۸ حکمی، علی محمد
- ۸۷۸ حکیم الهی لواسانی ثانی، شمس‌الدین
- ۸۷۹ حکیم خراسانی، محمد
- ۸۷۹ حکیم شاه قزوینی، محمد
- ۸۸۰ حکیم قمیشه‌ای، نصرالله
- ۸۸۰ حکیم کازرونی، علی
- ۸۸۰ حکیمی فلاطوری، عبدالجواد
- ۸۸۱ حلمی بخاری، علی
- ۸۸۲ حیدری، علی
- ۸۸۲ خاتمی، محمود
- ۸۸۴ خادمی، عین الله
- ۸۸۵ خجندی اصفهانی، صاین الدین
- ۸۸۶ خدایی، محمدرضا
- ۸۸۷ خراسانی، ابوالفضل
- ۸۸۷ خرقی آرانی، حسن آقا
- ۸۸۸ خزائلی، محمدعلی
- ۸۹۰ خسروپناه، عبدالحسین
- ۸۹۱ خفری جهرمی شیرازی، شمس‌الدین محمد
- ۸۹۲ خلخالی، صالح
- ۸۹۲ خلعتبری، حسام‌الدین
- ۸۹۳ خلیلی، محمدحسین
- ۸۹۳ خمینی، روح‌الله

- ۸۹۶ خنجی، افضل‌الدین، ابو‌عبدالله محمد
- ۸۹۷ خواجوی، ملا محمد اسماعیل
- ۸۹۷ خواص، امیر
- ۸۹۸ خوانساری، جمال، جمال‌الدین محمد
- ۸۹۹ خوانساری، محمد
- ۹۰۱ خوانساری، محمد تقی
- ۹۰۵ خوشحال، ابوالقاسم
- ۹۰۶ خیام، ابوالفتح، عمر
- ۹۰۷ خیری، یارعلی
- ۹۰۸ دادبه، اصغر
- ۹۰۸ دارابی، عباس
- ۹۰۹ داماد، محمد باقر
- ۹۰۹ دانشمند ابیوردی، ابوالحسن علی
- ۹۱۰ داور شیرازی، محمد
- ۹۱۰ داوری اردکانی، رضا
- ۹۱۳ داوودی، محمد
- ۹۱۳ دبیران قزوینی، نجم‌الدین، ابوالحسن، ابوالمعالی علی
- ۹۱۴ درکوشکی، اسماعیل
- ۹۱۴ دستغیب شیرازی، ابوالحسن
- ۹۱۵ دستغیب، عبدالعلی
- ۹۱۶ دشتکی شیرازی، صدرالدین، ابوالمعالی محمد
- ۹۱۷ دشتکی شیرازی، غیاث‌الدین، منصور
- ۹۱۸ دشتکی شیرازی، نظام‌الدین احمد
- ۹۱۸ دشتی فارسی، محمد

- ۹۱۸ دلیر، بهرام
- ۹۲۰ دماوندی، محمدباقر
- ۹۲۰ دوانی، جلال‌الدین محمد
- ۹۲۱ دوایی شیرازی گیلانی، شمس‌الدین علی
- ۹۲۱ دهباشی، مهدی
- ۹۲۲ دهقانپور، علیرضا
- ۹۲۳ دهقانی، محسن
- ۹۲۴ دیرباز، عسکر
- ۹۲۴ دیلمقانی موحد، صمد
- ۹۲۵ دیلمی، حسن
- ۹۲۵ دیلمی، کرزالدین، اسحاق
- ۹۲۶ ذاکری، مهدی
- ۹۲۶ رازی اصفهانی، محمدتقی
- ۹۲۷ راشدی نیا، اکبر
- ۹۲۷ راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین
- ۹۲۸ راغب قمی، عبدالله
- ۹۲۸ رحیم لو، محمد
- ۹۲۹ رحیمیان، حسین
- ۹۳۰ رزاقی، نصرالله
- ۹۳۰ رزمخواه، احمد
- ۹۳۱ رستم‌داری، محمد
- ۹۳۱ رستمی، منصور
- ۹۳۲ رستمیان، محمدعلی
- ۹۳۳ رشاد، علی اکبر

- ۹۳۵ رشتی نجفی، شعبان
- ۹۳۵ رشتی، عبدالحسین
- ۹۳۶ رشیدی، علیقلی
- ۹۳۷ رضا، عنایت الله
- ۹۴۰ رضانیا، حمید
- ۹۴۱ رضانیا، ذبیح الله
- ۹۴۱ رضایی، مجید
- ۹۴۲ رضوان، محمود
- ۹۴۲ رضوانی راد، حسین
- ۹۴۳ رضوی قمی، ابراهیم
- ۹۴۴ رضوی قمی، صدرالدین محمد
- ۹۴۵ رضوی، مرتضی
- ۹۴۶ رفیعا گیلانی، رفیع‌الدین محمد
- ۹۴۶ رفیعا نابینی، رفیع‌الدین
- ۹۴۷ رفیعی قزوینی، ابوالحسن
- ۹۴۸ رفیعی، قزوینی، ابوالحسن
- ۹۴۸ رمضان، حسن
- ۹۵۰ روانبخش، قاسم
- ۹۵۱ روح الایمان ارسنجانی، علی‌اکبر
- ۹۵۱ روحانی تبریزی
- ۹۵۱ روحانی قمی، صادق
- ۹۵۲ روحانی، صادق
- ۹۵۲ رودسرابی، محمدحسن
- ۹۵۳ روزبه، رضا

- ۹۵۴ روشن، عبدالکریم
- ۹۵۵ رهبر اسلامی، علی
- ۹۵۶ ریاضی خوانساری، ابوالقاسم جعفر
- ۹۵۶ زارعی، عباسعلی
- ۹۵۷ زالی، محمدحسن
- ۹۵۸ زراآبادی، موسی
- ۹۵۹ زکی شیرازی، عبدالله
- ۹۶۰ زمانی، رجبعلی
- ۹۶۱ زمانی، محمود
- ۹۶۱ زنجانی نجفی، احمد
- ۹۶۲ زنجانی، امین‌الدوله، ابوالقاسم محمد
- ۹۶۲ زنجانی، شمس‌الدین، ابو عبدالله محمد
- ۹۶۳ زنجانی، عبدالواسع
- ۹۶۳ زنجانی، نصر
- ۹۶۴ زنگویی، علی
- ۹۶۴ زین العابدینی، هادی
- ۹۶۵ زینی، حسن
- ۹۶۵ ساجدی، ابوالفضل
- ۹۶۵ ساعی، محمدعلی
- ۹۶۶ سبحانی، جعفر
- ۹۶۷ سبزواری، هادی
- ۹۶۸ سپاسی آشتیانی، کاظم
- ۹۶۹ سپهری، برزو
- ۹۶۹ سجادی، جعفر

- ۹۷۷ سجستانی، ابوسلیمان محمد
- ۹۷۷ سحاب، ابوالقاسم
- ۹۸۱ سراب تنکابنی، محمد
- ۹۸۱ سرابی، احمد
- ۹۸۱ سرخسی ابوالعباس، احمد
- ۹۸۲ سرخه‌ای، زین‌العابدین
- ۹۸۳ سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی
- ۹۸۴ سروش، محمد
- ۹۸۴ سعیدی مهر، محمد
- ۹۸۵ سلطانی، مصطفی
- ۹۸۶ سلیمان اف، معصوم
- ۹۸۶ سلیمانی الموتی، هادی
- ۹۸۷ سمرقندی شمس‌الدین، محمد
- ۹۸۷ سمیعی، جمشید
- ۹۸۸ سند، محمد
- ۹۸۹ سهروردی، ابوالفتوح یحیی
- ۹۹۱ سهروردی، شهاب‌الدین، ابوحفص عمر
- ۹۹۲ سیادت، حسن
- ۹۹۳ سید موسوی، سیدابراهیم
- ۹۹۴ سید هاشمی، محمد
- ۹۹۵ سیدالحکمای تبریزی، شرف‌الدین، علی
- ۹۹۵ سیمای کاشانی، محمدرضا
- ۹۹۶ شاکرین، حمیدرضا
- ۹۹۶ شانظری، جعفر

- ۹۹۷ شانه‌ساز شیرازی، احمد
- ۹۹۷ شاه‌آبادی، محمد
- ۹۹۸ شاه‌آبادی، محمدعلی
- ۹۹۹ شرف‌الدین، حسین
- ۱۰۰۰ شریعتمداری، علی
- ۱۰۰۱ شریفی شیرازی، مرتضی
- ۱۰۰۲ شعرانی تهرانی، ابوالحسن
- ۱۰۰۴ شعله اصفهانی، محمد
- ۱۰۰۴ شکراللهی، نادر
- ۱۰۰۵ شلیله همدانی، ابوالحسن عبدالهادی
- ۱۰۰۵ شمس‌الافاضل ترشیزی، یوسف
- ۱۰۰۶ شمیم شیرازی، محمدعلی
- ۱۰۰۶ شهاب، محمدهادی
- ۱۰۰۷ شهابی خراسانی، محمود
- ۱۰۰۸ شهرستانی حایری، ضیاء‌الدین محمد حسین
- ۱۰۰۸ شهرستانی، ابوالفتح محمد
- ۱۰۰۹ شهریاری، حمید
- ۱۰۱۰ شهریاری، حمید
- ۱۰۱۱ شهید بلخی، ابوالحسن شهید
- ۱۰۱۲ شهیدی زندی، ناصر
- ۱۰۱۲ شهیدی مشهدی، آقابزرگ حکیم
- ۱۰۱۳ شهیدی، میرزا ابوتراب
- ۱۰۱۴ شیخ، محمدعلی
- ۱۰۱۵ شیخ‌الاسلام زنجانی، فضل‌الله

- ۱۰۱۵ شیخ‌بهائی، بهاء‌الدین، محمد
- ۱۰۱۶ شیرازی عمادالدین، محمود
- ۱۰۱۷ شیرازی، شجاع
- ۱۰۱۷ شیرازی، شهاب‌الدین
- ۱۰۱۷ شیرازی، فتح‌الله
- ۱۰۱۸ شیرازی، مظفرالدین، علی
- ۱۰۱۹ شیروانی هرندی، علی
- ۱۰۲۰ صاحبی فرد، علی اکبر
- ۱۰۲۱ صافیان اصفهانی، محمدجواد
- ۱۰۲۲ صالحی امیری، مهدی
- ۱۰۲۳ صناعی دره بیدی، منوچهر
- ۱۰۲۶ صباغ، محمد صادق
- ۱۰۲۶ صدر، سید رضا
- ۱۰۲۸ صدرافاضل
- ۱۰۲۸ صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عییدالله
- ۱۰۲۸ صدریه، زینب
- ۱۰۲۹ صراف اصفهانی، محمد حسین
- ۱۰۲۹ صراف، مرتضی
- ۱۰۳۰ صفاری، سعدی
- ۱۰۳۰ صفوی ایجی، قطب‌الدین، ابوالخیر عیسی
- ۱۰۳۱ ضابطی پور، احمد
- ۱۰۳۲ ضیاء شهابی، پرویز
- ۱۰۳۵ ضیایی شیرازی، علی
- ۱۰۳۵ ضیایی فر، سعید

- ۱۰۳۵ طالقانی قزوینی، شرف‌الدین محمود
- ۱۰۳۶ طالقانی قزوینی، محمدیوسف
- ۱۰۳۷ طالقانی، مرتضی
- ۱۰۳۸ طالقانی، نظر علی
- ۱۰۴۰ طاهری خرم‌آبادی، علی
- ۱۰۴۱ طاهری، عبدالله
- ۱۰۴۱ طباطبایی پور، علیرضا
- ۱۰۴۴ طباطبایی، محمدحسین
- ۱۰۵۳ طباطبائی، محمد حسین
- ۱۰۵۵ طبری، احسان
- ۱۰۵۷ طبسی، معین
- ۱۰۵۷ طویی، ابراهیم
- ۱۰۵۸ طوسی بتارکانی، علاء‌الدین علی
- ۱۰۵۸ طوسی، محقق
- ۱۰۶۱ طیب نیا، محمدصالح
- ۱۰۶۲ ظهیر همدانی، میرزا سید ابراهیم
- ۱۰۶۲ عامری
- ۱۰۶۳ عامری نیشابوری، ابوالحسن محمد
- ۱۰۶۳ عبادی، جلیل
- ۱۰۶۴ عباسی، علی
- ۱۰۶۵ عبدالله آبادی، سلیمان
- ۱۰۶۵ عبداللهی، محمدعلی
- ۱۰۶۶ عبری فرغانی، برهان‌الدین عبدالله
- ۱۰۶۶ عبودیت، عبدالرسول

- عسگری ۱۰۶۷
- عشاقی، حسین ۱۰۶۸
- عصار لواسانی، محمد ۱۰۶۸
- علوی سبزواری، حسین ۱۰۶۹
- علوی گنابادی، سلمان ۱۰۶۹
- علوی نیا، سهراب ۱۰۷۰
- علی پور، مسیح ۱۰۷۲
- علیاری تبریزی، علی ۱۰۷۳
- علیزاده، اکبراسد ۱۰۷۴
- علیزاده، علی اکبر ۱۰۷۴
- عین القضاة همدانی، ابوالمعالی، ابوالفضائل عبدالله ۱۰۷۵
- غروی اصفهانی، محمد حسین ۱۰۷۶
- غروی، محمد ۱۰۷۷
- غروبان، محسن ۱۰۷۹
- غزالی طوسی، حجه الاسلام، زین الدین، ابوحامد محمد ۱۰۸۰
- غفاری، ابوالحسن ۱۰۸۱
- غیلان ۱۰۸۲
- فارابی، ابونصر محمد ۱۰۸۲
- فاضل بخشایش، جواد ۱۰۸۵
- فاضلی، قادر ۱۰۸۶
- فتحی، علی ۱۰۸۶
- فخر داعی ۱۰۸۷
- فخر رازی، فخرالدین ابو عبدالله، ابوالمعالی، ابوالفضل محمد ۱۰۸۸
- فخر فارسی، فخرالدین ابو عبدالله محمد ۱۰۸۹

- ۱۰۹۰ فردید، احمد
- ۱۰۹۱ فرشته، محمدتقی
- ۱۰۹۱ فرهادیان، رضا
- ۱۰۹۲ فریدالدین
- ۱۰۹۳ فریدنی، محمد صالح
- ۱۰۹۳ فکور، محمدحسین
- ۱۰۹۴ فلاح رزومی، علی
- ۱۰۹۴ فلاح شیروانی، محمدرضا
- ۱۰۹۵ فلاح نژاد، عبدالحمید
- ۱۰۹۶ فلاطوری، جواد
- ۱۰۹۷ فلسفی کازرونی، محمد
- ۱۰۹۸ فلکی شروانی، نجم‌الدین
- ۱۰۹۸ فنایی اشکوری، محمد
- ۱۰۹۹ فولادوند، عزت الله
- ۱۱۰۱ فیاض لاهیجی قمی، عبدالرزاق
- ۱۱۰۲ فیض کاشانی، محسن
- ۱۱۰۳ قآنی شیرازی، حبیب‌الله
- ۱۱۰۴ قاضی سعید، محمد
- ۱۱۰۵ قاضی‌زاده‌ی خوارزمی، شمس‌الدین احمد
- ۱۱۰۵ قاینی اصفهانی، خلیل، محمد خلیل
- ۱۱۰۶ قاینی، ابوشریف محمد
- ۱۱۰۶ قاینی، سبحانعلی
- ۱۱۰۷ قاینی، محتشم
- ۱۱۰۷ قاینی، میرک

- ۱۱۰۷ قائمی نیا، علیرضا
- ۱۱۰۸ قربان نیا، ناصر
- ۱۱۰۹ قزوینی یزدی، عبدالنبی
- ۱۱۰۹ قزوینی، عارف
- ۱۱۱۲ قزوینی، محمد معصوم
- ۱۱۱۳ قشقاوی، هادی
- ۱۱۱۴ قشقایی، جهانگیر
- ۱۱۱۴ قشقائی، جهانگیر
- ۱۱۱۵ قطان مروزی، عین الزمان، ابوعلی حسن
- ۱۱۱۵ قطب رازی، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد
- ۱۱۱۶ قطب‌الدین شیرازی، ابوالثناء محمود
- ۱۱۱۷ قطب‌الزمان
- ۱۱۱۸ قمرزاده، مرتضی
- ۱۱۱۸ قمشه ای، محمدرضا
- ۱۱۲۰ قمی، سعید
- ۱۱۲۱ قمی، محسن
- ۱۱۲۱ قیوم زاده، محمود
- ۱۱۲۲ قیومی، محمدباقر
- ۱۱۲۳ کاتبی قزوینی، علی
- ۱۱۲۴ کارکیا لاهیجی، حسام‌الدین
- ۱۱۲۴ کاشانی، ابوالحسن
- ۱۱۲۴ کاشانی، فتح‌الله
- ۱۱۲۵ کاشی، کمال‌الدین، ابوالغنائم عبدالرزاق
- ۱۱۲۶ کاشی، محمد

- ۱۱۲۶ کاظمی، محمد
- ۱۱۲۷ کاوه نافچی، محمد
- ۱۱۲۸ کاویانی، منصوره
- ۱۱۲۹ کرامتی، محمدتقی
- ۱۱۳۰ کرمانشاهی، حسن
- ۱۱۳۰ کرمانشاهی، محمد تقی
- ۱۱۳۱ کرمی، محمدحسین
- ۱۱۳۲ کریمیان میقلان، علی
- ۱۱۳۲ کمره‌ای، خلیل
- ۱۱۳۶ کوه کمره ای، محمد
- ۱۱۳۸ کهنوجی، مهدی
- ۱۱۳۹ کیاشمشکی، ابوالفضل
- ۱۱۴۰ گرجی، ابوالقاسم
- ۱۱۴۰ گرجیان عربی، محمدمهدی
- ۱۱۴۱ گرگانی، ابوالهیشم احمد
- ۱۱۴۲ گرگانی، سیدشریف
- ۱۱۵۱ گلپایگانی، حبیب‌الدین
- ۱۱۵۱ گلپایگانی، محمد تقی
- ۱۱۵۲ گلپایگانی، محمدتقی
- ۱۱۵۲ گلستانی، هاشم
- ۱۱۵۳ گندمی نصرآبادی، رضا
- ۱۱۵۴ گیلانی اصفهانی، حمزه
- ۱۱۵۴ گیلانی هندی، صدرالدین علی
- ۱۱۵۴ گیلانی، محراب

- گیلانی، نظر علی ۱۱۵۵
- لاری، مصلح‌الدین، محمد ۱۱۵۵
- لاریجانی، رضی ۱۱۵۶
- لاریجانی، صادق ۱۱۵۶
- لاهیجانی، محمدجعفر ۱۱۵۸
- لاهیجی قمی، عبدالرزاق ۱۱۵۸
- لاهیجی، حسن ۱۱۵۹
- لاهیجی، صفرعلی ۱۱۵۹
- لاهیجی، محمدجعفر ۱۱۶۰
- لوکری مروزی، ابوالعباس فضل ۱۱۶۰
- مازندرانی، محمد بن جهانبخش ۱۱۶۱
- مبلغی، حمید ۱۱۶۱
- مبینی، محمدعلی ۱۱۶۲
- متقی زاده، ایرج ۱۱۶۲
- مجتبوی، جلال‌الدین ۱۱۶۳
- مجتهد تبریزی، علی ۱۱۶۴
- مجتهدی، کریم ۱۱۶۵
- مجد الاشراف شیرازی، جلال‌الدین محمد ۱۱۶۷
- محقق سبزواری، محمدباقر ۱۱۶۷
- محقق، مهدی ۱۱۶۸
- محمدرضایی، محمد ۱۱۷۱
- محمدی عراقی، محسن ۱۱۷۲
- محمدی عراقی، محمود ۱۱۷۳
- محمدی نجف آبادی، عبدالکریم ۱۱۷۴

- ۱۱۷۵ محمدی، اردشیر
- ۱۱۷۵ محمدی، حسین
- ۱۱۷۶ عبدالله
- ۱۱۷۷ محمدیان، محمدتقی
- ۱۱۷۹ مختاری غزنوی، سراج‌الدین، ابوعمر عثمان
- ۱۱۸۰ مدرس خاتون‌آبادی، ابوالقاسم
- ۱۱۸۰ مدرس رضوی خراسانی، محمدتقی
- ۱۱۸۱ مدرس زاده، مجدالدین
- ۱۱۸۳ مدرس زنوزی تهرانی، علی
- ۱۱۸۳ مدرس زنوزی، عبدالله
- ۱۱۸۳ مدرس شیرازی، عبدالرحمان
- ۱۱۸۴ مدرس موسوی بهبهانی، علی
- ۱۱۸۵ مدرسی، محمدرضا
- ۱۱۸۷ مرعشی خراسانی، ابوالفضل احمد
- ۱۱۸۷ مسعودی، اصغر
- ۱۱۸۸ مسعودی، جهانگیر
- ۱۱۸۸ مسیب نژاد، ابوالحسن
- ۱۱۸۹ مسیح شرقیان، ابوالقاسم
- ۱۱۹۱ مسیحی جرجانی، ابوسهل عیسی
- ۱۱۹۲ مسیحی، ابوالحسن سعید
- ۱۱۹۲ مشائی، محمدرضا
- ۱۱۹۴ مشرقی شیرازی، حسن
- ۱۱۹۴ مشکى، مهدى
- ۱۱۹۵ مصباح یزدی، محمد تقی

- ۱۲۱۴ مصباح، مجتبی
- ۱۲۱۵ مصباحی، عبدالله
- ۱۲۱۵ مصطفی پور، محمدرضا
- ۱۲۱۶ مطهری، احمد
- ۱۲۱۷ مطهری، مرتضی
- ۱۲۲۱ مظاهری، حسین
- ۱۲۳۹ مظاهری، علی اکبر
- ۱۲۴۰ مظفر، محمدتقی
- ۱۲۴۱ مظفری قزوینی، محمد
- ۱۲۴۲ معصومی اصفهانی، ابوعبدالله محمد
- ۱۲۴۲ معصومی لاری، محمدمسعود
- ۱۲۴۴ معصومی همدانی، حسین
- ۱۲۴۵ معلمی، حسن
- ۱۲۴۵ مفتح، محمد
- ۱۲۴۷ مفید، محمود
- ۱۲۴۸ ملاصدرای شیرازی، صدرالدین محمد
- ۱۲۴۹ ملک‌الاطباء شیرازی، محمدتقی
- ۱۲۵۰ ملکوتی، علی
- ۱۲۵۱ ملکی اصل، علی
- ۱۲۵۲ ملکیان، محمدباقر
- ۱۲۵۳ ملکیان، مصطفی
- ۱۲۵۵ منتظر قائم، مهدی
- ۱۲۵۶ منتظری مقدم، محمود
- ۱۲۵۷ منطقی یزدی، کمال‌الدین حسین

- ۱۲۵۸ منطقی، ابوسلیمان محمد
- ۱۲۵۸ موحد، ضیاء
- ۱۲۶۱ موحدطاهر، محمدباقر
- ۱۲۶۲ موحدیان عطار، علی
- ۱۲۶۳ موسوی بالیگی، محمد
- ۱۲۶۴ موسوی بجنوردی، محمد
- ۱۲۶۷ موسوی پور، محمدحسین
- ۱۲۶۸ موسوی پور، محمدحسین
- ۱۲۷۰ موسوی راد، حسین
- ۱۲۷۰ موسوی زنجانی، محمد
- ۱۲۷۱ موسوی گرگانی، محسن
- ۱۲۷۱ موسوی، ابراهیم
- ۱۲۷۲ موسوی، جاسم
- ۱۲۷۳ موسوی، محمود
- ۱۲۷۴ موفق، علیرضا
- ۱۲۷۵ مولانا تبریزی، محمد
- ۱۲۷۶ مولوی شیرازی، علی‌اکبر
- ۱۲۷۶ مولوی، جلال‌الدین محمد
- ۱۲۷۸ مولوی، عباس
- ۱۲۷۸ مهدوی قمشه‌ای، محمدرضا
- ۱۲۷۹ مهدوی، یحیی
- ۱۲۸۰ مهندسی، محمد مهدی
- ۱۲۸۱ میبیدی
- ۱۲۸۱ میبیدی، رشیدالدین ابوالفضل

- ۱۲۸۲ میرداماد
- ۱۲۸۳ میرفندرسکی، ابوالقاسم
- ۱۲۸۷ میرک بخاری، شمس‌الدین محمد
- ۱۲۸۸ میرموسوی، حسین
- ۱۲۸۸ میری آشتیانی، جلال‌الدین
- ۱۲۹۴ میری آشتیانی، جمال‌الدین
- ۱۲۹۴ میناگر، غلامرضا
- ۱۲۹۵ مثنای پارسی
- ۱۲۹۵ ناتلی
- ۱۲۹۵ نادم، محمدحسن
- ۱۲۹۶ ناصر خسرو
- ۱۲۹۸ نایب‌الصداره
- ۱۲۹۹ نراقی، مهدی
- ۱۲۹۹ نسفی، برهان‌الدین، ابوالفضایل
- ۱۳۰۰ نظامی گنجوی، جمال‌الدین، ابومحمد الیاس
- ۱۳۰۱ نعمت پور، ناصر
- ۱۳۰۳ نقدعلی فروشانی، علیرضا
- ۱۳۰۴ نقیب‌زاده، عبدالحسین
- ۱۳۰۴ نگارش، حمید
- ۱۳۰۵ نمازی اصفهانی، محمود
- ۱۳۰۷ نمازی اصفهانی، ملا فتح‌الله
- ۱۳۱۲ نواب اصفهانی، محمد
- ۱۳۱۲ نواب، ابراهیم
- ۱۳۱۳ نوایی جغتایی، نظام‌الدین امیر

- ۱۳۱۴ نوبختی، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق
- ۱۳۱۴ نوبختی، ابوالعباس فضل
- ۱۳۱۵ نورائی، عبدالله
- ۱۳۱۵ نورزی، حسن
- ۱۳۱۵ نوروزی، رضا
- ۱۳۱۶ نوری طبرسی، اسماعیل
- ۱۳۱۷ نوری طبرسی، محمدتقی
- ۱۳۱۷ نوری، علی
- ۱۳۱۸ نوظهور، یوسف
- ۱۳۱۹ واحد تبریزی، رجبعلی
- ۱۳۱۹ واحدالعین، اسماعیل
- ۱۳۱۹ واعظ جوادی آملی، اسماعیل
- ۱۳۲۰ واعظی، احمد
- ۱۳۲۱ وحید دستگردی، حسن
- ۱۳۲۲ هادوی تهرانی، مهدی
- ۱۳۲۳ هادوی، محمدحسن
- ۱۳۲۵ هاشمی، محمدحسین
- ۱۳۲۶ هجری تفرشی، محمدصادق
- ۱۳۲۷ هرندی، ابو تراب
- ۱۳۲۷ هروی، رکن‌الدین مسعود
- ۱۳۲۷ همایی، جلال‌الدین
- ۱۳۳۰ همتی، همایون
- ۱۳۳۰ همدانی، حسینقلی
- ۱۳۳۱ هومن، محمود

- ۱۳۳۲ یارشاطر، احسان
- ۱۳۳۲ یثربی، یحیی
- ۱۳۳۳ یزدی مطلق، محمود
- ۱۳۳۴ یزدی، عبدالله
- ۱۳۳۴ یزدی، نجم‌الدین عبدالله
- ۱۳۳۵ یوسف زاده، حسینعلی
- ۱۳۳۶ یوسفی راد، مرتضی
- ۱۳۳۷ یوسفی، سجاد
- ۱۳۳۷ یوسفیان، حسن
- ۱۳۳۸ یوسفیان، مهدی
- ۱۳۳۹ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد ۶

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰
 عنوان و نام پدید آور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
 مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : [۹۰۱۸] ص.: مصور.
 یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
 یادداشت : کتابنامه: ص. [۹۰۱۸].
 عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
 موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها
 رده بندی کنگره : CT۲۰۳/ف۲۸ و ۶۷ ۱۳۸۵
 رده بندی دیویی : ۹۲۰/۰۲

صنعتگران

ابتیاع، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از هنرمندان، صنعتگران و سازگران خوب شهرستان بروجرد، حسین ابتیاع می‌باشد. وی متولد سال ۱۳۲۶ در این شهر است و پس از پایان تحصیلات ابتدایی به فراگیری موسیقی و نواختن ساز ویولن علاقمند گردید. در سال‌های اول دبیرستان بود که به نواختن ویولن روی آورد و چون امکانات در این شهر برای وی کاملاً مهیا و آماده بود، لذا علاوه بر یادگیری موسیقی و نواختن ویولن به طور سینه به سینه، از خواندن کتاب‌ها و متدها و آثار موسیقی دانان کشور غفلت نکرد با الهام از استعداد ذاتی خویش توانست تا مرحله‌ای خیلی زیاد پیشرفت حاصل کند.

حسین ابتیاع پس از اینکه به خدمت نظام رفت، در قسمت موزیک ارتش فرصت خوب و طلایی به دست آورد تا جهت فراگیری خط نت و ایجاد پلی بین اندوخته‌های قبلی خود برقرار سازد و موسیقی را به صورت علمی نیز بیاموزد. وی پس از فراگیری نت در ارتش موسیقی را خیلی بهتر شناخت و اجرا کرد و خود از آن بهره‌ور شد و چون بهای ویولن برای هنرآموز خیلی زیاد بود که هنوز هم هست او تصمیم گرفت که اقدام به ساختن این ساز کند، لذا پس از اینکه چند ساز خوب را جهت الگو، برای کار خود انتخاب کرد، با تأسیس کارگاهی شروع به ساختن این ساز نمود و با مطالعات دقیق و تحقیق فراوان در این راه به استانداردهای واقعی قطعات این ساز واقف گشت و توانست سازهایی در حدی زیبا و صدای خوب بسازد و امیدوار است که روزی بتواند به سهم خویش جامعه هنری کشور را از ورود این ساز پروسعت که روزه‌روز علاقمندان فراوانی پیدا می‌کند از خارج بی‌نیاز سازد.
 حسین ابتیاع، علاوه بر تدریس ویولن و ساخت آن با دوربین‌های عکاسی و تعمیر آنها آشنا و احاطه کامل دارد و در ساخت و

تعمیر ماشین آلات صنعتی و کشاورزی نیز وارد و تسلط دارد که اگر امکانات در اختیار وی در زادگاه او قرار داده شود، قادر به انجام خدمات شایسته‌تر و چشمگیرتری خواهد گردید.
برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

ابن ابی‌الخیر، ابوالعباس معین‌الدین احمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۵۸- ۶۷۰ ق)، نویسنده و مورخ. پدرش شیخ‌الاسلام شهاب‌الدین از دانشمندان و مؤلفان قرن هفتم و هشتم هجری و برادرش محمود زرکوب از علمای زمان خویش بود وی علوم ادبی و شرعی را نزد استاد دانش، محمدصفی کرمانی، ابراهیم زنجانی، عبدالرحمن علی بزغش، نورالدین محمد خراسانی و امین محمد فراگرفت و از عبدالرحمن علی بزغش اجازه‌ی اجتهاد گرفت سپس سر تعظیم بر آستان شیخ امین‌الدین بلیانی سود. در طریقت پیرو پدران بزرگوارش شد و از شیخ صدرالدین و شیخ قطب‌الدین نامقی جامی اخذ روش در سیر و سلوک کرد و خرقه از شیخ فخرالدین و دائی خویش حاج رکن‌الدین منصور بن مظفر پوشید. وی حدود ۹۰ سال زیست و سال وفاتش را به اختلاف بین ۷۴۵ تا ۷۵۸ ق آورده‌اند. آثار وی: «شیراز نامه»، که به سبک بغداد نامه نوشته است؛ «کامل التواریخ» یا «عمده التواریخ» در متن «شیراز نامه» بدان اشاره شده اما نایاب است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۷- ۱۳۰۴ / ۳)، تذکره‌ی هزار مزار (۳۵۹- ۳۵۸)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۱۰۲ / ۱)، شیراز نامه (مقدمه).

ابن ابی‌ثلج کاتب، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۲۳۸ / ۲۳۷- وف ۳۲۵- ۳۲۲ ق)، محدث و مورخ امامی. اصل وی از ری بود. در زمان غیبت صغری از محدثان برجسته‌ی مورد اعتماد بود. نزد محمد بن جریر طبری درس خواند، و از جدش، محمد بن عبدالله، حدیث شنید. ابوالحسن دارقطنی و ابوحفص بن شاهین و ابومحمد هارون بن موسی تلکبری و ابوالفضل شیبانی از او روایت کرده‌اند. به گفته ابن‌ندیم موافق مذهب عامه و خاصه رفتار می‌کرد اما بیشتر تشیع می‌ورزید. از آثار وی: «اخبار فاطمه والحسن والحسین علیهم‌السلام»؛ «اخبار النساء الممدوحات»؛ «تاریخ الاثمه علیهم‌السلام»؛ «تفسیر قرآن»؛ «التزیل او ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین علیه‌السلام»؛ «البشری والزلفی فی فضائل الشیعه»؛ «کتاب من قال بالتفضیل من الصحابه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۰۱ / ۹)، تاریخ بغداد (۳۳۸ / ۱)، الذریعه (۲۴۰ / ۴، ۲۱۸ / ۳، ۳۴۳ / ۱)، رجال الطوسی (۵۰۲)، رجال النجاشی (۳۰۰- ۲۹۹ / ۲)، ریحانه (۳۲۹- ۳۲۸ / ۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۴ / ۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۴۲۳)، الفهرست للطوسی (۲۷۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابن ابی‌ثلج)، معجم رجال‌الحدیث (۳۱۴- ۳۱۳ / ۱۴)، معجم المؤلفین (۹ / ۹).

ابن ابی‌طاهر مروزی، ابوالفضل احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۸۰- ۲۰۴ ق)، ادیب و مورخ. از فرزندان خراسان بود که در بغداد به دنیا آمد. در ابتدا آموزگار نوجوانان بود. پس از چندی به بازار کتابفروشان راه یافت و به استنساخ کتب پرداخت و از این رهگذر با بسیاری از عالمان و ادیبان بغداد آشنا شد. وی از عمر بن شبه و احمد بن هیثم سامی و عبدالله وراق حدیث روایت کرده، و از وی فرزندش، عبیدالله، و محمد بن خلف مرزبان نقل حدیث کرده‌اند. شهرت عمده‌ی وی برای نگارش «تاریخ بغداد» است. از او در حدود پنجاه اثر به جای مانده که از آن جمله: «تاریخ بغداد»، که جلد ششم آن چاپ شده؛ «المنثور والمنظوم»، در ۱۴ جزء که فقط دو جزء آن باقی مانده که یکی از این دو به نام «بلاغات النساء» است که مجموعه‌ای از خطبه‌ها، گفته‌ها و شعرهای زنان عهد اسلامی است و دومین خطبه این کتاب گفتار آتشین حضرت زهرا (ع) پیرامون دفاع از حریم ولایت و بازگرداندن فدک است. از دیگر آثارش: «سراقات الشعراء»؛ «کتاب المؤلفین»؛ «اخبار بشار بن برد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۱۳۸)، تاریخ بغداد (۲۱۲- ۲۱۱/ ۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۰۳- ۴۰۱/ ۲)، کشف الظنون (۲۸۸)، مروج الذهب، ترجمه (۲/ ۶۶۵)، هدیه العارفین (۵۲- ۵۱/ ۱).

ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۶۱۳ ق)، مورخ. از مردم طبرستان بود. و از وابستگان دربار آل‌باوند، خاصه حسام‌الدوله اردشیر بن حسن بازگشت به موطن خویش از قتل رستم بن اردشیر (۶۰۶ ق) پسر و جانشین حامی خویش، مطلع شد. در ری ماند و کتاب «تاریخ طبرستان» ابوالحسن یزدادی را، برای ترجمه و بسط، با افزودن تاریخ سلاطین آل‌باوند در دست گرفت. به درخواست پدر به آمل رفت، ولی به سبب ناآرامی اوضاع به خوارزم سفر کرد. در آنجا ترجمه‌ی ابن مقفع از «نامه‌ی تنسر» را، که از قطعات مهم ادبی پهلوی است، یافت و آن را ترجمه کرد و به کتاب تاریخ خود افزود. «تاریخ طبرستان» که تنها اثر شناخته شده‌ی ابن اسفندیار محسوب می‌شود، علاوه بر اشتمال اطلاعات جغرافیایی و تاریخی معتبر، در بر گیرنده‌ی شرح حال مشاهیر و شاعرانی است که اشعاری به لهجه‌ی طبری سروده‌اند که این نیز بر اهمیت کتاب می‌افزاید. [۱]

محمد بن حسن بن اسفندیار مورخ ایرانی اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری. از شرح زندگانی وی اطلاعی در دست نیست جز همانکه خود در مقدمه تاریخ طبرستان نگاشته. او در سال ۶۰۶ ه. ق. هنگامی که رستم بن اردشیر فرمانفرمای طبرستان کشته شد در بغداد بود و چون این خبر بشنید از بغداد به عراق عجم بازگشت. و دو سال برای تکمیل مواد کتاب خود در ری به سر برد و پس از آن به خوارزم رفت و مدارکی در دکان کتابفروشی یافت که نامه تنسر (م.ه) به گشنسب شاه فرمانفرمای طبرستان هم در میان آنها بود. تاریخ طبرستان.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] ایران در زمان ساسانیان (۳۵-۳۴)، تاریخ در ایران (۱۰-۹)، تاریخ نظم و نثر (۱۳۶)، تاریخنگاران ایران (۲۳۶)، چهار مقاله (مقدمه/چهار)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵-۱۴/۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۱۶-۴۱۵/۳)، گنج و گنجینه (۲۶۷-۲۶۳)، لغت‌نامه (ذیل/ابن اسفندیار).

ابن بابویه ابوجعفر، محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوجعفر محمد بن علی ابن حسین فرزند مهتر ابوالحسن علی بن حسین قمی و ملقب به صدوق (ف. ۳۸۱. ه.ق.). او از اساتید بسیار از جمله پدر خود و محمد بن حسن ابن الولید ادب و فقه را فراگرفت.

وی با سلاطین و اعظم شیعه زمان خود آمیزش داشت. کتاب من لا یحضره الفقیه خود را که از کتب معتبر شیعه و یکی از کتب اربعه است به نام الولید نوشته است. مدتی نیز در بغداد تدریس می‌کرده در اواخر عمر در ری متوطن شد و وزیر رکن‌الدوله، صاحب بن عباد او را گرامی می‌داشت. ابن بابویه کتاب عیون الاخبار الرضا را به نام صاحب بن عباد نوشت. از کتب دیگر اوست: اکمال‌الدین، امالی، معانی، الاخبار، کتاب التوحید، ثواب الاعمال، علل الشرائع، کتاب الخصال، و کتاب الاعتقاد که همه به طبع رسیده.

محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی. کنیه وی ابوجعفر و لقبش (صدوق) است و او چنانکه شیخ گوید: به جلالت قدر معروف و به قوه حافظه موصوف در مضممار فقاقت یکه‌سوار و در میدان احادیث و اخبار و بصیرت به احوال رجال علمدار، او را کتابهای بسیار و مصنفات بیشماری است و آنها را در فهرست ذکر کرده‌ایم.

نجاشی و علامه فرموده‌اند: او پیشوای ما شیعه و فقیه ماست. و در خراسان رئیس طایفه بوده.

در سنه ۳۵۵ وارد بغداد شد و با حوادث سن شیوخ طائفه بسماع حدیث مستفیض و بهره‌مند شدند و علامه نیز پس از این سخن او را به جلالت قدر و حفظ و بصیرت به احوال رجال و ناقدیت اخبار ستایش کرده و گفته است در قمین مانند او در قوه حافظه و حفظ حدیث و کثرت علم دیده نشده قریب سیصد کتاب تصنیف کرده و آنها را در کتاب کبیر خود ذکر کرده‌ایم و به موافقت نجاشی گفته وفات وی در ری سنه ۳۸۱ بوده.

وحید بهبهانی قدس سره الشریف در تعلیقه از محقق بحرانی نقل کرده که در حاشیه کتاب بلغه که در علم رجال است چنین گفته: مشایخ ما یکی از دیگری از شیخ‌بهائی رحمه‌الله‌علیه روایت کرده‌اند که: کسی از وی از حال این شیخ بزرگوار سؤال کرد. پس از تعدیل و توثیق و ثنا و ستایش او فرمود که در قدیم‌الایام کسی از من سؤال کرد که زکریا بن آدم و شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه کدام یک افضل و در مرتبه جلالت اکملند گفتیم زکریا بن آدم، چه اخبار بسیار و احادیث بی‌شمار از ائمه اطهار علیهم صلوات‌الله‌الملك الغفار در مدح او وارد شده. پس از این جواب در خواب خدمت شیخ صدوق (ره) رسیدم آن جناب به من عتاب کرده فرمود، از کجا دانستی که زکریا بن آدم از من افضل است و روی از من برگردانید.

این بزرگوار در السنه اهل علم ملقب به رئیس‌المحدثین و صدوق مطلق است و گفتیم که او با برادرش (حسین بن بابویه) بدعاء حضرت صاحب‌الامر عجل‌الله‌فرجه متولد شده‌اند و مدح ایشان قبل از ولادتش به زبان آن لسان‌الله جاری شده.

بالجمله جلالت او پیدا و آشکار و عدالت او کالشمس فی رایعة النهار است کتب و مصنفات وی بتفصیل در کتاب رجال شیخ و

نجاشی (ره) مذکور است و حضرتش را در مجلس رکن‌الدوله دیلمی با علمای مخالفین در اثبات خلافت بلافضل حضرت امیرالمؤمنین و حقانیت مذهب شیعه مناظره‌ایست که قاضی نورالله شوشتری نورالله مرقدہ الشریف در (مجالس المؤمنین) آن را نقل کرده از خوف اطناب از درجش اجتناب شد.

قبر شریفش در شهر ری نزدیکی قبر منور حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در وسط باغ مستوفی با بقعه و قبه عالی زیارتگاه عامه مردم است، این نویسنده ترجمه او را مفصلاً با تراجم دانشمندان و رجال علمی که در اطراف مزار او مدفون‌اند در کتاب «تذکره المقابر» فی «احوال المفخر» خود نگاشته‌ام من جمله کرامات آن بزرگوار که جماعتی از اعلام در کتب خود ثبت نموده‌اند در زمان فتحعلیشاه خواستند قبر شریفش را تعمیر نمایند ناگزیر به نبش شدند دیدند جسد مطهرش بحال خود باقیست و نویسنده است و بر نوک ناخن و محاسن او رنگ حنا باقی است.

مرحوم حاج شیخ عبدالله مامقانی در رجال خود (تنقیح المقال) می‌گوید و از چیزهایی که گواهی به جلالت او می‌دهد اضافه بر آنچه گذشت که برای من نقل کرده‌اند بسند صحیح متجاوز از چهل سال قبل، از عدل ثقه امین سید ابراهیم لواسانی تهرانی (جد سادات لواسانی) قدس سره که در اواخر صده سوم بعد از هزار (۱۳۰۰) سیل قبر او را خراب کرد و جسد شریفش نمودار شد، سید لواسانی از اشخاصی بوده که داخل قبر شده و دیده که جسد شریفش صحیح و سالم است و تغییر نکرده گویا روح او الآن از جسدش مفارقت نموده و رنگ حنا بر محاسن و زردی حنا در پای او موجود است.

نگارنده گوید- این حکایت را شنیدم از سید استادم علامه بزرگوار فقیه و محدث اهل بیت علیهم‌السلام آیه‌الله نجفی مرعشی مدظله که فرمودند مرحوم پدرم علامه ورع حاج سید محمود مرعشی در سفر مشهدش در تهران با عده‌ای از علماء مرکز به زیارت بدن شریف مرحوم صدوق موفق شده و دست او را بوسیده که نرم بود و ناخن یک دستش را گرفته و دست دیگرش را نگرفته بود (گویا دست راست را روز پنجشنبه گرفته و دست چپ را برای روز جمعه گذارده که در شب جمعه وفات نموده).

و این مطلب از متواتراتست و افرادی که به این فیض رسیده‌اند نامبرندگان زیراند:

۱- سید ابراهیم لواسانی ۲- میرزا ابوالحسن جلوه حکیم و فیلسوف آن عصر ۳- سید محمود مرعشی ۴- حاج آقا محمد آل آقا سبط و حید بهبهانی ۵- آخوند ملا محمد اندرمانی و بعضی دیگر.

از تصنیفات و تألیفات آن بزرگوار قدس سره که مطبوع و در کتابخانه نگارنده موجود است نامبرده‌های زیر است: ۱- کتاب من لا یحضره الفقیه ۲- کتاب علل الشرایع ۳- کتاب معانی الاخبار ۴- کتاب الامالی ۵- کتاب التوحید ۶- کتاب خصال ۷- کتاب المقنع ۸- کتاب ثواب الاعمال ۹- کتاب عقاب الاعمال ۱۰- کتاب عیون اخبار الرضا ۱۱- کتاب الاعتقادات ۱۲- کتاب حقوق الاخوان ۱۳- کتاب صفات الشیعه ۱۴- کتاب اکمال‌الدین و اتمام النعمه که به امر حضرت صاحب‌الامر روحی له الفداء نوشته است و از کتابهای بسیار ارزنده او کتاب مدینه‌العلم است که متأسفانه از قرن ششم به بعد مفقود شده و اثری از او نیست و به گفته بعضی از بزرگان اگر مفقود نشده بود ما را از کتب اربعه مستغنی می‌کرد.

این بزرگوار دانشمندی نابغه و متحرک بوده و فکری مواج داشته است. او در روزگار سلطنت رکن‌الدوله دیلمی و وزارت صاحب بن عباد که هر دو شیعی مذهب و شخصیتی ممتاز داشته‌اند به منظور معرفی شیعه، دست به یک سلسله مسافرت‌های طولانی زد و همه جا با استقبال شایان اهل فضل و رجال حدیث روبرو شد، این مسافرت‌ها از ری که مقر وی بود شروع و به ری نیز پایان یافت، به طوری که از تألیفات او استفاده می‌شود صدوق در سال ۳۵۲ هجری در نیشابور بود که آن روز مرکز علمی بزرگ اهل تسنن بود توقف داشت و همانسال به بغداد و از بغداد به کوفه رفته و تا سال ۳۵۴ در کوفه بوده سپس در ۳۵۵ به بغداد مراجعت کرده و در ۳۶۷ به خراسان سفر کرد و تا سال ۳۶۸ در نیشابور ماند و همان سال عازم ماوراءالنهر و بخارا شد و در سال ۳۷۲ کتاب با عظمت «من لا یحضره الفقیه» را در قصبه «ایلاف» از توابع شهر تاریخی «بلخ» تألیف کرد.

رجال و دانشمندانی که افتخار مجاورت این بزرگوار را یافته‌اند بسیار و از معاریف و مشاهیر آنان نامبردگان زیر می‌باشند.

۱- مرحوم علامه عالیقدر و حکیم ربانی حاج شیخ علی مدرس نوری (ره)

۲- مرحوم سید المتالهین فیلسوف و حکیم امامیه علامه بزرگ میرزا ابوالحسن جلوه.

۳- مرحوم شیخ الحکماء والفقهاء میرزا طاهر تنکابنی.

۴- مرحوم عالم جلیل القدر میرزا مسیح طالقانی استاد و مدرس مدرسه مروی که ماده تاریخ فوتش این آیه: (لن یتنکف المسیح ان یکون عبداً لله) است

۵- مرحوم حجة الاسلام و شیخ الاعلام حاج شیخ محمد آملی والد ماجد آیه الله آملی معاصر ما.

۶- عالم بزرگوار حاج شیخ احمد خندق آبادی پدر بزرگوار شیخ المحدثین حاج شیخ جعفر خندق آبادی معاصر.

۷- دانشمند جلیل القدر حاج شیخ محمد خندق آبادی فرزند آن مرحوم.

و بسیاری دیگر که ذکر آنها موجب اطناب و طالبین مراجعه به کتاب تذکره المقابر نویسنده کنند.

(وف ۳۸۱ ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، حافظ قرآن و رجال شناس شیعی. مشهور به شیخ صدوق. وی یکی از برجسته ترین فقها و محدثان شیعه است. اهل قم بود و در خانواده‌ای فقیه و دانشور به دنیا آمد. پدرش، ابوالحسن علی بن حسین، شیخ قمی‌ها در زمان خویش، نیز محدث و فقیه والایی بود. در قم از پدرش و محمد بن حسین بن ولید و محمد بن علی ماجیلویه و احمد بن علی بن ابراهیم قمی و دیگران، فقه و حدیث آموخت. استادان شناخته شده‌ی او را در قم و دیگر شهرها متجاوز از دویست نفر می‌دانند. سپس راهی سفری دراز گردید و در ری، نیشابور، مشهد، بلخ، بخارا، مدینه، کوفه، بغداد و همدان، نزد عالمان بزرگ آن عصر به تحصیل علم پرداخت و از سرآمدان شیعه‌ی آن روزگار شد. شیخ مفید و حسین بن عبیدالله غضائری و حسین بن علی بن بابویه از شاگردان معروف او بودند. دانش، حافظه قوی و استواری او در معارف شیعی، آثارش را به لحاظ اهمیت در صدر قرار می‌دهد. در آخرین سالهای زندگی به درخواست شیعیان ری در آن شهر ساکن شد و در همان جا درگذشت. تألیف حدود سیصد اثر را به وی نسبت می‌دهند و نجاشی از یکصد و هشتاد کتاب او نام می‌برد. مهم ترین آثار وی عبارت‌اند از: «من لا یحضره الفقیه»، یکی از کتب چهارگانه‌ی شیعه؛ «الاعتقادات»؛ «مدینه العلم»؛ «عیون اخبار الرضا (ع)»، که به درخواست صاحب بن عباد نوشت؛ «الخصال» اثبات الخلافة؛ «فضائل الشیعه»؛ «علل الشرایع»؛ «دعائم الاسلام»؛ «ثواب الاعمال»؛ «کتاب الامالی»، معروف به «مجالس»؛ «معانی الاخبار»؛ «اثبات الوصیه»؛ کتاب «التوحید»؛ «صفات الشیعه»؛ «نصوص الائمة». [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۷ / ۱۵۹)، اعیان الشیعه (۲۵ - ۲۴ / ۱۰)، ایضاح المکنون (۵۸۴، ۵۰۵، ۴۹۱، ۴۹۰، ۴۵۶، ۳۵۰، ۳۴۲، ۳۱۶، ۳۱۵، ۲۹۷، ۲۶۱، ۱۹۶، ۱۰۳ / ۲، ۴۷۷، ۴۷۳، ۳۴۸، ۱۲۳ / ۱)، تاریخ ادبی ایران (۵۴۸ - ۵۴۷ / ۱)، تاریخ بغداد (۱۹ / ۳)، خاتمه مستدرک الوسائل (۲۶۵ - ۲۵۷ / ۳)، دانشنامه (۴۳۲ - ۴۳۱ / ۳)، دایرة المعارف فارسی (۱۷ - ۱۶ / ۱)، الذریعه (۱۷۹ / ۲۴، ۲۳۲ / ۲۲، ۲۰۴، ۲۱ / ۲۶۰، ۱۶ / ۳۷۵، ۳۱۳، ۴۵، ۱۵ / ۱۶۲، ۷ / ۴۸۲، ۴ / ۳۱۵، ۲ / ۲۲۶، ۲ / ۴۹۵)، رجال النجاشی (۳۱۶ - ۳۱۱ / ۲)، روضات الجنات (۱۳۵ - ۱۲۳ / ۶)، رجال ابن داود (قسم ۳۲۵ - ۳۲۴ / ۱)، ریاض العلماء (۱۲۲ - ۱۱۹ / ۵)، ری باستان (۴۲۲ / ۲، ۴۲۶ - ۴۲۴ / ۱)، ریحانه (۴۳۹ - ۴۳۴ / ۳)، سیر النبلاء (۳۰۴ - ۳۰۳ / ۱۶)، الفهرست لابن الندیم (۳۶۳)، الفهرست للطوسی (۳۰۵ - ۳۰۴)، فوائد الرضویه (۵۶۴ - ۵۶۰)، کشف الظنون (۱۱۷۴)، الکنی والالقباب (۲۲۳ - ۲۲۱ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابن بابویه)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۷ - ۶۱۲ / ۵)، مجالس المؤمنین (۴۶۳ - ۴۵۴ / ۱)، معجم المؤلفین (۳ / ۱۱)، معجم رجال الحدیث (۳۲۶ - ۳۱۶ / ۱۶)، هدیه الاحباب (۵۰ - ۴۹)، هدیه العارفین (۵۳ - ۵۲ / ۲).

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مورخ ایرانی قرن پنجم معاصر محمد بن ملک شاه سلجوقی است، و او به زمان سلطان محمد مستوفی فارس بود. کتاب «فارسنامه» از تألیفات اوست.

(ز ح ۵۱۱ ق)، مورخ. در شیراز متولد شد. در دستگاه سلجوقی کار را شروع کرد و همراه رکن الدوله خمارتگین به شیراز رفت و در دستگاه وی عهده‌دار دیوان استیفا شد. اث معروفش «فارسنامه» است که جزو منابع معتبر تاریخی و جغرافیایی ایران در عهد سلجوقی به شمار می‌رود. تاریخ تألیفات کتاب مشخص نیست، ولی باید قبل از وفات سلطان محمد سلجوقی (۵۱۱ ق) تمام شده باشد، چون مقدمه آن به نام اوست. [۱]

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۹۲۷-۹۲۶ / ۲)، دایرةالمعارف فارسی (۱۸۲۳ / ۲)، کشف الظنون (۱۲۱۵).

ابن بُندار یزدی، ابوذری، اسعد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۸۰ ق)، قاری. از مردم یزد بود. در اصفهان به تحصیل پرداخت و مؤذن مسجد جامع آنجا بود و چندی نیز به قضاوت پرداخت. از آثار وی: «غایة المنتهی و نهایة المبتدی»، در قرآت، که ابن جزری آن را دیده و بسیار ستوده؛ «المنتقی»، در قرآت دهگانه.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۹۳ / ۱)، معجم المؤلفین (۲۴۶ / ۲).

ابن بی‌بی، ناصرالدین، یحیی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصرالدین یحیی بن مجدالدین محمد ترجمان نویسنده و مورخ ایرانی قرن هفتم. مادرش بی‌بی به کار زجر و فال اشتغال داشت و پدرش در دربار سلاجقه آسیای صغیر دبیر و مترجم بود و چند بار به سفارت به دربار پادشاهان رفته. از احوال او چیزی در دست نیست. کتابی به نام «الاوامر العلائیه فی امور العلائیه» که در تاریخ سلاجقه آسیای علاءالدین کیقباد را به تفصیل شرح داده و کتاب را به علاءالدین عطا ملک جوینی اهدا کرده است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن مردویه اصفهانی، ابوبکر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۰-۳۲۳ ق)، محدث، حافظ، مفسر و مورخ. از ابوسهل بن زیاد قطان، ابن اسحاق خراسانی، محمد اسواری، احمد بندار و دیگران حدیث شنید. ابوالقاسم عبدالرحمان بن منده، ابوبکر مستملی عطار و ابن شکرویه و برخی دیگر از وی روایت شنیدند. در «معجم البلدان» و «الکنی واللقاب» و «هدیه الاحباب» سال وفات او ۳۵۲ ق ذکر شده است. از آثار وی: «المستخرج علی صحیح البخاری»؛ «التاریخ»، درباره‌ی تاریخ اصفهان؛ «تفسیر القرآن» یا «تفسیر الکبیر»، معروف به «تفسیر ابن مردویه»؛ «الامالی»، در سیصد مجلس. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۴۶/ ۱)، ریحانه (۲۰۰/ ۸)، سیر النبلاء (۳۱۱-۳۰۸/ ۱۷)، کشف الظنون (۴۳۹)، الکنی واللقاب (۴۰۶/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم البلدان (۲۱۶/ ۱)، معجم المؤلفین (۱۹۰/ ۲)، الوافی بالوفیات (۲۰۱/ ۸)، هدیه الاحباب (۸۷)، هدیه العارفین (۷۲-۷۱/ ۱).

ابن مسکویه

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب بن مسکویه خازن رازی اصفهانی.

حکیم و فیلسوف و مورخ عالی قدر شیعی مذهب گویند: در اول مجوسی بوده و سپس مسلمان و شیعی گردیده و ظاهراً این مطلب خالی از اعتبار است زیرا نام پدر و جدش مخالف این عقیده است. در زمان جوانی بخدمت ابن عمید رسیده. ابوحنان توحیدی درباره او عقیده خوبی ندارد و وی را به بخل زیاد و حرص شدید در جمع مال و طلب کیمیا سخت نکوهش می‌کند. وی خازن «کتابداری» فخرالدوله دیلمی بوده و بدین جهت به خازن شهرت یافته.

در کتاب دانشوران خراسان (۱۵۹:) و دیگر کتب نوشته‌اند که سلطان محمود، غزنوی خواجه ابوالفضل حسین بن علی میکال را نزد مأمون خوازمشاه گسیل داشته و این دانشمندان که در دربار او بودند را طلب کرد: شیخ الرئیس ابوعلی سینا - ابوریحان بیرونی - ابوسهل مسیحی، ابوعلی مسکویه، ابن خمار و ابو نصرعراق. سه نفر از اینان نزد سلطان محمود رفتند، و سه نفر دیگر یعنی: ابن سینا و ابن مسکویه و ابوسهل خدمت سلطان محمود را نپذیرفته و به سمت گرگان حرکت کردند و ابوسهل در راه از تشنگی بمرد (سال ۴۰۱ ه.ق) و آن دو به سختی جان بدر بردند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- آداب العرب و الفرس، در اخلاق ۲- احوال الحكماء ۳- تجارب الامم، در تاریخ مشهورترین تألیفات او ۴- ترتیب السعادات، در اخلاق ۵- تفضیل النشأتین ۶- طهاره الاعراق؛ معروفترین کتاب در اخلاق.

مجموعه تألیفاتش متجاوز از بیست و هشت مجلد می‌شود.

صاحب عنوان در ۹ صفر سال ۴۲۱ در اصفهان وفات یافته در محله خواجه مدفون گردید و محل قبرش ظاهراً حدود امام زاده باقر فعلی می‌باشد.

قمی در الکنی و الالقاب گوید: قبری علی باب (درب جناد) فی اصفهان. و درب جناد تصحیف شده حسن آباد است، و مراد دروازه حسن آباد است که در اصفهان معروف است.
بر گرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن بابا کاشانی، ابوالعباس، احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۵۰۱ ق)، مورخ. از زندگانی وی چیزی در دست، اما از نسبت کاشانی چنین برمی آید که از مردم کاشان بوده است. گویا در اواخر زندگی به مرو رفت و سرانجام در همان شهر نیز درگذشت. وی در تاریخ و ادب دانش فراوانی داشت و چندین کتاب در این زمینه‌ها تألیف کرده بود که از آنها تنها کتاب «رأس مال الندییم» باقی مانده است، مؤلف این کتاب را در ۵۰۱ ق به پایان برده و آن را به امیر ناشناخته‌ای به نام سعدالملک، ابوالفتوح محمد بن بهرام بن علی که شاید از وابستگان دربار سنجر بن ملکشاه سلجوقی بوده هدیه کرده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ غزنویان (۴۳۹-۴۳۷، ۲۸۸)، معجم البلدان (۴/ ۳۳۶).

ابن بواب، ابوالحسن علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۳/ ۴۱۳ ق)، خطاط مذهب، حافظ، قاری، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ابن بواب یا ابن ستری و ملقب به علاءالدین و قبله‌الکتاب. پدرش پرده‌دار دستگاه آل بویه بود و شهرت وی هم از این رو است. ابوالحسن نیز یک چند در خدمت بهاءالدوله دیلمی سرپرستی کتابخانه‌ی بهاءالدوله را در شیراز بر عهده داشت. خوشنویسی را از ابن اسد کاتب آموخت، برخی او را شاگرد حسن بن مقله و بعضی شاگرد محمد بن مقله دانسته‌اند. خط نسخ را به شیوه‌ی خود می‌نوشت و اصولی نیز برای آن وضع کرد. وی را پایه گذار شیوه‌ی ریحانی و محقق نیز دانسته‌اند. آموزشگاهی برای تعلیم خط تأسیس کرد که تا ۶۹۸ ق برجا بود. شصت و چهار نسخه قرآن به خط خود نوشته بود. ابن بواب به خدمت فخرالملک، ابو غالب محمد بن علی بن خلف واسطی، والی عراق، از جانب بهاءالدوله، درآمد و ندیم وی شد. در بغداد درگذشت و در جوار امام احمد حنبل به خاک سپرده شد. آثاری از وی در مجموعه‌ی چستریتی لندن و کتابخانه لاله لی استانبول باقی است. نسخه قرآن کتابخانه چستریتی به امضای او و به تاریخ ۳۹۱ ق است که هم از نظر خط و هم از تذهیب مجلل است. اشعاری نیز در فن خط و لوازم آن سروده که ادیبان «القصیده الرائیة» او را در نهایت بلاغت دانسته‌اند. شهرت او در تکمیل و تنقیح شیوه‌ی ابن مقله است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اطلس خط (۳۰۸-۳۰۰)، الاعلام (۵/ ۱۸۳)، پیدایش خط و خطاطان (۷۵، ۷۴، ۷۰-۷۰)، تاریخ گزیده (۶۹۶)، تاریخ هنرهای ملی (۷۴۴-۷۳۹/ ۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۳/ ۴۵۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۱۱-۴۱۰)

۱/، ریحانه (۴۲۴-۴۲۲/۷)، سرآمدان فرهنگ (۳۶-۳۵/۱)، سیر النبلاء (۳۲۰-۳۱۵/۱۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۴)، کشف الظنون (۱۳۳۹)، الکنی واللقاب (۲۳۴/۱)، گلستان هنر (۱۹، ۱۸، ۱۲)، مجالس المؤمنین (۴۸۸/۲)، معجم الادباء (۱۳۴-۱۲۰/۱۵)، معجم المؤلفین (۲۵۸/۷)، مناقب هنرمندان (۱۱۳، ۴۲، ۳۸، ۳۷)، نامه‌ی دانشوران (۱۰۵-۹۱/۵)، وفيات الاعیان (۳۴۴-۳۴۲/۳)، هدیه الاحباب (۵۱).

ابن بوذی شیرازی، ابوالقاسم هبه الله

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۸۶/۴۸۵ ق)، حافظ، محدث و مورخ. اهل شیراز بود. به دنبال حدیث به شرق و غرب سفر کرد و در خراسان، عراق، مکه، مدینه، یمن، مصر، شام، جزیره، قومس، فارس، خوزستان، جبال، سرحدات و سواحل، از ابوبکر محمد بن حسن شیرازی و احمد بن فضل باطرقانی و ابوجعفر بن مُسَلِمَه و اقران آنها حدیث شنید. نصر مقدسی و هبه الله بن طاووس و ابونصر یونارتی از وی روایت کرده‌اند. سمعانی گوید از محضر او بهره بسیار می‌بردند. در ۳۵۰ ق وارد بغداد شد و در اواخر عمر ساکن مرو شد و در همان جا درگذشت. اثر وی: «تاریخ شیراز».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/۶۱)، سیر النبلاء (۱۹-۱۷/۱۹)، الکامل (۸/۱۶۶)، کشف الظنون (۲۹۶)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۴۸-۲۴۶)، معجم المؤلفین (۱۴۱/۱۳).

ابن بی بی جعفری رُغدی، امیر ناصرالدین حسین

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۸۴ ق)، ادیب و مورخ. معروف به ابن بی بی منجمه. پدرش مجدالدین محمد ترجمان از مردم گرگان، مدتها منشی دستگاه جلال‌الدین خوارزمشاه و سمنانی، رییس شافعیان نیشابور بود و چون به اخترگویی می‌پرداخت به بی بی منجمه شهرت داشت. ابن بی بی از طریق پدر وارد دستگاه سلجوقیان گردید. در روزگار جانشینان علاءالدین کیقباد فرمان‌نویس و مهرداد پادشاه بود. تنها اثر بازمانده او کتاب «الوامر العلانیه فی الامور العلانیه» است مشهور به «تاریخ ابن بی بی»، درباره‌ی تاریخ سلاجقه‌ی روم که وقایع میان سالهای ۵۸۸ و ۶۷۹ ق را در بر می‌گیرد. مؤلف این کتاب را پس از استیلای مغولان بر آسیا، به علاءالدین عطاء ملک جوینی اهدا کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۱۷-۱۲۱۳/۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۵۶-۴۵۵/۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن بی بی).

ابن تانه خرجانی، ابونصر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۵ ق)، محدث و قاری. از مردم اصفهان بود. در بغداد از ابوعلی بن شاذان و همتیان او و در اصفهان از ابوبکر بن مردویه و همطبقه او حدیث شنید. وی در اصفهان مجلس املائی حدیث داشت. سرانجام در اصفهان درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دائرةالمعارف البستانی (۲/ ۴۱۲).

ابن جراح بغدادی، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۳۴- ۲۴۵ ق)، ادیب، نویسنده، محدث، مفسر و مورخ. از خاندانی ایرانی تبار بود. از احمد بن بیدیل قاضی و حسن بن محمد زعفرانی و دیگران حدیث شنید. فرزندش عیسی و ابوالقاسم طبرانی و ابوطاهر ذهلی از او حدیث روایت کرده‌اند. وی وزیر مقتدر و قاهر عباسی بود که امور مالی دولت را سامان داد. مدتی خلیفه او را برکنار کرد و به زندان انداخت و پس از آزادی به ریاست دیوانها منصوب شد. در ۳۱۱ ق او را به مکه، سپس به صنعا تبعید کرد. در ۳۱۲ ق بخشوده و ریاست دیوان اشراف مصر و شام به او سپرده شد. پس از آن در ۳۱۵ ق مجدداً به وزارت رسید، ولی باز بر اثر حسد درباریان خشم خلیفه بر وی نازل شد و او را دستگیر و زندانی کردند. ابن جراح از وزرای ایرانی دربار خلفای عباسی بود، که زندگی پر فراز و نشیبی را گذراند، اما در پایان زندگی، در بغداد، محتشم زیست. او را به نیک رفتاری و نیک خلقی ستوده‌اند. هارولدباون خاورشناس انگلیسی کتابی درباره‌ی زندگی وی به نام «زندگی علی بن عیسی و عصر او» به انگلیسی نوشته است. از آثارش: «دیوان رسائل»، «معانی القرآن» و تفسیر آن که با همکاری ابوالحسن واسطی و ابن مجاهد مقرئ تألیف شد، «جامع الدعاء»، «کتاب الکتاب و سیاسه المملکه و سیره الخلفاء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار الوزراء (۱۳۱- ۱۲۶) الاعلام (۱۳۳/ ۵)، تاریخ بغداد (۱۶- ۱۴/ ۱۲)، روضات الجنات (۲۰۷- ۲۰۶/ ۵)، سیر النبلاء (۳۰۱- ۲۹۸/ ۱۵)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۱۲- ۲۱۱، ۶۰)، معجم الادباء (۷۳- ۶۸/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۲- ۱۶۱/ ۷).

ابن جنید رازی، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۴۷ ق)، حافظ، محدث شافعی و مورخ. در ابتدا معروف به ابن رستاقی و یا ابورستاق بود. از مردم ری بود. در خراسان، عراق، شام و مکه حدیث شنید و در دمشق مسکن گزید و به محدث شام معروف شد. اولین استاد وی محمد بن ایوب بن ضمریس بود و ابن جنید از او و محمد بن حفص مَهْرَقانی و حسن بن سفیان و ابراهیم بن یوسف هِسْتَنْجانی و فِریابی و بسیاری دیگر حدیث شنید. پسرش، تمام رازی، و عقیل بن عبدان و ابوالحسن بن جَهْضَم از او روایت کرده‌اند. در دمشق از دنیا رفت. از آثار وی: «مناقب الامام

الشافعی»، در احوال و اخبار شافعی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ری باستان (۲/ ۳۷)، سیر النبلاء (۱۸- ۱۶/ ۱۷)، کشف الظنون (۱۸۳۹)، معجم المؤلفین (۲۰۷/ ۱۰)، هدیة العارفین (۲/ ۴۳).

ابن حَبان تَمیمی بُستی، ابوحاتم محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۵۴- ۲۷۰ ق)، محدث، مورخ و فقیه شافعی. در خانواده‌ای عرب تبار در بُست، بین سجستان و هرات، متولد شد. در خراسان، عراق، شام، حجاز، و مصر حدیث شنید، و استادان بسیاری دید، ولی از ابن خزیمه بیشترین تأثیر را پذیرفت. در بازگشت به زادگاهش با حنبلیان به ستیزه پرداخت و به علت نگرش مخالفی که در توحید و نبوت داشت به زندقه متهم شد؛ لذا به سمرقند رفت و در آنجا به واسطه احاطه به حدیث و فقه، منصب قضاوت را به وی سپردند. در سفر به نیشابور خانقاهی در آنجا ساخت. در ۳۴۰ ق به زادگاهش بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. ابوحاتم خانه و کتابخانه خود را وقف دانش پژوهان کرد. از آثار وی: «المُسند الصحیح»، در حدیث که برخی آن را از «سنن ابن ماجه» صحیح‌تر می‌دانند؛ «روضه العقلاء»، در ادبیات؛ کتاب «الانواع والتقاسیم» یا «التقاسیم والانواع»، در حدیث؛ «معرفة المجروحین من المحدثین»؛ «وصف العلوم و انواعها»؛ «علل اوهام اصحاب التواریخ»؛ «تاریخ ابن حبان»؛ کتاب «الثقات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۰۷- ۳۰۶/ ۶)، تاریخ اسلام (حوادث ۱۱۴- ۱۱۲/ ۳۸۰- ۳۵۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۸۹- ۴۸۸/ ۳)، دائرة المعارف البستانی (۱/ ۴۳۹)، ریحانه (۷/ ۴۶۳- ۴۶۴)، سیر النبلاء (۱۰۴- ۱۶/ ۹۲)، کشف الظنون (۱۴۰۰، ۱۰۸۷، ۱۰۷۵، ۵۲۲- ۵۲۱، ۴۶۳، ۲۷۷)، لسان المیزان (۹/ ۶)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن حبان)، معجم البلدان (۱/ ۴۹۳- ۴۹۸)، معجم المؤلفین (۱۷۴- ۱۷۳/ ۹)، نامه‌ی دانشوران (۳۷۵- ۳۷۱/ ۲)، الوافی بالوفیات (۳۱۸- ۳۱۷/ ۲)، هدیة العارفین (۴۵- ۴۴/ ۲).

ابن حَبیب نیشابوری، ابوالقاسم حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۶ ق)، مفسر، قاری، واعظ، مورخ، ادیب و نحوی. از اصم و ابوالحسن کارزی و ابوحاتم بن حَبان و ابوزکریا عنبری حدیث شنید. ابوالقاسم ثعلبی از خواص شاگردان وی بود. نخست مذهب کرامی داشت، اما بعدها به مذهب شافعی گروید. در علوم و معانی قرآنت مختلف امام عصر خود بود و در نیشابور سرچشمه علم به حساب می‌آمد. وی در آنجا به تدریس مشغول بود و گروه فراوانی از مجلس درس او بهره‌مند گردیدند. ابوبکر حیری واعظ و محمد فرغانی و حسین سگاککی از وی روایت کرده‌اند. ابن حَبیب در مغازی، قصص و سیر نیز پیشگام بود. از آثار وی: «تفسیر النیسابوری‌القدیم» یا «تفسیر قرآن مجید»؛ «عقلاء المجانین». از وی آثاری در آداب و مواعظ و نیز اشعاری پراکنده بر جای ماند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۶/ ۲۷۸)، سیر النبلاء (۲۳۸- ۲۳۷/ ۱۷)، کشف الظنون (۴۶۰)، لغت‌نامه (ذیل / حسن)، معجم المؤلفین (۲۷۸/ ۳)، الوافی بالوفیات (۲۴۰- ۲۳۹/ ۱۲)، هدیه العارفين (۱/ ۲۷۴).

ابن حمّویه جوینی سرخسی، تاج‌الدین، ابومحمد عبدالله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۴۲- ۵۷۳/ ۵۷۲- ۵۶۶ ق)، مورخ، ریاضیدان، پزشک، محدث و فقیه شافعی. اصل وی از خراسان بود و در دمشق به دنیا آمد. در ۵۹۳ ق به مغرب رفت و به منصور یعقوب بن یوسف، سومین فرمانروای موحدی پیوست. و تا ۶۰۰ ق در آنجا ماند آنگاه از راه مصر به دمشق بازگشت. از ابومحمد بن عبدالله بن سلیمان بن حوط الله انصاری و ابوالقاسم بن عساکر حدیث شنید مندری و زین‌الدین فارقی از وی روایت کردند. وی در دمشق فوت کرد. از آثار: «المسالک والممالک»؛ «السیاسة الملوكیه»؛ «المونس فی اصول الاشیاء»، در هشت مجلد؛ «الامالی»؛ «رحله المغربیه» یا «رحله الی المغرب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۲۴۸)، ایضاح المکنون (۴۷۳، ۱۰۲، ۳۲/ ۲، ۵۵/ ۱)، دائرة المعارف البستانی (۴۴۹- ۴۴۸/ ۱)، سیر النبلاء (۹۷- ۲۳/ ۹۶)، معجم المؤلفین (۶/ ۹۶)، هدیه العارفين (۱/ ۴۶۱).

ابن خرداذبه، ابوالقاسم عبدالله

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۳۰۰/ ۲۸۰- ۲۰۵ ق)، مورخ، جغرافیدان و موسیقیدان. پدر بزرگ وی زرتشتی بود و به دست برامکه اسلام آورد. به روایتی پدرش در خلافت مأمون حاکم طبرستان بود و خود او نیز ظاهراً در خراسان به دنیا آمد. گفته‌اند که برای کسب علم شوق وافر داشت و هنر و ادب را به خوبی فراگرفت. وی در موسیقی نیز دست داشت و آن را نزد اسحاق موصلی فراگرفت. نخست چندی در ولایت جبال مأمور پست و خبر بود و سپس با حفظ سمت به بغداد و سامرا رفت و در دربار معتمد، خلیفه‌ی عباسی، از مقربین گشت. فهرستی از آثار او را ابن‌ندیم در کتاب خود آورده که اکثر آنها مفقود شده است. مهم‌ترین اثر وی «المسالک والممالک» یا «تاریخ ابن خرداذبه» است که به زبان فرانسه نیز ترجمه و چاپ شده است و مشتمل بر اطلاعاتی درباره‌ی راهها و شهرها می‌باشد. این کتاب مورد استفاده‌ی جغرافی‌نویسان پس از او از قبیل: ابن‌فقیه، مقدسی، ابن‌حوقل و جیهانی قرار گرفته است، ولی درباره‌ی ارزش علمی این کتاب نویسندگان قدیم عرب و خاورشناسان جدید آراء متضاد ارائه کرده‌اند؛ از دیگر آثار او: «کتاب اللهو و الملاهی»، درباره‌ی موسیقی و موسیقیدانان؛ «کتاب جمهره انساب الفرس والنواقل»، درباره‌ی طایفه‌ی ایرانیان و اقوام جابه‌جا شده؛ «کتاب التاریخ»، که مسعودی آن را بهترین و کامل‌ترین تألیف در نوع خود دانسته است؛ «الندماء والجلساء»؛ «ادب السماع».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: استادان موسیقی (۲۹- ۲۸)، الاعلام (۴/ ۳۴۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۰- ۳۴۹/ ۱)، تاریخ‌گزیده (۶۹۷)، تاریخ

موسیقی (۵۵۷/ ۲، ۱۳۱، ۷۳، ۵۸/ ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۲۷/ ۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۲۹- ۵۲۸/ ۴)، دائرةالمعارف البستانی (۴۵۷/ ۱)، دائرةالمعارف فارسی (۱۸/ ۱)، ذیل تاریخ بغداد (۱۳- ۱۱/ ۱۷)، ریحانه (۴۹۸- ۴۹۷/ ۷)، سرآمدان فرهنگ (۳۹/ ۱)، الفهرست ابن‌ن‌دیم، ترجمه (۲۴۵)، کارنامه بزرگان (۳۱- ۳۰)، کشف‌الظنون (۱۶۶۵، ۲۷۸)، لغت‌نامه (ذیل / ابن‌خرداذبه)، معجم المؤلفین (۲۳۶/ ۶)، هدیه العارفين (۶۴۵/ ۱).

ابن‌رزین رازی اصفهانی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۳ ق)، قاری، نحوی و محدث. اصل وی از اصفهان بود. در ری متولد شد. نزد نصیر و خلاد بن خالد قرآن آموخت. در عربیت و قرآت استاد و راوی حدیث بود. از آثار وی: «الجامع»، در قرائت، «رسم القرآن»؛ «العدد»؛ کتابی در «جواز قراءه القرآن علی طریق المخاطبه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۳/ ۷)، ری باستان (۳۷۸/ ۲)، معجم المؤلفین (۱۰۳/ ۱۱)، الوافی بالوفیات (۲۹۴/ ۴).

ابن‌سّمقه، محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۹ ق)، مورّخ. وی از تاریخ‌نگاران محلی است که درباره خوارزم تاریخ مفردی به نام «اخبار الخوارزم» نگاشته است حاجی خلیفه از صاحب ترجمه به نام ابواحمد محمد بن سعید بن قاضی یاد کرده و از اثر وی تحت عنوان «الکافی من تواریخ الخوارزم» و تاریخ وفات وی را ۳۴۶ ق ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۹)، کشف‌الظنون (۲۹۳)، الوافی بالوفیات (۱۰۵- ۱۰۴/ ۳).

ابن‌سمنانی، ابوالقاسم علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۹۹ ق)، مورّخ و فقیه حنفی. در رحبه، نزدیک حلب، متولد شد. در فقه و تاریخ کتبی نگاشت. از آثار وی: «روضه القضاء و طریق النجاة» در آداب قضا؛ «العروة الوثقی»، در شروط.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۴۹- ۱۴۸/ ۵)، ایضاح المکنون (۹۹/ ۲، ۵۹۶/ ۱)، کشف‌الظنون (۱۱۳۳)، معجم المؤلفین (۱۸۰/ ۷)،

هدیه العارفين (۱/ ۶۹۴).

ابن سيار مروزی، ابوالحسن احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۶۸- ۱۹۸ ق)، فقیه، محدث شافعی و مورخ. در مرو متولد شد. برای استماع حدیث بسیار سفر کرد و از اسحاق بن راهویه و عبدان بن عثمان مروزی و عفان بن مسلم و از هم‌طبقه آنان در خراسان و عراق و حجاز و شام و مصر حدیث شنید. ابن سيار در علم و پارسایی بلند آوازه بود و در روزگار خود با ابن مبارک مقایسه می‌شد و در میان معاصران خود حرمت و احترام فراوانی داشت. نسایی در «صحیح» خود و نیز محمد بن اسماعیل یخاری و محمد بن نصر مروزی و ابن خزیمه و محمد بن عقیل بلخی و حاجب طوسی و دیگر خراسانیان از وی روایت کرده‌اند. رجال‌شناسان او را ثقه توصیف کرده‌اند. وی یکی از کسانی است که فقه شافعی را در خراسان پراکنده کرد. از آثار وی: کتابی در «اخبار مرو» یا «تاریخ مرو»؛ «فتوح خراسان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۵۳/ ۱)، تاریخ بغداد (۱۸۹- ۱۸۷/ ۴)، تهذیب التهذیب (۳۴- ۳۳/ ۱)، سیر النبلاء (۶۱۱- ۶۰۹/ ۱۲)، کشف الظنون (۳۰۳)، معجم المؤلفین (۱/ ۲۴۱).

ابن شهاب یزدی، حسن

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۸۵۵ ق)، مورخ و شاعر. از مردم یزد بود و «منظومه‌ای» در تاریخ سلجوقیان سرود و آن را به سلطان محمد بن بایسنقر بن شاهرخ از شاهزادگان تیموری اهدا کرد. کتاب دیگر وی «جامع التواریخ حسنی» نام دارد که آن را نیز به نام سلطان محمد بن بایسنقر در ۸۵۵ ق تألیف کرده است. ابن شهاب در «جامع التواریخ» اطلاعات مفیدی درباره‌ی عصر حافظ نقل کرده و در موارد متعدد به اشعار خواجه حافظ تمثیل جسته است. نسخه‌ای از آن کتاب به تاریخ ۸۸۰ ق در کتابخانه‌ی ملی موجود است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ عصر حافظ (مقدمه: مو- مز، ۱۲۴، ۱۲۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۹)، الذریعه (۴۷- ۴۶/ ۵)، ریحانه (۵۸/ ۸).

ابن طبری مروزی، ابوحامد احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۷۷/ ۳۷۶ ق)، قاضی، حافظ، محدث و مورخ حنفی. اصل پدر وی از همدان بود و خود از مردم طبرستان. در جوانی وارد بغداد شد و نزد ابوالحسن علی کرخی فقه حنفی را فراگرفت. وی از احمد بن خضر مروزی، احمد بن محمد بن عمر منکدری،

محمد بن عبدالرحمان دغولی، احمد بن محمد بن حارث عبدالکریم و محمد بن رزام مروزی حدیث شنید. ابوبکر برقانی و قاضی ابوالعلای واسطی و محمد بن حسین بن احمد بن بکیر و محمد بن مؤمل انباری و احمد بن محمد عتیقی از وی روایت کرده‌اند. وی مدتی عهده‌دار منصب قاضی‌القضاتی خراسان بود. او سرانجام در بخارا یا مرو درگذشت. از آثار وی: کتاب «التاریخ» که با صفت بدیع توصیف شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۱۲-۱۱۱/۱)، تاریخ بغداد (۱۰۸-۱۰۷/۴)، معجم المؤلفین (۲۰۷/۱).

ابن طیفور، ابوالحسن، ابوالحسین عبیدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۱۳ ق)، ادیب و مورخ. اصل وی از مرو رود خراسان بود. در بغداد متولد شد. او همچون پدر به تاریخ‌نگاری روی آورد و بر کتاب تاریخ بغداد پدرش که درباره‌ی اخبار بغداد و شرح حال پادشاهان و حوادث مربوط به آنان بود ذیلی به نام «تتمه کتاب اخبار بغداد» نوشت و تاریخ روزگار معتمد تا نیمه‌ی خلافت مقتدر را بر آن افزود. از دیگر آثار وی: «المستطرفات والمستطرفین»؛ «کتاب السکباج و فضائلها».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۴۳/۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۰۲/۲)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۴۳)، معجم المؤلفین (۲۳۶/۶)، هدیة العارفین (۶۴۶/۱).

ابن عربشاه، شهاب‌الدین، ابومحمد، ابوالعباس احمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۵۴-۷۹۱ ق)، مورخ، ادیب، لغوی، فقیه و محدث حنفی. معروف به عربی و گاهی به عجمی. در دمشق متولد شد و همان جا نشو و نما کرد. در لشکرکشی تیمور، در ۸۰۳ ق به همراه او به سمرقند انتقال یافت و نزد جرجانی، جزری و بسیاری دیگر، به تحصیل علم پرداخت و زبانهای فارسی، ترکی و مغولی را فراگرفت. در مغولستان، نزد شِترامی حدیث آموخت. از سفرهایی به خوارزم، کریمه و ادرنه داشت و در ادرنه معتمد سلطان عثمان محمد اول شد و برای او کتابهای بسیاری به ترکی ترجمه کرد و به عنوان کاتب السر مسئول نامه‌نگاریهای سلان به زبانهای عربی، ترکی، فارسی و مغولی شد. در ۸۲۴ ق به حلب و سال بعد به دمشق رفت و نزد دوست خود، ابوعبدالله محمد بخاری به تحصیل حدیث پرداخت. در طی سفر حج در قاهره با ابوالمحاسن ابن تغری بردی و دیگران روابط دوستی ایجاد کرد. سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «عجائب المقدور فی نوائب (اخبار) تیمور»؛ «فاکهة الخلفاء و مفاکهة الظرفاء» که تقلیدی است از «مرزبان‌نامه»؛ «الترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترك والعجم»؛ «برهان الفارض بقول المعارض»؛ «العقد الفرید فی علم التوحید»؛ «عقود النصیحة»؛ «غرة السیر فی دول الترك والتتر»؛ ترجمه «جامع الحکایات»؛ «مرآت الادب فی المعانی والبیان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۱۸/۱)، ایضاح المکنون (۲۲۸/۲، ۱۷۸/۱)، تاریخ ادبیات زبان عربی (۶۳۵)، دائرةالمعارف اسلامیه (۲۳۱-۲۳۰/۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۰۷-۷۰۶/۵)، الذریعه (۲۲۰/۱۵)، ریحانه (۱۱۱-۱۱۰/۸)، کشف الظنون (۱۶۴۶)، ۱۲۱۶، ۱۱۹۸، ۱۱۷۴، ۱۱۵۲، ۱۱۲۸، ۷۱۴، ۳۹۷، الکنی واللقاب (۳۵۵/۱)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۱۲۲/۲)، هدیة العارفين (۱/۱۳۰).

ابن فوطی، کمال‌الدین، ابوالفضل

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۲۳-۶۴۲ ق)، محدث، مورخ، متکلم، حکیم، شاعر و منجم. نیاکانش از مردم مرورود خراسان بودند. در چهارده سالگی مغولان او را در بند کردند و نزدیک دو سال در بند بود. در زمان آخرین خلیفه‌ی عباسی در بغداد شغل دیوانی داشت. ابن فوطی در منطق، حکمت و خوشنویسی استاد بود و به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سرود. پس از فتح بغداد، به خدمت خواجه نصیرالدین طوسی رفت و در محضر او علوم پایه را آموخت، و در رصدخانه‌ی مراغه مشغول کار شد. در ۶۷۹ ق به بغداد بازگشت و از علی بن ساعی بغدادی بهره گرفت. گفته‌اند که وی حدود پانصد استاد دید. در ایامی که عطاءالملک جوینی امارت بغداد داشت وارد دربار گردید. او مجدداً به سال ۷۰۴ ق به آذربایجان سفر کرد و سه سال در آن خطه زیست. او سفرهای دیگری نیز به آذربایجان کرد و سرانجام در اثر سکنه و کهولت در بغداد درگذشت. چون نیای مادری او فوطه (لنگ) می‌فروخته، به ابن فوطی شهرت یافته است. برخی منابع نیز وی را به واسطه‌ی پیشه‌ی نیای پدرش ابن صابونی نام نهاده‌اند. در شیعی یا معتزلی یا شافعی بودن او جای تردید است. از آثارش: «الحوادث الجامعه والتجارب النافعه فی المائۀ السابعة»، در رویدادهای سده‌ی هفتم قمری در چند مجلد؛ «تاریخ الحوادث من آدم الی خراب بغداد»؛ «تذکره الرصد»، در تاریخ رصدخانه‌ی مراغه؛ «دررالاصداف فی غرر الاوصاف»، در بیست جلد، در شرح مراحل هستی؛ «مجمع الآداب فی معجم الاسماء واللقاب»؛ «معجم الشیوخ»؛ «الدرر الناصعه فی شعراء المائۀ السابعة». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲۴/۴)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۷۰-۷۶۸/۶)، ریحانه (۱۴۴-۱۴۳/۸)، کشف الظنون (۱۷۳۶، ۱۵۹۷، ۷۵۰، ۶۹۳، ۵۷۳)، لسان المیزان (۳۴۷-۳۴۶/۴)، معجم المؤلفین (۲۱۶-۲۱۵/۵)، هدیة العارفين (۵۶۷-۵۶۶/۱).

ابن کثیر داری، ابومعبد، ابوبکر عبدالله

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۰-۴۵ ق)، قاری و محدث. در مکه‌ی معظمه متولد شد. او از نوادگان ایرانیانی بود که پادشاه ایران آنان را با کشتی به یمن فرستاد. وی از موالی عمرو بن علقمه‌ی کنانی بود. ابن کثیر یکی از قراء هفتگانه بود که اصول قرائت را از مجاهد و درباس (مولی ابن عباس) از ابن عباس از امیرالمؤمنین (ع) اخذ کرد. به احتمالی وی بر عبدالله بن سائب مخزومی نیز قرائت کرده است. او از ابن زبیر و عکرمه و دیگران حدیث شنید. گرچه قلیل الحدیث است اما به گفته ابن مدینی و ابن سعد و نسائی از راویان موثق به حساب

می‌آید. ایوب، ابن حجر، جریر بن حازم، سفیان بن عیینه و شبل بن عباد و دیگران از وی روایت کرده‌اند. وی پیشه‌ی عطرفروشی داشت و نسبت دارین او به جهت همین پیشه بود، ولی عده‌ای نوشته‌اند که او منسوب به دار بنی‌لخم است. محمد بن عبدالرحمان مخزومی ملقب به قبل و ابن ابی بزی فارسی، قاری مکه، از شاگردان و راویان قرائت ابن کثیر می‌باشند. ابوعمرو بن علاء و معروف بن مُشکان و اسماعیل بن قُسطنطین و بسیاری دیگر بر وی تلاوت کردند. قاضی اهل جماعت مکه بود. و در همان جا از دنیا رفت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۲۵۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۶۸)، تاریخ الاسلام (حوادث ۴۰۲- ۴۰۱/ ۱۲۰- ۱۰۱)، التاریخ الکبیر (۵/ ۱۸۱)، تهذیب التهذیب (۳۲۶- ۳۲۵/ ۵)، الجرح والتعدیل (ج ۲، ق ۱۴۴/ ۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۰۵- ۸۰۴/ ۶)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۶۶۰)، ریحانه (۸/ ۱۶۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۹)، الکنی واللقاب (۱/ ۳۹۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن کثیر)، وفيات الاعیان (۴۲- ۴۱/ ۳)، هدیة الاحباب (۸۴- ۸۳).

ابن ماجه قزوینی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۷۳- ۲۰۹ ق)، حافظ، محدث، مفسر و مورخ. برخی گفته‌اند که ماجه لقب پدر وی است نه جدش. ابن ماجه برای گردآوری حدیث به ری، بصره، دمشق، بغداد، حمص، شام مصر و حجاز سفر کرد. در دمشق از هشام بن عمار و عباس بن ولید خلیل و در حمص از محمد بن مصفی و در عراق از ابوبکر بن ابی شیبه و احمد بن عبده و اسماعیل فزاری و دیگران حدیث شنید. محمد بن عیسی ابهری و ابوطیب بغدادی و ابوعمرو احمد مدینی و ابوالحسن علی بن قطن از شاگردان وی بودند. وی سرانجام در قزوین درگذشت. آوازه‌ی او بیشتر به جهت کتاب «السنن» است که چهار هزار حدیث را در آن گرد آورده و یکی از کتابهای ششگانه «صحیح» در حدیث اهل سنت است. ابن ماجه خود گوید: چون کتاب «السنن» را بر ابوزرعه عرضه کردم، گفت: «گمان من آن است که اگر این کتاب در دسترس مردم قرار گیرد دیگر کتابها یا اکثرشان بی‌رونق شوند». از دیگر آثار وی: «تفسیر القرآن»؛ «تاریخ قزوین»، که گویا هر دو از میان رفته‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/ ۱۵)، تهذیب التهذیب (۹/ ۴۵۷- ۴۵۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۲۳- ۸۲۲/ ۶)، دائرةالمعارف البستانی (۱/ ۶۷۳)، دائرةالمعارف فارسی (۱/ ۲۲)، ریحانه (۸/ ۱۸۳)، سیر النبلاء (۲۸۱- ۲۷۷/ ۱۳)، کشف الظنون (۱۴۰۵، ۱۰۰۴، ۴۳۹، ۳۰۰)، الکامل (۶/ ۶۲)، الکنی واللقاب (۱/ ۳۹۸)، نامه‌ی دانشوران (۴/ ۳۴۰- ۳۴۲)، معجم البلدان (۴/ ۳۹۱)، معجم المؤلفین (۱۱۶- ۱۱۵/ ۱۲)، الوافی بالوفیات (۵/ ۲۲۰)، وفيات الاعیان (۴/ ۲۷۹).

ابن مجاور، جمال‌الدین، نجم‌الدین، ابوالفتح یوسف

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۹۰- ۶۰۱ ق)، مورخ، محدث و کاتب ایرانی تبار. از کندی و ابن مندویه حدیث شنید. بنا به علت نامعلومی به هند رفت و از آنجا

به عدن. سه بار به زبید سفر کرد. در سال ۶۲۱ ق در مکه بود و از آنجا به جدّه رفت. در غلافقه، یکی از شهرهای یمن، مدتی مقیم شد. ابن مجاور با جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی شهرها، قبایل غرب و جنوب عربستان کتاب مشهور خود «تاریخ المستبصر / مستنصر» را نوشت. ارزش این کتاب بیشتر به لحاظ معرفی جغرافیایی و اجتماعی عربستان آن زمان است. راه‌شناسی کتاب نیز بسیار مفید است و مسافتها به فرسنگ نوشته شده. ابن مجاور توصیف جغرافیایی خود را از مدینه شروع کرده و اطلاعاتی که وی درباره‌ی قلهات، مسقط و صحار در خلیج عمان به دست می‌دهد از دیگر جغرافیدانان عرب پربارتر است. در این کتاب از خلیج فارس و جزیره‌ی کیش (قیس) نیز سخن رفته است. گزارش او درباره‌ی فرق اسلامی، آداب زناشویی، برده‌داری، لباس، اوزان و مقیاسها، سکه‌ها، کشاورزی، دریانوردی و حقوق گمرکی بسیار دقیق است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹/ ۳۴۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۳۱- ۸۲۹/ ۶)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۳۴۵).

ابن منده اصفهانی، ابوالقاسم عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۰- ۳۸۳ ق)، مورخ، حافظ و محدث حنبلی. منده نیای بزرگ او بود. در اصفهان به دنیا آمد. نیا و پدرش هر دو عالم دینی بودند. ابوالقاسم از پدرش و ابوبکر بن مردویه و ابوجعفر مرزبان و ابراهیم بن خرشید قوله و محمد بن ابراهیم جرجانی و دیگر محدثین حدیث شنید و از زاهر بن احمد سرخسی اجازه‌ی روایت گرفت. برای استماع بیشتر حدیث بسیار سفر کرد و از مشایخ همدان، دینور، شیراز، بغداد و نیشابور حدیث شنید. ابن منده از علمای بزرگ عصر خویش بود، چنانکه وی را با خواجه عبدالله انصاری همسنگ می‌دانستند. او از حسن خط نیز بهره داشت. ابوالقاسم بسیار به شرع پایبند بود و مردم را از منکر نهی می‌کرد. او به مکه سفر کرد و ظاهراً در «تاریخ مکه» تألیفی کرده است. وی در اصفهان درگذشت. پیروان عقاید وی در اصفهان به عبدالرحمانیه موسوم بودند. از آثارش: «تاریخ اصفهان»، با ذکر تاریخ ولادتش در آن؛ «حرمة الدین»؛ «الرد علی الجهمیة»؛ «صیام یوم الشک»؛ «المستخرج من الکتب الناس»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/ ۱۰۳)، دائرة المعارف البستانی (۱/ ۷۰۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶/ ۸۷۹)، ریحانه (۸/ ۲۳۴)، سیر النبلاء (۱۸/ ۳۴۹- ۳۵۵)، الكامل (۸/ ۱۲۵)، کشف الظنون (۱۶۷۲- ۱۶۷۱)، معجم المؤلفین (۵/ ۱۷۱)، نامه‌ی دانشوران (۲۹۲- ۲۹۱/ ۵)، هدیه العارفین (۱/ ۵۱۷).

ابن منده اصفهانی، ابوزکریا یحیی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۱۲/ ۵۱۱- ۴۳۴ ق)، مورخ و محدث حنبلی. در اصفهان متولد شد. از پدر، عمویش و ابن ریزه ابوبکر اصفهانی دانش فراگرفت. در پژوهشهای علمی با پدرش همراه بود. به سفر حج رفت و سپس راهی بغداد شد و در جامع منصوریه درس گفت، و املای

حدیث کرد. ابن ناصر و عبدالقادر حیلی و ابن خشاب نحوی و حافظ سلفی و عبدالوهاب انماطی و علی بن ابی‌تراب خیاط و محمد طرسوسی از وی حدیث نقل می‌کردند، و از شاگردان او به حساب می‌آمدند. شهرت خاندان دانشور ابن منده در علم و فضل با نیای بزرگ او، خاندان دانشور ابن منده در علم و فضل با نیای بزرگ او، یحیی، آغاز و به وی، یحیی، ختم می‌شود. لذا وی را محدث بن محدث بن محدث بن محدث بن محدث بن محدث بن محدث گویند. ابن منده دارای تصانیف و آثار بسیاری است از آن جمله: «تاریخ اصفهان»، که احتمالاً این کتاب را بر پایه‌ی کتاب جد بزرگش نوشته است؛ «التنبیه علی احوال الجهاد والمنافقین»؛ «زندگینامه‌ی مفصلی درباره‌ی طبرانی»؛ «مناقب الامام احمد»، درباره‌ی احمد بن حنبل؛ «معرفة السماء ارداف النبی»؛ «من عاش من الصحابة مائة و عشرين»؛ «مناقب العباس».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۴/ ۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۸۰- ۸۷۹/ ۶)، دائرةالمعارف البستانی (۷۰۸/ ۱)، ریحانه (۲۳۴/ ۸)، سیر النبلاء (۳۹۶- ۳۹۵/ ۱۹)، الکامل (۲۸۵/ ۸)، کشف الظنون (۱۴۶۴، ۲۸۲)، الکنی واللقاب (۴۲۸- ۴۲۷/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ بنومنده)، معجم المؤلفین (۲۱۱- ۲۱۰/ ۱۳)، نامه‌ی دانشوران (۲۸۷/ ۵)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۲۵۷- ۲۵۶)، وفيات الاعیان (۱۷۱- ۱۶۸/ ۶)، هدیة العارفين (۲/ ۵۲۰).

ابن منده اصفهانی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۹۵- ۳۱۰ ق)، حافظ، محدث و مورخ. در خانواده‌ی علم و حدیث، در اصفهان، به دنیا آمد از پدرش و عموی پدرش بهره گرفت و در جوانی به خراسان، اصفهان، عراق، حجاز، مصر، شام و بخارا حدیثها شنید. در نیشابور ابو حامد بن بلال و محمد بن حسین قطّان را درک کرد و از ابوالعباس اصم هزار جزء نحو نوشت. در بغداد از اسماعیل صفّار و ابوجعفر ابن البختری و در طرابلس از خيثمة بن سليمان در شام از ابراهيم ابن سنان قنطری و در حمص از حسن بن منصور امام و در مکه از ابوسعید بن اعرابی و در مصر از ابوطاهر مدینی و احمد بن بهزاد فارسی و در سرخس از عبدالله بن محمد بن حنبل و در مرو از محمد بن احمد بن محبوب حدیث شنید. و به گفته فرزندش عبدالرحمن حدود ۱۷۰۰ استاد دید و از ابن ابی حاتم و دیگران اجازه‌ی روایت گرفت. چون از سفر طولانی علمی‌اش بازگشت کتابهای فراوانی به همراه آورد. ابو عبدالله حاکم و ابو عبدالله غنّجار و ابوسعید ادیسی و تمام رازی و ابونعیم اصفهانی و ابن‌بُندار رازی و بسیاری دیگر از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: «فتح الباب فی الکنی واللقاب»؛ «تاریخ اصفهان»؛ «معرفة الصحابة» یا «اسماء الصحابة»؛ «الناسخ والمنسوخ»؛ «التوحيد و معرفة اسماء الله عزّ و جلّ و صفاته»؛ «الایمان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۳۵/ ۶)، ریحانه (۲۳۴/ ۸)، سیر النبلاء (۴۳- ۲۸/ ۱۷)، الکامل (۲۳۰/ ۷)، کشف الظنون (۱۴۰۶، ۱۱۰۳، ۵۸۹، ۸۹)، معجم المؤلفین (۴۳- ۴۲/ ۹)، الوافی بالوفیات (۱۹۱- ۱۹۰/ ۲)، هدیة العارفين (۲/ ۵۷).

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن هیثم

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۵۶-۲۸۴ ق)، مورخ، محدث، ادیب شاعر و موسیقیدان. در اصفهان متولد شد و در بغداد نشو و نما یافت و نزد ابن درید و ابن انباری و محمد بن جریر طبری تحصیل کرد. وی از علی بن عباس بجلی و محمد بن جعفر قتیات و ابوبکر بن درید و نطفویه حدیث شنید. دارقطنی و ابراهیم بن احمد طبری و ابوالفتح بن ابی الفوارس از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابوالفرج در ادبیات، نحو، لغت، تاریخ، سیر، انساب، طب، نجوم و حدیث متبحر بود و شعر را نیکو می‌گفت. با اینکه نسب اموی داشت، شیعی زیدی بود و این را از عجایب شمرده‌اند. وی در بغداد درگذشت و همان جا دفن شد. مهمترین اثرش که او را جاودانه ساخته، کتاب «الآغانی» است که رجال قرن چهارم، مانند صاحب بن عباد و عضدالدوله‌ی دیلمی به آن توجه بسیار داشتند و گفته‌اند که عضدالدوله این کتاب را از خود در سفر و حضر دور نمی‌داشت. از دیگر آثار وی: «الاماء الشواعر»؛ «الديارات»؛ «مقاتل الطالبین»؛ «اعیان الفرس»؛ «آداب الفرباء من اهل الفضل و الاداب»؛ «اخبار جحظة البرمکی»، «اخبار الطفیلین»؛ «اشعار الاماء و الممالیک»؛ «جمهرة النسب»؛ «دعوة التجار»؛ «کتاب التزیل فی امیر المؤمنین (ع)»؛ «کتاب الخمارین و الخمارات»؛ «کتاب الغلمان المغنین»؛ «مجرد الآغانی» و «دیوان شعر» [۱].

اصفهانی علی بن حسین (و. ۲۸۴ ه. ق. / ۸۹۷ م. - ف. ۳۵۶ ه. ق. / ۹۶۷ م.) نویسنده و ادیب قرن چهارم. وی در ادب عرب شاگرد ابن درید و ابن انباری و محمد- ابن جریر طبری بود و کتاب مشهورش الآغانی (آغانی) است، دیگر از آثار او «مقاتل الطالبین»، «الاماء الشواعر» و «الديارات» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] استادان موسیقی (۳۱)، الاعلام (۵/ ۸۸)، اعیان الشیعه (۲۰۱- ۱۹۸ / ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۶۴۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۴۵- ۱۴۳ / ۳۸۰- ۳۵۱)، تاریخ برگزیدگان (۲۷۴- ۲۷۲)، تاریخ بغداد (۴۰۰- ۳۹۸ / ۱۱)، تاریخ در ایران (۲۴- ۲۳)، تاریخ هنرهای ملی (۷۳۶- ۷۳۵ / ۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۷۸- ۹۷۷ / ۷)، دائرةالمعارف البستانی (۳۰۴- ۳۰۳ / ۲)، دایرةالمعارف فارسی (۲۶ / ۱)، الذریعه (۳۷۷- ۳۷۶ / ۲۱، ۷۴۲ / ۹، ۲۸۷ / ۸، ۲۵۰- ۲۴۹ / ۲)، سرآمدان فرهنگ (۸۲- ۸۱ / ۱)، سیر النبلاء (۲۰۳- ۲۰۱- ۱۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۴- ۱۸۳ / ۴)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۸۹)، الفهرست للطوسی (۳۷۹)، فوائد الرضویه (۲۸۰- ۲۷۸)، الکامل (۲۵ / ۷)، کشف الظنون (۱۹۵۱، ۱۹۴۷، ۱۴۴۴، ۱۲۵۶، ۷۵۶، ۶۰۵، ۴۱۹، ۳۶۰، ۱۶۱، ۱۲۹، ۱۲۸)، الکنی و الالقب (۱۳۹- ۱۳۸ / ۱)، لسان المیزان (۱۵- ۱۳ / ۵)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالفرج)، معجم الادباء (۱۳۶- ۹۴ / ۱۳)، معجم المؤلفین (۷۹- ۷۸ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۳- ۲۱۲ / ۴)، نامه‌ی دانشوران (۵۸- ۴۴ / ۴)، الوافی بالوفیات (۲۶- ۲۰ / ۲۱)، وفيات الاعیان (۳۰۹- ۳۰۷ / ۳)، هدیة العارفين (۱/ ۶۸۱).

ابوالقاسمی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای احمد ابوالقاسمی در ۱۰ خرداد ماه سال ۱۳۴۷ هـ.ش در شهر تهران و در خانواده‌ی مذهبی به دنیا آمد. جوّ مذهبی خانواده و همت پدر و مادر ایشان باعث شد که او از همان آغاز کودکی به قرآن و تالوت آن علاقه خاصی پیدا کند. احمد ابوالقاسمی در سن ۸ سالگی در مسجد امام جعفر صادق (ع) شهر تهران با شنیدن تلاوت قرآن از یک نوجوان ایرانی که به تقلید از استاد عبدالباسط سوره‌های آخر قرآن را تلاوت می‌کرد مجذوب قرائت قرآن شد و پس از شنیدن نوارهای تلاوت عبدالباسط عشق و

علاقه اش به امر تلاوت قرآن دو چندان شد.

آقای احمد ابوالقاسمی در سال ۱۳۶۲ مشغول تحصیل در مقطع متوسطه شد. او تحصیل در رشته الکترونیک در هنرستان راهیان قدس تهران برگزید اما حضور در جبهه های جنگ حق علیه باطل را بر تحصیل ارجعیت دارد و پس از احمد ابوالقاسمی افراد و عوامل مؤثر در امر تربیت و آموزش قرآن خود را پدر و مادرش و استادان محمد غفاری، محمد رضا ابوالقاسمی و سید محسن خدام حسینی معرفی می کند و معتقد است مهمترین عامل پیشرفت من انگیزه قوی و پشتکار بوده است حقیقتاً می خواستم بهترین قاری در سطح جهان بشوم.

آثاس احمد ابوالقاسمی آموزش جدی صوت و لحن و علوم مختلف قرآنی را بطور رسمی از سال ۱۳۶۱ آغاز کرد و قبل از آن با شنیدن تلاوتهای زیبای اساتید مصری، مقدمات این آموزش را برای خودش فراهم کرده بود اما با توجه به علاقه اش به علوم قرآنی در سال ۱۳۷۸ از دانشکده الهیات دانشگاه تهران موفق به اخذ لیانس علوم قرآنی شد. ابوالقاسمی در ابتدا بیشتر از اساتید مصری بخصوص مرحوم شعبان عبدالعزیز صیاد تقلید می کرد و معتقد است از نوارهای قاریان باید در حوزه مسائل لحن باشد حاج احمد ابوالقاسمی در سال ۱۳۷۲ ازدواج کرد و یک فرزند دختر دارد. همسر ایشان نیز به قرآن و تلاوت ان علاقه مند است و حافظ ۲ جزء قرآن کریم می باشد. احمد ابوالقاسمی از میان رشته های هنری به خط و از رشته های علمی به فیزیک و از رشته های ورزشی به شنا علاقه مند است.

احمد ابوالقاسمی که به تازه گی حفظ قرآن را شروع کرده است توانسته است در مدت ۱۸ ماه ۷ جزء قرآن را حفظ نماید. او در سال ۱۳۶۵ در مسابقات مربوط به جلسات قرآنی شهر تهران رتبه دوم را کسب کرد و در سال ۱۳۶۹ در مسابقات نیروهای بسیجی کشور رتبه اول را کسب کرد و در سال ۱۳۷۱ موفق به کسب عنوان اول مسابقات قرآن جانبازان کشور شد و در همین سال در مسابقات سراسری حفظ اوقاف توانست رتبه سوم را کسب کرد و به مسابقات بین المللی مالزی در همان سال اعزام شد و توانست با افتخار تمام مقام اول مسابقات را کسب کند. و برای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران افتخار بیافریند.

احمد ابوالقاسمی در مناسبات و مراسم بسیاری به اجرای تلاوت پرداخته و شنوندگان را از صدای دلنشین زیبای خود بهره مند ساخته است.

او به مدت ۴ سال در سازمان تبلیغات در قسمت دارالقرآن و چند سال نیز در امور فرهنگی قرآنی حرم حضرت عبدالعظیم (ع) مشغول فعالیت بوده است. و از سال ۱۳۷۹ مسئولیت مؤسسه قرآن را در کشور آلبانی عهده دار شده است و هم اکنون نیز فعالیتهای قرآنی را بدین کشور سازماندهی می کند. وی مؤلف جزوه آموزش قرآن کریم است که به زبان آلبانیایی ترجمه شده و به همراه ۴ نوار در دسترس مسلمانان آلبانیایی است.

آقای احمد ابوالقاسمی در جلسات قرآنی بسیاری بعنوان مربی مشغول آموزش صوت و لحن بوده است اما از جلساتش در حرم حضرت عبدالعظیم بعنوان مؤثرترین جلسات یاد می کند.

او همچنین در چند دوره متوالی به عنوان مربی دانشجویان تربیت معلم به تدریس اشتغال داشته است.

آقای احمد ابوالقاسمی در مسابقات فراوانی به عنوان داور رشته صوت و لحن حضور داشته است که بهترین آنها داور مسابقات قرآن ارتشهای جهان در سال ۷۸ در تهران است. او به ابتهاج و تواشیح علاقه مند است و معتقد است که اگر ابتهاج با صدای استاد سید محمد نقش بندی یا استاد محمد عمران باشد بسیار شنیدنی است او از اساتید؛ عبدالفتاح شعشاعی، محمد صدیق منشاوی و عبدالباسط به عنوان سه قاری برتر کشور مصر از ابتدا تا کنون یاد می کند و معتقد است که استاد شحات محمد انور و استاد راغب مصطفی غلوش دو قاری برتر کشور مصر یاد می کند.

ابونعیم اصفهانی، احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۳۰ - ۳۳۶/ ۳۳۴ ق)، محدث، عارف و مورخ. معروف به حافظ اصفهانی و حافظ دنیا. به گفته صاحب «ریاض العلماء» ابونعیم نیای بزرگ علامه مجلسی است. وی فقه و تصوف را با حدیث توأم ساخت. در خانانی ایرانی نژاد در اصفهان متولد شد. در مذهب او اختلاف است. بعضی او را از اهل سنت می‌دانند ولی یک گمان بر این است که از شدت تقیه حاکم بر زمانش تشیع خود را از مخالفین مذهب کتمان می‌کرده است. ابونعیم در هشت سالگی رسماً شروع به استماع حدیث از محدثان معروف اصفهان کرد. و از پدرش و ابوالقاسم طبرانی و ابن فارس و ابن مقرئ حدیث شنید. پدرش که از بزرگان علما و محدثان بود برای وی از علمای شهرهای دیگر درخواست اجازه روایت کرد. خیمه بن سلیمان از شام و ابوالعباس اصم از نیشابور و عبدالله بن عمر از واسط و ابوسهل قطان از بغداد و ابوبکر بن سنی از دینور به او اجازه حدیث دادند. وی از سال ۳۵۶ ق برای تکمیل تحصیلات به خراسان، خوزستان، عراق و حجاز سفر کرد و استادان بسیار دید و از ابواحمد حاکم و ابن حمدان و ابو عبدالرحمان سلمی در نیشابور و از ابوزرعه استرآبادی در استرآباد و از محمد بن احمد غطریفی در گرگان و از محمد بن احمد بن سختویه در شوشتر و دیگران حدیث شنید. در مورد وی گفته‌اند: که بیش از چهار صد و سی عالم حدیث به او اجازه‌ی روایت دادند که برای بعضی از آنان وی تنها راوی شناخته شده است. از جمله آثارش: «منقبه المطهرین و مرتبه الطیین»؛ «ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین (ع)»؛ «حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء»؛ «تاریخ اصفهان» یا «ذکر اخبار اصفهان»، در دو مجلد که در ۱۹۳۱ م در لیدن چاپ شد؛ «المستخرج علی الصحیحین»؛ «دلایل النبوه»، در سیره پیامبر (ص)؛ «معرفة الصحابة»؛ «تاریخ بلد»؛ «فضایل الصحابة»؛ «النفاق»؛ «علوم الحدیث»؛ «طب النبوی»؛ «کتاب الطب» یا «الشفای الطب»؛ «الاربعین» یا «کتاب المهدی»، در حالات حضرت مهدی (عج)؛ «مختصر الاستیعاب»؛ «ریاضه المتعلم»؛ «معجم الشیوخ»؛ «حرمة المساجد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۱۵۰)، اعیان الشیعه (۲/ ۴۳۸)، تتمه المنتهی (۳۹۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۱۲۰- ۱۱۱۸/ ۸)، دایرة المعارف فارسی (۱/ ۳۶)، الذریعه (۱۴۳/ ۱۵، ۷/ ۸۱، ۶/ ۳۹۶، ۳/ ۲۳۲)، روضات الجنات (۲۸۵- ۲۸۲/ ۱)، ریحانه (۲۸۶- ۲۸۵/ ۷)، سیر النبلاء (۴۶۴- ۴۵۳/ ۱۷)، الکامل (۸/ ۱۸)، کشف الظنون (۱۷۳۹، ۱۷۳۵، ۱۶۷۲- ۱۶۷۱، ۱۴۶۵، ۱۴۳۵، ۱۴۳۳، ۱۴۲۲، ۱۴۱۱، ۱۲۷۹، ۱۲۷۶، ۱۲۰۹، ۱۰۹۵، ۱۰۵۵، ۹۳۸، ۷۶۰، ۶۸۹، ۲۸۲، ۱۱۶، ۵۳)، لسان المیزان (۸/ ۳۸، ۳۰۴- ۳۰۳/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، الکنی و الالقاب (۱۶۸- ۱۶۵/ ۱)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۳۰)، معجم المؤلفین (۲۸۳- ۲۸۲/ ۱)، الوافی بالوفیات (۸۴- ۷/ ۸۱)، وفیات الاعیان (۹۲- ۹۱/ ۱)، هدیة الاحباب (۴۳- ۴۲)، هدیة العارفین (۷۵- ۷۴/ ۱).

ابهری، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۷۵ - ۲۸۹/ ۲۸۷ ق)، قاضی، قاری، محدث و فقیه مالکی. در ابهر تولد یافت و ساکن بغداد شد و در آنجا از ابو عمر محمد بن

یوسف قاضی و فرزندش ابوالحسین فقه آموخت. و از ابوبکر باغندی و ابوالقاسم بغوی و عبدالله بجلي و ابن تمام بهرانی و محمد اشنانی و دیگران در عراق و شام و جزیره حدیث شنید. دارقطنی از او حدیث نقل کرده و او را ستوده و گفته که او امام مالکیان در عصر خود بود و از اندلس و مغرب و گوشه و کنار دنیا به سویس می‌شتافتند. از وی آثاری بر جای مانده است که به گفته‌ی قاضی عیاض تصانیف از در شرح مذهب مالکی و ردّ مخالفین است. از جمله آثار وی: «الاصول»، در فقه؛ «الرد علی المزنی»؛ «شرح کتاب ابن عبدالحکم الصغیر» و «شرح کتاب ابن عبدالحکم الکبیر»؛ «فضل المدینه علی مکّه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/ ۹۸)، تاریخ الاسلام (حوادث ۵۸۲- ۵۸۰/ ۳۸۰- ۳۵۱)، تاریخ بغداد (۴۶۳- ۴۶۲/ ۵)، ریحانه (۱/ ۷۲)، سیر النبلاء (۳۳۴- ۳۳۲/ ۱۶)، الفهرست لابن الندیم (۲۸۳)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۳۷۵)، معجم البلدان (۱/ ۱۰۶)، معجم المؤلفین (۲۴۱/ ۱۰)، الوافی بالوفیات (۳/ ۳۰۸)، هدیه العارفین (۲/ ۵۰).

اتحادیه، منصوره

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

منصوره اتحادیه در سال ۱۳۱۲، در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در سال ۱۳۵۸، در دانشگاه ادینبورگ انگلستان به پایان برد و با اخذ درجه دکتری در گروه تاریخ دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. دکتر اتحادیه ضمن تالیف و تحقیق و مدیریت نشر تاریخ، با انجام سفرهای مطالعاتی و شرکت در سمینارهای خارجی، بر پشتوانه های علمی خود افزود. او صاحب تالیفات بسیاری در زمینه تاریخ می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: منصوره اتحادیه پس از اخذ مدرک دیپلم و لیسانس، رهسپار انگلستان شد و در سال ۱۳۵۸ به دریافت مدرک دکترای تاریخ از دانشگاه ادینبورگ نائل آمد.

همسر و فرزندان: منصوره اتحادیه همسر دکتر نظام مافی و مادر چهار فرزند می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: منصوره اتحادیه پس از مدتی اقامت و تحصیل در انگلستان، به ایران بازگشت و مدیریت نشر تاریخ را در تهران عهده دار شد.

فعالیتهای آموزشی: منصوره اتحادیه پس از کسب درجه دکتری، در گروه تاریخ دانشگاه تهران مشغول تدریس شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: منصوره اتحادیه ضمن تالیف و تحقیق، دست به سفرهای مطالعاتی و شرکت در سمینارهای خارجی نیز زده است و بدین ترتیب بر پشتوانه های علمی خود افزوده است.

آثار:

۱ احزاب سیاسی در مجلس سوم (۱۳۳۴ - ۱۳۳۳ هـ ق)

۲ پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت دوره اول و دوم مجلس شورای اصلی

۳ حرفی از هزاران، کاندلر عبارت آمد، وقایع تبریز و رشت ۱۳۳۵-۱۳۲۶ هجری قمر

- ۴ خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه ما فی
- ۵ خاطرات و اسناد محمد علی غفاری، نایب اول پیشخدمت باشی (تاریخ غفاری)
- ۶ رضا قلی خان نظام السلطنه
- ۷ زمانه، زندگی و کارنامه‌ی بیهقی
- ۸ زندگی نامه حاج محمد حسین کمپانی، امین دار الضرب
- ۹ سفرنامه کرمان و بلوچستان
- ۱۰ سیاق معیشت در عصر قاجار حکمرانی و ملکداری مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما
- ۱۱ گزیده‌های از مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما، از ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ هجری قمری
- ۱۲ گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران
- ۱۳ مجلس و انتخابات: از مشروطه تا پایان قاجاریه
- ۱۴ مرامنامه‌ها و نظام‌نامه‌های احزاب سیاسی ایران در دوره دوم مجلس شورای ملی
- ۱۵ نخبه سیفیه، در تاریخ و جغرافیای استرآباد به انضمام ترانه‌های عامیانه ترکمن
- ۱۶ نصرت الدوله: مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات ...
- ۱۷ واقعات اتفاقیه در روزگار (تاریخ مشروطه)

احد الحسینی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(اوایل س سیزدهم ق)، نگارگر فلزات و شمشیر ساز. از آثار رقم‌دار وی: قمه‌ی زیبا و استادانه‌ای است در موزه‌ی ویکتوریا آلبرت لندن، با رقم «ابن عبدالله احد الحسینی». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/ ۵۰).

احمدخان بیگی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا احمد خان بیگی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال تحصیلی ۵۸ - ۵۷ با دیپلم ریاضی از دبیرستان دکتر هشترودی تهران فارغ التحصیل شدم. از سال ۵۹ دروس حوزه را از مدرسه آقای مجتهدی در تهران آغاز و پس از یکسال به قم آمدم و در مدرسه رضویه دروس حوزوی را ادامه دادم. در سال ۷۸ با پایان دوره مقدمات سطح و خارج در دوره تخصصی کلام حوزه پذیرفته شدم و در سال ۸۱ فارغ التحصیل شدم و در حال حاضر در حال نوشتن پایان نامه در موضوع فطرت هستم. همچنین در سال ۷۸ برای تدریس دروس معارف دانشگاههای تهران کار خود را آغاز کردم. در طول این چند سال در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، ایران و الزهراء تدریس داشته ام و از سال ۸۱ به عنوان هیئت علمی (رتبه مربی) در دانشگاه ایران پذیرفته شدم. در حال حاضر مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاه الزهراء را نیز دارا هستم.

احمدی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی احمدی

محل تولد: عشق آباد طبس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۶/۳۰

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ پس از اخذ مدرک سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم. سه سال در مدرسه علمیه رسالت تحصیل کرده و سپس به مدرسه امام باقر (ع) رفتم و تا پایه ۶ را در آن مدرسه تحصیل نمودم. تاثیر گذارترین اساتید من در این دوره حجة الاسلام والمسلمین قائمی، طاهری، ربانی و قوامی بودند. رسائل و مکاسب را از محضر حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مدنی فرا گرفتم. همزمان با تحصیل به تحقیق روی آوردم. تحقیقات خود را از سال ۱۳۷۹ آغاز کردم. محورهای تحقیقاتی اینجانب تا کنون موارد زیر است:

۱- بیوگرافی، بررسی افکار و اندیشه های بزرگان دینی. ۲- سیره اهل بیت (ع). ۳- حقوق زنان در اسلام. ۴- شهید شناسی در حوزه دین.

اخیسکی، ابوالوفاء محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۵۲۰ ق)، لغوی و مورخ. معروف به ابن ابی‌المناقب. وی برادر ابورشاد اخیسکی است. در اخیسکیث فرغانه ماوراءالنهر متولد شد، همراه برادر به مرو رفت و در آن شهر تحصیل کمال کرد و از ادیبان به نام روزگار خود شد. پایان عمر را در همان شهر زیست تا در گذشت. از آثار وی: «التاریخ»، که به «تاریخ ابی‌الوفاء الاخیسکی» معروف است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱/ ۲۱۲)، ریحانه (۷/ ۳۶۷)، کشف الظنون (۲۸۱)، معجم الادباء (۵۵- ۵۲/ ۵)، معجم البلدان (۱۴۸/ ۱)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۲۵۹).

اخیسکی، ابورشاد احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۲۸/ ۵۲۶- ۴۶۶ ق)، ادیب، شاعر، نویسنده و مورخ. ملقب به ذوالفضائل، و منسوب به اخیسکیث ماوراءالنهر در نظم و نثر و نحو و لغت دستی توانا داشت و مرجع استفاده‌ی اکثر فضلا و کاتبان دیوان سلاطین بود. در مرو وفات یافت. از تألیفات او: «تاریخ ابی‌رشاد»؛ «الزوائد»، شرح «سقط الزند» ابوالعلاء معری؛ «کتاب فی قولهم کذب علیک کذا»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۲۰۸)، ایضاح المکنون (۱/ ۲۱۲)، روضات الجنات (۲۶۹- ۲۶۸/ ۱)، ریحانه (۷/ ۱۱۰)، کشف الظنون (۹۳۳- ۲۸۰)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم الادباء (۵۵- ۵۲/ ۵)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۴۴).

اخویان، محمد علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی اخویان

محل تولد: کوه‌دشت لرستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی اخویان در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه شدم و در سال ۱۳۷۴ در رشته تخصصی کلام از موسسه امام صادق (ع) فارغ التحصیل شدم و حدود یک دوره اصول حضرت آیت الله سبحانی شرکت نمودم و بیش از ۸ سال در درس خارج آیت الله فاضل و آیت الله نوری همدانی و آیت الله وحید خراسانی شرکت نمودم.

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور تهران اخذ کردم و کارشناسی ارشد تاریخ عمومی جهان را از دانشگاه واحد مرکز تهران گرفتم. همچنین در دانشگاه‌های مختلف از جمله هنر، آزاد اسلامی تهران، دانشگاه قم، باقرالعلوم (ع)، دانشگاه اراک،

حوزه علمیه شهید صدوقی فاز ۴ و ۵ تدریس داشته و دارم.

ادیب بهروز، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن ادیب بهروز

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۹

ادیب طوسی، محمدامین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۱ - ۱۲۸۳ ش)، دانشمند، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب طوسی. وی در مشهد متولد شد و تحصیلات مقدماتی را در مکتب گذرانید. سپس، به تحصیل علوم دینی در مدارس قدیم پرداخت. علوم ادبی را نزد ادیب نیشابوری و حکمت را نزد حاج میرزا عباسعلی معروف به فاضل و آقا بزرگ حکیم و فقه را نزد پدر خود آموخت. ادیب طوسی با سفرهایی که به هند، ترکستان، عربستان، مصر، شام و آسیای صغیر کرد، به زبانهای رایج عربی، ترکی، اردو، انگلیسی، سانسکریت، اوستایی، پهلوی و کلدانی آشنایی کامل پیدا کرد. وی در تبریز اقامت نمود و مجله‌ی «ماهتاب» را در سال ۱۳۱۶ ش آنجا به مدت یک سال انتشار داد. در دانشکده‌ی ادبیات تبریز تدریس کرد و مدیریت مجله‌ی آن دانشکده را نیز عهده‌دار شد. او کتب زیادی به رشته‌ی تحریر درآورد. از جمله آثار وی: «تاریخ دینی ایران» در دو دوره؛ «دستور زبان فارسی» در سه دوره؛ «بودا در هند»؛ «تخت سلیمان»؛ «پیام فردوسی»؛ به نظم؛ «لغات آذری»؛ «لهجه‌های محلی»؛ «تعلیم و تربیت از نظر غزالی». [۱]

مدرس، ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۸۳، مشهد (محله نوغان).

درگذشت: ۵ خرداد ۱۳۶۱، تهران.

محمد امین طوسی، معروف به ادیب طوسی، فرزند شیخ محمدحسین گیلانی در شهر مشهد به تحصیل پرداخت و در مکتب‌های قدیم و مدارس علوم دینی به کسب علم و دانش مشغول شد و علوم ادبی را از ادیب نیشابوری و حکمت و فلسفه را از آقا بزرگ حکیم آموخت و مدتی نیز در سبزوار نزد حاج ملاهادی سبزواری به فراگیری اصول فلسفه اشراق پرداخت. وی در سال ۱۳۴۲ ق. به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل زبان انگلیسی و تدریس ادبیات مشغول شد و بعد از سه سال اقامت به مشهد بازگشت و در مدارس آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن نیز در مدرسه‌های تهران و یزد و تبریز به تدریس مشغول شد.

ادیب طوسی سفرهایی به ندوتسان و عربستان سعودی و ترکستان و مصر و سوره و ترکیه نمود. از آن پس که به ایران مراجعت کرد به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و چندی در اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ به خدمت پرداخت و سال‌ها نیز در دانشگاه تبریز به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات مشغول بود و در ضمن مدیریت نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» را به عهده داشت. پس از آن که بازنشسته گردید در اواخر عمر به تهران آمد و در این شهر اقامت گزید.

از جمله آثار وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: آموزش و پرورش از نظر غزالی (تبریز، ۱۳۲۰)؛ ایام کودکی (نظم، تهران، ۱۳۱۲)؛ بودا در هند؛ پیام فردوسی (نظم، تهران، ۱۳۱۳)؛ تاریخ دینی ایران قدیم (در دو دوره)؛ تخت سلیمان؛ دستور زبان و معانی و بیان و بدیع فارسی؛ رابطه اوزان شعر یا ترانه‌های محلی ایران (تبریز، ۱۳۳۲)؛ فرهنگ لغات ادبی تبریز (دو جلد، ۱۳۴۹)؛ فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع) (تبریز، دو جلد، ۱۳۴۳)؛ فرهنگ لغات لهجه‌های محلی ایران؛ فقه الغه فارسی؛ لغات آذری؛ تلخیص مثنوی؛ مهرشاه و میهن (نظم، تبریز، ۱۳۲۰)؛ نقد الادب (بغداد). وی همچنین مجله‌ی «ماهتاب» (نشریه‌ی انجمن ادبی آذربایجان) و نیز داستان‌هایی چند را منتشر ساخت. از جمله این داستان‌ها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: انتقام عشق (سه جلد، تبریز، ۱۳۱۹ - ۱۳۱۷)، مرد عجیب، جوکی در جنگل، دخمه‌های سیاه یا کلبه بدبختان (تبریز، ۱۳۲۰)، شب مخوف، درویش گمنام. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ جراید (۴/ ۱۸۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۷ - ۱۰۶ / ۱)، سخنوران نامی (۵۴ - ۴۶ / ۲)، سخنوران نامی معاصر (۱/ ۲۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۷ - ۶۸۵ / ۱).

ادیب کرمانی، غلامحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ح ۱۳۳۰ ق)، مؤرخ، مترجم نویسنده و شاعر، متخلص به ادیب. معروف به ادیب کرمانی. از کرمان به خراسان رفت، سپس به تهران آمد. شغل دیوانی داشته و در اوقات فراغت به مطالعه و تألیف کتب در تاریخ، جغرافیا و سفرنامه می‌پرداخت. او مترجم ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و و قایع نگار ایشان در سفرهایشان بود. وی صاحب دو «دیوان» بوده یکی به فارسی و دیگری به عربی. از آثار اوست: «سفرنامه‌ی خراسان»؛ «سفرنامه‌ی عراق عرب»؛ «تاریخ و جغرافیای مازندران».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شاعران کرمان (۳۴)، الذریعه (۹/ ۶۶)، ستارگان کرمان (۱۵)، فرهنگ سخنوران (۵۳)، لغت‌نامه (ذیل / غلامحسین خان).

ارفع، محمد کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد کاظم ارفع، فرزند سید ناصر الدین ارفع، در سال ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد. دوران تحصیلی دبیرستان را ناتمام رها کرد و به تشویق پدر و شوق خود، روی به آموزش حوزوی آورد. او در حوزه‌ی علمیه‌ی تهران (خیابان ری، بازارچه‌ی

نایب السلطنه) به درس و بحث طلبگی اشتغال یافت. پس از چهار سال طلبگی در آن مدرسه ی علوم اسلامی که برجسته ترین استادش حاج آقا مجتهدی بود، در سال ۱۳۴۲ به حوزه ی علمیه ی قم مهاجرت کرد. استادان بزرگ او در این حوزه عبارت بودند از: آیت الله فاضل لنکرانی، مرحوم آیت الله سلطانی، آیت الله نوری همدانی و مرحوم دکتر مفتاح. پس از درگذشت پدر گرانمایه اش، ناچار شد برای سرپرستی خانواده، از قم به تهران بازگردد و باز همچنان به آموختن علوم و معارف اسلامی، این بار نزد استادان: آیت الله حاج میرزا علی آقا فلسفه در مسجد لرزاده و آیت الله میرزا باقر آشتیانی در مدرسه ی مروی پرداخت. در عین حال، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی، به وعظ و تبلیغ متعهدانه ی انقلابی روی آورد. مترجم گرامی صاحب بیش از پنجاه کتاب اعم از تالیف و ترجمه است و اغلب و بلکه همه ی آنها در زمینه ی علوم و معارف اسلامی و نشر و ترویج فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است. ایشان بر وفق سنتی مرضیه به ترجمه ی قرآن کریم و نهج البلاغه و صحیفه ی سجادیه توفیق یافته است. برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

استاد ولی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین استاد ولی در سال ۱۳۳۱، در تهران متولد گردید. با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی، وارد دوره ی متوسطه دبیرستان شد، و در سال ۱۳۴۸ هم زمان با تحصیل در دوره ی متوسطه، شب ها پس از نماز مغرب و عشاء به مسجد مرحوم حاج ملا محمد جعفر معروف به حوزه ی علمیه ی حضرت آقای شیخ احمد مجتهدی تهرانی می رفت و به فراگیری علوم ادبی و دینی می پرداخت، او تا سطح لمعه را در آنجا فراگرفت. استاد ولی فراگیری علوم دینی را هم چنان پس از این دوره ادامه داد و توانست در این مدت محضر درس اساتید بزرگی را درک نماید. استادولی کار ترجمه و تصحیح را از سال ۱۳۵۴ نزد استاد غفاری آغاز نمود و در این مدت آثار زیادی به چاپ رساند. تصحیح کتاب «الامالی» حسین استاد ولی، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: الهیات و معارف اسلامی

والدین و انساب: پدر حسین استاد ولی، مرحوم عباسعلی، معروف به آقای شیخ عباس از کسبه ی متدین و اهل تهران بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: حسین استاد ولی با به پایان بردن تحصیلات مقدماتی، وارد دوره ی متوسطه دبیرستان شد، و در سال ۱۳۴۸ هم زمان با تحصیل در دوره ی متوسطه، شب ها پس از نماز مغرب و عشاء به مسجد مرحوم حاج ملا محمد جعفر معروف به حوزه ی علمیه ی حضرت آقای شیخ احمد مجتهدی تهرانی می رفت و به فراگیری علوم ادبی و دینی می پرداخت، او تا سطح لمعه را در آنجا فراگرفت. استاد ولی فراگیری علوم دینی را هم چنان پس از این دوره ادامه داد و توانست در این مدت محضر درس اساتید بزرگی را درک نماید.

استادان و مربیان: حسین استاد ولی از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۴ در محضر درس شیخ احمد مجتهدی تهرانی حاضر گردید. در سال ۱۳۵۴ در اثر علاقه ی وافر به علم حدیث (با توسل به ذیل عنایت شیخ صدوق) محضر درس میرزا علی اکبر غفاری را درک نمود. و در فاصله ی سال های ۴۸ تا ۵۷ همزمان با تحصیل در مدرسه ی آقا، در محضر درس حاج سیدهاشم حسینی حاضر گردید. استاد

ولی همچنین در سال ۱۳۶۲ به حوزه‌ی درس آیت الله حاج سیخ محمدتقی شریعتمداری راه یافت و شرح لمعه و بخشی از مکاسب شیخ و چندی نیز خارج المدارک آیت الله حاج سید احمد خوانساری را نزد این استاد فراگرفت. هم دوره‌ای‌ها و همکاران: حسین استاد ولی در سال ۱۳۴۵ با دانشمند گرانمایه آقای میرزا علی اکبر غفاری آشنا شد که ثمره این آشنایی فراگیری روش تصحیح فنی متون اسلامی از آقای غفاری بود. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: حسین استادولی کار ترجمه و تصحیح را از سال ۱۳۵۴ نزد استاد غفاری آغاز نمود و در این مدت آثار زیادی به چاپ رساند. جوایز و نشانها: تصحیح کتاب «الامالی» حسین استاد ولی، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱ اعراب گذاری کتابهای توحید صدوق، ثواب الاعمال، غیبت نعمانی

۲ الامالی

ویژگی اثر: تصحیح کتاب - برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال - یکی از پایه‌های معارف اسلامی سخنان و سیره ائم? اطهار علیهم السلام است، ثقل اصغری که پیامبر اکرم بارها و بارها در حیات خویش به تمسک و پیروی از آن فرمان داده بود. بدین سبب در طول دوران حیات ائم? اطهار محدثین شیعه با دقت و وسواس بی نظیر خود به گردآوری و ضبط احادیث آن بزرگواران پرداختند و حاصل تلاش آنان مجموعه‌های روایی بود که به آیندگان به ارث رسید. علمای اسلامی که پس از عصر ائمه و دوران غیبت کبری به سر می بردند در استمرار این سنت حسنه به نقل روایات ائمه علیهم السلام پرداختند. علاوه بر تألیف کتابهای روایی، این بزرگواران با تشکیل مجالس هفتگی و یا ماهانه به نقل حدیث می نشستند و شاگردان ایشان با کتابت این احادیث مجموعه‌هایی را می پرداختند که در اصطلاح «امالی» نامیده می شود. یکی از علما بزرگ شیعی که چنین مجالسی را برپا می داشت فخرالشیعه ابو عبدالله محمد بن النعمان العکبری الغدادی، معروف به شیخ مفید (متوفی به سال ۴۱۳ هـ.ق) می باشد. شیخ مفید از دانشمندان بزرگی است که در فنون مختلف اسلامی تبحر فراوانی داشته و در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام با قدرت بی نظیری به بحث و مناظره می پرداخته است. کتاب «الامالی» دربرگیرنده ۴۲? جلس? نقل روایت است که اولین آن در ماه مبارک رمضان سال ۴۰۴ هجری و آخرین آن در روز شنبه ۲۷ ماه مبارک رمضان سال ۴۱۱ هجری برگزار شده است و در مجموع حاوی ۳۸۷ حدیث در مسائل مختلف می باشد. در تصحیح کتاب، مصحح محترم با مراجعه به نسخ مختلف و نیز افزودن تعالیق مفید، در مجموع کار ارزنده‌ای را به انجام رسانده که سبب احیای مجدد این کتاب شده است. فهارس تفصیلی اعلام، بیوتات قبایل و اماکن نیز به این کتاب ارزش افزونتری بخشیده است

۳ الامام علی بن ابی طالب (ع)

۴ الامام مهدی

ویژگی اثر: ترجمه

۵ امالی مفید

۶ بحرالمعارف

۷ ترجمه مستقلى از قرآن کریم

۸ دعاهای مفتاح الفلاح

۹ علم الیقین

۱۰ قصه های طاقدیس

۱۱ قصه های عارفان

منابع زندگینامه : www.ketabesal.ir دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی ، به کوشش: بهاء‌الدین خرمشاهی ، تهران: انتشارات دوستان و ناهید، ص ۱۹۶

استرآبادی، محمد مهدی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۱۸۰ - ۱۱۰۰ ق)، منشی و مورخ. ملقب به میرزا مهدی‌خان. در اصفهان تحصیل کرد. و منشی دربار صفوی شد سمت فرمان صدر و لقب کوکب، عنوان باغبان باشی یا ناظر قصور یافت. پس از پیروزی نادر بر افغانه در اصفهان، مهدی نامه‌ای، به عنوان تبریک مردم مازندران به نادر فرستاد و از سال ۱۱۴۲ ق به مدت هجده سال مشاور خاص او شد و از او لقب منشی الممالک یافت و بعد از تاج‌گذاری نادر در سال ۱۱۴۸ ق لقب میرزا مهدی‌خان را گرفت و تنها سمت ضبط وقایع داشت. در جنگها و سفرهای نادر از داغستان تا دهلی و از هرات تا بغداد و نجف همراه وی و یکی از سه شخصیت اصلی دربار بود. در اوایل سال ۱۱۵۸ ق که عثمانیان در جنگ ایروان از نادر شکست خوردند و درخواست مصالحه نمودند، مذاکراتی صورت گرفت میزامهدی به عنوان سفیر نادر به دربار عثمان رفت و در راه بازگشت در بغداد بود که نادر در گذشت. به مشهد آمد و از کارهای دیوانی کناره گرفت و دور از مردم در مدرسه‌ای که بعضی از نسخه‌های نوشته‌ی وی هم اکنون در آنجا یافت می‌شود و وقف فرزندان وی است، به تکمیل تألیفاتش در تاریخ حوادث حکومت نادر پرداخت. سبک نگارش وی شیوه‌ی مترسلان قرن هفتم و هشتم قمری چون وصاف الحضرة است. آثار وی: «جهانگشای نادری»، «دره‌ی نادره»، با نثر مسجع؛ «سنگلاخ»، در ترجمه‌ی لغات ترکی جغتایی، این کتاب سه جلد است جلد اول در مبانی لغت ترکی جلد دوم سنگلاخ است که قسمت اعظم کتاب است و جلد سوم در شرح و تفسیر لغات مشکل فارسی و عربی؛ «مبانی اللغه»، مقدمه‌ی «سنگلاخ»؛ «انشاء الدرر»، که همان «منشآت» است که با انشای دشواری نوشته شده و گواهی روشن بر بلاغت اوست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۸۱۰ - ۱۰۸۵ / ۵)، شرح حال رجال (۱۷۲ - ۱۷۱ / ۴)، صبح گلشن (۴۷۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۵۶ - ۶۵۳ / ۱۲)، لغت‌نامه (ذیل / مهدی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۸ - ۴۴۷ / ۶).

اسفراینی، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، نقاش و فلزکار. اهل اسفراین و از استادان کوفتگر و فلزکار و طلاب کوب زمان خود بود. از آثار بی‌نظیر این هنرمند، پنجره‌ی بی‌نظیری است در آستانه‌ی قدس رضوی که به مهارت تمام شبکه و کنده‌کاری و طلا-کوبی شده و کتیبه‌های زرین و

نقوش هندسی عالی دارد. این پنجره که روی سنگ مرمر نصب شده و فولادی و زرکوب است، با همکاری استادان نامی زمان اتمام یافته و رقم آن چنین است: «عمل حاجی محمد بن علی حافظ اسفراینی تحت شهور محرم ۸۱۷».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۳/۱).

اسکافی، ابوعلی محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۳۶/ ۳۳۲- ۲۵۸ ق)، مورخ و عالم امامی. مشهور به ابوعلی کاتب بغدادی. اجداد او زرتشتی بودند. پیشگام در فنون مختلف و از مشایخ برجسته‌ی شیعه و از معاصران شیخ کلینی بود که در سوق‌العطش بغداد مسکن داشت. وی از شاگردان جعفر بن محمد بن مالک و محمد بن موسی بربری و احمد بن محمد بن رستم نحوی است. تلعه‌بری و ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه و ابوبکر احمد وراق دوری و معافی بن زکریا جریری از او روایت کرده و رجال‌نویسان شیعه از او به صفت‌های ثقه و جلیل‌القدر یاد کرده‌اند. در بغداد درگذشت و در مقابر قریش دفن شد. از آثارش: «الانوار فی تاریخ الأئمة الاطهار (ع)»؛ «التمحیص».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹۲- ۹۱/ ۱۰، ۱۵۶/ ۴)، ایضاح المکنون (۲۷۵/ ۲)، بحارالانوار (۱۷/ ۱)، تاریخ بغداد (۳۶۵/ ۳)، خاندان نوبختی (۲۱۵)، الذریعه (۴۳۲- ۴۳۱/ ۴، ۴۱۳- ۴۱۲/ ۲)، رجال الطوسی (۴۹۴)، رجال النجاشی (۲۹۷- ۲۹۵/ ۲، ۳۰۳/ ۱)، ریاض العلماء (۳۹- ۳۸/ ۶)، ریحانه (۱۲۳- ۱۲۲/ ۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۲/ ۴)، الفهرست للطوسی (۳۲۵- ۳۲۴)، لغت‌نامه (ذیل / ابوعلی و اسکافی)، الکنی واللقاب (۲/ ۲۷)، معجم المؤلفین (۹۳/ ۱۲)، هدیة الاحباب (۹۸).

اشراقی، احسان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احسان اشراقی در سال ۱۳۰۷ در قزوین بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای تخصصی تاریخ از دانشگاه تهران است. وی هم‌اکنون عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد تاریخ دانشگاه تهران می‌باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: تحصیلات رسمی احسان اشراقی به قرار زیر است: کارشناسی رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۸ کارشناسی ارشد رشته تاریخ و علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۱ دکترای رشته تاریخ از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸

همسر و فرزندان: دکتر احسان اشراقی متأهل و دارای یک فرزند می‌باشد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: مشاغل و سوابق مدیریتی و اجرایی دکتر احسان اشراقی به قرار زیر است: مدیریت گروه آموزش

تاریخ دانشگاه تهران بمدت بیست سال معاونت آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه تهران بمدت دو سال عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران
 فعالیتهای آموزشی: احسان اشراقی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران می باشد. ایشان بمدت ۵۰ سال است که در مراکز دانشگاهی و موسسات آموزش عالی به امر تدریس فعالیت دارد.

جوایز و نشانها: جوایز و نشانهای دریافتی احسان اشراقی به قرار زیر است: استاد ممتاز دانشکده ادبیات دانشگاه تهران جشن بزرگداشت و تکریم دکتر اشراقی در قزوین در سال ۱۳۸۰ به علت پژوهشهای علمی و فرهنگی درباره شهر مذکور
 چگونگی عرضه آثار: - ارائه ۵۰ مقاله در زمینه تاریخی - تألیف شش کتاب تاریخی - دارای سه ترجمه (ترجمه یک کتاب از زبان فرانسوی) - ایراد سخنرانی در خارج از کشور در کشورهای همچون فرانسه، انگلیس، آلمان، گرجستان و غیره -----

آثار:

۱ بیهقی تصویرگر زمان

ویژگی اثر: مولف: محمدبن حسن بیهقی، احسان اشراقی (مترجم) ناشر: سخن - ۱۳۸۱

۲ تاریخ جهان آرای عباسی

ویژگی اثر: مولف: محمدطاهر حسین و حیدقزوینی، احسان اشراقی (مترجم)، سیدسعید میرمحمدصادق (مترجم) ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - ۱۳۸۳

۳ خلاصه التواریخ

ویژگی اثر: مولف: احمدبن حسین منشی قمی، احسان اشراقی (مترجم) ناشر: دانشگاه تهران - ۱۳۸۳

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اشرفی اصفهانی، عطاءالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه، مجتهد.

تولد: ۱۲۷۹، سده اصفهان (خمینی شهر).

شهادت: ۲۳ مهر ۱۳۶۱، کرمانشاه.

آیت الله میرزا عطاءالله اشرفی اصفهانی پس از آموختن مقدمات در خمینی شهر در سن دوازده سالگی رهسپار حوزه علمی اصفهان گردید و پس از ورود به اصفهان در مدرسه ی نوریه واقع در بازار عتیق سکونت کرد. ادبیات و سطح را نزد اساتید حوزه علمی اصفهان، حضرات آیات عظام محمد حسین فشارکی و سید مهدی درچه‌ای تلمذ نمود. پس از پایان تحصیلات سطح فقطه و اصول، برای ادامه تحصیل و کسب علوم اسلامی در سن بیست سالگی رهسپار حوزه علمی قم گردید و در سال ۱۳۵۰ ق. در آن شهر اقامت گزید و مدت یک سال از آیت الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمی قم، کسب علم نمود. پس از فوت آیت الله العظمی حائری، نزد آیت الله سید محمد بهجت کوه کمره‌ای آیت الله سید محمدتقی خوانساری و آیت الله سید حسن صدر مدت ده سال به کسب علم مشغول بود. همچنین مدتی از آیت الله فیض کسب دانش نمود. ایشان تمامی دروس آیت الله

حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری را نوشته‌اند. آیت‌الله اشرفی منظومه حکمت و اسفار را نزد حضرت امام خمینی (ره) فراگرفتند. پس از ورود آیت‌الله سید حسین بروجردی به حوزه علمیه قم و اقامت در قم، آیت‌الله اشرفی مدت دوازده سال از محضر درس ایشان بهره گرفت و تمامی دروس فقه آن فقیه را نوشت.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی سپس به تدریس دروس سطح رسائل و مکاسب در حوزه اشتغال ورزید و شاگردانی تربیت کرد. ایشان از مراجع تقلید آیات عظام اصفهانی، خوانساری، کوه کمره‌ای، صدر بروجردی، شیرازی و شاهرودی اجازه در امور حسبه گرفتند و در سن چهل سالگی توسط آیت‌الله العظمی خوانساری برای ایشان اجازه اجتهاد صادر شد. در سال ۱۳۴۲ نیز از حضرت امام خمینی (ره) وکالت مطلق و نمایندگی در سال ۱۳۴۲ برای وی صادر شد. ایشان وکالت مطلق از آیت‌الله گلپایگانی نیز داشتند.

از جمله خدمات آیت‌الله اشرفی می‌توان به این موارد اشاره نمود: تجدید بنای مسجد ولی عصر (ع) در خمینی شهر، ساختمان مسجد امام حسین (ع) در خمینی شهر، ساختمان مکتب‌الزهرا، تأسیس حوزه علمیه امام خمینی در کرمانشاه، مسئولیت امور تبلیغی روحانیون تسنن استان کرمانشاه (که از سوی امام به عهده ایشان واگذار شده بود).

پس از تأسیس مدرسه علمیه در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۳۴ توسط آیت‌الله سید حسین بروجردی ایشان به همراه مدرس‌های دیگر از قم به کرمانشاه رفتند. پس از فوت آیت‌الله بروجردی ایشان در همان جا باقی ماندند. وی از جمله کسانی بود که پس از شهادت فرزند امام، آیت‌الله سید مصطفی خمینی، مجلس بزرگداشت همراه با اعلامیه چاپ شده برگزار کرد. آیت‌الله اشرفی چندین بار مورد تهدید رژیم پهلوی قرار گرفت اما به واسطه نفوذ مردمی‌اش، نتوانستند تبعیدش کنند. زمانی که رژیم عراق امام خمینی (ره) را از عراق اخراج کرد، آیت‌الله اشرفی ساعت سه نیمه شب در منزل دستگیر و پس از یک ساعت توقف در ساواک به اتفاق حجت‌الاسلام بهاء‌الدین عراقی به تهران برده و در کمیته شهربانی در سلولی بازداشت کردند. وی بر اثر فشار مراجع تقلید پس از چند روز آزاد شد. در هنگام اوج گیری انقلاب، در تمام راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد و مردم را به شرکت در کلیه راهپیمایی‌ها و اعتصابات دعوت می‌نمود. اولین راهپیمایی که همزمان با راهپیمایی تهران بود و درعید فطر سال ۱۳۵۷ رخ داد، به دعوت ایشان پس از انجام نماز عید از مسجد آیت‌الله بروجردی تا مسجد آیت‌الله جامع انجام شد. آیت‌الله اشرفی امام جماعت مسجد آیت‌الله بروجردی بود. همچنین پس از انقلاب، در ذی‌العقده ۱۳۹۱ ق. (۱۳۸۵) از سوی بینانگذار انقلاب، به امامت جمعه شهر کرمانشاه منصوب شدند که تا پایان عمر امام جمعه همین شهر بودند.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی در بیست و سوم مهر ۱۳۶۱ در کرمانشاه به شهادت رسید.

عطاء اصفهانی از علماء مبرز و ممتاز معاصر کرمانشاه است.

معظم له در حدود ۱۳۳۸ قمری در سده (خمینی‌شهر) اصفهان متولد شده و پس از رشد و خواندن ادبیات و قسمتی از سطوح در اصفهان به قم مهاجرت نموده و پس از پایان و تکمیل سطوح عالی از مدرسین بزرگ حوزه چند سالی از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حایری یزدی و بعد مرحوم آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی حاج سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله صدر و پس از ورود مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی از محضر و اباحت آنجناب استفاده وافیه و کافی و ضمناً تدریس سطح فقه و اصول نموده تا هنگام تأسیس حوزه علمیه کرمانشاه و بناء مدرسه آن مرحوم به امر معظم له به اتفاق چند نفر از علماء و مدرسین بزرگ چون آیت‌الله حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی و بعضی از اعلام دیگر به کرمانشاه عزیمت و تا حال بیش از بیست سالست که در مسجد مدرسه مزبور به اقامه جماعت و تدریس و ارشاد مردم اشتغال دارند.

نگارنده گوید: جناب آقای حاج آقا عطاء اصفهانی از دانشمندان موصوف به فضل و کمال و تقوا و متانت و بیش از سی سالست که افتخار شناسائی معظم له را دارم عالمی متقی و متصف به اوصاف جمیله و محامد اخلاق و ملکات فاضله می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

اصفهانی کاظمینی، محمد حسین

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن کرم علی، متولد در حدود ۱۱۷۰. پدر و جدش تجارت می کرده‌اند. خود در اوایل جوانی اندک [تجارت و سپس] تحصیل علوم نموده، سال‌ها به سیر و سیاحت در اطراف شهرها پرداخته، و خدمت جمعی کثیر از علما و بزرگان رسیده، و چون از سفر خسته شد در کاظمین ساکن گردیده، و مدت سی سال در آن ارض اقدس مجاور بوده، در سال ۱۲۲۷ شروع به تألیف کتابی کشکول مانند نموده، و آنچه در مسافرت‌ها و شهرها دیده و شنیده است در آن جمع‌آوری کرده است. و دیگر: جامع التواریخ که در ۱۲۲۸ تألیف شده است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

اصفهانی، زین العابدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۰۲ ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. معروف به میرآقا و میر زین العابدین. در اصفهان به دنیا آمد. وی جد حاج مصورالملکی اصفهانی بود و در قلمدان و قاب آینه‌سازی و آثار روغنی چاپک دست و پرتوان. او همچنین در مرغش سازی رنگارنگ نیز مهارت داشت. این استاد گل و مرغ و تصاویر حیوانات بخصوص پرندگان را به حلاوت تمام رسم می‌کرد و در آرایش گلها و حل‌کاری آنها استادی بصیر به شمار می‌رفت. ادیب الممالک فراهانی در اشعار خود وی را ستوده است:

... خامه بر تارخ تصویرش رقم زد

نقش نقاشی نمود این صنع زیبا (۱۳۰۲)

از آثار او: قاب آینه گل و مرغی با زمینه‌ی مرغش که حواشی و جداول آن به انواع گلها آرایش شده و شیوه‌ی گل و مرغها در بیک علی اشرف است، با رقم: «هو رقم کمترین زین العابدین اصفهانی ۱۲۷۵»؛ قلمدان گل و مرغ زیبایی که را وسط و رویه آن تصاویر ریز پروانه جلب نظر می‌کند، با رقم: «زین العابدین ۱۲۸۹»؛ قاب آینه مرغشی سبز رنگ که در رویه‌ی آن گل سرخ زیبایی جلب نظر می‌کند و به خط شکسته‌ی زیبا چنین رقم نهاده: «رقم کمترین زین العابدین اصفهانی سنه ۱۲۸۰».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲۱۴/۱)، هنر قلمدان (۱۵۶).

اصفهانی، مصطفی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۹۵ ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. وی به غیر از استاد مصطفی امامی حسینی است. این هنرمند در شیوه‌ی آقا رحیم کار می‌کرده و در قلمدان‌سازی دست داشته است. از آثار او قلمدان گل و مرغ خوش نقشی به شیوه‌ی سیاه قلم که معیار هنری گل و مرغ‌ها، با آثار مصطفی امامی تفاوت زیادی دارد. زمینه‌ی قلمدان، حل کاری برگ و گل است و داخل و زیر آن تذهیب شده، با رقم: «حسب الفرمایش... رقم کمترین مصطفی اصفهانی سنه ۱۲۹۵».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳/۱۱۵۷)، هنر قلمدان (۱۲۰-۱۱۹).

اصفهانی، نجف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا نجف اصفهانی فرزند آقا بابا نقاش، قلمدان‌ساز معروف دوره‌ی قاجاریه، در شهر اصفهان متولد شد. وی مشهورترین استادی است که دست به تهیه‌ی قلمدان زده است. امضای آقا نجف در روی قلمدانها جمله‌ی «یا شاه نجف» است. از آقا نجف قلمدانهایی در دست است که تاریخ آنها بین ۱۲۳۰ و ۱۲۷۲ ه.ق است. در سن هفتاد سالگی در شهر اصفهان درگذشت و همانجا مدفون شد. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

اصفهانیان، داود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تاریخ و تحصیلات عالی در زمینه‌های تاریخی در ایران و دانشگاه کمبریج انگلستان.

مرتبه علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری در سال ۱۳۵۶.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ فرهنگ ایران و تاریخ عصر مغول و ایلخانان و ادوار مختلف تاریخ اروپا، نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تاریخی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۵

زمینه علمی مقالات:

تاریخ، فرهنگ و هنر.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

اصلاح عربانی، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم اصلاح عربانی یکی از محققان معاصر استان گیلان است. او مدیر عامل گروه پژوهشگران ایران می باشد. مهمترین اقدام علمی و فرهنگی ایشان، انتشار نشریات و کتب متعددی است که در حیطه ایران شناسی مورد نظر می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای: ابراهیم اصلاح عربانی تحصیلات حویش را در ناحیه عربان صومته سرا آغاز کرد. سپس برای ادامه تحصیل به رشت و تهران عزیمت کرد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ابراهیم اصلاح عربانی اصلاح عربانی، مدیر عامل گروه پژوهشگران ایران می باشد. فعالیتهای آموزشی: ابراهیم اصلاح عربانی ضمن فعالیتهای اقتصادی و بازرگانی و علاقه به کارهای فرهنگی فعالیت مطبوعاتی در روزنامه ها را آغاز نمود. سپس سازمان کوچکی را با نام «فار» به وجود آورد و در این سازمان نشریه ای را با همین نام منتشر کرده است. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: ابراهیم اصلاح عربانی علاوه بر سازمان فار، سازمان نیز تحت عنوان گروه پژوهشگران ایران تاسیس کرد که به کارهای تحقیقاتی در زمینه ایران شناسی می پردازد. همفکران فرد: استادان و دانشمندان همچون دکتر محمد حسن گنجی، دکتر حسن حاج سید جوادی، دکتر فرج الله محمودی، دکتر ایرانپور جزنی، دکتر حبیب الله زنجانی، دکتر عباس سعیدی، دکتر محمد طاهر نظامی از جمله همفکران ابراهیم اصلاح عربانی هستند که در امور پژوهشی و تحقیقاتی از افکار یکدیگر بهره می برند. آثار: راهنمای شهرستانهای ایران ویژگی اثر: این کتاب در سال ۱۳۴۶ شمسی در ۶۴۵ صفحه منتشر گردیده است. انتشار این کتاب که حاوی اطلاعات ارزنده ای در مورد تمام شهرستانهای ایران می باشد مورد استقبال قرار گرفته است. ۲. فرهنگ استان بنادر ویژگی اثر: انتشار این فرهنگ مورد توجه کارشناسان طرح و برنامه ریزی وزارت کشور قرار گرفته و تصویب گردید که برای هراستانی کتابی بی نظیر فرهنگ استان بنادر تهیه می شود. ۳. کتاب گیلان ویژگی اثر: این کتاب از مجموعه کتابهای همه جای ایران می باشد که در آن هزاران عکس نقشه، نمودار و مقاله در مورد استانهای مختلف کشور گرد آوری شده است.

اصلائی، مختار

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مختار اصلائی

محل تولد: مراغه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مختار اصلانی در سال ۱۳۵۲ در یکی از روستاهای شهرستان مراغه در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدائی را در همان روستا و تحصیلات راهنمایی را در بخش خراجو به پایان رسانده و جهت ادامه تحصیل در دوره دبیرستان مجبور به ترک خانواده شده و در شهر مراغه و دبیرستان خواجه نصیر به ادامه تحصیل پرداختم.

روحیات مذهبی و فطرت پاک روستائی با محیط شهر و دبیرستان خیلی سازگار نبود، از این رو همیشه دنبال گمشده ای می گشتم که در محیطی سالم و مطابق با روحیات مذهبی و انقلابی بتوانم ادامه تحصیل بدهم که با راهنمایی یکی از دوستان، حوزه علمیه را مناسبترین جا تشخیص داده و در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه شهرستان بناب شدم و بعد از اتمام سطح یک برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۵ به شهر قم مهاجرت کرده و بعد از اتمام سطح در درس خارج اصول و فقه حضرات آیات: مکارم شیرازی و سبحانی شرکت نمودم.

در کنار دروس حوزه در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام به مدت دو سال دوره دیده و در گروه تاریخ مرکز مطالعات حوزه مشغول به تحقیق شدم که حاصل کارهای تحقیقی بنده چاپ ده ها مقاله در مجلات و روزنامه ها و چاپ کتابی به نام "تاریخ پیدایش شیعه" بوده است.

اعمش، ابو محمد سلیمان

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۸ - ۶۱ ق)، قاری، حافظ و محدث شیعی. اصل او از نواحی ری بود و در قریه‌ی امه طبرستان، در روز عاشورا، به دنیا آمد. در کودکی او را به کوفه آوردند. شیخ طوسی او را از اصحاب امام صادق (ع) شمرده و ابن شهر آشوب او را از خواص اصحاب امام خوانده است. علمای عامه نیز او را از شاگردان امام صادق (ع) دانسته و برتری او را بر دیگران در قرائت قرآن و علم به فرائض و حفظ حدیث پذیرفته و تجلیل و تعظیم کرده‌اند. ابن ابی لیلی، قاضی کوفه، اعمش را سرور و بزرگ کوفه معرفی می‌کرد و یحیی بن قطان گیود که از علامه اسلام بود و عجللی گوید که او در عصر خود محدث کوفه بود و چهار هزار حدیث از او نقل شده، لیکن کتابی از وی در دست نیست. ذهبی از او به عنوان شیخ قاریان و شیخ محدثان نام می‌برد و او را یکی از ائمه ثقات می‌داند. حمزه و زائده بر وی قرائت کرده‌اند و کسائی بر زائده به قرائت اعمش قرائت کرده است. حکم بن عتبه و ابواسحاق سبیبی و ابان بن تغلب و ابوحنیفه و اوزاعی و جریر بن عبدالحمید و حفص بن غیاث و سفیان بن عیینه و سفیان ثوری و یحیی بن سعید قطان و شعبه و ابونعیم و خلق بسیاری از اعمش حدیث شنیدند. بخاری و مسلم و ترمذی و ابوداؤود و نسائی و ابن ماجه در «صحاح» ششگانه خود از او حدیث نقل کرده و ابن معین و نسائی و عجللی او را توثیق نموده‌اند. میرداماد در «رواشح السماویه» به شرح حال او پرداخته و شیخ بهائی در «توضیح المقاصد» گوید که او شیعه امامی و از زهاد و فقهای عصر خود بود و از تواریخ چنین برمی‌آید که او شیعه امامی است. به گفته عیسی بن یونس او با این که بسیار فقیر بود اما اغنیا و سلاطین در چشمش بسیار حقیر بودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اصحاب امام صادق (ع) (۲۴۷-۲۳۱)، اعیان الشیعه (۳۱۸-۳۱۵/۷)، تذکره الحفاظ (ج ۱، ط ۱۵۴/۴)، تقریب التهذیب (۳۳۱/۱)، تنقیح المقال (۶۶-۶۵/۲)، تهذیب التهذیب (۲۰۴-۲۰۱/۴)، رجال الطوسی (۲۰۶)، سیر النبلاء (۲۴۸-۲۲۶/۶)، الکنی واللقاب (۴۷-۴۵/۲)، لسان المیزان (۳۷۸/۸)، المعارف (۲۶۸)، الملل و النحل (۱۵۰)، میزان الاعتدال (۲۲۴/۲)، النجوم الزاهره (۱۰-۹/۲)، الوافی بالوفیات (۴۳۱-۴۲۹/۱۵)، و فیات الاعیان (۴۰۳-۴۰۰/۲).

افشاری کاشانیان، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهندس حسن افشاری کاشانیان در تهران متولد شد و پس از تحصیلات ابتدایی برای ادامه تحصیلات متوسطه به دبیرستان رفت. در دبیرستان بود که شیفته‌ی موسیقی ایرانی گردید و آروز می‌کرد که روزی بتواند سازی را بسازد و یا آن را بنوازد. پدر او ضمن این که خود با موسیقی مأنوس و به آن علاقه داشت معهدا پسر را از یادگیری این هنر منع می‌کرد و می‌گفت که باید بیشتر به درس و مشق خود برسد تا به موسیقی و نوازندگی و برای همین منظور سخت وی را زیر نظر قرار می‌داد تا او از درس غفلت نرزد، ولی وی روزها که به دبیرستان می‌رفت در راه با خود تصنیف‌های خوانندگان را زیر لب زمزمه می‌کرد به طوری که از فرط علاقه بیش از یکصد تصنیف از خوانندگان مختلف را از حفظ داشت.

در همین سال‌هایی که مشغول تحصیل در دبیرستان بود، ازدواج کرد ولی باز هم عشق به موسیقی و یادگیری آن از سر او بیرون نرفت و پس از فوت پدر بود که با تمام گرفتاری‌های خانواده و تحصیل یک ساز آکوردئون خریداری کرد و نزد خود و با کمک چند کتاب شروع به یادگیری و نواختن این ساز نمود و در دوران خدمت سربازی این آموخته‌ها را به حد کمال رساند. وی چون از وضع مالی نسبتاً خوبی بهره‌مند بود پس از خاتمه خدمت سربازی جهت ادامه تحصیل عازم آمریکا گردید و بعد از اخذ مهندسی الکترونیک به وطن بازگشت و آموخته‌های خود را در راه پیشرفت و آبادانی ایران عزیز قرار داد.

وی حدود یک سال و نیم نزد خانم شهنازی همشیره علی‌اکبرخان شهنازی رفت و نواختن ساز تار را نزد ایشان فراگرفت تا این که در سال ۱۳۶۲ با مهندس سعید تجویدی (فرزند استاد علی تجویدی) آشنا شد که در اینباره مهندس حسن افشاری کاشانیان می‌گفت:

«پس از آشنایی خود در سال ۶۲ با مهندس سعید تجویدی که یکی از همکاران خوب و عزیزم می‌باشد، از ایشان خواستم که امکان فراگیری و نواختن ساز تار را نزد جلیل شهناز برای من از طریق پدرشان فراهم آورند، ایشان اظهار داشتند که استاد جلیل شهناز کلاس تعلیم فعلاً ندارند. چون در این زمان بود که امکان زیادی برای یادگیری موسیقی برایم فراهم بود، لذا تصمیم گرفتم نزد استاد علی تجویدی بروم و اصول و گوشه‌های موسیقی ایرانی را بخصوص ردیف‌های شادروان ابوالحسن صبا را فراگیرم تا بعداً بتوانم آموخته‌ها و اطلاعاتم را روی ساز تار پیاده کنم.

روزی که به منزل استاد علی تجویدی رفتم و در همان ابتدای ورودم به منزل ایشان ویولونی نظر مرا جلب کرد که بسیار زیبا و خوش‌خوان بود، داخل آن اسم استاد ابراهیم قنبری حک‌گردیده بود، باور نمی‌کردم که این کار یک استاد ایرانی باشد. از آن پس در جستجوی ایشان برآمدم تا او را بهتر بشناسم، در یکی از جلسات تعلیم ویولن در منزل استاد، دوباره با ساز سه‌تار زیبا و بی‌نظیری با طرح و نقشی استثنایی که دیدم یک چنین اثری فقط در موزه‌ها امکان‌پذیر است روبرو شدم که متوجه گردیدم این نیز کار استاد

قنبری است. تصمیم گرفتم سازی از کارهای ایشان را تهیه کنم ولی با کمال تأسف متوجه شدم که استاد به علت گرفتاری‌های کاری فرصت ساختن ساز برای همه را ندارند و اصولاً کسانی که خصوصیات هنری و اخلاقی‌شان مورد تأیید استاد باشد هم باید سال‌ها به انتظار باشند تا این که افتخار داشتن ساز ایشان را داشته باشند.

در همین ایام نیاز به سازی خوش‌خون مثل ساز استاد آرام آرام این فکر را در من ایجاد می‌کرد که شاید بشود با بررسی و علاقمندی و پشتکار و استعداد هنری خود این کار را آغاز کنم. ابتدا موضوع را با استاد تجویدی در میان گذاشتم، ایشان قول دادند در فرصتی مناسب ترتیب این کار را بدهند و من از همان زمان، ساز سه‌تار ساخته شد استاد قنبری را، الگوی خویش قرار دادم و شبانه‌روز، روی آن فکر و بررسی می‌کردم، تا این که در اواخر سال ۱۳۶۴ تمام اطلاعات و اندازه‌های مختلف را ثبت کردم، یک شب در کلاس درس استاد با آقای دکتر صرافی که از دوستان استاد تجویدی هستند آشنا شدم، ضمن صحبت در مورد ساختن ساز، ایشان گفت:

«شما که تمام اطلاعات را دارید بهتر است با استاد حسین مسعود آشنا شوید و زیر نظر ایشان کار را شروع کنید».

از ایشان تشکر کردم، استاد تجویدی بعداً امکان آشنایی مرا با استاد مسعود فراهم آوردند و پس از چندی در خدمت این استاد توانستم کار تارسازی را شروع کنم و از راهنمایی‌های بی‌دریغ ایشان استفاده نمایم و می‌توانم بگویم که اگر اطلاعات و راهنمایی‌های این استاد نبود، شاید سال‌ها می‌بایستی تجربه کسب کنم تا بتوانم به اندازه یک روز در محضر ایشان چیز یاد بگیرم. به هر حال پس از مدتی توانستم تعدادی تار و سه‌تار بسازم ولی قبل از اینکه آنها را جمع کنم لازم دیدم که هر طور شده نظر استاد محترم آقای قنبری را هم جویا شوم، لذا از دوست عزیزم آقای دکتر هادی پورتراب که با استاد دوستی دیرینه داشتند خواهش کردم که هر طور هست ترتیب این ملاقات را با استاد بدهند و ایشان هم قول دادند که در اولین فرصت مرا به استاد معرفی کنند، البته حدود یک سال و نیم طول کشید و کارهای انجام شده به همان صورت ماند تا این که یک روز ایشان اطلاع دادند که روز سه‌شنبه استاد تصمیم دارند که به کارگاه شما بیایند، من از شوق و شادی آرام و قرار نداشتم و آن روز یکی از بهترین روزهای فراموش‌نشده‌ی زندگی من است.

آن روز عصر استاد قنبری تا عصر منزل ما بود و من توانستم تمام سؤالات خود را از ایشان بپرسم و استاد هم دستوراتی فرمودند و در مورد ساختن ساز سه‌تار هم اظهاراتی داشتند: «که شما مدتی فرصت دهید تا من اصول ساخت سه‌تار ترکه‌ای را به شما یاد دهم. و سپس فرمودند: من مصمم هستم که این کار را بکنم و باید این امکان را برای شما فراهم آورم».

من که در مقابل این همه ایثار و بزرگواری، واقعاً درمانده بودم که چه جوابی بدهم، اصلاً جوابی برای گفتن نداشتم و خود را در مقابل استادی وارسته و بی‌نیاز و دلسوزی می‌دیدم که در زمانه بی‌نظیر است.

به هر حال ایشان همان‌طور که فرموده بودند در منزل ما و در همان کارگاه ناقص کار را به بنده آموختند و تمام اصول و ریزه‌کاری‌های مربوط را یا به وسیله تلفن و زمانی هم در منزل خودشان به من یاد دادند و اکنون قادر هستم که تمام فکر و وقت خود را به این کار اختصاص دهم و جا دارد که من متواضعانه از زحمات استاد قنبری و استاد مسعود که در راهنمایی و ارشاد و تعلیم در این راه پرپیچ و خم و پر از فراز و نشیب حق بزرگی به گردن من دارند قدردانی نمایم و فکر می‌کنم که بهترین سپاس از استاد قنبری این است که راه و رسم استاد و خصوصیات اخلاقی و بی‌نیازی عارفانه ایشان را دنبال نمایم. من از ایشان تنها ساختن ساز را نیاموختم، بلکه درس‌های معنوی و اخلاقی را که استاد با ظرافت‌های خاص خودشان مطرح و من توانستم درس‌های اخلاقی و آزادگی هم از ایشان فرا بگیرم و اذعان نمایم که کسی می‌تواند ادعای شاگردی این استاد فرزانه و والامقام را بکند که مثل ایشان فکر کند و عمل نماید.

پس از گذراندن دوره آموزش تصمیم به ساختن الگویی نمودم که اصول آن قبلاً توسط استاد طرح شده بود و این به آن خاطر بود

که بتوانم شایستگی خود را نسبت به آموخته‌هایم ثابت کنم و اکنون نیز در فکر ساختن ویولن هستم که امیدوارم بتوانم از این راه خدمتی به جامعه هنری و صنعت سازسازی کشور بکنم، ناگفته نماند که این حرکت در من به هیچ گونه انگیزه‌ی مادی نداشته تنها ارضاء هنری و شناخته‌هایم بوده است و اکنون هم که ده سال از ادامه این راه می‌گذرد ذکر این مهم که تمدن هنری هر جامعه بستگی دارد به هنرمندان لایق و دلسوز در تمام زمینه‌های هنری و برای ارائه یک اثر هنری والا و ارزشمند و برتر به داشتن ابزار مناسب می‌باشد، بخصوص در فن نوازندگی بی‌شک در اختیار داشتن ساز مناسب، هنرمند را قادر می‌سازد که خلاقیت هنری خودش را به نحو دلخواه ارائه نماید و از طرفی ساختن ساز نیاز به بررسی و تجربه و بخصوص ابتکار و نبوغ و آشنایی کامل با فن نوازندگی را طلب می‌کند، که البته در کارهای ساختمانی ساز نیز مهارت و دقت از اولویت خاصی برخوردار است.

در اینجا از همسر فداکارم که واقعاً در راه به ثمر رسیدن زندگیم و شکوفا شدن استعداد هنریم این امکان را به من دادند که بتوانم در خدمت هنر و صنعت ایران زمین باشم قدردانی و سپاسگذاری کنم و همچنین از فرزندان عزیزم دو دخترم که یکی از آنها علاوه بر تحصیلات عالی در رشته‌های رادیولوژی از دانشگاه تهران و رشته مامائی از دانشگاه آزاد، دختر دیگرم در رشته مترجمی زبان انگلیسی و پسرم فرید که ساز تخصصی وی پیانو می‌باشد و در واقع هر سه با نواختن چند ساز و آشنایی با دستگاههای موسیقی سنتی ایران مرا تشویق به ادامه‌ی کارم کردند تشکر کنم. در خاتمه از تمام کسانی که به طور گمنام در راه تداوم و اعتلای هنر این مرز و بوم زحمت کشیده و می‌کشند و بخصوص دوست عزیزم خادم دیرآشنای مطبوعات ایران آقای حبیب‌الله نصیری‌فر که واقعاً جهت آشنایی ملت ایران با هنرمندان و سازندگان این سرزمین و جامعه هنری همت و تلاش و پیگیری نموده‌اند قدردانی کنم.»

مهندس احمدعلی سهراب‌زاده که از دوستان و اقوام وی می‌باشد و طی سالیان زیادی با مهندس افشاری کاشانیان رفت و آمد و نشست و برخاست داشته است می‌نویسد:

«آقای حسن افشاری از سازندگان ماهر و باسلیقه آلات و لوازم موسیقی از قبیل: ضرب، سه‌تار، ویولن و تار و سنتور می‌باشد و در ساختن آلات موسیقی برای بهبود صدا و زیبایی و کیفیت آنها از نظر علمی و عملی و فنی مطالعات و تحقیقات فراوان نموده است. این هنرمند در ساختن ویولن به حدی مهارت و تسلط داد که تشخیص ویولن‌های ساخت وی از بهترین ویولن‌های ساخت کارخانجات خارجی مقدور نیست معهداً بر اثر ذوق و استعداد فطری و توجه کافی و به کار بردن نکات علمی و فنی در سازندگی آلات موسیقی بخصوص ویولن به پیشرفت‌های شایان توجه و تکامل فوق‌العاده‌ای دست یافته است و این از سازهای ساخته شده توسط وی نمایان است و به قول معروف:

مشک آن است که خود ببوید

نه آنکه عطار بگوید

بی‌شک در هنر موسیقی و سازندگان لوازم وابسته به این هنر در زمان گذشته و حال تاریخ کشور ما، نوابغی و استادانی بزرگ بوده‌اند که موجب پیشرفت روزافزون و تکامل آن از هر جهت گردیده‌اند. هر کدام از این اساتید گنجینه و سرمایه‌ای عظیم و پربها برای موسیقی ایران بوده و خواهند بود.

در این راستا کسانی بودند و هستند که اصلاً دنبال شهرت طلبی و مادی‌گرایی نبودند و تنها به هنرشان فکر می‌کنند و من خیلی از این قبیل هنرمندان را از نزدیک می‌شناسم که یکی از ایشان همین مهندس حسن افشاری می‌باشد. وی به سال ۱۳۲۳ در محله قنات آباد تهران خیابان مولوی متولد شد. از سن ده سالگی با رادیو و از طریق مجلات موزیک موسیقی آشنا شد و در سال سوم متوسطه که مشغول تحصیل بود ازدواج کرد و از همین سال هم با خرید یک ساز آکوردئون مشغول فراگیری و نواختن این ساز شد سپس به خدمت سربازی رفت و پس از پایان خدمت سربازی جهت ادامه تحصیل عازم آمریکا شد و پس از پایان تحصیلات عالی به وطن بازگشت و در سال ۱۳۵۳ به استخدام سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران درآمد و پس از چندی توسط دوست خود آقای

مهندس سعید تجویدی نزد آقای علی تجویدی استاد موسیقی سنتی ایران رفت و به تحصیل علم موسیقی پرداخت و پس از چندی توسط ایشان با استاد مسعود که خود از سازندگان خوب و ممتاز ساز تار می‌باشد آشنا شد و مشغول ساختن تار گردید و پس از تکنیک سه‌تار سازی و ویولن را از ایشان آموخت و در سفری که پس از چندی به کشور آلمان نمود، زیر نظر آقای بالزویت استاد ویولن ساز کارخانجات آلمان، ساخت و تعمیرات و رگلاژ سایر مسائل مربوط به این ساز را فراگرفت و اطلاعات باارزشی را کسب کرد که در مراجعت به کشور، ابزار و لوازمات مربوط به ساخت ویولن را با خود به ایران آورد و اکنون دور از سروصدا و شهرت طلبی‌های کاذب و مادی ولی با عشق و علاقه در تحقیق و تفحص در این راه تلاش می‌نماید. چون با شناختی که بنده با موسیقی و هنرمندان این رشته دارم، معتقدم که فیزیک ساز و صدای آن باید طوری باشد که نوازنده سر ذوق آمده و از نواختن و دیدن شکل ساز لذت ببرد و چون خود گوشه‌ها و نغمات موسیقی ایرانی هم، این حالت عاطفی را شدید و افزون می‌کند، لذا نوازنده تحت تأثیر این سه جریان که عبارت است از: زیبایی، طنین صدا و شکل و حالت ساز که البته خود سازنده هم باید در این رابطه با زیباشناسی، صداشناسی و حتی نواختن ساز هم آشنایی کامل داشته باشد به اضافه مسائل فنی و تکنیک که فیزیک ساز را هم بداند.

به هر حال وی در زمانی که در آلمان مشغول تحصیل و فراگیری ساخت ویولن بود، توسط آقای بالزویت به عضویت انجمن ویولن سازان درآمد که مقر این انجمن در دانشگاه ساندیگو کالیفرنیا می‌باشد و این خود کمک بزرگی برای او بود تا در جریان گذشتگان در این رشته با اطلاع شود این جلسات هر ماهه در دانشگاه ساندیگو با حضور اعضاء تشکیل می‌شود و به نقد و بررسی و ارزیابی مسائل در مورد هنر و صنعت ویولن سازی اعم از چوب و مراحل ساخت تا رنگ آمیزی می‌پردازد و اطلاعات و نتایج به دست آمده در بولتن انجمن زیر نظر رئیس انجمن آقای وینستون ماس ماهیانه برای اعضاء انجمن در تمام جهان ارسال می‌شود.

تا آنجا که من اطلاع دارم، آقای مهندس افشاری کوشش دارد تا سایر سازندگان ساز ویولن را در ایران عضو این آکادمی جهانی کند تا از این شناخت بیشتری از صنعت سازسازی کشور به جهانیان بدهد.

مهندس افشاری، می‌گفت: «از راهنمایی‌ها و کمک برادران هوشنگ و سیاوش اکبری که به حق از شاگردان خوب و شایسته استاد قنبری می‌باشند بهره فراوان بردم و این شاگردان بافضیلت از خوی و خصلت عاطفی و جوانمردی و بی‌نیازی استاد خود ابراهیم قنبری مهر بهره‌ور گشته‌اند و به استاد و شاگردان شایسته او تبریک و خسته نباشید می‌گویم».

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

افضل کرمانی، افضل‌الدین، ابوحامد، احمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۱۳ ق)، مورخ، طیب و شاعر. از تاریخ‌نویسان بزرگ زبان فارسی که به ظاهر از بردسیر کرمان بود. وی در اواخر عهد قاوردیان و انقلابات کرمان و عهد تسلط غزان بر آن سرزمین به سر می‌برد و در آن جا به تدریس و طبابت مشغول بود. و با ملک دینار از ملوک غز که در اول رجب سال ۵۸۳ ق بر کرمان استیلا یافته بود معاصر بوده است. بعد از آن نیز شاهد کشاکشهای عمال اتابک فارس، سعد بن زنگی و قطب‌الدین مبارز، امیر شبانکاره و سلطان محمد خوارزمشاه برای تسلط بر کرمان بوده و آثار خود را در این کشاکشها تالیف نموده است. ظاهراً در شروع بحران کرمان و اختلاف میان پسران طغرل شاه یعنی بهرام شاه و ارسلان شاه و ترکان شاه، نظر به آشنایی که با امرا و وزراء و اشراف داشت چند سالی عمل انشاء آن امیران و وزیران به او تفویض شد، لیکن بر اثر دوام

بحران ناگزیر جلای وطن و قصد خراسان و دربار ملک طغان شاه بن موید آی ابه را کرد و راه خراسان پیش گرفت و در کوه بنان متوقف شد و پنج سال آنجا بود، بعد به یزد رفت و چندی متعهد امور بیمارستان آن شهر شد و بعد از سر و سامان یافتن اوضاع در کرمان طبابت و انشاء دیوان اتابک یزد به او پیشنهاد شد، اما نپذیرفت. در سال ۵۸۴ ق عزم کرمان نمود و در همان اوان به خدمت ملک دینار رسید و کتاب معروف خود را به نام او نوشت. آثار وی: «عقد العلی للموقف الاعلی» در تاریخ ملک دینار که در سال ۵۸۴ ق به پایان رسیده است؛ «بدایع الازمان فی وقایع کرمان» معروف به «تاریخ افضل» که حوادث کرمان را تا سال ۶۰۱ ق در آن ضبط کرده است و شخصی به نام محمد بن ابراهیم در قرن یازدهم قمری تحریر نوی از آن کتاب با زبان ساده‌تر به نام «تاریخ سلاجقه کرمان» انجام داده است؛ «المضاف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان» که شامل حوادث از سال ۶۰۲ تا ۶۱۲ ق است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سنایی تا سعدی (۲۶۲-۲۶۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۲۶-۱۰۲۳/۲)، تاریخ در ایران (۲۶-۲۵)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۸)، ستارگان کرمان (۵۷)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۹-۱۶۸/۱)، لغت‌نامه (ذیل / افضل‌الدین).

افروشته‌ای نطنزی، محمود

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۹۳۸ ق)، مورخ و شاعر. از ادبای پرکار زمان خود، که در نظم و نثر دست داشت. در شیراز می‌زیست. آثار وی: «نقاوه الاثار فی ذکر الاخیار» در تاریخ صفویه که در ۹۹۸ ق تألیف آن را آغاز کرد و وقایع آن سلسله را تا سال ۱۰۰۶ ق در آن آورده است؛ «دیوان مجازی»؛ «دیوان غایه المجاز»؛ «دیوان حاصل الجنات»، در مدح ائمه، «دیوان اضطراریه»؛ «برائه القلم»، که دو «دیوان» اخیر در مدح پادشاهان است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۹۷/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۸)، الذریعه (۲۷۱/۲۴)، نقاوه الاثار (پیش گفتار).

اقبال آستینانی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۴-۱۲۷۷ ش)، ادیب، مورخ و روزنامه‌نگار. در خانواده‌ای پیشه‌ور و تهیدست به دنیا آمد. در کودکی شاگرد درودگر بود اما میل به تحصیل سبب شد که در ضمن کار به مکتب رفته، مقدمات علوم را در زادگاه خود فراگیرد. در سال ۱۳۲۸ ق به تهران آمد. ابتدا به مدرسه‌ی شرکت گلستان رفت سپس در دارالفنون به فراگیری ادب فارسی پرداخت و معاونت کتابخانه‌ی معارف را که در دارالفنون دایر شده بود به عهده گرفت. علاوه بر آن تدریس ادبیات و جغرافیا در مدارس نظام و علوم سیاسی و دارالمعلمین عالی نیز سالها با وی بود. کار نویسندگی اقبال از همکاری با «مجله‌ی دانشکده» و انتشار مقالاتی در آن مجله از سال ۱۲۹۷ ش آغاز شد. در سال ۱۳۰۴ ش از سوی وزارت جنگ با سمت منشی به همراه هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و از دانشگاه سوربن لیسانس ادبیات گرفت. در سال ۱۳۰۸ ش به ایران بازگشت. در این هنگام وزارت فرهنگ از وی خواست که در تألیف کتابهای درسی

تاریخ و جغرافیای اقتصادی ایران برای دبیرستانها و شعب علوم انسانی مدارس عالی که در کشور تأسیس شده بود شرکت کند. با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ش به سمت استادی در دانشکده‌ی ادبیات انتخاب گردید. از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۸ ش مجله‌ی «یادگار» را در تهران منتشر کرد. در اواخر عمر مدتی رایزن فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا و در رم در گذشت. پس از یک سال پیکرش را به ایران آوردند و در مرقد شیخ ابوالفتوح رازی در جوار بارگاه حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. از وی آثار زیادی بر جای مانده است از جمله: «تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا»؛ «تاریخ ایران از صدر اسلام تا استیلای مغول»؛ «تاریخ ایران از بدو خروج چنگیز تا ظهور امیر تیمور»؛ «دوره‌ی تاریخ عمومی»؛ «جغرافیای ایران در خارجه»؛ «خاندان نوبختی»؛ «خدمات ایرانیان به تمدن عالم»؛ ترجمه‌ها: «تاریخ مختصر ایران» تألیف پاول هرن؛ «طبقات سلاطین اسلام»؛ «مأموریت ژنرال گاردان در ایران»؛ «ناپلئون و اسلام»؛ «یادداشت‌های ژنرال تره‌زل»؛ تصحیح متون: «دیوان معزی»؛ «حدائق السحر»؛ «بیان الادیان»؛ «تجارب السلف».[۱]

(بخش ۱) عباس اقبال آشتیانی، محقق و مورخ ایرانی (و. ۱۳۱۴ ه.ق. / ۱۲۷۵ ه.ش. - ف. رم. ۱۳۷۵ ه.ق. / ۱۳۳۴ ه.ش.). وی در آغاز جوانی شاگرد درودگر بود و سپس به تحصیل پرداخت و دوره دارالفنون را به پایان رسانید و به معاونت کتابخانه معارف انتخاب گردید. آنگاه در دارالفنون به تدریس، پرداخت و بعدها به معلمی مدارس نظام، مدرسه علوم سیاسی و دارالمعلمین عالی منصوب شد. در سال ۱۳۰۴ ه.ش. به منشی‌گری هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد و با اخذ درجه لیسانس از سربن نائل آمد و در آن شهر با علامه محمد قزوینی آشنایی یافت و از محضر وی استفاده کرد. پس از بازگشت به ایران به سمت استادی دانشگاه و عضویت فرهنگستان انتخاب شد و سپس به سمت نماینده فرهنگی ایران در ترکیه و ایتالیا به شهر رم رفت و در آنجا اقامت گزید و هم در آنجا در سن ۵۹ سالگی در گذشت.

جنازه او را به تهران حمل کردند. وی در ۱۳۲۴ مجله «یادگار» را تأسیس کرد که پنج دوره از آن منتشر شده. از آثار وی «تاریخ مغول»، «وزراء سلاجقه»، «خاندان نوبختی»، تصحیح «عبثه‌الکتابه»، تصحیح «سمط‌العلی»، تصحیح «مجمع‌التواریخ» تألیف دکتر فوریه، ترجمه «یادداشت‌های ژنرال تره‌زل»، ترجمه «مأموریت ژنرال گاردان در ایران»، تصحیح «ترجمه فارسی محاسن اصفهان»، تصحیح «بیان‌الادیان»، و تصحیح «تبصرة‌العوام» را باید نام برد. وی در تحقیقات تاریخی و ادبی روش عالمانه‌ای دارد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از نیما تا روزگار ما (۸۹-۸۵)، تاریخ در ایران (۲۰۰-۱۹۷)، دایرة‌المعارف فارسی (۱۸۳-۱۸۲ / ۱)، زندگى‌نامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۵-۲۴۳ / ۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۷۲-۱۷۱ / ۱)، شخصیت‌های نامی (۱۷-۱۶)، شرح حال رجال (۱۳۱ / ۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۶۴-۶۳)، کارنامه‌ی بزرگان (۴۱۸-۴۱۶)، گلزار معانی (۹۲-۸۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۰-۶۳۳ / ۳)، یغما (س ۹، ش ۱، ص ۴۵-۴۴).

اقتداری، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد اقتداری به سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در شهر لار فارس به دنیا آمد. در پنج شش سالگی او را به مکتب خانه ای در شهر لار رفت. چیزی بعد از تاسیسی مدرسه دولتی در لار او را از مکتب خانه بازگرفتند و به مدرسه دولتی فرستادند دروس شش ساله ابتدایی را آنجا خواند. جایزه شاگرد اولی در تمام استان (ایالت آن روز) فارس را در این شش سال را دریافت کرد. دوران سه ساله

دبیرستان را در شهر لار گذراند پدرش پس از تردید بسیار او را به شیراز فرستاد تا در دانشسرای مقدماتی شیراز که دارالمعلمین ابتدایی بود نام نویسی کرد. دو سال در آن دانشسرا درس خواند و با شور و شوق بسیار با سمت آموزگاری به شهر لار برگشت و در سال های اول تا چهارم ابتدایی به خدمت آموزگاری پرداخت. اوایل سال ۱۳۲۵؛ حدود یک سال پس از ازدواج استاد با این که می توانست از معافیت استفاده کند، اما عشق به وطن سبب شد که برای خدمت وظیفه عازم تهران شود. خود را به دانشکده افسری معرفی کرد پس از پایان این دوره و در سال ۱۳۲۸ که نخستین کنکور دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی تهران برگزار می شد، در این دانشگاه پذیرفته شد و با کسب مدرک لیسانس به دبیری در دبیرستان های تهران پرداخت و در دانشسرای مقدماتی پسران به خدمت آموزشی مأمور شد. در سال ۱۳۳۲ پروانه کارآموزی و کالت درجه یک بعد از درخواست یکساله، برایش صادر شد. سال ۱۳۳۴ سوگند یاد کرد و به اخذ اجازه و کالت پایه یکم دادگستری مفتخر شد تا علاوه بر ۳۰ سال معلمی و خدمت به نونهالان این مرز و بوم چهل سال هم در شغل و کالت دادگستری به جامعه خود خدمت کند. احمد اقتداری در طول زندگی سرشار از علم و ادب خود حدود چهل کتاب با ارزش و بیش از صد مقاله علمی به چاپ رسانده است. در میان آثار او از تصحیح و همت گماردن به انتشار دیوان اشعار شاعران، ترجمه آثار تحقیقی نویسندگان و پژوهشگران غیرایرانی تا چاپ قصه های مثنوی، منطق الطیر و هزار و یک شب و همچنین تحقیقات علمی در زمینه لهجه شناسی، زبان و فرهنگ مناطق مختلف کشور را می توان یافت.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: تاریخ محلی جنوب ایران

والدین و انساب: پدر احمد اقتداری مرحوم مرتضی قلی خان اقتداری و مادرش انیس خانم اقتداری، هر دو لارستانی و از روستای گراش بودند. از آن جهت که به علم آموزی احمد اهمیت می دادند از پنج شش سالگی او را به مکتب خانه ای در شهر لار فرستادند.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: احمد اقتداری از خاندانی که سال از خوانین گردش است. پرورش در آن خاندان منشاء ظهور خلیات و مرام خاص در او شده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: - گذراندن دوره ابتدایی و دبیرستان در شهر لار - گذراندن دوره دانشسرای مقدماتی در شیراز - شرکت در کنکور دانشکده حقوق سال ۱۳۲۸ - اخذ پروانه کارآموزی و کالت درجه یک سال ۱۳۳۲ - اخذ مجوز و کالت پایه یکم سال ۱۳۳۴ - اخذ دکترای افتخاری از دانشگاه تهران

همسر و فرزندان: احمد اقتداری در سال ۱۳۲۳ با قمر خانم اقتداری ازدواج کرد. حاصل این ازدواج یک دختر و سه پسر بود. او و همسرش در تربیت فرزندان خود موجدانه کوشیدند و همه را با فضیلت به بار آورده اند. دختر ایشان با نام آرزو، متخصص زبان ایتالیایی و مدرس دانشگاه در آن رشته است، و تحقیق او درباره غزل های حافظ به زبان ایتالیایی به چاپ رسیده است.

وقایع میانسالی: احمد اقتداری در سال ۱۳۳۱ تقاضای اخذ پروانه و کالت درجه یک دادگستری کرد و در سال ۱۳۳۲ پروانه کارآموزی و کالت درجه یک برایش صادر شد. در همین ایام یادداشت های کتاب های «فرهنگ لارستانی» و «لارستان کهن» را آماده و مرتب می کرد ضمن این که سال ۱۳۳۴ سوگند یاد کرد و به اخذ اجازه و کالت پایه یکم دادگستری مفتخر شد تا علاوه بر ۳۰ سال معلمی و خدمت به نونهالان این مرز و بوم چهل سال هم در شغل و کالت دادگستری به جامعه خود خدمت کند

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: زندگی احمد اقتداری سرشار از تلاش، کوشش و آفرینش است. خلق ۲۴ کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله علمی، نشان دهنده توانایی ها و کوشش های عاشقانه وی به ایران زمین، و به ویژه سرزمین فارس است. اقتداری مشاغل گوناگونی را پیشه خود ساخته است که می توان به معلمی، مدیریت های فرهنگی، تدریس در دانشگاه تهران، فعالیت های اجتماعی

و سیاسی، و کالت دادگستری، و مقاله نویسی در نشریات متعددی همچون یغما، فرهنگ ایران زمین اشاره نمود. در کنار این امور در برگزاری گردهمایی‌های علمی نیز مشارکت فعال می نمود از جمله برگزاری سمینار «خلیج فارس در سال ۱۳۴۲» و برگزاری نمایشگاه آثار سدید السلطنه کبابی بندر عباس در سال ۱۳۵۴ در دانشگاه تهران

فعالتهای آموزشی: لارستان در آثار احمد اقتداری جایگاه ویژه ای دارد، علاوه بر آن استان های هرمزگان، خوزستان، بوشهر، کهکیلویه و بویر احمد نیز مورد توجه او بوده اند. یکی دیگر از اساسی ترین دل مشغولی های وی در عرصه علمی و فرهنگی، خلیج فارس می باشد. با توجه به حساسیت های پنجاه ساله اخیر در مورد این بخش از جغرافیای ایران، اقتداری به طور مستمر در جهت تبیین و تحلیل تاریخی آن کوشیده است. تنوع آثار نگارشی استاد در زمینه های تاریخ، معماری، ترجمه، تصحیح، تحشیه، ادبیات، مردم شناسی و سیاست نشان دهنده توانایی ها و علاقه اقتداری به زوایای نهان و پنهان فرهنگ ایرانی است. عرصه های پژوهشی اقتداری شامل تحقیقات کتابخانه ای و تحقیقات اصیل می شود و میان به فراخور در این تحقیقات میدانی نیز در تقویت روش علمی خود بکار می گیرد. آثار اقتداری در واقع حاصل مشاهده، معاینه، مصاحبه و مراجعه به اصل بوده است. شیوه تحقیق و تاریخ نگاری اقتداری، تلاش جهت حداکثر به کار گیری شواهد بیرونی جغرافیایی و وجه شیئی فعلیت یافته تاریخی است. او تمام خلیج فارس و سراسر جنوب را با قدم طی کرده و سپس در آن باره قلم زده است. م روش تاریخ نگاری وی مبتنی بر اتکاء به آن بخش از اطلاعات تاریخی است که متقن و مثبت به شمار می آیند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره ی

جوایز و نشانها: بنیاد فارس شناسی در نوزدهم آبان ماه ۱۳۷۹ با همراهی استادان برجسته تاریخ و ادب کشور، و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان فارس به دلیل سپاس از زحمات بی دریغ احمد اقتداری در حیطه علم و فرهنگ، از او تجلیل به عمل آورد. چگونگی عرضه آثار: آثار احمد اقتداری را میتوان به تالیفات، مقالات و سخنرانیها تقسیم کرد ضمن این که مجموعه مقاله های او در این زمینه با نام «کشته خویش» به چاپ رسیده است که مجموعاً پنجاه مقاله را دربرمی گیرد و مجموعه سخنرانی هایش بانام «از دریای پارس تا دریای چین» منتشر شده است. کی از مهمترین جنبه های تحقیقات اقتداری پژوهشی درباره خلیج فارس است. اهمیت استراتژیک این منطقه و این که خلیج فارس به اندازه قدمت و پیشینه اش شناخته شده نیست ضرورت تحقیق درباره شناسایی جنبه های مختلف آن را بیش از پیش بر ما مشخص می کند. آنچه امروز درباره این منطقه می دانیم و آنچه در دست داریم برپایه حدس و گمان یا بنابر افسانه های قدیم و اسناد تاریخی مانند تورات، کتیبه های میخی و آثار برجا مانده از دوران باستان است و در این میان اقتداری با توجه به جنبه های مختلف خلیج فارس از جمله زبان های محلی، آثار باستانی، تاریخ و جغرافیای منطقه، نام خلیج فارس و... مقاله های متنوع و آموزنده ای در شناسایی آن نوشته که می توان به این موارد اشاره کرد: «زبان های محلی و فولکلور خلیج فارس»، «اسناد فارسی، عربی و ترکی در آرشیو ملی پرتغال درباره هرمز و خلیج فارس»، «سرگذشت تاریخی چهار جزیره در خلیج فارس»، «تاریخ و جغرافیای خلیج فارس»، «خلیج فارس و آشنایی با امارات آن»، «محاكمه خلیج فارس نویسان»، «خلیج فارس و نام آن» و... ضمن این که کتابی با عنوان یکصد و پنجاه مقاله در زمینه های ایران شناسی و خلیج فارس از او به چاپ رسیده است که می تواند به عنوان مرجعی در شناخت این منطقه پراهمیت مورد استفاده قرار گیرد. و نیز تلاش های اقتداری در هویت بخشیدن به لارستان و نگرش تازه به تاریخ، فرهنگ و جغرافیای این ناحیه بسیار مهم و قابل تقدیر است احمد اقتداری، علاوه بر تحقیق و پژوهش، طبعی شاعرانه و روحی لطیف دارد گرچه او خود را شاعر نمی داند اما: او شاعری است که تجربیات اجتماعی و زندگی خود را در شعرهایش می گنجاند. احمد اقتداری، علاوه بر تحقیق و پژوهش، طبعی شاعرانه و روحی لطیف دارد گرچه او خود را شاعر نمی داند اما: او شاعری است که تجربیات اجتماعی و زندگی خود را در شعرهایش می گنجاند. یکی از نمونه شعرهای او: از گردش روزگار آزرده منم وز دور زمان دمی نیا سوده منم از کارگران و مزد کم باد به دست با رنج مدام،

گنج نبرده منم بس بود و نبود عمر را کرده گذار هم نیک و بدش به هیچ نشمرده منم با هر کس زروی مهر خدمت کردم ماری به درون جیب پرورده منم بس نیش به جای نوشم دادند تریاق نخورده زهر آموخته منم محزونم و مهجورم و مطرودم از آنک دیری است که با عشق تو خو کرده منم

آثار:

- ۱ آتشکده کاریان و آتشکده های فارس - ناتمام
- ۲ آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان
- ۳ آیین دریا نوردی کهن در اقیانوس هند و خلیج فارس
- ۴ از دریای پارس تا دریای چین
- ۵ بشنو از نی: ندای نی
- ۶ بشنو از نی: نیاز نی
- ۷ بشنوی از نی: نوای نی
- ۸ تحشیه ارجان و کهگیلویه
- ۹ تحشیه سرگذشت کشتی رانی ایرانیان
- ۱۰ تحشیه دیوان سدید الدوله - ناتمام
- ۱۱ تحشیه عهد مسم (سفرنامه خسرو میرزا) - ناتمام
- ۱۲ تحشیه مشوش نامه - ناتمام
- ۱۳ ترجمه لار در قرون وسطی - ناتمام
- ۱۴ تصحیح باغستان لارستانی
- ۱۵ تصحیح بندر عباس و خلیج فارس
- ۱۶ تصحیح تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط آنها با ایران
- ۱۷ تصحیح دیوان شیدای گراشی
- ۱۸ تصحیح سرزمین های پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش
- ۱۹ تصحیح سفرنامه سدید السطنه
- ۲۰ خلیج فارس

ویژگی اثر: این اثر جایزه ویژه یونسکو در ایران را به خود اختصاص داده است. [کمال سروستانی، سخن اول، ص ۶]

۲۱ خوزستان و ممسنی و کهگیلویه

ویژگی اثر: در زمینه شناساندن کهگیلویه هم کتاب معروف احمد اقتداری بانام «خوزستان، کهگیلویه و ممسنی» با استناد به مدارک و منابع معتبر این ناحیه را به خوانندگان خود معرفی کرده است. برای نمونه در این کتاب به نقل از مسالک و ممالک اصطخری می خوانیم: «یکی از پادشاهان رم که همیشه از یک تا سه هزار نفر بر در خانه ایشان لشکر حاضر است، مهرگان پسر برزویه پادشاه زمیگان است و آن رمی است که به رم گیلویه مشهور است و مهرگان پیش از گیلویه بوده و شأن و شوکتی از گیلویه بالاتر داشته. پس از مهرگان پسرش سلمه به جای او نشست. گیلویه از ولایت اصطخر نزد او آمد و به خدمتگزاری پرداخت. چون سلمه بمرد گیلویه آنجا را تصرف کرد و کارش به جایی رسید که این سرزمین را به اسم او می خوانند...»

۲۲ دیار شهر یاران (ج ۱)

۲۳ دیار شهر یاران (ج ۲)

۲۴ سایه سیمرع - ناتمام

۲۵ صدو پنجاه مقاله در زمینه ایران شناسی و خلیج فارس - ناتمام

۲۶ فرهنگ لارستانی

ویژگی اثر: نخستین و یکی از مهمترین کتاب های اقتداری «فرهنگ لارستانی» بود که به عنوان نخستین نشریه جداگانه مجله «فرهنگ ایران زمین» با نشان فرهنگ ایران زمین، نقش شیر در کتیبه های تخت جمشید زینت یافت و در سال ۱۳۳۳ منتشر شد.

۲۷ کاروان عمر

ویژگی اثر: این اثر شامل خاطرات سیاسی و فرهنگی هفتاد سال عمر اقتداری می باشد. اقتداری در کتابی با نام «کاروان عمر» خاطرات سیاسی فرهنگی هفتاد سال عمر خود را با قلمی شیوا و با ذکر جزئیات نوشته است. در این کتاب ضمن آشنایی با جنبه های مختلف زندگی او با توجه به سمت های مختلفی که وی در طول عمر خود داشته است و با توجه به فعالیت های مختلف فرهنگی و هنری اش می توان با اوضاع فرهنگی ایران در دوره معاصر آشنا شد. وی در آغاز این کتاب می نویسد: «نوشتن «خاطرات» زندگی، از دیرباز در ایران زمین معمول بوده است. بسیاری از نکته ها و گوشه های تاریخ اجتماعی ایران از روی همین «خاطرات نامه ها» به دست ارباب تحقیق رسیده و مسائل مبهم و فرهنگی و وضع زندگی مردمان و کیفیات زندگی مدنی و اجتماعی، از روی اینگونه کتاب ها استخراج شده و مورد بحث و تدقیق جامعه شناسان و مورخین و محققین قرار گرفته است... من در هفتاد سال عمر خود در ایران و خارج از ایران بسیاری از مشکلات را در سر راه زندگی خود یافته ام. بسیاری راحل کرده ام و بسیاری راحل نکرده ام و...»

۲۸ کشته خویش

۲۹ لارستان کهن

۳۰ لارستان کهن و فرهنگ لارستانی

منابع زندگینامه:

۱ <http://www.iran-newspaper.com/1385/851024/html/horizon.htm> خیراندیش، عبدالرسول. «سبک تاریخ

نگاری استاد احمد اقتداری»، فارس شناخت. پاییز ۱۳۷۹، صص ۵-۱۴۳ ریاحی، محمد امین، اقتداری محقی آشنا. فارسشناخت، پاییز

۱۳۷۹، ص ۱۲۴ قاسمی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ص ۴۵۵ کمالی سروستانی، کوروش، سخن اول، فارس شناخت. پاییز ۱۳۷۹،

ص ۶۶ یاسینی، قاسم. نقش احمد اقتداری در احیای آثار سدید سلطنه کبابی، فارس شناخت، پاییز ۱۳۷۹، ص ۲۷

اکبری، سیاوش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از نوازندگان چیره دست و خوب ضرب، سیاوش اکبری است که به سال ۱۳۱۷ در تهران متولد شد و از میان آلات موسیقی بیش از همه به نواختن ضرب و سنتور علاقه پیدا کرد ولی امکانات برای وی موجود نبود و با مشکلاتی که در این راه برای او موجود بود، مجبور به دست و پنجه نرم کردن گردید. وی می گوید:

«علاقه‌ای بسیار در کودکی به فراگیری و نواختن ضرب پیدا نمودم ولی پدرم مخالفت می‌کرد و اصرار می‌ورزید که وارد ارتش و خدمت نظام گردم. پس از پایان تحصیلات متوسطه و دریافت دیپلم ریاضی، با پول توجیبی خود، یک تنبک حلبی خریدم و در منزل شروع به نواختن کردم و خیلی خوب هم صداها را تقلید می‌کردم و بجا آنها را پیاده می‌نمودم ولی برای اینکه بتوانم فن نواختن ضرب را به طور صحیح فراگیرم در سال ۱۳۳۵ در کلاس‌های شبانه هنرستان موسیقی ملی ثبت‌نام کردم و دسترسی به کلاس استاد بزرگ و والامقامی چون حسین تهرانی پیدا نمودم.

بدین طریق اولین استاد تهرانی بود، از کالس درس این استاد فقید خاطره‌ای دارم که به عرض می‌رسانم: جلسه اول که نزد استاد رفتم، به محض این که ضرب را بغل گرفتم بدون هیچ دلیلی مرا از کلاس بیرون کرد که احساس کردم، دنیا برایم تمام شده است. درس استاد که تمام شد، نزد او رفتم و با خواهش و تمنا از وی خواستم که من را به شاگردی قبول کند، ایشان فرمودند: «چون تو تنبک را طرف راست می‌گذاری، هیچوقت یاد نمی‌گیری».

به خود جرأت داده گفتم:

«استاد شما هرچه طرف چپ بزیند، من طرف راست می‌زنم».

این کار را کردم، خوشبختانه قبول کردند. ناگفته نماند که در آن زمان یادگیری از راه گوش بود و من نزد ایشان با همان سبک یاد گرفتم و بعدها طبق تجربه‌ای که آموخته بودم، سعی کردم چپ و راست تنبک برای شاگردان این رشته مسئله‌ای نباشد که موفق هم شدم.

من چون همیشه در این رشته طلبه بوده‌ام و هستم بنابراین علاقه زیادی به فراگیری نت پیدا کردم و همین امر باعث شد که چند وقتی نزد مرحوم امیرناصر افتتاح رفتم و در سال ۱۳۴۷-۱۳۴۸ مشغول فراگیری نت گردیدم و بعدها که کتاب نت استاد حسین تهرانی چاپ شد برای فراگیری بیشتر، نزد استاد محمد اسماعیلی رفتم و به فراگیری هرچه بیشتر و سبک و سیاق نوازندگی وی پرداختم و پس از آن، در حال کاوش درباره تنبک و بهتر ارائه دادن آن بوده و هستم».

سیاوش اکبری، از سال ۱۳۴۵ فعالیت‌های هنری خود را در رادیو و تلویزیون آغاز کرد و در ارکستر سازهای ملی که با همکاری دکتر منوچهر جهان‌بگلو، محمدرضا شجریان، منتشری، نادر گلچین، کامران داروغه، عباس زندی، حسن ناهید، محمد موسوی، مهدی تاکستانی و عده‌ای دیگر از هنرمندان اداره می‌شد شرکت کرد و با ارکسترهای دیگر رادیو و تلویزیون شروع به همکاری نمود که با همین ارکسترها، جهت شناساندن هرچه بیشتر موسیقی سنتی ایران، تحت عنوان قراردادهای فرهنگی و هنری، مسافرت‌هایی به کشورهای: آلمان، فرانسه، عراق، کویت، ژاپن، عربستان و آمریکا که در آمریکا در هفده ایالت آن همراه جلیل شهناز فرهنگ شریف، محمدرضا شجریان و عده‌ای دیگر کرد و برنامه‌هایی اجرا نمود.

سیاوش اکبری، تا سال ۱۳۵۷ فعالیت‌های هنری خود را در رادیو و تلویزیون ادامه داد و از این سال به بعد مشغول تدریس تنبک به هنرجویان می‌باشد و سبکی ارائه داده است که شاگردان این رشته در مدت کمتری می‌توانند فن نواختن ضرب را بیاموزند. وی چون علاقه وافری به نواختن سنتور داشت، در سن هفده سالگی نزد استاد رضا ورزنده مدتی نواختن سنتور را آموخت و با نواختن این نیز آشنایی دارد.

وی دارای یک دختر به نام ماندانا است که دیپلم هنرستان موسیقی ملی است در رشته سنتور و نزد استاد فرامرز پایور دوره کامل این ساز را به پایان برده و نواختن تنبک را به طور کامل و صحیح می‌داند و فرزند دیگر وی مازیار که فن نواختن ضرب را نزد پدر خویش آموخته و دارای سبک مخصوص پدر خود می‌باشد.

سیاوش اکبری، یکی دیگر از برادران خودساخته‌ی اکبری است که در سال ۱۳۴۱ در روستایی از توابع شهرستان ارومیه متولد شد. دوران کودکی وی مثل برادرش هوشنگ در نهایت محرومیت سپری شد ولی این نارسایی‌های روزگار و اجتماعی آنان را مردان

خودساخته‌ای ساخت که هم‌اکنون در صنعت سازسازی کشور خود، افتخار آفرین می‌باشند.

سیاوش اکبری نیز از طفولیت به موسیقی علاقمند شد و هر وقت صدای سازی را از رادیو و یا تلویزیون‌های همسایه می‌شنید و می‌دید سراپا به آن گوش می‌داد و در عالم دیگری سیر و سیاحت می‌کرد. خودش می‌گوید: «من موسیقی سنتی ایران را، یک موسیقی عارفانه می‌دانم و هر وقت و هر زمان به این موسیقی گوش می‌دهم، دنیای دیگری در دیدگانم مجسم می‌گردد.»

سیاوش اکبری، به واسطه این عشق و علاقه به موسیقی سنتی ایران مثل برادرش به سوی این هنر والا، کشیده شد زیرا سال ۱۳۶۳ به کلاس شاهرخ در ارومیه برای فراگیری ساز «تار» رفت و نزد وی شروع به فراگیری موسیقی و نواختن این ساز پرداخت. در این باره، سیاوش اکبری می‌گوید: «مدتی که از تعلیم و تعلم من نزد این استاد می‌گذشت، روزی به ایشان گفتم که ممکن است یک تار خوب که قیمتش هم مناسب باشد برای من تهیه کنید؟ ایشان گفتند یک تار است که سرپنجه‌ی آن شکسته و خرک و پوست و پرده هم ندارد، قیمتش در حدود پنج هزار تومان می‌باشد گفتم اشکالی ندارد، همه‌ی کارهایش را خودم انجام می‌دهم و از این زمان بود که به فکر ساختن تار افتادم و چون زمستان بود و مکانی را هم نداشتم که از آن محل جهت کارگاه استفاده کنم، رخت‌کن حمام منزل را برای کارگاه انتخاب کردم و با چند عدد سوهان و مغار و یک عدد هم پیچ گوه‌ی شروع به کار کردم و اولین تار را ساختم که خودم مدت یک سال با آن تمرین کردم. در این موقع برادرم ماشین باری که داشت فروخت و در کارگاهی که با وی خیاطی را در زمان خدمت سربازی آموخته بود کار می‌کردیم و چون ایشان هم به سازسازی علاقه‌ی زیادی داشت با وسائلی که شخص خیری به نام آقای شیوا به ایشان داده بود، در این مغازه که خیاطی بود شروع به ساختن تار و ویولن در سطحی وسیع‌تر نمودیم، ولی هزینه زندگی خانواده و درآمد مختصر و کارشکنی‌های متعدد تنی چند از حاسدان، مجبور گردیدم به تهران روم و در شرکت حفاری چاه عمیق که قبلاً کار می‌کردم بروم و ضمن کار از حق خویش که ساختن تار و نواختن آن بود هیچ‌گاه دور نباشم لذا از هر فرصتی استفاده می‌نمودم و به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی نزد آقای محمود فرهنگ‌مندی رفتم تا هرچه بیشتر با این ساز آشنا شوم، سپس مدت چهار ماه نزد آقای علی‌اصغر صادقی درس گرفتم و مدت دو سال هم از هنرمند خوب و باارزشی مثل آقای جلال دوستی که اهل همدان هستند بهره‌ور گردیدم. مدتی هم نزد استاد هوشنگ ظریف مشغول فراگیری گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی ایرانی هستم. همچنین با نواختن سه‌تار و سنتور تا آنجا که بتوانم صدای آن را تشخیص بدهم آشنا می‌باشم؛ پس از یک سال مجدداً به ارومیه بازگشتم که در این زمان، هواپیماهای عراق به شدت این شهر را مورد هجوم هوایی قرار داده بودند و در شهر نمی‌شد ماند، لذا همراه خانواده به روستای خود محل زادگاهمان نقل مکان کردیم، در روستا، در کارگاهی با طول و عرض ۲ ضربدر ۳ که با برادرم ساخته بودیم مشغول کار شدیم، در این زمان به خاطر توسعه‌ی کار و نیاز جامعه‌ی هنردوست کشور، ساخت سنتور را نیز مورد توجه قرار دادیم که مورد تشویق مسئولین قرار گرفتیم و اداره امور هنری ارشاد اسلامی ما را به تالار وحدت معرفی کرد.

در این تالار، مورد تشویق آقایان: اتابکی، اعرابی، آقاسی (منظور آقاسی خواننده نیست) قرار گرفتیم و برای بار دوم که ویولن دست‌ساز خود را به این تالار بردیم، مرحوم آقاسی گفت که ای کاش این کار شما را استاد قنبری می‌دید، من و برادرم هوشنگ که سالها اشتیاق دیدار و آشنایی با این استاد را داشتیم تلفنی با ایشان صحبت نمودیم و گفتیم که ما از ارومیه آمده‌ایم و ویولنی ساخته‌ایم که می‌خواهیم شما آن را ببینید و نواقص و معایب آن را به ما گوشزد فرمایید تا در رفع آن عیوب بکوشیم.

استاد قنبری، پس از تعارفات خیلی گرم از آن طرف سیم، سراغ بزرگان «شیوا» را گرفتند و حال ایشان را جویا گردیدند که به عرضشان رساندیم که حالشان خوب است (بزرگان شیوا، متأسفانه در حال حاضر در قید حیات نیستند و دار فانی را وداع گفته‌اند). به هر حال، استاد قنبری با کمال فروتنی اجازه دادند خدمتشان برسیم و همان روز بعد از ظهر به منزل استاد رفتیم. با خوشرویی ما را پذیرفت و پس از پذیرایی از ما، ویولن ساخت خود را نشان استاد دادیم، اندازه‌های بیرونی ویولن را گرفتند. در ضمن پرسشهایی

درباره وضع خانوادگی و کارمان از ما جويا شدند. پس از این که به سؤالات استاد قنبری پاسخ گفتیم، ایشان فرمودند: با این توصیف که کردید من می‌فهمم که شما واقعاً برادر هستید و کمتر بین برادرها این طور تفاهم و اشتراک نیت و کار وجود دارد، زیرا یک نمونه کار این بود که برادرم هوشنگ و یولنی را که ساخته بود اسم کوچک خود را به آن نوشته و فقط به کلمه «اکبری» اکتفا کرده بود و این نمونه‌ای از محبت وی نسبت به من بود.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

اکبری، هوشنگ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هوشنگ اکبری، فرزند عبدالقادر، به سال ۱۳۳۶ در یکی از روستاهای شهرستان ارومیه متولد شد. از کودکی به موسیقی علاقه‌مند بود ولی فراگیری آن برایش مقدور نبود. وی که با برادر خود سیاوش اکبری هم‌اکنون از بهترین سازندگان ویولن، تار و سه‌تار و سنتور می‌باشند از شاگردان استاد ابراهیم قنبری هستند. نگارنده در سفری که چندی پیش به ارومیه داشتم، طی مصاحبه‌ای با این دو برادر از آقای هوشنگ اکبری سؤال کردم که چگونه به ساختن ویولن روی آوردید؟ چنین اظهار داشت:

«در سال ۱۳۵۴ که تلویزیون در هفته یک برنامه به نام بشنو از نی پخش می‌کرد، مجذوب این برنامه گردیدم به طوری که در هر کجا بودم، خود را در رأس ساعت مقرر به تلویزیون می‌رساندم تا این برنامه‌ی خوب و دوست‌داشتنی را تماشا و گوش نمایم، شبی که این برنامه طبق روال گذشته از تلویزیون پخش می‌شد، به قدری تکنواز ویولن برنامه خود را خوب و عالی اجرا کرد که تمام ذرات وجود من اثر گذاشت و بسیار مرا تحت تأثیر قرار داد به طوری که اشک از چشمانم جاری شد. من اولین بار بود که شکل ویولن را از تلویزیون می‌دیدم، تصمیم گرفتم که یک ویولن برای خود تهیه نمایم و به نوازندگی این ساز روی آورم. لازم به تذکر است که پدر من در سال ۱۳۵۰ به افسردگی روحی شدید دچار شد و روزی از خانه رفت و خانواده را که عبارت بودند از من، برادر بزرگم نصرت‌الله و برادر دیگرم سیاوش و مادر و دو خواهر، ترک کرد، من و اکبر هنوز کوچک و طفل بودیم و نمی‌توانستیم در بازار کار در ارومیه وارد شویم در نتیجه هزینه‌ی زندگی ماها بر دوش برادر بزرگترم نصرت‌الله قرار گرفت و من با هر مشکلی بود تا ششم ابتدائی به تحصیل خود ادامه دادم و چند سال بعد به کلاس شبانه رفتم و ادامه تحصیل دادم.

برای گذران زندگی و یافتن شغل، در سال ۱۳۵۱ همراه خانواده به شهر آمدم و در یک فروشگاه و لوازم زندگی مشغول کار شدم ولی شکل و شمایل ویولن همیشه و در همه حال جلوی نظرم بود و از زمانی که آن در تلویزیون مشاهده کرده بودم لحظه‌ای از جلوی چشمانم دور نمی‌شد، عاقبت با یک تخته و مقداری سیم برای خود ویولنی ساختم ولی صدا نداشت اصولاً ویولن نبود بلکه تقریباً شبیه ویولن بود، من آن را نزد شخص هنرمندی به نام آقای غلامحسین بزرگان معروف به «شیوا» که در آن زمان در ارومیه ویولن می‌ساخت بردم و گفتم این ساز را من ساختم ولی صدا نمی‌دهد، ایشان ضمن بعضی مسائلی که در مورد نواقص سازم به من یادآوری کرد گفت یک عدد «کالیفون» تهیه بکن تا صدا از آن درآید و من این کار را کردم و صدای ویولن خیلی بهتر شد. یادم هست که ایشان گفتند ویولن یکصد و پنجاه تومان است شما یک ویولن حاضر و آماده بخرید و با آن مشق کنید این ساز شما خارج است و فقط شکل آن حدودی شبیه به یک ویولن می‌باشد، خود را اینقدر زحمت ندهید. ولی من چون وضع مالی خوبی نداشتم گفتم با این ویولن کار می‌کنم و در فرصتی که وسع مالی پیدا کردم یک ویولن خوب تهیه خواهم کرد. روزها و شبها با همان ویولن ساخت دست خود تمرین می‌کردم و دلخوش بودم.

در سال ۱۳۵۵ به خدمت سربازی رفتم و پس از دو سال خدمت برای گذران زندگی راننده‌ی کامیون شدم ولی در همه جا و در همه حال عشقم ویولن بود، به همین سبب روزی که در خیابان ولی عصر تهران با دوستم می‌گذشتیم، چشمم به تابلویی افتاد که روی آن نوشته شده بود. کلاس موسیقی «گام». این کلاس متعلق به مرحوم امیرناصر افتتاح بود به دوستم گفتم که من می‌خواهم به این کلاس بروم و جهت فراگیری موسیقی نام‌نویسی کنم او گفت با این عجله و بی‌مقدمه چطور یکباره به این فکر افتادی؟ گفتم که از ده سال پیش تصمیم خود را برای یادگیری ویولن گرفته بودم منتها امکان آن را نیافته بودم.

به هر حال، با عجله از پله‌ها بالا رفتم و به قدری بدنم می‌لرزید که حتی نمی‌توانستم حرف بزنم، در ضمن بسیار هم خوشحال بودم که خدمت هنرمند بزرگی چون امیرناصر افتتاح می‌رسم، وارد کلاس که شدم سراغ استاد را گرفتم، ایشان آمدند و گفتند من افتتاح هستم، گفتم استاد من می‌خواهم که نواختن ویولن را فراگیرم، استاد گفت که شما بروید تصمیم قطعی و جدی خود را بگیرید هر وقت که دیدید آمادگی کامل دارید بیایید و در کلاس نام‌نویسی نمایید، گفتم استاد من از سالیان پیش تصمیم گرفته‌ام گفتند شهریه کلاس ماهیانه پانصد تومان می‌شود و شهریه را تا سه ماه که یکهزار و پانصد تومان می‌شود یکجا باید پرداخت نمایید گفتم اشکالی ندارد، یادم هست آن روز یکشنبه بود و معلم کلاس ویولن ایشان منوچهر لشگری بود، مرا خدمت آقای منوچهر لشگری برد و گفت این شخص به موسیقی بسیار علاقمند است و از ارومیه برای فراگیری موسیقی به این جا آمده است.

به هر حال دفتر نت خریدم و ایشان تمام نت‌ها را برای من نوشت و من از فرط عشق و علاقه تمام نت‌ها را از بر کردم و من در هر سفر که به ارومیه می‌رفتم و برمی‌گشتم وقت داشتم که در بین راه از هر فرصت استفاده کنم و به تمرین پردازم سه چهار جلسه به کلاس رفتم، بنابه عللی ماشین را فروختم و دیگر نتوانستم به تهران رفته و در کلاس درس موسیقی حاضر شوم. این وضع خیلی در روحیه من اثر گذاشت و خیلی افسرده و پریشانحال شده بودم، تا این که روزی دوستم گفت بیا در ارومیه در کلاس موسیقی ثبت نام کردم و معلم کلاس یک قطعه برایم نواخت که من گفتم این سه‌گانه بود که نواختید ایشان گفتند شما که تازه در کلاس نام نوشته‌اید چگونه نام دستگاه‌ها را می‌دانید در جواب گفتم که آنقدر نوار و ویولن گوش داده‌ام که از راه گوش با دستگاهها آشنایی پیدا کرده‌ام. من آن شب تا صبح خواب به چشمانم راه نیافت و دیگر همه زندگی‌ام ساختن ویولن و نواختن آن شد.

در این کلاس موسیقی که متعلق به آقای شاهرخ است، کتاب اول هنرستان مربوط به استاد روح‌الله خالقی را تمام کردم و کتاب دوم را نزد آقای محمد مخفیان گذراندم. در کلاس آقای شاهرخ، وقتی ایشان ویولن را به دست من داد من با دقت تمام آن را بررسی کردم و چون کلاس ایشان مرکب از دو اتاق بود هر وقت که به آن یکی اتاق جهت سرکشی به هنرآموزان می‌رفت من خوب پشت و روی ویولن و اطراف آن را بررسی می‌کردم تا از کم و کیف آن تا آنجا که امکان دارد باخبر گردم، روزی از وی سؤال کردم که استاد ویژگی یک ویولن خوب چیست گفت ساز نو یا کهنه‌اش مهم نیست، مهم صدای آن است، معمولاً ویولن‌های ایتالیایی خوب از کار درمی‌آیند، گفتم علت خوبی ویولن‌های ایتالیایی آیا نوع چوب‌هایی است که از آن استفاده می‌کنند گفتند نه در ساختن تمام سازها از یک نوع چوب استفاده می‌شود.

این استاد کار است که باید ویولن را از کار در بیاورد و آن را خوش صدا و خوب ساخته و تحویل عاشقان آن دهد. گفتم چرا نباید که ایرانی ویولن خوب بسازد گفت داریم چنین شخصی را ویولن می‌سازد از خارجی‌ها هم بهتر و آن آقای ابراهیم قنبری است. لازم به یادآوری است که بنده در آن زمان نام استاد قنبری را نشنیده بودم.

آقای شاهرخ سپس گفت اگر تصمیم قطعی داری که می‌خواهی ویولن بسازی شما را نزد آقای «شیوا» ببرم که با من رفیق است و او راز و رمز ساختن این ساز را به شما بیاموزد.

بالاخره یک روز به اتفاق ایشان نزد آقای شیوا رفتیم، مشاهده نمودم که ایشان همان آقای شیوایی است که من چند سال قبل خدمتشان رسیده بودم و اکنون خیلی پیر شده بودند و مغازه‌ی خود را تبدیل به کتاب‌فروشی کرده بودند تا مرا دیدند شناختند و

گفت شما همان شخصی هستید که سالیان قبل آمده بودید و ویولن ساخته بودید و من شما را راهنمایی کردم گفتم آری همان شخص هستم. ایشان گفتند من سالیان متمادی دنبال کسی می‌گشتم تا آموخته‌های خود را در هنر سازسازی به وی بیاموزم ولی چنین شخصی را پیدا نمی‌کردم، اکنون می‌بینم که این شخص را یافته‌ام. من از لطف و محبت وی تشکر کردم، سپس ایشان گفتند که به پاس این همه عشق و علاقه به هنر و صنعت سازی کشور، من کلیه لوازم و وسائل خود را به شما هدیه می‌کنم تا نگذارید این صنعت در این شهر از بین برود. من هم قبول کردم و هرچه اصرار کردم ایشان دیناری بابت وسائل خود از من دریافت نکردند. و من از آن زمان شب و روز با برادرم اکبر در کارگاهی که به همین مناسبت آماده کرده‌ایم مشغول ساختن انواع ساز بخصوص ویولن، سه‌تار، تار و سنتور می‌باشیم.»

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

اکرمی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه علمی

وی در آبان ماه سال ۱۳۳۸ش در شهر گوگد گلپایگان در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در همانجا سپری کرد و در سن چهار سالگی جهت فراگیری قرآن مجید و احکام اسلامی به مکتب خانه رفت و در سن شش سالگی قرآن و احکام اسلامی را فرا گرفت سپس برای فراگیری تحصیلات کلاسیک به دبستان رفت و مقطع ابتدائی را در یکی از مدارس شهر به پایان رسانید.

سال آخر دوره ابتدائی یعنی پنجم دبستان را طی می‌کرد که ابوی ایشان به حج مشرف شد. هنگام بازگشت پدر، وی جهت استقبال همراه عده‌ای از آشنایان به قم آمده و به حسن اتفاق همراه یکی از طلاب ساکن مدرسه حاج ملا محمد صادق به آن مدرسه رفت و شب را در آنجا سپری کرد. روحیه لطیف و سادگی طلاب وی را جذب خود کرد و از همانجا تصمیم گرفت جهت آموزش و فراگیری علوم دینی به این شهر عزیمت کند. با اصرار او و موافقت والدین در سال ۱۳۵۰ش به قم آمد و در همان مدرسه ساکن شد. ادبیات و دوره مقدمات را نزد اساتید بزرگوار مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی فرا گرفت. همزمان با تحصیل علوم دینی دروس جدید و کلاسیک را نیز ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم اقتصاد گردید.

پس از پایان مقدمات سطح را نیز ادامه داده و در این هنگام از محضر اساتید بزرگوار چون حضرات آیات محسن دوزدوزانی، محمد تقی ستوده، محی‌الدین فاضل‌هرندی، و ... تلمذ نموده و در نهایت در سال ۱۳۶۳ش امتحانات پایان سطح را با موفقیت پشت سر گذاشته و در درس‌های خارج فقه و اصول همچنین فلسفه و تفسیر شرکت کرد. در این مقطع نیز که ۱۶ سال ادامه داشت و هم اکنون نیز ادامه دارد، از محضر اساتید معظم و مراجع تقلید حضرات آیات عظام محمد فاضل لنکرانی، حسینعلی منتظری، جوادی آملی، مکارم شیرازی و محمد علی گرامی بهره مند شده و تقریراتی که وی از این دروس نوشته به حدود سی دفتر می‌رسد که به صورت دست‌نویس نزد ایشان موجود است.

همزمان و در کنار آموزش و فراگیری علوم دینی در مبارزات حق طلبانه‌ای که در حوزه علمیه قم وجود داشت شرکت می‌کرد. در سال ۱۳۵۴ همراه طلاب و فضلا در جلسه‌ای که در مدرسه فیضیه به مناسبت بزرگداشت شهدای پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ برپا شده بود حضوری فعال داشت و یکی از رهبران آن جنبش به شمار می‌آمد. در سال ۱۳۵۶ به اتفاق جناب حجت الاسلام و المسلمین

آقای محمد علی نکونام سفری تبلیغی سیاسی به گلپایگان داشته و به دنبال سخنرانیهای افشاگرانه و پخش اعلامیه های حضرات آیات عظام امام خمینی(ره) و گلپایگانی و ... دستگیر، بازداشت و ممنوع الملاقات گردید. در شهربانی شهر پس از بازجویی گسترده و تحمل حدود یک ماه زندان بدون ملاقات به اصفهان اعزام شد و در دادگاه نظامی و فرمایشی شاهنشاهی محاکمه و به دو سال حبس محکوم گردید.

دوران محکومیت را در زندان شهربانی اصفهان سپری می کرد که همزمان با اوج گیری مبارزات حق طلبانه مردم ایران رژیم استبدادی تسلیم خواسته مردم شد و زندانیان سیاسی را آزاد کرد، وی نیز در پاییز سال ۱۳۵۷ پس از تحمل حدود یک سال اسارت و زندان آزاد شد و به آغوش خانواده بازگشت.

پس از پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نامبرده پس از طی مراحل مختلف آموزش نظامی به جبهه های جنگ عزیمت کرده و در کنار رزمندگان اسلام به انجام وظیفه پرداخت.

یکی از وظایف و مسئولیتهای مهم طلاب و فضلاء حوزه علمیه تبلیغ، ارشاد و هدایت مردم است، برای ادای این وظیفه الهی، مردمی اولین سفر تبلیغی خود را در سال ۱۳۵۴ به اطراف شیراز اعزام شد و از همان سال به طور مرتب در ایام تبلیغ به مناطق و شهرهای مختلف کشور سفر می کرد.

الحسینی، حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان ساز. از هنرمندان دوره ی فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار بود که در هنر خود مهارت داشت. از آثار رقم دار این هنرمند، قلمدان گل و مرغی زیبایی در زمینه ی نخودی سیر است که در وسط و رویه ی آن قرنقل آبی خوشرنگی تصویر شده است و در طرفین نیز گلهای متنوع رنگینی است که بین آنها، پروانه ها و زنبورها دیده می شوند. تذهیب قلمدان نیز نارک قلم است، با رقم: «کمترین حسین الحسینی سنه ۱۲۵۰».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/۱۵۶).

الشریف، ابومحمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم و سیزدهم ق)، نقاش و مجلد. وی از جمله استادان ممتاز گل و بوته سازی در اواخر دوران زندیه بود، که جلدهای رغنی در حد اعلائی نفاست می ساخت. آثار بازمانده از وی: یک جلد زیبا است با تاریخ ۱۱۹۹ ق و همچنین یک جلد کتاب گلستان سعدی که زمینه ی آن مرغش آلبالویی زیبایی است، تصاویر گل و بلبل و پیچکهای ریز طلایی که به استادی نقاشی شده، با رقم: «عمل ابومحمد سنه ۱۲۰۱». احتمالاً وی در قلمدان سازی نیز استاد بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/ ۴۹)، هنر قلمدان (۱۰۶).

الله اکبری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد الله اکبری

محل تولد: بند قراء

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم. در مهر سال ۱۳۵۹ به حوزه علمیه یزد رفتم و پس از سه سال تحصیل در آنجا و خواندن دروس مقدمات و معالم و مختصر المعانی، سال ۱۳۶۲ در مهرماه وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه الهادی مرحوم آیه الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم و به ترتیب دروس فقه و اصول را در حوزه قم خواندم.

در سال ۱۳۶۷ درس خارج را شروع کردم. درس های فقه و اصول را نزد آقایان نکونام، مدنی، کریمی، نظری، میانجی، عندلیب شیرازی، اعتمادی و بنی فضل و ستوده خواندم. درس خارج اصول را نخست در درس خارج اصول آیه الله صانعی حاضر شدم و سپس درس خارج اصول آیه الله سبحانی و درس خارج فقه را نزد آیه الله مکارم شیرازی حاضر می شدم.

در سال ۱۳۶۸ از طریق کنکور سراسری در دانشکده الهیات دانشگاه تهران قبول شدم و هر هفته دو روز به تهران می رفتم تا در سال ۱۳۷۲ لیسانس تاریخ تمدن ملل اسلامی را گرفتم و همان سال فوق لیسانس همان رشته را قبول شدم و در شهریور ۱۳۷۵ از این سطح فارغ التحصیل شدم و همان سال در همان رشته و همان دانشکده دکتری قبول شدم که مع الاسف هنوز رساله دکتری را دفاع نکرده ام. از سال ۱۳۷۴ همزمان با تحصیل در معاونت فرهنگی دفتر تبلیغات واحد پژوهش به پژوهش مشغول شدم و مدت دو سال هم مدیر این واحد بودم از سال ۱۳۷۸ با قسمت دائرة المعارف قرآن کریم دفتر تبلیغات همکاری می کردم تا سال ۱۳۸۲.

از سال ۱۳۸۰ در واحد سیره و تاریخ اهل بیت سیره دفتر تبلیغات همکاری را شروع کردم و دو سال مدیر گروه سیره اهل بیت (ع) بودم تا سال ۱۳۸۲. و تاکنون هم عضو شورای پژوهش این واحد هستم.

از سال ۱۳۷۹ تدریس در مرکز جهانی علوم را آغاز کردم و سال ۱۳۸۱ جزء هیأت علمی آن مرکز شدم و از اسفند سال ۱۳۸۲ تا کنون معاون پژوهش مدرسه عالی امام خمینی (ره) از مدارس تحت پوشش این مرکز هستم و فعالیتیم ادامه دارد. در مراکز ماند مرکز جهانی، مرکز مهدویت، مؤسسه امام خمینی (ره)، باقر العلوم (ع)، مرکز تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد تدریس داشته‌ام.

الهی قمشه ای، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم ربانی و حکیم متاله استاد میرزا مهدی الهی قمشه‌ای فرزند حکیم و عارف بزرگ میرزا ابوالحسن از دانشمندان به نام و حکماء والامقام و اساتید عظام معاصر تهران بوده‌اند تولد ایشان در حدود ۱۳۲۲ در قمشه اصفهان (شهرضا) واقع شده و در بیت علم و تقوا پرورش و دروس ابتدائی و سطوح نهائی را در فقه و اصول از علماء بزرگ و حکماء قمشه و اصفهان فرا گرفته و از آنجا مسافرت به مشهد مقدس نموده و از اساتید خراسان چون مرحوم آقا بزرگ حکیم و آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و میرزا مهدی اصفهانی و مرحوم آیت‌الله بررسی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تهران عزیمت نموده و در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس فلسفه و حکمت و سایر علوم پرداخته تا در ربیع‌الثانی ۱۳۹۳ قمری بدرود حیات گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه (ع) مدفون شده است.

استاد الهی دارای تألیفات ارزنده مرحوم استاد الهی قمشه‌ای در فلسفه و حکمت و دیوان بزرگ هزار صفحه‌ای می‌باشد که شرح حال خود را در صفحه ۳۹۵ دیوانش به نظم آورده که نویسنده عین آن را با بعضی از غزلیاتش تقدیم اهل ذوق و معرفت و پژوهش می‌نمایم باشد که روح پرفتوح آن حکیم ربانی و عارف صمدانی این گنجهکار را یاد و دوستانش دعا فرمایند.

آثار گرانقدر مرحوم استاد الهی قمشه‌ای.

۱- ترجمه آزاد و خلاصه‌التفسیر قرآن کریم.

۲- ترجمه آزاد مفاتیح‌الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی طاب ثراه.

۳- ترجمه و شرح صحیفه سجادیه.

۴- حکمت الهی جلد اول (یک دوره حکمت از امور عامه و طبیعات و الهیات خاص و بیان نبوت و امامت عامه و خاصه و معاد).

۵- حکمت الهی جلد سوم شرح خصوص حکیم فارابی و شرح خطبه توحیده مولا امیرالمؤمنین و اخلاق علمی و عرفانی صد کلمه از کلمات مولا علی علیه‌السلام.

۶- کلیات دیوان الهی (نغمه الهی - نغمه حسینی - نغمه عشاق).

۷- توحید هوشمندان ترجمه و شرح خصوص فارابی.

(۱۳۹۲ - ۱۳۲۰ ق)، حکیم، عالم و شاعر، متخلص به الهی. در شهرضا (قمشه) متولد شد. مقدمات علوم فقه و اصول و حکمت را از شیخ‌های قمشه‌ای و دیگران آموخت و جهت تکمیل آن به اصفهان رفت و در خدمت آقا شیخ محمدحکیم خراسانی و پس از آن در خراسان در محضر مرحوم آقابزرگ حکیم مشهدی و آقا شیخ اسدالله یزدی مشغول شد تا در حکمت و فلسفه صاحب‌نظر شد. مدتی نیز در حوزه‌ی درس آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و میرزامهدی اصفهانی حاضر گشت. سپس به تهران آمد و در مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تدریس حکمت و فلسفه پرداخت. همچنین به سمت استاد زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و استاد فلسفه در دانشکده‌ی الهیات (معقول و منقول)، تدریس کرد. وی در تهران وفات یافت و در قم، در جوار حضرت معصومه (ع)، به خاک سپرده شد. از آثار منشور وی: «رساله‌ای در فلسفه‌ی کلی»؛ «شرح رساله‌ی حکیم فارابی»؛ «رساله‌ای در سیر و سلوک»؛ حاشیه‌ای بر «مبدأ و معاد» ملاصدرا؛ «رساله‌ای در مراتب ادراک»؛ «رساله‌ای در مراتب عشق». و از آثار منظوم وی: «نغمه‌ی عشاق»؛ «دیوان» شعر؛ «نغمه‌ی حسینی»، که تاریخ بزرگترین شهید اسلام است؛ «نغمه‌ی الهی». و از دیگر آثار او: «ترجمه‌ی قرآن مجید»؛

«ترجمه صحیفه‌ی سجادیه»؛ «ترجمه مفاتیح‌الجنان»؛ و «تصحیح و تحشیه‌ی تفسیر ابوالفتوح رازی». [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

منابع زندگینامه: [۱] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۵-۵۳)، الذریعه (۱۱۳۵، ۹۲ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۳۹-۳۳۴ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۵)، گلزار معانی (۴۵۸-۴۵۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۶-۱۰۸ / ۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۰-۳۶۸ / ۶).

امام جمعه، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس امام جمعه سال ۱۳۴۵ در تهران به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی خود را در محله قنات آباد تهران آغاز کرد و در همان دوران نوجوانی با تشویق پدر و مادر خود به قرآن روی آورد. وی سپس در جلسات قرآنی شرکت کرد و روخوانی قرآن را نزد استاد مولایی فرا گرفت و به دلیل داشتن استعداد و جدیت و پشتکار علم قرائت را نیز آموخت. وی در مسابقات مختلف قرائت قرآن شرکت کرده و مقام‌هایی را به دست آورده است مثلاً رتبه اول مسابقات بین المللی مالزی سال ۱۳۶۸ و رتبه دوم مسابقات بین المللی عربستان سعودی سال ۱۳۷۰.

او همچنین با اهداف قرآنی به کشورهای مختلف مانند عربستان، سوریه، لبنان، انگلستان، چین، و مالزی سفر کرده است. امام جمعه هم اکنون دانشجوی رشته الهیات و معارف اسلامی است و در شورای عالی قرآن صدا و سیما که زیر نظر مقام رهبری است نیز خدمت می‌کند.

منابع زندگینامه: <http://st-golbangeram.ir>

امام، جلال

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جلال امام

محل تولد: رشکوئیه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۷۳ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) یزد شدم. در سال ۷۵ به مدرسه علمیه مصلی یزد رفته و فقه و اصول را گذراندم و همزمان در کلاسهای زبان جهاد دانشگاهی به مدت دو سال به مکالمه زبان پرداختم. در سال ۷۸ امتحان ورودی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) داده و مهر ۷۹ به قم آمدم و در کنار دروس حوزه در رشته تاریخ موسسه مشغول به تحصیل شدم.

پس از اتمام دوره کارشناسی در بهار سال ۸۴ در امتحان ورودی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع موسسه پذیرفته شدم و از بهمن ماه ۸۴ در مقطع ارشد مشغول به تحصیلم.

همزمان سطح دو حوزه را از شورای مدیریت اخذ کردم. از فروردین ۸۶ به عنوان کارشناس اجرایی گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی (ره) مشغول به کار شدم و از مهر ماه ۸۶ در این مدرسه مشغول به تدریس می باشم. موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد بنده هنوز تصویب نشده است.

امامی فر، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی امامی فر

محل تولد: ملایر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره ابتدایی را در روستا (روستای ارگس علیا از توابع ملایر) گذراندم. پاییز سال ۵۶ برای ادامه تحصیل به بروجرد رفتم روزها در حوزه علمیه نوربخش که الان به نام امام صادق (ع) تغییر نام داده مشغول تحصیل شدم و شب‌ها در مدرسه راهنمایی به ادامه تحصیل دولتی مشغول شدم. اواخر ۵۶ انقلاب شروع شد و در سال ۵۷ که انقلاب ادامه داشت در سال ۵۸ به منظور ادامه تحصیل به قم آمدم.

سال ۶۲ در موسسه در راه حق در برنامه‌های آموزشی آیت الله مصباح شرکت نمودم. و دوره‌های آموزش این موسسه را به پایان بردم. بعد از تأسیس موسسه امام خمینی (ره) به صورت مستقل از طرف معظم له مجدداً در دوره تخصصی تاریخ اسلام در مقطع کارشناسی ارشد شرکت نمودم و فارغ التحصیل شدم (در سال ۷۴). این برنامه‌ها در کنار درس‌های حوزه بود که دروس اصلی به حساب می آمدند. لمعتین را در محضر آیت الله اشتهازدی و مرحوم وجدانی، مکاسب و رسائل را خدمت آیت الله پایانی و محفوظی و اعتمادی خواندم. کفایه را در محضر آیت الله اعتمادی و مرحوم ستوده خواندم. در دروس خارج مرحوم آیات عظام مرحوم تبریزی، صالحی مازندرانی، مکارم شیرازی و سبحانی و آیت الله مؤمن، شرکت نموده و انتقاد کرده‌ام. از سال ۷۴ در دانشگاه‌های شهید بهشتی تهران، آزاد قم، اراک، بروجرد و ساوه مشغول به تدریس بوده‌ام و حدود ۱۰ سال است که عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ساوه هستم.

امامی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عنوان: دکتر ابوالقاسم امامی

آقای دکتر ابوالقاسم امامی از فضایی کم کار اما گزیده کار و دقیق نظر امروز ایران است و در ادبیت و عربیت و اغلب دانش ها و معارف اسلامی، هم در حوزه و هم در دانشگاه، به مدارج والای علمی دست یافته است. او متولد بیست و سوم دی ماه ۱۳۱۳ ش در روستای گز (وابسته به بندر گز، جزو استان گلستان امروز) است. پدرش اهل علم و از شاگردان مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی بود. تا سال ۱۳۲۸ تحصیلات ابتدایی را در گز و بندر گز به پایان رساند. سپس بر وفق علاقه و ارشاد پدر، به تحصیلات حوزوی (در بهشهر، گرگان، و سرانجام و بیش از همه در مشهد) روی آورد، و استادان فرزانه ای داشت از جمله ادیب نیشابوری، و میرزا جواد آقا تهرانی. مدتی کوتاه نیز به حوزه ی علمیه ی قم رفت و سپس به تهران آمد. در سال ۱۳۳۹ از کسوت روحانی بیرون آمد و تحصیلات دانشگاهی جدید را در پیش گرفت. یک چند با مجله ی عربی الاخاء همکاری داشت. پس از طی دوره ی لیسانس حقوق سیاسی (۱۳۴۸) در دانشگاه تهران، دوره ی فوق لیسانس زبان و ادبیات عربی را با احراز رتبه ی اول گذراند (۱۳۵۱) و دوره ی دکتری در رشته ی فرهنگ عربی و علوم قرآنی را با نگارش رساله ای به نام تصحیح و تحقیق در متن تجارب الامم، نیز تالیف رساله ای در زندگینامه و کارنامه ی ابوعلی مسکویه در دانشکده ی ادبیات و از سال ۱۳۶۰ در دانشکده ی الهیات همان دانشگاه به تدریس پرداخت. از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۹ (که بازنشسته شد)، از سر ویراستاران و صاحب نظران مسائل کتاب و نشر در انتشارات صدا و سیما (سروش) بود. از سال ۱۳۷۱ به عضویت هیئت علمی دانشکده ی الهیات و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، در گروه علوم قرآن و حدیث درآمد. همچنین با بعضی نهادهای علمی - انتشاراتی نظیر دفتر نشر میراث مکتوب و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، همچنان، و به موازت کار تدریس و مسئولیت دانشگاهی همکاری دارد. مقالات علمی بسیاری به عربی و فارسی نوشته است. آثار کتابی چاپ شده یا در دست چاپ ایشان از این قرار است:

- ۱- ترجمه ی قرآن کریم که به توصیف اجمالی آن می پردازیم (چاپ اول، نگار، ۱۳۷۰؛ چاپ دوم، اسوه، ۱۳۷۸)
 - ۲- تصحیح متن عربی تجارب الامم اثر هفت جلدی ابوعلی مسکویه (مشکویه رازی) که دو جلد آن (سروش، ۱۳۶۶) منتشر شده و کار بر روی باقی مجلدات ادامه دارد.
 - ۳- ترجمه ی تجارب الامم پیش گفته (جلد اول، سروش، ۱۳۶۹)
 - ۴- تصحیح ترتیب السعادات، اثر مسکویه (آماده ی چاپ)
 - ۵- رسائل پراکنده ی مسکویه (نزدیک به پایان)
 - ۶- رساله فیماهیه العدل (آماده ی چاپ)
 - ۷- تصحیح متن الفوز الاصغر (آماده ی چاپ)
 - ۸- تصحیح کیمیای سعادت (که ترجمه ای است از طهاره الاعراق / تهذیب الاخلاق اثر ابوعلی مسکویه، به قلم میرزا ابوطالب زنجانی. چاپ تهران، انتشارات نقطه با همکاری «میراث مکتوب»، ۱۳۷۵)
 - ۹- تصحیح و ترجمه ی دیوان امام علی (تهران، اسوه، ۱۳۷۰، ۱۳۷۳).
- برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزین فارسی قرآن کریم

امامی، محمدجعفر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۳۲ ق)، نقاش و مجلد. از سادات اصفهانی و از خاندان مورد احترام امامی بود که در قلمدان و جلدسازی و کارهای روغنی مهارت داشت. از آثار جلدسازی وی، جلد قرآن رحلی است که رویه آن گل و مرغ پسندیده دارد و در داخل آن، دسته گل‌های با طراوتی است که در زمینه‌ی مرغشی و طلا-بی آن جلب نظر می‌کند. این جلد به خط رقاع خوش، رقم «فی سنه ۱۲۳۲... راقمه محمدجعفر الامامی» دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۶۷۹/۲).

امیرلو، عنایت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عنایت الله امیرلو در سال ۱۳۲۳، در قزوین متولد گردید. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته باستان شناسی دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد. در سال ۱۳۴۵ به کشور ژاپن عزیمت نمود و در دانشگاه هیروشیما تحصیلات خود را در زمینه انسان شناسی جسمانی و نیز باستان شناسی دوره سنگ پی گرفت. عنایت الله امیرلو از سال ۱۳۴۷ به استخدام اداره کل باستان شناسی و سپس مرکز باستان شناسی ایران درآمد. وی همچنین مسئول تهیه شناسنامه برای بسیاری از اشیاء موجود در کاخ موزه گلستان بود. گروه: علوم انسانی رشته: باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: عنایت الله امیرلو پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته باستان شناسی دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد. در سال ۱۳۴۵ به کشور ژاپن عزیمت نمود و در دانشگاه هیروشیما تحصیلات خود را در زمینه انسان شناسی جسمانی و نیز باستان شناسی دوره سنگ پی گرفت. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: عنایت الله امیرلو از سال ۱۳۴۷ به استخدام اداره کل باستان شناسی و سپس مرکز باستان شناسی ایران درآمد. وی همچنین مسئول تهیه شناسنامه برای بسیاری از اشیاء موجود در کاخ موزه گلستان بود. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: عنایت الله امیرلو در تاسیس گنجینه اشیاء و ذخایر بازیافته موجود در میراث فرهنگی استان و تهیه برای اشیاء مکشوفه قاچاقچیان همکاری داشته است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: عنایت الله امیرلو پس از اتمام تحصیلات خود، در سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشت و فعالیت علمی خود را دنبال نمود. وی در دوران حیات خود فعالیت های ذیل را به انجام رسانده است: - شرکت در کاوش های تپه قیطره تهران - شرکت در کاوش های معبد آناهیتا کنگاور - شرکت در کاوش های شهر ساسانی - اسلامی سیراف بوشهر - شرکت در کاوش های تپه سه گابی، تویسرکان - بررسی شهرستان دماوند (کشف محوطه ای از دوره پارینه سنگی در روستای قلعه عسگر دماوند)، سه فصل - بررسی منطقه قاضی میرجعفر یزد - کاوش در فهرج یزد آثار: باستان شناسی اسرائیل، به مثابه ابزاری در خدمت صهیونیسم و ویژگی اثر: با همکاری مصطفی تنها، موزه، ش ۴ و ۳۲ سالیابی محوطه های باستانی ایران به روش کربن ۱۴ ویژگی اثر: باستان شناسی و تاریخ - سال دوم، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۶۳ قلعه عسگر دماوند تهران ویژگی اثر: راهنمای نمایشگاه دومین گردهمایی باستان شناسی ایران - تهران ۱۳۷۶ کاربرد ریاضیات در پژوهشهای باستان شناسی و ویژگی اثر: باستان شناسی و تاریخ - سال هفتم ش ۱۰۲، یادنامه هلن کنتور ۵ مقدمه ای بر مطالعات دروان سنگ و ویژگی اثر: فروهر (نشریه سازمان فروهر)، ش ۴، شهر یور ۱۳۶۳ نگاهی به فرهنگهای کهن سنگی ایران ویژگی اثر: باستان شناسی و تاریخ - ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۶۵

منابع زندگینامه: نشریه باستان پژوهان، «ویژنامه سمینار باستان شناسی دانشگاه تهران»، زمستان ۱۳۷۹

امین ذبیحی، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا امین ذبیحی از سازگران خوب و جستجوگر شهرستان بروجرد است که آینده‌ای بس روشن و موفقیت آمیز در انتظار دارد، وی به سال ۱۳۳۱ در شهرستان بروجرد متولد شد.

پدر وی که از علاقمندان موسیقی سنتی ایران است که هر وقت به محفلی که در آن از هنر موسیقی برخوردار بود، فرزند خود را نیز همراه خویش به آن محفل می‌برد.

علیرضا امین ذبیحی بعدها به ساختن ساز تار و آلات موسیقی علاقه فراوان پیدا کرد و برای این که بتواند از صدا و کیفیت این ساز بهره کافی را ببرد، از سال ۱۳۶۴ فن فراگیری نواختن ساز تار را در قسمت هنری اداره ارشاد اسلامی بروجرد نزد هنرمند ارجمند ماشاالله وحدتی شروع کرد و کتاب‌های اول و دوم مقدماتی استاد روح‌الله خالقی را به پایان برد سپس نزد هنرمند درویش و بی‌تکلف رحیم رفیعی منش مشغول فراگیری علم موسیقی گردید.

از سال ۱۳۶۵ نیز ساختن ساز تار و ضرب را آغاز کرد و در ضمن تعمیرات سازهای زهی را نیز انجام داد که باشوق و عشق فراوانی که به هنر موسیقی دارد به این مهم با علاقمندی بسیار ادامه می‌دهد و هم‌اکنون غیر از ساختن تار و ضرب، سه تار هم می‌زند. وی هنرمندی است درویش مسلک و بی‌تکبر و بی‌ادعا که دارای چهار فرزند به نام‌های: حسین، محسن، وحیده و وحید که تمامی ایشان با موسیقی مأنوس و با نواختن یکی از سازهای ضرب و تار آشنا می‌باشند بخصوص حسین امین ذبیحی فرزند ارشد وی که آینده‌ای درخشان دارد و در نواختن ساز ضرب سبک امیرناصر افتتاح را دارد و سال‌ها در قسمت هنری اداره ارشاد اسلامی شهرستان بروجرد زیر نظر هنرمند ارجمند ماشاالله وحدتی، با پشتکار و استعداد ویژه خود و پس از آن زیر نظر هنرمند خوب و باارزش دیگر رحیم رفیعی منش پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری طی می‌نماید.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

امینی تبریزی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۰ - ۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه و محدث. در تبریز متولد و چون جدّ او ملا نجف علی امین شرع بوده، به امینی شهرت یافته است. ابتدا تحت تربیت پدرش که از علمای بزرگ تبریز بود پرورش یافت و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فراگرفت. سپس از محضر حاج سید محمد مولانا و حاج سید مرتضی خسروشاهی صاحب کتاب «اهداء الحقیق در معنی حدیث الغدیر» و آقا شیخ حسین مؤلف کتاب «هدایة الانام» سطوح عالی را آموخت. بعد به نجف اشرف مهاجرت کرد و در محضر حاج سید ابوتراب خوانساری، آقا سید محمد فیروزآبادی، تلمذ کرد و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، علامه نائینی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی آقا شیرازی و دیگران استفاده نمود و به دریافت اجازه اجتهاد از ایشان نایل گردید.

او بعد از فراغت از تحصیل به تبریز بازگشت و در آنجا به وظائف شرعی پرداخت. سرانجام به قصد اقامت دائم به نجف بازگشت. علامه امینی فقیهی بزرگ و مؤلفی پرکار و خطیبی دانشمند بود و از ابتدا بزرگان نجف او را امید اسلام و تشیع پیش‌بینی می‌کردند. وی در تألیف اثر گرانقدرش «الغدیر» کتابخانه‌های ایران و عراق و دیگر کشورهای اسلامی را جستجو کرد. و بیش از چند هزار کتاب را دید. وی با سفر به شهرهای حیدرآباد دکن و علیگره و بمبئی و لکهنو و کانپور و پتنه و رامپور و جلالی هند و نیز بیروت و دمشق و معره و نبل و حلب و مکه و مدینه و شهرهای بسیار دیگر همگام با تهیه مآخذ و مطالعه و استنساخ کتب در ملاقات با استادان و دانش پژوهان و شرکت در محافل عمومی به نشر مفاهیم اصیل و صحیح ولایت می‌پرداخت. کتابخانه‌ی امیرالمؤمنین (ع) در نجف با همت وی تأسیس شده که از نفایس جهان علم و ادب به شمار می‌رود و حدود ۴۰۰۰۰ کتاب از جمله صدها کتاب خطی در آن گردآوری شده است. وی در تهران درگذشت؛ پیکر او را به نجف بردند و در کتابخانه‌اش دفن کردند. از وی آثاری بر جای مانده است که عبارت‌اند از: «الغدیر فی الکتاب والسنه والادب»، «دایره‌المعارف شیعه که در آن احادیث و اشعار مربوط به روز عید غدیر را آورده است؛ «اعلام الانام فی معرفه الملک العلام»؛ «ثمرات الاسفار»، در دو جلد که شرح سفرهای اوست؛ «شهداء الفضیله»؛ «ریاض الانس»، در دو جلد؛ «سیرتنا و سنتنا سیره نبینا و سنته»؛ «حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری»؛ «حاشیه بر مکاسب شیخ مرتضی انصاری»؛ «تفسیر سوره‌ی حمد»؛ «تفسیر آیاتی از قرآن»؛ «ادب الزائر»؛ «العترة الطاهرة فی الکتاب».[۱]

حاج شیخ عبدالحسین امینی تبریزی ابن عالم الجلیل میرزا احمد بن المولی نجفعلی مشهور به امین الشرع تبریزی از اعظام علماء و اکابر دانشمندان معاصر و دارای معنویت و مقامات عالیه بودند.

در سال ۱۳۲۰ ق در تبریز متولد شده و در تحت تربیت و رعایت مرحوم والدش که از علماء بزرگ تبریز بودند پرورش یافته و در مدارس تبریز مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و از همان اوان صغر آثار نبوغ و کثرت حافظه و سرعت انتقال از وی ظاهر و بارز بوده است. پس از پایان اولیات، سطوح عالیه را از محضر مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد مولانا و آیه‌الله حاج سید مرتضی خسرو شاهی و آیه‌الله آقا شیخ حسین مولف کتاب (هدایه الانام) استفاده نموده و به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحوم آیه‌الله حاج سید ابوتراب خونساری متوفی ۱۳۴۶ ق و آیه‌الله آقا سید محمد فیروز آبادی متوفی ۱۳۴۵ ق و مرحوم آیه‌الله نائینی و آیه‌الله میرزا علی آقا شیرازی و بعضی دیگر بهره‌مند شده تا بمدارج علم و کمال رسیده و مبادرت بتألیف و تصنیف کتب مفید نموده و از این راه خدمات بسیار ارزنده‌ای بعالم اسلام مخصوصاً تشیع نموده است.

نگارنده گوید: مرحوم علامه مجاهد امینی حقا از نوادر علماء معاصر ما بودند که در راه خدمت بدین و ولایت تحمل شدائدی نموده و به کشورهای هند و پاکستان و سوریا و حلب و غیره مسافرتها کرده و کتابخانه‌های مهم آنجا را با دقت مطالعه و بررسی و بیش از چند هزار کتاب را دیده و دائره‌المعارفی بنام (الغدیر) در موضوع ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و مثالب غاصبین حقیق از کتب اهل سنت نوشته که در فن خود بی نظیر و موجب استبصار بسیاری از اهل سنت که تقلید کورکورانه ستمکاران به اهل بیت علیهم‌السلام می‌نمودند گرویده‌اند.

علامه امینی چندین سال بود که در تهران رحل اقامت افکنده، و در آخر ماه ربیع‌الاول ۱۳۹۰ ق در تهران وفات و پس از تشییع و تجلیل با شکوهی حمل به نجف و در کتابخانه‌اش مدفون گردیده است.

آثار خالدهی او که بزرگترین اثر جاودانی او می‌باشد تاسیس کتابخانه وزین امیرالمؤمنین علیه‌السلام نجف اشرف است که بیش از چهل هزار جلد کتاب مطبوع و محفوظ دارد و از نفایس جهان علم و ادب بشمار می‌رود.

و آثار علمی او از این قرار است:

۱- دائره‌المعارف شیعه بنام الغدیر که بیست و دو مجلد است یازده جلد آن مطبوع و بقیه مخطوط است و مطبوع آن مکرر در نجف

و بیروت و تهران بطبع رسیده است.

۲- شهداء الفضیله که در نجف چاپ شده. ۳- کتاب سیرتنا و سنتنا که بچاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] حماسه‌ی غدیر (احوال و آثار علامه امین)، الذریعه (۲۶/۱۶، ۲۵۹/۱۴۸۲/۲)، الغدیر، ترجمه (۱۶۳- ۱۵۴/ ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۹- ۳۷۷/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۳- ۷۲۲/ ۳)، مستدرکات اعیان (۸۲/۱).

امینی هروی، صدرالدین ابراهیم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۴۱/۹۳۰ ق)، مورخ و شاعر. از اعیان هرات و از وزرای سلطان حسین بایقرا بود و در هنگام استیلای ازبکان در آن شهر کشته شد. او ابتدا در هرات در خدمت سلطان حسین میرزا بایقرا بود و در سال ۹۲۷ ق به دربار شاه اسماعیل پیوست و به امر او کتابی در دو قسمت به نام «فتوحات شاهی» تألیف کرد. از دیگر آثار وی: «مناظره‌ی مهر و مکتوب»؛ ترجمه «دیوان» علی بن ابیطالب (ع).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۶۶، ۲۷۵)، تحفه‌ی سامی (۴۷- ۴۶)، الذریعه (۱۱۷، ۱۶- ۱۵/ ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۹).

امینی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر امینی که سالیان دراز در رادیو به خدمت فرهنگی و هنری بخصوص موسیقی فعالیت داشته در سال ۱۲۹۸ قمری در شهرستان تفرش متولد شد. پدر وی از ملاکین تفرش بود که منزلش محل آمد و شد آنان بود.

بیش از یک سال از سن علی اکبر نمی گذشت که همراه خانواده به تهران آمد و ساکن این شهر بی دروازه شد. منزل ایشان در تهران مثل تفرش محل رفت و آمد و نشست اشخاص شد با این تفاوت که در تفرش آن اشخاص ملاکین و خان‌ها بودند ولی خانه آنها در تهران محل آمد و شد موسیقی دانانی مثل: حسین خان اسماعیل زاده، ابوالحسن صبا، مرتضی خان محجوبی، رضا محجوبی، قمرالملوک وزیری، ملوک صرایی و تنی چند از بزرگان موسیقی ایران و شعرایی نظیر: ایرج میرزا، ملک الشعراء بهار و میرزاده عشقی شد.

آمد و شد این هنرمندان بزرگ به خانه‌ی ایشان موجب شد تا پدر علی اکبر نزد اسماعیل زاده به فراگیری کمانچه پردازد و علی اکبر که شش سال از سنش می گذشت به یادگیری ویولن نزد رضا محجوبی رفت. وی مدت چهار سال از محضر مرحوم رضا محجوبی بهره گرفت و مدت سه سال هم نزد شادروان ابوالحسن صبا جهت یادگیری موسیقی سنتی ایران و ردیف‌ها و مقام‌های آن به شاگردی پرداخت. سپس مدت یک سال و نیم نزد آساطور هنرمند بزرگ و سرشناس وقت کار کرد تا هارمونی، آهنگسازی و آرانژه (قسمت بندی نت برای ارکستر) آموخت.

پدر و مادر وی به قدری مشوق علی‌اکبر در یادگیری موسیقی بوده‌اند که مادر او، وی را در صندوقخانه (از اتاق‌های عقبی ساختمان‌های قدیمی) حبس می‌کرده و می‌گفته به جای بازی گوشی و وقت تلف کردن تا آمدن پدرت باید موسیقی را تمرین نمایی و او ساعت‌ها به تمرین اجباری می‌پرداخته که همین امر موجب پیشرفت سریع او در موسیقی شد ولی وی بیشتر به ساختن ساز راغب بود تا نواختن.

به همین سبب در تمام طول فعالیت‌های هنری خود بیش از دوازده آهنگ نساخت ولی در قسمت سازسازی بیش از پانزده کمانچه، چهارصد و دوازده ویولن و چهل و سه تار ساخته و هم‌اکنون هم مشغول ساختن این سازها می‌باشد.

علی‌اکبر امینی، از سال ۱۳۲۵ به سمت نوازنده‌ی ویولن، همکاری خود را با رادیو آغاز کرد و یکی از بهترین نوازنده‌های ارکستر شادروان مهدی خالیدی گردیده و در رادیو کار دومی داشت که آن تعمیر سازهای زهی این مرکز زیر نظر وی بود. وی با نواختن اکثر سازها آشنایی کامل دارد و کار ویولن‌سازی را طبق گفته‌ی خودش، همراه استاد ابراهیم قنبری نزد مسیو آراکلیان فرا گرفته و در حال حاضر کارمند بازنشسته‌ی شرکت مخابرات ایران می‌باشد.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

انصاری، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران استاد مسعود انصاری خوشابر، یکی از اسلام‌شناسان و محققان عالی مقام و سختکوش و پرکار و صاحب نظر و صاحب اثر در اغلب زمینه‌ها و رشته‌های علوم اسلامی، به ویژه علوم قرآنی و فقه (همراه با حقوق) و حدیث و نیز مترجمی تواناست که به شمه‌ای از آثار ایشان اشاره خواهد شد.

او در سال ۱۳۴۵ در شهرستان تالش / طالش به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود گذراند، و همزمان به آموزش مقدمات علوم دینی پرداخت. پس از به پایان رساندن تحصیلات دوره‌ی متوسطه، برای تکمیل آموخته‌های دینی به حوزه‌ی علمیه‌ی دارالعلوم زاهدان رفت. پس از طی مراحل لازم، در تهران به تحصیل در دانشکده‌ی حقوق (در دانشگاه شهید بهشتی) پرداخت، و با شور و شوقی بیکران تحصیلات حوزوی را پی گرفت و نزد استاد محمد شیخ الاسلامی، فقه، کلام، تفسیر، علوم قرآنی، نحو و علوم بلاغی را تا مدارج عالی فرا گرفت و در سال ۱۳۷۰ ش در محضر این استاد عالیقدر و از دست ایشان - در ۲۵ سالگی - اجازه‌ی مکتوب «افتاء» به شیوه‌ی مرسوم در مذهب شافعی، دریافت داشت و دو سال بعد از دانشکده‌ی حقوق فارغ التحصیل شد و پس از آن قرآن پژوهی و اسلام‌شناسی و تالیف و ترجمه و تحقیق را پیشه‌ی خود ساخت و تاکنون آثار معتابیه‌ی، هم از نظر ارزشمندی خود اثر، و هم از نظر کیفیت عالی پژوهش، پدید آورده که مایه‌ی اعجاب اهل فن و ارباب نظر است. مهم‌ترین و طبعاً شریف‌ترین اثر ایشان ترجمه‌ی قرآن کریم به شیوه‌ی شیوا در کمال صحت و دقت است که بخشهای بعدی این مقاله، تماماً به بحث درباره‌ی آن و معرفی آن اختصاص دارد. بعضی از آثار دیگر ایشان عبارت است از:

- تالیف بیش از چهارصد مقاله برای دو اثر مرجع: دانشنامه‌ی قرآن و قرآن پژوهی و فرهنگ آثار (بخش معرفی کتابهای عربی و فارسی، به سرپرستی جناب رضا سید حسینی و سه محقق برجسته‌ی دیگر)

- ترجمه‌ی کتاب واقعه‌ی کربلا، اثر عباس محمود عقاد

- ترجمه‌ی مجموعه‌ای از حدوداً چهار هزار حدیث و خطبه و نامه و عهدنامه، و وصایا و کلمات قصار، و احادیث موضوعی، با ذکر اسناد هر حدیث از کتب ششگانه (صحاح سته) اهل سنت و کتب اربعه‌ی شیعه، با همکاری بهاء الدین خرمشاهی. نام این

مجموعه که تدوین فرهنگ وار و انواع فهارس را در بر دارد ، پیام پیامبر (ص) است .

- هدیه ی معراج (احکام نماز در فقه شافعی)

- اهمیت نماز جماعت (ترجمه)

- پدیده ی افراط در تکفیر (ترجمه از اثر دکتر قرضاوی)

- زن در اسلام و نقش زن در فعالیتهای اجتماعی (ترجمه از اثر فیصل مولوی)

- ترجمه ی مجموعه ای از آثار جبران خلیل جبران (از جمله اشکی و لبخندی ، تندبادها ، موسیقی ، عروسان مرغزار ، بالهای

شکسته ، عیسی فرزند انسان ، تازه و طرفه ها ، و ارواح سرکش)

- ترجمه ی کتاب خاتم النبیین اثر سَمِیح عاطف الزین که ممکن است عنوان فارسی آن « حضرت محمد در مکه / حضرت محمد

در مدینه » باشد .

- قاموس شگرفیهای قرآن (در دست تدوین)

- پژوهشهای تاریخی در قرآن (ترجمه ی اثر بیومی مهران ، زیر چاپ)

- دانشنامه ی حقوق خصوصی این اثر مرجع ۳ جلدی ، در مرحله ی حروف نگاری است . و یکی از آثار و کوششهای قرآن پژوهی

دیگر ایشان تصحیحی علمی و هر چه دقیق تر ترجمه ی شاه ولی الله دهلوی از مهم ترین و دقیق ترین ترجمه های قرآن مجید به

زبان فارسی است ، که متأسفانه چاپ آن در حدود یک دهه به درازا کشیده و هنوز هم منتشر نشده است .

برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

انصاریان، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین فرزند حاج شیخ محمدباقر انصاریان خونساری از گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست. در ۱۸ آبان ماه ۱۳۲۳ شمسی در

خونسار متولد شده و در تحت تربیت پدری متدین و اهل حال پرورش یافته نشو و نما یافته و هفتمین جد ایشان عارف بزرگ شیخ

عرفان بوده که در حمله افغانه از اصفهان به خونسار آمده و قبرش در سرچشمه خونسار مزار و دارای صحن و سرا و گنبد و بارگاه

است و اصلاً از طایفه انصار مدینه است.

والده ماجده اش علویه از سادات مصطفوی است که به عفت و پرهیزگاری و پاکدامنی موصوفه می باشد. و این توفیقات ایشان در

راه تبلیغ اسلام و معارف اهل بیت و تألیفات عدیده از اثر دعاء مادرشان و بالخصوص مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمدتقی

خونساری رحمه الله علیه می باشد که از خدای متعال خواستند او روحانی و خدمتگذار آستان ولایت و خاندان رسالت و بالخصوص

سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام باشند.

ایشان در اوائل عمر با خاندانش مهاجرت به طهران نموده و در خیابان خراسان ساکن و در مدرسه ابتدائی و دبیرستان مرحوم حاج

شیخ علی اکبر برهان انار الله برهانه دروس جدید را فرا گرفته و به تشویق حکیم الهی میرزا مهدی الهی قمشه ای در سال ۱۳۴۱

شمسی به قم آمده و به دروس دیگر پرداخته و از محضر حاج شیخ محمد وحید و مرحوم حاج شیخ محمدجواد خندق آبادی و

آقای ناطق نوری و حاج شیخ رحمت الله فشارکی و حاج آقا جمال مرتضوی و آقای جوادی استفاده و مقدمات و سطوح وسطی را

خوانده و پس از آن سطوح عالی را در طهران از حاج میرزا ابوالقاسم فلسفی و حاج میرزا علی آقای فلسفی آموخته و باز به قم

آمده و از محضر و دروس آقای فاضل لنکرانی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی و آقای خزعلی و حاج شیخ یوسف صانعی فراگرفته و به درس خارج آیت‌الله حاج میرزا هاشم آملی و حاج شیخ ابوالفضل خونساری و آقای منتظری و مشکینی و یزدی شرکت و استفاده نموده و دروس اخلاق و عرفان را از محضر و بیانات آیت‌الله حاج شیخ علی‌اکبر برهان و میرزا مهدی الهی قمشه‌ای و آخوند ملا علی همدانی و آیت‌الله العظمی میلانی در مشهد مقدس آموخته و در تهران و سایر نقاط کشور به ترویج احکام اسلامی و نشر معارف اشتغال داشته و دارند و برای صراحت لهجه و انتقادات از رژیم طاغوتی گذشته کرارا بازداشت و زندانی شده و پس از مدتی آزاد و به خدمات خود تداوم بخشیده است.

دارای تألیفات سودمند است که به طبع رسیده است.

۱- اسلام و کار و کوشش

۲- اسلام و علم و دانش

۳- از اسلام چه می‌خواهید

۴- معنویت اساسی‌ترین نیاز عصر

۵- حج وادی ایمن

۶- لقمان حکیم چاپ چهارم

۷- مناجات عارفان طبع ششم

۸- عرفان اسلام حدود ۱۴ مجلد

۹- به سوی قرآن و اسلام

۱۰- مقدمه بر دیوان وحدت

۱۱- مقدمه حقوق کیفری

۱۲- مقدمه‌ای بر معاد

۱۳- مقدمه‌ای بر قضاء در اسلام

۱۴- چهره‌های محبوب و منفور در قرآن

۱۵- سیری در اخلاق اسلامی

۱۶- مرز روشنائی

۱۷- شرح دیوان و کلمات باباطاهر

۱۸- فروغی از تربیت اسلامی

۱۹- حسینه انصاریان (انصار الحسین) در خیابان باغ حاج محمدحسن خیابان ری- که بسیار مجلل و مکمل آماده برای تبلیغ احکام اسلامی و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و تدریس و تعلیم و تعلم می‌باشد.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

انیسی قندهاری

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۳ ق)، شاعر و مورخ. واقعه‌نویس دربار ظهیرالدین بابر بود و استادانه غزل می‌سرود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۴۲).

اهوازی، ابوعلی حسن

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۴۶-۳۶۲)، متکلم، قاری و محدث. معروف به ابن یزداد. در اهواز به دنیا آمد. و در سال ۳۹۱ ق به شام رفت و تا آخر عمر آنجا بود. ابوعلی در علم قرآات مشهور بود و قرآن را به روایات بسیار قرائت می‌کرد و سرآمد قاریان شام بود. وی بر علی بن حسین غضائری و بر شنبوذی و ابو حفص کتانی قرائت کرده بود و هذلی و غلام هراس و احمد سمرقندی و ابوالحسن مصینی و دیگران بروی قرائت کرده‌اند. او همچنین از نصر بن احمد مرجی حدیث شنید و افرادی همچون خطیب بغدادی از وی حدیث روایت کرده‌اند. در دمشق در گذشت. کتاب «الاقناع» را در قرآات شاذ پرداخت. او را کتب دیگری نیز هست مانند: «الایضاح فی القراآت»؛ کتاب «البيان فی شرح عقود اهل الايمان»؛ «الفوائد و العوائد» یا «الفوائد و القلائد»، در نصیحت پادشاهان؛ «قراءة الحسن البصری»؛ «النیر الجلی فی قراءه زید بن علی»؛ «الوجیز فی القراآت الثمانیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/ ۲۱۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸/ ۱۰۷۳)، سیر النبلاء (۱۸- ۱۳/ ۱۸)، کشف الظنون (۲۰۰۴، ۱۹۹۴، ۱۷۷۳، ۱۳۲۳، ۱۳۰۳، ۲۱۱، ۱۴۰)، لسان المیزان (۲/ ۴۳۹- ۴۴۲)، معجم الادباء (۳۹- ۳۴/ ۹)، معجم المؤلفین (۲۴۸- ۲۴۷/ ۳)، الوافی بالوفیات (۱۲/ ۱۲۲)، هدیة العارفين (۲۷۶- ۲۷۵/ ۱).

ایدرم، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن ایدرم

محل تولد: رودسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ مدرک سال دوم ریاضی فیزیک راهی حوزه علمیه قم، مدرسه امام صادق علیه السلام مشهور به خلخالی شدم. در مدت چهار سال مقدمات را در آن جا فرا گرفتم. بنام ترین استادمان در این مرحله جناب حجه الاسلام جراثیمی بود. البته، بیشتر دروس این مرحله را پیش خودم خواندم؛ همچنین فراگیری را محدود به درسهای ارابه شده نکردم. در مرحله سطح ۱ و ۲ هم بیشتر دروس

را بجز بخشهایی از آن، پیش خود خواندم از اساتید این مرحله می توانم آیات و حجج اسلام: وجدانی، اعتمادی، محفوظی و محقق داماد را نام ببرم که مدتی بخشهایی از سطح را پیش ایشان فراگرفتم. در مرحله خارج که از سال ۶۷ شروع شد، بخشهایی از فقه و اصول را نزد آیات عظام: منتظری، صانعی، موسوی اردبیلی، صالحی مازندرانی، احمدی فقیه یزدی فرا گرفتم. از سال ۶۹ هم تحقیق و پژوهش را در جلسه حزب الله در مباحث تاریخی شروع نمودم. کمی بعد به پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام رفتم و مدت چهار سال با آنجا به همکاری پژوهشی پرداختم. سپس در سال ۷۵ به همکاری با پژوهشکده فرهنگ و اندیشه پرداخته و تا چهار سال این همکاری ادامه داشت. از سال ۷۸ تا کنون نیز با موسسه فرهنگی و هنری عصر سبز همکاری دارم. در ضمن، سال ۷۶ تا ۷۹ هم با حوزه هنری همکاری داشته ام.

ایرانی، عبدالمحمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۴ - ۱۲۵۰ ق)، شاعر، نویسنده، مورخ و روزنامه‌نگار. ملقب به مؤدب السلطان. در اصفهان متولد شد. در هفت سالگی پدرش را از دست داد و در حجره‌ی تجارتی برادران خود به کار مشغول شد و همزمان در مدارس قدیم اصفهان نیز به تحصیل پرداخت. در هفده سالگی به شیراز و بوشهر سفر کرد و پس از یک سال اقامت به عتبات رفت. پس از بازگشت به اصفهان، به نمایندگی شرکت اسلامی، که برای ترویج صنایع وطنی در اصفهان تأسیس شده بود، به بادکوبه رفت و چند سال در آنجا ماند. در سال ۱۳۳۲ ق که به مصر رفته بود، ابتدا در اسکندریه و سپس در قاهره به انتشار روزنامه‌ی «چهره‌نما» پرداخت. به همین سبب به چهره‌نما مشهور شد. در سال ۱۳۲۷ ق به اروپا رفت و در سال ۱۳۰۹ ش به ایران مراجعت نمود. پس از مرگش روزنامه‌ی «چهره‌نما» به مدیریت فرزندش منوچهر مؤدب‌زاده ایرانی چاپ می‌شد. ایرانی سرانجام در مصر درگذشت. از آثار وی: «رساله‌ی احقاق الحق»؛ «زرتشت باستانی و فلسفه‌ی او»؛ «تاریخ مفصل افغان»؛ «پیدایش خط و خطاطان»؛ «امان التواریخ»؛ «فوائد التواریخ».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۹۳ - ۴۹۲/۲)، تاریخ جراید (۱۹۹ - ۱۹۰/۲)، تذکره القبور (۲۴۷)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۱۸ - ۳۱۷/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹ - ۴/۷).

ایزدی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین ایزدی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۷/۱

آبان، محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، نساج و طراح. در هنر خود شهره و هم عیار نساجان و طراحان معروف زمان خود، از قبیل غیاث، حسین عبداللّه، یحیی و معزالدین بود و استادی چیره‌دست به شمار می‌آمد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱).

آبری سیستانی، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۳ ق)، مورخ، حافظ و محدث شافعی. وی به خراسان، شام، جزیره و حجاز سفر کرد. از ابن خزیمه‌ی نیشابوری، ابوالعبّاس سراج نیشابوری، زکریا بن احمد بلخی، محمد بن یوسف هروی و محمد بن سهل قهستانی و دیگران حدیث شنید. علی بن بشری لیشی سجستانی، یحیی بن عتیار سجستانی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. اثر معروف او: «مناقب الامام الشافعی» است که تذکره‌نویسان آن را در نوع خود کم‌نظیر دانسته‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/ ۵۶)، تاریخ سیستان (۲۹)، تذکره الحفاظ (۹۵۵-۹۵۴/۳)، دائرة المعارف البستانی (۱/ ۲۰)، سیر النبلاء (۳۰۱-۲۹۹/۱۶، ۵۰۰، ۱۲/۱۰)، کشف الظنون (۱۸۳۹)، مراصد الاطلاع (۱/ ۱)، معجم البلدان (۱/ ۶۷)، معجم المؤلفین (۲۳۲-۲۳۱/۹)، الوافی بالوفیات (۲/ ۳۷۲)، هدیة العارفين (۲/ ۴۸).

آبنوسی، نریمان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از صنعتگران هنرمند کشور، نریمان آبنوسی است که در سال ۱۳۰۲ در شهرستان ساوه متولد شد. وی از سن ۸ سالگی به موسیقی روی آورد و به آن علاقه‌ای وافر پیدا نمود. پس از چندی اقدام به ساختن سازی محلی به نام «چگور» کرد، این ساز ۹ سیمه می‌باشد و دارای صدایی خوش است.

نریمان آبنوسی از آنجا که به ایران و ایرانی عشق می‌ورزید برای زنده کردن هنر و صنعت ایران، در سال ۱۳۲۸ اولین ساز «عود» را که همان «بربط» ساز ایران باستان است ساخت و به قدری آن را خوب و خوش صدا از کار درآورد که شهرت آن از مرزهای

کشور گذشت و به سراسر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و از آنجا به عراق، لبنان، سوریه و مصر کشیده شد از جمله یکی از استادان «عود» نواز مصر از طرف محمد عبدالوهاب نزد وی می‌آید عود را می‌بیند و بسیار مورد توجه او واقع می‌گردد. از این زمان به بعد نریمان ایرانی این ساز ایرانی را برای کشورهای عربی می‌سازد تا جلوه‌گر موسیقی آنها شود ولی متأسفانه در ارکسترهای ایرانی از آن یا استفاده نمی‌شد یا اگر هم می‌شد کمتر میدانی به نوازنده‌ی آن می‌دادند.

نریمان آبنوسی، علاوه بر ساختن «عود»، «سه‌تار» و «سنتور» نیز می‌ساخته و الحق هم خوب از عهده‌ی کار برمی‌آمده ولی عود کار دست وی چیز دیگری بوده. وی مدتی بنابه دعوت وزارت فرهنگ و هنر وقت به آن اداره رفت و در کارگاه آنجا مشغول کار شد ولی بنا بر اختلافی که با رؤسای آنجا پیدا نمود از این وزارتخانه قهر کرد و دیگر به آنجا نرفت و تا پایان عمر در کارگاه خصوصی خود مشغول فعالیت بود، نریمان سازهای خود را بیشتر از چوب‌های افرا و گردو می‌ساخت و خشک کردن چوب طرز مخصوص خود او بود.

نریمان در ساختن «عود»، استاد یحیای دوران خود بود و بهترین و زیباترین «عود»ها را ساخت. «سه‌تار»ها «چگور»ها و «تنبور»های وی نیز بسیار مشهور و کمیاب می‌باشد. مرحوم نریمان سازهای دیگری چون «تار»، «قانون» و «سنتور» نیز می‌ساخت و در درزگیری و وصل قطعات ساز بخصوص «عود» از استادان بی‌نظیر بود، روانش شاد، از وی، دو پسر و سه دختر به جای مانده که همگی ایشان هنرمند می‌باشند، آمو آبنوسی در رشته پیانو از انگلستان فارغ‌التحصیل گردیده، دختران هم با پیانو و نواختن آن آشنایی کامل دارند و پسر بزرگ وی، ساهاک آبنوسی است که با نواختن تمام سازها آشنایی دارد و بخصوص یکی از «عود» نوازان خوب به شمار می‌آید ولی بیشتر فعالیت وی در ساختن ساز در کارگاه پدر صرف می‌شود.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

آبی، ابوسعید، ابوسعید منصور

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۳۲/ ۴۲۲/ ۴۲۱ ق)، فقیه، ادیب، شاعر و مورخ امامی. در آبه یا آوه از توابع ساوه متولد شد. و پس از کسب معلومات متداول زمان در ری به وزارت ابوطالب مجدالدوله‌ی دیلمی رسید، و با صاحب بن عباد دوستی داشت. به گفته‌ی منتجب الدین از شاگردان شیخ طوسی بود. عبدالرحمان نیشابوری از او روایت می‌کرد. برادر او، ابومنصور محمد بن حسن آبی، نیز از ادیبان و دانشمندان قرن پنجم است که در خدمت ملوک طبرستان دارای منصب وزارت بود. آثار ابوسعید عبارت‌اند از: «نزهة الادب»؛ «نثر الدرر»؛ «تاریخ ری».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۳۷/ ۸)، اعیان الشیعه (۲۵۲/ ۹، ۸۵/ ۲)، دائرةالمعارف البستانی (۲۶- ۲۵/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲/ ۱)، الذریعه (۱۰۸، ۵۲- ۵۱/ ۲۴، ۲۵۴/ ۳)، ری باستان (۳۹۴/ ۲)، ریاض العلماء (۲۱۹/ ۵)، ریجانه (۱۳۶- ۱۳۵/ ۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۶- ۱۹۵/ ۵)، فهرست منتجب الدین (۱۶۱)، فوائد الرضویه (۶۶۸- ۶۶۷)، کشف الظنون (۱۹۳۹، ۱۹۲۷، ۲۹۵)، الکنی واللقاب (۴/ ۲)، معجم الادباء (۲۳۸/ ۶)، معجم البلدان (۶۹/ ۱)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۱۳)، نشر دانش (س ۱۳، ش ۶، ص ۲۸)، هدیه الاحباب (۹۶)، هدیه العارفین (۴۷۳/ ۲).

آدمیت، فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

متولد ۱۲۹۹ و فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق دانشگاه تهران. دکترای خود را در رشته‌ی تاریخ سیاسی از دانشگاه لندن دریافت کرد. خدمات اداری را از ۱۳۱۹ در وزارت امور خارجه آغاز نمود و مشاغل مختلفی را در آن وزارتخانه احراز کرد، تا سرانجام به مستشاری سفارت و معاونت نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل متحد منصوب شد. در تهران نیز مدتی مدیرکل اداره‌ی سازمانهای بین‌المللی بود. چندی با سمت سفیر کبیر در هلی نو اقامت داشت و زمانی نیز سفیر ایران در هلند بود. در کنار مشاغل سیاسی و اداری خود به کار تحقیق و تتبع در تاریخ جدید ایران پرداخته است. نشریه‌ی وزارت امور خارجه که حاوی نکات مهم تاریخی است با مدیریت وی منتشر می‌شد. او دارای تألیفات متعددی است که از همه مهمتر کتاب امیر کبیر و ایران است که چند بار به چاپ رسیده است. در این کتاب، گذشته از منابع دست اول، با استفاده از آرشیو وزارت امور خارجه ایران و انگلیس اسناد مهمی را ارائه نموده است. این کتاب از معتبرترین کتبی است که تاکنون در این زمینه چاپ شده است. کتاب دیگری نیز به نام فکر آزادی و مقدمه‌ی نهضت مشروطه انتشار داده است که این نیز تاریخی و تحقیقی است. کتاب ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران از آثار دیگر اوست. آدمیت پس از بازنشستگی فراغت بیشتری برای تحقیق در تاریخ قاجار و نهضت مشروطیت پیدا کرد و آثار زیادی انتشار داد. کتاب افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده‌ی دوران قاجار را تنظیم نموده که از تحقیقات سودمند اوست. وی را یکی از تاریخ‌نگاران دوره‌ی جدید ایران می‌دانند که آثارش برای پژوهش تاریخی در دوره‌ی قاجاریه مفید و باارزش است. علاوه بر کتاب، رسالات و مقالات بسیاری نوشته که همگی از لحاظ روش علمی تاریخ‌نگاری به سهم خود اهمیت دارد.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد اول)

آذرنوش، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسعود آذرنوش در سال ۱۳۲۴ در کرمانشاه به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی در دانشگاه تهران گذراند و برای ادامه تحصیل به آمریکا عزیمت نمود و در آنجا موفق به اخذ مدرک دکترا از دانشگاه کالیفرنیا شد. رساله دکترای آذرنوش در خصوص هنر ساسانی در شرق فارس و منطقه حاجی آباد بوده است. ایشان علاوه بر سوابق پژوهشی میدانی و تدریس در دانشگاه‌های تهران از تألیفات متعددی به زبان فارسی و انگلیسی و فرانسه برخوردار است از جمله سوابق اداری ایشان می‌توان به مسئولیت معاونت پژوهشی پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی اشاره نمود. گروه: علوم انسانی رشته: باستان‌شناسی والدین و انساب: مسعود آذرنوش در ۵ فروردین ۱۳۲۴ در کرمانشاه متولد شد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: مسعود آذرنوش پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، مشغول به تحصیل در رشته باستان‌شناسی پرداخت، و در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ درجه لیسانس از دانشگاه تهران شد. وی پس از خدمت وظیفه مشغول به تحصیل در دوره کارشناسی ارشد باستان‌شناسی شد و در

سال ۱۳۵۳ پایان نامه خود را با عنوان (تمدن و هنر هیئت) موفق به دریافت درجه کارشناسی ارشد شد. در سالهای پس از انقلاب برای تحصیل به اروپا و سپس آمریکا عزیمت کرد و در سال ۱۳۶۶ رساله دکتری خود را با عنوان: هنر ساسانی در شرق فارس» کاوشهای حاجی آباد در نزدیکی داراب، ایران» در گروه باستان شناسی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا ارائه داد. زمان و علت فوت: مسعود آذرنوش زمانی که از مأموریت اداری از هگمتانه همدان به تهران بازگشته بود، در اثر سکته قلبی در هفتم آذر ماه ۱۳۸۷ دار فانی را وداع گفت و در قطعه نام آوران به خاک سپرده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق اجرایی و اداری مسعود آذرنوش از سال ۱۳۴۹-۱۳۷۵ به شرح زیر می باشد: - سرپرست هیئت های کاوش و بررسی، مرکز باستان شناسی ایران ۱۳۴۹-۵۹ - استادیار موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران، از ۱۳۷۵. - عضو انجمن ایران شناسی اروپا. - مشاور مجله باستان شناسی و تاریخ، مرکز نشر دانشگاهی. همکار مجله کتابشناسی انتقادی چکیده های ایران شناسی (Abstracta iranica) - مدیر گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران. - بورس تحقیقاتی از موسسه باستان شناسی آلمان، برلن، ۱۳۶۵. - بورس تحقیقاتی از موزه پلینت، نیویورک ۶۷-۱۳۶۶. - انجمن حفظ آثار باستانی و بناهای تاریخی ایالت بروکسل، بلژیک، ۷۴-۱۳۷۳. - فعالیتهای آموزشی: مسعود آذرنوش در دانشگاههای تهران، تربیت مدرس و دانشگاه آزاد اسلامی تهران درس و تدریس کرده است: باستان شناسی اشکانی، باستان شناسی ساسانی، باستان شناسی یونان و روم، روش کاوش و بررسی (نظری و عملی) و تاریخچه باستان شناسی. سایر فعالیتهای برنامه های روزمره: مسعود آذرنوش در سالهای ۱۳۴۵-۵۷ حضور فعالی در کاوشها و بررسی میدانی ایران داشت چنانکه می توان به موارد زیر اشاره کرد: - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان، دانشجو - کار آموز، به سرپرستی عزت الله نگهبان، ۱۳۴۶. - استان خراسان، دانشجو - کار آموز، به سرپرستی عزت الله نگهبان، ۱۳۴۷. - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان، دانشجو - کار آموز، به سرپرستی سیف اله کامبخش فرد، ۱۳۴۷. - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان، دانشجو - کار آموز، به سرپرستی عزت الله نگهبان، ۱۳۴۸. - شرکت در کاوشهای کنگاور کرمانشاه دانشجو - کار آموز، به سرپرستی سیف اله کامبخش فرد، ۱۳۵۱. - کاوشهای مسجد سلیمان، نماینده مرکز باستان شناسی ایران، به سرپرستی ر. گیرشمن، ۱۳۵۲. - شرکت در کاوشهای کنگاور، مسوول کارگاه، به سرپرستی سیف اله کامبخش فرد، ۱۳۵۲. - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان، معاون هیئت، به سرپرستی عزت الله نگهبان، ۱۳۵۳. - کاوش کردار تپه، نماینده مرکز باستان شناسی ایران، به سرپرستی ک. کرمر، ۱۳۵۳. - شرکت در کاوشهای کنگاور کرمانشاه، مسوول کارگاه، به سرپرستی سیف اله کامبخش فرد، ۱۳۵۳. - شرکت در کاوشهای شوش مسوول کارگاه شاتور، به سرپرستی ژ. پر، ۱۳۵۵. - کاوشهای گورستان محوطه سنگ شیر و تپه هگمتانه همدان، سرپرست هیئت، ۱۳۵۵ - کاوشهای کنگاور و در چال، سرپرست هیئت، ۱۳۵۶. - بررسی های حاجی آباد (تل سفیدک) فارس، سرپرست هیئت، ۱۳۵۴. - کاوشهای حاجی آباد (تل سفیدک) فارس، سرپرست هیئت، ۱۳۵۷. - کاوشهای کنگاور کرمانشاه، سرپرست هیئت، ۱۳۵۷. - کاوشهای حاجی آباد (میل نقاره و چهار ستون) فارس، سرپرست هیئت، ۱۳۷۶. - کاوشهای حاجی آباد (تل سفیدک) فارس، سرپرست هیئت، ۱۳۷۷. - کاوشهای ابراهیم آباد قزوین (کاوش آموزشی گروه باستان شناسی دانشگاه تهران)، سرپرست هیئت، ۱۳۷۹. چگونگی عرضه آثار: مسعود آذرنوش نتایج مطالعات و پژوهشی های باستان شناسی خود را در همایشها و کنگره های ملی و بین المللی متعددی عرضه نموده است، از جمله این همایش ها عبارتند از: - هفتمین کنگره بین المللی باستان شناسی و هنر ایران (مونیخ، آلمان) - سمپوزیوم های چند گانه باستان شناسی و هنر ایران پیش و پس از پیروزی انقلاب (تهران)؛ - موزه مترو پلینت (نیویورک، آلمان) - کلوپ باستان شناسی دانشگاه کلمبیا (نیویورک، آمریکا) - موزه های سکلو و فریر (واشنگتن، آمریکا). - همایش بین المللی جاده ابریشم، یونسکو (پاریس، فرانسه) - همایش بین المللی جاده ابریشم، یونسکو و پژوهشگاه علوم انسانی (تهران) - نخستین (تورین، ایتالیا)؛ دومین (بامبرگ، آلمان) و چهارمین (پاریس، فرانسه) کنفرانس اروپایی پیرامون پژوهش های ایران شناسی. آثار: A New sasanian temple in eastern Iran ۱۹۸۴۲ Iranica antiqua اثر: ویژگی اثر:

In the akten des VII. Internationalen kongresses fur iranische kunst and archaeologie , munchen publish ۱۹۷۳
 sations de fouilles a la necropole de sang – e shir (hamedan) ویژگی اثر :
 first preliminary report, iranica Antiqua ۱۹۸۳۴ : ویژگی اثر Excavations at hagiabad
 Archaologische mitteilungen aus iran ۱۹۸۱۵ From : ویژگی اثر Excavations at kangavar
 in : ویژگی اثر persepollise to al – fustet : continuation of acha menid architectural concepts
 proceedings of the second european conference of iranian studies , bamberg , ۳۰th
 september to ۴ th october , ۱۹۹۱, Publish in ۱۹۹۵۶ hagi abad residence sassanide dans le
 les dossirers de l'archeologie empires perses , d alexandre aux sassanides : ویژگی اثر fars
 iran, ۱۹۷۵۸, ۷۴-۱۹۷۳ Hamedan, survey of Excavations in iran ویژگی اثر :
 in the dictionary of art ۱۹۹۶۹ kngavar un temple seleucide d anahita devient un munoment
 dossiers de l' archeologie empires perses d alexandre aur sassanide : ویژگی اثر
 byzantion , revue : ویژگی اثر ۱۹۹۹۱۰ la more de gulien I apostat selon ies sources iraniennes
 arabie : ویژگی اثر internationale des etudes byzantions ۱۹۹۲۱۱ les fouische de hagi abad
 orientale , mesopotamie et iran meridional de l' age du fer au debut de la period islamique
 : ویژگی اثر ۱۹۸۴۱۲ Mil-e naqarah hanah , complex of two cahar taps in eastrn fars
 Archeologia iranica et oreintalis miscellanea in honorem louis vanden berghe ۱۹۸۹۱۳
 In the splendor of iran ۱۴ sapur II ardasir II, ans : ویژگی اثر Parthian and sassanian stucos
 Archaeologische mitteilungen aus iran ۱۹۸۶۱۵ : ویژگی اثر sapur III : Another Perspective
 In the splendor of iran ۱۶ sassanian Art in Eastern fars : the : ویژگی اثر sassanian architecture
 in dissertation Abstracts : ویژگی اثر Excavation of a manorhouse at hagi abad darab , iran
 In the splendor of : ویژگی اثر internation, section ۱۹۸۸۱۷ Seleucid and parthian architecture
 I n the dictionary of art (london : ویژگی اثر iran ۱۸ Stucco , III, history and uses , I ancient
 : macmillan) forthcoming ۱۹۹۶۱۹ The manor house of hagi abad and the chrnology of the
 Histore et culter de parsi centrale : ویژگی اثر sassanin Gavernose of kusansar
 ۲۰ preslamique ecarites et documents archejologiques, و آینده ویژگی اثر : زتان ۱۳۷۵۲۱
 Fire temple and anahita temple Adiscussion on some iranian palaces of some
 iranian palaces of worship ویژگی اثر : ۱۹۸۷۲۲ mesopotamia بخش دوران تاریخی در چکیده های باستان
 شناسی ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران شناسی فرانسه در تهران ۲۳ به مناسبت سفر گرجستان ویژگی اثر : باستان
 شناسی و تاریخ ۱۳۷۸.۲۴ چشم انداز کرد لر در هزاره ی یکم پیش از میلاد. ویژگی اثر : نشریه ی انجمن فرهنگ ایران باستان
 ۱۳۵۳.۲۵ خلیج فارس ، خلیج یتیم ویژگی اثر : نگاه نو ۱۳۷۲۲۶ فصل دوم کاوشهای محوطه ی باستانی سنگ شیر در همدان .
 ویژگی اثر : گزارش های چهارمین مجمع سالانه ی کاوشهای و پژوهشهای باستان شناسی در ایران ، تهران ، ۱۳۵۵.۲۷ کاوشهای
 گورستان محوطه ی سنگ شیر . ویژگی اثر : گزارش سومین مجمع سالانه ی کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی در ایران ،
 تهران ، ۱۳۵۴.۲۸ کهن ترین پاپیروس عربی ویژگی اثر : ترجمه از یوسف راغب که وقف میراث جاویدان می باشد ۱۳۷۹.۲۹ نگاهی

دیگر به شاهپور دوم، اردشیر دوم و شاهپور سوم: پیشنهادی برای باز نویسی بخشی از تاریخ دوره ی ساسانیان و ویژگی اثر: باستان شناسی و تاریخ ۱۳۷۵.۳۰ هنر ایران در دوره ی اشکانیان و ویژگی اثر: دایر المعارف بزرگ اسلامی ۳۱ هنر ایران در دوره ی ساسانیان و ویژگی اثر: دایر المعارف بزرگ اسلامی ۳۲ و تاجیکان و ویژگی اثر: معارف دوره دوازدهم ۱۳۷۴.

آذری، علاءالدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تاریخ از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۸.

مرتبه علمی:

تدریس دروس مختلف از جمله تاریخ ایران باستان، تاریخ مغول و قاجاریه، تاریخ قرون وسطی در دانشگاههای تهران و اصفهان از سال ۱۳۴۸، دانشیار دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

جغرافیای تاریخی، تاریخ و فرهنگ، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

جغرافیای تاریخی ورامین. تاریخ روابط ایران و چین، سیری در تاریخ و فرهنگ ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۵۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

روابط خارجی، جغرافیای تاریخی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آزاد ارمکی، تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر تقی آزاد ارمکی در سال ۱۳۳۶ در شهر ارمک، بدنیا آمد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان مدرک کارشناسی خود را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۵۹)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۲) و مدرک دکتری را در رشته جامعه‌شناسی (گرایش اصلی: جامعه‌شناسی نظری - گرایش فرعی: جامعه‌شناسی توسعه) از دانشگاه مری‌لند آمریکا (۱۳۷۱) اخذ نموده است. گروه: علوم انسانیرشته: جامعه‌شناسیگرایش: جامعه‌شناسی نظریتحصیلات رسمی و حرفه‌ای: تحصیلات دبیرستانی را در تهران به پایان رسانید و در ۱۳۵۴ خورشیدی به عنوان دانشجوی رشته‌تعاون و سپس جامعه‌شناسی در مقطع لیسانس در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران پذیرفته شد. در سال ۱۳۶۰ در اولین دوره پذیرش دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به عنوان دانشجوی در رشته جامعه‌شناسی مشغول تحصیل شده و در سال ۱۳۶۴ این دوره را با عنوان اولین فارغ التحصیل رشته فوق با راهنمایی استاد دکتر غلامعباس توسلی به پایان رسانید. در سال ۱۳۶۷ برای ادامه تحصیل با بورسیه دانشگاه تهران به دانشگاه مریلند آمریکا رفته و در سال ۱۳۷۱ به دریافت مدرک دکتری با گرایش اصلی جامعه‌شناسی نظری و گرایش فرعی جامعه‌شناسی توسعه با درجه افتخاری نائل شد. عنوان رساله وی در دوره دکتری «بررسی ریشه‌های نظریه ابن‌خلدون: تحلیل متاتئوریک» است. وقایع میانسالی: دکتر آزاد از سال ۱۳۶۴ به عنوان مربی در گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران پذیرفته شده و مشغول تدریس و تحقیق گردید و تا سال ۱۳۶۷ به تدریس دروس مبانی جامعه‌شناسی، تاریخ اندیشه اجتماعی متفکران در اسلام پرداخت. در این دوران با جهاد دانشگاهی تهران و جهاد ساندرگی در انجام طرح‌های پژوهشی و آموزشی همکاری داشتمشاغل و سمتهای مورد تصدی: در خصوص خدمات علمی اجرایی آقای دکتر آزاد می‌توان مواردی همچون «ریاست دانشکده علوم اجتماعی»، «عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی اعتیاد پژوهی»، «عضو هیئت مشاوران ماهنامه گزارش گفتگو»، «مدیر پژوهشی»، «مدیریت گروه جامعه‌شناسی»، «مدیر مسئول مجله نامه علوم اجتماعی»، «نماینده دانشکده در هیئت ممیزه دانشگاه»، «عضو کمیته ویژه علوم اجتماعی شورای انتشارات دانشگاه تهران»، «عضو کمیسیون تخصصی برنامه ریزی راهبردی شورای برنامه ریزی دانشگاه تهران»، «همکاری در تشکیل انجمن انسان‌شناسی»، «مدیر مسئول مجله پژوهش زنان»، «عضو هیات تحریریه فصلنامه مطالعات ملی»، «عضو کمیته فرهنگ شورای عالی انقلاب فرهنگی»، «مدیر گروه علوم اجتماعی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)»، «عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات آمریکای شمالی و اروپا»، «مسئول کمیته جامعه‌شناسی توسعه»، «رئیس کارگروه آینده پژوهی آسیبهای اجتماعی شورای اجتماعی کشور»، «عضو هیئت تحریریه دوفصلنامه نسل نامه»، «عضو کمیته علمی گروه علوم اجتماعی و ارتباطات جشنواره بین‌المللی خوارزمی» و ... را نام برد. فعالیتهای آموزشی: دکتر آزاد ارمکی پس از دریافت مدرک دکتری با راهنمایی جورج ریتزر، از جامعه‌شناسان برجسته آمریکایی، جهت همکاری به دانشکده برگشته و مشغول تدریس دروسی چون تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام و نظریه‌های جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی توسعه پرداخت. موارد تدریس دکتر آزاد: «نظریه‌های جامعه‌شناسی ۲» (در مقطع کارشناسی)، «اندیشه متفکرین مسلمان»، «بینشهای جامعه‌شناسی»، «سمینار جامعه‌شناسی شهری»، «چارچوب نظری در تحلیل مسائل»، «جامعه‌شناسی تلفیق نظریه‌های جامعه‌شناسی»، «نظریه‌های توسعه»، «بینشهای جامعه‌شناسی ۱»، «تحول فرهنگی ایران»، «تغییرات فرهنگی»، «طرح تحقیق»، «نظریه‌های جدید جامعه‌شناسی» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) است. وی مولف کتب «نظریه در جامعه‌شناسی»، «مجموعه مقالات گزارش دبیر سمینار»، «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن‌خلدون»، «بنیانهای جامعه‌شناختی: خاستگاه‌های ایده‌های اساسی در جامعه‌شناسی»، «زن در رسانه‌ها»، «بنیان‌های جامعه‌شناسی: ایده‌های اساسی جامعه‌شناسی»، «نظریه در جامعه‌شناسی»، «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، «جامعه‌شناسی ابن‌خلدون»، «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از خواجه نظام الملک تا ...»، «بررسی مسائل اجتماعی»، «کتاب و جامعه کتاب در عصر تحول فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب»، «جامعه‌شناسی در ایران»، «جامعه‌مدنی (اصول رویکردها و زمینه شکل‌گیری آن در

جمهوری اسلامی ایران»، «جامعه مدنی اصول رویکردها و زمینه شکل گیری آن در جمهوری اسلامی»، «جامعه شناسی جامعه شناسی در ایران»، «بررسی کتب مبانی جامعه شناسی»، «نظریه های جامعه شناسی»، «نگرش مردم تهران در مورد میزان سلامت جامعه»، «ابن خلدون و جامعه شناسی»، «بررسی مسائل اجتماعی»، «جامعه شناسی توسعه»، «جامعه شناسی جامعه شناسان ایران»، «جلد دوم اندیشه اجتماعی متفکران»، «زن در رسانه ها»، «کتاب در عصر تحول فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب»، «اندیشه نوسازی در ایران»، «درآمدی بر نظریه سازی در جامعه شناسی»، «پست مدرنیسم و توسعه جامعه شناسی معاصر»، «مدرنیته ایرانی روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران»، «نظریه های جامعه شناسی»، «ترجمه کتاب جامعه شناسی»، «اذیت و آزار بدنی فرزندان در خانواده تهرانی»، «بررسی عوامل موثر بر رضایت شغلی زنان شاغل در مشهد»، «جامعه شناسی آینده»، «جامعه شناسی در کانادا»، «جامعه شناسی معماری شهر تهران»، «جنبش اجتماعی»، «خلاصه مقاله فرهنگ عمومی و ضرورت های توسعه»، «رابطه نسلها از طریق خانواده»، «روشنفکری ایرانی و هویت»، «مصادیق اثر تغییر نگرش در توسعه»، «جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران»، «نظریه های جامعه شناسی»، «جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران»، «نظریه های جامعه شناسی»، «جامعه شناسی نسلی در ایران»، «تغییرات اجتماعی در ایران»، «پاتوق و مدرنیته ایرانی»، «روشنفکری در گذر اندیشه ها»، «علم و مدرنیته ایرانی»، «فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن»، «جامعه شناسی توسعه اصول و نظریه ها»، «جامعه شناسی خانواده ایرانی»، «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر»، «Making Civil»، «Hand book of world families»، «logue Among vilizations»، «Societies Work Zivilgesellschaft und gesellschaftliche Praxis»، «uluslararasi oryantalizm sempozyumu»، «making civil societies work- zivilgesellschaft und gesellschaftliche praxis»، «the cultures of economic migration» و مقالات متعددی از جمله «انقلاب و هزیمت جامعه شناسی مارکسی»، «تئوری جامعه شناختی دفاع از حقوق زنان»، «مقدمه ای بر نظریه وابستگی در جامعه شناسی توسعه»، «پارادایم و جامعه شناسی»، «جامعه شناسی در ایران»، «ظهور جامعه شناسی در ایران»، «دولت و تحول»، «اندیشه اجتماعی ابوریحان بیرونی و ابن خلدون»، «مشارکت و توسعه اقتصادی اجتماعی»، «جامعه شناسی آمریکایی»، «شریعتی و مارکسیسم»، «تاملی جامعه شناختی در بررسی ویژگیهای فرهنگ بسیجی»، «نگرش مردم تهران در مورد سلامت جامعه»، «نگرش مردم تهران در مورد میزان سلامت جامعه»، «آسیب شناسی اجتماعی و بسیج»، «اختلال فرهنگی و زمینه ایجاد آن»، «سنت نوگرایی توسعه»، «استاد مطهری و جامعه شناسی»، «عقلانیت در جامعه شناسی / جامعه شناسی عقلانیت»، «نقش تبلیغات سیاسی در رفتار انتخاباتی ساکنان تهران»، «بررسی وضعیت خشونت در جامعه تهران»، «تبادل و تقابل فرهنگی در عصر ماهواره»، «دیدگاه حضرت امام ره درباره توسعه اقتصادی»، «کتاب و جامعه»، «گزیده مقالات سمینار توسعه فرهنگی و اولویت های پژوهشی تلقی تحصیلکردگان در مورد پژوهشهای فرهنگی»، «جامعه شناسی آمریکایی»، «جامعه شناسی آینده راهی برای بررسی علمی آینده»، «سهم جلال آل احمد در شکل گیری پژوهشهای فرهنگی و اجتماعی ایران (پژوهشی در جامعه شناسی مردم شناسی ادبیات)»، «پیشینه نظری دیدگاه جامعه شناسی دکتر علی شریعتی: نسبت شریعتی با مارکسیسم»، «استاد مطهری و جامعه شناسی»، «الگوی تحلیل وبر از رابطه دین و توسعه»، «الگوی تحلیل وبر از رابطه دین و توسعه»، «اندیشه اجتماعی ابوریحان بیرونی و ابن خلدون»، «انقلاب و هزیمت جامعه شناسی مارکسی: معرفی و نقد تئوری دولت و انقلاب اجتماعی خانم تدا اسکاچیل، براساس واقعیت انقلاب اسلامی ایران»، «بررسی امکان وجود بحران در جامعه شناسی ایران»، «بررسی بحرانهای اجتماعی و تحلیلی از دیدگاههای صاحب نظران ایرانی»، «بررسی جامعه شناسی انتخابات مجلس»، «بررسی فرهنگ اپارتمان نشینی با توجه به مشکلات آن»، «بررسی نظریه نوسازی: مطالعه موردی درباره تقدیر گرایی فرهنگی در ایران»، «بسیج شناسی در جامعه شناسی اجتماعی»، «تئوری جامعه شناختی دفاع از حقوق زنان»، «تبادل و تقابل فرهنگی در عصر ماهواره»، «تحلیل جامعه شناسی رابطه با غرب»، «تحلیلی جامعه شناختی از: راههای نفوذ فرهنگی غرب در ایران معاصر»، «تحول پذیری فرهنگی»،

«تلقی از جهان و تغییرات فرهنگی ناشی از آن»، «تلویزیون در ایران- ابزار توسعه یا نمادسازی»، «جایگاه بسیج شناسی اجتماعی در جامعه شناسی»، «جایگاه مخاطب در فرآیند ارتباط»، «جایگاه مخاطب در فرآیند ارتباط»، «خشونت در شهر تهران»، «نگرش ایرانیان نسبت به غرب، بررسی تجربی در ایران»، «نظریه وابستگی»، «نقش آموزش در ارتقاء صنعت فرش در ایران»، «نقش تبلیغات سیاسی در رفتار انتخاباتی ساکنان ایران»، «نقش روزنامه های داخلی در وحدت ملی»، «نقش صدا و سیما در کتابخوانی»، «نیروی مقاومت رفتار و الگو»، «یادداشت سردبیر»، «تلویزیون در ایران: ابزار توسعه یا نمادسازی»، «برابری جنسیتی در حوزه سیاسی»، «تغییرات فرهنگی در استان مازندران (آزمون تجربی نظریه اینگلهارت)»، «روند جهانی جامعه شناسی: تحلیلی از اجتماع علمی»، «وضعیت پیوستاری تغییرات فرهنگی در ایران»، «جامعه شناسی در کانادا: مساله شناسی بومی و شکل گیری بومی گرایی علمی در علوم انسانی کانادایی»، «فوتبال: پارادکس نوسازی»، «مدرنیته یا تغییر فرهنگی از مدرنیته مورد تجربی ایران»، «تحلیل جامعه شناختی وضعیت دینداری جوانان با رویکرد بی شکلی دین ورزی»، «جامعه شناسی کانادا: آثاز معرفت شناسی مساله شناسی بومی بر شکل گیری بومی گرایی علمی در علوم، انسانی کانادایی، شکل گیری حوزه های خاص در جامعه شناسی کانادا»، «بدن به مثابه رسانه هویت»، «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، «هرمنوتیک: بازسازی یا گفتگو»، «ترجیحات ارزشی دانش آموزان تهرانی»، «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، «جوانان و مناسبات نسلی»، «تکوین حوزه عمومی و گفت و گوی عقلانی (بررسی موردی چند تشکل دانشجویی)»، «رادیو پیام رسانه ای در نوسازی شهری»، «بررسی وضعیت نظام ارزشی در مناطق فرهنگی - اجتماعی ایران»، «اعتماد، اجتماع و جنسیت»، «بحران اجتماعی و روشنفکران ایرانی»، «طبیعت نظام ارزشی جامعه ایرانی: مادی، فرامادی یا تلفیقی»، «فرهنگ و اندیشه»، «ادبیات داستانی و سرنوشت جامعه شناسی در ایران»، «اعتماد اجتماع و جنسیت، بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس»، «رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی»، «شکاف طبقاتی و انقطاع اجتماعی»، «ابعاد و عوامل گسست و پیوند نسلهای»، «هویت سازی و بحران هویت در ایران»، «مناطق فرهنگی: تنوع الگوی تغییرات فرهنگی یا یکسانی»، «ارزش های فرهنگی (ارزشی) و تغییرات اجتماعی»، «جوانان و دگرگونی فرهنگی ارزشی»، «سازمان سنتی: ارزش های خانوادگی و آموزش توسعه ای»، «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ»، «جامعه ایران و مکانیسم های تغییرات در آن»، «جایگاه بسیج شناسی اجتماعی در جامعه شناسی»، «سوژه و قدرت: تحلیل چگونگی شکلگیری ذهنیت در مطالعات فرهنگی»، «آموزش جامعه شناسی در ایران، مشکلات و فرصتها»، «نظرسنجی و تحقیقات اجتماعی در ایران»، «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ»، «زنان و سریالهای تلویزیونی»، «زنان و سریالهای تلویزیونی (مطالعه ای درباره سریال کلانتر و مخاطبان آن)»، «نراقی و جامعه شناسی در ایران»، «طبیعت نظام ارزشی جامعه ایرانی: مادی، فرامادی یا تلفیقی»، «فرآیند تغییر نسلی: بررسی فراتحلیلی در ایران»، «رابطه ارزش های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان» و ... است. جوایز و نشانها: از جمله جوایز و تقدیرنامه های وی «کسب رتبه دوم طرح پژوهشی برگزیده در نخستین جشنواره آثار مطالعات فرهنگی اجتماعی شهر تهران»، «نویسنده کتاب قابل تقدیر در رشته علوم انسانی»، «پژوهشگر نمونه»، «نویسنده کتاب سال برای کتاب جامعه شناسی در ایران» است. آثار: جامعه شناسی ابن خلدون ویژگی اثر: نویسندگان: تالیف تقی آزاد ارملی سال نشر: ۱۳۷۶ موضوعات: ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، ۷۳۲ - ۸۰۸ ق. - نقد و تفسیر ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۷۳۲ - ۸۰۸ ق. - معلومات - جامعه شناسی تاریخ نویسان اسلامی جامعه شناسان اسلامی محل نشر: تهران ناشر: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان سرشناسه های فارسی: آزاد ارملی، تقی، ۱۳۳۶ -

آزاد سرو

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، از راویان «خداینامه». وی با احمد بن سهل (وف ۳۰۷) از بزرگان کامکاریان که داعیه‌ی امارت داشت در مروب سر می‌برد. فردوسی سالها بعد از او از کتابش که در «اخبار رستم» نوشته بود و از روایتش راجع به قتل رستم استفاده کرد. البته توجه فردوسی به نظم «شاهنامه» و مرگ احمد نزدیک هفتاد سال فاصله داشت و یقیناً آزاد سرو در طول این ایام جهان را بدرود گفته بود. بنابراین فردوسی مستقیماً از آزاد سرو روایت نکرده است، بلکه از «دفتر» بهره جسته است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۶، ۴۸۹، ۴۷۳/۱)، حماسه‌سرایی در ایران (۹۹-۹۷)، دایرةالمعارف فارسی (۱۱۳-۱۱۲، ۱/۶۳).

آزادانی، ابوعبدالرحمان قتیبه

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سوم ق)، استاد قرائت قرآن و محدث. از اهالی آزادان، قریه‌ای در اصفهان بود. وی شاگرد و راوی علی بن حمزه‌ی کسائی در قرائت بود. آزادانی گوید: یک بار قرآن را از ابتدا تا انتها بر کسائی قرائت کردم و کسائی نیز قرآن را از ابتدا تا انتها بر من قرائت کرد. او از لیث بن سعد و شعبه و دیگران حدیث شنیده و یونس بن حبیب از وی روایت کرده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۱/۶۳)، دائرةالمعارف البستانی (۱/۶۹)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱/۸۲)، معجم البلدان (۱/۷۲).

آزرم، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، زیست‌شناس. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در ایران به فرانسه رفت و تحصیلات متوسطه را در آن کشور طی نمود. سپس وارد مدرسه‌ی کشاورزی گرینسیون و موفق به دریافت دیپلم مهندسی کشاورزی شد. پس از آن به انگلستان رفت و به تحصیل زیست‌شناسی پرداخت. دو سال هم در انستیتو ژنتیک حیوانی کار کرد تا موفق به دریافت دکترا شد. دکتر آزرم پس از پایان تحصیلات به ایران بازگشت و به ترتیب عهده‌دار این مشاغل شد: تدریس بیولوژی و ژنتیک در دانشکده‌ی پزشکی و دامپزشکی، دانشیار دانشکده‌ی پزشکی، استاد بی‌کرسی بیولوژی حیوانی وابسته به کرسی انگل‌شناسی. آثار به جا مانده از وی: «تئوریهای اساسی ژنتیک»، «جانورشناسی سیستماتیک»، «چند بخش از بیوفیزیک»، «حالت کلونید ماده»، «ساختمان فیزیکی و ترکیب شیمیایی پرتوپلاسم»، «کلباتی راجع به موجود زنده».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۸/۱۳۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۴-۳۳/۱)، زندگینامه‌ی مشاهیر و رجال پزشکی معاصر (۳۷۶)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۱-۵۶۹/۱).

آسایش، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسین آسایش در سال ۱۳۱۱ در شهر تبریز بدنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۳۶ در رشته تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی از دانشگاه تبریز را گذراند. وی به علت شاگرد اولی از بورسیه دولتی استفاده کرده و عازم فرانسه شد و تا مقطع دکتری رشته جغرافیا، گرایش روستاشناسی در دانشگاه سوربن تحصیل کرد. ایشان پس از مراجعت به ایران در دانشگاه تبریز با مرتبه استادیاری مشغول به فعالیت شد و تا سال ۱۳۶۴ در این دانشگاه بودند که به افتخار بازنشستگی نائل آمد. دکتر آسایش فعالیت علمی خود را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران ادامه داد و تاکنون با رتبه علمی دانشیاری انجام وظیفه می‌کند. گروه: علوم انسانی‌رشته: جغرافیا گرایش: جغرافیای روستاییوالدین و انساب: پدر حسین آسایش، خیاط بود و امور خیاطی استاد محمدحسین شهریار را بر عهده داشت. پدر بزرگش به حرفه علافی مشغول بود که در زمان خود شغلی مهم بوده است. مادر ایشان نیز خانه‌دار بوده است. خاطرات کودکی: حسین آسایش از دوران کودکی خود خاطرات زیادی بیاد دارد که از آن جمله‌اند: تشکیل حکومت ملی دموکرات در آذربایجان به دست جعفر پیشه‌وری، قطع رابطه با حکومت مرکزی به مدت دو سال، چاپ اسکناسهایی به زبان ترکی، مکاتبات اداری به زبان آذری، تدریس در دانشگاهها و مدارس به زبان آذری (کتابهای موجود هم به زبان ترکی چاپ شده بودند)، تاسیس اولین دانشگاه در تبریز، انتصاب آقای بی‌ریا به سمت ریاست فرهنگ و ... اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: حسین آسایش در خانواده‌ای از نظر شرایط مادی متوسطی بدنیا آمد. او به همراه خانواده (هفت خواهر و برادر) در خانه ۲۵۰ متری در تبریز در کنار پدری خیاط زندگی می‌کرد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: حسین آسایش پس از طی دوره ابتدایی و متوسطه در تبریز، در رشته تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی در دانشگاه تبریز پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۶ از همان دانشگاه فارغ التحصیل گردید. وی به علت شاگرد اولی از طرف دولت در سال ۱۳۳۹ به فرانسه عزیمت کرد و در دانشگاه سوربون پاریس به تحصیل پرداخت و دکترای جغرافیای انسانی با گرایش روستاشناسی را با درجه عالی از انستیتو جغرافیای دانشگاه سوربن پاریس دریافت کرد. خاطرات و وقایع تحصیل: حسین آسایش از تحصیل در مدارس به زبان آذری خاطراتی به یاد دارد. وی از مدیر مدرسه خود چنین نقل می‌کند: مدیر مدرسه ما فرد خوبی بود که به گفته خودش چندین بار مدرسه اش را به خاطر اینکه سواد آموزی گناه است به آتش کشیده بودند و بعدها معلوم گردید که فرزندان آنها در انگلستان مشغول به تحصیل بودند. فعالیت‌های ضمن تحصیل: حسین آسایش در کنار تحصیل به آموزش حرفه خیاطی نزد پدر می‌پرداخت و همچنین در مقاطع ابتدایی و متوسطه به تدریس مشغول بود. استادان و مربیان: حسین آسایش از دوران تحصیل خود اساتید و مربیانی داشته است که در زندگی علمی وی تاثیر بسزایی داشتند که از آنجمله می‌توان به چند تن اشاره کرد: آقای میرزا عبدالله ساويز (مدیر مدرسه ابتدایی و متوسطه)، آقای دربندی (معلم کلاس سوم ابتدایی)، آقایان دکتر تاجبخش، دکتر صوفی املشی، دکتر ودیعی (اساتید دوره کارشناسی)، پروفسور ژرژ (استاد معروف دانشگاه سوربن دوره دکتری). هم دوره‌ای‌ها و همکاران: مرحوم دکتر فرید، دکتر محمود پور، دکتر سید رحیم مشیری، دکتر عزت الله عزتی، دکتر پرویز کردوانی و ... از همکاران و هم دوره‌ای‌های حسین آسایش می‌باشند. همسر و فرزندان: حسین آسایش متاهل است. وی دارای سه فرزند پسر است. فرزند ارشد در آمریکا بسر می‌برد و یک کمپانی در رابطه با هوا و فضا و ناسا دارد. دیگر فرزندانش شغل پدر را ادامه نداده و وارد بازار کار شدند و هم اکنون از تاجران بنام بازار می‌باشند. وقایع میانسالی: دکتر حسین آسایش پس از بازنشستگی به تهران منتقل شد و دوره دکتری رشته جغرافیا و برنامه

ریزی روستایی را در دانشگاه آزاد اسلامی تاسیس کرد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: حسین آسایش پس از اخذ مدرک دکترای جغرافیای انسانی با گرایش روستاشناسی از پاریس، به ایران مراجعت کرد و در دانشگاه تبریز با مرتبه علمی استادیاری استخدام شد. وی تا سال ۱۳۶۴ (تا زمان بازنشستگی) در همان دانشگاه بود. ایشان پس از بازنشستگی به تهران منتقل و در دانشگاه آزاد اسلامی فعالیت علمی خود را مجدد شروع کرد و در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری از سال ۱۳۷۰ به بعد (تاکنون) به تدریس پرداخت. ایشان در کنار تدریس و تحقیق، دارای سمت‌هایی بوده‌اند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: - عضو هیئت علمی و دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی تهران (واحد علوم و تحقیقات) - موسس و رئیس مرکز تحقیقات روستایی دانشگاه تبریز (این موسسه دومین موسسه بعد از موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بود) - موسس و رئیس دفتر طرح و برنامه ریزی دانشگاه تبریز - مدیر کل اداره کل بودجه و تشکیلات دانشگاه تبریز - مدیر کل اداره کل خدمات دانشگاه تبریز - مشاور وزارت جهاد کشاورزی در سازمان امور اراضی در تهیه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - عضو کمیته شورای برنامه ریزی آموزش عالی در برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران - عضو انجمن جغرافیایی فرانسه‌ماکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: حسین آسایش دوره دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی را در دانشگاه آزاد اسلامی تهران راه اندازی کرده است. وی همچنین موسس مرکز تحقیقات روستایی دانشگاه تبریز (این موسسه دومین موسسه بعد از موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بود) و دفتر طرح و برنامه ریزی دانشگاه تبریز می‌باشد. شاگردان: حسین آسایش درباره شاگردان خود چنین می‌گوید: شاگردانم که در موقعیت بسیار مهم و کلیدی مشغول به فعالیت هستند، خیلی زیاد است، از جمله چند نفر و کلید مجلس شورای اسلامی، دو نفر در سازمان ملل در کمیته بحران جمعیت و دهها استاد و روسای دانشگاهها. دکتر قالیباف و سرلشکر مصطفوی هم از دانش‌آموختگان دکتر آسایش می‌باشند. آرا و گرایشهای خاص: حسین آسایش در زمینه‌های پیرامون مسائل روستا در ایران و جهان به تحقیق و مطالعه می‌پردازد. جوایز و نشانها: - اخذ مدال درجه اول فرهنگ به مناسبت شاگرد اولی در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۳۷ - دریافت لوح تقدیر سپاس از دست آیت الله هاشمی رفسنجانی به عنوان استاد برگزیده جغرافیا و برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران - اخذ لوح تقدیر از دومین همایش ملی توسعه روستایی ایران در سال ۱۳۸۶ - و چندین لوح تقدیر دیگر و از دیگر سران عالی رتبه کشور چگونگی عرضه آثار: - انتشار ۱۷ جلد کتاب دانشگاه مربوط به مسائل و مشکلات و برنامه ریزی روستایی توسط دانشگاههای کشور - مدیریت و اجرای ۱۱ طرح تحقیقاتی روستایی منطقه ای و ناحیه ای در ایران - مدیریت و اجرای ۳ طرح بین‌المللی مربوط به مسائل روستایی ایران - انتشار ۲۰ مقاله در نشریات مختلف داخلی و خارجی مربوط به مسائل روستایی آثار: ۱ اصول و روشهای برنامه ریزی روستایی (رشته جغرافیا) ویرگی اثر: پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۱ آذر، ۱۳۷۴ ۲ اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه ای (رشته جغرافیا) ویرگی اثر: پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - ۲۸ شهریور، ۱۳۷۵ ۳ اقتصاد روستایی (رشته جغرافیا) ویرگی اثر: پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۸ بهمن، ۱۳۷۴ ۴ برنامه ریزی روستایی در ایران ویرگی اثر: تالیف، انتشارات دانشگاه پیام نور ۱۳۸۳ ۶ جغرافیای اقتصادی ایران ۲، صنعت، حمل و نقل، انرژی، رشته جغرافیا ویرگی اثر: پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۳۸۳ ۷ جغرافیای صنعتی ایران (بخش صنایع سنگین و نیمه سنگین) ویرگی اثر: تالیف، انتشارات دانشگاه تبریز، شماره ۱۷۳-۱۳۵۴۸ جمعیت و مسائل روستایی آذربایجان شرقی ویرگی اثر: تالیف، موسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز ۱۳۴۷۹ راهنمای تحقیق روستاهای ایران ویرگی اثر: تالیف، موسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز ۱۳۴۵۱۰ روش شناسی و تکنیک های تحقیق علمی در علوم انسانی با تاکید بر جغرافیا ویرگی اثر: پدیدآورنده: حسین آسایش، سیدرحیم مشیری ناشر: قومس - ۱۶ فروردین، ۱۳۸۱ ۱۱ روشهای برنامه ریزی ناحیه ای (مدلها و روشها و فنون)

ویژگی اثر: تالیف، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر ری ۱۳۸۳۱۲ کارگاه برنامه ریزی روستایی، رشته جغرافیا و ویژگی اثر: پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۳۷۳ ۱۳ مقدمه ای بر اقتصاد روستایی ایران و ویژگی اثر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه سال ۱۳۸۵

آشتیانی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا مهدی آشتیانی در سال ۱۳۰۶ قمری به دنیا آمد. از همان اوان کودکی آثار هوش و استعداد در وی آشکار بود، طوری که در سن پنج سالگی به تلاوت کامل قرآن مجید موفق گردید. میرزا مهدی علوم ادبی مانند صرف، نحو، معانی، بیای، بدیع و همچنین منطق و مقدمات فلسفه را نزد پدر دانشمند خود فرا گرفت و سپس به درس اساتید تهران در علوم و معارف مختلف حاضر شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ و فلسفه

والدین و انساب: از پدر و مادری پرهیزگار در ذی‌قعدة سال ۱۳۰۶ قمری میرزا مهدی پا به عرصه وجود گذاشته شد. پدر و نیاکان میرزا مهدی همه از علمای بزرگ اسلام بوده‌اند. در رأس این خاندان آیت‌الله العظمی حاج میرزا حسن آشتیانی (ره) معروف به میرزای آشتیانی است. میرزای آشتیانی به عنوان رئیس علمای تهران در جنبش شکوهمند تحریم تنباکو نقش فوق‌العاده‌ای را ایفا می‌کرد. ایشان که نماینده میرزای بزرگ شیرزای نیز بود در انجام رساندن هدف قیام و رهبری مردم دخالت مستقیم داشت. آن بزرگوار در سال ۱۳۱۹ قمری درگذشت. از شاگردان مبرز میرزای آشتیانی، برادرزاده‌اش، مرحوم آیت‌الله حاج میرزا جعفر آشتیانی است که افتخار دامادی استاد را نیز داشته است. او پدر فیلسوف عالی مقام میرزا مهدی آشتیانی می‌باشد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: از همان اوان کودکی آثار هوش و استعداد در وی آشکار بود، طوری که در سن پنج سالگی به تلاوت کامل قرآن مجید موفق گردید. میرزا مهدی علوم ادبی مانند صرف، نحو، معانی، بیای، بدیع و همچنین منطق و مقدمات فلسفه را نزد پدر دانشمند خود فرا گرفت و سپس به درس اساتید تهران در علوم و معارف مختلف حاضر شد. آشتیانی برای آموختن فقه و اصول، نزد بزرگانی همچون آقا شیخ مسیح طالقانی، آخوند ملا عبدالرسول مازندرانی، آقا سید عبدالکریم لاهیجی و شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری زانو زد و نیز ریاضی را نزد آقا شیخ عبدالحسین سیبویه، میرزا اغفار خان نجم‌الدوله، میرزا جهانبخش منجم بروجردی و آقا شیخ محمد حسین ریاضی فرا گرفت. ایشان همچنین طب قدیم را از محضر میرزا محمد حسین حکیم و آقا میرزا ابوالقاسم نائینی و طب جدید را از میرزا علی اکبر خان ناظم‌الاطبا و میرزا ابوالحسن خان رئیس‌الاطبا آموخت. میرزا مهدی با جدیت تمام همه علوم و معارف فوق را نزد دانشمندان و بزرگان عصر آموخت و از بسیاری اساتید خود به اخذ اجازه و گواهی‌نامه علمی نائل شد. ایشان اگرچه در فقه و اصول و ریاضی و طب صاحب‌نظر و دارای مقامی ارجمند بود، ولی آنچه بیشتر برای او جاذبه داشت گام نهادن در وادی علوم عقلی و فلسفی بود. میرزا مهدی آشتیانی طی سال‌ها تلاش مستمر و کوشش مداوم در حوزه سالخورده نجف و در جوار آستان قدس علوی، مضع حضرت امیرالمؤمنین (ع) موفق به اخذ اجازه اجتهاد از همه اساتید خود شد. استادان و مربیان: میرزا مهدی آشتیانی برای آموختن فقه و اصول، نزد بزرگانی همچون آقا شیخ مسیح طالقانی، آخوند ملا عبدالرسول مازندرانی، آقا سید عبدالکریم لاهیجی و شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری زانو زد و نیز ریاضی را نزد آقا شیخ عبدالحسین سیبویه، میرزا اغفار خان نجم‌الدوله، میرزا جهانبخش منجم بروجردی و آقا شیخ محمد حسین ریاضی فرا گرفت. ایشان

همچنین طب قدیم را از محضر میرزا محمد حسین حکیم و آقا میرزا ابوالقاسم آشتیانی و طب جدید را از میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا و میرزا ابوالحسن خان رئیس الاطبا آموخت. از اساتید وی در مباحث فلسفه می توان به موارد زیر اشاره کرد: سیدالحکماء آقا میرزا ابوالحسن جلوه مرحوم آقا میرزا حسن کرمانشاهی آقا میر شهاب نیریزی میرزا هاشم اشکوری نام برد. از اساتید وی در نجف اشرف عبارتند از: آیت الله آخوند خراسانی آیت الله سید محمد کاظم یزدی آیت الله سید محمد فیروز آبادی آیت الله میرزا حسن نائینی آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی

همسر و فرزندان: همچنین از یادگارهای میرزا مهدی آشتیانی فرزند دانشمندش، مهندس جلال الدین آشتیانی می باشد که از اساتید و نویسندگان توانای کشورمان به شمار می رود. فرزند دیگر ایشان، آقای میرزا جعفر آشتیانی است.

وقایع میانسالی: در ماه ذیحجه سال ۱۳۶۸ ه. ق در منزل مرحوم آیت الله حجت (ره) بودم و مرحوم میرزا مهدی آشتیانی در آنجا وارد بودند. مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله سید محمد تقی خوانساری برای دیدن ایشان آمدند و بعد از تعارفات و تشریفات، آیت الله حجت به آیت الله بروجردی گفتند که آقای میرزا مهدی آشتیانی مکاشفه عجیبی دارند و مناسب است خودشان نقل کنند. مرحوم آشتیانی فرمودند: من مبتلا به یرقان هستم و برای همین مسافرت به خارج هم نموده ام ولی علاج نشده است. در سال ۱۳۶۵ ق که توده‌ای‌ها - نهایت تسلط را در شمال و غرب ایران داشتند - به مشهد مشرف می شدم. در اتوبوس حالم منقلب شد به طوری که مسافرین و راننده خیال کردند من سکته کرده ام. ماشین را متوقف کردند و مرا بیرون آوردند و در آن حال دیدم که در عرفات هستم و انوار بسیاری از آسمان به زمین می آید و دیدم که مردم به یک طرف متوجه هستند. پرسیدم چه خبر است؟ گفتند: حضرت رسول (ص) تشریف آورده اند. من به آن طرف رفتم و دیدم چهارده خیمه در کنار یکدیگر نصب است. خیمه بزرگی بود که متعلق به حضرت رسول (ص) بود من در آن خیمه مشرف شدم و حضرت را زیارت کردم. خواستم از کسالت خود و حوائج دیگرم بگویم. گفتند: چون زائر فرزندانم رضا (ع) هستی برو به خیمه‌ایکه متعلق به اوست. پس من به خیمه آن حضرت شرفیاب شدم و سه حاجت خود را اظهار کردم. اول راجع به کسالتم، فرمودند مقدر شده که این کسالت با تو باشد تا از دنیا بروی، دوم راجع به فتنه توده‌ای‌ها، فرمودند به همین زودی شر آنها مرتفع خواهد شد و تا شما با قبور و مجالس سوگواری ما ارتباط دارید در امان هستید و سوم راجع به حاجت شخصی بود که فرمودند: این حاجت هم رواست.»

زمان و علت فوت: سرانجام بعد از سال‌ها تحقیق و تدریس و عمری سراسر پارسائی مرغ روح میرزا مهدی آشتیانی، عارف فرزانه و فیلسوف و حکیم عالی قدر، پس از یک بیماری طولانی در حوالی ساعت ده صبح روز پنجشنبه، سوم اردیبهشت ۱۳۳۲ ش، برابر با نهم شعبان ۱۳۷۲ ق در تهران و در حالی که مشغول افاضه مطالبی در مسئله «شق القمر» بود و گاه گاه بلند می فرمود: یا رحمن و یا رحیم یا ارحم الراحمین»، به عالم قدس پر کشید و خطه خاک را از انوار آن وجود تابناک محروم ساخت. یکر مطهر آن مرحوم به قم منتقل شد و پس از تشییع با شکوهی، در جوار کریمه اهل بیت (ع)، حضرت فاطمه معصومه (س)، نزدیک مرقد مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) در مسجد بالاسر مبارک به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: میرزا مهدی آشتیانی حدود ۳۰ سال در مدرسه سپهسالار و مدرسه میرزا محمدخان قزوینی تدریس داشت. معمولاً روزی سه ساعت و گاهی چهار ساعت تدریس می کردند. علامه سید جلال الدین آشتیانی نوشته اند: دوازده دوره الهیات شفا و چهار دوره طبیعیات این کتاب عظیم را تدریس نموده اند. تمهید القواعد را پنج بار و شرح فصوص را تا قبل از سال ۱۳۱۶ ش در طول هجده سال، شش دوره و مجلدات اسفار را در دوره‌های متوالی درس داده اند.» تسلط ایشان به مبانی حکمت و عرفان و تبحر در آثار ملاصدرا باعث می شد تا محفل درس او مورد توجه اهل فضل قرار گیرد. علامه سید جلال الدین آشتیانی باز نوشته اند: «مرحوم استاد آقا میرزا مهدی سه سال ایام عید را به مقصد زیارت حضرت معصومه (س) در قم به این شهر مسافرت کردند؛ و در سفر اخیر مغفور له، حضرت امام خمینی درس اسفار خود را تعطیل کردند و فرمودند، آقای آشتیانی در رتبه اساتید

من هستند...»

فعالیت‌های آموزشی: میرزا مهدی آشتیانی طی سال‌ها تلاش مستمر و کوشش مداوم در حوزه سالخورده نجف و در جوار آستان قدس علوی، مضجع حضرت امیرالمؤمنین (ع) موفق به اخذ اجازه اجتهاد از همه اساتید خود شد. ایشان مدتی را نیز در نجف اشرف به تدریس معقول اشتغال یافت و آن گاه به ایران بازگشت.

سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: میرزا مهدی آشتیانی در اوائل شباب تدریس منظومه می‌کرد.

شاگردان: اگر چه میرزا مهدی آشتیانی به علت مسافرت‌های زیاد و کسالت طولانی به صورت پیوسته و شایان نمی‌توانست به افاده پردازد، ولی حوزه درس و محفل بحث او تا اواخر عمر شریفش ادامه داشت و جویندگان معارف ناب از زلال دریای علومش استفاده‌ها بردند. نام برخی از شاگردان زبده وی چنین است: ۱- آیت‌الله سید علی سیستانی. ۲- آیت‌الله میرزا ابوالحسن شعرانی. ۳- آیت‌الله علامه سید جلال‌الدین آشتیانی. ۴- آیت‌الله دکتر مهدی حائری یزدی. ۵- آیت‌الله علامه محمد تقی جعفری. ۶- آیت‌الله آخوند ملا- علی همدانی. ۷- آیت‌الله شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی. ۸- آیت‌الله شهید مرتضی مطهری. ۹- پرفسور عبدالجواد فلاطوری. ۱۰- استاد بدیع الزمان فروزان‌فر. ۱۱- دکتر محمد تقی دانش‌پژوه. ۱۲- دکتر مهدی محقق. ۱۳- دکتر ابراهیم آیتی. ۱۴- دکتر محمد صادقی. ۱۵- دکتر محمد جعفر لنگرودی. ۱۶- دکتر موسی جوان. ۱۷- دکتر سید صادق گوهرین. ۱۸- حکیم حاج شیخ علی محمد جولستانی. ۱۹- حکیم شیخ محمدرضا ربانی تربتی. ۲۰- شیخ عبدالکریم روشنا تهرانی. ۲۱- آقا شیخ جعفر خندق آبادی. ۲۲- آقا میرزا محمد علی ادیب تهرانی. ۲۳- آقا شیخ علی محقق کاشمیری. ۲۴- آقا سید مهدی لاجوردی کاشانی. ۲۵- آقا سید هوشنگ میرمطهری. ۲۶- آقا سید محمد تقی نقوی. ۲۷- آقا سید محمد حسین آل طیب شوشتری و بسیاری دیگر

آرا و گرایش‌های خاص: یکی از ویژگی‌های برجسته میرزا مهدی آشتیانی این بود که در یک محدوده جغرافیایی نمی‌ماند و مسافرت‌های متعددی را به مراکز علم و دانش جهان داشت. او طی سفری به بخارا مدت یک سال در آنجا اقامت گزید و به تدریس حکمت و فلسفه اسلامی مبادرت ورزید. بعد از آن به مصر، اسکندریه، برلین، پاریس، رم، هند، بلژیک و دیگر نقاط اروپا مسافرت کرد و با فلاسفه و اندیشمندان آن دیار مباحثاتی را انجام داد. ملاقات‌های ایشان که در واقع نماینده فلسفه و عرفان اسلامی بود - در آشنایی فلاسفه غرب با مبانی بلند و ژرف فلسفه اسلام و ایران تأثیر مطلوبی داشت.

آثار:

۱ اساس التوحید

ویژگی اثر: اساس التوحید، ط تهران، دانشگاه تهران. این کتاب که قبلاً با مقدمه آقای منوچهر صدوقی سها چاپ شده بود اخیراً با مقدمه و تصحیح آیت‌الله سید جلال‌الدین آشتیانی مجدداً به چاپ رسیده است.

۲ ترجمه اسفار اربعه

۳ ترجمه‌ای بر اشارات بوعلی

۴ تعلیقه بر اسفار اربعه

۵ تعلیقه بر اشارات بوعلی

۶ تعلیقه بر شفاء بوعلی

۷ تعلیقه بر فصوص ابن عربی

۸ تعلیقه بر فصوص فارابی

- ۹ تعلیقه بر مصباح الانس
 ۱۰ تعلیقه بر منطق منظومه سبزواری
 ۱۱ حاشیه بر فرائد الاصول
 ۱۲ حاشیه بر فرائد الاصول تعلیقه بر حکمت منظومه سبزواری
 ۱۳ حاشیه بر کفایه الاصول
 ۱۴ حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری (ره)
 ۱۵ رساله در اثبات معراج جسمانی
 ۱۶ رساله‌ای در اثبات معاد جسمانی
 ۱۷ رساله‌ای در جبر و تفویض
 ۱۸ رساله‌ای در حقیقت کتاب و میزان به مذاق عرفا، ط تهران، ۱۳۵۲
 ۱۹ رساله‌ای در شق القمر
 ۲۰ رساله‌ای در علم اجمالی و طلب و اراده
 ۲۱ شرح بر مشکلات حافظ
 ۲۲ شرح حدیث عمران صابی
 منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

آشنا، محمدطاهر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۸۱ ق)، مورخ و شاعر شیعی، متخلص به آشنا. ملقب به عنایت‌خان و خان زمان. اصل وی از تربت خراسان بود. او و پدر و جدش در دستگاه گورکانی هند دارای اعتبار و نفوذ بودند و در پرورش شاعران و ادیبان پارسی‌گوی شهرت فراوان داشتند. آشنا در درگاه شاهجهان صاحب منصب بود و در اواخر پادشاهی او عهده‌دار سرپرستی کتابخانه‌ی شاهی شد. وی در اوایل سلطنت اورنگ زیب در کشمیر گوشه‌گیری کرد و سرانجام در همان جا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ سه مثنوی منظوم، که از آن جمله مثنوی در صعوبت راه کشمیر است؛ خلاصه‌ی «پادشاه نامه» ملا عبدالحمید لاهوری تحت عنوان «ملخص»، به نثر در احوال سی سال پادشاهی شاهجهان.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴۵، ۴۸۳-۴۸۲/۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۸)، الذریعه (۱۰۰۰، ۷/۹)، شام غریبان (۳۹)، فرهنگ سخنوران (۷)، لغت‌نامه (ذیل / آشنا)، نشتر عشق (۱۱۹-۱۱۸/۱)، یغما (س ۹، ش ۲، ص ۸۲).

آغاسی وزیراف، دربندی، حیدر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۵۷ ق)، نویسنده، مورخ. از جمله آثار وی: «مجمع الملوک فی ذکر سلاطین عجم»، در تاریخ. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۷۰-۱۰۶۹/۲).

آقا ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش جلد و قلمدان‌ساز. در این رشته صاحب کارخانه‌ای نیز بوده است. تنها یک اثر معمولی بزمی از او دیده شده که عبارت است از: تابلوی بزرگ روغنی جوانی در حال خوردن غذا از روی میز بزرگی پر از خوردنی و نوشیدنیهای گوناگون که در اطراف وی دختران جوان به طرب مشغول‌اند. این اثر بزمی با رنگهای زنده و شاد آرایش شده است، با رقم: «در کارخانه‌ی آقا ابوالقاسم سنه ۱۲۷۲».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/۴۶).

آقاسردار، نجف قلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۳ ق)، مورخ و مترجم. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و مقدمات برای ادامه‌ی تحصیلات به بیروت رفته و از آنجا به فرانسه رهسپار شد. مدتی برای تکمیل انگلیسی در لندن صرف وقت کرده در بازگشت وارد خدمت وزارت دارایی شده و یک دوره نیز به وکالت مجلس انتخاب شد. وی از شاگردان فرصت‌الدوله شیرازی صاحب «آثار عجم» است. از آثارش: ترجمه‌ی «تاریخ انگلستان»؛ ترجمه‌ی «تاریخ روسیه»؛ «تاریخ سیاسی نفت»، «دره‌ی نجفی»، در عروض و بدیع و قافیه؛ «راه‌آهن ایران»؛ ترجمه‌ی «شناسایی دام و دد»؛ «عالم حیوانات»؛ «فراماسیون در انقلاب فرانسه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۴/۲۳۵، ۸/۱۱۴)، مؤلفین کتب چاپی (۵۴۶-۵۴۴/۶).

آگهی یزدی، ابوالحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۵ ق)، شاعر، زرگر و میناساز. میرزا محمدعلی شهلا‌ی یزدی مؤلف «تذکره‌ی شبستان» جد وی بوده است. برخی از اشعار

وی در «آتشکده‌ی یزدان» تألیف آیتی یزدی آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۵۹۳)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲-۳)، الذریعه (۹/ ۱۲، ۴/ ۳۵)، ریحانه (۱/ ۵۹) فرهنگ سخنوران (۱۳).

آل بحر العلوم، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۵-۱۲۸۲ ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. در نجف به دنیا آمد. ادبیات و مقدمات علوم را نزد پدر آموخت. فقه و اصول را نزد سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ عبدالله مازندرانی فراگرفت. بیشترین شهرت او در شعر و ادب و تاریخ است. او همچون پدرش شاعری توانمند بود. از آثارش: «التاریخ المنظوم»، حدود ۱۰۰۰ بیت، در تاریخ و فیات مشاهیر علما و پاره‌ای از حوادث مهم و تاریخی و مدائح ائمه- علیهم السلام؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴/ ۶۲۶)، الذریعه (۳/ ۲۸۹)، معجم المؤلفین (۳/ ۱۹۴-۱۹۵).

آلیاری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

فارغ‌التحصیل از دانشگاه استانبول در رشته تاریخ، کارشناسی ارشد در زمینه‌های تاریخ آسیا و تاریخ اسلام قرون وسطی، دکترای تاریخ در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه تبریز.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مسایل تاریخی از جهت روشن شدن دهلیزهای تاریک تاریخ. نظارت بر ۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تاریخ ایران بعد از اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

در مورد مسایل تاریخی بویژه از جهت روشن شدن دهلیزهای تاریک تاریخ برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

آملی طبرستانی، اولیاءالله، محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۶۴ ق)، مورخ و شاعر. معروف به ملا اولیاء. مدتها در بغداد تحصیل کرد. سپس به عراق عجم و طبرستان بازگشت و به جهت مرگ اردشیر بن حسن حکمران مازندرانی که ممدوح ظهیرالدین فاریابی بود دلتنگ شد و از استرآباد به خوارزم رفت و چندی در آن سامان زیست. «تاریخ سلاطین مازندران» که نثری ساده و روان دارد از تصنیفات او است. بعدها سید ظهیرالدین مرعشی، از آن زمان تا حیات خود، ذیلی بر آن نوشت. ملا- اولیاء گاهی شعر می‌سرود و بیشتر در قالب رباعی طبع آزمایی می‌کرد. از آثارش: «تاریخ رویان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۵۱۱- ۵۱۰ / ۳)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران (نودونه- صد)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۷۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۳۸۹)، مجمع الفصحا (۳/ ۱۱۷۳).

آیتی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین بافقی یزدی (۱۲۸۸ ق - ۱۳۷۴۱ ق / ۱۳۳۲ ش) معروف به آیتی و متخلص به «ضیایی»، «آواره» و «آیتی»، از شعرا، محققان، نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر که پس از ورود و درنگ ۱۸ - ۲۰ ساله ی او در سلک بهائیت و طی مدارج تبلیغ در آن مسلک و دریافت لقب رئیس المبلغین و القاب دیگر و الواح تشویقی از عباس افندی و شوقی افندی و به سر بردن چند سالی با آنها، با دیدن کژیها و ناراستیها، دوباره به اسلام و تشیع بازگشت و شرح حال این دوران سرگشتگی فکری و به تعبیر خود فریب خوردگی را در کتاب کشف الحیل (۳ جلد، تهران، ۱۳۷۰ - ۱۳۱۰ ش با تجدید چاپهای مکرر) نوشته و این زندگی پرتلاطم از او شخصیت پرآوازه و حقیقت جو ساخته است. او فرزند حاج ملا محمد بن محمد بن حاج بزرگ، در خانواده ی علم و عرفان به دنیا آمد. پدرش حاج (ملا-) آخوند تفتی از ائمه ی جماعت و خطبای فرهیخته ی یزد، و در زادگاه خویش نیز امام جماعت و مرجع حل و فصل امور شرعی مردم بود. زادگاهش قصبه ی تفت از نواحی یزد بود. تحصیلات مقدماتی را در مکتب خانه ی

زادگاهش آغاز کرد و اولین معلمش پدرش بود. در سال ۱۳۰۳ ق به یزد رفت و پس از فراگیری صرف و نحو و علم بلاغت و منطق در ۱۳۰۵ ق به قصد ادامه ی تحصیلات، سفر به عتبات عالیات کرد، و به فراگیری فقه و اصول پرداخت. یک سال بعد پدرش در گذشت و او به درخواست مادر به زادگاهش بازگشت و نظر به ابراز علاقه ی هم ولایتی ها مسند پدر را که امامت جماعت و وعظ و خطابه بود عهده دار شد. در سی و سه سالگی که امامت جماعت مسجد تفت و تصدی امور شرعیه را عهده دار بود، بعضی از مبلغان بهایی کتابهای این فرقه را به ترفند، به تعبیر خودش، به مطالعه ی او رساندند و چون مطالعه ی این کتابها آشکار شد، یکی از رقبای روحانی، او را به بد دینی و انحراف عقیده متهم کرد و آزار و ایذاء و بدنامی و رنجهای روحی همراه آن، او را به دامان بهائیت سوق داد. خود در این مورد می گوید: «... دستار از سر برافکندم و ریش خود را از بن برکندم و به جهانگردی پرداختم. چون محرم اسرار شدم و مقام عالی یافته بودم رئیس المبلغین شدم».

ابتدا مدتی در تهران و رشت و اردستان و کاشان به کارهای فرهنگی و تاسیس مدارس و تبلیغ بهائیت پرداخت و سپس چند بار به عکا (مقر سران بهائیت) مسافرت کرد و از طرف عباس افندی (عبدالبهاء) به «آواره» مشهور گردید و به دستور یا درخواست او و سایر روسای مرکز به تالیف کتاب مآثر البهائیه پرداخت (نام کامل آن الکواکب الدریه فی مآثر البهائیه) که در تاریخ ظهور و تشکیل بهائیت است. خود در مورد این کتاب می گوید: «چون خواستم طبع کنم عباس افندی نسخه ی آن را طلبد و دستوراتی داد. ناچار بسیاری از آن را تغییر دادم و بنده سه دفعه در تحت نفوذ حضرات به تحریفات و جعلیات مبتلا شد و اینک می گویم آن کتاب که بعداً به کواکب الدریه موسوم شده، در دو جلد، به کلی از درجه ی اعتبار ساقط است...» اما چون تغییرات دلخواه سران بهائیت در آن وارد شده طبیعی است چنانکه در مقاله ی دانشنامه ی ایرانیکا (به انگلیسی، جلد سوم، ذیل «آیتی» آمده است) «این کتاب هنوز اثر عمده ای در موضوع خود به شمار می آید».

به نوشته ی دایره المعارف تشیع: «... پس از فوت عباس افندی (۱۳۴۰ ق)، شوقی افندی جانشین او آواره را به عکا احضار نمود و آواره از طریق بادکوبه و اسلامبول به عکا و از آنجا به دستور شوقی و برای تبلیغ، مسافرتی به انگلستان و فرانسه نمود. آواره در اواخر عمر عباس افندی و سپس در اوایل شوقی افندی به میزان زیادی از سوء اخلاق و فساد روسا و مبلغین فرقه ی بهائیت اطلاع حاصل نمود و از کرده ی خود پشیمان شد؛ و در مسافرت به اروپا و در مراجعت هنگام اقامت در مصر، در احوالات آنها و مخصوصاً در علل و جهات انصراف میرزا ابوالفضل گلپایگانی و میرزا نعیم و میرزا علی اکبر رفسنجانی [با ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، در این عصر، اشتباه نشود] که از بهائیان اصلی و از مبلغین به نام آنها بودند، از فرقه ی بهائیت تحقیق و تفحص بسیار نمود و یقین حاصل کرد که آن سه تن با وجود تحمل زحمات و مشقات در طریق بهائیت و انجام تبلیغات فراوان برای این فرقه اخیراً از آن تبری جسته و از عمل خود نادم گشته بودند. آواره نیز هنگام اقامت در مصر زمزمه ی مخالفت آغاز و به جمع آوری اسناد و تصاویر و تهیه ی یادداشتهای لازم علیه بهائیت مبادرت نمود و با ورود به تهران مخالفت خود را آشکار کرد و به تالیف کتاب کشف الحیل اقدام نمود. این کتاب در سه جلد [و گاه چاپ شده در یک مجلد، چاپ تهران ۱۳۰۷ - ۱۳۱۰] و حاوی شرح و تفصیل کافی راجع به حیلها و نیرنگهای بهائیان تدوین گردیده و ... سند ارزنده و گوهر گرانبهائی است...» (دایره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۲۴۲)

به نوشته ی دایره المعارف بزرگ اسلامی او در سال ۱۳۴۸ ق / ۱۹۲۹ م در تهران اقامت گزید و به خدمت وزارت معارف (آموزش و پرورش) درآمد، و به عنوان دبیر به تدریس در دوره ی متوسطه پرداخت. با طبع و ذوق سخنوری که داشت، به پژوهشهای ادبی روی آورد و نشریه ای ادبی / انتقادی به نام نمکدان [که بعضی منابع برآنند که مقالات مختلف اغلب یا تمامی ۶۱ شماره ی آن را خود او با اسامی مستعار گوناگون نوشته است] در سال ۱۳۰۸ ش منتشر کرد که در واقع گاهنامه بود و انتشارنامنظم آن چند سالی دوام آورد. مجموعه ی آثار او مشتمل بر ۱۷ کتاب است که عمده ترین آنها ترجمه ی تفسیر آمیز قرآن کریم است

که به کتاب نبی (به ضم نون) یا قرآن فارسی [یا به قول خود آیتی ، به نقل از یکی از فضلا که در مقدمه ی ترجمه اش آورده فارسی قرآن، که دقیق تر و به ادب شرعی نزدیک تر از قرآن فارسی است] مشهور است . از دو کتاب الکوکب الدریه و کشف الحیل نیز نام بردیم . کتابی نیز به نام تکمیل کتاب کشف الحیل و بیان الحق و نیز جزوه ای به نام ضمیمه ی کشف الحیل دارد و آتشکده ی یزدان (تاریخ یزد) ، و تاریخ فلاسفه ، و فرهنگ آیتی و اثر قرآنی دیگری به نام قصیده ی قرآنی و ترانه ی روحی (که چون تاریخ نشر آن در منابع شرح حال او نیامده نمیتوان راجع به صحت کلی آنکه در کدام مرحله ی حیاتش نوشته / سروده است ، قضاوت کرد) .

برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزمین فارسی قرآن کریم

آیتی، عبدالمحمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد عبدالمحمد آیتی در سال ۱۳۰۵ شمسی در شهر بروجرد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و دوره متوسطه را در شهر بروجرد به پایان رسانید. پس از تحصیل در حوزه قم (بمدت دو سال) به تهران رفته و تحصیلات خود را در دانشکده معقول و منقول پی گرفت. آیتی سرانجام در سال ۱۳۲۸ با رتبه اول در رشته معقول و منقول را به دریافت مدرک لیسانس توفیق یافت. استاد پس از فارغ التحصیل شدن به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به تدریس ادبیات در مقطع دبیرستان پرداخت، تا آنکه در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد. او هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد. ایشان چندین تالیف و ترجمه در کارنامه علمی خود در زمینه های زبان و ادبیات عربی و فلسفه دارد. ترجمه کتاب " تاریخ ادبیات زبان عربی " عبدالمحمد آیتی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عبدالمحمد آیتی تحصیلات ابتدایی و دوره ی متوسطه را در شهر بروجرد به پایان رسانید. پس از چندی رهسپار قم شد و به تحصیل علوم دینی پرداخت. تحصیلات او در حوزه علمیه قم مدت دو سال به طول انجامید ، سپس به تهران رفته و تحصیلات خود را در دانشکده معقول و منقول پی گرفت. آیتی سرانجام در سال ۱۳۲۸ با رتبه اول در رشته معقول و منقول فارغ التحصیل شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت.

فعالتهای ضمن تحصیل: وضعیت معیشت عبدالمحمد آیتی به گونه ای بود که در کنار تحصیل مجبور بود پشتوانه ای برای تحصیل فراهم سازد. از این روی ، چندی در قنادی و زمانی در نجاری به کار پرداخت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عبدالمحمد آیتی رئیس شورای علمی دانشنامه تحقیقات ادبی فرهنگستان نیز بوده است.

فعالتهای آموزشی: عبدالمحمد آیتی پس از فارغ التحصیل شدن به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به تدریس ادبیات در مقطع دبیرستان پرداخت. او چندی در بابل و مدتی نیز در خرم آباد انجام وظیفه کرد. استاد عبدالمحمد آیتی در تاریخ ۱۳۷۰/۲/۱۷ به عضویت پیوسته شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی در آمده است. سوابق تدریس: - مدرّس ادبیات داستانی در دانشگاه فارابی (۱۳۵۶)؛ - مدرّس ادبیات داستانی و عربی در دانشگاه دماوند (۱۳۵۷-۱۳۵۸)؛ - بازنشسته آموزش و پرورش (۱۳۵۸).

جوایز و نشانها: ترجمه کتاب " تاریخ ادبیات زبان عربی " عبدالمحمد آیتی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از

طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱. آمرزش ابوالعلا معری

ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۴۷

۲. الغارات در حوادث سال‌های معدود خلافت علی(ع)،

ویژگی اثر: ۱۳۷۱

۳. بسی رنج بردم، بازنویسی شده از فردوسی

ویژگی اثر: ۱۳۷۶

۴. تاریخ ابن خلدون (ترجمه)

ویژگی اثر: ۱۳۶۳-۷۱

۵. تاریخ ادبیات زبان عربی (ترجمه)

ویژگی اثر: تألیف حنا الفاخوری-برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال-آشنایی با کتاب این کتاب، ترجمه «تاریخ الادب العربی» تألیف حنا الفاخوری است. کتاب، سیر تحوّل و دگرگونیهای ادبیات زبان عربی طی بیش از ۱۵۰۰ سال را بررسی می‌کند. آشنایی با این بررسی، گذشته از فایده آن برای فرهنگ عربی، در ارتباط با ادبیات و فرهنگ فارسی نیز مفید است، چرا که رابطه دیرینه ادبیات فارسی با ادبیات عربی و تاثیر ادبیات عرب بر زبان فارسی، ضرورت آشنائی با تاریخ ادبیات عربی و شیوه امروز و آمیخته با نقد و تحلیل را ایجاب می‌کند. مؤلف در این کتاب پس از ذکر مقدماتی، سراسر تاریخ ادب عربی را به شش دوره تقسیم کرده است: عصر جاهلی، عصر خلفای راشدین و اموی، عصر عباسی در شرق، عصر عباسی در غرب، عصر مغول و ترک، و عصر نهضت. آنگاه طی هر یک از این ادوار به بررسی سبکهای جدید نظم و نثر در هر دوره، که خود بازتابی از حوادث و انقلابهای آن دوره بوده، پرداخته است.

۶. تاریخ دولت اسلامی در اندلس، محمّد عبدالله عنان

ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۶۶-۱۳۷۱؛

۷. تاریخ فلسفه در جهان اسلامی

۸. تحریر تاریخ و صاف به زبان ساده

۹. تقویم البلدان (ترجمه)

ویژگی اثر: نوشته ابوالفداء

۱۰. داوری حیوانات نزد پادشاه پریان

ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۸۳

۱۱. در تمام طول شب،

ویژگی اثر: شرح چهار شعر بلند نیمه-۱۳۸۳

۱۲. درباره فلسفه اسلامی

ویژگی اثر: ترجمه

۱۳. درباره فلسفه اسلامی

- ویژگی اثر: ترجمه
- ۱۴ شرح خسرو شیرین نظامی گنجوی
- ۱۵ شرح منظومه مانلی و پانزده قطعه دیگر
- ویژگی اثر: ۱۳۷۵
- ۱۶ شرح و ترجمه معلقات سبع
- ویژگی اثر: ۱۳۷۱
- ۱۷ شکوه سعدی در غزل
- ویژگی اثر: ۱۳۶۹
- ۱۸ شکوه قصیده
- ویژگی اثر: ۱۳۶۴
- ۱۹ قرآن مجید
- ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۶۷
- ۲۰ قصه باربد و بیست قصه دیگر از شاهنامه
- ویژگی اثر: ۱۳۸۰
- ۲۱ کشتی شکسته (ترجمه)
- ویژگی اثر: اثر تاگور
- ۲۲ گزیده شرح مقامات حمیدی
- ویژگی اثر: ۱۳۸۳
- ۲۳ گزیده از نثر پارسی
- ۲۴ گزیده غزلیات سعدی
- ۲۵ گزیده و شرح خمس؟ نظامی
- ویژگی اثر: ۱۳۷۳-۱۳۵۵
- ۲۶ گنجور پنج گنج
- ویژگی اثر: ۱۳۷۴
- ۲۷ معجم الأدبا، یاقوت حموی
- ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۸۱
- ۲۸ معلقات سبعه (ترجمه)
- ۲۹ مقالاتی در مجله راهنمای کتاب و آموزش و پرورش
- منابع زندگینامه: زندگینامه: عبدالمحمد آیتی^{۳۱} سخنوران نامی معاصر ایران، سید محمد باقر برقی، جلد ۱، ص ۱۳۸

آئینه وند، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و ادبیات اسلامی، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: تربیت مدرس

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی و دکترا در رشته تاریخ و ادبیات اسلامی از دانشگاه القدیس یوسف لبنان.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ اسلام، تاریخ شیعه، فرهنگ و تمدن اسلامی، علوم حدیث، علوم قرآن، سیره، ادبیات عرب، علوم سیاسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ اسلام، ادبیات سیاسی، علم‌التاریخ، تاریخ شیعه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۵، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

ادبیات، تاریخ، فقه، فرهنگ و تمدن اسلامی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بایوردی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق.

تولد: ۱۲۸۷، اهر.

درگذشت: ۸ اسفند ۱۳۶۶، تهران.

حسین بایوردی پس از طی دوره‌ی تحصیلات ابتدایی به عنوان اولین سرباز وظیفه‌ی قراچه‌داغ در سال ۱۳۰۷ خدمت نظام را در

تبریز آغاز کرد و به تدریج مدارج مختلف خدمت از سربازی تا سرهنگی را گذراند و در سال ۱۳۳۷ بازنشسته شد.

مقاله‌های او در مجلات «بررسی‌های تاریخی»، «وحید»، «یغما»، «ارتش» و «ژاندارمری» منتشر شده و از تألیفات او تاریخ ارسباران

(۱۳۴۱) و تاریخ پناهندگان ایران به چاپ رسیده است. تاریخ ارسباران حاوی تاریخچه‌ی خانواده‌ی بایوردی و قرآنی مربوط به

آنها از سال ۹۰۰ ق. تا عصر حاضر است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

بارانی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا بارانی

محل تولد: سیرجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

زندگینامه علمی محمدرضا بارانی

وی در سال ۱۳۴۴ در شهرستان سیرجان به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در سال ۱۳۶۳ شمس‌ی مدرک دیپلم را دریافت نمود. او همچنین در زمان جنگ تحمیلی عراق بر ضد جمهوری اسلامی ایران، به همراه هم‌زمان خود حدود یک سال در جبهه‌های جنگ و دفاع مقدس نیز حضور داشته است.

الف - تحصیلات حوزوی:

ایشان در سال ۶۳ پس از اخذ دیپلم به شهر مقدس قم آمده و وارد حوزه علمیه قم شده و به تحصیلات حوزوی پرداخت که شرح آن در زیر می‌آید:

۱. دروس دوره آغازین حوزه مانند جامع المقدمات، المغنی، سیوطی، مختصر المعانی و برخی دوسر جنبی را در مدرسه حقانی گذراند.

۲. دروس سطح را نزد اساتیدی چون حجج اسلام؛ سید محمد سعیدی، سید احمد خاتمی، سید هاشم حسینی بوشهری، مدرسی یزدی، پایانی، اعتمادی، آیت‌الله استادی، آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، آیت‌الله محفوظی و آیت‌الله سبحانی به پایان رساند.

۳. دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام؛ فاضل لنکرانی، سبحانی، خاتم یزدی، جوادی آملی و وحید خراسانی گذرانده است.

ب- تحصیلات دانشگاهی:

ایشان هم‌زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیلات دانشگاهی و کلاسیک روی آورد و مراحل زیر را پیموده است.

۱. کارشناسی «الهیات و معارف اسلامی» را در سال ۱۳۷۳ شمس‌ی دریافت نمود.

۲. کارشناسی ارشد «تاریخ» را در سال ۱۳۷۹ با عنوان پایان‌نامه «شیعه در ایران عصر ایلخانان» به پایان رساند.

۳. دکتری Ph.D «تاریخ اسلام»؛ سال ۱۳۸۱ در دانشگاه اصفهان به عنوان دانشجوی دکتری تاریخ اسلام پذیرفته شد و در سال

۱۳۸۶ از پایان‌نامه دکتری با موضوع «بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد» دفاع کرده است. ج - مسئولیت‌های علمی:

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی‌العالمیه از ۱۳۸۲ تاکنون

۲. مسئول انجمن تاریخ پژوهان از ۱۳۸۰ تاکنون که یکی از انجمن های علمی حوزه می باشد.
۳. مسئول انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از سال ۱۳۸۷ تاکنون که از انجمن های علمی وزارت علوم است.
۴. مدیر گروه تاریخ جامعه الزهرا (س) از سال ۱۳۸۶ تاکنون
۵. مسئول دبیرخانه انجمن های علمی حوزه از ۱۳۸۱ تا پایان ۱۳۸۶
۶. عضو هیئت تحریریه فصل نامه علمی تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» وابسته به انجمن تاریخ-پژوهان
۷. عضو هیئت تحریریه فصل نامه تخصصی «سخن تاریخ» وابسته به گروه تاریخ مدرسه عالی امام ره
۸. مدیر گروه تاریخ جشنواره کتاب سال حوزه از ۱۳۸۲ تاکنون
۹. مدیر مسئول فصلنامه تخصصی «نامه تاریخ پژوهان» از سال ۱۳۸۲ تاکنون
۱۰. سردبیر فصلنامه دانشجویی «سخن تاریخ» از سال ۱۳۸۵ تاکنون
۱۱. مسئول کمیسیون تاریخ اسلام مرکز جهانی علوم اسلامی از ۱۳۸۳ تاکنون
۱۲. عضو هیئت موسس انجمن تاریخ پژوهان از انجمن های علمی حوزه
۱۳. عضو هیئت موسس انجمن علمی ایرانی تاریخ اسلام از انجمن های علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۱۴. عضو شورای علمی مرکز تخصصی تاریخ حوزه از ۱۳۸۲ تا مهر ۱۳۸۵
۱۵. عضو شورای گروه سیره پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات از ۱۳۸۱ تا آذر ۸۴
۱۶. عضو شورای پژوهشی گروه تاریخ جامعه الزهراء از تابستان ۱۳۸۵ تاکنون
۱۷. مسئول علمی نخستین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵
۱۸. دبیر علمی همایش «نکوداشت استاد علی دوانی» در سال ۱۳۸۶.
۱۹. عضو شورای علمی «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۵
۲۰. عضو شورای علمی همایش سراسری «قرآن و تاریخ» دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۵
۲۱. دبیر گروه تاریخ مدرسه عالی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۱
۲۲. مسئول علمی دومین «همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان» در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ - تدریس ایشان در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس داشته اند که به قرار ذیل است.
- ۱) تدریس دروس مختلف تاریخ مانند؛ تاریخ پیامبر(ص)، تاریخ ائمه (ع)، تاریخ عباسیان، تاریخ امپراطوری عثمانی، تاریخ اسلام در مصر و شام، تاریخ اسلام در مغرب و اندلس، تاریخ نگاری در اسلام، تاریخ اسلام و خاورشناسان و تشیع در آثار خاورشناسان در مدرسه عالی امام خمینی(ره) وابسته به جامعه المصطفی العالمیه از سال ۱۳۷۹ تاکنون.
- ۲) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام در مغرب و اندلس در دانشگاه اهل بیت(ع) در سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶.
- ۳) تدریس دروس تاریخی مانند؛ تاریخ امویان، تاریخ عباسیان، تاریخ عثمانی، تشیع در آثار خاورشناسان و تاریخ اسلام و خاورشناسان در مرکز آموزش های اسلامی وابسته به حوزه - گروه تخصصی تاریخ در سال های ۱۳۸۲ تاکنون
- ۴) تدریس درس تاریخ اسلام و خاورشناسان در مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی در سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵.
- ۵) تدریس دروس تاریخی تاریخ عثمانی و تشیع در آثار خاورشناسان در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۵.
- ۶) تدریس درس تشیع در آثار خاورشناسان در دانشگاه پیام نور قم در سال ۱۳۸۷. ه پژوهش های منتشر شده:

۱. «گرایش ایرانیان به تشیع در قرن هفتم هجری»؛ منتشره در فروردین ۱۳۸۰ در نشریه تخصصی معرفت شماره ۴۰.
۲. «نقد و بررسی گرایش ایلخانان به اسلام و تشیع»؛ منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آئینه پژوهش شماره اول پاییز ۱۳۸۱.
۳. «معرفی و نقد سفرنامه ابن فضلان» منتشره در نشریه تخصصی تاریخ در آئینه پژوهش شماره پنجم فروردین ۱۳۸۳.
۴. «اختلاف روایات و راهکارهای حل آن» منتشره در مجموعه مقالات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۸۰.
۵. «زندگینامه علمی فرهنگی امام هادی (ع)» در مجموعه مقالات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۸۴.
۶. «دین حنیف، ماهیتی مستقل یا روح ادیان الاهی» منتشره در نشریه تخصصی مذاهب و فرق اسلامی «طلوع» پاییز ۱۳۸۴.
۷. «جامعه شناختی نهاد حکومت پیامبر(ص)» منتشره در مجموعه مقالات همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص) دانشگاه اصفهان پاییز ۱۳۸۵.
۸. «احناف» در دائرة المعارف قرآن در دائرة المعارف قرآن وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی سال ۱۳۸۶.
۹. «التأثیر الفکری المتبادل بین الامامیة و المعتزلة فی عصر البویهین» که مجوز انتشار آن از نشریه بین المللی علوم انسانی در تاریخ ۴/۷/۱۳۸۶ دریافت شده است.
۱۰. بررسی و تحلیل تعامل فکری سیاسی امامیه با اشاعره در بغداد دوره آل بویه (سده‌های چهارم و پنجم هجری) انتشار در نشریه شیعه شناسی وابسته به موسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۷.
۱۱. مدخل بسر بن سفیان در دائرة المعارف قرآن انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و - پژوهش های آماده نشر: الف) مقالات
 ۱. امام هادی (ع) و علم و دانش
 ۲. تأثیر حمله مغول بر جغرافیای انسانی ایران
 ۳. تأثیر حدیث نگاری بر تاریخ نگاری
 ۴. سیر تاریخی اندیشه ولایت فقیه
 ۵. تبیین تاریخی (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)
 ۶. حرکت و پویایی در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)
 ۷. سبب در تاریخ (تألیف و ترجمه قسمتی از کتاب استنفورد)
 ۸. تاریخ نگاری قرن‌های ۴ تا ۶ هجری
 ۹. نقش مروان بن حکم در صدر اسلام
 ۱۰. بررسی تاریخی حادثه انذار عشیره
 ۱۱. رویکرد امامیه و حنابله درباره باورهای کلامی در بغداد دوره آل بویه
 ۱۲. دیدگاه امامیه و اشاعره در باره دانش ها
 ۱۳. دیدگاه امامیه و حنابله درباره دانش ها
 ۱۴. دیدگاه امامیه و معتزله درباره دانش ها
 ۱۵. رویکرد حنابله در رقابت با دیگر فرقه های
 ۱۶. همگرایی و واگرایی حنابله با دیگر فرقه های
 ۱۷. فرایند اقتداریابی اشاعره در دوره آل بویه
 ۱۸. فرایند تعامل و تقابل سیاسی امامیه و معتزله

۱۹. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و اشاعره
۲۰. فرایند تعامل و تقابل فکری امامیه و معتزله
۲۱. مصلحت اندیشی سیاسی و مذهبی آل بویه
۲۲. معتزله در فرایند اقتدار سیاسی و فکری ب) کتاب‌ها
۱. بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، اشاعره و حنابله در عصر آل بویه در بغداد (رساله دکتری که تا چند ماه آینده منتشر خواهد شد).
۲. تشیع در ایران عصر ایلخانان؛ (پایان نامه کارشناسی ارشد است که در حال آماده سازی برای انتشار است).
۳. تاریخ امپراطوری عثمانی (کتاب درسی)؛ در حال انجام است.
۴. تشیع در آثار خاورشناسان (کتاب درسی)؛ در حال انجام است. ز- سخنرانی علمی و شرکت در همایش‌ها و میزگردها
۱. ارایه مقاله در همایش «بررسی کتاب الصحیح من سیره النبی الاعظم (ص)» توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۷۹.
۲. ارایه مقاله در «همایش بین المللی پیامبر اعظم (ص)» در دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۸۵.
۳. شرکت در میزگرد «امام رضا (ع) و گروه‌های دورن شیعی» در انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵.
۴. شرکت در میزگرد «بازکاوی اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر امام رضا (ع)» در انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵.
۵. شرکت در میزگرد «تولید علم در تاریخ» توسط انجمن تاریخ پژوهان و نهضت نرم افزاری در سال ۱۳۸۳.
۶. شرکت در میزگرد «نقد نظریه از امامیه تا اثنی عشریه» که این نظریه از سوی خاورشناس مشهور اتان کلبرگ مطرح شده است و جلسه نقد این نظریه که توسط نهضت نرم افزاری و انجمن تاریخ پژوهان در سال ۱۳۸۵ برگزار گردید.
۷. شرکت در میزگرد نقد کتاب «موسوعه التاريخ الاسلامی» نوشته استاد یوسفی غروی که توسط انجمن تاریخ پژوهان و دبیرخانه کتاب سال حوزه در ۲ اسفند ۱۳۸۶ برگزار شد.
۸. سخنرانی علمی در همایش تولید علم با عنوان «جایگاه مطالعات تاریخی در حوزه» در سال ۱۳۸۳.
۹. سخنرانی علمی در انجمن معلمان تاریخ استان قم با عنوان «آسیب شناسی تدریس تاریخ» در سال ۱۳۸۵.
۱۰. شرکت در میزگرد «چالش‌های فراوی شیعه پژوهی غربیان» برگزار شده در دومین همایش بین المللی تشیع از دیدگاه خاورشناسان، ۱۳۸۷. ح- راهنمایی و مشاوره رساله و پایان نامه
۱. راهنمایی بیش از ۳۶ رساله دفاع شده و در حال نگارش
۲. مشاوره ۱۵ (پانزده) رساله دفاع شده و در حال نگارش
۳. داوری ۵ (پنج) رساله ارشد

باستانی پاریزی، محمدابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ابراهیم باستانی پاریزی فرزند شیخ علی اکبر، در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در روستای پاریز کرمان دیده به جهان گشود. استاد تحصیلات ابتدایی را در پاریز به پایان برد و دوره دبیرستان را تا سوم متوسطه در سعیدآباد سیرجان به انجام رسانید و در

کرمان وارد دانشسرای مقدماتی شد و دیپلم گرفت. در خلال تحصیل، در حالی که بیش از هفده سال نداشت، با روزنامه روح القدس همکاری کرد و آثار نظم و نثرش را در آن به چاپ رساند. دکتر باستانی برای ادامه‌ی تحصیل راهی تهران شد و در دانشسرای عالی در رشته تاریخ و جغرافیا به تحصیل پرداخت و به دریافت لیسانس توفیق یافت و تا درجه دکترا پیش رفت. در تهران فعالیت مطبوعاتی خود را گسترش داد و با روزنامه‌ها و مجلات همکاری نزدیک داشت. استاد مدتی در دبیرستان‌های کرمان مشغول خدمت بود اما سرانجام به تهران آمد و به کار تدریس در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول گردید. از ایشان آثار زیادی تاکنون به چاپ رسیده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: ایران دوره اسلامی

والدین و انساب: محمد ابراهیم باستانی پاریزی، فرزند حاج شیخ علی اکبر معروف به حاج آخوند بود.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: از آنجایی که پدر محمد ابراهیم باستانی پاریزی فردی باسواد بود، وی را روانه‌ی مدرسه‌ای در همان قریه‌ی پاریز نمود. این مدرسه در منزل شخصی به نام ملامحمدحسن قرار داشت - این فرد همان کسی است که سال‌ها بعد باستانی پاریزی آثار، نوشته‌ها و نامه‌هایش را تحت عنوان «آثار پیغمبر دزدان» جمع‌آوری و چاپ کرد -، در سال ۱۳۱۳ پدر باستانی پاریزی مدرسه‌ای ساخته و او کلاس پنجم را در همین مدرسه به پایان رساند. پاریزی کلاس ششم ابتدایی را در سیرجان در دبیرستان بدر سپری نمود. وی پس از به پایان بردن دوره‌ی تحصیل در مقطع ابتدایی، به مدت ۲ سال ترک تحصیل کرد، اما در این فاصله در محضر کلاس پدر حاضر می‌شد و به آموختن ادبیات و عربی می‌پرداخت. او در سال ۱۳۱۸ برای ادامه‌ی تحصیل عازم سیرجان شد و سه سال اول دبیرستان را در آنجا گذراند؛ علی‌رغم آن که وی تصمیم داشت بجای تحصیل به اداره پست و تلگراف رود، اما با توصیه یکی از معلمان خود برای ادامه‌ی تحصیل به دانشسرای مقدماتی کرمان، که به کوشش رئیس فرهنگ وقت (رهبر کسروی) شبانه‌روزی شده بود، وارد شد. با توجه به اینکه این دانشسرا تنها به محصلان رتبه‌ی اول و دوم اجازه‌ی ادامه‌ی تحصیل در دانشسرای عالی تهران را می‌داد، پاریزی توانست شاگرد دوم این دانشسرا شده و به تهران رود. سال ششم را در دبیرستان رشیدی‌ی آن روز خواند و سپس در دانشسرای عالی تهران در دانشکده ادبیات به ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی تاریخ پرداخت. پس از آن باستانی پاریزی به کرمان رفت، اما مجدداً در سال ۱۳۳۷ برای دوره دکترا تاریخ به تهران بازگشت و توانست این دوره را نیز به پایان برد.

خاطرات و وقایع تحصیل: تحصیلات دوره‌ی دبیرستان محمد ابراهیم باستانی پاریزی در سیرجان مصادف با جنگ جهانی اول بود. این سال‌ها برای کشورمان سال‌های سختی بود، چرا که جنگ جهانی باعث گردید فقر و گرسنگی بر همه جا سایه افکند. با سقوط رضا شاه در سال ۱۳۲۰، پاریزی تصمیم گرفت از کلاس نهم (سوم دبیرستان) ترک تحصیل نماید و در پستخانه پاریز به جای مدیر قبلی که در همان زمان بازنشسته شده بود استخدام شود، اما چیزی که باعث شد او از این کار منصرف شود، مقاله‌ای بود که در روزنامه «بیداری» به چاپ رساند، او در این مقاله جوابیه‌ای در مقابل مقاله مرتضی برازجانی که از معلمان مدارس کرمان بود تنظیم نمود. این مقاله در احوال حضرت فاطمه زهرا (ع) و کیفیت زندگی او تنظیم شده بود، پاریزی در جواب نوشت «اینکه زنهای امروز از این بانوی بزرگ سرمشق نمی‌گیرند، تقصیر مردان است که زن‌ها را به گونه‌ای دیگر می‌پسندند، تقصیر زن‌ها نیست...» در همان زمان یک معلم کرمانی به نام منصوری که برای توزیع کوپن به پاریز آمده بود با خواندن این مقاله او را از خدمت در پست و تلگراف برحذر داشت.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: محمد ابراهیم باستانی پاریزی پس از به پایان بردن دوره‌ی ابتدایی، به مدت دو سال ترک تحصیل نمود

و در همین سال ها مجله ی خطی به نام « ندای پاریز » با سه مشتری منتشر کرد.

استادان و مربیان : از معلمین دوره ی ابتدایی محمد ابراهیم باستانی پاریزی می توان آقایان : سید احمد هدایت زاده نبوی پاریزی ، یحیی سالمی پاریزی و میرزا غلامحسین سعیدنیا معروف به ناظم را نام برد. از معلمین پاریزی در سه سال اول دبیرستان می توان آقایان : سید عبدالحسین حجازی ، ابوالقاسم ارجمند ، محمد صنعتی ، جلال پور ، صفوت و چند تن دیگر را نام برد که در شکل گیری معلومات و ذوق وی تاثیر گذار بوده اند. همچنین او در تابستان با مراجعت به زادگاه خود ، از محضر پدرش نیز که محل تردد رجال ادب ، سیاست و اهل ذوق بودند استفاده های زیادی می نمود ؛ از کسانی که در این مجلس حاضر می شدند اسماعیل مرآت ، هادی حائری ، عطیفه ، مایل تویسرکانی ، صادق انصاری - از رؤسای اسبق معروف کرمان - هادی اشتی ، ابوالفا معتمدی ، آقاسید محمدرضا مدنی ، سیدجلال هجری رفسنجانی ، شیخ عبدالمحسن محسنی - که از خوشنویسان به نام و از شعرای سیرجان بود - و مرتضی خان ستوده و بسیاری از رجال صاحب ذوق سیرجان و زیدآباد و همچنین معلمان کرمان می توان نام برد. پاریزی در فاصله ی دو ساله ی تحصیل در دانشسرای مقدماتی کرمان از محضر آقایان : فناپی ، الفت ، سید حسین مدنی پور ، دکتر پورحسینی ، دکتر بقایی ، بهمن اوف ، صباحی محمد طاهری ، محمد طاهری ، محمد صرافی ، رغبتی ، محمد علی بابایی ، مهندس کارآموز و چند تن دیگر نیز استفاده نمود. او در سال ششم ادبی دبیرستان رشديه نزد معلمین معروفی همچون محمد جواد تربتی ، عضدتی ، محیط طباطبایی ، دکتر گوهرین ، محمد علی خلیلی به کسب علم پرداخت. پس از واردشدن در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات ، در رشته ی تاریخ محضر استادان بزرگواری چون نصرالله فلسفی ، رشید یاسمی ، سعید نفیسی ، عباس اقبال آشتیانی ، دکتر سعادت ، دکتر مجیر شیبانی ، دکتر بینا ، فاضل تونی ، دکتر احمد بهمنش ، دکتر احمد مستوفی و دکتر محمدحسن گنجی را درک نمود. باستانی پاریزی دوره ی دکترای تاریخ را زیر نظر استادانی چون دکتر محسن عزیزی ، ابراهیم پورداود و سعید نفیسی به پایان برد.

همسر و فرزندان : محمد ابراهیم باستانی پاریزی پس از اتمام تحصیلات عالی در سال ۱۳۳۷ به کرمان بازگشت و در همین سال با یکی از معلمان دبیرستان دخترانه بهمنیار کرمان ازدواج نمود که حاصل این ازدواج یک دختر و یک پسر می باشد و هر دو فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران هستند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد ابراهیم باستانی پاریزی به مدت سه سال سرپرستی دبیرستان دخترانه « بهمنیار » را به عهده داشت. در سال ۱۳۳۷ بعد از اخذ مدرک دکتری ، ابتدا در موزه ایران باستان شروع به کار نمود و چون دکتر خوانساری مدیر داخلی مجله « دانشکده ادبیات » دانشگاه تهران برای استفاده از فرصت مطالعاتی به اروپا رفته بود ، وی را به عنوان غلط گیر مجله به دانشکده ادبیات منتقل نمودند. حدود ده سال مدیریت مجله « دانشکده ادبیات » را به عهده داشت تا اینکه در سال ۱۳۴۹ برای فرصت مطالعاتی به اروپا رفته و به همین خاطر از کار مستعفی شد.

فعالتهای آموزشی : محمد ابراهیم باستانی پاریزی در پاییز ۱۳۳۰ پس از اتمام تحصیلات عالی به سمت دبیری دبیرستان های کرمان منصوب شد و سه سال نیز سرپرستی دبیرستان دخترانه بهمنیار را به عهده گرفت. در سال ۱۳۳۷ بعد از اخذ مدرک دکترا ، به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رفت و به کار تدریس پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد ابراهیم باستانی پاریزی در کنار فعالیت های آموزشی ، با نوشتن مقاله و شعر ، با مطبوعات نیز همکاری داشتند. وی در دوره دانشسرای مقدماتی در روزنامه « بیداری ایران » مقاله ای در رثای معلم دانشسرا ، مرحوم ادیب بامداد نوشت و در همین سال ها با انتشار روزنامه « روح القدس » در کرمان مقالات خود را به چاپ رساند. در دوران تحصیل در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات به عنوان مترجم عربی با روزنامه « کیهان » همکاری خود را برای ترجمه روزنامه های معروف مصر « المصری ، الاهرام ، آخرساعه ، اخبار الیوم » و امثال آن آغاز نمود. پس از اتمام تحصیلات عالی با توجه به آنکه در کرمان

به شغل دبیری مشغول بود، در روزنامه «بیداری کرمان» که تحت مدیریت سید محمد رضا هاشمی - بعد از سید محمد هاشمی - مقالاتی را منتشر کرد، پس از آن با به دست آوردن امتیاز مجله ای به نام «هفتواد» از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۷ در چاپخانه یارمند کرمان ۱۷ شماره ی آن را به چاپ رساند. بعد تحصیلات دوره ی دکترای مقالاتی را در مجلات «یغما، دانشکده ادبیات، بررسی های تاریخی، وحید، گوهر، هفت هنر» و امثال آن منتشر نمود که بلافاصله در مجله ی «خواندنی ها» نقل می گردید. «سپید و سیاه»، «راه نمای کتاب» و مجله «باستان شناسی» نیز مقالات او را چاپ می کردند. از جراید شهرستان ها مثل «پارس شیراز»، «اندیشه کرمان»، «خراسان مشهد»، «استوار قم» در افغانستان مجله «آریانا»، «نوای ملت» خوزستان و امثال آن نیز اشعار و نوشته هایش را چاپ می کردند. در ستون انتقاد روزنامه اطلاعات مقالاتی را چاپ نمود که این مقالات در کتاب جداگانه ای به نام «زیر این هفت آسمان» تجدید چاپ شد. بعد از انقلاب نیز با بسیاری از جراید و مجلات مثل «نهییب آزادی»، «ماهان»، «حدیث کرمان»، «آینده» و «چیستا» نیز به همکاری پرداخت. استاد باستانی پاریزی در شعر و شاعری نیز دستی داشته که مجموعا سه بار اشعار او در سال های ۱۳۲۷ تحت عنوان «یادبود من»، در سال ۱۳۴۰ تحت عنوان «یاد و یادبود» و در سال ۱۳۶۳ با نام «یاد بود» چاپ گردید. اشعار وی در سال های تحصیل معمولا در جراید تهران، خصوصا «توفیق» با سبکی خاص در دوبیتی عرضه می گردید.

آرا و گرایشهای خاص: محمد ابراهیم باستانی پاریزی عمر خویش را بر سر معرفی و شناخت هر چه بیشتر سرزمین کرمان گذاشته اند، به قول یکی از اساتید: «... و ندیده ام که او [پاریزی] روزی از یاد مردم کرمان و سرزمین آن خالی باشد، اگر کتابی یا مجله ای به دستش می افتد، نخست می خواهد بداند که آیا در آن مطلبی در باره کرمان هست یا نه؟ اگر در کنگره ای و مجمعی علمی پیشنهاد سخنرانی با او می کنند، تمام هم او آن است که در موضوعی سخن بگوید که به وجهی، ولو بسیار دور با کرمان ارتباط داشته باشد و چنین موضوعی را، هر چند دور از ذهن باشد، پیدا می کند و در آن باره سخن می گوید. او عاشق کرمان و مردم آن است و عشقش عرضی و مجازی نیست که از او جدا شود با شیر اندرون شده و با جان خواهد بود. او تنها عاشق کرمان و منطقه ی آن نیست، ایران و مردم آن را نیز به همان اندازه دوست دارد، کسی نمی داند که در ذهن باستانی، ایران اصل است یا کرمان، پاریز فرع است یا کرمان؟ و اگر کسی به اوضاع جهان واقف نباشد و فقط نوشته های پاریزی را بخواند خیال خواهد کرد که کرمان دل ایران است و پاریز دل کرمان.» تاریخ در نظر باستانی پاریزی امری طولی و زمانی نیست که حوادث در آن به دنبال هم و در توالی یکدیگر قرار گرفته باشند، در اندیشه ی او زمان تبدیل به مکان و طول مبدل به عرض شده است و حوادث زمانی مانند اشیا مکانی در جنب هم قرار دارند نه در پشت سر هم؛ در نظر باستانی حوادث تاریخ جز «به درد گواه و شاهد برای امور مبتلا به فعلی مردم نمی خورند و گذشته مقدمه حال است و اگر تاریخی نتواند مشکلی را از حال حل کند، بی فایده و بی حاصل است.» باستانی پاریزی به عنوان یک مورخ ادیب معتقد است که در تمدن چند هزاره ساله ی ما که هزار و پانصد سال با زبان فارسی امروزی همراه بوده است، غیر عادی نیست اگر تاریخ با ادب آمیخته شده باشد، بیشتر کتب ادب فارسی ما حاوی قسمت مهمی از تاریخ اجتماعی ماست و یاد می کند از عباس اقبال که می گفت: «دیوان معزی نیشابوری، خودش یک تاریخ سلجوقی است.» از طرف دیگر شعر و ادب، در نگارش تاریخ یک چاشنی ای به نوشته می دهد تا خواننده را به دنبال کردن بحث تشویق و ترغیب کند. او می گوید: «البته مرزی هست میان شعر و ادب با تاریخ و سرگذشت که این مرز باید رعایت شود و نکته همین جاست که کسی از مرز خود تجاوز و از خط سیر خود عدول نکند.» پاریز معتقد است از شعر و ادب در تاریخ و پیوند این دو مظهر بزرگ فرهنگ ایرانی، چیزی نیست، مگر ادامه ی سنت و روال فرهنگی قدیم و تاریخ نویسی هزارساله ی ما و اینک یک دانشجوی کم استعداد، به همان راه قدم نهاده، و چنان می نماید که مورد تشویق همه قرار گرفته است. دکتر باستانی پاریزی در مورد تاریخ و تعریف آن برخلاف دیدگاه اروپاییان که معتقدند «تاریخ علم ساختن آینده است» و یا به قول ابن خلدون «تاریخ

عبرت است»، با تاریخ نگاری منظم و کرونولوژیک فاصله دارد، او می گوید: «جامعه از تاریخ چه می خواهد؟ جامعه مایل است که تاریخ مثل بسیاری از منابع دیگر فرهنگی یک مملکت برای هر یک از افراد آن ملت یک «شخصیت ثابت» و قابل اعتنا و در خور احترام پدید آورد، چه، ثابت شده است که در برابر حوادث و پیش آمدهای روزگار، تنها کسانی پایدار و بردبار و خوددار و حلیم و چاره جو هستند که از یک «شخصیت ثابت» برخوردار باشند. اشخاصی که از جهت روانی نتوانند شخصیت خود را توجیه کنند، و نقص شخصیت، و بیماری تزلزل، و فساد شخصیت داشته و درباره ی هویت خود دچار تردید باشند، هرگز افراد قابل اطمینانی برای یک جامعه نخواهد بود...». او معتقد است که دوران نوشتن تاریخ های کرونولوژیک به روال سابق سپری شده است و با توجه به آنکه دوران مطبوعاتی ها، روزنامه نویسان، رپورترها، فیلم بردارهای تلویزیون، مشغول نوشتن و تنظیم تاریخ کرونولوژیک ایران و دنیا هستند خیلی مستندتر و مفصل تر از تاریخی که فی المثل «هدایت» صاحب روضه الصفا ناصری برای قاجاریه نوشت، یا شرف الدین یزدی صاحب ظفرنامه برای تیمور، یا اسکندر بیگ منشی صاحب عالم آرا برای شاه عباس. همچنین او می گوید: «تاریخ واقعی را وقتی می شود نوشت که بسیاری از اسناد محرمانه سیاسی آزاد شده باشد و این معمولاً بیش از سی سال وقت می طلبد، به عبارت دیگر، تاریخ واقعی امروز را نسل آینده خواهد نوشت. ما اگر همت و علاقه و بینش و توانایی و متد داشته باشیم، بتوانیم تاریخ قرن پیش را بنویسیم، خود کاری است که در حد معجزه است!»

آثار:

۱ آثار پیغمبر دزدان

ویژگی اثر: نخستین کتاب باستانی پاریزی به نام «آثار پیغمبر دزدان» در سال ۱۳۲۳ یعنی زمانی که در دانشسرای مقدماتی بود چاپ شد. او درباره ی این کتاب می گوید: «در یکی از تابستان ها وقتی مرحوم احمد آقا معین زاده رفسنجانی به پاریز آمد، نامه های زیادی از پیغمبر دزدان داشت، که آنها را رونویس کردم و از جاهای دیگر و اشخاص دیگر نیز شنیده ها را یادداشت کرده و در سال ۱۳۲۳ مقدمه ای بر آن نوشتم و مرحوم سعیدی یزدی مدیر کتابفروشی گلپهار کرمان آن را چاپ کرد و این نخستین کتاب من بود که به چاپ می رسید».

۲ آسیای هفت سنگ

۳ از پاریز تا پاریس

ویژگی اثر: باستانی پاریزی خاطرات مسافرت به اروپای خود را (فرصت مطالعاتی) در مجلات «وحید» و «یغما» منتشر نمود، که بعد از مدتی به صورت کتاب «از پاریز تا پاریس» درآمد.

۴ اژدهای هفت سر

ویژگی اثر: «اژدهای هفت سر» مقاله مفصلی است که باستانی پاریزی با عنوان «خودمشت مالی» به جهت تصحیح اشتباهات گذشته تنظیم نمود.

۵ اصول حکومت آتن

ویژگی اثر: در سال ۱۳۳۷ در دوره ی دکترای به عنوان تکلیف درسی، رساله «اصول حکومت آتن» را که از رسالات ارسطو است، به فارسی ترجمه نمود که چند سال بعد با مقدمه استاد دکتر غلامحسین صدیقی منتشر شد.

۶ ترجمه اخبار ایران (از ابن اثیر)

۷ تصحیح و تحشیه تاریخ شاهی قراختایان

۸ تصحیح و تحشیه تاریخ وزیری

۹ تصحیح و تحشیه جغرافیای کرمان وزیری

ویژگی اثر: پس از انتشار این کتاب توسط باستانی پاریز، بلافاصله به عنوان مسائل اجتماعی در تاریخ و جغرافیای کرمان توسط « بوسه » به زبان آلمانی ترجمه و در شماره ۵۰ مجله اسلام (Derislam) چاپ گردید.

۱۰ تلاش آزادی

ویژگی اثر: « تلاش آزادی » تاریخچه ای است از مشروطیت تا سقوط قاجار، که ابتدا به عنوان مقدمه کتاب « ایران باستان » نوشته پیرنیا چاپ گردید سپس به صورت جداگانه چاپ شد.

۱۱ تن آدمی شریف است ...

ویژگی اثر: این کتاب تحقیقی درباره ی مظالم و گرفتاری هایی است که بر تک تک اعضای بدن آدمی وارد می شود. قسمت اول کتاب ناتمام مانده و اختصاص دارد به موی و سر و گوش و ابرو و چشم، و قسمت های دیگر نیز هنوز به چاپ نرسیده است. نام این مجموعه از شعر « تن آدمی شریف است ... » از شعر سعدی گرفته شده است.

۱۲ جامع المقدمات

ویژگی اثر: پاریزی کلیه ی مقدمه هایی را که برای کتاب های دیگر نوشته است، در یک مجموعه جمع کرده و تحت عنوان « جامع المقدمات » به چاپ رسانده است.

۱۳ حماسه کویر

ویژگی اثر: « حماسه کویر » متن اضافه شده ی یک سخنرانی درباره ی « قائم مقام » بود که به صورت کتابی هشتصد صفحه ای در آمد.

۱۴ خاتون هفت قلعه

۱۵ دوره مجله هفتواد

۱۶ ذوالقرنین (کورش کبیر)

ویژگی اثر: در سال ۱۳۳۰ هنگام ورود ابوالکلام آزاد، وزیر فرهنگ هند به ایران، به ترجمه ی رساله ی معروف او که در تفسیر آیاتی از قرآن کریم است، مبادرت کرد و این رساله تحت عنوان « ذوالقرنین یا کورش کبیر » به چاپ رسید که تا کنون چهار بار تجدید چاپ شده است. در باب این رساله، پاریزی معتقد است که شاید آخرین نظر در مورد کورش از سوی ابوالکلام مطرح شده است، این نظر را برخی پذیرفته اند و بعضی تردید کرده اند، او می گوید: « من البته مدافع آن نظر نیستم، کاری که من کردم علاوه بر ترجمه ی متن، یک مقدمه ی مفصل تحت عنوان « کورش در روایات ایرانی » بر آن نوشتم که احتمالا- مفصل ترین تحقیق است که برای اولین بار در مورد کورش بر اساس روایات اسلامی، ایرانی و شرقی چاپ شده است ».

۱۷ راهنمای آثار تاریخی کرمان

۱۸ زیر این هفت آسمان

۱۹ سلجوقیان و غز در کرمان

ویژگی اثر: این کتاب از روی نسخه کتاب « بدیع الزمان » که مربوط به قرن هشتم هجری و از روی نسخه چاپ شده « هوتسما » (مستشرق فرنگی) تنظیم شده است.

۲۰ سنگ هفت قلم

ویژگی اثر: پاریزی در کتاب « سنگ هفت قلم » نقش زن را به شکلی خاص در تاریخ مطرح کرده است و در این کتاب جای پای زن را در همه جا جستجو نموده است، به همین خاطر در مقاله « زن و جنگ » در « نای هفت » معترف است که از سرنوشت زن در

تاریخ غافل نبوده است.

۲۱ سیاست و اقتصاد عصر صفوی

ویژگی اثر: سیاست و اقتصاد در عصر صفوی نتیجه یک سخنرانی در اصفهان بود که به تدریج به صورت کتاب درآمد.

۲۲ شاه منصور

۲۳ فرماندهان کرمان

۲۴ فرمانفرمای عالم

۲۵ کوچه هفت پیچ

۲۶ گنجعلی خان

۲۷ محیط سیاسی و زندگی مشیرالدوله

۲۸ منابع و مآخذ تاریخ کرمان

۲۹ نای هفت بند

۳۰ نشریه فرهنگ کرمان

۳۱ نون جو و دوغ گو

ویژگی اثر: این کتاب در احوال کسانی است که در تاریخ به خوردن نون جو از آنها یاد شده است، یعنی آنهایی که با نان جوین خویش ساخته اند و آلوده‌ی منت کسان نشده اند. این کتاب ابتدا مقاله‌ای بود در یادواره استاد محیط طباطبایی، که یک سالی معلم او بود، به این مقاله بعد ها مطالبی اضافه شد و به صورت کتابی مفصل درآمد. در همین کتاب به مناسبت آنهایی که ترک دیار گفته و مهاجرت اجباری بر آنها تحمیل شده بود، خصوصا در عصر صفوی یادی به میان آمده و به کتابی نهصد صفحه‌ای در آمد.

۳۲ هشت الهفت

۳۳ وادی هفت واد

۳۴ یاد و یادبود

ویژگی اثر: مجموعه شعر

۳۵ یادبود من

ویژگی اثر: مجموع شعر

۳۶ یعقوب لیث

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

باطرقانی اصفهانی، ابوبکر احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۶۰-۳۷۲ ق)، قاری و محدث. شیخ القراء زمان خود بود. نسبتش به باطرقان از توابع اصفهان می‌رسد. قرآن را با روایات مختلف بر بزرگان قرائت، تلاوت کرد، و از ابو عبدالله بن منده و ابراهیم بن خرشید قوله و ابو مسلم بن شهدل و ابو جعفر ابهری و بسیاری

دیگر حدیث شنید. ابوعلی حداد و عبدالعزیز نخشی و ابوعلی وحشی از او روایت کرده‌اند. سالیانی امام مسجد بزرگ شهر بود. سعید بن ابی رجاء و حسین بن عبدالملک ادیب و محمد دقاق و عبدالسلام بن محمد حسن آبادی و دیگران از شاگردان وی در قرائت بوده‌اند. از آثار وی: «طبقات القراء» و «الشواذ» در قرآآت؛ کتاب «المسند»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۶/۱)، ایضاح المکنون (۷۹/۲)، سیر النبلاء (۱۸۳- ۱۸۲/ ۱۸)، معجم الادباء (۱۰۲- ۱۰۰/ ۴)، الوافی بالوفیات (۲۸۸/۷)، هدیة العارفين (۷۳/۱).

باقری، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس باقری نزدیک به چهل عنوان کتاب در حوزه علوم اجتماعی ترجمه و منتشر کرده است. او آثار دیگری نیز در دست انتشار دارد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی آرا و گرایشهای خاص: عباس باقری که درباره اندیشیدن نظرات جالبی ارائه کرده است بر این عقیده است که لازمه این که انسان بد را از خوب تشخیص بدهد اندیشیدن است. باقری معتقد است لزومی ندارد که مترجم هم عقیده با کسی که آثارش را ترجمه می کند باشد. او توصیه می کند که همیشه شهادت خواندن آثاری را داشته باش که مخالف نظرات تو است. باقری معتقد است که در کار ترجمه هدفش بر این است که منابع اطلاعاتی مختلف را در اختیار نسل امروز مملکت قرار دهد. آثار: ترجمه اندیشیدن و ملاحظات اخلاقی و ویژگی اثر: این اثر تالیف ناآرنت است ۲ ترجمه انسان پاره پاره و ویژگی اثر: این اثر تالیف نیکولا گریمالدی است ۳ ترجمه پشت و رو و ویژگی اثر: این اثر تالیف آلبر کامو است ۴ ترجمه جهان گرایش ها و ویژگی اثر: این اثر تالیف کارل پوپر است ۵ ترجمه حقیقت و آزادی و ویژگی اثر: این اثر تالیف رمون پولن است ۶ ترجمه سرچشمه های دانایی و نادانی و ویژگی اثر: این اثر تالیف کارل پوپر است ۷ ترجمه فرهنگ فرد و فرهنگ توده و ویژگی اثر: این اثر تالیف لویی دولو می باشد ۸ ترجمه فیلسوفان بزرگ یونان باستان و ویژگی اثر: این اثر تالیف لوچائو می باشد ۹ ترجمه قدرت و حاکمیت و ویژگی اثر: این اثر تالیف سلین اسپکتوراست

بخارایی، ابراهیم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۰۴ ق)، حافظ، قاری و شاعر. وی خطیب مسجد جامع بخارا و از مریدان مولانا خواجگی کاشانی بود، پس از مرگ او مدتی از ملازمان خواجه ابواسحاق جویباری گشت. ابراهیم قرآن را از برداشت و با صدایی خوش می‌خواند و در سرودن قصیده، غزل، رباعی و قطعه نیز توانا بود. یک «مثنوی» در طریقه‌ی سلسله‌ی خواجگان و سه «دیوان» شعر سروده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۵۸۸- ۵۸۷).

بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه، یزدبه

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۲۵۶-۱۹۴ ق)، حافظ، محدث، فقیه و مورخ. وی ثقه‌ترین محدث اهل سنت است. بردزبه زرتشتی بود که اسلام آورد. ابو عبدالله در بخارا به دنیا آمد و در طلب حدیث به خراسان و عراق و مصر و شام سفر کرد، و از بسیاری مشایخ چون، ابوعاصم و انصاری و مکی بن ابراهیم و عبیدالله بن موسی و ابوالمغیره حدیث شنید. او از حدود یک هزار شیخ احادیث بسیاری جمع‌آوری کرد که از آن میان هر چه را به راویان آنها اعتقاد داشت در صحیح خویش ثبت کرد و کتاب خود یعنی اولین کتاب «صحیح» را عرضه کرد که محمد بن یوسف فربری از راویان آن است. بخاری از حافظه‌ای شگرف برخوردار بود. ابو عیسی ترمذی، ابوحاتم رازی، صالح جزره، ابراهیم نسفی، ابن خزیمه، ابو زرعه رازی، و مسلم بن حجاج نیشابوری از جمله راویان و شاگردان وی هستند. وی در آخر عمر به واسطه اختلافات فرقه‌ای مذهبی نتوانست در بخارا بماند لذا، به یکی از قراء سمرقند -خر تنگ- رفت و همان جا درگذشت. از آثار وی: «الادب المفرد»؛ «الاسماء و الکنی»؛ «تاریخ اوسط»، «تاریخ صغیر» و «تاریخ کبیر»؛ «ثلاثیات البخاری»؛ «الجامع الصحیح»؛ مشهور به «صحیح بخاری»؛ «خلق افعال العباد»؛ «السنن»، در فقه؛ «الضعفاء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۸/۶)، تاریخ بغداد (۳۴-۴/۲)، تهذیب التهذیب (۵۵-۴۷/۹)، الجرح و التعذیل (ج ۳ ق ۱۹۱/۲)، دایرة المعارف فارسی (۲۳۸-۲۳۹/۱)، روضات الجنات (۲۶۹-۲۶۴/۷)، ریحانه (۲۳۸-۲۳۷/۱)، سیر النبلاء (۴۷۱-۳۹۱/۱۲)، الفهرست لابن الندیم (۳۲۱-۳۲۲)، کشف الظنون (۱۶۸۴، ۱۵۸۱، ۱۴۷۱، ۱۴۶۹، ۱۴۵۳، ۱۴۴۹، ۱۴۴۸، ۱۴۲۰، ۱۴۰۲، ۱۳۹۲، ۱۰۸۷، ۷۲۲، ۵۷۱، ۵۶۴، ۵۴۱، ۵۲۲، ۲۸۷، ۲۳۸، ۲۲۷، ۱۳۳، ۸۹، ۴۹، ۴۸)، الکنی و الالقاب (۷۱/۲) لغت‌نامه (ذیل / بخاری)، معجم المؤلفین (۵۴-۵۲/۹)، معجم البلدان (۴۲۲/۱)، الوافی بالوفیات (۲۰۹-۲۰۶/۲)، وفیات الاعیان (۱۹۱-۱۸۸/۴) هدیة العارفین (۱۶/۲).

برقعی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی اکبر بن السید الجلیل السید رضی برقعی از علماء فضلاء و نویسندگان ادباء معاصر تهران است. وی در شب یازدهم ماه مبارک رمضان سال یکهزار و سیصد و هفده قمری ه در شهرستان دینی و دارالعلم والایمان قم دیده بجهان گشوده و در مکتب قدیم الفباء را آموخته سپس به ترکیب کلمات فارسی که ترکیبی از زبان فارسی و عربی بود چنانکه هم هست پرداخته و از آن پس به فراگرفتن علوم ادبیه و فقه و اصول و منطق و کلام و فلسفه و هیئت همت گماشته و از علوم جدید که در ایران تازه پا می‌نهاد طرفی بسته است.

اساتید معظم له در رشته‌های مختلف غیر از اساتید علوم ادبی بدین نامها می‌باشند.

۱- عالم جلیل و فقیه نبیه آیت‌الله حاج میرزا محمد معروف به ارباب که علاوه بر معلومات عقلی و نقلی محضری دوست داشتنی و

بیانی دلنشین داشت.

۲- عالم اصولی خبیر آقای شیخ ابوالقاسم معروف بصغیر

۳- عالم بسیار مدقق و متفکر آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر

۴- فاضل فکور که هم ادیب بود و هم فقیه آقای شیخ حسن فاضل

۵- فقیه متبحر و اصولی محقق آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (موسس حوزه علمیه قم) که ۱۵ سال در حلقات درس ایشان شرکت نموده و استفاده کرده است.

۶- آیه‌الله حاج میرزا حسین نائینی که حقیقتاً احاطه عجیبی به چندین علم داشت.

۷- آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی (البته از این دو بزرگوار فقط در موقع توقفشان در قم که بعنوان تبعید بسر می‌بردند استفاده نموده است)

۸- در منطق و فلسفه و هیئت استاد یگانه و حکیم فرزانه آقا میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی. مشایخ اجازات ایشان چهار نفرند.

۱- مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد ارباب که در سال ۱۳۳۷ قمری مرقوم داشته‌اند.

۲- مرحوم ثقة‌الاسلام محدث جلیل حاج شیخ عباس قمی در سال ۱۳۴۲ قمری نوشته‌اند.

۳- مرحوم آیه‌الله آقا میرزا محمد تهرانی سامرائی در سال ۱۳۵۲ قمری نوشته‌اند.

۴- مرحوم علامه تهرانی آقا شیخ محسن معروف به آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که در تاریخ مزبور مرقوم داشته‌اند. آثار و تألیفات ارزنده‌ی ایشان که بطبع رسیده است باین شرح است:

۱- راهنمای دانشوران در ضبط و تقیید نامها و نسبتها در سه مجلد.

۲- کاخ دلاویز در تاریخ شریف رضی.

۳- کانون احساسات در رستاخیز شگفت‌انگیز امام حسین علیه‌السلام.

۴- مهر تابان در سیرت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه‌السلام

۵- جلوه حق

۶- تذکره مبتکران در بنیان‌گذاران علوم و فنون.

۷- بامداد روشن در اسرار صلح امام حسن.

۸- راهنمای دینداران پیرامون چندین بحث جالب دینی.

۹- درج گهر در متن سخنان کوتاه پیغمبر و ترجمه فارسی آن.

۱۰- راهنمای قم در تاریخ قم و تاریخ اماکن مقدسه.

۱۱- چرا از مرگ بترسم، پیرامون واقعیت مرگ و اثبات روح

۱۲- ترجمه کتاب الشیعه و فنون الاسلام تألیف علامه سید حسن صدر. بنام شیعه یا بنیان‌گذاران فنون و علوم اسلام.

۱۳- مقالات بسیار در موضوع‌های مختلف.

و اما آنچه را که تاکنون بطبع نرسیده است بسیار و از آنها کتب زیر است:

۱- هدایا العقول فی الحکم المأثوره عن العتره و الرسول. این کتاب را بفارسی ترجمه نموده بنام گنجینه‌ی حکمت.

۲- کتاب الروض المنی در دو مجلد فی الحکمه و الادب.

۳- کتاب السراج الوهاج فی اسرار المعراج بعربی.

۴- رساله الناهیه عن الفحشاء در اسرار نماز بعربی

۵- رهبر دانشوران در شناخته شدگان بکنیه و لقب و ترجمه خطبه حضرت فاطمه علیهاالسلام و شرح آن و نام این کتاب جزو تالیفاتشان در پشت جلد کتاب کاخ دلاویز مذکور است.

(۱۳۶۶- ۱۲۷۸ ش)، فقیه، نویسنده و شاعر، متخلص به کاشف. در شهر قم متولد شد. وی نسبتش به موسی مبرقع، فرزند امام محمد تقی (ع)، می‌رسد. آموزش مقدماتی را در مکتب فراگرفت و از آن پس به تحصیل علوم عربی، دینی و ادبی پرداخت. از بزرگترین استادان وی در رشته‌های مختلف، می‌توان از حاج میرزا حسین نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی نام برد. برقی نزد آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی منطق، فلسفه و هیئت را فراگرفت. آیت الله ارباب و محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی از مشایخ اجازه‌ی وی بودند. برقی مشاور آیت الله حایری در برخی از مسائل حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. او در سال ۱۳۱۳ ش یک دبستان و در سال ۱۳۱۵ ش یک دبیرستان در قم بنا کرد. وی به منظور شرکت در کنگره‌ی جهانی صلح به پاریس و وین دعوت شد و در آنجا سخنرانی کرد که پس از بازگشت به ایران، به شیراز و بعد به یزد تبعید شد. از اشعار وی تنها دو هزار بیت باقی مانده است. از آثار او می‌توان از «راهنمای دانشوران» در سه مجلد؛ «جلوه‌ی حق» و «مهر تابان»، در سیرت امیرالمؤمنین (ع)؛ «کاخ دلاویز»، در تاریخ شریف رضی؛ «تذکره‌ی مبتکران»؛ «درج گهر»، در سخنان سید بشر؛ «کانون احساسات»، پیرامون جنبش امام حسین (ع)؛ «بامداد روشن»، در اسرار صلح امام حسن (ع)؛ «چرا از مرگ بترسم»، پیرامون واقعیت مرگ؛ «هدایا العقول»؛ «تبصره‌ی معلمان»، در نحو؛ «السراج الوهاج»؛ «روض المنی فی المختار من قصار الکلمات امیرالمؤمنین (ع)»؛ «سیاست‌نامه حضرت علی (ع)»؛ «راهنمای قم»؛ «دیوان» شعر نام برد. [۱]

فقیه، محقق، شاعر.

تولد: ۱۲۷۸ (۱۳۱۷ ق.)، قم.

وفات: ۱۳ مرداد ۱۳۶۶.

آیت‌الله سید علی اکبر برقی قمی متخلص به «کاشف»، فرزند سید رضی، پس از تحصیلات علوم عقلی و نقلی نزد استادان، شروع به تدریس نمود. حوزه‌ی درسی به وجود آورد و به دانش پژوهی و دانش پروری پرداخت.

در بیست سالگی از مراجع زمان اجازه اجتهاد کسب کرد. اساتید او در ادب شیخ جعفر غفرانی و شیخ ابوالقاسم نحوی و در منقول آقایان محمد ارباب و حسن فاضل و شیخ ابوالقاسم ملا محمد کریم و در خارج از سطح آیات عظام حائری یزدی و حسن نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و در مقدمات معقول محمد ارباب و در تحصیلات عالی معقول شیخ علی اکبر حکمی یزدی بودند.

در سال ۱۳۱۳ یک دبستان و سال ۱۳۱۵ یک دبیرستان تأسیس کرد و هر دو را به نام سنایی موسوم ساخت. پس از ورود آیت‌الله العظمی حائری یزدی به قم و تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی، آیت‌الله برقی یکی از مشاوران او بود و درباره مشکلات روحانیت و وضع تحصیلی طلاب با او تبادل نظر می‌کرد. آیت‌الله برقی در زمان جنگ جهانی دوم یاور مردم بود و به تشکیل انجمن خیریه همت گماشت و از متمکنین تهران و قم کمک گرفت و در منطقه‌ای که سکونت داشت نانوایی ایجاد کرد. بدین طریق به بینوایان کمک و مساعدت می‌نمود.

در سال ۱۳۲۹ که در ایران جمعیت هواداران صلح به ریاست ملک‌الشعرا بهار تشکیل شد، از آیت‌الله برقی خواستند که به جمعیت صلح در ایران کمک کند و او نیز اولین سخنرانی خود را در مسجد امام خمینی (ره) (شاه سابق) تهران تحت عنوان «صلح و نیروی نگهبان آن» ایراد کرد. شعار «به عدل سوگند، صلح پیروز است» به واسطه ایشان رایج شد. به همین منظور به کنگره‌ی جهانی صلح دعوت شد که یک بار در پاریس و بار دیگر در وین تشکیل شد و به عنوان یک پیشوای روحانی مسلمان سخنرانی کرد. پس از مراجعت از سفر اروپا از قم به شیراز و بعد به یزد تبعید شد و این تبعید مدت چهارده سال به طول کشید.

آیت‌الله برقعی به شعر و شاعری علاقمند بود و شعر هم می‌گفت. قسمتی از اشعار وی از بین رفته است و فقط حدود دو هزار بیت آن گردآوری شده است.

فهرست آثار ایشان به شرح زیر است: راهنمای دانشوران (سه جلد؛ ۱۳۲۹-۱۳۲۸)؛ راهنمای قم (در تاریخ قم و آثار تاریخی آن؛ با مقدمه رسید یاسمی، ۱۳۱۷)؛ راهنمای دینداران (۱۳۲۴)؛ کانون احساسات (در واقعه کربلا)؛ کاخ دلاویز (یا تاریخ شریف رضی؛ ۱۳۸)؛ مهر تابان (در سیرت علی (ع)؛ ۱۳۱۷)؛ جلوه حق (در سیرت علی بن ابی طالب؛ ۱۳۱۹)؛ بامداد روشن (در اسرار واگذاری خلافت حضرت امام حسن (ع) به معاویه؛ ۱۳۲۰)؛ ترجمه شیعه یا پدیدآوردگان فنون اسلام (اثر سید حسن صدر؛ ۱۳۱۹)؛ تذکره مبتکران، درج گهر (در سخنان حضرت سید البشر؛ ۱۳۶۶ ق.)؛ چرا از مرگ بترسم (اثر ابن مسکویه، ترجمه لماذا اخاف الموت، قم، چاپ دوم، ۱۳۲۷)، راه نو در جهان‌شناسی؛ دررالکلم در کلمات قصار علی (ع)؛ سیاست‌نامه حضرت علی (ع).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه [۱]: سخنوران نامی معاصر (۲۹۳۱-۲۹۲۴/۵)، فرهنگ سخنوران (۷۵۵)، الذریعه (۱۷/۲۲۹، ۱۰/۶۴، ۹/۸۹۹).
گنجینه‌ی دانشمندان (۳۹۳-۳۸۹/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۳-۴۹۱/۴).

بروجردی، ابوحفص عمر

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، محدث و قاری. علوم ابتدایی را در زادگاهش، بروجرد، به پایان برد، سپس برای تکمیل به بغداد رفت و در آنجا ساکن شد و در محضر استادان زمان به فراگیری حدیث پرداخت. او به مصر نیز مسافرت کرد و از رجال علمی آنجا نیز بهره گرفت. از جمله استادان وی ابوالحسن محمد بن محمد بن عبدالله باهلی است. حسین بن شیرک یا شریک بن عبدالله آدمی، از علمای قرائت، نیز از استادان بروجردی است. ابوحفص از مشاهیر محدثان زمان خود شد و خواستاران حدیث و قرائت در مجلس درس وی حاضر شدند. از جمله شاگردان وی ابوالعباس احمد بن محمد جرجانی و جعفر بن محمد بن فضل مارستانی است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۲۱-۱۹/۲)، تاریخ بغداد (۱۱/۲۵۴).

بروجردی، داوود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۶۵- ز ۱۲۹۴ ق)، عالم، مورخ، ادیب و شاعر. علوم و معارف اسلامی را از استادان عصر فراگرفت. وی ادیب و شاعر نیز بود. از آثار وی: «مظهر المصائب»، در تاریخ زندگانی خمسه طیبه (ع)، که در ۱۲۹۰ ق به رشته تحریر درآمده؛ «سرور المصلین»، در نماز شب و کیفیت و ادعیه آن.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بروجرد (۴۴۲-۴۳۹/۲).

بقای شیرازی، علی حکاک

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۱۳ ق)، حکاک و خطاط. نگین تراش و نگارگر نقوش بر روی عقیق‌های سخت و فلزات بود که هم در مهرهای فرورفته و هم در مهرهای برجسته مهارت داشت. وی خطوط شش‌گانه بخصوص خط نستعلیق را خوش می‌نوشت، و از شیوه‌ها، شیوه‌ی میر عماد را پذیرفته بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۵۱)، احوال و آثار نقاشان (۱۲۰۳/۳، ۱۰/۱).

بقای کرمانی، مظفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر مظفر بقایی کرمانی (۱۲۹۰-۱۳۶۶ ش.) یکی از بحث‌انگیزترین شخصیت‌های سیاسی تاریخ معاصر ایران است. او در یک خانواده دارای پیشینه سیاسی در کرمان به دنیا آمد. پدرش، میرزا شهاب، از فعالین انجمن‌های مخفی وابسته به لژی بیداری ایران در دوران محمدعلی شاه و پس از آن در کرمان بود. مظفر در ۱۸ سالگی به خرج دولت برای ادامه تحصیل راهی فرانسه شد و در ۲۷ سالگی به ایران بازگشت. با رواج فعالیت احزاب سیاسی در فضای پس از شهریور ۱۳۲۰، مظفر راه پیشرفت خود را در فعالیت‌های حزبی یافت. او ابتدا به عضویت حزب اتحاد ملی و مدتی بعد به عضویت حزب کار درآمد. با تأسیس حزب دمکرات ایران، به رهبری قوام‌السلطنه، فعالیت سیاسی بقایی وارد مرحله جدیدی شد. بقایی، به سان گروه کثیری از جوانان جویای نام آن زمان، به این حزب پیوست. او در حزب دمکرات قوام به سرعت رشد کرد، برای تأسیس و تصدی شعبه این حزب به کرمان رفت و سرانجام در سال ۱۳۲۶ به عنوان کاندیدای حزب دمکرات از کرمان به مجلس پانزدهم راه یافت. حلقه دوستان بقایی از سال‌های آغازین فعالیت سیاسی اش با حسن پاکروان (سرلشکر و رئیس بعدی ساواک) و مادر فرانسوی او، امینه پاکروان، رابطه نزدیک داشت. این رابطه تا واپسین سال‌های زندگی اینان ادامه یافت. به این حلقه دوستان باید عیسی سپهبدی و علی زُهری را افزود. این حلقه با سفارت فرانسه در تهران ارتباط نزدیک داشت. در این میان، پیوندهای بقایی با عیسی سپهبدی، دوست دوران فرانسه او، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اسناد به دست آمده تردیدی برجای نمی‌گذارد که سپهبدی واسطه انتقال برخی پیام‌های مرموز به بقایی بود که راه سیاسی او را ترسیم می‌کرد. جنجال و شهرت در دوران نخست‌وزیری سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا، بقایی سرسخت‌ترین مخالف او بود و به همین دلیل دستگیر و به یک سال زندان محکوم شد ولی در دادگاه تجدیدنظر تبرئه گردید. این مخالفت‌ها و محاکمه‌های جنجالی، که توسط مطبوعات آن زمان انعکاس وسیع می‌یافت، شهرت بقایی را افزایش داد. بدینسان، بقایی در آستانه چهل سالگی به یکی از چند چهره درجه اول سیاسی کشور بدل شد. نفر دوم جبهه ملی ایران در اسفند ۱۳۲۹ رزم‌آرا به قتل رسید و مدت کوتاهی بعد طرح ملی شدن صنعت نفت، که بقایی یکی از امضاکنندگان آن بود، تصویب شد. در این زمان، که مقارن با نخست‌وزیری حسین علاء است، بقایی در رأس سازمان خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران قرار گرفت. این حوادث، در

اردیبهشت ۱۳۳۰ به تشکیل دولت دکتر محمد مصدق انجامید و اختلافات میان ایران از یکسو و شرکت نفت انگلیس و دولت بریتانیا از سوی دیگر به اوج خود رسید. در این دوران، بقایی خود را به عنوان یکی از چهره‌های اصلی نهضت ملی مطرح می‌کرد و به این عنوان نیز شناخته می‌شد. از جمله، بقایی طی نطقی در مجلس خود را به عنوان «مراقب و محافظ دکتر مصدق پیشوای خودم که به ملت ایران و به ما بزرگترین درس فداکاری را داده» مطرح نمود. جعل بزرگ: اسناد خانه سدان حادثه مهم دیگر که نقش بقایی را در حوادث سیاسی روز برجسته کرد و او را به یک چهره جنجالی و شاخص "ضد انگلیسی" بدل نمود، ماجرای خانه سدان است: ظاهراً در اوایل تیرماه ۱۳۳۰ امیر حسین پاکروان، کارمند شرکت نفت انگلیس و ایران، به بقایی اطلاع داد که اسنادی از اداره انتشارات و تبلیغات شرکت نفت به منزل ن. ر. سدان، نماینده شرکت نفت انگلیس در ایران، در خیابان قوام السلطنه منتقل می‌شود. بقایی به همراه سرلشکر فضل‌الله زاهدی، رئیس شهربانی وقت، و جهانگیر تفضلی خانه سدان را تفتیش کرد و اسناد مزبور را به دست آورد. بخشی از اسناد خانه سدان توسط بقایی در روزنامه شاهد، و سایر مطبوعات آن زمان، منتشر شد و جنجال بزرگی به پا کرد. بعدها، در جریان دادگاه لاهه (خرداد ۱۳۳۱) اسناد خانه سدان به عنوان مدارک مداخله شرکت نفت انگلیس در امور داخلی ایران ارائه شد. امروزه، اصالت این ماجرا مورد تردید جدی است و برخی محققین، از جمله آبراهامیان، اسناد فوق، یا بخشی از آن، را جعلی یا دستکاری شده می‌دانند. نگارنده نیز در طی کار چند ساله خود بر روی اسناد خانه سدان، در مجموعه اسناد شخصی بقایی، به این نتیجه قطعی رسید که اسناد فوق کاملاً جعلی است. به عبارت دیگر، اصل اسناد دستمایه قرار گرفته و اسامی و مواردی که مورد نظر بوده به اسناد افزوده شده. در این باره دلایل کاملاً مستندی دارم که در زمان مناسب به صورت مقاله عرضه خواهم کرد. خلیل ملکی: دوستی و دشمنی در این دوران بقایی با خلیل ملکی همکاری نزدیکی را آغاز کرد. ملکی از رهبران حزب توده ایران بود که در سال ۱۳۲۶ انشعاب پریهاوی را از این حزب سازمان داد و منادی مشی سوسیالیستی مستقل از مسکو شد. این مشی بعدها به نام نیروی سوم شهرت یافت. پس از مدتی، ملکی به اتفاق هوادارانش به سازمان نگهبانان آزادی، به رهبری بقایی، پیوست و در اواخر اردیبهشت ۱۳۳۰ به اتفاق بقایی حزب زحمتکشان ملت ایران را تأسیس کرد. روزنامه شاهد ارگان این حزب بود. سازمان نگهبانان آزادی و سپس حزب زحمتکشان ملت ایران، با بهره‌گیری از تجارب سازمانی و تئوریک ملکی و دوستانش، توانست در بین روشنفکران و کارگران نفوذی کسب کند. حزب زحمتکشان، که تنها سازمان متشکل عضو جبهه ملی ایران به شمار می‌رفت، نقش اصلی را در مقابله با نفوذ حزب توده به عهده گرفت. مقابله این دو حزب حوادث خشونت‌آمیزی آفرید که در نهایت نهضت ملی ایران را تضعیف نمود. استیضاح زهری در روزهایی که لایحه سلب مصونیت از بقایی مطرح بود، علی زهری دولت را استیضاح کرد. این امر سبب شد که مصدق از اکثریت مجلس، که هوادار دولت او بودند، بخواهد که استعفا دهند و سپس با برگزاری رفراندوم مجلس هفدهم را منحل کرد. در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ بقایی و زهری دستگیر شدند و به زندان عشرت‌آباد انتقال یافتند. زهری فردای آن روز آزاد شد، ولی بقایی تا کودتا و سقوط دولت مصدق در زندان بود. نقش مرموز حسین خطیبی در اسناد شخصی دکتر بقایی مجموعه‌ای از نامه‌های حسین خطیبی موجود است که واجد اهمیت فراوان تاریخی می‌باشد. حسین خطیبی از دوستان نزدیک بقایی بود که در عین حال با محمدرضا پهلوی و اردشیر زاهدی نیز رابطه نزدیک و صمیمانه داشت. طبق اسناد موجود، خطیبی حداقل از سال ۱۳۲۹ در رأس یک سازمان مخفی اطلاعاتی قرار داشت که در حزب توده دارای عوامل نفوذی بود و با عناصر برجسته اطلاعاتی ارتش پهلوی - و در رأس آنها حسن ارفع، حسن اخوی و حبیب‌الله دیهیمی - مرتبط بود. این سازمان به ظاهر در زیر رهبری عالی بقایی قرار داشت و خطیبی خود را تابع بقایی وانمود می‌کرد. معهدا، کاوش بیشتر نشان می‌دهد که خطیبی در عملیات خود کاملاً مستقل از بقایی بود. در واقع، این سازمان را باید بخشی از شبکه‌هایی به شمار آورد که در ارتباط با سرویس‌های اطلاعاتی غرب فعالیت خود را آغاز کرده بودند. بدینسان، با پیوندهایی عجیب مواجهیم که پیشینه آن حداقل به سال ۱۳۲۹ می‌رسد؛ زمانی که بقایی به عنوان یکی از رهبران جنبش ملی شناخته می‌شود و از

ستیز او با دکتر مصدق خبری نیست. این شبکه نقش مرموزی در تفرقه افکنی های آن زمان داشت. برای نمونه، دکتر مصدق پس از آغاز زمامداری اش، در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ در مجلس اعلام نمود که فداییان اسلام قصد ترور او را دارند. منبع مصدق شاه بود و شاه از دیهیمی، عضو سازمان دکتر بقایی، شنیده بود. [به شاه] عرض کردم ممکن است بفرمایید چه اشخاصی در صدد از بین بردن من هستند؟ فرمودند: دیهیمی که در سازمان دکتر بقایی است به او اینطور گفته است که فداییان اسلام در صدد قتل دکتر مصدق‌اند و دیهیمی هم به ستاد ارتش اطلاع داده و از ستاد ارتش هم به من گزارش دادند. حسین خطیبی در روز پنجشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۳۲ توسط مأمورین فرمانداری نظامی دولت مصدق به اتهام کارگردانی عملیات قتل افشارطوس دستگیر شد. او در زندان بطور منظم با بقایی مکاتبه پنهان داشت. توجه کنیم که در این زمان سرهنگ حسن پاکروان، دوست صمیمی بقایی و خطیبی، رئیس رکن دوم ستاد ارتش بود. خطیبی در این نامه‌ها مأمورین انتظامی دولت مصدق را به شکنجه های «قرون وسطایی» علیه خود و سایر متهمین قتل افشارطوس متهم می کرد و بدینسان به کمک بقایی کارزار گسترده تبلیغاتی، در مجلس و مطبوعات، به سود او جریان یافت. در این نامه‌ها، خطیبی به نحوی ماجرای دستگیری و بازجویی های خود را بیان می‌دارد که بقایی راهی جز رویارویی نهایی با مصدق و درگیر شدن در نبرد مرگ و زندگی نبیند. به نظر می‌رسد که در این حادثه نیرویی در وراء و مافوق خطیبی در کار است و خطیبی تنها واسطه انتقال پیام اوست. خطیبی در این نامه‌ها طرح توطئه موهوم کودتای مصدق علیه کاشانی، مکی و بقایی و غیره را افشا می‌کند. قابل تصور است که بقایی این نامه‌ها را در اختیار آیت الله کاشانی قرار می‌داد و بدینسان تعارض های آن زمان به سوی رویارویی محتوم سوق می‌یافت. در این نامه‌ها خطیبی زندانی حتی طرح استیضاح دولت مصدق و مفاد آن را به بقایی دیکته می‌کند. کودتاچی کینه توز در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیروهای دکتر مظفر بقایی از افرادی بودند که به خانه مصدق حمله بردند. آنان در عملیات کودتا نیز نقش فعال داشتند و به این دلیل مطبوعات پس از کودتا بقایی را یکی از رهبران "قیام ملی" علیه دولت دکتر مصدق عنوان کردند. رفتار بقایی پس از کودتا کینه‌توزانه بود. او طی مصاحبه‌های مطبوعاتی خواستار آن شد که «همکاران دولت سابق و توده‌ای‌ها به شدیدترین وضعی مجازات شوند». هواداران او در کرمان وحشیانه‌ترین تعرض‌ها را به مخالفین خود کردند و از جمله سرگرد سخایی، رئیس شهربانی کرمان، را به طرز فجیعی به قتل رسانیدند. بقایی مدتی پس از کودتا به کرمان رفت و در سخنرانی خود اعلام کرد دست کسی که سرگرد سخایی را به قتل رسانیده می‌بوسد. بقایی، که برجسته‌ترین ویژگی شخصیت او جاه‌طلبی بیمارگونه‌اش بود، انتظار نداشت که زاهدی در سمت نخست‌وزیر باقی بماند. او گمان می‌برد که با پیروزی کودتا مأموریت زاهدی خاتمه یافته و مسند نخست‌وزیری به وی تقدیم می‌شود. شاید، مستقیم یا غیرمستقیم، چنین وعده‌هایی به او داده شده بود. معهذاً، چنین نشد. علت ناکامی بقایی در تصدی مناصب عالی دولتی را باید در ارزیابی دقیق مأمورین اطلاعاتی غربی از شخصیت بقایی جستجو کرد. برای نمونه، مأمورین اطلاعاتی آمریکا بقایی را فردی «متلون، زیرک و هوچی» می‌شناختند و به همین دلیل به وی اعتماد نداشتند. بقایی سرخورده از ناکامی سیاسی، سخنانی علیه زاهدی بیان داشت که منجر به تبعید محترمانه او به زاهدان شد. پس از زاهدان مدتی در اراک بود و سپس به کرمان رفت. امیر اسدالله علم، وزیر کشور وقت و دوست محمدرضا شاه پهلوی، از بقایی دعوت کرد که «در صورت تمایل بقیه ایام تبعید را در باغ ملکی ایشان در بیرجند بگذرانند که موجب امتنان و تشکر گردید». علت این رفتار دوگانه را باید در اختلافات میان زاهدی و شاه جستجو کرد. این اختلافات سرانجام به سود دربار پایان یافت و زاهدی، که مورد حمایت آمریکایی‌ها بود، از کشور خارج شد و زمام قدرت بطور کامل به دست شاه افتاد. تلاش نافرجام در سال ۱۳۳۹ بقایی با واسطه شمس پهلوی با شاه ملاقات کرد و پس از مذاکراتی به وی اجازه داده شد که در انتخابات مجلس شرکت کند. در مجموعه اسناد شخصی بقایی طرحی موجود است که در این زمان بقایی برای تجدید فعالیت سیاسی خود تنظیم کرده است. این طرح، که نسخه اصلی آن به خط فرد ناشناسی است و توسط بقایی اصلاحات مختصری در آن صورت گرفته و سپس تایپ شده، به روشنی گویای اهداف تکاپوی بقایی در این

دوران است. مطالب مندرجه و به ویژه درخواست های بقایای روشن می کند که این طرح، که نام مخاطب بقایی در آن مندرج نیست، برای ارائه به مقامات عالی تصمیم گیرنده تنظیم شده است. مخاطب این طرح یا محمدرضا پهلوی است یا مقامات خارجی مرتبط با مسایل ایران. طرح با تحلیلی از ساختار اجتماعی ایران آغاز می شود، عدم تراکم روستاها در ایران را یکی «از عوامل مقاوم [در برابر] کمونیزم» و اختلاف طبقاتی در ایران را «از عوامل مساعد برای نفوذ کمونیزم» ارزیابی می کند. سپس به علل و زمینه های پیدایش کمونیزم در ایران و روش های عملکرد آن می پردازد. در مقابل، عملکرد «دستگاه» حاکمه ایران قرار دارد که «بد» ارزیابی می شود. در مقابل این دو، سازمان نگهداران آزادی، به رهبری بقایی، به عنوان آلت رناتوی اصلاح طلبانه ارائه می گردد که هدف از آن «جلوگیری از انقلاب سیاسی»، «در جهت حفظ رژیم سلطنت» است: «این سازمان می تواند در تمام شهرستان های ایران به منزله دریچه اطمینانی برای رفع عصیان ها و نارضایتی های مردم تشکیل گردد.» بخش بعدی طرح به بزرگنمایی خطر کمونیزم در ایران اختصاص دارد و از جمله تأثیر فعالیت رادیو پیک ایران را، که از آذر ۱۳۳۶ توسط حزب توده ایران آغاز به کار کرده بود، معادل «سیصد روزنامه کثیرالانتشار» ارزیابی می کند. بقایی برای مقابله با «خطر کمونیزم» خواستار «امتیاز چند روزنامه منطقی و ضد کمونیست»، «امکان فعالیت حزبی به طور وسیع و علنی»، و «استفاده از کرسی مجلس شورای ملی و سنا به منظور انتقاد سالم» است. او تضمین می دهد که در سازمان نگهداران آزادی، از آنجا که «رهبری آن انتصابی است»، امکان «رخنه افراد منحرف و غیر ملی» وجود ندارد. بقایی با خط خود به متن پیش نویس چنین افزوده است: «بنابراین، خطری در اثر زیاد شدن مثلا کمونیست ها متوجه سازمان نمی تواند بشود و هرچه بیشتر بیابند امکان هدایت آنها به راه صحیح بیشتر می شود.»

مکتب بقایی در تاریخنگاری

یکی از عرصه هایی که مکتب بقایی بیشترین تأثیر را در آن بر جای نهاد، تاریخنگاری دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت بود که به ایجاد تقابلی تند و مطلق گرایانه میان نقش تاریخی دو رهبر نامدار آن، آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی و دکتر محمد مصدق، انجامید. این امر تا حدود زیادی بازتاب تعارض های سیاسی روز بود. در یکسو کسانی بودند که با تجدید خاطره اختلافات میان کاشانی و مصدق در واپسین دوران حیات سیاسی این دو، موج ضدیت با دوستان مصدق را دامن می زدند. و در سوی دیگر کسانی بودند که از طریق بزرگنمایی نقش امروزی بقایی و هواداران او "پارانویای بقایی" را می آفریدند. حزب توده ایران و برخی نویسندگان مدافع دکتر مصدق از این گروه بودند. به عبارت دیگر، تاریخنگاری حوادث سال های نهضت ملی به عرصه ای پرتنش بدل شد که بازتاب عمل روزمره سیاسی بود.

بلادری، ابوجعفر، ابوالحسن احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۷۹ ق)، مورخ، جغرافیدان، ادیب، شاعر و مترجم. اصل و ریشه ایرانی دارد ولی نشو نمایش در بغداد بود. از مترجمان مشهور فارسی به عربی است. از گروه انبوهی از مشایخ عراق و دمشق و انطاکیه روایت کرده و از آخرین مشاهیر مورخان فتوحات اسلامی است. او نزد خلفای عباسی هم عصرش چون متوکل و مستعین معتز تقرب داشت. در آخر عمر به جهت خوردن میوهی بلاد (بلاد) مساوی است با آناکردیوم) مبتلا به اختلال حواس شد و در بیمارستان بغداد جان داد. از آثار وی: «انساب الاشراف»؛ «البلدان الصغیر»؛ «البلدان الکبیر»، ناتمام؛ «عهد اردشیر»؛ «فتوح البلدان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۵۲/۱)، دایرة المعارف فارسی (۴۳۸/۱)، ریحانه (۲۷۶-۲۷۵/۱)، سیر النبلاء (۱۶۳-۱۶۲/۱۳)، الفهرست لابن الندیم (۱۶۴)، کشف الظنون (۱۴۰۲، ۱۷۹)، الکنی و الالقاب (۹۳-۹۲/۲)، لسان المیزان (۴۹۰-۴۸۹/۱)، معجم الادباء (۱۰۲-۸۹/۵)، معجم المؤلفین (۲۰۲-۲۰۱/۲)، الوافی بالوفیات (۲۴۱-۲۳۹/۸).

بلاغی، شیخ حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علامه شیخ حسن بلاغی

در روز چهارشنبه ای از ماه رجب، در یکی از محله‌ها نجف (محلہ براق) در خانه دانشمند عامل و روحانی فاضل، علامه شیخ حسن بلاغی، ستاره ای چشم به جهان گشود که امید آن می رفت تا گمشدگان وادی شب گون نادانی را به کرانه های صبح امید رساند. این نورسیده را محمد جواد نام نهادند. و بدین سان در سال ۱۲۸۲ ق. (۸۰) خداوند نعمتی دیگر به جامعه شیعه عنایت کرد. آل بلاغی یکی از خاندانهای نجیب، شریف و قدیمی شهر نجف بوده اند. این دودمان پاک بسان چشمه ای پربرکت همواره جوشیده و طراوت بخشیده اند و تشنگان را سیراب کرده و همگی به جلال و بزرگی در علم و ادب شهرت داشته اند. جرعه نوش علم و معرفت.

محمد جواد پس از آنکه نشو و نما یافت و دوران کودکی را پشت سر گذاشت در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد و شاگردی آن مکتب گردید. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فراگرفت و تا ۲۴ سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم، استفاده های علمی و معنوی فراوانی برد.

روان پاک بلاغی که شیفته کسب معارف و درک فضایل بود او را در سال ۱۳۰۶ ق. مجبور به ترک زادگاهش کرد و او با دلی مالا مال از عشق و علاقه به فراگیری دانش و خودسازی، وارد شهر مقدس کاظمین شد تا بتواند در سایه اندیشه های بلند آن دیار، به اهداف عالی اش نایل آید.

ایشان شش سال از عمر مبارکش را در این شهر صرف تحصیل و تهذیب نمود و تا سال ۱۳۱۲ ق. در کاظمین ماند. او در همان شهر با خانواده شریف عالم بزرگوار سید موسی جزایری وصلت نمود.

در سی سالگی به زادگاهش نجف اشرف بازگشت و در درس سرآمدترین استوانه های علمی و عملی عصر خویش حاضر شد و سرزمین سبز فکرش را با زلال آبهای با صفای آن حوزه طراوت بخشید و مدت ۱۴ سال در این دانشگاه بزرگ اسلامی ماند و از باغ و بوستانهای نجف خوشه های فراوان علم و معنویت چید.

شیخ محمد جواد بلاغی که سالهای متمادی را در پی علم و عمل گذرانده بود در سال ۱۳۲۶ ق. وارد شهر مقدس سامرا شد و در درس مرجع مجاهد و رهبر انقلابی، میرزا محمد تقی شیرازی شرکت جست و ده سال بر سفره علمی این مجتهد سترگ و بیدار مهمان بود و با استفاده از جنبه های روحی و معنوی آن بزرگوار، خویشتن را تقویت کرد.

این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا ۵۴ سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت نمود.

راهنمایان رهرو خوبیها

اندیشمندان و فرزاتنگانی که علامه بلاغی در حضور نورانی آنان نشست و آموخت عبارت اند از:

۱. فقیه بزرگوار شیخ محمد طه نجف (متوفی ۱۳۲۳ ق.).

۲. فقیه محقق حاج آقا رضا همدانی (متوفی ۱۳۲۲ ق.).
۳. عالم و اصولی مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ق.).
۴. علامه فقیه سید حسن صدرالدین کاظمی (متوفی ۱۳۵۴ ق.).
۵. فقیه بزرگ شیخ محمد حسین مامقانی (متوفی ۱۳۲۳ ق.).
۶. علامه محدث میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰ ق.).
۷. فقیه عالیمقام سید محمد حسن هاشم هندی غروی (متوفی ۱۳۲۳ ق.).
۸. مرجع مجاهد میرزا محمد تقی شیرازی (متوفی ۱۳۳۸ ق.). (۸۱)

پیوند دانش و مبارزه

این متعهد وظیفه شناس از تبار روحانیتی بیدار و آگاه بود که در پی استقلال طلبی کشور عراق از یوغ استعمار انگلیس در سال ۱۳۳۶ ق. - برای بار دوم - آهنگ شهر کاظمین کرد و در جرگه جهاد و دفاع از ثغور اسلامی حضور یافت و به صف مجاهدان پیوست.

آینده ساز دلسوز

اینک نام تنی چند از پروردگان آن فقیه آینده ساز را ذکر می نمایم.

۱. آیه الله العظمی آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفی ۱۴۱۱ ق.).
۲. آیه الله العظمی حاج سید ابوالقاسم خویی (متوفی ۱۴۱۴ ق.).
۳. آیه الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی (متوفی ۱۳۹۵ ق.).
۴. علامه ادیب آقای میرزا محمد علی اردوبای نجفی (متوفی ۱۳۸۰ ق.).
۵. علامه سید محمد صادق بحرالعلوم (متوفی ۱۳۹۰ ق.).
۶. آیه الله شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (متوفی ۱۳۸۶ ق.).
۷. آیه الله شیخ محمد مهدوی لاهیجی (متوفی ۱۴۰۳ ق.).
۸. آیه الله شیخ نجم الدین جعفر عسکری تهرانی (متوفی ۱۳۹۵ ق.).
۹. حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (متوفی ۱۴۰۵ ق.).
۱۰. آیه الله حاج شیخ محمد رضا طبسی نجفی (متوفی ۱۴۰۵ ق.).
۱۱. میرزا محمد علی مدرس خیابانی
۱۲. استاد ادیب علی خاقانی
۱۳. آیه الله شیخ علی محمد بروجردی (متوفی ۱۳۹۵ ق.).
۱۴. شیخ مهدی بن داوودالحجار (متوفی ۱۳۵۸ ق.).
۱۵. علامه محقق حاج شیخ مجتبی لنکرانی نجفی
۱۶. آیه الله سید صدرالدین جزایری (متوفی ۱۳۸۸ ق.).
۱۷. شیخ ابراهیم بن شیخ مهدی قریشی
۱۸. شیخ مرتضی مظاهری نجفی
۱۹. آیه الله سید مرتضی لنگرودی (متوفی ۱۳۸۳ ق.).
۲۰. علامه میرزا محمد علی ادبی تهرانی

تراوش قلم

آثار سبز او در زمینه های فقه ، تفسیر، تاریخ ، اصول فقه ، عقاید و رد یهود و نصارا و مادیون و باییت و بهائیت تدوین یافته است .
نشانه های ماندگار ایشان عبارت است از:

۱. تفسیر آلاء الرحمن ۲. رساله ای در پاسخ به پرسشهایی که از جبل عامل برای ایشان فرستاده و در آن شبهاتی درباره قرآن نموده بودند
۳. الرحلة المدرسیة یا المدرسة السیارة ۴. الهدی الی یدن المصطفی ۵. التوحید والتثلیت ۶. اعاجیب الاکاذیب ۷. انوار الهدی
۸. البلاغ المبین ۹. نصایح الهدی ۱۰. المسیح و الانجیل ۱۱. نسما ت الهدی ۱۲. المصایح فی بعض من ابداع فی الدین فی القرن الثالث عشر ۱۳. مصباح الهدی ۱۴. مسئلة فی البداء ۱۵. نور الهدی ۱۶. اجویة المسائل البغدادیة ۱۷. داعی الاسلام و داعی النصرانیة
۱۸. تا ۴۵. مجموعه از تعلیقه ، حاشیه و رساله های فقهی ، در این میان رساله ای در احکام وضو به چشم می خورد که علامه خود آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است ۴۶. رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول ۴۷. رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمر بن خطاب ۴۸. رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام ۴۹. رد بر کتاب ((تعلیم العلماء)) نوشته غلام احمد قادیانی ۵۰. رد بر کتاب ((حیاء المسیح)) نوشته غلام احمد قادیانی ۵۱. رد بر کتاب ((ینابیع الکلام)) ۵۲. رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی (این چهار رساله در رد شبه های مخالفان اسلام بویژه مبلغان مسیحی نوشته است .)
۵۳. رساله ای در رد حسیون (رد بر فرقه قادیانیه است .) ۵۴. داروین و اصحابه .(۸۲)

مهتاب ادب

یکی از ویژگیهای شخصیت علمی علامه بلاغی ، جنبه ادبی ایشان است . او دانشمندی ادیب و ادیبی دانشمند بود. نوشته هایش را با قلم و سبکی ابتکاری و جدید و در قالبهای ادبی و شعر، داستان ، رمان و مناظره به رشته تحریر در آورده و برخی از مسائل عقیدتی و فلسفی را در قالب شعر سروده و شعرش حامل پیام بوده است .

ایشان در ثنا و رثای اهل بیت علیهم السلام چکامه هایی چند سروده است . یکی از آنها را که مرثیه ای برای امام حسین علیه السلام است مرور می کنیم :

یا تریب الخد فی رمض الطفوف

لیتینی دونک نهبا للسیوف یا نصیرالدین اذ عزالنصیر

و حمی الجار اذ عزالمجیر

و شدید الباءس والیوم العسیر

و ثمال الوفد فی العام العسوف

کیف یا خامس اصحاب الکسا

و ابن خیر المرسلین المصطفی

و ابن ساقی الحوض فی یوم الظماء

و شفیع الخلق فی الیوم المخوف

یا صریعا ثاویا فوق الصعید

و خضب الشیب من فیض الورد

کیف تقضی بین اجناد یزید

ضامیا تسقی بکاسات الحتوف (۸۳)

- ای کسی که گونه هایت در سرزمین کربلا بر خاک گرم افتاد! ای کاش من به جای تو، جایگاه ضربه های شمشیر می شدم .
- ای یاور دین هنگامی که یاران اندک شدند! و ای امید بی پناهان هنگامی که پناه دهندگان کم شدند.
- ای کسی که در روز جنگ و سختی صبر بسیار داری و ای ملجاء وارد شدگان در سالهای خشکی و سخت .
- چه سان است ای پنجمین اصحاب کساء و ای فرزند بهترن رسولان (حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم)
- ای فرزند ساقی حوض (حضرت علی علیه السلام) در روز تشنگی ، شفاعت کننده مردم در روز ترسناک .
- ای کشته افتاده روی زمین و ای کسی که محاسنت با خون گلویت خضاب است .
- چگونه تشنه ماندی بین لشکر یزید، در حالی که سیرابت می کردند از جام مرگها.

چکاد تلاش

آموختن زبانهای خارجی با امکانات محدود آن روز، کاری بسیار مشکل بوده است . علامه بلاغی علاوه بر زبان عربی ، زبانهای عبری ، انگلیسی و فارسی (۸۴) را خوب می دانست و به آنها تسلط داشت و فراگیری آنها به شخصیت علمی ایشان برجستگی ویژه ای بخشیده بود.

درباره چگونگی آموختن زبان عبری چنین نگاشته اند: ((زبان عبری را از یهود دوره گرد آموخته است . در آن روزگار گروهی یهودی در شهرهای عراق بودند که مقداری جنس ، پارچه و امثال آن ، بر دوش داشتند و در کوچه و بازار می گشتند و می فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده می کرد و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسید. گاه مجبور می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره یک واژه یا ترکیب سخنی بشنود. چون یهودیان در آموختن لغت خود به دیگران بسیار بخل می ورزیدند. بلاغی گاه شیرینی و شکلات می خرید تا اگر بچه ای یهودی ببیند به او بدهد و چیزی از او بپرسد.)) (۸۵)

شکوه گمنامی

گمنام زیست و بی هیاهو، ولی نامش در گمنامی اوست و هنرش در اخلاص والایش ...

شکوه گمنامی و حماسه اخلاص او در شعار معروفش تجلی کرده که می فرمود:

((انی لا اقصدا الا الدفاع من الحق لا فرق عندی بین ان یکون باسمی او اسم غیری .)) (۸۶): من جز دفاع از حق انگیزه ای نداشتم .

بنابراین هیچ فرقی نیست که کتاب به نام من یا نام دیگری منتشر شود.

اسوه زهد

درباره ساده زیستی اش گویند:

((اتاقی کوچک داشت و محقر. در آن جز بوریایی و روفرشی بی که بر آن می نشست هیچ چیز نبود. در زمستان وسایل گرم کردن و در تابستان وسایل سرد کردن نداشت؛ با اینکه مزاجی ضعیف داشت و بیمار بود. با این احوال، هیچ گاه از این اتاق بیرون نمی رفت مگر برای نیازهای ضروری.)) (۸۷)

بحقیقت که ایشان با بی پیرایگی اش اسوه برجسته زهد و پارسایی بود.

خنیانگر بیداری

حیاتی‌ترکیبی از دو عنصر عقیده و جهاد بود و حرکتش بر مبنای این دو عنصر هیچ گاه گوشه نشینی را نگزید و آرام نگرفت و پیوسته حریت آمیخته با حیات را بر سر و روی جامعه اسلامی می پاشید و خوابهای گران را بر می آشفت گویند:

((برخی از بهائیان جاسوس استعمار در محله ای در بغداد، مکانی را به نام حظیره برای اجتماع خود بنا نهادند. بلاغی با شنیدن این خبر دیگر آرام نگرفت و استراحت را بر خود روا نداشت تا با مراجعه به دادگاه و قانون آنان را به ترک آن محل واداشت و پس از مدتی آنجا را به مسجدی تبدیل کرد و در آن نماز و شعایر حسینی اقامه می شد.)) (۸۸)

این روحانی آگاه، مرز و بوم را همواره نگهبان بود و برای بیدار ساختن جامعه دل می سوزاند و تمام هستی خود را فدای خدمت به حق و خلق کرد.

وی برای چاپ کتاب ((الهدی)) (در رسوا سازی خدعه ها و توطئه های مبلغان مسیحی) پولی نداشت. بناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد تا خداوند اندک اندک اثاثیه خانه و زندگانی وی را فراهم ساخت (۸۹).

آخرین هجرت

آسمان شهر غم رنگ بود و اندوهبار. اشک هجران بر گونه های شهر جاری بود. زیرا خورشید اندیشه ای رو به غروب بود که هفتاد سال در آسمان علمی شیعه نور بخشیده بود. تقویم عمری رو به پایان می شد که برگ برگ وجودش را وقف خدمت کرده بود.

باد خزان بر باغ پرشکوفه رادمردی وزیدن گرفته بود که سراسر عمرش بهار بود و بیداری فصل فراق در گوش جان علامه آهنگ وداع می نواخت و نسیم ((ارجعی)) (۹۰) جانان در بوستان جانش وزیدن داشت و در حیاط ((حیاتش)) می رفت که با قفل مرگ بسته شود. او که عمری در وادی رضای حق قدم و قلم زد اکنون مجنون صفت مشتاق نوشیدن جام وصال بود.

سرانجام این چکاد تعب و تخصص، فقیه و ادیب فرزانه و مجاهد زاهد، شب دوشنبه بیست و دوم شعبان ۱۳۵۲ ق. (۹۱) ندای حضرت دوست را لبیک گفت و مرغ جانش با کوله باری از خدمت و خوبی و افتخار به سرای ابدی پر کشید و در آستان دوست جای گرفت. خاکیان را در سوگ و عرشیان را در سرور نشانند. حوزه های علمیه - بویژه طلاب نجف - در این فقدان، غرق در ماتم شد. پس از تجلیل و تشییع، پیکر پاکش را در حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن مبارک حضرت علی علیه السلام، در کنار آرامگاه جواد بن محمد حسینی (مؤلف کتاب مفتاح الکرامه) به خاک سپردند.

روحش شاد، راهش سبز و پر رهرو و تربتش از شمع رضای جانان نورانی باد.

آثار:

تفسیر آلاء الرحمن
 الرحلة المدرسية يا المدرسة السيارة
 الهدى الى يدن المصطفى
 التوحيد والتثليث
 اعاجيب الاكاذيب
 انوار الهدى
 البلاغ المبين
 نصايح الهدى
 المسيح و الانجيل
 نسمة الهدى
 المصباح في بعض من ابدع في الدين في القرن الثالث عشر
 مصباح الهدى
 مسألة في البداء
 نور الهدى
 اجوية المسائل البغدادية
 داعي الاسلام و داعي النصرانية
 رساله ای درباره اوامر و نواهی در علم اصول
 رساله ای در نفی تزویج ام کلثوم با عمر بن خطاب
 رساله ای درباره عدم اعتبار تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام
 رد بر کتاب ((تعلیم العلماء))
 رد بر کتاب ((حیاء المسیح))
 رد بر کتاب ((ینایع الکلام))
 رساله ای در رد جرجیس سائل و هاشم عربی
 رساله ای در رد حسیون

بلعمی، ابوعلی محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۳/۳۶۳ ق)، مورخ، ادیب و متجرب. وی وزیر منصور بن نوح سامانی و پسر ابوالفضل محمد بن عبیدالله بلعمی بود. در زمان سامانیان می‌زیست و وزارت عبدالملک بن نوح و منصور بن نوح سامانی را داشت و به دستور پادشاه اخیر «تاریخ طبری» را از عربی به فارسی ترجمه کرد. علت شهرت او به بلعمی به خاطر انتساب او و نیاکان وی به بلعمان از قراء مرو بود. بلعمی در این ترجمه

بسیاری از موارد «تاریخ طبری» را تلخیص کرده و در بسی موارد دیگر از منابع جدیدی استفاده کرده است. کتاب او حکم تألیف جدیدی را پیدا کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۶۱۹/۱)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (۹۵)، دایرةالمعارف فارسی (۳۳/۱)، ریحانه (۲۸۰/۱)، زین الاخبار (۱۶۱)، سبک شناسی (۹- ۸/۲)، لغت نامه (ذیل / بلعمی)، گنج و گنجینه (۱۵- ۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۱)، دستور الوزراء، (۱۱۴- ۱۱۳)، الذریعه (۸۶/۴).

بناکتی، فخرالدین، ابوسلیمان داوود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۳۱ ق)، مورخ. وی منسوب به بناکت از شهرهای ماوراء النهر بود، و از مورخان دوره‌ی مغول و ملک شعرای دربار غازان خان. وی چون از نزدیک با خارجیانی که از شهرهای دور به دربار غازان خان می آمدند، سر و کار داشت، اطلاعات جامعی درباره‌ی مذاهب و ملل گوناگون کسب کرد که به تألیف تاریخ او به نام «روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ» یا «تاریخ بناکتی» منجر شد. در «کشف الظنون» نام کتاب «روضه اولی الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب» نوشته شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ در ایران (۸۶- ۸۵)، دایرةالمعارف فارسی (۴۴۹/۱)، الذریعه (۲۴۲/۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۹۲)، کشف الظنون (۹۲۵)، لغت نامه (ذیل / بناکتی)، هدیه العارفین (۳۶۰/۱)

بنی فاطمه، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسین بنی فاطمه در سال ۱۳۳۱ در مشکین شهر بدنیا آمد. ایشان در سال ۱۳۶۱ مدرک دکتری در رشته جامعه شناسی را از دانشگاه ایالتی میشیگان - امریکا با موفقیت اخذ کرد. وی از سال ۱۳۵۶ به عنوان عضو هیات علمی در گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی مشغول خدمت شد. نامبرده هم اکنون با رتبه استادی در دانشکده مذکور در دانشگاه تبریز به فعالیت می پردازد. گروه: علوم انسانیرشته: جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای: حسین بنی فاطمه تحصیلات ابتدایی را در دبستان قصابه به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۴۹ از دبیرستان دهخدا اخذ کرده اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد جامعه شناسی را در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه ایالتی میشیگان - امریکا دریافت نموده اند و در سال ۱۳۶۱ مدرک دکتری در رشته جامعه شناسی را از دانشگاه ایالتی میشیگان - امریکا با موفقیت اخذ کرده اند.

عنوان پایاننامه: دکتری: The Transitional Adjustment phase in Rural- urban Migration (comparativestudy) مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمتهای اجرایی حسین بنی فاطمه به قرار زیر است: قبلی: مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز فعلی: رئیس موسسه تحقیقات اجتماعی فعالیتهای آموزشی: فعالیتهای آموزشی حسین بنی فاطمه به

قرار زیر است: تدریس: ۱- دوره کارشناسی: روشهای تحلیل جمعیت - جامعه شناسی ۲، متون جامعه شناسی ۱ و ۲، جامعه شناسی شهری ۲- تحصیلات تکمیلی: روشهای تحقیق - متون جامعه شناسی ۱ و ۲، سمینار شهری جوایز و نشانها: جوایز و نشانها دریافتی حسین بنی فاطمه در سطح ملی: ۱- فرهیخته ممتاز ۲- محقق برتر در انجام تحقیق علل گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه چگونگی عرضه آثار: فعالیت های پژوهشی: تعداد مقاله های منتشر شده: ۱۵ مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: ۳ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده: ۱ مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد: ۱۵ مورد تعداد پایاننامه های دکتری: ۱ مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب: ۶ مورد

بوداق قزوینی، منشی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، نویسنده و مورخ. وی نویسنده کتاب «جواهر الاخبار» در شرح حال تیمورلنگ و پیروزی های او بر تاقمیش در سال ۷۹۵ ق و وقایع عمومی تا سال ۹۸۴ ق است. وی این کتاب را به شاه اسماعیل دوم هدیه کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۵۶)، الذریعه (۲۵۸/۵).

بهبودی، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر بهبودی در سال ۱۳۰۸ ه.ش دیده به جهان گشود. از سال ۱۳۲۷ تحصیلات مذهبی را بطور تمام وقت شروع کرد. ادامه تحصیل خود را تا سال ۱۳۳۷ کشاند و از محضر اساتید آن دوره کسب فیض نمود. بعد از ترک تحصیل به تهران منتقل شد و به تصحیح و تحقیق کتب خطی پرداخت. وی اخراج چهل و پنج جلد بحار و مقابله، تحقیق و پاورقی و تخریج احادیث آن و مقابله با ماخذ، کاملاً به دست ایشان به اتمام رسید. در اثر همین توفیق الهی بود که بیش از سایر همکارانش به نسخه مولف دست یافت و ۳۶ جلد از این چهل و پنج جلد را با نسخه مولف مقابله کرد. در جلد ۱۱۰ که آخرین جلد بحار الانوار است، سخنی کوتاه درباره این کتاب و شیوه مولف در جمع احادیث تحریر کرده اند که توجه علاقمندان را به آن جلب کرد. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمدباقر بهبودی در ادبیات از محضر استاد ادیب محمدتقی نیشابوری معروف به ادیب دوم، در قسمت سطح مختصری از محضر حجت الاسلام سید احمد یزدی معروف به نهنگ و بیشتر از محضر استاد حجت الاسلام حاج شیخ هاشم قزوینی بهره برد. علاوه بر مقداری سطح در یک رشته از دروس تفسیری محضر حجت الاسلام دامغانی را هم درک کرد که روزهای تعطیل به آن پرداختند. در سال ۱۳۳۳ شمسی به قم آمد و بعد از آنکه یک درس در محضر آیت الله خمینی حاضر شد، بدون توقف به نجف رفت. در نجف یک درس در محضر آیت الله خوبی و یک درس در محضر آیت الله حکیم انتخاب کرد و تا دو سال به تحصیل و بیشتر مطالعه و تحقیق شخصی ادامه داد و در سال ۱۳۳۵ ترک تحصیل نمود. استادان و مربیان: استادان محمدباقر بهبودی استاد ادیب محمدتقی نیشابوری، حجت الاسلام سیداحمد یزدی، حجت الاسلام حاج

سیدهاشم قزوینی، حجت الاسلام دامغانی، آیت الله خمینی، آیت الله خویی، آیت الله حکیم می توان نام برد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمدباقر بهبودی از سال ۱۳۳۷ که به تهران منتقل شد، به تصحیح و تحقیق کتابهای خطی و چاپی پرداخت. اولین کاری که شروع کرد تصحیح تفسیر المیزان - جلد هفتم - بود که تا جلد بیستم آخرین جلد ادامه یافت. در آن هنگام، کارمن چندان مورد توجه و علاقه و اعتماد مولف قرار گرفت که رخصت یافت به حکم و اصلاح ادبی آن نیز پردازد. به موازات تفسیر المیزان به تصحیح بحار الانوار پرداخت و از جلد هفدهم تا آخرین مجلد - غیر از دو جلد ۷۷ و ۷۸ همه مجلدات به تصحیح اینجانب و اشراف و نظارت بر متن کتاب و احیانا حکم و اصلاح تعلیقه دیگران پایان گرفت. آثار: اسلوب جدید در شناسایی جدید ویژگی اثر: کتابی در تجوید به نام اسلوب جدید در شناسایی تجوید که مقدمه آن در تاریخ علم قرائت و تجوید بسیار جالب تهیه شده است. به سال ۱۳۲۹.۲ تحقیق و تصحیح بحار الانوار و ویژگی اثر: این کتاب اثر محمدباقر مجلسی است. ۳. تحقیق و تصحیح کتاب کنز العرفان و ویژگی اثر: این کتاب اثر فاضل مقداد است که تحقیق نسخه و تخریح احادیث و تصحیح اوراق مطبوعه به عهده محمدباقر بهبودی بوده است. ۴. تحقیق و تصحیح کتاب مسالک الافهام فی آیات الاحکام و ویژگی اثر: این اثر در دو جلد که قسمت تعلیقات فقهی آن به عهده مرحوم شریف زاده است. ۵. تحقیق و تصحیح کتاب مناقب ابن المغازلی، تحقیق و تصحیح و تعلیقات کتاب الصراط المستقیم و ویژگی اثر: این اثر تالیف مرحوم بیاضی در دو جلد است که یک مقدمه از مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی و یک مقدمه از آیت الله سید شهاب امیری مرعی در اول آن اضافه گردیده است. ۷. تحقیق و تصحیح و تعلیقات کتاب مبسوط و ویژگی اثر: کتاب مبسوط از جلد سوم تا جلد هشتم با تحقیق نسخه و تصحیح اوراق مطبوعی و تعلیقات نسبتا ناچیز و فهرست کامل فروع در حدود ۲۰۰ صفحه. ۸. تحقیق و تصحیح وقایع السنین و الاعوام و ویژگی اثر: این اثر تالیف خاتون آبادی با تحقیق نسخه و تصحیح اوراق و مقابله با ماخذ می باشد. ۹. تعلیقه و تحقیق و تصحیح کتاب زبده البیان و ویژگی اثر: این اثر تالیف محقق اردبیلی است. ۱۰. صحیح الکافی، قاطع البرهان فی علم المیزان و ویژگی اثر: این اثر اولین اثر چاپی او می باشد که در سال ۱۳۲۸ شمسی به چاپ رسیده است. ۱۲. گزیده کافی، مجلدات ناسخ التواریخ، معرفه الحدیث، میثم تمار و ویژگی اثر: این کتاب در سال ۱۳۳۳ به چاپ رسیده است.

منابع زندگینامه: کیهان فرهنگی، به کوشش سید کمال حاج سیدجوادی، سیدمصطفی رخ صفت، روانشاد حسن منتظر قائم، سال سوم، شماره ۷، مهرماه ۱۳۶۵

بهرام پور، ابوالفضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفضل بهرام پور از قرآن پژوهان کوشای معاصر است که از سالهای پیش از انقلاب در تالیف کتب درسی با شادروانان شهید آیت الله محمد حسین بهشتی و شهید باهنر در زمینه ی مسائل قرآنی و دینی همکاری داشته است. کوشش و هدف اعلای ایشان ناظر به آسان سازی فهم قرآن برای عامه ی مردم است. دارای تحصیلات حوزوی و دانشگاهی (فوق لیسانس ادبیات و علوم قرآنی از دانشگاه تهران) است. ایشان یک سلسله تفسیرهای تک سوره ای آموزشی کم حجم دارد. از جمله ی سوره ی محمد، سوره ی فتح، سوره ی حجرات، سوره ی «ق»، سوره ی ابراهیم، سوره ی ملک، سوره ی جمعه، سوره ی منافقون و سوره ی حجر.

این آثار به نحوی تدوین شده که علاوه بر قابلیت مطالعه ی فردی، جنبه ی درسی و خودآموزی هم دارد. در هر بخش، اول لغتها، سپس ترجمه ی آیات و بعد از آن تفسیر و برداشتها، و در آخر بعضی ریزه کاریهای لفظی و نکات زبانی و ادبی به دست داده شده است.

اثر قرآن پژوهی دیگر او روش روخوانی قرآن است. کتاب دیگر، روش تدریس ترجمه ی تفسیری قرآن است. اثر دیگر تفسیر سوره ی یس است. دیگر تفسیر نسیم حیات که تفسیر جزء سی ام است. فهرست آثار چاپ شده یا در دست تدوین ایشان در پایان ترجمه آمده است. برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

بهرامی خوشنودی، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی بهرامی خوشنودی

محل تولد: بروجرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

بهرامیان، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین بهرامیان هنرمند و مجسمه ساز در سال ۱۳۵۰ به دنیا آمد. وی دارای مدرک فوق تخصص زیبایی شناسی هنر (D.E.A) از دانشگاه سوربن پاریس است. او در سال ۱۳۸۴ برای اعتراض به موزه لوور به زندگی خود پایان داد. محمد حسین بهرامیان یا به قول دوستانش بهرام، یکی از ۵ مجسمه ساز برتر معاصر ایران و البته به خاطر تخصصی و سبک کارهایش علمی ترین آنهاست که به دلیل دوری از وطن، تنها میان متخصصان و همکاران اش نام آشناست.

گروه: هنر

رشته: هنرهای تجسمی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: اخذ لیسانس مجسمه سازی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ۱۳۴۷ کسب مدرک تخصصی مجسمه سازی از دانشگاه سوربن پاریس عنوان رساله تخصصی: هنر مجسمه سازی معاصر در ایران (امید که روزی چاپ شود) گرفتن مدرک فوق تخصص زیبایی شناسی هنر (D.E.A) از دانشگاه سوربن پاریس عنوان رساله فوق تخصص: مناسبات در ساختار اجتماعی و جغرافیایی شهر: نصب مجسمه های مختلف در شهر تهران یک سال تدریس در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران وقایع میانسالی:

زمان و علت فوت : مسئولان موزه لوور پاریس - که برچسب آثار ایرانی موزه را مثل نام خلیج فارس به عربی تغییر داده بودند - در آتلیه مولاژ موزه لوور، اسم و امضای بهرامیان را از پای آثارش حذف کردند و تمام حقوق مادی و معنوی را زیر پا گذاشتند. او همه وقت و دارایی‌اش را برای پیگیری این پرونده در مراجع قضائی فرانسه صرف کرد. هزینه این کارها برای شهروندان فرانسوی ارزان بود اما برای او - که با وجود سال‌ها تحصیل، زندگی و کار در فرانسه حاضر به پذیرفتن شهروندی آنجا و گرفتن اوراق هویت فرانسوی نشده و ایرانی مانده بود - کلی آب می‌خورد. تا روزی که چیزی برای ادامه راه در کار نبود. یک روز با دعوت از همه رسانه‌ها و خبرنگاران و بازگو کردن داستان، با پریدن از بام موزه لوور، به قصه پایان داد و شاید با این کار، پیگیری کار را به رسانه‌ها سپرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : وی متخصص بخش مولاژ در مجموعه موزه‌های ملی فرانسه بوده است.

فعالیت‌های آموزشی : یک سال تدریس در سال ۱۳۵۸ در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را محمد حسین بهرامیان در کارنامه دارد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ترمیم بسیاری از مجسمه‌های باستانی و ساخت مولاژ از آنها، نوآوری در ساخت مجسمه و استفاده از مواد در کار ساخت و اصلاح روش‌های قبل از فعالیت‌های وی میباشد.

جوایز و نشانها : کسب عنوان مجسمه‌ساز حرفه‌ای در موزه لوور در ۱۹۹۱ برنده نشان طلا و دیپلم افتخار بیست و هفتمین نمایشگاه اختراعات هنری ژنو سوئیس برای پازل سه بعدی در ۱۹۹۹ کسب نشان نقره و دیپلم افتخار بیست و هفتمین نمایشگاه اختراعات هنری ژنو سوئیس برای طراحی نوعی قالب برای ساخت مجسمه به تعداد زیاد بدون افت کیفیت در ۱۹۹۹ پازل توپ چهل تکه‌ای از کره زمین؛ برنده مدال طلای نمایشگاه اختراعات هنری ژنو

چگونگی عرضه آثار : ابتکار بهرامیان با ساخت پازل از اشیای باستانی ایران، هنر و تاریخ را از موزه‌ها به درون خانه‌ها می‌برد و کودکان را در حس ساخت اشیای باستانی، با هنرمندان چند هزار سال قبل، سهیم می‌کند. آشنایی با هنر باستانی بخشی از بازی کودک می‌شود و هر کس می‌تواند یک کپی مثل اصل را در خانه داشته باشد؛ مانند پازل وزنه قوی هخامنشی. ساخت پازل‌هایی از آثار باستانی ایران و اهرام مصر، ۲ جایزه برتر نمایشگاه اختراعات هنری سوئیس را برای او به ارمغان آورد. در حال حاضر، موزه لوور - که یک هرم شیشه‌ای در حیاط مقابلش ساخته اند- درآمد هنگفت این امتیاز را به جیب می‌زند. اثر دیگر بهرامیان "جنگ شاهین و مار" در بانک ملی دبی؛ باز هم ساکنان آن سوی خلیج فارس. یک مجسمه او در یکی از پارک‌های تهران در غیابش به اسم یکی از همکاران ثبت و مجسمه دیگرش هم در پارک دانشجو ناپدید شد.

آثار :

۱ اسب آبی جای فرعون خوابیده

ویژگی اثر : پوستر پازل سه بعدی بهرامیان از هرم مصری و اسب آبی فیروزه‌ای مصر باستان که در دل پازل قایم شده.

۲ جنگ شاهین و مار

ویژگی اثر : مجسمه، در پارک دبی

۳ دو زیبای خفته

ویژگی اثر : این دو تا قوی طلایی زیبای خفته، ۲ مدل از وزنه‌های ترازوی زمان هخامنشی است که در شوش کشف شده. ساخت مولاژ یا شبیه‌سازی آثار باستانی، یکی از تخصص‌های بی‌بدیل بهرامیان بود؛ تخصصی که علاوه بر ذوق هنری نیاز به مهارت و دانش زیادی دارد.

۴ ماهی‌های در هم

ویژگی اثر: این دو ماهی در هم پیچیده با فواره‌هایشان، در ساحل خلیج فارس و خاطره بازدیدکنندگان جا خوش کرده‌اند؛ تا حدی که بسیاری با دیدن عکس، محل آن در دوبی را به جا می‌آورند. بهرامیان با هنر و شناختش نسبت به فضای نصب اثر، یک مجسمه محیطی بسیار عالی خلق کرده بود.

منابع زندگینامه: روزنامه همشهری، ۱۳-۱۱-۱۳۸۶، «مجسمه سازی که شکست»

بهروزی، علی نقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شاعر، محقق.

تولد: ۱۲۸۱ (۱۳۲۳ ق.)، کازرون.

درگذشت: ۱۴ فروردین ۱۳۶۲، شیراز.

علی نقی بهروزی متخلص به «بهروزی»، فرزند بهروز، پس از اخذ دیپلم در بوشهر و فراگیری ادبیات و زبان انگلیسی، به سال ۱۳۰۲ به بحرین رفت و دو سال به مدیریت و آموزگاری مدرسه اتحادیه ایرانیان اشتغال ورزید و بعد خدمت خود را در سمت‌های معمولی و نظامت و مدیریت در بوشهر و شیراز ادامه داد. وی در سال ۱۳۳۷ بازنشسته شد. با این وجود معلمی در دبیرستان ابن سینا ادامه داد. همچنین دارای گواهینامه زبان انگلیسی از دانشگاه کمبریج بود. علاوه بر انگلیسی، با عربی نیز آشنا بود و به دریافت نشان‌های درجه یک و دو علمی نایل آمد.

در سال ۱۳۰۵ با روزنامه‌ی «تخت جمشید» همکاری کرد و بعد به عضویت در هیئت تحریریه روزنامه‌های «عصر آزادی»، «پیغام»، «پارس» و «بهار ایران» درآمد. در عین حال مقالاتی در مجلات «گل‌های رنگارنگ»، «ارمغان»، «یادگار» و «یغما» انتشار می‌داد. او در سال ۱۳۲۵ امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره در شیراز منتشر کرد. وی همچنین عضو «انجمن قلم» و عضو مشورتی روزنامه‌ی «اطلاعات» در استان فارس بود و به عنوان شاعر در «انجمن ادبی فارس» حضور می‌یافت و یکی از بنیانگذاران «کانون دانش پارس» بود و تا روزهای آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد.

از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۸ به سمت سرپرست کتابخانه حافظیه مشغول کار بود. از تیر سال ۱۳۵۸ به سرپرستی کتابخانه حضرت احمد در ××××× شاهچراغ شیراز اشتغال داشت.

فهرست آثار او به شرح زیر است: جشن‌های ایزدی، تاریخ اعیاد ملی (شیراز، ۱۳۲۴)؛ سده‌ی وفات قآنی (شیراز، ۱۳۳۳)؛ شرح کامل حالات حکیم قآنی (شیراز، ۱۳۳۴، نشریه‌ی سه کانون دانش پارس)؛ شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور (شیراز، ۱۳۳۳)؛ تصحیح دیوان رحمت کازرونی (شیراز، ۱۳۳۴)؛ تصحیح دیوان مظفر شیرازی (با همکاری و بازننگری دیگران شیراز، ۱۳۳۷)؛ لطایف و ظرایف ادبی (شیراز، ۱۳۴۲)؛ آثار محلی فارس (شیراز ۱۳۴۰)؛ فارسنامه ابن بلخی (شیراز، ۱۳۴۳)؛ تاریخچه‌ی شهر شیراز و اماکن تاریخی (تهران، ۱۳۴۷)؛ واژه‌ها و مثل‌های شیرازی و کازرونی (تهران، ۱۳۴۸)؛ بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز (شیراز، ۱۴۳۹)؛ تاریخچه‌ی مسجد جامع سلطانی وکیل (شیراز، ۱۳۵۰)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه ملی فارس (دو جلد با همکاری آقای محمدمصدق فقیری، شیراز، ۱۳۵۱)، نوادر تاریخی (جلد اول، ۱۳۵۳)؛ حافظ را بشناسید (شیراز، ۱۳۵۵)؛ سعدی را بشناسید (شیراز، ۱۳۵۵)؛ افتخارات ایران؛ شرح حال و اشعار ناخدا عباس دریانورد (شیراز، ۱۳۵۶)؛ تاریخچه‌ی کتابخانه‌ها و

مطبوعات و چاپخانه‌ی فارس (شیراز، ۱۳۵۶)؛ فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی آستان حضرت احمد بن موسی شاهچراغ (دو جلد، شیراز، ۱۳۶۰)؛ تاریخچه‌ی ده ساله‌ی کانون فرهنگیان پارس (شیراز، ۱۳۳۳)؛ اشعار نغز؛ گلشکر.

علی نقی بهروزی سرانجام به سال ۱۳۶۲ در شیراز زندگی را بدرود گفت و در دارالرحمه شیراز به خاک سپرده شد.

(۱۳۶۲ - ۱۲۸۳ / ۱۲۸۱ ش)، شاعر، روزنامه‌نگار و نویسنده. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کازرون و بوشهر و شیراز به پایان رسانید و موفق به اخذ دیپلم متوسطه شد و زبان انگلیسی را کاملاً آموخت و نایل به دریافت گواهی‌نامه از دانشگاه کمبریج انگلستان شد. بهروزی وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و مدت دو سال مدیر مدرسه‌ی ایرانیان در بحرین بود و از آنجا به بوشهر منتقل شد. و به مدیریت و تدریس در مدارس مختلف در بوشهر و شیراز پرداخت. او مقالات ادبی و اجتماعی زیادی در جراید «تخت جمشید»، «عصر ایادی»، «پارس» و مجلات «ارمغان»، «یادگار» و «گل‌های رنگارنگ» منتشر کرد. بهروزی در سال ۱۳۲۵ ش امتیاز روزنامه‌ی «دستاویز» را گرفت و چند شماره‌ی آن را در شیراز منتشر کرد. بعد از بازنشستگی از سال ۱۳۵۰ ش به سرپرستی کتابخانه حافظیه و کتابخانه شاهچراغ، گمارده شد و عضو انجمن ادبی فارس و مؤسس کانون دانش پارس بود و تا آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد. وی گاهی شعر می‌سرود و محقق‌ی پرکار بود و بیست و چهار جلد کتاب تألیف کرد و دهها مقاله نوشت. از آثار وی: «آثار محلی فارس؛ جشنهای ایزدی»؛ «نوادری تاریخی»؛ «گلشکر»، لطائف و ظرائف ادبی؛ «سده قآنی»؛ «شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور»؛ «فرهنگ لغات محلی فارسی» [۱].

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۵/۳۳۲)، انجمن‌های ادبی شیراز (۴۱۵-۴۱۲)، تاریخی جراید (۳۱-۲/۳۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹۴-۱/۴۹۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۰-۲/۱۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۴، ۴/۶۰۳).

بهزاد، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگی‌نامه مختصر:

(۱۳۴۷ - ۱۲۷۳ ش)، مینیاتورساز. پدرش قلمدان‌ساز و نقاش بود. وی از سن هفت سالگی وارد کارگاه پدرش شد و پس از چندی به کارگاه ملاعلی قلمدان‌ساز رفت و چنان مینیاتورهای عالی ساخت که مشتریها فقط کارهای او را خریداری می‌کردند. در هیجده سالگی کارگاهی ساخت و به تقلید از آثار استادان بزرگ پرداخت. وی پس از کمال‌الدین بهزاد هراتی، بزرگترین استاد مینیاتور است. در دوران پدید آمدن هنرمندانی چون حسین بهزاد و هادی تجویدی و محمدعلی زاویه و دیگران، سپری شدن مکتب دوره‌ی دوم قاجاریه (از ۱۲۵۰ تا ۱۳۱۳) قطعی شده بود و تنها نوعی که مانده بود و عمل می‌کرد، مکتب آکادمیک کمال‌الملک و شاگردان و پیروانش بود. نقاشی سنتی، محدود مانده بود به ساختن تعدادی قلمدان و قاب آئینه و جلد روغنی - که هیچ استاد بزرگی هم در میان سازندگان آنها وجود نداشت.

رجعت نسلی از هنرمندان با پیشینه‌ی هنرهای سنتی، به شیوه‌ی نگارگری قرن‌های دهم و یازدهم ایران؛ تنها براساس علاقه به بازسازی یک سنت منسوخ نبود. این هنرمندان، بازار کار خود را از دست رفته می‌دیدند و با نقاشی غربی هم الفتی نداشتند. اینان در درجه‌ی اول به زمینه‌ی اقتصادی توجه کردند که با آمدن دلایل‌ها، دیپلمات‌ها، بازرگانان و سیاحان اروپایی و آمریکایی، رونقی تازه گرفته بود. این خریداران، جست و جوی گسترده را با پیشنهادهای مالی وسوسه‌کننده همراه کردند و هنرمندان جوان و

با استعداد، به جای ادامه دادن به هنر منسوخ قلمدان سازی، به این بازار دایر روی آوردند و با مهارت چشمگیر به تقلب و تقلید نمونه های عصر صفوی پرداختند. نمونه هایی از کار مرحوم حسین بهزاد که به شیوه ی مکتب های بخارا و هرات و قزوین و اصفهان ساخته شده اند، چنان فراوان است که در بسیاری از موزه ها و مجموعه ها، به عنوان نمونه های اصیل، وارد شده اند. نقاشی ایرانی، در شرایط طبیعی، نمی توانسته رجعت و تقلیدی چنین آشکار و دقیق را - با جهشی چهارصد ساله - بپذیرد و در راستای حرکت ناگزیر خود، جایگاهی قابل قبول برای آن فراهم کند. نقاشی ایرانی، از قرون هفتم و هشتم به بعد، رو در ابداع و خلاقیت و تصحیح و ترقی داشته و تمایل به قهقرا و نسخه برداری از نمونه های گذشته ی دور، در آن جایی نداشته است. اما نسلی که با مرحوم حسین بهزاد، کارش را آغاز کرد، هیچ پروایی از این امر نداشت. اگر هم رفته رفته بر این جسد فاخر، جامه های تازه پوشاند و دست از جعل کردن برداشت و آثارش را امضا کرد و تاریخ گذاشت، بیشتر به این خاطر بود که در مقابل فشار روزافزون و جایگزین شونده ی هنر غربی، مابه ازایی فراهم آمده بود. این مابه ازای در جایی پنهانی از حافظه ی قومی مردمان ما، یادی و اشاره ای داشت به آن باغ بهشت رنگارنگ مستتر و منتشر در نگاره های زیبای قرن های سپری شده.

نویسنده: آیدین آغداشلو

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ اصفهان (۳۳۷-۳۳۹)، تاریخ برگزیدگان (۵۰۵-۵۰۴)، شخصیت های نامی (۱۱۷-۱۱۵).

همشهری جوان (ش ۳۹)

بهشتی، حسین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم و دهم ق)، قاری، عالم و متکلم امامی. از مشاهیر عصر شاه اسماعیل بود. آنگونه که از «ریاض» نقل شده وی عالمی فاضل و متکلمی برجسته و از شاگردان شمس الدین محمد، پسر سید شریف جرجانی، بود. از آثار وی: کتاب «تجوید القرآن»؛ «کتاب الحساب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۵۹/۶)، الذریعه (۶/۷، ۳/۳۶۶)، ریحانه (۱/۲۹۸)، لغت نامه (ذیل / حسین بهشتی).

بهنش، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، نویسنده، محقق و مترجم. در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی خود را در زادگاه خویش انجام داد و بعد به فرانسه رفت و به ایران بازگشت و در سال ۱۳۱۴ ش در دانشسرای عالی به تدریس پرداخت و تاریخ ملل قدیم را درس گفت. وی تألیفات و ترجمه های زیادی دارد از جمله: ترجمه ی «تاریخ مصر قدیم»؛ «تاریخ یونان قدیم»؛ «تاریخ ملل قدیم آسیای غربی»؛ «سیر تاریخ»؛ «تاریخ جهانی»، در دو مجلد؛ «فرهنگ اساطیر»؛ مسئله ی شرق؛ «تاریخ اروپا، قرون وسطی و آغاز قرن جدید». [۱]

در گذشت: ۱۳۷۱.

احمد بهمنش از تحصیل کردگان دارالفنون بود و جزو محصلان اعزامی به اروپا و فرانسه به تحصیل تاریخ پرداخت. پس از بازگشت چندی در دبیرستان‌ها درس می‌گفت تا این که به دانشگاه منتقل شد و در دانشکده‌ی ادبیات بیشتر تاریخ یونان و روم را بر عهده داشت. بهمنش چند کتاب در زمینه تدریس و مطالعات خود به چاپ رسانیده است. از جمله آثار اوست: تاریخ اروپا در قرون وسطی و آغاز قرون جدید (مخصوص سال چهارم ادبی و دانشسرای مقدماتی)؛ تاریخ جهانی (تألیف شارل دولاندلن، ۱۳۴۷)؛ تاریخ یونان باستان؛ فرهنگ اساطیر یونان و روم (پیر گریمال ۱۳۷۶).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۱، ص ۱۰-۳)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۷-۳۶۶/۱).

بیات، عزیزالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عزیزالله بیات در سال ۱۲۹۹ در شهر نهاون بدینا آمد. ایشان دارای مدرک دکترای رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه پل ساباتیه فرانسه در سال ۱۳۷۸ می‌باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: عزیزالله بیات تحصیلات مقدماتی را در شهر نهاون گذراند. وی کلاسهای هفتم، هشتم و نهم را در شهر ملایر سپری کرد. ادامه تحصیلات متوسطه را در همدان پس گرفت و موفق به اخذ دیپلم گردید. ایشان تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشسرای عالی تهران گذراند و مدرک کارشناسی اش را در سال ۱۳۲۳ گرفت. در سال ۱۳۳۲ و به علت نزدیک بودن کرمانشاه به نهاون از طرف اداره فرهنگ به این شهر رفته و به مدت ۲۰ سال در این شهر زندگی کردم، چند کتاب هم درباره تاریخ و جغرافیای کرمانشاه نوشتم و منتشر کردم. دکتر بیات با استفاده از بورس تحصیلی که به کارمندان تعلق داشت استفاده کرده و عازم فرانسه گردید. نامبرده در سال ۱۳۴۸ موفق به اخذ مدرک دکترای رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه پل ساباتیه فرانسه شد.

خاطرات و وقایع تحصیل: دکتر بیات از خاطرات تحصیلش چنین بیاد دارد: بعد از از دیپلم ترک تحصیل نکردم. پدر بزرگم انسان فاضلی بود، مضاف بر این یکی از دوستان آیت الله مدرس بود و زمانی که به تهران رفت و آمد می‌کرد در منزل مرحوم مدرس اقامت می‌کرد. ایشان مرا به ادامه تحصیل تشویق می‌کرد. ابتدا قرار بود مرا به خارج از کشور بفرستد اما من به دانشسرای عالی که الان به آن تربیت معلم می‌گویند رفته و لیسانسم را نیز دریافت کردم.

همسر و فرزندان: عزیزالله بیات دارای ۴ فرزند پسر و یک فرزند دختر می‌باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۰ تا کنون رئیس اداره چهارم کارگزینی آموزش و پرورش رئیس اداره مطالعات و برنامه‌ها

فعالیت‌های آموزشی: عزیزالله بیات در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا، به تدریس دروس تاریخ تمدن اسلام و گاه شماری در دانشگاه‌های شهید بهشتی (به عنوان عضو هیئت علمی)، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه الزهرا می‌پردازد.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: دکتر عزیزالله بیات از زندگی خودش چنین اذعان می‌کند: من ۶۰ سال است که تدریس می‌

کنم و در این مدت که درس داده ام شش ساعت هم غیبت ندارم. من بیش از ۵۰ سال است که فقط یک وعده غذا می خورم و از هر فرصتی برای پیاده روی هم استفاده می کنم، هیچ بیماری هم ندارم.
چگونگی عرضه آثار: دکتر عزیزالله بیات حدود ۴۰ کتاب به رشته تحریر در آورده است. -----

آثار:

۱ آثار باستانی کرمانشاه

ویژگی اثر: تالیف

۲ از ظهور اسلام تا دیالمه

ویژگی اثر: تالیف

۳ تاریخ ایران

ویژگی اثر: ناشر: امیر کبیر نویسنده: عزیزالله بیات (جلد اول و دوم)

۴ تاریخ ایران از آغاز تا انقراض پهلوی با تجزیه و تحلیل منابع و ماخذ

ویژگی اثر: تالیف

۵ تاریخ تطبیقی ایران (از سلسله ماد تا پهلوی) با تمام دنیا

ویژگی اثر: تالیف-پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیر کبیر - ۰۶ اردیبهشت، ۱۳۸۵

۶ تاریخ مختصر ایران

ویژگی اثر: تالیف

۷ تاریخ منابع و ماخذ ایران

ویژگی اثر: تالیف-پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیر کبیر - ۱۳۸۳

۸ تحریر و تحشیه تاریخ گیتی گشای نامی

ویژگی اثر: تالیف

۹ جغرافیا برای دانشسراها و دبیرستانها

ویژگی اثر: تالیف

۱۰ جغرافیای محلی کرمانشاه

ویژگی اثر: تالیف

۱۱ زمینه های پیشرفت و پیروزیها و شکستهای ایران

ویژگی اثر: تالیف

۱۲ کتب درسی تاریخ برای دانشسراها و دبیرستانها

ویژگی اثر: تالیف

۱۳ کلیات جغرافیای طبیعی و تمدنی ایران

ویژگی اثر: تالیف-پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: امیر کبیر - ۱۳۸۳

۱۴ کلیات گاه شماری در جهان

ویژگی اثر: پدیدآورنده: عزیزالله بیات ناشر: دانشگاه شهید بهشتی - ۱۳۸۱

۱۵ نهاوند

ویژگی اثر: پدیدآورنده: حسین زرینی، عزیزالله بیات (زیر نظر) ناشر: دفتر پژوهشهای فرهنگی - ۲۷ تیر، ۱۳۸۵

بیات، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بیات معلم باتجربه‌ی آموزش و پرورش و استادکار نی‌ساز، در سال ۱۳۲۳ در یکی از روستاهای شهرستان ملایر متولد شد. در سن ۵ سالگی بود که همراه خانواده به تهران نقل مکان کرد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه و گرفتن دیپلم، شغل شریف آموزگاری را انتخاب و به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و از آنجایی که درونی پاک و بی‌آلایش و روحی حساس و عارفانه داشت به ساز نی علاقه‌مند شد و یکی از روزهای سال ۱۳۴۰ راهی اصفهان شد و برای خریدن نی نزد مرحوم عباس وحوشی که از سازندگان خوب نی بود رفت و چند روزی از کارها و نی‌های ساخته شده توسط وی دیدن کرد و سپس روانه‌ی تهران شد.

ذوق و استعداد و علاقه‌ی شدید وی به این ساز عارفانه موجب گشت که در سال ۱۳۵۰ به مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران برود و مدت پنج سال متوالی نزد محمدعلی حدادیان استاد نی‌نواز این مرکز موسیقی که از هنرمندان اصفهان بودند، شروع به فراگیری شیوه‌ی نی‌نوازی کرد و در همین سال‌ها بود که استاد چون علاقه فراوان محمد بیات را به این ساز دید، ضمن تعلیم او، او را تشویق به ساختن نی نیز نمود و از آنجا که خود استاد به فن نی‌سازی آشنایی کامل داشت، رموز کار را تا آنجا که امکان داشت به وی آموخت و محمد بیات از آن زمان به بعد کار نی‌سازی را به طور جدی و اصولی و به روشی صحیح شروع کرد.

محمد بیات، مدت بیست و پنج سال است که نی می‌نوازد و نی می‌سازد و در این مدت حدود چهار تا پنج هزار، نی در کوک‌ها و الگوهای مختلف ساخت است. به این ترتیب این هنرمند معلم یا معلم هنرمند، به موسیقی سنتی ایران خدمات ذی‌قیمتی نموده است. وقتی از ایشان سؤال کردم که استاد از سازهایی که ساخته‌اید و اصولاً از این صنعت و هنر خود، راضی هستید؟ پاسخ دادند:

«بسیار خوشحالم که کارهای من مورد تأیید اساتید فن و نوازندگان نی می‌باشد، انگیزه و هدف من از این کار این بوده که بتوانم با تجربه‌ای که در این زمینه کسب کرده‌ام، نی‌هایی بسازم که جوابگوی تمام نت‌های موسیقی باشد و برای این کار تغییرات و تعمیرات اساسی و دقیقی بر روی الگوهای موجود داده‌ام که نی هم بتواند در کارهای ارکستر هم‌ردیف کلیه سازها جوابگو باشد و من هم به سهم خود خدمتی در این راه به علاقه‌مندان این ساز کرده باشم.»

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

بیانی، شیرین

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر شیرین بیانی، فرزند دکتر خانابا بیانی در یازدهم مرداد ماه سال ۱۳۱۷ در تهران متولد شد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۳۶ وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد و در رشته‌ی تاریخ ادامه تحصیل داد و در دوران

تحصیل دانشگاهی، شاگرد اول بود. در سال ۱۳۳۹ موفق به اخذ درجه ی لیسانس از آن دانشگاه شد. در همان سال برای ادامه ی تحصیل به کشور فرانسه رفت و در سال ۱۳۴۱ از دانشگاه سوربن پاریس موفق به اخذ درجه ی دکترای تاریخ با درجه ی « بسیار عالی » گردید. خانم بیانی در سال ۱۳۴۲ با رتبه ی استادیاری تمام وقت وارد کادر آموزشی گروه تاریخ دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۶ به مقام دانشیاری ارتقاء یافت. در سال ۱۳۵۳ به مقام استادی « تمام وقت » همان دانشگاه دست یافت و در سال ۱۳۷۳ به رتبه ی پروفیسوری « رتبه ی همراه استادی » رسید. وی هم اینک با رتبه ی ۳۰ استادی به تدریس دوره های قرون وسطی و دوران باستانی ایران در گروه آموزشی تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است. خانم شیرین بیانی علاوه بر نگارش چندین کتاب، مقالات زیادی نگاشته است که در مجلات معتبر داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: تاریخ ایران - دوره مغول

والدین و انساب: شیرین بیانی، فرزند دکتر خانابا بیانی است که دارای فعالیت ها و کارهای ارزنده ای بود که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم: مؤسس دانشگاه تبریز و توسعه دهنده ی دانشگاه تربیت معلم، استقلال بخشیدن به دانشسرای عالی (تربیت معلم کنونی) عضو شورای عالی و فرهنگ سابق و تدوین و تنظیم اسناد و مدارک موجود در وزارت خارجه و تاسیس کتابخانه برای وزارت خانه و اهدای کتابهای خصوصی به آن. دکتر شیرین بیانی از جانب مادری، نواده ی ملک المتکلمین مشروطه خواه معروف و شهید راه آزادی (که به در باغشاه توسط محمد علیشاه قاجار همراه با میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل شهید گردید) و دکتر مهدی ملک زاده از بنیان گزاران طب جدید در ایران و صاحب کتاب « تاریخ مشروطیت » و فرزند ملک زاده ی بیانی کارشناس معروف باستان شناسی و از بنیان گزاران موزه ی ایران باستان می باشد. مادر بزرگ دکتر بیانی از طرف مادری، خورشید کلاه ملکزاده بانویی فرهیخته و شاعر بود و عموی ایشان، دکتر مهدی بیانی استاد دانشگاه تهران، خوشنویس و بنیانگذار انجمن خوشنویسی ایران است. خواهر دکتر بیانی، سوسن بیانی (دارای دکترای رشته باستان شناسی و مشغول تدریس در دانشگاه تهران) است.

خاطرات کودکی: دوران کودکی شیرین بیانی در بهترین و آرام ترین شرایط ممکن خانوادگی سپری گردید در محیطی آکنده از مهر و محبت، صفا، یک رنگی و عشق به ایران و ایرانی و همه انسانها. احترام به سنت های ملی و مذهبی و اصول مذهبی، احترام و دستگیری از طبقه غیر مرفه جامعه که این اصول در تدوین شخصیت او بسیار موثر بوده است. افراد خانواده همه فرهنگی، اهل ذوق و هنر و دارای تالیفات متعدد بوده اند، که این شرایط خانوادگی نیز در سوق دادن او بسوی دانش و دانشگاه تاثیر بسیاری داشته است. شیرین بیانی در این باره می گوید: یکی از بهترین خاطرات کودکی ام، در هفت سالگی همراه خواهرم در حیاط خانه به بازی مشغول بودم. پدرم با کیفی و بغلی پر از کتاب از دانشگاه به خانه باز گشت. من بسوی او دویدم و سلام کردم. او مرا در میان کتابها در آغوش گرفت و بوسید. من در آن لحظه با خود گفتم " منم استاد دانشگاه می شوم و هر روز با بغلی و کیفی پر از کتاب به خانه باز می گردم. من مانند پدرم تاریخ خواهم خواند و مانند او استاد خواهم شد " و چنین هم شد من از هفت سالگی در آغوش پدر راه زندگی ام را یافتم و با راهنمایی های مادر، پدر و مادر بزرگ و پدر بزرگم، همه ارزنده و انسان ساز بودند، بدون کوچکترین تردید و تزلزل تاکنون همین را ادامه دادم. دکتر بیانی در خانواده ای بزرگ در خیابان ویلا تهران کوجه شیرین زندگی میکرد بنا به گفته های ایشان: در خانه از صبح باز بود و دوستان و آشنایان در رفت و آمد بودند. در این خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ ریاست آن را بر عهده داشتند. بیشتر رفت و آمد ها برای ملاقات پدر بزرگ (دکتر مهدی ملکزاده) بود.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: شیرین بیانی در خانواده‌ای فرهیخته و ارجمند متولد شد و دوران کودکی بسیار پربراری را در یک محیط گرم خانوادگی، توأم با محبت و دانش سپری نمود. در خانواده او را با نوامیس زندگی چون شرافت و کرامت انسانی، علم دوستی، پاکدامنی، وطن پرستی و هم وطن دوستی و محبت انسانی آشنا کرده و دینداری را به او آموختند.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: شیرین بیانی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه منوچهری و متوسطه را در دبیرستان‌های ژاندارک و انوشیروان دادگر به انجام رسانید. در سال ۱۳۳۶ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در رشته‌ی تاریخ به تحصیل ادامه داد و در دوران تحصیل دانشگاهی، شاگرد اول بود. در سال ۱۳۳۹ موفق به اخذ درجه‌ی لیسانس از آن دانشگاه شد. در همان سال برای ادامه‌ی تحصیل به کشور فرانسه رفت و در سال ۱۳۴۱ در دانشگاه سوربن پاریس در رشته‌ی دکترای تاریخ تحصیل و موفق به اخذ درجه‌ی دکترای تاریخ با درجه‌ی «بسیار عالی» گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل: مهم‌ترین وقایع دوران تحصیل شیرین بیانی، نصب مجسمه‌ی ملک المتکلمین نیای مادری شان در میدان «حسن آباد» بود که نام این میدان به میدان «ملک المتکلمین» تغییر یافت. همچنین خاطره‌ی دیگر خانم بیانی، شاگرد اول شدن در کلاس ششم ادبی در مدرسه انوشیروان دادگر و کل دبیرستان‌های تهران بود. شیرین از ابتدا تا انتهای دوران تحصیل در علم ریاضی ضعیف و در ادبیات قوی بود. خاطرات تلخ او گاه در کلاسهای ریاضی است و خاطرات شیرین از کلاهای ادبی، که سرانجام نیز در رشته ادبی شاگرد اول بود. یکی از خاطرات جالب شیرین در کلاسهایست که معلمان او را بسیار با فراست و هوشیار می‌دانستند و احترام خاصی برایش قائل بودند در حالیکه معلمان ریاضی، با وجود نامی که در دبیرستان داشت، و همه او را می‌شناختند، چندان توجهی به او نداشتند البته حق هم داشتند. و در حین تحصیل در دانشگاه به دلیل استادی پدر، همه او را می‌شناختند و بهمین دلیل شیرین می‌بایست خوب درس بخواند و خوب رفتار کند که چنین هم می‌کرد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: شیرین بیانی ضمن تحصیل فعالیت‌های همچون به تکمیل زبان فرانسه، مطالعه کتابهایی غیر درسی و ورزش می‌پرداخت. و در دبستان و دبیرستان او را به عنوان سرپرست انجمن نیکوکاری مدرسه انتخاب می‌کردند.

استادان و مربیان: از جمله استادان شیرین بیانی می‌توان به پدر ایشان دکتر خانابا بیانی، عموی ایشان دکتر مهدی بیانی، علی اصغر شمیم و دکتر محمدحسن گنجی اشاره نمود.

هم دوره‌ای‌ها و همکاران: هم‌دوره‌ایهای شیرین بیانی اغلب قریب به اتفاق فرهنگی و بخصوص دبیر هستند.

همسر و فرزندان: شیرین بیانی، همسر دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن نویسنده‌ی معروف معاصر و استاد دانشگاه تهران است که در سال ۱۳۴۳ با وی ازدواج کرد است. ایشان دارای دو فرزند پسر به نام‌های رامین، متخصص تغذیه طبی و مهران، متخصص محیط زیست و مسائل آب می‌باشند که پس از گذراندن تحصیلات در سوئیس و آمریکا به ایران بازگشته و مشغول به کار شده‌اند. آنها که در محیطی فرهنگی و سالم پرورش یافته‌اند علم و انسانیت را ارج می‌نهند و در این راستا کوشا می‌باشند.

وقایع میانسالی: شیرین بیانی در دوره‌ای زندگی می‌کند که بیش از هر زمان دیگر دارای فراز و نشیب بوده و هست. دنیا در تحولی شگرف و سریع بسر می‌برد که بخصوص این سرعت، در تاریخ بی نظیر است و او شاهد این دگرگونی‌هاست. و این وقایع و ماجراهای جهانی و داخلی در گسترش افق دید او از جهت نگرش تاریخی، اهمیت بسزایی دارد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: شیرین بیانی در طول چهل و سه سال فعالیت علمی خود بلافاصله از اتمام تحصیلات در سال ۱۳۴۲ با رتبه استاد یاری در دانشگاه تهران آغاز کرد. هیچ مسئولیتی بجز تدریس در گروه تاریخ دانشگاه تهران نداشته است. وی در سال ۱۳۴۶ به رتبه دانشیاری و در سال ۱۳۵۳ به درجه استاد تمام وقت نائل آمد. و در سال ۱۳۷۳ به رتبه‌ی پروفیسوری «رتبه‌ی همراه استادی» رسید. وی هم‌اینک با رتبه‌ی ۳۰ استادی به تدریس دوره‌های قرون وسطی و دوران باستانی ایران در گروه آموزشی تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است.

فعالیت‌های آموزشی: تدریس در دوره های کارشناسی، کارشناسی رشد و دکتری در گروه تاریخ دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط شیرین بیانی: کارشناسی • تاریخ ایران در دوره سلوکی و اشکانی • تاریخ ایران از مغولتا کارشناسی ارشد • بررسی و مطالعه انتقادی ادیان ایران با • تاریخ تحولات سیاسی و مناسبات فرهنگی تمدنی ایران و اسلام • تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی • نقد و بررسی ایران باستان • نقد و بررسی تاریخ مغول تیمور حک دکتري • بررسی و تحلیل اسنادارشیوی و کتاب • تاریخ اجتماعی ایران • تحول سیاسی اجتماعی بعد از اسلام • مناسبات ایران باستان • هنرها و صنایع ایران بعد از اسلام

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: شیرین بیانی در تاسیس کتابخانه ملی شهر ندوشن یزد فعالیت مستمری از خود نشان داده است. وی همچنین به مراکز درمانی نیز کمک می کند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: شیرین بیانی بر این باور است که هر زن ابتدا می بایست به خانه و خانواده بپردازد. چون وی معتقد است که بزرگترین مسئولیت یک زن تربیت فرزندان نیک برای تحویل دادن به جامعه، ترتیب امور همسر برای آمادگی وی در پیشبرد کارهایش است. خانم شیرین بیانی علاوه بر امورات زندگی به نگارش چندین کتاب، مقالات زیادی نگاشته است که در مجلات معتبر داخلی و خارجی چون مجلات: یغما، راهنمای کتاب، بررسی های تاریخی، هستی و ایرانیکا (چاپ دانمارک) به چاپ رسیده است. او گذشته از اینها، سخنرانی چیره دست نیز هست و در مجامع بین المللی علمی از قبیل: کنگره ی بین المللی خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، کنگره ی بین المللی بیهقی، مطالعات ایران شناسی و از این قبیل به سخنرانی هایی پرداخته که در مجموعه های وابسته به کنگره ها و مجلات معتبر به چاپ رسیده است. او در پیگیری پژوهش های علمی خود به کشورهای فرانسه، انگلیس، سوئیس، ایتالیا، یونان، بلغارستان، لهستان، اسپانیا، پرتغال، آلمان، ترکیه، مصر، کویت، هندوستان، چین، اردن، عراق، امارات متحده عربی و آمریکا سفر کرده و هر بار با ره آوردهای سودمندی به وطن بازگشته است.

همفکران فرد: مولانا جلال الدین رومی بلخی در روشنفکری زندگی شیرین بیانی تاثیر داشته است. همچنین پدر و مادر و در بسیاری موارد همسر وی، همفکران او بوده و هستند.

آرا و گرایشهای خاص: درباره گرایش شیرین بیانی می توان گفت که به عرفان گرایش دارد. بدین گونه او اعتقاد دارد که باید بسوی کمال گام برداشت. خودشناسی را ضروری می داند و دانش را چراغ فرا راه عشق را ملاط همه آموز زندگی می داند و انسان را بی عشق نمی تواند تصور کند. در توضیحی افزون تر، شیرین بیانی معتقد است که سنت های ایرانی را با تطبیق با وضع در روز می بایست ارج نهاد و بکار گرفت و مدرنیته را با گزینشی صحیح و مطابق با فرهنگ و تمدن ایرانی به آن پیوند داد. دقت در انتخاب هر دو کاری دقیق و سخت است که همواره خانواده اش به پیروی از آنان در این راه اقدام کرده اند و به نتیجه ای مطلوب رسیده اند.

جوایز و نشانها: شیرین بیانی به اخذ متجاوز از ده لوح تقدیر از مراکز علمی - فرهنگی و دانشگاهی نائل آمده است. مهمترین آنها لوح تقدیر از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران می باشد (سال ۱۳۸۲). و همچنین لوح های تقدیری بمناسبت انتخاب کتاب "دین و دولت در ایران عهد مغول" تألیف وی به عنوان کتاب نمونه سال جمهوری اسلامی ایران در سال (دوره پانزدهم کتاب سال) ۱۳۷۵، لوح تقدیر برای انتخاب کتاب او به عنوان کتاب سال دانشگاه تهران در رشته علوم انسانی در سال ۱۳۷۵ در یافت کرده است و همچنین در این راستا موفق به دریافت لوح تقدیر به همراه ۵۰ سکه بهار آزادی گردید که جایزه ی نقدی آن به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اهداء شد تا کمکی برای تأسیس کتابخانه ملی شهر ندوشن یزد باشد.

چگونگی عرضه آثار: شیرین بیانی حدود ۳۵ مقاله نگاشته است که یا به صورت کتاب و مجموعه به چاپ رسیده و یا زیر چاپ است. و قبل از آن در مجلات معتبر داخلی و تعداد اندکی در مجلات معتبر خارجی انتشار یافته است. مقالات ارائه شده در همایشها • بیانی شیرین"، بابا طاهر از اقطاب فرقه قلندریه، "کنگره بزرگداشت بابا طاهر، همدان، / ایران، ۲۰۰۲، فروردین، ۱۳۷۹ • بیانی شیرین

"پیوند ادبیات و تاریخ در ایران،" کنگره زبان فارسی، شیراز / ایران، ۰۲-، فروردین، ۱۳۷۹ • بیانی شیرین "، فرقه قلندریه در دوره ایلخانی،" کنگره بین المللی مغول شناسی، تهران / ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۶ • بیانی شیرین "، هویت ایرانی از خلال بوستان سعدی،" کنگره هویت ایرانی، لندن / انگلیس، ۰۱-، فروردین، ۱۳۷۶ • بیانی شیرین "، زن در تاریخ بیهقی،" کنگره بین المللی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی، مشهد / ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۴۹ • بیانی شیرین "، بررسی اوضاع اجتماعی ایران از خلال جامع التواریخ رشیدی،" کنگره بین المللی خواجه رشید الدین فضل الله همدانی، تهران / ایران، ۰۱-، فروردین، ۱۳۴۸ -----

آثار :

۱ ایران در برخورد با مغول

ویژگی اثر : از انتشارات کتابخانه ی طهوری در سال ۱۳۵۳ .

۲ پنجره ای بسوی تاریخ

ویژگی اثر : مجموعه شانزده مقاله - انتشارات اساطیر - در دست چاپ

۳ تاریخ آل جلایر

ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳- این کتاب به زبان فرانسه و رساله دکتری وی بوده است که در دانشگاه سوربن پاریس از آن دفاع شده است و بعد ها توسط خود وی به فارسی برگردانده شده است. این اثر بزبان قزاقی نیز ترجمه شده است

۴ تاریخ ایران باستان (دوره ی سلوکی و اشکانی)

ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.

۵ تاریخ ایران باستان از ورود آریایی ها تا سقوط هخامنشیان

ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.

۶ تاریخ ایلخانان

ویژگی اثر : از سری تألیفات زیر چاپ.

۷ ترجمه ی کتاب تاریخ سری مغولان

ویژگی اثر : تألیف : چائویی شه ، از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۰ - اولین منبع درباره تاریخ مغول و چنگیز خان است که ۱۳ سال پس از در گذشت این خان تدوین شده است . و اصل آن بزبان چینی بوده است.

۸ ترجمه ی کتاب تاریخ عیلام

ویژگی اثر : تألیف : پیر آمیه ، از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۹ .

۹ ترجمه ی کتاب چنگیزخان

ویژگی اثر : تألیف : ولادیمیر تسف ، از انتشارات اساطیر در سال ۱۳۶۳ .

۱۰ ترجمه ی کتاب نظام اجتماعی مغولان

ویژگی اثر : تألیف : ولادیمیر تسف - انتشارات بنگاه ترجم و نشر کتاب - تهران ۱۳۴۶

۱۱ ترجمه ی کتاب نظام اجتماعی مغولان ؛ فتودالیسم خانه به دوشی

ویژگی اثر : تألیف : ولادیمیر تسف ، از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۴۶ .

۱۲ ترجمه ی مهمانخانه ی آنژگارین

ویژگی اثر: تألیف: دسکور. کتاب داستان برای نوجوانان و جوانان در سال ۱۳۳۲- این اثر شیرین بیانی هنگامی که پانزده سال داشت ترجمه گردید و بکوشش پدرش خانابا به چاپ رسید. دکتر نائل خانلری مقدمه ای بر آن نگاشت.

۱۳ تیسفون و بغداد در گذر تاریخ

ویژگی اثر: تألیف، انتشارات جامی، ۱۳۷۷

۱۴ دین و دولت در ایران عهد مغول

ویژگی اثر: مجموعه ای مشتمل بر سه جلد از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۶۷، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۵ - برنده جایزه بهترین کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره پانزدهم کتاب سال در رشته علوم انسانی و اخذ لوح تقدیر بسال ۱۳۷۵ و برنده جایزه بهترین کتاب سال دانشگاه تهران در رشته علوم انسانی در سال ۱۳۷۵. آشنایی با کتاب: «دین و دولت در ایران عهد مغول»: دین و دولت در ایران عهد مغول؛ شیرین بیانی؛ تهران: مرکز دانشگاهی، ۳ ج، جلد سوم، ۱۳۷۵. دوران فرمانروایی ایلخانان مغول در ایران را می توان یکی از شگفت انگیزترین و پُرترک ترین ادوار این کشور به شمار آورد. در این عهد است که درخت فتوحات چنگیزی به بار می نشیند و برای بازماندگانش ثمری شیرین می دهد، ولی این لقمه؟ گلوگیر به سختی قابل بلعیدن بود. در طول زندگی حکومت ایلخانی، پیوسته دو تلاش متقابل و در ضمن خستگی ناپذیر از جانب حکومت و مردم مشاهده می شود. از یک سو، تلاش حکومت برای تحکیم هرچه بیشتر مبانی قدرت و قبولاندن آن به اتباع ایرانی و از سوی دیگر تلاش مردم در جهت کمر راست کردن و تجدید حیات خویش. به بیان نویسنده؟ کتاب، پیوستگی دین و دولت در دورانهای گوناگون تاریخ ایران به چشم می خورد. این پیوستگی که ریشه در قبل از اسلام دارد، با ورود اسلام و به ویژه در دور؟ صفوی به اوج رسیده، در نتیجه دین آمیخته شده با فرهنگ ملی، مجموع معتقدات ایران را در برمی گرفت. از این رو، مغولان در هجوم به ایران و فتح آن با معتقدات مردم روبه رو بوده اند که می بایست یا آن را ریشه کن کنند یا با آن کنار آیند و این نبردی بود که تا زمان اسلام آوردن حکومت مغولی مستقر در ایران، همچنان ادامه داشت. این موضوع خاص و مهم، محتوای کتاب نویسنده را تشکیل می دهد که ۳ جلد را شامل می شود. در جلد اول رویارویی دو طرز تفکر و دو فرهنگ ناهمگون و نابرابر (غالب و مغلوب) روشن می شود. ادام؟ این نبرد و نفوذ و حضور ایرانیان در امور دیوانی و ادار؟ کشور مطالب جلد دوم را در برمی گیرد. در جلد سوم نیز مسائل سیاست خارجی حکومت ایلخانی در مرزهای شرقی و مرزهای غربی ایران در روزگاران مطرح شده که جهان اسلام از سویی در رویارویی با عنصر بیگان؟ مغول و از سوی دیگر در تکاپوی رهایی از تتم؟ جنگهای صلیبی با جهان غرب است.

۱۵ زن در ایران عصر مغول

ویژگی اثر: از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲.

۱۶ شامگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان

ویژگی اثر: از انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵.

۱۷ کرمساز دوصد کیش

ویژگی اثر: درباره مولانا جلال الدین - انتشارات جامی - تهران ۱۳۸۲

۱۸ مجموعه مقالات

ویژگی اثر: از سری تألیفات زیر چاپ.

۱۹ مغولان و حکومت ایلخانی در ایران

ویژگی اثر: انتشارات سمت - تهران ۱۳۷۹

۲۰ هشت مقاله در زمینه ی تاریخ

ویژگی اثر: از انتشارات توس در سال ۱۳۵۲.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بیرام شیرازی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۰ - ۱۲۶۶ ش)، مورخ، نویسنده و باستانشناس. وی در شیراز به دنیا آمد. پدرانش همگی اهل دانش بودند. پس از تحصیل مقدمات در خدمت شیخ علی ناجی، سید علی یزدی، سید محمد مدرس یزدی و حاج سید ابوطالب مجتهد شیرازی علوم متداول عربی و فارسی را آموخت. وی بسیاری از علوم عصر خود را به وسیله مطالعه کتابهای تاریخ-جغرافی و باستانشناسی فراگرفت و به تحقیق در زمینه تاریخ ایران پرداخت. شغل او همواره زراعت بود و کشاورزی را بر تمامی مشاغل حتی استادی دانشگاه ترجیح می‌داد. از آثار وی: «تاریخ مفصل و جامع ایران از بدو پیدایش تا انقراض سلسله قاجاریه» از این کتاب حدود یکصد صفحه در دست است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۶-۵۱۵/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۳/۲).

بیرجندی، حسین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، نقاش فلزات. از هنرمندان اهل بیرجند و مقیم عثمانی بود که در نقش و تصویر بر روی فلزات دست‌پرهنر داشت. از بهترین آثار وی، کوزه برنزی زیبایی است که در کمال نفاست و استادی انجام یافته و به انواع گلهای تزیینی آرایش شده است، با رقم: «کاتبه و ناقشه و فارغه حسین بن شهاب البیرجندی فی ربیع‌الاول سنه احدی و سبعین و ثمانمائه ۸۷۱».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۵۷/۱).

بیرونی، ابوریحان محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۴۰ - ۳۶۲ ق)، دانشمند، منجم، ریاضیدان، حکیم، فیلسوف، مورخ، لغوی. در خانواده‌ای ایرانی در بیرون خوارزم متولد شد. شهرک زادگاهش در بیرون شهر کاث قرار داشت که یکی از دو شهر مهم این ناحیه بود و شهرت بیرونی وی از همین جا است. او مدتی را در خوارزم به تحصیل معارف و علوم گذراند و نزد استادانی مثل ریاضیدان بزرگ آن عصر، ابومنصور عراق، به فراگرفتن

علوم ریاضی پرداخت. ابوریحان با ابوعلی سینا، در موضوعات مختلف مکاتبه داشت. بیرونی بعد از مدتی در اثر یک اتفاق مهم به گرگانج شمال خوارزم رفت و بعد سفری به گرگان کرد و در آنجا به خدمت شمس‌المعالی قابوس بن ابی‌طاهر وشمگیر رسید. در ری با ابومحمود خجندی و کوشیار کیکی ملاقات کرد و بعد به طبرستان نزد ابوالعباس مرزبان بن شروین رفت و یکی از شاهکارهای ریاضی خود را به نام او نوشت. بیرونی در سال ۳۸۷ ق در خوارزم بود و با ابوالوفای بوزجانی که در بغداد بود، مکاتبه کرد و قرار رصدی را گذاشت. ابوریحان در زمان حکومت سلطان محمود به دربار راه پیدا کرد و در سفرهای جنگی محمود به هندوستان و مسافرت‌های ممتد او به آن دیار همراه وی بود. او در ضمن همین سفرها بود که با دانشمندان آن سامان آشنا شد و علاوه بر فراگیری زبان سانسکریت، با علوم و عقاید هندوان نیز آشنا شد. بیرونی با زبانهای سریانی، سانسکریت، فارسی، عبری، عربی آشنا بود. وی در هند فلسفه‌ی یونان را تدریس می‌کرد. اگر چه بیرونی در اکثر رشته‌های علوم زمان خود به پژوهش پرداخت، اما اصولاً به ریاضیات دلبستگی داشت و بیشتر وقت خود را صرف تحقیقات ریاضی کرد. وی بیش از ۱۱۳ کتاب در علوم مختلف پزشکی، هیأت، تاریخ جغرافیا نوشت. از جمله آثار وی: «التفهیم لاوائل صناعه التنجیم»، در ریاضی؛ «تحقیق مالله‌ند»، که پر حجم‌ترین اثر وی است؛ «استخراج الاوتار»؛ «جمع الطرق السائره فی معرفه اوتار الدائره»؛ «مقالید علم الهیئه»؛ «قانون مسعودی»؛ «آثار الباقیه عن قرون الخالیه»؛ «الجواهر فی معرفه الجواهر»؛ «رساله الاستیعاب لوجوه الممكنه فی صنعۀ لاسطرلاب»، «الاضلال او افراد المقال» و «فهرستی از تألیفات محمد زکریای رازی».[۱]

(قد. ابوریحان محمد بن احمد، ریاضی‌دان و فیلسوف ایرانی و بیرون) (خوارزم) ۳۶۲ ه.ق. / ۹۷۳ م. - ف. غزنین ۴۴۰ ه.ق. / ۱۰۴۸ م.). وی اوایل عمر را در خوارزم معروف به خوارزم شاهیان گذرانید و سپس چند سال در گرگان، در دربار قابوس بن وشمگیر به سر برد و کتاب «الآثار الباقیه» (م.ه.) را به نام آن پادشاه تألیف کرد. پس از چندی به خوارزم بازگشت و در دربار ابوالعباس مأمون به مأمون مدتی بزیست. محمود غزنوی در مراجعت به غزنین ابوریحان را با چند تن از فاضلان دربار خوارزمشاه به غزنین برد (۴۰۸ ه.ق.). پس از آن چند بار به خوارزم سفر کرد و در غالب غزوات محمود به هندوستان در ملازمت او بود و با دانشمندان و حکیمان هند مخالطت کرد و زبان سانسکریت را بیاموخت و دایره معلومات خود را وسعت داد و مواد لازم را برای تألیف کتاب «تحقیق ما للهند» (م.ه.) فراهم آورد. از آثار مهم او جز آنچه گذشت کتاب «التفهیم» (م.ه.) است که آن را به عربی و فارسی (جدداً گانه) تألیف کرده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۰۶- ۲۰۵ / ۶)، اعیان الشیعه (۶۵/۹)، تاریخ در ایران (۲۱- ۲۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۲- ۳۳۷ / ۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۲۷۱- ۲۵۴)، تاریخ گزیده (۶۹۰- ۶۸۹)، تاریخ موسیقی (۱۵۴/۱)، الذریعه (۵/۲۲، ۲۷/۱۷، ۱۳۲/۵، ۷- ۶ / ۱)، روضات الجنات (۳۳۶- ۳۳۴ / ۷)، ریحانه (۱۱۹- ۱۱۴ / ۷)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۱۹۷- ۱۷۶)، زندگینامه‌ی علمی دانشمندان (۳۲۷- ۳۵ / ۱)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۸- ۲۱)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۰۳- ۳۸۰)، کشف الظنون (۱۷۸۴، ۱۶۲۲، ۱۵۹۴، ۱۴۳۷، ۱۴۳۴، ۱۳۸۵، ۱۳۱۴، ۱۱۲۶، ۱۰۶۵، ۹۰۷، ۷۷۱، ۵۹۴، ۴۸۸، ۴۶۳، ۴۲۴، ۴۰۳، ۳۴۵، ۸۱، ۷۹، ۷۰، ۹)، الکنی و الالقاب (۸۰- ۷۸ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابوریحان)، معجم الادباء (۱۸۰/۱۷)، معجم المؤلفین (۲۴۲- ۲۴۱ / ۸)، نامه‌ی دانشوران (۸۲- ۶۱ / ۱)، هدیه‌ی العارفین (۶۶- ۶۵ / ۲).

بیضاوی فارسی، ابوالخیر، ابوسعید عبدالله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۹۶-۶۸۰ ق)، عالم، ادیب، محدث، مفسر و مورخ اشعری شافعی. معروف به قاضی بیضاوی. اهل بیضای فارس بود. پدرش در زمان سلطنت اتابک ابوبکر بن سعد زنگی قاضی القضاة فارس بود و بعد از او این منصب به پسرش رسید. وی بعد از مدتها اقامت در شیراز، اواخر عمر را در تبریز سپری کرد. قاضی معاصر با علامه حلی امامی و خواجه نصیرالدین طوسی و صلاح‌الدین صفدی بود. او در گورستان چرنداب تبریز مدفون است. بیضاوی در عربی و فارسی تألیفاتی دارد. از جمله: کتاب تفسیر که به «تفسیر بیضاوی» یا «انوار التنزیل و اسرار التأویل» شهرت دارد و شیخ بهایی بر آن شرح نوشته است. «الایضاح»، در اصول دین؛ «تهذیب الاخلاق» در تصوف؛ «شرح التنبیه»، در فقه؛ «شرح الکافی»، در نحو؛ «شرح المصابیح»، در فقه؛ «شرح مطالع»، در منطق؛ «منهاج الوصول الی علم الاصول»، در اصول فقه؛ «طوالع الانوار» و «مطالع الانظار»، در توحید و کلام؛ «غایة القصوی فی درایة الفتوی»، در فقه شافعی؛ «شرح منتخب الاصول»، در لغت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۴۸/۴)، بزرگان نامی پارس (۲۸۱-۲۷۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۹، ۲۲۸، ۲۲۳-۲۲۲، ۲۱۸، ۳/)، تاریخ گزیده (۷۰۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۰-۱۳۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۸-۵۱۷، ۱/)، دایرةالمعارف فارسی (۴۹۰/۱)، الذریعه (۱۹۲/۲۴، ۱۷۹-۱۷۸، ۲۳/)، روضات الجنات (۱۳۰-۱۲۷، ۵/)، ریحانه (۳۰۶/۱)، شیرازنامه (۱۸۲)، طرائق الحقائق (۶۶۶-۶۶۲، ۲/)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸/۱)، کشف الظنون (۱۹۵۹، ۱۸۸-۱۸۶)، الکنی و الالقاب (۱۱۳/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ بیضاوی)، معجم المؤلفین (۴۰۰/۱۳، ۹۸، ۹۷-۹۶/)، نامه‌ی دانشوران (۱۵۱-۱۳۷، ۸/)، هدیه‌ی الاحباب (۱۱۱-۱۱۰)، هدیه‌ی العارفین (۴۶۳-۴۶۲، ۱/)، یادداشتهای قزوینی (۱۵-۱۳، ۲/).

بیگدلی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علی بیگدلی در سال ۱۳۲۲ در شهر قم بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای تاریخ (با موضوع سلجوقیان و جنگهای صلیبی) از دانشگاه تولوز در جنوب فرانسه است. وی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید بهشتی می باشد. دکتر بیگدلی در سال ۱۳۸۵ پس از ۴۴ سال و شش ماه خدمت در عرصه علم بازنشسته شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: تاریخ اروپا

والدین و انساب: پدر و مادر علی بیگدلی فوت شده اند و دارای دو برادر و یک خواهر است.

خاطرات کودکی: علی بیگدلی علاوه بر تحصیل به ورزش دو و پرش علاقه زیادی داشت، بطوری که در این رشته به فعالیت پرداخته و به مقام قهرمانی استان تهران دست یافت. ایشان در موسیقی نیز در زمینه های آواز، تنبک و تار به طور مختصر تحت آموزش بوده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: علی بیگدلی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر محل زادگاهش، قم به تحصیل پرداخت و دیپلمش را اخذ کرد. پس از آن (تجربه کارمندی در سفیدرود) در سال ۱۳۴۶ در رشته حقوق دانشگاه ملی با رتبه ۱۳ پذیرفته شد

ولی بدلیل اشتغال داشتن در آموزش و پرورش نمی توانست روزها به تحصیل بپردازد. بالاخره در سال ۱۳۴۷ بصورت شبانه روزی در مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی در رشته ادبیات فرانسه به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۵۰ پس از اخذ کارشناسی رشته مذکور عازم فرانسه شد و جامعه شناسی را ادامه داد ولی به علت علاقه به رشته تاریخ در دانشگاه تولوز در جنوب فرانسه به تحصیل رشته تاریخ پرداخت و دوره دکتری را نیز روی سلجوقیان و جنگهای صلیبی کار کرد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: علی بیگدلی در کنار تحصیل به مدت ۱۲ سال به شغل روزنامه نگاری در روزنامه های اطلاعات، آیندگان و مجله سیاه و سفید اشتغال داشت. بهترین خاطره از دوران خبرنگاری آشنایی با مقامات اجرایی کشور بود. پس از انقلاب اسلامی بیش از ۱۰۰ برنامه مصاحبه رادیویی، تلویزیونی و بیش از ۱۲۰ مصاحبه مطبوعاتی در لیست کارنامه کاری خود دارد. استادان و مربیان: استاد فروزانفر، دکتر ذبیح الله صفا، دکتر موسی بروخیم و غیره از استادان دکتر بیگدلی بودند بطوری که وی از آنها به عنوان اساتید برجسته و تاثیر گذار در زندگی خود یاد می کند.

هم دوره ای ها و همکاران: همکلاسی های علی بیگدلی به ترتیب از میان ۱۶ نفر، ۶ نفر یهودی، ۴ نفر مسیحی و ۶ نفر مسلمان بود حتی در طول چهار سال تحصیلی برای یک بار هم صحبتی از تفاوت‌های دینی به میان نیامد.

همسر و فرزندان: علی بیگدلی در سال ۱۳۵۱ با همسر خود که هم اکنون بازنشسته آموزش و پرورش است ازدواج کرد. ماحصل این ازدواج دو فرزند پسر به نامهای سینا (دارای مدرک کارشناسی ارشد عمران) و عطا (دارای مدرک کارشناسی عمران) می باشد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: علی بیگدلی پس از اخذ دیپلم خود در سال ۱۳۴۴ در اداره آب و برق سفیدرود مشغول به کار شد. وی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد در وزارت راه و ترابری به فعالیت پرداخت و در سن ۳۲ سالگی مدیر کل آموزش گردید. سپس عضو هیئت مدیره یکی از شرکت های تابعه این وزارتخانه شد. از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ معاونت اداری مالی هواپیمایی کشور و سازمان هواشناسی را بر عهده گرفت. ایشان همچنین برای مدت کوتاهی مسئولیت معاونت وزیر راه و ترابری را در سازمان هواپیمایی کشور را بر عهده داشتند.

فعالیت‌های آموزشی: علی بیگدلی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۱ در بیش از ده دانشگاه و مدرسه عالی به تدریس پرداخت. تخصص ایشان در زمینه تاریخ اروپاست و بیشترین آموزش ایشان در زمینه علوم سیاسی در حوزه تاریخ اندیشه سیاسی و تاریخ روابط بین الملل بوده است و تا مقطع دکترای این رشته به تدریس پرداخته اند و کتب درسی این حوزه را نیز خود نگاشته اند. چگونگی عرضه آثار: علی بیگدلی دارای ۱۰ کتاب تالیفی و ترجمه است. وی همچنین بیش از ۵۰ مقاله تخصصی منتشر شده در مجلات معتبر علمی دارد.

آثار:

۱ تاریخ اروپا در قرون جدید

ویژگی اثر: تالیف- انتشارات دانشگاه پیام نور

۲ تاریخ اروپا در قرون وسطی

ویژگی اثر: تالیف- انتشارات دانشگاه پیام نور

۳ تاریخ اندیشه سیاسی در غرب

ویژگی اثر: تالیف- دو جلد

۴ تاریخ روابط بین الملل

ویژگی اثر: ترجمه

۵ تاریخ سیاسی - اقتصادی عراق

ویژگی اثر : تالیف

۶ تاریخ فرهنگ و تمدن اروپا در دوران جدید

ویژگی اثر : تالیف

۷ تاریخ یونان و روم

ویژگی اثر : تالیف - انتشارات دانشگاه پیام نور

۸ ترورهای سیاسی در تاریخ معاصر ایران

ویژگی اثر : تالیف - دو جلد

۹ شیخ نشین های خلیج فارس و مسئله نفت

ویژگی اثر : ترجمه

۱۰ کروئولوژی مسیحیت و قرون وسطی

ویژگی اثر : تالیف منابع زندگینامه :

ا پرسشنامه تکمیل شده توسط دکتر علی بیگدلی بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی - بهار ۱۳۸۶

بیگدلی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامحسین بیگدلی در سال ۱۲۹۷، در خمسه زنجان دیده به جهان گشود. پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور ۱۳۲۰ ش. به درجه افسری نایل گردید. بیگدلی در سال ۱۳۲۴ ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد. وی پس از اخذ دکترای ادبیات، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و بیشتر اوقات خود را صرف پژوهش و نگارش مطالب تاریخی و ادبی کرد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است. غلامحسین بیگدلی سرانجام در مرداد ماه سال ۱۳۷۷ در سن ۸۸ سالگی، در شهرستان کرج چشم از جهان فرو بست و به دیار باقی شتافت.

گروه : علوم انسانی

رشته : زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب : پدر غلامحسین بیگدلی آقا فتح الله خان بیگدلی اهل خمسه زنجان بود و به کار کشاورزی اشتغال داشت. تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین بیگدلی پس از طی دوران کودکی وارد مدارس جدید شد. آنگاه به تهران عزیمت کرد و در دبیرستان نظام و دانشکده افسری ادامه تحصیل داد و در شهریور ۱۳۲۰ ش. به درجه افسری نایل گردید. بیگدلی در سال ۱۳۲۴ ش. در اثر فعالیت سیاسی برضد رژیم به اتحاد جماهیر شوروی سابق رفت و در مسکو تحصیلات عالی خود را در رشته ادبیات آغاز کرد و با اخذ گواهینامه دکترای ادبیات به پایان رسانید.

خاطرات و وقایع تحصیل: غلامحسین بیگدلی از دوران تحصیل خود و اتفاقی که در زمان حضور رضا شاه در مدرسه افتاد چنین یاد می‌کند: «من با لباس رسمی (یونیفورم) مدرسه بودم. رضا شاه از عمویم پرسید: این پسر بچه کیست و این چه لباسی است که پوشیده است؟ عمویم توضیح داد. رضاشاه گفت: محمدرضا هم به همین مدرسه می‌رود ولی لباس مدرسه او این زرق و برق‌ها را ندارد. عمویم گفت: این برادرزاده من شاگرد اول کلاس است و بنابراین یونیفورم او چیزهایی علاوه دارد.»

وقایع میان‌سال: غلامحسین بیگدلی در سال ۱۳۲۴ ش. در اثر فعالیت‌های سیاسی و پیوستن به احزاب مخالف حاکمیت بازداشت شد و پس از شش ماه حبس در کرمان رهایی یافت و به اتحاد جماهیر شوروی سابق مسافرت کرد، ولی به علت سوءظن مسوولان وقت مدت هفت سال در تبعیدگاه سیبری به سر برد، آنگاه به مسکو رفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ از وی دعوت به همکاری شد و به تهران مهاجرت کرد.

زمان و علت فوت: غلامحسین بیگدلی در مرداد ماه سال ۱۳۷۷ در سن ۸۸ سالگی،

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: غلامحسین بیگدلی پس از اخذ دکترای ادبیات، در انستیتوی زبان و ادبیات (نظامی) باکو (آذربایجان شوروی سابق) به پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات فارسی و ترکی پرداخت.

جوایز و نشانها: غلامرضا اسلامی بیدگلی برگزیده بیست و ششمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

آثار:

۱ ادب خزینه

ویژگی اثر: این اثر به زبان ترکی می‌باشد.

۲ تاریخ بیگدلی - شاملو

ویژگی اثر: این اثر دکتر بیگدلی بنابر نوشته خود وی در ده جلد قرار دارد، و تنها دو جلد از آن در بیش از ۱۲۰۰ صفحه به چاپ رسیده است و سایر مجلدات دیگر هنوز مخطوط است. الف) جلد اول، شامل منشاء ایل و تبار بیگدلی و معرفی سایر انشعابات بیگدلی. ب) جلد دوم، ایل بیگدلی در دوران صفویه. ج) جلد سوم، دوران افشاریه و ایل بیگدلی. د) جلد چهارم، دوران زندو ایل بیگدلی. ه) جلد پنجم، دوران قاجار و ایل بیگدلی. و) جلد ششم، دوران پهلوی و خاندان بیگدلی. ز) جلد هفتم، دودمان بیگدلی - شاملو در دوران معاصر. ح) جلد هشتم، تاریخ شعرای بیگدلی (معرفی بیش از ۸۰ شاعر). ط) جلد نهم، مدارک و اسناد مختلف از خاندان بیگدلی. ی) جلد دهم، معرفی آثار عمرانی و خیریه که توسط بیگدلی‌ها بنا شده است.

۳ تصحیح دیوان آذر بیگدلی

ویژگی اثر: تصحیح این دیوان با همکاری دکتر حسن سادات ناصری

۴ تصحیح شهریار نامه عثمان مختاری غزنوی

۵ جمشید و خورشید

ویژگی اثر: به اهتمام و ویرایش دکتر بیگدلی.

۶ چهره اسکندر در شاهنامه فردوسی و اسکندر نامه نظامی

ویژگی اثر: این اثر در سال ۱۳۶۹ در تهران به چاپ رسید، که علاوه بر موضوع اصلی (چهره اسکندر) متعرض بسیاری از نگرش و ویژگی‌های علمی و هنری فردوسی و نظامی شده است.

۷ دیدار با شهریار (استاد سیدمحمدحسین شهریار تبریزی)

۸ دیوان حاج محمدصادق خان بیگدلی شاملو
ویژگی اثر: گردآوری دکتر غلامحسین بیگدلی.

۹ کهله یه سلام (به زبان ترکی)

۱۰ گذر عمر

ویژگی اثر: مجموعه اشعار

۱۱ لغتنامه فارسی - ترکی صحاح العجم (نسخه غازان)

ویژگی اثر: به اهتمام دکتر غلامحسین بیگدلی.

منابع:

اینه پژوهش، سال نهم، شماره ۵۴، ص ۶۸۱۲ ماهنامه کلک، شماره ۹۷، شهریور ۱۳۷۷، ص ۱۲۱

بیهقی، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۵۶۵ - ۴۹۰ ق)، مورخ، ادیب، محدث، فقیه، متکلم، ریاضیدان و حکیم. مشهور به ابن فندق و فرید خراسان. در سبزواری به دنیا آمد، اما آنچنان که خود بیان می‌کند اصلش به خزیمه بن ثابت که از مشاهیر اصحاب پیامبر (ص) بوده، می‌رسد. ابوالحسن ابتدا فقه و ادب آموخت و سپس به فراگیری علوم حکمت و حساب و نجوم پرداخت. بسیاری از استادان بزرگ عهد خود را در بیهقی و نیشابور و مرو و سرخس و دیگر بلاد خراسان دیده و از محضر آنان استفاده کرده است، از آن جمله حکیم عمر بن ابراهیم خیام که وی شرحی از ملاقات خود را با وی در کتاب «تتمه صوان الحکمه» آورده است. او از مشایخ ابن شهر آشوب بود. وی کتب بسیاری تألیف کرده و نخستین کسی است که کتاب «نهج البلاغه» را شرح کرده است. یاقوت در «معجم الادباء» در ترجمه‌ی حال او از هفتاد و چهار تألیف وی با اسم و رسم نام می‌برد ولی متأسفانه از آثار فارسی او جز «تاریخ بیهقی» و کتابی مختصر در احکام نجومی موسوم به «جوامع الاحکام» و از آثار عربی او: شرحی بر «نهج البلاغه» موسوم به «معارج النهج»؛ جلد اول از «لباب الانساب» و «تتمه صوان الحکمه»، در تاریخ حکما که ذیلی است بر «صوان الحکمه» سجستانی. مهمترین کتاب فارسی بیهقی «تاریخ بیهقی» است؛ این کتاب در تاریخ و جغرافیای ناحیه‌ی بیهقی و ذکر رجال علم و ادب، کتاب، سادات و خاندانهای مشهور آن ولایت است و مشحون به فواید تاریخی است. [۱]

ابوالحسن علی ابن زید مشهور به ابن فندق و فرید خراسان (ف. ۵۶۵ ه. ق.)، حکیم و ادیب و ریاضی‌دان معروف قرن ششم از جمله آثار اوست: تاریخ بیهقی (ه. م.)، لباب الانساب، تفسیر نهج البلاغه، جوامع احکام النجوم (ه. م.)، معرفة الکرة و ذات الحلق و الاضطراب، قواعد علوم الطب، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجات، تنبیه العلماء علی تمویه المتشبهین بالحکماء، عرائس النفايس فی اصناف العلوم، امثلة الاعمال النجومية.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۰/۱/۵)، ایضاح المکنون (۷۱۴، ۵۶۳، ۵۵۲، ۵۰۳، ۴۸۶، ۴۶۹، ۴۵۰، ۴۳۰، ۳۹۸، ۳۰۳، ۲۳۴، ۲۲۲، ۱۸۴، ۱۴۴، ۱۱۵، ۹۸، ۸۳، ۶۰، ۲/ ۵۹۹، ۵۶۶، ۵۴۸، ۴۶۶، ۴۶۲، ۴۰۶، ۳۷۳، ۳۶۳، ۳۲۶، ۳۰۰، ۲۵۰، ۲۳۲، ۱۹۲، ۱۸۰، ۱۵۴، ۱۳۰، ۱۲۵،

۱۲۳، ۱۰۷، ۹۷، ۹۲، ۸۳، ۷۴، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۵۳، ۳۶، ۳، ۱/، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۶-۹۹۳-۳۱۲-۳۱۱/۲)، تاریخ بیهق (مقدمه)، تاریخ در ایران (۱۷-۱۶)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمة (مقدمه و ۷۲-۷۱)، دائرةالمعارف الاسلامیة (۴۳۱/۴)، الذریعه (۱۸۴/۲۱-۱۱۴، ۱۱۳/۷، ۱۴۹/۴)، ریاض العلماء (۳۸/۷)، ریحانه (۳۳۵-۳۳۴/۴)، سبک‌شناسی (۳۶۶-۳۶۴/۲)، سرآمدان فرهنگ (۶۲-۶۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۰-۱۸۹/۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۹-۱۱۸)، کشف الظنون (۲۰۵۰، ۲۰۱۱، ۲۰۰۷، ۱۸۹۵، ۱۶۸۶، ۱۵۱۴، ۱۴۳۸، ۱۳۶۱، ۱۲۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۰، ۸۲۱، ۷۴۷، ۶۳۴، ۶۰۹، ۲۸۹)، لغت‌نامه (ذیل / علی بیهقی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۸-۴/۲۵۷)، معجم الادباء (۲۴۰-۲۱۹/۱۳)، معجم المؤلفین (۹۷-۹۶/۷)، هدیه العارفین (۷۰۰-۶۹۹).

بیهقی، ابوالفضل محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۷۰-۳۸۵ ق)، نویسنده و مورخ. وی در قریه حارث آباد بیهق ولادت یافت، بعد از کسب فضایل در نیشابور، به دیوان رسایل محمودی راه جست و در خدمت خواجه بونصر مشکان به کار پرداخت. همچنان در خدمت سلاطین غزنوی بود تا در زمان غزالدوله عبدالرشید که در سال ۴۴۰ ق سلطنت یافت چندی صاحب دیوان انشاء گردید، اما به تهمت حاسدان معزول شد و در سال ۴۴۳ ق که طغرل بر عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بیهقی با جمعی دیگر از درباریان زندانی شد و یک سال در زندان بود. ابوالفضل در اواخر سلطنت فرخزاد از کارهای دیوانی کناره گرفت تا اینکه در سال ۴۷۰ ق وفات یافت. مهمترین اثر بیهقی «تاریخ» مشهور اوست که از امهات کتب تاریخ و ادب فارسی است در شرح سلطنت آل سبکتکین در سی مجلد که در آن از تشکیل دولت غزنوی تا اوایل سلطان ابراهیم بن مسعود سخن رفته است، اما اکنون فقط قسمتی از آن که مربوط به سلطنت مسعود بن محمود غزنوی و تاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون و افتادن آن به دست سلطان محمود و حکومت آلتون تاش حاجب، در آن سامان تا غلبه‌ی سلاجقه، موجود است. درباره‌ی سبک و شیوه‌ی نگارش این کتاب و مؤلف آن سخن بسیار گفته و نوشته‌اند و از میان همه نوشته‌ها به قول استاد فیاض که بیهقی‌شناس یگانه روزگار ما بود بسنده می‌کنیم که فرمود بیهقی گزارشگر حقیقت بود. علاوه بر این کتاب ابن‌فندق کتابی دیگر به نام «زینة الکتاب» در آداب کتابت بدو نسبت داده است. [۱]

ابوالفضل محمد ابن حسین، دبیر فاضل دربار محمود و مسعود غزنوی (و. حارث آباد بیهق ۳۵۸- ف. ۴۷۰ ه. ق.). وی پس از کسب معلومات در نیشابور، به دیوان رسایل محمود غزنوی راه جست، و در خدمت ابونصر مشکان رئیس دیوان رسایل به کار پرداخت، و همچنان در خدمت سلاطین غزنوی به سر می‌برد تا در زمان غزالدوله عبدالرشید (جلوس ۴۴۰) چندی صاحب دیوان انشا گردید، لیکن به تهمت حاسدان معزول و محبوس شد. در سال ۴۴ که طغرل کافر نعمت بر عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بسیاری از خادمان در گاه را در قلاع محبوس ساخت. از آن جمله بیهقی را از حبس سلطان- و به قولی از حبس قاضی غزنین- بیرون آورد و به زندان قلعه فرستاد. بیهقی پس از رهایی از زندان گویا بقیه عمر را در انزوا به سر برد تا بدرود زندگی گفت. اثر معروف او «تاریخ بیهقی.» (ه.م.) است، دیگر «زینة الکتاب» در آداب کتابت که اکنون در دست نیست در مجموعه‌ای خطی متعلق به کتابخانه ملک (تهران) چند ورق مشتمل بر شرح بغض لغات است که به بیهقی نسبت داده شده.

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه [۱] الاعلام (۳۳۲-۳۳۱/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۹۲-۸۹۰/۲)، تاریخ بیهق (۱۷۸-۱۷۵)، تاریخ بیهقی چاپ دکتر فیاض، (مقدمه)، تاریخ در ایران (۳۱-۲۹)، تاریخ غزنویان (۹-۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۵-۶۴)، دایرةالمعارف فارسی

(۴۹۷/۱)، سبک‌شناسی (۹۱-۶۶/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۴-۱۶۳/۵)، گنج و گنجینه (۹۲-۸۴)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوالفضل)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۷-۴۱۶/۵)، معجم المؤلفین (۲۳۷/۹)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۴۷۰)، نام‌آوران فرهنگ (۱۵۱-۱۵۰)، الوافی بالوفیات (۲۰/۳)، یادنامه‌ی بیهقی چاپ دانشگاه فردوسی.

بیهقی، ابوالقاسم اسماعیل

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم و پنجم ق)، لغوی، نحوی، فقیه و قاری. معروف به شمس بیهقی. ملقب به شمس الاثمه. او جامع علوم و فنون بود و در مرو مسکن داشت. از آثارش: «نقض الاصطلاح»؛ «سمط الثریا»، در معانی غرائب حدیث؛ کتابی در «لغت». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۶۷۵/۲)، معجم الادباء (۱۴۱-۱۴۰/۶)، معجم المؤلفین (۲۶۴/۲).

پارسا، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، گیاه‌شناس. از اهالی تفرش بود. تحصیلات متوسطه و عالی خود را در دارالمعلمین مرکزی و دارالمعلمین عالی تهران به پایان رساند و موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی علوم طبیعی شد. سپس به اروپا رفت و در رشته‌ی علوم طبیعی از دانشگاه پواتیه با قید درجه‌ی بسیار عالی، دکترا گرفت. پارسا، پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۱۴ ش، ابتدا به سمت دانشیاری علوم طبیعی در دانشسرای عالی استخدام شد و سپس به استادی دانشگاه رسید. از آثارش: «اندام‌شناسی گیاهان»؛ «تیره‌شناسی»؛ «دارونامه»؛ «گیاهان شمال ایران»؛ «فلور ایران»؛ «نباتات ایران».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۵۵/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۳-۳۷۲/۱).

پارسا، حبیب‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حبیب‌الله پارسا، از هنرمندان خوب و علاقمند به موسیقی است که به سال ۱۳۳۲ در شهرستان بروجرد متولد شد، تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در زادگاه خود ادامه داد و به موسیقی از سن یازده سالگی دل بست. او در این سن فلوت کوچکی برای خود خریداری کرد و روزها آهنگ‌های مختلفی را که از رادیو می‌شنید نزد خود تمرین می‌کرد و آن قدر این آهنگ‌ها را می‌نواخت تا می‌توانست شبیه آنها را بنوازد، او ساز فلوت را بر اثر تمرینات مداوم به طور سینه به سینه با عشق و علاقه خیلی خوب فراگرفت و

نواخت ولی نواختن او روی اصول علمی موسیقی و حساب شده نبود، تا این که روزی صدای ساز سنتور شادروان رضا ورزنده که از رادیو به گوش وی رسید او را دگرگون کرد و از آن پس دیگر نواختن فلوت را دنبال نکرد و تصمیم گرفت که به یادگیری و نواختن سنتور پردازد، لذا یک ساز سنتور به بهای یکهزار ریال برای خود خریداری کرد و ابتدا نزد خود مشغول تمرین گردید و پس از چندی نزد هنرمندی به نام مسعود فروزان این ساز را به طور سنتی و سینه به سینه از راه گوش مشغول یادگیری و نواختن شد که مدت ۱۰ سال طول کشید سپس نزد هنرمندی دیگری به نام امینی که از شاگردان استاد فرامرز پایور بود رفت و مدت دو سال موسیقی را به طور علمی و عملی و نت نزد وی کار کرد و پس از آن نزد هنرمندی خوب و سرشناس دیگری به نام رحیم رفیعی منش رفت و ردیف‌ها و گوشه‌های موسیقی ایرانی را از این هنرمند فراگرفت.

حبیب‌الله پارسا، از کودکی و نوجوانی علاقمند به کارهای مثبت کاری و کننده کاری روی چوب بود و همین عشق و علاقه او را به سوی تعمیر و ساختن ساز کشانید به طوری که از سال ۱۳۶۲ رسماً و عملاً با کمک دوست هنرمند خود لطف‌الله عزیززاده اقدام به ساختن سنتور کرد که از سال ۶۸ به بعد به تنهایی به این هنر و صنعت ادامه می‌دهد و سازهای وی بیشتر در خرم‌آباد، اصفهان و بروجرد مورد استفاده هنرجویان قرار می‌گیرد.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

پاقله‌ای، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، قلمدان ساز. اهل اصفهان بود. وی علاوه بر قلمدان خام، جعبه‌های مقوایی و قاب آینه و سیگاردان و جلد هم می‌ساخته است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: هنر قلمدان (۴۲).

پاکدین، کامل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کامل پاکدین

محل تولد: مراغه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

بنده از سال ۱۳۵۹ بمدت ۱۲ سال بصورت مستمر در مدرسه علمیه شهیدین قم تحصیل کرده و همزمان با تحصیلات حوزوی و

دروس دانشگاهی را هم تا سطح کارشناسی به اتمام رساندم. حدود یک سال و نیم در باکو (آذربایجان شوروی سابق) مشغول تبلیغ بودم. بعد، یکسال در نهاد رهبری دانشگاهها، در قسمت بازرسی فعالیت داشتم بعد، حدود سه سال در مرکز دفتر تبلیغات اسلامی واحد سیره بعنوان محقق مشغول کار بودم. در جامعه الزهرا (سلام الله علیها) و دانشکده سپاه قم تدریس کرده ام. یکسال در دانشگاه معارف اسلامی و تاریخ تشیع تدریس داشتم و اخیراً "چهار سال است که در موسسه پژوهشی رای پرداز مشغول تحقیقات فقهی هستم.

پاینده، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

روزنامه نگار، داستانسر، مترجم.

تولد: ۱۲۹۲، نجف آباد.

درگذشت: ۱۸ مرداد ۱۳۶۳.

ابوالقاسم نجف آبادی مشهور به ابوالقاسم پاینده، فرزند رضا، در اصفهان از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۹ به تحصیل علوم قدیم (صرف و نحو عربی، فقه اسلامی و فلسفه یونان) پرداخت.

خدمت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۰۸ در روزنامه‌ی «عرفان» (اصفهان) آغاز کرد. از سال ۱۳۱۱ به تهران آمد و روزنامه‌نگاری را ادامه داد مدت‌ها با روزنامه‌های «شفق سرخ» و «ایران» همکاری داشت. مدتی نیز مدیر مجله‌ی «تعلیم و تربیت» بود. در سال ۱۳۲۱ مجله «صبا» را بنیاد نهاد و تا سال ۱۳۳۰ انتشار داد. ضمناً با مجلات دیگر از جمله مجله‌ی «معارف اسلامی» نیز همکاری می‌کرد.

ابوالقاسم پاینده در سال ۱۳۳۶ به سبب ترجمه‌ی قرآن مجید به دریافت جایزه نایل آمده است. از ترجمه‌های دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: التنبیه و الاشراف (علی بن حسین مسعودی، ۱۳۴۹)؛ تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک (اثر محمد بن جریر طبری در شانزده جلد، ۱۳۵۲)؛ اسرار نیک‌بختی (اوریزان ماردن، ۱۳۳۳)؛ تاریخ سیاسی اسلام از آغاز ظهور تا انقراض دولت اموی (دکتر حسین ابراهیم حسن، سه جلد، ۱۳۱۸)؛ چرا فرانسه شکست خورد (آندره موروا، ۱۳۱۹)؛ در آغوش خوشبختی (لرد آوری بوری، ۱۳۱۳)؛ زندگانی محمد (ص) (دکتر محمد حسنین هیکل، دو جلد، ۱۳۱۷)؛ مروج الذهب (از مسعودی، دو جلد، ۱۳۴۴)؛ تاریخ عرب (از فیلیپ حتی، دو جلد، تبریز، ۱۳۴۴)؛ نهج الفصاحه (س) (کلمات قصار حضرت رسول، جلد اول: ۱۳۲۶)؛ سخنان محمد (ص) (کلمات قصار با ترجمه، ۱۳۱۸)؛ عشق و زناشویی (نیکلا حداد، ۱۳۳۵).

در سال ۱۳۲۶ به ریاست اداره‌ی تبلیغات برگزیده شد و در دوره‌ی دوم مجلس مؤسسان نامزد نجف آباد بود.

ابوالقاسم پاینده داستان هم می‌نوشت. داستان‌هایش ترکیبی از خاطره و موعظه‌اند و بیشتر به انتقاد از زندگی اداری در سال‌های پیش از ۱۳۲۰ اختصاص دارند. در چند داستان نیز به نشان دادن جنبه‌های مضحک زندگی روستایی و خاطرات دوران کودکی می‌پردازد. از جمله آثار داستان وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: رمان قاتل (اصفهان، ۱۳۱۳)؛ در سینمای زندگی (مجموعه داستان، ۱۳۳۷)؛ دفاع از ملا نصرالدین (۱۳۴۷)؛ جناب آقای دکتر ریش (۱۳۴۸)؛ مرده کشان جوزان و هفده داستان دیگر (۱۳۵۷)؛ داستان‌های برگزیده (۱۳۵۲)؛ و ظلمات عدالت (۱۳۵۴). از آثار دیگر او می‌توان به دستور نوشتن (اصفهان، ۱۳۰۹) و تمدن اسلام (از مجلدات تاریخ ویل دورانت) اشاره نمود.

در ۱۲۹۰ در نجف آباد اصفهان متولد شد. تحصیلات جدید و قدیم را به خوبی ادامه داد و به ادبیات زبان فارسی و عربی تسلط پیدا

کرد. زبان فرانسه را هم فراگرفت. به خدمت دولت درآمد، ولی کار اصلی او ترجمه و نویسندگی بود و کارهای ادبی و علمی اولیه‌ی او نشانگر ذوق و تسلط او به زبان فارسی است. چندی در مطبوعات اصفهان به کار ترجمه و نویسندگی اشتغال داشت، بعد به تهران آمد و مدتی به اتفاق علی دشتی و عبدالرحمن فرامرزی در اداره‌ی راهنمای نامه‌نگاری شهربانی اشتغال داشت. بعد از ۱۳۲۰ مستقلاً به انتشار مجله‌ی هفتگی صبا که روزهای چهارشنبه منتشر می‌شد مبادرت نمود. این مجله در نوع خود جالب بود و در آن مسائل اجتماعی برای اولین بار در ایران به طور عریان مطرح می‌شد. حتی از لحاظ چاپ عکس‌های لخت و نیمه‌لخت نیز بی‌سابقه بود. داستان‌های عشقی که تحریک‌کننده‌ی جوانان است، هر هفته با آب و تاب تمام انتشار می‌یافت. مخصوصاً عکس‌های ستارگان معروف سینما همه هفته روی جلد و داخل صفحات، و اخبار سینمایی جلب توجه می‌کرد. این مجله خیلی زود با استقبال روبرو شد و تیراژ آن سرسام‌آور بالا رفت و مدیر آن از لحاظ اجتماعی موقعیتی پیدا کرد؛ مخصوصاً تبلیغات مجله هم بی‌سابقه و جالب بود. مجله‌ی صبا در عین حال مخالفین سرسختی هم داشت و با تمام قدرت می‌خواستند از انتشار آن جلوگیری کنند، ولی میسر نمی‌شد. مجله‌ی صبا چندین سال انتشار می‌یافت تا تدریجاً تازگی خود را از دست داد و تعطیل شد.

پاینده در بین مردم وجهه‌ی زیادی نداشت و دشمنان سرسختی پیدا کرده بود. نسبت‌هایی به او دادند. هرچه تلاش کرد بدنامی مجله را از خود دور کند، نشد. سرانجام به ترجمه‌ی قرآن پرداخت و ترجمه‌ای از قرآن به دست داد که در زمان خود بهترین ترجمه‌ی فارسی بود. در دوره‌ی بیست و یکم پس از چندین سال تلاش، نماینده‌ی نجف آباد شد. در مجلس تک‌روی کرد. گاهی عوام‌فریبی می‌کرد. پس از آن دوره، دیگر به مجلس راه نیافت، از او کتاب‌های زیادی انتشار یافته است که هر یک در حوزه‌ی خود درخور توجه است. ترجمه‌های او روان است. ترجمه‌ی کتاب در آغوش خوشبختی یکی از ترجمه‌های سلیس اوست. حیات محمد (ص) و ترجمه‌ی کلمات حضرت رسول (ص) تحت عنوان نهج‌الفصاحه از دیگر کارهای علمی و ادبی او می‌باشد.

مهمترین کار پاینده، ترجمه‌ی قرآن و ترجمه‌ی تاریخ طبری در ۱۶ مجلد است. پاینده قصه و طنز نیز می‌نوشت. در ۷۳ سالگی در تهران درگذشت. از وی کتابخانه‌ی معظمی باقی ماند که غالب کتب آن به زبان‌های فرانسه و عربی بود. ظاهراً این کتابخانه از طرف وراثت به فروش رفت و گویا علی‌رغم میل صاحب آن، در اختیار مؤسسات دانشگاهی و علمی قرار نگرفت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

پرویز، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مورخ، محقق.

تولد: ۱۲۸۶.

درگذشت: ۲۰ آذر ۱۳۶۶.

عباس پرویز، فرزند حسین پرویز (آزادخواه عضو حزب دمکرات از سال ۱۳۲۷ ق. به بعد و از مؤسسان و مدیر کتابخانه‌ی تهران)؛ چندی در فرانسه تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران در سمت معلمی دبیرستان‌ها سال‌های دراز تدریس کرد و کتاب‌های درسی نوشت. وی از سال ۱۳۵۱ به مدت یک سال در مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاه تهران به ویراستاری مشغول بود. فهرست تألیفات وی به شرح زیر است: تاریخ اروپا در قرون وسطی (۱۳۱۶)؛ تاریخ اروپا در قرون هفدهم و هیجدهم (برای پنجم ادبی، ۱۳۱۶)؛ تاریخ ایران در قرون نوزدهم و بیستم (۱۳۱۶)؛ تاریخ دو هزار و پانصد ساله‌ی ایران (۱۳۴۳)؛ جغرافیای اقتصادی ایران و انگلیس و فرانسه و

آلمان (۱۳۱۸)؛ از طاهریان تا مغول (۱۳۲۰)؛ فهرست تاریخ ایران (۱۳۲۶)؛ تاریخ دیالمه و غزنویان (۱۳۳۶)؛ تاریخ ایران بعد از اسلام تا عصر حاضر، (تاریخ روابط ایران با اروپاییان در دوران سلطنت صفویه و قاجاریه، تاریخ عمومی و اروپا از قرون وسطی تا پایان جنگ بین‌المللی اول، جغرافیای اقتصادی عمومی ایران (برای سال ششم ادبی)؛ از عرب تا دیالمه؛ تاریخ تمدن جدید دنیا و ایران؛ سلاجقه و خوارزمشاهیان؛ قیام ایرانیان در راه تجدید مجد و عظمت ایران؛ کلیات جغرافیا (با همکاری نصرالله فلسفی و علی اصغر شمیم). مقاله‌هایی از وی در نشریه‌ی «بررسی‌های تاریخی» به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

پرهیزگار، شهریار

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد شهریار پرهیزگار، در ۲۵ مرداد ماه سال ۱۳۴۳ هـ ش در شهر تهران دیده به جهان گشود. اشتیاق خود او به آموختن قرآن و نیز جوّ مذهبی خانواده، یکی از عوامل اصلی در گرایش قرآنی او شد. خود او می گوید: میل و اشتیاق درونی به شنیدن نغمات روحانی، اعم از دعا و قرآن که بویژه توسط مادرم در برخی مواقع به شکلی محزون تلاوت می شد مرا ترغیب می کرد. یکی از تفریحات کودکی من این بود که گوشه ای می نشستم و مسابقه ای قرآنی برای خودم ترتیب می دادم و خود را قاری تجسم می نمودم و احساس می کردم که از من دعوت شده برای اجرای برنامه و در شروع مسابقه باید من بخوانم بعد هم با یک لحن و وضعیت خاصی شروع می کردم به خواندن و خانواده این را دیدند بیشتر توجه شان جلب شد و مرا به جلسات قرآن راهنمایی کردند، استاد شهریار پرهیزگار، در سال ۱۳۵۲ که ۹ سال بیشتر نداشت، با شنیدن پخش چند تلاوت زیبا از مسابقات جهانی در مالزی که از طریق تلویزیون پخش می شد، مجذوب تلاوت قرآن شد و بخصوص تلاوت استاد محمد تقی مروت که رتبه نخست آن سال را در مسابقات مالزی را کسب کردند، بر او اثری ویژه گذاشت و زندگی آینده اش در مسیر قرآن رقم زد.

آقای شهریار پرهیزگار، روخوانی و روانخوانی و مباحث اجمالی در زمینه تجوید مقدماتی را در محضر استاد ادیب و تجوید و صوت و لحن قرآن کریم را همزمان در جلسات استاد مروت آغاز کرد. و سپس با راهنمایی استاد و مروت به جلسات درس استاد مولائی حضور یافت و بدین ترتیب، حفظ قرآن را نیز آغاز نمود. استاد پرهیزگار، اولین بار بصورت رسمی در مسابقات قرآنی که در سال ۱۳۵۶ در مسجد لاله زار و در مقابله با رژیم طاغوت برگزار شد به تلاوت پرداخت در این مراسم که بسیار با شکوه برگزار شد آیاتی از سوره مبارکه یوسف را به زیبایی تلاوت کردند.

آقای پرهیزگار پس از دریافت دیپلم در سال ۱۳۶۰، در دانشگاه شهید بهشتی تهران و در رشته کامپیوتر و نرم افزار تحصیل خود را آغاز کرد و مدرک کارشناسی را دریافت نمود. آقای پرهیزگار در سال ۱۳۶۹ ازدواج کرد که ثمره این ازدواج دو فرزند بنامهای فاطمه و مهدیه است.

استاد پرهیزگار قرآن کریم را در طول سه سال در جلسات حفظ استاد مولائی از حفظ نمود او همچنین در بسیاری از مسابقات داخلی در کشور شرکت کرده و رتبه های ممتاز کسب نموده است. در سال ۱۳۶۲ در مسابقات بین المللی جمهوری اسلامی ایران در حفظ ۱۵ جزء رتبه نخست را کسب کرد همچنین در سال ۱۳۶۴ در حفظ ۲۰ جزء رتبه دوم را در کشور عربستان بدست آورد در سال ۶۶ هم استاد پرهیزگار در رشته حفظ کل قرآن در مسابقات بین المللی ایران شرکت کرد و رتبه نخست را در این مسابقات از آن خود ساخت. او علاوه بر آن، در سال ۷۱ نیز به رتبه نخست مسابقات کشور عربستان در رشته حفظ کل دست یافت. وی

شیرین ترین خاطرات فراموش نشدنی خود را دستبوسی حضرت امام خمینی (ره) و تفقد و صمیمیت ایشان را با خود دانسته و خاطره دیگر را ورودشان به داخل کعبه پس از انجام مسابقات عربستان، در سال ۶۶ می‌داند. دوره کامل تلاوت ترتیلی با صدای استاد پرهیز کار که از سالها پیش و به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ضبط شده است همه ساله از شبکه های مختلف رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود. که بسیار مورد توجه دوستداران و علاقه مندان به قرآن قرار گرفته است. نوار کاست با تکرار تلاوت ترتیل با صدای استاد پرهیز کار برای علاقه مندان به حفظ قرآن کریم تدوین شده است و در دسترس علاقه مندان است. آقای پرهیز کار مانند بسیاری دیگر از اساتید و صاحبزنان امر تلاوت معتقدند که قاری قرآن شایسته است در ابتدای کار از یک قاری مصری برجسته تقلید کند و در این مرحله باید از هرگونه ابداع و ابتکار سبک نوین پرهیز کند او معتقد است پس از سپری کردن این دوره می‌توان سبکی نو، ابداع کرد به همین دلیل خود او نیز در ابتدا از مرحوم استاد عبدالباسط سپس مرحوم منشاوی و پس از آن از مصطفی اسماعیل تقلید نموده است. آقای پرهیز کار به قاریان جوانی که در ابتدای راه هستند سفارش می‌کند که در شنیدن تلاوتها برای یادگیری توجه و دقت بالایی را مبذول دارند؛ یعنی بصورت تفننی به تلاوت گوش ندهند بلکه به تمام ظرایف و ریزه کاری های تلاوت قاری مورد تحقیق گوش بسپارند. استاد پرهیز کار تا کنون در جلسات مختلفی در سطح تهران و یا در دبیرستانهای مختلف در زمینه ای قرآنی تدریس کرده اند ایشان هم چنین در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دو واحد درس آوا شناسی را تدریس نموده است. آقای پرهیز کار در زمینه فعالیت های قرآنی خود در دوره های تربیت مربی قرآن، در سپاه پاسداران و تصمیم گیری جلسات برخی از نهادهای کشور حضوری فعال داشته است. او در طول ۸ سال دفاع مقدس که دل و جان نیروهای رزمنده لبریز از معنویت بود، در ایامی که مجاهدان این مرز و بوم با عشق به قرآن و اهل بیت (ع) لحظات را سپری می‌کردند حضور قاریان برجسته کشور در جمع آنان تأثیری بسزا داشت، از این رو استاد پرهیز کار نیز مانند بسیاری از برادران قاری در جمع رزمندگان اسلام در جبهه های مختلف حاضر می‌شد و با تلاوت آیات وحی دل و جان آنها را از عشق حق حیاتی دوباره می‌بخشید.

آقای پرهیز کار معتقد است که حضور قرآن در جامعه موجب طراوت بخشیدن به زندگی مردم و ایجاد امید به رحمت پروردگار و در نتیجه ایجاد آرامش و ممانعت از انحرافات فکری و اعتقادی در جامعه است. او در کنار انس با قرآن به مطالعه نیز اهتمام می‌ورزد و علاوه بر مطالعه تفسیرهای قرآن به ترجمه کتاب در زمینه کامپیوتر پرداخته است. او کتابی نیز در زمینه حفظ قرآن به رشته تحریر در آورده است که در این کتاب به نکات خاصی در زمینه حفظ قرآن کریم اشاره شده است. او علاوه بر اوقاتی که در کنار سایر فعالیتها به خانواده اختصاص داد، به بسیاری از کشورها برای تبلیغ قرآن نیز سفر نموده است. از جمله این کشورها می‌توان عربستان، لیبی، سوریه، مالزی، تانزانیا، و اطریش را نام برد که در تمامی این کشورها تلاوتهایش مورد استقبال مسلمانان قرار گرفته است. آقای پرهیز کار از اساتید؛ رفعت، شعشاعی، مصطفی اسماعیل و شعیب به عنوان قاریان برتر پیشکسوت در کشور مصر یاد می‌کند. او همچنین در میان اساتید حاضر در کشور مصر از اساتید: شحات محمد انور، الیثی و نعینع به عنوان قاریان برتر کشور مصر نام می‌برد. آقای شهیار پرهیز کار که تا کنون بارها و بارها در مسابقات بین المللی در کشورمان و نیز در مسابقات بین المللی کشور مالزی به قرائت پرداخته است معتقد است که: فعالیتهای قرآنی در کشور باید از حالت ضعیف، پراکنده و غیر تشکیلاتی خاج شود و مورد توجه مسئولان قرار گیرد او همچنین به همدلی واقعی در میان عناصر قرآنی کشور به عنوان یکی از عوامل مهم برای گسترش فعالیتهای قرآنی کشور نام می‌برد او به دلسوزان مسائل قرآنی در کشور سفارش می‌کند تا در موضعگیری های خود همواره تمایلات معنوی را مدّ نظر بگیرند و از هرگونه نفسانی عمل کردن در این زمینه پرهیزید او هم چنین از برگزاری مسابقات قرآن کریم در سطح داخلی به عنوان یکی از اقدامات مؤثر در زمینه نشر فرهنگ قرآنی یاد می‌کند و معتقد است که باید تشکیلات مستقل و منظمی در سازمان اوقاف باشد تا امر مسابقات قرآن سازماندهی شود. وی در توصیه های خود به جوانان معتقد

است که فعالیت در امر قرآنی به یک اشتیاق و علاقه خاصی نیازمند است و صرف دوست داشتن را کافی نمی‌داند؛ باید عشق و علاقه در خود ایجاد کرد تا بتوان با این موتور محرکه که از درون ما را سوق می‌دهد به سمت انس هر چه بیشتر با قرآن در این عرصه موفق باشیم.

پور داوود، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد ابراهیم پور داوود ادیب، مورخ و سخنور معاصر در سال ۱۲۶۴ ه.ش در شهر رشت به دنیا آمد. وی مقدمات فارسی و عربی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۲۸۴ ه.ش برای تحصیل حکمت و طب قدیم به تهران آمد. پور داوود در آغاز نهضت مشروطه برای کسب علوم جدید به بیروت رفت. وی پس از دو سال و نیم اقامت در لبنان به ایران بازگشت و رهسپار فرانسه شد و در پاریس به تحصیل علم حقوق پرداخت. استاد پور داوود در سال ۱۳۰۷ به اروپا بازگشت و در سال ۱۳۱۱ به درخواست رایبند رانات تاگور شاعر و فیلسوف هندی به تدریس فرهنگ ایران در دانشگاه ویسوبهاری شهر شانتی نیکیتان پرداخت. پس از آن پور داوود مجدداً مطالعات خود را در اروپا ادامه داد. وی در سال ۱۳۱۶ به دعوت مسئولان دانشگاه تهران، برای تدریس زبانها و ادبیات ایران پیش از اسلام دعوت شد. پور داوود از این تاریخ تا زمان بازنشستگی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق فرهنگ ایران باستان، زبان اوستا و تاریخ حقوق ایران باستان اشتغال داشت. ایشان در سال ۱۳۴۷ در سن هشتاد و سه سالگی در شهر رشت درگذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: تاریخ و ادبیات ایران پیش از اسلام،

تحصیلات رسمی و حرفه ای: ابراهیم پور داوود مقدمات فارسی و عربی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۲۸۴ ه.ش برای تحصیل حکمت و طب قدیم به تهران آمد. پور داوود در آغاز نهضت مشروطه برای کسب علوم جدید به بیروت رفت. وی پس از دو سال و نیم اقامت در لبنان به ایران بازگشت و رهسپار فرانسه شد و در پاریس به تحصیل علم حقوق پرداخت. پور داوود پس از شروع جنگ جهانی اول به ایران بازگشت و در کرمانشاه دست به انتشار روزنامه‌ای بنام رستخیز زد و پس از چند ماه مجدداً عازم اروپا شد و در آلمان با ایران‌شناسان و طرز کار آنان آشنا شد. از این زمان به بعد پور داوود به رشته ایران‌شناسی به‌ویژه زبان و فرهنگ ایران علاقه‌مند شد و زندگی خود را وقف مطالعه و پژوهش تاریخ ایران باستان کرد. وی در سال ۱۳۰۳ ه.ش به ایران بازگشت و پس از یک سال و نیم به هندوستان رفت و با دستیابی به برخی از منابع آئین ایران باستان، بخشی از تفسیر اوستا را منتشر کرد و یک سلسله سخنرانی نیز در باره ایران و فرهنگ کهن آن ایراد کرد که در کتابی بنام خرمشاه گردآوری شد.

زمان و علت فوت: پور داوود در سال ۱۳۴۷ در سن هشتاد و سه سالگی در شهر رشت درگذشت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: استاد پور داوود در سال ۱۳۰۷ به اروپا بازگشت و در سال ۱۳۱۱ به درخواست رایبند رانات تاگور شاعر و فیلسوف هندی به تدریس فرهنگ ایران در دانشگاه ویسوبهاری شهر شانتی نیکیتان پرداخت و ضمن اقامت یک ساله خود در هند صد بند از اشعار تاگور را از بنگالی به فارسی برگرداند. پس از آن پور داوود مجدداً مطالعات خود را در اروپا ادامه داد. وی در سال ۱۳۱۶ به دعوت مسئولان دانشگاه تهران، برای تدریس زبانها و ادبیات ایران پیش از اسلام دعوت شد. پور داوود از این

تاریخ تازمان بازنشستگی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس و تحقیق فرهنگ ایران باستان، زبان اوستا و تاریخ حقوق ایران باستان اشتغال داشت. وی در سال ۱۳۱۷ به عضویت دائمی فرهنگستان ایران درآمد. پور داود در سال ۱۳۲۴ انجمن ایران شناسی را در تهران دایر کرد و پس از دو سال آموزشگاهی برای ایرانشناسی بوجود آورد که مدت دو سال دوام داشت. استاد پور داود در سال ۱۳۴۱ ه.ش به عضویت شورای فرهنگی (سلطنتی) وقت منصوب شد. در سال ۱۳۴۲ دانشگاه دهلی به او درجه دکتری افتخاری داد و در سال ۱۳۴۴ به عنوان اولین دانشمند ایرانی به عضویت آکادمی جهانی هنر و دانش برگزیده شد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: ابراهیم پور داود در سال ۱۳۲۴ انجمن ایران شناسی را در تهران دایر کرد و پس از دو سال آموزشگاهی برای ایرانشناسی بوجود آورد که مدت دو سال دوام داشت

جوایز و نشانها: در سال ۱۳۲۴ دانشگاه تهران طی مراسم بزرگداشتی از خدمات علمی و فرهنگی ابراهیم پور داود قدردانی کرد و به همین مناسبت در سال ۱۳۲۵ یاد نامه‌ای مشتمل بر شرح احوال و آثار او به کوشش دکتر محمد معین به زبان فارسی و زبانهای اروپائی منتشر شد. پور داود در سال ۱۳۴۵ جایزه بزرگ تاگور را از دولت هندوستان دریافت کرد و در سال ۱۳۴۶ به دریافت نشان علمی و عنوان شوالیه دوسن سیلوستر (DeSilvester) از دربار واتیکان مفتخر گردید

آثار:

۱ آناهیتا،

ویژگی اثر: تهران (۱۳۴۳)

۲ ایرانشاه (تاریخچه مهاجرت زرتشتیان به هند)

ویژگی اثر: بمبئی ۱۳۴۴

۳ پوراندهخت نامه،

ویژگی اثر: بمبئی (۱۳۰۶)

۴ خرده اوستا

ویژگی اثر: (تفسیر مجموعه اوستا بامتن اوستائی) بمبئی، (۱۳۱۰)

۵ سوشیانت بمبئی

ویژگی اثر: ۱۳۰۶

۶ فرهنگ ایران باستان،

ویژگی اثر: تهران (۱۳۲۶)

۷ گاتها، نخستین بخش از کتاب مینوی اوستا،

ویژگی اثر: بمبئی (۱۳۰۵)

۸ گفت و شنود پارسی

ویژگی اثر: (برای دبیرستانهای هند) بمبئی (۱۳۱۲)

۹ هرمزد نامه،

ویژگی اثر: تهران (۱۳۳۱)

۱۰ یزد گرد شهریار،

ویژگی اثر: بمبئی (۱۳۱۲)

۱۱ یسپرد،

ویژگی اثر: تهران (۱۳۴۲).

۱۲ یشتا بخش نخست

ویژگی اثر: ۱۳۰۷

پورحسینی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۵ - ۱۲۹۹ ش)، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به واصل. وی در کرمان متولد شد. و تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را در همان شهر گذراند، پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی موفق به دریافت لیسانس در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی شد. سپس به کرمان بازگشت و به تدریس پرداخت و روزنامه‌ی «روح‌القدس» را در کرمان، به مدت سه سال منتشر کرد. برخی از مشاغل وی عبارت‌اند از: ریاست دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دبیرستان، ریاست فرهنگ شهید، رفسنجان، کرمان. واصل در سال ۱۳۳۷ ش به وزارت فرهنگ و هنر تهران انتقال یافت و در خلال خدمت اداری، و در رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی دکترا گرفت و به مقام استادی دانشگاه رسید. مدفن او در کرمان است. از آثار وی:

ترجمه‌ی «اخلاق نیکو ماخس» ارسطو؛ ترجمه‌ی رساله‌ی «سلامان و اابسال»؛ «فیثاغورثیان»؛ «رواقیون»؛ «لغت‌نامه گویش کرمانی»؛ «فلسفه قبل از ارسطو»؛ «اخلاق عملی» و «دیوان» اشعار. [۱]

مدرس، مترجم.

تولد: ۱۲۹۹، کرمان.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۶۵، شهیداد.

سید ابوالقاسم پورحسینی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان برد. آنگاه به تهران آمد و در سال ۱۳۲۲ از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه فارغ‌التحصیل شد و به زادگاه خود بازگشت و با شغل دبیری کار فرهنگی خود را آغاز نمود. وی در طول چهل سال خدمت فرهنگی مشاغل متعددی چون نظامت دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دانشسرای کرمان و فرهنگ شهیداد و رفسنجان، معاونت استان کرمان و... برعهده‌اش بود. طی پانزده سال خدمت فرهنگی در استان کرمان حدود ۱۲۲ مدرسه‌ی ابتدایی در این شهر احداث کرد. در سال ۱۳۳۷ به تهران بازگشت و در وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد و پس از چندی به ریاست دبیرخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران منصوب شد (۱۳۶۲ - ۱۳۴۲) و در ضمن به تدریس در این دانشکده نیز می‌پرداخت.

در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تهران در رشته‌ی فلسفه دکتری گرفت. در طی اقامتش در کرمان روزنامه «روح‌القدس» را پی افکند و سه سال متوالی آن را منتشر نمود و دو نشریه را در دانشسرای مقدماتی کرمان فراهم ساخت. مقالات و اشعار او در روزنامه‌های «استقامت»، «صدای کرمان» و «بیداری» چاپ می‌شد.

دکتر پورحسینی شعر نیز می‌گفت و غزلیات، دو بیتی‌ها و قصایدی از او به یادگار مانده است و تخلص او «واصل» بود. وی از سال ۱۳۳۵ به بعد در هیئت مدیره‌ی انجمن ابدی عضویت داشته است.

فهرست آثار دکتر پورحسینی به شرح زیر است: ترجمه‌ی اخلاق نیکوماخوس ارسطو به فارسی و تطبیق آن با کتاب تهذیب

الاخلاق و تطهیر الا-عراق (الطهاره) مسکویه، ترجمه رساله سلامان و آبسال ابن سینا، فراسوی تناقض، افلاطون، مشارب عمده‌ی اخلاقی، فلسفه‌ی اپیکور، فلسفه‌ی رواقی، فلسفه‌ی اخلاق شرح نمط نهم اشارات، فیثاغورثیان، از انتشارات مجله‌ی «دانشکده‌ی ادبیات، رواقیون، رساله‌ای درباره‌ی فلسفه‌ی اخلاقی ابن حکماء کتب و آثار خطی مسکویه به صورت مقاله در مجله‌ی «معارف اسلامی»، ترجمه‌ی اشعار در مجله‌ی «یغما». آثار ترجمه نشده‌ی وی عبارتند از فرهنگ لغات و اصطلاحات کرمان، فلسفه‌ی بعد از سقراط، سقراط، هراکلیتوس، فلسفه‌ی یاسپرس، سلسله مقالات عرفانی، مردمی و نامردمی‌ها. پیکر دکتر پورحسینی بنا بر وصیت خود در جوار مرقد امامزاده زید به خاک سپرده شد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تذکره‌ی شاعران کرمان (۱۶۸-۱۵۸)، الذریعه (۱۲۴۹/۹)، ستارگان کرمان (۱۲۹-۱۲۴)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۱۶-۳۸۱۳/۶).

پوررنجبر، کوب

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

مدرس قرآن.

تولد: ۱۲۸۲ شیراز.

درگذشت: ۱۲ اسفند ۱۳۷۰.

کوب پوررنجبر، فرزند محمداسماعیل که پزشکی مشهور بوده است، پس از اتمام تحصیلات خود به شغل معلمی تعلیمات دینی در وزارت فرهنگ سابق روی آورد.

از سن شانزده سالگی به جمع‌آوری مستندات در روش‌های تدریس علوم اسلامی پرداخت. در اثنای آموزش تعلیمات دینی در مدارس بود که ایشان اعراب‌گذاری و تصحیح نسخ قرآن چاپ کشورهای پاکستان، هندوستان و دیگر کشورهای اسلامی را آغاز کرد.

کوب پوررنجبر با تغییر روش‌های تدریس قرآن و زیباسازی صفحات این کتاب آسمانی از سویی و ویراستاری و صفحه‌آرایی متن آموزشی و درک بصری راحت لغات از سویی دیگر تلاش نمود تا آموزش قرآن را به نونهالان و نوآموزان علوم دینی ساده و آسانتر سازد.

فعالیت دیگر استاد پوررنجبر بازنویسی مفاتیح‌الجنان بود. ویژگی این نسخه اعراب‌گذاری کامل کلمات در زیر و بالای حروف بود و روال سنتی حاشیه‌نویسی در متن که دشواری زیادی برای خوانندگان را به همراه دارد، کنار گذاشت و حاشیه در متن صفحات قرار داده شد و از فنون زیبانگاری و هنر خطاطی نیز استفاده نمود.

استاد پوررنجبر در سن بیست و هفت سالگی نابینا شد ولی با دیدن حضرت فاطمه (س) در خواب شفا یافت، و عمر خود را وقف قرآن و علوم دینی کرد. ره‌آورد چهل و شش سال خدمت در مراکز دولتی و ملی ایشان، تأسیس مرکز آموزش ابتدایی (کوبیه) در شهر مشهد است.

استاد از سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۶۳ به منظور تدریس قرآن مجید، ساده‌ترین روش ممکن خودآموزی در شش جلد تحت عنوان خودآموز و روش تدریس قرائت مجید را تألیف نمود. این خودآموز توسط انتشارات اسلامی به چاپ رسیده است. از آثار دیگر او

تصحیح خودآموز گفتگوی حسین و حسن است.

استاد کوکب پوررنجبر سرانجام در سن هشتاد و دو سالگی روز دوازدهم اسفند ۱۳۷۰ دار فانی را وداع گفت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

پورزرگری، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج محمدرضا پورزرگری در ۲۸ شهریور سال ۱۳۴۹ هـ.ش در شهر تهران و در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. محیط مذهبی خانواده و اشتیاق پدر برای تربیت معنوی فرزندش، از همان آغاز بستر مناسبی برای فراگیری قرآن، فراهم ساخت و زمزمه تلاوت قرآن، فراهم ساخت و زمزمه تلاوت قرآن پدر در سحرگاهان، اشتیاق محمدرضا را برای تلاوت قرآن دو چندان ساخت. البته جدّه مکرمه او، اولین و مؤثرترین عامل در گرایش آقای پورزرگری به این راه بود. از دیگر عوامل تأثیر گذار در حیات قرآنی محمدرضا پورزرگری، باید به استادان و مربیان دوره دبستان، بویژه استادش آقای مصطفی اسلامی اشاره کرد. آقای پورزرگری از خاطرات خوش نخستین سالهایی که در ایام کودکی در جوار حرم مقدس رضوی تلاوت آیات وحی را شنیده بود بسیار یاد می‌کند و یکی از عوامل علاقه مندی خود به تلاوت قرآن را حال و هوای آن لحظات مقدس می‌داند آقای پورزرگری از کلاس دوم ابتدایی در ساعات درس قرآن اشتیاق بسیار از خود نشان می‌داد به همین دلیل نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آشنایی با استاد مصطفی اسلامی در دبستان علوی شماره ۲ به این دبستان رفت و با اشتیاق، پشتکار و اهتمامی بسیار به تمرین و اجرای همخوانی قرآن کریم بر اساس تلاوت سوره حشر استاد عبدالباسط پرداخت.

آقای محمدرضا پورزرگری آموزش روخوانی قرآن کریم را در کلاس چهارم دبستان و زیر نظر استادش آقای فتحعلی و آموزش مقدماتی تجوید و صوت و لحن را، زیر نظر استادش آقای مصطفی اسلامی در کلاس پنجم ابتدایی به پایان رساند و پس از آن با حضور جلسات استاد محسن موسوی نکات تجویدی و صوت و لحن را در سطح بالاتر همراه با مفاهیم قرآنی فرا گرفت. او همزمان با فراگیری تجوید و صوت و لحن در جلسات درس آیت الله ضیاء آبادی و حجت الاسلام قرائتی به فراگیری مفاهیم آیات قرآن کریم نیز پرداخت.

آشنائی با مؤسسه دارالتحفیظ قرآن کریم، نقطه عطفی در زندگانی قرآنی پورزرگری شد. در همین مکان او با کلاسهای آموزشی تجوید استاد محسن موسوی آشنا شد و در جلسات این استاد که در بعد از ظهرهای تابستان برگزار می‌شد، بهره‌های فراوان برد. آقای محمدرضا پورزرگری نخستین بار در یکی از هیئتهای مذهبی که به همت آموزش و پرورش برگزار می‌شد بصورت رسمی به تلاوت قرآن پرداخت. او همچنین نخستین بار در سال ۱۳۶۱ همراه با استاد علی اربابی و جمعی از قاریان مؤسسه دارالتحفیظ قرآن کریم در تلویزیون به اجرای چند برنامه همخوانی پرداخت.

حاج محمدرضا پورزرگری نیز در ابتدای کار تلاوت خویش همچون سایر قاریان به تقلید از قاریان مشهور مصری نظیر استادان عبدالباسط، صیاد، علی البّناء و مصطفی اسماعیل پرداخت. او معتقد است که مؤثرترین مسئله در زمینه تلاوت قرآن برای تمامی قاریان در ابتدای کار تقلید از استادان برجسته مصری است.

آقای پورزرگری معتقد است که قاریان تازه کار و کسانی که در ابتدای امر تلاوتند باید علم تجوید را از مراحل ابتدایی تا سطوح عالی زیر نظر استادان، با دقت کامل فرا بگیرند و با یادگیری ترجمه کلمات قرآن با مفاهیم آن آشنا شوند. او همچنین قاریانی را که

در ابتدای مسیر تلاوتند به یادگیری صرف و نحو زبان عربی و نیز فراگیری مفاهیم و تفاسیر آیات قرآن سفارش می‌کند. آقای محمدرضا پورزرگری در سال ۱۳۷۵ ازدواج کرد که ثمره آن یک فرزند پسر است. او در مسیر زندگی قرآنی خود از همان آغاز به آموزش قرآن کریم به علاقه‌مندان پرداخت و از همان دوران تحصیل در دبیرستان، به تهیه و تنظیم جزواتی در خصوص آشنایی با قرآن، اقدام کرد. او همچنین در سال ۱۳۶۴ بصورت رسمی در دارالتحفیظ و علاوه بر آن تمام سالهای دفاع مقدس را در پایگاه‌های مقاومت بسیج اقدام به برگزاری جلسات قرآن کریم نمود. آقای پورزرگری علاوه بر تدریس در زمینه‌های مختلف قرآن در برخی از مدارس تهران در حدود ۱۵ سال به آموزش قرآن در حسینیه محبان‌الحسین (علیه السلام) پرداخت و همچنین در سال ۱۳۶۳ در مسابقات قرآن کریم که سازمان تبلیغات اسلامی برگزار کرد رتبه سوم و در سال ۱۳۷۳ در مسابقات سراسری قرآن کریم که به همت سازمان اوقاف در سمنان برگزار شد رتبه نخست را از آن خود ساخت و در همان سال، در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم که در حسینیه ارشاد برگزار شد مقام نخست این دوره از مسابقات را کسب کرد.

در میان خانواده آقای پورزرگری باید به برادر بزرگوار او شهید حمید رضا پورزرگری اشاره کرد. که در زمینه‌های مختلف قرآنی فعالیت داشت. در محضر استاد مولوی فراگیری نکات مختلف قرآنی پرداخته و چهره‌های فعال در زمینه‌های قرآنی به حساب می‌آمد.

آقای پورزرگری در سالهای ۶۳ و ۶۲ در ایام ریاست جمهوری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی، از جلسات درس تفسیر ایشان، بهره‌ها گرفت. در این جلسات که صبحهای جمعه در همان مکان ریاست جمهوری برگزار می‌شد قاریان و علاقه‌مندان بسیاری حضور می‌یافتند آقای پورزرگری نیز از جمله این مشتاقان بود که در این جلسات در حضور آیت‌الله خامنه‌ای به تلاوت قرآن می‌پرداخت و مورد تفقد و تشویق ایشان قرار می‌گرفت.

او همچنین از قاریانی است که همه ساله به همراه کاروان قاریان قرآن برای تبلیغ به کشورهای مختلف اعزام شده‌اند که از جمله این کشورها می‌توان به ماداگاسکار، اتیوپی، هند، سوریه و افریقای جنوبی، پاکستان، امارات، غنا، اردن، و انگلیس اشاره کرد. آقای حاج محمدرضا پورزرگری علاوه بر قرائت بر قرآن کریم و اجرای اذان به اجرای برجسته تواشیح و همخوانی در کشور است که از سال ۶۸ فعالیت خود را آغاز کرد.

آقای پورزرگری علاوه بر داوری مسابقات داخلی یکبار نیز در کشور هند در مسابقات سراسری قرآن کریم که در شهر حیدرآباد این کشور برگزار شد داوری کرده است.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

پیرنیا، مشیرالدوله، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

متولد ۱۲۵۱ ش، فرزند میرزا نصرالله مشیرالدوله. تحصیلات مقدماتی و معمول زمان را به اتفاق برادرش حسین پیرنیا (مؤتمن‌الملک) تحت مراقبت و نظارت پدر انجام داد و علوم متداول زمان را فراگرفت. سپس برای ادامه‌ی تحصیل عازم روسیه گردید و در رشته‌های نظام و حقوق فارغ‌التحصیل شد. بعد مدتی هم در فرانسه به تحصیل اشتغال ورزید و به خدمت در سفارت ایران در روسیه درآمد و عنوان مستشار سفارت یافت. در ۱۳۱۷ ه.ق پدرش به وزارت امور خارجه رسید و او را به تهران احضار و با لقب مشیرالملک به ریاست دفتر وزارت امور خارجه و منشی مخصوص خود تعیین نمود. در سفر اول مظفرالدین شاه به اروپا،

مترجم زبان روسی شاه بود و در این مأموریت توانست لیاقت و کیاست خود را ثابت کند. پس از بازگشت از اروپا، به پیشنهاد پدر و موافقت اتابک صدراعظم، به جای میرزا رضاخان ارفع‌الدوله به وزیرمختاری ایران در روسیه تعیین گردید. در ۱۳۲۰ ه. ق در مقام وزیرمختاری ایران در روسیه به آن کشور رفت، ولی در مدت توقف خود در تهران کار عمده‌ای صورت داد و آن تأسیس مدرسه‌ی علوم سیاسی بود که به همت میرزا نصرالله خان وزیر امور خارجه این کار انجام یافت. و چهار هزار تومان بودجه‌ی سالیانه‌ی آن از محل معدن فیروزه تأمین گردید. در سفر دوم مظفرالدین شاه به اروپا، در مسکو اقامت داشت. در این سفر نیز موجب رضایت شاه و اتابک را فراهم نمود و خدمات وی مورد رضایت و تقدیر واقع شد. در ۱۳۲۴ ه. ق که زمزمه‌ی مشروطیت در ایران بلند بود، به تهران آمد. پدرش مقام صدارت یافته و از طرف پدر و با موافقت شاه، مأمور تدوین نظام‌نامه‌ی مجلس گردید و از اعضای برجسته‌ی کمیسیون بود.

پس از صدور فرمان مشروطیت و برقراری حکومت قانون از کار کنار رفت و متعاقباً وزیر افخم و اتابک، عهده‌دار نخست‌وزیری گردیدند. مشیرالسلطنه پس از قتل اتابک، به زمامداری رسید و برای اولین بار میرزا حسن خان مشیرالملک به عضویت کابینه دعوت شد. پست وی در کابینه، وزارت عدلیه بود. این کابینه دوام زیادی نداشت و مشیرالسلطنه در ۴ آبان ۱۲۸۶ ش جای خود را به ناصرالملک داد. در آن هنگام میرزا نصرالله خان مشیرالدوله پدر مشیرالملک در گذشت و محمدعلی شاه چند روز پس از فوت میرزا نصرالله خان، لقب مشیرالدوله را به پسرش میرزا حسن خان داد و در کابینه‌ی ناصرالملک وزیر امور خارجه گردید. در همان موقع قرارداد ۱۹۰۷ یا تقسیم ایران به دو منطقه‌ی نفوذ به وزارت خارجه‌ی ایران ابلاغ یا اعلام گردید. ناصرالملک نیز در مقابل اختلاف مجلس و شاه دوام نیاورد و جای خود را به نظام‌السلطنه مافی داد.

نظام‌السلطنه در کابینه‌ی نخستین خود از مشیرالدوله دعوت نمود، ولی در دو ترمیم کابینه، او را به وزارت امور خارجه برگزید. در خرداد ۱۲۸۷ در کابینه‌ی میرزا احمدخان مشیرالسلطنه وزارت علوم و اوقاف به وی سپرده شد و در ترمیم همان کابینه همچنان وزیر علوم و اوقاف بود. در اردیبهشت ۱۲۸۸ در کابینه‌ی ناصرالملک که با سرپرستی سعدالدوله اداره می‌شد، وزارت عدلیه را بر عهده داشت، ولی چون کشور در حال بحران بسر می‌برد، با سایر وزیران استعفا نمود.

پس از فتح تهران و تشکیل دولت جدید به ریاست سپهدار تنکابنی، مشیرالدوله در کابینه‌ی دوم و سوم وزیر عدلیه بود. در کابینه‌ی چهارم وزیر تجارت گردید. در اسفند ۱۲۸۹ در دو کابینه‌ی سپهدار تنکابنی وزیر عدلیه بود و در ترمیم کابینه به وزارت پست و تلگراف و تلفن منصوب گردید. در مرداد ۱۲۹۰ در هیئت صمصام‌السلطنه بختیاری، وزارت عدلیه به عهده‌ی او محول گردید و در ترمیم همان دولت نیز شغل خود را حفظ نمود.

علاءالسلطنه مازندرانی در کابینه‌ی خود که در دی ماه ۱۲۹۱ تشکیل داد، مشیرالدوله را به وزارت علوم و معارف و اوقاف معرفی کرد. در اسفند ماه ۱۲۹۳ به نخست‌وزیری رسید و وزارت جنگ را نیز عهده‌دار شد. در سال ۱۲۹۶ در کابینه‌ی دیگر علاءالسلطنه، وزیر جنگ بود و این سمت را همچنان در کابینه‌های عین‌الدوله و مستوفی‌الممالک حفظ کرد و امور وزارت جنگ را بر عهده داشت. در تیرماه ۱۲۹۹ برای بار دوم زمامدار گردید و مدت پنج ماه در سمت نخست‌وزیری انجام وظیفه کرد تا بالاخره در آبان ۱۲۹۹ جای خود را به سپهدار رشتی داد. در سوم بهمن ۱۳۰۰ به جای قوام‌السلطنه از طرف مجلس چهارم به نخست‌وزیری رسید و در کابینه‌ی خود وزارت کشور را شخصاً عهده‌دار بود. در خرداد ۱۳۰۲ برای بار چهارم به نخست‌وزیری رسید. در این بار هم وزیر کشور بود. در ادوار دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم نماینده‌ی مردم تهران در مجلس شورای ملی بود، دو نوبت وزیر کشور، هشت بار وزیر عدلیه، سه دفعه وزیر امور خارجه، سه بار وزیر علوم و شش بار وزیر جنگ و یک مرتبه وزیر تجارت و یک نوبت وزیر پست و تلگراف (یعنی روی هم رفته ۲۴ بار وزیر بوده) و پنج دوره‌ی نمایندگی مجلس را بر عهده داشته است. از مورخین و محققین معاصر است که تألیفات ارزنده‌ی او از خود به یادگار گذاشته است. مشهورترین اثر وی تاریخ ایران باستان است. در ده سال

آخر حیات خود، غالباً به کارهای فرهنگی و علمی اشتغال داشت. در دوران وزارت دادگستری، قوانین مهمی به تصویب رسانید. در ۱۳۱۴ در ۶۳ سالگی درگذشت. فرزندان او نیز مانند پدر نام خانوادگی پیرنیا را برای خود انتخاب نمودند. هیچ یک از فرزندان او به مقام سیاسی مهمی نرسیدند. از دیگر خدمات او تأسیس مدرسه‌ی نظام بود.

(میرزا حسن خان مشیرالدوله (و. ۱۲۵۲ ه.ش. / ۱۲۹۱ ه.ق. - ف. تهران ۱۳۱۴ ه.ش. / ۱۳۵۴ ه.ق.). پسر اول میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی (مشیرالدوله)، از رجال دوره اخیر قاجاریه و اوایل پهلوی. وی تحصیلات نظامی و حقوقی خود را در مسکور به پایان رسانید و مؤلف «ایران باستانی» و تاریخ «ایران باستان» (۳ جلد) و «داستانهای قدیم ایران» است. او مکرر سمت سفارت، وزارت و نخست وزیری داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

پیشوایی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی پیشوایی

محل تولد: -

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

- عضو هیئت تحریر مجله درسهائی از مکتب اسلام از سال ۱۳۴۹ تاکنون
- مدیریت داخلی مجله درسهایی از مکتب اسلام از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳
- طی دوره تحصیلات عالی دارالتبلیغ اسلامی و اخذ گواهینامه این دوره در سال ۱۳۴۹
- اشتغال به تحقیق و تألیف از سال ۱۳۵۱ تاکنون
- همکاری با سیمای جمهوری اسلامی ایران (شبکه های مختلف)
- همکاری با شبکه رادیو معارف (قم -) کارشناس عالی تاریخ و سیره
- همکاری نزدیک با موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع) زیر نظر حضرت آیت الله سبحانی و عضو هیئت موسس این موسسه از بدو تأسیس
- همکاری با فصلنامه میقات از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۷۵
- همکاری با فصلنامه پیام حوزه تا سال ۱۳۸۰
- همکاری با معاونت امور اساتید دروس معارف اسلامی در دانشگاه ها (نهاد نمایندگی ولی فقیه) از سال ۱۳۷۳ تاکنون در ارتباط با درس تاریخ اسلام و متون و مدرسین این درس و کتب کمک درسی.
- مدیر گروه پژوهشی تاریخ موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- سردبیر فصلنامه علمی - تخصصی "تاریخ در آینه پژوهش"
- همکاری با نشریه افق حوزه (هفته نامه خبری حوزه علمیه)

تاج سلمانی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم و نهم ق)، مورخ. وی در سال ۸۱۳ ق از طرف شاهرخ مامور شد تا ذیلی بر تاریخ «ظفرنامه‌ی» نظام شامی بنویسد. او نیز وقایع ده ساله ۸۱۷-۸۰۷ ق را در تاریخ سلطنت تیمور و شاهرخ بالغ بیگ به صورت ذیلی بر آن افزود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۴۷۳-۴۷۲/۳)، تاریخ در ایران (۱۷۸)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۶).

تبریزی، ابومحمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۱۲ ق)، مورخ و مترجم. وی تاریخ «الامم و الملوک» محمد بن جریر طبری را که شامل تاریخ عالم از آغاز خلقت تا سال ۳۰۹ ق است به فارسی گزارش کرده و وقایع حد فاصل طبری و زمان خود را نیز بدان افزوده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۲۵۷/۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابومحمد).

تبریزی، عبدالعزیز

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم ق)، حکاک و فلزکار. از آثار رقم‌دار وی، جام فلزی پایه‌دار برنزی است که در اسلیمی‌های گوناگون، تصویر و حکاکی شده و با خطوط ثلث و کوفی تزئینی، آرایش شده است، با رقم: «عمل عبدالفقیر الی الله الغنی استاد عبدالعزیز بن استاد شرف‌الدین تبریزی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳۳۷ / ۱).

تبریزی، محمد صالح

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(اواخر س دهم ق)، مذهب و مجلد. اهل تبریز بود و در تذهیب و حل کاری و سوخت سازی مهارت داشت. از آثار گرانقدر وی جلد سوخت ممتازی است که در وسط آن، تصاویر گل و مرغ‌ها و نقوش همطراز اسلیمی به قوی دستی ارائه شده و رقم نهاده: «عمل محمد صالح التبریزی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۹۰۲-۹۰۱/۲).

تبریزی، محمد محسن

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، نقاش، مذهب و معرق‌ساز. اهل تبریز بود و در نقوش اسلیمی، به شیوه سوخت و معرق، دستی بکمال داشت. از آثار امضادار این هنرمند جلد ضربی و سوخت معرقی است، در موزه ویکتوریا آلبرت لندن که جلد پرآرایش نسخه‌ی «نظامی» بوده و در زمینه‌های آبی و سبز و زرد و سرخ فرجام پذیرفته است، با رقم: «عمل محمد محسن تبریزی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۰۷۹-۱۰۷۸/۳).

تجلی پور، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۱۳.

درگذشت: ۱۳۶۱.

از آثار اوست: بررسی تکمیلی سیستماتیک و انتشار نرم‌تنان سواحل ایرانی خلیج فارس (مترجم گلبرگ تجلی پور، تهران، ۱۳۷۳)؛ نرم‌تنان زمینی و روخانه‌ای ایران: بررسی کار نرم‌تن‌شناسان اتریشی در ایران (تهران، ۱۳۶۱)؛ نرم‌تنان مرواریدساز خلیج فارس (۱۳۶۲).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

تقوی، یحیی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۱۱ ق)، نقاش مذهب و قلمدان‌ساز. بنا به روایتی جد مادری او میرزا بابای اصفهانی نقاش باشی است که از نقاشان صاحب نام قاجار بوده است. تقوی یکی از استادان مشهور است که در چهره‌پردازی و انتخاب رنگها در آبرنگ دستی توانا داشت و تذهیب را

به نازک قلمی و شیوا می‌ساخت. وی در تذهیب شیوه‌ای استادانه داشت و پیرو مکتب استادش، میرزا عبدالوهاب مذهب‌باشی بود. استاد دیگر وی سیدهاشم حسینی اصفهانی بوده و در بدایت حال، نزد آن استاد هنر آموخته است. فرزندانش، غلامحسین، غلامرضا و علی‌اکبر تقوی، هر سه هنرمند و از شاگردان وی بوده‌اند. از آثار امضادار این نقاش: آرایش و تذهیب کناره‌های قاب آینه صدفی استاد محمدصادق نقاش، با رقم: «جان نثار یحیی ۱۳۱۰»؛ قلمدان گل و مرغی خوش نقشی که کناره‌های قلمدان را تشعیر و تذهیب کرده و رقم نهاده است: «عمل یحیی ۱۳۱۱».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۲۵-۱۴۲۴/۳).

تقی زاده، لطف الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه علمی

آقای لطف الله تقی زاده در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان ملکان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم‌جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها از سوی دیگر وی را رهسپار قم و در سال ۱۳۸۱ وارد حوزه علمیه قم و مرکز علوم اسلامی جانبازان گردید. از نخستین روزهای ورود ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگان و ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ در مقطع دکترا در سال ۱۳۸۷ از دانشگاه باکو در جمهوری آذربایجان فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "به حکومت رسیدن ترکان جوان در ترکیه و مناسبات ما با قفقاز" دفاع کرد.

وی پس از سالها تلاش و علم‌اندوزی، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم‌اکنون به تدریس در دانشگاههای آزاد بناب، ملکان، مراغه و عجب شیر مشغول می‌باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امرنگارش و پژوهش غافل نمانده است و مقالاتی از قبیل "جنگ جهانی اول و دولت عثمانی" و "ترکان جوان و تفکرات مشروطه خواهی" را به رشته تحریر و به زیور طبع آراسته است.

تقی زاده، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۷-۱۲۵۶ ش)، مورخ، نویسنده و روزنامه‌نگار. در تبریز متولد شد. اجدادش در قریه‌ای به اسم وند، از توابع قصبه‌ی اردوباد،

به دنیا آمده بودند. پدرش پس از تحصیل در نجف در شهر خود مدت بیست و چهار سال حوزه‌ی درس و مقام مقتدایی روحانی داشته است. تقی‌زاده در چهارده سالگی شروع به تحصیل کرد، ابتدا کتابهای فارسی معمول آن زمان و مقدمات عربی و بعد منطق و فقه و اول را نزد علمای تبریز آموخت. وی در بین سنین چهارده تا هجده سالگی به تدریج تحولی در رشته‌ی تحصیلات و افکار او پدید آمد. نخست شوق زیاد به علوم ریاضی قدیم پیدا کرد و بعد به علم کلام و حکمت و طب قدیم روی آورد، و دور از چشم پدر در راه علوم خفیه و تصوف و عرفان قدم نهاد؛ و در بعضی مسلکهای دینی خلاف مشهور، مانند طریقه‌ی شیخیه و غیره، مطالعه و تحقیق کرد. بعد از فوت پدر، در هجده سالگی آزادانه به تحصیل علوم جدید پرداخت و طب و تشریح و غیره را ابتدا نزد میرزا نصرالله سیف‌الاطبا و بعد نزد دکتر محمد کرمانشاهی، معروف به کفری، آموخت و هم به قدر کافی در زبان فرانسه پیشرفت کرد. در این اوقات در مدرسه‌ی دارالفنون مظفری تحصیل می‌کرد و در آنجا فیزیک نیز درس می‌داد. تقی‌زاده در سال ۱۳۱۶ ق با همدستی چند نفر، مدرسه‌ای به نام تربیت تاسیس کرد. وی در سالهای ۱۳۱۸ ق و بعد از آن در مدرسه‌ی آمریکایی تبریز به فراگرفتن زبان انگلیسی پرداخت و نزد یکی از معلمان آمریکایی قدری از درجات عالی‌ی علوم طبیعی را از روی کتابهای انگلیسی فراگرفت. در سال ۱۳۲۰ ق به همراهی میرزا محمدعلی خان تربیت و میرزا سید حسین خان عدالت و میرزا یوسف خان آشتیانی اعتصام مجله‌ای علمی و ادبی، به اسم «گنجینه‌ی فنون» که ماهی دو شماره منتشر می‌شد و یک سال دوام یافت، تاسیس کرد. تقی‌زاده پس از امضای فرمان مشروطیت چندین دوره به وکالت مجلس از طرف مردم تبریز برگزیده شد و بعد از به توپ بستن مجلس به اروپا رفت و مجله‌ی «کاوه» را در آلمان منتشر ساخت. او با انتقال حکومت از قاجاریه به پهلوی مخالف بود، اما بعد از انتقال حکومت از قاجاریه به خانواده‌ی پهلوی، چندین مرتبه به وزارت‌های مختلف منصوب شد. تقی‌زاده مدتی نیز در دانشگاه کمبریج و مدرسه‌ی مطالعات شرقی زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌کرد. بالاخره در تهران وفات یافت. از آثار وی: «مقدمه‌ی تعلیم عمومی یکی از سرفصلهای تمدن»؛ «از پرویز تا چنگیز»؛ «گاه‌شماری در ایران قدیم»؛ «بیست مقاله»؛ «تمدنات قدیمه»؛ «مانی و دین او»؛ «تاریخ انقلاب ایران»؛ «تحفه الملوک»، یکی از متون قدیم مجهول المولف؛ «تاریخ عربستان و قوم عرب در اوان ظهور اسلام». [۱]

فرزند سید تقی، متولد ۱۲۵۶ در تبریز. پدرش در کسوت روحانیت بود. تقی‌زاده از پنج سالگی به تحصیل پرداخت و علاوه بر زبان فارسی و عربی و معارف اسلامی، ریاضیات و فلسفه نیز خواند و تحصیلات رایج مدرسی را خیلی زود پایان برد. مدتی نیز در مدرسه‌ی آمریکائی تبریز به آموختن زبان انگلیسی پرداخت. در بیست سالگی با کمک چند تن از دوستان خود مدرسه‌ی تربیت و کتابخانه‌ای در تبریز دایر کرد. نشریات کشورهای عربی و مخصوصاً عثمانی آن روز در آن کتابخانه توزیع می‌شد. در اوایل ۱۳۲۰ ه. ق مجله‌ای به نام گنجینه‌ی فنون انتشار داد. مقالات این مجله که غالباً ترجمه از نشریات خارجی بود در تنویر افکار عمومی و ایجاد فکر آزادی در مردم تأثیر بسزائی داشت. تقی‌زاده مدتی نیز به سیر و سیاحت پرداخت و از قفقاز و استانبول و مصر و بیروت دیدن نمود و در تمام این مسافرت‌ها بر دانش خود افزود. در وقایع مشروطیت، فعالیت بسیار زیادی داشت و از بارزترین مبارزان راه آزادی و مشروطه در آذربایجان بود.

بعد از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی، از طرف تجار تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شد. در آن تاریخ بسیار جوان بود. در خاطرات خود نوشته: «در همان روز که به مجلس وارد شدم، مرحوم حاج محمد صراف نماینده‌ی مجلس به مرحوم حاج سید مرتضی مرتضوی به شوخی گفت: در تبریز شما آدم حسابی قحط بود که این پسر را به عنوان نماینده به مجلس فرستادید! اما مرحوم حاج سید مرتضی گفت صبر کنید تا همین آقا پسر به حرف بیاید آنوقت خواهی فهمید که تبریزی‌ها چه کسی را به نام نماینده‌ی خود به مجلس اول روانه کرده‌اند.» تقی‌زاده با احاطه به نطق و بیان و افکار روشن و منظم و دقیق خیلی زود در مجلس گل کرد و در مدت کوتاهی توانست خود را بشناساند و مورد توجه مردم قرار گیرد. اقدامات مجلس اول علیه محمدعلی

شاه که بالاخره منجر به توپ بستن مجلس شد، تا اندازه‌ی زیادی مولود اقدامات تقی‌زاده و چند نفر دیگر بود. چون در این وقایع جان‌ش کاملاً در خطر بود، ناچار شد به سفارت انگلیس پناه برد. پس از مدتی به اروپا رفت و در آنجا برای سقوط محمدعلی شاه فعالیت کرد و با نشر مقالات متعدد به زبان‌های مختلف، افکار عمومی مردم و دولت‌های بعضی از کشورها را متوجه ایران ساخت. بعد از استبداد صغیر، به ایران بازگشت و در انتخابات دوره‌ی دوم از تهران و تبریز و کیل شد ولی وکالت تبریز را پذیرفت. بعد از خاتمه‌ی انتخابات به اروپا و آمریکا سفر نمود و در ۱۳۳۴ ه.ق به انتشار مجله‌ی کاوه در برلن مبادرت کرد و مدت شش سالی که این مجله به زبان فارسی در برلن انتشار می‌یافت، حاوی مقالات بسیار سودمندی بود.

در دوره‌ی سوم نیز وکیل شد، ولی در مجلس شرکت نکرد. در انتخابات دوره‌ی چهارم که همزمان با قرارداد ۱۹۱۹ در زمان نخست‌وزیری وثوق‌الدوله بود، بار دیگر از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب شد. ولی مجلس در دوران نخست‌وزیری مشیرالدوله، سپهدار رشتی و سید ضیاءالدین تشکیل نشد تا سرانجام قوام‌السلطنه در ۱۳۰۰ به تشکیل مجلس چهارم مبادرت ورزید. در ادوار پنجم و ششم هم نماینده‌ی مجلس بود، ولی دیگر آن شور و احساس جوانی را نداشت و به استقبال ماجرا نمی‌رفت. در دوره‌ی پنجم از مخالفین تغییر سلطنت بود. مستوفی‌الممالک در ۱۳۰۵ او را برای وزارت خارجه در نظر گرفت ولی از قبول وزارت عذر خواست و نمایندگی مجلس را ترجیح داد.

در ۱۳۰۷ ش والی خراسان شد و کمتر از یک سال در این سمت انجام وظیفه نمود. سپس وزیرمختار ایران در انگلستان شد و تا اواسط ۱۳۰۸ در لندن بود. در آن سال مخبرالسلطنه هدایت، رئیس دولت تغییراتی در کابینه‌ی خود داد؛ از جمله وزارت فوائد عامه را منحل و به جای آن وزارت طرق و شوارع و وزارت اقتصاد ملی را تشکیل داد. ذکاءالملک فروغی به وزارت اقتصاد و تقی‌زاده به وزارت طرق منصوب شدند. یک سال بعد پس از کنار رفتن مشارالملک از وزارت دارائی، تقی‌زاده وزیر دارائی و سرپرست وزارت راه شد و مذهب‌الدوله کاظمی را از جانب خود کفیل وزارت راه نمود. تا پایان کابینه‌ی حاج مخبرالسلطنه، در وزارت دارائی بود. ولی در شهریور ۱۳۱۲ پس از سقوط کابینه‌ی مزبور، او هم بالطبع از عضویت دولت کنار رفت و به سمت وزیرمختار ایران در پاریس تعیین گردید و تا ۱۳۱۳ در آن سمت بود. در آن تاریخ از مشاغل دولتی معاف شد و برای تدریس به انگلستان رفت و به تدریس زبان و ادبیات فارسی و عربی در مدرسه‌ی السنه شرقی پرداخت.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ بار دیگر وارد میدان سیاست شد. در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی با کمک منشی سابق خود علی سهیلی که وزیر امور خارجه بود، به وزیرمختاری ایران در لندن برگزیده شد. علت انتخابش به آن سمت، بیشتر برای استفاده از حسن روابط او با کارگردانان حکومت انگلستان بود، زیرا شخصیت علمی و وجهه‌ی سیاسی تقی‌زاده علت معروفیت او در بین رجال انگلیس و در وزارت امور خارجه‌ی انگلستان بود. در ۱۳۲۱ قوام‌السلطنه او را به عنوان وزیر امور خارجه معرفی نمود، ولی تقی‌زاده تلگرافی عذر خواست و در سمت وزیرمختاری در لندن همچنان باقی ماند. بعد از آنکه نمایندگی‌های سیاسی ایران و انگلیس در دو کشور به سفارتخانه تبدیل شد، تقی‌زاده به مقام سفیرکبری ارتقاء یافت. اقدام برجسته‌ی او در سفارت ایران در لندن، مربوط به وقایع آذربایجان و تخلیه‌ی ایران از قوای متجاوز ارتش شوروی است. او چون رجلی ملی و نامدار، در صدد استیفای حقوق ملت ایران برآمد و با طرح شکایت در سازمان ملل، حقانیت ایران را به ثبوت رسانید و از این طریق بار دیگر در محافل سیاسی ایران، نام وی به عنوان یکی از رجال سیاسی و ملی ایران بر سر زبان‌ها افتاد. با وجودی که مخالفین وی در همان هنگام انگشت روی اشتباهات سیاسی وی می‌گذاشتند، ولی مع‌الوصف اقدام او در کشور حسن اثر داشت.

در دوره‌ی پانزدهم، به پاس خدماتش در سازمان ملل، از طرف مردم تبریز به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در آن تاریخ منصورالملک استاندار آذربایجان و قوام‌السلطنه نخست‌وزیر بود، و در غالب نقاط کاندیداهای حزب دموکرات ایران از صندوق‌ها بیرون می‌آمدند. ولی تقی‌زاده عضو آن حزب نبود و مردم تبریز او را به عنوان یک شخصیت برجسته‌ی آذربایجانی و مستقل، به

مجلس فرستادند. تصویب اعتبارنامه‌اش با جنجال توأم بود. عباس اسکندری نماینده‌ی همدان، درباره‌ی صلاحیت و سوابق سیاسی او، پناهنده شدنش به سفارت انگلیس و تمدید قرارداد نفت جنوب در دوره‌ی وزارت دارائی‌اش، به تفصیل سخن گفت و او را برای نمایندگی صالح ندانست. عباس مسعودی در مقام دفاع از شخصیت تقی‌زاده، نطق مفصلی ایراد کرد و به ایرادها جواب گفت. سرانجام مجلس درباره‌ی اعتبارنامه‌ی او تصمیم به اخذ رأی نمود و اعتبارنامه‌اش با اکثریت قاطعی به تصویب رسید. در انتخابات هیئت رئیسه از طرف نمایندگان آذربایجان کاندیدای ریاست شد. سردار فاخر حکمت و ملک‌الشعراى بهار هم کاندیدای حزب دموکرات ایران بودند. ملک‌الشعرا به توصیه‌ی قوام‌السلطنه کنار رفت و حزب دموکرات ایران یک کاندیدا پیدا کرد که سردار فاخر بود. پس از اخذ رأی، سردار فاخر با اکثریت ناچیزی بر کرسی ریاست نشست. تقی‌زاده در دوران نمایندگی در دوره‌ی پانزدهم، دو یا سه نطق مهم ایراد کرد که در یکی از نطق‌هایش خود را از بعضی اشتباهات سیاسی که به او نسبت می‌دادند، مبرا دانست.

در انتخابات دوره‌ی اول سنا که مصادف با انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجلس شورای ملی بود، سناتور شد. و در دوره‌ی دوم سنا نیز ریاست داشت. در دوره‌ی سوم و چهارم سنا زیر بار مسئولیت نرفت و غالباً فقط ریاست کمیسیون خارجه‌ی مجلس را عهده‌دار می‌شد. در اواسط دوره‌ی چهارم سنا، بیمار شد و ناچار از صندلی چرخدار استفاده می‌کرد. در جلسات سنا مرتباً شرکت می‌نمود، ولی از نطق و خطابه‌های شورانگیز که در جوانی ایراد می‌کرد، دیگر آثاری هویدا نبود.

متجاوز از هفتاد سال در صحنه‌ی سیاسی ایران حضور داشت. از روزی که با انتشار مجله‌ی گنجینه‌ی فنون در ۱۳۲۰ ه. ق وارد سیاست شد، تا سال‌های آخر عمر همواره دست‌اندر کار سیاست بود. در صدر مشروطیت و ادوار اول و دوم مجلس شورای ملی، به عنوان نماینده‌ای پرشور و انقلابی عمل می‌کرد و از همه حیث محبوب مردم بود، ولی مخالفین وی پناهندگی‌اش را به سفارت انگلیس نکوهش کرده‌اند و حتی بعضی از ترورهای سیاسی آن ایام را منسوب به او دانسته و چهره‌ی سیاسی‌اش را زشت و سیاه ترسیم کرده‌اند. هرچه که باشد، نقش او در حیات سیاسی، ملی، علمی و فرهنگی ایران به اندازه‌ی مؤثر و گسترده بوده است که بررسی دقیق و کامل آن محتاج یک اثر مستقل است.

در طول هفتاد سال فعالیت سیاسی، هیچگاه از فعالیت علمی و ادبی غافل نبوده است. لقب علامه را به لحاظ وسعت دامنه‌ی دانش و عمق و دقت اطلاعات علمی‌اش به وی داده‌اند. در ابتدای جوانی فقط تحصیلات قدیمه داشت، ولی این تحصیلات را عمیقاً انجام داده بود. حافظه‌ی بسیار قوی، هوش سرشار، مطالعات مختلف، پی‌گیری و دقت او، وی را در زمره‌ی محققین و دانشمندان طراز اول ایران و در شمار یکی از علمای جهان قرار داد. به زبان‌های ترکی، عربی، فرانسه، انگلیسی و آلمانی تسلط کامل داشت. گذشته از تکلم به آن‌السنه، در زبان و ادبیات آنها تتبع و تعمق نموده بود. گرچه فعالیت‌های سیاسی مجال زیادی برای مطالعه به او نمی‌داد، ولی مع الوصف به واسطه‌ی اقامت طولانی در کشورهای خارجی و استفاده‌ی دقیق، منظم و با برنامه از کتابخانه‌های معتبر دنیا، در زمینه‌ی تحقیق در تاریخ و تمدن ایران، به یکی از صاحب‌نظران کارکشته‌ی معاصر تبدیل شد.

در جنگ بین‌الملل اول با کمک چند تن از دوستان خود، از جمله علامه دهخدا و علامه قزوینی، در آلمان دست به انتشار مجله‌ای زدند که کاوه نام داشت. کاوه که شش سال انتشار یافت، حاوی نکات بسیار سودمند تاریخی و علمی و اجتماعی و سیاسی است. بعضی از مقاله‌های تحقیقی آن مجله در همان تاریخ به صورت کتاب انتشار یافت که مجلس ملی ایران و کشف تلبیس از جمله آنهاست. کتاب‌های گاه‌شماری در ایران قدیم، محاکمات تاریخی تاریخ، از پرویز تا چنگیز، مقدمه‌ی دیوان ناصر خسرو که با مشارکت علامه قزوینی و حاج میرزا نصرالله تقوی تنظیم شده است، مانی و ایران، جنگ فرنگستان و چند اثر دیگر از تحقیقات انتشار یافته‌ی خود اوست.

چند سال قبل درباره‌ی تاریخ مشروطیت سه خطابه در باشگاه مهرگان ایراد نمود که در همان موقع در روزنامه‌های عصر انتشار یافت و بعد نیز به صورت کتابی منتشر شد. سال‌هایی که در لندن به تدریس اشتغال داشت، متجاوز از پنجاه سخنرانی و خطابه‌ی

عالمانه و محققانه درباره‌ی تاریخ و تمدن اسلام در کشورهای مختلف جهان و دانشگاه‌ها ایراد نمود که هر کدام در حد خود یک رساله‌ی محققانه است. در ادوار اخیر در دوره‌ی دکترای الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌نمود و کلاسش مرکز تجمع شیفتگان علم و ادب و دانش پژوهان بود. رویه‌ی اداره‌ی کلاس او بر اساس دموکراسی کامل بود و شاگردان در حین درس استاد، حق داشتند به بحث و سؤال پردازند. در هر دانشجویی که مایه و علاقه‌ای می‌دید، از هیچ‌گونه کمکی به او دریغ نمی‌ورزید. به مبانی مذهبی و ملی اعتقاد داشت. در جوانی با یک خانم آلمانی ازدواج کرد و تا آخر عمر با او زندگی می‌کرد. صاحب اولادی نشد و در ۱۳۴۹ در ۹۲ سالگی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] از نیما تا روزگار ما (۱۲۱-۱۱۲)، تاریخ جراید (۱۳۱-۱۲۵/۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۹۰-۲۷۷/۲)، شرح حال رجال (۶۹-۶۶/۵)، نقد حال (۵۳۳-۴۷۰)، یادنامه‌ی تقی‌زاده، یغما (س ۲۶، ش ۴، ص ۱۹۶-۱۹۳، س ۳۰، ش ۷، ص ۴۰۴-۳۹۶، ش ۸، ص ۴۷۹-۴۷۲).

تکلو، احمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۳۳ ق)، مذهب، خطاط و شمشیرساز. هنرمند ذوفنونی از محل تکه ترکمان، نزدیک مشهد بود که در هنگام حمله سلطان سلیم به ایران و فتح تبریز، از موطن اصلی خود رخت بر بسته و در دربار سلطنتی پادشاه عثمانی به کار هنری مشغول گشته بود. از آثار این استاد که در سال ۹۳۳ ق به پایان رسانده: شمشیر منقش و استادانه سلطان سلیمان قانونی است که در قبضه عاجی آن، انواع نقوش قرینه‌ای و سایر تزئینات اسلیمی، در کمال ریزنگاری انجام پذیرفته و بر روی تیغه به خط ثلث طلا-کوبی رقم «احمد تکلو قارا باجک» دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۴۱-۱۴۴۰/۳).

تکمیل همایون، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر ناصر تکمیل همایون در سال ۱۳۱۵ در قزوین متولد شد. وی در دو رشته تاریخ و جامعه‌شناسی در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۶ موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه پاریس (سوربن) شد. آنچه وی را از دیگر پژوهشگران اجتماعی - فرهنگی ایران به صورتی ویژه متمایز می‌کند، تحصیل و تسلط بر تاریخ ایران (خصوصاً ابعاد اجتماعی تاریخ ایران) در گذشته و حال، در کنار تحصیل دانشگاهی جامعه‌شناسی است. در صورتی که بتوان برای شناخت صحیح فرهنگها خصوصاً فرهنگ ایرانی، آگاهی از تاریخ و خصوصاً تاریخ اجتماعی را لازم دانست، دکتر تکمیل همایون به خوبی از عهده این مهم بر آمده است. گروه: علوم انسانی‌رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: ناصر تکمیل همایون در دو رشته تاریخ و جامعه‌شناسی در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۶ موفق

به اخذ درجه دکترا از دانشگاه پاریس (سوربن) شد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: ناصر تکمیل همایون استاد و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. وی علاوه بر موقعیت دانشگاهی، سرپرستی بخش «فرهنگ و تاریخ» در موسسه تحقیقی - انتشاراتی «دفتر پژوهش‌های فرهنگی» را بر عهده دارد. وی در این موسسه به طور ویژه اشراف علمی انتشار مجموعه کتابهایی موجز و دقیق درباره ابعاد گوناگون تاریخ و فرهنگ را بر عهده گرفته است. فعالیت‌های آموزشی: ناصر تکمیل همایون علاوه بر پژوهش و تالیف، سالها به تدریس تاریخ و علوم اجتماعی در برخی دانشگاهها و خصوصا پژوهشگاه علوم انسانی مشغول بوده، به نحوی که مقام دانشگاهی استادی را در اختیار دارد. چگونگی عرضه آثار: ناصر تکمیل همایون راهنمای بخشی از پایان نامه های دانشجویی هم بوده است. وی ۱۴۲ مقاله فارسی و ۴ مقاله انگلیسی هم در آثار خود نهاده است. تکمیل همایون تاکنون بیش از ده عنوان کتاب از مجموعه «از ایران چه می دانم؟» را به نگارش در آورده است. تاکنون حدود ۷۵ مجلد از این مجموعه به چاپ رسیده و بیش از ده مجلد دیگر نیز در شرف انتشار است. این مجموعه کتابها، از آنجا که توسط متخصصین هر موضوع به نگارش در آمده و اشراف علمی دقیقی بر آنها واقع شده، مورد اقبال و استقبال فراوان مخاطبان قرار گرفته است. آثار ایشان و نتایجی که وی از خلال بحث‌های تاریخی - اجتماعی درباره عناصر فرهنگی - اجتماعی ایران، با بهره مندی از نوعی نگاه تاریخی، ارائه می کند، سندی مهم از اهمیت دانش تاریخی در بررسی اجتماعی ایران است. گرچه محدوده موضوعات آثار او آنچنان وسیع است که نوعی فقدان مرکزیت در تولیدات ایشان را به ذهن متبادر می کند، تحلیل آماری موضوعات آثار ایشان نشان می دهد که وی بیش از همه درباره ابعاد گوناگون شهر تهران در دوره های جدید، تاریخ اجتماعی ایران، عناصر مدرن تاریخ ایران (مرزبندی ها، نیروهای نظامی، تعلیم و تربیت)، استانهای جنوبی ایران، خلیج فارس و دریاهاى ایرانى و نیز معماری ایرانی به تحقیق و پژوهش دست زده است. آثار: تالیف کتاب تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، ۳ جلد، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۷ چاپ دوم ۱۳۸۰، تالیف کتاب تاریخ ایران در یک نگاه، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۲ چاپ سوم ۱۳۸۴، تالیف کتاب تاریخ تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۶، تالیف کتاب تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۲، تالیف کتاب دانشگاه گندی شاپور، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴، تالیف کتاب کتابشناسی تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۹، تالیف کتاب میهن دوستی در ایران، استقلال، ۱۳۵۹، تالیف کتاب نقش علمی و فرهنگی یونسکو در پژوهش راههای تاریخی ابریشم، سروش، ۱۳۷۶، تالیف کتاب آبسکون یا جزیره آشوراده، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۹ چاپ سوم ۱۳۸۰، تالیف کتاب آموزش و پرورش در ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، زیر چاپ ۱۳۸۴، تالیف کتاب استان هرمزگان، (اجرای طرح با دانشگاه هرمزگان)، تالیف کتاب خلیج فارس، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۰ چاپ چهارم ۱۳۸۳، تالیف کتاب خوارزم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۳، تالیف کتاب رویدادها و یاد مانهای تاریخی تهران، جلد اول (از چهار جلد)، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴ (زیر چاپ). تالیف کتاب سرگذشت دریای مازندران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول ۱۳۸۰ چاپ سوم ۱۳۸۳، تالیف کتاب گستره فرهنگی و مرزهای تاریخی ایران زمین، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۹ چاپ سوم ۱۳۸۰، تالیف کتاب مرزهای ایران در دوره معاصر، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۹ چاپ دوم ۱۳۸۰، تالیف کتاب مشروطه خواهی ایرانیان، مرکز بازشناسی ایران و اسلام، جلد دوم زیر چاپ ۱۳۸۴، تالیف کتاب مشروطه خواهی ایرانیان، مرکز بازشناسی ایران و اسلام، جلد اول ۱۳۸۳، تالیف کتاب مکتبخانه (آموزش کودکان و نوجوانان)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، زیر چاپ، تالیف کتاب نظام و نهادهای آموزشی در ایران باستان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۲۰-۹۴۷ ق)، مورخ. در شیراز ولادت یافت و در جوانی برای بازرگانی به هندوستان رفت. در دهلی به دربار علی عادل‌شاه راه یافت و به منصب خوان سالاری او رسید و پس از چندی منشی دربار شد. بعد از مرگ وی، در دربار برادرزاده‌اش، ابراهیم عادل‌شاه نیز مقام بلند یافت. اما، پس از چندی مغضوب شد و به زندان افتاد. رفیع‌الدین بعد از رهایی حاکم شهر بیجاپور شد. وی مولف کتابی است به نام «تذکره الملوک» در تاریخ سلسله عادی شاهیان بیجاپور که وقایع مربوط به این سلسله را تا آغاز سال ۱۰۲۰ ق در آن گرد آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۶۹-۳۶۸).

توکل کوثری، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید محمدعلی توکل کوثری دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته ریاضی، علوم کامپیوتری از دانشگاه صنعتی شریف تهران (۱۳۵۶)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته علوم کامپیوتر از دانشگاه اورگان آمریکا (۱۳۵۷)، مدرک دکتری را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه آبردین انگلستان (۱۳۶۰) و مدرک فوق دکتری را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه کمبریج انگلستان اخذ نموده است. گروه: علوم انسانی‌رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: دکتر سید محمدعلی توکل کوثری مدرک کارشناسی را در رشته ریاضی، علوم کامپیوتری از دانشگاه صنعتی شریف تهران (۱۳۵۶)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته علوم کامپیوتر از دانشگاه اورگان آمریکا (۱۳۵۷)، مدرک دکتری را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه آبردین انگلستان (۱۳۶۰) و مدرک فوق دکتری را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه کمبریج انگلستان اخذ نمودند. عنوان رساله وی و دوره دکتری «جامعه‌شناسی معرفتی تطبیقی- انتقادی» است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: خدمات علمی اجرایی دکتر توکلی کوثری به قرار زیر است، ● دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو، کمیسیون ملی یونسکو- وزارت علوم ● معاون پژوهشی وزارت علوم، وزارت ۸ مشاور وزیر و رئیس موسسه پژوهش آموزش عالی، موسسه عالی پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی-- وزارت علوم ● مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، دانشگاه تهران فعالیت‌های آموزشی: موارد تدریس دکتر توکل «جامعه‌شناسی پزشکی»، «زبان تخصصی ۲» (در مقطع کارشناسی)، «زبان تخصصی ۲»، «جامعه‌شناسی تکنولوژی و توسعه»، «جامعه‌شناسی معرفت»، «جامعه‌شناسی بهداشت و سلامت جوانان»، (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است. جوایز و نشانها: پایان نامه برگزیده کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، پایان نامه برگزیده دکتری سال، دانشگاه تهران، پایان نامه برگزیده سال، دانشگاه تهران، آثار: اصطلاحنامه فرهنگی فارسی و ویژگی اثر: بررسی و نقد کتاب، سازمان مدارک فرهنگی، ۲ تقریظ بر کتاب جامعه‌شناسی بیماری و پزشکی و ویژگی اثر: بررسی و نقد کتاب، باورداران، ۳ جامعه‌شناسی پزشکی و ویژگی اثر: تالیف و تصنیف، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف، ۴ جامعه‌شناسی معرفت و ویژگی اثر: تالیف ۵ جامعه‌شناسی معرفت و علم و ویژگی اثر: تالیف ۶ جامعه‌شناسی (بررسی و معرفی کتاب گیدنز در مجله نامه علوم اجتماعی) و ویژگی

اثر: و بررسی و نقد کتاب، نشر نی، ۷ دگرگونی اجتماعی در جامعه اطلاعاتی و ویژگی اثر: ترجمه - ترجمه، شورای عالی اطلاع رسانی و کمیسیون ملی یونسکو، ۸ رویکرد تأویلی در مسیحیت و اسلام و ویژگی اثر: تالیف ۹ مأخذشناسی توسعه ویژگی اثر: تالیف - ویرایش علمی کتاب، موسسه پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، ۱۰ مقدمه ای بر جامعه شناسی علم و ویژگی اثر: تالیف و تصنیف، انتشارات صدوق، ۱۱ موانع توسعه در سه کشور و ویژگی اثر: تالیف ۱۲ موانع توسعه: مطالعه مقایسه ای ایران با ترکمنستان و مراکش و ویژگی اثر: تالیف ۱۳ یادنامه آیت الله خاتمی - فصل (مقاله) رویکرد تاویلی و ویژگی اثر: تالیف و تصنیف، موسسه معارف اسلامی امام رضا

تهرانی، محمدصادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدصادق بن میرزا ابوالقاسم تهرانی از دانشمندان فاضل و اخیار معروف به تقوا و پرهیزکاری حوزه علمیه قم و شهرستان مذهبی قم است مرحوم والد مذکورش از متدینین واقعی و عبادالله الصالحین بوده که تا آخر عمرش جز کسب رضای خدا هدفی نداشت و جدش مرحوم میرزا علی اکبر سیاه پوشان از رجال معروف زمان ناصرالدین شاه بود که همه عمر برای ماتم حضرت سیدالشهداء علیه السلام لباس سیاه را از تن بیرون نکرد شب و روز کارش گریه بود بخصوص در ایام عاشورا که دستمالها از گریه و اشک چشمش تر نموده و برای کفن و قیامت خود ذخیره می نمود و نیز مادران وی از زنان پارسا و قانتات عابدات ذاکرات با کیات صالحات روز کار بوده اند و هم پدران مادری ایشان از مومنین کاملین و اتقیاء زمان خود و بسیار معتقد و صوام و قوام بوده اند.

وی در اواخر ذی الحجه ۱۳۳۱ ق در چنین خاندانی متولد و در حجر این پدران متدین و مادران صالحه تربیت و پس از رشد و خواندن مقدمات و ادبیات به مشهد مقدس رفته و بعضی از سطوح را خدمت مرحوم حاج شیخ حبیب الله گلپایگانی که از ائمه جماعت مسجد گوهرشاد و معروف به قدس و تقوا بود خوانده و بعد از دو سال به تهران آمده و از مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی که از علماء اتقیاء تهران بود استفاده کرده و بعد به قم مهاجرت نموده و از اساتیدی مانند مرحوم ادیب تهرانی و سید مهدی کشفی و حاج شیخ عباس تهرانی و آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله شاهرودی سطوح را تکمیل و به درس خارج آیت الله حجت و آیت الله صدر حاضر شده و بعد به درس مرحوم علامه بزرگ آیت الله بروجردی شرکت نموده و ضمناً در مسجد جامع قم به اقامه جماعت و ترویج دین اشتغال دارد و بعد از فوت مرحوم آیت الله بروجردی - ره - به آیت الله العظمی امام خمینی مدظله پیوسته و از اصحاب خاص آن جناب گردید و به همین جهت گاهی گرفتار و به معذورات شدیدی مبتلا شده است.

آثار ایشان ۱- کتابی است در شرح احوال علماء قم که از زمان مرحوم حایری تا عصر حاضر از دنیا رفته و دارای اثرات نورانی بوده اند به نام آثارالنوریه یا (جلوه درخشان).

۲- سفور التهافت یا (رسوائی یاوه گویان) که همان تهافت و تناقض گوئی جمعی از مبدعین قرون گذشته و عصر حاضر است که همان بطلان ادعاء آنهاست از قول خودشان.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ثابت تبریزی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۳-۱۲۵۳ ق)، شاعر و صحاف. از مردم تبریز بود. از رهگذر پیشه‌ی صحافی و جلدسازی امرار معاش می‌کرد، و در زادگاهش می‌زیست او به دو زبان فارسی و ترکی، نیکو شعر می‌گفت. «دیوان» او شامل اشعاری به هر دو زبان است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۱۱۶/۲)، دانشمندان آذربایجان (۸۹)، الذریعه (۱۸۲/۹)، ریحانه (۳۶۲/۱)، سخنوران آذربایجان (۲۷۳)، فرهنگ سخنوران (۱۹۷).

ثابتای کاشی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، واقعه‌نویس و شاعر. طبعش خالی از لطف نبوده و طرزش به شعرای هندوستان شبیه بوده است. وی مدتی در خدمت عباس قلی‌خان، حاکم هرات، واقعه‌نویس بوده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی نصرآبادی (۳۷۱)، الذریعه (۱۸۲-۱۸۱/۹)، صبح گلشن (۹۶)، فرهنگ سخنوران (۱۹۸)، گلزار جاویدان (۲۹۳/۱).

ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۳۰/۴۲۹-۳۵۰ ق)، ادیب، نویسنده و مورخ. وی در دو روش نثر مصنوع و مرسل استاد بوده است. چون شغلش پوستین‌دوزی از پوست روباه بود، به ثعالبی مشهور شد. آثار مشهور او عبارت‌اند از: «یتیمه الدهر»، در شرح احوال شعرای بزرگ عهد مولف از شام تا ماوراءالنهر، که از حیث انشاء بلیغ و از باب اشتغال بر احوال و اشعار بسیاری از شعرای آن عصر، خاصه شعرای تازی‌گوی ایران، اهمیت بسیار دارد. وی این کتاب را به وسیله ذیلی به نام «تتمه الیتیمه»، تکمیل کرده است. از دیگر آثار وی: «الاعجاز و الایجاز»؛ «خاص الخاص»؛ «ثمارالقلوب فی المضاف و المنسوب»؛ «نثر النظم»؛ «التمثیل و المحاضره».[۱]

ابومنصور عبدالملک بن محمد نیشابوری (ف. ۴۲۹ ه.ق.) ادیب و نویسنده و مورخ قرن چهارم و آغاز قرن پنجم است. وی در نثر مصنوع و مرسل عربی هر دو استاد بود. از آثار او یتیمه الدهر (ه.م.)، الاعجاز و الایجاز، خاص الخاص، ثمارالقلوب فی المضاف والمنسوب، نثر النظم، کتاب التمثیل و المحاضره و چند کتاب دیگر است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۳۱۱/۴)، تاریخ ادبیات ایران (۶۴۲-۶۴۱/۱)، دایره المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، ریحانه (۳۶۴-۳۶۵)

۱/، سرآمدان فرهنگ (۱۳۶/۱)، سیرالنبلاء (۴۳۸-۴۳۷/۱۷)، و فیات الاعیان (۱۸۰-۱۷۸/۳)، هدیه العارفین (۶۳۵/۱).

ثعالبی، ابومنصور حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۲ ق)، مورخ و نویسنده. از مردم مرغن، ناحیه غور بود. کتاب «غرر انیر» یا «غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم»، که به ابومنصور عبدالملک ثعالبی منسوب شده است، ظاهراً از اوست. این کتاب را مولف به نصر، سپهسالار خراسان، هدیه کرده است. این کتاب مشتمل بر تاریخ از خلقت عالم تا زمان محمود غزنوی است. قسمتی از جزء اول آن را که مربوط به ایران است زوتبرگ، به سال ۱۹۰۰ م در پاریس منتشر کرده و به ابومنصور عبدالملک ثعالبی نسبت داده است. این قسمت کتاب بخصوص از این جهت اهمیت دارد که در بسیاری موارد بیشتر از طبری به ماخذ قدیم «شاهنامه» نزدیک است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دایره المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، سرآمدان فرهنگ (۱۳۷-۱۳۸/۱).

ثعلبی، ابواسحاق، احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۶/۴۲۷/۴۳۷ ق)، قاری، مفسر، حافظ، مورخ، فقیه، ادیب و محدث. از اهالی نیشابور بود. وی از ابوطاهر بن خزیمه و ابوبکر بن مهران مقری و ابومحمد مخلصی و همطبقه‌ی آنان روایت کرده است. استادان بسیار دیده و احادیث بسیار شنیده است. ابوالحسن واحدی تفسیر را از او روایت کرده است. در علم قرآن او را یگانه‌ی زمان خود می‌دانستند. از آثار وی: «عرایس المجالس فی قصص الانبیاء»؛ «الکشف و البیان فی تفسیر القرآن» معروف به «تفسیر کبیر» یا «تفسیر ثعلبی»؛ «تاج العرایس»؛ «ربیع المذکرین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۶-۲۰۵/۱)، دایره‌المعارف فارسی (۷۱۳/۱)، الذریعه (۶۷-۶۶/۱۸، ۲۴۳-۲۴۲/۱۵)، روضات الجنات (۲۵۷-۲۵۵/۱)، ریحانه (۳۶۸-۳۶۷/۱)، سیرالنبلاء (۴۳۷-۴۳۵/۱۷)، کشف الظنون (۱۴۹۶، ۱۱۳۱)، الکنی و الالقاب (۱۳۱/۲)، لغت‌نامه (ذیل/احمد)، معجم الادباء (۳۸-۳۶/۵)، الوافی بالوفیات (۳۰۸-۳۰۷/۷)، و فیات الاعیان (۸۰-۷۹/۱)، هدیه العارفین (۷۵/۱).

ثقفی نژاد، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد ثقفی نژاد

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد ثقفی متولد ۱۳۲۳، تبریز، دارای شماره ۴، در یک خانواده مذهبی چشم به جهان گشود. پدرم سلاله الاطیاب آقای سید علی اصغر ثقفی مردی متدین و کاسب کار بود. پس از اتمام دوره مدرسه ابتدایی، در سال ۱۳۳۵ وارد مدرسه طالبیه تبریزی تبریز شدم و مقدمات علوم عربی و ادبیات فارسی و عربی را شروع کردم. دو کتاب ادبی ارزنده گلستان و کلیله و دمنه را از مرحوم آقای حاج میرزا علی نمرودی فرا گرفتم و همزمان جامع المقدمات را در صرف و نحو به پایان رساندم. مقداری از معالم الاصول و جلد اول لمعه را در تبریز به پایان بردم و سپس در سال ۱۳۴۱ بعد از وفات مرحوم آیت الله بروجردی و برای تداوم تحصیل عازم حوزه علمیه قم گردیدم. در مدت ۵ سال متون فقه و اصول، رسائل، مکاسب و کفایه را به ترتیب از آیت الله سبحانی، شیخ ابوالفضل علمانی و آیت الله پایانی و آیت الله سید محمدباقر سلطانی به اتمام رساندم. همزمان در درس فلسفه منظومه سبزواری شهید دکتر مفتاح حاضر می‌شدم و سپس ادامه فلسفه اسلامی را به ترتیب از آیت الله سبحانی، استاد جوادی آملی، شهید مطهری و آیت الله محمد گیلانی، دنبال کردم. همچنین کلام اسلام، کشف الرأء خواجه نصر را از آیت الله آستارائی به پایان رساندم. در علم تفسیر، به تفسیر استاد صالحی نجف آبادی، آیت الله سبحانی حاضر می‌شدم. آن روزها، در شب‌های جمعه و شنبه، در دبیرستان دین و دانش شهید بهشتی، طلاب قم به کلاس زبان و مکالمه عربی شرکت می‌کردند که من هم به مدت ۹ سال از استاد اسدی دبیر زبان و استاد رخشان فر زبان را تکمیل کردم. سپس به مدت ۶ سال در درس خارج فقه آیت الله شریعتمداری و اصول آیت الله مکارم، حاج آقا مرتضی حائری حاضر می‌شدم. هنگامی که دارالتبلیغ اسلامی افتتاح شد در دوره اول و دوم آن موسسه علمی شرکت کرده و سپس دوره تحصیلات تکمیلی را آغاز کردم. در سال ۱۳۵۶ که در دوره تحصیلات تکمیلی دارالتبلیغ اسلامی حضور داشتم، فرصتی پیش آمد که از طرف موسسه علمی دارالتبلیغ اسلامی که حکم دانشگاه اسلامی را داشت به خارج از ایران، کشور آمریکا، با بورسیه تحصیلی اعزام شدم و وارد دانشگاه تمپل Temple فیلادلفیا شدم و در رشته تطبیق ادیان و جامعه‌شناسی دینی وارد دوره فوق لیسانس شدم. پس از اخذ مدرک، تعدادی از دروس دوره دکتری را می‌گذراندم که مقارن پیروز انقلاب مواجه با مبارزه سیاسی جمهوری اسلامی با دولت آمریکا شدیم، در نتیجه تحصیل ناتمام مانده و به خاطر فعالیت‌های سیاسی - اسلامی - ویزای تحصیلی‌ام لغو گردید و به ایران آمدم. در سال ۶۳ که تازه دانشگاه آزاد اسلامی تاسیس شده بود در کنکور دوره دکتری شرکت جستم و به عنوان شاگرد اول کنکور در رشته تاریخ و تمدن اسلام، ادامه تحصیل دادم. رساله دکتری خود را زیر عنوان: ساختار اجتماعی - سیاسی دولت مدینه با درجه بسیار خوب پذیرفته شد. و از تاریخ به بعد در دانشگاه‌های تهران - آزاد اراک و تهران مرکز مشغول تدریس هستم. در حال حاضر، به عنوان استادیار دانشگاه که به دانشیاری تبدیل می‌شود در دوره ارشد و دکتری دانشگاه دروس علوم اجتماعی - جامعه‌شناسی دینی تدریس می‌نمایم و از وضع تحصیل و تدریس خود راضی هستم.

فقه اسلامی، محمد هاشم

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۲ - ۱۲۸۰ ق)، فقیه و مورخ امامی. وی در مشهد به دنیا آمد و پس از فراگرفتن مقدمات علوم رهسپار نجف شد و در آن شهر از مجلس درس استادانی چون آخوند خراسانی و سید اسماعیل صدر اصفهانی بهره‌مند گردید. پس از بازگشت به مشهد به حوزه‌ی درس آیت‌الله سید علی حایری یزدی پیوست. وی در مشهد درگذشت. از آثار وی: «رساله‌ی ربا»، «رساله‌ی رضاع»، «رساله‌ی معاملات»، «حسن العاقبه فی سعاده الخاتمه»، به فارسی؛ «غایه الامال فی حسن خواتیم الاعمال»؛ «منتخب التواریخ» در تاریخ معصومان (ع) و برخی امامزادگان؛ «وسيله الامان من تسویلات الشیطان» که خلاصه «حسن العاقبه» است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۷۶/۲۵، ۱۵/۷)، منتخب التواریخ (مقدمه).

ثلاثی، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن ثلاثی، جامعه‌شناس و مترجم، متولد ۱۳۲۴ بابل است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان می‌برد و برای ادامه تحصیل راهی تهران می‌شود. ثلاثی در رشته جامعه‌شناسی تحصیل کرده و بر مبنای این گرایش تحصیلی و علاقه شخصی، سال هاست که به ترجمه متون جدی و مرجع در این حوزه پرداخته و آثار گرانقدری را برای جامعه دانشگاهی و محققان علوم اجتماعی به فارسی برگردانده است. ثلاثی هم اکنون عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. گروه: علوم انسانیرشته: جامعه‌شناسی فعالیت‌های آموزشی: محسن ثلاثی علاوه بر آن که ترجمه متون جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی را با جدیت دنبال می‌کند، از تدریس در این حوزه نیز غافل نمانده و در دانشگاه تهران و در دانشکده علوم اجتماعی این دانشگاه، سال هاست که به تدریس اشتغال دارد. آرا و گرایشهای خاص: محسن ثلاثی درباره نقش شعر و ادبیات عرفانی فارسی در تقویت و تشدید رویکرد جهانگرایی می‌گوید: «شعر فارسی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین و کارسازترین عناصر فرهنگ ایرانی به شمار می‌آید. شعر فارسی چنان بر عرصه‌های دیگر تولید فرهنگی تسلط پیدا کرد که به راستی می‌توان گفت که آینه به نسبت تمام نمای فرهنگ ایرانی شده است؛ از همین روی، هرگونه بررسی در تحلیل تحول و فرهنگ ایرانی به بررسی شعر فارسی نیازمند است. اعراب به دلیل فقدان دستمایه‌های هنری پس از تسخیر ایران حساسیت چندانی نسبت به مضامین و نقش مایه‌های هنر ساسانی از خود نشان ندادند. او با اشاره به این که کتاب‌های رشته مردم‌شناسی در سال‌های پس از انقلاب و با فعال شدن این رشته، منتشر شده است، می‌گوید: «قبل از انقلاب کتابی در زمینه مردم‌شناسی نداشتیم. گذشته از کتاب‌های درسی، تحقیق‌های مردم‌شناسی که با پیشنهاد، درخواست و تأمین اعتبار یک سازمان خاص انجام می‌شوند، با نظر همان سازمان سفارش دهنده، منتشر می‌شوند که البته تعداد این گونه سازمان‌ها در ایران کم است.» «ثلاثی» در این باره که وزارت علوم در زمینه تقویت رشته مردم‌شناسی چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد، معتقد است: «در دنیا رسم است که چنین رشته‌هایی از طریق افراد متخصص در آنها، تقویت می‌شوند و با صدور بخشنامه‌های دولتی نمی‌توان برای آنها کاری کرد. در ایران فارغ‌التحصیلان رشته مردم‌شناسی کم هستند و افرادی هم که در خارج تحصیل کرده‌اند، به سادگی جذب دانشگاه‌های ما نمی‌شوند. چون امکانات، منابع مالی و تحقیقاتی ما برای جذب آنها کافی نیست. البته استادهای رشته مردم‌شناسی در سال‌های اخیر، فعال‌تر شده‌اند و این رشته هم قابلیت گسترش

دارد؛ چرا که هنوز بسیاری از حوزه های زیرمجموعه آن در ایران ایجاد نشده است.» او رشته مردم شناسی را برای جوامع متنوعی مانند ایران، بسیار جذاب و مناسب می داند و می گوید: «جامعه ایران از نظر قومی، زبانی و فرهنگی بسیار متنوع و متکثر است و این مسأله، موضوع مناسبی برای رشته مردم شناسی است. شاید در هیچ کجای دنیا به این اندازه تنوع موضوعی برای تحقیق مردم شناسان وجود نداشته باشد. ضمن آن که شناخت فرهنگ ها، خرده فرهنگ ها و اقوام مختلف ایران برای حل بسیاری از مسائل فرهنگی و رفع تنش های فرهنگی میان اقوام مختلف ایرانی و ایجاد همدلی و تفاهم در میان آنها بسیار مهم است که این کار در حوزه انسان شناسی می گنجد. متأسفانه تاکنون اهمیت چندانی برای چنین تحقیق هایی قائل نشده اند.» جوایز و نشانها: محسن ثلاثی از جمله پژوهشگران معاصر مورد تقدیر سازمان میراث فرهنگی نیز هست. به طوری که در هفته کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و در بیست و دومین دوره کتاب سال، از او در کنار جمعی دیگر در حوزه ترجمه تقدیر شد. چگونگی عرضه آثار: محسن ثلاثی در رشته علوم اجتماعی، نامی در کنار بسیاری از کتب مرجع است، جامعه شناسی آگاه و مترجمی زبده که به توسعه علوم اجتماعی در ایران می اندیشد. وی آثار زیادی را در این زمینه ترجمه کرده است. در طول این سال ها بسیاری از آثار ترجمه شده ثلاثی به عنوان منابع کنکور کارشناسی ارشد در چند رشته جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی معرفی شده است. از آن جمله است کتاب درآمدی بر جامعه شناسی نوشته بروس کوئن. محسن ثلاثی علاوه بر حسن انتخابی که در متون ترجمه اش دارد، در برگردان آن به فارسی نیز نهایت دقت نظر و هماهنگی آن با زبان اصلی را به کار می بندد و برای واژه های ناآشنا در زبان فارسی نیز معادل هایی پیشنهاد می کند. به طور مثال برای واژه پارادایم معادل های فارسی گوناگونی به کار رفته که یکی از آنها «نمونه» است. احمد آرام در کتاب «ساختار انقلاب های علمی» - نوشته کوهن - واژه «نمونه» را به جای «پارادایم» قرار داده است. علی اسدی در ترجمه کتاب «شناخت شناخت» نوشته ادگار مورن به جای آن، از ترکیب «چارچوب ادراکی» استفاده کرده است و اما محسن ثلاثی در ترجمه کتاب «نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر» - نوشته جورج ریتر، کلمه «انگاره» را به جای آن قرار داده است. آثار: اسلام و سرمایه داری و ویژگی اثر: نوشته ماکسیم رودنسون، در حوزه اسلام شناسی، ثلاثی کتاب «اسلام و سرمایه داری» نوشته ماکسیم رودنسون را ترجمه کرده و با این که سال ها ست نایاب شده، ولی تجدید چاپ نشده است ۲ انسان شناسی فرهنگی و ویژگی اثر: بیتس؛ دانیل، ۳ انقلاب فرانسه و رژیم های پیش از آن و ویژگی اثر: الکسی دتوکویل؛ انتشارات زرین. ۴ پیامدهای مدرنیته و ویژگی اثر: یکی دیگر از کتب ترجمه شده آنتونی گیدنز توسط ثلاثی «پیامدهای مدرنیته» است. «مدرنیته» به شیوه هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا به وجود آمد و به تدریج ابعاد جهانی پیدا کرد. این تعریف، مدرنیته را به یک دوره زمانی و یک جایگاه جغرافیایی اولیه مربوط می سازد، در حالی که عمده شاخصه های آن را سر بسته باقی می گذارد. آنتونی گیدنز، جامعه شناس نامی معاصر، در کتاب «پیامدهای مدرنیته» به تحلیلی فرهنگی و معرفت شناختی از مدرنیته می پردازد و تعبیری جدید و تأمل برانگیز از تحولات نهادی همراه با مدرنیته عرضه می کند. گیدنز معتقد است که ما هنوز پا به دوران پسامدرن نگذاشته ایم، بلکه دوران متأخر مدرنیته را سپری می کنیم که در آن پیامدهای مدرنیته فراگیرتر و ریشه ای تر و بنیادین تر شده است عواملی چون تباهی محیط زیست، تهدیدهای قدرت نظامی و تسلیحاتی، رشد و بسط توتالیتریسم و حقیر شدن کار صنعتی و ... که گیدنز این ها را از پیامدهای مدرنیته برمی شمارد و بر این باور است که برای فرا رفتن از این ها و گذار به عصر پسا مدرن می بایست در ساختار سازمان های اجتماعی و فرهنگی مسلط عصر مدرن دگرگونی اساسی ایجاد کرد. این کتاب در؟ فصل تدوین و تنظیم شده و به مباحثی چون: انقطاع های مدرنیته، جامعه شناسی و مدرنیته، بازاندیشی در مدرنیته، ابعاد نهادی مدرنیته، اعتماد و مدرنیته، دوره پیش از مدرن و دوره مدرن، مخاطره و خطر در جهان مدرن، پدیده شناسی مدرنیته، آیا مدرنیته یک طرح غربی است؟ و ... می پردازد. ۵ جاده ابریشم و ویژگی اثر: چاپ اول، نشر سروش، تهران، ۶ جامعه باستان و ویژگی اثر: لوئیس هنری مورگان؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۷ جامعه شناسی دین و ویژگی اثر:

ملکلم همیلتون؛ نشر تبیان، چاپ اول، ۸، جامعه نو نوشته ای.اچ.کار، جهان ایرانی و ایران جهانی ویژگی اثر: یکی از مهم ترین کتب ثلاثی که بر خلاف غالب آثار او تألیف شده است، کتاب جهان ایرانی و ایران جهانی است که نشر مرکز آن را منتشر کرده است. کتابی که در دهمین دوره کتاب برتر دانشگاهی در رشته علوم اجتماعی، به عنوان کتاب برتر شناخته شد. درباره این کتاب به همان اندازه که در محافل دانشگاهی و مجامع فرهنگی تهران باعث ایجاد بحث ها و نظرات متفاوتی گردید، در شهرهای دیگر نیز موجبات برگزاری جلسات نقد و بررسی آن فراهم شد. جلسه نقد و بررسی کتاب در امور کتابخانه های عمومی استان زنجان که در سالن آمفی تئاتر کتابخانه سهروردی این شهر برگزار شد از آن جمله بود. میر معزی کارشناس ارشد جامعه شناسی درباره این کتاب می گوید: «پژوهش نظریه پایه ای خود را از انسان شناسی فرهنگی گرفته است. این همان نظریه پراک گرایی یا اشاعه گرایی است که به آن (diffusion) می گویند. این نظریه می گوید، اقوام و اجتماع فرهنگی انسانی در جهان منزوی نیستند و روابطی با فرهنگ های همسایگانشان دارند که تقلید و مهاجرت را از فرهنگ های دیگر می گیرند. ایرانیان در گذشته و تا چند سده پیش از این، با فرهنگ های پیشرفته جهان در شرق و غرب جهان ارتباط مستقیم و بی واسطه داشتند. ولی دشمنی ایران شیعی با عثمانی سنی راه ارتباط بی واسطه ایران را با اروپا تا حدودی سد کرد و در نتیجه فرهنگ ایرانی دیگر نتوانست به آسانی دوران گذشته، با فرهنگ نوینی که در اروپای غربی به سرعت و بیش از پیش پیشرفت داشت و می رفت که سرنوشت جهان را در سده های آینده رقم زند، ارتباط سازنده ای برقرار سازد.» ۱۰ خرد و انقلاب ویژگی اثر: نشر نقره، کتاب «خرد و انقلاب» هربرت مارکوزه نیز به وسیله ثلاثی به فارسی برگردانده شده و نخستین بار به وسیله سازمان انتشارات جاویدان منتشر شده و بعدها در سال ۱۱، در آمدی بر جامعه شناسی ویژگی اثر: بروس کوئن ۱۲ در آمدی به انسان شناسی ویژگی اثر: از سایمون کولمن و هلن واتسون ۱۳ روش تحقیق در انسان شناسی، روش تحقیق کیفی در جامعه شناسی و ویژگی اثر: سیلورمن (دیوید)؛ انتشارات تبیان، ۱۵ روش های تحقیق کیفی ویژگی اثر: از سیلورمن؛ ۱۶ زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی ویژگی اثر: ثلاثی، از میان آثاری که تاکنون ترجمه و منتشر کرده، به «زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی» علاقه بیش تری دارد. او در این باره می گوید: «زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناس» را بیشتر دوست دارم، به خاطر اینکه مقام جامعه شناسان را در بستر اجتماعی، اقتصادی و تاریخی مورد بررسی قرارداد و نشان می دهد که نظریات و افکار این افراد در چه شرایطی، پرورش پیدا کرده و تحت تأثیر چه عواملی شکل گرفته است. این کتاب فصل بندی بسیار جذابی دارد و در واقع کتاب جامعه شناسی جامعه شناسان است!» عنوان اصلی این کتاب **ideas in historical Masters of Sociological thought** است. که واژه نامه و کتابنامه آن را ثلاثی به صورت زیرنویس تنظیم کرده و چاپ اول آن را در سال به انتشارات علمی سپرده است. ۱۷ سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی ویژگی اثر: ساموئل هانتینگتون؛ نشر علم، ۱۸ فراسوی چپ و راست ویژگی اثر: چاپ انتشارات علمی، ثلاثی به آثار آنتونی گیدنز، جامعه شناس معاصر و نظریه پرداز عصر جدید، توجه ویژه ای دارد و اسباب آشنایی مخاطب فارسی زبان را با ترجمه برخی از آثار مهم او فراهم کرده است. از آن جمله اثر «فراسوی چپ و راست» را می توان نام برد. گیدنز در این اثر به این نکته اشاره می کند که به دلیل گسترش مدرنیته و درگیری همه فرهنگ ها و ملت ها در ساختن جهان کنونی، هم اکنون مرزبندی های رایج اعم از شمال و جنوب، مرکز و پیرامون و نیز تقابل میان چپ و راست سیاسی از میان رفته است. ۱۹ فلسفه و اندیشه سیاسی سبزه ها ویژگی اثر: اندرو دابسون ۲۰ کالبد شکافی چهار انقلاب ویژگی اثر: کرین بریتون؛ انتشارات نشر نو. ۲۱ کالبدشکافی چهار انقلاب از بریتون، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر» ویژگی اثر: توتالیتاریسم» از هانا آرنه؛ جاویدان، اسفند ۲۳. نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر ویژگی اثر: جرج ریتزر، تهران، انتشارات علمی

منابع زندگینامه: منابع: روزنامه ایران صفحه مهرگان ۱-۱۲-۱۳۸۵

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

فاطمه جان احمدی در تاریخ ۱۳۴۳ در خرم آباد مرکز استان لرستان دیده به جهان گشود. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی و متوسطه وارد دانشگاه شهید بهشتی شد و موفق به دریافت لیسانس کارشناسی تاریخ گردید. کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه الزهرا ادامه داد و مدرک دکترای تاریخ با گرایش تاریخ اسلامی را از دانشگاه تربیت مدرس اخذ نمود. در حال حاضر علاوه بر تدریس در گروه تاریخ دانشگاه الزهرا معاونت آن گروه را نیز بر عهده دارد. زمینه های تدریس ایشان تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام تا قرن ۴ هجری و به طور تخصصی تاریخ فاطمیان در مغرب و مصر اسلامی، تاریخ اسماعیلیه مستعویه در مصر و یمن و گسترش اسلام در شمال آفریقا و جنوب اروپا است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: فاطمه جان احمدی در سال ۷۶ در کنکور سراسری شرکت و در مقطع کارشناسی (۶۸-۷۲) رشته تاریخ دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد، در سال ۷۲ پس از شرکت در کنکور کارشناسی ارشد تاریخ به دانشگاه الزهراء راه یافت و در سال ۷۵ از پایان نامه خود به نام « بررسی اوضاع اقتصادی ایران در دوره خلافت عباسیان » دفاع کرد. در پایان همین سال پس از شرکت در آزمون پذیرش دکتری تربیت مدرس موفق به راه یابی دوره دکتری تاریخ، گرایش اسلام در این دانشگاه شد و در سال ۸۲ از رساله خود در زمینه « مبانی مشروعیت و ساختار خلافت فاطمیان » دفاع نمود.

همسر و فرزندان: فاطمه جان احمدی در اواخر سال دوم دبیرستان ازدواج کرد و وقتی وارد دانشگاه شد دو فرزند پسر داشت. فعالیت های آموزشی: فاطمه جان احمدی تدریس در گروه تاریخ دانشگاه الزهرا معاونت آن گروه را نیز بر عهده دارد. زمینه های تدریس ایشان تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام تا قرن ۴ هجری و به طور تخصصی تاریخ فاطمیان در مغرب و مصر اسلامی، تاریخ اسماعیلیه مستعویه در مصر و یمن و گسترش اسلام در شمال آفریقا و جنوب اروپا است. چگونگی عرضه آثار: فاطمه جان احمدی دارای مقالات متعددی با محوریت تاریخ اسلام است، ایشان در سمینارهای متعدد داخلی و خارجی شرکت داشته و در کنفرانسهای مختلفی مقالاتی را ارائه داده است.

آثار:

۱ تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

ویژگی اثر: دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها) - تیر ۱۳۸۷

جاویدان، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۹.

در گذشت: مهر ۱۳۷۱.

تألیف و ترجمه کتاب تاریخ اختراعات (از اختراع چرخ تا مغز الکتریکی، ۱۳۶۷)؛ و تاریخ پزشکی ایران (تألیف گود) و چند کتاب در زمینه‌های علمی و پزشکی از جمله آثار اوست. او مدتی با مجله‌ی «شکار و طبیعت» و مدتی هم با مجله‌ی «سخن علمی» همکاری داشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

جباردار، علیقلی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. این هنرمند به نام‌های علیقلی بیگک فرنگ و علیقلی جبه‌دار عباسی و علیقلی آرنانوت و علیقلی بیگک آرنانوت نادری اصفهانی در هنر تصویرسازی ایران شهره بوده است. وی مسیحی و از مردم آرنانوت (آلبانی) بود که در زمان شاه‌عباس دوم صفوی (۱۰۷۷-۱۰۵۲ ق) به ایران آمد و تغییر مذهب داد و در بدایت حال به جبه‌خانه (اسلحه‌خانه) دولتی راه یافت و مشغول کار شد. وی به سبک نقاشی اروپا آشنایی داشت و در تحول سبک، از مینیاتور صفوی به شیوه‌ی ایرانی‌سازی، در شمار پیشگامان است. وی در مکتب هند و ایران نیز دست داشت و آثاری در این مکتب از او به یادگار مانده است. علیقلی، تک صورت را بسیار لطیف می‌ساخت و عمارات تاریخی و منظره‌ها را با لطافت و رعایت نزدیک‌نمایی و دورنمایی استادانه وی به تصویر می‌کشید، علاوه بر این در تصویرسازی جانوران نیز توانا بود. قلمدانهای کار او از نوع بهترین قلمدانهای عصر صفوی محسوب می‌شود. عمده‌ترین آثار علیقلی در آبرنگ بوده، اما در آثار ورغنی نیز مهارت داشت. از آثار وی: تصویر اجتاع درویش و نوازندگان در مهتاب شبانه که در صحن باغی جمع شده‌اند و رقم «عمل علی قلی بیگک جباردار» دارد؛ تصویر زن جوانی که نیم‌تاج جواهرنشانی به سر گذاشته و در روی چهارپایه‌ای نشسته است و چنین رقم دارد: «رقم علیقلی جباردار بتاریخ شهر صفر... در دارالسلطنه‌ی قزوین مرقوم شد. رقم کمترین غلامان علیقلی جباردار سنه ۱۰۸۵»؛ تصویر مجنون که در حالت افسردگی و خستگی است و چنین رقم نوشته: «رقم کمترین آرنانوت ۱۰۹۹»؛ قلمدان نفیس و زیبایی که در زمینه‌ی زرد آن، تصویر دختر شاهزاده‌ای جلب نظر می‌کند، با رقم: «بر حسب امر اشرف اعلی علیقلی سنه ۱۱۱۷»؛ تصویر سفیر روسیه که کلاه پوست سموری به سر گذاشته است و چنین رقم نوشته: «رقم علیقلی سنه ۱۱۲۹». «در احوال و آثار نقاشان» به بیست اثر دیگر وی اشاره شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۷۳ / ۳، ۳۹۷-۳۸۸ / ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۴۶۳ / ۱)، گلستان هنر (چهل و هشت)، هنر قلمدان (۹۶-۹۵).

جرجانی، ابوالحسن علی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۶ / ۳۶۲-۲۹۰ ق)، ادیب، شاعر، خطاط، مورخ، مفسر و فقیه شافعی. از جرجان به همراه برادرش ابوبکر محمد به نیشابور آمد و

در این شهر حدیث شنید و دانشهای مختلف را آموخت، تا آنجا که نعالی او را در خوشنویسی و شعر و نثر با ابن مقله و بحتری و جاحظ برابر دانسته است و ابن خلکان نیز شعر وی را ستوده. ابتدا قاضی جرجان بود و بعد قاضی القضاة ری و از نزدیکان خاص صاحب بن عباد شد. در هفتاد سالگی در ری درگذشت. جنازه اش به جرجان منتقل شد. یاقوت حموی و ذهبی وفات وی را در دهه آخر قرن چهارم ذکر کرده‌اند. از آثار او: «الوساطة بین المتبئی و خصومه»؛ «تفسیر القرآن»؛ «تهذیب التاریخ»، که گویا همان کتاب «صفة التاریخ» است؛ «مجموعه‌ی رسائل»؛ «کتاب الوکالة»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۱۴/ ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۴- ۳۵۵/ ۱)، تاریخ الاسلام (حوادث ۲۷۳- ۲۷۱- ۴۰۰/ ۳۸۱- ۳۸۱)، تاریخ نیشابور (۱۷۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷/ ۹۴۶)، ریحانه (۱/ ۴۰۲)، سیر النبلاء (۲۱- ۱۹/ ۱۷)، الکامل (۷/ ۸۸)، کشف الظنون (۱۴۷۱، ۷۸۲)، الکنی واللقاب (۲/ ۱۴۴)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم المؤلفین (۷/ ۱۲۳)، معجم الادباء (۳۵- ۱۴/ ۱۴)، هدیه العارفین (۱/ ۶۸۴)، و فیات الاعیان (۲۸۱- ۲۷۸/ ۳).

جرفادقانی، ابوشرف ناصح

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، نویسنده، مورخ و شاعر. وی در خدمت الغباریگ از ممالیک اتابکان آذربایجان به سر می‌برد و از دبیران و شاعران فاضلی بود که در نظم و نثر تازی و پارسی توانایی داشت. او به سفارش ابوالقاسم علی بن حسن، وزیر جمال‌الدین الغبار «تاریخ عتبی»، معروف به یمینی را به نثری مصنوع و استادانه، به سال ۶۰۳ ق از عربی به فارسی ترجمه کرد. ابوشرف در سرودن شعر نیز استاد بود. در مقدمه «تاریخ یمینی» از ترجمه دو مجموعه شعر به نام: «روضه الحزن» و «شعله القابس» و در خاتمه‌ی کتاب از کتاب دیگری موسوم به «تحفه الآفاق فی محاسن اهل العراق» نام برده شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات ایران (۱۰۱۲- ۱۰۱۱/ ۲، ۶۴۱/ ۱)، تاریخ در ایران (۴۹)، تاریخ‌نگاران ایران (۲۶۱)، ترجمه‌ی تاریخ یمینی (مقدمه/ ۲۸- ۲۴، ۱۱)، دایره‌المعارف فارسی (۵۹۹/ ۱)، سبک‌شناسی (۳۸۶/ ۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۵۳- ۲۵۲/ ۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۲۳)، کشف الظنون (۲۰۵۳- ۲۰۵۲)، گنج و گنجینه (۲۶۸)، لغت‌نامه (ذیل / جرفادقانی)، مولفین کتب چاپی (۴۹۷- ۴۹۵/ ۶).

جزایری شوشتری، عبدالله

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۷۳ ق)، ادیب، محدث، مورخ و فقیه شیعی. یکسر مذهب اخباری داشت و منکر طریقه‌ی اجتهاد بود. وی از مشایخ اجازه‌ی روایت سید نصرالله مدرس بود و خودش نیز از پدرش و سید امیر محمدحسین خاتون آبادی روایت می‌کرد. از آثار وی: «الاجازة الکبيرة»؛ «اجوبه مسائل السید علی نهانندی»؛ «الانوار الجلیة»؛ «التذکره فی التاریخ تستر»؛ «تاریخ شوشتر»؛ «حاشیه ریاض السالکین»؛

«حاشیه نقد الرجال»؛ «شرح مفاتیح الحکام»، ملا محسن فیض؛ «شرح نخبه‌ی فیض»؛ «الذخیره الباقیه»؛ «الحاشیه علی اربعین البهایی». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۸۷/۸)، الذریعه (۳۸۲- ۳۸۱ / ۲۱، ۲۵۴/۲۰، ۱۰۲/۱۴، ۱۵/۱۰، ۱۳/۶، ۲۵، ۹/ ۶۹۴، ۸۴۲، ۱۵/۱۰، ۲۴۵، ۸۹/۴، ۲۴۳- ۲۴۴، ۳/ ۴۲۳- ۴۲۴، ۲/ ۴۲۳)، روضات الجنات (۳۷۲، ۲۵۳، ۲۴۹- ۴/ ۲۴۹)، ریحانه (۱۱۵/۳)، فرهنگ سخنوران (۷۱۶- ۷۱۵)، فوائد الرضویه (۲۵۷- ۲۵۶)، الکنی واللقاب (۳۳۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل / جزایری)، معجم المؤلفین (۱۶۰/۶).

جزایی، عبدالعلی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم ق)، اسطرلاب‌ساز. از طراحان نقوش هندسی و تزیینی روی فلزات بود و در ترسیم و گرده‌سازی و کنده‌کاری بر روی اسطرلابها مهارت داشت. در «تاریخ اصفهان» نام وی تحت عنوان عبدالعلی جزئی آورده شده است. از آثارش: اسطرلابی است که با همکاری برادر خود، محمد باقر، برای شاه سلطان حسین صفوی تهیه کرده و در نهایت دقت و مهارت صورت نجومی ساخته شده است، با رقم: «صنعه اقل الطلبة عبدالعلی بن محمد الجزائی نمقه اقل الطلبة اخ الصانع محمد باقر ۱۱۲۴»؛ اسطرلاب پرمهارت دیگری که آن نیز با همکاری برادرش انجام یافته، با رقم: «صنعه اقل الطلبة عبدالعلی، نمقه اقل الطلبة محمد باقر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳۴۱ / ۱)، تاریخ اصفهان (۳۸۳).

جزایی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۲۴ ق)، طراح و رسام فلزات. وی در ساختن اسطرلاب مهارت داشت. از آثار رقم‌دار این هنرمند که به همکاری برادرش انجام پذیرفته، اسطرلاب نفیسی است که برای شاه سلطان حسین صفوی ساخته شده و چنین رقم نهاده: «صنعه اقل الطلبة عبدالعلی بن محمد الجزائی، نمقه اقل الطلبة اخ الصانع محمدباقر ۱۱۲۴».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۶۶۹ / ۲).

جزری، شمس‌الدین، ابوالخیر محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۳۴/۸۳۳ ق)، محدث، متکلم شافعی، قاری و مورخ. معروف به ابن جزری. در دمشق به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت.

وی در زهد و تقوی معروف بود و در سیزده سالگی قرآن را حفظ کرد و بعد از آن اوقات خود را صرف تحصیل حدیث کرد. جزری در نوزده سالگی به قاهره رفت و در سیزده قسم قرائت، مهارتی به دست آورد. از ابوالفدا و ضیاءالدین و شیخ‌السلام بلقینی اجازه‌ی فتوی گرفت. او در دوره‌ی تیموری به سمرقند دعوت شد و تا زمان امیر تیمور در ماوراءالنهر ماند و بعد از مرگ وی به دارالسلطنه هرات شتافت و در آخر عمر به شیراز رفت و متصدی قضاوت شیراز شد و همان جا درگذشت. برخی از آثار وی: «المقدمه الجزریه»، در تجوید؛ «التمهید فی علم التجوید»؛ «النشر فی القرآت العشر»؛ «غایه النهایه فی طبقات القراء»؛ «اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب»؛ «الهدایه فی علم الروایه»؛ «المصعد الاحمد فی ختم مسند الامام احمد»، در حدیث؛ «التاریخ»؛ «عقد اللالی فی الاحادیث المسلسله العوالی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۵- ۲۷۴/۷)، ایضاح المکنون (۷۲۳، ۵۴۴، ۴۸۱، ۴۴۷، ۲۲۷، ۱۱۰/۲، ۵۳۹، ۳۱۵، ۱۶۸، ۱۵۱، ۸۱، ۲۶، ۸، ۱/۱)، حبیب السیر (۵۴۸/۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۴۷۶- ۴۷۵/۳)، دایرةالمعارف الاسلامیه (۱۲۰- ۱۱۸/۱)، روضات الجنات (۱۰۷- ۱۰۶/۸)، ریحانه (۴۱۰- ۴۰۸/۱)، کشف الظنون (۲۰۴۲، ۲۰۲۸، ۱۹۵۲، ۱۸۵۹، ۱۸۰۳، ۱۷۹۹، ۱۶۹۹، ۱۴۹۷، ۱۳۲۳، ۱۱۵۰، ۱۱۳۲، ۱۱۱۸، ۱۱۰۵، ۷۴۳، ۶۶۹، ۶۲۱، ۵۲۰، ۴۸۴، ۴۲۱، ۳۸۹، ۲۹۵، ۲۹۰، ۲۷۷، ۲۱۱، ۲۰۰، ۱۵۲، ۱۵۰، ۱۲۸، ۱۱۴، ۵۳)، الکنی و الالقاب (۱۴۶/۲)، لغت‌نامه (ذیل / جزری)، معجم الموفین (۲۹۲- ۲۹۱/۱۱)، هدیه الاحباب (۱۱۹)، هدیه العارفین (۱۸۸- ۱۸۷/۲).

جزی برخواری، محمد علی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نویسنده کتاب «فتح‌نامه‌ها» که وقایع قرن ۱۱ هجری را نوشته از رجال و شخصیت‌های تاریخی گز است. در سال ۱۰۸۷ و در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی، در جنگ‌های خراسان، آذربایجان، ازبکستان، تبریز و دیار بکر بوده که ۹۸ رقعہ از تعداد زیادی از این «فتح‌نامه‌ها» در مجموعه ادبیات الذریعه جلد ۴۴ و در فصل‌های ۱۶۴ و ۱۶۵ و تحت عنوان منشآت دیوانیه اعلام الشیعه قرن ۱۱ ثبت بذکره و نام نویسنده آنها اشاره گردیده است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ تاریخ گز و برخوار

جعفری تبار، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجۀ الاسلام والمسلمین استاد مجید جعفری تبار در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در شهر مقدس قم در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود و از همان خردسالی تحت تربیت پدر بزرگوارشان مرحوم آیت الله حاج شیخ محمود جعفری تبار خواندن قرآن را آموختند.

ایشان قرائت و تحقیق مصطلح قرآنی را از سن ۱۰ سالگی آغاز نموده و انس و ممارست زیاد با آیات و کتب تفسیری باعث شد تا بتواند کل قرآن کریم را با ۲۰ روایت ۱۴- روایت مشهور و ۶ روایت غیر مشهور حفظ نماید.

استاد جعفری تبار در زمینه تفسیر، علوم و معارف قرآنی، صاحب آثار متعددی می‌باشند و همین احاطه به علوم قرآنی باعث گردیده تا سبک زیبای تلاوت ایشان مبتنی بر «تطابق لحن با معنی» استوار گردد و همین امر موجب گردیده تا شنونده در هنگام شنیدن تلاوت ایشان به درک عمیق‌تری از آیات الهی نایل گردد. تأثر شدید مستمعین در جلسه تلاوت آیات آخر سوره بقره که در شب شهادت حضرت علی (ع) مصادف با چهلمین شب درگذشت پدر استاد جعفری تبار - اجرا شده تأیید کننده این مطلب است. این تلاوت و نیز تلاوت سوره توحید که به وجوه مختلف تلاوت شده است از زیباترین تلاوت‌های ایشان می‌باشد. ایشان در شهرهای مختلف ایران به تلاوت پرداخته ولی عمدتاً جلسات تلاوت خود را در مسجد رفعت قم برگزار می‌کند. جلسات مرکزی فنون قرائت و معارف قرآنی در سال ۱۳۶۹ زیر نظر ایشان تأسیس شد.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

جعفری تبار، مجید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجۀ الاسلام والمسلمین استاد مجید جعفری تبار در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در شهر مقدس قم در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود و از همان خردسالی تحت تربیت پدر بزرگوارشان مرحوم آیت الله حاج شیخ محمود جعفری تبار خواندن قرآن را آموختند.

ایشان قرائت و تحقیق مصطلح قرآنی را از سن ۱۰ سالگی آغاز نموده و انس و ممارست زیاد با آیات و کتب تفسیری باعث شد تا بتواند کل قرآن کریم را با ۲۰ روایت - ۱۴ روایت مشهور و ۶ روایت غیر مشهور حفظ نماید.

استاد جعفری تبار در زمینه تفسیر، علوم و معارف قرآنی، صاحب آثار متعددی می‌باشند و همین احاطه به علوم قرآنی باعث گردیده تا سبک زیبای تلاوت ایشان مبتنی بر «تطابق لحن با معنی» استوار گردد و همین امر موجب گردیده تا شنونده در هنگام شنیدن تلاوت ایشان به درک عمیق‌تری از آیات الهی نایل گردد. تأثر شدید مستمعین در جلسه تلاوت آیات آخر سوره بقره که در شب شهادت حضرت علی (ع) مصادف با چهلمین شب درگذشت پدر استاد جعفری تبار - اجرا شده تأیید کننده این مطلب است. این تلاوت و نیز تلاوت سوره توحید که به وجوه مختلف تلاوت شده است از زیباترین تلاوت‌های ایشان می‌باشد.

ایشان در شهرهای مختلف ایران به تلاوت پرداخته ولی عمدتاً جلسات تلاوت خود را در مسجد رفعت قم برگزار می‌کند. جلسات مرکزی فنون قرائت و معارف قرآنی در سال ۱۳۶۹ زیر نظر ایشان تأسیس شد.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

جعفری یزدی، جعفر

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به جعفری. از مورخان دوره‌ی شاهرخ بود. از وی سه اثر تاریخی بزرگ به جای مانده است که عبارت است از: «تاریخ کبیر»، از آغاز خلقت تا وقایع سال ۸۴۰؛ «تاریخ یزد»؛ «تاریخی واسط» که به نام شاهرخ به پایان رسانید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات ایران (۴/۴۷۴)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۴۸-۵۴۷/۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۵۳)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۷۶-۷۴)، دایرةالمعارف فارسی (۱/۵۹۹)، الذریعه (۹/۱۹۸، ۳/۲۴۶)، فرهنگ سخنوران (۲۱۳)، فهرستواره کتابهای فارسی (۹۱۷، ۲/۹۱۶، ۱/۵۸۶)، کشف الظنون (۳۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۳۰۴)، یغما (س ۱۵، ش ۷، ص ۴۱۸-۴۱۵).

جعفریان، رسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رسول جعفریان

محل تولد: خوراسگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره دبستان را در زادگاهش "خوراسگان" گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان آمد و دوره راهنمایی را در این شهر آغاز کرد. پس از چندی تحت تأثیر سفرهای تبلیغی مبلغان حوزه علمیه قم و کلاس های روخوانی قرآن در خوراسگان به درس دینی علاقه مند شد و از آن پس به مدرسه ذوالفقار رفت و مطالعه درس جدید را در مدارس شبانه ادامه داد. وی در مدت اقامت در اصفهان، به صورت آزاد از مدارس دینی دیگری چون «نیم‌آورد»، «نوریه»، «وجده کوچک» استفاده می کرد.

رسول جعفریان در سال ۵۷ هجری شمسی و در آستانه پیروزی انقلاب، برای ادامه تحصیلات حوزوی، راهی شهر مقدس قم شد. نخست به مدرسه خان رفت و سپس در مدرسه رسالت، به ادامه تحصیل پرداخت. وی در قم از درس اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله ممدوحی، آیت الله گرامی و نیز آیت الله جعفر مرتضی جبل عاملی کسب فیض کرد. سال ۵۸ هجری شمسی با آثار و موسسه آیت الله مصباح یزدی آشنا شد و در کلاسها و دوره آموزشی آن موسسه شرکت کرد و با بازگشایی دانشگاهها، در سال ۵۹ هجری شمسی به تدریس معارف اسلامی و تاریخ اسلام در دانشگاههای اصفهان و تهران مشغول شد. اولین اثر استاد جعفریان در سال ۶۴ هجری شمسی تحت عنوان «پیش در آمدی بر شناخت تاریخ اسلام» منتشر شد و از آن پس تاکنون، ضمن همکاری با موسسات پژوهشی و تأسیس کتابخانه اسلام و ایران در قم، به کوشش های پی گیر خود در زمینه تألیف، تصحیح، ترجمه و نیز تحقیق در تاریخ اسلام، ایران و تشیع همچنان ادامه می دهد.

جلالوند، علی کرم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی کرم جلالوند

محل تولد : نهاوند

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی کرم جلالوند در سال ۱۳۴۴ در روستای درّه ابراهیم از توابع شهرستان نهاوند به دنیا آمده ام. تحصیلات ابتدائی را در زادگاهم به اتمام رساندم و سپس دوره راهنمائی و دبیرستان را در شهرستان نهاوند به پایان بردم. و در سال ۶۲ موفّق به اخذ مدرک دیپلم علوم تجربی شدم. پائیز همان سال وارد حوزه علمیه نهاوند شدم، یک سال بعد وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج) که مدرسه ای تازه تأسیس بود، مشغول ادامه تحصیل شدم دروس مقدمات را در این مدرسه به اتمام رساندم. اساتید در این مقطع حجج الاسلام آقایان: احدی، مظهر علی، طالقانی و نقوی و... بودند. دروس شرح لمعه و اصول فقه را نزد آیت الله اشتهاوردی، حجت الاسلام خاتمی و علیدوست و... تلمذ کردم. دروس رسائل و مکاسب را نزد آیت الله استادی، حجت الاسلام محمدی، حسینی بوشهری و حسینی شاهرودی و... فرا گرفتم. در سال ۶۸ همزمان با تحصیل دروس حوزوی در کنکور سراسری شرکت کردم و وارد دانشگاه تهران شدم و در سال ۷۲ موفّق به اخذ مدرک کارشناسی علوم اجتماعی در گرایش پژوهشگری شدم. در این سال که برای اولین بار نوشتن پایان نامه جزء واحدهای درسی دوره کارشناسی شده بود اینجانب موضوع پایان نامه خود را (بررسی مسائل جامعه شناختی فرقه گنابادیه) قرار دادم. از سال ۷۰-۷۱ به تناسب همکاریهایی که با سازمان تبلیغات اسلامی و پژوهشکده باقرالعلوم (ع) داشتم در تألیف و آماده سازی کتب بسیاری از جمله مجموعه دیدار با ابرار، گلشن ابرار، بانوان نمونه و مجموعه فقه و زندگی به عنوان ویراستار، ارزیاب و... سهیم بودم. به موازات این همکاریها کتاب و مقالاتی نیز تألیف کردم.

جلایر، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۵/۱۲۹۰ ق)، نقاش رنگ و روغن، قلمدانکار و خطاط. نقاشی را در مدرسه‌ی دارالفنون و زیر نظر زبده‌ترین استادان زمان خود آموخت. در اغلب رشته‌های هنری، از قبیل: آبرنگ و سیاه‌قلم و نقطه‌پردازی و شبیه‌سازی پر استعداد بود. آثار رنگ و روغنی خود را با رنگهای شاد و زنده تصویر می‌کرد و بعضی اوقات از رنگ سیاه و سفید استفاده می‌کرد و رنگ و روغن را به روش سیاه‌قلم می‌ساخت. وی زمینه‌ی آثار خود را با گل و برگهای شاد و زنده و ابتکار مخصوص پر می‌کرد. در خطاطی نیز روش خاصی داشت. و از روی خطوط میرزا غلامرضا خوشنویس باشی مشق و با قلم مو نقاشی می‌کرد. به خاطر اعتقاد باطنی خاصی که به حضرت علی (ع) داشت، موضوعات هنری را از بین اقطاب و اخوان صفا و قلندران پاک‌باخته انتخاب و ترسیم می‌کرد. وی شاگردان بسیاری را تربیت کرد و از آن جمله: علی اکبر مصور معروف به حجار. از آثار وی: تابلوی «ذبح اسماعیل»، در اندازه‌ی بزرگ که تصویر خیالی ابراهیم و اسماعیل و شماری چند از فرشتگان را نقش‌بندی کرده و با نبوغ هنری خود جنبه‌ی ملکوتی چشم‌گیری به آن تابلو داده است. و این اثر عالی جزو آثار فاخر تزیینی می‌باشد؛ مجلس چایخوری مانند، قصه‌ی معروف یوسف و

زلیخا، با رقم: «اسمعیل - غرض نقشی است کز ما باز ماند»؛ دو تابلوی زیبا، به خط نستعلیق استادانه شش دانگ با نام والقباب امین‌السلطان اتابک، با رقم: «اسماعیل»؛ شمایل آبرنگ امیرالمؤمنین با حسنین، با: «رقم کمترین فدویان اسماعیل جلایر»؛ تصویر رنگ و روغن میرزا حسین خان سپهسالار بر روی اسب که صورت تصویر را در شیوه‌ی امپرسوئیسم و با تکه رنگهای گوناگون تصویر کرده است، با رقم: «عمل نقاش دولت علیه ایران اسمعیل بن المرحوم حاج زمان خان جلایر». در «احوال و آثار نقاشان» به پانزده اثر دیگر وی نیز اشاره شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۸۸ - ۷۷ / ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۱۰۰۳ - ۱۰۰۱ / ۲)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (۱۲۷ - ۱۲۶).

جمشیدیها، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر غلامرضا جمشیدیها دانشیار گروه جامعه‌شناسی و رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۵۸)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۶) و دکتری را در رشته جامعه‌شناسی تاریخی از دانشگاه منچستر انگلستان (۱۳۷۶) اخذ نموده است. گروه: علوم انسانی - رشته: جامعه‌شناسی - گرایش: جامعه‌شناسی تاریخی - تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: غلامرضا جمشیدیها مدرک کارشناسی را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۵۸)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۶) و دکتری را در رشته جامعه‌شناسی تاریخی از دانشگاه منچستر انگلستان (۱۳۷۶) اخذ نموده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر غلامرضا جمشیدیها می‌توان مواردی همچون «مشاور معاون آموزشی»، «استاد راهنمای دانشجویان شاهد»، «معاون اداری و مالی»، «مشاور رئیس و مسئول اداره ارزشیابی و رسیدگی به شکایات دانشگاه»، «مدیر کل دفتر ریاست دانشگاه»، «معاون پژوهشی دانشکده» و «نماینده دانشکده در شورای انتشارات دانشگاه» را نام برد. فعالیتهای آموزشی: موارد تدریس غلامرضا جمشیدیها «اندیشه‌های متفکران مسلمان»، «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام»، «جامعه‌شناسی انقلاب»، «زبان تخصصی»، «نظریه‌های جامعه‌شناسی ۱» و «نظریه‌های جامعه‌شناسی ۲» (در مقطع کارشناسی) و «اندیشه‌های متفکران مسلمان»، «اندیشه متفکرین مسلمان ۱»، «زبان تخصصی ۲»، «نظریه‌های جامعه‌شناسی ۱» و «جامعه‌شناسی تاریخی» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) می‌باشد. آثار: «پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی (سال دوم)» (۱۳۸۳)، «تاریخ و نظریه اجتماعی (سال سوم)» (۱۳۸۳)، «زبان تخصصی علوم اجتماعی» (۱۳۸۵)، جامعه، دولت و شهر نشینی: تفکر جامعه‌شناختی ابن خلدون (سال دوم) (۱۳۸۳)، هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام گرایی و ویژگی اثر: (۱۳۷۹)

جنابی، ابومحمد مصطفی امیر

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۹۹ق)، مورخ اصل وی از جنابه فارس بود، در روم متولد شد. مدتی متولی تدریس در مدرسه بروسه سلطانیه بود، سپس قاضی حلب شد. ابومحمد در دیار بکر از دنیا رفت. علاوه بر اینکه از عالمان بزرگ عهد مرادخان ثالث بود، در سرودن اقسام شعر به عربی و ترکی نیز استاد بود. از آثارش: «العلیم الزاخر فی اخبار الاوائل والاواخر»، در دو جلد و معروف به «بحر العلم» یا «تاریخ جنابی»؛ «رساله فی بناء ایاصوفیه و قلعه قسطنطنیه»؛ «السبع السیار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۳۱/۸)، ریحانه (۴۳۱/۱)، کشف الظنون (۱۱۸۱- ۹۷۶- ۸۵۱- ۲۹۱- ۲۲۴)، لغت‌نامه (ذیل / جنابی)، معجم المؤلفین (۲۴۷- ۲۶۴/ ۱۲)، هدیه العارفین (۴۳۷- ۴۳۶/ ۲).

جندی شاپوری، جبریل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۱۳ق)، طبیب و مترجم. از اطباء مشهور جندی شاپور و اولین طبیبی است که نخستین کتاب طب را از زبان یونانی به عربی ترجمه کرد. جبریل مدتی طبیب بیمارستان جندی شاپور و مدتی طبیب دربار هارون الرشید و امین بود. وی مدت ۲۳ سال در بغداد بود و در سقوط بغداد و قتل امین، مردم خانه‌اش را غارت کردند و او ترک خدمت دربار گفت و با این کار مورد غضب مامون قرار گرفت و مدتی محبوس شد، سپس در زمانی که اطبا از معالجه‌ی حسن بن سهل، وزیر مامون، درمانده بودند، جبریل آزاد شد و او را معالجه کرد و از آن پس به شدت مورد احترام قرار گرفت. جنازه‌اش در شهر مداین در دیری به خاک سپرده شد. آثار وی: «المطعم و المشرب»؛ «مدخل طب»؛ «باء»؛ «صنعه البخور»؛ «کناش»، در طب؛ «المدخل الی صناعه المنطق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۰۱- ۱۰۰/ ۲)، تاریخ الحکماء قفطی (۲۰۲- ۱۸۳)، تاریخ طب (۵۸- ۵۶/ ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۳۹۳/۱)، معجم المؤلفین (۱۱۳/۳).

جوادی، قاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم جوادی

محل تولد: پاکدشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قاسم جوادی در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه قم شدم بعد از طی دروس رسمی حوزه که فقه و اصول و ادبیات بود در سال

۵۶ در درس خارج شرکت کردم، همزمان با دروس رسمی حوزه از سال ۵۴ تا ۶۸ فلسفه و عرفان نظری را نزد اساتید متعددی گذراندم، سپس دوره‌های زبان انگلیسی دفتر تبلیغات را گذراندم و سرانجام در دوره دین‌شناسی مؤسسه امام خمینی شرکت کردم و در کنار درسهای حوزه، تاریخ را خودم مطالعه کردم و از مباحث تاریخ به مباحث مذاهب اسلامی کشیده شدم و از سال ۵۵ درسهای حوزه را تدریس کردم و از سال ۶۲ تا کنون در دانشگاههای متعدد نظیر دانشگاه کرمان، تهران، فردوسی، مقدس اردبیلی، مفید و باقرالعلوم تدریس داشته‌ام

جوان، علی

قرن: ۲۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی جوان (زاده ۱۳۰۵/۱۰/۹ در تهران از پدر و مادری آذری الاصل) دانشمند و مخترع ایرانی است. وی اولین لیزر گازی دنیا که ترکیبی از دو گاز هلیوم و نئون است و به همین نام نیز معروف است را اختراع کرد. این لیزر از نوع لیزرهای بی خطر به حساب می‌آید و رنگ آن سرخ است. این لیزر در آزمایشگاه‌های دانشگاه‌ها برای بررسی پدیده‌هایی مانند تداخل امواج و آزمایش دو شکاف یانگ کاربرد دارد.

پیشینه:

علی جوان پس از گذراندن تحصیلات در دبیرستان البرز، تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه تهران داد. سپس در سال ۱۹۴۸ به ایالات متحده آمریکا مهاجرت می‌کند و تحصیلات خود را در مقطع دکترای فیزیک در دانشگاه کلمبیا ادامه می‌دهد. وی در سال ۱۹۶۴ با درجه دانشیاری به عضویت هیات علمی موسسه فناوری ماساچوست (MIT) در آمد. وی در حال حاضر استاد بازنشسته موسسه فناوری ماساچوست در ایالات متحده آمریکا می‌باشد. گرایش وی در فیزیک، اتمی - مولکولی و اپتیک است. او در MIT یک تحقیق بزرگ را پایه گذاری کرد که باعث ایجاد بزرگترین تحقیق لیزری در دهه های شصت و هفتاد میلادی شد. بسیاری از بنیان های اولیه در استفاده از لیزر در آنجا به وقوع پیوست. این بنیان ها شامل؛ ابداعات زیادی در زمینه اسپکتروسکوپی لیزری بصورت Sub-Doppler؛ اولین استفاده از لیزر برای آزمایش دقیق نسبیت و ایزوتروپی در فضا؛ ابداع تکنولوژی اندازه گیری فرکانسی دقیق در طیف نوری و اولین ساخت ساعت های اتمیک لیزری می باشند. پروفیسور جوان در زمینه های تازه تحقیق مانند پژوهش اخیرش برای جستجوی اثرات هدایت نورهای هم جهت شونده توسط یک آنتن نوری به سوی اندازه نانو از ماده فعال است.

او در تحقیقات گسترده ای از لیزرهای پرانرژی و رادارهای مولتی استاتیک

لیزری که توسط ساعت های نوری دقیق کنترل می شود، گرفته تا لیزرهای تشخیصی پزشکی شرکت داشته است. پایان نامه های تحقیقاتی بسیاری از دانشجویان فیزیک تحت نظر او بوده است.

برای تحقیقات در زمینه لیزرهای گازی، پروفیسور جوان در سال ۱۹۶۴ مدال Stewart Ballentine، در سال ۱۹۶۶ مدال Fany & John Hertz Foundation در سال ۱۹۷۵ مدال Fredrick Ives و در سال ۱۹۹۳ مدال جهانی آلبرت انیشتین را دریافت کرد.

او عضوی از آکادمی ملی علوم و آکادمی هنر و علم آمریکا و عضو افتخاری موسسه Trieste برای ترویج علوم می باشد. در

سال ۱۹۶۶ او به عنوان **Guggeheim Fellow** و در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۹۵ به عنوان **Humbolt Foundation Fellow**

شناخته شد.

افتخاراتپ:

• در سال ۱۹۶۰ وی موفق به اختراع لیزر گازی شد.

• این فیزیکدان ایرانی در سال ۱۹۷۵ مهم‌ترین نشان انجمن نورشناسی آمریکا یعنی مدال فردریک ایوز را دریافت کرد. در جمله‌ای که در کنار این نشان حک شده است از آقای جوان به خاطر «پدید آوردن یک دستگاه نورشناختی (لیزر گازی) با کاربردهای بی‌سابقه در پژوهش‌های علمی» قدردانی فراوان شده است.

• علی جوان در سال ۱۹۹۳ جایزه علمی جهانی آلبرت اینشتین را دریافت نمود.

• او همچنین در سال ۲۰۰۷ رتبه دوازدهمین آدم باهوش را در جهان کسب کرد.

جواهر کلام، عبدالعزیز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مؤلف، محقق.

تولد: ۱۲۷۰.

درگذشت: مرداد ۱۳۶۵.

از آثار اوست: آثار الشیعه (چهار جلد، ۱۳۴۲ به بعد)؛ تاریخ تهران (۱۳۲۵)؛ بازدید کتابخانه‌های هندوستان (۱۳۲۶)؛ جواهر الآثار (ترجمه مثنوی، پنج جلد، ۱۳۳۶، به بعد)؛ دائرة المعارف الامامیه (شش دفتر، ۱۳۳۹-۱۳۳۶)؛ فهرست کتابخانه‌ی معارف (نسخه‌های خطی، دو جلد، ۱۳۱۴-۱۳۱۳)؛ کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام تا این عصر (۱۳۱۱).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

جهانگیر، عیسی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عیسی جهانگیر

محل تولد: عجب شیر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ در شهرستان عجب شیر واقع در استان آذربایجان شرقی به دنیا آمد - تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آنجا

گذراندم سپس برای ادامه تحصیلات به قم رفتم. در سال ۱۳۷۰ دارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه شهیدین مشغول تحصیل علوم دینی گشتم. از جمله اساتید برجسته ای که در حوزه علمیه قم از آنها کسب علم کرده ام آیت الله مروّجی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله مصباح یزدی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی می باشند. در سال ۱۳۷۶ همزمان با تحصیلات حوزوی وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. کارشناسی و کارشناسی ارشد جامعه شناسی را در این زمینه به پایان رساندم.

چاهیچی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سازنده ساز.

تولد: ۱۳۰۳، اصفهان.

درگذشت: ۲۳ شهریور ۱۳۷۲، اصفهان.

سید جواد چاهیچی، فرزند سید ابوالقاسم، فارغ‌التحصیل هنرستان صنعتی اصفهان بود و مدت بیست و هفت سال در همان هنرستان به عنوان استاد و هنرآموز درودگری و صنایع دستی اشتغال به کار داشت. جواد چاهیچی در ساختن سازهای سنتی مهارت داشت و مجموعه سازهای سنتی از او به یادگار مانده است. در سال ۱۳۷۰ در جشنواره‌ی هنری ایران در دوسلدورف شرکت کرد و نمایشگاهی از سازهای سنتی ایران را به معرض تماشا گذاشت. از آثار دیگر وی، می‌توان به ساختن تزئینات چوبی هتل‌های عباسی اصفهان، کینگز تهران، رستوران شهرزاد اصفهان و در آمریکا در رستوران عباسی شهر - نیویورک اشاره کرد. نمونه‌های از آثار وی را به بسیاری از کشورهای خارج برده‌اند.

استادان وی در کارهای هنری چوبی، لئون، علمدار، ضیاء و غلامرضا قربانی بوده‌اند. جواد چاهیچی به چوب و طرز خشک کردن آن و معایب و بیماری انواع چوب‌ها شناخت داشت. وی در ابتدای جوانی اقدام به ساختن ساز ویولن کرد که این کار را ادامه نداد و خود در این باره می‌گوید: «چون چوب مخصوص این کار در اختیارم نبود و بعضی مشکلات دیگری هم در سر راهم بود، از ادامه‌ی ساختن ویولن منصرف شدم». سید جواد لاهیچی از سال ۱۳۵۹ بنا به توصیه‌ی حسن کسایی سازنده‌ی برنامه‌های گل‌ها اقدام به ساختن سازهای ویولن، سه‌تار، تار، سنتور، کمانچه، قیچک و ضرب نمود. مشوق وی در این راه بنا به گفته‌ی خودش احمد عبادی، حسن کسایی، جلیل شهناز، ابراهیم قنبری و حسین مسعود بوده‌اند و خود را شاگرد حسن مسعود می‌دانست. سید جواد لاهیچی برای سازهای خود، ساخته‌های سازندگان برجسته هر ساز را الگو قرار می‌داد. برای مثال ساختن تار از روی کار استاد فرج‌الله، یحیی اول، یحیی دوم، عباس صنعت، جعفر صنعت، رمضان شاهرخ، خاچیک (از آرامنه‌ی تارساز اصفهان)، گلی اصفهانی (معروف به آقا گلی)، عباس ملکوم و آمارسون؛ ساز سه‌تار را از روی کارهای محمد عشقی نوایی، سید جلال سه‌تار ساز، مفتاح‌السلطان، نریمان، علی محمد صفایی و کمانچه را از روی ساخت کارهای هنرمندان منطقه خرم‌آباد، بختیاری و کمانچه‌هایی که در تهران ساخته شده است و سنتور را از روی کارهای مهدی ناظمی انتخاب کرده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

چراغی کوتیانی، اسماعیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اسماعیل چراغی کوتیانی

محل تولد: دزفول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۲/۲

زندگینامه علمی

در دومین روز از بهار سال ۱۳۵۴، در روستای کوتیان از توابع شهرستان دزفول، زاده شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهم گذراندم و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح، در سال ۱۳۷۷ درس خارج فقه و اصول را آغاز کردم. اصول فقه را خوشه چین درس استاد بزرگوارم حضرت آیه الله العظمی سبجانی (مدظله العالی) بودم و درس خارج فقه را با زانو زدن در محضر اساتید بزرگوارم آیات عظام شبیری زنجانی و مکارم شیرازی (دامت افاضاتهم)، آموختم. در کنار تحصیل در حوزه علمیه، در سال ۱۳۷۶ وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شده و در رشته جامعه شناسی به تحصیل پرداختم. پس از پایان یافتن دوره کارشناسی، در سال ۱۳۸۲ در کارشناسی ارشد همان رشته به ادامه تحصیل پرداختم. و سرانجام در سال ۱۳۸۶ با دفاع از پایان نامه ام (با عنوان بررسی و تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده) موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی شدم. در کنار تحصیل به پژوهش نیز پرداختم که حاصل آن مقالاتی است که در مجلات مختلف به چاپ رسیده است.

چلبی، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر مسعود چلبی متولد ۱۳۳۱ در یزد است. وی، تحصیلات دانشگاهی خود را در ایران آغاز کرد. او مدرک کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تهران اخذ نمود. وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی خود عازم آمریکا شده و در دانشگاه میشیگان غربی مدرک دکترا (Ph.D) رشته جامعه شناسی را اخذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: سوابق تحصیلی مسعود چلبی به ترتیب زیر است. کارشناسی: علوم اجتماعی / ۱۳۵۴ / تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: علوم اجتماعی / ۱۳۵۶ / تهران / دانشگاه تهران دکترا: جامعه شناسی / ۱۳۶۳ / کالامازو / دانشگاه میشیگان غربی رساله کارشناسی ارشد: آثار تورم اقتصادی بر اوقات فراغت معلمان رساله دکترا: توسعه نیافتگی و سرمایه داری دولتی: یک مطالعه تطبیقی امتحانات حوزه تخصصی - امتحانات جامع جامعه شناسی تطبیقی جامعه شناسی آموزش و پرورش توسعه اجتماعی مشاغل و

سمتهای مورد تصدی: مسعود چلبی، عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. وی عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران، سردبیر پیشین مجله جامعه‌شناسی ایران و عضو فعال شورای علمی مجله جامعه‌شناسی ایران می باشد. فعالیتهای آموزشی: سوابق تدریسی و آموزشی مسعود چلبی به قرار زیر است: دوره کارشناسی: آمار در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، مبانی جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی توسعه، روش تحقیق نظری و روش تحقیق عملی دوره کارشناسی ارشد: آمار پیشرفته، روش تحقیق کمی، روش تحقیق کیفی، نظریه‌های جامعه‌شناسی (کلاسیک‌ها)، نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر دروس تدریس شده در دوره دکتری: نظریه‌های روش‌شناختی، مسائل اختصاصی روش تحقیق، روش تحقیق کمی، جامعه‌شناسی نظم، نظریه‌های جامعه‌شناسی، روش تطبیقی کیفی فازی آرا و گرایشهای خاص: علایق پژوهشی مسعود چلبی: ۱- توسعه و نظم اجتماعی ۲- نظریه جامعه‌شناختی ۳- جامعه‌شناسی تطبیقی ۴- روش‌شناسی آثار: بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران ویژگی اثر: موسسه پژوهش فرهنگ، هنر و ارتباطات. تهران. ۱۳۸۱۲ تحلیل اجتماعی در فضای کنش ویژگی اثر: نشر نی، تهران، ۱۳۸۵۳ جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی ویژگی اثر: نشر نی. تهران، (۱۳۷۵) چاپ چهارم ۱۳۸۶۴ چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش ایرانیان ویژگی اثر: انتشارات طرح‌های ملی، تهران، ۱۳۸۳

چلبی، مسعود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر مسعود چلبی متولد ۱۳۳۱ در یزد است. وی، تحصیلات دانشگاهی خود را در ایران آغاز کرد. او مدرک کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تهران اخذ نمود. وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی خود عازم آمریکا شده و در دانشگاه میشیگان غربی مدرک دکترا (Ph.D) رشته جامعه‌شناسی را اخذ کرد. نامبرده هم‌اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سوابق تحصیلی مسعود چلبی به ترتیب زیر است. کارشناسی: علوم اجتماعی / ۱۳۵۴ / تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: علوم اجتماعی / ۱۳۵۶ / تهران / دانشگاه تهران دکتری: جامعه‌شناسی / ۱۳۶۳ / کالامازو / دانشگاه میشیگان غربی رساله کارشناسی ارشد: آثار تورم اقتصادی بر اوقات فراغت معلمان رساله دکترا: توسعه نیافتگی و سرمایه داری دولتی: یک مطالعه تطبیقی امتحانات حوزه تخصصی - امتحانات جامع جامعه‌شناسی تطبیقی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش توسعه اجتماعی مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مسعود چلبی، عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. وی عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران، سردبیر پیشین مجله جامعه‌شناسی ایران و عضو فعال شورای علمی مجله جامعه‌شناسی ایران می باشد. فعالیتهای آموزشی: سوابق تدریسی و آموزشی مسعود چلبی به قرار زیر است: دوره کارشناسی: آمار در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، مبانی جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی توسعه، روش تحقیق نظری و روش تحقیق عملی دوره کارشناسی ارشد: آمار پیشرفته، روش تحقیق کمی، روش تحقیق کیفی، نظریه‌های جامعه‌شناسی (کلاسیک‌ها)، نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر دروس تدریس شده در دوره دکتری: نظریه‌های روش‌شناختی، مسائل اختصاصی روش تحقیق، روش تحقیق کمی، جامعه‌شناسی نظم، نظریه‌های جامعه‌شناسی، روش تطبیقی کیفی فازی آرا و گرایشهای خاص: علایق پژوهشی مسعود چلبی: ۱- توسعه و نظم اجتماعی ۲- نظریه جامعه‌شناختی ۳- جامعه‌شناسی تطبیقی ۴-

روش‌شناسی آثار: بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران و ویژگی اثر: موسسه پژوهش فرهنگ، هنر و ارتباطات. تهران. ۱۳۸۱۲
 تحلیل اجتماعی در فضای کنش و ویژگی اثر: نشر نی، تهران، ۱۳۸۵۳ جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی و ویژگی اثر: نشر نی. تهران، (۱۳۷۵) چاپ چهارم ۱۳۸۶۴ چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش ایرانیان و ویژگی اثر: انتشارات طرح‌های ملی، تهران، ۱۳۸۳

چهره نما

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج عبدالمحمد مؤدب السلطان ایرانی پور علی زاده، ادیب فاضل، و شاعر و نویسنده و مورخ، در اصفهان متولد شده، و در این شهر مقدمات علوم را آموخته، به مصر مهاجرت نموده و تا آخر عمر در آنجا ساکن بوده و از محترمین ایرانیان ساکن مصر به شمار می‌رفته. روزنامه چهره نما را در آنجا می‌نوشته و مدت سی و دو سال مرتباً انتشار داده است. در حدود سال ۱۲۹۱ متولد، و در اوّل شعبان ۱۳۵۴ در قاهره وفات یافته، و هم در آنجا مدفون گردید.

کتب زیر از تألیفات اوست:

- ۱- احقاق الحق ۲- امان التواریخ ۳- پیدایش خط و خطاطان ۴- زردشت باستانی و فلسفه او ۵- فؤاد التواریخ. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

حاجی زاده، یدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یدالله حاجی زاده

محل تولد: زرنند کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله حاجی زاده فرزند محمد متولد ۱۳۵۴ در روستای سینک از توابع شهرستان زرنند به دنیا آمدم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار می‌باشد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان زرنند به پایان رساندم سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه صالحه کرمان شدم. همزمان تحصیلات کلاسیک خودم را هم ادامه دادم. در سال ۱۳۷۵ موفق شدم در رشته ادبیات دیپلم بگیرم سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه قم شدم.

در سال ۱۳۷۹ همزمان با تحصیلات حوزوی در دانشگاه باقرالعلوم (ع) مشغول تحصیل در رشته تاریخ شدم دروس حوزوی را تا

اتمام سطح به پایان رسانده و مشغول درس خارج هستم. در سال ۱۳۸۳ در مقطع ارشد تاریخ اسلام در دانشگاه باقرالعلوم مشغول تحصیل شدم و در حال حاضر مشغول تدوین پایان نامه ام هستم. با برخی از مراکز علمی از جمله بخش فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات حوزه همکاری دارم. همچنین در مرکز مطالعات حوزه بعضاً به سؤالات تاریخی و سؤالات بخش مهدویت پاسخ می‌دهم. بعضاً در ایام تبلیغی ماه محرم، ماه رمضان و ایام تابستان به تبلیغ می‌روم.

حاجی آقا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ش)، سازنده‌ی تار. وی از معروفترین سازندگان تار در تهران بود. تارهای ساخت او همه خوب و خوش آهنگ بودند. فرزندش، رمضان شاهرخ، نیز پیشه‌ی وی را ادامه داد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ موسیقی (۶۹۶/۲)، سرگذشت موسیقی (۱۷۳/۱)، مردان موسیقی (۳۲۲/۲).

حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۳۴/۸۳۳ ق)، مورخ و جغرافیدان. اصلش از بهدادین خواف بود، و علت اینکه بعضی او را هروی خوانده‌اند شاید بدین خاطر است که مدت زیادی را در هرات زیست. تربیت و تحصیل وی در همدان صورت گرفت. وی از همان دوران جوانی به خدمت امیر تیمور گورکان پیوست و مورد التفات امیر قرار گرفت. بعد از تیمور ملازم شاهرخ میرزا و بایسنقر میرزا شد و به نام آنان به تألیف و تصنیف پرداخت. او از مورخان موثق دور تیمور بود و در ضبط دقیق وقایع و صحت گفتار معروف. شهاب‌الدین در شهر زنجان وفات یافت و نزدیکان مزار احی فرج زنجانی دفن شد. آثار او عبارت‌اند از: «ذیل جامع التواریخ رشیدی»؛ «ذیل تاریخ طبری»؛ «تاریخ آل کرت»؛ «تاریخ طغایمور»؛ «تاریخ سربداران»؛ «تاریخ امیرارغون شاه»؛ «تاریخ شاهرخ»؛ که تمامی کتابهای تاریخی مذکور و چند کتاب دیگر مجموعه‌ای تاریخی را تشکیل می‌دهند به نام «مجموعه حافظ ابرو» و شامل تاریخ جهان از آغاز آفرینش تا سال ۸۳۰ ق است، به نام «مجمع التواریخ سلطانی» و «زبدۀ التواریخ». [۱]

شهاب‌الدین عبدالله بن عبدالرشید مورخ نامی دوره تیموری (ف. ۸۳۴ ه.ق.). وی در دربار امیر تیمور بود و در سفرها نیز در رکاب او حرکت میکرد و پس از تیمور نزد شاهرخ پایه ارجمند یافت و مقرب شاه گردید و همواره در سفر و حضر ملازم بود. حافظ ابرو به رموز و آیین تاریخ نویسی آگاه بود و مخصوصاً از احوال و امور روزانه سیاست زمان خود اطلاع کافی داشته و در نوشته‌های خود تا حد امکان آنچه را که می‌دیده یا از اشخاص موثق می‌شنیده معتبر دانسته و کمتر به افسانه و حکایت پرداخته است و در منقولات خود غالباً جانب حقیقت و راستی را گرفته. وی زبانهای عربی و ترکی را می‌دانسته و در سرودن شعر نیز به دست داشته. آثار مهم او عبارتند از: کتاب جغرافا (۸۱۷)، ذیل ظفرنامه شامی، تاریخ شاهرخ، ذیل جامع التواریخ رشیدی.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۹-۴۸۶/۴)، تاریخ در ایران (۹۴-۹۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۸-۲۳۷)، حبیب السیر (۸/۴)، دایرةالمعارف فارسی (۸۲۷/۱) الذریعه (۲۳/۱۲، ۴۹/۱۰، ۱۱۵/۵)، ریحانه (۱۰-۹/۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۹۶-۲۹۵/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹/۲۸)، کشف الظنون (۹۵۱)، الکنی واللقاب (۱۶۶/۲)، گلستان هنر (۳۰)، لغت‌نامه (ذیل / حافظ ابرو)، هدیه الاحباب (۱۲۲-۱۲۱).

حافظ هروی، کمال‌الدین حسین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۴/۹۷۳ ق)، خطاط و قاری. معروف به واحدالعین. اصل وی از هرات بود ولی، به مشهد رفت و از آنجا به قم و به اردوی شاه طهماسب صفوی پیوست. او در خواندن قرآن در خراسان شهرت فراوانی داشت و مورد توجه بزرگان و پادشاهان بود. کمال‌الدین جز نستعلیق، انواع خطوط را ماهرانه و استادانه می‌نوشت. از آثار وی: یک نسخه کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین (ع) و دو قطعه به قلم ثلث نیم دو دانگ و نسخ کتابت ممتاز و عالی، با رقم: «... کمال‌الدین حسین الحافظ الهروی فی المشهد المقدس بتاریخ سنه‌ی ثلث و ثلاثین و تسعمائه» و «مشقه الفقیر کمال‌الدین حسین الحافظ الهروی»؛ کتیبه‌ی صفه‌ی صاحب در مسجد جامع اصفهان، به قلم ثلث سه دانگ کتیبه‌ی عالی، با رقم: «انجام یافت فی تاریخ سنه ثمان و ثلاثین و تسعمائه کتبه کمال‌الدین حسین الحافظ الهروی»؛ یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، به قلم ثلث سه دانگ جلی و نسخ و رقاع کتابت ممتاز، با رق: «مشقه العبد کمال‌الدین حسین حافظ هروی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار ملی اصفهان (۵۳۸-۵۳۷)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۳/۴، ۱۶۹، ۱۶۸-۱/۱)، اطلس خط (۳۳۵)، پیدایش خط و خطاطان (۱۵۰)، تاریخ اصفهان (۲۳۳)، تاریخ موسیقی (۳۱۹-۳۱۸)، تاریخ هنرهای ملی (۸۷۳-۸۷۲/۲)، خوشنویسان و هنرمندان (۲۸)، گلستان هنر (۱۰۴-۱۰۳)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۹۴-۹۱).

حایری طبرسی مازندرانی، ابوعلی محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۱۵-۱۱۵۹ ق)، مورخ و فقیه اصولی امامی. معروف به ابی‌علی. اصل وی از طبرستان و زادگاهش کربلا بود. ابوعلی از شاگردان محمد باقر وحید بهبهانی، سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض» و سید محسن کاظمی اعرجی بود. وی در عراق درگذشت. از آثار او: «زهر/ ازهار الریاض»؛ «عقد اللالی البهیة»، در رد اخباری‌ها؛ «منتهی المقال»، در رجال؛ «العذاب الواصب» یا «نقض نواقض الروافض».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۲۴/۹)، الذریعه (۲۹۱/۲۴، ۱۴-۱۳/۲۳، ۲۴۰/۱۵، ۷۱/۱۲)، ریحانه (۲۱۰/۷)، الکنی واللقاب (۱۲۴/۱)، معجم المؤلفین (۵۸-۵۷/۹).

حائری مجد، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی حائری مجد

محل تولد: قم

شهرت: حائری

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۴/۲۸

زندگینامه علمی

سال ۱۳۷۴ اخذ دیپلم و ورود به دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی. سال ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ انتشار هفته نامه (نور علی نور) در موضوع فرهنگ قرآنی در بیست شماره. سال ۱۳۷۸ پایان تحصیلات کارشناسی. فروردین ۱۳۷۹ ورود به مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما با انجام پژوهش معراج در محراب ویژه آیت الله اشرفی اصفهانی و شمیم تربیت اسلامی در خانواده. اسفند ۱۳۸۱ پس از به دست گیری پروژه ای ناتمام روز شمار در این زمان اولین مجله از پروژه روز شمار با نام روز شمار قمری ویژه رجال و وقایع اسلامی منتشر شد. آبان ۱۳۸۲ در ادامه کار روز شمار در این تاریخ روز شمار شمسی با محوریت تاریخ ایران از اواخر قاجار تا سال ۱۳۸۲ در بحث آزاد و رویدادهای گوناگون به چاپ رسید.

آذر ۱۳۸۴ سومین مجله روز شمار تاریخ تحت عنوان روز شمار میلادی به سرانجام رسید لازم به ذکر است هر چند این سه جلد کاری گروهی بود ولی کلیه مراحل نظارت و ارزیابی بازنویسی و تطبیق مجدد تاریخ ها و درستی محتوای آنها را شخصاً انجام دادم جمع سه کار در حدود ۱۳۳۰ صفحه چاپی و نزدیک به ۴۰۰۰ صفحه تایپی بود؛ این سه کار همزمان در همان سال به صورت نرم افزار تاریخ ایران، جهان و اسلام برنامه ریزی و تولید گردید که کار را برای بهره برداران آسان کرده است. در حال حاضر از یک سال قبل با کمک چند محقق همکار به تصحیح و اضافه روز شمار قمری که دارای نقص های محتوایی و تاریخی است مشغول هستیم. از دی ماه ۱۳۸۰ تا اردیبهشت ۱۳۸۴ به همکاری با ماهنامه گنجینه که در زمینه برگزیده متون کهن فارسی اخلاق عرفان قرآن تاریخ و معرفی شخصیت های فرهنگی و فعالیت می کرد پرداختم و در ابتدا ۱۵ شماره مقالات قرآنی تاریخی و رجال را هر شماره در حدود ۴۰ الی ۵۰ صفحه تهیه و گردآوری می کردم از ابتدای سال ۱۳۸۲ تا اردیبهشت ۱۳۸۴ بخش قرآن و تفسیر هر شماره ۲۰ الی ۳۰ صفحه موضوعات مربوطه را ارائه می دادم که چاپ و نشر یافت.

حائری، عبدالهادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: مطالعات اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

زندگینامه

دکتر شادروان عبدالهادی حائری استاد برجسته‌ی تاریخ معاصر ایران در سال ۱۳۱۲ هجر شمسی به دنیا آمد. وی که نوه‌ی حضرت آیت‌الله حائری یزدی بود سالها در خارج از کشور و در دانشگاه‌های کانادا و آمریکا مشغول تدریس و تحقیق بود و در سال ۱۳۵۷ به ایران مراجعت نمود و در دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان استاد و رئیس گروه تاریخ مشغول به تدریس و تحقیق شد. ایشان در زمینه‌های تاریخی، بخصوص تاریخ معاصر ایران دارای آثار ارزشمند و مهمی است که در محافل علمی و دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور معروف می‌باشد.

تألیفات گوناگون وی در زمینه مسائل تاریخی به زبانهای انگلیسی و فارسی به بیش از ۴۰ مورد می‌رسد.

مرحوم دکتر حائری یکی از مردان نامی دانشگاه‌های کشور بوده و مهمترین آثار فارسی او «تشیع و مشروطیت در ایران»، «رویارویی اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب»، «تاریخ جنبش و تکاپوهای فراماسیونری در کشورهای اسلامی»، «ایران و جهان اسلام»، «آنچه گذشت»، «نقشی از نیم‌قرن تکاپو» (خاطرات خود استاد) و... نام برد. از وی بیش از ۳۶ مورد ملاقات ارزشمند تاریخی به زبان انگلیسی در نشریات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

دکتر حائری سرانجام بعد از یک دوره بیماری طولانی ۲ ساله در سن ۶۰ سالگی در تاریخ بیست و چهارم مرداد ۱۳۷۲ چشم به جهان فروبست.

مدرس، مورخ.

تولد: ۱۳۱۴، قم.

درگذشت: ۲۳ تیر ۱۳۷۲، مشهد.

عبدالهادی حائری، فرزند میرزا احمد حائری (و نوه‌ی دختری آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه‌ی علمیه‌ی قم) پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، لیسانس خود را در رشته‌ی الهیات از دانشگاه تهران گرفت. پس از آن چند سال در اداره‌ی بهداشت مشهد مشغول به کار بود. در همان دوران بود که وی کتابی تحت عنوان ابن مقفع که به قلم حنا الفاخوری عرب نوشته شده بود و از زبان عربی به فارس ترجمه و توسط انتشارات زوار چاپ کرد. در سال ۱۳۴۳ با کسب یک بورس دانشگاهی به کانادا رفت.

عبدالهادی حائری در دانشگاه مگیل کانادا مقاطع فوق لیسانس و دکتری را در رشته‌ی اسلام و خاورشناسی گذراند و علاوه بر دو سال تدریس در این دانشگاه مدت چهار سال در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی به تدریس و تحقیق مشغول شد و در کنفرانس‌ها و کنگره‌های بین‌المللی از جمله در بلژیک، کانادا، آمریکا، مکزیک و آلمان نتایج تحقیقات خود را در قالب مقاله‌های مختلف ارائه داد.

دکتر حائری در سال ۱۳۵۷ به ایران آمد و با عنوان دانشیار در گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس تاریخ دو سده‌ی اخیر ایران، خاورمیانه و دیگر سرزمین‌های اسلامی پرداخت.

تخصص اصلی دکتر حائری در زمینه‌ی انقلاب مشروطیت و نقش علمای شیعه در آن بود که نتیجه تحقیقاتش در این زمینه در قالب کتاب تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق به دو زبان انگلیسی و فارسی منتشر شد.

از آثار دیگر دکتر حائری می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی در کشورهای اسلامی؛ ایران و جهان اسلام؛ پژوهش‌هایی تاریخی پیرامون چهره‌ها؛ اندیشه‌ها و جنبش‌ها؛ نقشی از نیم قرن تکاپو (خاطرات ایشان). مقاله‌های وی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجله‌های گوناگون و از جمله در فصلنامه‌ی «مطالعات تاریخی» به چاپ رسیده است.

کتاب نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه‌ی تمدن بورژوازی غرب در هفتمین دوره‌ی کتاب سال کشور برنده‌ی جایزه شد.

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: خاورشناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

حجازی، ایرج

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ایرج حجازی

محل تولد: لردگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ایرج حجازی در سال ۱۳۵۳ در روستای تل ماران از توابع شهرستان لردگان (استان چهارمحال و بختیاری) در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمدم. دوران کودکی را همانند بیشتر کودکان روستایی گذراندم. در سال ۱۳۶۸ برای تحصیل علوم دینی راهی اصفهان شدم و در مدرسه علمیه ذوالفقار که دارای برنامه‌ها و نظم خاصی بود مشغول به تحصیل شدم و از محضر بزرگان و اساتیدی همچون آیت‌الله مرحوم سید احمد امامی، آیت‌الله سید حسن امامی، حجج اسلام آقایان حجت ابطحی، مصطفی بهرمن، سید ابوالحسن درخشان (حسینی) و ... و در قم از محضر بزرگانی همچون سید هاشم حسینی بوشهری، حسینی خراسانی، علی محمد خراسانی، احمد عابدی، نجف لک زایی، غلامرضا بهروز لک، محمدجواد ارسطو بهره بردم. در سال ۱۳۷۷ در دوره تاریخ اسلام شرکت کردم و در سال ۱۳۷۹ وارد دانشگاه باقرالعلوم (ع) شدم و در رشته علوم سیاسی مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۳ در دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی با گرایش مسائل ایران به تحصیل ادامه دادم. و در سال ۱۳۸۶ فارغ التحصیل شدم.

حریری اکبری، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد حریری اکبری در سال ۱۳۲۲ در تبریز بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای رشته علوم اجتماعی Ph.D.in Social Science از دانشکده/مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده (در سال ۱۳۶۲) می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه علوم اجتماعی - دانشگاه تبریز می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات محمد حریری اکبری: -۱۳۴۳: اخذ دیپلم دوره متوسطه در رشته علوم طبیعی - تبریز. -۱۳۴۸: اخذ درجه

لیسانس در علوم اقتصادی و سیاسی از دانشگاه ملی ایران-تهران. -۱۳۵۰: اخذ درجه فوق لیسانس در علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران - تهران. -۱۳۵۸: اخذ درجه فوق لیسانس در حکومت مقایسه ای از دانشکده/ مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده. -۱۳۶۲: Maxwell School of Syracuse University, USA: اخذ درجه دکتری در رشته علوم اجتماعی Ph.D.in Social Science از دانشکده/مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده. فعالیت‌های آموزشی: فعالیت‌های آموزشی محمد حریری اکبری به‌قرار زیر است: -۱۳۵۰: تدریس اقتصاد و بازرگانی بین‌المللی در انستیتو تکنولوژی بازرگانی تبریز -۱۳۵۱: تدریس علوم سیاسی و اداری در مدرسه عالی غزالی، قزوین. -۱۳۵۲: تدریس علوم سیاسی و اجتماعی در مدرسه عالی علوم اجتماعی و اقتصادی، قزوین و تدریس علوم سیاسی در مدرسه عالی کمپیوتر، تهران. -۱۳۵۳: تدریس اقتصاد ایران در مدرسه عالی علوم بازرگانی، تهران و تدریس علوم اجتماعی در دانشگاه تبریز، -۱۳۵۴-۱۳۵۷: اشتغال تمام وقت به تدریس و مدیریت در پست‌های گونه‌گون در دانشگاه تبریز، -۱۳۵۷-۱۳۶۲: اعزام به آمریکا با مأموریت مطالعاتی دانشگاه تبریز جهت اخذ درجه دکتری. -۱۳۶۲-۱۳۸۰: تدریس تمام وقت در دانشگاه تبریز و در مرکز مدیریت دولتی (تهران، تبریز و ارومیه) و در سازمان برنامه و بودجه کشور. -۱۳۸۰-۱۳۸۱: گذراندن دوره تخصصی در برنامه "خزر شناسی" مدرسه (دانشکده) علوم سیاسی جان.اف. کندی، دانشگاه هاروارد، بوستون، ماساچوست، آمریکا. Caspian Studies Program in J.F.Kennedy School of Government, at Harvard University. -۱۳۸۰ تا کنون: تدریس و تحقیق تمام وقت در دانشگاه تبریز و در سایر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی شهر تبریز. سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: خدمات علمی و فرهنگی محمد حریری اکبری: -عضویت در هیات تحریریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. -عضویت در هیات تحریریه نامه علوم اجتماعی، نشریه دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. -عضویت در هیات تحریریه مجله پژوهش زنان، دانشگاه تهران. -عضویت در هیات تحریریه مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دانشگاه تهران، -عضویت در هیات امنای کتابخانه مرکزی تبریز. -برگزاری افزون بر ده کارگاه آموزشی در زمینه سازمان و مدیریت. -شرکت در بیش از بیست کنفرانس، سمینار و سمپوزیوم ملی و بین‌المللی که اغلب آنها با عرضه مقاله بوده است. -انجام بیش از ده مصاحبه مفصل با روزنامه‌ها و مجلات داخلی. -همکاری با روزنامه‌ها و مجلات گونه‌گون با تهیه مطالب کوتاه و بلند در باره امور و مسائل اجتماعی. چگونگی عرضه آثار: مقالات تهیه و تدوین شده: مقالات بزبان فارسی: ۱۹ مورد مقالات بزبان خارجی: ۵ مورد آثار: افسانه‌های فولکلوریک قفقاز و ویژگی اثر: ۱۳۵۰: پروفیسور پومراتسوا، (تبریز: انتشارات نوبل، ۱۳۵۰)، ترجمه: محمدحریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۲ برگزیده آثار، و ویژگی اثر: ۱۳۵۲: نریمان نریمانوف، (تبریز: نشر ابن سینا، ۱۳۵۲)، ترجمه: محمدحریری اکبری، (از ترکی آذربایجانی به فارسی). ۳ جامعه‌شناسی سیاسی و ویژگی اثر: ۱۳۸۰: تام باتومور، (تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰)، ترجمه: محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۴ حکومت فدرال هندوستان و ویژگی اثر: ۱۳۴۹: کریشنا سوامی، تهران: موسسه بهار ایران، ۱۳۴۹)، ترجمه: محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۵ خرد، عدالت و نوگرایی: نوشته‌های اخیر یورگن هابرماس و ویژگی اثر: ۱۳۸۰: استیون وایت، (تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰)، ترجمه: محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۶ دبستان فرانکفورت و ویژگی اثر: ۱۳۷۲: تام باتومور، (تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۲)، ترجمه: محمدحریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۷ ریشه‌های فعالیت‌های سیاسی دانشجویان و ویژگی اثر: ۱۳۵۱: محمدحریری اکبری، (تبریز: انتشارات نوبل، ۱۳۵۱). ۸ کتاب دده قورقود و ویژگی اثر: ۱۳۵۳: جفری لویس، (تبریز: نشر ابن سینا، ۱۳۵۳)، ترجمه: فریبا عزیدفتری و محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). ۹ مدیریت توسعه و ویژگی اثر: ۱۳۷۸: محمد حریری اکبری، (تهران: نشر قطره، ۱۳۷۸).

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. از هنرمندان دوره‌ی ناصری بود و به شیوه‌ی آقا نجف نقش می‌آفرید. در عین تقلید از استادان دوره‌ی زندیه، آثارش صبغهی خاص داشت. از آثار وی قلمدان زیبایی است که بر رویه‌ی آن سایه‌پردازیهای ماهرانه‌ای عمل آمده و در شیوه‌ی آقا نجف است. طرفین قلمدان پر از گل و مرغهای چشم‌نواز و مناظری از شهر اصفهان و شیراز است و به خط نسخ طلایی رقم «میر حسام‌الدین» دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۲۶۷/۳)، هنر قلمدان (۱۴۸).

حسامی، فاضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فاضل حسامی

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۸/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب فاضل حسامی فرزند عباس متولد ۱۳۴۱ آبادان تحصیل دروس حوزوی تا خارج فقه نزد اساتید بزرگواری چون حضرات حجج اسلام آقایان اسلامی. نواب، خسرو شاهی، رجائی، موسوی تهرانی، و صالحی افغانی و نیز حضرات آیات آقایان وجدانی فخر (ره) پایانی، ستوده، بهبودی، مومن، مظاهری، مکارم شیرازی و خاتم یزدی. تحصیل در زمینه الهیات و معارف اسلامی از سال ۱۳۶۵ تا پایان آن دوره در موسسه در راه حق قم. در سال ۱۳۶۹ برای ادامه تحصیل در رشته جامعه شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی که در آن زمان بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) نام داشت، پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی فارغ التحصیل شدم. به دلیل علایق حوزوی، موضوع پایان نامه صبغه جامعه شناسی فقه و نیز جامعه شناسی دین به خود گرفت. همزمان با تحصیل و در ادامه آن مسئولیت های اجرایی نیز عهده دار بودم که می توان مدیریت تحصیلات تکمیلی، دبیری گروه جامعه شناسی، مدیریت مالی، معاونت اداری - مالی و نیز دبیر کلی انجمن فارغ التحصیلان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) را نام برد

حسن الحسینی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. از هنرمندان اوایل دوره‌ی قاجار است که در گل و بته و گل و مرغ چابکدست و توانا بود. از قلمدانهای وی نمونه‌هایی در دست هست که از قدرت هنر نقاشی او حکایت می‌کند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: هنر قلمدان (۱۱۲)

حسن بیگ

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از فضلا و مورخان و دانشمندان عصر خود که در اواسط قرن دهم احسن التواریخ را تألیف و وقایع سالهای ۹۰۰ تا ۹۸۵ ه.ق. را تا تفصیل سلطنت شاه طهماسب در آن ثبت کرده است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

حسن لو، امیر علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیر علی حسن لو

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر زنجان تحصیلات حوزوی را از مدرسه ولیعصر (عج) زنجان آغاز کرده و دروس مقدمات را نزد اساتید بزرگ و معروف این شهر نظیر استاد شیخ سلطانه‌علی اصحابی و شیخ توکل بیات در مدت اندکی به پایان برده و برخی از دروس مقدماتی دیگر از جمله معانی بیان را در محضر استاد شیخ ابوالفضل مصطفوی تلمذ نمودم.

متون اصولی و منطق و فقه را در محضر آیه الله حاج بیوک خاتمی و آیه الله شیخ تقی خاتمی و آیه الله شیخ ابراهیم محمدی تلمذ نمودم و اندکی در محضر آیه الله صائینی از شاگردان بزرگ علامه طباطبائی از اصول و دروس عرفانی که در تابستان برگزار می‌گردید و متن تدریس عرفانی که «رساله الولاية» علامه طباطبائی بود مدت دو سال استفاده بردم. در کنار تحصیل در حوزه به تحصیل در دبیرستان شبانه نیز غافل نمانده و دیپلم را از دبیرستان اخذ و پس از اتمام لمعتین (پایه ششم) در زنجان به کنکور سراسری شرکت و در رشته تاریخ اسلام و علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم پذیرفته شده و در رشته تاریخ ادامه تحصیل داده و به اخذ مدرک

کارشناسی تاریخ موفق شدم.

در کنار تحصیل در دانشگاه در حوزه نیز دروس حوزوی را ادامه داده و دروس سطح را در محضر اساتید بزرگ حوزه قم حضرات آیات: احمدی میانجی، پایانی، وجدانی فخر، حسینی بوشهری و... به پایان رسانیدم و اشتغال به درس خارج در محضر آیات عظام: وحید خراسانی، شبیری زنجانی، تبریزی، و جوادی آملی داشته و در کنار مشغله تحصیلی از تحقیق و پژوهش نیز غفلت ننموده و موضوعات و مقالات مختلفی را در قالب طرح و پژوهش به انجام رسانیده است. اکنون در رشته تاریخ تمدن اسلامی مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل بوده و با مراکز مختلف پژوهشی همکاری دارم. لازم به یادآوری است در فلسفه و عرفان نیز از اساتید بزرگوار جناب استاد فیاضی از دروس اشارات و نهاییه و بدایه و حضرت آیه الله شیخ یحیی انصاری قسمتهایی از اسفار اربعه را تلمذ نموده و کسب فیض شده است.

حسنی، عطاء الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عطاءالله حسنی، متولد ۱۳۳۱ است. وی پس از اخذ مدرک دیپلم ادبی از دارالفنون تهران، تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته کارشناسی تاریخ در دانشگاه شیراز آغاز کرد و در سال ۱۳۵۴ به پایان رسانید. وی مدرک کارشناسی ارشد تاریخ را از دانشگاه علامه طباطبایی و دکترای همان رشته را از واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی (در سال ۱۳۶۹) دریافت کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سوابق تحصیلی عطاءالله حسنی به ترتیب زیر است: ۱- دیپلم ادبی - دبیرستان دارالفنون تهران (۵۰- ۱۳۴۹) ۲- لیسانس تاریخ - دانشگاه شیراز (۱۳۵۴) ۳- فوق لیسانس تاریخ-دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۶۴) ۴- فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه تهران (۱۳۶۶) ۵- دکتری تاریخ - واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۶۹)

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق کاری و اجرایی و مدیریتی عطاءالله حسنی به قرار زیر است: - رئیس مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ - عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۷۹ تا کنون (هم اکنون دانشیار دانشگاه مذکور می باشد) - مدیر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ - مدیر گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی از ۱۳۸۶ تا کنون عضویت در مراکز علمی و پژوهشی - عضو هیئت تحریریه مجله رشد تاریخ از ۱۳۶۷ تا کنون - عضو هیئت تحریریه مجله تاریخ اسلام از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ - عضو هیئت تحریریه مجله تاریخ دانشگاه لرستان از ۱۳۸۵ تا کنون

فعالیت‌های آموزشی: سوابق تدریسی و آموزشی عطاءالله حسنی به ترتیب زیر است: دانشگاه تربیت معلم (۱۳۶۴) دانشگاه شهید بهشتی (از سال ۱۳۶۹ تا کنون) استاد مدعو در دانشگاه مطالعات بین المللی شانگهای (۲۰۰۶-۲۰۰۷) SISU

آرا و گرایشهای خاص: علایق پژوهشی عطاءالله حسنی: -تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایران -تاریخ دوره صفویه - تاریخ ایلات و عشایر - تاریخ عثمانی -تاریخ جنبش های اجتماعی - اشعار اجتماعی (فارسی، ترکی) زمینه تخصصی: - تاریخ ایران عصر

صفوی و ایلات و عشایر

چگونگی عرضه آثار : استاد راهنمای رساله های دکتری: ۳ رساله استاد راهنمای رساله های ارشد: ۹ رساله استاد مشاور رساله های دکتری: ۶ مورد استاد مشاور رساله های کارشناسی ارشد: ۱۴ مورد تعداد مقاله های فارسی: ۲۵ مقاله تعداد مقاله های خارجی: بیش

از ۲ مورد

آثار :

۱ ازمنها

ویژگی اثر : آماده چاپ، دفتر شعر

۲ اسنادی از دانشگاه ملی ایران ۱۳۵۸-۱۳۳۸

ویژگی اثر : تهران : انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹

۳ بهار نامه

ویژگی اثر : سرپرستی مدارس جمهوری اسلامی ایران در ترکیه ، نوروز ۱۳۷۶

۴ پیرامون آموزش های غیر حضوری

ویژگی اثر : تهران : انتشارات اداره کل آموزش های ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش ، ۱۳۶۷

۵ تاریخ فرهنگی ایل شاهسون بغدادی

ویژگی اثر : تهران : انتشارات ایل شاهسون بغدادی، ۱۳۸۲

۶ تاریخ معاصر جهان: هند، ژاپن ، چین، انگلستان، افریقای جنوبی، مکزیک

ویژگی اثر : تهران : دفتر تحقیقات و برنامه ریزی کتاب های درسی ویژه مراکز تربیت معلم، ۱۳۶۷

۷ دستمایه پژوهشگران

ویژگی اثر : تهران : ضمیمه درسنامه گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۸

۸ زندگی، شخصیت، و محیط فضولی (ترجمه از ترکی استانبولی نوشته پروفیسور عبد القادر قاراخان).

ویژگی اثر : آماده چاپ

۹ گفتگو : تاملاتی در علم تاریخ نگاری اسلامی (با دکتر غلامحسین زرگری نژادو دکتر هاشم آقاجری)

ویژگی اثر : بکوشش حسن حضرتی. تهران: نقش جهان ، ۱۳۸۰

۱۰ مطلع الاعتقاد فی معرفه المبدأ و المعاد (از ترکی استانبولی نوشته محمد بن سلیمان فضولی)

ویژگی اثر : ترجمه، تهران : انتشارات بین المللی الهدی ، ۱۳۷۹

حسنى، على اكبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر حسنی

محل تولد : لنگرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۷/۱۲/۴

زندگینامه علمی

اینجانب علی اکبر حسنی فرزند حبیب الله، اسفند ماه ۱۳۱۷ در لنگرود گیلان متولد شدم و تا کلاس هفتم دبیرستان را همان جا گذراندم. در سال ۱۳۳۲ پدرم مرا به قم فرستاد و در مدرسه علمیه خان، حجره ای برایم فراهم شد. به سرعت و با پشتکار، مقدمات از امثله، صمدیه، سیوطی، مغنی، مطول، معالم، قوانین و لمعتین را نزد علما و مدرسین آنروز خواندم؛ رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) را نیز خوانده و امتحان دادم.

در سال ۱۳۳۹ با اتمام کفایتین بمدت یکماه و نیم در درس خارج علمی و استدلالی آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی (ره) و نیز آیت الله اراکی (ره) شرکت کردم و همه مطالب را به عربی نوشته و مورد تشویق واقع شدم که متأسفانه در حملات ساواک به فیضیه، در دوم فروردین ۱۳۴۲ از بین رفت. بعد از فوت آیت الله بروجردی (ره) در درس امام خمینی (ره) شرکت کردم. بعد از سه سال که تبعید ایشان به ترکیه و عراق پیش آمد، به درس مراجع آن زمان آیات عظام گلپایگانی (ره)، شریعتمداری (ره)، حائری (ره)، محقق داماد (ره) و میرزا هاشم آملی (ره) می رفتم. برخی از کتب آیت الله حکیم (ره) و آیت الله خوئی (ره) را استفاده و مطالعه می کردیم؛ اسفار را نزد علامه طباطبائی (ره) خواندم و فلسفه تطبیقی را نزد آقای مهدی حائری (ره) و برخی دروس تکمیلی را نزد مراجع فعلی خواندم.

حسنی، کریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کریم حسنی

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۱/۲۰

زندگینامه علمی

در بیستم فروردین سال ۱۳۵۵ شمسی در زنجان متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در شهر زنجان مدرسه ابتدایی در مدرس سپری نمودم. دوره راهنمایی را در مدرسه شهید رجائی و سپس به مدرسه حافظ منتقل شدیم و دوره راهنمایی نیز در همان شهر با موفقیت به اتمام رسید.

دوره دبیرستان در رشته علوم انسانی در مدرسه قدس شهر زنجان به پایان رسید و علیرغم موفقیت در کنکور دانشگاه طلبه شدم. و در حوزه علمیه زنجان از سال ۷۴-۷۳ به مدت چهار سال و یک نیمسال دوره ۶ ساله را تمام و موفق به کسب مدرک سطح یک حوزوی گشتم و سپس عازم شهر مقدس قم گردیدم. سپس سطح دو حوزه را در محضر اساتیدی چون: سید محمد نجفی، حضرت آیت الله بوشهری مدیر حوزه علمیه گذراندم. بعد از اتمام دروس مکاسب و کفایه به درس خارج مشغول و از محضر

اساتیدی بزرگ بهره مند شدم.

درس خارج اصول که توسط آیت الله سبحانی صبح‌ها از ساعت ۸ الی ۹ در مسجد اعظم برگزار می‌گردد، مشغول شدم و هر روز بعد از ساعت ۹ الی ۱۰ صبح در مسجد اعظم فقه را در محضر آیت الله مکارم شیرازی پرداختم و هم اکنون نیز ادامه دارد. در ورودی دانشگاهی در سال ۱۳۷۹ همزمان با ورود به قم در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم قبول و به رشته تاریخ مشغول شدم. پس از اتمام ۱۳۶ واحد موفق به اخذ کارشناسی تاریخ از آن دانشگاه گردیدم. یادآور می‌شود که همزمان با درس حوزه ای به درس دانشگاهی که بعد از ظهرها برگزار می‌گردید مشغول بودم.

بعد از اتمام کارشناسی بلافاصله به فکر مقطع کارشناسی ارشد افتادم و در کنکور شرکت نمودم. ولی مجاز نشدم و از ورود به دانشگاه بازماندم. ولی سال بعد با لطف خداوند متعال کمر همت را بسته و مجدداً در کنکور شرکت نموده و به حمد خداوند متعال موفق به ورود در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام در رشته تاریخ اسلام مقطع کارشناسی ارشد گردیدم. هم اکنون هم درس کارشناسی ارشد را باموفقیت سپری و در حال انتخاب موضوع برای پایان نامه می‌باشم.

حسین زاده، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، روزنامه‌نگار.

تولد: ۴ بهمن ۱۳۲۰، بجنورد.

درگذشت: ۴ بهمن ۱۳۶۸، تهران.

منصور حسین‌زاده تحصیلات عالی خود را در دانشکده‌ی علوم ارتباطات اجتماعی به پایان رسانید. مدتی در مدارس شهرستان بجنورد به آموزگاری پرداخت. در سال ۱۳۳۵ برای معالجه‌ی بیماری کلیوی و پیوند کلیه راهی آمریکا شد و پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشغول به کار شد. از سال ۱۳۶۲ در روزنامه‌ی «کیهان» مشغول شد و به کار روزنامه‌نگاری پرداخت. به عنوان یک روزنامه‌نگار و محقق با سرویس فرهنگی - هنری روزنامه «کیهان»، «کیهان بچه‌ها»، «کیهان فرهنگی» و «کیهان علمی» همکاری داشت و نتایج بخشی از مطالعات تحقیقی خود را نیز در شماره‌های مختلف «کیهان سال» ارائه کرد.

در آبان ماه ۱۳۶۸ به عنوان مأمور از روزنامه‌ی «کیهان» به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل شد تا به تلاش‌های مستمر خود برای نشریه‌ای تخصصی در زمینه‌ی روزنامه‌نگاری عینیت بخشد. وی در واقع بانی نشر فصلنامه‌ی مطالعاتی و تحقیقاتی در وسایل ارتباط جمعی به نام «رسانه» شد که از سوی مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها پس از فوت وی از سال ۱۳۶۹ انتشار یافت. از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان (این کتاب در دهمین دوره‌ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به عنوان کتاب برگزیده اعلام شد) و چاپ «قصه‌ی انسانها» در «کیهان بچه‌ها». برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حسینقلی خان

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۰۸ ق)، نقاش پارچه. طراح و بافنده زری و قالی در عصر خویش بود. این هنرمند، مبتکر و طراح مخصوص نقوش مختلف به روی پارچه‌ها و فرشها و سایر هنرهای بافتنی بود که به نام وی به طرح حسینقلی خانی معروف شده است. از آثار رقم‌دار استاد حسین که به وسیله‌ی خودش طراحی و بافته شده، پارچه زربفت شاه عباس است که رقم «حسین» و تاریخ ۱۰۰۸ ق دارد. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۵۹-۱۵۸/۱).

حسینی امامی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۹۸ ق)، نقاش. قلمدان‌ساز و میناساز. از سادات حسینی امامی و اهل اصفهانی بود که در آبرنگ و میناسازی و کارهای روغنی و قلمدان‌سازی و هنر تذهیب مهارت داشت. از آثار وی: قلمدان نفیس کیانی که تمام رویه و کناره‌ها، تصاویر پادشاهان قدیمی ایران است و حواشی و کناره‌ها و مدالیون‌ها نیز به تذهیب حاشیه‌گیری شده، با رقم: «حاج محمد حسینی»؛ تصویر آبرنگی نیم تنه ناصرالدین شاه، با رقم: «عمل حقیر محمد الحسینی الامامی سنه ۱۲۷۸»؛ اثر مینایی این استاد، سرقلیان مینایی زیبایی است که گل‌های برجسته و صورتهای پر حلاوت دارد، با رقم: «سید محمد ۱۲۹۸». سه اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۷۱۱-۷۱۰/۲).

حسینی عربی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی حسینی عربی

محل تولد: ارومیه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۵/۱۷

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی حسینی عربی فرزند سید حسن در ۱۷ مرداد سال ۱۳۵۴ در روستای قلقاچی از توابع بخش انزل شهرستان ارومیه در یک خانواده مذهبی و اهل علم به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۷ و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همراه خانواده به شهرستان سلماس

(آذربایجان غربی) نقل مکان نموده و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شهید داهیم آن شهر در سال ۱۳۶۱ آغاز کردم. پس از سپری شدن دوران ابتدایی و سپس دوران راهنمایی در مدرسه شهید مطهری سلماس، بنا به علاقه خود برای شرکت در دروس حوزوی و نیز تشویق های پدر بزرگوارم که خود فردی روحانی و یک خطیب وارسته بود به حوزه علمیه وارد شدم.

دروس اولیه (سطح اول) را در مدرسه حضرت ولیعصر شهرستان بناب بین سالهای ۱۳۷۰-۷۵ گذراندم و از محضر اساتیدی چون آیه الله حاج شیخ عبدالمجید باقری بنابی و حضرات حجج اسلام خیریان، آتش زر، طباطبائی، اعلائی، و ... استفاده نمودم و پس از اتمام دروس سطح اول در مهر ماه سال ۱۳۷۵ وارد حوزه علمیه قم شدم.

دروس سطح دو و سه حوزه را در مدرسه مبارکه فیضیه و مدرسه آیه الله گلپایگانی نزد اساتیدی چون: استاد تهرانی، علیدوست، خسروشاهی، عظیمی، اصغری، قریشی و... سپری کردم و پس از آن در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام سبحانی، شبیری زنجانی، فاضلی گلپایگانی و استاد مهدی هادوی تهرانی شرکت داشتم. در ضمن اشتغال به تحصیل در حوزه علمیه هم زمان تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه داده و مدرک دیپلم را از مدرسه شهید زین الدین قم اخذ کردم و سپس مقطع کارشناسی را در رشته تاریخ در دانشگاه باقرالعلوم قم به پایان رسانیدم و در خلال اخذ دیپلم و قبولی در دانشگاه، دوره تربیت مربی کودک و نوجوان را در مرکز تربیت مربی دفتر تبلیغات گذرانده و نیز در دروس مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات در رشته تاریخ اسلام شرکت کردم.

پس از شروع به تحصیل در مقطع کارشناسی در دانشگاه، در بخش فرهنگ نامه مؤلفین اسلامی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به عنوان محقق مشغول به کار شدم و همزمان به عنوان عضو ثابت گروه تاریخ مهدویت مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) به کار تحقیق و تألیف پرداختم و با مراکز چون: مرکز مطالعات و پژوهشهای علمی حوزه علمیه قم و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در بخش دانشنامه امام خمینی همکاری نمودم و در طی دوره تحقیق در این مراکز، چندین مقاله در موضوعات تاریخ اسلام و تاریخ مهدویت تألیف نموده و در تدوین فرهنگ نامه بزرگ مؤلفین اسلامی که به صورت گروهی در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت کار می شود حضور دارم که این پروژه هنوز ادامه دارد.

حسینی هاشمی شاهرودی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمود حسینی هاشمی شاهرودی

محل تولد: نجف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی در شهر نجف و در خانواده‌ای مذهبی و از سادات منسوب به

امام حسین (ع) چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیت‌الله سید علی حسینی شاهرودی، از استادان و بزرگان حوزه علمیه نجف بود و خدمات فراوانی را به عالم اسلام ارزانی داشت. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه علویه نجف به پایان رسانید و سپس به تحصیلات حوزوی روی آورد. او با توجه به موقعیت علمی خانوادگی و نیز با توجه به هوش و استعداد سرشار و کوشش فراوان خود، در مدتی اندک توانست دروس دوره سطح را به پایان رساند. پس از آن به حلقه درس آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر پیوست و سالها در خدمت استاد خود، مبانی اجتهاد در اصول و فقه را به خوبی آموخت و در درس دیگر مراجع آن روز نجف - از جمله امام خمینی (ره) - نیز با جدیت شرکت جست و بهره‌های فراوان برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در طول سالهای تحصیل، در دروس اخلاق خصوصی و عمومی استادان خود شرکت می‌کرد و از محضر آنان بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل خود از محضر استادان بسیاری بهره برد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین استاد او در درس خارج آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر بود. آن شهید سعید که از افتخارات شیعه و مرجعیت به شمار می‌آید، شاگردان بسیاری را به عالم اسلام، تقدیم داشته است. او که از حافظه و استعدادی سرشار برخوردار بود، توانست با نوآوریهای فراوان در فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی و به روز ساختن مباحث علوم و نیز نگاشتن کتب درسی در زمینه‌های یاد شده، گام مهمی برای تعالی اسلام و تشیع بردارد و از این رهگذر، شاگردان او، همچون آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی، این خدمات و اندیشه‌ها را پی گرفتند. از دیگر استادان آیت‌الله هاشمی شاهرودی، حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله العظمی خویی (ره) را می‌توان نام برد. معظم له سالها در محضر ایشان به تحکیم مبانی اجتهادی خود می‌پرداخت، ضمن اینکه از محضر آنان، در زمینه‌های اخلاقی نیز بسیار بهره می‌برد. آیت‌الله هاشمی شاهرودی در طول دوران تحصیل خود، با طلاب و فضایی بسیاری رابطه دوستی داشت و پس از آن نیز با علمای بسیاری روابط صمیمانه و علمی برقرار نمود که از جمله آنها می‌توان از آیت‌الله مؤمن و مقام معظم رهبری نام برد آیت‌الله هاشمی شاهرودی تاکنون فعالیت‌های بسیاری را در زمینه‌های علمی و فرهنگی به انجام رسانده است. در یکی از دیدارهای اعضای مجلس اعلای عراق، امام خمینی (ره) با توجه به شناخت خود از ایشان می‌خواهد که تدریس در حوزه علمیه قم را بر هر کاری ترجیح دهد و به تربیت طلاب مستعد در زمینه‌های علمی و اخلاقی پردازد. معظم له نیز با ورود به ایران - در فروردین ۱۳۵۸ - به تدریس درس خارج فقه و اصول می‌پردازد که این تدریس تا هم اکنون نیز ادامه دارد و طلاب بسیاری از محضر ایشان بهره‌مند شده‌اند. ویژگی درس ایشان دقت فراوان، تسلط بر مباحث و نوآوری در برخی زمینه‌هاست. آیت‌الله هاشمی شاهرودی ریاست دو کنگره مهم نقش زمان و مکان در اندیشه امام خمینی (ره) و نخستین کنگره دایره المعارف فقه اسلامی را بر عهده داشت که هر دو کنگره با استقبال بزرگان و فضایی حوزه و دانشگاه و اندیشمندان خارجی و داخلی مواجه شد. از خدمات دیگر ایشان، ریاست مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی با حکم مقام معظم رهبری است. مقام معظم رهبری در حکم خود، خطاب به ایشان می‌فرماید: «جناب عالی را که چهره درخشانی در علم و عمل بوده و بحمدالله از مقام والایی در فقه و علوم مرتبط با آن برخوردارید، برای انجام این اقدام بزرگ، شایسته دانسته و مسؤولیت ایجاد و اداره مؤسسه‌ای برای تهیه این دایره المعارف را به جناب عالی محول می‌کنم». آیت‌الله هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل و تدریس، فعالیت‌های سیاسی بسیاری را پدید آورده است. در پی یورش مزدوران رژیم صدام به علما و اندیشمندان در سال ۱۹۷۴ میلادی، آیت‌الله هاشمی شاهرودی به زندان افتاد و شکنجه‌های فراوان بدنی و روحی را به جان خرید. او در پی تظاهرات مردم عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام (ره)، بویژه در نجف، و در گرامیداشت این پیروزی، تحت پیگرد رژیم بعث قرار گرفت و به سفارش شهید صدر (ره) به وطن خود بازگشت تا وکالت عام شهید صدر و نمایندگی او را نزد امام خمینی (ره) بر عهده گیرد. او با ورود به ایران به خدمت امام خمینی (ره) مشرف شد و با موافقت ایشان، رابط امام (ره) و شهید صدر شد و پیامهای علمای نجف را به سمع امام (ره) می‌رساند. او با دستور آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان با حکم امام (ره) مسؤولیت

نهضت‌های اسلامی را بر عهده داشت، تشکیلات جامعۀ روحانیت مبارز و مجلس اعلاهی عراق را به راه انداخت و آن را مدیریت و سازماندهی کرد. او که به دستور امام(ره) تدریس و بررسی مسائل فقهی، بویژه احیای فقه حکومتی استوار بر ادله استنباط جواهری را بر عهده داشت، در طول سالیان انقلاب از هیچ کوششی در جهت اعتلای انقلاب، دریغ نورزید. آیت‌الله هاشمی شاهرودی سالها از اعضای فقهای شورای نگهبان بود و در این نهاد مقدس به خدمت اشتغال داشت تا اینکه با حکم مقام معظم رهبری به ریاست قوه قضائیه منصوب شد. او در طول مسؤولیت خود در قوه قضائیه، تاکنون خدمات بسیاری را انجام داد که توسعه قضایی، تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و ایجاد ارتباط مردمی از جمله آنهاست.

حسینی، خورشاه

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۲ ق)، مورخ، معروف به ایلچی نظامشاه. ولادتش در ایران و شاید عراق عجم اتفاق افتاد، سپس به هند رفت. وی در دوران سلطنت برهان نظامشاه، فرمانروای احمد نگر، به دکن رفت و به آن پادشاه اختصاص یافت. در سال ۹۵۲ ق از جانب او به سفارت دربار شاه طهماسب در قزوین آمد. ایلچی نظامشاه یک سال و نیم در خدمت شاه طهماسب ماند و در رکابش به گرجستان و شروان رفت و خود نیز سفرهایی در ناحیه‌های ایران و از آن جمله به گیلان و مازندران کرد و تا سال ۹۷۱ در ایران سرگرم تالیف کتاب خود بود و چون به هند بازگشت، به دربار قطب شاهیان گلکنده پیوست و به خدمت ابراهیم قطب شاه درآمد و همان جا ماند. وی در گلکنده درگذشت. خورشاه مولف کتابی است در تاریخ عمومی از آغاز تا زمان خود که به نام «تاریخ ایلچی نظامشاه» معروف است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۵۹-۱۶۵۴/۵)، تاریخ در ایرن (۸۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۵/۱)، دایرةالمعارف فارسی (۵۹۴/۱).

حقایق نگار خورموجی، جعفر

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۱ ق)، مورخ. در خورموج مرکز دشتی متولد شد و در زادگاه خود به تحصیل پرداخت. به شیراز و تهران مسافرت کرد و مورد تفقد و محبت ناصرالدین شاه قاجار قرار گرفت. وی در عراق عرب درگذشت. از آثار وی: «حقایق الاخبار ناصری»، در ذکر تاریخ قاجار؛ «آثار جعفری»، در جغرافی و تاریخ مختصر ایران و بعضی ممالک اروپا؛ «نزه الاحبار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۴۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۸۷-۲۸۶/۲)، ریحانه (۵۴/۲).

حکمت، علی‌اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مورخ، شاعر، مترجم.

تولد: ۱۲۷۱ (۱۳۱۰ ق.)، تهران.

درگذشت: ۳ شهریور ۱۳۵۹، تهران.

علی اصغر حکمت فرزند احمد علی مستوفی (حشمت‌الممالک شیرازی) بود. اجداد وی از علمای شیراز بودند و از طرف مادر نیز نوهی حسن فسایی نویسنده‌ی کتاب فارسنامه ناصری بود و جد او سید علیخان کبیر صاحب شرح صحیفه نام داشت. علی اصغر حکمت تحصیلات علوم قدیم (مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی) را در شیراز (در مدرسه‌ی علمیه و منصوریه) فراگرفت. سپس در تهران در دبیرستان کالج آمریکایی به تحصیل ادامه داد. در تاریخ ۱۳۳۷ ق. در وزارت معارف مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۶ ق. به وزارت دادگستری انتقال یافت و در سال ۱۳۰۹ به منظور تکمیل تحصیلات خود به فرانسه و انگلستان عزیمت کرد و از دانشگاه سربن پاریس در رشته‌ی ادبیات فارغ‌التحصیل گردید و به تهران بازگشت.

مشاغل و فعالیت‌های وی به این شرح است: رییس بازرسی وزارت معارف، ۱۲۹۹؛ رییس اداره‌ی کل معارف، ۱۳۰۷؛ مأمور مطالعات در تعلیم و تربیت و قوانین ثبت اسناد در اروپا، ۱۳۱۲ - ۱۳۰۰ (بازگشت به تهران در شهریور ۱۳۱۲)؛ کفیل وزارت معارف، ۱۳۱۲؛ وزیر فرهنگ، ۱۳۱۷ - ۱۳۱۳؛ رییس دانشگاه تهران، ۱۳۱۷ - ۱۳۱۴؛ وزیر کشور، ۱۳۱۸؛ وزیر بهداری، ۱۳۲۰؛ وزیر دادگستری، ۱۳۲۲؛ رییس کمیسیون ملی یونسکو در ایران از سال ۱۳۲۵؛ وزیر مشاور؛ ۱۳۲۶ و ۱۳۳۲ و وزیر امور خارجه، ۱۳۲۸ - ۱۳۲۷؛ استاد کرسی تاریخ مذاهب و ادبیات ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در فلورانس (۱۹۵۰) و دهلی نو (۱۹۵۶)؛ سفیر کبیر ایران در هند ۱۳۳۶ - ۱۳۳۲؛ وزیر مختار در تایلند، ۱۳۳۵؛ وزیر امور خارجه، ۱۳۳۸ - ۱۳۳۷؛ رییس هیئت مدیره انجمن آثار ملی، ۱۳۳۳ - ۱۳۲۴؛ رییس هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی و ریاست انجمن، ۱۲۴۴؛ از نخستین اعضای فرهنگستان ایران؛ بنیانگذاری مجله «تعلیم و تربیت» (این مجله از انتشارات وزارت فرهنگ بود و شماره‌ی اول آن در فروردین ۱۳۰۴ منتشر شد)؛ حکمت در بیست و یکم خرداد ۱۳۵۱ کتابخانه شخصی خود را شامل پنج هزار جلد کتاب چاپی، تعداد زیادی نسخ خطی و مجموعه‌های روزنامه (از زمان ناصرالدین شاه تا زمان معاصر) و مجموعه‌های کتاب‌های تفسیر و کتاب‌های مربوط به قرآن (از عربی و فارسی و انگلیسی و تعدادی مرقعات) به کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران اهدا کرد که در مخزنی به نام او نگاهداری می‌شود، شرکت در جلسات کانون دانش پارس (به هنگامی که وی برای تدریس و سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات به شیراز می‌آمد، به پیشنهاد علی سامی ریاست افتخاری کانون دانش به او واگذار شد)، شرکت گاییگاه در جلسات «شب‌های شیراز» در تهران.

از جمله نشان‌های اوست: نشان درجه اول وزارت فرهنگ، ۱۲۹۹؛ نشان لژیون دونور از دولت فرانسه؛ نشان درجه اول همایون، ۱۳۲۵؛ نشان درجه اول نیل از دولت مصر، ۱۳۱۸؛ نشان درجه‌ی اول الکوکب الاردنی از دولت هاشمی اردن؛ ۱۳۲۸، نشان درجه‌ی اول سردار اعلا از دولت افغانستان، ۱۳۲۹؛ نشان رسمی درجه‌ی اول از دولت‌های هلند، دانمارک، انگلستان، ژاپن و ایتالیا.

فهرست آثار او به شرح زیر است: امثال قرآن مجید (فصلی از تاریخ قرآن کریم، ۱۳۳۳)، حروف مقطعه‌ی قرآنی یا فواتح صدور و فصلی از تاریخ قرآن (۱۳۳۱، نشریه مجله «مهر»); تفاسیر بوعلی سینا از قرآن مجید؛ تصحیح و تحشیه کشف الاسرار و عدّه‌الابرار خواجه رشیدالدین میبدی معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری؛ سعدی تا جامی (ترجمه‌ی جلد سوم دوره‌ی تاریخ ادبیات ادوارد براون، در منبع دیگر به این صورت از آن یاد شده است: ترجمه‌ی جلد سوم تاریخ ادبی ایران و در منبع دیگری آمده است:

چهارمین جلد از تاریخ ادبیات ایران، (۱۳۲۷)؛ شادباش نوروزی (مجموعه اشعار، ۱۳۲۶)؛ پارسی نغز (مجموعه آثار پارسی سره از نویسندگان ایران قدیم و جدید، ۱۳۲۳)؛ امین و مأمون (ترجمه عربی آثار جرجی زیدان)؛ پنج حکایت از شکسپیر (دو جلد، لاهور، ۱۹۵۷ م.)؛ پنج درام از شکسپیر (دو جلد، تهران، ۱۳۳۳)؛ دوستداران وطن، تقویم معارف از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ (تصحیح و تحشیه)؛ جام جهان نما؛ رساله‌ی قضایای عامه در «علوم طبیعی» ترجمه از انگلیسی؛ رساله در باب علیشیر نوایی (۱۳۲۶)؛ ایران در فرهنگ جهان (۱۳۲۶)؛ شعر معاصر؛ رستاخیز (اثر لئون تولستوی، ۱۳۳۹)؛ راه زندگی (اثر نیکلا حداد مصری، ۱۳۴۶ ق.)؛ شرح حال و منتخب جامی (ظاهراً همین کتاب با نام زندگی جامی شاعر ایرانی در سال ۱۳۲۰ هم به چاپ رسیده است)؛ مطالعاتی در باب حافظ (با عنوان دیگری: درسی از دیوان حافظ نیز به چاپ رسیده است، ۱۲۲۰-۱۳۱۹)؛ مطالعه تطبیقی رومئو و ژولیت با لیلی و مجنون نظامی (۱۳۱۷)؛ مقدمه و تحشیه و تصحیح مجالس النفائس علیشیر نوایی؛ رساله در احوال «اثر» پرشکفتی شاعر معروف فارسی؛ نقش فارسی بر احجار هند (کلکته، ۱۹۵۷ م.)، چاپ دوم، تهران، ۱۳۳۸)؛ شکونتلا یا انگشتر گمشده (کالیداس، ترجمه، بمبئی، ۱۳۳۶)؛ نه گفتار در تاریخ ادیان (شیراز، نشریه دانشگاه، تهران، ۱۳۴۱)؛ الواح بابل (اثر ادوار شی‌یر، ۱۳۴۱)؛ اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب (۱۳۴۰، چاپ دوم)؛ اصول فن مناظره (۱۳۱۶)، افسانه دلپذیر (اثر ویلیام شکسپیر، ۱۳۲۱)، الف لیله و لیله (مقدمه کتاب به قلم حکمت، ۱۳۱۵)؛ گلزار حکمت جلد اول؛ مجله‌ی «تعلیم و تربیت»؛ مجله‌ی رسمی وزارت معارف از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۵. سخن حکمت شامل سه هزار و پانصد بیت از اشعار حکمت با مقدمه‌ی سید حسن سادات ناصری به خط نستعلیق ابراهیم بوذری، سرزمین هند (۱۳۳۷، نشریه‌ی ۵۱۵ دانشگاه تهران)، تاریخ ادیان، دیوان جامی (با مقدمه و تصحیح و اهتمام ایشان). گذشته از این مجموعه مقالاتی که به قلم وی در مجلات مختلف ایران منتشر شده و همه شامل مباحث ادبی و تاریخی است.

علی اصغر حکمت روز دوشنبه سوم شهریور ۱۳۵۹ برابر چهاردهم شوال ۱۴۰۰ ق. در تهران وفات یافت و در شیراز در مقبره‌ی خانوادگی در حضرت عبدالعظیم «باغ طوطی» به خاک سپرده شد.

فرزند احمدعلی خان حشمت‌الممالک است که در ۱۲۷۲ در شیراز تولد یافت. حشمت‌الممالک از مستوفیان شیراز بود. حکمت تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شیراز گذراند و در رشته‌های ادبیات فارسی و عربی مطالعاتی نمود و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران وارد شد و ضمن گذراندن مدرسه‌ی آمریکائی، تحصیلات ادبی و فقه و اصول را ادامه داد و نزد حکما و فقهاء درجه اول آن روز مانند مرحوم میرزا طاهر تنکابنی تلمذ کرد.

در ۱۲۹۷ وارد خدمات فرهنگی گردید و با نشر مقالات محققانه و تدریس زبان انگلیسی در مدارس متوسطه، کسب شهرت نمود و وارد فعالیت‌های سیاسی شد و با کمک عده‌ای از دوستان و همفکران خود، به زعامت علی اکبر داور حزب رادیکال را بنیانگذاری کردند. تا ۱۳۰۹ در وزارت معارف خدمت می‌نمود و مشاغلی مانند ریاست کارگزینی، بازرسی و اداره کل معارف را تصدی می‌نمود. در این سال به تشکیلات جدید داور در دادگستری وارد شد و پس از چندی برای مطالعه در امور قضائی و ثبتی به اروپا اعزام گردید.

حکمت در اروپا وارد دانشکده‌ی حقوق و ادبیات گردید و درجه‌ی لیسانس از هر دو رشته گرفت. مأموریت دیگر حکمت در اروپا، مطالعه در امر آموزش و پرورش دانشگاه بود. وی در این مدت تحقیقاتی درباره‌ی امر تعلیم و تربیت به عمل آورده و مرتباً گزارش آن را به تهران ارسال می‌داشت.

حکمت در شهریور ۱۳۱۲ به تهران احضار شد و در کابینه‌ی ذکاءالملک فروغی ابتدا کفیل و بعد وزیر معارف و رئیس دانشگاه گردید. حکمت در کابینه‌ی جم نیز وزیر فرهنگ بود تا اینکه در شهریور ماه ۱۳۱۷ از خدمت معاف شد.

دوران پنج ساله‌ی وزارت فرهنگ علی اصغر حکمت را باید دوران تحول فرهنگی در ایران نام نهاد. تأسیس دانشگاه تهران، تأسیس دانشسراهای مقدماتی در سراسر کشور، برگزاری جشن هزاره‌ی فردوسی، تأسیس فرهنگستان ایران، بوجود آوردن پیشاهنگی و

تغییر برنامه‌های مدارس به اصول تعلیماتی کشورهای خارج، ایجاد تحول در زبان و ادبیات پارسی، توجه به آثار باستانی و تشکیل موزه‌ی ایران باستان و تربیت کادر آموزشی و انتشار نشریات سودمند و توجه به امر ورزش در مدارس، توسعه و تکمیل مدارس ابتدائی و متوسطه از جمله کارهای او بود.

حکمت پس از معافیت از وزارت فرهنگ، شش ماه بلاشغل بود تا اینکه در اسفند ۱۳۱۷ در ترمیم کابینه‌ی محمود جم، به وزارت کشور منصوب شد. در کابینه‌ی دکتر متین دفتری نیز سمت وزارت کشور را عهده‌دار بود. در خرداد ۱۳۱۹ بار دیگر از خدمت معاف گردید و به کار تحقیق و مطالعه پرداخت.

در ترمیم کابینه‌ی فروغی در سی‌ام شهریور ۱۳۲۰، حکمت وزیر بازرگانی و پیشه و هنر شد. در ترمیم دیگر کابینه‌ی فروغی، وزارت بهداری را بر عهده گرفت. در کابینه‌ی سهیلی نیز همچنان وزیر بهداری بود.

در ۱۳۲۲ در نخست‌وزیری دوم علی سهیلی، وزارت دادگستری بر عهده‌ی حکمت قرار گرفت. در کابینه‌ی قوام‌السلطنه در سال ۱۳۲۶ وزارت مشاور یافت. در کابینه‌ی ساعد در ۱۳۲۷ وزیر امور خارجه گردید و در دولت زاهدی وزیر مشاور بود. در ۱۳۳۷ در کابینه‌ی دکتر اقبال مجدداً وزیر امور خارجه شد و آنگاه به سفارت ایران در هند مأمور گردید. علی‌اصغر حکمت گذشته از اینکه پنج سال در سه کابینه وزیر فرهنگ و رئیس دانشگاه تهران بود، دو نوبت وزیر کشور، دو مرتبه وزیر امور خارجه، یک بار وزیر دادگستری، دو بار وزیر پیشه و هنر، دو بار وزیر بهداری، سه دفعه وزیر مشاور و یک بار سفیر کبیر بوده است.

حکمت در سال ۱۳۱۴ که وزیر فرهنگ بود، کشف حجاب را اجرا کرد و در روز ۱۷ دی ماه جشنی در دانشسرای عالی منعقد نمود و چادر و حجاب از سر عده‌ای از فرهنگیان برداشت و شاه نیز حجاب همسر و دختران خود را برداشته، در آن مجمع شرکت کرد. معلمین و دانش‌آموزان مجبور شدند در مدارس بدون حجاب شرکت نمایند و همین مسئله موجب اشاعه‌ی کشف حجاب گردید. اقدام حکمت در این مورد درخور سرزنش بسیار است. وی در کتابی به نام سی خاطره از عصر پهلوی، اقدام خود را در این زمینه نوشته است و نقش خود را در آن دوران به نمایش گذاشته است. پاداش حکمت در این خوشرقصی، این بود که از کفالت وزارتخانه به وزارت منصوب شد.

حکمت در دو نوبت وزارت امور خارجه‌ی خود دست به یک اقدام فرهنگی زد و آن انتشار مجله‌ی وزارت امور خارجه بود که مقالات تحقیقی و تاریخی زیادی در آن به چاپ می‌رسید و یکی از منابع مهم سیاست خارجی ایران می‌باشد. حکمت در اواخر عمر ریاست یکی از مدارس عالی را بر عهده داشت. وی در جوانی با خواهر سردار فاخر حکمت ازدواج کرده و صاحب سه دختر شد.

او از روز تأسیس دانشگاه تهران، یکی از اساتید و مدرسین دانشکده‌ی ادبیات و علوم معقول و منقول بود و پیوسته با داشتن مشاغل سیاسی، دقیقه‌ای از حضور در سر کلاس غفلت نمی‌ورزید.

دارای تألیفات و تحقیقات بسیاری است که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. ترجمه و تحشیه‌ی تاریخ ادبیات ایران تألیف پروفیسور ادوارد براون تحت عنوان از سعدی تا جامی - پارسی نغز، سرزمین هند، نه گفتار در تاریخ ادیان، دو تفسیر یکی از ابوالفتح رازی و دیگری از خواجه عبدالله انصاری در ده مجلد است. تاریخ ادیان هم از دیگر تألیفات اوست.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حکیم، منذر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید منذر حکیم

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

بسمه تعالی تولد: ۲۹ شوال ۱۳۷۲ هجری قمری (۲۰/۴/۱۳۳۲ش) کربلا- ورود به حوزه علمیه: ۱۳۴۹-۱۳۵۳ ش، نجف اشرف (مقدمات، سطوح، خارج) ۱۳۵۳-۱۳۷۲ش، قم (خارج) اساتید مقدمات و سطوح: آیة الله شهید سید اسد الله مدنی، آیة الله سید محمود شاهرودی، آیة الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی، آیة الله شیخ بشیرحسین نجفی، آیة الله سید نور الدین اشکوری و حجة الإسلام شیخ محمد سعید نعمانی، شهید حجة الإسلام شیخ ماجد بدرآوی، آیة الله سید محمد تقی طباطبائی تبریزی، آیة الله میرزا حبیب الله اراکی، آیة الله شیخ مرتضی اشرفی شاهرودی، آیة الله سید حسن مرتضوی، استاد شهید سید عبد الصاحب حکیم، آیة الله شیخ ابوالحسن انواری زنجانی، آیة الله شیخ مصطفی اشرفی، آیة الله سید کاظم الحائری، آیة الله سید محمد مفتی الشیعة، استاد شیخ غلامرضا عرفانیان، آیة الله شیخ علی کاتبی مرندی، و آیة الله فرخنده تبریزی، استاد شیخ عباس طبرسی مازندرانی آیة الله شیخ محمد امین زین الدین، حجة الإسلام دکتر شیخ محمد باقر مقدسی. اساتید اخلاق: آیة الله شهید سید اسد الله مدنی، استاد شهید سید عبد الصاحب الحکیم، استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی، استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی، شیخ عبد الحسین واعظ خراسانی، آیة الله شیخ ابوالفضل (علی) اسلامی قزوینی. اساتید تفسیر: استاد شیخ نجم الدین طبرسی مازندرانی، شیخ عباس طبرسی مازندرانی، آیة الله سید حسن مرتضوی، آیة الله شیخ بشیرحسین النجفی، آیة الله خزعلی، آیة الله جوادی آملی. خارج اصول در محضر آیات عظام: آیة الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی، آیة الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر، آیة الله العظمی شیخ حسین وحید خراسانی، آیة الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، آیة الله العظمی میرزا هاشم آملی، آیة الله العظمی سید کاظم حائری، آیة الله العظمی سید محمد مفتی الشیعة اردبیلی. مباحث خارج فقه در محضر محضر آیات عظام: امام خمینی (ره)، شهید سید محمد باقر صدر، سید علی سیستانی، میرزا کاظم التبریزی، شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی، میرزا جواد آقای تبریزی، شیخ حسین وحید خراسانی، سید کاظم حائری را درک نمودم. تدریس: تمام دروس مقدمات، کتب سطوح اولیه و سطوح عالیه حوزوی، خارج تاریخ و علوم قرآن و تفسیر، علوم تربیتی و اخلاق، فلسفه و کلام، مباحث جامعه شناسی کلیه دروس معارف در دانشگاه در مقاطع مختلف تحصیلی استاد مشاور و راهنمای و داور در بسیاری از رساله های علمی در مرکز جهانی علوم اسلامی و (جامعه المصطفی العالمیة)، حوزه علمیه قم، جامعه الزهراء، مرکز مدیریت خواهران، جامعه آل البيت (ع)، مؤسسه پژوهشی امام خمینی (قدس). برخی تحقیقات و تألیفات: - المرشد الی تعلیم قراءة القرآن الکریم - اصول عقائد (در دو سطح مقدماتی) - نگاهی به سر فصل ها و متون دروس معارف اسلامی در دانشگاهها - ترجمه ی اصول فلسفه و روش رئالیسم ج ۱ - تحقیق فقه معالم الدین - تحقیق رساله لاضرر شیخ انصاری - تحقیق مقالات الأصول (محقق عراقی) - تاریخ تطور فقه و اصول در مکتب أهل بیت (ع) - حیاة الإمام شرف الدین - عصر الإمام شرف الدین - قراءة فاحصة فی تراث الإمام شرف الدین - عصر الإمام البلاغی - قبسات من حیاة شهید المحراب السید محمد باقر الحکیم - تاریخ عصر غیبت باهمکاری پور سید آقایی - درسنامه عصر غیبت - تاریخ عصر غیبت کبری - النظریة الإجتماعیة فی فکر الشهید السید محمد باقر الصدر (جامعه شناسی قرآنی) - موسوعه أعلام الهدایة (۱۴ جلد) - فی رحاب أعلام الهدایة (۵ جلد) - موسوعه " تاریخ الإسلام (۴ جلد) - قبسات من سیرة القادة الهداة (۲ جلد) - دروس تمهیدیة فی تاریخ و سیرة قادة الهداة (۲ جلد) - فی رحاب سید المرسلین الرسول

المصطفی (ص) برخی طرح های علمی: - نظریه ی اخلاقی اسلام - مبانی نظریه و نظام اخلاقی اسلام - طرح تاریخ و علوم تاریخ در قرآن کریم - طرح پیشنهادی آموزش در مقطع اجتهاد - مبانی و زمینه ها و شیوه ایجاد تحول در حوزه های علمیه - برنامه آموزشی پیشنهادی برای حوزه های علمیه بر محوریت قرآن کریم برخی مسؤولیت ها: مدیریت سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مدیریت حوزه های علمیه اهواز و دزفول مدیریت پژوهش در: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (بخش عربی) مدیریت برنامه ریزی و آموزش در: سازمان تبلیغات اسلامی خوزستان مجمع اندیشه اسلامی مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران و... مدیریت اولین دوره ی تربیت محقق در مؤسسه ی دائره المعارف فقه اسلامی مدیریت گروه فقه خانواده در جامعه المصطفی العالمیه مدیریت گروه فقه در دانشگاه مجازی المصطفی

حلبی، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد دکتر علی اصغر حلبی از محققان، مولفان و مترجمان پرکار و کوشای معاصر است و در میان آثار پرشمار او چندین اثر قرآنی دیده می شود که یاد خواهد شد. علی اصغر حلبی فرزند علی اکبر در سال ۱۳۲۳ در اردبیل متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را همراه با مقدمات عربیت و فقه و اصول و منطق و فلسفه در مدارس قدیم همان شهر پیش استادان فرا گرفت. او دارای لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران است. سپس چند سال برای ادامه ی تحصیلات عالی به دانشگاه ادینبوره [ادینبورگ] در اسکاتلند سفر کرد و در سال ۱۳۵۹ / ۱۹۸۰ از همان دانشگاه درجه ی دکترای فلسفه و فرهنگ اسلامی گرفت. آثار کتابی ایشان اعم از تالیف و ترجمه نزدیک به چهل اثر است. از آن میان این آثار قرآن پژوهانه است: آشنایی با علوم قرآنی، تاثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، ترجمه ی تفسیر کبیر فخر رازی که ۴ تا ۵ جلد آن تاکنون (زمستان ۱۳۸۳) منتشر شده است و سرانجام ترجمه ی قرآن مجید که معرفی و نقد آن موضوع این مقاله است. در حال حاضر دکتر حلبی به تدریس در دانشگاه های تهران و تحقیق و تالیف آثار ارزشمند اشتغال دارد.

برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

حمادراویه، ابوالقاسم

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۵۶/۱۵۵ - ۹۵ ق)، مورخ، لغوی و شاعر. اصلش از دیلم بود. در عهد بنی امیه در کوفه می زیست. وی در عصر خود، در روایت اشعار و اخبار و وقایع از مشاهیر طراز اول بود. او باید و لید بن یزید و مهدی عباسی مجالست داشت و برای ولید اشعار نیکو می سرود. او همچنین دارای حافظه ای قوی بود، به طوری که روزی چندین قصیده از قصاید جاهلی را بدون آنکه کلمه ای از کلمات شعای اسلام در آن باشد، برای خلیفه می خواند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۰۲ - ۳۰۱/۲)، تاریخ الاسلام (حوادث ۳۸۲، ۱۱۳/۱۶۰ - ۱۴۲)، دایره المعارف فارسی (۱/۸۶۴)، روضات

الجنات (۲۳۷- ۲۳۵/۳)، ریحانه (۲۹۹- ۲۹۸/۲)، سیرالنبلاء (۱۵۸- ۱۵۷/۷)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۵۵- ۱۵۴)، الکنی و الالقاب (۲۷۰- ۲۶۹/۳)، لسان المیزان (۶۶۴- ۶۶۲/۲)، لغت نامه (ذیل / حماد بن شاپور)، معجم الادباء (۲۶۶- ۲۵۸/۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۴۲- ۱۳۷/۱۳)، وفيات الاعیان (۲۱۰- ۲۰۶/۲).

حمزوی شیرازی، عبدالوهاب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. از سادات حمزوی شیراز بود و در چهره‌سازی گل و مرغ دست توانایی داشت. از آثار وی قلمدان زیبایی است که در وسط روبه آن، تصویر دختری با لباسهای رنگی ترسیم شده و پایین و بالای آن با گل و مرغ زیبا آراسته شده و حواشی قلمدان نیز منظره‌ی گل و مرغ ساده دارد، با رقم: «عبدالوهاب حمزوی شیرازی ۱۳۳۶».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳۵۰ / ۱).

حمزه‌ی اصفهانی، ابو عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۶۰/۳۵۰- ۲۷۰ ق)، مورخ و ادیب. در اصفهان تولد یافت. مدتی در طلب علم سفر کرد و اکثر ایام عمر را در زادگاهش گذراند. اگرچه، غالباً به عنوان یک مورخ مشهور نام برده می‌شود اما، وی بیشتر به ادب و لغت توجه داشته است. مشهورترین اثر وی «سنی ملوک الارض و الانبیاء» است، که نمایانگر تفکر شعوبی نویسنده می‌باشد. چه، نامهای ایرانی را به صورت اصلی آن نگاشته است، حال آنکه اغلب مورخان آنها را معرب کرده‌اند. دیگر آثار وی: «التنبیه علی حدود التصحیف»؛ «کبار البشر»؛ «الامثال»؛ «تاریخ اصفهان». [۱]

اصفهانی، ابو عبدالله بن حسن (و. حدود ۲۷۰- ف. حوالی ۳۶۰- ۳۵۰ ه. ق.). وی مؤلف کتاب سنی ملوک الارض و الانبیاء (سنی ملوک...)، کتاب التصحیف، کتاب کبار البشر و کتاب المثل است که همه آنها در دست است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۳۰۹/۲)، اعیان الشیعه (۲۴۰/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۳/۱)، تاریخ در ایران (۳۵- ۳۴)، دایرة المعارف فارسی (۸۶۶/۱)، الذریعه (۲۶۵/۱۷)، ۲۸۸، ۲۳۳- ۳/۳، ریحانه (۱۴۳/۱)، سرآمدان فرهنگ (۳۲۱/۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۸۵، ۱۱۷، ۱۱۶)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۳۰)، کشف الظنون (۱۴۶۴، ۳۰۱، ۲۸۲، ۱۶۸)، لغت نامه (ذیل / حمزه)، معجم الادباء (۱۳۶- ۹۴/۱۳)، معجم المؤلفین (۷۸/۴)، هدیه العارفین (۳۳۶/۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۳/۴).

حویزی، فرج الله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۰۰ - ۱۰۳۱ ق)، متکلم، مفسر، ادیب، شاعر و مورخ امامی. از مردم حویزه خوزستان بود و معاصر با شیخ حر عاملی. وی در بیشتر علوم روزگار خویش دست داشت و تالیفاتش دامنه‌ی گسترده‌ای داشت. اکثر رجال نویسان او را به داشتن فضل ستوده‌اند. از آثار وی: «ایجاز المقال فی معرفه الرجال» درباره‌ی رجال، در دو مجلد؛ «تذکره العنوان» که به پیروی «عنوان الشرف» شرف‌الدین اسماعیل یمنی است، در نحو و منطق و عروض؛ «التفسیر»؛ «الغایه»، در منطق و کلام؛ «الصفوه»، در اصول؛ شرح «خلاصه الحساب» شیخ بهایی؛ «المناسک الشاهوردیه»، در فقه؛ «دیوان» شعر؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «تاریخ». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۴۱/۵)، اعیان الشیعه (۳۹۵/۸)، ایضاح المکنون (۴۹۹، ۲۷۵/۱)، الذریعه (۲۷۶/۲۲، ۸۱۸/۹، ۴۸۷/۲)، روضات الجنات (۳۴۱-۳۹۹/۶)، ریاض العلماء (۳۳۷/۴)، ریحانه (۹۴/۲)، فوائد الرضویه (۳۴۹)، لغت نامه (ذیل / فرج الله)، معجم المؤلفین (۵۹/۸)، هدیه العارفین (۸۱۶/۱).

حیدری نیک، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید حیدری نیک

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در دبستان ثقفی، مدرسه راهنمایی مترجم الدوله و دبیرستان ابوریحان تهران گذراندم و مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ دیلم ریاضی فیزیک را از همان دبیرستان اخذ و در دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی کنونی) در رشته کامپیوتر نیز قبول شدم. با تعطیلی دانشگاه ها و همزمان با آغاز جنگ تحمیلی، در سنگر جبهه ها مشغول فعالیت شدم. در سال ۱۳۶۰ همزمان در دو جبهه فرهنگی (معلمی) و رزمی (جبهه ها) فعالیت می کردم. تا سال ۶۳ در آموزش و پرورش منطقه ۱۳ تهران به تدریس اشتغال داشته و پس از حضور یک دوره سه ماهه در جبهه و بازگشت از آنجا در پائیز ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم، مدرسه رضویه شدم. از سال ۶۳ تا ۶۶ علاوه بر مدرسه رضویه از اساتید مدرسه امام و مدارس دیگر نیز استفاده می کردم و در نهایت دروس مقدمات، سیوطی، حاشیه، مغنی، معالم و مختصر را از اساتیدی چون حجج اسلام حسینی، عرفان، طالقانی، هادوی، کدیور، صالحی و مدرس افغانی استفاده کردم.

از سال ۶۶ تا ۷۰ لمعه، اصول فقه، رسائل، مکاسب و کفایتین را از اساتیدی چون حجج اسلام: صلواتی، محمدی، هادی زاده، پایانی، اعتمادی، شب زنده دار، محقق داماد، استادی، تهرانی و محسن وحیدی خراسانی بهره بردم. از سال ۷۰ به مدت ده سال درس خارج فقه و اصول را از آیات عظام فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، تبریزی، مکارم شیرازی و مومن تلمذ کرده ام. در

ضمن درس تفسیر قرآن را هم از سال ۷۰ تا ۷۴ از استاد آیت الله جوادی آملی استفاده کردم. از سال ۷۲ تا کنون به عنوان مدرس در دانشگاه های آزاد اسلامی واحد تهران و مرکز شاهد تهران مشغول تدریس معارف و متون و اخلاق و تاریخ و ریشه های انقلاب اسلامی بوده ام. همچنین از سال ۸۰ تا ۸۲ در مرکز تخصصی مهدویت به عنوان اولین دوره شرکت داشتم و از سال ۸۲ تا کنون در همان مرکز به عنوان مدرس دروس حکومت دینی و تاریخ تحلیلی اسلام مشغول تدریس هستم. به علاوه در همان مرکز با همکاری تعدادی از دوستان، فصلنامه انتظار را انتشار دادیم و هم اکنون نیز جزء شورای نویسندگان در نشر این فصلنامه فعالیت می کنم. افزون بر این در همین مرکز در زمینه ترویج فرهنگ مهدوی به خصوص در نیمه شعبان و ۹ ربیع در اعزام های مختلف به تبلیغ و پاسخ به شبهات پرداخته ام.

از سال ۷۲ تا کنون نیز در همکاری با نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها به مراکز دانشگاهی مختلف کشور از قبیل دانشگاه جامع هرمزگان، پزشکی بندر عباس، بین المللی و پزشکی قزوین، میرزا کوچک خان رشت، خواجه نصیر الدین طوسی و علامه طباطبایی، علوم بهزیستی تهران و ... اعزام و به تبلیغ و پاسخگویی به شبهات پرداخته ام. از سال ۷۶ تا کنون به همراه عده ای از دوستان به شکل تحقیقی و کار گروهی در زمینه تفسیر قرآن و نهج البلاغه و فقه و اصول مشغول فعالیت هستم.

در زمینه نشر فرهنگ شیعه در زمینه نویسندگی نیز فعالیت را از سال ۷۰ تا کنون شروع کرده ام. ابتدا در ماهنامه آزادگان شرح حال فرزندان و دانشمندان شیعه را نوشته و بعد در روزنامه کیهان به همین کار ادامه دادم و سپس در نشریه های دانشجویی به نشر دیدگاه های خود ادامه دادم. تا اینکه در سال ۸۰ با همکاری عده ای از دوستان در مرکز تخصصی مهدویت به انتشار فصلنامه انتظار مشغول شدم و در بعضی از شماره های این نشریه پیرامون فرهنگ مهدوی مقالاتی را به رشته تحریر در آوردم. هم اکنون چند کتاب پیرامون صلح امام حسن (ع)، پیشینه تاریخی انتظار، تاریخ تحلیلی اسلام در دست نگارش دارم که انشاء الله بزودی کار انتشار آن ها به پایان می رسد.

حیدری نیک، مسعود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسعود حیدری نیک

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از اخذ دیپلم در تهران، ابتدا یکسال به صورت متفرقه در سال ۶۳ در حوزه آیت الله مجتهدی تهران و سپس در سال ۶۴ با ورود به حوزه رسماً دروس حوزوی را شروع کردم. سه سال مقدمات را در مدرسه مبارکه رضویه گذراندم سپس دروس اصول فقه و لمعه و مکاسب را نزد اساتید معزز، آقایان محمّدی خراسانی، اشتهاوردی، اعتمادی و پایانی گذراندم؛ کتاب کفایه را نزد آقایان محسن وحید خراسانی و تهرانی تلمّذ نمودم. از سال ۷۱ دروس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات مکارم شیرازی،

وحید خراسانی، جواد تبریزی و فاضل لنکرانی خواندم.

از ابتدای ورود به حوزه و حتی قبل از آن به کتب تاریخی علاقه خاصی داشتم و بدین سبب مطالعاتی داشتم؛ با همین علاقه در سال ۷۱ با همکاری صدا و سیما و حزب الله در قم در قسمت تاریخ مقالاتی را نوشتم. زندگینامه بزرگانی همچون شیخ مفید که بعنوان سیمای فرزندگان صبح های جمعه از رادیو پخش می شد کار همان زمان می باشد. همچنین زندگینامه آقای رضا همدانی و مرحوم نراقی و محقق داماد نیز نوشته شد. سپس در سال ۷۷ اینجانب بعنوان مسئول گروه تاریخ مرکز جهانی علوم اسلامی شدم. در سال ۷۸ تا ۸۰ نیز بعنوان مسئول گروه تاریخ اسلام مدرسه امام خمینی در خدمت دوستان بودم. سال ۷۹ به همت گروهی از پژوهشگران حوزه تاریخ، انجمن پژوهشگران تاریخ حوزه علمیه قم را تأسیس کردیم که سپس بعنوان اولین انجمن علمی به رسمیت شناخته شد و اینک نیز جزء هیئت مؤسس آن می باشم.

بعنوان کار تحقیقاتی تلاش شده که فعلاً مقالات و جزوات جمع آوری شود و در حد بضاعت در تکمیل آن پردازم حکومت از دیدگاه نهج البلاغه، تاریخ در روایات، مشکلات حکومت حضرت علی (ع) از مقالاتی است که تهیه شده است. پژوهش حکومت از دیدگاه نهج البلاغه بعنوان پایان نامه سطح سه حوزه اینجانب بود که تحت نظر استاد راهنما جناب حجت الاسلام آشتیانی در سال ۸۲ دفاع شد (در حوزه). سال ۱۳۷۳ با گزینش امور اساتید نهاد رهبری بعنوان استاد به دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی معرفی شدم و تا سال ۷۸ در دروس معارف، تاریخ اسلام، متون و اخلاق تدریس نمودم. سال ۷۸ بعنوان استاد در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات، تاریخ اسلام تدریس نمودم. از سال ۷۸ تا کنون در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) بعنوان استاد تاریخ اسلام مشغول تدریس می باشم. سال ۷۶ تا ۷۸ نیز بعنوان مسئول قسمت پاسخگویی به سئوالات کتبی مؤسسه در راه حق، مشغول خدمت بوده ام.

خاتون آبادی، عبدالحسین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن میر محمد باقر بن شاه مراد، عالم فاضل، محقق مورخ، از شاگردان ملا محمد تقی مجلسی و ملا محمد باقر سبزواری است. در شعبان ۱۰۳۷ متولد، و در ۱۰۹۷ یا ۱۱۰۰ وفات یافته، در مزار بابا رکن الدین مدفون گردید.

کتب زیر از اوست: ۱- شرح بر شاطیبه، در علم تجوید ۲- شرح بر شافیه ی ابن حاجب ۳- وقایع السنین و الاعوام، مشهورترین تألیفات اوست. ۴- ترجمه ی رساله ی شهید ثانی در معنی ایمان «حقایق الایمان» و نسخه آن نزد نگارنده موجود است. تاریخ ترجمه: دوشنبه سلخ جمادی الاولی ۱۰۹۸.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خادمیان، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس خادمیان

محل تولد: زرین شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباس خادمیان متولد سال ۱۳۴۷ شهرستان زرین شهر اصفهان در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه امام خمینی زرین شهر شده و بعد از طی دوران مقدمات و بخشی از سطح عازم حوزه علمیه مقدسه قم شدم که بعد از اتمام سطح حدود ۵ سال در درس خارج اصول و فقه آیات عظام سبحانی و مکارم حفظهما الله شرکت داشته و همراه آن موفق به گذراندن دوره تخصصی کلام موسسه امام صادق (ع) گشته و بعد از آن دوره تخصصی مهدویت بنیاد مهدی موعود (عج) را طی کردم. و به دنبال آن موفق به دریافت پایان نامه سطح چهار حوزه در موضوع جهانی شدن و مهدویت گردیده ام و به همین جهت اکثر پژوهشها و مقالات در همین راستا چپش شده است. و در کنار پژوهش و تحصیل در سال ۱۳۸۱ موفق به گرفتن مجوز تدریس در گرایش معارف و تاریخ اسلام از نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها شده ام که به دنبال آن مشغول خدمت در امر تدریس در دانشگاههای مختلف از جمله آزاد اراک و آشتیان و تحصیلات تکمیلی جامعه الزهراء قم شده ام و فعلا در کنار تحصیل و پژوهش، عضو هیئت علمی موسسه آینده روشن (در موضوع مهدویت) می باشم. در ضمن سابقه تبلیغ بیش از ۲۰ سال در طرح هجرت و دانشگاه و شهرهای گوناگون را دارم. ضمناً دوره تخصصی مذاهب اسلامی را هم در سال ۱۳۷۸-۸۱ گذرانده ام و همین طور دوره تربیت کودکان را، به همین جهت اکثر ارتباط تبلیغی در سطوح جوانان انجام پذیرفته است.

خاکی شیرازی، حسن

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۲۲ ق)، مورخ. از اهالی شیراز بود که به هندوستان رفت و منصب بخشی از گجرات به او تعلق گرفت، سپس جهانگیر شاه ریاست دیوان صوبه‌ی بهار را به او سپرد. سرانجام در تپه درگذشت. از آثار او: «منتخب التواریخ» یا «احسن التواریخ»، در تاریخ عمومی که تا وقایع سال ۱۰۲۱ ق را در آن ضبط کرده است. در تذکره‌های «نشر شق» و «صبح گلشن» از شخصی به نام حسن بیگ، متخلص به خالی نام برده شده است که او نیز در زمان جهانگیر پادشاه صوبه‌دار بهار بوده و در نظم و نثر عربی و فارسی دستی داشته و در سال ۱۰۲۱ ق درگذشته است. احتمال می‌رود که این دو تن یکی باشند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۱۷- ۱۷۱۶/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۸- ۳۵۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۰۳/۲)، الذریعه (۲۲/۳۸۹، ۲۸۹/۹)، صبح گلشن (۱۵۰- ۱۴۹)، نشر عشق (۵۳۴/۲).

خاکی شیرازی، محمد ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۸۶ ق)، قاری و شاعر. وی مردی با تقوا و مطلع از علم قرائت و جفر بود. صاحب تذکره «مرآت الفصاحه» ملا محمد ابراهیم را مکرر می‌دید. خاکی در سرودن مرثیه استاد بود. وی در نجف اشرف دفن است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۵۲۳-۵۲۲/۱)، فرهنگ سخنوران (۲۹۵)، مرآت الفصاحه (۱۷۹-۱۷۸).

خاکی، رحیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای رحیم خاکی در ۳۰ خرداد ماه سال ۱۳۵۱ هـ.ش در شهر مراغه در استان آذربایجان شرقی در میان خانواده ای مذهبی و اهل علم پا به عرصه وجود نهاد. جو مذهبی خانواده و علاقه بسیار به فراگیری قرآن و مسائل دینی زمینه بسیار مناسبی برای علاقه مندی او به مسائل قرآنی شد. اهتمام خانواده بخصوص پدر بزرگ ایشان که حافظ برخی سوره مختلف قرآن بوده و با صوتی زیبا به تلاوت آیات قرآن می پرداخت یکی از عوامل مهم تربیت قرآن ایشان بود. پدر او آقای کریم خاکی که مدیر دبستان بود و سالها در مسجد محله قدیمی به تدریس قرآن و احکام می پرداخت تمام تلاش خویش را برای پرورش مذهبی فرزندش بکار بست. خود او درباره نخستین طلیعه های این پرورش قرآنی می گوید: بی شک همان تربیتی که پدر بزرگم به هنگام تولد در کامم نهاد و همان آیاتی که در گوشم زمزمه کرد اولین نشئه جان بخشی خواهد بود که تا ابد جان و روحم را سیراب خواهد نمود.

رحیم خاکی نخستین آموخته های قرآنی را به هنگام برگزاری جلسات قرآنی که در منزلشان برگزار می شد دریافت نمود در همین جلسات بود که در کنار پدر به استماع آیات قرآن گوش جان فرا می داد و نخستین تلاوتهایی که او را مجذوب نمود، تلاوتهای مرحوم استاد عبدالباسط بود که به تقلید از او تلاوت سوره مبارکه ضحی را در بسیاری از مراسم شهر مراغه اجرا می کرد و مورد استقبال قرار می گرفت. در مدرسه به او لقب عبدالباسط کوچک دادند.

او پس از مدت ۵ سال به تقلید حرف از استاد مرحوم منشاوی پرداخت زیرا به عقیده او بدون تقلید نمی توان از چهار چوب تلاوت آگاهی پیدا کرد. در یکی از مساجد شهر مراغه اولین جلسه عشق به قرآن به صورت جدی در جانش زده شد و بدین سان آموزش قرآن را برای نخستین بار در کلاسهای انجمن اسلامی مکتب قرآن زیر نظر استاد اصغر محمد نژاد فرا گرفت. خاطره ای شنیدنی از تلاوت او در ۶-۵ خالی از لطف نیست: او می گوید ۶-۵ سالم بود که در یک محفلی از من خواستند که قرآن بخوانم و منکه دو سه آیه اول سوره ناس را بواسطه والدینم یاد گرفته بودم با یک صدای بلند و جیغ مانندی شروع به خواندن کردم. پس از این خواندن مورد تشویق حضار قرار گرفتم که از خجالت از مسجد فرار کردم.

حاج رحیم خاکی در سال ۱۳۶۱ در سن ده سالگی نخستین تلاوت رسمی خود را شامل تلاوت سوره های ضحی و انشراح به سبک مرحوم عبدالباسط و در مراسم رژه نیروهای مسلح مراغه اجرا نمود. او تحصیلات ابتدایی تا اخذ دیپلم را در فاصله سالهای ۱۳۵۸-۱۳۷۰ در شهرستان مراغه به پایان رساند. پس از آن با پذیرفته شدن در رشته زبان و ادبیات فارسی تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی در دانشگاه علامه طباطبائی به پایان رساند و در حال حاضر نیز در مقطع کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه تهران در حال تحصیل است.

رحیم خاکی در سال ۱۳۵۶ در سن ۵ سالگی آموزش روخوانی و روانخوانی قرآن را در شهر مراغه آغاز نمود که این دوره تا سال ۱۳۶۰ ادامه یافت. او از سال ۱۳۶۰ دوره آموزش تجوید مقدماتی را آغاز نمود و پس از فراگیری دوره تجوید مقدماتی قرآن، از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۶۹ دوره تجوید عالی و از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ دوره آموزش صوت و لحن مقدماتی قرآن کریم را به پایان رساند و پس از آن در سال ۱۳۷۱ - ۱۳۷۰ در حضور استاد حنیفی دوره عالی آموزش صوت و لحن را در دانشگاه تهران تکمیل نمود.

رحیم خاکی از اساتید انجمن اسلامی مکتب قرآن شهر مراغه از جمله شهید حمید پرکار، شهید نادر قادری شهید الله یاری بعنوان اولین اساتید خویش یاد می کند از جمله اساتید و دیگر معلمان او شهید دوستان و شهید عادل نسبت هستند که در مسیر تربیت قرآنی او بسیار تلاش کردند همچنین او از استاد حنیفی در دانشگاه تهران و استاد خدام حسینی در مسجد ابودر تهران نکات بسیاری را در زمینه صوت و لحن و مسائل قرآنی فرا گرفته است.

آقای رحیم خاکی در سال ۱۳۷۴ با یکی از اقوام ازدواج نمود همسر ایشان نیز خانه دار است و نسبت به فراگیری علوم قرآنی و پرورش قرآنی فرزندشان بسیار مشتاق است. آقای خاکی بسیار از موفقیت‌های خود را مرهون زحمات همسرش می داند.

رحیم خاکی چند سال در مسجد کوی دانشگاه تهران به تدریس اشتغال داشته است همچنین در مسجد امام صادق محله صادقیه نیز جلسات قرآن را برگزار نموده است. او به خوشنویسی، نقاشی و موسیقی سنتی و موسیقی های اصیل مصر علاقه دارد و در زمینه ای ورزشی به فوتبال، ورزشهای رزمی و تنیس روی میز علاقه مند است. او از اساتید؛ محمد رفعت، عبدالفتاح شعشاعی، مصطفی اسماعیل، کامل یوسف و محمد صدیق منشاوی بعنوان ۵ قاری برتر کشور مصر از آغاز تا کنون نام می برد.

او تا کنون به کشورهای زیادی از جمله اتریش، کورواوسی، بوسنی و هرزگوین، ترکیه، سوریه، عراق، ترکمنستان، امارات و غنا سفر نموده که با استقبال گرم مردم این کشورها مواجه شده است.

آقای خاکی در سال ۱۳۷۰ رتبه نخست دانش آموزی را در آذربایجان شرقی و در سال ۱۳۷۳ رتبه نخست دانشجویان کشور را در شهر مقدس مشهد کسب نمود در سال ۱۳۷۶ پس از کسب عنوان نخست در مسابقات کشوری در کرمانشاه به مسابقات بین المللی ایران راه یافته و در یان مسابقات رتبه دوم قرائت را از آن خود ساخت.

رحیم خاکی از اساتید؛ شحات محمد انور، ابوالعینین شعیب و عبدالعزیز حسان بعنوان قاری بزرگ مصر که هم اکنون در قید حیاتند یاد می کند. او علاقه ویژه ای به ابتهال و مو شحات مصری دارد بخصوص اجراهای محمد عمران، کامل یوسف بطحینی، طه الفشمی و محمد نقش بندی و محمد طوخی.

او در گروه تواشیح شهر مراغه، گروه تواشیح دانشگاه تهران عضویت داشته و از سال ۱۳۷۲ هم عضو گروه تواشیح پر افتخار "قدر" است و در برخی اجرا نقش تکخوان را داشته است. آقای رحیم خاکی در سال ۱۳۷۰ همکاری خود را بصورت افتخاری با جهاد دانشگاهی تهران آغاز نمود و پس از آن نیز چند سال در سمت مسئول قرآن با آن نهاد همکاری داشته است. او اکنون بعنوان کارشناس مسئول در دبیرخانه دائمی فعالیتهای قرآنی دانشگاهها وابسته به جهاد دانشگاهی مشغول به فعالیت است او بسیاری از موفقیت‌های خود را مرهون همکاری و حمایت‌های مسئولان این نهاد شریف می داند.

توصیه او به جوانان این است که در یادگیری حوصله داشته و در پیشرفت عجله نکند و قدم به قدم از حفظ قرآن شروع کند و تجوید و صوت و لحن را از اساتید گرانقدر فرا بگیرند و برای خودشان سبکی نو ابداع نمایند.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کریم خان محمدی

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب کریم خان محمدی در سال ۶۱ پس از اخذ پنجم ابتدایی وارد حوزه علمیه زنجان شدم. در سال ۶۷ پس از اتمام پایه ۶ (لمعتین) به حوزه علمیه قم منتقل شدم. تا سال ۷۰ ضمن اتمام رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) به صورت متفرقه شبانه و دبیرستان رزمندگان دیپلم گرفتم. از سال ۷۰ به صورت مخفیانه به دانشگاه رفتم و در سال ۷۰ در کنکور سراسری قبول و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به رشته جامعه‌شناسی مشغول گشتم و در سال ۷۸ در مقطع کارشناسی ارشد از همان دانشکده فارغ‌التحصیل و به همراه دروس حوزه شروع به تحقیق و پژوهش و همگام با آن تدریس نمودم. در درس آیات عظام مکارم و سبحانی شرکت می‌کردم. دروس آیت الله جوادی مفسر بزرگ که هنوز هم غیر حضوری اشتغال دارم. از سال ۷۸ پژوهش را شروع نمودم و اکنون بیش از ۲۰ مقاله در مجلات علمی به چاپ رسانده‌ام. در مقطع دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام نیز در زمینه اصول و هنجارهای ارتباطی قرآن مشغول پژوهش هستم. طرح پژوهشی (مفهوم‌شناسی جامعه‌شناسی اسلامی) توسط نگارنده با کارفرمایی موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام (حمید پارسانیا) در دست اجرا است. علاقه پژوهشی اینجانب ارائه آموزه‌های دینی به زبان روز و تلفیق علوم دینی با دست‌آوردهای جدید علمی است. کلیه مقالات منشر شده به جز چند مورد از متون دینی بهره گرفته است.

خانجانی، قاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم خانجانی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن دوره متوسطه در شهر تهران در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه چیدر تهران شده و تحصیل علوم دینی را در این حوزه آغاز نمودم و تا سال ۱۳۷۱ در این حوزه اشتغال داشتم و پس از آن برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۷۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن امتحانات و مراحل قانونی در سال ۱۳۷۲ درس خارج را با درس آیت الله مکارم شیرازی و مدتی درس آیت الله سبحانی آغاز نمودم. در سال ۱۳۷۲ همراه با درس خارج در دوره کارشناسی ارشد تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در رشته تاریخ شرکت کردم و در سال ۱۳۷۹ از این دوره فارغ التحصیل و از پایان نامه خود دفاع نمودم. در طول این سال از محضر مبارک برخی اساتید حوزه چون حضرات آیات میرزا جواد آقا تبریزی و آیت الله وحید نیز بهره بردم و درس خارج آیت الله وحید و آیت الله مکارم را همچنان ادامه می‌دهم.

خائفی، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پرویز خائفی در سال ۱۳۱۵ ه.ش در شیراز از مادر زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل وارد دانشکده ادبیات همان شهر گردید. و به دریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی، و به تدریس در دبیرستان های شیراز اشتغال ورزید. سپس عازم تهران گردید و دوره ی فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید و به سمت مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته ی پیکار با بی سوادى منصوب شد. خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ و هنر به خدمت پرداخت و یک چند ریاست کتابخانه ی ملی فارس را عهده دار بود و اکنون ضمن تدریس در دانشگاه های آزاد و پیام نور شیراز و چند شهر استان فارس، سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیز می باشد. پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد و از سال ۱۳۲۹ ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی والدین و انساب: پرویز خائفی نوه میرزا اسماعیل خائف، شاعر معروف و عالم متبحر شیراز، که فلسفه ملاصدرا را تدریس می کرد و هم صاحب دیوان شعر بود. وی با شوریده شیرازی معاصر بود و هر دو از نعمت بینایی محروم بوده اند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: پرویز خائفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل وارد دانشکده ادبیات همان شهر گردید و پس از دریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی توفیق یافت، به تدریس در دبیرستانها شیراز اشتغال ورزید، آنگاه عازم تهران گردید و دوره فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید. فعالیتهای ضمن تحصیل: پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: پرویز خائفی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته پیکار با بی سوادى گردید. خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ و هنر انتقال یافت و یک چند ریاست کتابخانه ملی فارس را عهده دار بود و اکنون سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیز می باشد. فعالیتهای آموزشی: پرویز خائفی پس از اخذ لیسانس ادبیات فارسی، به تدریس در دبیرستان های شیراز به تدریس پرداخت. بعدها وی در دانشگاه های آزاد، پیام نور شیراز و چند شهرستان استان فارس پرداخت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: پرویز خائفی از سال ۱۳۲۹ ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود و آثار منظوم و مقالاتش همواره در روزنامه و مجله های کشور به چاپ رسیده است. آثار: از لحظه تا یقین (شعر)، این خاک طربناک (شعر)، باز آسمان آبی است (شعر)، باز گشت یادنامه میرزای کاظمی، پند سعدی، حافظ در اوج، حصار (شعر)، مقاله ها و مقابله ها، نگاهی به غزل حافظ

خدادادیان، اردشیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تاریخ از ایران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ تمدن و فرهنگ ایران باستان، استاد کلیه دروس در این زمینه در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد، استاد خطوط و

زبانهای ایران باستان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ ایران و جهان، کرونولوژی تاریخ جهان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران باستان، زبانهای ایران باستان، کرونولوژی تاریخ جهان.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

خرسندی شیرازی، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به خرسندی. اصل وی از کازرون بود اما، در شهر شیراز متولد شد. در سال ۱۲۵۹ ق به

قصد زیارت مشهد وارد تهران شد و در خدمت محمد شاه قاجار به شاهنامه‌خوانی شاه و پیشخدمتی عباس میرزا منصوب گشت. در

آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه به امر میرزا محمدتقی‌خان فراهانی به وقایع‌نگاری کرمان مامور شد. چندی در این خدمت باقی بود،

بعد وی را وکیل و ظایف اهل اصفهان کردند. وی در پایان عمر کور شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۳۸-۴۳۵/۲)، الذریعه (۲۹۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۰۴)، مجمع الفصحا (۲۴۵) -۴/ ۲۴۳)، مرآت الفصاحه (۱۹۰-۱۸۹).

خرم دل، مصطفی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قرآن شناس (مفسر و مترجم قرآن کریم به فارسی) صاحب نظر و سختکوش معاصر، جناب آقای دکتر مصطفی خرم دل از استادان دانشگاه کردستان در سنندج و متولد در مهاباد در سال ۱۳۱۵ ش، و از علمای اهل سنت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر زادگاهش طی کرده، و همزمان به آموزش علوم دینی به شیوه‌ی حوزوی و سنتی نیز پرداخته است. در سال ۱۳۴۶ از دانشگاه تهران، در رشته‌ی زبان و ادبیات عرب، مدرک کارشناسی (لیسانس) گرفته، و همزمان با دانشجویی به خدمت در آموزش و پرورش هم اشتغال داشته است. در سال ۱۳۵۲ از همان رشته و همان دانشگاه، مدرک فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) گرفته، و در سال ۱۳۵۸ به دریافت درجه‌ی دکتری در رشته‌ی فرهنگ عربی و علوم قرآنی از دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نایل آمده است. سپس چندی در دانشسرای عالی سنندج در دانشکده‌ی تربیت دبیر، و سرانجام در دانشگاه کردستان به تدریس و پرورش دانشجویان و آموزگاران و دبیران پرداخته و سرانجام در سال ۱۳۶۷ ش بازنشسته شده، و در حال حاضر، مدتی است که به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد مهاباد) اشتغال دارد. دکتر خرم دل در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی، به ویژه قرآن، دارای چند تالیف و ترجمه است. از جمله:

۱- تفسیر نور که چون ترجمه‌ی قرآن کریم هم به صورت قابل تمایز از مواد تفسیری در دل آن مندرج است، توانستیم آن را جزو ترجمه‌های امروزی به شمار آوریم و همانند ترجمه‌های مستقل و به همان شیوه معرفی و ارزیابی کنیم.

۲- نگارش تفسیر المقتطف (به زبان عربی)

۳- ترجمه‌ی تفسیر اجتماعی و انقلابی و تحرک انگیز و بیدارگر فی ظلال القرآن، اثر سید قطب (۱۹۰۶-۱۹۶۶ م) (از بزرگان اخوان المسلمین مصر که در راه آرمان انقلابی و اسلامی خود، به دستور ضد بشری جمال عبدالناصر اعدام شد) از عربی، که ترجمه‌ی ناقصی از آن به قلم شادروان احمد آرام انجام گرفته و به طبع رسیده است. تا کنون (فروردین ۱۳۸۱)، دو، و احتمالاً سه جلد از آن چاپ شده که دو جلد اول شامل ترجمه‌ی تفسیر سوره‌های فاتحه، بقره، آل عمران، و نساء است. دانشنامه‌ی قرآن و قرآن پژوهی، مقاله‌ی «خرم دل، دکتر مصطفی»، نوشته‌ی قرآن شناس کوشا و مترجم قرآن کریم به فارسی (نشر فرزانه، ۱۳۷۷، معرفی شده در همین کتاب) و نیز (مقاله‌ی تفسیر نور در همین دانشنامه). برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه‌های امروزی فارسی قرآن کریم

خرمشاهی، بهاء‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

- بهاء‌الدین خرمشاهی، متولد ۱۳۲۴، قزوین
- انصراف از رشته پزشکی دانشگاه ملی (شهید بهشتی) ۱۳۴۲
- اخذ مدرک لیسانس ادبیات از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ۱۳۴۷
- دکترای کنابداری از دانشگاه تهران
- نویسنده بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله
- سردبیر نشریه فرهنگ از ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۰
- تألیف بیش از ۱۲ جلد کتاب درباره حافظ و حافظ شناسی
- ترجمه قرآن کریم با ۴ هزار یادداشت در ذیل صفحات و واژه نامه ای با ۱۲ هزار لغت
- تألیف فرهنگ شش جلدی انگلیسی - فارسی «واژه پژوهی»
- برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هابیل و چند داستان دیگر (ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتیبه ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایره المعارف تشیع.
- تعبیری را درباره بهاء‌الدین خرمشاهی بپذیریم که می گوید: «خرمشاهی در میان نسلی که در سالهای دهه بیست متولد شدند، در سالهای دهه چهل به دانشگاه رفتند و در دهه پنجاه به کار تألیف و تحقیق و ترجمه پرداختند، بی شک بی نظیرترین و برجسته ترین چهره شناخته شده است. کارنامه پر بار و پربرگ او شگفت انگیز است. بیش از ۵۰ کتاب و هزار مقاله زاینده پوی و پژوهش بی وقفه و عاشقانه اوست. آن هم در زمانه ای که کار تحقیق و تألیف با ناکامی و نابسامانی بسیار همراه است. استادان دانشگاه جز به تدریس نمی پردازند و کمتر فرصت تحقیق و پژوهش دارند. محققان و نویسندگان ما هم آنچنان درگیر گرفتاریهای پیچیده مادی و گذران معاشند که امکان پژوهش ندارند. در این زمانه عسرت اگر هم نویسنده ای به پرکاری و کثرت آثار شهره شده، کارش را نازل و قدرش را ناچیز می دانند و شعار «کوچک زیباست» را سر می دهند...» بسیاری از نویسندگانی که دقت و سرعت را در هم آمیخته اند و هم کمیت و هم کیفیت کارشان درخشان است. خرمشاهی در زمره همین نویسندگان است. آثارش گسترده سرشار از تنوع است، نکته یاب و باریک بین است، کوشا و کوشنده و جستجوگر است. لطف بیان دارد و زبانش جذاب و شیرین و دلنشین است. پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی است، شاعر و مترجم و مصحح و منتقد و ویراستار و دایره المعارف نویس است. و هر چند یکبار خود را «مؤلف و مترجمی پراکنده کار» نامیده، اما متفنن نیست. بی شک در دو حوزه تخصصی قرآن پژوهی و حافظ پژوهی کم نظیر است. بهاء‌الدین خرمشاهی متولد فروردین ۱۳۲۴ قزوین است و در آستانه ۶۰ سالگی می گوید: «من به چند روایت و اختلاف در روز دوازدهم فروردین ۱۳۲۴ دیده به جهان گشودم. سالهای ابتدایی عمر و تحصیلم را در دبستان رزبان و دو دبیرستان دیگر سپری کردم. رشته طبیعی خواندم. ولی همه عشقم به ادبیات فارسی و علوم قرآنی و علوم اسلامی معطوف بوده و هست.» پدرش اولین معلم علم و ادب و شیوه زندگانی اوست. و اگر عربیتی آموخته باشد از فضل پدر بوده است. از نویسندگان و قرآن پژوهان معاصر و از ویراستاران دایره المعارف حاضر. تفسیر مورد بحث در یک مجلد به قطع بزرگ رحلی و شیوه ادبی دایره المعارفی شامل تمام قرآن کریم است مؤلف پس از درج هر یک صفحه از مصحف شریف، در ستون مقابل ترجمه فارسی آن را آورده سپس کلمات مشکله و متشابه و غریب هر آیه و مفاهیم کلیدی و مسائل و عبارات دشوار را ذیل آن توضیح می دهد. این ترجمه همراه با تفسیر از سوی مؤسسات انتشاراتی نیلوفر و جامی به طبع رسیده و نزدیک به انتشار است. در پایان این تفسیر واژه نامه قرآنی - فارسی و چند مقاله در زمینه تاریخ قرآن و عدم تحریف آن و مسائل دیگر قرآن پژوهی درج گردیده است. مؤلف از جمله محققین شیعه است که چهار اثر در زمینه قرآن پژوهی و تفسیر نگاشته است که سه دیگر آن عبارتند از: ۱) فرهنگ

موضوعی قرآن مجید در یک مجلد به زبان عربی و فارسی با همکاری استاد محقق توانا آقای کامران فانی این اثر شامل تدوین کلمات قرآن بر اساس موضوعی است. شیوه ساده مؤلفان در تنظیم کلمات و لغات قرآن، به ترتیب حرف اول کلمه بر اساس ابجدی یا دقیقتر بگوئیم ابثی است - و نه بر رسم فرهنگهای کهن عربی که از روی ماده اصلی کلمات تنظیم یافته است. لذا مبتدیان و علماء و محققین یک سان بدون زحمت، خواسته خویش را در اندک زمان به دست می آورند. این اثر نزدیک به هشت هزار مدخل از موضوعات قرآنی را با ذکر نام سوره و شماره آیه در برابر آنها دربردارد. طبع اول این اثر در ۱۳۶۴ ش از سوی نشر فرهنگ معاصر (تهران)، و طبع دوم آن در ۱۳۶۹ ش از سوی انتشارات الهدی صورت گرفته است. (۲) قرآن پژوهی: در یک مجلد به زبان فارسی، شامل هفتاد بحث و تحقیق قرآنی است که توسط نشر مشرق در تهران در ۱۳۷۲ ش طبع گردیده است. (۳) تفسیر و تفاسیر جدید در یک مجلد به زبان فارسی (تهران، کیهان، ۱۳۶۴ ش) این اثر توسط عصام حسن به عربی ترجمه گردیده و در بیروت توسط انتشارات دارالروضة طبع و نشر گردیده است (۱۴۱۱/۱۹۹۱ ق). درباره پدرش می گوید: «اولین معلم قرآنی و عربی من پدرم بود. گاهی در ایام تحصیل در دانشگاه بین من و پدرم نامه های عربی رد و بدل می شد که ایشان از این کار بسیار به وجد می آمدند. هر چند که عربی هر دوی ما عجمی بود.» خرمشاهی در سال ۱۳۴۲ ایام دبیرستان را به پایان می رساند و با شرکت در اولین دوره کنکور رد می شود. چرا؟ می گوید: «من می بایست امتحان ادبی می دادم در حالی که دانش آموز رشته طبیعی بودم. اما با خواندن کتابهای ادبی در سال بعد موفق شدم در دانشگاه تهران و دانشگاه شیراز، در رشته ادبیات فارسی قبول شوم. در ضمن در حد فاصل ردی اول و قبولی دوم یک سال فاصله زمانی وجود داشت که من در همان خلال به دانشگاه ملی (آن روزگار) که در همان سال تأسیس شده بود رفتم (۱۳۴۲). وجه تسمیه ملی برای این دانشگاه بیشتر به علت پرداخت شهریه اش بود. لاجرم پدرم از یکی از نزدیکان وام گرفت تا من بتوانم وارد دانشکده پزشکی شوم و شهریه سنگین ۵ هزار تومانی اش را پرداخت نمایم. اما این رشته دانشگاهی برای من چندان دوامی نداشت چرا که من دلی در گیر ادبیات و سری در سودای عربیت داشتم و لاجرم از رشته پزشکی انصراف داده و سال بعد با قبولی در کنکور وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شدم.» او در دانشگاه تهران، نزد اساتیدی چون دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر ذبیح الله صفا، دکتر فره وشی، استاد پورداوود، استاد عبدالحمید بدیع الزمانی کردستانی، دکتر سید صادق گوهرین، دکتر مهدی محقق، دکتر سید جعفر شهیدی و... تلمذ می کند. با این همه خودش دکتر عبدالحمید بدیع الزمانی را دومین معلم قرآنی خود می داند و می گوید: «هر هفته در محضر و کلاس او سؤالاتی که در حین قرائت قرآن برایم موضوعیت می یافت مطرح می کردم.» بهاءالدین خرمشاهی در سال ۱۳۴۷ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران فارغ التحصیل می شود و پس از گرفتن لیسانس ادبیات، رشته کتابداری را انتخاب می کند و پس از آن به انجمن حکمت و فلسفه می رود. از مهمترین علائق زندگی بهاءالدین خرمشاهی قرآن است و قرآن پژوهی. درباره اش می گوید «اصلاً بدین صورت نیست که هر کسی تحصیل کرده باشد بتواند قرآن را بفهمد و گاهی حتی از عهده روخوانی قرآن نیز بر نمی آیند تا چه رسد به فهم عبارات و تفسیر قرآن، که در حقیقت این روند روخوانی و فهم عبارات و تفسیر مستلزم یک عمر جهد و ممارست و عشق و علاقه است که عمری پنجاه ساله می طلبد تا شخص از عهده آن بر آید. بنده شاید به تقریب حدود چهل سال از عمرم را صرف این کار کرده ام و فعالیتهای مستمری در حوزه قرآن پژوهی و حافظ پژوهی نمودم و با یک نگاه اجمالی در می یابم که حتی همین مدت طولانی نیز هنوز چندان کافی نیست و عمر بیشتری می طلبد تا به فهم دقایق و رموزات قرآن و حافظ، توأمان، پی ببریم. و با آن که ده کتاب قرآنی و پانصد مقاله قرآن پژوهانه نوشته ام هنوز فکر می کنم که از آن آب و گل اولیه بیرون نیامده ام. از خداوند بزرگ مسألت دارم تا ما قرآن را مهجور نگیریم. چرا که مهجور گرفتن قرآن چنین نیست که ما قرآن را نخوانیم یا که کم بخوانیم، بلکه مهجوریت قرآن زمانی آغاز می شود که به مفاد قرآن توجه نکنیم و در آن تدبر نماییم.»

برخی از تألیفات او عبارتند از: هنری میلر (ترجمه)، شیطان در بهشت (ترجمه)، علم در تاریخ (ترجمه)، هایبل و چند داستان دیگر

(ترجمه)، عرفان و فلسفه (ترجمه)، علم و دین (ترجمه)، تاریخ فلسفه (ترجمه)، کتبه ای بر باد، پوزیتیویسم منطقی، ذهن و زبان حافظ، فرهنگ موضوعی قرآن مجید، حافظ نامه، چهارده روایت، سیربی سلوک، دایره المعارف تشیع.

خسروشاهی، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید هادی خسروشاهی (متولد ۱۳۱۷ ش)، با همکاری آیه الله جعفر سبحانی از محققین معاصر.

این تفسیر در یک جزء به زبان فراسی و شیوه ادبی و استدلالی شامل بخشی از قرآن کریم است.

مؤلفان قسمتی از آیات مورد نظر خویش را گردآوری نموده سپس به شرح و تفسیر و تاویل آن پرداخته اند.

آقای بهاءالدین خرمشاهی در منشا و سبک این تفسیر در تفاسیر جدید آن را نقد و ردی بر آیات مشکله حاج یوسف شعار توصیف کرده است.

این کتاب در تهران چاپ و منتشر شده است.

منابع زندگینامه: منابع: تفسیر و تفاسیر جدید، ۳۷، فهرست کتابهای چاپی فارسی، ۱/۱۳۸۵، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۶/۷۲۰.

خلفه نیشابوری، احمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، مورخ. وی فرزند ملخص و مترجم «تاریخ نیشابور» است. خلیفه در ترجمه و تلخیص پدر خود دست برده و بعضی از وقایع سده نهم را نیز وارد کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۷۸۳)، تاریخ نیشابور (۴۷-۴۳).

خواجوی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: رادیولوژی، دانشکده: پزشکی، دانشگاه: علوم پزشکی اصفهان.

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

انترن بیمارستان‌های دانشگاه تهران، انترن بیمارستان برگن پاین آمریکا، رزیدنت رادیولوژی دانشگاه پیتسبورگ آمریکا، فلوی سی

تی و سونوگرافی دانشگاه بالتیمور آمریکا، گذراندن دوران سی‌تی‌اسکن، سونوگرافی و ام. آر. آی در ژاپن. مرتبه علمی:

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از سال ۱۳۵۷، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

رادیولوژی سونوگرافی و سی‌تی‌اسکن، بررسی کیست هیداتیک به وسیله سی‌تی‌اسکن، سونوگرافی، ضایعات تراشه در مجروحین جنگ شیمیایی و استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه دکترای عمومی و تخصصی. تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) به زبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

رادیولوژی عمومی، سونوگرافی و سی‌تی‌اسکن.

مقالات

تعداد مقالات به زبان فارسی: ۲، تعداد مقالات به زبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

وفور سنگ‌های صفراوی در ایران، نحوه بررسی کبد به وسیله سونوگرافی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد دوم)

خوافی، فصیح‌الدین احمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فصیح‌الدین احمد خوافی مشهور به فصیح در سال ۷۷۷ در خانواده جلال‌الدین محمد خوافی که از دیوانیان دیوان استیفای تیموریان، بود در هرات به دنیا آمد و منشی‌گری و خطاطی را نزد پدر آموخت و آغاز، به شاعری در او شکوفا شد. او که از سن نوجوانی شغل دیوانی را آغاز کرده بود، از سال ۸۱۸ از خدمت در دیوان علاءالدین علی ترخانی به دیوان شاهرخ بهادر و بایسنقر میرزا منتقل شد و تا سال ۸۳۶ به کار خود ادامه داد. در آن سال وی مورد خشم سلطان شاهرخ و همسرش گوهر شاد خانم قرار گرفت و محبوس شد. تا اینکه در سال ۸۴۵ آزاد و کتاب تاریخی خود را تحت عنوان «مجمل فصیحی» را به رشته تحریر در آورده و به سلطان تقدیم کرد و اندکی بعد در گذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: خاندان فصیح‌الدین احمد خوافی اصلاً از خواف خراسان بوده اند اما در زمان تولد فصیح، در هرات می‌زیستند از این رو فصیح در کتابش، خود را هروی می‌داند. پدرش جلال‌الدین نیز در هرات شغلی دیوانی داشت و در سال ۷۹۶ وفات یافت.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: فصیح‌الدین احمد خوافی پس از آموختن فنون دیوانی از جمله ترسل؟؟؟ و خوشنویسی در نزد پدر،

عهد ه دار خدمات دیوانی شد.

وقایع میانسالی: فصیح الدین احمد خوافی همانند پدر خود از نوجوانی به خدمات دیوانی مشغول شد، او در سال ۸۰۷ پس از جلوس شاهرخ بجای امیر تیمور گورکانی در خراسان، به همراه سه تن از امرای دیگر مامور تحویل گرفتن خزانه خاصه شاهرخ در سمرقند بود، شد. وی در این هنگام سی ساله بود. وی در همان سال برای ماموریتی اداری به زاوه سفر کرد. از سال ۸۱۸ هجری قمری از خدمت در دیوان علاءالدین علی ترخان به ملازمت دیوان شاهرخ در آمد و در عین حال در دربار بایسنقر پسر شاهرخ نیز مشغول بود. اما در سال ۸۳۶ معزول و محبوس شد تا اینکه در سال ۸۴۵ آزاد و دوباره استخدام شد و مدتی بعد درگذشت.

زمان و علت فوت: بعد از سال ۸۴۵ از فصیح الدین احمد خوافی که در آن زمان ۶۸ ساله بود خبری در دست نیست. بعید نیست که فوت او هم در نزدیکی همین سال بوده باشد. زیرا کتاب وی باخبر بار یافتن وی به حضور سلطان شاهرخ در سال مذکور پایان یافته است. چرا که بعید است که از این در تکمیل رساله نامه خود که البته با حوادث مهم ۵ سال آخر سلطنت سلطان شاهرخ (تا سال ۸۵۰) مقارن گشته بود، دریغ می کرد

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فصیح الدین احمد خوافی بعنوان کار گزار امور دیوانی در خدمت وابسته گان قسمت مرکزی تیموریان، یکی از مامورین تحویل گرفتن خزانه خاصه شاهرخ در سمرقند و رئیس مالیات و محاسب خزانه دولتی (۸۰۷)، کار گزار دیوان علاءالدین علی ترخان (تا سال ۸۱۸ ه. ق.) کار گزار و مقامات؟؟؟؟ دیوان شاهرخ و بایسنقر (۸۳۶-۸۱۸) در درگاه تیموریان مشغول به کار بوده است. همه عمر وی به خدمت در دیوان استیفای سپری شده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: فصیح الدین احمد خوافی شاعر بود و در شعر خود، که نمونه هایی از آن را در کتاب خود ثبت نموده است، به « فصیح » تخلص می کرده است. -----

آثار:

۱ مجمل فصیحی

ویژگی اثر: کتابی است شامل وقایع نگاری سالنگارانه که با رعایت اختصار از کتابهای موثق دست چین شده است یا از یادداشتهای مولف از وقایعی که به چشم دیده است. این کتاب در یک مقدمه و در دو مقاله و خاتمه تنظیم شده است بدین شرح مقدمه از هبوط آدم تا ولادت پیغامبر اسلام، مقاله اول از ولادت پیغامبر تا زمان هجرت، مقاله سوم از آغاز هجرت تا پایان سال ۸۴۵ ه. ق خاتمه کتاب نیز درباره برخی احوال هرات در سالهای پیش از هجرت است. روش تاریخ نگاری فصیح آن است که هر ضرر را با کمترین کلمات به کوتاه ترین شکل در ضمن وقایع هر سال ضبط کند و بنا بر این عبارات منشیانه در آن بسیار کم و نادر است. اما کتاب از حیث جمع آوری اخبار و اشتمال بر اطلاعات بسیار و آسانی یافتن آنها را، اثری سودمند است. نشر کتاب ساده و خلاصه و گاهی همراه با اشعاری فارسی و عربی است و فقط دیباچه ای شاعران یاد شده است. فصیحی کتاب خود را در ۱۵ ذیحجه ۸۴۵ به سلطان شاهرخ بهادر تقدیم کرده است. -----

منابع:

۱ صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۹۶۲ نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، ص ۲۳۸

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۸۸۱/۸۸۰ وف ۹۴۲-۹۳۷ ق)، مورخ. وی در شهر هرات ولادت یافت و در همان شهر به تحصیل علوم متداول زمان یعنی طب، تفسیر، شعر، ادب، لغت و تاریخ کمالات پرداخت. غیاث‌الدین نواده‌ی دخترت میرخواند، صاحب «روضه الصفا» ست که در بیشتر آثارش از وی یاد می‌کند. خواندمیر در جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و مورد توجه و محبت امیرعلیشیر نوایی قرار گرفت و مدتی عهده‌دار وزارت بدیع‌الزمان پسر سلطان حسین بود. وی در سال ۹۳۵ ق به هندوستان سفر کرد و در آنجا مدتی خدمت بابرشاه و همایون‌شاه کرد. در هندوستان درگذشت و بنا به وصیتش در دهلی نزدیک قبر نظام‌الدین اولیاء و امیرخسرو دفن شد. در تاریخ وفات وی اختلاف نظر است، عده‌ای مثل خان بابا مشار و صاحب «تاریخ فرشته» سال مرگ وی را ۹۳۷ ق و ۹۴۱ ق دانسته‌اند ولی، استاد سعید نفیسی نوشته که خواندمیر در سال ۹۴۲ ق برای شاعری ماده‌ی تاریخ سروده، پس سال فوتش باید اواخر سال ۹۴۲ باشد. از آثار او: «دستور الوزراء»، در ذکر احوال وزرای اسلام تا عهد مولف؛ «خلاصه الاخبار فی بیان احوال اخیار» که محتوی است از تاریخ عمومی از زمان خلقت تا سال ۹۰۵ هجری نبوی؛ «مآثر الملوک که متضمن کلام پادشاهان و پیشوایان دین و حکیمان و به نام امیرعلیشیر نوایی تالیف شده است؛ «نامه‌ی نامی»، که مجموعه‌ای از منشآت دیوانی وی است؛ «حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، که مهم‌ترین کتاب وی است و شامل وقایع عمومی از خلقت تا سال ۹۳۰ ق در سه جزء و یک مقدمه و یک خاتمه. این کتاب را در اوایل سال ۹۲۷ ق برای غیاث‌الدین محمد بن یوسف حسینی، از رجال معروف هرات آغاز کرد ولی، مدتی آشفتگی در اوضاع روزگار به وجود آمد در تالیف وقفه افتاد بعدها به دستور حبیب‌الله ساوجی آنرا به نام وی به پایان رسانید؛ «آثار الملوک و الانبیاء» که خلاصه‌ی «حبیب السیر» است؛ آخرین کتاب، کتابی در ذکر مناقب همایون‌شاه، پسر بابرشاه، است که در سال ۹۳۱ تالیف کرد. صاحب «الذریعه» به وی دیوانی نسبت داده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۶۲۸-۶۲۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۴۵-۵۴۱/۴)، تاریخ در ایران (۹۸-۹۷)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۱-۲۴۰)، تحفه سامی (۱۰۹-۱۰۸)، تذکره‌ی روز روشن (۲۵۰)، حبیب السیر (۱۹-۱/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۶۴-۴۶۰/۲)، دایرة‌المعارف فارسی (۹۲۱/۱)، دستور الوزراء (دیباجه)، الذریعه (۳۰۷/۹، ۱۷۰/۸، ۲۶۹/۷، ۲۴۴/۶)، ریحانه (۱۸۷-۱۸۶/۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۴۷/۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۰۱)، فرهنگ سخنوران (۳۲۰)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۸۲-۲۸۶)، کاروان هند (۳۹۱-۳۸۹/۱)، الکنی و الالقاب (۲۰۳/۲)، لغت نامه (ذیل / خواندمیر)، مولفین کتب چاپی (۷۴۲-۷۴۰/۴)، معجم المؤلفین (۴۳/۸).

خواند میر، محمود

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، مورخ. وی فرزند خواند میر، صاحب تاریخ «حبیب السیر»، بود که در هرات می‌زیست. او مولف کتابی است در تارخی شاه اسماعیل و شاه طهماسب که آن را در سال ۹۵۷ ق به پایان رسانیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۵۸).

خودگر بخارایی، علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، فلز کار. کوفته گر، فلز کوب اهل بخارا بود که با همکاری استادان دیگر، پنجره‌ی زرکوب فولادی ساخته‌اند و اکنون در موزه‌ی آستان قدس رضوی به یادگار است.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲۵۲/۱).

خوشایند، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین خوشایند

محل تولد: مرند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ علوم حوزوی را از شهرستان مرند شروع کرده علم صرف و نحو را در آنجا و الباقی نحو و منطق و اصول مظفر و معالم الدینی را در شهر تبریز به پایان رساندم. در سال ۱۳۵۵ جهت ادامه تحصیل وارد شهر مقدس قم شدم. سطح فقه و اصول را نزد اساتید آقایان اعتمادی و شیخ احمد پایانی و شیخ وجدانی و موسوی گرگانی به پایان رساندم و پس از حضور به مدت دو سال در جبهه های حق علیه باطل به مدت هفت سال در جلسات خارج فقه و اصول از اساتید محترم و آیات عظام آقایان مکارم شیرازی و شیخ جعفر سبحانی و سید یوسف مدنی مستفیض شدم و درس تفسیر قرآن را از محضر استاد صدر بلاغی و درس فلسفه (بدایه الحکمه و نهایه الحکمه) را از محضر استاد حسینی استفاده نموده‌ام و همچنین درس‌های تاریخ اسلام و کلام اسلامی در زمان دارالتبلیغ از آقای سبحانی و اقتصاد اسلامی را از آقای دکتر احمد بهشتی فیض برده‌ام. از سال ۱۳۶۸ جهت تدریس وارد دانشگاه تهران شدم که هم اکنون در گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس دروس معارف اسلامی - متون اسلامی - تاریخ اسلام در رتبه استادیاری به تدریس اشتغال دارم. در تاریخ ۱۳۷۰ کارشناسی زبان و ادبیات را نیز از دانشگاه شهید بهشتی دریافت نمودم.

خیر خواه علوی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی خیر خواه علوی

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۱ در خانواده روحانی در شهر رشت متولد شدم. پس از گذراندن دوره ابتدائی و راهنمایی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه شهرستان رشت شدم و در مدرسه علمیه جامع رشت شروع به تحصیل نمودم. از سال ۱۳۶۶ نیز در کنار تحصیلات حوزه، تحصیلات کلاسیک خود را- بصورت متفرقه- ادامه دادم و پس از ۴ سال دیپلم متوسطه خود را دریافت نمودم. پس از ۴ سال تحصیل در مدرسه علمیه جامع رشت برای ادامه تحصیل علوم دینی در سال ۶۹ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و لمعه و اصول را در مشهد به پایان رساندم و قسمت اول از کتاب رسائل نیز از آنجا فراگرفتم. در سال ۷۲ با ورود به حوزه علمیه قم به مدت یکسال نیز در موسسه در راه حق مشغول به تحصیل بودم تا آنکه در سال ۷۴ در رشته تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (ع) از طریق کنکور سراسری قبول شدم- این دانشگاه در سال ۷۴ با عنوان موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) خوانده می شد- پس از تکمیل دوره کارشناسی تاریخ با مرکز فرهنگ و معارف قرآن آشنا شدم و در بخش تاریخ و اعلام این مرکز مشغول به تحقیق و مطالعه و پس از چندی نگارش مقالات تاریخی شدم.

همچنین در سال ۸۰ با مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه آشنا شدم و در گروه تاریخ اسلام این مرکز بعنوان معاون و همکار گروه آغاز به فعالیت نمودم و پس از چند ماه با تشکیل گروه تاریخ معاصر بعنوان مسئول گروه تاریخ معاصر به فعالیت خود در این مرکز ادامه دادم و با عضویت در شورای نویسندگان مجله صباح که از انتشارات مرکز مطالعات بود به ارزیابی و نظارت مقالات تاریخ معاصر و گاه تاریخ اسلام می پرداختم و پس از مدتی اولین مقاله بنده در حوزه تاریخ معاصر و با موضوع نقش کشورهای استعماری در کودتای ۲۸ مرداد در مجله صباح چاپ گردید. پس از آنکه در اواسط سال ۸۳ از سوی بخش تاریخ مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در خصوص تصدی امور اجرایی این بخش دعوت به همکاری شدم - ضمن آنکه قبل از آن در نگارش مقالات با این بخش همکاری داشتم - فعالیت و حضور در این مرکز را بیشتر نمودم و تاکنون نیز این همکاری بصورت مداوم در زمینه های اجرائی و تحقیقاتی ادامه دارد. از حدود سال ۸۲ نیز به عنوان استاد مدعو گروه دروس معارف اسلامی دانشگاه آزاد نیز به تدریس تاریخ اسلام در این واحد دانشگاهی مشغول هستم.

خیری، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن خیری

محل تولد: وزوان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۵ در شهر وزوان از توابع اصفهان در خانواده ای کشاورز و متدین به دنیا آمدم. دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در زادگاهم گذراندم. علاقه وافر به مذهب و روحانیت موجب شد که به همراه شهید احمد خوش کثیر به عنوان اولین طلبه های شهرمان در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شوم. دوره سطح را در ظرف شش سال به پایان رسانده و برای تحصیل دروس خارج فقه و اصول در درس آیات عظام مرحوم فاضل لنکرانی، میرزا جواد آقا تبریزی، سبحانی، مکارم حضور یافتیم. به علاوه از سال ۶۴ در موسسه در راه حق به تحصیل پرداخته و پس از اتمام دروس عمومی از سال ۶۹ تا ۷۶ کارشناسی ارشد جامعه شناسی را گذراندم و نیز موفق به گذراندن دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد شدم. دوره تحصیلات را با ورود به دوره دکتری جامعه شناسی در سال ۱۳۸۲ ادامه داده و موفق به اخذ مدرک دکتری PH.D جامعه شناسی در سال ۱۳۸۶ شدم. هم اکنون نیز به عنوان مدیر مرکز مطالعات فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی توفیق همکاری را دارم.

خیری، یوسف

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یوسف خیری

محل تولد: میاندوآب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۶۹ وارد حوزه بناب شدم در سال ۷۳ شش پایه ابتدایی را تمام و فارغ التحصیل شدم و تا سال ۷۵ سطوح را تمام کرده مشغول دروس خارج فقه و اصول شدم. همزمان با اینها وارد موسسه امام خمینی شدم و امسال (سال ۸۶) از رشته جامعه شناسی با مدرک فوق لیسانس فارغ التحصیل شدم.

ضمناً از سال ۸۷ وارد موسسه ادیان و مذاهب در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان وارد شدم و بمدت دو سال دروس آن را به اتمام رساندم البته پایان نامه نوشتم. در سال ۸۴ پایان نامه سطح سه حوزه را با موضوع موارد پرداخت دیه از بیت المال دفاع کردم. و

الان مشغول تدوین رساله سطح چهار حوزه هستم. ضمناً فعلاً در دانشگاه باقرالعلوم در رشته اندیشه معاصر مسلمین مشغول تحصیل دوره دکتری هستم. والسلام.

دانش، سیاوش

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(؟)، نویسنده و مورخ. از جمله آثار وی «ابراهیم کلانتر» که تاریخ میرزا ابراهیم کلانتر از دولتمردان روزگار زندیه است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: راهنمای کتاب (س ۱۲۷ ص ۳۸۹-۳۷۸)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۰۸/۲).

دانشور علوی، نورالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و مورخ. از جمله آثار وی: «تاریخ مشروطه‌ی ایران و جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۵۱/۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۹۰۲/۲).

داوری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد داوری

محل تولد: رودان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در شهرستان رودان متولد شدم. دوران ابتدایی و راهنمایی و قسمتی از متوسطه را در زادگاه خود به اتمام رساندم. در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و همزمان ۲ سال آخر دبیرستان را در دبیرستان دین و دانش قم سپری کردم. ادبیات را در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی خواندم و سپس به تحصیل در دروس سطح عالی حوزه و خارج فقه و اصول مشغول

شدم. همزمان با تحصیل در حوزه از سال ۱۳۷۱ وارد «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» شدم و تحصیل در رشته جامعه‌شناسی را شروع کردم و پس از چهار سال در این پژوهشگاه مشغول به تحقیق و پژوهش شدم. علاوه بر آن به مدت سه سال با مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان در خصوص شناسایی جانبازان صدر اسلام و تنظیم زندگینامه برای آنان همکاری داشتم. همچنین به صورت پاره وقت از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران همکاری داشته‌ام و در این دانشگاه دروس معارف را تدریس کرده‌ام.

دخلی گیلانی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، مورخ، شاعر. در گیلان متولد شد و همان‌جا دانش آموخت و سپس به هند رفت و در دربار جلال‌الدین محمد اکبر تقرب یافت مدتی نیز در لاهور به سر برد. وی مردی بسیار خوش خوی و شیرین سخن بود و غزل را نیکو می‌سرود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۰۰).

درویش زاده، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علی درویش زاده در سال ۱۳۱۴ در انزلی متولد شد. وی پس از دریافت دیپلم طبیعی در بندر انزلی در سال ۱۳۳۴، وی در سال ۱۳۳۷ لیسانس، و در ۱۳۴۰ فوق لیسانس زمین‌شناسی از دانشگاه تهران و در سال ۱۳۵۰ دکتری تخصصی پترولوژی را از دانشگاه کلرومون فرانسه گرفت و پس از بازگشت عضو هیئت علمی دانشگاه تهران شد. در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۴ به مدارج دانشیاری و استادی دست یافت. و عضو پیوسته فرهنگستان علوم و چهره ماندگار در عرصه زمین‌شناسی است. کتابهای "اصول آتشفشان‌شناسی" و "پترولوژی تجربی و کاربردهای آن" دکتر درویش زاده در دوره‌های اول و هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده‌اند. گروه: علوم پایه‌رشته: زمین‌شناسیگرایش: پترولوژی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: علی درویش زاده پس از اخذ دیپلم طبیعی در زادگاه خود بندر انزلی در سال ۱۳۳۴، وارد دانشگاه تهران شد. و در سال ۱۳۳۷ پس از اخذ لیسانس زمین‌شناسی، تا اخذ مدرک فوق لیسانس در ۱۳۴۰ ه.ش ادامه تحصیل داد. وی سپس به فرانسه رفت و در سال ۱۳۵۰ با مدرک دکتری تخصصی پترولوژی به ایران بازگشت. خاطرات و وقایع تحصیل: اقامت و تحصیل علی درویش زاده در کشور فرانسه بین سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰، و اخذ مدرک دکترای زمین‌شناسی از وقایع مهم زندگی علمی علی درویش زاده به شمار است. فعالیت‌های ضمن تحصیل: علی درویش زاده پس از اخذ لیسانس زمین‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۷، در آزمایشگاه زمین‌شناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران شروع به اشتغال کرد و به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون زمین‌شناسی، پترولوژی پرداخت. وقایع میانسالی: علی درویش زاده پس از فراغت از تحصیل و بازگشت از فرانسه

در سال ۱۳۵۰، به عضویت هیئت علمی گروه زمین شناسی دانشگاه تهران در آمد. وی در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۴ به مقام دانشیاری و استادی دانشگاه تهران رسید و علاوه بر تصدی مسئولیتهای اجرایی و علمی، عضو پیوسته فرهنگستان و استاد نمونه سال ۱۳۷۲ نیز شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عضو هیئت علمی گروه زمین شناسی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۰ دانشیار گروه زمین شناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵ استاد گروه زمین شناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۴ با نظارت بر ۲۵ پایان نامه دکترا و کارشناسی ارشد پذیرش مسئولیتهای علمی و اجرایی در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی فعالیتهای آموزشی: علی درویش زاده از سال ۱۳۵۰ پس از بازگشت از فرانسه، عضو هیئت علمی گروه زمین شناسی دانشگاه تهران شد. وی در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۴ به مقام دانشیاری و استادی رسید. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: علی درویش زاده علاوه بر تدریس و رسیدگی به امور اجرایی مربوط به مسئولیتهای خویش، به تحقیق و تالیف آثار قابل توجهی در رشته زمین شناسی می پردازد. آرا و گرایشهای خاص: علی درویش زاده بیشتر به شناخت انواع جنس سنگها متمایل است و تحقیقاتی و آثاری در این زمینه در حوزه زمین شناسی تالیف نموده است. جوایز و نشانها: علی درویش زاده علاوه بر مقام استاد نمونه دانشگاههای کشور در سال ۱۳۷۲، در سال ۱۳۸۰ در نخستین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در عرصه علم زمین شناسی معرفی و برگزیده شده اند. کتابهای "اصول آتشفشان شناسی" و "پترولوژی تجربی و کاربردهای آن" دکتر درویش زاده در دوره های اول و هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده اند. چگونگی عرضه آثار: علی درویش زاده تاکنون ۱۶ مقاله از ایشان در مجلات داخلی و خارجی چاپ شده و علاوه بر کتاب اصول آتشفشان شناسی که جزء بهترین کتاب های سال تشخیص داده شد ۵ کتاب تألیف و یا ترجمه به تنهایی یا با همکاری دیگران تدوین نموده است.

آثار: ۱ اصول آتشفشان شناسی ویژگی اثر: برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره اول-امروز در حدود ۴۰۰ آتشفشان در سطح زمین به فعالیت مشغولند. شناسائی ترکیب مواد مذاب و طرز تشکیل آنها، نحوه فعالیت آتشفشانها، موادی که از آتشفشان ها خارج میشود و رابط بین آتشفشانها و ساختمان زمین شناسی منطقه، بالاخره نحوه پراکندگی و علل آتشفشانی بحث اصلی این کتاب را شامل می باشد که مؤلف با ذکر دلیل، سعی در بیان چگونگی پدیده ها داشته نه توصیف محض حوادث. در فصول آخر کتاب نیز از خطرات آتشفشانها و پیشگیری از حوادث احتمالی آنها و رده بندی سنگهای آتشفشانی در ایران بحث گردیده است. در جلد دوم این کتاب راجع به مورفولوژی آتشفشانها، «منشاء مواد مذاب آتشفشانها»، «نحوه فعالیت آتشفشانهای مختلف»، خلاصه اجمالی درباره سری سنگهای آتشفشانی و انواع مواد آتشفشانی (گاز، مایع، جامد)، «رابطه آتشفشانی ها با کوهزائی ها» چگونگی و علل آتشفشانی ها در رابطه با پلیت تکنونیک مطالب جدید و ارزنده ای ارائه گردیده است و در همین فصل از نقش آتشفشانها در ساختمان پوسته زمین به نکاتی اشاره می شود که بنظر کافی نمی آید. بالاخره فصل آخر کتاب درباره آتشفشانی در ایران است. مآخذ و منابع کتاب در ۷ صفحه تنظیم شده است. خواننده به آسانی در می یابد که بسیاری از منابع مذکور جدید و بعبارتی در زمان چاپ کتاب از آخرین منابع موجود بوده و در کتاب هم بنحو مطلوبی از آنها استفاده شده است ۲ بلور شناسی هندی ۳ پترولوژی آذرین ۴ پترولوژی تجربی و کاربردهای آن ویژگی اثر: این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «پترولوژی تجربی و کاربردهای آن»: این کتاب در هفت فصل تدوین یافته که سه فصل اول آن به مقدمات پترولوژی تجربی، ساتفاده از قوانین ترمودینامیک و فاز دیاگرامها و سیستمهای شیمیایی مختلف «کانی» اختصاص دارد، در سایر فصلها از کاربردهای پترولوژی تجربی در ساختمان زمین، ژئوماگما، فرایندهای دگرگونی و تشکیل کانسارها بحث شده است. ۵ تالیف کتب درسی برای دبیرستانها و مقالات علمی فراوان و حضور در سمینارهای علمی و تخصصی بین المللی ۶ زمین شناسی ۷

سنگ شناسی دگرگونی ۸ کانی شناسی ۹ کانی ها و سنگ ها ۱۰ ماگما ها و سنگ های ماگمایی ۱۱ مبانی زمین شناسی ۱۲
مبانی شناسی ۱۳ ناآرامی های زمین
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

دریایی، تورج

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر تورج دریایی، دانشیار تاریخ دانشگاه کالیفرنیا در فولرتن و متخصص تاریخ ایران باستان، در سال ۱۳۴۶ در تهران بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال ۱۳۷۶ می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: - ابتدایی و متوسطه در تهران و آتن - کارشناسی رشته تاریخ و علوم سیاسی در دانشگاه لوس آنجلس CSUF در سال ۱۳۷۲ - کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال ۱۳۷۴ - دکترای تاریخ از دانشگاه لوس آنجلس UCLA در سال ۱۳۷۶ همسر و فرزندان: تورج دریایی مجرد است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - دانشیار و رئیس بخش تاریخ باستان، دانشگاه ایالتی کالیفرنیا- آمریکا از سال ۱۳۸۳ تا کنون - استادیار بخش تاریخ جهان و باستان، دانشگاه ایالتی کالیفرنیا- آمریکا از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ - مربی تاریخی ایرانیان- تاریخ خاور نزدیک- تمدن غرب و تاریخ جهان ادیان UCLA آمریکا از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ - پژوهشگر مرکز مطالعات خاور نزدیک گوستاو ون گرونباون از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ - مطالعه گر بخش فارسی ابتدایی و متوسطه در بخش زبان و فرهنگ خاور نزدیک UCLA از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۳ - مطالعه گر تاریخ عثمانی و جامعه شناسی در خاورمیانه UCLA بخش تاریخ و جامعه شناسی از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲ - سردبیر مجله تمدن ساسانی - سردبیر مجله ایرانی فارسی قدیم باستانی عضویت در انجمن ها و موسسات: - موسسه مطالعاتی ایرانیها در آمریکا - انجمن ایرانشناسان اروپایی - انجمن تاریخ دانان آمریکایی - انجمن مطالعات خاورمیانه - انجمن سکه شناسان شرقی - انجمن محققان زرتشت شناسی - انجمن خاورشناسان امریکایی - خاورمیانه قرون وسطایی - انجمن مطالعاتی ایرانیان - انجمن تاریخدانان باستان - هیئت مشاوره: کتابخانه ایرانیکا سری رسوم روشنفکری - هیئت مشاوره: دایره المعارف بزرگ در اسلام

فعالتهای آموزشی: تورج دریایی، استاد دانشگاه فولرتن کالیفرنیا در کرسی تاریخ باستان، علاوه بر تدریس و نویسندگی، سردبیر فصلنامه «نامه ایران باستان» مرکز نشر دانشگاهی نیز هست و به تازگی در دانشگاه یو.سی.آی کالیفرنیا به تدریس در کرسی تاریخ ایران باستان مشغول شده که توسط یک ایرانی پایه گذاری شده است و به نام «هوارد باسکرویل»، معلم تاریخ آمریکایی نامگذاری شده است که در انقلاب مشروطه در تبریز کشته شد. عنوان دروسی که ایشان تدریس می کنند به قرار زیر است: فارسی قدیم (باستانی)، خاور نزدیک در قدیم، زرتشت شناسی، آئین پرستش و تمدن جهان قدیم و قرون وسطایی، تفکر تاریخی، یونان، امپراطوری رومانی، تاریخ قرون وسطایی، تاریخ غذا، سمینار در تاریخ جهان قدیم.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: دکتر تورج دریایی به زبانهای سانسکریت، زبان باستان ایران، اوستایی، فارسی میانه و زبانهای

پارتی مسلط است.

جوایز و نشانها: - جایزه بین المللی FDCCSUF در سالهای ۸۲، ۸۴، ۸۰، ۱۳۷۹ - بورس تحصیلی موسسه مطالعاتی ایران در آمریکا سالهای ۸۴-۱۳۸۳ - جایزه پژوهشی دانشجویی دانشکده در سالهای ۸۳-۱۳۸۲ - بورس تحصیلی مرکز مطالعاتی خاور نزدیک گوستاوون گروبنام سالهای ۷۴-۱۳۷۲ - بورس تحقیقاتی انجمن سکه شناسی آمریکا- نیویورک ۱۳۷۴ - تقدیرنامه جامعه تاریخی فی آلفا تا ۱۳۷۱ - اهدا برنامه های مسافرتی و سرپرستی بین المللی در سالهای ۷۵-۱۳۷۴ - هدیه تحقیقاتی تابستانی، بخش تاریخ ۱۳۷۷ - بورس پیش دفاع پایان نامه UCLA سالهای ۷۷-۱۳۷۶ - بورس دفاع پایان نامه UCLA سالهای ۷۸-۱۳۷۷ - گواهی مطالعات قرون وسطا از مرکز مطالعات قرون وسطا و رنسانس ۱۳۷۸

چگونگی عرضه آثار: تورج دریایی یکی از نویسندگان کتاب «تاریخ جهان» است که به تازگی توسط انتشارات «هارلن دیویدسن» منتشر شده است. خواندن تاریخ جهان حتماً خیلی وقت شما را می گیرد اما این روزها در دنیا تاریخ جهان را با دید دیگری می نویسند که در آن دیگر خبری از حفظ کردن ترتیب حکومت پادشاهان یک سلسله نیست! دکتر تورج دریایی که او را با کتاب «سقوط ساسانیان» می شناسیم، یکی از ۶ نویسنده کتاب «تاریخ جهان» است که جلد نخست آن از دنیای باستان تا قرون وسطی را دربرمی گیرد. او می گوید: «الان در آمریکا مرسوم شده است که تمام دانشجویهای سال اول و دوم یکسری کلاس های عمومی را بردارند که «تاریخ جهان» هم از آن جمله است. ۲۰ یا ۳۰ سال پیش در جهان غرب فقط تاریخ تمدن غرب تدریس می شد، اما امروزه خیلی روی تاریخ جهان تأکید می شود.» جلد اول تاریخ جهان در ۱۷ بخش منتشر شده است. دریایی درباره تقسیم بندی نوشته شدن بخش های این کتاب می گوید: «من به خاطر حوزه تخصصی خود، بیشتر بخش هایی را که به تاریخ رم، یونان، هند و ایران مربوط بوده است نوشته ام. یکی از همکاران بخش مربوط به مصر، بین النهرین و دنیای اسلام را نوشته، یک تاریخدان دیگر بخش مربوط به چین و آسیا را نوشته است و دو نویسنده بخش های مربوط به تمدن آمریکای مرکزی و اروپا را نوشته اند.» دکتر دریایی تا کنون ۶۶ مقاله، ۲۳ مورد بررسی کتاب و ۵۰ سخنرانی به رشته تحریر درآورده اند.

آثار:

۱ تاریخ جهان

ویژگی اثر: تالیف

۲ تاریخ و فرهنگ ساسانی

ویژگی اثر: پدیدآورنده: تورج دریایی، مهرداد قدرت دیزجی (مترجم) ناشر: ققنوس - ۲۱ خرداد، ۱۳۸۴

۳ سقوط ساسانیان، فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان

ویژگی اثر: پدیدآورنده: روزبه زرین کوب، منصوره (نظام مافی) اتحادیه، فرحناز امیرخانی (مترجم)، تورج دریایی (مترجم) ناشر:

تاریخ ایران - ۱۳۸۳

۴ شاهنشاهی ساسانی

ویژگی اثر: پدیدآورنده: تورج دریایی، مرتضی ثاقب فر (مترجم) ناشر: ققنوس - ۱۸ تیر، ۱۳۸۶

۵ شهرستان های ایرانشهر

ویژگی اثر: انتشارات فردا- ۱۳۸۱

۶ طلوع و غروب یک امپراطوری (ساسانی)

ویژگی اثر: لندن ۱۳۸۶

۷ مطالعات ایرانی در مکاتبات حروف W.B, S.H

ویژگی اثر: تهران- ۱۳۸۵

۸ معرفت روح (مقاله ای بر خاطرات احمد تفضیلی دریایی و م. امید سالار)

ویژگی اثر: انتشارات فردا ۱۳۸۳

دزفولی موسوی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۵۶- ۱۱۵۸ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به داعی. از فرزندزادگان خواجه علی سیاهپوش بود. او در محضر سید محمدباقر حجة الاسلام اصفهانی و آقا محمد بیدآبادی تلمذ کرد. از جمله آثار وی: «تاریخ مظهرالدوله»، در رویدادهای خوزستان و بقاع دزفولی و احوالاتی از آن سامان؛ «مجمع الابرار و تذکره الاخیار».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۷۱- ۱۳/ ۷۷۰)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۹۰۴- ۲/ ۹۰۳).

دشتکی شیرازی هروی، جمال‌الدین امیر عطاءالله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۹۲۶- ۹۱۷ ق)، محدث، مورخ و شاعر. ملقب به جمال حسینی و معروف به امیر جمال‌الدین محدث اصیلی به جهت شاگردی امیر اصیل. وی پسر عم امیر غیاث‌الدین منصور و از بزرگان حدیث روزگار خود بود و در دیگر علوم دینی دستی توانا داشت. در مدرسه سلطانیه هرات تدریس می‌کرد، و بر منبر خطبه می‌خواند و آشکارا تبعیت خود را از ائمه اطهار (ع) اعلام می‌داشت. وی چندی در نیشابور زیست. از آثار وی: «احوال اولاد امیرالمومنین (ع)»؛ «الاربعون حدیثا من حدیث سید المرسلین فی مناقب امیرالمومنین (ع)»؛ «تحفه الاحباء»؛ «روضه الاحباب فی سیره النبی و الال و الاصحاب»، که به خواست امیرعلیشیر نگاشت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۴۵/۸)، الذریعه (۲۸۶- ۲۸۵/ ۱۱، ۱۲۴/۶، ۴۰۹/۳، ۴۸۰/۲، ۴۲۱/۱)، روضات الجنات (۱۸۹/۵)، ریاض العلماء (۳۱۶- ۳۱۵/ ۳)، ریحانه (۳۶۹- ۳۶۷/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۰/۱۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۳۸، ۱۰۵۷/ ۲)، فوائد الرضویه (۲۶۳/۱)، الکنی و الالقباب (۱۵۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴/۴)، معجم المؤلفین (۲۸۵/۶)، هدیه الاحباب (۱۲۰).

دشتی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد دشتی

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال اول راهنمایی را در خرداد ماه ۱۳۵۶ در شرایطی در شهر نیشابور به پایان رساندم که از طرف مدرسه راهنمایی ناصری جهت شرکت در اردوی تابستانی رامسر با هزینه دولت دعوت شدم. این دعوت که نوعی پاداش محسوب می‌شد و از هر مدرسه تنها یک نفر به این اردو دعوت میشد برای بنده به عنوان یک نوجوان روستایی بسیار مطلوب و مسرت بخش بود ولی منوط به اجازه پدرم بود لیکن پدرم به رغم اینکه جهت امضای رضایت نامه به شهر آمد به جهت مسائلی که پیش آمد و در واقع از الطاف خفیه الهی بود به من اجازه شرکت در این اردو را نداد گمان میکنم اگر در آن اردو که گفته می‌شد با حضور ولیعهد طاغوت برگزار می‌شود شرکت کرده بودم طلبه نمی‌شدم. به هر حال با آغاز سال تحصیلی ۵۶ - ۵۷ بنده به والدینم عرض کردم دیگر به مدرسه نمی‌روم و اگر بناست درس بخوانم می‌خواهم به حوزه علمیه بروم که این تقاضای بنده با استقبال پدر و مادرم مواجه شد و از مهرماه ۱۳۵۶ در حالی که در شهرهای مثل نیشابور و حتی شهرهای بزرگتر کمترین نفسی علیه حکومت به گوش می‌رسید و جو خفقان و پلیسی بر همه جا حاکم بود، وارد حوزه علمیه کهنسال نیشابور یعنی مدرسه گلشن شدم طولی نکشید که در پی درگذشت مشکوک مرحوم حاج آقا مصطفی و برگزاری مجالس ختم آن مرحوم و در همان حال دست به دست گشتن عکسها و نوارهای سخنرانی حضرت امام ره فضای سیاسی کشور ملتهب و رفته رفته راهپیماییهای خیابانی و سخنرانی های اعتراض آمیز علیه طاغوت آغاز گردید که بنده نیز همچون دیگر طلاب و دانشجویان و دیگر اقشار جامعه در این برنامه شرکت می‌کردم تا اینکه انقلاب اسلامی به صورتی غیر مترقبه و تنها در سایه الطاف الهی و به گونه ای معجزه آسا به پیروزی رسید لحظاتی آنچنان شیرین و معنوی و به یاد ماندنی که قلم و زبان از بیان آن قاصر است. مهرماه ۱۳۵۷ در حالی که انقلاب به اوج خود نزدیک می‌شد وارد حوزه علمیه جدید التاسیس فضل بن شاذان شدم که از نظم و فعالیت علمی بهتری برخوردار بود و تا سال ۱۳۶۰ در این مدرسه به تحصیل مشغول بودم و در همان حال با شروع جنگ تحمیلی آموزشهای نظامی را به طور محدود توسط برادران سپاهی فرا گرفتم. سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه مشهد شدم ولی شلوغی مشهد و عوامل مزاحم تحصیل آزارم می‌داد لذا از سال ۱۳۶۱ با راهنمایی برخی دوستان و اساتید وارد حوزه علمیه مهدیه خوانسار شدم که از نظم و شرایط تحصیلی بسیار مطلوبی برخوردار بود گرچه به دلیل ناهمخوانی دروس ناچار به تکرار برخی دروس شدم که البته خالی از فایده هم نبود در همان سال ۶۱ معمم شدم و برای نخستین بار جهت تبلیغ به جبهه رفتم و از آن پس تا پایان جنگ در ایام تبلیغ و در طی فرصت هایی که پیش می‌آمد جهت ادای وظیفه شرعی خود به جبهه اعزام می‌شدم. در سال ۱۳۶۴ در حالی که بخشی از رسائل و مکاسب را خوانده بودم وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه فیضیه حجره گرفتم و در کنار دروس عمومی حوزه در موسسه در راه حق شرکت کردم و در همان حال در رشته ادبیات و علوم انسانی از آموزش و پرورش دیپلم گرفتم دوره لیسانس الهیات و معارف اسلامی و فوق لیسانس رشته تاریخ را در موسسه در راه حق و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) گذراندم و از سال ۱۳۸۰ پس از طی مراحل کنکور و گزینش در همان موسسه به گذراندن دوره دکتری رشته تاریخ اسلام مشغول شدم که اینک رو به پایان است. در طی این سنوات از سال ۱۳۶۸ به طور مرتب در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و به مدت یک سال در درس خارج فقه مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی ره و یک سال در درس خارج فقه حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت کردم. از سال ۱۳۷۸ به جهت کثرت اشتغالات درسی و پژوهشی

در رشته تاریخ دروس خارج حوزه را ترک کردم. در طی دوران طلبگی چه نیشابور و چه در مشهد و چه در خوانسار کم و بیش در زمینه دروس حوزوی (صرف و نحو و منطق) تدریس داشتم پس از گذراندن دوره کارشناسی ارشد تاریخ در نهادهای مختلف حوزه علمیه قم نیز به کار تدریس و پژوهش و راهنمایی پایان نامه های طلاب و دانش پژوهان اشتغال داشته و دارم.

دقیقی شاهرودی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه علمی

مهدی دقیقی شاهرودی از سن ۱۴ سالگی مطالعات دینی خود را آغاز نمود و در سن ۱۶ سالگی در حالی که در دبیرستان مشغول به تحصیل بود تحصیلات خود را رها نمود و پس از قبولی در آزمون ورودی حوزه علمیه قم به صورت طلبه رسمی وارد حوزه علمیه قم گردید و تحصیلات خود را در محضر مدرسان بزرگ علوم دین آغاز نمود. وی صرف و نحو، معانی و بیان، منطق و معقولات، عقاید و ادیان، ادبیات فارسی، فقه و اصول و علوم حدیث و علوم مختلف دینی را از محضر مدرسان فرهیخته حوزه فرا گرفت. دغدغه همیشگی او عدم استفاده از علوم فراگرفته توسط علما و طلاب و جاری نشدن علوم دینی در سطح جامعه بود، او معتقد است اگر فردی علوم را کسب نماید اما آن را به دیگران نیاموزد و دیگران نیز از علوم او استفاده نکنند آن فرد عالم نیست و با جهال تفاوتی ندارد. و از سوی دیگر عدم حضور دانش آموختگان حوزه در جامعه زمینه ورود دزدان اعتقادات را فراهم می آورد. از این رو در خلال تحصیل از قم به مناطق مختلف از جمله زادگاه خود تهران سفر می نمود و در حلقه های مختلف درس و گفتگوی دینی با جوانان، نوجوانان و دانشجویان به انتقال یافته های خود می پرداخت. او پس از چندسال کسب فیض از علما و فحول حوزه خود به تحقیق و تحصیل پیرامون معارف دین پرداخت و برای موفقیت هرچه بیشتر برای یافتن راه صحیح سلوک دینی تحقیقات خود را آغاز نمود و گوهر گمشده وجود خود را در "حوزه نجف" و سرآمدان آن حوزه کهن یافت و از این رو برای شناخت ریشه های علم "و عالمان آن سامان" به مسافرت های مکرر به آن دیار پاک و تحقیقات گسترده درباره آن حوزه کهن دست یازید. نتیجه تحصیلات و تحقیقات دینی و تلاش های علمی وی در حوزه معارف دین ارتباط تنگاتنگ با مجتهدین و عالمان فرهیخته حوزه و کسب اجازات مختلف از آن بزرگواران بود. او در خلال مطالعات دینی تحصیلات کلاسیک خود را نیز ادامه داد و مدرک دیپلم و پیش دانشگاهی خود را نیز دریافت نمود و در مقاطع ورشته ای مختلف دانشگاه نیز پذیرفته شد اما محصور شدن در نظام آموزشی حوزه و دانشگاه مطلوب او نبود و تحقیقات آزادانه و همراه با حریت در حوزه مسائل دین را برای خود برگزید که حاصل آن چندین سال تدریس، تحقیق و تبلیغ در حیطه مباحث دینی می باشد. وی نشر فضایل و علوم اهل بیت علیهم السلام، پاسخگویی به مسائل شرعی، شرکت در مناظرات دینی، مسافرت های تبلیغی، اداره سایتهای اینترنتی دینی، تدریس در دانشگاه و حوزه، نوشتن و تهیه مقالات مورد نیاز جامعه، رفع اختلافات عموم طبقات جامعه، سخنرانی و برگزاری مراسمات و بزرگداشت های دینی، مقابله جدی با منحرفان و شبهه افکنان دینی و ... وظایفی است که به عنوان یک طلبه برای خود مقرر نموده است.

دکنی، رحیم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۲۶ ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه می‌زیست. از آثار وی: صورت نقاش، رحیم دکنی است، با رقم: «۱۵» ربيع‌الثانی ۱۲۲۶- شبیه خود را از دست خود کشیده غلام رحیم دکنی؛ قلمدان نفیسی که تصاویر افرادی را در سه مدالیون مختلف نقاشی کرده و در بالا- و پایین آنها مناظر دل‌انگیز و مجلس‌آرایی ارائه داده و حواشی قلمدان گل و مرغ ریز دارد، با رقم: «رحیم دکنی ۱۲۲۵».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/۱۸۴).

دلشاد، فیض‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۲- ۱۲۹۲ ش)، سازنده‌ی ساز و نوازنده. در خانواده‌ای هنرمند به دنیا آمد. پدرش نوازنده‌ی ضرب بود و در ساخت و تعمیر لوازم و آلات موسیقی دست داشت. فیض‌الله در سالهای اول تأسیس رادیو با خواننده‌های معروف زمان خود همراهی می‌کرد. او بیشتر فعالیت خود را صرف هنر سازسازی می‌کرد و سازهایی که از وی به جا مانده، از بهترین کارهایی می‌باشد، که نزد بهترین نوازندگان و در بزرگترین موزه‌های دنیا موجود است. [۱]

سازنده‌ی ساز.

تولد: ۱۲۹۲، تهران.

درگذشت: ۱۳۶۲.

فیض‌الله دلشاد ملقب به «استاد»، فرزند ابراهیم دلشاد سازنده‌ی آلات موسیقی، بود. پدرش وی را تشویق کرد که به یادگیری موسیقی اصیل ایرانی بپردازد. فیض‌الله دلشاد، در سال‌های اول تأسیس رادیو که به صورت زنده پخش می‌شد، با خواننده‌های زمان خود همراهی می‌کرد. وی گوشه‌گیر و دور از جنجال و شهرت و از طرفی علاقه‌مند به ساخت و تعمیر سازها بود، بیشتر فعالیت خود را صرف این هنر و صنعت کرد. او در حد توانایی خود، سازهای بسیاری ساخته است و سازهایی که از او به جا مانده است نزد بهترین نوازندگان و در بزرگ‌ترین موزه‌های دنیا موجود است.

مرحوم فیض‌الله دلشاد ملقب به استاد به سال ۱۲۹۲، در خانواده‌ای هنرمند و هنردوست پا به عرصه وجود نهاد. پدرش زنده یاد ابراهیم‌خان در خیابان سیروس جنب حمام کشوری مغازه تعمیر و ساخت لوازم و آلات موسیقی داشت که آن زمان عبارت بود از تار و کمانچه و ضرب چوبی و گلی و دایره زنگی و دایره ففقاوی و لوازم خیمه شب بازی و سیاه بازی.

ابراهیم‌خان خود نوازنده ضرب بود و پدرش مرد خابلد هم سه‌دانگ صدایی خوش داشت و به قدری به موسیقی اصیل و سنتی ایران علاقه‌مند بود که نه تنها پسران خود را به فراگیری علم موسیقی تشویق می‌کرد بلکه مشوق دیگران هم برای یادگیری موسیقی اصیل ایران بود. به همین سبب پسران وی علاوه بر آشنایی کامل با موسیقی سنتی ایران همگی دارای کارگاه تعمیر لوازم و آلات موسیقی و مغازه فروش سازهای مختلف بودند و از راه این صنعت و هنر، روزگار می‌گذرانیدند.

فرزندان ابراهیم‌خان، عبارت بودند از سلیمان‌خان، مهدی، نشاط و دلشاد که در میدان بهارستان مغازه داشتند و خرید و فروش انواع

و اقسام سازهای مختلف ایرانی و خارجی را انجام می‌دادند و در ضمن به تعمیر و مرمت آنها هم می‌پرداختند. مرحوم فیض‌الله دلشاد، در سالهای اول تأسیس رادیو که هنوز به صورت زنده پخش می‌شد و محل آن در (بی‌سیم قصر) بود با خواننده‌های معروف زمان خود همراهی می‌کرد. وی گوشه‌گیر و دور از جنجال و شهرت و از طرفی علاقه‌مند به ساخت و تعمیر سازها بود، بیشتر فعالیت خود را صرف این هنر و صنعت کرد. او در حد توانایی خود، خدمات ذی‌قیمتی به موسیقی و هنر سازسازی کرد و سازهایی که از او به‌جای مانده، از بهترین کار دست می‌باشد و نزد بهترین نوازندگان و در بزرگترین موزه‌های دنیا موجود می‌باشد. وی در سال ۱۳۶۲ دارفانی را وداع گفت در حالی که در هنر موسیقی کشور خود و خدمت به آن کارنامه‌ای گویا و بارز از خود به‌جای گذارد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه [۱]: مردان موسیقی (۳۶۳-۳۶۲/۳).

دوران، بهزاد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهزاد دوران تحصیلات ابتدایی خود را در شهرستان کرج آغاز نمود و با قبولی در رشته پالایشگاه شیمی وارد دانشگاه شیراز شد. ایشان با تغییر رشته خود به جامعه‌شناسی کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته جامعه‌شناسی کسب نمود. وی با تدریس در دانشگاه‌های آزاد و دولتی فعالیت آموزشی خود را آغاز کرد و به عنوان رئیس پژوهشکده علم سنجی و تحلیل اطلاعات و مدیر گروه پژوهشی جامعه‌اطلاعاتی به فعالیت خود ادامه می‌دهد. ایشان مقالات زیادی در سمینارها و مجلات و میزگردها به چاپ رسانیده است و مولف ۲ کتاب درسی می‌باشد. گروه: علوم انسانی‌رشته: جامعه‌شناسی‌تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: بهزاد دوران دوره ابتدایی خود را در مدرسه خندان در کرج به سال ۱۳۵۷ دوره راهنمایی را در مجتمع آموزشی قلم در سال ۱۳۶۰ در کرج کارشناسی مهندسی شیمی (صنایع پایشگاه نفت) در دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۹ کارشناسی ارشد در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۵ مقطع دکترا در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۱ مشاغل و سمتهای مورد تصدی: بهزاد دوران در گروه پژوهشی جامعه‌اطلاعاتی فعالیت می‌کند. - مدیر گروه پژوهشی تحلیل اطلاعات - دبیر شورای پژوهش - عضو شورای نظارت و ارزیابی - عضو شورای برنامه‌ریزی استراتژیک فعالیتهای آموزشی: بهزاد دوران در دانشگاه‌های دولتی و آزاد تهران و شهرستانها به تدریس دروس مختلف فعالیت داشته است. همچنین: - به عنوان مدیر گروه پژوهشی فناوری اطلاعات با رویکرد اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ۱۳۸۲-۸۴ - عضو گروه پژوهشی کالاهای فرهنگی غیر مجاز پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ۱۳۸۳ - عضو گروه پژوهشی رسانه‌های دیداری - شنیداری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ۱۳۸۲ - کارشناسی ارزیابی طرح‌های پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ۸۱-۱۳۷۶ - عضو شورای برنامه‌ریزی گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش)، از خرداد ۸۲ عضو شورای برنامه‌ریزی گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (وزارت آموزش و پرورش). از خرداد ۱۳۸۲. - عضو گروه علوم انسانی پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی (وزارت آموزش و پرورش). از خرداد ۱۳۸۳. - عضو شورای سردبیری کتاب ماه علوم اجتماعی. از دی ماه ۱۳۸۱. - عضو انجمن

انسان‌شناسی ایران. از آبان ماه ۱۳۸۳. - عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران. از آذر ماه ۱۳۸۱. - عضو انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران. از اردی‌بهشت ماه ۱۳۸۰. - دبیر هم‌اندیشی «رسانه‌ها، فناوری اطلاعات و جهانی شدن». موسسه فناوری اطلاعات آموزشی مدارس هوشمند (سازمان ملی جوانان). دی ماه ۱۳۸۲. - مشاور علمی ویژه نامه جامعه اطلاعاتی، نمایه پژوهش، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۷۹. - مشاور کمیته حقوقی صدا و سیما ج.ا.ا. ۱۳۷۸. - کارشناس پژوهش اجتماعی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۳۷۴-۷۵. - مشاور کمیته اجتماعی، معاونت آب وزارت نیرو. ۱۳۷۵. - منشی کمیسیون اطلاع رسانی شورای تحقیقات علمی کشور. ۱۳۷۴. - دبیرنامه (خبرنامه دبیرخانه شورای پژوهش). مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. ۱۳۷۸-۷۹. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: بهزاد دوران به عنوان داور و ناظر پایان نامه های دوره (کارشناسی ارشد و کارشناسی و دکترا) می باشد و با طرحهای تحقیقی و پژوهشی سازمانها و پژوهشگاهها فعالیت دارد. جوایز و نشانها: ۱- لوح تقدیر از رئیس جمهوری آقای محمد خاتمی برای برگزیده رساله دکترا به عنوان پژوهش برگزیده در هشتمین دوره پژوهش فرهنگی سال ۸۲-۱۳۸۱. آذر ۱۳۸۲. ۲- لوح تقدیر از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آقای احمد مسجد جامعی به عنوان پژوهشگر برگزیده. بهمن ۱۳۸۲. ۳- لوح سپاس از رئیس سازمان ملی جوانان آقای رحیم عبادی به عنوان برگزیده نخستین فراخوان آثار پژوهشی. اسفند ۱۳۸۲. چگونگی عرضه آثار: از آثار بهزاد دوران انتشار ۲۴ مقاله در مجلات، ۱۰ مقاله در سمینارهای داخلی و خارجی و همچنین انتشار مقاله در ۲ میزگرد تخصصی می باشد. آثار: پالایش نفت و ویژگی اثر: تهران: انتشارات کاوش قلم، ۱۳۸۰۲ علوم اجتماعی و ویژگی اثر: در مورد جامعه شناسی نظام جهانی، دوره پیش دانشگاهی رشته علوم انسانی، با همکاری احمد رجب زاده، تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۴

دولابی، ابوبشر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۲۰/۳۱۰ - ۲۳۴/۲۲۴ ق)، حافظ، محدث و مورخ. وی از دولاب ری بود و پیشه وراقی داشت. در زادگاهش به علم‌آموزی پرداخت و در شام و عراق و حجاز حدیث شنید و در مصر مسکن گزید. وی از محمد بن بشار و احمد بن ابی‌سریج رازی و احمد بن عبدالجبار عطاردی و ابواسحاق جوزجانی و بسیاری دیگر حدیث شنید. ابوحاتم رازی و ابواحمد بن عدی و ابوالقاسم طبرانی و ابوالحسن بن حیویه و ابوحاتم ابن حبان بستی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. دولابی در راه زیارت خانه خدا، بین مکه و مدینه، در عرج، در گذشت. وی تصانیف سودمندی در تاریخ و موالید و وفیات علما از خود به جای گذاشت که از آن جمله کتاب «الکنی و الاسماء» است که در حیدرآباد هند به چاپ رسیده است. از دیگر آثار او: «الذریه الطاهره»؛ «اخبار الخلفاء». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۸/۶)، ری باستان (۳۴۷/۲)، ریحانه (۲۳۹/۲)، سیر النبلاء (۳۰۹/۱۴)، کشف الظنون (۱۴۱۹، ۸۲۷)، الکنی و اللقب (۲۳۶/۲)، لسان المیزان (۶۵۲ - ۶۵۱ / ۵)، لغت نامه (ذیل / ابوبشر دولابی)، معجم المؤلفین (۲۵۵/۸)، الوافی بالوفیات (۳۶/۲)، وفیات الاعیان (۳۵۳ - ۳۵۲ / ۴)، هدیه العارفین (۳۱/۲).

دولت‌آبادی، میرزا یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۸-۱۲۴۱ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده، مورخ، شاعر. در دولت آباد اصفهان متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. در پنج سالگی به تحصیل خط و سواد مشغول شد از سال ۱۲۵۱ ش که یازده ساله بود به اتفاق خانواده‌اش چندین سفر به عراق عرب، خراسان و تهران کرد و در سال ۱۲۶۰ ش به اصفهان بازگشت و در همین شهر با میرزا آقای کرمانی و شیخ احمد روحی ملاقات کرد. مجدداً به عراق رفت و در حوزه درس میرزای شیرازی و محمدتقی شیرازی شرکت کرد و بعد از بازگشت به ایران در اصفهان و تهران نیز در محضر میرزا ابوالحسن زواری اردستانی، معروف به میرزای جلوه به تحصیل پرداخت. در سال ۱۲۷۶ ش به استانبول رفت و در آنجا با میرزا حسن خان دانش اصفهانی و حاجی زین العابدین مراغه‌ای آشنا شد و در همین شهر به همکاری دهخدا روزنامه فارسی «سروش» را دایر کرد. دولت آبادی در سال ۱۲۸۷ ش به تهران آمد و در چند دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد، وی مسافرت‌هایی نیز به کشورهای اروپایی داشت. در تهران به سکنه‌ی قلبی در گذشت. دولت آبادی از پیشروان معارف جدید ایران است که هم شعر می‌گفت و هم رمان و داستان می‌نوشت. از آثار وی: داستان «شهرناز»، «شجره طیبه»، «دوره زندگانی یا غضب حق اطفال»، «تاریخ معاصر یا حیات یحیی»، «حقیقت راجع به قرارداد مجلس»، «نهال ادب»، «ارمغان یحیی»، «شرح حال میرزا تقی خان امیرکبیر». [۱]

سال تولد: ۱۲۴۱

فوت: ۱۳۱۸

آثار: کتاب شجره طیبه؛ کتاب علی؛ دوره زندگانی یا غضب حق اطفال؛ ارمغان یحیی؛ نهال ادب ایران (شعر)؛ راهنمای انتخاب حقایق؛ تذکر حقیقت؛ داستان شهر ناز؛ سرگذشت درویش چنجه؛ لبخند فردوسی؛ کنگره نژادی؛ کتاب اردیبهشت - دو جلد (شعر)؛ شرح احوال قائم مقام فراهانی؛ اصفهان و بیگانگان؛ مکتوب به آکادمی تربیت (ترجمه)؛ اراده (ترجمه)؛ آئین در ایران؛ زندگانی علی بن ابی طالب؛ حیات یحیی، ۴ جلد؛ لاوهر پرس (کنفرانس)؛ حقایق؛ حقیقت راجع به قرارداد مجلس
 مناصب: کارمند دولت - نماینده مجلس شورای ملی - رئیس نشریات وزارت معارف - سرپرست محصلین ایرانی در بلژیک - نماینده ایران در کنگره بین‌المللی نژادی در لندن

میرزا یحیی بن حاج سید هادی دولت آبادی در سال ۱۲۴۱ هجری شمسی در قریه دولت آباد متولد شده و بعد از تحصیلات مقدماتی به عراق، مصر و حجاز رفته و در انقلاب مشروطه از پیش قدمان تغییر رژیم بود. در ظهور استبداد صغیر به استانبول تبعید شد بعداً به تهران آمد و در دوره دوم مجلس شورای ملی به وکالت نامزد شد. وی نماینده ایران در کنگره بین‌المللی نژادی در لندن بود و در مدت توقف سه ساله در اروپا به تحصیل زبان فرانسه پرداخت و در مراجعت به ایران به عضویت وزارت معارف منصوب گردید. وی در تأسیس مدارس جدید خدماتی کرده و از پیشروان معارف جدید شمرده می‌شود، ایشان در سال ۱۳۱۸ در تهران وفات یافت.

یحیی (حاج میرزا)، از رجال دوره اخیر (ف. ۱۳۱۸ ه. ش.). وی از پیشقدمان آزادی و مروج فرهنگ جدید بود و چند دوره در مجلس شورای ملی سمت نمایندگی داشت. از آثار اوست: کتاب «علی» برای کودکان، «حیات یحیی» در تاریخ معاصر. برگرفته از کتاب: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

منابع زندگینامه: [۱] از صبا تا نیما (۲۷۴-۲۷۱/۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۲-۲۳۲/۳)، سرآمدان فرهنگ (۲۹۴-۲۹۳/۱)، سخنوران نامی ایران (۵۳۲-۵۲۴/۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۶۶-۳۹۶۲/۶)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۰۶، ۹۵۴، ۹۰۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۰-۸۲۸/۶).

دهگان، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۳۰۷ ق.، روستای مرزجران اراک.

درگذشت: ۲۵ مرداد ۱۳۶۳.

ابراهیم دهگان، فرزند غلامعلی، در سال‌های کودکی نوشتن و خواندن را در مکتب‌خانه روستا فراگرفت و تا اوایل جوانی به کشت و کار مشغول بود، تا حدود جنگ بین‌الملل اول در آن روستا زندگی کرد تا این که در آغاز جنگ به سربازی رفت. سپس به مدرسه آقا ضیاءالدین اراک رفت و در سلک طلاب وارد گردید و تا سال ۱۳۴۷ ق. به تحصیلات خود ادامه داد و بعد از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۷ به کار تعلیم اشتغال داشت. در ضمن به کار تحقیق نیز پرداخت و مطالبی تدوین نمود که پاره‌ای از آنها چاپ شده است. در سال ۱۳۰۷ به خدمت فرهنگ در آمد و به کار آموزش روی آورد. رشته‌ی تحصیلی وی، علوم قدیمه بود که آن را در محضر استادانی چون آیت‌الله ضیاءالدین اراکی و آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی فرا گرفته بود. اما احاطه‌ی او در رشته‌هایی چون تاریخ، جغرافیا، ادبیات فارسی و عربی، لغت‌شناسی و دیگر رشته‌های علوم انسانی، صرفاً به واسطه‌ی مطالعه‌ی شخصی خودش بود و نزد استادی تعلیم ندیده بود. وی کمابیش در این رشته‌ها صاحب بیست جلد تألیف بود. زمینه‌ی کار وی بیشتر تاریخ و جغرافیا بود و بیشتر آثاری که از او به یادگار مانده است در همین زمینه است. وی همچنین به گردآوری کتب خطی اهتمام می‌ورزید. وقتی درگذشت، فرزندانش کتاب‌های وی را که حدود ۲۵۰۰ جلد کتاب چاپی و کمابیش ۲۵۰ جلد نسخه دستنویس خطی نفیس بود. به کتابخانه‌ی ملی اراک اهدا کردند. عمده‌ترین تألیفات وی به این شرح است: تاریخ اراک (دو جلد، اراک جلد اول، ۱۳۲۹، جلد دوم، ۱۳۳۰)؛ تصحیح و تحشیه عباسنامه (تألیف محمدطاهر قزوینی، اراک، ۱۳۲۹)؛ نور مبین (در تاریخ مهاجرت مؤلف، از حجت‌الاسلام نوالدین عراقی، ترجمه از عربی به فارسی یا الحاقات، اراک ۱۳۳۲)؛ تصحیح و تحشیه تاریخ صفویان (اقتباس از خلاصه‌التواریخ و تاریخ ملا-کمال، اراک، ۱۳۳۲)؛ تصحیح و تحشیه تاریخ الدخانیه (یا قرارداد رژی، از شیخ حسن کربلایی، ۱۳۳۳)؛ ملخص تاریخ نو (از سلطان یعقوب‌خان انجدانی معاصر عباس میرزا، اراک، ۱۳۳۲)؛ جمع‌آوری رباعیات بابا طاهر عریان؛ تاریخ ارمنستان (از موسی خورون؛ ترجمه آواساپیان، نگارش ابراهیم دهگان، اراک، ۱۳۳۱)؛ گزارش‌نامه یا فقه‌اللغه‌ اسامی امکنه (در مطلع کتاب گرجنامه یا تاریخ آستانه (اراک، ۱۳۴۲)؛ سازمان فرهنگ اراک و شرح حال ده تن از مردان نامی اراک (اراک، ۱۳۳۹)؛ کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک (تاریخ انجدان، سادات اسماعیلیه و فهرست‌وار وقایع شهرستان اراک از ۱۲۷۱ تا به عصر حاضر، اراک، ۱۳۴۵).

برخی از مطالب به چاپ نرسیده وی به این شرح هستند: اشعار محلی اراک؛ گندآوران اراک؛ چشمه‌های اراک (بخشی از آن در مجله «روشندل» به مدیریت دکتر محمد خزائی به چاپ رسیده است)، کیسه‌ی کرفه (شامل هزار مطلب علمی، ادبی، لغوی، اجتماعی، تاریخی و جغرافیایی).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفیاض قطب الدین احمد بن عبدالرحیم معروف به «شاه ولی الله دهلوی» و «محدث دهلوی» (۱۱۱۴ - ۱۱۷۶ ق / ۱۷۵۳ - ۱۷۶۲ م) دانشمند مسلمان (قرآن شناس، حدیث پژوه، فقه پژوه و متکلم) و اسلام شناس و احیاگر / اصلاحگری عرفانی مشرب بزرگ اندیشه دینی / اخلاقی و اجتماعی / سیاسی در قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی در شبه قاره ی هند، (متولد و متوفی و مدفون در دهلی).

وی دارای آثار عدیده، در حدود یکصد اثر به دو زبان فارسی و عربی است که از آن میان در حدود سی و پنج اثر چاپ و به انگلیسی و زبانهای دیگر ترجمه شده است. اولین معلم او پدرش شاه [کلمه ی شاه، لقب طریقتی / عرفانی است] عبدالرحیم عمری (م ۱۱۳۱ / ۱۷۱۹ م)، موسس و مدیر مدرسه ی علمیه ی رحیمیه در دهلی بود. معروف است که در هفت سالگی قرآن کریم را حفظ کرد. در پانزده سالگی به توصیه ی پدر به طریقت صوفیانه ی نقشبندیه وارد شد. سپس استاد و مدیر مدرسه ی پدر گردید.

در سال ۱۱۴۳ به حج رفت و این فریضه ی دینی واجب را به جای آورد؛ و چهارده ماه در حرمین شریفین، به ویژه مدینه رحل اقامت افکند و نزد علمای بزرگ آنجا به تجدید و توسعه ی آموخته های خود، به ویژه در زمینه ی حدیث پرداخت. در سال ۱۱۴۵ ق / ۱۷۳۲ م به هند بازگشت و از آن پس عمر خود را یکسره وقف تعلیم و تالیف و ارشاد یاران طریقت خود کرد. یک دهه ی بعد، اثر گران سنگ علمی - اجتماعی خود حجت الله البالغه را به عربی نوشت (چاپ قاهره، ۲ جلد، ۱۹۵۲ - ۱۹۵۳). در این کتاب صلاهی احیاگری و بازگشت به خلوص اولیه ی فرهنگ و علوم اسلامی، با تاکید بر قرآن و حدیث، و نیز چاره اندیشی های اجتماعی برای حل معضلات مسلمانان در داده است. نگرش و اندیشه ی صوفیانه ی او ته رنگی در آثارش دارد و هدفش به بار آوردن تهذیب نفس و وسعت مشرب است، و در هر حال برجسته و موکد نیست.

تجددگرایان مسلمان نظیر علامه محمد اقبال لاهوری (م ۹۳۸) و فضل الرحمن (م ۱۹۸۸) در او شخصیت وحدت بخش تفرقه ها و تحزب ها و فرقه گرایی های فقهی / حقوقی و ایدئولوژیک می دیدند که دعوتگر به اجتهادی نوین است و روی آوردن به باطن کتاب و سنت.

او دارای زندگینامه ی خودنوشت کوتاهی به نام الجزء اللطیف فی ترجمه ی العبد الضعیف (به فارسی) است و در کتاب انفاس العارفين هم اشارات زندگینامه ای دارد. نهضت فرهنگی و اجتماعی - سیاسی ای که او، فرزندان (به ویژه عبدالعزیز از میان پنج پسرش) و شاگردانش به بار آوردند، به تعبیر عبیدالله سندی (م ۱۹۴۴) «نهضت ولی الله» نام گرفت. پس از تاسیس پاکستان و استقلال آن، شاه ولی الله به صورت قهرمان ملی و متفکر سیاسی - اجتماعی تلقی شد؛ و به او همان شأنی را دادند که به عارف مسلمان هندی و مصلح دینی - اجتماعی قرن هفدهم میلادی یعنی شیخ احمد سرهندی داده بودند. امروزه، چنان که اشاره شد، نهضتهای بزرگ دینی اسلامی در گستره ی جنوب آسیا، به ویژه گروهی به نام دیوبندی **Deobandis** - که تکثرگرایی و روحیه و پیش زمینه ی عرفانی دارند - خود را ملهم از آراء و آثار شاه ولی الله و فرزندش شاه عبدالعزیز می دانند. جنبش هایی که کما بیش صوفی / تصوف ستیزند، نظیر اهل حدیث، حتی پیروان مولانا مودودی، در زندگی و آثار شاه ولی الله، بازگشت به مبانی اصلی شریعت، طرد سیاسی تاثیرات و نفوذ فرهنگی / استعماری بیگانه، و در یک کلام، سرچشمه ی اعتقادات اصلاح طلبانه ی خود را می یابند. در زمان حیات شاه ولی الله، مخالفتهای فرقه های نژادی غیرمسلمان هندی نظیر «جات» و «مراسته»، و قهرآ پس از وفاتش اشغال و استعمار انگلستان در کار بود. نواده ی او شاه اسماعیل شهید با وجود تلاش برای برانداختن رسوم خرافه آمیز

محلی بعضی از توده های مسلمانان، و نیز اعتقاد به لزوم جهاد با نیروهای غیرمسلمان و اشغالگر هند، در عین حال - مانند جدش شاه ولی الله - دارای آثار عرفانی بر وفق مکتب بن عربی است. دسته ی دیگری از پیروان او که برجسته ترین آنها شاگرد و خویشاوند نزدیک او محمد عاشق (م ۱۷۷۳) بود، در عمل، پیگیر گرایشهای عرفانی شاه ولی الله شدند. شاه ولی الله مردی کوشا و کثیرالتالیف بود. آثار او را تا یکصد کتاب و رساله هم برشمرده اند که در حدود سی اثر از آنها به چاپ رسیده (و بقیه یا به صورت نسخه ی خطی است یا از بین رفته است). آثار او به دو زبان عربی - زبان رسمی و علمی سراسر جهان اسلام از آغاز تا امروز - و فارسی - زبان رسمی و ادبی هشتصد ساله ی هندوستان از عهد غزنویان تا استعمار بریتانیا - نوشته شده است.

بعضی از آثار فارسی او (که در آن زمان، زبان ادبی و رسمی / اداری هند بود) عبارتند از:

۱ - الطاف القدس فی معرفه لطائف النفس (چاپ هند، ۱۹۶۴ م)

۲ - الانتباه فی سلاسل اولیاء الله

۳ - اتحاف النبیه فی ما یحتاج الیه المحدث و الفقیه (لاهور، ۱۹۶۹ م).

و مهمتر از نظر بحث و تحقیق، آثار قرآن پژوهی اوست که برجسته ترین آنها عبارتند از:

۴ - فتح الرحمن فی ترجمه ی القرآن که پایان ترجمه و پاکنویس آن به تصریح خود شاه ولی الله در ۱۱۵۱ ق / ۱۷۳۸ م بوده و در کراچی و بعضی شهرهای هند کراراً چاپ شده و بحث درباره ی آن موضوع اصلی این مقاله است.

۵ - الفوز الکبیر فی اصول التفسیر که رساله ای کم حجم و پر مغز درباره ی اصول و مبانی تفسیر قرآن است که هم به مسائل زبانی / ادبی و بلاغی و هم عناصر و ارکان و اصول تفسیر نگاری در پنج مبحث و بخش اصلی پرداخته است. (کراچی، ۱۹۶۴ م) ترجمه ی عربی این کتاب در جهان اسلام (عرب زبان) اشتهار و به حق اعتبار دارد و تحت عنوان ترجمه ی الفوز الکبیر ... بارها در کراچی و کشورهای عربی به طبع رسیده است. ترجمه ی انگلیسی اش به کوشش گک. ه. جالبینی (G.H. Jalbani) با عنوان **The Principle of Quran Commentary** انتشار یافته است (اسلام آباد، ۱۹۸۵ م)

۶ - المقدمه فی قوانین الترجمة رساله ای کوتاه و چاپ نشده در باب اصول و روشهای درست ترجمه ی قرآن است.

۷ - نامه های فارسی او در چندین کتابخانه از کتابخانه های هند نگهداری می شود که گزینه هایی از آنها به اردو ترجمه و چاپ شده است. برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

دیلمی همدانی، ابوشجاع شیرویه

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۰۹ - ۴۴۵ ق)، حافظ، محدث و مورخ. از محمد بن عثمان قومسانی و یوسف بن محمد مستملی، سفیان بن حسن بن منجویه. و ابوالفرج بجلي و احمد دینوری و بسیاری دیگر حدیث شنید. فرزندش شهردار و محمد بن فضل عطار و ابوطاهر سلفی و ابوموسی مدینی و عده‌ای دیگر از او روایت کردند. وی را از طبقه متوسط محدثان شمرده‌اند. از آثار وی: «تاریخ همدان»؛ «فردوس الاخبار»، حاوی ده هزار حدیث، که سیوطی «جامع صغیر» خود را به این روش تالیف داده؛ «ریاض الانس لعقلاء الانس فی معرفه احوال النبی (ص) و تاریخ الخلفاء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶۸/۳)، ایضاح المکنون (۵۹۹/۱)، بحارالانوار (۲۵/۱)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۶۴-۱۶۳/۱)، الذریعه (۱۶۴/۱۶)، ریحانه (۲۵۰/۲)، سیر النبلاء (۲۹۵-۲۹۴/۱۹)، کشف الظنون (۱۲۵۴)، الکنی و الالقاب (۲۳۹-۲۳۸/۲)، لغت نامه (ذیل / شیرویه)، معجم المؤلفین (۳۱۳/۴)، الوافی بالوفیات (۲۱۸-۲۱۷/۱۶)، هدیه الاحباب (۱۳۷).

دیوان بیگی شیرازی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۱- وف بعد از ۱۳۱۳ ق)، تذکره‌نویس، مورخ. از اهالی محله‌ی میدان شاه شیراز بود و معاصر ناصرالدین شاه و دارای منصب ایشک آقاسی باشی بود. وی سفرهای مختلف به اقطار ایران داشت و در طی همین مسافرتها با بسیاری از شاعران دیدار کرد و شرح حال آنها را فراهم نمود و در نگارش تذکره بزرگ و نسبتاً جامع خود «حدیقه الشعراء» بهره جست. در این تذکره بیش از ۱۵۰۰ تن از شاعران ایران در فاصله‌ی سالهای ۱۲۰۰ ق تا ۱۳۱۰ ق معرفی شده‌اند. آثا دیگر وی: «تاریخ یزد» یا «اخبار الیزد»؛ «کتابی در مصائب اهل بیت نبوت (ع)» و ذیلی بر کتاب «ریاض الجنه». وی در شیراز درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (۷۴-۷۳/۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۵۷-۴۳۹/۱)، حدیقه الشعراء (مقدمه کتاب)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۳-۲۱۲/۱)، الذریعه (۳۸۵/۶)، شرح حال رجال (۲۸-۲۷/۶)، مکارم الاثار (۱۱۴۰-۱۱۳۹/۴).

ذاکری، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر ذاکر خمی

محل تولد: بردسکن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب علی اکبر ذاکری در سال ۱۳۳۸ در خانواده‌ی روحانی در روستای خمی (خمین) در یازده کیلو متری شهرستان بردسکن (و کاشمر) متولد شدم. جدم حاج محمد علی معروف به حاج شیخ از روحانیون مشهور و خوشنام منطقه بود. پدرم نیز روحانی است. تحصیلات را تا ششم ابتدایی در روستا گذراندم و پس از آن در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم. در مدرسه دانش یا عتیق حجره گرفتم. مدیریت این مدرسه به عهده آیت الله محمد صادق سعیدی بود. در آن زمان حوزه علمیه کاشمر از رونق خوبی برخوردار بود. ادبیات و بخشی از اصول و منطق را در کاشمر گذراندم. اساتیدم عبارت بودند از: حجج اسلام: ۱.

حاج شیخ مودنی؛ بخشی از جامع المقدمات ۲. مرحوم علومی؛ نصاب، بخشی از جامع المقدمات، شرح نظام و عروه الوثقی ۳. حاج شیخ علی اصغر بلاغی؛ صمدیه و سیوطی ۴. حاج شیخ فضل الله شریعتی محولاتی؛ مغنی باب اول و رابع و مختصر المعانی ۵. محمد کاظم سعیدی (برادر بزرگتر ایت الله سعیدی) منطق کبری و اندکی از حاشیه ۶. آقای فرقانی؛ معلم ۷. حاج شیخ جواد مدرسی؛ تحریر المعالم که اخیراً چاپ شده بود، بخش بدیع مختصر. طلاب موظف بودند افزون بر درس های معمول، مسائل رساله عملیه را حفظ کنند و از روی گلستان سعدی و کتاب کلیله و دمنه مشق نوشته و لغات آن را یاد بگیرند تا هم با ادبیات آشنا شوند و هم تمرین خط داشته باشند.

آیت الله مشکینی پس از تبعید به کاشمر، در مدرسه حاج شیخ درس تفسیر و نهج البلاغه برگزار می کردند که در آن درسها شرکت می کردم و آشنائیم با نهج البلاغه از اینجا آغاز شد. پس از بازگشت آیت الله مشکینی به قم زمینه ای فراهم شد که گروهی از طلاب کاشمر به قم بیایند و من در سال ۱۳۵۵ به قم آمدم و در منزلی که ایشان در اختیار طلاب گذاشتند ساکن شدم. سپس در امتحان ورودی مدرسه امام صادق (ع) شرکت کردم و تا پیروزی انقلاب اسلامی در آنجا بودم. در مدرسه حجتیه حجره گرفتم. در قم در درس اخلاق و تفسیر آیت الله مشکینی شرکت می کردم که بیشترین تاثیر را در شخصیت من و دیگر طلاب کاشمر داشت. دفتر تبلیغات هم کلاسهای تشکیل میداد که در آنها اساتیدی مانند: آیت الله شهید بهشتی، شهید باهنر و رهبر معظم انقلاب اسلامی تدریس میکردند. در سال ۱۳۶۰ در بخش فرهنگی مدرسه عالی تربیتی و قضایی قم شرکت کردم و مدرک لیسانس دریافت نمودم. دوره عالی زبان انگلیسی دفتر تبلیغات را نیز به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۲ سطح را امتحان دادم. در سال ۱۳۶۸ با بخش احیاء آثار دفتر تبلیغات اسلامی همکاری کرده و در استخراج رجال کتاب مختلف الشیعه به تحقیق پرداختم. در سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ با همکاری دوستان به استخراج آیات اخلاقی قرآن پرداختم که محصول آن در مجله حوزه منتشر شد. از سال ۱۳۶۸ عضو مجله حوزه شدم که تا کنون ۳۵ مقاله در این مجله و ۸ مقاله در مجله فقه و همین مقدار در دیگر مجلات و به مناسبت نشست ها و کنگره ها نگاشتم که برخی از آنها لوح افتخار جشنواره مطبوعات را به همراه داشت. افزون بر استفاده از اساتید در فقه، اصول و فلسفه در دانشکده شهید محلاتی چند ترم نهج البلاغه تدریس کردم و در مرکز تربیت نویسندگان و محققان دفتر تبلیغات اسلامی به تدریس تاریخ اسلام پرداختم. با برخی ارگان ها برای داوری کتاب و مقالات پژوهشی مانند دین پژوهان و کتاب سال جمهوری اسلامی و برخی کنگره ها همکاری دارم. جهت تبلیغ به مناطق مختلف سفر کردم و به همین منظور به جبهه های جنوب، غرب و کردستان رفتم.

اساتید قم: تفسیر: آیات: مشکینی، خزعلی، معرفت، اشراقی سطح: آیات و حجج اسلام: باکوئی، وجدانی، علی اصغر باغانی، مدرس افغانی، مصطفی نورانی، صلواتی، دوزدوزانی، شیخ علی پناه اشتهاردی، ستوده. خارج: آیات عظام: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، منتظری، تبریزی، صانعی، وحید خراسانی و هاشمی شاهرودی. فلسفه: آیات و حجج اسلام: انصاری شیرازی، فیاض، محمد علی گرامی.

ذبیح زاده روشن، علی نقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی نقی ذبیح زاده روشن

محل تولد : بابل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در رژیم طاغوت قبل از نظام جدید راهنمایی پس از سیکل، سال اول تجربی را گذراندم و تحت تاثیر جلسات مذهبی در سال تحصیلی ۵۵ - ۵۴ دو سال قبل از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم گردیدم و با جمعی از دوستان در مدرسه ای واقع در گذر خان تحت نظر مرحوم آیت الله مرتضی حائری دروس مقدمات را گذرانیدم و در سال دوم یعنی سال تحصیلی ۵۶ - ۵۵ وارد مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی بنام الوندیه واقع در چهار مردان درس سیوطی و سایر دروس جنبی را خواندیم. و ضمناً از درس جامعه شناسی و روانشناسی تربیتی آقای دکتر علی قائمی که در بعضی از مراکز وابسته به حوزه برگزار می شد شرکت می کردم. در سال سوم تحصیلی ۵۷ - ۵۶ وارد مدرسه دیگر آیت الله العظمی گلپایگانی واقع در صفائیه گشته و درس مغنی و سایر دروس جنبی را در آن مدرسه از محضر استاد طالقانی و سایر اساتید معظم تلمذ می نمودم که ناگهان به همراه سایرین با حادثه ارتحال مرحوم حاج آقا مصطفی فرزند برومند امام خمینی (رض) مواجه گردیدیم. این واقعه که به تعبیر امام خمینی (رض) از الطاف خفیه حضرت حق بود موجب اوج گیری مبارزات مردم رشید ایران به رهبری امام گردید و بصورت زنجیره ای حوادث جریانات و خاطرات مردم مختلف ایران را بدنبال داشت و از آن تاریخ دروس حوزوی و درس های

مدارس بخاطر شرکت طلاب در روند مبارزات به کنندی پیش می رفت. در سال چهارم تحصیلی یعنی ۵۸ - ۵۷ درس ها به صورت رسمی برگزار نمی شد و افراد متعهد حوزه و از جمله امثال حقیر بخاطر تکالیف و وظایف مبارزاتی به انجام وظیفه مشغول بوده و در همان ایام مختصراً قسمتهائی از معالم، اصول فقه، مختصر المعانی را به صورت آزاد نزد اساتید به صورت خصوصی درس می گرفتیم و شور انقلاب همه مناطق ایران را فرا گرفته بود. در همان سال مردم ایران شاهد قیامهای ۱۷ شهریور تهران، و جابجائی مهره های رژیم فاسد پهلوی نخست وزیران جمشید آموزگار، شریف امامی، ازهارى و بختیار و در ادامه انتقال امام خمینی (رض) از عراق به پاریس و سرانجام خروج مفتضحانه شاه و ورود شکوهمندانه امام خمینی (رض) به ایران و آغاز دهه مبارکه فجر تا پیروزی انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ و انتخاب و برقراری جمهوری اسلامی بودند. در سال تحصیلی ۵۹ - ۵۸ پس از تاهل به تحصیل لمعه و اصول فقه به صورت آزاد از محضر اساتید بزرگوارى چون آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی و دیگران اشتغال داشتم و در همان ایام از دروس ضروری و جنبی مربوط به شرائط اول پیروزی انقلاب که توسط دفتر تبلیغات بوسیله آیات عظام آقایان مکارم شیرازی، سبحانی، مرحوم شهید باهنر، تمرین خطابه از مرحوم آقای فلسفی و تفسیر آیت الله خزعلی و طاهری خرم آبادی و درس شناخت شناسی آیت الله مصباح یزدی در مهدیه واقع در خیابان چهار مردان و اساتید دیگری ارائه می شد، استفاده می کردیم که بسیاری از آن جزوات هنوز نزد اینجانب موجود است. در ادامه همین سال های نخست پس از پیروزی انقلاب ضمن آنکه تحت فرمان امام خمینی (رض) طبق وظیفه در اوضاع سیاسی و اجتماعی شرکت داشته و دروس متعدد اصلی و جنبی را می خواندیم و در راستای نیازهای جامعه آن روز در مقابله با تفکر مارکسیستی، ماتریالیستی و لیبرالیستی فعالیت می نمودیم. ما در سال تحصیلی ۶۰ - ۵۹ پس از آغاز جنگ تحمیلی از طرفی وظیفه داشتیم تا در مقابل شبهات الحادى کمونیستی، امثال لیبرالی و ضد انقلابی منافقین و دیگران خود را مسلح علمی نمائیم و از طرفی به دروس حوزوی که نظام مند می گردید برسیم و از جهتی دیگر راهی جبهه های حق علیه باطل باشیم. پس از اتمام شرح لمعه در همان سال و یا سال های تحصیلی بعد دروس مکاسب محرمه و رسائل را از محضر اساتیدی چون آیت الله بنی فضل و آیت الله اعتمادی استفاده کرده در سال تحصیلی ۶۲ - ۶۱ بخاطر نیاز جوامع

علمی وارد موسسه در راه حق قم گردیدم و درس های مختلف معارف قرآن و فلسفه اسلامی و دروس بدایه و نهایه و زبان انگلیسی ریاضی و مکالمه عربی و دروس مبانی رشته های مختلف علوم انسانی از قبیل جامعه شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، روانشناسی و ... را نزد اساتید بزرگوار چون آیت الله مصباح یزدی استاد فیاضی، دکتر صدیق، استاد مصباحی، دکتر قائمی و دیگران گذراندیم. پس از آن دوره چهار ساله، طبق برنامه آن موسسه با تعیین گرایش در دوره چهار ساله دوم در بنیاد باقر العلوم (ع) موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در زمینه اختصاصی تاریخ، دروس تاریخ محض و اسلامی را به صورت پیوسته کارشناسی و کارشناسی ارشد گذراندیم و در سال ۷۴ پس از اتمام این دوره، رساله پایان نامه تحت عنوان (ریشه های روابط علمای تشیع با صفویان) تحت نظر استاد راهنما جناب آقای دکتر رضا شعبانی و استاد ناظر آقای دکتر صادق آیینه وند دفاع نمودم و پس از گذراندن دوران طولانی که البته حدود دو سال بخاطر تحولاتی در موسسه رشته ما به انعطال انجامید توانستیم در این سال مدرک کارشناسی ارشد تاریخ را دریافت نمائیم. در همین دوره طولانی طبق ضرورت برنامه موسسه و بعدا دوره اختصاص آن در بنیاد باقر العلوم موسسه فعلی امام خمینی (رض)، در دروس حوزوی شرکت می نمودیم و دروس مکاسب بیع و خیارات و کفایه الاصول را نزد استاد بزرگوار مرحوم آیت الله ستوده گذرانده و ضمنا در امتحانات حوزه نیز شرکت می نمودیم. از آن پس در دروس خارج اساتید بزرگوار آیات عظام تبریزی، سبحانی، فاضل لنکرانی، جوادی آملی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی جمعا چیزی حدود ۱۲ سال شرکت داشتم و درس ها را یادداشت می نمودیم. در مدارج علمی حوزه ثبت نام نمودم که طبق برگه ای که در دست دارم برای سطح ۴ موضوع خراج در اسلام را تعیین کردند که هنوز وقت نکرده ام تدوین نمایم شاید کتاب ۴ جلدی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت بجای آن پذیرفته شود. از سال تحصیلی ۷۴ - ۷۳ در دانشگاه آزاد قم، مدرسه غیر ایرانی مرکز جهانی و امام خمینی (رض)، مدرسه شهیدین، جامعه الزهراء موسسه امام خمینی (رض) و دانشگاه باقر العلوم و بعضی از دانشگاه خارج قم دروس مختلف تاریخ اسلام ۱، ۲، ۳، ۴ تاریخ اروپایی ۱، ۲، ۳، ۴ و تاریخ معاصر ایران، تاریخ تشیع، تاریخ تحول دولت و خلافت، دیپلماسی در اسلام، دروس معارف، (معارف، ریشه های انقلاب، اخلاق، متون، تاریخ اسلام)، تاریخ عصر غیبت، تاریخ تشیع از عصر صفویه تا هم اکنون، جریان شناسی مشروطیت، تاریخ مرجعیت شیعه و دروسی چون روش تحقیق، نحو، تفسیر قرآن و متن اختصاصی تاریخ عربی را تدریس نموده ام و در مرکز پژوهشی موسسه امام خمینی (ره) پروژه تحقیقی مرجعیت و سیاست در عصر غیبت را در ۴ جلد به اتمام رسانده و اینک عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم و همکار پژوهشی موسسه امام خمینی (رض) می باشم.

ذهبی دزفولی، عین الدین حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و نویسنده. از جمله آثار وی: «تاریخ مختصر دزفول»، از پایان صفویان تا روزگار نگارنده.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۹۰/۲).

رادمنش، عزت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و تمدن اسلام، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و تمدن اسلامی از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۴۹، کارشناسی ارشد از دانشگاه سوربن فرانسه، دکترا در

تحلیل جامعه‌شناسی و فلسفه تاریخ از دیدگاه ابن‌خلدون از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۵۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

نگارش تاریخ جنگ به مدت ۴ سال با همکاری ارتش، بررسی اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، رزمی مدینه در زمان پیامبر،

اوضاع سیاسی اجتماعی ایران در عصر خسرو پرویز، دو سال پژوهش در دانشگاه الجزایر.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، جامعه‌شناسی، فلسفه تاریخ، تاریخ در قرآن.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

تعاون در اسلام، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و آراء متفکرین (یهود و انقلاب اکتبر)، فلسفه تاریخ، دیدگاه‌های جامعه‌شناسی در قرآن.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رازی صنعایی، ابوالعباس احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۴۶۰ ق)، مورخ. از آثار وی: «در السحابه فی مواضع و فیات الصحابه»؛ «تاریخ یمن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۴۵۸/۱)، کشف الظنون (۳۱۱-۳۱۰)، معجم المؤلفین (۲۹۴/۱).

رازی، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۵۴ ق)، مقری. از آثارش کتاب «اللوامح»، در قرآت است. پاره‌ای از تذکره نویسان وی را با عبدالرحمان بن احمد بن حسن ابوالفضل عجلی رازی مقری، صاحب «جامع الوقوف»، یکی دانسته‌اند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه ری باستان (۳۱۸/۲)، کشف الظنون (۱۵۶۷)، معجم المؤلفین (۱۳۴/۵)، هدیه العارفین (۵۱۷/۱).

رازی، حیدر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، مورخ. از آثار وی: «مجمع التواریخ» یا «تاریخ حیدری» یا «زبدہ التواریخ» که تاریخی عمومی از آغاز تا روزگار نگارنده است که از ۱۰۲۰ تا ۱۰۲۸ ق طول کشیده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۲۵، ۱۵۵۷-۱۵۵۶/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۶۹/۲)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۶۴۶/۱).

رازی، محمد شریف

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجت‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد شریف رازی، در سال ۱۳۰۰ش (۱۳۴۰ق) در خاندانی متدین در شهر ری به دنیا آمد. در سیزده سالگی پدر را از دست داد و پس از آن به کار و کسب و تحصیل علوم جدید و مقدمات علوم دینی پرداخت. وی در هفده سالگی با صلاح‌دید آیت‌الله شیخ محمدتقی بافقی که دوران تبعیدش را در شهر ری می‌گذارند، به قم رفت و به تکمیل سطوح عالی حوزه همت گماشت. حجت‌الاسلام شریف رازی پس از آن رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف گردید و مدتی از درس سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ غلامحسین اردبیلی بهره برد. ایشان همچنین پس از چند ماهی که از درس آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی در مشهد مقدس استفاده نمود، در قم رحل اقامت افکند و یکسره به درس فقه و اصول حضرات آیات: سید محمد حجت کوه کمره‌ای و سیدحسین بروجردی حاضر شد و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. حجت‌الاسلام شریف رازی در سال ۱۳۳۳ش به شهر ری رفت و در مدت اقامت پنج ساله در آنجا، در تاسیس، مدیریت و تدریس مدرسه بُرهانیه نقش مهمی ایفا نمود. از آن پس به قم بازگشت و به تالیف و تحقیق و تبلیغ دین در داخل و خارج کشور اشتغال ورزید. وی از بسیاری از بزرگان شیعه اجازات امور حسیبه و روایتی دریافت داشت که از جمله آنها، اجازات روایی حضرات آیات: شیخ آقابزرگ تهرانی، شیخ علی‌اکبر نهبانندی و سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی بود. حجت‌الاسلام شریف رازی در ضبط تاریخ حوزه‌های علمیه و بزرگان شیعه اهمی

خاص داشت و با تالیف و نگارش کتاب‌های آثار الحجة یا دایرةالمعارف حوزه علمیه قم در ۲ جلد و نیز گنجینه دانشمندان درباره شرح حال زندگی علمای معاصر شیعه در ایران و عراق، در ۹ جلد، در احیا و بزرگداشت نام و یاد علمای شیعه قدمی بلند و گامی ارجمند برداشت. علاوه بر این از شریف رازی آثار با ارزش دیگری بر جای مانده که اختران فروزان ری و تهران، کرامات صالحین، چرا شیعه شدم، مشاهیر دانشمند اسلام، تعلیقه بر وسایل الشیعه در ۵ جلد و تعلیه بر بحارالانوار در ۶ جلد و... از آن جمله‌اند. معظم‌له سرانجام پس از عمری تحقیق و نگارش، در بیست و پنجم فروردین ۱۳۷۹ ش برابر با هفتم محرم ۱۴۲۰ق در هفتاد و نه سالگی بدرود حیات گفت و در قبرستان شیخان قم مدفون گردید.

راستگو، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید محمد راستگو، در سال ۱۳۳۵ ش در کاشان به دنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکترای رشته قرآن و حدیث از دانشگاه تهران می باشد. وی سالهاست که در حوزه‌های ادبیات فارسی و عربی، علوم قرآنی، فلسفه و عرفان در حال پژوهش است. نامبرده یکی از مترجمان کتاب «بررسی تاریخی قصص قرآن» - برگزیده انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره بیست و سوم - می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم قرآنی تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید محمد راستگو در سال ۱۳۶۲ لیسانس خود را از مدرسه عالی قم گرفت. دوره کارشناسی ارشد را در دانشگاه تهران گذراند و دکترای خود را در سال ۱۳۸۱ در رشته قرآن و حدیث از همان جا گرفت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سید محمد راستگو سالهاست که در حوزه‌های ادبیات فارسی و عربی، علوم قرآنی، فلسفه و عرفان در حال پژوهش است. جوایز و نشانها: کتاب "بررسی تاریخی قصص قرآن" ترجمه سید محمد راستگو، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: حاصل تحقیقات سید محمد راستگو دهها مقاله چون: «احوال و آثار شیخ جام»، «نگاهی به شعر سبزواری»، «نگاهی نو به تأویل»، «راز هنری گونه‌گون خوانی‌های قرآن» «تفسیر عرفانی امام صادق (ع)» می باشد.

آثار: ایهام در شعر فارسی بررسی تاریخی قصص قرآن ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب بررسی تاریخی قصص قرآن بررسی تاریخی قصص قرآن / تألیف محمد بیومی مهران؛ ترجمه سید محمد راستگو و مسعود انصاری. - تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳، ۴ جلد، کتابنامه. یکی از زمینه‌های قرآن پژوهی که از دیرباز کسان بسیاری بدان پرداخته‌اند و از دیدگاه‌های گوناگون درباره آن پژوهش‌های بسیار کرده‌اند و کتاب‌های پرشماری نوشته‌اند، داستان‌های قرآن است؛ و به سخن درست‌تر، رویدادهایی تاریخی که در قرآن کریم از آنها یاد شده یا بدانها پرداخته شده است. با این همه در زمینه قرآن پژوهی - همچون دیگر زمینه‌های آن - پیمانۀ پژوهش هنوز پر نشده و ناگفته‌ها و روشن نشده‌ها کم نیست. یکی از استوارترین گام‌هایی که در ایران راه برداشته شده و یکی از بهترین و گسترده‌ترین کارهایی که در این زمینه انجام گرفته، بی گمان تألیف دکتر محمد بیومی مهران است. او که استاد تاریخ دانشگاه اسکندریه است و درباره تاریخ کهن شرق به ویژه مصر و سرزمین‌های عربی دست توانا دارد و پژوهش‌های چندی انجام داده است، رویدادهای تاریخی قرآن کریم را به گستردگی و بایستگی به پژوهش گرفته است و کاری در خور و شایسته پیشکش خوانندگان عرب زبان کرده است. او در این پژوهش برای هر

چه آشکارتر ساختن رویدادهای تاریخی قرآن، با کوشش و کاوشی بسیار پرمایه و حوصله سوز، افزون بر قرآن کریم، کتاب‌های پرشمار تفسیری، حدیثی، تاریخی اسلامی - عربی، پژوهش‌های فرنگیان که بیشتر بر سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌های کهن استوارند، و نیز نوشته‌های کهن یونانی و رومی و همچنین تورات و انجیل را کاویده است، و با بهره‌گیری از این همه منابع گوناگون شرقی و غربی به‌ویژه سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسانه، توانسته است درباره‌ی رویدادهای تاریخی قرآن کاری شگرف را سامان دهد و روشنایی بسیاری بر آنها بتاباند. از بخش‌های بسیار خوب و خواندنی کتاب، که هم در پژوهش جداگانه و هم به مناسبت در جای جای کتاب بدان پرداخته است، سنجش‌ها و مقایسه‌هایی است که میان داستان‌های قرآن و آنچه در آن باره‌ها در تورات و انجیل آمده انجام داده است و دوگانگی‌ها و ناسازی‌های آنها را باز نموده است و از این راه آشکار کرده است که سخنان آنان که گفته‌اند داستان‌های قرآن از تورات و انجیل گرفته شده، بسیار بی‌پایه است و به هیچ روی نمی‌تواند درست باشد. نویسنده رویدادهای تاریخی قرآن را از دیدی جغرافیایی بخش‌بندی کرده و رویدادهای هر منطقه جغرافیایی را در جلدی جدا آورده است؛ رویدادهای جزیره‌العرب را در نخستین جلد، رویدادهای مصر را در دومین جلد، رویدادهای عراق را در سومین جلد و رویدادهای شام را در چهارمین جلد، و بررسی زندگی و تاریخ پیامبر (ص) را نیز به جلد پنجم و نهمین است ۳ تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی تصحیح و تعلیق دیوان حافظ تلخ و خوش راز جاودانگی سکوک عارفانه عرفان در غزل فارسی منابع زندگینامه

<http://www.iranologyfo.com>:

راسخ، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن راسخ، یکی از صنعتگران و سازگران دیگر است که طی سالیانی چند در حرفه‌ی سازسازی فعالیت دارد. وی در تاریخ ۱۳۳۲ خورشیدی در تهران متولد شد و دوران کودکی را همراه سه خواهر کوچکتر از خود سپری نمود. زندگی وی، از طفولیت با مشکلاتی توأم بود زیرا پدر او که با ساختن سنتور در منزل در کارگاهی کوچک مشغول بود و روزگار سپری می‌کرد، هنوز بیش از ۱۰ بهار از سن فرزند خود محسن نگذشته بود که در خیابان بر اثر تصادف با اتومبیل جان خود را از دست داد و سرپرستی خانواده به عهده این طفل ۱۰ ساله قرار گرفت.

آری، محسن راسخ بیش از ۱۰ سال نداشت که در یک کارگاه نجاری مشغول کار شد، او می‌گوید:

«پس از سه ماه از کار کردن من در این کارگاه کوچک نجاری می‌گذشت شروع به تحصیل در کلاس شبانه نمودم و پس از چندی چون از صدای سازها به خصوص ویولن خوشم می‌آمد. ویولن کهنه و شکسته‌ای به بهای ۵۰ تومان خریدم و در کارگاه نجاری که کار می‌کردم، آن را تعمیر نمودم و روزها در ساعات استراحت از کار برای خود می‌نواختم، تا این که توسط یک نفر از دوستانم که با نواختن سنتور آشنایی داشت، به کلاس ملوک واقع در دروازه دولت رفتم و در کلاس ایشان مشغول فراگیری موسیقی و نواختن ویولن گردیدم.

روزها و هفته‌ها، یکی پس از دیگری سپری می‌شد و من زیر نظر آقای اسدالله ملک با رموز موسیقی ایرانی و ردیف‌های آن آشنا می‌گردیدم، تا اینکه روزی در کارگاه نجاری که کار می‌کردم به فکر رسید که یک ویولن بسازم، ابتدا دور از دید استادکار، خود ویولن کهنه را از هم باز کردم و آن را الگوی خویش قرار دادم و یک ویولن از روی آن برای خود پس از روزها و هفته‌ها مرارت و زحمت ساختم ولی چون کسی مرا راهنمایی نکرد، نتوانستم ساز خوبی بسازم، لذا سازی که خواستم بسیار بدصدا و

گوش‌خراش از کار درآمد. ولی من مایوس نشدم و تصمیم گرفتم دوباره ساز دیگری بسازم و این کار را هم شروع نمودم ولی چون استاد کارم و در واقع صاحب کارگاه به این کار راضی نبود، عذر مرا خواست و مرا از کارگاه خویش اخراج نمود. من پس از مدتی بی‌کاری، دوباره در کارگاه نجاری دیگری مشغول کار شدم و مجدداً ساخت ویولن را دور از چشم صاحب کارگاه در ساعات بی‌کاری، پس از خاتمه کار روزانه‌ام ساختم و تمرین ویولن را شروع نمودم که دوباره دچار مشکل گردیدم و صاحب کارگاه با این کار من مخالفت کرد و من را اخراج نمود و ناچاراً در منزل که از پدر بزرگ به ارث به ما رسیده بود، اقدام به ساختن ویولن و سنتور کردم که تقریباً در اینجا، حدود پنجاه درصد موفقیت نصیبم گردیده بود و از این زمان به بعد در هر سازی که می‌ساختم سعی می‌کردم که نقص کمتری داشته باشد.

در سال ۱۳۵۲ تصمیم گرفتم که ساز «قانون» را هم بسازم، لذا شروع به ساختن این ساز کردم و چند سالی که در این حرفه به فعالیت مشغول بودم، روزی توسط آقای حسن سعیدیان قهرمان کشتی که از آشنایانمان هستند به آقای استاد ابراهیم قنبری معرفی شدم و ایشان بدون هیچ چشم‌داشتی مرا در ساختن ساز راهبر و رهنمون گشتند و مرا با آغوش باز پذیرفتند که تا عمر دارم خود را مدیون این مرد بزرگ و معلم اخلاق می‌دانم که خود ایشان دست‌پروده بزرگ‌مرد هنر موسیقی ایران استاد ابوالحسن صبا می‌باشد. به هر حال، چند سالی نزد استاد قنبری به کار سازسازی پرداختم و در خدمت استاد قنبری ساخت ساز قانون و سنتور را به خوبی آموختم و استاد پس از موفقیت من در ساختن این سازها، توصیه فرمودند که سازهای سه‌تار و تنبور را بسازم و رموز ساخت و رنگ‌کاری سازها را هم به من یاد دادند و من دوباره تأکید می‌کنم که زندگی و موفقیت خود را مدیون ایشان می‌دانم و همیشه دعای خیر، بدرقه این مرد بزرگ می‌کنم.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

راقم سمرقندی، شرف‌الدین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۱۳ ق)، مورخ. وی تاریخی داشته به نام «تاریخ راقم» یا «تاریخ سید راقمی»، که تاریخ کوتاهی است درباره‌ی ترکستان، از عهد تیمور (۷۶۳ ق) تا پادشاهی عبدالعزیز سال (۱۰۵۴ ق). این کتاب را «تاریخ نامه‌ی راقمی» و «تاریخ کثیره» نیز خوانده‌اند. این کتاب حاوی وقایع مشهور تاریخی و مخصوصاً وفیات مشاهیر خراسان و ماوراءالنهر است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۳۱-۵۳۰/۲)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۶۵-۸۶۴/۲)، یادداشتهای قزوینی (۱۶-۲/۱۵).

راود راد، اعظم

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر اعظم راود راد دانشیار گروه علوم ارتباطات و معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک

کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۶۵)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۶۹) و مدرک دکترا را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه وسترن سیدنی استرالیا (۱۳۷۵) اخذ نمودند. گروه: علوم انسانی‌رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: دکتر اعظم راود راد مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۶۵)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۶۹) و مدرک دکترا را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه وسترن سیدنی استرالیا (۱۳۷۵) اخذ نمودند. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: در خصوص خدمات علمی اجرایی دکتر راود راد می‌توان به مواردی همچون معاون پژوهشی، دانشکده علوم اجتماعی در سال ۱۳۸۶، نماینده تام‌الاختیار دانشگاه در کمیسیون بانوان استان تهران، کمیسیون بانوان استان تهران (۱۳۸۱، ۱۳۷۹)، عضو کمیسیون علوم اجتماعی پژوهش‌های کاربردی، دانشگاه تهران، سرپرست بخش تحقیقات زنان موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده، سرپرست تحصیلات تکمیلی، مدیر گروه ارتباطات، مدیر گروه ارتباطات، نماینده تام‌الاختیار دانشگاه در کمیسیون بانوان استان تهران، عضو هیئت تحریریه فصلنامه پژوهش زنان، معاون تحصیلات تکمیلی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، عضو هیأت مؤسس، ۱۳۸۰، عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۷۵ و سردبیر فصلنامه پژوهش زنان اشاره نمود. فعالیت‌های آموزشی: موارد تدریس وی «ارتباطات تصویری»، «ارتباطات جمعی»، «تجزیه و تحلیل برنامه‌های رادیو و تلویزیون»، «جامعه‌شناسی ارتباطات اجتماعی»، «جامعه‌شناسی هنر»، «جامعه‌شناسی هنر»، «جامعه‌شناسی هنر و ادبیات»، «مبانی ارتباطات جمعی»، «مطالعات رادیویی» (در مقطع کارشناسی)، «جامعه‌شناسی هنر»، «جامعه‌شناسی هنر»، «روشن‌تحقیق در هنر»، «زبان تخصصی ۱»، «زبان تخصصی ۲»، «جامعه‌شناسی سینما»، «سینما و مطالعات فرهنگی» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) است. وی مولف کتاب‌های «نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات» (۱۳۸۳)، «دین و رسانه» (۱۳۸۶) و مقالات «تبیین فیلم و جامعه»، «تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تاکید بر اشتغال»، «جامعه‌شناسی هنر و جایگاه آن در حوزه جامعه‌شناسی معاصر»، «نقد کتاب رسانه‌ها و نمادها»، «نقدی بر دیدگاه کارال مانهم در جامعه‌شناسی هنر»، «ارتباط کلی سینما و جامعه‌شناسی با جامعه‌شناسی سینما»، «نقدی بر جبریت اجتماعی هنر»، «تحلیل جامعه‌شناسی فیلم‌های قرمز و دو زن»، «تحلیل برنامه‌های فرهنگی رادیو و تلویزیون»، «سینمای سیاسی ایران و زنان کارگردان»، «تحلیل و نقش آن در رادیو»، «مشارکت زنان در رادیو و تلویزیون»، «سینما رسانه فراموش شده»، «تحلیل و نقش آن در رادیو»، «مقایسه نقش شغلی زنان و مردان متخصص»، «جامعه هنرمند و هنرمند جامعه: تحلیل جامعه‌شناختی آثار سینمایی بهرام بیضایی»، «جایگاه اقتصاد در جامعه‌شناسی هنر»، «مسائل اجتماعی زنان در اینترنت»، «نقدی بر نظریه انتقادی و سینمای آلمان»، «تصویر زن در آثار سینمایی رخشانی بنی اعتماد»، «عوامل اجتماعی موثر بر شکل‌گیری سینمای زن در ایران»، «توصیف وضعیت پژوهش‌های فرهنگی-اجتماعی کشور بعد از انقلاب اسلامی»، «تغییرات نقش زن در سینمای ایران»، «جامعه‌شناسی اثر هنری»، «تحلیل جنسیتی نقش‌های

مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده»، «Sustainable Development: Role of Art in Local and Global

Society» است. آرا و گرایش‌های خاص: زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه: جامعه‌شناسی سینما، جامعه‌شناسی هنر، دین و رسانه، رسانه‌های سمعی و بصری: رادیو-تلویزیون-سینما، زنان و رسانه‌ها چگونگی عرضه آثار: دکتر راود راد همچنین مقالاتی را همچون آموزش جامعه‌شناسی هنر در دانشگاه، گزارش تحقیقی "تحلیل و تفسیر فعالیت‌های فرهنگی کشور"، معرفی جامعه‌شناسی هنر، آزار و تعقیب زنان در اینترنت، تعریف هنر از دیدگاه جامعه‌شناسی، سینما و انقلاب دیجیتال، عوامل موثر بر مصرف رسانه‌ای زنان، تعامل دین و رسانه، نقد جامعه‌شناسانه هنر، سینما و ارتباطات دینی، تعامل دین و رسانه، نقد جامعه‌شناسانه هنر، نقاشی

ایرانی در دوران سنت و تجد، جامعه‌شناسی اثر هنری، A study of social factors influencing people to

become artists در سمینارها و همایش‌های مختلف ارائه داده‌اند. تعداد پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد: ۱۳ مورد تعداد

طرح‌های تحقیقاتی: ۵ مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: ۲۹ مورد تعداد همایش‌ها داخلی: ۱۶ مورد تعداد همایش‌ها

خارجی : ۳ مورد آثار: دین و رسانه و ویژگی اثر : تالیف و تصنیف، دفتر پژوهش‌های رادیو، ۲ مطالعات فرهنگی، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران و ویژگی اثر : تالیف و تصنیف، جهاد دانشگاهی واحد تهران، ۳ نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات و ویژگی اثر : تالیف و تصنیف، انتشارات دانشگاه تهران

راوندی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی راوندی در سال ۱۲۹۲، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ایمان و دوره دبیرستان را در دارالفنون به پایان برد، سپس وارد دانشکده افسری شد و در همانجا دوره سربازی را انجام داد. آنگاه جهت ادامه تحصیل وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و در رشته قضایی با درجه لیسانس فارغ التحصیل شد. استاد رواندی پس از تحصیلات عالی، مشاغل مختلفی را عهده دار شد، وی ابتدا در راه آهن تهران به کار پرداخت، سپس از سال ۱۳۱۸ ش. وارد دادگستری شد و به خدمت قضایی اشتغال ورزید. راوندی همچنین سمت‌هایی همچون ریاست ثبت کل کشور و دادیاری دیوان عالی کشور را نیز پذیرفت، تا آنکه در سال ۱۳۴۴ ش، بازنشسته شد. وی پس از بازنشستگی به پژوهش درباره تاریخ ایران و نقش سیاسی و اجتماعی مردم پرداخت و آثار نیز به چاپ رساند. استاد مرتضی راوندی سرانجام در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۸ در پی عارضه مغزی دیده از جهان فرویست.

گروه : علوم انسانی

رشته : حقوق

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای : مرتضی راوندی تحصیلات دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رساند. در سال ۱۳۲۲ به اخذ لیسانس در رشته‌ی ادبیات فارسی از دانشسرای عالی توفیق پیدا کرد و به سال ۱۳۲۴ برای فراگرفتن علوم دینی و معارف اسلامی رهسپار شهر مذهبی قم گردید. در سال ۱۳۲۹ برای تکمیل تحصیلات به تهران بازگشت و در سال ۱۳۳۵ به اخذ درجه‌ی دکترا در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی نائل آمد. وی برای تز دکترای خود و به راهنمایی استادش شیخ محمد سرابی، «تفسیر مجمع البیان» را که تفسیری جامع در علوم قرآنی است برگزید.

خاطرات و وقایع تحصیل : مرتضی راوندی از سختگیری‌های نابجا و نظام آموزشی غلط دوران تحصیل خود چنین یاد می‌کند: « محیط اجتماعی ایران طوری بود که خانواده‌ها و دولت وقت، توجهی به حیات جسمی و روحی کودکان نداشتند. تحرک، بازی، دویدن و جست و خیز اگر امروز نوعی تربیت و آموزش حساب می‌شود، در قدیم نه تنها مورد تایید خانواده و مسئولین فرهنگی نبود، بلکه نوعی شیطنت و بازی گوشی بی ادبانه تلقی می‌شد. هیچ فراموش نمی‌کنم موقعی که در مدرسه مبارکه ایمان دوره ابتدایی را می‌گذراندم، مدیر مدرسه مرحوم «میرزا ابوالقاسم خان تفرشی» نه تنها در دویدن و بازی کردن را تایید نمی‌کرد، بلکه در طبقه سوم ساختمان مدرسه و در ایوان می‌نشست و دست‌هایش را مقابل چشم‌ها می‌گذاشت و چنین وانمود می‌کرد که نمی‌بیند. اگر کودکی به حکم غریزه کودکی جست و خیز می‌کرد و با دیگر اطفال به بازی مشغول می‌شد، آقای میرزا با ترکه حاضر می‌شد و به یکی از فراش‌ها می‌گفت: «بیارش.» و بعد بساط ترکه و فلک و تنبیه بود.

وقایع میانسالی : روی کار آمدن محمدرضا شاه پهلوی و باز شدن فضای سیاسی از سال ۱۳۲۰، روشنفکران و سیاستمداران را یکبار دیگر وارد عرصه سیاست نمود، مرتضی راوندی نیز از جمله این افراد بود که در مسیر جریان‌ات سیاسی کشور قرار گرفت و

مدتی را نیز در زندان شاه به سر برد.

زمان و علت فوت: مرتضی راوندی در روز چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۷۸ در پی عارضه مغزی دیده از جهان فروبست. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مرتضی راوندی پس از تحصیلات عالی، مشاغل مختلفی را عهده دار شد، وی ابتدا در راه آهن تهران به کار پرداخت، سپس از سال ۱۳۱۸ ش. وارد دادگستری شد و به خدمت قضایی اشتغال ورزید. راوندی همچنین سمت هایی همچون ریاست ثبت کل کشور و دادیاری دیوان عالی کشور را نیز پذیرفت، تا آنکه در سال ۱۳۴۴ ش، بازنشسته شد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مرتضی راوندی پس از بازنشستگی به پژوهش درباره تاریخ ایران و نقش سیاسی و اجتماعی مردم پرداخت. علاوه بر آن سفر به فرانسه و دیدن کتاب هایی درباره زندگی روزمره توده مردم پاریس در سده های گذشته، ایشان را مصمم به پژوهش درباره زندگانی مردم و آداب و رسوم عادی و سایر طبقات مختلف کشور از لابه لای تواریخ کهن نمود.

راوندی، نجم الدین ابوبکر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نجم الدین ابوبکر عمر بن علی بن سلیمان بن محمد بن احمد بن حسین بن همت راوندی در اوایل نیمه دوم قرن ششم در راوند کاشان متولد شد. پدران وی از علما و خاندان عراقی الاصل بودند. وی در کودکی پدر را از دست داد اما در کنف حمایت دایی های فرهنگ دوست خود زین الدین و تاج الدین، علوم شرعی و ادبی و خوشنویسی را آموخت. راوندی پس از بروز قحطی سال ۵۷۰ در اصفهان، برای تحصیل به مسافرت در شهرهای ایران و عراق پرداخت و از سال ۵۷۷ به دربار شاهان سلجوقی راه یافت. راوندی پس از انقراض سلجوقیان بزرگ، از همدان راهی آسیای صغیر شد و در دربار سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلیچ ارسلان مورد استقبال قرار گرفت و کتاب خود «راحه الصدور و آیه السرور فی تاریخ آل سلجوق» را در سال ۵۹۹ به وی تقدیم کرد و اندکی بعد درگذشت.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: ایران دوره اسلامی

والدین و انساب: خاندان نجم الدین ابوبکر راوندی از خانواده های علمای عراق بودند اما وی در راوند کاشان ولادت یافت. تاج الدین راوندی و زین الدین راوندی دایی های او از شاعران عهد سلجوقی به شمار می روند.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: نجم الدین ابوبکر راوندی در کودکی پدر را از دست داد و خاندان او به سبب قحطی سال ۵۷۰ تهیدست شدند. چنانکه محمد راوندی به مدت ۱۰ سال تحت حمایت دایی خود تاج الدین احمد بن محمد بن علی راوندی، که از فاضلان بزرگ روزگار و در انواع علوم شرعی و ادبی سرآمد بود، رشد کرد و به شهرهای مهم عراق سفر کرد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: نجم الدین ابوبکر راوندی که در کودکی به زبان عربی تسلط داشت علوم شرعی و ادبی و هم چنین خوش نویسی را نزد دایی های خود آموخت تا آنجا که در هفتاد نوع خط مهارت یافت. تسلط وی به خوش نویسی موجب شد تا علوم را نیز از طریق نسخه نویسی کتابها کسب کند. از سال ۵۷۰ محمد راوندی سفرهای خود را به شهرهای مختلف ایران و عراق برای تحصیل علم آغاز کرد. او در مدارس عراق به صورت پراکنده و موقت به تحصیل پرداخت.

خاطرات و وقایع تحصیل: پدر نجم الدین ابوبکر راوندی در حین تحصیل وی در گذشت و اوضاع مالی خانواده راوندی رو به نزول رفت این اوضاع با وقوع قحطی سال ۵۰۷ در اصفهان به وخامت گرایید.

فعالتهای ضمن تحصیل: نجم الدین ابوبکر راوندی به خطاطی تذهیب و جلد سازی نیز می پرداخت و در حین تحصیل از طریق نسخه نویسی کتابها امرار معاش می کرد. نجم الدین ابوبکر راوندی به نثر و شعر مسلط بود همواره در این باره به ممارست مشغول بود. و در دربار سلاطین پذیرفته می شد. و اشعار خود را از جمله قصایدش در کتاب راحه الصدور و آیه السرور آورده است استادان و مربیان: نجم الدین ابوبکر راوندی نزد دایی های خود زین الدین و تاج الدین احمد بن محمد بن علی راوندی مقدمات علوم شرعی و ادبی را آموخت. تاج الدین در همدان در مدرسه محله سابق آباد درس می گفت.

هم دوره ای ها و همکاران: شهاب الدین احمد از دوستان دوران تحصیل نجم الدین ابوبکر راوندی بوده است که راوندی گاهی بدلیل فروتنی بعنوان استاد خود از وی یاد می کند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: نجم الدین ابوبکر راوندی پس از قحطی سال ۵۷۰ در اصفهان برای تحصیل در شهرهای ایران و عراق به مسافرت پرداخت و از سال ۵۷۷ به دربار طغرل بن ارسلان سلجوقی راه یافت و پس از آن به خدمت سلیمان شاه بن قلیج ارسلان سلجوقی درآمد. در این سالها راوندی در همدان اقامت داشت، اما پس از انقراض سلجوقیان ایران، به روم رفت و در دربار سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلیج ارسلان پذیرفته شد. در آن زمان گروهی از بزرگان ایران از دست مغولان به دربار امن پادشاهان سلاجقه روم پناه می بردند. از آن جمله می توان به شمس الدین تبریزی، مولانا جلال الدین بلخی [مولوی] و نجم الدین رازی از عارفان مشهور آن زمان نام برد. راوندی کتب خود را به دلیل احساس دین به سلاطین سلجوقی و در قدردانی از تاسیس مدارس عراق که وی در آنها تحصیل کرده بود و برای به یادگار گزاردن اثر جادوانی از خود و همچنین برای تجلیل از فتح عظیم انطاکیه توسط کیخسرو بن قلیج ارسلان در سال ۵۹۹ کتاب راحه الصدور را به وی تقدیم کرد. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، صص ۱۰-۱۰۰۹] وی از سال ۵۸۰ به فکر تالیف چنین اثری افتاد. و در سال ۶۰۲ به طور کامل اتمام یافت.

فعالتهای آموزشی: نجم الدین ابوبکر راوندی بعنوان معلم پسران سلیمان شاه بن قلیج ارسلان سلجوقی در دربار حضور داشت.

شاگردان: فرزندان سلیمان شاه بن قلیج ارسلان سلجوقی در کودکی تحت تعلیم نجم الدین ابوبکر راوندی قرار داشته اند.

همفکران فرد: افضل الدین کرمانی، اتابیک منتجب الدین بدیع کاتب جوینی همانند محمد بن علی راوندی از شاعران و مورخین و منشیان دربار سلجوقی به شمار می رفتند کاشانی (مؤلف زبده التواریخ) در عهد سلجوقی همانند نجم الدین ابوبکر راوندی کتاب خود را بر اساس سلجوقنامه ظهیر الدین نیشابوری نگاشت.

چگونگی عرضه آثار: نجم الدین ابوبکر راوندی کتاب راحه الصدور را به نام سلطان غیاث الدین ابوالفتح کیخسرو بن قلیج ارسلان سلجوقی به پایان برد و به وی تقدیم نمود.

آثار:

۰ ۱

ویژگی اثر: ۰

۲ اعلام الملوك معروف به راحه الصدور و آیه السرور

ویژگی اثر: راوندی در این کتاب پر ارزش خود پس از ذکر دیباچه و سبب تالیف کتاب و ستایش عدل و انصاف که پر است از فواید ادبی و تاریخی، وارد تحقیق و بحث در دولت سلجوقیان شده و کار آنان را از ابتدا شرح داده و وقایع عهد سلاجقه بزرگ را تا پایان کار سنجر به تفصیل آورده و آنگاه به ذکر سلاجقه عراق تا پایان کار طغرل بن ارسلان و استیلای خوارزمشاهیان بر عراق

پرداخته و در عین حال درباره اتابکان عراق و آذربایجان به تفصیل سخن گفته است. در پایان کتاب راوندی فصولی در ذکر آداب شطرنج، شراب، مسابقت و تیرانداختن، شکار کردن، اصول خط، فی‌الغالب و المغلوب و فصلی در خاتمت کتاب آورده و کتاب را به نام و مدح غیاث الدین کیخسرو خاتمه داده است. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، ص ۱۰۱۰] کتاب راحه الصدور آیه السرور در سال ۵۹۹ تألیف شده و یکی از بهترین کتب نثر فارسی و در نهایت فصاحت و روانی نوشته شده است و در ضمن اشعاری به فارسی از مولف و نیز از بزرگان ادب فارسی در آن ثبت شده است، [نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، ص ۱۴۵] راحه الصدور از کتب مهم قرن ششم و اوایل قرن هفتم است که خواه از باب سلامت انشا آن و ابراز فضل های مولف و خواه از نظر در بر گرفتن اطلاعات فراوان تاریخی و اجتماعی در شمار معتبرترین و سودمندترین کتب فارسی پیش از حمله مغول در ایران به شمار می رود. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۱۰۰۸] راحه الصدور از بهترین کتب نثر فارسی است که قسمتی از آن به شیوه مصنوع و مزین و قسمتی دیگر ساده و بی پیرایه است. در قسمتهای مصنوع راحه الصدور دراز گویی و آوردن امثال و اشعار عربی و فارسی بویژه اشعار شاهنامه فراوان و سخن راوندی در برخی موارد به لطافت شعر و دارای همان شرایط و موضوعات می شود. از امتیازات ادبی راحه الصدور ایراد قصائدی تمام از شاعران استاد و بزرگ قرن ششم منوچهری دامغانی، شمس الدین احمد بن منوچهر شصت کله، امیر عمادی اثیر اخسیکتی و سید حسن غزنوی است. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، صص ۷۴ و ۷۵ و ۱۰۱۱ و ۱۰۱۲ و ۷۰۸ و ۵۸۷ و ۵۲۰] که مدتها پیش بطور داوطلبانه آغاز به تألیف کرده بود.

منابع زندگینامه :

راوندی، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، ص ۴۰۲ سعید، نفیسی. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴، ص ۱۴۵ و ۸۸۷۳ صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۱۰۰۹۴ محمد بن عی بن سلیمان، «راوندی»، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آن سلجوق، به اهتمام محمد اقبال و تصحیح مجتبی مینوی، چاپ دوم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۴، ص ۴۹

راوندی، نجم‌الدین، ابوبکر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، مورخ. وی از راوند کاشان بود. در کنف رعایت دایی خود، تاج‌الدین احمد راوندی که از فاضلان بزرگ بود، تربیت شد و از علوم شرعی و ادبی و خط را آموخت و مدتها از راه استنساخ و تذهیب و تجلید کتب زندگی کرد، تا اینکه در سال ۵۷۷ ق در خدمت سلطان طغرل بن ارسلان تقرب حاصل کرد. بعد از زوال دولت آن پادشاه در سال ۵۹۰ ق و برافتادن حکومت سلاجقه‌ی عراق به بلاد آسیای صغیر رفت و به خدمت غیاث‌الدین کیخسرو بن قلج ارسلان (۶۳۴-۶۱۶ ق) از سلاجقه‌ی آسیای صغیر درآمد. وی کتاب مشهور خود «راحه الصدور و آیه السرور» را که در سال ۵۹۹ ق به انجام رسانده بود، با اضافاتی در حدود سال ۶۰۳ ق به نام وی کرد. این کتاب از جمله بهترین کتب نثر فارسی است که پیرامون تاریخ سلاجقه است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۱-۱۰۰۸/۲)، تاریخ در ایران (۳۷-۳۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۵، ۱۱۹)، تاریخ نگاران ایران (۲۷۰-۲۶۷)، الذریعه (۵۶/۱۰)، راحه الصدور و آیه السرور (مقدمه/ ۶-۱)، سبک شناسی (۴۱۰-۴۰۵/۲)، گنج و گنجینه (۲۲۶)، لغت نامه (ذیل / راوندی)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۳-۶۲۱/۵)، هدیه العارفین (۱۰۸/۲).

راویہ دیلمی، ابوالقاسم حماد

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۵۱/۱۵۵/۱۶۱/۱۹۵ ق)، مورخ و لغوی. اصل وی از دیلم بود و در کوفه متولد شد. او از مشاهیر علمای تاریخ و لغت عهد بنی‌امیه بود که در معرفت وقایع و اخبار و اشعار و انساب و لغات عرب، داناترین شخص در طبقه‌ی اول از لغت‌دانان کوفه به شمار می‌رفت. نام پدر وی را میسر و هرمز نیز نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۰۲- ۳۰۱/۲)، روضات الجنات (۲۳۷- ۲۳۵/۳)، ریحانه (۲۹۹- ۲۹۸/۲)، الکنی و الالقاب (۲۷۰- ۲۶۹/۲)، لسان المیزان (۶۶۴- ۶۶۲/۲)، لغت نامه (ذیل / حماد)، معجم الادباء (۲۶۶- ۲۵۸/۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۴۲- ۱۳۷/۱۳)، وفيات الاعیان (۲۸۲/۵، ۲۱۲، ۲۱۰- ۲۰۶، ۳۶/۲، ۴۴۸/۱).

ربانی خوراسگانی، محمدصادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صادق ربانی خوراسگانی

محل تولد: اصفهان

شهرت: ربانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

در مهر ماه سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و سطوح مقدمات را در سال ۷۶ به پایان رساندم و همراه با آن دیپلم را اخذ کردم و وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی رسائل و مکاسب و کفایه در مؤسسه امام خمینی (ره) قم مشغول به تحصیل در رشته جامعه‌شناسی شده و الان مشغول پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی هستم و در حدود ۵ سال است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام آیه الله فاضل لنکرانی، مرحوم تبریزی، وحید خراسانی و استاد محمد جواد فاضل لنکرانی مشغول به تحصیل علوم حوزوی هستم.

ربعی، یدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یدالله ربیعی

محل تولد : شاهرود

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب یدالله ربیعی در سال تحصیلی ۵۲-۵۳ وارد حوزه علمیه قم و در مدرسه رسالت مشغول به تحصیل شدم. تقریباً در اوائل سطوح عالی بودم که انقلاب پیروز شد و بعد جنگ تحصیلی آغاز گشت و در سال ۶۱ هر دو پای اینجانب قطع گردید. درسها را ادامه دادم. در سال ۱۳۷۲ در آموزش و پرورش آغاز به کار کردم که بیشتر در امور تربیتی بود، مشغول به کار شدم. در سال ۷۸ در معاونت امور اساتید مشغول به امتحان شدم تا اینکه در رشته (تاریخ و ادیان) و نیز (معارف اسلامی) به نصاب قبولی رسیدم و در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود و شهرستان ساوه مشغول تدریس شدم و هم‌اکنون فقط در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود مشغول تدریس هستم. در ضمن در عقیدتی و سیاسی سپاه، ارتش و بسیج و نیز اردوهای آموزشی زیاد تدریس داشته‌ام و نیز در آموزش قرآن و عقاید فعالیت داشته‌ام. همچنین دروس حوزه را به صورت انفرادی و گروهی تدریس داشته‌ام و فلسفه را نیز مقداری از اسفار خوانده‌ام.

رجب زاده، هاشم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هاشم رجب زاده در سال ۱۳۲۰ در شهر تهران به دنیا آمد. رجب زاده بعد از طی مدارج رسمی تحصیلی در دوره متوسطه در تهران، با گرایش تاریخ به دانشگاه می رود و تحصیلات دانشگاهی اش را تا دریافت درجه دکترا با گرایش تاریخ ایلیخانان و تاریخ ایران ادامه می دهد. پایان نامه دکترای او درباره سیاست و کشورداری رشیدالدین فضل الله بوده است. رجب زاده بعد از تحصیلات دانشگاهی به عنوان وابسته فرهنگی ایران به ژاپن سفر می کند. این آغاز یک ارتباط پیوسته با تاریخ و فرهنگ ژاپن می شود. بار اول در سال ۱۳۵۲ بود که به ژاپن رفت و مدت چهار سال در مأموریت بود. به عنوان وابسته سفارت و نماینده فرهنگی ایران فعالیت داشت. بعد از آن، دو سال را در ایران گذراند. بعد از انقلاب هم از طرف وزارت امور خارجه به مأموریت استرالیا رفت و حدود دو سال در کانبرا بود. در همین هنگام تدریس در دانشگاه ژاپن را پذیرفت و دوباره به آن کشور بازگشت. وی در مجموع ۲۴ سال در ژاپن زندگی کرد. رجب زاده سال هاست که در دانشگاه اوساکای ژاپن ادبیات فارسی و ایرانشناسی درس می دهد. در این سال ها او از مهمترین منابع شناخت فرهنگ و تمدن ژاپن بوده و تألیفات و ترجمه هایش نیز در راستای این مرجعیت شکل گرفته است.

گروه : علوم انسانی

رشته : تاریخ

گرایش : فرهنگ و تمدن ژاپن

تحصیلات رسمی و حرفه ای: پایان تحصیلات متوسطه در تهران - تحصیلات عالی در رشته تاریخ - دریافت دکترای تاریخ باگرایش تاریخ ایلخانان و تاریخ ایران
 مشاغل و سمتهای مورد تصدی: هاشم رجب زاده بعد از تحصیلات دانشگاهی به عنوان وابسته فرهنگی ایران به ژاپن سفر می کند. بار اول در سال ۱۳۵۲ بود که به ژاپن رفت و مدت چهار سال در مأموریت بود. به عنوان وابسته سفارت و نماینده فرهنگی ایران فعالیت داشت. بعد از آن، دو سال را در ایران گذراند. بعد از انقلاب هم از طرف وزارت امور خارجه به مأموریت استرالیا رفت و حدود دو سال در کانبرا بود.

فعالتهای آموزشی: - تدریس در دانشگاه ژاپن از اوایل دهه ۶۰ - استاد ایران شناسی ادبیات فارسی در دانشگاه اوساکای ژاپن
 چگونگی عرضه آثار: هاشم رجب زاده همچنین در معرفی ادبیات و فرهنگ ایران در ژاپن نیز نقش مهمی دارد. او آثاری از ادبیات ایران به زبان ژاپنی ترجمه و منتشر کرده است، وی در این باره می گوید: «ادبیات کلاسیک ایران چون در سال های گذشته در ژاپن شناخته شده و مطرح بود، همچنان مطرح است. اما من ابتدا به رباعیات خیام پرداختم. سابقه صدساله ادبیات معاصر ایران را در مقالاتی در آنجا معرفی کردم. به غیر از این موارد مطالبی درباره خیام شناسی، سعدی شناسی و فردوسی شناسی نوشته ام. در ژاپن بیش از همه خیام محبوب است که تاکنون ۱۴ ترجمه از رباعیات او در آنجا منتشر شده و بعد از خیام، حکیم نظامی بیشترین محبوبیت را دارد. به دلیل گیرایی منظومه های عاشقانه اش، علاقه عجیبی به آثارش دیده می شود.» هاشم رجب زاده درباره ترجمه آثار ادبیات معاصر ایران در ژاپن می گوید: «در آنجا بیش از همه روی آثار صادق هدایت تمرکز کرده اند. هدایت را به این دلیل می شناسند که ابتدا او را از طریق ترجمه آثارش در زبان اروپایی شناختند. در دهه اخیر توجه بیشتری به ادبیات معاصر ایران شده است. برای نمونه یکی از آنها جلال آل احمد است که ترجمه آثارش قابل مقایسه با ترجمه آثار دیگران نیست. سفرنامه و خاطرات ایران نیز اثر دیگری از ترجمه های هاشم رجب زاده است. هاشم رجب زاده از نسل مردان سختکوش عرصه تاریخ نگاری، ترجمه و تألیف است. او نمونه والایی از روحیه جست و جوگری ایرانی برای شناخت و آموختن برای نسل جدید ایرانیان است. در این سال ها او از مهمترین منابع شناخت فرهنگ و تمدن ژاپن بوده و تألیفات و ترجمه هایش نیز در راستای این مرجعیت شکل گرفته است. بسیاری از ایرانیان در سال های اخیر اگر شناختی از فرهنگ و تاریخ ژاپن به دست آورده اند، یا به ادبیات ژاپنی و نیز شعر آن دیار دلبستگی یافته اند، این شناخت و دلبستگی را مدیون آثار رجب زاده نیز هستند. همچنین در سالها اقامت رجب زاده در ژاپن ارتباط نشریات داخلی با او هرگز گسسته نشده و در بسیاری از مجلات و نشریات تخصصی ایران شناسی یا تاریخ و فرهنگ، مقالات پرباری را در حوزه های کاری اش به چاپ رسانده است. از آن جمله است سلسله یادداشت های او در مجله بخارا با نام یادداشت هایی از ژاپن که چندین سال در هر شماره به چاپ می رسید. علاوه بر این رجب زاده حوزه تألیف و ترجمه کتاب را نیز با جدیت دنبال کرده و آثار ویژه ای از زبان ژاپنی به فارسی برگردانده است. «اندیشه و احساس در شعر معاصر ژاپن»، «قصه های ژاپنی»، «گل صدبرگ»، «چنین گفت بودا» و ... بخشی از آثاری است که در کارنامه او به ثبت رسیده اند. به غیر از گل صدبرگ که مجموعه شعراست، در دیگر حوزه ها هم کار کرده ام و می کنم. درباره تاریخ دوران میانه، و به طور اختصاصی پیرامون تاریخ ایلخانیان کار کرده ام. در مورد فضل الله تحقیقات و مطالعات گسترده ای دارم که انتشارات طرح نو یکی از این کتاب ها را که پیرامون زندگی و آثارش بود، منتشر کرد.

آثار:

۱ آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل الله همدانی

ویژگی اثر: «آیین کشورداری» نخستین کتاب دکتر هاشم رجب زاده بود که در باب وزارت رشیدالدین فضل الله نوشته شد. رجب

زاده درباره یکی از آثار او می گوید: «بیان الحقایق از جمله آثار رشیدالدین فضل الله همدانی است. بنا به آنچه مؤلف خود در مقدمه کتاب دیگرش لطایف الحقایق اشاره کرده، این اثر در بردارنده هفده رساله است. این رساله ها کلامی و بیشتر در تفسیر قرآن کریم نگارش یافته و منظور مؤلف از نگارش آنها آشتی دادن میان فلسفه و کلام است. نسخه ای ناقص از بیان الحقایق در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است که در سده هشتم هجری کتابت شده و در بردارنده ده رساله از هفده رساله بیان الحقایق است. در برخی از منابع، رساله های بیان الحقایق در بیست عنوان فهرست شده است. در این گفتار، به معرفی نسخه خطی بیان الحقایق (محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی) پرداخته شده است.»

۲ اندیشه و احساس در شعر معاصر ژاپن

ویژگی اثر: ۱۳۵۸

۳ ایران و ماوراء النهر

ویژگی اثر: «ایران و ماوراءالنهر» نیز کتابی است که از امیلی برتشنایدر که رجب زاده ترجمه کرده و بنیاد موقوفات افشار به بازار عرضه کرده است. سیاحان و جهانگردان چینی در سده های هفتم و هشتم هجری (سیزدهم و چهاردهم میلادی) در عهد مغول از راه های سخت و بیابانی گذشته به ماوراءالنهر رفته، سرزمین هایی را که دیده اند و شرح سفر خود را در روزنامه های چینی نوشته و توصیف کرده بودند. این خاطرات که مشحون از جستارهای باارزش تاریخی و جغرافیایی است و اطلاعات مفیدی را در بر دارد اساس کار دکتر امیلی برتشنایدر طیب و جغرافیدان و گیاه شناس معروف آلمانی روسی الاصل قرار گرفت که به این اسناد دسترسی یافت و کتاب مفصلی فراهم آورد که بخش ایران آن را محقق توانا دکتر هاشم رجب زاده ترجمه و چاپ کرده است. دکتر برتشنایدر مؤلف این گنجینه معتبر - که از آثار مکتوب چینی گرد آمده - در سال ۱۸۸۸ به عنوان طیب در سفارت روسیه در تهران اشتغال داشت و چهار سال در ایران بود، بعد در سال ۱۸۹۸ به پکن منتقل شد و نزدیک به ۲۰ سال در آنجا ماند و این اثر علمی نفیس و معتبر حاصل بهره گیری او از منابع چینی محفوظ در کتابخانه های پکن بوده که دو بار در سال های ۱۸۹۸ و ۱۹۰۰ در انگلیس به چاپ رسیده بود. مترجم فاضل این مجموعه را از نسخه چاپ لندن ترجمه و عرضه کرده است رجب زاده درباره این کتاب می گوید: «برتشنایدر اعتقاد دارد که کتاب «جوامع التواریخ» رشیدالدین فضل الله بزرگترین تاریخ عالم است. این حرف را البته اروپاییان دیگری به مناسبت های مختلف مطرح کرده اند. پس این حرف که می گویند، ایرانیان عادت به نوشتن تاریخ نداشتند، درست نیست. چون اگر به شرق دور برویم می بینیم چینی ها از دوهزار و پانصد سال پیش تاریخ مکتوب دارند و ژاپنی ها از هزار و پانصد سال پیش «یادداشت روزانه» یا تاریخ نامه به صورت روزنگار می نوشتند و از میان ایرانیان هم رشیدالدین فضل الله بزرگترین مورخ عصر خود و قرون بعد بود.»

۴ بیان الحقایق

۵ پروشیا کیکو

ویژگی اثر: نوبویوشی فوروکاوا نفر دوم این هیأت سفارت، سرهنگ و نماینده ستاد ارتش ژاپن، جدا از گزارشی که از دیده ها و شنیده ها و یافته هایش به دولت و دستگاه متبوع خود داد، سفرنامه ای هم نگاشت که در سال ۱۸۸۸ م. در توکیو با عنوان «پروشیا کیکو» (یادداشت های سفر ایران) چاپ شد. رجب زاده همچنین ردپای حضور ایرانیان در ژاپن را نیز دنبال می کند و بویژه در شناسایی قبیله ای تاریخی از ژاپن که به نظر می رسد از دربار ساسانیان به آن دیار عزیمت کرده اند، نقش مهمی داشته است. از بازماندگان این قبیله ژاپنی خانمی است به نام هیروکو نیشی زاوا که اکنون بیشتر از هفتاد سال دارد. او به گواهی اسناد خانوادگی، خود را نسل پنجاه و سوم از تبار شاهزادگان ساسانی که در سده هفتم میلادی و در پی ویران شدن تیسفون به خاور دور آمدند، میداند و کتابی هم، داستان گونه، با نام «از تبار ایرانی» منتشر کرد که جلد یکم از چند دفتر است که درباره خاندان خود در دست

نگارش دارد. خانواده او از دیرباز در ناگانو، ایالت کوهستانی در میانه جزیره اصلی ژاپن، هونشو، مقیم بوده اند، اما او اکنون در شهر توکیو زندگی میکند. او گفته است: «از نشان خانوادگی ام و آثاری که بازمانده، می توانم تاریخ خاندانم را تا سال ۱۶۶۶ پیش از میلاد یا بیشتر از آن دنبال کنم». رجب زاده، حکایت می کند که روزی در بهار ۱۶۶۶، تلفنی به او گفته اند یک خانم ساسانی قصد دیدار او را دارد تا پاره ای از مشکلات تحقیقاتی خود را حل کند! هاشم رجب زاده در نوشته ای سوابقی را می آورد که نشان می دهد بنا به مدارک تاریخی در ژاپن در نیمه قرن هفتم میلادی ایرانیانی به آن کشور رفته و در آنجا ساکن شده اند. از جمله به نقل از «نیهون شهوکی» تاریخ نامه باستانی ژاپن در ضبط رویدادهای سال ۱۶۶۶ میلادی آورده: تابستان. ماه چهار (آوریل) دو مرد و دو زن از سرزمین تخارا (ایران) و یک زن از سراواستی را توفان به هیو گو آورد ۱۶۶۶. میلادی برابر با سال ۱۶۶۶ هـ است. با توجه به اینکه اعراب در سال ۱۶۶۶ هـ ۱۶۶۶ م. به ایران یورش کردند، می توان حدس زد که سفر نیاکان خانم نیشی زاوا، یعنی آن شاهزادگان ساسانی که توفان آنها را به سواحل ژاپن رسانده، از ایران به ژاپن چند سالی طول کشیده است. معلوم نیست که آن توفان زدگان، اجداد خانم نیشی زاوا بوده باشند اما گویا اجداد این زن ساسانی هم سرنوشتی مشابه آنان داشته اند.

۶ ترجمه سفرنامه فوروکاوا

۷ ترجمه سفرنامه های ژاپنی بوتجان

۸ ترجمه سفرنامه و خاطرات آشی کاگا

۹ جستارها

ویژگی اثر: گزیده مقالات ایرانشناسان و شرق شناسان ژاپن

۱۰ چنین گفت بودا

۱۱ زندگی و آثار رشید الدین فضل الله همدانی

ویژگی اثر: رساله هایی که رشیدالدین فضل الله نوشته، در مجموع پنج کتاب است که یکی مجمل الرشیدی مرکب از چهار کتاب است و یکی هم بیان الحایق که کتاب جداگانه ای است. رجب زاده در سال ۱۶۶۶ درباره زندگی و آثار رشیدالدین فضل الله کتابی نوشت که انتشارات طرح نو آن را به بازار عرضه کرد

۱۲ سفرنامه فوکوشیما یا سوماسا

۱۳ سفرنامه ماساجی

۱۴ سفرنامه یوشیدا ماسهارو

ویژگی اثر: نخستین کتاب از این مجموعه «سفرنامه یوشیدا ماسهارو» بود که ۱۶۶۶ سال پیش انتشارات آستان قدس رضوی منتشر کرد. هیأتی که به ریاست ماسهارو یوشیدا در سال ۱۶۶۶ میلادی ۱۶۶۶، ه.ق، دوازده سال پس از آغاز تجدّد ژاپن (نهضت میجی) به دربار ناصرالدین شاه آمد، پس از گذراندن مأموریت خود در ایران، از راه روسیه و دریای سیاه و بندر باتومی (اکنون در خاک گرجستان) به استانبول رفت تا از دربار عثمانی نیز دیدن کند. ورود این هیأت به خاک عثمانی چند سالی پس از جنگ روسیه و عثمانی و شکست و ادبار کار آل عثمان بود.

۱۵ قصه های ژاپنی

۱۶ قصه های ژاپنی

ویژگی اثر: ۱۳۶۳

۱۷ گل صدبرگ (گزینه ای از اشعار کهن ژاپنی)

ویژگی اثر: در ژاپن من در مورد تاریخ و فرهنگ ایران تدریس می کنم. ادبیات فارسی را یک خانم ژاپنی تدریس می کند به اسم

فوجی موتو. این استاد، زبان فارسی را خوب می‌داند و کتاب «گل صدبرگ» را با همکاری او به فارسی برگردانده ام. این کتاب در واقع گزیده‌ای از هزار و پانصد قطعه شعر قدیم ژاپنی است که بیش از هزار سال پیش سروده شده بود

۱۸ مفتاح التفاسیر

ویژگی اثر: هاشم رجب زاده در حال حاضر «بیان الحقایق» مجموعه ?? رساله کلامی، فلسفی و دینی از رشیدالدین فضل‌الله همدانی را گردآوری، تصحیح و مقدمه نویسی کرده است، که آن را به همراه «مفتاح التفاسیر» - از دیگر رساله‌های رشیدالدین - به ترتیب مرکز نشر میراث مکتوب و مرکز بزرگ دایرة المعارف اسلامی منتشر می‌کنند.

۱۹ نگاهی به تاریخ اسلام در ژاپن

رجبی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود رجبی

محل تولد: جاسب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام والمسلمین محمود رجبی در سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در شهیدیه جاسب در میان خانواده‌ای متدین و پاک طینت به دنیا آمد. پدرش مرحوم غلامحسین رجبی به شغل کشاورزی و آهنگری روزگار می‌گذراند و به روحانیت شیعه و راه مقدس آن علاقه وافری داشت. او دو سال پس از تولد فرزندش به همراه خانواده به قم آمد. حجة الاسلام والمسلمین محمود رجبی تحصیلات خود را از دبستان آغاز کرد و با به پایان بردن آن، در سال ۱۳۴۳ به حوزه علمیه قم وارد شد. مشوق اصلی وی در این امر پدرش بود. پدرش از علاقه‌مندان به اهل بیت (ع) بود و همواره در شهادتها و ولادتها به برگزاری مراسم اهتمام جدی داشت. او همواره به روحانیت شیعه عشق می‌ورزید و از این رو فرزند خود را بسیار تشویق می‌کرد تا در این راه پرافتخار گام بردارد. او تحصیلات علوم دینی را در مدرسه علمیه آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) آغاز کرد و کتب دوره مقدمات و سطح را نزد استادان برجسته آن روزگار به پایان برد. سپس در سال ۱۳۵۰ به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت و سالها از محضر آنان بهره برد. او در طی این سالها از تحصیل تفسیر، علوم عقلی و شرکت در دروس اخلاق نیز بازماند و در اولین دوره آموزشی ویژه مؤسسه در راه حق که تحت اشراف علمی حضرت آیه الله مصباح یزدی اداره می‌شد شرکت نمود. وی همچنین با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه نیز در گروه علوم اجتماعی این دفتر به تحقیق، ارائه کنفرانس و بازسازی علوم انسانی در قلمرو جامعه‌شناسی پرداخت. حجة الاسلام والمسلمین محمود رجبی به محضر استادان فراوانی راه یافت. او بخشی از مقدمات و سیوطی را نزد آقایان فلاح زاده و شایسته (ره)، منطق مظفر و اصول فقه مظفر را نزد آیه الله امینیان و حجة الاسلام والمسلمین فیاضی، معالم الاصول را نزد آیه الله مقتدایی و معانی و بیان را نزد آیه الله حاج شیخ حسن آقا تهرانی فرا گرفت. شرح لمعه را نزد حضرات آیات آقایان محمد مؤمن، حسین شب‌زنده‌دار، شیخ حسن تهرانی، فاضلی و امراللهی فرا گرفت و در درس رسائل آیه الله طاهری خرم

آبادی و آیه‌الله مؤمن و در درس مکاسب آیه‌الله ستوده، آیه‌الله مصلحی اراکی و آیه‌الله مؤمن شرکت کرد. برای آموختن کفایة‌الاصول نیز به درس آیه‌الله سلطانی طباطبایی (ره) و آیه‌الله مؤمن رفت. وی با پایان یافتن دوره سطح، به درس خارج آیه‌الله حاج شیخ کاظم تبریزی (ره)، آیه‌الله حاج شیخ مرتضی حائری (ره)، آیه‌الله العظمی وحید خراسانی، آیه‌الله شاه آبادی آملی رفت و سالها از محضر ایشان بهره برد. ضمناً او در درس تفسیر آیه‌الله شب‌زنده‌دار نیز حاضر می‌شد و باب حادی عشر رانزد آیه‌الله صلواتی و شرح تجرید را نزد آیه‌الله حسینی کاشانی آموخت. او در طی این سالها از درس اخلاق حضرات آیات مشکینی و مصباح یزدی بهره برد. حجة‌الاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضیلهای بسیاری رابطه دوستی داشت که از آن جمله، حجج اسلام آقایان سید محمد غروی، علی مؤمن، مهدی شب‌زنده‌دار و محمود محمدی عراقی را می‌توان نام برد. حجة‌الاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای زندگانی خود تا به امروز، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری از خود برجای نهاده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و از این رهگذر شاگردان فراوانی را تربیت کرده است. بخشی از تدریس او مربوط به مؤسسه در راه حق و مؤسسه امام خمینی (ره) است. او با توجه به رشته تحصیلی خود در مؤسسه در راه حق (جامعه‌شناسی) و مطالعات و تحقیقات فراوان در علوم قرآنی و تفسیر، سالها به تدریس در آن دو مؤسسه و نیز دانشگاه‌ها و مراکز آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم قرآنی و تفسیر اشتغال داشته است. بخشی از فعالیتهای علمی و فرهنگی وی تهیه متون و منابع درسی در دو رشته «تفسیر و علوم قرآن» و «جامعه‌شناسی» است و از این رهگذر کتابهای متعددی را تألیف کرده که از آن جمله می‌توان به کتابهای «روش تفسیر قرآن»، «شناخت قرآن»، «اعجاز قرآن»، «انسان‌شناسی» و «قرآن‌شناسی» - که حاصل تلاش ایشان در تحقیق و تدوین درسهای استاد مصباح یزدی می‌باشد - را نام برد و همچنین کتابهای «درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی»، «تاریخچه جامعه‌شناسی»، «مبانی جامعه‌شناسی» و «تاریخ تفکرات اجتماعی» را در قلمرو علوم اجتماعی به رشته تحریر درآورده است. ایشان در زمینه ترجمه نیز کتاب «عوامل ضعف المسلمین» نوشته عاطف الزین را به فارسی ترجمه کرده است. حجة‌الاسلام والمسلمین محمود رجبی از مؤسسان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مسؤول گروه علوم اجتماعی این دفتر است، وی همچنین ضمن عضویت در شورای عالی بررسی متون درسی دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) را نیز بر عهده دارد. او از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم‌اکنون در قم به تدریس می‌پردازد.

رحیملو، یوسف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رحیمی، غلامرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا رحیمی

محل تولد: فریدون اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۷/۱۰

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۶۴ فعالیت‌های علمی خودم را آغاز کردم. بعد از آن که از طریق جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در دانشگاه مشغول تدریس شدم، کم‌کم در تدریس موفق شدم، جزوهای درس بنویسم. در کنار دانشگاه به مدت ۵ سال در حوزه علمیه جعفریه تهران (پاکدشت) مشغول به تدریس دروس حوزوی شدم در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه آزاد اسلامی اراک برای فوق لیسانس قبول شدم و لذا در آنجا هم تدریس می‌کردم، و هم تحصیل بالاخره در سال ۱۳۷۴ با معدل ۱۸.۴۶ فارغ التحصیل شدم و رساله علمی خودم که به نام تقیه در سیره عملی امامان معصوم (ع) بود با نمره ۱۹ دفاع کردم. سپس در دانشکده فنی دکترا شریعتی (تهران) عضو هیئت علمی شدم و هم‌اکنون در پایه ۱۴ مربی هیئت علمی هستم به دنبال هیئت علمی شدن موفق شدم کتب و مقالاتی را بنویسم. الحمدلله زمینه علمی و تحقیقی به خاطر هیئت علمی بودن برایم فراهم است. ان شاءالله کتابهایی که نوشته‌ام به زودی چاپ خواهند شوند. در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی مشغول به تحصیل شدم. در سال ۱۳۶۱ توانستم پایه ۱۰ را به پایان برسانم و در درس خارج آیات عظام فاضل لنکرانی (ره)، سبحانی، مکارم شرکت کنم. فعلاً هم در درس خارج فقه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای شرکت می‌کنم. بحث کنونی استاد مکاسب محرمة است. ضمناً در کنار درس حوزه توانستم دیپلم بگیرم و در دانشگاه هم حضور پیدا کنم و مدارک فوق لیسانس در رشته الهیات - فقه و مبانی اسلامی بگیرم. هم‌اکنون از اعضای هیئت علمی دانشکده فنی شریعتی (تهران) می‌باشم و بنا دارم به زودی مدرک سطح چهار را هم از حوزه علمیه قم بگیرم.

رحیمی، منصور

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

منصور رحیمی

محل تولد: شاهرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای منصور رحیمی در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در خانواده‌ای پاک، متدین، با اخلاص و کاملاً مذهبی دیده به جهان

گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در شهر مقدس مشهد سپری کرد و در پی تشویق خانواده و اطرافیان و علاقه خود به فراگیری علوم دینی به وارد حوزه علمیه مشهد شد از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله علی فلسفی، آیت الله صالحی و آیت الله شیخ مصطفی اشرفی بهره ها برد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۱ از دانشگاه فردوسی فارغ التحصیل گردید و پایان نامه خود را با عنوان "دیپلماسی پیامبر اکرم (ص)" به اتمام رسانید. ایشان ضمن تدریس به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد و در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات "هجرت" و "جهاد" و... از جمله آثار ایشان است

رزاقی، نصرالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نصرالله رزاقی

محل تولد: طالقان

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در طالقان روستای ناریان به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم و تحصیلات مقطع راهنمایی را در تهران و مقطع دبیرستان را در قم به پایان رسانیدم. در سال ۱۳۶۱ به جبهه‌های جنگ در منطقه کردستان در قالب یک گروه فرهنگی اعزام شدم و حدود ۱۱ ماه در منطقه دیواندره همراه رزمندگان اسلام بودم بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و مقطع مقدمات را در مدرسه مبارکه رضویه به پایان رسانیدم و سپس دروس بعدی را به صورت آزاد در حوزه علمیه قم آغاز کردم و در دروس اساتید چون محمدی خراسانی، طالقانی، محقق داماد، اعتمادی، طاهری خرم آبادی، بیگدلی و آیات عظام وحید خراسانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، مرحوم جواد آقا تبریزی و سبحانی شرکت کردم. سپس در موسسه آموزش تخصصی مذاهب اسلامی شرکت کردم و حدود سه سال دروس تخصصی مذاهب اسلامی را در نزد اساتیدی چون نجم الدین طبری، بهجت پور، غیب غلامی، دکتر خدادادی و... گذراندم و در این مدت تحقیقاتی در رابطه با حیات ابوبکر، انسان و تکنولوژی، معرفت شناسی انجام دادم و هم‌زمان در دانشگاه آزاد و مرکز تربیت مربی و موسسه تخصصی مذاهب اسلامی تدریس داشتم و هم‌اکنون نیز تدریس ادامه دارد.

رسولی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود رسولی، از نی نوازان خوب شهرستان بروجرد است که خیلی گمنام و مهجور مانده و کمتر کسی جز محافل هنرمندان آن شهر از وجود این هنرمند و هنر او آگاهی دارد. محمود رسولی که به شغل خیاطی در بروجرد اشتغال دارد به سال ۱۳۲۵ در این شهر دیده به جهان باز کرد. پدر و عموی او ساز نی را به خوبی می‌نواختند ولی از ردیف و گوشه‌های موسیقی ایرانی و اصولاً دستگاه‌های موسیقی اطلاعی نداشتند. محمود از سن دوازده سالگی نی زدن را نزد پدر و گاهی اوقات نزد عموی خود آغاز و شروع به فراگیری نواختن این ساز کرد.

وی روزهای یکشنبه که استاد حسن کسائی در رادیو برنامه داشت کنار رادیو می‌نشست و به صدای ساز این استاد گوش می‌داد و پس از آن تا یکشنبه هفته دیگر مرتباً آن آهنگ را نزد خود تمرین می‌کرد و آن قدر شب و روز با عشق و علاقه در نی نفس گرم خود را می‌دمید تا می‌توانست صدای مورد نظر خویش را از دل سرد آن در بیاورد. مدت‌ها این وضع ادامه داشت ولی طبع حساس و روح کاوشگر او راضی نمی‌شد، تا این که به محمد موسوی یکی از شاگردان بزرگ و برجسته استاد کسائی که خود هم‌اکنون در نی‌نوازی و نی‌سازی استاد است آشنا می‌شود و آدرس استاد حسن کسائی را از وی دریافت می‌کند. او بلافاصله نامه‌ای با یک بیت شعر زیبای حسام همدانی تحت عنوان:

ما ز هر صاحب‌دلی یک شمه کار آموختیم

نالاه از نی، گریه از ابر بهار آموختیم

تقاضای ملاقات با استاد را کرد که استاد کسائی، این هنرمند بزرگ و فخر آفرین، وی را می‌پذیرد و به اصفهان دعوت می‌کند و با مهربانی و خلوص نیت که از استادان خود مهدی نوائی و ابوالحسن صبا آموخته بود، محمود رسولی را با راز و رمز نی‌نوازی آشنا می‌کند و او را تشویق و مورد حمایت خود قرار می‌دهد و دو نی به او می‌دهد و سفارشات لازم را به وی می‌کند. از جمله به او می‌گوید:

«من نی را مثل استادان قدیم با لب می‌زنم، ولی نی را باید با دو فک بالا و پایین نواخت که امکان دمیدن هوا در آن بیشتر و صدای رسا بهتر و اصولی‌تر می‌گردد نواخت، لذا شما سعی نمایید که نی را این چنین بنوازید».

محمود رسولی، حدود ۹ سال با عشق و علاقه وصف‌ناپذیری از بروجرد به اصفهان می‌رفت و از مکتب استاد کسائی بهره‌ور می‌شد و پس از کسب آموخته‌های جدید و نو، دوباره به زادگاه خود بروجرد برمی‌گشت و پس از آن مدتی نزد محمد موسوی که حدود ۵ سال گردید رفت و فنون نی‌سازی و بعضی مسائل نواختن نی را نزد وی آموخت و خود به مرحله‌ای رسید که نواختن نی او طرفداران فراوان پیدا کرد و از این زمان به بعد در محافل و انجمن‌های فرهنگی و هنری و ادبی شهر همراه دوستان هنرمند خود و یا به صورت تکنوازی به اجرای برنامه‌های موسیقی پرداخت، سپس با ارکستر فرهنگی ارشاد اسلامی (صبا) شهرستان بروجرد همکاری خود را آغاز کرد که هنوز این همکاری ادامه دارد.

محمود رسولی، از سال ۱۳۶۷ اقدام به ساختن ساز نی کرده که نی‌ها را از کاشان و شهرهای مختلف مازندران مثل: ساری، بابلسر، بل‌میر و قائم‌شهر تهیه می‌کند و پس از ساختن نی آن را به شهرهای دیگر کشور و بسیاری کشورهای عربی ساحل خلیج فارس صادر می‌کند.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

رشید یاسمی، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۰-۱۲۷۵ ش)، نویسنده، مورخ، ادیب، مترجم و شاعر. در قصبه‌ی گهواره از توابع کرمانشاه متولد شد. پدر او شاعر و نقاش و خوشنویس بود. جد مادری او، شاهزاده محمدباقر میرزای خسروی، نویسنده‌ی داستان «شمس و طغرا» است که دیوان شعرش به همت رشید چاپ شده است. رشید یاسمی تحصیلات مقدماتی را در کرمانشاه به پایان برد، سپس به تهران آمد و دوره‌ی متوسطه را در دبیرستان سن لوئی گذراند. از همان هنگام به تشویق نظام وفا که معلم ادبیات او بود، به سرودن شعر پرداخت. پس از تحصیلات، در وزارت معارف، مالیه و دربار به کار مشغول شد. در همین اوان جرگه دانشوری را تاسیس کرد که بعدها با همت ملک‌الشعرای بهار به انجمن دانشکده تبدیل شد. رشید ضمن همکاری با مجله‌ی «دانشکده» با نویسندگان و شعرای آن دوره آشنا شد و با انجمن ادبی ایران همکاری داشت. یک سال پس از کودتا، رشید یاسمی مقالات خود را در روزنامه‌ی «شفق سرخ» به سردبیری علی دشتی منتشر ساخت که همین مقالات موجب شهرت ادبی او گردید. در این مدت زبان‌های عربی و انگلیسی را آموخت و زبان فرانسه را تکمیل کرد. زبان پهلوی را از حوزه‌ی درس استاد هر تسفند نیک فراگرفت. در سال ۱۳۱۲ ش که دانشگاه تهران تاسیس شد، او در دانشکده‌ی ادبیات و دانشسرای عالی با سمت استادی تاریخ اسلام را تدریس می‌کرد. بعدها به عضویت فرهنگستان ایران درآمد. در سال ۱۳۲۲ ش به همراه هیاتی از استادان ایرانی به هند رفت و در سال ۱۳۲۴ ش به منظور مطالعه به فرانسه رفت و پس از دو سال به ایران بازگشت رشید یاسمی تا پایان عمر به عنوان استاد در دانشگاه تهران تدریس کرد. روز یازدهم اسفندماه ۱۳۲۷ ش به هنگام سخنرانی در دانشکده‌ی ادبیات دچار سکت شد و پس از سفری کوتاه به فرانسه و بازگشت به ایران، سرانجام روز چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ ش در تهران درگذشت و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. جز از مقالاتی ادبی و تاریخی و فلسفی و انتقادی که از او در مجلات «نوبهار»، «آینده»، «ارمغان»، «تعلیم و تربیت»، «یغما»، «مهر»،... چاپ شده است دارای تالیفات و تحقیقات و تتبعات و ترجمه‌های بسیاری است که از آن جمله: «ادبیات معاصر»، «تتبع و انتقاد در احوال و آثار سلمان ساوجی»، «احوال ابن‌یمین»، «تاریخ مختصر ایران»، «تاریخ ملل نحل»، «ایران در زمان ساسانیان»، ترجمه؛ «تاریخچه نادرشاه»، ترجمه؛ «جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران تالیف براون»، «آیین دوست‌یابی»، ترجمه؛ «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از نیما تا روزگار ما (۱۴۵-۱۳۸)، تاریخ مشاهیر کرد (۳۱۶-۳۱۰/۲)، چشمه‌ی روشن (۴۴۸-۴۴۱)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۳۶۹-۳۶۸)، الذریعه (۱۳۰۷، ۳۶۲/۹)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۳۲-۳۲۸/۳)، سخنوران نامی معاصر (۱۵۳۴-۱۵۲۸/۳)، سرآمدان فرهنگ (۳۸۲-۳۷۹/۱)، فرهنگ سخنوران (۳۷۸)، گنج سخن (۳۲۶-۳۰۹/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۰-۶۹۶/۴)، یغما (س ۲۶، ش ۸ ص ۴۹۰-۴۸۷).

رشیدالدین، فضل‌الله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۱۸-۶۴۵ ق)، مورخ و طبیب. ولادتش در همدان بود. پدرش عمادالدوله ابوالخیر پزشکی بود، و رشیدالدین جوانی را در تحصیل فنون مختلف، به ویژه علم طب گذرانید. و از عهد ایلخانی شد. در عهد دولت ارغون‌خان و گیخاتوخان مورد توجه و اکرام تمام قرار گرفت. غازان‌خان، بعد از قتل صدر جهان زنجانی، وی را با شرکت خواجه سعدالدین محمد آوجی به وزارت برگزید و

الجایتو (سلطان محمد خدابنده)، بعد از قتل سعدالدین، با وجود نهایت اعتمادی که به کفایت رشیدالدین فضل‌الله داشت؛ خواجه علی‌شاه یلانی را با وی در وزارت شریک کرد. در دوره‌ی سلطنت ابوسعید بهادرخان، به سبب نقاری که بین رشیدالدین و خواجه علی‌شاه در میان بود، خواجه علی‌شاه و همدستان او نزد آن پادشاه در میان بود، خواجه علی‌شاه و همدستان او نزد آن پادشاه جوان و کم‌تجربه چنین فرامودند که خواجه رشیدالدین و پسرش خواجه ابراهیم، الجایتو را زهر داده‌اند. به همین جهت در جمادی‌الاول سال ۷۱۸ ق سلطنت ابوسعید دستور داد تا اول پسر را پیش چشم پدر گردن زدند، و سپس خواجه رشیدالدین را هلاک کردند، و خاندان و خواسته‌ی او را به یغما بردند. علاوه بر آن که در گاهش ملجا و مآب اهل هنر و علم بود. و در بسیاری از ناحی ایران و ممالک ایلخانی مدارس و مساجد و کتابخانه‌ها و موقوفات احداث کرد، خود نیز قسمتی بزرگ از عمر خود را در جمع و تدوین و تالیف گذرانید. مجموعه‌ی مصنفات و مولفات رشیدالدین فضل‌الله، «جامع التصانیف رشیدی» یا «المجموعه الرشیدی» نامیده می‌شد و اینک از مجموعه‌ی آن آثار مختلف، برخی در مسائل مختلفی از قبیل مباحث دینی و تفسیر و کلام و طب و فلاح و تاریخ و داروشناسی، بر جای مانده که عبارتند از: «توضیحات رشیدی»، (شامل ۱۹ رساله درباره مسایل کلامی و دینی و عرفانی)؛ «مفتاح التفاسیر»؛ «الآخبار و آثار»؛ «رساله‌ی سلطانی»؛ «بیان الحقایق»؛ «جامع التواریخ»؛ «مکاتیب یا مکاتبات رشیدی»؛ دو کتاب «جامع التواریخ رشیدی» و «مکاتبات رشیدی»، که اولی کتاب مفصلی در تاریخ مغول و تاریخ عمومی است. دومی که منشآت و مناشیر و رسایل اوست و مجموعه‌ی فرمانها و نامه‌هایی است که وی به صفرزندان و عمال و علماء و مشایخ عهد نوشته است. صاحب «الذریعه» به وی «دیوانی» نسبت داده که نشان می‌دهد شعر هم می‌سروده است. [۱]

فضل‌الله وزیر مدبر (و. همدان حدود ۶۴۵ ه.ق. - مقت. ۷۱۸ ه.ق. / ۱۳۱۸ م.). در ایام اباقخان وی طبیب خاص پادشاه بود و احترامی داشت، در زمان غازان لیاقت وی آشکار شد و سه سال پس از عزل وزیر اعظم صدرالدین زنجانی، غازان او و خواجه سعدالدین ساوجی را متفقا به صدارت انتخاب کرد.

در عهد سلطنت اولجایتو، رشیدالدین مانند سابق حیثیت داشت و در همان اوقات در سلطانیه- پایخت جدید- ناحیه‌ای را آباد ساخت که نام او «رشیدی» نامیده شد. دو سال بعد محلتی دیگر در نزدیکی شهر غازانیه بنا نهاد و با صرف هزینه هنگفت رودخانه سرارود را بدانجا آورد. بعد از قتل سعدالدین، خواجه علی‌شاه گیلانی، که مردی مزدور و فرومایه بود- جایگزین او شد و او پس از اندکی دسیسه‌ای خطرناک ضد رشیدالدین ایجاد کرد ولی مؤثر نگردید. در سال ۱۳۱۵ ه.ق. نزاعی شدید بین دو وزیر به ظهور پیوست و الجایتو ناگزیر شد که ترتیب و انتظام ممالک مختلف را بین آن دو تقسیم کند تا اختلافی روی ندهد، مع ذلک علیشاه تهمت و خصومت را ضد او ادامه داد به طوری که خواجه رشید به زحمت توانست خود را برهاند. این رقابت پس از مرگ الجایتو و در اوان سلطنت ابوسعید هم وجود داشت تا عاقبت خواجه تاب مقاومت نیاورد و از شغل خود کناره گرفت و در سن متجاوز از ۷۰ او و پسر ۱۶ ساله‌اش ابراهیم را به تهمت مسموم کردن سلطان سابق (الجایتو) به قتل رساندند. تاریخ مشروح و معتبر «جامع‌التواریخ» به همت او تألیف و تدوین شده.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه [۱] ارمغان (س ۶، ش ۲۵۳- ۲۴۱، ۴- ۳)، از سعدی تا جامی (۱۲۵- ۹۵)، الاعلام (۳۵۹/۵)، اعیان الشیعه (۴۰۱/۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۵۲- ۱۲۴۷/۳)، تاریخ برگزیدگان (۱۷۲- ۱۷۱)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۳- ۱۴۲)، تاریخ برگزیده (۶۰۴)، تذکره‌ی روز روشن (۲۹۳)، حیب‌السیر (۲۰۱- ۱۹۹، ۱۹۱/۳)، دایرة‌المعارف فارسی (۱۰۸۶/۱)، دستور الوزراء (۳۲۱- ۳۱۵)، الذریعه (۶۰/۱۴، ۳۶۲/۹، ۲۷۱- ۲۶۹/۳)، ریحانه (۳۴۰- ۳۳۷/۷)، سبک‌شناسی (۱۷۹- ۱۷۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۰/۸)، فرهنگ سخنوران (۳۷۷)، کارنامه بزرگان (۳۲۲- ۳۲۰)، لغت نامه (ذیل / ابن ابی‌الخیر)، مجمع الفصحا (۶۸۰/۲)، معجم المؤلفین (۷۴/۸).

رضازاده لنگرودی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا رضا زاده لنگرودی سال ۱۳۲۹ در لنگرود به دنیا آمد، تحصیلات متوسطه خود را در زادگاه خویش به پایان برد و برای ادامه تحصیل راهی تهران می‌شود. علاقه او به تاریخ از دوران نوجوانی شکل گرفت و بر مبنای این علاقه نیز، راه تحصیلات عالی اش را پی گرفته است. لنگرودی تحصیلات آکادمیک خویش را تا مقطع دکترای تاریخ از دانشگاه پاریس پیش برد و در طی این دوران نیز از تحقق و پژوهش در آن نیز غافل نمانده است. رضا زاده لنگرودی از چهره های شاخص تاریخ نگاری بخصوص در حوزه دانشنامه نویسی در ایران است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: ترکمانان

تحصیلات رسمی و حرفه ای: پایان دوره متوسطه در زادگاهش و اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه پاریس. تخصص ویژه او پژوهش در دوره ایلخانیان و متخصص تاریخ نگاری ترکمانان است

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: رضا رضا زاده لنگرودی مدیریت گروه تاریخ در بنیاد دایرة المعارف اسلامی را برعهده دارد. بنیاد دایرة المعارف اسلامی از سال ۱۳۶۲ همزمان با تأسیس مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی تأسیس شد. این بنیاد دارای ۱۲ گروه علمی در زمینه های زبان و ادبیات، اسلام معاصر، جغرافیا، فرهنگ و تمدن، فلسفه و عرفان، تاریخ علم، تاریخ، کلام و خرد، فقه و اصول، قرآن و حدیث است. اغلب فعالیت های این بنیاد، تألیف دایرة المعارف الفبایی به نام دانشنامه جهان اسلام است که تاکنون ۱۰ جلد از آن به وسیله مؤسسه کتاب مرجع، منتشر شده است.

آرا و گرایشهای خاص: رضا رضا زاده لنگرودی رضا زاده لنگرودی درباره دایرة المعارف نویسی در ایران نظریات ارزنده ای دارد: «دایرة المعارف به شکل امروزی، ویژگی های خاص خود را دارد و یکی از مهم ترین آنها ویرایش است بخصوص در «دایرة المعارف بزرگ اسلامی» به دلیل آن که مقاله ها از همان آغاز تألیفی بودند و نه ترجمه، ویرایش اهمیت خاصی داشت اما در «دایرة المعارف جهان اسلام» از آنجا که از همان ابتدا مقاله ها ترجمه بودند بیش تر مقابله و مقایسه مطرح بود تا ویرایش، اگر چه هم اکنون در این دایرة المعارف ها نیز ویرایش اهمیت خاصی یافته و مقالات یکدست شده اند. امروزه دایرة المعارف هایی که در ایران نوشته می شوند از نظر مستندات از دایرة المعارف های قدیم اروپا بهتر هستند زیرا در قدیم ویراستاران معتقد بودند که حق با نویسنده است و وقتی افراد بزرگ و برجسته ای مثل «نیکلسون» یا «بارتول» مقاله ای می نوشتند، کسی نمی توانست به آنها بگوید که مأخذتان را بیاورید تا استناد آنها را ببینیم، در حالی که در دایرة المعارف های ما، ویراستاران از نویسندگان مقالات در هر مقام و مرتبه ای که باشند، مستندات را می خواهند البته ویرایش، گاه مشکلاتی را برای مقالات نویسندگان به وجود می آورد و این به دلیل آن است که اغلب مقاله ها با هر موضوعی که باشند از سوی ویراستارانی که اغلب ادبیات خوانده اند همان طور که مقالات ادبی را با ویژگی خاصی ویرایش می کنند، ویرایش می شود. همین امر باعث می شود که ما در اغلب دایرة المعارف ها با تشابه واژه، تعبیر و مفاهیم روبه رو می شویم، این از مشکلاتی است که در حال حاضر در همه دایرة المعارفها و بویژه در «دایرة المعارف جهان اسلام» وجود دارد و ما نمی دانیم چه زمانی می توانیم این مشکلات را از بین ببریم.» رضازاده درباره مسیری که دانشنامه

نویسی در ایران طی کرده است، می گوید: «از آنجایی که در آن دوران زبان دیپلماسی اروپا فرانسه بود، اصحاب دایرة المعارف به سرپرستی «دیدرو» می خواستند که با یک مجموعه ای که بیانگر اندیشه هایشان باشد حاکمیت خود را در اروپا (که در دوران عصر روشنگری بود) به تحقق رسانند. ما دایرة المعارف نویسی را از آنها گرفتیم و در واقع بخشی از اصول آنها را هم وارد کار خود کردیم. یکی از مشخصه های حائز اهمیت دایرة المعارف استناد است. ما نمی توانیم به دور از استناد مقاله بنویسیم. به همین دلیل هم چون اغلب نویسندگان مقاله های ما، ایرانی هستند، در حقیقت تخصص ما بیش از هر چیزی، نزدیک به خود ما و مسائل پیرامون ماست. برای مثال ما کسی را نداریم که درباره عرفان و تصوف در چین آن چنان دقیق و جامع و علمی بنویسد که مثلاً در مورد عرفان و تصوف ایران می نویسد. به این اعتبار، دایرة المعارف هایی که در ایران نوشته می شوند فقط ۵ یا ۶ درصد مقاله های آن در مورد مالزی، اندونزی، آلبانی و... است. بنابراین بیش تر مقاله های ما همان طور که آقای بجنوردی فرمودند، تاریخی است چون زمینه فرهنگی ما غنی است و ما در دایرة المعارف می خواهیم همین ها را عرضه کنیم. برای مثال اساس تألیف دایرة المعارف تشیع به دلیل اشتباهاتی بود که در دایرة المعارف تشیع انگلیسی وجود داشت به عنوان نمونه مقاله ای را که درباره امام رضا(ع) نوشته شده بود براساس یکسری کج فهمی ها بود که بعدها خود آنها به آن اعتراف کردند. بنابراین همان طور سجادی و استاد فانی اشاره کردند، ما در یک فضای ذهنی تربیت شده ایم و با همان فضای ذهنی هم می نویسیم به همین دلیل مقاله ما درباره ابوالعلائی معری با مقاله ای که یک عرب درباره او می نویسد فرق می کند و باید هم چنین باشد یا مقاله حافظ که یک نویسنده عرب می نویسد، با مقاله ای که در دانشنامه ادب فارسی یا دانشنامه ایرانیکا درباره حافظ نوشته می شود بی شک باید فرق کند؛ چرا که در این دایرة المعارف ها با ذهنیت ایرانی نوشته می شود. من می خواهم بگویم که دایرة المعارف های ما تأثیر خوبی در خارج از ایران داشته اند.

چگونگی عرضه آثار: تخصص ویژه رضا رضا زاده لنگرودی پژوهش در دوره ایلخانیان و متخصص تاریخ نگاری ترکمانان است و در این باره با دو گرایش تاریخ روایی و تاریخ تحلیلی تألیف کرده است. در کنار این گرایش، لنگرودی سال هاست که بر جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام تمرکز کرده و اثر مهمی نیز با همین عنوان نوشته است. اثری در ۲ جلد، که جلد نخست آن از سوی انتشارات طهوری چاپ و منتشر شده است. کتاب «جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام» است. لنگرودی در مقام ریاست بخش تاریخ بنیاد دایره المعارف اسلامی و دانشنامه جهان اسلام، علاوه بر نظارت بر سفارش و نگارش مدخل های این حوزه، خود نیز به کار نگارش مقالات ارزنده ای در آن پرداخته و تحقیقات خود را در قالب مدخل های دایرة المعارف دنبال کرده است. از آن جمله، نگارش مدخل های آتسز، آزاد، بلگرامی، آسین پالاسیوس، آق قویونلو، آل اخشید، آماری، ابن اثیر، ابوالحسن، ابوبکر طهرانی، استادسیس و... وی در طنز نیز دستی توانا داشت. طنز او در طعنه بر نابه سامانی ها بود و هجو او در افشای نابرابری های اجتماعی. رضازاده لنگرودی اکنون مدتی است که بر روی «جنبش های دینی - اجتماعی خراسان در قرن دوم» مطالعات وسیعی را آغاز کرده و اثری با همین عنوان هم به نگارش در آورده است. رضا رضازاده لنگرودی در میان تاریخ نویسان هم نسل خویش با نگاه دانشنامه نویسی و در نتیجه تکیه بر منابع موثق و پرهیز از دیدگاه های شخصی و فراهم آوردن منابعی برای نگرش های تطبیقی در تاریخ، از دیگران تفکیک می شود. بویژه در دوره ای که تاریخ نگاری جولانگاه تاریخ نگاران غیر متعهد شده است. رضا رضازاده لنگرودی، با دانشنامه های دیگری از جمله دانشنامه های مرتبط با یک منطقه نیز همکاری می کند و مدخل هایی برای آنان نیز می نویسد. از جمله مدخل کاشان برای دانشنامه کاشان -----

آثار:

۱ جنبش های اجتماعی در ایران پس از اسلام

ویژگی اثر: تالیف، ۲ جلد. لنگرودی سال هاست که بر جنبش‌های اجتماعی در ایران پس از اسلام تمرکز کرده و اثر مهمی نیز با همین عنوان نوشته است. اثری در «جلد، که جلد نخست آن از سوی انتشارات فرهنگ نشر نو چاپ و منتشر شده است. کتاب «جنبش‌های اجتماعی در ایران پس از اسلام» گرچه در قالب مجموعه مقالات لنگرودی انتشار یافته، اما وحدت ذهنی او در پیگیری گرایش تاریخی اش، اتحاد و وحدت اثرش را به خوبی حفظ کرده و از کتاب جنبش‌های اجتماعی در ایران پس از اسلام اثری قابل ارجاع ساخته است. اما این کتاب خیلی زود در محافل فرهنگی و حوزه نقد کتاب به عنوان اثری مهم و اثرگذار شناخته شد و لنگرودی را ترغیب به نگارش جلد بعدی این مجموعه کرد: «جلد دوم این کتاب هم ادامه جنبش‌هایی است که در تاریخ ایران شکل گرفته اند، یعنی جنبش نومزدکیان و بردگان زنج است، بعد جنبش زندیه است، جنبش برده داران و جنبش نقطویه...»

۲ جنبش‌های دینی - اجتماعی خراسان در قرن دوم

۳ مدخل کاشان برای دانشنامه کاشان

ویژگی اثر: او این مقاله را با تشریح وضعیت کاشان در دوره پیش از تاریخ آغاز می‌کند. آگاهی‌های ما از روزگاران پیش از تاریخ کاشان، مبتنی بر کاوش‌های باستانشناسی تپه سیلک است که نیز نخستین بار در طول سالهای ۷-۱۹۳۳ به دست رومن گیرشمن فرانسوی انجام گرفت. نگارنده براساس آثار یافت شده در حفاری‌ها صورت گرفته به بررسی ویژگی‌های تمدن کهن سیلک و پیوندهای سیلک با خارج و تأثیرهای خارجی بر آن می‌پردازد و با توجه به یافته‌های باستانشناسان در گورستان‌های سیلک، گونه‌های انسان شناختی سیلک را بررسی می‌کند. در فاصله زمانی پس از تمدن سیلک تا دوران ساسانی، بویژه در صدر اسلام، اطلاعاتی از مردم سیلک و دیگر آبادی‌های کاشان در منابع موجود در دست نیست. ولی در پژوهش‌های پراکنده نشان داده شده است که جوامع گوناگونی در دوره‌های مختلف تاریخی در دشت کاشان، و بویژه در نواحی کوهستانی غرب و جنوب، سکونت داشته‌اند. بقایای آتشکده‌های نیاسر، نظز، خرم‌دشت و... گویای وجود مراکز زیستی در دوران ساسانی در این منطقه است. رضازاده لنگرودی در ادامه به وضع کاشان در دوره پس از اسلام می‌پردازد و از جمله، فرضیه‌های مختلف درباره نامگذاری کاشان را عنوان می‌کند.

۴ یاد پاینده

ویژگی اثر: شامل مجموعه «؟ گفتار پژوهشی در قالب یادنامه محمود پاینده و... لنگرودی به زنده نگاه داشتن نام نیکان نیز اعتقاد ویژه دارد و بر مبنای همین اعتقاد است که مجموعه یادنامه پاینده را تدوین کرده و درباره او می‌گوید: «پاینده از شاعران خوش قریحه گیلکی و فارسی بود. شعر کهن و نو را خوب می‌شناخت و در قصیده و غزل و رباعی و دوبیتی اشعاری سروده است. اما شیوه نیمایی را بیشتر می‌پسندید. به اعتقاد او «شعر باید نکاتی به خواننده بیاموزد و شاعر پیش از مردم همراه و همگام آنان باشد تا هنر شعرش در زمینه مردم مؤثر باشد.» اشعار فارسی پاینده که بیش تر مضمون اجتماعی دارند، در عین زیبایی، عامه پسند و عاری از تعقیدات لفظی است. اشعار گیلکی او شیوا، سلیس و آکنده از مضامین دلنشین مردم پسند است. افزون بر زبان تعرض به بی عدالتی‌های زمانه، در زبان وصف نیز توانا بود، اما نه در وصف هلال ماه و تشبیه آن به ابروی دلدار بلکه وصف پریشانی‌های فرزندان تیره بخت روزگار.

۵ یادگارنامه فخرايي

ویژگی اثر: ترانه‌هایی از اشکور بالا- عنوان مقاله کاظم السادات اشکوری در کتاب یادگارنامه فخرايي است که زیر نظر دکتر رضازاده انتشار یافته است.

منابع زندگینامه:

http://www.iran-newspaper.com/۱۳۸۵/۸۵۱۱۲۸/html/mehr.htm، روزنامه مهرگان صفحه مهرگان ۲۸-۱۱-

۱۳۸۵

رضای الهی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فضل الله رضای الهی در سال ۱۳۰۲ در شهر اصفهان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته جامعه‌شناسی از کشور فرانسه است. استاد هم‌اکنون پس از تدریس در دانشگاه‌های مختلف ایران و بازنشستگی مدت ۱۴ سال است که با دانشگاه آزاد اسلامی همکاری دارند. گروه: علوم انسانی‌رشته: جامعه‌شناسیتحصیلات رسمی و حرفه‌ای: فضل الله رضای الهی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا اخذ دیپلم ادبی در اصفهان سپری نمودند در سال ۱۳۳۳ موفق به اخذ درجه کارشناسی رشته ادبیات از دانشگاه تهران شد. ایشان چندین سال در کسوت معلمی به دبیری دبیرستانهای تهران اشتغال داشتند. شوق تحصیل دسترسی بمدارج بالا تر موجب شد که در کنکور کارشناسی ارشد شرکت نمودند و در سال ۱۳۴۲ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی گردید. دکتر رضای الهی مدرک دکتری رشته جامعه‌شناسی را از کشور فرانسه دریافت کرده است. همسر و فرزندان: فضل الله رضای الهی متاهل و دارای سه فرزند می باشد. وقایع میانسالی: فضل الله رضا الهی پس از دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه شهید چمران (جندی شاپور) مشغول به تدریس و تحقیق شدند. و پس از اخذ درجه دکتری رشته فوق از کشور فرانسه به ایران بازگشتند و همچنان در دانشگاه‌های مختلف به تدریس و تحقیق مشغول می باشند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فضل الله رضای الهی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد واحد تهران شمال می باشد.

رضای قاجار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. وی شاهزاده پر استعداد قاجاری بود و در شبیه‌پردازی و قلمدان‌سازی دستی بکمال داشت. از آثار او: قلمدان زیبایی که بر رویه آن تصویر بسیار شبیه مظفرالدین‌شاه قاجار نقش بسته و حواشی و جوانب آن از گل و مرغ پرمایه و رنگین آذین شده و حواشی قلمدان طلایی است، با رقم: «کمترین رضای قاجار».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲۰۵/۱).

رضایی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله رضایی انالوجه

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده عبدالله رضایی فرزند حجه الاسلام شیخ علی رضایی در سال ۱۳۵۵ در خانواده ای روحانی و متدین در شهر مقدس قم متولد شدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در مدارس قم طی نمودم و در سال ۷۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و تحصیلات سطوح حوزوی را نزد اساتیدی همچون حجج اسلام موسوی خوئی، موسوی تهرانی، وحیدی، شبیری زنجانی ادامه دادم. همزمان با قبولی در آزمون ورودی دانشگاه باقرالعلوم رشته تاریخ را در مقطع کارشناسی به اتمام رساندم و مقطع کارشناسی ارشد را در رشته ارتباطات با گرایش تولید سیما در دانشکده صدا و سیما ادامه داده و رساله علمی خویش را در قسمت عملی با موضوع طرح مسئله شفاء در رسانه تلویزیون و در قسمت نظری با عنوان بررسی تطبیقی مسابقات سرگرمی تلویزیون با توجه به انگاره های اسلامی ارائه دادم. در این میان همکاری تحقیقاتی و اجرایی در پروژه های مختلف تلویزیونی و تولید این آثار و همچنین تاسیس کار گروه های علمی در حوزه رسانه و دین از جمله فعالیت های اینجانب می باشد. بنده هم اکنون به عنوان معاونت فرهنگی هنری موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) که تولید آثار پژوهشی، فرهنگی و هنری در زمینه تخصصی مهدویت را در دستور کار خود دارد را عهده دار می باشم.

رضائیان، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حسن رضائیان در ۷ مهرماه سال ۱۳۳۴ هـ ق در شهر تهران در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود. استماع صوت زیبا و روح بخش مرحوم استاد عبدالباسط، با تلاوت سوره های حشر و تکویر، نخستین بارقه عشق به تلاوت آیات روحی را در نهاد او تاباند و از این رو از همان سنین نوجوانی، به تلاوت و تقلید از این استاد پرداخت که تاکنون نیز ادامه دارد. جوّ قرآنی و مذهبی خانواده آقای حسن رضائیان، و اهتمام بسیار پدر به امر تلاوت قرآن، پرورش قرآنی او را چنان سرعت بخشید که در فاصله کوتاهی در شمار خیلی قاریان قرآن قرار گرفت چرا که پدرش نیز خود قاری قرآنی بود و بر تلاوت فرزندش بسیار مشتاق. آقای رضائیان مراحل ابتدائی تلاوت قرآن را به کمک والدینش در سن ۱۲ سالگی آغاز کرده، با کوشش و تلاش خود و تمرین در زمینه تلاوت به موفقیتهایی در این زمینه دست یافت. او در ابتدای کار به تقلید از استاد مرحوم عبدالباسط پرداخت و آنچنان در تقلید از این استاد مرحوم پیش رفت که صدای او با سبک تلاوت مرحوم عبدالباسط، عجین شد. از این رو، اگر چه گاهی از سبک اساتیدی چون غلوش، مصطفی اسماعیل و منشاوی تقلید می کند اما بطور کلی تلاوتهای او رنگ و بوی تلاوتهای استاد عبدالباسط را دارد. او نیز چون بسیاری از قاریان برجسته معتقد است که قاری در ابتدای امر تلاوت باید به تقلید محض از قاریان مشهور

مصری پردازد. و پس از آن برای خود سبکی را برگزیند. آقای حسن رضائیان در بسیاری از مسابقات سراسری قرآن کریم شرکت کرده و رتبه های برتری را از آن خود ساخته است. او در مسابقات جهانی مالزی رتبه سوم و در مسابقات بین المللی قرآن کریم در آفریقای جنوبی رتبه نخست را کسب نمود. آقای رضائیان در بسیاری از استانهای کشور به تلاوت پرداخته، و همچنین بعنوان داور در بسیاری از مسابقات استانی قرآن کریم حضور داشته است.

حاج حسن رضائیان در سال ۱۳۶۰ ازدواج نمود که ثمره آن دو فرزند است - فرزند او ان کودکی به تلاوت اشتغال داشته و در حال حاضر در شمار قاریان می باشد آقای رضائیان نخستین برنامه رسمی تلاوت خود را در مسجد دارالسلام تهران اجرا کرد. او در این برنامه آیاتی از سوره مبارکه ابراهیم را تلاوت نمود. آقای رضائیان علاوه بر اجرای تلاوت قرآن جلساتی نیز جهت آموزش تجوید و صوت و لحن تشکیل داده که در حال حاضر نیز این جلسات ادامه دارد و به تدریس در این جلسات می پردازد.

آقای رضائیان در راستای فعالیتهای قرآنی خود، به بسیاری از کشورهای جهان سفر نموده است او دو مرتبه به کشور هندوستان سفر نمود که در اکثر استانهای شمالی و شهرهای تابعه آن، به تلاوت قرآن پرداخت. در این جلسات مردم با شور و اشتیاق، تا پاسی از شب تلاوت او را و برخی دیگر از قاریان ایرانی حاضر در جلسه، گوش جان می سپردند و حتی اگر قاریان دچار تأخیر یک ساعته می شوند مردم همچنان در مسجد با اشتیاق فراوان، در انتظار می ماندند. آقای حسن رضائیان در صحبتهای خود به خاطرات سفرش از کره چنین اشاره می کند: در کره جنوبی هنگامی که ما قرآن تلاوت می کردیم، مردم می گریستند و اشتیاق عجیبی داشتند. در سفر به کانادا و تلاوت در این کشور، مردم چنان به وجد می آمدند که او را برای مراسم افطاری به منزلشان دعوت می کردند. او همچنین به کشورهای دیگری چون ژاپن، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، امارات متحده عربی، تانزانیای، آفریقای جنوبی، عربستان و استرالیا سفر کرده است.

آقای حسن رضائیان نخستین بار در سال ۱۳۵۸ در سیمای جمهوری اسلامی ایران به تلاوت پرداخت و تا کنون بارها تلاوتهای او از شبکه های مختلف صدا و سیما به سمع دوستداران تلاوتهای او رسیده است؛ تلاوتهایی که خاطره خوش تلاوتهای مرحوم عبدالباسط را در اذهان تداعی می کند. آقای رضائیان اذان را نیز به زیبایی اجرا کرده است که از سالها قبل در صدا و سیما پخش می شود. او به قاریانی که در ابتدای راه هستند توصیه می کند که ابتدا به حفظ قرآن همت گمارند، پس از آن احکام تجویدی از استادی که خود قاری باشد، بیاموزند. او معتقد است که این افراد پس از یادگیری صوت و لحن و پس از مدتی تقلید از یکی از قاریان مشهور می توانند، به ترکیب خوانی پردازند او همچنین به قاریان قرآن سفارش می کند که اعمال و کردار خود را با قرآن بیامیزند. آقای حسن رضائیان در دوران ۸ سال دفاع مقدس بارها در جبه های حق علیه باطل حضور یافت و با برپائی مراسم های شبی با قرآن در تقویت روحیه معنوی رزمندگان اسلام، قدم برداشت او معتقد است که به برکت خون شهیدان است که قرآن این گونه جایگاه بالایی یافته است و انقلاب اسلامی ما، راه را برای جوانان هموار کرده است. آقای رضائیان اساتید عبدالباسط، غلوش، مصطفی اسماعیل، محمد صدیق منشاوی بعنوان قاریان برتر مصر از آغاز تا کنون یاد می کند او همچنین از قاریان کنونی مصر اساتید غلوش، شحات انور و سید متولی عبدالعالی را برترین می داند آقای رضائیان می گوید: من زندگیم را با قرآن و عترت عجین شده یافتم زیرا از هنگامی که خود را شناختم در خانواده ای بودم که با تلاوت قرآن مأنوس بود. آقای رضائیان در حال حاضر به عنوان ست اندر کار تهیه و توزیع داروهای گیاهی می باشد.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

رضوانی، محمداسماعیل

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۴ - ۱۳۰۰ ش)، محقق، مورخ و استاد دانشگاه. وی در قریه‌ی خراشاد بیرجند متولد شد و در همان جا به مکتب رفت. هشت ساله بود که خواندن قرآن را تمام کرد. سپس به بیرجند رفت و در مدرسه‌ی طلاب و سپس در مدرسه‌ی دولتی تدین به تحصیل پرداخت. پس از اخذ دیپلم بلافاصله در وزارت فرهنگ استخدام شد و سه سال در بیرجند خدمت کرد. سپس به تهران آمد و ضمن تدریس در دبیرستان فرخی، موفق به اخذ لیسانس و فوق‌لیسانس و دکترای رشته‌ی تاریخ و جغرافی شد. او در رشته‌ی امور تربیتی نیز دارای مدرک لیسانس بود. رضوانی در دانشگاه تهران به تدریس تاریخ و رشته‌های مربوط به آن پرداخت. سرانجام در تهران وفات یافت. از آثار به جای مانده از او می‌توان از: رساله‌ای برای نوسوادان به نام «زمینی که روی آن زندگی می‌کنیم»؛ تصحیح متن «نامه‌ی تنسر» با همکاری مجتبی مینوی؛ «منتظم ناصری»، در سه مجلد؛ «اعلانها و اعلامیه‌های دوره‌ی قاجار»، با همکاری جهانگیر قائم مقامی؛ «انقلاب مشروطیت ایران» نام برد. و مقالات متعددی که در مجلات «یغما»، «بررسیهای تاریخی»، «آموزش و پرورش»، «آینده»، «راهنمای کتاب» چاپ شده است. [۱]

مورخ، محقق، مدرس.

تولد: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۰۰، قریه‌ی خراشاد (۲۴ کیلومتری شال شرقی بیرجند).
درگذشت: ۵ فروردین ۱۳۷۵، تهران.

محمداسماعیل رضوانی، فرزند جعفر، تحصیلات خود را از مکتبخانه خراشاد آغاز نمود. سپس در مدرسه‌ی طلاب در بیرجند و پس از آن در مدرسه‌ی تدین به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۲ از دبیرستان فارغ‌التحصیل شد و به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در سمت مدیر دبستان دقیقی خراشاد به خدمت پرداخت. بعد از ده سال در دبیرستان شوکتی بیرجند به تدریس مشغول شد. پس از آن به تهران آمد و ضمن تدریس در دبیرستان فرخی، توانست دوره‌ی لیسانس (۱۳۳۲ - ۱۳۲۸)؛ و فوق‌لیسانس و دکتری (۱۳۴۱ - ۱۳۳۶) را طی کند. وی مدت‌ها در دانشگاه ملی و دانشگاه تهران به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد و تا پایان عمر به تحقیق و پژوهشی در زمینه تاریخ ایران پرداخت. وی در سال‌های آخر عمر در چند واحد از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه الزهراء، تربیت مدرس تدریس می‌کرد. از جمله مسئولیت‌های علمی او، مشاورت عالی پژوهشکده‌ی اسناد سازمان ملی ایران، مشاورت مؤسسه‌ی پژوهش و مطالعات فرهنگی، مدیریت گروه تاریخ بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، عضویت در شوراهای هیئت‌های مختلف از جمله شورای احیای میراث مکتوب کتابخانه‌ی ملی ایران و هیئت داوران جشنواره‌ی مطبوعات (دوره‌ی اول و دوم) بود.

از جمله آثار دکتر محمداسماعیل رضوانی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: زمینی که در روی آن زندگی می‌کنیم (۱۳۴۲)؛ انقلاب مشروطیت ایران (۱۳۴۵)؛ زندگی امام هشتم حضرت رضا (ع) (۱۳۴۹)؛ اعلان‌ها و اعلامیه‌های دوره‌ی قاجار (۱۳۴۹)؛ تعلیقات نامه تنسر (با همکاری مجتبی مینوی، ۱۳۵۴)؛ تصحیح تاریخ منتظم ناصری (سه جلد، ۱۳۶۷ - ۱۳۶۲)؛ سفرنامه‌ی ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرهنگستان (۱۳۷۱)؛ روزنامه‌ی خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرهنگستان (با همکاری فاطمه قاضیها، سه جلد، ۱۳۷۳ - ۱۳۷۱)؛ عالم آرای عباسی؛ یادداشت‌های امین‌الدوله؛ وی همچنین چند جلد کتاب درسی نیز تألیف نموده است، از آن جمله یک دوره تاریخ و جغرافیا و تعلیمات اجتماعی دبیرستان و یک دوره‌ی کامل تاریخ و جغرافیا برای دانشسرای مقدماتی و کلاس‌های تربیتی آموزش و پرورش و نیز کتاب درسی تاریخ سیاسی ایران برای دانشجویان دانشکده‌ی افسری. ایشان همچنین برای روزنامه‌هایی که تجدید چاپ شده‌اند، مقدمه نوشته است، از جمله برای دوره‌ی روزنامه‌ی «وقایع اتفاقیه»، «ایران»، «دانش»، «مدرسه‌ی دارالفنون تبریز»، «ملت سنیه ایران»، «روزنامه‌ی ملتی»، «مقاله‌هایی از ایشان نیز در موضوع‌های تاریخ و جغرافیا در مجله‌ها

و روزنامه‌های مختلف نظیر «یغما»، «راهنمای کتاب»، «کیهان»، «سالنامه‌ی کشور ایران»، «دانشکده‌ی ادبیات»، «بررسی‌های تاریخی»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «تحقیقات روزنامه نگاری»، «جامعه‌ی نوین»، «تاریخ»، «آینده»، «خواندنی‌های قرن»، «کلک»، «پیام کتابخانه»، «گنجینه‌ی اسناد»، «تحصیل»، «تاریخ معاصر ایران»، «کیهان فرهنگی» و «تحقیقات اسلامی» به چاپ رسیده است. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۱۰، ص ۷-۱).

رضوی، تقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۸۳.

درگذشت: ۱۳۶۸.

از آثار اوست: ترجمه‌ی تاریخ پزشکی نوین (اثر پیر بورژ و کلود بولوون، تهران، ۱۳۷۰).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

رضوی، رسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رسول رضوی

محل تولد: نقده

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره دبستان و راهنمایی را در مدرسه آذرآبادگان تبریز به اتمام رساندم. یک سال در مدرسه علمیه ولیعصر تبریز مشغول تحصیل بودم و در سال ۱۳۶۷ به قم منتقل شدم. مقدمات را در مدرسه امام صادق(ع) مشغول به تحصیل شدم. دوره سطح را نزد اساتیدی چون استاد دوزدوزانی، استاد پایانی و ... به اتمام رساندم و در دروس خارج آیات عظام لنکرانی(ره)، مکارم شیرازی، سبحانی و ... شرکت کردم. در سال ۱۳۷۸ شروع به تحصیل در دوره نهم رشته تخصصی کلام اسلامی سطح چهار کردم و در سال ۱۳۸۲ این دوره را به اتمام رساندم. در مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه به عنوان مدیر گروه ادیان و مذاهب مشغول به تحقیق شدم. در موسسه آینده روشن مدیر گروه تاریخ بوده و تاریخ غیبت کبری تدریس می‌کردم و در موسسه امام صادق(ع) یعنی تخصصی کلام اسلامی به تدریس تاریخ ادیان و مذاهب اسلامی و کلام استدلالی مشغول هستم و عضو هیات تحریریه مجله صباح

و مشرق موعود می باشم.

رضوی، محمد زمان

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۴۱ ق)، مورخ. وی اثری دارد در تاریخ ابومسلم خراسانی به نام «صحیفه الرشاد». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الذریعه (۱۷/۱۵)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۱۳/۲).

رضوی، محمدحسن

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. پیرو مکتب نوپای محمد زمان و علیقلی بیگ جبادار بود و به نقش تصویر اشتغال داشت. محمدحسن در قلمدان‌سازی و آبرنگ مهارت داشته و در شیوه‌ی محمد زمان نقش می‌آفریده است. از آثار وی قلمدان شکسته‌ای در شیوه‌ی صفوی است که در بالای آن، تصویر زن جوانی نقش بسته و حواشی و کناره‌های قلمدان پر از گل‌های چشم‌آذین و گوناگون است، با رقم: «محمدحسن رضوی». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲/۶۹۹)، هنر قلمدان (۲۸).

رضوی، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگی نامه آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی .

آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی فرزند ارشد شیخ محمد حسین رضوی در ۲۶ دی‌ماه سال ۱۳۲۶ شمسی در خانواده‌ای فرهنگی، مذهبی و روحانی چشم به جهان گشود. فشرده‌ای از آثار و زندگی پدر و اجداد ایشان و انگیزه انتقال شیخ محمد علی کاظمینی خوئی از عراق به آذربایجان در سایت بینش نو در لینک «درباره ما» بیان گردیده است.
استاد مرتضی رضوی در اواخر سال ۱۳۴۰ پس از تحصیل دوره ابتدایی و علوم مقدماتی به شهر مقدس قم عزیمت نمودند و در

محضر اساتید بزرگ به تحصیل علوم و معارف اسلامی پرداختند: دروس فلسفه و منطق را نزد بزرگانی چون انصاری شیرازی، شهید دکتر مفتاح و استاد شهید مرتضی مطهری گذراندند.

فقه و مکاسب رادر محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جعفر سبحانی و درس «خارج» را مدتی نزد آیت الله داماد، و آنگاه از کلاس درس خارج مرحوم آیت الله گلپایگانی، آیت الله شریعتمداری و آیت الله ملکوتی بهره‌مند شدند.

استاد که در یک خانواده و خاندان بزرگ فرهنگی رشد یافته‌اند، از همان اوان کودکی با محافل نقد و بحث علمی، مذهبی مانوس و آشنا بوده‌اند، همچنانکه خود بیان می‌دارند در کلام و اعتقادات و اسلام شناسی شاگرد پدر بزرگوارشان شیخ محمد حسین رضوی، و مرهون راهنماییهای مستمر ایشان بوده‌اند.

استاد مرتضی رضوی پس از بازگشت از قم تا پیروزی انقلاب اسلامی ضمن فعالیت‌های سیاسی، به تبلیغ معارف اسلامی و تدریس و تفسیر قرآن و نهج البلاغه در آذربایجان می‌پردازند و با قلم صریح و رسای خود به نشر و گسترش مبانی علمی، اعتقادی دین اسلام در میان جوانان و اقشار تحصیل کرده مبادرت می‌ورزند.

در سن ۱۹ سالگی کتاب «خلقت آدم و بحثی در تکامل» را با مقدمه شهید دکتر مفتاح تحریر و به چاپ می‌رسانند.

استاد مرتضی رضوی در اوایل سنین جوانی با امام خمینی (ره) و اهداف عدالت گستر ایشان آشنا شده و در ماجرای فیضیه و سخنرانی پرشور و تاریخی حضرت امام در سال ۱۳۴۲ حضور داشتند و تا سال ۱۳۵۶ و خیزش نهضت اسلامی ۱۸ بار توسط رژیم ستمشاهی دستگیر و در زندان انفرادی توأم با شکنجه حبس گردیدند. ایشان در اسفند ماه سال ۱۳۵۶ مجدداً دستگیر و به عنوان اولین تبعیدی آذربایجان به شهر لار تبعید شدند.

استاد مرضی رضوی پس از چند سال تبلیغ و تدریس و تفسیر قرآن در آذربایجان و انجام فعالیت‌های گسترده و مؤثر در تبریز در سال ۱۳۶۳ از سوی مردم فهیم تبریز در دوره دوم مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس برگزیده شدند.

استاد مرتضی رضوی در سال ۱۳۶۶ در دوره سوم نمایندگی مجلس شورای اسلامی از تهران کاندیدا شدند. حضور چشم گیر ایشان در مرحله دوم انتخابات مجلس سوم تهران، باعث چالش و رخدادی بزرگ در عرصه فعالیت‌های سیاسی گردید. سرانجام استاد مرتضی رضوی بنابر فرمایش تاریخی، مصلحانه حضرت امام (ره) به وزیر کشور وقت، مبنی بر اینکه «سلام من را به آقای رضوی برسانید و از قول من به ایشان بگویید: این حق شماست که همچنان در مرحله دوم کاندیدا باشید، ولی برای رفع تشنج و حفظ آرامش از حق خود صرف نظر کنید»، فی المجلس ضمن یادداشتی به وزیر کشور وقت از نمایندگانی تهران انصراف داد.

رضیعی، قاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای قاسم رضیعی در ۸ فروردین ماه سال ۱۳۴۹ شمسی در شهر ازنا در استان لرستان در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود در سال ۱۳۵۹ همزمان با تحصیل در مقاطع ابتدائی صحنه تشویق یکی از همکلاسیانش او را به تلاوت قرآن بسیار علاقه مند ساخت زیرا تلاوت سوره حمد به شیوه استاد عبدالباسط توسط همکلاسی اش مورد توجه معلم دینی و قرآن گرفته بود دیدن این صحنه قاسم رضیعی را متوجه توانایی هایش کرد و پی برد که او بهتر از همکلاسی اش می تواند تلاوت کند بهمین دلیل او نیز به تلاوت پرداخت و بسیار مورد تشویق قرار گرفت امری که باعث شد قاسم رضیعی به طور جدی به تلاوت قرآن بپردازد.

قاسم رضیعی از جذابیت و اعجاز لفظی قرآن کریم به عنوان مهمترین عامل در تربیت و پرورش قرآنی خود یاد می کند. حمایت‌های

والدین و جوّ مذهبی خانواده اش عامل دیگری در پیشرفت قرآنی آقای رضیعی شد. او همچنین از معلمان و برخی دوستان قرآنی که باعث پیشرفت و تشویق او شدند به عنوان عوامل دیگر در تربیت و آموزش قرآنی خود اشاره می‌کند. آقای رضیعی آموزش صوت و لحن را همزمان با هم آغاز کرد و تا کنون نیز در این زمینه مداومت دارد. او نخستین تلاوت رسمی خود را در مسابقات دانش آموزی سراسر کشور در شهر رامسر اجرا کرد. همچنین آقای دکتر رضیعی در سال ۱۳۷۰ برای اولین بار بصورت فنی در محفل انس با قرآن شهر کاشان تلاوت کرد که مورد استقبال حاضران قرار گرفت.

حاج قاسم رضیعی در سال ۱۳۶۸ تحصیلات خود را در رشته پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی آغاز کرد و در سال ۱۳۷۵ موفق به اخذ درجه دکترا شد. پس از آن او با ادامه تحصیل در این رشته در سال ۷۷ مدرک دکترای تخصصی در رشته پزشکی هسته‌ای را از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی دریافت کرد. او در کنار امر تحصیل در زمینه تلاوت قرآن نیز تلاش می‌کرد و بر آن مداومت داشت. و در دوره‌های مختلف مسابقات قرآن رتبه‌های برتری را کسب کرد. آقای دکتر قاسم رضیعی در سال ۱۳۶۴ در مسابقات سراسری دانش آموزان کشور، رتبه نخست را بدست آورد و در سال ۱۳۷۰ در مسابقات سراسری دانشجویان علوم پزشکی مقام اول را در کشور بدست آورد و در سال ۱۳۷۹ در مسابقات سراسری جانبازان کشور نیز حائز رتبه نخست شد و در سال ۱۳۸۰ در مسابقات سراسری اوقات و امور خیریه در شهر اردبیل موفق به کسب مقام سوم در رشته قرائت شد. آقای دکتر رضیعی در زمینه فعالیت‌های قرآنی خود علاوه بر موفقیت‌هایی که در مسابقات داخلی کشور کسب کرد در سال ۷۳ در سومین دوره مسابقات بین‌المللی بنگلادش رتبه نخست را بدست آورد، و پس از آن نیز در سال ۱۳۷۷ در مسابقات بین‌المللی کشور سوریه در قرائت رتبه اول را از آن خود کرد. دکتر قاسم رضیعی که زندگیش با تحصیل و عشق به قرآن بهم آمیخته است از جمله کسانی است که در کنار تحصیل در جامعه پزشکی و دریافت درجات بالای آن به امر تلاوت قرآن نیز پرداخته و در این زمینه نیز از قاریان برجسته کشور است. او مجموعه مقالاتی در مباحث تجوید و صوت و لحن تحریر کرده که از سوی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی منتشر شده است قاسم رضیعی که در زمینه طب و پزشکی به تحصیل پرداخته، در دانشگاه عبور پزشکی شهید بهشتی در دانشکده‌های پزشکی، پرستاری و مامایی به امر آموزش در زمینه‌های مختلف قرآنی پرداخت. او علاوه بر این، در دانشکده‌های برق و عمران خواجه نصیرالدین طوسی و مسجد علی ابن ابیطالب تهران نیز جلساتی در زمینه آموزش تجوید و صوت لحن داشته است.

دکتر قاسم رضیعی، همچون دیگر قاریان برجسته تلاوت معتقد است که یک فرد قاری در ابتدای کار با تقلید از قاریان مشهور جهان، باید شیوه خود را در تلاوت برگزیند. او معتقد است برای ابتدای راه تقلید تنها وسیله است. او خود نیز در ابتدای کار از اساتیدی چون مرحوم عبدالباسط، مرحوم منشاوی، مرحوم مصطفی اسماعیل تقلید کرد پس از آن نیز به تقلید از اساتیدی چون کامل یوسف، عبدالفتاح شعشاعی، محمود رمضان، حسان و شحات محمد انور پرداخت. پرداختن به مفاهیم آیات شریف قرآن در کنار امر تلاوت، یکی از نکات بسیار مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد از این رو آقای قاسم رضیعی به قاریانی که در ابتدای راه قرار دارند توصیه می‌کند که در جلسات قرآن، علاوه بر پرداختن به فنون قرائت، با مفاهیم قرآن نیز آشنا شوند و برای دستیابی به این هدف، توضیح خواستن از اساتید راه حل خوبی می‌داند. او همچنین به قاریان قرآن سفارش می‌کند که با ضبط نوار تلاوت خود برای شناسایی نقاط ضعفشان تلاش کنند.

آقای دکتر قاسم رضیعی در سال ۱۳۷۷ ازدواج کرد که ثمره این ازدواج یک فرزند پسر است. همسر ایشان نیز پزشک است و به مسائل قرآنی علاقه دارد. آقای رضیعی آیات قرآن را بصورت موضوعی حفظ کرده است و برای تبلیغ این کتاب عظیم بر تلاوت قرآن از حفظ اهتمام دارد. آقای رضیعی تا کنون به کشور‌های مختلفی برای تلاوت قرآن سفر کرده است. از جمله کشورهای بنگلادش و ترکیه وی در سال ۱۳۷۴ به‌مراه آقایان سید حسین موسوی و محمد تهرانی به کشور ترکیه سفر کرد و در شهرهای

استامبول و آنکارا به تلاوت قرآن پرداخت. او در سال ۱۳۷۵ به‌راه جناب آقای علی اکبر حشمتی، سفری به کشور نامیبیا داشت و در میان استقبال مردم آن دیار، آیات و کلمات وحی را تلاوت کرد. از دیگر سفرهای دکتر رضیعی که به منظور آشنا ساختن هر چه بیشتر مسلمانان جهان با کتاب آسمانی قرآن است باید به سفر ایشان به کشور روسیه اشاره کرد که در سال ۷۶ به‌راه آقای اصغر شعاعی در این کشور به تلاوت پرداخت. همچنین او در سال ۱۳۷۷، به‌راه آقایان علمای، ستوده نیا، دولتی، و امام جمعه برای اجرای تلاوت قرآن، به کشور سوریه اعزام شد. قاسم رضیعی در سفرهای تبلیغی خود به خارج از کشور در سالهای ۷۸ و ۷۹ به کشورهای هندوستان و ایتوپی نیز سفر کرد و در آن کشورها، آیات قرآن را تلاوت نمود.

دکتر قاسم رضیعی هم اکنون به عنوان متخصص پزشکی هسته‌ای در بیمارستان آیت الله طالقانی تهران مشغول به فعالیت است. وی معتقد است انسان باید همواره قرآن را در محضر خود ببیند. او می‌گوید: هدف و غایت نهایی از تلاوت ظاهری قرآن، مانند حفظ و قرائت این است که ما بتوانیم مقیاس خوبیها و بدیهای خود را از مفاهیم آیات قرآن در یابیم. آقای رضیعی از اساتید بزرگ همچون مصطفی اسماعیل، رفعت، عبدالفتاح، کامل یوسف، حسان، محمد صدیق منشاوی و عبدالباسط به عنوان برترین اساتید تلاوت قرآن در مصر یاد می‌کند.

دکتر قاسم رضیعی چندین بار در دیدار رهبر معظم انقلاب با قاریان و حافظان قرآن در حضور ایشان به تلاوت پرداخته‌اند و از رهنمودهای ارزنده ایشان، بهره‌ها گرفته‌اند. آقای رضیعی که خود نیز به ابتهاج و مناجات علاقه دارد، برخی از ادعیه مفاتیح الجنان را اجرا کرده است که از سوی مؤسسه امام رضا علیه السلام در یک لوح فشرده با عنوان مفاتیح مورد استفاده علاقه‌مندان است. او به قاریان توصیه می‌کند که همیشه عظمت کلام الهی را در نظر داشته باشند که این امر باعث تواضع بیشتر انسان مقابل کلام الهی می‌شود و در تلاوتش هم بروز خواهد کرد یعنی توجه به عظمت قرآن، تلاوتهای بهتری را نیز در دل خواهد داشت.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

رفعت انصاری همدانی، عباس، محمدعباس

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۰۷ ق)، مورخ و ادیب و شاعر، متخلص به رفعت. مدتی پیش از تولد وی در لکنهو، پدرش مقیم هندوستان شده بود. رفعت به اکثر سرزمینهای هند مسافرت کرد و در «بهوپال» اقامت گزید، و کتابهای بسیاری تصنیف کرد. از وی با نسبتهای شیروانی، انصاری، یمنی یا هندی یاد شده است از آثار وی: «آثار العجم» که با «آثار عجم» فرصت شیرازی تفاوت دارد؛ «تاریخ ائمه»؛ «تاریخ افغانه» فارسی؛ «تاریخ البواهر»، در عقاید اسماعیلیه که نام اصلی این کتاب «قلائد الجواهر فی تاریخ البواهر» می‌باشد که «تاریخ نکو» نیز می‌گویند؛ «تاریخ بهوپال»؛ «تاریخ دکن» که همان «چار چمن» است؛ «تاریخ سرنیدیب»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۷۷/۹، ۲۱۶/۳، ۲۳۴، ۲۹۱/۲)، ریحانه (۳۲۵-۳۲۴/۲)، صبح گلشن (۱۸۲-۱۸۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸۸-۹۸۷/۱۴)، لغت نامه (ذیل / رفعت)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۳-۶۵۲/۳).

رفیع پور، فرامرز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم اجتماعی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

گذراندن دوره کامل زبان انگلیسی در انجمن ایران و آمریکا در سال ۱۳۴۰، گذراندن دوره زبان آلمانی در مؤسسه گوته شهر مونیخ آلمان در سال ۱۳۴۱، کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال ۱۳۴۲، دکترای علوم اجتماعی از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال ۱۳۵۲، دوره Postdoctorate در روش تدریس از دانشگاه کاسل آلمان در سال ۱۳۵۲، دریافت درجه پروفیسوری از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال ۱۳۶۵.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تغییرات اجتماعی روستایی، نیازسنجی، سنجش گرایش، پیدایش و آینده انقلاب، تأثیر تلویزیون و انتقال ارزشها، ویدئو و تغییر ارزشها، استاد راهنمای ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

روش تحقیق، جامعه‌شناسی روستایی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی مقالات:

روش تحقیق، نیازسنجی.

وقایع میانسالی: دکتر فرامرز رفیع پور در سال ۱۳۵۳ به ایران بازگشت و به عضویت هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) در آمد. وی جهت طی دوره تحقیقاتی علمی بار دیگر به کشور آلمان سفر کرد و در نتیجه تلاش روزافزون در سال ۱۳۶۵ به درجه پروفیسوری از دانشگاه هوهن‌هایم مفتخر شد. از دیگر وقایع رخ داده برای دکتر رفیع پور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: - ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) تحقیق درباره سنجش نیازهای روستائیان یزدی - ۶۳ - ۱۳۶۱ (۸۴ - ۱۹۸۲) دعوت به دانشگاه هوهن‌هایم به هزینه مرکز تحقیقات آلمان (DFG - ۱۳۶۵) (۱۹۸۶) اخذ Habilitation (رساله پروفیسوری) و *venia legendi* (اجازه تدریس در دانشگاه‌های آلمان به عنوان پروفیسور از دانشگاه هوهن‌هایم - اشتوتگارت بر اساس رساله ارائه شده درباره "پویائی نیاز در برنامه ریزی رشد. - " ۱۳۶۸ (۱۹۸۹) چاپ رساله Habilitation در آلمان. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) استادیار گروه جامعه‌شناسی در دانشگاه ملی ایران (دانشگاه شهید بهشتی) - رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی - رئیس گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی - ۶۸ - ۱۳۶۷ (۸۹ - ۱۹۸۸) استاد مدعو دانشگاه ویسکانزین - مدیسون عضویت ها • استاد دانشگاه هوهن‌هایم - اشتوتگارت، آلمان تا سال ۲۰۰۵ • عضو پیوسته فرهنگستان علوم ایران • عضو شورای

پژوهشی فرهنگستان علوم ایران • عضو شورای پژوهشی فرهنگستان علوم پزشکی ایران • عضو شورای دانشگاه شهید بهشتی تا ۱۳۸۴ • عضو هیات ممیزه دانشگاه شهید بهشتی تا ۱۳۸۲ • عضو هیات ممیزه مرکزی علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری • عضو هیات امناء پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی • سرپرست کمیته علوم اجتماعی شورایی عالی برنامه ریزی تا سال ۱۳۸۶ • عضو کمیسیون علوم انسانی شورای پژوهش های کشور تا ۱۳۷۹ • رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲ تا خرداد ۱۳۸۵ سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رفیع پور در کنار مسئولیت های آموزشی و پژوهشی در ایران، در دانشگاه هوهن هایم به عنوان پروفیسوری به کار تحقیق و تدریس اشتغال دارد. جوایز و نشانها : - استاد برتر کشور در سال ۱۳۷۵ - برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۵ به خاطر تالیف کتاب «جامعه روستایی و نیازهای آن» - استاد نمونه دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۷۱ - دانشجوی بورسیه DAAD در طی سالهای ۱۹۶۵-۶۸ چگونگی عرضه آثار : «جامعه روستایی و نیازهای آن» عنوان پژوهشی است که فرامرز رفیع پور در ۳۲ روستای استان یزد انجام داده است و آن را به صورت کتاب روانه بازار نشر کرده است. مطالعه حاضر که می تواند به عنوان سرمشقی برای مطالعات روستایی بعدی تلقی شود، برای یافتن نیازهای عینی و ذهنی روستاییان استان یزد، یافتن ترتیب ارجحیت این نیازها، طبقه بندی روستاها به ترتیب عقب افتادگی و نیاز آنها طراحی گردیده است و نه تنها کتاب برگزیده سال ۱۳۶۵ شناخته شده، بلکه روشهای ساخته و پرداخته این پژوهش مورد استقبال محافل علمی آلمان نیز قرار گرفته است. کتاب مذکور از مهمترین کتابهای پژوهشی است که در دوره معاصر در عرصه جامعه شناسی روستایی نوشته شده است و از محبوب ترین کتابهای رفیع پور در سالیان اخیر محسوب می شود. فعالیت های پژوهشی دکتر رفیع پور به قرار زیر است: - تعداد مقالات: ۱۲ مورد - تعداد گزارش های علمی: ۳ مورد - تعداد سخنرانی ها: آلمان: ۴ مورد، در آکادمی علوم اتریش: یک مورد، در امریکا: دو مورد، در ایران: ۱۳ مورد - راهنمایی پایان نامه های دکتری: ۲ مورد - راهنمایی پایان نامه های کارشناسی ارشد: ۲۸ مورد آثار: ۱ Rafipoor, Faramarz ۱۹۷۴: Das " Extension and Development Corps " im Iran. Eine empirische Untersuchung zur Feststellung effizienzrelevanter Faktoren und Beziehungen. Saarbruecken: SSIP, ۱۹۷۴ ۲ Rafipoor, Faramarz ۱۹۸۹ Beduerfnisse und Beduerfnisdynamik in der Entwicklungsplanung : Eine empirische Analyse zur Erarbeitung praxisrelevanter Ermittlungsmethoden in der Provinz Yasd/Iran. Frankfurt a.M: Campus, ۱۹۸۹

تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۷۸ چاپ چهارم ۱۳۸۵.۴ آنومی یا آشفتگی های اجتماعی و ویژگی اثر : پژوهشی درباره پتانسیل آنومی در تهران. شرکت سروش ۱۳۷۸.۵ تکنیک های خاص در علوم اجتماعی و ویژگی اثر : تهران: شرکت سهامی انتشار ۱۳۸۲ چاپ چهارم ۱۳۸۵۶ توسعه و تضاد ویژگی اثر : رفیع پور، در کتاب توسعه و تضاد خود که حاصل سالها تحقیق و زحمت مداوم وی است در جایگاه نقاد سیاست های توسعه، آن را موجب به هم زدن تعادل اجتماعی، افزایش نابرابری، تغییر ارزشها و پیدایش انواع مسائل و معضلات اجتماعی می داند. به عقیده وی این نابرابری باعث تغییر سریع ارزشهای معنوی به سوی ارزشهای مادی و بسط سودجویی و فردگرایی شده و نهایتاً رضایت اجتماعی و وحدت ملی را مورد تهدید جدی قرار داده است:- کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران. دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶. چاپ ششم شرکت سهامی انتشار ۱۳۸۴.۷ جامعه روستایی و نیازهای آن ۱۳۶۴ ویژگی اثر : تالیف، این کتاب، در دوره چهارم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب جامعه روستایی و نیازهای آن در این کتاب اهمیت بررسی نیازها در رابطه با اهداف و انگیزه های گوناگون و سپس چارچوب تئوریک پیدایش و پرورش نیازها در جوامع مختلف مطرح گردیده و آنگاه پس از ارائه اطلاعاتی کوتاه درباره منطقه مورد بررسی (استان یزد) و

تشریح مراحل مقدماتی پژوهش، روش های گوناگونی که جهت بررسی نیازها می توانند به کار آیند، مورد بحث قرار گرفته و در پی آن روش های بکار گرفته شده در این پژوهش تشریح شده اند. با ارائه نتایج این پژوهش یکایک عوامل و متغیرها، اهمیت، کیفیت و کمیت آنها توصیف و روابط بین آن عوامل با هم و با سایر متغیرهای بررسی شده تحلیل شده است. در خاتمه پس از ارائه خلاصه ای کوتاه از مسئله، اهداف و اصول جامعه در رابطه با موضوع مورد بررسی و شرایط لازم برای دستیابی به آنها - چگونگی تشخیص نیازهای واقعی از یکسو و نحوه برانگیختن مردم به مشارکت از سوی دیگر بیان گردیده و به طور انتقادی یکایک اقدامات مورد بررسی قرار گرفته است. - تهران: شرکت سهامی انتشار چاپ سوم ۱۳۷۰، (۱۳۶۴). ۸. جامعه، احساس، موسیقی و ویژگی اثر: تالیف ۹ سرطان اجتماعی فساد و ویژگی اثر: تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶ برگزیده جشنواره فارابی به عنوان کتاب سال ۱۳۸۶۱۰ سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی و عوامل موثر بر آن و ویژگی اثر: پژوهشی در سه استان: اصفهان، فارس و خراسان. تهران: مرکز تحقیقات روستائی، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۲۱۱ علوم انسانی در ایران نگاهی از بیرون و درون و ویژگی اثر: ناشر دانشگاه شهید بهشتی انتشار ۱۳۸۳۱۲ کارائی بیمارستانها و ویژگی اثر: مقایسه ای در سه بیمارستان دولتی، خصوصی و آموزشی. تهران: بشیر ۱۳۷۸.۱۳ کندوکاوها و پنداشته ها و ویژگی اثر: «کندوکاوها و پنداشته ها»، مقدمه ای بر روشهای شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی کتاب دیگری است رفیع پور نوشته است و از ویژگی های بارز این کتاب تجدید چاپ های پی در پی آن است. این کتاب نیز در قطع وزیری به چاپ رسیده است که از پرتعدادترین کتابهای رفیع پور در میان دانشجویان و نخبگان جامعه شناسی محسوب می شود. آنچه که رفیع پور در این کتاب مطرح می سازد همان «روشهای قابل اطمینان» دستیابی به شناخت به عنوان عنصر اساسی «دانش» می باشد که می بایست در مورد جامعه شناسی پیاده شود. - تهران: شرکت سهامی انتشار چاپ شانزدهم ۱۳۸۶، (۱۳۶۰). ۱۴. موانع رشد علمی در ایران و ویژگی اثر: تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱ چاپ دوم ۱۳۸۳.۱۵ و سائل ارتباط جمعی و تغییر ارزشهای اجتماعی و ویژگی اثر: پژوهشی درباره تاثیر فیلمهای سینمایی، سریالها تلویزیونی، ویدئو، روزنامه و تبلیغات. چاپ اول تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد ۱۳۷۵ و چاپ دوم تهران: نشر ۱۳۷۸.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رفیع فر، جلال الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر جلال الدین رفیع فر در سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد. وی تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه تهران و در رشته باستان شناسی شروع کرد و جهت ادامه تحصیلات در زمینه انسان شناسی به فرانسه رفت. در سال ۱۹۸۸ موفق به اخذ دکترای انسان شناسی - مردم شناسی از دانشگاه سوربن شد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه آموزشی انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: انسان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: جلال الدین رفیع فر دکتر جلال الدین رفیع فر، استاد گروه آموزشی انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی دارای دو مدرک کارشناسی باستان شناسی و مردم شناسی از دانشگاه ناترپاریس است. کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی خود را در رشته های مردم شناسی و انسان شناسی از دانشگاه سوربن فرانسه دریافت کرده است. (در سال ۱۹۸۸ موفق به اخذ دکترای انسان شناسی - مردم شناسی از دانشگاه سوربن شد.) عنوان رساله دکتری اش «مطالعه انسان شناختی فرهنگ و تکنولوژی» در عصر نئولیتیک در ایران می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مسئولیتها و مشاغل اداری و مدیریتی جلال الدین رفیع فر به قرار زیر

است: ۱- رئیس انجمن انسان شناسی ایرانی (۱۳۸۷-۱۳۸۰) ۲- مدیر گروه آموزشی انسانشناسی دانشگاه تهران (۱۳۸۳-۱۳۷۸) ۳- معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۸۷-۱۳۸۴) ۴- مدیر مسئول و سردبیر مجله علمی - پژوهشی «نامه انسان شناسی» ۵- عضو پیوسته مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (C.N.R.S) از سال ۱۹۹۲ فعالیتهای آموزشی: دروسی که تدریس کرده‌اند عبارت‌اند از: کارشناسی • انسان شناسی شناخت عشایر ایران • اصول و مبانی انسان شناسی • باستان شناسی انسان شناختی • بررسی آثار پیش از تاریخ ایران • جامعه شناسی ایلات عشایر ایران • مبانی باستانشناسی • مردم شناسی ماقبل تاریخ • مقدمات انسان شناسی • مقدمات مردم شناسی عشایری کارشناسی ارشد • باستان شناسی فرهنگی • روش تحقیق ۱ • فرهنگ و تکنولوژی • پایان نامه • باستان شناسی فرهنگی • روش تحقیق در مردم شناسی • طرح تحقیق • فرهنگ و تکنولوژی مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: از جمله فعالیت‌های جلال الدین رفیع فر بنیان گذاری انجمن انسان شناسی ایران در سال ۱۳۷۹ و به ثبت رساندن آن در سال ۱۳۸۰ است. آرا و گرایشهای خاص: حوزه های مطالعاتی جلال الدین رفیع فر: تمایل و علاقه ایشان قبل از هر چیز به مطالعه خاستگاه پدیده‌های مهم فرهنگی- اجتماعی و سیر تحول آنهاست که در این راستا بخش مهمی از انتشارات ایشان به این موضوعات اختصاص یافته است. از جمله: انسان، جامعه، هنر، زبان، تکنولوژی، دین و سایر پدیده‌های فرهنگی. در همین راستا مطالعه انسان‌شناسی جوامع پیش از تاریخ و انسان‌شناسی و جامعه شناسی جوامع عشایری، انسان شناسی هنر و ... در درجه اول الویت بوده‌اند. چگونگی عرضه آثار: انجام ده‌ها طرح پژوهشی، ارائه ده‌ها مقاله علمی و ایراد سخنرانی در سمینارها و کنفرانس‌های داخلی و خارجی و تألیف و ترجمه چهار جلد کتاب ثمره ۱۶ سال کار او در دانشگاه است. - سخنرانی و شرکت در مجامع علمی بین المللی: دکتر رفیع فر تا کنون و در نزدیک به ۲۰ کنفرانس بین المللی با ارائه مقاله و سخنرانی شرکت داشته است. (فرانسه - آلمان - لهستان - روسیه - ایتالیا - اسلونی - گرجستان - پاکستان و ...) - تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد: ۲۰ مورد - تعداد طرحهای تحقیقاتی: بیش از ۴ مورد - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: ۳۲ مورد - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی: ۶ مورد آثار: ۱ (Remarques Sur L' Industrie Lithique Neolithique De Gebel. In : Neolithic chipped Stone Industries of the Fertile Crescent. And Their Contemporaries In Adjacent Regions. Edited by: Stefan Karol Kozlowski and Hans Goerge, k. Studies In Early Near Eastern Production , Subsistence , and Environment ۳ .pp.۴۰۵-۴۲۱. ۱۹۹۶۲ Le Probleme De L' Obsidienne et sa Circulation En Iran In: Proceeding of ۱۲ th Congres National Des Societ Historiques Et Prehistorique ویرژگی اثر: ۲ (The Anthpological Approaches In Neolithic ۷th Neolithic Seminar. The Processes of Neolithisation In Eurasia : Studies In Iran ویرژگی اثر: ۳ (Ljobljana. May ۲۰۰۰, Slovenia, The Obsidian Route in Ancient Iran Flint Edited By: Romuafd Schild And Zofia Solgostowska Institute Of Archeologyand Ethnology Polish Academy of Sciences Warszawa. PP ۲۹۵- ۲۹۷۵) ویرژگی اثر: ۴ (مقاله ای است که در نشریه نامه پژوهش معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۵ در تهران انتشار یافت. ۶ انسان شناسی هنر ۷ اهمیت بررسی نحوه اشاعه تکنولوژی در مطالعات انسان شناسی ویرژگی اثر: ترجمه ای است از اثر دیدیه گزینیدو که در شماره ۷، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۳ منتشر شد. ۸. باستان شناسی ویرژگی اثر: مقاله ای است که برای دانشنامه جهان اسلام تهیه گردید و توسط دائرة المعارف بزرگ اسلامی در تهران در سال ۱۳۷۳ منتشر شد. ۹. بردابالکا ویرژگی اثر: مقاله ای است که در جلد دوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائرة المعارف

بزرگ اسلامی در سال ۱۳۷۶ منتشر شد. ۱۰ بررسی پدیده فرهنگی نئولتیک در ایلام و ویژگی اثر: عنوان مقاله ای است که در فصلنامه ایلام در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. ۱۱ بررسی مجموعه نقوش دست در غار کرکس و ویژگی اثر: ترجمه ای است از اثر آندره لورواگون، که در شماره ۱۶ نشریه میراث فرهنگی در سال ۱۳۷۵ منتشر شد. ۱۲ پال انتروپولوژی- کوارترن- ایران و ویژگی اثر: در مجموعه مقالات اولین سمپوزیوم بین المللی کوارترن، توسط دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۴ منتشر شد. ۱۳ تاملی بر خاستگاه جامعه روستایی و ویژگی اثر: عنوان مقاله ای است که در نشریه باستان شناسی و تاریخ، با شماره پیاپی ۱۹ منتشر شد. ۱۴ تاملی بر هنر غارها و ویژگی اثر: ترجمه ای است از اثر آندره لورواگون که در شماره ۵، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰ منتشر شد. ۱۵ تاملی دوباره بر صنایع دهلران و ویژگی اثر: عنوان مقاله ای است که در نشریه باستان شناسی و تاریخ، سال ۱۳۷۲ در شماره پیاپی ۱۳ و ۱۴ منتشر شد. ۱۶ ترجمه کتاب عشایر فارس و ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه تهران این اثر را در سال ۱۳۷۵ منتشر کرد. ۱۷ ترجمه کتاب منشاء- عالم-انسان و زبان و ویژگی اثر: پدیدآورنده: هوبرت ریوز، جلال الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: آگه - ۱۵ دی، ۱۳۸۶ ۱۸ تشکل های سنتی در عشایر بویر احمد و ویژگی اثر: طرح پژوهشی که در سال ۱۳۷۴ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران صورت گرفت. ۱۹ تکنولوژی: علم انسان و ویژگی اثر: ترجمه اثر آندره هودری کور که در شماره ۱۳ و ۱۴ فصلنامه نمایه پژوهش منتشر شد. ۲۰ تل بکون و ویژگی اثر: مقاله ای است که در جلد سوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائرة المعارف بزرگ اسلامی در سال ۱۳۷۷ منتشر شد. ۲۱ رواج افسیدین و کهنترین تبادلات فرهنگی- تکنولوژیکی آن در ایران و ویژگی اثر: عنوان مقاله ای است که در نشریه باستان شناسی و تاریخ، در سال ۱۳۷۱ در شماره پیاپی ۱۰ منتشر شد. ۲۲ روستای هوفل و ویژگی اثر: این مقاله در مجله علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شماره ۳ سال ۱۳۶۸ منتشر شد. ۲۳ زنان ایل بهمئی: جامعه شناسی و مردم شناسی خویشاوندی در عشایر و ویژگی اثر: پدیدآورنده: الویا رستروپو، جلال الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: خجسته - ۰۵ مرداد، ۱۳۸۷ ۲۴ سنگ نگاره های ارسباران: پژوهش در مردم شناسی و باستان شناسی هنر و ویژگی اثر: پژوهشی که در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه تهران انجام شد. پدیدآورنده: جلال الدین رفیع فر ناشر: سازمان میراث فرهنگی کشور - ۲۹ آذر، ۱۳۸۵ ۲۵ علوم انسانی گستره شناخت ها و ویژگی اثر: پدیدآورنده: ژان فرانسوا دورتیه، ناصر فکوهی (مترجم)، مرتضی کتبی (مترجم)، جلال الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: نشر نی - ۲۰ آذر، ۱۳۸۶ ۲۶ فرهنگ برادوستی و ویژگی اثر: مقاله ای است که در جلد دوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائرة المعارف بزرگ اسلامی در سال ۱۳۷۵ منتشر شد. ۲۷ کوهنباں پیش از تاریخ و ویژگی اثر: مقاله ای است که در نشریه مجله دانشکده ادبیات دانشگاه کرمان که در سال ۱۳۷۲ در شماره ۲ آن منتشر شد. ۲۸ مطالعه صنایع افسیدین اهر نجان و ویژگی اثر: پژوهشی است که در سال ۱۳۷۷ در دانشگاه تهران صورت گرفت. ۲۹ من و او سعی کردیم کار مشابهی انجام دهیم و ویژگی اثر: ترجمه ای است از اثر کلودلوی استروس که در شماره ۵، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰ منتشر شد. ۳۰ نظری بر کتاب موزه هایی در باد و ویژگی اثر: نقدی است که در شماره ۱۵ نشریه نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. ۳۱ نظری بر کتاب دوره پارینه سنگی در ایران و ویژگی اثر: نقدی است که در شماره پیاپی ۶ نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال ۱۳۶۸ منتشر شد.

رفیعی، رضاعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضاعلی رفیعی

محل تولد : قوچان

شهرت : علمی

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۳

زندگینامه علمی

اینجانب رضاعلی رفیعی (معروف به علی) با مدرک تحصیلی ششم ابتدایی نظام قدیم در سال ۱۳۴۴ شمسی به قصد تحصیل علوم دینی وارد مدرسه علمیه فاروج از توابع شهرستان قوچان شدم و طی سه سال جامع المقدمات، سیوطی و حاشیه منطوق را گذراندم. در سال ۱۳۴۷ برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی (مدرسه تولیت) که برنامه ای منظم داشت به تحصیل ادامه دادم. برخی از اساتید حقیر در این دوره عبارتند از: (عروه الوثقی) حجت الاسلام افتخاری، (تاریخ اسلام) حجت الاسلام مرحوم حسن نوری (برادر بزرگ آیت الله حسین نوری)، (مغنی) حجت الاسلام طالقانی، (منطق) حجت الاسلام امینیان، (معالم الاصول) حجت الاسلام مقتدایی و ...

سپس به مدرسه سعادت تحت اشراف آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده منتقل شدم و کتب و دروس ذیل را تحت نظر و اشراف و خدمت اساتید حوزه گذراندم: لمعتین حجج اسلام سید ابوالفضل موسوی، باکویی، آیت الله فاضل لنکرانی، معانی بیان: امینی شیرازی، اصول فقه: حجت الاسلام باکویی، باب حادی عشر: حجت الاسلام عبد القائم شوشتی، تفسیر و اخلاق: آیت الله مشکینی، نهج البلاغه: آیت الله حسین نوری، عقاید: آیت الله مکارم شیرازی، شرح منظومه: دکتر احمد بهشتی و آیت الله انصاری شیرازی، رسائل: آیت الله اعتمادی، مکاسب: آیت الله صانعی، مرحوم ستوده و موسوی تبریزی، کفایتین: مرحوم آیت الله سلطانی، رساله تصور و تصدیق ملاصدرا و اسفار اربعه: آیت الله جوادی آملی .

در سال ۱۳۵۶ در درس خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم، لیکن در سال ۱۳۵۹ برای کارهای تبلیغاتی به قوچان (زادگاهم) رفتم و پس از عهده داری مسئولیت دفتر تبلیغات آن شهر در سال ۱۳۶۰ به سمت فرماندهی سپاه قوچان برگزیده شدم و حدود چهار سال که عهده دار این سمت بودم از تحصیل علوم حوزوی محروم شدم. در سال ۱۳۶۳ مجدداً به قم بازگشتم و به تحصیل و حضور در درس خارج معظم له (فقه و اصول) را ادامه دادم، ضمن آنکه با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه نیز همکاری پاره وقت داشتم. با راه اندازی طرح مدارج علمی در حوزه علمیه قم و عهده داری دفتر تبلیغات اسلامی برای این کار در سال ۱۳۷۱ موفق به اخذ مدارج علمی دوره اول خارج (سطح ۳ حوزه معادل فوق لیسانس) شدم و پس از واگذاری این امر به شورای مدیریت حوزه علمیه قم موفق شدم مدرک مدارج علمی سطح چهار (شش سال درس خارج فقه و اصول) معادل دکترا را در مورخ ۸/۲/۷۳ اخذ کنم.

تالیفات: حقیر از سال ۱۳۶۴ که همکاری علمی و پژوهشی خود را با مرکز تحقیقات اسلامی سپاه آغاز کردم ضمن انجام دادن کار پژوهشگری در موضوع تاریخ اسلام و عهده داری مسئولیت های: گروه تاریخ، مدیریت تاریخ و علوم سیاسی، دانشجویی معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی و مسئولیت معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی، در طول مدت بیش از ۱۸ سال کار تالیف متون آموزشی در موضوع تاریخ اسلام را شروع کردم که متجاوز از پانزده کتاب در سطوح مختلف علمی و آموزشی است که نمونه هایی از آن به پیوست می باشد. ضمناً از سال ۱۳۷۸ با بخش فرهنگ فقه موسسه دایره المعارف فقه اسلامی زیر نظر آیت الله هاشمی شاهرودی نیز به عنوان مسئول بخش بازنویسی و ویرایش همکاری دارم و حاصل آن تا کنون چاپ دو جلد (۱ و ۲) آن بوده است. مدتی نیز با بخش تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قسمت احیاء آثار همکاری داشتم که حاصل آن تحقیق در تفسیر شریف الاصفی مرحوم فیض کاشانی (ج اول) می باشد .

به جز مواردی که یاد شد با فصلنامه های پژوهشکده تحقیقات اسلامی همچون حصون و مریبان و دیگر نشریات آن نیز همکاری دارم و ضمن عضویت در هیئت تحریریه بعضی از آنها هر از چندگاه، مقالاتی برای این نشریات می نویسم. ضمن آنکه برای پاره ای فراخوانیهای همایش ها نیز مقالاتی نوشته ام.

رکنی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد مهدی رکنی (زنده در ۱۳۶۸ ش) از علما و محققین معاصر.

این تفسیر در یک مجلد به زبان فارسی و شیوه عرفانی شامل بخشی از قرآن کریم است و مؤلف تفسیر رشیدالدین میبدی را به مذاق خود تلخیص کرده و مطالب مورد نظر خود را از آن گردآوری نموده است. این تفسیر مکررا طبع گردیده است. منابع زندگینامه: منبع: تفسیر لطیفی از قرآن کریم.

رمضان شاهی، حسن

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، فلز کار و کوفتگر. از آثار وی قلمدان مستطیل شکل فلزی است که کناره‌ها و رویه آن به آذین و خطوط زیبای قدیمی آن دوره نقره کوب شده است و رقم «عمل حسن رمضان شاهی» دارد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲۰۸/۱).

رمضان نرگسی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا رمضان نرگسی

محل تولد: نرگستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۷/۴

زندگینامه علمی

بنده رضا رمضان نرگسی در پاییز سال ۱۳۴۷ در روستای نرگستان (۱۱ کیلومتری شهرستان صومعه سرا و ۲۲ کیلومتری شهرستان رشت) واقع در حاشیه مرداب انزلی متولد شدم. ده ساله بودم که انقلاب شد و ما تحت تاثیر جو انقلابی وارد بسیج شدیم و به دنبال آن در انجمن اسلامی مدرسه حضور فعال داشتیم. در سال ۱۳۶۲ (دوازدهم شهریور) وارد حوزه علمیه شهرستان صومعه سرا شدم (البته دو نفر از همکلاسی هایم را نیز تشویق کردم که با من به حوزه بیایند) و با توجه به هوش نسبتاً خوبی که داشتم علاوه بر فراگیری بسیار خوب دروس حوزوی دروس دبیرستان را نیز به صورت داوطلب آزاد امتحان می دادم و همگی آنها را در خرداد قبول می شدم. در سال ۶۶ در رشته فرهنگ و ادب دیپلم گرفتم و همزمان معلم و معلمه می خواندم. در سال ۶۷ در شهرستان با مشکل استاد مواجه شدیم و برای ادامه تحصیل به مدرسه مروی تهران (ابتدا مدرسه معمار و سپس مروی) آمدم و لمعتین و اصول مظفر را در تهران نزد اساتید گرانقدری همچون استاد بهاری و نمازی خواندم. لازم به ذکر است که در شهرستان صومعه سرا نیز اساتید از قم اعزام می شوند و اساتید ما در آنجا استاد برهانی، استاد رضوانی (اسم سابق ایشان قیصری بود) که الان مدیر یکی از مدارس قم می باشند و استاد ایوب باغبانی بودند. در سال ۶۷ همزمان با ورود به تهران ازدواج کردم و با کمال قناعت زندگی را می گذرانیدم. در سال ۶۹ به قم آمدم (بعد از آنکه شهریه ما در قم درست شد) و همزمان با آن به موسسه در راه حق وارد شدم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی دروس موسسه در راه حق را نیز با موفقیت پشت سر می گذاشتم. در سال ۷۲ سطح را تمام کردم و امتحانات شفاهی را نیز در سال ۷۳ با موفقیت به اتمام رساندم و شهریه رتبه ۳ من وصل شد و اساتید دوره سطح من عبارت بودند از استاد تهرانی، استاد عراقچی، استاد محمد علی و... از سال ۷۲ در درس خارج استاد فاضل شرکت کردم که با مریض شدن ایشان در سال بعد به درس استاد شبیری رفتم. از سال ۷۵ در درس خارج مکارم و سبحانی شرکت می کردم. همچنین در سال ۷۵ با فارغ التحصیل شدن در رشته الهیات و معارف اسلامی از موسسه در راه حق دوره تخصصی کارشناسی ارشد جامعه شناسی را شروع کردم و در سال ۸۰ فارغ التحصیل شدم. از سال ۸۱ زندگی پژوهشی خود را شروع کردم و تا کنون ۳۷ مقاله و ۳ کتاب از من منتشر شده یا در دست چاپ است. در سال جاری در رشته مسائل ایران دوره دکتری قبول شدم و الان مشغول گذراندن آن می باشم.

رمضان، شاهرخ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، سازنده‌ی ساز. پدر وی از تارسازهای معروف بود. رمضان شاهرخ کارگاه صنعتی داشت و به ساختن تار و سه تار و خرید و فروش آلات و لوازم سرگرم بود. او یک نوع تار هشت سیم ساخته بود که کمتر مورد استعمال قرار گرفت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ موسیقی (۶۹۶/۲)، سرگذشت موسیقی (۱۷۳/۱).

رنجبر، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن رنجبر

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۷/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۶۳ (آذر ماه) وارد حوزه علمیه شدم و به مدت یک سال در حوزه علمیه تربت حیدریه مشغول به تحصیل شدم سپس به قم آمدم و ۲ ماه در این شهر ساکن بودم و در اواخر سال ۱۳۶۴ وارد مدرسه علمیه مروی تهران شدم و تا نیمه اول سال ۱۳۶۹ در آنجا مشغول به تحصیل بودم

با موفقیت در آزمون مؤسسه در راه حق از مهرماه سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره عمومی این مرکز را چهار ساله گذراندم و در سال ۱۳۷۳ وارد گروه تخصصی تاریخ شدم و ضمن ادامه و تکمیل دروس حوزه علمیه تا مقطع خارج و گذراندن پایه دهم (شفاها و کتبا) در اردیبهشت سال ۱۳۷۴ دوره سطح را به اتمام رساندم و از آن پس در درس خارج شرکت می‌کردم در سال ۷۸ با دفاع از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد موفق به اخذ کارشناسی ارشد شدم و از آن پس تا پایان سال ۸۰ به صورت ساعتی با بخش پژوهشی همکاری پژوهشی داشتم از ابتدای سال ۸۱ تا پایان سال ۱۳۸۳ عضو هیئت علمی گروه تاریخ بودم و در نگارش مقتل جامع امام حسین علیه السلام به سرپرستی استاد مهدی پیشوایی بیشترین فعالیت را داشتم

با پذیرش در مقطع دکتری در نیمه دوم سال ۸۳ وارد تحصیل در این مقطع شدم و هم اکنون دومین ترم این مقطع را بناست بگذرانیم.

افزون بر این همکاری پژوهشی بنده با بخش پژوهش مؤسسه ادامه دارد هم چنین بنده هم کاری هایی با بخش تاریخ معاصر و اندیشه سیاسی داشته ام و حاصل آن نگارش مقالاتی بوده است .

روح الامینی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود روح الامینی در ۵ مهر ماه ۱۳۰۷ در کوهنجان از توابع کرمان چشم به جهان گشود. وی در همین روستا تحصیلات ابتدایی خود را آغاز کرد و برای ادامه تحصیل خود به مدرسه دارالفنون تهران آمد. او لیسانس ادبیات فارسی را در سال ۱۳۳۴ از دانشکده ادبیات تهران گرفت. روح الامینی برای اخذ مدرک فوق لیسانس به موسسه تازه تاسیس علوم اجتماعی آمد و بعد از آن جهت دریافت مدرک دکتری در رشته علوم اجتماعی به فرانسه عازم شد. از وی آثار زیادی همچون نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی و آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز به جا مانده است. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: مردم شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمود روح الامینی دوران دبستان را در کوهنجان و متوسطه را در کرمان گذرانید. سپس راهی تهران شد و در دارالفنون ثبت نام کرد. پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۳۱ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. استاد در سال ۱۳۳۸ در رشته فوق لیسانس علوم اجتماعی، در موسسه تحقیقات اجتماعی ثبت نام نمود. پس از آن جهت

ادامه تحصیل عازم فرانسه شد و با نگرش خاصی که به مسائل اجتماعی داشت، به سوی مطالعات مردم شناسی کشیده شد و با گذراندن رساله دکتری خود تحت عنوان «تمدن سنتی گوسفند در میان عشایر فارس» با اشراف آندره لوروا گوران به درجه دکتری نائل آمد. استادان و مربیان: محمود روح الامینی در دانشکده ادبیات از محضر استادانی چون ابراهیم پورداود، پرویز ناتل خانلری، احسان یارشاطر، عبدالعظیم قریب، لطفعلی صورتگر، محمد معین و دیگران کسب فیض نمود. وی پس از آنکه عازم فرانسه شد نزد افراد صاحب نامی چون ژرژ گوروویچ، کلود لوی استروس، آندره لوروا گوران و دیگران بهره برد. فعالیتهای آموزشی: محمود روح الامینی پس از پایان تحصیلات چندی به تدریس در موزه مردم شناسی فرانسه مشغول شد. پس از آن به ایران بازگشت و از سال ۱۳۴۸ در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و بعد از سالها فعالیت آموزشی در سال ۱۳۷۹ بازنشسته شد. آثار: آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز، به شاخ نباتت قسم، زمینه فرهنگ شناسی، گرد شهر به چراغ، نمودهای اجتماعی و فرهنگی در ادبیات فارسی

روزبھانی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا روزبھانی

محل تولد: بروجرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۷ وارد حوزه علمیه شدم که تا سال ۱۳۷۶ در شهرستان بروجرد و از آن پس در حوزه علمیه قم سپری شد. تخصص این جانب کندو کاو پیرامون ادیان و بالاخص فرقه بهائیت است، که از سالهای تحصیل در بروجرد آغاز شد. تا کنون علاوه بر تدریس دوره های مختلف عمومی و تخصصی مبانی و تاریخ فرقه بهائی تعداد ۲ جلد کتاب و تعدادی مقاله تالیف نموده ام که تماماً درباره موضوع بهائیت بوده است. هم اکنون نیز آماده همکاری با نهاد های پژوهشی در زمینه فرق و خصوصاً فرقه ضاله بهائیت هستم

روستایی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن روستایی در سال ۱۳۴۲. ش در شهر درود - لرستان به دنیا آمد. وی بیش از ۱۲ سال است که از پژوهشگران و کارشناسان ارشد اسناد تاریخی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران می باشد. کتاب "تاریخ طب و طبابت در ایران" تالیف وی، در دوره بیست

و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محسن روستایی بیش از ۱۲ سال است که از پژوهشگران و کارشناسان ارشد اسناد تاریخی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران می باشد

جوایز و نشانها: محسن روستایی در سال ۱۳۸۰ از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به عنوان پژوهشگر نمونه سال برگزیده شد. از دیگر افتخارات ایشان انتخاب کتاب "تاریخ طب و طبابت در ایران" تالیف وی، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال می باشد.

چگونگی عرضه آثار: محسن روستایی حدود ۶۰ مقاله تحقیقی و مبتنی بر سند در مجلات معتبر کشور به چاپ رسانده است. آخرین پژوهش‌های ایشان کتاب دوجلدی در تاریخ نخستین فرهنگستان ایران به روایت اسناد است که پس از ده سال تفحص و تحقیق برای چاپ آماده شده است.

آثار:

۱ اسناد مطبوعات ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۳۲ ش.)

ویژگی اثر: ۴ جلد

۲ اعتضاد فرهنگ

۳ تاریخ طب و طبابت در ایران

ویژگی اثر: ۲ جلد، تالیف، این کتاب، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه) تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه) به روایت اسناد / محسن روستایی. - تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲. ج ۲: مصور. کتابنامه. مندرجات: ج ۱. قوانین و نظامنامه‌های طبی، گزارشات صحی و بهداشتی، ایجاد مدارس عالی طب و مراکز صحی و درمانی و... ج ۲. شرح حال طبیبان نامدار و ناشناخته ایران. شناخت تاریخ و تحولات هریک از علوم و دانش‌ها، در شناخت هویت آن علوم از یک سو و شناخت هویت فرهنگی و تاریخی ملت‌ها از سوی دیگر نقشی به سزا دارد؛ و از این میان تاریخ طب و طبابت به دلیل گستردگی آن و آثاری که دانش طب در دو حوزه تخصصی و عمومی دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی تحولات طب و طبابت در ایران، نیاز به تحقیقات گسترده و دامنه‌داری دارد که با توجه به شرایط تاریخی خاص هر دوره، می‌بایست پژوهش و نگرش متناسبی را طرح‌ریزی کرد و سپس به ثمر نماند. نویسنده کتاب با مراجعه به حدود ۲۰۰۰ فهرست با انتخاب اسنادی مشتمل بر اعلانات، گزارش‌های صحی و طبی، استشهادهای محلی راجع به اطبا، تصدیقنامه‌ها و پرونده‌های دیوانی طبیبان و اسناد مدرسه طب دارالفنون... و خلاصه هر سندی که از دیدگاه یک پژوهش اسنادی و تاریخی می‌توانسته است گرهی از تاریخ طب و طبابت را باز کند، طرح جامع تاریخ طب ایران را پی‌ریزی نموده است. نویسنده در جلد اول کتاب کوشیده است خوانندگان را با سیر تحول و روند تاریخی طب و طبابت در ایران (عهد قاجار و پهلوی) آشنا سازد و این مقوله از تاریخ را تبیین و بررسی نماید و با استناد به فصول کتاب، رابطه‌ای منطقی میان اسناد نو یافته، با منابع موجود و قابل اعتنا ایجاد نماید. فصول و اسناد مربوط به قوانین طبابت، اعلانات و گزارشات صحی، انعقاد

قرارداد میان دولت ایران با اطبای فرنگی و اسناد مربوط به اوضاع بهداشتی و شیوع بیماری‌های مسری نسبت به سایر بخش‌های کتاب از تنوع و نوآوری بیشتری برخوردار است. جلد دوم کتاب هم منحصراً اختصاص دارد به شرح حال رجال طبیبان عهد قاجار و اوایل عهد پهلوی که به تناسب، نقش علمی و تاریخی که ایفا نموده‌اند، تنظیم و نوشته شده‌اند. این جلد از دو قسمت مجزا تشکیل شده است، بخش اول شامل شرح حال ۱۹۱ نفر از رجال طبیبان و با محوریت سند تألیف و تنظیم شده است. قسمت دوم نیز شامل کتابچه مستندی است از ۲۱۳ نفر از طبیبان عهد قاجار و پهلوی که فهرست‌وار اطلاعات مربوط به آنان در این کتابچه تقدیر شده است

روملو، حسن

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۸۵-۹۳۷ ق)، مورخ. از رجال معروف قزلباش در عهد شاه طهماسب و از مورخان مشهور عهد صفوی بود. وی در قم در میان قبیله‌ی روملو از قزلباشهای صفوی متولد شد. در جوانی به کسب کمالات در نزد مالک دیلمی قزوینی خطاط و مولانا جمال‌الدین محمود شیرازی پرداخت. علاوه بر این حسن بیگ از افسران سپاه طهماسبی بود و با درجه‌ی سلطانی، سمت قورچی‌گری داشت و به سبب مقام و مرتبه‌ای که داشت از او به عنوان «بیگ» یاد می‌شود. اسکنند بیگ ترکمان چند بار از وی با عنوان «مورخ» یاد کرده است و گویا در سال ۹۴۸ ق در جنگ دزفول به این دلیل همراه شاه طهماسب بود که وقایع را ثبت کند. وی مولف کتاب باارزش «احسن التواریخ» در دو قسمت است که قسمت اول آن با رویدادهای سال ۸۰۷ ق آغاز سلطنت شاهرخ شروع شده و قسمت دوم که هم‌اکنون چاپ نشده است به حوادث سال ۹۸۵، سال جلوس شاه سلطان محمد خدابنده پایان می‌پذیرد، وی این کتاب را به نام شاه اسماعیل، پسر شاه طهماسب نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احسن التواریخ (مقدمه/ ۲۷- ۱۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۷۵- ۱۶۶۹/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۰۲، ۳۵۵)، الذریعه (۲۸۷/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۲- ۵۶۱/ ۲).

رویانی طبرستانی، علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، مورخ و جغرافیدان. از جمله آثار وی «تاریخ طبرستان» است که یکی از منابع اصلی مرعشی در تألیف «تاریخ طبرستان و رویان» بوده.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۶۲/۳)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۸۸۴/۲)، کشف الظنون (۲۹۷).

رهنما، زین‌العابدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

روزنامه‌نگار.

تولد: ۱۲۷۲، نجف.

درگذشت: ۱۲ تیر ۱۳۶۸، تهران.

زین‌العابدین رهنما، فرزند شیخ‌العراقین مازندرانی، در رشته‌های علوم ادبی، فلسفی و اصول فقه اسلامی تحصیل نمود. خدمت مطبوعاتی خود را قبل از سال ۱۲۹۹ آغاز کرد و در این مدت مدیر و سردبیر روزنامه‌ی «ایران»، مجله‌ی «راهنما»، و روزنامه‌ی «راهنما» بود. چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در دوره‌ی رضا شاه مدتی خانه نشین و بعداً به خارج از کشور تبعید گردید. پس از حوادث شهریور ۱۳۲۰ به ایران بازگشت. در تهران می‌زیست، تا به سفارت ایران در فرانسه و سپس به سفارت سوریه در لبنان انتخاب گردید. وی همچنین مدتی وزیر کشور و مدتی نیز معاون نخست وزیر بود. به فرانسوی و انگلیسی و عربی و ترکی آشنا بود و به دریافت نشان درجه اول «همایون» نایل آمد. به آمریکا و کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی سفر کرد و از تألیفات وی می‌توان از کتاب‌های پیامبر (داستان تاریخی - مذهبی، ۱۳۱۶، خلاصه‌ای از این کتاب به زبان فرانسوی ترجمه شده است)؛ امام حسین؛ داستان اجتماعی ژاله؛ ترجمه و تفسیر قرآن (چهار جلد)؛ ترجمه‌ی حقوق در اسلام (تألیف دکتر مجید خدوری) و ترجمه‌ی قانون در خاورمیانه نام برد.

(۱۲۷۳ ق - ۱۳۶۸ ش)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. وی در نجف به دنیا آمد و پس از تحصیل در رشته‌های علوم ادبی، فلسفه و اصول فقه اسلامی به تهران آمد و به فعالیت‌های ادبی و سیاسی پرداخت. در ۱۳۰۲ ش مدیریت روزنامه «ایران» را عهده‌دار شد. این روزنامه که به صورت روزانه چاپ می‌شد، سالها روزنامه‌ی درجه اول کشور به حساب می‌آمد. زمانی که رهنما به خارج از ایران تبعید شد، امتیاز روزنامه‌ی «ایران» به دیگری منتقل گردید، اما پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ ش که رهنما به ایران بازگشت، مجدداً اداره‌ی روزنامه را خود بر عهده گرفت. او به زبانهای عربی و فرانسوی تسلط کامل داشت. از وی تألیفات و ترجمه‌ای چند بر جای مانده است از جمله: «پیامبر، زندگانی حضرت رسول اکرم»؛ «امام حسین»؛ «ترجمه و تفسیر قرآن»؛ «قانون در خاورمیانه»؛ «ژاله، رمان اجتماعی»؛ «حقوق در اسلام».[۱]

روزنامه‌نگار، مورخ و محقق، سیاستمدار، فرزند شیخ علی شیخ‌العراقین و داماد شیخ عبدالله از بزرگان و روساء و اقطاب سلسله‌ی معروف صوفیه، در ۱۲۶۸ ش تولد یافت. قسمتی از تحصیلات خود را در تهران و قسمتی را در عراق در تاریخ، فقه، اصول و حکمت و ادبیات فارسی و عربی به پایان برد. پس از ورود به ایران، کار روزنامه‌نگاری را پیشه خود ساخت. چندی با مطبوعات مختلف همکاری داشت، سرانجام در سال ۱۲۹۹ ش مدیریت روزنامه‌ی نیمه‌رسمی ایران به او سپرده شد. روزنامه‌ی ایران به طور یومیه انتشار می‌یافت و از لحاظ کیفیت چاپ و کاغذ، ممتاز بود. پس از مدتی کوتاه، نفوذ روزنامه‌ی ایران در تمام محافل هویدا شد و تحقیقات روزنامه‌ی رسمی ایران بود. سرمقاله‌های روزنامه در خطمشی سیاسی دولت اثر داشت. رهنما تدریجاً خود را منتسب به سردار سپه که قدرتی در کشور شده بود، نمود و روزنامه‌ی خود را در جهت منویات او تنظیم نمود.

در سال ۱۳۰۲ به زور سرنیزه سردار سپه در دوره‌ی پنجم از تبریز به وکالت مجلس انتخاب شد و به خلع سلسله‌ی قاجاریه رای داد. در مجلس موسسان هم عضویت یافت. در ۱۳۰۶ از طرف مخبرالسلطنه هدایت که وزیر فوائد عامه بود، به معاونت آن وازرتخانه برگزیده شد. چند ماهی در آن سمت انجام وظیفه کرد، بعد از آنکه مخبرالسلطنه به رئیس‌الوزرائی رسید، رهنما به معاونت رئیس‌الوزراء منصوب شد. دو سال در آن سمت بود که در دوره‌ی هشتم، از شهر ری به وکالت مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی

نهم همچنان سمت نمایندگی داشت و روزنامه‌ی ایران نیز به صورت یومیه انتشار می‌یافت. در ۱۳۱۴ بعضی از مطالب روزنامه‌ی ایران مورد پسند رضاشاه واقع نشد. سرلشکر آیرم هم مرتباً گزارش‌های نامساعدی از رهنما و روزنامه‌اش به شاه می‌داد. سرانجام رهنما مورد غضب واقع شد. از او سلب مصونیت کردند و او را به زندان قصر بردند و امتیاز روزنامه‌ی ایران را لغو کردند و کلیه‌ی دارائی و اثاثیه و مطبعه را به مجید موقر واگذار نمودند و امتیاز روزنامه‌ی ایران نیز به نام او صادر شد. رهنما چند ماهی در زندان بود تا بالاخره موی سفید و روی سیاه مخبرالسلطنه موثر افتاد، رضاشاه شفاعت او را پذیرفت و دستور آزادیش را از زندان صادر کرد، مشروط بر اینکه خاک ایران را ترک کند. رهنما به سرعت خاک ایران را ترک کرد در عراق اقامت گزید و تا شهریور ۱۳۲۰ در عراق و لبنان به سر می‌برد. پس از استعفای رضاشاه، برای پس گرفتن مطبعه روزنامه‌ی خود به تهران آمد و علیه مجید موقر طرح دعوی نمود. سرانجام امتیاز روزنامه‌ی ایران مجدداً به او واگذار شد و در عوض امتیاز روزنامه‌ی مهر ایران را به موقر دادند. روزنامه‌ی ایران مجدداً حیات خود را از سر گرفت ولی کار اداره‌ی آن با حمید رهنما بود. زین‌العابدین رهنما بعد از شهریور ۱۳۲۰ به سمت وزیرمختار ایران در دولت موقت فرانسه درویشی و سپس پاریس منصوب شد و چندی نیز سفیر ایران در کشورهای لبنان و سوریه بود. مدتی هم معاونت نخست‌وزیری و ریاست انتشارات و تبلیغات را عهده‌دار گردید.

رهنما بدون شک یکی از فضیله‌ی درجه اول ایران است. وی به ادبیات فارسی و ادبیات زبانهای عربی و فرانسه کاملاً مسلط بوده است. علاوه بر دوره‌ی منظم روزنامه‌ی ایران که حاکی از ذوق و قدرت نویسندگی اوست، تالیفات زیادی عرضه نموده است. کتاب معروف او به نام پیامبر و کتاب امام حسین (ع) و تفسیر و ترجمه قرآن مجید از آثار انتشار یافته‌ی او می‌باشد. در ۱۳۶۸ درگذشت. حین الفوت یک قرن کامل را پشت سر گذاشته بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ جراید (۳۱۶-۳۱۵/۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۳۵۱-۳۴۷/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲۶۶-۲۶۴/۳)، نشر دانش (س ۹، ش ۴، ص ۹۹).

ریحان یزدی، علیرضا حسینی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۳-۱۲۹۰ ش)، فقیه، مفسر، مورخ، رجالی، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌الله حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. و غزلیاتی دارد. از آثارش: «آینه‌ی دانشوران»، دائرةالمعارف گونه‌ای حاوی بیوگرافی علمای یزد و معاصران نویسنده در قم و تاریخ تاسیس حوزه؛ «درس انشاء یا علم بیان»؛ «تفسیر ریحان»؛ ترجمه‌ی فارسی سره «بلوهر»؛ «کتابهایی که خوانده‌ام». [۱]

سید علی‌رضا (ریحان) یزدی که سالهاست در تهران اقامت دارند و در آنجا در مسجد سجاد یزدیها در خیابان میرفندرسکی اقامه جماعت می‌نمایند و هم چند ماهی به هند مسافرت و در حیدرآباد و بمبئی تبلیغ دین و ضمناً تتبع در کتابخانه‌های آن سامان می‌نمایند.

آقای ریحان محرم ۱۳۳۰ قمری در یزد به دنیا آمده و در حال حاضر شصت و پنجسال از عمرش می‌گذرد.

وی ترجمه خود را در کتاب دانشمندان گمنام یا آئینه دانشوران خود به طور مفصل نوشته است طالبین به آنجا مراجعه نمایند.

آثار قلمی ریحان از این قرار است: ۱- آئینه دانشوران ۲- درس انشاء یا علم بیان ۳- بازرگانی محمد (ص) ۴- تفسیر ریحان ۵- بلوهر ترجمه فارسی سره از عربی ۶- کتابهایی که خوانده‌ام مشتمل بر دوازده جلد ۷- داماد کربلا.

آقای ریحان سفرهای عدیده به کشور پهناور هندوستان نموده و از بسیاری از شهرهای مهم آن دیدن و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی آنجا را دیده و از هر باغ گلی چیده و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته و به نام (آنچه من دیده و خوانده‌ام) تدوین نموده است.

نگارنده در دو سفری که در سال ۱۳۸۹ و سال ۱۳۹۰ قمری به هندوستان رفتم دو ماهی در مدینه هتل حیدرآباددکن با معظم‌له مصاحب و مجاور و ناظر سعی و کوشش ایشان بودم ادام‌الله توفیقه.

وی دارای ذوق سرشار و طبع روان و موزونی می‌باشد و اشعار بسیاری سروده که شایسته است جمع گردد به صورت دیوان ریحان درآید.

شاعر، عالم دینی.

تولد: ۱۳۳۰، ق.، یزد.

درگذشت: ۱۳۶۷.

سید علیرضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی». فرزند سید محمد مدرس، از تربیت شدگان حوزه‌ی درس عبدالکریم مهرجردی یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون بازرگانی محمد (ص) و درس انشاء و آئینه‌ی دانشوران است. وی شعر نیز سروده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجج (۲۶۳- ۲۶۲ / ۲)، آئینه‌ی دانشوران (مقدمه)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۸۲۲/۲)، تذکره سخنوران یزد (۵۴۵- ۵۴۱)، الذریعه (۱۹/۲۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۵۷، ۴۵۱، ۷/۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۶۶- ۵۶۵ / ۴).

زابلی، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، منبت کار. در تهران چشم به جهان گشود. از سال ۱۳۱۰ ش در اداره کل صنعت و معادن به فعالیت هنری پرداخت. مدت هفت سال نزد استاد احمد امامی آواده‌ای دوره‌ی عملی هنرهای زیبای کشور را گذراند و مدرک کارشناسی گرفت. از سال ۱۳۲۰ ش با عنوان استاد کارگاه منبت به استخدام اداره صنعت درآمد. در سال ۱۳۵۸ ش بازنشسته شد و بعد در دانشگاه الزهرا و مجتمع دانشگاهی هنر مشغول تدریس گردید. استاد زابلی مدتی نیز در هنر معرق کار کرده که حاصل آن تابلویی است بیضی شکل به نام شیخ صنعتان و دختر ترسا که در حال حاضر سازمان حفاظت از میراث فرهنگی آن را نگهداری می‌کند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۱، ص ۶۴).

زادخیل، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از سازندگان لوازم و آلات موسیقی که کارش در حد عالی و ممتاز است و همه اساتید در آن اتفاق نظر دارند حسن زادخیل است که در سال ۱۳۲۳ در تهران متولد شد و از همان زمان کودکی بر اثر علاقه به سازسازی روی آورد و در کارگاه وزارت فرهنگ و هنر زیر نظر استاد بزرگی چون ابراهیم قنبری مهر به فراگیری سازسازی پرداخت. در نشستی که نگارنده با این هنرمند داشتم، ایشان چگونگی و نحوه‌ی روی آوری به ساختن ساز و مراحل را که تاکنون طی کرده‌اند، چنین بیان نمودند:

«در سال ۱۳۳۲ که کارگاه وزارت فرهنگ و هنر سابق (اکنون وزارت ارشاد اسلامی) در حال تأسیس بود به توصیه مرحوم دکتر آراکلیان استاد بزرگ ویولن در هنرستان عالی موسیقی در آنجا استخدام شدم که همراه با استاد عزیزم آقای ابراهیم قنبری مهر شروع به ساختن آلات موسیقی کردیم که ریاست و نظارت کارگاه به عهده‌ی آقایان مرحوم دکتر برکشلی و مرحوم دکتر آراکلیان و استاد بزرگ ابوالحسن صبا بود.

چون پدرم محمدعلی زادخیل علاقه‌ی زیادی به موسیقی داشت و نی و دف و ضرب و کمی هم کمانچه می‌نواخت از همان زمان کودکی گوش من به شنیدن آوای موسیقی آشنا شد و مانوس گردید. در کارگاه سازسازی، اولین استادی که به طور عملی نزد ایشان کار ساختن ویولن را فراگرفتم، استاد ابراهیم قنبری مهر و سپس استاد مرحوم دکتر سورن آراکلیان بود ولی مدت زمان بیشتری را با استاد قنبری بودم. البته این اواخر به خاطر این که دکتر آراکلیان نابینا شده بود ویولن‌های ایشان را در منزل من می‌ساختم و فقط ایشان در تنظیم پل‌های آن مرا راهنمایی می‌کردند.

در کارگاه هنرهای زیبا سازندگان آلات موسیقی مشغول به کار بودند مثل: رمضان شاهرخ (تار و سه‌تار) مرحوم نریمان (سه‌تار و عود و سنتور) حسین صنعتی اطلاعات عمومی در مورد (کمانچه، ویولن و سازهای ملی) و از نوازندگان معروفی چون مرحوم صبا و کمانچه، ویولن، سنتور) فرامرز پایور (سنتور) حسین دهلوی (سنتور) و سایر نوازندگانی که در هنرهای زیبا فعالیت داشتند در مورد ساختن رباب، قیچک، تنبور، قانون، هارپ، سازهای بادی ایرانی (سورنا، بالابان) راهنمایی و استفاده‌های زیادی بردم. مثلاً از آقای حسین دهلوی در مورد سنتور کروماتیک و از مرحوم حسین تهرانی در ساختن تنبک و مخصوصاً در مورد انداختن پوست آن استفاده‌ی زیادی بردم. در مجموع حدود ۱۳ سالی که در وزارت فرهنگ و هنر بودم از تمام این استادان کسب فیض کردم ولی ناگفته نماند که در هر زمان و هر لحظه نزد استاد بزرگ و عزیزم آقای قنبری بودم و از معلومات ایشان نیز استفاده می‌کردم.

بعد از حدود ۱۳ سال فعالیت در وزارت فرهنگ و هنر بخشنامه‌ای از طرف وزارتخانه آمده بود و در آن قید شده بود که سازها از نظر کمیت مورد نظر بودند و من هم چون علاقه‌ام روز به روز به موسیقی سنتی و عرفانی بیشتر می‌شد از این تاریخ دوره‌ی جدیدی در کار هنری من پیدا شد. زیرا در طی این مدت علاوه بر تحقیقات در ساختن به نواختن سنتور و سه‌تار و ویولن نیز اقدام کرده بودم.

سنتور را نزد آقای دکتر صفوت می‌نواختم و چون آقای دکتر صفوت بر اساس نامه‌ای که در اختیار سازمان رادیو و تلویزیون قرار داده بود و در آن دو مورد را پیشنهاد کرده بود، یکی تشکیل کلاس‌های موسیقی و آشنایی با اساتید بزرگ و گرفتن اطلاعات و ضبط نوارهایی از این بزرگان علم موسیقی و تحقیق و آزمایش در ساختن سازهای ملی و در مورد دوم، ساختن سازهای ملی به توصیه‌ی پدر ایشان مرحوم اصغر صفوت در خرداد سال ۱۳۴۷ به من پیشنهاد شد که من هم با کمال میل و افتخار قبول کردم و از آن زمان مسئولیت کارگاه مرکز حفظ و اشاعه موسیقی طی حکمی که از طرف رادیو و تلویزیون به بنده دادند، به عهده‌ی اینجانب گذاشته شد. تا سال ۱۳۵۷ طی مدت ۱۱ سال زمان تحقیق و بررسی من در مورد سازهای ملی شکل جدیدی به خود گرفت و از استادانی به نام، چه در ساختن و چه در نواختن فیض بردم مانند:

۱- حاج آقا محمد مجرد ایرانی که منزل ایشان در خیابان ژاله بود به اتفاق آقای دکتر صفوت، مرحوم برومند، مرحوم محمود کریمی، خدمت ایشان رسیدیم و ما را با روی خوش پذیرفتند و من یک سه‌تار و یک سنتور نمونه‌ی کارم را نزد ایشان بردم و آن مرد فرزانه مرا در ساختن آنها بیشتر تشویق نمود و یک سه‌تار و یک سنتور به صورت یادگار از من گرفتند. طی چند سال، هفته‌ای یک بار نزد ایشان می‌رفتم و چند ساعتی در خدمت او بودم و از اطلاعاتی که در مورد سازندگان قدیمی مانند یحیی و جعفر در تار، باقرخان در کمانچه، حاج طاهر در سه‌تار، استاد صفا و سید جلال در سه‌تار و سنتور ساخت مارکار با محبت فراوان در اختیار من می‌گذاشتند.

۲- مرحوم استاد نورعلی خان برومند که طبق قراردادی که با مرکز حفظ و اشاعه موسیقی داشتند هفته‌ای دوبار در روزهای یکشنبه و چهارشنبه به مرکز می‌آمدند و من ساخته‌های خود را که در کارگاه حفظ و اشاعه بود نزد وی می‌بردم، ایشان گوش می‌کردند و نظرات مثبت یا منفی خود را به من گوشزد می‌کردند و من هم برای بهبود کارم از آنها استفاده می‌کردم و این اواخر، صددرصد نظر ایشان را در مورد صدای سازهای سنتور و سه‌تار پیاده می‌کردم، حتی در مورد سنتور، پلی را به نام ایشان نام‌گذاری کردم و به پسر من نیز آموخته‌ام.

۳- در مورد کمانچه، استاد پهلوی طبق قراردادی که برای ضبط ردیف‌ها داشتن و به مرکز می‌آمدند، قالب کمانچه باقرخان را از وی گرفتم و طبق نظر این استاد به ساختن آن مشغول شدم و اشکالات این ساز را از ایشان می‌پرسیدم.

در تار و سه‌تار، استادانی چون مرحوم سعید هرمزی و استاد فروتن راهنمایی‌های فراوانی کردند، نظریات ایشان را کاملاً گرفتم، زیرا آنان اطلاعات ذیقیمتی در مورد سازندگان قدیمی سازها داشتند و باید یادآور شوم هنگامی که نزد استاد هرمزی نواختن سه‌تار را می‌آموختم، راهنمایی ایشان را همزمان در ساختن تار و سه‌تار استفاده می‌کردم و در ضمن از استادانی چون: مرحوم احمد افشار، حسن مشحون، محمود کریمی، احمد عبادی و حسنعلی دفتری بهره‌ی فراوانی بردم و از تجربیات آنان در بهبود کارم استفاده بردم. تنبور را نزد نورعلی خان الهی و راهنمایی استاد عرفان و فرزندان ایشان کسب فیض کردم و همچنین از نوازندگان خوب و جوانی که در آن زمان به مرکز می‌آمدند مثل: علی اکبر شکارچی، داود گنجه‌ای، کامران داروغه، محمد مقدسی، هادی منتظری، مجتبی میرزاده در مورد (کمانچه و ویولن) مشورت و بهره می‌گرفتم. با آقایان: استاد مجید کیانی، رضا شفیعیان، پرویز مشکاتیان، جلیل عندلیبی در مورد (سنتور) با آقایان: محمدرضا لطفی، حسین علیزاده، داریوش طلائی و جلال ذوالفنون در مورد تار و سه‌تار و در مورد (تنبک) با آقایان فرهنگ‌فر، مرتضی اعیان و فرهمندبافی مشورت و بهره می‌بردم.

در چند مسافرت پی‌درپی که طبق قراردادهای فرهنگی و هنری به کشورهای: آلمان، اتریش، ترکیه و افغانستان از طرف سازمان رادیو و تلویزیون داشتم در مورد ساختن ساز در این ممالک تحقیقاتی نمودم و به جمع اندوخته‌هایم افزوده گشت و مدت شش ماه هم در دانشکده کشاورزی کرج در مورد چوب و چوب‌شناسی به مطالعه و تحقیق پرداختم. البته در طی تمام مراحل تحقیقات و بررسی‌هایم در کنار کارم به تحصیل و نواختن ساز نیز ادامه دادم و بعد از گرفتن دیپلم متفرقه، تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه تهران به اتمام رساندم.

باید یادآور شوم، اصولاً یک سازنده ساز باید در نواختن آن سازی که می‌سازد، تا حدودی در تنظیم و رگلاژ و صدای ساز و مضراب‌های مختلف آن و تکنیک نوازندگی مختلف استادان و کوک‌های گوناگون، آشنایی کامل داشته باشد. به همین سبب من نزد استادان بزرگی رفتم و از محضر آنان کسب فیض نمودم، مانند مرحوم استاد ابوالحسن صبا و رحمت‌الله بدیعی (ویولن) مرحوم نورعلی خان برومند، مرحوم هرمزی، جلال ذوالفنون، حسین علیزاده (سه‌تار) دکتر صفوت، مجید کیانی، محمد حیدری، صادقی (سنتور)، البته در مورد سه‌تار و سنتور حدود ردیف‌های موسیقی را نواختم، به طور کلی با نواختن تمام سازهایی که ساختم تا حدودی آشنایی دارم ولی علاقه من به موسیقی ایرانی، بیشتر می‌باشد زیرا این موسیقی به وسیله‌ی آلاتی نواخته می‌شود که من در

ساختن آنها دستی دارم ولی گرایش من بیشتر در ساختن و نواختن سنتور و سه‌تار می‌باشد.

همانطور که قبلاً شرح دادم، سازهایی که در کارگاه وزارت فرهنگ و هنر ساخته می‌شد و در دسترس استادان قرار می‌گرفت چون با همکاری دسته‌جمعی بود، ساز به نام وزارتخانه (اداره‌ی هنرهای زیبا) نامیده می‌شد و من وقت و فرصت اضافی خود را در منزل ضمن آموختن و فراگیری نواختن ساز، شروع به ساختن آلات موسیقی می‌کردم نظیر: (کمانچه، ویولن و سنتور) و به معلمین موسیقی می‌دادم و هنرمندانی که در آن زمان از من ساز خریداری کردند، آقایان: منوچهر زاهدی، صادقی، محمد حیدری و بزرگ‌زاد بودند و یادم هست که یک (کمانچه) هم آقای دکتر خوش ضمیر خریداری کرد و ویولن‌هایی را هم که استاد قنبری در منزل می‌ساختند و بنده با ایشان همکاری می‌کردم در اختیار معلمین قرار می‌گرفت.

در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی نیز سازهایی را که می‌ساختم و به استادان می‌دادم، نام و شماره‌ی مرکز حفظ و اشاعه روی آن ثبت می‌شد ولی سنتورهایی را که در منزل ساختم آقایان: اسماعیل تهرانی، اسماعیل واثقی، مرحوم دکتر جهانبگلو و چهار سنتور، مرحوم نورعلی برومند، استاد مجید کیانی، جلیل عندلیبی، کاظم داویدیان و اکثر شاگردان استاد فرامرز پایور خریداری کردند. سه‌تارهایم را مرحوم حاج آقا مجرد ایرانی، نورعلی برومند، هرمزی، فروتن، کریمی و سه‌تاری را که به ایشان داده بودم روی آن خاتم کاری بود.

بعد از بازخریدی خود از مرکز حفظ و اشاعه در سال ۱۳۵۷ تمام وقتم را در منزل صرف ساختن آلات موسیقی نمودم و سازهایی که ساختم و در دفترم نام و مشخصات آن ذکر گردیده غیر از اشخاص معمولی، و هنرمندان بزرگی چون: احمد عبادی، دکتر عبادی (نوه‌ی آقا میرزا عبدالله) تیمسار حسنعلی دفتری، منصور نریمان، شهرام ناظری، محمد موسوی، محمدرضا شجریان، احمد ابراهیمی، محمود تاجبخش، محمدرضا لطفی، حسین علیزاده، زیدالله طلوعی، محمد فیروزی، حسن زرگانی، رضا وهدانی، عطاء جنگو، حمید متبسم، مجید رخشانی، محمدرضا رحیمی، شاپور رحیمی، محمدرضا اقبال، جلال ذوالفنون، ابتهاج، مهدی ستایشگر، جمال سماواتی، مظهري، منتظری، اکبر شکارچی، امین‌الله رشیدی، داود گنجه‌ای، مهندس گنجه‌ای، جمشید محبی، ارشد طهماسبی، کیوان ساکت، بهرام ساعد و... می‌باشند.

پسرم، علی زادخیل که هم‌اکنون حدود ۱۹ سال دارد، از سن ۹ سالگی، درست از زمانی که خود من به سازسازی روی آوردم، شروع کرد و نزد خودم مشغول ساختن ساز و پی بردن به رمز و راز آن می‌باشد و حاصل ۳۸ سال کار مداوم و پر تلاش خود را در اختیار وی نهادم و در اینجا نه به عنوان پدر، بلکه به عنوان یک استاد وی می‌گویم که وی در کار خود بی‌نظیر است بسیار سریع پیشرفت کرد، به طوری که استادانی که برای خرید ساز به ما مراجعه می‌کنند ساز ساخت علی زادخیل را مثل ساز ساخت حسن زادخیل پذیرا می‌شوند. علی زادخیل با توجه به سن جوان خود هم‌اکنون در کارگاه مشغول ساختن سه‌تار و سنتور و اخیراً کمانچه شده و هفته‌ای دوبار هم در آزمایشگاه خود به تحقیق ساختمان سازها با هم می‌پردازیم و کتابی در دست تهیه دارم که روش سازسازی و چوب را در اختیار جوانانی که شروع به ساختن آلات موسیقی کرده‌اند قرار دهم و در این راه پسرم علی زادخیل زحمات فراوانی را متحمل گشته است.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

زادور ارمنی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، سازنده‌ی ساز. وی در ساختن سه تار استاد بود. سه تارهای وی بین اهل فن معروف است. زادور تار نیز می‌ساخت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ موسیقی (۶۹۴/۲)، سرگذشت موسیقی (۱۶۹/۱).

زاری مهدی، محمدقاسم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۹ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به زاری. وی از شعرای مشهد مقدس رضوی بود که در سیر و تاریخ نیز دست داشت. غزل را نیکو می‌سرود. وی در میدان اصفهان به دست دزدان کشته شد. از جمله آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۵۲-۶۵۱)، الذریعه (۳۹۸/۹)، ریحانه (۳۵۱/۲)، صبح گلشن (۱۸۹-۱۸۸)، فرهنگ سخنوران (۴۰۹)، لغت نامه (ذیل / زاری).

زاوه‌ای یزدی، مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۶ ق)، عالم و مورخ. اهل مشهد بود. در همانجا به تحصیل پرداخت و در مشهد درگذشت. از آثار اوست: «ام‌الکتاب» در چهار جزء وقایع الایام، رویداد کربلا، جشنها و شرح احوال حضرت عباس (ع).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰۳/۲)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۵۶۴/۱).

زاهد، حسین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، فلزکار. رسام و زرکوب و فولاد کار زبده‌ی عصر خود بود. عمده‌ترین آثار این هنرمند، پنجره‌ی زرکوب و فولادی موزه‌ی آستان قدس رضوی است، که به کمک جمعی از هنرمندان آن دوره انجام یافته است، با رقم: «استاد با سعادت و شرافت خواجه حسین زاهد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۵۹/۱).

زاهدی اصل، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد زاهدی اصل در سال ۱۳۲۴ در روستای نیار اردبیل متولد شد. مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را به ترتیب در رشته مددکاری اجتماعی و مدیریت امور فرهنگی در تهران گذراند و دکترای مدیریت اجتماعی را در سال ۱۳۶۷ در ترکیه اخذ کرد. وی یکی از مددکاران با تجربه‌ای است که اسلوب، دانش و تکنیک این حرفه را در کلاسهای درس آموزشگاه خدمات اجتماعی آموخته و پس از آن سالهای طولانی تلاش و تحقیق و تدریس و تالیف را پشت سر گذاشته است. در حال حاضر وی در دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه شاهد و امام حسین (ع) به تدریس خدمات اجتماعی، مددکاری جامعه‌ای و ... در مقاطع مختلف می‌پردازد. نامبرده عضو هیئت علمی و استاد پایه ۲۶ دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: مدیریت اجتماعی خاطرات کودکی: محمد زاهدی اصل در روایت از آن سالهای دور و سخت روستای «نیار» از رنج و خاطره کودکی ۶ ساله می‌گوید که هر صبح و عصر با همراهی دوستان همکلاسی‌اش، صدای گام‌ها و آندوه غمها و اولین تلاشهای بی‌ادعای خود را، در فاصله نیار تا اردبیل، با پای پیاده بر راه‌ها و خاک‌ها به یادگار می‌گذاشتند و در مبارزه و ستیز با سرمای استخوان‌سوز و زیر صفر درجه به بهانه کورسوی امیدی که در دل داشتند استواری و صبوری را سرمشق می‌کردند. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: محمد زاهدی اصل در آخرین روزهای سرد سال ۱۳۲۴ ه.ش در روستای «نیار» از توابع استان اردبیل متولد شد. شرایط خانوادگی وی با مشکلات خاص روستا مواجه بود. وی می‌گوید: «مشابه بسیاری از خانواده‌های آن زمان خانواده ما نیز کثیر الاولاد بود که در نهایت غیر از اولین فرزند فوت شده، شش خواهر و سه برادر بودیم. معمولاً دختران را در سنین پایین شوهر می‌دادند و من شاهد ازدواج دو خواهر بزرگترم بودم. در سایه تلاشهای پدر وضعیت اقتصادی خانواده بهتر شد و به تدریج به دنبال کشاورزی توأم با کاسبی در مغازه وضعیت مطلوبتری حاصل شد و این تلاش پدر تا زمان فوت و سن ۸۰ سالگی ادامه داشت.» تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمد زاهدی اصل پس از دریافت مدرک دیپلم تجربی در سال ۱۳۴۴، در اردبیل، مدرک کارشناسی خدمات اجتماعی یعنی «مددکاری اجتماعی» را در سال ۱۳۵۰ در تهران و مدرک کارشناسی ارشد در رشته مدیریت امور فرهنگی در سال ۱۳۵۰ را نیز در تهران و مدرک دکترای مدیریت اجتماعی را در سال ۱۳۶۷ - با هزینه شخصی - از دانشگاه استانبول ترکیه اخذ کرد. خاطرات و وقایع تحصیل: از خاطرات دوران ابتدایی و متوسطه محمد زاهدی اصل جز سختی راه و سرمای زمستان و کتک خوردن از همشاگردیها در راه مدرسه و تشویق و تمجید معلم‌ها و نیز در دوران دانشجویی زندگی با هم‌دوره‌ای‌ها در یک اطاق اجاره‌ای چیز خاصی نبوده است. وی در سال ۱۳۵۰ به عنوان مسئول مؤسسات خدمات اجتماعی عازم ارومیه شد. پس از آن زاهدی اصل فراز و نشیب‌های زیادی را در زمینه تحصیل، تحقیق و خدمت پشت سر گذاشت، در حالی مدرک کارشناسی ارشد در تهران و دکتری خود را در رشته مدیریت اجتماعی در ترکیه اخذ کرد که با وجود همراهی همسر و پنج فرزند خردسال، و به عهده گرفتن هزینه تحصیل به علت مخالفت معاون وقت وزیر علوم با بورس تحصیلی رنج‌ها و مرارت‌های بسیاری بر خانواده زاهدی اصل تحمیل شد. فعالیت‌های ضمن تحصیل: سال ۱۳۵۰ هجری شمسی محمد زاهدی اصل دیگر یک کارشناس مددکاری اجتماعی بود که به اصرار فرمانفرمایان در آغازین سالهای خدمت، به عنوان مسئول مؤسسات خدمات اجتماعی عازم ارومیه شد. استادان و مربیان: از استادان محمد زاهدی اصل می‌توان به «ستاره فرمانفرمایان» اشاره کرد که زاهدی اصل در کلاسهای درس ایشان در آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی در مقطع کارشناسی شرکت می‌کرد. هم‌دوره‌ای‌ها و همکاران: محمد زاهدی

اصل از هم‌دوره‌ای‌های خود به صمیمی‌ترین دوستان در دوره کارشناسی به شهید عباس ارشاد اشاره می‌کند که در هفتم تیر شهید شد. همسر و فرزندان: محمد زاهدی اصل در سال ۱۳۴۹ با دختردایی خود ازدواج نمود که حاصل آن پنج فرزند، سه پسر و دو دختر می‌باشد. پسرها بعد از فراغت از تحصیل مشغول کارند و دختر بزرگتر با اخذ مدک کارشناسی ارشد به تدریس زبان خارجه مشغول و دکتر کوچکترشان دانشجوی هنر دانشگاه الزهرا است. وقایع میانسالی: انفجار مواد منفجره در دوران خدمت و سوختگی چشم و صورت ناشی از آن، فوت دومین فرزندم در پنج ماهگی به علت نارسایی قلبی و غده تیروئید، شهادت نزدیک‌ترین دوست در حادثه ۷ تیر، جنگ تحمیلی و صحنه‌های پر مخاطره در خوزستان، و روزهای انقلاب از جمله جلسات مخفیانه انجمن اسلامی مددکاران اجتماعی و عضویت در کمیته استقبال امام و گروه محافظان ایشان در بهشت زهرا و ... از وقایع آن دوران محمد زاهدی اصل است که به آن اشاره می‌کند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر محمد زاهدی اصل عضو هیئت علمی و استاد پایه ۲۶ دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۸۴) است. وی سمت‌ها و منصبهای متعددی را در اختیار داشته و دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: - مددکاری اجتماعی و کارشناس امور دانشجویی در دانشگاه تهران ۵۷-۱۳۵۰، - ریاست دانشکده خدمات اجتماعی و سرپرستی آموزشگاه عالی آموزش‌های عالی ۶۲-۱۳۶۰، - معاونت اداری و مالی و جانشین معاونت دانشجویی دانشگاه الزهراء ۶۳-۱۳۶۲، - مدیر گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۶۹-۱۳۶۷، - سرپرست دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۶۸، - ریاست مؤسسه کار و تأمین اجتماعی ۶۹-۱۳۶۸، - مدیریت گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد ۱۳۶۹، - مدیر گروه خدمات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۷۵-۱۳۷۱ و ... - عضو شورای دانشگاه علامه طباطبایی ۸۲-۱۳۷۶، - رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۸۲-۱۳۷۸، - عضو شورای سیاستگذاری سازمان بهزیستی کشور، - ریاست انجمن مددکاری اجتماعی ایران، - مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد، ۷۹-۱۳۷۲، - معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۷۶. فعالیتهای آموزشی: محمد زاهدی اصل فعالیتهای آموزشی خود را از سال ۱۳۵۴ بصورت حق التدریس با دانشگاه خدمات اجتماعی سابق شروع کرد و بعد از انقلاب به ریاست دانشکده مذکور در سال ۱۳۶۰ در آمد. وی استاد پایه ۲۶ دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۸۴ بوده است. در حال حاضر محمد زاهدی اصل در دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه شاهد و دانشگاه امام حسین (ع)، به تدریس خدمات اجتماعی، مددکاری جامعه‌ای در دوره کارشناسی و مدیریت منابع انسانی، سیستم‌های مدیریت، سمینار سازمان‌ها و مسائل رفاه اجتماعی، خدمات اجتماعی مدیریت سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی در دوره کارشناسی ارشد می‌پردازد. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: محمد زاهدی اصل مسئول راه‌اندازی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد در سال ۱۳۷۱ بوده است. از دیگر تلاشهای او در سالهای اخیر، طراحی، تهیه و تنظیم برنامه دوره رشته مددکاری اجتماعی بوده که در حال حاضر مراحل تصویب در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی را طی می‌کند. - دفتر آموزش سازمان بهزیستی کشور که بعداً تبدیل به دانشگاه علوم بهزیستی شد، - دانشگاه شاهد از بدو تاسیس و همچنین مسئول راه‌اندازی دانشکده علوم انسانی آن، - هیئت موسس انجمن مددکاری اجتماعی ایران و ریاست آن در حال حاضر. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: علاوه بر اینکه محمد زاهدی اصل از چهره‌های شناخته شده در عرصه مددکاری اجتماعی است، مطالعات زیادی در مباحث تاریخی خصوصاً تاریخ معاصر دارد، به طوری که در این حوزه نیز نظرات کارشناسی و علمی او مورد توجه قرار می‌گیرد. از فعالیتهای علمی و پژوهشی زاهدی اصل می‌توان به برنامه‌ریزی امور فرهنگی، چگونگی گذران اوقات فراغت کارکنان دانشگاه تهران، اهمیت ضرورت سیاستگذاری در اوقات فراغت، بررسی وضعیت امور رفاهی کارکنان سازمان تامین اجتماعی، بازنشستگی، نیازها و مسائل بازماندگان سازمان تامین اجتماعی و ... اشاره کرد. آرا و گرایشهای خاص: محمد زاهدی اصل از ایمان، اخلاص، وفای به عهد، صداقت و صبر به عنوان اصول و شرایط خدمات اجتماعی نام می‌برد و می‌نویسد: «صبر در بعد اجتماعی نظیر تحمل دیگران، تلاش در خشنودی مسلمین، رعایت حقوق آنها، ایجاد روابط حسنه با امت اسلامی

می‌تواند وحدت و انسجام جامعه اسلامی را عینیت ببخشد. مصداق بارز صبر در خدمات اجتماعی، گشاده‌رویی است که به عنوان یک صفت عالی انسانی مطرح می‌شود. در زمینه حمایت از نیازمندان جامعه، ملاحظت و خوش‌خلقی اهمیت بسزایی دارد و از مؤثرترین عواملی است که می‌تواند اعتماد و اطمینان مخدوم به خادم را فراهم آورد و موجب تحکیم روابط سازنده و ارزشمند متقابل شود.» یکی از مباحث عمده و مهم مددکاری اجتماعی، بحث اصول و ارزشهاست. اصول عمومی مددکاری اجتماعی عبارتند از: پذیرش، فردیت، رابطه حرفه‌ای، مشارکت، رازداری حرفه‌ای و خودآگاهی. زاهدی اصل در بین کلیه اصول مددکاری اجتماعی، اصل خودآگاهی مددکار را مهمترین اصل می‌داند. «به دلیل اینکه اگر مددکار اجتماعی در تحقق این اصل ناکام بماند قطعاً در تحقق و رعایت تمامی اصول و حتی ارزش‌های مددکاری اجتماعی ناموفق خواهد بود. در سایه خودآگاهی است که مددکار اجتماعی می‌تواند به دور از هرگونه تعصبات، لغزش‌های اخلاقی و حرفه‌ای، هر نوع پیشداوری، در خدمت مراجعان قرار گیرد و در زندگی و حل مشکلات آنها اثرگذار باشد. «چه نتوانی بدانی کیستی / جهد کن چندانکه دانی کیستی» خودآگاهی مترادف با خودشناسی و خودشناسی مقدمه و لازمه خودسازی است. در واقع می‌توان گفت که در دنیا یک حقیقت وجود دارد و آن شناسایی خود است و حتی می‌توان خودسازی را شرط عدالت‌خواهی دانست. عمده‌ترین مسائلی که مددکاران اجتماعی با آن درگیر هستند را می‌توان در رابطه با مسائل مختلف مربوط به محیط جستجو کرد. «خانواده، مدرسه، محل کار، خویشاوندان، دوستان و... از عوامل محیطی تلقی می‌شوند. در بسیاری از اوقات، تلاش انسان برای ایجاد تغییر در برخی از شرایط محیط اطرافش به نتیجه مطلوب و دلخواه نمی‌رسد و به ناچار، او از بخشی از آرمان‌های خویش صرف‌نظر می‌کند و به طور نسبی وضعیت موجود را می‌پذیرد و با آن کنار می‌آید. پس می‌توان گفت که هم ایجاد تغییر در شرایط محیط انسانی امری نسبی است و هم تطابق و سازگاری با آن، آنچه در مددکاری مهم است آنکه مددجو این شرایط را در حد درک و فهم خود و با راهنمایی مددکار بشناسد، امکانات اجتماعی موجود برای ایجاد تغییر در این شرایط را بشناسد و حداکثر مساعی خود را برای ایجاد تغییر به کار گیرد و نتیجه کار را به عنوان یک واقعیت بپذیرد.» یکی از نگرانی‌های محمد زاهدی اصل بروز آسیب در اجتماع و آثار و تبعات آن است. «آسیب‌های متعددی را می‌توان در جامعه مشاهده کرد، مثلاً اکنون پدیده اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک آسیب جدی در کشور مطرح است. تکدی و فرار دختران از منزل هم نمونه‌های بارز دیگری از آسیب‌های اجتماعی هستند. البته موضوع فرار دختران از منزل، خود ممکن است پیامدهای دیگری را نیز به دنبال داشته باشد. بی‌شک آسیب به هر اندازه و در هر سطحی نگران‌کننده است. وقتی ما صحبت از جامعه اسلامی می‌کنیم انتظار نداریم که برخی آسیب‌ها بیش از حد معمول در جامعه مشاهده شوند.» از دیگر دغدغه‌های محمد زاهدی اصل موضوع رفاه اجتماعی است. «در جهان امروز، رفاه اجتماعی بخشی از زندگی و فرهنگ انسانی تلقی می‌شود و گسترش نظریه‌های انسان‌دوستی با تأکید بر مسئولیت همگان نسبت به یکدیگر و همچنین پیشرفت علوم اجتماعی و زیستی در پیدایش نگرش‌های جدید درخصوص رفاه اجتماعی مؤثر بوده است، نیازهای اساسی از مقوله معیشت فراتر رفته و زمینه‌های غیرمادی را نیز شامل می‌شود، به طوری که در عصر حاضر پدیده «امنیت» به عنوان یکی از مهمترین مشخصه‌های رفاه اجتماعی تلقی می‌شود، به نحوی که محور اصلی توسعه در قرن حاضر را «امنیت انسانی» تشکیل می‌دهد.» جوائز و نشانها: پژوهشگر برتر دانشگاه علامه سال ۱۳۷۹، دو نوبت پژوهشگر نمونه دانشکده علوم اجتماعی، استاد نمونه دانشگاه علامه در سال ۱۳۷۶. آثار: مبانی رفاه اجتماعی و ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۱۲ مبانی مددکاری اجتماعی و ویژگی اثر: چاپ ۱۳۷۷ و چاپ دوم ۱۳۸۲ انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی ۳ مجموعه مقالات جایگاه مددکاری اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات نقش مددکاری اجتماعی در کنترل آسیب‌های اجتماعی و... مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام و ویژگی اثر: بنیان فلسفی خدمات اجتماعی پرداخته شد و درباره آثار و نتایج خدمات اجتماعی در بعد فردی و اجتماعی بحث شده است. «مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام» عنوان کتابی است که تألیف کرد. در این کتاب به بنیان فلسفی خدمات اجتماعی پرداخته

شده و درباره آثار و نتایج خدمات اجتماعی در بعد فردی و اجتماعی بحث شده است. محمد زاهدی اصل معتقد است خدمات اجتماعی موجب پاداش حقیقی و اجر اخروی شده، تزکیه نفس و آموزش معصیت را در پی دارد. قوت قلب و اطمینان از آینده را باعث می‌شود، به افزایش روزی کمک می‌کند، روح اخوت و تفاهم میان امت اسلامی را ترویج می‌نماید و به تأمین عدالت اجتماعی و قسط در جامعه منجر می‌شود.

زاهدی مازندرانی، محمدجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد جواد زاهدی مازندرانی در سال ۱۳۲۲ در ساری بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکترای رشته جامعه‌شناسی - توسعه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۷ می‌باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می‌باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی والدین و انساب: پدر محمد جواد زاهدی مازندرانی، هاشم نام دارد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: تحصیلات رسمی محمد جواد زاهدی مازندرانی به قرار زیر است: کارشناسی رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲ کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران ۱۳۶۰ دکتری تخصصی جامعه‌شناسی - توسعه از دانشگاه تهران ۱۳۷۷ همسر و فرزندان: محمد جواد زاهدی مازندرانی متاهل و دارای دو فرزند می‌باشد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: - مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۷۹-۸۳ - مدیر آموزش و تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۸۳ - عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور - عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران - عضو فعال شورای علمی مجله جامعه‌شناسی ایران - عضو هیئت تحریریه نشریه تخصصی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز فعالیت‌های آموزشی: - عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور - تدریس در دانشگاه‌های الزهرا و علامه طباطبایی‌چگونگی عرضه آثار: - ۳۵ مقاله چاپ شده که حدود ۱۲ مقاله در مجلات علمی - پژوهشی چاپ شده است. - تعداد ۶۰ طرح تحقیقاتی جامعه‌روستایی ایران آثار: توسعه و نابرابری ویژگی اثر: تالیف: محمدجواد زاهدی مازندرانی ناشر: مازیار - ۰۱ اسفند، ۱۳۸۶ ۲ فرهنگ علوم اجتماعی ویژگی اثر: ترجمه و سرویراستار-دیدآورنده: ویلیام کولب، جولوس گولد، باقر پرهام (مترجم)، محمدجواد زاهدی مازندرانی (ویراستار) ناشر: مازیار - ۰۳ اسفند، ۱۳۸۴ ۳ قرن بیست و یکم ویژگی اثر: عضو گروه مترجمین ۴ مجموعه مقالات فقر و آسیب پذیری روستایی ویژگی اثر: تالیف ۵ مدخل‌های دایره‌المهارف و اندیشه‌های نو ویژگی اثر: مشارکت در ترجمه

زبور، ابراهیم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم ق)، طغراساز و مذهب. از آثار رقم‌دار وی طغرای زیبایی است که در یکی از حراجهای لندن به فروش رفت، با رقم: «ابراهیم زیور».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۵).

زجاجی چرندابی تبریزی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۶۰۸ ق)، شاعر و مورخ. از آثار وی: «تاریخ منظوم زجاجی»، در تاریخ.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فرهنگ سخنوران (۴۱۱)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۶۷۱، ۵۹۱/۱)، لغت نامه (ذیل / زجاجی)، یغما (س ۵، ص ۵۶۰-۵۵۴).

زرگری نژاد، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر غلامحسین زرگری نژاد در سال ۱۳۲۹ در شهرستان بجنورد متولد شد. وی پس از طی مراحل تحصیل مقدماتی، راهنمایی، دبیرستان، در سال ۱۳۵۲ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران را یافت. در سال ۱۳۵۷ دوره تحصیل لیسانس خود را به پایان برد و بلافاصله در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تاریخ شرکت کرد و به ادامه تحصیل در این دوره پرداخت. پس از اتمام این دوره در آزمون دکتری دانشگاه تربیت مدرس قبول شد و در سال ۱۳۷۲ درجه دکترای تخصصی تاریخ را از این دانشگاه دریافت داشت. وی در سال ۱۳۷۳ به گروه تاریخ دانشگاه تهران پیوست و از آن زمان تاکنون به تدریس در گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است. نامبرده هم اینک فعالیت خود را با رتبه علمی دانشیاری ادامه می دهد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: غلامحسین زرگری نژاد پس از طی مراحل تحصیل مقدماتی، راهنمایی، دبیرستان، در سال ۱۳۵۲ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران را یافت. در سال ۱۳۵۷ دوره تحصیل لیسانس خود را به پایان برد و بلافاصله در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تاریخ شرکت کرد و به ادامه تحصیل در این دوره پرداخت. پس از اتمام این دوره در آزمون دکتری دانشگاه تربیت مدرس قبول شد و در سال ۱۳۷۲ درجه دکترای تخصصی تاریخ را از این دانشگاه دریافت داشت. فعالیت‌های ضمن تحصیل: دکتر زرگری نژاد همزمان با تحصیل در دوره کارشناسی ارشد در آموزش و پرورش زادگاهش به تدریس اشتغال داشت.

فعالیت‌های آموزشی: غلامحسین زرگری نژاد سپس از بجنورد به تهران انتقال یافت و به مدت سه سال مدیر گروه تاریخ در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش بود. وی در سال ۱۳۶۴ به دانشکده روابط بین الملل وزارت خارجه منتقل شد و به مدت سه سال نیز در آن دانشکده به تدریس تاریخ دیپلماسی و تاریخ اسلام و اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران پرداخت. وی در سال ۱۳۷۳ به گروه تاریخ دانشگاه تهران پیوست و از آن زمان تاکنون به تدریس در گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول است. نامبرده فعالیت خود را با رتبه علمی دانشیاری ادامه می دهد. -----

آثار:

۱ تاریخ احمدشاهی (تاریخ تشکیل اولین حکومت افغانستان)

ویژگی اثر: پدیدآورنده: محمود حسینی جامی، غلامحسین زرگری نژاد (مصحح) ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۰۳ مهر، ۱۳۸۴

۲ تاریخ تحلیلی اسلام

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: آیت عشق - ۲۵ بهمن، ۱۳۸۵

۳ تاریخ تحلیلی اسلام: از بعثت تا غیبت

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۰۹ آبان، ۱۳۸۶

۴ تاریخ تمدن و فرهنگ

ویژگی اثر: کتاب درسی

۵ تاریخ سال سوم دبیرستان

ویژگی اثر: کتاب درسی

۶ تاریخ سیاسی اجتماعی ایران بعد از اسلام

ویژگی اثر: کتاب درسی

۷ تاریخ سیاسی اجتماعی ایران قبل از اسلام

ویژگی اثر: کتاب درسی

۸ تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۰۸ اردیبهشت، ۱۳۸۶

۹ تاریخ معاصر ایران

ویژگی اثر: کتاب درسی

۱۰ تاملاتی در علم تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد، عطاء الله حسینی، هاشم آقاجری (مترجم)، حسن حضرتی (مترجم) ناشر: نقش جهان - ۱۳۸۱

۱۱ خورشید: سال اول، شمارگان ۱ تا ۱۲۰

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد (مقدمه) ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - ۲۸ آذر، ۱۳۸۴

۱۲ رسائل مشروطیت: مشروطه به روایت موافقان و مخالفان

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - ۲۸ مرداد، ۱۳۸۷

۱۳ رساله احکام قانون اداره بلدیة

ویژگی اثر: پدیدآورنده: عبدالحسین لاری، غلامحسین زرگری نژاد (مصحح) ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - ۲۹ دی، ۱۳۸۷

۱۴ روزشمار تحولات ایران در عصر قاجاریه

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران - ۰۶ خرداد، ۱۳۸۶

۱۵ روش تحقیق

ویژگی اثر: کتاب درسی

۱۶ سلمان فارسی

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد، قربان ولیی (ویراستار) ناشر: کتاب همراه - ۲۳ آبان، ۱۳۸۶

۱۷ سیاست نامه های قاجاری

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - ۳۰ دی، ۱۳۸۶

۱۸ سیاست نامه های قاجاری: رسایل سیاسی

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - ۳۰ دی، ۱۳۸۶

۱۹ شرح آسیای مرکزی و انتشار سیویلیزاسیون روسی در آن با نقشه ممالک آسیای مرکزی

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی - ۱۳۸۳

۲۰ عاشورا

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: کتاب همراه - ۰۳ خرداد، ۱۳۸۷

۲۱ مآثر سلطانی، تاریخ جنگهای اول ایران و روس، به ضمیمه تاریخ جنگهای دوره دوم از تاریخ ذو القرنین

ویژگی اثر: پدیدآورنده: عبدالرزاق بن نجفقلی مفتون دنبلی، غلامحسین زرگری نژاد ناشر: روزنامه ایران - ۱۳۸۳

۲۲ نهضت آزادی بخش فلسطین

ویژگی اثر: کتاب درسی

۲۳ نهضت امام حسین (ع) و قیام کربلا

ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامحسین زرگری نژاد ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق

و توسعه علوم انسانی - ۱۰ مرداد، ۱۳۸۶

زریاب خوبی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۳ - ۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم، محقق و استاد دانشگاه. در خوی متولد شد. پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی و متوسطه به قم رفت و از محضر علمای آن دیار از جمله شیخ صادق فراحی، محقق داماد، سید احمد خسروشاهی، امام خمینی، سید صدرالدین صدر، سید محمدتقی خوانساری و سید محمد حجت کوه کمره‌ای بهره جست. سپس وارد دانشکده‌ی الهیات شد و پس از دریافت درجه‌ی لیسانس به آلمان رفت و از دانشگاه ماینس در رشته‌ی تاریخ دکترا گرفت. آنگاه به ایران بازگشت و در ۱۳۴۱ ش به دعوت پروفیسور هنینگ به آمریکا رفت و در دانشگاه برکلی (کالیفرنیا) به تدریس پرداخت. پس از دو سال به ایران آمد و با سمت استادی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. دکتر زریاب مورخ، محقق و مترجمی جامع‌الاطراف بود و بویژه در معارف ایران و اسلام و فلسفه و تاریخ و ادبیات عرب و زبان شناسی صاحب نظری متبحر بود و به سبب تسلط به زبانهای عربی، آلمانی، انگلیسی و

فرانسوی به منابع دست اول دسترسی داشت. زریاب در بسیاری از مجامع علمی ایرانی مثل: انجمن فلسفه، بنیاد فرهنگ، فرهنگستان تاریخ و بنیاد شاهنامه‌ی فردوسی عضو بوده و با بنیادهای دایرةالمعارف نویسی همکاری داشت و مقالات بسیاری برای آنها و مجلات ادبی گوناگون می‌نوشت. وی همچنین در مجامع بین‌المللی از جمله: انجمن بین‌المللی شرق شناسی در آلمان و انجمن بین‌المللی کتیبه‌های ایرانی در انگلستان عضو بود. در تهران در گذشت و در بهشت زهرا دفن شد. از آثار وی: «آئینه‌ی جام»؛ «تاریخ ساسانیان»؛ «بزم آوزد»؛ تحریر «روضه الصفا» و ترجمه‌های: «تاریخ فلسفه» ویل دورانت؛ «لذات فلسفه»، ویل دورانت؛ «تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان»؛ تئودور نولدکه؛ «ظهور تاریخ بنیادی»، نوشته‌ی فردریش مانیکه؛ «دریای جان» نوشته‌ی ریتر. [۱]

مترجم، استاد، نویسنده، محقق.

تولد: ۲۲ تیر ۱۲۹۸، خوی.

درگذشت: ۱۴ بهمن ۱۳۷۳.

عباس زریاب‌خویی، فرزند علی، تحصیلات مقدماتی علوم جدید و قدیم را در شهر خویی به پایان رساند و برای ادامه‌ی تحصیل در سال ۱۳۱۶ به شهر قم عزیمت نمود و سال‌ها از محضر اساتیدی چون حضرت امام خمینی (ره)، آیت‌الله سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی استفاده نمود.

دکتر زریاب‌خویی بعد از رسیدن به درجه‌ی اجتهاد برای تکمیل تحصیلات خویش وارد دانشگاه الهیات شد و پس از اخذ درجه‌ی لیسانس، به آلمان رفت و در رشته‌ی تاریخ و فلسفه از دانشگاه «ماینز» به اخذ درجه‌ی دکتری نایل آمد. همچنین به فراخوان دانشگاه «برکلی» آمریکا پاسخ مثبت داد و مدتی به همکاری با کارشناسان زبان‌های ایرانی و زبان فولکوریک پرداخت.

دکتر عباس زریاب‌خویی پیش از انقلاب استاد رشته‌ی تاریخ و رییس گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود. وی به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و ترکی عثمانی و اسلامبولی آگاه بود. وی سال‌های متمادی در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال داشت و مدتی نیز با دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و دایرةالمعارف مصاحب و بنیاد دایرةالمعارف همکاری داشت و مقالاتی را به رشته‌ی تحریر درآورد. آثار مهم ایشان عبارتند از: ترجمه‌ی فلسفه (ویل دورانت، ۱۳۳۵)؛ ترجمه‌ی لذات فلسفه (ویل دورانت)؛ ترجمه‌ی تاریخ ساسانیان (نولدکه)؛ تألیف بزم آورد؛ تألیف آئینه جام؛ تحقیق و تصحیح کتاب الصیدنه فی الطب اثر ابوریحان بیرونی (این کتاب در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب برگزیده‌ی سال انتخاب شد)؛ تألیف تاریخ بنیادی؛ آئینه جام (شرح مشکلات دیوان حافظ؛ این کتاب در سال ۱۳۶۹ عنوان کتاب برگزیده‌ی سال را از آن خود ساخت)؛ سیره‌ی رسول اکرم (ص)؛ تهذیب و تلخیص روضه‌الصفا. کتاب‌هایی که استاد در حال نشر داشت، عبارت بودند از ترجمه‌ی دریای جان اثر هلموت ریتر و ترجمه‌ی کتابی که قرار بود به مناسبت کنگره‌ی جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری منتشر شود.

پیکر دکتر زریاب‌خویی در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] کلک (ش ۵۸ و ۵۹، ص ۲۹۲-۲۸۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۴/۳)، یکی قطره باران (۱۴-۱).

زرین کوب، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عبدالحسین زرین کوب در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی در بروجرد دیده به جهان گشود. دکتر زرین کوب تحصیلات ابتدایی

را در زادگاه خویش به پایان برد. سپس در کنار تحصیل در دوره متوسطه به تشویق و ترغیب پدر که مردی متشرع و دیندار بود، اوقات فراغت را صرف فراگیری علوم دینی و حوزه ای نمود، و ضمن تحصیل فقه و تفسیر و ادبیات عرب، به شعر عربی هم علاقمند شد. گرچه تا پایان سال پنجم متوسطه در رشته علمی تحصیل می کرد با این حال کمتر کتاب تاریخ و فلسفه و ادبیاتی بود که به زبان فارسی منتشر شده باشد، و او آن را در مطالعه نگرفته باشد. به دنبال تعطیلی کلاس ششم متوسطه در تنها دبیرستان شهر برای ادامه تحصیل به تهران رفت. اما این رشته ادبی را برگزید و در سال ۱۳۱۹ تحصیلات دبیرستانی را به پایان برد، و با وجود آنکه کتابهای سالهای چهارم و پنجم متوسطه ادبی را قبلاً نخوانده بود در میان دانش آموزان رشته ادبی سراسر کشور، رتبه دوم را به دست آورد. با بازگشایی مجدد دانشگاهها در سال ۱۳۲۰، دکتر عبدالحسین زرین کوب در امتحان ورودی دانشکده حقوق شرکت کرد. با آنکه پس از کسب رتبه اول، در دانشکده ثبت نام هم کرده بود، اما به الزام پدر، ناچار به ترک تهران شد. در همان ایام، علی اکبر دهخدا که ریاست دانشکده حقوق را به عهده داشت، از اینکه چنین دانشجوی فاضلی را از دست می داد، اظهار تاسف کرده بود. سرانجام اشتیاق به تحصیل بار دیگر او را به دانشگاه کشاند. در سال ۱۳۲۴، پس از آنکه در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول، و دانشکده ادبیات حایز رتبه اول شده بود، وارد رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد. به هر تقدیر، عبدالحسین زرین کوب در سال ۱۳۲۷ به عنوان دانشجوی رتبه اول از دانشگاه فارغ التحصیل شد، و سال بعد وارد دوره دکتری رشته ادبیات دانشگاه تهران گردید و در سال ۱۳۳۴ از رساله دکتری خود با عنوان (نقد الشعر، تاریخ و اصول آن) که زیر نظر بدیع الزمان فروزانفر تالیف شده بود با موفقیت دفاع کرد.

دکتر زرین کوب در سال ۱۳۳۰ در کنار عده ایی از فضلالی عصر همچون عباس اقبال آشتیانی، سعید نفیسی، محمد معین، پرویز ناتل خانلری، غلامحسین صدیقی و عباس زریاب، برای مشارکت در طرح ترجمه مقالات دایره المعارف اسلام (E۱) طبع هلند، دعوت شد.

دکتر زرین کوب در ایام تحصیل در تهران، چندی نزد حاج شیخ ابوالحسن شعرانی به پرداخت و با مباحث حکمت و فلسفه، آشنایی بیشتر یافت. از همان روزگار با فلسفه های معاصر غربی نیز آشنا شد و بعد به مطالعه در باب تصوف نیز علاقمند گردید. استاد که از قبل با زبانهای عربی، فرانسوی و انگلیسی آشنا شده بود در سالهای جنگ دوم جهانی، با کمک بعضی از صاحب منصبان ایتالیایی و آلمانی که در آن ایام در ایران به سر می بردند، به آموزش این دوزبان پرداخت. در سال ۱۳۲۳ نخستین کتاب او به نام (فلسفه، شعر یا تاریخ تطور شعر و شاعری در ایران) در بروجرد منتشر شد، در حالی که در این هنگام، حدود چهار سال یا کمی بیشتر از تاریخ تالیف کتاب می گذشت.

دکتر زرین کوب پس از آنکه به الزام پدر دانشکده حقوق را ترک گفت، به زادگاه خود بازگشت، و در خرم آباد و بعد در بروجرد به کار معلمی پرداخت، کاری که به تدریج علاقه جدی بدان پیدا کرد. در دوران معلمی، از تاریخ و جغرافیا و ادبیات فارسی گرفته تا عربی و فلسفه و زبان خارجی و حتی ریاضی و فیزیک و علم الهیات، همه را تدریس کرد. دکتر زرین کوب پس از اخذ درجه دکترا، از سوی استاد فروزانفر، برای تدریس در دانشکده علوم معقول و منقول دعوت شد و در سال ۱۳۳۵ یا رتبه دانشجویی، کار خود را دانشگاه تهران آغاز کرد و به تدریس تاریخ اسلام، تاریخ ادیان، تاریخ کلام و مجادلات فرق، تاریخ تصوف اسلامی و تاریخ علوم پرداخت. پس از دریافت رتبه استادی دانشگاه تهران (۱۳۳۹ ش) دکتر زرین کوب چندی نیز در دانشسرای عالی تهران، و دوره دکترا ادبیات فارسی دانشگاه تهران و در دانشکده هنرهای درماتیک به افاضه پرداخت. در سالهای ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۴۹ در آمریکا به عنوان استاد میهمان در دانشگاههای کالیفرنیا و پرینستون به تدریس علوم انسانی دانشگاه تهران انتقال یافت و در دو گروه تاریخ و ادبیات مشغول به کار شد.

دکتر زرین کوب در ۲۴ شهریور ۱۳۷۸ به دلیل بیماریهای قلب و چشم و پروستات در گذشت. آثار دکتر عبدالحسین زرین کوب

۱- دو قرن سکوت / ۲- تاریخ مردم ایران پیش از اسلام / ۳- تاریخ مردم ایران بعد از اسلام / ۴- بامداد اسلام / ۵- کارنامه اسلام / ۶- ارزش میراث صوفیه / ۷- پله پله تا ملاقات خدا / ۸- سرنی / ۹- با کاروان حله / ۱۰- پیر گنجه در جستجوی ناکجا آباد

زمانی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدرضا زمانی ده یعقوبی

محل تولد: قم

شهرت: زمانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوره های ابتدائی ، راهنمایی و دبیرستان در مدارس شهرستان قم و حضور بیش از دو سال در جبهه های جنگ تحمیلی در سال تحصیلی ۶۱ - ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم سال اول تحصیل را در مدرسه امام صادق گذراندم و در سال دوم به مدرسه کرمانیها رفتم و تا پایان سال سوم معلم و مغنی در آن مدرسه به درس مشغول بودم و طبق روال معمول مدارس از سال چهارم و شروع دروس اصول فقه و لمعه به خارج از مدرسه انتقال یافته و به صورت آزاد از دروس ارائه شده توسط اساتید بهره بردم که اساتید مربوط در قسمت های دیگر این فرم ذکر شده است به طور مرتب هر سال یک پایه از دروس حوزه را خواندم و امتحانات کتبی و شفاهی آن را نیز شرکت نموده و قبول شدم و از سال ۱۳۷۰ که دروس سطح تمام شد برای دروس خارج بررسی هایی انجام دادم و سرانجام درس آیت الله مکارم را انتخاب نموده و خارج فقه و اصول ایشان را شرکت نمودم البته در سال ۱۳۷۲ بطور خصوصی با چند نفر از طلاب خارج فقه آیت الله خاتم یزدی را نیز شرکت می کردم که به کسالت ایشان برخورد کرد و درس تعطیل شد

لازم به ذکر است که در تمام سالهای تحصیل حضور در درسهای اخلاق را به عنوان یک امر لازم برای خودم تلقی نموده و شرکت نمودم . با توجه به احساس نیاز جامعه پس از انقلاب اسلامی به آگاهی های فراتر از فقه و اصول مرسوم حوزه ها در سال تحصیلی ۶۵ - ۶۶ در امتحان ورودی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره که آزمون دارای دو بخش عمومی و تخصصی بود که بخش آموزش عمومی در موسسه در راه حق و دروس تخصصی آن در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم برگزار شد شرکت نمودم و پذیرفته شدم تا سال ۶۹ دوره عمومی الهیات و معارف اسلامی به اتمام رسید که برای دوره تخصصی شرکت نمودم و در رشته جامعه شناسی پذیرفته و به تحصیل مشغول شدم که در سال ۷۷ با دفاع از پایان نامه ام تحت عنوان رابطه باورهای دینی با تحولات اجتماعی با تکیه به انقلاب اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم.

از آنجا که دانشگاهها اعلام نیاز نسبت به تدریس دروس معارف اسلامی می نمودند و تکلیفی از این جهت به دوش همه کسانی بود که توانایی لازم برای این مهم دارند بدین منظور برای امر تدریس در سال ۱۳۷۵ اعلام آمادگی نمودم و پس از انجام امتحانات لازم و کلاسهای ویژه مجوز تدریس را از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها اخذ نمودم. در سال تحصیلی ۷۵ - ۷۶ ترم اول به دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد اصفهان رفتم و در دو روز به تدریس دروس ریشه های انقلاب اسلامی ، اخلاق

اسلامی و تاریخ اسلام پرداختم و در همان سال ترم دوم به دانشگاه آزاد اسلامی اراک رفتم و به تدریس دروس یاد شده پرداختم، با توجه به قبول مسوولیت اجرائی در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در تهران امکان حضور در اراک را نداشتم و به همین دلیل و به خاطر جدانشدن از امر آموزش از سال ۱۳۷۶ در دانشگاه تربیت معلم تهران چند واحد درس گرفتم و در سالهای بعد در دانشگاه پزشکی تهران نیز تدریس می نمودم تا اینکه در سال ۱۳۸۱ به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم پذیرفته شدم و به صورت متمرکز درس انقلاب اسلامی را در آن دانشگاه تدریس می نمایم. با توجه به اینکه رشته تخصصی ام جامعه شناسی بود از سال ۱۳۸۰ به صورت پاره وقت در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام به تدریس دروس: جامعه شناسی خانواده، جامعه شناسی آموزش و پرورش، جامعه شناسی سازمانها، جامعه شناسی کار و مشاغل و جامعه شناسی صنعتی پرداختم که هر کدام از این دروس را چندین بار تدریس نموده ام، در سالهای ۷۹-۸۱ در مرکز محقق و نویسنده حوزه علمیه قم دروس مبانی جامعه شناسی، آسیب های اجتماعی و مدیریت فرهنگی تبلیغی را تدریس نمودم.

از سالهای ۸۲ به بعد در مرکز حقوقی و قضائی حوزه علمیه قم و از سال ۸۴ در مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس دروس مبانی جامعه شناسی در بعضی از ترمهای سال پرداخته ام. در ارتباط با راهنمایی، مشاوره و داوری پایان نامه از سال ۸۰ تا ۸۵ در دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ۲ مورد استاد راهنما، ۷ مورد مشاوره و بیش از ۱۲ مورد داوری پایان نامه های با موضوع اجتماعی را به عهده داشته ام، علاوه بر آن ۴ مورد مشاوره پایان نامه های کارشناسی مرکز جهانی علوم اسلامی با عهده دار بوده ام.

زمجی، معین الدین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معین الدین محمد زمجی اسفزاری متخلص به نامی در حدود ۸۵۰ ه. ق در اسفزار (سبزوار) متولد گردید. و در همان جا به تحصیل علوم مقدماتی پرداخت. اما در پی آشوبهای پس از وفات سلطان ابو سعید تیموری و طاعون سال ۸۳۸ ه. ق به هرات رفت و تحصیل در علوم مختلف پرداخت، و از محضر استادان بزرگ زمانه بویژه عبد الرحمن جامی (شاعر و صوفی) بهره برد. و در دربار سلطان حسین بایقرا به مناصب منشی گری، مهر داری و حتی وقایع نگاری رسید. و بنابه سفارش خواجه قوام الدین نظام الملک وزیر سلطان بایقرا کتاب مشهور روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات را در تاریخ محلی و جغرافیای هرات نگاشت. اسفزاری تاپایان عمر بعنوان یکی از دانشمندان، و مترسلان مشهور زمانه خود به تدریس در مدارس هرات مشغول بود. در شاعری و خط تعلیق نیز دست داشت و بیشتر معاصرانش وی را ستوده اند.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: ایران بعد از اسلام

والدین و انساب: معین الدین محمد زمجی اسفزاری در کتاب خود از پدر خود نامی نیاورده است اما می نویسد که وی شاعری چیره دست بوده و در توصیف فجایع طاعون هولناک سال ۸۳۸ ه. ق اشعاری سروده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: معین الدین محمد زمجی اسفزاری از آغاز جوانی در اسفزار آغاز به کسب علم و هنر نمود و نزد استادان زمان به تحصیل پرداخت اما از سال ۸۷۳ به هرات رفت و از محضر نورالدین عبد الرحمن جامی (عارف) بهره برد و مدتی

بعد در سن ۲۳ سالگی در دیوان خواجه مجد الدین محمد (وزیر سلطان حسین بایقرا) به منشی‌گری مشغول شد. وی در هرات مهارت خود را در علوم گوناگون چون صرف و نحو، منطق و معانی و بیان و زبان و ادبیات عرب و فقه حنفی و تفسیر و احادیث و زبان و ادبیات پارسی و هراتی و ترکی جغتایی و قواعد انشاء که خود آن مورد رساله‌ای نوشته است، و علم تاریخ و جغرافیا و فن شعر و خطاطی و نیز مختصری هیئت و نجوم و طب و موسیقی تکمیل کرد.

خاطرات و وقایع تحصیل: در زمان سلطان ابوسعید تیموری هنگامی که معین الدین محمد زمجی اسفزاری هنوز در اسفزار به تحصیل مشغول بود، مولانا شرف الدین عبد القهار (متخلص به شریف) که از دانشمندان روزگار ربود از آن ولایت گذشت و معین الدین افتخار درک مقدم وی را یافت و مولانا شرف الدین در شعر به بدیهه دربار اسفزار گفت: دارد نشانی از بهشت آب و هوای اسفزار معین الدین اسفزاری نیز در پاسخ وی چنین سرود: اکنون زمین مقدمت دارد به جنت افتخار استادان و مریبان: معین الدین محمد زمجی اسفزاری اولین استاد عرفانی معین الدین محمد در هرات بود.

هم دوره‌ای‌ها و همکاران: معین الدین محمد زمجی اسفزاری با دانشمندانی چون محمد فرهی، میرخواند، مولانا عبد الرحمان جامی معاصر و معاشر بوده است. امیر علیشیرنویسی، مولانا عبد الواسع نظامی (منشی و مورخ)، شیخ عبد الله دیوانه (خوشنویس)، خواجه غیاث الدین ده دار (ندیم سلطان حسین بایقرا).

وقایع میانسالی: معین الدین محمد زمجی اسفزاری عمده عمر خود را با سلطان حسین بایقرا تیموری معاصر و با وی معاشر بود. از حمایت قوام الدین نظام الملک وزیر برخوردار بود. از سال ۸۹۷ خواجه قوام الدین نظام الملک به وزارت سلطان حسین بایقرا رسید. و اسفزاری به خدمت او درآمد به فرمان وی کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات را در تاریخ شهر هرات شروع به تالیف کرد. هدف وزیر هم خدمت به شاه و هم به جاویدان کردن اثری بوده است از نویسنده‌ای دانا و ادیبی کامل بوده است. اسفزاری نیز مدتها پیش از این در چنین اندیشه‌ای بوده است. وی در این هنگام تالیف کتاب خود با امیر جلال الدین فرخزاد طبسی که پسر ارشد امیر نورالدین جلال الاسلام بود و از اعیان دولت تیمور گورکانی به شمار می‌رفت، دیدار کرد. اسفزاری درصددن افزودن کتاب دیگری در ادامه شرح وقایع کتاب روضات الجنات بوده است که بدلیل نا آرامی‌های ناشی از کشته شدن خواجه قوام الدین نظام الملک در ۹۰۳ ه ق این کار صورت پذیرفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: معین الدین محمد زمجی اسفزاری منشی دربار سلطان بایقرا و تحت حمایت وزیر وی قوام الدین نظام الملک بود. وی پیش از قوام الدین، در خدمت خواجه مجد الدین محمد (وزیر سابق سلطان حسین بایقرا) بوده است. از این رو امیر علیشیرنویسی (وزیر بعدی سلطان حسین) که با خواجه قوام الدین نظام الملک نزاع سیاسی داشته است، تنها به ذکر نامی از معین الدین اسفزاری اکتفا نموده است. اسفزاری در دربار سلطان بایقرا تا آنجا ترقی یافت که نشان شاهی را که مهر رسمی دربار سلطنت بود و به وی سپرده بودند.

فعالتهای آموزشی: معین الدین محمد زمجی اسفزاری چنان در خط تعلیق مهارت داشت که بیشتر اوقات در هرات به تعلیم قواعد این هنر مشغول بود. وی در مدارس هرات نیز بعنوان استاد به تدریس مشغول بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: معین الدین محمد زمجی اسفزاری علاوه بر منشی‌گری، به شاعری و خطاطی می‌پرداخت. چنانکه در خط تعلیق بسیار ماهر بود. و شعرهایی می‌گفت که بر زبان مردم هرات جاری بود. چنانکه می‌نویسد: به سرمه است آنکه می‌بینی به چشم هر پری پیکر که از غوغای چشمش می‌کند خاک سیر بر سر چنانکه اشعایی در مدح سلطان حسین بایقرا، مرثیه شیخ عبد الرحمن جامی و رباعی، غزلیات، قصای و مثنویاتی می‌سروده و بعنوان شاهد در تاریخ خود بکار می‌برد و به نامی متخلص می‌کرد.

همفکران فرد: معین الدین محمد زمجی اسفزاری منشی صاحب ذوقی بوده است که نثر او از منشیان معاصر وی همچون مولانا

حسین واعظ کاشفی صاحب انوار سهیلی و مولانا کمال الدین عبد الواسع نظامی و وقایع نگاری که سجع و قافیه های بسیاری در نثر بکار می برد، او نثر و ساده تر بوده است.

آرا و گرایشهای خاص: معین الدین محمد زمجی اسفزاری درانشای مترسل ایرانی نسبت به ایرانیان معاصر خود شیوه ای ساده تر و روانتر را برگزیده بود. از نظر مذهبی نیز گویا وی به فقه حنفی گرایش داشته و در این زمینه از کودکی آموزشهایی را کسب کرده بود و علاقه ای در حد تعصب به مذهب خود ابراز میکرد. و شیعیان آن زمان را خارج از دین می دانست. اما در همه جای کتاب خود به اولاد علی (ع)، بویژه امام رضا (ع) همانند یک شیعی خالصی، ارادت می ورزند. از این گذشته، وی در راه سلوک و عرفان از مریدان شیخ عبد الرحمن جامی نیز به شمار می رود.

چگونگی عرضه آثار: معین الدین محمد زمجی اسفزاری کتاب روضات الجنات را در ۹-۸۹۷ ه ق تالیف کرده و به سلطان حسین بایقرا تقدیم کرد.

آثار:

۱ ترسل

ویژگی اثر: این رساله درباره آیین نامه نویسی تالیف کرده است.

۲ روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات

ویژگی اثر: کتاب روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات دنباله تاریخ نامه هرات اثر سیف بن محمد بن نعوب هروی (سیفی هروی) که وقایع هرات را در (۷۲۱-۶۱۸ ه ق) توصیف کرد، به شمار می رود. [آژند، تاریخ نگاری محلی ایران، تاریخ نگاری در ایران، تهران؛ گستره، ۱۳۸۰] این کتاب تاریخ هرات را تا سال ۸۷۵ ه ق در بر دارد. و در ۲۶ روزه مفصل بندی شده است و در آن اطلاعاتی است که در منابع دیگری نیامده است. گرچه بیشتر مطالب آن تکرار گفته های مورخین معاصر پیشین از جمله ابواسحق احمد بن یاسین، شیخ عبد الرحمن نامی، سیفی هروی و ربیعی پوشنگی است، اما بخش آخر کتاب منحصر به دیده ها و شنیده های مورخ و روش نگاری کتاب نیز یکی از بهترین و روانترین نمونه های نثر فارسی در قرن نهم می باشد. مطالب کتاب شامل ۲۶ روزه های هفتم تا دهم درباره ی اخبار ملوک آل کرت و ذکر بلاد و ابنیه و مزارات و عمران خراسان و هرات در عهد تیموری است. کتاب مزبوز تاریخ هرات را تصرف آنجا توسط سلطان حسین بایقرا در بر دارد. همچنین اطلاعات جالبی نیز در باب رجال خراسان و هرات در ضمن مطالب کتاب آمده است. [معین الدین محمد الزمجی اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ج ۱، به اهتمام محمد اسحاق، کلکته: درپاسری، ۱۳۸۰ ه ق. / ۱۹۶۱ میلادی، محال]

منابع زندگینامه:

۱ آژنده، تاریخ نگاری، محل دایره، تاریخ نگاری در ایران، ص ۲۸۶۲ آژند، تاریخ نگاری در ایران، تاریخ نگاری در ایران، ص ۲۸۶۳ سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر ایران و در زبان فارسی، ج اول، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴، ص ۲۵۲۴ معین الدین محمد الزمجی اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ج ۱، به اهتمام محمد اسحاق، کلکته: درپاسری، ۱۳۸۰ ه ق. / ۱۹۶۱ میلادی، محال ۵ میر نظام الدین علیشیر نوایی، تذکره مجلس النفاس، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران؛ کتابخانه منوچهری، ۱۳۶۳، ص ۹۸-۹۹

زنجانی زاده، هما

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

هما زنجانی زاده در سال ۱۳۲۱ در مشهد چشم به جهان گشود. تحصیلاتش را در دانشگاه سوربن فرانسه با درجه ی دکترای جامعه شناسی به پایان رسانید و هم اکنون دانشیار دانشگاه مشهد می باشد. دکتر زنجانی زاده در نشریات مختلفی به ارائه مقاله پرداخته است. وی در زمینه ی جامعه شناسی و مشکلات اجتماعی زنان در سمینارهای مختلفی شرکت نموده، و به ایراد سخنرانی پرداخته است. و همچنین دارای آثاری اعم از تالیف و ترجمه می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسی و اجتماع اجتماعی و شرایط زندگی: تولد هما زنجانی زاده، معاصر بود با نخستین سال سلطنت محمد رضا شاه پهلوی و سالهای پس از جنگ جهانی دوم در ایران که تا سالها نفوذ روسها در شمال و شمال شرقی ایران (خراسان) مشهور بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: هما زنجانی زاده تحصیلاتش را در دانشگاه سوربن فرانسه با درجه دکترا به پایان رسانید. وقایع میانسالی: هما زنجانی زاده پس از فارغ التحصیلی بازگشت از فرانسه، بعنوان استاد جامعه شناسی به استخدام دانشگاه فردوسی مشهد درآمد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: هما زنجانی زاده هم اکنون استاد جامعه شناسی دانشگاه مشهد می باشد. فعالیتهای آموزشی: هما زنجانی زاده هم اکنون دانشیار دانشگاه مشهد می باشد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: هما زنجانی زاده تاکنون گفتارهایی چند در نشریات مختلف اعم از تخصصی و غیر تخصصی به چاپ رسیده؛ وی همچنین مقالاتی را در زمینه جامعه شناسی و مشکلات اجتماعی زنان در سمینارهای مختلفی ارائه داده است، و به ایراد سخنرانی پرداخته است. چگونگی عرضه آثار: هما زنجانی زاده آثار را از طریق انتشاراتی از قبیل نیکا، سازمان سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها) و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسانده است. آثار: جنبش اجتماعی زنان و ویژگی اثر: ترجمه - نیکا - ۱۳۷۲۲ درباره جامعه شناسی آموزش و پرورش، سازمان اجتماعی، کنش اجتماعی و ویژگی اثر: ترجمه - دانشگاه فردوسی مشهد - ۱۳۶۷۵ مقدمه ای بر جامعه شناسی سازمان اجتماعی و ویژگی اثر: ترجمه - سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها - ۱۳۷۵

منابع زندگینامه: ورن فرخزاد، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ)، ج اول، ص ۹۸۴

زنجانی طبسی، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد زنجانی طبسی

محل تولد: طبس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد جواد زنجانی طبسی در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان طبس دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۰ که سال های خفقان و ترس از رژیم

شاهنشاهی بر کشور حاکم بود و حوزه های علمیه از طرف رژیم منحوس پهلوی به شدت تحت فشار بودند وارد حوزه علمیه طبرس گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره های علمی فراوان برد اما شوق زیارت و هم جواری با بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید. پس از ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۰ به حلقه دروس خارج ستارگان علم و ادب آن دیار راه یافت. در آن دیار از درس بزرگانی همچون آیت الله خامنه ای، آیت الله حجت هاشمی، آیت الله مرتضوی و... بهره ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ اسلام در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۰ از دانشگاه شهید بهشتی تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "بررسی نقش عبدالله بن عامر در حوادث صدر اسلام" دفاع کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و در این راستا سعی و تلاش وافر به انجام رسانده است. استاد سال های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در حوزه علمیه مشهد و طبرس مشغول است و هم اکنون مدیر گروه معارف دانشگاه آزاد طبرس می باشد.

زنجانی، حبیب الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حبیب الله زنجانی متولد ۱۳۱۸ خلخال است. وی دارای دکترای جمعیت شناسی از دانشگاه پاریس و عضو عضو هیأت علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۴ بوده است. وی از جمعیت شناسان شناخته شده و صاحب نظر کشور است، از معلمی و تحصیل در رشته ادبیات به سمت و سوی جمعیت شناسی کشیده شد، در دهه ۱۳۶۰ بر ضرورت کنترل جمعیت کشور تأکید کرد و هم اکنون مدیر مطالعات جمعیت و امور اجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : جمعیت شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر زنجانی از دوره تحصیل دبیرستان به مطالعه کتاب های تاریخی و خصوصاً تاریخ اجتماعی ایران گرایش داشته است و در بین داوطلبان استان های غربی کشور که مایل به تحصیل در دانشسرای مقدماتی بوده اند مقام نخست کسب می کند. و بعد از چند سال تدریس ب عنوان معلم در خلخال، تبریز و تهران، علاقه به ادامه تحصیل باعث می شود که در کنکور و آزمون ورودی دانشگاه تبریز شرکت کند. بنابراین در سال ۱۳۴۵ در رشته ادبیات دانشگاه مذکور پذیرفته و به مدت یک سال به تحصیل می پردازد. در سال ۱۳۴۶ بعد از دایر شدن رشته علوم اجتماعی در دانشگاه تبریز و کسب موفقیت در آزمون ورودی، تحصیل در این رشته را آغاز می کند. - اخذ مدرک لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه تبریز، ۱۳۴۹. - اخذ مدرک فوق لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، ۱۳۵۱. - اخذ مدرک دکترای جمعیت شناسی از دانشگاه پاریس، ۱۹۷۴. فعالیتهای ضمن تحصیل : زنجانی در دوران دبیرستان و دانشسرا به کار در زمینه تهیه روزنامه دیواری تمایل نشان می دهد و در دوره دانشسرا هم در تهیه مجله «معلم» نقش داشته است. از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۴۸ به عنوان معلم در خلخال، تبریز و تهران به تدریس در مقاطع ابتدایی و دبیرستان روی می آورد و در مقاطعی هم مدیر یا معاون مدرسه بوده است. استادان و مربیان : از استادان شاخص او این افراد را به یاد می آورد، فرهنگ (استاد ریاضی)، عبدالعلی کارنگ (استاد ادبیات)، صباح (استاد علوم تربیتی و روانشناسی) و علی اکبر شعاری نژاد (علوم تربیتی و روانشناسی). از جمله استادانی که از آنها به

نیکی یاد می کند دکتر فرید (استاد جغرافیای انسانی)، دکتر ترابی (استاد جامعه شناسی)، مرحوم شکوهی (استاد درس برنامه ریزی)، و رحیمی موقر (استاد جامعه شناس و مدیر گروه) هستند و در دوره فوق لیسانس هم استادانی برجسته از جمله دکتر غلامحسین صدیقی (مدیر گروه جامعه شناسی)، دکتر امانی (استاد جمعیت شناسی)، دکتر فیروز توفیق (استاد روشهای تحقیق و پیشنهادی جامعه شناسی)، دکتر نظامی (استاد جامعه شناسی معرفتی) و دکتر روح الامینی (استاد مردم شناسی) داشته است که هر یک در حوزه های علوم اجتماعی صاحب آوازه و اعتبار بوده و یا همچنان هستند. همسر و فرزندان: حبیب الله زنجانی متأهل و دارای دو فرزند. وقایع میانسالی: دکتر زنجانی در سال ۱۳۶۷ در جمعیت «کازرونی» وزیر مسکن وقت در جلسه هیأت دولت حضور پیدامی کند و توضیح می دهد اگر کنترل موالید در ایران به اجرا در نیاید جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰ شمسی به ۱۳۰ میلیون نفر خواهد رسید و در آن حالت کیفیت و سطح زندگی افراد کاهش خواهد داشت و اگر کنترل موالیدی پویا صورت بگیرد جمعیت کشور در حد ۱۰۰ میلیون نفر یا کمتر خواهد شد. او با توجه به زاد و ولد ۱۶ میلیون نفر در سالهای ۶۵-۱۳۵۵ به این نتیجه گیری رسیده بود و بعد از این توصیه ها برنامه کنترل جمعیت در کشور ما به اجرا درآمد. او معتقد است در حال حاضر در برخی از استان های کشور همچنان باید سیاست کنترل موالید با جدیت دنبال شود ولی در ۱۶ استان کشور با توجه به تعمیم سواد و ارتقای سطح سواد زنان و ارتقای آگاهی افراد و خصوصاً زنان دیگر نیازی به تداوم سختگیرانه آن سیاست ها نیست. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: نجانی بعد از بازگشت به کشور، مدتی مدیر بخش مطالعات جمعیت و معاون و سپس سرپرست مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران می شود، مدتی هم به عنوان مدیر گروه آموزش جمعیت شناسی، معاون دانشکده و سرپرست دانشکده علوم اجتماعی تهران فعالیت های علمی و آکادمیک اش را تداوم می بخشد. در سال ۱۳۶۴ بازنشسته می شود و هم اکنون مدیر مطالعات جمعیت و امور اجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات و شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی است. مطالعات و پروژه های تحقیقاتی خاصی را هم دنبال می کنند. - عضو انجمن بین المللی مطالعات علمی جمعیت از ۱۹۷۶ تا کنون. - عضو انجمن بین المللی جمعیت شناسان فرانسوی زبان. - عضو انجمن جمعیت شناسی ایران. - سردبیر نامه انجمن جمعیت شناسی ایران. - عضو هیأت تحریریه نشریه اقتصاد ایران. فعالیتهای آموزشی: دکتر حبیب الله زنجانی عضو هیأت علمی دانشگاه تهران از ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۴ نیز بوده است و به تدریس پرداخته است. سایر فعالیتهای و برنامه های روزمره: دکتر زنجانی هم اکنون مدیر مطالعات جمعیت و امور اجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات و شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی است. مطالعات و پروژه های تحقیقاتی خاصی را هم دنبال می کنند. از جمله طرح فرادست می باشد که جایگاه تهران به عنوان شهری جهانی را بررسی کرده و به بررسی مشکلات اساسی موجود در آن و از جمله اشتغال می پردازد که یافته های آن در تهیه طرح جامع مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در طرح مطالعاتی منطقه البرز جنوبی هم قصد دارد مطالعه جمعیت شناسی ۶ استان تهران، سمنان، قم، قزوین، زنجان و مرکزی را بررسی نماید و تحولات جمعیتی این مناطق را تا سال ۱۴۰۰ شمسی معین سازد. زنجانی در نظریه جدید تحلیل مهاجرت داخلی، به تحلیل جمعیت شناختی و مهاجرت پرداخته و تأکید بر تعلیق فرد به نسل، زمان وقوع واقعه یعنی مهاجرت، تغییر و تحول سنی و جنسی را به صورت مدل در آورده و ارائه کرده است. تخصص و مهارت او در حوزه های مسکن، مهاجرت و تحلیل جمعیت ایران است. آرا و گرایشهای خاص: از دید زنجانی، مهاجرت به خارج از کشور الزاماً پدیده ای مخرب و زیانبار نیست. چون این نوع مهاجرت می تواند سطح دانش و آگاهی ایرانیان را ارتقا دهد ولی باید سازوکاری فراهم آورد که امکان بازگشت مهاجران به داخل ایران را عملی سازد و آنها از نیروی خود در جهت بهروزی و توسعه کشور استفاده کنند. به اعتقاد زنجانی، جمعیت شناسی دانشی نو بر پایه اندیشه های کهن است و به مطالعه جمعیت انسانی می پردازد. این مطالعه در سرزمین اصلی تعداد جمعیت، ساخت و توزیع جمعیت و تغییر و تحول آن دنبال می شود و سرانجام در برنامه های اقتصادی و اجتماعی از این دانش کاربردی استفاده به عمل می آید. از دید او، شناخت جمعیت مهمترین ابزار برنامه ریزی است و بدون این ابزار برنامه های توسعه موفقیت لازم را

نخواهند داشت. جمعیت‌شناسی دارای رویکردهای «محض»، «کاربردی»، «اقتصادی» و «اجتماعی» است که در همه این رویکردها از دیدگاه جمعیت‌شناسی به موضوعات اقتصادی، مهاجرت، تأهل و مسائلی از این قبیل می‌پردازند. جوایز و نشانها: دکتر زنجانی محقق نمونه وزارت مسکن در سال ۱۳۸۳ شناخته شد. چگونگی عرضه آثار: دکتر زنجانی قبل از عزیمت به پاریس در مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به عنوان پژوهشگر به کار می‌پردازد و در زمینه «مسکن»، «مهاجرت‌های داخلی در ایران»، «سالخوردگی جمعیت» و «جمعیت‌شناسی تطبیقی در ایران و جهان» تحقیقاتی به انجام می‌رساند. یکی از فعالیت‌هایی که در این زمینه پیگیری می‌کند مسأله پیران و سالخوردگی جمعیت است. «مسأله پیران و سالخوردگی جمعیت از روزی آغاز می‌شود که موالید را کنترل کنیم. با چنین کنترلی، سالخوردگی شروع می‌شود و نسبت افراد سالخورده به کل جمعیت افزایش پیدامی‌کند.» تز دکترایش را نیز در مورد سالخوردگی جمعیت و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن در ایران می‌نویسد. و از آثار وی میتوان به تالیف ۷ جلد کتاب اشاره داشت و نیز عضو هیأت مدیره و مشارکت در تهیه کتاب «گیلان» و مشارکت در تدوین «لغت نامه جمعیت‌شناسی» از فعالیت‌های وی است. آثار: تجلیل جمعیت‌شناختی، تقویم تاریخی دموگرافیک ایران، جمعیت و توسعه، جمعیت و شهرنشینی در ایران، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری، گزیده مطالعات جمعیت مجموعه شهری تهران، لغت نامه جمعیت‌شناسی و ویژگی اثر: مشارکت در تدوین ۸ مهاجرت

زنجانی، عثمان

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، فلزکار و قلمدان‌ساز. هنرمند شهر زنجان و از استادان آن دیار بود. از آثار ارزنده‌ی وی، قلمدان برنجی با مهارتی است که به خطوط و نقوش متنوع اسلیمی آرایش یافته و به خط کوفی تزیینی رقم «العز و الاقبال... مقرب عثمان بن ابوبکر زنجانی» دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱ / ۳۵۴).

زنجانی، محمدرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۰۹ ق)، مورخ و شاعر. ملقب به ناظم‌الشریعه. وی صاحب کتابی است به نظم به نام «اعمال جهان‌شاه امیر تومان و احتشام‌الدوله حکمران خمه»، در چگونگی حرکت آن دو به خمه از سوی ناصرالدین‌شاه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۲۰/۲).

زندگی، افضل‌الملک غلام حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۸ ق)، مورخ. طبق دست خط مظفرالدین شاه، افضل‌الملک مامور تاریخ‌نگاری سلطنت وی شد. و موظف بود که هر سال وقایع سلطنت و اخبار مملکت را در کتابی تالیف نماید. از آثار وی: «افضل التواریخ»؛ «تاریخ صدور قاجاریه»؛ «قرن السعاده». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۱۰۴۸، ۸۸۲، ۸۲۰/۲، ۸۲۰)، یغما (س ۱۶، ص ۲۲۰).

زنگنه، اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اصغر زنگنه (متولد ۱۳۰۴) در آغاز به حرفه‌ی درودگری روی آورد و چون به موسیقی علاقه داشت توسط حسین ملک که خود یکی از سازندگان سنتور می‌باشد به کارگاه سازسازی فرهنگ و هنر معرفی شد و از سال ۱۳۳۶ به بعد نزد استاد عباس صنعت مشغول کار شد. استاد ابراهیم قنبری نیز یکی دیگر از هنرمندان بزرگ این کارگاه بود.

ناگفته نماند که تا آن زمان آنان در کارگاهی کوچک کار می‌کردند ولی وقتی که مدیران اداره هنرهای زیبا به اهمیت کار این استادان پی بردند، کارگاه بزرگتری برای آنان در نظر گرفتند و به کارشان ارج نهادند، اصغر زنگنه در این کارگاه ضمن در کنار بودن با اساتیدی مثل: ابراهیم قنبری، عباس صنعت و تنی چند از بزرگان، از مشورت با بزرگان و استادان دیگری نظیر حسین تهرانی، نورعلی برومند، حسن مشحون و نوازنده‌ی چیره‌دستی چون جلال ذوالفنون برخوردار بود که هنوز هم ایشان را می‌ستاید.

استاد اصغر زنگنه در ساختن سه‌تار و سنتور مهارت تام دارد که سازهای ساخته شده توسط ایشان گویای این مدعاست. وی حدود سالهای ۱۳۶۵ بازنشسته شد و در خانه کار هنری، صنعتی خود را ادامه می‌داد ولی متأسفانه چندی پیش بیمار شد و در منزل بستری گردید ولی پسر بزرگ او بیژن زنگنه که خود با موسیقی آشنا و نوازنده سه‌تار و سنتور است، کار پدر را ادامه می‌دهد.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

زوار، اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

درگذشت: ۱۳۷۲.

اکبر زوار مدیر کتابفروشی زوار بود و بیش از یک صد و پنجاه کتاب در انتشارات خود به چاپ رساند. وی در سن هفتاد سالگی درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

زوار، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

درگذشت: آذر ۱۳۵۹، مشهد.

حسین زوار از بانیان نشر کتاب و توزیع انتشارات کشور است. از جمله آثار اوست: زبده‌ی خمسه‌ی نظامی (وی در امر گزینش اشعار به چاپ این کتاب مساعدت نموده است).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

زواره‌ای اصفهانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۵۴ ق)، مورخ. ملقب به مظهر زواره‌ای. اثری به نام «احوال سلاطین صفویه» دارد، که به نام سرجان ملکم تالیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰۵/۱)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۱۰/۲).

زیدری نسوی، شهاب‌الدین، نورالدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۶۴۷ ق)، شاعر، نویسنده و مورخ. تحصیلات وی در خراسان انجام گرفت. منشی سلطان جلال‌الدین منکبرنی خوارزمشاه بود و در آغاز کار در خدمت امرای محلی نسا بسر می‌برد و سپس به اردوگاه سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در عراق و آذربایجان پیوست. وی از سال ۶۲۲ ق صاحب دیوان انشاء آن سلطان جنگجوی شد و تا سال ۶۲۸ ق در این سمت باقی بود. زیدری مدتی در بلاد آسیای صغیر و آذربایجان سرگردان بود. تا عاقبت در میافارقین نزدیک ملک مسعود از سلاطین کرد ایوبی رفت و در آن جا کتاب «نفته المصدور» را با انشاء مزین در حدود سال ۶۳۲ ق نگاشت وی در حدود ۶۴۷ ق در حلب در گذشته است. کتاب دیگر خود را بنام «سیره جلال‌الدین منکبرنی» در سال ۶۳۹ ق به عربی تالیف کرد. «دیوان» شعر از دیگر آثار او است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۸۲-۱۱۷۹/۳)، تاریخ نظم و نثر (۹۴)، الذریعه (۱۲۳۰/۹)، گنج و گنجینه (۳۱۰)، نفته المصدور (مقدمه).

زاله، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد رضا ژاله شاعر، طراح و هنرمند صنعتگری که با توجه به سازهای زیبا و قابل بحثی که در صنعت سازگری دارد، معهدا آنطور که باید و شاید، کارهای این هنرمند وارسته و دوست‌داشتنی شناخته نشده و جا دارد که از وی و کارهای او در موسیقی سنتی و صنعت سازسازی بهره‌های بیشتر برد. پای صحبت استاد رضا ژاله می‌نشینیم و می‌بینیم که این هنرمند باارزش چگونه به دنیای موسیقی و سازگری کشانیده شد. عصر یکی از روزهای پائیزی که نگارنده با ایشان ملاقات داشتم وی درباره خود چنین گفت:

«اسم من محمدرضا و فامیلم ایلدارژاله به سال ۱۳۲۶ در هفده خردادماه می‌باشد.

شهری که در آن پای به عرصه حیات گذاشتم مشکین شهر یا (خیابو) در آذربایجان شرقی (استان اردبیل) است. پدرم قربانعلی ایلدارژاله مرد نظامی بود و اهل فن و سپاهی، مادرم ربابه نانه گلی خانه‌دار که مادری بود مهربان و بسیار عاطفی، مادرم اهل قزوین و پدرم اهل زنجان بودند.

دو برادر بزرگتر از خود دارم به نام‌های جمشید و محمد که جمشید مثل پدر به شغل نظامی و محمد به فرهنگ رفت و آموزگار شد و من خود کارمند بانک ملی ایران در تهران می‌باشم. درباره کودکی و محل زادگاهم باید بگویم که این دوران را در دامان کوه سربرافراشته سبلان سپری کردم که از آتش اندرونش چشمه‌های آب گرم و برف‌های رویش رودخانه‌های پرآبی هدیه به مردم ساده و پاک‌اندیش می‌کند. و باغ‌های تشنه و چمن‌زارهای وسیعش را به زلال قطره‌هایش سیرآب.

دره‌های عمیقش را رودخانه‌های پرآبش زیباتر می‌کند و اشتیاق شکفتن را در شکوفه‌هایش هر لحظه بیشتر و صدای پرندگان را در گوش جانم هنوز بعد از سالها گذشت می‌شنوم.

بعدازظهر یک روز بهاری بود، دست‌هایم را گرفت و من لحظه‌ای بعد خود را در آن طرف رودخانه (دیه آرخ) با برادرم محمد دیدم.

رقص شاخه‌های درخت بید را از نوازش نسیم می‌دیدم و آواز مرغ کوچکی را ساری کوینک (زرد ملیجه) می‌شنیدم اما این بار شاخه‌ها را بی‌تاب‌تر و ساری کوینک را بی‌قرارتر می‌دیدم، راستی چرا؟

دیرمان باغی (باغ آسیاب) با آن درختان گیلاس و سیب‌های فراوان میعادگاهی اهل دل بود و محل تفرج و تفکر عارفان و متفکران.

دست‌هایم در دست برادرم محمد بود و چشم‌هایم خیره به دست‌های مردی گردیده بود که چیزی را در بغل نگاه داشته بود که یک دستش عمودی مرتب بالا- و پائین می‌رفت و یکی افقی عقب و جلو. صورتش را نگاه کردم، جویباری از اشک آهسته رو به پایین در سیمایش جریان داشت که روی سازش می‌ریخت. به برادرم محمد گفتم: بوکیمدی؟ (کیه این). گفت:

«آقای منصور دی خانمی تزه اولوب هردن بی گلر بورا اتورار تار ورار آغلار». (این آقای منصور است خانمش تازه فوت کرده، اینجا می‌آید، می‌نشیند تار می‌زند و گریه می‌کند).

گفتم: «پس این سازی که می‌زند تار است؟» گفت: «آره» و من عاشق معشوق آقای منصور شدم و من از آن زمان به بعد، بارها و بارها صدایش را که با منصور حرف می‌زد شنیدم و به خاطر سپردم. تا این که عصر یکی از روزهای غم‌انگیز پائیزی صدای لاالله‌الالله را همراه با محمد رسول‌الله (ص) که منصور تا گورستان را بدرقه می‌کرد شنیدم و سالها درد هجر و جدائی من از تار و تارنواز آغاز و به درازا کشید.

پس از چندی پدرم که بازنشسته شد و ما به تهران نقل مکان کردیم و در خیابان نواب چهارراه شکوفه کوچه صالحی پلاک ۱۵ که

یک باب خانه قدیمی و محقر بود ساکن شدیم پدر مرا برای ادامه تحصیل در دبیرستان یادگار واقع در خیابان خوش ثبت نام کرد و پس مدتی با شخصی به نام غلامی که تار و سه‌تار می‌زد آشنا شدم. آشنائی من با آقای غلامی که در ساعات بیکاری در دبیرستان سه‌تارش را که البته گاهی می‌آورد و می‌زد باعث شدت علاقه من به این ساز و همچنین تار شد.

برادرم جمشید برایم یک سه‌تار از فروشگاه گل‌بهار که در لاله‌زار بود خرید به مبلغ نهصد ریال که من این سه‌تار را در سال ۱۳۶۳ فروختم به صد برابر، یعنی نود هزار ریال، این ساز کاسه ترکه‌ای توت و گردو، یکی در میان بود و ساخت مرحوم محمد عشقی بود و از روی علاقه‌ای که به ساز داشتم روی دسته را صدف کاری کردم.

بعد از مدتی رفتم به کلاس موسیقی رودکی که در خیابان سی‌متری تقاطع حشمت‌الدوله بود و به مدیریت آقای مهاجر و استادی آقای بی‌آزار اداره می‌شد. در این کلاس مشغول فراگیری موسیقی شدم تا این که یک روز ویولن شکسته‌ای را در سطل زباله دیدم که شکسته و دور انداخته شده بود، آن را بردم به منزل و با حوصله تمام تعمیر کردم و به کلاس آوردم و چون خجالت کشیدم که بگویم این ساز را از توی سطل زباله پیدا کرده‌ام، لذا به متصدی کلاس ویولن آقای حسین صمدی گفتم: «استاد این ویولن را خریده‌ام چطور است؟» ساز را گرفت و پنجه‌ای با آن نواخت و گفت: «این ساز، هم صدایش به گوشم آشناست و هم خودش». گفتم: «بله این همان سازی است که شما دور انداخته بودید؛» تشویق فراوانی کرد و من تقریباً دو سه ماهی به کلاس سه‌تار رفتم که این برنامه به عللی متوقف شد تا سال ۱۳۵۹ برای خرید تار به مغازه آقای بخشی واقع در میدان بهارستان رفتم، قیمت تار خیلی بالا بود. گفتم: «آقای بخشی می‌روم و خودم یک تار برای خودم می‌سازم»، چند نفری که در مغازه وجود داشتند با این گفته من زدند زیر خنده که این خنده‌ها مرا در تصمیم خود جدی‌تر و مصمم‌تر کرد.

فردای آن روز، شروع کردم به خریدن وسائل کار و ابزار، تلفنی هم به یکی از سازندگان ساز کردم و گفتم: «استاد اگر اشکالی ندارد می‌خواهم چند روزی، چند ماهی شاگرد شما باشم و البته نمی‌خواهم که مزاحم جنابعالی گردم و به این شرط که هیچوقت از شما چیزی نپرسم، من خودم با نگاه کردن، کار را یاد خواهم گرفت». گفت: «راست می‌گی؟» گفتم: «بله» گفت: «اتفاقاً به آدمی مثل تو نیاز ندارم» و گوشی تلفن را گذاشت. اسمش را در اینجا نمی‌برم که مبادا خدای ناکرده در جایی به زشتی از ایشان یاد شود.

به هر حال به کوشش خود ادامه دادم و گمان کنم اواخر سال ۱۳۵۹ بود که یک تار ساختم از چوب توت و بردم نزد آقای بخشی که او پس از دیدن تار ساخت من گفت: «آی شیطون آخر آنچه را می‌خواستی کردی». اتفاقاً برای تار همانجا یک مشتری پیدا شد که به مبلغ هشت هزار و پانصد تومان فروختم و کسری وسائل کارم را تهیه کردم، همچنین با فروختن اتومبیل ماشین چوب‌بری و رنده‌برقی را خریداری کردم، از کمک‌های فکری آقای محمود قربانعلی که در کارگاه فرهنگ و هنر بود خیلی زیاد استفاده کردم که برای همیشه در زندگی از ایشان ممنون و سپاسگزار می‌باشم و همیشه خود را مدیون این مرد اخلاق و هنر می‌دانم، بعدها به ساختن سه‌تار هم مشغول شدم و سه‌تارهایی که تاکنون ساخته‌ام، بسیار است.

چند ساز ابتکاری هم با نام‌های، «دلگشا» (زهی) و «دلربا» (مضرابی) و «دل‌آرام» (زهی) ساخته‌ام و یک ساز هم برای کوک سنتور به جای دیپازون.

به هر حال با علاقه‌ای که من نسبت به وطن ایران و این آب و خاک دارم و مردمان و آداب و سنن و فرهنگ عامه و موسیقی اصیل سنتی آن را دوست دارم و این موسیقی در تمام وجودم ریشه دوانیده و با خونم عجین شده، عمرم را در ساختن این آلات و ادوات موسیقی صرف کرده‌ام. خوب یا بد بودن سازهای من را شاید زمان سال‌ها پس از مرگ من معلوم کند. خدا داناست، که من هرگز از ساختن این سازها آلوده شده به مسائل مادی نیست، بلکه نظرم پیشرفت علم موسیقی این هنر آسمانی و والا بین هنرجویان است تا بتوانند با این آلات و ادوات هرچه بیشتر با این هنر مأنوس گردند.

در اینجا یادآور می‌شوم که چون قسمت اعظم عمر و وقتم را صرف این هنر والا و ظریف کردم و خیلی کمتر به خانواده‌ام رسیدم،

از همسر مهربانم خانم راضیه سجادی تفرشی و دختران خویم نرگش و نغمه و نسیم و دو پسر محمد و مهدی که مرا تحمل کردند، از اولی به خاطر کمبود محبت‌های همسری و بقیه به سبب کسری عطوفت پدری عذرخواهی می‌کنم و امیدوارم مرا در قبال خدمت کوچکی که به موسیقی وطنمان ایران کرده‌ام ببخشایند و در ضمن یادآور می‌شوم که از محبت‌های استادان عزیزم، بهنام وادانی و محسن راسخ و سعید تقی‌بیگلو که همواره مرا مورد لطف خویش قرار داده‌اند سپاسگزاری نمایم).
تمام سازهای استاد رضا ژاله دارای تاریخ ساخت و اتمام و شماره و پرونده می‌باشد.
برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

ساروخانی، باقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۴۰، کارشناسی ارشد علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۲، کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه پاریس (سوربن) در سال ۱۳۴۵، دکترای دولتی جامعه‌شناسی با درجه بسیار عالی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

استاد تمام وقت در دانشکده علوم اجتماعی تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح ایرانیان بازگشته از عراق، جرم و مهاجرت، جوانان، خواسته‌ها، انتظارات و مسائل آنان، تکدی و مسائل آن در ایران، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۸ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی جوانان، جامعه‌شناسی ارتباطات، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف علوم اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی ارتباطات، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی جوانان، فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف علوم اجتماعی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

ساروی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر. اصل وی از شهر ساری بود و در دربار محمدشاه قاجار منصب ملاباشی گری داشت به دستور پادشاه، تاریخ در شرح جنگها و وقایع روزگار او و احوال پادشاهیش تحت عنوان «تاریخ محمدی» نوشت. ملا محمد در سرودن شعر نیز توانا بود. ابیاتی چند از وی در تذکره‌ها به جای مانده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۵۵۸/۳)، سفینه المحمود (۶۲۹/۲)، مجمع الفصحا (۹۴۴/۵).

ساعت‌ساز یزدی، ابوبکر

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۲۵ ق)، مبتکر و مخترع. اهل یزد بود و در همان جا زندگی می‌کرد. از آثار وی اختراع و ساخت ساعت عجیبی بود که به طرز استادانه‌ای ساخته شده و در مدرسه رکنیه یزد در سال ۷۲۵ ق نصب شده بود و کار می‌کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۹).

ساکي، علی محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۱۶.

درگذشت: خرداد ۱۳۷۳، تهران.

علی محمد ساکی نویسنده چندین جلد کتاب درباره فرهنگ و ادبیات لرستان است. از آثار اوست: سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام (تألیف فریا استارک، ۱۳۶۴)؛ قلاع حشاشین (پیتر ویلی، ۱۳۶۸)؛ کریم‌خان زند: تاریخ ایران بین سال‌های ۱۷۷۹-۱۷۴۷ (جان ر. پری، ۱۳۶۵). علی محمد ساکی در سال ۱۳۷۳ درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

سالکی، بهرام

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهرام سالکی خطاط معاصر ایرانی قرآن کریم را به خط زیلی ریحان کتابت کرده است. این مصحف شریف توسط مجید دوخته چی تذهیب شده و توسط انتشارات مبلغان نشر شده است.

خط ریحان یکی از رایج ترین و در عین حال باشکوه ترین و عظیم ترین سبک های خوشنویسی است.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

سام آرام، عزت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عزت الله سام آرام در فروردین ماه ۱۳۲۳ در شهرستان آجاجری از توابع بهبهان بدنیا آمد ایشان دارای مدرک دکترای تخصصی رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۱ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علامه طباطبایی و استاد پایه ۲۷ رشته جامعه شناسی (گروه تعاون و رفاه اجتماعی) می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسی گرایش: رفاه اجتماعی والدین و انساب: پدر عزت الله سام آرام مرحوم حاج مظاهر سام آرام از اهالی سمیرم بود که در سال ۱۳۰۰ به خوزستان مهاجرت کرده‌اند. مادرش خانم آغا احمدیان از اهالی باغبادران هستند که در سال ۱۳۰۵ همراه خانواده‌اش به خوزستان مهاجرت کرده‌اند. ازدواج پدر و مادر دکتر سام آرام در سال ۱۳۰۷ شمسی در اهواز به وقوع پیوست که حاصل آن هشت فرزند است. پنج پسر و سه دختر که هفت نفر آنها در قید حیات هستند و عمدتاً در تهران ساکن شده‌اند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات ابتدایی و متوسطه عزت الله سام آرام در آجاجری و اهواز گذشت و تحصیلات دانشگاهی کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری در تهران. ترتیب مدارک تحصیلی دکتر سام آرام به قرار زیر است: کارشناسی خدمات اجتماعی (مددکاری اجتماعی)، سال دریافت ۱۳۵۰ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، سال دریافت ۱۳۵۶ دکترای تخصصی رشته جامعه‌شناسی، سال دریافت: ۱۳۷۱. دوره تخصصی مددکاری جامعه‌ای (Community Action) در امریکا، ۱۹۷۳-۱۹۷۲ به مدت ۱۲ ماه کار جامعه‌ای در بین اقلیت‌های امریکا در اداره فرصت‌های اقتصاد O.E.O. دوره تخصصی روابط کار و مسائل کارگران، دانشگاه میسوری، کانزاس سیتی امریکا، ۱۹۷۳. دوره تخصصی مددکاری کودکان معلول در دانمارک و انگلیس "بورس یونسکو"، ۱۹۷۷. دوره تخصصی روش‌شناسی تحقیق (یونسکو) در سال ۱۳۷۳ در تهران. دوره تخصصی "روش‌شناسی کار شایسته" در ژنو در سال ۲۰۰۵ همسر و فرزندان: عزت الله سام آرام در سال ۱۳۵۴ ازدواج کرده‌است که حاصل آن سه فرزند می باشد. دو دختر و یک پسر و کماکان ساکن تهران است. وقایع میان‌سال: عزت الله سام آرام از اول تیرماه ۱۳۵۰ به عنوان مربی آموزشیار در دانشکده خدمات اجتماعی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۵۶ مربی، در سال ۱۳۷۱ استادیار، در سال ۱۳۷۸ دانشیار و سال ۱۳۸۶ به درجه استادی رسیدند. از سال ۱۳۵۱ تاکنون چند دوره تخصصی در رابطه با تحصیلاتش را گذرانده‌است. از جمله مددکاری جامعه‌ای در آمریکا، مددکاری کودکان معلول در دانمارک و انگلیس و روش‌شناسی تحقیق اجتماعی در یونسکو و در بیش از یکصد همایش داخلی و خارجی شرکت داشته‌است مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: عزت الله سام آرام عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علامه طباطبائی است. فعالیت‌های آموزشی: سوابق تدریس عزت الله سام آرام: از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۴. ۱. مددکاری اجتماعی - (عمومی، روش فردی،

روش گروهی، روش جامعه‌ای) - ۳ سال، ۶ ترم تحصیلی ۲. روش شناسی تحقیق در علوم اجتماعی (کارشناسی ارشد) - ۴ سال، ۴ ترم تحصیلی ۳. جامعه‌شناسی روستایی - ۱۴ سال، ۲۸ ترم تحصیلی ۴. اصول آموزشی و ترویج تعاونی - ۱۴ سال، ۲۸ ترم تحصیلی ۵. سمینار مسائل تعاونی - ۱۲ سال، ۲۴ ترم تحصیلی ۶. مسائل اجتماعی ایران (اعتیاد، طلاق، مهاجرت) - ۶ سال، ۱۲ ترم تحصیلی ۷. جامعه‌شناسی ایران (جمعیت، آسیب‌های اجتماعی) - ۱۰ سال، ۲۰ ترم تحصیلی جمعیت و رفاه اجتماعی (کارشناسی ارشد) - ۳ سال، ۳ ترم تحصیلی ۸. سرپرستی کارورزی دانشجویان - (در فیلدهای مختلف روستایی و مراکز بازپروری اعتیاد) - ۳۰ سال، ۶۰ ترم تحصیلی چگونگی عرضه آثار - : چاپ بیش از پنجاه مقاله در نشریات علمی - شرکت در بیش از یکصد همایش داخلی و خارجی - هفت کتاب تالیفی - مقالات پژوهش (۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴)، ۲۱ مورد - مقالات علمی منتشر شده در مجلات و همایش‌های علمی از ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۴ (۳۷ مورد) - کارشناسی ارشد، راهنمای پایان نامه: ۲۱ مورد - دکتری، راهنمایی پایان نامه: ۳ مورد - دکتری، مشاوره پایان نامه: ۷ مورد آثار: ۱ راهنمای مددکاران اجتماعی ویژگی اثر: ، ترجمه مشترک، انتشارات رشد، ۱۳۷۱۲ روش شناسی تحقیق کیفی در مساله اعتیاد ویژگی اثر: ، تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۸۴ ۳ روش‌های تسهیل کار گروهی (برای مدیریت NGO ها) ویژگی اثر: تالیف، انتشارات موسسه توان‌بخشی و بهبود زندگی زنان، ۱۳۸۲۴ فقر عاطفی در خانواده ویژگی اثر: تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۷۵۵ مددکاری اجتماعی ویژگی اثر: تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۸۲۶ مددکاری اجتماعی با تاکید بر محیط‌های کارگری ویژگی اثر: تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۸۲۷ مددکاری اجتماعی در کارگاه ویژگی اثر: ، تالیف، انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی، ۱۳۸۰ ۸ مددکاری اجتماعی (کار با جامعه) ویژگی اثر: تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۷۴۹ مددکاری اجتماعی (کار با فرد) ویژگی اثر: تالیف، انتشارات رشد، چاپ اول ۱۳۶۸، دوم ۱۳۶۹، سوم ۱۳۷۱۰ مددکاری اجتماعی (کار با گروه) ویژگی اثر: تالیف، انتشارات نقش هستی، ۱۳۷۳

منابع زندگینامه: تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر عزت الله سام آرام بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - بهار ۱۳۸۶

سبذمونی بخاری، ابومحمد عبدالله

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۰ - ۲۵۸ ق)، فقیه حنفی، مورخ و محدث. در روستای سبذمون بخارا متولد شد. در جستجوی حدیث به خراسان و عراق و حجاز سفر کرد. ابن‌اثیر او را از محدثان غیر ثقه به حساب آورده است. از آثارش: کتاب «مسند ابی حنیفه»؛ و کتاب «کشف الآثار» در مناقب ابی حنیفه که آن را بر چهارصد نویسنده املا کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۶۴ - ۲۶۳ / ۴)، ریحانه (۱ / ۱۱۳)، کشف الظنون (۱۸۳۷، ۱۴۸۵)، معجم المؤلفین (۶ / ۱۴۵)، هدیة العارفین (۱ / ۴۴۵).

سبذ علی، محمد حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج محمد حسین سبزعلی در اول آبان ماه سال ۱۳۳۵ در شهر تهران چشم به جهان هستی گشود تولد او در خانواده ای مذهبی، زمینه ساز پرورش در مسیر پربرکت قرآن کریم شد. شنیدن تلاوت قرآن توسط یکی از اعضای هیئت محله اولین بارقه های عشق و علاقه به تلاوت قرآن را در او ایجاد کرد. پس از آن آشنایی با یک قاری به نام حاج محمد ثابتی و شرکت در کلاسهای آموزش او، اشتیاق آقای سبزعلی را به امر تلاوت قرآن دو چندان نمود محمد حسین سبزعلی از پدر و مادرش، آقای محمد ثابتی و نیز استاد ابراهیم پور فرزند به عنوان افراد مؤثر در امر تربیت و آموزش قرآن خود یاد می کند. او توصیه های مقام معظم رهبری از سال ۱۳۵۲ و همچنین شرکت در جلسات قرآن مسجد علی ابن موسی الرضا علیه السلام را بد این مسیر بسیار مؤثر می داند. آقای سبزعلی آموزش علوم مختلف قرآنی را از سال ۱۳۵۰ در تهران آغاز کرد. آقای سبزعلی دارای دیپلم طبیعی است. او در سال ۱۳۶۰ ازدواج کرده و سه فرزند دارد.

فرزندان و اعضای خانواده او نیز در قرائت قرآن تلاش خوبی دارند و در این راه از راهنماییهای ارزشمند پدر، بهره ها می گیرند. محمد حسین سبزعلی برای اولین بار در سال ۱۳۵۹ موفق شد در رادیو سراسری تلاوت کند. او می گوید اولین بار که صدای خود را از رادیو شنیدم، باورم نمی شد و خیلی منقلب شده و تصمیم گرفتم تا آخر عمر این راه نورانی و جذاب را ادامه دهم. حاج محمد حسین سبزعلی در امر تلاوت قرآن در ابتدا از استاد عبدالباسط سپس از محمود علی البناء تقلید می کرد. و بمدت دو سال از مرحوم شعبان محمود عبدالعزیز صیاد و آنگاه از مرحوم مصطفی اسماعیل تقلید می کرد او در زمینه تقلید از قاریان مشهور کشور مصر معتقد است: باید از بزرگان و مشاهیر قرائت قرآن در جهان که قدمت بسیار دارند تقلید نمائیم و تلاش کنیم با قاریان کنونی کشور مصر به رقابت پردازیم.

آقای سبزعلی توجه به قاریان جوانی را که در ابتدای راه تلاوت قرآن هستند به ۴ نکته جلب می کند:

اول اینکه هر روز هر نوار یک قاری که انتخاب نموده اند گوش کنند دوم در جلسات قرآن اساتید شرکت کنند و تلاش کنند جلسه ای که می روند از بهترین ها باشد سوم هر روز ۲ یا ۳ مرتبه تمرین تلاوت قرآن داشته باشند و چهارم اینکه امور اجتماعی و اخلاقی باید در حد عالی باشد تا با شخصیت قرآنیش تعادل داشته باشد. حاج محمد حسین سبزعلی همراه دیگر قاریان، به کشورهای مختلفی سفر کرده و در آنجا به تلاوت قرآن پرداخته که با استقبال گسترده حاضرین مواجه شده است. از جمله به کشورهای عربستان سعودی، سوریه، اندونزی، مالزی، تایلند، چین، غنا، نیجریه، آفریقای جنوبی، بنگلادش، ایالیا، فرانسه، پاکستان و هندوستان سفر کرده است.

آقای محمد حسین سبزعلی نخستین بار در سال ۱۳۵۲ در مسجد کرامت مشهد مقدس در جلسه آقای فاطمی در محضر مقام معظم رهبری به تلاوت پرداخت و معظم له که همواره با رهنمودهای خویش، قاریان قرآن را مورد عنایت قرار داده اند، او را تشویق نمودند. او تا کنون بارها در حضور معظم له به تلاوت قرآن پرداخته است. آقای سبزعلی قرآن را راه رهایی از مفساد اجتماعی می داند و معتقد است که باید جاذبه ها در این مسیر که در برابر جذبه های دیگر جامعه بیش از پیش رهنما باشد.

حاج محمد حسین سبزعلی علاوه بر تلاوت قرآن در محافل و مجالس مختلف، به تدریس در دبیرستان نیز اشتغال داشته، در شورای عالی قرآن بعنوان کارشناسی مشغول همکاری است.

او از اساتید: مصطفی اسماعیل، غلوش و منشاوی به عنوان برترین اساتید مصر از آغاز تا کنون نام می برد و همچنین معتقد است که اساتید شحات محمد انور، الیثی و دکتر نعینغ از قاریان برتر کشور مصر در حال حاضر هستند. آقای سبزعلی از سال ۱۳۶۰ تا کنون بارها در مسابقات مختلف قرآن در استانها و شهرهای مختلف به داوری پرداخته است.

آقای سبزعلی در بسیاری از مسابقات قرآن شرکت نموده است. در سال ۱۳۶۰ مقام دوم استان تهران و نیز مقام دوم مسابقات بین المللی اوقاف را کسب نموده و همچنین در سال ۱۳۷۵ در مسابقات بین المللی کشور مالزی شرکت نموده و مقام دوم این دوره از

مسابقات را به خود اختصاص داد. او از سال ۱۳۵۰ به تدریس در زمینه های مختلف قرآنی در حسینیه ها، مساجد، جلسات و هیئتهای مذهبی مبادرت ورزیده است.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

سبزواری، حسن

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۸۶ ق)، قاری، خطیب و شاعر. معروف به خطیب قاری سبزواری. وی در عصر شاه سلیمان صفوی از خطیبان مشهد رضوی به شمار می‌رفت. او در علم حروف و اعداد تبحر و به عرفان تمایل داشت. از آثار وی: «مطالع الاسرار»، در شرح «مشارق الانوار» شیخ حافظ رجب برسی، که به دستور شاه سلیمان صفوی نوشته شد؛ «ابواب البیان»، فارسی، در خطب و مواعظ که در ۱۰۸۶ ق نگارش یافته؛ شرح «حدیث الاسماء و بیان حدوئها» یا شرح «حدوث الاسماء المروی فی الکافی»؛ «الخطب» به عربی و فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۰۱- ۱۰۰/۵)، الذریعه (۱۴۲- ۱۴۱- ۲۱/ ۱۳، ۱۸۴/۷، ۷۴/۱، ریاض العلماء (۳۰۸/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۱۴۲)، معجم المؤلفین (۲۲۷/۳).

سپهر کاشانی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۷- ۱۲۰۷ ق)، ادیب، دانشمند، مورخ و شاعر، متخلص به سپهر. ملقب به لسان‌الملک و مشهور به لسان سپهر. محمد در کاشان متولد شد و پس از تحصیل علوم قدیمی، عروض و قافیه را آموخت. در بیست سالگی به خواهش ملک الشعراء- فتحعلی خان صبا- به تهران آمد و به تشویق او به تالیف کتابی در علم قافیه پرداخت، اما این کتاب با فوت صبا ناتمام ماند و میرزا محمدتقی به کاشان برگشت. در آنجا محمود میرزا پسر فتحعلی‌شاه حکمران کاشان او را به ندیمی خود برگزید و به او تخلص سپهر داد. سپس از طرف فتحعلی‌شاه به تهران احضار گردید و به سلك اعضای دیوان درآمد. سپهر در عهد محمدشاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» ماموریت یافت. این کتاب تاریخ عمومی است که تا سال ۱۲۷۳ قمری امتداد یافته است. سپهر علاوه بر تاریخ و ادبیات در بسیاری علوم از جمله ریاضیات، حکمت و فلسفه و جفر و علوم دیگر حظی وافر داشت. وی در تهران در گذشت و پیکرش به نجف اشرف منتقل شد. از دیگر آثار و تالیفات وی: «آینه‌ی جهان‌نما»؛ «اسرار الانوار» فی مناقب الائمه‌ی اطهار (ع)؛ «براهین العجم فی قوانین المعجم»؛ «جنگ فی التواریخ» و «دیوان» اشعار. [۱]

(بخش ۱) (میرزا) محمدتقی بن (ملا) محمدعلی کاشانی ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر، نویسنده و مورخ عهد قاجاری (ف. ۱۲۹۷ ه.ق.). وی پس از تحصیل مقدمات علوم قدیم به شعر و عروض و قافیه پرداخت، و در جوانی از کاشان به تهران آمد و به خدمت صبا ملک‌الشعرا فتحعلی‌شاه رسید، و به تشویق او به تألیف کتابی در علم قافیه مشغول شد، ولی این امر با فوت صبا (۱۲۳۸ ه.ق.) ناتمام ماند و میرزا تقی به کاشان برگشت. و به خدمت محمود میرزا پسر فتحعلی‌شاه حکمران کاشان رسید و تخلص

سپهر را از او گرفت. در عهد محمد شاه مداح خاص شاه و منشی و مستوفی دیوان شد، و به نوشتن کتاب «ناسخ التواریخ» (که دوره تاریخ جهان از زمان آدم تا عهد مؤلف است) پرداخت. کتاب قافیه او به نام «براهین العجم» مشهور است. سن وی به هنگام مرگ از ۸۰ سال متجاوز بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] حدیقه الشعراء (۷۴۷-۷۴۶/۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱/۱۲۶۲)، الذریعه (۸-۶/۲۴، ۴۳۰، ۴۲۹-۹/۱۶۶، ۱۶۵/۵، ۸۱/۳، ۴۲/۲، ۵۱/۱)، ریحانه (۱۳۲-۱۲۹/۵)، سفینه‌المحمود (۳۶۰-۳۴۱/۱)، شرح حال رجال (۳۲۱-۳۱۹/۳)، فرهنگ سخنوران (۴۳۹-۴۳۸)، لغت نامه (ذیل / سپهر کاشانی)، المآثر و الآثار (۱۸۸-۱۸۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۳-۲۴۹/۲)، مجمع الفصحا (۴۰۰-۳۵۰/۴)، مصطبه‌ی خراب (۸۴-۸۲)، نگارستان دارا (۸۸-۸۷)، یادداشتهای قزوینی (۱۹۰/۸)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۹۶).

ستوده، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر منوچهر ستوده در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در تهران دیده به جهان گشود. دوره تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۱۴ به دانشسرایعالی راه یافت و به دریافت درجه لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. ایشان در دانشکده های الهیات و معارف اسلامی و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس مشغول بودند تا اینکه به افتخار بازنشستگی نائل آمدند. کتاب "از آستارا تا استارباد" تالیف منوچهر ستوده، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: منوچهر ستوده دوره تحصیلات دبستان و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان برد و در سال ۱۳۱۴ به دانشسرایعالی راه یافت و به دریافت درجه لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی نایل آمد. وی در سال ۱۳۱۹ دوره تحصیلی دانشکده افسری را نیز به اتمام رسانید و مفتخر به دریافت درجه افسری گردید

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: منوچهر ستوده در سال ۱۳۲۰ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس پرداخت و آنگاه از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۰ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی به تدریس جغرافیای تاریخی اسلامی و از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس کتبه‌های اسلامی و تاریخ خطوط اسلامی در رشته باستان‌شناسی پرداخت و در پایان این سال بازنشسته گردید.

جوایز و نشانها: کتاب "از آستارا تا استارباد" تالیف منوچهر ستوده، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

چگونگی عرضه آثار: منوچهر ستوده صاحب آثار فراوانی در تألیف و تصنیف و تصحیح است

آثار:

- ۱ آثار و احیاء (متن فارسی درباره فن کشاورزی)
- ویژگی اثر: تألیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی - مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران با همکاری دانشگاه تهران ۱۳۶۸
- ۲ از آستارا تا آستارباد
- ویژگی اثر: تألیف - دوره هفت جلدی - اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۷ - ۱۳۴۹ - این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است
- ۳ استوناوند دژ ۳۵۰۰ ساله
- ویژگی اثر: با همکاری مهندس محمد مهریار - احمد کبیری - مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷
- ۴ تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس
- ویژگی اثر: تألیف محمد ابراهیم کازرونی - مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷
- ۵ تاریخ خانی
- ویژگی اثر: تألیف علی بن شمس‌الدین لاهیجی - بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲
- ۶ تاریخ رویان
- ویژگی اثر: تألیف مولانا اولیاء الله آملی - بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸
- ۷ تاریخ گیلان
- ویژگی اثر: تألیف ملا عبدالفتاح فومنی - بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۹
- ۸ تاریخ گیلان و دیلمستان
- ویژگی اثر: تألیف سید ظهیرالدین مرعشی - مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۴۷
- ۹ تاریخ مازندران
- ویژگی اثر: تألیف ملا شیخ علی گیلانی - بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲
- ۱۰ راهنمای قطغن و بدخشان
- ویژگی اثر: تألیف محمد نادرخان تهذیب کوشکی - مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷
- ۱۱ روزنامه سفر گیلان دستخط ناصرالدین شاه قاجار
- ویژگی اثر: مؤسسه فرهنگی جهانگیری ۱۳۶۷
- ۱۲ صیدنه
- ویژگی اثر: تألیف ابوریحان بیرونی - ترجمه ابوبکر بن علی بن کاشانی - شرکت افست ۱۳۵۸
- ۱۳ فرهنگ نابینی
- ویژگی اثر: گردآوری - مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۵
- ۱۴ قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز
- ویژگی اثر: ۱۳۴۵

منابع:

www.ketabesal.ir

سجستانی، ابوحاتم سهل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۵-۲۴۸)، نحوی، لغوی، قاری، محدث و شاعر. وی شاگرد ابوزید انصاری و ابو عبیده بن مثنی و اصمعی و ابو عامر عقدی و دیگران بود. او قرآن را از یعقوب حضرمی فراگرفت. «کتاب» سیبویه را دو مرتبه بر اخفش خواند. در زمره‌ی شاگردانش از ابن درید و ابوالعباس مبرد یاد شده است. رشته‌ی اصلیش آثار شاعران قدیم و اصطلاحات و عروض و لغت و غرائب و علوم قرآنی بود. محدثینی چون ابوداؤد و نسایی در «سنن» خود و ابوبکر بزاز در «مسند» خود و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند بطوری که هر روز دیناری به تصدق می‌داد و هر هفته قرآنی ختم می‌کرد. وی شعر را نیکو می‌سرود. دارای سی و هفت کتاب است که از آن جمله: «اعراب القرآن»؛ «اختلاف المصاحف»؛ «الاضداد»؛ کتاب «المعمرین من العرب»؛ «ما يلحن فيه العامه»؛ «المقصود و الممدود»؛ «المقاطع و المبادی»؛ «القرآت»؛ «الفصاحه»؛ کتاب «خلق الانسان»؛ «المذکر و المؤنث»؛ کتاب «الطیر»؛ «الوحوش»؛ «الحشرات»؛ «النبات»؛ «النخلة»؛ «الشوق الی الوطن» [۱].

(ع. سیستانی) ابوحاتم سهل بن محمد بن عثمان بن یزید جشمی، عالم لغوی، نحوی و مقرئ (ف. ۲۵۵ ه.ق. / ۸۶۴ م.). او در بصره میزیست و از علوم قرآنی و عروض اطلاع وافی داشت. الکتاب سیبویه را نزد اخفش آموخت و از اصمعی و ابویزید انصاری و ابو عبیده معمر بن مثنی روایات بسیار در لغت و اقسام ادب دارد. ابن درید و مبرد شاگرد اویند. او راست: کتاب الشمس و القمر، کتاب فی النحو، کتاب الشوق الی الوطن، کتاب الوصایا، کتاب ما يلحن فيه العامه، کتاب الطیر، کتاب المذکر و المؤنث. (سهل) برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: الاعلام (۲۱۰/۳)، ایضاح المکنون (۳۵۱، ۳۵۰، ۳۴۲، ۳۲۲، ۳۰۷، ۲۹۲، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۵، ۲۶۲/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴/۱)، تهذیب التهذیب (۲۳۴- ۲۳۳/۴)، الجرح و التعديل (ج ۲، ق ۲۰۴/۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۲/۸)، روضات الجنات (۹۰- ۸۸/۴)، ریحانه (۴۴۴- ۴۴۳/۲)، سرآمدان فرهنگ (۱۰۳- ۱۰۲/۱)، سیر النبلاء (۲۷۰- ۲۶۸/۱۲)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۰۰)، کشف الظنون (۱۷۸۱، ۱۵۷۷، ۱۴۶۹، ۱۴۶۶، ۱۴۶۲، ۱۴۵۷، ۱۴۵۴، ۱۴۵۲، ۱۴۵۲، ۱۴۴۹، ۱۴۴۶، ۱۴۳۹، ۱۴۳۶، ۱۴۲۹، ۱۴۲۳، ۱۳۸۸، ۱۳۸۷، ۱۳۸۳، ۱۱۸۹، ۱۲۳، ۱۱۵، ۳۳)، الکنی و الالقاب (۴۵- ۴۴/۱)، لغت نامه (ذیل / ابوحاتم)، معجم الادباء (۲۶۵- ۲۶۳/۱۱)، معجم المؤلفین (۲۸۶- ۲۸۵/۴)، وفيات الاعیان (۴۳۳- ۴۳۰/۲).

سدیدالسلطنه‌ی کبابی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۲۰ - ۱۲۵۰ ش)، مورخ، نویسنده و شاعر، متخلص به عاری. وی در بغداد متولد شد، پس از کسب علوم مقدماتی در بوشهر، وارد خدمات دولتی شد و بیشتر دوران خدمت خود را در نواحی خلیج فارس گذراند. در دوره‌ی تحصیل سیوطی را نزد آقا سید جواد مجتهد یزدی و جامع المقدمات را نزد حاج شیخ محمد امام جمعه و علوم ادبی را نزد میرزا حسین اهرمی متخلص به معتقد و ملا حسن کبکانی متخلص به محمود و کلیات محمود جدید را نزد سید جمال‌الدین اسدآبادی آموخت. او چندین کتاب با تحقیق و تتبع فراوان تالیف کرده که اکثراً درباره‌ی خلیج فارس، جزایر، بنادر و زندگی ساکنین آن حدود است. از آثار اوست: «اعلام الناس فی تاریخ بندرعباس»؛ «التدقیق فی سیر الطریق»؛ «احوال اهرم و تنگستان»؛ «احوال خوانین و عشایر قشقایی»؛ «احوال شیوخ بندر لنگه»؛ «مفاتیح الادب فی تواریخ العرب»؛ «شقایق النعمان فی احوال العمان»؛ «ضمیمه اللطیفه»؛ «المناس فی احوال الغوص و الغواص» و «دیوان اشعار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۶۳-۵۵۵/۳)، الذریعه (۲۴/۳۳۰)، شرح حال رجال (۲۴۴-۲۴۳/۶)، فرهنگ سخنوران (۶۰۷)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۱۷۱-۱۷۰، ۷۱/۱)، مرآت الفصاحه (۳۹۵-۳۹۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۰/۴-۴۱۹/۱).

سرایبی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسن سرایی در سال ۱۳۲۱ خورشیدی در شهر همدان به دنیا آمد. ایشان دارای دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه شیکاگو آمریکا (۱۹۷۵) است. وی هم‌اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشد. کتاب "رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری" ترجمه حسن سرایی، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: حسن سرایی دوره تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی را در زادگاه خود به پایان برد و وارد دانشگاه گردید. او پس از طی دوره لیسانس از دانشگاه ابوریحان راهی آمریکا شد و در ادامه تحصیلات عالی دانشگاهی به دریافت درجات فوق لیسانس از دانشگاه ایلینوی جنوبی و دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه شیکاگو (۱۹۷۵) نایل آمد. فعالیتهای ضمن تحصیل: حسن سرایی همزمان با تحصیل در دانشگاه شیکاگو، به مدت چهار سال در مرکز مطالعات خانواده و اجتماع مشغول تدریس و تحقیق بوده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حسن سرایی پس از فراغت از تحصیل به ایران بازگشت و به کار تحقیق و تدریس در دانشگاه علامه طباطبایی پرداخت. او اکنون عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی در آن دانشگاه است. جوایز و نشانها: کتاب "رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری" ترجمه حسن سرایی، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار: رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری ویژگی اثر: ترجمه-این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سرخوش، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر سرخوش یکی از هنرمندان با سابقه در هنر موسیقی و فن سازسازی می‌باشد، وی به سال ۱۳۰۲ در تهران متولد شد و از زمانی که چشم باز کرد، گوشش و چشمش به نواهای آسمانی موسیقی و سازهای مختلف بخصوص سنتور و تار که پدرش می‌ساخت و می‌نواخت آشنا گردید.

پدر بزرگ وی سلیمانخان سرخوش سنتور را بسیار خوب می‌نواخت ولی هیچ گاه در محافل و مجالس سنتور نواخت و هر زمان هم که صدای ساز وی بلند می‌شد تنها برای دل خود و اندک دوستان نزدیک بود. پدر علی اکبر سرخوش در تهران خیابان ناصرخسرو باغچه علیجان، کارگاه کوچکی داشت که در آن به ساختن تار و سنتور مشغول بود نگارنده که کودکی بیش نبودم و ساکن همان محل بودم روزها که از جلوی کارگاه وی گذر می‌کردم محو نواختن سنتور ایشان می‌شدم به طوری که مدت‌ها بدون این که خود متوجه باشم آنجا ایستاده و به نوازی گرم ساز او گوش می‌دادم و به خوبی یادم هست که روزی جهت خریدن نان رفته بودم و تابستان بود و زیر بازارچه باغچه علیجان بسیار خنک و من آنقدر به نواختن سنتور وی گوش داده بودم که نان تمام شد و من دست خالی به خانه بازگشتم و آن روز کتک مفصلی از پدرم خوردم و پدرم وقتی علت را فهمید آمد و به مرحوم کریم سرخوش که او را اهل محل (دادا) می‌نامیدند گفت که اگر باز هم پسر آمد اینجا و معطل شد او را دعوا کنید تا دنبال کار خود برود زیرا می‌ترسم که به نواختن ساز علاقه‌مند شود و در آینده به موسیقی روی آورد! و از کار اصلی خود که درس خواندن است بازماند. ناگفته نماند در محل ما (باغچه علیجان) در آن زمان، مرحوم حسین صبا نیز سکونت داشت که هر روز می‌آمد و در مغازه‌ی کریم سرخوش از نواختن ساز سرخوش بهره می‌گرفت و خانم ملوک ضرابی نیز که خانه‌اش در همان حوالی بود هر وقت که از جلوی کارگاه این پیر استاد می‌گذشت مدتی با وی صحبت و احوالپرسی و راجع به موسیقی و هنر گفتگو می‌کرد و نگارنده خود به خوبی اینها را یادم هست. علی اکبر سرخوش هنوز به سن ۱۰ سالگی نرسیده بود که در کارگاه پدر و زیر نظر او مشغول فراگیری فن سازسازی شد و چون از گوش دقیق و حساس بهره‌ی کافی داشت در کوک سنتور یکی از خبرگان است و سالهای متمادی کوک این ساز را حتی برای بسیاری از نوازندگان بزرگ ارکستر به عهده دارد. علی اکبر سرخوش، بیش از پنجاه سال است که مشغول ساختن سازهای مختلف بخصوص سنتور است و به نواختن سازهایی مثل: سنتور، سه‌تار، تار، کمانچه، پیانو و آکوردئون آشنایی کامل دارد و اولین هنرمندی است که روی آکوردئون ربع پرده قرار داد که بشود آهنگ‌های ایرانی را با آن نواخت. سازهای ساخت سرخوش سالها است که مونس هنرمندان کشور می‌باشد و بسیاری از آنها به خارج کشور برده شده که سفارشات زیادی هم به ایشان جهت ساخت شده ولی گویا به واسطه‌ی بعضی ناهماهنگی‌ها، ایشان رغبتی به صادر کردن آنها ندارد. چون سازهای ساخت وی از درخت‌های آزاد می‌باشد که بسیار مورد نظر هنرمندان بوده و دارای صدایی صاف و رسا می‌باشد.

در اینجا بی‌مناسبت نیست یادآور شوم که صنعت و هنر سازسازی جزو هنرهای ظریفه می‌باشد که نمایانگر فرهنگ صوتی هر کشور نیز هست، با توجه به فرهنگ و هنر بزرگ ایران اگر دولت امکاناتی فراهم آورد و حمایتی هم نه چندان زیاد در حد همکاری دستگاههای دولتی می‌توان با توجه به تقاضاهای فراوان ممالک خارج سازهای دست‌ساز ملی ایران به آن کشورها صادر شود تا هم هنرمندان به کار گمارده شوند و هم ارزش بسیار به کشور سرازیر شود و هم موسیقی و نمونه‌ی سازهای ملی ایران به جهانیان شناسانده شود. علی اکبر سرخوش که از سالهای اولیه رادیو با این مؤسسه همکاری داشته و در ارکستر مرحوم استاد ابراهیم منصوری شرکت می‌کرده خود به نواختن تمام سازها آشنایی دارد و خود یکی از سلیست‌های خوب کشور می‌باشد. ابراهیم سرخوش برادر بزرگ وی بود که در نواختن تار چیره‌دست بود.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۲- ۱۲۹۳ ق)، عالم دینی، فیلسوف، فقیه اصولی، محدث، متکلم، رجالی، مورخ و ریاضیدان. از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم قمری بود. اصلش از ایران و از قزلباشان است. پدرش ساکن افغانستان بود و سردار در کابل به دنیا آمد. در هشت سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت. چون دارای استعداد فوق‌العاده‌ای بود به زودی ریاضیات و زبان انگلیسی را فراگرفت. در ۱۳۰۴ ق پدرش خانواده خود را به عراق برد و در کاظمین ساکن کرد. معلم وی در ریاضیات و انگلیسی نیز به همراه آنان مهاجرت کرد و شش سال نیز در عراق به وی آموزش داد و او در حساب و هندسه و هیئت و جغرافی و علوم غریبه صاحب نظر شد. وی همچنین در لغات و ادبیات عربی و فارسی و سانسکریت و هندی و عربی و لاتین دستی توانا داشت. سردار کابلی در این مدت علاوه بر آموزش علوم جدید به تحصیل علوم قدیمه نیز پرداخت و سپس به نجف رفت و فقه و اصول را در محضر علامه میرزا محمدعلی رشتی چهاردهمی و شیخ علی اصغر تبریزی و دیگران فراگرفت و فلسفه را نزد استادان بزرگ آن آموخت. در ۱۳۱۰ ق در خدمت پدر عازم ایران شد و در کرمانشاه با شیخ عبدالرحمان شافعی مکی ملاقات کرد و مجذوب کمالات وی گشت و در همان جا ماندگار شد. او از شیخ خود، چهاردهمی، و سید حسن صدر و سید عباس لاری و محدث قمی و سید آقا یحیی تهرانی و سید محسن امین و شیخ آقا بزرگ تهرانی دارای اجازه بود. شیخ مرتضی گیلانی نجفی از شاگردان وی می‌باشد. سردار کابلی استاد ریاضی و هندسه آیت‌الله حجت بود. پدرش قبل از مرگ سرپرستی خانواده‌ی خود را به وی سپرد و او را ملقب به سردار کرد. سردار کابلی در کرمانشاه نشر احکام و تالیف و تصنیف مشغول شد. او به شهرهای بسیاری سفر کرد و با علمای هر شهر مصاحبت نمود. سرانجام در کرمانشاه درگذشت و جنازه‌اش به نجف انتقال یافت و در کنار پدرش در وادی السلام دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثاً»، در فضایل امیرالمومنین (ع) از طرق اهل سنت؛ «تبصره الحر فی تحقیق الکر»، در بیان انطباق تحقیقی بین وزن و مساحت و حجم؛ «تحفه الاحباب»، در بیان آیات قرآن؛ «تحفه الاجله»، در شناخت قبله، که برای فهم کتاب به دانش جبر و مثلثات و هیئت و جغرافی نیاز است؛ «العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص»، در اعمال فلکی؛ کتابی در «المساحه»، ترجمه از انگلیسی؛ ترجمه «انجیل برنابا»، از انگلیسی به فارسی؛ «غایه التعدیل فی معرفه حقیقه الاوزان و المکابیل»؛ «کشف القناع فی تحقیق المیل و الذراع»؛ «مناهج الوفاق»، در اعداد؛ شرح حدیث امیرالمومنین (ع) در بیان قطر و محیط خورشید و ماه و اختلاف افق خورشید؛ «دیوان ابوطالب (ع)» و شرح «لامیه» آن؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبه‌ی حضرت زینب (ع)»؛ «مصباح القواعد»، در قواعد علوم ریاضی؛ «مثنوی» در نظم «الباب الحادی عشر»؛ «الدرر النثیره»، شبیه به «کشکول»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحجّه (۲/ ۳۴۰، ۲۰۰- ۱۹۷/ ۱)، اعیان الشیعه (۲۷۴- ۲۷۳/ ۶)، الذریعه (۲۲/ ۲۸۳، ۲۱/ ۱۱۶، ۴۶، ۱۷، ۱۶/ ۱۱)، ۱۳۹، ۸۰، ۷۹- ۸/ ۴۱۰، ۳/ ۳۱۷، ۲/ ۳۶۶، ۴۹۳، ۴۱۵/ ۱)، ریحانه (۷- ۵/ ۵، ۱۵- ۱۳/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۹- ۶۹۳/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۹۶- ۲۹۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷- ۲۲۵/ ۶).

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر صمد سرداری نیا، مورخ و محقق تاریخ معاصر آذربایجان متولد ۱۳۱۹ در شهر تبریز بود. وی پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی تا دبیرستان، در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه تبریز شده و در سال ۱۳۵۰ در مقطع کارشناسی تاریخ، فارغ التحصیل شد. ایشان پس از استخدام در صدا و سیما این بار در رشته حقوق قضائی دانشگاه ملی تهران به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد. از ایشان آثازیادی در باره تاریخ آذربایجان و مشاهیر آن بیاد گار مانده است. صمد سرداری نیا پنجمین ۲۲ فروردین ۱۳۸۷ اثر عارضه سکته قلبی در تبریز دار فانی را وداع گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: حقوق

گرایش: نویسندگی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: صمد سرداری نیا، مورخ و محقق تاریخ معاصر آذربایجان متولد ۱۳۱۹ در شهر تبریز بود. سرداری نیا، در ۲۱ در محله «امیره خیزی» تبریز دیده به جهان گشود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: صمد سرداری نیا پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه تبریز شد. وی در سال ۱۳۵۰ در مقطع کارشناسی تاریخ از این دانشگاه فارغ التحصیل شد و پس از استخدام در صدا و سیما بار دیگر به دانشگاه رفت ولی این بار در رشته حقوق قضائی به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد. او سپس وکیل دادگستری شد.

زمان و علت فوت: صمد سرداری نیا پنجمین ۲۲ فروردین ۱۳۸۷ اثر عارضه سکته قلبی در تبریز دار فانی را وداع گفت.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: صمد سرداری نیا پس از استخدام در صدا و سیما این بار در رشته حقوق قضائی دانشگاه ملی تهران به تحصیل پرداخته و در سال ۱۳۵۷ فارغ التحصیل شد. از ایشان آثازیادی در باره تاریخ آذربایجان و مشاهیر آن بیاد گار مانده است. او به حقوق بازنشستگی اش از صدا و سیما قناعت کرد و هرگز طبع لطیفش را به زر و تزویر نیالود.

آرا و گرایشهای خاص: صمد سردارینیا، این محقق بزرگ آذربایجان بی هیچ حب و غرضی، گوهر حب وطن در صدف وجود خویش تربیت کرد و سال ها پشت میز تحریر کوچکش قلم بر دست، بر لوح تاریخ، برگ هایی زرین از گذشته و حال مردمان دیارش رقم زد. برگ تاریخ را ورق زد تا نشانی مستند بر پایه واقعیت و نه گرافه و اغراق از لیاقت، کفایت و درایت ایران و ایرانیان و شجاعت و مردانگی آذربایجان و آذربایجانیان بیابد. در سطر سطر نوشته های شیوایش می توان روح متعالی یک ایرانی وطن دوست و یک آذربایجانی جلیل القدر را ملاحظه کرد. بی اغراق می توان گفت که اگر اکنون هر آذربایجانی و هر شهروند تبریزی، به آسانی و در عین افتخار و با قدرت از تبریز، به عنوان شهر اولین ها یاد می کند، حاصل سال ها تلاش این پیر فرزانه است. نویسنده ای که سال ها در میان اوراق تاریخ گشت تا گلستانی از افتخارات مستند و واقعی آذربایجان گردآورد تا مردمانش سرافرازانه به داشتن آن قله های بزرگ فخر فروشد و مباهات ورزند. از قابلیت های آب و خاک و جان آذربایجان گفت تا جهان و جهانیان بدانند که اینجا آذربایجان است. کانون عشق و ورزی، محور ایشار و مردانگی، دیوار بلند مقاومت، با مردمانی مهربان و هنرور، با ادبیاتی آمیخته به شور شبنم و شوق خدمت.

جوایز و نشانها: صمد سرداری نیا مفتخر به دریافت دو عنوان «دکترای افتخاری» از دو کشور خارجی گردیده است. -----

آثار:

- ۱ آذربایجان پیشگام جامعه مدنی
- ۲ ایروان یک ایالت مسلمان نشین بود
- ۳ باقرخان سالار ملی
- ویژگی اثر: ناشر: ایرانیان - ۱۳۶۹
- ۴ باکو شهر نفت و موسیقی
- ویژگی اثر: پدیدآورنده: مناف سلیمانوف، صمد سرداری نیا (مترجم)، ناشر: اختر - ۲۲ اسفند، ۱۳۸۵
- ۵ تاریخ روزنامه‌ها و مجلات آذربایجان
- ۶ تبریز شهر اولین‌ها
- ویژگی اثر: ناشر: کانون فرهنگ و هنر آذربایجان - ۱۳۸۱
- ۷ تبریز مهد صنعت چاپ در ایران
- ویژگی اثر: ناشر: سرداری نیا، صمد - ۱۰ بهمن، ۱۳۸۴
- ۸ جنگ قره باغ
- ویژگی اثر: پدیدآورنده: ضیاء الدین سلطانوف، صمد سرداری نیا (مترجم)؛ ناشر: هاشمی سودمند - ۱۰ اسفند، ۱۳۸۴
- ۹ دارالفنون تبریز، دومین مرکز آموزش عالی ایران
- ویژگی اثر: ناشر: ندای شمس - ۱۳۸۲
- ۱۰ سیری در تاریخ آذربایجان
- ویژگی اثر: ناشر: اختر - ۰۴ دی، ۱۳۸۶
- ۱۱ قتل عام مسلمانان در دو سوی ارس
- ۱۲ قره باغ
- ۱۳ قره باغ در گذرگاه تاریخ
- ویژگی اثر: ناشر: ندای شمس - ۱۰ اسفند، ۱۳۸۴
- ۱۴ مشاهیر آذربایجان،
- ویژگی اثر: انتشارات شایسته تبریز - ۱۳۷۹
- ۱۵ ملانصرالدین در تبریز
- ویژگی اثر: ناشر: اختر تبریز

سروری، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۲۰ ش)، سازنده‌ی ساز. از اساتید سازنده‌ی تار در مشهد بود. وی سه تار هم می‌ساخت و در کار خود مهارت داشت. تار و سه تارهای کار او همه استادانه ساخته شده و خوش آهنگ است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ موسیقی (۶۹۸/۲).

سکندری، علی جان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی جان سکندری

محل تولد: اسلام آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱۲/۱۵

زندگینامه علمی

علی سکندری (علی جان سکندری) فرزند سکندر متولد ۱۳۴۱ ش، در اسلام آباد (صلایان) یکی از روستاهای آن زمان قاینات چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در همان زادگاهش به پایان رساند. دوره های ابتدایی و راهنمایی را در شهر خضری و متوسطه را در دبیرستان دکتر شریعتی شهرستان قاین به پایان برد. وی در کنار تحصیل در اوقات بیکاری در کشاورزی به پدرش کمک می نمود.

پس از اتمام دوره متوسطه در سال ۱۳۶۱ ش، وارد حوزه علمیه قاین شد. یک سال بعد برای ادامه تحصیل عازم مشهد مقدس گردید تا تحصیلات حوزوی را در جوار مرقد حضرت علی بن موسی الرضا (ع) ادامه دهد. نخست با اقامت در مدرسه امام محمد باقر (ع) مقدمات را فرا گرفت و سپس دوره های تحصیلات تکمیلی و عالی را در مدارس جعفریه و آیت الله خوئی نزد اساتید برجسته حوزه علمیه از جمله: آیت الله مرتضوی، آیت الله رضا زاده، آیت الله واعظ طبسی، آیت الله صالحی و حجت الاسلام و المسلمین گرایلی گذراند.

در سال ۱۳۶۶ ش، در کنار دروس حوزوی وارد دانشگاه شد و در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد در گرایش تاریخ ادیان ادامه تحصیل نمود. پس از این وارد فعالیت های علمی و پژوهشی شد و در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در گروه معارف اسلامی و دفتر فرهنگ اسلامی مشغول کار گردید. در همین زمان بود که با نگارش مقالاتی دست به قلم شد و با نوشتن مطالب سیاسی در روزنامه ها و مجله ها، فعالیت قلمی را آغاز کرد و دو شماره از فصلنامه فرهنگی دانشگاه آزاد مشهد را منتشر ساخت.

سلامی بیهقی نیشابوری، ابوعلی حسین احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۰ ق)، مورخ. وی از مردم خوار بیهق بود و از ملازمان و کاتبان ابوبکر محمد بن مظفر بن محتاج و فرزندانش بود یگانه اثر

وی کتابی است به نام: «التاریخ فی اخبار ولات خراسان». [۱]

ابوعلی حسین بن احمد بن محمد بیقهی نیشابوری از بزرگان قر. ۴۰ هـ. مولد و منشأ او خوار بیهق بود. وی در سلک ملازمان و کاتبان ابوبکر محمد ابن مظفر بن محتاج و پسرانش بود و او را تصانیف بسیار است از جمله کتاب «التاریخ فی اخبار ولأه خراسان». برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه: [۱] سرآمدان فرهنگ (۴۶۸/۱)، لغت نامه (ذیل / سلامی).

سلامی شیرازی، ابوتراب ولی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۰۳ ق)، مورخ. معروف به شاه ابوتراب عریضی حسینی. وی از سادات محترم شیراز بود که جد وی در سال ۸۹۸ از شیراز به هند رفته بود و در آن جا مقیم شده و ابوتراب در آن سامان متولد شد و نخست در گجرات وارد خدمت شد و سپس به دربار جلال‌الدین اکبر راه یافت و به منصب میر حاجی رسید. پس از چندی به گجرات بازگشت و از طرف اعتماد خان حاکم گجرات منصب امین صوبه را دریافت کرد. وی مولف کتاب «تاریخ گجرات» است که مشتمل بر وقایع آن ناحیه از زمان بهادر شاه از سال ۹۳۲ ق تا زمان مظفر شاه سوم در سال ۹۹۲ ق است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۶۷-۳۶۶).

سلطان القراء تبریزی، عبدالرحیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۶- ۱۲۵۵ ق)، قاری و عالم. وی در تبریز به دنیا آمد. در خانواده‌ای اهل علم برآمد و در جوانی برای دریافت درجات عالییه قرائت از تبریز به کشورهای مختلف مسافرت کرد و در خیره‌ای ازبکستان در خدمت حاج شیخ محمد کسب علم کرد و با شیخ شامل داغستانی در نهضتی اسلامی علیه روسها شرکت کرد و پس از پیروزی مدتی در داغستان اقامت کرد. سپس به عربستان و مصر رفت. پس از دوازده سال به تبریز بازگشت و به آموزش علم تجوید و قرائت قرآن پرداخت و بزرگانی چون آقا شیخ میرزا فرج‌الله تبریزی و فاضل ایروانی و دیگر علماء از تلامذه‌ی وی بودند. وی را بنابر وصیتش در صفا در دامنه کوه سرخاب تبریز به خاک سپردند. پدرش مشهور به قاری بود و کتابخانه‌ای در تبریز بنا نمود که پس از وی در اختیار فرزندش قرار گرفت، و سلطان القراء به نوبه‌ی خود در تکمیل این کتابخانه کوشید و پس از وی به فرزندش شیخ ابوالقاسم سلطان القراء رسید. از آثارش: «الدر المنثور»، در علم تجوید؛ «دستور تجوید»، در علم تجوید، به فارسی؛ حاشیه‌ای بر «مقدمه منظومه فی التجوید» محمد جزری شافعی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۵۲، ۷۵، ۸، ۲۱۶/۶)، ریحانه (۶۱- ۶۰ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۰۲- ۱۱۰۱ / ۱۴)، مکارم الآثار

(۱۴۸۹/۵)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۵-۱۰۴).

سلطان‌القرایی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، مورخ.

تولد: ۱۲۷۵، تبریز.

درگذشت: زمستان ۱۳۶۷، تبریز.

جعفر سلطانی‌القرایی در آغاز نزد پدر خود شیخ ابوالقاسم و برادر خود حاج میرزا جواد، از علمای زمان، درس خواند. سپس از محضر میرزا ابوالقاسم انگجی و حاج میرزا علی‌اصغر ملک استفاده برد. وی با مطالعه مستمر و دقت در کتب خطی و نشست و برخاست با ادبا و شاعران، کارشناس شناخت نسخه‌های خطی و تشخیص اسناد و اوراق هنری و تاریخی شد. با حوادث آذربایجان به تهران هجرت کرد و چند سالی در تهران ماند و به کسب و کار مشغول بود.

از تألیفات وی، تصحیح و تعلیق دو جلد روضات الجنان و جنات الجنان حافظ حسن کربلایی تبریزی (۱۳۴۹-۱۳۴۴) است. اثر دیگر سلطان‌القرایی تصحیح و تعلیق المحافل است. ضمناً سال‌ها با نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تبریز» همکاری داشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

سلمانی امیری، جواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جواد سلمانی امیری

محل تولد: امیرکل بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ورود به حوزه ۱۳۶۵ در حوزه علمیه امام خمینی (ره)/شهر قم اینجانب (جواد سلیمانی) فرزند (علی) به سال (۱۳۴۷ ش) در شهر امیر کلا- از توابع استان مازندران به دنیا آمده‌ام. دوران ابتدایی تا اول دبیرستان را در زادگاه خود تحصیل نموده و بقیه دوران دبیرستان را تا اخذ دیپلم در رشته ریاضی در بابل گذرانده‌ام. خانواده ام مذهبی بوده و مواضع سیاسی روشنی در دفاع از انقلاب اسلامی داشت. شاید این امر موجب فعالیت اینجانب در تشکل‌های سیاسی- مذهبی مانند انجمن‌های اسلامی و حزب جمهوری گردید.

در خلال دوره دبیرستان و جنگ تحمیلی اندک اندک انگیزه تحصیل علوم دینی زنده شد. از این رو بعد از دیلم در سال (۱۳۶۵) (ش) وارد حوزه علمیه قم شدم و درسهای مقدماتی و سطح را در مدارس تحت برنامه و حلقه های درس آزاد برخی فضلا گذراندم. آنگاه پس از اتمام کفایتین و پشت سر نهادن امتحان های شورای مدیریت حوزه در درس خارج شرکت نموده از محضر آیات عظام جعفر سبحانی، ناصر مکارم شیرازی، جوادی آملی، خاتم یزدی، شیخ جواد تبریزی و سید محمد رضا مدرسی (دامت برکاتهم) در فقه و اصول بهره برده ام.

در سال (۱۳۶۹ ش) دوره کارشناسی معارف اسلامی و الهیات و سپس در سال (۱۳۷۳ ش) دوره تخصصی کارشناسی ارشد تاریخ را آغاز کردم و بعد از ده سال (۱۳۷۹ ش) در مؤسسه آموزشی-پژوهشی امام خمینی (قدس سره) زیر نظر حضرت آیه الله مصباح یزدی (دامت برکاته) به پایان رسانده ام. پس از اتمام دوره کارشناسی ارشد تاریخ تاکنون در محورهای زیر مشغول فعالیت می باشم.

۱. تحقیق در مباحث تاریخ صدر اسلام و معاصر (عص مشروطه) و نشر آن در قالب کتاب و مقاله. ۲. تدریس در مقولات فوق. ۳. اجرای طرح دانشنامه مشروطیت. ۴. اشتغال به سطح (۴) حوزه.

ذکر نام اساتید اصلی در حوزه

۱. جوادی آملی / خارج فقه
۲. جعفر سبحانی / خارج اصول
۳. مکارم شیرازی / خارج فقه
۴. خاتم یزدی / خارج فقه
۵. جواد تبریزی / خارج فقه
۶. محمد رضا مدرسی / خارج اصول
۷. محمد رضا مدرسی / خارج فقه

سلمی نیشابوری، ابوعبدالرحمان

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۲ - ۳۳۰/۳۲۵ ق)، صوفی، محدث، حافظ، مفسر و مورخ. در نیشابور متولد شد و در آنجا به تعلیم و حفظ قرآن و روایت اشعار و تحصیل زبان عربی و سپس به درس حدیث و علم باطن پرداخت. معاصر با القادر بالله خلیفه عباسی بود. به عراق وی و همدان و مرو و حجاز سفر کرد و شاگرد استادانی چون ابوالحسن دارقطنی، ابونصر سراج، ابوالقاسم نصرآبادی و اسماعیل بن نجید بود. وی مرید شیخ ابوالقاسم نصرآبادی و خرّقه‌ی ارشاد از دست ایشان دریافت کرد و ابوسعید ابوالخیر بعد از وفات پیر ابوالفضل از سلمی خرّقه گرفته است. وی شاگردانی چون ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، احمد بن علی توزی، ابومحمد جوینی، ابوالقاسم قشیری و ابوعبدالله حاکم نیشابوری داشت. وی در آخر عمر خانقاهی برای صوفیه در نیشابور بنا کرد که محل سکونت صوفیه و از مراکز تربیت کسانی بود که در علم باطن استعداد داشتند. وی کتاب «طبقات الصوفیه» را به زبان تازی تالیف کرد و آن را بر بیان احوال و اقوال پنج طبقه از مشایخ وقف نمود. او در نیشابور درگذشت. از آثار وی: «آداب الصوفیه»؛ «ادب الصحبه»؛ «الاربعین»؛ «امثال القرآن»؛ «تاریخ اهل الصفوه»؛ «الحقایق التفسیر»؛ «زلل الفقراء»؛ «سنن الصوفیه»؛ «طبقات الصوفیه»؛ و در حدود بیست مجلد کتاب و

رساله‌ی دیگر. [۱].

محمد بن حسین بن محمد بن موسی ازدی مکنی به ابو عبدالرحمن از متصوفه بزرگ (و. ۳۳۰ ه.ق. / ۹۴۲ م. - ف. ۴۱۲ ه.ق. / ۱۰۲۱ م.). او کتابی به نام «طبقات الصوفیه» تألیف کرده که اصل آن از میان رفته، و خواجه عبدالله انصاری مضامین آن را در هرات به هنگام وعظ املاء کرده و آن به نام «طبقات انصاری» معروفست و در افغانستان به طبع رسیده. از سلمی کتاب دیگری به نام «حقائق التفسیر» در تفسیر قرآن باقی مانده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اسرار التوحید (تعلیقات ۶۶۱-۶۶۰/۲)، الاعلام (۳۳۱-۳۳۰/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۱۳-۹۱۲/۲)، تاریخ بغداد (۲۴۹-۲۴۸/۲)، التفسیر و المفسرون (۳۸۵-۳۸۴/۲)، جستجو در تصوف (۷۱-۷۰)، حلیه الاولیاء (۴۲-۴۱/۱۰)، سیر النبلاء (۲۵۵-۲۴۷/۱۷)، طبقات الصوفیه سلمی (مقدمه)، الکامل (۳۱۱-۳۱۰/۷)، کشف الظنون (۱۱۰۴، ۱۰۰۶، ۹۵۵، ۶۷۳، ۲۸۶، ۱۶۸، ۵۳، ۴۶، ۴۲)، لسان المیزان (۶۳-۶۲/۶)، مجموعه آثار عبدالرحمن سلمی، معجم المؤلفین (۲۵۹-۲۵۸/۹)، نامه‌ی دانشوران (۱۶۴-۶/۷۳)، هدیه العارفین (۶۱/۲).

سمرقندی عبدالرزاق، کمال الدین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۸۷-۸۱۶ ق)، مورخ و شاعر. از رجال بزرگ عهد تیموری و از مورخان بنام آن عهد است. در هرات به دنیا آمد. پدرش اهل سمرقند بود و در اردوی شاهرخ تیموری منصب قضا داشت. وی در نزد پدر با علوم ادبی و دینی آشنایی کامل پیدا کرد و در اثنای تحصیلات، شرحی بر «رساله‌ی» قاضی عضدالدین ایجی درباره‌ی تحقیق معانی حروف و اسم اشاره و غیره آن ترتیب داد و به نام شاهرخ مزین کرد و به همین سبب به دربار راه پیدا کرد. وی پیوسته از حمایت و تربیت شاهرخ برخوردار بود و از جانب همین شاه به عنوان سفیر دربار سلطان بیجانگر به هندوستان سفر کرد و پس از مراجعت به گیلان رفت. عبدالرزاق بعد از مرگ شاهرخ به دیگر شاهزادگان تیموری نیز خدمت نمود و در نهایت به خدمت سلطان ابوسعید درآمد. عاقبت به سمت شیخی خانقاه شاهرخ‌ی منسوب شد و در هرات درگذشت اثر معروف و جایدان وی «مطلع سعدین و مجمع بحرین»، در دو جلد، در تاریخ تیموریان ایران از عهد ابوسعید بهادرخان (م ۷۳۶ ق) تا جلوس سلطان حسین بایقرا (م ۸۷۵ ق) است. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر. در «الذریعه» از او با عنوان عبدالرزاق هروی نام برده شده است. [۱]

سمرقندی کاشانی، کمال الدین بن جلال الدین اسحاق، دانشمند و مورخ (و. هرات ۸۱۶- ف. ۸۸۷ ه.ق.). چون سمرقند موطن پدر وی بود و همچنین پدرش در آنجا در سپاه شاهرخ منصب قاضی عسگری داشته به «سمرقندی» معروف گردیده. در بیست و پنج سالگی (سال ۸۴۱ ه.ق.) پس از مرگ پدر رساله‌ای در صرف و نحو تألیف کرد و به نام شاهرخ مزین ساخت و مورد توجه وی واقع شد. در سال ۸۴۵ به عنوان سفارت عازم دربار سلطان بیجانگر (هندوستان) شد و سه سال آنجا بود، و از آن سفر شرح مفصلی در تاریخ نگاشته. سپس در سال ۸۵۰ وی را به رسالت به گیلان فرستادند و بعد از آنکه شاهرخ در همین سال وفات یافت، وی متوالیا به خدمت امیرزادگان مانند میرزا عبداللطیف و میرزا ابوالقاسم بابر و عاقبت به خدمت سلطان ابوسعید پیوست. بعد از آن عزلت و انزوا در پیش گرفت (۸۶۷ ه.ق.). کتاب ذیقیمت مطلع السعدین و مجمع البحرین از اوست که در دو جلد و از سوانح زمان سلطنت ابوسعید آخرین ایلخان مغول آغاز و به خاتمت پادشاهی سلطان ابوسعید تیموری ختم می‌شود. (لغ.).

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] از سعدی تا جامی (۶۱۹-۶۱۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۱۴-۵۱۰ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹، ۲۵۰)، حبیب السیر (۳۳۵ / ۴)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۶۸ / ۲)، الذریعه (۱۵۴ / ۲۱، ۶۸۷ / ۹)، ریحانه (۸۶ / ۵)، سبک‌شناسی (۲۰۷-۲۰۶، ۱۸۴ / ۳)، فرهنگ سخنوران (۶۱۶)، لغت‌نامه (ذیل / عبدالرزاق)، مجالس النفاثس (۲۰۴-۲۰۳، ۳۰)، معجم المؤلفین (۲۱۶ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۷-۸۳۶ / ۳)، هدیه العارفین (۵۶۷ / ۱).

سمعی مروزی، قوام‌الدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۲-۵۰۶ ق)، مورخ، حافظ، محدث، فقیه، نسابه و مفسر شافعی. در مرو متولد شد. در چهار سالگی پدرش او را در محضر عبدالغفار شیرویی و عبید قشیری و سهل سبعی حاضر کرد. او به اشاره‌ی پدرش از ابومنصور محمد کراعی و محمد دقاق حدیث شنید. هنوز کودک بود که پدر را از دست داد و عمو و دیگر خویشان کفالت او را بر عهده گرفتند و او را از همان نوجوانی علاقه‌مند به علم و دانش نمودند. در ۵۳۰ ق به نیشابور سفر کرد و برای طلب علم و استماع حدیث به شرق و غرب و شمال و جنوب عالم سفر کرد و با علما و محدثین بسیاری ملاقات نمود. شمار مشایخ او را بالغ بر چهار هزار تن دانسته‌اند که در «سیر النبلاء» و دیگر کتب رجال نام شهرهایی که وی بدان سفر کرده و مشایخ معروفی که ملاقات کرده، آمده است. از وی تصانیف نیکوی بسیاری بجای ماند که از آن جمله‌اند: «تذیل تاریخ بغداد»، در پانزده مجلد؛ «تاریخ مرو» یا «تاریخ المرازه»، متجاوز از بیست مجلد؛ «الانساب» حدود هشت مجلد؛ «طراز الذهب فی ادب الطلب»؛ «معجم البلدان»؛ «الاسفار عن الاسفار»؛ «الاملاء و الاستملاء»؛ «التذکره و التبصره»؛ «الدعوات»؛ «سلوه الاحباب و رحمه الاصحاب»؛ «التحیر فی المعجم الکبیر»؛ «الامالی»؛ «وفیات المتأخرین» یا «تاریخ الوفاء، للمتأخرین من الرواه»؛ «الادب و استعمال الحسب»؛ «المناسک»؛ «فضل یس»؛ «الرسائل و الوسائل»؛ «تبین معادن المعانی»، در لطائف قرآن کریم. [۱]

(ع. منسوب به سمعان، بطنی از تمیم) ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی مروزی شافعی فقیه و مورخ و حافظ حدیث (و. ۵۶۲ ه.ق. / ۱۱۱۳ م. - ف. ۵۶۲ ه.ق. / ۱۱۶۷ م.). وی به شهرهای دور سفر و با علما و محدثان ملاقات کرد و از آنان علم آموخت و گروهی نیز از او کسب علم کردند. از اوست: کتاب الانساب، کتاب تذیل تاریخ بغداد، تاریخ مرو، فضائل الصحابه معجم المشایخ، تاریخ الاوفاء للمتأخرین من الرواه الامالی، التحیر فی المعجم الکبیر.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۷۹/۴)، ایضاح المکنون (۳۰/۲)، ذیل تاریخ بغداد (۱۶ / مقدمه)، روضات الجنات (۹۶-۹۵ / ۵)، ریحانه (۷/۳)، سیر النبلاء (۴۶۵-۴۵۶ / ۲۰)، کشف الظنون (۱۷۳۷، ۱۷۳۵، ۱۱۲۳، ۱۱۰۸، ۹۹۹، ۹۹۸، ۹۰۲، ۷۵۶، ۷۲۹، ۳۷۴، ۳۷۰، ۳۰۳، ۲۸۸، ۱۷۹، ۱۶۹، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۳۱، ۸۶، ۴۹، ۳۵)، الکنی و الالقاب (۳۲۲/۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابوسعید)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۷۳-۱۷۲ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۵-۴ / ۶)، وفیات الاعیان (۳۷۹-۳۷۸ / ۱)، هدیه العارفین (۶۰۹-۶۰۸ / ۱).

سمیع زرگر، خواجه

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۷۷ ق)، جواهرشناس، منجم و ریاضیدان. وی به جودت طبع و حدت ذهن شهرت تمام داشت. در اوایل حال مدتی به کسب علوم پرداخت و در علم نجوم و ریاضی مهارت یافت. به جهت وجه معاش کسب زرگری اختیار کرد و در عیار گرفتن زر استاد بنا شد. وی بعد از گزاردن حج و طواف مرقد مطهر پیامبر (ص) در سال ۱۰۷۷ ق به وطن مراجعت کرد و در همان ایام در بستر بیماری افتاد و دار فانی را وداع گفت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲۲۷/۱)، جامع مفیدی (۵۱۳/۳).

سنجی، ابوداود سلیمان

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۵۷ ق)، حافظ، محدث، مورخ، نحوی، ادیب، و شاعر. نسبتش به سنج، یکی از توابع مرو، می‌رسد. وی در لغت و فنون مهارت بسزایی داشت. تمامی آن علوم را از اصمعی و دیگر اساتید وقت فراگرفت. به عراق و حجاز و یمن و مصر کرد و به بغداد رفت و با حافظان حدیث آنجا به مذاکره پرداخت. او از نصر بن شمیل و عبدالرزاق بن همام و حسین بن حفص اصفهانی و عثمان بن عمر بن فارس و عمرو بن عاصم و بسیاری دیگر حدیث شنید. مسلم و ترمذی و نسائی، صاحبان سه «صحیح»، و همچنین ابوحاتم رازی و ابن خراش و محمد بن عقیل بلخی و ابن ابی‌داوود از وی حدیث روایت کرده‌اند. پاره‌ای از رجال‌شناسان او را ثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند. از آثار وی کتابی در «تاریخ» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ بغداد (۵۲-۵۱/۹)، تهذیب التهذیب (۱۹۹/۴)، الجرح و التعديل (ج ۲ ق ۱۴۷/۱)، ریحانه (۹۱/۳)، معجم المؤلفین (۲۷۶/۴).

سنقر، محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۸۰ ق)، طراح فلزات. نقاش و طراح و سازنده‌ی قلمدان و ابزار فلزی زیبا بود. از آثار این هنرمند، قلمدان نقره‌کوبی به جای مانده که شکل ساده‌ای داشته و در داخل آن، تصاویر افرادی دیده می‌شوند که چهار زانو نشسته و اشیاء گوناگونی به دست دارند. در کناره‌های آن نیز، تصاویر اشخاص و نقوش دایره‌ای و ترسیم انواع اسلیمی‌ها به استادی عمل آمده و زمینه‌ی نقوش را تشکیل داده است و رقم نهاده: «عمل محمود سنقر سنه ثمانین و ستمائه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳/۱۱۳۳).

سهروردی، ضیاءالدین، ابوالنجیب عبدالقاهر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۳- ۴۹۰ ق)، فقیه شافعی، صوفی، محدث و مورخ. در سهرورد زنجان به دنیا آمد. در جوانی به بغداد رفت و از علوم رسمی بهره‌ی بسیار یافت فقه شافعی را از اسعد میهنی آموخت و کتاب «غریب الحدیث» را از ابوعلی بن نبهان شنید همچنین از ظاهر شحامی و ابوبکر انصاری نیز حدیث شنید. چندی متولی تدریس در نظامیه شد، اما از آن کار نیز منصرف شد و به عزلت و تصوف گرائید. در این امر هم از شیخ احمد غزالی ارشاد یافت. در مدت عزلت و مجاهدت از کسب دست خویش می‌خورد و چندی نیز سقائی کرد. پس از آن به و عظ پرداخت و شهرت و قبول فوق‌العاده یافت. مدرسه و رباطی بنا کرد که وجود او را ملجاء فقراء و درماندگان ساخت و مجالس او را محل توجه عام و خاص. در اواخر عمر به قصد زیارت بیت‌المقدس به شام رفت، اما به سبب غلبه و تهدید صلیبها موق به زیارت نشد، با این همه نورالدین زنگی مقدمش را گرامی داشت و او یک چند در دمشق ماند و مجلس وعظ هم برپا کرد. پایان عمرش در بغداد رسید. از جمله آثارش: «آداب المریدین» که شروح بسیاری بر آن نوشته شده؛ «شرح اسماء الحسنی»؛ «غریب المصابیح». صاحب «الکامل» نسبت وی را شهرزوری آورده. [۱]

(منسوب به سهرورد) ابوالنجیب ضیاءالدین عبدالقاهر بن عبدالله عارف معروف (و. حدود ۴۰۹- ف. ۵۶۳ ه. ق.). از مریدان احمد غزالی (ه. م.) است و مصنفات بسیار بدو نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۷۴/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۲۲۰)، تاریخ نظم و نثر (۷۲۵)، جستجو در تصوف (۱۷۲- ۱۷۱)، دایرة‌المعارف فارسی (۱۳۸۵- ۱۳۸۴/۱)، الذریعه (۲۹- ۲۸/ ۱)، ریحانه (۲۸۳- ۲۸۲/ ۷)، سیر النبلاء (۴۷۸- ۴۷۵/ ۲۰)، الکامل (۹۸/۹)، کشف الظنون (۱۱۰۱، ۴۳)، لغت نامه (ذیل/ ابونجیب)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۵۶۳)، معجم البلدان (۳/ ۳۲۹)، معجم المؤلفین (۵/ ۳۱۱)، نحفات الانس (۴۲۱- ۴۲۰)، وفيات الاعیان (۲۰۵- ۲۰۴/ ۳)، هدیه العارفین (۶۰۷- ۶۰۶/ ۱).

سهمی قرشی جرجانی، ابوالقاسم حمزه

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۸/۴۲۷/۴۲۶- ۳۴۰ ق)، مورخ و محدث. در گرگان متولد شد و به اصفهان و ری و غزنه و خراسان و عراق و شام و مصر و اهواز سفر کرد. از پدر و ابی‌بکر محمد بن احمد بن اسماعیل صرام و ابن احمد بن عدی و ابوبکر اسماعیلی حدیث شنید و همچنین از ابومحمد بن ماسی و ابوحفص زیات و ابوبکر بن عبدان شیرازی و ابوالحسن دارقطنی و دیگران روایت کرد. ابوبکر بیهقی و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح موذن و ابراهیم بن عثمان جرجانی و ابوبکر احمد بن علی بن خلف شیرازی از وی حدیث روایت کرده‌اند. سرانجام در نیشابور وفات یافت. از آثار وی: «تاریخ جرجان» مشهور به «معرفه علماء اهل جرجان»؛ «معجم شیوخه»؛ کتاب «الاربعین فی فضایل العباس». صاب «کشف الظنون» در کنار «تاریخ جرجان»، «تاریخ استرآباد» را نیز به وی نسبت داده است و سال مرگ وی را ۶۷۰ ذکر کرده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۱۴/۲)، ریحانه (۴۰۱/۱)، سیر النبلاء (۴۷۱-۴۶۹/۱۷)، الکامل (۱۰/۸)، کشف الظنون (۱۸۴۳، ۲۹۰، ۲۸۱، ۵۷)، لغت نامه (ذیل / جرجانی)، معجم البلدان (۱۴۳-۱۴۱/۲)، معجم المؤلفین (۸۲/۴)، الوافی بالوفیات (۱۷۶/۱۳)، هدیه العارفین (۳۳۶/۱)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۵-۱۶۴/۳، ۱۴/۲).

سیاقی فارسی، نظام‌الدین علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۱۱ ق)، مورخ و شاعر. متخلص به سیاقی. وی از کارگزاران نامی دربار صفویه بود. نخست منصب استیفاء کهکلیویه و کازرون را داشت و سپس به وزارت کل فارس منصوب شد. وی در تاریخ و علم سیاق و موسیقی بر دیگران برتری داشت. در «تاریخ نظم و نثر» آمده که کتاب «فتوحات شاهی» از او است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۷۱۰)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۸۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۴۷۶)، مرآت الفصاحه (۲۸۸-۲۸۷).

سید میرزایی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید محمد سید میرزایی، پس از اخذ دیپلم ادبی، از تهران، در رشته جامعه‌شناسی در مقطع کارشناسی در دانشگاه تهران پذیرفته و در سال ۱۳۵۰ به پایان رسانید. وی تحصیلات تکمیلی خود را در مقطع کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه استراسبورگ آغاز کرد و تا دوره دکترا در همان رشته در دانشگاه مذکور پیشرفت و در سال ۱۳۵۶ دکترای خود را اخذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سوابق تحصیلی سید محمد سید میرزایی به ترتیب زیر است: دیپلم: ادبی / ۱۳۲۶ / تهران کارشناسی: جامعه‌شناسی / ۱۳۵۰ / تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: جامعه‌شناسی / ۱۳۵۲ / استراسبورگ / دانشگاه استراسبورگ دکترا: جامعه‌شناسی / ۱۳۵۶ / استراسبورگ / دانشگاه استراسبورگ مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق کاری و مدیریتی سید محمد سید میرزایی به قرار زیر است: - مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی سال ۵۸ - معاون آموزشی دانشگاه الزهرا سال ۶۳ - معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۶۲ تا ۶۶ - معاون آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۶۸ تا ۶۹ - معاون آموزشی دانشگاه یزد از سال ۷۰ تا ۷۹ - مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۷۴ - رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۷۹ تا ۸۳ - رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۸۵ تاکنون عضویت در مراکز علمی و پژوهشی - مدیر مسئول پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (علمی - پژوهشی) از سال ۷۹ تا ۸۳ - مدیر مسئول پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (علمی - پژوهشی) از سال ۸۵ تاکنون - نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران

سال ۸۰ تاکنون - مجله علوم انسانی دانشگاه مشهد از سال ۷۹ تا ۸۰ فعالیتهای آموزشی: سوابق تدریس: از سال ۵۶ تاکنون در دانشگاه شهید بهشتی آرا و گرایشهای خاص: علائق پژوهشی سید محمد سید میرزایی: حوزه‌های مورد علاقه تحقیق: جمعیت‌شناسی / جامعه‌شناسی شهری زمینه تخصصی: جمعیت‌شناسی چگونگی عرضه آثار: فعالیت‌های پژوهشی سید محمد سید میرزایی: تعداد مقالات چاپ شده در مجلات علمی: ۱۳ مورد عنوان‌های طرح‌های پژوهشی و زمان اجرایی آن - تحولات جمعیتی و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی آن طی ۳۰ سال گذشته تعداد راهنمایی رساله‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری: ۷ مورد آثار: جمعیت جهان (۲ جلد) ویژگی اثر: ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۸۱۲ جمعیت جهان در سال ۲۰۰۲ ویژگی اثر: ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۸۴۳ جمعیت‌شناسی آماری ویژگی اثر: ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۷۰۴ جمعیت‌شناسی عمومی ویژگی اثر: تالیف، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۸۲۵ شهر امروز (حوزه جامعه‌شناسی شهری) ویژگی اثر: ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال ۱۳۸۲

سیدالحکمای تبریزی، شرف‌الدین، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۶ - ۱۲۰۲ ق)، فقیه، طیب، فیلسوف، مورخ و ریاضیدان. در تبریز متولد شد و پس از تحصیلات ادبی در زادگاهش، رهسپار نجف اشرف شد و در آنجا علوم منقول را نزد صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و شیخ مرتضی انصاری فراگرفت و به کسب اجازه اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت به زادگاهش به دلایلی از تدریس و ترویج علوم دینی روی برتافت و به اصفهان رفت و در آنجا مدت پانزده سال به فراگیری طب نزد میرزا حسن شروانی پرداخت، علوم معقول را نیز نزد ملا-علی نوری و حاج ملاهادی سبزواری در سبزواری فراگرفت. پس از آن به تبریز بازگشت و به امر طبابت مشغول بود تا دارفانی را در همان جا وداع گفت. پیکر وی را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی السلام دفن نمودند. از آثار وی: «تاریخ تبریز»؛ «تعیین قبله»؛ حاشیه «جواهر الکلام»، در فقه؛ حاشیه «شرح منظومه» سبزواری، حاشیه «کلیات قانون» شیخ الرئیس؛ حاشیه «مکاسب شیخ انصاری»؛ شرح «طب الائمة»؛ شرح در «طب النبوی»؛ «قانون العلاج»؛ حاشیه «شرح نفیسی»، در طب؛ «طلسمات و مثلثات و مربعات»؛ «کیفیت پر کردن صد اندر صد عددی»؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «رساله‌ی تعلیم خط کوفی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۱۰)، الذریعه (۲۳/ ۱۷، ۴۵/۱۲، ۱۹/۸، ۶۳/۵، ۷۳/۴)، ریحانه (۱۱۷- ۱۱۵/ ۳)، لغت نامه (ذیل / علی)، معجم المؤلفین (۲۰۳/۷)، مکارم الآثار (۱۳۴- ۱۳۳/ ۱).

سیدعلوی، میر ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میر ابراهیم سیدعلوی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۸/۱/۱

زندگینامه علمی

این جانب میر ابراهیم سید علوی فرزند مرحوم حاج میر سلیمان بن سید جعفر بن سید حسین ابن سید محمد موسوی در سال ۱۳۱۸ ه.ش برابر با یکم شوال ۱۳۵۸ ه.ق در روز عید فطر در شهر تبریز در محله ویجویه (ورجی) متولد شده ام. پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی در مدرسه دیانتی محمدیه که با اذن مرحوم آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمره ای بانی و موسس مدرسه حجتیه قم تاسیس یافته بود در همان سنین نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی و دانش های دینی علاقه نشان دادم و روزها در مدرسه طالبیه (جمعه مسجد) به یادگیری صرف و نحو عربی پرداختم و جامع المقدمات، سیوطی، جامی و دیگر کتب ادبی را آموختم. آنگاه برای ادامه تحصیلات عازم حوزه علمیه قم شدم. اول در مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه، منزل کردم. و دروس سطح را (شرح لمعه، منطق، معالم، رسایل، مکاسب، کفایه الاصول و غیره) را نزد اساتید وقت، حضرات: حاج میرزا یدالله دوزدوزانی، جعفر سبحانی، ناصر مکارم، میرزا حسین نوری، میرزا علی مشکینی، سید محمد باقر سلطانی (طباطبایی) حدودا در سال های ۱۳۳۳ ش الی ۱۳۴۰ ش سال وفات آیت الله بروجردی خواندم. و ضمنا دروس فلسفه و کلام و تفسیر و نهج البلاغه را همزمان نزد علامه طباطبایی و دیگر اساتید وقت می خواندم از قبیل حاج سید حسین قاضی تبریزی و حاج آقا مصطفی خمینی و دکتر مفتاح و غیرهم. و تقریبا پس از پایان سطوح، ده سال و اندی در درس خارج فقه و اصول مراجع و آیات وقت رضوان الله علیهم، و اندک زمانی در درس های امام خمینی قدس سره حضور یافتم و زمانی کوتاه هم به نجف اشرف مشرف شدم لیکن پس از چند ماه مراجعت کردم و در قم به ادامه تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۵۰ ش بعد از آن که از دانشکده الهیات (دانشکده معقول و منقول) به تشویق مرحوم دکتر مفتاح دیپلم مدرسی در رشته معقول کسب کرده بودم با دیپلم ادبی و شرکت در کنکور سراسری وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته جامعه شناسی، لیسانس گرفتم. و از زمان های جوانی در جلسات نویسندگی آیت الله مکارم شیرازی (شب های جمعه) و جلسات اسلام شناسی دکتر مفتاح در رشته نویسندگی وارد شدم و از همان وقت کتاب هایی تألیف، ترجمه و تحقیق کردم که برخی به چاپ رسیده است و نیز به مناسب های علمی مقالاتی می نویسم که نزدیک یکصد مقاله به طبع آراسته شده است.

سیدی نیا، اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اکبر سیدی نیا

محل تولد: سلماس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۶/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۳ در شهرستان سلماس در خانواده مذهبی متولد شدم و تا تحصیلات دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک در این شهرستان مشغول به تحصیل بودم. در مهر سال ۱۳۷۰ به منظور کسب معارف عالی اسلامی وارد حوزه علمیه تبریز مدرسه ولیعصر (عج) شده و تا سال ۱۳۷۴ با پایان سطح یک حوزه علمیه وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۸ مدرک سطح دو حوزه علمیه را دریافت کردم. سال ۱۳۷۷ در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات اسلامی، دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و تفسیر را گذرانده و سال ۱۳۷۸ در رشته جامعه‌شناسی وارد دانشگاه باقرالعلوم (ع) شدم. از سال ۱۳۸۳ نیز عهده‌دار وظیفه دبیر تحریریه و مدیر اجرایی مجله علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی شده و در کنار تحصیلات به تألیف مقالات و پژوهش‌ها در زمینه جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم قرآن و تفسیر و کلام شدم و مقالاتی از اینجانب در مجلات علمی پژوهشی، همایش‌ها و مجلات تخصصی به چاپ رسیده است. همچنین از سال ۱۳۷۷ در درس خارج حوزه علمیه شرکت داشته و از محضر حضرات آیات عظام جوادی آملی (دام عزه)، مرحوم صالحی مازندرانی (ره)، فاضل گلپایگانی و عابدی اصفهانی فیض برده‌ام. در کنار درس خارج از درس پر برکت تفسیر علامه آیت‌الله جوادی آملی (دام عزه) بهره بردم

سیستانی، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، مورخ. وی از امرای سیستان و جد مادری مولف «احیاء الملوک» در تاریخ سیستان بود. که با نظام‌الدین یحیی بن ملک عزالدین علی پادشاه سیستان معاصر بود. خود وی نیز کتابی درباره تاریخ سیتان نگاشته بود. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۵۴).

شادی طلب، ژاله

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر ژاله شادی طلب دانشیار گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان دارای دکتری رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی آیوا در امریکا می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: ژاله شادی طلب مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (۱۳۴۷)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی بال ایندیانا در امریکا و (۱۹۴۷) و دکتری را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی آیوا در امریکا اخذ نموده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: در خصوص سابقه خدمات علمی اجرایی خانم دکتر شادی طلب می توان مواردی همچون «معاون برنامه ریزی بخش کشاورزی و عمران روستائی» و «ریاست مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشکده علوم اجتماعی» را نام برد. ایشان عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران می باشد. فعالیت‌های آموزشی: موارد تدریس ژاله شادی طلب به قرار زیر است: «اصول آموزش و ترویج تعاونی»، «اقتصاد ایران» و «سازماندهی و مدیریت در تعاونی» (در مقطع

کارشناسی) و «اصول و سیاستهای توسعه صنعتی روس»، «برنامه ریزی روستائی»، «توسعه اجتماعی»، «توسعه اقتصادی» و «جنسیت و توسعه» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است. چگونگی عرضه آثار: ژاله شادی طلب مولف کتاب «جامعه شناسی فاجعه تجربه زلزله رودبار و منجیل» (۱۳۷۲) و مقالات «تجربه ای نو در برنامه ریزی توسعه روستائی برنامه ریزی چند سطحی»، «زن در توسعه»، «عوامل موثر بر مشارکت آسیب دیدگان زلزله در روند بازسازی»، «نقش مناطق آزاد تجاری-صنعتی در توسعه»، «آسیب پذیری شهر تهران»، «ابعاد اجتماعی-اقتصادی تجربه سیل گنبد و گرگان»، «بررسی زمینه های اجتماعی تجربه زلزله منجیل»، «تعدیل ساختار اقتصادی و سیاستهای اعتباری بخش کشاورزی»، «جامعه شناسی کاربردی و نقش جامعه شناس»، «زنان روستائی گروه های حاشیه ای در توسعه»، «مدیریت بحران برنامه ریزی پس از فاجعه زلزله»، «مدیریت فاجعه: عوامل موثر بر مشارکت آسیب دیدگان زلزله در روند بازسازی»، «مدیریت فاجعه- درس هایی از هشدارهای زلزله»، «مدیریت فاجعه: سازمان هماهنگی ملی»، «مسائل سیستم اعتبار کشاورزی در ایران (عدم باز پرداخت)»، «بازسازی و توسعه اولین قدم از یک تجربه»، «جامعه شناسی فاجعه: تجربه زلزله رودبار-منجیل»، «اشتغال زنان در فرآیند توسعه»، «الگوی پس انداز در جامعه روستایی ایران»، «دیدگاه مردان روستایی نسبت به کار زنان»، «ضرورت تحقیقات بین بخشی و مشکلات جامعه شناسی»، «فرایند توسعه و عقب ماندگی زنان ایران»، «مدیریت زنان: ضرورت تغییر رفتار در نقش مدیریت»، «حرفهای دامداران را هم بشنویم»، «سازمانهای غیر دولتی زنان راهی برای مشارکت در جامعه مدنی»، «مشارکت زنان روستایی در تامین و تجهیز منابع»، «زنان کشاورز ایرانی در برنامه توسعه»، «برنامه ریزی جنسیتی بر پایه واقعیتها»، «زنان ایرانی انتظارات ارتقاء یافته»، «زنان: بسته ترین حلقه زنجیر فقر»، «سیاستهای اجتماعی در مدیریت جنگل»، «مشارکت اجتماعی زنان»، «فقر زنان سرپرست خانوار»، «The Iranian Women: Rising Expectations»، «Rural women's Bank of Middle Eastern Women Phenomenology of an Experience...» و «on the Move» است. ایشان مسئولیت طرحهای تحقیقاتی مختلفی از جمله «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار»، «رایزنی و ترویج»، «بررسی ابعاد اقتصادی-اجتماعی مهاجرت روستایی در شهرستان گچساران طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۷۵ (مطالعه موردی دهستان بابویی)» (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی موثر بر پذیرش آبگرمکن خورشیدی خانگی در نواحی روستایی: مطالعه موردی شهرستان بردسکن» (۱۳۸۶)، «پیامدهای توسعه مشارکت زنان»، «زنان و توسعه: چالشها و چشم اندازهای توسعه ایران»، «ابعاد جنسیتی الگوها و ویژگیهای فقر در ایران»، «ابعاد جنسیتی بازار کار و ویژگیهای اشتغال در ایران» و «سیاست ها و برنامه های دولت برای ایجاد اشتغال» را نیز برعهده داشتند. گزارشهای علمی با عناوین زیر از دیگر فعالیتهای علمی ایشان است: «پس انداز زنان روستائی»، «بازتاب تلاش های سازمان های بین المللی در جامعه زنان روستائی»، «بررسی آسیب پذیری شهر تهران در برابر زلزله: ابعاد اجتماعی-اقتصادی»، «جامعه شناسی یک رفتار اقتصادی»، «جنگلداری و اجتماع»، «زنان روستائی ایران»، «مروری بر مهاجرت از روستا به شهر» و «مسائل سیستم اعتباری کشاورزی در ایران: عدم بازپرداخت». آثار: «جامعه شناسی فاجعه تجربه زلزله رودبار و منجیل» (۱۳۷۲) ویژگی اثر: تالیف

شارع پور، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمود شارع پور متولد سال ۱۳۴۵ است. وی تحصیلات دانشگاه خود را دوره کارشناسی رشته علوم اجتماعی با گرایش پژوهشگری در دانشگاه تهران آغاز و در سال ۱۳۶۶ به پایان رسانید. ایشان مدرک کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی از دانشگاه

تهران در سال ۱۳۷۰ و دکترا جامعه‌شناسی را از دانشگاه ملی استرالیا در سال ۱۳۷۶ دریافت کرده است. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه مازندران می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی و دانشگاهی محمود شارع پور به ترتیب زیر است: لیسانس علوم اجتماعی با گرایش پژوهشگری دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۶ فوق لیسانس جامعه‌شناسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۰ دکترا جامعه‌شناسی دانشگاه ملی استرالیا در سال ۱۳۷۶ دوره فرصت مطالعاتی (روشهای سنجش سرمایه اجتماعی) تحقیقات اجتماعی دانشگاه تورنتو کانادا ۱۳۸۵-۱۳۸۴ همسر و فرزندان: محمود شارع پور متأهل و دارای یک فرزند می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل و سمتهای اداری و مدیریتی محمود شارع پور به قرار زیر است: عضویت در انجمن جامعه‌شناسی استرالیا از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷. عضویت در انجمن روانشناسی اجتماعی استرالیا از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۷. عضویت در انجمن جهانی جامعه‌شناسی ورزش از سال ۲۰۰۳ تاکنون. عضویت در انجمن جامعه‌شناسی آمریکا و همچنین عضویت در بخشهای روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در آن انجمن از سال ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸. عضویت در انجمن جامعه‌شناسی ایران از سال ۱۳۷۶ تاکنون. عضویت در انجمن آموزش عالی ایران از سال ۱۳۸۲ تاکنون. عضویت در گروه پژوهشی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش - پژوهشکده تعلیم و تربیت - وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰. عضویت در شورای پژوهشی دانشگاه مازندران از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷ و از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲. عضویت در شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹. عضویت در کمیته تحقیقات اداره کل تعاون استان مازندران از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰. عضویت در کمیته کتاب و انتشارات دانشگاه مازندران از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷. عضویت در انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲. عضویت در انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی ورزش از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴. عضویت در شورای پژوهشی اداره کل فنی و حرفه‌ای استان مازندران از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴. عضو کمیته علمی همایش جوان و جامعه - دانشگاه آزاد اسلامی قائم شهر - اسفند ۱۳۷۷. مروج پژوهشی در سطح کشوری - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - دی ۱۳۸۰. مدیر اجرایی دوره مددکاری اجتماعی برای نیروهای انتظامی سراسر کشور - تیر ۱۳۷۹. عضو کمیته علمی همایش توسعه فرهنگی - دانشگاه شمال، اردیبهشت ۱۳۸۳. مدیر گروه علوم اجتماعی در دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران - از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰. برگزاری برنامه نود و ستانه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان - دانشگاه مازندران، مهر ۱۳۷۷. دبیر اجرایی هفتمین همایش انجمن جامعه‌شناسی ایران - آذر ۱۳۷۷. عضویت در هیأت مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران، از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰. رئیس مرکز کامپیوتر دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، دی ۷۸. خزانه دار انجمن جامعه‌شناسی ایران، از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰. بازرس انجمن جامعه‌شناسی ایران از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲. برگزاری جشنواره غذاهای محلی - دانشگاه مازندران، آبان ۱۳۸۰. برگزاری جشن اهدای کتاب - دانشگاه مازندران، آذر ۱۳۸۰. مدیر پژوهشی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲. دبیر علمی همایش: جایگاه گفت و گوی فرهنگها در بین قشرهای مختلف جامعه - دانشگاه مازندران و مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدنها - هفتم اسفند ۱۳۸۰. دبیر علمی همایش: دانشگاه و گفت و گوی تمدنها - دانشگاه مازندران و معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم - خرداد ۱۳۸۱. عضو هیات مدیره انجمن آموزش عالی ایران - از خرداد ۱۳۸۴. عضو هیات تحریریه مجله علمی-پژوهشی انجمن جامعه‌شناسی ایران عضو هیات تحریریه پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران مدیر دفتر انجمن جامعه‌شناسی ایران در استان مازندران از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ عضو کمیسیون عمرانی شورای شهر بابلس از مرداد ۱۳۸۶ عضو کمیته ارتقای دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران از مهر ۱۳۸۵ تا مهر ۱۳۸۷. عضو کمیته علمی همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت - مهر ۱۳۸۶. فعالیتهای آموزشی: سوابق آموزشی محمود شارع پور به ترتیب زیر است: تدریس درس زیر در دانشگاه مازندران در سالهای مختلف در مقطع کارشناسی: مبانی جامعه‌شناسی - روان‌شناسی اجتماعی - جامعه‌شناسی آموزش و پرورش - کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی زبان تخصصی علوم اجتماعی. تدریس درس

روش تحقیق در دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی راهنمایی و مشاوره چند رساله کارشناسی ارشد در دانشگاه مازندران و مرکز آموزش مدیریت دولتی. همکاری با دانشگاه پیام نور در ارائه دروس: زبان تخصصی و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش جوایز و نشانها: پژوهشگر نمونه استان مازندران در هفته پژوهش - آذر ۱۳۸۰. چگونگی عرضه آثار: تعداد شرکت و ارائه مقاله در سمینارها، کنفرانسها و همایش‌ها: ۳۶ مورد تعداد مقالات منتشر شده: ۲۵ مورد تعداد طرحهای پژوهشی: ۲۲ مورد آثار: ارتباط بین فرهنگها (ترجمه) ویژگی اثر: مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها در دست اقدام ۲ بررسی مسائل اجتماعی ایران (مشارکت در تالیف) ویژگی اثر: دانشگاه پیام نور ۱۳۸۳ ۳ توسعه فرهنگی و محیط زیست (ترجمه) ویژگی اثر: مرکز بازناسی اسلام و ایران ۱۳۸۰ ۴ جامعه‌شناسی آموزش و پرورش (تألیف) - چاپ سوم ویژگی اثر: سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاهی) ۱۳۸۳ ۵ جامعه‌شناسی شهری ویژگی اثر: سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاهی) در دست اقدام ۶ سرمایه اجتماعی ویژگی اثر: سازمان مدیریت و برنامه ریزی ۱۳۸۵

شاهین، داریوش

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شادروان داریوش شاهین یکی از دین پژوهان متجدد و امروزین و راسخ در عقیده و علم و ایمان بود. در سال ۱۳۷۶ این بنده در گرماگرم تدوین دانشنامه ی قرآن و قرآن پژوهی بودم که با وزیدن نفحات توفیق رحمانی، در سال ۱۳۷۷ از سوی نشر دوستان در ۲ جلد، مشتمل بر ۳۶۰۰ مقاله از جمله بالغ بر نزدیک به ۸۰۰ زندگینامه ی قرآن پژوهان از قاری و مقری و مفسر و خوشنویس و غیره منتشر شد. با بنده ۱۶-۱۷ مولف جوان همکاری می کردند که اگر یاری الهی به صورت یاری بندگان پاکدلش در نمی آمد، تدوین و جمع و نشر آن مرجع مشکل گشا ممکن نبود. یکی از مشکل گشاییهای ساده ی این مرجع کوتاه اما جوابگو این بود که شرح حال خود نوشت دست کم دویست تن از مترجمان و مفسران و سایر قرآن پژوهان را در برداشت. به یاد هست که دو سه بار به منزل آقای داریوش شاهین تلفن زدم که لطف کنند و زندگینامه ی خود نوشتی برای درج در آن دانشنامه بنویسند، بی علاقگی و اکراه از لحنش آشکار بود. زیرا در سالها شاید دهه ها پیش که من بچه بودم، روزی در پشت ویتترین کتابفروشی ها ترجمه ای از قرآن کریم دیدم که ترجمه ای گسترده و آزاد بود که انگلیسی ها به آن نوع ترجمه Para phrase یا نقل به معنا، بدون قابلیت مطابقه ی واو به واو با متن اصلی که برای رسایی بیشتر و همه فهمی و مردم پسندی است، گویند؛ و ایشان روی جلد و صفحه ی عنوان ترجمه ی خود از قرآن کریم نوشته بودند: «ترجمه و نگارش داریوش شاهین»، بنده و شاید بسیاری ها تکان خورده بودند که مگر قرآن کریم می تواند نگارش کسی جز خداوند باشد؟ و بنده اشاره وار در یکی از مصاحبه ها و مقالات خود از این مسئله به شگفتی یاد کرده بودم که ایشان آن را حمل بر تمسخر کرده بودند.

همین است که به درخواست من پاسخ مثبتی ندادند و حاصل این شد که تهیه ی یک صفحه شرح حال از ایشان برای جامعه ی علمی دشوار است.

خوشبختانه، هنگامی که این بزرگ مرد پرکار با کارنامه ی فرهنگی پربارش در گذشت (چهارم آبان ماه ۱۳۸۰) یک زندگینامه ی کوتاه و پر اطلاع نیز همراه با آگهی نامه ی مربوط به اعلام وفات او منتشر شد، که در آن چنین اطلاعاتی آمده است: از داریوش شاهین بیش از ۳۰۰ جلد تالیف، ترجمه، مجموعه های مختلف و داستان در عرصه ی ادبیات، شعر و مذهب به یادگار مانده است. در بخش مذهب شادروان شاهین به ترجمه ی نهج البلاغه به زبان انگلیسی توفیق یافت. کتابی به نام یکصد گوهر

شامل کلمات قصار حضرت علی (ع)، به انتخاب و کوشش او تدوین و به پنج زبان ترجمه شده است. او چندین دهه هم برای رادیو نویسندگی و تهیه‌ی مطلب می‌کرد. دیگر از آثار او تاریخ ایران در یکصد قرن است که نه صرفاً تاریخ سیاسی، بلکه اجتماعی و هنری و فرهنگی ده هزار ساله‌ی ایران است و به انگلیسی هم ترجمه شده است. در عین حال و این همه پرکاری قلمی، آن بزرگوار به مدت سی سال در مرکز توسعه‌ی صادرات ایران خدمت کرد و از همان جا پس از ۳۰ سال بازنشسته شد. برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه‌های امروزی فارسی قرآن کریم

شایان، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۷۶ آمل.

درگذشت: ۱ آبان ۱۳۶۴.

مؤلف دو جلد کتاب مازندران (چاپ دوم ۱۳۳۶) و مصحح کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تألیف سید ظهیرالدین مرعشی (چاپ تهران بهمن ۱۳۳۳). برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شبانکاره ای، محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۶۹۷ ق)، نویسنده، مورخ و شاعر. در ولایت شبانکاره‌ی فارس به دنیا آمد و پس از کسب کمالات به شاعری پرداخت. وی مداح خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین فضل‌الله، وزیر سلطان ابوسعید بهادرخان (آخرین پادشاه مغول) بود و قصایدی در مدح او سرود. از آثار وی می‌توان از کتابی به نام «مجمع الانساب» نام برد که تألیف آن را در ۷۳۳ ق آغاز نمود و در ۷۳۶ ق به پایان برد و آماده‌ی تقدیم به سلطان ابوسعید (م ۷۳۶ ق) کرد و به همین قصد کتاب را در اختیار خواجه غیاث‌الدین محمد نهاد در همین زمان سلطان ابوسعید درگذشت و با دگرگونی دولت ایلخانی، خواجه غیاث‌الدین نیز به قتل رسید و ربع رشیدی به غارت رفت که در این میان کتاب محمد شبانکاره‌ای هم مفقود شد. به همین سبب او دوباره به تألیف کتاب پرداخت و در ۷۴۳ ق آن را به اتمام رساند و وقایع مربوط به اواخر عهد ابوسعید را نیز بر آن افزود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۷۰- ۱۲۶۹/۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۸۳- ۱۸۲)، تاریخ مغول (۵۲۲- ۵۲۱)، الذریعه (۱۹/ ۲۰)، فرهنگ سخنوران (۸۱۴)، مجمع الانساب (مقدمه).

شجعی، زهرا

قرن: ۱۵

جنسیت: زن

ملیت: ایران

زهرا شجیعی در مشهد ولادت یافت. وی همزمان با افتتاح مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران جزء اولین گروه پژوهشگران انتخابی مؤسسه، در بخش جامعه‌شناسی ایران عهده دار مطالعه در مورد شناخت ترکیب طبقات و نظام اجتماعی ایران بود. کتاب *نخبگان سیاسی ایران* محصول تلاش ۲۰ ساله ایشان در این مؤسسه تحقیقی است. کتاب مذکور تالیف شجیعی، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: زهرا شجیعی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در آن شهر، به تهران آمد و در رشته فلسفه و علوم تربیتی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به ادامه تحصیل پرداخت و پس از اخذ درجه کارشناسی، مقطع کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی همان دانشگاه در سال ۱۳۳۹ به پایان رساند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: زهرا شجیعی همزمان با افتتاح مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران جزء اولین گروه پژوهشگران انتخابی مؤسسه، در بخش جامعه‌شناسی ایران عهده دار مطالعه در مورد شناخت ترکیب طبقات و نظام اجتماعی ایران بود. جوایز و نشانها: کتاب *"نخبگان سیاسی ایران"* تالیف زهرا شجیعی، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آثار: ترکیب گروهها و منشا اجتماعی نمایندگان مجلس شورای ملی از بدو مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ترکیب گروهها و منشا اجتماعی وزیران و نخست وزیران عصر مشروطیت، *نخبگان سیاسی ایران* ویژگی اثر: تالیف، این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «نخبگان سیاسی ایران»: *نخبگان سیاسی ایران* از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی؛ زهرا شجیعی؛ تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۲. ۴ ج. در بررسی برگزیدگان سیاسی، هدف اصلی و اساسی، شناخت جامع سیاسی ایران از طریق روشن کردن احوال و مشخصات و منشأ اجتماعی گروه واجد قدرت سیاسی در ایران از سوئی و تأثیر ویژگیهای جامعه و تحول آن در ترکیب گروه برگزیده سیاسی و متقابلاً اثر آنان در تحولات جامع عصر خود از سوی دیگر است. مطالعه در گروه نخبه، وسیله‌ای برای تعمق در قشربندی و نظام طبقاتی یک جامعه و مبین این است که تا چه حد تحرک ارتقائی یا نزولی در جامعه وجود دارد و یا جامعه دارای نظامی متحجر است و قطب بندی جامعه به صورت دو طبقه، یکی صدرگزين و دیگری ذیل نشین، تثبیت شده است. مؤلف در این تحقیق به بیان کلی تطور سازمانهای دولتی اکتفا ننموده بلکه بحثی مفصل را به تشریح دگرگونی تشکیلات و وظایف هر وزارتخانه خاصی از آغاز مشروطیت تا کنون اختصاص داده است. کتاب از حیث روش تحقیق و ارائی اطلاعات در زمین تاریخ تحولات سیاسی ایران کم نظیر است و بویژه عرضه مطالب در قالب جداول مفصل از امتیازات آن به شمار می رود. ۴ هیأت وزیران و نقش آنان در تحولات اجتماعی و اقتصادی ایران وزارت و تطور آن در ایران

شرف الدین، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین شرف الدین

محل تولد: ایذه خوزستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

۱۳۴۰ تولد، ۱۳۵۹ پایان دوره متوسطه، ۱۳۶۱ پایان دوره نظام وظیفه، ۱۳۶۲ ورود به حوزه علمیه قم و شروع طلبگی، ۱۳۶۵ ورود به موسسه در راه حق و شروع دوره تحصیلی این مرکز به موازات آموزش های مرسوم حوزه، ۱۳۶۹ اتمام دوره سطح (پایه دوم) ۱۳۶۹ شروع درس خارج و شروع دوره کارشناسی ارشد پیوسته در رشته جامعه شناسی، ۱۳۷۳ - ۱۳۷۶ شروع و اتمام دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی با گرایش فلسفه و کلام در بخش تربیت مدرس دانشگاه قم. ۱۳۷۶ اتمام دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی در موسسه امام خمینی ره. ۱۳۷۷ پذیرش عضویت هیات علمی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). در این سنوات علاوه بر دروس رسمی (اصلی و جنبی) حوزه افتخار شرکت در دروس تفسیر قرآن استاد جوادی آملی (۶ سال)، و آموزش دروس مختلف علوم انسانی در موسسه در راه حق (به مدت ۴ سال و حدود ۱۴۰ واحد) و دروس مختلف فلسفه، علوم القرآن داشته است.

شرکت در درس خارج بزرگان حوزه همچون آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی، تبریزی.

تدریس: از سال ۱۳۶۷-۱۳۷۲ در دروس مختلف حوزه به صورت حلقات شاگردان خصوصی، تدریس در مراکز دانشگاهی از ۱۳۷۲-۱۳۷۹ در قالب، درس عمومی (معارف اسلامی و ریشه های انقلاب) و از ۱۳۷۲ تا کنون تدریس مبانی جامعه شناسی، فلسفه تعلیم و تربیت، روش تحقیق، کلام جدید، انسان شناسی، نظریه های جامعه شناسی، اندیشه های اجتماعی متفکران مسلمان، جامعه شناسی دین، قشر بندی اجتماعی، سنت های اجتماعی در قرآن و سایر دروس علوم اجتماعی در مراکز مختلف حوزوی بویژه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره و برخی دانشگاه های قم چون دانشگاه قم، دانشگاه مفید مرکز جهانی علوم اسلامی، مرکز آموزش مبلغان. از سال ۱۳۸۳ تا کنون دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع).

شرف یزدی، شرف الدین علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۵۸ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به شرف. وی در فنون ادب و انواع کمالات ماهر و بسیار فصیح و منشی بلیغ بود، در فن انشا به تمامی اهل عصر خود تقدم داشت به فقر و تصوف راغب و در معما دارای دستی توانا بود و اولین تدوین کننده ی این فن می باشد. وی از جمله رجالی است که عهد آل مظفر و دوران تیموری را درک کرده. و در نزد تیمور لنگ مقرب بود و ابراهیم بن شاهرخ بن تیمور هم نسبت به وی محبت بسیاری داشت و به حسب اصرار او کتاب «ظفرنامه ی تیموری» را که حاوی احوال تاریخی خانواده ی تیموری و فتوحات امیر تیمور می باشد در ظرف چهار سال تالیف کرد و اطلاعات خود را از «ظفرنامه ی نظام شامی» و مطالبی که روزنامه چیان زمان تیمور گرد آورده بودند و از خزانه گرفته و از آنچه پیران سالخورده شنیده فراهم کرده است و چون جامع ترین کتابهای تاریخ تیموری است رایج ترین کتاب در این زمینه به شمار می رود. چندی پس از تالیف این کتاب مقدمه ای در شرح قبایل ترک و مغول و به اصطلاح آن زمان الوس جغتای یعنی انساب جغتای و احوال الوس بر آن کتاب نوشته که به «تاریخ جهانگیر» یا مقدمه ی «ظفرنامه» معروف شده وی را در مزار شرفیه کنار مسجد جامع میرچماق یزد به خاک سپردند. از دیگر تالیفات

وی: سه رساله به نام «مناظر»، «منتخب»، «الحلل المطرز فی المعما و اللغز»، در معما؛ «الکتاب فی علم الاسطرلاب»؛ «کنه المراد فی علم الوفق و الاعداد»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۵۰۵-۴۹۸)، اعیان الشیعه (۳۷۱/۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۶-۴۸۳، ۳۰۹-۲۹۹، ۱۱۸، ۱۰۷، ۱/۴)، تاریخ در ایران (۱۰۸-۱۰۹)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۹-۲۴۸)، تاریخ یزد (۲۲۸-۲۲۷)، تحفه سامی (۱۲۲)، تذکره سخنوران یزد (۱۶۶-۱۶۴)، تذکره الشعراء (۴۲۸-۴۲۵)، تذکره نصرآبادی (۴۹۹-۴۹۷)، جامع مفیدی (۳۰۴-۲۹۹/۳)، حبیب السیر (۱۶-۱۵)، دایرةالمعارف فارسی (۱۴۶۴/۲)، الذریعه (۳۹۸-۳۹۷/۲۲، ۱۷۶/۱۸، ۲۰۰/۱۵، ۵۱۷/۹)، ریحانه (۲۰۰-۱۹۸/۳)، سبک شناسی (۱۹۴-۱۹۳/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۲-۱۰۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۰)، کشف الظنون (۱۵۲۱، ۱۳۳۲، ۱۰۳۳، ۱۲۰)، لغت نامه (ذیل / علی)، معجم المؤلفین (۲۶۲/۷)، هدیه العارفین (۷۳۳/۱).

شریف قاینی، محمدجعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. هنرمند شهر قاین بود که در مکتب پدر سایر استادان زمان، فن تصویرگری آموخت و خود از استادان شد. جعفر در چهره‌سازی و مجالس بزمی و گل و مرغ و حل‌کاری سررشته داشت و آثار خود را پر آذین و چشم‌نواز ترسیم می‌کرد و دنباله‌رو سبک آقاجف بود. از آثار وی: قلمدانی در کمال زیبایی که رویه‌ی آن، منظره‌ی دریا و قایق است و طرفین قلمدان پر آذین و مذهب، با رقم: «چاکر آستان مبارک جعفر الشریف قاینی ۱۳۰۵»؛ قلمدان عکسی که حواشی آن گل و مرغ استادانه است، با رقم: «جعفر شریف القاینی ۱۳۰۲»، قلمدان مرغش طلایی که در رویه و در سه مدالیون مختلف، تصاویری رسم کرده که به شیوه‌ی فرنگی است، با رقم: «کمترین محمدجعفر الشریف القاینی ۱۲۸۲».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۳۲-۱۳۱/۱)، هنر قلمدان (۱۴۲).

شریف قاینی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. از این هنرمند دو قلمدان استادانه دیده شده که در شیوه‌ی آقاجف کار کرده و در یکی از این قلمدانها «محمدعلی شریف قاینی» و در دیگری «علی محمد شریف قاینی» رقم نهاده و تاریخها نیز تا حدی قرین بوده است. ممکن است که این دو نام، دو نقاش جداگانه باشند که در یک زمان فعالیت هنری داشته‌اند. به هر حال از آثار وی چنین برمی‌آید که استاد قاینی چهره‌پرداز و مجلس‌آرای خوبی بوده و در تذهیب و آرایش زمینه‌ها، استعداد وافری داشته است. از آثار او: قلمدان پر پیرایه‌ای که در رویه‌ی آن سه مدالیون بیضی شکل دیده می‌شود که در داخل مدالیون‌ها، قصه‌ی معروف شیخ صنعان و دختر ترسا نقش شده و کناره‌های قلمدان وزیر آن، تذهیب طلایی فوق‌العاده‌ای داشته است، با رقم: «عمل محمدعلی شریف قاینی

۱۲۸۲؛ قلمدانی در شیوه‌ی آقانجف که بسان کارهای وی، تصویر یوحنا را به قدرت تمام تصویر نموده است. در پایین رویه‌ی قلمدان، منظره‌ی سی و سه پل اصفهان نقش بسته و در کناره‌ها نیز، تصاویر و مناظر مختلفی، بین شش کتیبه‌ی بیضی شکل نقش بسته است، با رقم: «الاقل علی محمد شریف القابینی ۱۲۷۸».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۹۲۶-۹۲۵/۲)، هنر قلمدان (۱۴۲).

شریف، محمدعلی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۰۸ ق)، قلمدان ساز و نقاش. وی به غیر از محمدعلی شریف قابینی است. از آثار رقم‌دار او قلمدان گل و مرغی خوش نقشی است که جمع گلها را بر روی قلمدان ظاهر ساخته و جوانب آن را تذهیب کرده است، با رقم: «محمدعلی شریف ۱۲۰۸».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲/۹۲۴).

شعبانی صمغ آبادی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و جغرافیا از دانشسرای عالی تهران در سال ۱۳۳۸، کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه تهران از سال ۱۳۴۶، دکترای تاریخ اجتماعی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۴۹.

مرتبه علمی:

مربی دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۴۶، استادیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۱، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۶، استاد دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۵۶ تاکنون.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

زندگانی و آثار میرزا مهدی‌خان استرآبادی، ایل شاهسون بغدادی، تدریس دروس تاریخ اجتماعی ایران در عصر صفوی، تاریخ ایران، مبانی تاریخ اجتماعی ایران در دانشگاه کمبریج انگلستان و دانشگاههای مختلف کشور، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ نادرشاهی، حدیث نادرشاهی، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، تاریخ اجتماعی ایران در دوره نادرشاه.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۴۳، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

نقدی بر کتاب "دولت نادرشاه افشار،" کور کردن رضاقلی میرزا به دست نادر. nadir shah the political aspect of
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شفقت، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۱ ش)، خاتم کار. در تهران متولد شد و هنوز در دوران کودکی به سر می برد که به عنوان شاگرد به دکان استاد محمد صنیع خاتم سپرده شد که یگانه استاد او بود و سالیان بسیار در کنار او به تجربه اندوزی پرداخت. وی در سال ۱۳۱۳ ش به اتفاق گروهی از خاتم سازان دیگر به کار ساختن اتاق خاتم مرمر پرداخت. از جمله کارهای ارزنده‌ی شفقت می توان از صندوق مرقد حضرت زینب (ع) در شام، صندوق حضرت مسلم (ع) در کوفه با طرح «کند گره تو گره»، صندوق خاتم حضرت رقیه (ع) در سوریه و مرمت صندوق حضرت عبدالعظیم (ع) در ری نام برد.
برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۹، ص ۸۱-۸۰).

شمس کاشانی، شمس‌الدین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم و هشتم ق)، مورخ و شاعر. وی قصیده‌ای در مدح خواجه بهاء‌الدین محمد بن خواجه رشید سروده است. از آثار وی: «تاریخ غازان خان» است. فوت شمس‌الدین در زمان سلطان ابوسعید به وقوع انجامید.
برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ گزیده (۷۳۷)، تذکره‌ی روز روشن (۴۳۲)، حبیب‌السیر (۱۹۱/۳)، الذریعه (۵۴۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۱۴)، هفت اقلیم (۴۶۰/۲).

شمسی طبسی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۸۱۷ ق)، کوفتگر و فلزکوب. این هنرمند اقسام نقوش را بر روی فلزات ترسیم می‌نمود و با مهارت عمل می‌آورد. از آثار وی که با همکاری استادان دیگری پایان یافته، پنجره‌ی فولادی و زرکوب آستان قدس رضوی است که با نوشته‌های زرین آرایش یافته است و رقم «امر بعمار هذہ البنجره... سنه سبع عشر و ثمانمائه... عمل استادان کوفتگر مولانا شمس طیبی و...» دارد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۶۲/۳، ۲۴۸/۱).

شوکت شیرازی، شمس‌الدین حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۲ - ۱۲۵۴ ق)، مورخ، مترجم و شاعر، متخلص به شوکت. شوکت در تهران متولد شده و چندی در اصفهان و از آن پس در عتبات عالیات تحصیل کرد. نامبرده سالها منشی اول سفارت عثمانی در تهران بود. از آثار او: «تاریخ اسکندر» و «تاریخ شارل دوازدهم پادشاه سوئد» را به وی نسبت می‌دهند. در «فارسنامه‌ی ناصری» تخلص او شکوه شیرازی ذکر شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۸۸۵ - ۸۸۳/۲)، الذریعه (۵۵۱/۹)، شرح حال رجال (۳۳۴/۱)، فارسنامه ناصری (۱۱۷۱/۲)، المآثر و الآثار (۲۱۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۵/۲)، مجمع الفصحا (۵۳۵/۵)، مرآت الفصاحه (۲۲۵)، مکارم الآثار (۳۰۳/۲)، یغما (س ۷، ش ۴، ص ۱۶۲).

شهیدی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۲۹۷، مرتبه علمی: استاد، رشته: زبان و ادبیات فارسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات مقدماتی و ادبیات عرب و فقه و اصول در حوزه علمیه بروجرد، ادامه تحصیلات فقه و اصول، سطح و خارج در نجف اشرف تا مرحله اجتهاد، گواهینامه مدرسی از وزارت فرهنگ، کارشناسی علوم معقول و منقول از دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران، کارشناسی و دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح لغت‌نامه فارسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۵ پایان‌نامه دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۳

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات، تاریخ اسلام، سیره امامان و معصومان.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۰۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱۰

زمینه علمی مقالات:

تاریخ اسلام.

(تو ۱۲۹۷ ش)، استاد دانشگاه، مولف، مترجم و مصحح. وی در بروجرد در خانواده‌ی عالمان دین دیده به جهان گشود. مقدمات را در زادگاه خویش فراگرفت و برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رهسپار شد. برای تحصیلات حوزوی به عراق رهسپار شد و به مدت هفت سال در آنجا به تکمیل علوم دینی پرداخت. پس از آن به ایران بازگشت و یک سال بعد، از جانب علامه‌ی دهخدا برای همکاری در لغت‌نامه دعوت شد و در ضمن آن، به تدریس در دبیرستانهای تهران و اخذ مدرک کارشناسی از دانشکده‌های ادبیات و الهیات پرداخت. در سال ۱۳۴۰ ش موفق به گرفتن درجه‌ی دکترای ادب فارسی دانشگاه تهران شد موضوع پایان‌نامه‌ی وی درباره‌ی «شرح مشکلات دیوان انوری» است که به کرات چاپ شده است. پس از آن ضمن تدریس در دانشکده‌ی ادبیات ابتدا به معاونت موسسه لغت‌نامه‌ی دهخدا منسوب شد و پس از آن به ریاست آن. وی تاکنون سفرهای علمی بسیاری به کشورهای مختلف از جمله: مصر، عراق، الجزایر، چین و آمریکا داشته است و در سال ۱۳۷۳ ش از دانشگاه پکن به دریافت درجه‌ی استادی افتخاری نایل شد. دکتر شهیدی علاوه بر تبحر و استادی در زمینه‌ی لغت‌نویسی و دایرة‌المعارف نگاری در عرصه‌های تاریخ اسلام و ترجمه‌ی آثار دینی و شرح و تصحیح متون نیز استاد بوده است. آثار وی را می‌توان در سه بخش تقسیم‌بندی کرد. الف- تالیف: «جنايات تاريخ»، «علی از زبان علی (ع)»، «تاریخ تحلیلی اسلام»، «زندگانی حضرت فاطمه (ع)»، «زندگانی علی بن الحسین (ع)»، «آشنایی با زندگانی امام صادق (ع)»، «شرح مثنوی شریف». ب- تصحیح: «آتشکده‌ی آذر»، «دره‌ی نادره»، «براهین العجم». ج- ترجمه: «ابوذر غفاری»، «شیرزن کربلا»، «انقلاب اسلامی». [۱]

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه: [۱] کیهان فرهنگی (س ۱۳۶۳، ش ۱، ص ۱۲-۳، ش ۲، ص ۲۰-۱۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۲۳-۳۲۲/۲)، نامه‌ی شهیدی.

شیبانی، بصیرالملک

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا محمد طاهر شیبانی مستوفی کاشانی ملقب به بصیرالملک، فرزند میرزا احمد ادیب شیبانی است. وی به سال ۱۲۴۶ در کاشان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در کربلا و نجف به اتمام رساند و به درجات عالی‌ی علمی رسید. پس از بازگشت به ایران به دربار ناصرالدین شاه راه یافت. به سبب خط خوشی که داشت به منصب استیفا و مستوفی عالی رسید و سالها ریاست خازنی

بیوتات سلطنتی از قبیل کتابخانه، اسلحه خانه، بلورخانه و غیره را عهده دار بود و نیز ممیزی مالیه ی بعضی از ولایات را انجام می داد. وی مردی معتقد به شعائر اسلامی و اجرای مراسم مذهبی بود. از کارهای فرهنگی بصیرالملک تصحیح مثنوی مولوی است که به سال ۱۳۱۴ ق در تهران با کشف الایات که ابتکار خود او بود با چاپ سنگی منتشر کرد. این مثنوی به چاپ علاء الدوله معروف است. دیگر قرآن مترجم فارسی با کشف الایات با چاپ سنگی است. این قرآن به چاپ بصیر الملکی معروف است. دیگر از کارهای وی یادداشت های روزانه ی وقایع سالهای ۱۳۰۱ - ۱۳۰۶ ق (که چاپ حروفی شده و اصطلاحات گمگشته که حاوی اصطلاحات فراموش شده ی حرفه ها و دانشهای دیگر است. (دایره المعارف تشیع، ذیل «خاندان شیانی» ج ۷ / ص ۵۰) . برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

شیرازی، جانی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۸۷ ق)، نقاش، طراح و قلمدان ساز. وی تحت تربیت پدر هنرمندش، در شیوه ی روغنی، بخصوص در جلدسازی و قلمدان سازی تصویر می آفرید و در ارائه گل و مرغ ها و مجالس رزمی و صنعت تذهیب دست پر هنری داشت. از آثار وی: طراحی و پرداخت جلد روغنی جلد پنجم نسخه «الف لیل»، با رقم: «هم از خامه میرزا جانی آمد- به جلدش ریاحین جنت مصور»؛ قلمدان استادانه ای که بر رویه آن، صحنه ی شکاری ترسیم گشته و کناره های قلمدان نیز پر از دسته گل های زیباست، با رقم: «اقل کمترین میرزا جانی ابن احمد ۱۲۸۴»؛ قاب آینه ی هشت گوشه که بر روی آن گل های گوناگونی نقش شده، با: «رقم کمترین میرزا جانی ابن احمد ۱۲۸۷».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۲۸۹- ۱۲۸۸/۳).

شیرازی، عباس

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان ساز. از هنرمندان دوره ی ناصری است. وی یکی از شاگردان برجسته ی دارالصنائع ابوالحسن خان غفاری صنایع الملک بود که برای تحصیل فنون نقاشی به اروپا رفت و سالها نقاشیهای نقاشان ایتالیا را تمرین و تتبع کرد، اما خود ابداع کننده ی سبکی متناسب با ذوق ایرانی بود. این هنرمند در تصویر و شبیه سازی و گل و مرغ و منظره پردازی مهارت وافر داشت و صنعت تذهیب را خوب می دانست. از آثار او برمی آید که از آقا لطفعلی شیرازی و علی اشرف و رافائل، نقاش ایتالیایی، تأثیر پذیرفته است. از شاگردان وی، آقا ابراهیم و مصطفی شیرازی بودند. از آثارش: قلمدان تابوتی بزرگی که پنج مدالیون در رویه و چهار مدالیون در کناره ها دارد و در حواشی قلمدان، تصاویر دختران و پسران نقش بسته و در زمینه ی آنها گل و مرغ دیده می شود، و رقم نقاش چنین است: «رقم عباس شیرازی ۱۲۷۷»؛ قلمدانی که در وسط رویه آن، تصاویر مریم و مسیح (ع) است که صورت آنها در آینه نمودار شده، با رقم: «عمل عباس شیرازی سنه ۱۲۹۱»؛ قلمدان پر صورتی که تصاویر عرفا و شیوخ معروف، از قبیل شمس

تبریزی و مولوی، در نهایت قدرت ترسیم شده و کناره‌های نقوش نیز به تذهیب استادانه‌ای آرایش یافته، و رقم نقاش چنین است: «رقم کمترین عباس شیرازی ۱۲۹۲». در «احوال و آثار نقاشان» به چهار اثر دیگر وی اشاره شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲۹۵-۲۹۳ / ۱)، تاریخ هنرهای ملی (۱۰۰۴-۱۰۰۳ / ۲)، گلستان هنر (پنج‌جاه و یک)، هنر قلمدان (۱۳۰-۱۲۹).

شیرازی، مصطفی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۲۰ ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. وی به شیرازی موصوف بود و بعد از درک کمالات و اندوخته‌ی هنری به تهران آمد و در مجمع‌الصنایع ناصری، کارگاه هنری دایر نمود. این هنرمند در تصویرسازی و چهره‌پردازی مهارت داشت و در فرنگی‌سازی و ارائه مناظر قوی دست بود. وی همچنین گل و مرغ را در شیوه‌ی کلاسیک و شیوه‌ی نقاشان روسی، طبیعی به عمل می‌آورد و تذهیب و آرایش جوانب قلمدان، و در مواردی حل‌کاریها را به نازک‌قلمی ترسیم می‌نمود. مولف «آثار عجم» در ذکر او گفته: «جز نقاشی به تحصیل حکمت الهی و ریاضی هم مشغول است». از آثار وی: تصویر سیاه‌قلمی گل سرخی که در کمال استادی و در شیوه‌ی لطفعلی است و رقم «عمل کمترین مصطفی ۱۲۸۷» دارد؛ قلمدان عالی گل و مرغی که در شیوه‌ی فرنگی‌سازی عمل آمده و در وسط رویه‌ی آن، تصویر حضرت مریم و مسیح (ع) جلب نظر می‌نمود، بارقم: «مصطفی شیرازی»؛ قلمدان مرغشی پرحلاوتی که در رویه‌ی آن، تصویر حضرت سلیمان در البسه و هیبت بخصوص بود، بارقم: «بنده مصطفی شیرازی ۱۳۲۰». پنج اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۴۸)، احوال و آثار نقاشان (۱۱۶۰-۱۱۵۹ / ۳)، هنر قلمدان (۱۵۲، ۷۷، ۶۲).

شیرازی، یدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۹۰ ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. اهل شیراز و قلمدان‌ساز دوره ناصری بود و رد نقش گل و مرغ و چهره‌پردازی قلمی خوش داشت. نقش گلها در قلمدان‌های او ریز و درشت و ایرانی-فرنگی است و شباهت زیادی به شیوه فتح‌الله شیرازی دارد. از آثار وی: قلمدان گل و مرغی که در روی آن و در بین سه مدالیون متنوع آن، تصاویری از پریرویان ایرانی و فرنگی ترسیم شده، با: «رقم یدالله شیرازی ۱۲۹۰».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۲۶ / ۳)، هنر قلمدان. (۱۳۹).

شیرین، جلال

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جلال شیرین

محل تولد: اهواز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۶۲/۱/۱۵

زندگینامه علمی

حقیر ابتدائی را در شهر اهواز گذرانده و پس از آن همراه خانواده به قم آمدم دوره راهنمایی را در مدرسه امیر کبیر و دبیرستان را در مدرسه دین و دانش خیابان ۱۹ دی پشت سر گذاشتم و دبیرستان را با معدل ۲/۱۵ در رشته ریاضی فیزیک به اتمام رساندم پس از آن وارد حوزه مقدس علمیه شدم و پنج سال اول را در مدرسه علمیه امام حسن مجتبی علیه السلام و سال ششم را در مدرسه امام محمد باقر علیه السلام خوانده و هم اکنون در پایه ۷ مشغول به تحصیل به علوم دینی می باشم لازم به ذکر است پایه ۴-۵-۶ سه سال به عنوان طلبه ممتاز معرفی شدم از سه سال پیش ابتدا به عنوان دفتر دار یکی از معاونین و بعد به عنوان پژوهشگر مجله الرشد در سازمان حوزه ها و مدارس خارج از کشور مشغول به کار شدم. کارها در مجله تهیه و تنظیم مقالات مورد نظر از قبیل تدوین. نگارش. تلفیق. و مطابقت با معیارهای بین المللی مجله است و در آخر ترجمه آن به زبان ها ن انگلیسی. فرانسه. عربی. چینی. و غیره... این حقیر همچین ترم اول مترجمی فرانسه هستم از دانشگاه باقر العلوم.

صاحبی، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد صاحبی

محل تولد: شاهرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱۱/۲۰

زندگینامه علمی

محمد جواد صاحبی در سال ۱۳۳۳ در محله مغان شهرستان شاهرود به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی را در مغان و تحصیلات متوسطه را تا مقطع دیپلم ادبی در شهرستان شاهرود گذراند، همزمان بخشی از مقدمات علوم دینی را به طور متناوب در همانجا از محضر

فضلاى بزرگواری همچون جناب حجت الاسلام شیخ محمد حسین صائب چهکندى و دیگران فرا گرفت، با حوزه های مشهد و قم نیز در رفت و آمد بود و از سال ۱۳۵۷ در قم مستقر شد و علوم متداول حوزه را فرا گرفت.

ادبیات عرب را از محضر حجج اسلام آقایان بهجتى شفق، بیانی افغانى، سید محمود طالقانى، سید عباس موسوى و دیگران آموخت کلام و عقاید را از جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای مسعودى، فقه شرح لمعه را از حضرت آیت شیخ علی پناه اشتهاردی و مکاسب را از آیت الله بنی فضل استفاده کرد، اصول را از آقایان موسوى گرگانی و صالحی افغانى و خارج اصول و بخشى از ابحاث فلسفى و عرفانى را از آیت الله علی عابدی شاهرودى بهره برد در درس خارج فقه آیت الله موسوى اردبیلی و آیت الله شیخ محمد ابراهیم جناتى نیز شرکت نمود.

ورود به عرصه مطبوعات را از روزنامه دیوارى شروع کرد و با ارسال مقاله برای مطبوعات قم از جمله مجله سالنامه پیام اسلام به مطبوعات مذهبی و کشوری راه یافت، نخستین مقاله برای سالنامه مزبور را در سال ۱۳۵۵ فرستاد که با نشر آن، به نگارش و تألیف علاقمند شد، در سال ۱۳۵۷ دو اثر با عناوین « پیشگامان تحولات بنیادی و تاکتیکیهای انقلابی سید جمال الدین اسد آبادی » منتشر ساخت.

در سال ۱۳۵۸ با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نخست به عنوان مسؤول آموزش سیاسى عقیدتى نیروهای عملیاتی سپاه و سپس به سمت مسؤول انتشارات و مطبوعات کل سپاه منصوب شد که تا سال ۱۳۶۲ ادامه یافت مدتی هم عضو مرکز تحقیقات سپاه بود و مجدداً به قم مراجعت کرد.

در سال ۱۳۶۴ مجله کیهان اندیشه را تأسیس کرد که در این راه از حمایتهای مرحوم شهید شاه چراغی و جناب آقای سید محمد خاتمی (نماینده امام در مؤسسه کیهان) بهره مند بود، این مجله ۱۴ سال تمام ادامه یافت و هشتاد و چهار شماره از آن منتشر شد همزمان با مطبوعات دیگر نیز به همکاری پرداخت و مقالات بسیاری از ایشان در روزنامه ها و سایر نشریات علمى و فرهنگى نیز به چاپ رسیده است.

در کنار این فعالیتها از تحصیل و تدریس نیز باز نماند از آن جمله می توان تدریس در دانشسرای تربیت معلم سمنان، دانشگاه تربیت معلم تهران، مؤسسه امام خمینی قم، مرکز تخصصی کلام حوزه علمیه قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مرکز آموزش مدیریت دولتی را نام برد همچنین در کنگره های علمى و دینی متعددی به عنوان عضو و دبیر فعالیت داشته اند، افزون به اینها به عنوان راهنما و مشاور در تدوین رساله های آموزشی و پژوهشى مشارکت کرده اند.

صادق نیا، مهرباب

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهرباب صادق نیا

محل تولد: دزفول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۴

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۷ در شهرستان دزفول به دنیا آمد و در همان شهر تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در رشته ریاضی فیزیک سپری کرد. در سال ۶۴ وارد حوزه علمیه قم شد و پس از اتمام دروس مقدمات و سطح در سال ۶۹ وارد درس خارج شد. از آن سال تا کنون از اساتید نام‌آشنایی چون مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی (ره)، وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی (ره) بهره برده است. علاقه دیرین او به مباحث علوم قرآنی سبب شد در سال ۷۲ در آزمون ورودی سطح چهارم رشته های تخصصی شرکت کرده و در رشته تفسیر و علوم قرآن پذیرفته شود. در سال ۷۶ و همزمان با اتمام این دوره به مرکز مطالعات ادیان وارد شده و به عضویت هیئت علمی مرکز یاد شده در آمد (مرکز یاد شده الان با عنوان دانشگاه فعالیت می کند). موضوع مطالعاتی وی در این مرکز، ادیان ابراهیمی است و در این خصوص آثاری از ایشان منتشر شده است. تحصیلات آکادمیک نامبرده در سال ۷۹ با پذیرش در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم در رشته مدرسی الهیات ادامه یافت و در سال ۸۱ با دفاع از رساله خود با موضوع جایگاه شریعت در عهدین و قرآن موفق به دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد شد. در حال حاضر نیز دانشجوی دوره دکترای جامعه شناسی فرهنگی با گرایش مذهب در دانشگاه علامه طباطبائی تهران است که دوره ی آموزشی را پشت سر گذاشته و در حال تدوین پایان نامه است. در این فراگرد علمی سپران شده ایشان توفیق داشته اند سالیانی در حوزه علمیه قم در درس مقدماتی و سطح تدریس نمایند. در حال حاضر نیز در پاره ای از مراکز تخصصی حوزه و دیگر مراکز وابسته، به این مهم اشتغال دارند. تدریس در دانشگاه ها نیز از فعالیت های نامبرده در شمار است.

صادقی پناه، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن صادقی پناه

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۶/۲۱

زندگینامه علمی

سال ۷۵-۸۰ همراه با اساتید بزرگوار دوره کارشناسی تاریخ را گذراندم و در سال ۸۰ در مقطع ارشد قبول شدم و الحمدلله در سال ۸۲ به پایان رسید در مقطع کارشناسی پایان نامه مواضع تجدد خواهی بر اساس مذاکرات پنجم مشروطه نگاشته شد و در مقطع ارشد پایان نامه بررسی زندگانی سیره امام حسن مجتبی (ع) در مکاتب تاریخی نوشته شده و در حوزه علمیه قم در سال ۸۲ رساله سطح ۳ بررسی زندگانی و سیره امام حسن مجتبی در مدینه نوشته شد. مقالات متعدد مطبوعاتی در زمینه های مختلف تاریخی سیاسی- اجتماعی در بین سالهای ۷۸-۸۱ نوشته شد و در مطبوعات مختلف به چاپ رسید.

تدریس در حوزه و دانشگاه از سال ۷۸ تا سال جاری ادامه دارد قابل ذکر است اینجانب از سال ۱۳۶۸ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه روی توان شدم و همراه با گذراندن دروس حوزوی دیپلم رشته انسانی را نیز گرفتم و با ورود به حوزه علمیه قم در سال

۱۳۷۴ در دانشگاه نیز شرکت نموده و موفق به ادامه تحصیل در حوزه و دانشگاه گردیدم هم اکنون از نظر تحصیلات حوزوی مشغول تدوین رساله از سطح ۴ حوزه می باشم و از نظر دانشگاهی نیز جهت آزمون دکتری آماده می شوم. البته جهت انجام راهنمایی و مشاوره برای طلاب گرامی موارد متعددی را به عهده داشته ام.

صادقی، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی صادقی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

پس از گذراندن تحصیلات دوره راهنمایی و به سال ۱۳۶۲ در مدرسه علمیه امام خمینی (سلطانی) کاشان به تحصیل علوم دینی مشغول شد. مدت کوتاهی در کنار رزمندگان بود و سال ۱۳۶۶ به حوزه قم آمد و در مدرسه عترت آل محمد (ص) به تحصیل ادامه داد. پس از آن در مدرسه آیت الله بروجردی (مدرسه خان) مقیم شد و دروس را در خارج از مدارس ادامه داد. همزمان با دروس حوزوی، تحصیلات کلاسیک را ادامه داد و پس از آن در سال ۱۳۷۳ به منظور تدریس، به گچساران رفت. پس از مراجعت به قم، خارج فقه و اصول را نزد حضرات آیات فاضل لنکرانی و سبحانی آغاز کرد. همزمان در سال ۱۳۷۴ با شرکت در دوره تربیت محقق و نویسنده تاریخ اسلام که از سوی دفتر تبلیغات حوزه قم برگزار می شد، به رشته تاریخ قدم گذاشت و پس از اتمام دوره و تدوین پایان نامه آن، استعداد خود را در تألیف و تحقیق در این موضوع یافت. در این سالها به جهت آشنایی با استاد مورخ و محقق رسول جعفریان از طریق گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و با پیشنهاد و همکاری ایشان، فهرست مقالات تاریخی مجلات عربی موجود در کتابخانه تاریخ را جمع آوری و تنظیم کرد. این مجموعه با مقدمه استاد و از سوی پژوهشگاه مذکور با عنوان «فهرس المقالات التاريخيه» در سال ۱۳۸۰ منتشر شد. همزمان با اشتغال به تحصیل و مطالعه تاریخ، در درس خارج فقه و اصول آیت الله مددی که نگاهی تاریخی به دروس حوزوی داشت، شرکت کرد. اثر دوم وی پایان نامه دوره تربیت محقق بود که در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) تکمیل و ضمن تغییراتی با عنوان «پیامبر و یهود حجاز» منتشر شد و به سال ۱۳۸۱ در کنگره دین پژوهان مورد تشویق قرار گرفت. در پی انتشار این اثر، پژوهشکده پیشنهاد تحقیق و بررسی علائم تاریخی ظهور را به وی داد که به رغم تردیدها و مشکلات این کار و در اثر تشویق دوستان، به ثمر رسید و کتاب «تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور» منتشر شد. در این زمان به منظور تقویت مباحث مهدویت که در راستای موضوع تحقیقش بود دوره تخصصی مهدویت را نیز گذراند. کتاب نشانه های ظهور، چهار بار مورد لطف و تشویق محافل چون کتاب سال دانشجویی، ولایت و حوزه قرار گرفت. همکاری با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مشارکت در تولید نرم افزار علمی نورالسیره از اشتغالات وی در این دوره بود. همچنین به عنوان نماینده دانش پژوهان مرکز تربیت محقق تاریخ، مدتی در کنار اعضای هیئت مؤسسان انجمن تاریخ پژوهان در جلسات اولیه آن شرکت داشت. در سال ۱۳۸۳ به دانشگاه امام صادق (ع) تهران راه یافت و درجه کارشناسی ارشد اولین دوره رشته تاریخ تشیع را اخذ کرد. پایان نامه وی به تناسب رشته تحصیلی اش، تاریخ تشیع کاشان بود که چند ماه پس از دفاع به سال ۱۳۸۶،

بخش اعظم آن از سوی مؤسسه شیعه‌شناسی قم با عنوان «کاشان در مسیر تشیع» چاپ شد. پس از آن همکاری وی در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به شکل رسمی تری در آمد و پس از مدتی همکاری، مدیریت گروه تاریخ تشیع پژوهشگاه تاریخ و سیره اهل بیت (ع) بر عهده او گذاشته شد. تدریس تاریخ اسلام و همکاری علمی و تحقیقی با برخی مراکز تاریخی حوزوی و دانشگاهی، از فعالیت‌های اوست؛ هر چند علاقه اصلی‌اش تحقیق در موضوع سیره ائمه، تاریخ اسلام، حدیث و به ویژه مباحث تاریخی مرتبط با علوم حوزوی است. والحمدلله.

صالح، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محسن صالح

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۳ در شهر قم به دنیا آمدم سال ۱۳۵۷ به تهران رفته تحصیلات ابتدایی را در مدرسه فلق شهرستان شمیرانات و دوران راهنمایی را در مدرسه مهدی و دوران متوسطه را در هنرستان فنی فیضیه در رشته راه و ساختمان به پایان رساندم. پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه ملا محمد جعفر معروف به مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی شده و مدت دو سال در آنجا دروس مقدماتی را فرا گرفتم.

همزمان با ورود به حوزه در سال ۷۲ وارد دانشگاه شده در رشته الهیات ادامه تحصیل دادم. با ورود به دانشگاه نشریه معراج قلم را در بسیج دانشجویی منتشر کرده به صورت سراسری در سطح دانشگاه‌های کشور توزیع شد. سال ۷۳ به حوزه علمیه قم وارد شده دروس مقدماتی را ادامه دادم. در سال ۱۳۷۴ اولین مقاله خودم را قلمی نمودم. آن زمان در حالی که مشغول به تحصیل کتاب مغنی بودم با مرحوم دکتر محمد حسین روحانی مناظره مطبوعاتی انجام داده پیرامون آیاتی از قرآن کریم مباحثه مکتوب انجام دادیم.

حاصل این نقد و پاسخ‌های آن در فصلنامه بینات به چاپ رسید. چاپ این نوشتار سر آغازی میمون و مبارک در امر نویسندگی و پژوهش بود و از آن زمان تا به امروز مقالات و کتب متعددی را به زیور طبع آراسته ام. پس از پایان دروس مقدمات بخشی از رسائل و مکاسب را از محضر آیت الله رسولی تهرانی و بخشی را نزد آیت الله موسوی خوئی فرا گرفتم. کفایه را از درس حضرت حجّت الاسلام و المسلمین سید احمد خاتمی و شرح اشارات را از محضر حجّت الاسلام و المسلمین فیاضی و نیز شرح اسفار را از محضر ایشان استفاده نمودم. پس از اتمام دوره سطح در درس فقه حضرت آیت الله جوادی آملی و حضرت آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی و درس اصول آیت الله وحید خراسانی شرکت کردم.

از همان سالهای نخست طلبگی به واسطه شدت علاقه ای که به حضرت آیت الله جوادی آملی داشتم به صورت مداوم در درس تفسیر ایشان شرکت کرده بیش از هزار نوار درس ایشان را پیاده و تایپ کردم. هم اینک نیز به عنوان کارشناس مسائل سیاسی و

تاریخی در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مشغول به فعالیت بوده در کنار آن نیز مشغول دروس خارج فقه و اصول می باشم.

صالحی مازندرانی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی صالحی مازندرانی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مهدی صالحی شهرت به صالحی مازندرانی در سال ۳۴۲ در شهرستان بابل مازندران به دنیا آمدم، لازم به ذکر است حقیر از خانواده روحانی و از والده سیده سبزواری که خود برای اعضای خانواده معلم اولیه بوده است. شروع تحصیلات اینجانب در چهار سالگی به مکتب خانه محله با همراهی والدین به حضور استاد مکتبی خواندن قرآن و غیره متداول آن روز را فرا گرفتم. پس در روستای نزدیک شهر بابل روستایی دونه سه که محله آباد و با فرهنگ هم بوده و هست مراحل کودکی و دبستان و دوران راهنمایی را با موفقیت به پایان رساندم پس برای ادامه تحصیلات مجدداً به شهر بابل در دبیرستان شیخ کبیر برای رشته تحصیلی در گروه علوم انسانی رشته ادبیات و فرهنگ و ادب مشغول به تحصیل شدم و در سال ۱۳۶۶ دیپلم رشته مربوطه را اخذ نمودم و در همان سال وارد دانشکده حقوق و الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان شدم ولی به علت تهاجم رژیم صدام و حملات هوایی وارد دانشگاه مازندان ادامه تحصیل دادم و در سال ۷۰ در این رشته (کارشناسی مربوط را اخذ نمودم) و در همان سال ۷۱ - ۷۰ در دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه کرج در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در سال ۷۴ با دفاع از پایان نامه نمودم که در باب نفقه ذوجه در اسلام بود کارشناسی ارشد این رشته شناخته شدم و در همان سال برای تدریس در دانشگاه‌های؟؟؟ مازندران بابل در دانشگاه آزاد اسلامی حتی از زمان دانشجویی مشغول تدریس شدم و همزمان در شهرستان آزادشهر به عنوان عضو هیئت علمی رشته مربوطه در دانشکده الهیات مشغول بودم. همچنین در حوزه علمیه شاه آبادی مازندران واحد بابل همکاری لازم را در دروس مطرح شده در این حوزه تدریس می نمودم. تا اینکه در کنار همه این فعالیت‌های علمی و آموزشی از آنجا که از خانواده روحانی بودم زمینه‌های طلبگی در اینجانب وجود داشته در حوزه علمیه فیضه مازندران و صدر بابل (خاتم الانبیاء) به مدت پنج سال مشغول بودم و تا مقطع و سطح یک را تمام نمودم و در سال ۷۷ ه. ش وارد حوزه مقدس علمیه قم شدم و الان مشغول درس خارج فقه و اصول و دروس جنبه‌ای تفسیر و غیره مشغول فعالیت هستم. از آنجایی که در زمینه تبلیغ موفقیت‌هایی داشتم و دارای پرونده به خارج از کشور در سازمان ارتباطات تهران برای کشورهای اروپایی و آسیایی و آفریقایی و آمریکایی در آزمون مربوطه قبول شدم و سفر تبلیغی به هندوستان داشته و دارم لازم به ذکر است که داخل کشور و شهرهای مختلف دعوت به امور تبلیغ هستم. بحمدالله؟؟؟ رضایت و موفقیت می باشم.

و الان هم عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی در راستای کار علمی خودم از سال ۷۴ در تهران و دانشگاه آزاد

اسلامی واحد رودهن مشغول به خدمتگزاری هستیم.

اینجانب از آنجایی که عضویت هیئت علمی دانشگاه مربوطه با تایید صلاحیت عمومی و اختصاصی زیر نظر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاههای کشور می‌باشم در گرایش‌های تخصصی عمومی رشته‌های مربوطه در تاریخ تحلیلی صدر اسلام و تمدن‌های اسلامی و در اخلاق و فلسفه اخلاق و گرایش تاریخ امامت و غیره به اخذ مجوز نهاد نائل آمدم تا مقدمه ورود به دانشکده معارف اسلامی برای تدریس دروس عمومی شدم. از آنجایی که در دانشگاههای کشور علاوه موارد یاد شده در تهران مرکز و پیام نور و دانشگاه باقرالعلوم قسمت معاونت آموزش؟؟؟؟ به تدریس دروس تخصصی شدم و الان هم همکاری لازم با دانشگاه پیامبر نور قم در رشته تخصصی نمودم و در این زمینه مطالبی هم تدوین نموده‌ام که انشاءالله به زودی برای چاپ مهیا خواهد شد. موضوعاتی در باب نفقه زوج در اسلام و تاریخ اسلام و اخلاق در قرآن و چند مقاله که با بازنگری و اصلاحات انشاءالله زمینه چاپ فراهم خواهد شد. تا به سهم خودم خدمتی کرده باشم به این فرهنگ غنی و ناب محمدی(ص).

صدر عاملی کاظمی، ابومحمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۴ - ۱۲۷۲ ق)، فقیه، اصولی، متکلم، محدث، رجالی و مورخ. در کاظمین، در خانواده‌ای که اصلش از جبل عامل و سکونتش در اصفهان و مهاجرتش به عراق بود، به دنیا آمد. وی برادرزاده‌ی آیت‌الله سید صدرالدین عاملی کاظمی بود. در چهارده سالگی صرف و نحو معانی و بیان و بدیع و منطق را فرا گرفت و تحصیل فقه را آغاز کرد در هیجده سالگی به نجف رفت و کلام و حکمت را از محمد تقی گلپایگانی آموخت، فقه خارج استدلالی را از شاگردان صاحب «جواهر» و اصول استدلالی را از شاگردان شیخ انصاری و علم حدیث و رجال و ریاضیات را از بزرگان وقت فراگرفت و قسمتی از علوم غریبه را نزد شیخ عبدالحسین هندی خواند. در ۱۲۹۷ ق از نجف به سامراء رفت و در حوزه‌ی درس میرزای شرازی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در پایان ۱۳۱۴ ق به کاظمین بازگشت و به تألیف و تدریس پرداخت. سید صدر از مشایخ اجازه در زمان خود بود و جمع کثیری از بزرگان همچون علامه سید محمد مرتضی جنفوری هندی و شیخ مهدی بن شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام اصفهانی و آیت‌الله سید صدرالدین صدر و آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و محدث قمی از وی دارای اجازه بودند. کتابخانه شخصی او یکی از ارزشمندترین کتابخانه‌های عراق بود. سید حسن صدر بیش از صد اثر از خود به جای گذاشت و کتاب «تأسیس الشیعه» خویش را مبتکرانه نگاشت و در این کتاب بر اساس تواریخ و سیر مورد اعتماد، ثابت و روشن نمود که علمای شیعه در تأسیس و تألیف نحو و صرف و عروض و لغت و علوم بلاغت و کلام و فقه و اصول و تفسیر و اخلاق پیشگام بوده و پیش از دیگران به تألیف و تصنیف پرداخته‌اند. مختصر این کتاب «الشیعه و فنون الاسلام» است. از دیگر آثار وی: «نهایه الدرایه»، شرح و «جیزه‌ی» شیخ بهائی، در درایه الحدیث؛ «ذکری المحسنین»؛ «نزهه اهل الحرمین»؛ «وفیات الاعلام من الشیعه الکرام»؛ رساله‌ای در «رد و هایت»؛ «سبیل الرشاد»، در شرح «نجاه العباد»، در سلوک و بیان طریق عبودیت؛ «سبیل النجاه»، در فقه معاملات؛ «تکمله امل الآمل»؛ «جامع اخبار الغیبه»؛ «تبیین الاباحه للمصلین»؛ «تحصیل الفروع الدینیة فی فقه الامامیه»؛ «حدائق الوصول الی علم الاصول»؛ «مجالس المومنین»، در وفیات ائمه معصومین (ع)؛ «مختلف الرجال»؛ «مناقب آل الرسول من طریق الجمهور»؛ «خلاصه النحو»؛ «آداب الحج و اسرار»؛ «انتخاب القریب من التقریب»، گردآوری نام محدثانی که ابن حجر آنان را شیعه ذکر کرده است؛ «الدرر الموسویه فی شرح العقائد الجعفریه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحجه (۲۰۹ / ۱)، الاعلام (۲۴۰- ۲۳۹ / ۲)، اعیان الشیعه (۳۳۰- ۳۲۵ / ۵)، تأسیس الشیعه (مقدمه ۳۵- ۱)، الذریعه (۱۱۴ / ۲۴، ۳۲۰ / ۲۲، ۱۳۷، ۳ / ۳۵۹، ۲ / ۱۶، ۱)، ریحانه (۴۲۵- ۴۲۴ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۴۹- ۴۴۵ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۷۵- ۱۷۰)، لغت‌نامه (ذیل / صدر)، معجم المؤلفین (۳۰۰- ۲۹۹ / ۳)، مکارم الآثار (۲۰۱۹- ۲۰۱۵ / ۶).

صدر نیشابوری، صدرالدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، مورخ و شاعر. از سادت بزرگ نیشابور و معاصر خوارزمشاهیان بود. در فضل و هنر پایه‌ای عالی داشت و منصب دیوان استیفای نیشابور را عهده‌دار بود. در پایان عمر ترک آن منصب گفت و آن را به فرزند خود واگذاشت و خود به ریاضت و عبادت مشغول شد. سید صدرالدین علاوه بر کتابی که در «تاریخ سلاطین خوارزمشاهیه» نوشته، گاهی شعر نیز می‌سروده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۶۹۴- ۶۹۳ / ۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۷۴- ۴۷۳)، الذریعه (۶۰۳ / ۹)، ریاض العارفین (۲۱۹)، فرهنگ سخنوران (۵۵۴)، لباب الالباب (۱۴۴- ۱۴۲ / ۱)، مجمع الفصحا (۸۱۹ / ۲)، مطلع الشمس (۱۸۲ / ۳)، هفت اقلیم (۲۵۶ / ۲).

صدر الشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۷ ق)، فقیه حنفی، محدث اصولی مفسر حکیم طبعیدان، نحوی، لغوی و ادیب. مشهور به صدر الشریعه اصغر یا صدر الشریعه ثانی. در خانواده‌ای دانشور به دنیا آمد. علوم متداول و مجد و بزرگی را از جدش تاج الشریعه و او نیز از پدر خود صدر الشریعه‌ی اول فرا گرفت. او در حکمت و طبیعیات و اصول فقه و علوم دینی از علمای عصر خویش به حساب می‌آمد. در بخارا در گذشت. وی آثار نفیس جدش، تاج الشریعه، را تنقیح کرد. از آثار اوست: «تعديل العلوم»؛ «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، و شرح آن «التوضیح فی حل غوامض التنقیح»؛ «شرح الوقایه»، شرح کتاب جد خود «وقایه الراویه فی مسائل الهدایه»، در فقه حنفی؛ مختصر «الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»؛ «الوشاح»، در علم معانی و بیان؛ شرح «فصول الخمسین»، در نحو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۵۴ / ۴)، ریحانه (۴۳۴- ۴۳۳ / ۳)، کشف الظنون (۲۰۲۱، ۱۲۷۰، ۲۰۱۱، ۱۰۴۷، ۴۹۶، ۴۱۹)، الکنی و الالقاب (۴۱۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / عبیدالله)، معجم المؤلفین (۲۴۶ / ۶)، هدیه العارفین (۶۵۰- ۶۴۹ / ۱).

صدر نبوی، رامپور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر رامپور صدر نبوی در سال ۱۳۱۶ در شهر کاشمر دنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته اقتصاد از دانشگاه هایدلبرگ آلمان در سال ۱۳۴۷ می باشد. وی پس از بازگشت به ایران در دانشکده جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به کار گردید و پس از طی مراتب و مدارج علمی از استادیاری به دانشیاری و استادی و در سال ۱۳۸۵ به افتخار بازنشستگی نائل آمد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسی گرایش: اقتصاد والدین و انساب: پدر رامپور صدر نبوی حاج سید مهدی فخر العلماء است که به سبب ملاحظاتی نام خود را به توصیه و ابلاغ مرحوم احمد قوام السلطنه به صدر العلماء تغییر دادند. ایشان بشغل کشاورزی و تجارت اشتغال داشتند که بعثت گرایش شدید فلسفی و عرفانی تاجر خوبی نشدند. ایشان از اولاد سید امیر استحق هستند که شجره آنها به سادات قائن جمله احمدی ها، مصطفوی ها، مجتهدی ها، مرحوم دکتر مجتهد زاده (استاد معارف اسلامی) می رسد و طبق اظهار خود آن مرحوم نسل سی و ششم تا امام زین العابدین (ع) می باشد. مادر رامپور صدر نبوی دختر حاج رستم قره باغی از تجار بزرگ مشهد با گرایشهای مشروطه خواهی بوده اند. مادر دکتر صدری نبوی به همراه برادران و پسر عموهایش به شهرت باقر ف در قفقاز بخصوص در قره باغ به فعالیت اقتصادی و سیاسی مشغول بوده ند. پدر بزرگ دکتر صدر نبوی، حاج رستم باقر ف به سبب وقایع ۱۹۱۷ روسیه به ایران پناهنده شد و با تابعیت ایران در مشهد زندگی کرد. خاطرات کودکی: رامپور صدر نبوی از خاطرات دوران کودکی خود چنین می گوید: "مادر بزرگ پدرم نا بینا شده بود و ما در سایه وجود ایشان در یک خانواده شش نفره زندگی می کردیم. پدرم و مادرم احترام ایشان را به نهایت داشتند. روزی قرار بود برادرم رضا که -هم اکنون استاد روان پزشکی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد- دست مادر بزرگم را گرفته و ایشان را به خانه عمو جانم که دیوار به دیوار منزل ما بود ببرد. منزل عمو جان و پدرم بزرگ بود و درخت فراوان داشت. برادرم که بچه بازیگوش و سر به هوایی بود ایشان را در میان درختان رها کرده و خود بدنبال بچه گنجشکی که از آشیانه زود پریده بود رفته بود. پدرم در همین احوال سر رسیده و مادر بزرگم را سرگشته در میان درختان دیده بود. یادم هست دست مادر بزرگم در دست پدرم بود در حالیکه از شدن غضب و عصبانیت فریاد میزد " این رضای پدر سوخته کجاست " وقتی برادرم را پیدا کردند او را به فلک کشده و تنبیه مفصلی شد از آنجایی که برادرم فریاد مکشید مادر بزرگم با داد و فریاد و گریه متوقف شدن تنبیه را از پدرم خواست با این کار مادر بزرگم یک سکوت عمیقی بر محیط خانواده حاکم شد". اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر و مادر رامپور صدر نبوی هر دو دارای گرایش های سنتی، اخلاقی و مذهبی نسبتاً محکمی داشتند. پدرش به کشاورزی اشتغال داشت و گاه و بیگاه به تجارت نیز می پرداخت. ولی بعثت عقاید و باورهای مذهبی و مطالعات فلسفی توفیق چندانی در این حرفه بدست نیاورد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: رامپور صدر نبوی تحصیلات ابتدایی و سیکل اول متوسطه را در کاشمر گذراند. او برای ادامه تحصیل در سیک دوم متوسطه به مشهد رفت و سال چهارم و پنجم متوسطه را در مشهد گذراند و دیپلم را در دبیرستان بامداد تهران اخذ کرد. ایشان پس از اخذ دیپلم به المان رفت و در رشته اقتصاد و جامعه شناسی به تحصیل پرداخت و پس از ده سال و اندی با مدرک دکتری اقتصاد از دانشگاه هایدلبرگ آلمان در سال ۱۳۴۷ به ایران بازگشتند. خاطرات و وقایع تحصیل: یکی از خاطرات مهم دوران تحصیل رامپور صدر نبوی محاوره ای بود که در گنگره جامعه شناسان که در شهر هایدلبرگ بین پوپرو هربرت مارکوزه درباره دیالیک اتفاق افتاد. فعالیت های ضمن تحصیل: رامپور صدر نبوی در کنار تحصیل به تدریس و تحقیق و مدیریت گروه جامعه شناسی می پرداخت. استادان و مربیان: پرفسور رولف. واگن فور، پرفسور هانس هالر، پرفسور هانس هالر، پرفسور ویلکه و غیره از اساتید رامپور صدر نبوی می باشند. هم دوره ای ها و همکاران: دکتر جواد شیخ الاسلامی، هلموت کل، دکتر علی شریعتی، دکتر حاتری، دکتر غلامحسین یوسفی، دکتر سیروس سهامی، دکتر برادران رفیعی، دکتر منوچهر بیات مختاری، دکتر منوچهر آشیانی غیره از هم دوره ایها و همکاران رامپور صدر نبوی می باشند. همسر و فرزندان: رامپور صدر نبوی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم فرشته رفعت متولی است ایشان

دارای دو فرزند دختر بنامهای نازنین (متخصص داخلی)، فاطمه (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی) و یک فرزند پسر بنام محمد (دکتری داروسازی) می‌باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: رامپور صدر نبوی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه فردوسی مشهد بودند. وی همچنین عضو هیئت تحریریه مجله دانش و توسعه دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. رامپور صدر نبوی عضو هیئت رئیسه کمیته ویژه توسعه سومین جشنواره ملی طلای سرخ قاینات می‌باشد. فعالیت‌های آموزشی: رامپور صدر نبوی سابقه بیش از سی سال تدریس در دانشگاه‌های ایران و آلمان را دارد. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: رامپور صدر نبوی از پایه‌گذاران رشته جامعه‌شناسی و رشته مدیریت در خراسان و عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات داخلی: ۳۰ مقاله - تعداد پایان‌نامه کارشناسی راهنمایی شده: ۱۱۱ رساله - تعداد پایان‌نامه کارشناسی ارشد راهنمایی شده: ۳۱ رساله آثار: انسان‌شناسی فلسفی و ویژگی اثر: ترجمه - ۱۳۵۰۲ بزرگان جامعه‌شناسی و ویژگی اثر: تالیف - ۱۳۵۴۳ تاریخ جامعه‌شناسی و ویژگی اثر: ترجمه - ۱۳۵۲۴ جامعه‌شناسی حق طبیعی و ویژگی اثر: تالیف - ۱۳۵۴۵ جامعه‌شناسی کار و مشاغل و ویژگی اثر: تالیف - ۱۳۷۱۶ جامعه و تمدن و ویژگی اثر: ترجمه و نگارش - ۱۳۵۱۷ فرد و جامعه و ویژگی اثر: ترجمه و تالیف - ۱۳۷۰۸ کار و مشاغل با تکیه بر اشتغال زنان، گفتارهایی در علوم اجتماعی و ویژگی اثر: کتاب حاضر به سبب تفاوت و گستردگی مطالب «گفتارهایی در علوم اجتماعی» نام دارد، از پنج فصل تشکیل شده است. فصل اول آن را مقالات و تحقیقاتی مربوط به جامعه‌شناسی کار، شغل و جامعه‌شناسی صنعتی، خانواده و اهمیت آن برای جریان تولید، انسانی شدن کار و موارد مشابه تشکیل می‌دهد. در فصل دوم، نظریه نقش اجتماعی با تکیه بر نظریات نام‌آوران این رشته در نظریه‌های جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم، به انواع جوامع بشری و نظریه‌های جامعه‌شناسی اختصاص یافته که بخشی از آن ترجمه قسمتی از کتاب دانشمند صاحب نام آلمانی «لئوپلدفن ویزه» تحت عنوان «دانش روابط انسانی» است. فصل چهارم هم به بررسی اهمیت حسد به عنوان یکی از عوامل مهم اجتماعی پرداخته که در واقع نوعی جامعه‌شناسی و روانشناسی حسد است. در فصل پنجم کتاب، مسأله حق طبیعی از نظر مکاتب مختلف اروپایی مانند کاتولیسیسم، مارکسیسم و ناسیونال سوسیالیسم مطرح شده است. این کتاب توسط انتشارات ۵۹ به چاپ رسیده است - ۱۳۸۵

صدر هاشمی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۴ - ۱۲۸۴ ش)، مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار و مورخ. در اصفهان به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم قدیم و جدید در ۱۳۱۶ ش موفق به دریافت لیسانس از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات گردید. سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی در آن وزارتخانه شد، از جمله: ریاست یکی از دبیرستانهای زنجان، بازرس فنی، ریاست دبیرستان فرهنگ اصفهان. صدر هاشمی موفق شد که قبر صائب تبریزی را در اصفهان شناسایی کند و در این باره مقاله‌ای بنویسد. در ضمن او روزنامه‌ی «چهلستون» را به طور هفتگی به مدت پنج سال منتشر کرد. از آثار وی: «تاریخ جراید و مجلات ایران»؛ «تاریخ تمدن اسلام و عرب»، ترجمه؛ «تاریخ کربلا- و حائر حسین (ع)»، ترجمه؛ «شعر و شاعری در عصر صفوی»؛ «عشاق قندهار»، ترجمه؛ تصحیح «قصص الخاقانی»، در تاریخ صفویه، اهتمام در چاپ «تذکره الانساب»، در انساب خاندان مجلسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید و مجلات (۱/ سه- هفت)، تذکره القبور (۴۹۱)، الذریعه (۱۰۷ - ۱۰۶ / ۱۷)، زندگینامه‌ی رجال و

مشاهیر (۱۹۸-۱۹۷ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی (۲۱۵۱ / ۲، ۷۴۰، ۶۹۰ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۵۳۶-۵۳۵ / ۵)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۳۸-۳۴).

صدیق سروستانی، رحمت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر رحمت اله صدیق سروستانی استاد گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته عمران ملی - گرایش جامعه شناسی روستایی - در دانشگاه شیراز گذرانده اند. در سال ۱۹۷۹ م در رشته جامعه شناسی - گرایش جامعه شناسی شهری از دانشگاه اهایو آمریکا درجه کارشناسی ارشد را اخذ کردند و سپس با ادامه تحصیل در دوره دکتری در همان رشته و دانشگاه، در سال ۱۹۸۴ م. به اخذ درجه دکتری جامعه شناسی نائل شدند. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسی گرایش: جامعه شناسی شهرت تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر رحمت اله صدیق سروستانی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته عمران ملی - گرایش جامعه شناسی روستایی - در دانشگاه شیراز گذرانده اند. عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان «بررسی ارتباط بین قشر بندی اجتماعی و آرزوهای شغلی دانشجویان دانشگاه پهلوی» بوده است (سال ۱۳۵۴). در سال ۱۹۷۹ م. با دفاع از پایان نامه شان با عنوان «بررسی تأثیر همسایگی بر نگرش نسبت به ناآرامی های مدنی» در رشته جامعه شناسی - گرایش جامعه شناسی شهری از دانشگاه اهایو آمریکا درجه کارشناسی ارشد را اخذ کردند و سپس با ادامه تحصیل در دوره دکتری در همان رشته و دانشگاه، در سال ۱۹۸۴ م. به اخذ درجه دکتری جامعه شناسی نائل شدند. عنوان پایان نامه دوره دکتری ایشان «بررسی نگرش دانشجویان آمریکایی نسبت به مسلمین بوده است.» وقایع میانسالی: دکتر صدیق سروستانی از سال ۱۳۶۳ تاکنون عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران هستند و از سال ۱۳۸۳ به درجه استادی رسیده اند مشاغل و سمتهای مورد تصدی: رحمت اله صدیق سروستانی در حوزه خدمات علمی و اجرایی نیز دارای مسئولیت های متعدد بوده اند از جمله: - عضو شورای ارزشیابی وزارت علوم (۱۳۶۶-۱۳۶۴ و ۱۳۷۴-۱۳۷۰) - عضو کمیسیون ارزشیابی وزارت علوم (۱۳۶۴ تاکنون) - رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۶۵-۱۳۶۴) - عضو شورای عالی پژوهش کمیته ملی المپیک (۱۳۷۲ تاکنون) - عضو گروه جامعه شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱-۱۳۶۶) - عضو دایره المعارف بزرگ فارسی (۱۳۷۵-۱۳۷۲) - معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۷۷-۱۳۷۵) - سرپرست مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (۱۳۷۷-۱۳۷۵ و ۱۳۶۵-۱۳۶۴) - عضو کمیسیون اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۳ تا کنون) - رئیس کمیته داوری معاونت فرهنگی مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. عضویت ها: - انجمن جامعه شناسی ایران (ISA) - انجمن جامعه شناسی آمریکا (ASA) - انجمن جمعیت شناسی ایران - انجمن ایرانی تعلیم و تربیت آرا و گرایشهای خاص: زمینه های پژوهشی مورد علاقه رحمت اله صدیق سروستانی: جامعه شناسی، بررسی مسائل اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی، جامعه شناسی صنعتی، قشر بندی و نابرابری اجتماعی، جامعه شناسی صنعتی، روش تحقیق کمی، روش تحقیق کیفی. آثار: ۱. **The Status of Girls and Women in Kurdistan** ویژگی اثر: ترجمه، یونیسف ۱۳۷۷۲ آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی) ویژگی اثر: تالیف، آن ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ تاریخچه جامعه شناسی ویژگی اثر: تالیف، سمت ۱۳۷۳۵ راهنمای مدیریت ورزشی ویژگی اثر: ترجمه، کمیته ملی المپیک ۱۳۸۰۶ روش تحقیق در تربیت بدنی ویژگی اثر: ترجمه، سمت ۱۳۸۶۷

رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی ویژگی اثر: ترجمه، دانشگاه تهران ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶۸ فراتر از پیروزی ویژگی اثر: ترجمه، کمیته ملی المپیک ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ و ۱۳۸۵۹ ما و دختران امروز (رویکردی جامعه‌شناختی ویژگی اثر: تالیف، آموزش و پرورش ۱۳۸۳۱۰ مبانی جامعه‌شناسی ویژگی اثر: تالیف، سمت ۱۳۷۳۱۱ مدیریت و رهبری در ورزش ویژگی اثر: تالیف، کمیته ملی المپیک ۱۳۷۴ و ۱۳۷۶۱۲ نیازها، نظرها و آرمان‌های جوانان ویژگی اثر: تالیف، شهرداری تهران ۱۳۷۴۱۳ واژه‌نامه علوم ورزشی ویژگی اثر: ترجمه، کمیته ملی المپیک ۱۳۷۶

صفا، ذبیح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در ۱۲۹۰ ش در شه‌میرزاد از قراء سمنان متولد شد. دوران اولیه را در شهر بابل به سر برد و در همانجا گواهینامه دوره‌ی ابتدائی را دریافت کرد. تحصیلات متوسطه را در تهران به اتمام رسانید و در ۱۳۱۲ دیپلم ادبی گرفت و وارد دارالمعلمین عالی شد و در ۱۳۱۵ لیسانس فلسفه و ادبیات فارسی گرفت. پس از انجام خدمت سربازی به دبیری زبان و ادبیات فارس پرداخت. در عین حال در دوره‌ی دکترای ادبیات به تحصیل اشتغال ورزید و دکترای دریافت کرد و رساله‌ی خود را تحت عنوان حماسه‌سرایی در ایران نوشت و با درجه‌ی ممتاز مورد تصویب واقع شد و به عنوان دانشیار به تدریس در دانشکده‌ی ادبیات پرداخت و پس از پنج سال توفف در رتبه‌ی دانشیاری به مقام استادی کرسی زبان و ادبیات فارسی منصوب گردید.

دکتر صفا از سال ۱۳۲۰ به سمت معاونت و بعد کفالت اداره دانشسراهای مقدماتی در وزارت فرهنگ برگزیده شد و در ۱۳۲۲ به ریاست اداره تعلیمات عالی و تعلیمات متوسطه و ریاست دانشسراها منصوب گردید. در همان زمان عضو هیئت مدیره شیر و خورشید سرخ و دبیر کلی کمیسیون ملی یونسکو را در ایران عهده‌دار شد و در این سمتها ماموریت‌های زیادی به اروپا پیدا کرد. وی از جوانی شوق و ذوق مطبوعاتی داشت. در ۱۳۱۲ معاون سردبیر مجله‌ی مهر شد و در ۱۳۱۵ سردبیر مجله‌ی مذکور گردید. در ۱۳۲۰ امتیاز مجله‌ی سخن را گرفت و یک سال آن را انتشار داد و بعد از یک سال امتیاز سخن را به دکتر خانلری واگذار نمود و خود امتیاز روزنامه‌ی شباهنگ را دریافت کرد و چهارسال متوالیا روزنامه را منتشر کرد. مدتی نیز مدیریت مجله‌ی ارتش با او بود و بعد مدیر مجله‌ی ادبی دانشکده ادبیات شد.

دکتر صفا مدتی نیز ریاست دانشکده ادبیات را بر عهده داشت. از آثار و تالیفات او می‌توان کتب زیر را نام برد: حماسه‌سرایی در ایران، تاریخ مختصر تحول نظم و نثر فارسی، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تاریخ ادبیات در ایران (سه جلد)، گنج سخن، یادنامه خواجه نصیر طوسی، جشن‌نامه ابن‌سینا، ترجمه‌ی مرگ سقراط از آثار لامارتین، مزداپرستی در ایران قدیم، آئین سخن در معانی و بیان فارسی و چندین آثار و تصحیح دیگر. صفا در سال ۱۳۷۸ در خارج از کشور درگذشت.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

صفا، زاده، طاهره

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می‌شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می‌آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم». شعرهای قدیمی اش یادآور سال‌های گل‌وله و فریاد است. علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی‌همتا است.

■ طاهره صفارزاده شاعر، نویسنده، محقق و مترجم، متولد ۱۳۱۵ سیرجان

■ لیسانس ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران

■ ادامه تحصیل در انگلستان و سپس آمریکا در دانشگاه آیووا

■ کسب درجه MFA

■ استخدام در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) در سال ۱۳۴۹

■ رئیس دانشگاه شهید بهشتی و دانشکده ادبیات

■ دکترای در رشته نقد تئوری و عملی ادبیات جهان

■ برگزیده شدن در «فستیوال بین‌المللی داکا» در سال ۶۷ به عنوان یکی از ۵ عضو بنیانگذار کمیته ترجمه آسیا،

■ «استاد نمونه» سال ۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی

■ «خادم القرآن» پس از انتشار ترجمه «قرآن حکیم»، سال ۸۰

سرپرستی و ویراستاری ۳۶ کتاب زبان تخصصی برای رشته‌های مختلف دانشگاهی

■ قصه، پیوندهای تلخ، ۱۳۴۱

■ شعر، رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱

Brella the Red um (سروده‌هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷ م. = ۱۳۴۷ ش.

طنین در دلتا [و دفتر دوم]، سد و بازوان، ۱۳۵۰، سفر پنجم، ۱۳۵۶، حرکت و دیروز، ۱۳۵۷، بیعت با بیداری، ۱۳۵۸، مردان منحنی

، دیدار صبح، ۱۳۶۶، در پیشواز صلح، ۱۳۸۵، گزیده ادبیات معاصر، ۱۳۷۸، هفت سفر، ۱۳۸۴، روشنگران راه، ۱۳۸۴، اندیشه در

هدایت شعر، ۱۳۸۴

● اصول ترجمه، نقد ترجمه، ترجمه

■ اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان، از ۱۳۵۸

ترجمه‌های نامفهوم، ۱۳۸۴

■ ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی)، ۱۳۷۹

■ ترجمه قرآن حکیم (سه‌زبان - متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۰

■ ترجمه قرآن حکیم (دو‌زبان - متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۲

■ ترجمه قرآن حکیم (دو‌زبان - متن عربی با ترجمه انگلیسی)، ۱۳۸۵

■ لوح فشرده قرآن حکیم (سه‌زبان - متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی)، ۱۳۸۳ (نشر دوم) کامل و جزء ۳۰.

■ دعای عرفه (دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۱

■ دعای ندبه و دعای کمیل (متن عربی با ترجمه فارسی)، ۱۳۸۳

■ مفاهیم قرآنی در حدیث نبوی: گزیده‌ای از نهج الفصاحه با ترجمه فارسی و انگلیسی، ۱۳۸۴

دعای جوشن کبیر، ۱۳۸۵

طاهره صفارزاده را بیشتر به عنوان یک شاعر می‌شناسیم. مخاطبان شعر در دهه ۴۰ او را با شعر «کودک قرن» به خاطر می‌آورند و در دهه ۵۰ با کتاب «سفر پنجم». شعرهای قدیمی اش یادآور سال‌های گل‌وله و فریاد است. علاوه بر شعر، در ترجمه و پژوهش هم استادی بی‌همتا است. صفارزاده نخستین مترجم قرآن کریم به ۳ زبان زنده دنیا است. صفارزاده شاعر، نویسنده، محقق و مترجم به سال ۱۳۱۵ در سیرجان در خانواده‌ای متوسط چشم به جهان گشود. اجدادش از عرفای مقید به مقابله با ظلم و عدالت‌پروری بوده‌اند. پدر و خواهرش هم اهل تصوف بودند. در خانواده، برپایی مجالس ذکر و دعا بویژه در اظهار ارادت به حضرت علی علیه السلام متداول بود. خانواده اش پیشینه عرفانی داشتند و همین امر سبب شد که او از همان آغاز نگاهی ویژه به پیرامونش داشته باشد. قبل از آنکه به مدرسه برود تجوید و قرائت و حفظ قرآن کریم را در مکتب محل آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذراند.

از کودکی ذوق نویسندگی و عشق به مطالعه آثار ادبی داشت و در دبستان به عنوان شاعر شناخته شده بود. در این زمینه آموزگاران و بعد دبیران او را بسیار تشویق می‌کردند.

نخستین شعر را در ۱۳ سالگی سرود که در روزنامه دیواری مدرسه به ثبت رسید و نخستین جایزه شعر را که یک جلد دیوان جامی بود در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد دکتر باستانی پاریزی که آن زمان از دبیران دبیرستان بهمنیار بود، از رئیس آموزش و پرورش استان دریافت کرد.

در ششم ادبی شاگرد اول شد و با جرأت در امتحان ورودی دانشگاه در رشته‌های حقوق و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات انگلیسی که مناسب آن دیپلم بود شرکت کرد و در هر سه قبول شد و چون تردید در انتخاب داشت خانواده اش به استخاره رجوع کردند و در نتیجه در زبان و ادبیات انگلیسی لیسانس گرفت. مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و چون به دنبال یک سخنرانی در اردوی تابستانی فرزندان کارگران مجبور به ترک کار شد، برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت. در دانشگاه آیووا، هم در گروه نویسندگان بین‌المللی پذیرفته شد و هم به کسب درجه MFA نایل آمد. MFA درجه‌ای مستقل است که به نویسندگان و هنرمندانی که داوطلب تدریس در دانشگاه باشند اعطا می‌شود و نویسندگان به جای محفوظات و تاریخ ادبیات به آموختن نقد به صورت تئوری و عملی و انجام طرح‌های ادبی متنوع به مطالعات وسیع درباره آثار نویسندگان و شاعران می‌پردازند. دوره آن یک سال بیش از فوق لیسانس است و استخدام دارنده این مدرک در دانشگاه‌های آمریکا با پایه دکتری انجام می‌پذیرد. در زبان عربی استعداد خاصی داشت و چنانکه در مقدمه «ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید» گفته است: «در دوره دبیرستان و به تشویق یک استاد دلسوز و دانشمند، عربی پایه را خوب فرا گرفتم و هرگز رابطه‌ام با آموختن آن زبان قطع نشد چه کلاس‌های عادی و چه درس خصوصی را در محضر استادانی تلمذ می‌کردم که قرآن‌شناس بودند. خودم بر این عقیده هستم که بروز و شکوفایی استعداد من در زبان عربی به دلیل این بود که تجوید و قرائت قرآن کریم را در کودکی در سن ۶ سالگی آموخته بودم.»

طاهره صفارزاده برای دروس اصلی «شعر امروز جهان»، «نقد ادبی» و «نقد عملی ترجمه» را انتخاب کرد و در بازگشت به ایران اگرچه به دلیل فعالیت‌های سیاسی در خارج، مشکلاتی برای استخدام داشت اما چون در کارنامه اش از ۴۸ واحد درسی ۱۸ واحد ترجمه ثبت شده بود و کمبود نبود استاد ترجمه برای رشته‌های زبان خارجی موجب گله‌مندی گروه‌های زبان بود، در سال ۱۳۴۹ با استخدام او در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) موافقت شد. دکتر طاهره صفارزاده پایه‌گذار آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزارکننده نخستین «نقد عملی ترجمه» در دانشگاه‌های ایران محسوب می‌شود. دانشگاه آیووا بنا به درخواست شاعران و نویسندگان «کارگاه نویسندگی»، نخستین مرکزی بود که به گنجاندن این درس در برنامه آموزشی رشته‌های زبان و ادبیات اقدام کرد. صفارزاده حدود ۳ سال بعد در کنار نویسندگان دانشجو به بهره‌مندی‌هایی از این آموزش جدید دست یافت. صفارزاده از

ابتدای تدریس خود در ایران متدی مبنی بر شناخت و تطابق مفهومی، دستوری و ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد ابداع کرد و این شیوه پیشنهادی در درسی که سابقه تدریس قانونمند نداشت نزد بسیاری از همکاران وی الگو قرار گرفت. پس از انقلاب اسلامی تعیین کتاب «اصول و مبانی ترجمه» اثر وی به عنوان کتاب درسی در زمینه شناخت نظریه‌ها و نقد عملی ترجمه به ویژه برای دانشجویان رشته «ترجمه» مفید افتاد.

دکتر طاهره صفارزاده به عنوان کارشناس ترجمه معتقد است: «در ترجمه دانستن موضوع یا مطلب مورد ترجمه مقدم بر دانستن زبان مبدأ و مقصد است. این خطر بزرگی است که متخصص رشته علوم انسانی، حتی رشته مهندسی متن پزشکی را و بالعکس یک پزشک متن جامعه‌شناسی را ترجمه کند، چون که اصطلاحات خاص مجموعاً زبان علمی یک رشته را تشکیل می‌دهند.» بر اساس این فکر دو تمرین «ترجمه تخصصی» و «معادل‌یابی برای واژگان تخصصی» در کتابهای زبان برای رشته‌های دانشگاهی به پیشنهاد او گنجانده شد.

طاهره صفارزاده در زمینه شعر و شاعری نیز به دلیل مطالعات و تحقیقات ادبی به معرفی زبان و سبک جدیدی از شعر با عنوان شعر «طنین» توفیق یافت که در آغاز بسیار بحث برانگیز شد زیرا شعر مقاومت و طنز سیاسی، حکومت پسند نبود. سرانجام در سال ۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه اخراج و برای دومین بار به خانه نشینی و فراغت اجباری رفت. و در ایام تنهایی و مشاهده پاره‌ای خیانت‌های سیاسی و اجتماعی، درون مذهبی او بیش از پیش متوجه حمایت خداوند گردید و تحولی شدید در وی ایجاد شد آن گونه که در زمان خانه نشینی، تمام وقت خود را وقف خواندن تفاسیر و مطالعات قرآنی کرد.

کتاب «سفر پنجم» او که دربرگیرنده اشعار مقاومت با مضامین دینی است در سال ۵۶ در دو ماه به سه چاپ با شمارگان سی هزار رسید. از مجموعه شعرهای او می‌توان به: رهگذر مهتاب، ۱۳۴۱ breld the Red um (سروده‌هایی به زبان انگلیسی)، آیووا ۱۹۶۷.م. ۱۳۴۷.ش.

طنین در دلنا [و دفتر دوم]، سد و بازوان، سفر پنجم، حرکت و دیروز، بیعت با بیداری، مردان منحنی، دیدار صبح، در پیشواز صلح، گزیده ادبیات معاصر، هفت سفر، روشنگران راه و اندیشه در هدایت شعر، اشاره کرد.

اشعار صفارزاده با نظر به مسائل سیاسی و اشاره به وقایع مهم جهان دارای خط فکری خاصی است. در همه آثارش به جریان‌های سیاسی ایران و جهان نظر دارد. صفارزاده با استفاده از زبان محاوره، اصطلاحات عامیانه، حتی مطرح کردن شعارها، تلاش می‌کند به شعر و زبان مردمی نزدیک تر شود. شاید به همین دلیل، از آوردن واژه‌ها و اسامی، از زبان‌های بیگانه خودداری می‌کند.

شعر صفارزاده دارای اندیشه‌های شکل یافته است که در قالب کلمات عرضه می‌شود. در شعر صفارزاده، فرصت‌ها گرانبهارترند و خواننده با شاعری مواجه می‌شود که اسلوب را در زبانی فشرده و با بار بیشتر از لحاظ اندیشه و تفکر می‌بیند. او با استفاده از تعبیر مذهبی و قصص و آیات قرآن کریم به صورت تلمیح و جهان‌مداری و سیاست محوری، رنگ و بوی خاص به اشعارش بخشیده است. خودش می‌گوید: شعر مقاومت و طنز سیاسی هیچ وقت حکومت پسند نبوده است.

صفایی سواد کوهی، عبدالصاحب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۳۴- ۱۲۸۸ ش)، نویسنده و مورخ. وی دارای تحصیلاتی در علوم قدیمه از فقه، اصول، کلام و حکمت، در نجف و قم، بود. بعد به ریاست دفتر اسناد رسمی بابل منصوب گردید. پس از چهار سال اشتغال به علت تمایلات سیاسی چپ و ارتباط با عناصر توده‌ای مورد سوءظن مأمورین دولت واقع و زندانی شد و تحت نظر بود. در دانشکده‌ی الهیات و کلاس قضایی و دانشسرای عالی به تحصیل پرداخت و به دریافت لیسانس نایل آمد. بعد عهده‌دار مشاغل مختلفی شد، از جمله: عضویت بازرسی دارایی، سرپرستی شهرداریهای استان دوم، مدیریت روزنامه‌ی «صفا» منتشره در ساری، مدیریت مجله «صفا»، وکیل دادگستری، وکالت مجلس شورای ملی. از آثار وی: «بیوگرافی و کلای دوره‌ی چهاردهم مازندارن»؛ «تاریخ مختصر احزاب سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ ش». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۴۶، ۵۷۶- ۵۷۵ / ۱)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۲ / ۹۰۰)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۹- ۸۵۸ / ۳).

صفایی ملایری، ابراهیم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۶ / ۱۲۹۲ ش)، مورخ، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر. وی در ملایر به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود و دوره‌ی متوسطه را در مدرسه‌ی آمریکایی همدان به پایان رسانید. وی پس از اتمام دوره‌ی دبیرستان به فراگرفتن علوم مقدماتی عرب همت گماشت و رموز فن شعر را از آزاد همدانی و وحید دستگردی در تهران آموخت و از آن پس به اتسخدام وزارت فرهنگ درآمد. وی در ۱۳۱۵ ش در اهواز با روزنامه «خوزستان» همکاری داشت. سپس به تهران آمد و به نشر هفته‌نامه‌ی «عسس» پرداخت. از آثارش: «اسناد سیاسی دوران قاجار»؛ «اسناد مشروطه»؛ «اسناد نویافته»؛ «برگ‌های تاریخ»؛ «دادگری و دادرسی در ایران»؛ «رهبران مشروطه»؛ «نکته‌های برگزیده تاریخ».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۴۱۷- ۴۱۶ / ۲)، الذریعه (۶۱۲ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۲۳۲- ۲۳۱۶ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۵۴۳، ۱۸۰۱- ۱۷۹۷ / ۲)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۲۹- ۲۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱- ۶۹ / ۱).

صفایی، علی محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۸- ۱۲۷۶ ش)، نوازنده و سازنده‌ی ساز. وی نوه‌ی میرزا علی محمد صفا، خوشنویس معروف، بود. در نوجوانی سه‌تار را آموخت و سپس نزد درویش‌خان به تکمیل آن پرداخت. وی در ساختن آلات موسیقی، بخصوص سه‌تار، مهارت زیادی داشت و سه‌تارهایی ساخته که کاسه‌ی آنها چند ترک است و در پایین آنها صدف به کار برده و روی دسته‌ی آنها نیز با صدف تزیین شده

است. صفایی علاوه بر این هنرها، خطی زیبا داشت و نستعلیق را نیکو می‌نوشت. متأسفانه از وی صفحه و نواری ضبط نشده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ موسیقی (۶۹۷ / ۲)، سرگذشت موسیقی (۴۳۲ - ۴۳۰ / ۱)، مردان موسیقی (۴۳ - ۴۱ / ۲).

صفت گل، منصور

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر منصور صفت گل، عضو هیئت علمی و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: منصور صفت گل عضو هیات علمی وابسته پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران و عضو هیات تحریریه مجله تاریخ، عضو هیات علمی وابسته پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران، عضو هیات تحریریه مجله رشد تاریخ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، عضو افتخاری موسسه فرهنگ‌های شرقی دانشگاه توکیو و عضو گروه نویسندگان مجموعه:

Abstracta Iranica: Paris, France برای تاریخ ایران از قرن دهم تا سیزدهم قمری است

آرا و گرایشهای خاص: دکتر منصور صفت گل، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران است که زمینه‌های پژوهش وی «تاریخ ایران در عهد صفویان با تاکید بر تحولات اندیشه‌ای و موسسات مدنی»، «تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری در ایران به ویژه ایران عهد صفویه و پس از آن» و «نهادهای و تحولات اقتصادی در ایران از سده دهم هجری تا سده دوازدهم» است.

جوایز و نشانها: دکتر منصور صفت گل پیش از این کتاب «دین و دولت در عصر صفوی» را انتشار داد که عنوان رساله برگزیده دانشجویی را در مقطع فوق لیسانس از آن نویسنده کرد.

چگونگی عرضه آثار: از منصور صفت گل که مقالات بسیاری در مقوله تاریخ از وی در مجلات پژوهشی داخل و خارج از کشور چاپ شده، تا به حال کتاب‌های «ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی»، ترجمه «برآمدن و فرمانروایی تیمور» بناتریس فوربز منز، تصحیح «مرآت واردات: تاریخ سقوط صفویان و فرمانروایی ملک محمود سیستانی»، و تصحیح «شجره الملوک؛ تاریخ منظوم سیستان از کهن‌ترین روزگاران تا آغازین سال‌های فرمانروایی قاجاران» منتشر شده است. تعداد مقالات: بیش از ۵۴ مورد

تعداد شرکت در کنفرانسها: ۱۱ مورد

آثار:

۱ برآمدن و فرمانروایی تیمور

ویژگی اثر: تألیف بناتریس فوربز منز. ترجمه منصور صفت گل. رسا. تهران ۱۳۷۷.

۲ تاریخ‌شناسی

ویژگی اثر: منصور صفت گل و دیگر مؤلفان. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. وزارت آموزش و پرورش. تهران ۱۳۸۲.

۳ تاریخ‌نویسی در ایران عصر صفوی. دوران شاه عباس یکم.

ویژگی اثر: تألیف شعله کویین. ترجمه منصور صفت گل. (آماده برای انتشار)

۴ ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی

ویژگی اثر: چاپ اول. انتشارات رسا. تهران ۱۳۸۱.

۵ شجره الملوک؛ تاریخ منظوم سیستان از کهن‌ترین روزگاران تا آغازین سال‌های فرمانروایی قاجاران

ویژگی اثر: تصحیح- منصور صفت گل. مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب. تهران (در دست انتشار)

۶ قم در قحطی بزرگ سال ۱۲۸۸ قمری

ویژگی اثر: جان گرنی و منصور صفت گل. انتشارات کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی. قم. (در دست انتشار)

۷ مرآت واردات: تاریخ سقوط صفویان و فرمانروایی ملک محمود سیستانی

ویژگی اثر: تالیف محمد شفیع طهرانی (وارد). مقدمه و تصحیح و تعلیقات. منصور صفت گل. نشر میراث مکتوب. تهران ۱۳۸۳.

صفری فروشانی، نعمت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نعمت الله صفری فروشانی

محل تولد: خمینی شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی در شهرستان خمینی شهر وارد حوزه علمیه شدم، سال ۵۹ به حوزه علمیه اصفهان وارد شدم و تا سال ۶۳ دروس سطح دانی را به پایان بردم. از سال ۶۴ تا کنون در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل می‌باشم و در دروس فقه، اصول، تفسیر و فلسفه از اساتیدی همچون آیات ستوده، اعتمادی، مؤمن، محقق داماد (سید علی)، اسماعیل پور، قمشه ای، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، جوادی آملی و فاضل گلپایگانی بهره بردم در سال ۱۳۶۷ در امتحانات حوزه علمیه قم نفر اول پایه ششم و در امتحانات پایه نهم حوزه در سال ۶۸ رتبه دوم را کسب کردم هم‌زمان با ادامه دروس حوزوی در سال ۱۳۷۴ در رشته معارف و الهیات موفق به دریافت مدرک کارشناسی از دانشگاه قم (تربیت مدرس) شدم و در سال ۱۳۷۷ در رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران، دانشکده الهیات در مقطع دکتری پذیرفته شدم و در آذر ۱۳۸۵ از پایان نامه خود با عنوان (ارزیابی منابع مکتوب امامیه در مورد زندگانی ائمه (ع) از آغاز تا پایان نیمه اول قرن پنجم هجری دفاع کردم. از سال ۱۳۶۹ وارد کارهای پژوهشی شدم و با موسسات و مراکز مختلف همچون پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز معجم فقهی، سازمان اوقاف، صدا و سیما، دارالحدیث، و پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات همکاری داشتم. همچنین در همین مدت شروع به نگارش مقالات و کتب نمودم که حاصل آن حدود سی مقاله منتشر شده در مجلات تخصصی و همایش‌ها و چهار کتاب و مشارکت در تألیف پنج کتاب است که در همین راستا موفق به دریافت هشت تقدیر نامه از مراکز معتبر همچون کتاب سال جمهوری اسلامی، کتاب سال حوزه، کتاب سال دانشجویی، کنگره دین پژوهان، پژوهش و فرهنگی سال و جشنواره فرهنگی اشراق شده‌ام. نوشته‌های اینجانب در حوزه‌های مختلف همچون فقه، تاریخ اسلام، کلام و حدیث، می‌باشد. همچنین تاکنون چند مدخل مانند جابر بن یزید

جعفی، حریبه و خاندان جعفری برای دانشنامه جهان اسلام به نگارش در آورده ام. اینجانب از سال ۱۳۷۸ تاکنون در برنامه ریزی های مربوط به رشته تاریخ اسلام در مراکزی همچون مرکز جهانی علوم اسلامی، سازمان مدارس خارج از کشور، رشته تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم و حوزه علمیه خاوران شرکت فعال داشته ام. که این برنامه ریزی ها در دو سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد در گرایش های مختلف تاریخ اسلام انجام گرفته است. از سال ۱۳۷۸ تاکنون مدیر گروه تاریخ اسلام مدرسه عالی امام خمینی (ره) وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی می باشم که دارای سه عضو هیأت علمی و حدود چهل استاد مشغول به تدریس در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد می باشند. همچنین مدتی مدیریت گروه تاریخ اسلام واحد تاریخ و سیره پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات را به عهده داشتم. در سال ۱۳۸۲ در دوره اول انتخابات تاریخ پژوهان حوزه علمیه قم به عنوان یکی از اعضای هیأت مدیره انتخاب شدم و مدیریت بخش پژوهش این انجمن را به عهده گرفتم. همچنین اینجانب از سال ۱۳۷۸ تاکنون ارزیابی نوشته ها اعم از کتب و مقالات تاریخی را برای مراکز، موسسات، مجلات و جشنواره های مختلف انجام داده ام. ضمناً اینجانب از سال ۱۳۷۹ تا کنون در مراکز مختلف حوزوی و دانشگاهی همچون دانشکده الهیات دانشگاه تهران، دانشگاه مفید قم، مدرسه عالی امام خمینی (ره) وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی، جامعه الزهراء، موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره) مجمع جهانی اهل بیت (ع) مرکز تخصصی مهدویت، پژوهشکده مهدویت و مرکز تخصصی تاریخ حوزه علمیه قم به تدریس دروس مختلف تاریخی، حدیثی و فرقه شناسی اشتغال داشته ام.

صفی نژاد، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جواد صفی نژاد در نهم شهریور ۱۳۰۸ شمسی در شهر ری متولد شد. او در شهر ری تحصیلات خود به پایان رسانید و به اخذ دیپلم موفق شد. در سال ۱۳۳۲ در رشته تاریخ و جغرافی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۶ درجه لیسانس را دریافت کرد و از آنجا که استعداد و پشتکار چشمگیری از خود نشان داده بود، تعهد دبیری خود را لغو کرد و به راهنمایی دکتر گنجی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد. در سال ۱۳۴۰ بود که کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم اجتماعی با ارائه پایان نامه ای درباره اماکن مقدسه شهرری دریافت داشت. در سال ۱۳۴۵ به مناسبت گسترش روزافزون بخش مطالعات روستایی، بخش مطالعات عشایری از آن جدا شد و صفی نژاد به اتفاق دو تن از همکارانش به سرپرستی دکتر نادر افشار نادری بخش مطالعات و تحقیقات عشایری را مستقلاً^۱ پایه گذاری کردند. استاد صفی نژاد در سال های اولیه دهه اخیر به افتخار بازنشستگی نائل آمد. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعیه والدین و انساب: نیاکان جواد صفی نژاد از لره های بختیاری بودند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: جواد صفی نژاد در شهر ری تحصیلات خود به پایان رسانید و به اخذ دیپلم موفق شد. در سال ۱۳۳۲ در رشته تاریخ و جغرافی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۶ درجه لیسانس را دریافت کرد و از آنجا که استعداد و پشتکار چشمگیری از خود نشان داده بود، تعهد دبیری خود را لغو کرد و به راهنمایی دکتر گنجی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد. از سال ۱۳۳۷ همکاری خود را با موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران آغاز کرد. او ابتدا در گروه جامعه شناسی شهری و سپس مطالعات روستایی این موسسه مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۰ بود که کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم اجتماعی با ارائه پایان نامه ای درباره اماکن مقدسه شهرری دریافت داشت و قایع میانسالی: جواد صفی نژاد در سال ۱۳۴۵ به مناسبت گسترش روزافزون بخش

مطالعات روستایی، بخش مطالعات عشایری از آن جدا شد و صفی نژاد به اتفاق دو تن از همکارانش به سرپرستی دکتر نادر افشار نادری بخش مطالعات و تحقیقات عشایری را مستقلاً پایه‌گذاری کردند. با آغاز این کار بخش مطالعه میدانی گروه به قلمرو ترکمن‌ها و سپس مناطق عشایرنشین شاهسون گسترش یافت. از سال ۱۳۴۶ پژوهش‌های عشایری استاد صفی نژاد در قلمرو کهگیلویه و به خصوص بویراحمد آغاز گردید که تا به امروز ادامه دارد. ایشان در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) به مدت یک سال به همکاری با موسسه شرق‌شناسی دانشگاه مونیخ/آلمان در بخش ایران‌شناسی پرداخت و در دانشگاه مونیخ تدریس کرد. حاصل این امر اثری است با همکاری آقای کامران هاشمی که مجموعه‌ای از ۶۰ سند تاریخی از کشاورزی سنتی ایران را شامل می‌شود. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: فعالیت‌های حرفه‌ای جواد صفی نژاد به قرار زیر است: ۱۳۳۷: همکاری با موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ابتدا در گروه جامعه‌شناسی شهری و سپس مطالعات روستایی ۱۳۴۵: همکاری در تاسیس و عضو کادر موسسه مطالعات و تحقیقات عشایری همکاری با موسسه شرق‌شناسی دانشگاه مونیخ در بخش ایران‌شناسی ۱۳۷۳-۴: همکاری با پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی ۱۳۷۳-۳: همکاری با سازمان مسکن انقلاب اسلامی همکاری با گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران فعالیت‌های آموزشی: جواد صفی نژاد تاکنون به تدریس دروسی چون مبانی جغرافیای انسانی، جامعه‌شناسی ایلات و عشایر، مردم‌شناسی ایران با تکیه بر ایلات و عشایر، زمینه‌ها و شیوه‌های همیاری، مسائل کوچ‌نشینی، انسان و محیط، منابع و مآخذ جغرافیا و نظام‌های آبیاری در ایران به طور عمده در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده ادبیات و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، گروه جغرافیای دانشگاه تهران و نیز دانشگاه علامه طباطبایی به تدریس پرداخته است. از فعالیت‌های پژوهشی استاد صفی نژاد در طی این سال‌ها می‌توان به مطالعات میدانی در میان ترکمن‌ها و شاهسون‌ها و مناطقی از کهگیلویه و بویراحمد، سبزی‌کاری و سبزی‌کاران شهرری، پیشینه جغرافیایی و تاریخی شمال خراسان، انجام منوگرافی متعدد، کار بر روی موضوعاتی چون قنات، بنه، نظام‌های زراعی، نظام‌های آبیاری و اسناد عشایری در ایران اشاره کرد. ایشان در زمینه‌های فوق جز متخصصین منحصر به فرد به شمار می‌رود. آرا و گرایش‌های خاص: جواد صفی نژاد درباره علاقه خود به تحقیق درباره ایران می‌گوید: «همه آثار من، تحقیقی است و در حوزه وطن عزیز ما ایران است. من جز راجع به مناطق روستایی و عشایری، وارد حوزه‌های دیگر نشدم. در کتابخانه شخصی من، ۹۰٪ از آثار متعلق به پژوهش‌های ملی است. اگر بشنوم در دره گز کتابی راجع به دره گز چاپ شده می‌روم آن را تهیه می‌کنم. این قدر علاقه مندم که کتاب‌های مربوط به مناطق مختلف کشور را داشته باشم» چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات معتبر علمی: ۲۸ مورد - تعداد طرح‌های تحقیقاتی: ۱۳ مورد - نگارش مقدمه: ۴ مورد - راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه دانشجویان: ۲۱ مورد آثار: پهنه جهان: [تلخیص و بازنویسی کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب از نویسنده‌ای ناشناخته] ویژگی اثر: تالیف قرن چهارم هجری، زیر نظر اکبر ایرانی، علیرضا مختارپور؛ تهران: اهل قلم، مصور، جدول، نمونه این کتاب در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی و بهمن، صص مورد بررسی قرار گرفته است. ۲ آبیاری در روستاهای بیابانی کاشان، آبیاری سنتی در کاشان، گل و گلاب در کاشان ویژگی اثر: به همراه حسین دستمالچی، مسعود مهدوی، تهران: دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران، ۱۳۶۸، ۱۰۴ صفحه، تصویر، جدول، نمودار، نقشه، کتابنامه ۳ اسناد بنه‌ها ویژگی اثر: تهران، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۲۵۳۶ [۱۳۵۶]، جدول جلد اول این کتاب اسناد بنه‌های شهری (غار و فشاپویه) را مورد بررسی قرار می‌دهد. ۴ اطلس ایلات کهگیلویه برای سازمان عمران کهگیلویه ویژگی اثر: تهران: دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، گروه عشایری، شهریور ۱۳۴۷، هفت + ۲۲۳ صص. مجدول. نمودارها. نقشه‌ها. - (با نادر افشار نادری، عزیز رخس خورشید، حسن پارسا، هوشنگ کشاورز) ۵ بررسی اقتصادی و اجتماعی سی سخت بویراحمد ویژگی اثر: (از مجموعه مونیگرافی‌های کهگیلویه)، گزارش شماره ۱۲، دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، گروه عشایری، ۱۲۰ صص، شهریور ۱۳۴۷ ۶ بنه ویژگی اثر: [تهران]: دانشگاه تهران

- موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - بخش تحقیقات انسان شناسی، [۱۳۵۱]، ۱۵۵ ص، نقشه‌ها، مجدول، نمودار؛ ویرایش جدیدی از این کتاب در سال ۱۳۵۳ با نام «بنه: نظام‌های تولید زراعی جمعی، قبل و بعد از اصلاحات ارضی» در تهران توسط انتشارات توس در دوازده + ۲۷۲ + ۳ ص. و همراه با جدول، نمودار و نقشه به چاپ رسید. این کتاب بار دیگر در سال ۱۳۶۸ توسط انتشارات امیرکبیر در ۵۸۴ صفحه با عنوان «بنه: نظام‌های زراعی سنتی در ایران» به چاپ رسید. ۷ تحلیل و تفسیر طومار و آبیاری قرن هشتم شهر قزوین و ویژگی اثر: تهران: وزارت نیرو: موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص. مصور، نقشه، جدول ۸ تحلیل و تفسیر مجموعه اسناد روستایی و عشایری ایران (متنی در شناخت روستاها و مزارع) و ویژگی اثر: تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، مدیریت پژوهش‌های مردم‌شناسی: آتیه، جلد. (بیست و پنج، ص) مصور، نقشه، جدول، نمودار. - جلد اول این کتاب شامل دو کتاب است: کتاب اول: ولایت تربیت حیدریه (ه.ق -) کتاب دوم: سرشماری ولایت طبس (ه.ق). ص. جلد دوم کتاب نیز دارای دو کتاب است: کتاب سوم: طومار دشمن زیاری. ص. کتاب چهارم: اسناد زراعی ورامین. ص تعاونی‌های عشایری سررود بویراحمد علیا و ویژگی اثر: تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، گروه تحقیقات عشایری، ۱۵۷ ص، اردیبهشت ۱۳۶۳ - (با شاهرخ ترغیبی و هیبت الله غفاری) ۱۰ جمعیت و شناسنامه ایلات کهگیلویه و بویراحمد علیا، سفلی و گرلیه) (مشخصات کتابشناختی این اثر به دست نیامد) ۱۱ جهان‌نامه ویژگی اثر: - این کتاب بازنویسی کتاب جهان‌نامه اثر محمدبن نجیب بکران می‌باشد. کتاب حاضر در ماه تاریخ و جغرافیا، ش، دی و بهمن، ص مورد بررسی قرار گرفته است. ۱۲ خان‌نامه ویژگی اثر: تحقیق در عشایر کهگیلویه و بویراحمد (در دوره خان‌خانی)، مجله دانشکده، نشریه مرکزی دانشگاه تهران (فرهنگ و علوم انسانی)، سال اول، شماره ۲، ۱۳۵۵ ۱۳ سد زیرزمینی قنات و زوان - میمه اصفهان، به همراه بیژن دادرسی و ویژگی اثر: تهران: وزارت نیرو، موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص، مصور (بخشی رنگی)، جدول، نمودار، نمونه. این کتاب به مناسبت اولین همایش بین‌المللی قنات که در اردیبهشت در یزد برگزار شد، منتشر گردید و در کتاب ماه هنر، شماره، خرداد و تیر، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. ۱۴ سفرهای سلیمان سیرافی از خلیج فارس تا چین و ویژگی اثر: تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۳۰ ص. مصور، نقشه ۱۵ سوق طیبی از مجموعه مونوگرافی‌های کهگیلویه و بویراحمد، تهران، دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، گروه عشایری، ۱۳۴۷، ۵۶ ص - (با نادر افشار نادری، و هوشنگ کشاورز) ۱۶ شناسنامه جامعه عشایری و ویژگی اثر: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، جزوه درسی مربوط به درس مردم‌شناسی عشایر ایران، ۹۴ ص، ۱۳۶۱۱۷ عشایر مرکزی ایران و ویژگی اثر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸، بیست و سه + ۳۶ ص. مصور، نقشه، جدول، عکس - این کتاب در فصلنامه مطالعات ملی: عشایر و هویت ایرانی، ۸ مورد بررسی قرار گرفته است ۱۸ غارت و ویژگی اثر: درآمد مستمر خان در دوره خان‌خانی، مجله دانشکده، نشریه مرکزی دانشگاه تهران (فرهنگ و علوم انسانی)، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۵۵ ۱۹ کشاورزی سنتی ایران براساس اسناد جنوب تهران (دروان قاجاریه) و ویژگی اثر: تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ص. نقشه، جدول، نمودار - (با ابرهارد کروگر) ۲۰ کهن شهرها [تلخیص و بازنویسی کتاب مسالک الممالک اثر ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد فارسی اصطخری] و ویژگی اثر: به کوشش جواد صفی‌نژاد؛ زیر نظر اکبر ایرانی، علیرضا مختارپور؛ تهران: اهل قلم، ص. مصور، نقشه، جدول، نمودار ۲۱ کوششی در آموزش خط سیاق و ویژگی اثر: تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: بنیاد ایران‌شناسی، ص. ۲۲ گاو چاه‌های فارس با تکیه بر گاو چاه‌های جهرم و ویژگی اثر: تهران: وزارت نیرو، موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص. مصور، جدول، عکس (رنگی) ۲۳ لرهای ایران لر بزرگ، لر کوچک و ویژگی اثر: تهران: آتیه، مصور، جدول، نمودار ۲۴ مبانی جغرافیای انسانی و ویژگی اثر: تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، بیست و یک ص. مصور، نقشه، جدول. (چاپ اول این کتاب سال‌ها قبل منتشر شده بود) ۲۵ مجموعه تفضیلی مآخذ عشایر ایران و ویژگی اثر: تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶ - (با شاهرخ ترغیبی و علی پاینده) ۲۶

مردم شناسی ایران با تکیه بر ایلات و عشایر ویژگی اثر: جزوه درسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی، جدول، نقشه، نمودار، ۲۴۲ ص، ۱۳۶۴ ۲۷ مقدمه‌ای بر دو روزنامه شرف و شرافت ویژگی اثر: نگارش جواد صفی‌نژاد؛ به خط غلامحسین امیرخانی، فرهنگسرا: (یساولی)، ۲۸ مونوگرافی ده طالب‌آباد ویژگی اثر: تهران، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، یازده ص. مصور، نقشه، جدول، نمودار ۲۹ نان سنگک: مطالعه‌ای مردم‌شناختی، مولف داود روغنی ویژگی اثر: به گردآوری جواد صفی‌نژاد، تهران: اختران، ۱۳۸۵، ۲۱۶ ص، مصور (رنگی)، نقشه این کتاب در مقاله‌ای با عنوان «سفر ساله کتاب نان سنگک: نگاهی به کتاب خاطرات شاطر داوود روغنی» نوشته غلامرضا معصومی منتشره در روزنامه جام‌جم، اردیبهشت، مورد بررسی قرار گرفت. ۳۰ نظام سنتی آبیاری در نائین ویژگی اثر: تهران، کمیته ملی آبیاری و زه‌کشی، ۵۹۴ ص، ۱۳۸۴ این کتاب در مصاحبه‌امیر هوشنگ انوری با نولف تحت عنوان «آبنا‌مه‌ها راز قنات‌ها را فاش می‌کنند: گفتگو با دکتر جواد صفی‌نژاد درباره کتاب نظام‌های آبیاری در نائین،» منتشره در کتاب هفته، دوره جدید، شماره، مهر: مورد بررسی قرار گرفته است. ۳۱ نظام‌های آبیاری سنتی در ایران ویژگی اثر: تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۳۵۹ ص، ۲۸۲ ص. مصور، جدول، عکس، نمودار. این کتاب در سال ۱۳۶۸ با تغییراتی در دو جلد در مشهد توسط موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، به چاپ رسید. ۳۲ واحدهای اندازه‌گیری در روستاهای ایران ویژگی اثر: همراه با حسین ملک، تهران، دانشگاه تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۹، ۹۵ صفحه، جدول، نقشه ۳۳ واژه‌نامه قنات، همراه با عبدالوحد آغاسی ویژگی اثر: : شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد ص. مصور، جدول این کتاب به مناسبت اولین همایش بین‌المللی قنات که در اردیبهشت در یزد برگزار شد، منتشر گردید. کتاب حاضر در کتاب ماه هنر، شماره خرداد و تیر مورد بررسی قرار گرفت. ۳۴ وصف خلیج فارس در نقشه‌های تاریخی ویژگی اثر: همراه با محمدحسن گنجی، محمدباقر وثوقی و با همکاری فاطمه فریدی‌مجید امیر هوشنگ انوری؛ مقدمه، تدوین و بازبینی نهایی حسن حبیبی، تهران: بنیاد ایران‌شناسی

صفیر، محمد علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدمحمدعلی صفیر، دانشمند و شاعر شهیر در سال ۱۲۹۴ شمسی در شهر کرمانشاه دیده به جهان گشود. استاد صفیر در کودکی همراه پدرش به نجف اشرف رفت و پس از چندی همراه او به کرمانشاه و از آنجا به قم رهسپار و مشغول تحصیل علوم دینی شد و برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبدعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت. پس از آن به تهران رفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران تحصیلات خود را پی گرفت. استاد صفیر پس از فارغ التحصیل شدن، به تعلیم و تربیت روی آورد و سال‌های متمادی در دبیرستان‌های تهران به تدریس ادبیات پرداخت. استاد سیدمحمدعلی صفیر، در روز چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۷۷ در سن ۸۶ سالگی در تهران چشم از جهان فرو بست.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: پدر سیدمحمدعلی صفیر، حجت الاسلام سیدحسین حائری از دانشمندان مقیم قم بود. پدر بزرگ او نیز، آیت الله سیدمحمدعلی حسینی تنکابنی از علمای مشهور و از مجاهدین و مبارزین در پیشرفت فتوای تحریم تنباکو بود.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سیدمحمدعلی صفیر در کودکی همراه پدرش به نجف اشرف رفت و پس از چندی همراه او به

کرمانشاه و از آنجا به قم رهسپار و مشغول تحصیل علوم دینی شد و برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبدعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت. پس از آن به تهران رفت و در دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران در گروه نخستین دوره ی دانشجویان قرار گرفت.

استادان و مربیان: سیدمحمدعلی صفیر در حوزه علمیه قم برخی از دروس ادبیات و مقدمات فقه را نزد علامه سیدعبدعلی هندی و آیت الله شیخ جعفر صبوری قمی فراگرفت.

زمان و علت فوت: سیدمحمدعلی سیدمحمدعلی صفیر، در روز چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۷۷ در سن ۸۶ سالگی در تهران چشم از جهان فروبست و پیکرش در قطعه ی ۸۸ بهشت زهرا (قطعه ی فرهیختگان) به خاک سپرده شد.

فعالیت‌های آموزشی: سیدمحمدعلی صفیر پس از فارغ التحصیلی از دانشکده معقول و منقول دانشگاه تهران، به تربیت و تعلیم روی آورد و سال‌های متمادی در دبیرستان‌های تهران به تدریس ادبیات گذراند.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: سیدمحمدعلی صفیر در تأسیس مراکز فرهنگی و دینی، یار و یاور علامه شیخ مهدی سراج انصاری بود و بعد از سقوط رضاخان در شهریور ۱۳۲۰، اقدام به تأسیس «انجمن تعلیمات اسلامی ایران» نمودند. وی از جمله در کار تأسیس بنای حسینیه ارشاد و به همراه آقایان محمد همایون، دکتر ناصر میناچی و میرعبدالحمید ادبی در بخش فرهنگی آن تلاش کرد که قسمت اعظم کتیبه های حسینیه و مسجد ارشاد با بهره وری از دیدگاه های استاد صفیر انجام یافت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سیدمحمدعلی صفیر در کنار کارهای فرهنگی، به دفاع از حریم تشیع و پاسخ شبهات و ایرادها در کنار علمای تهران همت گماشت. وی در فتنه ی کسروی، همراه با آیت الله شیخ محمدحسن طالقانی رسماً علیه او در دادگاه شکایت نمود. استاد علاوه بر هنر استادی در انواع شعر در کارهای هنری نظیر خطاطی، نقاشی، طراحی و کاشی کاری نیز دست داشت. همچنین در فراگرفتن چند زبان کهن و خارجی کوشش نمود و زبان‌هایی چون عربی، فرانسه، عبری و پهلوی را به خوبی می دانست. در بسیاری از مساجد ایران و بلکه خارج ایران، آثار طبع هنری او روی کاشی کاری ثبت و حک شده، که از جمله ی آن مراکز مذهبی چون مسجد هدایت، مسجد جامع نارمک، حسینیه ارشاد، مرقد مطهر حضرت رقیه (ع) در شام، چند مسجد در هندوستان و پاکستان می توان نام برد. وی به امر علامه سیدمحمود طالقانی، شعرهای کتیبه ی سردر حسینیه ارشاد و سردر بزرگ مسجد هدایت را سروده است.

آرا و گرایشهای خاص: سیدمحمدعلی صفیر در اشعار خود به «صفیر» تخلص می کرد. در زمان دکتر محمد مصدق و بنا بر پیشنهاد او، تصویبنامه ای از هیئت دولت گذشت که نام خانوادگی صفیر مختص به وی باشد تا آن که شعرهایش با نام خانوادگی این شاعر یکسان و جاودانه شود. استاد صفیر دارای طبعی بلند و همتی زیاد و پشتکار و مجاهدت و استقامت در راه حق و حقیقت بود. در کلام و سخن گفتن، صداقت و صراحت داشت.

آثار:

- ۱ تاریخ مختصر ایران
- ۲ ترجمه ی دیوان اشعار امام علی (ع)
- ۳ تصحیح انجیل برنابا
- ۴ تصحیح دیوان شیخ محمود شبستری
- ۵ خردنامه
- ویژگی اثر: اثر منظوم، در پند و اندرز.

۶ درس دین

۷ دیوان اشعار

ویژگی اثر: با بیش از پانزده هزار بیت.

۸ ماتمکده ی شهید شیرخوار

ویژگی اثر: منظومه ای در صد بیت، در رثای عبدالله رضیع (ع).

منابع:

۱ مجله ی آینه پژوهش، سال نهم، شماره ی ۵۴، بهمن و اسفند ۱۳۷۷، ص ۱۱۴

صمیمی، غلامحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامحسین صمیمی

محل تولد: کریر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از دست آوردهای بزرگ انقلاب اسلامی رهایی دانش از بند استبداد بود که سالیانی دراز چون دیگر فضایل انسانی در سایه حکومت ستم شاهی، ناچیز و بی ارزش بود و پس از آن در تلالوء فجر پیروزی در لوای معارف بلند اسلام رخ نمود و امید در دل مشتاقان گشود و در همین افق بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه کاشمر شدم و چون پیش از آن در حزب جمهوری اسلامی که در آن دوران تشکلی زنده و مؤثر در برابر تبلیغات انحرافی گروهکهای التقاطی و ضد اسلامی مشغولیتی داشتم و فرصتی برای دروس و مطالعه نداشتم به پیشنهاد یکی از دوستان دور که از حوزه علمیه یزد به کوشه ای بی توشه و آماده از برای کسب دانش و مطالعه نام می برد بدانجا رفتم و درسها را از آغاز پی گرفتم ولی باز همان دل مشغولیتهای پیش به اضافه عضویت غیر رسمی در سپاه و بدین گونه بود تا پس از سه سال که چندی هم در مناطق جنگی و بویژه در محورهای عملیاتی کردستان سپری شد به قم آمدم و در مدرسه شهاییه ساکن شدم و در درس معالم آقای قاسمی کاشانی که اخلاق و منش به عنوان نخستین استاد در قم در من تأثیری ژرف داشت داشت شرکت جستم و ماهی چند خود نیز برای چند دانش آموز مقطع دبیرستان که آشنایی اتفاقی داشتیم در حرم حضرت معصومه (س) به تدریس شرح امثله و سپس صرف میر پرداختم. این کلاس تقریباً هر وقت از منطقه جنگی به قم می آمدم ادامه می یافت. و بدین گونه توفیقی آمد تا از جامع المقدمات کتابی چند مانند شرح امثله و صرف میر و شرح تصریف، و المودج تدریس شد.

سالیان بعد نیز در کنار فراگیری کتابهای سطح منطق کبری و شرح باب حادی عشر را تدریس نمودم. همراه با دروس خارج فقه و اصول و فلسفه و آیات الاحکام و تفسیر قرآن کریم هم در زمینه تاریخ که از خردسالی بدان علاقه داشتم به کاوش پرداختم. این

پژوهش که اکنون ۱۲ ساله است غالباً در سده نخست اسلام بوده است و چهار سالی است که روزانه بین چهار تا پنج ساعت است که بهره اش ۵۸۰ فیش تحقیقاتی و ۳۶۰ ورق آچار است و روزهای پنج شنبه نیز در مسجد امام زین العابدین (ع) برای روحانیون تدریس سیره دارم سیره سیاسی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدود چهل مقاله هم در نشریات گوناگون.

صنعت، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۲ ش)، سازنده‌ی ساز. وی بهترین شاگرد یحیی تارساز و برادر بزرگ جعفر صنعت بود. صنعت تار را استادانه می‌ساخت و در تعمیر آلات موسیقی، بویژه تار و سه‌تار و تشخیص معایب آنها استعداد فراوان داشت. او در اواخر عمر به بیماری سختی دچار شد و پس از چندی درگذشت. استاد اصغر زنگنه و ابوالقاسم اعتمادی (مفتح السلطان) از شاگردان معروف وی بودند. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ موسیقی (۶۹۹، ۶۹۷، ۶۹۵ / ۲)، سرگذشت موسیقی (۱۷۲- ۱۷۱ / ۱)، مردان موسیقی (۳۸۴، ۳۶۵، ۳۶۴، ۳۳۹ / ۲).

صنیع خاتم، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۰ ش)، خاتم کار. ملقب به صنیع دیوان. وی برادر محمد حسین صنیع خاتم است. او به تعمیر و مرمت صندوقهای مزار ائمه اشتغال داشت و طراحی نقوش را به استادی طرح می‌کرد و با همکاری شاگردانش به پایان می‌رسانید. از آثار وی: تجدید ساخت ضریح نقره‌ای حضرت شاه‌عبدالعظیم، ساختن و پرداختن تالار خاتم کاخ مرمر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۹۰۲ / ۲)، تاریخ برگزیدگان (۵۳۴).

صنیع خاتم، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۱- ۱۲۶۲ ش)، خاتم کار. ملقب به امین الصنایع. در شیراز به دنیا آمد. خاتم‌سازی را، در شیراز، نزد پدر فرا گرفت و هنگام سلطنت رضاخان به تهران آمد و مأمور کارهای خاتم‌کاری کاخهای سلطنتی گردید و به کمک جمعی از خاتم‌سازان ماهر، تالار خاتم را در ضلع شرقی کاخ مرمر پدید آورد. از ۱۳۱۰ ش تا پایان عمر به سمت استاد خاتم‌سازی در اداره هنرهای زیبا اشتغال داشت. اهل فن، اصالت کارهایش را ستوده‌اند. وی در شیراز درگذشت و در همان جا دفن شد. [۱]

(از ع. خاتم ساز) محمد حسین بن محمد کاظم خاتم ساز (و. شیراز ۱۲۶۲- ف. شیراز ۱۳۲۹ ه. ش.). وی در خانواده‌ای خاتم ساز متولد شد و خود از سال ۱۳۱۰ ه. ش. تا پایان عمر سمت استادی خاتم‌سازی در اداره هنرهای زیبای کشور را داشت. از آثار مهم او تالار خاتم‌کاری کاخ مرمر است (به طول ۸ متر و عرض ۶ متر). دیوارها و سقف و اثاثه این تالار همه از خاتم عالی ساخته شده. وی در ۱۳۳۶ ه. ق. به امین‌الصنائع ملقب گردید و علاوه بر مهارت در خاتم‌سازی، خطوط شکسته و نستعلیق را خوب می‌نوشته و گاه شعر می‌سروده.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] احوال و آثار نقاشان (۲ / ۷۰۶)، تاریخ برگزیدگان (۵۳۵-۵۳۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۵۸۱ / ۲).

صنیع همایون اصفهانی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۰- ۱۲۷۶ ق)، نقاش، مذهب و قلمدان‌ساز. ملقب به صنیع همایون. وی نواده‌ی آقا نجفعلی نقاشباشی است که در اصفهان چشم به جهان گشود. او در ابتدای کار از پدر هنرمندش فیضها برد و بعد در خدمت میرزا آقا امامی و محمد باقر سمیرمی و سایر استادان دیگر به کس هنر اشتغال داشت. صنیع همایون در صورت‌سازی و چهره‌پردازی نازک‌قلم و در گل و مرغ و منظره‌پردازی پراعتبار بود و در تذهیب و آبرنگ مهارت داشت و اغلب قلمدان و قاب آینه و جلد کتاب می‌ساخت. سبک او متأثر از شیوه‌ی عباس شیرازی و محمد ابراهیم اصفهانی، ولی در عین حال متمایز از آن دو استاد است. از آثار وی: قلمدان تابوتی بزرگی که در داخل مدالیون رویه‌اش، تصویر زنی است که به متکایی تکیه داده و در دو دماغه قلمدان، صورت شیر ارائه شده، با رقم: «عبدالحسین صنیع همایون ۱۳۳۸»؛ قلمدانی با تصاویر دخترانی با آرایش زنان فرنگی، بر رویه‌ی قلمدان تصویر شده و در زمینه‌ی آن، منظره‌ی سرسبز درختان و کوهسارهای فرح‌افزا دیده می‌شود، با رقم: «عبدالحسین صنیع همایون ۱۳۲۴»؛ تصویر رنگ و روغنی مجلس پذیرایی شاه طهماسب از همایون شاه با رقم: «عمل کمترین صنیع همایون».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳۲۱- ۳۲۰ / ۱)، تاریخ اصفهان (۳۳۷- ۳۳۵)، تاریخ هنرهای ملی (۱۰۳۰ / ۲)، گلستان هنر (پنج‌جاه و دو)، هنر قلمدان (۱۵۸- ۱۵۷).

صنیع همایون، عبداللطیف

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، قلمدان‌ساز. از هنرمندانی است که در گل و مرغ و جانورسازی مهارت داشت. از آثار وی، قلمدان گل و مرغی خوش طرحی است که به شیوه‌ی آقا ابراهیم ترسیم شده با رقم: «عمل کمترین عبداللطیف صنیع همایون ۱۳۴۱».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳۴۳ / ۱).

صنّعی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. هنرمند گمنام دوره‌ی ناصری بود که در قلمدان‌سازی و کارهای روغنی دست داشت. از آثار وی قلمدان زیبایی است که در رویه‌ی آن تصاویر چند دختر جلب‌نظر می‌کند و فرشته‌ای با پرهای طلایی خود رد مقابل آنها نشسته و با آنها صحبت می‌کند. در طرفین صحنه وسط، دو درخت موزون که یکی برگهای سبز و دیگری زرد پاییزی دارد دیده می‌شود و در جنب آنها مجلس پر حالت شیخ صنعان و دختر ترسا در نازک‌قلمی استادانه تصویر شده، با: «رقم صنّعی ۱۲۷۰».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲۸۸-۲۸۷ / ۱).

صیاد، عبدالعزیز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شعبان عبدالعزیز صیاد

استاد صیاد از جمله قاریان بنام کشور مصر می‌باشد. وی در کودکی موفق به حفظ کل قرآن گردید و مدارج و طبقات قرآنی را با موفقیت پشت سر گذاشت و در عنوان جوانی جهت قرائت قرآن به رادیو مصر دعوت شد، وی از جمله قاریانی است که به سبک خاص خود تلاوت می‌کند و در این زمینه صاحب سبک می‌باشد.

استاد در قرائات سبعة تبخّر خاصی دارد، به خصوص قرائت حفص از عاصم و ورش از نافع که در این دو قرائت از اساتید بنام خود اجازه قرائت دارد.

وی به کشورهای مختلف دنیا سفر کرده است که از آن جمله سفر به کشور جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۰ ه.ش می‌باشد. ایشان به مناسبت سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، به دعوت رادیو قرآن به ایران آمد و در شهرهای تهران، مشهد، قم، اصفهان و رشت، دل‌های مشتاقان به قرائت قرآن را لبریز از نور معرفت الهی نمود.

از استاد صیاد تلاوت‌های مشهور بسیاری از جمله تلاوت سوره‌های فرقان، کهف، نجم، قمر، اسراء و آل عمران به جای مانده است.

منابع زندگینامه: <http://st-golbangeram.ir>**طالب، مهدی**

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر مهدی طالب استاد و مدیر گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان دارای مدرک دکتری

رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه میرال فرانسه می‌باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: مهدی طالب مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه میرال فرانسه و نیز در رشته جغرافیای انسانی از دانشگاه دانیل فوشه - میرال تولوز فرانسه و دکتری را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه میرال فرانسه اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی مقایسه‌ای منابع معیشت در سه روستای ایرانی با خصوصیات طبیعی مختلف» و در دوره دکتری بوده است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: در خصوص سوابق خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر طالب می‌توان مواردی همچون «معاون آموزشی دانشکده»، «مدیر گروه تعاون و رفاه اجتماعی»، «رئیس توسعه تحقیقات تعاونی» و «سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده» را نام برد. فعالیتهای آموزشی: موارد تدریس مهدی طالب «اصول اندیشه‌های تعاونی»، «تامین اجتماعی»، «تامین و رفاه اجتماعی» و «زمینه‌ها و شیوه‌های همکاری درجا» (در مقطع کارشناسی) و «رهبری و مدیریت»، «روش تحقیق در توسعه و رفاه اجتماعی»، «مدیریت روستائی»، «تحولات جامعه روستایی ایران»، «روش تحقیق در توسعه»، «سازمانهای مشارکتی روستائی»، «سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت»، «طرح تحقیق»، «مدیریت روستائی» و «مطالعه تطبیقی تجارب توسعه در کشور» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است. چگونگی عرضه آثار: مهدی طالب مولف کتب «چگونگی انجام مطالعات اجتماعی» (۱۳۶۹)، «روش تحقیق در علوم اجتماعی» (۱۳۷۰)، «مدیریت روستایی در ایران» (۱۳۷۱)، «جامعه‌شناسی اعتبارات روستائی در ایران» (۱۳۷۳)، «اصول و اندیشه‌های تعاونی» (۱۳۷۶)، «مدیریت روستایی در ایران» (۱۳۷۶)، «کتاب تامین اجتماعی» (۱۳۷۸)، «شیوه‌های علمی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق عملی)» (۱۳۸۰) و «جامعه‌شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران» (۱۳۸۴) و مقالات «مسائل و موانع جامعه‌شناختی توسعه روستایی در ایران»، «عوامل موثر در تقطیع اراضی زراعی»، «شیوه‌های همیاری در جامعه روستایی ایران»، «واحد‌های بهره‌برداری خانوادگی»، «اهمیت مفاهیم و اصطلاحات در علوم اجتماعی»، «عوامل اجتماعی مهاجرتهای روستایی»، «نقش واحد‌های بهره‌برداری خانوادگی در توسعه کشاورزی»، «مسائل و مشکلات توسعه در ایران»، «طرحی برای مدیریت روستائی در ایران»، «فرهنگ شورائی و تاملاتی در مدیریت شهری»، «شوراهای اسلامی روستائی»، «فلسفه تعاونیهای مصرف»، «فلسفه قیمت‌گذاری در تعاونی مصرف»، «همیاری در ازدواج در ایران»، «قومیت و جنسیت: مطالعه موردی گروه‌های قومی در سیستان و بلوچستان»، «دلایل ناکامی نظام ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم»، «جایگاه رشته‌های مختلف علوم اجتماعی در مطالعات روستایی» و «بررسی جایگاه و نقش مطالعات بین رشته‌ای در مطالعه جوامع روستایی با تاکید بر ایران» است. علاوه بر این، مقالاتی نیز با موضوعات «مقاله ماهیت مشارکت و مشارکت در منابع طبیعی»، «نقش تعاونی‌ها در صنعت روستا»، «عوامل اجتماعی موثر بر مهاجرت در ایران»، «شیوه‌های همیاری در جامعه روستائی ایران»، «علوم اجتماعی در کتب درسی»، «ترویج و واحد‌های بهره‌برداری خانوادگی»، «جنبه‌های جامعه‌شناختی ترویج»، «لزوم تشکیل مشاع‌ها در کشور وزارت کشاورزی»، «نقش واحد‌های بهره‌برداری در توسعه کشاورزی»، «استراتژی توسعه در فقر زدائی»، «نقش تعاونی‌ها در توزیع در ایران»، «مسائل و مشکلات تحقیقاتی اجتماعی در ایران»، «نگاهی دیگر به مقوله مسکن در ایران»، «بحران در خانواده»، «بررسی جامعه‌شناختی موانع بازگشت مهاجرین جنگ تحمیلی»، «اولویت‌های پژوهش فرهنگی در جامعه مدنی»، «نقش اعتبارات خرد در تامین عدالت اجتماعی»، «چالش‌های اساسی بازتولید سرمایه اجتماعی»، «اسلام و تکنولوژی سیردگرگونیهای اجتماعی و الزامات تکنولوژیک»، «اعتیاد و خانواده»، «Rural people participation in reconstruction of the quake struck region»، و ... را در سمینارها و همایشهای مختلف ارائه نموده‌اند. مسئولیت طرح‌های تحقیقاتی مختلفی از جمله «نقش اعتماد اجتماعی در میزان کارآیی شوراهای اسلامی» (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل موثر بر توسعه توریسم (مطالعه موردی: روستاهای بخش سامان از توابع شهرستان کرد)» (۱۳۸۵)، «بررسی مدل‌های توسعه در تبلیغات انتخاباتی کاندیداهای مجلس: مطالعه موردی هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در شهر تهران» (۱۳۸۶)، «انجام

مطالعات اقتصادی اجتماعی در زمینه شیلات کشور و تعاونیهای صیادی»، «سرپرست بخش آموزش کمیته فرعی مقابله با حوادث طبیعی (زلزله) و انجام پروژه های مطالعاتی»، «طرح بسیج توان فنی کشور برای مقابله با زلزله با مشارکت UNDP در ایران»، «مدیریت بخش تحقیقات اجتماعی و اقتصادی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و مدیریت پروژه مطالعاتی مدیریت روستائی در ایران»، «مسئول شورای پژوهشی وزارت مسکن و شهرسازی و انجام مطالعاتی در زمینه مسکن و شهرسازی»، «مسئول شورای بررسی اقتصادی و اجتماعی وزارت مسکن و شهرسازی به مدت ۴ سال و انجام مطالعات در زمینه مسکن و مسائل شهرسازی»، «مسئول شورای علمی مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری و بررسی پروژه در دست اجرای مرکز مزبور»، «بررسی اقتصادی اجتماعی روستاهای مشهد»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای ایلام»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای سبزوار»، «بررسی اقتصادی اجتماعی روستاهای بیرجند»، «بررسی اقتصادی اجتماعی روستاهای نیشاپور»، «بررسی اقتصادی اجتماعی روستاهای قاین»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای اراک»، «تک نگاری میکائیل آباد خلخال»، «تک نگاری (مونوگرافی) ده نو اراک»، «تک نگاری (مونوگرافی) ابراهیم آباد نیشابور با همکاری پروفسور موریانو استاد ژاپنی»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای خلخال»، «بررسی تعاونیهای روستائی تهرانی»، «تک نگاری ساعتو ارومیه (رضائیه) با همکاری پروفسور موریانو»، «بررسی تعاونیهای تولید کنندگان مرکبات شمال»، «بررسی تعاونیهای ساوه»، «بررسی تعاونی تولید کنندگان پسته رفسنجان»، «بررسی تعاونی اعتبار کارگری اصفهان»، «بررسی ادغام خدمات روستائی در سه ده»، «بررسی تعاونیهای صنایع دستی اصفهان»، «بررسی تعاونیهای مسکن استان تهران»، «مشارکت در انجام طرح سطح بندی روستاهای کشور یکی از محققان»، «طرح جامع شیلات در ایران توسط موسسه مطالعاتی Cofrapeche»، «تراکم جمعیتی در شهرهای کشور» و «ساماندهی نظام آبیاری در ساوه و گرمسار» را نیز بر عهده داشته‌اند. آثار: ۱ «اصول و اندیشه های تعاونی» (۱۳۷۶) و ویژگی اثر: «جامعه شناسی اعتبارات روستائی در ایران» (۱۳۷۳) و ویژگی اثر: «تالیف ۳ «جامعه شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران» (۱۳۸۴) و ویژگی اثر: «روش تحقیق در علوم اجتماعی» (۱۳۷۰) و ویژگی اثر: «تالیف ۵ «شیوه‌های علمی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق عملی)» (۱۳۸۰) و ویژگی اثر: «تالیف ۶ «کتاب تامین اجتماعی» (۱۳۷۸) و ویژگی اثر: «تالیف ۷ «مدیریت روستایی در ایران» (۱۳۷۱) و ویژگی اثر: «تالیف ۸ «مدیریت روستایی در ایران» (۱۳۷۶) و ویژگی اثر: «تالیف ۹ چگونگی انجام مطالعات اجتماعی» (۱۳۶۹) و ویژگی اثر: تالیف

بر گرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طاووس یمانی، ابو عبدالرحمان طاووس

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۶-۳۳ ق)، مفسر، قاری، فقیه، محدث، زاهد و صوفی. اصلش ایرانی است، در یمن به دنیا آمد. ابن جوزی اسم او را ذکوان و لقب او را طاووس آورده و گوید از آنجا که او طاووس القراء بود به طاووس مشهور شد. او از بزرگان تابعین و از راویان ابن عباس و ابوهریره و فقیهی گرانمایه به شمار می‌آید. مجاهد و عمرو بن دینار از وی حدیث روایت کرده‌اند. در و عطف خلفا و سلاطین بسیار بی‌باک بود. ابن عیینه گوید: سه تن، از سلاطین به دور بودند: ابوذر، طاووس و ثوری. گفته‌اند که او چهل مرتبه حج کرد و چهل سال نماز صبح را با وضوی نماز عشاء خواند. شیخ طوسی او را از جمله اصحاب امام سجاد (ع) ذکر کرده، زیرا که وی راوی بعضی از ادعیه آن حضرت است. ابن قتیبه در «المعارف» به تشیع وی تصریح کرده و صاحب «روضات الجنات» او را در عداد فقهای

شیعه شمرده، اما محدث نوری در «مستدرک الوسائل» آن را رد کرده و گوید که از هیچ یک از علما مطلبی دال بر شیعه بودن وی نقل نشده است. طاووس در مراسم حج، روز ترویج، درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳ / ۳۲۲)، اعیان الشیعه (۷ / ۳۹۵-۳۹۶)، التاریخ الکبیر (ج ۲ ق ۳۶۵ / ۲)، تهذیب التهذیب (۱۰- ۹ / ۵)، الجرح و التعذیل (ج ۲ ق ۵۰۱-۵۰۰ / ۱)، حلیه الاولیاء (۲۳- ۳ / ۴)، رجال طوسی (۹۴)، روضات الجنات (۱۳۹- ۱۳۶ / ۴)، ریحانه (۲۳- ۲۱ / ۴)، سیر النبلاء (۴۹- ۳۸ / ۵)، شذرات الذهب (۱۳۴- ۱۳۳ / ۱)، طبقات ابن سعد (۷۰- ۶۶ / ۶)، العبر (۹۹ / ۱)، الکنی و الالقاب (۴۴۱- ۴۳۹ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / طاووس)، المعارف (۲۶۸)، النجوم الزاهره (۳۳۱ / ۱)، وفيات الاعیان (۵۱۱- ۵۰۹ / ۲).

طاهر اصفهانی، طاهر

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۸۶ ق)، قاری و شاعر. معروف به استاد القراء اصفهانی. از آثار وی: قصیده‌ی «طاهریه» در قراآت دهگانه به روایت شاطبیه؛ «نظم الجواهر» قصیده‌ای در «اختلافات الآیات»، بر وزن شاطبیه «نظم الجواهر»، قصیده‌ای در رؤوس آیات. آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعه» و جای جای «الذریعه» و به تبع ایشان صاحب «تذکره القبور»، صاحب عنوان را تحت نام طاهر بن عرب بن ابراهیم اصفهانی، ملا- فخرالدین ابوالحسن معروف به حافظ طاهر در ذیل علمای سده‌ی نهم قمری ذکر کرده و او را از شاگردان محمد بن محمد جزری و استاد نجم‌الدین محمد سعدی حموی شمرده و کتابهای بسیاری از جمله «الدر فرید»، در قواعد تجوید و «تجوید القرآن»، به فارسی را بدو نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۳۹۶- ۳۹۵)، الذریعه (۶۹- ۶۸ / ۸، ۳۶۹- ۳۶۸ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱ / ۹)، کشف الظنون (۱۹۶۱، ۱۳۴۳، ۱۳۴۱)، معجم المؤلفین (۳۸ / ۵)، هدیه العارفین (۴۳۱ / ۱).

طاهری قزوینی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهندس علی اکبر طاهری قزوینی متولد سال ۱۳۱۱ در قم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را به ترتیب در قم و تهران گذراند. سپس در دانشگاه تهران، دانشکده‌ی فنی، رشته‌ی مهندسی معدن را به پایان رساند. در حدود سال ۱۳۳۴ در کلاس خصوصی متشکل از ده / دوازده نفر از دانشجویان دانشگاه تهران در جلسات هفتگی درس تفسیر شرکت کرد، که حدوداً یک سال ادامه داشت. استاد این کلاس، شادروان آیت الله مرتضی مطهری بود و محل تشکیل کلاسها، در مدرسه‌ی مروی و متن درسی، جلد اول تفسیر المیزان، اثر روانشاد علامه محمد حسین طباطبایی، به عربی بود. در آن ایام هنوز این تفسیر گرانسنگ نه منتشر به پایان رسیده بود و نه به فارسی ترجمه شده بود. دو تن از همدرسان نامدار آقای مهندس طاهری در این درس تفسیر قرآن، شادروانان دکتر چمران و دکتر سامی بودند. پس از آن با همدرسان بیشتر در جلسات تفسیری روانشاد آیت الله سید محمود طالقانی در

مسجد اسلامبول حضور یافت. این کلاس، به دلیل اشارات و فعالیت‌های سیاسی مرحوم آیت الله طالقانی - که امروزه اسناد آن به صورت کتاب دو جلدی مفصلی انتشار یافته است - پس از مدتی تعطیل شد، و مرحوم آیت الله طالقانی دستگیر و زندانی شد. سالها بعد، یعنی حدوداً دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سومین دوره و جلسات تفسیر هفتگی که این بار استاد آن، مرحوم مهندس بازرگان بود، شرکت جست که بسی بیشتر از دوره‌ی یک ساله‌ی پیشین، به مدت ۱۴ سال دوام یافت. مهندس طاهری علاوه بر شرکت در این جلسه‌ی قرآن پژوهی و تفسیر، خود در ایام فراغت به مطالعه‌ی کتب قرآن شناسی به ویژه تفاسیر پرداخته و چون درک و دریافت عمیق و دقیق کلام الله، نیاز به اطلاعات کافی در زمینه‌ی زبان و حتی ادب عربی دارد، لذا دوره‌ی کاملی از دروس و کلاسهای عربی آموزی دارالعلوم العربیه را که مدیریت آن با دکتر نجفی بود، با موفقیت طی کرد و از آن پس، رفته رفته اندیشه‌ی اقدام به ترجمه‌ی جدید و امروزی از قرآن مجید به فارسی، به خاطر او راه می‌یابد. برگرفته از کتاب:

بررسی ترجمه‌های امروزی فارسی قرآن کریم

طاهری یزدی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۷۸ ش)، مورخ. در یزد به دنیا آمد. بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی برای ادامه تحصیل به تهران رهسپار شد و پس از پایان دوره‌ی متوسطه وارد مدرسه فلاح تهران شد و از آنجا فارغ التحصیل گردید. در ۱۳۰۷ ش وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و عهده‌دار مشاغل مختلف گردید. اثر وی «تاریخ یزد» می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۵۸ / ۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۴۶ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۰ - ۴۱۹ / ۱).

طایر، حاج طایر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، سازنده‌ی ساز و شاعر، متخصص به طایر. از صنعتکاران دارالصنایع و از نظر زمانی بر استاد فرج الله، مقدم بود. وی سازهای مختلفی می‌ساخته و از میان کارهای او سه تارهایش ممتاز و معروف است. حاجی طایر تعمیر کار ماهری بود و سه تارهای یحیای اول را سرمشق کار خود قرار می‌داد و اهل ذوق و شعر نیز بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ موسیقی (۶۹۴ / ۲)، سرگذشت موسیقی (۱۶۹ / ۱)، مردان موسیقی (۳۳۸، ۳۲۴ / ۲).

طباطبایی اردکانی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ادیب، محقق.

تولد: ۱۲۸۱ (۱۳۱۵ ق.)، اردکان (قریه گزلازقرا، سفلی اردستان).

درگذشت: ۱۳ مهر ۱۳۷۲، تهران.

سید محمود طباطبایی اردکانی دارای درجه‌ی کارشناسی در رشته‌ی فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ است. وی سپس به تحصیلات خود ادامه داد و در رشته‌ی فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۴۷ موفق به اخذ دکتری شد.

وی از سال ۱۳۵۳ عضو هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی شد. در دانشگاه علامه طباطبایی (در رشته‌ی ادبیات) و دانشگاه تهران نیز تدریس می‌کرد. سرپرستی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی نیز به عهده وی بود.

از آثار ایشان است: فرهنگ جامع اردکان؛ بررسی گوئی و ویژگی‌های فرهنگی زبان اردکانی؛ تاریخ تحلیلی اسلام؛ گزیده و شرح تاریخ بلعمی.

دکتر طباطبایی اردکانی هنگام تدریس در کلاس درس دارفانی را وداع گفت.

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبایی

زندگینامه

دکتر شادروان سید محمود طباطبایی اردکانی در سال ۱۳۱۵ دیده به جهان گشود. بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران شد. سپس به ادامه‌ی تحصیلات عالی پرداخت. و سرانجام در سال ۱۳۴۷ در رشته فرهنگ اسلامی موفق به اخذ مدرک دکترا گردید. وی در سال ۱۳۵۳ به عضویت هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی نائل آمد و سرانجام به مرتبه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبایی ارتقاء یافت.

آقای دکتر طباطبایی اردکانی در تمام دوران دانشگاهی خود به پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکانی پرداخت. از ایشان ۵ جلد کتاب در زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ اسلام به جای مانده است. از وی حدود ۷ مقاله درباره‌ی ادبیات و علوم انسانی و تاریخ اسلام در مجلات معتبر داخلی به چاپ رسیده است.

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فرهنگ اسلامی، دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه: علامه طباطبایی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۴۷.

مرتبه علمی:

عضویت در هیات علمی دانشگاه ابوریحان سابق در سال ۱۳۵۳، پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه علامه طباطبایی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

پژوهش در فرهنگ و ادب عامیانه و گویش اردکان، استاد راهنمای ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

ادبیات فارسی و تاریخ اسلام.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

ادبیات و علوم انسانی، تاریخ اسلام.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

طباطبایی نژاد، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمود طباطبائی نژاد

محل تولد: اردستان

شهرت: طبائی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمود طباطبایی نژاد در سال ۱۳۵۶ پس از اخذ سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم شرکت در برنامه ها و تظاهرات انقلاب و سپس حضور در جبهه در کنار درس ادامه یافت ضمنا در همین دوران دیپلم خود را نیز گرفتم از جمله استادان عالیمقام من مرحوم مدرس افغانی مرحوم وجدانی و حضرت آیات اشتهاردی، فاضل و تبریزی، زنجانی، مددی، شهیدی، مصباح یزدی و جوادی آملی بوده اند در سال ۱۳۷۱ به عنوان محقق جذب دارالحدیث گردیدم و هم اکنون مسئول گروه سیره و تاریخ در این موسسه می باشم

طبرسی، ابومنصور احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، عالم امامی، فقیه، متکلم، محدث و مورخ. از اهالی ساری مازندران و از ثقات محدثین و علمای بزرگ امامیه بود. او

معاصر ابوالفتح رازی و امین الاسلام طبرسی است. وی از مهدی بن ابی‌حرب حسینی مرعشی، از دوریستی، از شیخ الطایفه، شیخ طوسی، روایت کرده است. شیخ منتجب‌الدین (م ۵۸۵ ق) و ابن‌شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) از شاگردان وی بودند. شهید اول در «غایه المراد» فتاوا و نظرات وی را بسیار نقل کرده است. وی در مازندران در گذشت و در روستایی نزدیک علی‌آباد (امام شهر فعلی) که امروز نام آن شیخ طبرسی است، دفن شد. از آثار وی: «الاحتجاج عی اهل اللجاج»، معروف به «احتجاج طبرسی» که سید ابن طاووس بر این کتاب و بر مؤلفش درود فرستاده و اکثر متأخرین از آن اخذ کرده و بارها به چاپ رسیده و از آن ترجمه‌هایی مربوط به قرن دهم باقی است؛ «الکافی»، در فقه؛ «فضائل الزهراء (س)»؛ «مفاخر الطالبیه»؛ «تاریخ الأئمه». [۱]

احمد ابن علی بن ابی‌طالب از ثقات محدثان و علمای شیعه در قر. ۶ ه. وی با ابوالفتح رازی و فضل بن حسن طبرسی معاصر بود. شهید اول غایه‌المراد، فتاوی و اقوال او را بسیار نقل می‌کند. اوراست: الکافی در فقه، الاحتجاج (شامل احتجاجاتی که پیامبر ص و ائمه ۴ و یارانشان با مخالفان خود کرده‌اند)، مفاخر الطالبیه، تاریخ الأئمه، فضائل الزهراء و غیره. بعض متأخران وی را به ساری منسوب دانسته، شاید منشأ این شبهه آن باشد که وی چندی در آن شهر زیسته است. سال وفاتش معلوم نیست (دکتر حسین کریمان).

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱ / ۱۶۹)، اعیان الشیعه (۳ / ۲۹-۳۰)، ایضاح المکنون (۲۵۹، ۱۹۶، ۲ / ۲۱۳، ۳۱ / ۱)، بحار الانوار (۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۱۴ / ۲)، الذریعه (۳۱۱-۳۱۰ / ۲۱، ۲۴۸-۲۴۷ / ۱۷، ۲۵۸ / ۱۶، ۲۳۶ / ۱۴، ۲۱۳ / ۳، ۲۸۲-۲۸ / ۱)، روضات الجنات (۷۴-۷۲ / ۱)، ریاض العلماء (۴۹-۴۸ / ۱)، ریحانه (۳۵ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲-۱۱ / ۶)، الکنی و الألقاب (۴۴۵-۴۴۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / احمد)، معجم المؤلفین (۱۰ / ۲)، هدیه الاحباب (۱۹۴)، هدیه العارفین (۹۱ / ۱).

طرفه، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی طرفه

محل تولد: دشت آزادگان

شهرت: طرفی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۷/۱۰

حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طرفه مشهور به شیخ علی طرفی ۱- نسب ۲- معرفی نیای پدری ۳- زندگینامه ۱- نسب شیخ علی طرفی حاتم طایی شخصیت معروف تاریخ که به بخشش و کرم مشهور است از دیار یمن است. و از عشیره بزرگ طئی. فرزند او عدی بن حاتم از یاران خاص پیامبر اسلام و امیرالمومنین بود. عدی سه پسر داشت به نام‌های طرفه، طارف و طریف که هر سه در جنگ صفین در رکاب امام خود به دست سپاه معاویه به شهادت رسیدند. داستان ایمان آوردن عدی، تعریف کم نظیر پیامبر از او و همچنین داستان‌هایی که از فداکاری‌ها و ارادت او و فرزندانش نسبت به خاندان عصمت و طهارت خبر می‌دهند بسیار است. خانواده عدی پس از اسلام آوردن به خدمت پیامبر مکرم اسلام به مدینه آمدند و پس از دوره حیات ظاهری ایشان و در

دوره حکومت امیرالمومنین به کوفه هجرت کردند. عشیره بزرگ بنی طُرف که از بنی طِی هستند اکنون در یمن، عراق و جنوب خوزستان زندگی می کنند. حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفی (طُرفی) فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از همین عشیره اند. از افتخارات این خانواده همین بس که همه اجداد آنان از بزرگان و علمای مخلص و مجاهدند و به ارادت به اهلیت و مردمی بودن شهره اند... ۲- همه قبیله من عالمان دین بودند... حاج شیخ علی طرفی فرزند شیخ عیسی فرزند شیخ سالم فرزند شیخ محمد... آیت الله حاج شیخ عیسی طرفی از فقهای مجاهد و بزرگ خوزستان است. ایشان در جوانی به عشق معارف اهلیت علیهم السلام به نجف اشرف هجرت کردند و نزدیک به ۲۰ سال از عمر پر برکتشان را صرف تحصیل علوم حقه شیعه کردند. آیت الله طرفی پس از کسب اجازه اجتهاد و به درخواست مردم دیار خود و دستور مراجع عظام نجف به ایران بازگشتند و به ارشاد اهالی خوزستان پرداختند. ایشان از سال ۴۱ با حضرت امام آشنا شده و به نهضت پیوستند. حاج شیخ عیسی طرفی نماینده حضرت امام و اولین امام جمعه دشت آزادگان و امام جمعه موقت آبادان بودند. محبوبیت ایشان میان مردم عرب و عجم خوزستان زیانزد است. شیخ سالم پدر بزرگ حجت الاسلام شیخ علی طرفی از بزرگان و عالمان مجاهد و مردمی بوده است که در واقعه معروف جهاد عشایر بنی طرف علیه غاصبان انگلیسی حضور داشته است. شیخ محمد پدر شیخ سالم از علمای بزرگ و مخلص و صاحب کرامت بوده است. در سفری که به زیارت حضرت امام رضا علیه السلام میرفته، به سختی بیمار می شود و حضرت را در راه زیارت کرده و از ایشان شفا می گیرد. و با مرگ که حضرت به ایشان عطا فرموده بودند راه طولانی مشهد را در اندک زمانی با طِی الارض می پیماید. مقبره ایشان در دشت آزادگان واقع در همیلی نزدیک مقبره سید خلف است. ۳- نگاهی کوتاه به زندگی روحانی مبارز و رزمنده بسیجی، نماینده امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظلّه) و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه) ما زنده از آنیم که آرام نگیریم موجیم که آسودگی ما عدم ماست حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی طُرفی (طُرفه) دهم مهرماه سال ۱۳۲۸ دیده به جهان گشود. پدرش علامه مجاهد حضرت آیت الله حاج شیخ عیسی طُرفی از علمای خوزستان و یاران حضرت امام بودند که از ابتدای نهضت حضرت امام (ره) ضمن ارتباط مستمر با ایشان، به مبارزه با رژیم شاهنشاهی پرداختند و بارها از سوی ساواک مورد بازجویی قرار گرفتند. پس از انقلاب از سوی حضرت امام خمینی (ره) به عنوان نماینده در آبادان، سوسنگرد، بستان و هویزه انتخاب شدند. حاج شیخ عیسی طُرفی دوشادوش رزمندگان اسلام در خط مقدم جبهه حاضر می شدند و با سخنرانی های پرشور خود در دل های بسیجیان شوق مجاهدت و ایثار در راه خدا را افزون می کردند. ایشان سرانجام در سال ۶۱ بر اثر عارضه قلبی به ملکوت اعلی پیوستند و به وصیت خودشان در میان شهدای جنگ در گلزار شهدای اهواز به خاک سپرده شدند. حجت الاسلام حاج شیخ علی طُرفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا دوم دبیرستان در آبادان سپری کرد و سال های پایانی دبیرستان را در سوسنگرد به آخر رساند. از خاطرات شیرین ایشان در سنین نوجوانی، ملاقات با حضرت امام خمینی (ره) به همراه پدرشان است. در این باره چنین می گویند: اولین بار سال ۴۱ به همراه مرحوم والد با حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در بیت ایشان واقع در محله یخچال قاضی قم ملاقات کردم. چهره امام و بیان ایشان چنان جذاب و زیبا بود که مجذوب ایشان شدم. من در آن زمان ۱۳ساله بودم و همان ملاقات در روح و جان من تأثیر عمیقی گذاشت به طوری که عاشق امام و سخنان و خط مشی انقلابی ایشان شدم. به گفته حجت الاسلام طُرفی، از همان زمان که مرحوم آیت الله حاج شیخ عیسی طُرفی با امام در شهر مقدس قم ملاقات کردند، خانه ایشان کانون گرم انقلاب و سیره امام، الگوی جاویدان زندگانشان شد. این سیره عملی از آغاز نهضت مقدس حضرت امام تا مرحله پیروزی و تا به امروز تداوم دارد. وی پس از اخذ دیپلم، برای گذراندن دوره نظام وظیفه به شهرهای تهران، کرمان و شیراز اعزام شدند و پس از طی دوران خدمت سربازی، حدود سال ۱۳۵۰ جهت تحصیلات حوزوی به شهر مقدس قم هجرت کرد. اوج فعالیت انقلابی حجت الاسلام طُرفی از زمان شروع نهضت و در دوران طلبگی در شهر مقدس قم متبلور گردید. در آن زمان ضمن تماس و ملاقات با عده ای از پیروان و شاگردان حضرت امام و منتسبین به بیت شریف ایشان از

جمله: آقای اعرابی داماد امام، به مبانی نهضت امام آگاهی یافته و خود یکی از مبلغین و مروّجین آن شد و با شرکت در راهپیمایی‌ها و پخش اعلامیه و... به انجام وظایف انقلابی پرداخت. در سال‌های ۵۶ و ۵۷ به منظور آگاهی بخشی به مردم مانند رساندن اعلامیه و نوار سخنرانی‌های انقلابی، به صورت مستمر به شهرهای خوزستان به ویژه آبادان سفر می‌کردند و در مساجد، مجالس، محافل و نشست‌های سرّی با ایراد سخنرانی، آخرین مواضع انقلاب را تبیین می‌کردند. اهم فعالیت‌های ایشان در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی را مرور می‌کنیم: شرکت در راهپیمایی‌ها، از جمله شرکت در اولین راهپیمایی انقلابی ۱۹ دی قم. تهیه نوارهای سخنرانی و اعلامیه‌های انقلابی و ارسال آن‌ها به آبادان و سایر شهرها. تهیه وسائل تکثیر اعلامیه و ارسال آن به آبادان. تشکیل جلسات آموزش قرآن کریم برای جوانان در در آبادان و آگاهی بخشی انقلابی در خلال جلسات. سخنرانی‌های انقلابی در مساجد و محافل مردمی. سازماندهی و راه‌اندازی راهپیمایی در مناطق شهری و روستایی. تسخیر رادیو تلویزیون آبادان در ابتدای انقلاب. حجت‌الاسلام طرفه پس از انقلاب وظایف انقلابی خود را پی گرفت. برخی از این فعالیت‌ها چنین است: تشکیل ستاد عشایر آبادان و نظارت بر کمیته‌های محلی که مشتمل بر کمیته‌های مهم مرزی اروندرود بود. حل مشکلات اجتماعی و اختلافی با تشکیل کمیته‌ای به نام کمیته حل اختلاف که جایگزین برخی از شعب دادگستری به صورت موقت بود. مبارزه با قاچاق. مبارزه با گروهک‌های منافق و کمونیست و انهدام پایگاه‌های آنان که به عناوین مختلف از قبیل چریک‌های اقلیت و اکثریت در آبادان فعالیت داشتند. مدیریت رادیو نفت ملی آبادان. تشکیل مجمعی لخطبای آبادان. تشکیل مجمعی لشعرای آبادان. تأسیس مرکز الثقافی (مرکز فرهنگی) آبادان. راه‌اندازی محافل شعر و ادب انقلابی به زبان عربی و ضبط و پخش آن از صدا و سیما. حاج شیخ علی‌طرفی در مدت هشت سال دفاع مقدس و غیورانه از مرزهای ایران عزیز، دوشادوش رزمندگان حضوری آگاهانه داشتند. پارهای از فعالیت‌های ایشان در سال‌های دفاع و پس از آن چنین است: حضور در جبهه‌ها از اولین روز شروع جنگ تحمیلی تا پایان آن به عنوان نیروی رزمی و فرهنگی در رادیو و کمیته انقلاب اسلامی. بیش از ۱۲ سال نماینده حضرت امام و رهبری و امام جمعه دشت آزادگان (سوسنگرد، بستان و هویزه). تهیه سلاح و مهمات جنگی و تدارک نیازمندی‌های جبهه رزمندگان عشایر آبادان. حضور مستمر در خطوط مقدم نبرد. رئیس ستاد پشتیبانی جنگ دشت آزادگان و تهیه و ارسال کمک‌های مردمی برای رزمندگان اسلام. نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سوسنگرد، بستان و هویزه. نماینده جامعه روحانیت در بنیاد مسکن. رئیس جمعیت هلال احمر دشت آزادگان. رئیس ستاد اعزام روحانیون به جبهه دشت آزادگان. سرپرست امور فرهنگی جهادسازندگی آبادان در دوران جنگ. سایر سوابق و مسئولیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی حجت‌الاسلام طرفی: بیش از ۳۰ سال تحصیل و تدریس در حوزه‌های علمیه و همچنین افتخار تلمذ سطوح نزد استادانی چون: مدرس افغانی، تهرانی، سید علی علوی، شیخ حسین قطفی، بحث خارج نزد آیات عظام مرحوم میرزا جواد تبریزی، مکارم شیرازی، سید کاظم حایری. بنای بیش از ۴۰ باب مسجد و بنای حوزه علمیه و مصلاّی دشت آزادگان. مسئول بخش عربی رادیوهای استان خوزستان. مسئول بخش عربی صدای سپاه پاسداران استان خوزستان. سرپرست اداره اوقاف و امور خیریه آبادان. رئیس شورای حل اختلاف دادگستری آبادان. ایشان صاحب تألیفات متعددی هستند که از آن جمله کتاب «آبادان در تاریخ اسلامی» و «مساجد آبادان» به چاپ رسیده است. و تألیفات دیگرشان از جمله «طیّ قبيله المؤمنه»، «نامه‌ی امام جعفر صادق علیه السلام به دولتمردان»، «الزرع و الزراعه» و «الاخلاق الاسلامی»، «دیوان اشعار عربی و فارسی» در شرف چاپ هستند. و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین و الصیلاه و السیلام علی سیدنا و نبینا أبی القاسم محمّد و علی أهل بیته الطّیّین الطّاهرین المعصومین المنتجبین و اللّعن الدائم علی أعدائهم أجمعین إلى یوم الدین.

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

آلینوش طریان (متولد ۱۲۹۹-سن: ۸۹ سال) فیزیک‌دانی ایرانی است.

دارای دکترای فیزیک از دانشگاه سوربن فرانسه است و نخستین زنی بود که در ایران در رشته فیزیک استاد دانشگاه شد. او نخستین رصدخانه خورشیدی و تلسکوپ خورشیدی را در ایران بنیان نهاد و نخستین شخصی بود که درس فیزیک ستاره‌ها (اختر فیزیک) را در ایران تدریس کرد. دکتر طریان را «مادر نجوم ایران» می‌نامند.

زندگی شخصی

دکتر آلینوش طریان یک ارمنی ایرانی است و از پدر و مادری تحصیل کرده متولد شده‌است. او به زبانهای فارسی، ارمنی، فرانسوی تسلط و با ترکی و انگلیسی آشنایی داشته‌است.

در سال ۱۳۸۲ فیلم مستندی به نام «سوی خورشید» از زندگی طریان ساخته شد که از مجموعه برنامه‌های «فرزانگان ایران» شبکه دوم سیما بود.

آلینوش طریان هرگز ازدواج نکرده‌است و ورثه‌ای ندارد. وی هم‌اکنون منزل خود را وقف به آرامنه جلفا و دانشجویانی که محل اسکان مناسبی ندارند کرده‌است و در سن ۸۹ سالگی در آسایشگاه سالمندان توحید زندگی می‌کند.

زندگی علمی

آلینوش طریان مدرک لیسانس خود را در سال ۱۳۲۶ از دانشگاه تهران دریافت کرد و همانجا به عنوان متصدی عملیات آزمایشگاهی دانشکده علوم استخدام شد. سپس برای بورس تحصیلی درخواست کرد ولی به دلیل زن بودن او، دکتر محمود حسابی که تحصیل را تا همینجا برای وی زیاد می‌دانست با این درخواست موافقت نکرد و آلینوش طریان به خرج خانواده خود به دانشگاه سوربن رفت و سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۶ میلادی) از آن دانشگاه مدرک دکترای گرفت.

با وجود پیشنهاد استادی در دانشگاه سوربن، دکتر طریان با هدف خدمت به کشورش به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران به عنوان دانشیار ترمودینامیک منصوب شد. در سال ۱۳۳۸ برای شرکت در بورسیه دولتی آلمان غربی در مطالعه رصدخانه خورشیدی انتخاب شد و پس از چهار ماه مطالعه به ایران بازگشت و در سال ۱۳۴۵ نقش عمده‌ای را در بنیان‌گذاری نخستین رصدخانه فیزیک خورشیدی در ایران ایفا کرد.

خانم دکتر طریان در سال ۱۳۴۳ به مقام استادی در دانشگاه تهران رسید و نخستین شخصی بود که درس فیزیک ستاره‌ها (اختر فیزیک) را در ایران تدریس کرد.

آلینوش طریان بعد از ۳۰ سال تدریس، در سال ۱۳۵۸ درخواست بازنشستگی داد.

گفتاوردها:

● من دانشجویها را خیلی دوست داشتم و بالطبع دانشجویها هم من را خیلی دوست داشتند و این مسئله باعث شده بود تا کوچکترین ناراحتی‌ای در دوران تدریس احساس نکنم و با دانشجویانم مثل دوست رفتار می‌کردم و اصلاً خودم را نمی‌گرفتم. معلم باید مهربان باشد و مهربانی را باید به دانشجویها و دانش‌آموزانش یاد دهد چرا که این جوانان آینده کشور هستند. اگر اساتید بد اخلاق باشند، نمی‌توانند درس اخلاق بدهند. ● اساتید باید به طور مرتب مطالعه داشته باشند و باید اطلاعات خود را مطابق با مطالب روز کنند و دانشجویان هم باید خوب درس بخوانند.

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۴۸-۳۵۹ ق)، قاری، مسند و محدث. معروف به ابن طفال. اصل وی از نیشابور است. پدرش در مصر سکونت گزید و او در مصر به دنیا آمد. طفال فرشنده‌ی نوعی گل است. او از قاضی ابوطاهر احمد ذهلی و ابوالحسن بن حیویه نیشابوری و ابومحمد حسن بن رشیق و احمد بن محمد بن سلمه خیاش و عبدالواحد بن احمد بن ابی محمد بن قتیبه و احمد بن محمد بن هارون اسوانی و ابوطیب عباس بن احمد هاشمی حدیث روایت کرده است. سهل بن بشر اسفراینی و ابوصادق مرشد بن یحیی مدینی و ابوعبدالله محمد بن احمد رازی و ابومحمد عبدالعزیز نخشبی و خفره، دختر مبشر بن فاتک، از وی حدیث روایت کرده‌اند. سلفی گوید که وی در مصر از مشاهیر راویان ثقات تایید شده بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۶۸ / ۴)، سیر النبلاء (۶۶۵-۶۶۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۷۸ / ۳)، العبر (۲۹۳-۲۹۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / طفال).

طوبی، ابراهیم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۷۴ ق)، حکیم، ادیب، مورخ، هیوی و شاعر، متخلص به طوبی. از منجمان و ادیبان بنام روزگار خود بود که در سخنوری توانا و در علم هیأت استاد بود. طوبی در اصفهان درگذشت و در بقعه‌ی امامزاده اسماعیل به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۴۳)، الذریعه (۶۵۱ / ۹)، ریحانه (۶۲ / ۴).

طوسی، ابوابراهیم اسحاق

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۵۵-۵۶۴ ق)، قاری، محدث، ادیب و دانشمند. در مراکش ادب آموخت. قسمتی از «صحیح» مسلم را از دایی مادرش، ابوعبدالله بن زرقون، استماع کرد و قراآت هفت‌گانه را نزد علی بن هشام جذامی آموخت. او از ابومحمد بن عبیدالله حدیث شنید و از ابوعبدالله بن خلیل قیسی، آخرین شاگرد ابوعلی غسانی، اجازه روایت داشت. ابوجعفر بن زبیر از شاگردان وی بود. طوسی هر روز قرآنی ختم می‌کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۰۱-۳۰۰ / ۲۳)، الوافی بالوفیات (۳۹۸ / ۸).

طوسی، رضی‌الدین، ابوالحسن مؤید

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۱۷-۵۲۴ ق)، قاری، مسند و محدث. «صحیح» مسلم را از فراوی و «صحیح» بخاری را از وجیه و ابوالمعالی فارسی و عبدالوهاب بن شاه و «الموطأ» را از هبه‌الله سیدی و «تفسیر ثعلبی» را از عباسه عساری و «الوسیط» واحدی را از عبدالجبار خواری و «الغایه» ابن مهران را از زاهر بن طاهر و «الاربعین» حسن بن سفیان را از فاطمه دختر زعبل و همچنین «جزء» ابن نجید را استماع کرد. او را ثقه‌ای نیکوکار و قاری درست‌کرداری توصیف کرده‌اند. گروه بسیاری از دانش‌پژوهان به سوبش آمدند. علامه جمال‌الدین محمود ابن حصیری و ابن صلاح و قاضی خویی و ابن نقطه و برزالی و ابن نجار و ضیاء و مرسی و صریفینی و مجد اسفراینی و علی بن یوسف صوری و شمس‌الدین زکی بیلقانی و مفضل قرشی و احمد بن عمر باذینی و کمال بن طلحه و گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. تاج‌الدین عسروی و ابن عساکر و عبدالواسع ابهری و زینب کنذیه از وی اجازه روایت داشتند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۰۷-۱۰۴ / ۲۲)، العبر (۱۷۶ / ۳)، النجوم الزاهره (۲۲۲ / ۶)، وفیات الاعیان (۳۴۶-۳۴۵ / ۵).

طوسی، سعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد گندم نژاد طوسی، مشهور به سعید طوسی در سال ۱۳۴۴ شمسی در مشهد مقدس متولد شد. وی از پنج سالگی شروع به آموختن قرآن کریم نمود. ابتدا در یکی از مکتب‌خانه‌های مشهد که قرآن را به سبک هجی تدریس می‌نمودند، به مدت یک سال شرکت کرد و سپس در جلسات قرائت به طور مستمر حضور داشت.

ایشان از سال ۱۳۷۲ در مسابقات سازمان حج و اوقاف شرکت کرد و تا سال ۱۳۷۷ حائز رتبه‌های مختلفی شد. در مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن کریم در سال ۱۳۷۲ در سوریه و در سال ۱۳۷۳ در عربستان سعودی به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران شرکت داشت. سرانجام در سال ۱۳۷۷ در مسابقات بین المللی مالزی، در میان سی کشور جهان، رتبه اول را به دست آورد.

ایشان جهت نشر و اشاعه فرهنگ قرآن کریم، نه بار به حج مشرف شده و به کشورهای سریلانکا، چین، کویت، امارات، بنگلادش، پاکستان، آذربایجان شوروی و سوریه سفر نموده است.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

ظاهری، خلیل

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۹۳-۸۷۲ ق)، فقیه، مفسر، مورخ، ادیب و شاعر. ملقب به عرس‌الدین و معروف به ابن‌شاهین. پدرش شاهین برده‌ی سلطان ملک ظاهر سیف‌الدین بود، لذا ظاهری نام گرفت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت. وی در بیت‌المقدس به دنیا آمد و در قاهره تعلیم یافت چون به سن رشد رسید نظارت ضرابخانه‌ی مصر بدو سپرده شد. در ۸۴۰ ق امیرالحاج شد. او در طرابلس درگذشت. در حدود سی تألیف و تصنیف از او بجای ماند. از جمله آثاری وی: «کشف الممالک» و خلاصه آن به نام «زبد کشف الممالک فی بیان الطرق و المسالك» درباره‌ی مصر، که در پاریس چاپ شده است؛ «الاشارات فی علم العبارات»، تعبیر رویا در دو مجلد؛ «الکوکب المنیر فی اصول التعبیر»؛ «المواهب فی اختلاف المذاهب»؛ «المنیف فی الانشاء الشریف»؛ «الدره المضيئه فی السیره المرضیه»؛ «دیوان» شعر، در چندین مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲ / ۳۶۷)، ایضاح المکنون (۲ / ۵۹۶، ۱ / ۴۶۰)، ریحانه (۸ / ۴۴)، کشف الظنون (۱۵۲۳، ۱۴۹۶، ۹۵۳، ۳۰۵، ۹۷)، معجم المؤلفین (۴ / ۱۲۰).

ظهیر کازرونی، علی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۱۱- ح ۶۹۷ ق)، عالم، فقیه، ریاضیدان، مورخ، لغوی و شاعر. از رجال دوران مغول بود که در عراق زندگی می‌کرد. خط نیکویی داشت و متصدی کارهای بزرگ دولتی بود. کتب بسیاری تألیف و تصنیف کرد که از آن جمله: «روضه الاریب»، در تاریخ بغداد، در بیست و هفت بخش؛ «کنز الحساب» یا «وکر الحساب»، در حساب؛ «الملاحه فی الفلاحه»؛ «النبراس المضیء» یا «نبراس المفتی»، در فقه شاعفی؛ «الذروه العلیا فی سیره المصطفی (ص)»؛ منظومه «الاسدیة»، در لغت؛ «التنزیلات» کازرونی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵ / ۱۵۵)، ایضاح المکنون (۲ / ۷۱۴، ۱ / ۳۲۸)، ریحانه (۴ / ۷۶)، کشف الظنون (۱۹۲۳، ۱۰۱۳، ۹۲۳، ۴۹۴)، لغت‌نامه (ذیل / علی)، معجم المؤلفین (۷ / ۲۳۲)، هدیه العارفین (۱ / ۷۱۵).

عابدینی، ابوالفضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفضل عابدینی

محل تولد: مرند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب ابوالفضل عابدینی استادیار دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، در سال ۱۳۲۹ در مرند (آذربایجان شرقی) متولد شده و تحصیلات ابتدایی را در آن شهر گذرانده سپس به تبریز هجرت کردم و در مدرسه طالبیه تبریز (حوزه علمیه) تحصیلات حوزوی را شروع کردم و در ضمن دروس جدید را هم ادامه دادم. (۱۳۴۲) سپس به شهر قم رفتم، منطق و اصول و لمعتین و رسائل و مکاسب را پیش اساتید بزرگ جناب آقای پایانی و جناب آقای سبحانی خواندم (تا پایان سطح) در کنار علوم دینی، دروس جدید را هم تا دیپلم ادبی و سپس در سال بعد دیپلم تجربی را پشت سر گذاشتم (۲ دیپلم گرفتم ادبی و تجربی). در سال ۱۳۵۳ در دانشگاه تهران در رشته تاریخ قبول شدم یکی دو سال از قم به تهران تردد می‌کردم و سرانجام به قول طلبه‌ها سلب توفیق شده و ناچار از قم بریدم و برای همیشه ساکن تهران شدم. در سال ۱۳۵۵ لیسانس گرفتم - مجدداً دوره فوق لیسانس را در همان دانشگاه ادامه دادم. به انقلاب و انقلاب فرهنگی خورد - مدتی دانشگاه‌ها تعطیل شد. سرانجام در سال ۱۳۶۴ فوق لیسانس گرفتم. در سال ۱۳۶۹ از طریق اعزام دانشجوی به خارج، از طریق وزارت علوم به کشور فرانسه برای اخذ دکترا، اعزام شدم ۲ سال در فرانسه بودم، بنا به دلایل سیاسی و فرهنگی نتوانستم در آنجا ادامه تحصیل بدهم، ناتمام برگشتم. مجدداً برای دکترا امتحان دادم و در دانشگاه شهید بهشتی ادامه تحصیل دادم و سرانجام از آن دانشگاه دکترا گرفتم. و هم اکنون به کار تدریس و تحقیق و پژوهش مشغول هستم.

عارف عجمی، فتح الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۶۹ق)، شاعر و مورخ. از شاعران عهد سلطان سلیمان خان عثمانی قانونی و شاهنامه‌چی او بود. اشعار بسیاری درباره‌ی سفرها و جنگها و مدح وی سروده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریحانه (۸۰ / ۴)، لغت‌نامه (ذیل / عارف عجمی).

عاقلی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا عاقلی

محل تولد: کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا عاقلی فرزند اکبر دارای پرونده در حوزه مبارکه ۱۳۷۳۴ پس از اخذ دیپلم در سال ۶۳ - ۶۲ در کنکور همان سال شرکت کرده و در رشته فنی مهندسی (مخابرات و الکترونیک) قبول شدم، اما از آنجا که علاقه وافری به فراگیری دروس حوزوی داشتم، علیرغم فشار اطرافیان، حوزه مقدسه را را مقدم بر دانشگاه دانسته و حاضر به ورود به دانشگاه نشدم، لذا با همان مدرک قبولی کنکور وارد حوزه مقدسه علمی شدم که این را از الطاف حقیه الهی می دانم، در بدو ورود به مدت دو سال (به علت عدم پذیرش حوزه علمی قم از داوطلبان شهرستانی) در حوزه علمی یزد (مدرسه امام خمینی (ره)) درس حوزه را آغاز و پس از دو سال به قم عزیمت نموده، پس از امتحان ورودی در مدرسه المهدی (عج) حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) به ادامه تحصیل دروس حوزه پرداختم که بحمدالله به مدت ۱۰ سال دوران سطح را با موفقیت به پایان رسانده، سپس در دروس خارج حوزه ادامه دادم.

در اثناء دوره تخصصی تفسیر را بحمدالله سپری نموده، و در آزمونهای متعددی که از طریق نهادها و ارگانها من جمله: آزمون حج، که لطف خاص الهی شامل حال این حقیر شده و بحمدالله هر ساله در خدمت زائرین بیت الله الحرام می باشم. همچنین در آزمون نهاد ولی فقیه در دانشگاهها شرکت کرده، و در گرایش تاریخ اسلام شرکت کرده که بحمدالله بعد از موفقیت در آزمونهای کتبی، شفاهی و مصاحبه، به عنوان استاد در گرایش تاریخ اسلام پذیرفته شده، که مدرک آن نیز موجود می باشد. و به زودی به دانشگاه آزاد اسلامی واحد گلپایگان مسئول واحد فرهنگی آن دانشگاه، کار خودم را شروع خواهم کرد انشاء الله. در طول سفرهای تبلیغی نیز لطف الهی شامل این حقیر بوده، که در چندین جا با یاری مردم و همکاری آنان چند باب مسجد و حسینیه بنا گردیده من جمله: در یکی از روستاهای رفسنجان، در یکی از روستاهای بخش گلباف، در یکی از روستاهای مرکزی شهرستان کهنوج، چندین مرتبه سپاه پاسداران کرمان از این حقیر جهت همکاری دعوت به عمل آورده، اما از آنجا که علاقه‌ام به درس و بحث بیش از کارهای اجرایی است حاضر به قبول آن نشدم و نیز عدم قبول امامت جمعه برای یکی از شهرستانهای کرمان، که خداوند لطف نمود که از پذیرش آن استنکاف ورزم.

عالمزاده، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی، کارشناسی ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای عالی تهران، دکترای فرهنگ و تمدن اسلامی از دانشگاه تهران، تدریس در دانشگاههای فردوسی مشهد، تهران، تربیت مدرس و شهید بهشتی از سال ۱۳۵۳.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تاریخ اسلام، تاریخ تشکیلاتی اسلامی، تاریخ هنرهای اسلامی، تاریخ فرق و مذاهب، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۲۴ پایان‌نامه

دکتر و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ اسلام، تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

تاریخ و تمدن ملل اسلامی (تاریخ اسلام، تشکیلات و سازمانهای حکومتی، هنرهای اسلامی)

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عاملی رنالی، سعیدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سعیدرضا عاملی رنالی دانشیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، رئیس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (۱۳۷۱) و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه دابلین ایرلند (۱۳۷۴) و مدرک دکترای را در رشته ارتباطات از دانشگاه Royal Holloway (۱۳۸۰) University of London) اخذ نموده است. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی گرایش: ارتباطات تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: دکتر سعیدرضا عاملی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (۱۳۷۱) و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه دابلین ایرلند (۱۳۷۴) و مدرک دکترای را در رشته ارتباطات از دانشگاه Royal Holloway (۱۳۸۰) University of London) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد، «ارتباط بین تلویزیون و باورها و رسومات مذهبی» و رساله دوره دکتری «تأثیر جهانی شدن بر هویت مسلمانان بریتانیا» می‌باشد مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سوابق کاری و مدیریت سعیدرضا عاملی رنالی به قرار زیر است: • موسس و عضو هیئت امنای کالج اسلامی مطالعات پیشرفته - لندن از ۱۹۹۷ تا به حال • موسس و رئیس موسسه‌ی مطالعات اسلامی - لندن ۱۹۹۷-۱۹۹۹ • موسس و عضو هیئت امنای موسسه‌ی اسلامی حقوق بشر - لندن از ۱۹۹۷ تا به حال • عضو کمیته‌ی بین‌المللی مطالعات جهانی - لندن از ۲۰۰۲ تا به حال • عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران - گروه ارتباطات از ۲۰۰۱ تا به حال • موسس و رئیس موسسه مطالعات امریکای شمالی و اروپا از مهرماه ۱۳۸۳ تا کنون • عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده‌ی علوم اجتماعی - دانشگاه تهران • عضو هیئت تحریریه "دانشنامه علوم اجتماعی"، دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۳ • عضو هیئت تحریریه "پژوهشنامه جهانی شدن"، مرکز ملی مطالعات جهانی شدن ۱۳۸۶ • معاون طرح و برنامه دانشگاه تهران، سازمان مرکزی دانشگاه تهران دفتر طرح و برنامه ۱۳۸۷ • سرپرست دانشکده مطالعات جهان، دانشکده مطالعات جهان فعالیت‌های آموزشی: موارد تدریس سعیدرضا عاملی رنالی: ارتباطات و فرهنگ، جهانی شدن ارتباطات، سمینار مسائل سیاسی و استراتژی معاصر، فلسفه رسانه‌های جمعی،

مطالعات فضای مجازی، نقد و تفسیر و مقاله در مطبوعات (مقطع کارشناسی). سمینار، قوم شناسی و ساختار حکومتی و قانون اساسی، ارتباطات و فرهنگ، جامعه شناسی جهانی شدن، جهانی شدن و فرهنگ، جامعه شناسی ارتباطات بین فرهنگی، جهانی شدن و فرهنگ، مسائل رسانه ای ایران و جهان، مطالعات فضای مجازی، مقدمه ای بر مطالعات آمریکای شمالی (مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) است. چگونگی عرضه آثار: تعداد راهنمایی پایان نامه دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد به ترتیب ۱ و ۲۴ تعداد طرحهای تحقیقاتی: ۱۴ مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: ۱۳ مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی: ۷ مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها در ایران: ۱۹ مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها در خارج از کشور: ۴۱ مورد آثار nbsp Dual Citizenship: British, Islamic or Both: Obligation, Recognition, Respect and Belonging, London, IHRC, – co- authors, Saied R. Ameli Arzu Mirali ویزگی اثر: بزبان خارجی- ۲۰۰۴۲ Globalization, Americanization and British Muslim Identity, London, ICAS Press ویزگی اثر: بزبان خارجی- ۲۰۰۲۳ Secular or Islamic? What Schools do British Muslims want for their children?, London, IHRC, Co-authors, Saied R. Ameli, Alya Azam, Arzu Mirali ویزگی اثر: بزبان خارجی- ۲۰۰۵۴ Social Discrimination: Across the Muslim Divide, London, IHRC, Saied R. Ameli, Manzur Elahi Arzu Merali ویزگی اثر: بزبان خارجی- ۲۰۰۴۵ ارزیابی فضای مجازی ایرانی ویزگی اثر: تالیف- ۱۳۸۶۶ دین و رسانه ویزگی اثر: تالیف- ۱۳۸۵

عباسعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، میناساز. از هنرمندان زبردست بود که در چهره‌نگاری و شبیه‌سازی و ارائه‌ی گل و مرغ و پرندگان استعداد فراوان داشت. از آثار وی سرقلیانی است که در حاشیه و کناره‌های آن، تصاویر زنان و دخترانی به شیوه‌ی فرنگی آرایش یافته است. در بین تصاویری که در مدالیونهای متعدد انجام یافته، مرغی دیده می‌شود که در ترنجهای کوچک نقش بسته و در حواشی و زیر آتشدان، تصویر خورشید جلوه نموده است و رقم «عباسعلی» دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱ / ۲۹۷).

عباسی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای محمد عباسی در ۲۵ اسفند ماه سال ۱۳۴۵ هـ ش در شهر تهران در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود جوّ مذهبی خانواده و اشتیاق پدر و مادر برای پرورش قرآنی این کودک، نخستین بارقه عشق به قرآن را در نهاد ایشان به ودیعه نهاد از این رو به تدریج شعله و این اشتیاق در درونش وسعت می‌گرفت و او را به جلسات و محافل انس با این کتاب سعادت می‌کشاند. در سالهای ۵۳ تا

۵۴ هـش پدر ایشان تمامی فرزندان، از جمله محمد را در فصل تابستان به مسجد محل خودشان یعنی مسجد موسی بن جعفر (ع) می بدر تا فرزندان نخستین الفبای فراگیری کتاب خدا را بیاموزند و محمد که اشتیاق زاید الوصفی در فراگیری کتاب وحی داشت در جلسات درس می درخشید. استعداد ایشان در این مسیر آن چنان بود که استاد جلسات از او می خواست تا در غیابش کلاس درس را اداره کند و او هم که کودکی بیش نبود برنامه تدریس را از جزء سی ام قرآن دنبال می کرد. در همان ایام محمد عباسی بنا به توحید استاد روحانی اشان در مسابقه ای شرکت کرد و با عنایت الهی جزء نفرات برتر انتخاب شد و عکسش را در یکی از مجلات فرهنگی آن زمان به چاپ رساندند و بدین سان موفقیت او در امر فراگیری قرآن روز بروز چشمگیرتر از گذشته می شد.

در سال ۵۷ در همان ایام اوج درگیریهای مردم با رژیم طاغوت، محمد عباسی به همراه تنی چند از دوستانش در مسجد محل گرد هم می آمدند و آیات الهی را تلاوت می کردند در این جلسات ایشان با تقلید از نوارهای مرحوم عبدالباسط گامهای اولیه تلاوت طی می کرد و بتدریج با اجازه امام جماعت مسجد و مسئول بسیج مسجد آقای عباسی قبل از نماز مغرب و عشاء، بصورت زنده در مسجد به تلاوت قرآن می پرداخت. همین تلاوتها و گفتن تکبیر و اذان استعداد نهفته ایشان را بارور کرد.

آقای عباسی در کنار فعالیتهای معمولی از سال ۱۳۶۰ تا کنون به تدریس قرآن نیز اشتغال دارد. ایشان بنابه توصیه استادانش، استاد خدام حسینی، نسبت به یادگیری موضوعی و تفسیر مفاهیم قرآن هم وارد این زمینه شد و در همین ایام مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم قرآنی و حدیثی از دانشگاه تهران دریافت کرد. آقای محمد عباسی همچنین از سال ۱۳۶۵ بمدت دو سال به فراگیری دروس حوزوی در مدرسه علمیه آیت الله مجتهدی پرداخت آقای عباسی علاوه بر این دارای مدرک ممتاز خوشنویسی در رشته خط نستعلیق از انجمن خوشنویسان تهران نیز هست و در این زمینه از استاد هاشم زمانیان بسیار یاد می کند.

آقای محمد عباسی در سال ۱۳۶۸ ازدواج کرد و ثمره این ازدواج دو فرزند است و ایشان از همسرشان بعنوان یکی از عوامل پیشرفت و موفقیت خود در مسیر تلاوت یاد می کند و معتقد است که با همیاری و همفکری و کمکهای همسرش توانسته است در مسیر فعالیتهای قرآنی موفق باشد. آقای محمد عباسی در آغاز کار تلاوت بمدت ۳ سال از استاد عبدالباسط تقلید کرد پس با توصیه استادش به تقلید از استاد مرحوم، منشاوی و مرحوم استاد مصطفی اسماعیل پرداخت و کمتر از حدود ۶ سال به صورت تقلید از این اساتید به تلاوت ادامه داد.

سپس به تلفیق الحان اساتید برجسته ای چون مصطفی اسماعیل، کامل یوسف البطحینی و شعیب پرداخت و با ترکیب الحان تلاوت این اساتید سبکی ویژه برای خود برگزید.

بهمین دلیل آقای عباسی نیز چون سایر اساتید تلاوت به قاریان قرآن سفارش می کند که در ابتدای کار با تقلید از تلاوت قاریان برجسته مصری به تلاوت پردازند و به تدریج برای خود سبکی برگزینند تا بتوانند از استعدادهای خود در مسیر تلاوت به خوبی بهره بگیرند. در سال ۱۳۶۰ مسابقه ای از سوی اوقاف برگزار شد که آقای محمد عباسی در این دوره ۱ مسابقات به عنوان نفر چهارم برگزیده شد در این سال برای اولین بار قاریان برتر به تعداد ۷۲ نفر به حج اعزام شدند و آقای عباسی نیز جزء این گروه بود.

آقای عباسی در سال ۶۷ در مسابقات سراسری قرآن که در کرمان و از سوی اوقاف برگزار شد با کسب رتبه سوم به هندوستان اعزام شد ولی در مسابقات بین المللی قرآن کریم هندوستان رتبه نخست را از آن خود نمود ایشان همچنین در سال ۷۱ در مسابقات سراسری طلاب علوم دینی در قم و نیز در مسابقات بین المللی ایران نفر اول و در مسابقات بن المللی قرآن در کشور مالزی در سال ۷۳ رتبه دوم را بدست آورد.

آقای محمد عباسی نخستین تلاوت رسمی خودش را در سال ۱۳۵۸ در مسجد قنات اباد تهران اجرا کرد که این تلاوت از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد پس از بازگشت از مسابقات کشور هندوستان در سال ۶۷ خدمت حضرت امام خمینی (ره)

مشرف شد و او با قرائت در مقام معظم رهبری که در آن سال ریاست جمهوری را بعهدہ داشت مورد تفقد معظم له قرار گرفت. آقای محمد عباسی هم چنین به مدت ۱۶ سال در برنامه قرآن صبحگاهی رادیو به تلاوت می پرداخت که این تلاوت از ساعت ۶ صبح از رادیو پخش می شد آقای محمد عباسی در حال حاضر کارشناس ارتباطات و صنعت هوایی در داشکده صنعت هواپیمایی کشوری و نیز مدیر روابط عمومی این داشکده است جلسات تلاوت و تدریس آقای عباسی از سال ۵۸ تا ۶۷ در مسجد حضرت ابوالفضل (ع) تهران و از سال ۷۲ تا کنون در مسجد نظام مافی واقع در خیابان آیت الله کاشانی در روزهای شنبه بعد از نماز مغرب و عشاء تشکیل می شود.

یکی از ویژگیهای جلسات آقای عباسی توجه همزمان به مفهوم آیات در هنگام تلاوت و آموزش اصول صوت و لحن است علاوه بر این ترجمه آیات و احادیثی در رابطه با آن در جلسات مطرح می شود.

آقای عباسی علاوه بر تلاوت به ابتهال و مدیحه خوانی هم علاقه دارند و در برخی از اجراهای استاد آذر در دعا و در کراهی دسته جمعی گروه ایشان به تک خوانی هم پرداخته است مثل اجرای ربنا که در ایام ماه مبارک رمضان پخش شده است. آقای عباسی ضمن تلاوت در شهرهای مختلف کشور تا کنون به ۱۷ کشور جهت اجرای تلاوت سفر کرده است.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

عبدالائمہ

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ع. عبدالائمہ، بنده امامان) سازنده اسطرلاب و استاد رسم دوایر فلکی (قر. ۹ ه.ق) از ساخته‌های وی دو اسطرلاب بزرگ در تهران موجود است: یکی در مدرسه سپهسالار ناصری و دیگری در تصرف آقای سید جلال‌الدین تهرانی، و هیچ یک دارای تاریخ نیست و فقط به خط نسخ نوشته شده: صنعه عبدالائمہ.

(س دوازدهم ق)، نقاش فلزات و اسطرلاب‌ساز. وی در هنر خود شهرت داشت و به رموز و دقایق اسطرلاب واقف بود. او همچنین در علم هیئت و ستاره‌شناسی نیز صاحب کمال بود و در نقوش دقیق و ارائه‌ی محاسبات افلاکی و درج دوایر بروج به روی فلزات سخت، مهارت داشت. از شاگردان نامدار وی، استاد محمد طاهر بن محمد امین است که آثاری استادانه از خود به یادگار دارد. از آثار او: اسطرلاب نفیسی، با رقم: «صنعه عبدالائمہ ۱۱۲۷»؛ اسطرلاب دیگری با رقم «...صنعه عبدالائمہ»؛ اسطرلاب نفیسی که در مرکز آن رقم «صنعه عبدالائمہ» دارد؛ اسطرلابی که روی دایره‌ی انتهایی صفحه رقم «صنعه عبدالائمہ» دارد. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] احوال و آثار نقاشان (۲۹۸ / ۱).

عبداللهیان، حمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حمید عبداللهیان در سال ۱۳۳۶ در شهرستان شاهرود متولد شد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته جامعه‌شناسی تاریخی و ارتباطات از دانشگاه کارلتون - کانادا در سال ۱۳۷۵ است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تهران می باشد. گروه: علوم انسانی رسته: جامعه‌شناسی گرایش: جامعه‌شناسی تاریخی و ارتباطاتوالدین و انساب: پدر حمید عبداللهیان علی اصغر عبداللهیان کارمند اداره ثبت احوال شاهرود و نام مادر محترمشان خانم طاهره قریشی خانه دار است. خاطرات کودکی: دوران کودکی حمید عبداللهیان در میان طبیعت شهر شاهرود سپری شد او در دوران نوجوانی به فوتبال علاقه مند بود. از بدترین خاطره ایشان از دست دادن پدرش در سن هشت سالگی اش بود. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر حمید عبداللهیان کارمند اداره ثبت احوال بود و بعد از فوت ایشان وضعیت مالی خانواده حمید عبداللهیان مناسب نبود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی حمید عبداللهیان به ترتیب زیر است: - دوران ابتدایی را در دبستان خاقانی - در سال ۱۳۵۵ دوره متوسطه را در دبیرستان شاهرود (دکتر شریعتی فعلی) - مهر ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۶۳، دانشجوی کارشناسی در دانشگاه تهران (پژوهشگری) - بهمن ۱۳۶۳ تا بهمن ۱۳۶۶، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران - ژانویه ۱۹۹۰ تا آبان ۱۹۹۶، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی در دپارتمان جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه کارلتون کانادا - ژانویه ۲۰۰۳ تا ژانویه ۲۰۰۴، فرصت مطالعاتی و استاد مهمان در بخش جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه کارلتون در اتاوا، کانادا. عنوان پایان‌نامه دکتر عبداللهیان: موانع تاریخی در راه توسعه تولیدات کشاورزی در مناطق روستایی پیش از سرمایه‌داری در ایران؛ مطالعه موردی مالکیت غیابی. استاد راهنما: پروفیسور بروس مک فارلین، دانشگاه کارلتون، اتاوا، کانادا. وقایع تحصیل: در دوران دانشجویی حمید عبداللهیان در دانشگاه تهران درگیر جنبش دانشجویی بود و در سال ۱۳۵۷ نیز وقایع انقلاب اسلامی را تجربه کرد. فعالیتهای ضمن تحصیل: حمید عبداللهیان در کنار تحصیل به فعالیت های سیاسی می پرداختند و در سن ۱۹ سالگی ازدواج کرده و اولین فرزندش در سن ۲۲ سالگی وی بدنیا آمد. استادان و مربیان: دکتر توسلی، دکتر ساروخانی، دکتر عسگری، دکتر محمد میرزایی، دکتر انصاری، دکتر وثوقی، دکتر ازکیا، دکتر طالب، دکتر بورس مک فارلین، دکتر ژاک شوالیه، دکتر مجید الجح، دکتر یادوگفسکی، دکتر جان میلز، دکتر یوسفی زاده، جواد صفی نژاد و آلن استیوز از اساتید دکتر عبداللهیان می باشند. هم دوره ای ها و همکاران: دکتر دهقان، دکتر آزاد ارمکی، دکتر اباذری، دکتر حسینی زاده، دکتر ناهید مطیع، دکتر پریچه ابراهیمی و دکتر یحی علی بابایی از هم دوره ایهای و همکاران حمید عبداللهیان می باشند. همسر و فرزندان: حمید عبداللهیان دارای همسر و سه فرزند می باشد. همسرش سرکار خانم فاطمه محبی نژاد خانه دار و فرزندان بنامهای علیرضا (دانشجویی عمران در کشور کانادا) محمد که در سن ۱۸ سالگی بعلت مبتلا به تومور مغزی در سال ۱۳۸۱ فوت کرد و آرش (دانش آموز مقطع متوسطه) عبداللهیان می باشد. وقایع میانسالی: از وقایع تلخ دوره میانسالی حمید عبداللهیان فوت پسر دومش بعلت مبتلا به تومور مغزی بود که در سال ۱۳۸۱ دار فانی را وداع گفت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - اردیبهشت ۱۳۶۴ تا آذر ۱۳۶۸ مدیر دفتر پیمایش افکار عمومی، مؤسسه روزنامه کیهان، تهران، ایران. - اسفند ۱۳۷۷ تا آبان ۱۳۷۸ معاون آموزشی، دانشکده علوم اجتماعی - آبان ۱۳۷۸ تا بهمن ۱۳۸۱ معاون پژوهشی و رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. - آبان ۱۳۷۸ تا بهمن ۱۳۸۱ عضو شورای پژوهشی دانشگاه تهران - دانشگاه تهران - ایران. - خرداد ۱۳۷۸ تا بهمن ۱۳۸۱ عضو کمیته ارزیابی برای برنامه‌های دوره دکتری - دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. - اردیبهشت ۱۳۸۳ تا اردیبهشت ۱۳۸۵ مدیر گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. - ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵ عضو انجمن جامعه‌شناسی ایرانی. - ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ عضو انجمن جمعیت شناسی ایران - ۱۳۸۵ - ۱۳۸۸، سردبیر مجله جهانی رسانه، دانشکده علوم اجتماعی - ۱۳۸۴، سردبیر نشریه جهانی رسانه، دانشکده علوم اجتماعیهیالتهای آموزشی: عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط حمید عبداللهیان به قرار زیر است: - فوریه ۱۹۹۱ تا مارس ۱۹۹۶ دستیار استاد در بخش جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی در دروسهای قدرت (یک ترم)، تئوریهای کلاسیک

جامعه‌شناسی (یک ترم)، دیدگاه‌های مقایسه‌ای در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی (۵ ترم). - مهر ۱۳۷۷ تا خرداد ۱۳۷۸ تدریس روش تحقیق (در دو بخش عملی و نظری)، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. - مهر ۱۳۷۸ تا خرداد ۱۳۷۹ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. - مهر ۱۳۷۹ تا خرداد ۱۳۸۰ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. و درس جامعه‌شناسی تاریخی در دوره دکترای جامعه‌شناسی - مهر ۱۳۸۰ تا خرداد ۱۳۸۱ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. و تدریس جامعه‌شناسی تاریخی در دوره دکترای جامعه‌شناسی و روش تحقیق برای کارشناسی ارشد ارتباطات - مهر ۱۳۸۱ تا بهمن ۱۳۸۱ تدریس روش تحقیق در سطح کارشناسی ارشد ارتباطات و جامعه‌شناسی تاریخی در سطح دکترا. - بهمن ۱۳۸۱ تا بهمن ۱۳۸۲ فرصت مطالعاتی در دانشگاه کارلتون، کانادا. - بهمن ۱۳۸۲ تا خرداد ۱۳۸۳ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی در سطح کارشناسی. و تدریس روش تحقیق برای کارشناسی ارشد ارتباطات - مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. تدریس روش تحقیق در سطح کارشناسی ارشد و دو درس جامعه‌شناسی تاریخی و روابط بین فرهنگی در سطح دکترا. - مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی در سطح کارشناسی. - مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس روش تحقیق در کارشناسی ارشد ارتباطات و روش تحقیق کیفی در کارشناسی ارشد مطالعات زنان. و تدریس سمینار پایان‌نامه در سطح کارشناسی ارشد. - مهر ۱۳۸۴ تا بهمن ۱۳۸۴ تدریس روش تحقیق (نظری و عملی)، نظریه‌های علوم اجتماعی، مبانی جامعه‌شناسی در سطح کارشناسی و دروس روش تحقیق در ارتباطات و روش تحقیق در مطالعات فرهنگی و رسانه و سمینار کارشناسی ارشد در سطح کارشناسی ارشد. - بهمن ۱۳۸۴ تا خرداد ۱۳۸۵ تدریس نظریه‌های علوم اجتماعی، رسانه‌ها و حوزه عمومی، روش تحقیق در سطح کارشناسی تدریس قدرت و فرهنگ، سمینار پایان‌نامه در سطح کارشناسی ارشد مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: - ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵ مؤسس انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، این انجمن در آبان ۱۳۸۳ تأسیس شد. - بانی مجله جهانی رسانه - راه اندازی دوره کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه - راه اندازی دوره دکتری ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شاگردان: دکتر لاجوردی، دکتر عباس کاظمی، خانم زهرا اجاق، خانم مریم اصغری، آقای اباذر توکلی و دکتر عبدالهی از دانشجویان و دانش‌آموختگان حمید عبداللهیان می‌باشند. همفکران فرد: حمید عبداللهیان با دکتر دهقان، دکتر جوادی یگانه و دکتر سعیدی دارای همفکری نزدیکی است. آرا و گرایش‌های خاص: زمینه و گرایش‌های خاص حمید عبداللهیان به قرار زیر است: - روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی - جامعه‌شناسی تاریخی، روانشناسی - روش تحقیق در ارتباطات و مطالعه فرهنگی و جامعه‌شناسی چگونگی عرضه آثار: - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: ۱۰ مقاله - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی: ۶ مقاله - تعداد مقالات ارائه شده در همایشها: ۵ مقاله - تعداد مقالات چاپ شده در همایشها: ۱۱ مقاله - تعداد طرح‌های تحقیقاتی به پایان رسیده: ۶ طرح - تعداد پایان‌نامه‌های راهنمایی شده کارشناسی: ۲ رساله - تعداد پایان‌نامه‌های راهنمایی شده کارشناسی ارشد: ۸ رساله - تعداد پایان‌نامه راهنمایی شده دکتری: ۲ رساله آثار: ۱ Conceptualization of reality in Historical Sociology; Narrating Absentee Landlordism و اثر: تهران: انتشارات سایه روشن - تابستان ۲۰۰۴ جزوه: نظریه تضاد و ویژگی اثر: محل انتشار: دانشکده علوم اجتماعی تاریخ انتشار: ۳۱/۰۱/۱۳۸۵ تاریخ تجدید نظر: ۱۵/۰۷/۱۳۸۶ عنوان درس: نظریه‌های علوم اجتماعی ملاحظات: این جزوه در واقع ترجمه بخشی از کتاب دن مارتیندیل است ۳ دین و رسانه و ویژگی اثر: تالیف کتاب و چاپ توسط سایر مراکز نشر - ناشر: دفتر پژوهش‌های رادیو تاریخ انتشار: ۲۲/۰۷/۱۳۸۶ محل انتشار: تهران - ایران ملاحظات: این کتاب مجموعه‌ای از مقالات را چاپ کرده است و ما دو نفر علاوه بر اینکه مقاله داریم کار ویرایش و آماده‌سازی و چاپ آنرا به عهده داشته‌ایم

عبدالمطلب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۱ ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. ملقب به مطلب‌خان و مستشار پستخانه. دختر وی یکی از زنان ناصرالدین‌شاه بود. در دوران کودکی از اصفهان به تهران آمد و تحت نظر استادان فن به تکمیل هنر پرداخت. ابتدا قلمدان‌سازی می‌کرد و گاهی آبرنگ نیز می‌ساخت و چون علاقه‌ی خود را به رنگ و روغن زیاده‌تر دید، به این شیوه روی آورد و مورد توجه واقع شد. در ۱۲۷۵ ق به همراهی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله و میزا علی‌اکبرخان، مزین‌الدوله، جزو چهل و دو نفر شاگردان انتخابی، به فرانسه اعزام شد و در سبک کلاسیک صاحب کمال گردید. پس از بازگشت به ایران، در ۱۲۹۵ ق در اداره‌ی پستخانه مشغول به خدمت شد و در ۱۳۰۹ ق مصنب سرتیپی به او محول گردید. وی تا ۱۳۱۷ ق در اداره‌ی پست به سمت مستشار و تحویلدار کل مشغول به کار بود. در ۱۳۲۱ ق، به همراه میرزا محمودخان حکیم‌الملک به رشت رفت و در آنجا درگذشت. از آثار وی: تصویر رنگ و روغنی باغی پردرخت که دیوارکشی شده و منظره‌ی کوه و فضای زمین وسیع در روبروی باغ دیده می‌شود، با رقم: «بنده‌ی درگاه میرزا مطلب»؛ تصویر مدادی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله که بسان بهترین کارهای نقاشان اروپایی به فرجام رسیده، با رقم: «عمل کمترین میرزا مطلب اصفهانی در پاریس اتمام یافت ۱۲۹۲».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۷۰ / ۳ / ۳۴۵-۳۴۴ / ۱)، شرح حال رجال (۱۵۲-۱۵۱ / ۵)، گلستان هنر (پنجاه و سه).

عبدی بیگ نویدی شیرازی، زین‌العابدین علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۸۸ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به عبدی. از دبیران و شاعران دربار شاه طهماسب صفوی (۹۴۸-۹۳۰ ق) بود. اغلب تذکره‌نویسان مولد وی را شیراز نوشته‌اند، اما صاحب تذکره‌ی «روز روشن» او را اصفهانی دانسته و نسبت شیرازی وی را به جهت کثرت اقامتش در آن شهر می‌داند. عبدی بیگ در جوانی به فراگیری ادب و علم و سیاق و ترسل پرداخت و در این رشته‌ها بویژه، سیاق و حساب بزودی نام‌آور و عهده‌دار منصب استیفاء شد. نویدی در سرودن مثنوی مهارت بسیار داشت و مثنوی‌های بسیاری پرداخته است. از جمله آثارش «بوستان خیال» است که به تقلید از «بوستان» سعدی، به همان وزن و به نام شاه‌طهماسب نوشته شده. از دیگر آثار وی بنا بر گفته‌ی سام‌میرزا، سه خمسه در جواب «خمسه‌ی» نظامی است. خمسه‌ی اول: «مظهر اسرار»؛ «جام جمشیدی»؛ «مجنون و لیلی»؛ «هفت اختر»؛ «آیین اسکندری». خمسه‌ی دوم: «جوهر فرد»؛ «دفتر درد»؛ «فردوس العارفین»؛ «انوار تجلی»؛ «خزائن الملوک» یا «خزائن الملوک». خمسه‌ی سوم: «روضات الصفات»؛ «دوحه الازهار»؛ «جثه الاثمار»؛ «زینه الاوراق»؛ «صحیفه الاخلاص». دکتر صفا منظومه‌ی «خزائن الملوک» را جدا از «خزائن الملوک» دانسته و آن را مثنوی مذهبی مشکل از هفت بخش یا خزانه در برابر «حدیقه الحقیقه» سنائی به نام «سبعه‌ی عبدی» ذکر کرده است. سبعه‌ی مذکور شامل: «صحیفه‌ی لاریب»؛ «لوح مسطور»؛ «بحر مسجور»؛ «منشور شاهی»؛ «مروج الاسواق»؛ «مهیج الاشواق»؛ «نهایه الاعجاز». عبدی بیگ کتابی در تاریخ عهد خود به

نام «تکمله الاخبار» نیز نوشته و آن را در ۹۷۸ ق به پایان رسانده است. کتاب «صریح الملک»، در شرح املاک و عمارتها و بناهای بقعه‌ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی نیز از آثار اوست.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۷۵۴-۷۴۶ / ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۵۶-۵۵۵ / ۲، ۱۶۹، ۱۵۷-۱۵۶ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۹)، تحفه سامی (۹۶-۹۵)، تکمله الاخبار (۳۱-۱۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۵۰-۷۴۶ / ۵)، الذریعه (۱۲۳۷-۱۲۳۶ / ۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۰-۹۵۹)، منظومه‌های فارسی (۴۱۸-۳۹۷)، هفت اقلیم (۲۳۷-۲۳۶ / ۱).

عتبی، ابونصر محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابونصر محمد بن عبدالجبار نویسنده معروف ایرانی نیمه دوم قر. ۴ و اوایل قر. ۵ ه. (ف. ۴۲۷ ق.ه). وی از مردم ری بود و مدتی در خراسان در دستگاه ابوعلی سیمجور و سبکتگین به سر برد، و چند هم سمت نیابت قابوس و شمیگر را در خراسان داشت، و مدتی در نیشابور نزد امیر نصر بن سبکتگین سپهسالار خراسان از قبل سلطان محمود روزگار گذرانید. وی مؤلف (تاریخ یمینی) (ه.م) است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عتیقی مقدم، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صحاف سنتی.

تولد: ۱۲۹۱، مشهد.

درگذشت: ۱۳۷۲.

محمدحسین عتیقی مقدم از همان خردسالی از پدر و برادرش فنون صحافی را فراگرفت. خاندان او از عهد صفوی همه در صحافی و هنر کتاب‌آرایی از استادان فن بوده‌اند و سده‌ها در آستان قدس رضوی به مرمت و صحافی قرآن و نسخ خطی پرداخته‌اند که آثار آن در شمار شاهکارهای هنر صحافی جهان است. او نیز در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، همچون برادر، پدر پدربزرگ و جد اعلایش (خواجه عتیق علی منشی) به صحافی اشتغال داشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

عجلی رازی، ابوالفضل عبدالرحمان

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۵۴ - ۳۷۰ ق)، قاری، ادیب و شاعر. معروف به ابن‌بندار و مشهور به شیخ‌الاسلام. در مکه به دنیا آمد و قرآن را بر ابو عبدالله مجاهدی و علی بن داوود دارانی و ابوالحسن حمّامی قرائت کرد. عجلای حدیث را در مکه و بغداد و دمشق و بصره و کوفه و حمص و مصر و اصفهان و ری و تستر و فساء و نیشابور و نساء و گرگان از محدثین بزرگ فراگرفت. مستغفری و ابوبکر خطیب و ابوصالح مؤذن و نصر شیرازی و ابوعلی حداد و محمد دقاق و ابوسهل بن سعدویه و فامطه بنت بغدادی حدیث از وی روایت کرده‌اند. عجل بدر یک شهر مدت طولانی اقامت نمی‌کرد و به شهرهای بسیاری سفر می‌نمود و در هر شهر در مسجد خراب آن سکنی می‌کرد و چون شناخته می‌شد به مکانی دیگر می‌رفت. وی سرانجام در نیشابور درگذشت. او اشعاری در زهد سروده است. از آثارش: «جامع الوقوف»؛ کتابی در «فضائل القرآن». پاره‌ای از رجال‌نویسان وی را همان ابوالفضل رازی، عبدالرحمان بن حسن، صاحب کتاب «اللوامح»، در قرآآت، می‌دانند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶۵ / ۴)، ری باستان (۳۱۸ / ۲)، سیرالنبلاء (۱۳۸ - ۱۳۵ / ۱۸)، العبر (۳۰۲ / ۲)، کشف‌الظنون (۱۲۷۷)، معجم المؤلفین (۱۱۶ / ۵).

عرب ابوزیدآبادی، عبدالرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرضا عرب ابوزید آبادی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۷/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در منطقه ابوزید اباد کاشان گذراندم و در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم مقدمات و سطح را در مدرسه علمیه معصومیه گذراندم و از محضر اساتید فرهیخته حوزه بهره بردم از جمله حجج اسلام آقایان مسعودی رضوانی حسینی قزوینی منتظری مقدم نائینی یغمایی و ...

رسائل و مکاسب را نزد استاد علیدوست و کفایه را نزد استاد محسن غروی‌ان فرا گرفتم و چندی در درس خارج آقایان لاریجانی و واعظی شرکت کردم در سال ۱۳۷۵ وارد موسسه امام خمینی شدم و دوران کارشناسی معارف اسلامی را در ۵ سال سپری کردم که علاوه بر فلسفه و معارف اسلامی با علوم انسانی نیز آشنا شدم

سپس در سال ۱۳۸۰ وارد گرایش تاریخ اسلام در موسسه امام خمینی شدم و از محضر اساتید فرهیخته تاریخ همچون استاد یوسفی غروی مهدی پیشوائی یعقوب جعفری صادق ایینه وند امامی میر سپاه سید حمید روحانی و لک زائی بهره گرفتم و در سال ۱۳۸۵ پایان نامه فوق لیسانس خود را دفاع نمودم و از همان زمان به تحقیق و پژوهش در زمینه تاریخ اسلام مشغول شدم که حاصل آن انتشار ۶ مقاله علمی تحقیقی در نشریات و فصلنامه‌های تخصصی است علاوه بر این به تدریس تاریخ اسلام و تاریخ و فرهنگ

ایران^۱ تاریخ امویان و تاریخ عباسیان در مرکز جهانی علوم اسلامی و جامعه الزهرا مشغول هستم و هم چنین با گروه تاریخ مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی (مدرسه حجتیه) همکاری می‌کنم و دبیر آموزشی گروه تاریخ این مدرسه هستم مدتی نیز با معاونت پژوهشی موسسه امام خمینی همکاری تحقیقاتی و پژوهشی داشتم و در پروژه مقتل جامع امام حسین مطالبی را تهیه کردم.

عریضی اصفهانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۵۵ ق)، مذهب و قلمزن. اهل اصفهان بود. این استاد، در تذهیب و طراحی و شیوه‌های مختلف آن دست پر قدرتی داشت و صاحب ابتکار بود. از آثار وی سینی نقره‌ای پرکاری است که به انواع تزیینات اسلیمی و شیوه‌ی اصفهانی عمل آمده و در وسط آن، تصویر فردوسی نقش شده است، با رقم: «عمل حاج سید محمد قلمزن عریضی اصفهانی ۱۳۵۵ ق». اثر دیگر وی ساخت درب مطالی حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) است. او این درب را که اشعاری بر روی آن حک شده، به اتفاق همکارانش ساخته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲/۹۰۷)، تاریخ اصفهان (۳۵۲).

عزت پور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، روزنامه‌نگار، مورخ و نویسنده. وی مدیر و صاحب امتیاز هفته‌نامه‌ی «نامه‌ی آزادگان» بود که از ۱۳۰۵ ش انتشار آن آغاز شد. از آثارش: «آثار بزرگان در اخلاق»؛ «افکار صد مرد نامی»؛ «امیرالمؤمنین علی (ع)»؛ «تاریخ ملل قدیمه‌ی شرق و غرب»؛ «پیغمبر اسلام»؛ «تاریخ نو»؛ «فاله‌های حافظ»؛ «گل‌های خوشبو».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۲۶۰-۲۵۹ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸-۴۷ / ۴).

عسال اصفهانی، ابواحمد محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۹-۲۶۹ ق)، قاضی، حافظ، محدث، قاری، مفسر، فقیه و مورخ. از شیوخ خود: پدرش و ابومسلم کجی و محمد بن ایوب بن ضریس رازی و ابوبکر بن ابی‌عاصم و محمد بن اسد مدینی و حسن سری و ابراهیم حلوانی و بکر بن سهل دمیاطی و همچنین از

شیوخ شهرهای اصفهان و همدان و بغداد و کوفه و بصره و حرمین و واسط و ری و خوزستان حدیث شنید. قرآن را بر استاد ابو عبدالله محمد بن علی اصفهانی تلاوت کرد. پسرش ابو عامر عبدالوهاب که از بزرگان اصفهان بود بر پدر خود ابواحمد عسال تلاوت نمود. عسال سفری به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. فرزندان محدثش به نامهای: ابوجعفر احمد و ابواسحاق ابراهیم و ابوالحسین عامر و ابوبکر عبدالله از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن عدی و ابن مردویه و ابن منده و ابن مقرئ نیز از روایان او هستند. او را یکی از پیشگامان حدیث توصیف کرده‌اند. خودش گفته که در قرآات قرآن پنجاه هزار حدیث در حفظ داشته است. گفته‌اند که او «تفسیر» بزرگی را از حفظ املا کرد، و همچنین در اردستان چهل هزار حدیث را از حفظ املا کرد و چون به شهر خویش بازگشت و مقابله کرد املائی خویش را صحیح یافت. ابن منده گوید که دوبار دور دنیا را گشته اما مانند عسال ندیده است. او مدتی عهده‌دار منصب قضای اصفهان بود. از آثارش: «تفسیر القرآن»؛ «التاریخ»؛ «المعرفه فی السنه»؛ «الامثال»؛ «مسند الابواب»؛ «الابواب»، در «غریب الحدیث»؛ «احادیث مالک»؛ «الرقائق»؛ «کرامات الاولیاء»؛ «معجم الشیوخ»؛ «غسل الجمعه»؛ «القرآات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۱ / ۶)، انساب سمعانی (۱۹۰- ۱۸۹ / ۴)، تاریخ بغداد (۲۷۰ / ۱)، سیر النبلاء (۱۵- ۱۶ / ۶)، شذرات الذهب (۳۸۱- ۳۸۰ / ۲)، طبقات الحفاظ (۳۶۳- ۳۶۲)، العبر (۸۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۲۶ / ۸)، الوافی بالوفیات (۴۱ / ۲)، هدیه العارفین (۴۳ / ۲).

عسکر زاده، لطفی علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

لطفی علی عسکرزاده (لطفی زاده، لطفی عسکرزاده، لطفی ع. زاده) استاد دانشگاه برکلی در کالیفرنیا و بنیان‌گذار نظریه منطق فازی (Fuzzy Logic) است. در بخش یادکرد منابع اکثر متون فنی مربوط به منطق فازی نام او به صورت «Zadeh» ذکر می‌شود.

تولد و تحصیل

وی در سال ۱۹۲۱ میلادی در شهر باکو در جمهوری آذربایجان متولد شد. پدرش روزنامه‌نگاری ایرانی و اهل اردبیل و مادرش اهل روسیه بود. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران (دبیرستان البرز) و تحصیلات عالی را در دانشگاه تهران انجام داد. لطفی زاده در امتحانات کنکور سراسری، مقام دوم را کسب نمود. در سال ۱۹۴۲ رشته الکترونیک دانشگاه تهران را با موفقیت به پایان رساند و در طی جنگ دوم جهانی برای ادامه تحصیلات به دانشگاه فنی ماساچوست (ام.آی.تی) در آمریکا رفت و در سال ۱۹۴۶ بود که درجه کارشناسی ارشد را در مهندسی برق دریافت کرد. در ام.آی.تی و دانشگاه کلمبیا به تحصیل ادامه داد.

پژوهش تخصصی

وی در دانشگاه کلمبیا با تدریس در زمینه «تئوری سیستم‌ها» کارش را آغاز کرد. سپس به تدریس در چند دانشگاه معتبر آمریکا پرداخت. در سال ۱۹۵۹ به برکلی رفت تا به تدریس الکتروتکنیک بپردازد. از سال ۱۹۶۳ ابتدا در رشته الکتروتکنیک و پس از آن در رشته علوم کامپیوتر کرسی استادی گرفت.

بازنشستگی

پروفسور لطفی زاده به طور رسمی از سال ۱۹۹۱ بازنشسته شده است، وی مقیم سانفرانسیسکو است و در آنجا به پروفسور «زاده» مشهور است. پروفسور لطفی زاده به هنگام فراغت به سرگرمی محبوبش عکاسی می‌پردازد. او عاشق عکاسی است و تاکنون

شخصیت‌های معروفی همچون رؤسای جمهور آمریکا، ترومن و نیکسون، رو به دوربین وی لبخند زده‌اند. سرگرمی دیگر پروفیسور لطفی زاده HI FI است. او در اتاق نشیمن خود بیست و هشت بلندگوی حساس تعبیه نموده تا به موسیقی کلاسیک با کیفیت بالا گوش کند. سوابق و افتخارات

پروفیسور لطفی زاده دارای بیست و پنج دکترای افتخاری از دانشگاه‌های معتبر دنیاست، بیش از دویست مقاله علمی را به تنهایی در کارنامه علمی خود دارد و در هیأت تحریریه پنجاه مجله علمی دنیا مقام «مشاور» را داراست. وی یکی از پژوهشگرانی است که دارای بیشترین یادکرد (Highly-Cited) در مقالات علمی دنیا می‌باشد. با توجه به نقش منطبق فازی در پیشرفت‌های نظری و عملی علم، نام پروفیسور زاده در کنار فیلسوفان تاریخ علم از جمله ارسطو (بنیانگذار منطق صفر و یک) و افلاطون ثبت شده است.

عشقی نوایی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سازنده سازهای سنتی.

تولد: ۱۲۸۲.

درگذشت: ۳۰ آذر ۱۳۶۶، تهران.

محمد عشقی نوایی، فرزند رضا، از شاگردان استاد سید جلال سه‌تار ساز است. وی پس از مرگ سید جلال، ابتدا دکانی در میدان تجریش تهران، سپس به خیابان مقصود بیک نقل مکان نمود. در آنجا به ساختن سه‌تار مشغول بود.

در سال ۱۳۵۰ به دعوت داریوش صفوت همکاری خود را با مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی آغاز نمود و در کارگاه سازسازی مرکز به تعلیم و تربیت شاگردانی پرداخت. اما این همکاری طولی نکشید.

کارگاه کوچک وی در سیل ویرانگر تجریش تخریب شد و استاد بیش از دو ماه در بیمارستان طالقانی بستری شد. در این حادثه دست راست او صدمه دید.

محمد عشقی چهار نوع تار می‌ساخت: سه‌تار معمولی، سه‌تار پوستی، نوع کوچکتر اما با قالبی کشیده‌تر، سه‌تار کوچک با قالبی کوچکتر.

محمد عشقی نوایی در سال ۱۳۶۶ درگذشت و در قطعه‌ی ۱۰۴ ردیف ۶۷ شماره‌ی ۳۸ بهشت زهراى تهران به خاک سپرده شد.

شادروان استاد محمد عشقی از شاگردان استاد جلیل از بزرگان و استادان سه‌تار ساز و معروف می‌باشد. وی پس از مرگ سید جلال، ابتدا دکانی واقع در میدان تجریش، سپس در خیابان مقصودبیک واقع در همین میدان کوچه ثقفی پلاک ۱۶ نقل مکان نمود و تا آخر عمر در همانجا زندگی کرد. کارگاه بسیار کوچک وی محل تجمع بسیاری از نوازندگان و شاعران خوب رادیو و تلویزیون بود که هر روز عصرها گرد شمع وجود استاد جمع می‌شدند و با هم صحبت می‌کردند.

استاد محمد عشقی، یکی از نوازندگان و اساتید سه‌تار ساز می‌باشد که سازهای ساخت وی مورد قبول تمام هنرمندان نوازنده این ساز است. استاد عشقی، هیچگاه دست از هنر خود نکشید و به سه‌تار سازی و سه‌تار نوازی مشغول بود. او عقیده داشت سه‌تار، سازی است عارفانه و انسان را از دنیای مادیات به جهان معنوی می‌برد و به این مسئله هم واقعا ایمان داشت و به همین دلیل که برای خود او موجه بود، همسر اختیار نکرد زیرا معتقد بود که زن و فرزند، او را از هنرش باز می‌دارد و تا آخر عمر هم در آن مکان زندگی کرد. متأسفانه در سیل ویرانگر تجریش، کارگاه کوچک وی بی‌نصیب نگشت و استاد صدمه زیادی را متحمل شد بیش از

دو ماه در بیمارستان طالقانی بستری شد. در این حادثه دست راست استاد عشقی صدمه فراوانی دیده بود و در بیمارستان تصمیم به قطع دست استاد گرفته شد که با مخالفت جدی شاگرد باوفایش فرمان مرادی این عمل انجام نشد و با مراقبت‌های و کوشش‌های دکترهای این بیمارستان دست استاد بهبود یافت و به مغازه‌اش برگشت ولی بر اثر صدمه جسمی و روحی فراوانی که به او وارد گشته بود عاقبت صبح روز یکشنبه ۶۶/۲/۱ این دنیای فانی را ترک گفت و در میان خیل دوستدارانش، جسم نحیف وی در بهشت‌زرها به خاک سپرده شد. روانش شاد.

در مجلس ختم و بزرگداشت این صنعتگر هنرمند، غیر از دوستداران آن استاد، اساتید و هنرمندان بزرگی چون: احمد عبادی، علی تجویدی، جلیل شهناز، محمود تاجبخش، دکتر داریوش صفوف، جلال ذوالفنون، محمدرضا شجریان، حسین علیزاده، مهندس همایون خرم، عبدالعلی وزیری، حسین علی ملاح، بهمن بوستان، مهندس گلشن ابراهیمی، مشیر معظم افشار، منوچهر جهانگللو، هاشمی، فرمان مرادی و سایر دوستان شرکت داشتند.

از دوستان بسیار صمیمی استاد عشقی که بیشتر وقت‌ها به کارگاه وی می‌آمدند و با وی حشر و نشر داشتند باید از استاد احمد عبادی، دکتر داریوش صفوت، محمود کرمی، سعید هرمزی، امیری فیروز کوهی، ارسلان درگاهی، نورعلی خان برومند، استاد حسن کسایی، حسن مشحون، بیژن کرمانشاهی و محمودی خوانساری نام برد.

ابراهیم صبها قطعه شعری در رثاء وی سروده که دو بیت مشخص شده آن روی سنگ مزار استاد محمد عشقی آمده و چنین است:

گردید خزان بهار «عشقی»

خاموش شده سه‌تار عشقی

بس ساز ظریف نغمه پرداز

دیدیم ز شاهکار «عشقی»

او عاشق و عاشق «هنر بود»

و این مرتبه افتخار «عشقی»

«سازنده ساز» بود و عمری

بودست «سه‌تار» یار «عشقی»

سرپنجه او نوازش داد

خوابید چو در کنار «عشقی»

خود رفته و نام نیک او هست

پاینده به یادگار «عشقی»

ارباب «هنر» ز رفتن او

یکسر شده سوگوار «عشقی»

باید که «نوازی عشق» خوانیم

دل‌سوخته بر مزار «عشقی»

آمرزش او طلب نمایم

از درگه کردگار «عشقی»

«صهبا» به فضیلت «هنر» کرد

این «مرثیه» را نثار عشقی»

(۱۳۶۶- ۱۲۸۵ ش)، سازنده‌ی ساز. در تهران به دنیا آمد. وی از سازندگان معروف سه‌تار و شاگرد سید جلال بود. عشقی- و به قول حبیب‌الله نصیری فر در «مردان موسیقی سنتی و نوین ایران»- نوایی در جوانی به درودگری پرداخت و چون از صدای کمانچه لذت می‌برد، ساختن آن را بدون استاد شروع کرد، سپس نزد سید جلال رفت و هفت سال از او تعلیم گرفت. پس از درگذشت استاد، هفت سال هم در کارگاه آقا ضیاء به ساختن تار اشتغال جست و ویولن و سه‌تار نیز می‌ساخت. سپس خود کارگاهی دایر نمود و به ساختن سازهای گوناگون مشغول شد. سه‌تارهای ساخت او بین اهل فن معروف است. [۱].

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ موسیقی (۶۹۸ / ۲)، سرگذشت موسیقی (۱۷۴ / ۱)، مردان موسیقی (۳۹۵- ۳۹۳ / ۳).

عضدالدوله، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۹- ۱۲۳۴ ق)، مورخ. معروف به موچول‌میرزا و ملقب به عضدالدوله. پس از طی تحصیلات اولیه، در عهد پادشاهی پدر، حکومت کاشان به پیشکاری علی محمدخان نظام‌الدوله به وی تفویض شد. از ۱۲۷۰ ق در زمان پادشاهی پدر به حکومت شهرهای مختلفی رسید. مدتی نیز تولیت آستان مقدس قدس روضی با او بود. اثر وی «تاریخ عضدی» است، در شرح زندگانی خصوصی فتحعلی‌شاه که در هندوستان و ایران چاپ شده است. لازم به ذکر است که آقای دکتر نوایی، در کتاب «تاریخ عضدی»، سال تولد وی را ۱۲۳۹ ق ذکر کرده است. [۱].

(ع. بازوی دولت) احمد میرزا بن فتحعلی شاه، شاهزاده قاجاری و از رجال قر. ۱۳ ه. وی پدر سپهسالار وجیه‌الدوله میرزا (ه.م.ه) و مؤلف «تاریخ عضدی» است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ عضدی (۲۲۴- ۲۲۲)، الذریعه (۲۶۵ / ۳)، شرح حال رجال (۷۴- ۷۳ / ۲)، فرهنگ رجال قاجار (۱۲۲)، لغت‌نامه (ذیل / عضدالدوله)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۵- ۴۲۴ / ۱).

عظامک جوینی، علاءالدین، ابوالمظفر عطاء ملک

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۸۳ / ۶۸۱- ۶۲۳ ق)، مورخ و ادیب. ملقب به صاحب دیوان. وی از خاندان بزرگ صاحب دیوانان جوینی است که در قرن پنجم و ششم و هفتم همواره متصدی مشاغل بزرگ دولتی بودند. از جوانی وارد کارهای دیوانی شد و به خدمت امیر ارغوان آقا، حکمران خراسان، پیوست، و دوبار به همراه وی به مغولستان سفر کرد و درای سفرها به احوال مغولان آشنایی پیدا کرد. در ۶۵۴ ق که هولاکوخان مغول به خراسان آمد، عظامک به او پیوست و در جنگ‌های وی با اسماعیلیان الموت و با خلیفه‌ی عباس در بغداد همراه او بود. پس از از چندی از جانب هولاکو به حکومت عراق عرب منصوب شد و حدود بیست سال در این مقام بود. پس از مرگ هولاکو به سعایت مجدالملک یزدی مدتی گرفتار شد. چون آزاد شد در اران یا مغان درگذشت و پیکر او را به تبریز آوردند

و در آنجاه به خاک سپردند. از مآثر وی: کشیدن نهري از فرات به جنوب غربی نجف. از آثار علمی وی: «تاریخ جهانگشای»، در سه مجلد در شرح ظهور چنگیزخان و احوال و فتوحات وی و تاریخ خوارزمشاهیان و حکام مغولی ایران و فتح قلاع اسماعیلیه و شرح جانشینان حسن صباح؛ «تسلیه الاخوان»؛ رساله‌ای در تکمیل «تسلیه الاخوان»؛ «دیوان» شعر. [۱]

جوینی، ملقب به علاءالدین بن بهاءالدین محمد، برادر شمس‌الدین محمد صاحب دیوان، از رجال و مورخان معروف اوایل دوره مغول (و. ۶۲۳- ف. ۶۸۱ ه.ق.) وی از آغاز جوانی وارد کارهای دیوانی شد و از عمال امیر ارغون آقا حکمران خراسان گردید. عظاملک چند بار در خدمت امیر ارغون به قراقرم پایتخت مغولستان سفر کرد و در ضمن همین سفرها درباره احوال مغول و یورتهای اصلی ایشان اطلاع کافی به دست آورد و برای نوشتن تاریخ خود مواد لازم را فراهم کرد. وی در سال ۶۵۴ به توسط امیر ارغون به هلاکو معرفی شد و نزد او تقرب یافت. پس از فوت هلاکو وی و برادرش صاحب دیوان سبب رونق دولت اباقا بودند و عظاملک حکومت بغداد و عراق یافت. مجدالملک مکرر از عظاملک نزد خان مغول سعایت می کرد و موجب مزاحمت او و دیگر افراد خاندان جوینی را فراهم می ساخت و در نتیجه عظاملک به حبس افتاد ولی با وساطت شاهزادگان و خوانین مغول در ۶۸۰ از حبس نجات یافت و مورد نوازش اباقا قرار گرفت. دشمنان خاندان جوینی باز از پای ننشستند ولی نتیجه نبردند. چون تگودار به سلطنت رسید، حکومت بغداد و عراق را کما فی السابق به عظاملک واگذاشت. وی مؤلف تاریخ «جهانگشای جوینی» است. عظاملک این تاریخ را در سال ۶۵۵ ه.ق. - یعنی مقارن تاریخ فتح قلاع اسماعیلیه به دست هلاکو به انجام رسانید. غالب وقایعی را که جوینی راجع به دوره چنگیزی در کتاب خود آورده از معمرانی که با آن ایام هم عصر بوده اند شنیده و ضبط نموده و از معتبران مغول نیز کسب اطلاع می کرده و گویا از بعضی از نوشته‌های مغول هم استفاده کرده است. تاریخ جهانگشا چنانکه خود مؤلف تقسیم کرده شامل سه جلد است: جلد اول تاریخ شروع کار چنگیزخان و یاساهای چنگیزی و تاریخ قوم اوغور و فتوحات چنگیز در ماوراءالنهر و خراسان و انقراض سلسله خوارزمشاهیان و سلطنت اگتای و گیوک و احوال جوجی و جغتای، جلد دوم در تاریخ سلاطین خوارزمشاهی و قراختایان و حکام مغول ایران، جلد سوم در تاریخ منگوقاآن و اردو کشی هلاکو به ایران و شرح تاریخ اسماعیلیه تا سال ۶۵۵ که بیشتر قسمت اخیر مقتبس از کتاب «سرگذشت سیدنا» است و شرحی که در باب فتح بغداد منسوب به خواجه نصیر طوسی است غالباً به عنوان ذیل جلد سوم به آخر نسخه‌های جهانگشا الحاق شده. انشاء کتاب مزبور بلیغ و از لحاظ احتوا بر اطلاعات نفیس کم نظیر است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۲۸۸- ۲۸۶ / ۱)، از سعدی تا جامی (۹۲- ۹۰، ۳۵- ۲۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۱۳- ۱۲۰۹ / ۳)، تاریخ جهانگشای جوینی (۱- یا- فه)، تاریخ مغول (۴۸۶- ۴۸۵)، تاریخ نظم و نثر (۱۳۶، ۹۴)، حبیب السیر (۳ / صفحات متعدد)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۴۳ / ۲)، دستور الوزراء (۲۹۵- ۲۶۷)، الذریعه (۷۲۸ / ۹، ۳۰۰، ۵ / ۲۴۸- ۲۴۷ / ۳)، ریحانه (۴۴۴ / ۱)، سبک‌شناسی (۱۰۰، ۵۳- ۵۱ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸- ۹۷ / ۷)، گنج و گنجینه (۳۵۴- ۳۴۶)، لغت‌نامه (ذیل / عظاملک جوینی)، مجمع الفصحا (۸۷۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷- ۷۵ / ۴). هدیه العارفین (۶۶۵ / ۱).

عظیمی، فخرالدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فخرالدین عظیمی در سال ۱۳۳۲ در شهر تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات تکمیلی خود را بعد از دانشگاه تهران در لندن پی گرفت

و در سال ۱۹۸۵ موفق به اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه آکسفورد لندن گردید او هم اکنون در دانشگاه‌های کانتیکات آمریکا مشغول تدریس است. دکتر عظیمی از اندیشمندان پرمایه تاریخ نگاری معاصر ایران است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: تاریخ معاصر ایران

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: - ورود به دانشگاه تهران و تحصیل در رشته حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه - اخذ مدرک لیسانس با رتبه نخست از دانشکده حقوق و علوم سیاسی - عزیمت به لندن و تحصیل در رشته علوم سیاسی دانشگاه لندن - اخذ دکترای تاریخ از دانشگاه آکسفورد لندن ۱۹۸۵

فعالیت‌های آموزشی: فخرالدین عظیمی از سال ۹۱ در دانشگاه کنیتیک آمریکا مشغول به تدریس است و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه کانتیکات آمریکا از سال ۱۹۹۵ است.

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: فخرالدین عظیمی از پایه گذاران رشته ایران شناسی در دانشگاه کلمبیا است. آرا و گرایش‌های خاص: فخرالدین عظیمی درباره مناقشات فکری و کارایی فلسفه در جامعه ایران معتقد است: «در ایران جذبه و رعبی که نسبت به فلسفه وجود دارد نسبت به شاخه‌های دیگر معرفت وجود ندارد. شاید یکی از پیامدهای این وضع این است که در ایران برخی از اهل فلسفه معنای پیشین خود را از دست داده است و شاخه‌های مختلف علم از جمله علوم اجتماعی - انسانی پدید آمده‌اند و بسیاری تبیین‌های جالب، پرسش‌های اساسی و نظریه‌های کارآمد در حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی مطرح می‌شود و نه در حوزه فلسفه. گذشته از این فلسفه بیش از آنکه پاسخ‌های قانع‌کننده پدید آورد پرسش‌های استوار و اساسی در میان می‌نهد و راه‌های گوناگون پاسخ دادن به این پرسش‌ها را بررسی می‌کند. اگر پاسخ معینی به عنوان تنها پاسخ ممکن مطرح شود و جای پرسش و گفت و گوی بیشتر نباشد دیگر کار چندانی برای اهل فلسفه باقی نمی‌ماند. این سخنان به هیچ وجه به معنای انکار اهمیت فلسفه و نقش اساسی آن در کمک به تعمق فکری و روشنگری نیست. هر دانشجوی جامعه و تاریخ باید به فلسفه به عنوان مهمترین یاور درک و طرح پرسش‌های اساسی بنگرد. البته از نظر من آن مشرب‌های فلسفی که فهم مسائل پیچیده اجتماعی - سیاسی و فرهنگی و شیوه تحلیل این مسائل را تسهیل نکنند یا امکان طرح پرسش‌های مهم مربوط به زندگی اجتماعی را فراهم نسازند و به پرورش ذهنی نقاد و ورزیده کمک نکنند، در خور توجه زیاد نیستند. متأسفانه در ایران برداشت برخی کسان از فلسفه و از راهیابی مشکلات جامعه موجب شده است خیال کنند کلید فهم و حتی حل مسائل کشور را مثلاً باید در فلسفه هگل یا فیخته یا فیلسوفان دیگر دید ولی به گمان من این شیوه نگرش به فلسفه و به مسائل ایران نگران‌کننده و مایه شگفتی است.» عظیمی در عین حال نقش دانشگاه‌ها را در پیشبرد فلسفه در جامعه ایرانی مورد انتقاد قرار می‌دهد: «متأسفانه دانشگاه‌های ما نقش قاطعی در نضج بینش تحلیلی و گسترش دانش فلسفی در کشور ایفا نکرده‌اند و حتی بهترین ترجمه‌های متون فلسفی هم اغلب در خارج از حوزه دانشگاه‌ها انجام شده است. دوم اینکه فلسفه دانان این کشور اغلب از دانش‌هایی مانند تاریخ و انسان شناسی که برای مباحثات و کاوش‌های فلسفی خلاق اهمیتی اساسی دارند، غفلت کرده‌اند. به گمان من میزانی از اعتقاد به موجبت فرهنگی معقول و تلطیف شده و توجه به زمینه تاریخی و فرهنگی اندیشه‌ها، برای تفکر فلسفی بسیار مهم است. البته در اروپا نیز برخی از فیلسوفان از توجه به نقش تاریخ و فرهنگ غافل مانده‌اند و طبعاً برخی هم راه افراط پیموده‌اند و مثلاً کارایی مفاهیم را تنها محدود به حوزه فرهنگی خود آنها دانسته‌اند. شاید بتوان گفت کمابیش اغلب فیلسوفان نسبت به فرهنگ و چارچوب تاریخی - فرهنگی اندیشه‌ها و مفاهیم بی توجه بوده‌اند و گمان کرده‌اند که می‌توان اصولی انتزاعی را یافت که به همه فرهنگ‌ها و سرزمین‌ها قابل تسری باشد و ریشه در هیچ فرهنگ و سرزمینی هم نداشته باشد. این بی تفاوتی درباره تفاوت‌های فرهنگی به همان اندازه در خور سرزنش است که

تقلیل کارایی همه مفاهیم و مقولات به زمینه فرهنگی خاص و به حوزه زبانی که آنها را پدید آورده است.»
 جوایز و نشانها: فخرالدین عظیمی که از سال ۹۱ در دانشگاه کنتیکت آمریکا مشغول به تدریس است، برنده جایزه تحقیقات عالی و نیز عضو برگزیده انستیتو پژوهش های علوم انسانی آن دانشگاه نیز هست و به راستی که از اندیشمندان پرمایه تاریخ نگاری معاصر ایران است.

چگونگی عرضه آثار: فخرالدین عظیمی علاوه بر مقالات متعدد در زمینه های تاریخ تحلیلی معاصر و علوم سیاسی، در کار تألیف نیز سابقه درخشان دارد و گرچه کتب تألیفی اش را به زبان انگلیسی می نگارد اما از ترجمه آن به زبان فارسی نیز دریغ نمی کند و علاوه بر مخاطبان بین المللی کنجکاو در مسائل خاورمیانه و تاریخ معاصر ایران، نظر مخاطبان و دانشجویان و استادان ایرانی را نیز به آثار خویش معطوف داشته و نظر آنان را نیز جلب کرده است. کتاب «بحران دموکراسی در ایران» او از جمله این آثار است. فخرالدین عظیمی همچنان که به کار تألیف آثار خویش می پردازد، از کار مؤلفین دیگر نیز بی خبر نمی ماند و در نقش مخاطب و حتی منتقد آثار مؤلفین دیگر در حوزه تاریخ نیز حضوری پررنگ دارد. نمونه این حساسیت او را می توان در نقد جامعی که بر کتاب «جمهوری سوسیالیستی شورایی در ایران» نوشته خسروشاکری نگاشته دنبال کرد. وی که سالهاست تحقیقات تاریخی خود را بر روی سیاست، اجتماعی و فرهنگ اجتماع مدرن ایران متمرکز کرده، چندسالی است که به تاریخ و فرهنگ سیاسی ایران در میان دوانقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی می اندیشد و در این حوزه می نگارد و می اندیشد. -----

آثار:

۱ بحران دموکراسی در ایران

ویژگی اثر: تألیف دکتر فخرالدین عظیمی به زبان انگلیسی ترجمه توسط عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری سال ??? توسط نشر البرز در تهران منتشر شد.

۲ حاکمیت ملی و دشمنان آن

ویژگی اثر: الیف دکتر فخرالدین عظیمی به زبان انگلیسی ترجمه به فارسی در سال ??? توسط نشر نگاره آفتاب. دکتر عظیمی، در کتاب خود کوشش کرده است تصویری از تلاشهایی به دست دهد که از یک سو برای به کرسی نشاندن حاکمیت ملی ایران و از سوی دیگر برای دست نیافتنی کردن این هدف و برانداختن دولت «مصدق» صورت گرفت. او همچنین به بررسی نیروهای درگیر، اهمیت نسبی آنها و پیوندهای ستیزه گران بومی و بیگانه پرداخته و جنبه هایی از کارنامه سیاسی دولت «مصدق» را نیز بررسی نموده است. بررسی نقش، ترکیب و انگیزه های یاران «مصدق» و بویژه مخالفان او، ارزیابی قلمرو یا حوزه اقتدار و امکانات و دشواریهای گوناگونی که وی در روزگار نخست وزیری پیش رو داشت، از جمله مباحث دیگری هستند که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده برای تدوین این کتاب، از تازه ترین سندها و منابعی که از آرشیوهای انگلستان و آمریکا یا از منابع ایرانی به دست آمده استفاده کرده است و از برشمردن نکاتی که بارها درباره آنها نوشته شده پرهیز کرده است.

علاءالدین بیرجندی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۰۸ ق)، فلزکار. اهل بیرجند بود و در فلزکار و طلا و نقره کوبی دست پرمهارتی داشت. اثر رقم دار وی، مصنوع فلزی پرمهارتی

است، با رقم: «عمل اقل العباد علاءالدین بن شمسى محمد البیرجندی فی غره شهر رمضان المبارک سنه ثمان و تسعمائه». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳۵۷ / ۱).

علامه، میر حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید میر حسین علامه در سال ۱۳۵۲ در اصفهان بدنیا آمد. وی دارای دکترای تاریخ اسلام و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اصفهان است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: تاریخ اسلام

والدین و انساب: پدر سید میر حسین علامه، حضرت ایه الله سید ضیاءالدین علامه فرزند حضرت آیه الله سید حسن فانی یزدی و مولف بیش از ۵۰ جلد کتاب است. نام مادر محترمشان خانم اعظم دکتر مجدی است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید میر حسین علامه علاوه بر درجه اجتهاد دارای کارشناسی مهندسی کامپیوتر - نرم افزار و دکترای تاریخ اسلام می باشد.

استادان و مربیان: از استادان و مربیان سید میر حسین علامه می توان به چند تن از آنها اشاره کرد: حضرت آیه الله علامه - حضرت آیه الله فاضل لنکرانی - حضرت آیه الله جوادی تبریزی - حضرت آیه الله صافی - حضرت آیه الله مکارم شیرازی - حضرت آیه الله مظاهری - حضرت آیه الله امامی - حضرت آیه الله جوادی آملی - دکتر نعمت بخش و دکتر آئینه وند

همسر و فرزندان: سید میر حسین علامه متاهل و دارای همسر به نام آزاده السادات داوری و دارای فرزند بنام سیده زهرا علامه می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سید میر حسین علامه مدیر گروه دانشگاه هنر اصفهان و مدیر مرکز تحقیقات علوم اسلامی و رایانه می باشد.

مراکزى که فرد از بانیان آن به شمار می آید: سید میر حسین علامه بنیاد فرهنگی آل یاسین (ع) را پایه گذاری کرد. -----

آثار:

۱ بلوز الیسم دینی و نقد آن

ویژگی اثر: تالیف

۲ تاکتیکهای قرآنی پیرامون روابط اجتماعی

ویژگی اثر: تالیف

۳ جوان، پاکدامن و تمناهای کاذب

ویژگی اثر: تالیف

۴ شرایط الخیار فی الفقه اسلامی

ویژگی اثر : تالیف

۵ فرآیند تکامل شیعه در قرن سوم هجری (ری - بغداد - قم و خراسان)

ویژگی اثر : تالیف

۶ فروغ ضیاء

ویژگی اثر : تالیف

۷ مدیریت جذب نبوی بر اساس آموزه های قرآنی

ویژگی اثر : تالیف

۸ نفس در قرآن

ویژگی اثر : تالیف

۹ هنر خوباوری

ویژگی اثر : تالیف

۱۰ وجدان اخلاقی

ویژگی اثر : تالیف

۱۱ ویژگیهای هنر از دیدگاه قرآن

ویژگی اثر : تالیف

منابع زندگینامه :

۱ تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر سید میر حسین علامه بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - زمستان ۱۳۸۵

علمی، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

درگذشت: شهریور ۱۳۶۶.

برادران علمی (محمدعلی و محمدحسن و علی اکبر) از ناشران و کتابفروشان بودند که از سال ۱۳۱۵ به بعد فعالیت وسیعی داشتند. محمدعلی و محمدحسن سالها پیش درگذشتند و فرزندانشان همان رشته را دنبال کردند. علی اکبر علمی در شهریور ۱۳۶۶ درگذشت و از کتابفروشان بود که سالهایی چند شهرتی بسیار در کار کتاب یافت و کتابهای زیادی چاپ کرد ولی در چاپ آنها دقتی که شایسته بود به کار نمی بست. مدتی هم چاپ کتابهای درسی را (قبل از دولتی) شدن کار مؤسسه‌ی خود ساخته بود. به چاپ حکایات و قصه‌های عامیانه نیز علاقه‌ای داشت و آنها را به طرزی و صورتی منتشر می ساخت که ارزان باشد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

علویان، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی علویان

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۴/۱

[زندگینامه علمی

اینجانب مرتضی علویان در سال ۱۳۶۴ دیپلم خود را در رشته اقتصاد با معدل کتبی ۰۶/۱۶ در یکی از دبیرستانهای اخذ نمودم که در سال ۱۳۶۵ علیرغم پذیرفته شدن در دانشگاه مازندران رشته اقتصاد، دانشگاه رضوی مشهد و همچنین مراکز دیگر راهی حوزه علمیه قم شدم و درس حوزه را آغاز نمودم که تا سال ۱۳۷۱ دروس سطح را با میانگین بالایی از نمره طی نمودم. از سال ۱۳۷۳ همزمان با شرکت در درس خارج تحصیلات دانشگاهی در رشته علوم سیاسی را نیز آغاز کرده و با گذراندن کارشناسی و همچنین کارشناسی ارشد علوم سیاسی را دانشگاه باقرالعلوم ع اخذ نمودم. در کنار فعالیتهای علمی از سال ۱۳۷۶-۷۷ مشغول تدریس در دانشگاههای تهران، بین المللی امام خمینی، علامه و مازندران شدم که البته از مهر ۱۳۸۱ به عنوان هیات علمی دانشگاه مازندران مشغول بکار شدم. در کنار مطالعات حوزوی و دانشگاهی دارای تالیفات و مقالاتی در موضوعات مختلف می باشم

علینی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علینی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علینی در سال ۱۳۴۳ در تهران به دنیا آمدم. تحصیلات کلاسیک خود را تا مقطع دیپلم در شهر قم ادامه دادم. با وجود قبولی در دانشگاه تهران و مرکز تربیت معلم لویزان در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح خود را نزد اساتیدی همچون ایوبی، نکونام، عراقچی، علیدوست، و مرحوم پایانی گذراندم. پس از اتمام سطح در درس خارج اصول مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی و خارج فقه آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم. از سال ۱۳۷۰ به جهت علاقه به کار با کودک و

نوجوان که به نظرم زیر بنای کار فرهنگی در جامعه محسوب میشود وارد مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به ریاست حاج آقا راستگو شدم.

بعد از گذراندن دوره عمومی و تخصصی مرکز وارد گروه تحقیقاتی معارف زیر نظر حاج آقا کبیر شدم و بر روی آثار شهید مطهری کار نمودم. در ضمن وارد گروه تحقیقاتی روان شناسی زیر نظر استاد مهاجرانی شدم و روان شناسی رشد و شخصیت را فرا گرفتم و به تدوین جزوه همراه با سایر دوستان مرکز پرداختم. علاوه بر تحقیق و پژوهش در زمینه های معارف، روان شناسی، تعلیم و تربیت، احکام، مسائل اجتماعی و ... به تدریس در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در ایام تابستان در قم و شهرستان ها در مراکز فرهنگی مشغول می باشم.

همچنین در تدوین کتاب های ره توشه راهیان نور در مقطع ابتدایی و راهنمایی با سایر دوستان محقق و نویسنده از سال ۱۳۷۶ همکاری نزدیک دارم و مسئول هیات تحریریه در مرکز تربیت مربی می باشم. در سال ۱۳۷۹ در کنار دروس حوزوی و تحقیق و پژوهش به تحصیل در رشته علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری در دانشگاه باقر العلوم علیه السلام پرداختم. علاوه بر تحقیق و پژوهش و نویسندگی در زمینه کودکان و نوجوانان و حضور در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی به پژوهش و نویسندگی در زمینه مسائل جامعه شناسی اشتغال دارم که امیدوارم با عنایت ویژه خداوند و اهل بیت عصمت و طهارت بتوانم در خدمت اسلام و جامعه اسلامی باشم. لازم به ذکر است از سال ۱۳۸۴ در مقطع کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام اشتغال به تحصیل دارم. همچنین از ابتدای سال ۱۳۸۵ در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با عنوان پژوهشگری در دفتر مطالعات و تحقیقات فرهنگی و اجتماعی مشغول می باشم.

عمادالدین کاتب اصفهانی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۹۷-۵۱۹ ق)، مورخ، ادیب و نویسنده. ملقب به عماد و کاتب اصفهانی. معروف به ابن اخی العزیز. در اصفهان به دنیا آمد و در همین شهر نشوونما یافت. در جوانی به بغداد رفت و در مدرسه‌ی نظامیه به آموختن علم پرداخت و در فقه شافعی و فنون ادب و شعر سرآمد شد. سپس به دمشق رفت و به سلطان نورالدین محمود زنگی پیوست و متصدی دیوان انشاء گردید. وی به دو زبان فارسی و عربی می‌نوشت. او در مدتی که در دمشق بود صلاح‌الدین ایوبی را نیز می‌ستود و مورد علاقه‌ی او بود و به همین مناسبت مقامش نزد نورالدین بالاتر رفت و در زمان مستنجد عباسی، به عنوان پیامگزار از دمشق به بغداد رفت و پس از بازگشت به دمشق در مدرسه‌ای که به نام خود او خوانده می‌شود (مدرسه‌ی عمادیه) به عنوان مدرس منصوب شد. اما وی مورد سعایت دشمنان قرار گرفت و کار بر او تنگ شد و ناچار از دمشق به موصل رفت و در آنجا بیمار شد. ولی به محض شنیدن خبر رسیدن صلاح‌الدین ایوبی به دمشق، مجدداً به آن شهر بازگشت و در همان شهر در گذشت و در مقابر صوفیه دفن شد. از آثار وی: «خریده القصر و جریده العصر»، در ده مجلد؛ «الفتح القسی فی الفتح القدسی» یا «القدح القسی فی الفتح القدسی» یا «الفتح القسی فی الفتح لقدسی»، گزارشی از فتح شام و فلسطین به وسیله‌ی صلاح‌الدین؛ «البرق الشامی»، در تاریخ، در هفت مجلد؛ «دیوان» شعر، در چهار مجلد؛ «نصره الفتره و عصره الفطره» یا «نصره الفتره و عصره القطره»، در تاریخ سلاجقه‌ی عراق؛ «السیل علی الذیل»، در سه مجلد، در تاریخ بغداد؛ «العتبی و العقبی»؛ «نحله الرحله». [۱]

(بخش ۱) کاتب، محمد بن محمد صفی‌الدین بن نفیس‌الدین حامد بن اله مکنی به ابو عبدالله، ملقب به عمادالدین کاتب اصفهانی مورخ و ادیب و نویسنده (و. اصفهان ۵۱۹ ه.ق. / ۱۱۲۵ م. - ف. دمشق ۵۹۷ ه.ق. / ۱۲۰۱ م.) وی در جوانی به بغداد رفت و به فرا گرفتن فقه و ادب مشغول گردید، و سپس به خدمت وزیر عون‌الدین بن هبیره رسید و از طرف او نظارت امور بصره و واسطه را عهده‌دار شد و چون عودالدین در گذشت، کار وی روی به ادبار نهاد لذا آهنگ دمشق کرد و در آنجا از طرف سلطان نورالدین به استخدام دیوان انشاء درآمد. سپس نورالدین او را به روزگار المستنجد جهت رسالت روانه‌ی بغداد ساخت و چون نورالدین فوت کرد عمادالدین به صلاح‌الدین پیوست، و پس از مرگ وی در دمشق اقامت گزید و تا آخر عمر از مدرسه خویش که عمادیه نام داشت دست نکشید. او را تألیفات بسیار است از جمله: خریدة القصر در ده مجلد، قسم شعراء مصر در دو جزوه، البرق الشامی، الفتح القسی فی الفتح القدسی، دیوان رسائل، دیوان شعر، السیل علی الذیل در تاریخ بغداد، نصره الفتره و عصره الفطره در اخبار دولت سلجوقی که آن را فتح بن علی بنداری در یک جزوه مختصر نموده و زبده النصره و نخبه العصره نامیده است و کتاب اخیر به نام تواریخ آل سلجوق نیز مشهور می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۵۴-۲۵۳ / ۷)، ایضاح المکنون (۶۲۹-۹۲ / ۲)، تذکره القبور (۴۵۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۶۷ / ۲)، ریحانه (۲۰۱-۲۰۰ / ۴)، سیر النبلاء (۳۵۰-۳۴۵ / ۲۱)، شذرات الذهب (۳۳۳-۳۳۲ / ۴)، العبر (۱۲۰ / ۳)، کشف‌الظنون (۲۰۴۹)، ۱۹۵۶، ۱۳۱۶، ۱۱۰۳، ۹۵۴، ۸۰۳، ۷۰۲، ۷۰۱-۲۳۹، الکنی و الالقاب (۴۸۴ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / عمادالدین کاتب)، معجم الابداد (۲۸-۱۱ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۲۰۵-۲۰۴ / ۱۱)، النجوم الزاهره (۱۶۰-۱۵۹ / ۶).

عمادزاده‌ی اصفهانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۹-۱۲۸۴ ش)، مورخ، مدرس و نویسنده. در اصفهان به دنیا آمد. از همان طفولیت با علم و علما آشنا شد و در حوزه‌ی اصفهان به کسب علم و تلمذ از علمای بزرگوار آن روز، چون آیات عظام سیدعلی نجف‌آبادی، شیخ محمود مفید، میرزا علی شیرازی، شیخ محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای و حاج میرزا رضا کلباسی پرداخته و به کسب اجازات روایتی از علمای بزرگ آن زمان همچون آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمری، شیخ محمدرضا مظفر، سید یونس اردبیلی و نیز شیخ آقا بزرگ تهرانی و شخصیت‌های علمی دیگر نایل آمد. عمادزاده به تدریس در محیط‌های آموزشی و دانشگاه رغبت فراوان نشان می‌داد و از ابتدای تحصیلات خود علاقه فراوانی به تألیف و تحقیق و نشر فرهنگ و معارف اسلامی و خدمت به اهل بیت (ع) داشت و همواره به دنبال هدف خویش بود. ثمر و حاصل تلاش وی بیش از صد و بیست تألیف درباره‌ی موضوعات مختلف است. از آن جمله: ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ «صحیفه‌ی کامله‌ی سجاده‌ی زبور آل محمد»؛ «تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم»؛ «زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام»؛ «تاریخ مفصل اسلام»؛ «معراج»؛ «زندگانی علی بن ابی‌طالب (ع)»؛ «فاطمه الزهراء (ع)»؛ «شرح خطبه‌ی غدیر»؛ «شرح زندگانی هر یک از حجج معصومین (ع)» یا «مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (ع)»؛ «زندگانی حضرت مجتبی (ع)»؛ «زندگانی حضرت خامس آل عبا ابی‌عبدالله سیدالشهداء (ع)»؛ «تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزیست»؛ «زندگانی حضرت ابوالفضل، قمر بنی‌هاشم (ع)»؛ «زندگانی حضرت علی اکبر و علی اصغر»؛ «زندگانی زینب کبری»؛ ترجمه؛ «تاریخ جغرافیایی مکه»؛ «تاریخ جغرافیایی کربلا»؛ «بستان الادب»؛ «جهان اسلام، اسلام در جهان»؛ «مکتب اسلام»؛

«زندگانی علی بن موسی الرضا (ع)»؛ «منتقم حقیقی، مهدی قائم صاحب العصر و الزمان (عج)»؛ مقالات متعدد در روزنامه‌ها و مجلات. [۱]

مؤلف، محقق.

تولد: ۱۲۸۴ (۸ ذی الحجه ۱۳۲۵ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۱۲ فروردین ۱۳۶۹، تهران.

حسین عمادزاده‌ی اصفهانی، فرزند حجت‌الاسلام احمد عمادالواعظین، در حوزه‌ی اصفهان از علمای آن روز چون آیات عظام سید علی نجف‌آبادی، محمود مفید، علی واعظ شیرازی، محمد حکیم خراسانی، سید صدرالدین کوهپایه‌ای، محمدرضا کلباسی کسب فیض کرد. وی دارای اجازه‌ی روایتی از علمای آن زمان همچون آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید محمد بهجت کوه‌کمره‌ای، محمدرضا مظفر، سید یونس اردبیلی بود.

حسین عمادزاده‌ی اصفهانی دارای آثار بسیاری است که برخی از آنها به شرح زیر است: بستان‌الاداب (برای سال پنجم و ششم متوسط، ۱۳۰۹)؛ جهان اسلام و اسلام در جهان، ترجمه و تفسیر قرآن کریم؛ تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم (۱۳۳۴)؛ تاریخ مفصل اسلام (جلد اول، ۱۳۳۷)؛ شرح خطبه‌ی غدیر؛ زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام (۱۳۲۸)؛ تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزی است (زندگانی حضرت سیدالشهداء، ۱۳۲۱)؛ زندگانی حضرت ابوالفضل العباس (ع)؛ قمر بنی‌هاشم (۱۳۲۱)؛ زندگانی حضرت علی اکبر و علی اصغر (۱۳۵۶ ق.)؛ زندگانی زینب کبری (شیخ جعفر نقدی، ترجمه، ۱۳۲۳)؛ زندگانی حضرت خامس آل عبا ابی‌عبدالله - سیدالشهداء (۱۳۷۴ ق.)؛ زندگی حضرت سجاد (۱۳۳۸)؛ زندگانی علی بن ابی‌طالب (۱۳۳۱)؛ زندگانی حضرت مجتبی (۱۳۳۷)؛ زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا (۱۳۳۵)؛ رجال اسلام (شامل شرح حال قریب بیست هزار نفر از رجال علمی و ادبی اسلام)؛ تاریخ جغرافیایی کربلا (۱۳۲۶)؛ راهنمای حاج، تاریخ جغرافیایی مکه (۱۳۲۷)؛ صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه زبور آل محمد (۱۳۳۴)؛ فاطمه‌الزهراء (۱۳۳۶)؛ مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم (دو جلد، ۱۳۳۱ - ۱۳۳۰) دوره‌های مجله‌ی «خرد».

وی علاوه بر تحقیق و تألیف و نیز تدریس در دانشگاه مقالاتی نیز برای روزنامه‌ها و مجله‌ها می‌نوشت.

وی در سال ۱۳۱۵ در تهران ساکن شد و در پنجم ماه رمضان (دوازدهم فروردین سال ۱۳۶۹) درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۵۲)، کیهان فرهنگی (س ۷، ش ۳، ص ۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۱ - ۸۲۹ / ۲).

عناصری، جابر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جابر عناصری در سال ۱۳۲۴ در شهر اردبیل زاده شد. او از کودکی به تعزیه و شبیه‌خوانی علاقه مند بود. وی گرچه دکتری خود را در رشته فلسفه از دانش گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: تعزیه‌خاطرات کودکی: علی عناصری (پدر جابر) بدلیل علاقه و ارادتی که به ائمه اطهار علیهم السلام داشت، هر ساله مراسم عزاداری، شبیه‌خوانی و تعزیه را در منزل خود برپا می‌نمود. جابر از کودکی به شبیه‌خوانی و تعزیه علاقه مند بود. و زیر نظر پدر، مراسم شبیه‌خوانی را آموخت. در زمانی که پدرش مراسم شبیه‌خوانی را برگزار می‌نمود، جابر مشق‌های خود را در پشت نسخه‌های تعزیه می‌نوشت. اوضاع اجتماعی و شرایط

زندگی : جابر عناصری در یک خانواده فرهنگی - مذهبی در اردبیل به دنیا آمد . و بدلیل علاقه پدرش به ائمه اطهار و اجرای مراسم تعزیه و شبیه خوانی در منزل وی، جابر به تعزیه علاقه مند گردید. پدرش نیز یکی از مردان سرشناس اردبیل بود و در نظر مردم بسیار محترم بود. خانه او نیز هر ساله محل برگزاری مراسم تعزیه و شبیه خوانی بود. از این رو در همه جای آن آلات و ادوات شبیه خوانی و تعزیه به چشم می خورد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : جابر عناصری تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در اردبیل طی کرد و سپس بخاطر عشق به ادبیات عامه، در سال ۱۳۳۹ راهی تهران شد تا ادبیات را در دارالفنون بیاموزد. در سال ۱۳۴۲ تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشگاه تهران آغاز کرد و در این رشته تحصیلات خود را تا دکتری ادامه داد. در سال ۱۳۵۲ برای پژوهش و سبک تخصصی در زمینه ایران شناسی اجتماعی را در دانشگاه لندن به پایان رساند. خاطرات و وقایع تحصیل : جابر عناصری در سیزده سالگی در دوره دبیرستان یک پژوهش فرهنگی را انجام داد و آنرا بصورت روزنامه دیواری ارائه نمود. فعالیت‌های ضمن تحصیل : جابر عناصری در ضمن تحصیل به پژوهش در ادبیات و فرهنگ عامه مشغول بود. چنانکه یک تک نگاری درباره روستایی بنام ججین را در سال ۱۳۴۵ انجام داد و در مجله هنر و مردم به چاپ رساند. دکتر عناصری پس از اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران و گذراندن دوره تخصصی مردم‌شناسی در انگلستان با تکیه بر پژوهش‌های قبلی خود، به تحقیق درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه و ایران و افغانستان پرداخت. استادان و مربیان : جابر عناصری ادبیات را در دارالفنون از جلال الدین شریفیان آموخت . اولین استاد وی درباره هنر و ادبیات عامه، پدرش علی عناصری بود. همسر و فرزندان : همسر جابر عناصری کارشناسی ارشد کتابداری است و همواره او را در یافتن اسناد و مدارک و تحقیق و نقد آنها یاری و تشویق نموده است. فرزندان وی نیز همواره از کودکی با کتاب مانوس بوده و بعنوان شاگردان پدر و دستیاران تحقیقاتی و حتی طراحان جلد کتابهای وی، وی را یاری می نمایند. وقایع میانسالی : جابر عناصری از دوره تحقیقات میدانی خود در گوشه و کنار ایران خاطرات تلخ و شیرینی دارد. یکی از آنها زمانی رخ داد که وی با یک دوربین عکاسی جدید و مدرن به یکی از روستاهای آذربایجان شرقی رفته بود. در آنجا به پیرمردی که در حال کشاورزی بود برخورد. دکتر عناصری بدلیل اینکه مبادا پیرمرد را ناراحت کند، بدون اینکه از وی عکسی بگیرد بسرعت از کنار وی گذشت و از چند جوان روستایی که در آن نزدیکی بود عکسهایی تهیه کرد پیرمرد که این صحنه را دید، فریاد زد، عجب روزگاری شده از جوانها عکس می گیرند، ولی از پیرها عکس نمی گیرند. دکتر عناصری نیز از او خواست که هر تعداد عکس می خواهد از او بگیرد. اما پیرمرد آنرا مشرور بر گرفتن عکس دستجمعی با خانواده خود و در لباسهای نو دانست، دکتر عناصری نیز از آنها خواست تا لباس محلی آذربایجان را بپوشند، چند لحظه بعد عکسی زیبا و مردم شناسانه بوجود آمده بود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جابر عناصری علاوه بر سابقه تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک (از سال ۱۳۵۶ ه.ش) دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر و دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، در حال حاضر (۱۳۸۱ ه.ش) سرپرست برخی گروههای تحقیقی مردم شناسی و مسئول تحقیقات ایلی و عشایری می باشند. فعالیت‌های آموزشی : جابر عناصری از بیست و یک سالگی در دانشکده هنرهای دراماتیک مشغول به تدریس شد (۱۳۵۶ ه.ش). وی در سال ۱۳۷۷ درجه استادیاری داشت و تا سالهای اخیر به تدریس مشغول بود. [دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۷، ص ۳۱۹]. از این گذشته وی بعنوان استاد تعزیه شناسی در دانشکده هنرهای زیبای تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس تدریس نموده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : جابر عناصری در کنار تدریس و مسئولیت های اداری تحقیق در زمینه ادبیات عامه ، شبیه خوانی و تعزیه را ادامه می دهد. همفکران فرد : مرحوم احمد شاملو (نویسنده دایره المعارف کتاب کوچه در باره امثال ایرانی)، دهخدا (نویسنده امثال و حکم) صادق هدایت (گرد آورنده حکایات و مثل های محلی برخی مناطق ایران) در گرد آوری ادبیات عامه پیشگام بوده اند. اما امروزه کسانی چون صادق همایونی،

دکتر محمود روح الامینی، مهرداد وحدتی دانشمند، محسن میهن دوست، محمد-احمد پناهی سمنانی و دکتر علی بلوکباشی در ردیف همفکران جابر عناصری قرار می‌گیرند که با نگاهی مردم‌شناسانه یا هنری به هنر و ادبیات عامه می‌نگرد. آرا و گرایشهای خاص: مهمترین علاقه جابر عناصری ادبیات عامه، شبیه‌خوانی و تعزیه است. وی در این راه اعتقاد کاملی به پژوهش میدانی و مصاحبه دارد. چنانکه وی بیشتر عمر خود را صرف تحقیق در روستاهای گوشه و کنار ایران نموده است. وی این روش را ابزاری برای ارتباط نزدیکتر با واقعیت می‌داند. جوایز و نشانها: تک نگاری درباره روستای ججین اولین پژوهش چاپ شده جابر عناصری بود که از سوی مجله هنر و مردم بعنوان یکی از تحقیقات نمونه انتخاب شد (۱۳۵۲ ه.ش) هنگامی که دکتر عناصری در انگلستان به سر می‌برد تحقیقاتی با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه ایران و افغانستان انجام داد و در سال ۱۳۵۶ با کسب عنوان دانشجوی برجسته دوره پژوهش به ایران بازگشت. آثار: ویژگی اثر: وی در آثار خود از نگاهی جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه به تئاتر و تعزیه ایرانی می‌نگرد. [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸، ص ۲] ادبیات نمایشی مذهبی، تجلی قرآن در قاب آئینه فرهنگ عامه ایران و ... [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸. و سه مردم‌شناسی و روانشناسی هنری، تهران: اسپرک، ۱۳۶۶. و سه، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش، ۱۳۷۰. و سه، شبیه‌خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲]، دکتر جابر عناصری تا کنون (۱۳۸۱) ۱۲ تعداد ۱۲۰۰ مقاله و ۳۴ کتاب نگاشته‌اند، که ۲۰ عنوان از کتابهای پژوهشی می‌باشند و از آن جمله است: شبیه‌خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی (۱۳۷۲)، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان (۱۳۷۰) ویژگی اثر: پژوهشی است میدانی درباره داستانهای شاهنامه که توسط نقالان نقل شده است. [جابر عناصری، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش، ۱۳۷۰، صص فهرست] ۷ مراسم آیینی و تئاتر (۱۳۵۸)، مردم‌شناسی و روانشناسی هنری (۱۳۶۶) ویژگی اثر: دکتر عناصری در کتاب مردم‌شناسی و روانشناسی هنری به جایگاه قصه‌های عامیانه در هنر ایران، باورهای عامیانه، تاثیر رسانه‌های جمعی در گسترش هنر، مباحث رنگ‌شناسی، سمبولیسم رنگ و ارتباط آن با روانشناسی می‌پردازد. سپس به روانشناسی هنری وارد شده و بحث‌های هنر درمانی، تئاتر درمانی و نقش تئاتر در درمان کودکان معلول و ... را مطرح می‌نماید. [جابر عناصری، مردم‌شناسی و روانشناسی هنری، تهران: اسپرک، ۱۳۶۶، و نیز، سه، جابر عناصری، مردم‌شناسی و روانشناسی هنری، تهران: رشد، ۱۳۸۰، صص جلد و فهرست] ۹ نسیم خاطرات [صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص ۲۱] اثر: مجموعه مقالات نسیم خاطرات در بردارنده ۱۵۰ مقاله در باره تاریخ شفاهی اردبیل و گریزهایی به فرهنگ محل ایران است. [صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص ۲۱]

منابع زندگینامه: جواد عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، ۱۳۵۸، ص جلد ۲ دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، ۱۳۷۷، ص ۳۱۹ [۳] صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش. ص ۲۰ و نیز جابر عناصری، شبیه‌خوانی الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲، صفحات جلد کتاب [۴] کتاب ماه هنر، ویژه هنر عامه ۱، شماره ۴۰-۳۹ (آذر و دی ۱۳۸۰)، ص ۲. و نیز کتاب ماه هنر (ویژه هنر عامه ۲)، شماره ۴۳-۴۴ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱)، ص ۲

عودی، ستار

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر ستار عودی در سوم خرداد ۱۳۳۳ ه.ش در بغداد متولد شد. تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در مدارس عراق گذراند. و در پانزدهم اسفند ۱۳۵۰ ه.ش به همراه خانواده، همانند بیش از پانصد هزار ایرانی دیگر توسط حکومت یعنی صدام حسین، از عراق اخراج شدند. وی بین سالهای ۱۳۵۴-۱۳۵۲ ه.ش به انجام خدمت نظام وظیفه با درجه گروه‌بان در لشکر ۷۷ خراسان پرداخت و بعد از انقلاب اسلامی به اشتغال در چند شرکت خصوصی و از سال ۱۳۶۴ ه.ش در وزارت راه و ترابری مشغول به کار شد. در فروردین ۱۳۶۷ تا کنون ۱۳۸۳ به عنوان مترجم، دبیر و سر دبیر خبر عربی مشغول به کار است. وی دارای مدرک دکترای تاریخ و تمدن اسلامی است. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی گرایش: تاریخ تمدن اسلامی والدین و انساب: ستار عودی در سال ۱۳۳۳ در خانواده مردی ایرانی به نام غلام از زنی به نام سلیمه متولد شد. خاطرات کودکی: ستار عودی که کودکی و نوجوانی خود را در اطراف کاظمین سپری کرد و گرچه خاطرات زیادی از آن روزگار در ذهن ندارد، آنجا را به سبب رونق مراسم های مربوط به عاشورا در آن روزگار همواره به یاد می آورد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر ستار، شغل آزاد و نسبتاً مرفه و جزو طبقه متوسط اجتماعی بود. ستار نیز در کنار یک خواهر و پنج برادر خود (به نامهای سهام، جلال، کمال، خالد، سالم و حافظ) تا سال ۱۳۵۰ از زندگی خوبی برخوردار بوده اند. تا اینکه در دیماه ۱۳۵۰ دولت عراق دار اینهای آنان را ضبط کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: ستار عودی دیپلم خود را در شهر ری دریافت کرد و از سال ۱۳۶۴ در رشته زبان انگلیسی وارد دانشگاه تهران شد، در سال ۱۳۶۹ نیز لیسانس ادبیات فارسی را از دانشگاه پیام نور احراز کرد و در سال ۱۳۷۴ فوق لیسانس تاریخ و تمدن ملل اسلامی و در سال ۱۳۸۰ مدرک دکتری خود را در همان رشته از دانشگاه تهران دریافت کرد. خاطرات و وقایع تحصیل: ستار عودی در کنار تحصیل، به گذراندن یک دوره خبرنگاری و نیز یک دوره دیپلم عالی بازرگانی از لندن (از طریق نامه نگاری) نائل آمده است. در کنار اینها در جاده کرج مشغول به کار بوده است و گاه از فرط خستگی بر سر کلاس به خواب می رفته است. فعالیتهای ضمن تحصیل: ستار عودی در حین تحصیل علاوه بر اشتغال و تحصیل در چندین مقطع و رشته، به چندین جلسه علمی در خارج کشور رفت و نیز برای بنیاد دایره المعارف اسلامی بزرگ مقالاتی تهیه می کرد. همچنین مدتی را به فراگیری زبان فرانسه و اسپانیول مشغول بود. استادان و مربیان: خانم دکتر برزگر و دیگر استادان، به ویژه استادان رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از استادان ستار عودی بوده اند. از آن جمله اند: استاد دکتر اسعدی، استاد دکتر حسین قره چانلو، دکتر نصیریان، دکتر هادی عالم زاده و دکتر نورالله کسائی. هم دوره ای ها و همکاران: ستار عودی نام همدوره ای ها و همکاران روزگار تحصیل خود را به سبب سپری شدن زمان و وقوع بسیار در زندگی او به خاطر نمی آورد. همسر و فرزندان: ستار عودی در ۱۹ شهریور ۱۳۶۰ ه.ش با دختر خاله خود به نام بتول آهنگری ازدواج کرد و حاصل این ازدواج سه فرزند به نامهای علی متولد ۱۳۶۱، حیدر ۱۳۶۴، و محمد ۱۳۷۱ می باشند. وقایع میانسالی: روزگار میانسالی ستار عودی به تحصیل در رشته تاریخ تمدن و ملل اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران و نیز اشتغال در بخش عربی اخبار جمهوری اسلامی ایران، و نیز به عنوان مترجم و دبیر می گذرد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ستار عودی مشاغل گوناگونی چون مدیر امور فروش، مدیریت امور انبارها، استادی زبان انگلیسی در نیروی هوایی، استاد زبان عربی در دانشکده وزارت امور خارجه، استاد در دانشگاه های تهران و دانشگاه امام صادق (ع) و سردبیر خبر بین المللی عربی در خبر گذاری جمهوری اسلامی ایران را تجربه نموده است. فعالیتهای آموزشی: ستار عودی سابقه درخشانی در تدریس داشته است که عبارت است از: استادیار رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشگاه امام صادق. استادیار رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشکده فرهنگ اسلامی و ارتباطات (شاخه تاریخ تشیع). استاد مدعو در دانشکده الهیات دانشگاه تهران از ۱۳۷۸ تا کنون ۱۳۸۳. استاد ناظر بر رساله های دانشجویان در دانشکده خبر عضو هیات علمی بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی. کارشناس امور خبری در بخش بین المللی خبر گذاری جمهوری اسلامی ایران. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: ستار عودی در دانشگاههای مختلف در تهران به تدریس و نیز مطالعه و تحقیق مشغول است. و نیز سر دبیری

خبر بین المللی بخش عربی را بر عهده دارد. شاگردان: ستار عودی چنانکه خود نوشته است شاگردان بسیاری را طی یک دهه آموزش تربیت کرده است که برخی از آنان مسئولیت های مهمی را عهده دار می باشند. آرا و گرایشهای خاص: تز دکتری ستار عودی تحت عنوان «تاریخ دولت اغلییان در افریقیه (تونس) در قرن سوم هجری» پس از پنج سال تحقیق صورت گرفته است. وی با توجه به تسلط بر زبانها عربی و انگلیسی و فارسی و دانستن زبانهای فرانسه و اسپانیایی منابع گسترده ای در این باره را شناسایی و مطالعه کرده است. جوایز و نشانها: جایزه بهترین مقاله دایره المعارفی برای مقاله «تاریخ نگاری در شمال آفریقا» ۱۳۸۳/۱۱/۱۵ چگونگی عرضه آثار: ستار عودی بیش از ۵۰ مقاله علمی به بنیاد دایره المعارف اسلامی تقدیم کرده است که در جلد ششم دانشنامه جهان اسلام هفت مقاله از آن به چاپ رسیده است. از این گذشته وی تعدادی مقاله برای دایره المعارف بزرگ اسلامی نوشته است که در حال چاپ می باشند. و نیز پنج مقاله درباره شخصیتهای عرب قدیم از جمله بشار بن بردو مجله اول در فرهنگستان زبان و ادب فارسی زیر چاپ است. دو مقاله در جمله ماهنامه دینی و یک مقاله در مجله ریحانه و یک مقاله در دایره المعارف زنان، حدود ۱۰۰ مدخل برای دایره المعارف جدیدی بر سبک و سیاق دایره المعارف مصاحب در دست چاپ دارد. آثار: ایران یک شریک تجاری ویزگی اثر: این کتاب در رشته بازرگانی و ترجمه ای است از زبان انگلیسی به عربی که در اجلاس سران کشورهای اسلامی به نمایش گذاشته شد و دومین چاپ آن نیز منتشر شده است. ۲. تاریخ آل مظفر ویزگی اثر: این کتاب خلاصه ای است به زبان ساده که از کتب پیچیده روزگار پس از ایلخانان استخراج شده و توسط موسسه اهل قلم - میراث مکتوب در حال چاپ است. ۳. تاریخ دولت اغلییان در افریقیه (تونس) در قرن سوم هجری ویزگی اثر: عنوان فوق، شامل تز دکتری ستار عودی بود که پس از پنج سال تحقیق و مطالعه بیش از ۷۰۰ منبع به پایان رسیده و در موسسه امیر کبیر در زیر چاپ است. ۴. زندگینامه شاه عباس دوم ویزگی اثر: این کتاب خلاصه ای است با نثری روان که برای مخاطبین جوان تهیه شده است این اثر خلاصه ای است از منابع مربوط به عصر صفوی که در موسسه اهل قلم - میراث مکتوب در حال چاپ می باشد. ۵. سرگرمیهای ریاضی ویزگی اثر: ترجمه کتابی سرگرم کننده در رشته ریاضی است که در موسسه علمی - فرهنگی وابسته به وزارت علوم زیر چاپ است.

منابع زندگینامه: اظهارات و نوشته های ستار عودی

عیسی زاده، ولی الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ولی الله عیسی زاده

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۲ ه. ش وارد دبستان دولتی روستای رز که از توابع بخش مرکزی شهرستان آمل شدم، و تا پایان دوره ابتدایی که

مدرسان و معلمان سپاه دانش مربی ما بودند در همان مدرسه اشتغال به تحصیل داشته و از امتیازات بالایی برخوردار بودم. دوره راهنمایی را همزمان با مبارزات انقلابی مردم آمل در این شهر آغاز کردم و سال سوم راهنمایی را در مدرسه معتمدی (شهید سقاعلیزاده) با موفقیت به پایان رساندم.

دوره متوسطه را در دبیرستان امام خمینی (ره) آمل شروع کردم که با درگیری منافقان در این شهر همزمان بود، سپس در سال ۱۳۶۴ با اخذ مدرک دیپلم در رشته اقتصاد راهی جبهه شدم و در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه مسجد هاشمی آمل شدم. آن‌گاه در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه مقدسه قم شدم و همزمان با تحصیل در حوزه وارد موسسه امام خمینی (ره) شده و دوره عمومی آن را در سال ۱۳۷۸ به پایان رسانده و مدت ۲ سال برای خدمت به طلاب و آشنایانی با اهل سنت به حوزه علمیه منتظریه گنبد کاووسی مهاجرت کردم و در این مدت ضمن مدیریت و تدریس در فعالیت‌های فرهنگی و علمی منطقه فعال بودم و در دانشگاه آزاد شهرستان آزاد شهر تدریس می‌کردم. سپس در سال ۱۳۸۱ به قم مهاجرت کردم و در موسسه اسراء که تحت اشراف حضرت آیت الله جوادی آملی است به تحقیق مشغول شدم و در ضمن فعالیت‌های علمی در موسسه به تالیف کتاب و مقاله و تدوین پایان‌نامه مشغول شدم که همچنان به فضل الهی ادامه دارد. در ضمن در تمامی این مدت (از زمانی که ملبس به لباس مقدس روحانیت شدم ۱۳۷۰) تا به حال در سه مقطع تبلیغی رمضان، محرم و صفر به این امر مهم مشغول هستم. از سال ۱۳۷۵ نیز در خدمت‌گذاری خدمت زائران محترم حرمین شریفین و عتبات عالیات فعال هستم.

غانمی هروی، ابوسعد محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، طبعیدان. وی تألیفاتی چند داشته، از جمله: کتاب «الالوان» یا «هوان الالوان»؛ «قراضه‌ی طبیعیات»، به فارسی و به شکل سؤال و جواب در مسائل طبیعی که به خطا آن را به ابن‌سینا نسبت داده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۹۷۳-۹۷۲/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۸)، ترجمه‌ی تهمه‌ی صوان الحکمه (۶۶)، الذریعه (۶۵/۱۷).

غزال زعفرانی اصفهانی، ابوعبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۹ ق)، حافظ، محدث، قاری و نویسنده. از مقلب به شیخ القراء. وی از محمد بن علی فرقدی و عبدان اهوازی و محمد بن زبان و علی بن احمد علان قاسم بن عصار دمشقی و دیگران حدیث شنید. ابوسعد مالینی و ابونعیم حافظ و ابوبکر احمد بن محمد بن حارث ادیب و عبدالعزیز بن احمد بن فاذویه از وی حدیث شنیدند. گفته‌اند که او صاحب تصانیف در قرآآت و حدیث بوده است. از آثارش کتاب «الوقف و الابتداء» است. در «شذرات الذهب» وفات وی را در ۳۶۳ ق ذکر کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۹۶۵-۹۶۴ / ۳)، سیر النبلاء (۲۱۷ / ۱۶)، شذرات الذهب (۴۷ / ۳)، طبقات الحفاظ (۳۸۶-۳۸۵)، معجم المؤلفین (۱۴۲ / ۱۰)، هدیه العارفین (۴۹ / ۲).

غفاری فر، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن غفاری فر

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن غفاری فر در سال ۱۳۶۱ دیلم را اخذ و در سال ۶۱-۶۲ وارد مدارس علوم مقدس دینی شدم. ابتدا مدت کوتاهی را در تهران، سپس در بابل و نهایتاً در سال ۶۷-۶۸ برای ادامه تحصیل وارد شهر مقدس قم شدم، تقریباً در همان سال تحصیلی، دروس سطح را به اتمام رساندم، البته به جهت شهرستانی بودن و عدم ساماندهی فراگیر حوزه‌های شهرستانها در آن ایام، امتحانات حوزوی در سالهای بعد به اتمام رسید. از سال تحصیلی ۶۷-۶۸ تا کنون در دروس خارج حوزه شرکت می‌کنم، قابل ذکر است تقریباً از سال ۷۸ به بعد تک درس خارج فقه یا اصول را شرکت می‌کنم. از سال تحصیلی ۷۱-۷۲ وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. ابتدا دوره پنج ساله عمومی را (طبق طرح قدیم) در سال ۷۵-۷۶ به اتمام رساندم، سپس از سال ۷۶-۷۷ وارد ارشد جامعه‌شناسی و طبق طرح قدیم (با سپری نمودن ۸۰ واحد پیش‌نیاز و بیش از ۳۰ واحد اصلی و دفاع از پایان‌نامه) در سال تحصیل ۸۰-۸۱ به اتمام رساندم.

قریب به پنج سال در موسسه فقه اهل بیت (ع) به مدیریت آیت الله شاهرودی در فاصله سالهای ۷۵-۸۰ همکاری پژوهشی داشتم و قریب به ۶ ماه عضو گروه کارورزی پژوهشی تاریخ معاصر به مدیریت دکتر موسی نجفی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) اشتغال داشتم.

به صورت متفرقه با قسمت تحقیقات و پژوهش معارف صدا و سیمای جمهوری اسلامی مستقر در قم، همکاریهای نظارتی بر کتابها می‌نمایم که تا کنون نیز ادامه دارد، به عنوان ناظر و یا داور رساله‌های علمی موسسه‌های علمی زیر مجموعه حوزه علمیه قم همکاری دارم، قریب به ۶ ماه عضو گروه پژوهش حوزه جامعه‌شناسی در موسسه انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات بودم. بیش از ۱۰ عنوان در حوزه‌های تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ تشیع، مهدویت، جامعه‌شناسی، عقاید، سیاسی (به ویژه بحث ولایت فقیه) و در مراکز حوزوی، دانشگاهی و نهادهای انقلابی و گاهی دانش آموزشی تدریس نموده‌ام.

غفاری قزوینی، احمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۵ ق)، شاعر. وی مرد فاضل و نیکو قریحه‌ای بوده و از تاریخ نیز سررشته داشته است. در پایان عمر به زیارت خانه‌ی خدا رفت و در راه بازگشت به سرای باقی شتافت. از آثارش: تاریخ «نگارستان»؛ «تاریخ جهان آرا» [۱].

(منسوب به عبدالغفار) (قاضی) احمد بن محمد قزوینی، دانشمند و مورخ (ف. ۹۷۵ ه. ق) وی از اعقاب عبدالغفار قزوینی عالم معروف مؤلف کتاب الحاوی الصغیر بود و پدرش قاضی محمد در شهر ری سمت قضا داشته. احمد مردی فاضل و منشی و شاعر و خوش خط و مورخ بود و در نزد امرا و شاهزادگان صفوی محترم می‌زیست و مدتی در دستگاه سام میرزا مقیم بود و در آخر به عزم حج عازم مکه شد ولی در مراجعت در بندر دیبال سند در گذشت. وی مؤلف دو تاریخ است: تاریخ نگارستان، جهان آرا. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۳ / ۱۱۵۰)، الذریعه (۳۰۹-۳۰۸ / ۲۴ / ۵۹، ۹ / ۲۴۶، ۳ / ۲۴۶، ۹۹ / ۸۲، ۱)، فرهنگ سخنوران (۶۷۰)، هفت اقلیم (۳ / ۱۷۸).

غفاری، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر غلامرضا غفاری دانشیار گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی و معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی و تعاون از دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۶۸)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۷۱) و دکتری را نیز در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۸۰) اخذ نموده است. گروه: علوم انسانی‌رشته: جامعه‌شناسی‌والدین و انساب: نام پدر: امرالله تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: دکتر غلامرضا غفاری مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی و تعاون از دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۶۸)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۷۱) و دکتری را نیز در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۸۰) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی پیوند بین فعالیت‌های علمی و تکنولوژیکی با نیازهای اجتماعی اقتصادی» و دوره دکتری «تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی- اقتصادی سازمان یافته روستاییان» است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی دکتر غفاری می‌توان مواردی همچون «ریاست موسسه تحقیقات تعاونی دانشکده علوم اجتماعی» (۱۳۸۱)، «مسئولیت اداره خدمات آموزشی دانشکده علوم اجتماعی»، «معاون دانشجویی و فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی»، «معاون دانشجویی و فرهنگی» (۱۳۸۲) و «بازرس چهارمین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران» را نام برد. فعالیتهای آموزشی: موارد تدریس غلامرضا غفاری، «تغییرات اجتماعی»، «روش تحقیق عملی»، «روش تحقیق نظری»، «سیاست اجتماعی»، «فنون برنامه‌ریزی اجتماعی»، «کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی» (در مقطع کارشناسی) است و «روش تحقیق در رفاه اجتماعی» و «روش‌ها و تکنیک‌های برنامه‌ریزی رفاه» (در مقطع کارشناسی ارشد) است. آرا و گرایشهای خاص: از زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه وی می‌توان به موضوعات «سرمایه اجتماعی»، «توسعه اجتماعی» و «تحولات اجتماعی» اشاره نمود. وی مسئولیت طرح‌های تحقیقاتی مختلفی از جمله «سنجش سرمایه اجتماعی در ایران» را نیز بر

عهدہ داشتند. چگونگی عرضه آثار: تعداد راهنمایی پایان نامه ها: الف-پایان نامه های کارشناسی: ۱-مورد ب- پایان نامه های کارشناسی ارشد: ۱۷ مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: ۱۸ مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی: ۱ مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها: ۶ مورد آثار: اعتماد: نظریه جامعه شناختی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: پیوتر زتومکا، غلامرضا غفاری (مترجم) ناشر: شیراز - ۱۱ اسفند، ۱۳۸۶ ۲ توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران و ویژگی اثر: پدیدآورنده: مصطفی ازکیا، غلامرضا غفاری ناشر: نشر نی - ۲۶ خرداد، ۱۳۸۶ ۳ جامعه شناسی تغییرات اجتماعی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: عادل ابراهیمی لویه، غلامرضا غفاری ناشر: آگرا - ۲۳ آبان، ۱۳۸۴ ۴ جامعه شناسی توسعه و ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، مصطفی ازکیا (مترجم) ناشر: کلمه - ۱۳۸۱ ۵ جامعه شناسی توسعه و ویژگی اثر: پدیدآورنده: مصطفی ازکیا، غلامرضا غفاری ناشر: کیهان - ۰۷ مهر، ۱۳۸۷ ۶ جامعه شناسی مشارکت و ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، محسن نیازی ناشر: نزدیک - ۲۲ خرداد، ۱۳۸۶ ۷ جامعه شناسی نسلی در ایران و ویژگی اثر: پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، تقی آزادارمکی (مترجم) ناشر: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی - ۱۳۸۳ ۸ جامعه شناسی نسلی در ایران و ویژگی اثر: پدیدآورنده: تقی آزادارمکی، غلامرضا غفاری ناشر: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی - ۱۹ شهریور، ۱۳۸۶ ۹ سرمایه اجتماعی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: جان فیلد، غلامرضا غفاری (مترجم)، حسین رضوانی (مترجم) ناشر: کویر - ۳۰ آبان، ۱۳۸۶

غفوری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد غفوری

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد غفوری متولد ۱۳۵۰ و تحصیل کرده حوزه و دانشگاه تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در مشهد گذراندم و پس از آن به قم آمده و دروس حوزه را از اواخر دهه ۶۰ آغاز کردم. پس از پایان دروس مقدمات و سطح نزد اساتید متعدد، در مقطع خارج اشتغال یافتم. در سال ۱۳۷۹ در کنار دروس حوزه، در رشته تاریخ وارد دانشگاه شدم و پس از اخذ مدرک کارشناسی، در سال ۱۳۸۴ در مقطع کارشناسی ارشد و در گرایش "تاریخ اسلام" پذیرفته شدم و هم اکنون در حال نگارش پایان نامه فوق لیسانس هستم. هم چنین دوره تخصصی تاریخ اسلام را طی دو سال (۱۳۷۹-۱۳۷۷) در مرکز تخصصی تاریخ اسلام حوزه علمیه قم (زیر مجموعه دفتر تبلیغات اسلامی) به پایان بردم. از سال ۱۳۸۰ تا کنون به عنوان پژوهشگر در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول هستم و از سال ۱۳۸۱ مدیریت اجرایی "فرهنگ نامه مولفان اسلامی" را بر عهده دارم. در طی این مدت شخصیت نگاری مولفان پنج قرن نخست هجری به پایان رسیده و قرن ششم در دستور کار قرار دارد و جلد اول فرهنگ نامه شامل مولفان سه قرن نخست هجری آماده انتشار است. علاوه بر نگارش شماری از مقاله ها کنترل علمی و بازخوانی بسیاری از مقالات

فرهنگ نامه را هم انجام داده ام.

غلامرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزده و چهاردهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. وی در آبرنگ مهارت داشت و در گل و مرغ و مرغش‌سازی و حل‌کاری پرستعداد بود. از آثار وی: تصویر گل و مرغی شیوایی در سبک سیاه‌قلم، با رقم: «مشق غلامرضا ۱۳۱۵»؛ قلمدان مرغش‌عنابی که در رویه‌ی آن ساقه بلند و افشان خوشه انگوری به حل‌کاری استادانه‌ای انجام یافته و کناره‌ها نیز با زنجیره‌ی طلایی محدود شده است، با رقم: «غلامرضا ۱۳۱۱».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۴۱۰ / ۱).

غنجار بحاری، ابو عبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۱۲-۳۳۷ ق)، حافظ، محدث و مورخ. اهل بخارا بود و محدث آنجا. از خلف بن محمد خیام و سهل بن عثمان سلمی و ابو عبید احمد کرینی و ابراهیم ملاحمی و بسیاری دیگر از علماء و محدثین دیارش حدیث شنید. هناد نسفی و گروهی دیگر از شاگردان وی بودند. غنجار در بخارا درگذشت و در مقبره‌ی حوض فدام دفن شد. از آثارش: «تاریخ بخارا»؛ «فضائل الصحابه»، تصنیفی در «فضائل الاربعه».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۵ / ۶)، انساب سمعانی (۳۱۲-۳۱۱ / ۴)، سیر النبلاء (۳۰۵-۳۰۴ / ۱۷)، شذرات الذهب (۱۹۶ / ۳)، طبقات الحفاظ (۴۱۳)، العبر (۲۲۱ / ۲)، کشف الظنون (۱۲۷۶، ۲۸۶)، معجم الادباء (۲۱۴-۲۱۳ / ۱۷)، معجم المؤلفین (۱۰۵، ۷ / ۹)، الوافی بالوفیات (۲ / ۶۰)، هدیه العارفین (۲ / ۶۱).

فارسی نیشابوری، ابوالحسن عبدالغافر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۲۹-۴۵۱ ق)، حافظ، محدث، لغوی، ادیب، مورخ و فقیه شافعی. از طرف پدر نوه‌ی شیخ بزرگ ابوحسین فارسی نیشابوری و از طرف مادر نوه‌ی شیخ ابوالقاسم قشیری است. او در نیشابور به دنیا آمد. نزد امام الحرمین جوینی اصول علم حدیث و فقه آموخت و

از پدرش، اسماعیل، و مادرش، ام‌رحیم، دختر قشیری و جدش ابوالقاسم عبدالکریم قشیری و جدش، فاطمه دختر ابوعلی دقاق، و دو دایی‌اش ابوسعید و ابوسعید، فرزندان قشیری، و احمد بن منصور مغربی و احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی و احمد بن حسن ازهری و خلقی کثیر، احادیث بسیار استماع کرد، و در علوم مذهبی سرآمد گشت و به غزنه و هند و خوارزم مسافرت کرد و بزرگان را دیدار نمود و از ابومحمد جوهری و ابوسعید کنجودی و ابوبکر محمد طبری اجازه دریافت کرد. ابوسعید عبدالله بن عمر صفار آخرین کسی است که از وی حدیث روایت کرده است. او را فقیهی محقق و فصیحی خوش‌زبان و ادیبی کامل توصیف کرده‌اند. وی خطیب نیشابور گشت و سرانجام در نیشابور درگذشت. از آثارش: «مجمع الغرائب فی غریب الحدیث»؛ «السیاق»، در تاریخ نیشابور که تکمله‌ای بر کتاب «تاریخ نیشابور» حاکم نیشابوری است؛ «المفهم»، شرح «غرایب صحیح مسلم». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴ / ۱۵۷)، روضات الجنات (۲۲ / ۸)، ریحانه (۲۷۳-۲۷۲ / ۴)، سیر النبلاء (۱۸-۱۶ / ۲۰)، شذرات الذهب (۹۳ / ۴)، العبر (۴۳۶-۴۳۵ / ۲)، کشف الظنون (۱۶۰۲، ۱۰۱۱، ۵۵۸، ۳۰۸)، الکنی و الالقاب (۶۷ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالحسن)، معجم المؤلفین (۲۶۷ / ۵)، وفيات الاعیان (۲۲۵ / ۳)، هدیه العارفين (۵۸۷ / ۱).

فارسی، جلال‌الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای جلال‌الدین فارسی از اسلام پژوهان و مبارزان عصر جدید در راه تحقق و استقرار انقلاب / حکومت / جمهوری اسلامی بوده‌اند، و بیش از یک‌دهم اهل قلم عادی در این راه تلاش کرده‌اند. او متولد ۱۳۱۲ ش در مشهد مقدس است. در حدود سالهای ۱۳۳۲-۱۳۳۳ ش نخستین اثر خود را که ترجمه بود منتشر ساخت و با شرکت در حوزه‌های مخفی نهضت مقاومت ملی، به بحث درباره‌ی مسئله‌ی «کلیسا» و رابطه‌ی دین و دولت / سیاست / حکومت و پس از آن به تدریس دو اثر انقلابی خود به نامهای نهضت‌های پیامبران، و تکامل مبارزه‌ی ملی پرداخت. سالهای ۱۳۴۰-۱۳۴۱ را در زندان قزل‌قلعه سپری نمود و در قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ نیز نقشی فعال داشت. کتاب حقوق بین‌المللی اسلامی را در سال ۱۳۴۵، و ترجمه‌ی کتاب مشهور تکامل انقلابی اسلام را در سال ۱۳۴۹ منتشر کرد. در خلال همین سالها به لبنان هجرت کرد و با همکاری با جنبشهای انقلابی و آزادی‌بخش منطقه در حرکت مبارزه‌ی مسلحانه‌ی داخل‌کشور نقش مهمی ایفا نمود. دوره‌ی درسهایی درباره‌ی مارکسیسم به دو زبان فارسی و عربی و واحدهای بشری و ترجمه‌ی ۵ جلد (از ۱۱ جلد منتشر شده) الغدیر و شهدای راه فضیلت هر دو اثر شادروان علامه عبدالحسین امینی، از آثار فرهنگی ارزشمند دوران هجرت اوست.

در تابستان ۱۳۵۷ از طرف امام خمینی (ره)، به تنظیم رابطه‌ی سازمان آزادی‌بخش فلسطین با انقلاب اسلامی ایران همت گماشت و سال بعد به نمایندگی در مجلس خبرگان انتخاب گردید. مسئولیت دیگر وی عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی بود. وی سپس به عنوان نماینده‌ی مردم تهران در دوره‌ی دوم مجلس شورای اسلامی مشغول انجام وظیفه گردید. آثار دیگر او که در سالهای اخیرتر منتشر شده عبارتند از: ترجمه‌ی قرآن کریم که به آن بیشتر می‌پردازیم؛ فلسفه‌ی انقلاب اسلامی؛ استراتژی بین‌المللی؛ پیامبری و جهاد و حکومت، پیامبری و انقلاب که این سه کتاب، یک دوره سیره‌ی نبوی است به استناد ترتیب نزول قرآن و محتوای آیات تاریخی. یکی از آثار مفید دیگر ایشان واژه‌های انقلاب اسلامی ایران است که چند سال پیش منتشر شده است، و به کار ایران‌شناسان و اسلام‌شناسان و محققان انقلاب اسلامی و تاریخ عصر جدید ایران می‌آید.

برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

فاضلی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید احمد فاضلی

محل تولد: بیارجمند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۳

زندگینامه علمی

پس از گذراندن دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و دروس ابتدائی (حساب و هندسه) پرداخت در سال ۱۳۵۱ در سیزده سالگی به حوزه عملیه گرگان (مدرسه علمیه صالحیه) در محضر اساتید وقت از آن جمله آیت الله حاج سید علی رئیسی به آموختن ادبیات (صرف میر، تصریف، عوامل) همت برگماشت؛ سپس در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات حاج شیخ محمد علی مدرس (ره) (صمدیه و سیوطی)، حاج شیخ فخرالدین وجدانی (ره) (شرح لمعه و مکاسب شیخ انصاری)، حاج شیخ مصطفی اعتمادی (معالم و رسائل شیخ انصاری) و آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده (ره) (کفایتین) را فرا گرفت. و از سال ۱۳۶۳ به درس خارج حضرات آیات عظام حاج شیخ جعفر سبحانی، حاج شیخ میرزا جواد آقا تبریزی (ره)، آیت الله وحیدی خراسانی و حضرت آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی (ره) حاضر شد و از محضر آنان توشه ها برگرفت و در کنار آن به تدریس، تالیف، تحقیق و تأسیس دست یازید.

در ایام تحصیل و تحقیق خود در دانشگاه نیروی انتظامی تهران و پرندک رباط کریم تدریس می کرد؛ دروسی که وی تدریس می کرد عبارت بودند: متون اسلامی، اخلاق، معارف و احکام تخصصی

بیش از ۱۵ سال سابقه تبلیغی در ایام محرم و صفر و ماه رمضان که بیش از ۱۴ ماه آن در جبهه های نبرد حق علیه باطل بوده است.

فاضلی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۶ ش)، مورخ. در تهران به دنیا آمد. از پانزده سالگی به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و مدت هشت سال آموزگار بود. پس از چندی وارد اداره ی آموزش متوسطه شد و به سمت دبیری در دبیرستانهای تهران منصوب گردید. وی مشاغل مختلفی را عهده دار بود: تصدی دایره ی تعلیمات متوسطه در اداره ی تعلیمات مرکزی، معاونت دبیرستان انوشیروان دادگر. اثر وی: «تاریخ ملل مشرق و یونان»، به مشارکت بهمن کریمی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۴۳ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۵۶ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۸۹- ۱۸۸ / ۳).

فاطمی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسن فاطمی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۵ در شهر قم متولد شدم. سال ۱۳۶۰ پس از اتمام کلاس اول دبیرستان در رشته علوم تجربی، با ثبت نام در مدرسه آیت الله گلپایگانی (امام مهدی فعلی) وارد حوزه علمیه شدم. تحصیلات را در این مدرسه تا ابتدای شرح لمعه فرا گرفتم و از آن پس به صورت آزاد تحصیلات را ادامه دادم. از حدود سال ۱۳۷۰ در درس خارج حاضر شدم و به مدت ۵ سال ادامه دادم و از آن پس به فعالیتهای تحقیقی با تدوین مقاله و کتاب روی آوردم. ضمن تحصیلات حوزوی دروس دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب ادامه دادم. سال ۱۳۶۹ با معادل لیسانس از حوزه در مقطع فوق لیسانس در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق در دانشگاه آزاد اسلامی اراک پذیرفته شدم. به دلیل رسمیت نداشتن مدرک حوزوی، مقطع لیسانس را نیز در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث فرا گرفتم. نظر به اینکه با موافقت ریاست کل دانشگاه آزاد واحدهای بیشتر از معمول را می توانستم انتخاب کنم در سال ۱۳۷۲ هر دو مقطع را به پایان رساندم. تا کنون ۴ کتاب و حدود ۱۵۰ مقاله اعم از بی امضاء یا با امضای خودم یا با نام مستعار از اینجانب چاپ شده است.

فامی هروی، ثقه‌الدین ابونصر، ابونصر عبدالرحمان

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۶- ۴۷۲ ق)، حافظ، محدث، ادیب و مورخ. اهل هرات بود و محدث آنجا. از ابواسماعیل خواجه عبدالله انصاری و محمد بن علی عمیری و نجیب بن میمون واسطی و قاضی و ابوعامر ازدی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در کهولت به حج رفت و از هبه‌الله بن علی بخاری و ابوالقاسم بن حصین حدیث شنید. ابن عساکر و سمعانی و ابوروح عبدالعزیز و از گروهی دیگر از وی حدیث شنیدند. سمعانی گوید که او دارای شناخت کافی در حدیث و ادب بود و اخلاقی نیکو داشت. از آثارش کتاب «تاریخ هرات»

است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۴ / ۳۴۳)، سیر النبلاء (۲۹۹-۲۹۷ / ۲۰)، شذرات الذهب (۴ / ۱۴۰)، طبقات الحفاظ (۴۷۱)، معجم المؤلفین (۵ / ۱۴۳)، النجوم الزاهره (۵ / ۲۹۰)، هدیة العارفين (۱ / ۵۱۸).

فخر زارع، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین فخر زارع

محل تولد: ورزنه اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۶/۸

زندگینامه علمی

اینجانب پس از تکمیل مرحله ابتدایی و اول راهنمایی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. پس از یک سال تحصیلی راهی قم شدم و در درسهای ادبیات مرحوم استاد مدرس افغانی بطور جدی شرکت کردم. سال ۱۳۶۵ به جبهه اعزام و تا سال ۱۳۶۷ بطور متناوب بمدت ۵/۱۰ ماه در جبهه ها و چند عملیات حضور داشتم که در عملیات کربلای ۵ از ناحیه کتف مجروح و دچار آسیب جدی شدم. پس از جنگ در اصفهان ماندگار شده و در دروس سطح حضرات آقایان آیه الله سید احمد امامی، آیه الله سید حسن امامی، آیه الله شیخ علی اکبر فقیه، آیه الله کلباسی و ... شرکت کردم. سال ۱۳۷۱ همزمان با تشکیل خانواده به قم مشرف شدم. و تا سال ۱۳۷۳ در دروس سطح حضرات آقایان: پایانی، استادی، دوزدو زانی، عندلیب، محمدی و ... حضور یافتم. از سال ۱۳۷۵ در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام تبریزی، وحید، جوادی آملی شرکت کردم. از سال ۱۳۷۹ همزمان با دروس حوزه از دانشگاه رشته علوم اجتماعی را ادامه دادم و سال ۱۳۸۳ در رشته جامعه شناسی دانشگاه با رتبه خیلی خوب پذیرفته و تحصیلات را تا سال ۸۵ (فارغ التحصیلی) ادامه دادم. عمده مطالعات اینجانب در مورد اسلام و جامعه شناسی اندیشه های بنیادی اجتماعی، جامعه شناسی سیاسی و نیز جامعه شناسی ادبیات می باشد.

فراشندی، علیمراد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، مورخ، نویسنده و روزنامه‌نگار. در برازجان به دنیا آمد. دوره‌ی ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان فرخی برازجان به پایان رساند. در ۱۳۱۸ ش در اداره‌ی فرهنگ بنادر جنوب وارد خدمت شد و در برازجان به تدریس مشغول گشت. در ۱۳۲۴ ش به

اداره‌ی فرهنگ شیراز منتقل شد. در ۱۳۳۱ ش امتیاز روزنامه‌ی «خانه‌ی ملت» را گرفت. از آثار وی: «تاریخ و جغرافیای ایران»؛ «دکتر مصدق یا جرج واشنگتن ایران»؛ «نظری به گذشته‌ی ایران»؛ «ایران و ایرانیان»؛ «آمریکاییها را بشناسید»؛ «زندانیان من»؛ «تاریخ مختصر سلسله‌ی قاجاریه»؛ «انگلیسیها را بهتر بشناسید».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۰۹-۷۰۷ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۱-۶۰۰ / ۴).

فرامرزی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۶۸ ش)، مورخ، مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی در روستای کچویه فرامرزان از توابع لارستان فارس به دنیا آمد. در ده سالگی همراه پدر به بحرین عزیمت نمود و در آنجا مقدمات فقه شافعی و نحو را در خدمت پدر آموخت. بعد از مراجعت به ایران به دلیل پیوستگی پدرش با مشروطه‌خواهان مجدداً مجبور به ترک وطن و عزیمت به بحرین شد. فرامرزی در بحرین مدتی به تجارت مشغول گشت و در ۱۳۰۱ ش به همراه برادرش به تهران سفر کرد. در ۱۳۲۴ ش مدیریت کل وزارت دارایی را به عهده گرفت. او چند دوره نیز به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید. وی در ۱۳۰۶ ش به همراه برادرش مجله‌ی «تقدم» و بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش روزنامه‌ی «خاور» را تأسیس و منتشر کرد. از آثار او: «چرا فرانسه شکست خورد»، ترجمه؛ «نتایج سیاسی جنگ بین‌المللی اول»، ترجمه؛ «انگلیسی‌ها در انگلستان»، ترجمه؛ «تاریخ تشکیلات سیاسی و قانونی و قضایی و اقتصادی»، ترجمه؛ «تاریخ بصره»؛ «تاریخ کویت» [۱].

فرزند شیخ عبدالواحد لاری در ۱۲۶۵ در قریه گجویه از بلوک فرامرزیان لارستان به دنیا آمد. مقدمات زبان فارسی و عربی را نزد پدر خود فراگرفت. در سن جوانی به مشروطه‌خواهان پیوست و با نیروهای استبدادی مبارزه نمود. حاصل این مبارزات یک سال زندان بود. فرامرزی پس از استخلاص از زندان به اتفاق برادرش عبدالرحمن به بحرین رفت و کار معلمی را پیشه‌ی خود ساخت و چون هر دو برادر روح سرکشی داشتند و در آنجا به مبارزاتی دست زدند که ناچار به ایران آمدند.

احمد فرامرزی مدتی در وزارت امور خارجه مترجم زبان عربی بود. چندی در وزارت راه و چند سالی هم در دادگستری شاغل مقاماتی شد. مدتی هم مدیرکل وزارت دارایی بود.

در ۱۳۰۸ ش در تهران مجله‌ی علمی و ادبی و تحقیقی تقدم را انتشار داد و دانشمندانی چون تقی‌زاده و جمال‌زاده عضو هیئت تحریریه آن مجله بودند. پس از ۱۳۲۰ نامه‌ی هفتگی سیاسی و اجتماعی خاور را منتشر نمود و مدتی هم روزنامه‌ی آینده‌ی ایران را می‌نوشت. در دوره‌ی پانزدهم از بوشهر به وکالت مجلس انتخاب شد و در ادوار هفدهم و هیجدهم نیز وکیل مردم بوشهر در مجلس بود. مرحوم فرامرزی ادیب و دانشمند و محقق بود. تحقیقات دامنه‌داری درباره‌ی تاریخ و جغرافیای خلیج فارس نموده که قسمتی از آن به چاپ رسیده است. به زبان و ادبیات عرب تسلط وافق داشت. در اسفندماه ۱۳۴۰ در ۷۳ سالگی در گذشت.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ جراید (۱۳۴-۱۳۲ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۴-۷۰ / ۴)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۵۷-۵۶ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۱-۴۳۰ / ۱).

فرجی سلطان آبادی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اینجانب علی اکبر فرجی سلطان آباد هشترویدی در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی در قریه گنجینه کتاب از توابع هشتروید آذربایجان شرقی در یک خانواده اهل علم به دنیا آمدم. تمام تحصیلات علوم دینی من تا لمعتین نزد مرحوم پدرم بود (که از علما و وعاظ آن منطقه به شمار می رفت) و در سال ۱۳۴۹ به قم منتقل شده و پس از آشنائی با وضع دروس حوزه همزمان با تحصیل مکاسب و کفایه در دارالتبلیغ اسلامی نیز مشغول تحصیل شدم که در سال ۱۳۵۴ سطح راتمام کرده و از دارالتبلیغ اسلامی فارغ التحصیل شدم. مدت ۲ سال در دارالزهراء مشغول تدریس در رشته های تفسیر قرآن، تاریخ اسلام و ادبیات فارسی بودم. بعدا چون به تحقیق علاقه مند بودم با چند نفر از رفقا لجنه تحقیقی تشکیل دادیم و کتاب نفیس و بسیار ارزشمند مرحوم سید هاشم بحرانی بنام (غایه المرام و حجه الخصام) را زیر نظر مرحوم آیه الله آقای سید رضا صدر شروع به تحقیق و پاورقی نمودیم و نزدیک به ۴ سال این کار بطول انجامید که الحمد لله الآن ۳ جلد چاپ شده و بقیه زیر چاپ است (چاپ اول ۱۴۲۵ ق ۱۳۸۳ ش نشر دانش حوزه) مقاله ای از اینجانب درباره اصلاحات ارضی که پاسخی به یک نویسنده بود در روزنامه اطلاعات شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۵۹ به چاپ رسیده ضمنا چون اینجانب طبع شعر هم دارم اشعار زیادی به آذری و فارسی سروده ام که یکی از اشعارم بعنوان (البلاء للولاء) در آخرین شماره مجله مکتب اسلام چاپ شده است البته چون اینجانب واعظ و منبری هستم فعلا اغلب فعالیتت در این زمینه است

اللهم وفقنا لما تحب و ترضی علی اکبر فرجی هشترویدی

۲۲/۲/۸۶

فرخ، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۴ ق)، مورخ و نویسنده. ملقب به متین السلطنه و معتصم السلطنه. سیزده ساله بود که لقب متین السلطنه و فرمان مستوفی گری از مظفرالدین شاه گرفت. پس از پایان تحصیلات خود در مدرسه‌ی علوم سیاسی، در وزارت خارجه مشغول خدمت شد. وی پس از آن عهده‌دار مشاغل مختلفی گردید و به استانداری و وزارت و سفارت رسید و مدتی سناتور شد. از آثار وی: «تاریخ مختصر افغانستان»؛ «نظری به مشرق»، تاریخ سیاسی افغانستان؛ «یک سال در چین»؛ «خاطرات سیاسی فرخ»؛ «شجره‌ی خبیثه». [۱]

فرزند سیدمحمد سادات تهرانی است که در ۱۳۳۳ ه.ق لقب معتصم السلطنه گرفت. تاریخ تولد فرخ را ۱۳۰۴ ه.ق نوشته‌اند. پس از انجام تحصیلات ابتدائی و متوسطه به مدرسه‌ی عالی علوم سیاسی راه یافت و دوره‌ی مدرسه‌ی مزبور را قبل از مشروطیت پایان داد و به خدمت در وزارت امور خارجه درآمد. در اداره‌ی تذکره و دفتر وزارتی مشغول کار شد. سپس ماموریت قفقاز گرفت و چندی در باطوم و گنجه نایب‌قنسول بود. در ۱۳۳۱ ه.ق به عنوان کارگزار مامور خدمت در تربت‌حیدریه شد و در انتخابات دوره‌ی سوم قانونگزاری از طرف مردم تربت‌حیدریه به مجلس رفت. مجلس سوم به علت جنگ بین الملل اول و مهاجرت نمایندگان و تشکیل حکومت موقت در کرمانشاه بیش از یک سال به طول نیانجامید.

فرخ مجدداً به وزارت خارجه رفت و سرحددار سیستان گردید و پس از مدتی کارگزار گیلان شد و پس از دو سال ریاست اداره‌ی تحریرات روس در وزارت خارجه به عهده‌ی او واگذار گردید. پس از کودتای ۱۲۹۹ با سمت کارگزاری کل عازم خراسان شد. فرخ در این ماموریت از دوستان و نزدیکان کلنل محمدتقی‌خان پسیان شد و در قیام او مشارکت داشت. پس از شهادت مرحوم کلنل، فرخ مدتی تحت تعقیب حکومت مرکزی قرار گرفته و به بیرجند رفت. اعتبارنامه‌ی وی در دوره‌ی چهارم در مجلس رد شد. در ۱۳۰۲ در کابینه‌ی مشیرالدوله به ریاست حسابداری وزارت امور خارجه رسید و سپس مدیرکل مالی آن وزارتخانه شد. در ۱۳۰۵ با سمت وزیرمختار به افغانستان رفت و مدت دو سال در آن کشور اقامت داشت. فرخ در این ماموریت موفق گردید قرارداد و عهدنامه‌ی بی‌طرفی دو دولت را به امضاء برساند. شغل بعدی فرخ معاونت وزارت معارف است. در آن تاریخ اعتمادالدوله قره‌گوزلو وزیر معارف بود.

مسئله‌ی توسعه‌ی مدارس و تعمیم فرهنگ در سرتاسر کشور و موضوع اعزام دانشجو به خارج از برنامه‌های اصلی وزارت معارف بود. وجود معاون فعال و پرتحرکی چون فرخ در آن تاریخ ضرورت داشت. فرخ در سمت معاونت وزارت معارف نایب‌التولیه مدرسه عالی سپهسالار نیز بود. در ۱۳۱۰ وزارت اقتصاد منحل شد و سه اداره کل بوجود آمد که عبارت بود از اداره‌ی صناعت، اداره‌ی فلاح، اداره‌ی تجارت، فرخ به ریاست اداره کل صناعت رسید. روسای این ادارات در حکم وزیر بودند و در مجلس حضور می‌یافتند. پس از مدتی کوتاه، امور مربوط به اداره کل فلاح هم با فرخ گردید. در ۱۳۱۴ فرخ به حکومت رضائیه منصوب شد و دو سال بعد مجدداً رئیس اداره کل صناعت شد و پس از چند روز اداره‌ی صناعت به وزارت صناعت تبدیل شد و فرخ وزیر صناعت ایران گردید.

مدتی کوتاه در مقام وزارت صناعت باقی بود تا اینکه جای خود را ابتدا به فروهر و بعد به منصورالملک داد. در ۱۳۱۹ استاندار فارس و بنادر شد و در شهریور ۱۳۲۰ به استانداری کرمان و بلوچستان تغییر ماموریت یافت. در ۱۳۲۱ از کرمان احضار شد و در تیرماه ۱۳۲۱ در کابینه‌ی سهیلی به وزارت کشور رسید. هنوز یک ماه از وزارت کشور او نگذشته بود که کابینه‌ی سهیلی دچار بحران گردید و کنار رفت.

قوام‌السلطنه به جای سهیلی به زمامداری رسید. وضع نابسامانی غله‌ی کشور، وجود وزارتخانه‌ی خاصی را ایجاب می‌نمود. نخست‌وزیر لایحه‌ی تاسیس وزارت خواروبار را به مجلس برد و سید مهدی فرخ را به این سمت به مجلس معرفی نمود. در انتخابات دوره‌ی چهاردهم قانونگزاری، فرخ کاندیدای نمایندگی مجلس شورای ملی شد و از طرف مردم زابل و سیستان به نمایندگی انتخاب شد. در همین دوره چند بار مسئله‌ی نخست‌وزیری و ریاست مجلس وی پیش آمد که جامه‌ی عمل نپوشید. فرخ در این دوره علیه سهیلی و تدین به علت دخالت در انتخابات اعلام جرم کرد که هر دو پس از محاکمه در دیوان کشور تبرئه شدند. در اواخر دوره‌ی چهاردهم که آذربایجان وضع خاصی یافته بود، حکیمی نخست‌وزیر فرخ را به استانداری آذربایجان شرقی و غربی در نظر گرفت و فرمان او صادر شد ولی اوضاع و احوال سیاسی آن روز امکان انجام این ماموریت را به فرخ نداد و دولت او را مجدداً به استانداری فارس فرستاد. فرخ در ۱۳۲۷ در دولت هژیر به سمت سفیر کبیر ایران در چین تعیین شد. فکر اعزام سفیر کبیر به چین در دولت حکیم‌الملک پیش آمد و عبدالحسین هژیر نامزد این سمت بود و یک هفته قبل از نخست‌وزیری خود قرار بود به این ماموریت اعزام شود که از طرف مجلس به نخست‌وزیری رسید و طبعاً پست سفارت ایران به سید مهدی فرخ تعلق گرفت و مدت یک سال در آن کشور اقامت داشت. در حکومت منصورالملک در ۱۳۲۹ در شرایط و محیط خاصی، فرخ به ریاست کل شهربانی منصوب شد و با زمامداری رزم‌آرا سرتپ دفتری به این سمت منصوب شد و فرخ به عنوان سناتور انتصابی آذربایجان به مجلس سنا رفت و با لویجی که بدون مطالعه یا به عنوان انتقام از افراد در مجلس هفدهم به تصویب می‌رسید، در سنا مخالفت می‌کرد.

در ۱۳۳۴ برای بار سوم به استانداری فارس رفت و یک سال بعد استاندار خراسان شد و مدتی در این سمت باقی بود تا به تهران احضار گردید و دیگر از آن تاریخ شغلی به وی ارجاع نگردید.

سیدمهدی فرخ در دوره پنجم سناتور انتصابی تهران گردید. فرخ قریب نیم قرن به طور متوالی مصدر مشاغل و مقامات مختلف بوده است، در عمر سیاسی خود هفت مرتبه استاندار و پنج نوبت وزیر و سه دوره سناتور و دو دوره نماینده مجلس و دو دفعه سفیر کبیر بوده است. فرخ در تمام مدت خدمات خود در کارها قاطعیت داشته، با قدرت و انضباط خاص امور مربوطه را اداره نموده است.

وی در اواخر عمر به انتشار خاطرات زندگانی سیاسی خود پرداخت. گذشته از اینکه این خاطرات لایحه‌ی دفاعیه‌ی زندگانی سیاسی او بود، به افرادی که در طول حیات خود با آنها مناسباتی نداشته است، انتقام‌گیری محسوب می‌گردد. فرخ این خاطرات را در کمال بی‌پروائی و یک‌جانبه به رشته‌ی تحریر در آورده و در حقیقت تحریف تاریخ است. او در ۸۸ سالگی در تهران درگذشت. برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه: [۱] زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۶۳-۵۸ / ۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۴۶، ۷۱۴ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴۱۸-۴۱۷ / ۶).

فرزانه، حافظ

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حافظ فرزانه

محل تولد: لیلان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حافظ فرزانه متولد ۱۳۵۰ در شهر لیلان از توابع استان آذربایجان شرقی به دنیا آمدم. بعد از آتش بس جنگ ایران و عراق بنا بر اینکه به فضای جبهه و بسیجها عادت کرده بودم و با آنها مأنوس بودم و در آن روز هیچ جا مثل حوزه فضای معنوی را نداشت و تنها حوزه بود که فضای جبهه را تداعی می‌کرد، بنا بر این در سال تحصیلی ۱۳۶۸-۱۳۶۹ با تشویق حضرت استاد باقری بنایی مسئول حوزه ولیعصر بناب وارد همان حوزه شدم و در مدت ۵ سال موفق به اتمام شرح لمعه (پایه شش) شدم. بلافاصله در همان سال وارد حوزه علمیه قم شدم، مکاسب را در محضر حضرت استاد وجدانی و رسائل را در محضر استاد حسینی تهرانی تلمذ کردم. بعد از اتمام آنها کفایه را در محضر استاد اعتمادی که آخرین دوره تدریس کفایه ایشان بود به اتمام رساندم، بعد از پایه نهم و هم عرض دیگر دروس در مرکز تربیت محقق و نویسنده در گرایش تاریخ اسلام پذیرفته شدم. در دو سال موفق به فارغ التحصیلی از آن مرکز شدم، بنا بر علاقه‌ای که به نهج البلاغه داشتم ۳ سال تمام بدون تعطیلی تابستان و دیگر مناسبتها در محضر استاد صدر کریمی به تلمذ نهج البلاغه پرداختم و از بوستان گل و دریای در نشان حضرت امیر(ع) و کلمات گهربار ایشان خوشه

چینی کردم. در این سه سال موفق به اتمام این کتاب نورانی شدم به طوری که با تلاش استاد به سبک و سیاق و لحن کلام امیر سخن حضرت علی (ع) آشنا شدم. ضمن حفظ دو سؤم نهج البلاغه می توانستم کلمات نهج البلاغه و احادیث حضرت علی (ع) را در بین کلمات و احادیث دیگر تشخیص دهم بنا بر این با تشخیص استاد خود به تحقیق در جوانب مختلف نهج البلاغه پرداختم مخصوصاً نقد تاریخی خطبه شقشقیه و برخی خطبه ها. به لطف حضرت امیر (ع) مجموعه خوبی در این موضوع به دست آمد و شواهد تاریخی خطبه شقشقیه را جمع آوری کردم که امیدوارم در آینده به چاپ رسد. در طول سالهای تحصیلی ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ به مدت ۴ سال به پیشنهاد و اصرار و تشویق جمعیت تعاون اسلامی و رئیس هیئت مدیره آن، حضرت آیه الله غیوری در شهرستان بیجار مسئولیت حوزه علمیه را به عهده گرفتم و بعد از ۴ سال بنا بر علاقه ای که به تحقیق و پژوهش داشتم موفق به برگشت و مراجعت به شهر مقدس قم شدم و در موضوعات تاریخی و مهدویت به تحقیق و پژوهش می پردازم که تا امروز ادامه دارد. بنده مقالات زیادی به چاپ رسانده و دو کتاب در دست چاپ دارم و فرهنگ جامع متمدین (مدعیان مهدویت و نبوت و امامت) را با همکاری و مشارکت یکی از دوستانم در دست تألیف داریم که امیدوارم با الطاف غیبی حضرت ولیعصر (عج) موفق به اتمام شویم.

فرشته استرآبادی، محمد قاسم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۹۶۰ ق)، مورخ و ادیب. وی در استرآباد به دنیا آمد. در اوایل جوانی به همراه پدر به هند رفت و در احمدنگر مستقر گردید. پدرش تعلیم فرزند نظامشاه را به عهده گرفت. فرشته نیز وارد دربار نظامشاه شد و تا مقام ریاست نگهبانان سلطنتی ارتقاء یافت. وی چنان که در مقدمه‌ی کتابش می گوید، از احمدنگر خارج شد و به دربار عادل‌شاه در بیجاپور رفت و از طرف سلطان ابراهیم ثانی، عادل‌شاه (۱۰۳۵ - ۹۸۷ ق) مأمور نوشتن تاریخی درباره‌ی سلاطین هند شد و آن را با استفاده از کتابهای زیادی در ۱۰۱۵ ق به پایان رسانید و به نام سلطان ابراهیم «گلشن ابراهیمی» نام نهاد. در همین سال از جانب عادل‌شاه به سفارت نزد جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷ - ۱۰۱۴ ق) به لاهور رفت و مدتی در آنجا ماند و در این فرصت نیز مطالبی به آن کتاب افزود. از آثار وی «تاریخ فرشته»، است که این کتاب را در ابتدا به نام ابراهیم عادل‌شاه نگاشت و آن را «گلشن ابراهیمی» نامید، سپس نگارش کتاب را تجدید کرد و این بار آن را «نورس‌نامه» نامید ولی عاقبت به «تاریخ فرشته» شهرت یافت. از دیگر آثارش «دستور الاطباء»، معروف به «اختیارات قاسمی»، در پزشکی است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۱۱ - ۱۷۰۹ / ۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۳۳ - ۷۳۲ / ۱)، تذکره‌ی روز روشن (۶۱۷)، الذریعه (۳۶۹ / ۲۴، ۲۲۳ / ۱۸، ۸۲۴ / ۹، ۱۵۰ / ۸، ۲۷۳ - ۲۷۲ / ۳)، ریحانه (۳۲۹ - ۳۲۸ / ۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۵۸ - ۲۷۵۷ / ۲).

فروغی، جواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جواد فروغی سال ۱۳۵۸ در شهر مقدس مشهد دیده به جهان گشود.

وی در دو سالگی با حفظ سوره حمد و اخلاص کار قرآن را شروع کرد و از سه سالگی با قرائت قرآن آشنا شد. اساتید وی حاج حسین علمی، و حاج سید مرتضی سادات فاطمی بوده‌اند.

سبک وی در قرائت قرآن تقلیدی است، و از راه گوش دادن نوار قاری و تکرار آن (گاهی تا ۵۰ بار) به فراگیری سبک، نغمه و آهنگ قاری می‌پرداخته است. از سه سالگی تا یازده سالگی به روش عبدالباسط قرائت کرده و طی دو سال بعد از آن، سبک‌های دیگری همانند شحات محمد انور و متولی عبدالعال را فرا می‌گیرد.

جواد فروغی از آن‌جا مشهور شد که قرآن را به سبک قاری مشهور جهان، عبدالباسط قرائت کرد و با صدای بچه‌گانه و دل‌پذیری که داشت شنونده را به وجد می‌آورد.

ایشان تاکنون علاوه بر شهرهای ایران به کشورهایمانند مالزی، سوریه، عربستان، سنگاپور، ترکمنستان و انگلستان سفر کرده و به قرائت قرآن پرداخته است.

منابع زندگینامه: <http://st-golbangeram.ir>

فراهی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر مرتضی فراهی در سال ۱۳۲۳ در ملایر دیده به جهان گشود. ایشان دارای دکتری رشته جامعه‌شناسی می‌باشد. فراهی عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشد. نامبرده از سال ۱۳۴۶ همکاری با مطبوعات را شروع کرده و تا کنون به شکل‌های گوناگون آن را ادامه داده است و در حال حاضر، سردبیری فصلنامه «علوم اجتماعی» دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی را به عهده دارد. کتابهای "فرهنگ یاریگری در ایران" و "واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران" تالیف وی، به ترتیب در دوره‌های سیزدهم و بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: مرتضی فراهی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، تحصیلات دانشگاهی را در مقطع لیسانس در رشته روان‌شناسی، فوق لیسانس در رشته ارتباطات اجتماعی و دکترا در رشته جامعه‌شناسی به پایان رساند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مرتضی فراهی از سال ۱۳۴۶ همکاری با مطبوعات را شروع کرده و تا کنون به شکل‌های گوناگون آن را ادامه داده است و در حال حاضر، سردبیری فصلنامه «علوم اجتماعی» دانشکده علوم اجتماعی می‌باشد فعالیت‌های آموزشی: مرتضی فراهی از کمی قبل از انقلاب اسلامی تا کنون، در دانشکده‌های مختلف به تدریس دروسی نظیر مبانی مردم‌شناسی، مردم‌شناسی روستایی، مردم‌شناسی ایران، مردم‌شناسی هنر، مردم‌شناسی فرهنگی، جامعه‌شناسی ایلات و عشایر، جامعه‌شناسی روستایی، تعاونی‌های سنتی، نظریه‌ها و سازمان‌های مشارکتی، روان‌شناسی اجتماعی و ... پرداخته است. نخستین پژوهش میدانی وی در سال ۱۳۴۷ انجام و در سال ۱۳۴۸، در نخستین ویژه‌نامه روستایی ایران به نام کتاب روستا به چاپ رسیده است. وی هم‌اکنون عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی است. جوایز و نشانها: کتاب موزه‌های درباد ایشان کتاب برجسته هشتمین دوره معرفی کتاب‌های برگزیده دانشگاه تهران و پژوهش برگزیده فرهنگی سال ۱۳۷۵ در زمینه مردم‌شناسی و تاریخ هنر بوده است. کتاب "فرهنگ

یاریگری در ایران^۱ وی نیز برنده جایزه نخست نهمین جشنواره روستایی وزارت جهاد سازندگی، کتاب برجسته هفتمین دوره معرفی کتاب‌های دانشگاهی دانشگاه تهران و کتاب برگزیده سیزدهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی در زمینه علوم اجتماعی شده است. همچنین کتاب^۲ «اره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران» تألیف وی، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: مرتضی فرهادی در حوزه مردم شناسی و توابع آن، رکورددار چاپ مقاله در مجلات علمی - پژوهشی و علمی - ترویجی بوده و تا کنون بیش از ۱۰۵ مقاله چاپ اول در سالنامه‌ها، فصلنامه‌ها، گاهنامه‌ها و ماهنامه‌های علمی - تخصصی به چاپ رسانده است. از سال ۱۳۵۷ تا کنون از ایشان هفت جلد کتاب و پژوهشنامه و یک جلد کتاب شعر به چاپ رسیده است. همچنین افزون بر چهل مقاله در موضوعات مختلف جامعه‌شناسی و مردم شناسی در مجلات و نشریات گوناگون از ایشان به چاپ رسیده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. «گونه شناسی یآوری‌ها و یریری‌های سنتی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، ش ۱ (پاییز ۱۳۶۷)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ و کیهان فرهنگی، سال ۲، شماره ۱۰ (دی‌ماه ۱۳۶۴)، ۲. «آیا کشاورزان ایرانی تکرو هستند؟»، فصلنامه تعاون روستایی و کشاورزی، ش ۳ و ۴ (زمستان ۶۷ و بهار ۱۳۶۸). سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران. ۳. «سابقه تاریخی و معنانشناسی نام خمین»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۶ (نیمسال اول ۱۳۶۸)، مرکز نشر دانشگاهی. ۴. «نقش میش در هنرهای کلامی و ادبیات عامیانه عشایر سیرجان و چند شهر پیرامون آن»، فصلنامه هنر، ش ۱۱ (تابستان ۱۳۶۵)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۵. «دگریاری و خودیاری در جشن میان بهار در اسک لاریجان آمل»، فصلنامه رشد علوم اجتماعی، ش ۳ (بهار ۱۳۶۹) دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. ایشان، همچنین، ده کتاب آماده چاپ دارند که در آینده نزدیک، منتشر خواهد شد.
- آثار: ۱ در فصل‌های خنده دشوار ویژگی اثر: (مجموعه شعر) ۲ فرهنگ یاریگری در ایران ویژگی اثر: تألیف، این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «فرهنگ یاریگری در ایران»: فرهنگ یاریگری در ایران؛ مرتضی فرهادی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳. موضوع کتاب فرهنگ یاریگری در ایران، شناخت یاریگری‌های سنتی و گونه شناسی آنها و معرفی بهترین مصادیق یاریگری در دو زمین؟ آبیاری و کشاورزی (کشتکاری و باغداری) است. مؤلف لزوم بهره‌گیری از تجربیات تعاونیها و یاریگری‌های سنتی در تعاونیهای جدید و همچنین بسیج گسترد مردم به منظور مشارکت در امر توسعه را از مهمترین انگیزه‌های خود برای تألیف کتاب بیان کرده است. اطلاعات ارائه شده در کتاب، بخشی از طریق مسافرت‌های مؤلف به نقاط مختلف ایران و تحقیقات میدانی و مصاحبه و بخشی دیگر نیز با استفاده از منابعی که در کتاب هم ذکر شده به دست آمده است. «فرهنگ یاریگری در ایران» می‌تواند به عنوان یک الگوی پژوهشی، علمی و آموزشی در زمین؟ مردم شناسی کاربردی، جامعه شناسی، جغرافیای انسانی، تعاون و... به شمار رود. همچنین توضیح شیوه‌های مدیریت سنتی و دسته جمعی بر منابع طبیعی و فعالیتهای تولیدی سنتی در ایران بیان تعاریف مشخص و دقیق برای هر یک از موضوعات مطروحه را می‌توان از دیگر ویژگیهای کتاب برشمرد. کتاب فرهنگ یاریگری در ایران و سه بخش و هشت فصل تدوین شده است ۳ موزه‌های بازیافته ۴ نام؟ کمره ویژگی اثر: دو جلد ۵ نگاهی به اهمیت و پیشینه کبوترخانه‌های ایران ۶
- اره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران ویژگی اثر: تألیف، این کتاب، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: ااره: ااره: نوعی تعاون سنتی کهن و زنانه در ایران؛ در آمدی به مردم شناسی و جامعه‌شناسی تعاون و مشارکت مردمی نوشته مرتضی فرهادی؛ ویراسته غلامحسین صالح‌نسب. - تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۰. ۶۳۰ ص. مصور، نوشته، جدول، نمودار. واژه‌نامه. «اره» نوعی سازمان غیر رسمی تعاونی سنتی غالباً زنانه و بسیار کهن، با محور اصلی هم‌یاری از نوع تجمیعی (همگرا) است. در «اره» اعضا بیشتر به یک کاسه کردن تولیدات شیری خود توجه دارند؛ اما

در کنار آن، هم به انواع دیگر یاریگری و هم به انواع دیگر مبادله، روی می‌آورند. سازمان واره دارای کارکردهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، روانی، آموزشی و تفریحی است و به جهت کارکردهای مهم آن، هزاران سال است که در جامعه سنتی ما و برخی کشورهای همسایه وجود دارد. اثر پژوهشی حاضر که به همت و پشتوانه سه دهه تلاش محقق ارجمند سامان پذیرفته است، یکی از بهترین نمونه‌های پژوهش در زمینه دانش بومی در ایران است. نویسنده با به تصویر کشیدن کلیه خطوط و زوایای پنهان یک سازمان اجتماعی پیچیده در بین زنان روستایی ایران، به خوبی نشان داده است که دانش بومی ما، در عین پیچیدگی، خود، یک ثروت عظیم فرهنگی و اجتماعی است. این کتاب، حاصل کندوکاوی عمیق برای شناساندن ابعاد نا شناخته و ارزشمند دانش بومی و برخی شیوه‌های مشارکتی زنان روستایی این مرز و بوم است. اهتمام مؤلف محترم در تدوین این کتاب که حاصل پژوهش‌های گسترده و مستمر خود اوست، جای تقدیر و ستایش دارد. غالب منابع و ارجاعات، دست اول است. کتاب از آن روی که مبتنی بر یک سلسله تحقیقات روشمند و مستند و دقیق و بدیع است، یکی از آثار ارزشمند در حوزه‌های پژوهش‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی روستایی به شمار می‌رود. کتاب شناسی مفصل (شامل کتاب‌ها، پژوهش‌ها، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های تحقیقی و ...) و فهارس نه گانه (نام اشخاص، نام طوایف و عشایر و اقوام، نام جای‌ها، فهرست اصطلاحات و واژگان محلی و ...) بر مزیت آن افزوده است.

فرهودی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۵ ش)، مورخ، مترجم و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات عالی در مدرسه‌ی علوم سیاسی و دانشکده‌ی حقوق در ۱۳۱۴ ش وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و چند سال بعد ریاست فرهنگ مازندران را به عهده گرفت. بعد از آن مشاغل مختلفی را عهده‌دار شد، از جمله: ریاست دبیرستان، کفالت اداره‌ی اوقاف، ریاست دفتر وزارتی، ریاست دانشکده‌ی کشاورزی. در ۱۳۲۲ ش به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. از آثار وی: «تاریخ قرن نوزدهم»، ترجمه؛ «دوره‌ی تاریخ عمومی»؛ «راههای پیشرفت اقتصادی»، ترجمه؛ «فروغ زندگی، پرورش افکار سالمندان و دانش‌آموزان». [۱]

در ۱۲۸۵ تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی عالی سیاسی شد و درجه‌ی لیسانس گرفت. خدمات اداری را از وزارت فرهنگ آغاز کرد. چندی رئیس دفتر وزارتخانه بود، بعد رئیس اداره تعلیمات سالمندان و رئیس تعلیمات عمومی شد. در تالیف کتب درسی هم مداخله داشت. در دوره‌ی چهاردهم در ۱۳۲۲ از دزفول به نمایندگی مجلس انتخاب گردید. در دوره‌ی پانزدهم توفیقی پیدا نکرد. چندی سمت مشاوری در وزارت فرهنگ داشت تا اینکه در ۱۳۲۶ هنگام نخست‌وزیری ابراهیم حکیمی، به معاونت پارلمانی و اداری نخست‌وزیر تعیین گردید. در انتخابات دوره‌ی شانزدهم مجدداً از دزفول انتخاب گردید و در تصمیمات خود در مجلس از دکتر مصدق پیروی می‌کرد و در آراء خود نظر استصوابی او را می‌گرفت. به همین دلیل مورد توجه او قرار گرفت و به دوران نخست‌وزیری اش او را با سمت وزیرمختار رایزن اقتصادی ایران در ایتالیا نمود. فرهودی در این سمت با حکومت مصدق همراهی و همکاری داشت مقالاتی در تایید دکتر مصدق در مطبوعات خارج و داخل انتشار می‌داد. در اواخر حکومت مصدق، با کسب مرخصی به تهران آمد. روزنامه‌های باختر امروز و اطلاعات را اداره می‌کرد. تمام مقالات تند روزنامه‌ها به قلم او بود. پس از ۲۸ مرداد از شغل خود به طور موهن و زنده‌ای برکنار شد. به تهران آمد و به حال انزوا می‌زیست. سرانجام سوراخ دعا را پیدا کرد. دولت از سر تقصیرات او گذشت و به وی شغلی دادند و به معاونت پارلمانی وزارت کشور منصوب شد.

چند سالی در آنجا بود تا کنار رفت. چندی بیکار ماند تا اینکه در انتخابات انجمن شهر تهران با کمک حزب ایران‌نویین به عضویت انجمن برگزیده شد. در نخستین جلسه به اتفاق آراء رئیس انجمن شهر شد و بین وی و شهردار وقت تهران نزدیکی و دوستی زیادی ایجاد شد و به غالب کشورهای درجه اول دنیا مسافرت کردند.

فرودی از زمانی که در اروپا اقامت داشت، در دانشگاه سورین ثبت‌نام نمود و دکترای اقتصاد دریافت کرد. وی مردی دانشمند و محقق بود. از جوانی با مطبوعات همکاری داشت. عباس مسعودی مدیر روزنامه‌ی اطلاعات در روزهای آخر زمامداری دکتر مصدق، روزنامه را به فرودی سپرده بود و خود در اروپا به سر می‌برد. فرودی مقالات تندی علیه شاه و به نفع مصدق انتشار می‌داد. بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فرهاد دادستان فرماندار نظامی وقت، عباس مسعودی را برای ادای توضیحات به دفتر خود احضار کرد و علت انتشار آن مقالات را جویا شد. چون جواب قانع‌کننده‌ای نتوانست دریافت کند، او را مورد ضرب و شتم قرار داد و اهانتها به او کرد. از تالیفات ایشان تاریخ عمومی ایران را در سه جلد، ترجمه‌ی تاریخ قرن نوزدهم در دو جلد، و ترجمه‌ی کتاب راه‌های پیشرفت اقتصادی را می‌توان نام برد. وی مدتها در دانشسرای عالی جغرافیای اقتصادی تدریس می‌کرد. فرودی داماد وحیدالملک شیبانی بود.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد دوم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۴۶۸-۱۴۶۷ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۳۹-۸۳۸ / ۲).

فزونی استرآبادی، محمدهاشم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۲۵ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به فزونی. در استرآباد به دنیا آمد و در آن جا نشو و نما یافت. وی از علمای عصر دولت صفوی است که در زمان شاه‌عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) می‌زیست. در ایام جوانی به قصد تجارت به سیر و سفر می‌پرداخت. در زمان صفدرخان بن میرزا یوسف‌خان رضوی مشهدی حاکم کشمیر به آنجا سفر کرد. صفدرخان او را در خدمت خود نگاه داشت. بعد از برکناری صفدرخان همراه وی در ۱۰۲۵ ق به هندوستان رفت، در لاهور از او جدا شد و به دکن رفت. از آثار وی: «بحیره» یا «تاریخ البحیره»، به فارسی، در حکایات تاریخی و احوال طبقه وزراء و شگفتیهای حیوانات و کوهها و چشمه‌ها و رودها و ساختمانها در حدود پنجاه هزار بیت؛ «اللجین الطبری» یا «البحیره الطبری»، در تاریخ و مناسبتهای تاریخی؛ «دیوان» شعر؛ «ساقی‌نامه»، که به اسم شاه‌عباس صفوی سرود. در تذکره‌ی «میخانه» نام وی تحت عنوان هاشم‌بیگ آمده است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی شعرای کشمیر (۱۰۹۳-۱۰۹۲ / ۳)، تذکره‌ی میخانه (۶۷۹-۶۷۴)، الذریعه (۲۹۷ / ۱۸، ۱۱۲ / ۱۲، ۸۳۲ / ۹، ۵۱، -۵۰ / ۳)، ریاض العلماء (۲۲۴ / ۷)، ریحانه (۳۴۰، ۳۳۸-۳۳۷ / ۴)، صبح گلشن (۳۱۷)، فرهنگ سخنوران (۷۰۹)، کاروان هند (۱۰۱۳-۱۰۱۲ / ۲).

فسوی فارسی، ابویوسف یعقوب

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۲۷۷ - ۱۹۰ ق)، مورخ، حافظ و محدث. اهل فسا و محدث اقلیم فارس بود. به شهرهای مختلف مسافرت کرد و از مشایخ فلسطین و دمشق بهره گرفت و خود گوید که از هزار شیخ حدیث نوشته، که همگی آنان مورد وثوق بوده‌اند. وی از ابوعصام بنیل و فضل بن دکین و ابولید طیالسی و آدم بن ابی‌ایاس و اصمعی و عبیدالله بن موسی و محمد انصاری و مکی بن ابراهیم و ابوعبدالرحمان مقری و ابونعیم و سعید بن ابی مریم و ابومسهر غسانی و حجاج بن منهال و حبان بن هلال و عبدالحمید بن بکار بیروتی و صفوان بن صالح و همطبقه آنان حدیث شنید. ابوعیسی ترمذی و ابوعبدالرحمان نسایی، صاحبان دو «صحیح» از «صحاح» ششگانه، و ابراهیم بن ابی‌طالب و حسن بن سفیان فسوی و عبدالرحمان بن خراش و ابوبکر بن ابی‌داوود و ابوبکر بن خزیمه و محمد بن حمزه بن عماره اصفهانی و ابوعوانه اسفراینی و عبدالله بن جعفر بن درستویه نحوی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. وی در فساء درگذشت. از آثارش: کتاب «التاریخ» یا «تاریخ الفسوی» یا «تاریخ یعقوب بن سفیان الفسوی»، در سه مجلد؛ «المشیخه»، در یک مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۱۹۷ / ۱)، تهذیب التهذیب (۳۳۷- ۳۳۵ / ۱۱)، الجرح و التعذیل (ج ۴ ق ۲۰۸ / ۲)، سیر النبلاء (۱۸۴- ۱۸۰ / ۱۳)، شذرات الذهب (۱۷۱ / ۲)، طبقات الحفاظ (۲۶۳- ۲۶۲)، کشف الظنون (۳۱۰، ۲۹۹)، لسان المیزان (۵۰۳ / ۷)، معجم المؤلفین (۲۴۹ / ۱۳)، النجوم الزهراه (۸۹ / ۳)، هدیه العارفين (۵۳۷ / ۲).

فصیح خوافی، احمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۷۷- بعد از ۸۴۵ ق)، مورخ و شاعر. ملقب و مشهور به فصیح. خاندانش اهل روی خواف بودند و خود در هرات به دنیا آمد و همان جا نشوونما یافت. وی در خدمت شاهرخ و پسرش بایسنقر عهده‌دار مشاغل دولتی بود. در ۸۳۶ ق مورد غضب واقع و چندی هم مقید و محبوس شد. فصیح بعد از معزولی و بیکاری، به تألیف کتاب خود «مجمل» پرداخت. سرانجام در ۸۴۵ ق از زندان خلاص شد و به ملازمت شاهرخ تیموری رسید. از آثار وی «مجمل فصیحی» است که به صورت اجمال از هبوط آدم تا تاریخ زمان خود را نگاشته است. [۱]

(بخش ۱) خوافی، احمد بن جلال‌الدین محمد از رجال و نویسندگان نیمه‌ی اول قر. ۹ ه. (و. ۷۷۷- ف. پس از ۸۴۵ ه. ق). از مردم خواف بود و نسبش به ابوامامه صدی بن عجلان بن وهب باهلی صحابی می‌رسد و محل تحصیل و نشو و نمای او ظاهراً هرات بود. در سال ۸۰۷ بعد از مرگ تیمور، شاهرخ او را از هرات با دو تن از امرا به سمرقند برای تحویل گرفتن خزانه‌ی خاصه‌ی شاهرخ از عمر شیخ خازن فرستاد. وی تا سال ۸۱۸ در خدمت یکی از امرای بزرگ علاء‌الدین علی ترخان کار می‌کرد، و از آن سال به ملازمت شاهرخ در آمد و در سال ۸۱۹ ترقی کرد و منصب «موجه دیوان» بدو ارزانی شد. در سال ۸۲۰ به شرکت دو تن دیگر به تصدی دیوان اعلی (شاهرخ) تعیین شد ولی در ۸۲۱ معزول گردید. باز در ۸۳۴ جهت مهمات دیوانی مأمور کرمان گردید. در ۸۲۷ مراجعت کرد و در بادغیس هرات به حضور شاه شرفیاب شد. در ۸۲۸ موجهی دیوان امیرزاده بایسنقر بدو داده شد، و چند سال در این سمت بود تا در ۸۳۶ به خدمتش خاتمه دادند. بعد از این سال- که معزول و مورد جریمه واقع شد- از احوال او اطلاع دقیقی در دست نیست. در ۸۴۳ مورد غضب گوهرشاد آغازن شاهرخ واقع شد و در خانه‌ی امیریگ محبوس گردید و پس از چندی آزاد شد

و مجدداً در ۸۴۵ در خانه‌ی امیریگ مقید گردید و بار دیگر خلاص شد. اثر مهم او مجمل‌التواریخ معروف به مجمل فصیحی (م.ه) است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از سعدی تا جامی (۶۱۶-۶۱۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۹۶-۴۹۴ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۳۸)، رجال حبیب السیر (۲۷۳-۲۷۲)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات (۱۶۸-۱۶۷)، لغت‌نامه (ذیل / فصیح خوانی)، مجمل فصیحی (مقدمه / هشت- بیست و یک).

فضل اصفهانی، امین‌الدین، ابوالخیر فضل‌الله

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۹۲۱ ق)، عالم و مورخ. ملقب به امین و معروف به خواجه ملا یا خواجه مولانا و پاشا. در بدو امر از پیوستگان دربار اق قویونلو و بویژه سلطان یعقوب بیگ بود. او سنی بسیار متعصبی بود و در اصفهان و شیراز می‌زیست چون شاه‌اسماعیل اصفهان را گرفت، وی به کاشان و از آنجا به ماوراءالنهر گریخت تا در کنف حمایت سلاطین سنی ازبک به سر برد. او تا سال تألیف شرح «قصیده برده» بوسیری (۹۲۱ ق) زنده بود. قبر وی در بخارا است. از آثارش: «تاریخ عالم‌آرای امینی»، در تاریخ خاندان آق قویونلو؛ «بدیع الزمان فی قصه‌ی بن یقظان»؛ «ابطال نهج‌الباطل و اهمال کشف‌العاطل»، معروف به «ابطال‌الباطل» که در کتاب «نهج‌الحق و کشف‌الصدق» علامه حلی است و قاضی نورالله شهید شوشتری کتاب فضل روزبهان را با کتاب «احقاق‌الحق» خویش جواب گفته است؛ شرح «وصایا»ی عبدالخالق غجدوانی، از مشایخ نقشبندیه؛ «المقاصد»، در علم کلام؛ «سلوک‌الملوک»، که در ۹۲۰ ق به نام عبیدالله‌خان ازبک نگاشته. [۱]

ابن روزبهان بن فضل‌الله امین ابوالخیر بن امین‌الدین خنجی شیرازی، صوفی معروف به خواجه مولانای اصفهانی ملقب به امینی (و. بین ۸۵۰ و ۸۶۰- ف. ۹۲۸ ه. ق) ظاهراً مولد و منشأ او اصفهان بود و در اوایل دوره‌ی صفوی- هنگامی که محمدخان شیبانی به خراسان تسلط یافت- بر اثر تعصب به مذهب تسنن ملازمت او را اختیار کرد و به ماوراءالنهر رفت، و چند تاریخ به نام محمدخان مزبور تألیف کرد، از جمله‌ی آنهاست: «میهمان‌نامه‌ی بخارا» که به تصریح خود او در ۹۱۵ ه. ق آن را به اتمام رسانیده و مشتمل است بر تاریخ غزوات محمدخان شیبانی مؤسس سلسله‌ی شیبانیان (ازبک) (پس از انقراض تیموریان و فوت سلطان حسین میرزا)، عالم‌آرای امینی، سلوک‌الملوک، و نیز وی کتابی به عربی به نام «ابطال‌الباطل» در کلام تألیف کرده که نسخ متعدد از آن در دست است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۵۴۰-۵۳۸ / ۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۵۲-۲۵۱)، تذکره القبور (۴۶۰)، الذریعه (۴۱۶ / ۲۴)، کشف‌الظنون (۲۰۱۲، ۱۲۱، ۲۳۶)، معجم المؤلفین (۶۸ / ۸)، هدیه العارفین (۸۲۰ / ۱).

فقیهی، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۶ ش)، عالم، مورخ، مترجم و ادیب. در قم به دنیا آمد. ابتدا در مکتب با مقدمات و در محضر پدرش که از روحانیون بود با علوم حوزوی آشنا شد و تا حد متوسطه پیش رفت. آن گاه برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و از دانشکده معقول و منقول لیسانس گرفت. سپس به سمت دبیر ادبیات دبیرستان حکیم نظامی، کفالت فرهنگ و ریاست دبیرستان حکیم نظامی در قم منصوب شد. وی سالهای متمادی عمر خود را صرف نوشتن کتابهای سودمندی کرد. از آثار وی: سلسله مقالات «ایران در جنگ گذشته»؛ سلسله مقالات «تاریخ قضیه‌ی بحرین»؛ سلسله مقالات «گذشته‌ی خوزستان»؛ «تاریخ آل بویه»؛ «تاریخ و عقاید وهابیان»؛ «تاریخ اسلام و جغرافیای کشورهای اسلامی»؛ «دستورهای املاء و انشاء»؛ «توحید مفضل»؛ ترجمه؛ «عهدنامه‌ی مالک اشتر»، ترجمه؛ «سفرنامه‌ی حج»؛ «عضدالدوله دیلمی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۶، ص ۱۰-۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۳-۴۷۱ / ۴)، یادگار (س ۱، ش ۷، ص ۸۰).

فکوهی، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر فکوهی در سال ۱۳۳۵ در شهر تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا درجه دکترای در کشور فرانسه در شهر پاریس به پایان رسانید. او همکاری حرفه‌ای خود را با مطبوعات و نشریات تخصصی در حوزه شهرسازی آغاز کرد و هم‌اکنون مشغول تدریس در دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران می‌باشد. حضور وی در همایش‌های داخلی و بین‌المللی و ارائه مقاله در این همایش‌ها و نیز گرد ها از جمله فعالیت‌های وی می‌باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: کارشناسی جامعه‌شناسی، دانشگاه پاریس، فرانسه، ۱۳۵۹ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پاریس، فرانسه، ۱۳۶۱ دکترای جدید (nouveau regime) جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی سیاسی، دانشگاه پاریس، فرانسه، ۱۳۷۳ عنوان رساله دکترای: مفهوم سیاست در مزدیسنا ساسانی، مصوب ۹ ماه مه ۱۹۹۴، ارزشیابی وزارت علوم و فناوری به تاریخ بهمن ۱۳۷۳: دکترای در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی سیاسی پایان‌نامه دکترای برنده جایزه پژوهش بین‌المللی برگزیده سال، نخستین دوره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۷ همسر و فرزندان: ناصر فکوهی متاهل است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: مدیر گروه انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ دانشیار گروه انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ تا امروز استادیار گروه انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ سردبیر مجله انجمن انسان‌شناسی ایران، نامه انسان‌شناسی، ۱۳۸۱-۱۳۸۴ مدیر آگاهسازی و پروژه‌های فرهنگی، معاونت امور انرژی وزارت نیرو، ۷۹-۱۳۷۴ همکاری حرفه‌ای با مطبوعات و نشریات تخصصی در حوزه شهرسازی، فرهنگ، اقتصاد و توسعه، ۱۳۷۴ تا امروز عضو هیات علمی گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ تا امروز عضو پیوسته گروه ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ عضو مؤسس، عضو هیات مدیره و رئیس انجمن انسان‌شناسی ایران ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ (دوره ریاست ۱۳۸۴-۱۳۸۵) عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۷۹ تا امروز عضو هیئت مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۵ تا امروز عضو انجمن روانشناسی اجتماعی ایران، ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ عضو شورای علمی و مسئول بخش انسان‌شناسی در گروه علوم اجتماعی مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، ۸۱-۱۳۷۹ عضو شورای علمی پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ عضو و

رئیس کمیسیون پژوهش‌های کاربردی، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، ۸۱-۱۳۸۰ عضو شورای علمی تحصیلات تکمیلی، بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۴ تا امروز عضو شورای علمی مجله "فرهنگ و معماری"، ۱۳۸۴ تا امروز دبیری علمی همایش‌های داخلی ۱- همایش فرهنگ لر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ ۲- نخستین همایش انسان‌شناسی فرهنگی و اخلاق شهروندی، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران و انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۵ ۳- نخستین هم‌اندیشی انسان‌شناسی هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی و انجمن جامعه‌شناسی ایران، بهمن ۱۳۸۵ ۴- دومین همایش انسان‌شناسی فرهنگی و اخلاق شهروندی، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران و انجمن جامعه‌شناسی ایران، بهمن ۱۳۸۶ ۵- دومین هم‌اندیشی انسان‌شناسی هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی و انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۶. سردبیری ویژه‌نامه‌های علمی ۱- نشریه "خیال"، شماره ویژه انسان‌شناسی هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی، زمستان ۱۳۸۴ ۲- نشریه "فرهنگ مردم"، شماره ویژه اسطوره‌ها و فلکلور شهری، زمستان ۱۳۸۴ ۳- نشریه "اندیشه‌های ایران‌شهر"، شماره ویژه انسان‌شناسی شهری، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، گروه شهرشناسی، زمستان ۱۳۸۶ فعالیت‌های آموزشی: تدریس در درس کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا را در دانشگاه‌های همچون دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه امام صادق را عهده دار بود. - دروس ارائه شده در دانشگاه‌ها دوره کارشناسی ۱- مبانی جامعه‌شناسی، گروه ریاضی و آمار، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴ ۲- جامعه‌شناسی کار و شغل، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۷۸-۱۳۷۴ ۳- جامعه‌شناسی جهان سوم، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۷۸-۱۳۷۴ ۴- مبانی انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ تا امروز ۵- انسان‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ تا امروز ۶- انسان‌شناسی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ تا امروز ۷- فرهنگ و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ تا امروز ۸- نظریه‌های انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ تا امروز ۹- تاریخ انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ تا امروز ۱۰- اصول علم سیاست، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۸۲-۱۳۷۹ ۱۱- فرهنگ و ارتباطات، دانشکده فرهنگ، ارتباطات و معارف اسلامی. دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴ تا امروز دوره کارشناسی ارشد ۱- جامعه‌شناسی انقلابات، مرکز تحصیلات تکمیلی تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ۷۸-۱۳۷۴ ۲- انسان‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۸۱-۱۳۷۸ ۳- انسان‌شناسی سیاسی ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ تا امروز ۴- نظریه‌های کلاسیک انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۸۱-۱۳۸۰ ۵- نظریه‌های جدید انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ تا امروز ۶- ارتباطات بین فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۸۲-۱۳۸۰ ۷- سمینار مردم‌شناسی (درس مشترک)، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۸۲-۱۳۸۰ ۸- برنامه ریزی امور فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳ ۹- انسان‌شناسی شهری ایران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ تا امروز ۱۰- مباحث ویژه فرهنگی، بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۴ تا امروز دوره دکترا ۱- انسان‌شناسی فرهنگی (پیش‌نیاز دکترا)، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳. مراکز که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: ناصر فکوهی مؤسس انجمن انسان‌شناسی ایران در سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ می‌باشد. سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: از دیگر فعالیت‌های ناصر فکوهی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۲۶ راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ۱۷ راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌های سایر دانشگاه‌ها ۸ راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌های کارشناسی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران فعالیت در ۱۴ کارگاه آموزشی دبیری علمی ۵ همایش‌های داخلی سردبیری ۳ ویژه‌نامه‌های علم‌جو و نشانه‌ها: پایان‌نامه دکترا برنده جایزه پژوهش بین‌المللی برگزیده سال، نخستین دوره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد. از دیگر افتخارات ایشان می‌توان به انتخاب کتاب "گستره علوم انسانی" به عنوان کتاب برگزیده سال در دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳ اشاره کرد. چگونگی عرضه آثار: از آثار ناصر فکوهی و فعالیت‌های او می‌توان به موارد زیر اشاره

کرد: حضور در ۴۴ سخنرانی علمی ترجمه ۱۳ اثر به صورت انفرادی ترجمه ۱۳ اثر به صورت دست جمعی (سرپرستی ویرایش و ویرایش های علمی) ۱۷ مقاله در خصوص مقالات علمی-پژوهشی ۱۹ مقالات به زبان های انگلیسی و فرانسه ۱۳ طرح های پژوهشی ۲۸ مقاله در همایش های داخلی ۲۷ مقاله در همایش های بین المللی ۱۳ نقد کتاب ۶۸ مقاله در زمینه مسائل اجتماعی-فرهنگی توسعه و اقتصاد ۵۳ مصاحبه های اختصاصی با مطبوعات ۸ گفت و گوی ناصر فکوهی با اندیشمندان ۲۹ ترجمه مقالات و گفتگوها ۱۴ میزگرد ۱۰۲ مقاله در زمینه انسان شناسی، هنر و فرهنگ‌آثار: از فرهنگ تا توسعه، مسائل توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران، ویژگی اثر: تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۸۲ اسطوره شناسی سیاسی، ویژگی اثر: تهران، انتشارات فردوس ۳ افسانه های شرقی، ویژگی اثر: ترجمه، مارگارت یورسنار، (چاپ نشده) ۴ امپراتوری نشانه ها، ویژگی اثر: ترجمه، رولان بارت، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳ ۵ انسان شناسی سیاسی، ویژگی اثر: ترجمه، کلود ریویر، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲۶ انسان شناسی شهری، ویژگی اثر: تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.۷ پاره های انسان شناسی، ویژگی اثر: نشر نی، ۱۳۸۵۸ تاریخ اندیشه و نظریات انسان شناسی، ویژگی اثر: تهران، نشر نی، ۱۳۸۱۹ توسعه سیاسی، ویژگی اثر: تهران، نشر قطره، ۱۳۷۹۱۰ جامعه مدنی و جوانان ویژگی اثر: تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸۱۱ حاکمان، مبارزه طبقاتی در شوروی، ویژگی اثر: ترجمه، شارل بتلهایم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱ ۱۲ خاطرات جوانی، ویژگی اثر: ترجمه، رومن رولان، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۶۹۱۳ خشونت سیاسی، نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها، ویژگی اثر: تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸۱۴ خط قرمز، آزادی و حدود آن، ویژگی اثر: تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸۱۵ در آمدی بر انسان شناسی تصویری و فیلم اتنوگرافیک ویژگی اثر: ترجمه، تهران نشر نی، (در دست چاپ) ۱۶ در هزارتوهای نظم جهانی، ویژگی اثر: گفتارهایی در مسائل توسعه فرهنگی و اقتصادی، نشر نی، ۱۳۸۴۱۷ در آمدی بر انسان شناسی، ویژگی اثر: ترجمه، کلود ریویر، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹ ۱۸ زن و فرهنگ، ویژگی اثر: در بزرگداشت مارگارت مید، تهران، پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۳۱۹ زندگانی تولستوی، ویژگی اثر: ترجمه، رومن رولان، مشهد، انتشارات دانش، ۱۳۶۴ ۲۰ سال های گورباچف، مؤخره ویژگی اثر: ترجمه، شارل بتلهایم بر ترجمه فارسی حاکمان و محکومان، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱ ۲۱ فرهنگ انسان شناسی فرهنگی و اجتماعی، ویژگی اثر: ترجمه، سرویراستار و مترجم همراه گروه مترجمان، تهران، نشر نی (در دست چاپ) ۲۲ فرهنگ و انسان شناسی (در دست چاپ) قرن روشنفکران، ویژگی اثر: تهران، هرمس، ۱۳۷۹۲۴ قوم شناسی سیاسی، ویژگی اثر: ترجمه، رولان برتون، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰ ۲۵ گستره اسطوره، ویژگی اثر: تهران، نشر هرمس، ۱۳۸۲ ۲۶ گستره علوم انسانی، ترجمه به همراه جلال الدین رفیع فر و مرتضی کتبی، ویژگی اثر: ترجمه، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲ (برنده کتاب سال دانشگاه تهران، ۱۳۸۳). ۲۷ گفتار انسان شناسی (در دست چاپ)، محکومان، مبارزه طبقاتی در شوروی، ویژگی اثر: ترجمه، شارل بتلهایم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱ ۲۹ مفهوم سیاست در مزدیسنا ساسانی، ویژگی اثر: مصوب ۹ ماه مه ۱۹۹۴، ارزشیابی وزارت علوم و فناوری به تاریخ بهمن ۱۳۷۳: دکترا در جامعه شناسی و انسان شناسی سیاسی ۳۰ موندو و داستان های دیگر، ویژگی اثر: ترجمه، ج. لوکلزیو، (چاپ نشده) ۳۱ نشانه شناسی سیاسی مزدیسنا ساسانی، تهران، نشر نی، (در دست چاپ)، همسازی و تعارض هویتی (در دست چاپ)، هنر و تاریخ، مقالاتی در زیباشناسی، ویژگی اثر: ترجمه، اوکتاویو پاز، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۴ ۳۴ یک نظریه علمی درباره فرهنگ، برونیسلاو مالینوفسکی، ویژگی اثر: ترجمه، ویرایش و مقابله علمی و نگارش مقدمه، تهران، انتشارات آوا، ۱۳۸۰

منابع زندگینامه: تکمیل پرسشنامه توسط دکتر ناصر فکوهی بنا به درخواست واحد آموزش بنیاد ایرانشناسی-زمستان ۱۳۸۴

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین فلاح زاده

محل تولد: ابرکوه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید حسین فلاح زاده متولد سال ۱۳۴۲ شمسی می باشم. دوران نوجوانی و قسمتی از دوران جوانی ام را در زادگاهم گذراندم. به هنگام وقوع انقلاب اسلامی سال سوم دوره راهنمایی را می گذراندم. بسیاری از شعارهای انقلاب را در آن سالها در همان مقطع یادداشت کرده ام که امیدوارم بتوانم روزی آنها را انتشار دهم. پس از اخذ دیپلم تجربی در سال ۱۳۶۰ علی‌رغم علاقه ای که به علوم فنی و مهندسی داشتم، به سبب آشنایی با چهره های برجسته ای از روحانیت همچون حضرت امام (ره) و شهید بهشتی تحت تاثیر قرار گرفتم و لذا جهت تحصیلات دینی به قم آمدم و به تحصیل دروس حوزوی پرداختم. در کنار آن به سبب پاره ای مطالعات که در علوم انسانی بخصوص تاریخ داشتم، چند سالی را با مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهران همکاری می کردم. پس از آن در سال ۱۳۶۷ پس از شرکت در کنکور سراسری وارد رشته تاریخ دانشگاه تهران شدم. به دنبال اتمام مقطع کارشناسی، در کنار تداوم دروس حوزوی، تحصیلات دانشگاهی را نیز ادامه دادم. در سال ۱۳۷۴ کارشناسی ارشد را به اتمام رساندم و در همان سال به عنوان عضو هیات علمی در گروه تاریخ مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم (ع) مشغول شدم که تا کنون نیز ادامه دارد. در سال ۱۳۷۹ در رشته تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید بهشتی در مقطع دکتری پذیرفته شدم و هم اکنون در مرحله دفاع از پایان نامه و فارغ التحصیلی می باشم. در مؤسسه باقر العلوم (ع) عضو هیات تحریریه فصلنامه تاریخ اسلام نیز هستم و چندین سال مدیریت گروه را برعهده داشته ام. در دانشگاهها و مراکز دیگری چون دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مرکز تخصصی تاریخ حوزه علمیه قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دانشگاه اهل البیت (ع) نیز در مقطع کارشناسی و ارشد به تدریس اشتغال داشته و پژوهشهایی را انجام داده ام. علاوه بر این از طراحان و مؤسسين انجمن تاریخ پژوهان حوزه نیز بوده ام که خود منشأ شکل گیری انجمنهای علمی دیگری در حوزه گردید. در طراحی و تنظیم واحدها و سرفصلهای مرکز تخصصهای تاریخ حوزه نیز فعال بوده و چندین ترم نیز در آن مرکز پس از راه اندازی تدریس داشته ام. هم اکنون نیز علاوه بر مدیریت گروه تاریخ مؤسسه، مدیر گروههای تاریخ دانش نامه قرآن شناسی و دانش نامه و فرهنگ فاطمی (س) نیز می باشم و با گروه تاریخ پژوهشگاه فرهنگ نیز همکاری دارم.

فلسفی، نصرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نصرالله فلسفی در سال ۱۲۸۰، در تهران متولد گردید. تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت. فلسفی پس از تکمیل معلومات عالییه، به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال ۱۳۰۷ چندماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال ۱۳۴۳ به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد. گذشته از سمت های اداری و مشاغلی که متذکر گردیدیم، وی به امر آموزش نیز پرداخته است. او در سال ۱۳۰۷ در دارالفنون، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود. نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در نشریات به چاپ رسانده است. نصرالله فلسفی سرانجام در سال ۱۳۶۰، یک ماه بعد از ورود به ایران، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: نصرالله فلسفی، فرزند میرزا نصرالله خان سوادکوهی مستوفی (از مستوفیان دربار قاجار) بود که اصل خانواده اش از سوادکوه قزوین است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: فلسفی شش روز پس از مرگ پدرش به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: فلسفی تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فراگرفت.

زمان و علت فوت: نصرالله فلسفی سرانجام در سال ۱۳۶۰، یک ماه بعد از ورود به ایران، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: فلسفی پس از تکمیل معلومات عالییه، به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و در سال ۱۳۰۷ چندماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت، سپس به وزارت فرهنگ منتقل گردید. وی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ به سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا منصوب و مشغول خدمت شد تا سرانجام در سال ۱۳۴۳ به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد.

فعالیتهای آموزشی: استاد فلسفی در سال ۱۳۰۷ در دارالفنون، دانشسرای عالی و سایر مدارس متوسطه تهران به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول گردید. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: نصرالله فلسفی علاوه بر نویسندگی و ترجمه ی کتاب های فراوان، مقالات تحقیقی درباره ی تاریخ و ادبیات ایران در مجلات تهران از جمله: تعلیم و تربیت، مهر، سخن، شفق سرخ، اتحاد، مرز آزاد، اطلاعات، شرق، یغما، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، نشریه کتابخانه ملی تبریز و وحید به چاپ رسانده است. وی به روزنامه نگاری هم می پرداخت که از جمله مجلاتی که توسط وی منتشر شده است، عبارتند از: مدیریت داخلی مجله آینده (۱۳۰۴)، کفالت مجله پست و تلگراف (فقط سه شماره، ۱۳۰۴)، مجله ایران (نشریه کلوپ بین المللی ایران برای تمبر و مجموعه های دیگر از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۱)، مجله تعلیم و تربیت (وابسته به وزارت معارف، ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴)، مهر (از ۱۳۱۲ به مدت چهارسال، دوره ی یک تا چهار)، مدیریت و سردبیری مجله هفتگی امید (۱۳۲۲، مدت سه سال)، همکاری فکری در نشر مجله اطلاعات ماهانه (

در سال های ۱۳۳۰ - ۱۳۳۴) ، مجله ایرانیکا به زبان ایتالیایی در دوره ی رایزنی فرهنگی در ایتالیا. فلسفی گاهی شعر هم می سرود و آثار منظومی از وی به یادگار مانده است ، از آن جمله است منظومه ی « بیچارگان » و قصاید و قطعات دیگر. مجموعه ای از اشعار وی در سال ۱۳۵۱ در تهران چاپ و منتشر شده است.

جوایز و نشانها : نصرالله فلسفی در سال ۱۳۵۴ ، عنوان « استاد ممتاز » دانشگاه تهران را یافت. -----

آثار :

- ۱ اصول آموزش و پرورش
- ۲ تاریخ اروپا در قرن ۱۹ و ۲۰
ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۹.
- ۳ تاریخ ایران بعد از اسلام
ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۷.
- ۴ تاریخ ایران پیش از اسلام
ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۷.
- ۵ تاریخ روابط اروپا و ایران در دوران صفوی
ویژگی اثر : انتشار جلد اول در سال ۱۳۱۶.
- ۶ تاریخ عمومی جهان در قرن های هفدهم تا بیستم میلادی
ویژگی اثر : مشتمل بر دو مجلد
- ۷ تاریخ عمومی در قرن معاصر
- ۸ تاریخ غزنویان ؛ اصول تعلیم و تربیت
ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۱۴.
- ۹ تاریخ و جغرافیا
ویژگی اثر : مشتمل بر دوازده جلد ، برای تدریس در دبیرستان ها با مشارکت علی اصغر شمیم.
- ۱۰ ترجمه ی اشعار منتخب شاعران رمانتیک فرانسه
ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۴۱.
- ۱۱ ترجمه ی تاریخ انقلاب روسیه
ویژگی اثر : انتشار در سال ۱۳۰۲.
- ۱۲ ترجمه ی تاریخ تمدن روم و یونان
ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال ۱۳۱۹.
- ۱۳ ترجمه ی تاریخ تمدن قدیم
ویژگی اثر : تالیف فوستل دوکولانژ ، انتشار در سال ۱۳۰۹.
- ۱۴ ترجمه ی تاریخچه ی سلطنت قباد و ظهور مزدک
ویژگی اثر : اثر کریستین سن ، با مشارکت احمد بیرشک ، انتشار در سال ۱۳۰۶.
- ۱۵ ترجمه ی تهران قدیم

- ویژگی اثر: تالیف فوستل دوکولانژ، انتشار در سال ۱۳۰۹.
- ۱۶ ترجمه‌ی داستان توده‌ی طلا
ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۰۴.
- ۱۷ ترجمه‌ی داستان دندان‌بیر
ویژگی اثر: اثر موریس لبلان، انتشار در سال ۱۳۰۲.
- ۱۸ ترجمه‌ی داستان سر تنگ بلور
ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۰۲.
- ۱۹ ترجمه‌ی داستان‌های کوتاه از نویسندگان بزرگ
ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۳۳.
- ۲۰ ترجمه‌ی داستان هشتصد و سیزده
ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۰۲.
- ۲۱ ترجمه‌ی راز فلورانس
۲۲ ترجمه‌ی سرگذشت ورتز
ویژگی اثر: تالیف گوته، انتشار در سال ۱۳۰۵.
- ۲۳ ترجمه‌ی فرهنگ فلسفی ولتر
ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۳۷.
- ۲۴ ترجمه‌ی منتخب اشعار ویکتور هوگو
ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۳۵.
- ۲۵ ترجمه‌ی منظومه‌ی بیچارگان
ویژگی اثر: تالیف ویکتور هوگو، و به نظم فارسی، انتشار در سال ۱۳۰۵.
- ۲۶ جغرافیای مفصل؛ جغرافیای ممالک بزرگ دنیا
ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۱۶.
- ۲۷ جنگ چالدران
ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۳۲.
- ۲۸ دوره‌ی کامل تاریخ ایران
ویژگی اثر: مشتمل بر پنج مجلد برای کلاس‌های مدرسه‌های متوسطه.
- ۲۹ زندگی شاه عباس کبیر
ویژگی اثر: مشتمل بر سه جلد، انتشار در سال‌های ۱۳۴۲، ۱۳۵۳ و ۱۳۶۴.
- ۳۰ شرح حال بزرگان (داریوش و انوشیروان)
۳۱ مجموعه‌ی هشت مقاله تاریخی
ویژگی اثر: انتشار در سال ۱۳۳۰.

اشاعران تهران از آغاز تا امروز، تألیف: مجید شفق، ج ۲، تهران: انتشارات سنایی، ص ۸۴۴۲ گلزار مشاهیر؛ زندگی نامه درگذشتگان مشاهیر ایران (۱۳۵۸ - ۱۳۷۶)، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۳۱۹

فولادوند، محمد مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد محمد مهدی فولادوند فرزند شادروان محمد حسین بختیاری، در اول دی ماه ۱۲۹۹ در اراک متولد شد. او از سوی مادر، نوه ی حجت السلام حاجی آقا محسن ادراکی و نبیره ی دختری مرحوم سید محمد علی تهرانی است. پس از طی تحصیلات اولیه و رایج به سبک جدید، در شهریور ۱۳۲۹ برای ادامه ی تحصیل به ویژه در رشته های شعر و ادب و هنر و زیبایی شناسی، به پاریس رفت و چهارده سال در آن شهر اقامت و در رشته های دلخواه دانشگاهی و تکمیل زبان و ادب فرانسوی خود تلاش کرد. جناب فولادوند در آبان ماه ۱۳۴۳ (۱۹۶۴ م) به تهران بازگشت و تاکنون که بیش از هشتاد سال از عمر پربار و برکتش می گذرد، در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، مواد مختلف فلسفه، زیباشناسی، زبان فرانسه، تاریخ مذاهب و فرهنگ ایران را تدریس کرده است. او عضو انجمن فلسفه ی ایران و علوم انسانی یونسکو و عضو انجمن شعرای فرانسه و نویسندگان فرانسه زبان است. مجموعه ی آثار فرانسه و فارسی وی قریب به سی جلد است که در حدود پانزده جلد آن به چاپ رسیده است. برخی از آثار چاپ شده ی ایشان از این قرار است:

- ترجمه ی [رباعیات] عمر خیام، پاریس، مزون نو، ۱۹۶۰، طبع جدید آن با مقدمه و حواشی و «سخنان تازه درباره ی عمر خیام و رباعیات او» به پیوست آن. تهران، فروغی.

- هیدا (در جستجوی زیبایی)، چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)

- سنفونیا، چاپ فرهنگ و هنر (به فرانسه)

- زن در اندیشه ی خدا (به فرانسه)

- دیوان اشعار و نوشته ها (آثار فارسی - بخش یکم)

- ترجمه ی کتاب المنقذ من الضلال (= زندگینامه ی خود نوشت فکری و فرهنگی غزالی، عنوان ترجمه ی فارسی اش رهنمای گمراهان، نشریات محمدی)

- نخستین درس زیبایی شناسی. انتشارات دهخدا.

- پاسکال - ونسی - بلندل. مجموعه کتابهای جیبی.

- زیباترین اشعار فرانسه (متن فرانسه و فارسی). انتشارات کندی. در سالهای اولیه ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، که بنیاد قرآن تاسیس شد، استاد فولادوند چند اثر قرآنی از نویسندگان برجسته ی معاصر عرب، نظیر سید قطب، به فارسی شیوایی ترجمه کرد که از سوی همان بنیاد منتشر شده است.

برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزمین فارسی قرآن کریم

فولادی وندا، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد فولادی وندا

محل تولد : گچساران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۶/۲

زندگینامه علمی

در دوم شهریور سال ۱۳۴۲ در خانواده‌ای مذهبی و ساده روستایی در شهرستان گچساران چشم به جهان گشودم. پس از طی تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ تحصیلات متوسطه را در هنرستان فنی طالقانی گچساران آغاز نمودم. در این هنرستان و همزمان با فعالیت گروه‌های سیاسی در اوائل پیروزی انقلاب، به اتفاق یکی از هم کلاسیها، اقدام به تشکیل و راه‌اندازی انجمن اسلامی نمودیم. این انجمن، از معدود انجمنهای فعال در مبارزه با گروهکهای سیاسی آن روزگاران بود. با آغاز جنگ تحمیلی و در کنار تحصیل، بارها و بارها توفیق حضور در جبهه‌های نور را یافتم. سرانجام، در خرداد ماه سال ۱۳۶۰ علی‌رغم حضور سه ماه مستمر در جبهه در ایام تحصیل، به عنوان شاگرد ممتاز موفق به اخذ دیپلم گردیدم. به دلیل ارتباط منظم با روحانیت و دعوت مستمر از آنان در انجمن اسلامی و اردوهای دانش آموزی، در شهریور همان سال، در حوزه علمیه قم پذیرش و در مدرسه مبارکه رضویه مشغول به تحصیل شدم. به دلیل آشنایی قبلی با مجموعه استادان و طلاب فرهیخته مؤسسه در راه حق، توفیق یافتم که در نزدیکی بارگاه ملکوتی آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) با این عزیزان هم حجره باشم. ارتباط با این مجموعه، نقش بسزایی در تعیین مسیر آینده زندگی من داشت. دروس سطح و خارج را نزد استادان گرانسنگ و بزرگواری همچون، اعتمادی، وجدانی، سبحانی، مکارم شیرازی و... سپری نمودم. علاوه بر آن، دوره عمومی مؤسسه در راه حق، و دوره تخصصی بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) و سپس مؤسسه امام خمینی (ره) را در مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، با دفاع اولین رساله این رشته در حوزه جامعه‌شناسی در این مؤسسه در سال ۱۳۷۵، موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی شدم.

فولادی، حفیظ الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حفیظ الله فولادی

محل تولد : -

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دیپلم خود را در سال ۱۳۶۲ در رشته برق اخذ نموده و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه اصفهان (مدرسه ذو الفقار) شدم و بعد از حدوداً ۴ ماه در سال ۱۳۶۴ به حوزه علمیه قم (مدرسه رضویه) مشرف شدم و تا کنون این توفیق نصیب اینجانب بوده است. در سال ۱۳۶۶ وارد مؤسسه در راه حق شده و به استفاده از اساتید معزز آن مجموعه پرداختم. در سال ۱۳۷۰ در مجموعه گروه‌هایی که توسط دفتر همکاری حوزه و دانشگاه جهت آموزشهای تخصصی در رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی شکل گرفته بود، وارد گروه جامعه‌شناسی شدم و پس از طی این دوره‌ها در مقطع کارشناسی ارشد از سال ۷۴ تا کنون در زمینه‌های مختلف این رشته به تحقیق و پژوهش مشغول هستم. خداوند این توفیق را به بنده داد که از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ در اکثر قریب به اتفاق پالایشگاههای کشور در خدمت مهندسین و مدیران و نیز پرسنل مجموعه صنعت نفت به تدریس در زمینه علوم اسلامی، مدیریت اسلامی و ... پرداختم.

فیض الاسلام، علینقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۶۴ - ۱۲۸۴ ش)، عالم دینی، شارح و مصحح. در سال ۱۲۸۴، در چنین خانواده‌ای که به صفای معنوی آراسته بود، کودکی دیده به جهان گشود که سید علی نقی نامیده شد و بعدها به سید علی نقی سدهی اصفهانی آل دیباج مشهور و به فیض الاسلام موسوم گشت. لفظ سده در پسوند نامش، به زادگاهش اشاره دارد که در دوازده کیلومتری شمال غربی اصفهان است و اکنون خمینی شهر نامیده می‌شود. وی دانشمندی پرکار و پرثمر بود، و از آقا سید ابوالحسن اصفهانی، حاج شیخ ضیاءالدین عراقی، آقا شیخ محمد کاظم شیرزای اجازه‌ی اجتهاد داشت و نیز صاحب اجازه‌ی روایتی از آیت‌الله حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی و حاج شیخ عباس محدث قمی بود. وی بیش از چهل سال پیش «نهج البلاغه» را به فارسی روان ترجمه و شرح کرد که این کتاب به «نهج البلاغه» فیض الاسلام مشهور است. از دیگر آثارش: ترجمه و شرح «صحیفه‌ی کامله‌ی سجادیه»، که در ۱۳۷۵ ق منتشر شده؛ «قرآن عظیم»، ترجمه و خلاصه تفسیر، در سه مجلد که مؤلف حدود چهارده سال وقت خود را صرف تألیف این کتاب نموده؛ «اشارات الرضویه»، «افاضات الغرویه فی اصول الفقهیه»، عربی؛ «چراغ راه»؛ «رهبر گمشدگان در رجعت»، ردی بر عبدالوهاب فرید. [۱]

سید علینقی مشهور به (فیض الاسلام) صاحب ترجمه نهج البلاغه که در سده از حیات سلطان دختر شیخ فاضل آقا ملا محمدصادق سدهی به دنیا آمده و تحصیلات خود را در سده و اصفهان و قم و نجف اشرف نموده و بعد رحل اقامت به تهران افکنده و تا حال تحریر در کسوت روحانیت به کار تجارت و تبلیغ دین و تألیف اشتغال و آثار گرانقدری که ذیلاً می‌نگارم از خود به یادگار گذارده است.

۱- ترجمه نهج البلاغه در ۶ جزء که در دو مجلد مکرر به طبع رسیده.

۲- ترجمه صحیفه سجادیه. ۳- تفسیر کلام‌الله مجید ۴- ترجمه صحیفه علویه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۲، ص ۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۰-۶۰۹/۴)، نهج البلاغه (مقدمه).

فیوضات، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید ابراهیم فیوضات در سال ۱۳۱۲ در شهر کازرون به دنیا آمد. دوران ابتدایی را بعد از رفتن به مکتب خانه در زادگاهش سپری کرد. وی تحصیلات دوره متوسطه و دبیرستان را در آبادان به صورت متفرقه گذراند زیرا روزها به کار کردن مشغول بود. در سال ۱۳۴۶ بعد از قبولی در کنکور دانشگاه تهران دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته زبان انگلیسی به پایان برد. در همه این سالها کار کردن در شرکتهای مختلف را رها نکرد. وی ابتدا با قبولی در بورسیه به انگلیس سفر کرد و پس از یک وقفه یکساله و برگشت به ایران به دانشگاه پاریس رفت و در سال ۱۳۵۷ موفق به دریافت دکترای تخصصی جامعه شناسی سیاسی گردید. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسی گرایش: جامعه شناسی سیاسی والدین و انساب: وی فرزند سید اسماعیل فیوضات از خاندان سادات حسینی است. سید ابراهیم ۳ یا ۴ ساله بود که پدر را که بازرگانی ساده بود از دست داد. مادرش همسر دوم پدر، کم سواد اما شجاع و پرهیزگار و اهل منطقه دوان بود. بیست ساله بود که مادر نیز از دنیا رفت، پدرش از همسر اول نیز دو پسر به نامهای سید محمد و سید محمد علی و دختری به نام بیگم دارد. خاطرات کودکی: سید ابراهیم فیوضات ۳ یا ۴ ساله بود که پدر را از دست داد و در همان ایام مادرش او را به مکتب خانه ها برای کسب سواد فرستاد وی از آن دوران خاطرات جالب و شنیدنی دارد: "برای اینکه مشغولیتی داشته باشم، مادرم مرا از سه سالگی به مکتب خانه شاباجی خانم برد که سواد بیاموزم. پس از مدتی هم به مکتب خانه حاجی رضا رفتم که ملایی آن را اداره میکرد دست آخر هم از مکتب خانه شیخ عبدالرحیم سر در آوردم. فضای آموزشی بنا به عرف رایج آن زمان خشن و خشک بود، و ما به خاطر هر اشتباه کوچکی فلک میشدیم به خاطر دارم یک بار ۵۶ چوب به کف پایم زدند که اثرات منفی این رفتارها را پس از گذشت سالیان دراز هم هنوز با خود دارم. در آن موقع برایم دشوار بود که تصور کنم میتوانم روزی با سواد شوم". اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: سید ابراهیم به علت اینکه پدر را در کودکی از دست داده بود مجبور بود برای امرار معاش خود و خانواده کار کند. وی در سن ۱۳ سالگی به علت مشکلات اجتماعی آن دوران به آبادان رفت و استخدام شرکت نفت در آمد و به کارآموزی و کارگری مشغول بود. هم زمان با دوره تحصیلی به ویژه در ایام تعطیل و تابستان زمانی را صرف یادگیری و تهیه گیوه که تنها پای افزار آن دوران بود میکرد. او در این باره می گوید: "استاد پینه دوز در عوض کار وجهی کم (توجیبی) میداد زمانی هم در حجره تاجری به نام زهرایی چای به مشتری ها میدادم و گاهی هم در مغازه آقای سید احمد حسینی شاگردی میکردم". تحصیلات رسمی و حرفه ای: اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۳۸ به صورت متفرقه و قبولی در دانشگاه تهران در رشته زبان انگلیسی و کسب مدرک کارشناسی در سال ۱۳۴۴ سپس کسب مدرک کارشناسی ارشد در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران و اخذ مدرک دکترای جامعه شناسی از دانشگاه پاریس ۸ واکل پراتیک فرانسه در سال ۱۳۵۷. خاطرات و وقایع تحصیل: در اوایل سال ۱۳۵۰ در یک دوره (بورسیه) سه ماهه سازمان مذکور برای انگلستان شرکت کرد و پس از پذیرفته شدن راهی دانشگاه اکسفورد انگلیس شد و به علت استخدام در سازمان اموراداری و استخدامی کشور در خواست مرخصی وی قبول نشد به ناچار از سازمان استعفا داد و مجدداً به انگلیس برگشت و در نهایت به این نتیجه رسید که تحصیلات خود را در فرانسه ادامه دهد. فعالیتهای ضمن تحصیل: فیوضات در دوره کارشناسی با انجام شش ساعت کار روزانه در امور حسابداری در شرکت فنی برودت (یخچالسازی) به تحصیل پرداخت سپس حدود یکسال را با کار در شرکت ایتالیایی سد سازی در هفت تپه خوزستان گذراند و سال بعد در دوره کارشناسی ارشد پذیرفته شد بعد از آن در سازمان امور اداری و استخدامی کشور به عنوان

کارشناس تشکیلات به کار مشغول شد. استادان و مریمان: از استادان دکتر فیوضات در دوره های مختلف میتوان به دکتر سید صادق گوهرین و دکتر آدا کلیان در دوره کارشناسی دکتر غلام حسینی صدیقی، دکتر صناعی، دکتر کاروان، دکتر بهنام و ... در دوره کارشناسی ارشد و در دوره های بهد دکتر صدیقی و مهندس مدتی اشاره کرد. هم دوره ای ها و همکاران: از همدوره ایهای دکتر فیوضات، نادر ابراهیمی و آقای سپانلو در دوره کارشناسی و دکتر هما زنجانی زاده، آقای نقی اصفهانی و دکتر منچهر محسنی در دوره کارشناسی ارشد. سیروس پرهام و میرصادقی در حال حاضر دکتر سعید میرزایی، خانم ممتاز، دکتر تولایی و ... اشاره داشت. همسر و فرزندان: همسر دکتر فیوضات، سرکار خانم پروین وثوقی است که به شغل پرستاری مشغول است. و فرزند وی پیمان فیوضات علاقه مند به موسیقی و نوازندگی پیانو و دانشجوی رشته مهندسی برق است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر سید ابراهیم فیوضات در مسئولیت های زیر فعالیت داشته است: مسئول فروش (تهران) شرکت کف داروگر ۴۵-۱۳۴۳. کارشناس امور اداری طبقه بندی مشاغل و سازماندهی ۴۹-۱۳۴۵. مدیر گروه علمی جامعه شناسی دانشگاه تهران ۷۴-۱۳۷۰. عضو هیئت تحریریه مجله پژوهش دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی ۷۰-۱۳۶۹. عضو انجمن جامعه شناسی ایران ۷۹-۱۳۷۷. عضو هیئت تحریریه مجله پژوهش اقتصاد اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز ۱۳۷۸. عضو هیئت تحریریه مجله پژوهشی اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. عضو کارگروه برنامه ریزی دوره دکتری دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۱. مشغول بخش صنعت در انجمن جامعه شناسی ایران از ۱۳۸۲ تا کنون. عضو هیئت تحریریه مجله تربیت معلم ۱۳۸۴ و مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. فعالیتهای آموزشی: دکتر فیوضات تدریس در گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه الزهرا و دانشگاه آزاد واحد کرج به مدت ۲ سال را در دروس مختلف جامعه شناسی و اقتصاد ایران در کارنامه دارد. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: دکتر فیوضات در تاسیس گروه جامعه شناسی صنعتی (انجمن جامعه شناسی ایران) همکاری داشته است. سایر فعالیتهای او روزمره: دکتر سید ابراهیم فیوضات غیر از فعایت های آموزشی به طرحهای پژوهشی نیز پرداخته است: - بررسی اجتماعی و اقتصادی شهرستان های دزفول و اندیمشک در خوزستان و کرمانشاه شرکت ایران آمایش سال ۶۲-۱۳۶۰ - بررسی توسعه شهری و روان بخش روستایی شهرهای میناب، رودان، سیریک، جاسک، و حاجی آباد هرمزگان، سال ۶۳-۱۳۶۲ - بررسی اقتصادی - اجتماعی استان آذربایجان شرقی برای طرح توسعه ۲۰ ساله دانشگاه تبریز (مجمع مهندسیین مشاور ایران آرک سال ۶۴-۱۳۶۳ - پروژه تحقیقات آموزشی نیروی انسانی در وزارت صنایع سال ۱۳۶۵ - نقش کار در ادب فارسی شعر و از طریق طنز سال ۱۳۸۴ چگونگی عرضه آثار: دکتر سید ابراهیم فیوضات آثارش در قالب تالیفات، مقالات و ارائه سخنرانی در سمینار های مختلف میتوان تقسیم کرد. وی بیش از ۳۰ مقاله در مجلات گوناگون به چاپ رسانده است. آثار: اخلاق کار و نخبه گرایی در ایران و ویژگی اثر: نشر شادگان، تهران، ۱۳۸۳۲ اصلاح گری و انقلاب ویژگی اثر: ۱۳۸۴۳ بازتاب نقش کار در ادب منظومه ایرانی و ویژگی اثر: در دست چاپ ۴ بررسی تحولات نظام استاد - شاگردی در ایران و ویژگی اثر: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲۵ توسعه صنعتی و موانع آن در ایران و ویژگی اثر: مجموعه مقالات، چاپخش تهران، ۱۳۷۴۶ جامعه شناسی صنعتی و ویژگی اثر: انتشارات سازمان سمت، تهران، ۱۳۸۶۷ دولت در عصر پهلوی و ویژگی اثر: چاپخش، تهران، ۱۳۷۵۸ گسست های فرهنگی و تاریخی ایران و ویژگی اثر: در دست چاپمنابع: ۱ تکمیل پرسشنامه توسط دکتر فیوضات بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - زمستان ۱۳۸۵۲ کتاب گفت و گو با چهره ها، گفتگو با دکتر ابراهیم فیوضات - به کوشش عمادالدین شیخ الحکمایی انتشارات کازرونیه ۱۳۸۳

قاری رمجاری نیشابوری، ابومحمد اسماعیل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۳۱-۴۳۹ ق)، مسند، محدث و قاری. نسبتش به رمجار از توابع نیشابور می‌رسد. او از ابوالحسین عبدالغافر فارسی «صحیح» مسلم و احادیث یحیی بن یحیی تمیمی را شنید و همچنین از ابوحفص بن مسرور صوفی، از خدمتگزاران ابوالقاسم قشیری، چند جزئی را شنید. ابوالعلاء عطار و ابوالقاسم بن عساکر و ابوسعید سمعانی و حسن بن محمد قشیری و زینب شعریه و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. ابن نقطه گوید که ابوسعید حسن بن محمد بن محسن قشیری از وی «صحیح» را روایت کرده است ذهبی گوید که: ابوالقاسم بن حرستانی از وی اجازه‌ی روایت داشته است. سمعانی گوید که وی شیخی صالح و عقیف و صوفی پاک بود که خدمت استاد ابوالقاسم قشیری را نمود. قاری در نیشابور درگذشت. در «شذرات الذهب» به جای قاری، غازی آمده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام بوفیات الاعلام (۳۵۳ / ۱)، سیر النبلاء (۲۰-۱۹ / ۲۰)، شذرات الذهب (۹۷ / ۴)، العبر (۴۴۰-۴۳۹ / ۲)، معجم البلدان (۷۸ / ۳).

قاری مشهدی خراسانی، ابوالقاسم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۸۳ ق)، قاری و شاعر. در مشهد به دنیا آمد و در شیراز سکنی گزید، لذا به او قاری شیرازی نیز گفته‌اند. محمد بن شمس‌الدین قاری کاظمی در شیراز علم قرائت و تجوید را در محضر وی فرا گرفته است. سید ابوالقاسم از قاریان مشهور عهد شاه‌عباس صفوی است. از آثار وی: «اللؤلؤئیة» یا «نظم اللئالی»، منظومه‌ای فارسی در «تجوید قرآن»، که در ۱۰۶۱ ق آن را به اسم شاه‌عباس ثانی سرود و مکررا به طبع رسید، و مدرس تبریزی، صاحب «ریحانه الادب» شرحی به نام «نثر اللئالی» بر آن نگاشته است. نسخه‌ای از کتاب «اللؤلؤئیة»، در زمان حیات مؤلف، در ۱۰۸۳ ق، توسط شاهمیر بن عبدالجبار نوشته شده است. اثر دیگر وی «دیوان» شعر است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۲۶-۲۲۵ / ۲۴، ۳۷۸-۳۷۷ / ۱۸، ۲۲۱ / ۱۱، ۸۶۰، ۹ / ۳۶۵-۳۶۴ / ۳)، ریحانه (۳۹۵ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۵۴-۴۵۳ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۷ / ۱).

قاسمی، عبدالرحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرحیم قاسمی، از فرهنگیان باسابقه به سال ۱۳۱۲ خورشیدی در تهران متولد شد، پدر بزرگ وی از شاگردان درویش‌خان بود و تار را به خوبی می‌نواخت. پدر او ویولن می‌نواخت.

قاسمی، ضمن تحصیل در دوران ابتدایی شروع به نواختن نی‌لبک نزد خود می‌کند و زمانی که مشغول تحصیل در دبیرستان بود با ساز سنتور آشنا می‌شود و زمانی که از رادیو صدای سنتور را می‌شنید آن قدر نزد خود تمرین می‌کرد تا بتواند آن آهنگ را بنوازد.

علاقه‌ی وی به یادگیری و نواختن ساز سنتور موجب گشت تا پدر او، این نوجوان هنردوست و طلبه را نزد استاد فن برای یادگیری موسیقی روانه سازد، لذا وی را نزد هنرمندی به نام علی صبا می‌فرستد و او نزد شخص به کسب تحصیل موسیقی و نواختن سنتور می‌پردازد. سپس پس از چندی با راهنمایی‌های دکتر پزشکان که از دوستان نزدیک پدر وی و استاد ابوالحسن صبا بود، نزد این استاد فقید رفت و در کلاس ایشان مشغول تحصیل علم موسیقی شد و ضمن تعلیم گرفتن از زنده‌یاد استاد صبا، بنا به توصیه ایشان به دانشگاه رفت و در رشته‌ی فیزیک مشغول تحصیل شد و موفق به دریافت لیسانس در این رشته گردید و بعدها همین رشته تحصیلی در ساخت سنتور به وی کمک‌های شایانی را نمود.

عبدالرحیم قاسمی، با توجه به این که خود از فرهنگیان قدیمی است و مدت بیست و هفت سال در دبیرستانهای مختلف وزارت آموزش و پرورش مدرس بوده، خود را در رشته علم موسیقی همیشه طلبه می‌داند، زیرا پس از فوت استاد ابوالحسن صبا که برای جامعه هنر موسیقی ایران ضایعه جبران‌ناپذیری بود و شاید دیگر چنین ابرمردی را، هنر موسیقی ایران در تاریخ خود نخواهد دید، ضربه سنگینی به وی که مردی فرزانه و عاطفی است وارد ساخت. تنها بنا به توصیه‌ی قبلی استاد فقید خود برای ادامه تحصیل علم موسیقی به هنرستان موسیقی ملی رفت و نزد شاگرد بزرگ و بی‌همتای استاد صبا، استاد فرامرز پایور، به تکمیل ردیف‌های صبا و پایور پرداخت. مدت یک سال در هنرستان از مکتب استاد پایور کسب فیض کرد که هم‌دوره وی رضا شفیعیان هنرمند ارجمند در این دوره از کلاس این استاد بود.

عبدالرحیم قاسمی، از سال ۱۳۴۵ اقدام به تعلیم شاگرد در رشته سنتور کرد و از سال ۱۳۶۲ نیز با کمک و همراهی دوستی فرهنگ خود، ناصر ضیاء‌الابصار، در کارگاه خود اقدام به ساختن سنتور کرد و تاکنون حدود دویست سنتور ساخته که در تکمیل و ساخت آنها سعی و کوشش بسیار دارد.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

قاضی طباطبایی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۴ - ۱۲۹۰ ش)، استاد دانشگاه، مورخ و مصحح. قاضی از ۱۳۳۴ ش متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات تبریز شد. تسلط وی به تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام زبانزد اکثر دانشگاهیان بود. از آثار وی: تصحیح و تحشیه «تجربه الاحرار و تسلیه الابرار»، عبدالرزاق بیگ دنبلی؛ حواشی و تعلیقات بر «تجارب السلف». از وی مقالات بسیاری در نشریه‌های کتابخانه‌ی ملی تبریز و دانشکده‌ی ادبیات تبریز به چاپ رسیده که از آن جمله: «به یاد مرحوم سید هادی سینا»؛ «کتاب و اهمیت آن در جامعه‌ی امروزی»؛ «محضر و محضرهای تاریخی»؛ «داستان یک مناظره‌ی ادبی»؛ «اشتباهات تاریخی تجارب السلف»؛ «خاطراتی چند از استاد عبدالرسول خیامپور»؛ «حکم استیناف ضیاء‌العلماء» را می‌توان نام برد. [۱]

ادیب، مدرس.

تولد: ۱۲۹۵.

درگذشت: ۱۸ اسفند ۱۳۶۴، تهران.

سید حسن قاضی طباطبایی از سال ۱۳۳۴ متصدی کرسی زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز شد. وی بیش از چهل سال به تدریس در دبیرستان‌ها و دانشگاه تبریز مشغول بود و مقالات تحقیقی و انتقادی وی در نشریه‌ی «دانشکده‌ی ادبیات تبریز» و

«کتابخانه‌ی ملی تبریز» چاپ می‌شد. از جمله آثار اوست: تعلیقات و حواشی تجارب السلف (۱۳۵۱) و تجربه‌ی الاحرار و تسلیه‌ی الابرار (اثر عبدالرزاق بیک دنلی در دو جلد، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] نشر دانش (س ۶، ش ۳، ص ۸۸).

قاضی طباطبایی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمود قاضی طباطبایی دانشیار گروه جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران (۱۳۵۴)، کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه میشیگان غربی آمریکا (۱۳۵۷) و دکتری را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی یوتا آمریکا (۱۳۶۰) اخذ نموده است. گروه: علوم انسانیرشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمود قاضی طباطبایی مدرک کارشناسی را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران (۱۳۵۴)، کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه میشیگان غربی آمریکا (۱۳۵۷) و دکتری را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی یوتا آمریکا (۱۳۶۰) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «شخصیت سیاسی محصول زمان یا خصوصیات فردی» و دوره دکتری «تطابق محیطی بزهکاری: آزمون طولی ثوری» است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی دکتر قاضی طباطبایی می‌توان مواردی همچون «معاون پژوهشی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۷۸-۱۳۸۴) را نام برد. فعالیت‌های آموزشی: موارد تدریس وی «آمار در علوم اجتماعی» (در مقطع کارشناسی)، «آمار پیشرفته»، «تکنیک‌های تحقیق»، «روش تحقیق» و «روش‌های تحقیق پیشرفته» و «روش تحقیق پیشرفته» و «روش‌های تحلیل آمار پیشرفته» و «نرم افزار» (در مقطع دکتری) است. آثار: ۱ بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان: از جلد ۲ تا جلد ۱۷ و از جلد ۱۹ تا جلد ۲۸ ویژگی اثر: تالیف ۱۳۸۳۲ روش‌های پیشرفته آماری ویژگی اثر: تالیف ۱۳۸۵

قانع‌ی راد، محمدامین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید محمد امین قانع‌ی راد متولد سال ۱۳۲۴ در شهر ری، نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه دارای دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۸ و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور. گروه: علوم انسانیرشته: جامعه‌شناسی والدین و انساب: دکتر سید محمد امین قانع‌ی راد از جمله سادات صحیح و نسب شهر ری می‌باشد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: دکتر محمدامین قانع‌ی راد دارای مدرک لیسانس پژوهشگری اجتماعی، در سال ۱۳۶۴ فوق لیسانس جامعه‌شناسی ۱۳۶۸ و دکتری همین رشته از دانشگاه تهران می‌باشد. خاطرات و وقایع تحصیل: اخذ دکتری در رشته جامعه‌شناسی از وقایع مهم در زندگی علمی دکتر سید محمد امین قانع‌ی راد می‌باشد. فعالیت‌های ضمن تحصیل: دکتر سید محمدامین قانع‌ی راد در کنار تحصیل به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون رابطه جامعه‌شناسی و علم در ایران می‌پرداخت. آرا و گرایش‌های خاص: دکتر سید محمدامین قانع‌ی راد از

جمله جامعه شناسانی است که به رابطه‌ی علم و جامعه شناسی و نیز به جامعه شناسی به دیده تخصصی می نگرد. آثار: تبار شناسی عقلانیت مدرن، تعاملات و ارتباطات در اجتماع علمی، جامعه شناسی تولید و کاربرد دانش در ایران، جامعه شناسی رشد و افول علم در ایران، گلیس فرهنگی صنعت، ناهمزمانی دانش

قرا ب سرخسی هروی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بعد از ۴۱۴ - ۳۳۰ ق)، حافظ، محدث، فقیه، زاهد، مقرر و ادیب. وی برادر ابویعقوب اسحاق قرا ب است. از منصور بن عباس و ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد بن غطریفی و ابو عمر بن حمدان و ابواحمد حاکم و مخلد بن جعفر باقرحی و بشر بن احمد اسفراینی و علی بن عیسی عاصمی و همطبقه‌ی آنان حدیث شنید. در بغداد نزد امام عبدالعزیز دارکی فقه آموخت. ابوعطا عبدالاعلی بن عبدالواحد ملیحی و شیخ الاسلام عبدالله بن محمد انصاری و دیگران از وی حدیث شنیده‌اند. وی در بسیاری از علوم همچون قرائت و حدیث و فقه و معانی قرآن و ادب پیشرو و سردسته زاهدان و متألهان بود. از آثارش: «درجات التائبین و مقامات الصدیقین»؛ «الکافی فی علم القرآن»، در قراآت سبع، در چندین مجلد؛ «الجمع بین الصحیحین»، جمع بین «صحیح» بخاری و «صحیح» مسلم؛ کتابی در «مناقب الامام الشافعی»؛ «الشافی» در قراآت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۳۸۱ - ۳۷۹ / ۱۷)، کشف الظنون (۱۸۳۹، ۱۳۷۹، ۱۰۲۳، ۷۴۵، ۵۹۹)، معجم المؤلفین (۲۵۶ / ۲)، هدیه العارفین (۲۰۹ / ۱).

قرا ب سرخسی هروی، ابویعقوب اسحاق

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۹ - ۳۵۲ ق)، حافظ، محدث، مورخ، فقیه، زاهد و مصنف. محدث هرات بود. ابونضر فامی گوید که وی بیش از هزار و دویست استاد داشته است. وی از عباس بن فضل نضروی و جد مادری اش، محمد بن عمر بن حفصویه، و ابوالفضل محمد بن عبدالله سیاری و عبدالله بن احمد بن حمویه سرخسی و زاهر بن احمد سرخسی فقیه و خلیل بن احمد سجزی و حسین شماخی صفار و ابومنصور محمد بن عبدالله بزاز حدیث شنید. شیخ الاسلام عبدالله انصاری هروی و ابوالفضل احمد بن ابی عاصم صیدلانی و حسین بن محمد بن مت و اهل هرات از وی حدیث روایت کردند. خواجه عبدالله انصاری در «جرح و تعدیل» به او احتجاج کرده است. از آثارش: «الوفیات» یا «تاریخ السنین» در «وفیات العلماء» از قرن اول تا ۴۲۹ ق، در دو مجلد؛ «نسیم المهج»؛ کتاب «الأنس و السلوه»؛ «شمائل العباد»؛ «الرمی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۸۵ / ۱)، الاعلام بوفیات الاعلام (۲۸۸ / ۱). انساب سماعی (۶۳۸ / ۴)، ایضاح المکنون (۵۳ / ۲)، تذکره الحفاظ (۱۱۰۲ - ۱۱۰۰ / ۳)، سیر النبلاء (۵۷۲ - ۵۷۰ / ۱۷)، شذرات الذهب (۲۴۴ / ۳)، طبقات الحفاظ (۴۲۴)، العبر (۲۶۱ / ۲)،

کشف الظنون (۱۰۵۹)، العبر (۲ / ۲۶۱)، معجم المؤلفین (۲ / ۲۲۸)، الوافی بالوفیات (۸ / ۳۹۴)، هدیه العارفین (۱ / ۲۰۰).

قره چانلو، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسین قره‌چانلو در سال ۱۳۱۹ در شهر تهران به دنیا آمد. وی دارای دکترای رشته الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران است. نامبرده، پس از فراغت از تحصیل، به کار تدریس از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت. ترجمه کتاب "العلاق النفیسه" حسین قره چانلو، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای: حسین قره‌چانلو تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران به پایان رسانید. سپس وارد دانشگاه شد و موفق به گرفتن مدرک لیسانس و فوق لیسانس و دکترای در رشته الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران گردید. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حسین قره‌چانلو، پس از فراغت از تحصیل به کار تدریس از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت. دکتر قره‌چانلو در تهیه و تنظیم قسمتهایی از دایرة المعارف شیعه و دایرة المعارف اسلام همکاری کرده، هم‌اکنون طراح مسائل تاریخی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. جوایز و نشانها: ترجمه کتاب "العلاق النفیسه" حسین قره چانلو، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. چگونگی عرضه آثار: حسین قره‌چانلو بیش از چهارصد مقاله تحقیقی و تاریخی نوشته است که تمامی آنها در مجله بررسیهای تاریخی ارتش و مجله بررسیهای دانشکده الهیات و معارف اسلامی و دایرة المعارفهای مختلف فارسی به چاپ رسیده است. آثار: ترجمه العلق النفیسه و یژگی اثر: ابن رسته، ۱۳۶۵، امیرکبیر- این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شد- آشنایی با کتاب «العلاق النفیسه» مقصود مؤلف از نوشتن این کتاب، فراهم آوردن اطلاعاتی از مجموعه علوم زمان تألیف کتاب بوده است. او علاوه بر توصیف بلاد اسلامی از سرزمینهای خارج از جهان اسلام نیز سخن به میان آورده است و به صورتی کامل و جامع از جغرافیای نجومی و ریاضی با استناد به آیات قرآنی و آثار نجومی و اقوال دانشمندان سخن رانده است. مطالب کتاب در مورد سرزمین صنعا و امپراتوری بیزانس و هند شرقی و سقلاییان و اقوام اورال و آلتایی و اقوام اطراف دریای سیاه و نواحی اصفهان در خور توجه بوده و اطلاعات جمع آوری شده در باب مکه و مدینه و توصیف رودها و مناطق طبرستان از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به تنوع اطلاعاتی که در کتاب فراهم آمده، می‌توان آنرا دایرة المعارفی کوچک از علوم، جغرافیا و تاریخ گذشته جهان دانست ۲ حرمین شریفین و یژگی اثر: ۱۳۶۲، امیرکبیر . برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قره شیخ لو، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج مهدی قره شیخ لو در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۴۷ هـ ش در منطقه امامزاده حسن تهران دیده به جهان گشود. ولادتش در

میان خانواده ای مذهبی و مقید به آداب اسلامی، نوید بخش آینده ای قرآنی برای او بود و پس از آنکه بصورت اتفاقی در جلسه آموزش قرآن محل شرکت نموده و بذر عشق و اشتیاق در دلش جای گرفت پدر و مادر در شمار نخستین حامیان و مشوقان او را در مسیر قرآن رهنمون گشتند و در مرحله دوم معلم قرآن، دوره راهنمایی او و نیز حضور در جلسات درس جناب آقای توپچی زمینه را برای آموخته شدن هر چه بیشتر روح و جاننش با کلام پروردگار هموار ساخت، آقای قره شیخ لو روخوانی و روانخوانی قرآن کریم را در سال ۱۳۶۱ تجوید را در فاصله سالهای ۱۳۶۲ الی ۱۳۶۴ و صوت و لحن قرآن کریم را بصورت کلاسیک از ۱۳۶۴ آغاز کرده است و ممارست در این زمینه مشغول است. آقای قره شیخ لو علاوه بر فعالیتهای قرآنی تحصیلات خویش را در رشته علوم قرآن و حدیث در دانشگاه تهران ادامه داده و مدرک کارشناسی این رشته را در سال ۱۳۷۷ اخذ نمود. او در سال ۱۳۶۸ ازدواج کرده و ثمره این ازدواج سه فرزند است. و از آنجا که همسرش نیز از معلمان قرآن کریم فرزنداننش نیز در یادگیری مباحث قرآنی مشغولند. او در سال ۱۳۷۱ در مسابقات کشوری اوقاف و نیز در مسابقات سراسری سازمان تبلیغات، رتبه اول را بدست آورد. پس از آن در سال ۷۱ در نهمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم در کشور نیز مقام نخست را از آن خود نمود. آقای قره شیخ لو در راستای فعالیتهای قرآنی خود مسافرتها بسیاری نیز به کشورهای مختلف جهان داشته است. از جمله می توان کشورهای سوریه و لبنان را اشاره کرد. او همچنین در سال ۱۳۶۸ به کشورهای امارات متحده عربی و پاکستان سفر نموده، در این کشورها به تلاوت پرداخت آقای قره شیخ لو در فواصل سالهای ۶۸ تا ۸۰ به کشورهای چین، سودان، آفریقای جنوبی، موزامبیک، فیلیپین، تایلند، ایتالیا، هند، سریلانکا، و آذربایجان سفر نمود. آقای قره شیخ لو همچنین ۹ بار توفیق سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره را داشته است او می گوید: در تمامی این سفرها با استقبال بی سابقه مردم مواجه می شدیم و به طور کلی در تمامی کشورها از تلاوت قاریان ایرانی استقبال می شود که این موضوع باعث شگفتی است. آقای قره شیخ لو بارها در صدا و سیما به تلاوت پرداخته است او از تلاوتش در برنامه بسوی نور که در سن ۱۳ سالگی در سیما یاد می کند. آقای قره شیخ لو تا کنون چندین بار توفیق تلاوت در محضر مقام معظم رهبری را داشته است. از جمله در مراسم اختتامیه پنجمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم و یا در ایام ماه مبارک رمضان که موفق به تلاوت در حضور معظم له شده است.

آقای قره شیخ لو در ابتدای کار تلاوت از قاریانی چون مرحوم استاد منشاوی، استاد محمود علی البّناء و استاد مصطفی اسماعیل تقلید می کرد و مانند بسیاری از قاریان معتقد است که تقلید از قاریان مصری به عنوان نخستین مرحله ز یادگیری صوت و لحن، از جایگاه بسیار ارزشمندی برخوردار است. او در حال حاضر در دوره ای تخصصی مراکز چون تربیت معلم، و تربیت داور در سازمانها و نهادهای مختلف تدریس می کند او اساتید مصطفی اسماعیل، محمد صدیق منشاوی و عبدالباسط را سه قاری برتر مصر از ابتدا تا کنون می داند و در میان قاریان عصر حاضر نیز اساتید حسان، شحات محمد انور و الیثی را از قاریان برتر کنونی مصر بر می شمارد. آقای قره شیخ لو از جمله قاریانی است که سالهای دفاع مقدس را با تمام وجود درک کرده و در برخی عملیاتها حضور داشته است او در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ جزو نیروهای فرهنگی با نام معلم قرآن در جبهه جنوب و مناطق پاسگاه زید، جفیر و مهران مشغول به خدمت شد آقای قره شیخ لو دوبار نیز در شمار نیروهای رزمی در سالهای ۱۳۶۵ الی ۱۳۶۷ در منطقه جنوب و در عملیاتها کربلای ۵ و مرصاد شرکت نمود آقای قره شیخ لو زندگی شخصی اجتماعی و خانوادگی خود را مرهون قرآن می داند و می گوید: کسی که با قرآن همنشین شد در تمامی ابعاد زندگی موفق خواهد شد و به همین دلیل نیز همواره در تلاش بوده تا بتواند آنچه را که در سایه سار کلام وحی آموخته در جلسات به دوستداران قرآن بیاموزد. در سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۳ در دار القرآن سازمان تبلیغات اسلامی و دو سال نیز در کانون علوم پزشکی تهران به فعالیت پرداخت و هم اکنون نیز جانشین مسئول کمیته قرآن شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی است و علاوه بر این از سال ۱۳۷۷ تا کنون در بسیاری از مسابقات قرآن کریم داوری کرده است. آقای مهدی قره شیخ لو معتقد است که فعالیتهای قرآنی در کشور پاسخگوی نیاز جامعه نیست و به رغم اقدامات بسیاری که انجام

شده ضعفهائی نیز وجود دارد. او در توصیه اش به جوانان می گوید: تا آنجا که می توانند وقتشان را برای قرآن صرف بکنند و سعی نمایند که با قرآن مأنوس شوند چون هر چه که ما برای قرآن وقت بگذاریم جز خیر و برکت، چیزی نخواهد بود و جوانان بهتر است که بهترین لحظات عمرشان را که همان جوانی است در جلسات پر نشاط و شاداب قرآنی صرف بکنند و بتوانند در آن لحظات از قرآن بهره بگیرند و تا آنجا که می توانند با قرآن مأنوس شوند.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>:

قزائلو، جمیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، مورخ. از آثار وی: «تاریخ نظامی ایران»؛ «تاریخ نظامی جنگ ایران و مقدونیه»؛ «تاریخ نظامی جنگ ایران و هند»؛ «جنگ ایران و روس»؛ «جنگ ده ساله یا جنگ اول ایران و روس»؛ «جنگ ایران و افغانه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶۷-۱۶۶ / ۵)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (۹۴۱، ۹۱۳-۹۱۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۳-۳۹۵ / ۲).

قزوینی فارسی، سراج‌الدین، ابوحفص عمر

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۵ ق)، مفسر و قاری. او بر قوام‌الدین شیرازی قرائت کرد. از علوم مختلف بهره‌ها داشت، بویژه در عربیت ماهر بود. وی در جوانی قبل از چهل سالگی در گذشت. از آثار وی: «الکشف علی الکشاف» یا «الکشف عن مشکلات الکشاف»، در تفسیر که حاشیه‌ای بر «کشاف» زمخشری است؛ «نصیحه المسلم المشفق لمن ابتلی بحب المنطق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۰۸ / ۵)، شذرات الذهب (۱۴۴-۱۴۳ / ۶)، کشف الظنون (۱۹۵۸، ۱۴۸۰)، معجم المؤلفین (۲۸۹ / ۷)، مینودر (۸۷۱ / ۲)، هدیه العارفین (۷۸۹ / ۱).

قزوینی، عمادالدین، ابوعبدالله زکریا

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۸۳ / ۶۸۲-۶۰۵ / ۶۰۰ ق)، عالم، ادیب، قاضی، فقیه، محدث، مورخ، جغرافیدان و خطاط. معروف به عماد قزوینی. نسبش به مالک بن انس انصاری خادم پیامبر (ص) می‌رسد. در قزوین به دنیا آمد. در جوانی به شام رفت و پس از تحصیلات به عراق

مسافرت کرد. او شاگرد اثیرالدین ابهری حکیم بزرگ ایرانی بود. ابن طاووس، سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن طاووس، مجلس او را درک نموده است. وی در ۶۵۰ ق قاضی حله و در ۶۵۲ ق قاضی واسط شد و تا آخر عمر عهده‌دار آن منصب بود. در واسط درگذشت و پیکرش به بغداد نقل و در مقبره‌ی شونیزیه دفن شد. از آثار وی: «آثار البلاد و اخبار العباد»، در جغرافی، که ظاهراً در «کشف الظنون» به نام «عجائب البلدان» نیز آمده است؛ «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات»، به عربی، در وصف کائنات، در دو مقاله: مقاله نخست در علویات و مقاله دوم در سفلیات به نام سلطان معزالدین شاپور. این دو کتاب گرچه هر کدام کتابی مستقل است اما در حقیقت حکم دایره‌المعارف واحدی درباره عالم و موجودات و مخلوقات و بلاد و آثار آن دارد و این کتاب به فارسی و آلمانی و ترکی ترجمه شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳ / ۸۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۱- ۲۷۹ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۶)، الذریعه (۲۱۹ / ۱۵، ۷ / ۱)، روضات الجنات (۳ / ۳۷۳)، ریحانه (۴ / ۴۵۳)، کشف الظنون (۱۱۲۸- ۱۱۲۷، ۱۱۲۶، ۹)، الکنی و الألقاب (۶۲- ۶۱ / ۳)، معجم المؤلفین (۴ / ۱۸۳)، مینودر (۵، ۸۳۷، ۳- ۲ / ۳)، هدیه الاحباب (۲۱۶)، هدیه العارفین (۱ / ۳۷۳).

قطبی اهری، ابوبکر

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۸۶۰ ق)، مورخ. از مورخان بنام عهد خود که «تاریخ شیخ اویس» را در ۸۶۰ ق تألیف کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۵۹۹- ۵۹۸ / ۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۸۳).

قمصری، علیرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. در کاشان ساکن و نقاش آبرنگ‌کار دوره‌ی ناصری بود و اغلب به شیوه‌ی پدر

نقش می‌آفرید. از آثار وی قلمدان مرغش ساده‌ای است که به طلای ناب، تصاویر گل و مرغی دارد، با رقم: «علیرضا ۱۳۱۲».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳۸۷- ۳۸۶ / ۱).

قنبری (مهر)، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

«من آن موجود بی‌نام و نشانم»

«که باشد ملک گمنامی مکانم»

«صابر کرمانی»

ساعت ۷ بامداد یکی از روزهای گرم تابستان ۱۳۷۰ نگارنده به اتفاق آقایان: عباس شاپوری، حشمت‌الله جودکی، یحیی سپنجی، علی خادم، محمود محرمخانی، هشترودی از تهران برای دیدار استاد ابراهیم قنبری عازم هشتگرد قزوین شدیم، پس از طی مسافت بین تهران- کرج، به منزل مهیار فیروزبخت هنرمند خوب و آهنگساز با استعداد رسیدیم و ایشان هم به جمع ما پیوست و همگی ساعت ۳ بعد از ظهر به منزل استاد قنبری واقع در هشتگرد قزوین رسیدیم. استاد قنبری با رویی خوش و دوست‌داشتنی ما را پذیرا شدند و با توجه به این که در ساعت استراحت ایشان به آنجا رفته بودیم ولی اثری از ناخرسندی در چهره‌ی مردانه و رفتار مهربانش دیده نمی‌شد.

به هر حال به منزل استاد قنبری و در محضرش رسیده بودیم، منزلی که از همه‌ی زرق و برق‌ها، دور و پر از صفا صمیمیت بود، بلی استادی که از اول جوانی اسیر کشش‌ها و فریبندگی و ظواهر دنیا نگشته و همیشه به آن پشت نهاده و به آن بی‌اعتنا بوده و اگر می‌خواست یا اکنون هم بخواهد، هیچگاه از دسترسش دور نمی‌باشد، ولی وی انسانی است شریف، هنرمند، صنعتکار که هر سازی بخصوص ویولن که از زیر پنجه‌های هر آفرین او بیرون آید نه در ایران بلکه در سراسر جهان بخصوص ممالک اروپایی که خود سازنده‌ی این ساز و مربوط به خود آنان می‌باشد معروفیت خاص دارد و در اغلب ممالک جهان از وی دعوت به همکاری شده ولی وی ثانیه‌ای زندگی در ایران را به صدها سال زندگی در آن کشورها ترجیح می‌دهد.

استاد ابراهیم قنبری (مهر) به سال ۱۳۰۷ شمسی در تهران متولد شد، از همان دوران طفولیت به موسیقی علاقه‌مند شد ولی امکانی برای او موجود نبود تا بتواند در این رشته به فراگیری مشغول شود، او به بخاری و سپس به مبل‌سازی روی آورد و در این صنعت و هنر پیشرفت چندانی نمود و از همان اوائل نوجوانی ذوق خلاق خود را نشان داد. ذوق موسیقی و فراگیری آن در نهاد وی چون آتش زیر خاکستر همچنان باقی بود تا این که روزی به منزل استاد صبا که در خیابان ظهیرالاسلام بود می‌رود و وضع خود را با آن استاد بی‌نظیر در میان می‌گذارد. و استاد صبا وی را مورد لطف قرار می‌دهد و به وی می‌گوید که شما بیایید و نزد من ویولن مشق کنید. برخورد صبا با این کارگر جوان چنان پدران و با محبت بود که آن آتش کم‌سوی زیر خاکستر، تبدیل به اخگر فروزانی شد که سراسر جهان را فراگرفت و امروز در موسیقی جهان یک نفر از ایران به نام کاشف صدا که همین استاد قنبری خودمان باشد مطرح گردیده.

وی موسیقی و نواختن ویولن را نزد استاد ابوالحسن صبا فراگرفت و پس از چندی بنا به توصیه مرحوم صبا اولین ویولن را ساخت و صبا این ویولن را گرفت و پس از این که پنجه‌ای با آن زد گفت من احساس می‌کنم که امشب با این ساز بتوانم خوب بزنم. از این زمان به بعد استاد صبا بیشتر قنبری را تشویق در ساختن ساز می‌کرد چون خود صبا هم ساز می‌ساخت و چندی بعد وی را به آراکلیان که در زمینه ساختن ساز اطلاعاتی داشت و کتاب‌های مختلفی را در رشته‌ی ویولن‌سازی در فرانسه مطالعه کرده بود معرفی می‌کند و مدتی با هم در این مورد همکاری می‌کنند، تا این که از طرف وزارت فرهنگ و هنر کارگاهی تأسیس می‌شود تا در آن سازهای مختلف جهت استفاده‌ی هنرجویان ساخته شود، از قنبری هم دعوت می‌شود و در سال ۱۳۳۵ این کارگاه رسماً کار خود را آغاز می‌کند.

استاد قنبری، حدود دو سال در این کارگاه مشغول فعالیت بود که از طرف مسئولین وزارتخانه، جهت آموزش و تکمیل این فن به فرانسه اعزام می‌شود و رفتن این مسافرت هم بیشتر به خواست استاد هنرستان موسیقی آقای سرژ خوتسیف انجام می‌پذیرد. در این مورد استاد قنبری می‌گوید: «من در فرانسه، تقریباً از همان ابتدا یک دوره‌ی مخصوص «تعمیرات» را گذراندم که اهل فن می‌دانند

«تعمیرات» مربوط به دوره‌ی «عالی» سازسازی می‌شود. آخر برای شروع ابتدا می‌خواستند برای مدت دو سال مرا به کلاس‌های مقدماتی نوسازی بفرستند. من سازی را که ساخته بودم، با خودم به آنجا برده بودم، آنها وقتی کار مرا دیدند نه تنها از این تصمیم منصرف شدند بلکه دوره‌ی عالی «تعمیرات» را برایم تدارک دیدند. آن ساز را حتی آقای اوئیستراخ هم تأیید کرد. (اوئیستراخ یکی از چند ویولنیست بزرگ جهان است) آن دوره‌ی دوساله را هم ظرف شش ماه تمام کردم و به ایران برگشتم. لازم به گفتن است که همین «اوئیستراخ» وقتی به کارگاهی که استاد قنبری کار می‌رود و سازی را که ایشان ساخته بوده در دست می‌گیرد، خیال می‌کند که این ساز از ساخته‌های «استرادیواریوس» بزرگترین سازنده‌ی ویولن جهان است ولی وقتی به او می‌گویند که این ویولن را آقای قنبری ساخته، بلافاصله نامه‌ای به این مضمون برای وی می‌نویسد که: «استاد جوان و باذوق، آقای قنبری، به شما صمیمانه تبریک می‌گویم. ساز ساخت دست شما نه تنها ذوق هنری سرشار و پشتکار فوق‌العاده‌ی شما را آشکار می‌کند، بلکه ادراک و احساس عمیق شما را نیز در مسأله‌ی مشکل صدای ویولن نمایان می‌سازد. کمتر اتفاق می‌افتد که این خواص با هم توأم شوند. بنابراین از تصمیم قلب موفقیت‌های بزرگتری را در آینده برایتان آرزو می‌کنم. ارادتمند شما: دیوید اوئیستراخ. شانزدهم ژوئن ۱۹۶۰- پاریس».

استاد ابراهیم قنبری، علاوه بر ساختن ویولن، سازهای دیگری نظیر: ویولنسل، کنترباس، ویولن آلتو، تنبور، قانون، سنتور کروماتیک و هارپ را نیز ساخته و در ساخت همه‌ی آنها هم موفق بوده چون در قید مادیات نبوده و اصولاً به سازسازی عشق می‌ورزد و نمایانگر این ادعا است. استاد قنبری، علاوه بر کارگاه سازسازی وزارت فرهنگ و هنر سابق، کارگاه سازسازی «مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی» را خود پایه‌گذاری کرد و شاگردان ورزیده و ماهر که هر یک از استادان به نام می‌باشند تربیت نمود و در مدت شصت و سه سال عمر پربار و پرثمر خود، خدمات گرانبهایی به موسیقی و فرهنگ صوتی کشور کرد و در اوج شهرت و پیشرفت و بزرگی، هیچگاه به خود غره نشد و هنوز معتقد است که خیلی چیزها هست که باید فراگیرد و می‌گوید هنر مرز و انتها ندارد که انسان خیال کند که به آخر آن رسیده. استاد قنبری، در ساخت ویولن که بیش از سیصد سال از ساخت آن می‌گذرد تغییراتی داد که به تأیید استادان جهانی نیز رسیده و بعضی از این ابداعات و تغییراتی را که وی روی ساخت ویولن انجام داده، اندره هیل یکی از بهترین ویولن‌سازهای انگلیسی روی سازهای ساخت خود انجام داده و این را زمانی که استاد قنبری در انگلستان در کلاس ویولن‌سازی دوره می‌دید از وی فراگرفت.

درباره‌ی استاد قنبری چه خوب است از دهان سیاوش اکبری یکی از شاگردان وی بشنویم: «یادم هست روز اولی که با برادرم هوشنگ نزد این استاد بزرگوار و بی‌تکبر رسیدیم و درباره‌ی ساختن ساز با ایشان گفتگو کردیم، به ما گفتند که خیلی‌ها پیش من می‌آیند و ساز ساخته شده‌ی خود را می‌آورند تا نظر دهم، به آنان می‌گویم شما ساز نسازید و خیلی‌ها هم قبول می‌کنند و به ساختن چیزهای دیگری روی می‌آورند، ولی به شما می‌گویم که بروید ساز بسازید و کار خود را توسعه بخشید.»

سپس فرمودند حالا هر سؤالی دارید، من حاضریم که به آن پاسخ گویم. در اینجا لازم به توضیح است که اکثر مردم فکر می‌کنند استاد قنبری فقط سازنده‌ی ویولن هستند و تخصص ایشان روی این ساز است و ما هم جزو همین دسته از مردم بودیم ولی وقتی از استاد درباره‌ی سازهای دیگر جویا شدیم متوجه گردیدیم که استاد قنبری اقیانوس بی‌کرانی هستند که هنوز اجتماع پی به وجود چنین گوهر نایابی نبرده است.

استاد قنبری، پس از این که درباره‌ی هنر تارسازی مطالبی را برای ما گفت، برادرم راجع به رنگ ویولن از ایشان سؤال نمود استاد گفت این مطالب باشد برای پنج سال بعد. ما با توجه به این که از مجالست و محضر ایشان سیر نمی‌شدیم خداحافظی کردیم از منزل این استاد بزرگ رفتیم، پس از یک ماه مجدداً همراه برادرم هوشنگ به تهران آمدیم و ویولنی را نزد استاد بردیم که این مرتبه استاد قنبری فرمودند حیف است این ویولن با این رنگ، رنگ‌آمیزی شده باشد، لذا مقداری رنگ به ما دادند و فرمودند که

این را ببرید و رنگ این ویولن را عوض نمایید و از آن زمان به بعد تمامی سازهای خود را اعم از ویولن، تار، سنتور، سه‌تار، چه مشقی و چه غیر مشقی از این فرمول رنگ استفاده می‌کنیم و سازهایی را که ما قبل از این تاریخ فروخته بودیم، همه را جمع‌آوری کردیم و صاحبان آنان ساز جدید دادیم و فقط از وسائل این سازها، استفاده در جهت ساختن سازهای دیگر کردیم.

از آن پس، هر دو ماه یکبار ما سازی می‌ساختیم و نزد استاد قنبری می‌بردیم که استاد می‌دیدند و مرتباً با مهربانی و خلق خوش راهنمایی می‌کردند و رفع اشکال می‌نمودند تا این که استاد دلسوز و گرانقدر در شهریور ماه سال ۱۳۶۸ به مدت دو روز به ارومیه تشریف آوردند و بدون دیناری چشم‌داشت مادی از صبح تا شب بدون اینکه کسی با خبر باشد در کارگاه محقر ما، روی پای خود می‌ایستادند و ما را راهنمایی می‌کردند که در اینجا لازم می‌دانم از این استاد فرزانه و باگذشت و بی‌همتا تشکر کنم و برای بار دوم نیز در عید سال ۱۳۶۹ به مدت ۱۰ روز مجدداً به ارومیه تشریف آوردند و در این مدت ۱۰ روز یک عدد ویولن، یک عدد تار و یک عدد سه‌تار که قبلاً طبق دستور خود ایشان، نیمه‌کاره رهاش ساخته بودیم در حضور ایشان تکمیل نمودیم و این نهایت لطف استاد گرانقدر و بزرگواری است که مدت ۱۰ روز از وقت گرانبهای خود را در دورترین نقطه‌ای از وطن خود ایران، بدون ذره‌ای نظر مادی در اختیار دو نفر از هموطنان خود گذاشت و مهم این که در این ۱۰ روز، روزانه، صبح تا شب پا به پای ما روی سازها کار کرد که به جرأت باید بگویم این هنرمند بزرگ از ما بیشتر زحمت کشید.

در اینجا می‌خواهم اندکی در مورد استاد عزیزمان آقای ابراهیم قنبری مهر برای شما بگویم، البته اگر کسی بخواهد از ایشان سخن بگوید باید به اندازه کافی به ایشان نزدیک و سالهای سال در جوار این استاد انسان و شریف زندگی کند تا به بزرگواری و وارستگی این مرد پی ببرد و به اهمیت کارهایی که ایشان انجام داده واقف گردد. چه اهمیت کار ایشان چنان بالا است که نه تنها ایران و ایرانی، بلکه کل جهان باید به وجود چنین مردی افتخار کند و هر ایرانی مفتخر و شکرگذار ایزد منان باشد که چنین نعمتی را برای این سرزمین ارزانی داشته.

در مورد کارهای هنری ایشان، باور کردنش مشکل است که این همه خلاقیت و هنر از دست یک نفر ساخته باشد کسانی که در کار هنری وارد هستند می‌دانند که انسان خیلی مشکل است دو هنر را در حد کمال برساند و با توجه به این که در کشور ما امکانات برای آموزش کارهای هنری بسیار کم است و هنرمند با مشکلات فراوانی روبرو می‌گردد. با این همه ایشان در چندین هنر مهارت کامل دارند که از آن جمله‌اند: طراحی، قالب‌سازی، خاتم‌کاری، سازسازی، نوازندگی و از همه بالاتر خلق و خوی خوب انسانی که در درجه اهمیت و والایی قرار دارد.

ابتدا در مورد سازسازی ایشان باید بگویم که ایشان نه تنها به عنوان سازنده‌ی عالی و ممتاز، بلکه به عنوان تکامل‌دهنده خوب در سطح جهانی مطرح هستند، برای مثال چند نمونه از آنها را برایتان می‌گویم:

۱- در مورد «هارپ» که سازی است با قدمت کهن و تاریخی و در جهان سه کشور بیشتر آن را نمی‌سازند و آن سه کشور هم عبارتند از: آمریکا، فرانسه و شوروی، ایشان عیبی را که بعد از یکصد و پنجاه سال کارشناسان ممالک مزبور نتوانسته بودند رفع کنند، با تکنیکی عالی، این عیب را رفع نمود و آن را ساخت بدون عیب و به تصدیق کارشناسان خارجی هم رسید که هم‌اکنون این «هارپ» در کارگاه میراث فرهنگی موجود می‌باشد.

۲- در مورد ویولن بعد از «استرادیواریوس» هیچ کس نتوانسته است کاری برای ویولن انجام دهد و آن را به تکامل نزدیکتر سازد ولی استاد قنبری با دلایل منطقی، چندین کار از جمله فاصله‌گوشی‌ها از هم به خاطر راحت کوک کردن پر بودن بالای «F» به خاطر استحکام و فرم پشت، به خاطر استحکام بیخ دسته و زیبایی و بسیاری کار دیگر در داخل و فرم ویولن و صدای ویولن انجام داده‌اند که در تمام دنیا مورد تأیید اساتید بزرگ جهان می‌باشد.

در اینجا لازم به یادآوری است که زنده‌یاد استاد ابوالحسن صبا، ویولن را در موسیقی ایرانی وارد و میان سازهای ایرانی به صورت

علمی جای داد و به نحو احسن از آن استفاده کرد تا آن که حتی با سازهای ایران به رقابت پرداخت و مشابه این مطلب را با آهنگساز هنرمند و خوبی داشتم که ایشان فرمودند: «استاد قنبری ویولن را ایرانی ساختند و واقعاً هم همین طور است، چون هر نوازنده‌ای با این ساز می‌تواند مهجورترین ردیف‌ها و گوشه‌های دستگاههای موسیقی ایران را بنوازد.»

۳- در مورد سه‌تار، غیر از کارهایی که برای استحکام آن کرده، اول باید از ثابت کردن خرک که موجب زیبایی و ثابت بودن پرده‌ها می‌گردد یاد شود. سپس تغییر شکل سر و پنجه که موجب می‌شود سیم انداختن آن راحت باشد و دیگر لازم نباشد که بعد از شیطانک پرده‌ای بسته شود و دیگر، پرده‌های فلزی کشویی که باعث می‌شود پشت دسته خالی باشد تا نوازندگی راحت‌تر شود و علاوه بر آن نوازنده هرچند ماه یکبار لازم نباشد که پرده‌ها را عوض بکند و علاوه بر آن صافی صدا آن است که از پارازیت‌های موجود در پرده‌ها می‌کاهد.

۴- و اما تار و کارهایی که در مورد آن انجام داده، اول باید از ساختن تار یک تکه نام برد. سپس باز پرده‌های فلزی که همان کارهایی را که در سه‌تار گفته شد انجام می‌دهد، در مورد سرپنجه تار که یک شکل غلطی داشت، گو این که فهم این شکل جدید برای بعضی‌ها که سالها است، شکل قدیم را دیده‌اند مشکل می‌باشد، اما اگر محاسن این سرپنجه را بدانند، اصلاً با آن سرپنجه قدیم کار نمی‌کنند که در اینجا به طور خلاصه آنها را بیان می‌کنم: از نظر زیبایی اگر شکل تار را از پایین نگاه کنیم هیچ شکل هندسی ندارد، اما وقتی به سرپنجه می‌رسیم، یک مکعب می‌بینیم که اصلاً به شکل تار نمی‌آید، اما چون مردم عادت کرده‌اند آن را زیبا می‌بینند. دیگر از نظر سیم انداختن باید در سرپنجه‌های قدیمی یک نخ به سیم ببندیم و بعد با آب دهان به نخ بزیم و با دشواری آن را به گوشی چسبانیده و آن جا ببندازیم اما در سرپنجه جدید، این طور نیست، گوشی‌ها به سری کنار هم سوار شده‌اند هر کدام سوراخی دارد که خود سیم در آن جای می‌گیرد، در اینجا به آن عده که زیاد علاقمند به سنت و فرهنگ اصیل ایرانی هستند می‌گوییم باید قبول کنند که برای یک سیم انداختن شش بار آب دهان به سرپنجه تار انداخته می‌شد ولی در فرم جدید چنین نیست و باید صراحتاً بگوییم که هر کس اگر بخواهد به فرم کاسه و نقاره‌ی تار دست بزند واقعاً خیانت کرده است چه استاد یحیی آن را به حد کمال رسانده و احترامش بر همه واجب است و این موضوع را هم استاد ابراهیم قنبری به بنده فرمودند.

از نظر کوک ننگه داشتن سرپنجه‌ی قدیم به خاطر اختلاف زاویه‌ای که سیم‌های زرد دارند، همیشه دست نوازنده در گوشی‌های تار می‌گردد و بعد از کوک به خاطر اختلاف پتانسیلی که در جلو و عقب شیطانک هست با یک ضربه مضراب دوباره کوک به هم می‌خورد و باید دوباره کوک شود.

۵- یک تکه بودن سرپنجه و دسته است که موجب استحکام آن می‌گردد و دو کار بسیار مهم در دهانه تار انجام داده که به تکامل این ساز افزوده: یکی شیاری است که در انتهای دسته ایجاد کرده که پوست در آن جای گیرد، چون این پوستی که روی دسته چسبانیده می‌شد، همیشه بر اثر برخورد با پرده‌ی آخر تار بلند می‌شد و کنده می‌گردید که این عیب رفع شد و دیگر شیاری است که اطراف دهانه کاسه و نقاره ایجاد نموده که تکلیف نوازنده را با پوست اضافی دهانه مشخص می‌کند، چه تارهای قدیمی را هر موقع که پوست می‌انداختند به خاطر کوچکی و بزرگی پوست هر بار از جایی می‌بریدند که این موجب می‌شد دهانه تار همیشه بیش از همه جا تیغ بخورد و یا همیشه قسمتی از انتهای پوست بلند شود که اینها در عکس‌ها مشخص می‌باشد.

در مورد «قانون»، اسناد این ساز را از تمام عیوب از جمله کلیدهای آن کامل نموده که البته چون در تخصص ما نیست نمی‌توانم در مورد آن زیاد توضیح بدهم اما همین قدر می‌دانم، آخرین «قانونی» را که ساخته بود و در کارگاه ایشان بود، کلیدهای آن طوری بود که نوازنده در هر جایی که می‌خواست می‌توانست کوک آن را تغییر بدهد.

و اما در مورد کمانچه، استاد تحقیقی در مورد تمام کمانچه‌های شهری و محلی ایران و خارج از ایران کرده که از مجموع آن اخیراً کمانچه‌ای ساخته که علاوه بر تکمیل کاسه، دو نکته بسیار مهم در دسته‌ی انجام داده که حائز اهمیت است یکی شکل سرپنجه که

از حالت ماشینی بیرون آمده ولی باز شکل اصلی که در معماری‌ها و نقاشی‌های قدیم می‌توان آن را یافت برای سرپنجه انتخاب کرده و باز به روشی علمی در زاویه سرپنجه با سیم حرکت نموده، دیگری کاری است که در بیخ دسته کمانچه انجام داده که مثل تار و ویولن شده و به استحکام آن می‌افزاید و همچنین تعبیه تاندر برای تنظیم سیم‌ها از کارهای جالب ایشان می‌باشد که اجازه‌ی ساخت آن را استاد به ما دادند و همچنین تار با پرده‌ی فلزی را که مشاهده می‌کنید.

در مورد سنتور، کاری که آقای ناظمی در صدای آن کرده قابل ستایش است، اما فقط استاد قنبری با ساختن سنتور «کروماتیک» و تعبیه‌ی گوشی‌های پیچی و ریل‌های تغییر کوک توانسته کاری برای سنتور انجام بدهد که نمونه‌های آن در میراث فرهنگی موجود است و ما نیز تصمیم داریم کارهای ایشان را دنبال کنیم، چه خود ایشان می‌گفتند هنوز نوازنده برای اجرای بعضی از نغمات موسیقی، خود را عاجز می‌داند.

در مورد ضرب (تنبک) ایشان نمونه‌ای در میراث فرهنگی دارند که می‌توان آن را با سازهای دیگر کوک نمود. و علاوه بر اینها در تمامی سازهایی که از ایران باستان در ایران معمول بود، از سرنا گفته تا قیچک و از طبل تا عود و غیره، رویشان تحقیق و کار کرده است و در رنگ‌سازی و رنگ‌کاری نیز مهارت کامل دارد و چون در خاتم‌کاری و معرق خود استاد کاری بی‌نظیر می‌باشد و روی چندین سه‌تار و ویولن این کار بدیع و زیبا را انجام داده، در مورد ویولن‌های ساخت این استاد بی‌نظیر باید بگویم که در سال ۱۳۳۹ در پاریس آقای ویلیام اوئیستراخ نوازنده زبردست روسی، ویولن ساخت استاد قنبری را با ویولن استرادیواریوس ویولن‌ساز بزرگ ایتالیایی اشتباه می‌گیرد و وقتی به او می‌گویند که ویولن ساخت یک ایرانی است بنام استاد ابراهیم قنبری (مهر)، اوئیستراخ می‌گوید «واقعاً برای من افتخارآمیز است که با سازنده‌ی سازی چنین هنرمند آشنا شدم».

در مورد اخلاق و انسانیت استاد قنبری باید یادآور شوم که مصاحبت انسان با ایشان، انسان را در مسیر دیگری از زندگی قرار می‌دهد، حتی در نکات باریک زندگی می‌تواند الگوی تمامی هنرمندان و هنردوستان باشد، برای مثال تنها چیزی که برای وی اهمیت ندارد، مادیات است که طرز زندگی و سادگی و بی‌پیرایگی خانه‌اش همان منزل چهل سال پیش با همان یک تکه فرش.

ایشان درس زندگی کردن و رفتار با هم نوع، با جامعه و حتی طرز آموختن را به ما آموختند، یاد می‌آید، روزی مطلب بسیار ناچیزی در مورد خرک تار به ایشان پیشنهاد کردم چنان با تواضع و آب و تاب آن را پذیرفتند که من یکبار به خود آمدم که این همه مسائل که به ما آموختند یکبار با روحیه‌ای تکبرآمیز نبود ولی این پیشنهاد من، چقدر ایشان به من احترام قائل گردیدند و آموختم که انسانیت و بزرگ‌منشی یعنی چه و در تأیید این مطلب به عکسی که از مرحوم استاد ابوالحسن صبا در منزل ایشان است دیدم که شادروان استاد صبا زیر عکس خود امضاء نموده و نوشته است: «تقدیم به شاگرد عزیز و استاد گرانقدرم جناب آقای ابراهیم قنبری». و به خاطر همین سجایا و اوصاف اخلاق و رفتار است که هنرمندان به ایشان یادگار صبا نام نهاده‌اند و من در اینجا با توجه به خصلت‌هایی که از زبان خود استاد و چه از زبان هنرمندان دیگر و خواننده‌ام، صراحتاً می‌گویم که بهترین شاگرد صبا، استاد ابراهیم قنبری است، چون با این که تمامی شاگردان مرحوم صبا خوبند، اما شاگرد باید تمامی خصلت‌های استاد را داشته باشد نه تنها نوازندگی و سازندگی آن را؛ البته خصایل اخلاقی هیچ کس را نمی‌توان بر روی کاغذ آورد زیرا مثلاً نگاه کردن، سخن گفتن و حتی گوش کردن به مطلبی حائز اهمیت، ماهرترین و چیره‌دست‌ترین نویسندگان نمی‌توانند با قلم بیان نمایند، من باب مثال، روزی در حضور استاد بودیم، صحبت از زنده‌یاد ابوالحسن صبا شد، ایشان نواری آوردند که آن را آقای رحمت‌الله بدیعی، قطعاتی از صبا را نواخته بود و برای ایشان فرستاده بود. نوار را روی ضبط نهادند و به گوش کردن آن مشغول شدیم و ضمن آن چای می‌خوردیم، یکبار من و برادرم متوجه شدیم استاد به زانو نشسته و نصف چای را خورده بودند و نصف دیگر در دستش سرد شده بود و با تمام وجود گوش می‌داد، گویی همان لحظه‌هایی را به خاطر می‌آورد که استاد فرزانه‌اش صبا زنده بوده و با پنجه‌های هنرآفرین خود می‌نوازد، کاری که هیچ شاگردی در حیات استادش نکرده چه رسد در ممات او، به هر حال نیم‌ساعت طول کشید

تا نوار تمام و استاد قنبری نیمه‌ی چای سرد شده‌ی خود را بر زمین نهاد، در خاتمه یادآور شوم که این استاد قنبری است که موسیقی را پاک و منزه در هر شرایط و دوره‌ای کرد نه موسیقی وی را، زیرا هیچگاه اسیر مجالس و محافل، مادیات و خودباختگی‌ها نشد و انسانی پاک و شریف، عارفی پاک‌نهاد زیست و زیست می‌نماید.»

استاد قنبری، از نوابغ کم‌نظیر نه تنها ایران بلکه جهان است که بی‌سر و صدا و دور از تظاهر و خودستایی به هنرش عشق می‌ورزد و به کارش ادامه می‌دهد، باید قدرش را دانست و به این مرد بزرگ و درویش، احترام خاص قائل شد، اگر کارگاهی زیر نظر وی با امکانات به وجود می‌آمد، علاوه بر تربیت استادکاران متعدد، سازهای ساخت ایشان نیز منبع درآمد ارزی خوبی برای کشور به حساب می‌آمد. قنبری به نوازندگی اکثر سازها آشنایی کامل دارد، از استاد قنبری هنوز آن طور که شایسته‌ی ایشان است تجلیل به عمل نیامده و تا دیر نشده باید از وی دلجویی شود. نگارنده شعر شاعر گرانمایه «جعفر نوای اصفهانی» را در اینجا می‌آورم که وصف‌الحال این استاد بزرگ و فرزانه می‌باشد:

«گل و ابر»

شنیدم نو گل خوش رنگ و بویی
فسرده از تشنگی بر طرف جویی
بر او تایید بس مهر جهانتاب
شد از پژمردگی بی‌طاقت و تاب
حرارت شد عدوی رنگ و بویش
چو شد خشک آب جوی رفت آبرویش
چو افتاد آن گل از عزت به خواری
به گردون خیمه زد ابر بهاری
گل پژمرده چون آن سایه را دید
به امید کرم از جای جنید
گفت که ای ابر گهربار
بحال خسته من رحمتی آر
ز گرما سوختم باری ز احسان
بروی آتشم آبی بیافشان
نگردد کم از آن دریا که داری
اگر یک قطره هم بر من بیاری
ترحم کن، مروت کن، وفا کن
گر احسان می‌کنی بر من بجا کن
سرت نازم، مکن زین بیش تأخیر
ز پا افتاده‌ام دست مرا گیر
بجای آن که ترسازد رخس را
چنین داد آن سیه دل پاسخش را
که ما را خوانده نزد خویش خواری

هم‌اکنون برفراز کوهساری
 پس از انجام آن خدمت که داریم
 اگر شد بر تو هم قدری بیاریم
 گل چنان از آتش حرمان دلش سوخت
 که از هستی به کل چشم طمع دوخت
 چو گل را زندگانی یافت انجام
 بناگه بازگشت ابر سیه‌فام
 نگاه مرحمت برطرف جوی کرد
 گل خوش‌رنگ و بو را جستجو کرد
 ندید از آن گل پژمرده آثار
 بجز یک شاخه‌ی خشکی نگونسار
 در آن هنگام اشکش شد سرازیر
 ترحم کرد، اما اندکی دیر
 «هنرمندان»، که دائم غمگسارند
 گل خوش رنگ و بوی روزگارند
 اگر روزی هنرمندی سخن‌دان
 برد حاجت به دو نان بهر یک نان
 چنان کوبند مستی بر دهانش
 که مسکین سیر می‌گردد ز جانش
 شرنگک مرگ چون پر کرد جامش
 زرافشانی کنند از بهر نامش
 چو پایان یافت دور و روز گارش
 طلا گیرند بر گرد مزارش
 چو طوطی کرد آهنگ پریدن
 چه سود از نقش طوطی را خریدن
 نوا جز این فلک را نیست کاری
 که هر گل را کند پامال خاری
 برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

قہپایی، زکی‌الدین، عنایت‌الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم و یازدهم ق)، عالم امامی، رجالی، محدث، محقق و مورخ. معروف به زکی نجفی. اصل او از قهپایه اصفهان بود. در نجف به تحصیل پرداخت و همان جا ساکن شد. وی شاگرد محقق اردبیلی و شیخ بهایی و ملا عبدالله تستری و معاصر با سید امیر مصطفی تفرشی بود. در تمامی علوم دینی متداول بویژه رجال و درایه توانا بود. از آثار وی: «مجمع الرجال»، که در ۱۰۱۶ ق آن را تألیف نموده بود. از آثار وی: «مجمع الرجال»، که در ۱۰۱۶ ق آن را تألیف نموده و جزوه بهترین کتب رجالیه است؛ «ترتیب اختیار کتاب رجال الکشی»؛ «ترتیب رجال النجاشی»، و حواشی بر آن؛ «ترتیب رجال شیخ الطائفه»؛ «ترتیب فهرست شیخ الطائفه»؛ حاشیه بر «نقد الرجال» میر مصطفی تفرشی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۸۱ / ۸)، الذریعه (۲۹ / ۲۰، ۲۲۸، ۲۲۶ / ۶، ۷۱، ۷۰-۶۶، ۶۵ / ۴)، روضات الجنات (۳۹۴-۳۹۳ / ۴)، ریحانه (۴۹۸-۴۹۷ / ۴)، الفوائد الرضویه (۳۴۲)، الکنی و الالقاب (۹۷-۹۶ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قهپایی)، معجم المؤلفین (۱۴ / ۸).

قهرمانی نژاد، بهاء‌الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهاء‌الدین قهرمانی نژاد

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای بهاء‌الدین قهرمانی نژاد در بیست و پنجم مرداد سال ۱۳۴۳ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در تهران دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه شیخ عبدالحسین در تهران گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره‌های علمی و اخلاقی فراوان برد. وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۲ به حلقه دروس خارج راه یافت. و از درس ستارگان درخشان حوزه‌های علمیه عالم شیعه همچون مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله موسوی تبریزی، آیت الله جوادی آملی، و... بهره‌های فراوان علمی و اخلاقی برد. وی در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته تاریخ اسلام در مقطع دکترا از دانشگاه اصفهان فارغ‌التحصیل گردید. و هم‌اکنون به تدریس در دانشگاه تهران مشغول می‌باشد. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به تبلیغ، تحقیق و تألیف به چیز دیگری نیاندیشیده است که آثار متعددی از جمله "علویان طبرستان، قیام سبز جامگان، و... را به رشته تحریر و زیور طبع آراسته است.

قیاسی، جلال الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جلال الدین قیاسی

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

با گرفتن دیپلم ریاضی در سال ۱۳۵۵ وارد دانشگاه شده و در رشته مهندسی آبیاری به تحصیل خود ادامه داد. پس از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها از ادامه تحصیلات دانشگاهی منصرف و در سال ۱۳۶۰ جهت فراگیری علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم. دروس مقدمات و سطح را طی ۸ سال نزد اساتیدی همچون آیت الله اشتهاردی، اعتمادی ستوده، وجدانی فخر و کریمی جهرمی گذراندم و از سال ۱۳۶۸ در درس خارج اساتیدی همچون آیت الله سبحانی، وحید، تبریزی و مکارم شیرازی شرکت نمودم. در سال ۱۳۶۸ مجدداً به تحصیلات دانشگاهی پرداختم و در سال ۱۳۷۲ از دانشگاه تهران (پردیس قم) لیسانس حقوق و در سال ۱۳۷۵ از دانشگاه شهید بهشتی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی و در سال ۱۳۸۳ از دانشگاه تربیت مدرس تهران دکترای حقوق خود را در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دریافت کردم. از سال ۱۳۷۳ به تدریس و تالیف و تحقیق در مراکز آموزشی و تحقیقاتی پرداخته ام.

کاتبی کاشی کار، علی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کاشی کار، علی بن احمد بن حسین، از هنرمندان کاشی کار نیمه‌ی دوم قر. ۶ و نیمه‌ی اول قر. ۷ ه. از آثار باقیمانده‌ی وی کتاب نفیسی است مورخ به سال ۷۰۵ ه. ق که سابقاً به امامزاده یحیی در ورامین تعلق داشته و اکنون در موزه‌ی ارمیتاژ لنین گراد محفوظ است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کازرونی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۵۵ ق)، فقیه شافعی، محدث و مقری. وی شیخ شافعیه و ساکن آمد و فقیه آنجا بود. او از احمد بن حسین بن صیاح بلدی و قاضی ابو عمر هاشمی و ابن رزقویه و ابو الفتح بن ابی الفوارس بغدادی حدیث شنید. قرآن را نزد ابوالحسن علی بن احمد بن عمر بغدادی حمای خواند. فقیه نصر مقدسی به نزد وی رفت و در محضرش فقه آموخت و فقیه ابوعلی فارقی قرآن را بر او قرائت کرد. کازرونی در دمشق، پیش از تشرف به حج، حدیث گفت و ابو غانم عبدالرزاق معری و عبدالله بن حسن نحاس و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. از آثارش: «الابانۀ»، در فقه شافعی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سیر النبلاء (۱۷۲-۱۸/۱۷۱)، طبقات الشافعیه ی اسنوی (۲/۱۸۰)، طبقات الشافعیه ی سبکی (۱۲۳-۴/۱۲۲)، کشف الظنون (۱)، معجم المؤلفین (۵۷/۱۰، ۹/۱۲۰)، هدیة العارفین (۲/۷۱).

کاشانی، جمال‌الدین، ابوالقاسم عبدالله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم و هشتم ق)، مورخ و نویسنده. از خانواده‌ی هنرمندی بود که اکثر آنها در کاشی کاری ماهر و استاد بوده‌اند. خود جمال‌الدین نیز از این حرفه اطلاعاتی کافی داشت ولی به کارهای دیوانی و مشاغل ادبی و علمی پرداخت و به خدمت سلاطین ایلخانی درآمد. وی از جمله منشیان متعددی بود که زیر دست خواجه رشیدالدین فضل‌الله (۷۱۸-۶۴۵ ق)، وزیر غازان خان و سلطان محمد خدابنده، به کار تألیف و تدوین اشتغال داشت. پس از مرگ خواجه رشیدالدین، کاشانی در مقدمه کتاب «تاریخ اولجایتو» که برای گنج‌نیده شدن در کتاب «جامع التواریخ» خواجه در نظر گرفته شده بود، مدعی شد که همه‌ی «جامع التواریخ» از اوست و خواجه کار او را به خود نسبت داده است. از آثارش: «تاریخ اولجایتو»؛ «عرایس الجواهر و نفایس الاطایب»، درباره‌ی شناخت احجار و املاح و خوشبویه‌ها؛ «زبدۀ التواریخ». در «کشف الظنون» کتاب «زبدۀ التواریخ» به محمد بن علی کاشی (م ۸۳۶ ق) نسبت داده شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۳۲-۳/۱۲۳۱)، تاریخ گزیده (۷)، تاریخ‌نگاران ایران (۳۵۸-۳۵۹)، تاریخ نظم و نثر (۷۳۴-۷۳۳، ۱۵۱)، عرایس الجواهر و نفایس الاطایب (مقدمه)، کشف الظنون (۹۵۱).

کاشانی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا عبدالحسین خان ملقب (به ملک المورخین) بن میرزا هدایه‌الله خان بن لسان‌الملک میرزا محمدتقی خان ملقب (به سپهر) بن ملا علی ضرابی کاشانی تهرانی متولد ۱۲۹۰ و متوفی ۱۳۵۲ قمری ادیبی بارع و مورخی فاضل بوده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، عبدالمطلب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، ادیب، مفسر، طبیب، مورخ و شاعر. مشهور به ادیب کاشانی. سلسله نسب وی به طایفه غفاری و بنا به قول صاحب «گنج شایگان» به ابوذر غفاری می‌رسد. وی در عصر ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق) می‌زیست. میرزا عبدالمطلب، خواهرزاده‌ی میرزا ابوالحسن خان نقاش باشی صنایع الملک بود. وی در قواعد عربی، علوم ادبی، تفسیر و علم طب بی‌نظیر بود و همگان او را در فنون مزبور به استادی قبول داشتند. ادیب کاشانی تاریخی نیز تألیف کرده که گویا از بین رفته است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۱۸۰-۱۱۷۹/۲)، شرح حال رجال (۱۵۰/۶)، گنج شایگان (۳۴۸-۳۴۵).

کاشانی، فتح‌الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۸۸ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محقق، مفسر، محدث و مورخ. از علمای بزرگ اواخر قرن دهم قمری و از شاگردان مفسر بزرگ، ابوالحسن علی بن حسن زواری، بود که به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت کرده است. او همچنین از ضیاءالدین محمد بن محمود، از مقدس اردبیلی، روایت می‌کند. در «مشیخه» سید حسین کرکی سال وفاتش ۹۹۷ ق ذکر شده اما ماده تاریخ وفات وی (ملاذ الفقهاء) برابر با ۹۸۸ ق می‌باشد. از آثار وی: ترجمه قرآن به فارسی؛ «منهج الصادقین فی تفسیر القرآن المبین و الزام المخالفین»، به فارسی، در یکصد و هفتاد هزار سطر؛ «خلاصه المنهج»، به فارسی، که ملخص «تفسیر منهج» است، در سه مجلد؛ «زبدۃ التفاسیر»، تفسیری به عربی، در حدود هشتاد هزار سطر؛ شرح «نهج البلاغه»، به نام «تنبيه الغافلین و تذکرۃ العارفین»، به فارسی؛ «کشف الاحتجاج»، در ترجمه‌ی «احتجاج» طبرسی، به فارسی، که آن را برای شاه طهماسب صفوی تألیف کرده است. [۱]

(ملا) فتح‌الله بن شکرالله، فقیه و محقق و متکلم و مفسر امامی (ف. ۹۸۸ ه.ق). وی شاگرد علی بن حسن زواری بود و به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت دارد. او در همه‌ی علوم دینی متداول متبحر بود خصوصاً در تفسیر، وی راست: ترجمه‌ی احتجاج طبرسی که به نام کشف الاحتجاج مذکور است، ترجمه‌ی قرآن به فارسی (و آن غیر از سه فقره تفسیر قرآن مذکور در ذیل است)، تنبیه الغافلین و تذکرۃ العارفین (شرح فارسی نهج البلاغه)، خلاصه‌النهج (ملخص تفسیر منهج الصادقین مذکور در ذیل)، زبدۃ التفاسیر (تفسیر قرآن به عربی)، کشف الاحتجاج (ترجمه‌ی فارسی احتجاج طبرسی که برای شاه طهماسب تألیف شده)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین (تفسیر بزرگ به فارسی) (ریحانۃ الادب، لغ).

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۳۹۲/۸)، ایضاح المکنون (۵۹۲/۲)، تاریخ کاشان (۲۸۰-۲۷۹)، الذریعه (۱۹۴-۱۹۳/۲۳، ۸-۷ / ۱۸، ۲۳/۱۲، ۲۳۴-۲۳۳/۷، ۴/۴۴۷)، روضات الجنات (۳۳۱-۳۳۰/۵)، ریاض العلماء (۳۱۹-۳۱۸/۴)، ریحانه (۲۰/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۸-۱۷۷/۱۰)، فوائد الرضویه (۳۴۶-۳۴۵)، لغت‌نامه (ذیل / کاشانی)، معجم المؤلفین (۸/۵۱)، هدیه العارفین

(۱/۸۱۵)

کاشفی، امیر محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد دکتر حاج امیر محمود کاشفی در شهر زاهدان پا به عرصه وجود نهاد. ولادت او در خانواده‌ای مذهبی و معنوی، نخستین بارقه پرورش الهی او شد. پدرش مرحوم حاج محمد زمان، از فضلالی زمان، بر تربیت معنوی و مذهبی فرزندش اهتمامی بسیار داشت. و در این راه از هیچ کوشش فروگذار نمی‌کرد. به همین سبب نیز نخستین طلعه‌های عشق به قرآن و فراگیری آن، به تشویق پدر در زندگی استاد کاشفی درخشیدن گرفت. شنیدن برخی آوازهای مذهبی که در نظام طاغوت، از رادیو پخش می‌شد، یکی دیگر از عوامل تعقیب کاشفی به نعمات و الحان قرآن کریم شد.

پس از آن، در طول مدت سکونت استاد کاشفی در شهر اهواز و شنیدن تلاوتهای استاد عبدالباسط از رادیوی عراق که در آنجا به خوبی شنیده می‌شد، عزم او در فراگیری الحان قرآنی، صد چندان شد.

استاد کاشفی، در منزلی بزرگ در اهواز، فارغ از هرگونه هیاهو و یا مانعی، به تلاوت و تمرین آنچه شنیده بود می‌پرداخت و بدین سان حیات قرآنی او رنگی تازه به خود گرفت. استاد کاشفی نخستین بار صورت رسمی در کلاس چهارم ابتدایی در حالی که توانایی خود را در زمینه تلاوت از همگان مخفی داشته بود؛ به تلاوت سوره مبارکه شمس پرداخت، چنان تلاوتی که همگان زبان به تحسین او گشودند. از آن پس استاد کاشفی قاری مدرسه شد و به صورت رسمی به تلاوت پرداخت. مسیر آموزش دکتر کاشفی، با تقلید از استاد عبدالباسط و استاد منشاوی ادامه یافت و پس از آن با تقلید از قرائتهای مرحوم استاد شیخ مصطفی اسماعیل، تکمیل شد. استاد کاشفی در زمینه علوم مختلف قرآن از استادان: آیت الله حایری شیرازی و آیت الله معرفت بهره‌های بسیاری گرفتند.

استاد دکتر امیر محمود کاشفی در سال ۱۳۶۴ در مسابقات سراسری قرآن دانشجویان دانشگاه تهران شرکت کرد و حایز رتبه اول شد. او همچنین در مسابقات جهانی قرآن کریم در کشور مالزی رتبه سوم را از آن خود ساخت.

استاد کاشفی در ادامه فعالیت‌های قرآنی خود، در طول سالهای جنگ تحمیلی با بسیاری از برادران و قاریان برجسته دانشگاه تهران در محل تالار امیر کبیر این دانشگاه به برپائی جلسات قرآن کریم پرداخت و این جلسات را سالها تداوم بخشید. استاد امیر محمود کاشفی که در ابتدا با نام کاشی ساز پور در جامعه قرآن کشور به فعالیت‌های قرآنی می‌پرداختند که این کتاب را سرورش به چاپ رسانده است استاد کاشفی در کنار فعالیت‌های قرآنی خود به امر تحصیل نیز اهتمام بسیار داشت و تحصیلات خود را در مقطع دکترای زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران به اتمام رسانده است. و در حال حاضر به تدریس در دانشگاه تهران اشتغال دارد و عضو هیأت علمی این دانشگاه است. مقالات علمی این استاد ارجمند همواره در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به چاپ رسیده و مورد استفاده علاقه‌مندان دوره است.

استاد امیر محمود کاشفی سه فرزند به نامهای مریم، ابوالحسن، و فاطمه دارد و با توجه به فعالیت و علاقه بسیار او به تربیت قرآنی فرزندان، آنها نیز اشتیاق بسیاری به فراگیری علوم قرآنی دارند.

استاد کاشفی برای تبلیغ و ترویج فرهنگ قرآنی به کشورهای مختلفی چون عربستان، سوریه، مالزی، هند و پاکستان سفر کرده است. او در سال ۱۳۶۴ در محضر مقام معظم رهبری که در آن زمان ریاست جمهوری را عهده دار بودند به تلاوت قرآن پرداخت و

مورد تفقد و ارشاد معظم له قرار گرفت. استاد کاشفی از استادان مصطفی اسماعیل، عبدالباسط و عبدالفتاح شعشاعی به عنوان قاریان برجسته کشور مصر یاد می‌کند. استاد کاشفی علاوه بر تلاوت قرآن در زمینه خوشنویسی فعالیت داد و به مرحله استادی در انجمن خوشنویسان دست یافته است او همچنین به برخی رشته‌های ورزش نیز علاقه دارد.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

کاشی پز اصفهانی، علی محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نقاش و کاشی‌کار. اهل اصفهان و نقاش کاشی‌کار بود که در نزدیکی دروازه شاه عبدالعظیم تهران کارخانه‌ی کاشی‌پزی داشت. از آثار رقم‌دار وی که به تزیینات زیبایی آراسته شده، کاشی بزرگی است که نقوش متنوعی دارد و در وسط آن، تصویر کلنل رابرت مورداک اسمیت جلب نظر می‌کند. حواشی کاشی به نقش و نگار ساده آذین شده، با رقم: «علی محمد کاشی‌پز اصفهانی در دارالخلافة ناصر تهران ۱۳۰۴، کارخانه‌ی کاشی در دروازه‌ی شاهزاده عبدالعظیم».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۴۰۲ / ۱).

کاشی تراش کاشانی، اسماعیل

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۱۲ ق)، کاشی‌تراش. از آثار وی: کاشیکاری دو طرف در بزرگ‌کنده کاری مسجد تبریزیها، در نظنز که با کاشیهای خشتی الوان تزیین گشته و رقم طلب آرمزش می‌کند استاد اسماعیل کاشی‌تراش ۱۲۱۲ ه ق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نظنز (۱۷۶).

کاشی تراش، شمس‌الدین

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، کاشی‌تراش. وی شاگرد احمد موسی و رسام نقوش بر روی کاشیها بود. از آثار این هنرمند، در ایوان مسجد جمعه‌ی اصفهان، کاشیها و تزیینات زیبایی به یادگار مانده که به خط نستعلیق سفید بر زمینه‌ی لاجوردی رقم «عمل استاد شمس‌الدین کاشی‌تراش» دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲۴۸/۱)، تاریخ هنرهای ملی (۹۳۵/۲)، گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۱۰۳-۱۰۲).

کاشی‌پز اصفهانی، آقا جان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۹۹ ق)، کاشی‌ساز. از آثار وی: کاشی‌کاری کتیبه‌ی سقاخانه امامزاده احمد، در اصفهان، با رقم: «عمل استاد آقا جان کاشی‌پز»؛ کاشی‌کاری کتیبه‌ی سنگاب مسجد رحیم‌خان، در اصفهان، با رقم: «حقیر فقیر آقا جان کاشی‌پز»؛ کاشی‌کاری هلال مدخل ایوان محوطه‌ی زیر گنبد مسجد سید اصفهان، با رقم: «عمل کمترین آقا جان ۱۲۹۹».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان (۸۰۲، ۷۶۶، ۶۷۴).

کافی، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید کافی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب مجید کافی در سال ۱۳۴۴ در اصفهان متولد شدم و در سال ۶۸ موفق به اخذ دیپلم تجربی گردیدم. از سال ۶۱ تا سال ۶۸ در حوزه اصفهان مشغول تحصیل بودم و از سال ۶۸ وارد حوزه علمیه قم گردیدم. در سال ۷۰ جذب دوره «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» شدم و تا هم اکنون، افزون بر تحصیل علوم حوزوی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سابق)، مشغول به تحقیق می‌باشم. همچنین از سال ۷۴ تاکنون در دانشگاه‌های تهران: (علامه طباطبایی و تهران)، مشغول تدریس دروس معارف اسلامی هستم. از سال ۷۹ نیز در مرکز جهانی علوم اسلامی (مدرسه امام خمینی ره) به تدریس دروس جامعه‌شناسی اشتغال دارم.

کرباسچی، غلامرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا کرباسچی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی: قسمتی از سطح را نزد پدرم حاج شیخ محمد صادق تهرانی (کرباسچی) و دائی ام عبدالحمید معادینخواه خواندم و سپس وارد مدرسه حقانی (منتظریه) شدم. درسهای مدرسه حقانی علاوه بر دروس متداول حوزوی، شامل درسهای دیگری بود که به این شرح است:

«تاریخ اسلام؛ دکتر محمد مفتاح»، «هیئت و نجوم؛ آیت الله حسین نوری»، «نویسندگی؛ زین العابدین قربانی، محمد مجتهد شبستری، محسن مجتهد شبستری، علی حجتی کرمانی، دکتر احمد بهشتی»، «ادبیات فارسی؛ حسن حسن زاده آملی»، «زبان انگلیسی؛ دکتر خلیلی»، «جامع المقدمات؛ محمد علی شیخ زاده»، «دستور زبان فارسی؛ حسین حقانی»، «شرح نظام و سیوطی؛ محمد رضا آدینه وند»، «محاویره عربی؛ خاقانی»، «مغنی؛ احمد جنتی»، «مختصر المعانی؛ محمد علی گرامی»، «عروه الوثقی؛ علی قدوسی»، «لمعه؛ محمدی گیلانی»، «تجوید و قرائت قرآن؛ قرائی» و اساتید دیگری دروس سطح را تدریس می کردند.

سپس وارد حوزه شدم و از محضر اساتید دیگری همچون: «آیت الله فاضل لنکرانی؛ کفایه الاصول»، «آقای ستوده؛ مکاسب و لمعه»، «آقای محمد علی گرامی؛ رسائل»، «آقای اسدالله بیات؛ کفایه و مکاسب»، «آیت الله نوری همدانی؛ خارج فقه»، «آیت الله منتظری؛ خارج فقه»، «آیت الله انصاری شیرازی؛ فلسفه»، «آیت الله فاضل لنکرانی؛ خارج اصول» و «آیت الله صانعی؛ خارج فقه» را فرا گرفتم.

کردوانی، پرویز

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پرویز کردوانی در سال ۱۳۱۰ در گرمسار بدنیا آمد. وی از جمله استادان رشته جغرافیا است که در زمینه «توسعه پایدار محیط زیست» تحقیقات زیادی را به انجام رسانده و در قالب مقالات و سخنرانی های متعدد بازتاب پیدا نموده است. او مدت زیادی را در خارج از کشور به سر برده و از سال ۱۳۴۵ که به ایران بازگشت و در دانشگاه ارومیه مشغول به کار شد. استاد در سال ۱۳۴۶ رهسپار تهران شد و تحقیق پیرامون بیابان لوت را به همراه آقای دکتر ستونی شروع کرد. پرویز کردوانی بنیانگذار مرکز تحقیقات کویری و بیابانی دانشگاه تهران است. گروه: علوم انسانیرشته: جغرافیا گرایش: کویر شناسیوالدین و انساب: پرویز کردوانی فرزند حسین علی کردوانی ملقب به بلوکباشی می باشد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: پرویز کردوانی تحصیلات ابتدائی را تا کلاس نهم در گرمسار خواند و دیپلم متوسطه را در مدرسه فرانسویها (دیرستان رازی) در تهران گذراند. وی تحصیلات دانشگاهی خود را در آلمان ادامه داد و موفق شد دکتری خود را در باره "تأثیر انواع کودهای شیمیایی و حیوانی بر محصولات کشاورزی در خاکهای

تحت تأثیر نمک (اراضی شور و قلیائی^{۱۱}) به پایان برساند. خاطرات و وقایع تحصیل: پرویز کردوانی برای تهیه پایان نامه خود درباره "تأثیر انواع کودهای شیمیایی و حیوانی بر محصولات کشاورزی در خاکهای تحت تأثیر نمک (اراضی شور و قلیائی^{۱۲})" مجبور شد، یک تن از خاک کویرها (نمکزارها)ی ایران را به آلمان منتقل کند. هم دوره ای ها و همکاران: دکتر ستونی و مجید رهنما از جمله دوستان و همکاران پرویز کردوانی هستند که در دانشگاه تهران و در تحقیقات کویر شناسی به اتفاق هم کار می کنند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: پرویز کردوانی از سال ۱۳۴۵ که به ایران بازگشت و به عنوان اولین عضو هیأت علمی در دانشکده جدید التاسیس کشاورزی و دامپروری دانشگاه ارومیه مشغول شد. او در تاریخ ۲۸/۱۲/۱۳۴۷ به گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه تهران منتقل گردید. استاد در سال ۱۳۴۶ تحقیق پیرامون بیابان لوت را به همراه آقای دکتر ستونی شروع کرد که ۵ سال به طول انجامیده و تا سال ۱۳۵۱ در بیابان لوت بودند. تا اینکه بالاخره ثابت کردند که لوت گرمترین نقطه کره زمین است. سمت ها با حفظ وظایف آموزشی: استاد دانشگاه تهران، مدیر کل دفتر مطالعات آموزشی دانشگاه تهران ۵۴-۱۳۴۸، رئیس مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران ۵۸-۱۳۵۴. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید: پرویز کردوانی بنیانگذار مرکز تحقیقات کویری و بیابانی دانشگاه تهران است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: پرویز کردوانی درباره برنامه زندگی روزمره خود نقل کرده که « من ساعت ۱۱-۱۱/۳۰ شب می خوابم، ساعت ۲/۳۰ دقیقه صبح بیدار می شوم و تا ساعت ۳/۳۰ ورزش می کنم ... از ۳/۳۰ تا ۴ صبح هم صبحانه می خورم تا ساعت ۶ صبح مطالعه می کنم و بعد برای اینکه توی ترافیک نمانم همان ساعت می روم دانشگاه. تا ساعت ۹ شب یا در حال کار هستم یا مطالعه. ۹ به بعد دیگر مطالعه نمی کنم چون شب دچار بی خوابی می شوم...» کردوانی معتقد است که هیچ تفریحی جز کار و مطالعه ندارد. او قبلا که حیاط داشت به باغبانی می پرداخت ولی الان از ساعت ۹ تا ۱۱ شب به قدم زدن و پیاده روی می پردازد. وی بیشترین تفریح خود را بیرون رفتن، نوشتن و خواندن می داند. پرویز کردوانی بیست جلد کتاب به رشته تحریر در آورده است. که آخرین آن « خشکسالی و راههای مقابله با آن » می باشد. البته یکی دو کتاب دیگر نیز در دست تهیه دارد که هنوز ناتمام است. اولین آثار خود را حاصل تجربیاتی می داند که وی در طی سفر به دور دنیا کسب کرده است. شاگردان: دکتر ناصر کرمی، یکی از شاگردان پرویز کردوانی است. رساله دکترای ناصر کرمی که با عنوان « امکان سنجی و ظرفیت سازی هنجارهای توسعه پایدار در مناطق خشک » با درجه عالی زیر نظر پرویز کردوانی تدوین شده است، در حال حاضر تنها مرجع در این زمینه در کشور ما به شمار می آید. آرا و گرایشهای خاص: عقیده پرویز کردوانی برای توسعه پایدار و حفظ محیط زیست که در قالب مقالات و سخنرانی های او بازتاب پیدا می کند. اصولا دکتر کردوانی به اهمیت جلب توجه مردم به هنجارهای توسعه پایدار اعتقادی ویژه دارد و شاید به همین خاطر هم باشد که در بسیاری از کتاب ها و مقالاتش، مخاطبان او به واقع نه دانشمندان همکار، و بلکه عموم مردم هستند. مردمی که در نهایت مجری هر طرح توسعه محسوب می شوند و هیچ برنامه جامعی بدون مشارکت جدی و آگاهانه آنها هرگز تحقق نمی یابد. شاید یکی دیگر از دلایل محبوبیت کردوانی ویژگی های اخلاقی جذاب او باشد، از جمله جوش و خروش زیاد در سن بالای هفتاد سال، کار مداوم و همیشگی، و سخنرانی های مشهورش، از جمله دیدگاه های همیشگی دکتر کردوانی می توان از « ضرورت احیای فناوری های سنتی کشاورزی و مدیریت منابع آب در ایران » نام برد. او حفظ، احیاء و گسترش فناوری قنات را ضروری می داند. طوری که این نظر او به عنوان راهی برای توسعه مناطق خشک جهان و کاهش اثرات خشکسالی در مناطقی همچون صحرا و شرق آفریقا در سالیان اخیر به شدت مورد توجه سازمان ملل قرار گرفته است. اهمیت حفاظت از منابع طبیعی و بویژه « ضرورت حیاتی جلوگیری از فرسایش خاک » نیز از جمله دغدغه های همیشگی دکتر کردوانی بوده است. جوایز و نشانها: پرویز کردوانی در سال ۱۳۸۱ ه. ش برنده جایزه مهرگان علم شد. او این جایزه را به خاطر تالیف کتاب « خشکسالی و راههای مقابله با آن » دریافت کرده است. وی جایزه خود را که شامل یک تندیس به اضافه مبلغ یک میلیون تومان بود را به جوانان گرمسار اهداء کرد تا برایشان کتاب خریداری شود. دیگر افتخارات کسب شده استاد

کردوانی به قرار زیر است: - احراز رتبه اول در بین تمامی دانشجویان رشته کشاورزی در آلمان در سال ۱۹۶۶ (۱۳۴۵) و دریافت جوایز به همین مناسبت از مقامات مربوط در آلمان و ایران - ۵ سال تحقیق در بیابان لوت ایران ۵۱-۱۳۴۷ و کشف جدید و منحصر به فرد در جهان در آن (گرمترین نقطه کره زمین به عبارت دیگر خیلی گرم تر از دیگر بیابانهای جهان، مانند کلوتها عارضه منحصر به فرد در جهان و دیگر ویژگی ها)، احراز رتبه سوم در طرح کارائی علمی در بین تمامی ۱۳۶۷ نفر اعضاء هیأت علمی دانشگاه تهران و مؤسسات وابسته در سال تحصیلی ۷۶-۷۳. - انتخاب به عنوان شخصیت برجسته و مفاخر فرهنگی استان سمنان (زادگاه خود) در سال ۱۳۷۷ - احراز سه پایه ترفیع استادی در یک سال (دو پایه تشویقی به منظور قدردانی از فعالیتهای آموزشی و پژوهشی) در سال ۱۳۷۹ - دریافت جایزه کتاب برتر استان زادگان (سمنان)، آبان ۱۳۸۰، برنده جایزه "مهرگان علم" به خاطر تألیف بهترین کتاب سال ۱۳۸۰ از بین ۱۵۷ کتاب در زمینه محیط زیست - انتخاب به عنوان استاد نمونه دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ - دریافت لوح تقدیر به خاطر "اهداء کننده نمونه کتاب" در سطح استان زادگان، ۱۳۸۱ - انتخاب به عنوان عضو اصلی قطب علمی دانشگاه، ۱۳۸۱ - احراز رتبه ۲۹ استادی در سال ۸۲ و بازنشسته شدن در شهریور همین سال. - انتخاب به عنوان چهره ماندگار علمی کشور در سال ۸۴. - تجلیل و قدردانی به مناسبت های مختلف توسط سازمانهای مختلف (بعد از بازنشستگی) چگونگی عرضه آثار: تألیفات و مقالات علمی - پژوهشی دکتر پرویز کردوانی: ۲۱ جلد کتاب، ده ها مقاله علمی - پژوهشی چاپ شده به زبان فارسی - آلمانی و انگلیسی در مجلات معتبر داخلی و خارجی، بیش از یکصد فقره سخنرانی در مجامع علمی داخلی و خارجی، عضویت در چندین مجامع علمی داخلی و بین المللی مانند: شبکه آب خاورمیانه، بنیاد مطالعات آسیائی، عضو هیأت امناء صلح سبز (جبهه سبز)، رئیس کمیته بیابان زدائی انجمن متخصصان محیط زیست ایران، انجمن جغرافیایی ایران، عضو هیئت تحریریه و شورای انتشارات چندین مجله علمی - پژوهشی، اجرای چندین طرح تحقیقاتی درباره مناطق مختلف ایران به ویژه نواحی بیابانی و کویری، داوری ده ها کتاب و صدها مقاله علمی و طرحهای تحقیقاتی، راهنمایی بیش از دویست فقره پایان نامه فوق لیسانس و ده فقره رساله دکتری دانشجویان دانشگاه ها، راهنمایی دانشجویان در سفرهای علمی به تمام نقاط کشور عزیزمان و ۲۰ کشور خارجی، صدها فقره مصاحبه مطبوعاتی تلویزیونی، ماهواره ای و رادیویی داخلی و خارجی. آثار: اثر انسان و عوامل طبیعی در پیشرو بیابان لوت (ایران) و ویژگی اثر: انتشارات مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران وابسته به دانشگاه تهران ۱۳۵۶۲ اکوسیستم های آبی و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: علم - ۱۳۸۳ ۱۳ اکوسیستم های طبیعی، عمومی و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: قومس - ۱۳۸۲ ۴ بررسی مسائل اقتصاد روستائی بیابانی شرق کاشان (روستاهای منطقه ایوزید آباد) و ویژگی اثر: انتشارات مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران وابسته به دانشگاه تهران ۱۳۵۶ (مشترک با آقای ذبیح اله کرمی خواجه) ۵ جغرافیای خاکها و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران - ۱۳۸۲ ۶ حفاظت خاک و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۰۴ اردیبهشت، ۱۳۸۵ ۷ خاک و محیط زیست و ویژگی اثر: انتشارات دانشگاه آزاد ایران ۱۳۵۷۸ خشکسالی و راه های مقابله با آن در ایران: آب: در کشاورزی، صنعت و شهر و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۳۰ آبان، ۱۳۸۶ ۹ خشکسالی و راههای مقابله با آن، ژئوهیدرولوژی و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۱۹ اردیبهشت، ۱۳۸۶ ۱۱ شهادت تا ده سلم (خاک آب پوشش گیاهی و اوضاع کشاورزی) و ویژگی اثر: انتشارات موسسه جغرافیا - دانشگاه تهران مرداد ماه ۱۳۵۰ کویر (نمکزار) بزرگ مرکزی ایران و مناطق همجوار آن (مسائل، توانمندی ها و راههای بهره برداری) و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران - ۲۹ اردیبهشت، ۱۳۸۶ ۱۳ مراتع، مسائل و راه حل های آن در ایران و ویژگی اثر: انتشارات، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ۱۳۷۱۱۴ مراتع ایران و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۲۶ اردیبهشت، ۱۳۸۵ ۱۵ منابع و مسائل آب در ایران: آبهای سطحی و زیرزمینی و مسائل بهره برداری از آنها و ویژگی اثر: تألیف: پرویز کردوانی ناشر:

دانشگاه تهران - ۲۹ اردیبهشت، ۱۳۸۶ ۱۶ مناطق خشک جلد دوم، خاکها (طبقه بندی جغرافیایی و مسائل بهره برداری از آنها) احیاء اصلاح و آباد کردن ویژگی اثر: انتشارات، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران - چاپ سوم ۱۳۷۱۱۷ مناطق خشک: ویژگیهای اقلیمی، علل خشکی، مسائل آب و غیره ویژگی اثر: تالیف: پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۰۳ مرداد، ۱۳۸۵ ۱۸ نمونه هایی از خاک های بخش شهداد کرمان ویژگی اثر: انتشارات موسسه جغرافیا، دانشگاه تهران تیر ماه ۱۳۵۰ ۱۹ نمونه هایی از خاکهای لوت زنگی احمد (بیابان لوت) ویژگی اثر: انتشارات موسسه جغرافیا، دانشگاه تهران مرداد ماه ۱۳۴۹

کردی، قدرت‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از هنرمندان باارزش و هنرمند سازگر شهرستان بروجرد، قدرت‌الله کردی است که به سال ۱۳۳۰ در این شهر متولد شد. وی از کودکی به کارهای صنعتی و هنری علاقمند بود و در کارگاه نجاری و خراطی که مشغول کار و فعالیت بود، ابداعاتی نیز در ضمن کار از خود نشان می‌داد. استعداد ویژه وی در کارهای هنری و طبع حساس و خاص او، وی را به هنر موسیقی علاقمند ساخت و او میان سازها، بیشتر به صدای کمانچه علاقمند گردید و همین امر موجب گشت تا به ساختن این ساز قدیمی و ملی ایران همت گمارد و در اینباره می‌گوید:

«از کودکی به صدای ساز کمانچه که یک ساز محلی منطقه لرستان است علاقه فراوان پیدا کردم و با تخصصی که در زمینه کارهای نجاری و خراطی داشتم، از سال ۱۳۶۵ به ساختن این ساز مشغول گردیدم که با مشکلات فراوانی روبرو بودم ولی هیچگاه از این مشکلات هراسی به خود راه ندادم و با مقاومت و پشتکار آنها را پشت سر نهادم تا اینکه بالاخره موفق شدم کمانچه‌ای بسازم که مورد تأیید بعضی از اساتید کمانچه‌نواز ایران واقع گردید.

در ابتدای کار به علت ضعف نوازندگی که در نواختن این ساز داشتم نتوانستم به طور خوب و اصولی به راز و رمز این ساز دسترسی و کیفیت آن را بررسی نمایم لذا از دوست ارجمند و هنرمند عزیزم آقای محمد ترکشوند که نوازنده‌ی ویولن و کمانچه می‌باشند برای پیشبرد و تکامل بخش صوتی کمانچه بهره گرفتم که از زحمات این مرد شریف در همین جا تشکر می‌نمایم، سپس به تهران آمدم و از نظریات نوازندگان بزرگ و صاحب نظر درباره این ساز مثل آقایان: علی اکبر شکارچی، اردشیر کامکار، داود گنج‌های، هادی منتظری، سعید فرج پوری که در جهت تکامل و بهتر شدن این ساز از جهات صوتی بهره‌ی فراوان بردم مخصوصاً از راهنمایی‌های فراوان و ممتد سروران عزیزم علی اکبر شکارچی و اردشیر کامکار که بیشترین سهم را در ارشاد من دارند ممنون و سپاسگزار می‌باشم.

در حال حاضر، کارم تحقیق و جستجو و رفع نقایص ساز کمانچه می‌باشد و در ضمن به ساختن ویولن و سه‌تار نیز مشغول می‌باشم و امیدوارم که صاحب نظران و هنرمندان مرا در زمینه ساختمان و چگونگی ساخت این ساز و همچنین کیفیت صدادهی این ساز اصیل و سنتی ایران یاری دهند تا اینکه در رفع نقایص احتمالی آن بکوشیم.

قدرت‌الله کردی در ساختن پوست کمانچه و تار، دارای سبک مخصوص خود می‌باشد که خود وی برای آن ارزش فراوان قائل می‌باشد، یکی از نظر کیفیت صدادهی و دیگر از نظر عمر و دوام پوست، زیرا معتقد است که پوست تار و کمانچه اگر به صورت مانده و فساد و گندیدگی مورد استفاده قرار گیرد، بافت پیوندی پوست را از بین برده و نسبت به صدادهی مقداری ضعیف می‌باشد که روشی درست و صحیح نمی‌باشد.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

کردی، محمود

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، طراح فلزات. نقاش و طراح تصاویر اسلیمی بر روی فلزات سخت بود. از آثار وی سینی لبه بلند و کوچکی است که به طلا- و نقره کوبی عمل آمده و انواع نقوش قرینه‌ای و تزیینات اسلیمی بر روی آن جلوه گر شده است، با رقم: «نقش المعلم محمود الکردی یرجو المغفره من ذنوبه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۱۳۷/۳).

کرمانی، جعفر

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم ق)، فلزکار. اهل کرمان بود. وی سازنده‌ی کره‌ی آسمانی فلزی است که توسط علی بن محمد قوشچی به سلطان محمد فاتح عثمانی هدیه شد. مسیر سیارات و سایر نقوش آن به وسیله‌ی ابوحسین عبدالرحمن صوفی، رسم و توسط جعفر کرمانی تهیه شد. این کره سماوی یکی از نفایس ستاره‌شناسی است که به خط کوفی پیرآموز رقم «رسمت هذه الكواكب بزيادة القمر علی الصور ابوالحسنین عبدالرحمن صوفی، فی سنه ذفه الهجریه صنعہ جعفر بن عمر بن دولتشاه الکرمانی» دارد، که تاریخ آن به حروف ابجد «ذ» «ف» «ه» برابر ۷۸۵ خواهد بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۳۱/۱).

کرمانی، محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، نجار. هنرمند چیره‌دست اهل کرمان بود. از آثار ارزنده‌ی این استاد، منبر مسجد جامع شهر نایین است که کنده‌کاری شده و در نوع خود پر امتیاز است. در طرفین منبر مزبور، نام واقف و استاد سازنده به خط نسخ استادانه‌ای کنده‌کاری شده که چنین است: «وقف الصدر الاجل... جمال‌الدین حسین... هذا المنبر علی مسجد الجامع بلده الطیبه النائین فی سنه احدی عشر و سبع مائه». و در طرف دیگر منبر، نام نجار قید شده: «عمل افتخار الصناع و النجار شاه محمود الکرمانی - خدایش بیامرزد هر که فاتحه بخواند».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/۲۴۰).

کرمی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حسین کرمی روز اول فروردین سال ۱۳۴۲ در شهر اردبیل در خانواده‌ای مذهبی و متوسط دیده به جهان گشود. جدّ مذهبی خانواده از همان آغاز، بر عشق و اشتیاق به قرآن را در ژرفای وجود او نشانید و ایشان را در جرگه عاشقان و دوستداران این کتاب انسان ساز قرار داد. و به این ترتیب او که خانه دلش از شنیدن تلاوت قرآن از رادیوی قاهره در ۸ سالگی به قرائت قرآن علاقه مند شد و به جلسات قرآن شهر اردبیل رفت. دکتر حسین کرمی از همان سن ۸ سالگی با شرکت در جلسات قرآن شهر اردبیل و همزمان با تحصیل و تجوید به فراگیری مقدمات تلاوت قرآن هم پرداخت و با گوش دادن به نوارهای تلاوت اساتید مشهور مصری توانایی خودش را در مسیر تلاوت بیشتر کرد. او با تقلید از تلاوت های استاد منشاوی در آغاز کار و بقیه اساتید در ادامه کار، اولین گامها را در مسیر تلاوت برداشت و توانست به موفقیت‌های چشمگیری در مسیر تلاوت دست پیدا کند.

دکتر کرمی از جمله قاریانی است که علاوه بر فعالیت در زمینه های قرآنی و تلاوت به فراگیری علم و دانش نیز اهتمامی وافر دارد. به همین دلیل هم تحصیلات خود را تا مقطع فوق تخصص جراحی کلیه ادامه داده و در حال حاضر دارای مدرک دکترای فوق تخصص جراحی کلیه است. دکتر حسین کرمی به موسیقی عرفانی و هم چنین از میان رشته های ورزشی به فوتبال علاقه دارد. وی علاوه بر مدارای بیماران کلیوی در بیمارستان شهدای تجریش عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی نیز می باشد.

رتبه هایی که تا کنون آقای حسین کرمی در مسابقات مختلف بدست آورده است عبارتند از:

۱- رتبه نخست در مسابقات کشوری که در شهر مقدس قم برگزار شد.

۲- رتبه نخست در سال ۱۳۷۸ در شانزدهمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم در تهران.

۳- رتبه دوم در سال ۱۳۷۲ در مسابقات جهانی قرآن کریم در کشور مالزی.

۴- رتبه نخست در سال ۱۳۷۷ در کشور سوریه و در مسابقات قرآنی.

آقای حسین کرمی در سال ۱۳۷۸ ازدواج کرد و یک فرزند بنام امیر علی دارد و همسرشان دارای مدرک دکترای در رشته زنان و زایمان است و ایشان هم به مسائل مختلف قرآنی علاقه وافر دارند. دکتر حسین کرمی نیز مثل بسیاری از قاریان برجسته در ابتدای کار از سبک قاریان مصری مثل استاد منشاوی تقلید کرده است اما اعتقاد دارد که هر قاری قرآنی در ابتدای کار تلاوت باید از قاریانی مثل منشاوی، عبدالباسط، مصطفی اسماعیل، شحات محمد انور و متولی عبدالعالی تقلید نماید و بعد از طی مراحل ابتدایی باید از تقلید محض خارج شود و با تسلط بر الحان و موسیقی عربی و قرآن به تلاوت پردازد و میان معنا و الفاظ آیات در تلاوتهایش پیوند برقرار نماید. ایشان تا کنون به کشورهای زیادی همچون مالزی، سنگاپور، هند، بنگلادش، سوریه و ترکیه برای تلاوت قرآن سفر کرده و بیش از ده بار برای انجام مناسک سیاسی عبادی حج به عنوان قاری اعزام شده است. آقای دکتر حسین کرمی از اساتیدی مثل مصطفی اسماعیل، عبدالباسط و منشاوی به عنوان بهترین و برترین قاریان عصر طلایی تلاوت در مصر یاد می کند و همچنین از اساتیدی مثل شعیب، شحات محمد انور و احمد نعینع به عنوان قاریان برتر کنونی در مصر نام می برد. دکتر کرمی که خود از قاریان برجسته کشور است و بارها در محضر مقام معظم رهبری به تلاوت پرداخته است به قاریان ایرانی سفارش می کند که برای موفقیت در امر تلاوت ابتدا به فراگیری تجوید و اصول صحیح آن از اساتید برجسته فن تجوید پردازند و بعد از

آنکه تجوید را تکمیل کردند به مسائل دیگر روی بیاورند و برای فراگیری لحن خوش و مطابق با آیات، بسیار به نوارهای مختلف اساتید قرآن گوش جان بسپارند و نکات لازمه آن را از تلاوتهای مختلف فرا بگیرند. ایشان همچنین تقلید را در ابتدای امر تلاوت لازم و ضروری می دانند آنرا باعث خلاقیت در انسان می شمارد زیرا هنگامی که انسان به طور کامل تقلید از یک قاری را انجام داد باید تقلید را کنار بگذارد و تمام آنچه را که از تقلید آموخته و بدست آورده در تلاوتهای خود به نحو بدیع بکار برد و او آخر سفارش می کند که قاریان قرآنی اخلاق و رفتار قرآنی را رعایت کنند و به آن ملزم باشند و به پیش کسوتان در امر تلاوت احترام بگذارند و به آیات قرآن عمل کنند.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

کریمی، بهمن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، مؤلف.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۶۲.

بهمن کریمی، فرزند عبدالله میرزا، تحصیلات خود را در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا انجام داد و سپس به تدریس پرداخت و سال‌های دراز در دبیرستان‌های اداری هم در وزارت فرهنگ مشغول به کار بود.

فهرست تألیفات او به شرح زیر است: جامع التواریخ (اثر رشیدالدین فضل‌الله دو جلد، تهران، ۱۳۳۸)؛ تاریخ نیشابور (تهران، ۱۳۴۰)؛ شیرازنامه (تهران، ۱۳۱۵)؛ نظام التواریخ (قاضی بیضاوی، تهران، ۱۳۱۳)؛ ذیل ظفرنامه نظام‌الدین شامی (تهران، ۱۳۲۸)؛ یزدان شناخت (منسوب به عین‌القضاء، تهران، ۱۳۲۷)؛ معراج‌نامه (ابن سینا، رشت، ۱۳۱۲)؛ رسائل ملا-حسن فیض (نه رساله)؛ جغرافیای تاریخی مفصل غرب ایران (تهران، ۱۳۱۶)؛ راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران (مختصری در باب طوایف، عشایر و آداب و اخلاق آنها، تهران، ۱۳۲۹)؛ راهنمای آثار تاریخی شیراز (۱۳۲۷)؛ خرابه‌های ری (۱۳۳۵)؛ میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، آمریکا و تعلیم و تربیت.

بهمن کریمی از زمره‌ی مؤلفان کتاب‌های درسی تاریخ و جغرافیا برای دوره‌های دبیرستانی بود و در این زمینه بیش از بیست تألیف مشترک با همکاران مؤلف خود داشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

کسائی، ابوالحسن علی بن حمزه بن عبدالله بن بهمن بن فیروز اسدی فارسی

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۸۹ ق)، قاری، ادیب، لغوی و نحوی. یکی از قراء سبعة است. اصلش از ایران بود که در یکی از روستاهای کوفه به دنیا آمد و در بغداد سکنی گزید. وی در تلاوت مدتی شاگرد حمزه یکی دیگر از قراء سبعة بود و موافق حمزه قرائت می کرد، ولی عاقبت قرائت مخصوصی اتخاذ نمود. حفص و ابو عمر دوری از راویان مشهور قرائت او هستند. جمعی دیگر نیز همچون نصیر رازی و قتیبه

بن مهران اصفهانی و احمد بن ابی‌سریج و عیسی بن سلیمان شیزری و ابوحمدون طیب نیز قرائت او را روایت کرده‌اند. کسائی از شاگردان امام جعفر صادق (ع) شمرده شده و از اعمش و سلیمان بن ارقم و سفیان بن عیینه و ابوبکر بن عیاش حدیث روایت کرده است. او در ادبیات و نحو و لغت نیز از پیشگامان عراق بود. نحو را از معاذ هراء و یونس نحوی و خلیل بن احمد عروضی فراگرفت. فراء و ابوعبید قاسم بن سلام و جمعی دیگر از شاگردان او به حساب می‌آیند. شافعی گوید که هر که خواهد در نحو متبحر شود پس باید که بر سفره‌ی کسائی نشیند. هارون الرشید احترام ویژه‌ای برای او قائل بود و دو پسرش امین و مأمون را به دست وی سپرد تا ادب آموزند. با هارون الرشید به ایران آمد و در ری در قریه‌ی ارنبویه در گذشت. در سال مرگ وی اختلاف است و سالهای ۱۹۳، ۱۸۵، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۰، و ۱۹۷ ق به عنوان سال وفات ذکر شده است. از آثارش: «معانی القرآن»، «القرآت»، «النوادر» کبیر، اوسط و اصغر؛ مختصری در نحو؛ «المصادر»؛ «الوقف و الابتداء فی القرآن»؛ «متشابه القرآن»؛ «مقطوع القرآن و موصوله»؛ «الحروف»؛ «العدد»؛ «اختلاف العدد»؛ «الهجاء»؛ «اشعار المعایات و طرائقها»؛ «الهاآت المکنی بها فی القرآن»؛ «لحن العامه»؛ «نسب رسول الله (ص)».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹۴-۹۳/۵)، اعلام بوفیات الاعلام (۱/۱۲۲)، اعیان الشیعه (۲۳۴-۲۳۳/۸)، ایضاح المکنون (۳۵۰، ۳۴۵، ۳۳۶، ۳۳۲، ۳۲۲، ۳۱۳، ۲/۲۸۹، ۱/۴۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶، ۱/۶۸)، تاریخ بغداد (۴۱۵-۴۰۳/۱۱)، تهذیب التهذیب (۷/۲۶۷)، دایرة المعارف فارسی (۲/۲۲۱۹)، الذریعه (۲۴/۱۳۹، ۱۹/۱۵)، روضات الجنات (۱۸۹-۱۸۶/۵)، ری باستان (۲/۴۱۹)، ۴۳۹-۴۳۸/۱)، ریحانه (۵۶-۵۲/۵)، سیر النبلاء (۱۳۴-۱۳۱/۹)، الفهرست ابن‌الندیم، ترجمه (۱۱۲-۱۱۱، ۶۴، ۶۰، ۵۳-۵۲)، کشف الظنون (۱۷۳۰)، الکنی و الالقاب (۱۱۳-۱۱۲/۳)، لغت‌نامه (ذیل/علی، کسائی)، مجمل فصیحی (ذیل/سال ۱۸۹)، معجم الابداء (۲۰۳-۱۶۷/۱۳)، معجم المؤلفین (۷/۸۴)، وقایع السنین و الاعوام (۱۵۳)، هدیة العارفین (۱/۶۶۸)، هفت اقلیم (۱/۱۱۴).

کسروی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۶۹- مقتول ۱۳۲۴ ش)، مورخ، ادیب، نویسنده و استاد دانشگاه. وی در خانواده‌ای روحانی در تبریز به دنیا آمد. مقدمات علوم و ادبیات عرب را در مدارس قدیم و زبان انگلیسی را در مدرسه‌ی آمریکایی تبریز فراگرفت. وی بعدها در همان مدرسه به تدریس پرداخت، و در آنجا با مبلغان مسیحی، در دفاع از اسلام، مباحثات می‌کرد. بعد از اعضاء حزب دمکرات شد و به تهران تبعید گردید. او مدتی به کار در دادگستری پرداخت و مناصبی را نیز عهده‌دار بود. از ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۰ ش به نشر روزنامه‌ی «پرچم» پرداخت. در دانشکده‌ی الهیات نیز به تدریس تاریخ اشتغال داشت ولی به سبب بدگویی‌هایی که از شعر و شاعری و عرفان و ادب ایرانی کرده بود با استادی او موافقت نشد. وی با زبان پهلوی و ارمنی و فرانسه آشنایی داشت. کسروی در زمینه‌های مختلف ادب، تاریخ، اجتماع، اقتصاد و مذهب عقاید مخصوص به خود داشت. آنچه او در باب نقد ادبی و بررسی شعر شاعران ایرانی و به خصوص ادب و شعر صوفیه، به ویژه حافظ و مولوی، نوشته از نوعی خشکی طبع و عدم آگاهی از جوهر هنر و زیبایی‌های آثار ادبی سرچشمه گرفته است و بر روی هم دیدگاه نقد او با اینکه دیدگاهی اجتماعی است، اما در مجموع نماینده‌ی ضعف تشخیص او در شناخت آثار ادبی است. آرای او در نقد مذهب شیعه مسایلی بود که پیش از وی بر قلم بعضی از نویسندگان اهل سنت جاری شده بود و علمای شیعه نیز پاسخ آنها را داده بودند اما او با زبانی که از بی‌نزاکتی و هتاکتی خالی نبود همان انتقادات را رواج داد.

وی عضویت انجمن آسیایی همایونی و انجمن جغرافیایی آسیایی و عضویت آکادمی آمریکا را داشت. کسروی یکی از پرکارترین نویسندگان دوره‌ی اخیر است که متجاوز از هفتاد کتاب و رساله، علاوه بر مقالات بسیار، از وی منتشر شده است. او سرانجام در یکی از محاکم وزارت دادگستری به وسیله‌ی گروهی از فداییان اسلام به قتل رسید. از آثار او در زمینه‌ی تاریخ: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»؛ «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»؛ «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»؛ «شیخ صفی و تبارش»؛ «شهریاران گمنام»؛ «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»؛ «تاریخچه‌ی چیق و قلیان»؛ «نادر شاه». در زمینه‌ی مذهب: «آیین کژی»؛ «ورجاوند بنیاد»؛ «در پیرامون اسلام»؛ «در پیرامون روان»؛ «صوفیگری». در زمینه‌ی مسایل سیاسی و اجتماعی: «کار و پیشه و پول»؛ «در راه سیاست»؛ «فرهنگ چیست؟»؛ «افسران ما». در زمینه‌ی مسایل مربوط به زبان شناسی و دستور: «آذری یا زبان باستان آذربایگان»؛ «زبان پاک»، دستور زبان؛ «زبان فارسی»؛ «نامهای شهرها و دیه‌های ایران». زمینه‌ی نقد ادبی و مباحث هنری: «حافظ چه می‌گوید»؛ «در پیرامون ادبیات»؛ «در پیرامون شعر و شاعری».[۱]

(بخش ۱) (سید) احمد بن (حاجی میر) قاسم، دانشمند، مورخ، زبان‌شناس و اصلاح‌طلب ایرانی (و. تبریز ۱۲۶۹- مقت. تهران ۱۳۲۴ ه.ش). تا چند پشت وی اهل علم و مورد توجه مردم تبریز بوده‌اند. کسروی در رشته‌های تاریخ، لغت، زبان و دین تحقیق کرده و طرفدار جدی اصلاح و تصفیه‌ی مذهبی و مخالف سرسخت تصوف و عرفان بود. وی طرفدار جدی ملیت ایرانی بود و از به کار بردن لغات عربی دوری می‌جست و در برابر آنها لغات و اصطلاحات و ترکیباتی از ریشه فارسی ساخته بود و خود آنها را به کار می‌برد. کسروی مردی رک‌گو و مبارز و در عقاید خود استوار بود. روزنامه‌ای به نام «پرچم» و مجله‌ای به نام «پیمان» منتشر می‌کرد که ناشر عقاید وی بودند. کسروی در روز دوشنبه‌ی بیستم اسفند ماه ۱۳۲۴ ه.ش به وسیله‌ی خنجر و اسلحه‌ی کمربند به دست برادران امامی- از فدائیان اسلام- به قتل رسید. تألیفات کسروی از ۷۰ جلد متجاوز است که اهم آنها از این قرار است: «تاریخ مشروطه‌ی ایران»، «تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان»، «شهریاران گمنام»، «تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان»، «تاریخچه‌ی شیر و خورشید»، «شیخ صفی و تبارش»، «نامهای شهرها و دههای ایران»، «قانون دادگری»، «زبان پاک» «تاریخچه‌ی چیق و قلیان»، «مشعشعیان»، «ترجمه‌ی کارنامک اردشیر بابکان»، «ترجمه‌ی (تلخیص) پلوتارخ»، «زبان آذری»، «پیدایش آمریکا»، «ده سال در عدلیه»، «صوفی‌گری».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] ادبیات نوین (۲۷۴، ۲۷۲)، از نیما تا روزگار ما (۱۰۲-۹۰)، تاریخ انقلاب مشروطیت (۸- ۷ / ۱)، تاریخ برگزیدگان (۳۴۹- ۳۴۱)، تاریخ جراید (۹۷- ۹۳ / ۲)، چون سبوی تشنه (۲۳۱)، دایرة المعارف فارسی (۲ / ۲۲۲۰)، الذریعه (۱۹، ۳ / ۲۴، ۲۶۶- ۲۶۵، ۱۴ / ۲۶۱، ۱ / ۳۳)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲۷۳- ۲۶۵ / ۵)، شرح حال رجال (۲۲- ۲۱ / ۵)، شخصیت‌های نامی (۴۰۶- ۴۰۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۵۵، ۳۴۵۴، ۳۳۵۴، ۳۲۴۰، ۳۲۱۶، ۳۰۱۸، ۲۷۳۵، ۲۷۳۳، ۲۵۹۱، ۲۵۸۷، ۲۵۸۴، ۲۴۲۴، ۲۴۱۵، ۲۲۳۳، ۲۱۹۳، ۲۱۸۶، ۲۱۸۴، ۲۰۶۴، ۱۹۷۹، ۱۸۵۶، ۱۸۲۲، ۱۸۲۱، ۱۶۲۸ / ۲، ۱۴۸۵، ۱۳۸۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۵، ۱۳۷۴، ۱۳۵۹، ۱۳۴۵، ۱۳۱۹، ۱۲۹۶، ۱۲۵۰، ۱۲۴۹- ۱۱۸۱، ۱۱۷۳، ۱۱۴۵، ۱۱۳۴، ۱۱۱۶، ۱۰۵۰، ۹۷۱، ۷۶۹- ۷۶۸، ۷۵۱، ۶۹۷، ۶۹۶، ۶۸۱، ۶۳۶، ۶۳۳، ۶۲۲، ۶۱۴، ۵۹۴، ۵۸۳، ۵۸۲، ۵۴۵، ۵۲۹، ۴۷۰، ۴۶۶، ۳۷۸، ۳۳۵، ۲۹۷، ۱۷۲، ۸۵، ۷۷، ۲۹ / ۱)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۲۹۴)، لغت‌نامه (ذیل / احمد، کسروی)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۶- ۴۳۷ / ۱)، یادداشتهای قزوینی (۲۲۶ / ۸).

کلابی نیشابوری، ابومحمد عمرو

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۳۸ ق)، فقیه، محدث و قاری. نزد علی بن حمزه کسائی تلاوت آموخت و از هشیم بن بشیر و عبدالوارث ثقفی و ابوبکر بن عیاش و ابوعمیده حداد و قاسم بن مالک مزنی و یحیی بن زکریا بن ابی زائده و عبدالعزیز بن ابی حازم و سفیان بن عیینه و زیاد بن عبدالله بکائی و ابن علیہ و معاذ عنبری و همطبقه آنان حدیث شنید. نسائی او را مورد اعتماد دانسته و ابن حبان می گوید که شیوخ نیشابوری ما از وی تمجید می کردند. بخاری و مسلم و نسایی و محمد بن یحیی ذهلی و ابومحمد دارمی و ابراهیم بن ابی طالب و حسن بن سفیان و ابوالعباس سراج و مسدد بن قطن قشیری نیشابوری و ابوعمار حسین بن حرث مروزی و احمد بن سیار مروزی و احمد بن سلمه نیشابوری و جعفر بن محمد بن حسین نیشابوری معروف به ترک و داوود بن حسین بیهقی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب (۵/۱۱۷)، التاریخ الکبیر (۶/۳۳۲)، تهذیب التهذیب (۳۱-۸/۳۰)، تهذیب الکمال (۲۲۶-۱۴/۲۲۵)، الثقات (۸/۴۸۷)، الجرح و التعديل (ج ۳/۲۳۳)، سیر النبلاء (۴۰۷-۱۱/۴۰۶)، شذرات الذهب (۲/۹۰)، العبر (۱/۳۳۶).

کلوری، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدرضا کلوری

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۹ پس از فارغ التحصیلی از «هنرستان رشته هنر و گرافیک» در تهران، وارد حوزه علمیه «مجد» شدم که از مدارس سازمان تبلیغات اسلامی بود و پس از آن در زیر مجموعه مدارس «مروی» تهران و در نهایت در مدرسه «مروی» به مدت ۷ سال در تهران به تحصیل علوم حوزوی اشتغال داشتم. در این زمان با قبولی در «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» به قم عزیمت کردم و به تحصیلات حوزوی در قم ادامه دادم. در موسسه امام خمینی (ره) در مقطع کارشناسی ارشد، رشته (جامعه شناسی) را به اتمام رسانده ام و به تدوین پایان نامه اشتغال دارم. مقالاتی از بنده به چاپ رسیده است و مقاله ای و کتابی نیز قرار است چاپ شود.

در ابتدای دروس خارج به محضر اساتید حضرات آیات: «مکارم شیرازی» و «آیت الله سبحانی» حضور یافتیم. اما پس از یکسال و اندی و با آشنائی با جناب استاد «آیت الله هادوی تهرانی» از کلاس خارج فقه و اصول ایشان بهره مند شدم و تا این سال یعنی ۱۳۸۵، حدود پنج سال است که از محضر وی بهره می برم.

کنتوری، اعجاز حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۶ - ۱۲۴۰ ق)، محدث، فقیه امامی، اصولی، مورخ و متکلم. وی یکی از سه فرزند عالم و فضال سید محمدقلی بن محمدحسین و برادر علامه میرحامد حسین صاحب «عقبات الانوار» است. وی علوم مختلف را از پدر و برادر خود فراگرفت. او در تمام علوم متداول زمان آگاه و از بزرگان علمای شیعه بود. از آثار وی: «شذور العقیان فی تراجم الاعیان»، در چند مجلد؛ «کشف الحجب و الاستار عن وجه الکتب و الاسفار»، فهرست مصنفات شیعه؛ «القول السدید».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۸/۱)، اعیان الشیعه (۴۶۷/۳)، الذریعه (۲۸- ۲۷/ ۱۸، ۴۳/۱۳)، ریحانه (۳۵۶/۵)، فوائد الرضویه (۵۹۶- ۵۹۵)، لغت‌نامه (ذیل / اعجاز)، معجم المؤلفین (۳۰۳/۲).

گچ بر، علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، معمار و گچ‌بر. از آثار به جا مانده‌ی وی، آجرکاری و گچ‌بریهای متنوع مسجد فریومد در ناحیه‌ی میامی، از توابع شهرستان شاهرود است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ هنرهای ملی (۲ / ۷۴۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۳).

گرایلی، فریدون

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فریدون گرایلی در سال ۱۳۲۱ در نیشابور دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشسرا را در زادگاهش گذراند و در رشته تاریخ از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد. او در سال ۱۳۴۰ به استخدام آموزش و پرورش در آمد و مدت ۳۳ سال در کسوت معلمی به امر آموزش و تربیت همت گماشت. گرایلی علاوه بر تالیف آثار تاریخی و فرهنگی، اشعار زیبایی سروده است. منزل وی همواره محل ورود اهل علم بویژه اساتید ادب فارسی و تاریخ و دانشجویان بود که از محضر او کسب فیض می کردند. فریدون گرایلی سرانجام در ۱۴ مهرماه ۱۳۷۹ دارفانی وداع گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: فریدون گرایلی تحصیلات ابتدایی و متوسطه و دانشسرا را در زادگاهش گذراند. او پس از چند سال خدمت در آموزش و پرورش، برای ادامه تحصیل به شهر مقدس مشهد و از آنجا به شهر اصفهان عزیمت نمود و در رشته تاریخ از دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد.

فعالتهای ضمن تحصیل: فریدون گرایلی همواره در دوران تحصیلات دانشگاهی به تحقیقات و پژوهشهای تاریخی گرایش نشان داده و با اندیشمندان و شاعران بزرگ کشور در ارتباط بود و از محضر آنان کسب فیض نمود و اشعار زیبایی در این مدت سرود. زمان و علت فوت: فریدون گرایلی در ۱۴ مهرماه ۱۳۷۹ دارفانی وداع گفت.

فعالتهای آموزشی: با علاقه و عشق خاصی که در فریدون گرایلی به شغل معلمی وجود داشت، در سال ۱۳۴۰ به استخدام آموزش و پرورش در آمد و مدت ۳۳ سال در کسوت معلمی به آموزش و تربیت همت گماشت. او در یکی از اشعار خود چنین می گوید: با هزاران دانش اندوزی که الفت داشتم بذر مهر و دوستی در سینه هاشان کاشتم سی و اندی سال می باشد در کسب هنر برده ام رنج فراوان، خورده ام خون جگر سینه تاریخ نیشابور را طی قرون چاک کرده ام تا مگر خوب و بدش آرم برون سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: فریدون گرایلی علاوه بر تالیف آثار تاریخی و فرهنگی، اشعار زیبایی از او به یادگار مانده است. منزل استاد همواره محل ورود اهل علم بویژه اساتید ادب فارسی و تاریخ و دانشجویان بود که از محضر او کسب فیض می کردند.

آثار:

۱ مشاهیر نیشابور شهر قلمدانهای مرصع

ویژگی اثر: این اثر استاد جایگاه خود را در بین دانشگاهیان و استاتید بخوبی باز نمود و در حال حاضر بعنوان یک کتاب مرجع تاریخی قلمداد می شود. استاد دکتر شفیع کدکنی درباره این کتاب چنین فرموده است: "کتاب نیشابور شهر فیروزه جامع ترین کتاب در تاریخ نیشابور می باشد". گرایلی در کتاب «مشاهیر نیشابور شهر قلمدانهای مرصع» حداقل ۶۰۰ ادیب و دانشمند نیشابوری را به جهانیان معرفی نموده و خود نیز در این باره چه زیبا گفته است: قلم تو شاهدهی شبهای تار فریدون تا سحرگه بود بیدار پی تحقیق تاریخ نیشابور فراهم کرد هر چه بود مقدور

۲ نیشابور شهر فیروزه

ویژگی اثر: در سال ۱۳۵۷ گرایلی اولین اثر خود بنام "نیشابور شهر فیروزه" را چاپ و منتشر ساخت که در مدت بسیار کوتاهی کمیاب گردید و بعدا تا چاپ چهارم هم رسید.

۳ نیشابور و محاکمه حکیم عمر خیام

ویژگی اثر: گرایلی کتاب "نیشابور و محاکمه حکیم عمر خیام" را در سال ۱۳۷۹ به چاپ رساند. او با انتشار این کتاب تلاش کرد تا تیرگیهای ایام را از چهره حکیم عمر خیام نیشابوری زدوده و او را در دادگاه تاریخ تبرئه نماید.

گردیزی، عبدالحی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۴۴۰ ق)، مورخ. وی از مورخان برجسته ایرانی است که در نیمه اول قرن پنجم هجری، در روزگار سلطنت عبدالرشید بن سلطان مسعود غزنوی، می زیست. از احوال او اطلاعاتی در دست نیست جز این که منسوب به گردیز است و آن منطقه‌ای است در یک

منزلی غزنه بر جاده‌ی هند. وی در غزنین سکونت داشت و در همین شهر کتاب خود را نوشت. در اواخر زندگی ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰ ق) با او دیدار کرد. اثر برجسته‌ی او «زین الاخبار» مشهور به «تاریخ گردیزی» است، مشتمل بر تاریخ عالم و اسلام از قدیم‌ترین روزگار تا اندکی بعد از ۴۴۰ ق، که به نثری پخته نوشته شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۵ / ۱)، دایره‌المعارف فارسی (۱۲۰۱ / ۱)، زین الاخبار (مقدمه)، سرآمدان فرهنگ (۱۱۲-۱۱۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابوسعید).

گرگانجی مروزی، ابونصر، ابوحامد محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۴۸۴ / ۴۸۱ - ۳۹۰ ق)، مسند، عالم علوم قرآنی و قاری. شیخ القراء در خراسان و اهل مرو بود. لیکن مدتی ساکن گرگانج، از نواحی خوارزم شد لذا به گرگانجی مشهور شد. او در طلب علوم قرآنی و قرائت بر مشایخ مسافرت‌ها کرد. قراآت و آداب را در مرو از ابوحسین عبدالرحمان بن محمد دهان فراگرفت. او در نیشابور بر ابوعبدالله محمد علی خبازی و ابوعثمان سعید بن محمد معدل قرآن را خواند. در بغداد به ابوالحسن علی بن احمد بغدادی حمامی ملحق شد و بر وی و نیز بر ابوعلی حسین بن علی رهاوی سلمی در دمشق و ابوالقاسم علی شریف زیدی حرانی در حران و جماعتی از بزرگان قرآن را قرائت نمود تا به امامت در قرائت نایل شد. در مرو درگذشت. از آثار وی «التذکره لاهل التبصره» در علوم قرآنی می‌باشد، که به آورده‌ی حموی «التذکره لاهل البصره» است. از دیگر آثارش: «المعول»، در علوم قرآنی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶ / ۲۰۸)، انساب سمعانی (۵ / ۵۵)، سیر النبلاء (۶۰۱ - ۶۰۰ / ۱۸)، شذرات الذهب (۳ / ۳۷۲)، العبر (۳۴۸ / ۲)، لب اللباب (۲ / ۲۰۶)، معجم الادباء (۲۳۳ - ۲۳۰ / ۱۷)، معجم البلدان (۴ / ۵۱۳)، معجم المؤلفین (۸ / ۲۹۵)، المنتظم (۹ / ۶۳۹)، النجوم الزاهرة (۵ / ۱۳۰)، الوافی بالوفیات (۸۹ - ۸۸ / ۲).

گلچین معانی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۷۹ - ۱۲۹۵ ش)، استاد دانشگاه، تذکره نویس، مورخ، مصحح، فهرست نویس و شاعر، متخلص به گلچین. در تهران و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات، در ۱۳۱۳ ش، به استخدام وزارت دادگستری درآمد و تا ۱۳۳۸ ش در آنجا مشغول خدمت بود. او از ۱۳۳۰ ش در کتابخانه ملی نیز خدمت می‌کرد و بعد از ۱۳۳۸ ش به طور تمام وقت در کتابخانه‌ی مجلس مشغول شد. در ۱۳۴۲ ش به دعوت نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، برای تنظیم فهرست کتب خطی آنجا، به مشهد مهاجرت کرد. وی در حین خدمت دولت به تحصیل ادامه داد و از محضر اساتید مختلف بهره برد. در ۱۳۵۶ ش برای تدریس در دوره‌ی فوق لسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد دعوت شد. گلچین از سیزده سالگی شروع به سرودن شعر کرد و در

پانزده سالگی رسماً قدم در وادی شعر نهاد و آثارش در روزنامه‌های «نسیم شمال» و «توفیق» انتشار یافت. او با امیری فیروزکوهی و رهی معیری معاشرت و مصاحبت داشت. وی در ۱۳۱۴ ش به انجمن ادبی حکیم نظامی پیوست و با وحید دستگردی همکاری نمود. در آن انجمن، علاوه بر شعرخوانی، «خمس» نظامی مقابله و تصحیح می‌شد و گلچین از محضر استادان ادب فنون و رموز شعر آموخت. وی پس از درگذشت استاد وحید برای تأسیس انجمن ادبی ایران در منزل محمد علی ناصح زحمات زیادی کشید. گلچین معانی مقالات ادبی، تاریخی و کتابشناسی زیادی در مجلات مختلف از جمله: «ارمغان»، «مهر»، «دانش»، «یغما»، «سپاهان»، «راهنمای کتاب» و غیره نوشته است. از آثار وی: «گلزار معانی»، «شهر آشوب در شعر فارسی»، «تاریخ تذکره‌های فارسی»، در دو مجلد؛ تذکره‌ی «پیمان» ذیلی بر تذکره‌ی «میخانه»؛ «کاروان هند»؛ رساله در احوال «آل بنجیر»؛ «مکتب وقوع در شعر فارسی»؛ تصحیح و تکمیل تذکره‌ی «میخانه» عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی؛ تصحیح «لطایف الطوائف»؛ «راهنمای گنجینه‌ی قرآن»؛ «فرهنگ اشعار صائب»؛ «دیوان» شعر. اهتمام در انتشار کتابهای: «تاریخ ملا زاده» احمد بن محمود بخاری، در ذکر مزارات بخارا؛ «کنوز الاسرار و رموز الاسرار»، شرح منظوم «السوانج فی العشق» احمد غزالی؛ فهرست مجموعه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس؛ فهرست قسمتی از کتب خطی کتابخانه‌ی عبدالحسین بیات. [۱]

احمد گلچین معانی، از شاعران و محققان نامدار است که به سال ۱۲۹۵ خورشیدی در تهران متولد گردید و یکی از محققانی است که کتاب‌های وی مأخذی برای همه شیفتگان اهل هنر و تحقیق می‌باشد. وی در سال ۱۳۱۳ در ادار کل ثبت مشغول خدمات دولتی گردید.

«اشک و آه»

بی تو سوزی بدل انگیخته دارم چون شمع
اشک و آه بهم آمیخته دارم چون شمع
چه کشی دامنم از دست، که سیلی ز سرشک
تا بدامن ز غمت ریخته دارم چون شمع
همه شب بهر نثارت رخت از مخزن چشم
رشته‌های گهر آویخته دارم چون شمع
اشک من تیره از آنست، که خاکستر غم
بسر از آتش دل بیخته دارم چون شمع
چون گهر روشن از آنم که بجز رشته اشک
رشته‌ها از همه بگسیخته دارم چون شمع
نیست تا در برم آن آتش سوزان، گلچین
شوری از سوز دل انگیخته دارم چون شمع
«ماه»

دیدم ای ماه که شمع شب تارم نشدی
تا نکشتی ز غمم، شمع مزارم نشدی
بی‌خبر از بر من رفتی و این دردم کشت
که خبردار ز دشواری کارم نشدی
روی برتافتی و پشت و پناه دل من

نشدی کز همه جا رو بتو آرام، نشدی
 زاریم دیدی و آنقدر تغافل کردی
 که خبردار ز حال دل زارم نشدی
 غافل از یاد تو بودم که نگشتی یارم؟
 یا بدیدی که غم روی تو دارم، نشدی؟
 یاد آن عهد، که از یکدلی و یک جهتی
 لحظه‌ی دور، ز آغوش و کنارم نشدی
 گفتی آرام ندارد دل گلچین بی من
 چکنم مایه آرام و قرارم نشدی
 باز هم مهر تو می‌پرورم اندر دل تنگ
 گرچه عمری بتو دل بستم و یارم نشدی
 برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از بهار تا شهریار (۵۰۸-۴۹۶/۲)، چشمه‌ی روشن (۷۰۶-۷۰۲)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۸۰۹)، الذریعه (۱۸/۲۱۸، ۹/۹۳۱)، سخنوران نامی معاصر (۳۰۵۹-۳۰۵۳/۵)، صدف (۵۶۷-۵۵۳)، فرهنگ سخنوران (۷۷۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۸۰۸، ۲/۸۳۷، ۱/۷۵۵)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (۳۰۷)، کیهان فرهنگی (س ۸، ش ۸، ص ۹-۳)، گلزار معانی (۶۱۰-۵۸۵).

گلشنی، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالکریم گلشنی چهاردهم خردادماه ۱۳۰۷ در شهر رشت در محله «مسجد ملاعلی محمد» به دنیا آمد. عبدالکریم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس زادگاه خود، قآنی، امید، تربیت و شاهپور، همزمان با تعلیمات دوره ای خارج مدرسه، به پایان برد. تابستان ۱۳۲۰ در مکتب سرای مرحوم شیخ محمدرضا انشایی، راسته علاقبندان، به مشق خط مشغول شد. سال بعد در کلاس دوم دبیرستان به آموختن زبان روسی پرداخت و تا اخذ شهادت نامه و برگزاری جشن فارغ التحصیلی از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی به مدت هفت سال در رشت و تهران ادامه داد. او سال ۱۳۲۹ در دانشکده افسری ثبت نام کرد و خدمت وظیفه را در گارد گمرک مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۳۰ هفته نامه سیاسی - انتقادی «هفگزر» را با همکاری تنی چند از دوستان آزاده و صاحب نظرش در رشت منتشر کرد که جمعاً هفده شماره (از آذر ۱۳۳۰ تا خرداد ۱۳۳۱) به چاپ رسید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدت سه سال در وزارت فرهنگ به شغل معلمی روی آورد و در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت. قبل از ثبت نام در دانشگاه، مقدمات آلمانی را در کلاس های زبان آموخت. شش ماه هم در کارخانه کنتس الکتروموتور در هامبورگ - آلتونا از نزدیک با «کار در آلمان» آشنا شد که در پیشرفت مکالمه وی تأثیر داشت. گلشنی تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت در سال ۱۳۴۷ به دریافت درجه دکترای تاریخ و شرق شناسی «Dr.phil» نایل شد. در شهریور ۱۳۴۸ به دعوت رسمی دانشگاه به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده

ادبیات و علوم دانشگاه شیراز به تدریس و پژوهش مشغول شد. دکتر عبدالکریم گلشنی از فضلای افتخارآفرین این سرزمین است. او با حوصله و همت عمر گرانبهایش را در این مسیر صرف کرده است. مقالات او که بیش از صد عنوان است، درباره تاریخ و معارف اسلامی، ادبیات، تاریخ ایران و تاریخ پیش از اسلام است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: ایران دوره اسلامی

والدین و انساب: پدر عبدالکریم گلشنی در کاروانسرای «شیشه کوچک» به داد و ستد اشتغال داشت و تجارت او بیشتر با انواع کاغذ و مقوا بود. در حریق بازار به سال ۱۲۹۸ هجری شمسی حجره او و همسایگانش طعمه آتش شد و ناگزیر به سرای گلشن تغییر مکان داد که بعدها به «گلشنی» شهرت یافت. به نوشته شادروان ابراهیم فخرایی، در این آتش سوزی که ظاهراً عمدی بوده و به قصد غارت اموال بازرگانان صورت گرفت، بسیاری از تاجران اموال خود را از دست دادند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عبدالکریم گلشنی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس زادگاه خود، قآنی، امید، تربیت و شاهپور، همزمان با تعلیمات دوره ای خارج مدرسه، به پایان برد. تابستان ۱۳۲۰ در مکتب سرای مرحوم شیخ محمدرضا انشایی، راسته علاقبدان، به مشق خط مشغول شد. سال بعد در کلاس دوم دبیرستان به آموختن زبان روسی پرداخت و تا اخذ شهادت نامه و برگزاری جشن فارغ التحصیلی از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی به مدت هفت سال در رشت و تهران ادامه داد در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت. قبل از ثبت نام در دانشگاه، مقدمات آلمانی را در کلاس های زبان آموخت تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت. در سال ۱۳۴۷ به دریافت درجه دکترای تاریخ و شرق شناسی «Dr.phil» نایل شد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: عبدالکریم گلشنی سال ۱۳۲۹ در دانشکده افسری ثبت نام کرد و خدمت وظیفه را در گارد گمرک مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۳۰ هفته نامه سیاسی - انتقادی «هفگز» را با همکاری تنی چند از دوستان آزاده و صاحب نظرش در رشت منتشر کرد که جمعاً هفده شماره (از آذر ۱۳۳۰ تا خرداد ۱۳۳۱) به چاپ رسید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدت سه سال در وزارت فرهنگ به شغل معلمی روی آورد و در سال ۱۳۳۵ برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به آلمان رفت.

استادان و مربیان: عبدالکریم گلشنی تا سال ۱۳۴۸ در دانشگاه هامبورگ به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال داشت و از محضر استادانی چون برتولد اشپولر، ولفگانگ لنتس، هریرت بوسه و هلموت براون بهره ها برد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: عبدالکریم گلشنی در شهریور ۱۳۴۸ به دعوت رسمی دانشگاه به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه شیراز به تدریس و پژوهش مشغول شد. در سال ۱۳۵۵ پس از انتقال به دانشگاه تهران به عنوان مدیر گروه تاریخ دانشگاه تهران ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۴ و رئیس کمیته تخصصی تاریخ در همکاری با شورای عالی برنامه ریزی ستاد انقلاب فرهنگی از ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸ مشغول به کار بوده است. و همچنین با سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) همکاری داشته است.

فعالیت‌های آموزشی: بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عبدالکریم گلشنی به مدت سه سال در وزارت فرهنگ به کار معلمی پرداخت. در شهریور ماه ۱۳۴۸ به دعوت رسمی دانشگاه (سابق) به وطن بازگشت و به عنوان استاد قراردادی و سرپرست بخش تاریخ دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه شیراز به کارهای علمی و اداری مشغول شد. در سال ۱۳۵۵ به تهران انتقال یافت و به جمع استادان و اعضای هیئت علمی گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران پیوست و مدیریت گروه تاریخ دانشگاه تهران را بر عهده گرفت. دکتر گلشنی ضمن اشتغال به امور آموزشی و تدریسی در دانشگاه‌های هامبورگ، شیراز، تهران، شهید بهشتی

(ملی سابق)، تربیت معلم و آزاد اسلامی، به کارهای پژوهشی نیز پرداخته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالکریم گلشنی در مطبوعات سابقه بسیار طولانی دارد و در این راه عمر بسیار صرف کرده است در آن ایام یعنی پس از جنگ جهانی دوم بین سال های ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰ که روزنامه ها بدون محابا حقایق اخبار و اطلاعات را در اختیار مردم می گذاشتند. او که جوانی پرشور و آزادیخواه بود و فارغ از قید و بند و سرشار از روحیه مردم سالاری بود در انتشار «هفگزر» در رشت همکاری داشته است. فریدون نوزاد - شاعر و پژوهشگر گیلانی در نشریه گیلان ما - در وصف ویژگی های عبدالکریم گلشنی می گوید: «در چنین حال و هوایی، جوانی پرشور و هیجان، عاشق آزادی و رهایی مردم از قید بند، سرشار از روحیه مردم سالاری با گردآوری چند نوجوان نوخیز و ضد استبدادی و قلدری به دور خویش، هفته نامه طنزپرداز هفگزر را در رشت بنیاد نهاد. عبدالکریم گلشنی از زنده یاد محمدصادق غنچه صاحب امتیاز و مدیر هفته نامه صفدر خواست تا اجازه دهد به صورت ضمیمه صفدر با شعار: «هفگزر بلای جان عدوی وطن بود» منتشر شود و او نیز با سعه صدری که داشت، بدون هیچ شرطی موافقت خود را اعلام داشت و بدین سان نخستین شماره این نشریه را با سرمقاله پرمحتوا انتشار داد.» انتشار هفگزر درست همزمان با هفدهمین دوره انتخابات مجلس شورای ملی ایران صورت گرفت و در میان مردم گیلان آنچنان محبوبیتی یافت که فریدون نوزاد می گوید: «بازار داغی در میان مردم یافته و به راستی غوغا می کرده است و موجی فراهم آورده بود که هفگزر بلافاصله پس از انتشار نایاب می شد.» حضور عبدالکریم گلشنی در نشریه هفگزر باعث جلا و ارتقای آن نشریه بود. او با احاطه بر اصول شعری و ادبیات موجب صلابت بیشتر اشعار به چاپ رسیده در آن نشریه شد. فریدون نوزاد درباره عبدالکریم گلشنی می گوید: «عبدالکریم گلشنی که امروزه از فضیلت افتخار آفرین جامعه ماست بشدت از بیگانگی پرستی نفرت داشت و هنوز هم این ویژگی را در نهاد خود حفظ کرده است. به همین علت همان گونه که با رهبران فرمانبردار بعضی از احزاب اشتباه کار می جنگید. از مبارزه با مسئولان زورگو و مردم ستیز هم باز نمی ایستاد، برای او جمال امامی، سیدشوشتری یا رئیس قدرتمند شهربانی های گیلان، علی بنی آدم فرماندار رشت و همچنین سرتیپ مغروری فرمانده تیپ منطقه به خاطر خصلت مردم ستیزی که داشتند، با آن گروه اول تفاوتی وجود نداشت، هر دو گروه بد می کردند، و بدی را نمی باید بدون جزا و مکافات گذاشت.

چگونگی عرضه آثار : از عبدالکریم گلشنی پنجاه مقاله تحقیقی در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام در مجلات علمی آلمان و ایرانی به جای مانده است. عبدالکریم گلشنی در بسیاری از جشن نامه ها مانند یادگار نامه فخرایی به کوشش رضا رضازاده لنگرودی، جشن نامه استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب به کوشش علی دهباشی، ستوده نامه به کوشش ایرج افشار و یادنامه و جشن نامه دکتر محمدامین ریاحی مقالات با ارزش و گرانقدر ارائه کرده اند. مقاله های ارزشمندی که در نگارش آنها از جان مایه گذاشت و عمر خود را در این مسیر صرف کرد تا دانشجویان و استادان تاریخ بتوانند از آنها بهره ببرند. در مقاله ای از او با عنوان «جمال الدین شروانی» که در «دانشنامه جهان اسلام» منتشر شده است؛ می خوانیم: «جمال الدین شروانی، وزیر موسی خان از شوال تا ذیحجه ۷۳۶ وزیر امیرعلی پادشاه، وی پسر تاج الدین علی بود. با مرگ سلطان ابوسعید بهار در ۱۳ ربیع الآخر ۷۳۶ و فقدان فرمانروایی لایق اقتدار دولت ایلخانی وسیله ای برای قدرت طلبی امیران با نفوذ شد. پس از جلوس آریاخان / آریای گائون، به جانشینی ابوسعید، این که غیاث الدین محمد، وزیر سلطان ابوسعید، امرا را به اتحاد دعوت کرده بود، امیرعلی پادشاه، دایی سلطان ابوسعید و حکمران دیاربکر، به سلطنت آریاخان رضایت نداد و موسی خان مغول نواده بایدو را به شاهی برگزید...» «.... ایلخانیان مغول در بیش از یک قرن فرمانروایی در ایران (۶۵۳، ۷۵۶) به رغم حفظ وحدت دولت، نتوانستند حدود مسئولیت صاحبان مناصب و وزیران را مشخص کنند و نفوذ هر ایلخان یا وزیر در قلمرو حاکمیتش، به شخصیت خود او بستگی داشت و همین موضوع یکی از عوامل انقراض این سلسله شد.»

آثار:

۱ - طبقات ابن سعد

ویژگی اثر: نخستین ترجمه، تصحیح و چاپ، نشریه تاریخ (مجله تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران)
 ۲ ابوحنیفه دینوری گیاه شناس. از فؤاد سزگین.

ویژگی اثر: ترجمه عبدالکریم گلشنی. به کوشش دکتر مهدی محقق. تهران. «از بلبر برگ کتاب النبات راه، از نظر ریخت شناسی گیاهی (مورفولوژی) «جالب ترین قسمت گیاه شناسی آن روزگار یافته است» و در آن یک نظریه ریخت شناسی نسبتاً فوق علمی پیدا کرده که اصطلاحات به کار رفته و رایج برای اعضا و اندام های مختلف گیاه و تعریف و تبیین واژه ها آن را تصدیق و تأیید می کند. (یک عامل با ارزش دیگر) این تجسم جنبه های ریخت شناختی (مورفولوژیکی)، ارائه اشکال پیچیده نبات از طریق مقایسه با نمونه های معلوم و مشهور است. این همان واقعیتی است که برتسل Bretzl در بررسی های گیاه شناختی یونان، در کارتو فراست، Theophrast، بازشناخته است و در تحقیقاتش در زمینه گیاه شناسی راه اسکندر، به طور ممتاز و پرمعنایی، توصیف ویژگی های گیاه را از نظر ریخت شناسی و قیافه شناسی نشان داده است.»

۳ ستوده نامه (دکتر منوچهر ستوده). پاسخ ابن عمید به پرسش های عضدالدوله. از پروفیسور هانس دای بر.

ویژگی اثر: ترجمه و تلخیص از عبدالکریم گلشنی پژوهش های ایرانشناسی، نامواره دکتر محمود افشار، جلد، به کوشش ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان - محمدرسول دریاگشت. تهران

۴ فرهنگ ایران در قلمرو ترکان

۵ قیام گنومات مغ (ترجمه)

۶ مقابله متن آلمانی با ترجمه کتاب «تاریخ نگارش های عربی» تألیف فؤاد سزگین، جلد اول (علوم قرآنی، حدیث، تاریخ، فقه، عقاید و تصوف) و جلد دوم (شعر).

ویژگی اثر: چاپ خانه کتاب

۷ مقالات چاپ شده در دایرة المعارف بزرگ اسلامی،

ویژگی اثر: زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی

۸ مقالات در دانشنامه جهان اسلام

ویژگی اثر: زیر نظر غلامعلی حداد عادل، جلد تهران

۹ نقد و معرفی کتاب تقویم التواریخ

ویژگی اثر: تألیف حاجی خلیفه کاتب چلبی. تصحیح میر هاشم محدث. آیینه میراث، سال اول شماره، تهران
 برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

کلمانی، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
 برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

گوستاو، فلوگل

قرن: ۱۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

گوستاو فلوگل یکی از خاور شناسان بنام آلمانی است خدمات شایانی به علوم اسلامی داشته از جمله سبب اتصال شرق با غرب در جهت دست یابی آسان تر به قرآن و استخراج کلمات و آیات آن گشته او در کتاب تجوم الفرقان فی اطراف القرآن به این مهم دست یافت و در ضمیمه کلام الله مجید در سال ۱۸۴۲ م به طبع رساند. این دانشمند شهیر در سال ۱۸۷۰ م در گذشت.

لاهیجی، علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، مورخ. در لاهیجان به دنیا آمد. از آثار وی «تاریخ خانی» است که شامل وقایع تاریخ گیلان و طبرستان و سلسله‌ی کیایی گیلان می‌باشد که برای خان احمد خان حسینی (۱۰۰۴ - ۹۴۳ ق)، آخرین پادشاه این سلسله، نوشته است. در «الذریعه» تاریخ فراغت از تألیف کتاب «تاریخ خانی» ۸۹۹ ق و در «طبقات اعلام الشیعه» ۹۲۲ ق ذکر شده است که هیچ کدام با زمان سلطنت احمد خان تطابق ندارد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۸۳)، الذریعه (۲۵۱ - ۳/۲۵۰)، اعلام الشیعه (قرن ۱۶۲ - ۱۰/۱۶۱)، کتاب گیلان (۳/۴۳۳).

لطفی نیا، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای محمود لطفی نیا در ۲۰ اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۳ شمسی در شهر لاهیجان از توابع استان گیلان دیده به جهان گشود. ولادت او در خانواده ای کم درآمد و در عین حال سرشار از جاذبه های معنوی بود آقای لطفی نیا همچون بسیاری دیگر از قاریان قرآن بانوای دلنشین و روح انگیز استاد عبدالباسط در وادی تلاوت گام نهاد و نخستین بار در سال ۱۳۵۴ هـ.ش جهت آموختن تکالیف دینی به مسجد محل قدم گذارده در جلسات قرآن استاد علیزاده شرکت نمود. او که متأثر از صوت گرم مرحوم عبدالباسط اشتیاقی وصف ناپذیر نسب به تلاوت قرآن در خود یافته بود زندگی قرآنی خود را به این ترتیب آغاز نمود او از مادرش، استاد حاج آقا علیزاده و استاد محمد پُر دل به عنوان عوامل اصلی در امر پرورش قرآنی خود یاد می کند. حاج محمود لطفی نیا در ابتدای امر از استاد مرحوم عبدالباسط و سپس استاد مرحوم مصطفی اسماعیل تقلید می کرد که مدت ۶ سال به طول انجامید پس از آن برای یافتن شیوه مستقلی در امر تلاوت به طور متناوب به تقلید از قاریان دیگری چون محمد عبدالعزیز حسان، کامل یوسف البطنینی، محمد محمود رمضان، سید محمد نقش بندی، محمد عمران، محمد رفعت، عبدالفتاح شعشعی پرداخت. پس از پیروزی انقلاب

اسلامی و ساماندهی فعالیتها بویژه آموزشهای قرآنی در شهرستانها، اجرای تلاوتهای او به تقلید از قاریانی چون عبدالباسط و شرکت در جلسات سنتی به مسابقات مختلف قرآن کریم کشیده شد و به این وسیله به سنجش آموخته های خود پرداخت. آریلای لطفی نیا همچنین از محضر اساتیدی چون شهیدی و رنجبر نیز در امر تلاوت بهره گرفت و تحصیلات خود را در رشته ادبیات عرب مقطع کارشناسی ارشد در رشته علوم و قرآن و حدیث دانشگاه تهران به ادامه تحصیل پرداخت و علاوه بر تحصیلات دانشگاهی به تحصیل دروس حوزوی در شهرستان کاشان پرداخت و در فاصله سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۰ در مدرسه علمیه مرحوم حاج آقا رضا مدنی تحصیل خود را در حدود اتمام رسائل در مکاسب ادامه داد. آقای محمود لطفی نیا در سال ۱۳۶۹ ازدواج نمود و یک فرزند او به نام محمد حسین شیفته تلاوت قرآن و اجرای اذان است. همسرش نیز که از دبیران معارف اسلامی است با قرآن مفاهیم عالی آن مأنوس است. و در مسابقات قرآن دوران تحصیل نیز رتبه هایی به دست آورده است.

آقای محمود لطفی نیا علاوه بر امر تلاوت در زمینه خوشنویسی نیز توفیقاتی بدست آورده است او در رشته های خوشنویسی چلیپا، کتابت، و نسخ درجه ممتازی را کسب نموده است. آقای لطفی نیا نخستین تلاوت رسمی خود را در مسابقات سراسری قرآن کریم در مدرسه علمیه شهید مطهری در سال ۱۳۵۹ اجرا نمود حاج محمود لطفی نیا در سال ۱۳۵۹ در مسابقات استانی رشت رتبه برتر دور مسابقات کشوری قرآن کریم در مدرسه عالی شهید مطهری رتبه سوم را از آن خود ساخت در سال ۱۳۷۵ در مسابقات قرآن کریم دانشجویان کشور در تبریز رتبه نخست این دوره از مسابقات را از آن خود نمود. در همان سال نیز در مسابقات کشوری اوقات در شهر ارومیه رتبه نخست را بدست آورد و بدین ترتیب در مسابقات بین المللی قرآن کریم در سال ۱۳۷۵ در حسینیه ارشاد رتبه برتر را کسب کرد. آقای لطفی نیا علاوه بر تلاوت قرآن و شرکت در مسابقات قرآن کریم به امر داوری نیز پرداخته است از جمله آنها در سال ۱۳۶۸ به کشورهای امارات، اتیوپی و ماداگاسکار سفر نمود. در سال ۱۳۶۹ به پاکستان و در سال ۱۳۷۵ به لبنان و در سال ۱۳۷۹ نیز به تایلد مسافرت داشته است. آقای لطفی نیا در ایام و دوران دفاع مقدس چندین ماه در جبهه های نبرد حق علیه باطل حضور داشته است او معتقد است که تمامی زندگی در معیت قرآن رنگی دیگ داشته و آشنائیش با کلام وحی را از همان آغاز طفولیت از برکات الهی می داند او به قاریان قرآن نیز توصیه می کند که عوامر تلاوت ابتدا به رفتار و اخلاقشان بنگرند و با قرآن منطبق کنند که آیا رفتاری در شأن کلام وحی دارند یا خیر؟ او که سالها علاوه بر تلاوت قرآن به امر تدریس در زمینه های مختلف چون صوت و لحن پرداخته، به قاریان قرآن سفارش می کن که در ابتدای امر تلاوت به تقلید از یکی از قاریان برجسته مصری پردازند و به تدریج خود سبکی برگزینند. او همچنین توصیه می کند که قاریانی که در ابتدای راه هستند به امر تجوید بیشتر وجه کنند تا آنرا بکار ببندند. آقای لطفی نیا تاکنون در متعددی بتدریس صوت و لحن قرآن پرداخته است از جمله تربیت مربی حوزه علمیه قم، دوره های کانون قرآن دانشگاه آزاد اسلامی، دوره های منطقه تربیت قرآن سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه های عالی آموزش تخصصی قاریان نوجوان و جوان شورایعالی قرآن او همچنین در زمینه های مختلف تلاوت به گردآوری جزواتی پرداخته که در آینده نزدیک به چاپ خواهد رسید.

آقای حاج محمود لطفی نیا از سال ۱۳۶۰ تا کنون به تدریس جلسات مختلف پرداخته است که نخستین جلسه رسمی او در سال ۱۳۶۴ در شهر کاشان تشکیل شد که یکسال به طول انجامید آقای لطفی نیا در حال حاضر دبیر آموزش و پرورش گیلان می باشد و همزمان نیز به تحصیلات علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران ادامه می دهد. آقای لطفی نیا از اساتید رفعت، عبدالفتاح شعشاعی و مصطفی اسماعیل به عنوان قاریان برتر مصر از ابتدا تا کنون یاد می کند. و در میان قاریان عصر حاضر نیز اساتید شعیب، غلوش و حسان را برترین می داند او از جمله قاریانی است که علاوه بر تلاوت به امر ابتهال و تواسیح نیز اهتمام می ورزد، اشتیاق به ابتهالات دینی باعث شده تا در محافل مذهبی، قرآنی و نیز صدا و سیما به اجرای ابتهال نیز پردازد او در توصیه اش به جوانان و نوجوانان تأکید دارد بر استماع مداوم قرائت استادان مصری که جوانها می خواهند آنرا الگو خود قرار دهند و در غیر اینصورت خیلی دیر

نتیجه خواهند گرفت بخصوص اگر تحت نظر استاد نباشند.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

لطیفیان، حمید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید لطیفیان به سال ۱۳۴۰ خورشیدی در شهرستان بروجرد متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و چون از کودکی به موسیقی و کارهای هنری علاقمند بود، لذا به ساختن ساز تار و موسیقی روی آورد و خود در این باره می‌گوید:

«از کودکی به موسیقی و صدای تمام سازها علاقمند بودم ولی صدای ساز تار مرا مسحور می‌کرد و شکل و فرم این ساز مرا شیفته‌ی خویش ساخته بود، زیرا نقاره‌ی این ساز مثل قلب است و صدایی که از این قلب بیرون می‌آید مرا به جهان دیگر می‌برد. به هر حال همیشه درصدد بودم تا بتوانم روزی به این هنر و ساز تار دسترسی پیدا نمایم تا اینکه با دریافت مدرک دیپلم و استقلال فکری و کاری بیشتر در زندگی، توانستم بر اثر کنجکاوی و تحقیق و بررسی‌هایی که نمودم با حداقل امکانات و با الهام از عکس‌های موجود در کتاب‌های موسیقی در خصوص شکل ظاهری تار و بعد از آن با دیدن یکی از تارهای ساخت استاد فرج‌الله و تداعی شکل آن در ذهن خود شروع به ساخت آن کردم و در حین کار تحقیق در مسئله معروفیت کار استاد یحیی چند نمونه از قالب‌ها و اندازه‌های کار ایشان را تهیه نمودم و سپس آن الگوها را سرمشق کار خویش قرار دادم و در اینجا از همکاری و مساعدت سرور و دوست گرامی و عزیزم استاد احمد رفعتی که مشوق من در ادامه این کار بوده است صمیمانه تشکر می‌نمایم. از سال ۱۳۶۷ ساختمان سه‌تار را در کنار ساختن ساز تار شروع نمودم و در این کار تا چه اندازه موفق بوده‌ام قضاوتش بر عهده‌ی اهل فن است که باید بگویم ذوق و تجربه در ساختن وسایل موسیقی اساس موفقیت کار هر سازگر می‌باشد». بر گرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد چهارم)

لواسانی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۰-۱۳۰۸ ق)، عالم دینی، مجتهد و مورخ. نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را نزد علمای نجف فراگرفت. وی از شاگردان آیت‌الله شیخ محمد کاظم خراسانی و آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی و آیت‌الله شیخ علی گنابادی و آیت‌الله شیخ علی قوچانی و آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله شیخ علی قوچانی و آیت‌الله میرزا حسین نایینی و آیت‌الله میرزا محمد تقی شیرازی و آیت‌الله سید اسماعیل صدر بود و نزد آنان در نجف، سامرا و کربلا مراحل علمی را طی کرد. آن‌گاه مشغول به تدریس و تألیف شد. در ۱۳۳۳ ق به تهران آمد و به تدریس پرداخت، سپس به مشهد رفت و از محضر آیت‌الله آقا محمد آقازاده‌ی کفایی استفاده نمود. در ۱۳۴۴ ق به نجف بازگشت و از محضر اساتید وقت، آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ محمد حسین غروی، استفاده نمود تا به مراتب عالی‌ی اجتهاد رسید و به

دریافت اجازه‌های اجتهاد نایل شد. در ۱۳۴۸ ق برای ارشاد و سرپرستی شیعیان به لبنان رفت و در ۱۳۷۰ ق به تهران بازگشت و به امور علمی و دینی پرداخت. وی در مسجد محمودیه سرچشمه به انجام امور مذهبی مشغول بود. لواسانی از دوستان نزدیک علامه امینی بود. در تهران درگذشت. از آثارش: «الدروس البهیة»، در مختصری از تاریخ پیامبر (ص) و ائمه (ع)؛ «مرقاة جنان الزهر»؛ «نور الافهام» شرح منظومه‌ی «مصباح الظلام»، در علم کلام؛ «الشریعة السماحاء»، در اصول دین و احکام شرعیه مطابق عمل به احتیاط؛ «تاریخ النبى احمد (ص)»، در دو مجلد؛ «تواریخ الانبیاء» از حضرات آدم تا حضرت خاتم؛ «نقض الهفوات و تکذیب المفتریات»، ردی بر دعاوی بهائیت و تکذیب علی محمد باب؛ «فضیحة الکذابین»، در رد قادیانی؛ «الکشکول». [۱]

حاج میرزا حسن بن السید العلامة آیت‌الله حاج سید محمد لواسانی از مشاهیر علماء معاصر تهران می‌باشد. وی در ماه رمضان سال ۱۳۰۸ قمری در نجف اشرف متولد شده و چون در سن نه سالگی اوان کودکی در سال ۱۳۱۷ قمری مرحوم والد را از دست داده با نهایت جدیت و اشتیاق در نجف اشرف در محضر طلاب علوم شرعیه و فضلاء مقدمات و ادبیات را خوانده و سطوح نهائی را پایان رسانیده و در سن بیست سالگی بدرس خارج آیات عظام و مراجع تقلید چون مرحوم آیت‌الله العظمی آخوند خراسانی و علامه یزدی و پس از فوت آنان مرحومین آیتین حاج شیخ علی گنابادی و حاج شیخ علی قوچانی و بعد از فوت آن دو بزرگوار از درس و محضر آیت‌الله حاج میرزا حسین نائینی و آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و در سامرا از مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمدتقی شیرازی و در کربلا آیت‌الله حاج سید اسمعیل صدر استفاده نموده تا در سال ۱۳۳۱ قمری که جنگ بین‌المللی پیش آمد و اوضاع دنیا در آن جنگ متشت و در هم ریخته شد خصوصا عراق عرب که از همه جا سخت گردید که هر کس به هر وسیله که برایش ممکن میشد فرار را برقرار اختیار نموده و باطرف بلاد منتشر میشد و همه روزه زندگی و ناامنی بدتر میشد ناچار معظم له باتفاق مرحومه علویه والدهاش و عیال و اولاد و والدین عیال با نهایت دست‌تنگی و قلت زاد از نجف اشرف در اواسط ۱۳۳۳ قمری بعزم هجرت به ایران حرکت نموده و در کاظمین متوقف و در مدت دو ماه هفت نفر از بستگانش چون مرحومه والده و عیال و سه نفر از اولادش و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی قوچانی همسر خواهرش با فرزندش بمرض وبا و غیره از دنیا رفته و بالاخره خودش باتفاق خواهرش با نهایت صعوبت و سختی وارد تهران و باقارب و احارم خود ملحق و با ابتلاء بامراض عددیه و مراجعه بصفوف اطباء تا بفضل پروردگار بهبودی یافته و در ماه رمضان ۱۳۳۴ قمری همشیره همسر مرحومه سابقش را که صبیبه مرحوم آقا سید محمد واعظ لواسانی بود تزویج و مهاجرت به مشهد نموده و مدت شش سال اقامت و از محضر آیات و مدرسین آن عصر چون مرحوم آیت‌الله آقا محمد آقا زاده کفائی و دیگران استفاده و در سال ۱۳۴۰ قمری بحج مشرف و چند ماهی متوقف و موجب استبصار یکی از دانشمندان اهل سنت که رئیس بعضی از دوائر دولتی صعودی بوده گردیده و بیش از بیست مرتبه از لبنان و عراق و ایران بحج مشرف شده و باین فیض بزرگ رسیده است.

نگارنده گوید: علامه لواسانی در طول تاریخ عمر خود موفقیت‌های بزرگی پیدا کرده که موجب غبطه و حسرت می‌باشد از جمله اختلاف بین شیعیان مقیم مدینه و ارجاع بمراجع تقلید دادند بعد از آن که مدت‌ها آنها بر طریقه اخباریین بودند.

دیگر راه یافتن ایشان به کتابخانه مدینه منوره و استفاده از کتب حضرات تسنن در بطلان اجماع امت بر خلافت شیخین و دیگران. و خلاصه پس از مدت اقامت در مدینه منوره بمکه معظمه برای اداء حج تمتع مشرف و بعد از آن مراجعت به عراق و از آنجا به ایران و قم آمده در هنگامی که مراجع بزرگ نجف چون آیت‌الله اصفهانی و نائینی و خالصی و دیگران تبعید از عراق بودند و در آنجا بفیض ملاقات و زیارات آنان رسیده و از آنجا به مشهد مشرف و موفق بوظائف دینی و شرعی خود از امامت در مسجد ترکها و تدریس فقه و اصول گردید تا در نیمه ماه رجب ۱۳۴۴ قمری باتفاق عیال و فرزندان مراجعت به نجف اشرف نموده و از محضر آیت‌الله اصفهانی و نائینی و آیت‌الله کمپانی و آیت‌الله عراقی استفاده نموده در مدت پنجسال آنگاه بامر بعضی از آیات مذکوره برای تبلیغات احکام شرعیه به لبنان مسافرت کرده و خدمات زیادی در آن سامان انجام داده و مورد توجه و علاقه شدید مردم جبل

عامل گردیده و تقاضای اقامت ایشان را نموده و به آیت‌الله اصفهانی متوسل تا بامر آن مرحوم بیش از بیست و دو سال در آن بلاد با نهایت عزت و عفت نفس اقامت نموده و مردم بی‌خبر آن حدود را ارشاد و هدایت نموده تا در سال ۱۳۷۰ قمری که جنگ اسرائیل با اعراب فلسطین شروع شد و مردم فلسطین مغلوب و آواره گردیدند ناچار به مهاجرت به ایران گردیده و در تهران مقیم و تا حال حاضر در مسجد محمودیه سرچشمه به اقامه جماعت و ترویجیات دینی و خدمات اشتغال دارند.

تألیفات و آثار عدیده‌ای دارند که فهرست آنها را می‌نگارم.

۱- الدروس البهیه در مختصری از احوال النبی و الائمه ۲- نور الافهام شرح منظومه مصباح الظلام فی علم الکلام ۳- الشریعه السمحاء فی الاحکام الشرعیه الفرعیه علی طبق العمل بالاحتیاط. ۴- تاریخ النبی احمد صلی الله علیه و آله در دو مجلد از مبدء خلقت نور آن بزرگوار تا آخر عمر حضرتش ۵- تواریخ الانبیاء از حضرت آدم تا حضرت خاتم صلی الله علیه و آله در دو مجلد ۶- فضیحه الکونین رد بر قادیانی کذاب هندی. ۷- نقض الهفوات رد بر دعادی بهائیه و تکذیب علی محمد باب ۸- کشکول لطیف که تمام اینها بطبع رسیده و اما آثار مخطوط آن جناب عبارتست از فقه و اصول و تقریرات مباحث اساتید عظام و حواشی بعضی مسائل متفرقه و غیره.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۳۵۸، ۲۹۲/۲۴، ۳۱۳/۲۰، ۲۷۵/۱۶، ۱۸۶/۱۴، ۱۴۴/۸، ۲۹۰/۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۴۹-۵۴۶/۴)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۳۵-۱۱۳۳/۳).

لهسائی زاده، عبدالعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه دیترویت آمریکا در سال ۱۳۵۷، دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی میشیگان آمریکا در سال ۱۳۶۳، تخصص در جامعه‌شناسی روستائی، فوق تخصص جامعه‌شناسی کشاورزی از دانشگاه اونتاریو غربی در کانادا.

مرتبه علمی:

استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۳، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شیراز در سال ۱۳۷۲.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

مهاجرت از روستا به شهر، تک‌نگاری روستائی، جامعه‌شناسی در ایران، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی مهاجرت، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۲ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۸

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

جامعه‌شناسی روستائی، جامعه‌شناسی کشاورزی، جامعه‌شناسی مهاجرت، نظریه‌های جامعه‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۴، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۵

زمینه علمی مقالات:

جامعه‌شناسی روستائی، جامعه‌شناسی توسعه، جامعه‌شناسی جنگ.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مبارک میرزا قاجار

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ق)، نقاش، قلمدان ساز، خطاط و شاعر. در چهره‌پردازی و سایه‌پردازی دقیق و نازک نگار بود و شیوه‌ی استاد صنیع‌الملک را دنبال می‌کرد. او با مکتبهای اروپایی آشنایی داشت و در قلمدان‌سازی و آبرنگ نیز با استعداد بود و شبیه‌سازی و تذهیب را خوب می‌دانست. مبارک میرزا در خوشنویسی نیز دست داشت و شعر هم می‌سرود. وی اواخر عمر خود را در قم گذرانده و همان جا در گذشته است. از آثار او «تصویر تمام قد و آبرنگی رضا قلی خان دیوان بیگی، در شیوه‌ی صنیع‌الملک، به خط نستعلیق زیبا، با رقم: «... مبارک ابن محمود القاجار سنه ۱۲۷۹»؛ تصویر آبرنگی یکی از رجال قاجاری، به نام هدایت که کلاه بوقی به سر دارد، با: «رقم مبارک بن محمود قاجار»؛ قلمدان پرکاری در شیوه‌ی آقا نجف که در وسط رویه آن، تصویر زن جوانی است که سگی را به بغل گرفته است، با رقم: «مبارک بن محمود».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۵۸۹-۵۸۷/۲)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (۱۳۶-۱۳۵).

متقی زاده، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد متقی زاده

محل تولد: سربند اراک

شهرت: متقی زاده

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

احمد متقی زاده

متولد ۱۳۴۲ دیپلم تجربی، تحصیلات حوزوی را تا سطح اول در حوزه علمیة بروجرد نزد آیت الله صاحب زمانی و آیت الله جوهری نوه هفتم صاحب جواهر گذراندم و سطح دو و سه را در حوزه علمیة قم نزد اساتید حوزه علمیة قم حضرت آیت الله سید علی محقق داماد، آیت الله اعتمادی، آیت الله سبحانی و ... تلمذ نموده ام، درس خارج فقه و اصول به مدت ۵ سال در محضر آیت الله سبحانی، مرحوم آیت الله میرزا جواد آقاتبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله جوادی آملی و آیت الله محمد کریم مروجی شرکت و کسب فیض نموده ام و تحصیلات دانشگاهی کارشناسی در رشته علوم سیاسی و کارشناسی ارشد را نیز در رشته علوم سیاسی و در حال ادامه تحصیل دکتری و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور در حال حاضر هستم. بیش از ۱۵ سال سابقه تدریس در دانشگاههای تهران مثل علامه طباطبایی و شهید رجایی و امام علی دانشگاههای ازاد اسلامی واحد تهران شمال و تهران مرکزی و علوم تحقیقات و پیام نور و علوم اقتصادی و... هستم.

مسئولیتها در نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها: ۱-مسئول اداره نظارت و ارزیابی ۲-مسئول اداره جذب و گزینش نهاد ۳-مدیر ارتباطات و اطلاع رسانی مسئول و راه انداز دانشگاه پیام نور واحد چهاردانگه فعالیتهای پژوهشی: تالیف بیش از ۱۰ جلد کتب و بیش از ۲۰ مقالات علمی پژوهشی تالیفات: ۱-کتاب انقلاب اسلامی ایران و عوامل وقوع آن ۲-تجزیه و ترکیب قرآن کریم ۳-تاریخ تحول دولت در اسلام ۴-آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ۵-یکصد و چهل حدیث اخلاقی از رسول اعظم ۶-آشنایی با اندیشه سیاسی امام خمینی ره و...

متقی زاده، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله متقی زاده

محل تولد: سربند اراک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

دوره فوق لیسانس جامعه شناسی را در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با گرایش پژوهشگری گذراندم، سابقه تدریس: از سال ۱۳۶۴ در حوزه علمیة قم ادبیات و اصول و منطق و کلام را به طور مستمر تدریس داشته ام و از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۴ در دانشگاههای مختلف چون علامه طباطبایی، امیرکبیر، دانشگاه آزاد پردیس تفرش و غیره تدریس داشته ام.

تألیفات: سه جلد کتاب در زمینه های ادبیات عرب، جامعه شناسی، بحث جامعه شناسی ارتباطات و جامعه شناسی تغییرات و حدود ۱۶ مقاله علمی، کلامی و اجتماعی نگاشته ام که بعضا به چاپ رسیده و یک کتاب به عنوان آسیب شناسی محرم در دست چاپ است و در طول دفاع مقدس حدود ۱ سال تمام در جبهه ها شرکت داشته ام و عضو خانواده شهدا می باشم و حدود یک سال و نیم

در سپاه پاسداران به عنوان تبلیغ و تدریس فعالیت داشته ام و بعد از جنگ در سنگر فرهنگی حدود ۱۲ سال تدریس و تبلیغ در دانشگاهها و مسئولیت دفتر نهاد رهبری در دانشگاه امیرکبیر واحد تفرش را حدود ۵ سال عهده دار بوده ام و حدود ۷ سال در صدا و سیما در مسئولیتهای گروه فلسفه و کلام و طرح و برنامه رادیو معارف و فعلاً به عنوان مدیریت پژوهشهای برنامه ای و فیلم نامه ای را در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما عهده دار هستم.

مجتبوی، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سیدجلال‌الدین مجتبوی در سال ۱۳۰۷ در تهران به دنیا آمد. پس از طی دوره دبستان و دبیرستان، در رشته فلسفه، در دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد و در سال ۱۳۴۶ دوره دکترای این رشته را به پایان رسانید. از سال ۱۳۴۹ رسماً با سمت استادیاری گروه فلسفه دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. اکنون نیز با رتبه دانشیاری آن گروه به تدریس اشتغال دارد. قابل ذکر است ترجمه کتابهای «تاریخ فلسفه»، جلد اول، و «علم اخلاق اسلامی» سیدجلال‌الدین مجتبوی، به ترتیب در دوره دوم و چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سیدجلال‌الدین مجتبوی پس از طی دوره دبستان و دبیرستان، در رشته فلسفه، در دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد و در سال ۱۳۴۶ دوره دکترای این رشته را به پایان رسانید.

استادان و مربیان: اساتید برجسته ایشان در دوران تحصیل عبارتند از: مرحوم فاضل تونی، مرحوم سید کاظم عصّار، مرحوم دکتر رضازاده شفق.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سیدجلال‌الدین مجتبوی از سال ۱۳۴۹ رسماً با سمت استادیاری گروه فلسفه دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. پس از پیروزی انقلاب به مدت چهارسال سرپرست گروه فلسفه دانشگاه تهران گردید. و اکنون نیز با رتبه دانشیاری آن گروه به تدریس اشتغال دارد.

جوایز و نشانها: ترجمه کتابهای «تاریخ فلسفه»، جلد اول، و «علم اخلاق اسلامی» سیدجلال‌الدین مجتبوی، به ترتیب در دوره دوم و دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

آثار:

۱ بنیاد حکمت سبزواری

ویژگی اثر: ترجمه از انگلیسی

۲ تاریخ فلسفه

ویژگی اثر: ترجمه از انگلیسی (برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال) - آشنایی با کتاب: «تاریخ فلسفه»، جلد اول این کتاب، که اثر مشهوری از فردریک کاپلستون است، به بررسی تاریخ فلسفه از آغاز تا زمان معاصر می پردازد.

تفکر فلسفی قدمتی برابر با قدمت فرهنگ بشری دارد. در طول قرن‌ها اندیشمندان گوناگون با کوشش بسیار به پی ریزی روشهای مختلف فلسفی پرداخته‌اند. در زمان حاضر آشنایی با تاریخ فلسفه برای آگاهی بر اندیشه‌های صحیح و پرهیز از انحرافات گذشتگان برای هر اندیشمندی و بویژه دانشجویان و پژوهندگان رشته فلسفه ضروری است. تاریخ فلسفه، گردآوری محض عقاید یا نقل و حکایت مطالب جدا و مجزای فکری که هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند نیست، بلکه نمایش جستجوی حقیقت از سوی انسان از طریق استدلال و برهان است. کتاب حاضر یکی از مشهورترین کتابهای تاریخ فلسفه است که مؤلف آن را نه برای فضلا و متخصصان فن، بلکه برای دانشجویان این رشته نگاشته است. جلد اول ترجمه این کتاب شامل مباحث مربوط به فلسفه پیش از سقراط، دوره سقراطی، و افلاطون می‌باشد.

۳ علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات مرحوم محقق نراقی)

ویژگی اثر: ترجمه-برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره چهارم کتاب سال-آشنایی با کتب علم اخلاق اسلامی: کتاب مشتمل بر دو جنبه علوم عقلی و نظری و - دینی و عملی با سبک و اسلوبی ویژه است مؤلف محترم در آغاز درباره نفس انسان و قوا و غرایز او سخن می‌گوید و هر یک از فضایل اخلاقی را به یکی از قوای نفس اسناد داده و هر یک از رذایل اخلاقی را به غریزه ای متصل و مربوط می‌سازد و آنگاه به شناساندن یکایک آن قوا می‌پردازد. سپس مطالب خود را با آیات و روایات وارده و به طور کلی با تعالیم شروع مقدس اسلام مورد تقویت و تأیید قرار می‌دهد و در پایان راه معالجه و درمان هر رذیلتی را به شیوه ای حکیمانه بیان می‌کند. و علاوه بر اینها گاه به نصیحت و موعظه می‌پردازد و با کلامی مؤثر خواننده را به تهذیب اخلاق و تصحیح رفتار و کردار خویش دعوت می‌کند. مترجم محترم در ترجمه؟ این کتاب با تحمیل زحمات عدیده به اصل احادیث و روایات رجوع کرده و اغلاط فاحش در ضبط نسخه متن را برطرف ساخته و نسخه جامع و صحیح را به دست داده است. کتاب با قلمی شیوا و روان به فارسی برگردانده شده که در خور تقدیر و شایسته تحسین است.

۴ فلسفه یا پژوهش حقیقت

ویژگی اثر: ترجمه از انگلیسی

۵ کتاب درسی فلسفه و منطق دبیرستان

ویژگی اثر: سالهای ۶۰ و ۶۱

۶ کلیات فلسفه

ویژگی اثر: ترجمه و تألیف

مجلد خاقانی، محمدطاهر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۶۱ ق)، مجلد و قاطع. از هنرمندان پر مهارت دربار سلطان مراد بود. از آثار قطاعی وی: یک قطعه از مرقع سلطان مرادخان، به قلم نستعلیق دو دانگ متوسط و رقاع متوسط، با رقم: «قطعه العبد محمدطاهر مجلد الخاقانی فی سنه ۹۶۱».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۸۳/۴، ۷۸۳/۳)، احوال و آثار نقاشان (۹۰۵/۲).

مجلد مروی سامی، سلطانعلی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، مجلد. هنرمند مشهوری بوده که در کتابخانه سلطان حسین بایقرا به مجلدی و صحافی اشتغال داشته است. از آثار وی: جلد نسخه‌ی «خمس‌ی» امیرعلیشیر نوایی است که در سنه‌ی ۸۹۸ ق، توسط سلطانعلی مشهدی کتابت شده و چند تصویر نیز از بهزاد در آن دیده می‌شود و رقم آن چنین است: «خمس‌ی میرعلیشیر نوائی به خط قبله‌الکتاب مولانا، سلطانعلی المشهدی و به مذهبی مولانا یاری مذهب و جلد کاری نادرالعصری سلطانعلی مجلد مروزی سامی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۶۰/۳).

محرمی، غلامحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامحسین محرمی

محل تولد: هشتروند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب غلامحسین محرمی در یکی از روستاهای اطراف تبریز در سال ۱۳۴۷ متولد شده و از دوازده سالگی به شهر رشت مهاجرت کرده و بعد از دو سال به مراغه برگشته ایم و سال ۶۳ وارد حوزه و در حوزه مراغه و تبریز به تحصیل پرداخته و سال ۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده و تا شش سال بعد از آن مشغول تحصیل سطح حوزه بودم و بعد از آن تا ۱۳ سال در درس خارج شرکت کردم. اساتید اینجانب در دو سطح عبارتند از: آیه الله وجدانی فخر، استاد صالحی افغانی، آیه الله اشتهاوردی، استاد طالقانی، آیه الله شیخ کریم ملائی تبریزی، آیه الله اعتمادی، استاد محقق داماد، آیه الله دوزدوزانی، استاد صلواتی، همچنین فلسفه را از محضر استاد غلامرضا فیاضی، استاد میر سپاه و استاد غرویان استفاده کردم. عرفان نظری را از محضر استاد عسگری گیلانی بهره جستیم.

همچنین به مدت چهار سال روزهای تعطیل از محضر علامه حسن زاده آملی، درس هیئت و نجوم فرا گرفته ام که استاد این درسها را در دو جلد کتاب به نام دروس هیئت به نگارش در آورده است. همچنین دو سال شبهای پنجشنبه از محضر آیه الله مکارم شیرازی اصول عقائد فرا گرفته ام در درس خارج نه سال درس فقه آیه الله العظمی شیخ جواد تبریزی بوده ام و نیز دو سال درس اصول ایشان و نیز سه سال درس خارج حضرت آیات سبحانی، وحید خراسانی، هاشمی شاهرودی، محمد حسن احمدی فقیه و جناتی

شرکت داشته ام. و از دروس حوزه از صرف میر تا رسائل و مکاسب تدریس کرده ام که بعضی را یک نوبت و بعضی را چند نوبت در مدرسه های شهبایه (مرکز جهانی علوم اسلامی)، مدرسه شهیدین، مدرسه سفیران هدایت تدریس داشته ام. و از سال ۷۶ در دانشگاه های آزاد تهران پیام نور مراغه و علوم پزشکی تبریز تدریس داشته ام.

محسنی تبریزی، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علیرضا محسنی تبریزی لیسانس جامعه شناس خود را از دانشگاه ملی ایران، فوق لیسانس جامعه شناسی از دانشگاه میشیگان غربی و دکترای خود را از همان دانشگاه (۱۳۶۴) اخذ کرد و فوق تخصص روان شناسی را نیز از دانشگاه میشیگان (۱۳۶۵) کسب کرد. او از معدود جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی امروز ایران است که با درک درست از خواسته ها و نیازهای جامعه پیرامون، به بهتر زیستن می اندیشد و با این آرمان است که نگاهی عمیق به موانع تحقق آن دوخته است. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: روان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: علیرضا محسنی تبریزی لیسانس جامعه شناسی خود را از دانشگاه ملی ایران در سال ۱۳۵۲ دریافت کرد و بلافاصله بعد از این دوره برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شد. محسنی فوق لیسانس جامعه شناسی اش را از دانشگاه میشیگان غربی در سال ۱۳۵۷ اخذ کرد. و این رشته را تا دریافت دکترای جامعه شناسی از دانشگاه میشیگان ادامه داد (۱۳۶۴). همانندی های فراوان دو رشته روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی محسنی تبریزی را که سری پرشور در تحصیل و آموختن داشت، ترغیب به ادامه تحصیل در رشته روان شناسی اجتماعی کرد. او موفق به اخذ فوق تخصص روان شناسی اجتماعی از همان دانشگاه در سال ۱۳۶۵ شد. در خلال این سالها محسنی تبریزی دیپلم عالی زبان انگلیسی اش را نیز از دانشگاه میشیگان آمریکا دریافت کرد و در کنار تحصیل، پژوهش و حضور در عرصه های علمی مرتبط با رشته اش را به جدیت به پیش برد. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد، «نخبگان و فرایند استخدام سیاسی» و در دوره دکتری تخصصی، «بیگانگی فعال و بیگانگی منغعل» می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عضو انجمن جامعه شناسی - عضو انجمن جامعه شناسی کلمبیا - آمریکا تا اکنون - عضو شورای پژوهشی دانشگاه تهران عضو کمیته تخصصی علوم انسانی عضو هیأت مدیره انجمن ایرانی روان شناسی اجتماعی ایران - سرپرست حوزه معاونت پژوهشی - سرپرست مؤسسه عالی پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی - معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی - دانشگاه تهران (۱۳۷۰ - ۱۳۷۵) (۱۳۷۸ - ۱۳۷۹) - رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (۱۳۶۸ - ۱۳۷۵) - سرپرست بخش تحقیقات روان شناسی اجتماعی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (۱۳۶۸ - ۱۳۷۵) آموزشی: علیرضا محسنی تبریزی بعد از پایان تحصیلات به ایران بازگشت و بلافاصله در مراکز آکادمیک و علمی رشته تحصیلی اش مشغول به کار شد. او که سابقه تدریس مبانی جامعه شناسی را از دانشگاه میشیگان با خود به ایران آورده بود، در دانشگاه تهران به عنوان مدرس جامعه شناسی و روان شناسی اجتماعی مشغول به کار شد و به تدریس روان شناسی اجتماعی کاربردی، اندیشه های سیاسی قرن بیستم و نظریه های روان شناسی اجتماعی در مقطع لیسانس و فوق لیسانس پرداخت. او در کنار اشتغال تمام وقت در این دانشگاه، در دانشگاه علامه، دانشگاه اصفهان، دانشگاه الزهرا، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده روابط بین الملل، دانشگاه عالی، دانشگاه آزاد و... به تدریس دروس مرتبط با جامعه شناسی و روان شناسی اجتماعی پرداخته است. و نیز - تدریس در دانشگاه تهران، علامه، دانشگاه اصفهان، دانشگاه الزهرا، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده روابط بین الملل، دانشگاه عالی، دانشگاه

آزاد و... در کارنامه دارد. موارد تدریس وی «اندیشه های سیاسی در قرن بیستم»، «روانشناسی اجتماعی»، «روانشناسی اجتماعی کاربردی» و «سنجش و اندازه گیری» (در مقطع کارشناسی)، «جامعه شناسی بالینی»، «جامعه شناسی بهداشت و سلامت جوانان»، «نظریه های جامعه شناسی انحرافات» و «نظریه های روانشناسی اجتماعی» (در مقطع کارشناسی ارشد)، «جامعه شناسی انحرافات اجتماعی»، «جامعه شناسی سیاسی ایران»، «جامعه شناسی فرهنگی» و «مسائل اساسی نظری روانشناسی اجتماعی» (در مقطع دکتری) است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: علیرضا محسنی تبریزی علاوه بر اینها در مجامع علمی، سمینارها، کنگره ها و سمپوزیوم های ملی، منطقه ای و بین المللی نیز حضور مستمر داشته و عضو انجمن جامعه شناسی، انجمن جامعه شناسی کلمبیا و هیأت مدیره انجمن ایرانی روان شناسی اجتماعی ایران نیز هست. در کنار این همه حضور اما چهره حقیقی محسنی را باید از لابه لای متن های تحقیقی و پژوهش های کاربردی اش جست و جو کرد. طرح بررسی عوارض روانی جنگ، طرح بررسی زمینه های مشارکت روستاییان در نظام ترویج، بررسی عوارض روانی - اجتماعی زلزله خرداد ۶۸ گیلان، بررسی عملکرد آموزشیاران و معلمان آموزش و پرورش همکار با نهضت سوادآموزی و ... آرا و گرایشهای خاص: از زمینه های پژوهشی مورد علاقه وی می توان به موضوعات مشارکت اجتماعی - سیاسی؛ مسائل اجتماعی، روان شناسی اجتماعی و انحرافات اشاره نمود چگونگی عرضه آثار: علیرضا محسنی تبریزی درباره محدوده و دامنه وندالیسم در اجتماع امروز نظریات جالبی دارد: «امروزه وندالیسم خصوصاً برای کسانی که در شهرهای بزرگ و پرجمعیت زندگی می کنند پدیده ای ملموس و مشهود و واقعی تلخ و در عین حال گریزناپذیر است که بعنوان یکی از نمودهای زندگی اجتماعی جامعه مدرن و ماشینی بروز و حضور دارد. در همه شهرهای بزرگ همه روزه ما شاهد ویرانگری تعمدی و رفتارهای غیرمسئولانه و ضداجتماعی و ندادل هایی هستیم که عمداً کمر به تخریب و نابودی هر آنچه زیباست و هر آنچه متعلق به همگان است بسته اند. نقاشی های به نمایش درآمده در گالری ها، آثار باستانی و عتیقه های موجود در موزه ها، ابنیه تاریخی، مجسمه های نصب شده در میداين، پارک ها و اماکن عمومی، منازل خالی از سکنه، پارک ها و فضاهای سبز عمومی، چراغ های معابر، صندلی های اتوبوس و مترو، کتابهای کتابخانه ها، تلفن های عمومی و ده ها موضوع مورد تخریب دیگر از جمله موضوعاتی هستند که در اثر وندالیسم متحمل خسارات و صدمات گردیده و مورد تخریب قرار می گیرند. امروزه در بسیاری از شهرهای بزرگ وندالیسم بصورت یک مشکل اجتماعی حاد مطرح است که نه تنها سلامتی و امنیت جامعه را به مخاطره می اندازد، بلکه هزینه های مالی گزافی را بر مالیات دهندگان و ساکنین این شهرها تحمیل می کند. برخلاف بسیاری از جرایم و انحرافات، آثار وندالیسم مشهود و پیداست. براساس گزارشهای ارائه شده و آمارهای مربوط به موضوعات وندالیسم در برخی کشورها نظیر آمریکا، کانادا، روسیه، سوئد، انگلستان، هلند، فرانسه، آلمان و استرالیا، تخریب اموال مدرسه، علائم ترافیک و تابلوهای راهنمایی، شکستن شیشه اماکن خالی از سکنه، شکستن لامپ خیابان ها و پارک ها، تخریب کیوسک تلفن و شکستن دستگاه تلفن عمومی، قطع سیم برق و تلفن، شکستن درختان خیابان ها و پارک ها، تخریب مجسمه های میداين، تخریب اموال پارک ها و اماکن عمومی، پاره کردن صندلی سینماها، تئاترها و اتوبوس های شهری، تخریب اموال کتابخانه ها، تخریب و صدمه زدن به اتومبیل های پارک شده در خیابان ها، تخریب برخی وسایل داخل هواپیماهای مسافربری و قطارها و ترن های زیرزمینی، تخریب ریل های راه آهن، تخریب اموال بیمارستان ها، کارخانه ها، مراکز تجاری، ایجاد آتش سوزی در جنگل ها، مراتع و برخی انبارهای عمومی، تخریب اموال عمومی، استفاده از مواد منفجره نظیر ترقه و بمب دستی به منظور آسیب و تخریب برخی از متعلقات اشخاص حقیقی و حقوقی و موارد عدیده دیگر از رایج ترین صور رفتار بزهکارانه و وندالیستی در جامعه مدرن است. توسعه جامعه مدرن خصوصاً شهرها و تحولاتی که در سطح ساختارهای اجتماعی و روابط و مناسبات جمعی در دوران جدید بوجود آمده تمامی شئون و جنبه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را متأثر ساخته و در دنیای امروز روابط انسان ها در معرض تغییر و تحول و پیچیده تر شدن دائم و مستمر قرار دارد. تمدن ماشینی امروز که به دنبال خود توسعه شهرهای صنعتی ایجاد محلات پرجمعیت، تغییر

زندگی ساده قدیمی و تبدیل آن به یک زندگی پرتجمل و پیچیده، تغییر زندگی ساده و مبتنی بر روابط عاطفی و همدلی به یک زندگی مبتنی بر روابط رسمی و بی روح همراه با فردگرایی مفرط، رقابت سرسختانه و عقل گرایی، در آمیختگی سنت های کهنه و نو، تضعیف انسجام و همبستگی اجتماعی، شکست ها و عقده های روانی پنهانی و امیال سرکوب شده و آرزوهای ناکام مانده و تشدید احساسات درماندگی، سرخوردگی، ناتوانی و اجحاف را به ارمغان آورده است، پیامد دیگری نیز داشته و آن عصبانی شدن روزافزون انسانها بخصوص نسل جوان در برابر واقعیات اجتماعی و نیروهای سرکوب گر بیرونی است. به ویژه سرپیچی و عدم متابعت از قواعد و سنجه های حاکم بر روابط اجتماعی و طغیان علیه نظم دستوری جامعه و واکنش به محرک های بیرونی در فرم عکس العمل های منفی یکی از مهم ترین و شاخص ترین واکنش های رفتاری برخی از گروه ها و افراد در جامعه امروز است.»

آثار: بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان و ویژگی اثر: تالیف، در ۲۸ جلد (۱۳۸۳) بررسی پرخاشگری و خشونت در ورزش فوتبال و ویژگی اثر: از جمله پژوهش های کاربردی علیرضا محسنی تبریزی برای نهادها و سازمان های مرتبط است. یکی از پژوهش ها که دامنه وسیع تری دارد را نیز با هم مرور می کنیم؛ «بررسی پرخاشگری و خشونت در ورزش فوتبال»: این مقوله در بین مباحث و مقوله هایی که در جامعه شناسی ورزش قابل بحث و تأمل هستند. خشونت تماشاگران رویدادهای ورزشی به ویژه رقابت های فوتبال همواره به عنوان یک پدیده اجتماعی مهم مورد توجه قرار داشته است. در پژوهش محسنی تبریزی افزون بر بررسی تئوری های تبیین کننده خشونت و پرخاشگری بین تماشاگران مسابقات فوتبال، رفتارهای پرخاشجویانه و گاه خشونت آمیز تماشاگران مورد مطالعه جامعه شناختی قرار گرفته است. هدف این مطالعه به طور عمده پرداختن به سبب شناسی پدیده خشونت و پرخاشگری در بین تماشاگران ورزش فوتبال است که مشخص می سازد اختلال در کدام یک از عناصر این ساختار سبب بروز «سوء کارکرد» در آن می شود و این سوء کارکرد تحت تأثیر چه متغیرهای اجتماعی قرار دارد. در این پژوهش از دو روش تحلیل تاریخی و پیمایشی استفاده شده است. روش نمونه گیری به صورت تصادفی بوده و برای جمع آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است و در نهایت آنالیز داده ها با استفاده از روش های آماری توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای اهمیت و حساسیت نتیجه بازی از نظر کسب امتیاز و تعیین جایگاه تیم های مورد علاقه در رده بندی مسابقات قهرمانی، حرکات و اعمال خشونت آمیز و پرخاشجویانه بازیکنان هنگام بازی و کیفیت داوری عمدتاً بر بروز پرخاشگری کلامی طرفداران تیم های مورد بررسی تأثیر می گذارد. متغیرهای سن، میزان کنترل و نظارت خانواده و پایگاه اقتصادی - اجتماعی تأثیر منفی بر گرایش طرفداران تیم های فوتبال مورد مطالعه به رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز دارند و متغیرهای سابقه نزاع، سابقه رفتار مجرمانه، سابقه تنش و ناکامی در فعالیت های تحصیلی و آموزشی، مصرف سیگار، سابقه تنش در محیط خانواده و عدم سازگاری انتظارات ورزشی و وسایل تحقق آنها دارای تأثیر مستقیم بر گرایش به ارتکاب رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز ورزشی هستند. این طرح در چند زمینه کاربرد دارد-؟: شناسایی و آگاهی از عوامل مؤثر در بروز رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز-؟ یافته های این پژوهش می تواند به مسئولان امور ورزشی و برگزار کنندگان مسابقات فوتبال کمک کند تا با برنامه ریزی دقیق تر و آگاهانه تر از بروز رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز در بین تماشاگران فوتبال جلوگیری به عمل آورند. ۳ روان شناسی اجتماعی کاربردی ۴ علل و نندالیسم در تهران و راههای پیشگیری و درمان ویژگی اثر: «علل و نندالیسم در تهران و راههای پیشگیری و درمان» نیز عنوان پژوهش دیگری از علیرضا محسنی تبریزی است. این تحقیق در صور و قالبی پربارتر با عنوان نندالیسم در قالب کتاب انتشار یافت و به سرعت به منابع دانشگاهی رشته روان شناسی اجتماعی بدل گشت. کتاب حاضر در هفت فصل فراهم آمده است: فصل اول تحت عنوان کلیات پس از ارائه تاریخچه ای از مفهوم و وجه تسمیه آن در ادبیات آسیب شناسی اجتماعی به تعریف و معنی و نندالیسم می پردازد و با طرح و نندالیسم به عنوان یک آسیب اجتماعی، به عنوان یک رفتار نابهنجار و به عنوان یک معضل اجتماعی، می کوشد جایگاه آن را به عنوان یکی از صور کژرفتاری ها و انحرافات

در طبقه بندی انواع جرایم و نابهنجاریها مشخص نماید. در فصل دوم مبانی نظری وندالیسم با استعانت از یک رویکرد تلفیقی به تفصیل مطرح شده است. در این فصل ابتدا آن دسته از نظریه های جامعه شناسی انحرافات که با مباحث روان شناختی اجتماعی وندالیسم خصوصاً اتیولوژی آن بعنوان یکی از صور بزهکاریها و کجروی های اجتماعی قرابت و انتساب بیشتری دارند مطرح می شوند. سپس تئوریهای روانشناسی و روانکاوی انحرافات بخصوص آن دسته از نظریه های روان شناسی مرتبط با رفتار وندالیستی مرور و بررسی می گردند. بالاخره در قسمت پایانی این فصل نظریه های روان شناسی اجتماعی انحرافات که بطور اخص بر وندالیسم و ویرانگری تأکید دارند مطرح می شوند. فصل سوم تحت عنوان خشونت و وندالیسم در ورزش فوتبال ناظر بر بررسی خشونت و ویرانگری در ورزش فوتبال است. در این فصل ضمن گونه شناسی خشونت و پرخاشگری، خاستگاه و مبانی نظری خشونت در ورزش براساس پارادایم های زیست شناسی، روانکاوی و روان شناسی، انسان شناسی و جامعه شناسی تبیین می شوند و بالاخره پژوهش های انجام شده در باب وندالیسم و خشونت در ورزش فوتبال در چند کشور مطرح و نتایج حاصله که مبین اتیولوژی و اپیدمیولوژی خشونت و وندالیسم در محیط های ورزشی است تشریح می گردند. فصل چهارم زیر عنوان اتیولوژی وندالیسم ناظر بر علل و انگیزه های رفتار وندالیستی است و می کوشد در پرتو مبانی و یافته های تجربی به سبب شناسی وندالیسم بپردازد. در فصل پنجم اپیدمیولوژی و همه گیرشناسی وندالیسم مورد توجه قرار گرفته است. در این فصل به استناد اطلاعات تجربی در چند کشور نظیر ایالات متحده آمریکا، هلند، آلمان، فرانسه و نظایر آن وسعت و گستره وندالیسم بررسی می شود. فصل ششم یافته های دو پژوهش تجربی را در باب وندالیسم در ایران مطرح می سازد. پژوهش اول مروری است بر یافته های تحقق «وندالیسم در تهران بزرگ» که عمدتاً ناظر بر علل و انگیزه های رفتار وندالیستی است. تحقیق دوم عوامل جامعه شناسی خشونت تماشاگران فوتبال را در تهران تبیین می کند. فصل هفتم زیر عنوان پیشنهادات و توصیه های کاربردی، کلیه سیاست ها و استراتژیهای اجرایی را در شکل طرح های مداخلات اجتماعی، آگاه سازی، پیشگیری و درمان وندالیسم مطرح می سازد. ۵ مبانی و کلیات روان شناسی اجتماعی، نظریه های روان شناسی اجتماعی وندالیسم: مبانی روانشناسی اجتماعی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب شناسی اجتماعی و ویژگی اثر: تالیف، ۱۳۸۳

محسنی، منوچهر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: منوچهر محسنی پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه، در سال ۱۳۴۰ ه.ش وارد دانشگاه تهران شد و هم زمان در دو رشته علوم اجتماعی و علوم اداری به تحصیل پرداخت. وی دوره کارشناسی ارشد را در موسسه تحقیقات اجتماعی، که زیر مجموعه دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود، طی نمود و برای تحصیلات تکمیلی عازم فرانسه عزیزت شد. محسنی در سال ۱۳۵۱ با درجه دکترا، تحصیلات خود را در پاریس به پایان رساند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: منوچهر محسنی در سال های ۱۳۴۴ - ۱۳۴۳ به عنوان پرسشگر و مصاحبه کننده در سطح تهران فعالیت خود را آغاز نمود. پس از مدتی وارد گروه تحقیقات روستایی موسسه تحقیقات اجتماعی شد و فعالیت خود را در این موسسه ادامه داد. او در سال ۱۳۵۳ و به دنبال آن در سال ۱۳۵۸ با موسسه پژوهش در علوم اجتماعی و توسعه ایران، پی گیری و پژوهش در طرح پیمایش ملی را به عهده گرفت چنانکه در سال ۱۳۷۳ مسئولیت این طرح به صورت مستقیم به ایشان واگذار شد. از دیگر مشاغل وی معاونت دانشکده بهداشت دانشگاه تهران و بعد از آن مدیریت مرکز نوآوری جامعه پزشکی

بوده است. در حال حاضر استاد طرحی به نام «جامعه شناسی فرهنگی ایران» را زیر نظر پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات (وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) دنبال می نماید. فعالیتهای آموزشی: منوچهر محسنی همکاری با مراکز آموزشی و دانشگاهی را در سال ۱۳۵۲، با عضویت در هیات علمی دانشگاه تهران آغاز کرد. سپس حوزه فعالیت آموزشی خود را در دانشگاه های شهید بهشتی، تربیت مدرس، امام صادق (ع)، علوم بهزیستی و علوم پزشکی ایران گسترش داد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: فعالیت های منوچهر محسنی عموماً با انجام امور علمی و تحقیقاتی سپری شده است. وی به طور کلی بیشتر اوقات خود را با مطالعه، آموزش، تحقیق و حضور در کنگره ها و سمینارهای ملی و بین المللی می گذراند. سابقه همکاری او با نشریات و مجلات علمی را نیز می توان با ارائه ۱۸ مقاله در مجلات بین المللی و ۳۲ مقاله در مجلات دانشگاهی ایران مورد نظر و توجه قرار داد. آثار: جامعه شناسی اطلاعاتی و ویژگی اثر: این کتاب در هفت فصل و با عناوین شناخت جامعه اطلاعاتی، تکنولوژی اطلاعاتی، اینترنت و جامعه اطلاعاتی، ارتباطات علوم رسانی الکترونیک، جامعه اطلاعاتی و زمینه های اجتماعی و فرهنگی، جامعه اطلاعاتی ساختار سیاسی و اقتصادی و بالاخره سازماندهی و مدیریت اطلاعات نوشته شده است. مولف در پیشگفتار کتاب نوشته است: «اصطلاح جامع اطلاعاتی و تجدید سازمان جامعه، پیرامون جریان اطلاعات است.» ۲ جامعه شناسی پزشکی، جامعه شناسی علم، جامعه شناسی عمومی، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی و ویژگی اثر: این اثر با همکاری دکتر باقر ساروخانی صورت گرفته شده است. ۶ جمعیت شناسی، مقدمات جامعه شناسی

محقق، محمدباقر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدباقر محقق در سال ۱۲۹۸، در رشت به دنیا آمد. وی پس از گذراندن دوره ابتدایی، علوم قدیمه را در حوزه علمیه زادگاه خود گذراند و در پانزده سالگی در حوزه علمیه قم دنبال نمود و از محضر اساتید آنجا استفاده برد. وی پس از اخذ دیپلم متوسطه، تحصیلات خود را در دانشکده الهیات (معقول و منقول) ادامه داد و با کسب رتبه اول موفق به اخذ درجه لیسانس گردید. پس از آن دوره دکترا با رساله «حقوق مدنی زوجین، در زمان زنا شویی دائم از نظر قرآن» با موفقیت طی نمود. استاد محمدباقر محقق در کسوت قرآن پژوه، مفسر، فیلسوف، مورخ و مترجم شناخته شده است و آثاری به طبع رسانده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: حقوق

والدین و انساب: محمد باقر محقق، فرزند شیخ علی در رشت به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: محمدباقر محقق پس از به پایان بردن دوران ابتدایی، علوم قدیمه را در حوزه علمیه رشت گذراند. در پانزده سالگی به حوزه علمیه قم رفت و از محضر اساتید آنجا استفاده برد. بعد از شش سال تحصیل در حوزه علمیه، رهسپار تهران شد. و پس از اخذ دیپلم متوسطه، تحصیلات خود را در دانشکده الهیات (معقول و منقول) ادامه داد. در سال ۱۳۳۴ با کسب رتبه اول موفق به اخذ درجه لیسانس گردید و جهت ادامه تحصیل بار دیگر عازم قم شد. پس از این دوره او برای گذراندن دوره دکترا در سال ۱۳۴۴ به تهران بازگشت و با طی نمودن این دوره، رساله دکترای خود را در «حقوق مدنی زوجین، در زمان زنا شویی دائم از نظر قرآن» نوشت.

استادان و مربیان: محمدباقر محقق علوم قدیمه را ابتدا نزد شیخ مهدی سبط در حوزه علمیه رشت فراگرفت، سپس به حوزه علمیه

قم رفته و نزد امام خمینی (ره)، آیت الله مرعشی نجفی، آیت الله سید محسن حکیم کسب فیض نمود. استادان وی در دانشگاه آیت الله محمود شهابی، آیت الله سید محمد مشکاه، استاد بدیع الزمان فروزانفر، آیت الله ذوالمجدین و آیت الله مهدی الهی قمشه ای بودند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمدباقر محقق پس از انقلاب در مشاغل مختلف علمی خدمت کرد که اهم آن عبارت است از: معاونت آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی، عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی و ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی. فعالیتهای آموزشی: محمدباقر محقق با اخذ مدرک لیسانس و کسب علوم حوزوی مدتی به تدریس در ادبیات و علوم دینی در رشت اشتغال ورزید. او پس از انقلاب مدتی در مشاغل مختلف انجام وظیفه نمود، سپس از مسوولیت های اداری کناره گیری کرد و به تدریس اشتغال ورزید. تفسیر المحقق در دو مجلد به زبان فارسی و به شیوه ادبی و استدلالی شامل بخشی از قرآن کریم است. مؤلف در مقدمه اثر درباره خصوصیات قرآن، و نامهای قرآن، معنای سوره و آیه، و استعاذه، و تعداد سوره و آیات قرآن بحث کرده است. سپس به تفسیر سوره حمد می پردازد. مجلد دوم شامل تفسیر سوره های علق، مدثر، فلق، ناس است. مؤلف پس از ذکر آیه به بحثهای تحلیلی از نظر لغت و صرف و نحو و معانی و بیان مبادرت می کند سپس اخبار و روایات طریقین عامه و خاصه را بیان می کند و به طور مفصل به تفسیر آیه می پردازد. این تفسیر در تهران به طبع رسیده است. مؤلف همچنین اثر قرآن پژوهی دیگری به نام دایرة الفراید در فرهنگ قرآن دارد.

آثار:

۱ تفسیر المحقق

۲ جداول ارث

ویژگی اثر: ترجمه- شیخ حر عاملی

۳ دایره الفرائد

ویژگی اثر: در فرهنگ قرآن؟، بیست و پنج مجلد

۴ رساله ای در تاریخ فقه و فقها

۵ رساله علم منطق و متدولوژی

۶ رساله فلسفه اسلامی

۷ رساله مبانی فلسفه

۸ قرآن و امام حسین (ع)

۹ کنز العرفان فی فقه القرآن

ویژگی اثر: ترجمه- فاضل مقداد

۱۰ گنجینه احکام قرآنی

۱۱ ناسخ و منسوخ

ویژگی اثر: ترجمه- ابن متوج بحرانی

۱۲ نمونه بینات در شان نزول قرآن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۶ - ۱۳۱۰ ق)، عالم دینی، متکلم، خطیب و محقق. در محلات به دنیا آمد. پس از نشو و نما و تحصیل مقدمات در زادگاهش، نزد شیخ عبدالحسین کبیر، به همراه مادر برای تکمیل علوم به نجف رفت. او در محضر علامه نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حاج سید حسن صدر و آیت‌الله جواد بلاغی تلمذ کرد و همچنین از اساتیدی چون آیت‌الله سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران بهره برد تا به مراتب علمی نایل شد و از اساتید بزرگ نجف اجازه اجتهاد و روایت گرفت. سپس در سامراء ساکن گردید و به بحث و تألیف مشغول شد و در ضمن آن از بحثهای رجال و حدیث و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شد. در ۱۳۷۶ ق به ایران بازگشت و در تهران ساکن گردید و به تألیف و امامت جماعت پرداخت. از آثارش: «ریاحین الشریعه»، شرح حال زنان دانشمند شیعه، در شش مجلد؛ «اختران تابناک»؛ «مأثر الکبراء فی تاریخ سامراء»، به عربی؛ «الحق المبین»، در قضاوتهای امیرالمؤمنین (ع)؛ «شمس الضحی»؛ «قره‌العین»، در حقوق والدین؛ «کشف العثار»، در مفاصد خمر و قمار؛ «کشف الغرور»، در مفاصد بی‌حجابی؛ «کشف البیان عن جنایات عثمان»؛ «کشف حقیقت»؛ «کشف الغاشیة»؛ «کشف الهاویة»، در جنایات معاویه؛ «لطائف الحکایات»؛ «کشف المغیبات»؛ «فرسان الهیجاء»؛ «وقایع الایام»، در هشت مجلد که سه مجلد آن «مجالس الواعظین» نام دارد؛ «الکلمة التامة»، در احوال اکابر عامه. [۱]

حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی عسکری تهرانی از علماء اعلام و محدثین گرام و وعاظ والامقام و نویسندگان بنام معاصرند در تهران تولدش در محلات واقع شده و مهاجرت به عراق و نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین عالی نجف فراگرفته و به درس خارج آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ جواد بلاغی و دیگران حاضر شده و در کاظمین از مرحوم آیت‌الله حاج سید حسن صدر هم استفاده نموده و در سامره از رجال و حدیث و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شده و به افتخار مصاهرت آن مرحوم نائل گردیده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و به ترویج دین و تبلیغ و نشر آثار و اخبار اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله پرداخته و در مسجد مشیرالدوله واقع در خیابان اهل علی خیابان مسکراآباد تهران نیز به اقامه جماعت اشتغال دارند. تالیفات مفیده و ارزنده بسیاری دارد که اغلب آنها به طبع رسیده است و در حال حاضر در کثرت تالیف کم‌نظیر می‌باشند و آنها از این قرار است:

- ۱- ریاحین الشریعه در احوال بانوان شیعه در ۵ جلد مکرر به طبع رسیده است.
- ۲- تاریخ سامره در سه مجلد که دو مرتبه چاپ شده است.
- ۳- کشف الاشباه در کجرویهای اصحاب خانقاه به طبع رسیده است.
- ۴- کشف الهاویه در احوال و مطاعن معاویه به طبع رسیده است.
- ۵- الحق المبین در قضاوتهای امیرالمؤمنین علیه‌السلام که تاکنون شش مرتبه به طبع رسیده است.
- ۶- لطایف الحکایات به طبع رسیده است.
- ۷- اختران تابناک به طبع رسیده است.
- ۸- فرسان الهیجاء در دو مجلد مکرر به طبع رسیده است.
- ۹- کشف حقیقت مشتمل بر فتاوی اهل سنت و قدح آنها به طبع رسیده است.
- ۱۰- کشف الغرور در مفاصد بی‌حجابی و زیان آن. به طبع رسیده است.

- ۱۱- کشف المغیبات مشتمل بر اخبار غیبیه. به طبع رسیده است.
 - ۱۲- کشف الغاشیه در زندگانی عایشه. به طبع رسیده است.
 - ۱۳- کشف البیان در جنایات عثمان. به طبع رسیده است.
 - ۱۴- نارالله الموقده علی الکافرین متضمن حمله‌های حضرت علی علیه‌السلام.
 - ۱۵- قره‌العین- فی حقوق الوالدین.
 - ۱۶- کشف العمار یا کانون فساد الی ساحل نجات.
 - ۱۷- مطلوب الراغب در احکام ریش و شارب.
 - ۱۸- کشف التهمه.
 - ۱۹- السیوف البارقه.
 - ۲۰- وقایع الایام- یا مجالس الواعظین دو جلد.
 - ۲۱- شرافه الاسخیا و رذاله البخله.
- و حدود ۳۴ جلد کتاب دیگر در فنون مختلفه که مخطوط و آماده طبع است.

فقیه، محقق.

تولد: ۱۲۷۱ (۱۳۱۰ ق.)، محلات.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۴.

علامه حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی مقدمات تحصیل را نزد شیخ عبدالحسین کبیر در محلات به پایان رسانید. سپس همراه با مادرش عازم نجف اشرف شد و در آنجا از محضر رجال علم و حدیث و درایه سود برد و در درس خارج اساتیدی چون شیخ مرتضی طالقانی، عبدالرحمان قزوینی، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، آیت‌الله اصطهباناتی، حجت‌الاسلام سید محمد فیروز آبادی، آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد جواد بلاغی، فاضل نیشابوری، شیخ صادق بروجردی، آیت‌الله نائینی، آیت‌الله سید ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید حسن صدر شرکت کرد. وی با اتمام تحصیلات، پس از یازده سال اقامت در نجف اشرف به سامرا رفت. در آنجا نزد آیت‌الله میرزا محمد تهرانی و آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی باقی ماند و به تدریس در حوزه‌ی سامرا و مدرسه‌ی میرزای شیرازی پرداخت. در همین شهر است که به فعالیت تحقیقاتی نیز پرداخت که حاصل آن دو اثر است به نام‌های مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء در دوازده جلد به زبان عربی (سه جلد آن در تهران به چاپ رسیده است) و الکلمه التامه فی تراجم اکابر العامه به فارسی در پنج جلد. دوره‌ی اقامت وی در شهر سامرا نزدیک به بیست و پنج سال به طول انجامید. وی در سال ۱۳۲۷ به تهران بازگشت.

از جمله آثار قلمی ایشان است: دایره‌المعارف شش جلدی ریاحین الشریعه (به فارسی و حاوی شرح حال بانوان دانشمند شیعه در زمینه علم و ادب و مذهب در تاریخ اسلام)؛ الحق المبین (در قضاوت‌های امیرالمؤمنین؛ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ اختران تابناک (در دو جلد)؛ فرسان الهیجاء (در ترجمه سیدالشهداء به ترتیب حروف در دو جلد)؛ قره‌العین فی حقوق الوالدین؛ وقایع الایام (دو جلد)؛ لطایف الحکایات یا داستان‌های آموزنده (مشتمل بر ۳۰۳ حکایت در ۵۷۶ صفحه در دو جلد)؛ کشف الاشتباه (در کجروی‌های اصحاب خانقاه)؛ کشف الهاویه (در احوال و مظالم معاویه)؛ کشف حقیقت (مشتمل بر فتاوی‌های اهل سنت و در شرح حال بزرگان اهل سنت ابوحنیفه و مالک و شافعی و حنبلی)؛ کشف الغرور (در مفاصد بی‌حجابی و زیان آن)؛ کشف المغیبات (مشتمل بر اخبار غیبیه امیرالمؤمنین)؛ کشف الغاشیه (در زندگانی و هویت عایشه)؛ کشف البیان (در ترجمه عثمان بن عفان)؛ کشف العثار (در مفاصد شراب و قمار)؛ کشف الاکاذیب (در عجز خلیفه‌ی دوم از پاسخ به مسائل)، کشف الخفاء (در

خصوص تذکره الاولیاء)، کشف المنافع (در منافع و خواص حیوانات، نباتات و جمادات)؛ کشف زردشتی از طریقه (زردشتی) کشف التهمه؛ مطلوب الراغب (در احکام ریش و شارب)؛ السیوف البارقه (در رد صوفیه)؛ نارالله الموقده علی الکافرین (یا جنگ‌های امیرالمؤمنین)؛ قلائد النحور (در حوادث ایام و شهور مشتمل بر وقایع دوازده ماه در هشت جلد)، مجالس الواعظین (در چهار جلد)، شمس الضحی (در نقل و تحویل سر مبارک سید الشهداء) شرافه السخیاء و رذاله البخلاء، ضرب شمشیر بر منکر خطبه غدیر؛ طعن سنان (در مناقشات احکام القرآن سید ابوالفضل برقی)، المعالی (در احیاء العلوم غزالی)؛ امثال القرآن؛ بیاض (در اشعار متفرقه)؛ خیر الکلام (دو جلد در خصوص سید احمد کسروی)؛ صندوق النفایس؛ کشکول؛ مجموعه کبیری (عربی و فارسی)؛ نعم النصیر (ترجمه‌ی بعضی از قسمت‌های کتاب الغدیر).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۲۸- ۱۲۷/۲۵، ۱۹/۶، ۱۲۲، ۴۴، ۱۸/۴۲، ۱۶۵، ۱۵۲- ۱۵۱، ۱۷/۷۲، ۱۶/۱۶۸، ۲۹۳، ۱۲/۹۹، ۳۱۴- ۳۱۳/۱۱، ۲۸۵، ۷/۳۸، ۳/۲۵۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۱۶-۱۴/۷۱۵)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۱۲، ص ۳۹)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۳/۱۱۶۲).

محمد شریف

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۰۵ ق)، مجلد و قلمدان ساز. از آثار رقم‌دار این استاد، جلد قرآنی است که در گل و مرغی عمل آورده و در داخل جلد نیز شمایل امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام با حسنین (ع) را به استادی نقاشی نموده و رقم «محمد شریف ۱۲۰۵» دارد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲/۸۸۹).

محمد صابر

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۳۰ ق)، نقاش و قلمدان ساز. وی پیرو شیوه‌ی محمد زمان اول بود. محمد صابر در انواع تذهیب و حل کاری دست داشت و در چهره‌پردازی و منظره‌سازی قوی دست بود. شیوه‌ی وی مخلوطی از هند و ایرانی بود که به مهارتی خاص تلفیق شده است. از آثار او: قلمدان زیبایی که تصویر زن جوانی در شیوه‌ی صفویه بر روی آن نقش شده و منظره‌ی بناهای تاریخی در زمینه‌ی آن ترسیم گشته است، با: «رقم کمینه محمد صابر ۱۱۳۰».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲/۸۹۷-۸۹۸).

محمد نبی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم ق)، قلمدان ساز. از هنرمندان ایرانی بوده که به دیار هند رفته و در آنجا ماندگار گشته است. از آثار وی قلمدان تابوتی بزرگی است که به گل و مرغ خوش پرداز ترسیم شده و در وسط آن، تصاویر جماعتی از شکارچیان نقش بسته و رقم نهاده است: «رقم زد کمینه محمد نبی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۰۹۲/۳).

محمدجواد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۸۶ ق)، قلمدان ساز و مذهب. از معاصران دوره‌ی ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار و سازنده‌ی اسکلت مقوایی و نقاش و مذهب قلمدان‌ها بود. وی در مقواسازی قلمدان‌ها و صنعت ابری و تذهیب، از شاگردان ابوطالب مدرس به شمار می‌آمد و در قلمدان‌هایی که اسکلت مقوایی آن، به دست او انجام پذیرفته، عموماً دارای مهر چهار گوش طلایی رنگ است و رقم «عبداله‌الراجی محمدجواد ۱۲۸۶» دارد. زیباترین قلمدان این استاد، تذهیب و نقوش ابری قلمدان بزرگی است که داخل آن به دو قسمت مجزا تقسیم گشته و تمام نشیمن داخل و بیرونی قلمدان، ابری‌سازی شانه‌ای شده است و رقم مخصوص نقاش را دارد. از دیگر آثار وی قلمدان بزرگی است که رویه آن به تذهیب ساده و زنجیره‌ای استادانه عمل آمده و کناره‌ها نیز در زمینه‌ی تذهیبی، شش ترنج ابری قهوه‌ای دارد و زیر قلمدان ابری سرخ است و مهر چهار گوش طلایی نقاش جلب نظر می‌کند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۶۸۴-۶۸۳/۲) گلستان هنر (پنجا و سه)، هنر قلمدان (۴۱).

محمدی، ذکراالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ذکراالله محمدی

محل تولد: خداابنده

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ذکراالله محمدی در سال ۱۳۵۰ در یکی از روستاهای محروم استان زنجان و در یک خانواده اصیل مذهبی به این دنیای پر راز و رمز چشم گشودم و در ایام کودکی راهی مکتب خانه شده با قرآن و گلستان سعدی و چند کتاب دیگر آشنا گشتم. بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران هم زمان با ادامه تحصیل در مکتب خانه اول دبستان را شروع کردم. پس از اتمام دوره ابتدایی، اول راهنمایی را در یکی از آبادیهای هم جوار گذراندم. دوم راهنمایی را در روستای خودمان به صورت متفرقه فرا گرفته و در پایان سال تحصیلی در شهر خدابنده امتحان داده و قبول شدم. با توجه به اینکه علاقه ای فراوان به فراگیری علوم اسلامی از خود نشان می دادم لذا در مهرماه ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه زنجان شدم و سوم راهنمایی را هم به صورت شبانه پشت سر گذاشتم. هم زمان با ادامه تحصیل درحوزه علمیه اول متوسطه را در دبیرستان دکتر شریعتی زنجان فرا گرفته و در پایان سال تحصیلی بعنوان شاگرد ممتاز در شبکه رادیویی استان زنجان شرکت کردم. بعد از اتمام اول دبیرستان تحصیل در علوم جدید را به منظور تقویت بنیه علمی حوزوی را آغاز کرده و بیش از پیش در فراگیری علوم دینی کوشیدم. پس از دو سال ترک تحصیل علوم جدید دوباره به تحصیل این علوم روی آورده و در مدت سه سال همزمان با ادامه تحصیل در حوزه علمیه زنجان دوره دبیرستان را تمام کردم. ضمناً پایه ی ششم حوزوی را نیز با امتیاز بالا به اتمام رسانیدم. با شرکت در کنکور سراسری در دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین در رشته تاریخ تمدن قبول شده و همچنین در موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام قم نیز پذیرفته شدم و به خاطر ادامه تحصیل در علوم حوزوی در قم از دانشگاه قزوین منصرف شده و از سال ۱۳۷۴ وارد حوزه مقدسه قم گشته و رشته تاریخ را هم در موسسه عالی باقر العلوم (ع) ادامه دادم در سال ۱۳۸۰ با تالیف پایان نامه در رابطه با آیت الله شیخ عبدالکریم حائری (ره) با اخذ مدرک کارشناسی تاریخ از این موسسه فارغ التحصیل گشتم و هم چنین در خلال تحصیل در موسسه مزبور در کلاسهای تاریخ اسلام دفتر تبلیغات نیز شرکت می کردم، دوره فشرده مهدویت را نیز در سالهای اخیر در پژوهشکده مهدویت پشت سر گذاشته و همکاری علمی با آن پژوهشکده را آغاز کرده ام. همچنین اخیراً با مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم همکاری فعالی دارم. حدود سه سال در درس خارج فقه آیت الله شبیری زنجان شرکت کرده ام و نیز توفیق تبلیغ دین مبین اسلام به مدت ۶ سال نصیب حقیر در ایام رمضان و محرم شده است.

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی مارستگار

محمدی، رمضان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رمضان محمدی

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

بعد از گرفتن دیپلم در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم در طی هشت سال دروس حوزه را تا سطح به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۰ به تدریس دروس ادبیات (جامع المقدمات. سیوطی. مغنی) پرداختم و استاد رسمی یکی از حوزه های علمیه شهرستان شدم در کنار تدریس در حوزه به تدریس تاریخ اسلام، عقاید، دانش سیاسی، در سایر مراکز دولتی نیز مشغول بودم در سال ۱۳۷۲ دوره تحصیل فقه و کلام مقارن را در مرکز مذاهب اسلامی با موفقیت به پایان بردم و همزمان با تحصیل در مرکز مذاهب اسلامی به تحصیل در دوره کارشناسی ارشد مشغول شدم و بعد از چند سالی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته تاریخ اسلام شدم مدت هفت سال در دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله تبریزی، آیت الله فاضل، جوادی آملی و سبحانی اشتغال داشتم و اکنون مشغول تحقیق در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه هستم. و هم زمان مدیر واحد پاسخ به شبهات قرآنی دفتر تبلیغات اسلامی قم هستم.

محمود، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از دانشمندان و مورخان دوران مشروطیت است که در اواخر عمر اثری بسیار ارزنده و محققانه به نام روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم در هشت مجلد تنظیم و انتشار داد. تولد او در ۱۲۵۹ ش اتفاق افتاد. تحصیلات قدیم را نزد اساتید روز و تحصیلات جدید را در مدرسه امریکائی به پایان رسانید. در اوایل مشروطیت در سلک آزادیخواهان درآمد و عضو حزب دموکرات گردید و در آن هنگام مقالاتی به طرفداری از آزادی و مشروطه در جراید می نوشت. مدتی به کارهای دولتی اشتغال ورزید و در وزارت پست و تلگراف مقاماتی را طی نمود. در اوایل سلطنت رضاشاه مدتی سرپرست محصلین وزارت پست و تلگراف در اروپا بود. در ۱۳۲۴ پس از روی کار آمدن قوام السلطنه به استانداری تهران رسید و در دوره پانزدهم از نجف آباد وکیل شد. در تشکیل حزب دموکرات ایران با قوام السلطنه همکاری نزدیک داشت و یکی از عوامل مؤثر حزب به شمار می رفت. پس از پایان دوره پانزدهم از کارهای سیاسی کناره گرفت و به تحقیق و تتبع در تاریخ پرداخت چند کتاب نیز ترجمه نمود که از جمله جنگ نفت اثر موهر و شهریار ماکیاول می باشد. در اواخر عمر از نعمت بینائی محروم گردید و در ۱۳۴۴ ش در ۸۵ سالگی وفات یافت. وی خواهرزاده عسگر گاریچی تبریزی صاحب بزرگترین مؤسسه حمل و نقل در اوایل مشروطیت است. محمود در تنظیم و تألیف بعضی از کتب مورخین بعد از شهریور ۲۰ دست داشت. نام خانوادگی وی ابتدا پهلوی بود.

(۱۳۴۴-۱۲۶۱ ش)، نویسنده و مترجم. در تبریز به دنیا آمد. از آزادیخواهان صدر مشروطیت بود. نام اصلیش محمود پهلوی بود که بعدها به محمود محمود تغییر داد. خدمات دولتی او در وزارت پست و تلگراف و سپس در اداره رادیو بود و مدتی نیز سمت استانداری تهران را به عهده داشت. همچنین در دوره پانزدهم نماینده مجلس شورای ملی بود. وی مقالاتی در مجله «آینده» و روزنامه «ستاره ایران» و دیگر مجلات به چاپ می رساند. او کتابهای «تعلیم و تربیت در خانواده»، «تعلیم و تربیت در مدرسه»، «تربیت ایرانی برای جامعه ایرانی» را با نام مستعار رسول نخشی منتشر کرد. از دیگر آثار وی: «تاریخ روابط سیاسی ایران و

انگلیس در قرن نوزدهم میلادی»، در هشت مجلد؛ «شهریار»، ترجمه؛ «جنگ نفت»، ترجمه. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: دایرةالمعارف فارسی (۱/۲۷۰)، شرح حال رجال (۴۵-۴/۴۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۱۸۴)، ۱۰۶۶، ۱/۷۰۸، کلک (س ۵، ش ۵۵ و ۵۶، ص ۳۸۸-۳۸۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۸۷).

محمودی بختیاری، علیقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیقلی محمودی بختیاری، در هفتم آذرماه سال ۱۳۱۱ شمسی چشم به جهان گشود. پس از آنکه تحصیلات مقدماتی را به پایان رساند، در سال ۱۳۳۲ برای ادامه ی تحصیل راهی تهران شد و پس از گذراندن سال ششم متوسطه در دبیرستان مروی، به دانشکده های حقوق و ادبیات راه یافت؛ اما رشته ی ادبیات را برگزید و در سال ۱۳۳۷ از دانشکده ادبیات فارغ التحصیل گردید. محمودی در سال ۱۳۳۸ دوره ی فوق لیسانس علوم اجتماعی را گذراند و در سال ۱۳۴۲ دوره ی دکترای رشته ی زبان شناسی و زبان های باستانی ایران را پی گرفت و از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت. وی از سال ۱۳۳۹ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و دو سال معاونت اداره ی تألیف و ترجمه ی اداره ی کل نگارش و سرپرست نظارت بر کتاب های درسی را به عهده داشت. در شهریور سال ۱۳۴۶ برای تدریس وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت شد و از مهرماه همان سال با تأسیس دانشکده علوم و ارتباطات اجتماعی، به این دانشگاه رفت. دکتر محمودی، در سال ۱۳۴۹ به دانشگاه ابوریحان بیرونی (دانشسرای عالی سپاه دانش - دانشگاه سپاهیان انقلاب) مأموریت یافت. در سال ۱۳۵۰ با حفظ سمت به معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی منصوب گردید. او در سال ۱۳۵۱ از این سمت کناره گرفت و تا سال ۱۳۵۹، مدیریت گروه بنیادهای آموزش و پرورش را عهده دار گردید. آنگاه در سال ۱۳۵۵ بنا به دعوت دانشگاه کلمبیا، به مدت یک سال به تدریس و مطالعه و تکمیل دوره ی زبان شناسی در آن دانشگاه اشتغال داشت و پس از بازگشت به ایران، دوباره بنا به دعوت دانشگاه یوتا، سفری دو ماهه به آمریکا رفت. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی گرایش: زبان شناسی والدین و انساب: علیقلی محمودی بختیاری، فرزند مهرباب، نوه ی حاج عبدالله خان بهداروند و نبیره ی محمودخان، رئیس و سردودمان ایل بختیاروند هفت لنگ بختیاری می باشد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: علیقلی محمودی بختیاری، تحصیلات مقدماتی را در مکتب سنتی گذراند، سپس به دبستان رفت و با امتحان ورودی به کلاس چهارم راه یافت. آنگاه دوره ی اول و دوم متوسطه را در خرم آباد و سال سوم را در الیگودرز و سال های چهارم و پنجم را در بروجرد به انجام رسانید. وی در سال ۱۳۳۲ برای ادامه ی تحصیل راهی تهران شد و پس از گذراندن سال ششم متوسطه در دبیرستان مروی، در کنکور دانشگاه شرکت جست و به دانشکده های حقوق و ادبیات راه یافت؛ اما رشته ی ادبیات را برگزید و در سال ۱۳۳۷ از دانشکده ادبیات فارغ التحصیل گردید. محمودی در سال ۱۳۳۸ دوره ی فوق لیسانس علوم اجتماعی را گذراند و در سال ۱۳۴۲ دوره ی دکترای رشته ی زبان شناسی و زبان های باستانی ایران را پی گرفت و از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علیقلی محمودی بختیاری از سال ۱۳۳۹ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و دو سال معاونت اداره ی تألیف و ترجمه ی اداره ی کل نگارش و سرپرست نظارت بر کتاب های درسی را به عهده داشت. وی در سال ۱۳۵۰ با حفظ سمت به معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی منصوب گردید و در سال ۱۳۵۱ از این سمت کناره گرفت و تا سال ۱۳۵۹، مدیریت گروه بنیادهای آموزش و پرورش را عهده دار بود. فعالیتهای آموزشی: علیقلی محمودی بختیاری در دبیرستان های فیروزبهرام، رازی، ادیب و چند دبیرستان دیگر تدریس نمود. سپس در شهریور سال ۱۳۴۶ برای تدریس ادبیات فارسی و رشته ی مترجمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت به کار شد و از مهرماه همان سال با تأسیس

دانشکده علوم و ارتباطات اجتماعی، برای تدریس ادبیات معاصر و فن نویسندگی فراخوانده شد. وی از سال ۱۳۳۸ با تصویب شورای علمی دانشکده به عنوان استاد تمام وقت مشغول به کار شد و علاوه بر تدریس ادبیات معاصر و آیین نگارش، درس‌های ادبیات کلاسیک «فرهنگ و تمدن ایران» نیز به او واگذار گردید. دکتر محمودی، در سال ۱۳۴۹ به دانشگاه ابوریحان بیرونی (دانشسرای عالی سپاه دانش - دانشگاه سپاهیان انقلاب) مأموریت یافت. آنگاه در سال ۱۳۵۵ بنا به دعوت دانشگاه کلمبیا، به مدت یک سال به تدریس و مطالعه و تکمیل دوره‌ی زبان شناسی در آن دانشگاه اشتغال داشت و پس از بازگشت به ایران، دوباره بنا به دعوت دانشگاه یوتا، سفری دوماهه به آمریکا رفت. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: علیقلی محمودی بختیاری از سال ۱۳۳۴ با همکاری دوستانش «انجمن ادبی دانشکده» را بنیاد نهاد، که یکی از انجمن‌های فعال و پربار آن روزگار بود. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: علیقلی محمودی بختیاری از دوران کودکی آغاز به سرودن شعر کرد و در دوران دانشجویی رسماً کار شعر و شاعری را شروع نمود و در آغاز شعرهای فارسی سره می‌سرود، اما وی هیچ وقت به شعر و شاعری متظاهر نبود. در سال ۱۳۵۱ در پایان کتاب «شکرستان»، نمونه‌های شعر خود را به چاپ رسانید و در سال ۱۳۵۷ نیز در آخر کتاب «گنج راز» به عنوان نمونه، اشعاری ارائه کرد. از فعالیت‌های دکتر محمودی در زمان معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی، ایجاد بخش دانشجویان خارجی بود و در کنار آن، طرح بازآموزی زبان و فرهنگ ایرانی را به استادان و دبیران زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های هند و پاکستان به تصویب رسانید. وی در سال ۱۳۵۶ خود سفری به پاکستان کرد و با دیدار از دانشگاه‌های سراسر آن کشور، زمینه‌ی مساعدی را برای فراخوانی همه‌ی استادان زبان و ادبیات فارسی سراسر شبه قاره هند و پاکستان فراهم نمود. او در سال ۱۳۵۷ به مصر سفر نمود و ضمن دیدار از دانشگاه‌های قاهره و اسکندریه، در دانشگاه عین الشمس قاهره سخنرانی کرد و طرح گسترش زبان فارسی در آن دانشگاه را با توجه به کثرت داوطلب پی‌ریزی نمود. جوایز و نشانها: در سال ۱۳۵۶، کتاب «زمینه‌ی فرهنگ و تمدن ایران» علیقلی محمودی بختیاری به عنوان کتاب درسی در بخش خاورشناسی دانشگاه یوتا انتخاب شد. آثار: او - تو - من ویژگی اثر: عرفان از دیدگاه حافظ. ۲. بابل دل ایرانشهر، چرا حافظ؟، خاقانی در ایوان مدائن، دفتر دوم فرهنگ و تمدن ایران، دفتر دوم گنج گهر، راهی به مکتب حافظ، زایش دوباره در آفرینش و عشق از دیدگاه مولانا جلال‌الدین بلخی، زمینه‌ی فرهنگ و تمدن ایران، شکرستان، فراز و نشیب سیاست و شیوه‌ی کشورداری ایران، کمینگاه دشمن، کوروش در بابل، گنج راز، گنج گهر ویژگی اثر: نمونه‌های نثر و نظم. ۱۶. هفت نگار در هفت تالار ویژگی اثر: تحلیلی اجتماعی از هفت پیکر نظامی. ۱۷. ویرایش و آرایش دفتر یکم سبک‌شناسی (تاریخ تطور شعر فارسی) ویژگی اثر: تألیف: ملک الشعرا بهار.

محمودیان، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسین محمودیان دانشیار و مدیر گروه جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس و دکتری را در رشته جمعیت‌شناسی از دانشگاه نشنال استرالیا اخذ نموده است. گروه: علوم انسانی‌رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: دکتر حسین محمودیان مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (سال؟)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس و دکتری را در رشته جمعیت‌شناسی از دانشگاه نشنال استرالیا اخذ نموده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: در خصوص خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر محمودیان می‌توان مواردی همچون «معاونت اداری و مالی

دانشکده علوم اجتماعی» و سمت «مشاور پژوهشی استاندارد سمنان» را نام برد. فعالیتهای آموزشی: موارد تدریس دکتر محمودیان «آمار مقدماتی»، «آمار در جمعیت شناسی»، «جمعیت و تنظیم خانواده»، «جامعه شناسی روستائی»، «روش تحقیق»، «روش تحلیل جمعیت شناسی»، «کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی»، «مبانی جامعه شناسی» و «مبانی جمعیت شناسی» (در مقطع کارشناسی) و «باروری»، «جمعیت و جامعه»، «طرح تحقیق» و «مقدمات آمار» (در مقطع کارشناسی ارشد) است. چگونگی عرضه آثار: مسئولیت طرح های تحقیقاتی مختلفی از جمله «کاهش باروری و تغییر در موقعیت زنان در ایران، ۱۳۸۴»، «بررسی عوامل اجتماعی و جمعیتی موثر بر سلامت کودکان زیر ۵ سال در ایران، ۱۳۸۶»، «بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استانهای کشور در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵» و «بررسی ویژگیهای اقتصادی-اجتماعی سالمندان: گذشته، حال و آینده» را نیز بر عهده داشتند آثار: ۱ بررسی میزان و علل مشارکت روستائیان در طرحهای عمرانی و ویژگی اثر: تالیف ۱۳۷۱۲ دانش خانواده و ویژگی اثر: پدیدآورنده: احمد احمدی، محمدرضا شرفی، حسین محمودیان، سهیلا خوش بین ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - ۲۶ شهریور، ۱۳۸۷۳ درآمدی بر مطالعات جمعیتی و ویژگی اثر: پدیدآورنده: حسین محمودیان (مترجم)، دیوید لوکاس (گردآورنده)، پل مایر (گردآورنده) ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - ۰۱ بهمن، ۱۳۸۴۴ فرهنگ ده های ایران- استان همدان و ویژگی اثر: تالیف ۱۳۶۹

محیط طباطبایی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۱ - ۱۲۸۱ ش)، محقق، نویسنده، مورخ، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به محیط. در زواری اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و علوم قدیمه را در زادگاهش فراگرفت. در ۱۳۰۰ ش به اصفهان رفت و به تحصیل مقدمات طب جدید که لازمه آن تحصیل زبان فرانسه بود پرداخت. ولی پس از مدتی منصرف شد و در ۱۳۰۲ ش به تهران آمد و دارالفنون را در سه سال و مدرسه‌ی عالی حقوق را در یک سال گذراند. سپس به شغل معلمی پرداخت. وی همچنین از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴ ش به عنوان مستشار فرهنگی در دهلی، بغداد، دمشق و بیروت به سر برد. در ۱۳۳۷ ش پس از بازنشستگی به مدت بیست و یکسال، در رادیو، عهده‌دار برنامه‌ی مرزهای دانش بود. محیط طباطبایی به زبانهای فارسی دری و عربی تسلط کامل و به زبان انگلیسی و فرانسه و زبانهای ایران قبل از اسلام آشنایی داشت. وی مقالاتی در زمینه‌ی تاریخ برای روزنامه‌های «ایران»، «شفق سرخ»، «اطلاعات» و مجله‌ی «گوهر» می‌نوشت. همچنین از ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ ش اداره‌ی مجله‌ی «آموزش و پرورش» را عهده‌دار بود. از ۱۳۲۱ ش مجله‌ی «محیط» را تأسیس و منتشر کرد. وی سرانجام در تهران درگذشت و در محوطه‌ی برج طغرل، نزدیک قبرستان ابن بابویه، به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: «تاریخ اعزاز محصل به اروپا»؛ «زندگی محمد زکریای رازی»؛ «دوران نادر»؛ «تاریخ تحول نثر فارسی در قرن سیزدهم»؛ «تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران»؛ «نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین»؛ «جغرافیای نو»؛ «شرح حال فردوسی»؛ مقدمه‌ی «نگارستان عجایب و غرایب».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینده (س ۱۸، ش ۶-۱، ص ۲۵۶)، ادبستان (س ۳، ش ۳۳، ص ۹۴)، ادبیات نوین (۳۰۹)، تاریخ برگزیدگان (۳۹۸-۳۹۶)، الذریعه (۲۴/۳۱۰)، سخنوران نامی معاصر (۳۲۰۴-۳۱۹۸/۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۰۷، ۲/۲۱۱۴، ۱/۱۰۴۳)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۱۰، ص ۹-۳)، مجله‌ی محیط (مقدمه/ یازدهم- بیست و یک)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۳-۷۹۲/۵).

محیط فراهانی، معصوم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۳۵ / ۱۲۳۰ ق)، وقایع نگار و شاعر، متخلص به محیط. پدرش مشهور به قایم مقام اول و برادرش، میرزا ابوالقاسم، مشهور به قایم مقام ثانی بود. محیط در ملازمت عباس میرزا بوده و در نویسندگی مهارت داشته است، به همین دلیل از جانب عباس میرزا به منصب وقایع نگاری خاص رسیده بود. وی در زبان و ادبیات عرب و سرودن شعر نیز ماهر بود. او در جوانی از دنیا رفت. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۱۶۱۵-۱۶۱۴/۳)، الذریعه (۱۰۱۵/۹)، ریحانه (۲۵۱/۵)، طرائق الحقائق (۲۷۷/۳)، سفینه‌المحمود (۲۹۵-۲۹۴/۱)، فرهنگ سخنوران (۸۲۴)، مجمع الفصحا (۹۸۸-۹۸۷/۵)، مصطبه‌ی خراب (۱۶۹-۱۶۸)، نگارستان (۱۳۰-۱۲۹).

مخبر السلطنه

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مخبر السلطنه (حاج مخبر السلطنه) مهدیقلی میرزا، از خاندان معروف هدایت و از بستگان رضاقلی خان هدایت است. وی از مطلعان تاریخ و فرهنگ ایران بود و در سیاست به مناصب عالی رسید. آثار بسیاری از خود بجا گذاشت که عبارتند از:

۱- فوائد الترجمان در تعلیم زبان فرانسه در دو جلد. ۲- تحفه‌الافاق در تاریخ و جغرافیا، سیاست و اقتصاد اروپا. ۳- گزارش ایران باستان یا تحقیقی در سلسله‌ی کیان. ۴- مجمع‌الادوار در علم موسیقی ۵- افکار امم در تحقیق مذاهب و تطبیق آن با حکمت. ۶- سفرنامه‌ی گرد کره از طریق چین و ژاپن به عزم زیارت بیت‌الله. ۷- خاطرات و خطرات. وی تا آخر عمرش که ۱۳۳۴ شمسی می‌باشد مشغول تألیف و تصنیف بوده است. حاج مخبر السلطنه در سال ۱۳۰۵ شمسی وزیر فواید عامه گردید. در اردیبهشت ۱۳۰۶ به ریاست عالی دیوان تمیز منصوب شد و در خرداد ۱۳۰۶ برای اولین بار به نخست‌وزیری برگزیده شد و در دیماه ۱۳۰۹ مجدداً نخست‌وزیر گردید. وی در چهارشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۳۴ شمسی درگذشت.

حاج مخبر السلطنه هدایت، از رجال سیاسی بود که پیش از این که خود به سیاست و پرداختن به آن علاقه داشته باشد، به موسیقی تمایل داشت ولی جو نامساعد و حال و هوای دوران زندگی او، هدایت را به طرف سیاست سوق داد ولی هیچگاه این مرد از عشق و علاقه خویش که همان موسیقی بود، دست نکشید و در هر فرصتی که به دست می‌آورد به سوی آن می‌رفت.

حاج مخبر السلطنه هدایت به خط‌نت آشنایی کامل داشت به همین سبب دو کتاب موسیقی از وی به رشته تحریر درآمده و از او به یادگار مانده است، هدایت بیشتر با سید مهدی دبیری و دکتر صلحی مأنوس بود.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد سوم)

مختار

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. هنرمند دوره‌ی ناصری است. تنها اثر وی قلمدان گل و مرغی زیبایی است که بر رویه آن، دو پرنده تنها جلب نظر می‌کند و رقم «کمترین مختار» دارد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۱۳۹/۳).

مدائنی

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ال...) ابوالحسن علی بن محمد (و. ۱۳۵ ه. ق- ف. ۲۲۵ ه. ق) از شاگردان معمر بن اشعث متکلم، ادیب و مورخ بود او را تألیفات بسیار است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مدنی ثانی

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نافع بن عبدالرحمن بن ابی نعیم تابعی اصفهانی مکنی به ابوالحسن یا ابوعبدالله یا ابونعیم یا ابوعبدالرحمن یا ابورویم و مشهور به مدنی ثانی (ف. ۱۵۹ تا ۱۶۹ ه. ق) یکی از قراء سبعة بوده است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مدنی مقدم، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مترجم، مؤلف.

تولد: ۱۳۲۲ (دی)، رشت.

درگذشت: اسفند ۱۳۶۵، آلمان.

دکتر رضا مدنی مقدم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا سال پنجم در شهر رشت گذراند. پس از اخذ دیپلم به سال ۱۳۴۲ در تهران، چهار سال به شغل آموزگاری در شهریار و اطراف کرج پرداخت. در سال ۱۳۴۷ به آلمان سفر کرد و در دانشگاه

اشتوتگارت به تحصیل پرداخت. در سال ۱۹۷۹ به اخذ درجه‌ی فوق لیسانس و مهندسی در رشته‌ی معماری نایل آمد و در ژوئیه ۱۹۸۵ موفق به گذراندن درجه‌ی دکترای معماری از دانشگاه مزبور گردانید و کمی بعد به عنوان استادیار دانشکده‌ی معماری آن دانشگاه برگزیده شد.

تخصص وی گرچه در رشته‌ی معماری و مهندسی ساختمان بود اما به سبب علاقه‌اش به ایران و گیلان اوقات فراغت را به پژوهش و ترجمه و نگارش در زمینه‌ی ایران‌شناسی مشغول بود. از جمله عنوان‌هایی که از وی به چاپ رسیده است می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: فرمانروایان گیلان (مجموعه چهار گفتار پیرامون تاریخ و جغرافیای گیلان، تألیف ه. ل. راینو با همکاری م. پ. جکتاجی، رشت، ۱۳۶۴)؛ کتابی درباره‌ی معماری بومی گیلان به زبان آلمانی (این کتاب در واقع پایان‌نامه‌ی دکترای وی بوده است که در اشتوتگارت به سال ۱۹۸۶ منتشر شد)؛ مقاله‌هایی که در یادگارنامه‌ی ابراهیم فخرایی (تهران، ۱۳۶۳)؛ و مجله «آینده» به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مذهب اصفهانی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۹۳ ق)، مذهب، نقاش، قلمدان‌ساز و خطاط. از شاگردان سید ابوالقاسم حسینی مذهب باشی اصفهانی بود و شیوه‌ی وی را پیروی می‌نمود. میرزا محمدتقی علاوه بر هنر تذهیب و مراحل مختلف آن، در تصویرسازی و چهره‌پردازی نیز مهارت داشت. عمده کار این استاد، تهیه جلد و قاب آینه و قلمدان و سایر کارهای روغنی بود که در کارگاه هنری مخصوص خود عمل می‌آورد. سمت سرپرستی استادان کارگاه بر عهده‌ی این هنرمند بود و پرداخت و اصلاحات پایانی را خود انجام می‌داد. او خط نسخ و رقاع را نیز خوش می‌نوشت و آثارش را به خطوط زیبا ترقیم می‌کرد. از آثار وی: جلد قرآن ممتازی که با گل‌های افشان تذهیب و تشعیر شده، با رقم: «نقل من... سید ابوالقاسم مذهب باشی، عن العبد محمدتقی مذهب سنه ۱۲۷۸»؛ قاب آینه‌ی بسیار استادانه‌ای که تصاویر دختران را بر روی آن نقاشی کرده و کناره‌ها و حواشی را به تذهیب و تشعیر عالی آرایش داده، با رقم: «راقمه محمدتقی مذهب الاصفهانی ۱۲۸۱»؛ قاب روغنی قرآنی که در کمال زیبایی عمل آمده و جامع اقسام شیوه‌های تذهیب کاری در نقوش اسلیمی و سایر مراحل تذهیب است و به خط رقاع استادانه‌ای درج شده: «رقم میرزا محمدتقی مذهب ۱۲۹۳». سه اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۶۷۴-۶۷۳/۲).

مذهب اصفهانی، محمدحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مذهب و قلمدان‌ساز. نواده‌ی آقا ابوطالب مدرس بود. وی تذهیب را نزد آقا محمدجواد مذهب آموخت و در این

هنر مشهور شد. محمدحسین ابری‌سازی و قلمدان‌سازی را خوب می‌دانست و در حل کاری و زرینه‌سازی و نقوش اسلیمی و سایر مراحل فنون طلاکاری نیز استاد شیرین قلمی به شمار می‌آمد. آثار رقم‌دار وی مشاهده نشده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲/۷۰۸)، هنر قلمدان (۱۳۷).

مذهب باشی شیرازی، عبدالوهاب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش، مذهب و قلمدان‌ساز. هنرمند ماهر شیرازی بود که از طرف ناصرالدین شاه مفتخر به لقب مذهب‌باشی شد. وی در تمام شیوه‌های طلاکاری و تذهیب و تشعیر و افشان و حل کاری و ترصیع الوان سرلوحها، استادی تمام عیار بود. همچنین در آبرنگ و قلمدان و جلدسازی نیز استاد بود و در گل و مرغ و تصویر و شبیه‌پردازی دستی موزون داشت. از آثار وی، قلمدان زیبایی که در انواع شیوه‌های طلاکاری تصویر شده و در وسط رویه آن، گل و مرغ جلب نظر می‌کند و در کناره‌ها رقم «یا وهاب ۱۲۷۱» دارد؛ تذهیب و آرایش قرآنی که به خط میرعلی کاتب شیرازی است، با رقم: «قد فرغ من تذهیب القرآن... عبدالوهاب ۱۲۷۷»؛ جلد قرآنی با تذهیبهای انبوه و افشان گل‌گشیزی که در حواشی کناره‌ها، نقوش اسلیمی جلوه‌گر است، با رقم: «ذهبه العبد المذنب عبدالوهاب ۱۲۸۲»؛ قلمدانی که به انواع نقوش اسلیمی ترصیع و تذهیب شده و در وسط رویه آن، دسته گل الوانی به نازک‌قلمی تصویر گشته و در کناره‌ها رقم «یا وهاب ۱۲۸۹» دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳۵۲-۳۵۱ / ۱)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (۱۳۴).

مذهب باشی شیرازی، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۸ ق)، مذهب، قلمدان‌ساز و خطاط. مذهب باشی شیراز بود و در تذهیب و زرافشانی و حل کاری مهارت داشت. او در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی نیز قوی دست بود و همچنین انواع خطوط را خوش می‌نوشت. علینقی شیرازی، خوشنویس معروف، برادر کهنتر وی بود. از آثار او: قلمدان پرمایه‌ای در زمینه‌ی مشکی که گل‌های طلایی کم‌نظیری بر روی آن نقش بسته و حواشی و کناره‌ها نیز حل کاری شده است، با: «رقم احقر عبداللّه محمود مذهب باشی ۱۲۸۰»؛ جلد طلایی و مذهبی که در زمینه مشکی تذهیب شده و دارای رقم «مذهب باشی» است؛ قلمدان مذهب و حل کاری شده که بر رویه و وسط آن تصویر زن جوانی است و کناره‌ها نیز، گل و مرغ و سایر گل‌های تزئینی دارد، با: «رقم احقر عبداللّه محمود مذهب باشی سنه ۱۲۹۸».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۴۸)، احوال و آثار نقاشان (۱۱۱۸-۳/۱۱۱۷)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (۱۶۲).

مرادی نسب، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین مرادی نسب

محل تولد: سمنان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین مرادی نسب در سال ۵۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه حقانی که زیر نظر شهیدان قدوسی و بهشتی بود مشغول تحصیل شدم. دوره مقدماتی و دوره سطح و کفایه و مکاسب را در آنجا گذراندم که از محضر اساتیدی بزرگ همچون آقایان آیت الله استادی، مصلحی (قدس سره) و بحرینی بهره بردم. و در دروس خارج اصول و فقه آقایان حضرات آیات مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، نوری همدانی، سبحانی و تبریزی شرکت کردم؛ در ضمن در دوره تربیت مربی کودکان که از طرف دفتر تبلیغات اسلامی برگزار می شد شرکت کردم و چون علاقه به تاریخ اسلام داشتم در این حوزه فعالیت خود را آغاز کردم و در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه دوره آموزشی و پژوهشی را گذراندم و در پایان نامه خود را تحت عنوان نقد و بررسی متن مغازی موسی بن عقبه (م ۱۴۱) دفاع کردم؛ این پایان نامه در سال ۸۰ رتبه برتر پژوهشی از طرف دبیرخانه ارشاد و فرهنگ اسلامی شناخته شد.

مرزبانی بغدادی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۸۴/۳۷۸/۳۷۱-۲۹۷/۲۹۶/۲۸۷ ق)، محدث، اخباری، مورخ و ادیب معتزلی. معروف به کاتب مرزبانی. اصلش از خراسان است و در بغداد به دنیا آمد. او را جاحظ زمانش خوانده‌اند. در حدیث ثقة بود و معتزلی، اما گفته‌اند که به تشیع نیز گرایش داشت و نیز گفته‌اند که او اولین کسی است که «دیوان» یزید بن معاویه بن ابی سفیان را جمع آوری و تدوین نمود. از ابوالقاسم عبدالله بن محمد بغوی و ابوحامد محمد بن هارون حضروی و احمد بن سلیمان طوسی و ابوبکر بن درید و ابو عبدالله نبطویه و ابوبکر محمد بن قاسم انباری و ابوبکر ابن ابی داوود سجستانی و از همطبقه آنها حدیث شنید. ابو عبدالله صیمری و ابوالقاسم تنوخی و علی بن ایوب قمی و ابومحمد حسن بن علی جوهری و محمد بن مظفر دقاق و عتیقی و دیگران از وی حدیث شنیدند. به گفته‌ی ابوعلی فارسی نحوی مرزبانی از محاسن دنیا بود و عضدالدوله با تمام عظمتش بر در خانه او می‌ایستاد تا او از منزل خارج شود. خانه او مجمع فضلا و

ادیان بود. گفته‌اند که او اولین واضح علم بیان بوده است و نیز گفته شده که او از مشایخ شیخ مفید است. در بغداد در گذشت. ابوبکر خوارزمی فقیه بر او نماز گزارد و در منزلش، در قسمت شرقی، در محله عمر رومی دفن شد. او در فنون مختلف علوم اسلامی تصنیفات و تألیفات بسیاری نگاشت. از آثارش: «اخبار الشعراء»، که عده‌ای آن را با «اخبار الشعراء المحدثین» یکی دانسته‌اند؛ «معجم الشعراء»، شامل پنج هزار اسم، در هزار برگ؛ «اخبار المعتزله»؛ «تلقیح العقول»؛ «الریاض»؛ «الازمنه»، در هزار برگ؛ «الاولیاء»، در حدود هزار برگ؛ «الدعاء»؛ «المعلی فی فضائل القرآن»؛ «ذم الدنیا»؛ «الشباب و الشیب»؛ «کتاب الشعر»؛ «اشعار النساء»؛ «اشعار الخلفاء»؛ «الزهد و اخبار الزهاد»؛ «الفرج»؛ «العبادة»؛ «اخبار المحتضرن»؛ «المراثی»؛ «المغازی»؛ «الهدایا»؛ «نسخ العهود الی القضاء»؛ «المدیح فی الولائم و الدعوات»؛ «اخبار النحاة»؛ «اخبار المتکلمین»؛ «شعراء الشیعه»؛ کتاب «ما نزل من القرآن فی علی (ع)»؛ کتاب «المفصل»، در علم بیان.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۲۱۰)، اعیان الشیعه (۱۰/۳۳)، انساب سمعانی (۲۵۷-۲۵۶/۵)، ایضاح الکمنون (۲/۸۰)، تاریخ الاسلام (حوادث ۸۷-۸۶/۴۰۰-۳۸۱)، تاریخ بغداد (۱۳۶-۳/۱۳۵)، تأسیس الشیعه (۹۵-۹۴)، الذریعه (۲۵/۱۶۲، ۲۴/۱۴۷، ۲۹۰، ۲۱۸-۲۱۷/۲۱۷، ۲۱/۲۵۰، ۲۰/۱۹۲، ۱۴/۲۳، ۱۳/۳۱۴، ۱۱/۴۲۹، ۴/۴۷۲، ۲/۴۷۱-۵۳۱، ۳۳۶-۱/۳۳۵)، روضات الجنات (۷/۳۲۲-۳۲۳)، ریحانه (۲۸۳-۵/۲۸۲)، سیر النبلاء (۱۶/۴۴۷-۴۴۹)، شذرات الذهب (۱۱۲-۳/۱۱۱)، العبر (۱۶۶-۲/۱۶۵)، فوائد الرضویة (۵۸۸)، الفهرست لابن الندیم (۱۹۳-۱۹۰)، الکامل (۱۶۷-۷/۱۶۶)، کشف الظنون (۱۷۳۴، ۱۱۰۶)، الکنی و الالقاب (۱۷۹-۱۷۷/۳)، لسان المیزان (۴۲۷-۶/۴۲۶)، معجم الادباء (۲۷۲-۱۸/۲۶۸، ۱/۴۷)، معجم المؤلفین (۹۸-۱۱/۹۷)، المنتظم (۹/۲۶)، الاعتدال (۶۴۱-۳/۶۴۰)، النجوم الزاهرة (۴/۱۷۰)، الوافی بالوفیات (۲۳۷-۴/۲۳۵)، وفيات الاعیان (۳۵۶-۴/۳۵۴)، هدیة الاحباب (۲۳۸)، هدیة العارفين (۲/۵۴).

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۱۱-۱۳۱۸/۱۳۱۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، محدث، نسابه، رجالی، مدرس، مورخ و ریاضیدان. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و علوم ادبی را از پدرش و شیخ مرتضی طالقانی و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی و علم انساب آلرسول را از پدرش و سید محمدرضا صانع بحرانی و علم تفسیر را از پدرش و شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و میرزا محمدعلی چهاردهی رشتی و فقه و اصول استدلالی را از آقا ضیاءالدین عراقی و شیخ مهدی مازندرانی و سید حسن صدر و شیخ مهدی خالص و علم کلام را از شیخ محمدجواد بلاغی و شیخ محمداسماعیل محلاتی و ریاضیات را از شیخ یاسین علیشاه هندی و میرزا محمود اهری فراگرفت. در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و در عرفان و علوم عقلی از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا طاهر تنکابنی و در ریاضیات از محضر میرزا حیدرعلی نایینی استفاده نمود. سپس به قم رفت و در محضر آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمذ نمود و از او و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او از علمای عامه و علمای زیدیه و علمای اسماعیلیه و بسیاری از علمای امامیه اجازه روایت داشت. پس از درگذشت آیت‌الله حائری وی عهده‌دار اداره حوزه‌ی علمیه، تدریس، مرجعیت و امامت جماعت و ایجاد بناهای خیریه و انتشار کتب گردید. در قم درگذشت و در کتابخانه‌ی خود دفن شد. از آثارش: بنای

مدارس: علمیه، مهدیه و مؤمنیه در قم؛ تأسیس حسینیه‌ی مرکز تبلیغی قم؛ کوی آیت‌الله مرعشی نجفی، بالغ بر یکصد و چهل خانه، برای سکونت طلاب و فضلاء؛ کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی در قم، که بیش از سی و پنج هزار کتاب آن از کتب شخصی ایشان و بقیه اهدایی مردم است و متجاوز از پانزده هزار کتاب خطی نفیس دارد و از این رو از کتابخانه‌های کم‌نظیر ایران به حساب می‌آید. از آثار علمی وی: «اجوبه المسائل»؛ «اعیان المرعشیین»، در شرح احوال خاندان مرعشی؛ «انس الوحید»؛ «التجوید»؛ «روض الریاحین»؛ «طبقات النسائین»، از صدر اسلام تا عصر حاضر؛ «الفروق»؛ «القبله»، مشتمل بر مباحث هیئت؛ «المسلسلات الی مشایخ الاجازات»؛ «مشجرات آل الرسول (ص)»، در انساب آل محمد (ص)؛ «مصباح الهدایه فی شوارع الکفایه»، که حاشیه مختصر بر «کفایه الاصول» آخوند خراسانی است؛ «المعول فی امر المطول»؛ «مقدمه التفسیر»؛ «مناسک الحج»؛ «الهدایه»، در شرح «الکفایه»؛ «مسارح الافکار فی حل مطارح النظائر»؛ «مزارات علویین» در ایران و غیره؛ «الصناعات الفقهیه»، در شرح الفاظ مصطلح فقهاء؛ «جذب القلوب الی دیار المحبوب»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «الرد علی مدعی التحریف».[۱]

یکی از مفاخر امروز عالم تشیع است که حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و اسلام و مسلمین دارد و یکی از افتخارات بزرگ شیعه است و در میان عموم مسلمین شهرت بسزائی دارد و بسیار مورد تجلیل و تکریم علماء اهل سنت مصر و سوریا و یمن و حجاز و پاکستان و هندوستان و افغانستان و جاوه و سودان و اندونزی و غیره است و از وی به امام اعظم و علامه اکبر و نسابه بحاثه و مجاهد بزرگ تعبیر می‌کنند.

اسم شریفش سید شهاب‌الدین و کنیه‌اش ابوالمعالی و شهرتش مرعشی نجفی است.

در صبح روز پنجشنبه بیستم ماه صفر ۱۳۱۸ قمری در نجف اشرف متولد و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب می‌باشد زیرا از طرف پدر به سید فقیه نبیه عارف عابد زاهد محدث علامه سید قوام‌الدین مرعشی مشهور به میربزرگ موصول می‌باشد که از بزرگترین خانواده‌های علویین و اشرف و اجمل و انبل ایشان بوده و در هر طبقه متحلی بحلیه مزایای دینی و دنیوی و نوعا عالم ربانی و یا متمکن به اریکه جهانبانی و یا طیب حاذق و یا نقیب بصیر و یا وزیر روشن ضمیر و مانند اینها بوده‌اند و جده پدری ایشان شریفه طباطبائی و جده مادری ششمی وی که مدفون در رواق مطهر حضرت رضا علیه‌السلام است دختر شاه‌عباس صفوی می‌باشد.

شرف تتابع کابر عن کابر

کالمرح انبوب علی انبوب

نسب شریفش چنانچه مشروحا ذکر شد بسی وسه واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین علیهما‌السلام منتهی می‌شود و والده ماجده ایشان علویه صالحه فاضله بنت مرحوم آیت‌الله آقاسید ابوالقاسم خوئی فرزند مرحوم آقا سید مهدی خوئی است که از بنی اعمام مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدحسین کوه کمری عم بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقای سیدمحمد حجت می‌باشد.

ترجمه این بزرگوار زینت کتب رجالی مانند اعیان الشیعه و ریحانه الادب جلد چهارم صفحه ۱۱ و علماء معاصرین صفحه ۲۱۷ و آثارالحجه جلد ۲ صفحه ۴۶ و معارف الرجال جلد دوم صفحه ۲۶۸ و مشاهیر دانشمندان اسلام جلد چهارم صفحه ۱۰۸ طبقات الشیعه جزء دوم از قسم اول صفحه ۸۴۷ و ده‌ها کتاب دیگر مانند زندگانی پیشوای اسلام عمادزاده اصفهانی و مقامات معنوی آقای معلم و غیره می‌باشد.

علماء معاصرین گوید: صاحب ترجمه از اکابر و اجلاء عصر حاضر ما که علامه فهامه نسابه فقیه اصولی محدث رجالی ادیب اریب فاضل کامل مورخ ریاضی حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول و بکثرت مشایخ نسبت به اهل عصر خود ممتاز و در

اخلاق فاضله دارای امتیاز و مرجع سوالات متنوعه بسیاری از دیگر فرق مسلمین بلکه از علماء نصاری می‌باشد که پرسشهای گوناگون از بلاد دور و دراز به حضرتش فرستاده و به پاسخ متین و متقن نائل می‌گردند. که از آنهاست سوالات شیخ عبدالسلام کردی شافعی و سوالات فاضل متبحر عیسی اسکندر معروف لبنانی است که در عصر ما از مشاهیر نویسندگان علماء نصاری است و صاحب ترجمه علاوه بر مراتب علمی مساعی جمیله عملی در ترویج دین مقدس اسلامی و اعلاء کلمه حق به کار برده جمعی از یهود و نصاری در اثر تبلیغات حقایق سمات وی مشرف به اسلام شدند و نیز گروهی از بایه و صوفیه و دیگر منحرفین از اسلام و ایمان باذعان عقاید حقه جعفریه مستبصر گردیده‌اند و در ادوار زندگانی خود با فحول رجال و متخصصین هر فنی ملاقات و از هر باغی گلی چیده و از هر بلبلای نوائی شنیده و مرجع افاده و استفاده افاضل وقت خود بوده و می‌باشند.

و از کثرت زهد و ورع پیرامون زخارف دنیویه نگردیده و علاقه قلبی را بالمره از آنها قطع و فقط به جمع کتب متنوعه علمیه که آن هم محض آخرت و آخرت محض است و ربطی به زخارف دنیویه ندارد میل مفرطی داشته و دارند و کتابخانه ایشان مانند نگارخانه ارتنک حاوی گلهای رنگارنگ می‌باشد که هر یک از فقیه و اصولی و حکیم و متکلم و منطقی و رجالی و ریاضی و ادیب و طبیب و متخصصین علوم غریبه و صنایع عجیبه می‌توانند از آن گلزار محمدی و بوستان علوی موافق دلخواه خود گلی چیده و یا عطری مناسب مشام خود استشمام نماید.

در سخاوت و بذل و کرم و سعه صدر نادره زمان و وحید دورانست. مراجع و زعماء مبسوط الید بسیاری دیده‌ام ولی به این صفات و خصایص کمتر یافته‌ام.

انصاف می‌دهم که دلبران و دلبران

بسیار دیده‌ام ولی نه به این حسن دلبری

بالاخص در اعطاء کتب و انفاق انگشتر که اقتداء به جد کرام خود امیرالمومنین علیه‌السلام نموده و هزاران نفر از دانشمندان و علماء اعلام و خطباء عظام و اصناف دیگر انام را به بذل انگشتر عقیق و فیروزه و غیره مسرور و مفتخر نموده است.

اساتید و مشایخ اجازه معظم له

آن جناب مقدمات را از مرحوم شیخ زاهد عابد شیخ مرتضی طالقانی و والد معظم خود و دیگر مشایخ وقت اخذ نموده و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی که در تلاوت قرآن عاصم زمان خود بوده اخذ و علم انساب آل رسول صلی الله علیه و آله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمدرضا صائغ بحرانی و دیگر اساتید فن تلمذ نموده و علم تفسیر را از والد مکرم و عالم زاهد صاحب کرامات شیخ محمدحسین بن محمدخلیل شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین مذکور و هم میرزا محمدعلی رشتی صاحب کتاب شرح القبله و آقا میرزا محمود شیرازی و آقا شیخ محمدحسین قاجاری تهرانی نجفی و دیگر اجلاء وقت تلمذ نموده و در فقه و اصول استدلالی حاضر حوزه مرحوم آیت الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت الله شیخ مهدی نوائی مازندرانی و دیگر اجلاء و سه سال در سامره و کاظمین در فقه و حدیث و رجال و درایه حاضر حوزه مرحوم آیت الله آقا سید حسن صدر و در اصول از بحث مرحوم آیت الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت الله شیخ محمدجواد بلاغی و آیت الله شیخ محمداسمعیل محلاتی فراگرفته و در سال ۱۳۴۲ ق به تهران وارد و در آنجا حدود یکسال توقف نموده و عرفان و علوم عقلیه و ریاضیات و بعض فنون دیگر را از افاضل تهران مانند آیت الله آقا حسین نجم آبادی و آیت الله حاج شیخ عبدالنبی نوری و دیگران استفاده کرده تا آنکه حاوی مراتب علمیه و عملیه عقلیه و نقلیه گردیده و در سال ۱۳۴۳ قمری مهاجرت به قم نموده و تا این تاریخ که سال ۱۳۹۳ هجریست پنجاه سال در این بلده طیبه مشغول به تدریس و تالیف کتب متنوعه و اقامه جماعت و مرجعیت و سرپرستی حوزه مقدسه

علمیه قم می‌باشند و با این همه مشاغل و گرفتاریهایی که شب و روز وی را مستغرق نموده است کمتر مستحب و نافله است که از وی فوت شود.

مشایخ اجازه آن جناب که تمامی از مراجع تقلید و علماء اعلام و فقهاء عظام فریقین امامیه و عامه و زیدیه و اسماعیلیه‌اند از دویست نفر متجاوز است که برای تبرک چند نفر آنان را ذکر می‌نمایم.

۱- السید حسن صدر کاظمین ۲- السید نجم‌الحسن الهندی موسس مدرسه الواعظین در لکنهو هندوستان ۳- السید ناصر حسین ابن آیت‌الله السید حامد حسین صاحب عبقات الانوار ۴- السید محسن الامین الشامی ۵- السید ابوالقاسم الدهکردی ۶- السید عبدالحسین بروجردی آل کمونه ۸- السید علی بن محمد الرضا آل کاشف الغطاء ۸- السید هادی آل کاشف الغطاء ۹- السید مرتضی آل کاشف الغطاء ۱۰- السید محمدجواد البلاغی ۱۱- السید محمداسماعیل محلاتی ۱۲- السید جعفر آل بحر العلوم ۱۳- السید الشیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی ۱۴- المیرزا محمد العسکری التهرانی ۱۵- آیت‌الله السید ابوالحسن اصفهانی ۱۶- آیت‌الله السید محمد فیروزآبادی ۱۷- آیت‌الله المیرزا حسین نائینی ۱۸- آیت‌الله الحاج الشیخ عبدالکریم الحایری ۱۹- آیت‌الله الحاج آقا حسین قمی ۲۰- آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی و آیت‌الله آخوند ملامحمد حسین فشارکی و آیت‌الله آقا سید محمد نجف آبادی و آیت‌الله آقا سید علی نجف آبادی و آیت‌الله آقا شیخ عبدالنبی نوری و آیت‌الله امام جمعه خونی و آیت‌الله شیخ مهدی حکمی قمی و آیت‌الله شیخ محمدعلی آیت‌الله شاه آبادی و آیت‌الله میرزا ابوالهدی کرباسی و آیت‌الله حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی مشهدی و آیت‌الله سید محسن اراکی و آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و آیت‌الله حاج شیخ عباس محدث قمی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی و آیت‌الله میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه کفایه و آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی صاحب حاشیه کفایه و آیت‌الله مهدی بحرانی نسابه نجفی و آیت‌الله میرزا محمدعلی اردوبادی و آیت‌الله سیدمحمدباقر کشمیری و آیت‌الله حاج حسین رضوی کویال پوری و آیت‌الله سید عبدالباقی شیرازی ملاباشی و صدها نفر دیگر و اجازات اجتهاد ایشان از آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله فشارکی و آیت‌الله یثربی کاشانی و آیت‌الله شیخ محمدحسن اصفهانی و آیت‌الله شیخ عبدالکریم یزدی.

آثار علمی و قمی معظم‌له که به طبع رسیده و یا مخلوط مانده است بسیار است از آن جمله:

۱- تعلیقات بر احقاق الحق قاضی نورالله شهید در بیست و شش مجلد که یازده مجلد آن به طبع رسیده و باقی آماده برای طبع می‌باشد و این تعلیقات خود شرح مبسوط و کتاب مستقلی در ولایت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و خاندان عصمت و طهارت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و فضائل آن خاندان است از هزاران کتب اهل سنت انتخاب شده بنحو استدلال با رعایت اختصار.

۲- غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی حواشی بر عروه الوثقی علامه یزدی در دو مجلد بزرگ.

۳- توضیح المسائل که بکرات به طبع رسیده ۴- حاشیه بر فصول المهمه شیخ حر عاملی ۵- کتاب الهدایه حاشیه بر کفایه.

۶- دفع الغاشیه عن وجه الحاشیه (حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله یزدی در منطق) ۷- المعول فی امر المطول.

۸- جذب القلوب الی دیار المحبوب در سوانح و وقایع ایام عمر ۹- مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار حاشیه بر تقریرات اصول شیخنا الانصاری.

۱۰- مشجرات آل الرسول که از بزرگترین تصنیفات شیعه و گرانباترین کتب در انساب است در چند مجلد.

۱۱- الرساله الافطسیه در نسب گروهی از سادات طبرود که در تهران چاپ شده.

۱۲- الرحله الشیرازیة که در مسافرت به شیراز نوشته‌اند ۱۳- الرحله الاصفهانیة در مسافرت به اصفهان تألیف نموده‌اند.

۱۴- مزارات علویین در ایران و خارج ایران.

۱۵- کتاب المسلسلات فی مشایخ الاجازات در سه مجلد به شرح زیر ۱- در اجازات علماء امامیه از اثنا عشریه که به معظم‌له داده‌اند

۲- اجازاتی که علماء عامه از حنفی‌ها و مالکیها و شافعیها و حنبلیها و زیدیه و غیر آنان که برای آن جناب نوشته‌اند ۳- اجازاتی که ایشان به دیگران داده‌اند.

مرجع تقلید، محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۷۶ (۲۰ صفر ۱۳۱۵ ق.)، نجف اشرف.

درگذشت: ۷ شهریور ۱۳۶۹ (۷ صفر ۱۴۱۲ ق.) قم.

آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، فرزند سید شمس‌الدین، آموزش‌های اولیه خود را نزد پدر و جدش آغاز کرد. پس از این در حوزه‌های درس اساتید شرکت کرد. در وس مقدماتی را نزد پدر، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمدحسن سدهی اصفهانی نجفی، شیخ شمس‌الدین شکوئی قفقازی، سید محمدکاظم خرم‌آبادی نجفی، میرزا محمود معلم و نیز جد خود بی‌بی شمس شرف بیگم طباطبایی فراگرفت. وی تجوید و قرائت قرآن را از میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی، پدرش سید شمس‌الدین مرعشی نجفی، سید آقا شوشتری، شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی و شیخ نورالدین بکناشی شافعی آموخت. علم انساب را از پدر خود از سید محمدرضا موسوی بحرانی و سید محمد مهدی غریقی صائغ و تفسیر قرآن را از پدر و از شیخ محمد حسین شیرازی، سید هبه‌الدین شهرستانی و سید ابراهیم رفاعی شافعی بغدادی و فقه و اصول را از پدر خود و از شیخ مرتضی طالقانی، سید محمدرضا مرعشی نجفی رفسنجانی شیخ غلامعلی قمی، ابوالحسن مشکینی نجفی، سید آقا شوشتری، میرزا حبیب‌الله اشتهااردی، میرزا محمد تهرانی، میرزا محمدعلی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی، شیخ نعمت‌الله لاریجانی، سید علی طباطبائی یزدی، شیخ محمدحسین شیرازی، میرزا محمود شیرازی، سید جعفر بحر العلوم، سید محمدکاظم خرم‌آبادی و عباس خلیلی و علوم ریاضی و هیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عندلیب‌زاده، میرزا محمود اهری، محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید رشتی، احمد منجم، سید محمد کاظم عصار، جمال‌الدین کرباسی و علم طب را از پدر و از محمدعلی خان مؤید الطباء و علم رجال و درایه و حدیث را از پدر و از سید ابوتراب خوانساری، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ محمد حرزالدین نجفی، میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی و میرزا ابوالهدی کرباسی، فقه و اصول استدلالی را از آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید احمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی اصغر ختیبایی تبریزی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ علی بن باقر نجفی، شیخ محمداسماعیل محلاتی، شیخ عبدالنبی نوری، سید ابراهیم اصطهباناتی، حسین نجم‌آبادی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی و محمدرضا مسجدشاهی فراگرفت. آنگاه در شهرهای سامرا و کاظمین مدت سه سال فقه و حدیث و رجال را از آیت‌الله سید حسن صدر و اصول را نزد آیت‌الله شیخ مهدی خالصی آموخت و بعد از مراجعت به نجف اشرف علم کلام را نزد آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، سید هبه‌الدین شهرستانی، علی‌اکبر یزدی، پدر خود و دیگران آموخت.

آیت‌الله مرعشی موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازه‌ی روایتی و تعدادی اجازات اجتهاد و اجازات نفسی از مشایخ دیگر گردید که اجازات کتبی وی در کتاب المسلسلات فی الاجازات آمده است.

آیت‌الله مرعشی نجفی در بیست و یکم محرم ۱۳۴۲ از نجف به ایران آمد و پس از سفری به مشهد و تهران و شهر ری، به قم سفر کرد و به سبب درخواست آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی در قم ساکن شد و مدتی هم در جلسات درس ایشان و حوزه‌های درس آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و علی‌اکبر مدرس یزدی، معروف به حکیم الهی و دیگر علما شرکت کرد.

آیت‌الله مرعشی نجفی از زمان ورود به قم، در کنار آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به تحکیم پایه‌های حوزه‌ی نوپای قم پرداخت. ورود وی به ایران و قم مصادف بود با آغاز زمامداری رضاشاه بود که با مظاهر اسلام و تشیع به مبارزه برخاسته بود. او در مقابل

فشارها و ضربات رضاشاه علیه حوزه و روحانیت مردانه ایستاد و جلسات درس او منظم بین شش تا هفت جلسه درس در مدرسه فیضیه، صحن و حرم حضرت معصومه (س) برقرار می‌شد. به این ترتیب وی را می‌توان یکی از مؤسسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به شمار آورد که تا هنگام رحلت آیت‌الله حائری یزدی، همگام با ایشان فعالیت کرد. پس از رحلت آیت‌الله حائری یزدی نیز در جهت حفظ و بقای حوزه کوشش کرد. در آن زمان حلقه‌های دروس خارج فقه و اصول خود را تشکیل داد.

آیت‌الله مرعشی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در ۱۳۸۰ ق. جزو معدود مجتهدانی بود که به عنوان مرجعیت شیعه انتخاب گردید و از آن پس به عنوان یکی از ارکان اصلی حوزه و جهان تشیع درآمد و به سهم خویش در اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم شرکت نمود. وی بیشتر از هفتاد سال به تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشغول بود.

آثار و تألیفات وی به این شرح است: تعلیقات احقاق الحق قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید که بیست و هفت جلد آن منتشر شده و تا پنجاه جلد می‌رسد، مشجرات آل رسول‌الله الا-کرام (ص)، شرح و حاشیه بر عمده‌المطالب (در چند مجلد)، طبقات النساءین، الهدایه فی معاضل الکفایه، حواشی رسائل شیخ مرتضی انصاری، المسلسلات فی الاجازات، مسارج الافکار فی مطارح الانظار (حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری)، المعول فی امر المطول، الوقت و القبلة الرد علی مدعی التحریف، مصطلحات فقهیه، الغایه القوی، سلوه الحزین و مونس الکئیب، المشاهد و المزارات، القصاص علی صوء القرآن و سنته (به قلم عادل علوی، ۱۳۷۴).

از خدمات فرهنگی آیت‌الله مرعشی نجفی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختن مدارس علوم دینی و تعمیر آنها در قم مدارس مهدیه در خیابان باجک، مؤمنیه در خیابان چهارمردان، شهاییه در خیابان امام خمینی، مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق قم)، ساخت و تعمیر و بازسازی مساجد در ایران و جهان، ساخت و تعمیر بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان کامکار در قم، درمانگاهی در بیمارستان نکویی قم، آسایشگاه معلولین در قم، ساختمان بخش قلب بیمارستان نکویی، مرکز توانبخشی بهزیستی واقع در میدان امام خمینی قم که دارالشفای آل محمد (ص) نیز نامیده می‌شود، تأسیس کتابخانه با خرید قطعه زمین به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع مقابل مدرسه مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق) کتابخانه‌ای با زیربنای ۳۵۰۰ متر در پنج طبقه ساخته شد که در نیمه‌ی شعبان ۱۳۴۹ با حدود ۱۶۰۰۰ جلد کتاب چاپی و خطی افتتاح گردید. بعدها طبق حکم حضرت امام (ره) دولت قطعه زمینی در کنار کتابخانه با مساحت ۲۴۰۰ متر مربع فراهم و در اختیار تولیت کتابخانه قرار داد. در توسعه‌ی جدید ۱۶۰۰۰ متر مربع زیربنا در هفت طبقه با ظرفیت سه میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از ۱۲۰۰۰۰ جلد کتاب خطی ملحوظ شده است.

این کتابخانه (تا سال ۱۳۷۴) نزدیک به ۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی، ۳۵۰۰۰ مجلد با ۵۰۰۰۰ عنوان نسخه خطی، بیش از ۲۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی به زبان‌های لاتین، نزدیک به ۵۰۰۰ جلد نسخه عکسی، حدود ۸۰۰۰ میکروفیلم و بیش از هزار عنوان روزنامه و نشریه دارد. همچنین مجهز به دستگاه‌های مدرن آتش‌نشانی، مبارزه با آفات طبیعی، دستگاه‌های قرنطینه و آفت‌زدایی است.

آیت‌الله مرعشی نجفی پیش از فوت چند بار در بیمارستان‌های قم و تهران بستری شد و دوبار هم برای درمان به خارج از کشور یعنی اسپانیا و انگلستان مسافرت نمود. اما سرانجام در شامگاه روز چهارشنبه هفتم ماه صفر ۱۴۱۲ برابر با هفتم شهریور ماه ۱۳۶۹ در سن نود و شش سالگی، پس از اقامه‌ی آخرین نماز جماعت در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) و بازگشت به منزل گرفتار حمله و سکت قلبی شد و درگذشت. پیکر وی در کتابخانه عمومی خود ایشان دفن گردید.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه [۱]: آینه‌ی دانشوران (۱۸۱-۱۷۷)، الذریعه (۲۰۴/۲۳، ۲۷۶/۲۱، ۳۷۶/۲۰، ۳۵۵، ۲۶۴/۱۸، ۱۸۶/۱۶، ۸۸/۱۵، ۲۱۵، ۱۴۰/۱۲، ۳۷۸/۶، ۲۶۰/۲)، ریحانه (۱۳۴-۱۲۹/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۴۸-۸۴۷/۱۴)، علماء معاصرین (۲۱۹-۲۱۷)، گلزار معانی (۷۰۲-۶۹۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۲-۳۷/۲، ۲۱۵-۲۱۱، ۵۶-۵۱/۱)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۱۹۰-۱۱۸۹/۳).

مروجی طبسی، محمد محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد محسن مروجی طبسی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۶۰/۱/۱

زندگینامه علمی

پدر اینجانب علاوه بر پدر بودن استاد اصلی من در پیشرفت های علمی این حقیر بوده است و نقش بسزایی در تربیت علمی من روا داشته اند و در دامان ایشان پرورش یافتیم .

مدرسه علمیه شهیدین و مدیریت محترم این مدرسه که زمینه رشد علمی طلاب را در این مدرسه شریف فراهم ساخته اند ، که در قالب واحد تحقیقات مدرسه و اساتید میرز آن و کتابخانه غنی و متین، این زمینه فراهم شد .

قبل از ورود به حوزه در ایام ماه مبارک رمضان در محله ، مکانی به نام مدرسه قرآن و عترت وجود داشت که در لیالی ماه مبارک رمضان به آنجا رفته و دروس معارف و تفسیر را فرا می گرفتم و از آنجا نوشتن و تحقیق شروع شد که اولین کار خلاصه تفسیر سوره مدثر بر اساس تفسیر نمونه بود .

در سال ۱۳۷۶ اوائل دوران طلبگی با گروهی از دوستان طلبه قرار خلاصه برداری و مباحثه کتب شهید مطهری را شروع کردیم که در ادامه این مباحثات تبدیل به بررسی زندگی اهل بیت شد ولی به این صورت که ایام شهادت و ولادت اهل بیت (ع) را تحقیق می کردیم و به نوبت در ایام شهادت و ولادت هر معصوم بر اساس منتهی الآمال برای جمع کنفرانس می دادیم که محصول این جلسات نخستین مقاله این حقیر به نام " خدیجه مادر امت " شد که در مجله کوثر به چاپ رسید و کم کم به صورت فردی در مورد شخصیت های تاریخی قرآنی شروع به نگارش و قلم زدن کردم مانند " پیامبران ناشناخته " که در قرآن اسامی آنها آمده ولی اطلاعات دقیقی درباره آنان وجود ندارد (مانند حضرت ادریس ، الیاس ، الیسع و ذوالکفل علیهم السلام) که تمامی آنها در مجلات کوثر، سروش وحی و مبلغان و گلستان قرآن به چاپ رسیده است .

در سال ۱۳۸۱ ، مدرسه شهیدین به مناسبت سال امام علی علیه السلام همایشی تحت عنوان " علی امام قرنها " برگزار نمود که در آنجا مقاله ای به نام " علی نخستین مسلمان " ارائه شد و حائز رتبه ممتاز و اول شد .

در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ نیز به مناسبت سال امام علی و امام حسین همایش هایی تحت عنوان " نهج البلاغه آشنای غریب " و " خورشید نیزه ها " برگزار شد که در آن مقاله ای به نام بازخوانی یک ریزش (سعد بن ابی وقاص) و عبدالله بن عباس و قیام حسینی ارائه شد که حائز رتبه ممتاز و اول شد که در مجله کوثر و تاریخ در آینه پژوهش به چاپ رسید .

در حال حاضر نیز مشغول نگارش امامان شیعه از دیدگاه اهل سنت هستم که چهار امام آن نوشته شده و در مجله کوثر به چاپ رسیده است و امیدوارم خداوند متعال و اهل بیت عصمت بویژه امام زمان (عج) توفیقاتشان را بر ما بیفزایند و زیر سایه توجهات

آنان قلم فرسایی کنیم و اهل عمل به این علوم باشیم .

مروزی، ابومعاذ فضل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۱۱ ق)، محدث، نحوی و مقری. از عبدالله بن مبارک و داوود بن ابی هند و عبید بن سلیم / سلیمان روایت کرد. اهل مرو و محمد بن علی بن حسن بن شقیق از وی روایت کرده‌اند. ابومنصور ازهری در کتاب «تهذیب اللغه» خود از وی بسیار روایت کرده است. از آثارش کتاب «القرآت»، در قرآن است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نیشابور (۷۷)، الثقات (۵/۹)، طبقات المفسرین داودی (۲۹-۲۸/۲)، کشف الظنون (۱۴۴۹)، معجم الادباء (۱۶/۲۱۴)، معجم المؤلفین (۸/۶۷).

مریجی، شمس الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شمس الله مریجی

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیق پس از اخذ دیپلم تجربی و اتمام نظام وظیفه سال ۱۳۶۶ در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم پذیرفته شده و وارد مدرسه امام علی علیه السلام شدم مقدمات را نزد اساتید بزرگوار چون حجج اسلام مرتضی آقا تهرانی، محسن غروی، حسینی، متقی و طالقانی تلمذ نمودم و سال ۱۳۷۸ لمعه را نزد اساتید بزرگوار اشتهازدی، طالقانی، سعیدی، و اصول فقه را نزد حجه الاسلام حسینی بوشهری خواندم و پس از سه سال سطح را در محضر اساتیدی چون حضرات آیات طاهری خرم آبادی، نکونام، بوشهری، اعتمادی، مرحوم پایانی و ستوده و ... به اتمام رسانده و از سال ۱۳۷۱ در درس خارج اصول به مدت ۷ سال (یک دوره کامل) از محضر آیت الله سبحانی کسب فیض نمودم و پنج سال در خارج فقه آیت الله فاضل لنکرانی (رحمه الله علیه) تلمذ نمودم و پس از آن در حال حاضر بمدت هفت سال نیز از محضر آیت الله جوادی آملی بهره می گیرم .

همزمان با تحصیل در علوم حوزوی، از سال ۱۳۷۰ وارد موسسه در راه حق شده و از علوم جدید نیز بهره گرفتم و تا سال ۱۳۸۰ دو دوره کارشناسی ارشد در دو رشته معارف و جامعه شناسی گذراندم و در حال حاضر نیز دوره دکتری یا سطح ۴ اندیشه معاصر

مسلمین در موسسه باقر العلوم (ع) مشغول می باشم .

از سال ۱۳۷۶ وارد عرصه تدریس در دانشگاه های دولتی و آزاد در تهران و قم شدم . علاوه بر تدریس در دانشگاه ها ، در مراکز تخصصی حوزه نیز تدریس داشته و دارم که برخی از آنها عبارتند از موسسه امام خمینی(ره) که هم اکنون نیز مشغولم ، موسسه باقر العلوم علیه السلام ، تخصصی تبلیغ ، تاریخ و مرکز جهانی .

عناوینی که تدریس کرده و می کنم :

در رشته جامعه شناسی : مبانی جامعه شناسی ، تغییرات اجتماعی ، جامعه شناسی تبلیغ ، جامعه شناسی ارتباطات ، جامعه شناسی انقلاب ، جامعه شناسی تاریخی .

در رشته معارف : معارف اسلامی ۱ و ۲ ، کلام قدیم ، شبهات کلامی .

همچنین در دوره های طرح ولایت دانشجویی که در تابستان ها تشکیل می گردد تدریس می کنم .

مستعلی زرگر خراسانی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۱۲ ق)، طراح فلزات. نگارگر و زرگر نقوش بر روی نقره و طلا. و سایر فلزات سخت بود. تنها اثر گرانقدر وی، تزیین و آرایش الواح زرین دور ضریح صحن مبارک حضرت امام رضا علیه السلام، در مشهد است که خطوط آنت وسط علیرضا عباسی کتابت شده و پیرایش و پرداخت و عمل آوردن آن بر عهده‌ی مستعلی زرگر بوده است، با رقم: «عمل کلب رضا مستعلی ۱۰۱۲».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳/۱۱۴۷)، گلستان هنر (۱۲۶).

مستوفی قزوینی، حمدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۵۰ ق)، مورخ و شاعر. وی از یک خاندان کهن مستوفیان در قزوین متولد شد. پدر حمدالله به عنوان مستوفی در دستگاه ایلخانان خدمت می کرد و به همین دلیل مستوفی لقب گرفتند. او از آغاز جوانی بنابر سیرت آباء و اجداد به خدمت دیوانی اشتغال داشت، ابتدا به خدمد خواجه رشیدالدین فضل الله درآمد و به امر کتابت مشغول شد. حمدالله در سال ۷۱۱ ق حاکم و مستوفی ابهر و زنجان و طارم شد و پس از قتل خواجه رشیدالدین فضل الله، در سلک ملازمان خواجه غیاث الدین محمد فرزند خلف وزیر مقتول، درآمد و تا سال ۷۳۶ ق در خدمت وی باقی بود تا آن بزرگوار نیز به قتل رسید. سفرهایی به تبریز و بغداد و شیراز و اصفهان کرد و در قزوین در گذشت. از او سه اثر معتبر باقی است: «تاریخ گزیده»؛ «نزه القلوب»؛ منظومه‌ی معروف «ظفر نامه» که مشتمل بر هفتاد و پنج هزار بیت است.[۱]

مستوفی مورخ و جغرافی دان معروف (ف. ۷۵۰ ه.ق.). وی از نژاد عرب بود و سلسله نسب خود را به حر بن یزید ریاحی میرسانید،

ولی افراد خاندان او سالیان دراز در قزوین سکونت داشتند. وی صحبت دانشمندان را درک می‌کرد و مخصوصاً از مصاحبت رشیدالدین در مباحث علمی خاصه تاریخ بهره‌مند می‌شد. آثار او عبارتست از: تاریخ گزیده (۷۳۰)، ظفرنامه به سیاق شاهنامه (۷۳۵) و نزهة القلوب (۷۴۰)، آرامگاه وی در قزوین است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] از سعدی تا جامی (۱۴۲-۱۲۵)، اعیان الشیعه (۲۲۵/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۸۰-۱۲۷۶/۳)، تاریخ در ایران (۱۴۱-۱۳۹)، تاریخ گزیده (مقدمه)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۴)، حبیب السیر (۲۲۱/۳)، دایرةالمعارف فارسی (۸۶۵/۱)، الذریعه (۱۲۰/۲۴، ۱۹۹/۱۵، ۲۸۱/۳)، روضات الجنات (۱۵۴/۸)، ریحانه (۳۰۷-۳۰۶/۵)، سرآمدان فرهنگ (۳۱۹/۱)، شخصیت‌های نامی (۱۶۹-۱۶۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۶، ۶۴-۶۳/۸)، فرهنگ سخنوران (۲۷۷)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۱۹-۲۱۸)، کشف الظنون (۱۹۴۵، ۱۴۷۴، ۱۱۲۰)، گنجینه‌ی آثار قم (۱۱۶، ۱۱۱، ۷۵، ۷۲/۱)، لغت نامه (ذیل / حمدالله)، مجله دانشکده مشهد (س ۳، ش ۱، ص ۹۳)، مولفین کتب چاپی (۹۵۸-۹۵۷/۲)، مینو در (۱۶۴-۱۶۰/۲)، هفت اقلیم (۱۶۱-۱۶۰/۳)، یادداشتهای قزوینی (۹۵۰/۴).

مسعودی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسین علی بن حسین مورخ بزرگ اوایل قرن چهارم (ف. ۳۴۴ تا ۳۴۶ ه.ق) از آثار وی «مروج الذهب» و «التنبیه والاشراف» (ه.م) را باید نام برد وی در سال ۳۴۵ تا ۳۴۶ ه. در فسطاط مصر وفات نمود.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مسعودی کوهستانی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، مورخ. ساکن ماوراءالنهر بود و در دربار ابوالغازی سلطان عبداللطیف خان ازبک (۹۵۹-۹۴۷ ق) می‌زیست و به فرمان این پادشاه کتابی به نام بنیان‌گذار این سلسله، ابوالخیر خان، تألیف نمود و نام آن را «تاریخ ابوالخیر خانی» نهاد. در این کتاب تاریخ عمومی، از خلقت تا سده‌ی دهم، با نثری مزین و آمیخته به نظم بیان شده، ولی هدف اصلی از تألیف آن ظاهراً بیان تاریخ سلاطین ازبک بوده است. داستانهای این کتاب شامل خلقت عالم، تاریخ پیامبران، خلفای راشدین، ائمه‌ی اثنی عشر (ع)، بنی‌امیه، بنی‌عباس، شاهان و سلسله‌های ایران، از کیومرث تا یزدگرد، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، چنگیزخان و جانشینان، هلوکو خان و جانشینان، جلالیریان و سرگذشت ابوالخیر خان و سلسله‌ی ازبکان می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۵۵۴/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۵).

مسعودی، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کاشیکار.

تولد: ۱۲۹۰، تهران.

درگذشت: ۲۶ آذر ۱۳۶۶، تهران.

علی‌اکبر مسعودی برای یادگیری معماری، رنگ، کاشی و خط، در سن سیزده سالگی مدرسه را رها کرد و مقدمات معماری سنتی تحت نظر پدر فرا گرفت و چندی نیز نزد عمویش استاد ابوالقاسم مقدمات کاشیکاری را آموخت و اندک اندک در کارگاه این دو استاد مشغول به کار شد. برخی از آثار گزیده‌ی این معمار هنرمند عبارتند از: اجرای طرح ۲۱ کاسه‌ی شمسه‌آویز در سقف ۷ ضرب ۵ متری امامزاده محمد (ع) در جوار امامزاده یحیی (ع) در تهران؛ طرح و اجرای مقرنس مسجد حجت بن الحسن (ع) در خیابان سه‌رودی شمالی؛ طرح و اجرای سقف محراب مقرنس امامزاده حمزه (ع) در جوار مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) در شهر ری، طرح شمسه‌سازی و اجرای آن در مجلس شورای ملی سابق (میدان بهارستان). علی‌اکبر مسعودی علاوه بر هنر خود در معماری، در شعر نیز دستی داشت و به «معمار» تخلص می‌کرد.

علی‌اکبر مسعودی به سبب نارسایی قلبی و ریه در سن هفتاد و شش سالگی در تهران درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مسیبی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران آقای علی مسیبی در ۲۶ بهمن سال ۱۳۴۷ دوش در فریدون شهر اصفهان پا به عرصه وجود نهاد. ولادتش در خانواده‌ای از نظر مادی اما با گرایشهای مذهبی بسیار قوی بود و این امر از همان اوان کودکی، زمینه رشد و پرورش قرآنی این کودک را فراهم نمود. صوت خوش پدر، نخستین گرایشهای علی مسیبی به تلاوت و صوت خوش قرآن بود تا آنکه روزی در کنار دکه کوچک نوار فروشی، تلاوتی زیبا با صوت دلنشین مرحوم عبدالباسط را شنید و او که کودکی ۵ ساله بود چنان مجذوب شد که زندگی قرآنیش رقم خورد. آنچه که در سرگذشت قاریان بیش از هر چیز بارز است. نقش سرنوشت ساز خانواده و ایجاد جاذبه‌های قرآنی در کودکی بوده است. علی مسیبی که نخستین بارقه عشق به قرآن را از خانواده خود دریافته بود، از محضر استاد مرحوم مجتبی غضنفری نکات لازمه بسیار فراگرفت؛ او از همان ابتدا در جلسات هفتگی این استاد در مسجد قنات آباد حضور می‌یافت و دانسته‌های خویش را افزون می‌ساخت، آقای علی مسیبی در سن ۱۱ سالگی تجوید، صوت و لحن و مقدماتی در زمینه صرف و نحو زبان عربی را از کتاب جامع المقدمات در محضر استاد مرحوم غضنفری فرا گرفت زیرا آگاهی به صرف و نحو زمینه لازمی برای فهم و درک آیات در هنگام تلاوت قرآن است.

دکتر مسیبی در سال ۶۵ موفق به اخذ دیپلم تجربی شد و پس از آن به اتمام دوران سربازی در سال ۶۹ در دانشگاه علوم پزشکی تهران در رشته پزشکی پذیرفته شد او پس از اتمام دوره تحصیلی در سال ۷۶ مدرک دکترای عمومی را دریافت نمود و از مهرماه

سال ۷۷ در رشته دکترای تخصصی پوست مشغول به تحصیل شد. نخستین تلاوت رسمی در مسجد قنات آباد تقطه عطفی در زندگی مسیبی شد. زیرا او آن شب چنان مورد تشویق اساتید قرار گرفت که شور و حال زاید الوصفی وجود او را گرفته، و به ادامه این راه امیدوار ساخت.

آقای مسیبی معتقد است که تقلید در ابتدای کار امری بسیار لازم چرا که قاری اگر مقلد نباشد قادر به پیشرفت در کار خود نخواهد بود. از این رو باید از سبک مناسبی تقلید کرد تا خلاقیت لازم در تلاوت به دست آید او به قاریانی که در ابتدای راه هستند توصیه می‌کند که به فراگیری جنبه‌هایی مختلف قرآنی بپردازند و همراه با قرائت قرآن به یادگیری مفاهیم و دانسته‌هایی در زمینه‌های مختلف قرآن بپردازند زیرا از یک قاری برجسته انتظار دریافت مفاهیم قرآن، انتظاری بجاست. دکتر مسیبی خود نیز علاوه بر تلاوت قرآن در خصوص علوم مختلف قرآنی، تفسیر و نهج البلاغه به مطالعه می‌پردازد و در این راستا از کتبی چون مثنوی معنوی، غزلیات مولانا و حافظ و سعدی بهره می‌گیرد آقای دکتر مسیبی در زمینه ورزش به پیاده روی و کوه نوردی علاقه بسیاری دارد و در زمینه آوازه‌های سنتی نیز تلاش کرده و به اجرای قطعاتی در این زمینه می‌پردازد.

دکتر مسیبی در سالهای ۶۴ و ۶۵ به کشور عربستان سفر نمود و در مسجد الحرام و مسجد النبی به تلاوت پرداخت و در هشتمین دوره مسابقات بین المللی قرآن در این کشور رتبه نخست را کسب نمود.

آقای مسیبی ضمن تلاوت در بسیاری از شهرهای کشور بارها در مسابقات مختلف قرآنی شرکت نموده و رتبه‌هایی را کسب کرده است. او در سال ۶۳ در مسابقات قرآن ساتان تهران رتبه اول را کسب نمود و در شهرهای مختلف کشور به داوری مسابقات پرداخته است.

دکتر مسیبی زندگی خویش را با عشق قرآن عجین می‌داند. او قرآن را منشأ تمامی برکات زندگی فردی و اجتماعی خود دانسته و می‌گوید: الا بذكر الله تطمئن القلوب کلامی است که در مسیر زندگی قدرت، استقامت و اراده و آرامش را از آن دریافت نمودم. دکتر مسیبی در برنامه‌های روزانه خود به حفظ آیاتی از قرآن، تلاوت قرآن و مطالعه اشاره دارد. او در دوران ۸ سال دفاع مقدس بارها در مجامع مختلف رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنوب کشور به تلاوت قرآن پرداخت او همچنین دوباره در سالهای ۶۵ و ۷۹ در حضور مقام معظم رهبری به تلاوت قرآن کریم پرداخته است. آقای مسیبی به ابتهال و تواشیح نیز علاقه بسیاری داشته و در این جلسات از استاد قیم بهره‌ها برده است. او اشتیاق به شنیدن ابتهال را بزرگترین عامل یادگیری آوازه‌ها و موسیقی سنتی ایران می‌داند زیرا معتقد است که با یادگیری این گوشه‌ها می‌توان نعماتی را در ابتهال اجرا نمود. او از اساتید: عبدالباسط، مصطفی اسماعیل، و منشاوی به عنوان بزرگترین اساتید مصر یاد می‌کند و قاریان برتر حاضر در کشور مصر را استادان شعیب و غلوش و عبدالعال می‌داند. منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

مشحون، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موسیقیدان.

تولد: اردیبهشت ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت: ۲۸ خرداد ۱۳۵۹.

حسن مشحون پس از تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه‌ی متوسطه شد و پس از اخذ لیسانس در تاریخ و جغرافیا به خدمت وزارت

آموزش و پرورش در آمد. سپس برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا اعزام شد و پس از بازگشت از فرانسه به تدریس در دانشگاه مشغول شد و آخرین مقام اداری ایشان ریاست اداره‌ی باستان‌شناسی بود. مشحون در موسیقی از شاگردان حسین هنگ‌آفرین و اساتید دیگر بود. حسن مشحون، سه‌تار و تار می‌نواخت و کتاب تاریخ موسیقی ایران را در دو جلد منتشر کرد. وی تحقیقی درباره‌ی تعزیه و تعزیه‌وانی در ایران نیز دارد. حسن مشحون در ۲۸ خرداد ۱۳۵۹ درگذشت.

(۱۳۵۹-۱۲۸۵ ش)، موسیقیدان، محقق و نویسنده. پدر و جدش از یاران نزدیک شیخ فضل‌الله نوری بودند. وی در تهران به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به دارالفنون رفت و از آنجا فارغ‌التحصیل شد. در ۱۳۱۳ ش در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا، از دانشسرای عالی لیسانس گرفت و سپس به خدمت وزارت آموزش و پرورش در آمد. وی در دبیرستانهای البرز و دارالفنون سالها تدریس کرد و بعد از آن، چند سال در سمت مدیر کلی فرهنگستان مازنداران، ریاست اداره‌ی محاکمات وزارت فرهنگ و مدیریت کل باستان‌شناسی بود، تا اینکه در ۱۳۴۷ ش از خدمت بازنشسته شد. مشحون دو سالی هم در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تدریس تاریخ موسیقی پرداخته بود. مشحون سه تار و تار را به خوبی می‌نواخت و گاهی شعر نیز می‌سرود. وی در تهران درگذشت. از آثار او: «تاریخ موسیقی ایران»، در دو جلد، که حاصل سی سال تحقیق و تلاش وی است؛ جزوه‌ای موسوم به «شرح حال و نمونه آثار شیخ محمود شبستری»؛ یک دوره کتاب درسی «تاریخ و جغرافیا»، برای دبیرستانها که به همراه دو تن از همکاران تألیف نمود؛ «تاریخ ایران و عرب تا دوره‌ی غزنویان»؛ «جغرافیای سیاسی ایران و آسیا و آفریقا»؛ «جغرافیای طبیعی ایران». [۱]

حسن مشحون به سال ۱۲۸۵، در تهران متولد گردید، پس از تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه متوسطه شد و پس از اخذ لیسانس در تاریخ و جغرافیا، به خدمت وزارت آموزش و پرورش در آمد. وی از نخستین نفراتی بود که به اروپا برای تحصیل فرستاده شد. حسن مشحون، پس از بازگشت از فرانسه به تدریس در دانشگاه مشغول شد و آخرین مقام اداری ایشان ریاست اداره‌ی باستان‌شناسی بود. مشحون در موسیقی از شاگردان حسین هنگ‌آفرین بود و اساتید دیگری هم دیده بود. وی مردی بود محقق و موسیقی‌شناس و در چند سال اخیر، تنها کسی بود که تمام مشکلات اهل موسیقی را می‌دانست و حرف او سند بود، چنانچه اگر اختلافی بین موسیقی‌دانان در مورد گوشه‌ای از گوشه‌های متعدد و مهجور موسیقی ایرانی بروز می‌کرد، حرف حسن مشحون برای آنان حجت بود و هرچه راوی می‌گفت بدون هیچ بحث و سخنی می‌پذیرفتند.

شادروان حسن مشحون، سه‌تار و تار را به خوبی می‌نواختند و کتابی هم درباره‌ی تاریخ موسیقی نوشته که سی سال برای آن زحمت کشید و نیز تحقیقی درباره‌ی تعزیه و تعزیه‌خوانی در ایران. حسن مشحون در خرداد ماه سال ۱۳۵۹ دار فانی را بدرود گفت، روانش شاد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: تاریخ موسیقی ایران (۱/ یازده- پانزده)، مردان موسیقی (۱۷۵- ۱۷۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۶۳- ۶۳۵/۲).

مشکور، محمدجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، ادیب، زبان‌شناس.

تولد: ۱۲۹۷، محله سنگلج تهران.

در گذشت: ۲۵ فروردین ۱۳۷۴، تهران.

محمدجواد مشکور، فرزند حاج شیخ علاءالدین، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌ی دارالفنون گذراند. سپس وارد دانشسرای عالی و دانشکده‌ی معقول و منقول شد و در سال ۱۳۱۸ موفق به اخذ درجه‌ی کارشناسی در ادبیات فارسی و ادبیات عرب شد. مدتی به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت و چند سالی به خدمت در وزارت دارایی مشغول شد. مشکور چندی نیز نزد دایی‌های خود شریعت سنگلجی و محمد مهدی سنگلجی به تحصیل علم پرداخت. همچنین از محضر استادانی چون علامه سید محمدحسین طباطبایی، علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مهدی آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، ملک‌الشعراى بهار و عباس اقبال بهره برد. همچنین به تحصیل و تحقیق در زبان‌های باستانی پرداخت وی از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۳۸ به تدریس تاریخ ایران قدیم و زبان پهلوی در دانشگاه تبریز مشغول بود. در سال ۱۳۳۲ به پاریس عزیمت کرد و در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجه دکتری در تاریخ اسلام و فوق آن نایل آمد. مدت شش سال سردبیر مجله‌ی عربی «الاخاء» بود. در سال ۱۳۴۴ به خدمت تمام وقت دانشسرای عالی درآمد و در کنار آن در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نیز به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۵۳ به عنوان رایزن فرهنگی ایران عازم سوریه شد و در ضمن به تدریس تاریخ فرق اسلامی به خصوص فرقه‌های شیعه و تاریخ زبان‌های سامی در دانشگاه دمشق پرداخت. دکتر مشکور در مهر سال ۱۳۵۸ پس از قریب چهار سال خدمت دانشگاهی بازنشسته شد ولی همچنان به کار تدریس و تحقیق مشغول بود. برخی از آثار ایشان به این شرح هستند: کلمات محمد (ص) (متن عربی و ترجمه، ۱۳۱۸)؛ تاریخ اوستا و ادبیات دینی پهلوی (۱۳۲۵)؛ تاریخ ایران باستان به روایت ابن عبری (یوسف بنیان، ترجمه، ۱۳۲۶)؛ تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمه الفرق بین الفرق (ابومنصور عبدالقاهر بغدادی، ترجمه)؛ النکت الاعتقادیة (شیخ مفید محمد بن محمد النعمان، ترجمه، تبریز، ۱۳۳۳)؛ تاریخ مردم اورارتو (کشف یک سنگ، تهران، ۱۳۳۳)؛ تاریخ اورارتو سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان (۱۳۴۵)؛ تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان (۱۳۴۷)؛ تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری (۱۳۵۲)؛ نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن (۱۳۴۹)؛ ترجمه تاریخ طبری قسمت مربوط به ایران (ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، ۱۳۳۷)؛ دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی (۱۳۳۸)؛ فرق الشیعه یا مقالات الامامیه و الفرق و اسماؤها و صنوفها (۱۳۲۵)؛ کارنامه اردشیر بابکان (۱۳۲۹)؛ مجوس در کتب مقدس سامی (۱۳۲۵)؛ هفتاد و سه ملت یا اعتقادات مذهب (۱۳۳۷)؛ گفتاری درباره دینکرد (۱۳۲۵)؛ ایران در عهد باستان (۱۳۴۳)؛ تصحیح منطق الطیر عطار، اخبار سلاجقه روم (۱۳۵۰)؛ سیر اندیشه‌های دینی در ایران (۱۳۵۵)؛ تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری (۱۳۵۷)؛ فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی (۱۳۵۷)؛ جغرافیای تاریخی ایران قدیم (۱۳۷۱)؛ دکتر جواد مشکور چهل و شش عنوان کتاب دارد و بیش از صد مقاله در زمینه ادبیات، تاریخ، ادیان و مذاهب، زبان‌شناسی به زبان‌های فارسی و عربی و فرانسوی نوشته است. برخی از مقاله‌های او در «معماری ایران»، «هنر و مردم»، «وحید»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «زمین و زمان»، «سخن»، «بررسی‌های تاریخی»، «معارف اسلامی»، «دانش» و «باستان‌شناسی و هنر ایران». وی همچنین در کتاب مجموعه خطابه‌های تحقیقی که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد، دارای مقاله بود.

پیکر محمدجواد مشکور در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ (ویژه‌ی هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

(۱۳۷۴ - ۱۲۹۷ ش)، نویسنده، مترجم، مصحح، مورخ، فرهنگ‌نویس، محقق و استاد دانشگاه. ملقب به بهاءالدین. در تهران به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس تمدن، ثروت و دارالفنون وارد دانشکده‌ی معقول و منقول شد و سپس از دانشسرای عالی موفق به اخذ لیسانس در ادبیات فارسی و ادبیات عرب گردید. در ۱۳۱۸ ش در دبیرستانهای ملی تدریس کرد و به خدمت وزارت دارایی درآمد. وی به جهت علاقه به تحقیقات ادبی و معارف اسلامی از محضر دایی‌های خود، شریعت سنگلجی و دو برادرش، آقا محمد و آقا محمد مهدی سنگلجی، و استادانی چون: علامه طباطبایی، علامه قزوینی، میرزا مهدی آشتیانی،

بدایع الزمان فروزانفر، میرزا یدالله نظر پاک، الهی قمشاهی و محمود شهابی استفاده‌ها برد. وی پس از آموختن مقدمات زبانهای سامی (عبری و سریانی) از طرف مدرسه‌ی عالی ایران شناسی به تدریس در آن مدرسه دعوت شد. مشکور یکی از همکاران علامه علی‌اکبر دهخدا در کار «لغت نامه» بود. در ۱۳۲۷ ش در دانشگاه تبریز تاریخ ایران باستان و زبان پهلوی را تدریس می‌کرد و در ضمن اقامت در تبریز از محضر استادانی چون حاج میرزا عبدالله مجتهدی و حاج محمد آقا نخجوانی و حاج حسین آقا نخجوانی و واعظ چرندانی و غیره بهره جست. در ۱۳۳۲ ش برای گذراندن دوره‌ی دکترا به دانشگاه سوربن پاریس رفت و درباره‌ی تاریخ و فرهنگ خاورمیانه، از قرن نهم پیش از میلاد تا قرن نهم میلادی، به تحقیق پرداخت و در ۱۳۳۶ ش موفق به اخذ مدرک دکترا در تاریخ اسلام و خاورمیانه شد. وی از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ ش مدیریت مجله‌ی «الاخاء» را به عهده داشت. در این بین او در کنگره‌های بین‌المللی در انگلستان و فرانسه و آلمان و روسیه و ترکیه شرکت نمود و در ۱۳۵۲ ش با سمت رایزن فرهنگی به دمشق رفت. وی ضمن تدریس تاریخ فرق اسلامی بویژه شیعه در دوره‌ی فوق لیسانس در دمشق، موفق به تأسیس دو کرسی زبان و ادبیات فارسی در دو دانشگاه دمشق و حلب شد و کتابخانه‌ای مربوط به کتب ایران و اسلام در مرکز رایزنی و کتابخانه‌ای مربوط به ایران‌شناسی در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه دمشق دایر کرد. یکی از مهم‌ترین موفقیت‌هایش در آنجا مشخص کردن قبر ابونصر فارابی در باب الصغیر و شیخ اشراق شهاب‌الدین ابوالفتوح سهروردی در باب البرید بود. از دیگر آثار وی: «تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلامی تا قرن چهارم»؛ «نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن»؛ «روح القرآن»، در توحید و مکارم اخلاق انسان؛ «تاریخ اورارتی و سنگ نبشته‌های اورارتی در آذربایجان»؛ «خلاصه ادیان در تاریخ دینهای بزرگ»؛ «گفتاری درباره‌ی دینکرد»؛ «تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان»؛ «فرهنگ هزوارشهای پهلوی»؛ اهتمام در انتشار کتاب «هفتاد و سه ملت»؛ تصحیح و اهتمام در انتشار کتابهای: «نصاب الصبیان» ابونصر فراهی و «منطق الطیر» عطار؛ «نسب‌نامه‌ی خلفاء و شهریاران» و سیر تاریخی حوادث اسلام، ترجمه؛ «اخبار سلاجقه‌ی روم»؛ «کلمات حضرت محمد (ص)»، ترجمه؛ «الفرق بین الفرق»، ترجمه؛ «فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی»؛ «تاریخ ایران زمین»، از روزگار باستان تا عصر حاضر. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۷۳۱، ۲۶۵۴/۲)، کلک (س ۴، ش ۴۷ و ۴۸، ص ۲۸۸-۲۷۷، س ۵، ش ۶۰، ص ۳۷۶-۳۷۵)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۲، ص ۶-۱، س ۵، ش ۶۰، ص ۳۷۶-۳۷۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲۵-۴۲۳/۲)، نامه‌ی باستان (۱۸-۱۱).

مشکینی، علی‌اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیة الله علی‌اکبر فیض معروف به مشکینی در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی در روستایی از توابع بلوک مشکین شهر و در میان خانواده‌ای متدین و اهل علم چشم به جهان گشود. پدرش مردی مومن و عالم بود و در روستای آلتی زندگی ساده‌ای داشت. او در کسوت روحانیت به تحصیل علم و رتق و فتق امور مردم می‌پرداخت. آیة الله مشکینی هنگامی که همراه با پدر در نجف اشرف مقیم بود، به مکتب خانه رفت. هنوز بیش از دو سال از اقامت خانواده آیة الله مشکینی در نجف نگذشته بود که مادرش چشم از جهان فرو بست. آیة الله مشکینی به همراه پدر به وطن بازگشت و مقداری از مقدمات علوم دینی را نزد پدر فرا گرفت. وی پس از مدتی پدر را نیز از دست داد. خود می‌گوید: "پس از فوت پدرم ما یتیم بودیم و هیچ چیز نداشتیم". ایشان با وجود سختی و

مرارت و فقر، عزم سفر کرد و راهی حوزه علمیه اردبیل شد و پس از اندکی به فکر مهاجرت افتاد. ایشان درباره سال‌های سخت دوران یتیمی خویش می‌گوید: "با وجود همه سختی‌ها و نبود امکانات، چیزی که ما را امیدوار کرده بود؛ توکل به خدا و ایمان به راهی بود که در آن پای نهاده بودیم. هر چند در این غربت و تنهایی سایه پدر و مادر نبوده لکن همواره خدا بود و باور این حضور، ما را از یاس و ناامیدی نجات می‌داد." وی برای تحصیل علوم دینی به شهرستان اردبیل سفر کرد و مقداری از صرف و نحو را در آنجا فرا گرفت. سپس در معیت عالم بزرگواری که از زخمیان حادثه مسجد گوهرشاد مشهد در زمان رضاخان بود، به شهر قم آمد و در آن دیار به تحصیل علوم دینی پرداخت. ایشان درباره سفارش پدرش برای تحصیل علم می‌گوید: "پدرم در آخرین لحظات عمرش تنها سفارشی که برای من کرد این بود که فرمود: پسر! در روز قیامت به پیش من رو سیاه می‌آیی اگر احکام و عقاید و تفسیر را فرا نگرفته باشی." این بود که آیه الله مشکینی در کنار فقه و اصول، در عقاید و تفسیر نیز زحمات زیادی کشید و در این علوم نیز تبحر خاصی به دست آورد. او در حضور اساتید بزرگی چون امام خمینی را درک کرد و چندین سال نیز در محضر این مرد بزرگ، کمالات علمی را فراگرفت و به ژرفای اندیشه و عرفان و معنویت وی پی برد و شیفته اش گردید. ایشان در زمانی که سایه منحوس رژیم پهلوی بر کشور مستولی و تحصیل در حوزه‌های علمیه بسیار دشوار بود. دروس دوره سطح را به خوبی به پایان رساند و در درس خارج فقه و اصول استادان مشهور دوره خود، حاضر شد. وی نزدیک به هفت ماه نیز در نجف اشرف حضور داشت و در درس‌های خارج استادان آن دیار، به ویژه امام خمینی (ره) شرکت می‌کرد اما به دلیل هوای گرم نجف و ضعف مزاجی مجبور به بازگشت به ایران شد. آیه الله علی اکبر مشکینی در سال‌های تحصیل خود، به محضر عالمان بسیاری شرفیاب شد. وی در دروس خارج فقه و اصول آیه الله العظمی بروجردی (ره) و آیه الله العظمی محقق داماد (ره) شرکت می‌کرد. در نجف نیز به محضر عالمان و استادان آن دیار شرفیاب می‌شد و در درس خارج امام خمینی (ره) شرکت جدی داشت. آیه الله مشکینی در سال‌های تحصیل و پس از آن با فضلا و اساتید بسیار، رابطه دوستی داشت که از آن جمله می‌توان آیه الله جوادی آملی و آیه الله امینی را نام برد.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی :

آیه الله مشکینی در سال‌های عمر با برکت خود منشأ خدمات، فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیاری بود. او طی سال‌ها تدریس مقدمات، سطح و دروس خارج فقه و اصول در حوزه، شاگردان بسیاری را تربیت کرد که از استادان و علمای امروز حوزه به شمار می‌آیند. وی کتب دوره مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سال‌ها به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشته است. همچنین درس تفسیر آیه الله مشکینی از دروس مشهور حوزه علمیه قم بوده است. از فعالیت‌های مهم وی در این عرصه، تأسیس مؤسسه الهادی است که به چاپ کتب مفید و اسلامی برای سطوح گوناگون جامعه می‌پردازد و مردم را با حقایق و معارف اسلامی آشنا می‌سازد. آیت الله مشکینی همچنین کتاب‌های فراوانی در زمینه‌های گوناگون علوم اسلامی تألیف و منتشر ساخته است که برخی از مجموعه آثار ایشان به شرح زیر است: ۱- اصطلاح الاصول ۲- مصطلحات الفقه ۳- الفقه الماثور (دوره فقه به طرز نوین) ۴- دروس فی الاخلاق (یک دوره اخلاق عربی) ۵- ازدواج در اسلام ۶- المنافع العامه (شرح کتاب احیاء الموات شرایع) ۷- مفتاح الجنان (کتاب دعا تکمیل مصباح المنیر) ۸- المواعظ العددیه ۹- واجب و حرام احکام الزامی (دوره فقه) ۱۰- قصار الجمل (احادیث کوتاه تحت عناوین لغوی دو جلد) ۱۱- ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی ۱۲- الهدی الی موضوعات نهج البلاغه ۱۳- المبسوط (تفسیر سوره آل عمران) ۱۴- واجبات و محرمات (استقصاء آنچه در شرع واجب و حرام اعتقادی و عملی است) ۱۵- تفسیر سوره (ص) ۱۶- بحث تکامل از نظر قرآن ۱۷- مسلکنا فی العقائد و الاخلاق و العمل ۱۸- زمین و آنچه در آن است ۱۹- تقلید چیست؟ ۲۰- رساله خمس ۲۱- حاشیه توضیحی بر کتاب مضاربه، عروء الوثقی ۲۲- نهج البلاغه موضوعی ۲۳- تحریر المواعظ ۲۴- تحریر المعالم ۲۵- الرسائل الجدیده ۲۶- تلخیص المکاسب (در دست چاپ) ۲۷- تفسیر روان برای نسل جوان (در دست چاپ) ۲۸- ترجمه و شرح فارسی سه

کتاب مضاربه، مزارعه و شرکت در عروۀ الوثقی (در دست چاپ) همچنین از وی مقالات بسیاری در نشریات نور علم، پاسدار اسلام و ... نیز در روزنامه جمهوری اسلامی و ... به چاپ رسیده است. فعالیت‌های سیاسی :

زندگی آیه الله مشکینی سرشار از مبارزات و تلاش‌های سیاسی برای تحقق حکومت اسلامی است. وی از نخستین افرادی بود که به نهضت امام خمینی (ره) پیوست. مشکینی در جلسات مخفی مبارزان شرکت می‌کرد از این رو حدود چهار ماه در تهران متواری شده بود و سپس ایران را به مقصد عراق ترک کرد. با بازگشت به قم در همان روز اول دستگیر شد و ساواک از او خواسته بود تا ۴۸ ساعت بعد از قم خارج شود. از این رو به مشهد رفت و ۱۵ ماه در آنجا مشغول تدریس شد و بار دیگر به حوزه علمیه قم آمد و مبارزات را پی گرفت؛ اما پس از مدتی به همراه ۲۷ نفر از اساتید و فضلاء حوزه تبعید شد. از این رو به زادگاه خود رفت ولی پس از سه ماه ساواک وی را دستگیر و به ماهان کرمان و گلپایگان تبعید کرد. وی پس از دو سال نیز به کاشمر تبعید شد و در طول دوره تبعید نیز دست از مبارزه برنمی‌داشت؛ این گونه بود که ساواک او را به مکان دیگری منتقل می‌کرد. وی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آیه الله مشکینی در مسئولیت‌های گوناگونی به ایفای نقش پرداخت از جمله عضویت در خبرگان تدوین قانون اساسی، مسئول گزینش و اعزام قضات با حکم امام (ره)، ریاست مجلس خبرگان رهبری در هر سه دوره، امامت جمعه قم با حکم امام (ره) و رهبر انقلاب، عضویت در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی. آیت الله مشکینی که به بیماری خونی مزمنی دچار بودند، در بیمارستان بقیه‌الله بستری شدند. سرانجام عصر روز دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۸۶ ایشان به خلد آشیان رحلت نمودند.

مشهدی، محمد زمان

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۵۱ ق)، نقاش و طراح فلزات. اهل مشهد و نگارگر روی فلزات سخت و سازنده‌ی اسطرلابها و کرات جغرافیایی بود. وی در هیئت افلاک نیز اطلاعات جامعی داشته و صنعت اسطرلاب را به خوبی می‌دانسته است. از آثار رقم‌دار وی، کره‌ی جغرافیایی دقیقی است که علائم کواکب و رئوس سلسله، بر آن نقش بسته و رقم «محمد زمان در مشهد ۱۰۵۱» دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲/۸۲۴).

مشیرفراهی، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جعفر مشیرفراهی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۳۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید جعفر مشیر فراهی فرزند سید حسن در تاریخ ۱/۳۱/۴۰ ه. ش مطابق با ۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۸۰ ه. ق در شهر مقدس مشهد متولد شدم. در ۵ ماهگی پدرم مرحوم آیت الله مشیر را که از نوادگان مشاور التولیه آستان قدس رضوی بود، از دست دادم. در سال ۱۳۵۸ موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شدم. از سال ۵۶ تفکرات سیاسی و ضد شاهی در من شکل گرفت و در انقلاب، شرکت فعالانه داشتم. در سال ۶۰ به خدمت سربازی رفته و پس از ۵/۸ ماه از خدمت معاف شدم. حدود ۷ ماه در جبهه ها حضور رزمی، تبلیغی داشتم در سال ۶۱ وارد حوزه علمیه شده و دروس حوزه را تا سطح خارج ادامه دادم (۳ سال درس خارج) و از اساتیدی نظیر آیت الله صالحی، فقیه سبزواری، واعظی، مرتضوی، رضا زاده و مرحوم فلسفی بهره مند شدم و اکنون مدرس دروس سطوح (لمعه) هستم. در سال ۶۳ وارد آموزش و پرورش شده و در رشته مربی پرورشی به فعالیت پرداختم و در سال ۷۱ وارد دانشگاه فردوسی مشهد شده و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته پژوهشگری علوم اجتماعی ادامه تحصیل دادم (۱۳۷۹) در برخی از مراکز تربیت معلم و سازمان تبلیغات اسلامی در رشته جامعه شناسی تدریس داشتم و هم اکنون در مراکز پیش دانشگاهی مشغول تدریس در حوزه علوم اجتماعی هستم.

مصدق رشتی، علی اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علی اصغر مصدق رشتی در سال ۱۳۲۴ در شهر مقدس مشهد بدنیا آمد. تحصیلات خود را در رشته تاریخ پی گرفت و موفق به اخذ مدرک دکتری رشته مذکور از دانشگاه سوربن پاریس در سال ۱۳۵۹ شد. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی علی اصغر مصدق رشتی به قرار زیر است: دیپلم: ادبی / ۱۳۴۳ / مشهد کارشناسی: تاریخ / ۱۳۵۰ / مشهد / دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد: تاریخ / ۱۳۵۳ / کان (فرانسه) دکتری: تاریخ / ۱۳۵۹ / پاریس / دانشگاه سوربن

همسر و فرزندان: دکتر علی اصغر مصدق رشتی متاهل و دارای دو فرزند می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علی اصغر مصدق رشتی عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی می باشد. وی همچنین مدیریت گروه تاریخ دانشگاه مذکور را برعهده دارد.

فعالیتهای آموزشی: فعالیت های آموزشی علی اصغر مصدق رشتی به ترتیب زیر است: تدریس در دانشگاه شهید بهشتی تهران تدریس در دانشگاه تهران بمدت سه سال تدریس در دانشگاه تربیت معلم تهران بمدت سه سال تدریس در مرکز باقرالعلوم (حوزه قم)

آرا و گرایشهای خاص: زمینه های تحقیقاتی فعلی علی اصغر مصدق رشتی به قرار زیر است: تاریخ ایران در قرن سیزدهم هجری تا آغاز مشروطیت روش تحقیق در تاریخ

چگونگی عرضه آثار: مقالات و کتابها: خاندان نجم یزدی در مجله *studies iranica* صادرات و واردات بوشهر نیمه اول قرن نوزدهم فرانسه مقدمه ای بر تثبیت حکومت قاجارها انگلستان- دانشگاه کمبریج (مطالعات ایرانشناسی)

مصنف مریوانی، ابوبکر

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۱۴ ق)، فقیه شافعی و مورخ. وی از فقهای شافعی کرد بود که به جهت کثرت تصانیف به مصنف معروف گردید. مدتی در مدینه ساکن بود. او در چور از قرای مریوان درگذشت. از آثارش: «طبقات الشافعیة»، معروف به «طبقات المصنف»، در فقه؛ شرح «المحرر» رافعی قزوینی، در فروع فقه شافعی، در سه جلد؛ «سراج الطریق»، به فارسی؛ «ریاض الخلود»، به فارسی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۴۶)، کشف الظنون (۱۶۱۳)، معجم المؤلفین (۳/۷۷).

مصور اصفهانی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۳۵۰ ق)، نقاش و قلمدان ساز. در اصفهان به دنیا آمد و همان جا درگذشت. وی در قلمدان سازی و آبرنگ و در رنگ و روغن و تذهیب کاری مهارت داشت. از آثار او: تصویر حضرت علی (ع) به رنگ و روغن، با رقم: «عبدالله مصور ۱۳۳۰»؛ قلمدان جعبه‌ای که در رویه آن و رد داخل مدالیونهای متعدد، تصاویری از عرفا و دراویش را تصویر کرده و کناره‌ها را با مناظر دریا و کوه و دشت و صحرا آرایش داده و رقم گذاشته است: «رقم عبدالله مصور»؛ منظره‌ی غدیر خم که پیامبر اکرم (ص) روی چند جمازه‌ی شتر رفته و حضرت علی (ع) را به جماعت مؤمنین معرفی می‌نماید، با رقم: «کمترین عبدالله مصور اصفهانی». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳۱۵-۳۱۴ / ۱).

مصور مهدی، علیقلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۲۷ ق)، نقاش، قلمدان ساز و شاعر، متخلص به مصور. وی در تهران به دنیا آمد و در مشهد سکنی گزید. مصور در فن نقاشی و شبیه سازی مهارت داشت و قلمدان و قاب آینه نیز می ساخت. او همچنین دارای طبع شعر بود و بعضی از اشعارش در تذکره‌ها بر جای مانده است. صاحب عنوان تا ۱۲۹۴ ق در قید حیات بود. از آثار وی تصویر پیرمرد چوپانی به آبرنگ است که به عصایی تکیه داده و چند گوسفند را مراقبت می کند، با رقم: «عمل علی مصور تخلص»؛ قلمدان زیبایی، با تاریخ ۱۲۹۴ ق.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۷۳، ۳/۱۱۶۴، ۱/۳۹۹)، حدیقه الشعراء (۱۶۶۲-۱۶۶۰/۳)، الذریعه (۱۰۵۷-۱۰۵۶/۹)، گنج شایگان (۴۳۲-۴۲۶)، المآثر و الآثار (۲۱۴)، مجمع الفصحا (۵/۹۵۲)، هنر قلمدان (۱۳۸-۱۳۷).

مطهری، حمیدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید رضا مطهری

محل تولد: نهاوند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حمیدرضا مطهری فرزند علی محمد تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خود (نهاوند) گذرانده و در سال ۱۳۶۷ برای تحصیل علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از به پایان بردن دروس سطح، خارج فقه و اصول را به مدت چندین سال از محضر اساتید بزرگوار حضرات آیات مکارم شیرازی، جعفر سبحانی و تبریزی فرا گرفتم. همزمان با تحصیل علوم حوزوی به تحصیلات دانشگاهی نیز توجه داشته و از طریق آزمون سراسری دانشگاه‌ها در رشته تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (ع) پذیرفته شدم. پس از اخذ مدرک کارشناسی بلافاصله در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران پذیرفته شده و فوق لیسانس را از این دانشگاه دریافت کردم و علاوه بر تحصیل به تحقیق و پژوهش و تدریس نیز اشتغال داشته ام.

مطیر، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خادم نشر.

تولد: ۱۳۰۲، تهران.

درگذشت: ۷ بهمن ۱۳۵۶، تهران.

محمود مطیر چاپ بهمن را در سال ۱۳۲۷ با چند گارسه و چند ماشین چاپ کوچک در گوشه‌ای از خانه پدری خود (رو به روی کوچه آبشار خیابان ری) تأسیس کرد. نزدیک به یک صد کتاب از مجموعه انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب در چاپخانه بهمن صورت گرفت. «راهنمای کتاب» از اولین شماره‌ی آن تا آخرین شماره‌ی سال بیست و یکم در اسفند ۱۳۵۷ در همین چاپخانه

چاپ می‌شد. کتابهای انجمن آثار ملی نیز در چاپخانه‌ی بهمن به چاپ رسید. کارهای نظام پزشکی و بخشی از کارهای مؤسسه‌ی انتشارات امیر کبیر را نیز چاپ بهمن انجام می‌داد. از فعالیت‌های دیگر این چاپخانه، چاپ «یغما»، برای مدت پانزده سال بود. مطیر در این کار کمک بسیاری به حبیب یغمایی می‌کرد. نمونه‌های غلطگیری را خود به منزل یغمایی می‌برد. محمود مطیر بعدها از اعضای مؤثر اتحادیه‌ی چاپخانه‌ها شد. همچنین یکی از پایه‌گذاران شرکت کتاب‌های درسی و و شرکت انتشارات خوارزمی بود. به این ترتیب سرگذشت مطیر با گوشه‌ای از تاریخ چاپ و کتاب درسی ایران قرین شده است. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مظاهری، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۳.

درگذشت: ۱۳۷۰.

از آثار اوست: خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام (با مقدمه پل فوکونه و حامد فولادوند، ترجمه عبدالله توکل؛ تهران، ۱۳۷۳). برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

معرفت، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خادم نشر.

تولد: ۱۳۰۰.

درگذشت: اوایل مهر ۱۳۶۰.

حسن معرفت، فرزند شیخ محمدتقی شیرازی، به تاسی از پدر خود کتابفروشی در شیراز افتتاح نمود. اما بعدها این کتابفروشی را به پدر خود واگذار نمود و به تهران آمد. ابتدا در خیابان ناصریه و بعدا در خیابان لاله‌زار کتابفروشی با مطبعه باز نمود، و به نشر کتاب اقدام کرد. از جمله وی اقدام به چاپ سلسله‌ای از کتب ترجمه‌ی اروپایی به نام «صد کتاب از صد نویسنده بزرگ» کرد. از آثار اوست: حافظ و سعدی در یکجا (۱۳۶۹ ق.)؛ روش ورزش با دمبل؛ زبده غزلیات حافظ از روی نسخه‌ی قزوینی؛ زبده‌ی غزلیات سعدی از روی نسخه‌ی قزوینی (۱۳۲۲)؛ فر فروزننگ (۱۳۶۹ ق.)؛ فرهنگ انگلیسی به فارسی (۱۳۳۰) گلچین معرفت (مجموعه شعر)؛ گلچینی از شاهنامه‌ی فردوسی، مرغابی سیاه کوچولو.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

معزی، حسام‌الدوله، نجفقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مورخ، مؤلف.

تولد: ۱۲۶۱، نجف.

درگذشت: اردیبهشت ۱۳۵۹.

نجفقلی حسام‌الدوله معزی، فرزند ابراهیم میرزا، تحصیلات خود را در انگلستان به پایان برد و در وزارت مالیه عضو بود. وی در دوره‌ی سوم مجلس شورای ملی از ملایر و محلات نماینده بود. از آثار اوست: تاریخ روابط سیاسی ایران با ممالک اروپایی. وی به زبان‌های عربی و انگلیسی و فرانسوی آشنایی پرداخت. تألیفات دیگر او عبارتند از تاریخ راه‌سازی در ایران، راز کامیابی ژاپن، عالم حیوانات یا کلید دام و دد، دره‌ی نجفی (مشمتمل بر سه فن عروض و قافیه و بدیع) وی کتاب‌های دیگری را از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه و نشر کرده است: تاریخ آمریکا، تاریخ انگلیس، تاریخ روسیه، زندگی پطر کبیر، زندگی فردریک، زندگی ژوزفین و ناپلئون.

وی در سال ۱۳۵۴ تعداد ۱۲۵۷ جلد کتاب چاپی به زبان‌های فارسی و انگلیسی و فرانسوی به دانشگاه شیراز اهداء کرد که بدین مناسبت فهرست‌نامه‌ای برای کتب اهدایی وی منتشر گردید. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

معزی، محمد کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قرآن‌شناس معروف معاصر، استاد حاج سید علی کمالی دزفولی، صاحب آثار عدیده‌ی قرآنی، درباره‌ی مرحوم معزی که با ایشان خویشاوندی هم داشته چنین فرموده اند: شیخ محمد کاظم فرزند شیخ محمد و او فرزند حاج شیخ محمد رضا فقیه به نام، از اولاد معزالدین، عالم معروف دوران صفویه، در سال ۱۲۹۸ ش در دزفول به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۸ ش در تهران وفات یافت و در مقبره‌ی شیخان قم مدفون گردید. تحصیلات بعد از مکتب خانه‌ی او در خدمت جدش حاج شیخ محمدرضا شروع شد و زیر توجه و علاقه‌ی خاص او مدارج علمی را به طور مضاعف طی کرد. استادانش در دزفول، جد مادری اش آقا شیخ محمد باقر و عموزاده اش آقا میرزا محمد علی، و چند سالی در قم، آیت الله بروجرودی تا نیل به درجه‌ی اجتهاد بود. علاوه بر عربی، به زبان انگلیسی هم آشنا بود. چند سالی در دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران تدریس کرد. معلومات او از محدوده‌ی تحصیلات متداول بسیار فراتر بود. اثر مهمش ترجمه‌ی قرآن مجید به فارسی است، که اشتباهاتی ناچیز و اندک از قبیل کاربرد ماضی و مضارع به جای همدیگر در آن یافت می‌شود و ترجمه اش هنوز در میان ترجمه‌های امروز می‌درخشد. نمونه‌ی اخلاق و فروتنی اسلامی بود. رحمه الله علیه. (برگرفته از بیانات استاد حاج سید علی کمالی دزفولی).

معصومی همدانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسین معصومی همدانی (۱۳۲۷- همدان) دارای مدرک دکتری رشته فلسفه و تاریخ علم، از دانشگاه پاریس -۷ فرانسه در سال ۱۳۸۴ می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی دانشکده دانشگاه صنعتی شریف است. وی همچنین عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: تاریخ و فلسفه تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی دکتر حسین معصومی همدانی به قرار زیر است: کارشناسی مهندسی برق از دانشگاه صنعتی شریف کارشناسی ارشد رشته فلسفه و تاریخ علم از دانشگاه پاریس -۷ فرانسه دکتری رشته فلسفه و تاریخ علم، پاریس -۷ فرانسه در سال ۱۳۸۴ مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف و مدرّس تاریخ و فلسفه علم، مشاور عالی مرکز نشر دانشگاهی، عضو شورای عالی ویرایش صدا و سیما و عضو مرکز تحقیق در تاریخ و فلسفه عربی - اسلامی قرون وسطا. عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو کمیسیون تخصصی استخدام و ... فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی، مدیر گروه زبان و رایانه در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو شورای واژه گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو گروه دانشنامه ادب فارسی، ویراستار و سردبیر مجله دانشجو فعالیتهای آموزشی: دکتر معصومی همدانی در انشگاههای تهران، شیراز و تربیت مدرس در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به امر تدریس می پردازد. جوایز و نشانها: دکتر حسین معصومی همدانی برنده کتاب سال جمهوری اسلامی برای ترجمه کتاب جزء و کل می باشد. چگونگی عرضه آثار: - تالیف و ترجمه ۵ عنوان کتاب - تالیف و ترجمه بیش از ۱۰۰ عنوان مقاله - شرکت در سمینارهای متعدد در داخل و خارج از کشور

آثار: ایرانیها چه رویایی در سر دارند؟ (تهران: ۱۳۵۷) ویرگی اثر: دید آورنده: میشل فوکو، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: هرمس - ۰۳ مرداد، ۱۳۸۶ ۲ ترمودینامیک تعادل، ادکینز ویرگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۷۵۳ جزء و کل، ورنر هایزبرگ ویرگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۶۸. پدید آورنده: ورنر هایزبرگ، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی - ۲۹ اردیبهشت، ۱۳۸۶۴ زندگی نام؟ علمی دانشمندان اسلامی ویرگی اثر: ترجمه- ۱۳۶۳۵ سرگذشت فیزیک نوین ویرگی اثر: پدید آورنده: میشل بیزونسکی، لطیف کاشیگر (مترجم)، محمدرضا خواجه پور (زیر نظر)، حسین معصومی همدانی (زیر نظر) ناشر: فرهنگ معاصر - ۲۳ دی، ۱۳۸۵ ۶ فلسف؟ علوم طبیعی، کارل همپل، ویرگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۶۹۷ فیزیک: اندیشه ها و یافته ها ویرگی اثر: پدید آورنده: ویلیام لارنس براگ، محمدرضا خواجه پور (مترجم)، حسین معصومی همدانی (زیر نظر) ناشر: فرهنگ معاصر - ۲۳ دی، ۱۳۸۵۸ مردم شناسی و هنر، لوی استروس ویرگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۷۳۹ نرم و نازک: ماده نرم، پژوهش، آموزش ویرگی اثر: پدید آورنده: پی یرژیل دو دوژن، ماندانا فرهادیان (مترجم)، محمدرضا خواجه پور (زیر نظر)، حسین معصومی همدانی (زیر نظر) ناشر: فرهنگ معاصر - ۰۳ بهمن، ۱۳۸۵۱۰ نسیت خاص و عام و کیهان شناختی، ولفگانگ ریندلر ویرگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۷۵. پدید آورنده: ولفگانگ ریندلر، رضا منصوری (مترجم)، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی - ۱۹ اردیبهشت، ۱۳۸۵۱۱ نوه چنتو (تک گویی) ویرگی اثر: پدید آورنده: الساندرو باریکو، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: نیلوفر - ۱۳ اسفند، ۱۳۸۵ منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

معلی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد معلی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

تا اول دیبرستان در تهران بوم سپس به مدرسه شهیدین رفت. مقدمات و سطح رادر شهیدین خواندم در حال حاضر در جامعه شناسی موسسه امام خمینی (ره) هستم. در زمینه کامپیوتر حدود چند سالی کار برنامه نویسی برای موسسات مختلف می‌کردم. در یکی دو سال اخیر در زمینه طراحی سایت و ساخت cd های مولتی مدیا بیلدر و تالیف ۷ کتاب کامپیوتر فعالیت داشته ام.

معیدفر، سعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید معید فر در سال ۱۳۷۴ موفق به اخذ دکترای جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس میشود و هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران است. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر سعید معیدفر مدرک کارشناسی را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (۱۳۵۹)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۶۶) و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۷۴) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی ساختار اقتصادی اجتماعی روستا و مهاجرت از روستا (در استان اصفهان)» و دوره دکتری «بررسی مهاجرت‌های روستایی استان همدان» است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر معیدفر می‌توان مواردی همچون سردبیر نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۸۴-۱۳۸۷)، رئیس انجمن جامعه شناسی ایران دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۸۳-۱۳۸۷)، رئیس پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۰-۱۳۸۲)، عضو شورای انتشارات دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۷۸-۱۳۷۹)، عضو شورای پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۷۸-۱۳۸۲)، دبیر سمینار دانشگاه جامعه و فرهنگ اسلامی وزارت علوم تحقیقات و فناوری (۱۳۷۷-۱۳۷۸)، مشاور مدیر کل پژوهش‌های کاربردی دانشگاه تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران (۱۳۷۷-۱۳۷۸)، مدیر گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۷۶-۱۳۷۷)، عضو کمیسیون پژوهشی فرهنگی دانشگاه، معاونت پژوهشی دانشگاه (۱۳۷۵-۱۳۷۶)، دبیری سمینار توسعه فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، معاون اداری مالی، دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۷۳-۱۳۷۶) و مدیر کل پژوهش‌های بنیادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۱-۱۳۷۲) را نام برد. «در دفتر انجمن، هر روز شاهد پیوستن افرادی به عنوان اعضای جدید هستیم و خانواده جامعه شناسی در حال بزرگ و بزرگتر شدن است. امسال با هدف سر و سامان دادن به عضویت‌ها، اعضای انجمن را به تجدید عضویت فرا خواندیم و بسیاری با انجمن تجدید عهد و پیمان کردند و خواستار تداوم ارتباط و فعالیت خود در انجمن شدند. تمایل روزافزون جامعه شناسان برای تقویت تعاملات انجمنی و داوطلبانه در حال گسترش است و به نظر میرسد بدین ترتیب یکی از بنیانهای مهم رشد جامعه شناسی، در ایران در حال تکوین است و اجتماع علمی جامعه

شناسان به بلوغ خود نزدیک شده است» فعالیت‌های آموزشی: دکتر معید فر سالهاست که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مشغول به تدریس است. و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران نیز میباشد. موارد تدریس وی «بررسی مسائل اجتماعی ایران»، «جامعه‌شناسی انقلاب»، «مبانی تاریخ اجتماعی» و «نظریه‌های جامعه‌شناسی ۲» (در مقطع کارشناسی) و «اقشار و گروه‌های آسیب پذیر»، «بینش‌های جامعه‌شناسی ۲»، «جامعه‌شناسی انقلاب»، «سمینار بررسی مسائل اجتماعی»، «جامعه‌شناسی تاریخی»، «اقشار و گروه‌های آسیب پذیر»، «تغییرات فرهنگی»، «سمینار بررسی مسائل اجتماعی» (در مقطع دکتری) است. سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: معید فر علاوه بر تدریس و پژوهش همایش‌های متعددی در حوزه علوم اجتماعی، را از جمله همایش توسعه فرهنگی، همایش توسعه و امنیت اجتماعی، همایش دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی و... دبیری کرده است. آرا و گرایشهای خاص: دکتر معید فر می‌گوید: «یکی از مناقشات مهم میان جامعه‌شناسان، این بوده است که آیا آنان در کنار وظایف علمی و آکادمیک، رسالت‌های اجتماعی نیز دارند یا نه؟ در این باره نظرات متعددی وجود داشته است. پارتو معتقد است جامعه‌شناسی در پی حقیقت رفتارهاست و نباید در جستجوی فایده رفتارها باشد، بنابراین جامعه‌شناس مسئولیتی در برابر اجتماع ندارد. در حالی که دورکیم معتقد است جامعه‌شناسی اگر رسالت اجتماعی به عهده نداشته باشد و به درد بهبود حال جامعه نخورد ارزش یک ساعت کار کردن را هم ندارد. این مناقشه مستقیم یا غیر مستقیم در میان جامعه‌شناسان تداوم داشته است. حتی حوزه‌های فکری جامعه‌شناسی نیز اغلب متأثر از این دو رویکرد مخالف است. برای مثال در جامعه‌شناسی انگلستان به فایده این علم توجه شده است. به همین دلیل در آن کشور جامعه‌شناسی نقشی فعال در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی، اجتماعی به عهده گرفته و اکثر آثار منتشر شده و حتی بزرگان جامعه‌شناس این کشور، ارتباط نزدیکی با حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی دارند. در کتابفروشی‌ها دیده میشود که بخش اعظم کتاب‌های جامعه‌شناسی، تحت عنوان سیاست اجتماعی طبقه بندی شده است. در کشورهای دیگری مانند فرانسه و آلمان، جامعه‌شناسی بیش تر وظایف معرفت‌شناختی به عهده گرفته و کم تر در صدد مداخله و سیاست‌گذاری مستقیم بوده است. اما در این کشورها نیز جامعه‌شناسان بزرگ در نقش رهبران فکری و روشنفکران ظاهر شده اند و رسالت‌های اجتماعی کلانی را در تغییر و تحولات اجتماعی عهده دار شده اند. در آمریکا نیز ترکیبی از این دو رویکرد وجود داشته است. همین طور که می‌دانیم به طور کلی جامعه‌شناسی که با نام سن سیمون و اگوست کنت کار خود را شروع کرد نیز در واکنش نسبت به تحولات عظیم فرهنگی، اجتماعی ناشی از انقلاب صنعتی و انقلاب‌های اجتماعی و برای پاسخ‌گویی به نیازهای زمانه خود ضرورت پیدا کرد و هر دوی این بنیانگذاران نیز خود را در برابر حوادث اجتماعی مسئول و رسالتی بر دوش می‌دانستند. به هر حال، جامعه‌شناسان به ویژه در عصر تحولات عظیم سیاسی، اجتماعی، در سطح خرد (کاربرد دانش اجتماعی در حل معضلات اجتماعی) یا کلان (رهبری فکری مبتنی بر یافته‌های علمی) مداخله فعال در سیاست‌گذاری اجتماعی را وظیفه خود دانسته اند. البته در اینجا شائبه سیاسی شدن دانش جامعه‌شناسی نیز وجود داشته و از جهات متعدد موجب نگرانی‌های بی‌حقی بوده است. سیاست‌زدگی که آفتی حتی برای احزاب و گروه‌های سیاسی است و در جامعه ما نیز پیامدهای بسیار زشت آن را به ویژه در سال‌های اخیر و در عمل گروه‌های سیاسی شاهد بوده ایم، خطری است که از سوی دیگر باید متوجه آن بود. این همان افراط و تفریطی است که در هر نوع اعتقاد، نگرش یا رفتاری امکان بروز و ظهور دارد و باید از آن احتراز کرد. نمی‌توان به بهانه مداخله و سیاست‌گذاری در ورطه سیاست‌زدگی افتاد و نباید از ترس سیاست‌زدگی، به عالم انتزاع وانزوا فرو رفت و از هر نوع ایفای نقش فعال در صحنه اجتماعی اجتناب ورزید. به نظر می‌رسد که کار دشواری است. هم باید کاری کرد که معیارهای علمی و اصالت جامعه‌شناسی محفوظ بماند و هم باید با مداخله فعال در روند تحولات اجتماعی تأثیر گذار بود و گرنه دیر یا زود اندیشه بی‌خاصیت بودن جامعه‌شناسی فراگیر خواهد شد. در واقع هر یک از جامعه‌شناسان به ویژه آنان که با علاقه و اشتیاق به سراغ این حوزه از دانش روی آورده اند، تحت تأثیر بزرگان و کنش‌گران فعال جامعه‌شناسی قرار داشته اند که در جامعه خود نقش آفرین بوده اند» چگونگی عرضه آثار: اما معیدفر علاوه بر

همه مشغله‌های مدیریتی و کارهای اجرایی از تحقیق و پژوهش در عرصه کاری اش بازنمانده و تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای متعددی را به انجام و سرانجام رسانده است. از آن جمله بررسی مهاجرت‌های روستایی استان همدان، بررسی مشکلات فرهنگی اجتماعی دانشجویان، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن در واحدهای تولیدی صنعتی استان تهران، بررسی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی روستاهای کشور، میزان بهره‌مندی شهروندان تهرانی از مطبوعات، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در میان کارکنان ادارات دولتی استان، نقش دانشگاه و تحصیلات دانشگاهی در تحول ارزش‌ها و نگرش‌ها، بررسی پدیده استفاده اعتیادی از اینترنت و پیامدهای آن در میان نوجوانان و جوانان (۲۵-۱۵ سال) شهر تهران و... و همچنین از جمله تحقیقات غنی و جذاب معیدفر درباره اخلاق کار در جامعه ایرانی بوده است. وی نگارش مقالات متعددی در نشریات تخصصی جامعه‌شناختی پرداخته است. از آن جمله است: جامعه‌شناسی معرفت، ۱۳۷۳، نامه علوم اجتماعی شماره ۷ ترجمه از لوئیس کوزر، مسأله اجتماعی و مسأله دینی خرداد، ۸۰، نشریه علوم سیاسی، معرفی و نقد کتاب روشه، گی: جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز؛ ترجمه عبدالحسین نیک گهر شهریور، ۷۷، نشریه کتاب ماه (علوم اجتماعی)، معرفی و نقد کتاب جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان تألیف غلامرضا صدیق اورعی مرداد، ۷۹، نشریه: پژوهش، ... آثار: بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن و ویژگی اثر: نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، وی در این خصوص می‌گوید: «من در سال تحقیقی را در مورد «اخلاق کار» در واحدهای تولیدی و صنعتی انجام دادم و نیز در همین زمینه، تحقیقی در واحدهای دولتی انجام دادم و در هر دو تحقیق، تحصیلات یکی از پارامترهای بسیار مهمی بود که می‌توانست میزان اخلاق کار را در میان دو گروه جمعیتی تحصیلکردگان دانشگاهی و غیرتحصیلکردگان دانشگاهی تغییر بدهد. در آن دو تحقیق مشخص شد، میزان اخلاق کار تحصیلکردگان دانشگاهی یا کسانی که تحصیلات بالاتر از دیپلم داشتند، به طرز معناداری کمتر از کسانی بود که تحصیلات دانشگاهی نداشتند. یعنی برخلاف انتظار، کسانی که تحصیلات دانشگاهی نداشتند از اخلاق کاری بالاتری برخوردار بودند. فرض کنید اگر متوسط اخلاق کار در کل جمعیت از می شد وقتی که جمعیت را به دو بخش تحصیلکردگان بالای دیپلم و کسانی که در حد دیپلم و زیر دیپلم سواد داشتند تقسیم کردیم، مشاهده شد که برای مثال اخلاق کاری تحصیلکردگان حدود و اخلاق کاری دیپلمه‌ها و زیردیپلم حدود ۱/۲؟ به دست می‌آمد و هرچه سطح تحصیلات افراد بالاتر می‌رفت این کاهش اخلاق کار هم بیش‌تر می‌شد. برای سنجش اخلاق کار، ابتدا معیار و شاخصی را با عنوان شاخص سنجش میزان اخلاق کار (I.E.W.O) بومی کردیم و اعتبار و روایی آن را سنجیده و در واقع آن را بومی کردیم. برای مثال پاسخ‌ها در؟ گزینه آمده بود و ما این گزینه‌ها را مطابق اوضاع اخلاق کار در کشور، به؟ گزینه تقلیل دادیم تا اخلاق کار و ابعاد مختلف آن را در ایران بسنجیم. تا پیش از آن تصور می‌شد، اخلاق کار در جامعه ایران به نسبت جوامع توسعه یافته بسیار پایین است و به فرض گفته می‌شد که اخلاق کار ضعیف است. اما تحقیقات به عمل آمده نشان داد که اخلاق کار در ایران به طور تقریبی متوسط روبه بالا است و قابل قبول ارزیابی شد و فاصله بسیار زیادی با میزان اخلاق کار در کشورهای توسعه یافته ندارد.» ۲ بنیادهای نظریه اجتماعی ترجمه منوچهر صبوری کاشانی ویژگی اثر: (۱۳۷۸) ۳ تفکر نظری در جامعه‌شناسی و ویژگی اثر: (۱۳۷۵) ۴ جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز ترجمه عبدالحسین نیک گهر ویژگی اثر: (۱۳۷۷) ۵ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران و ویژگی اثر: (۱۳۸۵) ۶ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران و ویژگی اثر: نشر سرزمین ما، ۷ جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی معاصر در ایران و ویژگی اثر: (۱۳۷۹) ۸ رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی و ویژگی اثر: (۱۳۸۳) ۹ فرهنگ کار نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی و ویژگی اثر: ۱۳۸۰۱۰ نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی و ویژگی اثر: اثر پیترو ورسلی؛ کتاب نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی اثر پیترو ورسلی، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن، نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی و کتاب فرهنگ کار اشاره کرد. ۱۱ نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی و ویژگی اثر: اثر دانیلین لوزیک؛ مؤسسه

انتشارات امیرکبیر، تحلیل مسائل اجتماعی نوشته دانیلین لوزیکنیز نیز از سوی معیدفر ترجمه شده است. در این کتاب با طرح عمده ترین مباحث نظری در جامعه شناسی مسائل اجتماعی، چندین مسأله کلان اجتماعی ایران به عنوان کشوری در حال گذار با رویکردی کارکردگرا و انتقادی و تأکید بر عوامل عینی و ساختاری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

منابع زندگینامه: روزنامه ایران صبحه مهرگان ۱۴-۱۲-۱۳۸۵

مفتون دنبلی آذربایجانی، عبدالرزاق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۳-۱۱۷۶ ق)، ادیب، مورخ، عالم، مفسر، نویسنده، عارف و شاعر، متخلص به مفتون. در خوی آذربایجان به دنیا آمد. هنگامی که کریم خان زند برای اطمینان خاطر از جانب امرای آذربایجان، اولاد آنان را به گروگان گرفت، پدر مفتون، او را به جای برادرش، در ده سالگی، به شیراز فرستاد. وی چهارده سال در شیراز بود و در این مدت به تحصیل علم و معرفت و کسب فضل و دانش پرداخت. بعد از فوت کریم خان و تسخیر شیراز به دست علیمراد خان زند، گروگانها از آنجا به اصفهان برده شدند و پس از فوت علیمرادخان، در ۱۱۹۹ ق، آقا محمد خان، آنان را آزاد نمود و اجازه داد تا به آذربایجان بازگردند. وی به نظم و نثر فارسی و عربی مسلط بود و به هر دو زبان شعر می‌سرود. در انواع شعر نیز به قصیده و مثنوی بیشتر تمایل داشت. او در ۱۲۴۱ ق به زیارت عتبات عالیات و بیت‌الله الحرام رفت و پس از بازگشت در تبریز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «مآثر خاقانی»، در تاریخ قاجاریه؛ «مآثر سلطانیه» یا «مآثر سلطانی»، مبنی بر مآثر سلطنت فتحعلی‌شاه، از زمان جلوس تا ۱۲۴۱ ق؛ «حدائق الجنان»، در سرگذشت خودش در شیراز و شرح حال شعرا و فضیلت آن شهر، همراه شمه‌ای از احوالات کریم خان زند؛ «نگارستان دارا»، در شرح حال شعرای دوره فتحعلی‌شاه؛ «تجربه الاحرار و تسلیه الابرار»، در شرح حال عده‌ای از علما و معاریف و شعرای معاصر خود؛ شرح «مشاعر» ملا صدرا؛ ترجمه «عبرت نامه» (بصیرت نامه) از ترکی به فارسی؛ «حقایق الانوار»، در شرح حال شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حدائق الادباء»، شامل منشآت و مطارحات شعرای عرب و عجم، به فارسی؛ «حذیق»، در شرح حال شعرای عرب و معانی بعضی از اشعار آنها، به فارسی؛ مثنوی «ناز و نیاز»؛ مثنوی «همایون نامه»، در احوال مختار ثقفی؛ مثنوی دیگری در بحر رمل؛ «ریاض الجنه»، در تاریخ سلسله‌ی دنباله؛ «روضه الآداب و جنه الالباب»، در شرح حال شعرای عرب، به عربی؛ «دیوان» شعر. گویند مفتون در تألیف تاریخ «زینة التواریخ» با میرزا رضی، متخلص به بنده، مشارکت داشته است. [۱]

(شاعر) عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به «مفتون» (و. ۱۱۷۶ ه. ق- ف. تبریز ۱۲۴۳ ه. ق) یکی از دانشمندان و سخنوران بزرگ آذربایجان در دوره قاجاریه بود. وی در سال ۱۲۷۶ ه. ق در شهر خوی متولد شد، از سن ده سالگی تا ۲۴ سالگی (چهارده سال) به عنوان گروگان در شیراز بازداشت بود و در این مدت به تحصیل علم و ادب پرداخت، در زمان آغا محمدخان قاجار مرخص شده و به آذربایجان برگشت. در زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه به منصب استیفا و نویسندگی ارقام دیوانی نایل گردید. وی تألیفات گرانبهایی از خود به یادگار گذاشت از جمله: حدائق الجنان، روضه الآداب و جنه الالباب. حدائق الادباء، مآثر سلطانی، کلیات دیوان و غزلیات، مثنوی ناز و نیاز، منظومه‌ای بنام مختارنامه.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] اعیان الشیعه (۷/۴۷۰)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۴۰۱-۳۹۹/۲، ۶۹۰-۱/۶۸۹)، تجربه الاحرار و تسلیه الابرار

(مقدمه، ۴۶۴-۴۵۵، ۱۳۷-۱۲۱)، حدیقه الشعراء (۱۶۹۳-۱۶۹۰/۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۵۷-۳۵۳)، الذریعه (۳۴۳، ۳۱۷، ۲۸۸، ۵/، ۱۹-۹۲، ۱۲/۹۱-۹۲، ۱۱/۲۸۴، ۹/۱۰۸۳)، ریحانه (۳۵۶-۳۵۵/۵)، سبک شناسی (۳۳۱-۳۱۹/۳)، سفینه‌المحمود (۶۷۰-۶۶۹/۲)، شرح حال رجال (۲/۲۶۴)، فرهنگ سخنوران (۸۶۶-۸۶۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۲۸۵)، لغت نامه (ذیل/مفتون دنبلی)، مجمع الفصحا (۱۰۰۸-۱۰۰۷/۶)، مکارم الآثار (۱۲۰۴-۱۲۰۳/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴۷-۸۴۶/۳)، نگارستان دارا (مقدمه/و-ی، ۲۹۷-۲۸۲).

مفید رازی، ابوالوفاء عبدالجبار

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم و ششم ق)، عالم امامی، فقیه و قاری. اصل وی از نیشابور بود. سپس ساکن ری گردید. او از بزرگان علمای شیعه و فقیه ری و به قاری رازی یا مقری رازی مشهور بود. از شاگردان قاضی ابن البراج (م ۴۸۱ ق) و شیخ سلار بن عبدالعزیز دیلمی (م ۴۴۸ ق) و شیخ جعفر بن محمد دوریستی و ابوالجوائز حسن باری کاتب و شیخ نجاشی، صاحب «رجال»، و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) بود و تمامی تصنیفات و تألیفات شیخ طوسی را از خود شیخ روایت نموده است. علما و بزرگان در حوزه‌ی درسش حاضر می‌شدند. سید فضل‌الله راوندی و رشیدالدین علی بن زیرک قمی و ابوهاشم مجتبی بن حمزه از وی روایت کرده‌اند. صاحب تصنیفات و تألیفات بسیاری در فقه، به عربی و فارسی است که شیخ ابوالفتوح رازی تمامی آنها را از وی روایت کرده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۳۴-۴۳۳/۷)، ریاض العلماء (۳/۷۱)، ریحانه (۵/۳۶۰، ۲/۲۸۵)، طبقات اعلام الشیعه (۱۵۳-۱۵۲/۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۰۹-۱۰۸)، الکنی و الالقاب (۳/۱۹۹)، لغت نامه (ذیل/رازی)، هدیه الاحباب (۲۴۴).

مفیدی فر، محمدصادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صادق مفیدی فر

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۰ وارد حوزه علمیه یزد شدم و تا سال ۱۳۵۸ مشغول تحصیل بودم که شامل مقدمات و ادبیات و فقه و اصول در مقطع سطح بود. مشوق اصلی من مرحوم والد بود که هم روحانی و هم معلوم دلسوز بود. ایشان با همت والا وقت جهت تدریس به طلاب می‌گذاشت و در فصل تابستان که حوزه تعطیل بود در شدت گرما به برخی از طلاب درس خصوصی می‌داد که من هم یکی از

آنان بودم و امر تحصیل شتاب بیشتری می‌گرفت. مهر ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه قم شدم و فضای بیشتری از علم و معرفت گشوده شد و ادامه دروس رسائل و شروع مکاسب و کفایه بود و تا سال ۱۳۵۹ سطح تمام شد. از سال ۱۳۶۰ وارد دروس خارج شدم و یک سال اول نزد استاد آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی تلمذ کردم.

از سال ۱۳۶۲ تا پایان نزد دو استاد فقه و اصول آیات عظام وحید خراسانی و مرحوم تبریزی (ره) فقها و اصول حاضر می‌شدم که در مقاطع مختلف اتفاق می‌افتاد. فلسفه را ابتدا از شرح تجرید و منظومه شروع کردم که شرح تجرید را در یزد خواندم و منظومه را نزد استاد انصاری شیرازی، اسفار نزد علمین آیات حسن‌زاده آملی و جوادی آملی فراگرفتم. دروس شیعه‌شناسی را روزهای پنج‌شنبه حاضر می‌شدم. از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۸۰ به یک مرکز تحقیقاتی به نام واحد تاریخ و سیره اهل بیت وابسته به مرکز تحقیقات دفتر راهنمایی شدم، این کار ادامه فیش‌برداری‌های جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی بود که کار قرآنی آن را گروه دیگری عهده‌دار شدند و به ثمر رسید. و حاصل این کار که هم‌چنان ادامه دارد در زمان حضور بنده یک نرم‌افزار نیمه‌کاره بوده که مسئولین وقت چندان دل‌نسوزاندند. در طول تحقیق در کسوت معاونت هم انجام وظیفه می‌کردم و حدود ده ماه هم سرپرست آن مجموعه شدم و در نهایت سال‌های ۸۱ و ۸۰ تصمیم به بیرون آمدن گرفتم که هم‌زمان به دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی دعوت شدم و تاکنون مشغول به خدمت‌گزاری هستم.

در کنار درس خواندن تدریس هم داشتم و دارم و بسیاری از کتاب‌های ادبیات و سطح را تدریس کرده‌ام. در حوزه یزد و بعد از آن در قم مقدسه این روند ادامه داشت و حتی در ماه‌های مبارک رمضان که به انار کرمان می‌رفتم در حوزه آنجا برای طلاب تدریس داشتم. فصل تابستان در منطقه بیلاقی طرزجان یزد که حوزه علمیه خوبی دارد و سابقه هفتاد ساله دارد. از سال ۱۳۶۶ تابستانها به آن دیار می‌رفتم و در حد توان به طلاب از جهت درس و تدریس خدمت‌گذاری می‌کردم. کتاب‌های مختصر و معالِم و لمعه و رسائل و مکاسب دروس سیدصدر و اصول فقه و رجال از جمله کتبی است که در مقاطع مختلف برای طلاب خوانده‌ام. در حوزه علمیه خواهران دفتر تبلیغات به دلیل آشنایی با تاریخ ارشاد شیخ مفید را گفتم و در همین راستا جذب دانشگاه شدم و یک ترم در دانشگاه کرج تاریخ گفتم اما به دلیل نامساعد بودن فضای دانشگاه انصراف دادم و به عنوان تدریس نرفتم. مدرسه امام خمینی (ره) و دانشگاه باقرالعلوم (ع) دو فضای آموزشی است که برای دانشجویان آن تاریخ در عناوین مختلف گفته‌ام.

۱. یک مقاله مطبوع دارم که در کنفرانس وحدت به چاپ رسید.

۲. طلوع و غروب نور کار گروهی غیرمطبوع.

۳. راویان مشرک که همان مقاله اول است و به صورت کتاب توسط گروه درآمد.

۴. مقالات متفرقه که مثل جایگاه نور در روزنامه پرتو به چاپ رسید.

مقدس جعفری، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن مقدس جعفری در سال ۱۳۲۹ در شهر بروجرد به دنیا آمد. دوران ابتدایی و دبیرستان را در زادگاهش گذراند و تحصیلاتش را در رشته فلسفه از دانشگاه فردوسی مشهد ادامه داد و دوره کارشناسی ارشد و دکترای جامعه‌شناسی را در کشور هندوستان گذراند و در سال ۱۳۶۶ از دانشگاه پونا این کشور مدرک دکترای خود را اخذ کرد و عضو هیئت علمی دانشگاه

کرمان بوده است و هم اکنون حکم بازنشستگی خود را با درجه دانشیاری در سال ۱۳۸۵ دریافت کرده است. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی‌گرایش: جامعه‌شناسی تیزهوشان و نوابغوالدین و انساب: جد بزرگ مقدس جعفری، حاج ملارضا پنج نسل قبل از شهر محلات جهت حوزه علمیه بروجرد به این شهر مهاجرت کرده‌اند. و نسلهای بعد هم همگی از تحصیلات حوزوی برخوردار بودند. خاطرات کودکی: دکتر مقدس جعفری دوران کودکی خود را مانند هم نسلهای خود به درس و مشق و مدرسه مربوط می‌شود و تفاوت‌های نوع زندگی کودکان و نوجوانان عصر حاضر و آن زمان را از خاطرات خود عنوان میکند و قابل توجه که از همین روی قصد دارد تا این خاطرات و وقایع را برای نسلهای جدید مدون کند. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: دکتر مقدس جعفری می‌گوید: «در خانواده متوسط پایین با چهار برادر زندگی و رشد کرده‌ام. پدرم از صداقت و ویژه‌ای برخوردار بود و به واقع نام صادق داشت زندگی اش سرشار از صداقت سادگی و ایمان و انساندوستی بود. مادر نیز مهربان و عطوفت را با تمام وجود به سویم کوچاند. خدایشان رحمت کند. برادر دوم که انسان وارسته‌ای است الگوی مناسب رفتاری و تحصیلی برای من بود و در زندگی بسیار مدیون او هستم.» تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: دیپلم متوسطه رشته ادبی دبیرستان مهرگان بروجرد خرداد ۱۳۴۸ کارشناسی فلسفه اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد بهمن ۱۳۵۱ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اسلامی علیگره هندوستان ۱۳۵۵ دکترای جامعه‌شناسی تیزهوشان و نوابغ دانشگاه پونای هندوستان ۱۳۶۶ فعالیت‌های ضمن تحصیل: کار برای امرار معاش در حین تحصیل، ورزش، مطالعه از فعالیت‌های دکتر مقدس جعفری است. استادان و مربیان: از دوران دبیرستان دکتر مقدس جعفری به برخی از نامها مانند: مرحوم مومنی، بهرامی، فدایی، ناظمی، و آقایان سیف باجلان فرخی، بهمن رازانی، همتی هوشنگ و ... اشاره میکنند و از آنها تاثیرات فراوان گرفته است و از استادان مرحوم دکتر مشکوه‌الدینی، استاد جلال‌الدین آشتیانی، دکتر مجتهد زاده، دکتر علی شریعتی، دکتر زامیاری و آقایان دکتر ابراهیمی دینایی، دکتر مهدوی دامغانی، دکتر صدر نبوی، پروفیسور عسگری، پروفیسور داملی، پروفیسور ساکسینا را میتوان نام برد. همسر و فرزندان: همسر دکتر مقدس جعفری دبیر دبیرستان است و دارای سه فرزند دو دختر و یک پسر هستند. که همگی مشغول تحصیل هستند. وقایع میان‌سالی: وی از وقایع این دوران را بیماریهای زودرس عنوان کرده است. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: - رئیس دانشگاه ابوریحان بیرونی منطقه لرستان و خوزستان سال ۱۳۵۹ - مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان از سال ۷۴-۱۳۶۷ - سه دوره معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی به مدت ۹ سال ۸۴-۱۳۷۴ فعالیت‌های آموزشی: دکتر مقدس جعفری بیش از ۳۰ سال تدریس در مقاطع مختلف به ویژه مقاطع دانشگاهی را در دانشگاه مختلف کشور در کارنامه دارد. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می‌آید: - راه اندازی گروه علوم اجتماعی و مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید باهنر کرمان - راه اندازی گروه علوم اجتماعی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانسایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: - عضو هیئت تحریریه چند مجله علمی و دانشگاهی در سطح کشور - عضو در چند انجمن علمی و ادبی - عضویت در هیئت ممیزه دانشگاهی جنوبشرق گروه علوم انسانی از بدو تاسیس تا به حال و نیز مطالعه و پیاده روی از دیگر فعالیت‌های دکتر مقدس جعفری است. آرا و گرایشهای خاص: وی علاقه زیاد و ویژه‌ای به ایران و فرهنگ آن از جمله تاریخ، شعر، ادبیات، موسیقی و فلسفه و جامعه‌شناسی دارد. جوایز و نشانها: ۱- پژوهشگر نمونه دانشگاه کرمان در سال ۱۳۷۶ ۲- پژوهشگر نمونه استان کرمان در سال ۱۳۷۷ ۳- دارای طرح نمونه پژوهشی فرهنگی استان در سال ۱۳۸۲ (ارشاد اسلامی کرمان) ۴- دارای طرح نمونه پژوهشی در خصوص فرهنگ و آموزشی عشایر در سطح ملی و کشور چگونگی عرضه آثار: دکتر مقدس جعفری دارای نزدیک به ۷۰ مقاله چاپ شده در مجلات علمی و ارائه شده در همایشهای علمی خارج و داخل کشور و نیز تعدادی نیز کارهای ژورنالیستی و رسانه‌ای در سطح روزنامه‌های محلی و ملی به چاپ رسانده است. آثار: ۱ پوشش ایرانیان و ویژگی اثر: در این پژوهش عمدتاً به مساله پوشش ایرانیان از ابتدا تا دوره معاصر پرداخته است ۲ سلیمانیا و ویژگی اثر: دانشگاه کرمان ۱۳۷۹، این اثر نتیجه دو سال مطالعه بر روی عشایر سلیمانی استان کرمان است که یکی از بزرگترین عشایر منطقه محسوب

میشود. ۳. میمند میراث گرانقدر فرهنگی و ویژگی اثر: مقاله در باره روستای میند از توابع شهر بابک، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ منابع زندگینامه: تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر مقدس جعفری بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - خرداد ۱۳۸۶

مقدم، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن مقدم در سال ۱۲۸۷، در تهران به دنیا آمد. از شش سالگی به تحصیل پرداخت و چهار سال در ایران و یازده سال در سوئیس مشغول تحصیل بود. وی پس از اخذ گواهینامه تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته علوم اجتماعی به گرفتن لیسانس نایل آمد. پس از آن به استانبول رفت و در همان ایام به تکمیل اطلاعات خود درباره ادبیات ایران همت گماشت. مقدم در بیست سالگی به خدمت وزارت امور خارجه در آمد و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند. وی کنفرانس هایی در باره تاثیر زبان فرانسه در فارسی در انجمن ایران جوان برگزار کرد و چندین جلسه در تالار دارالفنون درباره تئاتر و تاریخ آن سخنرانی نمود و نمایشنامه معروف خود را به نام «جعفر خان از فرنگ آمده» نوشت و خود در نمایش آن بازی کرد. مقدم سلسله مقالاتی را نیز تحت عنوان «مکتوب از امروز تا قاهره» در روزنامه «ایران» نوشت که در آن از اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی اغلب کشورهای اروپا سخن گفت. حسن مقدم سرانجام در سال ۱۳۰۴ چشم از جهان فرو بست. گروه: علوم انسانی رشته: علوم اجتماعی والدین و انساب: حسن مقدم مشهور به علی نوروژ، فرزند محمد تقی احتساب الملک، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: حسن مقدم از شش سالگی به تحصیل پرداخت و چهار سال در ایران و یازده سال در سوئیس مشغول تحصیل بود. وی پس از اخذ گواهینامه تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته علوم اجتماعی به گرفتن لیسانس نایل آمد. پس از آن به استانبول رفت و در همان ایام به تکمیل اطلاعات خود درباره ادبیات ایران همت گماشت. زمان و علت فوت: حسن مقدم در سال ۱۳۰۴ چشم از جهان فرو بست. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حسن مقدم در بیست سالگی به خدمت وزارت امور خارجه در آمد و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: حسن مقدم در سال ۱۳۳۹ ق در استانبول با لاهوتی مجله ادبی «پارس» را در دو بخش فارسی و فرانسه منتشر کرد که سر دبیر و نویسنده بخش فرانسه آن نیز بود. وی تقریباً سراسر اروپا و قسمتی از آسیا و آفریقا را سیاحت کرد و آنچه را که در این مسافرت ها دید و دریافت در دفتر خاطرات خود به زبان فرانسه یادداشت نمود. مقدم در سوئیس به عضویت انجمن ادبی «بل لتر» در آمد و در آن انجمن با بسیاری از دانشمندان زمان، مثل آندره ژید و استراوینسکی همکاری داشت. او آثار خود را به زبان های فارسی و فرانسه می نگاشت و با نام های مستعار و بیشتر به امضای علی نوروژی انتشار می داد. وی کنفرانس هایی در باره تاثیر زبان فرانسه در فارسی در انجمن ایران جوان برگزار کرد و چندین جلسه در تالار دارالفنون درباره تئاتر و تاریخ آن سخنرانی نمود و نمایشنامه معروف خود را به نام «جعفر خان از فرنگ آمده» نوشت و خود در نمایش آن بازی کرد. مقدم سلسله مقالاتی را نیز تحت عنوان «مکتوب از امروز تا قاهره» در روزنامه «ایران» نوشت که در آن از اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی اغلب کشورهای اروپا سخن گفت. آثار: ایرانی بازی

مکارم شیرازی، ناصر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والفاضل العلام آقای علامه ناصر مکارم، از اساتید بنام و مدرسین والامقام و علماء کرام و نویسندگان فخام و گویندگان عظام حوزه علمیه قم و افتخار استان فارس و بلکه ایران و جهان تشیع است در ۲۲ ماه شعبان ۱۳۴۷ قمری در شیراز در یک خانواده اصیل به دنیا آمده و تحصیلات جدید خود را در مدارس جدید شیراز خوانده و در مدت کوتاهی به واسطه استعداد و حافظه فوق العاده مقدمات و ادبیات را در مدرسه آقاباباخان فرا گرفته و سطوح نهائی فقه و اصول را از مدرسین شیراز خوانده و ضمناً از تدریس خود عده‌ای را بهره‌مند می‌نمود تا در سال ۱۳۲۴ شمسی که از وطن خود مهاجرت به قم و دانشگاه جعفری شیعه یعنی حوزه علمیه نموده و در درس مرحوم آیت الله العظمی حجت و آیت الله العظمی بروجردی طاب ثراهما حاضر شده و کاملاً با صحبت کردن در بحث آن آیات عظام جلب توجه آنها و کلیه شرکاء درس را می‌نمودند و خاطر این نویسنده است که در آن اوقات مترجم معظم ما سنین عمرش از بیست سال نگذشته بود که در درس علمین مذکورین اشکال می‌کرد و جواب می‌گرفت.

مسافرتی در سال ۱۳۶۹ قمری به نجف اشرف نموده و حدود یکسال توقف و از محضر آیات عظام و مدرسین بزرگ حوزه نجف استفاده کرده و مورد توجه مخصوص آنان قرار گرفته که نائل به دریافت اجازه اجتهاد از آنها گشته و در اثر گرمی هوا و نبودن وسائل آن روز در ماه شعبان ۱۳۷۰ قمری به قم مراجعت و از درس آیت الله العظمی بروجردی و سایر آیات بهره‌مند گردیده و دروس معقول را از استاد علامه طباطبائی فرا گرفته و به تدریس دروس عالی پرداخته است.

استاد مکارم حوزه درس تحلیل فقه و اصول دارند که عده کثیری از فضلاء و محصلین فهمیده و با استعداد از نظریاتشان استفاده می‌کنند و غالب آنها را یادداشت می‌نمایند که امید است روزی به عنوان یک اثر ارزنده در فقه و اصول به طبع برسد.

جلسات درس عقاید و مذاهب وی نیز با سبک جدید و متد خاصی انجام می‌گیرد که صدها نفر را به طرز نوینی با این مسائل آشنا نموده و کتابهایی که حاوی فشرده آن جلسات علمی است تالیف نموده و در بررسی‌های خود از اصول علمی که مورد پذیرش محیطهای علمی امروز است کمک گرفته است.

آثار علمی ایشان که نتیجه همان جلسات درس و همچنین کتابهای ارزنده دیگر ایشان اشاره می‌کنم.

۱ و ۲ و ۳- کتاب القواعد الفقهیه که جلد اول آن در سال ۱۳۴۳ شمسی و دوم و سوم آن در سالهای بعد به طبع رسیده است.

۴- فیلسوف نماها که برنده جایزه بهترین کتاب سال گردید این کتاب درباره عقاید مادیها بحث می‌کند.

۵- آفریدگار جهان در اثبات صانع و پاسخ به شبهات مادیها.

۶- چگونه خدا را بشناسیم.

۷- رهبران بزرگ و مسئولیتهای بزرگتر در پیرامون نبوت عامه.

۸- قرآن و آخرین پیامبر در پیرامون نبوت خاصه.

۹- داروینیسیم یا آخرین فرضیه‌های تکامل. ۱۰- بحثی درباره ماتریالیسم و کومینیسیم. بحث در اصول فلسفه (مادیها) که مکرر چاپ شده است.

۱۱- و ۱۲- ترجمه جلد اول المیزان در دو جزء که چاپ شده است.

۱۳- شرح و ترجمه اصل الشیعه ۱۴- در جستجوی خدا ۱۵- همه می‌خواهند بدانند ۱۶- جلوه حق.

۱۷- اسرار عقب ماندگی ۱۸- مشکلات جنسی جوانان ۱۹- آنچه از اسلام باید بدانیم.

۲۰- مقدمه بر کتاب وحی ۲۱- این مسائل مطرح است

۲۲- سرکوبیهای خطرناک ۲۳- نماز مکتب عالی تربیت ۲۴- فرآورده‌های دینی.

۲۵- عود ارواح ۲۶- جوانان را دریابید ۲۷- تربیت و نمونه‌های آن

یکی از آثار و خدمات استاد علامه مکارم تاسیس مجله درس‌هایی از مکتب اسلام است که از سال ۱۳۴۰ شمسی تاکنون با نشر این مجله که ارگان حوزه علمیه قم است خدمات ارزنده‌ای انجام داده است و این مجله از بهترین مجله‌ها و منشورات اسلامی شیعه است که به تمام کشور و خارج کشور منتشر و مقالات بسیار جالب و بحث‌های ارزنده‌ای را به قلم اساتید و مدرسین بزرگ حوزه مطرح و پخش می‌نماید و این مجله که در زیر نظر هیئت تحریریه که همه از افاضل برجسته‌اند از ابتکارات فکر بکر ایشانست. مراتب و ولای و علاقه او به اهل بیت عصمت و طهارت و بالاخص به پیشوای بزرگ جهان حضرت امیر مومنان علیه‌السلام از اشعار و سرودهای نغز او در توحید و در مراثی و مدایح آن متجلی است.

(مکارم شیرازی) در حال حاضر از مراجع تقلید و مدرسین بزرگ و آیات عظام حوزه علمیه قم می‌باشند.

رساله علمیه و توضیح المسائل ایشان در سال ۱۳۶۹ شمسی و ۱۴۱۰ قمری به طبع رسیده و منتشر گردیده و اکنون درس خارج فقه و اصول ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس استدلالی قم می‌باشد. و چون آثار ایشان از تألیفات و مدارس علمیه و غیره بسیار شده لازم دیده در اینجا استدارک نمایم.

- ۱- تفسیر نمونه ۲۷ جلد، مطبوع.
- ۲- تعلیقات بر عروه‌الوثقی، مطبوع.
- ۳- قرآن و آخرین پیامبر، مطبوع.
- ۴- معاد در جهان پس از مرگ، مطبوع.
- ۵- مهدی علیه‌السلام انقلابی بزرگ، مطبوع.
- ۶- عقیده یک مسلمان، مطبوع.
- ۷- اقتصاد اسلامی، مطبوع.
- ۸- انگیزه پیدایش مذهب، مطبوع.
- ۹- روش تطبیقی در شناخت، مطبوع.
- ۱۰- پایان عمر مارکسیسم، مطبوع.
- ۱۱- ارزشهای فراموش شده، مطبوع.
- ۱۲- پرسشها و پاسخها، مطبوع.
- ۱۳- این است آئین ما، مطبوع.
- ۱۴- آخرین فرضیه‌های تکامل، مطبوع.
- ۱۵- همه می‌خواهند بدانند، مطبوع.
- ۱۶- ده درس خداشناسی، مطبوع.
- ۱۷- ده درس پیامبرشناسی، مطبوع.
- ۱۸- ده درس معادشناسی، مطبوع.
- ۱۹- ده درس عدل‌شناسی، مطبوع.
- ۲۰- جوانان را دریابید، مطبوع.
- ۲۱- زندگی در پرتو اخلاق، مطبوع.
- ۲۲- جلوه حق، مطبوع.
- ۲۳- معمای هستی، مطبوع.

- ۲۴- اسرار عقب ماندگی، مطبوع.
- ۲۵- در یک بررسی کوتاه، مطبوع.
- ۲۶- در جستجوی خدا، مطبوع.
- ۲۷- مشکلات جنسی جوانان، مطبوع.
- ۲۸- آنچه از اسلام باید بدانیم، مطبوع.
- ۲۹- بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم، مطبوع.
- ۳۰- تقلید با تحقیق، مطبوع.
- ۳۱- خمس پشتوانه بیت‌المال، مطبوع.
- ۳۲- مساله انتظار، مطبوع.
- ۳۳- تفسیر به رای، مطبوع.
- ۳۴- تفسیر سپری برای مبارزه عمیقتر، مطبوع.
- ۳۵- این مسائل برای همه جوانان مطرح است، مطبوع.
- ۳۶- یکصد و پنجاه درس زندگی، مطبوع.
- ۳۷- طرح حکومت اسلامی، مطبوع.
- ۳۸- رساله مقدمه وحی، مطبوع.
- ۳۹- مکتبهای التقاطی، مطبوع.
- ۴۰- فلسفه روزه، مطبوع.
- ۴۱- فلسفه شهادت، مطبوع.
- ۴۲- با شخصیت‌ترین زن جهان، مطبوع.
- ۴۳- به یاد مهدی، مطبوع.
- ۴۴- مناظرات تاریخی امام رضا (ع)، مطبوع.
- ۴۵- تفسیر موضوعی پیام قرآن، مطبوع.
- ۴۶- مدیریت و فرماندهی در اسلام، مطبوع.
- ۴۷- آفریدگار جهان، مطبوع.
- ۴۸- توضیح المسائل - رساله علمیه، مطبوع.
- ۴۹- انوار الفقاهه، مطبوع.

سخنی کوتاه از:

مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع) و مدارس و موسسات وابسته به آن

قم - حوزه علمیه

مدرسه امام، امیرالمؤمنین (ع) (مرکز مطالعات اسلامی) در سال ۱۳۵۰ شمسی در زمینی به مساحت ششصد متر، به وسیله حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی با همکاری جمعی از نیکوکاران تأسیس گردید و تحت عنوان «جمعیت خیریه خدمات اسلامی» رسماً به ثبت رسید.

این مدرسه یکی از فعالترین مدارس حوزه علمیه قم می‌باشد و دارای چاپخانه که در طبقه زیرین قرار دارد و سه طبقه دیگر شامل

هیجده حجره و یک سالن که گنجایش هزار نفر را دارد که جهت جلسات درس منظور گردیده و یک کتابخانه که حدود چهار هزار جلد کتاب خوب دارد، می‌باشد.

این مدرسه یک موسسه تحقیقاتی و تبلیغی است که تاکنون در زمینه عقائد، تفسیر و فقه و اصول و حدیث و اقتصاد اسلامی و احیاء تراث و تبلیغات اسلامی توسط مؤسس محترم آن و یا زیر نظر معظم‌له با همکاری جمعی از دانشمندان و فضلالی حوزه علمیه فعالیتها و تحقیقات ارزنده‌ای به طلاب و فضلالی محترم حوزه علمیه و جامعه مسلمان از راه تشکیل جلسات درس و نشر آثار سودمند و جزوات مختلف ارائه داده و می‌دهد.

و تاکنون فضلالی بی‌شماری را تقدیم جامعه مسلمان کرده است که بعضا بعد از انقلاب اسلامی ملت ایران در پستهای حساسی مشغول انجام وظیفه می‌باشند.

منابع مالی: آن عبارت است از سهم مبارک امام (ع) و کمک مردان خیر انتشارات نسل جوان که بخش دیگری از این موسسه است تاکنون متجاوز از ۵۴ کتاب برای قشر جوان از نویسندگان مختلف نشر داده است که بعضا دهها بار به چاپ رسیده است.

دائرة پاسخ به سئوالات: نیز یکی از بخشهای مهم و فعال این موسسه می‌باشد و از طریق پاسخ به سئوالات دینی، اجتماعی، اخلاقی و ارسال کتب و جزوات برای کتابخانه‌ها و در پاسخ سئوالات، فعالیت چشمگیری داشته و دارد.

و به خاطر این ارتباط مستمر، مخصوصا با قشر جوان و اطلاع از مشکلات آنها غالب انتشارات نسل جوان که بر این محور تنظیم گردیده، در میان قشر جوان مورد استقبال کم‌نظیری قرار گرفته و دهها بار به چاپ رسیده است.

مطبوعاتی هدف:

این مطبوعاتی از راه نشر و طبع آثار ارزنده اسلامی خود تاکنون خدمات موثری به جامعه مسلمان ارائه داده و می‌دهد.

مدارس وابسته به مدرسه امام امیرالمؤمنین (مرکز مطالعات اسلامی)

۱- مدرسه علمیه امام مجتبی (ع)- که در زمینی به مساحت هشتصد متر در سال ۱۳۶۱ نیز توسط حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی و با همت جمعی از مردان خیر و نیکوکار برای سکونت طلاب محترم تأسیس گردید.

این مدرسه از سه طبقه تشکیل گردیده و دارای ۴۱ حجره می‌باشد و هم اکنون تعداد ۸۰ طلبه از داخل و خارج در آن سکونت دارد.

امتیازات این مدرسه:

این مدرسه دارای یک سالن درس (مدرس) است که در طبقه زیرین آن قرار دارد و تمام اطاقها مجهز به دستگاه تهویه و شوفاژ می‌باشد و همچنین دارای تعداد پنج دستگاه یخچال بزرگ حمامهای مجهز و آبسرد کن و نیز برای طلابی که شهریه کمتری از حوزه می‌گیرند و کفاف مخارجشان را نمی‌کند شهریه‌ای مقرر می‌گردد.

۲- مدرسه امام حسین (ع)- که هم اکنون زمینی به مساحت پانصد و پنجاه و هفت متر برای آن توسط یکی از نیکوکاران تهیه گردیده و جمعی از مهندسين معروف کشور هم اکنون به تهیه نقشه آن اشتغال دارند و امید است به خواست خداوند متعال در آینده نه چندان دور به صورت یک مدرسه مدرن و مجهز در اختیار طلاب عزیز قرار گیرد.

این مدرسه نیز توسط حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی و با مشارکت مالی جمعی از مردان خیر و نیکوکار ساخته می‌شود. آدرس مدارس فوق:

مدرسه الامام امیرالمؤمنین، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا.

مدرسه امام مجتبی (ع)، حوزه علمیه قم، خیابان شهدا، کوچه آمار، پشت مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).

مدرسه امام حسین (ع)، حوزه علمیه قم، اول خیابان شهدا، کوچه آمار، مقابل مدرسه امام مجتبی (ع).

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ملک المورخین، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۵۲ - ۱۲۸۹ ق)، مورخ، نویسنده، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ادیب. ملقب به ملک المورخین. در تهران به دنیا آمد. نسبش از طرف پدر به میرزا مهدی خان، وزیر نادرشاه، و از طرف مادر به فتحعلی خان ملک‌الشعرا کاشانی می‌رسد. وی از چهارده سالگی به تدوین تاریخ انبیاء پرداخت و پس از فوت پدرش، ملقب به ملک المورخین شد و مأموریت نگارش و اتمام دوره‌ی کتاب «ناسخ التواریخ» را یافت. وی در ۱۲۹۷ ق وارد خدمت فرهنگ شد. میرزا عبدالحسین، در ۱۳۲۶ ق، روزنامه‌ی «آینه‌ی عیب‌نما» و، در ۱۳۲۷ ق، روزنامه‌ی «آزاد» و، در ۱۳۲۳ ق، روزنامه‌ی «شاهنشاهی» را در تهران منتشر کرد. او مدتی ریاست معارف و اوقاف کاشان را بر عهده داشت. از دیگر آثارش: «تاریخ یومی‌ی ایران»؛ «المعاریف»؛ «خلاصه‌ی الاعصار فی تاریخ بختیار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۵۷ - ۵۶/۳، ۱۴۱، ۴۳ - ۴۱/۱)، الذریعه (۱۹۵/۲۱، ۲۹۸ - ۲۹۷، ۲۳۶/۳)، ریحانه (۵/۳۹۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۶۴ - ۷۶۳/۳)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۰ - ۹۹).

ملک زاده، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین ملک زاده

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۶/۱۴

زندگینامه علمی

تولد و خانواده در سال ۱۳۵۸ در خانواده‌ی اهل علم و روحانی در تهران به دنیا آمد. نامش را «محمد حسین» و لقبش را «امین الاسلام» نهادند. پدر وی عالم زاهد آیه‌الله حاج شیخ محمد رضا ملکزاده و مادر بزرگوارش علویه صالحه، دختر مرحوم آیه‌الله حاج سید محمد علمالهدی می‌باشد. گامهای نخستین وی در خردسالی و پیش از رفتن به مدرسه، خواندن و نوشتن را به خوبی آموخت و بخشهایی از قرآن را حفظ کرد. از همان سنین با فعالیتهای فرهنگی و مذهبی مساجد و همچنین دیگر مراکز و کانونهای فرهنگی و هنری همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انس گرفت و به طور مثال در همین مراکز بود که با برخی از هنرهای تجسمی، عکاسی و فیلمسازی آشنا شد و همزمان در جلسات قرآنی که در مساجد و دیگر اماکن مذهبی برپا میشد شرکتی فعال و مستمر داشت و به سرعت تعلیمات اولیه قرآنی را فرا گرفت. و البته در سالهای بعد به شکل کاملتری و زیر نظر برجستهترین اساتید

کشور با علوم و فنون قرائت قرآن و اختلاف قراءات آشنا شد. آغاز تدریس از ۸ سالگی با گردهم آوردن جمعی از کودکان هم سن خود یا چند سالی بزرگتر، تدریس قرآن به آن جمع را به عهده گرفت و از ۱۰ سالگی به صورت رسمی (ابتدا زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه و در سالهای بعد زیر نظر سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان تبلیغات اسلامی و...) تدریس قرآن و معارف اسلامی را آغاز کرد. حفظ قرآن در همین سنین با جدیت بیشتری به حفظ قرآن پرداخت و البته به دلیل وقفههایی که در مسیر حفظ قرآن برایش پیش آمد، حفظ کامل قرآن توسط وی چند سالی به طول انجامید. مطالعه جدی کتاب در کودکی عمدتاً در آن زمان یعنی در انتهای کودکی و آغاز نوجوانی، مطالعه کتابهایی درباره علوم و تاریخ قرآن، مفاهیم قرآنی و بعداً کتابهایی در زمینه مسائل فکری و فرهنگی، کتب اعتقادی و کتابهایی درباره مکاتب فکری مختلف دنیا و نقد آنها بود که به طور مثال سری جزوهای کوتاه «پاسداری از سنگرهای ایدئولوژیک»، کتابهایی در زمینه آموزش ساده فلسفه یا تاریخ فلسفه یا کتابهای اصول اعتقادی و همچنین بسیاری از کتابهای استاد شهید مرتضی مطهری - با صرف نظر از عنوان و موضوعشان - کتابهای محبوب و مورد علاقه این دوران او بود. شروع نگارش و ارتباط با مطبوعات همین پشتوانه کارهای قرآنی، حفظ قرآن و مطالعه آثار علمی و به صورت مطلق، انس با کتاب و نیز مشارکت در فعالیتهای فرهنگی و هنری و سرودن شعر، سبب شد تا بتواند به سرعت دست به قلم شده و از طریق مکاتبه، برای نشریات متناسب با سن خود، مطلب، (شعر، داستان و گزارش) بفرستد. تأسیس مراکز فرهنگی در کودکی پدر ایشان به شدت مقید بود که در تمامی ایام تبلیغی برای رساندن معارف اسلامی به آحاد مردم به نقاط گوناگون کشور - به ویژه شهرها و روستاهای دور افتاده - سفر نماید. و معمولاً در این سفرها خانوادهاش را هم با خود میبرد. جالب آنکه در این سفرها فقط پدر نبود که فعالیتهای اسلامی انجام میداد بلکه پسر کم سن و سال او نیز فعالانه وارد عرصه میشد و برای کودکان و نوجوانان آن منطقه برنامههای زیادی را ترتیب میداد که از جمله این فعالیتها تأسیس چندین مرکز فرهنگی، کتابخانه و نوارخانه مذهبی در شهرها و روستاهای مختلف کشور بود. علاوه بر اینها در محل زندگی خود نیز در هنگام تحصیل در کلاس چهارم ابتدایی، گروه فرهنگی الزهرا (ع) را راهاندازی کرد که عمده فعالیت این مرکز، انتشار گاهنامههایی به مناسبتهای مختلف و نیز برگزاری مسابقات کتبی با موضوعات مذهبی - سیاسی ویژه کودکان و نوجوانان بود. در ۱۲ سالگی و در زمانی که هنوز کار تواشیح و همخوانی عربی و قرآنی در ایران، بسیار نوپا بود گروه تواشیحی تأسیس کرد. در ۱۳ سالگی اقدام به تشکیل مرکزی به نام «نور القرآن» کرد که کارش برگزاری جلسات آموزشی و مسابقات قرائت و حفظ قرآن بود. تدریس در مراکز مختلف (تدریس در دانشگاه در ۱۴ سالگی) از این سن به بعد فعالیت علمی - تدریسی وی در زمینه قرآن در برخی ادارات، سازمانها، مراکز و نهادهای گوناگون و به ویژه پایگاههای فرهنگی مساجد، کانون قرآن دانشگاهها و دیگر کانونهای فرهنگی و تربیتی شکل گستردهتری به خود گرفت. تا آنجا که در سن ۱۴ سالگی (در هنگام تحصیل در کلاس اول دبیرستان) مدتی به طور غیر رسمی در دانشکده علوم قرآنی به تدریس پرداخت و بر این اساس شاید بتوان گفت وی جوانترین مدرّس علوم قرآنی در دانشگاه و یا به صورت مطلق، جوانترین مدرّسی بود که تا آن زمان به تدریس در دانشگاه پرداخته بود. جوانترین روزنامهنگار قرآنی کشور در زمینه فعالیتهای مطبوعاتی افزون بر انتشار گاهنامه و نیز مکاتبه با برخی مجلات در دوره کودکی و نوجوانی، از سال ۱۳۷۲ (در سن ۱۴ سالگی) ضمن همکاری کوتاهی با نخستین مجله قرآنی به زبان فارسی به نام «پیام قرآن» (به صاحب امتیازی دارالقرآن الکریم آیه الله گلپایگانی) به عنوان جوانترین روزنامهنگار قرآنی به صورت فعال وارد عرصه مطبوعات شد و تا به حال صدها نوشتار مختلف از وی در نشریات معتبر و کثیرالانتشار به چاپ رسیده است. نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان یکی از فعالیتهای مطبوعاتی ایشان تأسیس صفحه قرآنی «بهار در بهار» در روزنامه کیهان بود. این صفحه که در زمستان ۱۳۷۵ و به مناسبت ماه مبارک رمضان، راهاندازی شد، نخستین صفحه قرآن در روزنامه کیهان به شمار میآید. آغاز تألیف کتاب حدود ۱۴ - ۱۵ سال سن داشت که موفق به نگارش جلد اول، دوم و بخش اندکی از جلد سوم و چهارم کتاب پنج جلدی «اصول فنی قرائت قرآن کریم»

گردید. نخستین دارالقرآن در مدارس کشور آقای ملکزاده در سالهای آغازین دهه هفتاد شمسی (سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵) در چندین دبیرستان در تهران و قم، اقدام به تأسیس دارالقرآن الکریم نمود. این دارالقرآن‌ها اولین دارالقرآن‌های مدارس کشور بودند. نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآن ویژه جوانان و نوجوانان (تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» و «جامعه الكعبه») در سال ۱۳۷۵ موفق به تأسیس «مجمع قرآنی کعبه» شد. این مرکز که نخستین مرکز آموزش تخصصی علوم و معارف قرآنی به جوانان و نوجوانان (طلّاب جوان، دانشجویان و دانشآموزان) بود تا سال ۱۳۸۱ به فعالیتهای پژوهشی و آموزشی خود در داخل و خارج از کشور (سوریه، هلند، لبنان، انگلستان و...) ادامه داد. از سال ۱۳۸۱ و با تبدیل مجمع قرآنی کعبه به مؤسسه آموزشی و پژوهشی «جامعه الكعبه» فعالیتهای قرآنی این مجمع در قالب گروه علوم قرآنی که یکی از گروههای علمی جامعه الكعبه میباشد، ادامه یافته است. و اما جامعه الكعبه مرکزی است جهت آموزش و پژوهش در باب علوم انسانی و اجتماعی و مباحث فکری و فرهنگی از منظر اسلام. این مرکز از سال ۱۳۸۱ تاکنون مشغول به فعالیت میباشد. ورود به حوزه علمیه پس از اتمام دوره دبیرستان به صورت رسمی به تحصیل علوم و معارف اسلامی در حوزه علمیه پرداخت و از آنجا که برخی از مباحث مقدماتی حوزه را از چند سال قبل شخصاً مطالعه کرده بود، توانست با علاقه زیاد، انگیزه قوی و تلاشی مثال زدنی با استفاده از تمامی فرصتها و بدون کمترین وقفه و تعطیلی به صورتی که برنامه درسی وی به هیچ وجه تعطیل نمی شد و علاوه بر ایام عادی تحصیل، در تمامی روزهای تعطیل، جمعه ها، تابستان، نوروز و ... هم به درس و مطالعه مشغول بود، و همچنین با بهره بردن از نبوغ کم‌نظیر خدادادی، دروس مقدماتی و سطح حوزه را که معمولاً در طول ۱۰ سال خوانده میشود، به توفیق الهی در ظرف مدّت سه سال و نیم، به بهترین شکل و کیفیت به پایان رساند. دروس خارج و اساتید از زمستان سال ۱۳۷۹ با مشورت و توصیه یکی از اساتید محترم حوزه (حضرت آیه‌الله شیخ جعفر سبحانی) در دروس خارج حاضر شد. در آغاز به درس خارج اصول ایشان و سپس به دروس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیات عظام: مرحوم میرزا جواد تبریزی (کتاب الصلاة، سه سال و نیم) و سید کاظم حسینی حائری (کتاب الصلاة، حدود یک سال و اصول، از ابتدای حضور در دروس خارج تاکنون) وارد شد. در ادامه نیز در دروس خارج فقه حضرت آیه‌الله شیخ حسن شریعتی نیاسر (کتاب های خمس، وقف، حبس و اخواته، صدقه، هبه، زکاة، اجاره، مضاربه، مزارعه و... از سال ۸۱ تاکنون. البته این درسها در تابستانها و دیگر ایام تعطیل هم برقرار بوده است.) و حضرت آیه‌الله شیخ محمد تقی بهجت (کتاب الحج، از فروردین ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) شرکت کرد. البته مدت کوتاهی هم از درس فقه حضرات آیات سید محمد حسین فضل الله (در بیروت) و مرحوم شیخ علی فلسفی (در مشهد) و درس اصول آیه‌الله شیخ حسین وحید خراسانی (در قم) بهره برد. تفسیر قرآن پیش از ورود به درس خارج، حدود یک سال از درس تفسیر آیه‌الله شیخ عبدالله جوادی آملی نیز بهره‌مند شده بود. اگر چه بعداً در درس تفسیر بزرگانی همچون حضرات آیات شیخ ناصر مکارم شیرازی و مرحوم شیخ محمد هادی معرفت هم حاضر شده، بهره‌های فراوانی برد. فلسفه، اخلاق و عرفان همزمان با حضور در دروس خارج فقه و اصول، از دروس اسفار آیه‌الله شیخ یحیی انصاری شیرازی نیز استفاده نمود. مدت کوتاهی هم در درس اشارات شرکت کرد. علاوه بر اینها در برخی دوره ها و درس و بحث های فلسفی که به موضوعاتی خاص در فلسفه می پرداختند نیز مشارکت داشته است. همچنین در زمینه اخلاق نیز از پیش از ورود به حوزه تا کنون محضر پر فیض اساتید و فرهیختگان متعددی از جمله حضرات آیات شیخ محمد تقی مصباح یزدی، شیخ جواد کربلایی، مرحوم شیخ علی پناه اشتهاردی، مرحوم حاج آقای مجتهدی و برخی بزرگان دیگر را درک کرده است. البته استفاده وی از آیه‌الله مصباح یزدی منحصر به شرکت در درس های اخلاق ایشان نبوده بلکه طی سالیان متمادی از بسیاری از مباحث فلسفی و کلامی و سایر بحث های ایشان در زمینه اندیشه و معارف اسلامی - به صورت محض و یا به صورت تطبیقی با مکاتب دیگر - بهره های قابل توجهی برده است. از دیگر اساتید وی میتوان به پدر بزرگوار ایشان اشاره کرد که علاوه بر مراتب علمی، از نظر معنوی و روحانی نیز دارای مقام رفیعی میباشد و بدین جهت هم در زمینه فقه، اصول و فلسفه و هم در زمینه اخلاق و عرفان - از مقدمات تا خارج -

به تدریس و راهنمایی فرزند خویش پرداخته‌اند. اجازات وی تا به حال موفق به اخذ چندین اجازه مختلف - و از جمله اجازه اجتهاد - از علماء و مراجع عظام تقلید در قم و مشهد شده است. جوانترین طلبه نویسنده در این سالها کار نگارش کتاب را نیز ادامه داد و در اولین دوره انتخاب کتاب سال حوزه علمیه (سال ۱۳۷۷) به عنوان جوانترین طلبه نویسنده انتخاب شده، موفق به اخذ جایزه و لوح تقدیر گردید. زبانهای دیگر و فعالیت در خارج از کشور با تسلط بر زبانهای عربی و انگلیسی و اندکی آشنایی با زبان فرانسوی و چند زبان دیگر، توانست به کشورهای زیادی سفر کند و در سطح بینالمللی به فعالیتهای علمی، فرهنگی و اسلامی و تبلیغ دین مبین اسلام و معرفی مکتب اهل بیت (ع) پردازد. حضور در دانشگاهها طی این سالها به دانشگاههای بزرگ و معتبری در داخل و خارج از ایران دعوت شده و در این دانشگاهها به تدریس، سخنرانی، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و یا برگزاری کارگاههای علمی و آموزشی پرداخته است. مطالعات تاریخی افزون بر تحصیل و تدریس علوم مختلف اسلامی، از زمستان ۱۳۸۱ به مدت ۳ سال در رشته تخصصی تاریخ که برای اولین بار در حوزه علمیه قم تأسیس شده بود شرکت نمود و مطالعات زیادی را در زمینه تاریخ اسلام و فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن به انجام رساند. مسائل جدید به مدت یک سال در دوره «شبهشناسی و پاسخگویی به شبهات» که به وسیله مؤسسه «در راه حق» و با تدریس جمعی از صاحب نظران و اساتید برجسته، برگزار گردید شرکت کرد و با رتبه اول فارغالتحصیل شد. مسائل و شبهاتی که در این دوره مورد بحث قرار گرفتند در دو زمینه «کلام قدیم» (با توجه ویژه به عقاید و هابیت) و «کلام جدید، فلسفه دین و معرفتشناسی» بودند. البته آشنایی وی با بعضی از مکاتب فلسفی غرب، کلام جدید، معرفت شناسی، برخی از فلسفههای مضاف و مباحث و مسائلی که در دوران جدید در حوزه دین پژوهی مطرح شده است به سالهایی پیشتر از شرکت در این دوره بازمیگردد. و همچنان که قبلاً نیز اشاره شد از نوجوانی به مطالعاتی از این دست علاقه خاصی داشته و علاوه بر مطالعات منظمی که به صورت شخصی در این زمینهها داشته است، همایشها، جلسات بحث، سخنرانیها و یا مناظرههایی درباره این مسائل را هم پیگیری کرده و در برخی از کلاسها یا دورههایی که با موضوع علوم جدید از منظر اسلام - همچون دروس جامعه شناسی اسلامی - یا معرفتشناسی و کلام جدید برگزار میشده است نیز شرکت کرده است. و همین آشنایی با مباحث فکری و فرهنگی جدید یکی از مهمترین عوامل موفقیت وی در پاسخگویی به پرسشهای نسل جوان تحصیلکرده و دانشگاهی در داخل و خارج از کشور بوده است. تدریس مباحث حوزوی در زمینه تدریس دروس حوزوی برنامه وی بدین صورت بوده است که تا پیش از ورود به درس خارج به تدریس ادبیات و منطق و همچنین اصول (البته فقط حلقه اولی از حلقات اصول شهید صدر)، پرداخته و از هنگام ورود به درس خارج تاکنون به تدریس شرح لمعه، اصولاللفقه، حلقات اصول، رسائل، مکاسب و کفایة الاصول اشتغال داشته است. بحث خارج از مهر سال ۱۳۸۴ (شعبان ۱۴۲۶ق) ضمن ادامه حضور در دروس خارج فقه و اصول علمای اعلام، تدریس استدلالی اصول را با تبیین و نقد نظریه «حق الطاعة» و بدیل آن یعنی «قاعده قبح عقاب بلا بیان» برای جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم آغاز نموده است. همکاری تحقیقی با مؤسسات و نگارش دانشنامه از دیگر کارهای وی علاوه بر موارد گذشته و به جز تدریس مباحث مختلف قرآنی، کلامی و تاریخی (در مجمع قرآنی کعبه و سپس در جامعه الکعبه) میتوان به همکاری با مرکز فرهنگی حوزه علمیه قم در پاسخگویی به سؤالات و شبهات اشاره نمود. همچنین در نگارش «دانشنامه قرآن و قرآنپژوهی» و مدت کوتاهی در «دانشنامه مسجد» و «فرهنگنامه مسجد» به عنوان محقق و نویسنده همکاری کرده است. تدریس یک دور مباحث تفسیری (از ابتدا تا انتهای قرآن، طی سالهای ۷۵ تا ۸۳): از سال ۱۳۷۵ تا اوائل سال ۱۳۸۱ در جلسه مرکزی مجمع قرآنی کعبه که به صورت هفتگی در صبح روزهای جمعه برگزار میگردد و سپس در ادامه سال ۸۱ و همچنین سال ۸۲ و ۸۳ در جلسات «مطالعات اسلامی» (بررسی مباحث کلیدی و چارچوبهای اساسی در تفکر اسلامی) که به منظور استحکام پایههای معرفتی کادرهای اولیه جامعه الکعبه برگزار میشد، به تدریس مباحث تفسیری پرداخت و با تشریح اهم مفاهیم و معارف قرآنی، موفق به تدریس یک دور تفسیر قرآن کریم شد. آثار و تألیفات جناب آقای ملک زاده، کار نگارش کتاب را که با توفیق

الهی از نوجوانی آغاز کرده بود، با توجه به زمینه‌های مطالعاتی و پژوهش‌هایی که داشت و در عرصه موضوعاتی که ضروری می‌انگاشت دنبال نمود تا آنجا که به جز مقالات منتشر شده در مطبوعات و یا ارائه شده به همایش‌های متعدد، تا سال ۱۳۸۷ شمسی یعنی تا پیش از ۳۰ سالگی، بیش از هفتاد جلد کتاب تألیف کرد که البته در این میان، یکی دو جلد هم ترجمه بود. علاوه بر آثار مکتوب، بخشی از سخنرانیها یا تدریسهای ایشان در موضوعات مختلف نیز در قالب CD ارائه شده و نرم‌افزارهایی هم بر اساس کتابهای ایشان و یا تحت اشراف علمی وی، طراحي و به بازار عرضه شده است.

ملک محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، میناساز. گویا وی در نواحی قفقاز زندگی می‌کرده و در آن ولایت فعالیت هنری داشته است. از آثار این هنرمند، پیاله‌ی شرابخوری استادانه‌ای به یادگار مانده که از طلای ناب تهیه شده و بین محدوده‌های لوزی و دایره شکل بیرونی آن، گل‌های تزئینی زیبایی در شیوه‌ی قفقازی و گرجستانی میناکاری گشته است، با رقم: «عمل ملک محمد ولد حاجی یوسف». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۲۱۳/۳).

ملکی زنجانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین ملکی زنجانی (ح.م. زاوش) در سال ۱۳۰۱ چشم به جهان گشود. پس از پایان دوره دبیرستان به تهران آمد و به ادامه تحصیل پرداخت. از سال ۱۳۲۹ در اداره جنگل بانی وزارت کشاورزی به کار مشغول شد. زنجانی در فروردین سال ۱۳۵۶ از کار دولتی کناره گرفت و از آن پس تمام وقت خود را به تحقیق و نگارش پرداخت. او آن چنان در این مهم پیش رفت که در آغاز دهه ۷۰ به ناراحتی چشم گرفتار شد و پیش روی این بیماری تا حدی بود که او را از خواندن و نگارش بازماند. استاد ملکی زنجانی در ۱۸ خرداد ۱۳۷۷ در تهران چشم از جهان فرو بست.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: حسین ملکی زنجانی (ح.م. زاوش) در خانواده یک پیشه‌ور چشم به جهان گشود پدرش زین ساز بود در کودکی مادر را از دست داد و پدر که تا نوجوانی او زنده بود باعلاقه فراوان او را به تحصیل علم واداشت. دشواری‌های سخت زندگی را بدون پشتوانه خانوادگی از سر گذراند.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: حسین ملکی زنجانی پس از پایان دبیرستان در ۱۳۲۰ به تهران آمد و به تحصیل پرداخت.

استادان و مربیان: حسین ملکی زنجانی آموخته‌های خود را در سایه‌ی تعلیمات علی کاظمیه زرینه و پروفیسور کامبوزیا به دست

آورد.

وقایع میانسالی: حسین ملکی زنجانی در آثار چاپ شده و چاپ نشده خود به افشای حرکات فراماسیونها و کارگزاران سر سپرده آنها می پردازد و بذر امید و استواری و پایداری برای بهبود زندگی بشر را می افشاند. در فروردین ۱۳۵۶ از کار دولتی کناره گرفت و زان پس تمام وقت خود را به تحقیق و نگارش پرداخت. او آنچنان در این مهم پیش رفت که در آغاز دهه ۷۰ به تاراحتی چشم گرفتار شد. پیش روی این بیماری تا حدی بود که نور چشمانش چون رفیق نیمه راهی در نیمه پایانی راه تنهایش گذاشت و او از خواندن و نگارش باز ماند.

زمان و علت فوت: حسین ملکی زنجانی در ۱۸ خرداد ۱۳۷۷ در تهران چشم از جهان فرو بست.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: حسین ملکی زنجانی از سال ۱۳۲۹ در اداره جنگل بانی وزارت کشاورزی به کار مشغول شد. —

آثار:

۱ اطلاعات عمومی سپیده

ویژگی اثر: ۱۳۶۷، نشر سپیده

۲ تهران در گذر گاه تاریخ

ویژگی اثر: ۱۳۷۰، انتشارات اشاره

۳ جنگل ها و گسترش کویرها

ویژگی اثر: ۱۳۶۷. نشر آینده.

۴ دولت مردان ایران و ساختار نهادها در عصر مشروطیت

ویژگی اثر: جلد دوم، سال ۱۳۷۰، انتشارات اشاره.

۵ دولت های ایران در عصر مشروطیت

ویژگی اثر: جلد اول، سال ۱۳۷۰، انتشارات اشاره.

۶ دیوان عطار

ویژگی اثر: سال ۱۳۶۱، انتشارات چکامه

۷ رابطه فراماسیونری با صهیونیسم و امپریالیسم

۸ نخستین کارگزاران استعمار در ایران

ویژگی اثر: ۱۳۶۱ انتشارات بهار

۹ نقش فراماسونها در تاریخ معاصر ایران

ویژگی اثر: ۱۳۶۱، انتشارات آینده

منابع زندگینامه:

۱ چستا - سال شانزدهم - شماره ردیف ۱۵۲ و ۱۵۳ آبان و آذر ماه ۱۳۷۷ ص ۲۷۲

منتظری مقدم، حامد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حامد منتظری مقدم

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حامد منتظری مقدم متولد شهر مقدس قم در سال ۱۳۴۹؛ تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستاهای عارفی و حایری و مدرسه راهنمایی قطب راوندی (شهرقم) گذراندم. عموماً دانش آموز ممتاز بودم و به خوبی آموختم که برای موفقیت در تحصیل باید بسیار زحمت کشید و درس خواند.

در سال ۱۳۶۵، پس از کسب قبولی در سال اول دبیرستان رشته علوم تجربی از دبیرستان انصراف دادم و وارد حوزه علمیه قم شدم. آمدنم به حوزه، هم متأثر از فضای مذهبی قم بود و هم بدین جهت بود که در اساس، خاندان و خویشان من اهل علم هستند و در کسوت روحانیت.

در تحصیلات حوزوی از محضر استادان بسیار ارجمندی بهره مند شدم؛ در مقطع ادبیات، استادان: زیبایی نژاد، عرفان و علیدوست. در مقطع سطح، استادان: قاضی زاده، اشتهاوردی، پایانی، وجدانی، محامی، نکونام، حسینی بوشهری و محمدی. درس خارج، استاد علامه «جوادی آملی» (ذکر اساتید در اینجا، به ترتیب استفاده از محضرشان بوده است).

تحصیلات حوزوی را در مدرسه مبارکه رضویه آغاز کردم. در آن دوران، در آن مدرسه در اجرای مقررات سخت گیری نمی شد و طلاب در یک فضای پر نشاط رشد می کردند؛ چنان که به ابتکار و اهتمام برخی از دوستان در تابستان ها، اردوهای بسیار مفید علمی برگزار می شد که هم درس بود و هم ...

در همان مدرسه، دوستان بسیار عزیز یافتم؛ درس خوان و با تقوی و متعهد. بیشتر از همه، هم مباحثه عزیزم جناب آقای دکتر «محمد جواد توکلی» که تا پایان سطح با هم بودیم و بعداً رشته های تخصصی مان از هم جدا شد، من مسیر «تاریخ» را در پیش گرفتم و او در «اقتصاد» به راه افتاد و اکنون در کشور هلند، مشغول به تدوین پایان نامه دکتری است.

مسیر زندگی تحصیلی ام چنین بود که در کنار فراگیری علوم حوزوی، به طور آزاد، مقطع دبیرستان را به اتمام رساندم و در سال ۱۳۷۰ در رشته «فرهنگ و ادب» دیپلم گرفتم. همچنین در سال ۱۳۶۹ وارد موسسه در راه حق شدم. بخش آموزش آن موسسه، بعداً در قالب موسسه ای جدید التاسیس به نام «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» به ریاست حضرت استاد علامه «مصباح یزدی» تداوم یافت و من از همین موسسه جدید در سال ۱۳۷۳ مدرک کارشناسی رشته «الهیات و معارف اسلامی» را اخذ کردم.

سپس در سال ۱۳۷۴ فصل مهمی در زندگی علمی من گشوده شد و در موسسه یاد شده به تحصیل در رشته تخصصی «تاریخ»، مقطع کارشناسی ارشد پرداختم. در سال ۱۳۷۹ از مقطع اخیر فارغ التحصیل و همان سال در موسسه مزبور، در مقطع دکتری رشته «تاریخ اسلام» مشغول به تحصیل شدم. اکنون پس از گذراندن واحدهای آموزشی به تدوین پایان نامه دکتری اشتغال دارم.

هم زمان با تحصیل در رشته تاریخ، توفیق به انجام تدریس، تحقیق و تالیف نیز یافتم. در همکاری با مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، مجموعه تلویزیونی «تنهاترین سردار» را نقد کردم. همچنین حدود ۲۰ مقاله علمی تالیف کردم. افزون بر این، پایان نامه کارشناسی ارشد خود را پس از تکمیل، با عنوان: «بررسی تاریخ صلح های پیامبر (ص)» در تابستان ۱۳۸۳ به چاپ رساندم که این کتاب، در جشنواره دانشجویی ۱۳۸۴ ممتاز شناخته شد.

افزون بر این، در همکاری با بخش آموزش موسسه امام خمینی (ره) و مرکز جهانی علوم اسلامی و نیز برخی از دانشگاه‌ها به تدریس در حوزه‌های «تاریخ اسلام»، «تاریخ تشیع» و «تاریخ ایران اسلامی» (بالغ بر شصت واحد تدریس) اشتغال داشته‌ام. اکنون عضو هیئت علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و عضو هیئت تحریره فصلنامه «تاریخ در آینه پژوهش» هستم.

منجم یزدی، محمد

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جلال‌الدین محمد منجم یزدی صاحب تاریخ صفویه که نسخه خطی آن به شماره ۳۷۲۲ در کتابخانه ملک ثبت و این شعر بابا سلطانی قمی در آن کتابست.

هیچ میدانی چرا شفا ندهد
کور و شل در مدینه پیغمبر
تا نگویند سنیان یقین
کین زاعجاز بوبکست و عمر
بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

منشی، روح‌الله

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(؟)، مورخ و نویسنده. وی گزیده‌ای از «ظفرنامه‌ی» شرف‌الدین علی یزدی دارد به نام «تاریخ پسندیده».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (۸۵۵/۲).

منشی، محسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۶۶ ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. آبرنگ کار و قلمدان قاب آینه‌ساز دوره‌ی ناصری بود و در هنر خود مهارت داشت. از آثار وی: قاب آینه‌ی زیبایی که در دو طرف آن تصویر زنان جوانی دیده می‌شود، با رقم: «راقمه محسن منشی»؛ قاب آینه‌ی کوچک رنگ روغنی که بر روی آن، تصویر زن جوانی جلب نظر می‌کند، با رقم: «راقمه محسن»؛ تصویر آبرنگی جوانی ناصرالدین‌شاه، با رقم: «سلطان زمانه ناصرالدین، رقم محسن منشی» ۱۲۶۶ ق؛ تصویر آبرنگی مرغ پر حالت و رنگینی که بر روی شاخه گل سفیدی با

غنچه‌های قرمز نشسته و یک پروانه‌ی رنگین در گوشه‌ی بالای آن دیده می‌شود، با رقم: «العبد محسن المنشی».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۵۹۴-۵۹۳/۲).

منظور الاجداد، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسین منظورالاجداد در ۱۳۳۴ در تهران متولد شد و تحصیلات خود را تا مدرک دیپلم رشته‌ی تجربی در این شهر گذراند. ایشان ابتدا در رشته دندانبزشکی دانشگاه تهران قبول شدند، اما به علت علاقه به تحقیقات تاریخی، انصراف، و پس از قبولی در این رشته، مدرک کارشناسی تاریخ خود را از دانشگاه فردوسی مشهد دریافت و مدارک کارشناسی ارشد و دکتری خود را در همین رشته از دانشگاه تربیت مدرس دریافت نمودند. استاد از محققین برجسته در حوزه اسناد بوده، و مطالعات وسیعی در زمینه اسناد روحانیت، شهید مدرس، فداییان اسلام، واقعه گوه‌رشاد انجام داده‌اند.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمدحسین منظورالاجداد تحصیلات خود را تا مدرک دیپلم رشته‌ی تجربی در این شهر گذراند. ایشان ابتدا در رشته دندانبزشکی دانشگاه تهران قبول شدند، اما به علت علاقه به تحقیقات تاریخی، انصراف، و پس از قبولی در این رشته، مدرک کارشناسی تاریخ خود را از دانشگاه فردوسی مشهد دریافت و مدارک کارشناسی ارشد و دکتری خود را در همین رشته از دانشگاه تربیت مدرس دریافت نمودند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: از مشاغل محمدحسین منظورالاجداد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پژوهشگر سازمان اسناد ملی ایران عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس عضو هیات تحریریه مجله روابط خارجی مشاور علمی مدیریت اسناد مشاور علمی دفتر اسناد (مجموعه مقالات) مدیر گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس

چگونگی عرضه آثار: محمدحسین منظورالاجداد مقالات زیادی در زمینه اسناد و تاریخ در نشریات کتاب ماه تاریخ، گنجینه اسناد به یادگار گذاشته است.

آثار:

۱ سیاست و لباس

ویژگی اثر: (گزیده اسناد متحدالشکل شدن البسه ۱۳۰۷-۱۳۱۸)، به کوشش سید محمدحسین منظورالاجداد، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰. دکتر سید محمدحسین منظورالاجداد از اساتید بنام سندشناسی در کتاب فوق بیش از سیصد سند تاریخی را که بخش مهمی از آن به تغییر لباس زنان و کشف حجاب و لباس روحانیت مربوط می‌شود، گردآوری و بازنویسی نموده‌اند. مؤلف محترم تصریح نموده است این تعداد حجم اندکی از اسناد این موضوع است که به علت عدم فهرست‌نویسی اسناد شهرستان‌ها به این میزان بسنده شده است.

۲ گزیده اسناد متحدالشکل شدن البسه

۳ مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست

ویژگی اثر: (اسناد و گزارش‌هایی از آیات عظام نائینی، اصفهانی، قمی، حائری و بروجردی ۱۳۳۹-۱۲۹۲ شمسی)، به کوشش سید محمدحسین منظورالاجداد، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹. در این کتاب ارزشمند استاد منظورالاجداد ضمن نگارش زندگی‌نامه‌هایی از مراجع عظام تقلید اسناد فعالیت‌ها و اقدامات هر یک را بازنویسی و در ادامه آورده است. در پایان تصویر تعدادی از اسناد هم مندرج است. در اسناد مراجع به ویژه آیات قمی و حائری یزدی کشف حجاب از مسایل مهم به شمار می‌رود.

منوچهری، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن منوچهری به سال ۱۳۱۳ در تهران دیده به جهان گشود و ضمن این که برای فراگیری علم و هنر موسیقی به هنرستان ملی موسیقی رفت و از استاد بزرگ مرحوم روح‌الله خالقی بهره جست، در کار ساختن ساز و فراگیری این صنعت و هنر نیز از محضر استادان قنبری و صنعت بهره‌مند گردید.

منوچهری، غیر از موسیقی که از کودکی شیفته‌اش بود، به کارهای دستی و ظریفه نیز علاقه‌ای فراوان دارد، به همین سبب در جوار نوازندگی در ارکسترهای بنام و بزرگ، با اجازه و تحت نظارت استاد قنبری به کارگاه سازسازی وزارت فرهنگ و هنر وقت راه یافت و با راهنمایی هنرمندان بزرگی چون: قنبری و صنعت به فراگیری ساخت عود پرداخت و مدت بیست و پنج سال است در کارگاهی که برای تعمیر و بازسازی کلیه سازها دایر کرده مشغول است.

وی چند سالی است که عود می‌سازد و چون نوازنده‌ی عود هست، در ساخت این ساز، دقت و ابتکار عمل بیشتری به خرج می‌دهد به طوری که گفته می‌شود عودهای ساخت وی از خوش‌آهنگ‌ترین و پرتین‌ترین عودها می‌باشد. ولی خودش هنوز خود را شاگرد ناچیز آقایان قنبری و صنعت می‌داند و ادعایی ندارد.

وی، این جلوه‌های هنر و صنعت خود را مدیون همسر بردبار و فداکار خود می‌داند که به گفته‌ی شیخ اجل سعدی شیرین گفتار:

که را خانه آباد که همخوابه دوست

خدا را به رحمت نظر سوی اوست

خودش می‌گوید: بلی، اگر رحمت خداوند یکتا، سایه‌اش خانمان من سایه گسترده است و در سایه امن این رحمت، توان یادگیری در همه ایام و به کارگیری آن و ترمیم و بازسازی و سرانجام ساخت عود دارم، همه مرهون همسری است با فرهنگ و مهربان که خانه را دبستان و هنرستان و گلستانی برایم نموده است و از این گذر سپاس خدای را دارم.

حسن منوچهری، به سال ۱۳۱۳ در تهران متولد گشت. وی پس از چهار سال تحصیل در مدرسه ابتدایی در سال ۱۳۲۸ به تحصیل در هنرستان موسیقی ملی پرداخت. ریاست هنرستان در این دوره با زنده‌یاد استاد روح‌الله خالقی بود که در یادگیری شاگردان سعی و اهتمام فراوان به کار می‌برد. وی در سال ۱۳۳۶ از هنرستان موسیقی ملی فارغ‌التحصیل شد.

منوچهری در ضمن فراگیری موسیقی از درس استادان زنده‌یاد خالقی، صبا، تهرانی، زرین‌پنجه بهره‌های پرارزشی نصیبش گشت و از این اندوخته‌ها، همواره در راه پیشبرد کارهای هنری خود بهره جست. از سال ۱۳۴۰ با ارکسترهایی چون گلها، سازهای ملی و ارکسترهای دیگر رادیو به همکاری پرداخت. ارکسترهایی که تحت نظارت وزارت فرهنگ و هنر وقت قرار داشت، نوازنده و تکنوازنده عود بود و با ارکسترهای مختلف این وزارتخانه برای اجرای کنسرت و معرفی موسیقی سنتی ایران به بیگانگان به

کشورهای: ژاپن، فرانسه، ایتالیا، شوروی، اروپای شرقی، ترکیه، مراکش، تونس، یونان، پاکستان، افغانستان و الجزایر سفر کرد. در وزارت فرهنگ و هنر وقت با ارکسترهای مختلف و نام‌آوری چون ارکستر شادروان استاد صبا و آقایان دهلوی، مفتاح، خادم‌میشاق و پایور همکاری داشت و یکی از افتخاراتی که نصیب او گردید همکاری و آشنایی‌اش با استاد فرامرز پایور بود که حدود بیست سال از اندوخته‌های هنری این هنرمند فرزانه بهره‌های فراوان برد.

حسن منوچهری، در ضمن با خوانندگانی چون: محمدرضا شجریان، عماد رام نادر گلچین همکاری داشت و در ارکستر، تکنوازی عود را به عهده داشت. وی بعد از چند سال بازنشستگی، هم‌اکنون با گروه و ارکستر جدیدی به نام گروه سنتی صبا همکاری دارد و نوازنده و تکنواز عود در این ارکستر می‌باشد.

برگرفته از کتاب: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران (جلد دوم)

مؤذن زاده، رحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد مرحوم رحیم مؤذن زاده که به خاطر اذان مشهور و تاریخی‌اش در حافظه جمعی ایرانیان و بسیاری از مسلمین جای دارد، در سال ۱۳۰۴ در استان اردبیل در خانواده‌ای متولد شد که شاید بیش از یک قرن به فعالیت‌های مذهبی می‌پرداخته‌اند...

پدرش، مرحوم شیخ عبدالکریم اردبیلی، مؤذن بود و زمانی که در مسجد امام تهران اذان می‌خواند، صدایش به طور زنده از رادیو پخش می‌شد. شیخ عبدالکریم اردبیلی، تا سال ۱۳۲۲ در منطقه اردبیل به وعظ و اذان‌گویی مشغول بود و نخستین بار به خاطر اذانی که در این سال در رادیو گفته بود، شهرت پیدا کرد و سپس تا سال ۱۳۲۶ برنامه سحری رادیو را به صورت زنده، از طریق مسجد امام (مسجد شاه سابق) اجرا می‌کرد و در سال ۱۳۲۹ از دنیا رفت.

در خانواده مؤذن زاده که اغلب به فعالیت‌های مذهبی و اذان‌گویی پرداخته‌اند، رحیم مؤذن زاده، فرزند ارشد شیخ عبدالکریم است، راه پدر را با جدیت بیشتری گرفت و عملاً پس از درگذشت پدرش به جای او قرائت اذان را ادامه داد.

اذان مشهور مؤذن زاده که در گوشه روح‌الارواح آواز بیات ترک (زند) خوانده شده است، اذانی است که رحیم مؤذن زاده در سال ۱۳۳۴ در میدان ۱۵ خرداد در استودیوی ۶ خوانده است.

به روایت خود مؤذن زاده، او در حالی که روزه‌دار بوده می‌خواست است اذانی بگوید تا برای فرهنگ ایران و اسلام یادگاری ارزنده باشد. مؤذن زاده برای ضبط این اذان گوشه‌های مختلفی را می‌آزماید، اما هیچ کدام مورد پسندش واقع نمی‌شود، تا این که مناسب‌ترین گوشه را برای قرائت اذان، روح‌الارواح می‌بیند. ایشان بارها گفته است: "از ضبط این اثر همیشه یک احساس غرور معنوی در طول سال‌های گذشته با من همراه بوده است و اگر تنها همین ثروت معنوی باقی بماند برای من کافی است."

استاد مؤذن زاده در روزهای پایانی حیات خود، زندگی‌اش را اینگونه توصیف کرده بود:

«من سال ۱۳۰۴ در اردبیل به دنبال آمدم، در آن دوران ما عوض دبیرستان مکتب می‌رفتیم. همه هم متدین بودند. خانواده‌ها در دوره‌ی ما در ابتدای امر بچه‌ها را با قرآن مانوس می‌کردند. ما هم پس از طی این مرحله به مدرسه حاج ابراهیم آمدم. طلبه بودیم به اصطلاح امروز، ولی در حین طلبگی، این اذان با ما همراه بود. صبح و ظهر و عصر و شب در مسجد و اماکن مذهبی هر روز اذان می‌خواندیم، تا اینکه یک شب که پدرم در خیابان ایران اردبیل ساکن شد. او عادت داشت هر کجا که می‌همانی هم برود صبح پشت

بام رفته و اذان بگوید، صبح آن روزی که پدرم اذان گفت: امام جمعه‌ی اردبیل گفته بود که من صدای ملکوتی می‌شنوم، ببینید این صدا از کجا می‌آید. آن‌ها همه خانه‌ها را گشته بودند تا اینکه صاحب خانه‌ی ما گفته بود شیخ عبدالکریم اردبیلی اینجا آمده و اوست که اذان گفته است. ما را خواستند و آوردند در مسجد و در داخل مسجد به ما ۲ تا اتاق دادند. مرحوم پدرم سال ۱۳۲۲ برای نخستین بار اذان را در رادیو گفت و همین طور تا ۱۳۲۶ که برنامه‌ی سحری را به صورت زنده اجرا می‌کرد. او در سال ۱۳۲۹ سکنه کرد و من قبول کردم جای او اذان بگویم تا الآن که با این سن و سال هنوز مشغولم و افتخار دارم که با گفتن آن یک اذان، برای اسلام و مملکت کاری کرده‌ام. ما که نه ثروت داریم و نه مکتب و همین یک اذان برایمان بهترین خیر است.

هر روز تلفن می‌زنند و می‌گویند که این اذان خیلی زیبا گفته شده است، می‌دانید چرا؟ من جوابتان را می‌دهم برای این که باطن - اشاره به قلب - خوشگل است، برای این که این اذان را با دهن روزه پر کردم تا قربه الی الله باشد. این یک کار مادی نبود بلکه معنوی بود نتیجه‌اش را هم می‌بینید. واعظ تهرانی درجایی گفته بود اذان همه قبول باشد اذان است اما این اذان مؤذنزاده آدم را وادار می‌کند که به مسجد بیاید.

البته این اذان گفتن در خانواده‌ی ما موروثی است. ۱۵۰ سال است که خانواده‌ی ما اذان می‌گویند. حتی زمانی که در اردبیل آن موقع‌ها شناسنامه می‌دادند به تناسب شغل و حرفه نام خانوادگی انتخاب می‌کردند. به بابایم هم گفته بودند تو چیکاره‌ای؟ گفته بود مؤذن. گفته بودند نام خانوادگی شما مؤذن است. زمانی که سال ۱۳۲۹ پدرم فوت کرد و من جای او رفتم. گوینده‌ها می‌گفتند اذان، اذانی که به وسیله استاد مؤذن "، زاده اردبیلی" گفته شده است. لذا این "زاده اردبیلی" از آن موقع به اسم ما اضافه شد. یک روزی هم تصمیم گرفتم تا یک اذان یادگیری را بگویم. در استودیوی ۶ صدا و سیما هر گوشه‌ای انداختم نشد تا اینکه آن را در روح‌الارواح آواز بیات ترک به این شکل که بیش از ۵۰ سال پخش می‌شود گفتم. ما ایرانی هستیم و اذان ما باید برخاسته از خودمان باشد. الان اذان خوان‌هایی هستند که تقلید می‌کنند از عربستان و این پسندیده نیست و خود ما باید ابتکار به خرج دهیم. الآن ۵۰ سال است که کسی نتوانسته روی این اذان من اذان بگوید حتی برادرم سلیم که آن صدای گیرا و زیبا را دارد و این خواست خداست. همان خدایی که می‌گوید اگر با من یک صدایی کنید، محبت شما را به قلوب همه می‌اندازم. البته ۲۰ سال پیش می‌خواستم یک اذان دیگر به مدت ۱۵ دقیقه که در وسط آن دعا است را پر کنم اما نگذاشتند و گفتند که اذان ۶ دقیقه بیشتر نمی‌شود. ولی در کل می‌خواهم بگویم در هر کاری که خدا و اخلاص در نظر گرفته شود آن کار جواب مثبتی خواهد داشت.»

مؤذن زاده اردبیلی که زمانی در اردبیل زندگی می‌کرد، بعدها به مهر شهر کرج کوچید و در آنجا ساکن شد. این اذان گوی سرشناس ایرانی، در سن هشتاد سالگی بر اثر بیماری روز پنجشنبه ۵ خرداد ۸۴ در تهران دعوت حق را لبیک گفت. روحش شاد...

مورخ الاسلام، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حاج میر سید علی بن میرزا محمد علی خان سابق الذکر.

ادیب فاضل مورخ، در شب یک شنبه ۶ صفر سال ۱۳۰۰ متولد، و در ذی حجه‌ی ۱۳۶۹ وفات یافته، در تکیه‌ی میر سید محمد شهشهانی مدفون گردید. [مدفن او در تکیه‌ی ملک واقع است].

کتب چندی تألیف فرموده، از آن جمله است:

۱ - سفرنامه‌ی کربلا ۲ هفت‌سائل العجم؛ و غیره.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

موسوی بلده، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد سید محسن موسوی بلده ۱۹ شهریور ماه ۱۳۳۲ شمسی در شهر تهران دیده به جهان گشود. ولادت او در خانواده‌ی مذهب، اولین طلیعه‌آشنایی او با کتاب انسان ساز قرآن شد جو مذهبی خانواده و اشتیاق قرآنی اقوام مادری، عامل دیگری در تربیت قرآنی او شد زیرا علاقه اقوام مادریش بخصوص دائیهایش او که همگی از ذاکران اهل بیت (علیه السلام) بودند اشتیاق او را نسبت به فراگیری قرآن دو چندان ساخت. بهمین دلیل پیش از ورود به دبستان بذر عشق به قرآن در نهادش جای گرفت و بتدریج باور شد پس از آن بود که با تشویق والدین و نزدیکان، زندگی قرآنیش رقم خورد. استاد موسوی علوه بر والدینش از استادش وطنی بعنوان کسی که نقش تعیین کننده در پرورش قرآنی او داشته یاد می کند خود او در این باره می گوید جناب آقای وطنی معلم قرآن کلاس چهارم دبستان، بود. او علاوه بر ظاهری بسیار مرتب و منظم، تدریس بسیار خوب و منظمی داشت. در آن زمان که کلاسهای قرآن مدارس و حتی هیئتهای مذهبی، وضع منظمی نداشت او با روش ویژه در آهنگین خواندن استفاده و با لحن خواندن آیات تمام شاگردان را به پیروی از سبکش موظف می ساخت.

استاد سید محسن موسوی در مراحل مختلف آموزش و فراگیری قرآن از محضر اساتیدی چون استا محمد تقی مروت بهره گرفت و علم تجوید را نزد او فرا گرفت. از دیگر اساتید او مرحوم دکتر سید ابراهیم مفیدی جراح و متخصص بیماریهای زنان بود که از محضر او بهره ها برد. اگر چه پیش از انقلاب و حتی سالهای قبل از آن جلسات قرآن و فراگیری ان مانند امروز منظم و دقیق نبود مباحث چون آموزش صوت و لحن مانند امروز وجود نداشت، با وجود این در اطراف و اکناف شهر تهران جلساتی به شیوه سنتی و هیئتی برقرار بود که بسیاری از قاریان برجسته کشور در این جلسات به فراگیری قرآن پرداختند. حاج محسن موسوی بلده در سال ۱۳۳۸ هـ ش تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان محمودیه اسلامی که آغاز کرد.

و در سال ۱۳۴۴ به پایان رساند. پس از آن در همان سال در مدرسه امیرکبیر تحصیلات دوره راهنمایی را آغاز کرد. و در سال ۱۳۵۰ دیپلم طبیعی را از دبیرستان جعفری اسلامی گرفت و از آنجا که به تحصیل و فراگیری علم و دانش علاقه وافری داشت در میان تمامی دبیرستانهای منطقه ۱۷ آموزش و پرورش آن زمان رتبه ممتاز را کسب نمود. که او عشقی بی نهایت به قرآن داشت در تمامی این سالها در کنار درس و تحصیل به فراگیری قرآن نیز می پرداخت و بدین ترتیب آینده اش در جوار این کتاب انسان ساز رقم خود. او در سال ۱۳۵۰ در رشته فیزیوتراپی در دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۵۴ به دریافت مدرک کارشناسی این رشته نائل شد و پ از انجام خدمت نظام وظیفه در سال ۱۳۵۶ در مرکز پزشکی شهدای هفتم تیر شهر ری مشغول به کار شد.

آقای سید محسن موسوی یکی از قاریان برجسته کشور در سال ۱۳۵۷ با خانم روحانی منش ازدواج نمود که او نیز معلم قرآن و مسئول بخش فرهنگی اداره دارالتحفیظ قرآن کریم است و علاقه و اشتیاق وافری به علوم قرآنی دارد ثمره این ازدواج سه فرزند دختر است از آنجا که استاد موسوی و همسرش از علاقه مندان و مشتاقان این کتاب الهی اند و در این زمینه فعالیت دارند عشق به قرآن در تمامی خانواده دیده می شود و فرزندان اگر چه قاری قرآن محسوب نمی شوند اما آشنایی کامل با تجوید قرائت دارند و در این زمینه فعالیت دارند. استاد سید محسن موسوی در ابتدا به سبک استاد مرحوم عبدالباسط تلاوت می کرد پس از آن از سال

۱۳۴۸ تا به تلاوتهای مرحوم علی البنا علاقه مند شد و به سبک او روی آورد خود او در این باره می گوید: من با تلاوت استاد مرحوم علی البنا آشنا شدم و آنچنان شیفته تلاوتهای این استاد بودم که چه شبها و روزها که نوار تلاوت علی البنا را می شنیدم و یا با برنامه هایی که بصورت زنده از تلاوتهای این استاد، سبک تلاوت مرا تفسیر داد. در آن زمان استاد موسوی با پیروی از سبک مرحوم علی البنا سبکی نو برای تلاوت خود برگزیده بود. پس از آن تلاوتهای استا احمد شیب و مدتی هم تلاوتهای استاد برجسته شیخ محمد عبدالعزیز حسان، آقای موسوی را به سمت خود جذب کرد.

استاد سید محسن موسوی بلده از جمله قاریانی است که اگر چه مدتهای مدید از تلاوت قاریان برجسته ای چون مرحوم عبدالباسط، مرحوم منشاوی، احمد شیب و عبدالعزیز حسان بهره ها گرفتن هرگز به تقلید محض توجه نداشت و همواره سعی می کرد سبک این اساتید برجسته را اقتباس کند و هرگز به تقلید از حرف از آنها نپردازد ایشان در همین زمینه به قاریان قرآن سفارش می کنند که در آغاز کار از استادی مشخص شروع کنند، نوارهای این استاد را آنقدر بشنوند و تقلید کنند تا زیر ساخت قوی برای نحو بدست آید پس از آن در دومین مرحله از استادی دیگر چند نوار تقلید شود تا به تدریج امر تلفیق در سبکها تلاوت بدست آید استاد موسوی به قاریان ایرانی سفارش می کند که در مرحله تلفیق تلاوتهای اساتید مختلف باید در تلاوتها چنان ذوب شوند تا همه آن را فرا بگیرند و نیز قاریانی که در ابتدای راه هستند باید حتما تلاوتهای خود را ضبط کنند و بشنوند و ایرادات آنرا برطرف کنند. توصیه ای که نه تنها برای برای ابتدای راه بلکه سازمانی که تلاوت انجام می شود باید آنرا در نظر داشت ایشان همچنین به قاریان قرآنی سفارش می کنند که از تمرکز بر تجوید و صوت و لحن در ابتدای کار باید پرهیز کنند و تنها باید به مفهوم و معنای آیه پرداخت زیرا اگر تلاوت بر اساس مفهوم و معنا انجام شود لحن تلاوت هم طبیعی و جذاب خواهد شد. استاد سید محسن موسوی از جمله قاریان و اساتیدی است که علاوه بر داخل کشور سفرهایی نیز به نشر فرهنگ قرآنی به برخی از کشورها داشته و در آنجا به تلاوت پرداخته است. او در سال ۱۳۵۷ قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در قالب گروهی اعزامی از دار التحفیظ قرآن کریم به مکه معظمه و مدینه منوره سفر کرد. او همچنین به همراه آقایان مرتضی رهنما، ذبیح الله تمرکز امیر محمودیون و احمد و احمد زرنگار به کشور سودان سفر کرده است. از جمله کشورهای دیگری که استاد مولوی در آنها به تلاوت پرداخته می توان به کشورهای مالزی، فرانسه، بنگلادش، امارات متحده عربی، برزیل، آرژانتین، سنگاپور، آلمان و ترکیه اشاره کرد که تلاوت ایشان را این کشورها با استقبال پر شور مردم مواجه بوده است:

یکی از خدمات ارزنده قرآنی استاد سید محسن موسوی به جامعه قرآن دوست کشور، کتاب دو جلدی حلیه القرآن در خصوص قواعد تجوید به روایت حفص از عاصم است که تا کنون با تیراژ سه میلیون استاد سید محسن موسوی تا کنون در بسیاری از مراکز قرآنی به تدریس تجوید قرآن کریم پرداخته که از آن جمله می توان به تدریس دوره ای و مقطعی در آموزش و پرورش، تدریس تجوید در ارتش جمهوری اسلامی، جهاد سازندگی، سازمان تبلیغات اسلامی، دار التحفیظ القرآن الکریم و نیز جلسات آموزش تجوید خواهران که از سالها قبل در منزل ایشان برگزار می شود و خدمت بزرگی به جامعه قرآنی خواهران است، اشاره کرد.

استاد سید محسن موسوی از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در محضر مقام معظم رهبری به تلاوت پرداخته و نیز در اولین مراسم حج تمتع پس از پیروزی انقلاب اسلامی در معیت آن حضرت به حج تمتع مشرف شده است و هم اکنون به عنوان مسئول بخش فیزیولوژی مرکز پزشکی شهدای هفتم تیر تهران به فعالیت مشغول است.

منابع زندگینامه: <http://www.ommolketab.net>

موسوی گرمارودی، علی

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علی موسوی گرمارودی در سال ۱۳۲۰ در قم بدنیا آمد. پدرش از دانشمندان اهل گرمارود الموت قزوین بود.

موسوی گرمارودی مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم قضایی و کارشناسی ارشد

و دکترای خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گرفته است .

او در عرصه شعر و ادبیات کشور حضور موثر داشته است که راه اندازی و مدیریت گلچرخ نمونه ای از تلاش های اوست.

کارنامه شعری گرمارودی مشتمل بر ۹ کتاب شعر با نامهای: عبور ، در سایه سار نخل ولایت ، سرود رگبار ، چمن لاله، خط خون ، دستچین ، باران اخم ، گزیده شعر نیستان ، تا ناکجا آباد و گزینه شعر به انتخاب

بهاءالدین خرمشاهی است و همچنین ۴ اثر زیر چاپ او عبارتند از : صدای سبز زندگی و شعر ادیب الممالک

فراهانی، از صدر تا ساقه و ترجمه قرآن کریم.

والدین و انساب : خانواده های گرما رودی از نظر اصل و نسب و ارتباط خویشاوندی به چند طایفه تقسیم می شوند که شامل طایفه های قروچی بیگی ، اورس بیگ و باقری و صادقی و اندجی و خانواد ده های غربال بند و موسوی و چند خانواده دیگر می باشند . خانوار موسوی از خانواده های مهاجر روستای میغ سازه کجوربه به مناطق «اوانک» و «گرمارود» می باشند. سید علی موسوی گرمارودی از پدری «الموتی» و مادر «تنکابنی» در محله «چهارمردان» قم به دنیا آمد . نام پدرش حجت الاسلام سید محمد موسوی گرمارودی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر سید علی موسوی گرمارودی وی ابتدا در مسجد جامع «گرمارود» مردم را راهنمایی می کرد ، پس در دوران جوانی به قم و سپس نجف هجرت و آنگاه دوباره به قم بازگشت و در همانجا سکنی گزیدند . تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید علی موسوی گرمارودی نخست نزد پدرش مقدمات را فراگرفت و پس از آن دبستان ملی «باقریه» رفت . او دوره دبیرستان را مدرسه شهید بهشتی (دین و دانش سابق) هم سپری نمود و پس از آن به مشهد عزیمت نمود و در نزد علمای آن سامان ، به فراگیری علوم دینی پرداخت . در سال ۱۳۴۵ وارد دانشکده حقوق شد و کارشناسی آن رشته را در رشته علوم قضایی کسب کرد. او سرانجام پس از گرفتن مدرک کارشناسی زبان و ادب فارسی با اخذ درجه دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید .

خاطرات و وقایع تحصیل : سید علی موسوی گرمارودی تحصیلات ابتدایی را در دبستان «باقریه» طی نمود ، او از این دوره چنین یاد می کند: «از آن دبستان ترکه های اناری که در حوض بزرگ مدرسه پیوسته در آن خیس خورد تا به کف دست شاگردان متخلف کوبیده شود ، همیشه چون کابوسی ، در ذهن من مانده است . گرچه دستهای کوچک من هرگز با آن چوبها تماس نیافت اما سالیانی دراز بعد از آن روزها ، وقتی درزندان شاه ستمگر ، زیر کابلهای سیمی ساواک ، به خوداز درد می پیچیدم ، چهره شکنجه

گر خود را شبیه ناظم بی رحم آن دبستان می دیدم .»

استادان و مربیان: سید علی موسوی گرما رودی مقدمات رانزد پدر فرا گرفت و پس از عزیمت به مشهد نزد علمای بزرگی چون: فردوسی پور، واعظ طبسی و اب نیشابوری دوم نهنگ و به کسب علوم دینی پرداخت.

هم دوره ای ها و همکاران: سید علی موسوی گرما رودی با شاعر بزرگ معاصر اخوان ثالث نیز آشنایی و رفت و آمد داشت و اخوان شعری نیز به نام او سروده بود. شاید از سر این آشنایی بود که کتاب «درباره هنر و ادبیات» را ناصر حریری به گفت و شنودی با مهدی اخوان ثالث و علی موسوی گرما رودی اختصاص داد که به وسیله انتشارات کتابسرای بابل در سال قبل از وفات اخوان منتشر شد.

وقایع میانسالی: اولین رویداد سیاسی بوقوع پیوسته درزندگی سید علی موسوی گرما رودی، غائله درانجمنهای ایالتی و ولایتی بود که وی درمدرسه فیضیه حضور داشت. او تاآستانه دستگیری و زندانی شدن نیز رفت که با کوشش آیت الله ربانی شیرازی نجات یافت. باورود به دانشگاه با برخی فعالان سیاسی آشنا شد و با شدت گرفتن مبارزان او بر چند رژیم پهلوی، درسال ۱۳۵۲ به وسیله ساواک دستگیر و نزدیک به چهار سال درزندانه‌های اوینو قصرحبس گردید.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: شورای انقلاب موسوی گرما رودی را به سرپرستی سازمان آموزشی نومرز منصوب کرد. همان مؤسسه فرانکلین سابق که در اواخر دهه ?? با ادغام در تشکیلات «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» از صورت یک مؤسسه خارج شد و از آغاز نیز با نام «شرکت انتشارات علمی و فرهنگی» با انتشارات علمی و فرهنگی (بنگاه ترجمه و نشر کتاب سابق) ادغام شد. علاوه بر این گرما رودی مدتی رایزن فرهنگی ایران در تاجیکستان بود و مدتی نیز مسئولیت تالار وحدت تهران را بر عهده داشت. او در مدت اقامتش در تاجیکستان به جد جریان شعر معاصر آن کشور فارسی زبان را دنبال کرد و در این باره مقالات تحقیقی متعدد نوشت.

فعالیت‌های آموزشی: سید علی موسوی گرما رودی مدت یک سال درحوزه فردوس به امر تدریس مشغول گردید. وی پس از واقعه پانزده خرداد و دستگیری امام، درتهران مستقیم گردید. او ابتدا در دبستان و سپس در دبیرستان علوی مشغول کار شد. او پس از انقلاب به تدریس در دانشگاه پرداخت.

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: با پیروزی انقلاب اسلامی، موسوی گرما رودی به همراه خانم طاهره صفارزاده «کانون فرهنگی نهضت اسلامی» را بنیاد نهاد. موسوی گرما رودی راه اندازی، مدیریت و سردبیری نشریه گلچرخ و انتشار یک مجله ادبی در تاجیکستان را نیز بر عهده داشته است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سید علی موسوی گرما رودی علاوه بر سرودن شعر و شرکت درانجمنهای ادبی، انتشار دو دوره نشریه ادبی گلچرخ را به عهده گرفت. انتشار مجله ماهنامه «گلچرخ» را باید به دو دوره تقسیم کرد: دوره نخست بصورت ضمیمه ادبی روزنامه دراطلاعات از روز سه شنبه ۱۲ شهریور ۱۳۶۵ لغایت خرداد ماه همین ماه منتشر شد. دور دوم فعالیت های این ماهنامه افزودن بر فعالیت‌های روزنامه نگاری در قلمرو ادبیات داستانی و بازنویسی زندگانی معصومین، آثار چندی از وی منتشر شده است.

آرا و گرایشهای خاص: «من آنچه را بر زبان شاعر می آید و بر کاغذ نوشته می شود، درخت صاعقه زده ای می بینم که روی زمین افتاده است. اگر گفته اند: من گنگ خوابدیده و عالم تمام کر / من عاجزم ز گفتن و خلق از شنیدنش... می تواند در باره همان جلوه نا پیدای شعر گفته شده باشد. آنچه از یک شعر ناب بر کاغذ یا زبان می آید در واقع تنها صورت ناظم و مرحله هبوط آن اصل اعلاست. آنچه ما از یک شاعر می خوانیم و می بینیم آن درخت برپای ایستاده در جنگل سبز خاطر، او نیست. توسکایی است که آذرخش خلاقیت شاعر بر آن گرفته است و آن را پیش پای ما افکنده است. منتقد با آن عوالم چه می تواند بکند؟ او هر چه می کند با بخش بیرونی شعر می کند.» این جملات را شاعر نام آشنا و توانا علی موسوی گرما رودی در میهمانی انجمن شاعران ایران و

در مراسم نکوداشت خویش بر زبان آورد. او میهمان نهمین برنامه میهمان ماه انجمن شاعران ایران و دفتر شعر جوان بود که در محل خانه شاعران برگزار شد. گرمارودی از آن دسته شاعرانی است که ضمن توجه به مسیر گذشته در شعر معاصر ره تازه می‌جوید. او درباره بسیاری از شاعران معاصر و هم عصر خویش هم تحقیقات فراوان کرده و هم نظرات دقیق و عمیقی ارائه کرده است. از آن جمله است نگاه او درباره شاعر بزرگ معاصر سهراب سپهری: «سپهری از کسانی است که راه نیما را شناخته بود، اما این را با خود با شخصیت یگانه خویش پیمود. او خود را با رنگ و کلمه بیان می‌کرد، مصالح خلاقیت او هم رنگ بود و هم کلمه و او با این هر دو نقاشی می‌کرد. یا با این هر دو مأموریت ادبی خود را انجام می‌داد. تعجب نفرمائید که برای نقاشی او نیز تأمل به مأموریت ادبی شده ام. می‌دانید که در نقاشی ایرانی از گذشته‌های دور به خاطر منعی که اسلام در مبارزه با آثار بت پرستی پیش آورده بود، پرسپکتیو ناگزیر حذف شده. یکی از منتقدان غربی می‌گوید نقاشی در آبستره به همانجایی رسیده است که نقاشی ایران اسلامی در طی قرون می‌پیمود یعنی در این نقاشی نیز مانند آبستره رنگ‌ها یکدیگر را فرا می‌خوانند. نقاشی مأموریت ادبی می‌یابد. اما شعر سپهری، شعر او در نخستین برخورد دارای چند ویژگی است، یکی این که سپهری نخستین کسی یا دست کم مهم ترین شاعری است که زبان شعر نو را با زبان محاوره پیوند زد. توضیح آن که در شعر نو شاعران در همان حال برخی دارای زبان خاص خویشند در یک چیز اشتراک دارند و آن زبان عام شاعرانه است در برابر زبان محاوره. در واقع می‌توان گفت که زبان شاعرانه هر شاعر و زبان خاص وی جنس و فصل شعر او را تشکیل می‌دهند. زبان شاعرانه در این تعبیر یعنی زبانی که علاوه بر حفظ ویژگی زبان خاص یک شاعر دارای ضخامت و اسلوب شعری است و حوزه لغات و تعبیرات و بیان در آن از نوعی است که آن را از سویی از زبان نوشتار متمایز می‌کند و از سویی دیگر از زبان گفتار. این ضخامت و اسلوب و تمایز و تمایل به ارگانسیم در کاربرد لغات به دست می‌آید. اما سپهری و البته اسماعیل شاهرودی و دیگرانی هم شاعرانی هستند که زبان شاعرانه را با زبان محاوره پیوند زده اند و به جای خود موفق هم بوده اند، اگر چه سپهری از این لحاظ موفق تر است.» موسوی گرمارودی همچنان که در عرصه شعر امروز و غزل امروز حرف تازه برای گفتن داشته، از آثار دیگر شاعران زمانه خویش نیز غفلت نکرده و چه بسا خارج از باورهای اعتقادی یا نگره سیاسی و فردی، شعر آنان را ارجح بر شعر خویش، به مخاطب شعر امروز توصیه کرده است. او در مرگ نوذر پرننگ از غزلسرایان فقید معاصر این حساسیت و دقت و توجه را به خوبی به نمایش گذاشت: «از دست رفتن نوذر پرننگ برای غزل معاصر ما لطمه بزرگی خواهد بود. پرننگ بی‌گمان یکی از برجسته ترین شاعران غزل نو است و تأثیر او در نسل های بعد از خودش، بر کسی پوشیده نیست. من در جلسه نقد و بررسی شعر پرننگ که با حضور خود شاعر و مرحوم منوچهر آتشی برگزار شد هم به این موضوع اشاره کردم که اشیا هم ناطق اند و گویا، اما به زبان بی‌زبانی. اما این طور نیست که پدیدارهای عالم با همه سخن بگویند؛ شاعران و بخصوص شاعرانی مانند پرننگ محرم رازهای پدیدارها هستند و پدیدارها با کسانی مانند او بیگانه و نامحرم نیستند. برخی از غزل‌های پرننگ در ادبیات ما جاودانه خواهند بود. پرننگ با توجه به مضمون این شعرش که می‌گوید: کجایی ای همه جای تو خوش رهایی، های! / دلم به سوی صدای تو رهسپار شده است، به سوی رهایی رفت. به جای دلش که در زندگی به سوی صدای رهایی رهسپار شد، حالا خودش به سوی رهایی رفته است. خاک بر او خوش باد!»

جوایز و نشانها: سید علی موسوی گرمارودی امسال (۱۳۸۵) به عنوان «چهره ماندگار بخش شعر» به وسیله بنیاد چهره های ماندگار انتخاب شد. او در مراسم این انتخاب ضمن قرائت بخشی از شعر پیامبر اعظم (ص) گفت من افتخار می‌کنم که با شعر علوی بزرگ شده ام و امروز به عنوان یک شاعر آئینی از من یاد می‌شود. در سالی که به نام پیامبر بزرگ اسلام نامگذاری شده است، باید در راستای اهداف نبوی و توسعه مفاهیم اسلامی گام برداریم و اندیشه های نبوی را در همه جامعه اسلامی خود جاری کنیم.»

چگونگی عرضه آثار: بهاءالدین خرمشاهی در مقدمه گزینۀ اشعار گرمارودی نوشته است: کارنامه شعری گرمارودی هم پر بار است هم پربرگ، کارنامه ای است کلان و مشتمل بر کتاب که حاصل سلوک ساله شعری اوست. کتاب شعر او عبارتند از: عبور، در

سایه سار نخل ولایت، سرود رگبار، چمن لاله، خط خون، دستچین، باران اخم، گزیده شعر نیستان، تاناکجا آباد. گزینه شعر گرمارودی را نیز بهاء‌الدین خرمشاهی انتخاب کرده است. سهیل محمودی درباره گرمارودی می‌گوید: موسوی گرمارودی یکی از کهن‌ترین قالب‌های شعر فارسی یعنی قصیده را در عرصه‌ای به نام شعر سپید تعریف کرده است. او از کسانی است که با تکیه بر گذشته شعر فارسی و با ارزش گذاری به گذشته که نه تقلید است و نه فقط تقدیس آن، برای امروز بهره گرفته است. چیزی که متأسفانه امروز در ادبیات ژورنالیست زده ما وجود ندارد و کسانی مانند اخوان یا سهراب در این راه موفق بوده‌اند و بخشی از این سنت را به شکل پویا در آورده‌اند. این بخشی از توجه گرمارودی به پیشینیان در قالب قصیده است. بخش دیگر نگاه معرفتی و دینی اوست که البته گاهی آنقدر به آن پرداخته شده که حجابی روی وجه شاعری او شده است. اما نگرش و منبع فکری است که به شعر عاشقانه ماهم معنی می‌دهد و گرمارودی در این وجه هم موفق بوده است. علی موسوی گرمارودی از پیشتازان شعر مذهبی امروز شناخته می‌شود. او تحصیلات مقدماتی خود را در قم و مشهد به پایان رساند و ادبیات عر آثار استاد گرمارودی به بخش کاملاً متفاوت تقسیم می‌شود. نخست شعر، در این زمینه؟ کتاب تا به حال از او منتشر شده است. «در سایه سار نخل ولایت» و «خط خون»، معروف‌ترین دفترهای شعر اوست. حوزه دیگر کارهای او، داستان نوجوانان است که در این زمینه هم «داستان پیامبران» معروف تر از بقیه استب را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. از ویژگی‌های شعری او تخیل گسترده و به دام آوردن اندیشه‌های نو در قالب کهن قصیده است گرمارودی در کار بازخوانی و خوانش ادبیات کهن نیز بوده و مجموعه‌ای از دیوان حافظ با صدای او منتشر شده و انجمن شاعران ایران نیز گویا روایت بوستان سعدی را با صدای او ضبط کرده است.

آثار :

۱؟؟ شعر ترجمه شده به زبان ایتالیایی (مجموعه شعر)،

۲ بابا تاریخ (داستان کوتاه)،

۳ پرتو انسان ها (داستان جلد اول و دوم)

۴ تا ناکجا آباد

ویژگی اثر : مجموعه شعر علی موسوی گرمارودی با نام «تاناکجا» به چاپ رسید که عکس‌های زیبای ریکاردو زیپولی از کوچه باغ‌های روستاهای مناطق کویری، دشت‌ها، بیابان‌ها و... آن را همراهی می‌کرد. کاری که در زمانه خویش مجموعه شعری متفاوت را رقم زد. زیپولی استاد دانشگاه «ونیز» و رایزن سابق فرهنگی سفارت ایتالیا در تهران بود. او همان است که کتاب شعرهای عباس کیارستمی را به زبان ایتالیایی ترجمه کرد.

۵ ترجمه قرآن مجید

ویژگی اثر : گرمارودی ادبیات عرب را نزد ادیب پیشاوری فراگرفت. آشنایی او با ادبیات عرب البته این نتیجه را نیز به همراه داشته که گرمارودی را ترغیب به ترجمه قرآن کریم کند. ترجمه‌ای که به سرعت به چاپ دوم رسید و در چاپ دوم ترجمه اش را ویرایش دوباره نیز کرد. چاپ نخست این ترجمه در حجمی هزار و ??? صفحه‌ای انتشار یافت، چاپ دوم آن نیز از سوی انتشارات قدیانی منتشر شد.

۶ داستان پیامبران

ویژگی اثر : جلد اول آن در کتاب از آدم تا مسیح که به صورت داستانی می‌باشد. (جلد اول: از آدم (ع) تا عیسی (ع)). گرمارودی علاوه بر شعر، نثر روان و فاخری نیز دارد. او در کتاب، داستان پیامبران را از آدم ابوالبشر (ع) تا حضرت ختمی مرتبت (ص) با این نثر روایت کرده است

- ۷ داستان پیامبران
ویژگی اثر: از حضرت محمد در جلد دوم
- ۸ در مسلخ عشق
ویژگی اثر: مجموعه داستانی می باشد.
- ۹ درباره هنر و ادبیات امروز
ویژگی اثر: این کتاب مصاحبه ناصر حریری با گرمارودی
- ۱۰ در مسلخ عشق (مجموعه داستان کوتاه مذهبی)،
۱۱ دستچین (مجموعه شعر)
۱۲ زندگی شیخ محمد تقی بافقی (داستان کوتاه)،
۱۳ سرود آسمانی
ویژگی اثر: ترجمه ای «از صحیفه سجادیه»
۱۴ صدای سبز
ویژگی اثر: آخرین مجموعه شعر منتشر شده این شاعر، «صدای سبز» (گزینه شعرها به اضافه بیش از شعر جدید) است.
- ۱۵ قلم انداز
ویژگی اثر: مجموعه مقالات و سفر نامه ها از ۱۳۴۸
- ۱۶ گزیده شعر نیستان
۱۷ گزینه شعر گرمارودی
ویژگی اثر: به گزینش مقدمه بهاء الدین خرمشاهی
- ۱۸ مجموعه تا کجا
۱۹ مجموعه شعر باران اخم
ویژگی اثر: گزینه شعر جنگ دفتر ادبیات و شعر مقاومت در سال ۱۳۷۳ تهران منتشر شده است
- ۲۰ مجموعه شعر چمن لاله
۲۱ مجموعه شعر خط خون
ویژگی اثر: از انتشارات زوار به سال ۱۳۶۳ می باشد
- ۲۲ مجموعه شعر درسایه سار نخل ولایت
ویژگی اثر: این اثر چاپ دوم و دفتر نشر فرهنگ اسلامی به سال ۱۳۵۸ می باشد.
- ۲۳ مجموعه شعر در فصل مردن سرخ
ویژگی اثر: این اثر از انتشارات راه امام به سال ۱۳۵۷ می باشد.
- ۲۴ مجموعه شعر سرود رگبار
ویژگی اثر: این اثر در سال ۱۳۵۷ رواق و چاپ دوم می باشد.
- ۲۵ مجموعه شعر عبور
ویژگی اثر: این اثر وی از آثار شعری اوست که در سال ۱۳۵۶ چاپ دوم می باشد.
- ۲۶ نهج البلاغه

ویژگی اثر: ترجمه ای

۲۷ نوح پیامبر (داستان کوتاه)،

۲۸ یونس (داستان کوتاه)،

موسوی، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی اکبر موسوی

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

از کودکی با شرکت در جلسات مذهبی و کلاس‌های علمی تاریخی عادت به مطالعه کردم، به تدریج در هنگام انقلاب و بعد از انقلاب با مطالعات معتبر سیاسی، علمی و با شرکت در برنامه‌های حزب جمهوری و جلسات دیگر و کنجکاوی‌های فراوان برای پاسخ به بعضی پرسش‌های اساسی که نیاز زیادی را احساس می‌نمودم (هدف‌های خلقت، علل اختلالات در میزان نعمت‌ها و علل تفاوت‌ها و علل رنج‌های موجود در جامعه و انسان و اینکه خدا چه رابطه‌ای با انسان دارد) با مطالب علمی، کلامی و تفسیری آشنایی پیدا کردم و شاید علت مهمی که به حوزه علمیه آمدم پاسخ به همین مسائل بود از همان دوران دبیرستان سال ۵۸ - ۵۹ - ۶۰ با کتب استاد مطهری زیاد مانوس بودم مثل کتاب‌های علل گرایش به مادیگری، جهان‌بینی، انسان و ایمان و عدل الهی و... گرچه بعضی کتب مثل عدل الهی مطالب دشواری داشت در آن سن، اما تلاش زیادی برای درک آن می‌کردم... در کلاس‌های کلامی، فلسفی، که از طرف انجمن اسلامی معلمان برای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دبیرستان‌های قزوین برگزار می‌شد با علاقه شرکت می‌کردم، اثبات واجب الوجود و پاسخ به شبهات و... بعد از مدتی که به جبهه‌ها رفتم؛ به قم آمدم در قم نیز بعد از آشنایی با اساتید مختلف و سلیقه‌های مختلف، شاید احساس می‌کنم روشی را انتخاب کرده‌ام. هم برای پاسخ به سوالات خودم و هم برای ارائه مطلب به دیگران و تبلیغ مطالب. بعد از سطوح حوزوی از سال ۱۳۷۰ در دروس آیات عظام مکارم جوادی آملی میرزاچواد آقا تبریزی وحید خراسانی شرکت نمودم به امید اینکه بتوانیم مسئولیتها را بانجام برسانیم.

موسوی، کاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد، محقق.

تولد: ۱۳۱۴، حسین آباد میامی از توابع شاهرود.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

سید کاظم موسوی، فرزند میرزا موسی، از شش سالگی به مکتب رفت. در حالی که قرآن را می‌آموخت سعی می‌کرد سوره‌های کوچک را نیز حفظ نماید. در همان دوران خواندن و نوشتن و بخشی از مقدمات درس‌های حوزه‌ای را نیز فراگرفت. در سیزده سالگی برای ادامه‌ی تحصیل به مشهد رفت. جلدین شرح لمعه را نزد حاج میرزا محمود مدرس، رسائل و مطالب و کفایتین را نیز در خدمت آیت‌الله شیخ هاشم قزوینی خواند. درس خارج را ابتدا در محضر آیت‌الله شیخ آقا بزرگ جواد تهرانی فراگرفت. و بعد از آن آیت‌الله سید محمد ادی میلانی در حلقه‌ی درس خارج نیز شرکت نمود و سپس اجاره را در حضورشان خواند. خلاصه‌ی درس را پس از خروج از محضر استاد به عربی می‌نوشت و با توجه به شیوه کتابت‌ش به عنوان مقرر آیت‌الله میلانی پذیرفته شدند. در اوایل رمضان سال ۱۳۳۶ اولین فرصت شغلی برایش پیش آمد و از وی به منظور همکاری با انتشارات کتب اسلامی دعوت شد. متعاقباً به تصحیح مجلد اول تا چهاردهم، و تحشیه و تصحیح و تخریح و مجلدات ۳۵ تا ۴۲ کتاب بحارالانوار مشغول شد. در کنار این وظیفه، تصحیح کتب دیگری از جمله ارشاد شیخ مفید، تفسیر مقتنیات‌الدور، ادب النفس، شواهد و مجمع البیان را عهده‌دار شد.

در سال ۱۳۴۰ با استاد رضا روزبه آشنا شد و دو سال بعد از طرف دبیرستان علوی دعوت به همکاری شد. این سال آغاز همکاری فرهنگی وی با رضا روزبه که تا سال ۱۳۵۲ یعنی تاریخ وفات استاد ادامه داشت. یکی از نتایج این همکاری تألیف مجلدات اول و دوم عربی آسان بود. جلدهای سوم چهارم و پنجم بعدها تهیه شد.

به موازات فعالیت‌های فرهنگی به تحصیلات دانشگاهی هم پرداخت و با طی مدارج لیسانس و فوق لیسانس در سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ در رشته‌ی زبان و ادبیات عرب فارغ‌التحصیل شد.

در سال ۱۳۴۹ مسئولیت اداره‌ی انجمن اسلام‌شناسی بانوان را که به وسیله‌ی سید حسن شاهچراغی بنیانگذاری شده بود از طرف روزبه پذیرفت. در سال ۱۳۵۰ مدرسه راهنمایی دخترانه‌ی روشنگر و پس از آن دبیرستان روشنگر را تأسیس کرد. علاوه بر فعالیت‌های یاد شده در سایر انجمن‌ها و کانون‌ها فعالیت علمی و اجتماعی داشته و دانشجویان را در بررسی و تتبع در بهره‌گیری از متون اسلامی و نیز در تهیه و تنظیم پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایشان یاری می‌نمود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان نماینده‌ی امام در وزارت آموزش و پرورش منصوب شدند. در زمان وزارت آقای محمدعلی رجایی مشاور عالی وزارتخانه بودند و همزمان با کار مشاوره عضویت دادگاه تجدید نظر اداری، شورای انتخاب نشریه‌ی وزارت ارشاد اسلامی، شورای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و شورای سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مدارس را نیز دارا بودند. آخرین سمت اداری ایشان معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش بود.

سید کاظم موسوی در جریان بمب‌گذاری و انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در تهران در سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

موسوی، محمد مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۵.

درگذشت: ۲۸ آذر ۱۳۶۴.

سید محمد مهدی موسوی از آگاهان تاریخ دوره قاجار بود. از آثارش تصحیح خاطرات محمودخان احتشام‌الدوله بود. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

موسوی، ناصر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ناصر موسوی

محل تولد: بیجار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد سال ۱۳۵۴ در یکی از روستاهای بیجار کردستان هستم. در ۶ سالگی به جنوب تهران و پس از یک سال به شهریار مهاجرت کردم. از سال اول ابتدائی تا پایان دوره راهنمائی در شهریار (شهرک امیریه) تحصیل کردم. از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ در هنرستان فنی شهریار دیپلم فنی رشته «راه و ساختمان» را اخذ کردم و سپس وارد حوزه شدم.

از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ در حوزه علمیه «امام صادق (ع)» شهریار تحصیل کردم و موفق شدم در مدت ۴ سال، ۶ پایه تحصیلی را گذرانده و به قم منتقل شوم. از ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ در قم مشغول تحصیل شدم، یک سال در حوزه علمیه «امام صادق (ع) نیروگاه» و دو سال نیز در مدرسه «ولیعصر (عج): مدرسه علمیه میرزا هاشم املی» و پس از پایان پایه ۹ ضمن قبولی در مدرّسی حوزه به حوزه علمیه تهران رفته و در مدرسه علمیه «حجت بن الحسن» به مدت دو سال رسماً مدرس آنجا بودم. البته دو سال دیگر هم به صورت پاره وقت با آنها همکاری داشتم.

ضمناً از سال ۷۹ در موسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) هم قبول شدم و در سال ۸۴ با اخذ مدرک لیسانس فارغ التحصیل شدم. اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد رشته «تاریخ تمدن اسلامی» در مدرسه عالی امام خمینی (ره) واقع در فلکه جهاد می باشم. دروس این دوره نیز پایان یافته و اکنون مشغول پایان نامه آن می باشم.

مولوی شیرازی، علی اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۷ ق)، فقیه، عالم دینی، قاری، زاهد و شاعر، متخلص به مولوی. در علم تجوید و قرائت قرآن مجید متبحر بود. او در شیراز

در گذشت و در تکیه‌ی حافظیه به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۴۳۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵/۵۶۳)، الذریعه (۹/۱۱۲۴)، ریحانه (۶/۲۹).

مهدوی، مصلح‌الدین محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۴ - ۱۲۹۴ ش)، عالم، مورخ، ادیب و نویسنده. خاندانش در اصفهان به سادات خواجویی معروف می‌باشند. وی در اصفهان به دنیا آمد. ابتدا در مدرسه‌ی اقدسیه و سپس گلپهار و مدتی نیز در حوزه‌ی علمیه اصفهان تحصیل کرد و پس از آن به تهران آمد و در دانشسرای عالی معلومات خود را تکمیل نمود. نزد استادان بسیاری علوم مختلف را فراگرفت. از اساتید او می‌توان به میرزا محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، صاحب «مکارم الآثار»، و آقا سید محمد کاظم عصار و ملا محمدباقر همامی و آقا میرزا محمدباقر امامی و آقا شیخ حسن قاضی عسکر داورپناه و آقا شیخ محمدحسین فاضل تونی و آقا سید حسن مدرس هاشمی و همچنین می‌توان به آیات عظام مرعشی نجفی، آقا بزرگ تهرانی، شیخ محمدباقر کمره‌ای، سید مصطفی صفایی خوانساری، سید محمد شیرازی، سید محمدعلی روضاتی، سید ضیاءالدین علامه، سید علی فانی و شیخ محمدعلی عراقی اشاره کرد که از بسیاری از ایشان اجازه روایت گرفت. وی از پانزده سالگی بر کتاب «تذکره القبور» آخوند ملا عبدالکریم گزی، مشتمل بر شرح حال یکصد تن از علماء و شعرا و عرفای اصفهان، حواشی نوشت و در ۱۳۶۹ ق آن را تحت نام «رجال اصفهان» مشتمل بر شرح حال هفتصد تن به چاپ رساند. سپس آن را کامل تر نمود مجدداً تحت نام «تذکره القبور» یا «دانشمندان و بزرگان اصفهان»، مشتمل بر شرح حال متجاوز از دو هزار تن منتشر کرد. گفته‌اند که تألیفات وی بالغ بر هشتاد عنوان است. از دیگر آثارش: «مزارات اصفهان یا تخت فولاد»؛ «زندگینامه‌ی علامه محمدباقر مجلسی»؛ «بیان المفآخر»؛ در باب احوال سید حجة الاسلام شفتی؛ تذکره‌ی «شعرا و معاصر اصفهان»؛ «تاریخچه‌ی شهر سامرا»؛ «زندگینامه‌ی حضرتین عسکرین علیهما السلام»؛ «عطیة الجواد»، در زندگانی و کلمات قصار امام نهم (ع)؛ «اوضاع علمی، فرهنگی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (مقدمه)، الذریعه (۹۷-۹۶/۱۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۵۷-۵۵۶/۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۱۲، ش ۱۲۶، ص ۶۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۲۴۶).

مهر علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۰۴ ق)، قلمدان‌ساز. در سیاه قمل دست داشت و به شیوه‌ی آقا فتح‌الله قلمدان‌سازی می‌کرد. از آثار وی قلمدان گل و مرغی زیبایی است که به شیوه‌ی آقا فتح‌الله عمل آورده و در وسط مدالیون رویه آن، تصویر یک شکارچی است که شیری را شکار کرده و حواشی آن، پر از گل‌های رنگین است و رقم «مهر علی سنه ۱۳۰۴» دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳/۱۲۵۱).

مهرانی نیشابوری، ابوبکر احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۸۱- ۲۹۵ ق)، محدث، مقری، زاهد و عابد. معروف به ابن مهران. اصلش از اصفهان و ساکن نیشابور و شیخ الاسلام آنجا بود. ابوعبدالله حاکم نیشابوری گوید که وی امام عصرش در قرآت بود. در طلب اسانید قرآت به عراق و شام مسافرت نمود. در عراق قرآن را بر زید بن ابی بلال و ابوحسین بن بویان یا ثوبان و ابوبکر نقاش و ابوعیسی بکار و ابن مقسم و در دمشق بر ابوالحسن محمد بن نصر خرم تلاوت نمود. مهدی بن طراه و جماعتی بر او قرآن را تلاوت نمودند. در نیشابور از ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه و ابوالعباس سراج ثقفی و ابوالعباس ماسرجسی و مکی بن عبدان و جماعتی دیگر حدیث شنید. حاکم ابوعبدالله حافظ و ابن مسرور و ابوسعید کنجرودی و عبدالرحمان بن علیک و ابوسعید احمد بن ابراهیم مقری از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «الغایه فی القراءات»، «الشامل فی القراءات»، «سجود القرآن»، «غرائب القرآن»، «الاتفاق و الانفراد»، «اختلاف عدد السور»، «الوقف و الابتداء»، «وقوف القرآن»، «رؤوس الآیات»، «آیات القرآن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۱۱۲)، انساب سمعانی (۴۱۳- ۴۱۲/۵)، تذکره الحفاظ (۳/۹۷۵)، سیر النبلاء (۴۰۷- ۴۰۶/۱۶)، شذرات الذهب (۳/۹۸)، العبر (۱۵۸- ۱۵۷/۲)، کشف الظنون (۱۴۲۴، ۱۰۲۵)، معجم الادباء (۱۵- ۱۲/۳)، النجوم الزاهرة (۴/۱۶۳)، هدیة العارفين (۱/۶۷).

میر خواند بلخی، محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۹۰۳- ۸۳۷ ق)، مورخ، ادیب و شاعر. معروف به میر خواند و امیر خواند. وی در شمار بزرگترین مورخان عهد تیموری بود. خاندان وی از سادات حسینی است و سلسله‌ی آباء و اجدادش به زید بن علی بن حسین (ع) منتهی می‌شود. در بلخ به دنیا آمد و در جوانی به هرات رفت و در آنجا تحصیلات خود را در علوم معقول و منقول به پایان رساند. وی از همان آغاز مورد توجه سلطان حسین بایقرا و وزیرش امیرعلیشیر نوایی (۹۰۶- ۸۴۴ ق) قرار گرفت و دوستی و الفت همواره بین میرخواند و امیرعلیشیر برقرار بود، به همین دلیل میرخواند کتاب «روضه الصفا» را به نام او تألیف کرد. وی در فن تاریخ و صنعت انشاء و فنون ادب مهارت بسزایی داشت با این وجود به مشاغل دیوانی روی نیاورد تا در اواخر عمر، کارش به انقطاع و انزوا کشید و بیش از یک سال در گازرگاه هرات منزوی شد و به علت بیماری به هرات منتقل گردید و در آنجا نیز درگذشت و در مزار شیخ بهاءالدین که پیر و مراد پدرش بود، به خاک سپرده شد. صاحب «ریحانه‌ی الادب» او را معاصر جامی می‌داند و در «دایرة‌المعارف فارسی» زندگی پدر میرخواند، بهاءالدین خواند شاه، با صاحب عنوان در آمیخته شده است. گروهی از منابع نیز در مورد محل تولد و تحصیلاتش اختلاف دارند.

از آثار وی: «روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء»، مشتمل بر وقایع عمومی عالم از بدو خلقت تا زمان خود مؤلف. تاریخ او قسمتی ترجمه از تاریخ‌های عربی و قسمتی اقتباس از تواریخ خاصه فارسی و حتی نقل به عبارت از «جامع التواریخ» رشیدی و «ظفرنامه» شرف‌الدین علی با اندکی اصلاح است. می‌خواند طرح این کتاب را در هفت جلد افکنده بود، با شروع جلد هفتم شدت بیماریش مانع پیشرفتش شد و از این رو نواده‌ی او غیاث‌الدین خواند میر، مؤلف «حیب السیر»، این کتاب را به اتمام رسانید و حوادث عهد تیموری را تا ۹۲۹ ق به آن افزود. رضاقلی خان هدایت ذیلی بر این کتاب در سه مجلد تا حوادث زمان خود نوشته و آن را، به اسم ناصرالدین شاه قاجار، «روضه الصفا ناصری» نامیده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۶۲۵-۶۲۱)، اعیان الشیعه (۹/۴۰۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۲۳-۴/۵۱۹)، تاریخ در ایران (۱۵۲-۱۵۱)، تاریخ مغول (۴۹۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۴۰-۲۳۹)، تعلیقات مزارات هرات (۵۱)، حیب السیر (۴/۳۴۱-۳۴۲)، دایره‌المعارف فارسی (۲/۲۹۵۳)، الذریعه (۲۹۷-۱۱/۲۹۶، ۱۱۴۰، ۹/۳۰۷)، روضه الصفا (مقدمه/ک-ع)، ریحانه (۶/۵۴-۵۶)، سبک شناسی (۲۰۵-۳/۲۰۴)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۳۴-۲۳۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۵-۴۹۴)، فرهنگ سخنوران (۹۰۰-۸۹۹)، کشف الظنون (۹۲۷-۹۲۶)، الکنی و الالقاب (۳/۲۲۰)، لغت نامه (ذیل/ می‌خواند)، مجالس النفائس (۲۷۰-۹۴)، مزارات هرات (۱۱۸)، مؤلفین کتب چاپی (۴۵۸-۵/۴۵۵)، هدیه الاحباب (۲۵۲).

میر شمس شهشانی، سهیلا

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

دکتر سهیلا میرشمس شهشانی، متولد ۱۳۲۷ ه.ش در تهران، دارای دکتری انسان شناسی از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا در سال ۱۹۸۱ م و عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال ۱۳۷۰ می باشد. گروه: علوم انسانی رسته: علوم اجتماع‌ال‌دین و انساب: سهیلا میرشمس شهشانی دارای دو برادر است که آنها ریاضیدان هستند خاطرات کودکی: سهیلا میرشمس شهشانی قبل از رفتن به آمریکا چنین می گوید: فکر می کردم روانشناسی بخوانم. تصورم این بود که رشته روانشناسی، یک رشته خیلی جذاب است ولی وقتی در بهار سال ۱۹۵۶ به خارج رفتم، کم کم علایقم تغییر کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: دیپلم: ۱۳۴۵ / آمریکا. کارشناسی: فلسفه / ۱۳۴۸ / دانشگاه کالیفرنیا، برکلی. کارشناسی ارشد: انسان شناسی / ۱۳۵۲ / نیویورک / گرادویت فکولتی نیواسکول فور سوشال ریسرچ. دکتری: انسان شناسی / ۱۳۶۰ / نیویورک / گرادویت فکولتی نیواسکول فور سوشال ریسرچ است. خاطرات و وقایع تحصیل: سهیلا میرشمس شهشانی در باره تعیین رشته خود چنین میگوید: قبل از رفتن به آمریکا، عمدتاً با روانکاوی آشنا بودم و فکر می کردم که روانکاو خواهم شد. من از طریق برخی مقالات و دایره المعارف فهمیده بودم که روانکاوی چه هست ولی وقتی که در آمریکا، آثاری بیش تر را مطالعه کردم، دیدم روانکاوی آن طور که دوست داشتم، جذاب نیست. در دانشگاه هم وارد رشته فلسفه شدم. در ترم اول که ترم تابستانه بود، فقط یک درس را گرفتم و آن هم کتاب جمهوری افلاطون بود. بعد از اخذ مدرک لیسانس فلسفه، به نیویورک رفتم و در کلاس یکی از معروف ترین استادان انسان شناسی شرکت و به این رشته علاقه پیدا کردم. البته دپارتمان انسان شناسی دانشگاه کالیفرنیا در برکلی، بسیار معروف بود ولی من در دوره لیسانس به انسان شناسی علاقه نداشتم. وقایع میانسالی: سهیلا میرشمس شهشانی پس از فراغت از تحصیل و بازگشت از آمریکا به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در گروه علوم اجتماعی پذیرفته شد و وی هم اکنون در آنجا سمت دانشیاری

دارد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سهیلا میرشمس شهشهانی عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی و سردبیر مجله انسان‌شناسی، و سردبیر مجله فرهنگ انسان و معاون کنونی مجمع بین‌المللی علوم انسان‌شناسی و قوم‌شناسی می‌باشد. آرا و گرایش‌های خاص: سهیلا میرشمس شهشهانی معتقد است: انسان‌شناسی نسبت به یک جامعه‌شناخت می‌دهد. ممکن است توانمندی‌های جامعه‌موضوع تحقیق باشد و یا این که کسی بخواهد ضعف‌ها را نشان دهد.

میراحمدی، مریم

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای تاریخ و فرهنگ ایران (ایران‌شناسی).

مرتبه علمی:

استاد دانشکده الهیات و ادبیات دانشگاه الزهرا.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

احیاء متون قدیمی تاریخی به زبان فارسی، همکاری با مجلات و عضویت در هیأت تحریریه مجله تحقیقات تاریخی (تهران) و مجله دانشکده ادبیات (مشهد)، عضویت در انجمن اروپایی ایران‌شناسان (آلمان) و انجمن فرهنگ و زبان‌های ایرانی (انگلستان). راهنمائی، مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا در زمینه‌های تاریخی و فرهنگ ایران.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۰

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی تألیفات:

تاریخ ایران در دوران اسلامی، فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، تأثیر و تحلیل وقایع تاریخی و اجتماعی بر ادبیات معاصر ایران، روند تاریخی دیوان در ایران.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

تاریخ و فرهنگ ایران در دوران اسلامی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرجعفری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۹، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ از دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز در سال ۱۳۴۴، دکترای تخصصی تاریخ از دانشکده الهیات استانبول ترکیه در سال ۱۳۵۱.

مرتبه علمی:

استادیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۸، دانشیار دانشگاه اصفهان از سال ۱۳۵۸.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس دروس تشکیل دولت صفوی، فرهنگ و تمدن عصر صفوی، تاریخ ایران از مغول تا صفویه، تاریخ عثمان، تاریخ ادیان، قرائت متون تاریخی به فارسی، شناخت و نقد منابع تاریخ ایران بعد از اسلام در دانشگاه اصفهان و مطالعه و پژوهش در زمینه‌های تاریخی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

سیری در تاریخ فرهنگ ایران در زمینه تاریخ.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۱، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۴

زمینه علمی مقالات:

پناهندگی شاهزاده بایزید به ایران، شاطری و شاطر روانی در عصر صفویه، تصوف و تجلی آن در دوره صفویه، ایل شاهسون در

ایران، منازعات حیدری و نعمتی در ایران، زندگانی القاصی میرزای صفوی، سایر مقالات تاریخی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میر حسنی، اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۰، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تعلیم و تربیت، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت مدرس

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۴۸، کارشناسی ارشد آموزش زبان (به عنوان زبان

خارجی) از دانشگاه کلورادوی آمریکا در سال ۱۳۵۳، دکترای تعلیم و تربیت (با تأکید بر آموزش زبان) از دانشگاه کلورادوی آمریکا در سال ۱۳۵۶.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تهیه فرهنگ جامع آموزش زبان، تدریس در دانشگاه تربیت مدرس، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳۷ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲۱

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

روانشناسی یادگیری، تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، گرامر انگلیسی، ارتباط گفتاری و فرهنگ لغت.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۹، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۸

زمینه علمی مقالات:

مشکلات آموزش زبان، نگارش، تعلیم و تربیت در اسلام، آموزش و پرورش و تغییر طبقات اجتماعی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میرزا باشی، شکرالله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، فلزکار. اثر هنری او، آفتابه‌ی خوش طرح و پرآذین اسلیمی است که در دهانه‌ی آن رقم «شکرالله میرزا باشی» دارد.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲۴۷-۲۴۶/۱).

میرزایی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد میرزایی

محل تولد: میاندوآب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۵/۱۰

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک و قبولی در کنکور سراسری ۱۳۷۴ در رشته مهندسی برق (گرایش الکترونیک) با مشورت و راهنمایی و صلاحدید پدرم وارد حوزه علمیه شده و رشته مهندسی را ادامه ندادم (سال ورود به حوزه ۱۳۷۴). در مدت ۵ سال در حوزه علمیه «حضرت ولی عصر بناب» مقدمات را به اتمام رسانده و در سال ۱۳۷۹ عازم قم شدم. همزمان با تحصیل در مقطع سطح، وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام (ره) در رشته «معارف اسلامی و جامعه شناسی» شدم. در سال ۱۳۸۳ دوره لیسانس را همزمان با اتمام پایه ۱۰ به پایان رساندم و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته «الهیات» ادامه داده و فارغ التحصیل شدم. سابقه ۳ سال درس خارج دارم و همچنان مشغولم. انشاء الله.

میر قرشی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، مجلد و شاعر، متخلص به خطایی. نگارگر و صحاف قوی دست دوران تیموری در شهر سمرقند بود و در سرودن شعر نیز دست داشت. میر قرشی در سمرقند در گذشت و همان جا به خاک سپرده شد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳/۱۳۳۶)، الذریعه (۹/۲۹۸، ۸۸۱)، مجالس النفائس (۲۲۰، ۴۷).

میرم جلبی، محمود

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۳۱ ق)، منجم، ادیب و مورخ. مشهور به میرم. از علمای عثمانی بود و در تاریخ و ادبیات عرب و هیئت و ریاضی مهارت داشت. وی معلم سلطان بایزید خان ثانی عثمانی بود. مدتی نیز از جانب سلطان سلیم خان (۹۲۶-۹۱۸ ق) قاضی عسکر آناتولی شد. او سپس به زیارت بیت الله الحرام رفت و بعد از مراجعت در گذشت. از آثارش: «دستور العمل فی تصحیح الجداول»، شرح بر «زیج الغ بیگ»، به امر سلطان بایزید و در ۹۰۴ ق، که آن را به دربار هدیه کرد؛ شرح «رساله‌ی فتحیه» ملا علی قوشچی؛ «رساله فی معرفه سمت القبلة»، که آن را به سلطان بایزید هدیه کرد؛ «کتاب الضمائر»، «منیه الصیادین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱/۴۷۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/۱۰۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۱)، ریحانه (۶/۷۸)، کشف الظنون (۱۸۸۶، ۱۴۳۴، ۱۲۳۶، ۹۶۶، ۸۷۲، ۸۶۶)، لغت نامه (ذیل / میرم)، معجم المؤلفین (۱۹۶-۱۹۵/۱۲).

میری، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عباس میری

محل تولد: خضری قائنات

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

سید عباس میری (محقق و نویسنده حوزه علمیه قم) در سال ۱۳۳۵ شمسی در خضری از توابع شهرستان قاین دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در مکتب خانه قرآن مجید فرا گرفت. دوره دبستان را تا ششم نظام قدیم در موطن خود گذراند. در سال ۱۳۵۰ شمسی داوطلبانه وارد حوزه علمیه گناباد (جنوب خراسان) شد. ادبیات عرب تا سیوطی را در حوزه گناباد از محضر اساتید حوزه: «حاج شیخ حسین نصیری، سید ناصر خطیبی و دیگران» آموخت.

در سال ۱۳۵۲ شمسی عازم حوزه علمیه مشهد شد. در مدرسه نواب که از بهترین مدارس حوزه مشهد به شمار می آمد، ساکن شد. تحت برنامه های منظم و کلاسیک مدرسه «آیه الله سید محمد موسوی نژاد»، از محضر اساتید برجسته مدرسه مثل: (جناب آقای نصرتی، ناطقی، سید علی اصغر حسینی، سید محمد موسوی نژاد، سید مهدی موسوی نژاد، شهید ابوالقاسم قاسمی، آقای اسلامی و امیری)، دوره کامل مقدمات، اصول فقه، شرح لمعه و رسائل شیخ انصاری را فرا گرفت. خارج از برنامه های مدرسه فوق، از درس لمعه و رسائل آیه الله طبسی: (تولیت فعلی آستان مقدس رضوی)، آیه الله رضازاده، عباسپور، حائری طبسی، موسوی شاهرودی و شیخ علی تهرانی به طور آزاد بهره برد. بخش زیادی از مکاسب شیخ انصاری را از حوزه درس استاد بزرگ حوزه مشهد «آیه الله حاج شیخ علی آقای فلسفی» و کفایتین را از حوزه درس «آیه الله رضازاده» و مدتی از درس خارج «آیه الله اعلم» استفاده کرد.

به موازات درس معمول حوزوی، درسهای تفسیر، نهج البلاغه، معارف دینی، مباحث اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را از جلسات پر رونق و بیدارگر «مقام معظم رهبری» و مبحث شناخت را از شیخ علی تهرانی و شهید عبدالکریم هاشمی نژاد و مدتی از حوزه درس تفسیر آیه الله میرزا جواد آقای تهرانی و محامی بهره مند شد و مباحث حدیث شناسی را از محضر استاد علی حکیمی استفاده کرد و در ضمن از سال ۱۳۵۴ شمسی تاکنون به امر تبلیغ در بسیاری از مناطق کشور اشتغال داشته است.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ برای ادامه و تکمیل تحصیلات، عازم حوزه علمیه قم شد. پس از چند ماهی که در مدرسه آیه الله غیوری به سر برد با بازگشائی مدرسه مبارکه فیضیه پس از انقلاب اسلامی در آنجا ساکن شد. با استفاده از دروس اساتید بزرگ حوزه به تکمیل آموخته های خود پرداخت. بخشهای کفایتین، یک دوره خارج اصول، بخشهایی از مباحث

خارج فقه (کتاب حج) از حوزه درس «آیه‌الله فاضل لنکرانی» استفاده کرد.

مباحثی از کتاب حج را از حوزه درس «آیه‌الله جنتی» آموخت، در درس خارج فقه کتاب قضا «آیه‌الله نوری همدانی» و «آیه‌الله سید محمد هاشمی شاهرودی» شرکت جست. از درسهای خارج فقه آقای منتظری تا زمانی که درس وی رسمیت داشت کتابهای حدود و دیات، ولایت فقیه، زکات و ... را آموخت. سپس مباحث خارج صلاه، بیع، خیارات و بخشهایی از مباحث خارج اصول را از محضر استاد بزرگ حوزه «آیه‌الله وحید خراسانی» استفاده کرده و هم اکنون از محضر آن استاد بزرگ کسب فیض می نماید. مدتی از درسهای خارج اصول «آیه‌الله مکارم شیرازی»، «آیه‌الله میرزا جواد آقا تبریزی»، «آیه‌الله جعفر سبحانی»، «آیه‌الله فاطمی تویسرکانی» کسب فیض کرد.

دانش درایه، حدیث و رجال را از محضر رجالی بزرگ و برجسته «آیه‌الله سید موسی شبیری زنجانی»، «آیه‌الله نوری همدانی»، «منتظری» و ... فرا گرفت و از برخی درسهای مقطعی «آیه‌الله صانعی» و «صالحی نجف آبادی» بهره برده است. بدایه و نهایه را از استاد فیاضی، دکتر احمد احمدی و «آیه‌الله مصباح یزدی»، و منظومه ملاهادی سبزواری را از آیه‌الله شیخ یحیی انصاری و نکونام و بخشهایی از اسفار را از «آیه‌الله جوادی آملی»، محمدی گیلانی و بخشهایی از اشارات را از حوزه درس «آیه‌الله حسن زاده آملی» فرا گرفت.

از درس تفسیر «آیه‌الله مشکینی» و مباحث خارج فقه (کتاب مضاربه) و مباحث اخلاقی وی استفاده کرد. در حوزه درس تفسیر «آیه‌الله ملکوتی» و «آیه‌الله جوادی آملی» چند سالی شرکت نمود، مباحث اخلاقی را از «آیه‌الله بهاءالدینی»، «آیه‌الله مظاهری» و «شب زنده دار» آموخت. مباحث اقتصاد اسلامی را از محضر «آیه‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی»، «آیه‌الله سید محمد شیرازی» و «آیه‌الله مشکینی» آموخت و چند وقتی از کلاس درس نهج البلاغه «آیه‌الله صالحی نجف آبادی» بهره گرفت.

در کنار حضور در درس اساتید بزرگ حوزه از سال ۱۳۶۱ با تأسیس مجله وزین حوزه و مجله فقه کاوش نو در بخش تحقیق، پژوهش و نگارش مقاله از آغاز تاکنون همکاری داشته و دارد. در این راستا برای آمادگی جهت حضور در عرصه قلم و نگارش پیش نیازی مثل زبان و ادبیات فارسی، انگلیسی، عربی، روان شناسی، جامعه شناسی و نقد فیلم را فرا گرفت. با معجم المفهرس بحارالانوار دفتر تبلیغات حدود یک سال همکاری نموده است. حدود ۳ سال با تفسیر راهنما در فرهنگ و معارف قرآن همکاری علمی داشته است. با رادیو معارف بخش همراه با فرزندان مدتی همکاره نموده است. مقالاتی از وی به زبان عربی و انگلیسی ترجمه است.

گذشته از مجله حوزه، فقه کاوشی نو، با مجله نگاه حوزه مشهد، مجله کتاب ماه وزارت ارشاد، برخی روزنامه ها، همایشها و کنگره ها و سمینارهای علمی زیادی مثل: کنگره شیخ انصاری، مفید، خوانساریها، نراقیها، آقا مصطفی نائینی، میرزا حسن آشتیانی، میرزا سید عبدالحسن شرف الدین و ... همکاری نموده است. حدود ۲ سال است که تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی تهران را آغاز نموده و در دانشکده علوم پایه هم اکنون نیز تدریس می نماید. ضمناً از سال ۱۳۷۱ به عنوان روحانی کاروانهای حج و عمره به انجام وظیفه تعلیم مناسک و معارف حج اشتغال داشته و دارد.

میناساز، تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش. از استادکاران و میناسازان ماهر دوره فتحعلی شاه قاجار بود. از آثار مینایی این استاد سرقلیان مینایی پرآذینی است که تصاویر گل و بلبل دارد و در داخل آرایش گلها، تصاویری است که به تردستی نقاشی شده است با رقم: «کمترین تقی ۱۲۲۵». [۱]

(س سیزدهم ق)، میناساز. به روایتی وی فرزند محمدحسن میناساز بوده است. از آثار مینایی این استاد، سرقلیان مینایی پرآذینی است که، تصاویر گل و بلبل دارد و در داخل آرایش گلها، تصاویر زیبایی به تردستی نقاشی شده و رقم «کمترین تقی ۱۲۲۵» دارد. [۲]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] احوال و آثار نقاشان (۱۲۷/۱).

[۲] احوال و آثار نقاشان (۱۲۷/۱).

میناساز، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، نقاش، میناساز و شاعر. از هنرمندان میناکار دوره فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار بود. وی در ارائه گل و مرغ و زیبایی‌های طبیعت شیرین قلم بود و چهره‌پردازی و صورت‌سازی را به شیوه‌ی اروپایی و ایرانی قوی و با حالت می‌ساخت. در نظم شعر نیز دست داشت و سروده‌های خود را با موضوعات نقوش تطابق می‌داد. محمدباقر در صنعت ترسیم و نقوش علمی و ستاره‌شناسی و نقوش اسطرلابی نیز صاحب مقام بود، به طوری که در ترسیم بروج دوازده‌گانه و متعلقات آن، هنرمندی ماهر و آگاه بوده است. از آثار وی: ظرف مینایی سرپوش‌دار نفیسی که با بشقاب و قاشق مینا و مطالایی یکدست کرده و به نقوش گوناگون تصویر نموده است، با رقم: «غلام‌خان‌زاد باقر»، ۱۲۳۶ ق؛ کارد گل و مرغی مینایی با تصاویر ماهرانه که تمام زیرسازی و فلزکاری اولیه آن، به طلای ناب ساخته شده و به رنگهای مختلف تزئین شده است، با رقم: «عمل کمترین محمدباقر شهر ذیحجه ۱۲۵۹»؛ آبرنگ سیاه قلمی گل کوب پرپری که با سه برگ شیوا و آراسته همراه است، با رقم: «عمل کمترین محمدباقر میناساز سنه ۱۲۶۶».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۶۵۸-۶۵۶/۲).

میناساز، محمدجعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۴۲ ق)، میناساز. هنرمند با تجربه و بلند آوازه‌ی دوران فتحعلی شاه قاجار بود. وی در شبیه‌سازی و تصویرپردازی و ارائه گل و مرغ و تزئینات چشم‌نواز چابک دست بود و در تلفیق و کاربرد رنگها مهارت پسندیده‌ای داشت. رنگهای درخشان و قدرت قلم او که در جمله‌ی آثارش مشهور است، او را استادی تام‌العیار شناسانده، تا جایی که اغلب پیشکشی‌ها و یادگارهای درباری اثر دست

این هنرمند بوده است. وی فرزندی به نام محمدرضا داشته که در خط نستعلیق ماهر بوده و دیگر خطوط را نیز خوش می‌نوشته است. از آثار او: دوات مینایی با تصاویر مرد و زن جوان و با رقم: «محمدجعفر ۱۲۲۲»؛ کوزه قلیانی که به تصویر و گل و مرغ آذین شده و رقم نقاش و تاریخ ۱۲۳۴ ق دارد؛ گردنبند مینایی و مرصع که در قسمت بالای آن تصویر شیر خوابیده‌ای است و خورشیدی از پشت آن جلب نظر می‌کند، با: «رقم محمدجعفر ۱۲۴۲». در «احوال و آثار نقاشان» به نه اثر دیگر وی اشاره شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۶۷۸-۶۷۷/۲).

میناکار باشی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردم ق)، میناساز. از نقاشان و میناسازان معروف دوره‌ی مظفری بود و از آن پادشاه لقب میناکارباشی داشت. از آثار وی: سرقلیان طلایی و مینایی استادانه‌ای که در وسط مدالیون بزرگ آن تصویر بسیار شبیه مظفرالدین‌شاه و در پشت سرش فرمانفرما ترسیم شده است. از طرفین و کناره‌ها نیز تصاویر گوناگون و مناظر گل و مرغ به طرز شیوا و نفیسی ترسیم شده و در داخل چهار ترنج کوچک، رقم «عمل کمترین غلامحسین میناکارباشی سنه ۱۳۱۹» دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۴۱۰ / ۱).

نادری، فیروز

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فیروز نادری در ۲۶ اسفند سال ۱۳۲۴ در شیراز به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در ایران به اتمام رساند و پس از آن به آمریکا مهاجرت کرد و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی برق پی گرفت. وی دوره کارشناسی خود را در دانشگاه ایالتی آیووا و کارشناسی ارشد و دکترای خود را در دانشگاه جنوبی کالیفرنیا به اتمام رساند.

نادری از سال ۱۹۹۶ مدیر برنامه منشاء حیات ناسا بود. وی در سال ۱۹۷۶ به JPL پیوست و به عنوان مدیر آزمایشات پروازی علوم فضا و مدیر طرح تفرق‌سنج (Scatterometer) ناسا به کار پرداخت. علاوه بر اینها وی در مرکز مدیریت ناسا، سرپرستی برنامه فناوری ارتباطات پیشرفته ماهواره‌ای را بر عهده داشت و در JPL نیز مدیر برنامه ماهواره‌های متحرک بود. وی از سال ۲۰۰۰ نیز مدیریت برنامه تازه تأسیس برنامه مریخ را بر عهده گرفت. وظیفه مرکز برنامه مریخ آن است که تمام تحقیقات مربوط به مریخ را هدایت و برنامه ریزی کند. وی، در فروردین ماه ۱۳۷۹ به سمت مدیر پروژه‌های اکتشاف مریخ منصوب شد و هم‌اکنون مدیر ارشد برنامه‌ریزی راهبردی JPL آژانس فضایی آمریکا (ناسا) است. وی هم‌اکنون به سمت مدیر پژوهش‌های کل منظومه خورشیدی منصوب گشته است.

بازهم نام ایران و ایرانیان در میان است. در جایی که بشر در علاج یافتن چاره‌ای برای شکستن دردهاست و موانع و مشکلاتی که او را به پیشرفت در علم و علوم، رهنمون شود. بازهم سخن فخر و غروری است ملی. هرچند که در تلاطم امواج سیاست و سیاست زدگی رسانه‌ها گم شود. هر چند که از فرط گرفتاری‌های روزمره و تکراری حوصله شنیدن و خواندنش را نداشته باشیم.

سخن از فیروز نادری است که چون فیروزه‌ای در آسمان علم جهان مدرن امروزی می‌درخشد و تلالو درخشش را ما نمی‌توانیم ببینیم. چه برای ما مهم تر و محترم تر از علم، فرهنگ و تمدن، چند قدمی است که پیش پای مان می‌بینیم و قدرمان را دیگران بیشتر می‌دانند و قدرتمان را غریبه‌ها باورتر دارند.

اجازه بدهید به پنج سال پیش برگردیم. به سال ۲۰۰۰ میلادی و درماندگی تمام دانشمندان ناسا و پروژه عظیم مریخ. دکتر چارلز آلچی را همه می‌شناسند. دانشمند بزرگ نجوم و مدیر آزمایشگاه پیشرانس جت.

مرد شماره دو ناسا درباره نادری و پنج سال پیش می‌گوید: "نادری پنج سال پیش در شرایطی هدایت برنامه مریخ را بر عهده گرفت که این برنامه با مشکلات اساسی روبرو شده بود و همه ما از خودمان می‌پرسیدیم علاج این همه مشکل کجاست و چیست؟ که یک دفعه نگاهمان متوجه فیروز نادری شد. او چشم اندازهای موفقی را در مقابل این مشکلات مطرح کرد و پاسخ‌های دقیق و راه‌گشایی را فرا روی این برنامه قرار داد و اینکه ما زمینه وسیعتری برای بهره‌گیری از توانمندی‌های فیروز که پیش از این در طراحی راهبردی برنامه مریخ نشان داده شده فراهم می‌کنیم."

و حالا- مزد نبوغ ایران را فیروز نادری از هفدهم اسفند دریافت خواهد کرد. او که با ارائه طرح‌های راهبردی اش از سال ۲۰۰۰ میلادی مدیریت مأموریت‌های مریخ را با موفقیت بر عهده داشته، در سمت جدید به یکی از کلیدی‌ترین پست‌های ناسا منصوب می‌شود و قرار است به عنوان معاون آزمایشگاه پیشرانس تجارب خود را در راه مطالعه سایر بخش‌های جهان، از زمین تا کهکشان دور به کار ببندد.

دکتر چارلز آلچی در مورد این انتصاب می‌گوید: فیروز در سمت جدید به تقویت جایگاه آزمایشگاه پیشرانس جت، در هماهنگی با سایر بخش‌های ناسا و پیشبرد چشم‌انداز جدید فضایی ناسا خواهد پرداخت. جالب اینجاست که دکتر فیوک کی لی معاون دکتر نادری در برنامه اکتشافی مریخ به عنوان مدیر جدید این برنامه معرفی شده است.

و این همه در حالی اتفاق می‌افتد که در بهمن ماه گذشته فیروز نادری موفق به دریافت عالی‌ترین نشان سازمان فضایی ناسا شده است و این نشان یا مدال را که مدال خدمات برجسته ناسا می‌نامندش نادری به دلیل ایفای نقش برجسته در پیشبرد علوم و اکتشافات فضایی دریافت کرده است. نشانی که کمتر به غیر خودی‌های علم فضا تعلق می‌گیرد و غربی‌ها حساست فراوانی برای خرج آن قائلند.

فیروز نادری، شیرازی است و همشهری شعرای معروف و مشهوری که ذوق و هنر ایرانی بودن را به عالم معرفی کرده‌اند و اگر این دو نامشان به واسطه روح لطیف و طبع ظریف ایرانی خود بر قله رفیع علم پرچم ایران را برافراشته و این جملات بیش از آنکه غلو احساس باشد. قدردانی و قدرشناسی از فیروز نادری است.

خودش درباره مسیر زندگی اش می‌گوید: "من در سال ۱۳۲۵ در شیراز به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی خود را در شیراز و دوره متوسطه را در دبیرستان اندیشه تهران به اتمام رساندم. سپس در سال ۱۹۶۴ به آمریکا آمدم و سپس در سال ۱۹۶۴ به آمریکا آمدم و پس از تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته مهندسی برق، در سال ۱۹۷۶ تحصیلات دکتری خود را در رشته مهندسی الکترونیک به پایان رساندم."

فیروز نادری پس از اتمام تحصیلات خود در سال ۱۹۷۶ به وطن باز می‌گردد و فعالیت خود را در مرکز سنجش از دور ایران "در تهران آغاز می‌کند و پس از سه سال فعالیت در ایران به دلیل نبود امکانات مورد نیازش برای بسط تحقیقات و پژوهش‌هایش و

شرایط نامطمئن ناشی از بحرانهای سیاسی، کشور را به مقصد آمریکا ترک می‌کند و در سال ۱۹۷۹، یعنی حدود ۲۶ سال پیش فعالیت خود را در ناسا آغاز می‌کند.

او در این مدت مشاغل فنی و مدیریتی متعددی را در زمینه ماهواره‌های مخابراتی متحرک، رادارهای سنجش از دور اقیانوسی، رصدخانه‌های تحقیقاتی اختر فیزیک و اکتشاف مریخ و سایر اجرام منظومه شمسی بر عهده داشت.

نادری علاوه بر اینکه مدیریت طرح سرمنشاء را برای جستجوی سیارات فراخورشیدی بر عهده داشت، مدیریت آزمایش‌های علمی پروازهای فضایی را که وظیفه اصلی اش رصد و بررسی بادهای زمین از جو بود را نیز بر عهده داشت.

مدیر ماموریت مریخی ناسا درباره دوره کاری خودش در ناسا می‌گوید: من قبل از اینکه مدیر برنامه **origin** یا همان منشاءها را بر عهده داشتم که هدف آن مطالعه نحوه پیدایش و تکامل تدریجی عالم و جست و جوی حیات در سراسر جهان است. از آنجا که ما فناوری سفر به ماورای منظومه شمسی را نداریم، جست و جوی حیات در سراسر جهان است. از آنجا که ما فناوری سفر به ماورای منظومه شمسی را نداریم، جست و جوی حیات در بیرون منظومه شمسی از طریق تکنیک‌های سنجش از دور به وسیله تلسکوپها و اسپکترومترها یا همان طیف سنج‌های فضایی فوق العاده قوی انجام می‌شود.

او می‌گوید: "مرحله اول این تحقیقات، یافتن سیارات دیگر در سایر منظومه‌های خورشیدی است. در این راستا، تا اواسط دهه ۱۹۹۰ حدود ۱۵۰ سیاره دیگر در بیرون منظومه شمسی ما ردیابی شده است و ما در حال حاضر روی تلسکوپ و اینترفرومترها و تداخل سنج‌های قویتر کار می‌کنیم که می‌توانند این سیارات را به تصویر بکشند و اتمسفر آنها را آزمایش کنند.

او و همکارانش امیدوارند تا با استفاده از نشانه‌های شیمیایی موجود در اتمسفر آن سیارات به فعالیت بیولوژیکی آنها پی ببرند. نادری در این باره می‌گوید: "البته پاسخ به این سوالات لااقل ۲۰ سال دیگر طول می‌کشد و من اعتقاد دارم که حیات به کره زمین محدود نمی‌شود".

درباره احتمال وجود حیات در بیرون منظومه شمسی و داخل آن نادری می‌گوید: همانطور که گفتیم به وجود حیات در خرج از منظومه شمسی بنده خیلی اعتقاد دارم و مطمئن هستم که حیات به کره زمین محدود نمی‌شود. در خصوص حیات و وجود آن در داخل منظومه شمسی هم محتمل‌ترین محل‌ها برای وجود حیات، مریخ و یکی از اقمار مشتری موسوم به اروپا است. بطور کلی، جایی که بتوانید آب مایع پیدا کنید، احتمال پیدا کردن حیات بیشتر می‌شود. به همین دلیل است که اکتشاف اخیر ما در مریخ بر یافتن نشانه‌هایی از وجود آب در زمان حال یا دوره‌های باستانی متمرکز شده است.

به همین منظور ما در جست و جوی مواد معدنی هستیم که تنها در صورت وجود آب، تشکیل می‌شوند. این واضح است که در داخل منظومه شمسی نمی‌توان نمونه کاملاً تکامل یافته‌ای از حیات آنطور که در زمین وجود دارد را پیدا کنیم و اگر حیات وجود داشته باشد به شکل چند سلولی یا **multicells** است. مدیریت نادری در ماموریت‌های مریخ در حالی با موفقیت فراوان و غیر قابل تصور روبرو بوده است که ناسا و شوروی سابق از ۴۰ سال پیش می‌خواستند به مریخ بروند. اما بیش از دو سوم ماموریت‌ها به دلیل دشواریهای بسیار زیاد آن با شکست مواجه شده بود و در سال ۲۰۰۱ او و تیم تحت مدیریتش موفق شدند "مدار گرد" اودیسه را به مدار مریخ بفرستند و مریخ نورد **spirit** (روح) را در سطح مریخ فرود بیاورند و مریخ نورد دو قلوی آن به نام **opportunity** هم پنج‌مهمن ماه سال قبل در مریخ بر زمین نشست و حالا زمینی‌ها می‌توانند هر دو سال یکبار به مریخ بروند و در سال ۲۰۱۵ نمونه‌هایی از این سیاره را به زمین بیاورند. فیروز نادری در این باره می‌گوید: "ما قصد داریم هر دو سال یکبار به مریخ برویم و در سال جاری، یک مدار گرد، در سال ۲۰۰۷ یک مریخ نشین، در سال ۲۰۰۹ یک مریخ گرد بسیار بزرگتر و کاراتر از مریخ نشین‌های دو قلوی روح و فرصت و به دنبال آن مریخ نشین دیگری در سال ۲۰۱۱ به اکتشاف سیاره سرخ خواهند پرداخت و تا سال ۲۰۱۵ نمونه‌هایی را از مریخ به زمین باز می‌گردانند".

نادری در خصوص احتمال وجود آب در کره مریخ می‌گوید: اطلاعات مدار گرد اودیسه نشان می‌دهد که مقدار زیادی آب به صورت یخ‌های سطحی (کم آب) در زیر سطح مریخ در عرضهای جغرافیایی بالای آن وجود دارد. ما در سال ۲۰۰۷ مریخ نشینی دیگر در نزدیکی قطب شمال کره مریخ فرود خواهیم آورد که این مساله را پیگیری کند. اگر در مریخ آب پیدا کنیم، می‌توانیم به جست و جوی میکروارگانیزم‌ها پردازیم.

با این همه یکی از آرزوهای انسان قدم گذاشتن بر سیاره سرخ است و این آرزو از همان لحظه فرود او بر کره ماه در ذهن جست و جوگر و مشتاق علمیش نقش بسته و این نقش هر روز که می‌گذرد پررنگ‌تر و پررنگ‌تر می‌شود. با این حال از نظر نادری این امکان سالها بطول خواهد انجامید و هنوز بشر برای رسیدن به این آرزوی تقریباً صد ساله از توانایی و امکانات کافی برخوردار نیست.

فیروز نادری می‌گوید: "من سفر انسان به مریخ را تا پیش از سال ۲۰۳۰ محتمل نمی‌دانم و هدف از چنین سفری البته فراهم کردن امکان کاوش در منظومه شمسی خواهد بود."

البته او معتقد است که انسان می‌تواند زندگی در ماه را تا سال ۲۰۱۵ برآورده سازد و این امکان به او کمک می‌کند تا او از همان کره ماه بتواند به جست و جو و کاوش در سایر کرات و منظومه‌های کهکشان پردازد.

بله! حقیقت دارد. فیروز نادری، فیروزه‌ای نادر است در عالم علم و نجوم و تمدن امروز بشر. تمدنی که ما ایرانی‌ها هم به واسطه امثال نادری در رشد و گسترش و پیشرفت آن نقشی مهم و ارزنده و قابل فخر فروشی را ایفا کرده ایم. برای جمله آخر این کلمات به ذهنم می‌رسد که فیروز نادری را باید به حق ارباب سیاره سرخ نامید. آیا او آرزوی رسیدن به کرات منظومه‌های ماورای منظومه شمسی را برای بشر به ارمغان می‌آورد.

ناصر منشی، ناصرالدین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۷۳۰ ق)، مورخ و نویسنده. معروف به ناصرالدین منشی کرمانی. وی بعد از فوت پدر تحت تربیت عموی خود، شهاب‌الدین ابوالحسن علی یزدی، قرار گرفت و پس از اینکه به سن رشد رسید، عموی دیگرش که شغل دیوانی داشت، او را در خدمت دیوانی دستگاه قراخانیان وارد کرد تا به مدارج بالا رسید. ناصرالدین در ۶۹۳ ق صاحب دیوان رسائل شد و پس از برکناری صفوة‌الدین پادشاه خاتون (۶۹۴-۶۰۱ ق) از کار برکنار گردید و در ۷۰۳ ق در ایام پادشاهی ناصرالدین شاه محمد بن برهان، شغل دیوانی خود را از سر گرفت. در ۷۱۵ ق به خدمت ایسن قتلغ نویان، از امرای بزرگ اولجایتو و ابوسعید بهادر پیوست و از آن پس به خدمت وزرای ایلخانان درآمد. ناصرالدین را می‌توان پیشرو نویسندگانی دانست که به تصنع در سخن و به کار بردن انواع تزیینات در آن مشتاق بودند. از آثار وی: «سمط‌العلی للحضرة العلیا»، در تاریخ سلاطین قراختایی کرمان تألیف ۷۱۶-۷۱۵ ق، که در ۷۲۰ ق نیز تتمه‌ای بر آن افزوده شد، «نسائم الاسحار من لطائم الاخبار»، در تاریخ وزراء که از وزرای خلفای راشدین شروع شده و تا وزارت تاج‌الدین علیاه (م ۷۲۴ ق) ادامه یافته است که به آورده‌ی صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» مؤلف این کتاب بروشنی معلوم نیست؛ «دره الاخبار و لمعة الانوار»، ترجمه «تتمه صوان الحکمة» ابوالحسن علی بن زید بیهقی که ناصر منشی آن را به نام خواجه غیاث‌الدین وزیر، در ۷۳۰-۷۲۹ ق از عربی به فارسی درآورد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۴۰- ۱۲۳۶/۳)، تاریخ مغول (۵۲۰-۵۱۹)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۹)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان‌الحکمه (مقدمه/ی-یب)، حبیب‌السیر (۲۶۹/۳)، کشف‌الظنون (۱۰۰۲)، نسائم‌الاسحار من لطائم‌الاجبار (مقدمه/الف-یز).

ناصری، مسلم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسلم ناصری

محل تولد: کاشمر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۶/۱

زندگینامه علمی مسلم ناصری در تابستان سال ۱۳۵۱ در روستای بنده قرا از توابع شهرستان کاشمر خراسان رضوی به دنیا آمد دوران ابتدایی را تمام کرد و بعد پا به شهرستان گذاشت و با گرفتن مدرک سیکل، شوق قم وی را فرا گرفت. برای ادامه تحصیل به قم هجرت کرد. ابتدا در مدرسه معصومیه مشغول به تحصیل شد و در کنار علوم حوزوی در رشته ادبیات داستانی شروع به مطالعه کرد و پس از مدتی هم علوم روز را ادامه داد و مدرک دیپلم گرفت و همگام با علوم حوزوی در دانشگاه هم ادامه تحصیل داد+ اما چون علاقه وافری به ادبیات داشت در بخش ادبیات کودکان و نوجوانان با جدیت مطالعه می کرد و می نوشت که حاصل آن نزدیک به پنجاه کتاب است که برخی از آنها جوایز معتبری را کسب کرده اند. مثل کتاب سال جمهوری اسلامی برای مسافر شهرهای بی نشان. برگزیده نخست بیست سال داستان عاشورایی و برگزیده ویژه همایش برای کتابهای سردار تنها و سروها ایستاده می میرند و آن شب، آن سردار، برگزیده نخست جشنواره دوسالانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای کتاب آخرین بازمانده برگزیده کتاب سال حوزه و... اکنون وی با اتمام کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام خود در دانشگاه شهید بهشتی قصد دارد برای مقاطع بعدی ادامه دهد. در کنار تحصیل مدت سه سال که سردبیر مجله ملیکا برای کودکان است که سراسری پخش شود و مدت بیش از ۱۰ سال است که دبیر داستان مجله پوپک است..

ناظمی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۱ ش)، نوازنده و سازنده‌ی ساز. در یزد به دنیا آمد. از کودکی با سنتور آشنا شد و برای آموختن آن به تهران و نزد حبیب سماعی رفت. وی در آن هنگام که ساخت سنتور روی اصول و قواعد درستی نبود، شروع به ساختن این ساز کرد و در فن خود

مهارت به سزایی یافت. سنتورهای ساخت این استاد علاوه بر ایران، در بسیاری از کشورهای دیگر رایج است و مشتاقان فراوانی دارد. ناظمی در نوازندگی سنتور نیز پنجه‌ای شیرین داشت و نوار و صفحاتی با تاج اصفهانی و جلیل شهناز، در دستگاه‌های «بیات ترک»، «ابوعطا»، «شور»، «سه‌گاه» و «دشتی» پر کرده است. [۱]

سازنده‌ی ساز.

تولد: ۱۳۳۱، یزد.

درگذشت: ۱ خرداد ۱۳۷۶.

مهدی ناظمی، فرزند حسین ناظم‌التجار و نوه‌ی حاج محمدصادق ناظم‌التجار یزدی، بود. نوازندگی و ساخت ساز سنتور را نزد حبیب سماعی و ابوالحسن صبا فراگرفت. وی یکی از مشهورترین سازندگان سنتور در تاریخ یک صد و پنجاه ساله‌ی معاصر بود. مهدی ناظمی به سال ۱۲۸۹ شمسی در شهرستان یزد و در خانواده‌ای متدین و سرشناس متولد شد. جد ناظمی، مرحوم حاج محمدصادق ناظم‌التجار، در زمان ناصرالدین شاه قاجار، از تهران برای نظامت، اداره‌ی یزد انتخاب گردید و وی پس از رفتن به محل مأموریت، اولین کار خیر و بزرگی که انجام داد، ساختن دهی به نام صادق‌آباد در دو فرسنگی یزد بود و با حفر قنوات و ایجاد تأسیسات رفاهی و عام‌المنفعه بسیار موجب آبادانی قسمت‌های بزرگی از صحرای آن زمان یزد گردید و نصف این ده را جزء موقوفات حضرت امام حسین (ع) قرار داد.

مهدی ناظمی بیش از هشت سال نداشت که در مجلس جشنی با سنتور و صدای سحرانگیز آن آشنا شد و این اولین اثری بود که این ساز در وی به جای گذارد و با پولی که جمع‌آوری کرد از «زادور ارمی» که در یزد به ساختن سه‌تار و سنتور مشغول بود و کارش خیلی خوب بود سنتوری خریداری کرد و در منزل نزد خود به نواختن می‌پردازد ولی چون خانواده‌ی وی بسیار مذهبی بودند و پدرش معتقد بود به جای نواختن ساز به درس و مشق باید برسد لذا سنتور وی را زیر پاها لگد کرد و شکست.

چند سال از این ماجرا سپری شد تا با خانواده به اصفهان رفتند و در آن شهر اقامت گزیدند. در اصفهان به مرور زمان با دوستان هنرمندی مثل جلیل شهناز آشنا می‌شود. روزی جلیل شهناز به وی می‌گوید: «ناظمی تو پدر مرا می‌شناسی؟» وی در جواب می‌گوید نه. و او به ناظمی می‌گوید: می‌برمت نزد پدرم تا آشنا شوی و در ضمن قدری برای شما سنتور بزند. ناظمی پس از آشنایی با شعبان‌خان پدر جلیل شهناز و گوش دادن به پنجه‌ای از ساز او شیفته و شیدای سنتور و به قول خودش این «ذوذنقه» گردید و تا امروز وی عاشق و سنتور معشوق او می‌باشد.

روزی صدای آواز تاج همراه با ویولن استاد صبا و سنتور حبیب سماعی را از رادیو در اصفهان می‌شنود و تصمیم می‌گیرد که به تهران رفته و از نزدیک حبیب سماعی را ملاقات نماید.

در تهران، مهدی ناظمی با زحمات فراوان موفق به یافتن سماعی و آشنا با او می‌شود و شروع می‌کند نزد وی مشق سنتور و تعلیم گرفتن، باید یادآور شد که حبیب سماعی حوصله تعلیم شاگرد را نداشت و پس از چند جلسه که به شاگردی تعلیم می‌داد او را رها می‌کرد و در کلاس او پیش از آن که محل تعلیم و تعلم باشد، محفل انس و دوستی بود زیرا بیشتر مواقع هنرمندانی چون ابوالحسن خان صبا، نورعلی خان برومند، ابراهیم‌خان منصوری، حسین یاحقی، مرتضی عبدالرسولی، قباد ظفر دور هم جمع می‌شدند و صحبت‌ها داشتند دیگر وقتی برای حبیب جهت تدریس به شاگردان باقی نمی‌ماند. به همین دلیل هم از شاگردان شاخص حبیب سماعی بیشتر از مهندس قباد ظفر و مرتضی عبدالرسولی نام برده می‌شود.

در آن روزگار ساخت سنتور روی اصول و قواعد درست هنوز پیشرفت چندانی نکرده بود و سنتور خوب و خوش صدا که روی حساب و کتاب ساخته شده باشد از تعداد پنج یا شش در سراسر کشور تجاوز نمی‌کرد و لذا روزی ناظمی به سماعی می‌گوید ساز خوب وجود ندارد و ساز بد هم در دسترس همگان قرار ندارد چه باید کرد و دوستان این ساز چه باید بکنند؟ سماعی در جواب

به وی می‌گویند تو یکی از اتاق‌های خانه‌ی خود را به ساختن سنتور اختصاص بده و در ساخت آن من شما را کمک می‌کنم و از این زمان به بعد بود که استاد مهدی ناظمی وارد مرحله‌ی جدیدی از زندگی هنری خود شد و صنعت سنتورسازی کشور نیز وارد دوران و تحول بزرگ و سازنده گردید به طوری که سنتورهای این استاد فرزانه و بزرگ نظیر ندارد زیرا گذشته از آن که سنتورهای ایشان بسیار ظریف، زیبا و شکیل ساخته می‌شوند همگی دارای صدایی صاف و یکنواخت می‌باشند که اگر نوازنده درست مضرب بزند، صدای بین تمام خرک‌ها یکسان مساوی است و این امتیاز بزرگ و عالی را سنتورهای ناظمی دارا می‌باشد. سنتورهای ساخت وی علاوه بر ایران که مشتاقان فراوان دارد در بسیاری از ممالک جهان در دست هنرمندان است و آن را چون جان شیرین گرامی می‌دارند.

مهدی ناظمی علاوه بر ساختن سنتور و تبحر در آن در نوازندگی این ساز پنجه‌ای شیرین و گوشنواز دارد و نوار و صفحاتی نیز با تاج اصفهانی و سعادت‌مند قمی و جلیل شهناز در «بیات ترک»، «ابوعطا»، «شور»، «سه‌گاه»، «دشتی» دارد. وی مردی است متدین و خوش‌بیان و برخورد، آشنا به زبان انگلیسی و دارای خط خوش و زیبا و پس از ازدواج خداوند دختری به وی عنایت فرمود که ناظمی به او سخت دلبند است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه [۱]: تاریخ موسیقی (۲/۵۹۹)، سرگذشت موسیقی (۱/۱۷۳)، مردان موسیقی (۳۹۶-۳۹۲/۲).

نافع

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن عبدالرحمن بن ابی‌نعیم مکنی به ابورویم (مقت. ۱۶۹ ه.ق) امام اهل مدینه و یکی از قراء بود، اصلاً از مردم اصفهان است و علم قرائت را از ابومیمونه فراگرفت.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نامی اصفهانی، محمدصادق

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به نامی. معروف به میرزا محمدصادق منشی. از سادات موسوی و برادرزاده‌ی میرزا رحیم حکیم‌باشی بود. اجداد وی از شیراز به اصفهان آمده و از طبیبان خاص سلاطین صفوی بودند. او به فنون نظم و نثر آگاه بود و به سرودن مثنوی تمایل بیشتری داشت، نامی با مؤلف «نگارستان دارا» (م ۱۲۴۳ ق) معاصر و معاشر بود. بر سر سال فوت وی بین مؤلفان اختلاف است، «صبح گلشن» مرگ وی را در عهد نادر شاه می‌داند و صاحب «نگارستان دارا» در اوایل دوره‌ی محمد شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۲۵۰ ق) و «الذریعه» و «کتابشناسی نظامی گنجوی»، ۱۲۰۴ ق را ذکر کرده‌اند. در مورد نام برخی از آثارش نیز اختلاف وجود دارد. از آثار وی: «تاریخ گیتی گشا»، به فارسی در تاریخ زندیه که بعدها میرزا عبدالکریم شیرازی و میرزا محمد رضای شیرازی هر یک ذیلی بر آن نوشته‌اند، مثنوی «نامه‌ی نامی» یا «پنج گنج»، که به تقلید از «خمس» نظامی نوشته است، مرکب

از پنج مثنوی به نام «درج گهر» «خسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون»، «وامق و عذرا»، «یوسف و زلیخا».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۴/۲۵، ۱۹/۳۱۹، ۱۱۶۶-۱۱۶۵/۹، ۷/۲۶۳، ۳/۲۸۴)، سفینه‌المحمود (۳۴۰-۳۳۹/۱)، شرح حال رجال (۵/۲۵۰)، صبح گلشن (۵۰۳-۵۰۲)، فرهنگ سخنوران (۹۱۸-۹۱۷)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۲۰-۴۱۹)، لغت‌نامه (ذیل/ نامی اصفهانی)، مجمع‌الفصحا (۱۰۸۳-۱۰۸۲/۶)، منظومه‌های فارسی (۵۸۵-۵۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۵-۵۰۴/۳)، نگارستان دارا (۲۷۲-۲۷۱).

نبی، ابوالفضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۶، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی از دانشگاه تبریز کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه تهران، دکترای تاریخ (تاریخ ترک و مغول) از دانشگاه آنکارا ترکیه.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه فردوسی مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تصحیح و تحشیه کتب خطی تاریخی، بررسی مسائل جغرافیا و نقش جغرافیا در رویدادهای تاریخی، احیای ابزار آلات نجومی قدیمی، نظارت بر ۶ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

تاریخهای محلی مثل تاریخ آل‌چوپان، نجومی و تقویمی، تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ، هدایت طلاب به دانش اسطرلاب، تصحیح کتاب تحفه حاتمی و تحشیه آن، تصحیح و تحشیه مجمع‌الاسباب شبانکاره‌ای، و تاریخ ایران از انقراض ایلخانان تا روی کار آمدن تیمور.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

تاریخی، جغرافیایی و جغرافیای تاریخی، نجومی و تاریخهای محلی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نجار ساروی، حسین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، نقاش و منبتکار. از هنرمندان رسام و نجار اهل ساری مازندران بود. از آثار این استاد، در منبتکاری دقیق و پر اسلوب زیبایی به جای مانده که به خط ثلث مشبکی رقم «علم استاد حسین بن احمد نجار ساروی بتاریخ ۸۷۳» دارد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۵۶/۱).

نجار ساوی، شمس‌الدین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۸۹۷ ق)، نجار. از آثار وی: صندوق چوبی منبت کاری شده‌ای در امامزاده عباس (ع)، در ساری است که به تاریخ ۸۹۷ هجری حک شده است و رقم «شمس‌الدین بنا ابن احمد نجار ساروی» دارد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی (۱۳۹).

نجار لواسانی، حسین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، نقاش و نجار. در شهر لواسان زندگی می‌کرد. وی طراح ترسیمات هندسی بر روی چوبها بود و از نجاران معروف دوران خود به شمار می‌رفت. از آثار به جای مانده از این استاد، در چوبی بقعه سید اسماعیل در محله‌ی چاله میدان تهران است که به هنرمندی فرجام پذیرفته، با رقم: «عمل استاد حسین بن حسن نجار لباسانی ۸۸۶». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۴۸/۳).

نجار، احمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(اوایل س یازدهم ق)، نجار، طراح و نگارگر. از آثار رقم‌دار این استاد، درب چوبی کم نظیر و پر مهارت یکی از بقاع متبرکه است که به نقوش اسلیمی و ترنجی مشبک پیراسته گشته است و در نوع خود زیبا و استادانه است. در بالا- و داخل مربعات کوچکتر، نقوشی از ترکیب چهار علی، به خط تزینی کوفی و در دو مربع بزرگتر چپ و راست، تعاریف: «ناد علیا... الی آخر» به خط ثلث عالی کنده کاری شده است، در قرینه‌ی پایین‌تر، ادعیه دیگری کنده کاری شده و به خط رقاع چنین رقم دارد: «عمل احمد بن عبدالغنی نجار» و در مقابل آن، رقم کاتب چنین نوشته شده: «کتابه العبد میر علی بن محمد ۱۰۰۲».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/ ۵۸).

نراقی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، حقوق‌دان و وکیل دادگستری، از نواده‌های مرحوم حاج ملا احمد نراقی در ۱۲۷۳ در شهر کاشان تولد یافت. پس از انجام تحصیلات مقدماتی، فقه، اصول، حکمت و علم کلام را در نزد بزرگان کاشان فرا گرفت، مخصوصاً در حقوق اسلامی از سرآمد اقران شد و به تحقیق و تتبع پرداخت. از تألیفات ایشان تنظیم شجره‌ی خاندان غفاری و تاریخ اجتماعی کاشان و چند اثر دیگر است. شغل نراقی و کالت دادگستری بود. در ۱۳۶۸ در ۹۵ سالگی درگذشت.

محقق.

تولد: ۲۴ دی ۱۲۷۳، کاشان.

درگذشت: ۲۴ دی ۱۳۶۸، تهران.

حسن نراقی پس از تحصیل در مدرسه‌ی علمیه‌ی کاشان به تهران آمد و امور فرهنگی و آموزشی را پیشه کرد. تألیفات او عبارتند از: تاریخ اجتماعی کاشان (۱۳۴۵)؛ آثار تاریخی شهرستان کاشان و نظیر (۱۳۴۸)؛ خاندان غفاری کاشان (۱۳۵۳)؛ کاشان در جنبش مشروطه ایران (۱۳۵۵)؛ ادبیات مشروطیت (حاوی زندگی‌نامه‌ی خاوری کاشانی، ۱۳۵۶)؛ تصحیح نخبه‌البیان (تألیفات محمد مهدی نراقی، ۱۳۵۷)؛ تصحیح و طبع طاق‌دیس (مثنوی سروده‌ی احمد نراقی، ۱۳۶۲)؛ تصحیح و طبع مشکلات العلوم (تألیف محمد مهدی نراقی، ۱۳۶۷)؛ از وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌ی «هنر و مردم» به طبع رسیده است.

حسن نراقی از پایه‌گذاران انجمن آثار ملی کاشان و از بنیادگذاران موزه‌ی آن انجمن در باغ شاه فین بود.

حسن نراقی در تهران درگذشت و در مسجد آقا بزرگ کاشان که مدرسه ملا احمد نراقی بود به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

نرشخی، ابوبکر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴۸- ۲۸۶ ق)، نویسنده و مورخ. در نسرخ، از روستاهای بخارا، به دنیا آمد. در زمان ابومحمد نوح بن نصر سامانی (۳۴۳- ۳۳۱

ق) می‌زیست. از آثار وی «تاریخ بخارا» یا «مزارات بخارا»، به عربی است که در ۳۳۲ ق به نام نوح بن نصر سامانی نوشت. در ۵۲۲ ق ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی آن را به فارسی ترجمه کرد و مطالبی هم از کتب دیگر بر آن افزود. بعد از آن در ۵۷۴ ق محمد بن زفر بن عمر آن را تلخیص نمود. گویا بعد از این تاریخ نیز دیگران در این کتاب دست بردند و بعضی حوادث را تا دوره مغول بر آن افزودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۴۸۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۷۸-۹۷۷/۲)، تاریخ بخارا (مقدمه/ سیزده- سی و یک)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۱۷/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ نرشخی)، یادداشتهای قزوینی (۷/۱۹۸).

نصرآبادی، بدیع الزمان

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند میرزا طاهر نصرآبادی، شاعر و ادیب، در تاریخ گویی و معما مهارت داشته است، منصب ملک الشعراء شاه سلطان حسین صفوی را داشته، و در ۱۱۲۰ و اندی به سنّ بیشتر از هفتاد سال در اصفهان وفات یافته است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نصیب قزوینی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، شاعر و مورخ. وی از احفاد و بازماندگان دولت‌شاه سمرقندی، مؤلف «تذکره الشعراء»، و از امرای دربار اکبر شاه (۱۰۱۴-۹۶۳ ق) بود. وی در تاریخ دست داشت. برخی نام او را نقیب‌خان نوشته‌اند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۶۲)، الذریعه (۹/۱۱۹۶)، صبح گلشن (۵۲۰)، فرهنگ سخنوران (۹۳۵)، لغت‌نامه (ذیل/ نصیب قزوینی).

نصیری، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا نصیری متولد ۱۳۲۴ در شهر دامغان است. وی دارای مدرک دکتری تاریخ از دانشگاه استامبول ترکیه می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می باشد. دکتر نصیری از بهمن ۱۳۷۰ تا آذرماه ۱۳۷۵ اولین دبیر فرهنگستان زبان و

ادب فارسی بوده است

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: تحصیلات رسمی دکتر محمد رضا نصیری به قرار زیر است: کارشناسی رشته تاریخ از دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۸ دکترای رشته تاریخ از دانشگاه اسانبول در سال ۱۳۵۷ همسر و فرزندان: دکتر محمد رضا نصیری متأهل است و دو فرزند دارد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: محمد رضا نصیری از بهمن ۱۳۷۰ تا آذرماه ۱۳۷۵ اولین دبیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوده است ضمن آنکه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه گیلان، از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۷ به عنوان معاون اداری مالی دانشگاه پیام نور، از سال ۱۳۷۶ تا کنون مدیر گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، از سال ۱۳۷۸ تا کنون قائم مقام انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و نیز مشاور علمی بنیاد ایران شناسی بوده است. وی همچنین مدیر مسئول نشریه انجمن، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و همچنین سردبیر نشریه پیک نو، دانشگاه گیلان می باشد.

فعالیت‌های آموزشی: دکتر نصیری عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می باشد. ایشان در دانشگاه های گیلان، پیام نور و آزاد اسلامی رشت به تدریس تاریخ مبادرت داشته است.

جوایز و نشانها: محمد رضا نصیری در سال ۱۳۸۳ به عنوان پژوهشگر برجسته دانشگاه پیام نور (نفر اول) برگزیده شده است. چگونگی عرضه آثار: - شرکت در سمینارها و کنفرانسهای داخل و خارج از کشور، ژاپن، هند، تاجیکستان و غیره - چاپ بیش از ۵۰ کتاب و مقاله در زمینه های تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نطنزی، معین‌الدین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۸۱۷ق)، مورخ و شاعر. وی را پدر قاضی میرحسین میبدی، متخلص به منطقی (م ۹۱۱ / ۹۰۴ق)، می دانند. در ابتدای کار خود از مصاحبان میرزا اسکندر بن عمر شیخ بن تیمور بود و در همین ایام تاریخ معروف خود را به نام «منتخب التواریخ» به اسم او نگاشت و در ۸۱۶ق آن را به پایان برد. این کتاب شامل وقایع عمومی عالم، از زمان هبوط آدم تا وفات تیمور در ۸۰۷ق، است به اضافه بعضی از وقایعی که تا ۸۱۶ق اتفاق افتاده بود. یک سال بعد، یعنی در ۸۱۷ق، وی در این کتاب تجدید نظر کرد و آن را به نام شاهرخ درآورد و تا وقایع ۸۱۷ق را در آن ذکر نمود. به همین علت از «منتخب التواریخ» معینی دو گونه تحریر، یکی به نام میرزا اسکندر و دیگری به نام شاهرخ، وجود دارد. برخی تذکره‌ها، صاحب عنوان را با معین‌الدین یزدی (م ۷۸۹ق)، صاحب «مواهب الهی»، در آمیخته و او را از وزیران و عالمان آل مظفر دانسته‌اند، در حالی که معین‌الدین نطنزی در عهد تیموریان می زیسته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۲- ۴۸۱/۴)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۸۶)، جامع مفیدی (۳۳۱- ۳۲۹/۳)، الذریعه (۱۰۷۹- ۱۰۷۸/۹)، صبح گلشن (۴۳۳)، فرهنگ سخنوران (۸۶۴- ۸۶۳)، منتخب التواریخ معینی (مقدمه).

نظام شامی، نظام‌الدین عبدالواسع

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم و نهم ق)، مورخ، نویسنده و شاعر. معروف به نظام شب غازانی. از محله‌ی شب غازان یا شام غازان تبریز بود. در جوانی به بغداد رفت. مدتی در ملازمت سلطان اویس جلایر (۷۷۶-۷۵۷ ق) و سلطان احمد بن شیخ اویس (۸۱۳-۷۸۴ ق) به سر برد و زمانی که امیر تیمور سلطان جلایر را شکست داد و بغداد را گشود، نظام‌الدین اولین شخصی بود که به خدمت تیمور رسید و مورد التفات او قرار گرفت. تیمور در ۸۰۴ ق از او خواست که کتابی در تاریخ سلطنت وی بنویسد و نظام کتاب «ظفرنامه» یا «ظفرنامه شامی» را که شامل شرح حال تیمور تا وقایع ۸۰۶ ق بود، نگاشت. او در ۸۰۶ ق به اجازه تیمور به تبریز بازگشت. از دیگر آثار وی: تلخیصی از ترجمه‌ی فارسی کتاب «بلوهر و بوذاسف» یا «بلوهر و بوداسف» که به نام سلطان احمد جلایر نوشته یا چنان که در «دایرة‌المعارف فارسی» آمده، این کتاب را ترجمه کرده است، «ریاض‌الملوک فی ریاضات السلوک»، ترجمه‌ی فارسی کتاب «سلوان المطاع فی عدوان الاتباع» یا «سلوان المطاع فی عدوان الاطباع» ابن الظفر الصقلی الملکی در ۷۶۸ ق، مشتمل بر یک دیباچه و یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه، به نام سلطان اویس جلایر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۴۹۸-۴۹۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۸۰-۴۷۶/۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۷، ۵۰)، حبیب‌السیر (۵۴۸-۵۴۷/۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۰-۳۷۹)، دایرة‌المعارف فارسی (۳۰۳۶/۲)، الذریعه (۲۰۰/۱۵، ۳۳۸/۱۱، ۱۲۰۲/۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۰-۵۰۹)، فرهنگ سخنوران (۹۴۰)، لغت‌نامه (ذیل / نظام‌الدین شامی).

نظامی عروضی سمرقندی، نجم‌الدین، ابوالحسن احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۶۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به نظامی. وی به دلیل اینکه در علم عروض تبحر داشت، به عروضی شهرت یافت. صاحب «مجمع‌الفصحا» او را اهل نسا می‌داند. نظامی در سمرقند به دنیا آمد و مدتی از جوانی خود را در آن شهر به کسب علوم گذراند. در ۵۰۶/۵۰۴ ق به خراسان رفت و گویند در بلخ با عمر خیام ملاقات کرده و پس از آن به هرات رفته و در ۵۱۰ ق از هرات به اردوی سلطان سنجر پیوسته و در آنجا به خدمت امیر معزی رسیده و شعر خود را به او عرضه داشته است. او با نظامی گنجوی نیز ملاقات نموده است. همچنین به خدمت ملوک غوری آل شنسب رسیده و سالها به مدح آنها پرداخته است. نظامی در طب و نجوم و هیئت متبحر بود و در نثر، اعم از مصنوع و نثر مرسل، نیز استادی بزرگ بود، اما شعرش چندان به دل نمی‌نشست. به آورده‌ی برخی از تذکره‌نویسان چند مثنوی داشته که از میان رفته است. از مهم‌ترین آثار وی «چهار مقاله» یا «مجمع‌النوادر» می‌باشد که در حدود ۵۵۲-۵۵۱ ق به نام حسام‌الدین علی بن مسعود نوشته است. در «ریحانه‌الادب» منظومه‌ی «ویس و رامین» که از داستان‌های اشکانیان است و فخرالدین اسعد گرگانی آن را به نظم آورده، به نظامی عروضی نیز نسبت داده شده است. [۱]

ابوالحسن نظام‌الدین یا نجم‌الدین احمد بن عمر بن علی سمرقندی مشهور به نظامی عروضی. نویسنده و شاعر قرن ششم هجری. در

اواخر قرن پنجم در سمرقند ولادت یافت، و پس از تحصیلات مقدماتی به خراسان رفت. و به دیدار خیام و معزی نایل شد. نظامی عروضی به دربار ملوک آل شنسب وابسته بود، و سالها مداحی شاهان آن سلسله می‌کرد و کتاب مجمع‌النوادر مشهور به چهار مقاله را به نام فخرالدوله مسعود برادرزاده‌ی ملک شمس‌الدین محمد غوری تألیف کرد. این کتاب بین سالهای ۵۵۱ تا ۵۵۲ هجری تألیف شده و مطالب آن بیان شرایطی است که در چهار طبقه از مردم - که به زعم مصنف پادشاهان محتاج بدیشان می‌باشند، یعنی - دبیر، شاعر، منجم، طبیب - باید مجتمع باشد. در عین حال بسیاری از مطالب تاریخی و تراجم مشاهیر اعلام را که در کتب ادبی و تاریخی دیگر یافت نمی‌شود نیز شامل است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه [۱]: تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۳-۲/۹۶۱)، تاریخ‌گزیده (۷۵۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۰-۱۱۹، ۹۰)، تذکره‌ی روز روشن (۵۳۸)، تذکره الشعراء (۶۹-۶۸)، چهار مقاله (مقدمه/ شش - بیست)، دایرة‌المعارف فارسی (۲/۳۰۳۶)، الذریعه (۹/۱۲۰۷)، ۳/۳۱۴، ۵/۳۷، ریحانه (۲۱۱-۲۱۰/۶)، سبک‌شناسی (۳۱۸-۲/۲۹۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۴-۵۱۳)، فرهنگ سخنوران (۹۴۳)، کشف‌الظنون (۱۶۰۴)، لب‌الباب (۲۰۸-۲/۲۰۷)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، مجمع‌الفصحا (۱۴۱۰-۳/۱۴۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۸-۱/۴۸۷)، هفت اقلیم (۳۵۴-۳/۳۵۲).

نظری منفرد، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی نظری منفرد

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۲۶ در شهر قم در خانواده‌ی روحانی متولد شدم و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در سال هزار و سیصد و چهل، وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از گذراندن (ادبیات، دروس مقدماتی، فقه و اصول) به نجف اشرف در سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ رفتم و سپس به ایران و شهر قم بازگشتم و سطح را به پایان بردم. سپس در آزمون دارالفنون تهران در رشته (معقول و منقول) شرکت نمودم و قبول شدم و پس از اتمام دروس سطح، در درس خارج اساتید مثل: «مرحوم آیت الله محقق داماد»، «مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی»، و «مرحوم آیت الله اراکی» شرکت کردم و فلسفه و حکمت را از محضر «شهید مفتح»، «شهید مطهری» و دیگر اساتید حوزه بهره بردم.

در همان وقت به کار تبلیغ نیز مشغول بودم و در منزل، جلسات بحث و گفتگو پیرامون مسائل کلامی و اعتقادی هر هفته برقرار بود که تحت تعقیب ساواک قرار گرفته و منجر به تعطیل آن مجالس گردید تا پیروزی انقلاب و در همان اوائل پیروزی و انتخابات دوره اول و دوم مجلس از طرف مردم (آبادیه فارس) به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردیدم و پس از اتمام دوره نمایندگی به قم و حوزه علمیه بازگشتم و به تدریس و تألیف پرداختم و اکنون به تدریس درس خارج فقه و اصول مشغول هستم.

نظری، خلیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

خلیل نظری

محل تولد: کهگیلویه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۶/۱۶

زندگینامه علمی

از سال ۵۷ وارد مدرسه ابتدایی در روستای «آتشگاه» بخش لنده از استان کهگیلویه و بویر احمد شدم. دوره راهنمایی را در شهرستان «دهدشت» گذرانده و در سال ۶۵ - ۶۴ وارد حوزه علمیه حضرت ولی عصر (عج) شهرستان دهدشت شدم و بعد از یک سال یعنی سال تحصیلی ۶۶ - ۶۵ وارد حوزه علمیه قم در مدرسه رسالت شدم و در مدارس: «صدوق، امام صادق (ع) و دارالشفاء» سطح عالی را گذراندم.

در سال ۷۳ شروع به درس خارج فقه و اصول نموده ام و از محضر اساتیدی چون: «آیت الله العظمی مکارم شیرازی»، «وحید خراسانی»، «سبحانی»، «مرحوم وجدانی» و «میانجی» استفاده و کسب فیض نمودم. در سال ۱۳۷۹ به عنوان استاد و هیئت علمی دانشگاه آزاد «ماهشهر» همکاری داشته و از آن تاریخ تا به حال در حوزه علمیه قم و دانشگاه پیام نور به عنوان استاد انجام وظیفه می نمایم.

نعمی جرجانی، ابومنصور، احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۵ ق)، حافظ، محدث و مورخ. اهل جرجان بود. از ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد غطریفی و ابواحمد بن عدی و ابواحمد نیشابوری حافظ و ابوعمرو حیری و نصر بن عبدالملک اندلسی و دیگران روایت کرد. از آثارش «اخبار الجبل» است. این کتاب در «الانساب» سمعانی تحت نام «اخبار الجبل» و در «الاعلام» زرکلی به نام «اخبار الحیل» آمده است. از دیگر آثارش: «المجتبی»، در حدیث.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/۱۸۶)، انساب سمعانی (۵/۵۱۲)، سیر النبلاء (۱۷/۳۴۰)، معجم المؤلفین (۲/۴۶).

نفیسی، سعید

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۴ - ۱۲۷۴ ش)، نویسنده، مترجم، مورخ، مصحح، فرهنگ‌نویس، استاد دانشگاه، روزنامه‌نگار و شاعر. در تهران به دنیا آمد. خانواده‌ی پدری وی تا یازده پست پزشک بودند و خود نواده‌ی حکیم برهان‌الدین نفیس، فرزند عوض کرمانی، صاحب «شرح اسباب». او تألیفات عدیده‌ای در طب داشت که برخی از آنها تا روزی که طب قدیم در ایران تدریس می‌شد، جزو کتب درسی بود. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس شرف و علمیه به پایان رساند و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا رفت و تحصیلات خود را در سوئیس و پاریس ادامه داد. در ۱۲۹۷ ش به ایران بازگشت و به تدریس زبان فرانسه در دبیرستان‌های اقدسیه و سن‌لویی پرداخت و نیز در مدارس علوم سیاسی، دارالفنون، مدرسه‌ی عالی تجارت، مدرسه‌ی صنعتی (هنرستان دولتی)، دارالمعلمین عالی و پس از تأسیس دانشگاه تهران، در دانشکده‌ی حقوق و سپس ادبیات به تدریس اشتغال ورزید. همچنین در وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه مشغول خدمت شد و به مشاغل چندی دست یافت. او مدتی مدیریت مجله‌ی «فلاحت و تجارت» و در ۱۳۰۱ ش سردبیری مجله‌ی ادبی «پرتو» با مدیریت میرزا محمدعلی خان واله خراسانی و مدتی مدیریت و نویسندگی مجله‌ی «شرق» و نیز ریاست اداره‌ی امتیازات (اداره‌ای که برای ایجاد مراکز صنعتی و فعالیت‌های معدنی و انتشار روزنامه‌ها و غیره مجوز صادر می‌کرد) را به عهده داشت. نفیسی همچنین برای تدریس در دانشگاه‌های کابل، قاهره و سن ژوزف به کشورهای افغانستان، مصر و لبنان سفر کرد. او در ۱۳۴۰ ش در رادیو برنامه‌ی یادداشتهای یک استاد را که راجع به شرح حال چند تن از بزرگان علم و ادب بود، به مدت دو سال اجرا کرد. نفیسی سرانجام در بیمارستان شوروی (میرزا کوچک خان جنگلی فعلی) درگذشت. از آثار وی: «آخرین یادگار نادرشاه»، نمایشنامه؛ «احوال و اشعار رودکی»؛ «ایران در صد و هفتاد سال اخیر»؛ «بابک خرم دین، دلاور آذربایجان»؛ «بحرین و حقوق هزار و هفتصد ساله ایران»؛ «پورسینا و زندگی و کار و اندیشه و روزگار او»؛ «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره‌ی معاصر»؛ «تاریخ ادبیات روسی»؛ «تاریخ تمدن ایران ساسانی»؛ «تاریخچه‌ی ادبیات ایران»؛ «ستارگان سیاه»؛ «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی»؛ «فرهنگ فرانسه به فارسی»؛ «فرهنگ نامه‌ی پارسی»؛ «ماه نخشب»؛ «فرنگیس»؛ «نیمه راه بهشت»؛ «آرزوهای بر باد رفته»؛ ترجمه؛ «ایلیاد»، ترجمه؛ «تاریخ عمومی قرون معاصر»، ترجمه؛ «افسانه‌های گریلف»، ترجمه؛ «دیوان» شعر. [۱]

سعید فرزند علی اکبر ناظم‌الاطباء (و. ۱۲۷۴ ه. ش - ف. ۲۳ آبان ۱۳۴۵) از استادان و نویسندگان مشهور ایران. سالها در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران تاریخ تصوف و ملل و نحل و دروس دیگر را تدریس می‌کرد و در دانشگاه‌های خارج از کشور نیز مدتها به تدریس پرداخت. مقاله‌ها و کتابهای متعدد از او باقی است و از آثار مفید او باید احوال و اشعار رودکی را نام برد.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آئینه‌ی میراث (س ۳، ش ۲ و ۳، ص ۶۹-۶۴)، از نیما تا روزگار ما (۲۷۱-۲۵۸)، تاریخ جراید (۷۱-۶۶/۳، ۵۰-۴۹/۲)، چهره‌های آشنا (۶۲۴-۶۲۳)، الذریه (۱۹/۳۲، ۲۱۸، ۲۱۲، ۱۶/۱۸۴، ۱۲/۱۴۱، ۹/۱۲۱۸)، ستارگان کرمان (۴۰۸-۳۹۶)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۷۲-۳۶۶۷/۶)، سواد و بیاض (۵۳۳-۵۱۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۴۱، ۲۸۶۴، ۳۳۴۱)، ۲۴۳۴، ۲۴۰۹، ۲/۱۹۳۶، ۷۶۲، ۷۲۹، ۶۹۵، ۶۸۸، ۶۶۴، ۶۵۹، ۶۲۹، ۴۶۱، ۴۳۱، ۴۲۴، ۴۱۴، ۲۹۵، ۱۲۶، ۳۱، ۱/۹۱)، کلک (س ۱، ش ۹، ص ۱۰۷-۱۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۸-۳۳۲/۳)، یغما (س ۱۹، ش ۹، ص ۴۹۵-۴۹۳).

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نقاش و میناساز. اهل اصفهان بود. در قلمدان‌سازی و میناسازی و پخت آن نیز صاحب ذوق بود. وی ابتدا معلم نقاشی قورخانه بود و لقب نقاش‌باشی داشت. از آثار او قلمدان تابوتی است که مجلس عقد و عروسی به زیبایی نقش شده و عروس نیم‌تاج مرصعی به سر گذاشته و خود را به شیوه‌ی قاجاری آرایش داده است، با رقم: «عبدالرحیم اصفهانی ۱۳۳۲»؛ از آثار مینایی وی، سرقلیان مینایی طلائی است که در زمینه‌ی گل و مرغ استادانه‌ای عمل آمده و تصاویر زن و مرد جوانی را به مهارت در داخل مدالیونها نقش کرده است و رقم نهاده: «رقم عبدالرحیم».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱ / ۳۲۸).

نقاش خوبی، عبدالمومن

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، طراح فلزات. اهل خوی بود و در طرح و ترسیم نقوش اسلامی بر روی فلزات سخت، مهارت بسزایی داشت. اثر زیبای وی، در نقره‌کوبی استادانه‌ای است که در نقوش زیبای اسلیمی و طرح هندسی به عمل آمده، با رقم: «عمل عبدالؤمن بن محمد النقاش خوئی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱ / ۳۴۶).

نقاشباشی اصفهانی، نجف‌علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۷-۱۲۰۳ ق)، نقاش، قلمدان‌ساز و خطاط. معروف به آقانجف. در اصفهان متولد شد. وی از اساتید معروف فن قلمدان‌سازی در عصر قاجاریه بود. او علاوه بر آموختن نگارگری در نزد استادان اصفهان، از نقاشان اروپایی مقیم آن شهر نیز سود جست و از روی باسمه‌های چاپی مذهبی و غیرمذهبی فرنگی نیز کپی کرده است. آقانجف در چهره‌پردازی و ارائه مجالس رزمی و بزمی و همچنین گل‌آرایی مهارت داشت و در تذهیب و گونه‌های مختلف آن نازک‌قلم بود. در ارائه آبرنگ‌ها نیز توانا بود و علاوه بر شیوه‌های گوناگون، در رنگ و روغن نیز از استادان بی‌نظیر به شمار می‌آمد. او در خطوط مختلف، از قبیل رقاع و بخصوص نستعلیق استادی تام‌العیار بود و در نظم شعر نیز دست داشت. آقانجف در اصفهان درگذشت و همان‌جا مدفون است. از آثار وی: قلمدان برازنده‌ای با مدالیونهای مختلف که رقم «یا شاه نجف ۱۲۲۷» دارد؛ تصویر آبرنگی محمدحسین خان صاحب اختیار که به خط نستعلیق رقم نهاده: «... سنه ۱۲۶۳، رقم کمترین نجفعلی»؛ قاب آینه‌ی زیبایی با تصاویری از افسانه‌ی شیخ صنعان و دختر ترسا،

با رقم: «یا شاه نجف ۱۲۷۰»؛ قلمدان رزمی که لشکریان ترک و روس با یکدیگر مصاف می‌دادند و آرایش جنگی بسیار پراکنده‌ای داشتند و به خط رقاع استادانه رقم نهاده: «جنگ رومی با روس، یا شاه نجف فی سنه ۱۲۷۴». قاب آینه‌ی پرکاری با مدالیونهای مختلف که به خط نستعلیق رقم نهاده: «... شهر رجب ۱۲۷۴، یا شاه نجف». هشت اثر دیگر وی در «احوال و آثار نقاشان» ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۳۸۱-۱۳۶۸/۳)، تاریخ برگزیدگان (۵۲۹-۵۲۴)، تاریخ هنرهای ملی (۹۹۹-۹۹۷/۲)، تذکره القبور (۱۶)، گلستان هنر (چهل و نه)، هنر قلمدان (۱۱۷-۱۱۶).

نقاشباشی، اصفهانی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم و چهاردهم ق)، نقاش و قلمدان‌ساز. زاده‌ی اصفهان و از شاگردان معروف عباس شیرازی بود. مدتی به روسیه رفت و از استادان آن دیار فنون نقاشی را فراگرفت. وی همچنین در میناسازی، مجلدسازی، قاب آینه، مصورسازی کتب و مرقعات و تصویر پارچه‌های قلم کار مهارت داشت. از شاگردان معروف او هادی تجویدی است که در سال ۱۲۸۷ ش، با استاد خود از اصفهان به تهران آمد و در مجمع الصنایع به کارهای هنری مشغول شد. ابراهیم در مکتب شمایل‌سازی نیز آثار جالبی پدید آورده و چون در سلک درویشان نعمت‌اللهی بوده، از اقطاب این سلسله، شبیه‌هایی ساخته است. تاریخ دقیق تولد و وفاتش در دست نیست، ولی فعالیت هنری عمده‌ی وی بین سالهای ۱۳۳۰-۱۲۹۰ ق است. از آثار وی: قلمدان نیمه‌کاره، با تصویر جنگ ایران و روس، با: «رقم ابراهیم ۱۳۲۵»؛ تصویر سه دختر ایرانی در حال نواختن ساز و تصویر مادر و طفلی خردسال که طفل گربه‌ای را در آغوش کشیده و زنی ایشان را نگاه می‌کند، با رقم «عمل ابراهیم»؛ چهار تصویر آبرنگی از شانزده تصویر «کلیات» سعدی، به خط فتح‌الله جلالی که رقم وی را دارد؛ تصویر نشسته‌ی عباس میرزا با آبرنگ، روی جلد کتاب «سفرنامه‌ی خسرومیرزا»، با رقم «ابراهیم اصفهانی»؛ قلمدانی، با رقم: «سلام علی ابراهیم»؛ از آثار مینایی آقا ابراهیم نیز، یکی سرقلیان گل و مرغی، با تصویر مادر جوانی که بچه‌ی خود را در آغوش گرفته است، با رقم: «ابراهیم»؛ دیگری تصاویر زنان قاجار بر روی قلمدان با: «رقم ابراهیم».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴-۱۲/۱)، هنر قلمدان (۱۴۸-۱۴۶).

نقاشباشی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۵۵ ق)، نقاش و میناساز. هنرمند دوره‌ی فتح‌علی‌شاه و محمدشاه قاجار بود که در زمان سلطنت محمدشاه به لقب نقاش‌باشی مفتخر گشته است. وی در تصویر و شبیه‌سازی خوش قلم و در کارهای روغنی و قلمدان و میناسازی قوی دست بود. از آثار او: جعبه‌ی ارزنده‌ای، با: «رقم کمترین محمد ۱۲۳۸»؛ تصویر مجلس عروسی ناصرالدین‌شاه که اثر پرکار و شلوغی است، با رقم: «محمد

نقاشباشی ۱۲۵۵؛ مینای گل و مرغی فتحعلی شاهی، در مدالیون‌های مختلف، که تصاویر دسته گل‌های خوشرنگی در آن نقش بسته و رقم «کمترین محمد» دارد.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۲/۶۱۰).

نقاشباشی، محمد اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۲۸۸ ق)، نقاش، قلمدان‌ساز و خطاط. وی از نوابغ و استادان عصر خویش بود و در ۱۲۷۵ ق از دربار ناصرالدین‌شاه قاجار به لقب نقاش‌باشی مفتخر گردید. این هنرمند در تصویر و شبیه‌سازی توانا بود و تذهیب و ترصیع و حل‌کاری را خوب می‌دانست و در نوشتن خطوط و سرودن شعر نیز دست داشت. محمد اسماعیل از استادان پیشگام در ایجاد سبک قاجار در نقاشی قلمدان است و او بود که ساختن قلمدان‌های هفت‌گنبد و کیانی و داستان‌های خسرو و شیرین و حکایات عرفانی و مجالس مربوط به رهبانیت و آیین مسیح را معمول و متداول ساخت. بیشتر کارهای او مجالس بزم است و صحنه‌های جنگ کمتر در آثار او دیده شده است. از آثار وی: قلمدان زیبایی که بر رویه آن تصاویری از رجال قاجاریه دیده می‌شود و به خط شکسته رقم «راقمه اسمعیل ۱۲۶۴» دارد؛ جلد قرآنی که در داخل آن شمایل حضرت علی و حسین (ع) را درون ترنجی نقاشی کرده و رقم «نقاشباشی اسماعیل» دارد؛ قاب آینه‌ی زیبایی با تصاویر رجال قاجاری و حاشیه و کناره‌ی پر گل و تذهیب، با رقم: «محمد اسماعیل نقاشباشی ۱۲۸۸». در «احوال و آثار نقاشان» به بیست و سه اثر دیگر وی اشاره شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۷۶-۱/۶۶)، تاریخ هنرهای ملی (۱۰۰۰-۲/۹۹۹)، هنر قلمدان (۱۲۱۲-۱۲۰).

نگین تراش، ابراهیم

قرن: ۱۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(؟)، نگین تراش. در کتاب خطی «اکبر نامه» در مورد این هنرمند چنین آمده: «در عقیق‌نگاری هم طراز برادر خود شریف هروی است، لیکن کار از باستانی و استادان در گذرانید و رقاع و نستعلیق او از کارنامه‌ی خوش‌نویسان جدا نتوان ساخت، لعل‌های گران ارج شاهنشاهی بنقش لعل جلالی آرایش داده اوست».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱/۱۸).

نمازی شاهرودی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی نمازی شاهرودی فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج شیخ محمد نمازی شاهرودی از علماء مبرز و متقی و دانشمندان متتبع و نویسندگان متبحر حوزه علمیه مشهد مقدس بوده‌اند.

در سال ۱۳۳۲ قمری در شهرستان شاهرود متولد شده و در بیت علم و تقوا پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در زادگاه خود نزد والدشان و سایر اساتید فراگرفته و آنگاه برای تکمیل مبانی فقه و اصول مهاجرت به مشهد مقدس نموده و از محضر آیات عظام و فقهاء کرام آن سامان به ویژه مرحوم آیت‌الله حاج میرزا مهدی غروی اصفهانی که در معارف اهل بیت عصمت و طهارت نادره زمان واغلوته او ان بوده و شاگردان مکتبش چون حاج شیخ مجتبی و حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج شیخ کاظم دامغانی و میرزا جواد آقای تهرانی و صدها نفر دیگر امثالهم از آیات بزرگ و دانشمندان بنام معاصر بودند استفاده فقه و معارف الهی نموده و به نجف اشرف مشرف و چندی هم در آنجا اقامت و از مبانی مدرسین و مجتهدین حوزه نجف مطلع و استفاده نموده و به مشهد مراجعت و به تألیف کتب مفیده و تدریس پرداخته و مهارتی عجیب در مناظره با پیروان ادیان دیگر و مذاهب باطله داشت و نیز در احتجاج و مباحثه با اهل سنت و جماعتی و در سفرهای عیدیه‌اش به حجاز و کشور سعودی مباحثاتی با حضرات داشته که موجب استبصار عده‌ای از مردم پاکستان و هندوستان شده است.

آن مرحوم در علوم غریبه و علم طلب قدیم و گیاه‌شناسی و ریاضی هم اطلاع عمیق داشته و با زبان فرانسه هم آشنائی داشته حدود سه دوره بحارالانوار را از اول تا آخر مطالعه و در اثر این مطالعات موفق به تألیف مستدرک البحار در ده مجلد شده که پنج جلد آن در زمان حیات خودش به طبع رسیده و پنج مجلد آن پس از رحلتش فرزند یاد شده‌اش اقدام به طبع و نشر آن نموده و حافظ تمام قرآن و یا اکثر آن بوده زیرا از هر آیه که می‌پرسیدند فوراً آدرس درس آن را می‌داد و به گفته برخی از مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی قدس‌الله سره از ایشان پرسیده بودند فرموده بود که آقای نمازی مجلسی زمان ما بوده است.

نگارنده این کتاب چون مدتی در مدرسه نواب مشهد با ایشان همسایه و مرواده داشتم ایشان را از جهاتی کم‌نظیر یافتیم. تألیفات بسیاری دارد که از دیدگان عزیزان می‌گذرانم.

۱- اثبات ولایت که ۶ مرتبه به چاپ رسیده.

۲- ابواب رحمت ۲ مرتبه چاپ شده.

۳- تاریخ فلسفه و تصوف ۲ مرتبه چاپ شده.

۴- مقام قرآن و عترت ۳ مرتبه چاپ شده.

۵- ارکان دین ۲ مرتبه چاپ شده در خداشناسی و پیغمبر و امام‌شناسی و فروع دین و نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت. و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری و رجعت و قیامت کبری تدوین شده است.

۶- الهدی الی صراط مستقیم.

۷- دوره مستدرک سفینه‌البحار در ده جلد به طبع رسیده.

۸- رساله تفویض

۹- تاریخ مجالس روضه‌خوانی

۱۰- زندگانی حبیب بن مظاهر

۱۱- اصول دین

۱۲- الاسلام الهادیه فی الاعتبار الکتب الاربعه

۱۳- رساله نور الابصار

۱۴- مناسک حج- مشتمل بر وجوب حج و مذمت تارک آن و خلقت کعبه و حجرالاسود و حرم و قضایای آن.

تألیفات طبع نشده علامه نمازی

۱- روضات النظرات، دوره فقه استدلالی ده جلد.

۲- مستدرکات علم رجال، ده جلد.

۳- مستطرفات المعالی در احوال راویان احادیث.

۴- دوره معارف القرآن مشتمل بر چهل و سه جزو.

۵- رساله‌ای در طب.

۶- معرفه الاشیاء- گیاه‌ها- درختها حیوانات و جمادات.

۷- مباحث اصول.

متأسفانه این دانشمند متتبع و محدث متبحر و مؤلف مكثر در شب دوشنبه دوم ماه ذیحجه سال ۱۴۰۵ هجری قمری برابر ۲۸ مرداد ماه ۱۳۶۴ شمسی از دنیا رفته و در جوار سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی الرضا علیه الصلوه والسلام مدفون گردید عاش سعیدا و مات سعیدا حشره الله مع الشهداء والسعداء آمین یاالله.

محقق، عالم دینی.

تولد: ۱۲۹۴ ق.، شاهرود.

درگذشت: ۲۸ مرداد ۱۳۶۴، (دوم ذیحجه سال ۱۴۰۵ ق.).

آیت الله علی نمازی شاهرودی، فرزند آیت الله محمد نمازی شاهرودی، مقدمات و سطوح عالی را در شاهرود نزد پدر و دیگر اساتید فراگرفت. سپس رهپسار مشهد شد. در آنجا مدارج عالیه فقه و اصول را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت به گونه‌ای که در بیست و دو سالگی شروع به تقریر فقه استدلالی نمود.

مدتی نیز به حوزه‌ی نجف اشرف رفت و در آنجا به تحصیل فقه و مبانی اصول پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد. ایشان همچنین به علم ریاضی و تاریخ و نیز خطاطی آشنایی داشت و به ویژه کتاب‌هایش را به خط خودش می‌نوشت. آیت الله نمازی به زبان عربی مسلط بود و با زبان فرانسوی هم آشنایی داشت. وی طب سنتی و گیاه‌شناسی و علوم غریبه را خوب می‌دانست، ضمناً به روش‌های مباحثه و مناظره نیز مسلط بود. فعالیت عمده و اساسی ایشان پیرامون احادیث و رجال حدیث بحارالانوار اختصاص داشت.

آثار ایشان عبارتند از: مستدرک سفینه البحار (در ده جلد)؛ الاحتجاج بالتاج علی اصحاب اللجاج (الهادی)؛ الاعلام الهادیه فی اعتبار الکتب الاربعه؛ ابواب رحمت (جلد اول، مشهد، ۱۳۳۷، ق.، قم، ۱۳۶۲)؛ تاریخ فلسفه و تصوف (یا مناظره دکتر با سیاح پیاده، جلد اول، ۱۳۷۷ ق.)؛ مناسک حج؛ رساله تفویض؛ رساله علم غیب (ع)؛ اصول دین؛ رساله نورالانوار؛ ارکان دین؛ زندگانی حبیب بن مظاهر اسدی؛ تاریخچه‌ی مجالس روضه‌خوانی و عزاداری سید مظلومان (ع) قرآن و عترت در اسلام.

آثار علمی خطی چاپ نشده وی به این شرح هستند: مستطرفات المعالی؛ مستدرکات علم رجال (پانزده جلد)؛ روضات النظرات؛ مجموعه نفیسه در طب؛ معرفه الاشیاء (گیاه‌شناسی)؛ مطرف الهیه؛ حواشی بر بعضی کتب مانند: حاشیه بر تفسیر برهان، حاشیه بر رجال ممقانی، حاشیه بر رجال آیت الله خویی؛ حاشیه بر رجال شیخ طوسی و تصحیح آن، حاشیه بر کتاب جواهر در فقه تألیف محمدحسن نجفی، حاشیه بر کتاب وقایع المشهور، حاشیه بر کتاب بحارالانوار آیت الله غروری، حاشیه بر رساله‌ی شریف رجیبه محدث بیرجندی و حواشی دیگر.

(توح ۱۳۳۲ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و متکلم. در شاهرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش، به مشهد مهاجرت نمود و سطوح را نزد مدرسین بزرگ حوزه مشهد به پایان رسانید. آنگاه از بحثهای معارف و اخلاق آیت‌الله آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره‌مند گشت. او علاوه بر امامت جماعت یکی از مساجد مشهد به کار تألیف و تصنیف کتب دینی و تحقیقات در این زمینه اشتغال داشت و تألیفات بسیاری از خود باقی گذاشت. از آثارش: «مستدرک سفینه البحار»؛ «ابواب رحمت»؛ «تاریخ فلسفه و تصوف»؛ «ارکان دین»؛ «مقام قرآن و عترت در اسلام»؛ فهرست «منتقى الجمان»؛ کتاب «اثبات ولایت»؛ تزییلات کتاب «مجموعه الاخبار»؛ «شرح زندگانی حبیب بن مظاهر»؛ «تاریخچه مجالس روضه خوانی»؛ «مناسک حج و وجوب و فضیلت آن»؛ «نور الانوار»، به فارسی و عربی؛ رساله‌ای در «علم غیب امام (ع)». [۱]

علی ابن العالم الکامل و العابد الزاهد آیت‌الله حاج شیخ محمد معروف به (نمازی) شاهرودی از علماء و ائمه جماعت معاصر مشهد مقدسند.

وی در حدود سال ۱۳۳۲ قمری متولد شده و در بیت علم و ورع و تحت تربیت پدر دانشمند و زاهدش پرورش یافته و پس از خواندن مقدمات و قسمتی از سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه مشهد به پایان رسانیده سپس از محضر مرحوم عالم ربانی و آیت‌الله سبحانی مریمی نفوس و مذهب اخلاق آیت‌الله الملک‌العلام آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی سالهای متمادی استفاده نموده و با هم از محضر آیات دیگر مشهد بهره‌مند گردیده و در مسجدی از مساجد بالا-خیابان به اقامه جماعت و تبلیغ احکام تا حال تحریر اشتغال دارند

نگارنده گوید از سال ۱۳۶۴ ق که در مشهد اقامت داشتم و در مدرسه نواب از محضر مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی خارج مبحث حج را استفاده مینمودم با معظم‌له آشنا شده و بعد از درس مذاکره بحث را می نمودیم وی را دانشمندی متقی و پارسا و مشغول به مطالعه و تألیف شناختم خداوند امثال ایشان را همواره موفق بدارد. تألیفات مطبوع ایشان از اینقرار است.

۱- ابواب رحمت دو مرتبه به طبع رسیده ۲- تاریخ فلسفه تصوف ۳- متدرسک سفینه البحار ج ۱ و ۲ بطبع رسیده ۴- کتاب ارکان دین در آن شرح اصول دین (خدانشناسی و فروع دین نماز و زکوه و روزه و حج و ولایت و زیارت پیغمبر و ائمه هدی و شرح قیامت صغری (رجعت) و قیامت کبری) ۵- مقام قرآن و عترت در اسلام ۶- فهرست منتقى الجمان ۷- تزییلات کتاب مجموعه الاخبار ۸- شرح زندگانی حبیب ابن مظاهر ۹- تاریخچه مجالس روضه خوانی ۱۰- مناسک حج و وجوب و فضیلت آن ۱۱- کتاب اثبات ولایت ۱۳- ۱۲- نور الانوار فارسی و عربی ۱۴- رساله‌ای در علم غیب امام (ع)

تألیفات مخلوط ایشان

۱- تمه مستدرک سفینه البحار ده جلد ۱۱- مستدرکات علم رجال شیخ ۵ جلد ۱۶- کتاب اصول دین ۱۷- کتاب مستطرفات المعالی در احوال رجال و راویان اخبار ۱۸- روضات النضررات در فقه استدلالی ده مجلد ۱۹- معارف الهیه ۲۰- مجموعه نفیسه در طب ۲۱- معرفه الاشیاء و غیره

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۸۴- ۱۸۳/۷، ۳۷۴/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴/۴۳۷).

نوایی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین نوایی در سال ۱۳۰۲ ه.ش تهران متولد گردید. وی بعد از گذراندن دورهٔ دانشسرا، در رشتهٔ حقوق ادامه تحصیل داده و از دانشگاه سوربن فرانسه فارغ التحصیل گردید. نوایی پس از آن به کار تدریس در مدارس و دانشگاه‌های کشور پرداخت. او کار تحقیق و پژوهش را با دو مطلب آغاز نمود، اول مسائل مربوط به مشروطیت و دیگری در رابطه با بایبگری. نوایی آثار بسیار با ارزشمندی از خود بجای نهاده است که مورد استفاده بسیاری از محققان و پژوهشگران می باشد. وی هم اکنون به دلیل کهولت سن از کار تدریس در دانشگاه دست کشیده اما منزل ایشان همواره پذیرای دانشجویان می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: ایران دوره اسلامی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عبدالحسین نوایی تحصیلات خود را در مدارس ابتدایی (تمدن) و (ابن سینا) آغاز نمود. وی در دورهٔ متوسطه در به مدرسه شرف تحصیل کرد و پس از گذراندن این دوره، علیرغم میل باطنی خود به دانشسرای عالی رفت، دکتر نوایی در این مورد می نویسد: برخلاف میل به دانشسرا رفتم چون علاقه به این حرفه نداشتم و تمایل داشتم که دیپلمات شوم. دکتر نوایی پس از دوره دانشسرای عالی، تحصیلات خود را در دانشکده حقوق پی گرفت اما به دلایلی از ادامه تحصیل در رشته حقوق باز ماند. البته وی یک سال بعد دوباره در رشته حقوق شرکت نمود و توانست شاگرد دوم شود. نوایی به لحاظ اینکه ناگزیر بود یکی از دورشته را انتخاب نماید و با توجه به اینکه یکسال از دوره دانشسرا را نیز گذرانده بود، لذا در همین رشته ادامه تحصیل داد، او سپس به فرانسه رفته و توانست دوره دکترا را از دانشگاه سوربن اخذ نماید.

خاطرات و وقایع تحصیل: عبدالحسین نوایی بعد از دوره دانشسرای عالی به دانشکده حقوق رفت، اما وی نتوانست از این دانشکده فارغ التحصیل شود و به نحوی از ادامه تحصیل باز ماند، علت این امر را نوایی چنین بیان می کند: ماجرا از این قرار بود که در امتحانات دیپلم یک نفر از روی برگه امتحانی من رونویسی کرده بود و در آن زمان تصحیح اوراق امتحانات نهایی به عهده استادان دانشگاه بود و مرحوم دکتر شفق دیده بود که دو برگه کاملاً شبیه یکدیگر است، لذا هر دو نفر به جرم تقلب از ادامه تحصیل محروم کردند، مدتی طول کشید تا توانستم ثابت کنم که ورقه اصلی متعلق به من است و همین تاخیر باعث شد تا من از ادامه تحصیل محروم شوم.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: عبدالحسین نوایی در کنار تحصیلات تکمیلی خود در فرانسه به کار معلمی نیز پرداخت و، چون این مسئولیت را پذیرفته بود با جدیت مطالعه می نمود، اینکار دو دلیل داشت اول آنکه تحصیلات خود را دانشگاه کافی نمی دانست و آنرا مقدمه ای می دانست برای ادامه تحصیل دوم نمی خواست به مانند بعضی از معلمین از کم سوادی و بی توجهیش گله نماید: او می گوید: در هر صورت چشم را بر بسیاری از لذات مادی زندگی بستم و تمام وقتم را صرف آموختن کردم مثلاً موقعی که در پاریس بودم، با توجه به اینکه در آنجا هوادیر روشن می شود ساعت نه صبح غذای مختصری می خوردم که هم صبحانه بود و هم نهار و از ساعت ده در کتابخانه ملی پاریس مطالعه می کردم تا ساعت پنج بعداز ظهر که آنجا تعطیل می شد. هر چند در آن وقت خیلی ها به این کار من می خندیدند، اما من به هیچ وجه احساس غبن نمی کردم چون آثاری که الان شما ملاحظه می فرمایید، غالباً حاصل مطالعات و تلاشهای همان دوران است.

استادان و مریبان: از استادانی که عبدالحسین نوایی به عنوان یک الگو یا د می کند، عباس اقبال بود باز می گردد نوایی وی را از جمله کسانی می داند که در او انگیزه تاریخنگاری را بوجود آورد و این مسئله به زمانی که نوایی در مجله یادگار با وی همکاری شد. از استادان نوایی شخصیت‌های برجسته ای همچون: بدیع الزمان فروزانفر، بهار، بهمنیار و میرزا عبدالعظیم خان قریب می توان نام برد.

وقایع میانسالی: در سال ۱۳۴۶ عبدالحسین نوایی مطالبی در مورد دانشگاهها و عدم پذیرش افراد جوان به عنوان استاد منتشر کرد، این مسئله باعث شد دانشجویان دست به شکایات متعددی بزنند با اعتراض دانشجویان مدیریت دانشگاههای تهران و شهرستانها تغییراتی نمود و از آن جمله دانشگاه تبریز که هوشنگ منتصری به سمت ریاست آنجا رسید وی روسای دانشکده ها را که عملا از ورود هرگونه استاد جدیدی سرباز زده بودند، اخراج کرد و دانشکده ادبیات را به دکتر نوایی سپرد. در سال ۱۳۵۱ در هنگام خدمت در سازمان کتابهای درسی یعنی به دلیل رعایت نکردن دستورات شاه در مورد مبارزه با گرانی، متهم و از کار برکنار شد. اما پس از مدتی به بابلسر رفته و سمت معاونت مدرسه عالی بابلسر را قبول کرد نوایی پس از مدتی خدمت در این مدرسه به دلیل روش میان دو رییس مدرسه یعنی دکتر فاروقی پیش آمد، از سمت خود استعفا داد، اما دیری نگذشت به سبب بوجود آمدن حوادثی به سمت ریاست این مدرسه منصوب شد. او علت این امر را چنین بیان می کند: دانشجویان، رییس مدرسه با بلسر را به علت رفتار ناشایست کتک زدند و حتی خواستند از پنجره طبقه سوم به پایین پرت کنند، که مدتی در بیمارستان بستری شد. پس از برکناری وی وزارت علوم را به ریاست مدرسه گماشت. انتصاب دکتر نوایی به سمت ریاست مدرسه عالی با بلسر مصارف بود با تحرکات مردم و دانشجویان بر علیه رژیم شاه نوایی می گوید: تا آنجا که من متوجه شدم سخن از انقلاب و تحولی عظیم در میان است و نه یک اعتراض و شکایت، دانشکده ها به هم ریخته بود و کلاسهای تعطیل شده بود و من که هرگز نمی خواستم با دانشجویان مقابله بکنم بلکه آنان را محق می دانستم از خدمت استعفا کردم و به تهران بازگشتم. در سال ۱۳۴۹ ش، دکتر نوایی جایزه بهترین کتاب سال به جهت تصحیح و تعلیق کتاب احسن و التواریخ را دریافت داشت و در سال ۱۳۶۴ ش، موفق به دریافت جایزه بهترین کتاب سال جهت تصحیح و تعلیق کتاب احسن التواریخ را دریافت داشت و در سال ۱۳۶۴ ش. موفق به دریافت جایزه بهترین کتاب سال به خاطر تالیف کتاب اسناد تاریخی ایران از ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ ه. ق. شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: در سال ۱۳۴۶ ه. ش با تغییر مدیریت دانشگاهها، دکتر هوشنگ ریاست دانشگاه تبریز را به عهده گرفت و مسئولیت دانشکده ادبیات را به دکتر نوایی سپرد. نوایی یکی دوسال پس از بازگشت از تبریز مدیر کل تشکیلات و روشهای آموزش و پرورش شد: از فعالیتهای او در این سمت، بررسی سازمان کل وزارت آموزش و پرورش و تقسیم تهران به ۱۷ ناحیه بود. در سال ۱۳۵۱ ه. ش به سازمان کتابهای درسی منتقل گردید و تا مرداد سال ۱۳۵۴ ه. ش در این سمت باقی ماند، اما به دستور شاه از کار برکنار شد و بعد از چند ماه بیکار ماندن به وزارت علوم رفته با دعوت دکتر فاروقی رئیس مدرسه عالی بابلسر، در منصب معاونت این مدرسه شروع به کار کرد، اما طولی نکشید به سبب اختلاف عقیده با دکتر فاروقی استعفا داد. نوایی پس از استعفا از مدرسه عالی بابلسر از وزارت آموزش و پرورش درخواست شغل و یا باز نشستگی او موافقت شد. هنوز مدتی از باز نشستگی دکتر نوایی نگذشته بود که وی به سمت ریاست مدرسه عالی منصوب گشت اما وی در طی تحولات کشور در سال ۱۳۵۷ ه. ش از شغل خود استعفا کرده که با باز نشستگی به تهران بازگشت.

فعالتهای آموزشی: عبدالحسین نوایی علاوه بر تالیف و خلق آثار متعدد، در دانشگاهها و موسسات علمی مختلف به تدریس پرداخته است که از آن جمله اند: دانشگاه تهران و مرکز اسناد در سطح لیسانس، دانشگاههای تربیت مدرس، شهید بهشتی، الزهرا، و پژوهشگاه فرهنگ و مرکز اسناد رسمی، دانشگاههای آزاد واحد شهر ری و ابهر در سطح فوق لیسانس و دکتری در سال ۶۴-۱۳۶۳ بخش دکتری تاریخ در دانشگاه آزاد اسلامی ایجاد گردید و دکتر نوایی از همان سال تا سال ۱۳۷۶ عضو ثابت و هیات علمی آن بوده و همانطور که خود می گوید، اولین دانشجوی فارغ التحصیل رشته تاریخ شاگرد وی بوده است. نوایی همچنین در محدوده همکاری حوزه و دانشگاه یک دوره درسی با هفت تن از طلاب در رشته که در سطح فوق لیسانس بودند. از دیگر فعالتهای آموزشی دکتر نوایی نظارت بر رساله های تحصیلی فوق لیسانس و دکترا بود، او در دانشکده های ادبیات شهید بهشتی

تربیت مدرس و الزهرا به عنوان استادراهنما، مشاور و ممتحن شرکت می نمود. نوایی تا پایان سال ۱۳۷۸ ه.ش به کار تدریس پرداخت، اما پس از بیماری ممتد از رفتن به کلاس خودداری نمود به همین خاطر دانشجویان به منزل وی می روند و از دانش فراوان او بهره می برند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: عبدالحسین نوایی در کنار کار تدریس و تالیف و پژوهشهای علمی، در مجامع علمی، سمینارها و سخنرانی های متعدد شرکت نمود که بعضی از آنها در خارج از کشور بوده است، از این تعداد می توان، مهمترین آن را به شرح زیر بیان داشت: ۱- سال ۱۳۵۳ ش، سفر به پاکستان برای ایراد چند سخنرانی در سمت ریاست کتابهای درسی. ۲- سال ۱۳۵۳ ش. سفر به ترکیه، سوئد، انگلستان و فرانسه در سمت ریاست کتابهای درسی و بازدید از مراکز فرهنگی. ۳- سال ۱۳۷۴ ش، سفر به ترکیه و سخنرانی درباره جنگ اوزون حسن با سلطان محمد فاتح در سمینار مربوط به فتح قسطنطنیه ۴- سال ۱۳۷۵ ش، شرکت در سمینار تیمور در مشهد و ارائه مجموعه مقالاتی تحت عناوینی چون کثرت منابع تاریخ تیموری «ورد» کتابهایی چون منم تیمور «جهانگشا و توزوک». ۵- سال ۱۳۷۵ ش، سفر به ازبکستان و سخنرانی در سمینار بزرگداشت تیمور.

آرا و گرایشهای خاص: عبدالحسین نوایی در زمینه اتکا خود به تاریخنگاری، بخش اعظم فعالیت خود را در دوره قاجاریه متمرکز نمود: او تحقیقات و پژوهشهای خود را در دو زمینه آغاز نمود، اول مطالب مربوط به مسایل مشروطیت و دیگری در رابطه با بیگری است. چنانکه خود می گوید: «من قاجاریه را به آن بدی نمی بینم که دیگران می بینند. افراد را در زمان خودشان و با معیارهای زمان خودشان باید مورد قضاوت قرار داد. والا با مسائل یک قرن یا دو قرن بعد نمی شود افرادی را که دو قرن - سه قرن پیش از ما بوده اند، داوری کرد. من قاجاریه را بدون اینکه بخواهم ادعا کنم مردان بزرگ و یا نام آوری بوده اند، افراد و خائن و نادرستی نمی دانم، اما می توانم ادعا کنم که در این دوره غیر از دو یا سه نفر، واقعا خائن یعنی کسی که آمده و به کشورش خیانت کرده، بیشتر نداریم، بقیه، کسانی هستند که خواسته اند این مملکت را حفظ کنند، اما ممکن است به علت جهل و بی اطلاعی و عقب ماندگی از دانش اروپا، مسائل سیاسی اروپا و روابط بین دول، اشتباهاتی کرده باشند. اما آنان هرگز قصد خیانت نداشتند. شاید در آن زمان به درستی به نقش استعمار و مطامع قدرتهای اروپایی پی نبرده بودند، و شاید به اندازه لازم آگاهی نداشتند چون شناخت استعمار منوط است به دانستن مفاهیم و اصطلاحات علوم سیاسی، شناخت روابط بین الملل، شناخت مسائل اقتصادی، شناخت اینکه کارخانه اروپا باید با مواد خام ارزان بگردد، این مسائل را نمی دانستند، کجا در س خوانده بودند که بدانند؟ اطلاعی نداشتند.»

چگونگی عرضه آثار: عبدالحسین نوایی تالیفات خود را با همکاری مراکز فرهنگی و موسسات انتشارات گوناگونی به چاپ رسانده است. او دعوت موسسات و واحد های فرهنگی که مولود انقلاب اسلامی بودند را سواره با شوق و رغبت پذیرفت. از موسساتی که او با آنها همکاری نمود عبارتند از: کتابخانه ملی: همکاری در کمیته علمی احیا میراث مکتوب دکتر نوایی: از سال ۱۳۷۳ بنا به دعوت رییس وقت آقای جواهری همکاری خود را با موسسه تاریخ معاصر آغاز کرد. دکتر نوایی: در مهرماه سال ۱۳۷۳ بنا به دعوت رییس وقت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شروع به کار کرد. او در این دو طرح را اجرا نمود، ۱- مجموعه شرح حال بزرگان علم و ادب ۲- تدوین مجموعه اعلام تاریخی. سازمان سمت: ست در واقع حروف اول سازمان مطالعه و تدوین کتب است، و وظیفه آن تهیه کتاب های درسی برای سطح لیسانس می باشد. دکتر نوایی سه چهار سال به عنوان رییس گروه تاریخ در این سازمان خدمت کرد. اداره اسناد نهاد ریاست جمهوری دکتر نوایی: در این واحد بر کار محققان جوان نظارت دارند و آنان را در خواندن اسنادی که نوعا با خط شکسته یا قلم سیاق است یاری می نمایند. سازمان اسناد ملی: همکاری دکتر نوایی با این نهاد تنها در سطح تالیف کتاب بوده است.

آثار:

- ۱ آیین
- ۲ اسطوره اهل حق
- ۳ اسناد عبدالوهاب خان آصف الدوله در خراسان
- ۴ اسناد مربوط به نایب حسین کاشی
- ۵ اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از ۱۳۰۸ تا ۱۱۰۵ ه ق
- ۶ اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمور تا شاه اسماعیل
- ۷ اطلاعات ماهیانه
- ۸ ایران و جهان
- ۹ با ستا شناسی و تاریخ
- ۱۰ بررسی های تاریخی
- ۱۱ پست تهران
- ۱۲ تاریخ آل مظفر
- ۱۳ تاریخ روابط فرهنگی ایران
- ۱۴ تاریخ عضدی
- ۱۵ تاریخ گزیده
- ۱۶ تالیف محمد تقی
- ۱۷ تکمله الاخبار
- ۱۸ جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان و باختران
- ۱۹ حدیقه الشعرا
- ۲۰ حکیم و به اهتمام جمشید کیانفر و محمد علی صوتی
- ۲۱ خاطرات عباس میرزا ملک آرا
- ۲۲ خبرنامه سمینار بین المللی نهضت مشروطیت
- ۲۳ دولتهای ایران از مشروطیت تا او لثیماتوم
- ۲۴ دیوان محتشم کاشانی
- ۲۵ روزنامه باختر
- ۲۶ روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه
- ۲۷ روزنامه آژنگ
- ۲۸ روزنامه اصفهان
- ۲۹ روزنامه امید
- ۳۰ روزنامه بهرام
- ۳۱ زیور آل داود
- ۳۲ سیرو سیاحت

- ۳۳ شاه اسماعیل صفوی
- ۳۴ شاه تهماسب
- ۳۵ شاه عباس
- ۳۶ شرح حال رجال حبیب السیر
- ۳۷ صدف
- ۳۸ فتح تهران
- ۳۹ فتنه باب
- ۴۰ فصل نامه تاریخ معاصر ایران
- ۴۱ فصل نامه تحقیقات تاریخی گنجینه اسناد
- ۴۲ فهرس التواریخ
- ۴۳ کریم خان زند
- ۴۴ گزیده فرمانهای موجود در کتابخانه ملی
- ۴۵ گوهر
- ۴۶ ماهنامه فرهنگ
- ۴۷ ماهنامه ادبستان
- ۴۸ متون تاریخی به زبان فارسی
- ۴۹ مجله توشه
- ۵۰ مجله فردوسی
- ۵۱ مجله کیهان فرهنگی
- ۵۲ مجله یارگار
- ۵۳ مجله یغما
- ۵۴ مجموعه اسناد ناینایان کاشان
- ۵۵ مرآة البلدان
- ۵۶ مرآة الوقایع مظفری و یادداشتهای ملک المورخین سپهر
- ۵۷ مطلع سعدین
- ۵۸ مطلع سعدین و مجمع بحرین
- ۵۹ مظفرالدین شاه
- ۶۰ مقاله دوره مجله یادگار
- ۶۱ مقدمه بر جغرافیای تاریخی شهرهای ایران
- ۶۲ مقدمه بر کتابهای چون گنج دانش
- ۶۳ مهد علیا
- ۶۴ مهر
- ۶۵ نادر و جانشینانش همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری

۶۶ نامه های خان احمد خان گیلانی

۶۷ نشریه وزارت امور خارجه

۶۸ وجه تسمیه شهرهای ایران

نوذری، عزت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عزت اله نوذری در سال ۱۳۲۳ در رودسر بدنیا آمد. وی پس از اخذ دیپلم در ایران تحصیلات دانشگاهی خود را از مقطع کارشناسی تا دکتری در دانشگاههای گرانس و وین بانجام رساند. در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۸ به استخدام دانشگاه تربیت معلم در آمد، و از سال ۱۳۶۴ به دانشگاه شیراز منتقل شد و هم اکنون با درجه علمی دانشیاری در آنجا مشغول به تدریس و تحقیق است.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ

گرایش: تاریخ اجتماعی

خاطرات کودکی: بهترین و به یاد ماندنی ترین خاطره عزت اله نوذری رفتن به کلاس اول ابتدایی بود که همواره در شادی وصف ناپذیری بسر می برد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: عزت اله نوذری در خانواده مذهبی به دنیا آمد و بزرگ شد. پدرش کارمند عالیرتبه وزارت دارایی در تهران بود و اهل هنر و شعر و تاریخ است. پدر بزرگ دکتر نوذری نیز با شعر شاعران و تاریخ مانوس بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عزت اله نوذری پس از دریافت دیپلم از ایران تحصیلات دانشگاهی خود را از مقطع کارشناسی تا دکتری در رشته تاریخ گرایش اجتماعی در دانشگاههای گرانس و وین بانجام رساند.

فعالیتهای ضمن تحصیل: عزت اله نوذری در حین تحصیل در خارج از کشور بطور مستقل در فعالیت های علیه رژیم شرکت می کرد.

همسر و فرزندان: عزت اله نوذری متاهل و دارای دو فرزند پسر است. فرزند ارشد، روزبه نوذری دارای مدرک کارشناسی عمران و متاهل است. دیگر فرزندش، آرش نوذری که دارای کارشناسی حسابداری و متاهل می باشد.

وقایع میانسالی: عزت اله نوذری پس از دریافت دکتری رشته تاریخ اجتماعی ایران در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۸ به استخدام دانشگاه تربیت معلم در آمد. و در سال ۱۳۶۴ به دانشگاه شیراز منتقل شد. وی هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری در همین دانشگاه به تدریس و تحقیق مشغول است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عزت اله نوذری عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شیراز است. وی بغیر از شرکت در کمیته های متعدد آموزشی، پژوهشی و تکمیلی پست اجرایی دیگری نداشته است.

فعالیتهای آموزشی: عزت اله نوذری در طول ۲۸ سال تدریس بطور متوسط در هر ترم میانگین ۱۲ ساعت مشغول به تدریس بوده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: عزت اله نوذری در کنار تدریس در دانشگاه شیراز به تحقیق و پژوهش می پردازد.

جوایز و نشانها: عزت اله نوذری تعداد ۲۷ لوح تقدیر از دست روسای دانشگاهها در سمینارها و غیره دریافت کرده است. به عنوان مثال محقق نمونه در دانشگاه شیراز در سال ۱۳۷۹ است.

چگونگی عرضه آثار: عزت اله نوذری دارای ۱۲ کتاب تخصصی در رشته تاریخ و ۳۸ مقاله منتشر شده در ژورنالهای داخلی و خارجی است.

آثار:

۱ اروپا در قرون وسطی

ویژگی اثر: تالیف

۲ انقلاب فرانسه

ویژگی اثر: تالیف-در دست تهیه است

۳ ایران و تاریخ

ویژگی اثر: تالیف

۴ پژوهش پیرامون ایلات و کولیهای استان مرکزی

ویژگی اثر: تالیف

۵ تاریخ اجتماعی ایران در دو جلد

ویژگی اثر: تالیف-جلد اول: از آغاز تا مشروطیت-جلد دوم: از مشروطیت تا انقلاب اسلامی

۶ تاریخ احزاب سیاسی در ایران

ویژگی اثر: تالیف

۷ تاریخ معاصر جهان

ویژگی اثر: تالیف

۸ جنبش در تاریخ معاصر ایران

ویژگی اثر: تالیف

۹ روش شناخت در تاریخ

ویژگی اثر: تالیف

۱۰ سالشمار تاریخ ایران

ویژگی اثر: تالیف

۱۱ شخصیت از آغاز تا عصر روشنگری

ویژگی اثر: تالیف

نورالله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، فلزکار. وی نگارگر پرمهارت فلزات سخت بود. از آثار او قطعات هشت ضلعی فلزی است که روی هم سوار شده و

کمربندی را تشکیل داده‌اند. نقوش متنوع و اسلیمی این قطعات استادانه است و رقم «عمل نورالله» دارد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۳/۱۴۰۰).

نورانی، امیر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیر نورانی مکرم دوست

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۲

زندگینامه علمی

آقای امیر نورانی مکرم دوست در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» در شهر رشت دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه رشت گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره‌ها برد.

از سوی دیگر به شوق زیارت و هم‌جواری با بارگاه کریمه اهل‌البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۲ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله استادی»، «آیت الله استاد پایانی»، «استاد آل غفور»، «استاد حسینی خراسانی» و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «جامعه‌شناسی» در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید و با موفقیت از پایان‌نامه خویش با عنوان: «بررسی باورهای دینی در ارتباط نوسازی» دفاع کرد. وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم‌اکنون علاوه بر مدیریت گروه معارف دانشگاه گیلان، نیز در این دانشگاه به امر تدریس اشتغال دارد.

نیشابوری، قطب‌الدین، ابوجعفر محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم ق)، محدث، مقرئ و نحوی. از علمای امامیه در قرن ششم قمری است. او از شیخ ابوعلی بن شیخ طوسی روایت کرده

است. کتاب «المجالس»، در حدیث از اوست و ابن شهر آشوب در «مناقب» خود از آن بسیار نقل کرده است. وی از مشایخ روایی سید ضیاءالدین ابوالرضا فضل‌الله بن علی راوندی و امام قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ ق) بود. قطب‌الدین نیشابوری «الندبه» امام زین‌العابدین (ع) را از حاکم حسکانی از صدوق ابن بابویه روایت کرده و علامه حلی در «اجازه‌ی» کبیره خود به این مطلب اشاره کرده است. از دیگر آثارش: «التعلیق»؛ «الحدود»؛ «الموجز فی النحو». [۱]

محمد بن علی بن حسن مقرئ نیشابوری ملقب به (قطب‌الدین) مکنی به ابوجعفر عالمی موثق و استاد سید ابی‌الرضا فضل‌الله راوندی و شیخ ابی‌الحسن قطب راوندی و صاحب تعلیق الحدود الموجز در نحو بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: الذریعه (۲۵۱/۲۳، ۳۵۶/۱۹، ۲۲۱/۴)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۷۲/۶)، فهرست منتجب‌الدین (۱۵۸-۱۵۷)، فوائد الرضویه (۵۵۹)، معجم‌المؤلفین (۳۱۸-۳۱۷/۱۰).

نیک گهر، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین نیک گهر، استاد دانشگاه، جامعه شناس و مترجم، به سال ۱۳۱۶ در شهر تالش دیده به جهان گشود. از سال ۱۳۲۲ به خاطر شغل پدر ساکن رشت شد و دبستان و دبیرستان را در بهترین مدارس رشت گذراند. بعد از پایان دوره دبیرستان بی درنگ در دانشگاه تبریز پذیرفته شد و توانست در رشته فلسفه و علوم تربیتی با کسب رتبه اول مدرک کارشناسی اش را دریافت کند. در سال ۱۳۳۹ به خاطر موفقیت و کسب رتبه اول به فرانسه اعزام شد. از همراهان او می توان به دکتر علی شریعتی اشاره کرد. در سال ۱۳۴۳ مدرک دکترای جامعه شناسی اش را از دانشگاه سوربن کسب کرد. بعد از بازگشت از فرانسه مدتی در دانشگاه فردوسی مشهد جامعه شناسی تدریس می کرد و مدتی بعد به دانشگاه تهران منتقل شد. و در امتحان استادیاری آن دانشگاه که در سال ۱۳۴۷ برگزار شد شرکت کرد و توانست در سال های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ به عنوان استادیار دانشگاه تهران مشغول به تدریس شود. در سال ۱۳۵۰ با توجه به شرایط جامعه- انقلاب فرهنگی- فرصت مطالعاتی ایجاد شد و برای دومین بار به فرانسه عزیمت کرد تا با تکمیل تحصیلاتش بتواند به کشور و جامعه اش خدمت کند، در این ایام او توانست مدرک دکترای دولتی جامعه شناسی اش را از دانشگاه سوربن دریافت کند. عبدالحسین وی اکنون در مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی مشغول به کار و تحقیق است. او از سال ۱۳۷۵ تاکنون با حضور مستمر در این مرکز با اجرای صدها طرح تحقیقاتی توانسته به رشد و ارتقای فرهنگی این سرزمین کمک شایانی کند. نیک گهر با پشتکار خود تاکنون توانسته یک تنه آثار بسیاری در زمینه تألیف و ترجمه از خود به جا بگذارد به طوری که همه کتاب هایش مورد استقبال و توجه بسیاری از اساتید دانشگاه و دانشجویان قرار گرفته است. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در رشت، دیپلم ششم ادبی دبیرستان مروی تهران ۱۳۳۵ - لیسانس فلسفه و علوم تربیتی، دانشجوی رتبه اول از دانشگاه تبریز ۱۳۳۹ و اعزام به فرانسه - دکترای جامعه شناسی دانشگاهی از سوربن ۱۳۴۳ - اعزام به فرانسه و اخذ دکترای دولتی جامعه شناسی از سوربن ۱۳۵۴ خاطرات و وقایع تحصیل: در سال ۱۳۵۰ با توجه به شرایط جامعه- انقلاب فرهنگی- فرصت مطالعاتی ایجاد شد و برای دومین بار به فرانسه عزیمت کرد تا با تکمیل تحصیلاتش بتواند به کشور و جامعه اش خدمت کند، در این ایام نیک گهر توانست مدرک دکترای دولتی جامعه شناسی اش را از دانشگاه سوربن دریافت کند. هم دوره ای ها و همکاران: نیک گهر، بین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳ دانشجوی ریمون آرون بوده

است و از دوستان او می‌توان مرحوم دکتر احمد تفضلی، بهمن سرکاراتی زبان شناس نام برد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: نیک گهر در سال ۱۳۵۴-۱۳۵۵ رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷ مدیر گروه آموزشی جامعه شناسی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۵۷-۱۳۵۸ رئیس دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران بوده است. اکنون در مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی مشغول به کار و تحقیق است. او از سال ۱۳۷۵ تاکنون با حضور مستمر در این مرکز با اجرای صدها طرح تحقیقاتی توانسته به رشد و ارتقای فرهنگی این سرزمین کمک شایانی کند. فعالیت‌های آموزشی: دکتر نیک گهر تدریس در دانشگاه مشهد از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ را در کارنامه خود دارد و همچنین وی استادیار جامعه شناسی دانشگاه تهران ۱۳۴۸-۱۳۵۰، دانشیار جامعه شناسی دانشگاه تهران در ۱۳۵۴ و راهنمایی ده‌ها پایان‌نامه در دوره کارشناسی ارشد و دکتری بوده است. سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: سایر فعالیت‌های دکتر نیک گهر علاوه بر تالیف و ترجمه، طرح و اجرای بیش از یکصد طرح پژوهشی در مؤسسات تحقیقاتی؛ مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی ۱۳۷۰-۱۳۷۹، پژوهشگاه نیرو ۱۳۸۲-۱۳۸۳ و مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی از ۱۳۷۵ تا امروز است. آرا و گرایش‌های خاص: نیک گهر معتقد است: «هرشری را می‌توان به خیری تبدیل کرد». عبدالحسین نیک گهر معتقد است: «جهانی سازی اگر آگاهانه صورت نگیرد، فرهنگ‌ها را در مقابل هم قرار می‌دهد. تنها با داشتن علم اطلاعات نمی‌توانیم با همدیگر رابطه برقرار کنیم. انسان‌ها نیاز به شناسایی فرهنگ‌های مختلف دارند. با شناختن فرهنگ یکدیگر می‌توانیم به همدیگر ارزش قائل شویم و از باید و نباید‌های یکدیگری آگاه شویم. اگر پیام از شمال می‌آید مردمان سرزمین جنوبی قادر به درک آن پیام نیستند. زیرا فضا و مکان و زمان فرستنده پیام با فضا، مکان و زمان گیرنده پیام یکسان نیست که واکنش‌های تأسف باری به وجود می‌آورد. در واقع یازده سپتامبر یک هشدار است که تنها اطلاعات شبکه‌ای نمی‌تواند دنیا را به هم وصل کند و آنها را نزدیک گرداند و به یک سو که همان صلح جهانی است هدایت کند. صلح جهانی و تفاهم جهانی آرزویی که با این روش هیچگاه محقق نمی‌شود. در این راستا، باید با برنامه‌ریزی فرهنگی و طرح‌های فرهنگی انسان‌ها را به سمت ارتقای فرهنگی هدایت کرد و گرنه گسیختگی فرهنگی نتایج ناگوار و سختی به بار می‌آورد.» چگونگی عرضه آثار: او با آن که در سن ۴۵ سالگی بازنشسته شده اما با ارائه طرح‌های تحقیقاتی و داشتن بیش از سی جلد تألیف و ترجمه توانسته است در حوزه کاری اش مؤثر باشد. او تألیفات و ترجمه‌هایش را به منظور پرکردن فضاها و خلأهای کتب درسی مورد تدوین و تألیف قرار داده و در این زمینه نیز بسیار موفق بوده است. زیرا تألیفات و ترجمه‌هایش چندین چاپ به خود دیده‌اند و این مسأله خود گواه همین امر است. آثار: آینده آزادی و ویژگی اثر: ترجمه، ژان ماری گنو، ۲ پایان‌دموکراسی و ویژگی اثر: ماری گنو، ۱۳۸۱۳ تکاپوی جهانی و ویژگی اثر: ترجمه، اثر ژان - ژاک سروان شرایبر (چاپ هفتم) ۴ جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز و ویژگی اثر: ترجمه، اثر گی روشه ۵ جامعه‌شناسی شهر و ویژگی اثر: ترجمه، اثر یانکل فیالکوف انتشارات آگه. کتاب «جامعه‌شناسی شهر» اثر یانکل فیالکوف با ترجمه عبدالحسین نیک گهر یکی از کتاب‌هایی است که مورد توجه بسیاری از محققان و علاقه‌مندان قرار گرفته است. این کتاب از پنج فصل تشکیل شده است: شهر، پدیده جامعه‌شناختی، شهر، صورت اجتماعی، شهر، یک یا چند سبک زندگی، شهر، یک سازمان سیاسی و پیمایش شهری امروز و یگانگی شهر، این کتاب تلفیقی است از آموزش‌هایی که در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی معماری و شهرسازی درباره شهر تدریس می‌شود. اهل حرفه، جامعه‌شناسان، جغرافی دانان، انسان‌شناسان، دانشجویان معماری و شهرسازی با پرسش‌هایشان به مرور زمان به عمق اندیشه ما درباره شهر افزوده‌اند. این کتاب دو اصل روش شناختی را مد نظر دارد: رویکرد تاریخی و تحقیق میدانی. عبدالحسین نیک گهر با روحیه بسیار صمیمی و مهربانش این کتاب با ارزش و ارزنده را به همکارانش در مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی پیشکش کرده است. او معتقد است که حضور همکارانش طراوت کلاس درس را برایش یادآوری می‌کند. «جامعه‌شناسی ورزش» اثر ژاک دوفرانس نیز عنوان دیگری از ترجمه‌های عبدالحسین نیک گهر است که توسط نشر توتیا به بازار کتاب آمده

است. نیک گهر معتقد است: «جامعه‌شناسی ورزش رشته‌ای نوپا و در حال بالندگی است. جامعه‌شناسان به اهمیت بازی‌ها و ورزش‌ها، به عنوان یک پدیده فرهنگی - اجتماعی پی برده‌اند و به ورزش به عنوان رفتار و «عادت واره‌ای» که ساختار اجتماعی را بازتاب می‌دهد، توجه نشان می‌دهند. این کتاب نیز همچون دیگر ترجمه‌های نیک گهر مورد استقبال و توجه اساتید و دانشجویان علاقه‌مند به عرصه‌های جدید پژوهشی در جامعه‌شناسی قرار گرفته است. ۶ جامعه‌شناسی ماکس وبر ویژگی اثر: ترجمه، اثر ژولین فروند (چاپ سوم ۷ جامعه‌شناسی هنر ویژگی اثر: ترجمه، اثر ناتالی هینیک انتشارات آگه. «جامعه‌شناسی هنر» اثر ناتالی هینیک نیز یکی دیگر از تألیفات نیک گهر است. جامعه‌شناسی هنر، دانشی میان رشته‌ای است که با تاریخ فرهنگی، زیبایی‌شناسی، تاریخ هنر، انسان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انتقادی، جامعه‌شناسی پیمایشی و... مرزهای مشترک و نامشخص دارد. این کتاب، نخستین درسنامه جامعه‌شناسی هنر به زبان فارسی است که درونمایه آن را نه «هنر و جامعه»، نه «هنر در جامعه»، بلکه «هنر به مثابه جامعه» تشکیل می‌دهد. در این کتاب مؤلف از مرور رویکردهای متفاوت به موضوع هنر، از جمله رویکرد زیباشناختی، تاریخی و انتقادی و بیان دستاوردهای هر یک از آنها و نقد عالمانه مدل‌های تحلیلی گذشته که بر خلاف متعارف «شفافیت‌شان با بهره‌وری واقعی‌شان نسبت معکوس دارد»، رویکردهای امروزی را که کمتر بار ایدئولوژیکی دارند و نیز کمتر معرف حضور متخصصان هستند، معرفی می‌کند. نیک گهر با ترجمه سه‌گانه جامعه‌شناسی هنر، جامعه‌شناسی ورزش و جامعه‌شناسی شهر در راستای تازه و نو کردن فضای آموزش عالی حوزه‌های جامعه‌شناسی گام مهمی برداشته است که خدمتی بسیار ارزنده و قابل تقدیر است. ۸. جامعه‌شناسی ورزش ویژگی اثر: ترجمه، اثر ژاک دو فرانس انتشارات آگه ۹. خاطرات ریمون آرون ویژگی اثر: ترجمه، (جلد، صفحه)، ۱۰. روش تحقیق در علوم اجتماعی ویژگی اثر: ترجمه، اثر ریمون کیوی و... (چاپ چهاردهم انتشارات توتیا. یکی از ترجمه‌های بسیار روان عبدالحسین نیک گهر «روش تحقیق در علوم اجتماعی» اثر ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود است. این کتاب ترجمه یکی از جدیدترین کتاب‌های درسی روش تحقیق در علوم اجتماعی است. مؤلفان کتاب، ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود از استادان دانشگاه و محققان سرشناس بلژیکی هستند که علاوه بر تدریس نظری و تحقیق کاربردی، عمری را در مؤسسات تحقیقات دانشگاهی صرف تربیت محققان اجتماعی کرده‌اند و این کتاب حاصل تجربه‌های چندین ساله این استادان است که در این سالیان به دست آمده است. البته گفتنی است که ترجمه ساده و روان نیک گهر موجب شده این اثر با استقبال ویژه‌ای روبرو شود. ۱۱. شوربختی روس ویژگی اثر: ترجمه، هلن کارردانکوس، ۱۲. فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی ویژگی اثر: ترجمه، اثر ریمون بودون و فرانسوا بوریکو چاپ اول فرهنگ معاصر. «جامعه‌شناسی ماکس وبر» اثر ژولین فروند را می‌توان نام برد. «فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی» اثر ریمون بودون و فرانسوا بوریکو، از تازه‌ترین آثار ترجمه عبدالحسین نیک گهر است که به تازگی توسط فرهنگ معاصر به چاپ رسیده است. این فرهنگ مدخل است که موضوع‌های آن در گروه خانگی زیر دسته بندی شده است -؟: طبقات بزرگ پدیده‌های اجتماعی (مانند تعارض‌های اجتماعی، ایدئولوژی‌ها و...؟) انواع وجوه اصلی سازمان اجتماعی (مانند دیوانسالاری، سرمایه‌داری و...؟) مفاهیم عمده خاص جامعه‌شناسی (نابسامانی اجتماعی، کاریزما و...؟) مفاهیم متداول و مشترک چندرسانه (ساخت، نظام -؟) پارادایم‌ها و نظریه‌ها (ساخت‌گرایی، کارکردگرایی، فرهنگ‌گرایی و...؟) مسائل نظری عمده اجتماعی (نظارت اجتماعی، قدرت، اقتدار و...؟) مسائل عمده معرفت‌شناسی (عینیت، پیش‌بینی، نظریه و...؟) بنیانگذاران عمده جامعه‌شناسی (دورکیم، ماکس وبر، اسپنسر، زیمل و...؟) نیک گهر ترجمه این کتاب را شروع می‌کند و با وسواس علمی و دقت آن را به پایان می‌رساند. او در این مدت با همت و حوصله و رویکردی متفاوت ترجمه این اثر ارزنده را به علاقه‌مندان علوم اجتماعی و محققان ارائه کرده است و تلاش او بسیار ستودنی است. نیک گهر معتقد است: «ما تولید فرهنگی نداریم، اما تولید مادی داریم» و از نظر او تولید مادی چاپ کتاب و خواننده شدن کتاب تولید فرهنگی است. او با امید ایجاد شرایطی برای تولید فرهنگی با پشتکار و همتی متعالی دست به تألیف و ترجمه کتاب‌های

بسیار مفید زده و می زند. ۱۳ فرهنگ علوم اقتصادی - بازرگانی، اداری و ویژگی اثر: تألیف ۱۴ مبانی جامعه شناسی و ویژگی اثر: تألیف چاپ پنجم ۱۵ منطق کنش اجتماعی و ویژگی اثر: ترجمه، اثر ریمون بودون

وائقی نیا، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین وائقی نیا

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۳۶ شمسی در قم متولد شدم. پیش از هفت سالگی، قرائت قرآن و نوشتن و خواندن را در مکتب خانه آموختم و در تابستان سالهای بعد تکمیل کردم. هنگامی که به هفت سالگی رسیدم به دبستان دولتی رفتم و پس از گذراندن دوره شش ساله دبستان، به دبیرستان رفتم. در نیمه سال چهارم دبیرستان بود که آن را رها کردم و به حوزه پیوستم. (سال ۱۳۵۲ ش)

مقدمات را نزد اساتید متعدد از جمله: «مرحوم حاج شیخ محمد علی»، معروف به مدرس افغانی فرا گرفتم. بیشتر شرح لمعه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ قدرت الله وجدانی فخر»، و بقیه را نزد چند نفر دیگر فرا گرفتم. بخش عمده رسائل را نزد «آیت الله حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی» و بقیه را نزد «آیت الله حاج شیخ حسین کریمی قمی» آموختم. مکاسب و قسمت عمده کفایه را نزد مرحوم «آیت الله حاج شیخ محمد تقی ستوده اراکی» گذراندم و بخشی از کفایه را نزد «آیت الله حاج سید محمد حسینی کاشانی» خواندم که در حقیقت خارج آن را برای ما می گفت و شیوه نقد آرای بزرگان را به ما می آموخت.

خارج فقه و اصول فقه از دروس اساتید گرامی همچون آیات عظام: «فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و میرزا جواد تبریزی»، به مدت بیست سال بهره بردم و بسیاری از تقریرات دروس آن بزرگان را نوشتم و اگر چیزی بر خلاف نظر استاد به ذهنم آمد؛ در پاورقی به عنوان «يقول التلمیذ» یادداشت کردم که همه به صورت مسوده باقی است و چون خود آن اساتید عزیز یا برخی از شاگردانشان در صدد چاپ آن دروس برآمدند من به پاکنویس و چاپ آنها دست نزددم. فلسفه و عرفان را نزد اساتید مختلف به ویژه «آیت الله معظم حسن زاده آملی» حاضر شدم.

در سالهای ۵۴ تا ۵۷ همگام با مردم مسلمان ایران و علمای اسلام در مبارزات با رژیم پهلوی شرکت جستم و با ایراد سخنرانیهای انقلابی و پخش و تکثیر اعلامیه ها و نوارهای کاست انقلابی، به راه حضرت امام خمینی (رحمه الله) پیوستم. دو بار دستگیر شدم؛ «یک بار در قم و یک بار در بوشهر» که برای تبلیغ دهه محرم رفته بودم و مدتی را در زندان همراه با شکنجه بسیار گذراندم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی شغل دولتی نگرفتم. در سالهای ۵۸ تا ۶۰ دو سال در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم همراه با دوستان به تبلیغات مکتوب دست زدیم. در دوره جنگ تحمیلی به تفاریق، بیش از دو سال را در میان رزمندگان گرامی برای تبلیغات اسلامی سپری کردم. هفت سال تمام از آغاز تاسیس (۱۳۷۶) تا اول تابستان ۱۳۸۳ «مدیریت مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام» را که حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی تاسیس کردند به عهده داشتم و موفق به خدماتی شدم مانند: تاسیس کتابخانه تخصصی

فقهی، سایت اینترنتی فعال، بخش آموزش، بخش تحقیقات، و چاپ بیش از بیست جلد کتاب) که امیدوارم دوستان، آن فعالیتها را بنگارند.

واحد شیرازی، لطف‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۳۲۰ ق)، نقاش، قلمدان‌ساز و شاعر، متخلص به واحد. مشهور به میرزا لطف‌الله مستوفی. اهل شیراز بود. وی در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی دستی قوی داشت. گل و مرغ و منظره‌سازی را خوب می‌دانست و در تذهیب و گونه‌های مختلف طلاکاری ماهر بود. علامه بر آن، در سیاه‌قلم و آبرنگ و کارهای روغنی نیز دست داشت و خط نستعلیق را نیکو می‌نوشت. فرصت شیرازی در «آثار عجم» گوید: "در رسائل و مکاتیب بی‌نظیر است و در نقاشی شهیر. گاهی شعر می‌گوید "...از آثار او: قلمدانی با زمینه‌ی نخودی کمرنگ که در رویه آن، تصاویر گل و مرغ است، با رقم: «لطف‌الله الحمزوی»؛ قلمدان زیبایی که تصویر زنی در شیوه‌ی فرنگی بر روی آن نقش بسته و بالا و پایین آن در شیوه‌ی روسی تذهیب شده و به خط نستعلیق رقم نهاده: «لطف‌الله الحمزوی سنه ۱۳۱۵»؛ تصویر سیاه‌قلمی دسته‌گلهای متنوعی که به شیوه‌ی آقا لطفعلی شیرازی عمل آمده، با رقم: «لطف‌الله الحمزوی ۱۳۱۸»؛ قلمدان استادانه‌ای که در حواشی و اطراف آن مناظر زیبایی دارد، با رقم: «لطف‌الله الحمزوی ۱۳۲۰».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۴۸، ۵۴۱)، احوال و آثار نقاشان (۵۶۰-۵۵۹/۲)، الذریعه (۹/۱۲۴۷)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (۱۵۵-۱۵۴).

واسعی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علیرضا واسعی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران کودکی را در شهر «ساری» پشت سر نهاده و برای تحصیل علوم دینی، به مشهد مقدس رفتم و از سال ۶۰ تا ۷۷، دروس حوزوی را از محضر اساتید بزرگوار آموختم و چند سالی پای درس علمای بزرگ، حضرات آیات: «فلسفی، زنجانی و سعیدی» خارج فقه و اصول را فرا گرفتم و سپس به شهر قم آمده و کم و بیش درس‌هایی را شرکت کردم و هم‌چنان به عنوان یک طلبه به

آموزش مشغولم. با تحصیل در حوزه علمیه، دروس جدید را پی گرفتم و با اخذ مدرک کارشناسی در دانشگاه فردوسی مشهد، برای دوره کارشناسی ارشد به دانشگاه تهران، «دانشکده الهیات» رفتم و با گرفتن مدرک فوق لیسانس، به تحصیل در دوره دکتری در واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته «تاریخ و تمدن ملل اسلامی» مشغول شدم و در سال ۸۴ موفق به اخذ مدرک (PH.D) گردیدم. تقارن تحصیلات حوزوی و دانشگاهی، مانع از فعالیت های آموزشی و پژوهشی نشد.

از سال ۶۳ به همراه آموختن، به تعلیم برخی دروس حوزه‌ای پرداختم. «ادبیات، منطق، اصول فقه و فقه» از جمله درس هایی بود که با آن درگیر بوده ام. از سال ۶۸ تحصیلی، با دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد ارتباط برقرار کرده و برخی از دروس اختصاصی را واگوبه کردم. تدریس در دیگر مراکز آموزشی و موسسات پژوهشی آموزشی، از دیگر کارهای این جانب بوده که هم چنان ادامه دارد.

پژوهشگری، دغدغه دیگر این جانب بوده است. از سال ۷۰ رسماً وارد فعالیت پژوهشی شدم و با همکاری با مجله «اندیشه حوزه مشهد»، کار خود را آغاز کردم و علاوه بر تصدی مدیریت گروه تاریخ آن موسسه پژوهشی، مقالاتی را منتشر ساختم و پس از آن در ارتباط با سازمان پژوهش های اسلامی تبلیغات اسلامی تهران، و سپس دفتر تبلیغات اسلامی مشهد، و دیگر مراکز، به پژوهشگری پرداختم و با آمدن به قم، در مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی به صورت تمام وقت با پژوهش پیوند یافتم.

محصول زمان های از دست رفته، مقالاتی در حوزه: «تاریخ، فلسفه تاریخ، جامعه شناسی و سیاست» بوده است که مهم ترین آنها عبارت است از: «جستجویی در قیام توابین»، «روابط خارجی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جریان شناسی دشمنی با امام علی علیه السلام»، «بررسی جامعه شناختی عصر امام حسین (علیه السلام) سنت عزاداری»، «سیاست و حکومت امام خمینی (ره) تاریخ نگاری و تاریخ پردازی» و ... بوده است.

واله اصفهانی، یوسف

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به واله. برادر میرزا محمد طاهر وحید و با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. در اواخر عهد شاه صفی (۱۰۵۲- ۱۰۳۸ ق) به امور دفتری و دیوانی روزگار می گذراند و در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷- ۱۰۵۲ ق) به نوشتن ارقام و منشور اشتغال داشت. گویند در ۱۰۶۶ ق به وزارت توپخانه منصوب شد که تا زمان شاه سلیمان (۱۱۰۵- ۱۰۷۷ ق) در این منصب بود. واله در نظم و نثر تبحر داشت و خط را نیکو می نوشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از آثار او: «خلد برین»، که در ۱۰۷۸ ق تألیف شده و تاریخی است که از زمان خلقت آدم تا پادشاهی شاه سلیمان صفوی را شامل می شود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۳/۱۲۲۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۷۶- ۱۷۷۴/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۲۰- ۶۱۶/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۸۸۸)، تذکره‌ی نصرآبادی (۸۲)، الذریعه (۱۳۲۰، ۱۲۵۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۹، ۹۷۲)، لغت‌نامه (ذیل / واله).

والیزاده، علیرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۶، خرم‌آباد.

درگذشت: ۱۱ مهر ۱۳۶۰، خرم‌آباد.

محمدرضا والیزاده معروف به معجزی مدت سی و پنج سال به جمع‌آوری اسناد و خاطرات معمرین و عکس‌ها و مدارک معتبر درباره تاریخ پرداخت. خطی خوش داشت و آنچه جمع‌آوری کرده بود، در دو مجلد نزدیک به ۱۸۰۰ صفحه مدون کرده بود. مایل بود که این اثر را چاپ نماید، اما نتوانست. بخش کوچکی از این اسناد تحت عنوان سفرهای... به لرستان چاپ و نشر شد که در آن وقایع این دوره و جنگ‌های لرستان و ستم‌هایی که بر لرها رفته بود، آمده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

وثوقی، منصور

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر منصور وثوقی در سال ۱۳۲۰ در برازجان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکترای رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه رنه دکارت سوربن-فرانسه در سال ۱۹۷۴ می‌باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده جامعه‌شناسی دانشگاه تهران می‌باشد. گروه: علوم انسانی رشته: جامعه‌شناسی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: تحصیلات رسمی منصور وثوقی به قرار زیر است: - دیپلم متوسطه طبیعی در سال ۱۳۳۹ - کارشناسی رشته علوم اجتماعی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴ - کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶ - دکترای رشته جامعه‌شناسی دانشگاه رنه دکارت سوربن-فرانسه در سال ۱۹۷۴ همسر و فرزندان: منصور وثوقی متاهل و دارای ۳ فرزند می‌باشد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سوابق شغلی و مدیریتی دکتر منصور وثوقی به قرار زیر است: - پژوهشگر بخش تحقیقات روستایی "موسسه مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران" از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۶ - پژوهشگر بخش تحقیقات روستایی "موسسه آموزش و تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران" از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۹ - سرپرست بخش تحقیقات روستایی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۷۱ - استادیار گروه آموزشی جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۹ - مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ - معاون آموزشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۵ - دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران از سال ۱۳۶۹ تا کنون - مدیر گروه توسعه روستایی دانشگاه تهران از سال ۱۳۸۱ تا کنون - عضو انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسان فرانسه زبان (A.I.S.L.F.) - عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران - عضو انجمن انسان‌شناسی ایران فعالیت‌های آموزشی: موارد مورد تدریس در دانشگاه: مبانی جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی روستایی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تغییرات اجتماعی، مسائل اجتماعی ایران، جامعه‌شناسی تاریخی ایران در مقطع کارشناسی ارشد: سمینار جامعه‌شناسی روستایی، اندیشه‌های اجتماعی معاصر، بینش‌های جامعه‌شناسی، نظام‌های بهره‌برداری در مقطع دکترا: جامعه‌شناسی ایران، سمینار مسائل توسعه اجتماعی - اقتصادی ایران چگونگی عرضه آثار: - تالیف ۵ عنوان کتاب - تالیف حدود ۱۰ مقاله بزبانهای فارسی و انگلیسی - همکاری در انجام بیش از ۱۰ طرح

پژوهشی، انجام حدود ۱۰ طرح پژوهشی آثار: ۱. تعاونیهای روستائی منطقه تهران ویژگی اثر: موسسه آموزش و تحقیقات تعاونی ۱۳۴۸۲ تغییرات اجتماعی ویژگی اثر: پدیدآورنده: گی روشه، منصور وثوقی (مترجم) ناشر: نشر نی - ۱۵ مرداد، ۱۳۸۶ چاپ اول ۱۳۶۶، چاپ هفدهم ۱۳۸۴ انتشارات نی ۳ جامعه شناسی روستایی ویژگی اثر: چاپ اول ۱۳۶۶، چاپ دهم ۱۳۸۲ - انتشارات کیهان ۴ جامعه شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، رشته علوم اجتماعی ویژگی اثر: پدیدآورنده: مهرداد رزاقی، منصور وثوقی (مترجم)، حسن ملک (مترجم) ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۳۸۳ ۵ مبانی جامعه شناسی ویژگی اثر: پدیدآورنده: منصور وثوقی، علی اکبر نیک خلق ناشر: بهینه - ۱۵ اسفند، ۱۳۸۶ چاپ اول ۱۳۷۰، چاپ بیست و دوم (ویرایش جدید) ۱۳۸۳ - انتشارات بهینه ۶ مبانی جامعه شناسی ۱، رشته علوم اجتماعی ویژگی اثر: پدیدآورنده: منصور وثوقی ناشر: دانشگاه پیام نور - ۱۳۸۲ ۷ مفاهیم اساسی توسعه ویژگی اثر: در دست چاپ

منابع زندگینامه: تکمیل پرسشنامه توسط دکتر منصور وثوقی بنا به درخواست واحد آموزش بنیاد ایرانشناسی زمستان ۱۳۸۴

وحید قزوینی، عمادالدوله طاهر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، مورخ، ادیب، خطاط و شاعر، متخلص به وحید. در قزوین به دنیا آمد. در عهد صفویه می زیست و از شاعران و منشیان عصر خود بود. وی پس از کسب دانش و مهارت در ادب و خوشنویسی و ترسل و سیاق، وارد خدمات دیوانی و از دفترنویسان دیوان شد. در زمان شاه عباس دوم (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ ق) به منصب واقعه نویسی انتخاب شد و در زمان شاه سلیمان منصب وزارت یافت. در حاشیهی «آتشکدهی آذر» آمده که وحید با صائب تبریزی مصاحبت و دوستی داشت. در اوایل عهد شاه سلطان حسین (۱۱۳۵ - ۱۱۰۵ ق) از کار کناره گرفت و چندی بعد درگذشت. در مورد تاریخ وفاتش در بین مؤلفان اختلاف است و به تفاوت ۱۱۲۰، ۱۱۱۲، ۱۱۱۰، ۱۱۰۷، ۱۱۰۵ ق نوشته اند. از آثار وی: «خلوت راز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «راز و نیاز» یا «ناز و نیاز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «عاشق و معشوق»، به وزن «لیلی و مجنون»، در یک هزار و سیصد بیت؛ «فتح نامه قندهار»، در چهار صد و شصت بیت؛ «آلات جنگ»، در هشتصد بیت؛ «گلزار عباسی»، در ششصد و شصت بیت؛ «ساقی نامه»؛ «عباسنامه» یا «تاریخ شاه عباس ثانی» یا «تاریخ طاهر وحید»، در تاریخ دوران شاه عباس دوم؛ «منشآت»؛ مثنوی «شهر آشوب»؛ «دیوان» شعر. [۱]

عمادالدین میرزا طاهر بن میرزا حسین خان قزوینی، متخلص به وحید و برادر محمد یوسف مؤلف «تاریخ خلد برین». حزین در تذکره او را وحیدالزمان خوانده است و گوید از غایت اشتها بی نیاز از تعریف است و هدایت گوید: دیوانی مشتمل بر نود هزار بیت ارد. وحید ابتدا منشی میرزا تقی وزیر شاه صفی و شاه عباس ثانی بود. تاریخی که نوشته عباس نامه یا تاریخ طاهر وحید یا تاریخ شاه عباس ثانی نام دارد. میرزا محمد وحید در عهد سلطنت شاه سلیمان از (۱۱۰۵ - ۱۰۷۸ ه.ق) با لقب عمادالدوله وزیر اعظم شد زندگانی گفت. از وی مجموعه‌ی منشاتی هم باقی مانده که اگر چه از لحاظ تاریخی حاوی مطالب مهمی است لیکن انشاء آن بسیار متکلفانه است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکدهی آذر (۱۲۲۰ - ۱۲۱۱/۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۳/۷۸۴)، ایضاح المکنون (۱/۵۳۷)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۴/۱۷۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۵۱ - ۱۳۴۶/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۶۵۵ - ۶۵۴/۱)، تذکره‌ی روز روشن (۹۰۵ - ۹۰۱)، تذکره‌ی المعاصرین (۲۷۴ - ۲۶۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۰ - ۱۷)، دانشمندان آذربایجان (۸۰)، دایرةالمعارف

فارسی (۲/۳۱۴۹)، الذریعه (۱۹/۱۸۵، ۱۲۶۷-۹/۱۲۶۶، ۱/۲۰)، ریحانه (۳۱۱-۳۱۰/۶)، سبک‌شناسی (۲۷۶، ۳/۲۵۹)، سرو آزاد (۱۳۵-۱۳۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰-۹۷۹)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۱۶)، کلمات الشعراء (۱۹۰-۱۷۸)، لغت‌نامه (ذیل/ وحید قزوینی)، مجمع‌الفصحا (۴/۱۰۵)، منظومه‌های فارسی (۶۱۶-۶۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳/۵۹۱)، مینودر (۲/۸۷۲-۸۷۴)، نتایج‌الافکار (۷۴۳-۷۴۰)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۲۰-۱۱۸).

وره‌رام، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: تاریخ، دانشکده: الهیات و ادبیات، دانشگاه: الزهرا (س)

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترای تاریخ از ایران.

مرتبه علمی:

پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه الزهراء.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

طرح تصحیح و احیاء نسخه‌های خطی تاریخی، نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

کتاب‌شناسی آسیای مرکزی در دوران اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در دوران اسلامی، تاریخ فرهنگ و تمدن آسیای مرکزی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وصاف‌الحضره، شرف‌الدین عبدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۷۱۹/۷۳۰-۶۶۳ق)، ادیب، مورخ و شاعر، متخلص به شرف. ملقب به وصاف‌الحضره. در شیراز به دنیا آمد و همان جا نشو و

نمایافت. او مانند پدرش در شمار عمال دیوانی دولت ایلخانان در فارس درآمد و از خواص صدرالدین احمد خالدی زنجانی، نایب امیر طغاجار حاکم فارس گردید. مدتی نیز مورد لطف خواجه رشیدالدین فضل‌الله و غازان خان و سلطان الجایتو قرار گرفت. وی علاوه بر مقام بلند خود در نثر متکلف مصنوع، در شعر عربی و فارسی نیز دست داشته که بسیاری از ابیات و قطعات و قصاید خود را در کتاب خویش ذکر شده است. قبر وی ما بین تکیه چهل تنان و حافظیه است. از جمله آثارش: «تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار»، معروف به «تاریخ و صاف»، در ذکر وقایع تاریخی ایلخانان، در پنج مجلد؛ «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۹۴-۹۲)، الاعلام (۴/۲۵۲)، اعیان‌الشیعه (۸/۶۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶۲-۱۲۵۹/۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۴-۱۴۳) حبیب‌السیر (۳/۱۹۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۰۳-۷۹۹/۵)، دایرة‌المعارف فارسی (۳۱۷۰-۳۱۶۹-۲)، الذریعه (۹/۱۲۶۸، ۳/۳۵۸)، ریحانه (۳۲۰-۳۱۸/۶)، سبک‌شناسی (۱۰۳-۹۹/۳)، صبح گلشن (۵۹۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۲/۱۱۴۵)، فرهنگ سخنوران (۴۹۹)، لغت‌نامه (ذیل/وصاف‌الحضرة)، مجمع‌الفصحا (۳/۱۴۴۸)، مرآت‌الفصاحه (۶۸۷-۶۸۵)، معجم‌المؤلفین (۶/۱۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸۲-۹۸۱/۳)، هدیه‌العارفین (۱/۴۶۴).

وطن پرست، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مورخ، شاعر.

تولد: ۱۳۰۱، روستای آشناخور در الیگودرز.

درگذشت: بمهمن ۱۳۶۴.

اسماعیل وطن پرست، فرزند علی محمدخان، پس از فراگیری دروس مقدماتی به همراه خانواده‌ی خویش در شهر تهران اقامت گزید. وطن پرست در علوم تاریخ، تاریخ ادبیات، نقد و تصحیح متون تاریخی، تاریخ هنر و تاریخ فلسفه، دارای آثار و مقالاتی است. وی با اسناد و مدارک قاجار آشنایی داشت و در این زمینه کتاب‌های سیمای تاریک و روشن امیر کبیر، پشتوانه‌های معنوی مردم در طول تاریخ، ترجمه‌ی احوال و بیان آثار وزیران قاجاریه، اسناد و مدارک اجتماعی سیاسی دوران قاجار، تاریخ چهارده ساله‌ی محمدشاه قاجار و خلاصه‌ای از علم عروض را به یادگار گذاشته است. وی در انواع شعر طبع خویش آرمود و در غالب غزل و رباعی آثار بسیاری از خویش به جای گذاشته است.

از سال ۱۳۲۹ به کارهای مطبوعاتی پرداخت و مقاله‌های خود را به نام‌های مستعار «پرستو» و «هالو» در روزنامه‌های تهران منتشر کرد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

وطن دوست، غلامرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: تاریخ، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

وفا، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر وفا

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۴/۹

زندگینامه علمی

جعفر وفا در سال ۱۳۳۴ در زنجان در یک خانواده مذهبی تولد یافت و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه با اشتیاق تمام و با تشویق والدین خود، به سال ۱۳۴۸ در حوزه علمیه این شهر به فرا گرفتن علوم دینی پرداخت و در سال ۱۳۵۲ راهی حوزه علمیه قم گردید و در ادبیات عرب، فلسفه، تفسیر و علم کلام، طرفی برگرفت و در سطوح عالی فقه و اصول به مراتب لازم، نائل آمد. در طی این مراحل در دو حوزه زنجان و قم به ترتیب از محضر اساتید برجسته ای همانند حجج اسلام استاد علوی، قائمی، خاتمی و آیات عظامی همانند آیت الله جوادی آملی، پایانی، اعتمادی، حیدری زنجان، ناصر مکارم شیرازی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی، نوری همدانی و ... استفاده نمود.

او از سال ۱۳۶۲ با درک ضرورت زمان، کارهای قلمی، سخنوری و آموزشی خود را آغاز کرد و وارد عرصه پژوهش گردید و در علوم قرآن، تاریخ اسلام، و تعلیم و تربیت به تتبع و تحقیق پرداخت که ارائه ده ها مقاله علمی و قرآنی، در نشریه های آموزشی و تربیتی و انتشار بیش از بیست جلد کتاب از محصولات این پژوهش است که برخی از آنها، از کتاب های درسی دانشگاه امام حسین (ع) می باشد؛ همانند: ثروت از دیدگاه قرآن (چاپ سوم)، تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه (چاپ سوم)، تفسیر موضوعی تولی و تبری (چاپ سوم)

ایشان در سال ۱۳۸۳ از سوی نخستین همایش پاسداران اهل قلم، نویسنده برتر شناخته شد و از سوی شخصیت های بلند پایه سپاه پاسداران و وزارت ارشاد، تشویق و موفق به دریافت جوایز و لوح تقدیر گردید. وی هم اکنون صاحب کرسی تدریس در دانشکده های دانشگاه امام حسین (ع) است و همگام با تدوین و انجام پژوهش های قلمی، در رشته های علوم قرآنی و تاریخ اسلام تدریس می کند. وی در سال ۱۳۶۰ با همفکری برخی از جوانان در تهران کانون هجرت را بینان نهاد و در پرتو آن به تشکیل کلاس های نهج البلاغه، عقاید و انتشار نشریه «هجرت» پرداخت. کتاب «وظایف اخلاقی معلم و شاگرد» از این نویسنده از سوی آموزش و پرورش کتاب برگزیده اعلام و برنده جایزه شد. او از سال ۶۹ تا سال ۸۲ عضو کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی و هیئت تحریریه فصلنامه مریبان بوده است.

وفایی خوافی اکبرآبادی، زین‌الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۹۴۴/۹۴۰ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به وفایی. وی نبیره‌ی شیخ زین‌الدین خوافی و از شعرا و دانشمندان خراسان بود. در عهد ظهیرالدین محمد بابر شاه (۹۳۷-۹۳۲ ق) در هندوستان منصب صدارت داشت و در زمان همایون شاه (۹۶۳-۹۳۷ ق)، نیز به امارت رسید. وفایی در نظم و نثر، تاریخ و معما تبحر داشت. در هند، مسجد و مدرسه‌ای ساخت. وی در هند درگذشت و در مدرسه‌ی خود به خاک سپرده شد. از آثار وی: کتابی تاریخی در فتوحات هند؛ «دیوان» شعر. به آورده‌ی مؤلف «کاروان هند» او کتاب «با برنامه یا واقعات بابری» بابر شاه را که به زبان جغتایی بوده، ترجمه کرده و مشهودات خود را نیز به آن افزوده و نام آن را «طبقات بابری» نامیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۵/۶۲۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۳۴، ۴۱۱)، الذریعه (۹/۱۲۷۳)، ریحانه (۶/۳۳۴)، صحیح گلشن (۵۹۷-۵۹۶)، فرهنگ سخنوران (۹۸۵)، کاروان هند (۱۵۲۸-۲/۱۵۲۷).

وهب

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۴- مقول ۱۱۶/۱۱۴/۱۱۳/۱۱۰ ق)، حافظ، محدث، مورخ، اخباری، زاهد و عابد. اصل او از هرات بود. پدرش، منبه، در دوره‌ی پادشاهی کسری انوشیروان از هرات خارج شد و به جزیره‌العرب رفت، سپس در زمان پیامبر (ص) اسلام آورد و در یمن سکنی گزید. وهب در زمان خلافت عثمان در یمن به دنیا آمد. اصحاب تراجم مراتب علم، زهد و جهد او را در عبادت ستوده‌اند. در زمان عمر بن عبدالعزیز وی عهده‌دار منصب قضاوت صنعا در یمن بود. روایات سنددار (مسند) کمی را نقل کرده، عمده‌ی دانش وی درباره‌ی اسرائیلیات و صحائف اهل کتاب بوده است. به آورده‌ی صاحب «کشف‌الظنون» وی اولین کسی است که در موضوع قصص انبیاء کتاب نوشته است. احمد بن حنبل گوید که او قدری بود، سپس از این عقیده بازگشت. از برادرش، همام بن منبه، و ابن عباس و ابوهریره و ابوسعید و نعمان بن بشیر و جابر بن عبدالله و عبدالله بن عمرو بن عاص و عبدالله بن عمر خطاب و طاووس بن کيسان و انس بن مالک و عمرو بن شعیب و فنج یمانی حدیث شنید. فرزندان، عبدالله و عبدالرحمان، و برادرزاده‌هایش عقیل بن معقل و عبدالصمد بن معقل، و نواده‌اش، ادريس بن سنان، و عمرو بن دینار و سماک بن فضل و عوف اعرابی و عاصم بن رجاء و یزید بن مسلم و یزید بن جابر و عبدالله بن عثمان بن خثیم و اسرائیل ابوموسی و همام بن نافع و عیسی بن سنان و مغیره بن حکیم و منذر بن نعمان و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در پایان عمر توسط یوسف بن عمر ثقفی حاکم یمن محبوس و توسط عمال وی به قتل رسید. از آثار او: «تفسیر القرآن»؛ کتابی در «ذکر الملوک المتوجه من حمیر و اخبارهم و قصصهم و قبورهم و اشعارهم»؛ «قصص الانبیاء»؛ «قصص الاخیار»؛ «فتوح البلاد»؛ «الاسرائیلیات»؛ کتاب «القدر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵۰ / ۹)، تاریخ الاسلام (حوادث ۵۰۰ - ۴۹۷ / ۱۲۰ - ۱۰۱)، تذکره الحفاظ (۱۰۱ - ۱۰۰ / ۱)، تهذیب التهذیب (۱۴۸ - ۱۴۷ / ۱۱)، تهذیب الکمال (۵۰۲ - ۴۸۷ / ۱۹)، الثقات (۴۸۸ - ۴۸۷ / ۵)، الجرح والتعديل (ج ۴، ق ۲ / ۲۴)، حلیة الاولیاء (۸۱ - ۲۳ / ۴)، سیر النبلاء (۵۵۷ - ۵۴۴ / ۴)، شذرات الذهب (۱ / ۱۵۰)، طبقات ابن سعد (۷۱ - ۷۰ / ۶)، طبقات الحفاظ (۵۲)، العبر (۱ / ۱۰۹)، کشف الظنون (۱۳۲۸)، معجم الادباء (۲۶۰ - ۲۵۹ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۱۳ / ۱۷۴)، میزان الاعتدال (۳۲۴ - ۳۲۳ / ۴)، وفيات الاعیان (۳۶ - ۳۵ / ۶)، هدیة العارفين (۲ / ۵۰۱).

هروی، ابواسحاق احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۳۴ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به ابن یاسین حداد. وی از عثمان بن سعید دارمی و موسی بن احمد فریابی و عبید بن محمد وراق حافظ و معاذ بن مثنی و فضل بن عبدالله یشکری و همطبقه آنها حدیث شنید. ابوعبدالله بن ابی ذهل و منصور بن عبدالله خالدی و خلیل بن احمد قاضی و محمد بن علی بن محمد باشانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در فن تاریخ نویسی دست داشت و کتابی با عنوان «تاریخ هرات» تصنیف نمود. در «میزان الاعتدال» سال درگذشت وی ۲۳۴ ق ذکر شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: تذکره الحفاظ (۸۷۸ - ۸۷۷ / ۳)، سیر النبلاء (۳۴۰ - ۳۳۹ / ۱۵)، شذرات الذهب (۲ / ۳۳۵)، طبقات الحفاظ (۳۷۵)، لسان المیزان (۱ / ۴۳۷)، معجم المؤلفین (۲ / ۱۶۸)، میزان الاعتدال (۱ / ۱۷۵)، هدیة العارفين (۱ / ۴۷).

هروی، ابوبکر احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۸۹ - ۴۰۵ ق)، مقری. اصلش از هرات و عالم به قرآآت بود. در اواخر عمر به سوی بلاد غربی عالم اسلام سفر کرد. به دمشق رفت و نهایتاً در قدس درگذشت. از آثارش: «التذکره فی القراءآت الثمان».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱ / ۲۷۶)، معجم المؤلفین (۲ / ۱۳۶)، هدیة العارفين (۱ / ۸۱).

هروی، ابوعبدالرحمان، ابوجعفر محمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۰۳ / ۳۰۲ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به شکر. وی از محمد بن رافع قشیری و علی بن خشرم و علی بن حرب و

احمد بن عیسی مصری و عمر بن شبه و احمد بن منصور و رمادی و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. حاکم نیشابوری گوید که وی در مرو، طوس، سرخس، مرو رود، بخارا و نیشابور نقل حدیث کرد. ابولید حسان بن محمد و محمد بن جعفر بن مطر و ابوبکر احمد بن علی رازی و ابوحامد بن شرقی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در هرات درگذشت. از آثارش: کتاب «تاریخ هرات»؛ کتاب «الجواهر»؛ «العجائب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نیشابور (۱۲۷)، تذکره‌الحفاظ (۷۴۹- ۷۴۸/۲)، سیرالنبلاء (۲۲۲- ۲۲۱/۱۴)، شذرات الذهب (۲/۲۴۲)، طبقات الحفاظ (۳۳۶- ۳۳۵)، العبر (۱/۴۴۶)، کشف الظنون (۱۴۳۷)، معجم المؤلفین (۵۱- ۵۰/۱۲)، الوافی بالوفیات (۵/۶۷).

هروی، ابوعلی حسین

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۰۱- ۲۰۷ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به ابن خرم. وی از سعید بن منصور و خالد بن هیاج و داوود بن رشید و هشام بن عمار و سدید بن سعید و محمد بن عبدالله به عمار و عثمان بن ابی شیبه و همطبقه‌ی آنها حدیث شنید. بشر بن محمد مزنی و منصور بن عباس و ابوحاتم بن حبان و ابوبکر نقاش مفسر و محمد بن عبدالله بن خمیرویه و اهل هرات از وی روایت کرده‌اند. دارقطنی او را در حدیث ثقه می‌داند. از آثار وی کتابی در تاریخ است که بر اساس سنوات مرتب نشده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۵۱)، انساب سمعانی (۵/۶۳۷)، تذکره‌الحفاظ (۶۹۵- ۶۹۶/۲)، توضیح المشته (۲۱۹- ۲۱۸/۳)، الثقات (۸/۱۹۳)، الجرح والتعديل (ج ۱، ق ۴۷/۲)، سیرالنبلاء (۱۱۴- ۱۱۳/۱۴)، شذرات الذهب (۲/۲۳۵)، طبقات الحفاظ (۳۲۲)، العبر (۱/۴۴۱)، لسان المیزان (۵۰۳- ۵۰۲/۲)، معجم المؤلفین (۳/۲۰۵)، میزان الاعتدال (۱/۵۲۴)، النجوم الزاهرة (۳/۲۰۴)، الوافی بالوفیات (۱۲/۳۴۰).

همای مروزی، صادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۵۰ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به هما. ملقب به وقایع‌نگار. اهل مرو شاه جهان و از نجیب‌زادگان آنجا بود. ابتدای جوانی خود را در مشهد به تحصیل مقدمات علوم عربی و ادبی گذراند و از شاگردان حاج محمدحسین خان، فرزند بیرامعلی خان قاجار به شمار می‌آمد. در ۱۲۰۰ ق پس از حمله ترکمنان و ازبکان، به کربلا و نجف اشرف رفت و بعد از مراجعت، در کاشان اقامت گزید و نزد حاجی سلیمان خان صباحی کاشانی (م ۱۲۰۶ ق) به تمرین شعر و شاعری پرداخت. وی قصایدی به شیوه‌ی متقدمان در مدح شاهان و بزرگان دارد. سپس به تهران آمد و به دربار فتحعلی شاه راه یافت و ابتدا به سمت منشی‌گری و بعد به منصب وقایع‌نگاری رسید و از جانب فتحعلی شاه مأمور نوشتن تاریخ قاجاریه، بویژه دوره‌ی سلطنت فتحعلی شاه مأمور نوشتن تاریخ قاجاریه، به ویژه دوره‌ی سلطنت فتحعلی شاه شد و بعدها به مناصب دولتی دیگری نیز دست یافت. از آثار وی: «تاریخ جهان آراء» که جلد اول آن

در ۱۲۲۵ ق نوشته شد و شامل وقایع ده ساله از ۱۲۱۲ تا ۱۲۲۱ ق بود و جلد دوم شامل وقایع ده ساله از ۱۲۲۲ تا ۱۲۳۲ ق؛ «قواعد الملوک»؛ «شیم عباسی» یا «تحفه‌ی عباسی»؛ «زینة المدایح» یا «مدایح الخاقان»، مجموعه‌ای از مدایحی که شاعران در مدح فتحعلی شاه گفته‌اند، از بدو جلوس شاه تا سال هفتم سلطنتش.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از صبا تا نیما (۷۷-۷۵ / ۱)، الذریعه (۲۴۳ / ۲۰، ۱۷ / ۱۹۱، ۹ / ۱۲۹۷، ۳ / ۲۴۷)، سفینه‌المحمود (۵۸۷-۵۸۴ / ۲)، شرح حال رجال (۱۷۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۲-۱۰۰۱)، مجمع‌الفصحا (۱۲۰۳-۱۱۸۶ / ۶)، مصطبه‌ی خراب (۲۱۵)، نگارستان دارا (۱۵۱-۱۴۸).

همایونفرخ

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرحیم ابن حاج محمدحسین متولد در کاشان حدود (۱۲۵۰ تا ۱۲۵۳ ف. تهران، تیرماه ۱۳۳۸ ه.ش) در کودکی پدرش درگذشت و تحت سرپرستی دایی دانشمندش قرار گرفت و پس از تکمیل ادبیات و فراگرفتن انگلیسی چندی نیز در نزد مرحوم محمد قزوینی به تکمیل ادبیات پرداخت و سپس به مترجمی زبان انگلیسی برگزیده شد و در زمان مستشاری میلیسپو مترجم انگلیسی گردید و مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود تا اینکه در سال ۱۳۱۷ ه.ش به عضویت فرهنگستان برگزیده شد. آثار او عبارتست از: «دستور جامع»، «سفر بختیاری» در تاریخ بختیاری که به چاپ رسیده است، نمایشنامه‌ی عمرولیث و هشت فرشته، داستان تاریخی «افشین»، هیئت جدید، آیین نگارش که جزو انتشارات مجله‌ی اخگر به چاپ رسیده است. فرهنگ لغات انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی و غیره.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

همای، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، ادیب، شاعر.

تولد: ۱۳ دی ۱۲۷۸ (۱ رمضان ۱۳۱۷ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۵۹، تهران.

جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما» فرزند ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن‌شناسان و استادان معاصر)؛ تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیماورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.

سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سید محمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ

محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمد کاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمد صادق خاتون آبادی و آقا سید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملا صدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.

وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال ۱۳۰۲ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد، هفته‌ای چند ساعت هم در دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکده‌ی حقوق تهران به عنوان استاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال ۱۳۴۵ بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.

استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی؛ شرکت در کنگره‌ی فردوسی (۱۳۱۳)؛ شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان (تیر ۱۳۲۵)؛ شرکت در کنگره‌ی ابن سینا (اردیبهشت ۱۳۳۳)؛ سفر به بیروت (۱۳۳۴)؛ جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (۱۲ آبان ۱۳۳۴)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان ۱۳۳۶)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیو ایران؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن ۱۳۳۸)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۹)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (۱۳ تیر ۱۳۵۰)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (۱۳۵۲).

استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.

علاوه بر مقاله‌های وی در مجلات و رونامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایران‌شناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، ۱۳۴۶)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، ۱۳۰۹-۱۳۰۸، در سال ۱۳۰۸، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحامد غزالی، ۱۳۱۷)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، ۱۳۵۷)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (۱۳۵۴)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعراى اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضه‌الصفاء، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول ۱۳۵۴، جلد دوم ۱۳۵۵)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات‌الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (۱۳۴۲)؛ شرح حال احوال سروش اصفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محبوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه ۱ الی صفحه ۹۰)؛ صرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب درسی فارسی - دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو

جزء، ۱۳۲۹-۱۳۲۸)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸)؛ تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۶۲)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد ۱۳۶۴). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (۱). دیوان غبار. ۲. غزلیات سنا، ۳. دیوان زرگر اصفهانی، ۴. غزلیات دیوانه‌ی قمته، ۵. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، ۱۳۴۲، به اهتمام همایی)؛ نصیحة الملوک (امام محمد غزالی، ۱۳۱۶)؛ التفهیم لأوائل صناعة التنجیم (ابوریحان بیرونی، ۱۳۱۶)؛ مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة (عزیزالدین محمود کاشانی، ۱۳۲۵)؛ دیوان طرب (۱۳۴۲)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، ۱۳۶۱)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاء‌الدین ولد، ۱۳۱۶)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۰)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری (۱۳۳۵)؛ نصیحة الملوک (امام محمد غزالی)؛ کنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ معیار العقول (۱۳۳۱)؛ رساله شعوبیه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا) (۱۳۴۳)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق (۱۳۷۳).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان ۱۴۰۰، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر ۱۳۵۹ درگذشت و در تکیه لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح ۱۳۵۸-۱۲۷۸ ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمدتقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمد کاظم کرونندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف آبادی مدرس و آیت‌الله حاج میرزا عبدالحسن سید العراقرین خاتون‌آبادی پاقعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود ۱۳۰۰ ش برای تدریس به مدرسه‌ی صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود ۱۳۰۷ ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایة» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدنامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۶، ش ۷ و ۸، ص ۶۲۴-۶۱۶)، از نیما تا روزگار ما (۱۶۶-۱۶۰)، تاریخ اصفهان (سیزده-چهل و سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۰-۲۴۷)، چهره‌های آشنا (۶۶۷-۶۶۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۰۸-۱۹۵/۳)، الذریعه (۱۶/۵۱، ۹/۴۷۲، ۳/۲۳۰)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (۱۸۱۲-۱۸۰۷/۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۵، ۳۲۸۰، ۳۲۵۰، ۳۱۳۹، ۳۰۹۳، ۳۰۸۴، ۳۰۵۹، ۳۰۲۷، ۲۶۹۱، ۲۳۸۵، ۲۳۸۴-۲۳۶۹، ۲۳۶۸، ۲۳۶۷، ۲۳۶۶، ۲/۲۲۵۶، ۱۵۹۳، ۱۵۵۵، ۱۵۵۳، ۱۵۴۹، ۱۴۹۶، ۱۴۲۳، ۱۴۲۲، ۱۳۵۰، ۹۳۶، ۶۶۲، ۴۸۹، ۲۴۰، ۱/۱۴۰)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۴، ص ۳۹-۳۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۲-۳۷۰/۲)، همایی‌نامه.

همدانی، ابوالحسن محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۲۱-۴۶۳ ق)، عالم و مورخ. ملقب به فرضی. اصل وی از همدان بود، پدرش در بغداد سکنی گزید و او در آن دیار نشو و نما یافت. وی مردی فاضل و نویسنده‌ای بلیغ بود و به تاریخ و اخبار دولتها و پادشاهان و حوادث زمان آشنایی کامل داشت. ابن‌نجار گوید که فن تاریخ‌نویسی به او ختم گردیده است. از ابوحسین احمد بن محمد بن نقور و ابوالفوارس طراد زینبی و دیگران حدیث شنید. ابوالقاسم ابن عساکر از او روایت کرده است. وی سرانجام در بغداد از دنیا رفت و کنار پدرش، در مقبره‌ی ابوالعباس ابن سریج، دفن گردید. از آثارش: ذیلی بر «تاریخ طبری»؛ ذیلی بر «تاریخ ابوشجاع روز راوری وزیر»؛ «عنوان السیر فی محاسن البدو والحضر»؛ «اخبار الوزراء»؛ «طبقات الفقهاء»؛ «اخبار دولت سلطان محمد و محمود»؛ «امراء الحج»، از زمان حضرت رسول اکرم (ص) تا روزگار مؤلف؛ «فرائد التاجی»، در شرح «فرایض السراجی»؛ «المعارف المتاخرة»، در تاریخ.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۲۸-۱۲۷/۷)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۷۴، ۱/۱۷۲)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (۱۳۶-۱۳۵/۶)، الکامل (۸/۳۲۵)، کشف‌الظنون (۱۱۷۵، ۱۱۰۵، ۲۹۸، ۳۰)، لغت‌نامه (ذیل / همدانی)، المنتظم (۲۲۷/۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۸-۳۷/۴)، هدیة‌العارفين (۲/۸۵).

همدانی، ابوالعلاء حسن

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۶۹-۴۸۳/۴۸۸ ق)، مقری، حافظ، محدث، مفسر، ادیب، نحوی، لغوی و زاهد. شیخ همدان و امام‌العراقین در قرآات بود. در همدان به دنیا آمد. در طلب علم مسافرت‌های بسیاری نمود. علم قرائت را نزد ابوعلی حداد اصفهانی و ابوالعز قلانسی و ابو عبدالله بارع حسین دباس و ابوبکر مزرفی فراگرفت و در همدان از عبدالرحمان بن حمد دونی و در اصفهان از محمود اشقر و ابوعلی حداد اصفهانی و در بغداد از ابوالقاسم بن بیان و ابن‌حصین و ابوعلی ابن مهدی و ابوعلی بن نبهان و در خراسان از ابو عبدالله فراوی حدیث شنید. آنگاه به همدان بازگشت و تا پایان عمر در این شهر زندگی نمود. او در علم تفسیر، حدیث، انساب و تاریخ متبحر

بود. ابواحمد بن سکینه و ابوالحسن ابن دباس و محمد بن محمد بن کیال علم قرائت را در نزد وی فراگرفتند. شیخ منتجب‌الدین، صاحب «الفهرست»، نیز از شاگردان وی بود و کتاب «الهادی» را نزد او خواند. منتجب‌الدین استادش ابوالعلاء را صدرالحفاظ و در علم حدیث و قرائت علامه معرفی کرده است. فرزندانش، احمد و عبدالبر و فاطمه، و نوادگانش، قاضی علی و محمد و عبدالحمید پسران عبدالرشید بن علی بن بنیمان، و ابوالموهوب ابن صصری و عبدالقادر حافظ و یوسف بن احمد شیرازی حافظ و محمد بن محمود حمامی و عتیق بن بدل مکی و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. ابوالحسن ابن المقیر از وی اجازه‌ی روایت داشت و شیخ هاشم بن محمد در «مصباح‌الانوار» خویش از وی روایت کرده است. در «معجم‌الادباء» وفات وی ۵۹۹ ق آمده است. از آثارش: «زاد المسافر»، در پنجاه مجلد؛ «غایة‌الاختصار»، در قرآت دهگانه؛ «الهادی الی معرفة المقاطع والمبادئ»، در وقوف قرآن؛ «الانتصار فی معرفة قراء المدن والامصار» که «طبقات القراء» است؛ «مفردات القراء»؛ «مولد امیرالمؤمنین (ع)»؛ کتاب «الادب فی حسان الحدیث».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۱۹۵)، اعیان‌الشیعه (۴/۶۳۴)، ایضاح‌المکنون (۲/۷۱۵، ۱/۶۰۶)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۱۲۸- ۱/۱۲۶)، تذکره‌الحفاظ (۱۳۲۸- ۴/۱۳۲۴)، الذریعه (۱۵۱- ۲۵/۱۵۰، ۱۲/۸)، روضات‌الجنت (۸۷- ۳/۸۶)، ریحانه (۷/۲۰۶)، سیرالنبلاء (۴۷- ۴۰/۴۰، ۲۱/۳۰۴، ۱۹/۳۰۴)، شذرات‌الذهب (۲۳۲- ۴/۲۳۱)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۵۴- ۶/۵۳)، طبقات‌الحفاظ (۴۹۸- ۴۹۷)، طبقات‌المفسرین داودی (۱۳۱- ۱/۱۲۸)، العبر (۳/۵۶)، فهرست منتجب‌الدین (۶۶- ۶۵)، الکامل (۹/۱۲۹)، کشف‌الظنون (۲۰۲۶، ۱۷۷۳، ۱۳۸۷، ۱۱۸۹، ۱۱۰۶، ۹۴۶، ۱۱۴)، معجم‌الادباء (۵۲- ۵/۸)، معجم رجال‌الحدیث (۲۸۴- ۴/۲۸۳)، معجم‌المؤلفین (۱۹۸- ۳/۱۹۷)، المنتظم (۱۰/۵۱۸)، هدیة‌العارفین (۱/۲۸۰).

همدانی، ابوالفرج حمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(زح ۴۰۰ ق)، مقری و شاعر. در علم قرآت متبحر بود. وی صاحب کتاب «کنز‌المقرئین فی الوقف والابتداء» است که آن را از کتابهای مهم در زمینه‌ی قرآت به شمار آورده‌اند. در حاشیه‌ی «الوافی بالوفیات» به نقل از «طبقات القراء» آمده که جزری وی را زنده‌ی حدود ۴۰۰ ق می‌داند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۳۰۳)، دمیة‌القصر (۵۲۳- ۱/۵۲۲)، معجم‌المؤلفین (۴/۷۴)، الوافی بالوفیات (۱۳/۱۵۷).

همدانیان، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کارخانه‌دار بزرگ، مالک و ثروتمند معروف اصفهان در ۱۲۸۰ ش در اصفهان تولد یافت. پدرش پیشه‌ور کم‌بضاعتی بود که حتی نمی‌توانست عائله خود را اداره کند و به همین سبب فرزندان خود از جمله علی را برای مدت کوتاهی به مکتب‌خانه فرستاد که فقط

خواندن و نوشتن و حساب سیاق و قرآن بیاموزد. آنگاه او را به شاگردی در بازار اصفهان فرستاد. علی چند سالی پادو و شاگرد در چند مغازه شد. تدریجا بعضی از کسبه او را شناختند و با کمک و مساعدت تنی چند از آنان دکه‌ای در بازار اصفهان برایش دایر کردند. ابتدا دکه او خرازی بود ولی پس از چندی تبدیل به پارچه‌فروشی شد و قدک و متقال و گاهی چیت مخصوص اصفهان را به فروش می‌رسانید و پارچه‌های خود را به آنها می‌فروخت و در عوض به جای پول، گند و جو و مویز میوه‌جات خشک تحویل می‌گرفت. چندین سال کار او به همین وضع ادامه داشت تا اینکه یکی دو کارخانه بزرگ در اصفهان تأسیس شد و محصولات آن به بازار آمد و او داوطلب فروش اینگونه محصولات گردید. حاج محمد حسین کازرونی صاحب یکی از آن کارخانجات در دادن اعتبار و پارچه و کمک به همدانیان دریغ نمی‌کرد و اولین قدم پیشرفت او از همین جا شروع شد و روز به روز کار او رونق گرفت تا اینکه مغازه بزرگتری در بازار اصفهان برای خود تدارک دید و همه سال از سودی که عاید او می‌شد در اطراف شهر به خرید باغ و زمین زراعی می‌پرداخت. وقتی تعداد کارخانجات نساجی در اصفهان رو به ازدیاد نهاد او از مشتریان پروپا قرص بود و بعضی از محصولات کارخانجات را پیش خرید می‌کرد و محصول کارخانه را نقد و اقساط می‌فروخت و از این راه درآمد او رو به افزایش نهاد به طوری که در سی سالگی بازرگانی سرشناس و معتبر شد و خود به فکر تأسیس کارخانه نساجی افتاد. اولین کارخانه‌ای که بنیاد نهاد کارخانه نساجی صنایع پشم بود که با مشارکت چند نفر دایر کرد. محصولات کارخانه پتو و پارچه‌های پشمی بود که در آن ایام ارتش از خریداران عمده آن کالاها بود. بعد از ۱۳۲۰ همدانیان به فکر ایجاد یک واحد نساجی دیگر افتاد و نزدیک دروازه شیراز زمینهای زیادی خریداری کرد و کارخانه عظیمی که محصولات آن پارچه‌های نخی بود دایر کرد و برای بهبود محصولات از کارشناسان خارجی استفاده می‌نمود. سرانجام تعداد ماشینهای بافندگی از یک هزار و دویست دستگاه تجاوز کرد و تولید کارخانه روزانه به یکصد هزار متر پارچه نخی رسید. سومین کارخانه‌ای که همت به ایجاد آن کرد کارخانه عظیم سیمان اصفهان بود. بعد از استواری آن واحد بزرگ صنعتی کارخانه قند اصفهان را که مقدمات آن توسط دیگران فراهم شده بود خریداری نمود و با مراقبت دقیق خود همه را به نحو احسن اداره می‌نمود. از ۱۳۳۰ علی همدانیان در رأس تمام کارخانه‌داران اصفهان قرار داشت. ملک‌داری و کشاورزی و بورس بازی زمین از دیگر کارهای او بود. در ۱۳۳۹ به ریاست سندیکای صنایع اصفهان برگزیده شد و صاحبان صنایع از فکر و راهنماییهای او استفاده نموده و در صورت بروز اشکالات مالی از وی کمک می‌گرفتند.

فشار کار از یک طرف و مشکلات کارگری از طرف دیگر و مقید نمودن وی که باید از مدیران شایسته در واحدهای خود استفاده کند او را رنجیده خاطر ساخت. به بیماری قلبی دچار شد و در زمستان ۱۳۴۲ در حالی که تمام روز را مشغول کار بود شب هنگام دچار حمله قلبی گردید و در دم جان سپرد. علی همدانیان بازرگانی آگاه و بصیر بود و در حفظ مال و ازدیاد آن جدا می‌کوشید. در زندگی شخصی فوق‌العاده ممسک و خسیس می‌بود. هرگز همسری انتخاب نکرد و بلاعقبه درگذشت. پس از او برادر اعیانیش به نام حسین جانشین او شد. روزی که درگذشت ثروت او را بانکها حدود یک میلیارد برآورد نمودند که در آن تاریخ، اول بازرگان و سرمایه‌دار ایران بود.

برگرفته از کتاب: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)

همدم سمنانی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مورخ، شاعر. وی در خدمت شاهزاده محمد ولی میرزا (وف ۱۲۴۴ ش)، والی سمنان و خراسان بود و منصب

صندوق داری و وقایع نگاری داشت. وی کتاب تاریخی به نام «بدایع الوقایع» در خصوص دولت قاجار و وقایع خاصه‌ی شاهزاده محمد ولی میرزا نوشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۲۱۰۴-۲۱۰۳/۳)، الذریعه (۱۳۰۱/۹)، سفینه‌المحمود (۵۸۸-۵۸۷/۲)، گلزار جاویدان (۱۷۵۶/۳)، لغت نامه (ذیل / همدم سمنانی)، مجمع الفصحا (۱۱۸۴/۶).

یابری محمد، صادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صادق یابری محمد

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱۲/۱۲

زندگینامه علمی

اینجانب صادق یابری محمد فرزند محمد بعد از اخذ دیپلم و در سال ۶۰ وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس مقدماتی را در مدرسه «امام صادق (ع) شاه ابراهیم، نیروگاه (مدرسه مرحوم آقای خلخالی)» گذراندم؛ آن هم در ایام اوج جنگ و دفاع. آنگاه دروس سطح عالی را در فیضیه و مدرسه مرحوم آیه‌الله گلپایگانی و ... با اساتید چون: «آیه الله بنی فضل»، «صالحی مازندرانی» و ... و دروس جانبی همچون: رجال، درایه و نهج البلاغه به ترتیب آیات عظام: «سبحانی»، «مرحوم فاضل لنکرانی» و علوم قرآن و حدیث: مرحوم «آیه‌الله محمد هادی معرفت» و ... و همچنین دروس خارج حدود ۱۰ سال با آقایان: «آیه‌الله مکارم شیرازی»، «وحید خراسانی»، «موسوی اردبیلی» و ... گذراندم.

و در همین ایام، لیسانس: (زبان و ادبیات عرب) و فوق لیسانس: (الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث) را از دانشگاه اخذ کردم. و در همین ایام فعالیت پژوهشی، حدیث، علوم قرآن و مقالات و نوشتن کتاب را شروع کردم که متأسفانه به علت عدم تمکن مالی نتوانستم آنها را چاپ کنم. همچنین به فعالیت تدریس در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی با اخذ مجوز تدریس در دانشگاه پرداختم و در همین مدت در سال ۷۶-۷۵ به آفریقا جهت کارشناسی، تدریس، مدیریت و تبلیغ ایام مخصوص پرداختم. همچنین به فعالیت به عنوان استاد راهنما و داور در جامعه‌الضطفی مدرسه عالی فقه و معارف پرداختم.

یاوری سرتختی، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد یآوری سرتختی

محل تولد: کامیاران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۹/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب در آذرماه سال ۱۳۵۴ در خانواده‌ای مذهبی از استان کرمانشاه به دنیا آمده و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، در آشنایی با حوزه علمیه و راهنمایی و مشورت‌های پدر و مادر، معلمان و روحانیون اعزامی از قم علاقمند به تحصیل در حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۷۰ در حوزه علمیه همدان «مدرسه آخوند ملاعلی» و کرمانشاه «مدرسه امام صادق (ع)» و «مدرسه حاج شهبازخان» از محضر بزرگانی چون «آیة الله حاج مجتبی حاج آخوند» و «آیة الله نجومی کرمانشاهی» بهره برده و در سال ۱۳۷۹ جهت تکمیل سطوح عالی به حوزه علمیه قم مهاجرت و در درس اساتیدی چون: حجت الاسلام «احدی»، «حسینی خراسانی» و «میانجی» حضور یافته و اکنون از وجود آیات عظام: «سبحانی»، «مقتدایی» و «مکارم شیرازی» در دروس خارج فقه و اصول بهره می‌برم.

با آغاز ورود به شهر مقدس قم، در جهت بالابردن سطح کمی و کیفی علوم اسلامی و انسانی در کنار دروس حوزوی به رشته تاریخ اسلام علاقمند و در مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی (ره) به تحصیل در مقطع کارشناسی پرداختم. با فراغت از تحصیل در سال ۱۳۸۲ - ۱۳۸۳ با توجه به نیاز فرهنگی و علمی دانشگاهها به مدت ۲ سال با سمت «معاونت نهاد نمایندگی رهبری» و «مدرس دروس معارف اسلامی در دانشگاه شهرکرد» به فعالیت مشغول بودم. اما پس از شرکت در آزمون کارشناسی ارشد در رشته (تاریخ تشیع) در همان مرکز، به قم مراجعت و در این مدت علاوه بر تلاش علمی و تألیف چندین مقاله علمی، تخصصی و ترویجی در نشریات مختلف، به امر مقدس تبلیغ در دانشگاههای سراسر کشور نیز می‌پردازم.

یحیای سیفی قزوینی، علاءالدین امیر یحیی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۶۲/۹۶۰ - ۸۸۵ ق)، مورخ، نویسنده و شاعر. مشهور به یحیای معصوم. از سادات محتشم قزوین و از پیشوایان اهل تسنن و از رجال دربار صفویه بود. وی از علوم عقلی و نقلی بهره‌مند و در تاریخ‌نگاری ماهر بود. او و خاندانش به علت تعصب در تسنن، نزد شاه طهماسب محبوبیتی نداشتند و به همین دلیل نیز میر یحیی اموالش را از دست داد و در زندان اصفهان در گذشت. صاحبان «الذریعه» و «صبح گلشن» سال مرگ وی را ۹۰۱ ق ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «لب التواریخ»، در تاریخ عمومی، به نام بهرام میرزا، فرزند شاه اسماعیل و مشتمل بر چهار قسمت: ۱- در بیان هدایت معصومین (ع) ۲- در ذکر پادشاهان قبل از اسلام ۳- در ذکر جمعی از حاکمان بعد از اسلام ۴- در ذکر پادشاهان خاندان صفویه؛ «مختصرالتواریخ»، تکمیل‌کننده «لب التواریخ» و به نام شاه طهماسب. در «لغت‌نامه» دو کتاب به نام «شرح کبیر» و «شرح صغیر» به او نسبت داده شده و آمده که دومی را در ۷۷۵ ق به پایان

رسانیده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۳۹-۱۶۳۴/۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۲۳، ۴۳۳، ۳۵۴)، الذریعه (۱۸/۲۸۵، ۹/۱۳۱۰)، صبح گلشن (۶۱۳)، عالم آرای عباسی (۵۴، ۲۷/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۲)، کاروان هند (۱۱۶۰-۲/۱۱۵۹)، کشف الظنون (۱۵۴۷)، لغت‌نامه (ذیل / یحیی)، مینودر (۸۷۸-۲/۸۷۷)، هفت اقلیم (۱۷۷-۳/۱۷۶).

یزدی غیاث‌الدین، علی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هشتم و نهم ق)، نویسنده و مورخ. وی مؤلف «روزنامه غزوات هندوستان» است. در سفری که در ۸۰۱ ق به همراه تیمور به هندوستان رفته، این کتاب را در تاریخ آن سفر نوشته که در پطروگراذ به چاپ رسیده است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۵۰)، الذریعه (۱۱/۲۷۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴/۱۶۴).

یزدی، ابوالحسن علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۵۱-۴۷۴/۴۷۳ ق)، فقیه شافعی، مقری و محدث. معروف به ابن محمودیه. در یزد به دنیا آمد و ساکن بغداد بود. قرآن را در اصفهان بر ابوالفتح حداد و ابوسعید مطرز تلاوت نمود و حمزه بن قبیطی و عبدالعزیز بن ناقد و علی بن دباس بر وی تلاوت نمودند. او در بغداد، شهر دون، همدان، اصفهان، بصره، کوفه و مکه از حسین بن حسن بن جوانشیر و ابوالمکارم محمد بن علی بن حسن فسوی مقری و محمد بن حسین بن بلوک صوفی و غیاث بن ابومضر اصفهانی و محمد بن محمود ثقفی و ابن طیوری و ابن خشیش و ابوالحسن بن علاف و ابوالقاسم ربعی و ناصر بن مهدی و احمد بن محمد بن مردویه و جماعتی دیگر حدیث شنید. وی «سنن» نسائی را از عبدالرحمان بن حمد استماع نمود. ابواحمد بن سکینه و ابن اخضر از وی روایت کرده‌اند. فقه را در واسط از ابوعلی فارقی و در بغداد از ابوبکر شاشی فراگرفت. وی صاحب تصانیفی در زمینه فقه و حدیث می‌باشد و در زهد نیز صاحب اثر است. در «طبقات الشافعیه» اسنوی تحت نام علی بن حسین بن احمد یزدی و در «شذرات الذهب» تحت عنوان یزدی آمده است.
بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: انساب سمعانی (۵/۶۹۰)، سیر النبلاء (۳۳۶-۲۰/۳۳۴)، شذرات الذهب (۴/۱۵۹)، طبقات الشافعیه اسنوی (۳۱۹/۲)، طبقات الشافعیه سبکی (۷/۲۱۱)، العبر (۱۵-۳/۱۴)، معجم المؤلفین (۷/۱۴)، النجوم الزاهره (۵/۳۱۰)، هدیة العارفین (۶۹۸/۱).

یزدی، معین‌الدین

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ف. ۷۸۹ ه.ق) مؤلف کتاب «مواهب الهی» که تاریخی است درباره خاندان مظفری از آغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع و برادرش شاه محمود که به سال ۷۵۷ ه.ق اتفاق افتاده است. معین‌الدین در شیراز مجلس درس داشته و گاه ممدوح وی شاه شجاع در مجلس درس وی حاضر می‌شده. وی مدتی در کرمان به مدرسی یکی از مدارس مشغول بود.

حاج معین‌الدین یزدی از دانشمندان روزگار محمد مظفر بوده و در سال ۷۵۷ تاریخ آل مظفر را نوشته و به مواهب الهی موسوم ساخته و نیز کتابی به نام حقائق الحقایق در تفسیر سوره یوسف دارد.

وی بنابر نقل جامع مفیدی اعلم علماء وافقه فقهای زمان خود بوده و به تدریس علوم عقلی و نقلی اشتغال داشته است و در سال ۷۸۰ ق وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یشیل کایا، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی رضا یشیل کایا

محل تولد: ترکیه - استانبول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

علیرضا یشیل کایا ۱۷۲ در ترکیه به دنیا آمد در منطقه توزلجا دوران دورسی ابتدائی را تمام کردم در تاریخ ۱۹۸۴ به استانبول رفتم در استانبول تحصیل را در رشته تخصصی ماکینا و تکنولوژی ادامه تحصیل دادم مایثق و قالب گیری یعنی علوم مادر تکنولوژی را یاد گرفتم هم درس خواننده ام به مدرسه رفتم در کنار این درس به ورزش علاقه مند شدم به عنوان کاراته به قول مشهور دان ۲ رسیده ام در ترکیه ۶۴ کیلوگرم مسابقه داده و نفر دوم شدم ولی با توجه به این که خانواده ام استانبول نبودند بنده الحمدلله در کنار مسجد زینبیه زندگی می‌کردم به مسجد زینبیه رفت و آمدم می‌کردم که اهل نماز بودم و یک جوان مومن و خدا شناسی بودم حرکت‌های انقلاب اسلامی را از نزدیک دنبال می‌کردم بعد از یک مدتی به سربازی رفتم سربازی در ترکیه ۱۸ ماه بوده ولی الحمدلله سربازی سه ماه کمتر شده بنده یک ماه را هم مرخصی استفاده نکرده بودم که روی هم رفته ۴ ماه کمتر شده و زودتر انجام وظیفه را تمام کردم بعد از ۴ ماه در سال ۱۳۷۳ به تاریخ ایران به ایران آمدم الان که تاریخ ۲۵/۱/۱۳۸۶ است در ایران هستم الان در مدرسه مبارکه شهابیه زبان فارسی را گذراندم بعد در مدرسه مبارکه مومنیه رفتم بعد از آن به مدرسه مبارکه امام خمینی ره بعد از

آن به مدرسه نجفی مرعشی و بعد از آن به مدرسه مبارکه حجتیه رفتم در مدرسه مبارکه مومنیه از اساتید چون آقای قمی که الان در دفتر رهبری هستند و آقایان صدریان، امینی، تهرانی، مظفری، ذاری، ذاکری، ایرام فر، احمدی، محامی که مدیر مدرسه مبارکه حجتیه هستند و آقای محسن قرائتی دو ماه از محضرشان استفاده کردم از محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله بروجردی و اساتید دیگر سه سال درس خارج استفاده نمودم و پایان نامه نوشتم به عنوان ترجمه و تحقیق بلاغت قبول شدم واز بیست و ۱۸ گرفتم آن را به صورت کتاب چاپ کرده ام الان بعضی از نواقص برنامه مرکز را دارم به اتمام میرسانم و ۴ امتحان دیگر مانده که مشغول تمام کردن آنها هستم که بعد از آنها به دکترای راه می یابم و مشغول دکترای میثوم فلسفه و منطق و تفسیر و اصول و ادبیات را خوانده ام الان در اینترنت مشغول سخنرانی های به زبان ترکی استانبولی و زبان فارسی و عربی به حد توان صحبت کردیم و مشغول تبلیغ هستیم و عاشق فلسفه منطق و تفسیر اخلاق و تاریخ دوست دارم درباره بچه کتاب ترجمه کردم آماده چاپ هست. پایان نامه ام به عنوان کتاب شده مقاله هایم در مجله در آلمان به چاپ رسیده انشاء الله بیست روز دیگر آن مجله را به خدمتتان میآورم و در مورد اذان و اقامه مقاله هست ترجمه آماده چاپ هست.

یعقوبی، عبدالرسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرسول یعقوبی

محل تولد: بروجن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم.

علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز ۵ سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال ۱۳۸۱، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصرأ در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون ۴ سال به طول انجامیده است.

یعقوبی، عبدالرسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرسول یعقوبی

محل تولد: بروجن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال ۱۳۶۳ برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال ۱۳۷۴ فارغ التحصیل شدم.

علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز ۵ سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال ۱۳۸۱، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصرأ در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون ۴ سال به طول انجامیده است.

فلسفه – منطق**ابراهیم زاده، عبدالله**

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله ابراهیم زاده

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی در حومه آمل به دنیا آمدم. دوران تحصیلی شش ساله ابتدایی و سه سال تحصیلی در دبیرستان را در شهرستان آمل گذرانیدم و در سال تحصیلی ۱۳۵۲ برای شروع تحصیلات علوم دینی وارد حوزه علمیه قم شدم. به استثنای چند سالی که در خلال مدت تحصیل در قم به خاطر مبارزات سیاسی پیش از انقلاب (حدود دو سال و اندی) تبعید به ارتش و در زندان گذرانیدم. و پس از انقلاب نیز چند سالی به ماموریت های تبلیغی، رزمی در پشت جبهه و ارگان ها و نهادها به ویژه در مراکز سپاه عزیمت کردم، بقیه ایام و سال ها را در حوزه علمیه قم به تحصیل، تحقیق، تدریس و نگارش آثار علمی مشغول بوده و هستم.

تا سال ۱۳۶۸ سطوح مقدماتی، متوسط و عالی دروس حوزوی را به پایان بردم و از این سال در دروس خارج فقه اصول و دروس معقول از منطق، کلام، فلسفه و عرفان شرکت کردم و در مجموع، علاوه بر اینکه حدود یک دوره دروس خارج فقه و اصول فرا گرفتم، در رشته معقول نیز کتاب های زیادی نظیر: شرح تجرید، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، المنطق مرحوم مظفر، بخش هایی از شرح منظومه سبزواری، الهیات، شفا و شرح اشارات شیخ الرئیس ابن سینا، اسفار اربعه ملاصدرا (به ویژه جلد های اول تا سوم و ششم و هفتم) و غیر آن را نزد اساتید عالیقدر فرا گرفتم. اساتید مهم دروس منقول و معقول اینجانب عبارتند از آیات عظام: صالحی مازندرانی، اعتمادی، ستوده، جعفر سبحانی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، دوزدوزانی، پایانی و وجدانی فخر. دوره چهار ساله تخصصی علم کلام و عقاید را (از سال ۱۳۷۳ لغایت ۱۳۷۷) طی کردم. تبلیغات منبری را از سال های اول انقلاب آغاز کردم و همچنان ادامه دارد. تدریس در برخی از مراکز آموزش عالی، مراکز سپاه، بعضا حوزه و دانشگاه، را از سال های حدود ۱۳۶۰ و پس از آن آغاز کردم و به طور متناوب ادامه دارد.

به دلیل اشتیاق زیاد به نوشتن و نویسندگی و نیز پژوهش، از سال های آغازین طلبگی نگارش و نویسندگی را شروع کردم و از سال ۱۳۷۱ با ورود به پژوهشکده تحقیقات اسلامی در قم، کار نوشتن به طور رسمی و جدی شروع شد و تاکنون بیش از ۵۰ کتاب و مقاله به چاپ رسانیدم. برخی از کتاب ها و مقالاتی را که در کتاب سال حوزه و همایش های علمی و ... برگزیده شده است، از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کتاب حاکمیت دینی، که به عنوان یکی از کتب برگزیده کتاب سال حوزه علمیه (سال ۱۳۷۸) انتخاب گردید.
۲. مجموعه آثار اینجانب در همایش پاسداران اهل قلم در سال ۱۳۸۳ در تهران از میان حدود ۷۵ کتاب و مقاله علمی در رشته های مختلف، برگزیده شد. (البته در رشته فلسفه و کلام) و در ردیف آثار برگزیده و ممتاز مورد تشویق قرار گرفته و جوایزی اهدا کردند.

ابراهیم نژاد، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا ابراهیم نژاد

محل تولد: سبزواری بخش دیوانخوی

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا ابراهیم‌نژاد در سال ۱۳۴۴ وارد حوزه علمیه سبزوار شدم و ادبیات عرب را مطابق برنامه‌های موجود آغاز و ادامه دادم که تا سال ۱۳۵۱ ادامه داشت به موازات آن درس‌های کلاسیک را نیز تا دوره دبیرستان سپری نمودم. در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه تهران شدم و تا سال ۱۳۵۴ دروس حوزوی (ادبیات، فقه و اصول) و دبیرستان را ادامه دادم و در اواخر سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. در حوزه علمیه قم دوره سطح و پس از آن دوره خارج فقه و اصول و فلسفه اسلامی را گذراندم، این برنامه پیش از انقلاب، دوران انقلاب و پس از پیروزی انقلاب تا سال ۱۳۷۰ ادامه داشت و در نتیجه ادبیات، منطق، معانی بیان، فلسفه اسلامی، فقه و اصول (دوره سطح و خارج) را تحصیل و قسمتی از اینها را تدریس نمودم. در سال ۱۳۷۰ ضمن ادامه دروس حوزه تدریس در دانشگاه (دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و علامه طباطبایی و...) را نیز آغاز نمودم که تاکنون ادامه دارد.

ابراهیمی دینانی، غلامحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامحسین ابراهیمی دینانی در سال ۱۳۱۳ در یک خانواده مذهبی در روستای دینان در اصفهان چشم به جهان گشود، و پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی به حوزه علمیه وارد شد و تا درجه اجتهاد تحصیل خود را ادامه داد. سپس به تحصیلات دانشگاهی روی آورد و مدرک دکترای فلسفه خود را از دانشگاه مشهد دریافت نمود (۱۳۵۵ ه.ش) وی مدتی در همان دانشگاه حوزه علمیه و نیز در دانشگاه تهران تدریس نموده است و هنوز در دانشگاه تهران به فعالیت آموزشی خود ادامه می‌دهد. تا کنون از وی چند اثر منتشر گردیده است که مشهورترین و جدیدترین آنها کتاب سه جلدی دفتر عقل و آیت عشق می‌باشد. ککتاب (ترجمه "ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام" و کتاب "دفتر عقل و آیت عشق" (تالیف) غلامحسین ابراهیمی دینانی، به ترتیب در دوره‌های هفدهم و بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شدند. وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۵ در فرهنگسرای سینا می‌باشد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

گرایش: فلسفه اسلامی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: غلامحسین ابراهیمی دینانی در سال ۱۳۲۱ در یک خانواده مذهبی که ساکن یکی از روستاهای تابع شهر اصفهان، بنام دینان بود، دنیا آمد. اعضای خانواده او همگی متصدیان کارهای دولتی یا بازاری بودند و چندان توجهی به علم بویژه فلسفه اسلامی نداشتند.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: غلامحسین ابراهیمی دینانی تحصیلات ابتدائی خود را در اصفهان به پایان رساند و سپس دوره فقه اصول و ادبیات را در حوزه علمیه گذراند و تحصیل دروس دینی را تا دوره اجتهاد طی کرد. اما مدتی بعد تصمیم گرفت که به تحصیل در دانشگاه بپردازد، حاصل این تصمیم و تلاشهای پیگیر وی احراز درجه دکتری فلسفه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵

ه.ش بود.

خاطرات و وقایع تحصیل: غلامحسین ابراهیمی دینانی از کودکی به درس و کتاب علاقمند بود. وی هنگامی که در حوزه درس فقه، ادبیات منطق بلاغت و اصول را می‌گذراند فلسفه را قویتر از کلام یافت و به مطالعه آن پرداخت. دکتر دینانی درباره فضای حوزه‌ها در آن روزگار می‌گوید که این مراکز از فضایی بسته اما پر معنویت برخوردار بوده‌اند. با این وجود وی شیوه زندگی درحوزه را نمی‌پسندید، اما به علوم آن علاقمند بود. از این رو وارد دانشگاه شد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: غلامحسین ابراهیمی دینانی هنگامی که در حوزه به تحصیل می‌پرداخت در همان مرکز نیز سطوح پایین تر علمی چون فقه، اصول، منطق، فلسفه و ادبیات را تدریس می‌کرد. از این گذشته ظاهراً در همان زمان به تمرین و آموختن زبان عربی می‌پرداخت. تا آنجا که بعدها توانست چند کتاب عربی را ترجمه نماید.

استادان و مربیان: غلامحسین ابراهیمی دینانی، تحصیلات خود را در حوزه علمیه اصفهان نزد استادانی چون شیخ محمد علی حبیب آبادی و حاج شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی آغاز کرد. آنگاه برای ادامه تحصیل عازم قم شد. دروس سطح را نزد اساتیدی مانند مرحوم مجاهدی، سلطانی طباطبایی، فکور یزدی و آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی گذراند و مدتی هم درس خارج مرحوم آیه الله بروجردی شرکت کرد. اصول را نیز نزد مرحوم سید محمد داماد خواند اما بیشترین مدت تحصیل خارج فقه و اصول را در درس امام خمینی (ره) سپری کرد. وی از محضر استاد علامه طباطبایی نیز بهره برده است که از آن دوران می‌گوید: "در همان ایام- تحصیل در حوزه علمیه قم- ضمن این که در درس‌های خارج فقه و اصول شرکت می‌کردم در درس‌های فلسفه علامه طباطبائی نیز حضور پیدا می‌کردم. علاوه بر درس‌های روزانه خود که غالباً تدریس کتاب اسفار ملاصدرا و شفای ابن سینا را شامل می‌شد جلسه‌های خصوصی تدریس فلسفه در شب‌های پنج‌شنبه و جمعه را به عهده داشت که بنده نیز در آن جلسات شرکت فعال و مداوم داشتم علامه طباطبائی در هر سال چند ماه نیز در شب‌های جمعه به تهران می‌رفتند و با پرفسور هانری کرسی فرانسوی در موضوعات مختلف دینی و فلسفی به گفتگو می‌پرداختند این بنده به همراه مرحوم علامه به تهران می‌رفتم و در آن جلسات شرکت می‌کردم" وی از آغاز تحصیل در اصفهان، فراگیری فلسفه را نیز نزد شخصی به نام ضیاءپور شروع کرد و پس از عزیمت به قم بلافاصله به درس مرحوم علامه طباطبایی وارد شد و در حلقه خصوصی شاگردان ایشان نیز قرار گرفت. ایشان در کنار فلسفه اسلامی، تاریخ فلسفه غرب را نیز نزد مرحوم دکتر غلامحسین صدیقی فرا گرفت.

وقایع میانسالی: غلامحسین ابراهیمی دینانی در سال ۱۳۴۵ به دانشگاه تهران راه یافت. پس از اخذ مدرک کارشناسی در رشته فلسفه به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد. تا سال ۱۳۵۱ تهران بود. در سال ۱۳۵۲ از رساله دکتری خود دفاع کرد. تا سال ۱۳۶۱ در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد مشغول تدریس بود و پس از انقلاب شکوهمند اسلامی به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران درآمد. خروج غلامحسین ابراهیمی دینانی از حوزه علمیه و ورود به دانشگاه مشهد (۱۳۵۵ ه.ش) برای تدریس یکی از تحولات و تغییرات مهم در شیوه زندگی وی بود که طرز فکر وی به شیوه‌های تحقیق دانشگاهی سوق داد. با این وجود به فلسفه و کلام اسلامی وفادار ماند و مضامین این علوم ذهن او را به خود مشغول می‌نمود. وی در زمان تدریس در دانشگاه مشهد، مقالاتی را برای روزنامه‌ها و مجلات دانشکده تحریر می‌نمود.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: پس در حدود سالهای ۱۳۵۵-۵۶ با انجمن فلسفه ایران به ریاست دکتر سید حسین نصر همکاری و رفت و آمد داشت چنانکه توسط همان مرکز رساله دکتری خود تحت عنوان قواعد کل فلسفه را در سه جلد به چاپ رساند. وی هم اکنون استاد فلسفه دانشگاه تهران می‌باشد.

فعالیت‌های آموزشی: غلامحسین ابراهیمی دینانی در حین تحصیل در حوزه علمیه، دروسی چون فقه، اصول، ادبیات منطق و فلسفه و ادبیات را تدریس می‌نمود. در حدود سالهای ۵۶-۱۳۵۵ نیز هنگامی که وی به تازگی رساله دکتری خود را نوشته بود، در دانشگاه

فردوسی مشهد تدریس می کرد. وی در سال ۱۳۶۲ به دانشگاه تهران منتقل شد و تا هم اکنون در گروه فلسفه آن دانشگاه به تدریس فلسفه اشتغال دارد در خلال این مدت علاوه بر کار تدریس به تألیف کتاب‌هایی در زمینه‌های مختلف فلسفی مبادرت کرده است.

شاگردان: غلامحسین ابراهیمی دینانی چون از جوانی به تدریس می پرداخت، بدلیل فاصله سنی کمی که با شاگردان خود داشت روابط بسیار نزدیکی با آنان برقرار نمود. امروزه نیز همان صمیمیت میان استاد و دانشجویان وی برقرار است. و بیشتر فارغ التحصیلان فلسفه دانشگاه تهران از شاگردان او بشمار می روند.

همفکران فرد: دکتر عبدالکریم سروش، دکتر نصر... پورجوادی، دکتر مصطفی محقق داماد و دکتر شهرام پازوکی نیز همانند دکتر دینانی سالها به تحقیق در زمینه فلسفه اسلامی پرداخته اند. درحوزه پژوهشی در عقاید فرقه‌های گوناگون نیز با کسانی چون علی اکبر مدرس یزدی اشتراکات فکری دارند.

آرا و گرایشهای خاص: غلامحسین ابراهیمی دینانی، فلسفه را پاسخگوی مهمترین و عمده ترین پرسشهای انسان درباره معنی هستی و حیات می داند از نظر وی تفاوت فیلسوف با مردم عادی در این است که از خارج از روزمرگی به زندگی می نگرد و درباره آن می پرسد.

جوایز و نشانها: کتاب (ترجمه) "ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام" و کتاب "دفتر عقل و آیت عشق" (تألیف) غلامحسین ابراهیمی دینانی، به ترتیب در دوره‌های هفدهم و بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شدند. وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۵ در فرهنگسرای سینا می باشد. ایشان برگزیده بیست و ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی و شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را به خود اختصاص داده است.

چگونگی عرضه آثار: ابراهیمی دینانی در سمینارها و همایشهای متعدد داخلی و خارجی شرکت جسته و مقالات متعددی در حوزه‌های فلسفی و دین‌پژوهی به رشته تحریر درآورده است. کتابهای غلامحسین ابراهیمی دینانی در انتشارات انجمن فلسفه ایران، انتشارات طرح نو، و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشر شده است. -----

آثار:

۱ اسماء و صفات الهی

ویژگی اثر: این کتاب نیز از کتابهای کلامی در باره توحید و خداشناسی است.

۲ دفتر عقل و آیت عشق

ویژگی اثر: جدیدترین کتابی که از دکتر دینانی منتشر شده است کتاب سه جلدی دفتر عقل و آیت عشق است این اثر در سه جلد به مقایسه عقل و عشق و بر شمردن تشابهات و تناقضات آنها می پردازد. [غلامحسین ابراهیمی دینانی، دفتر عقل و آیت عشق، ۳ جلد، چاپ اول، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰، صفحات مقدمه]، این کتاب، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. دفتر عقل و آیت عشق / تألیف غلامحسین ابراهیمی دینانی. - تهران: طرح نوح (۳). (۱۳۸۳ ج). کتابنامه به صورت زیرنویس. در این سه مجلد کوشش و تلاش به عمل آمده تا نشان داده شود که منشأ پیدایش عقل و عشق امری واحد و یگانه است و در پایان سیر و سلوک و سرانجام تطورات و تکامل انسان نیز متحد و همراه خواهند بود. این واقعیت نیز به هیچ وجه قابل انکار نیست که در طی مراحل زندگی و برخی از مراتب هستی انسان، ممکن است عشق و عقل از یکدیگر فاصله بگیرند و حتی به نکوهش شدید از یکدیگر نیز زبان بکشایند. این

جدایی و فاصله‌ای که ممکن است میان عقل و عشق پیدا شود، به اختلاف و تفاوت در مراتب آنها مربوط می‌گردد. یعنی آنجا که عقل در یک مرحله و موضع خاص متوقف گشته و از سیر به مراتب بالاتر باز می‌ماند، مورد نکوهش عشق واقع می‌شود. چنانچه عشق نیز وقتی به امور پست و فرومایه تعلق پیدا می‌کند و در آنجا وابسته و اسیر شود، از نکوهشهای عقل بر کنار نخواهد بود. قبل از این دفترهای سه‌گانه، کتاب دیگری تحت عنوان ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام به‌خامه همین نگارنده در سه مجلد تنظیم یافته است. در آن دفترهای سه‌گانه نیز ضمن اینکه به ماجراهای عمده و مهم فکر فلسفی در جهان اسلام پرداخته شده، نزاع و کشمکش میان متکلمان و متشرعان از یک سو و فلاسفه و حکما از سوی دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. در آنجا نیز کوشش و تلاش به عمل آمده تا نشان داده شود که میان عقل و دین اختلاف و تضاد وجود ندارد و اگر در برخی موارد با نوعی تضاد و اختلاف روبرو می‌شویم، باید آن را نتیجه سوء فهم و کج‌تایبهای ذهن و زبان انسان به‌شمار آوریم.

۳ شرح فصوص الحکم مؤیدالدین جندی

ویژگی اثر: تصحیح، در سال ۱۳۶۱ نیز با همکاری زنده‌یاد استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی

۴ شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی

۵ قواعد کلی فلسفه در فلسفه اسلامی

ویژگی اثر: رساله دکترای وی بود که ابتدا در انجمن فلسفه در یک جلد به چاپ رساند و مدتی بعد با افزودن مطالب تکمیلی بدان، آنرا در سه جلد منتشر کرد.

۶ ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام

ویژگی اثر: این کتاب ترجمه‌ای است از عربی در سه جلد درباره تاریخ فلسفه اسلامی و فیلسوفان مسمان. معاد از نظر حکیم زنوزی در بردارنده بحث‌هایی کلامی درباره حیات انسان پس از مرگ در تفکر اسلامی می‌باشد. این کتاب، در دوره هفدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به‌عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام»: ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام / غلامحسین ابراهیمی دینانی - تهران: طرح نو، ۱۳۷۷ - ۲ج [تاکنون]. هر اندیش؟ فلسفی معمولاً در نتیجه تعاطی و برخورد اندیشه‌های گوناگون شکل می‌گیرد و اندیش؟ فلسفی در جهان اسلام نیز از این قاعده بر کنار نیست. این کتاب شرح ماجرای پر نشیب و فراز فکر فلسفی در جهان اسلام است که از میان گروههای متعدد و مخالف عبور کرده و بحرانهای سخت و دشواری را پشت سر نهاده است. این کتاب با رجوع به اصل نوشته‌های معارضان با فلسفه در جهان اسلام نگاهشده شده و سعی بر این بوده است که ضمن بیان آراء معارضان، تلاش فلاسفه را برای پاسخگویی به ردیات مخالفان منعکس کند و از این رهگذر، خواننده را با سیر شکل‌گیری اندیش؟ فلسفی در فرهنگ اسلامی تا زمان حاضر آشنا سازد

۷ معاد از نظر حکیم زنوزی

۸ مقدمه بر مجموعه رسائل کلامی و فلسفی و ملل و نحل [دینانی، حکایت عقل و عشق و فلسفه (مصاحبه)، فرهنگ و پژوهش، ص ۳۲] و علی‌اکبر مدرس یزدی، مجموعه مسائل کلامی و فلسفی و ملل و نحل، با مقدمه دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، صفحات مقدمه]

۹ منطق و معرفت در نظر غزالی

ویژگی اثر: از کتابهای حوزه غزالی شناسی بشمار می‌رود.

۱۰ نیایش فیلسوف

ویژگی اثر: مجموعه مقالاتی است که دکتر دینانی از عربی ترجمه نموده که عمدتاً مباحثی در فلسفه اسلامی را مطرح می‌نماید.

۱۱ وجود رابط و مستقل در فلسف؟ اسلامی

منابع زندگینامه :

www.ketabesal.ir بانک رسانه ها روزنامه همشهری ۱۴-۱۰-۸۶ "زندگینامه غلامحسین ابراهیمی دینانی" ۳ دینانی، حکایت عقل و عشق و فلسفه (مصاحبه)، فرهنگ و پژوهش، ص ۳۲۴ علی اکبر مدرس یزدی، مجموعه وسائل کلامی و فقهی و ملل و نحل، با مقدمه غلامحسین ابراهیمی دینانی، صفحات مقدمه ۵ ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام در سه جلد و نیز معاد از نظر حکیم زنوزی و نیایش فیلسوف (مجموعه مقالات عربی)

ابراهیمی فر، عبدالجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالجواد ابراهیمی فر

محل تولد : گنبد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد عبدالجواد ابراهیمی فرد در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای روحانی و در روستای نظام آباد از توابع شهرستان گنبد دیده به جهان گشود. سال اول و دوم ابتدایی را در زادگاه خود گذراند، آنگاه با هجرت به شهرستان گنبد ادامه تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در آنجا سپری نمود. پس از آن، دوران مقدماتی تحصیلات حوزوی خود را به مدت دو سال در مدرسه‌ای که توسط والد معظم ایشان مرحوم حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اکبر ابراهیمی (طاب ثراه) در شهرستان گنبد (مدرسه علمیه منتظریه) تأسیس شده بود، در محضر اساتید بزرگواری همچون مرحوم حجه الاسلام حاج شیخ حسن محدثی و مرحوم شهید آیت الله مدنی (ره) در آن زمان دوران تبعید خود را در آن سامان می گذراند به پایان برد.

آنگاه در سال ۵۶ - ۵۷ با عزیمت به شهر قیام و اجتهاد (قم) نخستین گام‌های آشنایی با دروس متوسطه حوزه را در مدرسه رسالت برداشت؛ و نزد اساتیدی همچون آقایان: حجه الاسلام حسینی بوشهری (منطق را) و حجه الاسلام حاجیانی (تبصره المتعلمین را) و حجه الاسلام محمدی امام جمعه فعلی همدان (بخشی از شرح لمعه را)، حجه الاسلام باکوئی و مرحوم آیت الله سید محمد جواد ذهنی (بخشی از شرح لمعه را) و آیت الله استادی و آیت الله سیدعلی حائری (حلقات اصول شهید صدر را)، تلمذ نمود. در کنار منطق و فقه و اصول، مرحله مقدماتی آشنایی با فلسفه و روش نقد و بررسی تفسیر را آغاز نمود. کتاب بدایه الحکمه را نزد اساتیدی همچون آیت الله محمد یزدی و آیت الله ممدوحی آموخت. کتاب درایه الحدیث را همراه با دروس شیوه نقد تفسیر، در محضر آیت الله استادی فرا گرفت. دروس فقه و اصول پیشرفته مرحله سطح حوزه را در محضر اساتید بزرگواری همچون: آیت الله اعتمادی، (بخش‌های عمده رسائل شیخ انصاری)، مرحوم آیت الله وجدانی فخر (بخشی از رسائل شیخ انصاری) آیت الله پایانی و دوزدوزانی (مکاسب شیخ انصاری) را آموخت. کتاب کفایه الاصول را از دروس مضبوط مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی فرا گرفت.

همزمان با فراگیری دروس فقه و اصول، اقدام به فراگیری دروس فلسفه و معارف نمود. و از سال ۵۸ با اساتید بزرگوار هم‌چون آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی، آشنا شد.

در همان سال با عضویت در بخش آموزش موسسه در راه حق و شرکت در دروسهای استاد مصباح فصل دیگری در مراحل تحصیل ایشان گشوده شد؛ و ادامه این فصل در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) رقم خورد؛ پرونده این فصل نورانی همچنان مفتوح مانده است. کتاب‌های نه‌ایة الحکمه، دروس فلسفه، فلسفه اخلاق، برهان شفا، الهیات شفا مجلداتی از اسفار اربعه و یک دوره معارف قرآن را همراه با درس‌های اخلاق نزد استاد بزرگوار آیت الله محمدتقی مصباح یزدی فراگرفت. از ویژگی‌های این فصل از تحصیل، فراگیری برخی از رشته‌های علوم انسانی همچون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و نیز فراگیری زبان انگلیسی و آشنایی با فلسفه غرب بود که توسط اساتید مجرب دانشگاهی انجام می‌گرفت. کتابهای تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم که از کتاب‌های معتبر عرفان اسلامی است و جلد ششم اسفار اربعه را از دروس مضبوط آیت الله جوادی آملی استفاده کرد (فراگیری این کتب جزء برنامه‌های موظفی گروه فلسفه موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) بود که ایشان نیز عضو آن گروه بود).

در محضر آیت الله حسن‌زاده آملی در جلسات درس هیئت و نجوم شرکت نمود و از لطایف سخن و پندهای حکیمانه و عارفانه ایشان در شرح و تفسیر برخی احادیث، در محافل خصوصی بهره برد.

سال تحصیلی ۶۲-۶۳ با شرکت در دروس خارج حوزه روند دیگری در مراحل تحصیل ایشان آغاز گردید. این روند تا سال ۱۳۷۵ ادامه یافت. هر چند طی این مرحله با فراز و نشیب‌هایی همراه بود. شرکت در درس خارج آیت الله العظمی وحیدخراسانی و آیت الله العظمی مظاهری ساختار بنیه فقهی و اصولی ایشان را در این مرحله شکل داده است. شرکت در دو دوره اصول آقای مظاهری و شرکت در درس فقه ایشان همچنین شرکت در درس‌های اصول و فقه آقای وحیدخراسانی از ویژگی‌های این مرحله از تحصیل ایشان به شمار می‌آید.

از همان آغاز دوران تحصیل، به تدریس کتابهایی که خود فراگرفته بود پرداخت و تدریس را مکمل تحصیل خود قرار داد. کتابهای جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، حاشیه، شرح لمعه، حلقات اصول شهید صدر، اصول فقه و کفایة الاصول را به طور پراکنده و خصوصی در حوزه تدریس نمود. علاوه بر آن، از سال ۷۳ در مراکز علمی، فرهنگی و حوزوی به طور رسمی به تدریس علوم و معارف اسلامی پرداخت. از جمله:

الف) در مرکز جهانی علوم اسلامی: (مدرسه حجتیه، مدرسه امام خمینی (ره)، مدرسه مومنیه و مدرسه مرعشیه) به تدریس قواعد فقهیه، فقه مقارن، اصول مقارن و علوم سیاسی، فلسفه و کلام (کتاب‌های تحریر بدایة الحکمه و درآمدی بر آموزش عقاید تألیف خود ایشان) و حلقات اصول شهید صدر (حلقه ثانیه و دو جزء حلقه ثالثه) پرداخت.

ب) در دانشکده تربیت مربی عقیدتی سیاسی سپاه (دانشکده شهید محلاتی قم) از سال ۷۳ تا سال تحصیلی ۷۹-۸۰ به تدریس فلسفه و کلام، کتابهای: تحریر بدایة الحکمه (تألیف خود ایشان) و درآمدی بر آموزش عقاید (تألیف خود ایشان) و نیز تدریس فلسفه اخلاق پرداخت.

ج) در اردوهای بسیج دانشجویی (طرح ولایت) از سال ۷۶ تا ۸۳ در زمینه‌های مختلف علوم سیاسی، معرفت‌شناسی و فلسفه اخلاق تدریس کرد.

د) در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، در زمینه‌های فلسفه و کلام، فلسفه اخلاق و اخلاق تدریس نموده و هم‌اکنون عضو هیئت علمی آن مؤسسه می‌باشد.

در سال ۱۳۶۹ با ارائه دو مقاله به کنفرانس بین‌المللی اندیشه اسلامی نخستین بار به تماشای تفسیر آیه شریفه «ن والقلم و ما

یسطرون» نشست. مقاله «امام خمینی (ره) و احیاء حکومت اسلامی» و مقاله «امام خمینی (ره) و اسلام ناب محمدی (ره)» نخستین مقالاتی بود که نگاشت و از سوی کنفرانس اندیشه اسلامی در سال ۱۳۶۹ انتشار یافت و روح خودباوری و اعتماد به نفس را بیش از پیش در ایشان زنده کرد.

از آن پس فراخوان مجامع علمی و فرهنگی را در ارائه مقاله، بی‌پاسخ نگذاشت. مقاله «پژوهشی پیرامون حدوث و قدم جهان» را در سال ۱۳۷۲ به کنگره بین‌المللی شیخ مفید (ره) ارائه کرد که در مجموعه منشورات آن کنگره جهانی چاپ و منتشر گردید. همچنین مقاله «اجتهاد و تقلید از دیدگاه شیخ اعظم انصاری (ره)» را در سال ۱۳۷۳ به کنگره جهانی شیخ اعظم انصاری عرضه نمود که در کمیته ویژه علمی با حضور آیات بزرگوار: آیت الله استادی، و آیت الله حاج شیخ محسن اراکی و جمعی دیگر از اساتید فن بررسی و با دفاعیات نویسنده، برای چاپ و نشر توسط آن کنگره جهانی تصویب گردید که انتشار آن، نمایه‌ای از استعداد فقهی و اصولی ایشان قرار گرفت؛ و آغاز مبارکی از یک دوران گردید. نیز مقاله «تبیین فقهی ثابت و متغیر» را در سال ۷۴ به کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی (ره)، نقش زمان و مکان در اجتهاد عرضه داشت که در جلد چهارم از مجموعه مقالات کمیته علمی کنگره مذکور به چاپ رسید. و مقاله «منشاء مشروعیت حکومت اسلامی» را در سال ۱۳۷۸ به کنگره امام خمینی (ره) و اندیشه حکومت اسلامی عرضه نمود که در مجموعه آثار (۲) آن کنگره در مجلد فلسفه سیاسی (۱) به چاپ رسیده است.

ابراهیمی، رحمت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رحمت الله ابراهیمی

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

این حقیر متولد ۱۳۴۹ در شهر آمل استان مازندران در روستای شاه کتی در خانواده ای کشاورز به دنیا آمد. دوران راهنمایی و سال اول دبیرستان را در شهر آمل گذراندم. پس از آن وارد حوزه علمیه آمل شدم که در سال ۱۳۶۷ بوده است.

این حقیر مقدمات و سیوطی را در شهر آمل طی دو سال گذراندم و پس از آن یکسال را در شهر ساری ادامه تحصیل دادم. پس از آن در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در محضر اساتیدی چون حضرت آیت الله اشتهاردی (دامت برکاته) و حضرت آیت الله وجدانی فخر (رحمت الله علیه) و حضرت آیت الله سبحانی و حضرت آیت الله دریاباری افاضه نمودم، که دروس سطح را به اتمام رساندم و فی الحال در درس خارج آیت الله دریاباری و دروس فلسفه و منظومه آقای دریاباری و خارج اصول آقای سبحانی مشغول تحصیل می باشم.

این حقیر تالیفات خود را از سال ۱۳۷۶ آغاز کردم که تاکنون ۵ اثر حقیر به چاپ رسیده و بعضی از آثار چاپ مجدد شده است که امید است خداوند قبول فرماید.

ابن راوندی، ابوالحسین احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۴۵ ق)، متکلم و فیلسوف. برخی منابع وی را اهل راوند، میان اصفهان و کاشان، و برخی اهل مرورود می‌دانند. از زندگی شخصی وی اطلاع چندانی در دست نیست. گویا نخست معتزلی بوده و پس از مدتی به شدت با معتزلیان درافتاده است. ایشان نیز ردیه‌های شدیدی بر ضد وی نوشته‌اند. پیروی ابن‌راوندی از تشیع نیز ناپایدار بود. گفته‌اند که استقرار به مذهبی نداشته. برخی معتقدند که پدر وی از یهودیان بوده ولی، خودش اسلام آورده است. از نظر علمای عامه ابن‌راوندی ملحد و زندیق است و به گفته آنان شهرت بی‌دینی وی از جهان اسلام فراتر رفت و برخی از یهودیان نیز وی را مذمت کردند. به هر حال وی یکی از شخصیت‌های پیچیده و ناشناخته کلام اسلامی است. ابن‌راوندی در ادبیات استادی کم‌نظیر بود. ابن‌خلکان آثار وی را بالغ بر ۱۱۴ اثر دانسته، و حمدالله مستوفی گوید که وی ۱۲۴ کتاب تصنیف کرده است. بسیاری از آثار وی از میان رفته‌اند. تنها بخشی از آنها در ردیه‌های مخالفانش باقی مانده است: از جمله آثار وی: «فضیحة المعتزله»، «التاج»، در قدم عالم؛ «نعت الحکمة»؛ «قضیب الذهب». دوازده کتاب به او نسبت داده‌اند که در طعن اصول شریعت است و گروهی از علما در رد آنها کتابهای بسیاری نوشته‌اند. ابن‌راوندی خود گاه در رد کتب خود نیز ردیه‌ی نوشته است. از آن جمله: «کتاب نقض کتاب الزمرد علی نفسه»؛ «کتاب نقض المرجان». برخی از کتابهای او در تأیید دین است: «کتاب الامامة»؛ «کتاب الاسماء والاحکام»؛ «کتاب الابتداء والاعادة». در تاریخ وفات ابن‌راوندی اکثریت بر نظر ابن‌خلکان در «وفیات الاعیان» و مسعودی در «مروج الذهب» هستند ولی، صاحب «البدایة والنهایة» نظر ابن‌خلکان و مسعودی را اشتباه و نظر ابن‌جوزی (۲۹۸ ق) را صحیح می‌داند. [۱]

ابوالحسین احمد بن یحیی، اصلاً از مردم راوند (میان اصفهان و کاشان) و در زمره متکلمان معروف به شمار است (و. ۲۰۵- ف. ۲۴۵ ه. ق.). وی عقایدی خاص داشته، از تألیفات او: التاج، خلق القرآن، الفضيحة المعتزله را باید نام برد. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۵۳- ۲۵۲/ ۱)، اعیان الشیعه (۲۰۶- ۲۰۴/ ۳)، تاریخ گزیده (۶۹۳)، دائرةالمعارف البستانی (۴۸۶/ ۱)، دایرةالمعارف فارسی (۱۹/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۵۷۳- ۵۷۱/ ۴)، روضات الجنات (۲۰۴- ۲۰۳/ ۱)، ریاض العلماء (۱۹/ ۶)، ریحانه (۵۳۰- ۵۲۸/ ۷)، سیر النبلاء (۶۲- ۵۹/ ۱۴)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۳۱۸- ۳۱۶)، کشف الظنون (۱۴۵۰، ۱۴۲۳، ۱۴۰۳، ۱۲۷۴)، الکنی والالقباب (۲۸۸- ۲۸۷/ ۱)، لسان المیزان (۴۹۲- ۴۹۱/ ۱)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌راوندی)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۸۱- ۸۲)، معجم المؤلفین (۲۰۰/ ۲)، الملل والنحل (۱۵۱، ۱۰۵، ۵۷)، هدیة العارفين (۵۵/ ۱)، هدیة الاحباب (۵۹)، الوافی بالوفیات (۲۳۸- ۲۳۲/ ۸)، وفیات الاعیان (۹۵- ۹۴/ ۱).

ابن صابونی، کمال‌الدین عبدالرزاق

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کمال‌الدین عبدالرزاق بن احمد مکنی به ابن فوطی، از مشاهیر علمای حدیثه و تاریخ و صاحب نظر در حکمت (و. ۶۴۲- ف. ۷۲۳ ه.ق.) از آثار اوست: مجمع‌الآداب فی معجم‌الاسماء علی معجم‌اللقاب در ۵۰ جلد، در الاصداف فی غرر الاوصاف در ۲۰ جلد، تاریخ عالم از خلقت تا تخریب بغداد، الحوادث‌الجامعه و التجارب‌النافعه فی المئه السابعة. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن عمید، ابوالفضل محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفضل محمد بن عمید کاتب خراسانی (ف. ۳۵۹ ه.ق.) پدر وی صاحب ترسل بود و لقب عمید و وزارت مردآویج داشت. ابوالفضل در سال ۳۲۸ به جای ابو علی ابن قمی به وزارت رکن‌الدوله دیلمی رسید. وی در نجوم و فلسفه دست داشت و در ادب و ترسل کمتر کسی به پای او می‌رسید. صاحب بن عباد از اتباع او بود. در سال ۳۵۹ ابن عمید با لشکری برای جنگ حسنویه کرد بیرون رفت و در همین ایام درگذشت. از تألیفات اوست: دیوان الرسائل، والمذهب فی البلاغات.

۲- ابوالفتح علی بن محمد بن عمید (ف. ۳۶۶ ه.ق.) وی در جنگ با حسنوی همراه پدر بود و چون پدرش درگذشت با حسنویه صلح کرد و به ری بازگشت و منصب پدر را به او تفویض کردند. وی تا سال ۳۶۶ وزارت مؤیدالدوله را داشت سپس به حبس افتاد و در حبس درگذشت.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن مسکویه

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب بن مسکویه خازن رازی اصفهانی.

حکیم و فیلسوف و مورخ عالی قدر شیعی مذهب گویند: در اول مجوسی بوده و سپس مسلمان و شیعی گردیده و ظاهراً این مطلب خالی از اعتبار است زیرا نام پدر و جدش مخالف این عقیده است. در زمان جوانی بخدمت ابن عمید رسیده. ابوحنان توحیدی درباره او عقیده خوبی ندارد و وی را به بخل زیاد و حرص شدید در جمع مال و طلب کیمیا سخت نکوهش می‌کند. وی خازن «کتابدار» فخرالدوله دیلمی بوده و بدین جهت به خازن شهرت یافته.

در کتاب دانشوران خراسان (۱۵۹:) و دیگر کتب نوشته‌اند که سلطان محمود، غزنوی خواجه ابوالفضل حسین بن علی میکال را نزد مأمون خوازمشاه گسیل داشته و این دانشمندان که در دربار او بودند را طلب کرد: شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا - ابوریحان بیرونی - ابوسهل مسیحی، ابوعلی مسکویه، ابن خمار و ابو نصرعراق. سه نفر از اینان نزد سلطان محمود رفتند، و سه نفر دیگر یعنی: ابن سینا و ابن مسکویه و ابوسهل خدمت سلطان محمود را نپذیرفته و به سمت گرگان حرکت کردند و ابوسهل در راه از تشنگی بمرد (سال ۴۰۱ ه.ق) و آن دو به سختی جان بدر بردند.

کتب زیر از تألیفات اوست:

۱- آداب العرب و الفرس، در اخلاق ۲- احوال الحكماء ۳- تجارب الامم، در تاریخ مشهورترین تألیفات او ۴- ترتیب السعادات، در اخلاق ۵- تفضیل النشأتین ۶- طهارة الاعراق؛ معروفترین کتاب در اخلاق. مجموعه تألیفاتش متجاوز از بیست و هشت مجلد می‌شود.

صاحب عنوان در ۹ صفر سال ۴۲۱ در اصفهان وفات یافته در محله خواجه مدفون گردید و محل قبرش ظاهراً حدود امام زاده باقر فعلی می‌باشد.

قمی در الکنی و الالقاب گوید: قبره علی باب (درب جناد) فی اصفهان. و درب جناد تصحیف شده حسن آباد است، و مراد دروازه حسن آباد است که در اصفهان معروف است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

ابن اشرف سمرقندی، شمس‌الدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۶۷۵ ق)، ریاضیدان، منجم و منطقی. وی از ریاضیدانان و دانشمندان بزرگ زمان خود بود. از آثار وی: «الصحائف الاهیة»، در تفسیر؛ «التذکره فی الهیة»؛ «رساله فی آداب البحث والمناظره»؛ «اشکال التأسیس فی الهندسه»؛ «القسطاط» یا «قسطاس المیزان»؛ «کتاب عینی النظر»، در منطق؛ «شرح تحریر مجسطی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۲۸۷-۲۸۵)، کشف الظنون (۱۰۷۴، ۱۰۵، ۳۹)، لغت‌نامه (ذیل / سمرقندی)، معجم المؤلفین (۶۳ / ۹)، هدیة العارفین (۱۰۶ / ۲).

ابن خمار، ابوالخیر حسن

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۳۱- ح ۴۲۱ ق)، طبیب، فیلسوف و مترجم. از نصرانیان ایرانی و یکی از مترجمان بزرگ، از زبان سریانی به عربی بود. وی کتب زیادی را از آن زبان به عربی ترجمه کرد. در فلسفه شاگرد یحیی بن عیدی بود. ابن‌ندیم او را ملاقات کرده و از او به عنوان منطقی بزرگی یاد می‌کند. ابوالفرج بن طیب مسیحی و ابوالفرج بن هندوی مسلمان احتمالاً در زمان اقامت او در بغداد از شاگردان وی بوده‌اند. او را در طب ثالث بقراط و جالینوس می‌دانستند. از جراحان بیمارستان بزرگ عضدالدوله در بغداد بود. ابن‌سینا او را تحسین کرده، ولی با تمام اشتیاقی که به دیدار وی داشت، به این امر نائل نشد. مدتی در زمان مجدالدوله‌ی دیلمی در ری، چندی در دستگاه ابوالعباس مأمون خوارزمشاه در خوارزم بود. پس از فتح خوارزم به دست سلطان محمود غزنوی وی را به همراه ابوریحان بیرونی و چند تن از دانشمندان به غزنه بردند. در اواخر عمر به سبب شنیدن آیه‌ای از قرآن و دیدن پیامبر اسلام (ص) در خواب، مسلمان شد. در زمان سلطان محمود، در راه رفتن به دربار او از اسب بر زمین افتاد و کشته شد. از جمله آثار باقی مانده از وی: «کتاب الوفاق بین آراء الفلاسفة والنصارى»؛ «مقاله فی التوحید والتثلیث»؛ «مقاله فی الصدیق والصدیقه»؛ «مقاله فی السعاده»؛

«مقاله فی الاخلاق»؛ «مقاله فی الصرع»؛ «کتاب دیابطا» یعنی تقطیر؛ «الآثار المخیلة فی الجو الحادثة عن البخار المائی و هی الهاله والقوس والضباب»؛ «کتاب الهیولی»؛ «مقاله فی امتحان الاطباء»؛ که آن را به خوارزمشاه اهدا کرد؛ «کتاب الآثار العلویه»؛ «کتاب اللبس فی الکتب الاربعه فی المنطق» که این از ترجمه‌های او از سریانی به عربی است؛ «کتاب تفسیر ایساغوجی»، هم به صورت مشروح و هم به صورت مختصر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۲۸۲-۲۸۱/۱)، تاریخ حکماء قفطی (۲۲۶)، تاریخ طب (۷۰۱-۶۹۹/۲)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۱۶-۱۴)، چهار مقاله (۱۱۹، ۱۱۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹۵۶-۹۵۵/۷)، ریحانه (۵۰۹-۵۰۸/۷)، عیون الانباء (۳۲۳-۳۲۲/۱)، فهرست ابن‌ندیم، ترجمه (۴۷۷-۴۷۶-۴۴۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابن‌خمار)، معجم المؤلفین (۲۲۹/۳)، الملل والنحل (۳۶۹)، نامه‌ی دانشوران (۸۸-۸۵/۱)، الوافی بالوفیات (۴۲-۴۱/۱۲)، هدیه‌ی العارفین (۲۷۷/۱).

ابن رفاعه‌ی هاشمی، ابوالخیر زید

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۴۰۰ ق)، فیلسوف و محدث. از مردم ری بود و سالیان بسیاری در بصره زیست. او در شهرهای جبال و خراسان از ابن‌درید و ابوبکر بن انباری و دیگران حدیث نقل کرد. ابن‌یزداد قاری از او حدیث روایت کرده است خطیب بغدادی او را مورد اعتماد نمی‌داند. در نگارش «رسائل» احوال الصفا همکاری داشت. از آثارش: «اربعین حدیثاً»؛ «جوامع اصلاح المنطق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۹۸/۳)، تاریخ بغداد (۴۵۱-۴۵۰/۸)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۲۰)، دایره‌المعارف فارسی (۶۹/۱)، الذریعه (۳۸۴/۵)، لسان المیزان (۱۹۶/۳)، لغت‌نامه (ذیل / زید)، معجم المؤلفین (۱۹۰/۴).

ابن زبیله، ابومنصور حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۴۰ ق)، حکیم، ریاضیدان، فیلسوف و موسیق‌دان. اهل اصفهان و از شاگردان برجسته‌ی ابن‌سینا بود. در ادبیات نیز دست داشت. شرحی بر رساله «حی بن یقظان» ابن‌سینا نوشت که شارحان پس از وی از آن بسیار بهره بردند. از آثارش: «النفس»؛ کتاب «الکافی فی الموسیقی»؛ «الاختصار من طبیعات الشفاء» ابن‌سینا است. ابن‌ابی‌اصیبه در «طبقات الاطباء» نام او را به صورت ابن‌زیلا آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: استادان موسیقی (۳۳)، الاعلام (۲۷۸/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۹/۱)، تاریخ طب (۸۶۵، ۵۱۴، ۴۹۸/۲)، تاریخ موسیقی (۱۵۴-۱۵۳/۱)، تاریخ هنرهای ملی (۷۴۵-۷۴۴/۲)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۵۸)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۶۱۹-۶۱۸/۴)، کشف الظنون (۸۶۲)، معجم المؤلفین (۱۳/۴).

ابن سمکه قمی، ابوعلی احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، حکیم، ادیب و نویسنده. اهل قم و از استادان ابن عمید بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۶۳۸)، تاریخ قم (۲۱۷).

ابن سیار شیرازی، ابو ماهر، ابو عمران موسی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۵۰ ق)، پزشک، حکیم، فیلسوف، شاعر. ولادت او در شیراز بود و در همان جا نشو و نما یافت و به تحصیل پرداخت. وی در فنون طب و حکمت مشهور بود. ابوعلی مندویه و احمد بن محمد طبری و علی بن عباس مجوسی اهوازی و اغلب بزرگان طب وقت به شاگردی وی مباحثات می کردند. در علم منطق از استادان بود. پس از راه یافتن به دربار بویه، عضدالدوله جوان را که به بیماری چشم مبتلا بود درمان کرد و همین امر موجب شهرت بیشتر او شد. او بر عقاید جالینوس اعتراضاتی وارد کرد. از جمله آثارش: «مقاله‌ای در فصد»، «اضافاتی بر «کناش» اسحاق بن حنین؛ رساله‌ای در «آلات جراحی»؛ «امراض العین و منافع خرافات»؛ کتاب «چهل باب»، در جزء نظری و عملی؛ «تعلیقات بر کتاب اغلوتن جالینوس»؛ «فی الستة الضروریة»؛ شرح بر کتابهای یوحنا بن سرایون؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱/ ۴۸۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۳۴۶)، تاریخ طب (۶۶۸-۶۶۹، ۴۴۶، ۴۴۵، ۲۹۶/ ۲)، ریحانه

(۱۰۳- ۱۰۲/ ۳)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن سیار و موسی)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۵۰)، هدیه العارفین (۲/ ۴۷۸).

ابن سینا، ابوعلی حسین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۲۷/ ۴۲۸- ۳۷۰ ق)، پزشک، فیلسوف، منطقی و دانشمند. مشهور به ابن سینا یا ابوعلی سینا، در مغرب زمین آویسن یا آویسنا و ملقب به حجة الحق، شیخ‌الرئیس، شرف‌الملک و امام‌الحکما. ابن سینا در افشنه‌ی بخارا، زادگاه مادرش، متولد شد. پدر وی از دیوانیان دستگاه سامانیان بود و در تربیت فرزندان خود سخت کوشا. پدر ابن سینا، عبدالله، شیفته‌ی تعلیمات اسماعیلیان بود. ابن سینا، علی‌رغم اشراف به نظر و عقاید این گروه، گرایش به این فرقه نداشت. در چهارده سالگی در علم بر استاد خود ابو عبدالله ناتلی پیشی گرفت، چندان که مشکلات منطق را بر استاد خود می‌گشود. در شانزده سالگی جمعی از پزشکان فاضل زبردست او کار

می‌کردند. ابوعلی با مداوای بیماری نوح بن منصور سامانی امیر خراسان اجازه یافت که از کتابخانه‌ی عالی امیر استفاده کند. در هجده سالگی جامع‌العلوم شد و از این پس ترقیات وی نتیجه‌ی اجتهاد شخصی خود وی بود. در بیست و یک سالگی نخستین اثر فلسفی خود را تحت عنوان «العروضیه» به درخواست ابوالخیر عروسی نوشت. پس از درگذشت پدر، به خدمات دیوانی روی آورد. به زودی فکر و تدبیر او مورد قدردانی واقع شد. امیران علاوه بر نصایح پزشکی او در سیاست نیز خواستار رأی او شدند. چندین بار به وزارت رسید، و در معرض رشک دیگران قرار گرفت. چندین بار فرار کرد. مدتی زندانی شد. ولی از زندان گریخت. چهارده سال در آرامش در دربار علاءالدوله دیلمی در اصفهان می‌زیست. بر اثر مسافرتها و شب زنده‌داریها و بی‌توجهی به خود به قولنج مبتلا شد و در ضمن لشکرکشی علاءالدوله در همدان درگذشت و در همین شهر به خاک سپرده شد. در جشن یادبود هزاره‌ی او بر مزارش بنایی ساختند. شهرت ابن‌سینا چندان است که از مرزهای سرزمینهای اسلامی گذشته و به سراسر جهان رسیده است. آثار او به زبانهای مختلفی ترجمه و منتشر شده‌اند. ابن‌سینا، علاوه بر پزشکی و فلسفه، در نجوم، فیزیک، علوم طبیعی نیز آثاری دارد از آن جمله، در اواخر عمر به دستور علاءالدوله آلتی شبیه ورنیه‌ی کنونی برای به دست آوردن نتایج دقیق در رصد اختراع کرد. از هوش و حافظه‌ی وی سخنها گفته‌اند و او را سرآمد فلاسفه اسلامی دانسته‌اند. وی با ابوریحان بیرونی و ابوسهل مسیحی، معاشرت و مباحثه داشت و از معاصرینش می‌توان ابن‌خمار و ابوالفرج بن طیب را نام برد و از جمله شاگردان او ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان، ابن‌زبیه، ابوعبدالله معصومی، ابوعبید جوزجانی را با ابوسعید ابوالخیر نیز مباحثه‌ای داشت که بسیار مشهور است. ابن‌سینا در زمینه‌ی ادبیات نیز کتابهایی نوشت و اشعاری نیز به وی منسوب است. از آثار او: «النجاة»؛ «الاشارات والتنبیها»، در منطق و حکمت؛ «الشفاء» در حکمت علمی نظری؛ «دانشنامه‌ی علائی»، به فارسی؛ «اسرار الصلاة»؛ «مبدأ و معاد»؛ «قانون»، در طب. این کتاب با وجود ناقص بودن، سبب اشتها ابن‌سینا در اروپا شد. «اسباب حدوث الحروف و مخارجها»، در زبان‌شناسی؛ «الموجز الکبیر»؛ «الموجز الصغیر»، هر دو در منطق؛ «رساله‌ی حی بن یقظان»؛ «المدخل الی صناعة الموسیقی»، در موسیقی که از آثار فارابی کامل‌تر و جامع‌تر است؛ «مقاله فی آله رصدیه». در کل ۲۷۶ عنوان کتاب به او نسبت می‌دهند که ۱۳۱ اثر را با انتساب صحیح و مابقی را با انتساب مشکوک از او دانسته‌اند. [۱]

شیخ‌الرئیس حجة‌الحق شرف‌الملک امام‌الحکماء ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی معروف به ابن‌سینا (و. افشنه یا خرمیثن ۳۷۰- ف. همدان ۴۲۸ ه.ق.). پدر او از مردم بلخ و مادر وی ستاره از اهل افشنه (نزدیک بخارا) بود. ابن‌سینا در بخارا کسب علم کرد و در ده سالگی قرآن را از بر نمود و نزد ابو عبدالله ناتلی منطق و هندسه و نجوم آموخت. و پایه‌ی وی از استاد درگذشت. از آن پس به تعقیب علوم طبیعی و ما بعدالطبیعه و طب پرداخت. آثار فارابی فکر ابن‌سینا را به خود جلب کرد و مشوق او در مطالعه آثار فلسفی گردید. وی در عنفوان شباب نوح بن منصور پادشاه سامانی را معالجه کرد و از کتابخانه گرانهای او بهره‌ها برد. ابن‌سینا بخارا را ترک گفت و به گرگانج شتافت، و از آنجا به حکم ضرورت به خراسان و سپس به گرگان و ری و همدان و اصفهان شد و آثار ذی‌قیمت خویش را در این سفرها تحریر کرد. شیخ در همدان به وزارت شمس‌الدوله رسید. و سالهای اخیر عمر را در اصفهان در حمایت علاءالدوله کاکویه گذرانید و در سفری که همراه امیر مزبور به همدان می‌شد، در راه مریض گردید و در همدان درگذشت. آرامگاه او را بدانجا برپا داشته‌اند. به مناسبت هزارمین سال تولد وی، جشنی در سال ۱۳۳۱ ه. ش. در ایران منعقد گردید. مؤلفات ابن‌سینا همواره مورد توجه بوده و شروح متعدد بر آنها نوشته‌اند و بسیاری از آنها نیز به زبانهای غربی ترجمه شده است. آثار مهم ابن‌سینا- کتاب‌الشفاء کتاب‌القانون فی الطب، کتاب‌الاشارات، کتاب‌النجاة، دانشنامه علائی (به فارسی) و غیره است. آرامگاه ابن‌سینا.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الباقیه (۳۹۵)، از فردوسی تا سعدی (۱۵۷- ۱۵۲)، استادان موسیقی (۳۳- ۳۲)، الاعلام (۲۶۲- ۲۶۱/ ۲)،

اعیان الشیعه (۸۰-۶۹/۶)، ایضاح المکنون (۶۷۲، ۵۵۵/۲)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۱۴۹-۱۴۸/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۷-۳۴۶، ۳۴۳-۳۴۲، ۳۱۹-۳۰۳/۱)، تاریخ الحكماء قفطی (۵۷۰-۵۵۵)، تاریخ طب (۶۳۳-۴۷۷/۲)، تاریخ فلسفه در اسلام (۷۲۱-۶۸۳/۱)، تاریخ گزیده (۶۸۹-۶۸۸)، تاریخ موسیقی (۱۵۳-۱۴۸/۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۳۲۱-۳۲۰، ۳۱۳، ۴۵، ۳۸، ۳۵-۳۴)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۴۳-۲۹)، حبیب السیر (۲/۴۴۹)، دائرة المعارف البستانی (۵۳۹-۵۳۵/۱)، الذریعه (۲۳۲، ۲۲۳-۲۲۲-۲۲۱، ۲۱۸-۲۱۷، ۲۱۵، ۱۵۴، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۲۹، ۱۲۲، ۱۲۱، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۶۵، ۵۱، ۴۸، ۲۶، ۲۵-۲۴/۱۷، ۳۸۱-۱۵/۱۴، ۲۰۱، ۱۴/۲۴۰، ۲۳۹، ۱۰/۴۷، ۸/۱۸۴، ۱۳۰، ۱۲۸، ۷/۲۸۶، ۵/۴۳، ۴۸۴، ۴۰۷، ۳۷۱/۱)، روضات الجنات (۱۷۳-۱۵۹/۳)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۴-۲۹)، سرگذشت ابن سینا (۱۹-۱)، سیر النبلاء (۵۳۷-۵۳۱/۱۷)، فوائد الرضویه (۴۵۹-۴۵۸/۲)، کشف الظنون (۲۰۳۱، ۱۹۰۰، ۱۷۹۳، ۱۷۸۳، ۱۶۲۱، ۱۵۵۰، ۱۵۳۳، ۱۵۲۰، ۱۴۶۶، ۱۴۵۵، ۱۴۵۴، ۱۴۴۰، ۱۴۳۰، ۱۴۰۸، ۱۳۸۹، ۱۳۴۱، ۱۳۲۷، ۱۳۱۱، ۱۱۸۶، ۱۰۵۵، ۹۵۳، ۹۰۰، ۸۹۷، ۸۹۶، ۸۹۴، ۸۹۱، ۸۸۹، ۸۸۰، ۸۷۹-۸۷۶، ۸۷۰، ۸۶۲، ۸۶۱، ۸۵۲، ۸۴۶، ۸۴۳، ۸۴۱، ۷۶۶، ۷۵۷، ۷۳۶، ۶۸۵، ۶۲۴، ۶۶۳، ۶۵۱، ۴۴۹، ۳۸۰، ۳۷۷، ۲۳۸، ۲۰۱، ۱۸۳، ۹۴، ۶۳، ۵۱، ۳۶-۳۷/۱۲)، الکنی واللقاب (۳۲۳-۳۲۰/۱)، لسان المیزان (۵۴۱-۵۳۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعلی سینا)، مجالس المؤمنین (۱۸۹-۱۸۱/۲)، معجم المؤلفین (۲۳-۲۰-۱/۴)، مقدمه بر تاریخ علم (۸۱۸-۸۱۶/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۰-۷۷۹/۲)، نامه‌ی دانشوران (۱۴۶-۸۹/۱)، وفیات الاعیان (۱۶۲-۱۵۷/۲)، الوافی بالوفیات (۴۱۲-۳۹۱/۱۲)، هدیه‌ی الاحباب (۶۷-۶۶)، هدیه‌ی العارفین (۳۰۹-۳۰۸/۱).

ابن شرفشاه حسینی استرآبادی، رکن‌الدین

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۱۸/۷۱۷/۷۱۵-۶۴۵)، فیلسوف، عالم، نحوی و طبیب. از مردم استرآباد بود. از زادگاهش به مراغه رفت. نزد خواجه نصیرالدین طوسی درس خواند و در زمره‌ی شاگردان برجسته‌ی وی درآمد و تا پایان زندگی خواجه در کنار او بود. وی بر برخی از کتب استادش شرح نوشت و پس از مرگ خواجه نصیر به موصل رفت و در مدرسه نوریه به تدریس حکمت مشغول شد و تا پایان عمر در موصل ماند. برخی منابع او را شیعه و برخی دیگر شافعی می‌دانند اما آرای فلسفی و کتب او در حکمت موید تشیع اوست. صفدی از حلم و تواضع زائد الوصف او سخن گفته است. از جمله شاگردان وی: زین‌الدین علی بن حسین و شیخ تاج‌الدین علی بن عبداللّه تبریزی. از آثار وی: شرح «مختصر» ابن حاجب، در اصول؛ شرح «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدین؛ شرح «قواعد العقائد» خواجه نصیر؛ شرح «کافیه» ابن حاجب، در سه قسمت صغیر و کبیر و وسیط، که شرح کبیر آن به نام «بسیط» و شرح متوسط آن به اسم «وافیه» مشهورند؛ شرح «الفصیح» ثعلب در لغت؛ «مرآة الشفا»، در طب؛ شرح «الشافیة» ابن حاجب، در تصریف. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۳۳/۲)، اعیان الشیعه (۲۵۵/۵)، الذریعه (۷/۷۱، ۳۸۰، ۸۳/۲)، روضات الجنات (۹۲-۹۱/۳)، ریاض العلماء (۲۲-۲۱/۶، ۳۲۱-۳۲۰/۱)، ریحانه (۵۴-۵۳/۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۸-۴۷/۸)، کشف الظنون (۱۸۵۵، ۱۶۴۸، ۱۳۷۶، ۱۳۷۰، ۱۰۲۱، ۶۲۶)، معجم المؤلفین (۲۸۳/۳)، الوافی بالوفیات (۱۲/۵۴)، هدیه‌ی العارفین (۲۸۳/۱).

ابن صلاح همدانی، نجم‌الدین، ابوالفتوح احمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۴۸ / ۵۴۰ ق)، پزشک، ریاضیدان و فیلسوف. گرچه همگان موطن ابن صلاح را همدان می‌دانند اما مشخص نیست به چه دلیلی صاحب «تاریخ الحکماء» اصل وی را از سمیسط دانسته است. به بغداد رفت و علم منطق و ریاضیات و طب را در آنجا فراگرفت. سپس به موصل به قصد خدمت نورالدین محمود بن عمادالدین زنگی رفت و در آنجا بسیار وی را معزز داشتند. از موصل به دمشق رفت و تا پایان عمر در آنجا رحل اقامت افکند. در موصل در محضر ابوالحکم مغربی که هم طبیب و هم شاعر بود، کسب علم کرد و او را شیخ خود می‌نامید، ولی ابوالحکم معتقد بود که ابن صلاح در تحصیل علم بر وی نیز پیشی گرفته است. وی با زمخشری، اوحدالدین انوری و ناصح‌الدین ارجانی معاصر بود. خاندان ابن صلاح همگی اهل علم بودند. از وی آثار و رساله‌های بسیاری در ریاضیات و طب به جا مانده است که از آن جمله‌اند: «شرح کتاب شفاء ابن سینا»؛ کتاب «الفوز الاصغر»؛ «جواب عن برهان مسئله مضافه الی مقاله السابعة من کتاب اقلیدس فی الاصول و سائر ماجره الکلام فیه»؛ «قول فی بیان ما وهم فیه ابوعلی بن الهیثم فی کتابه فی الشکوک علی اقلیدس»؛ «قول فی ایضاح غلط ابی علی بن الهیثم فی الشكل الاول من المقالة العاشرة من کتاب اقلیدس فی الاصول»؛ «مقاله فی کشف الشبهه التي عرضت لجماعه ممن ینسب نفسه الی علوم التعالیم علی اقلیدس فی الشكل الرابع عشر»؛ «کتاب فی کیفیه تسطیح البسیط الکری»؛ «مقاله فی تزییف مقدمات مقاله ابی سهل القوهی فی ان نسبة القطر الی المحيط نسبة الواحد الی ثلثه و سبع»، درباره‌ی عدد پی؛ «حاشیه بر کتاب ایضاح البرهان علی حساب الخطأین»، تألیف جابر بن ابراهیم. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲/ ۳۲۰)، تاریخ الحکماء فطی (۵۷۴)، تاریخ طب (۷۰۴- ۷۰۳/ ۲)، ریحانه (۸/ ۶۸)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۷- ۳۵)، لغت‌نامه (ذیل / ابن صلاح)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۰۵)، نامه‌ی دانشوران (۲۶۰- ۲۵۱/ ۱)، هدیه العارفین (۸۴/ ۱).

ابن عربشاه اسفراینی، عصام‌الدین، ابراهیم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۸۷۳ وف ۹۴۵- ۹۴۳ ق)، ادیب و منطقی. اصل وی از سمرقند بود. در اسفراین متولد شد و در همان جا نشو و نما یافت. نیا و پدر او قاضی اسفراین بودند. ابن عربشاه از شاگردان نورالدین عبدالرحمان جامی بود و در بخارا سکونت داشت. در اواخر عمر به قصد زیارت مرقد خواجه عیدالله احرار نقشبندی به سمرقند رفت، اما در آن شهر بیمار شد و در گذشت و در کنار بارگاه خواجه عیدالله دفن شد. از آثار وی: «اطول» که شرح «تلخیص المفتاح» خطیب دمشقی است و آن را در برابر «مطول» تفتازانی نوشته است؛ «بیان النسب بین القضاة»؛ «الاستعارات البدیعة»؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ حاشیه بر «حاشیه‌ی شمسیه» میر سید شریف جرجانی؛ حاشیه «شرح عقاید نسفیه» تفتازانی؛ حاشیه «کبرای» میر سید شریف جرجانی؛ «میزان الادب»، در صرف و نحو و بیان؛ شرح «الرساله الترشیحیه»، در اقسام استعارات؛ شرح «المشائل النبویه» ترمذی؛ شرح «طوال الانوار» بیضاوی؛ شرح «الرساله العضدیة»؛ «الفرد» در نحو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۲- ۳۳۱/ ۶)، ایضاح المکنون (۲/ ۴۴)، ریحانه (۱۴۱- ۱۴۰/ ۳)، کشف الظنون (۲۰۲۲، ۱۹۱۶، ۱۶۱۴،

۱۳۷۲، ۱۲۵۹، ۱۱۴۶، ۱۱۴۴، ۱۱۱۶، ۱۰۶۰، ۸۷۸، ۸۵۳، ۴۷۷، ۱۹۰، ۴۱، ۳۹)، الکنی واللقاب (۲/ ۴۶۸)، معجم المؤلفین (۱۰۲- ۱۰۱- ۱)، هدیة الاحباب (۱۹۸).

ابن عمید قمی، ابوالفضل محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۶۰ ق)، شاعر، ادیب، کاتب، حکیم معتزلی، لغوی، فیلسوف و منجم. از مردم قم بود. در همان جا نزد ابن سمکه تلمذ کرد. و پس از پدر در دربار آل بویه خدمت می‌کرد. در ری وزارت و شمشگیر را داشت و مدتی هم وزیر رکن‌الدوله‌ی دیلمی بود. چندی در خدمت عضدالدوله در شیراز به سر برد. صاحب بن عباد از شاگردان او بود و به دلیل مصاحبت بیش از حد با وی به صاحب شهرت یافت. در طول عمر به بیماری نقرس و قولنج دچار بود. ابن عمید در اغلب علوم عصر خود تبحر داشت. شعرای بسیاری او را مدح کردند از آن جمله متنبی، شاعر معروف در ارجان به خدمت او رسید و به سبب قصیده‌ای که در محدح او گفت، صله دریافت کرد. ابن عمید کتابخانه‌ی بزرگی حاوی صد بار کتاب در علوم مختلف داشت که خازن آن ابوعلی بن مسکویه بود. اهمیت ابن عمید در آن است که صنایع لفظیه را با معانی دقیق گرد آورد و در بلاغت به درجه‌ای رساند که او را تالی عبدالحمید دانستند. وی در بغداد و به قولی در همدان یا ری درگذشت. پس از وی، پسرش نیز به وزارت رکن‌الدوله رسید که به سبب حسادت به شهادت رسید. در ادب و ترسل او را «جاحظ ثانی» می‌نامیدند. از آثار او: «تاریخ ابن عمید»؛ «دیوان رسائل» یا «رسائل ابن عمید». ابن ندیم، کتاب «المذهب فی بلاغته» را از آثار وی می‌داند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/ ۳۲۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۳۹- ۶۳۸/ ۱)، تاریخ گزیده (۷۹۲، ۷۹۱، ۴۱۷، ۴۱۶، ۴۱۲)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۷۴۰- ۷۳۹/ ۵)، الذریعه (۲۴۱، ۲۴۰، ۱۰/ ۲۲۴، ۳/ ۲۲۴)، رساله‌ی شرح احوال و آثار ابن عمید، روضة الصفا (۴/ ۵۰)، ریحانه (۱۲۸- ۱۲۵/ ۸)، سیر النبلاء (۱۳۸- ۱۳۷/ ۱۶)، فوائد الرضویه (۵۲۸- ۵۲۱)، مجالس المؤمنین (۴۴۵- ۴۴۳/ ۲)، معجم المؤلفین (۲۵۸- ۲۵۷/ ۹)، الوافی بالوفیات (۳۸۳- ۳۸۱/ ۲)، وفيات الاعیان (۱۱۳- ۱۰۳/ ۵)، هدیة الاحباب (۷۸- ۷۷)، هدیة العارفین (۲/ ۴۶).

ابن غیلان، افضل‌الدین عمر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۸۲ ق)، فیلسوف. در مدرسه‌ی نظامیه‌ی مرو درس خواند. از مخالفان ابن سینا و نخستین کسی بود که بر عقاید ابن سینا و منطق او خرده گرفت. از وی رساله‌ای به نام «حدوث العالم» باقی مانده است. وی در بسیاری موارد از کتاب «اشارات» و مباحثات او عباراتی را ذکر و مورد انتقاد قرار داده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: مدارس نظامیه (۲۴۴- ۲۴۳).

ابن مسکویه، ابوعلی، ابو عبدالله احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۲۱ ق)، فیلسوف ادیب، نویسنده، و منشی آل بویه. ملقب به خازن. در خانواده‌ای زردشتی در ری متولد شد. در فن دبیری چندان مهارت داشت که به عنوان کاتب و ندیم به خدمت ابومحمد حسن مهلبی، وزیر امیر معزالدوله دیلمی درآمد و تا زمان مرگ با وی بود. مدت هفت سال نیز در خدمت ابن عمید در دربار رکن‌الدوله در ری بود و سمت کتابداری و نگاهداری اسناد و مدارک را داشت. در ۳۵۵ ق که غازیان آشوبگر خراسان بر سر راه خود به روم شرقی از ری می‌گذشتند، کتابخانه‌ی عظیم ابن عمید را از غارت و ویرانی مصون داشت. پس از عزل ابوالفتح ابن عمید، همکاری با دستگاه صاحب بن عباد را نپذیرفت. چه خود را همپایه‌ی وی می‌دانست و مستقیماً به خدمت یکی از فرمانروایان آل بویه درآمد. پس از مرگ عضدالدوله به خدمت پسرش، صمصام‌الدوله رسید. از معاصران بوعلی سینا بود و با ابوحنیف توحیدی و بدیع‌الزمان همدانی مکاتبه داشت. از احوال ابن مسکویه پس از اعدام ابن سعدان، وزیر صمصام‌الدوله (۳۷۵ ق)، اطلاع چندانی در دست نیست. ابن مسکویه چهره‌ی برجسته‌ای در حیات عقلی و فرهنگی زمان خود بود. در رشته‌های گوناگون تاریخ، علم کلام، فلسفه و پزشکی تبحر داشت. به کیمیاگری و علوم غریبه سخت علاقه‌مند بود. برداشت وی از دین بیشتر فلسفی و تا حدی عقلانی بود. رنگ فلسفی آثار ابن مسکویه سبب شده است که شیعیان بیش از اهل تسنن آنها را بپذیرند. خود وی مانند فارابی و اخوان الصفا از معتقدان به تشیع فلسفی بود. از دیگر علوم مورد علاقه‌ی وی پزشکی بود و بسیار محتمل است که دو کتاب داروشناسی که ابن قفطی در «تاریخ الحکماء» از وی نام برده است برای عضدالدوله تألیف کرده باشد. از آثار مهم او «تجارب الامم و عواقب الهمم» در تاریخ است از آغاز تا مرگ عضدالدوله ۳۷۲ ق. از دیگر آثار بزرگ وی: «تذهیب الاخلاق و تطهیر الاعراق»، در فلسفه اخلاق است. هدف از تألیف این کتاب آن بوده است که برای دانشجویان فلسفه و اخلاق، کتابی ساده و روان مشتمل بر بیان اصول فلسفه فراهم آورد. پس از آن کتب زیادی را به این سبک نوشتند از آن جمله، «اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی که ترجمه و تألیفی از آن کتاب؛ کتاب «حکمة الخالده»، ترجمه‌ی کتاب «جاویدان خرد»، که یکی از نسخه‌های آن عنوان «کتاب آداب العرب والفرس» دارد. [۱]

(مسکویه معر.) ابوعلی خازن احمد بن محمد بن یعقوب (ف. ۴۲۱ ه. ق.). بنا به نقل مورخان و یا پدر او در آغاز امر زردشتی بود و سپس اسلام آورد. ابوعلی نخست در خدمت ابومحمد مهلبی وزیر معزالدوله (ف. ۳۵۲) به سر می‌برد و بعد از آن نزد ابن‌العمید رفت و خازن کتب او بود. پس از وفات ابن‌العمید چندی در خدمت عضدالدوله دیلمی و صمصام‌الدوله گذراند. ابوعلی به علوم اوایل معرفت بسیار داشت و از آن جمله به فلسفه و طب و کیمیا بیش از همه مایل بود. وی از نویسندگان و مورخان مشهور اسلامی محسوب می‌شود. از جمله آثار فلسفی او که در دست است کتب ذیل را نام می‌بریم: الطهارة فی علم الاخلاق، کتاب فی جواب المسائل الثلاث (در سه مسأله: اول در اثبات صانع، دوم در نفس و احوال آن، سوم در نبوت)، تذهیب الاخلاق، آداب العرب و الفرس (م.ه.)، جاویدان خرد، کتاب العادة تجارب الامم (م.ه.) ابن مسکویه در ما بعدالطبیعه سه مسأله اثبات وجود صانع و نفس و نبوت را با روش تازه‌ای مورد مطالعه قرار داده است.

ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه (ف. ۴۲۱ ه. ق.) از بزرگان فلاسفه و حکما و مشاهیر دانشمندان اسلامی است. در لغت، منطق، فنون شعر، ریاضیات، فلسفه و حکمت استاد بود، به خدمت عضدالدوله رسید و سمت ندیم و خازنی او را یافت. تألیفات بسیاری دارد که از آن جمله است «تجارب الامم و تعاقب الهمم» و «تذهیب الاخلاق و تطهیر الاعراق» و کتاب «جاویدان خرد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۰۵-۲۰۴/۱)، اعیان الشیعه (۱۷۲-۱۵۸/۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۰۲-۳۰۰/۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۱۹۵-۱۷۳)، تاریخ فلسفه در اسلام (۶۸۲-۶۶۵/۱)، تازیخ گزیده (۶۸۹)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۳)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۸۵۴-۸۵۲/۶)، دایرةالمعارف فارسی (۳۴/۱)، الذریعه (۶۶/۴، ۱۰۵/۲، ۳۸۷/۱)، روضات الجنات (۲۶۶-۲۶۴/۱)، ری باستان (۲۸۷، ۲۸۶/۲)، ریحانه (۲۰۸-۲۰۶/۸)، کشف الظنون (۱۹۳۷، ۱۴۳۶، ۱۳۰۳، ۵۱۴، ۴۳)، الکنی واللقاب (۴۰۹-۴۰۸/۱)، لغت‌نامه (ذیل/احمد)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۷-۳۳۶/۱)، مجالس المؤمنین (۱۹۰-۱۸۹/۲)، معجم الادباء (۱۹-۵/۵)، معجم المؤلفین (۱۶۹-۱۶۸/۲)، هدیه العارفين (۷۳/۱).

ابن مندویه اصفهانی، ابوعلی احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۱۰/۴۰۷ق)، پزشک و فیلسوف. اهل اصفهان و از پزشکان مشهور عهد دیلمیان بود. عضدالدوله به هنگام گشایش بیمارستان عضدی او را به بغداد احضار کرد. وی یکی از بیست و چهار پزشکی بود که برای مداوای بیماران در بیمارستان انتخاب شد. ابن مندویه با ابن سیر و اهوازی همعصر بود. شاگردان بسیاری تربیت کرد، و از پرکارترین محققین زمان خود بود. از آثار او: «کافی»، مهم‌ترین اثر ابن مندویه، معروف به «قانون صغیر»، «الجامع الکبیر»، «الجامع المختصر فی طب»، «المدخل الی الطب»، «الاغذیه»، «المغیث»، «نهایة الاختصار»، دو کتاب اخیر هر دو در پزشکی است؛ «الطبیخ»؛ و رسایل متعدد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲۵۹/۲)، تاریخ الحکماء قفطی (۵۸۷)، تاریخ طب (۶۷۲-۶۷۰/۲)، ریحانه (۲۳۳/۸)، کشف الظنون (۹۰۰، ۸۹۶، ۸۹۵، ۸۹۱، ۸۸۸، ۸۸۴، ۸۸۰، ۸۶۱، ۸۵۶، ۸۵۳، ۸۴۹، ۵۷۳)، معجم المؤلفین (۲۶۹/۱)، الوافی بالوفیات (۵۵-۵۳/۷).

ابن هارون دشت میثانی، ابوعمرو سهل

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۱۵ق)، حکیم، شاعر، نحوی و لغوی. معروف به بزرگمهر اسلام. وی از مردم دشت میثان بود که به بصره نقل مکان کرد و در آنجا شهره گشت. و به خدمت هارون الرشید درآمد و تا آنجا اوج گرفت که به جای یحیی برمکی برگزیده شد. او همچنین از خادمان خاص مأمون گردید و متصدی خزانه الحکمه و کتابدار مأمون شد. ابن هارون از شعویان بود و عجم را بر عرب برتری می‌داد. و در این باره کتابها و رسایل مختلفی نگاشته است. جاحظ شیفته اوست و در وصفش گوید که او خطیب، شاعر و نویسنده قطعات بلند و کوتاه و کتب بزرگ است. گویند که وی بخیل و خسیس بود، به طوری که رساله‌ای در «بخل» نوشت و در آن خساست و بخل را ستود، و آن را به نام حسن بن سهل وزیر کرد. از جمله آثارش: کتاب «ادب اسل بن اسل»؛ کتاب «اسباسیوس فی اتحاد الاخوان»؛ «تدبیر الملک والسیاسة»؛ کتاب «دیوان الرسائل»؛ «ثعلب و عفراء»، که بر اساس «کلیله و دمنه» برای مأمون نوشت؛

«المسائل»؛ «ندود و ودود و لدود»؛ «التمر والثعلب»؛ «الوامق والعذراء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳/ ۲۱۱)، اعیان الشیعه (۷/ ۳۲۳)، ایضاح المکنون (۲/ ۴۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۱۸۷)، ریحانه (۲۶۶/ ۸)، الفهرست لابن‌الندیم (۱۷۴)، لغت‌نامه (ذیل / سهل)، معجم الادباء (۲۶۷- ۲۶۶/ ۱)، معجم المؤلفین (۴/ ۲۸۶).

ابوترابی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد ابوترابی

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب یکسال پیش از پیروزی انقلاب، یعنی زمانی که ۱۴ سال داشتم با علاقه وافر شخصی سال ۵۶ - ۱۳۵۵ به حوزه وارد شدم، علوم حوزوی را از مدرسه حقانی منتظریه آغاز کردم. این مدرسه با اشراف آیه‌الله شهید بهشتی (ره) و شهید قدوسی (ره) و با همکاری شخصیت‌هایی از قبیل آیت الله مصباح یزدی و آیه‌الله جنتی اداره می‌شد تا سه سال پس از پیروزی انقلاب از درسهای این مدرسه استفاده می‌کردم.

دروس سطح ۲ و ۳ را از درسهای آزاد حوزه علمیه استفاده کردم و در این دوره از اساتیدی چون مرحوم آیه‌الله ذهنی تهرانی، مرحوم آیه‌الله اعتمادی و آیه‌الله اشتهااردی و آیه‌الله محقق داماد بهره بردم.

درس خارج فقه و اصول را از اساتیدی چون آیه‌الله تبریزی، آیه‌الله وحید خراسانی، آیه‌الله بهجت، آیه‌الله هاشمی شاهرودی و آیه‌الله مکارم شیرازی فرا گرفتم. حدود ۱۲ سال در خارج فقه و اصول شرکت کردم. از سال ۱۳۶۴ به دوره عمومی درسهای موسسه در راه حق که زیر نظر آیت الله مصباح یزدی اداره می‌شد وارد شدم، در این دوره‌های درسی با فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، فلسفه علوم تربیتی، اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد (خرد، کلان، پول، بین الملل) فلسفه سیاست، روانشناسی عمومی و تفسیر قرآن آشنا شدم. علاقه وافر اینجانب به دفاع عقلانی از مبانی اعتقادی اسلامی با انگیزه اصلی اینجانب برای ورود به این دوره درسی و بعد درسهای موسسه در راه حق به صورت تخصصی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم علیه السلام ادامه یافت، در این بنیاد دوره فوق لیسانس فلسفه اسلامی را گذراندم و با پایان نامه‌ای در موضوع شیوه تحقیق در علوم فطری فارغ التحصیل شدم. این دوره درسی در موسسه امام خمینی (ره) ادامه یافت. با ورود به دوره دکترای فلسفه تطبیقی (اسلام و غرب) مدرک دکترای فلسفه تطبیقی را دریافت کردم. از سال ۱۳۷۷ به عنوان قائم مقام مدیریت تحقیقاتی تدوین دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی وارد شدم، این بخش در ابتدای تشکیل خود بود. در این سمت توانستم زمینه‌های رشد و پیشرفت این تحقیقات را فراهم آورم. سپس به عنوان مسئول این مرکز که وابسته به موسسه امام خمینی (ره) است، از سوی حضرت آیت الله مصباح یزدی انتخاب شدم و هم‌اکنون نیز ریاست این مرکز را به عهده دارم. در آشنایی با فلسفه اسلامی و غرب بیش از همه از استاد علامه حضرت آیت الله مصباح یزدی بهره بردم و سه جلد از

مجلدات اسفار صدر المتالیهین و کتاب برهان شفا و معارف قرآن از ایشان فرا گرفتم، در فلسفه کانت از استاد دکتر احمد احمدی و استاد دکتر حداد عادل استفاده کردم. منطق ریاضی، فلسفه ریاضی و نفس و بدن را از استاد دکتر پورعبدالله آموختم. منطق، اشارات و تاریخ فلسفه را از استاد فیاضی بهره بردم و فلسفه تحلیلی را از جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای صادق لاریجانی آموختم. بخشی از اسفار صدر المتالیهین را از درسهای آیه الله جوادی آملی استفاده کردم.

از سال ۱۳۶۳ تاکنون تدریسهای متعددی در منطق، ادبیات عرب، فقه، فلسفه اخلاق، فلسفه سیاست، هستی شناسی، معرفت شناسی داشته و دارم و علاوه بر پایان نامه های فوق لیسانس و دکترای مقالات متعددی در موضوعات تخصصی محض و کاربردی در بحث اعتقادی و سیاسی و ... نگاشته ام، که برخی از آنها چاپ شده است و برخی دیگر به تدریج در حال آماده شدن برای چاپ است.

ابوترابی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود ابوترابی آبدانسری

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۰ شمسی در خانواده ای مذهبی در شهر ساری متولد شدم. در سال تحصیلی ۵۵ - ۵۶ شمسی از کلاس سوم نظری به سبب اوضاع ناهنجار و نامساعد محیط دبیرستان، ترک تحصیل کردم. از آن پس تا سال ۱۳۵۸ به کار کشاورزی و مشاغل آزاد مشغول بودم، تا اینکه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در سال تحصیلی ۵۸ - ۵۹ توفیق ورود به حوزه علمیه قم را یافتم.

دروس مقدماتی تا سطح عالی را سال ۱۳۶۶ به پایان رساندم و از سال ۶۷ در درس خارج اصول از محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی و شیخ جواد تبریزی و شیخ جعفر سبحانی و در درس خارج فقه از محضر حضرات آیات عظام: شیخ جواد تبریزی و جوادی آملی و احمدی فقیه یزدی و برخی دیگر از بزرگان استفاده فراوان نمودم. در خلال سالهای مذکور حداقل یک سال از درس تفسیر حضرت آیت الله مشکینی و دو سال از درس تفسیر استاد فرزانه جوادی آملی با قرآن بیشتر آشنا شده و مانوس گشتم، که ذوق حلاوت آن سبب شد تا در سال تحصیل ۷۳ - ۷۴ در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمیه شرکت نمایم، که به لطف حق تعالی در سال ۷۶ - ۷۷ دوره را به پایان رسانده، که مهر ماه سال ۱۳۸۴ از رساله سطح چهار (دکترای) با عنوان «پژوهشی در تفاسیر روایی شیعه» دفاع نمودم.

در خلال سالهای ۶۱ تا ۷۵ در درس کلام، فلسفه و عرفان از محضر اساتید فرزانه و آیات عظام: حسن زاده آملی، جوادی آملی، عسکری گیلانی و انصاری شیرازی استفاده شایان بردم. همزمان با تحصیلات به فعالیتهای تدریسی، تحقیقی، تالیفی و تبلیغی در حد توان پرداختم و نیز در طول هشت سال دفاع مقدس حداقل به مدت یک سال توفیق حضور در جبهه های حق علیه باطل به شکل رزمی، تبلیغی را داشتم.

در حال حاضر با برخی از مراکز تحقیقی و نیز در مرکز جامعه الزهراء (س) در بخش امور پایان نامه به راهنمایی دانش پژوهان، همکاری دارم.

انیرالدین ابهری سمرقندی، مفضل

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۶۳/۶۶۱/۶۶۰ ق)، فیلسوف، ریاضیدان و منجم. از اهالی ابهر و از دانشمندان علوم ریاضی و منطق و نجوم و حکمت در قرن هفتم هجری بود و شاگرد امام فخر رازی و معاصر و همکار خواجه نصیرالدین طوسی در رصدخانه‌ی مراغه. ابهری علوم ریاضی را علم نظری خوانده و آن را به چهارشاخه‌ی اصلی هندسه، حساب موسیقی و هیئت تقسیم کرده است. ابن خلکان نوشته که وی در اربل، در سال ۶۲۵ ق با ابوالفتح موسی بن یونس از فقهای دانشمند شافعی که در ریاضیات و طب نیز مهارت داشته، به مباحثه پرداخته است. از آثار وی: «هدایه الحکمه»، در منطق که کتاب درسی بوده؛ «ایساغوجی» و «تنزیل الافکار فی تعدیل الاسرار»، در منطق؛ «المغنی» و «تهذیب النکت»، در علم جدل؛ «اصلاح هندسه‌ی اقلیدس»، در ریاضی؛ «زبدۀ الکشف». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۲۴۷)، تذکره‌ی روز روشن (۳۰)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۹/ ۱۴۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۵۷)، ریحانه (۱/ ۳۷)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۱۲۲-۱۲۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۸۶)، کشف الظنون (۲۰۳۰-۲۰۲۸، ۱۷۵۰، ۱۶۱۶، ۱۴۹۳، ۹۵۳، ۴۹۴، ۹۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابهری)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۳۱۵)، وفيات الاعیان (۵/ ۳۱۳)، هفت اقلیم (۱۹۰- ۱۸۹/ ۳).

احدی نسب، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی احدی نسب

محل تولد: شمیران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۲ همزمان با اتمام سطح حوزه وارد دانشگاه شدم و رشته فلسفه را از دانشگاه شهید بهشتی و در مقطع کارشناسی به اتمام رساندم و همزمان به تدریس در حوزه پرداختم. بعد از اتمام تحصیل در دانشگاه در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه در دانشگاه مفید به تحصیل پرداخته و همزمان در درس خارج شرکت کردم و در طی تحصیل در مراکز مختلف به تدریس مشغول بودم.

احدی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی احدی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم. ادبیات را در حد تدریس فرا گرفتم، بطوری که پس از گذشت چهار سال، شرح بر هدایه بنام کتاب "الزبد" را نوشته و استاد مدرس افغانی تقریظ بسیار ارزشمندی را بر این کتاب نوشتند. دو نکته را در آنجا اشاره فرمودند:

۱- بنده را بعنوان مجتهد در نحو و صرف تلقی دادند.

۲- دیگران را در اخذ مسائل متقن نحوی، بر کتاب حقیر ارجاع داده اند. این دو نکته مایه تشویق بنده شد، بطوری که تدریس را در کنار تحصیل شروع نمودم. همواره از اساتید بسیار مجرب در اصول پایه نظیر استاد مصطفی اعتمادی استفاده نمودم، که تعلیق فرائد الاصول را پس از اتمام رسائل شروع نمودم. پس از آن مکاسب را محضر استاد ستوده و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، و کفایه الاصول را نزد فاضل لنکرانی تلمذ نمودم.

خارج اصول را نزد استاد وحید خراسانی به اتمام رساندم. خارج فقه را نزد آیه الله مرحوم حاج میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی استفاده نمودم. اشتیاق وافر به فلسفه و عرفان و تفسیر باعث شد که شرح منظومه را از محضر انصاری شیرازی و اسفار را از محضر جوادی آملی و حسن زاده آملی و نیز عرفان را از این دو بزرگوار فیض ببرم و هنوز ادامه دارد و اکنون مشغول تدریس اسفار و تمهید و کفایه و خارج اصول می باشم.

مباحث روانشناسی را مدت هفت سال با تحقیق و پژوهش ادامه دادم و به مقطع صاحب نظری رسیدم و اکنون در حد کارشناسی، استفاده می گردد. و این دانش باعث شد که در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی وارد شوم و از اطلاعات به روز استفاده کامل نمایم.

منابع زندگینامه: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

احسائی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۴۱ - ۱۱۶۶ ق)، عالم، حکیم و مؤسس طریقه‌ی شیخیه. وی در احساء به دنیا آمد. در حدود ۱۱۸۶ ق از بحرین عازم عتبات شد

و در مجالس استادانی نظیر وحید بهبهانی، سید مهدی بحرالعلوم طباطبایی، سید علی طباطبایی مؤلف «ریاض»، شیخ جعفر کاشف العطاء و میرزا مهدی شهرستانی تلمذ کرد. شیخ احمد علاوه بر تحصیل فقه و اصول، در طب و نجوم و ریاضی قدیم و علم حروف و اعداد و طلسمات نیز مطالعاتی کرد و بخصوص در فلسفه تجری خاص یافت. وی چندی نیز در بحرین و کربلا و نجف و بصره زیست و در حدود ۱۲۲۱ ق به قصد زیارت مشهد رضوی به ایران آمد و در مراجعت از مشهد، به خواهش اهالی یزد، یک چند در آن جا اقامت گزید. فتحعلی شاه او را به تهران خواند، وی نیز قبول دعوت محمد علی میرزای دولتشاه در کرمانشاه اقامت گزید و بعد به حجاز و شام و عراق رفت و سپس به مشهد سفر کرد و در مراجعت به قزوین رفت، و در مدرسه صالحیه مشغول تدریس گشت. وی در این سفر با ملا محمد تقی برغانی مباحثاتی داشت. او مریدان بسیار و تألیفات فراوان داشت. به زهد و عزلت و ریاضت علاقه‌ی بسیار می‌ورزید و خلوت و تفکر را دوست می‌داشت. احسائی پس از فوت اساتید و مشایخ خود ادعای کشف و الهام و تفویض و غلو و موهومات و معمیات کرد، و از این رو در مراکز علمی شیعه موجی علیه او برخاست. افکار او رنگی از عرفان و حکمت داشت. عقاید و آراء شیخ احد به وسیله‌ی شاگردش سید کاظم رشتی تقریر و توضیح شد و طریقه‌ی ایشان به نام طریقه یا مذهب شیخیه موسوم گشت. احسائی عاقبت در سفر حج، بین راه، وفات یافت و در مدینه در جوار قبور ائمه اطهار (ع) دفن شد. آثار عمده‌ی او عبارت است از: «شرح زیارة الجامعة الکبیره»؛ «شرح حکمت عرشیه ملاصدرا»؛ «جوامع الکلم»؛ «شرح فواید»؛ «شرح المشاعر» ملاصدرا؛ «رساله فی بیان حقیقه العقل و الروح و النفس بمراتبها»؛ «الاجازات»؛ «الاجتهاد و التقليد»؛ «مباحث الالفاظ»، در اصول؛ «کتاب فی احکام الکفار»؛ «حیاء النفس»؛ «حقیقه الرؤیا و اقسامها».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱/ ۱۲۴)، اعیان الشیعه (۵۹۳-۵۸۹/۲)، ایضاح المکنون (۷۰۵، ۴۷۵، ۴۷۴، ۳۴۸، ۲۰۹، ۲۰۵، ۲۰۳، ۲/ ۵۶۷، ۵۶۴، ۴۷۴، ۴۲۵، ۴۱۲، ۳۷۲، ۳۳۹، ۳۰۵، ۲۶۷، ۲۲۲، ۲۰۶، ۲۰۵/۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۲۰۴-۱۲۰۲/۹)، دایرةالمعارف فارسی (۱/ ۶۳)، الذریعه (۱۸/ ۷۱، ۱۳/ ۱۳۳، ۷/ ۱۲۴)، روضات الجنات (۱/ ۹۷)، ریحانه (۸۲-۷۸/۱)، طرائق الحقائق (۳۳۷-۳۳۹/۳)، قصص العلماء (۴۹-۴۷)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد احسائی)، مؤلفین کتب چاپی (۳۴۹-۳۴۵/۱)، معجم المؤلفین (۲۲۹-۲۲۸/۱)، مکارم الآثار (۱۱۳۸-۱۳۴/۴)، هدیه العارفین (۱/ ۱۸۵)، یادداشتهای قزوینی (۸/ ۱۴۸)، یادگار (س ۱، ش ۴، ص ۴۷-۳۰)، یغما (س ۱۴، ش ۱۰، ص ۴۴۸-۴۴۰).

احمدخان بیگی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا احمد خان بیگی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال تحصیلی ۵۸ - ۵۷ با دیپلم ریاضی از دبیرستان دکتر هشتروندی تهران فارغ التحصیل شدم. از سال ۵۹ دروس حوزه

را از مدرسه آقای مجتهدی در تهران آغاز و پس از یکسال به قم آمدم و در مدرسه رضویه دروس حوزوی را ادامه دادم. در سال ۷۸ با پایان دوره مقدمات سطح و خارج در دوره تخصصی کلام حوزه پذیرفته شدم و در سال ۸۱ فارغ التحصیل شدم و در حال حاضر در حال نوشتن پایان نامه در موضوع فطرت هستم. همچنین در سال ۷۸ برای تدریس دروس معارف دانشگاه‌های تهران کار خود را آغاز کردم. در طول این چند سال در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، ایران و الزهراء تدریس داشته‌ام و از سال ۸۱ به عنوان هیئت علمی (رتبه مربی) در دانشگاه ایران پذیرفته شدم. در حال حاضر مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاه الزهراء را نیز دارا هستم.

احمدی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد احمدی

محل تولد: ملایر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۲/۶/۱۵

دکتر احمداحمدی متولد ۱۳۱۲/۱۲/۱۵ اهل ملایر در خانواده‌ای کشاورز به دنیا آمد. جامع المقدمات را در روستای زادگاه خویش خواند. سپس در سال ۱۳۳۱ به مدت پنج سال تا نیمه سطح را در شهرستان بروجرد فرا گرفت و در سال ۱۳۳۶ به حوزه علمیه قم رفت و دروس تفسیر و فلسفه اسلامی را از محضر استاد علامه طباطبایی و نیمه دوم سطح را در خدمت آیات عظام سیدمحمدباقر طباطبایی سلطانی، فکور (رحمهم الله)، نوری همدانی و مشکینی مدظلهما. دروس خارج را از محضر آیات عظام بروجردی، امام خمینی (ره)، نجفی مرعشی، محقق داماد، (رضوان الله علیهم) تلمذ کرد.

همزمان با تحصیل در قم دکترای فلسفه غرب را از دانشگاه تهران گرفت و از سال ۱۳۵۳ تاکنون عضو گروه فلسفه دانشگاه تهران است. دکتر احمدی در اوائل دی ماه ۱۳۶۰ به امر حضرت امام (ره) عضو ستاد انقلاب فرهنگی و سپس عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی شد و هم اکنون نیز عضو آن شورا است.

وی از بنیانگذاران اصلی دانشگاه تربیت مدرس است و خود به مدت ۱۴ سال ریاست دانشکده علوم انسانی آنجا را به عهده داشته است. همچنین بخش تربیت مدرس دانشگاه قم در مدرسه دارالشفاء را راه اندازی و تا چند سال اداره کرده است. دکتر احمدی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی برای دانشگاهها (سمت) را در نیمه دوم سال ۱۳۶۴ تاسیس کرد. مسئولیت آن را تاکنون به عهده دارد.

از سال ۱۳۶۳ تاکنون در دانشگاه‌های مختلف فلسفه تطبیقی در سطح کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می‌کند. از آثار چاپ شده او ترجمه تأملات دکارت و ترجمه کتاب "The Unity of Philosophical Experience" تالیف ژیلسون است که با نام فارسی (نقد تفکر فلسفه غرب) تاکنون شش بار چاپ شده است. از آثار چاپ نشده او ترجمه (تاسیس ما بعدالطبیعه اخلاق) کانت است. دهها مقاله چاپ شده در زمینه‌های تفسیر و ادبیات و فلسفه و... که بیشتر آنها فلسفی است. کتابی هم در دست تالیف

دارد که حاوی نظرات خود او در باب بنیادی ترین مسائل فلسفی و طبعاً بسیاری از مکتبهای فلسفی بویژه فلسفه های غرب را نقادی کرده است.

منابع زندگینامه: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

احمدی، بابک

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بابک احمدی در سال ۱۳۲۷ در تهران به دنیا آمد و مقیم همین شهر است. تا سال ۱۳۵۲ در دو رشته علوم سیاسی و فلسفه، در ایران و ایالات متحده آمریکا درس خواند. وی از سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ به همکاری با نشریه فیلم پرداخت و در همان سال‌ها گرایش به ترجمه و تالیف متون مربوط به فلسفه و فلسفه هنر را آغاز کرد و آثار فراوانی را در این زمینه به رشته تحریر درآورده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

گرایش: فلسفه هنر

تحصیلات رسمی و حرفه ای: بابک احمدی تا سال ۱۳۵۲ در دو رشته علوم سیاسی و فلسفه، در ایران و ایالات متحده آمریکا درس خواند. او سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ را در لندن و سال‌های بعد تا بهمن ۱۳۵۷ را در پاریس گذرانده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: وی از سال‌های ابتدایی دهه ۶۰ به همکاری با نشریه فیلم پرداخت و در همان سال‌ها گرایش به ترجمه و تالیف متون مربوط به فلسفه و فلسفه هنر در آثار و نوشته‌هایش آشکار شد.

چگونگی عرضه آثار: ترجمه و تالیف متون مربوط به فلسفه و فلسفه هنر از آثار بابک احمدی است. فعالیت‌های اولیه وی بر معرفی فیلمسازان متفاوتی چون روبر برسون و آندری تارکوفسکی گذشت که با انتشار کتاب‌های «باد هر جا بخواهد می‌وزد، اندیشه‌ها و فیلم‌های روبر برسون» و «امید باز یافته، سینمای آندری تارکوفسکی» عرضه عمومی شد. بعد ها وی به سمت مباحث زیبایی شناسانه و فلسفه هنر روی آورد که نتیجه آن کتاب «از نشانه‌های تصویری تا متن» بود. مدتی بعد وی حاصل درس گفتاری‌های خود در فلسفه هنر را در کتابی با عنوان «حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه هنر» از سوی نشر مرکز به بازار کتاب عرضه کرد. احمدی در زمینه مارکس هم علاوه بر واژه نامه فلسفی مارکس کتاب نسبتاً حجیم مارکس و سیاست مدرن را تدوین و انتشار داد. همزمان با اوج گیری مباحث مربوط به هایدگر در ایران وی دو کتاب درباره هایدگر نوشت

آثار:

۱ آفرینش و آزادی،

ویژگی اثر: جستارهای هرمنوتیک و زیبایی شناسی - نشر مرکز

۲ از نشانه‌های تصویری تا متن

ویژگی اثر: مباحث زیبایی شناسانه و فلسفه هنر - نشر مرکز

۳ امید باز یافته،

ویژگی اثر: سینمای آندری تارکوفسکی - نشر مرکز

- ۴ باد هر جا بخواهد می‌وزد،
ویژگی اثر: اندیشه‌ها و فیلم‌های روبربرسوننشر مرکز
- ۵ تصاویر دنیای خیالی،
ویژگی اثر: مقاله‌هایی درباره سینما-نشر مرکز
- ۶ چهار گزارش از تذکره‌الاولیای شیخ فریدالدین عطار نیشابوری
ویژگی اثر: رویکرد به متنی از ادبیات کهن ایرانی-نشر مرکز
- ۷ حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه هنر
ویژگی اثر: حاصل درس گفتاری‌های بابک احمدی در فلسفه هنر-نشر مرکز
- ۸ خاطرات ظلمت
ویژگی اثر: درباره سه اندیش گر مکتب فرانکفورت-نشر مرکز
- ۹ رساله‌ای در تاریخ
ویژگی اثر: در دست چاپ-نشر مرکز
- ۱۰ ساختار و تأویل متن
ویژگی اثر: -نشر مرکز
- ۱۱ ساختار و هرمنوتیک
ویژگی اثر: -نشر مرکز
- ۱۲ سارتر که می‌نوشت
ویژگی اثر: -نشر مرکز
- ۱۳ کار روشنفکری
ویژگی اثر: نقد و ارزیابی وی از فضای روشنفکری در ایران است-نشر مرکز
- ۱۴ کتاب تردید
ویژگی اثر: -نشر مرکز
- ۱۵ مارکس و سیاست مدرن
ویژگی اثر: احمدی در زمینه مارکس هم علاوه بر واژه نامه فلسفی مارکس-نشر مرکز کتاب نسبتا حجیم مارکس و سیاست مدرن را تدوین و انتشار داد.
- ۱۶ مدرنیته و اندیشه انتقادی
ویژگی اثر: -نشر مرکز
- ۱۷ معمای مدرنیته
ویژگی اثر: -نشر مرکز
- ۱۸ هایدگر و پرسش بنیادین
ویژگی اثر: -نشر مرکز
- ۱۹ هایدگر و تاریخ هستی
ویژگی اثر: -نشر مرکز

۲۰ واژه‌نامه فلسفی مارکس

ویژگی اثر: -نشر مرکز

منابع زندگینامه:

بانک رسانه‌ها - روزنامه همشهری ۳۱-۱-۱۳۸۷ "زندگینامه: بابک احمدی"

احمدی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن احمدی

محل تولد: شاهرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ در مشهد مقدس رضوی به عشق علوم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) وارد مدرسه حاج آقای موسوی نژاد (حفظه الله) تعالی شدم و طبق برنامه بسیار جالبی که در این مدرسه حاکم بود، درس صرف را مستقیماً از خود ایشان آموختم، ایشان با طرحی بسیار جالب مطالب صرف را دسته بندی و روی تخته آموزش می داد و ما هم می نوشتیم. بدون هیچ کتابی در مدت کوتاهی در صرف مهارت خوبی پیدا کردیم. بعد از تمام شدن فقط ساده و بعضی کتب جامع المقدمات را مرور نمودیم، و بعد وارد درس هدایه شدیم و بعد صمدیه و سایر کتب ادبیات. بعد از مدت چهار سال دروس ابتدایی و متوسط را اعم از ادبیات، منطق، معانی بیان، اصول الاستنباط، اصول فقه و لمعه را تمام کردم.

در سال پنجم وارد دروس سطح عالی شدم. قطع و ظن رسائل و مکاسب محرمه را در مشهد درس گرفتیم. بعد از آن رهسپار قم مقدسه شدم و بیع به بعد را از خدمت حضرت آیت الله استاد احمد پایانی (رحمة الله علیه) و حضرت استاد شیخ مصطفی اعتمادی استفاده نمودم و کفایتین را خدمت استاد گنجعلی خراسانی که خود از شاگردان اسبق همان مدرسه حاج آقای موسوی نژاد در مشهد بوده اند، فرا گرفتم و با مشورت و تشویق خود ایشان و به توفیق الهی با شوق فراوان وارد درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی (از اول اصول) و اصول حضرت آیت الله تبریزی (از استصحاب تا آخر دوره بعد) شدم. همزمان در درس فقه حضرت آیت الله تبریزی (از بحث اوانی در طهاره) شرکت نمودم و هر روز بعد از درس در جلسات خصوصی سوال و جواب در منزل حضرت آیت الله تبریزی شرکت نموده و از آن مباحثات و سوال و جوابها استفاده ها نمودم.

بعد از اینکه چند سال درس خارج رفتیم به اتفاق چند نفر از دوستان که از فضلا می باشند از یکی از شاگردان اسبق حضرت آیت الله تبریزی جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی شهیدی (حفظه الله) خواهش نموده و یک درس با محوریت کتاب بحوث فی علم الاصول شهید آیت الله صدر، درس خارج خصوصی که بیشتر صبغه مباحثه و جواب و اشکال داشته باشد را شروع نمودیم که تا سال ۸۳ ادامه داشت و پایان یافت. در خلال بحث های اصول و فقه از تحصیل فلسفه هم بی بهره نبودم و کتاب منظومه سبزواری را خدمت استاد نکونام آموختم. کتابهای نهاییه، بدایه و اسفار، اشارات، شوارق و حتی بعضی بحثهای شفا را مطالعه نموده

.ام

حدود ۱۰ سال است که تدریس در بعضی از مدارس و به صورت منظم در مدرسه حضرت آیت الله گلپایگانی را شروع کرده‌ام. در این خلال اصول فقه، روضه، حلقات شهید صدر و خصوصاً حلقه ثالثه رسائل اعم از قطع و ظن، براءت و استصحاب و مکاسب را تدریس نموده‌ام و هم اکنون نیز مشغول تدریس قطع و ظن در مدرسه مبارکه آیت الله گلپایگانی و حلقه ثالثه در مدرسه مبارکه حجیه برای طلاب خارج از کشور می‌باشم.

از سال ۷۵ وارد موسسه دائره المعارف فقه شیعه شده و تاکنون به همکاری با آنان ادامه داده‌ام و در این راستا زیر نظر حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی مقالات فقهی زیادی را به رشته تحریر در آورده‌ام. در آن موسسه به عنوان های سرگروه، مدیر مجله، عضو شورای سرپرستی تحقیقات، دبیر شورای سرپرستی تحقیقات و اخیراً عضو هیئت علمی آن موسسه مشغول انجام وظیفه علمی و حوزوی می‌باشم.

با بخش مرکز مدیریت خواهران حوزه علمیه به عنوان مصاحبه سطح ۲ و ۳ نیز همکاری دارم. با مراکز مختلف تحقیقاتی از جمله مرکز تحقیقات قوه قضاییه، مرکز جهانی تقریب المذاهب و... همکاری داشته و گاهگاهی مقالات فقهی و اصولی می‌نویسم.

احمدی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد مهدی احمدی

محل تولد: خمینی شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد مهدی احمدی، فرزند سید ابوالفضل، متولد ۱۳۳۲ شمسی، محل تولد: خمینی شهر اصفهان. پدرم از روحانیون موجه و معنون آن خطه بودند و اجداد ما همگی روحانی عالم و مورد اعتماد مردم بودند. حقیر در این خانواده رشد نموده و طبق معمول وارد دبستان شدم.

در آن زمان در بعضی از مدارس صبحها سر صف قرآن قرائت می‌شد و بعد مراسم دعا انجام می‌گرفت. معمولاً بنده را مامور این کار می‌کردند و با تلاوت چند آیه از قرآن و خواندن سرود مراسم پایان می‌یافت. بعد از ظهرها مجدداً کلاس درس برگزار می‌گردید. یکی از نقاط قوت آن مدرسه این بود که مدیر مدرسه به جهت مذهبی بودن، مراسم نماز جماعت ظهر و عصر را بر پا نموده و همه را مکلف به انجام آن می‌نمود. حقیر چون از خانواده روحانی بودم به عنوان امام جماعت انتخاب شدم و نماز جماعت را در مسجد نزدیک مدرسه اقامه می‌نمودم.

بعد از تمام نمودن دوران ابتدایی به جهت علاقه شخصی و نیز محیط خانواده به مدارس علوم دینی و به اصطلاح طلبگی روی آوردم. آغاز تحصیل حدوداً سال ۴۵ - ۴۴ بود. ابتدا در همان شهر به مدت یک سال ماندم و بعد به اصفهان آمدم و در مدرسه

صدر بازار حجره گرفته و مشغول تحصیل شدم. در ضمن دروس جدید مقطع دبیرستان را به صورت شبانه خواندم و دیپلم گرفتم. هجرت به قم: در حوزه علمیه اصفهان دروس مقدمات سیوطی و شرایع و حاشیه را خواندم. ولی احساس نمودم دروس اصفهان شتاب خاص خود را ندارد و بسیار کند حرکت می‌کند. اساتید معمولاً جدیت خاصی ندارند و بسیار کم درس می‌دهند. از طرفی تشنگی و نیاز درونی من متناسب با داده‌ها نمی‌باشد. لذا بعد از مشورت با چند نفر از اساتید دلسوز تصمیم گرفتم به حوزه علمیه قم هجرت نمایم. لکن موانع زیادی در سر راهم وجود داشت و تقریباً مشوقی در این کار نیافتم بلکه به عکس مخالفت‌های زیادی می‌شد.

سال تحصیلی ۴۸-۴۹ بود که به قم مشرف شدم. در آن زمان مدرسه حقانی از مدارس بسیار منظم و معروفی بود و از طریق امتحان ورودی طلاب را جذب می‌نمود. من در امتحان شرکت کردم و بعد از قبولی وارد آن مدرسه شدم. اساتید آن مدرسه نوعاً از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم بودند که اکنون بعضی از آنان از مراجع تقلید می‌باشند. مدتی در آن مدرسه بودم و بعد از آن مدرسه بیرون آمدم و در مدرسه دارالشفاء حجره‌ای گرفتم و تا سال ۵۴ در آن مدرسه بودم. اساتید مقطع تحصیل سطح: هر چند حقیر اساتید متعددی در این مقطع داشتم لکن نام بعضی از آنان را اشاره می‌کنم:

۱. مرحوم آیت الله ستوده که مکاسب را نوعاً خدمت ایشان خواندم.

۲. حضرت آیت الله مظاهری اصفهانی که اکنون ریاست حوزه علمیه اصفهان را دارند.

۳. مرحوم آیت الله سلطانی که استاد کفایه بودند و نزد ایشان بخشی از کفایه را تلمذ نمودم.

در سال ۱۳۵۴ به درس خارج راه یافتم و دروس فقه و اصول را نزد اساتید بزرگوار فرا گرفتم. همزمان با آن به جهت علاقه شدید به علوم عقلی دروس فلسفه را نزد اساتید بزرگوار تلمذ نمودم. لازم به ذکر است تا حدود سال ۱۳۷۴ به درس خارج اشتغال داشتم. اساتید خارج فقه و اصول حضرات آیات: فانی اصفهانی، حائری یزدی، سیدمحمد رضا گلپایگانی، (رحمت الله علیهم) حاج شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی و شبیری زنجانی (دامت برکاتهم). قبلاً اشاره کردم که همزمان با دروس فقه و اصول، فلسفه را نیز فرا گرفتم و دروس بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، منظومه، شفا و اسفار را نزد اساتید آموختم. اساتید فلسفه آیات عظام: حسن زاده آملی، جوادی، امینی، انصاری. ضمناً حقیر کتاب فصوص الحکم ابن عربی و بخشی از مصباح الانس را نزد حضرت آیت الله حسن زاده تلمذ نمودم.

احمدیان، ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابراهیم احمدیان

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب ابراهیم احمدیان در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه قم شدم. نخست در مدرسه مرحوم آقای خلیلی (امام صادق علیه

السلام) و سپس مدرسه امام خمینی (ره) و آن گاه در مدرسه مرحوم آقای گلپایگانی مشغول شدم. دوره ادبیات را زیر نظر آقایان طالقانی و مرحوم مدرس افغانی و نیز آقای آدینه وند و علیدوست گذراندم. همزمان در جبهه های جنگ نیز حضور داشتم و این موجب شد تا دوره ادبیات برایم اندکی طولانی شود. استادانم در فقه و اصول عبارت بودند از: آقایان اشتهاردی، پایانی و نامدار.

در سال ۱۳۷۰ به دانشگاه مشهد رفتم و در رشته ادیان و عرفان دوره کارشناسی را طی کردم. سپس در دانشگاه تهران با رتبه یک پذیرفته شدم و دوره را طی کردم. همزمان در درس خارج آقایان مرحوم خاتم یزدی و نیز آیت الله وحیدی شرکت جستم.

ارباب، رحیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی از مشاهیر علماء اسلامی و اکابر دانشمندان و اکبر و اعظم علماء معاصر اصفهانست و از جهت سن و شیوخیت از تمام علماء و مجتهدین امامیه مسن تر و بیش از یکصد سال از عمر مبارکش میگذرد و از برکات روحانیت است.

ولادتش در اصفهان و نشو و نمایش نیز در آن سامان بوده در خانواده ثروتمندی اصیل و نجیب و شریف تربیت شده و مقدمات و سطوح را از مدرسین اصفهان فرا گرفته و دروس فقه و اصول را از اکابر دانشمندان چون حجه الاسلام والمسلمین آقای ابوالمعالی کلباسی و حجه الاسلام آخوند ملا محمد کاشی و آیه الله میر سید محمد تقی مدرس و آیه الله حاج سید محمد باقر درچه‌ای و بالاخص مرحوم میرزا جهانگیرخان قشقائی علم حکمت و فلسفه را فرا گرفته و با مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در هنگامیکه در اصفهان تحصیل میکردند شریک درس و مباحثه بوده‌اند و چون بحکیم قشقائی اتصال و ارتباط زیادی داشتند بآن بزرگوار تأسی نموده و جز در هنگام اقامه جمعه و جماعت عمامه نمیگذارند بلکه با کلاه که در تمثالشان دیده میشود بسر برده‌اند.

تألیفات و تصنیفاتی در فقه و اصول و حکمت دارند رحمه الله علیه رحمه واسعه.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اردستانی، محمدصادق

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۳۴ ق)، عارف، فیلسوف و زاهد. از اهالی اصفهان بود. پدراناش همه اهل فضل و از جمله‌ی عرفا بودند. وی در اصفهان حکمت عالی تدریس می‌کرد. از جمله شاگردانش مولی حمزه‌ی گیلانی، شیخ محمدعلی حزین، محمدصالح بن سعید خلخالی و آقا محمد صادق تفرشی بوده‌اند. پس از مرگ پیکرش را در سمت جنوب شرقی پل خواجه دفن کردند، به همین جهت به آخوندپلی یا آخوند پلوی شهرت یافت.

ولی در موقع تعریض خیابان جنازه‌ی وی به تخت فولاد منتقل شد. از آثار وی: «تباشیر»، در عرفان؛ «رسایل جعلیه»؛ حواشی بر

«شفا».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۳۸۲-۳۸۳)، ریحانه (۱۰۵-۱۰۴/۱).

ارشادی نیا، محمدصادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صادق ارشادی نیا

محل تولد: سبزوار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمد صادق ارشادی نیا در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان سبزوار دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۶ که سالهای خفقان و ترس از رژیم شاهنشاهی بر کشور حاکم بود ایشان بدون هیچگونه ترس و واهمه‌ای وارد حوزه علمیه مشهد گردید.

پس از ورود به مشهد مقدس ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار همچون مرحوم آیت الله فلسفی، آیت الله مرتضوی و... بهره‌ها برد. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۷ به حلقه دروس خارج راه یافت.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه اسلامی در مقطع دکترا در سال ۱۳۸۱ از دانشگاه امام صادق علیه السلام تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "نقد و بررسی نظریه تفکیک" دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ به تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه فردوسی، و... مشغول است.

لازم به ذکر است که نامبرده به مدت سه سال ریاست دانشگاه آزاد واحد سبزوار را به عهده داشته است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس و درس و قلم و کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های "کتاب نقد و بررسی نظریه تفکیک" و "از مدرسه معارف تا انجمن حجّیه و مکتب تفکیک" و... از جمله آثار ایشان است.

ارفع، محمدکاظم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد کاظم ارفع، فرزند سید ناصر الدین ارفع، در سال ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد. دوران تحصیلی دبیرستان را ناتمام رها کرد و به تشویق پدر و شوق خود، روی به آموزش حوزوی آورد. او در حوزه علمی علمیه ای در تهران (خیابان ری، بازارچه ی نایب السلطنه) به درس و بحث طلبگی اشتغال یافت. پس از چهار سال طلبگی در آن مدرسه ی علوم اسلامی که برجسته ترین استادش حاج آقا مجتهدی بود، در سال ۱۳۴۲ به حوزه ی علمیه ی قم مهاجرت کرد. استادان بزرگ او در این حوزه عبارت بودند از: آیت الله فاضل لنکرانی، مرحوم آیت الله سلطانی، آیت الله نوری همدانی و مرحوم دکتر مفتاح.

پس از درگذشت پدر گرانمایه اش، ناچار شد برای سرپرستی خانواده، از قم به تهران بازگردد و باز همچنان به آموختن علوم و معارف اسلامی، این بار نزد استادان: آیت الله حاج میرزا علی آقا فلسفه در مسجد لرزاده و آیت الله میرزا باقر آشتیانی در مدرسه ی مروی پرداخت. در عین حال، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی، به وعظ و تبلیغ متعهدانه ی انقلابی روی آورد.

مترجم گرامی صاحب بیش از پنجاه کتاب اعم از تالیف و ترجمه است و اغلب و بلکه همه ی آنها در زمینه ی علوم و معارف اسلامی و نشر و ترویج فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است. ایشان بر وفق سنتی مرضیه به ترجمه ی قرآن کریم و نهج البلاغه و صحیفه ی سجادیه توفیق یافته است.

برگرفته از کتاب: بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم

اژه‌ای، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۳، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دکترای در رشته فلسفه و منطق از ایران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فلسفه، منطق و فلسفه تحلیلی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۲

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

منطق، فلسفه علوم، فلسفه معاصر.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۶، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

منطق، معنی‌شناسی، فلسفه‌های تحلیلی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

استادی مقدم، کاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کاظم استادی مقدم

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۵/۵

اسراری، هادی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملا هادی بن حاج مهدی عالمی عامل و حکیمی کامل از اعظام فلاسفه و حکمای اسلامی اوایل قرن سیزدهم هجری بوده است. وی صدر متألهین اسلام و قدوه متبحرین در حکمت و کلام و در احاطه حقایق حکمت بی‌نظیر و در استکشاف اسرار و دقایق فلسفه بی‌عدیل بوده.

اگر افلاطون عصرش بخوانیم روا و اگر ارسطوی دهرش بگوئیم بجاست.

و در عصر ناصرالدین شاه قاجار چنان بود که ملا صدرا در زمان شاه عباس کبیر و در فنون شعریه نیز بسیار ماهر بوده و خود را متخلص به اسرار می‌نموده و گاهی در اصطلاح اهل فضل به حاجی یا حاجی سبزواری تعبیرش نمایند و خلاصه ادوار زندگانی آن فیلسوف ربانی موافق آنچه از خط خودش نقل شده.

آنگه در حدود هفت و هشت سالگی شروع به نحو و صرف کرده و در حدود ده سالگی وی، پدرش به مکه رفته و در مراجعت در شیراز وفات یافته پس عمه‌زاده‌اش حاج ملا حسین سبزواری که سالها مقیم مشهد مقدس بوده و در انزوا و تقلیل غذا و اجتناب از محرّمات و مکروهات و مواظبت بر فرائض و نوافل مراقبت تمام داشت

وی او را به ارض اقدس برده و در تمام اخلاق فاضله مساهم و مشارکش نموده و او نیز اصول و فقه و عربیات و علوم عقلیه را از حاج ملاحسین مذکور فرا گرفته و تا ده سال دیگر بدین منوال گذرانیده و بحضوت و افره علمی و اخلاقی نایل پس به قصد تحصیل معقول و حکمت به اصفهان رفته و هشت سال دیگر در حوزه درس ملا-اسماعیل اصفهانی و ملا-علی نوری به تحصیل فلسفه پرداخته و اساس حکمت اشراق را استوار داشته پس پنج سال دیگر در خراسان به تدریس فقه و اصول و حکمت پرداخته سپس به زیارت بیت‌الله‌الحرام مشرف و بعد از مراجعت در سبزواری مشغول تدریس حکمت گردیده است.

تولد ایشان در ۱۲۱۲ ق برابر حساب (غریب) واقع شده و در سال ۱۲۸۹ ق وفات نموده است.

- آثار علمی وی بسیار و از آنهاست کتب زیر
- ۱- اسرارالحکم فارسی و مکرر چاپ شده
 - ۲- اسرارالعباده در فقه
 - ۳- اصول‌الدین
 - ۴- الجبر والاختیار
 - ۵- دیوان شعر فارسی
 - ۶- شرح الاسماء الحسنی که دعاء جوشن کبیر است
 - ۷- شرح دعاء صباح حضرت امیر (ع)
 - ۸- شرح غررالفوائد
 - ۹- شرح لالی المنتظمه
 - ۱۰- غررالفوائد
 - ۱۱- محاکمات در رد شیخیه
 - ۱۲- مقیاس در فقه
 - ۱۳- نبراس نیز در فقه
 - ۱۴- هدایه‌المسترشدین و حواشی بسیاری در اسفار ملا صدرا و کتب دیگر. ملا کاظم سبزواری که از تلامذه وی بوده در ماده تاریخش گفته است.
- اسرار چو از جهان بدر شد
از فرش بعرش ناله بر شد
تاریخ وفاتش ار به پرسند
گویم که نمرد زنده‌تر شد
- از اشعار حکیم سبزواری اشعار زیر است
- شورش عشق تو در هیچ سری نیست که نیست
منظر روی تو زیب نظری نیست که نیست
ز فغانم ز فراق رخ و زلفت به فغان
سگ کویت همه شب تا سحری نیست که نیست
نه همین از غم او سینه ما صد چاک است
داغ او لاله صفت بر جگری نیست که نیست
موسی نیست که دعوی انال‌الحق شنود
ورنه این زمزمه اندر شجری نیست که نیست
چشم ما دیده خفاش بود ورنه ترا
پرتو حسن به دیوار و دری نیست که نیست
گوش اسرار شنو نیست وگر نه اسرار
برش از عالم معنی خبری نیست که نیست

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

اسفندیاری، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی اسفندیاری

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای مصطفی اسفندیاری مشهور به فقیه در اول فروردین سال ۱۳۵۱ هجری شمسی در خانواده ای متدین، کاملاً مذهبی و دوستدار اهل بیت علیهم السلام در برگه به دنیا آمد. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش، برگه از توابع شهرستان ساری با موفقیت سپری کرد.

در پی تشویق خانواده، مخصوصاً پدرش و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی و برای ادامه تحصیل راهی حوزه علمیه مشهد مقدس شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد. پس از اتمام دوران سطوح عالی و شاگردی اساتید مبرز چوت آیت الله مروی و و اعطی در سال ۱۳۷۵ به حلقه درس خارج راه یافت و از محضر بزرگانی همچون آیت الله علی فلسفی، آیت الله سیدعبداله‌هادی مرتضوی، آیت الله اشرفی کسب فیض کرد. از دامن ستارگان پر فروغ حوزه علمیه مشهد مشغول خوشه چینی گشت و تاکنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۰ از دانشگاه علوم اسلامی رضوی فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش باعنوان "بررسی مهم ترین اختلاف های سنی و شیعه در مهدویت" دفاع کرد و هم اکنون در مقطع دکترا در رشته فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه علوم اسلامی مشغول تحصیل است.

ایشان ضمن تدریس در دانشگاه فردوسی و آزاد اسلامی مشهد به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد که کتاب "حجت موجه" یکی از آثار گرانبهای ایشان است.

اسکافی مروزی، ابوحنیفه

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۴۵۱ ق)، فقیه، حکیم و شاعر. او را بعضی اهل مرو و برخی اهل غزنین می دانند. لقب اسکافی وی به این دلیل بود که پدر یا

اجداد وی کفشگر بودند، البته در بعضی از منابع شغل خودش را نیز کفشگر نوشته‌اند. در زمان سلطنت سلطان مسعود غزنوی می‌زیست، و علاوه بر شاعری مسند تدریس نیز داشت، و مردمان را رایگان علم و ادب می‌آموخت. او دارای «دیوان» شعر نیز بود و ابوالفضل بیهقی اشعار وی را در تاریخ خود آورده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۶۵۵/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۰۳-۳۹۸/۲)، تاریخ بیهقی (۲۷۴ و ۳۸۱، ۳۸۰، ۲۷۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۴)، چهارمقاله (۹)، دایرة‌المعارف فارسی (۲۹/۱)، الذریعه (۴۰/۹)، ریحانه (۷۶-۷۵/۷)، سخن و سخنوران (۱۹۸)، شاعران بی‌دیوان (۵۹۶-۵۸۷)، لب‌الالباب (۱۷۵/۲)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوحنیفه‌ی اسکافی)، مجمع الفصحا (۲۱۶-۲۰۸/۱)، هفت اقلیم (۳۳۲/۱).

اسلامپور کریمی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن اسلام پور کریمی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۴/۵

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۹ شمسی در بابل متولد شدم و بعد از اتمام دوره های ابتدائی و راهنمایی با معدل ۲۰ یا بالای ۱۹ بر اساس علاقه ام به قرآن و معارف اسلامی در مسابقات قرآن و تجوید و مفاهیم شرکت می‌کردم.

در سال ۶۴ در حوزه علمیه فیضیه مازندران در بابل نزد استاد گرانقدر حاج آقای فاضل به تحصیل صرف و نحو و فقه مشغول شدم. در سال ۶۵ بر اساس وظیفه و لیبک به ندای ولایت فقیه در جبهه حق علیه باطل حضور یافتم. در تاریخ ۱۴/۱۲/۶۵ در منطقه شلمچه به اسارت نیروهای بعثی در آمدم و تا سال ۶۶ که در تکریت، بعقوبه و رمادیه عراق در اسارت به یادگیری و یاددهی نحو و صرف و تجوید و عربی جدید صرف کردم.

بعد از آزادی (۳۰/۸/۶۹) و بعد از ۹ روز از آزادی در مدرسه رضویه قم به تحصیل حوزوی ام ادامه دادم. با توجه به نیاز و آمادگی برای خدمت به قشر جوان دانشگاهی، دوران دبیرستان را در رشته فرهنگ و ادب در سال ۷۳ به اتمام رسانده و سال ۷۴ وارد دانشگاه تهران (مجتمع آموزشی عالی قم) شدم. مقطع کارشناسی در سال ۷۷ به اتمام رسید. همزمان در مقطع کارشناسی فعالیت‌های چشم گیری در مسجد امام رضا (ع) منطقه علی آباد سعدگان و پایگاه بسیج مربوط به آن (پایگاه ۴ شهید امینی بیات) انجام دادم که به طور عمده روی قرآن، عقیدتی و امر به معروف و نهی از منکر، مفاهیم قرآن و روخوانی و تجوید متمرکز بود و در سال ۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران پذیرفته شدم.

در سال ۸۱ از پایان نامه ام با موضوع "ادراکات فطری" در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران دفاع نمودم.

از سال ۸۱ تاکنون که در مقطع دکتری همان رشته (فلسفه) و همان دانشگاه مشغولم به تدریس در موضوعات فلسفه، کلام، منطق و

عرفان و متون انگلیسی می‌پردازم و همزمان مشاورات نویسندگی و پژوهشی ارائه می‌دهم. از سال ۸۱ تاکنون در واحد کتابشناسی دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) اشتغال دارم. در زمینه ویراستاری و نگارش قطعات کوتاه ادبی کارهایی انجام دادم و چاپ شده است. از سال ۸۲ تاکنون در تاسیس و اداره نشریه های عمومی برای جوانان منطقه‌های بابل تحت عنوان‌های نشریه لاله آباد و نشریه شهدای کریمکلا فعالیت دارم.

اسلامی اردکانی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین اسلامی اردکانی

محل تولد: کربلا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در خانواده ای روحانی مقیم در کربلا زاده شدم. در سال ۱۳۵۰ به ایران باز گشتم. هر چند از کودکی به گونه پراکنده ای صرف و نحو می خواندم، اما در سال ۵۶ رسماً وارد حوزه علمیه شیراز شدم و به تحصیل پرداختم. پس از تسلط بر ادبیات عرب و دروس میانی حوزوی، سطوح عالی و خارج را در قم گذراندم. در کنار دروس حوزوی و ادامه تحصیل دانشگاهی، به فعالیت های فرهنگی و برخی مشاغل علمی اجرایی اشتغال داشتم. در زیرفعالیت های علمی بنده به تفکیک آمده است:

۱. سوابق آموزشی:

الف) حوزوی: پس از به پایان بردن مرحله سطح حوزه، هشت سال نیز در درس های خارج فقه و اصول اساتید مبارز حوزه شرکت کرده ام. درین مدت درس های اصلی (فقه و اصول) و درس های جانبی حوزه مانند فلسفه، کلام، تفسیر را نیز گذرانده ام.

ب) دانشگاهی: در کنار درس های حوزوی به ادامه تحصیل در دانشگاه مشغول بوده، کارشناسی ارشد خود را در رشته مدرسی معارف اسلامی (گرایش فلسفه و کلام) دانشگاه قم در سال ۱۳۷۹ دریافت داشته ام. در همان سال نیز در مقطع دکتری کلام (گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی) همان دانشگاه پذیرفته و در سال ۱۳۸۴ با دفاع از پایان نامه دکتری خود با عنوان "شبه سازی انسان از دیدگاه دین کاتولیک و اسلام" با رتبه عالی فارغ التحصیل شدم.

ج) دوره های آموزشی مختلف: در کنار فعالیت های اصلی آموزشی، همواره در پی کسب صلاحیت های لازم برای تخصص در تعلیم و تحقیق بوده ام. از این رو در دوره های آموزشی مختلف مانند کارگاه ترجمه، اصول کتابداری، آشنایی با منابع مرجع، نمایه سازی، اصطلاح نامه نویسی، ویرایش، مبانی کامپیوتری، اینترنت، تکنولوژی اطلاعات، زبان انگلیسی و فرانسه شرکت کرده و دوره های گوناگونی از این دست را گذرانده ام.

۲. توانایی های علمی:

الف) اینجانب به زبان های انگلیسی و عربی، در حد مکالمه و ترجمه متون تخصصی مسلط هستم و نوشته های متعددی از این زبان

ها ترجمه کرده ام. یک دوره شش ماهه زبان فرانسه را گذرانده ام. همچنین اندکی با زبان آلمانی در حد خواندن پاره ای از متون ابتدایی آشنایی دارم.

(ب) ترجمه: بیش از یک دهه است که مستمرا به کار ترجمه مشغول بوده ام. محصول این مدت فعالیت ترجمه ای، ترجمه ده مقاله علمی از زبان انگلیسی و بیست مقاله و هشت عنوان کتاب از عربی بوده است که منتشر شده اند.

(ج) تحقیق: عمده فعالیت علمی بنده، مصروف تحقیق و تالیف بوده است که نتیجه آن تاکنون تالیف بیش از هشتاد مقاله و یازده عنوان کتاب بوده است.

(د) عضویت در شوراهای علمی: اینجانب به عنوان عضو هیئت تحریریه فصلنامه نقد و نظر، میقات حج و حدیث زندگی، فعالیت مطبوعاتی داشته ام. همچنین به عنوان عضو شوراهای مختلف مراکز تحقیقی قم همچون موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و عضو شورای دائره المعارف امام خمینی (ره) مشغول فعالیت بوده ام. و نیز در سمینارهای علمی کشوری مانند "همایش بین المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن ها"، "سمینار بررسی سقط جنین در ایران"، "همایش ترجمانی متون مقدس"، "همایش بین المللی مردم سالاری دینی"، "همایش سراسری استادان، محققان و مترجمان حوزه های فلسفه، کلام، ادیان، عرفان"، "سومین کنفرانس بین المللی حقوق بشر"، "همایش گفتگوی علم و دین"، شرکت کرده و مقالات خود را ارائه کرده ام.

ضمن فعالیت های مدیریت پژوهشی مانند معاونت پژوهشی مراکز علمی و مسئولیت ترجمه نیز داشته ام. هم اینک نیز عضو انجمن علمی ادیان و مذاهب حوزه علمیه هستم.

(ه) تدریس: اینجانب در موسسات آموزش عالی مانند دانشگاه قم، دانشگاه مفید، دانشگاه شهید بهشتی، موسسه آموزش ضمن خدمت وزارت ارشاد، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و دانشکده علوم قرآنی تدریس داشته ام. موضوعات تدریس بنده عمدتاً عبارت بوده اند از: منطق، متون فلسفی معاصر، اخلاق، روش تحقیق، قواعد فقه، اصول فقه، متون فقه و شناخت منابع مرجع اسلامی.

۳. حوزه های مورد علاقه:

اینجانب بیشتر به حوزه های فلسفه و کلام جدید، فلسفه اخلاق (اخلاق کاربردی با تاکید بر اخلاق زیستی)، دین شناسی، نقد اندیشه ها و مسائل اجتماعی، اسلامی توجه خاص دارم و به کاوش در مسائل موردی و کم سابقه می پردازم و مورد پژوهشی را بر بحث کلیات ترجیح می دهم.

۴. کارنامه علمی:

کارنامه علمی بنده در دو عرصه تالیف و ترجمه حدود ۲۰ عنوان کتاب و ۹۰ مقاله است.

۵. جوایز علمی:

در سال ۱۳۸۰ تحقیق بنده با عنوان «امام، اخلاق، سیاست» از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور برگزیده شد و به آن جایزه ویژه ریاست جمهوری تعلق گرفت. در همان سال مقاله بنده با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام علی ع» که برای دانشنامه امام علی علیه السلام نوشته شده بود به عنوان مقاله برتر شناخته شد و به آن لوح تقدیری تعلق یافت. در سال ۸۲ نیز تحقیق اینجانب با عنوان «اخلاق نقد» از سوی دبیرخانه دین پژوهان برگزیده شد. همچنین تحقیق (دروغ مصلحت آمیز) از سوی همین دبیرخانه رتبه آورد، اما به دلیل تعلق آن به سال های قبل، از جریان داوری خارج و در بیانیه نهایی از آن تقدیر شد.

در همین سال نیز کتاب «امام، اخلاق، سیاست» از سوی دهمین سال کتاب دانشجویی برگزیده شد. در سال ۱۳۸۳ نیز جایزه یازدهمین کتاب سال دانشجویی به علت کثرت تالیف به بنده تعلق گرفت. همچنین در آن سال، مقاله بنده با عنوان «گریش های تفسیری در میان مسلمانان؛ بررسی یک ترجمه» به عنوان نقد برتر در حوزه علوم قرآنی برگزیده شد و جایزه و لوح تقدیری از سوی

ریاست محترم مجلس به آن تعلق گرفت.

در اردیبهشت سال ۱۳۸۴ نیز مقاله بنده با عنوان «چالش علم و دین در مسئله شیبه سازی انسانی» که در نخستین همایش کشوری گفتگوی علم و دین ارائه شده بود، از سوی مسئولین همایش به عنوان مقاله برگزیده انتخاب و به آن لوح تقدیری تعلق گرفت.

اسماعیل پور نیازی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن اسماعیل پور نیازی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در تابستان سال ۱۳۶۶ پس از طی مقطع راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم. در گام اول قدم در مدرسه مبارکه فیضه مازندران (شهرستان بابل) تحت نظارت مدیریت و اشراف حضرت آیت الله فاضل استر آبادی نهادم.

پس از طی مراحل اولیه تحصیل در سال ۱۳۷۰ وارد حوزه علمیه قم شدم و در قم در دروس سطح از دروس استاد آیت الله سید علی محقق دامان و دیگر اساتید استفاده کردم. در درس خارج نیز در فقه و اصول در محضر اساتید بزرگوار آیت الله سیدعلی محقق داماد، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله سبحانی و آیت الله لاریجانی حاضر شدم.

همزمان با تحصیل در مقطع خارج در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن نیز طی یک دوره چهار ساله در مقطع سطح چهار از محضر اساتید بزرگوار آیت الله معرفت، آیت الله خزعلی، آیت الله دکتر احمد بهشتی، حجت الاسلام دکتر نقی پورفر و اساتید دیگر بهره مند شدم. پس از اتمام دوره تحصیل رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن به دلیل احساس نیاز به مباحث عقلی و فلسفی در رشته فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل شدم و اکنون در مقطع کارشناسی ارشد می باشم.

در بهار سال ۱۳۸۴ پایان نامه سطح چهار مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن را تحت عنوان «آزادی و ارتداد از دیدگاه قرآن» با راهنمایی و مشاورت استاد آیت الله معرفت و استاد دکتر نقی پورفر دفاع کردم و با درجه عالی داوران همراه بود. پیش از آن در سال ۱۳۸۳ پایان نامه فوق به عنوان پژوهش برگزیده سال در حوزه دین پژوهی از سوی دبیرخانه دین پژوهان کشور انتخاب و معرفی شد.

در بخش تحقیقات علمی نیز با مرکز جهانی علوم اسلامی در تدوین درسنامه، مرکز پژوهشهای صدا و سیما در تألیف کتاب و پژوهشکده فرهنگ و اندیشه (کانون اندیشه جوان) برای تدوین کتاب همکاری داشته و دارم.

اسماعیلی ایولی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اسماعیلی ایولی

محل تولد: ساری

شهرت: اسماعیلی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ در روستای ایول از توابع بخش چهاردانگه (کیاس) شهرستان ساری مرکز استان مازندران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در همان روستا و تحصیلات راهنمایی را در ساری و پس از دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه شدم.

دو سال در حوزه علمیه سعادتیه ساری و سپس در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه قم شد. حدود هشت سال در مدرسه علمیه امام باقر (ع) که از مدارس تحت برنامه مرکز مدیریت بود مشغول تحصیل بودم. همراه با تحصیلات این دوره به صورت متفرقه دیپلم علوم انسانی را گرفتم و در دروس مکاسب، رسائل و کفایه از اساتید محترم سروش محلاتی، حسینی بوشهری، حسینی خراسانی، نکونام، وحید خراسانی فیض بردم. سه سال در درس خارج اصول استاد صادق لاریجانی و سه سال در خارج فقه استاد مکارم شیرازی و سه سال از خارج اصول استاد جعفر سبحانی بهره بردم.

همراه با تحصیلات سطوح عالیّه حوزوی در رشته فلسفه (غرب) دانشگاه مفید دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۰ به اتمام رساندم. همراه با تحصیلات دانشگاهی در حوزه علمیه در بخش علوم اسلامی عقلی (کلام - فلسفه اسلامی - عرفان) در درس اسفار استاد دهقانی و درس اسفار و اشارات استاد فیاضی و نهاییه الحکمه استاد معلمی شرکت نمودم. هم اکنون با جامعه الزهرا و گروه معارف دانشگاه سمنان همکاری تحقیقی و تدریس دارم. همچنین به مدت پنج سال با دایره المعارف علوم عقلی موسسه امام خمینی (ره) از سال ۷۹ تا ۸۴ همکاری داشته‌ام. در ایام تبلیغ و فصل تابستان به تبلیغ و سخنرانی می‌پردازم.

اصطهباناتی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا ابوالقاسم بن میرزا احمد شیخ‌الاسلام اصطهباناتی عالمی حکیم بوده در ۱۴ صفر ۱۳۱۲ ق متولد شده و در خدمت عده‌ای از اعلام علم و فضل تلمذ نموده و بکمال علم و فقاہت رسیده و بعلاوه شهرت یافته و منظومه در حکمت نوشته که نزدیک دو هزار بیت است و اول آن این بیت است:

اول ما جادبه طرف القلم

مفتتح الکلام بدئه الرقم - الخ

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

اصغری، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید عبدالله اصغری

محل تولد: تربت جام

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سالهای ۱۳۴۵-۱۳۴۶ در حالی که فقر در منطقه مسکونی و روستای ما بیداد می کرد بنده به خاطر عشق و علاقه ای که به فراگیری معارف اسلامی و دینی داشتم با هزینه ناچیز در یک مدرسه علمیه ای مشغول تحصیل شدم. در مدت سه سال تا قسمتی از جلد اول لمعه را خواندم و به مشهد مقدس در مدرسه عباسقلی خان و در مدرسه جعفریه که زیر نظر مرحوم غلامحسین تبریزی بود تا بخش اول کتاب مکاسب را خواندم. با مشکلات فراوان به نجف اشرف منتقل شدم و بخشی از رسائل و مکاسب و کفایتین را در نجف نزد مرحوم صدر و استاد فیاض و خارج اصول را نزد شیخ جواد تبریزی گذراندم و در سال ۱۳۵۴ به قم عزیمت کردم. خارج اصول و فقه را خدمت وحید خراسانی و آقای مکارم شیرازی و شیخ جواد تبریزی تلمذ کردم. در ضمن تدریس کتاب رسائل شیخ انصاری را در کاشان، دو جلد شرح رسائل را (اوضح الشروح فی فرائد الاصول) نوشتم و دو جلد شرح فارسی به اصول فقه مظفر (ره) به چاپ رساندم و در حوزه مورد استفاده است. بهر حال امید چنان است که خداوند راضی و امام زمان (علیه السلام) خشنود باشد جهت هر گونه همکاری علمی حاضر و آماده هستم.

اصفهانی، ابوالمجدد شیخ محمد رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۲- ۱۲۸۷ ق)، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضیدان و شاعر. مشهور به آقا رضا اصفهانی. وی پیش از سن بلوغ، مقدمات علوم را از سید ابراهیم قزوینی فراگرفت و سپس به تحصیل فقه و اصول و تفسیر در محضر پدر و شریعت اصفهانی پرداخت. علوم معقول و ریاضی را نزد میرزا حبیب‌الله ذوالفنون آموخت و برای تکمیل فقه و اصول وارد حوزه‌ی درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی شد. پس از بازگشت سید محمد فشارکی از سامرا به نجف، نزد وی شاگردی کرد. در هفتاد و پنج سالگی به علت جنگ جهانی اول از نجف اشرف به اصفهان کوچید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «تنبیها ت دلیل الانسداد» یا «اثبات حجیت ظن طریقی»؛ «ذخائر المجتهدین»، در شرح کتاب «معالم الدین فی فقه آل طه و یس»؛ «سمط اللآل فی معرفه‌ الوضوح و

الاستعمال» یا «جلیه الحال»؛ «السيف الصنيع لرقاب منكري علم البديع»؛ «نقد فلسفه‌ی داروین»؛ «وقایه‌ی الاذهان»؛ «الایراد و الاصدار»؛ تعریب «السیرو السلوک» منسوب به آیه‌الله بحر العلوم؛ «دیوان» شعر، به فارسی و عربی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۳۳/ ۲۵/ ۲۷۷، ۲۴/ ۲۸۷، ۱۲/ ۳۶۳، ۹/ ۷۹، ۷/ ۱۲۷، ۵/ ۴۵۲، ۴/ ۲۱۳، ۲/ ۴۸۸)، ریحانه (۲۵۳- ۲۵۲/ ۷).

اصفهانی، ابوالمجد محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۲- ۱۲۸۷ ق)، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضیدان و شاعر. وی پیش از سن بلوغ، مقدمات علوم را فراگرفت و در پانزده سالگی به نجف رفت و به تحصیل فقه و اصول و تفسیر در محضر پدر و سید ابراهیم قزوینی پرداخت. علوم معقول و ریاضی را نزد میرزا حبیب‌الله ذوالفنون آموخت و برای تکمیل فقه و اصول وارد حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی شد. پس از بازگشت سید محمد فشارکی از سامرا به نجف، نزد وی شاگردی کرد و در هفتاد و پنج سالگی به علت جنگ جهانی اول به اصفهان کوچید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «تنبیها ت دلیل الانسداد»؛ «ذخائر المجتهدین»، در شرح کتاب معالم‌الدین فی فقه آل طه و یس؛ «سمط اللآل فی الوضع و الاستعمال»؛ «السيف الصنيع لرقاب منكري علم البديع»؛ «نقد فلسفه‌ی داروین و دحض شبهات المبطلین»؛ «وقایه‌ی الاذهان»؛ «اداء المفروض فی شرح ارجوزه العروض»؛ «استیضاح المراد من قول الفاضل الجواد» و «الامجدیه» در اعمال ماه رمضان.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۲۷/ ۵/ ۴۵۲، ۴/ ۴۵۲)، ریحانه (۲۵۳- ۲۵۲/ ۷).

اصفهانی، حسنعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۱- ۱۲۷۹ ق)، عالم، مدرس، عارف ربانی و حکیم الهی. مشهور به نخود کی. مقدمات را تا یازده سالگی نزد پدر خویش و دیگران آموخت. سپس زیر نظر حاج میرزا محمدصادق به سیر و سلوک عارفانه پرداخت. در سنین جوانی ادبیات و قسمتی از ریاضیات مانند حساب و هیئت را نزد آخوند کاشی و فلسفه را نزد میرزا جهانگیرخان قشقایی تحصیل کرد و سپس راهی عتبات عالیه شد و در نجف به ادامه‌ی تحصیل پرداخت. و در آنجا با حاج سید مرتضی کشمیری معاشرت و مجالست کرد. سپس به اصفهان بازگشت و پس از مدتی در مشهد اقامت گزید. حاج شیخ حسنعلی بیشتر ایام عمر را در ریاضت‌های طاقت‌فرسا سپری کرد. وی دارای مقامات و کرامات بسیار بوده که شرح جزئی از کرامات و کارهای خارق‌العادی وی در کتابی تحت عنوان «نشان از بی‌نشانه‌ها» توسط فرزند آن مرحوم گردآوری شده و نشر یافته است. او به تدریس فقه مانند شرح لمعه و درس تفسیر و گاهی هم هیئت و حساب می‌پرداخت و بقیه‌ی اوقات را به برآوردن حاجات مؤمنان از دعا و دوا می‌گذراند. در مدت اقامت او در مشهد هزاران هزار مریض با دعای وی معالجه شدند. آیت‌الله اصفهانی پس از یک بیماری چهل روزه در محله سعدآباد مشهد رحلت

کرد و در صحن رضوی دفن شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۹۲-۱۹۱/۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۳-۱۱۱/۷)، نشان از بی‌نشانه‌ها (مقدمه).

اصفهانی، شمس‌الدین، ابوالثناء محمود

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۴۹-۶۷۴ ق)، مفسر، صوفی، متکلم، منطقی، عروضی و نحوی. در اصفهان متولد شد و فنون متداول را در زادگاه خود نزد پدر و جمال‌الدین ابی‌رجا و دیگران فراگرفت. مدتی در اصفهان و تبریز به تدریس پرداخت و از معاصران شیخ حسن چوپانی و قاضی مظفرالدین‌شاه قزوینی بود. پس از زیارت خانه خدا به دمشق رفت و در جامع اموی به تدریس پرداخت، سپس به قاهره رفت و در خانقاهی که قوصون برای او بنا کرده بود به ارشاد و تربیت مریدان مشغول شد و در همان شهر بود تا درگذشت. و در قرافه دفن شد. از آثار: وی «تشیید القواعد فی شرح تجرید العقاید»؛ شرح «کافیه» ابن‌حاجب در نحو؛ شرح «ساویه»، در عروض؛ «انوار الحقایق الربانیه فی تفسیر الآیات القرآنیه»؛ شرح «منهاج» بیضاوی؛ «ناظر العین»؛ «شرح مختصر السؤل و الأمل فی علمی الاصول و الجدل»؛ «شرح الطوالع»، در منطق و کتاب مختصری در اصول دین.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۸/ ۵۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۳۰، ۲۲۹/۳)، حیب السیر (۳/ ۲۳۲)، الذریعه (۱۴۰/ ۱۳)، روضات الجنات (۸/ ۱۱۷)، ریحانه (۲۴۹-۲۴۸/۳)، کشف الظنون (۱۹۹۱، ۱۹۲۱، ۱۸۷۹، ۱۸۵۵، ۱۷۱۷، ۱۳۷۱، ۱۱۴۸، ۱۱۳۷، ۱۱۱۶، ۴۴۳، ۴۴۲)، لغت‌نامه (ذیل / محمود)، معجم المؤلفین (۱۷۳/ ۱۲)، هدیه العارفین (۴۰۹/ ۲).

اعرافی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا اعرافی

محل تولد: میبد- محله شهیدیه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی در سال ۱۳۳۸ در شهر میبد (محله شهیدیه) واقع در استان یزد در میان خانواده‌ای اهل علم و با تقوا به دنیا آمد. پدرش آیت الله محمد ابراهیم اعرافی از علمای مشهور آن دیار و از دوستان نزدیک امام خمینی (ره) بود که نقش بسزایی در بیداری مردم میبد و یزد ایفا کرد. آن عالم وارسته سالها قبل از انقلاب اسلامی نماز جمعه بر پا می‌کرد و خود، با

سلاح در آن خطبه می‌خواند. مادر استاد اعرافی نیز از زنان پاکدامن و مؤمن روزگار بود و از فرزندان آیت الله شیخ کاظم افضلی اردکانی (ره) به شمار می‌آمد.

استاد اعرافی تحصیلات کلاسیک خود را در دیار خود آغاز کرد. او پس از خواندن مقداری از دروس ادبیات، در سال ۱۳۴۹ به قم آمد و همان جا تحصیلات دوره ابتدایی خود را تکمیل کرد و همزمان دروس حوزه خود را آغاز نمود، و به سرعت دروس دوره مقدمات و سطح را به پایان رسانید؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۶ به درس خارج بزرگان قم راه یافت. او در طی این سالها از شرکت در دروس فلسفی نیز باز نماند و آن دروس را نیز به حد کمال فرا گرفت و نیز در درس اخلاق استادان خود حضور جدی داشت.

او در ضمن تحصیل دروس حوزوی زبانهای عربی و انگلیسی را فرا گرفت و از مطالعات در رشته‌های ریاضی و فلسفه غرب نیز باز نماند و بسیاری از کتب را که در آن روزگار در حوزه متداول نبود، فرا گرفت و در دوره تعلیم و تربیت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) شرکت کرد و در تعطیلات به مباحثه تفسیر المیزان و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید پرداخت.

استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود به محضر عالمان بسیار شرفیاب شد. او که در تفسیر شاگرد آیت الله مشکینی (ره) و در هیئت شاگرد استاد حسن زاده آملی بود، کتابهای فلسفتنا و اقتصادنا نوشته شهید صدر (ره) را نزد آیت الله سید کاظم حائری فرا گرفت. در درس خارج فقه و اصول شاگرد استادانی چون آیت الله العظمی حاج شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)، آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله العظمی جواد تبریزی (ره)، آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله العظمی شبیری زنجانی بود. او دروس اسفار اربعه، برهان شفا، فصوص الحکم و تمهید القواعد را نزد آیت الله جوادی آملی و بخشی از اسفار را نزد آیت الله شهید مطهری (ره) آموخته و در زمینه فلسفه از آیت الله مصباح یزدی بهره‌های بسیار برد.

استاد اعرافی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضایی بسیار رابطه دوستی داشت و دروس پیش آموخته را مباحثه می‌کرد که از جمله آنان حجة الاسلام والمسلمین محمدعلی مدرسی یزدی، حجة الاسلام والمسلمین محمد کاظم بهرامی، حجة الاسلام والمسلمین علی نقی فقیهی، حجة الاسلام والمسلمین محمد بهشتی را می‌توان نام برد.

حجة الاسلام والمسلمین اعرافی، در سالهای عمر خود فعالیت‌های بسیاری را در زمینه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و سالها به تدریس اسفار اربعه و خارج فقه قضا و تربیت (فقه التریبه) اشتغال داشته است. ویژگی تدریس او نوآوری و تطبیق مباحث موجود در کتب قدما با مبانی امروزی علوم است.

او کتابهای بسیاری در زمینه علوم تربیتی به چاپ رسانده است که از جمله آنان می‌توان به کتاب «فلسفه تعلیم و تربیت» اشاره کرد. استاد اعرافی از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون در مسؤلیتهای مهمی ایفای نقش کرده است. استاد اعرافی سالها در دانشگاههای سراسر کشور و مؤسسات وابسته به آموزش عالی تدریس داشته و از این رهگذر شاگردان خوبی را تربیت کرده است. در سالهای عمر خود تا به امروز در عرصه سیاست فعالیت‌های بسیاری را به منصب ظهور نهاده است. او که فرزند پدری عالم و مجاهد بود همواره با نهضت امام (ره) همراه بود فعالیت‌های سیاسی نیز داشته و به تحقق آرمانهای انقلاب کمک شایانی نموده است.

او در سال ۱۳۷۱ با حکم مقام معظم رهبری به امامت جمعه شهر میبد برگزیده شد. استاد اعرافی در سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌ها حضور یافت و مشوق رزمندگان اسلام بود او هم اکنون از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و به تدریس اشتغال دارد.

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا اعوانی متولد ۱۳۲۱ ه.ش در سمنان پس از پایان تحصیلات در مکتب خانه و مدرسه شیخ علاء الدوله سمنانی در سمنان به اخذ دیپلم در سال ۱۳۴۰ ه.ش نایل شد و سپس به بیروت رفت و از دانشگاه آمریکایی آنجا لیسانس گرفت (۱۳۴۵)، سپس به ایران آمد و در سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۵۵ فوق لیسانس و دکترای خود را در رشته فلسفه از دانشگاه تهران دریافت کرد. وی از سال ۱۳۴۸ ه.ش عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی شد. وی در سال ۱۳۸۰ در نخستین چهره های ماندگار برگزیده و معرفی گردید. وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۶ در فرهنگسرای سینا می باشد. از وی ترجمه ها و تصحیحاتی در زمینه فلسفه اسلامی و فلسفه غرب باقی است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

گرایش: فلسفه اسلامی

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: غلامرضا اعوانی در سال ۱۳۲۱ ه.ش در سمنان به دنیا آمد. در آن روزگار دانشگاه تهران به تازگی آغاز به کار کرده بود. و نیز آموزش جدید در کشور چندان رواج قابل توجهی نداشت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: غلامرضا اعوانی در سال ۱۳۲۵ در مکتب خانه ملا- غلامرضا شیوایی از شاگردان حاج ملا هادی سبزواری آغاز به تحصیل کرد در سال ۱۳۲۷ وارد مدرسه شیخ علاء الدوله سمنانی (سمنان) شد و در سال ۱۳۴۰ دیپلم خود را دریافت کرد. سپس با بهره گیری از بورس دانشگاه آمریکایی بیروت به آنجا رفت و پس از اخذ لیسانس فلسفه در ۱۳۴۵ به ایران بازگشت. و وارد دانشگاه تهران شد. در سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۵۵ مدرک فوق لیسانس و دکتری فلسفه را احراز کرد. عنوان تز دکتری وی «عقل و نفس در فلسفه افلوپین و تاثیر آن در حکمت اسلامی» بوده است.

خاطرات و وقایع تحصیل: از وقایع مهم روزگار تحصیل غلامرضا اعوانی سفر به لبنان و آشنا شدن با استادان مهمی در فلسفه از جمله چارلز اسکات و ماجد فخری و پوچتی بوده است.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: غلامرضا اعوانی در حین تحصیل در مقطع دکترای در دانشگاه تهران، (از سالهای ۱۳۴۷)، به تدریس در دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی) (از سال ۱۳۴۸) می پرداخت.

استادان و مربیان: برخی از استادان غلامرضا اعوانی در دانشگاه آمریکایی بیروت عبارت بودند از چارلز اسکات، ماجد فخری، پوچتی، صادق العظم. در دانشگاه تهران نیز وی از استادانی چون دکتر سید حسین نصر، دکتر سید احمد فریدو دکتر مهدوی دامغانی بهره برد.

آرا و گرایشهای خاص: غلامرضا اعوانی در زمینه فلسفه اسلامی بیشتر به تصحیح آثار فلسفی و کلامی کسانی چون حاتم رازی و خواجه نصیر الدین طوسی علاقمند است. وی در زمینه فلسفه غرب به فلسفه افلوپین و نیز کانت علاقمند است و به مطابقت و مقایسه آنها با فلاسفه مسلمان می پردازد.

جوایز و نشانها: غلامرضا اعوانی برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۶ در فرهنگسرای سینا می باشد. -----

آثار:

۱ ترجمه تاریخ فلسفه

ویژگی اثر: کتاب تاریخ فلسفه اثر فردریک کاپلستون درباره شرح احوال فیلسوفان غرب و سیر تکامل اندیشه فلسفی آنها می باشد که توسط دکتر اعوانی به فارسی ترجمه شده است.

۲ ترجمه گزیده ای از اشعار عرفانی

ویژگی اثر: به زبان انگلیسی

۳ تصحیح النبوه

ویژگی اثر: کتاب النبوه اثر حاتم رازی اثری است درباره فلسفه و کلام اسلامی که دکتر غلامرضا اعوانی آن را تصحیح و منتشر کرده است.

۴ تصحیح وجه دین ناصری

۵ فرهنگ فلسفی

۶ مجموعه مقالات حکمت و نصر معنوی

ویژگی اثر: دکتر غلامرضا اعوانی مجموعه مقالاتی تحت عنوان حکمت و هنر معنوی را پیرامون معنی هنر در جهان اسلامی و دیدگاههای زیبا شناسانه هنر اسلامی و فلسفه هنر مربوط به آن را منتشر کرده است.

منابع زندگینامه:

محمود اسعدی، چهره های ماندگار، تهران: زمان و جهان فرهنگ، ۱۳۸۲، صص ۲۹-۲۶

افشار ارموی، تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۲۸۴- ۱۲۳۴ ق)، حکیم و ریاضیدان. اهل ارومیه بود. در عتبات به تحصیل علوم منقول پرداخت. سپس به همراه پدر به وطن بازگشت ولی برخلاف اصرار پدر از قبول منصب امتناع کرد و عمر را در انزوا و عزلت به ریاضت و عبادت سپری کرد. او در علم اعداد و جفر مهارت کامل داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۹)، الماثر و الاثار (۲۰۹).

افضلی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد مهدی افضلی

محل تولد: غزنی

شهرت

تابعیت : افغانستان

تاریخ تولد : ۱۳۵۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ در سن یازده سالگی وارد حوزه علمیه و تحصیل علوم دینی شدم و سه سال در مدارس علمیه استان غزنی افغانستان سپری شد. در سال ۱۳۷۲ وارد جمهوری اسلامی ایران شدم و در جامعه علمیه امیرالمومنین شهرری تهران به ادامه تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۷۳ از طریق آزمون وارد مرکز جهانی علوم اسلامی شدم و با توافق مسئولان مربوطه تا سال تحصیلی ۷۶ - ۷۵ در تهران ماندم و از محضر اساتید بزرگوار مرحوم حاج شیخ حسنعلی کرمانی، استاد لطفی کاشانی، استاد مرتضی شجاری و ... بهره بردم. در سال ۱۳۷۶ با سکونت در قم از محضر حضرات آیات و حجج اسلام حسینی خراسانی، موسوی تهرانی رسائل، مکاسب و کفایه را استفاده کردم.

همزمان در درس شرح اشارات استاد حاج شیخ غلامرضا فیاضی و استاد جناب آقای دکتر محمد حسین حشمت پور نیز شرکت می کردم. دروس خارج فقه و اصول را خدمت آیات عظام و حجج اسلام مکارم شیرازی، حاج شیخ صادق لاریجانی و حاج شیخ جواد مروی ادامه دادم. از سال ۱۳۷۷ از طریق آزمون وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در سال ۱۳۸۱ مقطع کارشناسی ارشد را به پایان رساندم و در سال ۱۳۸۲ وارد مقطع ارشد شدم و در سال تحصیلی ۸۶ - ۸۵ از تحصیل فراغت یافتم.

اکبریان، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد اکبریان

محل تولد : جویبار

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد شده و در سال ۱۳۶۴ به شهر قم آمدم سال ۱۳۶۸ در دانشگاه تهران الهیات و معارف اسلامی فلسفه و کلام اسلامی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه تربیت مدرس تهران فلسفه و حکمت اسلامی قبول شدم و در سال ۱۳۷۶ از پایان نامه با عنوان تحلیل آراء فلسفی عرفانی سید حیدر آملی را دفاع نمودم این پایان نامه در سال ۱۳۸۰ در کنگره سید حیدر آملی منتشر گردید با عنوان عرفان شیعی در اندیشه حیدر آملی.

در سال ۱۳۷۴ در آزمون کتبی و شفاهی پایه پذیرفته شدم قبل از آن در سال ۱۳۷۳ سطح را به پایان رساندم و چند سال در درس خارج حضرات آیات صالحی مازندرانی فاضل لنکرانی جوادی آملی شرکت داشت در سال ۱۳۷۳ با پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی همکاری را آغاز نمودم؛ طی این مدت در تألیف معجم بحارالانوار گروه تصحیح حضور داشتم هم چنین مدتی با پژوهشگاه کلام همکاری داشتم سپس در اصطلاح نامه علوم اسلامی که در طی این مدت در تألیف فرهنگ اصطلاحات فلسفی با عنوان مستندات

اصطلاحات فلسفی شرکت داشتم. سپس از سال ۱۳۸۲ تاکنون به عنوان مدیر واحد پاسخ به سوالات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی اشتغال دارم که تاکنون در تألیف گروهی دو کتاب مجموعه پاسخ های برگزیده ویژه رمضان و ویژه محرم جهت استفاده مبلغان دینی اعزامی از دفتر تبلیغات حضور داشتم. از سال ۱۳۷۶ تاکنون در دانشگاههای مختلف تهران از جمله دانشگاه شهید بهشتی و به مدت ۸ سال در دانشگاه تهران در گروه معارف اسلامی به تدریس اشتغال دارم.

القمی، ابوالمحارب حنین

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در مجالس المؤمنین می نویسد وی از اعظام حکمای شیعه امامیه است، در ایام دیالمه نشو و نما یافته و پرتو انوار حکمت بر صفحات حال او تافته. در تاریخ الحکماء مسطور است که صاحب اعظم سعید بن العمید که استاد الفضلاء و عمید وزرای روزگار بود به وجود او افتخار می نمود و می فرمود که اگر از شهر ما همین بیرون آمده باشد ما را کافی است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

الله بداشتی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی الله بداشتی

محل تولد: نوشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۷/۱

زندگینامه علمی

اخذ دیپلم ریاضی: ۱۳۵۶

اخذ فوق دیپلم ریاضی: خرداد ۱۳۵۸

شروع به تدریس ریاضی: مهرماه ۱۳۵۸

شروع به تحصیلات در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: نیمه دوم ۱۳۶۳

فراغت از تحصیل در رشته دبیری الهیات دانشگاه تهران: خرداد ۱۳۶۸

شروع به تحصیل در رشته کارشناسی ارشد فلسفه: مهر ماه ۱۳۶۸

فراغت از تحصیل کارشناسی ارشد: ۱۳۷۱

شروع به فعالیت علمی در دانشگاه قم: ۱۳۷۱ تاکنون

شروع به تحصیل دوره دکتری ۱۳۷۸.

فراغت از دوره دکتری ۱۳۸۲.

مدیر گروه فلسفه: ۱۳۸۱ تاکنون

شروع به تحصیلات حوزوی آزاد: ۱۳۵۸

شروع به تحصیلات در حوزه همزمان با تحصیلات دانشگاهی: ۱۳۶۴ (که تاکنون گاه پیوسته و گاه گسسته ادامه دارد.)

الهی طباطبایی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد حسن الهی طباطبایی

ولادت: ۱۳۲۵ق.

محل ولادت: تبریز

وفات: ۱۳۸۸ق

محل دفن: قم

محل تحصیل: تبریز، نجف

اساتید: حضرات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی، سید حسین بادکوبه ای و

شاگردان: حسن حسن زاده آملی، میرزا محمد علی ارتقایی، میرزا موسی تبریزی و

تالیفات: رساله ای در علم موسیقی و روابط معنوی روح با صداها (که خود آن را از بین برد).

او از شاگردان مبرز مرحوم سید علی قاضی بود. در سعه صدر و پاکی و حسن خلق زبانزد بود. سیر و سلوک را یک دوران خاص و با اعمال خاصی نیم دانست بلکه آن را در متن همین زندگی عادی تعریف می کرد و زندگی رسول الله (ص) را شاهد این مطلب می آورد. می فرمود: مراقبه یعنی آدم در همین زندگی روزمره غفلت را از خودش دور کند.

ایشان پس از یازده سال اقامت در شهر ساقی کوثر، به دلیل وضع نامناسب معیشتی مجبور شد همراه برادر خویش، علامه طباطبایی، به تبریز باز گردد. در تبریز به تدریس فلسفه و تربیت جویندگان کمال پرداخت. ارتباط ایشان با مرحوم قاضی از طریق نامه برقرار بود، عباراتی چون " جعلت فداک " و " عزیز دلم " که آیت الله قاضی در این نامه ها خطاب به آقای الهی به کار می برد گویای عظمت شان ایشان نزد استاد است. استاد سید محمد حسین قاضی می فرماید: با اینکه خود آقا به علامه و بردارش گفته بود که به ایران برگردند اما دوری آن ها برایشان بسیار ناگوار بود و هر وقت یاد آن ها می افتاد گریه می کرد.

زمانی که آیت الله الهی در قم بود، در مجلس روضه ای که در منزل میرزا تقی زرگری تشکیل می شد، شرکت می کرد. یک بار بعد از اتمام روضه در سینی مسی برایش چای آوردند. او انگشت خود را بر لب گذارد و بعد به سینی مسی زد. سینی تبدیل به طلا شد. بعد فرمود: " ما طلا را می خواهیم چه کنیم؟ " دوباره انگشت بر لب گذاشت و به سینی زد و سینی به حالت اول برگشت! با وجود چنین قدرت روحی، زمانی برای پرداخت قرضش به دو هزار تومان احتیاج پیدا کرد و چون این مبلغ را نداشت مدتی زندانی شد!

این گفتار علامه طباطبایی مشهور است که می فرمود: من خودم از اخوی استفاده می کنم توصیه همیشگی ایشان هنوز در خاطر

اطرافیان است: از حسنات اعمالتان که خیال می‌کنید حسنه است توبه کنید، تا چه رسد به معاصی! سید محمد حسن الهی در سال ۱۳۸۸ هجری قمری درگذشت. شرح احوال ایشان در کتاب الهیه از انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس آمده است.

الهی قمشه‌ای، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم ربانی و حکیم متاله استاد میرزا مهدی الهی قمشه‌ای فرزند حکیم و عارف بزرگ میرزا ابوالحسن از دانشمندان به نام و حکماء والامقام و اساتید عظام معاصر تهران بوده‌اند تولد ایشان در حدود ۱۳۲۲ در قمشه اصفهان (شهرضا) واقع شده و در بیت علم و تقوا پرورش و دروس ابتدائی و سطوح نهائی را در فقه و اصول از علماء بزرگ و حکماء قمشه و اصفهان فرا گرفته و از آنجا مسافرت به مشهد مقدس نموده و از اساتید خراسان چون مرحوم آقا بزرگ حکیم و آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و میرزا مهدی اصفهانی و مرحوم آیت‌الله برسی و دیگران استفاده نموده آنگاه به تهران عزیمت نموده و در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس فلسفه و حکمت و سایر علوم پرداخته تا در ربیع‌الثانی ۱۳۹۳ قمری بدرود حیات گفته و جنازه‌اش حمل به قم و در جوار حضرت معصومه (ع) مدفون شده است.

استاد الهی دارای تألیفات ارزنده مرحوم استاد الهی قمشه‌ای در فلسفه و حکمت و دیوان بزرگ هزار صفحه‌ای می‌باشد که شرح حال خود را در صفحه ۳۹۵ دیوانش به نظم آورده که نویسنده عین آن را با بعضی از غزلیاتش تقدیم اهل ذوق و معرفت و پژوهش می‌نمایم باشد که روح پرفتوح آن حکیم ربانی و عارف صمدانی این گنهکار را یاد و دوستانش دعا فرمایند.

آثار گرانقدر مرحوم استاد الهی قمشه‌ای.

۱- ترجمه آزاد و خلاصه‌التفسیر قرآن کریم.

۲- ترجمه آزاد مفاتیح‌الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی طاب ثراه.

۳- ترجمه و شرح صحیفه سجادیه.

۴- حکمت الهی جلد اول (یک دوره حکمت از امور عامه و طبیعیات و الهیات خاص و بیان نبوت و امامت عامه و خاصه و معاد).

۵- حکمت الهی جلد سوم شرح خصوص حکیم فارابی و شرح خطبه توحیده مولا امیرالمؤمنین و اخلاق علمی و عرفانی صد کلمه از کلمات مولا علی علیه‌السلام.

۶- کلیات دیوان الهی (نغمه الهی - نغمه حسینی - نغمه عشاق).

۷- توحید هوشمندان ترجمه و شرح خصوص فارابی.

(۱۳۹۲ - ۱۳۲۰ ق)، حکیم، عالم و شاعر، متخلص به الهی. در شهرضا (قمشه) متولد شد. مقدمات علوم فقه و اصول و حکمت را از شیخ‌هادی قمشه‌ای و دیگران آموخت و جهت تکمیل آن به اصفهان رفت و در خدمت آقا شیخ محمدحکیم خراسانی و پس از آن در خراسان در محضر مرحوم آقابزرگ حکیم مشهدی و آقا شیخ اسدالله یزدی مشغول شد تا در حکمت و فلسفه صاحب نظر شد. مدتی نیز در حوزه‌ی درس آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و میرزامهدی اصفهانی حاضر گشت. سپس به تهران آمد و در مدرسه‌ی عالی سپهسالار به تدریس حکمت و فلسفه پرداخت. همچنین به سمت استاد زبان عربی در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران و استاد فلسفه در دانشکده‌ی الهیات (معقول و منقول)، تدریس کرد. وی در تهران وفات یافت و در قم، در جوار حضرت معصومه

(ع)، به خاک سپرده شد. از آثار منشور وی: «رساله‌ای در فلسفه‌ی کلی»؛ «شرح رساله‌ی حکیم فارابی»؛ «رساله‌ای در سیر و سلوک»؛ حاشیه‌ای بر «مبدأ و معاد» ملاصدرا؛ «رساله‌ای در مراتب ادراک»؛ «رساله‌ای در مراتب عشق». و از آثار منظوم وی: «نغمه‌ی عشاق»؛ «دیوان» شعر؛ «نغمه‌ی حسینی»، که تاریخ بزرگترین شهید اسلام است؛ «نغمه‌ی الهی». و از دیگر آثار او: «ترجمه‌ی قرآن مجید»؛ «ترجمه صحیفه‌ی سجادیه»؛ «ترجمه مفاتیح الجنان»؛ و «تصحیح و تحشیه‌ی تفسیر ابوالفتوح رازی». [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

منابع زندگینامه: [۱] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۵-۵۳)، الذریعه (۱۱۳۵، ۹۲ / ۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۳۹-۳۳۴ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۸۵)، گلزار معانی (۴۵۸-۴۵۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۶-۱۰۸ / ۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۰-۳۶۸ / ۶).

الهی منش، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا الهی منش

محل تولد: محلات

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۸ دیپلم ریاضی و فیزیک گرفتم و بلافاصله وارد حوزه علمیه قم شدم. تمام تحصیلات سطح و بخشی از درس خارج من در مدرسه حقانی (و شهیدین) بوده است.

اساتید اینجانب جناب آقای شب زنده‌دار در منطق، جناب علی آقای قمی و آقای طباطبایی در اصول فقه و معالم و مرحوم آیت الله مصلحی در رسائل و مکاسب و کفایه و بخشی از خارج، اعشاقی، رحمانی، فیاضی و آیت الله مصباح در فلسفه، مرحوم آیت الله تبریزی در فقه خارج و آقای حاج سید کاظم حائری در فقه و اصول خارج و جناب آیت الله خرازی و استادی و عندلیب در تحقیقات فقهی و اصولی به مدت پنج سال.

در سال ۱۳۷۲ وارد موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته کلام جدید (دین‌شناسی) در کارشناسی ارشد مشغول شدم و در ۱۳۵۸ از پایان‌نامه حوزه با عنوان "نقد و ترجمه بخش اسماء و صفات کتاب فلسفه دین پویمن" دفاع نمودم. در سال ۱۳۸۲ برای ادامه تحصیلات در دکتری کلام جدید (گرایش فلسفه دین) در تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم. هم‌اکنون مشغول تدوین پایان‌نامه خود تحت عنوان "ساحات وجودی انسان و تأثیرات آنها بر یکدیگر از نگاه قرآن و عرفان شیعی" می‌باشم. اساتید راهنمای مشاور: جناب آقای دکتر محسن جهانگیری و دکتر پازوکی. همچنین به وسیله دکتری و هیئت علمی مرکز عالی ادیان و مذاهب در رشته عرفان و تصوف (گرایش عرفان تطبیقی بین‌الادیان) می‌باشم.

الهی نژاد، واحد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

واحد الهی نژاد

محل تولد: خرم آباد (بخش پاپی)

شهرت

تابعیت: ایران زندگینامه علمی

واحد الهی نژاد فرزند شمس الله متولد پاپی خرم آباد. وی پس از تحصیلات ابتدایی و راهنمایی در زادگاهش برای ادامه تحصیل به درود لرستان رفت و مدرک دیپلم را گرفت. در سال ۱۳۶۹ ش وارد حوزه علمیه مهدیه علی گودرز شد. پس از دو سال به مدرسه مروی در تهران رفت و در ۱۳۷۵ وارد حوزه علمیه قم شد و پس از پایان سطح به مدت ۲ سال در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات. محمد فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی شرکت کرد. همچنین مدرک کارشناسی فلسفه غرب را از دانشگاه مفید قم دریافت کرد. او همزمان تحصیل در تهران به تدریس در حوزه اشتغال یافت. همچنین در دانشگاه آزاد اسلامی شهر کرد و خرم آباد به تدریس پرداخت. وی از آیت الله سید علی خامنه ای اجازه تصدی امور حسبه را دارد

امجد، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله شیخ محمود امجد به سال ۱۳۱۸ هـ ش در خانواده ای روحانی در شهرستان کنگاور از توابع شهر «کرمانشاه» به دنیا آمد، پدرش از واعظان توانا و از علمای آن دیار بود که به عنوان پایگاهی در مسیر ایران به کربلا، میزبان علمای هم عصر خویش بود. و جدش از عالمان ذی فنون ملقب به «افصح المتکلمین» بود. پدر بزرگ ایشان از علما و شعرای با اخلاص و ارادتمند خاندان عصمت و طهارت است که تضمین های عاشورایی ایشان از اشعار حافظ مشهور است. در حدود ۱۸ سالگی تحصیلات جدید را رها و به انگیزه تحصیل علوم دینی به شهر مقدس قم مشرف شد و در مدت کوتاهی دوره مقدمات و سطح را به پایان رسانده و به دروس خارج مشغول گردید. در درس خارج فقه و اصول از محضر استادانی چون حضرات آیات عظام: امام خمینی، داماد، حاج آقا حسین فاطمی، بهاء الدینی و بهجت - قدس الله اسرار الماضین، و دامت برکات الباقین منهم - و در فلسفه و عرفان عملی از محضر پربار علامه طباطبایی قدس سره استفاده فراوان برد. و در حدود ۲۰ سال پایان عمر گهربار معظم له با ایشان انس داشت و در جلسات عمومی و خصوصی ایشان شرکت می کرد ارادت علامه نیز به ایشان مشهود بوده است بطوری که می فرموده اند به او امجد کرمانشاهی نگوئید بلکه امجد کربلایی بگوئید. بزرگترین استاد اخلاق و عرفان ایشان مرحوم آیت الله العظمی بهاء الدینی است که از سال ۱۳۵۱ هـ ش. با آیت الله العظمی بهاء الدینی مأنوس و استفاده فراوان برد. و نیز در حدود سال ۱۳۵۰ با آیت الله العظمی بهجت - دامت برکاته - مرتبط شد و افزون بر بهره برداری از دروس خارج فقه و اصول آن عارف ارتباط خاص و نزدیک با معظم له داشت و اینک حدود یک دهه است که ایشان در تهران ساکن و دانشجویان و جوانان از جلسات بهره های اخلاقی می برند و علامه طباطبایی می گفت: «ایشان قوی است.» روش تربیتی و رفتاری و اخلاق اجتماعی و زهد بی نظیر ایشان باعث شده، جوانان خصوصا دانشجویان، این عالم گرانقدر را همچون نگینی در آغوش بگیرند. مباحث اخلاقی و نماز جماعت ایشان در مسجد

کوی دانشگاه تهران و مراسمی چون عزاداری ایام محرم و احیاء شبهای قدر، همه عاشقان فضیلت را به سوی خویش جذب کرده است. از خصوصیات بارز ایشان اخلاص عجیب و بی‌اعتنایی او به دنیاست به طوری که بسیار دیده‌اند که مجالس بسیار کوچک و در ظاهر کم‌اهمیت و افراد بی‌نام و نشان را بر مجالس بسیار بزرگ ترجیح داده‌اند. آنچه در نظر ایشان اهمیت دارد ارادت و اخلاص به اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام است. عشق به جوانان، دلسوزی برای آنان و محبت پدران ایشان باعث شده است که جوانان هم به او عشق ورزند و با ایشان رابطه‌ای صمیمی داشته باشند.

امین، نصرت

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(۱۴۰۵ - ۱۳۰۸ ق)، عالم و مجتهد. آمنه بیگم حاجیه نصرت‌خانم، فرزند حاج سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در اصفهان متولد شد. دایی‌اش آیت‌الله شریعت اصفهانی بود. از کودکی به تحصیل پرداخت و پس از فراگیری مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، فقه و اصول و علوم معقول و منقول و حکمت و کلام را نزد آیت‌الله آقاسید علی مجتهد نجف‌آبادی و آقاسید ابوالقاسم دهکردی تکمیل کرد و به مرتبه‌ی استنباط رسید. پس از امتحانات کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقامیرزا ابراهیم اصطهباناتی شیرازی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌الله حائری یزدی و آیت‌الله نجفی مرعشی؛ و اجازه‌ی روایت از آقاشیخ محمدرضا نجفی مسجدشاهی نائل آمد. تمام عمر را به تألیف و تدریس گذراند و مدرسه‌ای به نام مکتب فاطمه (س) تأسیس کرد که در آن زنان و دختران ایرانی به تحصیل و کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آیت‌الله میرزا آقای شیرازی در اجازه‌نامه‌اش به وی، او را با این اشعار توصیف کرده است.

فَلَوْ كُنَّ النِّسَاءُ بِمِثْلِ هَذِي

لَفَضَّلْتُ النِّسَاءَ عَلَى الرِّجَالِ

فَلَا التَّائِيثُ لِاسْمِ الشَّمْسِ عَارِ

و لَا التَّنْذِيرُ فِخْرٍ لِلْهَيْلِ

وی آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد از جمله آثارش: «الاربعین الهاشمیه»، «شرح چهل حدیث»؛ «اخلاق و راه سعادت بشر»، که ترجمه و اقتباسی است از «طهاره الاعراق فی تصحیل الاخلاق» ابن مسکویه؛ «روش خوشبختی و توصیه به خواهران»؛ «سیر و سلوک»، در روش اولیاءالله؛ «مخزن العرفان» و «کنز العرفان»، در علوم قرآن؛ «تفسیر قرآن»، در پانزده جلد؛ «معاد یا آخرین سیر بشر»؛ «النفحات الرحمانیه فی الواردات القلبیه»، حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ «مخزن اللئالی فی فضایل مولی الموالی» [۱].

۱۳۰۸ ق - ۱۳۶۲ ش، حاجیه نصرت خانم از زنان دانشمند معاصر. پدرش حاج سید محمدعلی بن حسن حسینی مشهور به امین‌التجار اصفهانی و مادرش دختر حاج سید مهدی جناب و دایی‌اش مرحوم شریعت اصفهانی بود. از اوآن کودکی در اصفهان به تحصیل پرداخت و پس از آموزش مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، سالیانی دراز در فقه و اصول فرائد و فصول و کفایه و خارج صلاحت و طهارت، و در کلام دو جلد شوارق، و در فلسفه از ابتدا تا الهیات اسفار را در خدمت آقا میر سید علی نجف‌آبادی آموخت و هر چند که در این ضمن به عقد ازدواج پسر عم خویش حاج میرزا آقا معین‌التجار درآمده بود و تعهد وظائف خانه‌داری می‌کرد، کمال سعی در تحصیل مبذول می‌داشت.

بر اثر این گونه استقامت و بذل سعی به مراقب علمی والائی رسید و از پی امتحان کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقا میرزا آقای اصطهباناتی و حاج شیخ محمد کاظم شیرازی و آیت‌الله نجفی مرعشی و همچنین اجازه‌ی روایت از آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی نائل آمد. خانم امین عمر خود را یکسره به تالیف و تدریس گذراند. مدرسه‌ای به نام «مکتب فاطمه» تاسیس کرد که زنان و دختران در آن به کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آثار بسیاری تألیف کرد که از آن جمله‌اند، الاربعین الهاشمیه (۱۳۲۸ ش) که ترجمه و اقتباسی است از اخلاق ابن مسکویه؛ روش خوشبختی و اقتباسی است از اخلاق ابن مسکویه؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران (۱۳۷۱ ق)؛ سیر و سلوک در روش اولیاء (۱۳۲۳ ش)؛ مخزن‌العرفان (۱۳۲۶ ش به بعد)؛ تفسیر کامل قرآن در ۱۵ جلد؛ معاد یا آخرین سیر بشر (۱۳۲۶ ش)، النفحات الرحمانیه فی الواردات القلبیه (۱۳۶۹ ق) حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ مخزن‌اللثالی در فضل مولی‌الموالی. خانم امین آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد. [۲]

مجتهد، فقیه، مدرس.

تولد: ۱۲۶۵، اصفهان.

درگذشت: ۲۳ خرداد ۱۳۶۲، اصفهان.

حجت‌الاسلام سیده نصرت بیگم امین (معروف به بانوی ایران) فرزند سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در چهار سالگی برای آموزش قرآن و فراگیری خواندن و نوشتن راهی مکتب شد.

بانو امین همچنان به تحصیل ادامه می‌داد تا اینکه در پانزده سالگی با پسر عموی خود حاج میرزا ملقب به معین‌التجار که از بازرگانان سرشناس و معتبر اصفهان بود ازدواج نمود و به خانه‌داری و تربیت فرزندان مشغول شد. اما این امر مانع ادامه تحصیل و مطالعه و تحقیق وی در معارف اسلامی نشد و به تحصیل صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، علم حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان پرداخت و با وجود مشکلاتی که در فضای حاکم بر آن ایام برای زنان در امر تحصیل وجود داشت، طلبگی و تحصیل خود را در سطوح عالی نیز ادامه داد تا اینکه در چهل سالگی مرتبت و تسلط علمی ایشان مورد تأیید مراجع تقلید وقت قرار گرفت و به دریافت درجه‌ی اجتهاد و روایت نایل شد. بانو امین از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتب، تدریس، پاسخگویی به پرسش‌های دینی و ارشاد دختران و زنان پرداخت.

آثار ایشان عبارتند از: اربعین الهاشمیه (به زبان عربی، ۱۳۵۶ ق.)؛ جامع‌الشتات (زبان عربی) معاد یا آخرین سیر بشر (تهران، ۱۳۲۶، تبریز چاپ دوم، ۱۳۳۴)؛ نفحات الرحمانیه فی الواردات القلبیه (به زبان عربی، اصفهان، ۱۳۶۹)؛ اخلاق (ترجمه کتاب ابن مسکویه)؛ مخزن‌العرفان (تفسیر قرآن در پانزده جلد)؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی (تهران، ۱۳۳۱، این کتاب در تبریز و اصفهان نیز به چاپ رسیده است)؛ مخزن‌اللثالی در مناقب مولی‌الموالی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ سیر و سلوک؛ در روش اولیاء و طریق سیر سعدها (اصفهان ۱۳۲۳).

حجت‌الاسلام امین در سال ۱۳۴۴ با سرمایه خود مکتبی به نام «فاطمه سلام‌الله علیها» و نیز دبیرستانی دخترانه تأسیس کرد تا فضایی برای ادامه تحصیل بانوان فراهم آید. ایشان همچنین در کانون تبلیغات و تعلیمات دینی بانوان اصفهان به تدریس معارف و تفسیر قرآن می‌پرداخت.

مزار بانو امین در اصفهان قرار دارد.

برگرفته از کتاب: مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی

منابع زندگینامه: [۱] تذکره القبور (۴۴۵)، الذریعه (۲۴/۲۴، ۲۰/۲۲۹)، علماء معاصرین (۳۲۵-۳۱۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۱۶-۱۱۴/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۵۹-۵۵۷/۶).

[۲] منبع: دایره‌المعارف تشیع، ۵۲۷/۲.

انتظام، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد انتظام

محل تولد: چناران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۶ در روستای فریزی از توابع مشهد مقدس متولد شدم. دوران ابتدایی را در همان روستا تحصیل نمودم و در سال ۱۳۵۲ جهت تحصیل دروس حوزوی به مشهد مقدس آمدم. دروس مقدماتی را در مدرسه حاج آقای موسی نژاد، رسائل را در محضر استاد عباسپور و مکاسب را در محضر آیت الله فلسفی و کفایه را محضر استاد رضا زاده فرا گرفتم.

از سال ۱۳۵۸ در درس خارج فقه آیت الله فلسفی و پس از آن درس خارج اصول مرحوم آیت الله علم الهدی شرکت کردم که تا سال ۱۳۷۲ ادامه یافت. از سال ۱۳۶۰ از محضر آیت الله سید عزالدین زنجانی خارج فقه «جواهر الکلام» را همراه با دروس فلسفه و عرفان فرا گرفتم. حدود شش سال نیز در محضر استاد بزرگ فلسفه و عرفان مرحوم سید جلال الدین آشتیانی فلسفه و عرفان اسلامی را آموختم. به دلیل علاقه به فلسفه اسلامی، در این مدت با استفاده از نوارهای درسی آیت الله انصاری شیرازی، آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی از دروس فلسفه این بزرگان «شرح منظومه، نهایه الحکمه، الهیات، شفا و اسفار» بهره بردم.

در سال ۱۳۷۲ پس از شرکت در آزمون ورودی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم مشغول به تحصیل شدم و پس از آن، دوره دکتری فلسفه تطبیقی را نیز در همین مرکز گذراندم.

در قم نیز با شرکت در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و خارج فقه آیت الله تبریزی از محضر این بزرگان بهره مند بودم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی در مشهد و قم به تدریس دروس مختلف در دانشگاه و حوزه نیز اشتغال داشته ام.

اوحد سبزواری، خواجه فخرالدین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۶۸ ق)، منجم، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به اوحد. از اعیان سبزواری و از خاندان مستوفی آن سامان و از معاصران امیرعلیشیر نوایی، شیخ آذری، مولانا یحیی سبیک و مولانا حسن سلیمی تونی و امیرشاهی سبزواری بود. با وجود فضل و حکمت مشرب فقر و درویشی داشت و همیشه جمعی از وی استفاده می‌بردند. بنا به گفته‌ی دولت‌شاه یک هزار جلد کتاب فارسی و عربی جمع کرد و آن را به خط خود تصحیح و مقابله نمود، وی در سبزواری درگذشت. اثر وی: «دیوان» اشعار مشتمل بر قصاید و غزلیات

و مقطعات است و قصاید غزا در مدایح ائمه (ع) گفته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۳۹۸-۳۹۷/۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۰۴-۳۰۳)، تذکره‌ی روز روشن (۹۱)، الذریعه (۱۱۱/۹)، ریحانه (۲۰۰/۱)، الکنی واللقاب (۲۰۰/۲)، لغت‌نامه (ذیل / اوحد)، مجالس المؤمنین (۶۶۸-۶۶۷/۲)، مجالس النفائس (۲۶، ۲۰۰).

اوستا، مهرداد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شاعر.

تولد: ۲۰ بهمن ۱۳۰۸، بروجرد.

درگذشت: ۱۷ اردیبهشت، ۱۳۷۰، تهران.

محمدرضا رحمانی یاراحمدی مشهور به مهرداد اوستا که در شعر «اوستا» تخلص می‌کرد، از ده سالگی به سرودن شعر پرداخت و نخستین شعری را که سرود در سوگ امام حسین (ع) بود. بعد از پایان دوره‌ی دبستان در سال ۱۳۲۱، برای تحصیلات متوسطه به تهران آمد و پس از تحصیل در یکی از دبیرستان‌های شبانه در سال ۱۳۲۷ دیپلم ادبی گرفت. در همان سال همکاری با آموزش و پرورش (به عنوان مسئول سامان داده به کتابخانه‌های موجود در این وزارتخانه و تأسیس کتابخانه‌های شهرستان‌ها، اصلاح متون و مقالات و کتب ادبی این وزارتخانه، تدریس در چند دبیرستان) آغاز و همزمان وارد دانشگاه شد و در سال ۱۳۳۰ از دانشکده معقول و منقول (دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی تهران) موفق به دریافت مدرک کارشناسی شد و سپس به ادامه‌ی تحصیل پرداخت و کارشناسی ارشد خود را در همین رشته گرفت. در شهریور ۱۳۳۲ به سبب طرفداری از دکتر محمد مصدق، مخالفت با شاه و سخنرانی‌های انقلابی در جریان کودتای ۲۸ مرداد دستگیر و به مدت هفت ماه زندانی شد. ضمناً همان سال اوستا به تصحیح و چاپ دیوان سلمان ساوجی اقدام نمود. در سال ۱۳۳۳ رساله‌ای در فلسفه، منطق و روان‌شناسی و اخلاق را منتشر ساخت و شروع به تدریس در دانشگاه تهران نمود. سپس کتاب فلسفی عقل و اشراق و پس از آن رسائل خیام (نوروزنامه- رساله‌ی موجود) را با مقدمه و تحقیق در زندگی خیام تحقیق و منتشر کرد.

در سال ۱۳۳۵ با سباستین مونه، فیلسوف و شرق‌شناس فرانسوی، آشنا شد و نزد ایشان شروع به تحصیل فلسفه تکمیلی نمود و در مقابل، عرفان مشرق زمین و آثار عرفای اسلامی از جمله مولوی و عطار نیشابوری را به مونه درس می‌داد. این ارتباط تا سال ۱۳۳۹ ادامه داشت. در این سال اولین مجموعه شعر خود را به نام کاروان از دست رفته را منتشر ساخت. سال‌ها بعد پالیزبان، حماسه آرش و از امروز تا هرگز را منتشر ساخت. در تابستان ۱۳۴۶ برای نخستین بار برای مدت یک ماه به کشورهای فرانسه، انگلستان و ایتالیا سفر کرد. دو سال بعد کتاب اشک و سرنوشت که گزیده‌ای از شاهکارهای ادبی جهان است و سپس روش تحقیق در دستور زبان فارسی و شیوه نگارش را منتشر کرد. در سال ۱۳۴۹ برای بار دوم به اروپا سفر کرد و در مدت اقامت یک ماه‌اش در فرانسه و سوییس با ژان پل سارتر ارتباط برقرار کرد. این ارتباط چندین سال ادامه داشته است. در تیر ۱۳۵۱ مجموعه‌ی شعر شراب خانگی ترس محتسب خوره را به رشته‌ی تحریر درآورد که در همان سال توقیف شد. در خرداد ۱۳۵۲ کتاب انتقادی تیرانا را منتشر کرد که این کتاب هم توقیف شد. ضمناً به سبب طرح پاره‌ای از مسائل و از جمله ذکر نام حضرت امام خمینی (ره) در این کتاب مدت یک سال ممنوع‌القلم گردید. در تابستان ۱۳۵۶ به فرانسه و سوییس رفت و با سید محمدعلی جمالزاده در ژنو دیداری داشت. در شهریور

۱۳۵۹ نیز یک ماهی در فرانسه اقامت گزید و در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی این کشور سخنرانی‌هایی نمود. با شروع جنگ تحمیلی بارها در جبهه‌ها و مناطق جنگی حضور داشت. در سال ۱۳۶۰ مجموعه شعر امام حماسه‌ای دیگر را ساخت. در زمستان سال ۱۳۶۲ جهت معالجه بیماری قلبی و بازگردانیدن چند کتاب ارزشمند خطی به کشور که در سال‌های انقلاب به فرانسه منتقل شده بود، برای مدت یک ماه به فرانسه رفت. در زمستان ۱۳۶۷ به پاکستان رفت و چندین سخنرانی درباره‌ی شخصیت حافظ و آثار او ایراد نمود. ضمناً مجتمع هنر و ادبیات مقدس طی مراسمی در تالار وحدت در سال ۱۳۶۷ لوح دست خط زرین حضرت امام (ره) و دیپلم افتخار و سکه‌ی یادبود مجتمع را به مهرداد اوستا به عنوان برگزیده‌ی بخش شعر اهدا نمود. در سال ۱۳۶۹ نیز خلیل‌الله خلیلی، قصیده‌سرای افغانی، سخنرای نمود. استاد اوستا، طی سال‌های تدریس در مراکز چون دانشگاه‌های تهران، ملی، مدارس عالی ترجمه و پارس، مجتمع عالی هنر، فلسفه تاریخ هنر، تاریخ اجتماعی هنر، روش تحقیق هنر در اروپا، روش تحقیق هنر در شوق، ادبیات جهان، ادبیات نمایشی، زیبایی شناسی، روش تحقیق در زیبایی شناسی، به تدریس تاریخ موسیقی اشتغال داشت. آخرین سال‌های تدریس استاد ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ بود که در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران تاریخ موسیقی تدریس می‌کرد. وی همچنین مشاور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود.

استاد اوستا با اینکه بیشتر به قصیده‌سرایی متمایل بود در زمینه‌های دیگر شعر همانند غزل، مثنوی، دو بیتی‌های پیوسته، رباعی و غیره نیز تسلط داشت. از نظر قالب به شیوه شعرای خراسانی و بیشتر پیرو ناصر خسرو، خاقانی و مسعود سعد بود و در اندیشه‌های شاعرانه‌اش غالباً دقایق فلسفی و تفکرات حکیمانه را می‌پرواند. وی معتقد بود که «یک هنرمند باید فرزند زمان خود باشد و اگر احوال خود نیازمندی‌های زیادی از نظر مادی ندارد باید آنقدر روحیه‌ی حساس و تأثیر پذیری داشته باشد که درها و نیازمندی‌های اکثریت مردم را درک کند و آینه‌ی گویای رنج و شادی مردم زمان باشد.»

فهرست آثارش (هرچند برخی از کتاب‌هایی که در زیر آمده در هیچ کتابخانه‌ای یافت نشد، معهداً عنوان آن در اینجا ذکر شد). به این شرح است: از امروز تا هرگز (نثر داستانی، ۱۳۴۵)؛ از کاروان رفته (شعر، ۱۳۳۹)؛ اشک و سرنوشت (قطعه‌های ادبی، ترجمه، شعر)؛ امام، حماسه‌ای دیگر (۱۳۶۸)؛ پالیزبان (شعر، ۱۳۴۲)؛ پرینان (شعر)؛ تحلیل فلسفی علمی پیرامون اصول ادیان؛ رسائل خیام؛ نوروزنامه - رساله وجود (تصحیح، مقدمه و تحقیق در زندگی خیام)؛ تصحیح دیوان سلمان ساوجی؛ تصحیح و تحقیق کلیات شیخ سعدی؛ تعریف و توجیه انسان؛ تیرانا (نثر انتقادی، ۱۳۵۲)؛ حماسه آرش (شعر، ۱۳۴۴)؛ راما (شعر ۱۳۷۰)؛ رساله‌ای در منطق؛ فلسفه؛ روان شناسی و اخلاق، روش تحقیقی در تاریخ هنر؛ روش تحقیق در تحولات فکری و فلسفی در اروپا و آسیا؛ روش تحقیق در دستور زبان و شیوه نگاش (۱۳۴۸)، روش تحقیق در زیبا شناسی؛ روش تحقیق در بیان فلسفی اسطوره‌ها؛ روش تحقیق در بیان دین و اخلاق؛ سرود ناتمام (مجموعه شعر از عبدالله صالحی سمنانی، با دیباچه‌ای از استاد اوستا، ۱۳۵۳)؛ سیر مکاتب هنری در ایران؛ شراب خانگی ترس محتسب خورده (شعر، ۱۳۵۱)؛ عدالت، حکومت، جامعه، عقل و اشراق؛ کارنامه‌ی شعر معاصر پارسی؛ لحن شناسی (پیرامون آثار و افکار بزرگان سخن ایران)؛ مجموعه مقالات، مقدمه‌ای بر دیوان حافظ، مکاتب فلسفی در آسیا؛ مکاتب فلسفی در اروپا؛ مکاتب هنری در اروپا؛ مکاتب هنری در شرق؛ منطق حماسی مهابهارات؛ منطق کلام حافظ؛ منطق کلام فردوسی؛ نامه‌ها؛ نقد و بررسی آثار سنائی.

استاد مهرداد اوستا سرانجام در روز هفدهم اردیبهشت ۱۳۷۰ به هنگام اشتغال به تصحیح شعر و تعلیم، در تالار وحدت - شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - در ساعت ۱ / ۳۰ بعدازظهر به سبب سکته‌ی قلبی در گذشت و فردای آن روز پیکر وی در بهشت زهرا در مقبره‌ی مشاهیر فرهنگ، ادب و هنر ایران در کنار مجتبی مینوی و مشایخ فریدنی (حجره ۹۵۳) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدحسین اویسی فرزند غلامعلی اویسی قزوینی (۱۳۳۶ - ۱۴۱۱ ق) از علمای اعلام و مدرسان نامدار حکمت و فلسفه در قزوین بود. وی پس از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم به پایان رساند، به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه پرداخت. او آثاری چند در حوزه علوم قرآنی به تالیف رسانده است. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: شیخ محمدحسین فرزند غلامعلی اویسی قزوینی (۱۳۳۶ - ۱۴۱۱ ق) از علمای اعلام و مدرسان نامدار حکمت و فلسفه در قزوین بوده است. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: شیخ محمدحسین اویسی مقدمات علوم و فنون ادب را در زادگاه خود فراگرفت. در حدود سال ۱۳۷۲ ق به قم هجرت نموده و در مجلس درس بزرگان حوزه حاضر گردید. استادان و مربیان: محمدحسین اویسی دروس طلبگی همچون صرف و نحو و... را در قزوین نزد سید احمد عمادحاج سیدجوادی و شیخ مهدی قاضی فراگرفت و سپس مشغول تحصیل در فقه و اصول گردید و فلسفه را از محضر فیلسوف شهیر، شیخ ابوالحسن رفیعی قزوینی استفاده کرد. وی پس از آنکه به قم مهاجرت نمود، خارج فقه را از محضر آیت الله بروجردی استفاده کرد و برای یادگیری اصول درس شیخ عباس شاهرودی و سیدمحمد داماد حاضر شد. اویسی سالیان متمادی از محضر درس علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان استفاده کرد. فعالیت‌های آموزشی: محمدحسین اویسی پس از آنکه تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم به پایان رساند، به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه پرداخت. سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: محمدحسین اویسی همراه با تدریس، به تالیف و تفسیر قرآن نیز پرداخت. او تفسیر خود را مدت سی سال در چندین مجلد جمع و تالیف نموده است. آرا و گرایش‌های خاص: شیوه و روش محمدحسین اویسی در تفسیر قرآن بدین گونه است که پس از ذکر آیه با بهره‌گیری از روایات، به تفسیر آن می‌پردازد و در ضمن آن اقوال دیگر مفسران، مانند فخر رازی را بیان کرده و مورد نقد عالمانه قرار می‌دهد و سپس برای روشن‌تر شدن بحث به اشعاری از شاعران قدیم تمسک می‌کند. آثار: تفسیر اویسی ویژگی اثر: این تفسیر به زبان فارسی و ثمره جلسات تفسیر قرآنی است که شبهای ماه رمضان برای مردم و طلاب در طول سی سال بیان داشته است و سپس آن را جمع‌آوری و به صورت کتاب مستقلی درآورده است.

منابع زندگینامه: قرآن پژوهان قزوین، تالیف: سیدمحمدعلی ایازی، تهران: موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، ص ۱۴۸

ایرانی، مصیب

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصیب ایرانی

محل تولد: سنقر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۳/۹

زندگینامه علمی

اینجانب مصیب ایرانی تحصیلات ابتدائی و راهنمایی را در شهرستان سنقر به اتمام رسانده و در سال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه امام خمینی (ره) شهر کرمانشاه شده، همزمان با دروس حوزه مدرک دیپلم متوسطه اخذ نموده و بعد از پایان مقدمات در سال ۱۳۷۵ وارد حوزه علمیه قم شدم و در دروس آقایان حجت الاسلام احدی و استاد دریا باری شروع به ادامه دروس حوزه نمودم. همزمان در قم و حضور در دروس اساتید مذکور دوره تربیت مربی (دفتر تبلیغات) و آموزش مبلغین این مرکز و حضور در موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) دوره امام شناسی با گرایش اندیشه سیاسی (کارشناسی ارشد) به پایان رساندم. در حال حاضر نیز دروس خارج فقه استاد قاضی زاده و شرح منظومه استاد دریا باری را تلمذ می‌نمایم.

و سلام توفیقات روز افزون را از ایزدمنان خواهانم خداوند ما را از الطاف خود و اولیائش محروم نکند..

ایزد پناه، عباس

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباس ایزد پناه

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

آدرس اینترنتی

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ سوم راهنمایی را به پایان رساندم و در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه قم شدم. تا سال ۱۳۶۴ دروس سطح را همراه با فلسفه و کلام و تفسیر به پایان رسانده و وارد دوره اشارات بوعلی و درس خارج فقه اصول شدم. در سال ۱۳۶۴ کتاب اصول سیاستها و احزاب را انتشار دادم و در سال ۱۳۶۷ وارد فوق لیسانس فلسفه و الهیات دانشگاه شدم. مدت ۲ سال در دانشگاه تربیت معلم تبریز تدریس فلسفه و کلام و در سال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه قم شدم. ابتدا عضو هیأت علمی - پژوهشی شدم و پس از آن به تدریس پرداختم. از سال ۱۳۷۲ مقالات علمی من از کنگره علامه طباطبایی تبریز آغاز شد و مقاله در کیهان در دو شماره به چاپ رسید. در سال ۱۳۷۳ مقاله ام در دانشگاه امام حسین (ع) پذیرفته شد که بررسی تحریف شناسی عاشورا در پرتو انسان شناسی بود. پس از آن مدت حدود ۸ سال مقالات علمی ام در روزنامه های اطلاعات، کیهان و مجلات علمی به چاپ رسید که به حدود ۹۰ مقاله می‌رسد. در سال ۱۳۸۰ وارد دوره دکتری فلسفه تطبیقی شدم همزمان با آن در دانشگاه قم فلسفه علم، فلسفه اخلاق و کلام و عرفان تدریس می‌کنیم و در ضمن در سال ۱۳۸۳ طی ۶۰ برنامه علمی رادیو معارف به بررسی مبانی جنبش نرم افزاری پرداختم و پس از آن در معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات حدود ۱۰ کارگاه علمی برگزار کرده ام. این فعالیت هم اکنون به یاری حضرت حق ادامه

دارد. هم اکنون دهها طرح و برنامه در دست تحقیق و تالیف دارم که در شرایط مقتضی ان شاء الله ارائه خواهند شد. گرایش عمومی اینجانب فلسفه علم، هنر و ادبیات و علوم دین است. آنچه که دغدغه اصلی من در تحقیقات تألیفات است اصل جامع نگری به مسائل و تحقیق همه جانبه است. منابع زندگینامه: پایگاه اندیشوران حوزه

ایزدجو، تقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تقی ایزدجو

محل تولد: آشتیان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۶ در آشتیان هستم سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمی آشتیان شدم پس از دروس مقدماتی (جامع المقدمات، سیوطی، مغنی، منطق مظفر، مختصر، مختصر المعانی، شرح لمعه و اصول فقه) و شرکت در دروس جنبی عقاید و تاریخ اسلام و نهج البلاغه که توسط حضرات حجج الاسلام محمدرضا آشتیانی و محمدجعفر امامی عصر روزهای چهارشنبه برگزار می‌شد در سال ۱۳۶۵ راهی حوزه علمی قم شدم. و در امتحانات کتبی شورای مدیریت (که گویا اولین سال برگزاری آن بود) شرکت کردم و با نمره عالی قبول شدم و در امتحانات شفاهی که از سیوطی، مختصر و مغنی تا لمعتین و وصولین برگزار شد قبول شدم. و در مدرسه رسول اکرم (ص) واقع در خیابان شاه ابراهیم ساکن شدم. اولیه دورس لمعه و اصول را در قم در محضر استاد وجدانی فخر و صالحی اطفالی به پایان بردم. کفایه را پای درس استاد اعتمادی ششم و مکاسب را در حضور مرحوم پایانی تلمذ کردم و رسایل را از حضور استاد تهرانی بهره بردم. در طی سال‌های ۶۵ تا ۶۹ پای درس تفسیر آیت الله جوادی که آغاز دوره تفسیر ایشان بود حاضر می‌شدم. سال ۶۵ سطح ۴ و ۵ و ۶ را امتحان دادم سال ۶۶ تا سال ۱۳۶۹ پایه‌های ۷ و ۸ و ۹ قدیم را گذراندم و فقط امتحان شفاهی پایه آخر مانده بود که به علت سفر به شهرستان ایذه از طرف مرکز مدیریت حوزه علمی برای تدریس دروس حوزوی در سال ۷۳ انجام شد. در سال ۱۳۷۰ به دعوت مسئول حوزه علمی شهرستان ایذه از شهرستانهای استان خوزستان به این شهرستان هجرت کردم که با هماهنگی حوزه علمی قم (شورای مدیریت) بود و در شهرستان ایذه به تدریس مقدمات از سیوطی، مغنی اللیب، حاشیه، مختصر المعانی و قسمت متاجر عصر پرداختم و پس از گذشت سه سال از تدریس در این شهرستان در سال ۱۳۷۳ به علت قبولی در دانشگاه (مجتمع آموزش عالی قم) در رشته فلسفه در مقطع کارشناسی به قم بازگشتم. و طی چند سال در این مقطع مدرک تحصیلی آن را به دست آوردم. در سال ۷۳ پس از بازگشت از ایذه و در کنار تحصیل در دانشگاه پای درس اصول آیت الله سبحانی و اصول آیت الله مکارم حاضر می‌شدم (البته نه به طور کامل). و به علاوه در قسمت تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی قم در بخش معجم بحار الانوار مشغول به کار شدم که حاصل آن همکاری‌ها در چند جلد چاپ شده و در سال ۷۵ به عنوان کتاب سال برگزیده شد با پایان یافتن کار تدوین معجم بحار الانوار با ستاد منطقه ۲ سازمان تبلیغات شروع به همکاری کردم و به عنوان مسئول بخش نقد و بررسی کتاب برای مناطق اهل سنت به مدت دو سال به انجام وظیفه پرداختم و هنگامی که به بی‌فایده بودن این کار

پی بردم از این نهاد جدا شدم. و در سال ۱۳۷۶ با هدف تعلیم و تربیت نسل جوان و جویای حقیقت به استخدام آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران درآمدم که هنوز هم همکاری با این نهاد ادامه دارد. در سال ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام دانشگاه قم پذیرفته شدم و پس از پایان دروس تئوری و در حالیکه پایان‌نامه را رو به پایان داشتم به علت برخی مشکلات از ادامه تحصیل دست کشیدم و در سال ۱۳۸۲ تدریس در دانشگاه را آغاز کردم. و هم‌اینک نیز تدریس دروس معارف ۱ و ۲ اخلاق اسلامی و متون را هر ترم تدریس می‌نمایم. تحصیلات حوزوی سال ۷۶ برای ارائه به آموزش و پرورش مدرک سطح ۲ را اخذ کردم و برای سطح ۳ نیز در سال ۱۳۸۰ موضوع گرفته بودم ولی پیگیری نکردم. در سال ۱۳۶۹ در بخش گزینش قضات فیضیه مدرک را کامل کردم و در سال ۷۰ دعوت به دوره شدم ولی نفرتم اما اکنون طی سال‌های اخیر این مدرک را دوباره ارائه داده و به احتمال زیاد امسال (۱۳۸۶) جذب قوضه قضائیه شوم برای اشتغال به امیر خطیر قضا.

ایزدی، میرزا اسحاق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله حاج میرزا اسحاق ایزدی در سال ۱۲۵۱ (سوم صفر ۱۲۹۰ هجری قمری) ، در قزوین متولد گردید. پس از دوران کودکی ، جهت کسب علوم دینی نزد اساتید و پدر خود مشغول به تحصیل شد. پس از آنکه سطوح را در قزوین آموخت ، در سال ۱۳۱۳ با برادرش آیت الله حاج میرزا باقر به اصفهان عزیمت کرد. او مدت سه سال به کسب فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت و از اساتید آن سامان بسیار بهره برد. سپس در سال ۱۳۱۶ رهسپار نجف گردید و با کسب علوم عالیہ اسلامی به درجه اجتهاد رسید. وی در سال ۱۳۲۶ هـ ق به قزوین بازگشت و در زادگاه خویش به تدریس علوم پرداخت. همچنین در ۲۴ خرداد ۱۳۱۰ از طرف دولت وقت محضرخانه ی شماره یک اسناد رسمی را به میرزا اسحاق واگذار گردید و تا پایان حیات آن مسئولیت به عهده داشت و چون مرد دقیقی بود و در انجام معاملات منتهای دقت را می کرد ، از آن جهت هیچ گاه دیده یا شنیده نشد که یک معامله فاسد در محضر وی انجام شده باشد. آیت الله حاج میرزا اسحاق ایزدی سرانجام در نوزدهم آبان ۱۳۲۲ شمسی دارفانی را وداع گفت. گروه : علوم انسانی‌رشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : حاج میرزا اسحاق فرزند خلف حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مولا عبدالله بن ملا محمدباقر بن ملا سلیمان ایزدی ، که همگی از سلسله خاندان روحانیت با نفوذ بودند. تحصیلات رسمی و حرفه ای : میرزا اسحاق ایزدی پس از دوران کودکی ، جهت کسب علوم دینی نزد اساتید و پدر خود مشغول به تحصیل شد. پس از آنکه سطوح را در قزوین آموخت ، در سال ۱۳۱۳ با برادرش آیت الله حاج میرزا باقر به اصفهان عزیمت کرد. او مدت سه سال به کسب فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت و از اساتید آن سامان بسیار بهره برد. سپس در سال ۱۳۱۶ رهسپار نجف گردید و با کسب علوم عالیہ اسلامی به درجه اجتهاد رسید. استادان و مریبان : میرزا اسحاق ایزدی ابتدا نزد پدر خود تحصیلات مقدماتی و سطوح را فراگرفت. سپس به اصفهان رفته و نزد آیت الله حاج شیخ محمدتقی معروف به آقا نجفی و آیت الله سیدمحمد درچه ای که هر دو از اساتید به نام و طراز اول آن روز بودند ، به کسب کمال فقه ، اصول ، حکمت ، رجال و هیات پرداخت. وی همچنین در نجف اشرف محضر درس آیت الله العظمی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آیت الله حاج سید کاظم طباطبایی را درک نمود. او از سوی آیت الله حاج سید کاظم طباطبایی اجازه اجتهاد دریافت نمود. زمان و علت فوت : میرزا اسحاق ایزدی در نوزدهم آبان ۱۳۲۲ شمسی دارفانی را وداع گفت و در شهر قم به خاک سپرده شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در

۲۴ خرداد ۱۳۱۰ از طرف دولت وقت محضرخانه ی شماره یک اسناد رسمی را به میرزا اسحاق واگذار گردید و تا پایان حیات آن مسئولیت به عهده داشت و چون مرد دقیقی بود و در انجام معاملات منتهای دقت را می کرد، از آن جهت هیچ گاه دیده یا شنیده نشد که یک معامله فاسد در محضر وی انجام شده باشد. فعالیت‌های آموزشی: میرزا اسحاق ایزدی پس از آنکه تحصیلات خود را نجف اشرف به پایان رساند، در سال ۱۳۲۶ هـ.ق به قزوین بازگشت و در زادگاه خویش به تدریس علوم پرداخت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: میرزا اسحاق ایزدی در سال ۱۳۳۱ جهت زیارت خانه خدا به مکه مشرف شد و پس از مرگ عمویش، حاج ملا-علی اکبر معروف به سیادهنی که از اکابر معروف قزوین بود، در اندک مدتی مرجعیت تامه یافت و به حل و فصل امور اجتماعی مسلمین پرداخت. او در این زمان دفتری مرتب نموده و کلیه معاملاتی که در محضر وی انجام می شد را ثبت می کرد و این موضوع باعث اعتماد مردم قزوین شده بود. علاوه بر فعالیت های ذکر شده، وی به عنوان یک روحانی روشنفکر، زمینه مطالعاتی و تحقیقاتی نیز داشته و آثاری از خود به یادگار نهاده است. آثار: رساله در استصحاب رساله در توبه رساله در مبحث قطع

آدینه اصفهانی، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۹ ق)، حکیم، فقیه و زاهد. از مبرزین شاگردان جهانگیرخان قشقائی بود. وی از مدرسین حکمت در مدرسه صدر و مسجد ذوالفقار اصفهان بود و متون معقول و منقول را تدریس می کرد. خط او نیز پخته و شیرین بود. همچنین از نجوم و هیئت سر رشته داشت. استاد جلال همایی و آقامیرزا محمود مفید اصفهانی از شاگردان نامور وی بودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۲۴۲-۲۴۱)، همایی نامه (۲۲).

آرندی نائینی، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۰-۱۱۹۰ ق)، عارف، حکیم و ریاضیدان. در آرنند، از تابع نائین، متولد شد. در دهات نائین به شبانی روزگار می گذرانید تا آنکه حاج محمد حسن نائینی، از مشایخ سلسله‌ی اویسیه، او را تشویق به تحصیل علم و تکمیل نفس کرد. پس از آن به اصفهان رفت و شصت سال در فقه و قناعت در یکی از حجره‌های مدرسه‌ی نیماورد اصفهان در تنهایی و تجرد زیست. ظاهراً شاگرد ملا محراب گیلانی و آخوند نوری بو. در عرفان و حکمت الهی و انواع علوم ریاضی تبحر داشت. او را از مشایخ سلسله‌ی نعمت‌اللهیه می‌دانند. میرزا محمد حسن صفی‌علیشاه از شاگردان او است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۲۶۳-۲۶۲)، طرائق الحقائق (۲۴۰-۲۳۹/۳)، المآثر والآثار (۱۶۹).

آزاد قزوینی، میرآزاد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، مجتهد اصولی، فیلسوف، حکیم و شاعر. برادر کوچک میر سید علی قزوینی و از سادات قزوین بود. او نزد شیخ محمدتقی شهید ثالث و برادرش ملا- محمد صالح برغانی فقه و اصول خواند و در حوزه‌ی درس آخوند ملا آقا حکمی قزوینی حکمت آموخت، سپس عازم هندوستان شد و ساکن آن سامان گشت. طبعی موزن داشت و اشعار لطیفی سرود. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۷)، فرهنگ سخنوران (۵)، مستدرکات اعیان (۳/۳)، مینو در (۲/۳۵۶).

آستارایی، حسین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، عالم، حکیم و صوفی. ظاهراً از شاگردان میرداماد است. وی دارای مؤلفات و تعلیقات بسیار است که صاحب «ریاض العلماء» برخی از آنها را در رشت دیده است. از آثارش: «تعلیقات بر شرح الهیاکل» علامه دوانی؛ «رسالة المصطفویة فی تحقیق الخیر والشر علی مسلک الحکماء والصفویة»؛ که به فارسی و عربی تألیف شده؛ رساله‌ای در «وحدت الوجود»؛ به فارسی بر مذاق صوفیه و حکمای اشراق؛ رساله‌ای در «تفسیر اسماء الله الحسنی»؛ به فارسی؛ «حدیقه الانوار» در جواب شبهه‌ی ابن کمونه در قدم حوادث یومیه؛ تعلیقات بر رساله «جام گیتی‌نما» قاضی امیرحسین میبیدی، به فارسی، در حکمت. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۶/۳۸۱)، ریاض العلماء (۲/۹۶).

آسوده شیرازی، محمد مهدی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۰-۱۲۶۵ ق)، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به آسوده. از اهالی شیراز و پدرش بازرگان بود، اما خود او به حکم ذوق و گرایش فکری، به شاعری روی آورد و به تحصیل علوم ادبی و حکمت و ریاضیات پرداخت و در فنون شاعری چون عروض و بدیع و قافیه و نقدالشعر مهارت یافت. در اواسط عمر به عزلت گرایید و به مصاحبت اهل ذوق و عرفان روی آورد. وی در تمام قلبهای شعری اعم از قصیده، غزل، قطعه، رباعی، مثنوی و مسمط طبع آزمایی کرده است و مثنوی به نام «عرفان الحکم» و مثنوی در تقریظ «سالارنامه» دارد. «دیوان آسوده» اثر دیگر او است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۳۵۴-۳۵۳)، حدیقه الشعراء (۳۷-۳۲/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۰-۲۵/۱)، الذریعه (۲۴۶/۱۴۳، ۱۹/۲۴۷، ۱۵/۶، ۹/۶)، ریحانه (۱/۴۸)، فارسنامه‌ی نصری (۱۱۵۴، ۱۱۳۵، ۲/۹۸۰)، فرنگ سخنوران (۶)، مؤلفین کتب چاپی

(۳۵۸- ۳۵۷/۶)، مرآت الفصاحه (۲۶- ۲۵).

آشتیانی، جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۴ ق)، دانشمند و حکیم. ملقب و مشهور به میرزای کوچک. برادرزاده و داماد میرزای بزرگ آشتیانی بود. او از برجستگان علما و حکمای زمان خود بود و در ادبیات و ریاضیات بر افاضل عصرش مقدم. در فقه و اصول شاگرد عم خود حاج میرزا حسن آشتیانی بود. معقول و طب و نجوم و حساب و هندسه و اصول عرفان را نیز از آقا علی حکیم زنوزی و میرزا ابوالحسن جلوه و دیگر حکما فراگرفت. در تهران درگذشت و در زاویه صحن حضرت عبدالعظیم دفن شد. او تألیفات بسیاری داشت. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم) منابع زندگینامه: ریحانه (۲۷۴/۵).

آشتیانی، فضل‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۲- ۱۲۹۸ ق)، حکیم و قاضی. مشهور به آشتیانی. پس از تحصیل مقدمات علوم اسلامی به محضر درس میرزا محمدحسن آشتیانی راه یافت و در زمینه معقول حوزه درس میرزای جلوه و میرزا حسن کرمانشاهی را دریافت. پس از فراغ از تحصیل به خدمت قضایی درآمد و مستشار دیوان عالی کشور شد. اما هیچ‌گاه رابطه‌ی او با علم و حکمت قطع نشد. هرگاه که میرزا مهدی آشتیانی به سفر می‌رفت یا بر اثر بیماری توان درس گفتن نداشت به اصرار به جای وی در مدرسه‌ی سپهسالار قدیم درس می‌گفت. در تهران درگذشت و در جوار حضرت عبدالعظیم دفن شد. از آثارش: رساله‌ای مختصر در «حدوث عالم جسمانی». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم) منابع زندگینامه: گلزار معانی (۱۵- ۷).

آشتیانی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا مهدی آشتیانی، حکیم، عارف و دانشمند شیعی در حدود سال ۱۲۶۶ ش (۱۳۰۶ ق) در تهران متولد گردید. پدرش میرزا جعفر ملقب به میرزا کوچک از شاگردان آقا محمدرضا حکیم قمشه‌ای و مادرش دختر حاج میرزا حسن آشتیانی، مجتهد معروف تهران بود. ایشان پس از فراگیری مقدمات، خارج فقه و اصول را نزد شیخ فضل‌الله نوری و آقا سیدعبدالکریم مدرس آموخت. وی از آن پس سال‌ها در تهران مُدّرس فلسفه و عرفان بود و عنوان مدرس رسمی مدرسه سپهسالار را داشت. در این میان شاگردان

فرهیخته‌ای تربیت نمود که میرزا ابوالحسن شعرانی، دکتر عبدالجواد فلاطوری، دکتر محمدابراهیم آیتی، سیدجلال آشتیانی، مهدی حائری یزدی و بدیع الزمان فروزانفر و... از آن جمله‌اند. آیت‌الله میرزا مهدی آشتیانی در سال ۱۳۲۵ ش برابر با سال‌های ۱۳۶۶ - ۱۳۶۵ هجری قمری، به استدعای فضلا و طلاب حوزه علمیه قم چندی به قم مهاجرت کرد و به تدریس و افاضه پرداخت و استاد شهید مرتضی مطهری در آن مدت قلیل توفیق استفاده از محضر او را داشت. میرزا مهدی آشتیانی بی‌گمان یکی از متبحرترین شارحان و مدرسان فلسفه بود ولی ذوق عرفانی او بر مشرب عقلی‌اش غلبه داشت و این همه در آثار و شروح و حواشی او که البته از حد شرح و تفسیر بسیار فراتر می‌روند و خود، آثار مستقلی به شمار می‌روند، به خوبی هویدا است. از این عالم برجسته و محقق توانا آثار متعددی بر جای مانده که: حاشیه شرح منظومه منطق و حکمت، اساس التوحید درباره قاعده "الواحد" در وحدت وجود از آن جمله است. میرزا مهدی آشتیانی سرانجام در دوم اردیبهشت ۱۳۳۲ ش برابر با نهم شعبان ۱۳۷۲ ق در ۶۶ سالگی درگذشت و در حرم حضرت معصومه (س) مدفون گردید.

آشتیانی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا مهدی آشتیانی در سال ۱۳۰۶ قمری به دنیا آمد. از همان اوان کودکی آثار هوش و استعداد در وی آشکار بود، طوری که در سن پنج سالگی به تلاوت کامل قرآن مجید موفق گردید. میرزا مهدی علوم ادبی مانند صرف، نحو، معانی، بیای، بدیع و همچنین منطق و مقدمات فلسفه را نزد پدر دانشمند خود فرا گرفت و سپس به درس اساتید تهران در علوم و معارف مختلف حاضر شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: تاریخ و فلسفه

والدین و انساب: از پدر و مادری پرهیزگار در ذیقعه سال ۱۳۰۶ قمری میرزا مهدی پا به عرصه وجود گذاشته شد. پدر و نیاکان میرزا مهدی همه از علمای بزرگ اسلام بوده‌اند. در رأس این خاندان آیت‌الله العظمی حاج میرزا حسن آشتیانی (ره) معروف به میرزای آشتیانی است. میرزای آشتیانی به عنوان رئیس علمای تهران در جنبش شکوهمند تحریم تنباکو نقش فوق العاده‌ای را ایفا می‌کرد. ایشان که نماینده میرزای بزرگ شیرزای نیز بود در انجام رساندن هدف قیام و رهبری مردم دخالت مستقیم داشت. آن بزرگوار در سال ۱۳۱۹ قمری درگذشت. از شاگردان مبرز میرزای آشتیانی، برادرزاده‌اش، مرحوم آیت‌الله حاج میرزا جعفر آشتیانی است که افتخار دامادی استاد را نیز داشته است. او پدر فیلسوف عالی مقام میرزا مهدی آشتیانی می‌باشد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: از همان اوان کودکی آثار هوش و استعداد در وی آشکار بود، طوری که در سن پنج سالگی به تلاوت کامل قرآن مجید موفق گردید. میرزا مهدی علوم ادبی مانند صرف، نحو، معانی، بیای، بدیع و همچنین منطق و مقدمات فلسفه را نزد پدر دانشمند خود فرا گرفت و سپس به درس اساتید تهران در علوم و معارف مختلف حاضر شد. آشتیانی برای آموختن فقه و اصول، نزد بزرگانی همچون آقا شیخ مسیح طالقانی، آخوند ملا عبدالرسول مازندرانی، آقا سید عبدالکریم لاهیجی و شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری زانو زد و نیز ریاضی را نزد آقا شیخ عبدالحسین سیبویه، میرزا اغفار خان نجم الدوله، میرزا جهانبخش منجم بروجردی و آقا شیخ محمد حسین ریاضی فرا گرفت. ایشان همچنین طب قدیم را از محضر میرزا محمد حسین حکیم و آقا میرزا ابوالقاسم نائینی و طب جدید را از میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا و میرزا ابوالحسن خان رئیس الاطبا آموخت. میرزا مهدی با جدیت تمام همه علوم و معارف فوق را نزد دانشمندان و بزرگان عصر آموخت و از بسیاری اساتید خود به اخذ اجازه و گواهی‌نامه

علمی نائل شد. ایشان اگرچه در فقه و اصول و ریاضی و طب صاحب نظر و دارای مقامی ارجمند بود، ولی آنچه بیشتر برای او جاذبه داشت گام نهادن در وادی علوم عقلی و فلسفی بود. میرزا مهدی آشتیانی طی سال‌ها تلاش مستمر و کوشش مداوم در حوزه سالخورده نجف و در جوار آستان قدس علوی، مضع حضرت امیرالمؤمنین (ع) موفق به اخذ اجازه اجتهاد از همه اساتید خود شد. استادان و مربیان: میرزا مهدی آشتیانی برای آموختن فقه و اصول، نزد بزرگانی همچون آقا شیخ مسیح طالقانی، آخوند ملا عبدالرسول مازندرانی، آقا سید عبدالکریم لاهیجی و شهید حاج شیخ فضل الله نوری زانو زد و نیز ریاضی را نزد آقا شیخ عبدالحسین سیویه، میرزا اغفار خان نجم الدوله، میرزا جهانبخش منجم بروجردی و آقا شیخ محمد حسین ریاضی فرا گرفت. ایشان همچنین طب قدیم را از محضر میرزا محمد حسین حکیم و آقا میرزا ابوالقاسم نائینی و طب جدید را از میرزا علی اکبر خان ناظم الاطبا و میرزا ابوالحسن خان رئیس الاطبا آموخت. از اساتید وی در مباحث فلسفه می توان به موارد زیر اشاره کرد: سیدالحکماء آقا میرزا ابوالحسن جلوه مرحوم آقا میرزا حسن کرمانشاهی آقا میر شهاب نیریزی میرزا هاشم اشکوری نام برد. از اساتید وی در نجف اشرف عبارتند از: آیت الله آخوند خراسانی آیت الله سید محمد کاظم یزدی آیت الله سید محمد فیروز آبادی آیت الله میرزا حسن نائینی آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی

همسر و فرزندان: همچنین از یادگارهای میرزا مهدی آشتیانی فرزند دانشمندش، مهندس جلال الدین آشتیانی می باشد که از اساتید و نویسندگان توانای کشورمان به شمار می رود. فرزند دیگر ایشان، آقای میرزا جعفر آشتیانی است.

وقایع میانسالی: در ماه ذیحجه سال ۱۳۶۸ ه. ق در منزل مرحوم آیت الله حجت (ره) بودم و مرحوم میرزا مهدی آشتیانی در آنجا وارد بودند. مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله سید محمد تقی خوانساری برای دیدن ایشان آمدند و بعد از تعارفات و تشریفات، آیت الله حجت به آیت الله بروجردی گفتند که آقای میرزا مهدی آشتیانی مکاشفه عجیبی دارند و مناسب است خودشان نقل کنند. مرحوم آشتیانی فرمودند: من مبتلا به یرقان هستم و برای همین مسافرت به خارج هم نموده ام ولی علاج نشده است. در سال ۱۳۶۵ ق که توده‌ای‌ها - نهایت تسلط را در شمال و غرب ایران داشتند - به مشهد مشرف می شدم. در اتوبوس حالم منقلب شد به طوری که مسافرین و راننده خیال کردند من سگته کرده ام. ماشین را متوقف کردند و مرا بیرون آوردند و در آن حال دیدم که در عرفات هستم و انوار بسیاری از آسمان به زمین می آید و دیدم که مردم به یک طرف متوجه هستند. پرسیدم چه خبر است؟ گفتند: حضرت رسول (ص) تشریف آورده اند. من به آن طرف رفتم و دیدم چهارده خیمه در کنار یکدیگر نصب است. خیمه بزرگی بود که متعلق به حضرت رسول (ص) بود من در آن خیمه مشرف شدم و حضرت را زیارت کردم. خواستم از کسالت خود و حوائج دیگرم بگویم. گفتند: چون زائر فرزندانم رضا (ع) هستی برو به خیمه‌ایکه متعلق به اوست. پس من به خیمه آن حضرت شرفیاب شدم و سه حاجت خود را اظهار کردم. اول راجع به کسالتم، فرمودند مقدر شده که این کسالت با تو باشد تا از دنیا بروی، دوم راجع به فتنه توده‌ای‌ها، فرمودند به همین زودی شر آنها مرتفع خواهد شد و تا شما با قبور و مجالس سوگواری ما ارتباط دارید در امان هستید و سوم راجع به حاجت شخصی بود که فرمودند: این حاجت هم رواست.»

زمان و علت فوت: سرانجام بعد از سال‌ها تحقیق و تدریس و عمری سراسر پارسائی مرغ روح میرزا مهدی آشتیانی، عارف فرزانه و فیلسوف و حکیم عالی قدر، پس از یک بیماری طولانی در حوالی ساعت ده صبح روز پنجشنبه، سوم اردیبهشت ۱۳۳۲ ش، برابر با نهم شعبان ۱۳۷۲ ق در تهران و در حالی که مشغول افاضه مطالبی در مسئله «شق القمر» بود و گاه گاه بلند می فرمود: یا رحمن و یا رحیم یا ارحم الراحمین»، به عالم قدس پرکشید و خطه خاک را از انوار آن وجود تابناک محروم ساخت. بکر مطهر آن مرحوم به قم منتقل شد و پس از تشییع با شکوهی، در جوار کریمه اهل بیت (ع)، حضرت فاطمه معصومه (س)، نزدیک مرقد مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) در مسجد بالاسر مبارک به خاک سپرده شد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: میرزا مهدی آشتیانی حدود ۳۰ سال در مدرسه سپهسالار و مدرسه میرزا محمدخان قزوینی

تدریس داشت. معمولاً روزی سه ساعت و گاهی چهار ساعت تدریس می‌کردند. علامه سید جلال الدین آشتیانی نوشته‌اند: دوازده دوره الهیات شفا و چهار دوره طبیعیات این کتاب عظیم را تدریس نموده‌اند. تمهید القواعد را پنج بار و شرح فصوص را تا قبل از سال ۱۳۱۶ش در طول هجده سال، شش دوره و مجلدات اسفار را در دوره‌های متوالی درس داده‌اند. تسلط ایشان به مبانی حکمت و عرفان و تبحر در آثار ملاصدرا باعث می‌شد تا محفل درس او مورد توجه اهل فضل قرار گیرد. علامه سید جلال الدین آشتیانی باز نوشته‌اند: «مرحوم استاد آقا میرزا مهدی سه سال ایام عید را به مقصد زیارت حضرت معصومه (س) در قم به این شهر مسافرت کردند؛ و در سفر اخیر مغفور له، حضرت امام خمینی درس اسفار خود را تعطیل کردند و فرمودند، آقای آشتیانی در رتبه اساتید من هستند...»

فعالیت‌های آموزشی: میرزا مهدی آشتیانی طی سال‌ها تلاش مستمر و کوشش مداوم در حوزه سالخورده نجف و در جوار آستان قدس علوی، مضجع حضرت امیرالمؤمنین (ع) موفق به اخذ اجازه اجتهاد از همه اساتید خود شد. ایشان مدتی را نیز در نجف اشرف به تدریس معقول اشتغال یافت و آن گاه به ایران بازگشت.

سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: میرزا مهدی آشتیانی در اوائل شباب تدریس منظومه می‌کرد.

شاگردان: اگر چه میرزا مهدی آشتیانی به علت مسافرت‌های زیاد و کسالت طولانی به صورت پیوسته و شایان نمی‌توانست به افاده بپردازد، ولی حوزه درس و محفل بحث او تا اواخر عمر شریفش ادامه داشت و جویندگان معارف ناب از زلال دریای علومش استفاده‌ها بردند. نام برخی از شاگردان زبده وی چنین است: ۱- آیت‌الله سید علی سیستانی. ۲- آیت‌الله میرزا ابوالحسن شعرانی. ۳- آیت‌الله علامه سید جلال الدین آشتیانی. ۴- آیت‌الله دکتر مهدی حائری یزدی. ۵- آیت‌الله علامه محمد تقی جعفری. ۶- آیت‌الله آخوند ملا- علی همدانی. ۷- آیت‌الله شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی. ۸- آیت‌الله شهید مرتضی مطهری. ۹- پرفسور عبدالجواد فلاطوری. ۱۰- استاد بدیع الزمان فروزانفر. ۱۱- دکتر محمد تقی دانش‌پژوه. ۱۲- دکتر مهدی محقق. ۱۳- دکتر ابراهیم آیتی. ۱۴- دکتر محمد صادقی. ۱۵- دکتر محمد جعفر لنگرودی. ۱۶- دکتر موسی جوان. ۱۷- دکتر سید صادق گوهرین. ۱۸- حکیم حاج شیخ علی محمد جولستانی. ۱۹- حکیم شیخ محمدرضا ربانی تربتی. ۲۰- شیخ عبدالکریم روشنا تهرانی. ۲۱- آقا شیخ جعفر خندق آبادی. ۲۲- آقا میرزا محمد علی ادیب تهرانی. ۲۳- آقا شیخ علی محقق کاشمیری. ۲۴- آقا سید مهدی لاجوردی کاشانی. ۲۵- آقا سید هوشنگ میرمطهری. ۲۶- آقا سید محمد تقی نقوی. ۲۷- آقا سید محمد حسین آل طیب شوشتری و بسیاری دیگر

آرا و گرایش‌های خاص: یکی از ویژگی‌های برجسته میرزا مهدی آشتیانی این بود که در یک محدوده جغرافیایی نمی‌ماند و مسافرت‌های متعددی را به مراکز علم و دانش جهان داشت. او طی سفری به بخارا مدت یک سال در آنجا اقامت گزید و به تدریس حکمت و فلسفه اسلامی مبادرت ورزید. بعد از آن به مصر، اسکندریه، برلین، پاریس، رم، هند، بلژیک و دیگر نقاط اروپا مسافرت کرد و با فلاسفه و اندیشمندان آن دیار مباحثاتی را انجام داد. ملاقات‌های ایشان که در واقع نماینده فلسفه و عرفان اسلامی بود - در آشنایی فلاسفه غرب با مبانی بلند و ژرف فلسفه اسلام و ایران تأثیر مطلوبی داشت.

آثار:

۱ اساس التوحید

ویژگی اثر: اساس التوحید، ط تهران، دانشگاه تهران. این کتاب که قبلاً با مقدمه آقای منوچهر صدوقی سُها چاپ شده بود اخیراً با مقدمه و تصحیح آیت‌الله سید جلال الدین آشتیانی مجدداً به چاپ رسیده است.

۲ ترجمه اسفار اربعه

- ۳ ترجمه‌ای بر اشارات بوعلی
 - ۴ تعلیقه بر اسفار اربعه
 - ۵ تعلیقه بر اشارات بوعلی
 - ۶ تعلیقه بر شفاء بوعلی
 - ۷ تعلیقه بر فصوص ابن عربی
 - ۸ تعلیقه بر فصوص فارابی
 - ۹ تعلیقه بر مصباح الانس
 - ۱۰ تعلیقه بر منطق منظومه سبزواری
 - ۱۱ حاشیه بر فرائد الاصول
 - ۱۲ حاشیه بر فرائد الاصول تعلیقه بر حکمت منظومه سبزواری
 - ۱۳ حاشیه بر کفایه الاصول
 - ۱۴ حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری (ره)
 - ۱۵ رساله در اثبات معراج جسمانی
 - ۱۶ رساله‌ای در اثبات معاد جسمانی
 - ۱۷ رساله‌ای در جبر و تفویض
 - ۱۸ رساله‌ای در حقیقت کتاب و میزان به مذاق عرفا، ط تهران، ۱۳۵۲
 - ۱۹ رساله‌ای در شق القمر
 - ۲۰ رساله‌ای در علم اجمالی و طلب و اراده
 - ۲۱ شرح بر مشکلات حافظ
 - ۲۲ شرح حدیث عمران صابی
- منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

آقابزرگ ساوجی، محمدحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۵۷ ق)، عالم، مدرس و مجتهد. معروف به آقابزرگ یا شیخ آقابزرگ ساوجی. در حوزه‌ی درس حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی به درجه‌ی اجتهاد رسید و در مدارس مروی و سپهسالار جدید به تدریس پرداخت و گروه بسیاری در حوزه‌ی درس او که غالباً حوزه‌ی ادب و فقه و اصول بود حاضر می‌شدند. وی در علوم معقول از استادان بزرگ بود. در سلوک نیز پیرو آخوند ملا-فتحعلی اراکی بود. سرانجام در تهران در گذشت و جنازه‌ی وی را به قم بردند و در یکی از حجرات صحن جدید که اینک به مقبره‌ی پروین اعتصامی شهرت دارد دفن کردند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۲۹۴/۵).

آقا جانی، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۷۱ ق)، عارف، حکیم و فیلسوف. اصل وی از استرآباد یا مازندران بود. در قم مسکن گزید و در محضر ملاصدرای شیرازی شاگردی کرد. وی منکر وحدت وجود و برخلاف سید داماد وجود را اعتباری نمی‌داند. از آثار وی: «شرح القبسات» محقق داماد، که کتاب بزرگی در حدود ۸۰ هزار سطر است؛ «الانوار شاهیه» در کلام؛ تعلیقات «الهیات شفا»؛ رساله در «ابطال الهیولی»؛ رساله در «حدوث الدهری»؛ «ریاض الطالبین».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۹۱-۳۹۰/۱۳)، راهنمای کتاب (س ۲۱، ص ۳۳۸-۳۳۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹۴-۴۹۳/۱۱).

آقاجنفی قوچانی، سید حسن، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۳-۱۲۹۵ ق)، فقیه، حکیم و ادیب. در خسرویه‌ی قوچان به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در قوچان، سبزوار و مشهد به پایان رسانید و در بیست سالگی به اصفهان رفت و نزد آخوند کاشانی و میرزا جهانگیرخان قشقایی حکمت و فلسفه و نزد آخوند شیخ عبدالکریم گزی، و سید محمدباقر درچه‌ای فقه و اصول خواند. سپس از اصفهان به نجف رفت و نزد آخوند محمدکاظم خراسانی، شریعت اصفهانی، محمدباقر اصطهباناتی تلمذ کرد و در سی سالگی به اجتهاد رسید و پس از بیست سال توقف در نجف به قوچان بازگشت و متجاوز از بیست و پنج سال در قوچان مقام فقاها و رتق و فتق امو مذهبی مردم و اداره‌ی حوزه‌ی علوم دینی را برعهده داشت. وی در قوچان در گذشت و آرامگاهش از زیارتگاه‌های قوچان است. از آثار وی: «شرح دعای صباح»؛ «عذر بدتر از گناه»، درباره‌ی مشروطیت؛ «سفری کوتاه به آبادیهای قوچان»؛ «سیاحت غرب»؛ در کیفیت عالم برزخ و سیر ارواح؛ «سیاحت شرق» که مهمترین اثر آقاجنفی و شرح حال خود او از کودکی تا مقام اجتهاد است؛ «حیوة الاسلام فی احوال آیه‌الله الملک‌العلام»، در شرح زندگی آخوند خراسانی؛ «شرح کفایة‌الاصول».[۱]

حسن بن سید محمد نجفی صاحب (کتاب سیاحت شرق و سیاحت غرب) از علماء بنام شهرستان قوچان بوده است. وی در سال ۱۲۹۵ قمری در قریه (خروه) از توابع قوچان متولد شده و پس از رشد به مکتب رفته و شروع به دروس فارسی نموده و آن را تکمیل و بعد با عدم رغبت و میلی که به ادامه درس داشت ولی روی اصرار پدرش به تحصیل ادامه داده و مدتی در مدرسه قوچان مقدمات را کاملاً خوانده و بعد در سن ۲۰ سالگی از راه کویر لوت به یزد و از آنجا به اصفهان آمده و در یکی از حجرات مسجد شاه و مسجد عربون اقامت و منظومه سبزواری را در خدمت مرحوم آخوند کاشی و رسائل را از شیخ عبدالکریم کزی و حکمت و فلسفه را از میرزا جهانگیر خان قشقایی و فقه را از مرحوم آقاجنفی مسجد شاهی فراگرفته و در درس خارج حاج سید محمدباقر درچه‌ای شرکت و با مشقات بسیاری مواجه شده و به مراقبت و تزکیه نفس خویش پرداخته و بعد از چهار سال توقف در اصفهان در سال ۱۳۱۸ قمری در سن ۲۳ سالگی پیاده به نجف اشرف مشرف شده و به درس مرحوم آخوند خراسانی و حاج سید

محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی حاضر شده و هم از محضر مرحوم آقا شیخ محمدباقر اصطهباناتی در فلسفه استفاده نموده تا در سن سی سالگی به مقام فقاہت و اجتهاد رسیده و بعد از بیست سال اقامت در عتبات عالیات در سال ۱۳۳۸ قمری به قوچان مراجعت و به ارشاد مردم و رفق و فتق امور دینی مردم و حوزه علوم دینی قوچان اشتغال داشته تا بعد از بیست و پنج سال خدمات شایسته در قوچان در شب جمعه ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۶۳ قمری در سن ۶۸ سالگی وفات نموده و در منزل خودش مدفون و تاکنون قبرش مزار و مورد احترام مردم قوچان است. مرحوم آقا نجفی قوچانی که افتخار این شهرستان بلکه استان خراسان است دارای آثار نفیس و ارزنده‌ای می‌باشد که بعضی طبع و برخی غیره مطبوع مانده است و آنها از اینقرار است.

۱- سفر غرب (سیاحت غرب) ۲- سیاحت شرق ۳- شرح ترجمه رساله تفاحیه ارسطو ۴- کتاب عذر بدتر از گناه.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۱- ۲۲۰/۶)، نشر دانش (س ۴، ش ۲، ص ۲۷-۱۸).

آل احمد، شمس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شمس آل احمد از دانشمندان معاصر ایران است. او در رشته فلسفه و علوم تربیتی تحصیل کرده و مدت‌ها به عنوان دبیر آموزش و پرورش خدمت کرده است. وی در دانشکده نیز رشته کتابداری را تدریس کرد. سپس با تاسیس موسسه انتشاراتی رواق به کار نشر پرداخت.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: شجره خانوادگی شمس آل احمد، پس از ۳۵ نسب به حضرت امام سجاد (ع) می‌رسد.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: شمس آل احمد در مرحله پانچار و در یک خانواده مذهبی تهران رشد و نمو کرد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: شمس آل احمد، فوق لیسانس فلسفه و علوم تربیتی را از دانشسرای عالی تهران اخذ کرد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: شمس آل احمد ضمن مقدمات آکادمیک به عکاسی نیز علاقمند شد و با این زمینه دوره عکاسی سینما را در آلمان گذراند.

فعالیت‌های آموزشی: شمس آل احمد فلسفه شمس را مدتی در دانشکده رشته کتابداری تدریس کرد و پس از آن در مدرسه بهیاری ادبیات را به دانشجویان آموزش داد. او در مورد فعالیت‌های آموزشی بر این عقیده است که هر کس که در هر زمانی خوب بنویسد و حاشیه نگر نباشد، حتما مطالبی را از او در حافظه تاریخی مردم خواهد ماند و این یکی از خصوصیات همیشگی ادبیات و فرهنگ در جهان است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: شمس آل احمد پس از آنکه دوره عکاسی و سینما را در آلمان سپری کرد، موسسه انتشاراتی رواق را تاسیس و به کار نشر پرداخت.

همفکران فرد: یکی از همفکران اصلی شمس آل احمد، برادرش جلال بود که همانند دو دوست باهم رفتار می‌کردند. این مناسبات دوستانه چنان بود که گاه باهم به سفر و سیر و سیاحت و نیز کوه پیمایی می‌رفتند. همفکران دیگر او، عبدالکریم روشن، جلال الدین فارسی و ربانی املشی هستند.

آرا و گرایشهای خاص: شمس آل احمد بر این عقیده است که «یک اتفاق مبارک و بزرگ در ادبیات داستانی مادر حال رخ دادن است. این نوع از ادبیات کم کم دارد از صورت مکالمه ای به محاوره ای نزدیک می شود. یعنی از کاغذ فاصله می گیرد و به زبان و لحن می رسد، که خیلی دلنشین است. زیرا مخاطب این نوع آثار احساس نمی کند کسی برایش بر روی کاغذ تعیین تکلیف کرده است. او حس می کند که نویسنده به طور رو در رو با او در حال گفتگو است».

آثار:

۱ از چشم برادر

ویژگی اثر: شمس آل احمد این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است.

۲ حدیث انقلاب

ویژگی اثر: شمس این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است.

۳ خاطرات سفر کوبا

ویژگی اثر: شمس این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است

۴ طوطی نامه

ویژگی اثر: شمس آل احمد این اثر را تنظیم و ویرایش کرده است

آل بحر العلوم، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۲۶ - ۱۲۶۱ ق)، فقیه، اصولی و حکیم. در نجف به دنیا آمد. فقه را نزد عمویش، سید علی، و شیخ راضی نجفی و سید حسین ترک کوه کمری و اصول را نزد میرزا عبدالرحیم نهاوندی و فلسفه را نزد میرزا محمدباقر نجفی آموخت. وی از عمویش، سید علی، به دریافت اجازه نایل گشت و پس از درگذشت او در سطح عالی به تدریس پرداخت و سرانجام عهده دار ریاست حوزه نجف گردید. او به امور اجتماعی و سیاسی حوزه و رفع مشکلات مردم اهتمام می ورزید. شوق او به تحقیق و تألیف تا بدانجا بود که بینائی خود را نیز در این راه از دست داد. وی کتابخانه بزرگی در زمینه فقهی و اصولی و روایی بنیاد نهاد. او پس از نشستن به سوگ دو فرزند عالم و فاضل خود، سید مهدی و سید میرعلی، در نجف از دنیا رفت. از آثارش: «بلغه الفقیه»، شامل ۱۶ رساله فقهی؛ «مصباح العباد»، رساله عملیه مبسوط؛ «الوجیزه»، مختصر «مصباح العباد»؛ «مواقف حاسمه فی تاریخ التضحیه و الفداء».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۰۹ - ۴۰۸)، الذریعه (۵۱/ ۲۵، ۱۱۴/ ۲۱، ۱۴۸/ ۳)، شهیدان راه فضیلت (۴۹۷)، علماء معاصرین (۹۴ - ۹۳)، المآثر والآثار (۱۸۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۷۹/ ۵)، مکارم الآثار (۱۶۳۷ - ۱۶۳۶/ ۵).

آل طیب، محمد حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۲۹ ذیقعدہ ۱۳۲۹ ق.، شوشتر.

درگذشت: ۲۵ تیر ۱۳۷۳ (۶ صفر ۱۴۱۵ ق.)، شوشتر.

آیت‌الله محمدحسن آل‌طیب، فرزند آیت‌الله آقا سید محمد حسین آل‌طیب معروف به آقا سید بزرگ، پیش از هفت سالگی خواندن و نوشتن را آموخت. سپس تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. وی ادبیات و مقدمات را نزد عمویش، آیت‌الله سید محمدباقر آل‌طیب فراگرفت. ریاضیات، هیئت، علوم نجوم و بخشی از طب را نزد پدر خود کسب کرد و برای تحصیل علوم فقه، اصول و حدیث به دزفول رفت و از محضر آیت‌الله محمدرضا معزی دزفولی استفاده کرد. سپس به شوشتر برگشت و از محضر آیت‌الله محمدکاظم شیخ شوشتری بهره‌ها گرفت. آنگاه به حوزه‌های علمیه قم و تهران هجرت کرد و از مراجع آن عصر همچون آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری، آیت‌الله سید محمد حجت کوه کمره‌ای و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری، به تکمیل علوم دینی پرداخت و از محضر میرزا مهدی آشتیانی حکمت و فلسفه را آموخت. همچنین در ریاضیات، خوشنویسی و ادبیات عرب تبحر داشت. وی سپس به تدریس علوم دینی روی آورد.

آیت‌الله آل‌طیب از مراجعی چون آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله محمد کاظم شیرازی، آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی و آیت‌الله سید محمود شاهرودی اجازه اجتهاد داشت.

از جمله تألیفات ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تضمین اشعار الفیه ابن مالک که بیش از ۶۰۰ شعر است که در آنها به بررسی علوم گوناگون اسلامی می‌پردازد، قاعده لاتعداد، تحریر عروۃ الوثقی، نوشتارهایی در علم اصول، فقه، ریاضیات و نجوم، منظومه‌ای در حکمت.

آیت‌الله محمدحسن آل‌طیب در هشتاد و شش سالگی جان سپرد و در بقعه‌ی مقام صاحب‌الزمان (ع) به خاک سپرده شد. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

آملی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۱-۱۳۰۴ ق.)، عارف، حکیم، فقیه و اصولی. در تهران متولد شد. پس از آموختن صرف و نحو و منطق، سطوح فقه و اصول را نزد پدرش و شیخ‌رضا نوری آموخت. درس «شوارق» شیخ‌علی نوری را نیز دریافت. حکمت و فلسفه را نزد میرزا حسن کرمانشاهی تحصیل کرد و چهار سال از حوزه درس معقول و منقول شیخ عبدالنبی نوری استفاده برد. در ۱۳۴۰ به عراق رفت و محضر آقاضیاء عراقی، علامه نائینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی را دریافت. وی پس از نیل به اجتهاد در ۱۳۵۳ ق به تهران بازگشت و حوزه‌ی درس حکمت و فقه و اصول دایر کرد. او از اصحاب بزرگ آقا سید علی قاضی طباطبائی بود. آقا شیخ محمدتقی آملی در تهران درگذشت. آثار او عبارت‌اند از: «اثبات صانع از ماتریالیسم تا ایدئالیسم»؛ «تقریرات اصول نائینی»؛ «حیات جاوید»؛ در اخلاق؛ «خداشناسی»؛ «درالفوائد»؛ تعلیق‌های بر «شرح منظومه‌ی سبزواری»؛ «رساله فی الرضاع»؛ «رساله فی قاعده لاضرر»؛ «کتاب الصلوۃ»؛ «مصباح الهدی فی شرح عروۃ الوثقی»؛ «تعلیق‌های علی المکاسب والبیع»؛ حاشیه بر «شرح اشارات» بوعلی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۱۸)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱/ ۵۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۷۲- ۳۷۱/ ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۵- ۲۴۳/ ۲).

آیتی، عبدالمحمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد عبدالمحمد آیتی در سال ۱۳۰۵ شمسی در شهر بروجرد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و دوره متوسطه را در شهر بروجرد به پایان رسانید. پس از تحصیل در حوزه قم (بمدت دو سال) به تهران رفته و تحصیلات خود را در دانشکده معقول و منقول پی گرفت. آیتی سرانجام در سال ۱۳۲۸ با رتبه اول در رشته معقول را به پایان رساند و به دریافت مدرک لیسانس توفیق یافت. استاد پس از فارغ التحصیل شدن به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به تدریس ادبیات در مقطع دبیرستان پرداخت، تا آنکه در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد. او هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد. ایشان چندین تالیف و ترجمه در کارنامه علمی خود در زمینه های زبان و ادبیات عربی و فلسفه دارد. ترجمه کتاب " تاریخ ادبیات زبان عربی " عبدالمحمد آیتی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عبدالمحمد آیتی تحصیلات ابتدایی و دوره ی متوسطه را در شهر بروجرد به پایان رسانید. پس از چندی رهسپار قم شد و به تحصیل علوم دینی پرداخت. تحصیلات او در حوزه علمیه قم مدت دو سال به طول انجامید ، سپس به تهران رفته و تحصیلات خود را در دانشکده معقول و منقول پی گرفت. آیتی سرانجام در سال ۱۳۲۸ با رتبه اول در رشته معقول فارغ التحصیل شد و به دریافت لیسانس توفیق یافت.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: وضعیت معیشت عبدالمحمد آیتی به گونه ای بود که در کنار تحصیل مجبور بود پشتوانه ای برای تحصیل فراهم سازد. از این روی ، چندی در قنادی و زمانی در نجاری به کار پرداخت.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: عبدالمحمد آیتی رئیس شورای علمی دانشنامه تحقیقات ادبی فرهنگستان نیز بوده است.

فعالیت‌های آموزشی: عبدالمحمد آیتی پس از فارغ التحصیل شدن به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به تدریس ادبیات در مقطع دبیرستان پرداخت. او چندی در بابل و مدتی نیز در خرم آباد انجام وظیفه کرد. استاد عبدالمحمد آیتی در تاریخ ۱۳۷۰/۲/۱۷ به عضویت پیوسته شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی در آمده است. سوابق تدریس: - مدرّس ادبیات داستانی در دانشگاه فارابی (۱۳۵۶)؛ - مدرّس ادبیات داستانی و عربی در دانشگاه دماوند (۱۳۵۷- ۱۳۵۸)؛ - بازنشسته آموزش و پرورش (۱۳۵۸).

جوایز و نشانها: ترجمه کتاب " تاریخ ادبیات زبان عربی " عبدالمحمد آیتی ، در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱ آمرزش ابوالعلا معری

ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۴۷

۲ الغارات در حوادث سال‌های معدود خلافت علی(ع)،

ویژگی اثر: ۱۳۷۱

۳ بسی رنج بردم، بازنویسی شده از فردوسی

ویژگی اثر: ۱۳۷۶

۴ تاریخ ابن خلدون (ترجمه)

ویژگی اثر: ۱۳۶۳-۷۱

۵ تاریخ ادبیات زبان عربی (ترجمه)

ویژگی اثر: تالیف حنا الفاخوری-برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال-آشنایی با کتاب این کتاب، ترجمه «تاریخ الادب العربی» تألیف حنا الفاخوری است. کتاب، سیر تحوّل و دگرگونیهای ادبیات زبان عربی طی بیش از ۱۵۰۰ سال را بررسی می‌کند. آشنایی با این بررسی، گذشته از فایده آن برای فرهنگ عربی، در ارتباط با ادبیات و فرهنگ فارسی نیز مفید است، چرا که رابطه دیرینه ادبیات فارسی با ادبیات عربی و تاثیر ادبیات عرب بر زبان فارسی، ضرورت آشنائی با تاریخ ادبیات عربی و شیوه امروز و آمیخته با نقد و تحلیل را ایجاب می‌کند. مؤلف در این کتاب پس از ذکر مقدماتی، سراسر تاریخ ادب عربی را به شش دوره تقسیم کرده است: عصر جاهلی، عصر خلفای راشدین و اموی، عصر عباسی در شرق، عصر عباسی در غرب، عصر مغول و ترک، و عصر نهضت. آنگاه طی هر یک از این ادوار به بررسی سبکهای جدید نظم و نثر در هر دوره، که خود بازتابی از حوادث و انقلابهای آن دوره بوده، پرداخته است.

۶ تاریخ دولت اسلامی در اندلس، محمد عبدالله عنان

ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۶۶-۱۳۷۱؛

۷ تاریخ فلسفه در جهان اسلامی

۸ تحریر تاریخ و صاف به زبان ساده

۹ تقویم البلدان (ترجمه)

ویژگی اثر: نوشته ابوالفداء

۱۰ داوری حیوانات نزد پادشاه پریان

ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۸۳

۱۱ در تمام طول شب،

ویژگی اثر: شرح چهار شعر بلند نیمه-۱۳۸۳

۱۲ درباره فلسفه اسلامی

ویژگی اثر: ترجمه

۱۳ درباره فلسفه اسلامی

ویژگی اثر: ترجمه

۱۴ شرح خسرو شیرین نظامی گنجوی

۱۵ شرح منظومه مانلی و پانزده قطعه دیگر

ویژگی اثر: ۱۳۷۵

۱۶ شرح و ترجمه معلقات سبع

- ویژگی اثر: ۱۳۷۱
- ۱۷ شکوه سعدی در غزل
- ویژگی اثر: ۱۳۶۹
- ۱۸ شکوه قصیده
- ویژگی اثر: ۱۳۶۴
- ۱۹ قرآن مجید
- ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۶۷
- ۲۰ قصه باربد و بیست قصه دیگر از شاهنامه
- ویژگی اثر: ۱۳۸۰
- ۲۱ کشتی شکسته (ترجمه)
- ویژگی اثر: اثر تاگور
- ۲۲ گزیده شرح مقامات حمیدی
- ویژگی اثر: ۱۳۸۳
- ۲۳ گزیده از نثر پارسی
- ۲۴ گزیده غزلیات سعدی
- ۲۵ گزیده و شرح خمس؟ نظامی
- ویژگی اثر: ۱۳۷۳-۱۳۵۵
- ۲۶ گنجور پنج گنج
- ویژگی اثر: ۱۳۷۴
- ۲۷ معجم الأدبا، یاقوت حموی
- ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۸۱
- ۲۸ معلقات سبعة (ترجمه)
- ۲۹ مقالاتی در مجله راهنمای کتاب و آموزش و پرورش
- منابع زندگینامه: زندگینامه: عبدالمحمد آیتی^{۳۱} سخنوران نامی معاصر ایران، سید محمد باقر برقی، جلد ۱، ص ۱۳۸

بابا افضل کاشانی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۶۷ ق)، حکیم، نویسنده، عارف، ادیب، شاعر، متخلص به افضل. معروف به بابا افضل. ولادت او در مرق بین اصفهان و کاشان اتفاق افتاد. بابا افضل بیشتر در زادگاه خود به اعتکاف، تدریس، تألیف، تحقیق و مباحثه روزگار می‌گذرانید. نسبت تعلیم خواجه نصیر طوسی با یک واسطه به او می‌رسد. وی مدتی از عمر خود را به علت رشک حاسدان و سخن‌چینی آنها در زندان گذرانده است که با توجه به گفته‌های صفا حبس وی سخت مورد تردید است شیوه نثر بابا افضل بسیار پخته و به اصول متقدمان

نزدیک است. در رسالات خود کوشیده لغات فارسی را به جای اصطلاحات عربی قرار دهد. وی چند رساله در تصوف و سلوک و حکمت به زبان فارسی دارد با متنی بسیار فصیح. مجموع رسائل وی تحت عنوان «مصنفات بابا افضل» نشر یافته است، این رسایل بیانگر اندیشه‌های حکمی و تفکرانی است که بر نویسنده دست می‌داده است و همچنین بیان‌کننده مواعظ و حکم و حقایق عرفانی است. مدفن وی در مرق کاشان است. تاریخ وفات وی را به اختلاف ۷۰۷، ۶۰۶ و ۶۶۴ ق نوشته‌اند که صحیحتر آن همان است که در بالا ذکر شد. آثار بسیاری از وی به جا مانده است، از آن جمله‌اند: «المفید للمتسفید»؛ ترجمه‌ی «رساله‌ی نفس» ارسطو؛ «جاودان نامه» یا «جاویدنامه»؛ «ره‌انجام نامه»؛ یا «آغاز و انجام»؛ «انشاء نامه»؛ «مدارج الکمال»؛ «ساز و پیرایه شاهان پرمایه»؛ «منهاج المبین»؛ «عرض نامه»؛ «مبادی موجودات نفسانی»؛ «مکتوبات»؛ «رباعیات»؛ «رساله در منطق»؛ ترجمه‌ی «رساله تفاحه»، ارسطو. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۸۷- ۱۱۸۲، ۴۳۴- ۴۲۶، ۲۵۲- ۲۵۰، ۳/)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۵۹- ۴۵۱) تاریخ کاشان (۵۶۳- ۵۶۲، ۴۳۹)، حبسیه در ادب فارسی (۱۲۳- ۱۲۲)، دایره‌المعارف فارسی (۳۵۷/۱)، الذریعه (۱۱۶/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۲۱۵، ۲۱۲، ۱۹۲)، ریاض العارفین (۱۶۴)، ریحانه (۲۱۳- ۲۱۲، ۱/)، سبک‌شناسی (۱۶۵- ۱۶۲، ۳/)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰/۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۶۳- ۶۲)، فرهنگ سخنوران (۷۶)، کشف الظنون (۱۶۴۰، ۵۷۸)، لغت‌نامه (ذیل / بابا افضل کاشانی) مؤلفین کتب چاپی (۳۹۵- ۳۹۳، ۵/) مجمع‌الفصحا (۲۵۹- ۲۵۵، ۱/)، مخزن الغرائب (۷۷/۱)، هفت اقلیم (۴۵۲- ۴۴۹، ۲/)، یغما (س ۴، ش ۹، ص ۴۱۷- ۴۱۴).

بابکی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بابکی

محل تولد: دماوند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۳ پس از اتمام مقطع سیکل وارد حوزه علمیه قم شدم و به فراگیری علوم حوزوی روی آوردم؛ از آن تاریخ تاکنون در حوزه به درس و بحث و مطالعه، تحقیق و تدریس اشتغال دارم. جزایم تبلیغی و مانند آن از اشتغالات علمی سرباز نزد، تحصیلات مقدماتی و سطح را تا سال ۱۳۶۵ ادامه دادم و از سال ۱۳۶۶ به درس‌های خارج فقه و اصول راه یافتم و از محضر بزرگانی چون حضرات آیات نجفی مرعشی، تبریزی، فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، کوبکی، انصاری شیرازی، مصباح یزدی، جوادی آملی و حسن زاده آملی استفاده بردم و هم‌اکنون به تدریس سطوح عالی حوزه و تحقیق در عرصه‌های مختلف فقهی اشتغال دارم

بادکوبه‌ای، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۸ - ۱۲۹۳ ق)، فقیه، فیلسوف و دانشمند. وی نوه‌ی سید موسی حسینی لاهیجی بود و در قریه‌ی خوددلان بادکوبه متولد شد. سید حسین مقدمات و ادبیات را نزد پدرش آموخت و پس از فوت پدر به تهران آمد و در مدرسه‌ی صدر اقامت کرد و در مجلس درس ابوالحسن جلوه، فیلسوف مشهور شرکت جست و ریاضی و فلسفه را از وی و میرزا هاشم اشکوری آموخت. او بعد از هفت سال تحصیل به نجف رفت و در کلاس درس آخوند خراسانی شرکت کرد و فقه را از حوزه‌ی آیت الله آقا شیخ محمد حسن مامقانی فرا گرفت. وی تا آخر عمر نیز در نجف به تدریس پرداخت و در همان جا در گذشت و در جوار مرقد حضرت امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد. فرزندش سید محمد بادکوبه‌ای از علمای بزرگ شمال و مقیم در غازیان بندر انزلی و مروج مذهب در آن ناحیه بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۹/۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷/۳).

بادکوبه‌ای، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا سید محمد بادکوبه‌ای فرزند علامه‌الاعلام والحکیم القمقام آیه‌الله آقای آقا سید حسین بادکوبه‌ای بن العالم الجلیل السید رضا بن السید موسی الحسینی الباد کوبه‌ای اللاهیجی از علماء اعلام معاصر شمال و مقیم در غازیان بندر پهلوی می‌باشد. معظم‌له در خاندان فضیلت متولد و تربیت یافته و از مرحوم والد مذکورش و آیات و مراجع دیگر استفاده نموده آنگاه بایران مراجعت و در غازیان رحل اقامت افکنده و اکنون بیش از بیست سال است که در آن ناحیه باقامه جماعت و ترویجیات دینی اشتغال دارد.

والد ماجدش مرحوم آیه‌الله آقا سید حسین بادکوبه‌ای در قریه (خود دلان) از قرای بادکوبه در سال ۱۲۹۳ ق متولد شده و در نزد والد عالمش تربیت یافته و مقدمات و ادبیات را فرا گرفته و پس از فوت والدش مهاجرت بطهران و در مدرسه صدر اقامت نموده و ریاضیات و فلسفه را از فیلسوف بزرگ مرحوم آقا سید ابوالحسن جلوه و میرزا هاشم اشکوری فرا گرفته و کلام را از اساتید این علم در مدت هفت سال با جدیت تمام فرا گرفته آنگاه مسافرت بنجف کرده و در درس آیه‌الله العظمی آقای آخوند خراسانی در اوائل تألیف کفایه‌اش حاضر شده و فقه را از محضر آیه‌الله آقا شیخ محمد حسن مامقانی استفاده نموده و در علم و حکمت مشار بالبنان گشته و جماعت بسیاری از فضلاء گردش جمع شده و از تحقیقات و نظریاتش استفاده مینمودند تا آنکه در شب ۲۸ شوال المکرم ۱۳۵۸ ق در حمام حضرتی نجف وفات نموده و در جوار جد گرامش حضرت علی علیه‌السلام مدفون گردیدند.

معظم‌له دارای چهار فرزند عالم و دانشمند می‌باشند که اسامی آنها را مینگارم: ۱- آیه‌الله آقا سید محمد مذکور ۲- آیه‌الله آقا سید حسن ساکن نجف ۳- آقا سید احمد علی ۴- آیه‌الله آقا سید محمد باقر مقیم آبادان.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

بحری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی بحری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی بحری (طیبی) فرزند محرم علی بحری (طیبی)، به تشویق والد معظم بعد از پایان دبستان در قم وارد حوزه علمیه قم شدم. کتاب های صرف و نحو و منطق را نزد اساتیدی مانند مرحوم سالک و آقای تهرانی، کتاب معالم را نزد استاد مرحوم فاضل هرنندی و قوانین الاصول را نزد استاد آیت الله میرزا محسن دوزدوزانی و کتاب منطق کبری و بخشی از شرح تجرید را نزد والد، باب حادی عشر را نزد استاد آیت الله صلواتی، شرح لعمه را خدمت آیت الله فاضل هرنندی، رسائل و مکاسب محرمه را خدمت آیت الله سبحانی، بیع مکاسب نیز خدمت آیت الله مشکینی، جلد اول کفایه را نزد استاد سبحانی و جلد دوم را نزد آیت الله سلطانی، با جدیت به پایان رساندم در سن بیست سالگی در امتحان خارج حوزه شرکت کردم. بعد از موفقیت در امتحان کتبی امتحان شفاهی را خدمت آیت الله لطف الله صافی و آیت الله محسن دوزدوزانی با موفقیت به پایان رساندم. سال هزار و سیصد و پنجاه همان سالی که امتحان درس خارج را دادم ازدواج کردم. بحمد الله با شهریه ماخوذه و مبالغی که در ایام تبلیغ، ایامی که حوزه تعطیل بود از طرف حضرت اباعبد الله حواله می شد براحتی از نظر معیشتی زندگی می کردم. یکی از توفیقات الهی که بنده از آن بر خوردار بوده ام این بوده که از وقتی سیوطی می خواندم شروع به تدریس کرده ام و اولین تدریس از دروس صرف و نحو آغاز شد و اولین درس خارج را که شرکت کردم درس آیت الله العظمی وحید خراسانی بود که قریب بیست و سه صبح و عصر در فقه و اصول معظم له شرکت کردم بعد از انقلاب اسلامی تدریس در دانشگاه را نیز پذیرفتم و تا کنون تدریس در حوزه (جامعه الزهراء) و در دانشگاه ادامه دارد.

(یکی از شاگردان اینجانب اخیراً اعتراف می کرد چند سال نزد اینجانب درس خواند بنده فکر می کردم چند ماه بیشتر درس نخوانده و در انتخابات خبرگان رهبری رأی آورد و به جمع خبرگان رهبری پیوست.)

بختیاری، ابوالحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسن بختیاری

محل تولد: تاکستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در اواخر سال ۱۳۵۶ وارد حوزه علمیه همدان شدم، و مقدمات تحصیلی را شروع نمودم و بعد از یک سال همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، وارد حوزه علمیه قم شدم و مقدمات صرف و نحو و معالم و مغنی را در مدرسه المهدی آیت الله گلپایگانی فراگرفتم، اصول فقه مرحوم مظفر را نزد آیت الله اشتهاردی و صالحی افغانی تلمذ کردم. در سال ۱۳۶۲ ازدواج نموده و در نیروگاه قم مستاجر شدم، همزمان با فراگیری تحصیلات حوزوی مشغول تبلیغ در ایام تبلیغی و رفتن به جبهه شدم.

سطح را نزد اساتید بزرگوار حوزه فراگرفتم و در سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ دوره دوم تخصصی کلام را در موسسه امام صادق(ع) گذراندم و در سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ در رشته‌ی کارشناسی ارشد دوره مدرسی الهیات و معارف اسلامی را در موضوع پایان‌نامه فلسفه دعا و نقش تربیتی آن گذراندم و اکنون پس از سال‌ها مشغول تدوین پایان‌نامه در سطح چهار حوزوی در موضوع - محو و اثبات بر محور عبودیت و انسان می‌باشم و درس خارج را از سال ۱۳۶۹ - ۱۳۷۰ در نزد اساتید بزرگوار آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی گذرانده‌ام و آنچه فعالیت این جانب محسوب می‌شود، اشتغال به تدوین پایان‌نامه فوق و تبلیغ در ایام تبلیغی هستم.

بدیع اسطرلابی، بدیع الزمان، ابوالقاسم هبه الله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۴ق)، فیلسوف، طیب، اخترشناس، نقاش و شاعر شیعی. نیاکانش احتمالاً ایرانی و از مردم اصفهان بودند. وی در بغداد زاده و در اصفهان بزرگ شد. او با ابزارهایی که خود ساخته بود سیر نور و اندازه‌ی آن را معلوم کرد و در اثبات درستی کارهای خود از براهین هندسی استفاده می‌کرد. بدیع در کوه‌ی سماوی چیزی افزود و کار آن را که سالهای دراز ناقص مانده بود، کامل کرد. خط کشها و قرقه‌هایی که ساخته بود، کاربرد عمومی یافتند و از راه تجربه، سودمندی آنها به اثبات رسید. وی در کاخهای سلجوقی به ساختن جدولهای فلکی سرگرم بود و زیجی به نام «المعرب المحمودی» نوشت و به محمود سلجوقی هدیه کرد. بدیع به شعر حسین بن حجاج علاقه می‌ورزید و آنها را گردآوری کرد و آن را «دره التاج من شعر ابن حجاج» نامید. از او «دیوان» شعری بر جای مانده که درونمایه‌ی بیشتر آنها هجو و لطیفه است. وی در بغداد درگذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار نقاشان (۱۴۱۹/۳)، الاعلام (۵۸/۹)، تاریخ بغداد (۳۷۴/۱۵)، دایرةالمعارف فارسی (۳۹۶/۱)، الذریعه (۱۳۰/۹)، لغت‌نامه (ذیل / هبه الله)، معجم الادباء (۲۷۵ - ۲۷۳ / ۱۹)، وفيات الاعیان (۵۳ - ۵۰ / ۶).

بدیع، امیرمهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۲۹۴.

درگذشت: ۱۳۷۳.

از آثار اوست: یونانیان و بربرها (به زبان فرانسوی، لوزان، ۱۳۴۷، این کتاب توسط احمد آرام ترجمه و یک بار در سال ۱۳۴۳ و بار دیگر در سال ۱۳۶۴ منتشر شده است)؛ هگل و مبادی اندیشه معاصر (تهران، ۱۳۶۳).
برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

برای گاوزنی، عبدالحق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحق براری گاوزنی

محل تولد: رود بست

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۶ در عهد طاغوت دیپلم علوم تجربی (طبیعی آن زمان) را دریافت کردم (از شهرستان بابلسر). با اینکه در کنکور دانشگاه آن زمان شرکت کرده بودم اما شوق تحصیل حوزوی و دانستن زبان عربی مرا به مدرسه علمیه فریدونکنار که تازه به دست حجة السلام محمودیان نماینده آیت الله العظمی گلپایگانی در فریدونکنار (مسجد صاحب الزمان) دائر شده بود، وارد شدم و به تدریج صدای انقلاب از قم و تهران و... به مازندران هم رسیده بود که البته با حال و هوایی که داشتیم در اولین اعتراضات مردم قم خود را به قم و تهران می کشانیدیم و درس و بحث‌ها تحت الشعاع فعالیت انقلاب قرار گرفته بود و بارها تهدید و تحت تعقیب بودم بالاخره با پیروزی انقلاب اسلامی به حوزه مشهد جهت تقویت ادبیات رفته بودم و در درس حجت هاشمی ادیب معروف شرکت کرده بودم. سیوطی را گذراندم. شوق حوزه قم مرا به قم کشانده بود آغاز جنگ آغاز حال و هوایی دیگر بود و چند سال جنگ به خاطر ارتباط با گردان یا رسول فریدونکنار و حاج حسین بصیر که تا جانشینی لشکر ۲۵ کربلا پیش رفته بود و در کربلای ۱۰ در قله‌های مائوت عراق به شهادت رسیده بود به خاطر ارتباط دامادی و برادرخانمی با ایشان و همراهی با مجاهدان شمال روزگار جنگ را با اهل جنگ محشور بودیم و البته درس و بحثم را در مدرسه گلپایگانی صفائیه می گذراندم.

یکی از خاطراتم اینکه هرگز بحث خبر واحد را از اصول فقه و معالم تا کفایه استاد ندیده بودم و همه‌اش در این قسمت از بحث در جبهه‌ها بودم! دوارن جنگ تمام شد و با دوستان زمان جنگ حاج آقا داود صمدی آملی و حاج آقا مسرور قائم شهری که هم مباحثه‌های اینجانب بودند به درس و بحث مشغول بودیم بعد از اتمام لمعتین از مدرسه گلپایگانی (ره) برای دروس بعدی وارد حوزه (بیرون از مدرسه) شدیم. رسائل را خدمت آیت الله اعتمادی و قسمتی از لمعه را هم با وجدانی فخر گذراندم و در ضمن با نوار دروس فلسفه (بدایه و نهایه را) با مباحثه دوستان گذراندم. کفایه را با اساتیدی چند از آیت الله صالحی مازندرانی و احمدی

یزدی و آیت الله راستی پیش بردیم و در درس خارج اصول آیت الله فاضل لنکرانی حفظه الله شرکت کردیم (حدود ۶ سال) و با درس فقه آیت الله جوادی بحث اجاره در مدرسه سعادت و حدود و تعزیرات از آیت الله مرحوم شیخ جواد تبریزی (ره) استفاده کردیم. روزها ساعت ۱۱ حدود ۵ سال با تفسیر آیت الله جوادی آملی در مسجد اعظم همراه بودیم و با آغاز درس مصباح الانس ابن فناری از آیت الله حسن زاده آملی خواستیم تا ما را به حضور بپذیرد نامبرده امتناع کرد، فرموده بودند چون پایینی‌ها را نخواندید نمی‌شود (تمهید القواعد - فصوص الحکم ...) اما اصرار کردیم تا اجازه استفاده از نوارهای فصوص را مرحمت کردند و همراه با استفاده از درس فصوص به شکل نوار از درس مصباح الانس ایشان استفاده می‌کردیم - حال و هوای عجیبی و شوق زیادی را در این دوران نشان می‌دادیم.

متأسفانه درس مصباح الانس به دلیلی که اینجا مطرح نمی‌کنم تعطیل شد و مایه تأسف ما شد. سه جلد اول اسفار را با آیت الله حسن زاده آملی گذرانیدیم با اینکه جلد اول را با آیت الله جوادی آملی سر کرده بودیم. سال ۷۲ در کنکور سراسری شرکت کردم و در رشته فلسفه غرب در دانشگاه شهید بهشتی تهران قبول شدم، دوره کارشناسی فلسفه غرب در دانشگاه موجب ضعف ارتباط لازم با حوزه تلقی می‌شد و بالاخره سال ۷۶ کارشناسی را تمام نمودم. در طول این سالها به اندازه یک نماینده پر حرارت مجلس برای مردم زادگاهم چه تلاش‌ها و عمران و آبادی‌ها که نکردم در طول سال تحصیلی علاوه بر تبلیغ در حوزه شهر بابلسر و فریدونکنار زادگاهم (که بین این دو شهر بوده است (رودبست)) چه وقت‌ها و سفرها که هزینه نکردم و ناله اهل خانه به آسمان بلند بود و با توجیه اینکه امروز وقت این کارها هم هست از درس و بحث گاه می‌زدم و چه کارها که نکرده بودم. بحمدالله از احداث مدرسه ابتدایی تا راهنمایی و ساختن مسجدی باشکوه در حدود هزار متر مربع (با بالکس) و به شکل جمکرانی و احداث آسفالت در حدود ۳ کیلومتر در زادگاه خود و تلاش برای آوردن تلفن و آب آشامیدنی و بسیار کارهای عمرانی و محلی دیگر که همین‌ها مرا مدت‌ها معطل خود کرده بود مشغول بودم. با سخنرانی‌های زمان جنگ و بعد از جنگ از مسجد تا میدان شهر فریادگر دفاع از امام و انقلاب اسلامی بودم و بحمدالله با همان روحیه همچنان در سنگرم (الحمدالله الذی هدانا...)

در سال ۱۳۸۰ در کارشناسی ارشد فلسفه غرب در دانشگاه تهران مرکز قبول شدم و مقارن این قبولی همراه با حاج آقا دهقان وارد کار در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) همراه با تدریس دروس معارف مشغول شدم قبل از دانشگاه بین‌المللی امام (ره) در دانشگاه علوم پزشکی ارتش در تهران به تدریس دروس معارف و اخلاق پزشکی و ریشه‌های انقلاب اسلامی می‌پرداختم. الان بیش از ده سال است که به تدریس دروس معارف مشغولم و همچنان در دفتر نهاد رهبری دانشگاه بین‌المللی در خدمت فعالیت‌های همراه با آمال رهبری می‌باشم.

برغانی قزوینی، عبدالوهاب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۴ ق)، فقیه، مجتهد، متکلم، حکیم، واعظ و شاعر. پس از فراگیری مقدمات و ادبیات، فقه و اصول را از پدرش و عمویش شهید ثالث فراگرفت. آن‌گاه به اصفهان رفت و حکمت و فلسفه را در حوزه‌ی درس آخوند ملاعلی نوری آموخت و پس از وفات ملاعلی نوری به حوزه درس ملاآقا حکمی قزوینی پیوست و از شاگردان درجه اول او به حساب می‌آمد. برغانی سپس به عراق رفت و در محضر درس سید محمد مجاهد و شریف العلمای مازندرانی و شیخ محمد حسن نجفی صاحب «جواهر» تلمذ کرد و به

درجه اجتهاد نایل شد. وی با استادش سید محمد مجاهد در جنگ روسیه و ایران شرکت کرد. او چندی در کربلا به تدریس مشغول بود و چون پدرش درگذشت در قزوین و سپس در تهران اقامت گزید. او مرجع تقلید و فتوا و مدرس طلاب علوم دینی بود و تدریس فلسفه و عرفان بعد از فوت ملا آقا حکمی کاملاً بر عهده‌ی او قرار گرفت. از مشهورترین شاگردانش، سید جمال‌الدین اسدآبادی است که در مدرسه صالحیه فلسفه و عرفان را از او اخذ کرد. به گفته‌ی صاحب «المآثر و الآثار»، در طلاقت زبان و ملاحظت بیان و حلاوت لهجه و حسن تفهیم عموماً و در منبر خصوصاً در تمام ایران یگانه بود. از آثار وی: «خصائص الاعلام فی شرح شرائع الاسلام»، به عربی، در پانزده مجلد؛ «مخازن الاصول»، به عربی، در اصول فقه، در بیست مجلد؛ شرح بر «عرشیه» ملاصدرا؛ «دیوان» شعر؛ کتاب «سوز و گداز»، در قالب مثنوی در واقعه کربلا.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۰۸/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۶۳)، مستدرکات اعیان (۳۰۴/۲).

برنجکار، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا برنجکار

محل تولد: آستارا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

رضا برنجکار در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در شهرستان آستارا به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در سال ۱۳۶۰ با اخذ دیپلم ریاضی به پایان رساند. در سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه قم وارد شد. تحصیلات حوزه را پس از اتمام سطح و گذراندن هفت سال درس خارج فقه و اصول به پایان رساند. در کنار درس های رایج حوزه به تحصیل کلام، فلسفه، تفسیر و حدیث پرداخت. همچنین تحصیل در رشته فلسفه غرب را در دانشگاه ادامه داد و در سال ۱۳۸۰ موفق به اخذ دکتری فلسفه از دانشگاه تهران گردید. وی هم اینک عضو هیأت علمی دانشگاه تهران است و در حوزه و دانشگاه مشغول تدریس می باشد. همچنین با بسیاری از مراکز پژوهشی حوزه، همچون مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، دفتر تبلیغات اسلامی و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مشغول همکاری است. از وی بیش از سی مقاله و چهار کتاب به چاپ رسیده است

بروجردی، ابوتراب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فقیه زاهد، در محله شمس آباد ساکن بوده، و در مسجد آنجا امامت می نموده، در شب یکشنبه ۱۵ شوال سال ۱۳۲۸ وفات

یافته، در تخت فولاد بیرون بقعه مادر شاهزاده مدفون شده است.

وی دارای چندین پسر بوده که از آن جمله است:

۱- حاج میرزا حسن بروجردی که بعداً شرح حال او نوشته می‌شود.

۲- میرزا علی واعظ، از واعظ معروف، و محدثین محترم اصفهان بود. در ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۵۸ وفات یافته، در صحن تکیه بروجردی مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

بزنجان‌ی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا بزنجان‌ی

محل تولد: داراب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

بسطامی، مطلب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۹ - ۱۲۷۴ ق)، فقیه، فیلسوف و عارف. در بسطام به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در بسطام و شاهرود برای ادامه تحصیل رهسپار مشهد شد و پس از دو سال استفاده از محضر فقها و فلاسفه آنجا، به تهران آمد و یک سال به فلسفه پرداخت و نزد آقا سید عبدالحمید گروسی و آقا صادق همدانی و آقا سید محمد اصفهانی و میرزا محمد تقی گرگانی تحصیل کرد. سپس به عتبات مهاجرت کرد و مدت چهار سال در سامرا از محضر میرزای بزرگ شیرازی استفاده کرد. بعد به نجف رفت و هشت سال از حوزه‌ی درس میرزا حبیب الله رشتی و آخوند خراسانی بهره برد. سپس به ایران بازگشت و در مشهد به تدریس پرداخت. در اواخر عمر به شاهرود آمد و در آنجا مشغول ارشاد و تدریس شد. از آثار وی: یک دوره «اصول» آخوند خراسانی؛ «مشاهد سبع» یا «ریاض العقول» که مشتمل بر فلسفه علمی و عملی و شرح سفر نفس است. [۱]

میرمطلب بسطامی از علماء بزرگ و معروف گذشته شاهرود بوده‌اند. وی در سال ۱۲۷۴ ق در قصبه بسطام متولد شده و پس از تکمیل تحصیلات مقدماتی در بسطام و شاهرود جهت ادامه تحصیل رهسپار مشهد مقدس گشته و در آنجا دو سالی توقف و از علماء بزرگ آنجا کسب علوم فقه و فلسفه نموده سپس عزیمت به تهران و یکسال هم در آنجا به درس فلسفه اشتغال ورزیده و نزد مرحوم آقا سید عبدالحمید گروسی و آقا صادق همدانی و مرحوم آقا سید محمد اصفهانی و میرزا محمد تقی گرگانی تحصیل کرده و سپس به عتبات عالیات مهاجرت و مدت چهارسال در سامرا از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی میرزا بزرگ شیرازی استفاده نموده

و بعد به نجف آمده و از درس مرحوم میرزا حبیب‌الله رشتی و مرحوم آخوند خراسانی مدت هشت سال استفاده نموده و پس از آن مراجعت به ایران و در مشهد مقدس رضوی به افاضه و تدریس پرداخته تا اواخر عمر که مجدداً به وطن خود شاهرود برگشته و مشغول افاضه و وعظ و ارشاد و تدریس گردیده تا اینکه در سال ۱۳۵۹ قمری به رحمت ایزدی پیوستند.

معظم‌له گذشته از مقامات علمی دارای نفس زکیه و صاحب کشف و کرامت بودند از جمله در یک ماه رمضان که در مسجد خودشان مشغول وعظ و ارشاد بودند سرائر و به وطن مردم پای منبر به ایشان کشف شد و مردم را به صورت‌های مختلف دیدند و پس از آن به مسجد و منبر نرفتند و در کنج خلوت و انزوا مشغول به خود شدند تا از دنیا رفتند و دیگر از قضایای منقوله از ایشان این بود که قبل از مرگ خود خبر دادند که در چه وقت خواهند مرد و کجا دفن خواهند شد و گفتند که قبرستان شاهرود به هم خواهد خورد و تفریحگاه خواهد شود و این خبر چند سال قبل به وقوع پیوست ولی هنوز مقبره ایشان دست نخورده و زیارتگاه مردم است و مردم از نذورات برای او و زیارت قبرش نتیجه‌ها گرفتند. از آثاره او یکدوره اصول مرحوم آخوند است که ظاهراً قبل از کفایه نوشته شده و دیگر کتاب مشاهد سبع یا ریاض العقول که مشتمل بر فلسفه علمی و عملی و شرح سفر نفس است که تاکنون مخطوط مانده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۱- ۱۳۰/۷).

بطحایی، هاشم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید هاشم بطحایی

محل تولد: گلپایگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۳۵ شمسی از گلپایگان وارد حوزه علمیه قم شده و مشغول تحصیل گردیدم و ضمن تحصیل حوزوی با توجه به جو اختناق فرهنگی به ذهنم خطور کرد که باید تحصیلات کلاسیک را نیز ادامه دهم لذا در کلاس‌های شبانه شرکت کردم و پس از دریافت دیپلم وارد دانشگاه تهران شدم و در سال ۴۷ به درجه لیسانس در رشته فلسفه با نمره ممتاز که مورد تشویق نیز واقع شدم نایل گردیده و در ۱۶ / ۱ / ۴۸ الزاماً به خدمت نظام وظیفه اعزام شدم و در کسوت افسری با حفظ سیمای طلبگی در مناطق مختلف خدمت سربازی را سپری نموده و در سال ۵۰ به قم برگشتم و دروس حوزوی را ادامه دادم.

در کنار آن در فوق لیسانس دانشگاه تهران شرکت کرده و پذیرفته شدم و در سال ۵۲ فوق لیسانس (با معدل بالا) را گرفتم ضمناً با آرمانی که از تحصیل دروس کلاسیک در نظر داشتم در سال ۱۳۵۰ وارد آموزش و پرورش قم شدم و در سمت دبیری در دبیرستان‌های قم تدریس می‌کردم و به فضل الهی و تاییدات او از دروس حوزه کم و کاستی نداشتم تا در سال ۱۳۶۵ از آموزش و پرورش به آموزش عالی دانشگاه تهران محل خدمت مجتمع آموزش عالی قم منتقل شده و عضو هیئت علمی آن دانشگاه گردیدم

و در تمام این سنوات تنها دو سال از حوزه بدلیل خدمت نظام وظیفه فاصله گرفتم والا تمام سنوات گذشته را اشتغال داشتم . در سال ۴۵ پس از سپری کردن دروس سطح که محضر حضرات علماء تلمذ نموده وارد درس خارج حضرات آیات گلپایگانی و امام و حاج شیخ هاشم آملی شدم . سطوح و لمعتین را از محضر مرحوم آقای ستوده و رسائل را از محضر آقای نوری همدانی و قوانین را از محضر آقای اعتمادی و مکاسب را از محضر آقای منتظری و کفایتین را از محضر مرحوم آقای سلطانی استفاده نمودم و در سال ۱۳۸۰ دکترای رشته فقه و مبانی حقوق را از دانشگاه تهران گرفتم و اینک ضمن اشتغال در دانشگاه تهران - مجتمع آموزش عالی - در حوزه در مقطع درس خارج تدریس می نمایم .

بلخی ابوزید، احمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۲۲- ۲۳۵ ق)، ادیب، متکلم، فیلسوف شیعه و جغرافیدان. در شامستیان، از روستاهای نزدیک بلخ خراسان به دنیا آمد. پدر او از سجستان و معلم کودکان بود. در جوانی به بغداد رفت تا در مذهب امامیه تحقیق کند. در آنجا به محضر یعقوب بن اسحاق کندی راه یافت و نزد او به کسب علوم عقلی پرداخت. وی هشت سال در عراق بسر برد، و در این مدت فلسفه، نجوم، طب، طبیعیات و علم کلام و دیگر دانشها را فراگرفت، سپس از راه هرات به بلخ بازگشت. ابوزید علاوه بر تألیفات گران قدر، شاگردانی نیز داشت از جمله: ابن فریغون، ابوالحسن محمد یوسف عامری، ابومحمد حسن وزیری. برخی از محققان، زکریای رازی را نیز در فلسفه از شاگردان او می‌دانند و رازی به سبب تعلیمات وی به فلسفه نو فیثاغوری متوجه گردید. ابوزید را سومین متکلم بزرگ عالم اسلام می‌دانند. و بعضی منابع وی را در عراق جاحظ خراسان لقب دادند. حدود هفتاد تألیف به او نسبت داده‌اند، از جمله: «صور الاقالیم الاسلامیه»؛ «جمل مصالح الانفس»؛ «العلم و التعلیم»؛ «تفسیر ابی زید بلخی»؛ «لغات القرآن»؛ «شرايع الادیان»؛ «رساله حدود فلسفه»؛ «فضیله علوم ریاضیات»؛ «الاسماء و الکنی و الالقاب»؛ «عصمت الانبیاء». [۱]

احمد بن سهل بلخی، متکلم و فیلسوف خراسان، از شاگردان مشهور کندی (یعقوب بن اسحاق). وی در آغاز قرن چهارم می‌زیست (ف. ۳۲۲ ه.ق.). گذشته از کتبی که در کلام تألیف کرد، کتابهای معتبری نیز در فلسفه و علوم به رشته تحریر درآورد، مانند: حدود الفلسفه، مایصح من احکام النجوم، کتاب الاخلاق الامم، و کتاب مشهور صور الاقالیم در جغرافیا. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱/ ۱۳۱)، اعیان الشیعه (۲۱۹- ۲۱۶/ ۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۱۱۷)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۶۸- ۶۵)، تاریخنگاران ایران (۴۴- ۴۳/ ۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۴۴- ۱۰۴۳/ ۸)، الذریعه (۳۳۰/ ۱۸، ۲۵۵- ۲۵۳/ ۴)، روضات الجنات (۵۰- ۴۹/ ۴)، ریحانه (۷/ ۱۲۰)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۲۲۹- ۲۲۸)، کشف الظنون (۱۴۴۰، ۱۰۸۴، ۶۰۲، ۲۲۷)، الکنی و الالقاب (۱/ ۸۱)، لسان المیزان (۱/ ۲۷۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابوزید)، معجم الادباء (۸۶- ۶۴/ ۳)، معجم المؤلفین (۱/ ۲۴۰)، الملل و النحل (۳۶۵)، الوافی بالوفیات (۴۱۳- ۴۰۹/ ۶)، هدیه العارفین (۱/ ۵۹).

بنجیری شیرازی، شمس‌الدین عبدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۷۲ ق)، حکیم و شاعر. از حکیمان بنام عصر خود بود و بهره‌ی وافیه از علوم عقلی و نقلی داشت. خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی و قوام‌الدین ابواسحق در خدمت او اکتساب علوم کرده‌اند. سلطان محمد مظفر به او ارادت داشت. شمس‌الدین شعر نیز می‌سرود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۷۶۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳/۳۰۰)، الذریعه (۵۴۲/۹)، ریاض العارفین (۲۱۲)، ریحانه (۲۴۲/۳)، صبح گلشن (۲۲۵)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۲/۲)، مرآت الفصاحه (۳۱۵-۳۱۴).

بهبهانی، عبدالحسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۵/۱۲۲۴ ق)، فقیه اصولی، مجتهد و عالم علوم نقلی و عقلی. متولد کربلا و ساکن همدان بود. وی نزد پدر و برادرش، آقا محمدعلی، سیدمهدی شهرستانی و سیدعلی صاحب «ریاض» درس خواند. در قضیه‌ی وهابیون از عراق به ایران آمد و در کرمانشاه ساکن شد، سپس به مشهد رفت و از آنجا راهی همدان شد و بنا به اصرار علمای آن دیار مدتی در آنجا ماند. سپس به اصفهان و مجدداً به مشهد و یزد رفت. او سالهای پایان عمر خود را در همدان گذراند و همان‌جا درگذشت. اثر وی: «حاشیه معالم الاصول» است که مفصل‌ترین حواشی تحقیقاتی بود که تا آن زمان بر «معالم» نوشته شده بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۰۸-۲۰۷/۶)، روضات الجنات (۹۶/۲)، ریحانه (۳۹۹/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۰۸-۷۰۷/۱۳)، الکنی واللقاب (۱۱۰/۲)، مرآت الاحوال (۱۶۹-۱۶۸).

بهروز، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا بهروز

محل تولد: استهبان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۸/۲

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا بهروز در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه شیراز شده و از محضر بزرگانی همچون آیت الله سید عبدالحسین

دستغیب (شهید محراب) بهره وافر برده، دروس ادبیات را در محضر آقایان سید محمود و سید احمد آیت الهی از ادیبان متبحر آن دیار فرا گرفته و هم چنین دروس مقدماتی و مقداری از سطح را در محضر آقایان حج السلام سید محمد مهدی و سید علی محمد دستغیب فرا گرفته و در سال ۱۳۶۵ برای ادامه تحصیلات وارد حوزه علمیه قم شده و ادامه دروس سطح را در محضر آقایان حجج اسلام اعتمادی، پایانی، وجدانی، فخر، ستوده، قدیری و اساتید دیگر فرا گرفتیم. در سال ۱۳۶۸ دروس خارج فقه و اصول را شروع کرده و از محضر آقایان آیات عظام فاضل لنکرانی، وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی و مکارم شیرازی حضور پیدا کردم و دوره های فقه و اصول را به پایان رسانده و هم چنین در سال ۱۳۷۰-۱۳۷۴ در رشته تخصصی کلام شرکت کرده و دوره چهار ساله آن را با موفقیت گذراندم و جزء شاگردان ممتاز آن موسسه بوده ام. در بحث فلسفه از محضر اساتید بزرگواری هم چون آیت الله جوادی آملی، حسن زاده آملی، مصباح زاده یزدی و هم چنین از محضر درس جناب آقای انصاری شیرازی بهره وافر بردم و کتاب های بدایه و نهاییه را از محضر آقایان فیاضی تلمذ نمودم و اشارات و تنبیهات را از محضر آیت گرامی و دکتر بهشتی تلمذ نمودم و دروس اسفار و الهیات اسفار را از بزرگانی هم چون آیت الله جوادی، حسن زاده، مصباح و انصاری شیرازی تلمذ نموده ام. و در حال حاضر عضو هیئت علمی پژوهشگاه هستم. از نظر فعالیت های اینترنتی جزء فعالان اینترنتی هستم و فعلا به عنوان مدیر بخش آنلاین مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی مشغول خدمت می‌باشم. و در سایت ها و مسنجرهای مطرح جهان به پاسخگویی و رفع شبهات دینی مشغولم. که می‌توان به مسنجر بیلوکس، پال تاک، ال فور ای، ارتباط شیعی و یاهو اشاره کرد و هر روز کاربران زیادی با مراجعه به این سایت ها پاسخ های خود را دریافت می‌نمایند و از استقبال فراوانی برخوردار است در حال حاضر با همکاری دوستان زیرمجموعه در شبانه روز بیش از ۲۰ ساعت به پاسخگویی به سوالات دینی اشتغال دارم و در گذشته نیز در مدت بیش از چهار سال در سایت های اینترنتی به فعالیت های اینترنتی می‌پرداختم. در مجموع در کلیه موضوعات اینترنتی حضور فعال داشته ام. در عرصه پاسخ به سوالات کتبی نیز روزانه ایمیل های فراوانی به این مرکز ارسال می‌شود که تعداد زیادی از این سوالات که مسائل اعتقادی و فلسفی را تشکیل می‌دهد به کمک دوستان دیگر به پاسخ آن می‌پردازیم.

بهشتی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله دکتر احمد بهشتی در سال ۱۳۱۴ در میانه از روستاهای بخش شیبکوه شهرستان فسا در خانواده ای روحانی متولد شد. ایشان در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی از سوی اهالی شهرستان فسا به نمایندگی مجلس انتخاب شد. از سال ۱۳۶۵ به طور رسمی به دانشگاه الهیات دانشگاه تهران رفت. در این چند سال، مراحل استادیاری و دانشیاری را پشت سر گذاشت و اکنون به عنوان «استاد» به کار تدریس دروس فلسفه دوره دکترا اشتغال دارند. ایشان به عنوان برگزیده سومین دوره مجلس خبرگان از طرف مردم شریف فارس انتخاب شدند و اکنون در مجلس خبرگان به عنوان رئیس کمیسیون آئین نامه انجام وظیفه میکنند. گروه: علوم انسانیرشته: الهیات و معارف اسلامیکرایش: فلسفهوالدین و انساب: پدر احمد بهشتی مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالمجید بهشتی در روستاهای بخش کردیان جهرم اقامه نماز جمعه و جماعت میکرد. او به قدری در معاشرت با مردم صفا و صمیمیت داشت که کمتر کسی بود که تحت تاثیر تذکرات، مواعظ و رهنمودهایش قرار نگیرد. دکتر بهشتی دروس مقدماتی را نزد ایشان خواند و صرف و نحو و همچنین برخی کتب فقهی را نزد ایشان بهره مند بردند. مادرشان نیز نمونه زهد، پارسایی، تقوا و ت جهد بود. او تربیت اولاد بسیار موفق را برعهده داشت. فرزندانش یکی قاضی بازنشسته، پزشک جراح، مدرس حقوق و سردفتر

انساب می باشد. خاطرات کودکی : احمد بهشتی از این دوران چنین یاد میکند: " دوران کودکی بامختصری کشاورزی امرار معاش میکردیم. پدرمان معتقد بود که انسان نباید در زندگی متکی بر مردم باشد. ساده زیستی و قناعت در لباس و پوشاک و خوراک و مسکن روشی بود که پدر و مادر آن را توصیه می کردند. اگر غیر این بود در آن شرایط سخت تحصیل کردن از محالات بود. هنگامی که با برادر کوچکترم که اکنون از شغل قضاوت بازنشسته شده است، با روزی ۲۰ ریال که پدر و مادر تامین می کردند امرار معاش می کردیم. مادرمان از طریق مختصری بافندگی به ما کمک می کرد." اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : ساده زیستی و تقوا و زهد و عبادت و تقلید به فرایض و گذشت و ایثار بر خانواده حاکم بود. مادر محترم احمد بهشتی با آنکه سواد نداشت ولی بر مسائل فقهی مسلط بود بطوری که به تنهایی پاسخگوی مشکلات زنان بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد بهشتی در سال ۱۳۲۸ شمسی به همراه پدر به شیراز آمد و در مدرسه آقاباباخان مشغول تحصیل علوم حوزوی شد. علاقه شدید به سخنوری و نویسندگی در ایشان سبب شد منبرهای پرمایه ایشان طرفداران زیادی داشته باشد ایشان در سال ۱۳۳۸ شمسی به قم وارد شد و در مدرسه دارالشفا به ادامه تحصیل پرداخت. ایشان با داشتن دیپلم متوسطه مشتاق بود که مدرک لیسانس بگیرد. او همانند مرحوم استاد مطهری، دکتر بهشتی، دکتر مفتاح و دکتر باهنر برای اخذ مدرک در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی وارد دانشکده الهیات دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۴۲ به علت اینکه در دوره لیسانس شاگرد اول شده بود، بدون کنکور اجازه یافت که در دوره دکترا ادامه تحصیل دهد. که در سال ۱۳۴۵ فارغ التحصیل دکترای فلسفه شد و رساله دکترای خود را به راهنمایی استاد مطهری، بدون حضور ایشان دفاع کرد. خاطرات و وقایع تحصیل : احمد بهشتی از این دوران خاطرات زیادی را به یاد دارد که می توان به دریافت جایزه از دست آیت الله بروجردی بخاطر قبولی در امتحانات عالی حوزه و شرکت در قرعه کشی نظام وظیفه در سال ۱۳۴۴ که منجر به معافیت سربازی وی شد، اشاره کرد. فعالیتهای ضمن تحصیل : احمد بهشتی در کنار تحصیل فقط در محرم و صفر و رمضان- به منبر میرفت و از این طریق امرار معاش میکرد. استادان و مربیان : احمد بهشتی در دوران تحصیل در شیراز از محضر اساتید و علمای بزرگی همانند حضرات آیات حاج سید حسین آیت اللهی، سید حسن آیت اللهی، شیخ محمد علی موحد، میرزا علی اکبر ارسنجان، سید نورالدین حسینی، شیخ ابولحسن حدائق، شیخ بهالدین محلاتی، شیخ محمود شریعت زرقانی، حضرت سید حسین جهبذ و ... بهره های بسیار برد. درس خارج فقه و اصول را در محضر امام راحل که در مسجد سلماسی برگزار میشد ادامه داد و درس مرحوم آیت الله بروجردی نیز شرکت جست. آبت الله بهشتی در محضر مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی، استاد مرحوم آیت الله سلطانی طباطبایی و مرحوم آیت الله محقق داماد نیز تلمذ نمود. از اساتید دانشگاهی ایشان می توان به استاد مطهری، استاد مشکات، دکتر صدیقی، دکتر حائری و استاد مصلح اشاره کرد. هم دوره ای ها و همکاران : هم دوره ای های دانشگاه احمد بهشتی : دکتر شیخ، دکتر شکبیا و دکتر مشسائی همکاران در دانشگاه : دکتر حبیبی، دکتر قراملکی، دکتر کوچیان و دکتر مطهری هم دوره ایهای وی در حوزه : استادان انصاری، مصباح، ادیب لاری، رفسنجان و دکتر احمدی همسر و فرزندان : احمد بهشتی متاهل و داری همسر بنام خانم عطیه هاشمی است. ماحصل این ازدواج فرزندان است که اسامی آنها به شرح زیر می باشد: دکتر سعید بهشتی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی دکتر حمید بهشتی، داندانپزشک دکتر محسن بهشتی (در سال ۷۸ در پایان دوره سربازی در ماموریت به سوی مناطق جنگی به عنوان پزشک وظیفه به درجه شهادت نائل آمد) مهدی بهشتی دانشجوی فلسفه محمد صادق بهشتی دانشجوی علوم سیاسی فاطمه بهشتی، خانه دار طاهره بهشتی، خانه دار و دانشجوی ارشد علوم قرآنی رضیه بهشتی دانشجوی دندان پزشکیو قایع میانسالی : از وقایع بوقوع پیوسته دوران میانسالی احمد بهشتی از دست دادن استادش، مرحوم سید نورالدین در سال ۱۳۳۵، فوت پدرشان در سال ۱۳۴۵ و همچنین در گذشت مادرشان (مادر دکتر در سال کشتار حجاج ایرانی در مکه حضور داشته که در آنجا دچار آسیب شدید میشود که بعد از بازگشت به ایران پس از سه روز دار فانی را وداع میگوید) می باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد بهشتی تا سال ۱۳۵۷ در حوزه علمیه قم به تدریس اشتغال داشت و همچنین به عنوان

دبیر در دبیرستان ها قم به تعلیم تربیت نوجوانان می پرداخت. ایشان در دوره اول و دوم مجلس شورای اسلامی از سوی اهالی شهرستان فسا به نمایندگی مجلس انتخاب شد. از سال ۱۳۶۵ به طور رسمی به دانشگاه الهیات دانشگاه تهران رفت. در این چند سال، مراحل استادیاری و دانشیاری را پشت سر گذاشت و اکنون به عنوان «استاد» به کار تدریس دوره دکترا اشتغال دارند. و بمدت ۱۵ سال مدیر گروه فلسفه بودند. و هم اکنون مدیر گروه فلسفه دین هستند. ایشان به عنوان برگزیده سومین دوره مجلس خبرگان از طرف مردم شریف فارس انتخاب شدند و اکنون در مجلس خبرگان به عنوان رئیس کمیسیون آئین نامه انجام وظیفه میکنند. ضمناً دکتر بهشتی برای چهارمین دوره مجلس خبرگان که از اسفند ۱۳۸۶ شروع و تا سال ۱۳۹۶ ادامه می یابد، انتخاب شده است. فعالیتهای آموزشی: احمد بهشتی از سال ۱۳۶۵ تا کنون در دانشگاه تهران به تدریس مشغول است ایشان در تدریس های حوزوی تمام متون عالی درسی همانند کفایه، مکاسب، خارج فقه و اصول و ... تدریس می کنند. همچنین در دوره های دکترای دانشگاهها اعم از دانشگاه تهران، شهید بهشتی، دانشگاه آزاد اسلامی ... اسفار، شفا، فقه، اصول، کلام و ... را تدریس می کنند. ایشان کار تدریس دروس فلسفه دوره دکترا رانیز بر عهده دارد. مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید: احمد بهشتی در روستای محل زادگاهش دو مسجد، یک دارالقرآن، یک مرکز تبلیغی بنام حسینیه، بیت رقیه و ویژه بانوان و یک کتابخانه عمومی و همچنین یک دارالقرآن در روستای موسویه جهرم تاسیس کرده است. ایشان هم اکنون به دنبال تاسیس یک موسسه فرهنگی در قم می باشد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: احمد بهشتی در کنار تالیف و تدریس به تبلیغ و سخنرانی نیز می پردازد. با اینکه فعالیت های تبلیغی اش بسیار کاهش یافته ولی کار تدریس و راهنمایی پایان نامه ها و تالیف کتب و مقالات هم اکنون ادامه دارد. شاگردان: احمد بهشتی در طول ۴۶ سال خدمت خود توانسته است بیش از صدها شاگرد را تربیت کند. بطوری که عده زیادی از آنها در دانشگاهها و حوزه ها به امر تدریس مشغول هستند. و عده زیادی هم در پستها و منصبهای حساس مشغول به خدمت هستند. همفکران فرد: بیشترین و عمده ترین گرایش فکری احمد بهشتی به سوی استاد مطهری و شهید بهشتی و دکتر مفتاح و دکتر باهنر بوده است. و یا به زبان دیگر ایشان همواره این بزرگواران را الگوی خود قرار داده است. جوایز و نشانها: احمد بهشتی در سال ۱۳۴۲ به عنوان شاگرد اول دانشکده الهیات لوح تقدیر و جوایزی را دریافت کرد و توانست بدون کنکور وارد مقطع دکتری شود. ایشان همچنین جوایز و تقدیرنامه های متعددی را به خاطر ارائه مقالات و نشر کتب در زمینه های مختلف دینی و غیره از وزارت فرهنگ و ارشاد دریافت کرده است. چگونگی عرضه آثار: احمد بهشتی با ورودشان به جمع نویسندگان مکتب اسلام، کارها و فعالیتهای قلمی اش گسترش یافت و هم اکنون بیش از ۷۰ جلد کتاب تالیفی و ترجمه ای از ایشان در موضوعات فلسفه، حقوق اسلامی، اقتصاد، ایدئولوژی، تربیت اسلامی، کودک و تربیت، بازی در اسلام، ورزش، زنان، خانواده، قرآن، حکومت و ... که بالغ بر بیش از ۵۰ هزار صفحه تالیف می باشد چاپ و برخی به زبانهای خارجی ترجمه شده است. ضمناً صدها پایان نامه دکترا و کارشناسی ارشد حوزه و دانشگاه را راهنمایی کرده است. آثار: اسلام و بازی کودکان، اسلام و تربیت کودکان (دو جلد)، اسلام و حقوق کودک، اندیشه تربیتی و سیاسی علوی، اندیشه سیاسی نائینی و ویژگی اثر: این کتاب تکمیل مقاله ای است که به ماسبت همایش نائینی در اصفهان نگاشته شده است. کتابی بر مبنای تنبیه الامه عقاید و نظرات سیاسی نائینی را تقریر کرده است. نشر بوستان قلم ۶ انسان در قرآن، پایخ به شبهاتی پیرامون تشیع (ترجمه)، تأملات کلامی، تجرید و ویژگی اثر: نشر بوستان کتاب ۱۰ تربیت از دیدگاه اسلام، تربیت کودک در جهان امروز، ترجمه و تفسیر مجمع البیان (۱۲ جلد)، حکومت در قرآن، خانواده در قرآن، خدا در قرآن، راه تکامل (هفت جلد به همکاری ادیب لاری و محمد امامی)، زنان نامدار (سه جلد)، صنع ابداع و ویژگی اثر: نشر بوستان کتاب ۱۹ علی و قومیت عربی (ترجمه)، عیسی پیام آور اسلام، عیسی در قرآن، غایات و مبادی و ویژگی اثر: نشر دانشگاه تهران ۲۳ فلسفه دین و ویژگی اثر: نشر بوستان کتاب ۲۴ قهرمان علقمه، گامهایی در راه تبلیغ (ترجمه)، گوهر و صدف دین و ویژگی اثر: نشر بوستان کتاب ۲۷ مادر پیامبر (ترجمه، مبارزات ایدئولوژیک، مبانی تربیت بدنی در اسلام، مستضعف در قرآن،

منشور عفاف (تفسیر روایی عرفانی سوره نور)، نسل نوخاسته، هستی و علل آن، و حیانت و عقلانیت عرفان

بهمنیار

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بهمن (ایزد) داده (آفریده)) ابن مرزبان مکنی به ابوالحسن، شاگرد ابن سینا (م.ه). وی از زردتشیان آذربایجان بود. کتاب المباحثات شیخ بیشتر در جواب سؤالات اوست. وفات او را در سال ۴۵۸ ه.ق. نوشته‌اند و از جمله آثار اوست: التحصیل (یا التحصیلات)، (تحصیل)، رساله فی مراتب الموجودات که پویر آن را با ترجمه آلمانی به طبع رسانیده، رساله‌ای به عنوان «فی موضوع العلم المعروف بما بعد الطبیعة» که نیز با ترجمه آلمانی همراه مراتب الحروف طبع شده، کتاب المفارقات و النفوس، فی اثبات العقول الفعالة و الدلالة علی عددها و اثبات النفوس السماویة.

(وف ۴۵۸ ق)، فیلسوف و حکیم. وی از زرتشتیان آذربایجان بود که به دین اسلام گروید. او از بزرگترین شاگردان ابن سینا بود و مسلک مشایی را می‌ستود و با ابن سینا مناظرات و مباحثاتی داشت. از آثار وی: «البهجة فی الحکمه»، «السعادة»، «التحصیل»، در منطق و ریاضی و طبیعی و الهی به طریقه‌ی حکمت مشایی؛ «مراتب الموجودات» به عربی؛ کتاب «المباحثات» شیخ ابوعلی سینا بیشتر در جواب سؤالات او است؛ «المفارقات و النفوس»؛ «فی اثبات العقول الفعالة و الدلالة علی عددها و اثبات النفوس السماویة». [۱]

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] ایضاح المکنون (۳۰۳، ۲۸۰- ۱۷۹/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۹- ۳۱۸/۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۲۷۲)، ترجمه تتمه‌ی صوان الحکمه (۵۸- ۵۷)، دانشمندان آذربایجان (۷۴- ۷۳)، دایرة المعارف فارسی (۴۸۰/۱)، الذریعه (۲۹۲/۲۰، ۴۹/۱۹، ۳۹۵، ۱۵۹/۳)، روضات الجنات (۲۶۲/۶)، ریحانه (۲۰۰/۸)، سرآمدان فرهنگ (۲۴۱/۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالحسن بهمنیار)، معجم المؤلفین (۳/۸۱).

بیدآبادی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا محمد در محله بیدآباد اصفهان چشم به جهان گشود و در این شهر مراتب رشد و کمال را پیمود. دوران زندگی وی مصادف با سقوط صفویه و انتقال قدرت به افشاریه و پس از آن زندیه بود و او در دوران انحطاط زندیه در گذشت.

بیدآبادی علوم نقلی و عقلی را در محضر ملا اسماعیل خواجه‌ی (متوفی ۱۱۷۲ ق) و میرزا محمد تقی الماسی (متوفی ۱۱۹۵ ق) فرا گرفت. اما از زمانی که علم رسمی را سر به سر قیل و قال دید و عطش درونی خود را همچنان در اشتداد یافت دست در دامن استاد عرفان و اخلاق سید قطب الدین نیریزی شیرازی نهاد.

آقا محمد بیدآبادی مردی بسیار متواضع و مهربان بود. در فقه مجتهد مسلم و در فلسفه تسلط کامل داشت. در عرفان علمی و عملی بسیار متبحر بود، در زندگی شخصی اش با کمال قناعت و زهد زندگی می‌کرد. چنانکه نقل است در روزگاری وی در اصفهان قحطی سختی روی داد و مردم را به زحمت انداخت در صورتی که آقا محمد هیچ شکایتی از اوضاع نداشت. وقتی علت را جویا

شدند دریافتند که وی و خانواده اش شش ماه تمام با هویج پخته یا خام روزگار گذرانده اند.

از دیگر صفات بارز وی بی اعتنایی و عدم توجه اش به حکام زمانه بود. می گویند کریم خان زند و علیمردان خان زند همواره مایل به دیدار و نشست و برخاست با وی بودند ولی آقا محمد بیدآبادی با قناعت و زهدش هیچ توجهی به آنان نمی کرد. یکی از تربیت یافتگان بیدآبادی، حاج محمد ابراهیم کرباسی است که به حق یکی از ستارگان جهان تشیع است. حاجی کلباسی که ده سال بیشتر از عمرش نمی گذشت بنا بر وصیت پدرش به خانه آقا محمد بیدآبادی رفت و تحت تربیت و کفالت این عالم ربانی قرار گرفت.

اما اهمیت ویژه بیدآبادی در انتقال فلسفه غنی اصفهان عصر صفوی به روزگار بعد از خودش بود. زیرا با انقراض سلسله صفویه، فلسفه در حوزه اصفهان دستخوش نابودی فراموشی بود ولی آقا محمد بیدآبادی با تربیت شاگردان بزرگی چون ملاعلی نوری توانست علم حکمت را به نسل بعد منتقل کند.

بیدآبادی همچنین در علم کیمیا مهارت داشت و تبدیل فلزات پست به طلا را عملاً در اصفهان انجام می داد و چندین رساله و کتاب در این خصوص از خود بجای گذاشته است. در رستم التواریخ آمده است که: «آن مرحوم نزدیک وفات خود به دیدن جناب قدسی آداب، میرزا محمد علی ولد میرزا مظفر خلیفه سلطانی آمد و خواست علم کیمیا را تعلیمش نماید، آن کروی قریحه قبول نمود و فرمود این بار بسیار گران است و مرا تاب و طاقت و توانایی برداشتن این بار گران نیست و اگر متحمل این بار گران بشوم تکلیف بر من شاق می شود و در این باب صلاح خود را نمی دانم پس مرحوم آقا محمد چون غیر آن پاک فطرت از برای این علم شریف سزاوار با اهلیتی نیافت، چه از اولاد خود چه از دیگران، پس ناچار این امانت خدایی را مانند درّ مکنون در گنجینه دل به خاک برد و آن را به هیچ کس نسپرد.»

بیدآبادی پس از عمری تلاش و مجاهده در طریق حق و تربیت شاگردان زیاد، عاقبت در سال ۱۱۹۸ در اصفهان دار فانی را وداع گفت.

او قبل از مرگش خوابی در جلالت و منزلت میر معصوم خاتون آبادی (متوفی ۱۱۵۱ ق) دیده بود و به همین اساس وصیت نموده بود او را بعد از مرگ در کنار قبر وی دفن نمایند. همچنین بیدآبادی وصیت کرده بود که بر بالای قبر وی گنبد و بارگاهی ساخته نشود. بر طبق همین وصیت قبر وی تا حدود ۱۲۰ سال بعد از وفاتش بدون گنبد و بارگاه بوده است. تا اینکه مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملک که نایب الحکومه اصفهان و از اولاد خلف بیک بود، عمارت چهار طاقی بر بالای قبر وی ایجاد نمود. بر مزار وی سنگی بسیار نفیس و ارزشمند قرار دارد که اشعار آقا محمد کاظم واله به خط بسیار زیبای نستعلیق بر روی آن حک شده است. یکی از کرامات مشاهده شده در تخت فولاد مربوط به ایشان است. مرحوم مهدوی نقل می کنند که هنگام دفن میرزا حسین نایینی در کنار قبر آقا محمد بیدآبادی، به قبر ایشان راهی باز شد و جسد مطهر آقا محمد بیدآبادی سالم بود و هیچگونه تغییری نکرده بود در حالی که ۱۲۷ سال از فوت ایشان می گذشت.

بیرونی، ابوریحان محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۴۰-۳۶۲ ق)، دانشمند، منجم، ریاضیدان، حکیم، فیلسوف، مورخ، لغوی. در خانواده‌ای ایرانی در بیرون خوارزم متولد شد. شهرک زادگاهش در بیرون شهر کاث قرار داشت که یکی از دو شهر مهم این ناحیه بود و شهرت بیرونی وی از همین جا است. او

مدتی را در خوارزم به تحصیل معارف و علوم گذراند و نزد استادانی مثل ریاضیدان بزرگ آن عصر، ابومنصور عراق، به فراگرفتن علوم ریاضی پرداخت. ابوریحان با ابوعلی سینا، در موضوعات مختلف مکاتبه داشت. بیرونی بعد از مدتی در اثر یک اتفاق مهم به گرگانج شمال خوارزم رفت و بعد سفری به گرگان کرد و در آنجا به خدمت شمس‌المعالی قابوس بن ابی‌طاهر وشمگیر رسید. در ری با ابومحمود خجندی و کوشیار کیکی ملاقات کرد و بعد به طبرستان نزد ابوالعباس مرزبان بن شروین رفت و یکی از شاهکارهای ریاضی خود را به نام او نوشت. بیرونی در سال ۳۸۷ ق در خوارزم بود و با ابوالوفای بوزجانی که در بغداد بود، مکاتبه کرد و قرار رصدی را گذاشت. ابوریحان در زمان حکومت سلطان محمود به دربار راه پیدا کرد و در سفرهای جنگی محمود به هندوستان و مسافرت‌های ممتد او به آن دیار همراه وی بود. او در ضمن همین سفرها بود که با دانشمندان آن سامان آشنا شد و علاوه بر فراگیری زبان سانسکریت، با علوم و عقاید هندوان نیز آشنا شد. بیرونی با زبانهای سریانی، سانسکریت، فارسی، عبری، عربی آشنا بود. وی در هند فلسفه‌ی یونان را تدریس می‌کرد. اگر چه بیرونی در اکثر رشته‌های علوم زمان خود به پژوهش پرداخت، اما اصولاً به ریاضیات دلبستگی داشت و بیشتر وقت خود را صرف تحقیقات ریاضی کرد. وی بیش از ۱۱۳ کتاب در علوم مختلف پزشکی، هیأت، تاریخ جغرافیا نوشت. از جمله آثار وی: «التفهیم لاوائل صناعة التنجیم»، در ریاضی؛ «تحقیق مالله‌ند»، که پرجمع‌ترین اثر وی است؛ «استخراج الاوتار»؛ «جمع الطرق السائرة فی معرفة اوتار الدائرة»؛ «مقالید علم الهیئة»؛ «قانون مسعودی»؛ «آثار الباقیه عن قرون الخالیة»؛ «الجواهر فی معرفة الجواهر»؛ «رساله الاستیعاب لوجوه الممكنة فی صنعة لاسطرلاب»، «الاضلال او افراد المقال» و «فهرستی از تألیفات محمد زکریای رازی» [۱].

(قد. ابوریحان محمد بن احمد، ریاضی‌دان و فیلسوف ایرانی و بیرون) (خوارزم) ۳۶۲ ه.ق. / ۹۷۳ م. - ف. غزنین ۴۴۰ ه.ق. / ۱۰۴۸ م.). وی اوایل عمر را در خوارزم معروف به خوارزم شاهیان گذرانید و سپس چند سال در گرگان، در دربار قابوس بن وشمگیر به سر برد و کتاب «الآثار الباقیه» (ه.م.) را به نام آن پادشاه تألیف کرد. پس از چندی به خوارزم بازگشت و در دربار ابوالعباس مأمون به مأمون مدتی بزیست. محمود غزنوی در مراجعت به غزنین ابوریحان را با چند تن از فاضلان دربار خوارزمشاه به غزنین برد (۴۰۸ ه.ق.). پس از آن چند بار به خوارزم سفر کرد و در غالب غزوات محمود به هندوستان در ملازمت او بود و با دانشمندان و حکیمان هند مخالطت کرد و زبان سانسکریت را بیاموخت و دایره معلومات خود را وسعت داد و مواد لازم را برای تألیف کتاب «تحقیق ما للهند» (ه.م.) فراهم آورد. از آثار مهم او جز آنچه گذشت کتاب «التفهیم» (ه.م.) است که آن را به عربی و فارسی (جداگانه) تألیف کرده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۰۶- ۲۰۵ / ۶)، اعیان الشیعه (۶۵/۹)، تاریخ در ایران (۲۱- ۲۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۲- ۳۳۷ / ۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۲۷۱- ۲۵۴)، تاریخ گزیده (۶۹۰- ۶۸۹)، تاریخ موسیقی (۱۵۴/۱)، الذریعه (۲۷/۱۷، ۵/۲۲، ۱۳۲/۵، ۷- ۶ / ۱)، روضات الجنات (۳۳۶- ۳۳۴ / ۷)، ریحانه (۱۱۹- ۱۱۴ / ۷)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۱۹۷- ۱۷۶)، زندگینامه‌ی علمی دانشمندان (۳۲۷- ۳۵ / ۱)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۸- ۲۱)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۰۳- ۳۸۰)، کشف الظنون (۱۷۸۴، ۱۶۲۲، ۱۵۹۴، ۱۴۳۷، ۱۴۳۴، ۱۳۸۵، ۱۳۱۴، ۱۱۲۶، ۱۰۶۵، ۹۰۷، ۷۷۱، ۵۹۴، ۴۸۸، ۴۶۳، ۴۲۴، ۴۰۳، ۳۴۵، ۸۱، ۷۹، ۷۰، ۹)، الکنی و الالقاب (۸۰- ۷۸ / ۱)، لغت‌نامه (ذیل / ابوریحان)، معجم الادباء (۱۸۰/۱۷)، معجم المؤلفین (۲۴۲- ۲۴۱ / ۸)، نامه‌ی دانشوران (۸۲- ۶۱ / ۱)، هدیه‌ی العارفین (۶۶- ۶۵ / ۲).

بیهقی، ابوالحسن علی

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۵۶۵ - ۴۹۰ ق)، مورخ، ادیب، محدث، فقیه، متکلم، ریاضیدان و حکیم. مشهور به ابن فندق و فرید خراسان. در سبزواری به دنیا آمد، اما آنچنان که خود بیان می‌کند اصلش به خزیمه بن ثابت که از مشاهیر اصحاب پیامبر (ص) بوده، می‌رسد. ابوالحسن ابتدا فقه و ادب آموخت و سپس به فراگیری علوم حکمت و حساب و نجوم پرداخت. بسیاری از استادان بزرگ عهد خود را در بیهق و نیشابور و مرو و سرخس و دیگر بلاد خراسان دیده و از محضر آنان استفاده کرده است، از آن جمله حکیم عمر بن ابراهیم خیام که وی شرحی از ملاقات خود را با وی در کتاب «تتمه صوان الحکمه» آورده است. او از مشایخ ابن شهر آشوب بود. وی کتب بسیاری تألیف کرده و نخستین کسی است که کتاب «نهج البلاغه» را شرح کرده است. یاقوت در «معجم الادباء» در ترجمه‌ی حال او از هفتاد و چهار تألیف وی با اسم و رسم نام می‌برد ولی متأسفانه از آثار فارسی او جز «تاریخ بیهق» و کتابی مختصر در احکام نجومی موسوم به «جوامع الاحکام» و از آثار عربی او: شرحی بر «نهج البلاغه» موسوم به «معارج النهج»؛ جلد اول از «لباب الانساب» و «تتمه صوان الحکمه»، در تاریخ حکما که ذیلی است بر «صوان الحکمه» سجستانی. مهمترین کتاب فارسی بیهقی «تاریخ بیهق» است؛ این کتاب در تاریخ و جغرافیای ناحیه‌ی بیهق و ذکر رجال علم و ادب، کتاب، سادات و خاندانهای مشهور آن ولایت است و مشحون به فواید تاریخی است. [۱]

ابوالحسن علی ابن زید مشهور به ابن فندق و فرید خراسان (ف. ۵۶۵ ه.ق.)، حکیم و ادیب و ریاضی‌دان معروف قرن ششم از جمله آثار اوست: تاریخ بیهق (ه.م.)، لباب الانساب، تفسیر نهج البلاغه، جوامع احکام النجوم (ه.م.)، معرفة الکرة و ذات الحلق و الاصلطراب، قواعد علوم الطب، مناهج الدرجات فی شرح کتاب النجات، تنبیه العلماء علی تمویه المتشبهین بالحکماء، عرائس النفايس فی اصناف العلوم، امثلة الاعمال النجومية.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه [۱]: الاعلام (۱۰/۱/۵)، ایضاح المکنون (۷۱۴، ۵۶۳، ۵۵۲، ۵۰۳، ۴۸۶، ۴۶۹، ۴۵۰، ۴۳۰، ۳۹۸، ۳۰۳، ۲۳۴، ۲۲۲، ۱۸۴، ۱۴۴، ۱۱۵، ۹۸، ۸۳، ۶۰، ۲/ ۵۹۹، ۵۶۶، ۵۴۸، ۴۶۶، ۴۰۶، ۳۷۳، ۳۶۳، ۳۲۶، ۳۰۰، ۲۵۰، ۲۳۲، ۱۹۲، ۱۸۰، ۱۵۴، ۱۳۰، ۱۲۵، ۱۲۳، ۱۰۷، ۹۷، ۹۲، ۸۳، ۷۴، ۶۶، ۶۵، ۵۳، ۳۶، ۳/ ۱/)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۶ - ۹۹۳ - ۳۱۲ - ۳۱۱ / ۲)، تاریخ بیهق (مقدمه)، تاریخ در ایران (۱۷ - ۱۶)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (مقدمه و ۷۲ - ۷۱)، دائرة المعارف الاسلامیة (۴۳۱/۴)، الذریعه (۱۸۴ / ۲۱ - ۱۱۴، ۷/ ۱۱۳ - ۴/ ۱۴۹)، ریاض العلماء (۳۸/۷)، ریحانه (۳۳۵ - ۴/ ۳۳۴)، سبک‌شناسی (۳۶۶ - ۲/ ۳۶۴)، سرآمدان فرهنگ (۶۲ - ۶۱ - ۱/ طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۹۰ - ۱۸۹ / ۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۱۹ - ۱۱۸)، کشف الظنون (۲۰۵۰، ۲۰۱۱، ۲۰۰۷، ۱۸۹۵، ۱۶۸۶، ۱۵۱۴، ۱۴۳۸، ۱۳۶۱، ۱۲۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۰، ۸۲۱، ۷۴۷، ۶۳۴، ۶۰۹، ۲۸۹)، لغت‌نامه (ذیل / علی بیهقی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۸ - ۴/ ۲۵۷)، معجم الادباء (۲۴۰ - ۱۳/ ۲۱۹)، معجم المؤلفین (۹۷ - ۹۶/۷)، هدیة العارفين (۷۰۰ - ۶۹۹).

پازوکی، شهرام

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شهرام پازوکی متولد تهران است. در سال ۱۳۳۵ در این شهر به دنیا آمده، تحصیلات متوسطه را به پایان رسانده و اواسط دهه ۵۰ در رشته فلسفه دانشگاه تهران قبول شده است. در میانه تحصیل وبا انقلاب فرهنگی وقفه‌ای در روند تحصیلی او ایجاد می‌شود، اما

پازوکی که دلمشغولی جدی او حوزه اندیشه بود بیدرنگ بعد از بازگشایی دانشگاه به ادامه تحصیل می پردازد و لیسانس فلسفه را در سال ۱۳۶۳ از دانشگاه تهران می گیرد. او فوق لیسانس فلسفه را نیز با پایان نامه ترجمه مقدمه و تفسیر کتاب عقل و وحی در قرون وسطی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دریافت کرده و دوره دکترا را نیز با عنوان پایان نامه سیر مابعدالطبیعه در غرب به تفسیر مارتین هایدگر در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه تهران گرفته است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: - پایان تحصیلات متوسطه در تهران - اخذ لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران سال ۱۳۶۱ - دریافت فوق لیسانس فلسفه از دانشگاه تهران سال ۱۳۶۷ - اخذ مدرک دکتری فلسفه از دانشگاه تهران سال ۱۳۷۳

خاطرات و وقایع تحصیل: از وقایع دوران تحصیل شهرام پازوکی میتوان به وقوع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها اشاره کرد. فعالیتهای ضمن تحصیل: شهرام پازوکی در خلال سالهای تحصیل علاوه بر آن، تدریس را نیز آغاز می کند. او از سال ۶۸ تا ۷۹ در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و شهید بهشتی درس داده است

فعالتهای آموزشی: شهرام پازوکی از سال ۶۸ تا ۷۹ در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران و شهید بهشتی و از سال ۷۹ تا کنون، در دوره های دکترای دانشگاه تهران (گروه فلسفه)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تهران (دانشکده هنرهای زیبا) در رشته های فلسفه اگزیستانس، فلسفه یونان و مسیحی، عرفان تطبیقی، الهیات تطبیقی، الهیات مدرن، فلسفه هنر و زیبایی، فلسفه تطبیقی در مباحث وجود شناسی و جهان شناسی درس داده است. او همچنین - همکاری با دانشگاه تهران به عنوان مدرس دروس فلسفه غرب، عرفان، فلسفه هنر - همکاری با دانشگاه شهید بهشتی به عنوان مدرس دروس فلسفه غرب، عرفان، فلسفه هنر از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۷۵ - همکاری با مؤسسه حکمت و فلسفه ایران به عنوان عضو هیأت علمی و مدرس دروس فلسفه غرب، عرفان، فلسفه هنر از سال ۱۳۷۳ تا کنون در کارنامه خود دارد.

آرا و گرایشهای خاص: شهرام پازوکی همچنان که حوزه های معرفت دینی و عرفان نظری را دنبال می کند، از تطبیق و تطابق آن با شرایط اکنون جوامع انسانی نیز غافل نمانده و دیدگاه های جالبی در این باره یافته است. او می گوید: «برخلاف ذهنیت اشتباه ما که بر این باور هستیم که تکنولوژی غربی بر همه شئون آنها سیطره دارد، غرب خود به واسطه تکنولوژی زدگی، به سمت عرفان و معنویت رفته است؛ زیرا به این نتیجه رسیده که این تکنولوژی نمی تواند برطرف کننده همه نیازهای انسانی، از جمله نیازهای وجودی و معنوی انسان باشد. اشتباه است که فکر کنیم تصور غربیان به واسطه اعمال تروریستی برخی حلقه های بنیادگرا مانند «طالبان»، نوعی بنیادگرایی است، چرا که جهان غرب بین این اعمال خشونت آمیز و روح معنوی عرفانی و پاک اسلام، تفکیک قائل شده است. حتی می توان گفت برداشت کلی آنها از اسلام، برداشتی انسانی و مسالمت آمیز است. غرب به دنبال فضای تکنولوژی زدگی که بر آن حاکم شده است، به دنبال مسکن آرامش دهنده ای است که نوعی آرامش باطنی داشته باشد؛ البته خود به خوبی نمی داند که به دنبال چیست، اما همین قدر می داند که این فضا ارضا کننده نیست و باید به دنبال پاسخ به سؤال های وجودی و معنوی خود باشد. غرب به خاطر این آشفتگی و این که نمی داند به دنبال چیست، به سمت ابتدایی ترین، مبتذل ترین تا متعالی ترین رهیافت های عرفانی رفته است، اما با این حال از سر این تکثر خود دارد به نوعی عرفان پی می برد که ریشه در ادیان دارد. بازخوانی و تدریس آثار عرفایی مانند «ملاصدرا»، «ابن عربی» و... و همچنین بزرگداشت هایی درباره عرفان اسلامی در غرب و استقبال طیف های مختلف مردم به این دست کارها، نشان می دهد غرب در پی دست یافتن به گم گشته خویش است. در آمریکا، چند سالی است که «مثنوی معنوی» جلال الدین مولوی پر تیراژترین کتاب است... غرب در یک کلام دوست دارد بیشتر از عرفان اسلامی بداند و این نشانه بازگشت آن به عرفان و معنویت اسلامی است» پازوکی از این منظر مسیرهای طی شده به وسیله

اسلام شناسان غربی را نیز به خوبی زیر نظر گذاشته و مورد نقد و مذاقه قرار داده است. او درباره هانری کربن مستشرق و اسلام شناس معروف فرانسوی می گوید: «کربن که در مطالعاتش به روش هرمنوتیک و پدیدارشناسی متکی بود «معتقد شد» که تشیع باطن اسلام است. به اعتقاد کربن عالم معنوی ایرانی ای وجود داشته است که با ورود اسلام جان تازه ای گرفته است.

چگونگی عرضه آثار: آثار شهرام پازوکی علاوه بر همکاری با دایره المعارف تشیع در نگرش مداخل فلسفه اسلامی، نگارش مقاله های متعدد نظری در نشریه های تخصصی را نیز به چاپ رسانده. تأمل پازوکی در عرفان نظری در ایران او را با ادبیات و فرهنگ پیرامون عرفان نظری در ایران آشنا کرده و روحیه جست و جوگر او را به گنجینه ادبیات کلاسیک ایران نیز تعمیم داده است. او در یکی از نشست های ماهنامه ادبیات و فلسفه درباره عطار سخن گفته و در همایش مولانا به اندیشه نظری او پرداخته و درباره محمود شبستری تحقیقات قابل توجهی کرده و خلاصه از این دریای بی کرانه اندیشه نیز غافل نمانده است پازوکی به زبان های انگلیسی، عربی و آلمانی تسلط و آشنایی دارد و بر اساس این تسلط و آشنایی است که دست به ترجمه مقاله ها و کتبی از این زبان ها به فارسی زده است. او در تدوین فرهنگ فلسفی غرب نیز همکاری داشته و ترجمه مقاله های اصلی دایره المعارف فلسفی پل ادواردز در موضوع های مابعدالطبیعه و هستی شناسی را بر عهده داشته است. «پازوکی همچنین در موضوع هایی چون حکمت یونانی و مسیحی در عالم اسلام و مناسبات تاریخی و ماهوی تصوف و تشیع، دست به کار تألیف و تحقیقات فراوان زده است. او در کنار تدریس، تحقیق و تألیف از حضور در مجامع علمی حوزه کاری اش نیز غافل نمانده و در همایش ها و گردهمایی های مرتبط در داخل و خارج از کشور، حضور پررنگ داشته است. از آن جمله است شرکت در کنگره نقد فلسفی، دانشگاه علامه طباطبایی، عنوان مقاله: پرسش از فلسفه مسیحی، همایش هنر جدید، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، مقالات هنر جدید و مبادی فکری مدرنیسم، کنگره دکارت و فلسفه جدید، دانشگاه علامه طباطبایی، دکارت، مؤسس مدرنیته، کنگره فارس شناسی، دانشگاه شیراز، تصوف عاشقانه روزبهان بقلی شیرازی، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم کرمان، بحران معرفت در معماری جدید، سمینار دین و فلسفه، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، عنوان مقاله: فلسفه مسیحی چیست؟، کنگره بین المللی شیخ اشراق، مقایسه میان سهروردی و هایدگر، کنگره نقد تجدد از دیدگاه سنت گرایان، سنت گرایی و بنیادگرایی، کنگره بین المللی ادراک بنا بر نظر ملاصدرا و مکاتب فلسفی غرب، دانشگاه لندن، کنگره بین المللی مولوی، دانشگاه استراسبورگ، کنگره بین المللی مولوی، دانشگاه لندن، کنگره بین المللی عطار، دانشگاه لندن، کنگره معنای صلح در اسلام و مذهب بودا، دانشگاه بانکوک، کنگره بین المللی شاه نعمت الله ولی، دانشگاه لایدن هلند و ... پازوکی همچنین با دایره المعارف تشیع همکاری مستمر داشته و حدود ۵۰ مقاله در مباحث عرفانی در جلد های ۱ تا ۵ این دایره المعارف نگاشته است. تأمل پازوکی در عرفان نظری در ایران او را با ادبیات و فرهنگ پیرامون عرفان نظری در ایران آشنا کرده و روحیه جست و جوگر او را به گنجینه ادبیات کلاسیک ایران نیز تعمیم داده است. او در یکی از نشست های ماهنامه ادبیات و فلسفه درباره عطار سخن گفته و در همایش مولانا به اندیشه نظری او پرداخته و درباره محمود شبستری تحقیقات قابل توجهی کرده و خلاصه از این دریای بی کرانه اندیشه نیز غافل نمانده است: «آیا عطار در تذکره الاولیا ادیب بوده؟ در کتابی که به قول علامه قزوینی کتابی چون آن که دارای ۲ صفت «سادگی و شیرینی» [به غایت] باشد در ادبیات پارسی سراغ نداریم. به نظر من - چنان که از متن تذکره الاولیا فهمیده می شود - قصد عطار از انشای این کتاب، احیا و یادآوری ایمان است. او به دنبال آن نیست که مشخص کند «شبلی» آن «کلوخ» را برحلاج زد یا نه، قاعده آن است که «حلاج را دردی آمد عظیم» چراکه «دیگران ندانستندی و زدندی و او دانستی و زدی» عطار می اندیشد که «جنید حقیقی» کیست او را با «جنید واقعی» کاری نیست. نگرش او به جهان در این نقطه است که رقم می خورد می بالد و به ما می رسد. او درباره مولانا می گوید: «مولانا یکی از متفکران برجسته ایرانی است که می تواند در عرصه های جهانی مطرح شود. مولانا راه نجات انسان و سلوک الی الله را نشان می دهد و به واقع او نه تنها یک شاعر بلکه یک اندیشمند برجسته است. مثنوی تنها یک متن ادبی نیست بلکه فراتر

از آن یک اثر عرفانی و استمرار تفکر غزالی در رابطه با «احیای علوم دین» است. مولانا نه اشعری است و نه معتزله، او انسانی است عارف که حصول معرفت بشری را از طریق عقل جزئی محال می‌داند. معرفت تقلیدی در اندیشه مولانا جایی ندارد، زیرا او قیاس و علم نقلی را اگر منطبق بر معرفت قدسی نباشد، نفی می‌کند. از منظر عرفانی و در تفکر مولانا، همه علوم منشأ دینی دارند و هیچ علمی در نزد وی شایسته نیست، مگر این که راه رسیدن به خدا را به ما نشان دهد. تفکر مولانا تفکر کلی است و تنها مربوط به ایرانیان نیست؛ بلکه به کل جهان اختصاص دارد. این تصور وجود دارد که تأثیر و تأثرها تنها در عالم اقتصادی و سیاسی رخ می‌دهد؛ اما دقت نمی‌کنیم این مسأله در عالم تفکر شدید تر است؛ ولی پنهان. بد نیست با دیدگاه‌های شهرام پازوکی درباره حصول به معرفت دینی در اندیشه ایرانی آشنا شویم: معرفت به حقیقت هستی از طریق علم حصولی ممکن نیست. بلکه معرفت حقیقی، معرفت حضوری است که بی واسطه است. عرفان بحث ادیان است. ادیان ابراهیمی ۲ شأن دارند؛ یک جنبه ناظر به احکام شریعت است که جنبه ظاهر است و جنبه ای است که شخص چون در عالم زندگی می‌کند باید قوانین و مقرراتی را رعایت کند و در مقابل جنبه شریعت، جنبه باطنی به اسم طریقت وجود دارد که یکی از اصطلاحات کلیدی عرفان اسلامی است. همانطور که جان برای تجلی و ظهورش نیاز به تن دارد، طریقت نیز برای تجلی نیاز به شریعت دارد. عرفان فقط در آسمان نیست. بلکه عرفان جنبه باطنی، طریقتی و معنوی همه ادیان است. از آنجا که ادیان از حیث معنا و حقیقت عرفان واحدی دارند، ادیان از وجه جنبه طریقتی با هم مشترکند، بنابراین شریعت مایه تکرر است. به همین دلیل در ادیان مختلف عارفان آن ادیان چون همدل هستند همزبان هم هستند و این هم زبانی موجب شده تفکر عرفانی خصوصیات خاص خود را داشته باشد. یکی از مشترکات عرفانی ادیان قول به حقیقت واحد هستی است و عالم مظاهر این حقیقت است یعنی اگر از حیث عرفانی، عرفان ادیان مختلف را نگاه کنیم متوجه می‌شویم عارفان در بحث از پیدایش عالم قائل به ظهور و تجلی هستند. یعنی عالم را جلوگاه حق می‌دانند و موجود آیت حق است. به عبارتی در عرفان میان خالق و مخلوق نسبت وجودی هست. ما در عرفان نظر تنها نداریم و نظر باید با عمل توأم باشد و هیچ کس با خواندن فصوص الحکم عارف نمی‌شود و هیچ عارفی را سراغ نداریم که عرفان خوانده باشد ولی اهل عمل نباشد. ایران نسبت خاصی با عرفان و تصوف اسلامی پیدا کرده است. یعنی در تمام شئون فکری و اجتماعی ما تصوف و عرفان وجود دارد. مسیحیت به دلیل این که جنبه طریقتی بسیار غالبی دارد، دینی است که ماهیت عرفانی دارد، ولی در تاریخ مسیحیت آن چنان ظاهر بینی غلبه پیدا کرد که سخنگویان اصلی مسیحیت مطرود شدند و متکلمین مسیحی غلبه پیدا کردند. در میان فیلسوفان رمانتیک آلمانی مانند گوته بحث دین مطرح می‌شود. آنها بحث دین را به ماهو دین مطرح می‌کنند و نخستین پایه‌های اسلام شناسی و هنر شناسی را می‌گذارند. بحث تجربه دینی به عنوان جایگزین برای عرفان مطرح می‌شود و جنبه عقاید و کلام دین کنار می‌رود و همچنین مخالفت‌های فلسفه مدرن با دین کنار می‌رود و تأکیدی که روی تجربه می‌شود به گونه‌ای طرح مسأله عرفان است. در قرن بیستم بحث تجربه دینی و عرفانی مطرح می‌شود و در مقابل عده‌ای می‌گویند دین فقط تجربه دینی نیست. چون در عرفان تجارب، تجربه بر خاسته از حواس نیست بلکه احوال است. عرفان عین ذوقیات و تجربیات نیست و بالاتر از آن است. از حیث عرفانی احوال معرفت زاست. یعنی شما معرفتی نسبت به هستی پیدا می‌کنید اما در همه بحث تجربه دینی، مطرح شدن معرفت را نمی‌بینید. در ایران یک مشکل این است که هم می‌خواهیم عارفان مسلمان باشند و هم می‌خواهیم نباشند. ما هر وقت می‌خواهیم بحث جدی راجع به عرفان کنیم سراغ اسلام می‌رویم چون به محض این که صحبت از تفکر در اسلام می‌کنیم باید سراغ عرفان برویم و منابع فکری ما عرفا هستند. ایرانیان پرده از حقیقت معنوی اسلام برداشتند و آنچه در باطن اسلام است، نمایان کردند... -----

آثار:

۱ تاریخ تصوف از قرن هفتم تاکنون

- ویژگی اثر : مقاله (دایرة المعارف اسلام)
- ۲ تصوف علوی
- ویژگی اثر : مقاله (مجله عرفان ایران)
- ۳ جامع الاسرار: جامع تصوّف , تشیع
- ویژگی اثر : مقاله (مجله عرفان ایران-)
- ۴ دکارت مؤسس مدرنیته
- ویژگی اثر : مقاله (مجله فلسفه دانشگاه تهران-)
- ۵ دکارت و پیدایش مفاهیم نو در هنر
- ویژگی اثر : مقاله (مجله فرهنگستان هنر-خیال-)
- ۶ سیر مابعدالطبیعه در تاریخ فلسفه غرب
- ویژگی اثر : کتاب (تهران- پژوهشگاه علوم انسانی)
- ۷ عرفان صراط مستقیم گفت و گوی ادیان
- ویژگی اثر : مقاله (مجله پل فیروزه)
- ۸ عقل و وحی در قرون وسطی
- ویژگی اثر : کتاب (تهران- پژوهشگاه علوم انسانی)
- ۹ فلسفه مسیحی چیست؟
- ویژگی اثر : مقاله (مجله فلسفه دانشگاه تهران-)
- ۱۰ کتاب خدا در فلسفه
- ویژگی اثر : ترجمه کتاب (تهران-حقیقت)
- ۱۱ گفت و گو و فرا گفت و گو در اندیشه
- ویژگی اثر : مقاله (مجله فلسفه دانشگاه تهران)
- ۱۲ معنای هنر و زیبایی در مثنوی
- ویژگی اثر : مقاله (مجله دانشکده هنر های زیبای دانشگاه تهران-)

پایا، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر علی پایا در هشتم خرداد ماه سال ۱۳۳۲ ش. در تهران به دنیا آمد. ایشان دارای دکترای رشته فلسفه از دانشگاه لندن می باشد. نامبرده مدرس فلسفه علم و تاریخ اندیشه مؤسسه اسلامی در لندن بوده و هم اکنون به عنوان استاد مدعو در دانشگاه تربیت مدرس فعالیت دارد. کتاب "فلسفه تحلیلی: مسائل و چشم اندازها" تألیف علی پایا ، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی پایا تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران سپری کرد. سپس وارد تحصیل در مقاطع دانشگاهی شد و لیسانس برق را از دانشگاه صنعتی شریف و فوق لیسانس فلسفه را از دانشگاه تهران اخذ نمود. وی جهت ادامه تحصیل عازم لندن شد و موفق به دریافت فوق لیسانس فلسفه و تاریخ علم و ریاضیات و همچنین دکترای فلسفه از دانشگاه لندن گردید.

استادان و مربیان : علی پایا فلسفه اسلامی را در محضر اساتیدی چون مرحوم آیت الله مطهری و مرحوم آیت الله حائری گذرانده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر پایا در مشاغل مختلف اجرایی، پژوهشی و آموزشی خدمت نموده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: عضو هیئت علمی و سرپرست گروه علم و فناوری و جامعه، پژوهشگر و مؤلف کتابهای تاریخ و فلسفه مرکز تحقیقات و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش، مدرس فلسفه علم و تاریخ اندیشه مؤسسه اسلامی در لندن، استاد مدعو دانشگاه تربیت مدرس.

جوایز و نشانها : کتاب "فلسفه تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها" تألیف علی پایا، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. -----

آثار :

۱ اسطوره چارچوب در دفاع از علم و عقلانیت

۲ ترجمه فارسی کتاب فرگه، هانس اسلوگا

۳ جنبه‌های اخلاقی تحقیقات در حوزه سلولهای بنیادین

۴ فلسفه تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها

ویژگی اثر : تألیف این کتاب، در دوره بیست و دوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب فلسفه تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها فلسفه تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها / علی پایا. - تهران: طرح نو، ۱۳۸۲. ۷۹۷ ص. - (فلسفه و فرهنگ). کتابنامه. - ۶۹۵ - ۷۳۶. ۱. فراجدد - جنبه‌های اجتماع. ۲. علوم اجتماعی - تحقیق. الف. عنوان. فلسفه تحلیلی یکی از شاخه‌های مهم و اثرگذار فلسفه معاصر است که در ایران نیز با اقبال و توجه فراوان از سوی پژوهندگان و علاقه‌مندان به مسائل فلسفی مواجه است. این کتاب کوششی درخور و شایسته در جهت معرفی «واقع نمایانه» فلسفه تحلیلی به خوانندگان فارسی زبان است. شاکله اصلی کتاب فلسفه تحلیلی مجموعه مقالاتی است که نویسندگان آنها را درباره موضوعاتی که با فلسفه تحلیلی ربط و نسبتی مستقیم یا غیر مستقیم دارند به نگارش درآورده است و در هریک از آنها جنبه‌ای خاص از این روش خاص فلسفی را مورد بحث قرار داده است. برای ایرانیان که در میان بسیاری از ملل و اقوام به داشتن ذوق و فطانت فلسفی ممتازند و در پی اندازی بنای رفیع یک نظام فلسفی ویژه سهمی اساسی ایفا کرده‌اند، آشنایی دقیق و نقادانه با فلسفه تحلیلی، امری لازم و مفید است. در مقاله نخست این مجموعه با عنوان «فلسفه تحلیلی چیست؟» ضمن ارائه توضیح درباره برخی رهیافت‌های نادرست که در تحدید حدود فلسفه تحلیلی اتخاذ شده، این پرسش مورد بحث قرار گرفته که آیا ارتباط میان اجزای این نظام فلسفی از نوع شباهت خانوادگی و بنابراین اعتباری و عرضی است یا آنکه رشته‌ای واقعی و اصیل موجب وحدت این اجزا می‌شود. «نگاهی اجمالی به سیر تحولات تاریخی فلسفه تحلیلی» که به دلالت عنوانش به نهضت فکری فلسفه تحلیلی به مثابه یک رویداد خاص در تاریخ اندیشه نظر کرده، مکمل مقاله نخست است که به چستی این پدیدار نظر داشته

است. مقاله «فلسفه از دید من» نگاه خاص یکی از فیلسوفان نامبردار تحلیلی را به موضوع کاوش‌های خود توضیح می‌دهد. مقاله چهارم به بررسی نتایج اختصاص یافته است که از آموزه‌های فلسفی ویتگنشتاین (به عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های فلسفه تحلیلی) متأخر برای پژوهش‌های حوزه علوم اجتماعی حاصل می‌شود. مقاله «کارنپ و فلسفه تحلیلی» به تفصیل چشم‌انداز تکاپوهای فکری یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان تحلیلی را پیش روی خواننده قرار می‌دهد. در مقاله «جایگاه مفهوم صدق در آراء فوکو» ارتباط مفهوم صدق با دیگر مفاهیم و عناصر اساسی نظام فکری وی همچون قدرت، معرفت، باستان‌شناسی آراء و اندیشه‌ها و تبارشناسی مفاهیم از منظر فلسفه تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقاله هفتم به بررسی «شهود» و موقعیت آن در فلسفه تحلیلی معاصر اختصاص یافته است و در آن پس از بحث مختصری درباره معانی مختلف «شهود» امکان یافتن وجه مشترکی میان دیدگاه‌های قدیم و جدید درباره شهود مورد بررسی قرار گرفته است. در مقاله «نقش آزمایش‌های فکری در کاوش‌های علمی و فلسفی» پس از بحث تفصیلی درباره ماهیت آزمایش‌های فکری، کوشش شده است تا حدود معرفت بخشی این هستاره‌های ذهنی را روشن سازد

۵ فلسفه‌های بهداشتی و فلسفه‌های غیر بهداشتی ایران

۶ فناوریهای نو (نانو، بایو، اینفو) و فرهنگ

۷ کارگاه بین‌المللی یک روزه اسلام و دموکراسی

۸ گفت و گو در جهان واقعی

پریمی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی پریمی

محل تولد: دامغان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجایب علی پریمی دارای تحصیلات حوزوی و دانشگاه می‌باشم. تحصیلات حوزه خود را تا پایه دوم در حوزه علمیه دامغان در سالهای ۶۷-۶۸ سپری نمودم و سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم و تاکنون مشغول تحصیل هستم که حدود هشت سال سابقه حضور در دروس خارج فقه و اصول را دارم. همزمان با تحصیلات حوزوی، تحصیلات متوسطه و بعد قبولی در دانشگاه را کسب نمودم و در رشته ادبیات و زبان فارسی مدرک کارشناسی را دریافت نمودم و بعد در دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم و از سال ۷۹ تاکنون در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به عنوان محقق و مسئول کتابخانه تخصصی علوم عقلی مشغول به تحقیق و پژوهش هستم. از سال ۱۳۸۰ تاکنون در دانشگاه‌های مختلف کشور (پیام نور قم، دامغان، صنعتی شاهرود، آزاد اسلامی دامغان، و شاهرود) در رشته فلسفه، دروس عمومی و رشته حقوق مشغول به تدریس هستم.

پورجوادی، نصرالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر نصرالله پورجوادی (۱۳۲۲- تهران) دارای مدرک دکتری فلسفه است. وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و استاد رشته فلسفه در دانشگاه تهران می باشد. دکتر نصرالله پورجوادی از چهره های سرشناس و فرهیخته روزگار ما است که در عرصه فلسفه و عرفان و ادب فارسی با خلق آثاری ماندگار، از خود چهره ای دوست داشتنی و قابل احترام در مجامع علمی به جا گذاشته است. کتاب "دو مجلد (پژوهش‌هایی درباره محمد غزالی و فخررازی)" تألیف نصرالله پورجوادی، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: نصرالله پورجوادی دکتر نصرالله پورجوادی در سال ۱۳۲۲ در تهران چشم به جهان گشود و پس از طی مراحل مقدماتی تحصیل برای ادامه تحصیل به ایالات متحده امریکا عزیمت نموده و در سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶) موفق به اخذ مدرک کارشناسی فلسفه از دانشگاه سانفرانسیسکو شد. وی پس از بازگشت به میهن تحصیلات خود را ادامه داده و مدرک کارشناسی ارشد فلسفه در سال ۱۳۵۱ و سپس دکتری فلسفه در سال ۱۳۵۷ اخذ نمود.

استادان و مربیان: در دوران تحصیل اگرچه محضر استادان به نام بهره برد، اما خود را وابسته به حوزه خاصی نکرد. در میان بزرگان عرصه فلسفه و عرفان بیش از هر کس به پروفیسور ایزو تسو نزدیک شد و در پیش وی فصوص الحکم عربی خواند و به تشویق وی سوانح غزالی را به انگلیسی ترجمه کرد و روش تحلیلی وی را در امر پژوهش الگو قرار داد اگر چه در کنار استاد ژاپنی نام دارانی چون، فردرید، بزرگمهر، مهدوی، جلیلی و نصر قرار گرفته بودند، اما هیچ یک این دانشجوی متفکر پر احساس را به سوی خود جلب نکرد.

وقایع میانسالی: نصرالله پورجوادی سعی می کرد که هویت ایرانی خود را در فرهنگ سرزمین خود پیدا کند، از این رو پس از دریافت مدرک لیسانس به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. دکتر پورجوادی پس از پایان تحصیلات خود به اسخدام دانشگاه صنعتی شریف در آمد و به تدریس فلسفه پرداخت. با پیروزی انقلاب اسلامی و تعطیلی دانشگاه ها با ستاد انقلاب فرهنگی همکاری خود را آغاز نمود و چون مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۵۹ تاسیس شد مسئولیت این مرکز را بر عهده گرفت. تلاش دکتر پورجوادی در مرکز نشر دانشگاهی چشمگیر و ستودنی است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: دکتر پورجوادی خدمت خود را با سمت مربی مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۵۲ آغاز کرد و تا سال ۱۳۶۶ خدمت خود را در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران پی گرفت و با پشت سر گذاردن مدارج دانشگاهی به اخذ رتبه استادی این دانشگاه نائل شد. دکتر پورجوادی در سال ۱۳۵۸ سرپرستی مرکز تعلیمات عمومی و مدیریت عامل انتشارات دانشگاه صنعتی شریف را به عهده گرفت و در سال ۱۳۵۹ به عنوان سرپرست کمیته ترجمه و تألیف ستاد انقلاب فرهنگی انتخاب شد. همچنین از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۳ ریاست مرکز نشر دانشگاهی وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی را بر عهده داشته است. وی در سال ۱۳۸۱ به دعوت Colgate University در نیویورک به عنوان استاد مدعو در این دانشگاه حضور داشته است. دکتر نصرالله پورجوادی در طول خدمت خود مسئولیت‌های اجرایی و فعالیت‌های اجتماعی متعدد بر

عهدہ داشته است که از اہم آن می‌توان بہ ریاست مرکز نشر دانشگاهی، عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تاسیس و سردبیری مجلہ نشر دانش، تاسیس و مدیریت مجلہ معارف، عضویت هیات امناء بنیاد دائرہ‌المعارف اسلامی، عضویت هیات علمی دائرہ‌المعارف بزرگ اسلامی، عضویت شورای مرکز نشر دانشگاهی، عضویت در شورای مسئولیت اجرایی ستاد انقلاب فرهنگی و عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی اشارہ کرد. دکتر پورجوادی در سمت‌های مختلفی خدمت نموده کہ بہ برخی از آن‌ها اشارہ می‌شود: - رئیس مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف - مدیر عامل انتشارات دانشگاه صنعتی شریف - عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی - رئیس بنیاد دانشنامہ جهان اسلام - رئیس مرکز نشر دانشگاهی و مدیر مسؤول و سردبیر نشریہ نشر دانش از ابتدای تاسیس در سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۸۳. ۱۳۵۷-۱۳۵۲: مربی، مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف - ۱۳۶۶-۱۳۵۷: استادیار مرکز تعلیمات عمومی دانشگاه صنعتی شریف - ۱۳۶۶ تاکنون: استادیار، دانشیار، دانشکدہ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تہران - ۱۳۵۸: سرپرست مرکز تعلیمات عمومی، دانشگاه صنعتی شریف - ۱۳۵۸: مدیر عامل انتشارات دانشگاه صنعتی شریف - ۱۳۵۹: سرپرست کمیته ترجمہ و تالیف ستاد انقلاب فرهنگی - پائیز ۱۳۸۱: استاد مدعو Colgate University (New York) جذب استادان برای ترجمہ و تالیف کہ حاصل آن بیش از ۱۳۰۰ عنوان کتاب در عرصہ‌های مختلف علم و ادب است و یا تالیف فرهنگ اصطلاحات با بیش از ۳۰ عنوان و همچنین نشر مجلاتی چون نشر دانش، تاریخ و باستان‌شناسی، لقمان، زبان‌شناسی، فیزیک، ریاضی، شیمی. معارف و مجلہ بهداشت از جملہ کارهایی است کہ در طول مسئولیت این عاشق دلباختہ فرهنگ اسلامی انجام پذیرفت. وارد کردن کتاب‌های خارجی در زمانی کہ مرزها بسته بود و ارتباط با خارج چندان مطلوب نبود، کاری در خور تحسین بود. دکتر پورجوادی در مدت ۲۴ سال دوران مسئولیت خود ہر کاری کہ کرد، برای نشان دادن ہویت ایرانی ایران مظلوم بود. او بہترین روز‌های عمر خود را وقف خدمت بہ فرهنگ و مردم این مرز و بوم نمود و آستین بالا زد و دانشمندان و استادان را بہ همکاری طلبید و بہ واقع ہر کہ روی بہ وی آورد چہ خوب یا بد ماند و نرفت. آنان عشق بہ وطن را بہ زر و زیور نفروختند و در اثری کہ فضیلت و انسانیت رہ گم کرده‌ای بیش نیست، ماندند و بہ ہویت ایرانی خود بالیدند و با خدمت بہ فرهنگ کهن سرزمین ایران اسلامی احساس غرور کردند و بازوی علمی وی شدند و آنچه‌شان شد کہ امروزہ مرکز نشر دانشگاهی یکی بزرگترین و معتبرترین موسسہ انتشارات دانشگاهی بہ شمار می‌رود. بی شک نام نشر دانشگاهی، در کارنامہ وی چون نگینی خواہد درخشید و در ہر جا از نشر دانشگاهی سخن رانندہ شود یاد آور نام دکتر پورجوادی خواہد بود. دکتر پورجوادی در جلسات فرهنگستان نیز ہموارہ چہرہ‌ای شاخص بود، اظهار نظر‌های وی، چہ موافق و چہ مخالف، قابل بحث بود. او می‌گفت ہر کاری کہ در فرهنگستان صورت می‌گیرد، باید بنیادی باشد، زیرا معتقد بود کہ زمان فارسی بہ کار بنیادی نیازمند است ہر چند کہ زمان طولانی برای آن صرف شود. برای مثال چون صحبت فرهنگ نویسی مطرح می‌شد، می‌گفت: امروزہ فرهنگ‌های قدیم پاسخگوی نیازهای جامعہ ما نیستند. برای احتیاجات روزمرہ برای دانشجویان، برای نسل عظیم تحصیل کرده تشنہ علم، چند کتاب فرهنگ دست و پا شکستہ قدیمی کفایت نمی‌کند. امروزہ فرهنگ نویسی یک علم و بہ کلی با گذشتہ فرق دارد. کارهای تیمی باید انجام داد، کارهای روشمند و قانون مند؛ و ہموارہ در جلسات فرهنگستان بہ این نکتہ تاکید داشت کہ اگر کاری می‌کنیم و یا گروہی را تشکیل می‌دهیم، باید بدانیم کہ ہدفش چیست؟ برنامه‌اش چیست و چہ کار می‌کند؟ و اگر نہ اگر بی برنامه حرکت کنیم، بہ نتیجہ نخواہیم رسید. معتقد بود کہ جامعہ نیاز بہ فرهنگ روز آمد دارد و نبود آن کاملاً در جامعہ علمی احساس می‌شود. دانشجوی ما فرهنگ درست و حسابی ندارد. فرهنگی کہ ما بتوانیم بہ صورت روز آمد داشته باشیم، سراغ نداریم یعنی وقتی لغت جدیدی وارد زبان می‌شود، مرتب بتوانیم کاربرد آن را نشان دہیم و داخل فرهنگ بیاوریم، همان کاری کہ امروزہ در اکثر کشورها رایج است. دکتر پورجوادی بہ تبع کاری کہ در نشر دانشگاهی شروع کرده بود، معتقد بود کہ باید در نشر متون کوشا بود و در این زمینہ سیاست روشن و شفاهی داشت. احیای زبان فارسی و ہویت این ملت را در احیای آثار

معنوی و معرفی آن به نسل جوان می دانست و می گفت ما اکنون می خواهیم با این همه متون که از زبان فارسی داریم چه کنیم؟ سیاست ما در این مورد چگونه خواهد بود؟ در آینده چکار می خواهیم بکنیم؟ سیاست کشور در قبال متون فارسی چیست؟ این مسائل باید روشن شود، تا بدانیم در گنجینه ادب فارسی از قدیم چه داریم و کمبودها چیست.

آرا و گرایشهای خاص: دکتر نصرالله پور جوادی از چهره های سرشناس و فرهیخته روزگار ما است که در عرصه فلسفه و عرفان و ادب فارسی با خلق آثاری ماندگار، از خود چهره ای دوست داشتنی و قابل احترام در مجامع علمی به جا گذاشته است. وی با نگرشی کاملاً متفاوت به مسائل فلسفی و عرفانی در هر محفل علمی خوش می درخشد و حرفی تازه برای گفتن دارد و بی گزاف می توان گفت که وی در این زمینه فردی است صاحب سبک، و روشن ضمیری است آگاه به مسائل روز، علاقه او به کهن سرزمین ایران ستودنی است. مقالات و نوشته های وی چنان محکم، استوار و متکی به منابع اصیل و پر محتوا و گیراست که هر خواننده ای را در کوچه باغ های جهان هستی از خود بی خود می کند و گویی با مخاطب خود سخن می گوید. دکتر پورجوادی که تحصیل غرب را تجربه کرده است و در پی گمشده خود تا قونیه پر کشیده بود، در زیارت مزار مولانا به گمشده خود دست می یابد و با فرهنگ هزار چهار و صد ساله خود عهد و پیمان می بندد تا می تواند در روشن نگهداشتن چراغ فرهنگ سرزمین خود تلاش کند. روح جستجوگر و سرکش او با تحصیل در رشته های پزشکی و فنی در تضاد بود او که تحصیلات دبیرستانی خود را در رشته ریاضی به پایان برده در آمریکا در رشته فلسفه فارغ التحصیل شده بود، روی به عرفان آورد زیرا در عرفان چیزی بود که نیازهای فلسفی وی را پاسخ می گفت. او این راز و رمز درونی را سال های قبل احساس کرده بود به همین جهت چون به گمشده خود رسید، احساس کرد که کلید قفل جهان بینی خود را یافته است وی خود به صراحت به این موضوع اشاره می کند و می نویسد: ۵ سال دوری از ایران و اقامت در غرب احساس شدید غربت را در من به وجود آورده بود و پس از مراجعت به وطن، تصمیم گرفته بودم به مزار مولانا مشرف شوم تا در آنجا با هزار و چهار صد سال فرهنگ و زبان خود دوباره بیعت کنم. مولانا برای من مظهر تمام عیار چهارده قرن فرهنگ اسلامی بود و زبان مثنوی که مجلای این فرهنگ بود، زبان من بود وقتی قدم در صحن مزار گذاشتم، حال فرزند گمشده ای را داشتم که پس از سال ها در به دری و آوارگی به آغوش مادر باز می گردد. قطره ای بودم که به دریا می پیوستم با آنکه اولین سفر من به قونیه بود، همه چیز مزار برایم آشکار بود. (ایران مظلوم، ص ۲۳۵) دکتر پور جوادی در آن زمان ۲۴ سال بیشتر نداشت، اما روح سرکش او، او را به دنبال چیزی می کشید که بتواند با آن زندگی کند، حرف زند راز دل گوید، هویت اسلامی خود را آنچنان که هست بشناسد و بشناساند. او به کهن سرزمین ایران به عنوان سرزمین اندیشه های معنوی و تفکر فلسفی، سرزمین ابن سینا، فارابی، غزالی، مولانا، نظامی، سهروردی، سعیدی، حافظ، جامی، ملاصدرا، رابه دیده احترام می نگرد و عاشقانه می پرستد و چه زیبا این احساس خود را بیان می کند: ایران همواره برای من سرزمین اندیشه های معنوی و فلسفی بوده است یک جنبه از این تفکر فلسفی همان است که در فلسفه های ابن سینا و سهروردی و ملاصدرا و فلاسفه و حکمای دیگر متجلی شده، جنبه دیگر تفکر ایرانی، چیزی که در دل توده های مردم نفوذ کرده و در خلق و خوی ایرانیان ظاهر گشته همان است که در ادبیات فارسی و بویژه در شعر فارسی جلوه گر شده است. این جلوه از تفکر فلسفی، در عین حال که اساساً اسلامی است، واجد خصوصیت ایرانی هم هست و در واقع از لوازم هویت ایران اسلامی است این هویت نیز برخاست از نسبت خاصی است که ایرانی با خدا برقرار کرده است (ایران مظلوم ص ۲۶۳). دکتر پور جوادی در تحقیق به دنبال شناخت است با بی طرفی. وی به دنبال القای فکر نیست و این گونه است که خواننده با اعتماد به نوشته های او می نگرد و همین دید متفاوت آثار وی را از دیگران متمایز می سازد. دکتر پور جوادی از نادرستی ها و نارواها می خروشد و عصب خود را نشان می دهد و جوش و خروش او هم از روی دلسوزی است، دلسوزی به وطن، به علم، و به جامعه.

جوایز و نشانها: کتاب "دو مجدد (پژوهش هایی درباره محمد غزالی و فخر رازی)" تالیف نصرالله پورجوادی، در دوره بیست و یکم

انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. ایشان به واسطه خدمات علمی و اجتماعی درخشان مفتخر به دریافت نشان و تقدیرنامه‌های متعدد شده که از آن بین می‌توان به دریافت تقدیرنامه دومین کتاب به عنوان نویسنده و منتقد شایسته تقدیر از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تشویق به واسطه تالیف کتاب رویت ماه در آسمان، لوح تقدیر پنج عنوان کتاب برگزیده شورای انتشارات دانشگاه تهران اشاره کرد. چگونگی عرضه آثار: از نصرالله پور جوادی ده‌ها مقاله و کتاب به زبان‌های فارسی و انگلیسی انتشار یافته است. تاکنون ده‌ها عنوان کتاب و مقاله، تالیف و ترجمه استاد دکتر پورجوادی به چاپ رسیده و فعالیت‌های علمی ایشان باعث غنای هر چه بیشتر گنجینه حکمت، فلسفه و ادب ایران شده است.

آثار:

۱ اشراق و عرفان

ویژگی اثر: ۱۳۸۰

۲ بسحاق اطعمه را بهتر بشناسیم

ویژگی اثر: ۱۳۵۴

۳ بوی جان و شکوه ایران

ویژگی اثر: ۱۳۷۲

۴ حُسن و عشق در ادبیات عرفانی

ویژگی اثر: ۱۳۵۹

۵ داستان مرغان، رساله الطیر احمد غزالی

ویژگی اثر: ۱۳۵۵

۶ در آمدی به فلسفه افلوپین

ویژگی اثر: ۱۳۵۸

۷ دو مجلد (پژوهش‌هایی درباره محمد غزالی و فخر رازی)

ویژگی اثر: تالیف، این کتاب، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «دو مجلد (پژوهش‌هایی درباره محمد غزالی و فخر رازی)» نصرالله پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱. این کتاب حاصل پژوهش‌هایی است که نگارنده در طی حدود شانزده سال، به مرور و به مناسبت‌های گوناگون، درباره پاره‌ای از آثار و آراء و افکار دو تن از شخصیت‌های بزرگ عالم اسلام، یکی ابوحامد محمد غزالی و دیگر فخرالدین رازی، انجام داده است. بیشتر مطالب به نحوی با تصوّف ارتباط دارد. میان ابوحامد و امام فخر، که یکی مجلد رأس قرن ششم به شمار آمده است و دیگری مجلد رأس قرن هفتم، مشابهت‌هایی وجود داشته و اگرچه حدود یک قرن فاصله در میان ایشان بوده، ولی امام فخر به آثار غزالی توجه داشته و همواره در آثار خود با دیده احترام به وی می‌نگریسته است. توجه امام فخر به آثار غزالی را در یکی از رساله‌های کوتاه او که درباره مشکلاتی است که در احادیث کتاب مشکوٰۃ الانوار غزالی بوده است می‌توان ملاحظه کرد. کتاب در هفت بخش تنظیم شده است. پنج بخش نخست درباره ابوحامد غزالی است و بخش ششم و هفتم درباره فخر رازی.

۸ سلطان طریقت، سوانح زندگی و شرح آثار احمد غزالی

ویژگی اثر: ۱۳۵۸

۹ شعر و شرع (بحثی درباره فلسفه شعر از نظر عطار)

ویژگی اثر: ۱۳۷۴

پور محمد، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن پور محمد

محل تولد: --

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

بنده از یک خانواده متوسط روستایی هستم. پدرم کشاورز و مادرم خانه دار است. سه فرزند دارم به ترتیب فاطمه متولد ۱۳۶۸، حسین متولد ۱۳۷۳، محمد مهدی متولد ۱۳۸۱ و همسر من نیز معلم هستند. در رشته خدمات بازرگانی در سال تحصیلی ۶۲-۶۳ دیپلم گرفتم. بلافاصله به حوزه علمیه قم رفتم و در مدرسه علمیه رسول اکرم (ص) به تحصیل علوم حوزوی پرداختم. تحصیلات حوزوی را در مدرسه امام باقر علیه السلام ادامه داده، سطح را تمام کردم و در دروس خارج آیات عظام: فاضل لنکرانی (حج) جوادی آملی (صوم و خمس) و مکارم شیرازی (حدود و ارتداد) سبحانی (نماز و طهارت) و از درس خارج اصول اساتید معظم سبحانی و لاریجانی بهره بردم. البته از درس های آیت الله محفوظی و مرحوم آیت الله خاتم یزدی (ره) نیز استفاده کرده ام. و اسفار را در محضر استاد مصباح یزدی و استاد فیاضی آموختم. در کنار تحصیل در حوزه در این دوره به مدت یک سال در جبهه های نور علیه ظلمت داوطلبانه حضور داشته ام. بعد از جنگ در سال ۱۳۶۸ با شرکت در کنکور سراسری در رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۳ از دانشگاه تهران کارشناسی فلسفه غرب را دریافت نمودم. در سال ۱۳۷۳ در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در رشته دین شناسی در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در این دوره به عنوان دانش پژوه ممتاز شناخته شده و پایان نامه خود را نیز در سال ۱۳۷۶ در موضوع «روح القدس در کتاب مقدس ادیان ابراهیمی» با درجه ممتاز دفاع کردم. همزمان در گروه تحقیقات ادیان به مدت ۵ سال در محضر استاد حسین توفیقی و دکتر لگنهاوزن فعالیت داشتم.

با توجه به اینکه از دروس اسفار آیت الله مصباح یزدی بهره مند می شدم از طرف ایشان در سال ۱۳۷۳ ماموریت یافتیم تا گزارش جامعی در خصوص فعالیت های علمی در عرصه های علوم عقلی در سطح کشور تهیه نمایم. در نهایت با جمعی از شاگردان ایشان طرح دایره المعارف علوم عقلی اسلامی تهیه گردید و بنده به عنوان مسئول گروه های علمی در آن فعالیت داشتم. این کار زیر نظر آیت الله مصباح به مدیریت حجت الاسلام و المسلمین محسن قمی آغاز شد. با توجه به مأموریت حاج آقای قمی به عنوان ریاست نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، بنده نیز به حسب وظیفه در آن شرایط حساس، مسئولیت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی گیلان را بر عهده گرفتم و با توجه به موفقیت هایی در کار، از سال ۱۳۸۲ با حفظ سمت به عنوان دبیر منطقه ۲ کشوری انجام وظیفه می نمایم و نیز از سال ۱۳۸۱ به عنوان امام جمعه موقت شهرستان ما سال توفیق خدمت دارم.

پهلوانیان، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد پهلوانیان

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب احمد پهلوانیان در سال ۱۳۷۲ بعد از اخذ دیپلم در رشته ریاضی به حوزه علمیه قم مشرف و مشغول به تحصیل شدم ، در مدت ۵ سال سطح مقدماتی و عالی را پشت سر گذاشته و بعد از آن به درس خارج اشتغال پیدا کرده و در کنار آن در رشته های ارتباطات و پس از آن فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه های صدا و سیما و باقر العلوم در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کردم . از جمله دوره های آموزشی غیر رسمی که گذراندم می توان به دوره تربیت مربی کودک و نوجوان ، فیلم نامه نویسی ، نقد فیلم ... اشاره کرد . تاکنون کتب و مقالات متعددی در زمینه های ادبیات ، داستان ، روانشناسی و ارتباطات و فلسفه ، نگارش در آورده ام و در رشته های ادبیات عرب (حوزه) ارتباطات (مبانی جامعه شناسی) و فیلم نامه نویسی در دوره های متعددی تدریس کرده ام .

پیروزمند، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد پیروزمند

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

ما تقریباً سال ۱۳۶۰ بود که وارد حوزه مبارکه قم شدیم هرچند که از قبل با ادبیات عرب آشنایی داشتم و کتابهای مختلفی را خوانده بودم ولی برنامه حوزه مقتضی دوباره خوانی بود مقدمات از صرف ساده و جامع المقدمات سپس سیوطی و مغنی و معالم و حاشیه ملا عبدالله که همراه با آن منطق صوری دکتر محمد خوانساری را نیز می خواندیم روزهای خوش علمی آن روزگار بود بعد

هم که از مدرسه کرمانیها بیرون آمدیم و بصورت آزاد شرح لمعه را شروع کردیم بعد از آن رسائل بود در کنار رسائل به درس اسفار جناب علامه حسن زاده آملی مدظله العالی حاضر می شدیم از قبل بدایه را اجمالا و منطق منظومه و حکمت آن را تا اندازه زیادی کار کرده بودم. درس اسفار اگر چه سنگین بود ولی الهیات مداری آن جاذبه ای شیرین بود تمامی جلد اول اسفار و قسمتی از جلد دوم آن را در محضر مبارک آن بزرگوار خواندیم. رسائل و مکاسب و کفایتین را می خواندیم همزمان با خواندن کفایه بر خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام وحید خراسانی، میرزا جواد آقا تبریزی قدس سره الشریف و سید احمد مددی شرکت می جستیم که تا این زمان ۱۴ سال خارج اصول و ۱۴ سال خارج فقه. بعد از مدتی قسمت قابل توجهی از جلد ششم اسفار لغی الهیات به معنی افصار را با یکی از دوستان مباحثه کردیم - زمانی جناب حسن زاده آملی مصباح الانس را آغاز فرمود با کسب اجازه از محضر مبارکش به خدمتش شتافتیم و تا وقتی آن درس برقرار بود رفتن ما نیز برقرار بود تا اینکه ایشان از تدریس عمومی امتناع ورزید ما به درس پنج شنبه و جمعه آقای شیخ محمدرضا نکنونام مدظله العالی حاضر شدیم و مصباح الانس را ادامه دادیم. بعد از مدتی ایشان جلد ۹ اسفار در معاد قرآنی را آغاز کردند. هرچند که ایشان معاد صدرایی را بسیار نقد می فرمود اما ما تا آخر جلد کتاب را در درس ایشان حاضر بودیم بعد تمهید القواعد را به تماما نزد ایشان خواندیم هم زمان جلد دوم اشارات و قسمتی از جلد سوم آن را با دوستان به بحث و بررسی گذاشتیم و در درس حرکت و زمان جلد سوم اسفار جناب ممدوحی حاضر گشتیم و بر مسائل آن بحث بسیار گذاشتیم. زمان گذشت تا تمامی بدایه، نیم از نهایه الحکمه را برای عده ای از عزیزان حوزوی گفتیم و به خاطر تقارن ساعت تدریس فقه در مدرسه معصومیه با ساعت نهاییه مجبور به تعطیل نمودن آن شدیم، از کتاب رسائل کتاب قطع و ظن را دو مرتبه و قسمتی از اصالة البرائة و همچنین خیارات، مکاسب و قسمتی از کتاب بیع آن را تدریس کردیم اکنون هم به تدریس مکاسب محرمه و شرح لمعه مشغول هستیم. سالیان متمادی شرح لمعه و اصول فقه را تدریس داشته ایم همچنین حدود چهار، پنج سال درس شرح فصوص استاد محمدرضا نکنونام را نیز درک کردیم. اکنون از خداوند متعال با این بضاعت مزجات خویش مسئلت خدمتی اگر چه بسیار ناچیز به مذهب حقه و اسلام عزیز و بندگان مخلص خداوند را داریم، در این زمان پنج شنبه و جمعه در حرم مطهر منطق منظومه را نیز تدریس داریم بحوله تعالی والحمد لله رب العالمین.

تبریزی، اسماعیل

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س هفتم ق)، حکیم، عالم. از علمای بزرگ آن دوره که در خدمت اتابک یوسف شاه بن الب ارغو، از اتابکان بزرگ به سر می برده و چند کتاب در حکمت به زبان فارسی نوشته است. از آن جمله: «رساله‌ی حیوه النفس»؛ «رساله‌ی نصیریه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۱۷/۳).

ترخان، قاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم ترخان

محل تولد: بن جی کول، نوشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

ایشان در سال ۱۳۴۶ ش در روستایی از توابع نوشهر استان مازندران به نام بن جی کول، دیده به جهان گشود و بعد از طی دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه شهرستان نور گردید و همزمان به دروس دبیرستان هم پرداخت و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات با گرایش فلسفه و کلام ادامه تحصیل داد و با درجه عالی از دانشگاه قم فارغ التحصیل گردید. ورود به حوزه و اشتغال به کار علمی مانع از فعالیت های وی در عرصه انقلاب اسلامی و جنگ نگردید. طولی نکشید که به حوزه علمیه قم وارد شد و از آن زمان تاکنون که ۲۳ سال به طول انجامید، خوشه چین خرمن بزرگان بوده است و از اساتید و آیات عظام همچون: وجدانی فخر، پایانی، استادی، طاهری خرم آبادی، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی، گرامی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، صالحی مازندرانی، مصباح یزدی، فیاضی و... بهره های فراوانی برد. فقه، اصول، تفسیر، کلام، فلسفه، عرفان و زبان انگلیسی از جمله موضوعات و گرایشاتی بود که به صورت تخصصی در حوزه علمیه قم به آن پرداخته شد و محصول این تلاش ۲۵ ساله در حوزه و دانشگاه، ارائه مقالات متعددی است که در مجلات، کنگره ها و سایتهای اینترنتی ارائه شده است و تعداد زیادی هم از آنان در آینده عرضه خواهد شد.

ترکمانی اصفهانی، مهدی قلی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۲۳ ق)، عالم و حکیم امامی. وی مقدمات علوم را نزد علمای زادگاه خود در اصفهان آموخت و علوم عقلی را از محضر پدرش و فقه و حدیث را از حوزه‌ی مجلسی دوم فراگرفت. سپس قم را مسکن دائمی خویش قرار داد و به فتوی اشتغال یافت. او نیز مانند پدرش تولیت استانه حضرت معصومه (ع) را داشت. از آثار فرهنگی وی: تاسیس مدرسه‌ی مهدی‌قلی خان در سال ۱۱۲۳ ق و تاسیس کتابخانه در مدرسه‌ی مذکور است. از آثار علمی وی: حاشیه بر کتاب «احیاء الحکمه»؛ حاشیه بر کتاب «فرقان الرابین و بنیان الحکمتین» پدرش، ملا علیقلی خان بن قراچغای خان؛ «سما‌الاسماء»، در لغت، به فارسی؛ تعدادی رسائل فلسفی کوچک. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۶/۱۷۴، ۱۲/۲۲۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/۷۶۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱/۴۴).

توحیدی، ابوحیان علی

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۴۱۴/۴۰۰ - ۳۱۰ ق)، ادیب، فیلسوف معتزلی، صوفی و شاعر. معروف به فیلسوف الادباء و ادیب الفلاسفه و جاحظ ثانی. اگر چه محل تولد او را به اختلاف شیراز، نیشابور، بغداد، واسط دانسته‌اند، اما احتمال این که در شیراز متولد شده باشد بیشتر است. ابوحنبلان علوم ادبی را در خدمت ابوسعید سیرافی آموخت و چندی هم در محضر ابوسلیمان منطقی سجستانی بود، در آنجا با گروهی از دانشمندان طراز اول مانند ابوالحسن عامری و ابن مسکویه معاشرت داشت. وی فقه شافعی را از ابوحامد مروودی و ابوبکر شاشی آموخت و نزد استادان صوفی آمد و شد داشت و از راه کتابت زندگانی می‌کرد. ابوحنبلان مدتی در بغداد اقامت داشت و پس از آن به ری رفت و در آنجا در خدمت ابوالفضل عمید و صاحب بن عباد بود ولی با آنها میانه خوبی نداشت و حتی کتابی در ذم آنها به نام «اخلاق الوزیرین» نوشت ولی با وزراء صمصام‌الدوله یعنی عبدالله بن عریض شیرازی و ابن سعدان میانه خوبی نداشت. از جمله اساتید دیگر وی علی بن عیسی رمانی در تصوف و یحیی بن عدی در فلسفه و منطوق و جعفر خلدی و ابن سمعون در حدیث و سایر معارف اسلامی. ابوحنبلان در نگارش عربی استاد بود و جاحظ را بسیار می‌ستود و کتابی در مناقب و شناخت او نیز تألیف کرد. وی در ادبیات عرب به مقامی رسید که وی را با جاحظ برابر یا برتر می‌شمارند. بعضی او را از زنادقه می‌دانند. او علاوه بر نگارش نثر که در حد اعلائی سلاست و استواری بود شعر نیز می‌گفت. وی در اواخر عمر کتابخانه عمومی خود را آتش زد و علت آن چنانکه خود گفت عدم توجه مردم بغداد در مدت بیست سال اقامت او در آنجا به وی بود چون نمی‌خواست کسانی که قدر او ندانستند پس از مرگ او از آنها بهره‌مند شوند. ابوحنبلان احتمالاً در خانقاه ابن خفیف در شیراز در گذشت و در کنار مزار شیخ کبیر به خاک سپرده شد. از جمله تألیفات وی: «المقابسات»؛ «الصداقه والصدیق»؛ «الامتع والموانسه»؛ در سه جزء، «اشارات الالهیه»؛ «البصائر والذخائر» یا «بصائر القدماء و بشائر الحکماء»، در پنج جزء؛ «تقریظ الجاحظ»؛ «المحاضرات والمنظرات». [۱]

توحیدی، علی بن محمد بن عباس، ادیب و فیلسوف معتزلی قرن چهارم (ف. ۴۰۰ ه. ق.). وی در حسن تنظیم مطالب و سهولت انشای عربی چندان مهارت داشته که او را «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند. ابوحنبلان علوم ادبی را در خدمت ابوسعید سیرافی آموخت و چندی هم در محضر ابوسلیمان منطقی با گروهی از دانشمندان و حکمای عهد معاشرت داشته و مدتی نیز درک خدمت ابن‌العمید و صاحب بن عباد و ابن سعدان را کرده و با ابوعلی مسکویه نیز رابطه داشته است. از آثار مهم او کتاب الامتع و الموانسه، کتاب الهوامل و الشوامل، کتاب المقابسات، کتاب البصائر، رساله فی الصداقه است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۴۵- ۱۴۴/۵)، ایضاح المکنون (۴۴۰، ۶۵/۲، ۶۰۲/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۴۲، ۳۵۳، ۳۰۰، ۲۸۶، ۲۶۰/۱)، تاریخ اسلام (حوادث ۴۰۲- ۴۰۰/۴۰۰- ۳۸۱)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۱۷۲- ۱۵۷)، تاریخ نجوم اسلامی (۹۹- ۹۸، ۷۰)، تذکره‌ی هزار مزار (۹۷- ۹۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۲۶- ۱۲۴/۱)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (۱۰۲۹/۸)، دایرة‌المعارف فارسی (۲۹/۱)، روضات الجنات (۸۵- ۵۶/۸)، ریحانه (۸۴/۷)، سخن و سخنوران (۲۰)، شیرازنامه (۱۵۰- ۱۴۹)، کشف‌الظنون (۱۷۷۸، ۵۲۲، ۲۴۶، ۱۶۷، ۱۴۰)، الکنی والالقباب (۶۱/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن چهارم/ ۱۲)، لسان‌المیزان (۶۳۷- ۶۳۳/۷)، لغت‌نامه (ذیل / ابوحنبلان)، معجم الادباء (۵۲- ۱۵/۵)، معجم المؤلفین (۲۰۵/۷)، الوافی بالوفیات (۴۱- ۲۲/۳۹)، وفیات الاعیان (۱۱۳- ۱۰۸/۵)، هدیه الاحباب (۱۴)، هدیه العارفین (۶۸۵- ۶۴۸/۱)، یادداشتهای قزوین (۱۸۰- ۱۷۴/۴).

تونی، موسی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۹۸ ق)، متکلم، عالم و حکیم امامی. وی از فحول متکلمان و اکابر علما و حکمای امامیه بود. پس از اخذ مقدمات متداوله و علوم اسلامی فقه و حدیث را از مولی محمد مومن که از شاگردان شیخ بهایی بود فراگرفت و از ائمه فتوی و تقلید در مشهد شد. سپس به تدریس پرداخت و عالمان بسیار از محضر وی بهره می‌بردند. مولا محمد صادق نیشابوری از شاگردان وی بود که از وی اجازه داشت. از آثار وی: رساله‌ای در «زکاه»، به فارسی؛ تعلیقات بر کتاب «الاحتجاج» طبرسی؛ حواشی بر «تفسیر صافی» ملا محسن فیض کاشانی؛ شرح مجلس ابن بابویه با رکن الدوله.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ریاض العلماء (۲۲۰/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۰۵-۶۰۴/۱۱).

جان محمدی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین جان محمدی

محل تولد: بیجار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۱۲/۷

زندگینامه علمی

سال ۱۳۵۸ در یکی از روستاهای شهرستان بیجار متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در روستا گذراندم و سپس برای تحصیلات دوره راهنمایی به مدرسه تیزهوشان شهرستان قروه رفتم. بعد از اتمام دوره راهنمایی و قبولی در آزمون دبیرستان تیزهوشان و دبیرستان سپاه سنندج، این دومی را انتخاب کردم و در رشته علوم تجربی ادامه تحصیل دادم. پس از آن با اتمام دوره پیش دانشگاهی در رشته علوم انسانی وارد حوزه علمیه شدم. طلبه سطح دو حوزه بوده و هم زمان در گرایش "فلسفه روش" ادامه تحصیل می‌دهم و به کار تحقیق و نویسندگی نیز اشتغال دارم. در ضمن از زندگی جدید شهری هم تقریباً بیزارم و عاشق تجربیات باطنی هستم. تا خدا چه خواهد و چه تدبیر کند.

جاودان، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جاودان

محل تولد: میناب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد جاودان، صرفاً به دلیل تقاضای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی این زندگینامه را تحریر می‌نمایم و خود را در موقعیت تحریر «زندگینامه علمی» نمی‌دانم. در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی و تازه از نجف بازگشته، در حوالی رودان، از شهرهای کوچک و شرقی استان هرمزگان به دنیا آمدم. پدرم حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ عبدالله جاودان، نخستین معلم و استاد علمی و اخلاقی من، به گفته خود، از حدود چهار سالگی به علم من مبادرت نمودند. تا حدود هفت سالگی خواندن، نوشتن، قرائت قرآن، اشعاری از سعدی و حافظ، کتب مقدماتی «جامع المقدمات» یعنی، امثله و شرح آن، صرف میر و التصریف را نزد ایشان فرا گرفتم. از هفت سالگی وارد دبستان شده و معلم مدرسه مرا به عنوان دانش‌آموز کلاس دوم ابتدایی ثبت نام کردند، هر چند نظر او کلاس پنجم بود و گویا مدیر مدرسه موافق نبود. از کلاس چهارم تا سوم راهنمایی را در مدارس قم و پس از آن مجدداً به رودان بازگشته و از مدرسه شهید بهشتی رودان در سال ۱۳۶۷ دیپلم علوم تجربی را اخذ نمودم.

بحمدالله در تمام مدت تحصیل دانش‌آموز موفق بودم. در تمام این دوران دو گونه فعالیت داشتم: ۱. فعالیت‌های قرآنی و شرکت در مسابقات قرآن، که در قم مقام اول کسب نمودم و نیز در استان مرکزی دوم شدم. در استان هرمزگان نیز چندین بار به مقام اول رسیدم و در مسابقات کشوری نیز در دوره دبیرستان به مقام ممتاز دست یافتم. ۲. ادامه تحصیلات حوزوی در ایام فراغت و در نتیجه تا اخذ دیپلم کتب حوزوی مثل جامع المقدمات (تماماً)، سیوطی، مختصر المعانی، حاشیه ملاعبدالله (در منطق)، معالم الاصول، بخشهایی از لمعتین. در همین مدت البته کتب مختلف جامع المقدمات و بخش‌هایی از سیوطی و گاهی کتبی در منطق را نیز تدریس می‌نمودم. بیشتر کتب مذکور را نزد ابوی معظم و بخش‌هایی از کتاب حاشیه ملا عبدالله و نیز کتاب الارث شرح لمعه را نزد استاد فاضل و متقی حضرت حجت الاسلام عبدالعلی جاویدان، که در آن ایام امام جمعه شهر رودان و نماینده مردم حضرت امام خمینی (ره) بودند فرا گرفتم. خداوند خیر دنیا و عقبا را نصیبشان گرداند. انشاء الله. قصدم آن بودم که با اخذ دیپلم و ورود به دانشگاه، همزمان علوم حوزوی را نیز ادامه دهم. همان سال اخذ دیپلم (۶۷) در کنکور شرکت نموده و برای تحصیل در تهران قبول شدم.

اما به دلیل حضور در جبهه‌های جنگ امکان ورود به دانشگاه سلب شد و در همان سال وارد حوزه علمیه بندرعباس گردیدم و همزمان به تحصیل و تدریس مشغول گردیدم. البته در سطح شهر بندرعباس نیز با قرائت قرآن در مجالس عمومی و نیز دایر کردن جلسه تعلیم فنون تجوید و قرائت قرآن به ترویج قرآن در جامعه پرداخته و بحمدالله برکات معنوی قابل توجهی داشت و برخی از شاگردان آن جلسات اکنون به عنوان استاد مشغول ترویج قرآن هستند. سال ۱۳۷۲ وارد حوزه علمیه قم و نیز دانشگاه مفید قم (در رشته فلسفه غرب) شده دروس حوزوی را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه دادم و در تمام امتحانات کتبی و شفاهی ظرف ۳ الی ۴ سال شرکت نموده و با موفقیت پیش رفته. در سال ۱۳۷۶ به اخذ لیسانس فلسفه غرب و در ۱۳۷۹ به اخذ فوق لیسانس در همان رشته از دانشگاه مفید موفق شده و در همان سال در رشته کلام (گرایش فلسفه دین و کلام جدید) در مقطع دکترای تربیت مدرس قم، دانشگاه قم، قبول شده و اکنون در آستانه دفاع هستم.

از سال ۱۳۷۶ وارد مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب گردیده و در گروه مذاهب اسلامی (بیشتر با گرایش تشیع اسلامی) به تحصیل و تحقیق پرداختم. و به عضویت هیئت علمی آن مرکز پذیرفته شده و مقالات متعددی را در آن مرکز تحریر یا ترجمه نمودم. در سال ۱۳۸۴ به عنوان فلوشیپ (Fellowship) دانشگاه هاروارد در آمریکا پذیرفته شده و به مدت یک سال در آن دانشگاه، به عنوان عضو هیئت علمی آن دانشگاه، به همراه خانواده حضور یافتم. در آنجا به تحقیق، تدریس برای برخی از

دانشجویان ایران (به عنوان سخنرانی نه تدریس) مشغول بودم. همچنین به مدت یک سال در مرکز اسلامی شهر Boston (مرکز ایالت ماساچوست) به سخنرانی دینی - علمی (تفسیر سوره حشر) و نیز آموزش قرآن و تدریس یک دوره کامل تجوید پرداخته. سخنرانی‌ها و برنامه قرآن با استقبال فراوان مواجه گردید. اعتبار علمی فلوشیپ یاد شده، فوق دکتر است. آنچه عامل اصلی این توفیق بود، پس از لطف خداوند مساعی استاد مکرم جناب استاد آیت الله دکتر مدرسی طباطبایی، استاد تمام دانشگاه پرینستون در نیوجرسی آمریکا بود که با معرفی اینجانب به آن دانشگاه زمینه پذیرش مرا در آن دانشگاه فراهم نمود. حضور من در آمریکا تجارب علمی، معنوی و آفاقی و اجتماعی ارزشمندی برایم به همراه داشت. به ویژه حضورم در مرکز اسلامی در جمع شیعیان ایرانی و پاکستانی. استقبال آنان از برنامه‌های این جانب فوق‌العاده بود و اصرار زیادی بر ماندن من حداقل برای یک سال دیگر را داشتند. هنوز نیز با آنان در ارتباط هستم. انسان‌های پاک، مومن، خداخواه و ایران دوست. خدایشان خیر دهد. در این سال‌ها علاوه بر تدریس در موضوعاتی چون کلام اسلامی، کلام جدید و فلسفه دین، فرق اسلامی، تشیع امامی و فرق تشیع و مذاهب اسلامی، فلسفه اسلامی و... پروژه‌های تحقیقی متعددی اعم از مقاله و کتاب را به انجام رسانده‌ام که بسیاری از آنها منتشر شده‌اند. چندین پایان نامه را نیز مشاوره یا داوری نموده‌ام. هم‌اکنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه مفید هستم. همچنین به صورت نیمه وقت با مرکز ادیان همکاری دارم که زعم از تدریس و پژوهش است (عضو هیئت علمی نیمه وقت مرکز هستم). متأسفانه بیش از دو سال است به علت مشغله علمی دانشگاهی و سفر خارج از کشور وقفه‌ای در تحصیلات حوزوی‌ام پیش آمده است که امیدوارم در سال آینده مجدداً آن دروس را از سر گیرم و البته بیشتر قصد تدریس دارم. امیدوارم خداوند توفیق دهد. از خداوند منان که همواره مددکارم بوده است می‌خواهم توفیق بیشتری را در جهت اهداف انسانی - الاخص به حقیر عنایت فرماید.

جرجانی، شریف‌الدین، علی

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۱۶ - ۷۴۰ ق)، شاعر، متکلم، حکیم و محدث حنفی. در قریه‌ی طاعون استرآباد تولد یافت. در همان جا به کسب علوم پرداخت و برای تکمیل تحصیلات به شیراز رفت و در آنجا نزد قطب‌الدین رازی و محقق دوانی بود و از استادش قطب‌الدین روایت کرد. پسرش و جلال‌الدین محمد بن عبدالعزیز الشافعی و شیخ منصور بن حسن کازرونی نیز از او روایت کرده‌اند. قاضی نورالله به گواهی شاگردان جرجانی، سید محمد نوربخش و شیخ محمد بن ابی‌جمهور احسائی، او را شیعه می‌داند. شاه شجاع در سال ۷۷۹ ق او را به شیراز برد و در مدرسه‌ی دارالشفاء به تدریس گماشت. جرجانی بعد از فتح شیراز به دست تیمور گورکانی به سمرقند فرستاده شد و در این شهر با سعدالدین تفتازانی محاورات و مباحثاتی داشت. بعد از مرگ تیمور به شیراز آمد و در همان جا درگذشت. از جمله آثار وی: «الاصول المنطقیه»، «الترجمان فی لغات القرآن»، «حاشیه بر شرح مطالع»، «حاشیه‌ی شرح حکمه العین»، «حاشیه آداب البحث»، «رساله‌ی القدر»، «حاشیه شرح شمسیه»، «حاشیه مشکاه المصابیح»، «رساله در تقسیم علوم»، «رساله در وجود»، «شرح التذکره النسیره»، «تعریفات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۶۰ - ۱۵۹/ ۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۲، ۹۱، ۸۸، ۴/ ۲۹۲، ۲۹۱/ ۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۹۱ - ۱۹۰)، حبیب السیر (۵۴۷ - ۵۴۶/ ۲)، رشحات عین الحیات (۱۹۰ - ۱۸۶/ ۱)، روضات الجنات (۲۹۴ - ۲۸۷/ ۵)، دایره المعارف فارسی

(۷۳۴/۱)، الذریعه (۱۸۵، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۲۸، ۱۲۵، ۷۶، ۷۵، ۷۳، ۷۲، ۶/۷۰، ۴۲/۱۵، ۷۳/۲۳، ۲۲۲/۲۴، ۳۲۴، ۳۰۸، ۱۹/۳۰۵، ۲۰۵/۵، ۳۸۴/۲۲، ۵۶/۲۵، ۴۹/۱۷)، ریحانه (۲۱۷- ۲۱۳/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹/۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۶۲- ۱۶۱)، کشف الظنون (۲۲۹)، الکنی واللقاب (۳۶۰- ۳۵۸/۲)، لغت‌نامه (ذیل / جرجانی)، مجالس المومنین (۲۲۰- ۲۱۷/۲)، معجم المؤلفین (۲۱۶/۷)، هدیه الاحباب (۱۶۱)، هدیه العارفین (۷۲۹- ۷۲۸/۱).

جعفری تبریزی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدتقی جعفری تبریزی یکی از چهره‌های درخشان علم و فضیلت و اساتید فلسفه و حکمت معاصر طهرانست. وی در حدود شصت و شش سال قبل یعنی در سال ۱۳۶۵ قمری برابر هزار و سیصد و چهار شمسی در تبریز به دنیا آمده و در دامن پدر و مادر متدین و با صداقت پرورش یافته، و با آنکه آنها اهل سواد نبودند ولی دارای صفای قلب و پاکی طینت بودند و توان و بنیه مالی نداشتند که وسائل تحصیل ایشان را فراهم کنند زیرا به شغل نانوائی اشتغال و با عفت اداره عائله خویش را می‌نمودند.

ایشان پس از خواندن دوره ابتدائی وارد مدرسه طالبیه تبریز شده و به خواندن ادبیات مشغول و چون بنیه مالی پدرش ضعیف بود با برادر بزرگترش میرزا محمد جعفر نصف روز را کار و نصف دیگر در مدرسه طالبیه درس خوانده و ادبیات را از مرحوم آقای اهری آموخته. سپس به طهران عزیمت نموده و از درس و بحث مرحوم آقا میرزا مهدی آشتیانی و حاج شیخ محمدرضا تنکابنی سطوح عالی را به پایان رسانیده و پس از آن به قم آمده و در مدرسه دارالشفای اقامت و از محضر آیات آن زمان چون آیت‌الله حجت و حاج سید محمدتقی خونساری و دیگران استفاده کرده و پس از یکسال چون پدرش وفات کرده بود به تبریز آمده و پس از چند ماه به امر مرحوم آیت‌الله حاج میرزا فتح شهیدی مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر و دراسات مرحوم آیت‌الله حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و غیر آنها استفاده نموده و حدود یکسال و نیم از محضر عالم ربانی و حکیم متاله حاج شیخ مرتضی طالقانی بهره‌مند شده است.

خاطره عجیب آقای جعفری از استادش شیخ مرتضی طالقانی

استاد جعفری در مجله ۷ کیهان فرهنگی به خبرنگار مجله چنین گوید: من روزی که آخرین روزهای ذیحجه بود برای درس به خدمتشان رسیدم همینکه وارد شدم و روبروی معظم‌له نشستم فرمودند برای چه آمدی آقا؟

عرض کردم آمدم که درس را ادامه دهید فرمود برو آقا درس تمام شد. چون ماه محرم رسیده بود من خیال کردم ایشان می‌فرمایند که تعطیلات (۱۴ روزه محرم) رسیده است لذا درس را تعطیل کرده‌اند و به ذهنم نمی‌آید که ایشان خبر از مرگ خود می‌دهد و همه آقایان که در نجف بودند می‌دانستند ایشان کسالتی ندارند. پس عرض کردم دو روز به محرم مانده است و هنوز درسها تعطیل نشده است. فرمودند الله اکبر می‌دانم آقا می‌دانم به شما می‌گویم درس تمام شد (خر طالقان رفته پالانش مانده) روح رفته جسدش مانده.

پس متوجه شدم که ایشان خبر از مرگ خود می‌دهد سخت منقلب شدم و عرض کردم چیزی بفرمائید برای یادگار اول کلمه لا اله الا الله را با یک قیافه روحانی و رویه ابدیت گفت و اشک از دیدگان مبارکش به محاسن شریفش جاری شد و این بیت را سرود.

تا رسد دستت به خود شو کارگر

چون فتد از کار خواهی زد به سر

بار دیگر کلمه لا-اله الا الله را با حالتی عالی تر گفت من برخاستم و هرچه کردم دستش را کشید پس خم شد پیشانی و محاسن مبارکش را بوسیدم چند بار واثر قطرات اشک مقدس آن مسافر ابدیت را در صورتم احساس کردم و رفتم و روز بعد در مدرسه صدر که من در آنجا درس می‌خواندم و محرم ۱۳۶۴ وارد شده بود به یاد سالار شهیدان امام حسین علیه‌السلام نشستیم بودم که مرحوم (حجّه‌الاسلام) حاج شیخ محمدعلی واعظ خراسانی آمد و خبر محنت اثر فقدان و رحلت آن عالم بزرگ ربانی را داد پس همگی به مدرسه سید شتافتیم و دیدیم تمام مراجع بزرگ و مدرسین و فضلاء حاضر و آن مرحوم را از آنجا تشییع کردیم. نگارنده گوید: صریح‌تر از ایشان در اخبار از مرگش مرحوم آیت‌الله استاد المتاخرین حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی بودند که در کتاب خاطرات شریف خود نقل نموده و اینجا هم مناسب دیدم بازگو کنم.

برای نگارنده حکایت کرد آقا حاج سید محمدرضا میبدی یزدی مقیم گرگان که از علماء بنام معاصر آن سامانست که استاد ما مرحوم آیت‌الله حاج سید یحیی مدرسه یزدی فرمودند که چون استاد ما مرحوم آیت‌الله آقا ضیاء‌الدین عراقی درگذشت و سه روز برایش درسها تعطیل شد روز چهارم به منزل مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی) رفته و عرض کردم آقا سه روز است درسها تعطیل شده خواهش داریم که فردا درس را شروع نمائید که بیکار نباشید.

فرمودند: آسید یحیی خودم هم تصمیم داشتم فردا شروع کنم ولی امروز صبح داشتم تعقیب نماز صبح می‌خواندم و بیدار بودم ناگاه دیدم آقا ضیاء آمد درب اطاق و فرمودند شیخ محمدحسین آماده باش آخر این هفته نزد ما خواهی آمد و من تا آخر هفته بیشتر زنده نیستم و چنین شد و با آنکه سالم بود آخر هفته شب جمعه درگذشت و از دنیا رفت. و نیز استاد ما مرحوم آیت‌الله حجت که در آثار الحجّه مفصلاً نقل کردم از مرگ خود خبر داد.

خلاصه استاد جعفری حدود ده سال در نجف اقامت نموده و از محضر و ابحاث آیات عظام و مدرسین بزرگ چون حاج شیخ کاظم شیرازی و حاج سید ابوالقاسم خوئی مدظله و دیگران استفاده نموده و با مرحوم شهید آیت‌الله حاج سید محمدباقر صدر روابط نزدیک و دوستانه و اشتراک درسی و عقیدتی داشته و در ضمن تحصیلات فقهی و اصولی و فلسفی با فرهنگ غرب هم آشنا شده و کتب آنان را مطالعه و بررسی نموده و در آنجا تقریرات درس استادش آقای خوئی را در طلب و اراده و جبر و اختیار والامر بین الامرین را عربی به رشته تحریر آورده و به چاپ رسانیده سپس در عصر آیت‌الله العظمی بروجردی به ایران و قم آمده و پس از رسیدن محضر آن مرحوم و اصرارشان در اقامت در حوزه و تدریس کردن برای عدم مساعدت آب و هوای قم با موافقت ایشان به مشهد عزیمت نموده و حدود یکسال در آنجا اقامت و به تدریس پرداخته و پس از آن به تهران مهاجرت و رحل اقامت افکنده و به تألیف و تدریس در دانشگاه و مدرسه مروی و غیره اشتغال و تا حال تحریر موفق به وظائف روحی و علمی خود می‌باشند.

تألیفات استاد جعفری

در عصر حاضر کمتر کسی به تألیفات و تصنیفات استاد جعفری می‌رسد و گذشته از تألیفاتی که از دید خوانندگان می‌گذرد. مکاتبات و مراسلاتی با پروفیسور راسل استاد و فیلسوف فرانسوی دارد و نیز مصاحبات با پرفیسور یانگ امریکائی و دیگر علال فارسی مراکشی و دکتر حسوانی در مه ایتالیائی و دکتر کلاوز آلمانی و دکتر بیدفورد آلمانی و چارلیز ادامز امریکائی و برخی دیگر داشته است.

اما تألیفات چاپ شده ایشان

۱- الامر بین الامرین که در نجف به طبع رسیده.

۲- الرضاع.

۳- تعاون الدین و العلم. چاپ تهران.

۴- وجدان چاپ تهران

- ۵- جبر و اختیار چاپ تهران
- ۶- آفرینش انسان چاپ تهران
- ۷- علم در خدمت انسان چاپ تهران
- ۸- اخلاق و مذهب چاپ تهران
- ۹- فیزیک و متافیزیک
- ۱۰- رابطه علم و حقیقت چاپ تهران
- ۱۱- توضیح و بررسی مصاحبه با فراند راسل - انتشارات تهران.
- ۱۲- نقد و بررسی برگزیده افکار راسل، چاپ تهران.
- ۱۳- بینش حضرت حسین علیه‌السلام - انتشارات تهران.
- ۱۴- منابع فقه، مشتمل بر امارت اهل کتاب و مواد زکوه و غیره.
- ۱۵- ارتباط انسان و جهان در سه جلد
- ۱۶- انسان از دیدگاه قرآن چاپ اصفهان.
- ۱۷- ایده آل زندگی و زندگانی ایده آل چاپ تحقیقات تهران.
- ۱۸- نگاهی به امام علی علیه‌السلام مشتمل بر مباحث علی (ع) و سیاست علی (ع) و... چاپ تهران.
- ۱۹- تفسیر نقد و تحلیل مثنوی در ۱۵ جلد چاپ حیدری.
- ۲۰- مجموعه مقالات به نام... انتشارات تهران.
- ۲۱- مولوی و جهان بینی‌ها انتشارات تهران.
- ۲۲- فلسفه و هدف زندگی انتشارات صدر تهران.
- ۲۳- تفسیر نهج البلاغه ۱۴ جلد آن به طبع رسیده و بقیه در دست طبع است.
- ۲۴- طرحهائی در انقلاب فرهنگی، انتشارات پیشوا تهران.
- ۲۵- علم از دیدگاه اسلام، انتشار سازمان پژوهشهای علمی و فلسفی.
- ۲۶- حیات معقول.
- ۲۷- زیبایی از نظر اسلام.
- ۲۸- شرحی بر احتجاج حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام با عمران صابی در الهیات چاپ تهران.
- ۲۹- حیات نقطه اسلامی فلسفه و علم و احساسات و مذهب، چاپ تهران.
- ۳۰- علیت و اختیار از دیدگاه علامه طباطبائی.

و حدود بیست جلد تألیف مخطوط دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(الهیکل قسط من الثمن بل تمام الثمن)

این دانشمند فرزانه با این همه آثار و فضائل بسیار ساده و بی‌آلایش و پیرایه است عمامه‌ای کوچک و جثه‌ای متوسط بلکه ضعیف و لباسی مقتصد دارد و اگر کسی قبلا او را ندیده باشد و برای اولین بار ببیند برای او ارج و ارزشی تصور نمی‌کند چون نمی‌داند که این مرد با این هیكل متوسط و قد کوتاه دارای این همه آثار بزرگ است و چه افکار روشنی دارد چنانچه خود ایشان مسافرت خود را به سمنان بنا بر دعوت علامه حایری سمنانی نقل و به این موضوع اشاره نموده است.

در مصاحبه‌ای که با کیهان فرهنگی با معظم له شده فرمودند روزی نامه‌ای به توسط یکی از دوستان از مرحوم علامه حایری رسید به

دستم که مرا دعوت به سمنان کرده بودند برای دیدار و ملاقات با ایشان.

پس به اتفاق یکی از رفقا عازم سمنان شده با قطار به آنجا رفتم وقتی در ایستگاه سمنان پیاده شدم جمعیت بسیاری را دیدم که گویا به استقبال آمده‌اند و در همانحال که پیاده شدیم آقای روحانی دیگری که دارای هیكل بزرگ و لباس جالبی بود از واگن پیاده مردم به سوی او هجوم آوردند و گفتند برای سلامتی علامه استاد جعفری صلوات پس من به رفیقم گفتم خوب شد نزدیک بود بلائی به سرم بریزد. پس آمدم در میدان ایستگاه به هر درشکه و وسیله نقلیه که گفتم ما را ببر منزل علامه حایری گفت نمی‌توانم چون ما باید میهمانهای علامه حایری را ببریم.

پس به یک درشکه که کرایه‌اش یک تومان بود گفتم ده تومان می‌دهیم ما را ببر به خانه علامه پس با چند نفر دیگر سوار کرد و چون قدری راه رفتیم دیدم خود علامه حایری عصازنان به طرف ایستگاه می‌آید پس به درشکه‌چی گفتم آقای علامه ایشانست. گفت آری، گفتم همین جا ما را پیاده کن و خدمت ایشان رسیدم فرمودند مردم چه شدند گفتم چه مردمی فرمودند مردم را به استقبال شما فرستادم گفتم الان می‌آیند خدمت شما. پس آن مرحوم با کیاست و فراست دریافتند و فرمودند پس تقصیر قیافه و هیكل و لباس شماس و حتما مردم عوضی گرفته‌اند این چه قیافه‌ایست حتما به خودتان برسید و یک مقداری خودت و لباست را جمع و جور کن و مردمی که به استقبال آمده بودند قیافه و لباس ما را دیده احساس کرده بودند که حتما پیشواز آن آقای خوش هیكل آمده‌اند.

پس به سوی او هجوم آوردند که حضرت آقای جعفری بفرمائید منزل آقا علامه که در انتظار شماس و آن آقا متحیر مانده و گفتند جعفری کیست و علامه کدام است؟

پس مردم متوجه شدند که اشتباه کرده‌اند و عوضی گرفته‌اند. پس مانند لشکر شکست خورده پراکنده و به منزل علامه که تهیه نهار دیده بودند آمدند و خلاصه چند روزی که در خدمتشان بودیم بسیار لذت روحانی بردیم و از ایام خوش زندگانی من بود. پس از مسائلی که با آن مرحوم مورد بحث قرار گرفت موضوع قصیده هبوطیه و عینیه ابن سینا که بیت بیت و مطلعش اینست:

هبطت الیک من المکان الارفع

ورقاء ذات تعزز و تمنع

و من در استقبال آن ابیات گفتم به هشتاد و هفت بیت می‌رسد و از نظر آن علامه نقاد و صراف ادبیات فارسی و عربی گذرانیده که مورد تحسین و تصدیق ایشان قرار گرفت که از نظر عزیزان می‌گذرانم.

طلعت الیک النفس احسن مطلع

مشعوفه و هو ذات تلوع

غابت و لم تعری حصولا انما

عرفت حضوریا و لم تتبرقع

ان العویصه فی حدیث النفس من

تعریفها بالاسطقس الارفع

و به تعالی النفس حتی جاوزت

عن کل قید للکمال الابدع

بل ان قد تمنوا ان استعل کل ما

فی الکون غامض سره المتنوع

فتعود عالمه بکل خفیه

فی العالمین فخرقها لم یرقع
 منحوا لها فوق الکمال فاصبحت
 کالواجب الاعلی الغنی الامنع
 فیقول ما معنی الحراک من الحمی
 العالی الی قعر الحضیض الاوضع
 قد انشا و اشعرا بلاجبر و لا
 کره فحاروا فر الروی الامنع
 واطن ان صعودها و هبوطها
 لم یعرفا عند اللیب الالمعی
 واستهون الصلصال زعما انه
 شبه المعالم و الطلول الخضع
 فیخال ما وصلت الیه حضیضها
 فیقول منکسرا بغير ترفع
 هبطت الیک من المحل الارفع
 ورقاء ذات نعزز و تمنع
 لو حقق الشیخ ابن سینا حقه
 و جرى بفکرته و عقل اروع
 لرای التکامل فی صمیم تعلق
 الفس البسیطه بالحسوم الخضع
 تا آخر ابیات او که برای اختصار از نقل تمام آن خودداری کردیم.
 برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

جلوه، ابوالحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۴ - ۱۲۳۸ ق)، فیلسوف، حکیم مشائی و شاعر، متخلص به جلوه. معروف به میرزای جلوه. در احمدآباد گجرات متولد شد. در
 خاندان دوستدار علم و ادب پرورش یافت. پدرش از شعرای عهد فتحعلی شاه قاجار بود و مظهر تخلص می‌کرد. اصل او از مردم
 نائین است. جد اعلا وی سید الحکما میرزا رفیع‌الدین نایینی، استاد علامه مجلسی است. جلوه تحصیلات خود را در اصفهان
 گذراند و در مدرسه‌ی کاسه‌گران به تحصیل حکمت و فلسفه پرداخت. بعد از فراغت از مقدمات به تحصیل فنون علوم معقول از
 طبیعی و ریاضی، خاصه الهی مشغول شد. پس به تهران آمد و در مدرسه‌ی دارالشفای سکنی گزید و مدت چهل و یک سال در آنجا
 تدریس کرد. یکبار نیز با امیرنظام گروسی به تبریز رفت. وی سراسر عمر مجرد زیست. از آثار وی: «دیوان» اشعار؛ «رساله در تاریخ
 صوفیه»؛ «اثبات الحركة الجوهریه»؛ «حاشیه شرح ملخص چغمینی»؛ «حاشیه شرح هدایه اثیری»؛ «حاشیه علی المشاعر»؛ «الربط الحادث

بالقدیم» و «حاشیه فائده فی تحقیق حرکه الجوهر» [۱].

(بخش ۱) (میرزا) ابوالحسن بن سید محمد طباطبائی از مردم نائین (و. احمدآباد گجرات (هند) ۱۲۳۸- ف. ۱۳۱۴ ه.ق.). وی به اتفاق خانواده خود (که ایرانی بود) به ایران آمد و پس از توقف در اصفهان و فراگرفتن حکمت اسلامی و فلسفه شرق به تهران شد و مقرب دربار ناصرالدین شاه قاجار گردید. جلوه علاوه بر تبحر در حکمت اسلامی طبع شعر نیز داشته و دیوان اشعار او چاپ شده. از آثار علمی او حواشی بر کتاب اسفار تألیف صدرالدین شیرازی در حکمت است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: ادبیات معاصر (۴۰-۳۸)، الذریعه (۱۳۴/۱۱، ۲۰۲/۹، ۱۳۸، ۱۲۶، ۶/ ۸۹/۱)، ریحانه (۴۲۰-۴۱۹/۱)، سخنوران نامی معاصر (۹۹۷-۹۹۴/۲)، شرح حال رجال (۴۱-۴۰/۱)، علماء معاصرین (۳۷۹-۳۷۵)، الکنی واللقاب (۴۹/۱)، المآثر والآثار (۱۶۱-۱۶۰)، مؤلفین کتب چاپی (۱۴۹-۱۴۶/۱)، نامه‌ی دانشوران (۳۷-۳۱/۳)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۲۹-۲۸).

جمال پور، بهرام

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۱۹.

درگذشت: ۱۳۶۷.

از وی کتابی در باب فلسفه و تاریخ تحت عنوان انسان و هستی (تهران، ۱۳۷۱) به جای مانده است.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

جمالی، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی جمالی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱۲/۱

زندگینامه علمی

دوران دبستان و راهنمایی را به خوبی گذرانده و در دوران ابتدایی به جهت هوش و حافظه بالا- دو سال ابتدایی را در یک سال گذرانده و همواره در مدرسه جزو شاگردان خوب بودم. کار علمی جدی بنده از هنرستان کارآموز واقع در منطقه نارمک تهران آغاز شد. در اینجا به جهت فضای حاکم آنوقت که فضای جبهه و جنگ بود در کنار درسهای هنرستان که بنده در رشته برق مشغول به تدریس بودم، به عضو انجمن اسلامی هنرستان در آمده و در سالهای اولیه در کلاس درس اعتقادی و اخلاقی درون

انجمن با اساتید و واعظان شهر تهران شرکت می‌کردم .

در آن ایام در سال سوم و چهارم هنرستان نوعاً با دوستان جلسات مباحثه و مطالعات آثار شهید مطهری را داشتیم و از همان ایام به بیان بعضی از مباحث استاد شهید در جلسات می‌پرداختم . در همان ایام عازم به جبهه شده و در آنجا هم به مطالعات و مباحثات در جمع دوستان مشغول بودم . در سال پایانی هنرستان در کنکور دانشگاه شرکت کرده و قبول شدم و در همان ایام به جهت علاقه به مباحث مذهبی و اعتقادی قصد آمدن به حوزه را هم داشتم . لذا در آن ایام بر اساس ضرورت عمل به وظیفه راه حوزه را انتخاب کرده و با عنایت امام زمان (عج) به سربازی این مکتب جهاد و مبارزه نایل شدم .

در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شده و در مدرسه رضویه مشغول به درس و بحث طلبگی شدم و با داشتن حجره در اتاق مدرسه بصورت محض دروس مقدمات را آغاز نموده و از اساتید متعددی از جمله استاد عرفان ، استاد علیدوست ، استاد عالمی و دیگر اساتید استفاده کرده ام . در کنار دروس متداول حوزوی به مطالعات بیرونی هم مشغول بوده و در کلاس های جنبی و آزاد همچون کلاس های نهج البلاغه و تفسیر و اخلاق شرکت کرده و از اساتیدی همچون آیت الله مظاهری در اخلاق استفاده نموده و البته در کلاس های خصوصی اخلاق هم شرکت می‌کردم .

در این ایام با مباحث حضرت استاد حاج آقای صفاری آشنا شده و توفیق شرکت در مجالس این استاد گرانسنگ را پیدا کرده و استفاده های زیادی از مباحث و افکار این استاد بردم . پس از گذراندن دوران مقدمات ، دوران سطح حوزه را از اساتید حوزه به خوبی استفاده کرده و دروس لمعه و اصول مرحوم مظفر را پشت سر گذاشته و سپس دروس رسائل و مکاسب و سپس کفایه الاصول را پشت سر گذاشتم و با جدیت در فرا گرفتن مباحث و مباحثه مستمر توانستم به خوبی تمامی دروس سطح را طی کنم .

پس از دروس سطح ، وارد درس خارج شده و حدود ۷ سال دروس خارج فقه و اصول را در محضر بزرگانی همچون آیات و حجج اسلام آقایان : وحید خراسانی ، تبریزی ، جوادی آملی ، سبحانی و میرباقری گذرانده و دلیل این تعدد استاد در درس خارج هم به جهت آشنایی با سبک درس این اساتید بود ، چرا که معتقد بودم هدف درس خارج آشنایی با شیوه اجتهاد است نه گذراندن یک دوره کامل مباحث فقه و اصول . در کنار درس اصول و فقه به مباحث فلسفه هم پرداخته و در سال ۸۲ به جهت کامل کردن مباحث به دانشکده تربیت مدرس قم رفته و در آنجا با مباحث فلسفی غربی آشنا شده و در رشته فلسفه و کلام مقطع کارشناسی ارشد را گذراندم . از مهمترین فراز زندگی علمی بنده آشنایی با تفکرات دفتر فرهنگستان و مخصوصاً استاد بی نظیر حضرت آیت الله سید منیرالدین حسینی الهاشمی بوده است . بنده به جهت روحیه وظیفه مداری با موسسات گوناگون مطرح در قم ارتباط برقرار کرده و پس از سنجش و مقایسه آنان با توجه به نیازمندهای نظام اسلامی تشخیص دادم که این موسسه به دنبال حل مسائل مهم نظام اسلامی می باشد . لذا از سال ۷۱ با این موسسه آشنا و در کلاسهای آموزش آن شرکت کرده و کم کم جزو محققین این موسسه شروع به کار کرده و مستقیماً در جلسات مباحث حضرت استاد سید منیر، در موضوعات مختلفی همچون فلسفه ، مدل ، روش تحقیق ، موضوعات کاربردی و ... شرکت و استفاده فراوانی برده ام .

البته بنده در کنار کار تحقیقاتی در دفتر فرهنگستان ، کارهای علمی و مقالات متعددی در مجلات و همایش ها ارائه داده و به تالیف چندین کتاب مبادرت داشته ام و در کنار تحقیق به کار تبلیغ و سخنرانی های تخصصی در دانشگاه ها مشغول می باشم .

جناب حسینی اصفهانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۹-۱۲۸۷ ق)، فقیه، حکیم، نویسنده و روزنامه‌نگار. وی از سادات و معاریف رجال ادبی و ریاضی اصفهانی بود. در نزد علماء این سامان در فقه و اصول و طب و بخصوص ریاضی و در هیأت جدید و قدیم سرآمد معاصران شد، و تمام عمر خود را صرف تحصیل علوم و اشاعه آن از راه روزنامه و کتاب کرد. میر سید علی در سال ۱۳۲۴ ق روزنامه «الجناب» را با چاپ سنگی در اصفهان منتشر کرد. سرانجام در تهران در گذشت و در امامزاده عبدالله دفن شد. از جمله آثار او: «الاصفهان»؛ «راهبر برای مسافرین اصفهان»؛ و «فعالیت‌های فرهنگی بنادر جنوب (بوشهر) در شیخ نشین دویی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ جراید (۲۴۸-۲۴۵/۱)، تذکره القبور (۲۴۱-۲۴۰)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۰۳/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۳-۱۷۱/۴)، یادگار (س ۴ ش ۴، ص ۵۶).

جوادی آملی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌الله جوادی آملی در سال ۱۳۱۲ (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علماء، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال ۱۳۲۴ (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالی‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فرا گرفتند. سپس در سال ۱۳۳۰ (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی (ره) که از اعظام عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالی و معقول را در آن محضر شریف فرا گرفتند. این سیر علمی تا سال ۱۳۳۵ (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌الله شعرانی (ره) و آیت‌الله الهی قمشه‌ای (ره) فرا گرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال ۱۳۳۵ (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل بیت، حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌الله العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌الله محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالی‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فرا گرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.

از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر کرده‌اند.

آیت الله جوادی آملی و وقف :

واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌الله جوادی آملی است که نامشان ما را از هرگونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدّ نظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکلی است عطرافشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف‌نامه حضرت آیت‌الله جوادی آملی بسم‌الله الرحمن الرحیم و آیه نستعین‌الحمد لله البذی یاخذ الصدقات و یربها و صلی‌الله علی رسولہ الذی یطهر نفوس المتصدّقین و یرزّیها بها، و علی اهل بیتہ الذین استنوا بسنتہ (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الذین نبذوها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثراً، فانی در ذات، صفت، فعل و اثر خداوند می‌باشد، اسناد هرگونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شئون هستی به غیر خدا صحیحاً بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شئون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موخّدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لا املک لنفسی نفعاً ولا ضرّاً،... لیس لك من الامر شیء...، و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لا تملک نفس لنفس شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهدی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شئون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هرگونه تصرّفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرّف در شأنی از شئون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتماً به عنوان امتثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبدالله واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولی، و نه به عنوان خلیفه مالک یا کیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرّفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. ۱- مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافری از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدّق و واقف می‌باشد. ۲- فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: اَلَمْ یَعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ هُوَ یَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ یَاْخُذُ الصَّدَقَاتِ، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، مظهر آخذ خدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّیهِمْ بها، آن خواهد شد که، و مَا اَخَذْتَ اِذْ اَخَذْتَ، وَلَکِنَّ اللّٰهَ اَخَذَ. ۳- چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، مُطَهَّرْ نَفْسَ از اوساخ، و مُزَكِّی روح از ادناس و اقدار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از درن و رین، توانای ادراک صحیح وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ

ملکوت و طائران طاهر از دَنَس مُلک، مَسّ نمی‌کنند... لایمَسَه الا المَطْهَرُونَ. ۴- از آن جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفاف می‌باشد، با اندک غبار گردِ مَنّت و اذیت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه یصعد الکلم الطیب، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی. ۵- چون صدقه جاری همانند سنت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعين خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، نکتب ماقدموا و آثارهم، و جزء اعمال بر متوفی محسوب می‌گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کاملاً بیان شد... والمتصدّقین والمتصدّقات... اَعِدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا... يُضَاعَفْ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ - لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر، الا ثلاث خصال: صدقه اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّه هدی سنّها، فهی یعمل بها بعد موته، او ولد صالح یدعوه له - و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه‌گانه در این حدیث یا امور شش‌گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحان روح رائج الی الله خواهد بود. ۶- چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیات‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی الله، و رجعت به وطن اصلی، مطرح می‌کنند، و به شیوه نکوهیده آتسبدلُون الذی هُوَ اَدْنٰی بِالذی هُوَ خَیْرٌ، اَنَا لِلّٰهِ وَ اَنَا لِیْهِ رَاجِعُونَ را، به، رَبِّ ارْجِعُونِ...، مبدل ساخته، و تمنی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می‌گویند:... فَأَصْدَقُ وَ أَكُنْ مِنَ الصَّیِّحِینَ - و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلّین فرمود: الصَّدَقَةُ وَ الْحَبْسُ ذَخِیرَتَانِ فَدَعُوهُمَا لِیَوْمِهِمَا. ۷- از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات الله علیهم اجمعین، قرآن ناطق‌اند، و در تمام حسنات، امامت امت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حکم آن معتقد، و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: تصدّق رسول الله (ص) باموال جعلها وقفا، وَ کَانَ یُنْفِقُ مِنْهَا عَلٰی اَضِیَافِهِ، وَ اَوْقَفَهَا عَلٰی فَاطِمَةَ عَلَیْهَا السَّلَامُ... و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه السلام، آمده است: کان عبدا لله، قد اوجِبَ الله له الجنة، عمد الی ماله فَجَعَلَهُ صَدَقَةً مَبْتُوْلَةً تجری بعده للفقراء و قال: اللهم انما جعلت هذا لتصرف النار عن وجهی و لتصرف وجهی عن النار، و حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا صلوات الله علیها، اموالی را وقف فرموده و تولیت آن را به حضرت امیرالمؤمنین (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهما السلام، سپس به سید شهدا حضرت حسین بن علی علیهما السلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. ۸- چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، هماره، به آن ذوات مقدّس آتساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابة ذو مقدرة الا وقف وقفا. ۹- همان‌طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه کردن، ارث بردن و مانند آن، ردیلت و افری را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره وقف چشمه یتبع چنین فرمود:... هی صدقه، بتّه بتلّ فی حجج بیت‌الله و عابری سبیل، لا تباع و لا توهب و لا تورث فمن باعها او وهبها فعليه لعنة الله والملائكة والناس اجمعین، لا یقبل الله منه صرفا و لا عدلاً. ۱۰- شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامی چنین دینی، رحمة للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد،

جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرّوهم و تقسطوا الیهم انّ الله یحبّ المقسطین، گواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی - جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف - نمودم خانه ایتاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیه‌الله نجفی مرعشی) پشت مسجد آیه‌الله گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محققان، مؤلفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث الله الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الهیوه، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توفی و ادراک لقاء الله، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواست، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربنا تقبل منا و خذ منا و طهرنا به والحمد لله رب العالمین، الذی یرث الارض و من علیها. منع: میراث جاویدان برگرفته از کتاب: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جوادی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن جوادی

محل تولد: ابهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

محسن جوادی در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در شهرستان ابهر به دنیا آمد، او در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شد و دروس حوزه را فرا گرفت، در کنار دروس متداول حوزه در دانشگاه تربیت مدرس تهران رشته فلسفه را پیگیری کرد و در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی موفق به اخذ مدرک دکترا در این رشته شد، وی هم اکنون ریاست دانشگاه تربیت مدرس قم را بر عهده دارد و به کار تحقیق، تدریس و تألیف نیز مشغول است.

جهانگیری، محسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن جهانگیری در سال ۱۳۰۸ در قزوین زاده شد. وی علاوه بر تحصیلات حوزوی دارای دکترای فلسفه محض از دانشگاه تهران (۱۳۵۲ ه.ش) است. وی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و استاد آنجا از سال ۱۳۶۹ می باشد. دکتر محسن جهانگیری در سال ۱۳۸۱ در دومین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در رشته فلسفه برگزیده و معرفی شد. گروه: علوم انسانی رسته: فلسفه و ضوابط اجتماعی و شرایط زندگی: تحصیلات رسمی و حرفه ای: محسن جهانگیری در محضر علامه طباطبایی با بزرگانی چون امام موسی صدر، استاد جلال الدین آشتیانی، دکتر آیت الله بهشتی و شهید مطهری همکلاس بوده است. خاطرات و وقایع تحصیل: اخذ مدرک دکترای فلسفه محض از دانشگاه تهران با عنوان «مقایسه وحدت وجود در عرفان ابن عربی و وحدت جوهر در فلسفه اسپینوزا» با راهنمایی دکتر فرید و مشاوره دکتر نصر و دکتر جلیلی در سال ۱۳۵۳ دفاع کرده است. فعالیتهای ضمن تحصیل: محسن جهانگیری پیش از اخذ لیسانس (تا سال ۱۳۳۶) در دبیرستانهای تهران تدریس می کرد. و نیز در محضر دانشمندان و علمای عصر خود در قم، اصفهان و تهران حاضر می شد و تلمذ می نمود. استادان و مربیان: آیت الله خوانساری، آیت الله کوه کمره ای، آیت الله بروجرودی و آیت الله طباطبایی در حوزه علمیه قم آقای مفیدی در اصفهان، دکتر شهابی، دکتر مشکوه، دکتر حمیدی سبزواری، دکتر هوشیار، دکتر جلالی، دکتر شعرانی، دکتر فرید، دکتر یحیی مهدوی در دانشگاه تهران از استادان محسن جهانگیری بوده اند. هم دوره ای ها و همکاران: محسن جهانگیری در محضر علامه طباطبایی با بزرگانی چون امام موسی صدر، استاد جلال الدین آشتیانی، دکتر آیت الله بهشتی و شهید مطهری همکلاس بوده است. وقایع میانسالی: محسن جهانگیری پس از اخذ مدرک دکترای فلسفه محض در سال ۱۳۵۲ از دانشگاه تهران، به تدریس در دانشگاههای شهید بهشتی (از سال ۱۳۵۲) و تهران (به عنوان عضو هیئت علمی) از سال ۱۳۵۴ پرداخت. وی در سال ۱۳۶۹ به عنوان استاد شناخته شد. و در سال ۱۳۸۱ به عنوان چهره ماندگار در رشته فلسفه در دومین همایش چهره های ماندگار برگزیده و معرفی شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: معلم دبیرستانهای تهران تا سال ۱۳۳۶ ه.ش استاد فلسفه در دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۵۲-۱۳۵۴) استاد فلسفه در دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی (تا کنون -۱۳۵۴) فعالیتهای آموزشی: فعالیتهای آموزشی محسن جهانگیری عبارتند از: تدریس در دبیرستانهای تهران تا سال ۱۳۳۶ ه.ش تدریس فلسفه در دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۵۴-۱۳۵۲ ه.ش) تدریس فلسفه در دانشگاه تهران (تا کنون -۱۳۵۴) سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: محسن جهانگیری در کنار تدریس، به مطالعه، تحقیق و تالیف و ترجمه آثاری در زمینه فلسفه غرب و عمدتاً اسپینوزا و فلسفه اسلامی به ویژه ابن عربی می پردازد. آرا و گرایشهای خاص: محسن جهانگیری دیدگاهی مقایسه ای و تطبیقی به فلسفه اسلامی و غرب دارد. چنانکه تز دکترای وی مقایسه وحدت وجود در عرفان ابن عربی و وحدت جوهر در فلسفه اسپینوزا بوده است.

آثار: ۱ احوال، آثار و آرا فرانسیس بیکن فیلسوف تجربی مذهب انگلیسی ۲ ترجمه کتاب ethice اثر اسپینوزا ۳ ترجمه کتاب اخلاق اسپینوزا و ویژگی اثر: اسپینوزا از فلاسفه اخلاق گرای غرب در قرون جدید در تاریخ فلسفه می باشد. ۴ کتاب محیی الدین ابن عربی
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جلیلی، رفیع الدین، ابو حامد عبدالعزیز

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۴۱ ق)، فیلسوف. وی از مردم فیلمان گیلان بود که در حکمت، کلام، فقه، علوم طبیعی و طب از مشاهیر روزگار بود. او به سال ۶۳۷ ق به قاضی القضاتی دمشق رسید، اما چندی بعد در بعلبک به چاهی ژرف افکنده شد و هنگام فرورفتن به وضع دهشتناکی در گذشت. از آثار وی: «شرح الاشارات والتنبیها» و «اختصار الکلیات» از کتاب قانون ابن سینا.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۲۵۶/۳).

چلبی بیگ علامی، کمال‌الدین، ابوالفضل

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم و یازدهم ق)، حکیم و شاعر، متخلص به شیدا و فارغ. اصل وی از تبریز بود و علت شهرتش به علامه آن بود که از دانشمندان معروف عصر خویش بود. پدرش در زمان شاه طهماسب اول کلانتر آن دیار بود ولی، بعد از ترک منصب یا عزل از آن شغل به هند رفت و در نزد اولاد بهرام میرزای صفوی تقرب یافت. اما فرزندش، ابوالفضل، قدم در راه تحصیل گذاشت و به شیراز رفت و در حلقه درس مولانا میرزا جان قرار گرفت، بعد از آن به سعایت حاسدان به قزوین رفت و مدتها در همنشینی خواجه افضل‌الدین محمد ترکه کسب فیض کرد. وی برخی از فصول شفا و اشارات را مطالعه کرد و چون شهرت فضلش به همه جا رسید، اکبرشاه او را به حضور طلبد و مورد توجه قرار داد. ابوالفضل در هند مشهور شد و سرانجام در همان جا در گذشت. او به گفتن شعر نیز توجه خاص داشت و معانی عجیب و افکار غریبی در طرز غزل ابداع کرد. از وی «دیوان» شعری به جای مانده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۷۱۰)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۴۹۰-۴۸۵/۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۹-۱۵۸)، ریحانه (۱۶۷/۴)، کاروان هند (۹۷۹-۹۷۲/۲)، هفت اقلیم (۲۳۷/۳).

چهارسوقی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی اصفهانی مشهور به «صاحب روضات» عالم فاضل مجتهد، ادیب و محقق رجالی برجسته از علمای بزرگ شیعه در قرن سیزدهم فرزند عالم برجسته حاج میرزا زین العابدین موسوی خوانساری (مدفون در تکیه شیخ محمد تقی رازی) می‌باشد.

این عالم بزرگوار در خوانسار متولد شد و تحصیلات خود را در اصفهان نزد علمای بزرگی چون سید محمد شهشهانی، سید صدرالدین عاملی، شیخ محمد تقی رازی (صاحب حاشیه)، سید محمد باقر حجت الاسلام، حاج محمد ابراهیم کلباسی و ... انجام داد. در نجف اشرف از بزرگانی چون سید ابراهیم قزوینی کسب علم نمود و از بزرگانی چون شیخ محمد کاشف الغطاء و ... اجازه دریافت نمود. پس از بازگشت به اصفهان به تدریس، تحقیق، تألیف و عبادت روزگار سپری نمود.

در عهد خود مرجعیت قضا و فتوی را داشت و در مسجدی که در محله چهارسوق به نام وی نام گذاری شد امام جماعت بود. در تقوی و دیانت مورد تأیید تمامی علما و مردم زمانش بود. در مقامات عرفانی او آورده اند ظل السلطان می خواست مالی را به آقا میرزا محمد باقر واگذار کند، صاحب روضات گفته بود قریه توکل آباد من برای کفاف مخارج خود و خاندانم کافی است. ظل السلطان ابتدا تصور می کرد که واقعا توکل آباد یکی از روستاهای آباد اصفهان است وقتی پرس و جو کرد فهمید که مقصود او توکل به خداوند است.

ایشان در شب دوشنبه ۹ جمادی الاول ۱۳۱۳ هـ. ق در گذشت و بنا بر وصیتش در تخت فولاد در جوار قبر میرزا حسین خان کشیکچی به خاک سپرده شد.

به جهت احترام و تجلیل از مقام برجسته وی به همت میرزا سلیمان خان رکن الملک و فرزندان این عالم بزرگوار بعقه ای بر سر قبرش بنا گردید.

تألیفات ایشان عبارتند از: احسن العطیه یا شرح بر الفیه، تسلیه الاخوان، حاشیه بر شرح لعمه، حاشیه بر قوانین، رساله در ضروریات دین، رساله در شرح حدیث حی، رساله در امر به معروف و نهی از منکر، رساله عملیه، قصاید عربی و فارسی در مدح و فضیلت اهل بیت پیغمبر، مجالسی در مصائب حضرت سید الشهداء و کتابهای ارزشمند بسیار دیگر.

او تألیفات چندی در فقه، اصول و کلام دارد. از جمله: «روضات الجنات»، در احوال علما و سادات؛ «احسن العطیه» در شرح «الالفیه» شهید اول؛ «تسلیه الاحزان» فارسی، در مصیبت؛ حاشیه بر «شرح لعمه»؛ «ارجوزه»، در اصول فقه؛ «اقسام اسباب البلیا النازله فی هذه الدنيا علی الشقی و السعید»؛ «تفصیل ضروریات الدین و المذهب»؛ «حاشیه قوانین الاصول»؛ «قره العین و سرور النشأتین»؛ «رساله عملیه»؛ «رساله فی الامر بالمعروف و نهی عن المنکر».

مشهورترین کتاب ایشان «روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات» به عربی است که بیش از ده سال از عمر خویش را مشغول تحقیق و تألیف این کتاب ارزشمند نموده است. این کتاب از کتاب های رجال شناسی بسیار محققانه و عمیق بوده و مورد استفاده بسیاری از محققین و رجال شناسان قرار گرفته و بسیاری از بزرگان حواشی و فهرست ها بر این کتاب نموده اند. شهرت این کتاب به حدی بود که پس از درگذشت این عالم بزرگوار به مرور زمان این خاندان به «صاحب روضات» و فرزندان بزرگوارش به «سادات روضاتی» معروف گشتند.

حاج حسینیان، مسعود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسعود حاج حسینیان

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مسعود حاج حسینیان در اول شهریور سال ۱۳۴۱ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و

طهارت علیهم السلام در تهران دیده به جهان گشود. نامبرده پس از فراغت از تحصیل در دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در زادگاه خویش، در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۷ و همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی وارد حوزه علمیه تهران گردید از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگان آن دیار بهره‌های علمی فراوان برد اما شوق زیارت کریمه اهل بیت حضرت معصومه سلام الله علیها و تحصیل در حوزه علمیه قم او را راهی آن دیار گردانید پس از مدتی تحصیل در قم این بار راهی مشهد مقدس و وارد حوزه علمیه آنجا شد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد همچون گذشته با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد و از محضر ستارگان آن دیار همچون آیت الله فلسفی، آیت الله مروارید، آیت الله سیدان کسب فیض کرد. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به تحقیق و پژوهش مشغول می‌باشد و تا کنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکرده است.

حاج سید جوادی، کمال

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر کمال حاج سید جوادی در سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد. ایشان پس از دریافت دکتری رشته تاریخ و همچنین دکترای رشته فلسفه، تحصیلات حوزوی را نیز از سال ۱۳۴۷ در تهران آغاز کرد. او دارای اجازه روایتی از مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله علامه شیخ محمدتقی شوشتری می‌باشد. تصحیح کتاب "زبدۀ التواریخ" کمال سید جوادی، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: کمال حاج سید جوادی پس از اخذ دیپلم ریاضی و مدرک کارشناسی فنی و کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و تمدن اسلامی به درجه دکتری در رشته تاریخ و همچنین دکترای فلسفه نائل آمد. وی تحصیلات حوزوی را نیز از سال ۱۳۴۷ در تهران آغاز کرد و دارای اجازه روایتی از مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله علامه شیخ محمدتقی شوشتری می‌باشد.

استادان و مربیان: کمال حاج سید جوادی از مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله علامه شیخ محمدتقی شوشتری اجازه روایتی را دریافت داشت.

جوایز و نشانها: تصحیح کتاب "زبدۀ التواریخ" کمال حاج سید جوادی، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

آثار:

۱ اخوان المسلمین مصر در امتحان تاریخ

۲ دست‌نویسی فارسی در شبه قاره

۳ زبدۀ التواریخ

ویژگی اثر: تصحیح، این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «زبدۀ التواریخ»: زبدۀ التواریخ؛ حافظ ابرو؛ تصحیح سید کمال حاج سیدجوادی؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۲. ج. ۲. زبدۀ التواریخ، چهارمین ربع از کتاب حافظ ابرو به نام مجمع التواریخ السلطانیه است. این کتاب که به شرح وقایع دوران شاهرخ تیموری پرداخته و نکات مهم تاریخ سیاسی - اجتماعی جامعه ایرانی در دهه های نخستین قرن نهم را نمایان می سازد یکی از مهمترین منابعی به شمار می رود که باید مورد توجه و نظر پژوهشگران این دوره از تاریخ کشورمان قرار گیرد. در تصحیح کتاب مذکور، مصحح، از چهارنسخه خطی معتبر استفاده کرده و بهره گیری از منابع و متون نگاشته شده در عصر مؤلف جهت توضیح و تشریح ابهامات، از موفقیت های چشمگیر مصحح است. در مقدمه کتاب، طی ۹ بخش، مورخان نیم؟ اول قرن نهم هجری، از جمله حافظ ابرو و تألیفات وی، نسخ خطی زبدۀ التواریخ، ویژگی ادبی نثر زبدۀ التواریخ و روش کار مصحح تشریح شده است. وجود فهرس متعدد و مختلف از ویژگی های برجسته این اثر است.

۴ صبح آفرینش

۵ میراث جاودان، کتیبه ها و سنگ نبشته های فارسی در پاکستان

ویژگی اثر: ۲ جلد

حاجی ابراهیمی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا حاجی ابراهیمی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه تحصیلاتم را در مدارس دولتی گذرانده، در شانزده سالگی دیپلم ریاضی گرفته، در همان سال وارد دانشگاه شدم. در اثنای انقلاب فرهنگی به حوزه قم آمدم و تحصیلات طلبگی را به صورت غیر رسمی شروع کردم، با بازگشایی دانشگاهها به ادامه تحصیل پرداخته، در سال ۱۳۶۵ در رشته مهندسی شیمی (گرایش پتروشیمی) از دانشگاه صنعتی اصفهان فارغ التحصیل شدم و در سال ۱۳۶۶ در کارشناسی ارشد مهندسی هسته ای در دانشگاه صنعتی شریف وارد شدم و در کنار دروس حوزه به ادامه تحصیل پرداختم؛ در سال ۱۳۶۸ به طور رسمی وارد حوزه علمیه قم شده و رسماً طلبه شدم از آن زمان به این سو عمده و قتم به تحصیلات حوزوی طی شده و در اثنای تحصیلات حوزوی مجدداً دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده تربیت مدرس قم و سپس دوره دکترای فلسفه و کلام اسلامی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران طی کردم. در سالهای تحصیلات حوزوی در کنار تحصیل، تدریس نیز جزو اصلی ترین کارهای علمی حقیر بوده است، این تدریس مشتمل بر صرف، نحو، بلاغت منطق، اصول و فلسفه بوده است و هم اینک نیز عمده وقت حقیر به تدریس و تدوین می گذرد.

حاجیان، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی حاجیان

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای مهدی حاجیان در سال ۱۳۵۶ در خانواده‌ای کاملاً مذهبی و دوستدار اهل بیت علیه السلام در تهران چشم به جهان گشود، شوق فراوان او به تحصیل علوم دینی سبب شد تا پس از اتمام تحصیلات دوران متوسطه در سال ۱۳۷۶ وارد مدرسه عالی شهید مطهری گردد. پس از اتمام دروس این مدرسه در سال ۱۳۸۵ به جرگه تحصیل کنندگان درس خارج پیوست. وی تا کنون از محضر بزرگانی چون استاد هادوی تهرانی، جاودان، انصاری شیرازی، مرعشی شوشتری کسب فیض کرده و بهره‌های علمی فراوان برده است. نامبرده در مقطع دکترا در رشته فلسفه تطبیقی از مدرسه عالی شهید مطهری فارغ التحصیل گردیده و با تلاش فراوان در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل می‌باشد. ایشان سالهای متمادی است علاوه بر پژوهش علمی به تدریس در دانشگاه‌های تربیت معلم تهران، آزاد تهران، پیام نور تهران و علمی فرهنگی مشغول به تدریس می‌باشد.

حالی، میرک

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، حکیم و شاعر، متخلص به حالی. معروف به حافظ. از مردم روستای سمعی، از توابع هرات بود و ساکن بخارا. پدرش از ملازمان و محرمان جامی، شاعر معروف، بود و از آن جهت که حافظ قرآن بود، به حافظ ملقب شد. میرک در علوم متداول دست داشت و در حکمت، شاگرد مولانا غیاث‌الدین بود. وی غزل را نیکو می‌سرود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۳۲).

حایری مازندرانی، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۳ - ۱۲۷۰ ش)، شاعر، نویسنده و فیلسوف. در تهران متولد شد. علوم ادبی را نزد استادان عصر، از جمله ادیب الممالک فراهانی فراگرفت. سپس علوم جدید را در مدرسه‌ی دارالفنون و مدرسه‌ی عالی سیاسی و حقوق به انجام رسانید، سپس به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و چندی به مشاغل، ریاست تعلیمات و بازرسی اوقاف و اداره‌ی نگارش و بازرسی سیار در شهرستانها، پرداخت و در شهرستانها به ایجاد آموزشگاه‌ها و سایر موسسات فرهنگی اقدام کرد. حایری، شاعر توانا بود. آثار وی: «دیوان» شعر حدود پنج هزار بیت؛ قسمتی از اشعارش تحت عنوان «برگ سبز» منتشر شده است؛ «کتابی در فلسفه»؛ «کتابی در تاریخ فلسفه و فلاسفه». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۲۸۶-۱۲۸۵/۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۰۷-۳۹۰۳/۶)، فرهنگ سخنوران (۹۹۳).

حائری یزدی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله حاج شیخ مهدی حایری یزدی، فرزند حاج شیخ عبد الکریم حایری یزدی، در سال ۱۳۰۲ در قم متولد گردید. وی دروس معقول و منقول را تا سرحد اجتهاد در حوزه‌های علمیه قم و تهران و فلسفه غرب را در آمریکا، کانادا و آلمان فراگرفت. دکتر حایری یزدی به نمایندگی از آیت الله بروجردی، رسیدگی به امور شیعیان را در آمریکا به عهده گرفت. او همچنین در آمریکا به تالیف تدریس و تحصیل و انجام وظایف مذهبی اشتغال داشت و در ده‌ها کنگره علمی و فلسفی شرکت جست و به ایراد سخنرانی پرداخت. استاد در سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۶۲ به تدریس فلسفه و کلام اسلامی پرداخت. دکتر حایری یزدی سرانجام در روز پنجشنبه هفدهم تیر سال ۱۳۷۸ شمسی در تهران به درود حیات گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

گرایش: فلسفه آنالیتیک/تحلیلی

والدین و انساب: پدر مهدی حایری یزدی آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری مؤسس حوزه علمیه قم بود. مهدی حایری یزدی در شهر قم و در خانواده‌ای یزدی الاصل متولد شد.

خاطرات کودکی: مهمترین استاد دوران کودکی مهدی حائری یزدی پدرش بود. که مقدمات علوم دینی را به وی آموخت. آیت ... عبد الکریم حائری در سالهای ۱۳۱۶-۱۳۰۱ مرجع تقلید مهم به شمار می رفت. وی مؤسس حوزه علمیه قم و دارای شاگردان بسیاری بود. روحیه علمی پدر و فضای مذهبی خانواده، بی شک تاثیر عمیقی بر مهدی حائری داشته است.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: دوران کودکی مهدی حائری یزدی با وزارت جنگ و نخست وزیری رضا خان سردار سپه معاصر بود. در این زمان روابط ایران و آمریکا در حال افزایش و روابط با انگلستان رو به کاهش بود. احمد شاه قاجار نیز همواره در سفرهای خارجی به سر می برد. و قدرت اصلی کشور در دست رضا خان بود. وی برای فراهم آوردن مقدمات سلطنت خود، علاوه بر مطرح نمودن جمهوری خواهی در ۱۳۰۳ ه. ش، به کسب محبوبیت در میان مردم و از جمله روحانیان مشغول بود. البته در همان هنگام روحانیان و علمای قم مخالفت خود را اعلام نمودند. مدتی بعد با الفای لایحه جمهوری، رضا خان با ترفند های خاصی فرماندهی کل قوا را بدست گرفت و مدتی بعد سلسله قاجار را سرنگون ساخت (اوایل آبان ۱۳۰۴ ه. ش). رضا شاه پهلوی در ۱۳۰۴ ه. ش به تخت نشست. در ۶ آذر ۱۳۱۱ قرار داد نفتی داریسی را بطور - یکجانبه الغا نمود. این امر موجب خصومت میان

ایران و شرکت ملی نفت ایران و انگلیس، و در نتیجه دولت انگلستان، شد. وی حق کاپیتولاسیون دولتهای خارجی در ایران را نیز ملغی نمود تا محبوبیت و حمایت مردمی را به خود جلب نماید. شهر قم در زمان تولد مهدی حائری یزدی یکی از شهرهای مهم مذهبی ایران شده بود. زیرا پدرش، آیت... عبدالکریم حائری یزدی که در بین سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۶ ه. ش از مراجع تقلید بود، حوزه علمیه قم را بنیان گذارده بود و بسیاری از رهبران مذهبی ایران از جمله امام خمینی (ره) از شاگردان وی بودند. بنابراین مهدی حائری با این شخصیت ها آشنایی داشت.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: مهدی حائری یزدی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی نزد پدر، به شاگردی آیت... بروجردی در حوزه علمیه قم پرداخت. وی در آنجا فقه و اصول و منطق و حکمت فرا گرفت. وی در سال ۱۳۲۷ به اخذ درجه اجتهاد نائل آمد. بعد در ۱۳۳۹ ه. ش بعنوان نماینده آیت... بروجردی به واشنگتن رفت. و به فلسفه غرب علاقه مند شد و شروع به تحصیل در آن رشته نمود. وی لیسانس خود را از دانشگاه جورج تاون واشنگتن، فوق لیسانس خود را از دانشگاه هاروارد و دکتری خود را در دانشگاه میشیگان تحصیل نمود و در دانشگاه تورنتوی کانادا در سال ۱۹۷۹ رساله دکتری خود را نوشت.

خاطرات و وقایع تحصیل: دوره تحصیل مهدی حائری یزدی مصادف است با اواخر سلطنت رضا شاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ه. ش) و نیز اوایل سلطنت محمد رضا شاه پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۲۰ ه. ش) در ایران. در این دوره بتدریج فشار بر روحانیون افزایش می یافت. مراکز علمی ایران رو به افزایش بود و ارتباط علمی دانشگاههای ایران با انگلستان و آمریکا رو به رشد بود. آیت... حائری پس از اخذ درجه اجتهاد در ۱۳۲۷ ه. ش، بعنوان نماینده آیت... بروجردی به آمریکا رفت (۱۳۳۸ ه. ش) و در آنجا تحصیلات تکمیلی خود را ادامه داد.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: مهدی حائری یزدی در هنگام اقامت در آمریکا و کانادا به شکل گیری انجمن های اسلامی دانشجویان در آنجا یاری نمود. اعضای این انجمن ها نقش مؤثری در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی داشتند. وی در کنار این فعالیت ها به مطالعه فلسفه غرب مشغول بود.

استادان و مربیان: تحصیلات مهدی حائری یزدی در حوزه علمیه قم نزد این بزرگان بوده است: ۱- حجه الاسلام شیخ ابوالقاسم نحوی (ادیبات). ۲- آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی (سطوح فقه و اصول) ۳- آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی (سطوح عالی فقه و اصول) ۴- آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمری (خارج فقه و اصول) ۵- آیت الله العظمی سید محمد تقی خوانساری (۱۳۰۵-۱۳۷۱ ه. ق) خارج فقه و اصول ۶- آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی، (۱۲۹۰-۱۳۸۰ ه. ق) خارج فقه و اصول. ۷- حضرت امام خمینی (ره) (۱۲۸۱-۱۳۶۸ شمسی)، حکومت و فلسفه. استاد دکتر حائری یزدی و آیت الله سید رضا صدر از نخستین شاگردان درس اسفار امام خمینی بودند و طی مدت ده سال، همه کتاب اسفار را - به استثنای مبحث «جواهر و اعراض»- نزد امام خمینی (ره) خواندند.

وقایع میانسالی: در زمانی که مهدی حائری یزدی در آمریکا به سر می برد، در ایران بتدریج پایه های انقلاب اسلامی بنیان گذاری می شد. حائری، بر اساس خاطرات خود سیاست های دربار محمد رضا شاه را، از جمله توهین به روحانیون و بویژه امام خمینی و نیز تغییر تقویم اسلامی به تقویم شاهنشاهی نکوهش نموده است.

زمان و علت فوت: مهدی حائری یزدی روز پنج شنبه هفدهم تیر ۱۳۷۸ شمسی برابر ۲۴ ربیع الاول قمری در تهران بدرود زندگی گفت.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: مهدی حائری یزدی پس از اخذ درجه اجتهاد از حوزه علمیه قم، بعنوان نماینده آیت... بروجردی در شورای عالی فرهنگی به تهران آمد و همزمان با آن در مدرسه علمیه سپهسالار و بعد در دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد. هنگامی که در ۱۳۳۹ از سوی آیت... بروجردی بعنوان نماینده وی به واشنگتن رفت، نیز پس از اخذ مدرک دکترای فلسفه، به

تدریس در دانشگاه های هاروارد، مک گیل (کانادا)، تورنتو (کانادا)، میشیگان (آمریکا)، دانشگاه جورج تاون (واشنگتن آمریکا) و آکسفورد (انگلستان) پرداخت. وی بعد از انقلاب اسلامی نیز علاوه بر استادی در بیشتر دانشگاه های مذکور، موقتاً بعنوان سفیر ایران در واشنگتن منصوب گردید. اما بدلیل مشکلات کار از این مقام کنار رفت.

فعالتهای آموزشی: برخی از فعالیت های آموزشی مهدی حایری یزدی را می توان بشرح زیر برشمارد: ۱- از سال ۱۳۲۲ به بعد در مدرسه سپهسالار جدید (دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران)، تدریس در رشته الهیات، فلسفه، درایت الحدیث، شرح اصول کافی. ۲- از سال ۱۳۴۴ به بعد در مدرسه سپهسالار قدیم، تدریس متون منظومه، اسفار و اشارات و رسایل. ۳- در سال تحصیلی ۱۹۶۴ - ۱۹۶۵ در مرکز تحقیقات ادیان جهانی دانشگاه هاروارد، تدریس معارف اسلامی. ۴- در سال تحصیلی ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲ در دانشگاه میشیگان و فقه اسلامی. ۵- در سال ۱۳۵۶ - ۱۳۵۷ دانشگاه فردوسی مشهد به تاسیس دو کرسی به هزینه ایران (یکی برای زبان و ادبیات فارسی و دیگری فقه شیعه) در آمریکا مامور شد. استاد که در آن وقت در مرکز مطالعات کندی وابسته به دانشگاه جرج تاون به تدریس مشغول بود، به عنوان «استاد مامور از دانشگاه فردوسی» برای تصدی کرسی فقه شیعه معرفی شد، زیرا بنا بر ترتیباتی که اتخاذ شده بود، استادان زبان فارسی می بایست به عنوان فرصت مطالعاتی هر سه ماه یک بار از دانشگاه فردوسی به دانشگاه جرج تاون مامور به کار شوند، ولی دارنده کرسی فقه شیعه عنوان دائمی داشت. مسئولان اداری این امر، نخست جلال متینی (رییس دانشگاه فردوسی) و بعد پرویز آموزگار بودند. لذا استاد در سال تحصیلی ۱۹۷۹ - ۱۹۸۰ در آن دانشگاه به تدریس مشغول بود، ولی این برنامه پس از پیروزی انقلاب تداوم نیافت و قرار دادی که به دستور مصادر اولیه مملکت بین دانشگاه فردوسی و دانشگاه جرج تاون منعقد شده بود، پس از پیروزی انقلاب، لغو شد. ۶- استاد دکتر حایری یزدی، به سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشته و به تدریس و تالیف و تصنیف ادامه داد و پس از یکی دو سال به انگلیس رفت و در آنجا چندی در آکسفورده تدریس فلسفه پرداخت. وی همچنین در دانشگاه های متعدد دیگری در آمریکا (از جمله دانشگاه دولتی نیورک، دانشگاه یل و غیره)، کانادا (از جمله تدریس فلسفه اسلامی و ادبیات فارسی در موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل و مونترآل و تدریس ادبیات فارسی (تاریخ بیهقی) در دانشگاه تورنتو در سال های ۱۹۷۵ - ۱۹۷۴) و بعد ها در آلمان و انگلستان به ایراد سخنرانی و مشارکت در سمینارها و کنگره های علمی پرداخت. ما عاقبت برای همیشه به ایران بازگشت و مدتی به تدریس فلسفه تحلیلی در انجمن حکمت ادامه داد تا آن که عاقبت از دانشگاه تهران بازنشسته شد و فقط در منزل به تدریس و افاضه می پرداخت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: مهدی حایری یزدی پس از اخذ مدرک دکترای خود، عمده وقت خود را در تدریس و تالیف صرف نمود. و بدین منظور بطور مداوم به ایران و انگلستان و گاهی آمریکا سفر می نمود.

شاگردان: سید حسن امین، دکتر سید حسن افتخارزاده، دکتر جواد مناقبی و نیز دکتر غلامحسین عمادزاده (عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی) از جمله شاگردان مشهور علامه مهدی حایری یزدی بودند. دکتر حایری از طریق شضاگردان و آثارش تاثیر شایان توجهی بر فیلسوفان اسلامی گذاشته است. وی آشکار کرده است که چگونه می توان شیوه های فلسفی مختلف بویژه تحلیل فلسفی و استفاده از منطق جدید را در بحث از موضوعات نظری و عملی مهم به خدمت گرفت. از این رو بیشتر شاگردان وی علاقه مند به مباحث منطق جدید (غربی) و فلسفه تحلیلی می باشند.

آرا و گرایشهای خاص: مهدی حایری یزدی تحصیلات سنتی دینی را در ایران گذراند و علاقه مند به یک دسته از سنتهای فلسفی گردید به ویژه اندیشه های که ریشه در آرای اندیشمندان اشراقی (شیخ شهاب الدین سهروردی) صاحب مکتب عرفانی ایرانی داشت. او در دیدگاهش که به دور از تقلید و تعصب بود، فلسفه اسلامی سده های میانه و نو را با فلسفه رایج غرب در هم آمیخت. ویژگی پژوهش های دینی او، مرتبط با رهیافتی تحلیلی (آنالیتیک) بود. حتی هنگامی که به جنبه های دشوار عرفان نظر داشت،

رهیافتی معمول از میان فیلسوفان اسلامی سده های میانه و فیلسوفان معاصر غربی را به کار می بست تا رهیافت سنتی. حائری از طریق شاگردان و آثارش تاثیر شایان توجهی بر فیلسوفان اسلامی گذاشته است. او نشان داد که چگونه می توان شیوه های فلسفی مختلف را در بحث از موضوعات نظری و علمی مهم به خدمت در آورد، به ویژه اینکه نشان داد چه اندازه فلسفه غربی در ترکیب با فلسفه اسلامی کار آمد می تواند باشد. وی معتقد بود که علمای اسلامی باید از دیدگاههای فلسفه غرب آگاهی یابند تا بتوانند رابطه میان آنها با فلسفه اسلامی در یابند و تاثیرات متقابل آنها را بر یکدیگر به درستی تشخیص دهند. وی با فراگیری هر دو نوع فلسفه در سطح عالی از و بنیانگذاران فلسفه تطبیقی بشمار می رود. در عین حال علاقه وی به اندیشه برخی از متفکرین اسلامی همچون شهاب الدین سهروردی، ملاصدرا و خواجه نصیر الدین توسی مشهور است. وی افکار این بزرگان و حتی افکار عرفانی را به روش فلسفه تحلیلی و منطقی غربی جدید تحلیل می نمود و این ابتکاری است که وی مدعی آن بود. -----

آثار:

۱ آفاق فلسفه از عقل ناب تا حکمت احکام

ویژگی اثر: مجموعه گفتگوهای دکتر حائری است که توسط انتشارات فرزانه منتشر گردیده است. [هفته نامه باور، دوره جدید،

شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، ص ۱]

۲ آگاهی و گواهی

ویژگی اثر: ترجمه و شرحی انتقادی از رساله عربی تصویر و تصدیق اثر صدرالدین شیرازی - (ملاصدرا) است، که با تئوری پردازیهنای دکتر مهدی حائری در باره دو موضوع مهم (تصور و تصدیق) همراه است وی بر اساس تقسیم بندی این دو موضوع علوم را تقسیم بندی می نماید. [غلامحسین عماد زاده ((کاوشهای عقل نظری)) هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد

۱۳۸۱، ص ۳]

۳ الحجج فی الفقه

ویژگی اثر: آخرین کتاب دکتر حائری الحجج فی الفقه نام دارد که در چهار جلد درباره علم اصول می باشد. (میراث عقل ناب) هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، ص ۱۵]

۴ تقریرات در س خارج فقه آیت الله العظمی سید محمد کوه کمری

۵ تقریرات درس خارج اصول مرحوم آیت الله العظمی بروجردی

ویژگی اثر: در چهار مجلد که مجلد اول آن با نام الحجج فی الفقه (مباحث الفاظ) از سوی موسسه «الرساله» در قطع وزیری در ۲۸۰ صفحه منتشر شده است.

۶ تقریرات درس خارج فقه آیت الله العظمی سید احمد خوانساری

۷ تقریرات درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی

۸ حکمت و حکومت

ویژگی اثر: این کتاب در کتر مهدی حائری یزدی در باره فلسفه سیاسی و مبانی نظری مشروعیت قدرت سیاسی است. فصلهای مهم کتاب عبارتند از: تمایز هستی و استی، توصیف هر یک از این دو، دو گانگی هستی و چیستی و بویژه فصل هفتم: جامعه اسلامی و جامعه دموکراتیک. دکتر مهدی حائری در این کتاب ژر، پس از ترسیم نظام عالم هستی و نظام احسنی که باید باشد و رابطه میان این دو عالم در زمان خلقت، جایگاه پیامبران را در معرفی نظام احسن (نظام تشریح) به مردم، مشخص نموده و وظیفه عقلی مردم را اطاعا از آنان می داند. بنابر این از نظر وی عقل است که مردم را به اطاعت از پیامبر و امامان راهنمایی می نماید و نه جبر و قوه

اجرائی. دکتر حائری وجوب امر به معروف و نهی از منکر را یک ضرورت عقلی می‌داند و نه قهری- وی در ادامه به مبانی فقهی و عقلی حکومت پیامبر در مدینه پرداخته و رهنبری وی را ناشی از بیعت مردم و تأیید این بیعت از سوی خداوند می‌داند. وی از این طریق به جایگاه مردم در مشارکت در امور سیاسی و اقتصادی در کشور اشاره نموده است. در ادامه در فصل جامعه‌شناسی اسلامی، انسان را اصل می‌داند نه جامعه را. و بنابر این در فصل انسان‌شناسی اسلام انسان را خلیفه... و اشرف مخلوقات معرفی می‌کند و به استقلال فردی و رابطه فرد و جامعه می‌پردازد. وی در بحث از جبر و اختیار وجود اختیارت فردی را برای اجرای قوانین شرعی ضروری می‌داند، زیر که به نظر وی در غیر اینصورت تکالیف قانونی امری بی‌معنی خواهد بود. وی معنی یافتن تنبیه و پاداش در برابر قوانین را تنها در سایه اختیار می‌داند و از بحث اختیار به آزادی و آزادی سیاسی می‌پردازد. ((پلورالیسم سیاسی)) از دیگر فصلهای جالب این کتاب است که در باره کثرت‌پذیری و تحمل آرای گوناگون در جوامع اسلامی می‌باشد. [سعید رضوی فقیه، جمهوری نو (نظری به رساله حکمت و حکومت، هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، صص ۱۳-۱۲]. و نیز ((جامعه اسلامی و جوامع دمکراتیک هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، صص ۱۰-۶]

۹ رساله علم حضوری (k nowledge BY presence)

ویژگی اثر: تز دکتری فلسفه تحلیلی دکتر مهدی حائری می‌باشد (۱۹۷۸ م) [زندگی نامه و مدارج علمی آیت .. دکرت مهدی حائری یزدی، هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، صص ۲۰] ۱۰ علم کلی (یا فلسفه مابعد الطبیعه)

ویژگی اثر: اگر چه اولین تالیف فلسفی اوست (قم ۱۳۳۵). اما بدلیل در برگرفتن بحث‌های مختلف فلسفه کلاسیک اسلامی و نیز پرداختن به فایده فلسفه در مقدمه کتاب، مدخل خوبی برای پژوهندگان فلسفه کلاسیک اسلامی است. این کتاب در دانشگاه‌ها یک کتاب درسی بشمار می‌رود.

۱۱ علوم قرآن

ویژگی اثر: خش آغازین این کتاب، تقریرات برادر ایشان آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی است.

۱۲ کاوش‌های عقل عملی

ویژگی اثر: از دیگر کتابهای مهم دکرت حائری است. موضوع کتاب تفاوت‌های اساسی میان اخلاق و فلسفه و نیز علم اخلاق و فلسفه اخلاق می‌باشد. دکرت مهدی حائری فلسفه اخلاق را در این کتاب به فلسفه علم اخلاق و ما بعد الطبیعه اخلاق تقسیم می‌نماید. وی به شبهه هیرم (فیلسوف انگلیسی) مبنی بر وجود گسست میان بایدها (اخلاق) و هست‌ها (فلسفه) پاسخهای قانع‌کننده‌ای داده است. فصلهای کتاب عبارتند از: آنتولوژی بایستی- استی، منطق صورت بایستی‌ها و استی‌ها، منطق نماده بایستی‌ها و استی‌ها، و در نهایت بخشی از متون کلام اسلامی در مورد حسن و قبح و عقل این کتاب از لحاظ روش‌شناسی دارای سه ویژگی است که عبارتند از: ارائه مباحث به روش فلسفه تحلیلی (بر اساس تحلیل منطقی و نه فلسفی)، ارائه مباحث تطبیقی بین حکمت اسلامی و فلسفه غربی، و نهایتاً برخورد مبتکرانه و اجتهاد یا مسائل فلسفی و عدم اکتفا به نقل و شرح آرا دیگر فیلسوفان [سید علی رضوی (صدر)، کتابشناسی کاوشهای عقل عملی، هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، مرداد صص ۵-۴]

۱۳ کاوشهای عقل نظری

ویژگی اثر: کاوشهای عقل نظری یکی از مهمترین کتابهای دکتر حائری است. که شامل یک دوره کاذم از موضوعات مهم در فلسفه اسلامی است. در این کتاب به فلسفه اسلامی کنونی و مسائل آن نیز پرداخته شده است. پیوستگی در تفکر و نیز ضابطه مندی کلام و نوشتار دکتر حائری در این کتاب و دیگر آثار وی از ویژگیهای بارز فلسفه نویسی اوست. [غلامحسین عماد زاده ((کاوشهای عقل نظری)) هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، صص ۳]

۱۴ کودک اندلسی

ویژگی اثر: اولین تالیف دکتر حائری یزدی بوده که در سن شانزده سالگی منتشر نمود. این داستان در باره دوران حکومت مسلمانان بر سرزمین اندلس می باشد. [میراث عقل ناب، هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، ص ۱۵.]

۱۵ متافیزیک (مجموعه مقالات)

ویژگی اثر: عناوین این مقالات عبارتند از: خداشناسی برتر، آنتولوژی توحیدی چیست؟ برهان صدیقین (این سه مقاله در کتاب روش راستین یکتا شناسی یا آنتولوژی توحیدی بطور جداگانه منتشر شده اند)، مقاله خدا در فلسفه کانت وجود و ماهیت در فلسفه ابن سینا رابطه میان وجود و ماهیت امکان عدم (نقدی بر برخی واشی علامه طباطبایی بر اسناد صدرالمتهلین و نیز جوابیه هایی در جواب جوابیه های علامه طباطبایی) موجه سالبه الممول چیست، و قضیه و علم تصدیقی

۱۶ هرم هستی

ویژگی اثر: معروفترین کتاب دکتر اثری در باره منادی هستی شناسی تطبیقی است. این کتاب حاصل تدریسهای وی در انجمن حکمت و فلسفه است (۱۳۵۹ ه. ش). فصلهای کتاب عبارتند از: هستی و استی - آنتولوژی غربی و هستی شناسی اسلامی - برهان صدیقین از طریق منط صورت - در پیرامون هستی - مخروط وجود در فلسفه اسلامی - قواعد آنتولوژی توحیدی - آنتولوژی کانت و اپیستمولوژی - هرم هستی - کلی طبیعی - حمل: این همانی - فردبالذات - امکان به معنی فقر. مولف در این کتاب با تقسیم انواع وجود به وجود مطلق و مطلق وجود معتقد است که بسیاری از مشکلات فلسفه غرب و شرق را حل نموده است. دو تئوری ((هرم هستی)) و نیز ((آنتولوژی توحیدی)) که زیر بنای نظریات دیگر دکتر حائری را تشکیل می دهد در این کتاب مطرح شده اند.

[میراث عقل ناب، هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، ص ۱۴]

منابع زندگینامه:

۱ روزنامه انتخاب، ۱۸ تیر ۱۳۷۹ - آینه پژوهش، سال دهم، شماره ۵۷، مرداد و شهریور ۱۳۷۸ زندگی نامه و مدارج علمی آیت ... دکتر مهدی حائری یزدی، هفته نامه باور، دوره جدید، شماره ۸، ۱ مرداد ۱۳۸۱، ص ۲۰۳ عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، چاپ ششم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۷، صص ۸-۳۸۳ و ۴۵۱۴ علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، چاپ هفتم، تهران: موسسه انتشارات مدبر، ۱۳۷۵، صص ۴۵-۶۳۸۵ محمد رضا ارشاد، فیلسوف قرن بیستم. همشهری، چهارشنبه ۲۲ تیر ۱۲۷۹، ص ۹۶ نفیسه کوهنورد، کاوشگر عقل نظری. همشهری، پنجشنبه ۲۰ تیر ۱۳۸۱، ص ۱۶

حبیب الهی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود حبیب الهی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در شهر اصفهان در خانواده ای روحانی به دنیا آمدم. مرحوم پدرم از شاگردان بنام مرحوم آیت الله خادمی اصفهانی محسوب می شدند. با تشویق ایشان بعد از اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۶۲ بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و با جدیت تمام دروس مقدمات را نزد مرحوم پدر فراگرفتم و سپس دروس سطح را نزد اساتیدی همچون مرحوم آیت الله امامی گذراندم. در سال ۱۳۶۹ علاقه شدید به فراگیری علوم اسلامی در سطح بالاتر مرا به شهر مقدس قم کشانید و ادامه دروس سطح را نزد اساتیدی همچون آیت الله پایانی، وجدانی و حجه الاسلام موسوی تهرانی گذراندم. در سال ۱۳۷۵ وارد درس خارج فقه و اصول شده و از محضر اساتیدی همچون آیت الله مکارم شیرازی و مرحوم آیت الله تبریزی در فقه و از محضر آیت الله سبحانی در اصول بهره بردم همزمان با شروع درس خارج در سال ۱۳۷۶ در رشته کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم و بعد از دو سال به عنوان نفاول آن دوره پس از دفاع پایان نامه فارغ التحصیل گردیدم. هم اکنون علاوه بر تحصیل در خارج فقه و اصول به تدریس فلسفه و کلام در مدرسه عالی امام خمینی (ره) نیز مشغول هستم.

حبیب تفلیمی، شرف الدین، ابوالفضل

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۲۹ ق)، دانشمند و طیب. وی از بزرگان علم و حکمت بود و در معالجات صاحب رای. چند اثر از او به فارسی و تازی باقی مانده، از آن جمله: «کامل التعمیر» به فارسی که برای قلع ارسلان رومی تالیف کرده است؛ «بیان الطب»، به فارسی؛ کتاب «القوافی»، به فارسی؛ «کفایه الطب»، به عربی؛ «بیان التصریف»، به عربی؛ «بیان الصناعات»؛ «قانون الادب»، در لغت از عربی به پارسی؛ «بیان النجوم»، در هیات و نجوم به پارسی؛ «جوامع البیان»؛ «وجوه القرآن» و «حجه الابدان»، در طب. [۱]

تفلیمی، ابوالفضل ابراهیم بن محمد مکنی به ابوالفضل و ملقب به کمال الدین، در حکمت، هیئت و نجوم، هندسه، لغت، تفسیر و طب و غیره نامبردار و صاحب تصانیف است (ف. حدود ۶۲۵ ه.ق). آثار عمده وی از این قرار است: تقویم الادویه، تلخیص علل القرآن، بیان النجوم، قانون الادب فی ضبط کلمات العرب (به فارسی)، کامل التعمیر (به فارسی). جوامع البیان (به فارسی). ترجمان قوافی (به فارسی)،

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۹-۹۹۸/۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۸)، لغت نامه (ذیل / حبش ابن ابراهیم، حبش ابن محمد، حبیب تفلیمی)، الذریعه (۲۵۴، ۲۵۳، ۱۹۶، ۱۸/۱۷)، سبک شناسی (۳۹۵-۳۹۳/۲)، کشف الظنون (۱۳۸۰-۱۳۷۹، ۲۶۲، ۲۶۱)، معجم المؤلفین (۱۸۹/۳)، هدیه العارفین (۲۶۳/۱).

حجازی خمینی شهری، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدمهدی بن سید محمدحسن بن سید محمدعلی بن سید حسنعلی بن سید محمد بن سید محمدرضا بن سید محمدعلی بن سید مهدی بن سید تراب بن حیدر بن کاظم بن سید هدایت الله بن سید مهدی بن سید ابراهیم بن سید زین العابدین بن سید ابراهیم

بن سید کریم‌الدین بن سید رکن‌الدین بن سید زین‌الدین بن سید صالح بن سید محمد بن سید محمود بن سید حسین بن سید حسن بن سید احمد بن سید ابراهیم بن سید عیسی بن سید حسن بن سید یحیی بن سید ابراهیم بن سید حسن بن سید عبدالله بن الامام موسی الکاظم علیه الصلوه والسلام.

معظم‌له که بسی واسطه به حضرت باب‌الحوائج الی‌الله امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیهاالسلام منتهی می‌شود از علماء مبرز و محترم اصفهانست.

شجره‌نامه ایشان که به امضاء و تصحیح آیات عظام اصفهان و غیره توشیح گردیده به نظر حقیر رسید. و نسب فوق از آن اتخاذ شده است.

وی در سال ۱۳۲۰ قمری هجری در سده به دنیا آمده و در بیت علم و سیادت پرورش یافته و خدمت مرحوم والدش مقدمات را خوانده و قبل از پانزده سالگی از آن و شرایع الاسلام فارغ شده و سطوح را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی یزدی و مرحوم آیت‌الله آقا میرزا احمد اصفهانی و آیت‌الله حاج میرزا رحیم ارباب خواننده و سطوح عالی را از مرحوم آیت‌الله آقا شیخ محمدحسین فشارکی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریمی کزی و حساب و هندسه را از آقای حاج آقا رحیم ارباب آموخته و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله آقاشیخ محمدرضا مسجدشاهی و آخوند گزی و آقای فشارکی استفاده نموده و بعداً قریب هفده سال در درس خارج مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی شرکت و دو دوره اصول و طهاره و صلوه و مکاسب و غیره را به ترتیب تکمیل نموده تا به مرحله اجتهاد رسیده‌اند.

حکمت و فلسفه را هم از مرحوم حاج میرزا جواد آدینه‌ای و حاج شیخ محمد خراسانی و حاج شیخ اسدالله قمشه‌ای فرا گرفته تا بعد از فوت استادش مرحوم خاتون‌آباد به تدریس سطح و خارج فقه و اصول اشتغال یافته و در حال حاضر در خمینی‌شهر به انجام وظائف دینی از اقامه جماعت و بیان احکام موفق می‌باشند.

دارای ۹ فرزند ذکور که اکثریت در سلک روحانیت و مشغول به تحصیل فقه و اصول و علوم اسلامی به اسامی ذیل می‌باشند.

۱- جناب حجة الاسلام آقا سید محمدتقی حجازی ۲- حجة الاسلام آقا سید محمدحسن حجازی ۳- حجة الاسلام آقا سید محمد ۴- آقا سید محمدعلی ۵- آقا سید احمد ۶- آقا سید محمدرضا.

از تألیفات معظم‌له ۱- دوره اصول الفقه ۲- اکثر کتب فقهیه ۳- رسالاتی در متفرقات.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

حجت، آقامیرزا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله آقامیرزا حجت، در سال ۱۲۴۰ قمری در اصفهان متولد شد. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: آقامیرزا حجت، با شش واسطه به فیلسوف بزرگ اسلامی ملاصدرای شیرازی می‌رسد. پدرش آخوند حاج میرزا حسن ملقب به حجت بوده است. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: آقامیرزا حجت، مقدمات علوم را نزد پدر فراگرفت. سپس مدتی از محضر درس علامه سیداسدالله اصفهانی بهره برد. سپس به حوزه‌ی درس میرزا شفیع چابلقی که از علمای برجسته‌ی بروجرد بود وارد شد و طولی نکشید که از شاگردان ممتاز گردید. وی آنگاه پس از طی این مراحل، برای تکمیل معلومات به نجف عزیمت نمود. استادان و مربیان: آقامیرزا حجت، از محضر پدر، علامه سیداسدالله اصفهانی و میرزا شفیع چابلقی بهره‌های فراوان برد. همسر

و فرزندان: آقا محمد، آقا بهاء‌الدین، آقا فضل‌الله و آقا ابوجعفر، پسران آقامیرزا حجت می باشند. زمان و علت فوت: آقامیرزا حجت، در سال ۱۳۲۲ قمری، پس از اینکه برای بهبود حال وباگرفتگان شهر نهاوند، نماز خاص برگزار کرده بود، در اثر بیماری وبا دعوت حق را لیبیک گفت و به دیار باقی شتافت. فعالیت‌های آموزشی: آقامیرزا حجت، به نهاوند دعوت گردید و پس از اقامت، در مدرسه‌ی مقام محمود به تدریس اشتغال ورزید. آثار: حاشیه بر کتاب المواقف قاضی عضدالدین ایجی، حاشیه بر کتاب کنز‌العرفان فاضل مقداد، رساله‌ی عملیه، شرح بر اسفار صدر‌المآلهین

حجت، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی حجت

محل تولد: کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی حجت در سال ۱۳۴۷ در شهر کرمان متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در دبستان احمدی و صفاری و راهنمایی را در مدرسه آیت‌الله سعیدی کرمان پشت سر گذاشتم. پس از یکسال تحصیل در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه کرمان شدم و در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم (مدرسه کرمانیها) گردیدم. در سال ۱۳۶۷ در امتحانات سراسری حوزه موفق به احراز رتبه اول پایه سوم گردیدم. در کنار دروس حوزوی در تابستان به صورت متفرقه دروس مقطع متوسطه را امتحان و در رشته علوم انسانی دیپلم گرفتم. و همراه با دروس حوزوی از سال ۱۳۷۰ در مقطع کارشناسی رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی را آغاز کردم. و در سال ۱۳۷۵ در رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۷ با معدل ۹۲/۱۹ فارغ‌التحصیل گردیدم. پایان‌نامه این مقطع با عنوان "بررسی و طبقه‌بندی فقه‌های مربوط به ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی" رتبه سوم کشوری را در رشته علوم قرآن و حدیث کسب کرد.

در همان سال در مقطع دکترای رشته علوم قرآن و حدیث مرکز تربیت مدرس قم پذیرفته شده و همزمان از سال ۱۳۷۶ در رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه نیز مشغول به تحصیل شدم. و ۴ سال دوره آموزشی آن را با موفقیت به اتمام رساندم. سال ۱۳۸۳ موفق به اخذ دکترا از مرکز تربیت مدرس قم گردیدم. از سال ۱۳۷۹ به عنوان عضو هیأت علمی در دانشکده علوم حدیث شهر ری به تدریس مشغول گردیده‌ام و هم‌اکنون عضو هیأت علمی و معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی این دانشکده‌ام.

حسن بگی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی حسن بگی

محل تولد: اراک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای علی حسن بگی در سال ۱۳۴۸ در شهر علم و صنعت، در خانواده‌ای مذهبی، دوستدار اهل بیت علیهم السلام قدم به عرصه گیتی گذاشت، دوران تحصیلات متوسطه را با موفقیت به پایان رساند که در کنار تحصیلات متوسطه از شرکت در جلسات مذهبی و هیئتها را غافل نماند و با عشق هرچه تمامتر به خدمت گذاری و تبلیغ در امر دین پرداخت. لذا با این مقدمه و شوق فراوان به فراگیری علوم دینی سبب شد در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه اراک گردید پس از مدتی شوق ادامه تحصیل بیشتر او را به قم کشاند و پس از اتمام موفقیت آمیز دروس سطح در سال ۱۳۷۰ در پای درس اساتید بزرگی چون آیت الله مکارم و وحید خراسانی حاضر گشت و از محضر این بزرگان کسب فیض کرد. در کنار تحصیل به تدریس دروس دینی در حوزه علمیه قم و اراک مشغول تدریس شد و طلاب فراوانی از تدریس ایشان بهره های علمی بردند.

حسن زاده آملی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والعلما آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد ۱۳۰۷ شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه الله آملی و آیه الله شعرانی و آیه الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشته های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.

دارای تألیفات عدیده ای مانند تقویم حسن زاده و ۵ جلد شرح نهج البلاغه مرحوم میرزا حبیب الله هاشمی خوئی از جلد ۱۵ تا جلد ۱۹ میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که ۱۵ مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.

مرحوم آیه الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تقریظ مفصلی برای شرح ایشان مرقوم که در اول جلد ۱۵ شرح نهج البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد ۱۴ شرح مزبور درباره ی معظم له چنین نوشته اند:

(ثم ان حضره الفاضل الادیب العالم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملكه العلمیه والعملیه الشیخ المؤتمن الشیخ حسن الاملی ضاعف الله قدره و اجزل اجر له تصدی لشرح باقی کتاب نهج البلاغه و هو الحری به والمتوقع منه و هو كما قال بعض الانصار كما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح

المعلى و نرجو من الله له التوفيق و لنا.
 العبد ابوالحسن الشعرانى
 تألیفات و تصحیحات
 آثار عرفانى و اخلاقى
 لقاء الله
 وحدت از دیدگاه عارف و حکیم
 انه الحق
 ولایت تکوینى
 عرفان و حکمت متعالیه
 الهی نامه متن الهی نامه
 انسان در عرف عرفان
 کلمه علیا در توقیفیت اسماء
 اصول و اتمهات حکمى و عرفانى
 تصحیح رساله مکاتبات
 تصحیح و تعلیق تمهید القواعد
 تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصرى
 تصحیح و تحشیه رساله تحفه الملوک فی السیر و السلوک
 مفاتیح المخازن
 شرح فصوص الحکم
 مشکاه القدس علی مصباح الأنس
 شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ
 نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور
 باب رحمت
 نامه ها برنامه ها
 قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند
 آثار فلسفی و منطقی
 اتحاد عاقل به معقول
 نصوص الحکم بر فصوص الحکم
 رساله جعل
 صد کلمه
 تصحیح اسفار اربعه
 تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء
 رساله ای در تضاد

رساله ای در اثبات عالم مثال
 رساله ای در حرکت جوهری
 ممد الهمم فی شرح فصوص الحکم
 رساله نفس الأمر
 نهج الولایه
 درر القلائد علی غرر الفرائد
 النور المتجلی فی الظهور الظلی
 مفاتیح الأسرار لسلاک الأسفار
 شرح العیون فی شرح العیون
 گشتی در حرکت
 الحجج البالغه علی مجرد النفس الناطقه
 گنجینه گوهر روان
 رساله ای در اثبات عالم مثال
 رساله مُثُل
 تصحیح و تعلیق شرح اشارات
 ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات
 تصحیح و تعلیق شفا
 ترجمه و تعلیق الجمع بین الرأیین
 رساله اعتقادات
 الأصول الحکمیة
 رساله رؤیا
 من کیستم
 رساله فی التضاد
 دروس معرفت نفس
 نشر الدراری علی نظم اللثالی
 آثار فقهی
 رساله ای در مسائل متفرقه فقهی
 تعلیقات علی العروه الوثقی فی الفقه
 وجیزه ای در مناسک حج
 آثار تفسیری
 تصحیح خلاصه المنهج
 انسان و قرآن
 آثار کلامی

- خیر الأثر در رد جبر و قدر
تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار
لیلۃ القدر و فاطمه علیها السلام
رسالة فی الإمامة
رساله ای در کسب کلامی
فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب
رسالة حول الرؤیا
آثار روایی
تصحیح نهج البلاغه
تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللثالی ، طب الأئمة)
تکملة منهاج البراعة
مصادر و مأخذ نهج البلاغه
انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه
شرح چهل حدیث در معرفت نفس
رساله ای در اربعین
آثار ریاضی و هیوی
دروس معرفه الوقت و القبلة
رساله کلّ فی فلکک یسبحون
رساله ای در تناهی ابعاد
تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعۃ الأضرلاب للبیرونی
تعیین سمت قبله مدینه
الصحیفۃ العسجدیة فی آلاتِ رصدیة
الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری
رساله سی فصل
تعلیق تحفه الأجلّة فی معرفه القبلة
رساله قطب نما و قبله نما
تعلیق بر رساله مولا مظفر
رساله میل کلی
رساله ظلّ
رساله تکسیر دایره
تصحیح کتاب المناظر فی کیفیتة الابصار
رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور
رساله فی تعیین البعد بین المרכזین و الأوج

- رسالة فی الصّبح و الشّفق
 رساله ای پیرامون فنون ریاضی
 رساله ای در مطالب ریاضی
 دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی
 تصحیح و تعلیق شرح جعینی
 تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس
 تصحیح و تعلیق اُکر مانالاؤس
 تصحیح و تعلیق تحریر اُکر تاوڈوسیوس
 شرح زیج بهادری
 تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیک
 تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر بیست باب
 تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی
 استخراج جداول تقویم
 تصحیح و تعلیق الدّر المکنون و الجوهر المصون
 دروس معرفت اوفاق
 شرح قصیده کُوز الأسماء آثار ادبی
 تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصّبیان
 تصحیح کلیله و دمنه
 تصحیح و اعراب اصول کافی
 دیوان اشعار
 قصیده ینبوع الحیاة
 مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین
 تعلیقه بر باب توحید حدیقه الحقیقه
 تصحیح گلستان سعدی
 تعلیقه بر قسمت معانی مطوّل
 امثال طبری
 آثار متفرقه
 تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن
 هزار و یک نکته
 هزار و یک کلمه
 مجموعه مقالات
 ده رساله فارسی
 کشیکل

- مصاحبات مناجات علامه حسن زاده
- الهی، تا تو لیبک نگویی من کجا الهی گویم؟
- الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر
- الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد
- الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده
- الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم
- الهی، شکرتم که دنیایم آخرتم شد
- الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو
- الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار
- الهی، روزم را چون شبنم روحانی بگردان و شبنم را چون روز نورانی
- الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است
- الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟
- الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!
- الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟
- الهی، اگر ستار العیوب نبود، ما از رسوایی چه می کردیم!؟
- الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویا

توصیه‌هایی از علامه حسن زاده آملی

دهان روح و تن

انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه کار می‌گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می‌گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهر آگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاک است، آن نبات هم پاک و میوه‌اش شیرین خواهد بود و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندک و کار بسیار

بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت بکاری و غرس کنی. این جا را دریاب، این جا جای تجارت و کسب و کار است و وقت هم خیلی کم است. وقت خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهمیم العطاش» یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می‌کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می‌گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این جای خودشان مبتلا شده‌اند.» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار

و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست بسازیم.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسنیه

قرن: ۲

جنسیت: زن

ملیت: ایران

قرن دوم هجری، از زنان فاضل، عالم و متکلم. وی از کنیزانی بود که به اسارت مسلمانان درآمد و در زمان هارون الرشید (۱۹۳ - ۱۷۰ ق) مسلمان شد و در اخبار، روایات و اصول اعتقادات، معلومات فراوانی کسب کرد. شیخ ابوالفتوح رازی (۵۲۵ - ۴۸۰ ق) مناظره‌ای که او در مجلس هارون کرده در رساله فارسی خود آورده است. به نوشته رازی وی مذهب اهل سنت را طبق عقاید خودشان رد کرد و مذهب شیعه را ثابت نمود. برخی نویسندگان بر این نظرند که اصولاً شخصیتی به نام حسنیه وجود خارجی نداشته است و رازی برای طرح نظرات کلامی مذهب شیعه، چنان داستانی را ساخته و پرداخته کرده است، چنانکه سید بن طاووس در کتاب طرائف خود از زبان یک نفر اهل ذمه چنین کاری نموده است. [۱]

(ز ۱۹۳ ق)، دانشمند، عارف، متکلم و حکیم. وی از زنان ایرانی تبار بود که به اسارت مسلمانان درآمد و بعضی او را تربیت شده‌ی خاندان عصمت و طهارت (ع) دانسته‌اند که از محضر امام صادق (ع) بخصوص بهره‌مند گردیده است. وی در اخبار مذاهب چهارگانه عامه و علم کلام و قوف کامل داشته است. حسنیه در حضور هارون الرشید با شیخ ابواسحاق نظام معتزلی و محمد بن ادریس شافعی و ابویوسف قاضی مناظره کرد و بر آنها پیروز شد. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «احیاء الدائر» هنگام شرح حال شیخ ابراهیم استرآبادی می‌نویسد: وی در ۹۸۵ ق در سفر حج رساله‌ی این مناظره را نزد بعضی از سادات علوی دمشق یافت و به ایران آورد و به نام شاه طهماسب ترجمه کرد. علامه مجلسی ترجمه‌ی این رساله را به فارسی در انتهای کتاب «حلیه المتقین» خود به طور کامل ذکر کرده است. [۲]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] منابع: اعلام النساء، ۲۶۴ / ۱؛ ریحانه‌الادب، ۴۵ / ۲؛ زنان سخنور، ۱۱۴ / ۱؛ النساء المؤمنات، ۳۰۲ - ۳۰۰.

[۲] اعیان الشیعه (۴۰۹ / ۵)، تاریخ نظم و نثر (۷ / ۹۷، ۴ / ۱۲۰)، روضات الجنات (۱ / ۱۶۳)، ریاحین الشریعه (۴ / ۱۴۸)، ریاض العماء (۵ / ۴۰۶)، ریحانه (۲ / ۴۵)، لغت نامه (ذیل / حسنیه)، مشاهیر زنان (۷۵).

حسین زاده، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین زاده

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد حسین زاده در مرداد ۱۳۴۰ در شهر مقدس قم به دنیا آمد. پس از اتمام دوزه راهنمایی حدود سالهای ۱۳۵۳.۵۴ دروس حوزه را دنبال کرد و در طی پنج سال و اندی در سال ۱۳۵۹ توانست به درس خارج فقه و اصول راه یابد. در دوره تحصیل سطح علاوه بر دروس رایج، فلسفتنا، اقتصادنا، عربی جدید، انگلیسی و نیز اخلاق و تفسیر را در محضر اساتیدی فرهیخته آموخت. فقه و اصول را در مقطع عالی سطح از محضر بزرگانی همچون آیت الله پایانی و آیت الله اعتمادی و آیت الله کافی فرا گرفت. از سال ۵۹ تا ۷۴ به مدت ۱۵ سال در درس خارج فقه و اصول اساتید برجسته ای چون حضرات آیات عظام مظاهری، شبیری زنجانی، و... مشارکت فعال داشت در طول تحصیل و پژوهش به طور مستمر در دروس اخلاق و فلسفه و تفسیر و عقاید حضرت آیت الله مصباح شرکت کرد و از آغاز تحصیلات حوزوی بلکه پیش از آن از راهنمایی های معظم له بهره بسیاری برد به علاوه او در درس های اسفار حضرت آیت الله جوادی نیز چند سالی حضور داشت و از دروس عرفان ایشان نیز استفاده کرد. حدود سال ۱۳۶۵ به عضویت در گروه تخصصی فلسفه باقرالعلوم (ع) به ریاست استاد مصباح در آمد و به تحقیق در حوزه فلسفه پرداخت. از جمله ثمرات این تلاش آماده ساختن درس های اسفار ج ۶ و نیز شناخت شناسی استاد آیت الله جوادی آملی بود در سال ۱۳۷۱ معادل دکترای فقه و اصول معارف مدرک داخلی موسسه امام خمینی و بالاخره دکترای معرفت شناسی را از حوزه دریافت نمود. در سال ۱۳۶۹ برای شرکت در کنفرانس مربوط به فلسفه و نیز گذراندن دوره ای غرب شناسی، همراه با هیئتی به کانادا مسافرت کرد. دولت آمریکا از دادن ویزا خودداری کرد و نتوانستند در آن نشست شرکت کنند. اما دوره ذکر شده در کانادا برگزار شد. در سال ۱۳۷۴ علاوه بر تحقیق در رشته فلسفه در بنیاد باقر العلوم، تدریس خارج فقه و اصول را شروع کرد که تاکنون ادامه دارد. در سال ۱۳۷۷ عضو هیئت علمی گروه فلسفه موسسه امام خمینی (ره) گردید. او اکنون در سمت دانشیار به پژوهش و تدریس اشتغال دارد.

حسینعلی پور، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید حسینعلی پور

محل تولد: جلفا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۶ هجری شمسی به تبریز آمدم و در مدرسه طالبیه تبریز زیر نظر حجة الاسلام آقای وثوقی به دروس حوزوی مشغول شدم (آقای وثوقی هم اکنون از اساتید حوزه های علمیه تبریز هستند) جامع المقدمات، باب رابع مغنی، حاشیه، معالم و بخش اوامر قوانین میرزای قمی را در تبریز خواندم. در سال ۱۳۴۹ به قم آمدم و از آن زمان تاکنون در قم هستم. اولین استادم آیه الله علوی گرگانی بود که در درس شرح لمعه او حاضر می شدم و در درس لمعه آیه الله محفوظی هم شرکت کردم و بقیه را از آقای شیخ علی پناه

اشتهاردی درس گرفتم. استاد رسائل و مکاسب و کفایه ام آقایان میرزا یدالله و حاج میرزا محسن دوزدوزانی بودند. از افراد دیگری هم این کتابها را درس گرفته‌ام، لکن عمده این حضراتند. از سال ۱۳۵۸ در درس خارج آیه‌الله تبریزی و نوری شرکت کردم در درس آیه‌الله نوری همدانی فقط چهار سال شرکت داشتم ولی در درس آیه‌الله تبریزی بیش از ۱۲ سال مرتب نشسته‌ام. شرح منظومه را از آیه‌الله شیرازی انصاری خواندم. نهایتاً الحکمه را از آیه‌الله مصباح خوانده‌ام. شرح اشارات جلد دوم و سوم را از آیه‌الله حسن‌زاده آملی درس گرفته‌ام. شرح فصوص قیصری و مصباح الانس را نیز از ایشان خوانده‌ام. سه جلد اول، دوم و سوم اسفار را هم از ایشان درس گرفته‌ام. بخشی از جلد ۶ و ۷ را از آیه‌الله جوادی آملی تلمذ کرده‌ام. تمهید القواعد را از آیه‌الله جوادی آملی خوانده‌ام. دروس عرفان و فلسفی را با توضیحات کامل، یادداشت دارم. همه دروس اعتقادی آیه‌الله سبحانی را گذرانده‌ام و در درسهای اعتقادی پنجشنبه‌های آیه‌الله مکارم شیرازی شرکت می‌کردم و در امتحان پایانی این دروس، با نمره خوب قبول شدم و به همین مناسبت برای ما جوایزی در نظر گرفته و جوایزی هم اکنون با مهر مدرسه امیرالمؤمنین موجود است. در یک دوره دو ماهه دروس حضرات اساتید در مدرسه حقانی پس از انقلاب اسلامی شرکت کردم. برخی از اساتید آن کلاسها عبارت بودند از: آیه‌الله نوری همدانی، آیه‌الله تسخیری که درباره مارکسیسم تدریس می‌کرد، آقای سیدمنیرالدین هاشمی شیرازی که درس اقتصاد می‌گفت، آقای خاک که درباره سازمان مجاهدین خلق (منافقین) تدریس می‌کرد و...

حسینی ارسنجانی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدحسن حسینی ارسنجانی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

جمعی از اساتید سطوح عالی، تفسیر، فلسفه، منطق و کلام: آیات عظام سلطانی، فاضل لنکرانی و آیات حسینی ارسنجانی، حاج شیخ یحیی انصاری، سید محمد کاظم آیت الهی، خزلی، مشکینی، ستوده، جوادی آملی، مجدالدین محلاتی، دوزدوزانی، شب زنده دار، و کریمی جهرمی؛ اساتید خارج فقه و اصول، آیات عظام: گلپایگانی (ره) (۵ سال فقه)، مرتضی حائری یزدی (ره) (۵ سال فقه)، حسینعلی منتظری (۱۵ سال فقه)، هاشم آملی (ره) (۴ سال اصول). تدریس سیوطی، معالم و لمعتین و نهج البلاغه.

حسینی اسحاق نیا، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید رضا حسینی اسحاق نیا

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

سید رضا حسینی اسحاق نیا در اوائل سال ۱۳۴۲ ه.ش در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشوده و اولین جرقه‌های علاقه به دین را پدرم مرحوم حاج سید محمود اسحاق نیا که عمری را به نیکنامی سپری نمود و «عاش سعیدا و مات سعیدا» با تربیت عملی خود ضمیر صاف کودکانه من را روشن نمود. پدر بزرگ اینجانب مرحوم حاج سید احمد فرزند حاج سید اسحاق از دوستان صمیمی مرحوم حاج آخوند ملاعباس تربتی بوده است چنان که در کتاب فضیلت‌های فراموش شده به قلم فرزند برومند وی که خود نیز ستاره‌ای است که از این شهر در آسمان علم و معرفت درخشیده یعنی خطیب دانشمند مرحوم حاج شیخ حسن علی راشد، به آن اشاره شده است و به شهادت اشخاص با اطلاع و مورد وثوق از معدود کسانی بوده که مرحوم حاج آخوند در منازل ایشان غذا تناول می‌نموده است.

از سن شش سالگی به مدت دو سال در مکتب آقای حاج معلم، قرآن و دروس متداول در مکتب خانه‌های قدیمی را فرا گرفته و سپس تحصیلات جدید را از کلاس سوم آغاز نموده و مقطع ابتدایی را در دبستان بیهقی و دوران راهنمایی را در مدرسه راهنمایی علی تمدن و دوران دبیرستان را در دبیرستان رازی شهرستان گذارندم. تقریباً همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی فراگیری علوم حوزوی را در کنار دروس دبیرستان حدود بیش از ۲ سال در مدارس علمیّه مرحوم هراتی و مرحوم فولاد شروع نموده و سپس بعد از اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه مقدسه علمیّه قم هجرت نمودم.

و بنا به گفته پیر هرات خواجه عبد الله انصاری که «الهی دود از آتش چنان نشان ندهد و خاک از باد که ظاهر از باطن و شاگرد از استاد» چون هر کس که دارای چیزی شده است آن را از استاد کسب نموده است، لذا از این فرصت استفاده نموده و به ذکر اساتید بزرگوار که از خرمن پر فیض آنها به فراخور استعداد و قابلیت خویش خوشه چینی نموده ام پرداخته و از این راه سپاس فراوان خود را نثار ساحت مقدس ایشان می‌نمایم. مقدمات حوزوی از قبیل ادبیات عرب و منطق و بلاغت و مقداری از سطح را در تربت در محضر اساتیدی چون حجج اسلام آقایان حاج شیخ احمد معلم و حاج آقا سعیدی، حاج سید علی آقا ربانی آموخته و بیشترین استفاده را از حوزه درس جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا رحمانی نمودم که تلاش جدی و مستمر و شور و نشاط ایشان در طریق تعلیم به طلاب اعجاب آور و تحسین برانگیز می‌باشد. در اواخر مدت تحصیل در تربت حیدریه علم کلام و مقداری از فلسفه را خدمت مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ صدر الدین ربانی با وجود کسالتی که داشتند قرائت نمودم و از آن زمان تا کنون سخت تحت تاثیر معنویت آن مرحوم قرار دارم. وی به خاطر کسالت‌های متعدد و شدیدی که اواخر حیات پر برکت خود داشت و هم چنین ابتلائات گوناگون به حق، مصداق «البلاء للولاء کالذهب للذهب» بود یعنی:

پس از عزیمت به حوزه علمیّه قم، بقیه دوره سطح و سطح عالی را در محضر اساتیدی چون حجج اسلام آقایان حاج سید احمد طباطبایی تربتی و حاج آقا قاضی زاده تربتی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی سپری نموده و حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: فاضل لنکرانی و حاج شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی شرکت نمودم. در کنار فراگیری دروس عمومی حوزه در دروس تخصصی فلسفه و عرفان به مدت هیجده سال حضور پیدا کرده و گرچه در محضر اساتید بزرگ

در این رشته مانند آیت الله حسن زاده آملی مقداری تلمّذ نموده ام و لیکن عمده استفاده من در فن مزبور از محضر آیت الله انصاری شیرازی بوده است تقریباً از همان شروع به تحصیل علوم دینی، در جنب آن به تعلیم طلاب نیز اشتغال داشته ام و اینک هم به تدریس معقول و منقول در سطح عالی در حوزه علمیه قم مشغول می باشم. در کنار تحصیل و تدریس احیاناً به کار تألیف نیز پرداخته ام و آنچه تاکنون به زیور طبع آراسته شده دوره علم منطق تحت عنوان منطقیات در چهار مجلد است که شرح مبسوطی بر یکی از متون قدیمی در این رشته می باشد. آنچه در این سطور به رشته تحریر در آمده شمه ای از بحار بیکران الطاف و توفیقات خداوندی است که به این بنده نا چیز ارزانی فرموده است. از سال ۷۸ تا کنون علاوه بر تدریس در حوزه مبارکه قم هفته ای یک روز در تهران مقطع کارشناسی ارشد رشته عرفان به تدریس اشتغال دارم و نیز مسوولیت علمی مقالات بخش فلسفه و کلام دایره المعارف قرآن کریم را عهده دار می باشم. ضمناً گواهی علمی سطح چهار حوزه را دارم.

حسینی بهشتی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمدرضا حسینی بهشتی متولد ۱۳۳۶ در قم است. بعد از دوره دبیرستان به تهران آمده و پس از سه سال و نیم تحصیل رشته پزشکی آن را رها می کند. به علت علاقه اش به علوم اسلامی، با بازگشایی دانشگاه ها تغییر رشته می دهد و به سراغ رشته فلسفه غرب می رود. در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را می گذراند. پایان نامه کارشناسی ارشد را در مورد مونا دولوژی لایب نیتس می نویسد. برای دوره دکترا به آلمان می رود و از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶ در آلمان تحصیل می کند. در سال ۱۳۶۶ به ایران بازمی گردد و از همان سال در گروه فلسفه دانشگاه تهران تدریس فلسفه را آغاز می کند.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: سید محمد رضا حسینی بهشتی فرزند شهید بهشتی است. او درباره پدرش می گوید: «آنچه را که می توانم به عنوان عصاره ای که در ذهنم از ایشان باقی مانده است بیان دارم اینست که در بیست و چند سال تماس مداوم من با آن شهید او را به تمام معنی (مؤمن) یافتم. درد او و اندیشه او و عمل و کردار او هر چه بیشتر دقیق می شدی آثار این روشنی و گرمای ایمان را بیشتر حس می کردی و جوشش عشق به خدا و خدمت به خلق خدا را که از ورای پندار و گفتار و کردارش حس و لمس می شد، ناخودآگاه مرا به سوی شخصیت ایشان جذب می کرد و می کشید. «آیت الله شهید بهشتی» سراپا عرفان بود، اما عرفانی بی هیاهو که اثر عمیق خویش را در شیوه برخورد ایشان با مسائل و مشکلات و دشواری های راه بخوبی می توانستیم بینیم. آنچنان ایمان در دل او رسوخ داشت که در این چند سال ندیدم که هیچ حادثه ای او را حتی اندکی به تزلزل وادارد و براستی که هیچ حادثه ای او را حتی اندکی به تزلزل وادارد.» و به راستی که محمد رضا بهشتی بی آن که هویت مستقل خویش را از دست داده باشد، این صفات پدر را در خویش زنده نگاه داشته و پرورانده است.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: - تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاه - تحصیلات نیمه تمام در رشته پزشکی - دریافت کارشناسی فلسفه از دانشگاه تهران - دریافت کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تهران - عزیمت به آلمان برای ادامه تحصیل -

دریافت دکترای فلسفه از دانشگاه هامبورگ آلمان ۶۶-۱۳۶۰ - آشنایی با زبان های عربی، آلمانی، انگلیسی و اندکی یونانی و لاتینی

مشاغل و سمتهای مورد تصدی :- مدیر مؤسسه مطالعاتی تاریخ خاورمیانه از ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۹ - مدیر مؤسسه پژوهشی فرهنگی «نوارغون» از ۱۳۷۷ تا کنون - عضو پیوسته فرهنگستان هنر - مسئول گروه فلسفه فرهنگستان هنر - عضو هیأت امنای مؤسسه مطالعات اجتماعی (وزارت علوم و تحقیقات و فناوری) - عضو هیأت امنای پژوهشگاه علوم انسانی - عضو هیأت امنای مؤسسه انجمن و حکمت

فعالیت‌های آموزشی : تدریس در دانشگاه تهران گروه فلسفه از سال ۱۳۶۶ تا کنون

مراکزی که فرد از بنیان آن به شمار می آید : بعد از بازگشت از آلمان فعالیت های پژوهشی اش را روی فلسفه متمرکز می کند. پس از مدتی با همکاری دوستانش مؤسسه پژوهشی نوارغون را تأسیس می کند. به غیر از مقالات مختلفی که در مجله های تخصصی یا در مطبوعات منتشر کرده، گاه شمار تاریخ معاصر خاورمیانه با همکاری او منتشر شده است.

آرا و گرایشهای خاص : سید محمدرضا حسینی بهشتی با اشاره به این که مفهوم طبیعت به عنوان نرم و جهت دهنده در عرصه زندگی اجتماعی و فردی است اعتقاد دارد: «مفهوم طبیعت در پیوند با دو مفهوم خدا و انسان قرار دارد که هر سه این مفاهیم نقش مؤثری در تلقی ما از خود و موجودات پیرامون ما دارد. اگر ما به مواجهه انسان و طبیعت نگاه کنیم. ما پیش از سه دهه اخیر با سه نوع مواجهه روبرو بودیم یکی مواجهه نظری با طبیعت که انسان کنجکاو می خواهد به شناخت طبیعت پردازد و نظر به طبیعت کند. در آغاز این نگاه به طبیعت و عالم ممکن است با این هدف صورت بگیرد که خود نگرش طبیعت به عنوان بالاترین ارزش تلقی می شود یعنی نظر به خاطر نظر صورت می گرفت و ایده آل دانش نظری در یونان باستان نظر برای نظر بود. در سده های میانه نظر به عنوان نظر دیگر ارزش ندارد و اگر نظر در خدمت ایمان قرار می گرفت ارزش داشت و شیخ بهایی نیز می گفت از صفحه دل هر علمی را که در جهت رستگاری نیست پاک کنید که این همان نگاه ارسطویی است. در عصر جدید اتفاق عجیبی در حال افتادن است و آن این که دانش نظری در خدمت غایات عملی انسانی قرار می گیرد یعنی در جهت سعادت مادی انسان است و بیکن معتقد است همه مشکلات از جهل است یعنی ما نمی توانیم آینده را پیش بینی کنیم و آن را در جهت غایات خود قرار دهیم.»

بهشتی با اشاره به این که در عهد باستان انسان نمی توانست آقا و سید طبیعت باشد ولی در دهه های اخیر تاریخ نگاری علم یعنی نگاه علم هم به خودش عوض شده است می افزاید: «بیکن معتقد است طبیعت، در اختیار ماست به شرطی که حرف از آن بیرون بکشیم و گرنه جواب نخواهد داد و ضربه ای که می توانیم به آن بزیم آزمایش است و در این صورت است که شناخت علمی داریم. مواجهه های انسان با طبیعت عبارتند از: مواجهه نظری، تکنیکی - علمی، زیبا شناختی، اخلاقی - عملی.» محمدرضا بهشتی علاوه بر تدریس و تحقیق، به عرصه های عمومی تر حوزه مطالعاتی اش نیز توجه ویژه دارد و بویژه درباره وضع آموزش فلسفه در ایران دیدگاه های جالبی را ارائه می دهد: «آموزش فلسفه در ایران در دو حوزه صورت می گیرد که عبارتند از؛ مدارس سنتی و دانشگاه ها. در دانشکده الهیات تمرکز بر فلسفه اسلامی است ولی دانشکده ادبیات بیشتر به فلسفه غرب می پردازد. مهم ترین مسأله در مواجهه با آموزش فلسفه، ابهام در هدف گذاری و شناخت جایگاه فلسفه است. ما در برنامه آموزشی مان برخلاف کشورهای خارجی، هیچ دوره خاصی نداریم که فارغ التحصیل فلسفه بتواند پس از گذراندن آن فلسفه را آموزش دهد. در طریقه منتقل کردن مطلب نیز خلأ وجود دارد؛ در طول دوره پژوهشی فرد آموزش لازم را برای انجام کارهای پژوهشی نمی بیند و با کمترین تکنیک ها نیز در مسیر آموزش آشنا نمی شود. مشکل ما در آموزش فلسفه این است که نه ورود ما به مطلب مشخص است و نه خروج و نه طی مسیر و بر این اساس، با رهیافت مشخصی نیز روبه رو نیستیم و آشنا شدن با رهیافت ها را نیز در جایی پیدا نکرده ایم. یکی از کمبودهای جدی به لحاظ آموزشی و پرورشی، کمبود منابع داخلی و بویژه منابع خارجی است. مجلات و مقالات در

رشته فلسفه هنوز هیچ جایگاهی ندارند و ما هنوز با شیوه‌های جدیدتر برقراری ارتباطات آشنا نیستیم. ما جلسات چند استاد (محقق) را پیرامون یک موضوع نداریم و برای استفاده از اساتیدی که بیرون از حوزه‌های آموزشی ما پرورش پیدا کرده‌اند مشکل زبان داریم، اما با فرض حل مشکل زبان، راه‌های ارائه موضوع آن‌ها نیز با ما متفاوت است. در مورد طرح‌های پژوهشی قوی و بویژه جمعی، و گره خوردن کار پژوهشی در داخل دانشگاه‌ها با نیازهای بیرونی که موجب ایجاد نشاط در گروه‌ها می‌شود نیز کاری انجام نشده است. همچنین رابطه‌ای میان دانشگاه‌ها با دانشگاه‌های داخل و خارج، پژوهشگاه‌ها و مؤسسه‌های غیر دولتی مانند NGO ها نیز وجود ندارد. در کارهای آموزشی و پژوهشی، نخستین قدم، جدی گرفتن گروه‌های کار دانشجویی و پیوند میان این گروه‌ها است و بعد مطالعه و شناسایی راه‌های موجود و انتخاب این راه‌ها و سپس حرکت و اجرا که باید با ارزیابی مجدد و نقادانه صورت بگیرد.

چگونگی عرضه آثار: بررسی تطورات تاریخی قواعد کلی فلسفی با تأکید بر فلسفه اسلامی عنوان یکی از گزارش‌های سید محمدرضا حسینی بهشتی در دانشگاه تهران است. تدوین و تألیف چند جزوه درسی مربوط به آموزش زبان از جمله آموزش مقدماتی زبان یونانی و آموزش مقدماتی زبان لاتین نیز از دیگر آثار بهشتی در فضای آموزشی دانشگاه تهران بوده است. او علاوه بر حضور مستمر در فضاهاى آکادمیک، در سالیان گذشته با نگارش مقالات متعدد نظری دیدگاه‌های خویش را به فضاهاى عمومی تر اندیشه نیز کشانده است. برخی از مقالات او عبارتند از: نگرشی تاریخی به تحول مفهوم آرخه از پیش سقراطیان تا ارسطو؛ سقراط، پس کار تو چیست؟؛ فلسفه و بحران محیط زیست؛ زیباترین مثلث‌ها؛ دو نظریه در زیباشناسی طبیعت؛ صلح و عدالت در بستر دینی؛ جایگاه نقد سوم در نظام استعلایی کانت و ... بهشتی همچنین با دانشنامه جهان اسلام نیز ارتباط دارد و برخی مدخل‌های فلسفی آن را می‌نگارد، از آن جمله است مدخل تاریخ قرآن کریم «تئودور نولدکه و مدخل تامس پیوس» -----

آثار:

۱. Methodologische Ueberlegungen Zum Wandel des Naturbegriffs Techno Verlag ۱۹۹۷

۲ انسان‌شناسی فلسفی

ویژگی اثر: ترجمه، نوشته هانس دیرکس، کتاب انسان‌شناسی فلسفی، با رویکردی آموزشی و نه تنها فلسفی، متن‌هایی از متفکران غربی را متناسب با مسائل بنیادی زندگی گرد آورده است. مطالعه این کتاب در راستای سرفصل‌های درس انسان‌شناسی برای استادان محترم معارف پیشنهاد شده است.

۳ دروس گفتارهای فلسفی

ویژگی اثر: مؤسسه دانش و توسعه علوم انسانی

۴ سرآغازهای فلسفه در یونان

ویژگی اثر: انتشارات هرمس

۵ شرحی بر تمهیدات کانت،

ویژگی اثر: اثر: ماکس آپل؛ مرکز نشر دانشگاهی

۶ گزیده مقالات گادامر

ویژگی اثر: انتشارات هرمس

۷ متون برگزیده در هرمنوتیک

ویژگی اثر: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

حسینی تهرانی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۰۵.

درگذشت: ۱۳۷۴.

از آثار اوست: امام شناسی: بحثهای تفسیری، فلسفی، روانی (تهران، ۱۳۶۲)؛ ترجمه رساله بدیعه در تفسر آیه الرجال قوامون علی النساء (ترجمه توسط چند تن از فضلاء؛ تهران، ۱۳۶۳)؛ داستان‌های عبرت‌انگیز (جمع‌آوری و تنظیم مهدی شمس‌الدین، قم، ۱۳۷۳)؛ رساله بدیعه فی تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء (تهران، ۱۳۶۶، ۱۳۶۰)؛ رساله حول مسئله رویه الهلال، موسوعه علمیه‌ی فقهیه فی لزوم اشتراک... (۱۳۷۱)؛ مقدمه و شرح رساله سیر و سلوک (منسوب به بحرالعلوم مهدی بن مرتضی الطباطبائی نجفی، تهران، ۱۳۷۲)؛ روح مجرد: یادنامه موحد عظیم شأن و عارف کبیر حاج سید هاشم موسوی حداد (تهران، ۱۳۷۳)؛ مقدمه و تذیل هدیه غدیریه: دو نامه سیاه و سپید (تألیف محمد رفیع بن عبدالواحد طبسی، مشهد، ۱۳۷۴)؛ رساله نوین درباره‌ی بناء اسلام، سال و ماه قمری و تفسیر آیه‌ی ان عده الشهور عند الله اثنا عشر شهدا فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض منها اربعه حرم ذلك الذین القیم: بحث تفسیری، روائی، فقهی و تاریخی (تهران، ۱۳۶۴)؛ رساله فکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین (تهران، ۱۳۷۳)؛ رساله لب اللباب در سیر و السلوک اولی الالباب (تهران، ۱۳۶۶)؛ مکاتیب حکمی و عرفانی میان آیتین علمین: حضرت آیه الحق و التوحید حاج سید احمد کربلائی و حضرت آشیخ المحقق حاج شیخ محمدحسین اصفهانی... (تهران، ۱۳۷۳)؛ معادشناسی (تهران، ۱۳۶۱)؛ لمعات الحسین: برخی از کلمات و مواعظ و خطب حضرت سیدالشهداء ابی‌عبدالله الحسین (ع) (تهران، ۱۳۷۱)؛ ولایت فقیه در حکومت اسلامی (از منشآت محمدحسین حسینی تهرانی، تنظیم و گردآوری از محسن سعیدیان و محمدحسین راجی، تهران، ۱۳۷۳)، نور ملکوت قرآن (مشهد، ۱۳۶۸)؛ نگرشی بر مقاله بسط و قبض تئوریک شریعت دکتر عبدالکریم سروش (تهران، ۱۳۷۴)؛ مهر تابان: یادنامه و مصاحبات تلمیذ و علامه محمدحسین طباطبائی تبریزی (تهران، ۱۳۷۵).

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حسینی طباطبائی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فقیه.

تولد: ۱۳۰۷، زابل.

شهادت: ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام سید محمدتقی حسینی طباطبائی، فرزند سید علی، تا سطح اجتهاد به تحصیل پرداخت و موفق شد که همچنین فوق لیسانس خود را در رشته‌ی فلسفه اسلامی از دانشکده الهیات اخذ نماید. پیش از انقلاب اسلامی معلم بود و در حوزه‌ی علمیه‌ی زابل نیز تدریس می‌کرد. بعد از انقلاب اسلامی در ادامه کار تدریس خود، مسئول کمیته انقلاب اسلامی زابل بود. ایشان در اولین

دوره‌ی مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از مردم زابل انتخاب شد. تألیفات وی عبارتند از منطق و منظوم؛ منتهی المیزان؛ احسن البیان و جزوه‌ای به عربی در مدح حضرت علی (ع).

حجت‌الاسلام حسینی طباطبائی در بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در زابل به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

حسینی کوهساری، اسحاق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید اسحق حسینی کوهساری

محل تولد: نکا- ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۸/۲/۱۵

زندگینامه علمی

حقییر سید اسحاق حسینی کوهساری در سال ۱۳۲۸ در روستای کوهسار کتن از توابع شهرستان نکا متولد شدم. دوران ابتدائی تحصیل را در حوزه علمیه نکا تحت نظر آیت الله سیموندهی طاب ثراه و سپس به مدت چهار سال در حوزه علمیه امام صادق (ع) قم تحت نظر آیت الله دار ابکلانی ادامه تحصیل داده ام.

در سال تحصیلی ۴۶-۴۷ وارد حوزه علمیه قم شده ام و در مدرسه سعادت تحت نظر آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی تحت اشراف و نظر آن دو عزیز به تحصیل ادامه داده قوانین را نزد استاد دوزدوزانی، رسائل را نزد استاد اعتمادی، مکاسب را نزد استاد ستوده، کفایتین را نزد آیت الله سلطانی و اسفار را نزد حسن زاده آملی و جوادی آملی و استاد مصباح یزدی گذراندم. تقریباً دو دوره درس اصول و فقه آیت الله میرزا هاشم آملی و مقدار اندکی از محضر آیت الله گلپایگانی و مرتضی حائری و مدت ۸ سال از محضر آیت الله تبریزی و مدت ۶ سال از محضر آیت الله جوادی و مدت ۴ سال از محضر آیت الله منتظری استفاده کرده ام.

تقریباً چند سال قبل از انقلاب وارد مدرسه در راه حق شده و دوره آموزشی دروس معارف و فلسفه و بقیه دروس موسسه را گذرانده و سپس وارد موسسه باقرالعلوم (ع) و بعد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شده ام.

مدت ۱۲ سال به عنوان مدرس دروس معرفت شناسی، انسان شناسی، و خداشناسی با طرح ولایت بسیج دانشجویی افتخار همکاری داشته ام و پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآنی موسسه را دریافت نموده ام.

حقییر از سال ۶۰-۵۹ جز اولین گروهی بوده ام که وارد دانشگاه تهران شده ام و از آن زمان تاکنون به عنوان تدریس معارف اسلامی ۱ و ۲ اخلاق، تاریخ اسلام همکاری داشته ام و اکنون عضو گروه الهیات پردیس قم هستم و درس تفسیر تاریخ قرآن و تاریخ تفسیر و درس های وانسیه را به عهده دارم.

کتاب و مقالاتی هم نگاشته ام که خوشبختانه کتاب تاریخ فلسفه اسلامی به عنوان کتاب درس در مرکز تخصصی فلسفه حوزه تحت مدیریت استاد فیاضی که حقییر افتخار تدریس متن کتاب را بر عهده دارم و مرکز جهانی اهل بیت (جامعه المصطفی کنونی) و

دانشگاه معارف اسلامی قم و برخی از دانشگاهها دولتی و آزاد جز کتب درس قرار گرفت و الان تحت چاپ است. حقیق کارشناسی ارشد فلسفه خبرگان بدون مدرک را هم گرفته ام و اخیراً تز دکتری نقد و بررسی مبانی تفسیر عرفانی را تحت نظر استاد سید محمد باقر حجتی و حبیب الله طاهری و مشاوره دکتر الهیات و دکتر سبحانی گذرانده ام. و اکنون مشغول نگارش تفسیر سوره حمد به عنوان کتاب درس دانشگاه و آماده سازی پایان نامه جهت چاپ می باشم. در ضمن حقیق افتخار روحانی کاروان در طول بیست سال را دارم و از نظر منبر و نوکری امام حسین قم و خطابه هم موفق هستم و در استانهای مختلف افتخار نوکری را دارم و الان بواسطه عضویت هیئت علمی امکان رفتن به خارج از قم را ندارم تقریباً در لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب و سپاه قم دانشگاه شهید محلاتی افتخار همکاری را در این داشته و دارم.

حقانی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین حقانی

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۳/۱۲/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین حقانی اول اسفند سال ۱۳۱۳ شمسی در شهرستان زنجان در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. پدرم به نام علی از تجار زنجان بوده، علاقه شدیدی به اسلام و تشیع و ائمه اطهار (علیهم السلام) داشت و در اول سال ۱۳۶۲ شمسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سن ۸۶ سالگی دار فانی را وداع گفتند و از اہم برکات وجودی او مدرسه (المنتظر) معروف به مدرسه منتظریه حقانی بود که در سال ۱۳۳۹ شمسی در شهرستان (مذهبی) قم در حوزه علمیه با نفقه خود و با اخلاص خاصی آنرا تاسیس و بنیان نهاد. دوره ابتدایی را در شهرستان زنجان در مدرسه ای بنام (توفیق) که زیر نظر استادی فرزانه و فاضل و با تقوا بنام رضا روزبه (رضوان الله تعالی علیه) اداره می شد به پایان رساندم و با رتبه ممتاز در کلاس ششم قبول شدم.

همان اوان مصادف بود با بلیه بزرگی که ایران آنروز در اثر بی کفایتی و بی لیاقتی زمامداران طاغوت گرفتار آن شده بود و آن بلیه، بلیه تسلط حزب توده و نوکران زمامداران شوروی به دبیری مردی بنام (پیشه وری) بود که از ناحیه شمال غربی منطقه آذربایجان به ایران نفوذ کرده تا زنجان و ابهر و نزدیکی های قزوین پیشروی کرده و حکومت خود مختاری را در داخل مملکت ایران آنروز تشکیل داده بود. این جریان بی دینی، زندگی مذهبی و دینی را بر متدینین تنگ کرده بود، آنان ناچار به طرف تهران و سایر نقاط امن ایران مهاجرت می کردند. ابوی اینجانب نیز چون در بازار زنجان تاجر نسبتاً مشهوری بود و همواره مورد اذیت و تعرض مسئولین حزب توده قرار داشت مقدمات مهاجرت خود را از زنجان به تهران فراهم نمود و در سال ۱۳۲۷ شمسی این مهاجرت انجام پذیرفت. من نیز در تهران تحصیلات خود را در دبیرستان فرخی تا سیکل (کلاس نهم آنزمان) به پایان رساندم از آنجا که پدرم از خانواده علم بود و پدران وی واجداد امی همه از علمای قریه خوئین زنجان بودند بسیار مایل بود که فرزندان او نیز در رشته علوم اسلامی به حوزه های علمیه وارد شده، راه پدران خود را ادامه دهند و از طرفی هم تعصب خاص مذهبی و دینی

داشت و از وضع بی دینی حاکم بر مدارس آنروز تهران بسیار ناراحت بود حتی در زمان ما سالیان سالی تا زمان فتوای مرحوم آیه الله حکیم در نجف اشرف برای اولین بار در عالم فقه و فقاہت آنروز طی حکمی خرید و فروش رادیو را جایز اعلام کردند رادیو نداشتیم چون پدرم آنرا مایه فساد و تربیت غیر سالم و دینی می دانست.

از اینرو از ادامه تحصیل اینجانب بعد از خاتمه دوره دبیرستان شدیداً مخالفت می کرد صریحاً به من می گفت: شما یا اینکه به بازار بیائید و مثل ما به تجارت مشغول گردید و یا به قم بروید و سیره پدران خود را در ادامه علوم اسلامی تعقیب نمائید راه سومی که ادامه تحصیل کلاسیک دبیرستانها می باشد وجود ندارد زیرا این راه شما را از دین و دینداری و تقوا و کمالات انسانی دور و موجب فساد است. من نیز چون علاقه به تجارت و کسب نداشتم راه ادامه تحصیل علوم اسلامی را در قم انتخاب کردم و در اوائل تیر ماه ۱۳۳۰ شمسی بعد از خاتمه امتحانات کلاس نهم در تهران وارد حوزه علمیه قم شدم. در این هنگام حوزه علمیه قم تازه تعطیلات تابستانی خود را شروع کرده بود که من تحصیلات علوم اسلامی را در هوای گرم تابستان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی در قم شروع نمودم و برای اینکار مستقیماً به منزل یکی از طلاب آنروز قم که از نزدیکان و خویشاوندان ما محسوب می شد وارد شده تا موقتاً ایام تابستان را مشغول به درس و بحث باشم و ایشان نیز مثل اکثریت طلاب آنروز قم وضع مالی خوبی نداشت و صاحب منزل نیز به بیلاقی به شیراز رفته بود و منزل خود را به عنوان اینکه خالی نباشد به ایشان واگذار کرده بود و طلاب بی بضاعت نیز برای اینکه حداقل در ایام تابستان آزادی بیشتری در منزل با بچه ها داشته باشند به این کار علاقه نشان می دادند.

دوره مقدماتی علوم اسلامی را در عرض سه سال (یعنی دوره نحو و صرف و منطق و معانی بیان و علوم بلاغت در حد کتاب معمول حوزه های آنروز) نزد اساتید فن خواندم و بعد از طی دوره مقدمات دوره سطح را شروع و در عرض شش سال آنرا به پایان رساندم. در این دوره از اصول فقه معالم الاصول مرحوم شیخ حسن فرزند شهید ثانی و کتاب قوانین الاصول تالیف مرحوم میرزای قمی جلد اول تا آخر باب نواهی و بعد از آن (شرح لمعتین) تالیف مرحوم شهید ثانی را که یک دوره کامل و مختصر فقه اسلام است در عرض ۵/۲ سال خواندم و سپس (فرائد الاصول) شیخ انصاری (ره) و مجدد الاصول تالیف مرحوم آیه الله آخوند خراسانی را نزد اساتید فن از جمله مرحوم آیه الله مجاهدی گذراندم. این کتاب های متن در فقه و اصول در سطح عالی را نزد اساتیدی بزرگ از قبیل مرحوم آیه الله مجاهدی و آیه الله طباطبائی و غیر این دو از اساتید بزرگ آنروز تلمذ کردم و در عرض این دروس مربوط به فقه و اصول، (لثالی منظومه) مرحوم حکیم سبزواری (رحمه الله علیه) را (منطق و حکمت) را نزد اساتید بزرگ فلسفی آنروز گذراندم. بعد از خاتمه سطح، دروه خارج سطح را نزد مراجع بزرگ آنروز متجاوز از ۲۲ سال شرکت کردم.

در این بیست و دو سال مراجع و فقهاء و مدرسین بنام و معروفی بودند که از محضرشان استفاده نمودم. سه سال در اواخر عمر با برکت مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در مسجد اعظم قم که مبحث قضا را شروع کرده بودند و بزرگان و اساتید و علماء بزرگ وقت در پای دروس این عالم فقیه متبحر شرکت می کردند و نوشته همه این دروس را به زبان عربی در اختیار دارم. در عرض این سه سال و بعد از آن نیز یک دوره اصول فقه را در محضر درس امام عزیز و راحل حضرت آیه الله العظمی خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در مسجد سلماسی واقع در آخر کوچه آقازاده صبح ها شرکت میکردم و بسیار محضر با برکت و درس مفیدی بود و ضمناً در خارج اصول فقه مرحوم آیه الله محقق داماد در مسجد اعظم قم جلد ثانی (کفایة الاصول) سالها شرکت کردم و از محضر پرفیض ایشان نیز استفاده بردم و نیز یک دوره کامل در دروس اصول فقه مرحوم آیه الله آقای شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) شرکت نمودم چون ایشان از نجف آمده و از شاگردان خاص و مستقیم مرحوم آیه الله آقا ضیاء عراقی که یکی از بزرگترین اساتید فن اصول فقه بشمار میرفت و تقریرات مرحوم آقا ضیاء عراقی را نیز به نام (نهایة الافکار) به رشته تحریر آورده بود و در این دروس اصول فقه ایشان نیز سالها شرکت کردم و بهره ها بردم و نوشته های دقیق این دو درس موجود است به طوری که چند سال قبل از وفات ایشان در منزل خودشان به من فرمودند که نوشته ها را بیاورید من آن را اصلاح و به چاپ برسانم حتی می فرمودند

که من هنوز زنده ام اصلاح می‌کنم و من چون به نوشته‌های دروس اشتغال داشتم وقت اینکه آنرا دقیقاً آماده بسازم و حتی پیدا نکردم و لذا دوره کامل دروس ایشان از استصحاب تا استصحاب به زبان عربی هنوز موجود است تا این شاء الله موفقیتی باشد آنها را به چاپ برسانیم. و نیز در حدود ۲۳ سال در دروس فقه مرحوم آیه الله العظمی آقای سید محمد کاظم شریعتمداری شرکت کردم و نیز سالیان متمادی در دروس فقه مرحوم آیه الله بروجردی شرکت کردم و همه درسهای ایشان دقیقاً به زبان عربی نوشته شده و موجود است.

در عرض این دروس فقه و اصول در دروس فلسفه مرحوم آیه الله علامه طباطبائی (ره) در درس اسفار ملا صدرا فلسفه متعالی سالها در مسجد سلماسی شرکت کردم و از بزرگان و اساتید حوزه علمیه قم نیز در آن شرکت داشتند و فیض‌ها بردم (رحمت خدا و درود فراوان بروان پاک او باد). و هیئت قدیم را همراه جمعی از فضلا در مدرسه فیضیه پیش حضرت آیه الله حاج شیخ محمد علی اردبیلی که در این علم گرچه قدیمی بود اما تبحری داشتند تلمذ کردم و متن درسی آن (کتاب شرح چغمینی) بود که همراه برخی از آلات و ادوات مربوط به تصویر کرات و منظومه شمسی و غیر آن تدریس می‌نمود. اصل علمی و پژوهشی اینجانب در عرض ۵۴ سال متجاوز از ۷۰۰ دفترچه ۲۰۰ برگه علمی و تاریخی و فقهی و اصولی و کلامی فلسفی بقرار ذیل بود: دروس خارج اصول فقه از کفایه الاصول محقق خراسانی یک دوره کامل از مباحث الفاظ و مباحث عقلی و یک دوره نیز اصول فقه تقریرات مرحوم آیه الله شیخ هاشم آملی (لاریجانی) (قدس سره) از استصحاب تا استصحاب و یک دوره کامل اصول فقه تقریرات امام راحل و در فقه نیز مباحث کثیری از عبادات (طهارت، صلاه، صوم، زکوة، حج، خمس و...) و از معاملات (مکاسب محرمه و بیع تا آخر خیرات از محضر درس مرحوم آیه الله العظمی شریعتمداری که فقه را ایشان با قلم خود تصحیح نموده موجود است بصورت آثار گرانمایی باقی مانده است و مقدار بیشتری از مباحث فقه تقریری از امام راحل مکاسب بیع تا عقد صبی و مقدار بیشتری از مباحث فقه را اساتید گرامی شخصاً بازنگری کرده و در آنروز با خط مبارک خود تصحیح فرموده اند که بسیار با ارزش می‌باشد. روی همین تحقیقات و تقریرات بود که اجازه اجتهاد از طرف مرحوم حضرت آیه الله العظمی آقای شریعتمداری به اینجانب به عنوان تقریظ بر کتاب طهارت که در آستانه چاپ بود داده شده و متن آن نیز دقیقاً موجود است و اصل متن ورقه اجتهاد را نیز حضرت آیه الله سبحانی نوشته و آن متن به امضاء و مهر حضرت مرحوم آیه الله العظمی آقای شریعتمداری رسیده است و باز روی ملاحظات بالا بنا به تقاضای دانشگاه الزهراء از مرتبه علمی به اینجانب از دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم رتبه خارج دوم را که مساوی با اجتهاد مطلق است به اینجانب نیز اعطا کرده است و متن آن نیز موجود است (البته این اجازه اجتهاد با مطالعه دقیق دروس حضرات مراجع عظام نامبرده تحقیق و بررسی علمی متجاوز از ۱۵۰ دفترچه ۲۰۰ برگه می‌باشد که با وسواس شدیدی مورد بررسی حوزه علمیه قم قرار گرفته است) و چند سال قبل نیز رتبه استادیاری را که مساوی با دکتری است از وزارت آموزش عالی به اینجانب اعطاء شد و اینکه به عنوان هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء به تدریس دروس اختصاصی آن دانشکده (فلسفه - کلام - منطق - عرفان و اصول فقه و فقه و تفسیر و فلسفه اخلاق و نیز به تدریس متون اسلامی در دانشگاه تهران - دانشکده علوم سالهاست که اشتغال دارم و اینکه متجاوز از ۴ سال است که مسئولیت دانشکده علوم انسانی و ادبیات و الهیات دانشگاه الزهراء که توسط رئیس دانشگاه آن وقت الزهراء جناب آقای دکتر کوهیان تفویض شده ادامه دارد و ضمناً مدیریت گروه معارف دانشگاه الزهراء نیز بر عهده اینجانب است و در حوزه علمیه اشتغال دارم به طلاب مدرسه منتظریه حقانی نیز برخی از دروس از قبیل تفسیر قرآن و... را تدریس می‌نمایم. و در مدت اشتغال به دروس اسلامی از فقه و اصول و فلسفه و عرفان و متون اسلامی و تفسیر به عنوان محبت و تشویق، چند لوح تقدیر از عملکرد دانشگاهی و تدریس و تالیفات و تحقیقات علمی و دینی در دانشگاه الزهراء و دانشگاه تهران (دانشکده علوم) به اینجانب اعطا گردیده است و اخیراً در جلسه مجمع مدیران گروه معارف در نیمه شعبان (سال ۱۴۲۰ مطابق ۳ آذر سال ۷۸) به مناسبت میلاد مسعود امام زمان (عج) در مدرسه دارالشفاء قم با حضور متجاوز از ۲۰۰ استاد و اساتید گروه معارف که

توسط نهاد محترم نمایندگی ولی فقیه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دام‌ظله) در گروه معارف در دانشگاهها برپا گشته بود از طرف نهاد نمایندگی به عنوان استاد موفق در تدریس معرفی شده و مورد تقدیر قرار گرفتم که من خود را شخصا ناقابل می‌دانم و در عین حال از همه بزرگان و مسئولین و اساتید گرامی کمال تشکر را دارم.

حکمت، نصرالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر نصرالله حکمت، ابتدا تحصیلات خود را در علوم حوزوی تا سطح خارج فقه و اصول (در سال ۱۳۵۸) پایان برد. وی باقی ماندن در این سطح را جایز ندانست و عزم خود را جزم کرد و در مقطع کارشناسی رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شد. او مراتب علمی را به ترتیب تا دکتری در دانشگاه مذکور به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۷۳ موفق به اخذ مدرک دکتری رشته فلسفه از دانشگاه تهران شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سوابق تحصیلی دکتر نصرالله حکمت به ترتیب زیر است: علوم حوزوی تا خارج فقه و اصول - سال ۱۳۵۸ لیسانس فلسفه - دانشگاه تهران - ۱۳۶۴ فوق لیسانس فلسفه - دانشگاه تهران - ۱۳۶۷ دکترای فلسفه - دانشگاه تهران - ۱۳۷۳ مشاغل و سمتهای مورد تصدی: نصرالله حکمت فعالیت آموزشی خود را از سال ۱۳۷۳ در دانشگاه شهید بهشتی آغاز کرد که تا کنون ادامه دارد. وی دارای رتبه علمی دانشیار است.

فعالیت‌های آموزشی: سوابق تدریسی و آموزشی نصرالله حکمت به قرار زیر است: سالهای ۵۲ تا ۵۸ تدریس منطق و فلسفه در حوزه از سال ۷۳ تا کنون تدریس در دانشگاه شهید بهشتی

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: علایق پژوهشی: دین، فلسفه، فلسفه دین، عرفان و ادبیات

آرا و گرایشهای خاص: دکتر نصرالله حکمت، عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه شهید بهشتی، در پاسخ به این پرسش که آیا فلسفه اسلامی در وضعیت حاضر قابلیت پاسخگویی به مسائل جدید جامعه را دارد یا خیر، گفت: «فلسفه اسلامی در دوران ما در وضعیت انجماد قرار دارد. باید تلاش کنیم، انجماد فلسفه اسلامی شکسته شود.» دکتر حکمت افزود: «فلسفه قداست پیدا کرده و منجمد شده و رابطه اش با مسائل قطع شده است. فلسفه، اگر از حالت قداست خارج شود و به طرح پرسش و تأمل درباره پرسشها تبدیل شود، طبعاً با پرسشهای امروز ما هم ارتباط برقرار می‌کند. پس اگر ما بخواهیم این انجمادها را بشکنیم و فلسفه را به دنیای امروزمان و مشکلات آن برگردانیم، باید حوزه اش را از حوزه دیانت خارج کنیم و آن را به عنوان امری که متعلق به تعقل و تفکر بشر است، در نظر بگیریم.» دکتر حکمت معتقد است که ما نیازمند بحث مسأله‌شناسی هستیم. باید بدانیم که مسأله روز یعنی چه؟ آیا امروز مسأله‌ای داریم که پیشینه نداشته باشد؟ وی تصریح کرد: «فلسفه باید از حالت بسته خارج شود و به اندیشیدن و تأمل آزاد درباره پرسشها تبدیل شود. ممکن است بگویند، آنچه ما به عنوان فلسفه اسلامی می‌شناسیم بیش تر کلام است، تا فلسفه. باید بیندیشیم و اهل تفکر باشیم؛ ولی، این تفکر و اندیشیدن در یک فضای ایمانی خیلی راحت تر تحقق پیدا می‌کند.» دکتر حکمت

تأکید کرد: «یکی از کاستی‌های جدی کتاب‌های فلسفه اسلامی بی توجهی به تاریخ شکل‌گیری اندیشه‌ها و آرای فلسفی بوده است. بیش‌تر فیلسوفان مباحث را طوری مطرح کرده‌اند که گویا همواره به همین شکل بوده‌اند و هیچ تحولی در آن‌ها صورت نگرفته است. این دشواری و بی‌زمانی از متون تحقیقی به متون تعلیمی راه یافته و دانشجویان را از دستیابی به تصویر روشن مباحث دور می‌سازد.»

چگونگی عرضه آثار: تعداد مقالات منتشر شده در مجلات داخلی و خارجی: بیش از ۲۹ مورد عنوان‌های طرح‌های پژوهشی: ۱- وجود ماهیت در حکمت متعالیه که به صورت کتاب چاپ شده است. ۲- متافیزیک ابن سینا، که در دست انجام است. -----

آثار:

- ۱ ایمان درمانی
ویژگی اثر: تالیف
- ۲ تأملی در تاریخ فلسفه عقل
ویژگی اثر: تالیف
- ۳ ترجمه المصحف المفسر
ویژگی اثر: ترجمه
- ۴ ترجمه علم اصول (۱)
ویژگی اثر: ترجمه
- ۵ ترجمه علم اصول (۲)
ویژگی اثر: ترجمه
- ۶ حکمت و هنر در عرفان ابن عربی
ویژگی اثر: تالیف
- ۷ زندگی و اندیشه حکیم ابونصر فارابی
ویژگی اثر: تالیف_ زیر چاپ
- ۸ شرحی بر فصوص الحکم
ویژگی اثر: ترجمه
- ۹ متافیزیک خیال در گلشن راز شبستری
ویژگی اثر: تالیف
- ۱۰ مسئله چیست؟
ویژگی اثر: تالیف
- ۱۱ وجود و ماهیت در حکمت متعالیه
ویژگی اثر: تالیف

حکمی قزوینی، ملاآقا

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۵-۱۱۸۴ ق)، حکیم متأله و مدرس فلسفه‌ی ملاصدرا. در قزوین متولد شد و برای اخذ علوم به اصفهان رفت و نزد آخوند ملاعلی نوری حکمت و فلسفه‌ی خواند و از بهترین شاگردانش محسوب می‌شد. آخوند نوری او را می‌ستود و دوستان فلسفه را به محضر وی هدایت می‌کرد. سپس به قزوین بازگشت و در مدرسه‌ی صالحیه کرسی فلسفه و عرفان را اشغال کرد و حدود پنجاه سال به تدریس پرداخت. آقاعلی مدرس زوزی، قره‌العین دختر ملا محمد صالح، میرزای شیرازی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزا محمد تنکابنی و آقا رضا قلی قزوینی از شاگردان او هستند. ملا آقای قزوینی علاوه بر قدرت بیان از نظر احاطه به میان فلسفه صدرالمثلهین کم‌نظیر بود. شیخ احمد احسائی در سفرش به قزوین با او مناظره علمی داشت. آثار او عبارت‌اند از: «رساله‌ای در حدوث عالم»؛ «حواشی اسفار»؛ شرحی بر «عرشیه‌ی» ملاصدرا.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: برگگی از تاریخ قزوین (۱۰۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۱/۱۳)، طرائق الحقائق (۴۶۸/۳)، قصص العلماء (۸۸)، المآثر والآثار (۱۸۳).

حکمی، علی محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۳-۱۲۶۲/۱۲۶۱ ق)، عارف، فیلسوف و شاعر. معروف به حکیم. در دهستان کرون، از دهستانهای کرون، از دهستانهای بخش نجف‌آباد اصفهان متولد شد. وی تحصیلات خود را نزد استادان فن، در اصفهان به پایان رسانید و فلسفه را از آقا محمدرضا قمشه‌ای، حکیم معروف، آموخت. سپس به تهران آمد و تا آخر عمر در حجره‌ای واقع در مدرسه‌ی صدر، در جلوخان مسجد شاه به تنهایی زندگی کرد. حکمی از دانشمندان زمان خود بود و در مدرسه‌ی صدر حوزه‌ی درسی داشت. مدتی هم در مدرسه‌ی علوم سیاسی تدریس می‌کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۴۴۱)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۲۰/۳)، شرح حال رجال (۱۷۰/۶).

حکیم الهی لواسانی ثانی، شمس‌الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۶ ق)، کلامی، حکیم و ریاضیدان. در تهران متولد شد. تحصیلات وی در سبزوار، نزد حاج ملاهادی سبزواری بود. در سال ۱۲۷۶ ق به تهران مراجعت کرد و در همین شهر درگذشت و در صفاییه دفن شد. وی در علم کلام و حکمت و ریاضی مهارت تمام داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شرح حال رجال (۱۵۲/۲).

حکیم خراسانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن زین الدین بن محمد صادق گون آبادی.

عالم فاضل، حکیم متأله، فیلسوف ماهر، از اجله‌ی حکما و مدرسین اصفهان، صاحب ملکات فاضله. در اخلاق و آداب و حسن معاشرت ممتاز، و محضرش مجمع ارباب فضل و کمال، و خود از شاگردان آخوند کاشی و جهانگیرخان بوده، در مدرسه‌ی صدر، مجردا زندگی می‌نمود، و جمعی کثیر از فضلا و مستعدین در خدمتش تلمذ می‌نمودند.

در تربت متولد، و از ۱۳۱۶ در اصفهان ساکن بوده، و در غره‌ی ذی‌حجه‌ی ۱۳۵۵ وفات یافته، در جنب استاد خود [آخوند کاشی] در تکیه‌ی ملک مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش این است:

«شمع دانش مرد از مرگ حکیم»

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حکیم شاه قزوینی، محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، حکیم، متکلم، طیب، نحوی و شاعر. مشهور به حکیم شاه محمد. نخست در شیراز می‌زیست. اجدادش پزشک بودند و خود نیز در پزشکی دست داشت. وی مدتی نیز در مکه زندگی کرد و بنا به تعریف و تحسین مولی ابن الموید که از علمای بنام دربار بایزید دوم، پادشاه عثمانی بود، توسط پادشاه مذکور به استانبول دعوت شد و پزشک دربار گشت و تذکره‌ی «مجالس النفائس» امیرعلیشیر نوایی در سالهای ۹۲۹-۹۲۷ ق به نام سلطان سلیم بن بایزید عثمانی ترجمه کرد. او از شاگردان علامه‌ی دوانی بود و در اکثر علوم زمان خود دست داشت. حکیم مولفات خود را به دو زبان فارسی و تازی تالیف می‌کرد. برخی از آثار وی عبارت‌اند از: «تفسیر سوره‌ی النحل تا آخر قرآن»؛ «ربط السور و الآیات»؛ حواشی بر «تهافت» مولی خواجه‌زاده مصطفی بن یونس، حواشی بر «شرح العقاید نسفی» تفتازانی؛ ترجمه‌ی فارسی و ترکی «حیوه الحیوان» دمیری، به نام «حیوه الانسان» که برای سلطان سلیمان نگاهشته؛ ترجمه‌ی «مجالس النفائس» امیرعلیشیر نوایی یا «ذیل تذکره الشعراء»؛ «شرح عقاید ملاجلال دوانی»؛ شرح «ایساغوجی»، در منطق؛ شرح «کافیه‌ی» ابن حاجب؛ «نصیحت نامه»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۵/۴)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۲۳-۱۲۰/۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۷۷-۲۷۶)، الذریعه (۱۰۲/۹)، ریحانه (۴۵۵-۴۵۴/۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۴۵)، کشف الظنون (۱۹۵۸، ۱۸۹۳، ۱۳۷۱، ۱۱۴۶، ۱۱۴۴، ۸۳۲-۲۰۸)،

لغت نامه (ذیل / حکیم شاه)، مجالس النفائس (مقدمه، لا-مج)، معجم المؤلفین (۱۷۰/۱۱)، هدیه العارفین (۲۲۹/۲).

حکیم قمیشه‌ای، نصرالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند حاج شیخ مرتضی. عالم فاضل حکیم فیلسوف متأله عابد زاهد، از شاگردان حاج ملاحسین علی تویسرکانی در اصفهان، و حاجی سبزواری و جمعی دیگر از علما و حکما بوده، و پس از تکمیل تحصیلات خود به مولد خویش مراجعت کرده، و به تدریس حکمت اشتغال جسته، و عده‌ای کثیر شاگرد تربیت نموده، و در زمان او تدریس حکمت به او منحصر بوده، و ریاست علمی در محل داشته است.

وی را حواشی است بر اوایل امور عامه‌ی اسفار.

تولدش در ۱۲۵۷، و وفاتش در ۱۳۲۴ روی داده، قبرش در امامزاده شاهرضا می‌باشد.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

حکیم کازرونی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی حکیم متخلص به رحمت فرزند حاج سید عباس مجتهد طباطبائی کازرونی معروف به حاج مجتهد از فقهاء و مجتهدین و عرفاء و حکماء اشراق و شعراء دانشمند معاصر است.

معظم له در ذی‌حجه ۱۲۷۸ متولد شده و پس از پرورش در سن ۷ سالگی سال ۱۲۸۵ قمری از کازرون به شیراز آمده و مقدمات و ادبیات عربی را در خدمت مرحوم حاج سید محمدعلی کازرونی فرا گرفته و حکمت را در محضر درس حاج شیخ احمد معروف به شان‌ساز و فقه و اصول را نزد آقا شیخ محمدحسین مجتهد شیرازی آموخته و در سال ۱۳۰۳ قمری به نجف مشرف شده و مدت دوازده سال از محضر مرحوم آخوند ملا- کاظم خراسانی و علامه یزدی صاحب (عروه) و دیگران استفاده نموده و در سال ۱۳۱۵ قمری به موطن و مولد خود کازرون برگشته و اهالی آن شهر مقدم او را گرامی داشته و بنابر اصرار اهالی تا سال ۱۳۱۹ در آنجا اقامت نموده و بعد از آن به شیراز آمده و در شاه‌چراغ به اقامه جماعت و در مدرسه مقیمیه و منزل خود و مسجد نو به تدریس اسفار اربعه و فصوص الحکم و فقه و اصول پرداخته تا در روز پنجشنبه هیجدهم رجب سال ۱۳۴۳ ق در شیراز به رحمت ایزدی پیوست و در تکیه حافظیه مدفون شد.

از آثار علمی او کتب زیر است.

۱- دوره اصول ۲- دیوان اشعار فارسی و عربی (در شیراز چاپ شده) ۳- دو رساله دیگر که چاپ شده

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

حکیمی فلاطوری، عبدالجواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پروفسور عبدالجواد حکیمی فلاطوری در سال ۱۳۰۴ در محله بیدآباد اصفهان چشم به جهان گشود. بعد از طی کردن دوران دبستان همزمان با فراگیری علوم متوسطه در جرگه حوزویان درآمد. عبدالجواد در شرح حال احوال خود چنین می‌گوید: «یادم هست یک زمستان را با کوزه ای شیر و روزی یک یا دو قرص نان به سر می‌آوردیم ولی غرق در اندیشه و خواندن و اندوختن شده بودیم. همان پیمانی که امیرالمؤمنین (ع) از دانشمندان امت گرفته بود که لحظه ای در برابر پرخوری ستمگر و گرسنگی ستم رسیده قرار و آرام نداشته باشید، سرلوحه زندگی خود کرده بودیم. فلاطوری در ۲۱ سالگی برای تکمیل اندوخته های علمی خود به تهران رفت و از محضر فرهیختگانی همچون حاج شیخ محمد تقی آملی و حاج شیخ محمد علی شاه آبادی بهره برد. سپس در پی مباحثی با دانشمند بزرگ حاج شیخ محمد رضا کلباسی پیرامون کتاب جواهر الکلام داشت به اخذ اجازه روایت و گواهی اجتهاد از محضر ایشان نائل آمد. ایشان در سن ۳۰ سالگی به آلمان هجرت نمود و با تحصیل در رشته هایی همچون فلسفه - علوم تربیتی و تطبیق ادیان به درجه دکترا نائل آمد. او به چندین زبان از جمله آلمانی، یونانی، لاتین مسلط بود. در آلمان یک مرکز تحقیقات شیعه شناسی پایه گذاری کرد و مهم ترین منابع فقهی اصولی، کلامی و فلسفی شیعه را در آن گرد آورد. وی تمام کتابها را که حدود ۴۰۰۰ جلد بود شخصاً خریداری کرده بود.

فلاطوری در شناساندن دین مبین اسلام به نحو صحیح در آن کشور اقدامات مؤثری انجام داد. ۶۰ کتاب و مقاله به زبان آلمانی، ۱۵ مقاله به زبان فارسی، ترجمه کتاب های تاریخی از فعالیت های دیگر وی می باشد. وی همواره به این حدیث پیامبر اکرم صلی ... علیه و آله تأکید داشت که: «هر کس علم (علوم حقیقی و معارف واقعی) را به جز در قرآن بجوید خداوند او را به گمراهی افکند». همچنین در مصاحبه های خویش به این نکته اشاره می نمود که موفقیتش در تبلیغ اسلام در غرب به این جهت بوده که به خود قرآن کریم استناد می کرده است. او می گفت: «من اگر در اروپا تبلیغ اسلام می کنم که بحمدالله مقبول افتاده حتی یک ذره از اندیشه عقلی را در تبیین اسلام نمی آورم. خود قرآن بهترین بیان کننده اسلام است. دوری ما از قرآن آسفبار است»

از جمله خدمات بسیار مهم فلاطوری کاری بود که درباره اصلاح کتاب های درسی مدارس کشورهای غربی انجام داد. چنان که کتاب های درسی ۱۷ کشور اروپایی را از پیش داوری های مغرضان و نادانان پاکسازی نمود. وی به استعمارشناسی توجه داشت و ضرورت آن را به خصوص برای شرق اسلامی درک می کرد. از این رو به افکار سید جمال الدین و تجربه های او ژرف می نگریست. وقتی به او پیشنهاد شده بود که به ایران بیاید و فلسفه و جامعه شناسی تدریس کند در پاسخ بی درنگ گفته بود: «من اگر بیایم قرآن تدریس می کنم، نهج البلاغه تدریس می کنم».

استاد فلاطوری نهج البلاغه را شرح قرآن می دانست و درباره آن می گفت: «علی (ع) چون شمع می سوزد تا سوختنش چراغ هدایت دیگران قرار گیرد. آری سخنان مولا شارح کلام الله است و شرح دهنده قرآن و دقایق و اسرار آن».

به حق در مورد وی گفته شده که «فلاطوری غریب زیست و غریب مرد». ایشان در سال ۱۴۱۷ هـ.ق در شهر کلن آلمان وفات کردند و پیکرش بنا به وصیت او به اصفهان منتقل شد و در تخت فولاد در کنار مزار فقیه و حکیم بزرگوار آیت الله العظمی حاج آقا رحیم ارباب به خاک سپرده شد.

حلمی بخاری، علی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س ششم و هفتم ق)، حکیم و عارف. از تألیفات وی: «بحر المعانی و صفو الامانی»، در اخلاق و معارف و تصوف که در سال ۶۰۱ ق به پایان رسانید و در آن نظم و نثر فارسی بسیار جالب بکار برده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۱۲۲).

حیدری، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی بن العابد الزاهد الورع حاج شیخ محمد حیدری کاشانی یکی از چهره‌های علم و دانش و فضیلت معاصر است در راوند کاشان.

وی در سال ۱۳۰۵ شمسی در شهرستان کاشان به دنیا آمده و پس از تعلیمات ابتدائی دوره مقدمات و ادبیات را در کاشان نزد اساتید بزرگ آن شهر فراگرفته و سپس مهاجرت به اصفهان و با جدیت تمام تفسیر و درایه و هیئت جدید را خدمت مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر زند کرمانی خوانده و علم کلام و فلسفه را از مرحوم آیت‌الله صدر کوپائی و علم تفسیر و اخلاق را نیز خدمت مرحوم حاج میرزا علی آقای شیرازی فراگرفته.

ادبیات و شوارق را از مرحوم ادیب بجنوردی آموخته سپس به قم عزیمت نموده و فلسفه و حکمت و تفسیر را از مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مهدی مازندرانی و آیت‌الله العظمی امام خمینی و علامه طباطبائی استفاده نموده و مکاسب و کفایه را از آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله و آیت‌الله آقا شیخ عبدالجواد اصفهانی بهره‌مند شده و به درس مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده بعد از آن مرحوم به درس خارج مرحوم آیت‌الله حاج سید محمد محقق داماد حاضر و مورد توجه مخصوص آن مرحوم واقع شده و ضمناً به تدریس فقه و اصول و معقول و تفسیر پرداخته تا سال ۱۳۵۱ قمری که بنا بر اصرار مردم (راوند کاشان) احساس وظیفه شرعی نموده و به راوند عزیمت و در آنجا به اقامه جماعت و تبلیغ اشتغال پیدا کرده و از همان اوان مورد نظر دانشمندان معاصر کاشان شده و بنا بر دعوت آنان برای تدریس و تفسیر قرآن مجید همه روزه به کاشان رفت و آمد و در مدرسه علمیه یثربی کاشان تدریس متون فقه و اصول و تفسیر برای محصلین و غیره می‌نمایند.

معظم له دارای نوشتجاتی در فقه و اصول می‌باشند که هنوز به طبع نرسیده است.

وی نیز طبع روان و ذوقی سرشار دارند و اشعار عربی و فارسی بسیاری در مدح ائمه علیهم‌السلام مخصوص حضرت ولی عصر عجل الله فرجه دارند

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

خانمی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود خاتمی متولد ۱۳۳۱ شهر ری است. وی تحصیلات متوسطه را در تهران گذراند. او کارشناسی فلسفه را از دانشگاه تهران گرفته و با علاقه وافری که به این حوزه اندیشه یافته، مدارج دانشگاهی را بدون وقفه و با جدیت و پشتکار مثال زدنی تا مقطع دکتری فلسفه در این دانشگاه ادامه داده است. وی برای ادامه تحصیل به انگلستان می رود و موفق به دریافت دکترای فلسفه از دانشگاه دورهام انگلستان می شود. همچنین او دوره فوق دکتری فلسفه دانشگاه دورهام را نیز طی می کند. خاتمی از سال ۱۳۷۶ استاد تمام وقت گروه فلسفه دانشگاه تهران بوده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

خاطرات کودکی:

تحصیلات رسمی و حرفه ای: - پایان تحصیلات متوسطه در تهران - دریافت کارشناسی فلسفه از دانشگاه تهران - دریافت کارشناسی ارشد الهیات (ادیان و عرفان) - دریافت کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تهران - دریافت دکتری فلسفه از دانشگاه تهران - عزیمت به انگلستان برای ادامه تحصیل - دریافت دکتری فلسفه از دانشگاه دورهام انگلستان - ورود به دوره فوق دکتری فلسفه دانشگاه دورهام - خاتمی تحصیلات حوزوی نیز دارد و تحصیل علوم اسلامی معمول را تا اجتهاد در حوزه گذرانده است مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمود خاتمی عضو فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران نیز هست و در گروه اندیشه این مرکز سال هاست که حضور پیوسته داشته است.

فعالیت‌های آموزشی: محمود خاتمی از سال ۱۳۷۶ استاد تمام وقت گروه فلسفه دانشگاه تهران بوده و همچنین درمقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه های تربیت مدرس، علامه طباطبایی و مفید، تدریس فلسفه کرده است. او مدتی نیز به عنوان استاد میهمان (Visiting Professor) گروه فلسفه دانشگاه مک گیل McGill کانادا (۲۰۰۳-۲۰۰۴) به تدریس فلسفه پرداخته و در دوره حضور در انگلستان دستیار پژوهشی (۱۹۹۶-۱۹۹۷) (Research Assistant) فلسفه دانشگاه کمبریج نیز بوده است. - انتخاب شده در فهرست فیلسوفان برتر جهان در سال ۲۰۰۶ - کمبریج انگلستان

آرا و گرایشهای خاص: محمود خاتمی همچنان که حوزه تألیف و تدریس را دنبال می کند، مسائل و مشکلات آموزش فلسفه در ایران را نیز پی گرفته و دیدگاه های سازنده ای در باره آن دارد. او در مقاله «بررسی مشکلات آموزش فلسفه غرب به دانشجویان سال اول فلسفه» که در همایش آسما ارائه کرد، راهی برای معرفی مکاتب و نحله های فلسفی برای دانشجویان، قبل از شروع مطالعات تخصصی شان پیشنهاد کرده بود. او می گوید: «یک ترم انتقالی پیشنهاد دادم شامل ۱۰ واحد نظری و ۸ واحد کارگاهی به منظور آگاهی ورودی ها با طرح کلی و فضای فلسفه، قبل از ورود به مطالعه و مباحث تخصصی. اصلاح برنامه های آموزشی، آموزش زبان خارجی روان برای مکالمه و مطالعه، ارائه مجالس سخنرانی های برنامه ریزی شده، کارگاه اندیشه، ایجاد ارتباط با مراکز آموزشی و پژوهشی دنیا و نظیر این ها نیز از راه های تغییر مسیر فلسفه از وضع کنونی آن در دانشگاه ها و بهینه شدن آن است». خاتمی تاکنون مقالات بسیاری را در حوزه فلسفه به فارسی و انگلیسی نوشته و بسیاری از این مقالات او در معتبرترین نشریات فلسفی دنیا چاپ و منتشر شده است. برایش آرزوی توفیق و طول عمر می کنیم.

جوایز و نشانها: محمود خاتمی امسال استاد نمونه دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران نیز بوده و برای تألیف کتاب «جهان در اندیشه هیدگر» برنده جایزه کتاب سال در حوزه فلسفه غرب نیز شده است. همچنین کتاب «پدیدارشناسی دین» او جایزه کتاب سال

را در حوزه دین پژوهی از آن خود کرده است. - پژوهشگر برتر در حوزه دین پژوهی، وزارت فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۸۲

چگونگی عرضه آثار: محمود خاتمی بخصوص در میان همسران خویش با نگارش مقالات متعدد به زبان انگلیسی و به عبارتی ارائه دائمی پیر در محافل دانشگاهی، از دیگران تمایز یافته و او را به چهره آشنای فیلسوف ایرانی در محافل بین المللی فلسفه بدل

کرده است. تا آنجا که در سال ۲۰۰۶ دانشگاه کمبریج انگلستان نام او را در فهرست فیلسوفان برتر جهان قرار داد و اعتباری ویژه برای فلسفه امروز ایران پدید آمد. نگارش مقالات متعدد فلسفی به فارسی و انگلیسی از جمله پراگماتیسم و اومانیزم، وجه اومانستی فلسفه هگل، هیدگر و علم جدید؛ رأی هیدگر در باب نسبت تکنولوژی و هنر، لویناس و دیگری، تبیین تاریخی، پدیدارشناسی دین، مفهوم تحلیلی جدید از خود و تجربه عرفانی آن و... از دیگر ویژگی‌های خاتمی، که او را با اکثریت همسران خویش در حوزه فلسفه جدا می‌کند، همانا تسلط او در تألیف دیدگاه‌های نظری خویش به زبان غیر فارسی است. تألیف کتب داخلی فلسفه در ایران را به ثبت رسانده است. خاتمی همچنان که حوزه تدریس و تحقیق شخصی را دنبال می‌کند از حضور در محافل دانشگاهی و سمینارها و کنفرانس‌های مرتبط با رشته کاری خویش نیز غافل نمانده است. او در سومین دوره از سمینارهای تخصصی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی درباره «امکان بحث از علیت ذهنی در اندیشه صدرایی» سخن می‌گفت. -----

آثار:

۱ الفبای نسیت

ویژگی اثر: ترجمه، (نوشته برتراند راسل)

۲ پدیدارشناسی دین

ویژگی اثر: سازمان انتشارات، (برنده جایزه کتاب سال در حوزه دین پژوهی). پژوهش «پدیدارشناسی دین» برای «ابتکار در گزینش موضوع و در عین حال بهره‌گیری از منابع اصلی بویژه مآخذ خارجی و نثر و ادبیات مناسب فارسی» به عنوان اثر برگزیده انتخاب شد، بویژه آن که نخستین گام در این زمینه بود. خاتمی در مقدمه خود بر این کتاب آورده است: «پدیدارشناسی دین Phenomenology of religion رهیافتی است با اهمیت در دین پژوهی معاصر که به لحاظ تاریخی، محصول تلفیق دو جریان فکری - پژوهشی پدیدارشناسی هوسرل». او هدف خود را در این کتاب این چنین بیان کرده است: «نیت اصلی نگارنده آن بوده تا به پدیدارشناسی دین نگاهی متناظر یک Metatheoretic کند و شرحی در باب جایگاه و محتوای پدیدارشناسی دین بیان نماید». کتاب «پدیدارشناسی دین» را سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر کرده است. این کتاب در فصل، به این مباحث: مطالعات دینی: درآمدی به دین پژوهی معاصر - پدیدارشناسی دین: زمینه‌ها - پدیدارشناسی کلاسیک دین - پدیدارشناسی هرمنوتیک دین - دین و محاکات - دین و محاوره - پدیدارشناسی و حقیقت دین.

۳ جهان در اندیشه هیدگر، مؤسسه اندیشه اسلامی

ویژگی اثر: (برنده جایزه کتاب سال در حوزه فلسفه غرب)

۴ درآمدی به فلسفه ذهن

ویژگی اثر: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران

۵ زیبایی‌شناسی از منظر پدیدارشناسی،

ویژگی اثر: فرهنگستان هنر

۶ فیزیک و فلسفه

ویژگی اثر: ترجمه، (نوشته ورنر هیزنبرگ)

خادمی، عین الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عین الله خادمی

محل تولد: مازندران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱۰/۱۹

زندگینامه علمی

اینجانب عین الله خادمی در روستای شیر محله از توابع شهر فریدون کنار استان مازندران در یک خانواده متوسط روستایی دیده به جهان گشودم. دیپلم علوم تجربی را در سال ۱۳۵۹ در یکی از دبیرستان‌های شهرستان بابل و لیسانس الهیات و معارف اسلامی را در سال ۱۳۶۶ در دانشکده الهیات معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد و کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی را در سال ۱۳۶۹ از دانشکده الهیات دانشگاه تهران و دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را از دوره عالی تحقیقات تهران کسب کردم. هم‌اکنون عضو هیئت علمی تمام وقت دانشگاه شهید رجایی می‌باشم و استاد راهنمای بیش از ۸۰ پایان‌نامه در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و ناظر چندین طرح پژوهشی بوده‌ام. اینجانب علاوه بر تدریس در مراکز علمی به فعالیت‌های پژوهشی نیز اشتغال دارم.

خجندی اصفهانی، صاین الدین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صاین الدین خجندی اصفهانی مشهورترین شخص آل خجند بود. صاین الدین از عرفا و دانشمندان مشهور قرون ۸ و ۹ هجری قمری به شمار می‌آید. یونواده صدرالدین ترکه خجندی است و تقریباً در دهه پنج از سده ۸ هجری قمری در شهر اصفهان می‌زیست. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: صاین الدین خجندی از خاندان آل خجند بود. آل خجند در قرن پنجم هجری قمری در خاک ایران تعلیم معارف کردند تاریخ اصفهان گواه این است که چه قدر این خاندان در کارسیاست و دولتداری دور اندیش و باریک بین بودند و نیز ماهر درسیاست و حکمت و عرفان، حامی فضل و دانش پاسدار زراعت و امارت بودند. همچنین خصلت‌های نجیب آل خجند باعث شده است. که آنها در رونق حمایت میهن دوم خویش یعنی اصفهان جد و جهد تمام به خرج داده و با اعمال فضیلت دوستی و سیاست رعیت پروری نام نیک خود را در تاریخ ایران جاودانه کردند. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: صاین الدین خجندی و خانواده اش به «ترکه» نیز معروف بودند. صاین الدین در این باره آورده است «حال آنست که قوم این فقیر در عراق به علم و تقوا ممتاز بودند. وی به گوشه نشینی و ملاح مخصوص چون امیر بزرگ.... سایه چتر تسخیر بدان دیار انداخت. وجوه اعیان آن را فرمود کوچانیدن برادر انم در حیات بودند، ایشان را به تربیت مخصوص گردانید به واسطه قدمت نسبی که معلوم فرموده بودند که اجداد بندگان از خجند بوده اند و لقب ترکه از آنجاست. تحصیلات رسمی و

حرفه ای : صاین الدین خجندی سالیان دراز نزد برادرش خواجه نصیر الدین محمد ترکه خجندی اصفهانی ، درس خوانده و در رشته های مختلفی همانند فقه ، علوم غریبه ، حروف ، تصوف ، فلسفه و منطق مهارت خوبی پیدا کرده است . وقایع میانسالی : یکی از وقایع مهم دوران میانسالی صاین الدین خجندی ، فتح اصفهانی توسط سپاهیان امیر تیمور گورکانی است . در این بین صاین الدین به همراه برادرانش به عنوان غنایم به شهر سمرقند آورده شده اند و زندگی تازه ای را از سر گرفتند . زمان و علت فوت : صاین الدین خجندی در سال ۸۳۵ هجری قمری در هرات فوت کرد . هر چند ک سالهای ۸۳۰ و ۸۳۶ از نیز در مورد وفات او آورده اند لیکن ۸۳۵ دقیقتر می نماید . مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صاین الدین خجندی در سال ۸۰۹ هجری قمری توسط شاهرخ گورکانی به عنوان قاضی یزد برگزیده شد . صاین الدین خجندی مدتی هم برمسند قضای شهرنشینی بور نشسته است . فعالیتهای آموزشی : صاین الدین خجندی در زمینه تصوف ، عرفان ، فقه ، کلام ، اخلاق ، منطق ، حروف ، شعر و ادب تالیفات گرانمایی به میراث گذاشته است . برخی از محققان که آثار فلسفی صاین الدین را معرفی و تا حدودی بررسی کرده اند او را به عنوان « اسپینوزای ایران » گفته اند . در حقیقت افکار فلسفی و عرفانی صاین الدین در مقایسه با همزمانان خود در سطح بالایی قرار دارد و شایسته ستایش است . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شعر و شاعری از جمله فعالیتها و برنامه ریزی های روزمره صاین الدین خجندی بود . غزل صاین الدین خجندی از اندیشه های بلند عرفانی برخوردار است و لطافت شعر و موسیقی آن هم کم نیست . همفکران فرد : قاضی زاده رومی ، شرف الدین علی یزدی ، سید شریف حسین اخلاطی و علاء الدین گیلانی از جمله همفکران صاین الدین خجندی بودند . آرا و گرایشهای خاص : صاین الدین خجندی سبک و سلوک نگارش بسیار جذابی داشت . صاین الدین در نوشتن مطالب عرفانی و فلسفی موفق بوده و در گفتن شعر فارسی و عربی نیز هنر نمایی کرده است . آثار : ۱ نفثه المصدور اول و ویژگی اثر : صاین الدین این کتاب را تقریباً ۸۲۹ هجری قمری ، خطاب به پادشاه گورکانی نوشته است .

منابع زندگینامه : بایمت اف ، لقمان ، درباره احوال و آثار صاین الدین خجندی ، کیهان فرهنگی ، سال هیجدهم ، شهریورماه ۱۳۸۰ ، پیاپی ۱۷۹ ، صص ۴۸-۴۹

خدایی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا خدائی

محل تولد : پلدختر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا خدائی به سال ۱۳۵۱ در شهر پلدختر که اینک شهرستان شده به دنیا آمدم ، بخش عمده تحصیلات ابتدائی و راهنمایی و دبیرستان را در همان جا سپری نمودم . پس از مراجعت از جبهه با مطالعه آثار و اندیشه های فیلسوف و متفکر گران مرحوم استاد مطهری رضوان الله علیه عطش طلب علوم دینی در جانم شعله ور گردید تا آنجا که علی رغم قبولی در دانشگاه شهید چمران اهواز رشته دبیری زبان انگلیسی آن را رها نموده و در سال ۱۳۷۱ راهی حوزه علمیه ولی عصر عج الله شهرستان آشتیان

شدم.

پیشرفت علمی و معنوی حقیر در مدرسه صاحب الامر آشتیان به گونه ای بود که خیلی سریع مورد رضایت خاصی حضرت آیت الله آشتیانی (میرزا ابوالقاسم) قرار گرفتم. به طوری که وی پس از استماع نخستین منبر بنده فرمودند اگر می دانستم در بین طلاب مدرسه چنین استعدادهایی وجود دارد دیگر از قم روحانی دعوت نمی کردم.

دل بستگی ام به علوم عقلی و برهانی آنچنان بود که با وجود تحصیل در پایه دوم در درس بدایه‌الحکمه شرکت می کردم و در این بحث گوی سبقت را با فیض باری از سایر دوستان می ربودم. به طوری که روزی استاد درس بدایه‌الحکمه آیت الله باغبانی به حقیر فرمودند شما از این به بعد نیازی به حضور در کلاس من ندارید و می توانید فلسفه درس بدهید. در سن ۲۴ سالگی موفق به تدریس کتاب معالم الاصول برای حوزه علمیه بروجرد شدم. هم چنین مواد گوناگون ادبیات عرب، منطق، فلسفه و اصول را در حوزه تدریس نموده ام. با مطالعه سیره بزرگانی هم چون مرحوم مفتاح و استاد مطهری از همان ابتدا ارتباطم را با دانشگاه برقرار ساختم و اینک مدت شش سال است که در دانشگاه مشغول تدریس می باشم..

اما بیشترین استفاده علم ام را از چشمه جوشان و زلال حکمت و تفسیر آیت الله جوادی آملی برده ام.

همان طور که در جدول مربوط آورده ام تحقیقات بدیهی در زمینه علم و موجود در قران انجام داده ام که انشاء الله برخی از آنها به زیور طبع آراسته خواهند شد. هم چنین می افزایم که مراحل گوناگون علمی کسب مجوز تدریسی در مواد اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و نیز متون اسلامی را در معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری طی نموده ام و هم چنین مدارج علمی عضویت در هیات علمی دانشگاه را طی نموده ام.

خراسانی، ابوالفضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفضل خراسانی

محل تولد: دامغان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

ابوالفضل خراسانی دارای تحصیلات سطح ۴ رشته تخصصی کلام اسلامی از حوزه علمیه قم و کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی از دانشگاه باقرالعلوم قم. حدود ۸ سال سابقه تدریس درحوزه ودانشگاه و ۸ سال سابقه پژوهشی در مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم ودائرةالمعارف علوم عقلی اسلامی، دارای مقاله دردائرةالمعارف قرآن کریم وتالیف بهداشت زندگی در پرتو قرآن، احادیث وعلم روز و همکاری با نشریه معارف عقلی و کارشناس برنامه پارسایان رادیو معارف و کارشناس گفتمان دینی در سازمان تبلیغات اسلامی وسابقه تبلیغ وارشاد ۱۵ سال.

خرقی آرانی، حسن آقا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن آقا خرقی آرانی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

- اخذ دیپلم تجربی سال ۱۳۶۰ آران و بیدگل. - ورود به حوزه ۱۳۶۰ اتمام سطح ۱۳۶۸ کاشان. - ورود به سطح ۱۳۶۸ و شروع درس خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی اصول آیت الله وحید خراسانی. - ورود به دانشگاه دولتی رشته فلسفه ۱۳۷۳ اتمام ۱۳۷۷. - ورود به دانشگاه رشته فلسفه غرب ۱۳۷۷ اتمام ۱۳۸۰. - سیزده سال سابقه و حضور در درس خارج فقه و اصول در قم. - سابقه ۱۲ سال تدریس در دانشگاه‌های متعدد. - سابقه پنج سال تدریس در حوزه در مقاطع متعدد. - دارای دو اثر چاپ شده. - دارای سه اثر چاپ نشده. - صاحب ده‌ها مقاله علمی. - صاحب امتیاز و مدیرمسئول نشریه دو هفته‌نامه ظهور. - دارای دو مجوز اخلاق اسلامی و اندیشه اسلامی (معارف) از نهاد رهبری. - صاحب مقالاتی چند در نشریات معتبر کشور.

- دفاع از پایان‌نامه علمی فلسفی ۱۳۸۰ با ترجمه کتاب انگلیسی پوتنام جنبه‌ها و جمله‌هایی چند از رئالیسم با تفسیر و شرح. - جلسات تفسیر قرآن به طور مرتب. - حضور در جلسات فرهنگی و ادبی و ارائه مقاله و سخنرانی و غیره....

خزائلی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی خزائلی

محل تولد: نجف آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

حاج شیخ محمد علی خزائلی فرزند عبد الله در ۲۶ دی ماه ۱۳۳۴ هجری شمسی در خانواده‌ای زحمتکش و کشاورز و مذهبی وابسته به روحانیت در شهرستان شهید پرور و مهد علم و ایثار، نجف آباد چشم به جهان گشود و در دامن مادری پاکدامن و علاقمند به روحانیت و عاشق و دل‌باخته اهل بیت (ع) بنام حاجیه معصومه مصطفایی، تربیت و پرورش یافت و از آغاز نوجوانی علاقه وافری به روحانیت اصیل و متعهد و مراکز دین و مساجد و حوزه‌های علمیه داشت و در ضمن فراگیری علوم جدید، در کار

کشاورزی همراه با پدر بزرگوارش شرکت داشت. پس از اتمام دوره راهنمایی (سال ۱۳۴۹) در سن شانزده سالگی، تشنگی و شوق زاید الوصف به معارف دینی و نامساعد بودن اوضاع اجتماعی آن زمان و کافی نبودن محیط مدارس دولتی برای تامین خواسته های معنوی و روحانی، ایشان را به حوزه مقدسه علمیه کشاند و با شوق و اشتیاق شروع به تحصیل علوم دین کرد و دروس اخلاق، عقاید، صرف، نحو، ادبیات، منطق، معالم الاصول و معانی و بیان را در محضر اساتید بزرگوارى نظیر: مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی (پدر خانم خود) امام جمعه فقید نجف آباد اصفهان، حاج دایی خود حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابوطالب مصطفایی، مرحوم سید محمد باقر حسینی، حاج سید حسین اسماعیلیان و حاج شیخ محمود واحد فرا گرفت، و برای ادامه تحصیلات دینی و بهره گیری از اساتید بلند مرتبه در علوم بلند پایه در سال ۱۳۵۵ راهی حوزه علمیه قم شد و دوره سطح را خدمت اساتید گرانقدر، آیات: فاضل هرنندی، ستوده، سید علی محقق داماد و سید حسن طاهری خرم آبادی فرا گرفت و همراه دروس حوزوی تحصیلات متوسطه را به انجام رسانید و موفق به اخذ دیپلم گردید. پس از گذراندن سطح عالی علوم حوزوی شروع به فراگیری خارج فقه و اصول نمود و فلسفه، اخلاق، عرفان (کتاب های منظومه، منطق و حکمت، اسفار، فصوص الحکم و مصباح الانس، علم هیئت) را از محضر حضرات آیات: مرحوم ایزدی، انصاری شیرازی، گرامی، جوادی آملی، محمدی گیلانی و حسن زاده آملی به طور کامل در سالیان متمادی فرا گرفت و علم رجال و درایه را خدمت اساتید بزرگوار، آیات: آقا موسی شبیری زنجانی، جعفر سبحانی، و تجلیل تبریزی کسب فیض نمود و تفسیر قرآن کریم را خوشه چین خرمن پرفیض مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی، و حضرات آیات: خزعلی، مشکینی و جوادی آملی بود.

خارج فقه و اصول را مدت قریب ۲۵ سال خدمت حضرات آیات عظام: گلپایگانی، حاج شیخ جواد تبریزی، حاج شیخ حسینعلی منتظری، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی، وحید خراسانی و مکارم شیرازی بود و سرانجام به یاری خداوند منان و عنایات خاصه امام زمان (عج) با تلاش و کوشش پیگیر و جدیت تمام به درجه اجتهاد نایل آمد. مبارزات و فعالیت های سیاسی: ایشان در دوران جوانی علاقمند به مسایل سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی بود. در مسایل دینی و سیاسی از حضرت امام خمینی (ره) تقلید می کرد و با هدایت و ارشاد و الگوگیری از علمای بزرگ و مبارز در دوران رژیم ستم شاهی از مبارزان و مخالفان سرسخت نظام شاهنشاهی بود و در این رابطه با یورش ماموران ساواک به حوزه ها چندین بار تحت تعقیب و به زندان افتاد و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با الهام گیری از علمای بزرگ و مبارز که در داخل و خارج از کشور فعالیت داشتند و در زندان و تبعید به سر می بردند به نشر و تکثیر رساله های عملیه حضرت امام خمینی (ره) و اعلامیه های افشاگرانه و روشنی بخش می پرداخت. هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه قم، شب و روز در فرصت های مناسب سعی می کرد با هدایت حجه الاسلام حاج شیخ محمود واحد اعلامیه های حضرت امام را که از نجف اشرف صادر و به ایران می رسید به درب منازل علما و مدرسان قم برساند و مخفیانه داخل خانه ها آنها بیاندازد.

در شهرستان های مختلف کشور به خصوص مناطق محروم به تشکیل کلاس های روشنگرانه و آگاهی بخش برای نوجوانان و جوانان عزیز میپرداخت و با عشق و علاقه و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت در مناطق دزفول و شهر کرد و اصفهان به تبلیغ و ارشاد جوانان می پرداخت. طلاب زیادی با راهنمایی ایشان از شهرستان دزفول و شهرکهای اطراف به حوزه علمیه قم آمدند و بعدا تعدادی از آنها به شهادت رسیدند و تعدادی هم اکنون بحمد الله از فضیلتی آن محل شده اند و در حوزه علمیه قم به تدریس و تحقیق مشغولند.

نامبرده با عشق و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت جوانان زیادی را با مبانی و احکام اسلامی و قرآن و مقدمات انقلاب و افکار عالی علمای بزرگ و راستین آشنا نمود. بارها از طرف ماموران ساواک و چماقداران رژیم ستم شاهی در هجوم به مساجد شهرستان های محروم مثل شهرستان بن شهر کرد، به علت جلوگیری از سخنرانی های آتشین و افشاگرانه مورد ضرب و شتم قرار

گرفت و شبانه از آن محل در شب تاسوعا با لباس مبدل فراری داده شد. اما استاد در این راستا به خاطر اعتقاد و ایمانی که به برپایی نظام عادلانه الهی و استقرار آزادی قلم و بیان و اندیشه در چارچوب حکومت اسلامی داشت از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرد، و با استقلال و اراده قوی شب و روز در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه، مراکز علمی، محافل و مساجد و مراکز تبلیغی به مبارزه خود علیه رژیم طاغوت ادامه داد تا بحمد الله انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. با شروع جنگ تحمیلی در جبهه های مختلف غرب و جنوب چند نوبت به یاری رزمندگان عزیز - که بسیاری از آنان هم اکنون منتعم به نعم الهی در بهشت برین اند شتافت و انجام وظیفه نمود. بعد از پیروزی انقلاب نیز در سنگر قضاوت و تدریس و تحقیقات و ارشاد و تبلیغ قرار گرفت.

تدریس: سابقه تدریس و شاگرد پروی استاد از اوایل دوران طلبگی شروع شد و هر چه را فرا گرفت تدریس نمود و زمانی که رژیم پهلوی درب حوزه علمیه نجف آباد را بست در مساجد اطراف شهر به تحصیل و تدریس مشغول بود و شاگردان زیادی را در دوره ادبیات، فلسفه، اخلاق و تفسیر تا سطح عالی فقه و اصول تربیت نمود و نزدیک به ۳۰ سال است در حوزه علمیه قم و بعضی حوزه های شهرستان ها و مراکز علمی و دانشگاهی اشتغال به تدریس در علوم مختلف داشته و دارند. ایشان چندین مرتبه رسائل و مکاسب و فلسفه و کفایه را تدریس نموده است و الان ۹ سال است مشغول تدریس خارج اصول و مکاسب مرحوم شیخ و فلسفه هستند. همچنین نزدیک ۱۶ سال است در مرکز امتحانات شفاهی از اعضاء هیئت ممتحنه می باشند.

خسروپناه، عبدالحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین خسروپناه

محل تولد: دزفول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالحسین خسروپناه دزفولی در سال ۱۳۴۵ در شهرستان دزفول دیده به جهان گشود وی در کنار دروس متوسطه (رشته تجربی) از سال ۱۳۶۲ تحصیلات حوزوی خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۶۸ در مقطع سطح سوم فارغ التحصیل شد دروس حوزوی، را در مقطع سطح سوم از محضر اساتید مجرب در حوزه علمیه دزفول از جمله آیات مکرّم آقای قاضی دزفولی، تدین نژاد، مدرسیان، سبط شیخ انصاری بهره برد، از ویژگیهای حوزه علمیه دزفول این بود که علاوه بر دروس رسمی حوزه علمیه به تدریس کتب دیگر ادبی و فقهی و اصولی از جمله شرایع الاسلام، حلقات شهید صدر، قوانین و شرح مطول پرداخته می شد وی در سال ۱۳۶۸ دروس خارج فقه و اصول را در حوزه علمیه قم آغاز کرد و از محضر اساتیدی چون حضرات آیات عظام وحید خراسانی، فاضل لنکرانی در حوزه علمیه قم حدود ۱۲ سال بهره برد. وی در کنار دروس خارج به دروس تخصصی کلام اسلامی نیز اشتغال داشت و در سال ۱۳۷۴ در مقطع دکترای کلام اسلامی با رتبه اول از مؤسسه امام صادق علیه السلام فارغ التحصیل شد و پایان نامه خود را با عنوان

انتظارات بشر از دین به اتمام رساند تحصیل فلسفه و تفسیر از دیگر ویژگیهای تحصیلی وی است که از سال ۱۳۶۴ تاکنون ادامه داشته و از محضر اساتیدی چون آیت الله تدین نژاد، آیت الله حسن زاده آملی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله سبحانی و آیت الله انصاری شیرازی استفاده های فراوان برده است. وی از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ در کنار تحصیلات حوزوی و کلاسیک در سالهای دفاع مقدس به فعالیتهای نظامی پرداخت و در عملیتهای مختلف به عنوان دیده بان و... شرکت جست، از دیگر فعالیتهای ایشان می توان برگزاری جلسات قران در مساجد دزفول برای جوانان و نوجوانان را نام برد ایشان از سال ۱۳۷۰ در کنار تحصیل به فعالیت پژوهشی اشتغال ورزید و فعالیت های فردی و جمعی را دنبال کرد از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ مدیریت پژوهشی اصطلاح نامه فلسفه مرکز مطالعات تحقیقات دفتر تبلیغات حوزه علمیه و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ مدیریت اداره پژوهشی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ها و از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ مدیریت اصطلاح نامه عرفان دایرة المعارف علوم عقلی و از سال ۱۳۷۹ مدیریت گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و از سال ۱۳۷۹ جانشین مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم را به عهده داشت، وی از سال ۱۳۶۲ در کنار تحصیل به تدریس دروس حوزه اشتغال داشته و تا کنون در مدارس علمیه دزفول و قم و مؤسسه امام صادق و مؤسسه امام خمینی جامعه الزهراء به تدریس ادبیات، فقه، اصول، فلسفه و کلام مشغول بوده و هست و نیز از سال ۱۳۶۵ در دانشگاه تربیت معلم دزفول و دانشگاههای شهید چمران اهواز، شهید بهشتی تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد و دانشگاه مذاهب به تدریس دروس فلسفی و کلامی اشتغال داشته و از سال ۱۳۷۱ در کنگره ها و همایش های علمی داخلی و خارجی شرکت جست و مقالات دارای امتیاز خود را قرائت کرده است

خفری جهرمی شیرازی، شمس الدین محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۴۲ ق)، که فیلسوف، متکلم و شاعر معتزلی. از مردم خفر فارس و ساکن کاشان بود، مدتی نیز در هرات نزد سلطان بایقرا به سر برد و از آنجا به عربستان رفت. پس از چندی به کاشان بازگشت و همان جا درگذشت. وی شاگرد صدرالدین دشتکی شیرازی و استاد سید شاه طاهر بن رضی الدین اسماعیل حسینی و معاصر علی بن عبدالعالی بود. خفری در کسب دانش دارای همت عالی بود و شعر نیز می سرود. آثار وی: «رساله در اثبات واجب»؛ «منتهی الادراک» در هیات؛ «رساله ای در علم رمل»؛ «رساله ای الهیات». [۱]

شمس الدین محمد بن احمد شیرازی، دانشمند و فیلسوف (ف. حدود ۹۶۰ ه.ق.) از شاگردان صدرالدین محمد دشتکی و ساکن کاشان بود. از آثار وی تذکره خواجه به نام تکمله ای رساله ای اثبات الواجب و حواشی بر شرح هدایة الحکمة است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۱۱۹/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۷، ۳۰۴/۵)، تاریخ نظم و نثر (۸۴۱)، حیب السیر (۶۱۱/۴)، الذریعه (۲۴۰/۱۲، ۳۳۱/۴، ۱۰۶/۱)، ریحانه (۱۵۴/۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۳۳- ۳۲۹/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/۲۱۸)، طرائق الحقائق (۱۳۳/۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۱۹۷)، الکنی و الالقاب (۲۱۸/۲)، لغت نامه (ذیل / خفری)، مجالس المومنین (۲۳۴- ۲۳۳/۲)، معجم المؤلفین (۲۵۴/۸).

خلخالی، صالح

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

السید صالح بن السید محمد سعید الخخالی از علماء عصر قاجاریه و فلاسفه زمان ناصرالدین شاه قاجار بوده است. در کتاب (مآثر و آثار) گوید. وی از بزرگترین شاگردان سیدالحکماء و المتالهین فیلسوف العصر آقا سید ابوالحسن اصفهانی معروف به جلوه و مدرس مدرسه (دوست علیخان نظام الدوله) معروف به مدرسه معیر بوده و تدریس فلسفه و علم کلام و سطوح فقه و اصول می‌نموده است و حقاً که او صاحب ذهن دقیق و فکر عمیق و از آثار علمیه او (شرح دوازده امام) شیخ محی‌الدین عربی است که بنام مؤلف کتاب مزبور نوشته و نیز ترجمه (فرائدالاصول) شیخنا الانصاری به فارسی او را یاد کرده و گفته. و فاضل الادیب محمدعلی تربیت در کتاب (دانشمندان آذربایجان) ص ۱۰ گوید سید صالح بن محمد سعید در اول ماه صفر ۱۳۰۶ قمری وفات نموده و در مقبره ابن بابویه (شیخ صدوق) مدفون گردیده است و یاد کرده که او دارای سه اثر نفیس است که تمام آن شرح بر کتب مذکوره و شرح بر قصیده یائیه میرفندرسکی متوفی ۱۰۵۰ می‌باشد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

خلعتبری، حسام الدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسام الدین خلعتبری لیماکی

محل تولد: تنکابن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ بعد از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و بیش از ۲۰ سال به درس و تحقیق و تدریس مشغول شدم. طی ۱۰ سال نخست سطح را به پایان رساندم و از پایان نامه سطح ۳ دفاع کردم و حدود ۱۰ سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم و سبحانی شرکت کردم. در سال ۱۳۷۰ در مرکز آموزش های علمی و فرهنگی موسسه امام خمینی (ره) در مقطع کارشناسی ارشد پیوسته پذیرفته شدم و در مدت ۵ سال این دوره را به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۳ در اولین دوره امتحانات دروس معارف اسلامی که توسط معاونت امور اساتید معارف برگزار شد شرکت کردم و در دو گرایش تدریس اخلاق و تربیت اسلامی و معارف اسلامی موفق شدم. از سال ۱۳۷۱ تاکنون در دانشگاههای مختلف مانند تهران، علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی، بین الملل و آزاد اسلامی تدریس کردم و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می باشم. در ضمن در دوره دکتری phd در دانشگاه باقرالعلوم قم در رشته مبانی نظری اسلام پذیرفته شدم و الان مشغول تحصیل

هستم.

خلیلی، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین خلیلی

محل تولد: بهشهر

شهرت: خلیلی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۶/۱

زندگینامه علمی

در سن ۶ سالگی وارد دبستان زادگاه خود شدم و در سن ۱۸ سالگی موفق به اخذ دیپلم تجربی شدم. در سن ۱۹ سالگی (۱۳۶۵ شمسی) با قبولی در امتحان ورودی حوزه علمیه قم، وارد حوزه شده و در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) سطح ۱ و مقدمات را سپری نمودم. سپس مشغول فراگیری دروس سطح ۲ شده و در سال ۱۳۷۵-۱۳۷۶ همه امتحانات کتبی و شفاهی، اصلی و جنبی حوزه تا پایان سطح ۳ را به پایان بردم. در همین حال در فوق لیسانس مدرسی الهیات و معارف اسلامی (گرایش کلام و فلسفه) مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و آنگاه در سال ۱۳۷۹ در امتحان ورودی کتبی دکترای تخصصی کلام در دانشگاه مذکور با حیازت رتبه ششم، حد نصاب بورسیه تحصیلی کسب نمودم که بنابه دلائلی ادامه تحصیل در دکترا را واگذار نمودم. در همین زمان تدریس سطوح مختلف دروس حوزوی از مقدمات شروع نموده و به طور خصوصی و سپس بطور رسمی در مدارس حوزه ادامه دادم. از سال ۱۳۷۲ هم تبلیغ و سخنرانی را در استانهای مختلف کشور در ایام تبلیغی آغاز نموده و هم اکنون نیز ادامه دارد.

تألیف چند کتاب و ترجمه و تحریر برخی کتب دیگر نیز از جمله توفیقات حقیر بوده است. مدرک سطح ۳ و سطح ۴ حوزه را نیز دریافت نموده و هم اکنون به عنوان عضو هیئت علمی مدرسه امام خمینی (ره) در مرکز جهانی علوم اسلامی مشغول تدریس هستم.

خمینی، روح‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، فقیه، عارف.

تولد: ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ (۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ ق. ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۲)، خمین.

درگذشت: ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، تهران، بیمارستان قلب.

روح‌الله مصطفوی مشهور به موسوی خمینی، فرزند سید مصطفی موسوی از علمای آن زمان، در پنج ماهگی پدرش را از دست داد.

خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت پدرش را در مسیر خمین به اراک به شهادت رساندند. بستگان وی برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دارالحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید. دوران کودکی را تحت سرپرستی مادرش (بانو هاجر) از نوادگان آیت‌الله خوانساری (صاحب زبده التصانیف)، و نزد عمه‌اش (صاحبه خانم) سپری کرد، ولی در پانزده سالگی هم مادر و همه عمه‌اش را از دست داد.

از نوجوانی به تحصیل معارف روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های دینیه و از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول پرداخت و نزد معلمین و علمای منطقه (نظیر میرزا محمود افتخارالعلماء حاج میرزا نجفی خمینی، آیت‌الله شیخ علی محمد بروجردی، آیت‌الله شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌الله عباس اراکی و بیش از همه نزد برادر بزرگترش آیت‌الله سید مرتضی پسندیده) فراگرفت و در سال ۱۲۹۸ عازم حوزه علمی اراک شد. پس از تحصیلات بسیاری از دروس در اراک، عازم حوزه علمی قم شد. در قم در علوم فلسفه و اخلاق استادان او آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی و آقا سید ابوالحسن حکیم قزوینی و حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بودند و علم منقول و فقه و اصول را از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آقا میر سید علی کاشانی فراگرفت. ایشان در همان اوان در دروس فقه و اصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله یثربی حضور و به مراتب فقه و اصول احاطه یافت و به اجتهاد رسید.

در سال ۱۳۳۹ ق. که آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی درگذشت، آیت‌الله العظمی خمینی دیگر خود یکی از فضلاء و مدرسین حوزه علمی قم به ویژه در رشته فلسفه، تهذیب نفس و اخلاق گردیده بود که بعدها در تدریس فقه و اصول فقه نیز نام‌آور شد. ایشان که در همان زمان با محافل و شخصیت‌های ضد درباری ارتباط کامل داشت، در مبارزه علیه حکومت رضاخان در حد اقتضای سن خود کوشش نمود. ایشان علیه رژیم فرزند رضاخان نیز مبارزه و افشاگری می‌کرد و بعد از رحلت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله حسن بروجردی را در حد امور و مسائل یاری رساند. بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی حوزه علمی قم و محافل روحانی دیگر او را به عنوان «آیت‌الله خمینی» شناختند.

در سال ۱۳۴۰ با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و طرح لوایح شش گانه شاه، امام خمینی مخالفت قاطع خود را علیه رژیم آغاز کرد. با پیش آمدن واقعه خونین ۱۵ خرداد ایشان به دنبال نطقی که علیه رژیم ایراد نمود، دستگیر و به پادگان عشرت آباد تهران منتقل شد. یک سال پس از آزادی، مجدداً در مخالفت با «کاپیتولاسیون» سخنرانی ایراد کرد که منجر به تبعید ایشان در سیزده آبان سال ۱۳۴۴ به ترکیه شد. پانزده سال به حالت تبعید در نجف اشرف به سر برد. سرانجام پس از شهادت پسرشان - آیت‌الله سید مصطفی خمینی - به دست رژیم و پس از آن که از عراق به پاریس رفت و با فرار شاه، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ با ورودشان به خاک میهن، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را برای مردم ایران به ارمغان آوردند و در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ با حمایت توده‌های میلیونی مردم رژیم شاهنشاهی در ایران را سرنگون ساخت و برای نخستین بار در ایران حکومت جمهوری اسلامی را برقرار ساخت و به عنوان «امام» همه مسلمانان جهان به رسمیت شناخته شد. امام خمینی ده سال پس از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و هدایت انقلاب اسلامی در این مدت در چهاردهم خرداد سال ۱۳۶۸ در تهران درگذشت.

از آثار ایشان میتوان به این عنوان‌ها اشاره نمود: شرح دعای سحر (به عربی، ترجمه سید احمد فهری)، شرح حدیث رأس الجالوت (تألیف ۱۳۴۸)، حاشیه امام بر شرح حدیث رأس الجالوت، حاشیه بر شرح فوائد الرضویه، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مصباح‌الهدایه الی الخلافة والولایه، حاشیه بر شرح فصوص الحکم، حاشیه بر مصباح‌الانس، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، سر الصلوة (صلوة العارفين و معراج السالکین)، آداب نماز (یا آداب الصلوة)، رساله لقاءالله، حاشیه بر اسفار، کشف الاسرار (در اسرار هزار ساله حکمی زاده، چاپ سوم ۱۳۶۳ ق.)، انوار الهدایه فی التعلیق علی الکفایه، بدایع الدرر فی قاعده نفی الضرر، رساله الاستصحاب، رساله فی التعادل و التراجع، رساله الاجتهاد و التقليد، مناهج الوصول الی علم الاصول (دو جلد)، رساله فی الطلب و

الاراده، رساله فی التقیة، رساله فی قاعده من ملک، رساله فی تعیین الفجر فی الیالی المقمره، کتاب الطهاره (چهار جلد)، تعلیقه علی العروه الوثقی، مکاسب محرمه (دو جلد) تعلیقه علی وسیله النجاه، رساله نجاه العباد، حاشیه بر رساله ارث، تقریرات درس اصول آیت الله العظمی بروجردی، توضیح المسائل (رساله عملیه)، مناسک حج، تحریر الوسیله (دو جلد)، کتاب البیع (پنج جلد)، تقریرات دروس امام خمینی، کتاب الخلل فی الصلوه، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تفسیر سوره حمد، استفتانات، دیوان شعر، نامه‌های عرفانی، پیامها، سخنرانیها، مصاحبه‌ها و احکام و نامه‌ها (بیست و دو جلد)، وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی، مکاسب المحرمه (عربی، ۱۳۸۱ ق.)، تهذیب الاصول (عربی، دو جلد تقریر امام و تحریر جعفر سبحانی، ۱۳۸۰-۱۳۷۵ ق.). حضرت آیه‌الله العظمی امام سید روح‌الله موسوی خمینی ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ (ه.ق.) در خمین در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. والدایشان- آیه‌الله سید مصطفی خمینی- در اواخر ۱۳۲۰ در سن ۴۷ سالگی به وسیله فئودالها شهید شد.

امام، تحت تربیت عمه و مادر دلسوز و مراقبت‌های برادر بزرگوارش آیه‌الله پسندیده رشد کرد. و پس از تحصیلات مقدماتی در خمین در ۱۳۳۹ عازم حوزه علمیه اراک شد و سپس در ۱۳۴۰ در محضر آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائمی به قم عزیمت کرد. او در ۱۳۴۵ ه.ق. سطوح عالی را طی کرده و در محضر درس مؤسس حوزه- آیه‌الله حائری حضور یافت. پس از رحلت مرحوم حائری در ۱۳۵۵، به عنوان استادی گرانقدر و مجتهدی عالم در حوزه درخشید. وی در کنار فقه و اصول به تحصیل پرداخت و از محضر آیه‌الله شیخ محمد علی شاه‌آبادی عارف کامل، بهره‌های روحی فراوانی برد. آوازه شهرت وی به عنوان یک استاد مسلم و صاحب شیوه تدریس و تعلیم، طلاب بیشماری را گرد او جمع کرد. درس اخلاق و روش تدریس و تعلیم وی که موجد روح فداکاری و شجاعت و تعهد و تقوی در طلاب میشد، موجب تحول عظیمی در حوزه و منجر به تعطیلی درسش از طرف دیکتاتور وقت- رضاخان- گردید. پس از سقوط رضاخان، این درس مجدداً در فیضیه آغاز گشت.

در سال ۱۳۶۴ ه.ق. همزمان با ورود آیت‌الله بروجردی، بزرگترین کرسی تدریس حوزه علمیه به وی اختصاص یافت. مسجد سلماسی و مدرسه فیضیه شاهد حضور انبوهی از مشتاقان معرفت و دهها مجتهد اصولی، ادیب و مفسر در محضرش گشت. او در مسند اجتهاد و فتوی نشست و میلیونها تن به عنوان مقلد و پیرو، سر به فرمانش نهادند و در انتظار صدور حکم و فتوایش نشستند. در سال ۱۳۴۰ ه.ش. با تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و طرح لوایح ششگانه شاه- که خود وسیله‌ای برای تثبیت حکومت امریکا در ایران بود- مخالفت جدی و قاطع نمود. حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۱ پیش آمد که هزاران نفر از مسلمانان انقلابی آماج گلوله‌های سفاکان پهلوی گشتند و خود ایشان به دنبال نطقی کوبنده در مدرسه فیضیه به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد. ولی پس از یک سال آزاد و هنگام بازگشت به قم در مخالفت با کاپیتولاسیون سخنرانی رسوا کننده‌ای در مسجد اعظم ایراد کرد که منجر به تبعیدش در ۱۳ آبان ۱۳۴۲ به ترکیه گردید. پس از مدتی به نجف منتقل و قریب ۱۵ سال اجباراً در حوزه نجف اقامت گزید. و از همانجا عهده‌دار رهبری فکری و ارشادی مردم بود و در فرصت‌های مناسب اعلامیه‌های لازم را صادر می‌کرد. در ۱۳۵۶ ه.ش. به مناسبت شهادت فرزند برومندش آیه‌الله مصطفی خمینی مجالس ترحیم باشکوه و خونینی برپا گشت که شخصیت امام را بیشتر مطرح و موجب انتقال ایشان به پاریس گردید. و این در حالی بود که احساسات مذهبی مردم به اوج خود رسیده و کنترل از دست رژیم خارج گشته بود و شاه از ایران خارج شده و اساس حکومت اسلامی به رهبری امام و فداکاری مردم مسلمان در ایران پایه‌ریزی شده بود.

آثار و تألیفات گرانبهایی از معظم له در اختیار محافل علمی است که از آن میان می‌توان از «تحریر الوسیله کتاب الصلوه، کتاب المکاسب، کتاب الطهاره، کتاب الخلل، کتاب البیع (در ۵ جلد)، مصباح الهدایه (شرح دعای سحر)، چهل حدیث برگزیده در اخلاق و عرفان و...» را نام برد و اکنون دعای میلیونها تن از مسلمانان و مستضعفین جهان این است:

خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار!

(۱۴۱۰ - ۱۳۲۰ ق)، عالم، فقیه، مرجع تقلید، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، عارف و شاعر. در خانواده‌ای روحانی در شهر خمین متولد شد. پدرش در چهل و هفت سالگی به دست مالکین محلی کشته شد و امام تحت سرپرستی و حضانت عمه و مادر و برادرش آیت‌الله پسندیده قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش آموخت و در سال ۱۳۳۹ ق برای ادامه تحصیل رهسپار اراک شد. پنج سال در آنجا اقامت کرد و تا سطوح عالی را خواند. با عزیمت آیت‌الله حائری یزدی در سال ۱۳۴۰ ق به قم و بنا نهادن حوزه‌ی علمیه، در ساذل ۱۳۴۵ ق به قم رفت و به تحصیل فلسفه و حکمت مشغول شد. فلسفه را از آیت‌الله شیخ محمدعلی شاه‌آبادی فراگفت. سپس به تحصیل دروس خارج از سطح پرداخت و از محضر آیت‌الله حائری کسب فیض کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از محضر می‌رسید علی یربیبی و حاج میرزا جواد ملکی تبریزی و آقا میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی و حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی و آقامیرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاجی سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله بروجردی و حاج سید محسن امین و حاج شیخ عباس محدث قمی و سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی و حاج شیخ محمدتقی بافقی بهره‌مند گشت و اینان از مشایخ وی بودند. امام خمینی از سال ۱۳۶۸ ق به تدریس «کفایه» و «منظومه» و «اسفار» و فقه و اصول پرداخت. وی علاوه بر علوم عقلی و نقلی، تحصیل علم اخلاق را جزو دروس تحصیلی طلاب خود قرار داده بود، و از دیرباز به تدریس اخلاق مشغول بود. در دوره‌ی رضاخان درس اخلاق ایشان مدتی تعطیل شد و پس از سقوط رضاخان، این درس مجدداً در مدرسه‌ی فیضیه دایر گشت. وی علاوه بر مدرسه‌ی فیضیه، در مسجد سلماسی نیز تدریس می‌نمود. در سال ۱۳۴۰ ش که تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و لویح ششگانه شاه مطرح شد، با مخالفت جدی امام روبه‌رو گردید و در نتیجه حادثه‌ی پانزده خرداد ۱۳۴۲ ش پیش آمد. امام به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد و پس از چندی آزاد گردید و به قم مراجعت کرد. مخالفت ایشان با مسئله کاپیتولاسیون و سخنرانی وی در مسجد اعظم سبب شد که معظم‌له به ترکیه تبعید شود. پس از مدتی به نجف منتقل گشت و قریب پانزده سال در نجف اقامت گزید. از همین زمان عهده‌دار رهبری مبارزات سیاسی شد و در هر فرصتی با صدور اعلامیه‌هایی مردم را به مبارزه‌ی تهییج می‌کرد. با درگذشت ناگهانی فرزند ایشان حاج سید مصطفی خمینی در سال ۱۳۵۶ ش و برگزاری مراسم سوگواری، تبلیغات علیه دستگاه هیئت حاکمه را دنبال کرد. به تدریج دامنه‌ی تظاهرات به خیابانها کشیده شد. در این زمان امام از نجف به پاریس رفت و مبارزات علیه شاه اوج گرفت و شاه مجبور به ترک کشور شد و امام به ایران بازگشت و جمهوری اسلامی را بنا نهاد و رهبری حکومت اسلامی ایران را تا ۱۴ خرداد ماه سال ۱۳۶۸ ش که جان به جان آفرین تسلیم کرد، خردمندانه عهده‌دار بود. پیکر پاک وی با مراسم باشکوهی در محلی که اکنون به نام مرقد مطهر معروف است دفن گردید. امام خمینی از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت. از آثار وی: «کشف الاسرار»؛ «تحریر الوسیله»؛ «کتاب الصلوة»؛ «کتاب المکاسب»؛ «تهذیب الاصول»؛ «کتاب الطهاره»؛ «کتاب الخلل»؛ «کتاب البیع»، در پنج مجلد؛ «مصباح الهدایه»؛ «چهل حدیث برگزیده در اخلاق»؛ «آداب نماز»؛ «مجموعه‌ی اشعار»، که پس از رحلت ایشان در دسترس عموم قرار گرفت. [۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] آینه‌ی دانشوران (۱۸۷-۱۸۵)، الذریعه (۲۲/۵۲، ۲۱/۱۲۳، ۱۳/۱۸، ۱۳/۶۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۴۷-۳۴۰/۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۳، ص ۱۵-۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۹-۱۲/۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۲-۲۳۱/۳).

خنجی، افضل‌الدین، ابو عبدالله محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۴۹/۶۴۶ - ۵۹۰ ق)، منطقی شافعی. اهل خونا یا خونج مراغه بود. بیشتر ایام عمر خود را در شام و مصر گذرانید و در مدرسه‌ی صلاحیه‌ی قاهره تدریس می‌کرد و عهده‌دار مقام قضاوت نیز بود. از آثار وی: «کشف الاسرار عن غوامض الافکار»، در منطقی که ابن البدیع بندهی و نجم‌الدین کاتبی قزوینی آن را شرح کرده‌اند؛ «الموجز».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۴/۳)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۹/۱)، کشف الظنون (۱۹۰۱، ۱۴۸۶)، هدیه العارفین (۱۲۳/۲).

خواجوی، ملا محمد اسماعیل

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملا محمد اسماعیل خواجوی، یکی از بزرگترین دانشوران قرن دوازدهم هجری است. وی مازندرانی بود اما در اصفهان به تحصیل پرداخت. از اساتید او اطلاع دقیقی در دست نیست او ظاهراً نزد بهاء‌الدین محمد اصفهانی مشهور به "فاضل هندی" و ملا محمد تنکابنی مشهور به "فاضل سراب" تحصیل می‌کرده است. اواسط زندگی خواجویی مقارن با حمله افغانها و محاصره اصفهان است. در این سالها (۱۱۳۴-۱۱۳۷) هـ ق بسیاری از مردم در اثر قحطی جان سپردند و عده دیگری به دست مهاجمان افغان کشته شدند. سقوط سلسله صفویه و بروز قحطی و هرج و مرج و آشفته‌گی اوضاع و نابسامانی وضع معیشتی مردم موجب از هم گسیختگی حوزه بزرگ علمی، ادبی و هنری اصفهان شد. پس از فرار افغانها از ایران و فروکش کردن آتش فتنه، آنچه باقی ماند خرابی و ویرانی شهر و از دست رفتن هزاران دانشمند و نابودی صدها کتابخانه و مرکز علمی بود. ملا اسماعیل خواجویی از معدود کسانی بود که با همت والای خود کمر به احیای حوزه علمی اصفهان زد و با رونق بخشیدن به مدارس علمیه و برپایی جلسات درس و تالیفات بسیار، بار دیگر از نابودی حتمی حوزه علمی اصفهان جلوگیری کرد. خواجویی در فقه، اصول، کلام، حکمت، ریاضی، هیات و ادبیات، مهارت به سزایی داشت و از کسانی بود که فلسفه صدرایی (حکمت متعالیه) را به نسل‌های بعد انتقال داد. از آثار علمی بسیاری به جای مانده است که از همه مهمتر "مفتاح الفلاح" در شرح دعای صباح، "جامع الشتات"، "ابطال الزمان الموهوم" و "حاشیه بر اربعین" شیخ بهائی را می‌توان نام برد. ملا محمد مهدی نراقی، "آقا محمد بیدآبادی"، "میرزا ابوالقاسم مدرس" و "ملا محراب گیلانی" مشهورترین شاگردان خواجویی به شمار می‌روند. سرانجام این دانشمند عالیقدر به سال ۱۱۷۳ هـ ق به دیار باقی شتافت و در تخت فولاد اصفهان نزدیک قبرستان فاضلان به خاک سپرده شد. در سالهای اخیر مجموعه تاریخی فرهنگی و مذهبی تخت فولاد بقعه‌ای بر سر مزار او بنیاد نهاده است.

خواص، امیر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیر خواص

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجناب امیر خواص دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خود یعنی تهران سپری کردم. سال چهارم دبیرستان در رشته علوم تجربی، همزمان با آغاز تحصیلات حوزوی بود از سال ۶۲ تحصیلات حوزوی را بطور جدی در قم آغاز نمودم و در سال ۷۲ دروس سطح را با موفقیت سپری کردم. از سال ۷۳ تا سال ۸۰ به مدت ۷ سال در درس خارج فقه آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.

از سال ۱۳۷۱ که مشغول درس کفایه الاصول بودم وارد موسسه در راه حق شدم و در سال ۱۳۷۴ به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) منتقل شدم و در سال ۱۳۷۵ در رشته الهیات و معارف اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۱ با دفاع از رساله خود با عنوان بررسی تطبیقی سعادت از دیدگاه افلاطون، ارسطو غزالی با رتبه ممتاز دفاع نموده و فارغ التحصیل شدم. از سال ۱۳۸۲ به عضویت هیئت علمی موسسه و آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) درآمدم. در سال ۱۳۸۳ در رشته فلسفه دین در مقطع دکترا شرکت نموده و پذیرفته شدم و هم اکنون در ترم اول مشغول تحصیل هستم.

کارهای پژوهشی را از سال ۱۳۷۶ آغاز نمودم و حدود ۳ سال در زمینه فلسفه اخلاق به پژوهش و مطالعه پرداختم که محصول آن ترجمه مقالاتی از دایره المعارف فلسفه اخلاق بکر بود که دفتر اول آن در سال ۸۰ از سوی موسسه امام خمینی (ره) منتشر شده است در سال ۷۷ به همراه جناب آقای اکبر حسینی کتاب دین و اخلاق را تالیف نمودیم که این اثر برای چاپ آماده شد اما متأسفانه در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به مدت دو سه سالی مفقود شد و پس از مدت ها که پیدا شد منتظر فرصتی برای به روز کردن آن و چاپ هستیم.

هم چنین کتاب منشأ دین را به همراه آقای سید اکبر حسینی تالیف نموده ام که بزودی منتشر خواهد شد.

مقالات جلد دوم فلسفه اخلاق هم در حال آماده شدن است که به همراه مقالات برخی دوستان چاپ خواهد شد.

کتابها و مقالات دیگری هم تالیف شده است که برخی چاپ شده اند و برخی هنوز منتشر نشده اند. موضوعات و زمینه های تدریس این جانب عبارتند از: فلسفه اسلامی، کلام اسلامی، فلسفه دین، کلام تطبیقی ادیان ابراهیمی و شرقی.

خوانساری، جمال، جمال الدین محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۲۵/۱۱۲۱ ق)، فقیه، اصولی، حکیم، محقق، محدث و متکلم. معروف به جمال المحققین. معاصر ملامیرزا شیروانی و علامه مجلسی بود. به همراه برادرش، آقا رضی، نزد پدرش، محقق خوانساری، و دایی اش ملا-محمدباقر محقق سبزواری در حوزه علمی اصفهان تحصیل کرد و همانند پدرش صاحب تالیفات بسیاری شد، با این تفاوت که تالیفات وی بیشتر نقلی و تالیفات پدرش بیشتر عقلی است. از پدرش محقق خوانساری و سید ابرهیم بن میر معصوم حسینی قزوینی روایت می کرد و از ملا محمد تقی مجلسی اجازه نقل حدیث داشت. علمای بسیاری از وی اجازه روایت داشتند که از آن جمله: محمد اکمل بهبهانی و محمد رفیع

گیلانی. وی صاحب طبعی ظریف و نکته‌سنجی دقیق و باهوش، بخصوص در فهم ظواهر حدیث کم‌نظیر بود. چنانکه تیزهوشی وی را از روی ترجمه‌ی «مفتاح الفلاح» و تعلیقاتی که بر آن نگاشته است و کتاب مزارى که برای شاه سلطان حسین هنگام زیارت امام رضا (ع) و توضیحاتی که برای الفاظ زیارات آورده است، می‌توان فهمید. وی که عالمی متکلم بود، مذاهب چهار گانه‌ی اهل سنت را نقد کرد. او در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید. اغلب منابع تاریخ وفات وی را سال ۱۱۲۵ ق نقل کرده‌اند و آقا بزرگ تهرانی با استناد به ماده تاریخ زیر تاریخ وفات وی را سال ۱۱۲۱ ق می‌داند: «فوتش را بفاتح هاتفی از غیب گفت: کرد ایزد با حسین بن علی حشر جمال یعنی ۱۱۲۱». از آثار وی: ترجمه‌ی «قرآن مجید»؛ ترجمه‌ی «صحیفه‌ی سجادیه»؛ شرح فارسی «غرر و درر»؛ شرح فارسی «مفتاح الفلاح»؛ حاشیه بر «شرح عضدی»؛ حاشیه بر «تهذیب الاحکام»؛ حاشیه بر «بر من لا یحضره الفقیه»؛ «شرح اللمعه ش الشرائع»؛ شرح «الشفاء»؛ شرح «اشارات»؛ «شرح حدیث البساط»؛ «النیه»؛ «اختیارات الایام»؛ «اصول الدین»، در امامت؛ حاشیه بر «شرح مختصر الاصول»؛ «جبر و اختیار»؛ شرح بر «حدیث الطینه»؛ در جبر؛ «کلثوم ننه» یا «عقائد النساء» که در آن رسوم و پندارهای معمول میان زنان آن روزگار ایران به نقد کشیده. از دیگر آثار او ترجمه «الفصول المختاره من العیون و المحاسن» معروف به «مجالس» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۳۱/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۱۶/۵)، تذکره القبور (۲۳۸)، الذریعه (۴۴۰/۲۴، ۱۹۲/۱۳، ۸۲/۱۴، ۵۳/۶، ۵۰۶، ۱۲۲، ۴/ ۳۶۷/۱، ۴/ ۱۲۲، ۵۰۶، ۲/ ۲۰۸-۲۱۰)، ریاض العلماء (۱۱/۷، ۱۱۴/۱)، ریحانه (۵۴/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۸ - ۱۴۶/ ۱۲)، فوائد الرضویه (۸۴ - ۸۳)، لغت نامه (ذیل / جمال)، مولفین کتب چاپی (۳۸۳ - ۳۸۱/ ۲)، معجم المؤلفین (۲۵۵/۹، ۱۵۴/۳، ۱۲۰)، هدیه الاحباب (۱۲۰)، هدیه العارفین (۳۲۱/۲).

خوانساری، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد خوانساری (۱۳۰۰ - اصفهان) دارای مدرک دکتری منطق و فلسفه است. وی هم اکنون عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و استاد بازنشسته دانشکده ادبیات دانش‌سرای عالی است. کتاب "ایساغوجی فروریوس و مقولات ارسطو" ترجمه محمد خوانساری، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمد خوانساری تحصیلات مقدماتی را در مکتبخانه آغاز کرد. خواندن و نوشتن قرآن کریم را آموخت و برخی از سوره‌های کوتاه را به حافظه سپرد. پس از درگذشت پدر به مدرسه ابتدایی ایران رفت. در سال ۱۳۱۹ از دانشسرا دیپلم گرفت. برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در دانشسرای عالی از محضر اساتیدی چون: دکتر رضازاده شفق، جلال‌الدین همایی و مدرس رضوی بهره برد. در سال ۱۳۲۳ پس از نگارش پایان‌نامه زیر نظر دکتر یحیی مهدوی موفق به اخذ مدرک کارشناسی در رشته فلسفه و علوم تربیتی گردید. در سال ۱۳۲۹ لیسانس رشته ادبیات فارسی را گرفت و در سال ۱۳۳۲ موفق به اخذ مدرک دکترای ادبیات گردید. در سال ۱۳۳۷ به عنوان فرصت مطالعاتی به فرانسه رفت. سه سال به تحصیل اشتغال

داشت و سرانجام در سال ۱۳۴۰ به اخذ درجهٔ دکتری از دانشگاه پاریس در منطق و فلسفه نایل آمد. تحصیلات علوم قدیم و معارف اسلامی را هم از همان سال اول دبیرستان آغاز کرد. جلد دوم مبادی العریبه و مدارج القراءه را از میرزا عباس نحوی و جامع المقدمات و مقداری از سیوطی را نزد دیگر اساتید فراگرفت. حاج سیدعبدالحسین طیب استاد عقاید و تفسیر وی بود. از فاضل تونی دنبالهٔ سیوطی، مغنی، حاشیهٔ ملاعبدالله و شرح هدایهٔ ملاصدر را آموخت و در جلسات دکتر محمود راهیار نیز شرکت داشت استادان و مربیان: مرحوم جلال الدین همایی، مرحوم رضازاده شفق، جلال الدین همایی، مرحوم مدرس رضوی، مرحوم دکتر یحیی مهدوی، علی اکبر سیاسی، میرزا عباس نحوی، حاج سیدعبدالحسین طیب، دکتر محمود راهیار، مرحوم فاضل تونی و مرحوم ملک الشعرا بهار از اساتید محمد خوانساری بوده اند. وی از یکی از اساتید خود چنین یاد می کند: من منطق را خدمت استاد دانشمند محمدحسین فاضل تونی فرا گرفتم. ایشان بسیار دقیق تدریس می کردند و من مطالب ارزشمندی از محضر ایشان دریافت کردم. خاطره ای هم که از ایشان دارم این است که برای مرحوم فاضل نوشتن خیلی سخت بود و در نوشتن کند بودند، همیشه مطلبی را می گفتند و دیگران برایشان می نوشتند. روزی از ایشان پرسیدم که چرا اینقدر نوشتن برایتان سخت است. ایشان گفتند: همه، خط را در مکتب فرا می گیرند. من چون حافظه خیلی قوی ای داشتم، همیشه مطالب استاد را در ذهن جای می دادم و نیازی نمی دیدم یادداشت کنم، به همین دلیل دستم در نوشتن کند شده است. به هر حال یاد دارم مرحوم فاضل نسخه خطی مغلوطی (پر غلط) از شفای ابن سینا داشتند که می خواستند تصحیح کنند. یک نسخه شفای مرحوم مشکاه را امانت گرفتند تا با آن مقابله کنند. ایشان می گفتند و من می نوشتم. گاهی هم دکتر بحرالعلومی کار نوشتن را به عهده می گرفتند. به هر حال کار تصحیح تمام شد و چاپ شد. بعدها عده ای از دانشمندان بزرگ مصری با هزینه ی گزاف نسخه ای از شفا را تصحیح کردند. به گفته بعضی از بزرگان، از جمله استاد شهید مطهری که قولشان حجت است، تصحیح مرحوم فاضل از تصحیح دانشمندان مصری، بسیار بهتر و ارزشمندتر است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد خوانساری پس از سه سال تدریس در آموزش و پرورش، در سن ۲۶ سالگی با عنایت دکتر علی اکبر سیاسی وارد دانشگاه تهران شد و مشغول تدریس گردید. در آغاز انتقال به دانشگاه چند سالی روان شناسی تدریس کرد. سپس با معرفی فاضل تونی به تدریس منطق مشغول شد و تا سال بازنشستگی همواره تدریس منطق در دانشکدهٔ ادبیات بر عهدهٔ وی بود. در سال ۱۳۶۱ پس از سی و هفت سال تدریس مداوم به درخواست خود بازنشسته شد. از بدو تأسیس فرهنگستان سوم از سوی شورای انقلاب فرهنگی به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی مفتخر شد.

جوایز و نشانها: کتاب "ایساغوجی فروریوس و مقولات ارسطو" ترجمه محمد خوانساری، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد. -----

آثار:

۱ ایقاظ النائین صدر المتألین

ویژگی اثر: تصحیح و ترجمه، در دست چاپ

۲ ترجمهٔ ایساغوجی فروریوس و مقولات ارسطو

ویژگی اثر: تألیف فروریوس، این کتاب، در دوره بیست و سوم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد.

۳ صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب

۴ صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب

۵ فرهنگ اصطلاحات منطقی

ویژگی اثر: (به انضمام واژه‌نام؟ فرانسه و انگلیسی)، ۱۳۷۶

۶ مختارات من الادب الحدیث

ویژگی اثر: ۱۳۴۳

۷ منطق صوری

ویژگی اثر: جلد دوم، ۱۳۵۲

۸ منطق صوری

ویژگی اثر: جلد اول، ۱۳۳۸

۹ منطق برای دبیرستانها

خوانساری، محمد تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در یکی از روزهای اردیبهشت سال ۱۲۶۷ ق. که بهار با ماه رمضان تواءمان گشته بود و غنچه های یاد در آن می شکفتند، در خوانسار شهری که جای جایش چشمه ای سر به بیرون آورده و چون نگینی سبز و بلند با دستهایی گشوده سخاوت را به تمام معنا به رخ می کشد، در خانه سید اسدالله، عالم بزرگ شهر، نورسیده ای پای در حیات نهاد که نام او را محمد تقی گزاردند.

سید محمد تقی جوانه ای بود روییده بر شاخه سار تباری که در عرصه علم و زندگی درخت تناوری را شکل داده بودند و این طلعه نیکویی برای او به شمار می آمد. سلسله نسب او چنین بود سید محمد تقی خوانساری فرزند علامه سید اسدالله و او فرزند دانشمند محقق سید حسین و او فرزند عالم بزرگوار سید ابوالقاسم، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزا ابوالقاسم، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزا ابوالقاسم ...

و در پایان سلسله نیز سرچشمه دانش و عصمت امام موسی بن جعفر علیه السلام قرار داشت.

ایام مکتب آمد، سید محمد تقی در تیزهوشی گوی سبقت از همگان ربود. او در این سنین کم هم جذبه های معنوی را در خود احساس می کرد. او که در مکتب خط را بخوبی آموخت و قرآنی را به خط خود نشوت و آن را وقف مسجد کرد.

حوزه خوانسار که در آن زمان به برکت پدران سید محمد تقی و دیگر فرزانه های علمی اش رونقی داشت، دومین جایی بود که سید محمد تقی در دامش استواری یافت و قامت راست کرد. سرعت فراگیری سید محمد تقی چنان بود که به هفده سالگی نرسیده، ادبیات عرب و دیگر پایه های مقدماتی علوم اسلامی را فراگرفت. او در همین مدت قسمتهایی هم از فقه و اصول دوره سطح را خواند.

پای درس بزرگان

خوانساری جوان پس از مشورتهایی که با پدر کرد برای تکمیل اندوخته ها رهسپار حوزه دیرپای نجف شد. هجرت به نجف بر شتاب حرکت او افزود. او در نجف پس از تکمیل درسهای ناتمام، در درس محققان بزرگ این رشته ها حاضر شد تا جوانه های اجتهاد که از توانایی در تحقیق ریشه می گیرد در او برویند. خوانساری جوان چهار سال در درس فقه و محقق بزرگ اصولی آیه الله آخوند خراسانی شرکت کرد. در کنار این آدرس به درس فقیه برجسته آیه الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی هم حاضر

گشت. بعد از ارتحال این دو او از درسهای اصول آیه الله نائینی، آیه الله آقا ضیاء عراقی و از درس فقه آیه الله در گرفتن اجتهادنامه خود از اساتیدش کوشش نکرد. اما آقا ضیاء عراقی - که بارها مقام این شاگردش را ارج نهاده و گفته بود ((و حفظ مقام و نگهداری شؤ و نوات آقای خوانساری را مانند علمای متاخر بر خود فرض می دانم)) هنگامی که او بعدها به ایران بازگشته بود، اجتهادنامه وی را از نجف برایش فرستاد. افزون بر این آقای خوانساری از این استاد خود اجازه روایی نیز یافته بود.

بر بلندای حماسه

با شروع جنگ جهانی اول که حکومت عثمانی به نفع آلمان درگیر این جنگ شد و در صف متحدین قرار گرفت، قمر و عثمانیها در حیطه جنگ واقع گردید. در ۲۸ آبان ۱۲۹۳ ق. بصره و حوالی آن به تصرف قوای انگلیس درآمد. موقعیتی حساس بود، دولت عثمانی از روحانیون کمک طلبید علمای شیعه با آنکه استبداد گسترده از طرف آن دولت بر جامعه اکثریت شیعی عراق روبرو بودند، نتوانستند در چنین هنگامه ای ناظر پایمال شدن سرزمین مقدس عراق شوند. این بود که جمع بسیاری از مراجع فتوای جهاد دادند و چون خود در سنین پیری بودند فرزندانشان را به نیابت خویش رهسپار نبرد کردند و گروه دیگری از مجتهدان نیز خود راهی صحنه جهاد گشتند. در ایام محرم فتوای شورانگیز جهاد شراره حماسه را بویژه در جان طلایه داران دانش برانگیخت و در این میان آقای خوانساری نیز کرسی درس و تحقیق را رها کرد و در صف رهسپاران جهاد قرار گرفت. او به گروه مجاهدانی که به همراه آیه الله سید مصطفی کاشانی عازم نبرد بودند، پیوست. این گروه سوار بر کشتی در رود دجله و فرات پیش تاختند و خود را به صفوف مقدم جبهه در حوالی بصره رسانیدند.

آقای خوانساری در سنگرهای جلو جبهه همراه با همدرسان خود آقای سید ابوالقاسم کاشانی و آقای بختیاری زاده مستقر گشت. او در نبرد با هزار تیری که داشت و با مهارتی که در تیراندازی یافته بود سینه سپاهیان دشمن را آماج خشم ساخت و آنگاه که دشمن برای درهم شکستن مقاومت جنوب هجومی سخت را آغاز کرد او پر نشاط برود و خنده های بلندش تعجب دوستان را برمی انگیخت و وقتی هم که سایه رخوت بر گروهی از جنگاوران افتاد باز فریاد او که حرام بودن عقب نشینی در برابر دشمن را اعلام می کرد، پرطنین بود، و شگفت تر زمانی بود که با تنگ تر شدن حلقه محاصره دشمن مجاهدان مهیای مرگ می شدند و او شور نماز داشت و همگان را به آن می خواند. گویی نماز عاشورایی حسین علیه السلام در ذهنش زندگی یافته بود.

قوای دشمن پیروزیهای شایانی در جبهه فرات به دست آورد. ولی شکست در کوت العماره پای رفتن را از آنان گرفت و به ناچار جبهه جنگ از جنوب به شرق تغییر یافت.

با اشغال بغداد که مقارن با پیروزیهای دیگر متفقین بود، پایان جهاد فرارسید. از آن سو اشغالگران در تعقیب نیروهای مقاومت برآمدند. دستگیریهایی وسیعی آغاز گشت و سرانجام خوانساری جوان هم که در نبرد از قسمت پا مجروح شده بود، دستگیر شد. مجاهدان عرب تنها با سپردن تعهدی آزاد گشتند اما برخورد با مجاهدان دیگر متفاوت بود. انگلیسی ها از آزادی آنان اجتناب ورزیدند. در این میان وساطتهایی نیز برای آزادی آقای خوانساری صورت گرفت ولی بی ثمر بود. اشغالگران اسرای جنگی را در بندر بصره جمع نموده، آنجا یا کشتی هایی به اسرار تگاههای خود در مستعمراتشان فرستادند و آقای خوانساری و قریب چهارصد تن دیگر از اسراء به جزیره سنگاپور برده شدند. چهار ماه طول کشید تا کشتی آنان در آن سرزمین پهلو گرفت. در سنگاپور، اسرا در زندانی صحرائی قرار داده شدند. در این زندان گروهی از مردمان وحشی جزیره نیز به نام کوکا به چشم می خوردند. آنها به آدمخواری معروف بودند از آن رو هر روز صبح که شیفت زندانبان عوض می شد اسرا سرشماری می شدند. در آن محیط خش آقای خوانساری به تلاش علمی روی آورد. او علاوه بر تدریس منطق و حکمت، خود نیز به آموختن پرداخت و توانست زبان انگلیسی را از یک راجه هندی بیاموزد. رئیس زندان که متوجه مقام علمی او شده بود با توجه به آشنایی او به زبان انگلیسی از او خواست کتابی گمراه ساز را ترجمه کند. او با آنکه روزهای سختی را پیش روی خود داشت با این درخواست مخالفت نمود. و

شاید هم برای انتقام از این سرسختی بود که زندانبانان قصد جان او را کردند. او خود در این باره گفته است :
 ((روزی همه به بیرون رفته بودند و من تنها بودم . زندانبانان حیوانی وحشی را از آن دم در بر درون زندان ول کردند. حیوان جستی زد و سرعت به طرف من آمد. خیلی نزدیک شد اما کاری به من نداشت . به دم در رفت و دو مرتبه برگشت . چند دفعه این کار را انجام داد ولی کاری با من نکرد.))

بعدها که راجه هندی آزاد شد در آزادی آقای خوانساری کوشید. در نتیجه آقای خوانساری نیز پس از گذشت چهار سال تحمل رنج اسارت ، آزاد گشت .

مرجعیت

آیة الله خوانساری بعد از رهایی از اسارت به زادگاهش خوانسار بازگشت . پس از آن ، آوازه حوزه نوبنیاد سلطان آباد اراک ، در او شیفتگی نخستین را زنده ساخت و از همین رو در حوزه سلطان آباد به احترام آیة الله حائری در درسشان شرکت جست و خود نیز جداگانه به تدریس فقه ، اصول و حکمت پرداخت . دیری نگذشت که او توجه آیة الله حائری را به خود برانگیخت . آقای خوانساری در سلک یاران نزدیک و مشاوران برجسته (هیئت استفتایی) آیة الله حائری قرار گرفت . وی در پی این نزدیکیها نقش برجسته ای در شکل گیری حوزه علمیه قم ایفا کرد و مشوقی در هجرت آیة الله حائری به قم بود. در سال ۱۳۱۵ ش . حوزه قم در ماتم از دست دادن بنیانگذارش به سوگ نشست . در آن موقعیت خطیر آیة الله صدر و آیة الله حجت و همچنین آیة الله خوانساری که سه تن از شاگردان و یاران برجسته آیة الله حائری بودند، برای تصدی مسؤ ولیت حوزه و عهده داری رهبری دینی مردم مورد توجه قرار گرفتند. در این میان آیة الله خوانساری با شایستگی های فراوان اخلاقی و علمی که داشت پیشگام نگشت ، اما شیخ محمد صدوقی و شیخ مجتبی عراقی و تنی چند از دوستانشان در پاگیری مرجعیت ایشان تلاش ورزیدند. درس خارج برای ایشان تدارک گردید و قرار شد ادامه درس استادش حائری را بگوید. رفته رفته این شخصیت برجسته مورد اقبال جامعه ایرانی قرار گرفت و با طرح جواز رجوع در مسائل احتیاطی به ایشان از طرف آیة الله سید ابوالحسن اصفهانی دامنه مرجعیت او گسترش یافت . اما با این همه او آیة الله صدر و آیة الله حجت برای حاکم نمودن وحدت رهبری دینی مردم و زدودن شائبه های تفرقه ، آیة الله بروجردی را به قم خواندند و با اصرار زیاد او را بر این سمند نشانند.

سالهای طولانی تدریس آیة الله خوانساری که از حوزه نجف آغاز گشت ، جمع زیادی از آموختگان فضل او را همراه داشت . در سالهای آخر تدریس هم درس خارج او چنان با عمق و دقت طرح می شد که تنها شایستگی چند یارای حضور در آن را یافتند. آثار علمی ایشان غیر از آن رساله های فتوایی که نظریات فقهی ایشان را در بر داشت ، تقریرات درسهای خارجی بود که شاگردانش جمع آوری کرده بودند. از آن جمله درس طهارت ایشان بود که به همت شاگرد برجسته اش آیة الله محمد علی اراکی و درس صلوة که از سوی شاگرد فرزانه دیگرشان آقا مجتبی عراقی نگارش یافت .

نماز

نماز آیة الله خوانساری حدیث شگفتی داشت . در او چنان باور خدا تجلی کرده بود که در نماز حجاب برمی کشید و روحش به بهشت یاد درمی آمد. او خود در این باره چنین گفته بود: در نماز که می ایستم مثل این که است که با خدا شفاهی صحبت می کنم و انگار رخ به رخ هستم . در پی نمایاندن این چهره معنوی او بود که با درخواست جمعی از دل باوران ، آیة الله سید احمد خوانساری ، برقراری نماز جماعت فیضیه را به او وا گذاشت . در این نماز پرشکوه حتی مقدسانی که تردیدشان در عدالت امامان جماعت بسیار بود و به هر کس اقتدا نمی کردند، بی هیچ واژه ای با او به نماز می ایستادند. بعضی از شبها هم که آقای خوانساری نمی آمد آیة الله (امام) خمینی که از اساتید بنام حوزه بود اقامه نماز می کرد. از آن رو که نماز جمعه در نظرگاه فقهی آیة الله خوانساری واجب احتیاطی بود در حوالی سال ۱۳۲۰ بعد از سالیان سال این نماز متروک و مهجور مانده بود، از سوی آن

فقیه بزرگ در مدرسه فیضیه بپا شد. بعدها فیضیه هم گنجایش خیل آن همه مشتاقان نداشت. برای همین، مکان نماز به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام انتقال یافت. برگزاری این نماز چنان پرتاثر شد که به دنبال آن در بیشتر شهرها نماز جمعه جانی تازه گرفت.

نماز باران

یکی از حوادث مهم که از آثار شهودی آقای خوانساری از نگاه دینی، نماز بارانی است که او آن را اقامه نمود تا تجلی دعا و نماز را در زندگی به گونه ای ملموس آشکار کند. در شهریور ۱۳۲۰ که متفقین در ایران به طور انبوه حضور یافتند. در آن موقع موجی از قحطی و نابسامانی در کشور به راه افتاد. قسمتی از سپاه متفقین در منطقه خاکفرج قم استقرار یافت و بعد از مدتی کنترل شهر در دست آنان قرار گرفت. اشغال هنوز ادامه داشت که زمینهای مساعد و وسیع شهر قم - که به صورت دیم کشت می شد - با گذشت دو ماه بهاری از سال ۱۳۲۳ هنوز تشنه بودند. با بروز این خشکسالی موقعیت غذایی مردم بحرانی شد. اهالی قم، چاره در خواندن نماز باران دیدند. آنان به جستجوی امامی برآمدند تا آنها را به ساحل اجابت رساند و با خلوص و صفایش خواستن را معنی بخشید. مردم راهی خانه های آقایان صدر، حجت و خوانساری شدند. آقایان صدر و حجت در پاسخ مردم گفتند اگر شما وظیفه های شرعی خود را بجا آورید، آسمان و زمین دستهایشان بر شما گشوده خواهد بود. اما آقای خوانساری نتوانست جواب نه بگوید و مردم هم گمان بردند او موافق با خواندن نماز باران است. به همین علت اطلاعیه هایی در سطح شهر نصب گردید که آقای خوانساری در روز جمعه نماز استسقا خواهد خواند. گروهی ایشان را از پایان بد کار بیم دادند اما او گفت حالا که چنین شده، خواندن این نماز بر من تکلیفی است و هر چه صلاح باشد همان واقع خواهد شد. با نزدیک شدن لحظه موعود بهائیان شهر، متفقین را به انگیزه های این حرکت بدبین نمودند تا جایی که این نیروها در پوششی دفاعی رفتند. در روز موعود، جمعیت از گوشه و کنار شهر روانه شدند تا به صحرای خاکفرج که در نیم کیلومتری شهر قرار داشت و مصلاهی آن محسوب می شد بروند. آیه الله خوانساری هم با طمأنینه و آرامش مخصوص و در حالی که پاها را برهنه کرده و تحت الحنک انداخته بود با عده ای از همراهان به سمت آن نقطه حرکت نمودند. جمعیت افزون بر بیست هزار نفر بود و ۳/۲ ساکنان شهر را در بر می گرفت. با عبور آرام مردم از کنار پادگان، شائبه های تردید زدوده شد و توطئه بهائیان بی اثر ماند. آن روز نماز خوانده شد اما اثری از اجابت دیده نشد. آیه الله خوانساری که بارها عطوفت و مهربانی پایان ناپذیر خدا را با همه وجود خود درک کرده بود، بخوبی می دانست که خواستن را با اصرار معنا بخشد. چه آنکه اگر خواهش باشد اجابت حتمی است. او بعد از پایان درس و بحث از شاگردانش خواست که تا همپای او باز به کوی خواهش روند و نماز بارانی دیگر بخوانند. این بار نماز در باغهای پشت قبرستان نوبیاگشت. غروب یکشنبه فرا رسید و آسمان بی تکه ابری سرخ گونگی خورشید را به نظاره نشست. گزارش هواشناسان غربی که در پادگان خاکفرج بودند گویای این بود که بارشی روی نخواهد داد.

دین ناباوران زبان تمسخر گشودند. استاد رسولی در خاطره خود می گوید: ((آن روز گذشت و ما مطابق معمول به نماز جماعت آیه الله خوانساری در مدرسه فیضیه رفتیم. اکنون یادم نیست که به چه مناسبتی شبها در مدرسه فیضیه بعد از نماز جلسه روضه خوانی و سخنرانی بود. مرحوم حاج محمد تقی اشرافی به منبر رفت و هنوز اوایل سخنرانی ایشان بود که باران شروع شد... آن شب باران مفصلی آمد.))

این باران چنان گسترده و بی امان بود که تا آن وقت چنین بارشی را کسی سراغ نداشت. بی سیم های پادگان خاکفرج به کار افتاد و خبر این حادثه شگفت به جهان مخابره شد و در مدتی کوتاه پس از تاءبید آن از طرف مقامهای رسمی لندن و آمریکا، از طریق رادیو انعکاس جهانی یافت.

حج نمونه

تا شهریور ۱۳۲۸ ش هفت سال می گذشت که ایران از حج محروم بود. در آن سال حضور روحانیان که تشنه تر از همه می نمودند در این حج، حضوری پر جلوه بود. حضوری آنچنان که حج آن سال را حجة العلماء نامیدند. روحانیان بزرگی چون آیه الله میرزا محمد فیض و تنی چند از علمای برجسته در این حرکت به چشم می خوردند. آیه الله خوانساری هم به دعوت یکی از بازاریان تهران به این کاروان پیوست. در همان روزهای نخست ورود ایشان به مکه او وحدت آفرین گشت و با اعلام ثبوت رؤیت ماه از طرف ایشان اختلاف رخت بریست و وقتی هم که جمعی از شیعیان از او تقاضای برپایی جماعت نمودند، او بی اعتنا به درخواست ایشان، به نماز جماعت برادران اهل سنت رفت. چه آنکه این حج برای همبستگی بود و دل بستگی و دمیدن روح برادری، تا در سایه وحدتی ظاهری روحها به وحدت رسد در مدینه نحل اقامت آیه الله خوانساری جای آمد و شد هیئت ها و کاروانهای مذاهب مختلف بود. از جمله آنها هیئت علمای مصر به سرپرستی شیخ حسن البناء، مرشد عام جمعیت اخوان المسلمین بود. گفتگوهای دوستانه اش آغاز گشت و تلاش آیه الله خوانساری در نزدیکی و ایجاد تفاهم هر چه بیشتر بود. در پاسخ به این خبر اخوان وحدت، خطبای مصری هم با او، همصدا گردیدند.

فتوهای شور آفرین

آیه الله خوانساری همگام با آیه الله حاج آقا حسین قمی، پیشگام مبارزه علیه کشف حجاب، در این مبارزه شرکت نمود. او در آن جو پراختناق در فتوای روشنگرانه بر زروری بودن حجاب پای فشرده.

با شروع شکل گیری توطئه اشغال فلسطین، آیه الله خوانساری با فریاد آیه الله کاشانی همونوا بود. او در فتوایی فداکاری و کمک مسلمانان را در قضیه فلسطین و جنگ صهیونیسم واجب شمرد سرانجام فریادها کارساز شد و هزاران فدایی اسلام آماده عزیمت به فلسطین گردیدند اما با سنگ اندازی های دولت وقت این اعزاز چشمگیر انجام نپذیرفت.

همگامی آیه الله خوانساری با آیه الله کاشانی مرزهای فراتری پیموده است. او با فتوایی سرنوشت ساز ملی شدن نفت را اعلام کرد و قطع دست غارتگران را از این سرمایه خداداد خواهان گردید. در هنگام برگزاری انتخابات مجلس هفدهم که پس از پیروزی نهضت ملی انجام گرفت، ایشان بار دیگر به یاری رهبری نهضت آیه الله کاشانی شتافت و در فتوایی مهم شرکت در انتخابات را ادای وظیفه شرعی دانست و سستی در این راه را عملی مسؤولیت آفرین در پیشگاه خدا قلمداد نمود. انتشار این فتوا، تأثیر بسزایی در انتخابات مزبور گذاشت. و در تهران تأثیر آن شگفت آورتر بود.

پاییز حزن

سال ۱۳۳۱ ش علما و مردم شهر همدان که از حال نامساعد آیه الله خوانساری با خبر بودند، از او خواستند تابستان را در هوای بیلاقی همدان سپری کند. با قبول این درخواست، آیه الله خوانساری با همراهانش آیه الله اراکی، آیه الله آخوند ملاعلی همدانی، آیه الله خمینی و فرزند بزرگشان سید محمد باقر، مؤلف محترم آقای مجتبی عراقی راهی آنجا گردید.

آیه الله خوانساری در استقبالی پر شور وارد شهر شد. در پی اغتنام از انفاس قدسی او مردم شهر از وی تقاضای اقامه جماعت در مسجد جامع کردند. در یکی از آن روزها که او برای برپایی نماز به مسجد می رفت، در بین راه دچار حمله قلبی گشت و سرانجام نزدیکیهای ظهر هفتم ذیحجه ۱۳۷۱ ق به احرام جانان در آمد و لیبیک گویان به سرای او شتافت که حج چهره ای از زندگی هر روز است. و چنین شد که رؤیای آیه الله بروجردی نیز تعبیر گشت. او در رؤیای در همان شبهای قبل از وفات آن فقیه نامدار دیده بود که سید مرتضی رحلت کرده و او را به شهر قم می آوردند. قبر او اینک در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام هم آغوش استادش آیه الله حائری قرار دارد.

خوشحال، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم خوشحال

محل تولد: لاهیجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای ابوالقاسم خوشحال در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در خانواده‌ای کاملاً مذهبی دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در شهر مقدس مشهد گذراند در پی تشویق پدر و علاقه خود به فراگیری زبان عربی و علوم دینی وارد حوزه علمیه مشهد شد و از خرمن بزرگان علم و ادب حوزه علمیه مشهد خوشه چینی کرد.

پس از مدتی تحصیل در مشهد به منظور ادامه تحصیل و بهره‌گیری از محضر عالمان و دانشمندان قم، بدانجا روانه شد. از نخستین روزهای سکونت در شهر قم، به جد و جهد، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد و ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت علیهم السلام از درس بزرگان آن دیار همچون آیت الله فلسفی، شاهرودی بهره‌ها برد. استاد ضمن تحصیل دروس حوزوی به فکر تحصیلات دانشگاهی افتاد و در رشته کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید. پس از اتمام تحصیلات به زادگاه خویش بازگشت و بر کرسی تدریس در دانشگاه مشهد تکیه زد، در این مدت دانشجویان فراوانی از محضر ایشان بهره‌های فراوان علمی برده‌اند. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کتاب و تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیاندیشیده است که کتابهای "امهات فلسفه اخلاق" و "تصحیح رساله ابهری" از جمله آثار ایشان است.

خیام، ابوالفتح، عمر

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۴۴۰/۴۱۷- وف ۵۲۵-۵۱۵ ق)، فیلسوف، ریاضیدان، منجم، نویسنده و شاعر. در نیشابور متولد شد. با میمون بن نجیب واسطی، امام ابوالمظفر اسفزاری، حکیم ابوالعباس لوکری عبدالرحمن خازنی و امام محمد غزالی همعصر بود. وی منجم دربار ملکشاه سلجوقی بود. سفرهایی به بلخ، اصفهان، بغداد و مکه داشت اما، بیشتر عمر خود را در نیشابور گذراند و در همان شهر درگذشت و در جوار امامزاده محمد محروق دفن شد. خیام از شخصیت‌های تاریخی است که در باب او داستانهای مجعول بسیاری ساخته‌اند و همین افسانه‌سازی سبب شده که در باب احوال و اقوال او اتفاق نظری بین پژوهندگان وی نباشد. خیام علاوه بر اینکه در فنون و علوم مختلف، ریاضی، نجوم، هندسه و فلسفه صاحب نظر بود، در شاعری نیز توانا بود و رباعیات او نه تنها در ایران، که در جهان نیز مشهور است و ترجمه‌ی جرالد فیتز از این رباعیات به زبان انگلیسی، باعث شهرت خیام در جهان شد. از آثار وی: «کتابی در جبر و مقابله به زبان عربی»، «رساله‌ای در شرح مشکلات اقلیدس»، «به عربی»، «رساله‌ای در طبیعیات»، «رساله‌ی فارسی در کلیات وجود»؛

«رساله‌ای در کون و تکلیف»، به عربی؛ «رساله‌ای در تعیین مقدار بیان زیج ملکشاهی»؛ «ترجمه‌ی فارسی خطبه‌ی ابن سینا در توحید»؛ «رساله‌ای در حل بعضی از مسایل جبر و مقابله»، به عربی؛ «رساله‌ی وجود»، به عربی؛ «رساله‌ای در جواب سه سوالی که در حکمت از او شده است»، به عربی؛ «رساله‌ی ضیاء العقلی در حکمت»، به عربی؛ «نوروز نامه»، به فارسی؛ «رباعیات»؛ «سلسله الترتیب»؛ و «قطعه‌هایی به عربی». [۱]

خواجه امام، حجة الحق، حکیم ابوالفتح (یا ابو حفص) عمر بن ابراهیم مشهور به خیام (یا خیامی) نیشابوری، فیلسوف و ریاضی‌دان و منجم و شاعر ایرانی در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم ه. است مولد و منشأ و اصل او نیشابور بود. ملکشاه بدو احترام می‌گذاشت ولی رابطه سنجر با او خوب نبود، زیرا سنجر در کودکی مبتلی به آبله شده بود و خیام نزد او رفت و بیرون آمد. وزیر مجیرالدوله از خیام پرسید: او را چگونه یافتی و به چه چیز علاجت کردی؟ امام گفت: این کودک مخوف است! خادم حبشی این سخن بشنید و به سنجر رسانید. چون وی از آبله برست بغض امام در دل گرفت. وی در ترتیب رصد ملکشاهی و اصلاح تقویم همکاری داشت. وفات او بین ۵۰۶ و ۵۳۰ ه. ق. اتفاق افتاده (آرامگاه خیام) خیام اشعاری به پارسی و تازی و کتابهایی به هر دو زبان دارد، از جمله رباعیات (ه. م.) او مشهور جهان است. از آثار او در ریاضی و جبر و مقابله (ه. م.)، رساله فی شرح ما اشکال من مصادرات کتاب اقلیدس، رساله فی الاحتیال لمعرفة مقداری الذهب والفضة فی جسم مرکب منهما (به طبع رسیده) لوازم الامکنه را باید نام برد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۶۸۵-۶۷۴/۲)، الاعلام (۱۹۵-۱۹۴)، با کاروان حله (۱۴۲-۱۲۷)، بهشت سخن (۸۷-۷۶/۲)، تاریخ ادبی ایران (۵۶۵، ۳۳۲، ۱۲۵/۱)، تاریخ ادبیات ایران (۴۴۳-۴۴۱، ۸۹، ۶۲، ۳۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۳۵-۵۲۳/۲)، تاریخ برگزیدگان (۴۳۵-۴۳۲)، تاریخ الحكماء قفطی (۳۳۸-۳۳۶)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۳۵۰-۳۰۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۱-۶۰)، تحلیل شخصیت خیام، ترانه‌های خیام (مقدمه)، ترجمه‌ی تمه‌ی صوان الحکمه (۷۳-۷۱)، چهار مقاله (مقدمه مصحح، ۱۰۱-۱۰۰)، چشمه‌ی روشن (۱۲۷-۱۰۷)، خیامی نامه، دایرةالمعارف فارسی (۹۲۹/۱)، دستور الوزراء (۱۷۱-۱۶۹)، دویت سخنور (۹۸-۹۶)، الذریعه (۳۸۰/۲۴-۳۱۵/۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۱۰-۱۰۷)، ریاض العارفين (۱۹۲-۱۹۱)، ریحانه (۲۰۱-۱۹۸/۲)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۳۵-۳۲۵)، سیری در شعر فارسی (۲۶۸)، شخصیت‌های نامی (۱۸۸-۱۸۶)، شعر العجم (۱۷۸/۱)، صبح گلشن (۱۵۹-۱۵۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶/۲۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۰۳-۲۰۱)، فرهنگ سخنوران (۳۲۴-۳۲۳)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۶۳-۱۶۲)، کشف الظنون (۹۷۲)، الکنی و الالقاب (۲۲۳-۲۲۲/۲)، گنج سخن (۲۸۹-۲۸۱)، گنجینه‌ی سخن (۱۳۶-۱۳۱)، لغت نامه (ذیل / خیام)، مولفین کتب چاپی (۶۲۹-۶۲۱/۴)، مجمع الفصحا (۶۰۸-۶۰۷/۲)، مخزن الغرائب (۷۸-۶۴/۲)، مرصاد العباد (۳۱)، مطلع الشمس (۱۷۳/۳)، معجم المؤلفین (۲۷۰-۲۶۹/۷)، مواد التواریخ (۵۹۶-۵۹۵)، نتایج الافکار (۴۶۵-۴۶۱)، نشتر عشق (۴۹۷-۴۹۵/۲)، هدیه الاحباب (۱۳۳)، هدیه العارفين (۷۸۷، ۷۸۵/۲)، هفت اقلیم (۲۵۹-۲۵۶/۲)، یادگار (س ۴، ش ۹ و ۱۰، ص ۹۰)، یغما (س ۶، ص ۷۱-۶۸، س ۷، ص ۳۲۰-۳۱۷).

خیری، یارعلی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم ق)، حکیم، طبیب و شاعر. در تهران متولد شد. میرزا یارعلی طبیب مخصوص شاه طهماسب صفوی بود. چون اداره‌ی امور

اوقاف و خیرات به او محول شده بود به حکیم خیری شهرت یافت. وی در کربلا وفات یافت. از آثار او «دیوان» شعر. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه: تحفه سامی (۲۴۷)، الذریعه (۱۳۰۵/۹)، ریاض العلماء (۳۳۲/۵) ریحانه (۵۷/۲).

دادبه، اصغر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اصغر دادبه در سال ۱۳۲۵ در یزد متولد شد. وی دارای لیسانس فلسفه و حکمت (۱۳۴۷)، فوق لیسانس (۱۳۵۰) و دکتری همان رشته (۱۳۵۹) از دانشگاه تهران می باشد. وی عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و بسیاری مجامع علمی و ادبی کشور است. وی در سال ۱۳۸۱ به عنوان چهره ماندگار در عرصه ادبیات عرفانی و فلسفه اسلامی معرفی شد. گروه: علوم انسانی رشته: فلسفه و حکمت اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای: علی اصغر دادبه پس از اخذ دیپلم در زادگاه خود یزد، به تهران آمد و پس از لیسانس ۱۳۴۷، فوق لیسانس ۱۳۵۰ و دکتری رشته حکمت و فلسفه را در سال ۱۳۵۹ از دانشگاه تهران دریافت کرد و وی ادامه زندگی علمی خود را به تحقیق و تدریس سپری می نماید. خاطرات و وقایع تحصیل: اخذ دکتری در رشته حکمت و فلسفه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۹ از مقاطع مهم زندگی تحصیلی علی اصغر دادبه می باشد. فعالیت‌های ضمن تحصیل: علی اصغر دادبه در حین تحصیل در دوره دکتری در دانشگاه تهران، در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به تدریس نیز مشغول بوده است. وقایع میانسالی: علی اصغر دادبه پس از اخذ مدرک دکتری فلسفه و حکمت از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۹، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد. وی در سال ۱۳۸۱ در دومین همایش چهره های ماندگار در زمینه ادبیات عرفانی برگزیده و معرفی شد. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: علی اصغر دادبه پس از اخذ دکتری فلسفه و حکمت از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۹ عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد. وی پیش از این نیز در دانشگاهها و مؤسسات آموزشی از سال ۱۳۵۳ مشغول به تدریس بوده است. فعالیت‌های آموزشی: علی اصغر دادبه از سال ۱۳۵۳ به تدریس در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اشتغال داشته است. اما پس از اخذ مدرک دکتر در سال ۱۳۵۹، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی شد و به تدریس دروس ادبی، حافظ شناسی و کلام اسلامی و فلسفه هنر پرداخت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: علی اصغر دادبه در کنار تدریس، به مطالعه و تحقیق در زمینه ادبیات عرفانی ایران و تالیف کتبی در این زمینه اشتغال دارد. آرا و گرایشهای خاص: علی اصغر دادبه از جمله فلاسفه و حکمای است که توجه خاصی به ادبیات به ویژه ادبیات عارفانه و حکیمانه فارسی دارد. جوایز و نشانها: علی اصغر دادبه در سال ۱۳۸۱، در دومین همایش چهره های ماندگار به عنوان چهره ماندگار در عرصه ادبیات عرفانی و فلسفه اسلامی معرفی شد.

آثار: ۱ تجلی آرای کلامی در شعر نظامی ۲ تصحیح دیوان نجیب کاشانی ۳ فخر رازی ۴ فرهنگ اصطلاحات کلامی ۵ کلیات فلسفه ۶ مفهوم رندی در شعر حافظ

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دارابی، عباس

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، فقیه، اصولی، عالم و فیلسوف. وی از عالمان بزرگ و فیلسوفان برجسته بود. در معقول و منقول سرآمد و در فقه و اصول نابغه بود. وی در اکثر علوم به مرتبه‌ی بلندی رسیده بود. حکمت را از ملا هادی سبزواری صاحب «منظومه» فراگرفت. وی کتاب «الاسفار» را به خط خود نوشت و حواشی بر آن نگاشت. این حواشی بر تبحر و تحقیق او دلالت می‌کند. از شاگردانش شیخ احمد شیرازی نجفی معروف به شانه‌ساز و میرزا ابراهیم نیریزی می‌باشند. از دیگر آثارش: شرح «دعاء کمیل»، به شیوه‌ی استادش در شرح «دعاء الصباح» و «دعاء جوشن»؛ شرح «قصیده‌ی میرفندرسکی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۵/۱۴، ۲۵۹/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۹۸۴-۹۸۳/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۰۶/۵).

داماد، محمد باقر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن شمس الدین محمد حسینی استرآبادی.

عالم فاضل حکیم فیلسوف ادیب شاعر متخلص به «اشراق».

چون پدرش داماد محقق کرکی بوده به داماد شهرت یافته، و این لقب در صاحب عنوان و احفادش تاکنون باقی مانده است.

در جمیع علوم از معقول و منقول و فقه و حدیث و رجال و بالآخر حکمت، از اساتید مسلم به شمار می‌رفته.

کتب زیادی تألیف فرموده که از آن جمله است ۱- اربعه الايام ۲- الافق المبین ۳- امانت الهی، در تفسیر آیه امانت ۴- انموزج العلوم ۵- ایقاظات ۶- تفسیر سوره اخلاص ۷- جبل المتین، در حکمت ۸- خلق الاعمال ۹- دیوان اشعار ۱۰- الرواشح السماویة ۱۱- الصراط المستقیم، در حکمت ۱۲- قیسات، در حکمت، و ۳۸ مجلد دیگر.

وفاتش در سال ۱۰۴۰ مابین کربلا و نجف در راه واقع شده، قبرش در نجف، و ماده تاریخ وفاتش: «عروس علم و دین را مرده

داماد» می‌باشد، و تاریخ‌های: «الرضی» و «الراضی»، که به ترتیب ۱۰۴۱ و ۱۰۴۲ می‌شود اشتباه است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دانشمند ایبوردی، ابوالحسن علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۶۶/۹۶۹ ق)، ریاضیدان، حکیم و شاعر شیعی. در کاشان دیده به جهان گشود. از چنان هوش و ذکاوتی بهره‌مند بود که در چهارده سالگی شرح «تجرید» را با حواشی آن که از متون مشکل حکمت است و کتاب «مجسطی» را در بیست و پنج سالگی درس می‌گفت و حافظه‌ای چنان نیرومند داشت که هر کتاب را یک بار می‌خواند و عبارت آن را هرگز فراموش نمی‌کرد. وی در علوم مختلف بویژه ریاضیات مهارت بسیار داشت چنان که گویند از زمان قدیم هیچ‌کس نکتی در علم ریاضی مانده بود که تنها شش

نکته‌ی آن توسط خواجه نصیرالدین طوسی حل شده بود و بقیه را وی حل کرد. ملا ابوالحسن در شعر فارسی نیز استاد بود و غزل را نیکو می‌سرود. فضل خلخالی و شیخ احمد خلخالی از شاگردان وی بودند. در کاشان در گذشت و جنازه‌ی وی به اردبیل منتقل شد و در آن جا دفن گردید. وی در اکثر رشته‌ها تالیفاتی دارد؛ از جمله: «الشوارق فی کلام»؛ «حل ما لاینحل» در حل دوازده مسأله ریاضی؛ «حسنا» در حکمت طبیعی؛ «مشارق» و «مرآت الافلاک»، در حکمت ریاضی؛ «حاشیه بر شمسیه»؛ «حاشیه بر تهذیب»، در منطق؛ «رساله اثبات واجب» به فارسی و «اثبات واجب» به عربی؛ «روضه الجنان» در حکمت؛ شرح «فرایض»؛ «دیوان» اشعار. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲/ ۵۹، ۵۹۴، ۲۴/ ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۸۵، ۶۸۳، ۳۴۸/ ۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۳-۴۴۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/۱۴۴)، فرهنگ سخنوران (۳۳۳)، کشف الظنون (۸۴۳)، معجم المؤلفین (۱۰/۷)، هدیه العارفین (۷۴۶/۱)، هفت اقلیم (۳۲-۳۱/۲).

داور شیرازی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۵-۱۲۵۱ ق)، فقیه، عارف، حکیم، تذکره‌نویس، شاعر، متخلص به داور. در شیراز متولد شد. در زادگاهش علوم ادبی و عربی، فقه و اصول و ریاضیات را فراگرفت و در عین حال مشغول ریاضت نیز بود. به کرمان رفت و در آنجا هم چله‌نشینی کرد و هم ریاضیات را تکمیل کرد و در شیراز مدتی به تدریس فقه و اصول و تفسیر کلام پرداخت. داور مدتی امام جماعت شاهچراغ بود و در شاعری استاد فرصت شیرازی و قدسی مشهدی. از آثار وی: «اصلاح الفاظ»؛ «حاشیه‌ی تفسیر صافی»؛ شرح «زیارت عاشورا»؛ «ضیاء القلوب»؛ «نور الیقین فی شرح الاربعین»؛ «دیوان» اشعار؛ «مرآت الفصاحه»؛ «اساس الکمال»؛ «گنج گوهر»؛ «العشره الکامله»؛ «الاربعین»، در شرح چهل حدیث. [۱]

(شیخ) محمد مفید بن محمد نبی بن محمد کاظم بن عبدالنبی شیرازی، امام جماعت شاه چراغ در شیراز و مردی فاضل (و. ۱۲۵۱- ف. شیراز ۱۳۲۵ ه. ق.). وی استاد فرصت بود افادات او در باب اشعار حافظ در حواشی دیوان حافظ چاپ قدسی مندرج است. قبرش در قبرستان «درسلم» در جنوب شیراز است

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار العجم (۳۳-۲۶)، ایضاح المکنون (۶۸۸، ۴۶۱، ۲۶۵، ۱۰۱/ ۲، ۹۰/ ۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۲۶۳- ۲۴۷/ ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۱۷-۴۹۳/ ۲)، الذریعه (۲۶۸-۲۶۷، ۱۲۷/ ۱۵، ۱۰۸۸-۱۰۸۷، ۳۱۹/ ۹)، ریحانه (۳۶۰- ۳۵۹/ ۵)، مرآت الفصاحه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۱-۲۷۰/ ۶)، هدیه العارفین (۴۶۹/ ۲).

داوری اردکانی، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر رضا داوری اردکانی متولد ۱۳۱۲، اردکان و دارای دکترای تخصصی فلسفه از دانشگاه تهران است. داوری در سال ۱۳۴۶

استادیار دانشگاه تهران شد و در سال‌های ۱۳۵۰ به مقام دانشیاری نائل آمد و در نهایت در سال ۱۳۶۲ استاد تمام دانشگاه در رشته فلسفه شد. وی هم اکنون عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا داوری اردکانی اردکان یزد به دنیا آمد و تا پایان دوره اول متوسطه در آنجا به مدرسه رفت. در سال ۱۳۳۰ از دانشسرای مقدماتی اصفهان دیپلم گرفت و در مهرماه همان سال به استخدام وزارت فرهنگ (وزارت آموزش و پرورش فعلی) درآمد و چندین سال در مدارس شهرهای اردکان، اراک، قم و تهران تدریس کرد. در سال ۱۳۳۴ برای تحصیل به دانشگاه تهران وارد شد و در رشته فلسفه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۶ به اخذ درجه دکتری نائل آمد.

وقایع میانسالی : داوری در سال ۱۳۴۶ استادیار دانشگاه تهران شد و در سال‌های ۱۳۵۰ به مقام دانشیاری نائل آمد و در نهایت در سال ۱۳۶۲ استاد تمام دانشگاه در رشته فلسفه شد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی : فعالیت های اجرایی رضا داوری اردکانی : سرپرست کمیسیون ملی یونسکو در ایران عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی سردبیر مجله نامه فرهنگ سردبیر مجله فرهنگ مدیر عامل انتشارات علمی و فرهنگی عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران رییس فرهنگستان علوم دبیر سرویس هنری مجله سوره نوجوانان سردبیری مجله ادبیات داستانی دبیر سرویس ادب و هنر کیهان همکاری با چندین نشریه فعالیت های فرهنگی - اجتماعی : عضو هیأت مؤسس انجمن قلم ایران عضو هیأت مدیره و بازرسی انجمن قلم ایران در چندین دوره عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران عضو انجمن صنفی روزنامه نگاران مسلمان عضو سازمان بسیج مهندسين

فعالیت‌های آموزشی : فعالیت های آموزشی رضا داوری اردکانی : استادیار دانشگاه تهران (گروه آموزش فلسفه) دانشیار دانشگاه تهران (گروه آموزش فلسفه) استاد دانشگاه تهران (گروه آموزش فلسفه) رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مدیر گروه آموزشی فلسفه دانشگاه تهران فعالیت های علمی - پژوهشی : تهیه استاندارد برای دسته سیم خودرو در آزمایشگاه کنترل کیفی مؤسسه عترت

چگونگی عرضه آثار : سایر تخصص ها براساس اولویت رضا داوری اردکانی : داستان نویسی - نقد و بررسی ادبی -----

آثار :

۱ اندیشه و تمدن غربی

ویژگی اثر : ساقی ۸۰

۲ انسان و فلسفه معاصر

ویژگی اثر : موسسه توسعه دانش و پژوهش ، تهران ۸۳

۳ اوتوبی و عصر تجدد

۴ تفکر پست مدرن

۵ چند نامه به دوست آلمانی، آلبر کامو (ترجمه)

۶ درباره علم (ویراست دوم)

ویژگی اثر : هرمس ۸۰

۷ درباره علم

- ۸ درباره غرب (ویراست دوم)
- ۹ درباره غرب
- ویژگی اثر: هرمس ۷۹
- ۱۰ دفاع از فلسفه
- ۱۱ رساله در باب سنت و تجدد
- ویژگی اثر: ساقی ۸۴
- ۱۲ سنت و تجدد
- ۱۳ سیری انتقادی در فلسفه کارل پوپر
- ویژگی اثر: موسسه اندیشه اسلامی ۷۹
- ۱۴ شاعران در زمانه عسرت
- ۱۵ فارابی مؤسس فلسفه اسلامی
- ۱۶ فارابی، فیلسوف فرهنگ
- ویژگی اثر: ساقی ۸۲
- ۱۷ فرهنگ، خرد و آزادی
- ۱۸ فلسفه تطبیقی
- ویژگی اثر: ساقی ۸۳
- ۱۹ فلسفه چیست؟
- ۲۰ فلسفه در بحران
- ۲۱ فلسفه در دام ایدئولوژی
- ۲۲ فلسفه در قرن بیستم، ژان لاکوست (ترجمه)
- ۲۳ فلسفه کارل پوپر (تجدید چاپ)
- ۲۴ فلسفه مدنی فارابی
- ۲۵ فلسفه معاصر ایران
- ویژگی اثر: ساقی ۸۴
- ۲۶ فلسفه و انسان معاصر
- ۲۷ فلسفه، سیاست و خشونت
- ۲۸ ما و راه دشوار تجدد
- ویژگی اثر: ساقی ۸۴
- ۲۹ مبانی نظری تمدن غربی
- ۳۰ مقام فلسفه در تاریخ دوره اسلامی
- ۳۱ ناسیونالیسم و انقلاب
- ۳۲ ناسیونالیسم و حاکمیت ملی
- ۳۳ وضع کنونی تفکر در ایران

منابع زندگینامه :

فصلنامه هنر، ج ۳، بهار و تابستان ۱۳۶۲

داوودی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد داوودی

محل تولد: خمین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد داوودی فرزند شهید محمد عیسی داوودی در سال ۱۳۴۵ در روستای جوادیه از توابع شهرستان خمین در خانواده‌ای مذهبی متولد شدم. تحصیلات خود را از سن ۵ سالگی در مکتب خانه‌ای در همان روستا شروع کردم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را نیز در همان روستا به پایان رساندم و برای ادامه تحصیل به شهرستان خمین رفتم. سال اول دبیرستان را در هنرستان شهید چمران در رشته برق به پایان رساندم. لازم به ذکر است که در طول تحصیل همیشه شاگرد اول بوده‌ام و در امتحانات نهایی راهنمایی، در کل شهرستان شاگرد اول شدم. در سال ۶۲ - ۶۳ تحصیلات حوزوی را در شهرستان محلات شروع کردم و سال بعد برای ادامه تحصیل وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۶۵ همزمان با ادامه تحصیلات حوزوی، وارد موسسه در راه حق شدم و بعد از پایان دوره تحصیلات پنج ساله در این موسسه، وارد دفتر همکاری حوزه و دانشگاه شدم و تحصیلات خود را در رشته علوم تربیتی در این دفتر شروع کردم. در سال ۷۹، فوق لیسانس را از این دفتر دریافت کردم و در همان سال تحصیلات خودم را در دوره دکتری فلسفه و تاریخ تعلیم و تربیت در دانشگاه تربیت معلم شروع کردم. تحصیلات حوزوی خود را در دوره خارج نیز در محضر اساتید بزرگوار آیات عظام فاضل لنکرانی و آقا سید علی محقق (دام ظلهم) ادامه دادم. طرح سیره تربیتی معصومین (ع) را در سال ۷۶ در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، زیر نظر حجت الاسلام علی رضا اعرافی به همراه چند تن دیگر از دوستان شروع کردیم که بخشی از ثمره آن، کتاب (سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام: تربیت دینی است) می‌باشد. همچنین در ادامه کار، کتاب (نقش معلم در تربیت دینی) را تدوین کرده‌ام که در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسید. در کنار این کار، بنده در دانشگاه نیز به تدریس معارف اسلامی و اخلاق اسلامی مشغول شده و در حوزه نیز برخی موضوعات تربیتی مانند مدیریت آموزشی، تعلیم و تربیت اسلامی و سیره تربیتی معصومین (ع) را تدریس می‌کنم.

دبیران قزوینی، نجم‌الدین، ابوالحسن، ابوالمعالی علی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۷۹ - ۶۰۰ ق)، منجم و حکیم شافعی. در قزوین متولد شد. از اکابر علما و حکما و دانشمندان رصد و ریاضیات شافعیه می‌باشد که با منطق و هندسه و فنون حکمت آشنا و در آلات رصدیه ماهر و متبحر بود. او استاد علامه‌ی حلی و قطب‌الدین محمود شیرازی و شاگرد خواجه نصیر طوسی بود. در نجوم دست داشت و به دعوت خواجه نصیر طوسی به مراغه رفت و در کار رصد با او همکاری کرد. کاتبی در قزوین تدریس می‌کرد، حوزه‌ی درس او مجمع افضال بود وی به تشیع هم گرایش وافر داشت. از آثار وی: «شمسیه»، در قواعد منطق؛ «شرح کشف»؛ «شرح حکمت العین»، در منطق و ریاضی؛ «شرح جامع الدقائق فی کشف الحقائق»؛ در منطق؛ «بحر الفوائد» در شرح «عین القواعد»؛ «المفصل» شرح «المصحل» امام فخر رازی، در کلام؛ «عین القواعد»، در منطق و حکمت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۳۱/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۴۳- ۲۴۲/۳)، تاریخ گزیده (۷۰۶)، حیب السیر (۱۰۷/۳)، ریحانه (۱۷- ۱۶/ ۵)، کشف الظنون (۱۶۱۴، ۱۱۸۲، ۱۰۶۳، ۶۸۵، ۵۴۰)، الکنی و الالقاب (۱۰۰/۳)، لغت نامه (ذیل / علی، کاتبی، دبیران)، معجم المؤلفین (۱۵۹/۷)، مینودر (۷۹۹- ۷۹۸/۲)، هدیه الاحباب (۲۲۲)، هدیه العارفین (۷۱۳/۱).

در کوشکی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند محمّد جعفر. حکیم فیلسوف، از علمای معقول، و از اجلّه‌ی حکما و مدرّسین، و استاد مرحوم آقا سید ابوالقاسم دهکردی بوده، و در روز جمعه ۱۵ شوال سال ۱۳۰۴ وفات یافته، در تخت فولاد روبروی سکوی اژه‌ایها مدفون گردید. خود از شاگردان ملا اسماعیل واحد العین و میرزا حسن نوری و دیگران بوده است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

دستغیب شیرازی، ابوالحسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(توح ۱۲۶۰ ق)، حکیم، مجتهد و شاعر، متخلص به دستغیب. در شیراز به دنیا آمد و در آنجا علوم فقه و اصول و منطق و حکمت را فراگرفت. تولیت بقعه‌ی امامزاده‌ی سید میرمحمد بن امام موسی بن جعفر (ع)، با او بود و مدتی تولیت مسجد نصیرالملک را نیز بر عهده داشت نصیرالدین فرصت از شاگردان وی می‌باشد که در محضرش حکمت الهی را فراگرفته است. از آثار وی: حواشی بر «اسفار اربعه» صدرالمتالهین؛ شرحی بر «کلمات قصار» امیرالمومنین (ع)؛ اشعار و خطب عربی و فارسی. [۱]

میرزا ابوالحسن دستغیب مجتهد و حکیم شیرازی بن میرزا احمد بن میرزا مهدی متولد حدود ۱۲۶۰ ق.

سید ابوالحسن دستغیب شیرازی از افاضل علماء و در علوم معقول و ریاضیات مهارت بسزائی داشته و بعد از ۱۳۰۰ وفات نموده برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۴۵۰)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۲۹/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۲/۱۴)، طرائق الحقائق (۳۳۲/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۹۱۵-۹۱۴/۲)، فرهنگ سخنوران (۳۴۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۴۳/۵).

دستغیب، عبدالعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالعلی دستغیب محقق و پژوهشگر معاصر است. اودر زمینه فلسفه و نقد ادبی فعالیت می‌نماید. از او تالیفات و ترجمه‌های گران سنگی موجود است. وی که سالها به تدریس پرداخته بود پس از بازنشستگی امر تحقیق تفحص در زمینه‌های فوق رابه طرز جدی پی گرفته است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: عبدالعلی دستغیب در خانواده‌ای فرهنگی به دنیا آمده است. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: عبدالعلی دستغیب تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرهای فیروز آباد و جهرم به پایان برد و در سال ۱۳۲۷ وارد دانشسرای مقدماتی شیراز شد. او در سال ۱۳۳۷ برای تحصیل دانشگاهی به تهران آمد و در دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در رشته فلسفه مشغول به تحصیل شد. وقایع میانسالی: مهمترین واقعه بوقوع پیوسته در دوران میانسالی عبدالعلی دستغیب، این بود که پس از کودتای مرداد ماه ۱۳۳۲ به واسطه فعالیت اجتماعی منتظر خدمت شده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عبدالعلی دستغیب ابتداء معلمی در دبستان‌ها و دبیرستانها کازرون به جهرم و شیراز پرداخت. او در ضمن تدریس به مطالعه فرهنگ عامه (فولکور) و جمع‌آوری ترانه‌ها و قصه‌های عامیانه نیز اشتغال داشت. مدتی نیز یکی از دفاتر اسناد رسمی شیراز دفتر نویس شد و سپس به خدمت اداره بهداشت درآمد و برای انجام خدمات درمانی به تمام نقاط استان فارس سفر کرد. او از سال ۱۳۵۹ که بازنشسته شد در مدارس تربیت معلم و دانشکده‌ها به تدریس فلسفه و ادبیات فارسی مشغول شد.

فعالیت‌های آموزشی: مهمترین فعالیت آموزشی عبدالعلی دستغیب، نقد ادبی است که از سال ۱۳۳۷ وارد این حیطه ادبی شده است. او در این زمینه آثار متعددی به چاپ رسانیده است.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: مهمترین فعالیت و برنامه روزمره عبدالعلی دستغیب، تحقیق و تفحص است. او مقالات بسیاری در زمینه ادبیات و فلسفه در مجلات گوناگونی همچون سخن، راهنمای کتاب، نگین، فردوسی، نامه فلسفه، آدینه، دنیای سخن و کیهان فرهنگی منتشر کرده است.

همفکران فرد: یکی از همفکران عبدالعلی دستغیب، جلال آل احمد بود. آن دو اکثر در محافل ادبی یکدیگر را می‌دیدند. آرا و گرایشهای خاص: عبدالعلی دستغیب معتقد است که هیچ اثر هنری و ادبی در خلاء به وجود نمی‌آید. بلکه نویسنده در ارتباط با مردم است که دریافت‌های بدست می‌آورد و آن را می‌نگارد. یعنی آنها را از فیلتر احساسات و عواطف خویش عبور می‌دهد.

- ۱ به سوی داستان نویسی بومی در زمینه نقد ادب و هنر
- ۲ تحلیلی از شعر نو فارسی
- ۳ ترجمه «چرا مسیحی نیستم؟»
- ۴ ترجمه دجال
- ویژگی اثر: این کتاب تالیف فرید ریش نیچه است.
- ۵ ترجمه شامگاه بت ها
- ۶ ترجمه طوفان
- ویژگی اثر: این کتاب تالیف شکسپیر بوده و با همکاری دکتر دولتشاهی ترجمه شده است.
- ۷ چهار سوار سرنوشت
- ۸ حافظ شناخت
- ۹ سایه روشن شعر نو فارسی
- ۱۰ فلسفه تاریخ هگل
- ۱۱ فلسفه شعر پنهانور
- ۱۲ فلسفه مارکس
- ۱۳ فلسفه نیچه
- ۱۴ هنر و واقعیت در آئینه نقد
- ۱۵ هیدگر و شاعران
- منابع زندگینامه:
- ۱ اجلال، مرد امروز، کیهان فرهنگی، سال هیجدهم، مهرماه ۱۳۸۰، شماره ۱۸، ص ۱۰

دشتکی شیرازی، صدرالدین، ابوالمعالی محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۲۸- شهادت ۹۰۳ ق)، حکیم و فقیه امامی. معروف به صدرالدین کبیر و ملقب به صدرالعلماء، صدرالحکماء، صدرالحقیقه و سیدالحکماء. نسب وی به زید شهید فرزند حضرت سجاد (ع) می‌رسد. او پدر امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی است. در شیراز به دنیا آمد. علوم دینی را نزد پدر و و امیر نظام‌الدین احمد بن اسحاق فراگرفت و علوم ادبی را از پسر عمه‌اش امیر حبیب‌الله آموخت و علوم عقلی را نزد سید دانشمند مسلم فارسی یاد گرفت. با قوام‌الدین کرمانی که از شاگردان برجسته‌ی شریف جرجانی است مباحثات و مناظراتی داشت. وی در فن مناظره یگانه عصر خویش بود و مناظرات او با علامه دوانی مشهور است. از شاگردان وی می‌توان به حاج محمود نیریزی و شیخ تقی‌الدین ابوالخیر اشاره کرد. در عهد شاه طهماسب صفوی مدتی منصب صدارت داشت و سرانجام به دست ترکمانان در شیراز شهید شد و در مدرسه منصوریه به خاک سپرده شد. از آثار وی: «اثبات الواجب تعالی»؛ «الحقایق المحمدیه»؛ «الجزر الاصل»؛ در تحقیق مغالطه معروف به جذر اصم؛ حاشیه بر «تیسیر الوصول الی جامع الاصول»، در فقه شافعی؛ حاشیه بر «شرح تجرید» قوشچی؛ حاشیه «شرح مختصر الاصول» عضدی؛ حاشیه «شرح مطالع»؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛

حاشیه «مطول»؛ رساله‌ای در علم کشاورزی و چندین رساله دیگر.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۹۲/۶)، اعیان الشیعه (۶۰/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹، ۸۳، ۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۸۵)، الذریعه (۳۷/۲۵، ۳۶، ۳۵-۳۷، ۷/۳۵، ۱۳۵/۶، ۹۲/۵، ۱۰۸/۱)، ریحانه (۴۲۶/۳)، شهیدان راه فضیلت (۱۸۸-۱۸۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۹-۲۱۸ / ۱۰)، الکنی و الالقاب (۴۱۱/۲)، لغت نامه (ذیل / صدرالدین)، معجم المؤلفین (۲۱۵/۸)، هدیه الاحباب (۱۸۶)، یادداشتهای قزوینی (۲۵۱/۵).

دشتکی شیرازی، غیاث‌الدین، منصور

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۴۸-۹۴۰ ق)، متکلم نامی، حکیم الهی و عالم امامی. معروف به خاتم الحکماء و استاد البشر و عقل حادی عشر (الامام الاثمه) و مشهور به غیاث الحکماء و غیاث‌الدین. نزد پدر و دیگر عالمان زمان دانشهای عقلی و نقلی را فراگرفت. در چهارده سالگی داعیه‌ی جدل و مناظره با علمه دوانی داشت و در بیست سالگی از تحصیل و کسب علوم فراغت یافت و در چهل و سه سالگی از طرف شاه اسماعیل مامور تعمیر رصدخانه مراغه شد. در ۹۳۶ ق به صدارت شاه طهماسب صفوی رسید و پس از مباحثات علمی با محقق کرکی از صدارت کنار رفت و در شیراز اقامت گزید تا درگذشت. وی مدرسه‌ی منصوریه را در شیراز تاسیس کرد. از آثار وی: «اثبات الواجب تعالی» به نام «المشارق»؛ «اخلاق مصنوری»، به فارسی؛ «الاساس»، در هندسه؛ «الاشارات و التلویحات» و «التجريد»، در حکمت؛ «معالم الشفاء» و «مختصر آن الشافیه» در طب؛ «تحفه شاهی»؛ «تعديل الميزان» و مختصر آن «معیار الافکار»، در منطق؛ «جام جهان نما»؛ «آداب البحث و المناظره»، شرح «آداب البحث» عضدایجی؛ «اشراق هیاکل النور عن ظلمات شواکل الغرور»، در شرح «هیاکل النور» سهروردی؛ «کشف الحقایق المحمدیه»؛ «تفسیر سوره‌ی هل اتی»؛ «حجه الکلام»؛ «اللوامع و المعارج» و «سفیر الغبراء و الخضراء»، در هیئت؛ «هئیت دشتکی»؛ «التصوف و الاخلاق»؛ «تکمله المجسطی»؛ «تسطیح الاسطرلاب»؛ حاشیه بر «الهیات شفاء»؛ حاشیه بر «شرح الاشارات»؛ حاشیه بر «شرح حکمه العین»؛ حاشیه بر اوایل تفسیر «الکشاف»؛ «مقالات العارفين»؛ «المحاكمات» بین حواشی پدرش امیر صدرالدین و حواشی علامه دوانی بر «شرح التجريد» و بین حواشی آن دو بر «شرح المطالع» و بر «شرح مختصر الاصول»؛ «دیوان» شعر.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احسن التواریخ (۳۹۴-۳۹۱)، الاعلام (۲۴۵-۲۴۴/۸)، اعیان الشیعه (۱۴۱/۱۰)، ایضاح المکنون (۵۳۳، ۵۱۶، ۵۱۵، ۵۰۵، ۴۸۴، ۴۴۱، ۴۱۵، ۳۷۴، ۲۱۹، ۲/۶۰۱، ۲۹۵، ۲۷۹، ۱۶۰، ۸۴، ۶۸، ۵۰، ۱/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۷، ۳۰۴-۲۹۹/۵)، تاریخ نظم و نثر (۳۷۶-۳۷۵)، حبیب السیر (۶۰۴/۴)، الذریعه (۲۵۷/۲۵، ۲۷۸، ۲۱/۲۰۰، ۳۷۰/۱۸، ۹۱/۱۵، ۱۹۲/۱۲، ۱۸۶/۱۰، ۱۱۰۹، ۷۹۵، ۹/۲۱۴، ۱۴۳، ۷۸، ۷۳، ۶۷، ۶۰، ۴۶، ۱۱، ۹/۶، ۲۹۵/۵، ۴۱۶، ۳۴۴، ۲۱۱، ۱۹۹/۴، ۴۴۳، ۳۵۱، ۳-۳۵۰، ۱۰۴-۱۰۳، ۹۶، ۴/۲، ۳۷۹-۳۷۸، ۳۷۸، ۲۵۲، ۱۰۹، ۱۴/۱)، روضات الجنات (۱۸۸-۱۶۶/۷)، ریحانه (۲۶۰-۲۵۸/۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۵۷-۲۵۴/۱۰)، طرائق الحقائق (۱۲۲-۱۲۱/۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۰۴۰-۱۰۳۹/۲)، فرهنگ سخنوران (۴۴۲)، فوائد الرضویه (۶۶۹-۶۶۸)، کشف الظنون (۲۰۴۷، ۱۵۰۱، ۱۱۴۱، ۱۱۱۷، ۸۸۶، ۴۴۹، ۳۵۰)، الکنی و الالقاب (۴۹۸-۴۹۷/۲)، لغت نامه (ذیل / غیاث‌الدین)، مجالس المومنین (۲۳۳-۲۳۰/۲)، معجم المؤلفین (۱۹/۱۳)، هدیه العارفين (۴۷۵/۲).

دشتکی شیرازی، نظام‌الدین احمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۱۵ ق)، حکیم، ادیب و شاعر. ملقب به سلطان الحکماء و سید العلماء. وی پدر بزرگ سید علی خان مدنی شیرازی بود. از تالیفات وی: «اثبات الواجب الصغیر»؛ «اثبات الواجب الکبیر»؛ «اثبات الواجب الوسیط». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: الذریعه (۱۰۳/۱)، ریحاه (۲۰۱-۲۰۰/۶).

دشتی فارسی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۹/۱۲۹۸-۱۲۴۶ ق)، ادیب، حکیم و شاعر، متخلص به دشتی. وی اهل دشتستان بود از طایفه حاجیان. در محضر پدرش و دیگر فاضلان شره علوم ادبی و تازی را آموخت پس از فوت ضابط دشتی به حکومت آن نواحی رسید، در دوره‌ی حکومتش به دستگیری از مستمندان و فقیران پرداخت. از جمله آثارش: «دیوان» شعر؛ «نمکدان»؛ «طریق السلوک»؛ «کلام الملوک». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم) منابع زندگینامه: حدیقه الشعراء (۶۲۲-۶۲۱/۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۴۶-۵۳۸/۲)، الذریعه (۳۱۳/۲۴، ۱۱۱/۱۸، ۳۲۶/۹)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۳۳۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۱-۴۷۰/۵)، مرآت الفصاحه (۲۱۵-۲۱۴)، مکارم الاثار (۱۲۸۹-۱۲۸۸/۴).

دلیر، بهرام

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

بهرام دلیر

محل تولد: نقده

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۰ در جبهه‌های حق علیه باطل که بطور خدا خواهی با یک روحانی رزمنده هم سنگر شدیم و او در سال

۱۳۶۱ اولین انگیزه را برایم ایجاد نمود که وارد حوزه علمیه شوم سال تحصیلی ۱۳۶۱-۶۲ بود که وارد حوزه علمیه ارومیه شدم در آنجا شاید سه ماه بودم که عازم مدرسه ولیعصر عج تبریز شدم سال تحصیلی ۶۲ را به پایان بردم در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم و درسها را دوباره از اول شروع کردم در ادبیات و قسمتی از معالم الاصول را نزد مرحوم مغفور استاد و ادیب مدرس افغانی خواندم در این ایام تابستان زمستان تحصیلی و تعطیلی اشتغال به درس داشتم مگر در فرصتی که عازم جبهه می شدم. لمعتین را با آیه الله اشتهاوردی و آیت الله وجدانی فخر و آیت الله استادی به پایان بردم اصول فقه را با محمدی خراسانی. اما رسایل را با آیت الله اعتمادی و مکاسب را با اساتید متعدد از جمله آیت الله ستوده موسوی تبریزی، کفایه الاصول را با آیت الله اعتماد و آیت الله محفوظی خواندم.

در کنار تحصیلات ادبیات و بعضی از درسهای دیگر را تدریس می کردم تا اینکه در سال ۱۳۶۷ در درس خارج اصول آیت الله مفتی الشیعه و در فقه درس خمس آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم و در سال ۱۳۶۸ در درس خارج فقه و اصول المقارن آیت الله خبارن که بمدت شاید ۱۲ سال زحمت ما را کشید و ذره پروری نمود در درس آیت الله فاضل لنکرانی و موسوی اردبیلی کم و بیش شرکت می کردم. تمام امتحانات شورای مدیریت را دادم و مصاحبه ۶ سال در خارج فقه و نیز اصول را هم به پایان رساندم.

در سال ۱۳۷۲-۱۳۷۳ در حوزه علمیه امام خمینی سنقر کلیانی تدریس کردم و در سال ۱۳۷۳ در حوزه علمیه قم تدریس جدی سطح را آغاز کردم که هنوز هم ادامه دارد. درسهایی که طی این مدت تدریس شد در موضوعات مختلف بوده است. لازم بذکر است که در کنار تدریس، درس خارج را با آیت الله جناتی ادامه دادم و بطوری تفصیلی و تحقیقی شروع به تحصیل معقول نمودم با اساتیدی همچون آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی و قبلا- با آیت الله گرامی و بطور مستمر و پی گیر با حکیم دست پرورده علامه طباطبایی یعنی آیت الله عسگری گیلانی که تا سال ۱۳۸۲ ادامه داشت که در این مدت کل اسفار ملاحظه بجز (ج ۴۵) و کل اسفار الهیات و تمام اشارات بوعلی و در عرفان کتاب تمهید القواعد، فصوص الحکم و مصباح الانس را به پایان بردم.

اما چگونگی تحصیل این دروس بخصوص با استاد عسگری بدین صورت بود که یک درس در ایام تحصیل بود و یکی هم شبهای تعطیلی به طور مثال ج ۱ اسفار در ایام تحصیلی خوانده می شد و ج ۸ در ایام و شبهای تعطیل در پایان سال هر دو جلد به پایان می رسید و جدیتی که بود و زحمات طاقت فرسایی که استاد می کشید باعث شد که یک دوره معقول را به خوبی به پایان برسانم. در سال شاید ۱۳۷۳ بود که پایان نامه سطح چهار را نوشتم و برای دفاع رفتم اما اتفاق تلخی که در آن جلسه رخ داد، بنده را به طور عجیبی دگرگون نمود که طوری شد که بعد از جلسه تصمیم به ادامه درسهای کلاسیک را گرفتم و به طور متفرقه دیلم را گرفتم و سپس در کنکور سراسری شرکت کردم و با رتبه‌ای خوب در رشته فلسفه غرب دانشگاه تهران قبول شدم و به مجتمع آموزش عالی قم آمدم و مشغول به تحصیل شدم مدتی خواندم با اینکه در این زمان به طور سخت بحثهای حوزوی خود اعم از تحصیل و تدریس را داشتم ولی بعد دیدم که چیزی از آن رشته عاید نمی شود لذا تغییر رشته داده و در علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) ادامه داده تا اینکه در کارشناسی ارشد علوم سیاسی هم قبول شدم و به پایان رساندم با معدل نزدیک به ۱۹ تمام شد.

و در مدت تحصیل دانشگاه چند واحدی هم در طی پنج سال در همان دانشگاه تدریس می کردم و در این مدت با هر مشکلی در افتادم و خداوند هم سرفراز از آن مشکل بیرون می آورد. درسهای که تدریس کردم در مدرسه فیضیه بیشتر بوده عبارتند از: رسائل، مکاسب، کفایه الاصول، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه، اشارات بوعلی سینا و در منزل حکمت عملی مدینه فاضله فارابی، نهج البلاغه، تفسیر و در ایام تعطیل در مدرسه فیضیه، رجال، درایه، کلام و غیره و به صورت آزاد با بعضی از فرهنگیان گلشن راز شیخ محمود شبستری و منازل السائرین که هنوز هم ادامه دارد.

دماوندی، محمدباقر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۷ ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، ریاضی‌دان و زاهد. او در نجف در محضر شیخ انصاری و سید حسین کوهکمری به مقامات عالی‌ه‌ی علمی رسید، تا جایی که علامه‌ی کوهکمری وی را بر میرزای بزرگ شیرازی برتری می‌داده است. گذشته از فقه و اصول، دماوندی در علم طب و حکمت و ریاضیات ماهر بود و بر تاریخ و سیر احاطه‌ی بسیاری داشت، و از حافظه‌ی قوی و عجیبی نیز برخوردار بود به طوری که بیشتر متون ادبی و فقهی را در حافظه داشت. در عصر علامه کوهکمری به دماوند بازگشت و در آن نواحی مرجع امور دینی مردم شد. او از مکارم والای اخلاقی برخوردار بود. [۱]

محمدباقر بن حسن سارانی عالمی بزرگ و دانشمندی متقی و پارسا بوده است وی از دماوند هجرت به نجف اشرف نموده و از محضر علامتین شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوهکمری استفاده نموده و در عصر علامه کوهکمری به دماوند برگشته و به وظائف دینی پرداخته است دارای کمالات و مقامات عالی‌ه علم و عمل بوده تا جایی که علامه کوهکمری وی را بر میرزای بزرگ مجدد شیرازی تفضیل می‌داده است مخصوص در علم طب و حکمت و ریاضیات ید طولانی داشته و به تواریخ و حکایات اطلاع زیاد و حافظه‌اش نیز عجیب و بیشتر متون ادبیه و فقهیه را محفوظ بوده و در دماوند و حومه آن ریاست تامه داشته و حتی در بعضی از قضایا علامه کنی ره با وی معارضه می‌نموده است و آن مرحوم عالمی ثروتمند و میهمان‌دوست و کریم‌النفس و منیع‌الطبع و بخشنده بوده است در سال ۱۳۰۷ قمری وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۶- ۲۰۵/ ۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۷- ۱۵۶/ ۵).

دوانی، جلال‌الدین محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۸۳۰- ح ۹۱۸/۹۰۸ ق)، حکیم، فیلسوف، فقیه، متکلم، مفسر، قاضی و شاعر، متخلص به جلال و دوانی نیز فانی. معروف به علامه دوانی و مشهور به محقق دوانی. نسبش به محمد بن ابی‌بکر می‌رسد. در دوان از قرای کازرون فارس متولد شد. ابتدا نزد پدر دانش آموخت و سپس برای تکمیل معلومات خود به شیراز رفت و در خدمت ملا محی‌الدین انصاری (از اولاد سعد بن عباد صحابی) درآمد. دوانی مسافرت‌هایی به گیلان، کاشان، تبریز، عراق، مدینه و مکه داشت. در شیراز اقامت گزید و سالها در مدرسه‌ی بیگم به تدریس مشغول بود. بین او و امیر صدرالدین دشتکی شیرازی مناظرات و مباحثات حضوری و غیابی بسیار، در زمینه‌ی حکمت و کلام، جریان داشت و شاگردان وی بیشتر از شاگردان امیر صدرالدین دشتکی بودند. در دوران آق‌قویونلوها منصب قاضی القضاتی فارس را بر عهده داشت. علامه‌ی دوانی در همه‌ی علوم زمان خود تبحر داشت و شعر فارسی را نیز به خوبی می‌سرود. وی ابتدا شافعی مذهب بود و بعد مذهب شیعه را برگزید، و سپس رساله‌ای به نام «نور الهدایه» نگاشت که بر تشیع او تصریح دارد، و نیز حاشیه‌ی او بر «تجرید»، در جواب میر صدرالدین شیرازی در تفضیل ابوبکر بر علی (ع)، موید تشیع اوست. او در این رابطه اشعاری

نیز سروده است. دوانی صاحب بیش از صد تالیف به زبان عربی و فارسی در علوم مختلف بود که برخی از آنها عبارت‌اند از: «انموذج العلوم»، محتوی مسایلی از هر علم؛ «اثبات الواجب القديم»؛ «اثبات الواجب جدید»؛ رساله در «افعال العباد»؛ شرح بر متن «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ شرح بر «العقائد العضدیه»؛ حاشیه‌ی قدیمه و جدیده و اجد بر «شرح التجرید» فاضل قوشچی یا «طبقات الجلالیه»؛ «لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق» یا «اخلاق جلالی»؛ «التوحید»؛ تعلیقه بر «الانوار لعمل الابرار» اردبیلی، در فقه شافعی؛ «الجبر و الاختیار» یا «خلق الاعمال»؛ «التصوف و العرفان»؛ «تحفه‌ی روحانی»؛ تفسیر چندین آیه و سوره‌ی قرآن از جمله سوره‌ی «اخلاق» و «کافرون».[۱]

(منسوب به دوان) جلال‌الدین محمد بن سعد (یا سعدالدین) اسعد کازرونی، دانشمند و قاضی معروف. (و. دوان ۸۳۰ ف. ۹۰۸ ه.ق.). پدرش قاضی کازرون بود و دوانی بخش اول عمر خود را در آن شهر گذراند و در مدرسه دارالایتام به تعلیم پرداخت. وی حکیمی متکلم و محقق است. از آثار اوست: اخلاق جلالی (علم اخلاق) اثبات الواجب جدید، اثبات الواجب قدیم، افعال الله تعالی انموذج علوم.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۳۲۵-۳۰۹)، احقاق الحق (۱۲۴-۱۲۲/۳)، الاعلام (۲۵۷/۶)، اعیان الشیعه (۱۲/۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۰-۹۹/۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۷-۲۶۵)، تذکره‌ی روز روشن (۱۷۵-۱۶۷)، الذریعه (۵۷/۲۵، ۱۴۷/۱۵، ۱۹۹/۹، ۸۲/۵، ۲۰۶/۲)، روضات الجنات (۵۴۸-۵۴۱/۲)، ریحانه (۲۳۶-۲۳۲/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۲۲-۲۲۰/۱۰)، کشف الظنون (۲۰۴۸، ۱۸۹۳، ۱۵۶۷، ۱۱۴۴، ۱۰۹۶، ۸۶۳، ۸۴۷، ۸۴۲، ۵۱۶، ۴۵۷، ۴۴۹، ۳۴۹، ۱۹۵، ۱۸۴)، لغت نامه (ذیل / دوانی)، مجالس المومنین (۲۲۹-۲۲۱/۲)، معجم المؤلفین (۴۷/۹)، هدیه الاحباب (۱۳۶).

دوایی شیرازی گیلانی، شمس‌الدین علی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۰۳/۱۰۰۴ ق)، حکیم، پزشک، کمال و شاعر، متخلص به دوایی. معروف به عین‌الملک. ظاهراً مولد وی شیراز بود؛ ولی در گیلان نشو و نما یافت. دوایی با جلال‌الدین اکبرشاه و بیرم خان سپهسالار معاصر بود. در عصر اکبرشاه به هندوستان رفت و با معرفی خان اعظم، کوکلتاش به دربار راه یافت. وی سفری نیز به کاشان داشت و مدتی از عمر خود را در مکه به سر برد. مدتی حکومت دهلی و چندی صدارت صوبه‌ی بنگاله را بر عهده داشت. از مقربان اکبرشاه و از ملازمان اعظم خان کوکلتاش بود. از آثار وی: «دیوان» اشعار.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۴۶۰/۵)، تاریخ نظم و نثر (۶۷۶)، تذکره‌ی روز روشن (۲۶۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵۵۱-۵۴۹/۲)، الذریعه (۳۲۹/۹)، ریاض العارفین (۱۹۴)، فرهنگ سخنوران (۳۴۵-۳۴۴)، کاروان هند (۴۱۷-۴۱۴/۱)، هفت اقلیم (۱۴۹/۳).

دهباشی، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۲۱، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی ارشد روان‌شناسی و زبان و ادبیات عربی از دانشگاه تهران، دکترا در رشته فلسفه با درجه عالی از دانشگاه فوردهام نیویورک آمریکا در سال ۱۳۵۹، تحصیل مقدمات علوم اسلامی و سطح فقه و اصول نزد آیت‌الله طیب‌زاده احمدآبادی، تحصیل خارج فقه و اصول نزد آیات عظام: سید علی بهبهانی رامهرمزی، سید محمدهادی میلانی و تحصیل فلسفه اسلامی نزد آیت‌الله ادیب و حکیم سید کاظم عصار (ره).

مرتبه علمی:

استاد فلسفه دانشگاه اصفهان، استاد نمونه دانشگاه اصفهان با بالاترین امتیاز در سال تحصیلی ۷۱-۷۲

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس در مقطع کارشناسی ارشد در زمینه فلسفه غرب شامل: وایتهد، کانت، هگل، فلسفه معاصر، افلاطون، ارسطو، منطق قدیم و جدید و فلسفه علم. فلسفه اسلامی شامل: مشاء، اشراق و ملاصدرا، عرفان شامل: فصوص‌الحکم، مفاتیح‌الغیب و تمهیدالقواعد، متون فلسفی و عرفانی و کلامی به زبانهای عربی و انگلیسی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۱۷ پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۷

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

فلسفی، کلامی، عرفانی، فلسفه علم، معرفت‌شناسی، تطبیقی، ترجمه و شرح و تحلیل بخش قوه و فعل کتاب اسفار ملاصدرا به انگلیسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۶

زمینه علمی مقالات:

فلسفی، کلامی، عرفانی، علمی، تطبیقی و فیزیک کوانتوم.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دهقانپور، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا دهقانپور

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱۱/۳

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۹ در تهران دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم. در همان سال وارد حوزه علمیه ملاجعفر (حاج آقا مجتهدی) شدم. در مدت چهار سال با اتمام لمعتین از پایه هفت در سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۷ با پایان پایه دهم وارد درس خارج آیت الله وحید خراسانی و دیگر مراجع مانند آیت الله تبریزی (ره)، آیت الله فاضل (ره) و آیت الله مکارم شدم. همزمان با درس حوزوی، درس دانشگاهی را ادامه دادم. در سال ۱۳۷۵ در دانشگاه مفید رشته فلسفه را تحصیل نمودم پس از آن در سال ۱۳۸۰ رشته فلسفه و کلام اسلامی را در دانشگاه باقرالعلوم شروع نمودم. در سال ۱۳۸۵ در رشته مدرسی معارف اسلامی، گرایش مبانی نظری اسلام در مقطع دکتری مشغول به تحصیل شدم، از اول دبستان تا کنکور مقطع دکتری به فضل و لطف الهی ممتاز شناخته شده‌ام. هذا من فضل ربی. اکنون ضمن تحصیل، مشغول تدریس درس عمومی در دانشگاه هستم.

دهقانی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن دهقانی ساری

محل تولد: کاشان

شهرت: دهقانی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه کاشان شدم سطح را تا اوائل مکاسب در کاشان گذراندم. سپس عازم قم گشتم ورود این جانب به قم هم آغاز اوج فعالیت‌های انقلاب بود لذا پس از چند هفته درسها به این مناسبت تعطیل گشت. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی درس حوزه بازگشایی شد این جانب به درس مکاسب و کفایه ج ۲ حضرت آیه الله ستوده حاضر شدم و جلد اول کفایه را نزد آقای قدیری خواندم. همزمان با شروع درس خارج فقه درسهای فلسفه و عرفان را نزد اساتید حوزه مانند آیه الله جوادی آملی و آیه الله حسن زاده و آیه الله شیخ یحیی انصاری گذراندم کتاب فصوص الحکمه بالغ بر چهار سال در خدمت آیه الله حسن زاده و مصباح الانس را بخشی نزد آیه الله حسن زاده و بخشی را نزد آیه الله انصاری سپری کردم. منظومه حکیم سبزواری و اشارات بوعلی سینا را نزد اساتید گذراندم پس از آنکه از اساتید درس خارج بمدت سیزده سال استفاده کردم (نزد آیات عظام فاضل، مکارم، وحید خراسانی و آقای تبریزی) تدریس خود را آغاز کردم ابتدا یک دوره مکاسب و سپس ۷ دوره تدریس نهایی الحکمه - شرح اشارات جلد سوم - رسائل بحث استصحاب کشف المراد منطلق و طبیعیات منظومه یک دوره و حکمت آن دو دوره - المنطق مظفر و جزء سی ام تفسیر قرآن کریم - اسفار ملا صدرا از جلد اول تا ششم که امسال یازدهمین سال تدریس آن هست. (در فیضیه مدرس

۲۲) اقدام به ترجمه و شرح نهاییه الحکمه نمودم که تقریباً هشت سال طول کشید و محصول آن سه جلد کتاب فروغ حکمت شد و آن در سال ۷۷ تا ۸۲ منتشر شد.

دیرباز، عسکر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عسکر دیرباز

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

تا هفت سالگی مثل بقیه بچه های آن دوران روزگار گذرانیده، پس از ابتدایی و راهنمایی که دومین سالی بود که نظام سه ساله راهنمایی برقرار شده بود وارد دبیرستان شدم. پس از اخذ دیپلم تجربی در دبیرستان صدر اوحدی وارد حوزه علمیه قم شدم. در این مورد یکی از اهالی مسجدی که در دوران دبیرستان (دوم و سوم) به آنجا رفت و آمد داشتم خیلی موثر بود مرا با افکار انقلابی متخذ از تعالیم اسلامی قیام روحانیت در ۱۵ خرداد و مبارزات پس از آن، مبارزات مردم ویتنام و الجزایر و فلسطین آشنا ساخت بطوری که از سال دوم دبیرستان ضمن مطالعه کتب درسی کتاب های دینی و اجتماعی مطالعه می کردم. بدین ترتیب وارد حوزه علمیه قم شدم. از سال سوم تحصیل شروع به تدریس کردم و تمام کتاب های درسی ادبیات عرب را تدریس کردم. پس از آن به تدریس لمعه و مکاسب و کفایه مشغول شدم، البته پس از گذراندن تحصیل نزد اساتید عالیقدری همچون آیت الله اشتهاردی، وجدانی فخر (ره)، اعتمادی، ستوده (ره)، آیت الله العظمی فاضل (حدود و قصاص) و آیت الله العظمی تبریزی (اواسط مکاسب و طهارت) و آیت الله العظمی وحید خراسانی (اصول و فقه) شرکت کردم. ضمناً دروس اشارات و اسفار حضرت آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی هم توفیق شرکت را به مدت ۳ سال داشته ام. ضمن تدریس در دانشگاه تا حدی دروس خارج و تدریس مکاسب و کفایه را ادامه دادم تا آنکه اخیراً عمدتاً مطالعات فلسفی دارم. همچنین در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با دوستان عالیقدر در زمینه اقتصاد و فلسفه اقتصاد تحقیقاتی داشته ام که منتشر شده است.

دیلمقانی موحد، صمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی، کارشناسی ارشد فلسفه، دکترای فلسفه اسلامی.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

تدریس در زمینه دروس فلسفی در دانشگاه، همکاری با دائرةالمعارف بزرگ اسلامی بعنوان محقق و ویراستار.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فلسفه و عرفان اسلامی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۳۰، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

فلسفه، کلام، عرفان اسلامی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

دیلمی، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۱-۱۲۲۹ ق)، عالم دینی، حکیم و فقیه زیدی. وی در اکثر علوم دست داشت. در شهر ذمار یمن به دنیا آمد و در همان شهر

نشو و نما یافت. در مکه از دنیا رفت. از آثارش: «تحفه الحبيب بنظم مسائل التهذيب»، در منطق؛ «نزهه الطرف فی احکام الصرف»؛

«الابریز المذاب فی قواعد الاعراب»؛ «الطراز المذهب فی المختار لاهل المذهب»، در فقه؛ «مختصر الاتقان فی علوم القرآن».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲/۲۱۳)، معجم المؤلفین (۳/۲۴۳).

دیلمی، کرزالدین، اسحاق

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۸۹ ق)، حکیم. از دانشمندان و حکمای قرن هفتم هجری است. از آثار وی: «تاریخ السماویات و الارضیات».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: کشف الظنون (۲۹۶)، لغت نامه (ذیل / اسحاق)، معجم المؤلفین (۲۳۱/۲)، هدیه العارفین (۲۰۱/۱).

ذاکری، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی ذاکری

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان رادر شهر قم گذارندم، و در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه قم شدم. همزمان با تحصیل در حوزه در سال ۱۳۷۲ مشغول به تحصیل در رشته فلسفه غرب دانشگاه مفید شدم. در سال ۱۳۷۶ وارد دوره کارشناسی ارشد فلسفه غرب همان دانشگاه شدم و بلافاصله در سال ۱۳۷۹ پس از فراغت از تحصیل در کارشناسی ارشد، در دوره دکتری فلسفه غرب دانشگاه تهران پذیرفته شدم و این دوره را تا سال ۱۳۸۵ به اتمام رساندم. در تمام این مدت تحصیل در حوزه علمیه قم را تادرس خارج ادامه دادم. در سال ۱۳۸۰ کارشناس پژوهش معاونت پژوهشی دانشگاه مفید بودم و از سال ۱۳۷۹ محقق و از سال ۱۳۸۱ به عضویت هیئت علمی پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در آمدم و تا سال ۱۳۸۴ مدیر گروه کلام و فلسفه این پژوهشکده بودم. از سال ۱۳۸۰ به تدریس دروس معارف اسلامی و نیز دروس تخصصی فلسفه در دانشگاه های تهران و قم اشتغال دارم.

رازی اصفهانی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۸ ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و مجتهد. اصلاً تهرانی و ایوان کیفی بود. به همراه پدر به عراق مهاجرت کرد و در کاظمین از محسن اعرجی کسب علم کرد و به کربلا رفت و از محقق بهبهانی استفاده برد. در نجف نزد سید مهدی بحر العلوم و سید علی طباطبائی صاحب «ریاض»، و سید محسن کاظمینی و پدر زن خود، شیخ جعفر کاشف الغطاء، تلمذ کرد. از کاشف الغطاء اجازه روایت و فتوا داشت. در فتنه وهابیه به ایران بازگشت و در اصفهان سکنی گزید و مجلس درس برقرار کرد و حدود سیصد عالم و فاضل بر او اجتماع کردند که از جمله‌ی آنها، سید محمدباقر خوانساری، صاحب «روضات الجنات» بود. وی در اصفهان درگذشت و حاج سید محمدباقر حجة الاسلام بر او نماز گزارد و در تحت فولاد نزدیک قبر محقق خوانساری دفن شد. از آثار وی: «حاشیه المعالم» به نام «هدایه المسترشدين»، در شرح اصول «معالم الدین»؛ شرح «طهاره الوافی» یا «تقریرات» استادش بحر العلوم؛

«الفقه استدلالی»؛ «حجیه المظنه»؛ «شرح الاسماء الحسنی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۸۷/۶)، اعیان الشیعه (۱۹۸/۹)، ایضاح المکنون (۷۲۳/۲)، تذکره القبور (۲۱۵-۲۱۲)، الذریعه (۱۹۵/۲۵)، ۲۸۴-۲۸۳/۱۶، ۱۶۵/۱۴، ۳۶۶/۱۳، ۲۰۵/۶، روضات الجنات (۱۲۳-۱۱۹/۲)، ریحانه (۴۰۴-۴۰۳/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۷-۲۱۵/۱۳)، فواید الرضویه (۴۳۵-۴۳۴)، لغت نامه (ذیل / محمدتقی)، معجم المؤلفین (۱۳۱-۱۳۰/۹)، هدیه الاحباب (۱۸۵)، هدیه العارفین (۳۶۴/۲).

راشدی نیا، اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اکبر راشدی نیا

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

حقیر اکبر راشدی نیا تحصیلات حوزوی خود را در تبریز شروع نموده و در سال ۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم. در این میان بخشی از دروس سطح فقه و اصول و همچنین کتب حکمت و عرفان را در تبریز از محضر حضرت آیت الله سید ابوالحسن مولانا و آیت الله میرزا محسن کوچه باغی تلمذ نمودم و در قم از خدمت آقایان پایانی و اشتیاردی استفاده نمودم. از سال ۱۳۷۵ در درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی، شبیری زنجانی و بهجت شرکت نمودم و علاوه بر دروس فقه و اصول در درس های معارف و تفسیر و حکمت حضرات آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی شرکت نمودم. تا به حال برخی از کتب اصول، حکمت و عرفان همچون اصول فقه مظفر، بدایه الحمة، المظاهر الالهیه، تمهید القواعد، شرح فصوص الحکم را تدریس نموده ام. حقیر از سال ۱۳۷۸ بعنوان محقق در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم و روی آثار آخوند ملا صدرا همچون مفاتیح الغیب، شرح الهدایة الاثیریة، رسائل اجوبه المسائل، المظاهر الالهیه، رساله اتحاد العاقل و المعقول، زاد المسافر و... کار نمودم که قرار است بصورت لوح فشرده مجموعه آثار صدر المتالیهین منتشر بیابد و همچنین از سال ۱۳۸۳ بعنوان همکار علمی در مرکز دائرة المعارف علوم عقلی بر روی آثار عرفانی و حکمت فعالیت می کنم.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۵۰۲ ق)، ادیب، لغوی، شاعر، مفسر، محدث، متکلم، حکیم و فقیه شافعی / معتزلی. اهل اصفهان و ساکن بغداد بود. وی را

همتا و قرین امام محمد غزالی می‌دانند. به گفته‌ی کاتب چلبی، غزالی کتاب «الذریعه» او را از خود جدا نمی‌کرد و آن را به خاطر نفاستش می‌ستود. بعضی از علما به استناد اینکه او از اهل بیت (ع) بسیار روایت کرده و از امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) فقط با عبارت امیرالمومنین (ع) تعبیر می‌کند، او را شیعه خوانده‌اند، ولی فخر رازی در «تاسیس التقدیس» او را از ائمه اهل سنت می‌شمارد. صاحب «روضات الجنات» به نقل از «تاریخ اخبار البشر» سال وفات وی را ۵۶۵ ق ذکر کرده است. از آثار وی: «تحقیق البیان فی تاویل القرآن»؛ «تفسیر القرآن»، معروف به «جامع التفاسیر» یا «جامع التفسیر» که بیضاوی تفسیر خویش را از آن اخذ کرده؛ «الذریعه الی مکارم الشریعه»، در علوم اخلاق و پندهای نیکو؛ «المفردات فی غریب القرآن» یا «مفردات الفاظ القرآن»؛ «افانین البلاغه»؛ «اخلاق الراغب»؛ «رساله فی فوائد القرآن»؛ «المعانی الاکبر»؛ «الایمان و الکفر»؛ «تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین»، در معرفت نفس؛ «دره التاویل فی متشابه التنزیل»؛ «محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء» در نوادر حکم و حکایات که محمدصالح قزوینی آن را با عنوان «النوادر» به فارسی ترجمه کرده است. [۱]

(بخش ۱) اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (ف. ۵۰۲ ه.ق.) از ادبا و علمای بزرگ اصفهان و او را است: مفردات الفاظ القرآن، محاضرات الادباء، تفصیل التثأتین، الذریعه الی مکارم الشریعه (م.ه.)، تفسیر القرآن، حل متشابهات القرآن. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲/ ۲۷۹)، اعیان الشیعه (۱۶۲ - ۱۶۰ / ۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۲۶۶)، تاریخ گزیده (۶۹۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱/ ۱۰۶۱)، الذریعه (۲۱/ ۳۶۴ - ۲۰/ ۱۲۸، ۱۰/ ۲۸، ۴۶ - ۴۵ / ۵)، روضات الجنات (۲۱۶ - ۱۸۶ / ۳)، ریاض العلماء (۷/ ۱۰۱، ۲/ ۱۷۲)، ریحانه (۳/ ۲۹۳ - ۲/ ۲۹۲)، سرآمدان فرهنگ (۳۷۱ - ۳۷۰ / ۱)، سیر النبلاء (۲۱ - ۱۲۰ / ۱۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۲ - ۸۱ / ۶)، فرهنگ سخنوران (۳۶۳)، کشف الظنون (۱۷۷۳، ۱۷۲۹، ۱۶۰۹، ۸۸۱، ۸۲۷، ۷۳۹، ۴۶۲، ۴۴۷، ۳۷۷، ۱۳۱، ۳۶)، الکنی و الالقاب (۲۶۹ - ۲۶۸ / ۲)، لغت نامه (ذیل / راغب اصفهانی)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۸۶۲)، معجم المؤلفین (۴/ ۵۹)، هدیه الاحباب (۱۴۰ - ۱۳۹)، هدیه العارفین (۱/ ۳۱۱).

راغب قمی، عبدالله

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۱۰ ق)، حکیم، فیلسوف، خطاط و شاعر، متخلص به راغب و وحدت. اصل وی از کاشان بود. چون بیشتر در قم می‌زیست به قمی مشهور بود. وی معاصر با شاه سلیمان صفوی بود و در سرودن شعر توانا. در آغاز وحدت تخلص می‌کرد. حکیم عبدالله خط را نیز نیکو می‌نوشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۳۵۸ - ۳۵۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۴۷۸، ۳۶۵ - ۳۶۴)، الذریعه (۲/ ۱۲۶۲، ۶۹۷، ۳۴۹ - ۳۴۸ / ۹)، ریحانه (۲۹۴ - ۲۹۳ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۹۷۷)، لغت نامه (ذیل / راغب قمی).

رحیم لو، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رحیم لو

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد رحیم لو در سال ۱۳۳۹ در تهران متولد شدم. در سال ۱۳۵۴ در مدرسه آیت الله مجتهدی تهرانی به طور شبانه مقداری از جامع المقدمات را خواندم. در سال ۱۳۵۹ پس از اخذ دیپلم در رشته ریاضی فیزیک وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح را نزد اساتیدی چون مدرس افغانی، کوه کمره ای، اشتهازدی، اعتمادی و سید رسول تهرانی و مرحوم علی صفایی حائری خواندم و دروس خارج را نزد اساتیدی چون سید جواد تبریزی، سید موسی شبیری زنجانی، سید محمد روحانی، مرحوم علی صفایی حائری و دوره دروس معارف اسلامی را در موسسه امام خمینی گذراندم و در زمینه های فلسفه و کلام شروع به تحقیق کردم.

رحیمیان، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین رحیمیان

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسین رحیمیان در سال ۱۳۵۹ مشغول به تحصیل در علوم حوزوی شدم. پس از اتمام مقدمات، سطوح عالی را در خدمت حضرات آقایان محقق داماد، آیت الله خزعلی و کفایه را نزد حضرت آیت الله فاضل لنکرانی خواندم. خارج فقه و اصول را خدمت تعدادی از اساتید بزرگ و مراجع بوده ام به خصوص حضرت آیت الله تبریزی که متجاوز از بیست سال در فقه و اصول در خدمت ایشان بوده ام فلسفه را نیز در خدمت اساتید بزرگوار بویژه حضرت آیت الله مصباح استفاده کرده ام. بجز تقریرات فقه و اصول مقالاتی در مباحث اسلامی مثل تقیه، و یا آزادی در اسلام نوشته ام و علاوه بر تدریس در حوزه و دانشگاه مسئولیت برخی از مراکز علمی و فرهنگی را داشته ام. در دوره اولین شورای نمایندگان مقام معظم رهبری در دانشگاهها مسئولیت نهاد رهبری در دانشگاههای کشور را به مدت سه سال عهده دار بودم.

ایجاد تشکیلات اساسی نهاد مثل تصویب اساسنامه توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و تاسیس بخش گزینش اساتید معارف مربوط به آن دوره است مسئولیت دفتر تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی را نیز مدتی عهده دار بوده ام برخی از

کتابهایی که در این دوره تدوین شد بحمد الله امروز در حوزه های داخل و خارج ایران متن درسی طلاب است برخی از آنها با تایید و تقریظ بعضی از فقها و مراجع جایگزین کتابهایی شده است که سالها در حوزه ها تدریس می شده است. همچنین از سوی مدیریت حوزه علمیه قم مسئولیت تاسیس و ایجاد رشته تخصصی تاریخ اسلام را داشته ام که هم اکنون این رشته با تعدادی از طلاب علاقه مند به این رشته به کار خود ادامه میدهد.

رزاقی، نصرالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نصرالله رزاقی

محل تولد : طالقان

شهرت

تابعیت : ایران

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۲ در طالقان روستای ناریان به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی را در همان روستا به پایان رساندم و تحصیلات مقطع راهنمایی را در تهران و مقطع دبیرستان را در قم به پایان رسانیدم. در سال ۱۳۶۱ به جبهه های جنگ در منطقه کردستان در قالب یک گروه فرهنگی اعزام شدم و حدود ۱۱ ماه در منطقه دیواندره همراه رزمندگان اسلام بودم بعد از اخذ دیپلم در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شدم و مقطع مقدمات را در مدرسه مبارکه رضویه به پایان رسانیدم و سپس دروس بعدی را به صورت آزاد در حوزه علمیه قم آغاز کردم و در دروس اساتید چون محمدی خراسانی، طالقانی، محقق داماد، اعتمادی، طاهری خرم آبادی، بیگدلی و آیات عظام وحید خراسانی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، مرحوم جواد آقا تبریزی و سبحانی شرکت کردم. سپس در موسسه آموزش تخصصی مذاهب اسلامی شرکت کردم و حدود سه سال دروس تخصصی مذاهب اسلامی را در نزد اساتیدی چون نجم الدین طبسی، بهجت پور، غیب غلامی، دکتر خدادادی و... گذراندم و در این مدت تحقیقاتی در رابطه با حیات ابوبکر، انسان و تکنولوژی، معرفت شناسی انجام دادم و هم زمان در دانشگاه آزاد و مرکز تربیت مربی و موسسه تخصصی مذاهب اسلامی تدریس داشته و هم اکنون نیز تدریس ادامه دارد.

رزمخواه، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد رزمخواه

محل تولد : نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

آقای احمد رزمخواه در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و مذهبی در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد، برای ادامه تحصیل در آزمون دانشگاه علوم اسلامی رضوی شرکت کرد. پس از پذیرش در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۲ فارغ التحصیل شد. نامبرده ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا(ع) در طی دوران تحصیل رسائل و مکاسب را نزد آیت الله مروی، کفایه و خارج اصول را نزد آیت الله رضا زاده و مرحوم آیت الله فلسفی و خارج فقه را نزد آیت الله مرتضوی آموخت. استاد رزمخواه پس از اتمام تحصیلات بر کرسی تدریس تکیه زد و در این مدت طلاب بسیاری درحوزه علمیه مشهد و دانشجویان بی شماری در دانشگاه های مشهد از محضر این استاد بزرگ بهره های فراوان علمی برده اند که حاصل این زحمات پرورش استعداد های فراوان در زمینه علوم اسلامی می باشد.

رستم‌داری، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم و یازدهم ق)، حکیم، عالم و شاعر. از علمای شهر رستم‌دار مازندران است. وی در حکمت و منطق مهارت داشت و سالها در مشهد تدریس می کرد. عمده شهرتش در زمان شاه طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ق) بود. از او رساله‌ای به نام «رساله فی الاجزاء المحموله علی الماهیه» باقی مانده که آن را به شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) هدیه کرده است. نسخه‌ای از این رساله به خط سید حسین بن حیدر کرکی، که در ۱۰۱۰ ق کتابت شده، موجود می باشد. همچنین اشعاری نیز از وی در تذکره‌ها نقل شده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۵۸)، الذریعه (۱۱/۳۱)، صبح گلشن (۳۸۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱۸-۵۱۷/۱۱)، فرهنگ سخنوران (۸۱۴-۸۱۳)، هفت اقلیم (۳/۱۳۳).

رستمی، منصور

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

منصور رستمی

محل تولد: اسلام آبادغرب

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۹/۱

زندگینامه علمی

آقای منصور رستمی در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان کرمانشاه دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه کرمانشاه گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره‌ها برد. از سوی دیگر به شوق زیارت و هم‌جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیه رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۴ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حوزوی در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله جوادی آملی، آیت الله صالحی مازندرانی، آیت الله اعتمادی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۶ از دانشگاه رازی کرمانشاه فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش دفاع کرد

استاد پس از مدتها تحصیل برای تدریس عازم دانشگاه قشم گردید. وی در طول حیات علمی خود نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل "باقیات و صالحات" و "فلسفه نهضت امام حسین علیه السلام" را به رشته تحریر در آورده است.

رستمیان، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی رستمیان

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۶/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد علی رستمیان در سال ۱۳۴۴ در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم. همزمان با شروع قیام مردم در سال‌های قبل از انقلاب با اینکه نوجوان بودم در راه‌پیمایی‌ها و فعالیت‌های بر ضد رژیم شاهنشاهی، از جمله تعطیلی کلاس‌های درس، شرکت می‌کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در فعالیت‌های بسیج مدارس و مسجد، و راهپیمایی‌ها، در راستای پاسداری از انقلاب شرکت می‌کردم. در همین ایام، در کنار کارهای بسیج و به خاطر حضور بعضی از روحانیون محل در بسیج، در کنار درس‌های دبیرستان به درس‌های حوزوی نیز مشغول شدم و بعد از دیپلم به طور رسمی وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. با توجه به حضور در بسیج توفیق داشتم که مدتی را در کنار رزمندگان اسلام در جبهه‌های نبرد شرکت کنم. در سال ۱۳۶۶ به قم آمدم و به ادامه تحصیل پرداختم و تا سطوح عالی حوزه را خواندم و به مدت ده سال نیز در درس خارج شرکت کردم. علاقه به فلسفه و بحث‌های کلامی موجب شد که در این مدت در کنار فقه و اصول، در درس‌های فلسفه نیز شرکت و به مطالعه کتاب‌های فلسفی و کلامی نیز پردازم. با توجه به احساس نیازهای دانشگاهی جهت تدریس برای دانشجویان و آگاهی از روش‌های نوین تعلیم و تربیت، در سال ۱۳۷۰ در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم به تحصیل مشغول شدم و بعد از فارغ التحصیلی در مراکز مختلف حوزوی و دانشگاهی به

تدریس اشتغال داشتم. همزمان برای اینکه علوم فراگرفته را در زمینه کاربردی نیز استفاده نمایم با مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در کار تدوین نرم‌افزارهای علوم اسلامی در رشته فلسفه و کلام همکاری داشته و چند سالی نیز مسوولیت بخش علوم عقلی را بر عهده داشتم. با توجه به علاقه‌ای که به شناخت آرا و نظرات دیگران داشتم، با توجه به شکل‌گیری مرکز مطالعات ادیان و مذاهب در حوزه علمیه قم، از سال ۱۳۷۵ با این مرکز در راه شناخت ادیان و مذاهب مختلف همکاری داشته‌ام و اکنون نیز که چند سالی است که دانشگاه ادیان و مذاهب تشکیل شده است، با این دانشگاه همکاری دارم. با توجه به نیازهای علمی و کاری، دوره دکترای در رشته کلام با گرایش فلسفه دین در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم گذراندم، که اینک در آستانه دفاع از پایان‌نامه دکتری هستم. در طول سالیان گذشته در کنار درس، به کار تبلیغ دینی در میان مردم و رزمندگان نیز اشتغال داشته‌ام. همچنین در هر جا که احساس کردم که حضور من برای انقلاب و جامعه موثر است، سعی کردم که در آنجا حضور جدی داشته باشم.

رشاد، علی اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد علی اکبر رشاد در رمضان المبارک ۱۳۷۷ هجری قمری، برابر با اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۵ هجری شمسی متولد گردید. وی تحصیل مراحل عالی فقه و فلسفه اسلامی را در نظر استادان برجسته حوزه‌های علمی اسلامی تهران و قم سپری کرد، و اکنون سالهاست به تحقیق و تدریس در زمینه فلسفه، منطق فهم دین، و فقه و اصول اشتغال دارد. علی اکبر رشاد سرپرست تدوین کتاب "دانشنامه امام علی علیه السلام" است. کتاب مذکور، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: پدر علی اکبر رشاد محرم نام دارد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: علی اکبر رشاد تحصیل مراحل عالی فقه و فلسفه اسلامی را نزد اساتید برجسته حوزه‌های علمی تهران و قم سپری کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: علی اکبر رشاد بیش از دو دهه است که در زمینه فلسفه، فلسفه دین، فقه و اصول به تحقیق و تدریس مشغول است. حجة الاسلام رشاد و در حال حاضر سمت‌های زیر را عهده‌دار می‌باشد: عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضو هیأت علمی مرکز گفت و گوی ادیان، رئیس انجمن دوستی ایران و یونان، موسس و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جوایز و نشانها: علی اکبر رشاد سرپرست تدوین کتاب "دانشنامه امام علی علیه السلام" است. کتاب مذکور، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

چگونگی عرضه آثار: علی اکبر رشاد جهت حضور و ارائه مقاله در کنفرانس‌های علمی و مجامع فرهنگی به کشورهای متعددی از جمله آلمان، اتریش، آمریکا، اسپانیا، ایتالیا، انگلستان، پاکستان، روسیه، عربستان، عراق، لبنان، هند، یونان، سوئیس و... سفر کرده است و اکنون نیز اجرا یا نظارت علمی چند تحقیق را بر عهده دارد از جمله، منطق فهم دین - تحقیق مبانی و موانع نوفهمی و نظریه پردازی دینی - سرپرستی تألیف دانشنامه قرآن‌شناسی، ۷ جلد - سرپرستی تألیف دانشنامه فرهنگ فاطمی، ۶ جلد - نظارت بر

تحقیق فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن، ۳ جلد

آثار:

۱ از گفتمان امروز

ویژگی اثر: (در دست ویرایش)

۲ تحقیق معرفت‌شناسی در کلام علوی (ع)

۳ دانشنامه امام علی علیه‌السلام

ویژگی اثر: سرپرست تدوین کتاب فوق، این کتاب، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: دانشنامه امام علی علیه‌السلام زیر نظر علی اکبر رشاد؛ به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ ۱۲ ج + ۱ ج در آمد، ۱۳۸۰ [توزیع: ۱۳۸۱]. یکی از آثاری که به همت شماری از مؤلفان و محققان به مناسبت سال ولایت (۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ ش) به زیور طبع آراسته شد، دانشنامه امام علی (ع) است. این دانشنامه مجموعه‌ای است موضوعی درباره شخصیت، سیره و اندیشه‌های امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و حوادث عصر آن حضرت و پس از آن، که در ۶۰۰۰ صفحه و ۱۲ مجلد سامان یافته و شامل ۱۳۰ مدخل اصلی و حدود ۳۰۰۰ مدخل فرعی است. این مجموعه، زیر نظر آقای علی اکبر رشاد در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و با همکاری بیش از یکصد و پنجاه تن از استادان و دانشوران حوزه و دانشگاه تألیف گردیده و به عنوان پژوهش برتر حوزه دین پژوهی ایران در سال ۱۳۸۰ شناخته شده است. دانشنامه امام علی (ع) ویژگی‌هایی متنوع دارد که مجموع آن‌ها را در آثار مشابه نمی‌توان سراغ گرفت، از جمله: اهتمام ویژه به تجزیه و تحلیل و تبیین مباحث فکری معاصر و قضایای نوپدید با استناد به کلمات و سیره امام علی (ع)، بررسی مقایسه‌ای پاره‌ای از نظریات معاصر مرتبط با معارف دینی؛ تنوع موضوعات و جامعیت نسبی مجموعه در بررسی زوایای گوناگون و ابعاد مختلف شخصیت و اندیشه امام علی؛ همسویی موضوعات مطرح شده در مقالات ضمن رعایت ساختار یکسان؛ تفصیل در تحقیق موضوعات و اجتناب از کلی‌گویی، دوری از تقلید و عدم اتکا به مشهورات و تحلیل‌های شایع و نه‌راسیدن از نتایج نوپدید، با رعایت احتیاط علمی در تألیف مقالات؛ استقصا و تتبع جامع مضامین خطبه‌ها و رسائل و روایات وارده از حضرت علی در قلمرو و مدخل‌های مورد تحقیق؛ همسانی و یکدستی مجموعه از لحاظ رعایت قواعد علمی پژوهش و نگارش؛ استناد به منابع دست اول در موضوعات تاریخی و سیره؛ استفاده از زبان علمی و نثر معیار و پرهیز از شعارپردازی؛ اشتغال بر شبکه معنایی جامع و نمایه‌ها و فهرس موضوعی

۴ دموکراسی قدسی

۵ سرپرستی و هدایت دانشنامه فرهنگ فاطمی (س)

ویژگی اثر: ۶ جلد

۶ سرپرستی و هدایت دانشنامه قرآن‌شناسی

ویژگی اثر: ۴ جلد

۷ سنن حاکم بر تاریخ از منظر قرآن

۸ شهود و شیدایی

ویژگی اثر: تأملاتی در فلسفه هنر

۹ شور اشراق (مجموعه مقالات در زمینه شعر و ادب)

۱۰ علم النفس اسفار صدر المتألهین

ویژگی اثر: تصحیح و تحقیق

۱۱ گزیده غزل‌های حکیم فیاض لاهیجی

ویژگی اثر: گزینش، مقدمه و تصحیح

۱۲ نظارت علمی بر تحقیق «فقه و حقوق خانواده و فلسفه آن

ویژگی اثر: ۳ جلد

رشتی نجفی، شعبان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۸- ۱۲۷۵ ق)، فقیه اصولی و مرجع تقلید. جدش، عبدالوهاب، از خراسان به گیلان مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. در نزدیک رشت به دنیا آمد و برای تحصیل مقدمات و عربیت به لاهیجان رفت و در محضر میرزا حسین مدرس تحصیل کرد. در ۱۲۹۲ ق برای فراگیری سطوح به قزوین رفت و در حوزه‌ی درس سید علی، صاحب حاشیه بر «قوانین»، و حاج میرزا عبدالوهاب بهشتی حضور یافت. در ۱۳۰۲ ق به نجف رفت و حاضر بحث حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و فاضل ایروانی شد و پس از وفات علامه رشتی نزد علمایی چون ملا محمد شرابیانی و شیخ محمدحسن مامقانی و حاج شیخ عبدالله مازندرانی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت تا آنجا که مجتهد مطلق شد و حلقه درس تشکیل داد و بسیاری بر گردش جمع شدند. او در نجف از دنیا رفت و در وادی السلام دفن شد. از آثار وی: کتاب «صلاله المسافر»، «کتاب القضاء»، «کتاب فی احکام الخلل»، «کتاب المتاجر»، مجلدی در «مباحث الالفاظ»، مجلدی در «القطع» و «الظن» و «البرائه» و «الاستصحاب» و «التعادل» و «التراجیح»؛ رساله‌ای در «عدم وجوب الترتیب فی فوائت المیت»؛ رساله‌ای در «الانعزال و عزل الولاه المنصوبین من الائمه (ع)»؛ رساله‌ای در «انتقال التکره الی الوارث مع الدین المستغرق للترکه»؛ حواشی بر «العروه الوثقی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: علماء معاصرین (۱۴۵- ۱۴۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۳۹- ۸۳۸/ ۱۴).

رشتی، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحسین بن الشیخ عیسی بن یوسف بن علی بن عبدالغنی رشتی عالمی بزرگ و فقیهی جلیل و فیلسوفی ماهر بوده و در سال ۱۲۹۲ قمری در کربلا متولد شده و در سن چهار سالگی با مرحوم والدش به رشت آمده و پس از پرورش در مهد علم مقدمات و سطوح را در رشت خوانده و در سال ۱۳۱۲ قمری به تهران آمده و از محضر علامه آشتیانی فقها و اصولاً بهره‌مند شده و بعد از ده سال تحصیل و تدریس در مدرسه صدر تهران مهاجرت به نجف نموده و از محضر علامتین خراسانی و یزدی و مرحوم شریعت اصفهانی در هر رشته استفاده نموده تا به مقام استادی رسیده و حوزه تدریس تشکیل داده و بسیاری از افاضل از محضرش کسب

فیض نموده تا در روز سه‌شنبه ۱۲ جمادی‌الثانیه ۱۳۷۳ ق به رحمت ایزدی پیوسته و در وادی‌السلام در مقبره شخصی مدفون گردیده است. آثار علمی آن بزرگوار بسیار است و از آنهاست شرح (کفایه‌الاصول) که در سال ۱۳۷۰ ق بطبع رسیده و حاشیه بر (طهارت علامه انصاری) و تعلیقه بر بحث الموضوع (شرح المطالع) و (الثمرات) و حاشیه (اسفار) و ده‌ها رساله و حواشی دیگر بر کتب علمیه.

فرزند ارجمندش مرحوم حجة‌الاسلام حاج شیخ محمد رشتی از خواص اصحاب مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم بودند که در حادثه حکومت بعث عراق به ایران اخراج و در سال ۱۳۹۴ ق در مشهدالرضا علیه‌السلام بدرود حیات گفتند.

(۱۳۷۳ - ۱۲۹۲ ق)، عالم دینی، فقیه و فیلسوف. پدرش از علمای بزرگ بود که اصل وی از قریه‌ی بجا‌ربند رشت است. شیخ عبدالحسین در کربلا متولد شد و در سن چهار سالگی به همراه پدر به رشت آمد و مقدمات و سطوح را در این شهر خواند. در ۱۳۱۲ ق به تهران آمد و از محضر شیخ محمدحسن آشتیانی در اصول و فقه بهره گرفت. حکمت و کلام را نیز نزد شیخ علی نوری و سید شهاب‌الدین تبریزی شیرازی فراگرفت. وی همزمان در مدرسه‌ی صدر تهران به تدریس ادبیات و سطوح ادبی مشغول بود. پس از ده سال به نجف مهاجرت کرد و در محضر علامه‌ی خراسانی و علامه‌ی یزدی و شریعت اصفهانی فقه و اصول و حدیث و رجال و فلسفه و اخلاق را به نهایت رسانید و به دریافت اجازه اجتهاد از استادان خود نائل آمد. آنگاه حوزه‌ی تدریس تشکیل داد و بسیاری از افاضل را از محضر خویش بهره‌مند ساخت. او در نجف درگذشت و در وادی‌السلام در مقبره‌ی شخصی دفن شد. فرزندش، حاج شیخ محمد رشتی، از شاگردان وی به حساب می‌آید. از آثار علمی او: شرح «کفایه‌الاصول»؛ حاشیه بر «طهارت» علامه انصاری؛ تعلیقه بر بحث «الموضوع من شرح المطالع»؛ «الثمرات»، در تحدید موضوع علوم؛ حاشیه‌ی «الاسفار» رساله‌ی «اصول‌الدین»؛ «الاطوار»، در مباحث مختلف تفسیر آیات؛ رساله‌ای در «صرف و نحو»؛ رساله در «منطق»؛ تعلقات بر «جواهر الکلام» و «الرسائل» و «المکاسب».[۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الذریعه (۱۴/۳۴، ۶/۱۴۸، ۵/۱۲، ۲۱۹، ۲/۲۱۸-۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۶۷-۱۰۶۴/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵/۱۷۸).

رشیدی، علیقلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی قلی رشیدی

محل تولد: خرم آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۲/۲۳

زندگینامه علمی

در روستای بادامک تابع شهرستان پلدختر متولد شدم. در شش سالگی در روستای چم قلعه به دبستان رفتم و پس از گذشت مقطع ابتدایی وارد مقطع راهنمایی در شهرستان پلدختر شدم. دبیرستان را هم در همان شهر همراه با انقلاب در رشته علوم تجربی

گذراندم. در دوران دبیرستان که مصادف با انقلاب بود به همراه یکی از سادات جلیل القدر مظلوم و محلی به نام سید علی نقی موسوی (ره) تمام اعلامیه‌های امام را دست نویس کرده و در بین مردم پخش کردم از سال ۵۶ وارد حوزه شدم و تا سال ۱۳۷۱ دوره سطوح عالی را تمام کردم و همراه با دروس حوزه دانشگاهی لیسانس در رشته فلسفه و کلام و فوق لیسانس در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی را تا سال ۱۳۷۶ به اتمام رساندم در دوران جنگ تحمیلی چندین بار به جبهه رفتم و دو بار مجروح شدم و در سال ۱۳۶۵/۶/۱۷ به درجه جانبازی شیمیایی نایل گردیدم و الان هم مشغول به تدریس در دانشگاه‌های لرستان و حوزه علمیه بلدختر هستم.

رضا، عنایت الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر عنایت‌الله رضا در سال ۱۲۹۹ش در شهرستان رشت به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود و تهران به پایان رساند و سپس تحصیلات عالی را در رشته فلسفه ادامه داد و موفق به دریافت درجه دکتری گردید. نامبرده به جهت علاقه فراوان به مطالعات ایران‌شناسی، به تحقیق و پژوهش در این زمینه پرداخت. و در حال حاضر عضو هیأت علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی است. کتابهای "شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان" و "اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده‌های چهارم - ششم میلادی" ترجمه، عنایت‌الله رضا به ترتیب، در دوره‌های هفتم و دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: اجداد عنایت‌الله رضا همه از روحانیون و برخی از مراجع بزرگ زمان خود بوده‌اند. پدر ایشان از شاگردان آخوند خراسانی بوده و نزد آن روحانی بزرگ به تحصیل اشتغال داشته است.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: عنایت‌الله رضا پس از گذراندن دوران کودکی در رشت به تهران منتقل شد و دوران تحصیل متوسطه را در این شهر پایان رساند. در ۲۱ آذر ۱۳۲۵، پس از شکست به اصطلاح جنبش آذربایجان به شوروی پناهنده و در آنجا مشغول به تحصیل می‌شود. پس از اتمام رشته علوم حزبی در دانشکده حزبی به ادامه تحصیل در رشته فلسفه پرداخته و به اخذ درجه دکتری در این رشته نایل می‌آید و در کنار آن به سبب علاقه به مطالعه در زمینه ایران‌شناسی مطالعه و تحقیق در این زمینه را پی می‌گیرد.

استادان و مربیان: عنایت‌الله رضا در دوران تحصیل از دانش و توجه پدر و برادر بزرگتر خود آقای پرفسور فضل‌الله رضا بهره‌مند بود

وقایع میانسالی: عنایت‌الله رضا پس از شهریور ۱۳۲۰، در آن ایام پر التهاب و پر تب و تاب سیاسی، اجتماعی کشور، به حزب توده پیوست. در همین ارتباط در سال ۱۳۲۴ بازداشت و سپس به کرمان تبعید و زندانی شد. در اوایل سال ۱۳۲۵ پس از آزادی از زندان به دستور کمیته مرکزی حزب عازم آذربایجان شده و در آنجا به عنوان فرمانده نیروی هوایی حکومت آذربایجان مشغول گردید. از آن پس به سبب بروز اختلاف با سران فرقه دموکرات آذربایجان در مورد تاسیس فرقه در ایران و اعلام رسمی ایشان در کنفرانس باکو مبنی بر انجام این امر به مثابه یک خیانت، از سوی سران دستگاه حاکمه آذربایجان شوروی از جمله رئیس جمهوری وقت و

همچنین دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان به اتفاق چند نفر دیگر از فرقه اخراج و از کار نیز برکنار می شوند. کمیته مرکزی حزب نیز ماموریت ایشان را پایان یافته تلقی کرده، در نتیجه مجبور به عزیمت از شوروی به کشور چین شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عنایت الله رضا پس از پایان تحصیلات مدتی در نیروی هوایی ارتش به سمت افسر خلبان و دیده بان خدمت نمود. با شکست جنبش آذربایجان در ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵ به شوروی پناهنده شد. او بعد از آن بر سر برخی اختلافات سیاسی به چین رفت و به اتفاق چند تن دیگر بخش فارسی رادیو پکن را تاسیس نمود. بعد از دو سال به دلیل برخی تعبیرات در شوروی و برکناری سران حکومت آذربایجان به سبب دشواری تحصیل فرزندانشان در چین و آشنایی آنها به زبان روسی دعوت به بازگشت شوروی را پذیرفته و در اواخر ۱۹۵۹ به مسکو بازگشته و در بخش فارسی رادیو مسکو تا سال ۱۹۶۷ به فعالیت خود ادامه می دهد. پس از ورود به ایران ابتدا به سمت متصدی کتابهای روسی در کتابخانه (پهلوی سابق، بخش کنگره جهانی ایرانشناسی) و بعد به عنوان معاون علمی و پژوهشی آن کتابخانه مشغول شدند. پس از انقلاب اسلامی ایران نیز مسئولیت کتابخانه به عهده ایشان واگذار شد اما به سبب بیماری و عزیمت شش ماهه به خارج از کشور به منظور معالجه ادامه کار میسر نگردید. وی از سال ۱۳۶۵ تا حال حاضر نیز در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی به عنوان عضو هیات علمی مشغول به کار شدند.

مراکز که فرد از بنیان آن به شمار می آید: عنایت الله رضادر پکن به اتفاق چند تن دیگر بخش فارسی رادیو پکن را تاسیس نمودند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: عنایت الله رضا بعد از انقلاب به سبب بیماری برای معالجه به خارج از کشور رفته و پس از بازگشت به تحقیق و ترجمه و تالیف همت گماشت.

جوایز و نشانها: کتابهای "شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان" و "اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم - ششم میلادی" ترجمه، عنایت الله رضا به ترتیب، در دورهای هفتم و دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.

آثار:

۱ آذربایجان و اران

ویژگی اثر: تالیف

۲ اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم - ششم میلادی

ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم - ششم میلادی: اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده های چهارم - ششم میلادی؛ ن. و. پیگولوسکایا؛ ترجمه؟ عنایت الله رضا؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲. در مورد تاریخ ایران در روزگار ساسانیان، تحقیقات متعددی صورت گرفته است که کتاب مذکور از جمله آثار معتبر در این زمینه است. مؤلف کتاب، خانم نینا ویکتور ناپیگولوسکایا، یکی از متخصصان برجست روسیه، در رشت؟ تاریخ کشورهای خاور نزدیک و میانه به ویژه ایران و بیزانس، در اوایل سده های میانه و دوران پیش از اسلام بوده است. او طی سی سال پژوهش در زمین؟ تاریخ ایران، آثار متعددی از خود به یادگار گذاشته که در محافل ایران شناسان جهان، مورد ستایش قرار گرفته است. کتاب حاضر ترجمه؟ فارسی آخرین اثر مؤلف است که در آن رابط؟ وسیع اعراب ساکن مرزهای ایران بویژه دولت حیره را با استفاده از اکتشافات جدید به شرح آورده و مرزهای مسلمانان و اعراب و امپراتوری روم شرقی در سده های نخستین قرون اسلامی را تشریح کرده است. مسائل مربوط به مرزها در روند تاریخ همواره اهمیت زیادی داشته است زیرا

حوادث و رویدادهای تاریخی است که تعیین مرزها را به دنبال دارد. علاوه بر آن، مهاجرت اقوام و قبایل مختلف، حوادث سیاسی را صبغ دیگری می بخشد و در نهایت حدود سرزمینها را معین می کند. تألیف حاضرین نکات را به خوبی روشن می کند. جدید بودن مراجع و منابع و ارائ؟ اسناد به زبانهای مختلف از امتیازات این کتاب محسوب می شود. نثر ترجم؟ بسیار روان و قابل فهم است. و مترجم کوشش فراوانی برای ارائ؟ توضیحات علمی به کار برده است و علاوه بر یادداشتهای مؤلف، موارد متعدد و قابل توجهی را بر متن اصلی افزوده است. او ضمناً به ترجم؟ عربی کتاب نیز توجه داشته است.

۳ ایران و ترکان در زمان ساسانیان

ویژگی اثر: تألیف

۴ تاریخچه سری جنایات استالین

۵ ترجمه کتاب اسرار مرگ استالین

ویژگی اثر: نوشته آوتور خانوف

۶ ترجمه کتاب انقلاب مجارستان

ویژگی اثر: نوشته تیور مرای

۷ ترجمه کتاب تمدن ایران ساسانی

۸ ترجمه کتاب زمامداران شوروی

ویژگی اثر: نوشته الکساندر سولژنیستین

۹ ترجمه کتاب شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان

ویژگی اثر: این کتاب در دوره هفتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان»: کتاب از برجسته‌ترین آثاری است که تا کنون توسط ایرانشناسان شوروی، پیرامون وضع شهرهای غرب ایران نوشته شده است. نگارنده، که به زبانهای پهلوی و سریانی نیز احاطه داشته، شیوه زندگی، آداب و سنتهای ساکنان غرب ایران و پیوند آن با آداب و سنن دیگر نواحی از جمله خراسان و «ورارود» (ماوراءالنهر)، چگونگی معاملات و مبادلات در ایران عهد ساسانی و مقایسه اوضاع اقتصادی و اجتماعی عصر ملوک الطوائفی پارتیان در روزگار ساسانیان را مورد پژوهش قرار داده است. این کتاب، اسناد و مدارک بسیار ارزنده‌ای را برای مطالعه و تحقیق در اختیار خوانندگان و پژوهشگران قرار می دهد. البته باید یادآور شد که مؤلف کتاب به نتیجه گیریهای پرداخته است که با ویژگیهای اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی سرزمین ما سازگار به نظر نمی رسد. ترجمه براساس متن روسی و با مقابله با متن فرانسوی به شکلی شایسته صورت گرفته است

۱۰ ترجمه کتاب طبقه جدید

ویژگی اثر: نوشته میلوان جیلاس

۱۱ ترجمه کتاب گفتگو با استالین

ویژگی اثر: نوشته میلوان جیلاس

۱۲ ترجمه کتاب منابع کمونیسم روسی و مفهوم آن

ویژگی اثر: نوشته نیکلای بردیایف

۱۳ ترجمه کتاب نیکیتا خروشچف، سال های حاکمیت

ویژگی اثر: نوشته روی مدودف و ژورس مدودف

۱۴ جزوه کمونیسم اروپایی

۱۵ خاطرات بوریس باژانف رییس دبیرخانه دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

۱۶ خاطرات پرنس یوسف اف قاتل راسپوتین

۱۷ کمونیسم و دموکراسی

ویژگی اثر : تالیف

۱۸ مارکسیسم و ماجرای بیگانگی انسان

منابع زندگینامه :

www.ketabesal.ir ۱ کیهان فرهنگی سال هفتم- شماره ۱- فروردین ۱۳۶۹

رضانیا، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید رضانیا

محل تولد : شیراز

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی سال ۱۳۴۴ شمسی در یک خانواده معمولی در شیراز متولد شدم. مادرم از نوادگان مجاهد نستوه آیت الله سید علی اکبر فال اسیری اعلی الله مقامه - از پیشگامان نهضت تنباکو در فارس و از هم‌زمان مرحوم میرزای شیرازی بزرگ رحمت الله علیه - بود، همچنین پدرم انسانی روشن بین و از نوادگان ملا واعظ شیرازی که او نیز از نیاکان زمان خود به شمار می رفت، بود، مرحوم پدرم در مسیر زندگی خود مبارزه با ظلم دستگاه طاغوت و تلاش در گسترش عدالت را سیره عملی خود قرار داده بود و در این راه سالیانی از زندگانی خود را در بند دژخیمان ستم شاهی سپری کرد و به همین سبب کانون خانواده ام همواره برخوردار از روشنگری و کاوش در مسیر کشف حقیقت بوده است. شروع دوران تحصیلات متوسطه ام مصادف بود با آغاز نهضت بزرگ اسلام مردم ایران، که در کنار دیگر دوستانم در اتحادیه انجمن های اسلامی مدارس شیراز که امروزه بسیاری از ایشان مدال پر افتخار شهادت را به گردن آویخته اند به فعالیت های فرهنگی و اعتقادی روی آوردم، دقیقا پس از اولین تجربه ام در جبهه های جنگ که مصادف با سوم خرداد ۱۳۶۱ و آزاد سازی خرمشهر بود که علاقه وافر و آرزوی بزرگم یعنی فراگیری علوم اسلامی تحقق عملی پیدا کرد و در حوزه شیراز و در مدرسه قوام به تحصیل مشغول شدم ولی چون با فوت پدرم مصادف شد پس از اتمام دوره دبیرستان با انصراف از قبولی در دانشگاه، به حوزه مشهد و مدرسه استاد آیت الله موسوی نژاد عزیمت کردم که در آنجا ضمن خوشه چینی از خرمن اساتید آن دیار در جوار ملکوتی آستان قدس رضوی علیه السلام بهره مند شدم که از این میان اساتید بزرگواری چون آیت الله مروارید، آیت الله میرزا جواد تهرانی، آیت الله فلسفی، عارف بزرگ استاد مولوی افغانی و نیز برخی از شاگردان مرحوم رجبعلی خیاط را می توان یاد کرد. همچنین سطوح عالی و دروس خارج را در قم در محضر آیات عظام و اساتید

بزرگواری چون وحید خراسانی، تبریزی، فاضل لنکرانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، سبحانی، خاتم یزدی، جوادی آملی، لاریجانی، پایانی، اعتمادی و وجدانی فرا گرفتیم. در بخش دانشگاهی؛ در رشته علوم تربیتی مدیریت آموزش تا مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد پیوسته رشته الهیات و معارف اسلامی از موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی با اشراف استاد فرزانه آیت الله مصباح یزدی، کارشناسی ارشد ناپیوسته فلسفه و کلام را از دانشگاه باقر العلوم (ع) و تحصیل در مقطع دکترای رشته فلسفه که ادامه دارد. الان در خارج مشغول به تحصیل در مقطع دکتری هستم و در چند سمینار نیز شرکت داشته ام.

رضانیا، ذبیح الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ذبیح الله رضانیا

محل تولد: آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ذبیح الله رضانیا در تاریخ ۱۳۳۲ متولد شده و پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از اتمام مقدمات وارد دروس خارج شده و از محضر اساتید و حضرات آیات عظام آیت الله مکارم شیرازی، سبحانی، ربانی گلپایگانی، مومن.... کسب فیض نمودم. همچنین در رشته تخصصی کلام در حال نوشتن پایان نامه می باشم. علاوه بر تحصیل به تألیف نیز پرداخته ام که در قسمت آثار آمده است.

رضایی، مجید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجید رضایی

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اخذ دیپلم در سال ۵۸ به دانشگاه رفتم. با شروع انقلاب فرهنگی با حضور در کردستان و فعالیت در جهاد

سازندگی به مردم منطقه، کمک‌های متعددی انجام شد. در زمستان ۵۹ به حوزه آمدم. دروس سطح را تا سال ۶۶ به اتمام رساندم نزد اساتید مختلف از جمله حجج اسلام: آل‌غفور ومبیدی (لمعه و اصول فقه) طالقانی (مغنی) فتوحی (مختصر المعانی) میری (مبادی العربیه) اعتمادی و ضرابی (رسائل) ستوده (مکاسب) احمدی فقیه و مدرسی (کفایه) منظومه را از محضر آیت الله انصاری شیرازی با استماع نوار، منطق (نیازی) اشارات خدمت آیت الله حسن زاده، اسفار خدمت آیت الله جوادی آملی شرکت در درس و استماع نوار، تفسیر محضر آیت الله جوادی آملی، شرح تجرید استماع نوارهای آیت الله مکارم شیرازی، دروس خارج فقه محضر آیات عظام (منتظری، تبریزی، قدیری، موسوی اردبیلی، وحیدی خراسانی) و اصول محضر آیات عظام (صانعی، تبریزی، وحیدی خراسانی، موسوی اردبیلی، و قدیری) تمهید القواعد استماع نوارهای درسی آیت الله جوادی آملی در کنار تعلم، دروس حوزوی مختلف را در مدارس و به طور خصوصی تدریس کردم، ادبیات (جامع المقدمات، سیوطی، مبادی العربیه، مغنی) اصول (معانی و اصول فقه و رسائل) فقه (لمعه، مکاسب) فلسفه (بدایه، نهایه، منظومه، شواهد الربوبیه) حدیث (نهج البلاغه و بحار) قرآن تفسیر برخی سوره‌ها.

در دانشگاه مفید در اولین دوره اقتصاد نظری شرکت کردم و در سال ۷۳ لیسانس و ۷۷ فوق لیسانس اقتصاد را دریافت کردم. از سال ۷۶ به عنوان هیات علمی گروه اقتصاد علاوه بر انجام مسوولیت‌های اجرایی مثل مسئول دفتر نظارت و ارزیابی، مسوول دفتر تحصیلات تکمیلی و معاون پژوهشی تا سال ۸۴ به تدریس دروس مختلف اقتصاد پرداختم. فقه اقتصادی، مالیه عمومی در اسلام، مالیه عمومی، کلیات علم اقتصاد، اقتصاد در بخش عمومی، تجارت بین الملل، نظام‌های اقتصادی، تاریخ عقاید اقتصادی، بانکداری بدون ربا و ...

در دانشگاه علوم پزشکی تهران، رازی کرمانشاه و مفید دروس عمومی مثل معارف اسلامی، تاریخ اسلام، ریشه‌های انقلاب اسلامی، اخلاق اسلامی را تدریس کردم (از سال ۷۵ - ۸۰) با همکاری دوستان در بخش فرهنگی جامعه مدرسین قم کتاب ربا تدوین شد و با همکاری آقای رهایی کتاب فقه القضاء آیت الله العظمی موسوی اردبیلی بازنویسی شد و تحت اشراف ایشان تجدید چاپ شد.

رضوان، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اولاً- نامش ملاعباس بوده که به محمود تغییر داده است اسلافش از اهالی قریه کهک چهار فرسخی قم بوده و این حکیم دانشمند پس از تکمیل مقدمات علوم ادبیه در قم مهاجرت به تهران نموده و نزد دو حکیم بزرگوار مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه و آقا میرزا محمدرضای قمشاه مشغول تحصیل علم حکمت گردید تا از اجله حکماء محسوب گشت و سالها در تهران در مدرسه صدر و غیره تحصیل و تدریس علم حکمت می‌نمود. قصاید اشعار غرائی در مدح ائمه معصومین علیهم السلام سروده و در حدود سال ۱۳۳۰ تقریباً در تهران وفات نمود.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

رضوانی راد، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین رضوانی راد

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۴/۱

زندگینامه علمی

به فضل الهی سال ۱۳۴۹ شمسی در خرداد ماه وارد حوزه علمیه شدم رسماً و دروس مقدماتی ادبیات و منطق و سطوح اولیه را گذراندم و سطوح متوسط و عالی را گذراندم و در سال ۱۳۵۵ وارد درس خارج شدم، در همان سال امتحانات سطوح عالی را گذراندم در امتحان شفاهی کفایه الاصول که در مدرسه حجتیه انجام شد جناب استاد محسن دوزدوزانی نمره ۲۰ را دادند و چند بار تشویق کردند با جمله احسنت و در همان جلسه امتحان مکاسب مرحوم شیخ انصاری را در خدمت مرحوم استاد و آیت الله حاج شیخ احمد پایانی انجام شد ایشان شماره و نمره ۱۹ را دادند که بنده به ایشان عرض کردم از من اشکالی گرفتید چرا یک نمره کم کردید ایشان با شوخی و مزاح از کنار مساله گذشتند. در همین سال در درس مرحوم استاد آیت الله مرتضی حائری تا هفت سال درس خارج فقه شرکت نمودم تحت صلاحه مسافر و خمس و خیرات مکاسب را و در مباحث اصولی ایشان از عام و خاص تا برابری شرکت کردم و ۱۴ سال درس اصول آیت الله وحید خراسانی، هفت سال فقه درس آیت الله حاج میرزا جواد آقا تبریزی ۵ سال فقه درس آیت الله سید کاظم حائری اصول مدت دو سال تقریباً شرکت نمودم.

البته برخی از کتب سطوح عالی را مکرر خواندم. مثل کفایه الاصول ج ۲ را نزد ۲ استاد خواندم آیت الله سیدعلی محقق داماد و آیت الله جعفر سبحانی مکاسب را نیز دو دور خواندم. اسفار الاربعه صدر المتالیهین را تقریباً شش ماه خواندم آیت الله جوادی آملی و حاج شیخ حسین انصاری شرح فصوص قیصری و تمهید القواعد ابن ترکه را نزد آیت الله جوادی آملی خواندم برهان شفا در منطق را نزد آیت الله جوادی آملی الهیات را نزد آیت الله حسن زاده آملی خواندم و در همان سالهای اولیه مشغول تدریس بودم از سال ۱۳۵۱ شمسی تا کنون تا عالی ترین سطوح را تدریس کرده‌ام. خداوند متعال از همه قبول کند درس تفسیر را نزد آیت الله خزعلی آیت الله جوادی آملی تلمذ کردم. البته در این خلیل کارهای علمی از قبیل یادداشت برداری در موضوعات مختلف از قبیل تراجم شرح حال علی و امامت - معاد - حج و امثال ذلک داشته‌ایم و کتابهایی را از شهید مطهری آیت الله جوادی آملی - امام خمینی - شهید بهشتی - آیت الله مکارم شیرازی تنظیم نموده و پاورقی زدیم و چاپ شده است. از باب نمونه چهار کتاب از کتابهای شهید مطهری - انسان کامل - عنصر امر به معروف - فلسفه اخلاق - و یکی دیگر از کتابهای ایشان را شخصاً تنظیم کردیم و جامعه مدرسین در سالهای ۱۳۶۱ - ۱۳۶۲ چاپ کردند. از آیت الله جوادی آملی اسرار عبارات - حماسه و عرفان - عرفان حج و دیگر کتابها را تنظیم کردیم و چاپ شد و نیز از دیگران خداوند از همه قبول فرماید.

رضوی قمی، ابراهیم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۱۶۸ ق)، شاعر، عالم، حکیم، مفسر، محدث و فقیه اصولی. اصل وی از قم است، ولی در همدان متولد شد. در همان جا نشو و نما یافت. او برادر صدرالدین رضوی قمی، شارح «الوافیه»، است که از وی روایت کرده است. سید ابراهیم بعد از وفات برادرش به کرمانشاه رفت. وی یکی از مشایخ دوازده گانه سید شبر حویزی است. حاج محمدجعفر مجذوب (مجذوب علیشاه) نیز از شاگردان وی به حساب می‌آید. سال درگذشت و محل دفنش نامعلوم است. او خطی نیکو داشت. از آثار وی: «شرح مفاتیح الشرایع»؛ «شرح الوافی» فیض کاشانی. [۱]

سید صدرالدین بن سید محمدباقر الرضوی القمی مجاور نجف اشرف از علماء اواخر دولت صفویه به بعد و از بزرگان محققین این طایفه علیه می‌باشد صاحب روضات در کتابش گوید: در مرحله فضیلت و تدقیق وجودت تصرف و تحقیق فردیست بلاثانی و تلمذش در بدو امر نزد آقا جمال‌الدین خونساری و شیخ جعفر قاضی و مدقق شیروانی و سایر علماء اصفهان بود و پس از فراغ از تحصیل بوطن مألوف معاودت نموده و در آن ارض شریف مشغول تدریس و ارشاد عباد گردیده.

تا زمانی که در آن جایگاه فتنه افغانه رخ نمود بناچار به موطن برادر خود سید ابراهیم رضوی به همدان هجرت فرمود و از آنجا به نجف اشرف علی مشرفها آلا ف التحیه و الثناء رفت و در آن ارض مقدس نیز نزد شریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزایری مشغول تحصیل شد تا فارغ التحصیل گردید سپس در آنجا مشغول تدریس شد.

و از شاگردان اوست سید عبدالله بن سید نورالدین بن سید نعمت‌الله جزایری صاحب اجازه کبیره و از جمله چیزی که سید مذکور در آن اجازه در حق استادش گفته اینست که او اعلم علمائی است که من آنها را در عراق عرب دیده‌ام و اجمع آنها در معقول و منقول نزد اهل عراق و عظیم‌القدر بوده و زوار از هر ناحیه به ملاقات او می‌آمدند و به زیارتش تبرک می‌جستند و از وی استفاده می‌نمودند و از جمله تلامذه اوست وحید بهبهانی آقا باقر معروف رحمه‌الله علیه دارای تألیفاتی می‌باشد که از آنهاست «کتاب طهارت» و کتاب «شرح وافیه ملا عبدالله تونی» در سال ۱۱۶۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۲/۲۰۴)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲/۸۶)، الذریعه (۱۶۵، ۷۴/۱۴، ۱۴۴-۱۴۳/۱۱، ۲۲۹/۶)، ریاض العارفین (۳۰۲)، ریحانه (۳/۴۳۱)، الکنی و الالقاب (۲/۴۱۵)، طرائق الحقائق (۳/۲۵۸)، معجم المؤلفین (۱/۸۷)، مکارم الآثار (۳/۶۴۲).

رضوی قمی، صدرالدین محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۱۶۰ ق)، عالم، محدث، فقیه اصولی و مرجع تقلید. اصل وی از قم است و نسبش به امام محمدتقی (ع) می‌رسد. در اصفهان نزد آقا جمال خوانساری و شیخ جعفر قاضی و محقق شیروانی تلمذ کرد. سپس به قم رفت و به تدریس و ارشاد مشغول شد. در فتنه‌ی افغان به موطن برادرش، همدان و از آنجا به نجف رفت و مراتب علمی خود را به کمال رساند و از ملا-شریف ابوالحسن عاملی و شیخ احمد جزایری بهره گرفت استاد اکبر، محقق بهبهانی، شاگرد اوست و در نوشته‌هایش از رضوی قمی به سید سند استاد تعبیر می‌کند. سید عبدالله جزایری نیز از وی روایت کرده است. از آثار وی: «الوافیه» ملا عبدالله تونی، در اصول

فقه، در پانزده هزار سطر؛ «کتاب الطهاره»؛ حاشیه بر «المختلف» علامه حلی؛ «المعراج»؛ رساله‌ای در «حدیث ثقلین».
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۰۶/۹، ۳۸۶/۷)، الذریعه (۲۲۶/۲۱، ۱۸۵/۱۵، ۱۶۶/۱۴، ۱۲۱/۱۳، ۱۹۴/۶، ۳۲۵/۴)، روضات الجنات (۱۲۲- ۱۱۹/۴)، ریحانه (۴۳۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۸۴- ۳۸۲/۱۲)، فوائد الرضویه (۲۱۳)، الکنی و الالقاب (۴۱۵- ۴۱۴/۲)، لغت نامه (ذیل / صدرالدین)، معجم المؤلفین (۱۹۷- ۱۹۶/۱۱، ۸۷/۹، ۱۸/۵)، مکارم الآثار (۶۴۲/۳)، هدیه الاحباب (۱۸۷).

رضوی، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگی نامه آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی .

آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی فرزند ارشد شیخ محمد حسین رضوی در ۲۶ دی ماه سال ۱۳۲۶ شمسی در خانواده‌ای فرهنگی، مذهبی و روحانی چشم به جهان گشود. فشرده‌ای از آثار و زندگی پدر و اجداد ایشان و انگیزه انتقال شیخ محمد علی کاظمینی خوئی از عراق به آذربایجان در سایت بینش نو در لینک «درباره ما» بیان گردیده است.

استاد مرتضی رضوی در اواخر سال ۱۳۴۰ پس از تحصیل دوره ابتدایی و علوم مقدماتی به شهر مقدس قم عزیمت نمودند و در محضر اساتید بزرگ به تحصیل علوم و معارف اسلامی پرداختند: دروس فلسفه و منطق را نزد بزرگانی چون انصاری شیرازی، شهید دکتر مفتح و استاد شهید مرتضی مطهری گذراندند.

فقه و مکاسب را در محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جعفر سبحانی و درس «خارج» را مدتی نزد آیت الله داماد، و آنگاه از کلاس درس خارج مرحوم آیت الله گلپایگانی، آیت الله شریعتمداری و آیت الله ملکوتی بهره‌مند شدند.

استاد که در یک خانواده و خاندان بزرگ فرهنگی رشد یافته‌اند، از همان اوان کودکی با محافل نقد و بحث علمی، مذهبی مأنوس و آشنا بوده‌اند، همچنانکه خود بیان می‌دارند در کلام و اعتقادات و اسلام شناسی شاگرد پدر بزرگوارشان شیخ محمد حسین رضوی، و مرهون راهنماییهای مستمر ایشان بوده‌اند.

استاد مرتضی رضوی پس از بازگشت از قم تا پیروزی انقلاب اسلامی ضمن فعالیتهای سیاسی، به تبلیغ معارف اسلامی و تدریس و تفسیر قرآن و نهج البلاغه در آذربایجان می‌پردازند و با قلم صریح و رسای خود به نشر و گسترش مبانی علمی، اعتقادی دین اسلام در میان جوانان و اقشار تحصیل کرده مبادرت می‌ورزند.

در سن ۱۹ سالگی کتاب «خلقت آدم و بحثی در تکامل» را با مقدمه شهید دکتر مفتح تحریر و به چاپ می‌رسانند.

استاد مرتضی رضوی در اوایل سنین جوانی با امام خمینی (ره) و اهداف عدالت گستر ایشان آشنا شده و در ماجرای فیضیه و سخنرانی پرشور و تاریخی حضرت امام در سال ۱۳۴۲ حضور داشتند و تا سال ۱۳۵۶ و خیزش نهضت اسلامی ۱۸ بار توسط رژیم ستمشاهی دستگیر و در زندان انفرادی توأم با شکنجه حبس گردیدند. ایشان در اسفند ماه سال ۱۳۵۶ مجدداً دستگیر و به عنوان اولین تبعیدی آذربایجان به شهر لار تبعید شدند.

استاد مرتضی رضوی پس از چند سال تبلیغ و تدریس و تفسیر قرآن در آذربایجان و انجام فعالیتهای گسترده و مؤثر در تبریز در سال

۱۳۶۳ از سوی مردم فهیم تبریز در دوره دوم مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس برگزیده شدند.

استاد مرتضی رضوی در سال ۱۳۶۶ در دوره سوم نمایندگی مجلس شورای اسلامی از تهران کاندیدا شدند. حضور چشم‌گیر ایشان در مرحله دوم انتخابات مجلس سوم تهران، باعث چالش و رخدادی بزرگ در عرصه فعالیت‌های سیاسی گردید. سرانجام استاد مرتضی رضوی بنابر فرمایش تاریخی، مصلحانه حضرت امام (ره) به وزیر کشور وقت، مبنی بر اینکه «سلام من را به آقای رضوی برسانید و از قول من به ایشان بگویید: این حق شماست که همچنان در مرحله دوم کاندیدا باشید، ولی برای رفع تشنج و حفظ آرامش از حق خود صرف نظر کنید»، فی‌المجلس ضمن یادداشتی به وزیر کشور وقت از نمایندگانی تهران انصراف داد.

رفیعا گیلانی، رفیع‌الدین محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۰۶ ق)، عالم و حکیم. معروف به ملا رفیعا، رفیعا، میرزا رفیعا و رفیع‌الدین. مقیم مشهد بود و طی چهل سال اقامت در آن خطه، احترام همه‌ی مسلمانان منطقه را به خود جلب کرد. وی شاگرد میرزا رفیعا نائینی و علامه مجلسی است و از او روایت کرده است. قزوینی در «تتمیم امل الآمل» او را بسیار ستوده است. همسرش دختر امیر ابی‌المعالی کبیر و مادر همسرش دختر مولا صالح مازندرانی و نوه‌ی مجلسی اول بود. فرزندش محمد، چون ساکن بیدآباد اصفهان بود به بیدآبادی معروف است. از آثار وی: شرح «نهج البلاغه»؛ «حاشیه تفسیر بیضاوی»؛ «حاشیه‌ی شافی» سید مرتضی؛ حاشیه‌ی «اصول کافی»، تحت نام «شواهد الاسلام»؛ حاشیه «شرح لمعه»؛ «حاشیه مدارک»؛ منظومه «نان و پنیر»، به سبک «نان و حلوا» شیخ بهایی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰/۲۴)، ریاض العلماء (۱۰۷- ۱۰۶/۷)، ریحانه (۳۸۱/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۲۲۶)، فوائد الرضویه (۵۳۷-۵۳۵)، نامها و نامدارهای گیلان (۲۳۲)، هدیه الاحباب (۱۴۲).

رفیعا نائینی، رفیع‌الدین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ح ۱۰۰۰- وف ۱۰۸۲-۱۰۸۰ ق)، حکیم، متکلم و فقیه امامی. وی اصلاً نائینی بود ولی در اصفهان اقامت داشت. او از شاگردان میرفندرسکی، میرداماد و شیخ‌بهایی بود و از ملا عبدالله شوشتری و شیخ‌بهایی روایت کرده است. علامه محمدباقر مجلسی و شیخ حر عاملی از شاگردان وی می‌باشند. به او رفیعا، آقا رفیعا، میرزا و رفیع‌الدین نیز گفته‌اند. میرزای جلوه از نوادگان او است. وی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد دفن شد. بر مزار وی گنبدی ساخته‌اند که اکنون جزء آثار باستانی اصفهان به شمار می‌آید. در «الفیض القدسی» تاریخ وفات او ۱۰۹۹ ق ذکر شده که صحیح نمی‌باشد، زیرا شاگرد ملا خلیل قزوینی که در ۱۰۸۹ ق از دنیا رفته در کتاب «منهاج الیقین» خود سال مرگ او را ذکر کرد است. از آثار وی: «اقسام التشکیک و حقیقه»؛ «الثمره»، در تلخیص «الشجره»؛ «شجره الهیه»، به فارسی، در اصول دین که برای شاه صفی در ۱۰۴۷ ق نوشته شده است؛ «حاشیه اصولی کافی»؛ حاشیه «شرح ارشاد» مقدس اردبیلی؛ حاشیه «شرح اشارات» خواجه نصیر؛ حاشیه «شرح حکمه العین» میرک بخاری؛ حاشیه «مختصر

الاصول» عضدی؛ حاشیه «صحیفه سجادیه»؛ حاشیه «مختلف الشیعه» علامه حلی؛ «حاشیه‌ی مدارک الاحکام».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۳۴۴-۳۴۳)، الذریعه (۲۹-۲۸/۱۳، ۱۹۵/۶، ۱۳/۵)، روضات الجنات (۸۲-۸۱/۷)، ریاض العلماء (۱۰۶/۷)، ریحانه (۱۲۸/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۲۲۶)، فوائد الرضویه (۵۳۲-۵۳۱)، الکنی و الالقاب (۲/۲۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۴۴۷-۴۴۶/۵)، هدیه الاحباب (۱۴۳-۱۴۲)، هدیه العارفین (۲/۲۹۳).

رفیعی قزوینی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی مد ظله از مراجع عصر حاضر و اعظم مجتهدین معاصر است در تهران. وی در حدود سال ۱۳۱۲ ق در قزوین متولد و مقدمات و سطوح اولیه و متوسط را تا اوائل فرائد در آنجا خوانده و پس از آن به تهران آمده و از مرحوم آیت الله آقا سید محمد تنکابنی و آیت الله حاج شیخ مسیح طالقانی و آیت الله آقا شیخ محمد رضا نوری استفاده نموده و حکمت و کلام را نزد حکیم ربانی مرحوم میرزا حسن کرمانشاهی و مرحوم حاج فاضل و مرحوم میرزا محمود قمی قدس الله اسرارهم تحصیل نموده و فنون ریاضی را از مرحوم میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی و آقا شیخ علی رشتی (از هیئت و هندسه و اسطرلاب و بعضی دیگر از ریاضیات را) فرا گرفته تا سال ۱۳۳۸ ق که به قزوین مراجعت و بعد از یکسال معاودت به تهران نموده و فقط به تدریس شرح لمعه و قوانین و شرح منظومه و اشارات در مدرسه عبدالله خان پرداخته و طلاب آن عصر تهران را که از مدارس دیگر بمحضرش می‌شتافتند افاده نموده تا سال ۱۳۴۰ ق که مرحوم رئیس الشیعه آیت الله العظمی علامه استاد حاج شیخ عبدالکریم حایری به قم رحل اقامت افکندند، به قم مهاجرت و منحصر از درس و بحث فقه و اصول معظم له استفاده و خود بتدریس کفایه و رسائل و مکاسب شیخ و اسفار اربعه و شرح منظومه اشتغال تا در ماه رمضان ۱۳۴۴ ق به امر مرحوم آیت الله حایری در مسجد بالا سر به منبر تدریس بالا رفته و قریب دو بیست و پنجاه نفر از فضلاء و طلاب را که حاضر می‌شدند مستفید فرموده و در همان اوان حواشی مفصلی بر شرح منظومه سبزواری که معروفست نوشته و هم تعلیقات بر رسائل شیخ مرقوم نمودند تا سال ۱۳۴۹ ق با اجازه صریح در اجتهاد و حرمت تقلید مراجعت به قزوین نموده و تا سال ۱۳۸۰ قمری در آنجا بتدریس خارج کفایه و اسفار و فقه و اقامه نماز جماعت و تفسیر کلام الله مجید اشتغال داشته آنگاه به تهران آمده و تاکنون در مسجد جمعه به تدریس خارج فقه و اصول و خدمات دینی و روحی اشتغال دارد.

از تألیفات معظم له است: ۱- رساله در رجعت بقواعد عقلیه ۲- شرح بر دعاء سحر. ۳- حاشیه بر وسیله مرحوم آیت الله اصفهانی. ۴- رساله عملیه ۵- حواشی متفرقه.

سید ابوالحسن رفیعی قزوینی از اکابر فقهاء و مجتهدین و اعظم حکماء متألهین و مراجع تقلید معاصر بوده‌اند وی حدود دوازده سال بود که از قزوین زادگاه خویش به تهران منتقل و در مسجد جمعه اقامه جماعت و هم تدریس می‌نمودند تا در روز اول محرم ۱۳۹۵ قمری بعد از کسالت ممتدی از دنیا رفته و جنازه‌اش حمل به قم و در مسجد بالا سر نزدیک قبر مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی مدفون گردیدند. نگارنده. گوید آیت الله رفیعی که بعضی از مراجع معاصر از تلامذه و شاگردان ممتاز او می‌باشند از اسطوانه‌های علمی و اساتید بزرگ و فلاسفه سترک معاصر بودند و شایسته بود که در حوزه‌های علمیه بزرگ به تدریس و رهبری و اداره آن پرداخته و فضلاء بیشتری تربیت نمایند ولی گویا تقدیر غیر از این بود و المقدر کائن.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

رفیعی، قزوینی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۹۵ - ۱۳۱۰ ق)، حکیم، فیلسوف، فقیه و مدرس. در قزوین به دنیا آمد. مقدمات و سطوح اولیه و متوسط را تا اوایل فرائد در قزوین خواند و پس از آن به تهران آمد و از محضر آیت‌الله آقا سید محمد تنکابنی و آیت‌الله حاج شیخ مسیح طالقانی و آیت‌الله آقا شیخ محمدرضا نوری استفاده نمود. حکمت و کلام را نزد میرزا حسن کرمانشاهی و میرزاهاشم اشکوری و حاج فاضل رازی و میرزا محمود قمی، و فنون ریاضی را از میرزا ابراهیم ریاضی زنجانی و آقا شیخ علی رشتی فراگرفت. در ۱۳۳۸ ق به قزوین رفت و پس از یکسال به تهران آمد و به تدریس «شرح لمعه» و «قوانین» و «شرح منظومه» و «اشارات» در مدرسه‌ی عبدالله‌خان پرداخت. در ۱۳۴۰ ق که آیت‌الله حایری یزدی به قم رفت، وی نیز به قم مهاجرت کرد و از درس و بحث و فقه و اصول ایشان استفاده نمود و خود به تدریس «کفایه» و «رسائل» و «مکاسب» شیخ انصاری و «اسفار اربعه» و «شرح منظومه»، پرداخت. در ۱۳۴۹ ق به دریافت اجازه نایل شد. سپس به قزوین رفت و به تدریس خارج «کفایه» و «اسفار» و فقه، و نیز اقامه جماعت و تفسیر قرآن پرداخت. در ۱۳۸۰ ق به تهران آمد و در مسجد جامع به تدریس خارج فقه و اصول و خدمات دینی مشغول شد. امام خمینی قسمتی از «اسفار» و «شرح منظومه» را در نزد وی خواندند. وی در تهران در گذشت و جنازه‌اش به قم منتقل و در مسجد بالاسر در جوار قبر آیت‌الله شیخ عبدالکریم حایری یزدی دفن شد. از آثار وی: تعلیقه بر «شرح منظومه سبزواری»؛ رساله در «مراتب وجود»؛ رساله در «مبدأ و معاد»؛ رساله در «رجعت به قواعد عقلیه»؛ «شرح دعاء سحر»؛ حاشیه بر «وسیله» آیت‌الله اصفهانی؛ «رساله عملیه».

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۱۸۴-۱۸۲)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۲۰-۶۱۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۵۶ / ۶ / ۴۶۷ - ۴۶۶ / ۴)، نشر دانش (س ۳، ش ۱، ص ۱۸-۱۷).

رمضانی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن رمضانی

محل تولد: قدمگاه (نیشابور)

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن رمضانی سال ۱۳۳۶ در روستای قدمگاه نیشابور به دنیا آمدم. پس از گذراندن دوران کودکی تحصیلات ابتدایی

خود را در دبستان صابری که ملی بود شروع کردم. سال های چهارم و پنجم ابتدایی را در دبستان نوید و سال ششم را در دبستان منوچهری با موفقیت پشت سر گذاردم. آنگاه وارد دبیرستان شدم و تحصیلات خود را در دبیرستان طوسی پی گرفتم و تا سال سوم در همان دبیرستان بودم.

به خاطر علاقه و دلبستگی به حوزه، پس از مدتی به مدرسه آیت الله العظمی میلانی (قدس سره) رفته و ثبت نام کردم. تحصیلات حوزوی بنده پس از اندکی توقف - که خیلی دوران سختی بود - در مدرسه آقای مصباح ادامه پیدا کرد. ما در این مدرسه کتاب های جامع المقدمات، سیوطی و مغنی را طی سه سال در محضر اساتید مربوطه خواندیم. این مدرسه به خاطر مسائلی منحل شد. لذا ما به مدرسه بعثت تحت اشراف آیت الله میرزا حسنعلی مروارید (قدس سره) مراجعه کردیم و در آن مدرسه کتاب های معالم، لمعه، رسائل، مکاسب و اصول فقه را در محضر اساتیدی همچون عبد الجواد غرویان - امام جمعه فعلی نیشابور - مرتضی مروارید و ... دامت بركاتهم تلمذ نمودیم. این زمان مصادف بود با اوج گرفتن مسائل انقلاب؛ من هم مثل بقیه در فعالیت های انقلابی شرکت می کردم.

پس از انقلاب و استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ما هم در کنار درس و بحث مناسب با زمان و نیازهای موجود فعالیت های انقلابی را که شامل سخنرانی، اجرای کلاس های فرهنگی در مساجد و شرکت در اردوهای آموزشی و به عهده گرفتن امام جماعت فرودگاه مشهد و عضویت غیر رسمی در انجمن اسلامی فرودگاه و غیره بود شدت بخشیدیم و بعدها نیز مسولیت هیئت بدوی باز سازی نیروهای انسانی در اداره کل راه و ترابری استان خراسان را تقبل کردم که مدت اشتغال ما در این سمت ۲ ماه بیشتر طول نکشید چرا که علاقه به تحصیل در حوزه علمیه قم در دلم افتاده بود و قصد کرده بودم برای ادامه تحصیل به قم هجرت کنم. لذا پس از سر و سامان دادن به کارها استعفاي خود را نوشتم و در سال ۱۳۶۱ به قم مهاجرت کردم.

پس از ورود به قم ابتدا نزد اساتیدی چون آقا سید علی محقق داماد و آیت الله علوی گرگانی (دامت بركاتهما) تمه درس سطح را که شامل بخشی از مکاسب و کفایه بود خواندم. آنگاه خود را برای شرکت در درس خارج آماده کردم. اساتید خارج عبارتند از: آیت الله فاضل لنکرانی در فقه و اصول، آیت الله مکارم شیرازی در اصول، آیت الله جناتی شاهرودی و میرزا هاشم آملی در فقه. اما در زمینه فلسفه و عرفان و هیئت استاد عمده ما حضرت آیت الله علامه استاد حسن زاده آملی دامت بركات وجوده الشریف بوده است.

از دیگر اساتید ما در فلسفه حضرت آیت الله عزالدین زنجانی (دام ظلّه) است که در مشهد قبل از انتقال به قم قسمت هایی از بدایه الحکمه و نهایه الحکمه و منظومه را در محضر ایشان خواندیم. ما تدریس را در مشهد، مدرسه آقای مصباح در حالی که خودمان سیوطی می خواندیم آغاز کردیم. اولین کتابی را که تدریس کردیم کتاب صرف میر بود. این درس را به پیشنهاد و تشویق آقای صراف زاده که مدیر مدرسه بود و ایشان را بر گردن حق بسیاری است شروع کردیم. پس از آن در مدرسه آیت الله مروارید دروسی را چون سیوطی، منطق و مختصر المعانی، به مدت ۵ سال تدریس نمودم.

دروسی را که تا کنون در حوزه علمیه قم تدریس کرده ام و برخی نیز هنوز ادامه دارد عبارتند از:

مغنی اللیب، المنطق، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، الاشارات و التنبیها، الهیات شفاء، برهان شفاء، الشواهد الربوبیه، اسفار، تهמיד القواعد، شرح فصوص قیصری، تشریح الافلاک، شرح چغمینی و مقاله اولای اصول اقلیدس.

اینجانب علاوه بر تبلیغ به همان صورت سنتی (منبر رفتن) در شهرهای مشهد، ساری، لاهیجان، تهران، قم، شهر کرد، بروجن و ... به مناسبت های ماه محرم و ماه رمضان از سال ۷۳ از طریق دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها به عنوان مبلغ به دانشگاه های علوم پزشکی سمنان، قزوین، مشهد، شهید بهشتی و دانشگاه های هنر و تربیت معلّم کرج و دانشگاه نفت رفته ام.

حقیر مدّتی را هم در کنار تدریس در حوزه به تدریس در دانشگاه شهید محلاتی قم در زمینه های منطق، فلسفه، کلام، اخلاق و

امور تربیتی از سال ۷۵ تا ۸۰ مشغول بودم. یکی از فعالیت‌هایی که در حال حاضر به آن خیلی اهمیت می‌دهم و برایش ارزش خاصی قائلم عضویت در هیئت تحریریه فلسفه و کلام مرکز فرهنگ و معارف قرآن قسمت دایره المعارف قرآن کریم است که تا این زمان مدت قریب ۳ سال است ادامه دارد و انشاء الله امیدوارم توفیق پی گرفتن آن را از این پس نیز داشته باشم که در خدمت قرآن بودن و کار قرآنی کردن توفیق بزرگی است و نمی‌توان دیگر فعالیت‌های علمی را با آن مقایسه کرد.

روانبخش، قاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قاسم روانبخش

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی (ره) دروس مقدماتی را گذراندم سپس در حوزه علمیه به صورت آزاد دروس فقه و اصول را نزد اساتیدی مانند آیت الله رزاقی، آیت الله ستوده، آیت الله سید علی محقق داماد و سید مصطفی محقق داماد، شرح لمعه، اصول فقه، مکاسب و رسائل و کفایه را فرا گرفتم. دو جلد لمعه را نزد آیت الله رزاقی، اصول فقه را در محضر مصطفی محقق، مکاسب و رسائل را نزد آیت الله ستوده و آیت الله رزاقی، کفایتین را نزد آیت الله سید علی محقق فرا گرفتم.

دروس خارج فقه و اصول را نیز از محضر آیات عظام وحید خراسانی و تبریزی، مکارم شیرازی به مدت ۷ سال بهره جستیم. در سال ۱۳۶۱ وارد موسسه در راه حق شدم و با مجوز آیت الله مصباح سه سال درس موسسه را به کمک نوار در دو ماه و نیم تابستان فرا گرفتم و در آغاز سال تحصیلی در امتحانات شرکت کردم و در سال چهارم گروه «ها» موسسه وارد شدم. دوره گروه «ها» را که یک دوره هفت ساله بود ۴ سال دیگر در کنار دوستان در موسسه ادامه دادیم و درسهای اسفار جلد هشت و نهم بحث نفس را در محضر استاد مصباح فرا گرفتیم و سپس وارد بنیاد باقر العلوم (ع) شدیم و در رشته تخصصی فلسفه وارد شدیم و در این دوره که تا سال ۱۳۷۵، سال دفاع از پایان نامه طول کشید کتاب‌های برهان، شفا، الهیات شفا، اسفار جلد سوم را از محضر استاد مصباح و اسفار جلد اول را از محضر استاد جوادی آملی تلمذ کردم.

تاریخ فلسفه یوسف کرم دو جلد در نزد استاد فیاضی و جلد اول و دوم اشارات را نیز نزد ایشان فرا گرفتم و دروس معرفت‌شناسی را با استاد مصطفی ملکیان خواندم. پایان نامه اینجانب نیز با عنوان «کیفیت پیدایش معقولات اولی و ثانیه» با استاد راهنما استاد غلامرضا فیاضی و استاد مشاور آقای عبد الرسول عبودیت و استاد داوری آقای مصطفی ملکیان که با نمره ۱۸/۵ از آن دفاع شد. در این مدت علاوه بر تدریس دروس طرح ولایت مثل کتاب هستی‌شناسی، معرفت‌دینی، غرب‌شناسی، فلسفه اخلاق سالانه ۴ واحد آموزش فلسفه در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) تدریس کرده و ادامه خواهم داد.

در سال ۱۳۷۶ به دلیل رشد فزاینده مطبوعات مدعی اصلاح طلبی وارد عرصه مطبوعات شده و با تاسیس هفته نامه پرتو به مقابله با

اندیشه های باطل طرفداران غرب پرداختم که تا کنون بیش از صدها مقاله از اینجانب در هفته نامه پرتو، کیهان، رسالت، سیاست روز، اطلاعات، شرق و ... به چاپ رسیده است.

روح‌الایمان ارسنجانی، علی‌اکبر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۴۰ - ۱۲۷۳ ش)، عالم و مجتهد. در قصبه‌ی ارسنجان فارس متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی در شیراز متوطن شد و به تحصیل فقه و اصول پرداخت. از محضر استادان بزرگی چون میرزا ابراهیم محلاتی و میرزا محمدصادق مجتهد کسب دانش کرده به درجه‌ی اجتهاد نایل شد. اجتهاد وی مورد تصدیق علمایی چون شیخ محمدکاظم شیرازی و شیخ ضیاءالدین عراقی و میرزا آقا اصطهباناتی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی قرار گرفت. وی در شیراز در مدارس حکیم و هاشمیه به تدریس پرداخت. از آثارش «رساله‌ی عملیه» می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۰۶-۷۰۵/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۶/۴).

روحانی تبریزی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، شاعر و حکیم. از سخنوران عهد سلطان حسین بایقرا بود. این بیت از اوست:

گفتم روم ز کویش بگرفت اجل ره من

بنگر چه هاست در ره بیچاره آدمی را

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۳۱۵)، تذکره‌ی شعرای آذربایجان (۲۵۹-۲۵۸/۲)، دانشمندان آذربایجان (۱۶۱)، الذریعه

(۳۸۶/۹)، سخنوران آذربایجان (۳۷۷)، فرهنگ سخنوران (۳۹۹)، لغت نامه (ذیل / روحانی تبریزی).

روحانی قمی، صادق

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۸ - ۱۲۵۵ ق)، فقیه، اصولی و مرجع. در قم به دنیا آمد تا هجده سالگی تحت نظر پدر مشغول به تحصیل مقدمات بود. سپس دو سال در اصفهان اقامت کرد و چندی هم در تهران نزد حکیم معروف آقا علی مدرس به تحصیل حکمت اشتغال داشت. در حدود ۱۲۷۹ ق به نجف رهسپار شد و از محضر درس شیخ مرتضی انصاری دو یا سه سال استفاده کرد. پس از وفات شیخ به درس

حاج میرزا حبیب‌الله رشتی حاضر شد. او پس از سالها بهره‌گیری از محضر علمای نجف به سامراء مهاجرت کرد و از حوزه‌ی درس آیت‌الله میرزا محمدحسن شیرازی استفاده کرد. در ۱۲۹۸ ق به قم بازگشت و مرجع امور شرعی مردم گشت. آیات عظامی چون حاج شیخ حسن فاضل و میرزا فخرالدین سیدی و حاج آقا محمد کبیر و حاج سید ابوالقاسم مرتضوی و شیخ ابوالقاسم صغیر و آخوند ملا-علی اکبر از شاگردان وی می‌باشند. او در قم در گذشت و در شیخان به خاک سپرده شد. از آثار وی بنای مسجد و مدرسه‌ای در شهر قم است. آثار علمی‌اش عبارت‌اند از: «تقریرات» فقه و اصول استادانش؛ مجلدی در «مباحث الالفاظ»؛ مجلدی در «الادلّه العقلیه»؛ قسمتی از «زکات»، از اول زکات تا اصناف مستحقین، که شرح مبسوطی بر این بخش از «شراعی» است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: سرالسعاده (مقدمه)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۶-۸۵۵/۱۴).

روحانی، صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۴۰ ق)، فقیه، اصولی، مجتهد و مرجع تقلید. وی در خاندانی که قرن‌ها در شهر قم ریاست علمی و دینی داشتند متولد شد. پس از تحصیلات مقدمات در نزد پدر بزرگوارش در سال ۱۳۵۷ ق به اتفاق برادر بزرگش آیت‌الله حاج سید محمد روحانی برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و نزد آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله غروی و آیت‌الله شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت‌الله خوئی به تکمیل تحصیل پرداخت و در عنوان جوانی حایز مقام اجتهاد گشت. وی در سال ۱۳۶۸ ق به قم بازگشت و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. او را به داشتن صفاتی چون همت عالی و قلب وسیع و فکر بلند و رای متین و نظر دقیق و خلق حسن ستوده‌اند. وی تالیفاتی ارزنده‌ای در فقه و اصول دارد که از جمله آثارش: «فقه الصادق»، شرح «تبصره‌ی» علامه، در بیست و شش مجلد؛ «منهاج الفقاهه»، شرح «مکاسب» شیخ انصاری، در چهار مجلد؛ «مسائل مستحدثه»؛ شرح «کفایه الاصول»؛ رساله‌ای در «جبر و اختیار»؛ «القواعد الثلاث»؛ رساله «اجتهاد و تقلید»؛ حاشیه «عروه الوثقی»؛ حاشیه «رسائل» شیخ انصاری؛ «توضیح المسائل».[۱]

آیت‌الله حاج آقا محمد بن علامه الحاج میرزا محمود بن الایه السید صادق الروحانی الحسینی برادر ارجمند و بزرگ آیت‌الله روحانی معاصر از علماء اعلام و فضلاء بنام حوزه علمیه نجف اشرف است.

تولدش در سال ۱۳۳۶ قمری در قم واقع شده و پس از تحصیل مقدمات و ادبیات و سطوح در سن بیست سالگی به اتفاق برادر بزرگوارش آیت‌الله آقا سید صادق در سال ۱۳۵۵ قمری سال فوت مرحوم آیت‌الله حایری به نجف مهاجرت نموده و از آیات عظام حاج شیخ محمدحسین غروی کمپانی و آیت‌الله اصفهانی و کاظمینی و اکثراً آیت‌الله العظمی خوئی مدظله العالی استفاده نموده تا در حوزه هزار ساله نجف مشار با لبنان گردیده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجّه (۹۵/۲)، آینه‌ی دانشوران (۲۰۷-۲۰۶)، الذریعه (۱۳۵/۱۳)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۶۲-۱۶۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۰-۴۸۹/۳).

رودسرابی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسن رودسرابی

محل تولد: سبزوار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در پانزدهم شهریور سال ۱۳۳۳ شمسی در روستای رودسراب از توابع شهرستان سبزوار در یک خانواده روحانی به دنیا آمدم. در سن هفت سالگی به مکتب خانه روستا رفته و با قرآن آشنا شدم. بعد از آشنایی ابتدایی با قرآن در سال ۴۳ - ۴۲ با راهنمایی مرحوم پدرم که مدرس ادبیات عرب در حوزه علمیه سبزوار بود به آن حوزه وارد شدم. در حوزه علمیه سبزوار ابتدا کتابهای مقدماتی آموزش خواندن و نوشتن و کتاب نصاب الصبیان به منظور آشنایی با لغات عربی در رأس آموزشها قرار گرفت. پس از آن کتاب جامع المقدمات که صرف و نحو ابتدایی است و کتاب سیوطی و مغنی را به عنوان آشنایی با ادبیات عرب از محضر اساتید آن حوزه در مدت تقریباً چهار سال تدریس نمودم. در سال ۱۳۴۸ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه مشهد مقدس هجرت نموده و در مدرسه آیت الله العظمی میلانی (ره) در ادامه آشنایی با ادبیات عرب به تحصیل معانی بیان، بدیع، کتاب مختصر المعانی تفتازانی و برای آشنایی با فقه و اصول ابتدایی کتاب مختصر النافع و اصول الفقه مظفر و برای آشنایی با عقاید امامیه کتاب اعتقادات صدوق را از محضر اساتید آن مدرسه حجت هاشمی خراسانی، آقای رجائی بیرجندی و آقای نقیبی تربیتی تعلیم گرفتم.

در این دوره که تقریباً سه سال طول کشید هم زمان کارهای فرهنگی تبلیغی را شروع نموده و در ایام تبلیغ به روستاها و شهرستانها اعزام می‌شدم. در سال ۱۳۵۰ برای ادامه تحصیل به قم هجرت نمودم. در ابتدا در مدرسه مهدیه تحت اشراف آیت الله العظمی مرعشی نجفی ساکن شدم و بقیه دوران را در مدرسه خان تحت اشراف آیت الله العظمی بروجردی سپری نمودم. در این دوره کتابهای سطح عالی فقه و اصول مکاسب و کفایتین، فلسفه و کلام شرح منظومه و اسفار و شرح تجدید در محضر اساتید بزرگوارى همچون آیت الله صلواتی، ستوده، تقدیری، سید کاظم حائری، جوادی آملی، محمدی گیلانی، امین نجف آبادی، گذراندم. در سال ۱۳۵۷ در درس‌های خارج حوزه شرکت نموده و در بین درسها در محضر درس آیت الله وحید خراسانی مستقر شده و تا الان ادامه دارد و تقریرات درس اصول ایشان را تقریباً نوشته‌ام.

روزبه، رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۲ - ۱۳۰۰ ش)، استاد، فیزیکدان، ریاضیدان، ادیب، فیلسوف، فقیه و زاهد. در زنجان به دنیا آمد و تحت تعلیمات عالی پدرش و عمویش که هر دو عالم و زاهد بودند قرار گرفت. در دبستان و دبیرستان هم از نظر درس و هم از جنبه فضایل اخلاقی دانش‌آموزی برجسته بود. با پایان گرفتن تحصیلات دبیرستانی به کار تعلیم و تربیت در دبستان توفیق زنجان پرداخت. استعداد عالی و روزش کار بی‌ظنیرش در زمینه‌ی تعلیم و تربیت او را در این امر بسیار موفق ساخت. در ۱۳۳۰ ش وارد دانشکده‌ی علوم دانشگاه

تهران شد. در تحصیلات عالی هم دانشجویی ممتاز و بی‌رقیب بود. پس از فراغت از تحصیل در رشته‌ی فیزیک تحقیقات خود را در این زمینه‌ی پی‌گیر شد و به عنوان محقق فیزیک شناخته شد. رساله‌ی پایان‌نامه‌ی تحصیلی‌اش در زمینه‌ی «مطالعه در آثار میدان الکتریکی و رادیسیون و گاز ازن روی موجودات زنده» بود، و در پایان رساله طرح جدیدی برای استفاده از گاز ازن را در پزشکی ارائه داد. با وجود پیشنهادات مکرر برای احراز کرسی تدریس دانشگاه به سمت دانشیاری دکتر هوشیار، و همچنین عضویت در مجامع تحقیقی غرب همراه مزایای کلان مادی، وی پایه‌گذاری دبیرستان علوی و تدریس در آن را ترجیح داد و تمام عمرش را صرف انسان‌سازی کرد و شاگردانی تربیت کرد که به گفته‌ی خودش هر کدام یک مدرسه‌ی علوی بودند. در کنار تحقیقات گسترده در زمینه فیزیک استاد روزبه در مساله تعلیم و تربیت نیز نظری صائب و متقن داشت. تسلط کامل وی بر معارف اسلامی و تفسیر قرآن و فقه و اصول چشمگیر بود. «رسائل» و «مکاسب» را به خوبی می‌دانست. با ادبیات عرب و زبان فرانسه کاملاً آشنا بود. در بعد اخلاق نیز شخصی نمونه و کم‌نظیر بود. پاکی و صفا و زهد بی‌ریای او، حاکی از شاخص بودنش در این زمینه بود. او انسانی بود که همه‌ی مصلحان جهان آرزوی یافتن مثل او را داشتند. استاد روزبه تالیفات و تحقیقات متعددی در زمینه‌ی علوم مثبت و نیز فقه دارد. حتی در آخرین شب حیاتش به تجدید نظر در این تالیفات مشغول بود. او همگی این آثار را در پایان عمر به یکی از شاگردان فاضلش سپرد تا به چاپ برساند. سرانجام به بیماری سرطان از دنیا رفت و در قم در گورستان نو به خاک سپرده شد. از آثار وی: «خداشناسی»، که توسط جامعه مدرسین منتشر شده است؛ «عربی آسان»، که محصول کار اواخر عمر استاد با همکاری استاد شهید سید کاظم موسوی می‌باشد؛ رسائل بسیاری در علوم و فقه.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بیادبود استاد روزبه، کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۸، ص ۵۳-۵۲).

روشن، عبدالکریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالکریم روشن، مجتهد و فیلسوف و متفکر ایران بود. او شاگردان بسیاری را تربیت کرد. روشن از زمره افراد نادری بود که برای دریافت‌های ذوقی، استدلال فلسفی قرآنی و روایی می‌کردند. او بر فلسفه مسلط بود. بدان جهت بحث خود را مستدل بیان می‌کرد. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: عبدالکریم روشن دوره ابتدایی را در مدرسه دانش در نزدیکی محله آب منگل تهران سپری کرد و بعد به تحصیلات حوزوی روی آورد و ادبیات، فقه و اصول، قواعد الاحکام، علوم عقلی، فلسفه، عرفان را فرا گرفت. او در سن ۲۸ سالگی به درجه اجتهاد نائل آمد. استادان و مریدان: عبدالکریم روشن ادبیات را در محضر حاج شیخ محمد لواسانی فرا گرفت و درس قواعد الاحکام را نزد ذوالمجدین آموخت. در علوم عقلی از شاگردان آقا میرزا مهدی آشتیانی و آقا میرزا طاهر تنکابنی بوده و در فلسفه و عرفان، شاگرد آنها میرزا ابراهیم امامزاده زیدی و آقا میرزا محمد علی شاه آبادی و آقا شیخ محمد تقی آملی بود. اما در آن بین با قم میرزا طاهر تنکابنی ارتباط باطنی بسیاری داشت. او در محضر آیت الله شاه آبادی را نیز شاگردی نموده، و در سن ۲۸ سالگی با کسب فیض از محضر آیت الله مرعشی نجفی، به درجه اجتهاد نایل آمد. زمان و علت فوت: عبدالکریم روشن، صبح روز جمعه سوم مهر ماه ۱۳۷۱ شمسی دارفانی را وداع گفت. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: کار اصلی عبدالکریم روشن، حسابداری بود که در بازار و غیر بازار حسابداری می‌کرد. فعالتهای آموزشی: عبدالکریم روشن از سال ۱۳۶۰ شمسی با دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران همکاری

داشت. وی در زمینه عرفان و فلسفه تدریس می‌کرد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: بیشترین چیزی که عبد الکریم روشن بر آن تاکید داشتند تفکر، شب زنده داری، عاشق بودن و تعلق به چیزی نداشتن در این عالم بود. او می فرمودند که درخت تقوی زمانی بار میده که ریشه در عشق الهی داشته باشد و به همین دلیل به مساله عشق خیلی تاکید داشتند. شاگردان: یکی از شاگردان معروف عبد الکریم روشن استاد علی رافعی، مدرس دانشگاه های تهران است. همفکران فرد: یکی از همفکران عبد الکریم روشن، امام (ره) بود بر پا کردند. همفکران دیگر روشن، مهدی حائری یزدی و علامه جعفری بودند که به او ارادت بسیاری داشتند. آرا و گرایشهای خاص: شیوه و سلوک آموزش عبد الکریم روشن به صورت سخنرانی بود. او معتقد بود که قدما اصول و اساس و حقایق مطالب عرفانی را گفته اند و شرط اول شاگردی این است که آن اصول را خوب یاد بگیریم. ایشان دیوان حافظ را حفظ بودند و بعد از هر بحث عمیق قرآنی، غزلی از حافظ را می خواندند. آنچه را که به عنوان ابداعات و ویژگی های عبد الکریم روشن می توان عنوان کرد، تقوای توأم با تفکر و اندیشه در آیات قرآن و روایات معصومین بود. او می گفت: «مطالبی را که من می گویم، در هیچ کتابی نمی یابید. اصل مطلب آن ارتباطی بود که ایشان بین آیات و روایات برقرار می کردند و بعد، آن حقایقی که از دل این آیات و احادیث بیرون می کشید، این چیزی بود که مختص جناب روشن بود. چگونگی عرضه آثار: عبد الکریم روشن به هیچ وجه اهل تالیف کتاب نبود ولی آثار وی صورت هزار کاست موجود است.

منابع زندگینامه: مقام عشق و عرفان، یادنامه جناب شیخ رجبعلی نکوگویان در گفت و گو با استاد علی رافعی، ماهنامه کیهان فرهنگی، سال بیستم، شهریور ۱۳۸۲، پیاپی ۲۰۳

رهبر اسلامی، علی

قرن: ۱۵:

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی رهبر اسلامی

محل تولد: زرین شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۷/۳/۸

زندگینامه علمی

در سال ۵۳ دبیرستان را رها کرده و برای تحقیق علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم (رسالت) شدم. تا سال ۵۶ و تا درس لمعه و حلقات شهید صدر پیش آمدم اما پیروزی انقلاب اسلامی کار را متوقف کرد. بعد از فعالیت های سیاسی در اصفهان وارد سپاه پاسداران (مسئول آموزش) و تا ۱۳۶۲ مشغول تحقیق و تدوین و تدریس و امور اجرایی شدم.

تدریس در آموزش و پرورش و حوزه علمیه زرین شهر را از سال ۱۳۶۰ آغاز کردم.

در سال ۱۳۶۲ به عشق درس حوزه با قم مرتبط شدم و تا سال ۱۳۷۳ با دفاع از پایان نامه با عنوان «الفاظ عموم» سطح ۳ حوزه را اخذ کردم و در سال ۱۳۷۸ با آزمون دانشگاهی مدرک اخذ نمودم. سال ۱۳۶۹ به قم بازگشته ولی به علت کسالت به زرین شهر بازگشتم. تدریس دوباره در حوزه و شروع به تدریس در دانشگاه ها را از سال ۷۰ آغاز کرده و از همان سال کارشناسی برنامه کلام نور قرآنی صدا و سیمای مرکز اصفهان را جرقه زدم.

در سال ۱۳۷۲ تدریس در دانشگاه صنعتی اصفهان را شروع و در حال حاضر مدیر گروه و عضو رسمی مقطعی هیئت علمی این دانشگاه هستم.

سخنرانی‌های تبلیغی، علمی، کلاسی و کارشناسی در دانشگاه‌های سراسر کشور و رسانه ملی ادامه دارد. مقالات حقیر به ۵۰ مورد و کتاب‌های به ۵ و مصاحبه‌ها به ۱۰ مورد می‌رسد. در حال حاضر در سن ۵۰ سالگی هستم و دارای ۳ فرزند و یک نوه می‌باشم.

ریاضی خوانساری، ابوالقاسم جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۰ - ۱۳۱۳ ق)، فقیه، حکیم، ادیب و ریاضیدان. وی در ۱۳۲۸ ق از اصفهان به نجف مهاجرت کرد و به تحصیل فقه و اصول و حدیث پرداخت و در ریاضیات سرآمد اقران شد وی به هندوستان سفر کرد و در آنجا به نشر احکام پرداخت. او در گلگیت نزدیک کشمیر از دنیا رفت. کتابخانه نسبتاً غنی از وی باقی ماند. او تالیفاتی چند به نظم و نثر دارد. که از آن جمله می‌توان به «سفائن البحار»، به فارسی، منظوم؛ «بحر الحساب»، به فارسی؛ «اعجاز المهندسين»؛ رساله‌ی «الجبر و المقابله»؛ رساله «قابلیه التقسیم»، در اعداد؛ رد «ابطال الرمل»؛ و «تسهیل القسمه» اشاره کرد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱/۲۵۵).

زارعی، عباسعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عباسعلی زارعی

محل تولد: سبزه وار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب عباسعلی زارعی مشهور به زارعی سبزه واری مطابق شناسنامه در سال ۱۳۴۸ در روستای گاچ از توابع شهرستان سبزه وار متولد شدم. نام پدرم محمد و نام مادرم ماندگار زهرائی می باشد. وران کودکی را در آغوش پدر و مادر سپری کرده و قبل از دبستان در سن پنج سالگی به مکتب قرآن رفته و مشغول فراگیری قرآن و بعضی کتابهای دینی شدم. درس ۱۳۵۶ در شهرستان سبزه وار به دبستان رفته و مشغول تحصیل شدم. ر سال ۱۳۶۲ به طور رسمی وارد حوزه علمیه سبزه وار شده و مشغول تحصیل در حوزه شدم تا سال ۱۳۶۵ در سبزه وار از محضر اساتیدی همچون شیخ محمد علی ابراهیم نژاد، سید محمدشیری، شیخ حسین طالبی درس

سطح را از مقدمات تا اتمام لمعتین استفاده نمودم.

در سال ۱۳۶۵ در امتحان ورودی مشهد مقدس شرکت نموده و پذیرفته شدم. در مشهد مقدس از محضر حضرات حجج الاسلام آقای جوهری، علامه زاهدی، سنا بادی، علمی و حضرات آیات مرتضوی و فلسفی و آشتیانی و خلخالی تلمذ نمودم. در مشهد مقدس به تقاضای بعضی از طلاب درسهای مقدمات تا لمعه را تدریس می نمودم و در سال ۱۳۶۸ اولین کتاب خودم به نام مسائل منطقی شرح منظومه حکیم سبزه واری را تألیف نمودم. در طول مدتی که در مشهد بودم یعنی مدت نزدیک به پنج سال با جدیت تمام به امر تحصیل و تدریس و تألیف مشغول بودم و برکات فراوانی در طول این مدت نصیب بنده شد. در شبانه روز فقط ۵ یا ۶ ساعت استراحت می کردم و ساعات دیگر را در راه تحقیق و تحصیل سپری کرده و بطور کامل استفاده می نمودم. در مدرسه موسی بن جعفر (ع) مشغول تحصیل و تدریس شدم و در امتحان کفایه ممتاز شناخته شدم.

و در اواخر سال ۱۳۶۹ به توصیه اساتید محترم عازم شهر قم شده و در حوزه علمیه قم پذیرفته شدم.

در حوزه علمیه قم از محضر اساتید بزرگوار آیات عظام فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی، سید موسی شبیری زنجانی در فقه و اصول و از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی و جواد آملی در فلسفه استفاده بردم و از سال ۱۳۷۱ در مدرسه آیه الله العظمی گلپایگانی و مدرسه دار الشفاء و فیضیه مشغول تدریس مکاسب، رسائل، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه، بودم، و در حال حاضر مشغول چهارمین دوره تدریس کفایه الاصول و مشغول به تدریس خارج فقه می باشم. تاکنون کتابهایی را تألیف نموده ام که گزارش آن خواهد آمد. در مراکزی مانند مدارس علمیه الهادی و حجتیه و مرکز فقهی ائمه اطهار و مرکز تخصصی تربیت مدرس نیز تدریس نموده و می نمایم.

زالی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن زالی

محل تولد: گلپایگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سن ۱۶ سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم و اکنون حدود ۴۰ سال است که در این حوزه مقدسه اشتغال به تحصیل و تدریس دارم، دوره ادبیات را تا سطح لمعتین و قوانین الاصول در مدرسه علمیه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) گذراندم، و همزمان در دروس مدرسه منتظریه (معروف به حقانی) و زیر نظر آیت الله شهید بهشتی و مدیریت آیت الله شهید قدوسی (رضوان الله تعالی علیهما) نیز توفیق حضور داشتم دروس سطح حوزه را نیز در محضر آن فقیه معظم گذراندم و همزمان به دروس عقاید، اخلاق و تفسیر نیز اشتغال داشتم پس از اتمام سطح به دروس خارج حوزه پرداختم که حدود ۱۵ سال خارج فقه را در محضر آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) و ... بودم و خارج اصول را از محضر آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری (قدس

سره) و آیت الله وحید خراسانی (دامت برکاته) استفاده کردم و همزمان دروس عرفان « شرح قیصری » و ... فلسفه، منظومه، اشارات، الشفاء و اسفار ملاصدرا را از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی، جوادی آملی، انصاری شیرازی و ... بهره جستم و از درس تفسیر اساتید مختلف حوزه علمیه نیز بحمد ا... برخوردار شدم.

اکنون بیش از ده سال است که به تدریس خارج فقه با عنوان مکاسب محرمه، انفال، خمس، زکوه، صوم، اعتکاف مشغولم و در حال حاضر به تدریس خارج فقه و اصول (یک دوره کامل با متن کفایتین) اشتغال دارم، علاوه بر آن دروس حوزوی ادبیات تا سطح عالی مکاسب و کفایتین را بارها تدریس کرده‌ام. اینجانب به خاطر علاقه وافری که به دروس تفسیر، حدیث، نهج البلاغه، احکام، فلسفه و معارف اسلامی داشتم سالهاست که بحمد ا... توفیق تدریس این دروس را نیز دارم که هم اکنون دروس های نهج البلاغه پنجشنبه ها از رادیو معارف پخش می شود و دروس فلسفی را از نهایی مرحوم علامه تا منظومه سبزواری، اسفار از جلد ۱ تا جلد ۸ (که هم اکنون مشغول هستم) تدریس داشته‌ام.

همزمان با دروس حوزوی در دانشگاه نیز تدریس می کردم، از همان اوایل بازگشایی دانشگاهها پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در دانشکده های مختلف دانشگاه تهران، علوم پزشکی تهران، و سپس تربیت مدرس قرآن به ارائه دروس معارف اسلامی به معنای اعم آن، فلسفه ملاصدرا، اسفار، شواهد الربوبیه، اخلاق اسلامی و پاسخ به سوالات پرداختم، در دانشگاه قم، تربیت مدرس قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم نیز به تدریس معارف اسلامی، نهج البلاغه، تفسیر، احکام، فلسفه، حکمه متعالیه و پاسخگویی به سوالات دانشجویان و اساتید همت گماشتم در طول این مدت فراوان رساله های علمی و پایان نامه های دانشجویان و حوزویان را نیز بر عهده داشتم که هم اکنون نیز با عنوان استاد راهنما، مشاور و داور در این قسمت توفیق دارم.

در گزینش اساتید معارف برای دانشگاه های سراسر کشور نیز به عنوان استاد مصاحبه گر در معاونت اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری توفیق انجام وظیفه دارم از زمان شروع دروس تخصصی حوزه علمیه قم در مراکز تخصصی کلام تفسیر، تبلیغ نیز اشتغال داشته و به تدریس فلسفه ملا صدرا تفسیر قرآن، ترتیبی و موضوعی و فلسفه اخلاق پرداختم از جمله کارهای علمی و فرهنگی اینجانب حضور در مراکز علمی و فرهنگی حوزوی و دانشگاهی جهت سمینارهای علمی و پاسخ به سوالات بوده است همچنان که در تمام ایام تبلیغی و ایام الله و مناسبات تبلیغی در داخل و خارج کشور حضور داشته و انجام وظیفه می نمودم و لازم به یادآوری است که صدا و سیما هم به مناسبتهای مختلف به تهیه فیلم و نوار پرداخته اند که قسمت زیادی از اندوخته ها تا به حال ارائه شده است به ویژه رادیو معارف در تهیه مطالب در زمینه های عرفان اسلامی، تفسیر، ترجمه نهج البلاغه، اعیاد و وفیات، مناسک حج و فلسفه حج، فلسفه احکام و فقه اسلامی و ... زمینه توفیق مطالعه و ارائه آنها را فراهم آورده است. در جامعه الزهرا قم نیز مباحث معانی بیان، بدیع، رسائل، اصول الفقه، اخلاق را طی سالهای تحصیلی تدریس داشته‌ام کوتاه سخن اینکه اینجانب با لطف الهی و عنایات حضرت باری تعالی عمر و زندگی را که حدود ۴۰ سال آنرا بخش علمی در حوزه علمیه قم به خود اختصاص داده است پیوسته اشتغال به تحصیل و تدریس و تبلیغ و یا صرف وقت در تهیه جزوات علمی و یا مصاحبه های علمی و تحقیقات حوزوی داشته‌ام.

زرآبادی، موسی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید موسی حسینی زرآبادی که سبط عالم جلیل مولی کریم روغنی است فیلسوف متاله و حکیمی الهی و متکلمی توانا و فقیهی اصولی و مبین معارف ائمه معصومین علیهم السلام بود.

در سال ۱۳۱۱ قمری در بیت علم و تقوا به دنیا آمده و در دوران کودکی مقدمات و ادبیات را خوانده و از محضر اساتید بزرگ چون حاج مولی علی اکبر ایزدی متوفی ۱۳۳۰ فقها و اصولا- استفاده نموده و تقریرات درس ایشان را مبسوطا نوشته و به تهران مسافرت کرده و در مدرسه سید نصرالدین مشغول تکمیل علوم عقلی و نقلی و ریاضی شده و از محضر میرزا ابوالحسن جلوه متوفی ۱۳۱۴ قمری و میرزا حسن کرمانشاهی متوفی ۱۳۳۶ قمری و میرزا شهاب شیرازی و شیخ علی نوری متوفی ۱۳۳۵ بهره برده و پس از تکمیل مراتب علمی به قزوین مراجعت و به تدریس علوم اسلامی از عرفان و فلسفه و کلام و فقه و اصول و تربیت و ارشاد مشغول و شاگردانی مبرز در علم و تقوی چون مرحوم حاج شیخ علی اکبر الهیان و حاج شیخ مجتبی قزوینی و حاج سیدعباس مدرسی و حاج سید جوادی تربیت نموده است. دارای تألیفاتی نافع در علوم مختلفه می‌باشند.

۱- اصول دین

۲- اعتقادات

۳- تعلیقه بر رسائل شیخ انصاری

۴- حاشیه بر منظومه سبزواری

۵- حاشیه بر الهیات اشارات

۶- حاشیه بر منطق اشارات

و رساله‌های دیگری در مواعظ و علوم فلسفه و غیر اینها.

معظم‌له در دوم ربیع الثانی ۱۳۵۳ هجری قمری از دنیا رفته و در جوار حضرت شاهزاده حسینی قزوین مدفون شده است.

(۱۳۵۳ - ۱۲۹۴ ق)، فقیه. وی در قزوین و تهران به تحصیل علوم معقول و منقول پرداخت. حاج ملا- علی اکبر ایزدی سیادهنی تاکستانی از استادان وی بود که سید موسی «تقریرات» درس فقه و اصول ایشان را نگاشته است. وی در تهران در محضر اساتیدی چون میرزا حسن کرمانشاهی و سید شهاب‌الدین شیرازی و شیخ علی نوری حکمی و شیخ فضل‌الله نوری کسب فیض کرد. شیخ علی الهیان تنکابنی و شیخ مجتبی قزوینی خراسانی و شیخ هاشم قزوینی و سید محمدتقی معصومی اشکوری و سید علی محمد حاج سید جوادی و بسیاری دیگر از شاگردان وی می‌باشند. از آثارش: تعلیقه بر بخشی از «رسائل»؛ حاشیه بر «مطول»، بخش علم بیان؛ حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ شرح «سامان و ابسال» ابن‌سینا؛ رساله‌ی «اعتقادات»، به عربی؛ حاشیه بر «منظومه» سبزواری؛ حاشیه بر «شرح اشارات»، بخش الهیات؛ «اصول‌الدین»، به فارسی؛ رساله‌ای درباره‌ی مشروطیت؛ حاشیه بر منطق «اشارات». [۱]

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

منابع زندگینامه: [۱] کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۲۷-۲۶، ۵).

زکی شیرازی، عبدالله

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۶۷۷ ق)، شاعر و حکیم. وی از پیشینیان مشایخ و سابقین علما بود که قاضی بیضاوی و ظهیرالدین عبدالرحمن بزغش و قطب‌الدین علامه از شاگردان او بودند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴۰۳-۴۰۲/۹)، ریاض العارفین (۱۹۶-۱۹۵)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۶۹/۲)، مجمع الفصحا (۶۹۵/۲)، مرآت الفصاحه (۲۵۳).

زمانی، رجبعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رجبعلی زمانی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

سال ۱۳۴۸ سیکل خود را گرفتم سپس در امتحانات عمومی حوزه علمیه مشهد که با سیاست‌گذاری مرحوم آیت الله العظمی میلانی برگزار گردید شرکت کردم و به فضل الهی در مدرسه معظم له پذیرفته شدم و درسهای حوزوی را آغاز کردم. با پشتیبانی مرحوم والد در مدرسه مرحوم آیت الله میلانی طی پنج سال دوره سطوح اولیه گذراندم و از محضر اساتیدی همچون حجج اسلام اسلامی، نجفی، نقیعی، بنی هاشمی (ره) اختری بهره مند شدم. سطوح عالی را آغاز کردیم و از برکات وجودی اساتیدی همانند حجة الاسلام والمسلمین آهنیان، محسنی، محقق و آیت الله رضازاده و فلسفی استفاده بردم دروسی همچون رسائل و مکاسب را فراگرفتم و سپس به شهر قم جهت ادامه تحصیل روانه شدم. در سال ۱۳۵۴ ه. ش عازم قم شدم و ادامه سطوح عالی مکاسب و رسائل را در محضر آیت الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی، آیت الله پایانی به پایان رساندم و دروسی همچون کفایتین و بخش پایانی مکاسب را در محضر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله ستوده به اتمام رساندم. در ضمن دروس فلسفه و کلام (اسفار - منظومه) و تفسیر را از محضر آقایان آیت الله جوادی آملی و حسن زاده آملی و مشکینی و انصاری ... استفاده کردم و تلمذ نمودم. از سالهای ۱۳۵۶ دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیات عظام: فاضل لنکرانی، شیخ جواد تبریزی، آقای منتظری و وحید خراسانی تلمذ کردم و بهره فراوانی بردم. در ضمن بحث (رجال) را از محضر آیت الله شبیری زنجانی استفاده نمودم. تدریس در مدرسه دارالشفاء و فیضیه و حجتیه از عنایات الهی بود که توانستم معالم الاصول، مختصر المعانی، اصول مظهر و ادبیات عرب را تدریس کنم و آنچه را آموختم به عزیزانی دیگر منتقل نمایم. کار تدریس را نه تنها در حوزه علمیه مشهد و قم داشتم بلکه خداوند توفیق عنایت کرد سالهای ۶۵ تا ۶۹ همان دروس قبلی به همراه رسائل و مکاسب و بدآیت الحکمة را در حوزه علمیه زینبیه سوریه تدریس نمودم و عده ای از طلاب عرب زبان از کشورهای مختلف اسلامی که در کشور سوریه به سر می بردند همانند برخی از طلاب عراق، بحرین، لبنان، مصر، پاکستان، افغانستان، و نیجریه و... بودند سعی نمودم آنچه را اندوخته ام به این عزیزان منتقل کنم (که حدود ۴ سال به طول انجامید) بعد از انقلاب اسلامی کار تالیف را آغاز کردم و با استفاده از تجارب حجة الاسلام والمسلمین آقایان محمد جعفر امامی و پیشوائی کار ادامه پیدا کرد. کار جمعی ما (درس هایی از نظام دفاعی اسلام) به ثمر رسید و چندین مرتبه به چاپ رسید و به حمدالله در میان رزمندگان اسلام (سپاه پاسداران - ارتش جمهوری اسلامی) مورد بهره برداری و تدریس قرار گرفت. و

نیز کار جمعی دیگر همچون (معجم بحارالانوار) در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم انجام گرفت که آن هم ۱۴ جلد حجری شد و امروز از برکات وجودی آنها جامعه علمی اسلامی بهره مند می شود.

زمانی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود زمانی

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱۱/۲۰

زندگینامه علمی

حقیق در سال ۱۳۵۹ پس از گذراندن دوره راهنمایی وارد حوزه علمیه صاحب الزمان (عج) شهرستان شهرضا به مدیریت و سرپرستی جناب مستطاب حجت الاسلام غدیر علی ممیز شدم و در مدت ۳ سالی که در آنجا به تحصیل اشتغال داشتم دوره مقدمات و قسمتی از کتاب شرح لمعه و اصول الفقه مرحوم مظفر را گذراندم. در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطح را تا سال ۱۳۶۷ از محضر اساتیدی چون مرحوم وجدانی و مرحوم پایانی و حضرت مستطاب شیخ مصطفی اعتمادی و سید موسوی تهرانی (مد ظلهما) بهره بردم. در سال ۱۳۶۷ وارد مرحله درس خارج شدم و از محضر اساتیدی چون آیات عظام فاضل و تبریزی (از سال ۶۷ تا ۶۹) بهره بردم، از سال ۶۸ به مدت یک سال دوره اصول و فقه استاد وحید خراسانی بهره بردم. در رشته فلسفه نیز از سال ۶۳ کتب فلسفی رایج در حوزه ها را از محضر اساتیدی چون آیات عظام جوادی آملی، حسن زاده آملی، مصباح یزدی، محمد علی گرامی، علی زمانی (عموی بنده) و فیاضی دامت برکاتهم استفاده بردم. در رشته هیئت و نجوم نیز از محضر جناب استاد حسن زاده آملی و علی زمانی بهره بردم. از آنجا که آشنایی با علوم جدید را لازم می دیدم بین سالهای ۶۵ تا ۶۹ دوره متوسطه را تابستانها به صورت متفرقه گذراندم و در سال ۶۹ موفق به اخذ دیپلم شدم. در سال ۷۰ برای آشنایی با مباحث جدید کلامی وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم و در رشته "دین شناسی" از اساتید آن مرکز استفاده بردم و در سال ۷۶ با ارائه پایان نامه ای تحت عنوان "ترجمه کتاب مفهوم معجزه و نقد آن" دوره کارشناسی ارشد را به پایان بردم. در سال ۷۶ برای تقویت بنیه علمی در زمینه فقه و اصول وارد موسسه بقیه الله (عج) شدم و از محضر اساتید آن موسسه استفاده بردم. در کنار تحصیل به تحقیق در زمینه هایی که در سطور قبل به آن اشاره شد، پرداخته ام که حاصل آن چندین کتاب و رساله می باشد که ذکر خواهم کرد و همچنین به تدریس نیز اشتغال داشته و دارم.

زنجانی نجفی، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۲- ۱۲۹۶ ق)، فقیه، مجتهد و حکیم. وی در قریه‌ی دواسب از توابع زنجان متولد شد. مقدمات و متون فقهی را در زنجان خواند پس از آن به نجف مهاجرت نمود. بعد از تکمیل تحصیلات در سال ۱۳۳۰ ق به زنجان بازگشت و به انجام وظائف شرعی پرداخت. در زنجان درگذشت و پیکرش را به قم بردند و در جوار مرقد علی بن جعفر دفن شد. از آثارش «فلسفه‌ی اتحاد مسلک» یا «فصل الخطاب و فلسفه‌ی اتحاد صواب» است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۰۵/۱۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۳۱/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۹۹- ۳۹۸- ۱/).

زنجان، امین الدوله، ابوالقاسم محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۲- ۱۲۲۴ ق)، عالم، فقیه، اصولی و مجتهد امامی. نسبش به اما موسی کاظم (ع) می‌رسد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد. در زنجان مدتی به تحصیل مقدمات مشغول بود آنگاه به قزوین مسافرت کرد و به محضر درس بزرگانی چون ملا عبدالوهاب و ملا محمدتقی شهید حاضر شد، سپس به اصفهان رفت و از شاگردان سید محمدباقر حجة الاسلام رشتی و حاج محمد ابراهیم کلباسی شد. در سی و پنج سالگی پس از تکمیل تحصیلات علمیه به زنجان مراجعت نمودند. ستیزش با بایان مشهور و احضارش به تهران به امر محمدشاه قاجار معروف است. او پدر سه دانشمند معروف: میرزا ابوطالب مجتهد و حاج میرزا ابوالمکارم و حاج میرزا ابو عبدالله است. وی در زنجان درگذشت و در خارج این شهر در بقعه‌ی مخصوصی به خاک سپرده شد. از آثارش: «ایضاح الدلائل فی حساب عقد الانامل»؛ «نارالله الموقده»؛ «فصل الخطاب»، در شرح «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل»؛ «تخریب الباب»؛ «رد الباب»؛ «قلع الباب»؛ «قمع الباب»؛ «سد الباب» همگی در رد باییه؛ «الحوه»؛ «حجه الابرار علی فرقه الاشرار فی اثبات حرمه الخمر فی الشرایع السابقه و جمیع الادوار»؛ «قره الابصار فی اثبات امامه الائمه الاطهار (ع)»؛ «شرح الحساب»؛ «المحمودیه»، در شرح «طب الرضا (ع)»؛ «المقاصد المهمات فی صیغ العقود و الایقات»؛ «مقالید الابواب»؛ «هدایه المتقین»، در عقاید و اصول و فروع دین؛ «نور العین فی عزاء الحسین (ع)»؛ «قواطع الاوهام»؛ «تسلیه الملهوفین و تسکین المغمومین»؛ «کشف الساتر فی شرح کلمات باباطاهر».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۵/۶) اعیان الشیعه (۴۰۹/۲)، الذریعه (۳۷/۱۸، ۱۷۵- ۱۷۴، ۶/۱۷، ۲۲۸/۱۶، ۱۷۹/۴، ۴۹۵/۲)، ریحانه (۳۸۵- ۲/۳۸۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۲- ۶۱/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۴۹)، معجم المؤلفین (۱۵۶/۱۱)، مکارم الآثار (۷۸۲- ۷۸۰/۳).

زنجان، شمس‌الدین، ابو عبدالله محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۳ - ۱۲۶۲ ق)، فقیه، منطقی، عروضی و قاضی. مقدمات را در زنجان فراگرفت. در ۱۲۸۰ ق برای ادامه تحصیل به قزوین رفت. سپس به مشهد مشرف شد و در سبزوار چندی در خدمت حاج ملاهادی سبزواری درس خواند. در حدود ۱۲۸۵ ق به نجف رفت و نزد علامه سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی نجفی و میرزای شیرازی تلمذ کرد، و در آنجا با دختر سید محمدطاهر بن اسماعیل موسوی شوشتری، داماد علامه انصاری، ازدواج کرد. پس از تکمیل تحصیلات در ۱۲۹۴ ق به زنجان بازگشت و مرجعیت امور شرعی و تدریس را در آن شهر بر عهده گرفت. از آثارش: «مطالع الشمس»، در شرح «الدروس»؛ «فن القطح» ثر «حجیت»؛ «الانصاف»، در حسن و قبح عقلی؛ «مصایح الدجی»، در مواعظ؛ «نور المنابر»، در مقتل، به فارسی؛ «الایقاعات»؛ «المناطق»؛ «اجزاء العلوم»؛ «تقسیم العلم»، به اقسام اولیه و ثانویه؛ «رشحات الملكوت»؛ «الایماضات»، در حکمت اشراقی؛ «نفحات اللاهوت»؛ «المیزان»، در عروض؛ رساله‌ای در «قوافی»؛ رساله‌ای در شرح «بعض صفات النبی (ص)»؛ «رساله فی الامانات»؛ «الیواقیت»، در حساب؛ کتابی در «نحو».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۷۸/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱ - ۵۰/ ۱۴)، معجم المؤلفین (۱۴۸، ۱۱، ۱۰۴/ ۶)، مکارم الآثار (۱۶۶۱/۵).

زنجان، عبدالواسع

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۱ - ۱۲۳۵ ق)، فقیه، اصولی، امام جمعه، مجتهد و واعظ. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود. پس از پدرش تولیت مجسد فتحعلی شاه قاجار را بر عهده داشت. وی در زنجان وفات یافت و در بقعه‌ی پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله‌ی «الاجتهاد و التقليد»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ حاشیه‌ی «قوانین الاصول»؛ «الرد علی رساله التکفیر» یا «رساله تکفیر الرومی»؛ وی حدود ده جلد کتاب در مواعظ دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۹۸ - ۱۹۷/ ۱۰، ۱۷۷، ۶/ ۱۰۰، ۲۷۲/ ۱)، ریحانه (۳۸۷/۲)، طبقات اعلام الشیعه قرن (۸۰۴/۱۳)، المآثر و الآثار (۱۶۴)، معجم المؤلفین (۲۱۵/۶).

زنجان، نصر

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم ق)، دانشمند، طبیب و حکیم. از آثار وی: «المقامات الطیبیه»؛ «المقامات الحکمیّه»؛ «الرساله السعدیه»؛ «الجواهر» فی النحو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: فوائد الرضویه (۶۹۲)، معجم المؤلفین (۹۳/۱۳).

زنگویی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی زنگویی

محل تولد: بیرجند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای علی زنگویی در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بیرجند دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی و از سوی دیگر شوق زیارت و همجواری با بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج علیه السلام او را راهی حوزه علمیه مشهد گردانید و در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد گردید.

از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از ورود به حوزه علمیه مشهد، ضمن انس با آستان ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا (ع) با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه آن دیار حاضر شد ولی شوق فراوان او به کسب علم او را راهی حوزه علمیه قم گردانید. وی پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه دروس خارج ستارگان علم و ادب آن دیار راه یافت. در حوزه علمیه از درس بزرگانی همچون آیت الله مکارم، آیت الله صادق لاریجانی، مرحوم آیت الله وحید، آیت الله گنجی و مرحوم پایانی بهره‌ها برد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۲ از دانشگاه تربیت مدرس قم فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان "هرمنو تیک و تفسیر از نظر علمای اسلام" دفاع کرد استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از امر تبلیغ غافل نماند و در این راستا سعی و تلاش وافری به انجام رسانده است و چند ماهی هم برای این مهم به کشور سریلانکا رفت. استاد سال‌های متمادی است که به تدریس و شاگرد پروری در دانشگاه بیرجند مشغول است، وی در زندگی سراسر علمی خود به تحقیق و نگارش و تألیف به چیزی دیگری نیندیشیده که مقالات فراوانی در این زمینه به رشته تحریر در آورده است.

زین العابدینی، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی زین العابدینی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب هادی زین‌العابدینی فرزند شیخ موسی، بعد از گذراندن دوره دبیرستان به حوزه علمیه مجتهدی (ره) در تهران توفیق حضور یافتیم. از همان ابتدا سال دوم حوزه به صلاحدید حضرت استاد مجتهدی به تدریس مشغول بودم و تاکنون نیز مشغول تدریس می‌باشم؛ صرف و نحو، بلاغت، اصول، فقه، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، مکاسب محرمه، رسائل، کلیات فی علم الرجال، درایه الحدیث و عقائد (آیت الله سبحانی) از جمله درس‌هایی است که در تهران و قم به تدریس آنها مشغول بوده و هستم. والان مشغول تدریس مکاسب، رجال، درایه به صورت رسمی از شورای مدیریت می‌باشم.

زینی، حسن

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۲۷۸ ق)، عالم و حکیم. وی از شاگردان معروف ملاهادی سبزواری بود. زینی تعلیقات استادش را بر «سفر اول» از «الاسفار الاربعه» به خط خود نگاشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۳۲۲).

ساجدی، ابوالفضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفضل ساجدی

محل تولد: آران و بیدگل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

ساعی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدعلی ساعی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدعلی ساعی سال ۱۳۴۱ در شهر تهران متولد شدم. مراحل ابتدائی تا دیپلم را در تهران گذراندم. بلافاصله در سال ۶۰ به حوزه علمیه قائم در نزدیکی محل خود رفته به مدت یکسال دروس حوزوی را گذراندم. در سال ۶۱ به حوزه علمیه مشهد برای دروس ادبیات عرب سفر نمودم و نزد حجت الاسلام حجت هاشمی خراسانی مدرس مشهور ادبیات عرب کتابهای سیوطی، مغنی، مطول و معالم را خواندم. رسائل شیخ انصاری و شرح لمعه را نزد آیت الله صالحی گذراندم. در سال ۶۴ به حوزه علمیه قم آمدم و کتاب مکاسب را نزد آیت الله محقق داماد خواندم و رسائل را نزد استاد اعتمادی تلمذ نمودم. در سال ۶۸ دو جلد کفایه را نزد مرحوم استاد ستوده خواندم. از سال ۶۹ در درس خارج فقه و اصول بزرگان حوزه مانند آیت الله وحید خراسانی، آیت الله تبریزی، آیت الله مکارم شیرازی به مدت شش سال شرکت نمودم. از سال ۷۶ تاکنون به تدریس دروس اعتقادی در دانشگاه علامه طباطبایی و آزاد اسلامی اشتغال دارم و ده سال سابقه تدریس دارم. کتابهای فلسفی مانند بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شرح منظومه و جلد اول و ششم اسفار و تمهید القواعد در عرفان نظری را خوانده و اکنون نیز تحصیل و قرائت کتابهای فلسفی و عرفانی را نیز ادامه می‌دهم.

سبحانی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای حاج شیخ جعفر بن علامه الزاهد حاج شیخ محمدحسین سبحانی تبریزی از اساتید بنام و فضلاء بلا کلام و مدرسین والامقام حوزه علمیه قم است که در فروردین ماه ۱۳۰۸ شمسی در تبریز متولد شده و در مهد علم و فضیلت تربیت یافته و مقدمات و سطوح را در مدت ۵ سال در تبریز خوانده و در سال ۱۳۶۵ قمری مهاجرت به قم نموده و در مدت دو سال بقیه سطوح را خوانده و به درس و بحث آیت الله العظمی حجت و آیت الله العظمی بروجردی شرکت نموده و دراسات و تقریرات آن دو بزرگوار را به رشته تحریر آورده و در خلال آن از آیات عظام دیگر حوزه استفاده نموده و فلسفه و معقول را از علامه طباطبائی فرا گرفته و جلد اول اصول فلسفه را به امر استادش علامه به عربی ترجمه و منتشر نموده است.

استاد سبحانی حوزه درس بخصوصی دارند و در تربیت و پرورش طلاب و فضلاء روش مخصوصی دارند و از روز تاسیس دارالتبلیغ اسلامی قم در رشته‌های تفسیر و عقاید و رجال در آن مهد بزرگ اسلامی به تدریس پرداخته‌اند و نیز از روز نخستین مجله وزین و ارزنده (درسهائی از مکتب اسلام) از مؤسسين آن و جزو هیئت تحریریه آن بوده و در هر شماره از این مجله علمی و دینی (که ارگان رسمی حوزه علمیه قم) است علاوه بر مقاله مخصوصی که به نام وی چاپ می‌شود و مقاله دیگری یکی پیرامون

تفسیر قرآن و دیگری پاسخ به سوالات علمی خوانندگان می‌نویسد گذشته از مقالات مذکوره آثار علمی دیگری دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- اصول فلسفه که در نجف اشرف طبع شده.
 - ۲- تهذیب الاصول در سه مجلد تقریرات یکی از اساتید عالی مقام خود که در قم به طبع رسیده.
 - ۳- مفاهیم القرآن که در دست انتشار است.
 - ۴- فروغ ابدیت در دو جلد در زندگی پیامبر عالیقدر اسلام که از مدارک صحیح اسلامی با تجزیه و تحلیل کامل نوشته شده است.
 - ۵- رسالت جهانی پیامبران در نبوت عامه.
 - ۶- قرآن و معارف عقلی تفسیر سوره حدید.
 - ۷- مرزهای اعجاز، ترجمه بخش اعجاز قرآن تفسیر (البیان).
 - ۸- تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن.
 - ۹- سیستم اخلاقی اسلام تفسیر سوره حجرات.
 - ۱۰- رمز پیروزی به عنوان اخلاق برای جوانان نوشته و مکرر به طبع رسیده است.
 - ۱۱- سرچشمه هستی در توحید.
 - ۱۲- داروینسم شرح نظریه تکامل انواع (ترانسفورمیسیم) مکرر چاپ شده است.
- برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سبزواری، هادی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۸۹ - ۱۲۱۲ ق)، عالم و شاعر، متخلص به اسرار. پدر و جدش همه در سبزواری اهل ثروت و شهرت و اعتبار و مردمانی خیر و نیکوکار بودند. وی در دوران ناصرالدین شاه قاجار، مانند ملاصدرا در عهد شاه عباس بود. صاحب المآثر و الآثار می‌گوید: «در این مائه گذشته حکمت و معقول را این مرد فرد به همان طور تاسیس کرد که شیخ مرتضی انصاری فقه و اصول را». در هفت هشت سالگی شروع به خواندن صرف و نحو نمود. پدرش در ایام سفر حج، در شیراز در گذشت. بنا به وصیت پدر حاج ملا حسین سبزواری که از بستگان نزدیک او بود، تربیتش را به عهده گرفت و او را به مشهد برد. در آنجا ادبیات، فقه، اصول، منطق و فلسفه و ریاضیات را آموخت. بعد از ده سال به اصفهان رفت و از آخوند ملا اسمعیل، واحدالعین، حکمت، و نزد آقا محمدعلی نجفی، فقه را فراگرفت. در مدت اقامت در اصفهان به فرائض و نوافل مشغول بود و محاوره و گفتگوهای باکشیشی مسیحی کرد. سپس به خراسان بازگشت و مدت پنج سال به تدریس حکمت و فقه و اصول در مشهد پرداخت. در ۱۲۵۰ ق در سفر حج همسرش را از دست داد و پس از بازگشت، حدود سه سال، در اطاق یکی از طلاب، به نام ملا محمد عارف، که خادم مدرسه نیز بود اقامت گزید، و با دختر وی ازدواج کرد. به سبزواری بازگشت و مجلس درس تشکیل داد. بزودی آوازه علمی او به نقاط مختلف رسید و از داخل و خارج کشور طالبان فلسفه و حکمت به محضر درس وی روی آوردند از آن جمله‌اند: شیخ ابراهیم تهرانی معروف به شیخ معلم، شیخ احمد میامیه‌ئی، سید احمد ادیب پیشاوری، میرزا اسدالله سبزواری، میرزا اسماعیل افتخار الحکماء طالقانی، ملا اسماعیل سبزواری. حاج ملاهادی، شعر فارسی و عربی را به روانی و نهایت سلامت می‌سرود. از ویژگیهای آثار وی شرح و تفسیر آثار

ملاصدرا و روشن کردن نکات مبهم عقاید اوست. در سبزواری درگذشت و همان جا دفن شد. آثار به جا مانده از او: «اسرار الحکم»، نیز می‌گویند؛ «اسرار العباد»، در فقه؛ «الجبر و الاختیار»؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ حاشیه «زبدہ الاصول» شیخ بهایی؛ حاشیه «شرح سیوطی» بر «الفیه» ابن مالک؛ حاشیه‌ی «شواهد الربوبیه» ملاصدرا، که در حواشی خود آن کتاب چاپ شده؛ حاشیه بر «مبدأ و معاد» ملاصدرا، که در حواشی خود آن کتاب چاپ شده است؛ شرح «مثنوی» ملای رومی؛ حاشیه «مفتاح / مفاتیح الغیب»، که در حاشیه خود «مفاتیح» چاپ شده است؛ «دیوان» شعر، به فارسی؛ شرح «غرر الفرائد» و «هدایه المسترشدین». [۱]

حاج ملا- هادی سبزواری (و. سبزواری ۱۲۱۲- ف. ۱۲۸۹ ه.ق) متخلص به اسرار پسر حاج محمد سبزواری از دانشمندان بزرگ و حکمای عصر خود بود. نخست در مشهد و سپس در اصفهان حکمت، فقه، اصول و کلام آموخت. معروف‌ترین تألیف او منظومه و شرح آن دو منطبق و حکمت است در دو قسمت که قسمت اول آن «اللالی المنتظمه» و قسمت دوم «غرر الفرائد» نام دارد و هر دو در یک جلد چاپ شده و به نام شرح منظومه مشهور است. شیخ به فارسی نیز «اسرار الحکم» را نوشته است که در حکمت الهی است و همچنین حواشی متعددی بر شواهد الربوبیه و سایر مصنفات ملاصدرا تحشیه کرده و ضمناً به تخلص «اسرار» غزلیات حکمی و مایل به تصوف سروده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۳۸/۹)، اعیان الشیعه (۲۳۴/۱۰)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۸۷/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۲)، ۱۸۷/۵، تاریخ فلاسفه ایران (۵۷۶-۵۶۵)، حدیقه الشعراء (۱۲۸-۱۲۷/۱)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۲۸/۲)، الذریعه (۲۹۲/۲۶)، ۹۸، ۵۵/۱۴، ۲۵۶-۲۵۵، ۱۷۹/۱۳، ۷۲/۹، ۲۱۴، ۱۹۱، ۱۴۴/۶، ۴۴/۲، ریاض العارفین (۲۴۱)، ریحانه (۴۲۷-۴۲۲/۲)، شرح حال رجال (۳۲۶/۵)، طرائق الحقائق (۴۶۶-۴۶۵/۳)، فلاسفه‌ی شیعه (۲۶۱-۲۵۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۰-۳۰۸/۵)، لغت نامه (ذیل / هادی)، المآثر و الآثار (۱۴۷-۱۴۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۳۷-۷۳۱/۶)، معجم المؤلفین (۱۲۷/۱۳)، مکارم الآثار (۴۶۹-۴۵۰/۲)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۴۸-۴۳).

سپاسی آشتیانی، کاظم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کاظم سپاسی آشتیانی

محل تولد: آشتیان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۲

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۵۶ وارد حوزه شدم و از همان زمان در کنار ارتقاء تحصیلی به تدریس سطوح پایین تر هم اهتمام ورزیدم به طوری که ادبیات را چند بار تدریس نمودم و لمعتین را در دروس استاد وجدانی (ره) و اصول فقه را در درس استاد صالحی افغانی شرکت کردم و کفایتین را در درس آقای صالحی مازندرانی شرکت نمودم و مکاسب را با اساتیدی مثل عمانی، فیض بهرامی، طاهری خرم آبادی گذراندم و در درس خارج آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی و آیت الله العظمی وحید و مکارم شیرازی شرکت نمودم و

اکنون هم به صورت تخصصی به تحقیقات فقهی و اصولی مشغول هستم و همزمان رسائل شیخ انصاری (ره) را تدریس می‌نمایم؛ در فلسفه و عرفان به درس استاد حشمت پور حاضر شدم و شرح اشارات و شواهد الربوبیه و شرح حکمت الاشراق را استفاده نمودم و بعضی از بحث‌های اسفار را با آقای امیر دیوانی گذراندم. در سال ۱۳۷۸ وارد دانشگاه قم (تربیت مدرس) شدم و در سال ۱۳۸۰ از این دانشگاه با مدرک کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شدم؛ از سال ۱۳۶۸ در دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس درس‌های معارف، اخلاق، تعلیم و تربیت اسلامی، متون، تاریخ و کلیات فلسفه اشتغال دارم.

سپهری، برزو

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۹۰ ش)، استاد فلسفه و نویسنده. وی پس از پایان دوره‌ی مقدماتی، از دانشسرای عالی و دانشکده‌ی ادبیات موفق به اخذ لیسانس زبانهای خارجی شد و مدت یک سال سمت دبیری داشت، سپس به سویس رفت و از دانشگاه ژنو به دریافت درجه‌ی دکترا در فلسفه نایل گشت و پس از مراجعت به ایران، با سمت دانشیار فلسفه در دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار او است: «آراء فلسفه درباره‌ی عادت»؛ «بحث در مسایل پرورش اخلاقی»؛ «سر جنسیت یا روانشناسی عشق».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۱۴۱/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۲/۲).

سجادی، جعفر

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جعفر سجادی در اسفند ماه ۱۳۰۳ هجری شمسی در کارماسه، از روستاهای بلوک لنجان سفلی اصفهان، برکرانه غربی زاینده رود به دنیا آمد. دکتر سید جعفر سجادی استاد دانشگاه تهران است. او از هیچ آغاز کرد و به مدارج عالیہ کمال رسید. کوشش وجدیت او بود که وی را در ردیف یکی از پرکارترین و پراثرترین استادان دانشگاه تهران درآورد. پدر سید جعفر، سید علی سجادی نام داشت و مردی روستایی و کشاورز بود. سید علی با لغت عرب آشنایی داشت و بر رسایل عملیه و فتوهای علمای مشهور تسلط داشت. سید علی را «سید باطن دار» نیز می‌گفتند.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: پدر سید جعفر سجادی، سید علی سجادی مردی روستایی و کشاورز بود. سید علی با لغت عرب و بر رسایل عملیه و فتوهای علمای مشهور آشنایی تسلط داشت. سید علی را «سید باطن دار» نیز می‌گفتند.

خاطرات کودکی: سید جعفر سجادی با سختی خا مرارتهای دوران کودکی توانست نقش آینده را ترسیم نماید، او از این دوران چنین یاد می‌کند: «... در چهار پنج سالگی با پای برهنه قاچ قاچ و دست‌های کوچک یخ بسته از شدت سرما، چوبکی در دست،

چهار گوسپند خانواده را از پس نماز صبح تا شامگاهان به چرا می برم و چون باز می گشتم انبانی از چوب و ترکه های خرد بر پشت لرزاتنم می کشیدم تا به کار گرم کردن تنور و آتشدان کرسی و شاید پختن آشی کم رمق بیاید...»

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خانواده سید جعفر سجادی در خانه ای زندگی می کرد که سهم مشترک چند خانواده بود ؛ سهم خانواده سجادی از آن خانه حدود ۲۰۰ ذرع حیاط با یک اتاق نسبتاً بزرگ، یک پستو و بخشی از یک آغل گاو و گوسفند و بخشی از یک کاهدان و بهاربند حیوانات و مطبخی در کنار آن می رسید. در این دوران چند تن از فرزندان خانواده به کام مرگ رفتند. «در بهمن ماه ۱۳۳۳ شمسی در کرمانشاه، درخاندانی اهل علم و ادب زاده شد. پدر ایشان دکتر سید جعفر سجادی، که در آن زمان در جامه روحانیت و از فضیلت ایشان بود، و سالیانی پیش از آن به خواست و دعوت مرحوم آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی، همراه چند تن از فضلا مانند مرحوم اشرفی اصفهانی، برای تأسیس و ترویج حوزه علمیه کرمانشاه، در آن شهر اقامت گزیده بود، چندی بعد به تهران آمد و همانجا ماند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید جعفر سجادی پیش از آنکه دوران مکتب را تجزیه نماید نزد پدر الفبا و یک جزو قرآن را آموخت . پدر هر چند علاقمند بود سید جعفر به تحصیل علم پردازد ولی نمی خواست به مدرسه جدید برود چون اعتقاد داشت که « تحصیل در این گونه مدارس موجب بی دینی و بی اعتقادی می شود». بنابراین سید جعفر در پنج سالگی در همان روستای کار ماسه، با یک قران شهریشهریه در هر ماه به مکتب سپرده شد. سید جعفر در پنج سالگی تحصیلات خود را نزد «زن آخوند» که بانوی مکتب داری بود ادامه داد. او در هفت سالگی به مکتب ملا هاشم کله ای رفت. این ملا هاشم که به «معلم» ملقب بوده مردی فاضل و خوش خط بود و از ادب فارسی و عربی بهره ای داشت. سیدناجی نام استاد بعدی سید جعفر بود که در نزد او جامع المقدمات را فرا گرفته است. سید جعفر در این زمان از محضر میرزا عبدالله نکوآبادی هم کسب فیض می کرد. وی همچنین از شیخ محمد حسین شریعت فلاورجانی نیز ادبیات و اخلاق آموخته است. [همان، ص ۷-۵] سید جعفر هنگامی که برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت، در کارخانه هراتی اصفهان مشغول به کار شد. او روزهایی را که به کار نمی رفت در مدارس علوم قدیمه اصفهان در مجلس درس استادان حاضر می شد. او در این زمان به خرید و فروش هندوانه و خربزه نیز می پرداخت و چون از این طریق مبلغی فراهم کرده بود عزم کرد که یکسره به تحصیل پردازد. بدان علت در مدرسه اسماعیلیه یا خاتون آبادی که در یکی از محلات دروازه حسن آباد اصفهان واقع بود به تحصیل پرداخت. علاوه بر آن سید جعفر در مدرسه ثقه الاسلام، مدرسه صدر مدرسه عربان، مدرسه ملا عبدالله و مدرسه جده بزرگ درس خواند . سید جعفر سجادی چون در مدرسه مروی خوش درخشید از طرف مسئولین حوزه جهت اخذ مدرک لیسانس به دانشکده معقول و منقول معرفی شد و پس از سه سال تحصیل در سال ۱۳۲۹ ه.ش فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۳۴ شمسی، سجادی برای تحصیل در دوره دکتری در رشته معقول (علوم عقلی و فلسفی) ثبت نام کرد و در سال ۱۳۴۱ از رساله خود دفاع کرد و دوره دکتری را به انجام رسانید.

استادان و مربیان : سید جعفر سجادی در مدرسه اسماعیلیه یا خاتون آبادی اصفهان نزد شیخ ابوالفضل مسجد شاهی تعلیم دید. او در مدرسه صدر اصفهان نیز در محضر حاج سید رضا خراسانی و آیت الله سید حسین خادمی کسب فیض کرده است. سید جعفر در مدرسه عربان اصفهان در محضر شیخ امان الله و شیخ عبدالجواد فریدنی بود. سجادی در مدرسه عربان از کسانی چون میرزا عباس شیخ الاسلامی بهره برده است. همچنین در مدرسه جده بزرگ نزد کسانی همچون حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی، شیخ محمد تقی تفرشی، حاج آقا صدر کوهسپایی، فیاض، سید حسین خادمی، شیخ محمد علی حبیب آبادی، حاج سید جواد غروی و حاج آقا رحیم ارباب به تحصیل پرداخته است. [مهدی محقق. احوال و زندگی علمی دکتر سید جعفر سجادی، ص ۹-۱۲] سید جعفر سجادی در مدرسه میرزا محمود تهران نیز تحصیل نمود. این مدرسه چون تازه تاسیس شده بود و استاد و مدرس فاضل و متبحری نداشت سید جعفر به مدارس دیگری از جمله مدرسه مروی می رفت و در درس سید کاظم کروندی شرکت می کرد. او

همچنین محضر آیت‌... حاج شیخ علی تهرانی میرزا باقر آشتیانی، شیخ محمد رضا قلی زاده تهرانی، شیخ محمد تقی آملی، سید عباس آیت الله زاده فشارکی طباطبایی، سید صدر الدین جزایری، سید ابوالقاسم کاشانی و محمد باقر کمره‌ای، را نیز درک کرده است. استادان سید جعفر سجادی در دوران دکتری عبارت بودند از: غلامحسین صدیقی، بدیع الزمان فروزانفر.

هم دوره ای ها و همکاران: از جمله همدرسی های سید جعفر سجادی، می توان به حاج شیخ محی الدین انواری، حاج یخ مصطفی مسجد جامعی، شیخ محمدشاه آبادی و مهدی محقق بودند.

وقایع میانسالی: بعد از این که دکتر موسی عمید به نمایندگی مجلس انتخاب شد دوستانش در منزل ایشان به او تبریک و تهنیت گفتند. در آن میان سید جعفر سجادی نیز بود. سجادی نقل می کند: «... در آن میان من نیز برخاسته و گفتم جناب استاد من هم به نوبه خود انتخاب حضرتعالی را به نمایندگی مجلس تبریک عرض کرده و به مردم ایران تسلیت می گویم!» حاضرات بهت زده شدند که این دیگر چه هیولایی است؟ دکتر عمید با خوشرویی گفت تبریک به من معلوم است ولی چرا تسلیت به مردم؟ عرض کردم از آنجا که خود را شاگرد و یار شمامی دانم این منصب را تبریک گفتم: ولی چون و کیل بلا موکل هستید و به ملت تحمیل شده اید به مردم تسلیت عرض کردم. دکتر محقق نیز در آن مجلس حضور داشت. دکتر عمید مبلغی خندید و گفتند: سید تو در زندگی به هیچ جا نخواهی رسید.»

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سید جعفر سجادی در سال ۱۳۳۰ ه.ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و بلافاصله به عنوان دبیر به ارومیه منتقل گردید. بعد از یکسال تدریس در آن شهر در سال ۱۳۳۱ ه.ش به کرمانشاه منتقل شد. او در آنجا به عنوان بازرس ویژه انتخابات برای نظارت بر انتخابات کنگاور انتخاب شد. سجادی تا سال ۱۳۳۸ شمسی در مدرسه فرخی واقع در میدان مولوی تهران تدریس می کرد. لیکن از دی ماه ۱۳۳۸ به بعد به عنوان استادیار در دانشگاه تهران مشغول به فعالیت شد. سید جعفر سجادی به دعوت دکتر معین در موسسه لغت نامه به فعالیت پرداخت و تالیف و تنظیم قسمتی از حرف «ع» لغت نامه دهخدا را بر عهده داشت. او مدیر گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران هم بود. سجادی در سال ۱۳۴۲ شمسی به رتبه استادیاری ارتقا یافت. او از سال ۱۳۴۸ شمسی به مرتبه دانشیاری ترفیع یافت. بعدا در سال ۱۳۵۳ شمسی درجه استادی یافته و در همین سمت از اعضای ثابت شورای دانشکده بود. وی از سال ۱۳۵۳ به پیشنهاد دکتر کیا به عضویت فرهنگستان درآمد و در آن ایام به عضویت کمیسیون انتصابات و ترفیعات دانشکده ادبیات منصوب شد. او مدتی هم در بنیاد دایره المعارف اسلامی نیز فعالیت داشت.

جوایز و نشانها: مجامع علمی، سمینارها و جوایز سید جعفر سجادی به ترتیب ذیل است: ۱- سال ۱۳۳۸ ه.ش: دریافت جایزه بهترین کتاب سال به خاطر تالیف کتاب فرهنگ فلسفی. ۲- سال ۱۳۴۹ ه.ش: عضویت در انجمن روابط فرهنگی ایران و هند و همکاری با دکت تاراچند. ۳- سال ۱۳۵۱ ه.ش: سفر به پاکستان و بازدید از دانشگاه های آن کشور و تاسیس اولین انجمن فارغ التحصیلان پاکستانی دانشگاه تهران. ۴- سال ۱۳۵۲ ه.ش: شرکت در کنگره بزرگداشت ابوریحان بیرونی. ۵- سال ۱۳۵۳ ه.ش: سفر به ترکیه برای ایراد سخنرانی و بازدید از دانشگاه ها. ۶- سال ۱۳۵۴ ه.ش: شرکت در کنگره بزرگداشت ابونصر فارابی. ۷- سال ۱۳۵۵ ه.ش: دریافت جایزه بهترین کتاب سال در بخش ترجمه، به خاطر ترجمه حکمه الاشراق شیخ شهاب الدین سهروردی. ۸- سال ۱۳۵۶ ه.ش: شرکت در جشنواره هنر اسلامی در لندن.

آثار:

۱ ابوحیان توحیدی

ویژگی اثر: [ص ۶۱]

۲ ابوریحان قلعه فولادین منطق ارسطو رادر هم می ریزد

- ویژگی اثر: [ص ۵۸]
- ۳ احکام یا عناوین ثانویه
- ویژگی اثر: [ص ۶۲]
- ۴ از احساس تا قوت نطق و ناطقه
- ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۵ استفاده از علوم عقلی در نحو عربی
- ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۶ اصل و اصول
- ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۷ اصلاحات پزشکی در جهان عرب، م، ح، الخياط
- ۸ افکار اجتماعی فارابی
- ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۹ افکار فلسفی و علمی ابوریحان بیرونی
- ویژگی اثر: [ص ۵۸]
- ۱۰ الادب الفارسی به زبان عربی
- ویژگی اثر: [ص ۵۷]
- ۱۱ الادب الفارسی بین روافد التصوف و العرفان
- ویژگی اثر: به زبان عربی. [ص ۵۷]
- ۱۲ انسان کامل
- ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۱۳ اوضاع اجتماعی نیم قرن
- ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۱۴ بررسی مجموعه رسایل مرحوم سید کاظم عصار
- ویژگی اثر: [ص ۵۸]
- ۱۵ بنیاد اصول فقه
- ویژگی اثر: [ص ۵۸]
- ۱۶ تاریخ برمکیان
- ۱۷ تاریخ دولت های اسلامی و خاندان های حاکم بر سرزمین اسلامی
- ویژگی اثر: ترجمه و تلفیقی است از کتابهای استنلی لین پور، برتولت و خلیل ادهم
- ۱۸ تاریخ نگاری در اسلام
- ویژگی اثر: بحثی نظری درباره دیدگا های تاریخ نگاری توسط مورخان عصر اسلامی و مکتب های تاریخ نگاری و شیوه ضبط ئ
- درج حوادث تاریخی است
- ۱۹ تالیف و تنظیم حرف «ع» لغت نامه دهخدا

- ویژگی اثر: [ص ۵۶]
- ۲۰ تجلی عرفان در ادب فارسی
- ویژگی اثر: [ص ۵۷]
- ۲۱ ترجمه زبده البیان فی احکام القرآن مقدس اردبیلی
- ویژگی اثر: [ص ۵۵]
- ۲۲ ترجمه و تحشیه آرا اهل مدینه الفاضله ابونصر فارابی
- ویژگی اثر: [ص ۵۵]
- ۲۳ ترجمه و تحشیه حکمه الاشراف
- ویژگی اثر: این اثر تالیف شیخ شهاب الدین سهروردی است [ص ۵۵]
- ۲۴ ترجمه و تحشیه سیاسات مدینه ابونصر فارابی
- ویژگی اثر: [ص ۵۵]
- ۲۵ ترجمه و تحشیه فصل المقال فیما بین الحکمه و الشریعه من الاتصال
- ویژگی اثر: این اثر تالیف ابن رشد است. [ص ۵۵]
- ۲۶ ترجمه و شرح بیست باب مقدمه دلاله الحائزین ابن میمون
- ویژگی اثر: [ص ۵۵]
- ۲۷ تصحیح جغرافیای حافظ ابرو
- ۲۸ تصحیح دیوان حافظ
- ۲۹ تصحیح و تحشیه تفسیر حدائق الحقایق
- ویژگی اثر: این اثر تالیف معین الدین هروی است. [ص ۵۴]
- ۳۰ تصحیح و توضیح فرهنگ المرقاه
- ویژگی اثر: این اثر تالیف بدیع الزمان ادیب نطنزی است. [ص ۵۵]
- ۳۱ تفسیر قرآن و تاریخچه آن
- ویژگی اثر: [ص ۵۸]
- ۳۲ جلال الدین مولوی بین طریقت و شریعت
- ویژگی اثر: [ص ۵۸]
- ۳۳ جهان تصوف
- ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۳۴ حدود و قدوم
- ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۳۵ حرکت جوهری
- ویژگی اثر: [ص ۶۲]
- ۳۶ حق و حقیقت
- ویژگی اثر: [ص ۵۹]

- ۳۷ حکمت اسلامی و فلسفه یونانی
ویژگی اثر: [ص ۵۷]
- ۳۸ حکمه الاشراف
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۳۹ حکومت جهانی
ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۴۰ حواس پنجگانه از نظر شیخ اشراق
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۴۱ روشهای تفسیر قرآن مجید
ویژگی اثر: [ص ۵۵]
- ۴۲ سفرنامه برزو به هند و منشا کلیله و منه
ویژگی اثر: ترجمه است و نوشته محقق ارجمند فرانسوا دو گلو
- ۴۳ سهم ایرانیان در گسترش تمدن اسلامی
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۴۴ سیر فلسفه در شرق
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۴۵ شرح احوال و آثار سید قطب
ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۴۶ شرح تمثیلات رسایل فارسی شیخ اشراق
ویژگی اثر: [ص ۵۶]
- ۴۷ شهاب الدین سهروردی و فلسفه اشراق
ویژگی اثر: این مقاله در یادنامه هنری کربن چاپ شده است. [ص ۵۷]
- ۴۸ طبیعت و اطلاعات آن
ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۴۹ عشق و هنر در فلسفه اسلامی
ویژگی اثر: [ص ۶۲]
- ۵۰ عقل از نظر فلاسفه و ارباب مذاهب
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۵۱ عقل در فلسفه و عرفان
ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۵۲ علوم عقلی در خدمت ادب و فرهنگ (معانی و بیان)
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۵۳ علوم فلسفی و هدفهای آن

- ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۵۴ عین و اعیان
- ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۵۵ فارابی افکار فلسفی وی
- ویژگی اثر: [ص ۵۷]
- ۵۶ فرهنگ علوم عقلی
- ویژگی اثر: [ص ۵۴]
- ۵۷ فرهنگ علوم فلسفی و کلامی
- ویژگی اثر: [ص ۵۴]
- ۵۸ فرهنگ علوم نقلی و ادبی
- ویژگی اثر: [ص ۵۴]
- ۵۹ فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی
- ویژگی اثر: این اثر در سال ۱۳۳۸ شمسی بهترین کتاب سال شد. [ص ۴۵]
- ۶۰ فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعییرات عرفانی
- ویژگی اثر: [ص ۵۴]
- ۶۱ فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی ملاصدرا
- ویژگی اثر: [ص ۵۴]
- ۶۲ فرهنگ معارف اسلامی
- ویژگی اثر: [ص ۵۵]
- ۶۳ فلسفه اشراق
- ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۶۴ فیزیک و متافیزیک
- ویژگی اثر: [ص ۶۲]
- ۶۵ فیلسوف بزرگ عبدالله زنوزی
- ویژگی اثر: [ص ۵۸]
- ۶۶ قوای نفسانی انسان
- ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۶۷ مبانی اصطلاحات ذوقی
- ویژگی اثر: [ص ۶۲]
- ۶۸ مقالات فلسفی و کلامی در دایره المعارف بزرگ اسلامی
- ویژگی اثر: [ص ۶۲]
- ۶۹ مقالات فلسفی و کلامی در دایره دانشنامه جهان اسلام
- ویژگی اثر: [ص ۶۲]

- ۷۰ مقاله: مواقف مع العطار
ویژگی اثر: [ص ۵۷]
- ۷۱ مقدمه بر منطق
ویژگی اثر: [ص ۵۴]
- ۷۲ ملاصدرا و عشق
ویژگی اثر: [ص ۶۲]
- ۷۳ منشور تحریم فلسفه
ویژگی اثر: [ص ۶۲]
- ۷۴ ناصر خسرو و مقام وی در آئین اسماعیلی
ویژگی اثر: به زبان انگلیسی و گجراتی. [ص ۵۷]
- ۷۵ نظری بر سه مذهب بزرگ سامی
ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۷۶ نظری بر سیاسات مدینه فارابی
ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۷۷ نظری پیرامون آرا اهل مدینه فاضله
ویژگی اثر: [ص ۵۸]
- ۷۸ نقد ادبیات تطبیقی ایران و عرب
ویژگی اثر: [ص ۵۵]
- ۷۹ نقدی بر ترجمه الفهرست ابن الندیم به قلم رضا تجدد
ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۸۰ نقدی بر سه حکیم مسلمان، اثر دکتر سید حسین نصر
ویژگی اثر: [ص ۵۸]
- ۸۱ نقدی بر سیره فلسفیه رازی
ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۸۲ نقدی بر قاموس الیوم
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۸۳ نقدی بر مجموعه سوم مصنفات شیخ اشراق
ویژگی اثر: [ص ۶۰]
- ۸۴ هندوستان یا مهد ذوق و عرفان
ویژگی اثر: [ص ۶۱]
- ۸۵ وجود در فلسفه
ویژگی اثر: [ص ۵۹]
- ۸۶ وجود ذهنی

ویژگی اثر: [ص ۶۱]

۸۷ وحدت وجود

ویژگی اثر: [ص ۵۹]

سجستانی، ابوسلیمان محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۳۹۱ - ۳۸۰ ق)، فیلسوف، حکیم و عقاید نگار. معروف به سگری و مشهور به منطقی. او به بغداد رفت و در آنجا رحل اقامت افکند و نزد متی بن یونس و امثال او درس خواند و مدتی نیز با یحیی بن عدی به سر برد و از او حکمت و منطق کسب کرد. وی نزد عضدالدوله دیلمی دومین سلطان آل بویه بسیار محترم بود. ابوسلیمان استاد ابوحنیف توحیدی و در ادب و شعر و طب و حکمت مردی مطلع بود، برخی تألیفات او عبارت است از: «صوان الحکمه»؛ «مقاله‌ای در مراتب قوای انسان»؛ «کیفیه الانذارات التی تنذربها النفس مما یحدث فی عالم الکون»؛ «کلام فی المنطق»؛ «تعالیق حکمیه»؛ «مقاله فی الاجرام العلویه طبیعتها طبیعه خامسه»؛ «ملح و نوادر»؛ «اقتصاص طرق الفضائل»؛ «شرح کتاب ارسطو». [۱]

منطقی، محمد بن طاهر بن بهرام سجستانی (سیستانی) منطقی و فیلسوف قرن چهارم (ف. پس از سال ۳۹۱ ه.ق.) وی با عضدالدوله و صمصام‌الدوله معاصر و از اقبال و توجه مرا و وزرای آل بویه برخوردار بوده است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۴۱/۷)، بزرگان نامی پارس (۹۴، ۹۲)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۱۲، ۳۱۳، ۱۱۹، ۵۳)، تاریخ طب (۶۷۴) /۲، تاریخ نظم و نثر (۱۲۴)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۱۵۶ - ۱۴۳)، دایره‌المعارف فارسی (۳۱/۱)، الذریعه (۹۵/۱۵)، ریحانه (۱۴۱) /۷، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۷۶)، لغت‌نامه (ذیل / ابوسلیمان)، معجم المؤلفین (۹۶/۱۰)، الملل و النحل (۳۶۵)، نامه‌ی دانشوران (۳/۲۱۶)، الوافی بالوفیات (۳/۱۶۵).

سحاب، ابوالقاسم

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم سحاب در ۲۰ فروردین سال ۱۲۶۶ شمسی در شهرستان تفرش دیده به جهان گشود. استاد ابوالقاسم سحاب در شهرستان تفرش دیده به جهان گشود. وی تعلیمات مقدماتی خود را در مکتبخانه آغاز نمود، بیش از سه سالی نگذشت که سحاب، علوم عقلی و نقلی را به خوبی آموخت و وارد مدرسه‌ی آلیانس فرانسه شد. سپس جهت آموختن زبان‌های خارجه و ریاضیات، شبانه به مدرسه‌ی اکابر، واقع در گذر پاچنار می رفت. او مدتی را هم در مدرسه‌ی دارالفنون و در کلاس‌های شبانه‌ی آن حاضر شد. سحاب، به جهت حسن شهرت و تدریس در مدرسه‌ی آلیانس و به سفارش نصیرالدوله، وزیر معارف به مدیریت مدرسه‌ی نهایند مأمور شد. پس از مدتی به پیشنهاد علی اکبرخان سروش، رئیس دخانیات ثلاث (ملایر، نهاوند و تویسرکان)، ریاست معارف و اوقاف آن ایالت برای وی پیشنهاد گردید. سحاب بنا به وظیفه‌ی اداری در شغل منشی‌گری محاسبات وزارت معارف

وارد گشت. همچنین از سوی آن وزارتخانه به عنوان مسئول تحریر تصدیق نامه های مدارس مأمور شده و در پی آن، طی حکم دیگری از طرف آن مرکز، به عضویت در اوقاف درآمد. اندکی بعد، به موجب حکم دیگری در وزارت معارف داخل می گردد. وی معاونت کتابخانه ملی و مدیریت دفتر دانشسرای عالی تهران را نیز برعهده داشته است. سحاب در روز ۲۱ دی ۱۳۳۵ به سرای باقی شتافت. گروه: علوم انسانی رسته: هیات و معارف اسلامی والدین و انساب: محمدزمان و حوا نام پدر و مادر ابوالقاسم سحاب می باشد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: ابوالقاسم سحاب، تعلیمات مقدماتی خود را در مکتبخانه آغاز نمود و علاوه بر آموختن عم جزء، نصاب الصبیان، جامع المقدمات و کتب دیگر از مکتب ملاحسین شاهمیری معروف به کربلایی حسین، در گوشه و کنار با مطالعه ی کتاب های متفرقه، مطالب آنها را به خاطر سپرده و بر معلومات خویش می افزود. در همین اثناء، ابوالقاسم به صلاحدید خانواده، مدتی را نزد مشهدی عبدالرحیم و در مکتب وی واقع در حیاط معین الملکی، متولی باشی ارض اقدس (مشهد) در تفرش به شاگردی پرداخته و نزدیک به یک سال را در همراهی با استاد سپری کرد. آنگاه پس از فراگیری عربی و خط و یادگیری معالم، برای آموختن فقه به مطالعه و مباحثه نزد امام جمعه پرداخته و «شرح لمعه» شهید ثانی را بدین شکل فراگرفت. از این رو، بیش از سه سالی نگذشت که سحاب، علوم عقلی و نقلی را به خوبی آموخت و در علوم اسلامی چنان مسلط شد که مورد مشورت اهل علم و دانش قرار گرفته و با توانایی هرچه تمام تر در مسائل فقهی و اصول بحث و فحص می کرد. سحاب پس از مدتی با راه یافتن به کتابخانه ی سناءالدوله، ضمن بهره مندی از آنها با کتب و مدارک خارجی آشنا شد و در عین حال، از تلاش های خویش در راه تکمیل یافته ها و تحصیلات خود ذره ای نمی کاست و لذا، هم زمان با فراگیری زبان فرانسه، به کامل کردن تحصیلات درس های ادبی و عربی خود مبادرت می ورزد. در این هنگام، وی دریافت که دیگر محیط کوچک تفرش نمی تواند طبع بلندپرواز او را قانع ساخته و خواسته های او را تأمین نماید. از اینرو به تهران آمد و در محضر علمای طراز اول آن شهر، من جمله شیخ علی نوری، شیخ باقر معزالدوله و دانشمندان دیگر، به تکمیل معلومات خود پرداخت. او که در این زمان، به همت سناءالدوله جهت تحصیل به مدرسه ی آلمانی تهران راه یافته بود، بنا به برخی ضوابط قانونی مدرسه از راه یافتن بدان جا محروم گشته و در نتیجه، به اتفاق میرزا حسین خان و اسماعیل خان (پسران دبیر لشکر و سناءالدوله) وارد مدرسه ی آلیانس فرانسه، واقع در خیابان پستخانه شد. آن مدرسه زیر نظر مسیو ویژور فرانسوی اداره می شد و سحاب نیز نزد وی به تکمیل آموخته های زبان فرانسه ی خود اقدام کرد. او پس از چندی درصدد برآمد که برای تحصیل کلام و اصول و فقه، از محضر استاد حاجی سید عبدالرحیم دماوندی بهره جوید. بنابراین مدتی را نزد استاد به فراگیری و مذاکره در باب شوارق و شرح لمعه پرداخته و سپس، جهت آموختن زبان های خارجه و ریاضیات، شبانه به مدرسه ی اکابر، واقع در گذر پاچنار می رفت. او مدتی را هم در مدرسه ی دارالفنون و در کلاس های شبانه ی آن حاضر شده و از محفل استادانی چون: دکتر محمودخان، دکتر مهدی خان و میرزا غلامحسین خان رهنما و دیگران بهره مند می شد. وی همچنین در کلاس های مزبور، شیمی، طبیعیات و فیزیک را فراگرفته و در محله ی عرب ها نیز به تحصیل فرانسه، دفترداری و ... مشغول شد. پس از آن، بعد از به پایان رساندن مباحثه شوارق در محضر استاد عبدالرحیم دماوندی، تصمیم می گیرد در طبیعیات جواهر و اعراض وارد شده و یک دوره از این فن را به مباحثه و مطالعه بپردازد. بعد، بر آن می گردد برای ورود به رشته ی فلسفه و حکمت، از وجود عالمانه ی میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی که در آن موقع از برجسته ترین استادان فلسفه تهران بود، بهره جوید. وی در خدمت استاد، ضمن مطالعه ی کلمات مکنونه ی مرحوم فیض و منظومه و اسفار حاجی سبزواری، به فراگیری شواهدالربوبیه ملاصدرا پرداخت. سحاب، زبان انگلیسی را نیز زیر نظر مسیو جاسموس و مسیو ژان دوشن فرانسوی، رئیس مدرسه ی آلیانس تهران فراگرفت. فعالیت های ضمن تحصیل: ابوالقاسم سحاب، علاوه بر عشق فراوان به فراگیری، بهره مندی از هنرهای زمانه از جمله، خوشنویسی را پیشه ی راه خود ساخته بود. به همین جهت در سن پانزده سالگی، عزم خود را برای آموختن هنر مزبور راسخ ساخت و نزد معلمی به نام میرزا عباسقلی به تعلیم خط پرداخت و در

اندک مدتی، خود در هنر خطاطی و نوشتن خطوط مختلف نستعلیق، نسخ، ثلث و شکسته نستعلیق مسلط شد. پس از آن در ایام ۱۹ سالگی به تشویق میرزا اسدالله خان، پیشکار فخیم الدوله حاکم کردستان به آموختن زبان عربی روی آورد و مساعی خود را در این راه به کار گرفت. از دیگر توانمندی‌های سحاب، ذوق و قریحه‌ی سرشار وی در سرودن اشعار ژرف و علاقه‌ی فوق‌العاده به مطالعه و فراگیری سروده‌های شعرای مشهور بود. وی تحت تأثیر تشویق‌های میرزا اسماعیل خان دبیر در تفرش، به نوشتن مصنفات و مؤلفات خود همت گماشت. استادان و مربیان: استادان و مربیان ابوالقاسم سحاب عبارت بودند از: ملاحسین شاهمیری، مشهدی عبدالرحیم، میرزا عباسقلی، میرزا موسی خان سناءالدوله، شیخ علی نوری، شیخ باقر معزالدوله، مسیو ویزور، حاجی سیدعبدالرحیم دماوندی، دکتر محمودخان، دکتر مهدی خان، میرزا غلامحسین خان رهنما، میرزا ابوالقاسم فاضل تفرشی، مسیو جاسموس، مسیو ژان دوشن، دکتر حسین حجازی و میرزا اسماعیل خان دبیر تفرشی. همسر و فرزندان: معصومه، همسر ابوالقاسم سحاب و مرحوم عباس سحاب، پدر کارتوگرافی ایران، عذرا، صغری و بهجت خانم، فرزندان شادروان استاد ابوالقاسم سحاب می‌باشند. زمان و علت فوت: پس از نزدیک به ۶۰ سال فعالیت علمی و فرهنگی، دست تقدیر بر حیات ابوالقاسم سحاب سایه افکند و در سپیده دم ۲۱ دی ۱۳۳۵ به دیار معبود و سرای باقی شتافت و در مقابل بارگاه حضرت معصومه (س)، کنار حوض به خاک سپرده شد و آیت الله مرعشی نجفی بر جنازه‌ی او در صحن یادشده نماز خواند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: ابوالقاسم سحاب، به جهت حسن شهرت و تدریس در مدرسه‌ی آلیانس و به سفارش نصیرالدوله، وزیر معارف به مدیریت مدرسه‌ی نهایت امور مأمور و برای سروسامان دادن به اوضاع مدارس آن سامان، به آنجا فرستاده شد. استاد در سمت جدید، در نهایت جدیت امور محوله را انجام داد و خدماتش مورد توجه قرار گرفت. از اینرو، به پیشنهاد علی اکبرخان سروش، رئیس دخانیات ثلاث (ملایر، نهاوند و توپسرکان)، ریاست معارف و اوقاف آن ایالت برای وی پیشنهاد گردید که در تاریخ ۲۸ ثور ۱۳۳۸ قمری، حکم مزبور از طرف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه برای او صادر شد. سحاب در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۶ از سوی وزارت معارف و اوقاف به سمت عضویت در هیئت ممتحنه‌ی مدارس ابتدایی مرکز انتخاب و اندکی بعد، به همان سمت در مدرسه‌ی دارالفنون منصوب گردیده و در پی آن، امتحانات شاگردان مدارس ابتدایی آن را برگزار می‌کند. سپس در ۸ فروردین ۱۳۰۷ به وظیفه‌ی اداری در شغل منشی‌گری محاسبات وزارت معارف وارد گشته و به موجب اخطار رسمی کابینه، این وزارتخانه در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۰۷ جهت تهیه‌ی سواد نظامنامه‌ی شورای عالی معارف دعوت می‌شود. اما به جهت کثرت کار اداری و موانع زیاد از حضور به آن شورا خودداری می‌کند. همچنین استاد در اول مهر ۱۳۰۷ از سوی آن وزارتخانه به عنوان مسئول تحریر تصدیق نامه‌های مدارس مأمور شده و در پی آن، طی حکم دیگری از طرف آن مرکز، به عضویت در اوقاف درمی‌آید. یک سال بعد، در ۱۹ فروردین ۱۳۰۹ به موجب حکم رئیس محاسبات وزارت معارف و اوقاف، از شغل منشی‌گری پاکنویس آن اداره به سمت مدیریت ارتقاء یافته و مدیریت آرشیو این وزارتخانه به وی واگذار می‌شود. اندکی بعد، به موجب حکم دیگری در تاریخ ۴ مهر ۱۳۱۰ در وزارت معارف داخل می‌گردد. وی در سال ۱۳۱۷، معاونت کتابخانه ملی و در سال ۱۳۲۳، مدیریت دفتر دانشسرای عالی تهران را نیز برعهده داشته است. فعالیتهای آموزشی: ابوالقاسم سحاب، به هنگام حضور در مکتب نخستین استاد خویش، ملاحسین شاهمیری، به علت توانایی‌های فوق‌العاده علمی و درسی خود و نیز به پیشنهاد مشارالیه، امر تدریس برخی از نوآموزان کلاس را برعهده گرفت. او اگرچه در ازای آموزش کودکان مکتب، از دادن شهریه معاف بود، اما پرداختن به این مهم، در واقع نخستین دل مشغولی و شغل وی را نیز تشکیل می‌داد و بر این اساس بود که از همان زمان، او لذت توأمان دانش آموزی و معلمی را چشید و تا آخرین روزهای زندگی نیز در تداوم آن تلاش می‌کرد. به علاوه، پس از تسلط وی به علوم عقلی و نقلی و همچنین فقه، اصول و کلام، تفسیر و حکمت در مدتی کوتاه، کار تدریس خصوصی بسیاری از فرزندان خانواده‌های تفرشی نیز به او واگذار شد. در رمضان سال ۱۳۲۶ قمری، به واسطه‌ی اقدامات محمدعلی شاه و دستگیری مشروطه‌طلبان و حاکم شدن استبداد

صغیر، پسرهای میرزا محمدخان دبیرلشکر (میرزا عیسی خان دبیرلشکر و میرزا موسی خان سناءالدوله) که از مشروطه طلبان تهران بودند، به ناچار به تفرش برگشته و در این زمان، سناءالدوله امر آموزش فرزندان خود و یکی از پسران دبیرلشکر را به سحاب که در این هنگام ۲۲ سال داشت، واگذار می‌نماید. شخصیت فرهیخته دبیرلشکر و سناءالدوله از یک سو و توانمندی‌های فوق‌العاده‌ی سحاب از طرف دیگر، سبب شد تا وی زیر نظر سناءالدوله به فراگیری زبان‌های اروپایی و به ویژه، زبان فرانسه و نیز آموختن علوم جدید و حساب و جغرافیا و ... همت بگمارد و در مدتی کوتاه چنان پیشرفت کند که خود به معلمی توانا جهت متعلمین خود مبدل گردد. در این زمان، پس از ورود به مدرسه‌ی آلیانس فرانسه، هم‌زمان با تحصیل نزد مسیو ویژور، به تدریس در آن نیز مشغول بود. هم‌زمان، بر آن می‌گردد با تشکیل دبستانی در خیابان فرمانفرما، شغل رسمی خود را معلمی قرار داده و از این راه نسبت به تأمین معاش خود اقدام نماید. اندکی بعد و هم‌زمان با به پایان رسیدن جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۷ شمسی (۱۹۱۸ م.) به جهت تصمیم دولت مبنی بر خریداری کردن مدارس ملی و تبدیل آنها به مدارس ابتدایی مجانی و متوسطه‌ی غیرمجانی، به ناچار از تدریس در ساعات بعدازظهر مدرسه‌ی سیروس که در این زمان تحت ریاست میرزا محسن خان قریب اداره می‌شد، صرف نظر کرده و بر میزان همکاری خود با مدرسه‌ی آلیانس افزود. طولی نکشید که به واسطه‌ی حسن اداره کردن کلاس، مسیو ویژور تدریس در کلاس نهم را نیز از وی خواستار شد. در این هنگام بود که به جهت بازدید نصیرالدوله، وزیر معارف از مدرسه‌ی مزبور، باب مراوده و آشنایی با وی گشوده شد؛ بعدها به آموزش در مدرسه‌ی تدین می‌پردازد و در پی آن به سفارش نصیرالدوله به مدیریت مدرسه‌ی نه‌اوند مأمور و برای سروسامان دادن به اوضاع مدارس آن سرزمین به آنجا فرستاده شد. پس از بازگشت از سفر نه‌اوند، در مدارس آن روز تهران از جمله مدرسه‌ی شرف، مدرسه‌ی ایران، مدرسه‌ی سیروس و کمالیه به آموزش دانش آموزان مشغول شد. استاد در فروردین ۱۳۰۶ به جهت تعلیق عبدالله خان مرندی، به جای ایشان به آموزش در مدرسه‌ی کمالیه می‌پردازد. [سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: ابوالقاسم سحاب، ضمن ادامه‌ی تدریس در مدارس تهران، به نگارش مقالات فراوانی برای بسیاری از نشریات آن روز همچون طوفان هفتگی، تهران، ستاره جهان، شفق سرخ، قانون، تجدد ایران، جبل‌المتین کلکته، رستاخیز، عصر گلشن، تهران، مجله‌ی تعلیم و تربیت و مطبوعات دیگر ادامه داد. وی از بهار سال ۱۳۰۵ به جهت عدم همراهی اولیای وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و اختلال در امور آن، مبادرت به همکاری با مطبوعاتی نظیر: گلشن، اقدام و شفق کرده و ضمن تهیه‌ی خبر و ترجمه‌ی مطالب آنها، امور معیشتی و زندگی خویش را بدین شکل تأمین می‌کند. در همین رابطه، علاوه بر نوشتن مقالات و ترجمه‌ی خبرهای روزنامه‌ی ترقی، از مرداد همان سال با روزنامه‌های اطلاعات، فرخی و طوفان نیز همکاری می‌کند. وی مدیریت داخلی مجله‌ی علم و تربیت را نیز برعهده داشت. در عین حال، به همراهی شیخ عبدالعزیز جواهرالکلامی به جمع‌آوری و استنساخ مجموعه‌ای راجب به کتابخانه‌های ایران اقدام می‌ورزد. به علاوه، در ادامه‌ی بی‌مساعده‌ی وزارت معارف، جهت گذراندن زندگی در امر کسب وارد می‌گردد. جوایز و نشانها: ابوالقاسم سحاب، نظر به مراتب لیاقت و کاردانی خود، در ۲۶ آذر ۱۳۱۹ و ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۳ از سوی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، به دریافت دو قطعه نشان علمی درجه‌ی یک و دو نائل گردید. آثار: استنساخ «نخبه‌التواریخ» میرزا اسماعیل خان دبیر تفرشی، تاریخ خجسته و ویژگی اثر: این مجموعه، حاوی اطلاعات پرباری درباره‌ی شرایط اجتماعی و اقتصادی سال‌های اول سده‌ی ۱۴ هجری شمسی و به ویژه، دهه‌های اول سلطنت خانواده‌ی پهلوی است. ۳. درباره‌ی وزارت معارف ایران ویژگی اثر: در این مجموعه، شرح حال و اقدامات و آثار ۴۳ نفر از وزرای معارف ایران تهیه و ضبط شده که می‌تواند به عنوان مرجع مناسبی مورد استفاده قرار گیرد. ۴. زندگی حضرت امام حسن عسگری (ع)، زندگی حضرت امام علی النقی (ع)، زندگی حضرت سیدالشهدا (ع)، فلسفه و اسرار حج، مشارکت در تدوین و تنظیم «دیوان دبیر تفرشی»

سراب تنکابنی، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۲۴ - ۱۰۴۰ ق)، فقیه، اصولی، فیلسوف و متکلم امامی. معروف به فاضل سراب. وی با شیخ جعفر قاضی معاصر بود و در محضر علامه‌ی مجلسی و محقق خوانساری تلمذ کرد. او از شاگردان محقق سبزواری در فقه بود. از استادانش مجلسی و سبزواری اجازه‌ی روایت داشت. ملا محمدعلی استرآبادی و شیخ علی عاملی، نوه‌ی شهید ثانی، نیز به وی اجازه دادند. فرزندانش ملا محمد صادق و ملا محمدرضا و همچنین ملا محمد شفیع لاهیجی و سید محم صادق حسینی و شیخ زین‌الدین خوانساری از وی اجازه‌ی روایت کسب کردند. در اصفهان از دنیا رفت و در محل خاجو در اول تخت پولاد دفن شد. از آثارش: «اثبات الصانع القدیم بالبرهان القاطع القویم»؛ «اثبات الواجب»؛ «سفینه النجاه»، در کلام؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ رساله‌ی در «الاجماع»؛ «حجیه الاخبار»؛ چهار رساله در «وجوب الجمعة»؛ «ضیاء القلوب»، در امامت؛ حاشیه بر «مدارک الاحکام»، حاشیه بر «معالم الاصول»؛ حاشیه بر «ذخیره المعاد» محقق سبزواری؛ حاشیه بر «آیات الاحکام» اردبیلی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۸۱/۹)، ایضاح المکنون (۲۴/۱)، تذکره القبور (۴۵۵-۴۵۴)، تلامذه العلامه المجلسی (۶۶)، الذریعه (۲۰۳/۱۲، ۲۶۹/۶، ۹۶/۱)، روضات الجنات (۱۰۴-۱۰۱/۷)، ریحانه (۵/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۷۳-۶۷۱/۱۲)، فوائد الرضویه (۵۵۳-۵۵۰)، معجم المؤلفین (۱۸۰/۱۰)، هدیه العارفین (۳۱۲/۲).

سرای، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۲۹ ق)، فقیه و مجتهد. وی در قریه‌ی سرای تبریز در خانواده‌ای باتقوا و معنوی به دنیا آمد. در ۱۳۴۳ ق برای تحصیل به تبریز رفت و مقدمات علوم را از محضر اساتید آنجا فراگرفت. سپس به قم رفت و نزد مدرسین بزرگ آنجا همچون آیت‌الله نجفی مرعشی و آیت‌الله لنکرانی و آقا شیخ جواد تبریزی و دیگران به فراگیری علم و تکمیل آن پرداخت. آنگاه به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیت‌الله آقا میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیت‌الله آقا میرزا باقر زنجانی بهره‌ها برد تا به مدارج عالی علمی و اجتهاد دست یافت و از آیات مذکور اجازه اجتهاد گرفت. پس از بازگشت به وطن، به تدریس و ترویج دین و تبلیغ احکام پرداخت. از کارها و آثار ارزنده‌ی وی بنای منازل برای علماء و اهل علم؛ و احداث حمام برای روستاهای محروم؛ و همچنین بحث، مناظره و مجادله حسنه با منحرفین اعتقادی؛ و مسافرت به ممالک مختلف اسلامی برای تبلیغ و ارشاد؛ و تربیت مبلغ و طلاب علوم دینی را می‌توان نام برد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۷-۳۱۵/۳).

سرخسی ابوالعباس، احمد

قرن: ۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۲۸۶ ق)، فیلسوف، حکیم، عالم، ادیب و شاعر. معروف به ابن الفرائقی. از درخشانترین چهره‌های حکمت و از بهترین شاگردان اسحاق کندی، فیلسوف نامدار عرب بود. وی در علوم مختلف فلسفه ریاضیات، نجوم، طب، موسیقی، منطق و کیمیا و جغرافیا و تاریخ، حدیث و شریعت، دارای فرهنگ و آگاهی ژرف بود. سرخسی در اول کار معلم معتضد، شانزدهمین خلیفه‌ی عباسی بود. لیکن، علی رغم این که معلم معتضد و رفیق و مشاور او بود، طولی نکشید که به اتهام الحاد کار به قتل سرخسی انجامید و نیز گفته شده که وی در اثر بی دقتی و سبکسری معتضد کشته شد. در علم نحو و شعر نیز یگانه بود. از احمد برقی روایت کرد و احمد بن اسحاق ملحمی و محمد بن ابی‌هر از او روایت کرده‌اند. ابن ابی‌اصیبه متجاوز از ۵۰ کتاب و رساله از او نام می‌برد که از آن جمله است: «ادب النفس»؛ «موسیقی الکبیر»؛ «المدخل فی الطب»؛ «اختصار کتاب باری ارمیناس»؛ «اختصار کتاب انالوطیقاالاولی»؛ «اختصار کتاب آنالوطیقاالثانیة»؛ «کتاب النفس»؛ «کتاب الاغشاش و صناعة الحسبة الکبیر اللهو» و «لهو و ملاهی»؛ «کتاب فی وصایا فیثاغورس»؛ «کتاب نزهة الفکر الساهی»؛ «کتاب السیاسة الصغیر»؛ «کتاب المدخل الی صناعة النجوم»؛ «کتاب المسالك و الممالک»، «النوم و الرویا» و غیره.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۷/ ۱)، تاریخ بغداد (۱۳۹/ ۵)، تاریخ الحکماء قفطی (۱۱۱- ۱۱۰)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۶۴- ۶۰)، سیر النبلاء (۴۴۸، ۴۴۹، ۴۴۸/ ۱۳)، فلاسفه شیعه (۱۵۵- ۱۴۹)، الفهرست ابن الندیم، ترجمه (۴۷۳- ۴۷۲)، کشف الظنون (۱۹۴۷، ۱۶۶۴، ۱۶۱۳، ۱۶۴۲، ۱۴۷۰، ۱۴۶۸، ۱۴۶۷، ۱۴۶۵، ۱۴۵۴، ۴۹)، معجم المؤلفین (۱۵۷/ ۲)، الملل و النحل (۳۶۶- ۳۶۵)، الوافی بالوفیات (۸- ۵/ ۷)، مجمع الفصحا (۲۱۷/ ۱)، معجم الادباء (۱۰۲- ۹۸/ ۳)، لسان المیزان (۱۸۲- ۱۸۹/ ۱).

سرخه‌ای، زین العابدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت‌الله آقای حاج شیخ زین‌العابدین بن‌المرحوم حجة‌الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین سرخه‌ئی از مشاهیر علماء و مجتهدین معاصر تهران است. وی در تاریخ ۱۴ ذی‌الحجه ۱۳۰۷ ق در تهران متولد شده و پس از پرورش در بیت علم اولیات و ادبیات و سطوح را خدمت مرحوم والد و مرحوم آیت‌الله حاج شیخ باقر معزالدوله و حجة‌الاسلام حاج شیخ مسیح طالقانی خوانده و کلام را از مرحوم حاج شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشگوری فرا گرفته و از محضر مرحوم آیت‌الله بهبهانی بهره‌مند گردیده و چندی در مشهد مقدس از درس و بحث آیت‌الله زاده کفائی مرحوم آقا محمد و مرحوم حاج فاضل استفاده نموده آنگاه مجتهدا به نجف مهاجرت نموده و از محضر مرحوم آیت‌الله التقی میرزا محمد تقی شیرازی در کربلا استفاضه نموده آنگاه به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی علیه‌السلام اقامت و تاکنون بوظائف دینی از اقامه نماز جماعت و تفسیر قرآن و ترویج دین و تبلیغ احکام اشتغال دارد.

دارای آثار علمی و اجتماعی که ذیلا توضیح می‌دهم می‌باشد.

۱- حاشیه مبوسطی بر کفایة‌الاصول.

۲- حواشی بر شوارق.

۳- احیاء و تعمیر اساسی مزار امامزاده یحیی که بکلی ویران و از بین برده بودند و ایشان قیام و مقاومت و اقدامات جدی نموده تا آن را برگردانیده و بهتر از اول تجدید و بناء گنبد و صحن و سرای عالی نمودند که مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی قدس الله سره بمعظم له فرمودند شما با این عمل حق عظیمی بر حضرت رسول و اهلبیت عصمت علیهم السلام داری.

۴- تعمیر و توسعه مسجد امامزاده یحیی علیه السلام.

(تو ۱۳۰۷ ق)، عالم دینی و فقیه. در تهران به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات و سطوح را نزد پدر خود و سپس نزد حاج شیخ باقر معزالدوله و حاج شیخ مسیح طالقانی خواند و کلام را از آقا شیخ علی مدرس نوری و منطق و حکمت الهی را از حاج شیخ هاشم اشکوری فراگرفت و از محضر آیت‌الله بهبهانی نیز بهره‌مند گردید. چندی در مشهد از درس و بحث آیت‌الله زاده آقا محمد کفایی و حاج فاضل استفاده نمود. آنگاه در حالی که مجتهد بود به نجف رفت و از محضر میرزا محمدتقی شیرازی در کربلا بهره‌ها گرفت. سپس به ایران مراجعت و در تهران در محله‌ی امامزاده یحیی به انجام وظائف دینی و اجتماعی مشغول شد. از آثار وی احیاء و تعمیر اساسی مزار امامزاده‌ی یحیی است. از آثار علمی‌اش: حاشیه‌ی مبسوطی بر «کفایه الاصول»؛ حواشی بر «شوارق» [۱].

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

منابع زندگینامه: [۱] گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۱- ۴۸۰/۴).

سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۲- ۱۲۹۳ ق)، عالم دینی، فیلسوف، فقیه اصولی، محدث، متکلم، رجالی، مورخ و ریاضیدان. از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم قمری بود. اصلش از ایران و از قزلباشان است. پدرش ساکن افغانستان بود و سردار در کابل به دنیا آمد. در هشت سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت. چون دارای استعداد فوق‌العاده‌ای بود به زودی ریاضیات و زبان انگلیسی را فراگرفت. در ۱۳۰۴ ق پدرش خانواده خود را به عراق برد و در کاظمین ساکن کرد. معلم وی در ریاضیات و انگلیسی نیز به همراه آنان مهاجرت کرد و شش سال نیز در عراق به وی آموزش داد و او در حساب و هندسه و هیئت و جغرافی و علوم غریبه صاحب نظر شد. وی همچنین در لغات و ادبیات عربی و فارسی و سانسکریت و هندی و عربی و لاتین دستی توانا داشت. سردار کابلی در این مدت علاوه بر آموزش علوم جدید به تحصیل علوم قدیمه نیز پرداخت و سپس به نجف رفت و فقه و اصول را در محضر علامه میرزا محمدعلی رشتی چهاردهی و شیخ علی اصغر تبریزی و دیگران فراگرفت و فلسفه را نزد استادان بزرگ آن آموخت. در ۱۳۱۰ ق در خدمت پدر عازم ایران شد و در کرمانشاه با شیخ عبدالرحمان شافعی مکی ملاقات کرد و مجذوب کمالات وی گشت و در همان جا ماندگار شد. او از شیخ خود، چهاردهی، و سید حسن صدر و سید عباس لاری و محدث قمی و سید آقا یحیی تهرانی و سید محسین امین و شیخ آقا بزرگ تهرانی دارای اجازه بود. شیخ مرتضی گیلانی نجفی از شاگردان وی می‌باشد. سردار کابلی استاد ریاضی و هندسه آیت‌الله حجت بود. پدرش قبل از مرگ سرپرستی خانواده‌ی خود را به وی سپرد و او را ملقب به سردار کرد. سردار کابلی در کرمانشاه به نشر احکام و تالیف و تصنیف مشغول شد. او به شهرهای بسیاری سفر کرد و با علمای هر شهر مصاحبت نمود. سرانجام در کرمانشاه درگذشت و جنازه‌اش به نجف انتقال یافت و در کنار پدرش در وادی السلام دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثاً»، در فضایل امیرالمومنین (ع) از طرق اهل سنت؛ «تبصره الحر فی تحقیق الکر»، در بیان انطباق تحقیقی بین وزن و مساحت و حجم؛ «تحفه

«الاحباب»، در بیان آیات قرآن؛ «تحفه الاجله»، در شناخت قبله، که برای فهم کتاب به دانش جبر و مثلثات و هیئت و جغرافی نیاز است؛ «العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص»، در اعمال فلکی؛ کتابی در «المساحه»، ترجمه از انگلیسی؛ ترجمه «انجیل برنابا»، از انگلیسی به فارسی؛ «غایه التعديل فی معرفه حقیقه الاوزان و المکابیل»؛ «کشف القناع فی تحقیق الميل و الذراع»؛ «مناهج الوفاق»، در اعداد؛ شرح حدیث امیرالمومنین (ع) در بیان قطر و محیط خورشید و ماه و اختلاف افق خورشید؛ «دیوان ابوطالب (ع)» و شرح «لامیه» آن؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبه‌ی حضرت زینب (ع)»؛ «مصباح القواعد»، در قواعد علوم ریاضی؛ «مثنوی» در نظم «الباب الحادی عشر»؛ «الدرر النیره»، شبیه به «کشکول»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار الحجّه (۲/ ۳۴۰، ۲۰۰- ۱۹۷/ ۱)، اعیان الشیعه (۲۷۴- ۲۷۳/ ۶)، الذریعه (۲۲/ ۲۸۳، ۲۱/ ۱۱۶، ۴۶، ۱۷، ۱۶/ ۱۱، ۱۳۹، ۸۰، ۷۹- ۸/ ۴۱۰، ۳۱۷، ۳/ ۳۶۶، ۴۹۳، ۴۱۵/ ۱)، ریحانه (۷- ۵/ ۵، ۱۵- ۱۳/ ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۹۹- ۶۹۳/ ۱۴)، علماء معاصرین (۲۹۶- ۲۹۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷- ۲۲۵/ ۶).

سروش، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد سروش

محل تولد: قم

شهرت: سروش محلاتی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از دروس سطح در خدمت حضرات آیات ستوده و سید علی محقق داماد، در درس خارج آیت الله حائری یزدی (ره) حاضر شدم، همچنین مدت ۱۵ سال از درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی و شبیری زنجانی و برخی اساتید دیگر استفاده کردم. در همین مدت فلسفه و عرفان را از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی، جوادی آملی و انصاری شیرازی استفاده کردم. حدود ۱۰ سال تدریس سطح عالی داشتم و سپس به تدریس خارج فقه و اصول مشغول شدم که در مدرسه آیت الله گلپایگانی (ره)، حدود ۱۰ سال ادامه یافته است گرایش اصلی من در پژوهش، فقه سیاسی است.

سعیدی مهر، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد سعیدی مهر

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۰ هجری شمسی در رشته ریاضی فیزیک از دبیرستان خوارزمی تهران فارغ التحصیل شدم. به علت علاقمندی به دروس حوزوی (و تعطیلی دانشگاهها به علت انقلاب فرهنگی)، در حوزه شهید بهشتی تهران تحصیلات حوزوی را آغاز کردم. در سال ۱۳۶۱ در کنکور سراسری و نیز کنکور ورودی دانشگاه امام صادق(ع) شرکت کردم و پس از قبولی در هر دو جا دانشگاه امام صادق(ع) را برگزیدم و یک سال در این دانشگاه مشغول تحصیل شدم.

به علت علاقه شدید به دروس حوزوی و نظام آموزش حوزه، در آغاز نیمسال سوم تحصیلی (بهار ۱۳۸۳) با جلب نظر موافق مدیریت محترم دانشگاه امام صادق(ع)، از ادامه تحصیل انصراف داده و در مدرسه آیت الله مجتهدی تهران تحصیلات حوزوی را ادامه دادم. در مهرماه ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل سطح ادامه دادم و همزمان در دروس فلسفه نیز شرکت می کردم. در سال ۱۳۶۷ سطح حوزه را به اتمام رسانده به تحصیل در مقطع خارج فقه و اصول مشغول شدم. در سال ۱۳۶۹ در کنکور ورودی تربیت مدرس قم شرکت کرده و همزمان با شرکت در دروس خارج و دروس فلسفه و عرفان، در سال ۱۳۷۲ در مقطع کارشناسی ارشد الهیات فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۳ در آزمون ورودی دانشگاه تربیت مدرس تهران شرکت کردم و پس از قبولی و شرکت در دوره آموزشی، سرانجام در سال ۱۳۷۹ با دفاع از رساله دکتری با عنوان (بررسی انتقادی «ضرورت» در فلسفه تحصیلی معاصر)، فارغ التحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۸ به مدت یکسال در کشور انگلستان مشغول گذراندن یک دوره پژوهشی بوده ام. از سال ۱۳۸۰ به عنوان عضو هیأت علمی گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس مشغول هستم و در حال حاضر استادیار گروه فلسفه این دانشگاه می باشم. در طی دوران تحصیل در دانشگاه و حوزه، با مراکز متعدد پژوهشی در قم و تهران، همچون مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت اساتید و دروس معارف اسلامی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، پژوهشکده حکمت و فلسفه دفتر تبلیغات اسلامی، سازمان حکمت، موسسه فرهنگی طه و ... همکاری مدیریتی و پژوهشی داشته ام.

سلطانی، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی سلطانی

محل تولد : آمل

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب دوران ابتدایی را در زادگاهم روستای آهنگر کلا هوازی دشت که از توابع مهم شهرستان آمل است گذراندم . برای ادامه تحصیل تا دیپلم به شهرستان آمل رجوع کردم . در سال تحصیلی ۶۲-۶۱ موفق به اخذ دیپلم شدم . پس از آن راهی حوزه علمیه قم گردیده ام . دوره مقدماتی را در مدرسه سعادت طی کردم . پس از آن همچون دیگر طلاب به فراگیری علوم حوزوی در حوزه ادامه دادم و در سال ۱۳۷۸ دروس سطح را به اتمام رساندم . همپای دروس حوزوی ، آموزش و فراگیری علوم عقلی را آغاز کردم . بحث عقلی را به صورت خصوصی نزد علمای فن تلمذ نموده ام . این را با کتاب بدایه الحکمه آغاز و با اسفار به پایان رساندم . از سال ۱۳۷۱ در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم . در سال ۱۳۷۵ به صورت تخصصی به فراگیری علوم فوق با گرایش ۳ تشیع پرداختم . این زمان همپای تحصیل مشغول تدریس و پژوهش در این بخش از علوم شدم . از سال ۱۳۸۰ تا کنون به صورت خاص مشغول تحقیق پیرامون فرقه زیدیه هستم .

سلیمان اف، معصوم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

معصوم سلیمان اف

محل تولد: جلفا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب معصوم سلیمان اف بعد از اتمام مدرسه ۱۰ کلاسی، در سال ۱۹۸۴ میلادی وارد دانشگاه نفت و شیمی باکو، (رشته شناسایی بسترهای نفت و گاز و غیره با روشهای ژئوفیزیکی) وارد شدم و در سال ۱۹۹۱ و دو سال سربازی در وسط، دانشگاه را تمام کرده بعد از شش ماه به ایران آمده و وارد مدرسه علمیه شدم. الان مشغول نهاییه الحکمه در سطح ۳ موسسه فلسفه و کلام امام صادق(ع) هستم.

سلیمانی الموتی، هادی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی سلیمانی الموتی قزوینی در سال ۱۳۰۰، در الموت قزوین به دنیا آمد. پس از مراحل مقدماتی تحصیل، وارد حوزه علمیه ی قزوین گردید. وی بعد از آن به منظور تحصیل از قزوین خارج شد و پس از فراگیری معارف، اعم از فقه و حکمت و فلسفه و کلام، به قزوین بازگشت و بنا به درخواست استادش آیت الله علامه رفیعی به اقامه نماز جماعت در مسجد نوبنیاد مهدیه پرداخت. او

همچنین از سال ۱۳۴۴ تا زمان فوت در حوزه علمیه التفاتیه، حدود ۲۵ سال به تدریس علوم مختلف پرداخت. آیت الله حاج شیخ هادی سلیمانی الموتی قزوینی سرانجام در نوزدهم اردیبهشت ۱۳۷۸، در سن ۷۸ سالگی دیده بر جهان فرو بست. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: اجداد هادی سلیمانی الموتی قزوینی غالباً روحانی و از رجال با نفوذ منطقه الموت بودند و مردم آن سامان از وجود این خاندان اهل علم و ایمان بهره مند می شدند. تحصیلات رسمی و حرفه ای: هادی سلیمانی الموتی قزوینی پس از طی طفولیت و کسب مراحل مقدماتی معلومات، وارد حوزه علمیه ی قزوین گردید. همین جا بود که پایه های اساسی فکری و اعتلای علمی اش پایه ریزی شد و پس از سال ها تحصیل مدارج و مراحل علوی حوزوی به بلوغ نبوغ و کمال معنوی رسید. و سپس به قم رفته و تحصیلات خود را در حوزه ی علمیه ی این شهر پی گرفت. استادان و مربیان: هادی سلیمانی الموتی قزوینی دروس سطوح عالی را نزد اساتید برجسته و معروف قزوین، آیت الله رفیعی و آیت الله مفیدی و دیگر علمی وقت فرا گرفت. وی پس از اقامت در نجف از محضر فقها و مراجع بزرگی چون آیت الله بروجردی، آیت الله شاهرودی، علامه سید محمد حسین طباطبایی، امام خمینی (ره) را درک نمود و به فراگیری علوم فقهی و فلسفی و کلامی پرداخت. او از اکثر مراجع زمان همچون آیت الله مرعشی نجفی، آیت الله سید ابوالقاسم خویی، آیت الله شاهرودی، آیت الله طباطبایی و... اجازه دریافت نمود. زمان و علت فوت: هادی سلیمانی الموتی قزوینی سرانجام در نوزدهم اردیبهشت ۱۳۷۸، در سن ۷۸ سالگی دیده بر جهان فرو بست. فعالیتهای آموزشی: هادی سلیمانی الموتی قزوینی از سال ۱۳۴۴ تا زمان فوت در حوزه علمیه التفاتیه، حدود ۲۵ سال به تدریس علوم مختلف پرداخت. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: هادی سلیمانی الموتی قزوینی پس از فراگیری معارف، اعم از فقه و حکمت و فلسفه و کلام و چند سال تحصیل پیاپی به قزوین بازگشت و بنا به درخواست استادش آیت الله علامه رفیعی به اقامه نماز جماعت در مسجد نوبنیاد مهدیه پرداخت.

منابع زندگینامه: فرزنانگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی ها، قزوین: بحر العلوم، ص ۱۶۰

سمرقندی شمس الدین، محمد

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۰۱ ق)، حکیم و عالم. وی عالم علوم معقول بود. مشهور به مولانا زاده ی مولانا عثمان. وی از علما ماوراءالنهر در قرن نهم بود در زمان سلطان حسین بایقرا از سمرقند به هرات رفت و در مدرسه ی سلطانیه و مدرسه ی اخلاصیه به تدریس پرداخت وی در سال ۹۰۱ ه. ق در گذشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: حبيب السیر (۳۴۱ - ۳۴۰ / ۴).

سمیعی، جمشید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جمشید سمیعی

محل تولد : آبادان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۵۸ یعنی پس از انقلاب مقدس اسلامی به طور موازی شروع به تحصیلات دانشگاهی و حوزوی نموده ام. الف) در دانشگاهها از اساتید خوبی بهره برده و تا آنجا که امکان داشت به صورت عمومی در کلاس از محضر آنها استفاده و از برخی اساتید روحانی و دانشگاهی به صورت خصوصی استفاده های شایانی نمودم. ب -) همزمان با تحصیلات دانشگاهی در فرصتهای مناسب و روزهای تعطیلی از محضر اساتید حوزوی با تمام علاقه و شوق استفاده نموده و به صورت تحقیقی و یا تطبیقی از کتب حضرات بهره بردم. ج -) هزاران ساعت از عمر خود را به واسطه استفاده از نوار و یا سی دی صرف کرده و از درسهای فلسفه حضرت آیت الله جوادی آملی اعلی الله مقامه و اسفار حضرت آیت الله مصباح ، ابن عقیل و مغنی حضرت استاد آدینه وند بهره برده و در حواشی کتب مربوط یادداشتهای بسیاری نموده ام .

ه -) اکنون نیز در فرصتهایی که دارم از طریق اینترنت از دروس خارج حضرات تا آنجائی که میتوانم به صورت تحقیقی استفاده میکنم. از جمله دروس خارج فقهی که به عنوان منبع تحقیق بهره می برم دروس خارج فقه مقام معظم رهبری ادام الله ظلله الشریف است. البته در دوران دانشجویی در تهران ،مقداری از درس تفسیر سوره بقره ایشان در حسینیه امام خمینی ره استفاده کرده جلساتی را شرکت نمودم. البته شرکت در جلسات تفسیر آقا یکی از بزرگترین مشوقهای اینجانب بود که همت خود را در تحصیل فقه ، اصول و تفسیر و حکمت و فلسفه گسترش داده و اکنون نیز در این حوزه ها مشغول تحقیق هستم . د -) اکنون بسیاری از نوشته های اینجانب به صورت زیراکس و یا دست نوشته در اختیار دانشجویان مختلف دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد قرار دارد و مورد استفاده واقع میشود. نکته: در رابطه با دروس اسلامی دانشگاهی نیز مشغول تنظیم مطالبی هستم.

سند، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد سند

محل تولد : بحرین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حدود چهار سال و نیم سن داشتم که به دبستان رفتم . پانزده سال و نیم داشتم که دیپلم گرفتم. سپس عازم لندن شدم و فوق دیپلم هندسه را در سال اول گرفتم. در سال دوم موارد اضافی را فرا گرفتم تا در دانشکده تخصصی امپریال وارد شوم ولی در نزدیک اواخر سال دوم تصمیم به رفتن به حوزه علمیه قم را گرفتم. با ورود به حوزه ، با تمام جدیت ، شبانه روز و پنجشنبه و حتی جمعه و

تعطیلات، همیشه مشغول تحصیل بودم و همه متون قدیمه مانند قوانین، شرح نظام، مطول و شمسیه و هیئت چغمین و عروقی و غیره را فرا گرفتم البته کتابهای مقدمات را خودم به تنهایی فرا گرفتم چون در دبیرستان جزو مواد درسی بود و با آنها آشنا بودم. در مدت سه سال و نیم، سطوح عالی را به اتمام رساندم که البته ساعات کاری این سه سال و نیم معادل ساعتهای درسی حوزه در هفت سال برآورد میشود. سپس درسهای خارج آقایان روحانی و میرزا هاشم آملی و وحید خراسانی، در بیع و اصول الفاظ و صلاة و اصول عملیه و فلسفه اسفار و سپس بخصوص نزد آقای جوادی آملی و اشارات هم پیش آقای حسن زاده آملی و همراه این سالها درسهای آقای گلپایگانی که در قضاء و شهادت و حدود بود را، در تعطیلات فرا گرفتم و قضا و شهادت آقای تبریزی و همچنین طهارت و غیره آنها.

در اواخر حضور درسی دو سال نزد آقای علامه فانی اصفهانی اصول فشرده و بیع و مکاسب محرمه و قضاء و خلل صلاة و غیره همچنین بحثهای تعطیلی آقای روحانی شرکت داشتم که در خلل صلاة و قواعد اصولی بود و در اواخر سه سال فقه طهاره و اصول عملیه و جلسه استفتاء آقای تبریزی شرکت داشتم سپس بدستور استاد آقای روحانی و میرزا هاشم آملی شروع به تدریس بحث خارج نمودم. البته شروع تدریس بحث خارج فقه و اصول همگام با دو سال اخیر حضور اینجانب در درسهای آقایان بود و همینطور تدریس منظومه ملاهادی مرتبه دوم بود. سپس اشارات بوعلی و سپس شفاء بوعلی و سپس اسفار که چندین جلد آنرا تا بحال تدریس داشتم و همینطور یک دوره عقاید در امامت در طی چهار سال، همینطور تدریس مسائل مستحدثه در تعطیلات پنجشنبه و جمعه که اکنون هم ادامه دارد و بحث کتاب حج دو دوره (خلاصه و مفصل) در تعطیلات داشتم و دوره اصول از اول الفاظ تا آخر استصحاب، در طی ۱۲ سال. بسیاری از این بحثها بچاپ رسیده و در زمینه مسائل مستحدثه متعدد و بسیاری از شاگردان حاضر در بحث بدرجه تدریس کفایه و مکاسب و رسائل بلکه تدریس تقریرات رسیده و بسیاری از آنها دارای تالیفات متعدد در زمینه های مختلف هستند. در زمینه مقالات و سخنرانی ها در شهرها و کشورهای مختلف شرکت داشته ام.

سهروردی، ابوالفتح یحیی

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۹- مقتول ۵۸۷ ق)، حکیم، صوفی، متکلم، ادیب، فیلسوف. ملقب به الموبد بالملکوت و شیخ اشراق. وی در سهرود از توابع زنجان متولد شد. شهابالدین یحیی سهروردی را غالباً شیخ اشراق یا المقتول یا شهید می‌نامند. وی اصول فقه را نزد شیخ مجدالدین جیلی استاد فخرالدین محمد رازی در شهر مراغه آموخت و مراتب عالیتر را در اصفهان نزد طاهرالدین قاری به پایان رساند. و چون در بسیاری از موارد با قدما خلاف اندیشیده و علی‌الخصوص در اصطلاحات خود از الفاظ و اصطلاحات دینی زرتشتی بسیار استفاده کرده است، متعصبان قوم، او را بالحداد متهم داشته و علماء حلب خون او را مباح شمردند. وی آثار متعدد به زبان فارسی و تازی دارد. وی بزرگترین فیلسوفی است که حکمت اشراق در آثار و روش فلسفی او به کمال رسید. وی تنها از افلاطون و پیروان طریقه‌ی او متأثر نبود بلکه از فلسفه‌ی متداول در ایران خاصه‌ی فلسفه‌ی متمایل به عرفان که در طریقت زردشت دیده می‌شود نیز استفاده کرد، که همان طریقه‌ی خسروانی است. وی منطقی، بصائر ابن سهلان ساوی ر نزد ظهیرالدین قاری خوانده است. و در سفری که به ماردین از بلاد ترکیه داشته به زیارت فخرالدین ماردینی از بلاد ترکیه داشته به زیارت فخرالدین ماردینی عارف و حکیم رسیده وی به فرمان صلاح‌الدین ایوبی و به تحریک متعصبین در سن سی و هشت سالگی در حلب به قتل رسید. از آثار عربی وی: «البارقات الالهیه»، «التلویحات»، «التنقیحات»، «حکمه الاشراق»، «رساله فی اعتقاد الحکما»، «طوارق الانوار»، «قصه

الغریبه الغربیه؛ «لوامع الانوار»؛ «الالواح العمادیه»؛ «المقاومات»؛ «المشارع و المطارحات»؛ «اللمحات» یا «اللمحه»؛ «الهیة کل النوریه»؛ «المبداء و المعاد» و غیره. از آثار فارسی او: «آواز پر جبریل»؛ «پرتونامه»؛ ترجمه «رساله الطیر» ابن سینا؛ «رساله العشق»؛ «روزی با جماعت صوفیان»؛ «صغیر سیمرغ»؛ «عقل سرخ»؛ «لغت موران»؛ «یزدان شناخت».[۱]

یحیی بن حبش بن امیرک ملقب به شهاب‌الدین و شیخ اشراق و شیخ مقتول و شهید و مکنی به ابوالفتح، حکیم معروف و محیی حکمت اشراق (و. سهرورد ۵۴۹- مقت. ۵۸۷ ه.ق.). وی حکمت و اصول فقه را نزد مجدالدین جیلی استاد فخر رازی در مراغه آموخت و در علوم حکمی و فلسفی سرآمد شد و به قوت ذکا و وحدت ذهن و نیک اندیشی بر بسیاری از امور علمی اطلاع یافت، و چون در بسیاری از موارد خلاف رأی قدما گفته و از حکمت ایرانی و اصطلاحات دین زردشتی استفاده کرده، متعصبان او را با لحاد متهم کردند و علمای حلب خون او را مباح شمردند. صلاح‌الدین ایوبی فرمانروای مصر و شام فرمان داد تا او را به قتل رسانند و وی در حبس در سن ۳۸ سالگی خفه شد. سهروردی آثار متعدد به فارسی و عربی دارد. مهمترین آنها از این قرارند: منطق التلویحات، کتاب التلویحات، کتاب المقاومات، کتاب المشارع و المطارحات، حکمة الاشراق (ه.م.). رساله فی اعتقاد الحكماء قصه الغریبه الغربیه، آواز پر جبریل، رساله العشق، لغت موران، صغیر سیمرغ، ترجمه رساله الطیر ابن سینا، اللمحات، الیهاکل النوریه، الالواح العمادیه، المبدأ و المعاد، طوارق الانوار، البارقات الالهیه، لوامع الانوار، روزی با جماعت صوفیان، عقل سرخ، پرتونامه. از غالب کتب او نسخ متعدد در دست است و بخش مهمی به طبع رسیده. سهروردی حکمت اشراق (ه.م.) را احیاء کرده به کمال رسانید. فلسفه او التقاطی است و در آن آثاری از اصول عقاید حکمای یونان به خصوص افلاطون و نوافلاطونیان و حکمای قدیم ایران (فهلویون) و اصول دین زردشت در آن به خوبی نمایان است. این فلسفه به حکمت اشراق معروف است و پس از او شارحان وی (شهر زوری و قطب‌الدین شیرازی) و حکمایی مانند صدرالدین شیرازی و هادی سبزواری عقاید او را دنبال کردند و به تأیید و توضیح آن پرداختند. سهروردی درباره مشرب عرفانی خود گوید: بیشتر نظرات من فقط زاده فکر نیست. بلکه بر اثر ریاضت و راهنمایی ذوق حاصل شده است. پس چون از راه برهان به دست نیامده و از راه عیان حاصل شده به تشکیک مشککی از میان نمی‌رود. طریق من طریقی است که همه سالکان راه حق و امام الحکمه افلاطون پیش گرفته و به یاری ذوق به حل بسیاری از مشکلات توفیق یافته‌اند. وی قایل به اصالت ماهیت است و وجود را امری اعتباری و عقلی می‌داند و ماهیت را که اصل است و همه عالم از آن تشکیل یافته است چهار قسم ذکر می‌کنند: زیرا یا نور است یا ظلمت، و هر یک از این دو یا جوهر است یا عرض. اما نور جوهری شامل نفوس (یا به تعبیر خود او انوار اسفهدی) و عقول است و مراتبی دارد که بالاترین آنها نورالانوار است که آن را به اسامی نور مقدس، نور محیط، نور اعلی، نور اعظم و غیره خوانده است. منشأ و مبدأ همه نورهاست. نورالانوار کامل است، و ورای آن هیچ چیز دیگر موجود نیست بنابراین نورالانوار در واقع همان روشنی بی‌پایان است که در اوستا بدان اشاره رفته و از آن به اهورامزدا تعبیر شده است. به عبارت دیگر نورالانوار عله العلل، مبدأ کل و خالق عالم است و همه چیزها از اشراقات او هستند و محتاج بدو. از نورالانوار فقط یک نور مجرد مستقیماً پدیده آمده است. این نور نخستین را سهروردی نور اقرب و نور عظیم (بهمن) خوانده است. از نور اقرب یک فلک- که فلک الافلاک باشد و نور مجرد دوم- حاصل شد، و از این نور، نور و فلک دیگر به وجود آمد، و به همین ترتیب تا نور نهم و فلک نهم. فلک نهم- که آخرین فلک است- زمین خاکی را در بر گرفته است، و نور مربوط به این فلک در قلب انسان و مغز سر او پرتو افکن شده و ادراک معقولات را برای وی میسر ساخته است. این انوار نه گانه با مصدر و مبدأ کل آنها که نورالانوار است همان است که فارابی و ابن سینا عقول عشره خوانده و همه را صادر از فیض الهی دانسته و آخرین آنها را عقل فعال نامیده‌اند. در نظر سهروردی نور عرضی روشنیهای محسوس است چون نور آفتاب و ستارگان و آتش. ظلمت جوهری عبارتست از اجسام، یعنی اشیائی که قابل اشاره و محل اعراضند و شیخ آنها را برزخ نام داده است. ظلمت عرضی چیزهایی هستند که بر اجسام عارض توانند شد، چون رنگ و بو و طعم و سبکی و سنگینی و جز آن که شیخ از آنها به لفظ «هیئت»

نیز تعبیر کرده است. سهروردی در کتاب کلمة التصوف گوید: «در میان ایرانیان گروهی بودند که به حق رهنمایی می کردند و حکیمانی دانشمند بودند که به مجوس شباهتی نداشتند، و بر آن طریق گامزن نبودند، و ما حکمت نوریه شریف آنان را، که ذوق افلاطون و کسانی که بیش از او بودند، گواه آن است، در کتاب موسوم به حکمة الاشراق و مانند آن، زنده گردانیدیم، و کسی بر من در تدوین مانند آن پیشی نجسته است.» و در حکمة الاشراق نویسد: «... و برین بنا نهاده شده است قاعده اشراق در نور و ظلمت که طریقه حکمای ایران مانند جاماسب و فرشوستر و بزرگمهر و حکیمان پیش از او بود.» و در کتاب المشارع و المطارحات آورده: «و اما نور طامس که به مرگ اصغر می کشد: آخرین کسانی که درباره آن در دست آگاهی داده‌اند، از گروه یونانیان حکیم بزرگوار افلاطون، و از بزرگانی که در آن پژوهش کرده و نامش در تاریخها به جا مانده هرمس، و در پهلویان «گلشاه» موسوم به «گیومرث» و همچنین از پیروان او افریدون و کیخسرو باشند.»

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۷۰- ۱۶۹/۹)، ایضاح المکنون (۶۰۷، ۵۰۳، ۲/ ۵۳۰/۱، ۳۳۰/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۹۷-۹۹۶، ۳۰۵- ۲۹۷/۲)، تاریخ فلاسفه (۳۸۱- ۳۶۸)، تاریخ فلسفه در اسلام (۵۶۰- ۵۲۹/۱)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۰)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۴- ۴۴۳)، ترجمه‌ی تتمه صوان الحکمه (۱۰۴- ۱۰۳)، دایرةالمعارف فارسی (۱۳۸۴/۱)، الذریعه (۱۵۳- ۱۵۲/ ۱۳، ۲۷۷/۲۵، ۵۵۴/۹)، روضات الجنات (۱۹۷/۸)، ریاض العارفین (۲۱۱)، ریحانه (۳۰۰- ۲۹۸/۳)، سیر النبلاء (۲۱۱- ۲۰۷/۲)، فرهنگ سخنوران (۵۱۹- ۵۱۸)، کشف الظنون (۱۵۶۰، ۷۱۹۷، ۶۸۴، ۴۸۲، ۳۶۱، ۱۵۹)، الکنی و الالقاب (۳۲۶/۲)، لسان المیزان (۵۱۱- ۵۱۰/۳)، لغت نامه (ذیل / ابوالفتح)، مؤلفین کتب چاپی (۸۲۶- ۸۲۳/۶)، مجمع الفصحا (۸۱۹/۲)، معجم الادبا (۳۲۰- ۳۱۴/۱۹)، معجم المؤلفین (۱۹۰- ۱۸۹/ ۱۳)، نفحات الانس (۵۸۶- ۵۸۴)، الوافی بالوفیات (۳۲۳- ۳۱۸/۲)، وفيات الاعیان (۲۷۴- ۲۶۸/۶)، هدیه العارفین (۵۲۱/۲)، هفت اقلیم (۲۰۱/۳).

سهروردی، شهاب‌الدین، ابوحفص عمر

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۳۲- ۵۳۹ ق)، حکیم، صوفی، فقیه شافعی و محدث. ملقب به شیخ الاسلام. در سهرورد زنجان به دنیا آمد. نسبش به ابوبکر صدیق می‌رسد. وی نزد عمویش ابونجیب سهروردی فقه و وعظ و تصوف آموخت. و در بصره با شیخ ابومحمد بن عبد مصاحب بود. وی به بغداد مسافرت کرد و در آنجا سر سلسله‌ی عرفا شد. به صحبت عبدالقادر گیلانی رسید. وی پیشوا و موسس سلسله‌ی عرفانی سهروردیه بود. کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی و سعدی شیرازی از ارادتمندان وی بودند. وی از کسانی مثل هبه‌الله بن احمد شبلی، ابن بطی، ابوزرعه مقدسی، معمر بن فاخر و یحیی بن ثابت حدیث شنید. و ابن نقطه، ابن نجار، ظهیرالدین محمود زنجانی و ابواسحاق ابن واسطی از وی روایت نقل کرده‌اند. وی هر سال به سفر مکه و مدینه می‌رفت و بیشتر عمرش را به وعظ اشتغال داشت. شهاب‌الدین با ابن فارض و ابن عربی و نجم‌الدین دایه ملاقات داشته است. وی در بغداد در گذشت و در وردیه این شهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «عوارف المعارف» که در سفر مکه نوشته و اسماعیل بن عبد مومن و ظهیرالدین بزغش آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند؛ «رشف النصایح الایمانیه و کشف الفایح الیونانیه»؛ رساله‌ی «السیر و الطیر»؛ «بهجه الاسرار فی مناقب الغوثیه»؛ «نغبه البیان فی تفسیر القرآن»؛ «جذب القلوب الی مواصله المحبوب»؛ رساله‌ی «اعلام الهدی و عقیده ارباب التقی»؛ «دیوان» اشعار. [۱]

ابوحفص عمر، برادرزاده ابوالنجیب عبدالقاهر سهرودی عارف معروف که نسبت تعلیم او به احمد غزالی می‌رسد (ف. ۶۳۲ ه. ق.) از

تألیفات او کتاب «عوارف» «رشف النصائح» «اعلام التقی» و «اعلام الهدی» است. وی مؤسس فرقه سهروردیه و مرشد سعدی و اوحدالدین کرمانی است (سهروردیه).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۱۱۹۲-۱۱۸۹/۳)، آثار عجم (۷۱-۷۰)، الاعلام (۲۲۳/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/۲۲۱)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۲-۱۴۱)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۳-۴۴۲)، جستجو در تصوف (۱۷۸-۱۷۲)، دایرةالمعارف فارسی (۱/۱۳۸۴)، الذریعه (۵۵۵-۵۵۴، ۴۷۸/۹)، ریاض العارفین (۹۶-۹۵)، ریحانه (۱۰۰-۹۸/۳)، سیر النبلاء (۳۷۸-۳۷۳/۲۲)، طرائق الحقائق (۵۳۱، ۵۳۰، ۴۹۰، ۴۰۵، ۳۰۴، ۲۹۱/۲)، فرهنگ سخنوران (۵۱۸)، کشف الظنون (۱۹۶۵، ۱۸۳۲، ۱۷۹۲، ۱۷۲۳، ۱۶۹۷، ۱۶۷۳، ۱۵۱۷، ۱۴۹۲، ۱۱۷۷، ۱۱۶۱، ۱۱۵۷، ۹۰۵، ۸۷۷، ۸۷۲، ۴۵۱، ۱۲۶، ۹۰، ۵۰)، الکنی و الالقاب (۳۲۶-۳۲۵/۲)، لغت نامه (ذیل / سهروردی)، مؤلفین کتب چاپی (۶۳۵-۶۳۴/۴)، مجالس المومنین (۷۲-۷۰/۲)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۶۳۲)، مجمع الفصحا (۲/۸۱۹)، معجم المؤلفین (۷/۳۱۳)، معجم البلدان (۳/۳۲۹)، نحفات الانس (۴۷۴-۴۷۳)، وفيات الاعیان (۴۴۸-۴۴۶/۳)، هدیه العارفین (۷۸۶-۷۸۵/۱)، هفت اقلیم (۲۰۱-۱۹۹/۳)، یادداشتهای قزوینی (۳/۵۷۲).

سیادت، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۸۵-۱۲۹۹ ق)، عالم دینی و مجتهد. وی از سادات حسینی بود که در قریه‌ی ایزی از محال سبزوار در خانواده‌ای باتقوا به دنیا آمد. قرآن و کتب فارسی و مقداری صرف و نحو را در همان جا خواند، سپس برای ادامه‌ی تحصیل به سبزوار رفت و در مدرسه‌ی فصیحیه تا مدت بیست سال به تصحیل پرداخت. از جمله اساتیدش آیت‌الله حاج میرزا حسین علوی سبزواری و عمویش، آقا میرزا موسی، پدر آیت‌الله حاج میرزا حسین فقیه سبزواری، و آقا میرزا اسماعیل مشهور به افتخارالحکماء شاگرد علامه و حکیم سبزواری را می‌توان نام برد. پس از آن به تدریس پرداخت و دو دوره «رسائل» و «مکاسب» را درس گفت. در ۱۳۳۷ ق به نجف اشرف سفر کرد و مدت شانزده سال در آنجا از محضر آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله میرزا حسین نایینی استفاده‌ها برد و «تقریرات» فقه و اصول هر دو استاد را در شش مجلد به رشته تحریر درآورد. از دیگر اساتید وی، در نجف، می‌توان به آیت‌الله حاج شیخ اسماعیل محلاتی، پدر همسرش، اشاره کرد. در ۱۳۵۳ ق به سبزوار بازگشت و به کارها و امور دینی پرداخت و حوزه‌ی علمیه‌ی متلاشی شده را حیات جدیدی بخشید. وی در سبزوار درگذشت و در حسینه که بنا نهاده بود به خاک سپرده شد. [۱]

سید حسن سیادت از علماء بزرگ و مجتهدین جلیل‌القدر سبزوار بوده وی در اواخر سال ۱۲۹۹ ق در قریه ایزی (پنج کیلومتری شرقی شهر سبزوار) در خاندان تقوا و سیادت دیده به جهان گشود.

پدرانش از سادات جلیل حسینی در قریه مزبور مورد احترام بوده‌اند قرآن شریف و کتب فارسی و مقداری صرف و نحو را در نزد ملایان قریه آموخته و در اوائل بلوغ به قصد ادامه تحصیل به سبزوار وارد و در مدرسه فصیحیه در سلک طلاب علوم دینیه درآمده و تا مدت بیست سال با کمال جد و جهد به تحصیل و آنگاه به تدریس اشتغال داشته و در این مدت از محضر علماء آن عصر سبزوار استفادات علمیه و ادبیه و فقهیه و اصولیه و حکمیه نموده و از مدرسین نامی عصر خود گشته و ضمناً در مسجد جامع سبزوار به امامت جماعت اشتغال داشته است.

پس از تدریس دو دوره رسائل و مکاسب مرحوم شیخ قدس سره در سال ۱۳۳۷ قمری مهاجرت به نجف اشرف نموده و مدت ۱۶

سال در آستان ملک پاسبان حضرت مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علیه صلوات المصلین اقامت نموده و از محضر آیات عظام آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت‌الله آقا میرزا حسین نائینی استفاده و تقریرات فقه و اصول هر دو را در ۶ مجلد به رشته تحریر آورده که اکنون نزد فرزند فاضلش موجود است.

در ذیقعدہ سال ۱۳۵۳ قمری به سبزوار بازگشته و به امور روحانیت قیام نموده و در سال ۱۳۶۳ قمری حوزه علمیه متلاشی شده آن را حیات جدیدی بخشیده به اغلب قراء اطراف نامه‌ها نوشته و تقاضای ارسال محصل به مدارس سبزوار و حوزه علمیه دائر نموده که اثر آن اقدام از آن تاریخ تاکنون مشهود است در علم و تقوا مورد قبول عامه و خاصه و در نفوذ کلام و محبوبیت قلیل‌النظیر بوده است.

در عصر یکشنبه ۲۳ ماه رمضان المبارک ۱۳۸۵ قمری در سن ۸۶ سالگی طی کسالت و نقاهت طولانی دیده از جهان فروبست و در حسینیه‌ای که از خالص مال خود در سبزوار ساخته است به خاک رفته است.

اساتید مشهور آن مرحوم در سبزوار از اینقرار است.

۱- مرحوم آیت‌الله آقای حاج میرزا حسین علوی سبزواری

۲- مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای آقا میرزا موسی عموی بزرگوارش والد آیت‌الله حاج میرزا حسین فقیه سبزواری

۳- مرحوم آقا میرزا اسماعیل مشهور به افتخارالحکماء شاگرد علامه و حکیم سبزواری

۴- مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا اسماعیل مجتهد سبزواری و در نجف مرحوم آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌الله حاج شیخ اسماعیل محلاتی بوده است دارای ده فرزند چهار پسر و شش دختر از دختر مرحوم آیت‌الله محلاتی مذکور می‌باشد.

فرزند اکبر و ارشدش حجة الاسلام حاج سید مصطفی سیادت است که تحصیلات خود را در نزد آن مرحوم به پایان رسانیده و اکنون به جای معظم له به امامت جماعت و وظائف روحانیت مشغول و مورد احترام مردم سبزوار است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱۷-۳۱۵/۵).

سید موسوی، سید ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابراهیم سید موسوی

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۷/۲

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۴۵ تحصیلات دوره ابتدائی ام شروع شد و تا سال ۱۳۵۷ دیپلم دبیرستان را گرفتم، در این مدت با برخی گروههای مذهبی همکاری داشتم که گاهی به مطالعه و تلخیص کتابهای دینی یا بررسی برخی آیات و ارائه در جمع و گروه مربوطه می

انجامید. از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۰ به کشور کانادا جهت تحصیل در رشته فیزیک رفتم. در آنجا با عضویت در انجمن اسلامی آمریکا و کانادا به فعالیت های جنبی تبلیغی و گاهی علمی می پرداختم، مثل بررسی تفاسیر قرآن، تحقیق موضوعی در زمینه های مختلف و ارائه به انجمن یا در میان دانشجویان ایرانی و عرب که هر هفته در مسجدی جمع می شدند. از آنجایی که برگزاری تظاهرات در آن کشور به نفع انقلاب و حمایت از مظلومیت ایران در جنگ علیه عراق و گاهی هم برگزاری جلسات سخنرانی در دانشگاهها که در برخی موارد به درگیری با نیروهای ضد انقلاب منجر می شد، پرونده مطلوبی در ادامه مهاجرت به کانادا نداشتم و این دلیل باعث شد ادامه حضور را در آن کشور لغو کنند. در سال ۱۳۶۱ به ایران برگشتم و مستقیم به تحصیلات حوزوی در قم پرداختم. البته چند ماهی به مدرسه عالی شهید مطهری در تهران رفتم ولی دوباره به قم برگشتم و از آن زمان تا به حال در قم هستم. در کنار دروس حوزوی، البته پس از دروس لمعه و همراه با درس رسائل و مکاسب دوباره در دانشگاه از طریق کنکور شرکت کردم و در دانشگاه تهران به درس فلسفه پرداختم. در قم نیز هم در درس تخصصی کلام و هم در رشته دین شناسی (موسسه امام ره) شرکت کردم.

سید هاشمی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد سید هاشمی

محل تولد: کاظمین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد میر هاشمی از سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شدم، همزمان نیز شبانه تحصیلات را در مقطع دبیرستان در رشته فرهنگ و ادب به اتمام رساندم. (۶۶ - ۱۳۶۵) در سال ۱۳۷۰ در دانشگاه علوم اسلامی رضوی در مقطع کارشناسی (رشته فلسفه و کلام اسلامی) شرکت نموده و در تابستان سال ۱۳۷۵ فارغ التحصیل شدم. در سال ۱۳۷۶ بعد از ارائه یکسال امتحان درس خارج فقه و اصول در مشهد رهسپار حوزه علمیه قم شدم. در سال ۱۳۷۸ و نیز سال ۱۳۸۰ در مقطع کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی در برخی دانشگاهها مانند باقر العلوم (ع) تربیت مدرس قم شرکت نموده و لکن علی رغم قبولی در مراحل بعدی شرکت نکردم. از سال ۱۳۸۰ به بعد تاکنون به عنوان مدرس دروس معارف اسلامی در برخی دانشگاههای آزاد و جامع علمی کاربردی تدریس داشته‌ام. از سال ۱۳۸۳ به بعد در عرصه تحقیق و پژوهش فی الجمله فعالیت داشته‌ام برخی از آثار حقیر (که البته به مرحله چاپ نرسیده است) به شرح ذیل می باشد: الف) اخلاق اسلامی ب) مجموعه مقالات اصول کاربردی آیین زندگی ج) معادشناسی د) اعتقاد به منجی عدالت گستر و آثار آن ه) مطلق گرایی در اخلاق. در سال ۱۳۸۴ با اخذ موضوع پایان نامه از شورای مدیریت حوزه علمیه قم رساله خود را با عنوان مطلق گرایی در اخلاق تحت راهنمایی استاد راهنما جناب آقای دکتر عباسی به اتمام رسانده و اکنون رساله سطح ۳ حوزه بنده در نوبت دفاع قرار دارد. از حدود سالهای ۱۳۸۲ به بعد به عنوان مشاور در برخی

واحدهای دانشگاهی در حوزه‌های مختلف مذهبی، اعتقادی، خانوادگی، مشاوره و رسماً در برخی جلسات جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی فعالیت داشته‌ام. در تمام این مدت تاکنون در درس خارج فقه و اصول (حضرت آیت الله وحید خراسانی، حضرت آیت الله مکارم شیرازی شرکت داشته‌ام). در سال تحصیل جاری (نیمسال دوم ۸۶-۸۵) در جامعه الزهراء قم تدریس برخی دروس را نیز به عهده دارم. از زمان تدریس در دانشگاهها (باعنوان رتبه اول استادیاری) مشاوره برخی دانشجویان را در تحقیقات آنها (استاد مشاور) برعهده داشته‌ام.

سیدالحکمای تبریزی، شرف‌الدین، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۶-۱۲۰۲ ق)، فقیه، طیب، فیلسوف، مورخ و ریاضیدان. در تبریز متولد شد و پس از تحصیلات ادبی در زادگاهش، رهسپار نجف اشرف شد و در آنجا علوم منقول را نزد صاحب «جواهر» و صاحب «ضوابط» و شیخ مرتضی انصاری فراگرفت و به کسب اجازه اجتهاد نایل شد. پس از بازگشت به زادگاهش به دلایلی از تدریس و ترویج علوم دینی روی برتافت و به اصفهان رفت و در آنجا مدت پانزده سال به فراگیری طب نزد میرزا حسن شروانی پرداخت، علوم معقول را نیز نزد ملا-علی نوری و حاج ملاهادی سبزواری در سبزواری فراگرفت. پس از آن به تبریز بازگشت و به امر طبابت مشغول بود تا دارفانی را در همان جا وداع گفت. پیکر وی را به نجف اشرف منتقل کردند و در وادی السلام دفن نمودند. از آثار وی: «تاریخ تبریز»؛ «تعیین قبله»؛ حاشیه «جواهر الکلام»، در فقه؛ حاشیه «شرح منظومه» سبزواری، حاشیه «کلیات قانون» شیخ الرئیس؛ حاشیه «مکاسب شیخ انصاری»؛ شرح «طب الائمة»؛ شرح در «طب النبی»؛ «قانون العلاج»؛ حاشیه «شرح نفیسی»، در طب؛ «طلسمات و مثلثات و مربعات»؛ «کیفیت پر کردن صد اندر صد عددی»؛ شرح «تشریح الافلاک» شیخ بهایی؛ «رساله‌ی تعلیم خط کوفی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۱۰)، الذریعه (۲۳/ ۱۷، ۴۵/۱۲، ۱۹/۸، ۶۳/۵، ۷۳/۴)، ریحانه (۱۱۷- ۱۱۵/ ۳)، لغت نامه (ذیل / علی)، معجم المؤلفین (۲۰۳/۷)، مکارم الآثار (۱۳۴- ۱۳۳/ ۱).

سیمای کاشانی، محمدرضا

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۳۵ ق)، حکیم، ادیب و خطاط. او از اجداد میرزا محمدتقی سپهر لسان‌الملک کاشانی است که در عهد شاه سلطان حسین صفوی می‌زیسته و از این سلطان به لقب عضدالدوله مفتخر شده است. سیما از حکمت الهی و نظم و نثر فارسی و تازی بهره‌مند بود و خطوط هفت گانه را خوش می‌نوشت. او در فتنه‌ی افغان در اصفهان به قتل رسید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: احوال و آثار خوشنویسان (۷۲۹/۳)، مکارم الآثار (۵۸۱/۲).

شاکرین، حمیدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمیدرضا شاکرین

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۵ تحصیل در حوزه علمیه اصفهان را آغاز نموده و در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه قم وارد شدم. درس خارج را از سال ۱۳۶۲ آغاز نموده و از محضر اساتیدی چون آیت الله تبریزی، آیت الله مکارم، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله وحیدی خراسانی بهره جستیم. درس فلسفه را نیز از محضر استاد فیاضی آیت الله مصباح یزدی، و آیت الله جوادی آملی کسب فیض نموده و همراه با دروس رسمی به مطالعه فردی پرداخته و عمدتاً از آثار علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده تا به حریم دایره مطالعات خود را بسط داده و عمدتاً در عرصه مباحث فلسفی و کلامی، بویژه کلام جدید مطالعات خود را گسترش داده ام اکنون نیز در این زمینه به فعالیت خود ادامه می‌دهم.

شانظری، جعفر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جعفر شانظری

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جعفر شانظری فرزند محمد متولد ۱۳۳۶ عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان گروه الهیات پس از گذراندن مراحل تحصیل علوم جدید در سال ۱۳۴۹ بر اساس علاقه و اشتیاق خود، به حوزه علمیه اصفهان جهت تحصیل در علوم حوزوی وارد و در سال ۱۳۵۶ برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم مهاجرت نمودم. در سال ۱۳۶۰ دوره سطح حوزه را تمام و به سطح عالی (درس خارج فقه و اصول) شرکت کردم و به مدت ۱۶ سال درس خارج فقه و اصول را از محضر استادان گرامی حضرت آیات مکارم شیرازی،

فاضل لنکرانی، میرزا جواد تبریزی، وحید خراسانی کسب فیض نموده و در درس منطق، فلسفه، کلام و تفسیر نیز شرکت کرده و از محضر استادان انصاری شیرازی، جوادی آملی و حسن حسن زاده آملی بهرمنند شدم. در سال تحصیلی ۶۸ - ۱۳۶۷ در کنکور مرکز تربیت مدرس وابسته به دانشگاه قم جهت دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی شرکت و پس از قبولی و پذیرش به تحصیل ادامه داده و در سال ۷۱ - ۷۰ پس از گذراندن واحدهای آموزشی و دفاع پایان نامه تحت عنوان «نفس در عرفان» فارغ التحصیل شدم. پس از آن برای ادامه تحصیل در دوره دکتری فلسفه و کلام اسلامی در امتحان دانشکده الهیات دانشگاه تهران به سال ۷۳ - ۱۳۷۲ شرکت و بعد از پذیرش دوره آموزشی را گذرانده سرانجام پس از امتحان جامع و دفاع پایان نامه تحت عنوان «تصحیح و تحقیق کتاب المبدء و المعاد ملا صدرا و مقایسه علمی با مبدء و معاد ابن سینا» در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته فلسفه و کلام اسلامی گردیدم.

شاه‌ساز شیرازی، احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۲/۱۳۳۰ ق)، فقیه اصولی، حکیم، خطیب و ریاضیدان. به جهت شغل پدر به نام شاه‌ساز شهرت یافته بود. وی از بزرگان علمای امامیه در عصر خود و از راویان سید مهدی قزوینی حلی و از شاگردان میرزای شیرازی بود. سالها در محضر استاد در سامراء بود و سپس به شیراز بازگشت. پس از چندی از شیراز به نجف رفت و به تدریس و تعلیم پرداخت. وی در مدرسه‌ی قوام شیرازی تدریس می‌کرد، بویژه در تدریس «فصول» شهرتی بسیار داشت. آقا شیخ بزرگ تهرانی از شاگردان او بود. آیت‌الله مرعشی نجفی از وی روایت کرده است. وی در نجف درگذشت و در صحن علوی دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «الفصول»؛ رساله‌ای در «اللباس المشکوک»؛ «اثبات سیاده الشریف».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۶۰۳/۲)، الذریعه (۲۹۴/۱۸، ۱۶۴/۶)، ریحانه (۱۶۶/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۸۵)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۱).

شاه‌آبادی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام والمسلمین آقا محمد بن علامه الکبری والایه العظمی میرزا محمدعلی شاه‌آبادی از علماء مذهب و فضلاء مسلم و بسیار متدین و با ورع و کمال حوزه علمیه قم است دارای جمال ظاهری و معنوی است و در حدود سال ۱۳۳۹ قمری متولد شده و در محیط علم و تقوا تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را از مرحوم والد و علماء تهران فرا گرفته و در دروس خارج معقول و منقول پدر شرکت کرده و از کمالات پدر استفاده‌ها نموده و چندین سال در مسجد جامع تهران در شبستانی که به نام والد اوست اقامه جماعت و ترویج دین نموده و ضمناً حوزه درس و بحث داشته و هم جلسات تفسیر برای مردم تهران یک مرتبه اعراض از این جهات نموده و مهاجرت به قم و مجاورت روضه فاطمیه علیهاسلام را بر اقامت و ریاست تهران ترجیح و سالهاست که در این

شهرستان دینی رحل سکونت افکنده و از درس و بحث آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی اراکی و نماز معظم‌له استفاده می‌نمایند و هم مباحثات و تدریس فقهی و اصولی و غیره دارد. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

شاه‌آبادی، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۹ - ۱۲۹۲ ق)، عالم امامی، عارف، متکلم و فقیه اصولی. وی از اکابر علمای امامیه در عصر خود بود و حاوی فروع و اصول. در اصفهان متولد شد. ابتدا نزد پدر، که از اکابر شاگردان صاحب «جواهر» و مسلم الاجتهاد بود، به تحصیل پرداخت. سپس در اصفهان در حوزه‌ی درس برادر بزرگ خود آقا شیخ احمد مجتهد، معروف به حسین آبادی اصفهانی، که اجتهادش پیش از بلوغ مورد تصدیق بود، و هم در حوزه‌ی درس میرزا محمد هاشم چهارسوقی حاضر شد و به تکمیل مراتب علمیه خود پرداخت. سپس به تهران آمد و نزد حاج میرزا حسن آشتیانی تلمذ نمود. آنگاه به نجف رفت و در حوزه‌ی درس استدلالی آیات آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمد تقی شیرازی شرکت کرد تا آنکه اجتهاد وی مورد تصدیق آن بزرگان قرار گرفت. وی علم معقول را از شیخ المتالهین میرزا هاشم رشتی فراگرفت. از آنجا که در اول ورود به تهران در خیابان شاه‌آباد اقامت گزید، به این نام شهرت یافت. او در تهران در مسجد جامع، امامت و تدریس می‌نمود و در همین شهر نیز از دنیا رفت و در شهر ری در مقبره‌ی ابوالفتوح رازی به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانسان و الفطره»، «الایمان و الرجعه»، «القرآن و العتره»، همه در یک مجلد؛ حاشیه «کفایه» آخوند خراسانی، در اصول؛ «منازل السالکین»، در عرفان؛ «شذرات المعارف» و «مرام الاسلام»، در دو مجلد؛ «العقل و الجهل».[۱]

مرحوم حاج میرزا محمدعلی شاه‌آبادی از علماء و مراجع بزرگ و حکماء بنام معاصر تهران بوده و سالها در حوزه علمیه قم تدریس فلسفه و حکمت و فقه و اصول نموده است.

صاحب ریحانه الادب گوید: میرزا محمدعلی شاه‌آبادی بن میرزا محمد جواد مجتهد اصفهانی از اکابر علماء امامیه عصر حاضر ما و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در تهران در هر رشته تدریس فرموده و مورد استفاده افاضل و مرجع تقلید جمعی از شیعه بوده است.

وی در سال هزار و دویست و نود و دو قمری در اصفهان متولد و نخست از والد معظم خود که از اکابر تلامذه صاحب جواهر و مسلم الاجتهاد بوده بتحصیلات علمی پرداخته سپس در اصفهان در حوزه درس برادر بزرگ خود آقا شیخ احمد مجتهد معروف بحسین آبادی اصفهانی که اجتهادش پیش از بلوغ و کبر سن مصدق بوده و هم در حوزه آقای آیت‌الله حاج میرزا هاشم چهارسوقی حاضر و بتکمیل مراتب علمیه پرداخته پس در تهران نزد حاج میرزا حسن آشتیانی و میرزا هاشم گیلانی تلمذ نموده سپس در نجف حاضر حوزه درس استدلالی مرحوم آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا محمد تقی شیرازی شده تا آن که اجتهاد و دارای قوه مستنبط بودن وی مورد تصدیق اکابر وقت گردیده و از نجف مراجعت به ایران و در تهران در خیابان شاه‌آباد ساکن و از این رو بشاه‌آبادی معروف گردیده و در سال ۱۳۴۷ به قم آمده و فضلاء و بعضی از اساتید امروزه حوزه نجف و مراجع عصر حاضر را از سرچشمه علوم و معارف خویش سیراب و بهره‌مند نموده تا در سال ۱۳۵۴ ق که به تهران مراجعت و بناء ترویج دین و تدریس فقه و اصول و فلسفه و معقول را گذارده و نیز مبانی علمی خود را برشته تحریر درآورده و در مسجد جامعه اقامه جماعت نموده تا

در ۱۳۶۹ ق برحمت ایزدی پیوسته و با هزاران تجلیل در شهر ری در مقبره مرحوم ابوالفتح رازی صاحب تفسیر معروف مدفون گردیده است.

(چنانچه نگارنده در تذکره المنابر خود یاد نموده‌ام)

از آثار اوست: ۱- الانسان و الفطره ۲- الايمان و الرجعه ۳- القرآن و العتره ۴- حاشیه کفایه ۵- مرام اسلامی ۶- منازل السالکین در عرفان و غیر اینها در فقه و اصول و عقل و جهل و نبوت و موضوعات دیگر.

از باقیات الصالحات ایشان است: فرزندان فاضل و برومند ایشان که در قم و تهران بوظائف دینی و روحی اشتغال دارند:

۱- مرحوم حجة الاسلام آقای آقا شیخ محمد جواد که در زمان ایشان در سنین جوانی وفات نموده و در شهر ری مقبره مذکور مدفون گردیده.

۲- حجة الاسلام والمسلمین آقای آقا محمد شاه آبادی که چندی در تهران بجای آن مرحوم اقامه جماعت ولی اکنون سالهاست که در قم بتحصیل و تدریس اشتغال دارند و ترجمه ایشان را در جلد دوم ص ۱۷۸ یاد نموده‌ام.

۳- حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ نصرالله که سالها در نجف اشتغال بتحصیل داشته ولی چند سالیست معاودت و در مسجد لاریجانی خیابان پامنار اقامت می‌کنند.

۴- حجة الاسلام آقای حاج مهدی شاه آبادی که در تهران امامت دارند و سالها در قم تکمیل مبانی علمی و دینی نموده‌اند.

۵- حجة الاسلام آقای حاج شیخ روح الله شاه آبادی که سالها در نجف و کربلا بتحصیل فقه و اصول اشتغال داشته‌اند.

۶- حجة الاسلام آقای حاج نورالله شاه آبادی که بعد از تحصیلات بخدمات دینی در تهران اشتغال دارند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجج (۲۱۸- ۲۱۷/۱)، تذکره القبور (۱۱۹- ۱۱۸)، الذریعه (۵۹/۱۷)، ریحانه (۱۶۸- ۱۶۷/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۷۱- ۱۳۷۰/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۸۵- ۴۸۳/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۴- ۱۷۳/۴)، معجم المؤلفین (۴۷/۱۱).

شرف الدین، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین شرف الدین

محل تولد: ایذه خوزستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

۱۳۴۰ تولد، ۱۳۵۹ پایان دوره متوسطه، ۱۳۶۱ پایان دوره نظام وظیفه، ۱۳۶۲ ورود به حوزه علمیه قم و شروع طلبگی، ۱۳۶۵ ورود به موسسه در راه حق و شروع دوره تحصیلی این مرکز به موازات آموزش های مرسوم حوزه، ۱۳۶۹ اتمام دوره سطح (پایه دوم) ۱۳۶۹ شروع درس خارج و شروع دوره کارشناسی ارشد پیوسته در رشته جامعه شناسی، ۱۳۷۳ - ۱۳۷۶ شروع و اتمام دوره کارشناسی

ارشد الهیات و معارف اسلامی با گرایش فلسفه و کلام در بخش تربیت مدرس دانشگاه قم. ۱۳۷۶ اتمام دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی در موسسه امام خمینی ره. ۱۳۷۷ پذیرش عضویت هیات علمی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). در این سنوات علاوه بر دروس رسمی (اصلی و جنبی) حوزه افتخار شرکت در دروس تفسیر قرآن استاد جوادی آملی (۶ سال)، و آموزش دروس مختلف علوم انسانی در موسسه در راه حق (به مدت ۴ سال و حدود ۱۴۰ واحد) و دروس مختلف فلسفه، علوم القرآن داشته است.

شرکت در درس خارج بزرگان حوزه همچون آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی، تبریزی. تدریس: از سال ۱۳۶۷-۱۳۷۲ در دروس مختلف حوزه به صورت حلقات شاگردان خصوصی، تدریس در مراکز دانشگاهی از ۱۳۷۲-۱۳۷۹ در قالب، درس عمومی (معارف اسلامی و ریشه های انقلاب) و از ۱۳۷۲ تا کنون تدریس مبانی جامعه شناسی، فلسفه تعلیم و تربیت، روش تحقیق، کلام جدید، انسان شناسی، نظریه های جامعه شناسی، اندیشه های اجتماعی متفکران مسلمان، جامعه شناسی دین، قشر بندی اجتماعی، سنت های اجتماعی در قرآن و سایر دروس علوم اجتماعی در مراکز مختلف حوزوی بویژه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره و برخی دانشگاه های قم چون دانشگاه قم، دانشگاه مفید مرکز جهانی علوم اسلامی، مرکز آموزش مبلغان. از سال ۱۳۸۳ تا کنون دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع).

شریعتمداری، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی شریعتمداری

محل تولد: شیراز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۲/۱۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از طی دوره ابتدایی وارد دانشسرای مقدماتی شیراز شدم. از سال ۱۳۲۱ در شهرستانهای مختلف استان فارس آموزگار بودم و بعد از آن وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شدم. حدود سال ۱۳۳۰ لیسانس رشته قضایی گرفتم و در همان زمان وارد دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران شده و در رشته فلسفه و علوم تربیتی به تحصیل پرداختم. در سال ۱۳۳۲ شاگرد اول این رشته شدم. سال ۱۳۳۵ به همراه دیگر دانشجویان رتبه اول دانشگاهها، عازم آمریکا شده، به ایالت میشیگان رفتم، در دانشگاه این ایالت حدود ۴ ماه زبان خواندم و بعد از آن در دوره آموزش متوسطه دانشگاه میشیگان شرکت کردم و ظرف مدت یکسال دوره کارشناسی ارشد را گذرانده و مدرک آن را کسب نمودم.

سپس در دانشگاه تنسی، دوره دکتری را تمام کردم و چون قبل از اینکه به خارج اعزام شوم، چند بار به زندان رفته بودم، فکر می کردم که اگر به ایران بازگردم، به من اجازه نخواهند داد، در دانشگاههای کشور به تدریس مشغول شوم به همین خاطر در آمریکا با کمک و معرفی یکی از اساتید برجسته آمریکا، به ۱۲ دانشگاه، برای تدریس دوره لیسانس معرفی شدم و کار خود را

در آمریکا ادامه دادم. اما نتوانستم خودم را قانع کنم و در آمریکا بمانم، بنابراین در سال ۱۳۳۷ به ایران بازگشتم. در آن زمان می خواستند، در دانشگاه شیراز دبیر علوم تربیتی، تربیت کنند، بنابراین احتیاج مبرمی به استاد تعلیم و تربیت داشتند. از این رو بنده به عنوان دانشیار علوم تربیتی در دانشگاه شیراز مشغول به کار شدم. تقریباً ۳ سال در شیراز مشغول به کار بودم و در آنجا به علت فعالیت‌های سیاسی مدت ۴ ماه را در زندان سپری کردم. پس از آنکه آزاد شدم، به عنوان شرط اشتغال به تدریس می خواستند از من تعهد بگیرند که فعالیت سیاسی نکنم، البته من قبول نکردم و به همین خاطر مدتی بیکار شدم. سرانجام در سال ۱۳۴۱ وارد دانشگاه اصفهان شده و تا سال ۱۳۵۷ به کار خود ادامه دادم. در آن سال برای استقبال امام همراه شهید بهشتی و مقام معظم رهبری، به تهران آمدم و بعد به اصفهان بازگشتم، پس از آن از طرف دولت موقت و شورای انقلاب، پیشنهاد تصدی وزارت علوم و فرهنگ و ارشاد به بنده داده شد. این دو وزارتخانه آن زمان با هم یکی بودند. سپس در سال ۱۳۵۹ که امام خمینی (ره) تصمیم به تشکیل ستاد عالی انقلاب فرهنگی گرفتند، به فرمایش ایشان من عضو این شورا شدم و عضویت در این ستاد همچنان ادامه دارد. مدتها مسئول گروه علوم انسانی در شورای عالی برنامه ریزی و همچنین مسئول گروه علوم انسانی در شورای عالی پژوهش کشور بودم. مدتی هم ریاست فرهنگستان علوم را برعهده داشتم.

در سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ در شیراز، انجمن پیروان اسلام را تشکیل دادم و در دانشسرای مقدماتی، مراقب شبانه بودم که معمولاً شاگردانم در فعالیتهای دینی ما شرکت می کردند، من در فسا، جهرم، استهبان و دیگر شهرهای استان فارس فعالیت سیاسی و فرهنگی داشتم و سخنرانی هم می کردم. سال ۱۳۲۸ در شهرستان فسا، چند ماهی پس از واقعه ترور شاه، در دفتر روزنامه پارس شیراز، به اتهام شرکت در سوءقصد علیه شاه، دادگاه نظامی مرا احضار کرد. بعد به فسا رفته و خود را معرفی نمودم. آن زمان پادگان به جهرم منتقل شده بود؛ به آنجا رفتم که اعلام کردند، حکومت نظامی لغو شده و سرانجام مخفیانه به شیراز آمدم. نکته جالب توجه این که در واقع سخنرانی های من هیچ ارتباطی با ترور شاه نداشت. این اتهام، صرفاً نوعی بهانه بود که مانع فعالیتهای بنده شود. بعد از این وقایع به تهران آمدم. در آن زمان آیت ا... کاشانی را به اتهام دست داشتن در ترور شاه به لبنان تبعید کرده بودند و من در جلسات طرفداران ایشان شرکت می کردم. در یکی از این جلسات فردی به نام محمد نخشب که آن زمان مسئول یک نهضت آزادی خواه بود و جوانان دیندار را به همکاری دعوت می کرد، مرا به همکاری برای تشکیل ائتلاف دعوت کرد، من هم قبول کردم، ائتلاف کردیم و به صورت حزب مردم ایران فعالیت می کردیم، سرانجام حوالی آبان ماه سال ۱۳۳۲ پس از جلسه ای که در منزل آیت ا... زنجانی به منظور تنظیم برنامه اعتصاب سراسری داشتیم، دستگیر و زندانی شدم و به این ترتیب در فعالیتهای سیاسی و جریانهای مختلف قبل از انقلاب حضور فعالی داشتیم.

شریفی شیرازی، مرتضی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۴/۹۷۲/۹۶۴ ق)، دانشمند، محدث و حکیم، متخلص به شریف. در آغاز از شیراز به مکه مسافرت کرد و علم حدیث را در ملازمت شیخ ابن حجر عسقلانی اخذ کرده و از وی اجازه‌ی تدریس گرفت. از آنجا به دکن مسافرت کرد و از دکن به اگره آمد و بر اکثر علماء و فضلاء آنجا برتری یافت و به تدریس علوم و حکم پرداخت. وی در هند در گذشته و بعد پیکرش را به مشهد برده‌اند. از آثار وی: «منظومه‌ی الکافیة»، در نحو «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۶۸۲/۲)، تذکره‌ی روز روشن (۴۲۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۶۲/۳)، الذریعه (۵۲۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۵۰۴)، کاروان هند (۶۳۵-۶۳۳/۱)، هفت اقلیم (۲۳۳/۱).

شعرانی تهرانی، ابوالحسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۹۳ - ۱۳۲۰ ق)، عالم دینی، مدرس و فقیه. پس از فراگیری مقدمات در مدرسه‌ی خان مروی، به یادگیری معانی و بیان و فقه و اصول و منطق و کلام و حکمت پرداخت. به علاوه در تکمیل ریاضیات قدیم و زیج و طب کلیات «قانون» کوشید. فقه و اصول را از اساتیدی همچون آقا شیخ بزرگ ساوجی و علوم عقلی را از میرزا محمود قمی، شاگرد میرزا ابوالحسن جلوه، و شیخ محمدرضا قمشه‌ای و میزا طاهر تنکابنی و میرزا علی‌اکبر یزدی فراگرفت. در ۱۳۴۶ ق که پدرش در گذشت به نجف رفت و رجال و حدیث را از محدث رجالی سید ابوتراب خوانساری فراگرفت و از دیگر اساتید نیز بهره‌ها برد. سپس به وطن بازگشت و در منزل خویش به تدریس علوم و فنون و ترجمه و تالیف پرداخت. وی در مسجد جدش ملا ابوالحسن، معروف به مسجد حوض تهران، اقامه جماعت می‌کرد. او به زبان عبری، فرانسه و عربی تسلط کامل داشت. شاگردان بزرگی را تربیت کرد که از آن جمله می‌توان به حجة الاسلام حسن‌زاده‌ی آملی اشاره کرد. وی در یکی از شهرهای آلمان بر اثر عارضه‌ی قلبی در گذشت و در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از آثارش: تعلیقات بر «تفسیر» ابوالفتوح رازی در دوازده جلد؛ تعلیقات بر تفسیر «مجمع البیان» طبرسی، در ده جلد؛ تعلیقات بر «وافی» فیض کاشانی، در سه جلد؛ تعلیقات بر «وسائل الشیعه» شیخ حر عاملی؛ تعلیقات و ترجمه‌ی «تبصره» علامه، در دو جلد؛ تعلیقات بر «شرح اصول کافی» ملا صالح مازندرانی، در دوازده جلد؛ «لغات القرآن»؛ «راه سعادت»، در اثبات خدا و بحث نبوت و ولایت و معاد؛ «ندای عدالت»، ترجمه «الامام علی (ع)» جرج جرداق؛ تعلیقات بر «تفسیر صافی»، در دو جلد؛ تعلیقات بر تفسیر کبیر «منهج الصادقین»، در ده جلد؛ تعلیقات بر «اسرار الحکم» حکیم سبزواری؛ ترجمه و شرح «تجرید الاحکام» خواجه نصیرالدین طوسی؛ حاشیه «ارشاد القلوب» دیلمی؛ «فلسفه اولی و ما بعد الطبیعه»؛ ترجمه «صحیفه کامله»؛ «دمع السجوم»، ترجمه «نفس المهموم» محدث قمی. [۱]

قدوه العلماء المتتبعین و حجة الاسلام والمسلمین علامه الاستاذ حاج میرزا ابوالحسن بن العالم الکامل الشیخ محمد بن علم العلام ملا غلامحسین بن العالم الجلیل ملا ابوالحسن تهرانی از علماء بزرگوار و مدرسین عالی‌مقدار معاصر تهرانیست و شرح احوال پدران روحانی وی در نامه دانشوران و کتاب مآثر و آثار و غیر آنها مذکور است.

وی در حدود سال ۱۳۲۰ قمری چشم بجهان گشوده و جد مادری وی عالم بزرگوار آقا محمد ابراهیم نواب صاحب (فیض الدموع) و ترجمه نامه مالک اشتر و منشآت دیگر معروف بفصاحت و عذوبت انشاء بوده و در کتابت ید بیضا می‌نموده است. مترجم معظم ما استاد شعرانی در مهد علم و فضائل پرورش یافته و پس از تعلیم خط و املاء و مقدمات در مدرسه خان مروی که مجمع فضائل بوده بدرس کتب معمول معانی بیان و فقه و اصول و منطق و کلام و حکمت پرداخته و هم تکمیل ریاضیات قدیم و زیج و مقداری از طب و کلیات قانون نموده و فقه و اصول را از اساتید مختلف بخصوص مرحوم آقا شیخ بزرگ ساوجی و در علوم عقلیه از مرحوم میرزا محمود قمی که شاگرد میرزا ابوالحسن جلوه و عارف کامل آقا شیخ محمد رضا قمشه‌ای و میرزا طاهر تنکابنی و مرحوم میرزا علی‌اکبر یزدی (در قم) استفاده نموده و در سال ۱۳۴۶ قمری که والدش برحمت ایزدی پیوست مهاجرت به نجف اشرف نموده و رجال و حدیث را از مرحوم محدث رجالی حاج سید ابوتراب خونساری فراگرفته و از محضر اساتید دیگر نیز بهره‌ها

برده و بوطن مراجعت و از وضع اجتماع باندازه‌ای ناراحت گردیده که تصمیم به انزوا و ترک معاشرت با مردم گرفته و در منزل بتدریس علوم و فنون مختلف و تألیف و ترجمه کتب مفیده احادیث و اخبار و تفاسیر قرآن اشتغال داشته و در مسجد جد خویش مرحوم ملا ابوالحسن معروف به مسجد حوض واقع در خیابان سیروس نزدیک چهار راه سیروس اقامه جماعت می نمود. نگارنده گوید علامه شعرائی دانشمندی بسیار متواضع و بی‌آلایش و وارسته از صفات رذیله و آراسته بفضل و تقوا و متانت روش و مناعت طبع بود.

آثار این مرد بزرگوار از تراجم کتب دینی و تفاسیر بسیار است و در کتب چندی مانند وسائل الشیعه و تفسیر منهج و ابوالفتوح رازی و غیره تعلیقات ارزنده‌ای دارد که ذیلاً می‌نگارم.

- ۱- تعلیقات بر تفسیر ابوالفتوح رازی در ۱۲ جلد.
- ۲- تعلیقات بر تفسیر مجمع البیان شیخ طبرسی در ۱۰ جلد.
- ۳- تعلیقات بر وافی شریف محدث فیض در ۳ جلد.
- ۴- تعلیقات بر وسائل الشیعه شیخ حر عاملی.
- ۵- تعلیقات و ترجمه تبصره علامه در فقه فارسی در دو جلد.
- ۶- تعلیقات بر شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی در ۱۲ جلد.
- ۷- لغات القرآن که از باب الف تا باب ظاء چاپ شده و در موضوع خود کم‌نظیر است. (دنباله آن تا حرف ی تکمیل و تحت طبع است).

- ۸- راه سعادت در اثبات خدا و بحث نبوت و ولایت و معاد.
 - ۹- ترجمه الامام علی جرج جرداق.
 - ۱۰- تعلیقات بر تفسیر صافی در ۲ جلد.
 - ۱۱- تعلیقات بر تفسیر کبیر منهج الصادقین در ۱۰ جلد.
 - ۱۲- تعلیقات بر اسرار الحکم حکیم سبزواری.
 - ۱۳- ترجمه و شرح تجرید الاحکام شیخ نصیرالدین طوسی.
- و ده‌ها تعلیقات و حواشی بر کتب مفیده علمی دیگر.

نگارنده گوید علامه شعرائی از نوادر دانشمندان معاصر ما بودند که در کمال بی‌آلایشی و ساده‌گی زندگی کرده و با موقعیتهای حساسی که برای او پیش می‌آمد دست خود را آلوده بزخارف دنیوی و مادی ننموده و همواره بتألیف و نوشتن تعلیقات و حواشی بر کتب علمی و حدیثی و تفسیری و غیره و تدریس علوم مختلف اشتغال داشت و مدتی در شورای عالی فرهنگ و ناظر شرعایت در وزارت فرهنگ بوده و در مواقع حساس از وجود ایشان در دادگستری و اوقاف دعوت بعمل آمده و از ایشان در موارد مشکله نظر می‌خواستند.

وی بزبان عبری فرانسه و عربی تسلط و احاطه کاملی داشت و در علوم متنوع استاد و علامه بود و در علم هیئت و نجوم و زیچ مهارت تامی داشت و شاگردان برجسته‌ای تربیت نمود که بعضی از آنان مانند جناب حجّه‌الاسلام فخر الامثال و الاعلام آقای نجم‌الدین حسن‌زاده آملی از فضلاء میرز قم و دارای تقویم نجومی بوده و بعضی از اساتید دانشگاه می‌باشند.

در روزهای پنجشنبه و جمعه هر هفته چندی از فضلاء قم برای فراگرفتن علوم متنوع روز از قم به تهران آمده و از محضر این استاد بزرگوار استفاده می‌کردند.

معظم له در شب یکشنبه هشتم ماه شوال‌المکرم ۱۳۹۳ قمری در اثر کسالت قلبی در آلمان بدرود حیات گفته و هزاران دانشمند و

مردم مطلع تهران و قم را در سوک و داغ خود مبتلا- و داغدار نموده و سه روز بعد جنازه حمل به تهران و از مسجدش با تجلیل و تشییع باشکوهی منتقل بری و در جوار حضرت سید الکریم عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در مقبره خسرو خانی (مقبره زمردیان) مدفون گردید خدایش رحمت کند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجج (۲/۲۳۹)، الذریعه (۶۳/۱۰)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۹۳-۴۹۱/۴، ۴۰/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۱۵۵-۱۵۴/۱).

شعله اصفهانی، محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۶۰ ق)، شاعر، طیب، حاکم. وی از شاعران دوره‌ی اول بازگشت ادبی بود که به همراهی رفیق اصفهانی، مشتاق، عاشق، آذر، صباحی و هاتف از تتبع سبک هندی چشم پوشیده و از شیوه‌ی قدما پیروی نموده. در شعر بیشتر به قصیده‌گویی متمایل بود وی به طبابت اشتغال داشت. از آثارش: «دیوان» شعر. بعضی تذکره‌ها به اشتباه احوال او را با شعله گلپایگانی درهم آمیخته‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات ایران، براون (۴/۱۸۶)، تاریخ ادبیات ایران در دوره‌ی بازگشت (۳۶۹، ۳۲۰/۲)، الذریعه (۵۲۸-۵۲۷/۹)، ریحانه (۳/۲۲۵)، سفینه‌ی محمود (۴۸۳-۴۸۱/۲)، لغت نامه (ذیل / شعله)، نگارستان دارا (۲۱۳-۲۱۱/۱).

شکراللهی، نادر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

نادر شکراللهی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۶ دیلم برق (تهران هنرستان شهید موافق) لیسانس علوم سیاسی، فوق لیسانس فلسفه و کلام دکترای فلسفه تطبیقی. از سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه شدم و تا هفت سال در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم و کتاب‌های عرفانی و فلسفی مثل فصوص و اسفار را خوانده‌ام. از همان ابتدا در حوزه به تدریس مقدمات و بعد سطح مشغول بودم و از سال ۱۳۸۲ در دانشگاهها مشغول تدریس هستم و عضو هیئت علمی پاره وقت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی هستم و از سال ۱۳۷۶ جزء اولین افراد شبکه رادیویی معارف بودم، و در سمت‌های نویسنده‌گی، سر دبیری، کارشناسی و مجری کارشناسی مشغول فعالیت بودم. تاکنون یک کتاب با

عنوان آسیب شناسی حکومت دینی از بنده منتشر شده و ۲مقاله هم ترجمه کردم که چاپ شده است و چندین مقاله نوشته شده و ترجمه شده آماده چاپ دارم .

شلیله همدانی، ابوالحسن عبدالهادی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۳۳/۱۳۳۱ ق)، عالم دینی، منطقی، ادیب و فقیه اصولی. در نجف به دنیا آمد. در زادگاه خود به فراگیری مقدمات و ادبیات پرداخت. نزد شیخ محمدحسین کاظمی و شیخ محمد طه نجف و میرزا حبیب‌الله رشتی و آخوند خراسانی و سید محمد بحرالعلوم فقه و اصول خواند. شلیله از شیخ عبدالهادی مازندرانی و سید محمد کاظم یزدی و شیخ‌الشریعه اصفهانی و شیخ احمد مشهدی روایت کرده است. سید عبدالله بهبهانی و سید مهدی بحرانی از شاگردان و راویان وی می‌باشند. با شروع جنگ جهانی اول به همدان رفت و در کردن همان جا درگذشت. با پایان گرفتن جنگ جهانی جنزه‌ی به امانت گذاشته شده‌ی وی به عراق منتقل شد و در نزدیکی باب طوسی در مقبره‌ی خانوادگی دفن شد. از آثار وی: «العقد الفرید فی مقاصد المفید و المستفید»؛ «لولوه المیزان»، ارجوزه‌ای در منطق که در ۱۳۱۷ ق از نظم آن فراغت یافت، و شرح آن به نام «منتقى الجمان»؛ تعلیقه بر «حاشیه ملا عبدالله»، در منطق؛ «حاشیه القوانين»؛ «غایه المامول»، در فقه و اصول؛ «رساله فی الاجتهاد و التقليد»؛ «منتقى الشیعه فی احکام الشریعه»؛ «فرائض الفقه»، ارجوزه‌ای در ارث؛ کتابی در «صلاه المسافر»؛ «المختصر الشافی فی العروض و القوافی»؛ «حاشیه الرسائل»؛ «منظومه»، در کلام.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۳۰/۸)، الذریعه (۸/۲۳، ۳۸۲/۱۸، ۱۰۸/۸، ۴۹۹/۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲۵۸-۱۲۵۵/۱۴)، معجم المؤلفین (۲۰۳-۲۰۲/۶).

شمس‌الافاضل ترشیزی، یوسف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۲۸۸ ق)، فیه و حکیم. وی در ترشیز به دنیا آمد و در سبزوار و نجف و تهران به تحصیل فقه و حکمت و ریاضی پرداخت. در ۱۳۰۰ ش در وزارت معارف مشغول به کار شد و عهده‌دار نظارت طبع کتب مذهبی و شرعیات گردید. از آثار وی: «سیاسه المحمديه»، که در الذریعه (۲۷۳/۱۲) این کتاب به شمس‌الافاضل میرزا رشید بن شیخ یوسف بن عباسعلی نسبت داده شده است؛ «فوائد نصیری»، در نحو؛ «کلمه‌ی جامعه»، در معنی شورا و مشروطه؛ «مفتاح النجاه فی تفسیر الصلاه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۲۳/۱۸، ۳۶۲/۱۶، ۲۷۳/۱۲)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (۲/۲۶۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۸۹۵).

شمیم شیرازی، محمدعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، شاعر و حکیم. معروف به حکاک. متولد در شیراز. وی با حاج ملا هادی سبزواری در سبزواری ملاقات کرد و گویا حاج ملا هادی وی را معمم کرده است. این ابیات از اوست:

با لب میگون او، من می پرستی می کنم

با نگاه مست او، بی باده مستی می کنم

گفتمش: هستم غلام و شرمسار از گفته ام

با وجودش ای عجب اظهار هستی می کنم

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۶۰-۵۵۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳/۳۱۹)، الذریعه (۵۴۶-۵۴۵/۹)، ریحانه (۲۵۶-۲۵۵)، مرآت الفصاحه (۳۱۶)، مکارم الآثار (۱۹۹۷/۶).

شهاب، محمدهادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد هادی شهاب

محل تولد: بیرجند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۶۲ در رشته ریاضی و فیزیک در مقطع دیپلم از دبیرستان آیت الله طالقانی بیرجند فارغ التحصیل شده و در همانسال وارد حوزه علمیه قم شده در مدرسه رسالت مشغول به تحصیل شدم.

پس از یک سال به مدرسه رضویه قم انتقال پیدا کردم سطوح مقدماتی و سطح حوزه را تا سال ۱۳۷۰ پشت سر گذاشتم و همزمان با تحصیل حوزوی و شرکت در دروس خارج در سال ۱۳۶۸ از طریق کنکور سراسری وارد دانشگاه تهران رشته فلسفه شدم و با حضور هفته ای یک روز در میان این دوره را ادامه داده در سال ۱۳۷۲ بلافاصله در کارشناسی ارشد همان رشته در همان دانشگاه به ادامه تحصیل مشغول شدم. از سال ۱۳۷۰ در موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (که آن موقع با عنوان موسسه باقرالعلوم فعالیت می کرد) در گروه تازه تأسیس کلام جدید در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل شدم و از جلسات درس حضرات آقایان لاریجانی، ملکیان بهره بردم.

از سال ۱۳۷۵ مدتی در مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب و سپس در پژوهشکده فلسفه و کلام پژوهشگاه فرهنگ اسلامی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی) به کارهای تحقیقاتی در گروه‌های فلسفه - فلسفه دین - مشغول شده و این همکاری تا مدتی که در قم بود ادامه داشت در همین سالها از سال ۱۳۷۴ تا کنون در مراکز مختلف حوزه‌ی و دانشگاهی قم و تهران به تدریس دروس منطق و فلسفه و کلام و مشغول شدم. و سرانجام در سال ۱۳۷۸ در دوره دکتری کلام جدید تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم. و در سال ۱۳۸۴ از رساله خود دفاع کردم. در سال ۱۳۸۰ به دلیل پاره‌ای مشکلات به بیرجند آمدم و در دانشگاه بیرجند در گروه معارف اسلامی به تدریس مشغول شدم که تاکنون ادامه دارد.

شهابی خراسانی، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

استاد، فقیه.

تولد: ۱۲۸۰ (۱۳۲۱ ق.)، تربت حیدریه.

درگذشت: مرداد ۱۳۶۵، استراسبورگ فرانسه.

علامه محمود شهابی خراسانی (نام وی در سواد اجازت وی به این صورت به کار رفته است: میرزا محمود تربتی)، فرزند عبدالسلام، تحصیلات مقدماتی را در تربت حیدریه گذراند و پس از آن در مشهد نزد اساتید زمان، همانند حاج آقا حسین قمی، آقا میرزا محمد آقازاده خراسانی به آموختن علوم دینی پرداخت. همچنین در مشهد از محضر آیات عظام عبدالجواد ادیب نیشابوری (ادیب اول) در ادبیات فارسی و عربی، استفاده نمود. سپس در نوجوانی وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شد و به تکمیل علوم و معارف اسلامی همت گماشت. در حوزه اصفهان از درس اساتیدی همانند آیت‌الله محمدحسن فشارکی در فلسفه و عرفان بهره جست و بنا بر قولی نزد آقا بزرگ خراسانی به آموختن دانش رجال پرداخت. استاد شهابی چنانکه در اجازات وی آمده است در سن بیست و پنج سالگی به درجه اجتهاد رسید. وی دارای جواز اجتهاد و روایت از آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله محمدحسن فشارکی بود.

پس از طی تحصیلات، به تدریس در مدرسه علمیه‌ی اصفهان پرداخت. از سال ۱۳۱۰ نیز در تهران به تدریس در مدرسه معقول و منقول پرداخت و پس از تأسیس دانشگاه در سال ۱۳۱۳ برای تدریس به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دعوت شد که در آن دانشکده به تدریس قواعد و اصول فقه مشغول بود. مدتی نیز در شورای عالی فرهنگ عضویت داشت و چندی نیز قاضی تجدید نظر در محاکم شرع بود. پس از بازنشستگی به فرانسه رفت و در حوالی شهر استراسبورگ زندگی می‌کرد.

علامه محمود شهابی نزدیک به پنجاه اصل در مراکز دانشگاهی به تعلیم و تربیت اشتغال داشت. از آثار اوست: ادوار فقه (سه جلد، ۱۳۶۲)؛ رساله بود و نبود (در فلسفه، ۱۳۳۲)؛ رهبر خرد (در منطق، ۱۳۱۳)؛ تقریرات اصول (در علم اصول، ۱۳۲۱)؛ قواعد فقه (۱۳۲۳)؛ الاسلام و الشیعه (الامامیه) فی اسها التاریخی و کیانها (الاعتقادی)؛ تعلیق و تحشیه بر بخش العقود و الایقات از قسمت متاجر کتاب شرایع الاسلام محقق حلی (۱۳۲۳)؛ ترجمه و تعلیق مبدأ و معاد ابوعلی سینا (۱۳۳۲)؛ عظمت محمد (ص) (محمد احمد جاد المولی ترجمه به امضای م. ش.، ۱۳۱۸)؛ رساله روان‌شناسی ابن سینا (۱۳۱۵)؛ قاعده لاضرر (۱۳۳۰)؛ فاروق یکم (۱۳۱۳)؛ تصحیح و تعلیق لباب الاشارات (۱۳۲۹) امام فخر رازی؛ منطق (۱۳۱۷)؛ رساله وضع الفاظ؛ التنبیها و الاشارات ابن سینا (به انضمام

لباب الاشارات فخر رازی، ۱۳۳۹). از جمله آثار وی که به چاپ نرسیده‌اند می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: الظل الممدوده فی امهات مباحث الوجود؛ مسرح الفؤاد فی ترجمه السید الداماد (مقدمه این کتاب در سیر و تطور و چگونگی دانش فلسفه و ترجمه احوال میرداماد بوده است با خط خود استاد در کتاب گلزار معانی چاپ شده است)، اجراء الفلک فی تفسیر سورة الملک (این تألیفات تماما به عربی است)؛ رساله بیم و امید (در شرح حدیث من سأل عن التوحید)؛ خرد سنج (این کتاب جزوه کوچکی است که در زمینه دانش منطق و به پارسی نگاشته شده است). برخی از آثارش در مجلات به چاپ رسیده‌اند. «ایمان» که مؤسس آن خود وی بوده نوشته است. این مجله نوزده شماره در سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ منتشر شد. استاد به سبب یک بیماری جانکاه درگذشت.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

شهرستانی حایری، ضیاءالدین محمد حسین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۱۵ - ۱۲۵۶ ق)، محقق، فقیه، حکیم، ادیب و شاعر امامی. میر قوام‌الدین معروف به میر بزرگ مدفون در آمل از سادات مرعشی مازندرانی نیای بزرگ وی است. او در کرمانشاه متولد شد. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. او از شاگردان شیخ محمدحسین اردکانی در فقه و اصول بود و به دریافت اجازة از وی نایل گشت. هیت و نجوم را از میرزا باقر یزدی و حساب و هندسه و عروض را از میرزا علام هروی حائری فراگرفت. در ۱۳۰۵ ق به زیارت مشهد رضوی رفت و چون به تهران آمد مورد استقبال عموم واقع شد و تدریس در مدرسه‌ی صدر قزوینی به وی تفویض گشت، اما او به کربلا- بازگشت و در آنجا مرجعیت جمعی از شیعیان را بر عهده گرفت. شهرستانی در کربلا درگذشت و در رواق حسینی نزدیک دیوار شهداء دفن شد. از دوازده سالگی شروع به تألیف نمود، و حدود هشتاد اثر از خود به جای گذاشت که از آن جمله‌اند: «الاستصحاب»؛ «اصول الاصول» در تلخیص «الفصول»؛ «غایه المسول و نهاییه المامول»، در علم اصول؛ «العنصر المتین»، که حاشیه «قوانین الاصول» است؛ «تحقیق الادله»، در اصول فقه؛ «الحججه البالغة و النعمه السابقة»؛ در اثبات حضرت حجت (عج)؛ «جنه النعمی»، در امامت؛ «تاریخ شهرستانی»؛ تذکره النفس؛ «تسهیل المشاکل»، در نحو؛ «تقویم الکواکب»؛ «الکوکب الدری»، در معرفت تقویم؛ «مواقع النجوم»، در هیت؛ «اللباب فی الاسطرلاب»؛ «زوائد الفوائد»، در متفرقات؛ منظومه‌ی «تهذیب المنطق» به نام «مهذب التهذیب»؛ «لباب الاجتهاد»؛ «لب اللباب» لب «خلاصه الحساب» شیخ‌بهای؛ منظومه «خوان نعمت»، در بیان نعمتهای الهی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۳۸/۶)، اعیان الشیعه (۲۳۲/۹)، الذریعه (۲۹۰، ۲۷۴/۱۸، ۲۳۶/۱۴، ۱۳۸/۱۲، ۲۶۴/۸، ۲۷۵/۷، ۲۵۸/۶، ۴۴۱، ۳۷۶، ۱۸۳، ۱۷۱/۴، ۱۹۱/۲۵، ۲۹۳/۲۳، ۲۲، ۱۱/۱۶، ۱۶۱/۵، ۴۸۱/۳، ۱۶۸، ۱۹/۲، ۴۶/۱)، ریحانه (۲۷۳- ۲۷۲/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۳۱- ۶۲۷/۱۴)، الکنی و الالقاب (۳۷۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۱- ۸۷۰/۲)، معجم المؤلفین (۲۵۷/۹)، مکارم الآثار (۱۵۳۸- ۱۵۳۶/۵)، هدیه العارفین (۳۹۷- ۳۹۶/۲).

شهرستانی، ابوالفتح محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۸- ۴۶۷/۴۷۹ ق)، فقیه، فیلسوف و متکلم اشعری. در شازستان (شهرستان) خراسان، بین نیشابور و خوارزم به دنیا آمد. او عالمی نیکو صفات بود. اما تایید مذهب فلاسفه و اتهام به گرایش به اسماعیلیه او را از درجه امامت و پیشوایی ساقط کرد. مدتی در خوارزم ساکن بود، سپس به خراسان منتقل شد. در نیشابور نزد احمد خوافی و ابونصر قشیری فقه آموخت و در نزد ابوالقاسم انصاری علم کلام را فراگرفت. او در نیشابور از علی بن مدینی و ابوالحسین بن اصرم حدیث شنید. در ۵۱۰ ق وارد بغداد شد و سه سال در آنجا اقامت گزید و به تدریس مشغول شد و درس و مجلس و عطفش در نظامیه‌ی بغداد مورد توجه و رغبت عامه واقع شد. از شاگردان بنام او ابوسعید عبدالکریم سمعانی است. شهرستانی در شهرستان خراسان در گذشت. از آثارش: «نهایه الاقدام فی علم الکلام»؛ «الملل و النحل»؛ «المناهج و البينات»؛ «کتاب المضارعه»؛ «تلخیص الاقسام لمذاهب الانام»؛ «الارشاد الی عقاید العباد»؛ «مصارعات الفلاسفه»؛ «تاریخ حکماء»؛ «المبدء و المعاد»؛ تفسیر فلسفی «سوره‌ی یوسف»؛ «غایه المراد»؛ «دقائق الاوهام».[۱]

(شهرستان) ابوالفتح محمد بن ابوالقاسم عبدالکریم فقیه و متکلم و عالم ادیان از دانشمندان اشعری (و. شهرستان ۴۷۹- ف. ۵۴۸ ه.ق.)، از شهرستان خراسان. وی نزد ابوالمظفر خوافی قاضی طوس و ابونصر قشیری و ابوالقاسم سلمان بن ناصر انصاری و ابوالحسن علی بن احمد مدینی علم آموخت، و در بحث و مناظره و وعظ و تذکیر از مشاهیر عهد گردید. مدتی در خوارزم به سر برد و سه سال در بغداد زیست، و پس از بازگشت از بغداد باقی عمر را در خراسان گذرانید، و مدتی ملازم مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب سادات ترمذ بود و دو کتاب خود الملل و النحل (م.ه) و المصارعه (م.ه) را به نام او تألیف کرد، و سپس به خدمت سلطان سنجر پیوست، و آنگاه به مولد خود شهرستان رفت و همانجا بود تا در گذشت. دیگر از آثار او نهایه الاقدام (م.ه) است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه [۱] الاعلام (۸۴- ۸۳/ ۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۷- ۲۹۶، ۲۸۶- ۲۸۵، ۲۷۰- ۲۶۹/ ۲)، تاریخ علم کلام در ایران (۲۶۶- ۲۴۶)، روضات الجنات (۲۸- ۲۴/ ۸)، ریحانه (۲۷۲/۳)، سیر النبلاء (۲۸۸- ۲۸۶/ ۲۰)، الکنی و الالقاب (۳۷۴/۲)، لسان المیزان (۳۰۶- ۳۰۴/ ۶)، لغت نامه (ذیل / شهرستانی)، مؤلفین کتب چاپی (۵۷۰- ۵۶۸/ ۵)، مدارس نظامیه (۱۷۳، ۱۰۵)، معجم المؤلفین (۱۸۷/۱۰)، معجم البلدان (۴۲۸- ۴۲۷/ ۳)، الملل و النحل (مقدمه)، الوافی بالوفیات (۲۷۹- ۲۷۸/ ۳)، وفیات الاعیان (۲۷۵- ۲۷۳/ ۴)، هدیه الاحباب (۱۶۵- ۱۶۴).

شهریاری، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید شهریاری

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱۰/۱

زندگینامه علمی

حمید شهریاری، در دی ماه ۱۳۴۲ در تهران دنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان خوارزمی (شریعتی) میدان بهارستان گذراند و در سال ۱۳۶۰ با بالاترین معدل کتبی بین دانش‌آموزان سه کلاس ریاضی فیزیک، دیپلم گرفت. وی همان سال به حوزه علمیه قم رفت و دروس سطح حوزه را در مدت شش سال به پایان رساند. او در این سالها در پایه هفتم حوزه (رسایل و مکاسب) شاگرد اول شد و از دست آیات عظام وقت و حضرت امام - قدس سره - جوایزی دریافت کرد. وی در کنار تحصیل، به تدریس دروس حوزوی شامل ادبیات، منطق، کلام، فقه و اصول اشتغال داشت و پس از طی دوره آموزشی سطح، به مدت ده سال در درس خارج فقه و اصول استادانی همچون آیه الله سید کاظم حائری و مرحوم آیه الله شیخ جواد تبریزی، به طور مستمر شرکت کرد. از همان ابتدا به درس منطق و فلسفه علاقه داشت.

در همین سالها با مسافرت یک ساله به کشور نیوزلند با دنیای غرب آشنا شد و پس از بازگشت از سفر ضمن ادامه دروس حوزه. به مطالعه و تحقیق در علوم عقلی جدید از جمله کلام جدید، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، منطق جدید، الهیات مسیحی و یهودی و علوم وابسته به آنها در بنیاد باقر العلوم - علیه السلام - همت گماشت. همزمان در دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شد و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را با نگارش رساله‌ای با عنوان «شورا در فتوا» به پایان رساند. این اثر بعدها به عنوان پژوهش برتر در حوزه دین نائل شد. شهریاری از سال ۱۳۷۵ مدیریت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم را بر عهده دارد. نور الانوار نام یکی از دهها نرم‌افزار تولیدی این مرکز است که در سال ۱۳۷۸ رتبه دوم تحقیقات کاربردی را در جشنواره خوارزمی بدست آورد. شهریاری، دکترای فلسفه تطبیقی را در دانشگاه قم گذراند و با سفری یک ساله به عنوان دانشجوی مدعو در دانشگاه منچستر به سال ۱۳۸۱ به نگارش اثر فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک‌اینیئر، دست یازید، که کتاب برتر دانشگاهی سال ۸۵ شد. او ریاست مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت)، مدیریت شبکه اطلاع‌رسانی (اینترنت) حوزه و دبیری شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور را نیز در کارنامه اجرایی خود دارد. استاد شهریاری به عربی مسلط است و به روانی به انگلیسی سخن می‌گوید.

شهریاری، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید شهریاری

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

حمید حوالی شهریاری، در دی ماه ۱۳۴۲ در تهران دنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان خوارزمی (شریعتی) میدان بهارستان گذراند، در سال ۱۳۶۰ با بالاترین معدل کتبی بین دانش‌آموزان سه کلاس ریاضی فیزیک، دیپلم گرفت. همان سال به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و دروس سطح حوزه را طی مدت شش سال به پایان رساند. او در این سالها در پایه هفتم حوزه (رسایل و مکاسب) شاگرد اول حوزه شد و از دست آیات عظام وقت و حضرت امام - قدس سره - جوایزی دریافت کرد. در کنار

تحصیل به تدریس دروس حوزوی شامل ادبیات، منطق، کلام، فقه، و اصول اشتغال داشت. پس از طی دوره آموزشی سطح، به مدت ده سال در درس خارج فقه و اصول اساتیدی همچون آیه الله سید کاظم حائری، و مرحوم آیه الله شیخ جواد تبریزی، به طور مستمر، شرکت کرد. از همان ابتدا به درس منطق و فلسفه علاقه داشت. در همین سالها با مسافرت یک ساله به کشور نیوزلند با دنیای غرب مواجه شد و پس از بازگشت از سفر ضمن ادامه دروس حوزه به مطالعه و تحقیق در علوم عقلی جدید از جمله کلام جدید، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، منطق جدید، الهیات مسیحی و یهودی و علوم وابسته به آنها در بنیاد باقر العلوم - علیه السلام - همت گماشت. همزمان در دانشگاه تربیت مدرس قم پذیرفته شد و کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی را با نگارش رساله‌ای با عنوان شورا در فتوا به پایان رساند. این اثر بعدها به عنوان پژوهش برتر در حوزه دین نائل آمد. از سال ۱۳۷۵ مدیریت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم را بر عهده دارد. نور الانوار نام یکی از دهها نرم‌افزار تولیدی این مرکز است که در سال ۱۳۷۸ رتبه دوم تحقیقات کاربردی را در جشنواره خوارزمی بدست آورده است. دکترای فلسفه تطبیقی را در دانشگاه قم گذراند. با سفری یک ساله به عنوان دانشجوی مدعو در دانشگاه منچستر به سال ۱۳۸۱ به نگارش اثر فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک‌اینتایر، دست یازید، که کتاب برتر دانشگاهی سال ۸۵ و نیز کتاب سال فلسفه جمهوری اسلامی ایران در سال ۸۵ شد. او ریاست مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سازمان سمت)، معاون پژوهشی آن سازمان، مدیریت شبکه اطلاع‌رسانی (اینترنت) حوزه و دبیری شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور را نیز در کارنامه اجرایی خود دارد. او به عربی مسلط است و به روانی به انگلیسی سخن می‌گوید.

شهید بلخی، ابوالحسن شهید

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۲۵ ق)، متکلم، حکیم، شاعر و خطاط. معاصر رودکی، به فارسی و عربی شعر می‌گفت وی از بزرگان و متکلمین و حکمای عهد خود و در علوم اوایل استاد بود وی با رازی نیز مناظراتی داشت و هر یک بر دیگری نقضی و ردی داشته‌اند. اسم او را سهیل و علی نیز نگاشته‌اند. وی در خط نیز استاد بود و فرخی او را بدین هنر ستود. عوفی نظم اشعار عربی را به وی نسبت داده و قطعه‌ای از او به تازی نقل کرده است. وی در استادی هم‌ردیف و همانند رودکی بود و علی‌الخصوص غزلهای وی شهرت داشت بنا به نقل یاقوت حموی وی با ابوزید احمد بن سهل بلخی معاصر بود و با او ارتباط داشت از جمله ممدوحان شهید، نصر بن احمد سامانی و ابوعبدالله محمد بن احمد جیهانی را می‌توان نام برد. گذشته از شاعری در علوم فلسفی مهارت داشت و با محمد بن زکریا مباحثاتی کرده. رودکی او را مرثیه گفته است و او را شاعر علی‌الطلاق خوانده است و حدود صد و دو بیت شعر از وی در کتابهای لغت و تذکره به جای مانده است. [۱]

(بخش ۱) بلخی. ابوالحسن شهید بن حسین جهودانکی بلخی شاعر و متکلم و حکیم قرن چهارم ه. (ف. ۳۲۵ ه. ق.) او را با ابوبکر محمد بن زکریای رازی مناظراتی بوده و هر یک بر دیگری نقضی و ردی داشته است. شهید در خط نیز استاد بود و اشعار عربی هم می‌سرود. وی از بلخ به چغانیان نزد ابوعلی محتاج رفت و از جمله ممدوحان او نصر بن احمد سامانی و ابوعبدالله محمد بن احمد جیهانی را ذکر کرده‌اند. رودکی در رثای او قطعه‌ای سروده. شهید مانند رودکی نزد شعرا بعد از خود مورد احترام بوده و او را در ردیف رودکی قرار داده‌اند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ ادبیات در ایران (۳۹۳-۳۸۹/۱)، تاریخ ادبی ایران (۶۶۳/۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۱)، تذکره‌ی روز روشن (۴۴۹)، دایرةالمعارف فارسی (۱۵۱۹/۲)، الذریعه (۵۶۱-۵۶۰/۹)، ریحانه (۲۷۸/۳)، سخن و سخنوران (۱۸-۱۶)، سیری در شعر فارسی (۲۲۱-۲۲۰)، شاعران بی‌دیوان (۳۷-۲۶)، شخصیت‌های نامی (۲۶۹-۲۶۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۴)، فرهنگ سخنوران (۵۲۳)، الکنی و الالقاب (۳۹۱/۲)، گنج سخن (۱۷-۱۵/۱)، لباب الالباب (۵-۳/۲)، لغت نامه (ذیل / ابوالحسن)، مجمع الفصحاء (۸۰۴-۸۰۳/۱)، معجم المؤلفین (۳۱۰/۴)، هفت اقلیم (۶۰-۵۹/۲).

شهیدی زندی، ناصر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر شهیدی زندی

محل تولد: کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۷/۱۵

زندگینامه علمی

اینجانب ناصر شهیدی زندی متولد ۱۳۴۷، از سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه شده و همزمان تحصیلات کلاسیک را تا مقطع دیپلم ادامه دادم. در دروس حوزوی همزمان با شروع درس خارج وارد رشته تخصصی کلام و فلسفه اسلامی شده و موفق به دریافت سطح چهار فلسفه و کلام اسلامی شدم.

در سال ۱۳۷۹ از طریق کنکور در رشته حقوق پذیرفته و در سال ۱۳۸۲ موفق به دریافت کارشناسی این رشته شدم. از سال ۱۳۷۶ وارد مرکز تحقیقات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری شده و در ابتدا مسئولیت کتابخانه دبیرخانه را به عهده داشتم و در ادامه مسئول دفتر مرکز تحقیقات بودم. همچنین به عنوان معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده هدی وارد جامعه الزهرا (س) شدم و همزمان در دانشکده و تحصیلات تکمیلی آن مشغول به تدریس شدم.

در حال حاضر مسئول گروه کلام اسلامی و مسئول دفتر برنامه ریزی درسی جامعه الزهرا (س) می باشم. در سال ۱۳۸۶ نیز معاون آموزشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) دفتر قم بودم که اخیراً به دلیل مسئولیت جدید در معاونت پژوهشی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی از آن سمت استعفا دادم. در حال حاضر در دانشگاه مفید و مدرسه علمیه حجتیه مختصری تدریس دارم و طی دو سال قبل هفته ای یک روز در دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران به تدریس معارف اسلامی مشغول بوده ام.

شهیدی مشهدی، آقابزرگ حکیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۵-۱۲۸۵ ق)، حکیم، فقیه و عالم دینی. وی از احفاد میرزا مهدی شهید، معروف به شهید ثالث، یکی از چهار مهدی از شاگردان مبرز وحید بهبهانی، است. مقدمات را نزد پدرش و ملا غلامحسین شیخ الاسلام و شیخ موسی منطقی و میرزا محمد سروقدی در مشهد خواند و بعد به تهران آمد و در محضر حکیم میرزا ابوالحسن جلوه و حکیم اشکوری و حکیم کرمانشاهی درس خواند. وی سپس سالیانی در نجف از حوزه‌ی درس آخوند خراسانی بهره برد. سرانجام در ۱۳۳۳ ق به مشهد بازگشت و متجاوز از بیست و دو سال به تدریس خارج «شرح لمعه» و «شرح قوشچی» و «اشارات» و «شوراق» و «شرح منظومه» و «اسفار» پرداخت. آقابزرگ و فرزندش، میرزا مهدی، دو ستاره‌ی درخشان حکمت و فلسفه خراسان در زمان خود بودند. وارستگی و صراحت لهجه و آزادگی و آزادمنشی آقابزرگ زبانزد خاص و عام بود. در فلسفه پیرو حکمت مشاء ابن سینا و خواجه نصیر بود. و شاگردانی همچون آقا شیخ سیف‌الله ایسی و سید حسن بجنوردی و حسینعلی راشد و محمود شهابی و مهدی الهی قمشه‌ای و آقا شیخ هادی کدکنی پرورش داد. درگذشت فرزندش، میرزا مهدی در ۱۳۵۴ ق توان پدر را گرفت و وی در سال بعد از دنیا رفت. تنها اثر وی: رساله‌ی «حکومت در اصالت وجود و اصالت ماهیت».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آینه‌ی دانشوران (۶۷)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۱۵-۶۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۳۷-۱۳۴/۷).

شهیدی، میرزا ابوتراب

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حاج میرزا ابوتراب شهیدی در سال ۱۲۳۹، در قزوین متولد گردید. پس از تحصیلات مقدماتی علوم در محضر پدر و اساتید دیگر، در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد. آن گاه به به نجف اشرف مشرف گردید و نزد بزرگترین علما آن زمان کسب فیض نمود. پس از بازگشت به ایران و مدتی شرکت در درس و بحث و تبلیغ برای مردم قزوین، در حرکت‌های سیاسی زمان خود شرکت نمود، اما به دلیل مخالفت با مشروطه خواهان اجباراً خانه نشین شد. پس از آن به تهران مهاجرت کرد و در مسجد همت آباد واقع در چهار راه حاج مهربان، به تشکیل جلسات بحث و مطالب دینی و تفسیر قرآن کریم اختصاص داد. حجه الاسلام میرزا ابوتراب شهیدی سرانجام در ۳۰ ذی القعدة ۱۳۷۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. گروه: علوم انسانیرشته: الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب: میرزا ابوتراب شهیدی فرزند آیت الله حاج میرزا ابوالقاسم شهیدی، نواده حاج ملا محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث، در قزوین متولد گردید. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: میرزا ابوتراب شهیدی پس از تحصیلات مقدماتی علوم در محضر پدر و اساتید دیگر، در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد. آن گاه به به نجف اشرف مشرف گردید و نزد بزرگترین علما آن زمان کسب فیض نمود. استادان و مربیان: میرزا ابوتراب شهیدی ابتدا نزد پدر خود علوم مقدماتی را فراگرفت. سپس به نجف اشرف رفته و در آن دیار در مجلس درس استادانی چون: سیدمحمد کاظم یزدی (صاحب کتاب عروه الوثقی) و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه الاصول) استفاده کرد. او پس از گذشت دوازده سال به ایران مراجعت کرد و در درس شیخ فضل الله نوری حاضر شد. وقایع میانسالی: مهمترین رویداد به وقوع پیوسته در دوران حیات حاج میرزا ابوتراب شهیدی وقوع انقلاب مشروطه و حوادث مربوط به آن بود. وی از جمله مخالفان جریان مشروطه خواهی بود و همین عامل مدتی برای او خانه نشینی و سپس مهاجرت به تهران را در پی داشت. زمان و علت فوت: میرزا ابوتراب شهیدی در ۳۰ ذی القعدة ۱۳۷۵ هجری

قمری دار فانی را وداع گفت. فعالیت‌های آموزشی: میرزا ابوتراب شهیدی پس از اتمام تحصیلات خود در نجف اشرف، در سال ۱۳۳۰ ق به دیار خود قزوین بازگشت و مشغول تدریس گردید. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: میرزا ابوتراب شهیدی پس از مدتی شرکت در درس و بحث و تبلیغ برای مردم قزوین، مدتی هم در حرکت‌های سیاسی شرکت نمود، اما به دلیل مخالفت با مشروطه خواهان اجباراً خانه نشین شد. پس از آن به تهران مهاجرت کرد و در مسجد همت آباد واقع در چهار راه حاج مهربان، به تشکیل جلسات بحث و مطالب دینی و تفسیر قرآن کریم اختصاص داد. آرا و گرایشهای خاص: شیوه تفسیری حجه الاسلام میرزا ابوتراب شهیدی، تفسیر آیه به آیه به روایت است و در بعضی موارد بحث‌هایی فلسفی نیز دارد، چنانکه جامعیت آن را بین حکمت، فلسفه، کلام، روایات و تفسیر قرآن با قرآن را در آن مشاهده نمود. آثار: التوحید، المبین و تبیین فی شرح المواعظ البراهین و ویژگی اثر: این کتاب تفسیر قرآن مجید به زبان فارسی است و در پنج جلد پایان یافته است. منابع زندگینامه: فرزندگان علم و سخن قزوین، تالیف: رضا صمدی‌ها، قزوین: بحر العلوم، ص ۱۹۳۲ قرآن پژوهان قزوین، مولف: سیدمحمدعلی ایازی، تهران: موسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۶-۱۳۷

شیخ، محمدعلی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

کارشناسی در رشته‌های فلسفه و حکمت اسلامی و علوم تربیتی و حقوق قضائی، دکترای فلسفه و حکمت اسلامی.

مرتبه علمی:

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فلسفی، ادبی و اجتماعی، تدریس در دانشکده حقوق و ادبیات از سال ۱۳۴۸ در دانشگاههای تهران و شهید بهشتی، راهنمایی،

مشاوره و نظارت بر ۵ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی تألیفات:

فلسفی، ادبی، و اجتماعی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۸، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۱

زمینه علمی مقالات:

فلسفی، ادبی و اجتماعی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

شیخ الاسلام زنجانی، فضل‌الله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۳- ۱۳۰۳ ق)، فقیه، متکلم، رجالی و حکیم. در زنجان به دنیا آمد. مقدمات و متون را نزد استادان زنجان فراگرفت و فلسفه را از علامه میرزا عبدالمجید آموخت و به درس خارج علامه میرزا عبدالله زنجانی حضور یافت. در ۱۳۳۱ ق به همراه برادرش به نجف مهاجرت کرد و در آنجا نزد آیت‌الله سید محمد کاظم یزدی و آیت‌الله شیخ الشریعه اصفهانی و دیگر مدرسان به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در ۱۳۳۹ ق به زنجان بازگشت و به وظائف امور علمی و شرعی مشغول گردید. او از آیت‌الله سید حسن صدر عاملی کاظمی و علامه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌الله شیخ الشریعه اصفهانی و علامه سید محمود شکر علی‌الوسی دارای اجازه بود. از آثارش: حاشیه بر «منطق» شرح «منظومه» سبزواری؛ رساله‌ای در رد نظریه‌ی «واحد بسیط...»؛ «تاریخ علم کلام در اسلام»؛ حاشیه بر «اوائل الشوارق» ملا عبدالرزاق لاهیجی؛ نقد «رساله‌ی حدوث» ملا صدرا شیرازی؛ «تشیع در تاریخ اعتقادی و سیاسی و ادبی شیعه» یا «تاریخ مذهب شیعه»؛ تعلیقاتی بر کتاب «اوائل المقالات» شیخ مفید؛ شرح و حاشیه‌ای بر «منهج المقال» استرآبادی؛ «شرح حال رجال زنجان و راویان آن».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: شهیدان راه فضیلت (۳۹۰-۳۸۹)، علماء معاصرین (۲۲۸-۲۲۴)، مؤلفین کتب چاپی (۸۷۱-۸۷۰/۴).

شیخ بهائی، بهاء‌الدین، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۳۱/۱۰۳۰- ۹۵۳ ق)، عالم، فقیه، مفسر، محدث، متکلم، ریاضیدان، ادیب و شاعر امامی، متخلص به بهایی. معروف به شیخ‌الاسلام والمسلمین و مجدد دین در رأس قرن یازدهم. در بعلبک به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر، در عهد شاه طهماسب، به ایران وارد شد. وی در محضر پدر خود، شیخ حسین، شاگرد شهید ثانی، و عبدالله بن شهاب‌الدین یزدی و محمدباقر یزدی و ملا علی مذهب و ملا افضل و اعتمادالدین محمود کجایی به فراگیری علم مشغول شد، تا اینکه در تفسیر، فقه، اصول، ادبیات، رجال، تاریخ، حکمت، کلام، طب، ریاضیات و سایر علوم سرآمد شد. عهده‌دار منصب شیخ‌الاسلامی گشت و امور شرعی یکسره به او محول شد. سپس او از این شغل کناره گرفت و سالیانی به سیاحت شهرها پرداخت، و به هرات و اران و آذربایجان و تبریز و مصر و شام و دمشق و عراق و حلب و فلسطین و بیت‌المقدس و سرندید و حجاز و مکه و مدینه و دیگر شهرها مسافرت‌ها کرد، و در اثناء این سفرها گاه به مباحثات علمی- مذهبی نیز می‌پرداخت. سرانجام به ایران بازگشت و همراه شاه عباس پیاده از اصفهان به مشهد رضوی رفت. شیخ‌بهای احادیث شیعه را از پدرش و میرداماد روایت کرده و «صحیح باری» را از استادش، محمد بن محمد بن محمد مقدسی، روایت نموده است، که مقدسی نیز به واسطه‌ی دوازده تن محدث محمد نام، پی در پی از محمد بن اسماعیل بخاری نقل کرده است. شیخ‌بهای آنی از تعلیم و تربیت فروگذار نبود و در حوزه درس خویش شاگردانی همچون، شیخ فاضل

جواد بن سعدالله، ملا حسنعلی شوشتری، سید حسین کرکی، ملا خلیل قزوینی، محمد خلیل قاینی، میرزا رفیع‌الدین نایینی، شیخ زین‌الدین بن محمد سبط شهید ثانی، ابن ابی‌جامع، شیخ علی بحرانی، سید ماجد بحرانی، ملا محسن فیض کاشانی، ملاصدرا، محمد بن حسین ساوجی، میرزا رفیع‌الدین طباطبایی، ملا شریف‌الدین محمد رویدشتی، شیخ محمود جزایری، ابن خاتون، محقق سبزواری، مجلسی اول، ملا محد صالح مازندرانی تربیت کرده است. وی کتابخانه‌ی بزرگی گرد آورد که از جمله چهار هزار کتابی بود که شیخ علی منشار، پدر همسرش، از شهرهای هند به ایران آورده بود و پس از او به دخترش همسر شیخ‌بهای، منتقل شده بود. شیخ‌بهای در اصفهان درگذشت. جنازه او به مشهد رضوی منتقل کردند و در جوار حرم مطهر دفن کردند. در «ریحانه الادب» نود و سه اثر وی با شرح مختصر ذکر شده است. از آثار وی: «جبل المتین فی احکام احکام‌الدین»؛ «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین»، در فقه استدلالی؛ «الاربعین» یا «الاربعون حدیثاً»؛ «جامع عباسی»، به فارسی، در فقه؛ «الکشکول»؛ «المخلاه»؛ «زیده الاصول» یا «الزبده»، در اصول فقه؛ «فوائد الصمدیه»، در نحو؛ «مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله»؛ رساله «الهلالیه»؛ «اثبات الانوار الالهیه»؛ «الاتنی عشریات»؛ «اسرار البلاغه»؛ «تهذیب البیان» یا «التهذیب»، در نحو؛ حاشیه‌ی «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه‌ی «خلاصه الاقوال» علامه حلی؛ حاشیه «کشاف» زمخشری؛ حاشیه «تفسیر» بیضاوی؛ «خلاصه الحساب»، در ریاضیات؛ «تشریح الافلاک»، در علم هیئت؛ «الاسطرلاب»؛ «بحر الحساب»؛ «الوجیزه»، در درایه، به نام «درایه الحدیث»؛ مثنوی‌های: «زنان و پنیر»، «شیر و شکر»، «طوطی نامه»، «نان و حلوا» یا «سوانح الحجاز»، «الزاهره» [۱].

(شیخ) محمد بن حسین عاملی (منسوب به جبل عاملی) معروف به شیخ بهائی، دانشمند بنام عهد شاه عباس بزرگ (و. بعلبک ۹۵۳ ه.ق. / ۱۵۴۶ م. - ف. اصفهان ۱۰۳۱ ه.ق. / ۱۶۲۲ م.). پدرش عزالدین حسین در سال ۹۶۶ به ایران مهاجرت کرد و بهاء‌الدین در ایران نشأت یافت و تألیفاتی به فارسی و عربی پرداخته که مجموع آنها به ۸۸ کتاب و رساله بالغ می‌شود، از آن جمله است: دو مثنوی فارسی «نان و حلوا» و «شیر و شکر»، جامع عباسی (فقه)، خلاصه‌الحساب، تشریح الافلاک (کتاب اربعین (عربی)، کشکول که مجموعه‌ایست از نوادر حکایات و علوم و اخبار و امثله و اشعار عربی و فارسی. وی به فارسی و عربی شعر می‌سروده. جنازه او را به مشهد انتقال و در مسجد گوهرشاد دفن کردند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۹۲۷-۹۲۶/۳)، الاعلام (۳۳۴/۶)، اعیان الشیعه (۲۳۴/۹)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۷۹- ۲۷۷/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۴۷- ۱۰۳۹/۵)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۱۵- ۵۰۲)، تذکره‌ی روز روشن (۱۲۲- ۱۲۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۱- ۱۵۰)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۵۰۶- ۴۹۵)، دایره‌المعارف فارسی (۱۵۲۲/۲)، دنباله جستجو در تصوف (۲۵۹)، الذریعه (۷۷/۱۸، ۹۸۳، ۱۴۳، ۹، ۲۴۱، ۲۴۰- ۶/ ۲۲۵، ۲۲۴- ۲۱۱، ۲۰۳، ۱۹۵، ۱۷۳، ۱۶۸، ۱۰۳، ۸۸، ۳۹، ۶/ ۳۰۲- ۳۰۱، ۶۳، ۶۲- ۵/ ۵۰۹، ۴۹۸، ۲۰۰، ۱۸۶- ۱۸۵، ۴/ ۴۲۵، ۳۶- ۳/ ۳۵، ۴۲/۲، ۱۱۸- ۱۱۷، ۱۱۵، ۸۵/۱)، روضات الجنات (۸۰- ۵۴/۷)، ریاض العارفین (۴۹- ۴۵)، ریاض العلماء (۹۷- ۸۸/۵)، ریحانه (۳۲۰- ۳۰۱/۳)، زندگینامه ریاضیدانان (۱۷۲- ۱۷۰)، سرآمدان فرهنگ (۲۳۲/۱)، سیری در شعر فارسی (۳۸۴- ۳۸۳)، شخصیت‌های نامی (۲۷۳- ۲۷۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۸- ۸۵/۱۱)، عالم آرای عباسی (۱۵۷- ۱۵۵/۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۱۱- ۳۱۰)، فرهنگ سخنوران (۱۴۷)، فقهای نامدار شیعه (۲۲۸- ۲۰۹)، فوائد الرضویه (۵۲۱- ۵۰۲)، فلاسفه‌ی شیعه (۴۲۹- ۴۱۵)، کارنامه بزرگان (۳۲۵- ۳۲۴)، الکنی و الالقاب (۱۰۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۲- ۴۲۱/۵)، مجمع الخواص (۴۱- ۴۰)، مجمع الفصحا (۱۵- ۱۲/۴)، مطلع الشمس (۳۸۸- ۳۸۶/۲)، معجم المؤلفین (۲۴۲/۹)، منظومه‌های فارسی (۳۵۶- ۳۵۳)، نتایج الافکار (۱۰۵- ۱۰۳)، یغما (س ۱۳، ص ۱۴۶- ۱۴۳).

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۹۵۴ ق)، حکیم و طبیب. وی از کودکی زیردست پدرش که طبیب حاذقی بود، پرورش یافت و مدتی طبیب امیر عبدالله‌خان استاجلو حاکم شروان بود. سپس به دربار شاه‌طهماسب رفت و مدت بیست سال در هند زندگی کرد. در اواخر عمر مجاور مشهد رضوی شد و طبابت بیمارستان رضوی را بر عهده گرفت. از آثار وی: «رساله‌ی چوب چینی»، در خواص و طبایع و منافع و طریق خوردن آن؛ «رساله‌ی بیخ چینی»، که در ۹۵۴ ق تألیف شده؛ «رساله‌ی ای در بیماری آتشک»؛ «رساله‌ی افیونیه» یا «الافیونیه»؛ «سته‌ی ضروریه طبیه»، به نام شاه قلی‌خان بن حمزه سلطان استاجلو؛ «مفرح یاقوتی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۳۹۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۱۳-۷۱۲ / ۳)، الذریعه (۳۶۳ / ۲۱، ۲۸ / ۱۳، ۱۶۸، ۱۰۰ / ۱۱، ۲۷۱ / ۷، ۳۱۰ / ۵، ۲۶۲ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۱-۲۴۰ / ۱۰)، عالم‌آرای عباسی (۱۶۸، ۱۵۶ / ۱)، فرهنگ سخنوران (۶۵۳).

شیرازی، شجاع

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، حکیم. وی از شاگردان میر سید شریف‌الدین گرگانی بود و از بنی اعمام شاه شیخ ابواسحاق اینجو پادشاه معروف فارس بوده. از آثارش: «انیس الناس فی الاخلاق»، که در حکمت عملی است و در سال ۸۳۰ ق به نام مغیث‌الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان بن شاهرخ به پایان رسانید. این کتاب را به تقلید از «قابوس نامه» و «سیاست نامه» نگاشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۲۶۰).

شیرازی، شهاب‌الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید شهاب‌الدین شیرازی فیلسوفی فاضل و عالمی عارف از شاگردان شیخ محمدرضای قمشه‌ای و میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی بوده و در حدود ۱۳۲۰ وفات نموده است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

شیرازی، فتح‌الله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۹۷ ق)، عالم، حکیم و شاعر. در شیراز به دنیا آمد و در آن جا نشوونما یافت. وی در محضر درس استادانی چون علامه جمال‌الدین محمود و کمال‌الدین شیروانی و مولانا کرد و میر غیاث‌الدین منصور شیرازی به مقامات عالیہ دانش رسید. تا جایی که سلطان عادل شاه بیجاپوری او را به هندوستان دعوت کرد و فتح‌الله به آن جا رفت و منصب و کالت یافت. بعد از کشته شدن عادل‌شاه به دعوت اکبرشاه، در ۹۹۱ ق، به فتحپور رفت و در ۹۹۳ ق به منصب امین‌الملکی رسید و لقب عضدالدوله یافت و در ۹۹۴ ق به صدارت کل بلاد هندوستان رسید. او در کشمیر درگذشت و در تخت سلیمان دفن شد. وی علاوه بر تبحر در علوم متداوله زمان خود و شعر، از مخترعین و صنعتگران عصر خود نیز به شمار می‌آمد. از جمله اختراعات وی: آسیابی خود کار بود که چوبات را آرد می‌کرد؛ آینه‌ای که در آن اشکال عجیب از دور و نزدیک منعکس می‌شد، تفنگی که در یک دور دوازده گلوله از آن خارج می‌شد؛ تقویم ابتکاری جدیدی از روی دوره‌ی شمسی. به آورده‌ی «دانشمندان و سخن‌سرایان فارس» از «مآثر الکلام» وی اولین کسی بود که اهالی هند را به تصنیفات و افکار علمای متأخر ایران مانند: علامه دوانی، ملا صدرای شیرازی، غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی و میرزاجان آشنا ساخت و کتابهای آنها را در هندوستان تدریس کرد. از جمله تألیفاتش «تکمله‌ی حاشیه‌ی» علامه‌ی دوانی بر «تهذیب المنطق» تفتازاتی است. رکن‌زاده‌ی آدمیت به اشتباه تفسیر «منهج الصادقین» ملا فتح‌الله کاشانی را به وی نسبت داده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۱-۵۹ / ۴)، ریاض العارفين (۲۲۷)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۷۵ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۶۸۷)، کاروان هند (۹۹۳-۹۹۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / فتح‌الله)، مرآت الفصاحه (۴۵۳-۴۵۲)، هفت اقلیم (۲۳۵-۲۳۴ / ۱).

شیرازی، مظفرالدین، علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۲۲ / ۹۱۸ ق)، عالم دینی و منطقی. از منطقیون بزرگ قرن دهم قمری و داماد علامه جلال‌الدین دوانی بود. علامه دوانی درباره‌اش گفته است: اگر منطقی جسم داشت جسمش مظفرالدین بود. در شیراز از علامه دوانی و دیگر علما علوم شرعی، حساب، هیئت، هندسه و کلام را فراگرفت و در این زمینه‌ها تبحر یافت. وی کتاب اقلیدس در فن هیئت را نزد امیر صدرالدین شیرازی خواند و بر آن حاشیه نگاشت. آنگاه به روم رفت و ملا ابن مؤید قاضی وی را به حضور سلطان بایزید برد و او مدرسه‌ی مصطفی پاشا در قسطنطنیه را به وی واگذار نمود. مظفرالدین مدتی در آن مدرسه و در مدرسه‌ای دیگر تدریس نمود. اما بر اثر از دست دادن بینایی از تدریس کناره گرفت و از سلطان یاوز سلیم خان (۹۲۶-۹۱۸ ق)، نهمین پادشاه از سلاطین عثمانی، حق تقاعد گرفت. در شهر بروسای روم درگذشت. از آثارش: شرح «تهذیب المنطق و الکلام» تفتازانی؛ شرح «فصوص الحکم» ابن عربی؛ شرح «گلشن راز» شیخ محمود شبستری؛ حاشیه بر «تجرید»؛ حاشیه بر «شرح مطالع»؛ حاشیه بر «کتاب اقلیدس»؛ حاشیه بر «کافیه».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ نظم و نثر (۱۶۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۷۱-۴۷۰ / ۴)، الذریعه (۳۸۲، ۲۷۰ / ۱۳)، ریحانه (۳۲۹-۳۲۸ / ۵)، شذرات الذهب (۸۹ / ۹)، کشف الظنون (۱۵۰۵، ۱۲۶۳، ۵۱۷)، هدیه‌ی العارفين (۷۴۱ / ۱).

شیروانی هرندی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی شیروانی هرندی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۳ در تهران متولد شد. در سال ۵۶ به فراگیری علوم حوزوی علاقمند گشته، فراگیری علوم حوزوی را در مدرسه ملامحمد جعفر (معروف به مدرسه مجتهدی) آغاز کرد، و همزمان با گذراندن دوره دبیرستان - در رشته ریاضی فیزیک - صرف و نحو و معانی و بیان و منطق و اصول فقه و فقه را نزد اساتید برجسته حوزه تهران (آیت الله ضیاء آبادی، آیت الله رحمانی، آیت الله رئوفی و دیگران) فرا گرفت. در سال ۶۱ پس از اخذ دیپلم، برای ادامه تحصیل به قم هجرت کرد. در سال تحصیلی ۶۴-۶۵، بنا بر تقاضای امام جمعه وقت و مدیر مدرسه، برای تدریس به حوزه علمیه مسجد سلیمان عزیمت نمود. وی در آنجا دروس مختلف - از جمله منطق، معالم الاصول و شرح لمعه - را تدریس کرد. در سال ۶۵ با کسب امتیاز عالی و درجه ممتازی دوره سطح حوزه را به پایان رساند و به طور فعال و جدی، دوره خارج فقه و اصول را آغاز کرد و از محضر آیات عظام وحید خراسانی و میرزاد جواد آقا تبریزی بهره‌مند شد.

به سبب علاقه فراوان به دیدگاه‌های اصولی شهید صدر، به حوزه اصولی ایشان راه یافت و از محضر شاگردان برجسته آن شهید سعید - آیت الله حائری و آیت الله شاهرودی - بهره برد. همزمان با تحصیل فقه و اصول، فلسفه، کلام و تفسیر را از محضر اساتید بزرگوار، آیات معظم: حسن زاده و جوادی آموخت. وی از همان آغاز به تدریس علاقه داشت. در بدو ورود به قم (سال ۶۱) معالم الاصول را تدریس کرد، و پیش از آن در تهران، ادبیات و منطق می‌گفت. از سال ۶۱ تا کنون (سال ۸۱) علاوه بر کتابهای رسمی حوزه (مانند اصول فقه، معالم الاصول، شرح لمعه، حاشیه، رسائل و کفایت الاصول) حلقات اصول شهید صدر، بدایت الحکمه، نهایت الحکمه، کشف المراد، اشارات و تنبیهات و بسیاری کتابهای دیگر را در حوزه و یا دانشگاه تدریس کرد. و اینک به تدریس اسفار اشتغال دارد. در دوران تحصیل به چیزی جز کسب دانش نمی‌اندیشید و برای تبلیغ جز به جبهه نرفت. وی همزمان با حضور فعال در حوزه علمیه قم - که تا کنون ادامه دارد - در دانشگاه نیز به تحصیل و تدریس اشتغال داشت.

در سال ۷۰ از میان تقریباً ۵۰۰ تن از فضیلتی شرکت کننده در آزمون ورودی کارشناسی ارشد الهیات و معارف، رتبه نخست را به دست آورد، و در سال ۷۹ از رساله دکترای خود در دانشگاه تربیت مدرس دفاع کرد، و در رشته فلسفه و کلام فارغ التحصیل شد. ایشان در عرصه تحقیق و نگارش حضوری فعال و جدی داشته و دارد. از میان نوشته‌هایش برخی رسماً و برخی عملاً به عنوان متن درسی در حوزه و یا دانشگاه مورد استفاده قرار گرفته است، از جمله: کلیات فلسفه و تحریر منطق (در حوزه‌های علمیه خواهران در سراسر کشور)، درسنامه عقاید (در مرکز جهانی علوم اسلامی برای عموم طلاب غیر ایرانی)، منطق و شرح بدایت الحکمه (که هر دو کتاب برگزیده سال ۷۳ بود در رشته‌های الهیات و فلسفه) ترجمه لمعه دمشقیه (در رشته‌های حقوق و نیز در حوزه‌های علمیه)

معارف اسلامی در آثار شهید مطهری و اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن (در دروس عمومی معارف و اخلاق) تحریر الاسفار (در مقطع دکترای فلسفه اسلامی). کتابهای سرشت انسان، منابع اندیشه مذهبی شیعه، فرا اخلاق، اخلاق هنجاری، ترجمه الروضات لبهیت (تا کنون ۷ جلد آن منتشر شده) شرح نهایت الحکمه و شرح منازل السائرين از دیگر آثار قلمی نامبرده است. از ایشان چندین مقاله در مجله‌های علمی معتبر (مانند خردنامه صدرا، قبسات، نامه مفید، ذهن و معرفت، پژوهشهای فلسفی و کلامی) منتشر شده است. آخرین نوشته ایشان، که پژوهش برگزیده کنگره دین پژوهان بوده است، به نام مبانی نظری تجربه دینی توسط بوستان کتاب قم منتشر شده است.

صاحبی فرد، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر صاحبی فرد

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

زندگینامه علمی

بعد از اتمام دوره ابتدایی دوره دبیرستان (نظام قدیم) را شبانه در دبیرستان محمدیه کاشان گذراندم و در سال ۱۳۵۲ بعد از آشنایی با یکی از دوستان طلبه در کلاس درس دبیرستان علاقه ام به دروس حوزوی تقویت شده بالاخره در همان سال دروس مقدمات را شروع کردم؛ تا سال ۱۳۵۷ در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) و مدرسه علمیه مرحوم آیت الله یثربی بوده و از محضر بزرگانی چون حضرات آقایان صبوری، اسلامی تبار، مناقب (قدس سرهم) و جناب آقایان حضرات خراسانی، علم الهدی، صراف زاده و ... بهره بردم و از تفسیر مرحوم آیت الله نجفی در کاشان استفاده نمودم. در سال ۱۳۵۷ به حوزه مقدسه قم مشرف شدم و در مدرسه مهدیه در خیابان ۱۹ دی ساکن شدم و بقیه دروس سطح را نزد بزرگانی چون مرحوم آیت الله اعتمادی، مرحوم آیت الله حرم پناهی، مرحوم آیت الله ستوده، و نیز حضرات آقایان حسینی کاشانی و شریفی نیاسری و عمانی و اشعری (محمد حسین) استفاده کردم.

در ضمن در سال ۱۳۵۹ به مدت یک سال به دعوت یکی از دوستان در مدرسه امامیه شهرکرد مشغول به تدریس مقدمات شدم. حدود سال ۱۳۶۱ به درس خارج فقه و اصول رفتم و یک دوره درس اصول حضرت آیت الله مظاهری و مباحثی از درس آیت الله وحید خراسانی (مباحث الفاظ) و بخشی از مباحث اجتهاد و تقلید آیت الله تبریزی را شرکت کردم و نیز از مباحث فقهی حضراتی چون آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله فاضل لنکرانی بهره مند شدم و از حدود سال ۱۳۶۰ در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی شرکت کردم. فلسفه (منظومه) را نزد حضرت آیت الله گرامی و بخشی از اسفار را در نزد حضرت آیت الله انصاری تلمذ کردم. از سال ۱۳۶۳ در فکر حفظ قرآن افتادم و بحمد الله و المنة این کار که باید حدود ۱۳۷۰ به پایان می رسید به علت وقوع حادثه ای به تاخیر افتاد و بحمد الله سال ۱۳۷۳ به انجام رسید.

از آنجا که به کارهای قرآنی علاقمند بودم اولین نکته ناب قرآنی در سال ۱۳۷۴ به ذهنم خطور کرد و به پیشنهاد دوستان اولین قلم

زنی را شروع کرده و کتاب «اتمام حجتی دیگر یا اجر رسالت» را به لطف خداوند به رشته تحریر در آوردم .

به علت تدریس دانشگاه و تشویق حضرت حجت الاسلام حاج محسن قرائتی کار قرآنی در باب تاریخ اسلام را انجام دادم که نتیجه آن کتاب تاریخ اسلام در قرآن است که در سال ۱۳۸۱ از چاپ خارج شد همچنین به دنبال رهنمود مقام معظم رهبری در نام گذاری سال ۱۳۷۹ به نام امیر مومنان سلام الله علیه ، آیات درباره آن حضرت به صورت یک مجموعه در آمد تا اینکه در سال ۱۳۸۲ مزین به زینت طبع گردید و در همان سال چاپ دوم آن نیز صورت گرفت .

در سفر بیت الله الحرام با توطئه وهابیت که بدترین تبلیغات علیه تشیع صورت می گرفت بیشتر آشنا شده و با رهنمود دوستان در بعثه مقام معظم رهبری در مکه مکرمه و هدایت حضرت آیت الله سبحانی نقدی بر کتاب تهاجمی «اهلیت از خود دفاع می کنند» به نام «اهلیت از دین دفاع می کنند» با کمک یکی از دوستان انجام شد . این کتاب در سال ۸۲ در شبکه اینترنت ، سایت ولی عصر (عج) قرار گرفت و مورد استقبال قرار گرفت و در تابستان ۱۳۸۳ به چاپ رسیده و الان در آستانه چاپ دوم قرار دارد .

و بالا-خره توفیق دیگر قرآنی که خداوند به این حقیر داد بررسی آیات مربوط به حضرت زهرا سلام الله علیها و به نام مبارک آن حضرت ۱۳۵ آیه درباره این بانو در یک مجموعه جمع آوری شد که در نوع خود کم نظیر یا بی نظیر است و الان مشغول دو کار قرآنی دیگر هستم یکی مکالمات و گفتگوهای بعد از مرگ در قرآن و دیگر خیرات و میراث از منظر قرآنی که تقریباً حدود ۸۰٪ کار آنها نیز انجام شده است .

اکنون نیز برنامه های تدریس در حوزه و آموزش متوسطه و برنامه های قرآنی در شهرهایی چون کاشان و ساوه دارم .

صافیان اصفهانی، محمدجواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد جواد صافیان اصفهانی در سال ۱۳۴۲ در اصفهان بدنیا آمد. ایشان تحصیلات دانشگاهی را در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تهران در رشته فلسفه ادامه داده است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه اصفهان می باشد.

گروه : علوم انسانی

رشته : فلسفه

گرایش : فلسفه غرب

تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدجواد صافیان تحصیلاتش را تا دیپلم متوسطه در شهر اصفهان به انجام رسانده و تحصیلات دانشگاهی در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تهران در رشته فلسفه ادامه داده است. عنوان پایان نامه‌ی وی، «هنر نزد ارسطو، کانت و هایدگر» بوده که استاد راهنمایش، رضا داوری اردکانی بوده است

استادان و مربیان : استاد راهنمای دوره دکتری محمد جواد صافیان اصفهانی ، رضا داوری اردکانی بوده است. از دیگر اساتیدی که در زندگی علمی ایشان تاثیر گذار بوده اند عبارت اند از : دکتر محسن جهانگیری، دکتر کریم مجتهدی، مرحوم دکتر جلال الدین مجتبیوی، دکتر غلامحسین دنیانی، مرحوم اعتماد عباس معارف، دکتر غلامعلی حداد عادل

هم دوره ای ها و همکاران : هم‌دوره ایها : دکتر محمد رضا حسینی بهشتیفدکتر حمید طالب زاده، دکتر آیت اللهی، دکتر شاقول و

دکتر شیخ شعاعی همکاران گروه: دکتر محمد علی اژه‌ای، دکتر مهدی دهباشی، دکتر فتحعلی اکبری، دکتر کرباسی زاده همسر و فرزندان: دکتر محمد جواد صافیان اصفهانی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم الهام حاجی غلامی می باشد. ایشان دارای مدرک کارشناسی فلسفه است. وی دارای دو فرزند دختر بنامهای سارا (دانش آموز مقطع متوسطه) و زهرا (دانش آموز دوره ابتدایی) می باشد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: محمد جواد صافیان اصفهانی به مدت دو دوره مدیریت گروه فلسفه دانشگاه اصفهان را برعهده داشته است. وی همچنین در گروه تخصصی فلسفه و حکمت فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران عضویت دارد. فعالیتهای آموزشی: از سوابق آموزشی محمد جواد صافیان اصفهانی می توان به تدریس در دانشگاه اصفهان در رشته فلسفه از سال ۱۳۶۹ تا کنون اشاره کرد. ایشان همچنین در دانشگاه های پیام نور و دانشگاه آزاد اسلامی هم به امر تدریس می پردازند. -----

آثار:

۱ عالم مثال و خیال در حکمت ملاصدرا

ویژگی اثر: عالم مثال و خیال در حکمت ملاصدرا» به دنبال خیال و عالم مثال در آثار ملاصدرا - فیلسوف مسلمان - است. ملاصدرا در بسیاری از آثار خویش به بحث از خیال پرداخته و به طور کلی، خیال در آثار او از سه جهت، مورد نظر قرار گرفته است. به گفته‌ی صافیان، ملاصدرا از سویی خیال را به عنوان مرتبه‌ای از ادراک که بین حس و عقل قرار دارد، می‌داند و همچنین قایل به جنبه‌ی هستی‌شناختی خیال نیز هست، و در مرحله‌ای دیگر به وجه انسان‌شناسانه‌ی خیال نظر دارد. این اثر هم‌اکنون در مراحل پایانی ویرایش است.

۲ فلسفه‌ی هنر هایدگر

ویژگی اثر: کتاب «فلسفه‌ی هنر هایدگر» به تبیین و بررسی اجمالی نظر هایدگر درباره‌ی هنر می‌پردازد و از جمله سرفصل‌های آن به «کلیاتی در باب اندیشه‌ی هایدگر»، «نقد هایدگر بر زیبایی‌شناسی»، «روش پدیدارشناسی - هرمنوتیک در تأمل بر هنر»، «هنر و حقیقت؛ ذات حقیقت»، «سرآغاز کار هنری چیست؟» و «تفکر شاعرانه؛ ذات شعر» می‌توان اشاره کرد. این کتاب به سفارش انتشارات علمی - فرهنگی در ۱۲۰ صفحه در دست تألیف است.

۳ مابعدالطبیعه چیست؟

ویژگی اثر: اثر مارتین هایدگر (ترجمه) ۱۳۷۳ این کتاب در عین اختصار از آثار مهم و کلیدی هایدگر است. و از اولین اثر هایدگر می باشد که به فارسی ترجمه شده است. ترجمه فرانسوی آن توسط هانری کرین صورت گرفته است از اولین آثار ترجمه شده به زبان فرانسه است.

۴ هنر و هایدگر

ویژگی اثر: اثر جوزف کو کلمانس (ترجمه) ۱۳۸۲. این کتاب در شرح فلسفه هایدگر است. شرحی است روان و در عین حال معتبر. این کتاب از منابع درسی دوره تخصصی دکترا و کارشناسی ارشد رشته فلسفه هنر در دانشگاه‌های مختلف کشور می باشد.

صالحی امیری، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید مهدی صالحی امیری

محل تولد: فریدونکنار

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۶/۱۰

زندگینامه علمی

اینجانب سید مهدی صالحی امیری در تاریخ ۱۰/۶/۱۳۵۶ در روستای مهلبان از توابع فریدونکنار استان مازندران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستای محل سکونت گذراندم. و در سال ۶۹ برای تحصیلات دروس حوزوی به مدرسه خاتم الانبیا (صدر) بابل رفتم. بعد از اتمام تحصیلات مقدماتی جهت ادامه تحصیلات در سال ۷۵ به حوزه علمیه مقدسه قم آمدم. و همزمان در رشته کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلام در موسسه آموزشی و پژوهشی قم پذیرفته شدم. و در بهار ۸۱ از پایان نامه خود دفاع کردم. از بهمن ماه ۱۳۸۰ به عنوان مسئول گروه دین پژوهی مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی مشغول به خدمت هستم. از سال ۱۳۸۳ با ستاد پاسخگویی به مسائل مستحدثه دین در امر تحقق و پژوهش همکاری می نمایم و از تیرماه ۱۳۸۵ با معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام جهت ارزیابی پروژه ها همکاری می نمایم.

صانعی دره بیدی، منوچهر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر منوچهر صانعی دره بیدی در سال ۱۳۲۵ در شهرستان فردین اصفهان به دنیا آمد. وی دارای مدرک دکتری رشته فلسفه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۱ است. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

گرایش: فلسفه

والدین و انساب: پدر منوچهر صانعی دره بیدی اهل خوانسار و مادرشان متولد روستایی در دامنه فریدن است.

خاطرات کودکی: منوچهر صانعی دره بیدی از دوران کودکی خود چنین یاد می کند: "زندگی در یک خانواده کشاورز روستایی، روزهای تابستان را کار در مزرعه و در دامنه های پوشیده از گل های رنگارنگ و کنار جویبار های همراه با صدای پرندگان خوش نقش و نگار و خوش صدا، و شبهای زمستان را در زیر کرسی و گوش دادن به شاهنامه خوانی پدر و پدربزرگ گذرانده ام. و ماندگارترین خاطره از دوران کودکی، خاطره فقر است".

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: منوچهر صانعی دره بیدی در خانواده ای سنتی ایرانی و از نظر مادی در فقر و از لحاظ معنوی و مذهبی، متدین به دیانت اسلام و مذهب شیعه به دنیا آمد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: منوچهر صانعی دره بیدی دارای مدرک دیپلم ادبی در سال ۱۳۵۰، کارشناسی رشته فلسفه از دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۴، کارشناسی ارشد و دکتری فلسفه از دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۷۱ است.

خاطرات و وقایع تحصیل: منوچهر صناعی دره بیدی پس از ورود به دانشگاه، تمام وقت خود را در کلاس و یا کتابخانه سپری میکرد و در گروه بندی آن روز دانشجویان داخل بچه مذهبی‌ها بود. ایشان دوران دانشجویی خود را با چهره‌های مذهبی قبیل بعضی شاگردان مرحوم مطهری، صدرالدین طاهری (هم اکنون استاد فلسفه دانشگاه علامه و امام صادق است) و آئینه‌وند و غیره گذراند.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: منوچهر صناعی دره بیدی در کنار تحصیل به آموختن زبانهای خارجی و کار در گارگاه نجاری می پرداخت.

استادان و مربیان: منوچهر صناعی دره بیدی از محضر اساتید زیادی بهره برده است که می توان به مرحومین دکتر علیمراد داودی، منوچهر بزرگمهر و آقایان دکتر مجتهدی، دکتر داوری و دکتر جهانگیری اشاره کرد.

هم دوره ای‌ها و همکاران: از همکاران امروز منوچهر صناعی دره بیدی می توان به آقایان دکتر رشیدیان، دکتر حکمت و دکتر علوی اشاره کرد.

همسر و فرزندان: منوچهر صناعی دره بیدی متاهل و دارای همسر (بازنشسته آموزش و پرورش) و دو دختر می باشد. فرزند ارشد دانشجوی رشته مکانیک و دیگر فرزندش دانشجوی رشته فرش می باشد.

وقایع میانسالی: منوچهر صناعی دره بیدی از وقایع تلخ میانسالی خود فوت پدرش در سن ۸۴ را بیان می کند. مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: منوچهر صناعی دره بیدی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۴ عضو انجمن فلسفه بود که به کار تحقیق در متون فلسفی مشغول بود. وی از سال ۱۳۶۴ تا اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی است. و هم اکنون در آنجا با درجه استادی مشغول به تدریس و تحقیق می باشد.

فعالیت‌های آموزشی: منوچهر صناعی دره بیدی به تدریس دروس فلسفه غرب در دوره های یونانی و جدید می پردازد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: منوچهر صناعی دره بیدی در کنار تدریس به تالیف و ترجمه در پیرامون فلسفه می پردازد. آرا و گرایشهای خاص: منوچهر صناعی دره بیدی معتقد است "به علت تهاجم یونانیان (اسکندر)، اعراب و ترکان با تهاجم سه گانه تاریخی، کشور و ملت ما جایگاه تاریخی خود را از دست داده است. و اکنون ما (ایرانی ها) باید بکوشیم تا جایگاه از دست رفته خود را به دست آوریم و باز سازی کنیم".

جوایز و نشانها: منوچهر صناعی دره بیدی شاگرد ممتاز در هر سه دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری بود. وی همچنین یک تشویق نامه به مناسبت شرکت فعال در جنگ تحمیلی (به مدت ۶ ماه) و چندین لوح و تقدیر نامه از رئیس دانشگاه شهید بهشتی برای تالیف و ترجمه دریافت کرده است.

چگونگی عرضه آثار: منوچهر صناعی دره بیدی دارای ۱۴ ترجمه، ۶ تالیف و بیش از ۳۰ مقاله در زمینه فلسفی است. وی همچنین در ۱۲ کنفرانس داخلی و خارجی شرکت داشته و مقالاتی را هم ارائه کرده است.

آثار:

۱ اصول فلسفه

ویژگی اثر: ترجمه

۲ انفعالات نفس

ویژگی اثر: ترجمه

۳ بخشی از تاریخ فلسفه فخری

- ویژگی اثر : ترجمه
۴ پیام نیچه
ویژگی اثر : تالیف
۵ جایگاه انسان در اندیشه کاتت
ویژگی اثر : تالیف
۶ جوهر النضید
ویژگی اثر : ترجمه
۷ درس های فلسفه اخلاق
ویژگی اثر : ترجمه
۸ دنش نامه زیبایی شناسی
ویژگی اثر : ترجمه
۹ دین در محدوده عقل تنها
ویژگی اثر : ترجمه
۱۰ رشد عقل
ویژگی اثر : تالیف
۱۱ شلایر ماخر
ویژگی اثر : ترجمه
۱۲ فرهنگ فلسفی صلیبا
ویژگی اثر : ترجمه
۱۳ فلسفه اخلاق در تفکر غرب
ویژگی اثر : تالیف
۱۴ فلسفه اخلاق و مبانی رفتار
ویژگی اثر : تالیف
۱۵ فلسفه حقوق
ویژگی اثر : ترجمه
۱۶ فلسفه فضیلت
ویژگی اثر : ترجمه
۱۷ فلسفه لایب نیتس
ویژگی اثر : تالیف
۱۸ قواعد هدایت ذهن
ویژگی اثر : ترجمه
۱۹ منطق مظفر
ویژگی اثر : ترجمه

۲۰ نقد عقل عملی

ویژگی اثر: ترجمه

صباغ، محمد صادق

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهاردهم ق)، عالم دینی، حکیم و فقیه. نزد ملا- هادی سبزواری تحصیل علم نمود و از خواص و مشاهیر شاگردان وی شد. صاحب «المآثر و الآثار» وی را کاشانی و در فقه و زهد و اخلاق ممتاز توصیف کرده است، ولی شیخ محمد علی حبیب آبادی وی را اصفهانی الاصل می‌داند. از آثارش شرح «تشریح الافلاک» را می‌توان نام برد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۸۵۵- ۸۵۴ / ۱۴)، المآثر و الآثار (۱۶۰).

صدر، سید رضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۱۵- ۱۳۳۹ ق)، عالم دینی و فقیه. در مشهد به دنیا آمد و در بیت علم و عزت نشو و نما یافت. او نوهی دختری آیت‌الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی است. به همراه پدر به قم مهاجرت کرد. پس از خواندن ادبیات، سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه فرا گرفت. سالها از دروس خارج پدرش، آیت‌الله صدر، استفاده نمود و معقول را از آیت‌الله موسوی آموخت. او از محضر درس برخی دیگر از اساتید بهره‌مند شد تا خود به تدریس فقه و اصول و حکمت و اقامه‌ی نماز پرداخت. در ۱۳۸۵ ق بنا به خواسته‌ی آیت‌الله شریعتمداری به تهران آمد و در مسجد حضرت امام حسین (ع) به ترویج دین و اقامه‌ی نماز و تفسیر قرآن پرداخت. آیت‌الله سید رضا صدر برادر بزرگ امام موسی صدر، مرجع و رهبر بزرگ لبنان، است. وی در تهران درگذشت، ماده تاریخ وفاتش (این جهان خرد بود و مرد بزرگ) است. او در جوار حضرت معصومه (س) در قم دفن شد. از جمله آثارش: کتاب «استقامت»؛ کتاب «حسد»؛ کتاب «دروغ»؛ «بانوی کربلا زینب دختر زهراء»، ترجمه‌ی کتاب «زینب» دکتر عائشه بنت الشاطی. [۱]

آقای حاج سید رضا بن علامه الورع آیت‌الله الحاج سید صدرالدین ابن علامه الکبری و الایه العظمی الحاج السید اسمعیل صدر موسوی از فضلاء و دانشمندان معاصر تهران و دارای مقام حسب و نسب و علم و ادب می‌باشند. وی در حدود سال ۱۳۳۸ قمری متولد شده و در بیت علم و عزت پرورش یافته و در معیت والد ماجدش به قم مهاجرت نموده و پس از خواندن ادبیات سطوح را از مدرسین بزرگ حوزه خوانده و سالها از دروس خارج مرحوم والدش آیت‌الله العظمی صدر استفاده نموده و معقول را از آیت‌الله العظمی امام خمینی آموخته و از محضر بعض آیات دیگر بهره‌مند شده خود بتدریس فقه و اصول و حکمت و اقامه نماز پرداخته تا در سال ۱۳۸۵ قمری که حسب الاراده آیت‌الله شریعتمداری به تهران منتقل و در مسجد حضرت امام حسین علیه‌السلام واقع در میدان (شهناز) تهران به اقامه جماعت و ترویج دین و تبلیغ احکام و تفسیر قرآن و درس اخلاق و غیره اشتغال دارند.

دارای تألیفات عدیده در اخلاق و غیره می‌باشند که از آنها کتب زیر است:

۱- کتاب استقامت

۲- کتاب حسد

۳- کتاب دروغ

و مخفی نیست که معظم له از طرف پدر موسوی و بحضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منتهی می‌شوند و از طرف مادر طباطبائی و بحضرت امام حسین مجتبی علیه السلام متصل می‌گردند. زیرا والده ماجده ایشان صبیبه مرحوم مغفور سیدالفقهاء و المجتهدین آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین طباطبائی قمی که ترجمه‌اش در جلد اول ص ۲۶۴ گذشت می‌باشد و ایشان سبط آن بزرگوار هستند ادام الله توفیقه.

برادر ارجمندش جناب استاد و زعیم بزرگوار آقای حاج سید امام موسی صدر مرجع و رهبر بزرگ مردم لبنانست که امروز صوت و صیئتش بتمام جهان رسیده و برای شیعیان دنیا آبروی عظیمی گردیده و باید ایران و ایرانی فخر کند که یکی از هم میهنان او باین پایه قدرت و عظمت رسید که زمام دولت و ملت کشور بیگانه را بدست گرفته و با نطق آتشین و بیانات شیرینش بر علیه استعمارگران غربی مبارزه کرد و هم اکنون سرنوشت وی مجهول و نامعلوم است.

فقیه.

تولد: ۹۲ (۱۳۰۰ رمضان ۱۳۳۹ ق.) مشهد.

درگذشت: ۱۱ آبان ۱۳۷۳، قم.

آیت‌الله سید رضا صدر دوران کودکی و نوجوانی را تحت تربیت پدر خود پشت سر نهاد. مقدمات و ادبیات را در مشهد فراگرفت. در سال ۱۳۵۴ ق. به همراه پدر به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت و سطوح را نزد اساتیدی نظیر حضرات آیات عظام سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و محقق داماد آموخت. سپس خارج فقه و اصول را در محضر حضرات آیات عظام سید حسن صدر و سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و سید حسین بروجردی و فلسفه و عرفان را نزد امام خمینی فراگرفت. ایشان پس از وفات آیت‌الله العظمی بروجردی به تدریس فقه و اصول و فلسفه و عرفان پرداخت.

در سال ۱۳۴۶ برای تبلیغ و ارشاد به تهران آمد و مسجد امام حسین را کانون تبلیغات دینی خویش قرار داد و به تدریس، تبلیغ و ارشاد، امامت جماعت، اداره‌ی کلاس‌های معارف دینی، تألیف و پرورش شاگردان پرداخت. وی در این مسجد کلاس درس اخلاق، تفسیر و فلسفه نیز برگزار کرد و همچنین به تدریس فقه و اصول هم اشتغال داشت. در سال ۱۳۵۶ به حوزه‌ی علمیه قم بازگشت و به خدمات دینی و مذهبی مشغول شد.

از تألیفات آیت‌الله صدر می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: الاجتهاد و التقليد؛ العدالة فی الفقه؛ تفسیر سوره حجرات؛ تفسیر سوره یوسف (حسن یوسف)؛ استقامت، حسد؛ دروغ؛ فلسفه آزاد؛ الفلسفه العلیا؛ محمد فی القرآن؛ المسيح فی القرآن؛ قرآن‌شناسی؛ بانوی کربلا؛ راه محمد (دو جلد)؛ راه علی (ع) پیشوای شهیدان؛ راه قرآن؛ زن و آزادی؛ زیارتنامه حضرت رضا (ع) سخنان سران کمونیزم درباره خدا؛ مرد وفا (زیر درختان سدر)؛ نشانه‌هایی از او (دو جلد)؛ نگاهی به آثار فقهی شیخ طوسی؛ مقدمه بر نهج الحق و نامه دانشوران. از جمله آثار منتشر نشده وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: أربعون و مأتا مسئله فقهی؛ تعلیقه بر عروة الوثقی؛ الفقه علی مذهب اهل‌البیت - کتاب الصلاة؛ القواعد الثلاث؛ تجاؤ؛ فراغ؛ حیلولة؛ رساله در مقدمه واجب؛ شبهة العبائیة حکم نجاسة الباطن؛ نفائس الاصول (دو جلد)؛ حاشیه بر اسفار؛ برهان الصدیقین، حاشیه بر منظوم (سه جلد)، دیوان شعر، درست و نادرست، خواجه نصیرالدین طوسی؛ خلیفه رسول‌الله (ص)؛ اسلام ما؛ سبد (کشکول)؛ ترجمه رساله الحقوق امام سجاد؛ الجهاد و الثورة؛ الکلیم فی القرآن.

آیت‌الله سید رضا صدر در آبان سال ۱۳۷۳ درگذشت و پیکرش در قم در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار الحجه (۲۰۵ / ۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۵۰۴-۵۰۳ / ۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۷۲-۱۷۱ / ۳).

صدرالافاضل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(بخش ۲) لطفعلی بن (میرزا) محمد کاظم امین السفرای شیروانی دانشمند ایرانی (و. ۱۲۷۴ ه.ق. - ف. ۱۳۵۰ ه.ق. / ۱۳۱۰ ه.ش.) وی تحصیلات خود را در مدرسه سپهسالار قدیم تهران به پایان رسانید و علوم معقول را نزد میرزا ابوالحسن جلوه و آقا علی زنوزی آموخت. در عهد مظفرالدین شاه به تعلیم چند تن از شاهزادگان پرداخت و سپس معلم احمد شاه گردید. از آثار اوست: مفتاح خط کوفی، مقدمه اصلاح المنطق، ایضاح الادب. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

صدرالشریعه بخاری، جمال الدین عبیدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۷ ق)، فقیه حنفی، محدث اصولی مفسر حکیم طبعیدان، نحوی، لغوی و ادیب. مشهور به صدرالشریعه اصغر یا صدرالشریعه ثانی. در خانواده‌ای دانشور به دنیا آمد. علوم متداول و مجد و بزرگی را از جدش تاج الشریعه و او نیز از پدر خود صدرالشریعه‌ی اول فرا گرفت. او در حکمت و طبیعیات و اصول فقه و علوم دینی از علمای عصر خویش به حساب می‌آمد. در بخارا درگذشت. وی آثار نفیس جدش، تاج الشریعه، را تنقیح کرد. از آثار اوست: «تعديل العلوم»؛ «تنقیح الاصول»، در اصول فقه، و شرح آن «التوضیح فی حل غوامض التنقیح»؛ «شرح الوقایه»، شرح کتاب جد خود «وقایه الراویه فی مسائل الهدایه»، در فقه حنفی؛ مختصر «الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»، به نام «النقایه فی مختصر الوقایه»؛ «الوشاح»، در علم معانی و بیان؛ شرح «فصول الخمسین»، در نحو.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۳۵۴ / ۴)، ریحانه (۴۳۴-۴۳۳ / ۳)، کشف الظنون (۲۰۲۱، ۱۲۷۰، ۲۰۱۱، ۱۰۴۷، ۴۹۶، ۴۱۹)، الکنی و الالقاب (۴۱۵ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / عبیدالله)، معجم المؤلفین (۲۴۶ / ۶)، هدیه العارفين (۶۵۰-۶۴۹ / ۱).

صدریه، زینب

قرن: ۱۱

جنسیت: زن

ملیت: ایران

(وف ۱۰۹۷ ق)، عالم، متکلم، فیلسوف، عارف و زاهد. وی خواهر بدریه و زییده، و همسر ملا محسن فیض کاشانی بود. زینب نزد

برادرش، میرزا ابراهیم، علم و دانش آموخت و در کنار پدر خور، صدر المتألهین، و همسر خود، فیض کاشانی، به تکمیل علوم پرداخت. او از همسرش دارای سه فرزند به نامهای محمد علم الهدی و محمد نورالهدی و احمد معین‌الدین شد که همگی از علمای زمان خود بودند و شرح آن در مقدمه کتاب «معادن الحکمه» آمده است. [۱]

۲۰ جمادی‌الاولی ۱۰۰۷ ق، زینب، از زنان عالم، متکلم، فیلسوف، عارف، زاهد و سخنور. وی دختر ملاصدرای شیرازی (۱۰۵۰ ق) و خواهر بدریه و زبیده و همسر ملا-محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱-۱۰۰۷ ق) بود. زینب نزد برادرش میرزا ابراهیم علم و دانش آموخت و در کنار پدر و همسرش به تکمیل علوم پرداخت. او از همسرش دارای سه فرزند شد که همگی از علمای زمان خود بودند. [۲]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] مستدرکات اعیان (۸۴-۸۳/۳)، مشاهیر زنان (۱۴۲)، معادن الحکمه (مقدمه)، مفاخر اسلام (۳۵-۳۴/۷).

[۲] منبع: اعیان‌الشیعه (مستدرکات)، ۸۴-۸۳/۳؛ مفاخر اسلام، ۳۵-۳۴/۷.

صراف اصفهانی، محمد حسین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، شاعر، صوفی و حکیم. در زمان شاه عباس اول می‌زیست و از رهگذر پیشه صراف‌ی زندگی خود را می‌گذرانید. محمد حسین دارای مشرب تصوف بود. وی از ذوق و استعداد شاعری بهره‌مند بود و اشعاری از او در تذکره‌ها نقل شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌ی روز روشن (۴۷۵)، تذکره‌ی نصرآبادی (۲۹۴)، الذریعه (۶۰۶، ۲۵۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۲۶۲)، نشتر عشق (۳۹۲/۲).

صراف، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

تولد: ۱۳۱۶، اصفهان.

درگذشت: شهریور ۱۳۶۸.

مرتضی صراف از مدرسان دانشگاهی بود. از کارهای او انتشار مجله‌ی «ویسمن» (به مدت یک سال) بود. دیگر «رسائل مشتمل بر هفت فتوت‌نامه» که با مقدمه‌ای از هانری کربن به فرانسه در سال ۱۳۵۲ به چاپ رسید. صراف در تاریخ فتوت و جوانمردی پژوهش‌هایی کرده بود. وی همچنین گاهی شعر می‌سرود. چندی در دانشگاه اوترخت (در هلند) و چهار سال در دانشگاه داکا (بنگلادش) تدریس می‌کرد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

صفاری، سعدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعدی صفاری

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۹/۱

زندگینامه علمی

اینجانب سعدی صفاری در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی در روستای تسمکلاهی از روستاهای منطقه الموت قزوین در خانواده‌ای ساده و متدین به دنیا آمدم، تحصیلات دوره ابتدایی و راهنمایی را در همان روستا گذراندم. سپس وارد حوزه علمیه قزوین شدم (۱۳۶۳) یکسال در حوزه علمیه صالحیه درس خواندم و همان سال عازم جبهه شدم. همزمان با درس حوزه دروس دبیرستان را نیز به صورت متفرقه ادامه دادم، سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه قم شدم. چون مدتی از سال قبل را در جبهه بودم و بخشی از آن سال را نیز مشغول درس‌های دبیرستان بودم درس‌های حوزه را از اول شروع کردم. پس از اتمام دیپلم اقتصاد و سال چهارم حوزه ازدواج کردم و همزمان در کنکور دانشگاه شرکت کردم و در رشته ادبیات فارسی دانشگاه کلان قبول شدم اما به دلیل دوری مسافت یک ترم مرخصی گرفتم و بعد از آن از رفتن به دانشگاه منصرف شدم و درس‌های حوزه را ادامه دادم، ولی به دلیل مشکلات اقتصادی ناچار شدم به منطقه الموت برگردم و مشغول کارهای تبلیغی باشم. اما شوق ادامه تحصیل مرا وادار کرد دوباره به قم برگردم و تا جایی که ممکن است ادامه دهم پس از پایان دهم در دروه کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس نیز شرکت کردم و همزمان با درس خارج حوزه در کارشناسی ارشد مدرسی الهیات مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم فارغ التحصیل شدم. در طول این مدت ماه‌های مبارک رمضان محرم و ایام تابستان را در مناطق مختلف کشور بالاخص ستاد مشترک سپاه در تهران مشغول به تبلیغ بوده‌ام. پس از پایان کارشناسی ارشد تربیت مدرس با اخذ مجوز تدریس از نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه به تدریس در دانشگاه آزاد تفرش مشغول شدم، قابل ذکر است که قبل از آن در حوزه علمیه صدوق قم نیز تدریس می‌کردم و در حال حاضر نیز به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور بوئین زهرا هفته‌ای سه تا چهار روز در آن دانشگاه تدریس دارم و در کنار تدریس گاهی مقالاتی را نیز می‌نویسم که یکی از آنها به چاپ رسیده است.

صفوی ایجی، قطب‌الدین، ابوالخیر عیسی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۵۳/۹۵۵ - ۹۰۰ ق)، عالم و محقق شافعی، نحوی، منطقی و صوفی.

او را به مناسبت جد مادریش، صفی‌الدین ایجی، صفوی گویند. موطن او هند بود. ابتدا نحو و صرف و سپس فقه و پس از آن

«رساله صغری و کبری» سید شریف را در منطق نزد پدر فراگرفت. آن‌گاه ملازم شیخ ابوالفضل کازوانی رد گجرات شد و در حضر او «مختصر» و «مطول» را خواند و از او به دریافت اجازه نایل شد. پس از آن مدتی در خدمت ابوالفضل استرآبادی درآمد. سپس به مجامع علمی راه یافت و آوازه فضل او پیچید. وی جلال‌الدین دوانی را نیز درک کرد. سپس چند سالی مجاور مکه شد. او در ۹۳۹ ق از شام و بیت‌المقدس دیدار کرد و در دمشق مجلس درس آراست و جماعتی از اهل دمشق و حلب از او اخذ علم کردند. دو سفر نیز به عثمانی (ترکیه) نمود. سرانجام به مصر رفت و در آنجا سکنی گزید. ابن‌عماد، صاحب «شذرات الذهب»، او را از اعجوبه‌های دوران می‌داند. از آثارش: مختصر «النهایه» ابن‌اثیر، در غریب‌الحديث؛ «شرح الغره» سید شریف، در منطق؛ «تفسیر» سوره‌ی عم تا آخر قرآن؛ رساله‌ای در «حمد»؛ شرح حدیث اول از «صحیح» بخاری؛ شرح «الکافی» ابن‌حاجب، در نحو؛ حاشیه بر «شرح الکافی» جامی؛ حاشیه بر «شرح جمع الجوامع» محلی؛ «شرح الفوائد الغیاثیه»، در معانی و بیان؛ شرح «الشفاء» قاضی عیاض. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۹۴ / ۵)، ایضاح المکنون (۱۰ / ۱)، شذرات الذهب (۲۹۸-۲۹۷ / ۸)، کشف الظنون (۱۹۸۹، ۱۳۷۴، ۱۳۷۱، ۱۲۹۹، ۱۱۹۸، ۱۰۵۴، ۸۵۳، ۵۹۵)، هدیه العارفین (۸۱۰ / ۱).

ضابطی پور، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد ضابطی پور

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد گرانقدر آقای احمد ضابطی پور در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت علیهم السلام در مشهد مقدس به دنیا آمد. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش، با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه فراوان خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۵۱ و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا بر حوزه‌های علمیه بدون هیچ ترس و واومه‌ای وارد حوزه علمیه مشهد مقدس شد تا پاسدار دین خویش و اقتداگر مولای خود باشد. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه مشهد با تلاش و کوشش فراوان، در درس بزرگان حوزه علمیه حاضر شد پس از اتمام دوران سطوح عالی و شاگردی اساتید مبرزی چون آیت الله شاهرودی، فاضل لنکرانی و میزرا علی آقای فلسفی در سال ۱۳۵۷ سال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به حلقه درس خارج راه یافت و از محضر بزرگانی همچون همچون آیت الله وحید و آیت الله لنگروی کسب فیض کرد و از دامن ستارگان پر فروغ حوزه علمیه مشهد مشغول خوشه چینی گشت و تا کنون در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نکره است.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی

ارشد در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه آزاد اسلامی مشهد فارغ التحصیل گردید و باموفقیت از پایان نامه خویش باعنوان "ارشاد در فقه اسلامی و قانون مدنی" دفاع کرد. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه فردوسی، آزاد اسلامی مشهد و مراکز آموزش عالی علمی کاربردی به تحقیق و پژوهش مشغول می باشد که مقالاتی مانند "وظایف متقابل نهاد حاکمیت و مردم"، "جستاری در دموکراسی دینی" و "ولایت فقیه، فقه تاریخ یا کلام" در مجلات معتبر کشور به چاپ رسانده است.

ضیاء شهابی، پرویز

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

پرویز ضیاء شهابی متولد ۱۳۲۲ در تهران است. تحصیلات متوسطه را در همین شهر به پایان برده و پس از آن در رشته علوم تربیتی دانشگاه تهران پذیرفته شده است. شهابی مدرک کارشناسی اش را در رشته فلسفه و علوم تربیتی در سال ۱۳۴۴ از دانشگاه تهران گرفته و پس از وقفه ای چندساله کارشناسی ارشد را نیز در رشته فلسفه دنبال می کند. شهابی مدرک کارشناسی ارشد خود را در سال ۱۳۵۰ در رشته فلسفه از دانشگاه تهران گرفته است. او همچنین در ۲ رشته اصلی و فرعی یکی فلسفه در رشته اصلی و تاریخ ادیان و اسلام شناسی در رشته فرعی دکترا گرفته است. شهابی در خلال این سال ها تدریس را نیز به جد دنبال کرده و از سال ۱۳۵۲ به عضویت هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد در آمده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: - پایان تحصیلات متوسطه در تهران - دریافت مدرک کارشناسی در رشته فلسفه و علوم تربیتی از دانشگاه تهران سال ۱۳۴۴ - دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته فلسفه از دانشگاه تهران سال ۱۳۵۰ - دریافت مدرک دکترای فلسفه در رشته اصلی و تاریخ ادیان و اسلام شناسی در رشته فرعی

استادان و مربیان: پرویز ضیاء شهابی از شاگردان احمد فردید بوده و از محضر این استاد بهره‌های فراوان برده است.

فعالیت‌های آموزشی: پرویز ضیاء شهابی عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد از مرداد ۱۳۵۲ تا اول مهر ۱۳۸۲ و استادیار واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی از اول مهر ۱۳۸۲ نیز بوده است

آرا و گرایش‌های خاص: «هایدگر وجود را تعریف ناپذیر می داند. پرویز ضیاء شهابی معتقد است باید میان «وجود» و «موجود» تفاوت گذاشت. او این تفاوت را تفاوت «آنتولوژیک» می نامد. هایدگر در کتاب «نظر افلاطون درباره حقیقت» پیش از شروع، در مطلبی میان آموزه متفکر و گزاره های علمی تفاوت گذاشته است. هایدگر در یک نیم سال تحصیلی و در ۴ واحد دانشگاهی تفسیر جمله به جمله افلاطون در رساله سوفسطایی را موضوع درس خود قرار داد، زیرا او در این دوران به آثار سوفسطایی و افلاطون توجه داشت. هایدگر پس از افلاطون می گوید: آیا می دانیم که هر گاه لفظ موجود را به کار می بریم در حقیقت چه می خواهیم؟ او می گوید، به هیچ رو پاسخی نداریم و باید پرسش از معنای وجود را از نو آورد. بدین رو در شروع و مقدمه رساله «وجود و زمان» می گوید: کسانی که از مابعدالطبیعه دم می زنند از وارد شدن به بحث اصلی آن باز می مانند. ارسطو کلیت وجود را ورای کلیت جسمی می دانست. هایدگر وجود را تعریف ناپذیر می داند و معتقد است باید میان وجود و موجود فرق گذاشت. او این تفاوت را تفاوتی «آنتولوژیک (هست شناسی)» می نامد. وجود پیش از هر موجود است، هر چه هست از وجود هست. به بیان دیگر

از وجود تعریفی نمی‌توان ارائه کرد و قابل پرسش نیست. او معتقد است هر کس که لفظ وجود را به کار می‌برد، معنای آن را می‌فهمد. هایدگر سپس به توضیح ساختار و صورت هر پرسش می‌پردازد و سؤال می‌کند که لازمه ذات هر پرسش چیست؟ که هر پرسش جست و جویی است و در این میان جست و جو، باید از آن چه که مقصود است، هدایت گرفت، هر پرسش، پرسشی است درباره چیزی. هایدگر برای آن ۳ جزء قائل می‌شود که در فارسی بیان دوتای آن مشکل ندارد: مسؤل (کسی که از او می‌پرسند) و مسؤل عنه (چیزی که از او می‌پرسند). در پرسش از معنای وجود، باید دید از چه کسی باید پرسید؟ در میان موجودات، موجودی است که به داشتن فهم از دیگران ممتاز است و شاید آن موجود که خودمان هستیم، سزاوارتر برای «مسؤل» بودن است، برای شنیدن پاسخ موجود از او. «دازاین» در آلمانی به معنی وجود یا واقعیت است. هایدگر خود می‌گوید، جان کلمه در وجود و زمان و «او» میان آنهاست. وجود عبارت است از زمان و آن زمانی که از آن فهم داریم. هایدگر عقیده دارد از وجود اکنون، زمان را فهمیده‌اند و معلوم می‌شود اصل آن زمان مندی است. «پرسش وجود» نزد هایدگر مهم بود. پرسش وجود نزد او از نحوه وجود انسان منفک نبوده است... شاید بسیاری از اهالی اندیشه ربا این شرح مختصر بتوان با حوزه علایق و گرایش‌های شهابی در فلسفه نیز آشنا کرد. نخستین نشانه این آشنایی را می‌توان از گرایش او به هایدگر و تأثیر روشن از اندیشه‌های فردید بازشناسی کرد. شهابی از شاگردان احمد فردید بوده اما جست و جوهای او در حوزه اندیشه به این گرایش مختصر نشده و دامنه وسیع‌تری بخصوص در مباحث پدیدارشناسی یافته است.

چگونگی عرضه آثار: پرویز ضیا شهابی مؤلف و مترجمی بسیار آگاه به فلسفه و مسلط بر زبان‌های فارسی و آلمانی است. ویژگی‌هایی که در کمتر اهل این حوزه یکجا گرد آمده است. بی‌شک پرویز ضیاء شهابی در افق پیش رو توانایی تألیف و ترجمه آثاری مهم تر و اثرگذاری جدی تر در فلسفه ایران امروز را دارد. برخی از مقاله‌های او در حوزه فلسفه عبارتند از: - تهیه مقدمات آشنایی با منطق جدید، مجله دانشکده الهیات مشهد ۱۳۷۶ - تالس تولد فلسفه، مجله دانشکده الهیات مشهد ۱۳۷۸ - پا به پای ارسطو به جست و جوی دانش برین، مجله برهان و عرفان پیش شماره نخست - هست شناسی، دانشی که باید جست، مجله برهان و عرفان شماره دوم زمستان ۱۳۸۳

آثار:

۱ در آمدی پدیدار شناسانه به فلسفه دکارت

ویژگی اثر: به وسیله نشر هرمس به چاپ رسید. در آمدی پدیدار شناسانه به فلسفه دکارت عنوان مهم ترین اثر پرویز شهابی در حوزه اندیشه است. تسلط او به زبان آلمانی و در نتیجه در اختیار داشتن منابع دست اولی برای تحقیق در کنار دقت نظر و نگاه ایتومولوژیک به متن، اثر شهابی را ممتاز و بسیار قابل توجه کرده است. این نگاه ظریف را می‌توان از جای جای متن کتاب دریافت کرد و بر دقت نظر شهابی در تألیف، صححه گذاشت. به طور نمونه در مقدمه کتاب دغدغه دقت به خوبی نمایان است: «صفت رئال از اسم res به معنی چیز، جوهر، ماهیت ساخته شده است و آن را باید به جوهری یا ماهوی ترجمه کرد. اگر رئال را از روی معنای جدیدش به واقعی یا حقیقی ترجمه کنیم - که مترجمان می‌کنند- در فهم مقصود امثال دکارت و بخصوص کانت (به طور مثال آن جا که گفته است وجود محمولی رئال نیست) [که منظور او همین جاست] با اشکال‌های حل‌نشده‌ی مواجه می‌شویم.» شهابی اینجا نیز نقبی به هایدگر می‌زند و می‌گوید: هایدگر مهم ترین جمله بخش نخست کتاب «سنجش خرد ناب» را جمله نخستین آن می‌داند که در آن کانت بر داده بودگی خود اشیا انگشت گذاشته است.

۲ راه‌هایی به تفکر فلسفی

ویژگی اثر: ترجمه، نوشته یوزف ماری بوخنسکی، انتشارات پرسش در اصفهان، ۱۳۸۱

۳ راه‌هایی به تفکر فلسفی در آمدی به مفاهیم بنیادین

ویژگی اثر: این کتاب حاصل گفت و گوها و گفتارهایی است درباره «چیستی فلسفه» که بوخنسکی در یک سری برنامه‌ها و مصاحبه‌های رادیویی عنوان کرده بود و به دلیل اهمیت مباحث مطرح شده در این برنامه‌ها، این مباحث به صورت کتاب درآمد و بنابر موضوع گفتار با عنوان های قانون، فلسفه، شناخت، حقیقت، تفکر، ارزش، انسان، وجود، جامعه و مطلق تنظیم شد. بسیاری از کتاب‌های قطور فلسفی هستند که انبوهی از اطلاعات فلسفی را در خود گنجانده‌اند، اما خواننده پس از مطالعه آنها کمتر قادر است تا خود فلسفی بیندیشد و فلسفه ورزی کند، زیرا فلسفه آموختن و فلسفه آموزاندن به غیر از فلسفه ورزی و فلسفی اندیشی است. می‌توان انبوهی از اطلاعات فلسفی را در ذهن انبار کرد، اما در مواجهه با مسائل گوناگون، فلسفی نیندیشید. مترجم فاضل کتاب، ضیاء شهابی به درستی به این موضوع اشاره دارد: «در میان آوردن این پرسش که «فلسفه چیست؟»، ... درآمد فلسفه ورزی است که آن را با فلسفه آموزی (در؟ معنای تعلّم فلسفه و تعلیم آن) نباید یکی گرفت. بایسته فلسفه ورزی پُرسندگی است. فلسفه آموزی فراگیری پاسخ‌هایی است به پرسش‌هایی بی آن که حال پرسندگی، مقام فراگیرنده گردد.» کتاب راه‌هایی به تفکر فلسفی به جای آن که خواننده تازه کار را با انبوهی از نام‌ها و فلسفه‌ها گیج کند، می‌کوشد تا در موضوعات و صفحاتی محدود و با زبانی ساده و منطقی خواننده را درگیر پرسش‌های بنیادین فلسفی کند و دلایلی بر رد و اثبات برخی نظرگاه‌های فلسفی بیاورد. بوخنسکی ?? موضوع زیر را برای منظور خود برگزیده است-?: قانون-؟، فلسفه-؟، شناخت-؟، حقیقت-؟، تفکر-؟، ارزش، -؟ انسان-؟، وجود-؟، جامعه و-?? مطلق. یکی از مهم‌ترین فصل‌های کتاب، فصل فلسفه است. نویسنده در ابتدای این فصل ادعایی می‌کند که شاید برای افراد ناآشنا به فلسفه غریب بنماید. او می‌گوید که فلسفه از اموری نیست که تنها به اهل فن، یعنی فیلسوفان و فلسفه‌دوستان، اختصاص داشته باشد. کم و بیش هر کس در زندگی خود بارها پرسش‌هایی فلسفی از خود کرده است. از همین روست که پرسش «فلسفه چیست؟»، پرسشی است که به همه ما مربوط می‌شود. با این حال این پرسش، یکی از دشوارترین پرسش‌های فلسفی است. کمتر کلمه‌ای وجود دارد که مانند فلسفه بر این همه معناهای گوناگون دلالت کند. فلسفه به نظر راسل مفهومی است جمعی که دلالت دارد بر هر آن چه که نتوان آن را به شیوه علمی بررسی کرد. راسل و دیگر پوزیتیویست‌ها معتقدند که در نزد ارسطو فلسفه هم معنای علم بود. پس از ارسطو، علوم خاص مانند پزشکی و فیزیک (طبیعیات)، روانشناسی و منطقی‌صوری از آن جدا شدند. بنابراین فلسفه در حال حاضر به نظر اینان شامل اموری می‌شود که نمی‌توان به طور علمی در باره آنها سخن گفت. مؤلف کتاب می‌کوشد تا نظر راسل را از نزدیک بنگرد و شک‌هایی در درستی آن بیندازد.

۴ سرآغاز کار هنری

ویژگی اثر: ترجمه، نوشته‌های مارتن هایدگر، نشر هرمس به چاپ دوم رسید

۵ فلسفه هنر به نزد هایدگر

ویژگی اثر: ترجمه، نوشته فن هرمن، فرید ریش

۶ فلسفه و بحران غرب

ویژگی اثر: ضیاء شهابی از جمله مترجمان کتاب «فلسفه و بحران غرب» نیز هست که ? سال پیش به وسیله نشر هرمس و با همکاری جمعی از مترجمان فلسفه منتشر شد. علاوه بر انتشار این آثار، شهابی مقاله‌های ارزشمندی نیز در دهه گذشته به نگارش درآورده که در نشریات دانشگاهی به چاپ رسیده و مورد توجه دانشجویان و علاقه‌مندان و جویندگان مباحث نظری فلسفه در ایران نیز قرار گرفته است. از آن جمله است مقاله مقدمات آشنایی با منطق جدید، تالس تولد فلسفه، پا به پای ارسطو به جستجوی دانش برین، هست‌شناسی دانشی که باید جست و ... که بیشتر آنها در دوران حضور او در دانشگاه فردوسی مشهد در نشریه دانشکده ادبیات به چاپ رسیده است...

ضیایی شیرازی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف قبل از ۱۳۲۸ ش). حکیم، فقیه، طیب و شاعر، متخلص به ضیایی. از سادات حسینی بهبهان بود که در شیراز سکونت داشت. به آورده‌ی تذکره‌ی «شعاعیه» وی از جوانی در تحصیل حکمت الهی کوشید و در فقه شاگرد آیت‌الله آقا سید کاظم یزدی بود و اجازه‌ی اجتهاد از ایشان داشت. بعدها قاضی دادگستری شد و سپس به سمت ریاست دادگستری مازندران ارتقاء یافت. اثر وی: «دیوان» شعر که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی ملک موجود است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۵۶۲-۵۶۱). حدیقه الشعراء (۱۰۸۴-۱۰۸۳ / ۲). دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۴۹۷-۴۹۴ / ۳). الذریعه (۶۳۳ / ۹). فرهنگ سخنوران (۵۷۴). مرآت الفصاحه (۳۶۶-۳۶۵).

ضیایی فر، سعید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سعید ضیایی فر

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۹ دروس حوزوی را همراه با سال چهارم دبیرستان در کاشان آغاز کرد، پس از اخذ دیپلم ریاضی در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه قم شد. دروس سطح را سال ۱۳۴۶ به اتمام رسانید و به مدت ۱۲ سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و چند سالی نیز از این سال‌ها را به تحصیل کلام و فلسفه پرداخت تدریس در حوزه دانشگاه از زمره فعالیت‌های علمی اوست و اکنون نیز در برخی مراکز به تدریس اشتغال دارد و مهمترین برنامه علمی وی تحقیق است که از سال ۱۳۷۰ آغاز و تاکنون ادامه دارد به علاوه از سال ۱۳۷۷ تاکنون مدیر گروه پژوهش «فلسفه فقه و حقوق اسلامی» پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی و شورای پژوهشی این پژوهشکده است. همچنین راهنمایی و مشاوره برخی از پایان‌نامه‌ها را بر عهده داشته است.

طالقانی قزوینی، شرف‌الدین محمود

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید شرف الدین محمود فرزند سید علا الدین بن سید جلال الدین طالقانی قزوینی بود. علوم عقلیه را از حوزه درس علمای بزرگ زمان خود فرا گرفته و توانست تدریس فلسفه را در قزوین به دست گیرد. دیری نپایید وی از بزرگان علوم عقلانیه شد. سید شرف الدین محمود در حدود سال ۹۱۸ ق فوت نمود.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: سید شرف الدین محمود فرزند سید علا الدین بن سید جلال الدین طالقانی قزوینی بود.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید شرف الدین طالقانی قزوینی علوم عقلیه را از حوزه درس علمای بزرگ زمان خود فرا گرفت.

استادان و مربیان: سید شرف الدین طالقانی قزوینی، علوم عقلی را در محضر محمد بن زین الدین احسایی معروف به ابن ابی جمهور احسایی درک نمود. اخذ اجازه از این استاد را علامه مجلسی در بحار الانوار و شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه آورده اند.

زمان و علت فوت: سید شرف الدین طالقانی قزوینی در حدود سال ۹۱۸ ق فوت نمود.

فعالیت‌های آموزشی: سید شرف الدین طالقانی قزوینی، تدریس فلسفه را در قزوین به دست گرفت و دیری نپایید از بزرگان علوم عقلانیه شد.

آثار:

۱ حواشی بر الهیات شرح اشارات خواجه نصیرالدین طوسی

منابع زندگینامه:

انسیم قزوین، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی، دفتر اول، زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۴۵

طالقانی قزوینی، محمدیوسف

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی متوفی حدود سال ۱۰۹۸ هـ ق، از ارباب حکمت متعالیه و اعظم فلسفه مدرسه قزوین در عصر صفوی بود. وی پس از تکمیل علوم عقلی در قزوین و اصفهان، کرسی تدریس را در زادگاه خود به دست گرفت. آثار و حواشی فلسفی که از شاگردان او باقی مانده، عظمت مدرسه فلسفی قزوین را در این مقطع زمانی منعکس می کند.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی مقدمات علوم اسلامی و فنون و ادب را نزد افاضل علمای قزوین تکمیل نمود. تمایل مفرط به حکمت و فلسفه باعث گشت به اصفهان عزیمت نموده و به اوج عالی علوم عقلی دست یابد.

استادان و مربیان: سید میرمحمد یوسف طالقانی قزوینی پس از عزیمت به اصفهان، به حوزه درس آخوند ملا رجعی تبریز متوفی

۱۰۸۰ هـ ق وارد گردید و از محضر این استاد بهره های فراوان برد. شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب طبقات اعلام الشیعه ، به شهادت شاگردش ملا محمد باقر فرزند ایلدر در کتاب المعارف الالهیه ، او را ارشد و باهوش ترین شاگردان این استاد نام می برد. هم دوره ای ها و همکاران : سید میر محمد یوسف طالقانی قزوینی با هم نام خود شیخ ملا محمد یوسف الموتی قزوینی ، شاگرد صدرالمتهلین شیرازی مباحثات و جدلهایی در زمان خود داشت.

زمان و علت فوت : سید میر محمد یوسف طالقانی قزوینی متوفی حدود سال ۱۰۹۸ هـ ق می باشد.

فعالیت های آموزشی : سید میر محمد یوسف طالقانی قزوینی پس از تکمیل علوم عقلی در اصفهان ، به موطن خود قزوین بازگشت و کرسی تدریس و رهبری را به دست گرفت. آوازه او پس از مدتی در اطراف و اکناف پیچید و عشاق فلسفه به حوزه درس او پیوستند و نزد اهل فضل به تحقیق و تدقیق و قدرت بیان و ابتکارات ظریف و تحقیقات عمیق شهرت یافت.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید میر محمد یوسف طالقانی قزوینی علاوه بر تدریس علوم عقلی ، آثاری چند را به رشته تحریر در آورده است.

آرا و گرایشهای خاص : احاطه سید میر محمد یوسف طالقانی قزوینی به علوم عقلی و نقلی و آرای سلف حوزه او را رونق خاصی بخشیده بود. وی که مخالف مکتب صدرایی و از پیروان مکتب استادش ملا رجبعلی است با هم نام خود شیخ ملا محمد یوسف الموتی قزوینی شاگرد صدرالمتهلین شیرازی مباحثات و جدلهایی داشتند. آثار و حواشی فلسفی که از شاگردان این دو برج عالی فلسفه در قزوین باقی مانده ، عظمت مدرسه فلسفی قزوین را در این مقطع زمانی منعکس می کند. -----

آثار :

۱ رساله ای در دفاع از نظرات استادش ملا رجبعلی تبریز

ویژگی اثر : این رساله در رد فلسفه صدرایی است

منابع زندگینامه :

انسیم قزوین ، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی ، به کوشش محمدعلی حضرتی ، دفتر اول ، زمستان ۱۳۷۵ ، ص ۱۶۵

طالقانی، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ مرتضی طالقانی قدس الله روحه از علماء ابرار و مدرسین اخبار حوزه علمیه نجف و تا آخر عمر به مجرد گذرانیده و مقیم مدرسه سید یزدی صاحب عروه الوثقی بودند و در همانجا در سال ۱۳۶۴ قمری دار فانی را وداع گفتند.

وی در حدود ۱۲۸۰ قمری در طالقان قزوین به دنیا آمده و در محیط آرام و باصفای کوهستانی طالقان پرورش و پس از خواندن قرآن و فارسی در مکتب خانه آنجا به تهران و بعد از چندی به اصفهان عزیمت نموده و از محضر علماء بزرگ آنجا مانند آیت الله ابوالمعالی کرباسی و حکیم قشقائی و آخوند ملا محمد کاشی و دیگران استفاده نموده سپس مهاجرت به نجف اشرف و از محضر مرحوم علامتین آخوند خراسانی و علامه یزدی حاج سید محمد کاظم مرحوم شریعت اصفهانی و آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی و دیگران استفاده نموده و به تهذیب نفس و به تکمیل روح پرداخته و به کمالات معنوی و روحی رسیده و جداً معرض از دنیا گردیده و به تدریس و پرورش عده ای از محصلین مذهب و بارع پرداخته است.

نگارنده گوید: یکی از علماء ربانی را که در دوره زندگانی خود ملاقات نمودم این بزرگوار بود.

در سال ۱۳۶۲ قمری که در نجف اشرف اقامت داشتم گاه‌گاهی از محضر وی استفاده نموده و از منظر و سیمای نورانی او که آخرت را به یاد انسان می‌آورد بهره‌مند می‌شدم.

بسیاری از مراجع و دانشمندان بزرگ معاصر از محضر و تدریس او استفاده نموده و عده‌ای از پرورش یافتگان درس اخلاق و عرفان ایشانند.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طالقانی، نظر علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۶ - ۱۲۴۰ ق)، فقیه اصولی، متکلم، حکیم، حافظ، محدث و واعظ. او از شاگردان صاحب «جواهر» و شیخ انصاری بود. پس از تکمیل مبانی علمی در نجف به تهران آمد و در مدرسه‌ی مروی مقیم گشت و به تدریس و تألیف پرداخت و به مواعظ منبری اشتغال ورزید. او در کلام و فروع و اصول ماهر و در معقول و منقول صاحب نظر بود. در مشهد رضوی درگذشت و در جوار امام رضا (ع) دفن شد. از وی آثار سودمندی به عربی و فارسی باقی است که از آن جمله: «کاشف الاسرار»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «مناط الاحکام»، مشتمل بر دو فن: فنی در فروع و ظواهر و فنی در بواطن و سرائر؛ رساله در «حجیت خبر واحد»؛ رساله در «اشترایط الحسن فی قبول الشهاده»؛ «اجتماع الامر و النهی»؛ «طراز المصائب»، در مقتل؛ رساله‌ای در «فنا».[۱]

ملا نظر علی طالقانی عالمی فاضل و فقیهی کامل و حکیمی متکلم و اصولی متبحر و محقق مدقق و عابدی زاهد و واعظی ناصح و حافظ قرآن. مقیم تهران در عصر ناصرالدین شاه قاجار و مدرس مدرسه مروی و مایه فخر اسلامیان و حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول از اکابر علماء امامیه و از تلامذه صاحب جواهر و بعد از وی از شاگردان شیخنا الانصاری قدس الله اسرارهم بوده است.

وی بعد از تکمیلات مبانی علمی به تهران آمده و در مدرسه مروی اقامت و به تدریس و تألیف کتب مفید پرداخته تا در سال ۱۳۰۶ ق که در مشهد رضوی از دنیا رفته و در جوار حضرت رضا علیه الصلوٰه والسلام مدفون گردیده است.

از تألیفات ارزنده ایشان کتب زیر است ۱- اجتماع الامر والنهی ۲- اشترایط الحسن فی قبول الشهاده ۳- حاشیه بر رسائل شیخ انصاری ۴- حجیه الخبر الواحد ۵- رساله‌ای در فنا ۶- کاشف الاسرار که مکرر بطبع رسیده است ۷- مناط الاحکام.

مرحوم آیه‌الله حاج میرزا هادی خراسانی که از علماء مجاورین کربلاء معلی بوده در کتاب (کرامات و معجزات) خود می‌نویسد که مرحوم حاج ملا نظر علی طالقانی در هنگامی که در مدرسه خان مروی اقامت و اشتغال به تدریس داشتند وقتی چنان در مضیقه مالی قرار می‌گیرد که حتی چند روزی گرسنه مانده و چیزی که سد جوع و گرسنگی او را نماید به وی نمی‌رسد.

پس شبی با خود فکر می‌کند که صبر کردن با این فقر و پریشانی و عسرت کاری بس مشکل و به حدیث نبوی (کاد ان یکون کفرا) چه کنم نامه‌ئی به آیه‌الله حاج ملا علی کنی مجتهد بزرگ و زعیم اعظم روحانیت تهران بنویسم و از حال خود اطلاع دهم مناعت طبع او وی را منع نموده و می‌گوید او هم نوع تو است نباید آبرو را نزد هم نوع خود ریخت.

نامه‌ای به شاه وقت بنویسم باز عقل و تقوای او نهی نموده و می‌گوید تو که آخوند درباری نیستی می‌خواهی حیثیت و ارزش روحانی خود را از دست بدهی و خود را در اختیار دولت و حکومت بگذاری نامه‌ای برای حضرت علی (ع) بنویسم باز با خود

می‌گوید از حضرت علی (ع) باید علم و معرفت و تقوا و سعادت خواست نه دنیا زیرا خود آن بزرگوار دنیا را سه طلاقه نمود و وقتی برادرش حضرت عقیل چیزی زیاده‌تر از جیره و حق خود طلبید دستش را با آهن گرم داغ کرد.

بالاخره پس از مدتی فکر می‌گوید هیچ بهتر از این نیست که نامه‌ای برای خدا بنویسم که همه جا حاضر و شاهد و قادر برای رفع حوائج بدون منت می‌باشد. پس نامه‌ای به این مضمون می‌نویسد از بنده گنهکار نظر علی طالقانی به پیشگاه حضرت باری تعالی جلت عظمته.

نامه‌ی طالقانی به خدا

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از تقدیم حمد و سپاس و درود فراوان بر حضرت رسالت و خاندان طاهرين او معروض می‌گردد این بنده مبتلا به فقر و پریشانی گشته و در کمال مضيقه قرار گرفته‌ام و حوائج و نیازمندیهای ضروریم از این قرار است.

۱- منزل شخصی آبرومند اعیانی با تمام لوازم و مایحتاج آن.

۲- همسر جوان زیبا و قشنگی که در تهران کم‌نظیر باشد.

۳- یک نوکر زرنگ و یک کلفت و آشپز خوب و امین.

۴- یک کالسکه عالی و راننده آن برای رفت و آمد.

۵- یک ده شش دانگی که تامین مخارج و معاشم را نماید.

۶- یک باغ زیبا در شمیران که در فصل تابستان در آنجا بسر برم.

۷- فلان مقدار پول نقد که قروض خود را ادا و آبروی خویش را حفظ نمایم

آدرس- مدرسه خان مروی دست چپ حیاط کوچک طبقه فوقانی.

حجره دوم نظر علی طالقانی

پس نامه را در هنگام سحر برداشته و می‌برد لای درب مسجد شاه که در نزدیکی مدرسه مروی می‌باشد می‌گذارد.

و متوکلا علی الله برگشته و بعد از انجام وظائف دینی خود در حجره به روی خود بسته و می‌خوابد اتفاقاً همان روز ناصرالدین شاه به عزم شکار از تهران خارج شده و به سوی شکارگاه سلطنتی که در قسمت شرقی تهران و بالای قریه (مسگرآباد) واقع است می‌رود که ناگاه باد تندی وزیده و طوفانی برخاسته و مانع حرکت کالسکه شاه می‌شود پس شاه دستور توقف می‌دهد تا باد ساکت و گرد و غبار نشسته و بتواند به مسیر خود ادامه دهد که گرده‌بادی رسیده به کالسکه شاه می‌خورد پس شاه چشم خود را بسته که خاک در او نرود احساس می‌کند چیزی روی دامان او گذارده شده فوراً دست فرآورده آن را می‌گیرد و می‌بیند که نامه‌ای می‌باشد. پس باد ایستاده و گرد و غبار نشسته شاه نامه را مطالعه می‌کند و می‌بیند که کسی برای خدا نوشته است فوراً شکر خدا نموده و فرمان برگشت به شهر داده و یکسره به منزل رئیس‌الوزراء وقت آمده و دستور احضار وزرا را می‌دهد.

وزرا در حالی که همگی ناراحت از انصراف شاه از شکار رفتن بودند به سرعت شرفیاب شده و تعجب می‌کردند که چرا شاه از رفتن شکار منصرف و به شهر برگشته‌اند پس چون همگی حاضر شدند شاه گفت بحمدالله به شکارگاه نرسیده به صید خود رسیدیم و به بهتر از آنچه می‌خواستیم از شکار عایدمان گردد به فضل پروردگار بزرگ نائل شدیم.

پس نامه را از جیب بغل خود درآورده و جریان وزیدن باد تند و آوردن نامه را توضیح می‌دهد و می‌گوید ندانم بچه زبان و بیانی شکر و حمد خدا را بجا آوردم که بنده شرمنده خود ناصر را لایق دید و نامه بنده محتاج خود را به او رسانید تا رفع حوائج و نیازمندیهای او را بنماید.

پس (آجودان) و پیشکار مخصوص خود را با کالسکه سلطنتی به آدرس مزبور به در مدرسه مروی فرستاده و آقای حاج ملا نظر

علی طالقانی را می‌طلبد.

تمام طلبه‌ها تعجب نموده و خود شیخ به وحشت افتاده که شاه مرا برای چه می‌خواهد آیا کسی از طلبکاران شکایت مرا بشاه نموده است وقتی این تشریفات مخصوص را می‌بیند قدری تسکین او می‌شود تا بحضور شاه رسیده و در کنار مبل شاه جائی قبلاً آماده شده بود به امر شاه می‌نشیند.

پس شاه می‌گوید اسم شما چیست می‌گوید.

- نظر علی.

- اهل کجائی.

- طالقان.

آیا نامه‌ای برای کسی و جائی نوشته‌ای بعد از مدتی می‌گوید آری برای خدا دیشب نامه‌ای نوشتم نامه‌ات را کجا گذاردی می‌گوید سحرگاه لای درب مسجد شاه گذارده‌ام.

پس شاه‌نامه را درآورده می‌گوید آیا این است نامه تو می‌گوید آری پس باز شکر خدا نموده و به وزرا می‌گوید کیست که در رفع حوائج ایشان شرکت نماید.

پس یک یک از حوائج مرقومه در نامه را می‌خواند.

۱- منزل شخصی خود شاه دستور می‌دهد یکی از منازل سلطنتی را با لوازم و آنچه در آنست بنام وی ثبت و مقرر نمایند.

۲- همسر جوان زیبا- یکی از وزراء عرض می‌کند قبله‌گاهها با کسب اجازه از حضور اعلیحضرت این بنده دختری با این صفات دارم به ایشان تزویج نمودم.

۳- یک نوکر و یک کلفت یکی دیگر از وزراء معروض می‌دارم این دو را هم من تقبل نمودم.

۴- یک کالسکه... سومی می‌گوید این را هم من تقبل نمودم.

۵- یک ده شش دانگی... نخست‌وزیر می‌گوید اعلیحضرتا فلان قریه را که در شهریار دارم تقدیم شیخ نمودم.

۶- یک باغ زیبا... یکی از وزراء بعرض می‌رساند باغی در شمیران دارم اهداء نمودم.

۷- فلان مقدار پول نقد... خود شاه فوراً پرداخته و خلاصه آشیخ را که تا یک ساعت قبل فاقد همه‌چی بود دارای همه چیز می‌کند و مستقیماً از آنجا به منزل عالی سلطنتی می‌برند و دختر آن وزیر را هم ازدواج می‌کند و غیر از او چند عیال دیگر اختیار می‌نماید و لکن از هیچ کدام فرزندی نصیبش نمی‌شود تا در سال ۱۳۰۶ ق در مشهد رضوی از دنیا می‌رود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه [۱]: الذریعه (۲۷۸ / ۲۲ / ۲۳۴، ۱۷ / ۱۵۹، ۱۵ / ۶۲، ۱۶ / ۲۶۹، ۱ / ۱)، علماء معاصرین (۲۸-۲۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۱۷-۱۳ / ۶)، المآثر و الآثار (۱۷۴)، مکارم الآثار (۴ / ۱۱۲۹).

طاهری خرم آبادی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علی طاهری خرم آبادی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۳/۳

زندگینامه علمی

در سال ۶۲ پس از اتمام دوره راهنمایی تحصیلی وارد حوزه علمیه شدم و تا سال ۷۰ دوره سطح را به اتمام رساندم. از سال ۷۱ تا ۷۵ در درس خارج فقه و اصول شرکت کردم. سال ۶۸ وارد موسسه در راه حق شده و سپس از سال ۷۳ تا ۷۸ دوره تخصصی (کارشناسی ارشد) فلسفه را در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به اتمام رساندم.

در سال ۷۷ در آزمون ورودی کارشناسی ارشد دانشگاهها شرکت و در رشته فلسفه غرب دانشگاه تهران قبول گردیدم سال ۷۹ این دوره را به اتمام رسانده و بلافاصله قبولی در دوره دکتری. تحصیلات خود را در همان رشته فلسفه غرب ادامه دادم. در تیر ماه ۸۶ دوره دکتری را به اتمام رساندم. از سال ۷۹ در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به تدریس و تحقیق اشتغال داشته و از سال ۸۳ تاکنون عضو هیات علمی این موسسه می باشم.

طاهری، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۱۹ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. در شیراز به دنیا آمد و در بیت علم و عزت پرورش یافت. دروس مقدمات و سطوح را در شیراز خواند، آنگاه به نجف مهاجرت کرد و از محضر آیت الله نائینی و آیت الله عراقی و آیت الله اصفهانی و دیگران استفاده نمود تا به مقام اجتهاد رسید. وی در نجف پس از چندین مرتبه گفتن درس سطوح عالی «کفایه» و «مکاسب» و «فرائد»، به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. از آثار وی احداث سه مدرسه علمی در نجف برای طلاب است. از آثار علمی اش: «عمده الوسائل فی شرح الرسائل»، در مباحث قطع و ظن، در چهار مجلد؛ حاشیه بر «عروه الوثقی»؛ «منجزات المریض»؛ «رفع الحاجب فی الاجره عن الواجب».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۴۲ / ۱۵)، گنجینه دانشمندان (۲۷۵ / ۷، ۴۵۴ / ۵).

طباطبایی پور، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید علیرضا طباطبایی پور

محل تولد: مهدی شهر سمنان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۷/۲۲

زندگینامه علمی

سیدعلی طباطبائی در ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۸۶ ه. ق برابر با ۲۲/۷/۱۳۴۵ در مهدی شهر سمنان در یک خانواده مذهبی و زحمتکش به دنیا آمدم تا سال ۱۳۶۰ همراه با تحصیلات، مشغول کار و تلاش و فعالیت بودم، در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ به لطف الهی وارد حوزه علمیه شدم. چند ماهی در حوزه سمنان ماندم بعد به حوزه تهران منتقل شدم پنج سال در تهران بودم در این مدت مقدمات و سطح را گذراندم و از آنجایی که تهران مرکز مسائل سیاسی بود آن هم در آن زمان حساس این پنج سال برایم یک دوره آموزش سیاسی اجتماعی محسوب می‌شد ولی هرگز مسائل سیاسی اجتماعی مرا از درس غافل نمی‌کرد.

در فروردین ۱۳۶۶ به قم آمدم بعد از اتمام سطح درس خارج اصول را خدمت آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی گذراندم و خارج فقه را همواره در محضر مبارک حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته توفیق حضور داشتم.

بر اساس کلام نورانی حضرت امام سجاده (ع) (هَلْکَ مَنْ لیس له حکیم یرشده) از ابتدای تحصیل به این حقیقت پی بردم که بدون راهنما و هادی، این مسیر رفتی نیست و خطرهای گوناگون انسان را تحدید می‌کند لذا از همان زمانی که به قم آمدم (بلکه علت اصلی آمدنم به قم) گمشده خویش را در وجود عالم ربانی، حکیم مرشد الهی حضرت آیت الله علامه جوادی آملی دامت برکاته یافتم و دست بیعت به او دادم و همواره راهنمایی‌های ایشان چراغ فروزان زندگی من بوده و هست.

در ابتداء ورود به قم فرمودند باید چهار درس رسمی داشته باشید فقه، اصول، تفسیر و معقول، لذا در کنار درس فقه و اصول حدود هشت سال از درس پرفروغ تفسیر قرآن ایشان استفاده کردم که واقعاً شبستان مسجد اعظم در این دوران برایم بیت المعمور بود. در معقول آن حکیم فرزانه اصرار داشتند که قبل از فلسفه باید یک دوره کلام ببینید لذا کتابهای که در این رشته خوانده شد عبارت بود از: باب حادی عشر بعد شرح تجرید بعد بدایه الحکمه بعد نهایه الحکمه این کتاب را خدمت استاد بزرگوار آیه الله مصباح یزدی استفاده کردم، خواندن این کتاب یک سرفصل دیگری در مسائل فلسفی برایم بود، آنگاه آن مربی الهی فرمودند قبل از حکمت متعالیه باید یک دوره حکمت مشاء ببینید لذا کتاب عظیم الشان شرح اشارات را خدمت بزرگ حکیم و عارف دوران حضرت آیت الله الحق جناب آقای حسنزاده آملی دامت برکاته خواندیم با خواندن این کتاب نزد آن حکیم متأله دنیای دیگری به سوی ما باز شد و تحوّل اساسی در زندگی برایم به وجود آورد، در دفتری گفته‌ام:

اشارات شمع شب‌های پرسوز من اشارات شاهد دردهای دلسوز من

نمط‌های او کسب و کار هر روز من مقامات او باعث ناله‌های جگرسوز من

چه خوش، وقت درسش وقت هر روز من که شب‌های تارم شده روز من

با ارشادات حضرت استاد فقط خواندن کتاب نبود هم مباحثه بسیار قوی و معنوی داشتم هم تقریرات درس نوشته می‌شد آن هم با یک روش درست و با راهنمایی آن بزرگوار، یادداشت‌های شرح اشارات یکی از مهم‌ترین و پربارترین ذخیره در آثار علمی ماست.

بعد از اتمام شرح اشارات وارد دریای عظیم اسفار شدیم امور عامه اسفار را خدمت استاد عظیم الشان آیت الله حسنزاده آملی خواندم اگرچه خیلی از مباحث کلیدی اسفار را دوبار درس گرفتم یعنی بار دوم خدمت استاد متأله آیت الله جوادی آملی دامت برکاته استفاده کردم، الهیات اخص و سفر نفس اسفار را هم خدمت همین بزرگوار درس گرفتم، از آنجایی که درسها بر اساس برنامه و طی مقدمات لازم خوانده می‌شد هیچ‌گاه در مباحث متحیر نبودم بلکه مباحث کتابها را رصد می‌کردم و همراه هر کتابی

چندین جزوه و یادداشت به لحاظ موضوعات گوناگون داشتم وقتی مرحله ششم اسفار یعنی بحث علت و معلول تمام شد (جلد دوم اسفار) فرمودند باید کتاب تمهید القواعد صائن الدین علی بن تَرکه را ببینید که اولین کتاب درسی در عرفان نظری می‌باشد این کتاب عزیز الوجود را خدمت خود ایشان یعنی آیت الله جوادی آملی دامت برکاته درس گرفتیم واقعاً آن دوران خوش برایم لیلۃ القدر بود، بعد از اتمام تمهید القواعد کتاب گرانقدر فصوص یعنی شرح جناب علامه قیصری بر فصوص الحکم محیی الدین عربی را در محضر انور عارف مستقیم آیت الله حسن زاده آملی دامت برکاته از اول تا آخر استفاده کردیم بعد کتاب مصباح الأنس یعنی شرح جناب ابن فناری بر مفتاح غیب الجمع و الوجود صدر الدین قونوی که سومین کتاب درسی عرفان نظری می‌باشد خدمت همان بزرگ عارف دوران خوانده شد. در ابتدا کتاب مصباح الانس یک خاطره شیرین نوشته‌ام که عین آن خاطره را در این جا می‌آوریم:

«در سحر روز جمعه ۱۴ جمادی الاول ۱۴۱۲ برای مشرف شدن خدمت حضرت آیت الله حکیم متأله، عالم ربانی، عارف مستقیم جناب آقای حسن زاده آملی دامت برکاته از محضر قرآن کریم به قصد استجازه استخاره نمودم این آیه آمد (و نادیناه من جانب الطُّور الایمن و قربناء نجینا) (مریم: ۵۲) ساعت ۱۰ صبح همان روز خدمت آن جناب رسیدم فرمودند ما کتاب مصباح الأنس را شروع کرده‌ایم شما هم شرکت کنید و این آیه در استخاره برای دعوت به این درس بوده است و ما از شما دعوت می‌کنیم، بعد فرمودند این را به عنوان خاطره بنویسید».

به حول و قوه الهی حدود ۱۵ سال است که مشغول تدریس فقه، فلسفه، منطق و کلام در حوزه علمیه قم هستم و هم‌اکنون یعنی سال ۱۳۸۵ مشغول تدریس شرح اشارات و نهایتاً الحکمة (دوره دوم) شرح منظومه (دوره دوم) می‌باشم و تفسیر موضوعی نهج البلاغه را نیز چهار سال است شروع کردم.

از آنجایی که معرفت نفس در سرنوشت و سعادت انسان نقش اساسی دارد و تا انسان خود را نشناسد و حیات انسانی را درک نکند نمی‌تواند زندگی هدفمند داشته باشد و زندگی بدون هدف مردگی است و تحصیلات بدون هدف دوام و لذت نخواهد داشت و اشتغال علمی بدون هدف متعالی و جهت مشخص ثمره‌ای جز سرگردانی و حیرت ندارد لذا یکی از کارهای مهمی که به عنایت الهی در حوزه علمیه قم انجام دادیم تدریس معرفت نفس بوده است.

اگرچه بسیاری از بزرگان علم و اندیشه پیرامون معرفت نفس کتابها نوشته‌اند ولی آثار استاد اعظم ما در معارف الهی حضرت آیت الله حسن زاده آملی دامت برکاته در این موضوع حقیقتاً بدیع و کم‌نظیر است بر این اساس همراه درسهای معقول و منقول ابتدا کتاب شریف دروس معرفت نفس در جمع عده‌ای اهل صفا و معنویت تدریس شد بعد از آن کتاب دروس اتحاد عاقل به معقول تدریس شد و آنگاه کتاب بی‌نظیر عیون مسائل النفس و هم‌اکنون دوره دوم معرفت نفس را هم مشغول هستیم، تدریس این سه کتاب پیرامون معرفت نفس در طول هم هدف اصلی ماست و حضرت استاد هم چند بار به ما اصرار فرمودند که عیون مسائل النفس را در حوزه علمیه قم تدریس کنید در تأسیس و ترویج این رشته درسی تأیید، تشویق و دعای آن استاد بی‌بدیل، بدرقه راه ما بوده و هست.

هر کسی به حسب حال خود در زندگی، خوشی و تلخی دیده و در مسیر زندگی با فراز و نشیب‌های گوناگون روبرو می‌شود من نیز به نوبه خود با حوادث سرد و گرم زندگی دست و پنجه نرم کرده‌ام در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده بقیه را به درس و مطالعه می‌پرداختم، امدادهای الهی را در زندگی بسیار دیده‌ام که مرا از پرتگاه خطر نجات داده است، خاطرات آموزنده، و گفتنی‌های در زندگی فراوان دارم ولی با نقل یک خاطره این اوراق را ختم می‌کنم.

در اوائل ورودم به حوزه مطالب علمی را دیر می‌فهمیدم و فهمیده‌ها را هم زود فراموش می‌کردم از طرفی کسی را هم نداشتم تا مرا راهنمایی کند و یا بار اندازه روحی من باشد ولی این را می‌دانستم و اعتقاد داشتم که این خانه را صاحب خانه‌ای است به امید او به

حوزه آمده بودم تا این که با آن وضعیت، کاسه صبرم لبریز شد از بی کسی دل شکسته داشتم روزی درب حجره را از پشت بستم و در یک توسل جدی و سرنوشت ساز محضر مبارک ولیعصر(عج) به آن حضرت عرض کردم من جای دیگر و کس دیگر ندارم یا اجازه فرمایید دفتر عمرم بسته شود یا توفیق فهم و درک معارف را به من عنایت فرمائید، از آن روز عنایت فرمائید، از آن روز عنایت حضرت شامل حال ما شد و در حقیقت تولد دیگر یافتم و دوران تحصیلم آغاز شد خدا را سپاسگذارم از آن روز تاکنون از درس و بحث علمی خسته نشدم و هر چیز غیر از مسائل علمی برایم قسری می‌باشد.

من به سرچشمه خورشید نه به خود بردم راه ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد

من خس بی سروپایم که به سیل افتادم او که می‌رفت مرا هم بدل دریا برد

طباطبایی، محمدحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی از خاندانی دانش‌پرور برخاسته‌اند و تا چهارده پشت ایشان از دانشمندان و علمای به نام تبریز بوده‌اند. ولادت آن بزرگوار در پایان سال ۱۳۲۱ هجری قمری مصادف با ۱۲۸۲ شمسی بوده است. ایشان در زادگاه خود تحصیلات مقدماتی را به انجام رساند. در سال ۱۳۰۴ رهسپار نجف شدند و ده سال در آن مرکز جهانی علوم اسلامی به تکمیل معلومات خود پرداختند و نزد استادان معروفی مانند نائینی، کمپانی و بادکوبه‌ای دروس بالای فقه و اصول و فلسفه را خواندند. همچنین ریاضیات را نزد سیدابوالقاسم خوانساری و اخلاق و عرفان علمی و تفسیر قرآن کریم را از محضر حکیم و عارف وارسته، حاج میرزا علی آقای قاضی طباطبایی آموختند. سپس در سال ۱۳۱۴ به زادگاه خود بازگشت و به سبب تنگی وضع معیشتی مجبور شدند ۱۰ سال در تبریز بمانند. سپس به قم مهاجرت کردند و تا پایان عمر در آنجا به تدریس علوم عقلی و تفسیر قرآن مشغول بودند. علامه در نجف

در سال ۱۳۰۴ علامه طباطبایی، برای گذراندن مراتب عالی دروس حوزوی، به همراه همسر و فرزند نورسیده‌اش «محمد» عازم نجف اشرف شدند و منزل محقری اجاره کردند. غربت نا‌مأنوس بودن با محیط و گرمای هوا، شرایط نا‌گواری برای این خانواده کوچک بوجود آورد. تنگی منزل و نبود آب خود مزید بر مشکلات بود. در این اوضاع تنها دلخوشی علامه و همسرش محمد کوچک بود. ولی ناگهان بیمار شد و بساط شادمانی خانواده را به یکباره برچید. نبود پزشکان متخصص و لوازم پزشکی مورد نیاز، باعث وخیم شدن حال محمد کوچک و مرگ او شد. فقدان آن کودک در دیار غربت، علامه و همسر مهربانش را در سوگ و ماتم نشاناند. مرحوم علامه بار سنگین غم را در دل خود پنهان می‌کرد و همسرش را تسکین می‌داد. مدتی بعد خداوند فرزند دیگری به آنها عنایت فرمود، ولی این شکوفه نورسته هم پس از یک سال سر به تیره تراب گذاشت و غم این خانواده جوان را تازه کرد. فرزند سوم هم به سرنوشت برادران خود دچار شد و این وضع خاطر لطیف همسر مهربان علامه را آزرده می‌ساخت. علامه طباطبایی به پیشگاه خداوند زاری می‌کرد تا از چنین وضع پریشانی رهایی یابند. روزی آیت الله قاضی طباطبایی که استاد علامه، و از بستگان همسرش بود، به منزل ایشان آمدند و از آنها دلجویی فرمودند. هنگام رفتن به همسر مرحوم علامه فرمودند این بار فرزندتان پسر است و باقی می‌ماند. نامش را عبدالباقی بگذار تا ان‌شاءالله برایتان بماند. علامه که تا آن زمان از بچه‌دار شدن همسرش خبر نداشت، متحیر ماند اما سرانجام پیش‌بینی این عارف وارسته درست درآمد و خداوند فرزندی به آنها عنایت فرمود.

وضعیت معیشتی

علامه طباطبایی به اتفاق همسر و برادرش به مدت ده سال در نجف اشرف اقامت داشت. آن حکیم الهی ضمن کسب معارف فقهی، عرفانی و فلسفی، موفق به تدوین آثاری در حکمت و کلام شد. اما در اواخر این دوران از جهت معیشتی با مشکل روبرو شد؛ زیرا نسبت به مصرف سهم امام و بیت‌المال حساس بود و هزینه زندگی را با درآمد ملکی موروثی‌اش در تبریز اداره می‌کرد که از تبریز به نجف حواله می‌شد. در اواخر اقامت علامه، دولت از ارسال وجوه به خارج کشور جلوگیری کرد و دیگر مبلغی به دست علامه بزرگوار نرسید و دچار تنگنا شد. مدتی را به صرفه جویی شدید و فروش اثاث منزل و قرض گرفتن گذراندند و در انتظار رسیدن پول بودند، تا اینکه به طور غیرمنتظره وجهی از ایران رسید و علامه پس از پرداخت بدهی‌ها عازم ایران شد. همسر علامه طباطبایی

قمرالسادات، همسر علامه، از خانواده متدین و پاک طینت طباطبایی، زنی بود که در سیر تکاملی و سلوک علامه نقش مؤثر داشت. خانمی که همه عمر را در طبق اخلاص گذاشت و در راه این عارف والامقام تقدیم کرد. دشوارترین مشقت‌ها را در غربت شهرهای نجف و قم تحمل کرد و حتی یک بار هم گلایه نکرد. مهندس سیدعبدالباقی طباطبایی، فرزند این خانواده می‌گوید: هنگامی که خواستیم به قم عزیمت کنیم به مادرم گفتم: شب عید که وقت مسافرت نیست؛ در این هوای سرد کجا می‌خواهیم برویم؟ مادرم نگاهی به من کرد و در حالی که اشک چشمانش را پاک می‌کرد این شعر را خواند:

رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست

می‌کشد هر جا که خاطر خواه اوست

رشته بر گردن نه از بی‌مهری است

رشته عشق است و بر گردن نکوست قدردانی از همسر

حضرت علامه طباطبایی درباره همسر خود چنین می‌گوید: این زن بود که مرا به اینجا رسانید؛ او شریک من در کارهای علمی است و هر چه نوشته‌ام نصفش مال این خانم است. او به حدی به من کمک می‌کرد که گاه از چگونگی تهیه قبای خود اطلاع نداشتم (به این معنا که می‌رفت پارچه‌ای انتخاب می‌کرد، می‌خرید و پس از دوخت و آماده‌سازی در اختیار ایشان قرار می‌داد) وقتی مشغول تحقیق و پژوهش بودم، با من سخن نمی‌گفت و سعی می‌کرد، شرایط آرامی برایم ایجاد کند، رشته افکارم گسسته نشود و هر ساعت در اطاق مرا باز می‌کرد و آرام‌چای را می‌گذاشت و می‌رفت. مرحوم علامه به همسر باوفایش عشق می‌ورزید و برایش احترام بسیاری قائل بود. پس از مرگش تا مدت‌ها مرحوم علامه هر روز بر سر قبرش حاضر می‌شد و در فقدان او ناباورانه اشک می‌ریخت و این مهر دوسویه همگان را به تعجب واداشته بود. بی‌آلایشی و ساده زیستی

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی، از شاگردان علامه طباطبایی می‌گوید: آیت الله حجت تصمیم به توسعه مدرسه حجیه قم گرفت. زمین‌هایی را خرید و در پی آن بود که نقشه مناسبی برای مدرسه تهیه کند تا طرح جامع‌اش را اجرا کند. مهندسان نقشه‌های متعددی کشیدند ولی ایشان نپسندید. سرانجام شنیدیم سیدی از تبریز آمده و نقشه‌ای رسم کرده که مورد پسند آیت الله حجت واقع شده است. همچنین شنیدیم این سید در ریاضیات و فلسفه استاد است و درس فلسفه‌ای شروع کرده است. بسیار مشتاق زیارت ایشان بودیم تا اینکه روزی یکی از دوستان آمد و گفت آقای قاضی از زیارت مشهد برگشته، بیاید به دیدنش برویم. چون به منزلشان وارد شدیم، متوجه شدیم آن مرد معروف و آن فیلسوف و ریاضی‌دان همان سیدی است که ما هر روز او را در کوچه می‌دیدیم و از بس ساده زیست و بی‌آلایش بود، حتی احتمال نمی‌دادیم اهل علم باشد، چه رسد به اینکه فیلسوف و دانشمند باشد. تواضع استاد آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تواضع استاد خود علامه طباطبایی می‌گوید: از زمان طلبگی، ما در قم به منزل ایشان رفت و آمد داشتیم و هیچگاه نشد با ایشان به جماعت نماز بخوانیم و این غصه در دل ما مانده بود که جماعت ایشان را درک

نکرده‌ایم. سالی در ماه شعبان به مشهد مقدس مشرف شدند و مهمان ما بودند. موقع نماز مغرب سجاده‌ای برای ایشان و یکی از همراهان پهن کردم و از اطاق خارج شدم؛ به امید اینکه استاد به نماز مشغول شوند و سپس من داخل شوم و نماز را به امامت حضرت علامه بخوانم. قریب یک ربع ساعت از مغرب گذشت، آن رفیق همراه، مرا صدا زد و گفت: ایشان همینطور نشسته و منتظر شماست. آمدم محضر استاد عرض کردم: چهل سال است از شما تقاضا کرده‌ام که یک نماز با شما بخوانم ولی تا به حال نشده است قبول بفرمایید ما به شما اقتدا کنیم. با تبسم ملیحی فرمودند: یک سال دیگر هم روی آن چهل سال! سرانجام بنده را مجبور به امامت جماعت کردند.

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تفسیر گران سنگ مرحوم علامه طباطبایی، المیزان، می‌گوید: روزی به حضرت استاد عرض کردم: هنوز حوزه‌های علمیه به ارزش واقعی تفسیر شریف المیزان پی نبرده‌اند و اگر حوزه علمیه به تدریس و تحقیق این کتاب با ارزش مشغول شود و پیوسته این کار را ادامه دهد، پس از دویست سال ارزش این کتاب معلوم خواهد شد و باز عرض کردم: وقتی به مطالعه این کتاب مشغول می‌شوم در بعضی از اوقات که آیات را به هم ربط می‌دهید و از راه موازنه و تطبیق آیات معنی را بیرون می‌کشید، جز آنکه بگویم در آن هنگام قلم وحی و الهام الهی آنرا بر زبان شما جاری ساخته است؛ تعبیر دیگری ندارم. ایشان سری تکان دادند و فرمودند: این فقط حسن نظر شما است. ما کاری نکرده‌ایم. عظمت روح و هیبت استاد

آیت الله محمدتقی مصباح یزدی پیرامون شخصیت علامه طباطبایی می‌گوید: علامه طباطبایی مظهر متانت، وقار، طمأنینه، عزت نفس، توکل، اخلاص، تواضع، عطوفت و دیگر مکارم اخلاقی بودند. آثار عظمت روح و نورانیت دل و ارتباط با ماورای طبیعت در سیمای ملکوتی ایشان هویدا بود. بر مجلس ایشان چنان هیبتی سایه می‌افکند که حضار را در سکوتی ژرف و پر تأمل فرو می‌برد و انسان را به یاد شعر فرزدق می‌انداخت که در مدح امام سجاده (ع) گفته است: او از بس حیا و شرم و ادب داشت به هیچ کس زل نمی‌زند و نگاهش به زمین بود، ولی دیگران از شدت هیبت و جذبه او نمی‌توانستند در چهره‌اش خیره شوند.

به خاطر دارم که روشندلی در محضر ایشان با چشمانی اشکبار می‌گفت: در شگفتم که چگونه زمین، سنگینی چنین مردانی را تحمل می‌کند. رابطه با مجامع علمی و دانشگاهی

علامه طباطبایی علاوه بر تشویق دانش پژوهان و تلاش در تربیت شاگردانی مانند شهید مطهری و شهید بهشتی عنایت خاصی به گسترش معارف اسلامی در خارج از حوزه علمیه داشتند و از این رو، با دانشگاه استادان دانشگاه رابطه داشتند. از ثمرات این رابطه، کتاب گرانسنگ و بی‌بدیل اصول فلسفه و روش رئالیسم است که از اولین نگارشهای شناخت‌شناسی در حوزه فلسفه اسلامی است. آن فیلسوف فرزانه عنایت خاصی به ایجاد رابطه با آن مستشرقان و روشنفکران غربی داشتند که به تحقیق درباره اسلام علاقه‌مند بودند. هانری کربن، که از متدین‌ترین مستشرقان است، چندین سال در کنار علامه بزرگوار شاگردی کرد و حتی در مجلس‌های انس عارفانه مرحوم علامه مانند تفسیر اشعار حافظ شرکت می‌جست. احیای معارف اسلامی

آیت الله مصباح یزدی درباره نقش علامه طباطبایی در احیای معارف اسلامی چنین می‌گوید: برای اینکه تأثیر فعالیت‌های علمی و فرهنگی علامه بزرگوار در جامعه ایران و جوامع اسلامی و کل جهان ارزیابی شود، توجه به دو نکته ضرورت دارد. اول آنکه اهمیت کارهای فرهنگی را در جامعه بدانیم و نکته دوم شناخت کامل جامعه قبل از طلوع خورشید وجود علامه طباطبایی است؛ یعنی دانستن اینکه جامعه در چه وضعی بود و چه کمبودهایی داشت. این مسلم است که فعالیت فرهنگی برای یک جامعه زنده از ضروری‌ترین فعالیت‌های اجتماعی و تأثیر آن برای رشد جامعه از هر عاملی مؤثرتر است. مرحوم علامه نیز هنگامی به حوزه علمیه قم قدم گذاشت که این نهال نورسته علمی تازه به مرحله رشد پا گذاشته بود و سخت نیازمند باغبان توانا و دلسوزی بود تا بتواند آن را بارور کند. در چنین اوضاعی آن فیلسوف و دانشمند جامع، با شناختی که از نیازهای جامعه داشت، به تربیت نیروهای کارآمد پرداخت. ایجاد تحول در حوزه علمیه

علامه طباطبایی درباره وضعیت تحصیلی حوزه علمیه چنین فرموده‌اند: وقتی به قم آمدم مطالعه‌ای در وضع تحصیلی حوزه کردم و یک فکری درباره نیاز جامعه اسلامی بین آن نیاز و آنچه در حوزه موجود بود چندان تناسبی ندیدم. جامعه ما احتیاج داشت به عنوان جامعه اسلامی قرآن را درست بشناسد و از گنجینه‌های علوم این کتاب عظیم الهی بهره‌برداری کند. ولی در حوزه‌های علمیه حتی یک درس رسمی تفسیر قرآن وجود نداشت. جامعه ما برای اینکه بتواند عقاید خودش را در مقابل عقاید دیگران عرضه و از آنها دفاع کند، به قدرت استدلال عقلی نیاز داشت. پس به درسهایی در حوزه مورد نیاز بود که قدرت تعقل و استدلال را بالا ببرد. ولی از بحث‌های عقلی و فلسفه خبری نبود و تفسیر قرآن نه تنها به عنوان یک درس مطرح نبود، مورد مذمت هم بود. از احادیث هم احادیث عقلی و اعتقادی مورد انزوا واقع شده بود. ذهن فلسفی و روش تفسیری

شهید آیت الله مطهری درباره ذهن فلسفی و روش تفسیری استاد خود علامه طباطبایی چنین می‌گوید: علامه طباطبایی، چند نظریه در فلسفه دارند؛ نظریاتی در سطح جهانی که شاید ۵۰ تا ۶۰ سال دیگر ارزش اینها روشن بشود ولی خود ما قدر خودمان را نمی‌دانیم. ایشان در وصف تفسیر المیزان می‌گوید: تفسیر المیزان همه‌اش با فکر نوشته نشد، من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است. کمتر مشکلی در مسائل اسلامی و دینی برایم پیش آمده که کلید حل آن را در المیزان نیابم. ذوق و قریحه شعری

عارف وارسته، سیدمحمدحسین طباطبایی، دارای روح لطیف، ذوقی عالی و لطافت خاصی بودند. در اشعار عرب به شعرهای «ابن فارض» بویژه نظم السلوک او علاقه‌مند بودند و در اشعار فارسی دیوان حافظ شیرازی را می‌ستودند و گهگاه برای دوستان غزلی آرام آرام می‌خواندند. او خود نیز دارای قریحه شعری بود و غزل‌های

مهر خوبان دل و دین از همه بی‌پروا برد

رخ شطرنج نبرد آنچه رخ زیبا برد

تو میندار که مجنون سر خود مجنون گشت

از سَمک تا به سمایش کشش لیلا برد

من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه

ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) و استادشان آیت الله قاضی (رحمت الله علیه)

آیت الله سیدمحمدحسین طباطبایی از محضر استادان گرانقدری بهره برده است، اما آنکه مورد عنایت مرحوم علامه بود و بارها نامش را به عظمت یاد می‌کرد، آیت الله میرزا علی آقای قاضی طباطبایی است. علامه بزرگوار می‌فرمود: ما هرچه داریم از مرحوم قاضی داریم، چه در زمینه علوم و چه در زمینه اخلاق و معارف الهی. آن عارف وارسته و یگانه عصر ما در عرفان عملی و سیر و سلوک الی الله، گوهر کمال را در وجود علامه طباطبایی یافت و در همان اوایل ورود ایشان به نجف، او را تحت تربیت خود قرار داد و این شاگرد نیز چه خوش درخشید و کوشش‌های استاد را به بار نشاند. آیت الله شیخ محمدتقی آملی (ره) می‌فرماید: اگر بناست تحت تصرف انسان کاملی باشید، من بهتر از آقای طباطبایی کسی را نمی‌شناسم او از بهترین شاگردان مرحوم قاضی است و همان وقت هم کشفیاتی داشتند. آثار علامه طباطبایی (رحمت الله علیه)

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی تبریزی در اواخر اسفند سال ۱۳۲۴ از تبریز به قم مهاجرت کردند و از همان آغاز خلایی را در زمینه پرداختن حوزویان به قرآن کریم و علوم عقلی احساس کردند خود ایشان می‌فرمایند:

«هنگامی که از تبریز به قم آمدم، مطالعه‌ای در نیازهای جامعه اسلامی و مطالعه‌ای در وضع حوزه قم کردم و پس از سنجیدن آنها به این نتیجه رسیدم که این حوزه نیاز شدیدی به تفسیر قرآن دارد، تا مفاهیم والای اصیل ترین متن اسلامی و عظیم ترین امانت الهی را بهتر بشناسد و بهتر بشناساند. از سوی دیگر چون شبهات مادی رواج یافته بود، نیاز شدیدی به بحث‌های عقلی و فلسفی وجود

داشت، تا حوزه بتواند مبانی فکری و عقیدتی اسلام را با براهین عقلی اثبات و از موضع حق خود، دفاع نماید. از این رو وظیفه شرعی خود دانستم که به یاری خدای متعال، در رفع این دو نیاز ضروری کوشش نمایم».

این تشخیص نیاز و تکلیف شناسی سبب گردید تا مرحوم علامه از همان آغاز رویکردی جدی به مباحث قرآنی و عقلی بیابد. ایشان از سال ۱۳۲۵ ش. دروس تفسیر خود را در قم آغاز کرد و آنچه را که در آن جلسات می فرمود، مکتوب می ساخت تا اینکه نخستین جلد المیزان در سال ۱۳۳۴ منتشر شد. و نگارش این تفسیر شگرف حدود ۱۷ سال به طول انجامید.

تفسیر قرآن برای علامه طباطبایی نه یک کار علمی بلکه ایفای وظیفه و ادای تکلیف بود و این مفسر عارف چه حالات عرفانی و تأثرات قلبی که در هنگام مطالعه بر روی قرآن عظیم پیدا نکرده است.

آقای موسوی همدانی مترجم محترم تفسیر المیزان که برای مقابله و اطمینان از صحت ترجمه خدمت استاد علامه طباطبایی می رسید می گوید: در تفسیر قرآن، وقتی به آیات رحمت و یا غضب و توبه برمی خوردیم ایشان دگرگون می شد و در مواقعی نیز اشک از دیدگانش جاری می شد، در این حالت که به شدت منقلب به نظر می رسید، می کوشید من متوجه حالتش نشوم. در یکی از روزهای زمستانی که زیر کرسی نشسته بودیم، من تفسیر فارسی می خواندم و ایشان تفسیر عربی، که بحث در رحمت پروردگار و آموزش گناهان بود، ناگهان معظم له به قدری متأثر شد که نتوانست به گریستن بی صدا اکتفا کند و با صدای بلند شروع به اشک ریختن کرد.

یکی از مراجع تقلید گذشته عبارت شگفتی در خصوص زحمات طاقت فرسای مرحوم علامه طباطبایی در راه نگارش تفسیر المیزان دارند و می فرمایند: علامه طباطبایی خود را در این راه توضیح کرد یعنی قربانی قرآن نمود.

مرحوم شهید مطهری درباره این کار سترگ گفته است: تفسیر المیزان همه اش با فکر نوشته نشد. من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است.

در عین حال مرحوم علامه این کار عظیم را وظیفه و تکلیفی بیش نمی پندارد که با عنایت خداوندی آن را به انجام رسانده است. یکی از شاگردان مرحوم علامه طباطبایی می نویسد: در این تفسیر بین معانی ظاهری و باطنی قرآن و بین عقل و نقل جمع شده و هر یک حظ خود را ایفا می کنند. این تفسیر به قدری جالب است و به اندازه‌ای زیبا و دلنشین است که آن را می توان به عنوان سند عقاید اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد و به تمام مکتب ها و مذهب ها فرستاد و بر این اساس، آنان را به دین اسلام و مذهب تشیع فراخواند.

اگر این تفسیر در حوزه‌ها تدریس شود و روی محتویات و مطالب آن بحث و نقد و تجزیه و تحلیل به عمل آید و پیوسته این امر ادامه یابد، پس از دوست سال ارزش این تفسیر معلوم خواهد شد.

عنایت و توجه خاص مرحوم علامه به روایات و احادیث اهل بیت علیهم السلام برای فهم معانی قرآن از آن رو است که ایشان معتقدند که از اسرار و باطن قرآن کسانی آگاهند که به صفت المپهرون متصف باشند چرا که قرآن می فرماید: «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لایمسه الا المپهرون» و از سوی دیگر در آیه تطهیر می فرماید: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یتطهرکم تطهیرا»

بنابر این قرآن مپهرون را تنها کسانی می داند که می توانند رموز و ظرایف و اسرار آن را درک کنند و به استناد صریح آیه بعدی ایشان، همانا اهل بیت (ع) می باشند.

همچنین مرحوم علامه طباطبایی در خصوص آیه شریفه «قل لا اسئلكم علیه اجراً الا الموده فی القربی» بگو برای رسالتم از شما مزد و پاداشی جز محبت نزدیکانم نمی خواهم؛ معتقدند: مراد از القربی در این آیه، اهل بیت (ع) می باشند و می نویسند: «علاوه بر اینکه روایتهای چندی از طریق اهل سنت و روایتهای بسیاری از طریق شیعه، بر همین معنی وارد شده است، اخبار متواتری نیز از طریق هر

دو طرف بر وجوب مودت و لزوم محبت اهل بیت (ع) دلالت دارد که این معنی و تفسیر را تأیید می‌کند.

همچنین ایشان معتقد است که «روایتهای متواتری، از طریق هر دو طرف، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده مانند حدیث ثقلین و حدیث سفینه و... که همه متضمن این است که مردم در فهم کتاب خدا و هر آنچه که در آن است؛ از اصول معارف و فروع دین گرفته تا بیان حقایق آن، باید به اهل بیت (علیهم السلام) رجوع کنند. پس از تأمل کافی در این روایتهای دیگر شکی نمی‌ماند که واجب کردن محبت اهل بیت (علیهم السلام) از سوی خدا و اجر رسالت قرار دادن آن، برای این است که مردم به اهل بیت (علیهم السلام) مراجعه کنند و آنها را ملجأ و مرجع علمی خویش دانند.

مرحوم علامه (ره) همانگونه که استاد شهید مطهری گفته‌اند در تفسیر قرآن از الهامات و توجهات غیبی محروم نمانده‌اند خود ایشان معتقدند که «یک حقیقت قرآنی وجود دارد که نمی‌شود انکار کرد و آن این است که هرگاه انسان به وادی ولایت الهی گام نهاد و به ساحت قدس و کبریا نزدیک گشت، دری از ملکوت آسمانها و زمین به رویش گشوده می‌شود که از آن آیات کبری و انوار جبروت الهی را که بر دیگران مخفی است مشاهده می‌کند».

و از همین جاست که حضرت ایشان می‌فرماید:

خم ابروی تو بود و کف مینوی تو بود
که به یک جلوه زمن نام و نشان یکجا برد
و در جای دیگری می‌فرماید:

تو مپندار که مجنون سرخود مجنون گشت
از سمک تا به سمائش کشش لیلا برد
من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه
ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد
همه دلباخته بودیم و هراسان، که غمت
همه را پشت سرانداخت، مرا تنها برد

واقعاً این عنایت الهی به حضرت علامه پاداش اخلاص و صبر ایشان است. آن روز که ایشان به پژوهش و تدریس پیرامون تفسیر و علوم عقلی پرداخت، در میان علما و بزرگان تدریس فقه و اصول، زمینه ساز مرجعیت عامه به شمار می‌رفت و به اصطلاح غیر از فقه و اصول، فضل محسوب می‌شد.

تحمل مخالفت‌های دوستان با تدریس فلسفه و اقناع هر یک از آنان در آن روزگار کار آسانی نبود به خصوص آنکه حربه تکفیر در دستان عده‌ای به ابزاری برای جایگزینی مباحث علمی و مباحثات طلبگی تبدیل شده بود.

علامه معتقد بود آنچه که تکلیف ساز است، نیاز جوامع بشری است و در روزگاری که دانش پژوهان با چمدانهای پر از اشکال و شبهات به مراکز علمی و آموزشی روی می‌آورند، راهی جز اقناع آنان با شیوه‌های استدلالی نیست.

علامه برای نیل به این اهداف هرگز خود را بی‌نیاز از توجه و عنایت خداوند سبب ساز نمی‌دید و تأثیر اساتید بزرگ و خودساخته‌ای همچون مرحوم حاج سیدعلی آقا قاضی (۱۲۸۵-۱۳۶۵ هـ ق) بر حالات روحی و عرفانی مرحوم علامه آنچنان بود که خود ایشان می‌فرماید: «وقتی در سال ۱۳۰۴ هـ ش برای تحصیل به نجف اشرف رهسپار گردیدم، در نخستین روزها در منزل نشسته و به آینده خود فکر می‌کردم و برخی افکار نگران کننده از ذهنم عبور می‌کردند. ناگهان شخصی دق الباب کرد. از جا برخاسته و درب را باز کردم، یکی از علمای نامدار سلام کرد و داخل منزل شد و خیرمقدم گفت، وی که چهره‌ای جذاب و نورانی داشت کم کم باب گفت و گو را باز کرد و با من انسی گرفت و در ضمن بیانات خود گفت: کسی که برای تحصیل به نجف می‌آید شایسته

است علاوه بر فراگیری علوم گوناگون به فکر تهذیب نفس و تکمیل مکارم و کسب فضایل باشد. این جمله را گفت و منزل ما را ترک نمود. سخنان این عارف متشرع - آیت الله حاج سیدعلی قاضی - چنان مرا شیفته نمود که تا در نجف بودم از محضرش بهره می‌گرفتم».

عشق و ارادت حضرت ایشان به اهل بیت (سلام الله علیهم) و خضوع و خشوع در برابر ولایت و امامت در زندگی ایشان چیزی نبود که از دید نزدیکان و مریدان ایشان هم پنهان بماند.

وقتی از مرحوم شهید مطهری پرسیده می‌شود که دلیل این همه تجلیل شما از علامه طباطبایی برای چیست و چرا تعبیر «روحی فدا» را در مورد ایشان بکار می‌برید، آن فیلسوف متشرع پاسخ داد: من حکیم و عارف بسیار دیده‌ام و احترام من به ایشان به خاطر علم او نیست بلکه از این جهت است که او عاشق و دل‌باخته اهل بیت (سلام الله علیهم) است.

از درخت تنومند معرفت و دانش علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) به جز تفسیر المیزان آثار گران مایه ذیل به یادگار مانده است: *بداية الحكمة*: کتابی که یک دوره تدریس فشرده فلسفه برای دستداران علوم عقلی در قم و سپس دانشگاه‌های کشور گردید. *نهایة الحكمة*: این اثر برای تدریس فلسفه با توضیحی بیشتر، عمقی افزونتر و سطحی عالیت‌ر تدوین شده است. بر کتابهای *بداية الحكمت* و *نهایة الحكمت* شروح مختلفی نوشته شده است و می‌توان گفت که از جمله بهترین کتابهایی هستند که در سده اخیر در گستره فلسفه اسلامی نوشته شده است.

اصول فلسفه و روش رئالیسم: بینش علامه پیرامون نظرات مادیون و ماتریالیستها باعث فراهم آوردن این اثر گردید. این اثر با پاورقیهای استاد شهید مرتضی مطهری همراه است.

حاشیه بر کفایه: کتابی در علم اصول فقه که پیرامون قوانین استنباط احکام به بحث می‌پردازد.

شیعه در اسلام: دوره‌های کامل از اعتقادات و معارف شیعه در این اثر نفیس به چشم می‌خورد؛ این کتاب گرانها به زبانهای مختلف دنیا ترجمه و بارها چاپ شده است.

مجموعه مذاکرات با پروفیسور هانری کرین.

خلاصه تعالیم اسلام: این کتاب خلاصه‌ای از آن چه یک مسلمان متعهد باید از آن آگاهی داشته و خود را بدان زینت دهد، بیان کرده است.

روابط اجتماعی در اسلام: انسان و اجتماع و رشد اجتماعی او، پایه زندگی اجتماعی، آزادی در اسلام و... مباحثی است که در این کتاب بدانها پرداخته شده است.

بررسیهای اسلامی: مجموعه‌های است زین از مقالات استاد که بسان *دائرة المعارفی* از معارف ناب اسلامی جمع آوری شده است.

آموزش دین: کتابی با قلم روان و مطالبی لازم و ضروری است که برای دانش آموزان نوشته شده است.

رسالة انسان قبل از دنیا: در دنیا و بعد از دنیا، این کتاب که اکنون با نام «انسان از آغاز تا انجام» ترجمه شده است مباحثی مفید از عوالم سه گانه ماده، مثال و عقل مطرح کرده و پیرامون شبهات و دغدغه خاطر جوانان مطالبی بسیار مفید و لازم ارائه کرده است.

رساله‌هایی گوناگون درباره قوه و فعل، صفات، افعال الله، وسائط، نحو، صرف،... این مجموعه ۲۶ رساله است که بنا به ضرورت و نیاز جامعه توسط علامه نگاشته شده است.

دیوان شعر فارسی: مجموعه‌های از اشعار چشمگیر و عمیق علامه که طی سالیان متمادی سروده شده است.

سنن النبی: سیره و روش رسول الله - صلی الله علیه و آله - در بین مردم و همراه خانواده در این اثر به چشم می‌خورد. این اثر اخیر توسط استاد حسین استاد ولی به زبان فارسی ترجمه شده است.

لُب اللباب: مجموعه درسهای اخلاق استاد که از سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹ قمری برای برخی از فضلالی حوزه قم بیان فرموده‌اند.

حاشیه بر اسفار: نظرات استاد فرزانه علامه طباطبایی بر اسفار در این کتاب جمع آوری شده است. علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) از دیدگاه آیت الله امینی (حفظه الله)

آیت الله امینی (حفظه الله) در وصف استاد خود چنین می‌فرماید:

علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) چشمه جوشانی بود که در صحنه روحانیت شیعه جاری شد و تشنگان حقیقت را سیراب کرد. او آفتاب درخشانی بود که در آسمان اسلام طلوع کرد و تیرگی‌های شُبّهات و اوهام را برطرف کرد و به حق باید ایشان را بزرگترین افتخار حوزه علمیه قم، بلکه بزرگترین شخصیت علمی جهان اسلام در این عصر شمرد که در احیای تفکر اسلامی صحیح و مبارزه با انحرافات و بدعت‌ها و شناساندن اسلام راستین که در مکتب اهل بیت (ع) تبلور یافته است، تأثیر فوق‌العاده داشت. همین بس که اغلب رجال سیاسی، علمی و روحانی امروز کشور و گردانندگان چرخ انقلاب اسلامی از شاگردان بی‌واسطه یا با واسطه اویند. سیره فلسفی

روش حضرت علامه در پژوهش‌ها فلسفه چنین ویژگی‌هایی داشت ۱- پایه‌های اندیشه استاد را تنها برهین یقینی تشکیل می‌داد؛ زیرا اثبات مسائل فلسفی فقط با مقدمات یقینی میسر است. ۲- حفظ و تکرار بر اندیشه فلاسفه بزرگ بسنده نمی‌کرد و اندیشه‌های گذشتگان را مورد تصحیح نقد قرار می‌داد. ۳- امور اعتباری را با مسائل فلسفی مخلوط نمی‌کرد و محور اندیشه خود را تنها بر واقعیت‌های جهان هستی گذاشته بود ۴- اوج تکامل عقلی و روحی این ابرمرد حکمت تا بدانجا بود که کلیات عقلی را بدون دخالت قوه خیال و تمثیل مصداقی آن‌ها در مرحله تخیل، ادراک می‌کرد. ۵- روش تحلیلی آن بزرگ مرد فلسفه بررسی کامل موضوعات فلسفی بود و تا تصور کاملی از موضوع مسئله بدست نمی‌آورد وارد بحث نمی‌شد. ۶- در تنظیم مسائل عقلی از نحوه چینش مسائل ریاضی الهام می‌گرفت. ۷- از مکاتب مختلف فلسفی بهره می‌جست.

عرفان عملی علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) از منظر آیت الله حسن زاده آملی (حفظه الله)

آثار هر کس نمودار دارایی اوست بهترین معرف آن جناب، سیر و سلوک انسانی و آثار علمی، از تدریس و تالیف اوست. افاضل حوزه علمیه قم که شاغل کرسی تدریس اصول معارف حقه جعفریه‌اند، از تلامذه اویند، و تفسیر عظیم الشان المیزان که عالم علم را مایه فخر و مباهات است، یکی از آثار نفیس قلمی وام‌الکتاب مؤلفات اوست. جایگاه علامه طباطبائی در عرفان عملی موقعیت جناب علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) در عرفان عملی این بود که دریافته بود و به این باور رسیده بود که: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم». (۱) راه این است و جز این نیست. و دقیقاً بدین جهت، رفتار او، گفتار او، سکوت او، قلم او و مطلقاً آثار وجودی او، حکایت‌کننده وارستگی و عظمت ذخایر علمی و عملی او بود.

انسان وقتی حضرت علامه طباطبائی را زیارت می‌کرد، به یاد این حدیث شریف می‌افتاد که جناب کلینی در کتاب فضل العلم کافی به اسنادش از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و فرموده است: من تعلم العلم و عمل به و علم لله، دعی فی ملکوت السماوات عظیمًا: فقیل تعلم لله و عمل لله و علم لله. (۲)

آن کسی که دانش تحصیل کند و بدان عمل کند و به دیگران برای خدا تعلیم بنماید، در ملکوت سماوات و عالم اله - که خودش عالم عظیم است - او را به عظیم صدا می‌کنند: ای بزرگ، ای آقا، ای کسی که برای خدا تحصیل علم کرده‌ای، برای خدا بدان عمل کرده‌ای، برای خدا به دیگران تعلیم داده‌ای، تو آقا و بزرگ و عظیمی.

بنده هفده سال در محضر شریف او با ایشان انس داشتم و از ایشان کار لغوی ندیدم. حرف لغوی نشنیدم. بسیار مواظب کلام خود بود. علامه طباطبائی و مراقبت از نفس

به حقیقت، دل این مرد بزرگوار معدن تقوا بود زیرا بسیار مواظب خود بود. همواره اهتمامش بر این بود و می‌گفت در شب و روز زمانی را برای حسابرسی خود قرار بدهید و ببینید که این ۲۴ ساعت چگونه بر شما گذشته. اهل محاسبه باشید. همان طور که یک

بازرگان و یک کاسب دخل و خرج خود و صادرات و وارداتش را حساب می‌کند، شما ببینید در این شب و روز که بر شما گذشت، چه چیزی اندوخته‌اید. چه گفته‌اید. یک‌یک رفتار و گفتار تان را حسابرسی کنید. از نادرستی‌ها استغفار کنید و سعی کنید تکرار نشود، و برای آنچه شایسته و صالح و به فرمان حاکم عقل بود، خدا را شاکر باشید، تا بتدریج برای شما تخلق به اخلاق ربوبی ملکه بشود. «و لا تکنوا کالذین نسوا الله فانسأهم انفسهم». (۳)

حضرت علامه همواره مراقب نفس خویش بود و از خدا غافل نمی‌شد و این امر در صورت و رفتار و حرفشان پیدا بود که ایشان در پیشگاه دیگری قرار گرفته. هر چند به صورت ظاهر، جسمش با دیگران بود، پیدا بود که در محضر دیگری نشسته است. در این باره، مصباح الشریعه می‌فرماید که: «العارف شخصی مع الخلق و قلبه مع الله ﷻ» عارف بدنش با خلق و دلش با خداست «و لا مونس له سوی الله، و هو فی ریاض قدسه متردد و من لطائف فضله متزود ﷻ» توشه‌اش آن سویی است. قلبی که او دارد در پیشگاه ملکوت عالم آمد و شد دارد. مونسش ملکوت عالم است.

چنین کسی مراقبت دارد و انسان بر اثر این مراقبت، یواش یواش به صفات ملکوتی متصف می‌شود و بدان خو می‌گیرد. از خاطر نمی‌رود که مرحوم علامه طباطبائی وقتی به من فرمود: «آقا، من هر روز مراقبتم قوی‌تر است. شب، مشاهدات من، مکاشفات من زلالتر است». هر چه روز مراقبت شدیدتر باشد، شب مکاشفات زلالتر و صافی‌تر است. عصاره خوبی‌ها علامه سید محمد حسین طباطبائی مردی ساده و بی‌آلایش بود. متواضع، مودب، متین و با وقار بود و هیچ وقت عصبانی نمی‌شد. هیچ گاه بلند سخن نگفت؛ در مورد کسی بد نمی‌گفت و هرگز کسی از ایشان غیبت نشنید. سخن کسی را قطع نمی‌کرد و به صحبت‌های دیگران خوب گوش میداد.

برای بدخواهان خودش هرگز نمی‌گذاشت که دیگران اقدامی کنند و خودش هم عفو میکرد. ز بحث‌های جدلی دوری میکرد و در برخورد با شاگردان خود شیوه مخصوصی داشت.

در شیوه وی هیچ وقت تحکم فکر در کار نبود. همیشه در عین حالی که سعی داشت متناسب با درک و استعداد شاگردان، مطلب را القا کند، به آن‌ها مجال تفکر میداد.

اساساً ایشان نسبت به تربیت شاگرد به خصوص اهل فضل و خصوصاً در زمینه معارف و حقایق قرآنی و استدلالی، شیفتگی زیادی داشت.

علامه اجازه نمیداد کسی دست ایشان را ببوسد؛ در همه لحظات مراقب خویش بود و هیچ گاه از خود تعریف نمی‌کرد. نسبت به اهل و عیال و خانواده بسیار مهربان بود. بامناجات و دعا و راز و نیاز بسیار مانوس بود. اکثر اوقات در سکوت بود و فقط لبانش به ذکر خدا حرکت میکرد.

پیاده روی را دوست داشت. در بذل دانش حریص بود. سؤال هیچکس را بدون جواب نمی‌گذاشت. به زیادی و کمی شاگردان توجه نداشت؛ حتی گاهی از اوقات برای دوسه نفر هم درس می‌گفت. گاهی که استاد خطاب میشد، می‌فرمود این تعبیر را دوست ندارم، ما اینجا دور هم جمع شده ایم تا با کمک و همفکری، معارف اسلام را دریابیم. اخلاص کامل داشت و همیشه جلب رضایت خدا را در نظر میگرفت.

و خلاصه این بزرگمرد الهی عصاره‌ای از تمام اخلاقیات نیکو و ویژگیهای حسن را دارا بود. پرواز به سوی ملکوت علامه طباطبائی، سرانجام پس از ۸۱ سال و هجده روز عمر با برکت و زندگی پرتلاش، در ۲۴ آبان ۱۳۶۰ ش از این جهان رخت برپست و جهان تشیع را در سوگ خود نشانند. با درگذشت علامه، این مفسر وارسته و حکیم عارف، دل‌های پاک اندیشمندان و بزرگان عرصه علم و ادب غرق اندوه شد. سرسلسله بیداردلان، حضرت امام خمینی (ره) با اظهار هم‌دردی و برپایی مجلس ختم برای ایشان، این ضایعه اسفناک را به جهان تشیع تسلیت گفتند.

- پاینده باد حوزه‌های نور و حجره‌های کوچک که در هر زمان و مکانی خیزشگاه مردانی بزرگ و ژرف‌اندیش بوده و خواهد بود.
 پی نوشت: (۱) سوره اسراء/۹
 (۲) اصول کافی، تعریب حضرت استاد حسن‌زاده آملی، ج ۱، ص ۲۷.
 (۳) سوره حشر/۱۹

طباطبائی، محمد حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۰ - ۱۲۸۲ ش)، عالم امامی، حکیم، فیلسوف، مفسر، فقیه اصولی و شاعر. مشهور به علامه طباطبائی و معروف به قاضی طباطبائی. وی در تبریز به دنیا آمد. در پنج سالگی مادر و در نه سالگی پدرش را از دست داد. بعد از درگذشت پدرش به مکتب و پس از آن به مدرسه رفت و مدتی هم زیر نظر معلم خصوصی به تحصیل پرداخت و معلومات ابتدایی را کسب نمود. در ۱۲۹۷ ش به تحصیل علم دینی و عربی مشغول شد و مقدمات را فرا گرفت. آن‌گاه در فقه کتب «شرح لمعه» و «مکاسب»، در اصول کتاب «معالم» «قوانین»، «رسائل» و «کفایه»، در منطق کتب «کبری»، «حاشیه» و «شرح شمسیه»، در فلسفه کتاب «شرح اشارات» و در کلام کتاب «کشف المراد» را مورد مطالعه قرار داد. وی در ۱۳۰۴ ش برای ادامه‌ی تحصیلات به نجف رفت و در مجلس درس آیت‌الله آقای شیخ محمد حسین اصفهانی حاضر شد و یک دوره خارج اصول و خارج فقه را در نزد وی آموخت و مدتی نیز در مجلس بحث خارج فقه و خارج اصول آیت‌الله نائینی شرکت کرد و همچنین مدتی در بحث خارج فقه آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی حاضر شد. کلیات علم رجال را نیز در محضر آیت‌الله حجت کوه‌کمری آموخت و معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث را در نزد حاج میرزا علی آقا قاضی طباطبائی تبریزی فراگرفت. او چندین سال نیز در زمینه‌ی فلسفه در نزد آقا سید حسین بادکوبه‌ای «منظومه‌ی سبزواری»، «اسفار»، «مشاعر» ملاصدرا، دوره «شفا»ی بو علی سینا، کتاب «اثو لوجیا»، «تمهید» ابن‌ترکه و «اخلاق» ابن‌مسکویه را خواند. علامه طباطبائی یک دوره «حساب احتمالی»، یک دوره «هندسه مسطحه و فضایی» و «جبر استدلالی» را در محضر آقا سید ابوالقاسم خوانساری گذراند. او در ۱۳۱۴ ش به زادگاهش بازگشت و مدت ده سال در آنجا ماند و در ۱۳۲۵ ش از تبریز به قم مهاجرت کرد و در آنجا به تدریس و تألیف و فعالیت‌های علمی پرداخت. برخی از شاگردان ایشان عبارت‌اند از: آیت‌الله شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتاح، آیت‌الله شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید دکتر مفتاح، آیت‌الله ابراهیم امینی، آیت‌الله مصباح، آیت‌الله حسن‌زاده آملی و آیت‌الله عبدالله جوادی آملی. پرفسور هانری کربن، استاد شیعه‌شناس دانشگاه سربن نیز با ایشان مصاحبه‌های بسیار داشت که این مصاحبات به زبانهای فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی انتشار یافت و اولین دوره آن در فارسی تحت عنوان «مکتب تشیع» منتشر شد. علامه طباطبائی در خط نستعلیق و شکسته استاد، و در علوم غریبه نیز وارد بود. او همچنین در علم اعداد و حساب جمل مهارت داشت و در شعر نیز توانا بود وی در مسجد بالاسر حضرت معصومه (س) در قم مدفون است. از آثار وی: «تفسیر المیزان»، که ترجمه آن در چهل مجلد آمده است؛ «اصول فلسفه و روش رئالیسم»؛ «حاشیه بر «کفایه الاصول»؛ «حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ «وحی یا شعور مرموز»؛ «شیعه در اسلام»؛ «قرآن در اسلام»، با ترجمه‌های فارسی، انگلیسی و اردو؛ «حکومت در اسلام»، فارسی که به عربی نیز ترجمه شده؛ «سنن النبوی (ص)»؛ و «اصول عقاید»، برای دبیرستانها پنج جلد «بدایه‌الحکمه» و «نهایه‌الحکمه»، در فلسفه، رسائل بسیاری در «مبدا» و «معاد» و «نبوت» و «ولایت»؛ رساله‌ای در «عشق»؛ دو رساله در «ولایت و حکومت اسلامی». [۱]

صدرالحکماء المتالهین آیت‌الله الاستاد حاج سید محمدحسین معروف به علامه طباطبائی از اعظام علماء و اکابر حکماء و فلاسفه عصر حاضر بود عالمی ربانی و حکیمی سبحانی و آیتی برهانی واجد علم و کمال و جامع کمالات نفسانی و ملکات اخلاقی بود که بیش از صدها نفر از علماء قم و سایر بلاد افتخار تلمذ و شاگردی وی را دارند.

در آخر ذی‌الحجه ۱۳۲۱ قمری در تبریز متولد و در اصیل‌ترین خانواده‌های علمی آن سامان تربیت یافته و پس از رشد و خواندن مقدمات و سطوح در سال ۱۳۴۴ قمری مهاجرت به نجف نموده و از محضر اساتید بزرگ چون مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله نائینی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی در مدت ده سال استفاده کافی نموده و دروس معقولیه را از مرحوم علامه حاج سید حسین بادکوبه‌ای فرا گرفته و در فن فقاہت و حکمت و فلسفه مقام اجتهاد و استادی را حایز گشته تا در سال ۱۳۵۴ قمری مراجعت به ایران و تبریز نموده و ده سال در آنجا توقف و به تدریس فقه و حکمت و تصنیف کتب پرداخته تا در سال ۱۳۶۵ قمری که مهاجرت به مرکز علم و دانش قم را اختیار و رحل اقامت افکند.

و به تدریس معقول و منقول اشتغال یافته و فضلاء حوزه را از بیانات و تحقیقات دقیقه خود در فقه و اصول و تفسیر و حکمت بهره‌مند می‌نماید آثار قلمی ایشان که هر کدام به مورد خود گرانبهاست از این قرار است.

۱- حاشیه بر کفایه ۲- رساله در مبدء و معاد که جمع بین کتاب و سنت و عقل است ۳- تفسیرالمیزان که بیست مجلد است و تاکنون تمام آن طبع و نشر یافته است ۴- اصول فلسفه ۵- جلد به قلم امروز که ۴ جلد آن مطبوع است ۵- رساله‌ای در عشق ۶- سنن‌النبی ۷- شیعه در اسلام ۸- قرآن در اسلام فارسی و انگلیسی وارد و ترجمه و طبع شده ۹- مصاحبات با پرفسور کربن دو جلد یک جلد آن طبع شده ۱۰- وحی یا شعور مرموز ۱۱- اصول عقاید برای دبیرستانها ۵ جلد ۱۲- رساله محمد در آئین اسلام به زبان فارسی و فرانسه طبع شده ۱۳- بدایه الحکمه در فلسفه ۱۴- نهایه الحکمه در فلسفه.

۱۵- ترجمه تفسیرالمیزان معظم‌له در چهل مجلد که بیست و پنج مجلد آن تاکنون به طبع رسیده است و اکثر آن به قلم دانشمند معظم حجه‌الاسلام آقای حاج سید محمد موسوی همدانی است.

عالم.

تولد: ۱۳۱۹ (۱۲۸۱ ق.)، تبریز.

درگذشت: ۲۴ آبان ۱۳۶۰، قم.

علامه سید محمد حسین طباطبائی (قاضی)، فرزند سید محمد، در تبریز به دنیا آمد. در همان کودکی پدر (در نه سالگی) و مادر خود را در (پنج سالگی) از دست داد و از سن نه سالگی به مدت تقریبی شش سال به فراگرفتن فارسی و تعلیمات ابتدایی مشغول شد. در سال ۱۲۹۷ وارد رشته‌های علوم دینی و علوم عربیه شد و تا سال ۱۳۰۴ به قرائت متون سرگرم بود. در این سال عازم حوزه علمیه‌ی نجف گردید و در مدت ده سال تحصیل، به تدریس و تألیف اشتغال ورزید. وی در نجف به درجه اجتهاد در فقاہت نایل آمد.

در نجف در حوزه‌ی درس آیت‌الله آقا شیخ محمدحسین اصفهانی و آیت‌الله محمدحسین نائینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای به تکمیل تحصیلات خود در فقه و اصول و رجال پرداخت و فلسفه را نزد آیت‌الله سید محمدحسین بادکوبی در مدت شش سال فراگرفت. علوم غریبه (مانند جفر) و جبر و مقابله و هندسه فضایی و مسطحه و حساب استدلالی و هیئت و علوم ریاضی را در نجف نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم موسوی خوانساری تلمذ نمود.

در سال ۱۳۱۴ به زادگاه خود تبریز مراجعت کرد و علاوه بر کشاورزی، به تدریس و تصنیف کتاب پرداخت. در سال ۱۳۲۵ نیز متوجه حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و در آنجا جلسات بحث و درس خود را در رشته‌های مختلف دایر کرد که تا آخر عمر وی ادامه داشت.

پیکر علامه در آستانه حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

از تألیفات متعدد ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر المیزان (بیست جلد به عربی، چهل جلد به فارسی)؛ اصول فلسفه و رئالیسم (پنج جلد)؛ حاشیه کفایه الاصول؛ حاشیه بر کتاب اسفار ملا صدرا؛ وحی با شعور مرموز؛ شیعه در اسلام (به فارسی)؛ قرآن در اسلام (به فارسی)؛ بدایه الحکمه و نهایه الحکمه (کتاب بدایه الحکمه به ترجمه علی شیروانی هرنندی و کتاب نهایه الحکمه به ترجمه مهدی تدین منتشر شده است)؛ فراهایی از اسلام (به فارسی)؛ رسالت تشیع در دنیای امروز؛ حکومت در اسلام (به فارسی)؛ پرسش‌های اسلامی؛ اسلام و انسان معاصر؛ سنن النبی؛ کتاب سلسله انساب طباطبایی آذربایجان؛ مبداء و معاد؛ رساله الولایه؛ رساله النبوه و الامامه؛ رساله در مغالطه؛ رساله در برهان؛ رساله در تحلیل؛ رساله در ترکیب؛ رساله در اعتباریات؛ توحید شامل سه رساله (رساله توحید؛ رساله اسماء الله سبحانه؛ رساله در افعال الله)؛ کتاب الانسان (شامل سه رساله انسان قبل الدنیا؛ انسان فی الدنیا؛ انسان بعد الدنیا)؛ رساله وسائط (مجموعه این سه رساله بالا و سه رساله انسان و وسائط در یک جلد شامل هفت رساله جمع‌آوری شده است)؛ رساله در اثبات ذات؛ دو رساله در ولایت حکومت اسلامی (فارسی و عربی)؛ مصاحبه‌های سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۸ با هانری کربن مستشرق فرانسوی، رساله در اعجاز.

علامه خطوط نستعلیق و شکسته را به خوبی می‌نوشت و اشعاری عرفانی نیز می‌سرود. نمونه اشعار ایشان در صفحه ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ جلد چهارم و ۱۴۶ جلد پنجم نگین سخن تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع) به چاپ رسیده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۶۴۶-۶۴۵ / ۱۴)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۸، ص ۱۶-۱)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۲۷-۲۲۶ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲ / ۸۶۳)، مهر تابان (یادنامه و مصاحبات علامه طباطبائی تبریزی).

طبری، احسان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، شاعر، مؤلف.

تولد: ۱۲۹۵، ساری.

درگذشت: ۹ اردیبهشت ۱۳۶۸، تهران.

احسان طبری، فرزند فخر طبری ملقب به فخرالعارفین، در شش سالگی به مکتب سید عبدالمجید رفت و قرآن را تعلیم گرفت و خواندن و نوشتن آموخت. نصاب‌الصبيان و کتاب‌های جودی و جوهری را نیز خواند. در هفت سالگی به مدرسه‌ی احمدیه رفت و پس از پایان دوره‌ی ابتدایی به علت تبعید پدرش به تهران به اتفاق مادرش به آن شهر عزیمت کرد و دوره‌ی دبیرستان را هم به انجام رسانید، آنگاه به دانشکده‌ی حقوق راه یافت و فارغ‌التحصیل شد. در خلال تحصیل در دانشکده‌ی حقوق به فراگرفتن علوم ادبیه و عربیه پرداخت و در مدرسه‌ی سپهسالار نزد اساتید کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی یافت.

در سنین جوانی به سبب آشنایی با تقی ارانی به مارکسیسم گروید و در سال ۱۳۱۶ همراه با ۵۲ تن دیگر به زندان رضاشاه افتاد و همزمان با تبعید رضا شاه به جزیره موریس، از زندان‌های یافت، سپس در فعالیت‌های حزب توده شرکت داشت، مدتی سردبیری روزنامه‌ی (رهبر) به صاحب امتیازی ایرج اسکندر را در تهران به عهده داشت (۱۱ بهمن ۱۳-۱۳۲۲-۱۳۲۵)؛ پس از چندی به اراک تبعید شد و در سال ۱۳۲۵ در کنگره‌ی نویسندگان در تهران شرکت کرد. در پس‌ترور نافرجام شاه در سال ۱۳۲۷ و اعلام

غیر قانونی بودن حزب توده، در سال ۱۳۲۸ به اعدام محکوم شد، ناگزیر از ایران خارج شد و به اتحاد جماهیر شوروی گریخت و در آکادمی مسکو به تحصیل پرداخت و فارغ‌التحصیل گردید و به مقام استادی رسید، در این مدت وی در رادیو مسکو کار می‌کرد و سرانجام پس از نه سال فعالیت در این کشور به آلمان شرقی رفت و در شهر لایپزیک اقامت گزید. در برلین دوره‌ی آکادمی علوم اجتماعی را گذراندن و به دریافت مقام علمی «دکتر هانیل» در فلسفه دست یافت و سال‌ها در دانشگاه‌های آلمان به تدریس اشتغال داشت. وی با زبان‌های عربی و پهلوی و روسی و آلمانی و انگلیسی و فرانسوی و ترکی آذری و ترکی اسلامبولی آشنایی داشت و در تخصصش در زمینه‌ی تاریخ فلسفه و ادبیات بود.

در سال ۱۳۵۷ همزمان با اوج‌گیری قیام مردم و انقلاب اسلامی به ایران آمد و فعالیت‌های سیاسی خود را با بازگشایی حزب توده از سر گرفت. در سال ۱۳۶۲ بنا به تشخیص مصادر امور، فعالیت حزب توده مغایر مصالح جمهوری اسلامی شناخته و به اتفاق کادر رهبری حزب دستگیر و زندانی شد. وی در زندان به اشتباهات خود و حزب اعتراف کرد و کتاب کژراهه (خرداد ۱۳۶۶) را در این زمینه نوشت.

احسان طبری در روزهای پایانی عمر خود نیز مشغول به نگارش اثری موسوم به آورندگان اندیشه‌ی خطا بود که حاوی کنکاشی است در اندیشه‌های احمد کسروی، صادق هدایت و سید حسن تقی‌زاده اما این امر با بسته شدن کتاب عمر وی به سبب نارسایی کلیوی در سال ۱۳۶۸ به انجام نرسید و نیمه تمام ماند.

احسان طبری همچنین به داستان نویسی نیز می‌پرداخت. افسانه‌های تمثیلی وی با نثر شبه کلاسیک آن و با استفاده از اساطیر ایرانی و اروپایی در خدمت تبلیغ مرام سیاسی خاصی است. از جمله داستان‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: شکنجه و امید (۱۳۲۶)؛ مجموعه‌ای از قطعات ادبی او و در دوزخ (۱۳۲۷)؛ خدایان از بند رسته (با امضای طباطبا که ظاهراً از اوست، ۱۳۳۱)؛ حماسه‌ی گئومات (چاپ شده در کشورهای اروپایی شرقی، نمایشنامه تاریخی منظوم)؛ فرهاد چهارم (داستان، استکهلم، ۱۹۷۷)؛ خانواه برومند (داستان)؛ چشمان قهرمان باز است (مجموعه داستان)؛ پنجامه (مجموعه داستان)، چهره خانه (داستان)؛ دهه نخستین (داستان)؛ رانده ستم (داستان).

از احسان طبری سه مجموعه شعر به نام‌های از میان ریگ‌ها و الماس‌ها و دریچه پاییز و در سال ۱۳۶۰ مجموعه شعری به نام ترانه‌ی خوابگونه (مجموعه شعر نو) طبع و نشر کرد.

علاوه بر آثار فوق می‌توان به عنوان‌های دیگری نیز اشاره نمود: آنتی دورینگ (فردریک انگلس)؛ الفبای مبارزه (استکهلم، ۱۹۷۷)؛ انسان و پراتیک اجتماعی و رفتار فردی وی (در زمینه اخلاق)؛ ایران در دو سده‌ی واپسین (مجموعه‌ای از دو کتاب بنیاد آموزش انقلابی و بررسی‌ها درباره برخی از...، ۱۳۶۰)؛ برخی بررسی‌ها درباره‌ی جنبش‌ها و جهان‌بینی‌های اجتماعی در ایران (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۰، ۱۳۴۸)؛ برخی مسائل حاد انقلاب ایران؛ بررسی چند مسئله‌ی اجتماعی؛ بررسی‌های اجتماعی و تاریخی؛ بنیاد آموزش انقلابی (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۱، ۱۳۵۰)؛ جامعه ایران در دوران رضاشاه (یک تحلیل عمومی، چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۷، ۱۳۵۶)؛ جامعه و جامعه‌شناسی؛ چهره‌ی یک انسان انقلابی (برخی از مسائیل اخلاقی و انسان‌شناسی، ۱۳۶۰)؛ دانش و بینش (در زمینه عرصه‌های نوین علمی)؛ درباره منطق عمل، دو مقاله درباره‌ی تبلیغات (۱۳۶۱)؛ دو هفته در اتحاد جماهیر شوروی (با همکاری نورالدین کیانوری)؛ دوزخ شغالشاه رؤیای چینی (۱۳۲۷)؛ رد تئوری همگرایی (سیاسی)؛ زایش و تکامل تئوری انقلابی؛ فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران از آغاز تمرکز قاجار تا آستانه‌ی انقلاب مشروطیت (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۹۷۵، ۱۳۵۴)؛ سفر جادو؛ سیمای یک انقلابی؛ شناخت و سنجش مارکسیسم (۱۳۶۸)؛ شمه‌ای درباره‌ی شناخت ایران و جهان؛ گفتگو با یک روشنفکر مایوس (نمایشنامه)؛ نوشته‌های فلسفی و اجتماعی.

(۱۳۶۸-۱۲۹۵ ق)، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم و شاعر. در ساری به دنیا آمد. قبل از هفت سالگی به یادگیری علوم دینی پرداخت. دوران دبستان را در ساری گذراند. بعد از تبعید پدرش به تهران، او نیز به تهران آمد و دوره دبیرستان را به انجام رسانید، آن گاه به دانشکده حقوق رفت و فارغ‌التحصیل شد. وی در همان وقت به فراگرفتن علوم ادبی و عربی پرداخت و در مدرسه‌ی سپهسالار نزد استادان فن کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی کامل یافت. در ۱۳۱۶ ش به همراه گروه پنجاه و سه نفر یاران دکتر تقی آرانی زندانی شد. بعد از آزادی به حزب توده پیوست و از برجسته‌ترین اعضای آن حزب شد. وی به علت تبلیغات کمونیستی از جانب رژیم پهلوی به اعدام محکوم شد و ناگزیر به شوروی پناه برد و در آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن به برلین رفت و در آنجا موفق به کسب دکترای فلسفه شد و سالها در دانشگاه‌های آلمان به تدریس پرداخت. وی به زبانهای روسی، آلمانی، انگلیسی، فرانسه و ترکی تسلط کافی داشت. بع داز انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به ایران بازگشت. در ۱۳۶۲ دستگیر و زندانی شد. احسان طبری از بزرگترین نظریه‌پردازان مارکسیسم در ایران و جهان بود. از حافظه و استعداد شگرف برخوردار بود، و در زمینه‌ی شعر کلاسیک و نو و داستان و رمان و تحقیقات فلسفی و بررسیهای لغوی و فرهنگ عامیانه و مسایل سیاسی و اجتماعی اطلاعات عمیقی داشت. از آثار وی: «فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری»، «شناخت و سنجش مارکسیسم»، «خانواده برومند»، «روشنفکر مایوس»، «زایش و تکامل تئوری انقلابی»، «رانده‌ی ستم»، «دهه نخستین»، «کزراره»، «حماسه گئومات»، «از میان ریگها و الماسها»، مجموعه‌ی شعر؛ «ترانه خوابگونه»، مجموعه‌ی شعر؛ «آنتی دورینگ»، ترجمه؛ «شکنجه و امید»، «در دوزخ»، «رویای چینی».[۱]

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه: [۱] سخنوران نامی معاصر (۱۵۵-۱۴۸ / ۱)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۲، ص ۵۶)، مازندران، شرح حال رجال معاصر (۱۴۸-۱۴۷ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳۱۴-۳۱۳ / ۱).

طبسی، معین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س نهم ق)، عالم دینی و منطقی. وی از علمای قرن نهم هجری است که در ۸۹۴ ق حاشیه‌ای بر حاشیه‌ی میر سید شیخ جرجانی بر «شرح المطالع»، در منطق نگاشته است.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۷۸-۷۷ / ۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۷ / ۹)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۰ / ۶).

طوبی، ابراهیم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۷۴ ق)، حکیم، ادیب، مورخ، هیوی و شاعر، متخلص به طوبی. از منجمان و ادیبان بنام روزگار خود بود که در سخنوری توانا و در علم هیأت استاد بود. طوبی در اصفهان در گذشت و در بقعه‌ی امامزاده اسماعیل به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان»

شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۴۳)، الذریعه (۹ / ۶۵۱)، ریحانه (۴ / ۶۲).

طوسی بتارکانی، علاءالدین علی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۸۷۷ ق)، حکیم، فقیه حنفی، اصولی و مدرس. در سمرقند به دنیا آمد. علوم عقلی و نقلی را در ایران تکمیل کرد و آن گاه به روم شرقی رفت و مدتی در قسطنطنیه ساکن شد و مورد تکریم سلطان عثمانی قرار گرفت. ابتدا از طرف سلطان مرادخان به تدریس در مدرسه بروسه منصوب و پس از آن از طرف سلطان محمد فاتح تدریس مدرسه زیرک بدو تفویض شد. مدتی بعد به تبریز و از آن جا به ماوراءالنهر رفت و از تمامی مشاغل دنیوی منصرف شد و در خدمت مشایخ صوفیه پا به دایره سیر و سلوک گذاشت. طوسی در سمرقند درگذشت. برخی از شرح حال نویسان گویند که وی در خراسان یا در تبریز درگذشت. در سال وفات او نیز از ۸۶۰ ق تا ۸۸۷ اختلاف نظر وجود دارد. از آثارش: «الذخیره»، در محاکمه بین دو کتاب «تهافت الفلاسفه» غزالی و «الحکماء» ابن رشد که به خواهش سلطان عثمانی نوشت؛ حاشیه بر «التلویح» تفتازانی، در اصول؛ حواشی بر «شرح المواقف»؛ حاشیه بر شرح عضد بر «مختصر المنتهی»؛ حواشی بر «حاشیه الکشاف» سید شریف جرجانی؛ حاشیه بر «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۵ / ۱۶۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۴ / ۹۲)، ریحانه (۱۶۰-۱۵۹ / ۴)، کشف الظنون (۱۸۹۲، ۱۸۵۶، ۱۷۱۶، ۱۴۷۹، ۱۱۴۴، ۸۲۵، ۵۱۳، ۴۹۷)، لغت نامه (ذیل / علاءالدین)، معجم المؤلفین (۷ / ۱۸۵)، مؤلفین کتب چاپی (۳۰۴-۳۰۳ / ۴)، هدیه العارفین (۱ / ۷۳۷).

طوسی، محقق

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمد معروف به خواجه نصیرالدین طوسی جهرودی الاصل، شیخ حر عاملی در کتاب امل الامل می نویسد: وی مردی فاضل و ماهر و عالم و متکلم محقق در عقلیات او را کتبی است که از جمله آنها کتب زیر است ۱- کتاب «تجرید الاعتقاد» ۲- تذکره «در هیئت» ۳- تحریر کتاب اقلیدس ۴- تحریر مجسطی ۵- شرح اشارات ۶- «فصول نصیری» ۷- «فرائض نصیری» ۸- «آداب المتعلمین» ۹- رساله اسطرلاب ۱۰- رساله جواهر ۱۱- نقد المحصل ۱۲- رساله معینیه در هیئت به فارسی ۱۳- شرح آن به فارسی ۱۴- رساله خلق اعمال ۱۵- شرح ساله العلم میثم بحرانی ۱۶- اخلاق ناصری ۱۷- اوصاف الاشرف و غیر اینها، روایت می کند از او علامه حلی که در اجازه بنی زهره نوشته است این شیخ افضل اهل زمان خود در علوم عقلیه و نقلیه و از برای اوست مصنفات بسیاری در علوم حکمیه و احکام شرعیه بر مذهب امامیه وی بزرگترین کسی است که ما دیده ایم که نورانی کند خدا خوابگاه او را. من، الهیات شفای ابوعلی سینا و بعض کتاب تذکره را در هیئت که از تصانیف خود اوست نزد وی خواندم سپس درک نمود او را اجل محتوم

قدس الله روحه.

نگارنده گوید: خواجه در حمله دوم مفعول موقعی که هلاکوخان نوه چنگیز بقعه «میمون دژ» مرکز و پناهگاه اسماعیلیان واقع در الموت قزوین لشکر کشید و آنجا را تسخیر کرد از حبس آن فرقه ضاله آزاد و همراه هلاکو به بغداد آمد سپس هلاکو را بعد از قتل آخرین خلفاء بنی عباس و ابن حاجب از جنگ و تخریب بقیه بلاد اسلامی منصرف و به مراغه آذربایجان آورد و به عمران و آبادی و تشویق اهل فضل و احیای علوم عقلی تشویق نمود و خود با تأسیس رصدخانه بزرگ مراغه که آکادمی علوم عقلی و نقلی بود و با داشتن ریاست اوقاف و مقام علمی، جان مردم مسلمان خاصه علماء نامی ما را از خطر نابودی و انهدام حفظ کرد و از این راه بزرگترین خدمت را به دین اسلام و ملت ایران نمود- و حقاً خواجه یکی از بزرگترین دانشمندان جهان و نابغه عالیقدر شیعه و فیلسوف نامی اسلام است. ولادتش در طوس در ج ۱ سال ۵۹۷ ه.ق واقع و در روز عید غدیر سال ۶۷۲ در بغداد از دنیا رفت و در قسمت بالا سر حضرت امام همام باب الحوائج موسی بن جعفر علیهما السلام در مکانی که برای ناصر عباسی مهیا کرده بودند دفن شد در ماده تاریخ وفات او به فارسی گفته شده:

«نصیر ملت و دین پادشاه کشور فضل

یگانه‌ای که چه او مادر زمانه نژاد

بسال ششصد و هفتاد و دو بذی الحججه

بروز هیجدهمش درگذشت در بغداد

ابوجعفر نصیرالدین محمد بن حسن طوسی (و. ۵۹۷- ف. ۶۷۲ ه.ق) از علمای بزرگ ریاضی و نجوم و حکمت ایران در قرن هفتم و نیز از وزراء آن عصر است. مدتی در دستگاه اسماعیلیه بود و هنگام حمله‌ی هلاکوخان مغول به ایران برای نجات مسلمانان از خونریزیهای آن مرد سفاک به خدمت او درآمد و با تدابیر خاصی از خرابی شهرها و کشتار دسته‌جمعی مردم به دست هلاکو جلوگیری کرد. این دانشمند که در ضمن یکی از فقهای مذهب تشیع است هلاکوخان را به ایجاد رصدخانه در مراغه و ترتیب زیج جدیدی که بعداً به زیج ایلخانی مشهور گردید و خود تصدی این کار را برعهده گرفت تشویق کرد. گویند تمام اوقاف نیز در سراسر ممالک مفتوحه مغول در تحت نظر او بود. از خواجه تألیفات متعددی در رشته‌ی علوم ریاضی، نجوم، منطق، علوم طبیعی، حکمت الهی، و مجسطی باقی مانده است. او یکی از شارحان و مفسران کتاب «اشارات» ابوعلی سینا است. از مشهورترین تألیف‌های او در عربی شرح اشارات ابن سینا و در فارسی کتاب «اخلاق ناصری» است که در غایت نیکویی سخنان افلاطون و ارسطو را در حکمت عملی جمع کرده و آراء متقدمین را شرح و شبهات متأخرین را رد نموده است. دیگر کتاب «تجرید الکلام فی تحریر عقاید الاسلام» و این تجرید که در الهیات است طرف توجه عده‌ی کثیری از شراح و صاحبان رسائل کلامیه است و نیز «تذکره‌ی نصیری» در هیئت و «اساس الاقتباس» در منطق و «اوصاف الاشراف» در عرفان و رسالات و کتبی به زبان عربی در منطق و هیئت و هندسه از او باقی است.

(۶۷۲- ۵۹۷ ق)، دانشمند، نویسنده، منجم، فیلسوف، ریاضیدان و شاعر. ملقب به استاد البشر و عقل حادی عشر. مشهور به خواجه نصیرالدین و خواجه نصیر طوسی. اصل وی از جهروود ساوه یا قم است. در طوس به دنیا آمد و به همین علت به طوسی مشهور شد. پُرش از فقها و علمای طوس بود. نصیرالدین علوم نقلی را نزد پدر و علوم عقلی را نزد دایی خود فراگرفت. در آغاز جوانی برای تکمیل معلومات به نیشابور رفت. در آنجا به محضر فریدالدین عطار نیشابوری رسید و گویند حکمت مشاء را نزد وی آموخت. ریاضیات را از کمال‌الدین محمد حاسب و فقه را نزد معین‌الدین سالم بن بدران مصری و کمال‌الدین میثم بحرانی فراگرفت و از محضر درس دانشمندانی چون کمال‌الدین بن یونس موصلی، ابوالسعادات اصفهانی، اسعد بن عبدالقاهر اصفهانی و نجم‌الدین محقق حلّی استفاده کرد. با صدرالدین قونوی معاصر و معاشر بوده است. اعتمادالسلطنه در «مطلع الشمس»، سید غیاث‌الدین

عبدالکریم بن طاووس و قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی و جمال‌الدین حسن بن یوسف، ملقب به علامه حلّی، را از شاگردان وی می‌شمرد. او چند سال پس از واقعه‌ی حمله‌ی چنگیز، به قلاع اسماعیلیه پناه برد و به خدمت ناصرالدین عبدالرحیم بن ابی‌منصور، محتشم قهستان رسید و به خواهش او کتاب «الطهارة» ابوعلی مسکویه را به فارسی ترجمه کرد که بعدها آن را اساس تألیف «اخلاق ناصری» قرار داد. سپس به دعوت علاء‌الدین محمد، فرمانروای اسماعیلیان، به قلعه‌ی میمون دژ رفت. وی پس از غلبه‌ی هلاکو خان به قلاع اسماعیلیه در ۶۵۴ به خدمت او پیوست و همواره در ملازمت وی بود. در مورد تصمیم به ساختن رصدخانه، گویند منگوقاآن، که از پادشاهان مغول است، هنگام فرستادن هلاکو به ایران، دستور داد که خواجه نصیر را به دربار او روانه کند تا در مغولستان این رصدخانه تأسیس شود، اما هولاکو صلاح دید که این کار به امر او باشد و رصدخانه در ایران بنا شود. بعد از فتح بغداد، خواجه در ۶۵۷ ق از جانب هلاکو مأموریت یافت تا رصدخانه‌ی مراغه را ترتیب دهد. او هم جماعتی از ریاضیدانان بزرگ مانند: مؤیدالدین عرضی، از دمشق، و فخرالدین مراغی، از موصل، و فخرالدین اخلاطی، از تفلیس، و نجم‌الدین دبیران قزوینی را گرد آورد و کار احداث رصدخانه‌ی مراغه را در همان سال آغاز کرد. خواجه با این کار عالمان بزرگ زمان را که پراکنده بودند، گرد آورد و همچنین کتابخانه‌ای عظیم در محل رصدخانه مراغه احداث کرد و کتابهایی را که از بغداد، شام و الجزیره و اطراف و اکناف ایران فراهم آمده بود و به تصریح الکتبی، بیش از چهارصد هزار مجلد می‌شد، در آنجا جمع کرد. عمر خواجه از این پس در خدمات علمی گذشت. خواجه وزارت هولاکو را نیز به عهده داشت و با تقرب خود در نزد هلاکو، از قتل گروهی از بزرگان عهد خویش پیشگیری کرد. نصیرالدین یکی از بزرگترین بنیان‌گذاران کلام شیعه و پیشاهنگ بزرگ فلسفه‌ی مشاء بود. در حکمت و فلسفه بزرگترین کار او تأیید و تسجیل حکمت ابوعلی سینا است و برای این کار به شرح مشکلات «اشارات» ابوعلی سینا و اثبات مباحث آن همت گماشت. خواجه اولین دانشمندی بود که حالات ششگانه را در مثلث کروی قائم‌الزاویه بیان کرد و آن را در کتاب خود به نام «الشکل القطاع» شرح داد. وی در شانزدهمین سال تأسیس رصدخانه وفات یافت و عمل رصد و زیج ناتمام ماند. اگر چه صدرالدین، پسر بزرگ او و بعد از وی، اصیل‌الدین عهده‌دار تکمیل آن شدند، اما به تدریج رصدخانه، متروک گشت تا این زمان که تنها نامی از آن باقی مانده است. نصیرالدین در بغداد درگذشت و جنازه وی را در کاظمین به خاک سپردند. از دیگر آثار وی: «تجرید الکلام» یا «تجرید العقائد» یا «تجرید الاعتقاد» یا «تحریر العقاید»، در اصول دین؛ «زیج ایلخانی»، به فارسی؛ «اوصاف الاشراف»، در اخلاق به فارسی؛ «اساس الاقتباس»، در منطق؛ «تحریر اصول اقلیدس»، در هندسه؛ «تحریر مجسطی»، در هیئت؛ «تذکره‌ی نصیری»، در هیئت؛ شرح «اشارات» ابوعلی سینا؛ «سی فصل»، در نجوم؛ «رساله فی اثبات الفرقه الناجیه»، «رساله فی حصر الحق بمقاله الامامیه»، به فارسی؛ «الاتنی عشریه»؛ «تحریر اکرمانالوس» یا «تحریر کتاب مانالوس فی الاشکال الکرویّه»؛ «تجرید المنطق»؛ «البارع فی التوفیم و احکام النجوم»؛ «آداب المتعلمین»؛ «التجرید فی الهندسه»؛ «معیار الاشعار»، در عروض فارسی؛ «زبدۀ الادراک فی هیئت الافلاک»؛ «جامع الحساب فی التخت والتراب» یا «جوامع الحساب بالتخت والتراب»؛ «ظواهر الفلک»؛ «بیست باب»، در معرفت اسطرلاب؛ «دیوان» شعر. به قول صاحب «زندگینامه‌ی ریاضیدانان دوره‌ی اسلامی»، بروکلیمان فهرست پنجاه و نه عنوان و سارتن فهرست شصت و چهار عنوان از آثار نصیرالدین را آورده و آنها را به

چندین رشته‌ی مختلف تقسیم کرده‌اند. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: الاعلام (۲۵۸- ۲۵۷/۷)، اعیان‌الشیعه (۴۲۰- ۴۱۴/۹)، ایضاح‌المکنون (۳۵۳- ۳۵۲/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۵- ۱۱۹۸، ۲۷۱، ۲۵۷- ۲۵۴، ۲۳۱- ۲۲۹/۳)، تاریخ علوم عقلی (صفحات متعدد)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۴۱- ۴۱۷)، تاریخ گزیده (۷۰۶- ۷۰۵)، تاریخ نجوم اسلامی (۲۴۶، ۵۲، ۴۷، ۴۵)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۴۶۷- ۴۶۵)، دائرة‌المعارف بستانی (۳۵۹/۱۱)، دائرة‌المعارف فارسی (۳۰۳۳/۲)، الذریعه (۲۶۵/۱۳، ۱۱۹۹- ۱۱۹۸، ۹۸۹، ۶۵۱، ۳۰۶/۹، ۳۵۳- ۳۵۲/۳، ۸، ۶- ۵/۲،

۱/۲۶)، روضات الجنات (۲۹۷-۲۷۸/۶)، ریاض العارفين (۲۳۵-۲۳۴)، ریاض العلماء (۱۶۴-۱۵۹/۵)، ریحانه (۱۸۲-۱۷۱/۲)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۵۰۶-۴۸۶)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۵۷-۳۴۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۰-۱۶۸/۷)، العبر (۳/۳۲۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۹-۵۰۷)، فرهنگ سخنوران (۹۳۷)، فلاسفه‌ی شیعه (۵۲۳-۴۹۰)، فوات الوفيات (۲۵۲-۲۴۶/۳)، فواید الرضویه (۶۱۲-۶۰۲)، کشف الظنون (۱۶۴۴، ۱۴۳۶، ۹۶۹، ۹۵۰، ۳۹۱، ۳۵۷، ۳۵۲-۳۵۱، ۳۴۶-۳۴۵، ۱۴۲، ۱۳۹)، الکنی واللقاب (۲۵۲-۲۵۰/۳)، لغت نامه (ذیل/ نصیرالدین طوسی)، مجالس المؤمنین (۲۱۰-۲۰۱/۲)، مجمع الفصحا (۱۴۰۷-۱۴۰۶/۳)، مطلع الشمس (۲۳۱-۲۱۹/۱)، معجم المؤلفین (۲۰۸-۲۰۷/۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۴-۷۳۰/۵)، نتایج الافکار (۷۰۹-۷۰۸)، الوافی بالوفیات (۱۸۳-۱۷۹/۱)، هدیه‌الاحباب (۱۹۶-۱۹۵)، هدیه‌العارفین (۱۳۱/۲).

طیب نیا، محمد صالح

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد صالح طیب نیا

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۶/۶/۸

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۴ در رشته مهندسی آبیاری در دانشگاه صنعتی اصفهان پذیرفته شدم. از همان زمان علاقه زیادی به علوم اسلامی بویژه مباحث کلامی و اعتقادی داشتم. در دوران تحصیل کتب شهید مطهری و برخی از کتب فلسفی را مطالعه می کردم. در همین ایام در محضر یکی از اساتید مبرز حوزه علمیه المنوق منظومه سبزواری و سپس نهاییه الحکمه را گذراندم. در اواخر سال ۱۳۷۷ همزمان با تحصیل در دانشگاه دروس حوزوی را نیز شروع نمودم و تا سال ۱۳۷۹ نیز به تحصیل در دروس حوزوی ادامه دادم. (در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه فارغ التحصیل گشتم).

بخاطر علاقه ایجاد شده به فلسفه در سال ۱۳۸۱ در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه قم پذیرفته شدم. علیرغم آنکه رشته کارشناسی بنده علوم انسانی نبود اما دانشجوی ممتاز و رتبه اول گروه بودم و در سال ۱۳۸۳ با معدل ۹۸/۱۸ فارغ التحصیل شدم. موضوع پایان نامه؛ خدا در آینه خود آگاهی بود که در واقع تبیین فلسفی و دینی از روایت شریف (من عرف نفسه فقد عرف ربه) بحساب می آید.

بلافاصله بعد از فارغ التحصیلی، تدریس دروس معارف اسلامی را آغاز کردم و با اخذ مجوزهای لازم به تدریس در دانشگاه جامع علمی - کاربردی و سپس آزاد نجف آباد پرداختم و سرانجام در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه صنعتی اصفهان به عنوان هیأت علمی گروه معارف مشغول شدم.

در سال ۱۳۸۳ به همت برخی از اساتید دانشگاه اصفهان و سایر دوستان، مرکز مطالعات و تحقیقات حیات طیبه را راه اندازی نمودیم که تا پایان سال ۱۳۸۴ مدیریت مجموعه را بر عهده داشتم.

ظهیر همدانی، میرزا سید ابراهیم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۰۲۶ ق)، عالم امامی، متکلم، حکیم متأله، ادیب و شاعر. پدرش میرزا قوام‌الدین حسین در عهد شاه طهماسب در همدان عهده‌دار منصب قضاوت و متصدی امور شرع بود، بدین جهت میرزا ابراهیم به قاضی‌زاده نیز مشهور است. وی به همراه پدرش مدتی در قزوین بود لذا توانست در محضر میر فخرالدین سماکی تلمذ کند و علوم عقلی را فراگیرد. چون به همراه پدر به اصفهان رفت، شاگرد میرزا مخدوم اصفهانی شد. وی تحصیلات را در فقه و ادب و حکمت و کلام و بلاغت ادامه داد تا سرآمد شد. مراتب علمی او با زهد و تقوی توأم بود. حدیث را از شیخ بهائی فراگرفت و از او اجازه‌ی روایت دریافت کرد. در سفری که به مکه رفت با شیخ محمد بن احمد دریافت کرد. در سفری که به مکه رفت با شیخ محمد بن احمد بن احمد بن نعمت‌الله عاملی ملاقات کرد و از او نیز اجازه‌ی روایت دریافت کرد. او بعد از وفات پدر قاضی همدان شد، لیکن اکثر اوقات خود را در درس و مطالعه و مباحثه می‌گذراند. شیخ بهایی او را بر میرداماد ترجیح می‌داد و مکاتباتی بین آن دو جریان داشت. ظهیر همدانی از دانشمندان بزرگ عصر خود بود و جمع کثیری از علمای زمان از محضر وی استفاده کردند. مجلسی اول، علامه ملا محمد تقی، از وی اجازه‌ی روایت گرفت. او تألیفات و تصنیفات بسیار دارد که از آن جمله است: رساله‌ی «اثبات الواجب»؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ «انموذجه الابراهیمیه»، تلخیصات بر دو کتاب «شفا» و «نجاه» ابن سینا؛ حاشیه بر «شرح اشارات» خواجه نصیر؛ حاشیه بر «شرح جدید تجرید»؛ حاشیه بر «کشاف».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۹ / ۱)، اعیان الشیعه (۱۲۹-۱۲۸ / ۲)، بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲۱۳-۲۰۹ / ۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۴)، الذریعه (۱۱۳، ۱۱۰، ۱۱، ۶ / ۴۰۹، ۲)، روضات الجنات (۴۳-۴۲ / ۱)، ریاض العلماء (۱۳-۹ / ۱)، ریحانه (۷۴-۷۳ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴-۱۲ / ۱۱)، فوائد الرضویه (۵)، الکنی و الالقاب (۵۱-۵۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابراهیم)، معجم المؤلفین (۲۳ / ۱)، هدیه العارفین (۲۹ / ۱).

عامری

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسن محمد بن یوسف نیشابوری حکیم معروف ایرانی (ف. نیشابور ۳۸۱ ه.ق. / ۹۹۱ م.). وی شاگرد ابوزید احمد بن سهل بلخی و استاد ابوعلی احمد ابن محمد مسکویه و معاصر ابوحنان توحیدی است. عامری در خراسان حکمت آموخت و سپس به خدمت ابن العمید رسید و در صحبت او به سال ۳۶۴ ه.ق. به بغداد رفت و پنج سال هم در ری اقامت گزید و در این مدت ابوعلی مسکویه در مجلس درس او حاضر میشد ولی به گفته ابوحنان توحیدی کلمه‌ای از او استفاده نکرده. وی شارح فلسفه ارسطوست و کتابهای الابصار و المبصر و النسک العقلی از اوست.

بر گرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عامری نیشابوری، ابوالحسن محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۳۸۱ ق)، فیلسوف، در نیشابور متولد شد و برای کسب دانش به اکثر بلاد اسلامی مسافرت کرد، و با دانشمندان بزرگی مانند ابن عمید، ابوالحسن عتبی، ابوسعید سیرافی، ابوسلیمان منطقی سجستانی، ابوحنیف توحیدی و ابن مسکویه مصاحبت و مباحثه داشت و از هر خرمی توشه‌یی اندوخت. استاد او در حکمت ابوزید بلخی بود. مدتی به صوفیه دل داد و با آنان محشور شد. وی معاصر ابوعلی سینا بود و با او مکاتباتی نیز داشت، چنانکه یکی از تصنیفات ابوعلی جواب «اسئله عامری» است. آگاهی ما از زندگی خصوصی عامری بسیار اندک است و لیکن می‌توان گفت که چون مردی تندخو بود و در بیان عقاید فیلسوفان جسور و دلیر، عده‌ای قصد خون او کرده بودند، لذا، بر جان خود هراسان بود، و پیوسته سفر می‌کرد از تألیفات او: «الابصار والمبصر»، درباره‌ی دیدن و بینایی؛ «الاعلام بمناقب الاسلام» در ۲۸ صفحه؛ «الأمد الی الأبد»، در تاریخ فلسفه؛ «انقاذ البشر من الجبر والقدر»؛ «التقریر لأوجه التقدير»؛ «فرخ‌نامه‌ی یونان دستور»، شامل اندرزهای یونان دستور است به کسری انوشیروان ساسانی؛ «السعادة والاسعاد»، که مهمترین و شاید بزرگ‌ترین اثر عامر است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۲/۸)، الامتاع والمؤانسه (۸۴/۲)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۱۴۲-۱۳۱)، دایره‌المعارف فارسی (۲۴/۱)، کشف الظنون (۱۶۸)، لغت‌نامه (ذیل / ابوالحسن عامری)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۱۲۷).

عبادی، جلیل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جلیل عبادی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه تبریز شدم پس از تحصیل مقدمات مشغول تحصیل در شرح لمعه شدم در عین تحصیل از تدریس مقدمات شروع کرده و به تدریج به تدریس‌های خود اضافه نمودم بعد از چهار سال به مدرسه باهنر در تهران رفتم در آن مدرسه ضمن تحصیل مشغول تدریس صرف و نحو بودم بعد از یک سال و اندی جهت ادامه تحصیل وارد قم شدم در قم بعد از اتمام سطح وارد درس خارج شدم و در ضمن تحصیل سطوح، کتاب اصول فقه، شرح لمعه و صرف میر و صمدیه و کتابهای دیگر ادبیات را تدریس نموده و هم اکنون تدریس در فقه و اصول و ادبیات ادامه دارد. پس از شروع جنگ توفیق حضور در جبهات

جنگ نصیب ما شد و در اثر اصابت ترکش حدود یک سال و نیم در خانه و بیمارستان بستری بودم. بعد از بهبودی نسبی و خاتمه جنگ تحمیلی از نهادهای مختلف جهت همکاری و کارهای اجرائی و تبلیغی دعوت شدم و لکن اینجانب تحقیق و تدریس در حوزه را به همه مناصب و کارهای دیگر ترجیح دادم و مشغول تحصیل و تدریس و تالیف شدم و حاصل کوشش‌های فراوان در طی این مدت تدریس در مقاطع مختلف و همچنین تالیف بعضی از کتابها می‌باشد. از جمله: شرح اسقحاب رسائل شیخ انصاری که تقریباً کامل شده است، شرح تعادل و تراجیع کتاب جرائد الاصول شیخ الانصاری و شرح مباحث الفاظ کتاب کفایه الاصول می‌باشد با اینکه اینجانب سعی داشتم که محور فعالیت حوزه باشد و لکن در سالهای اخیر با بعضی از مراکز دانشگاهها نیز همکاری می‌کنم و وقتی وارد محیط دانشگاه شدم احساس نمودم به کتابهای درسی عقاید نیاز دارند و کتابهای حاضر جوابگوی نیاز آنها نمی‌باشد به این جهت تصمیم گرفتم کتابهای درسی برای دانشگاهها تالیف نمایم و بحمدالله این کتابها در دست تالیف است و لکن هنوز مقداری از مباحث آنها ناقص است. از جمله این کتابها می‌توان اندیشه اسلامی جلد یک و اندیشه اسلامی جلد دو نام برد و هم‌اکنون تدریس در حوزه و دانشگاه برقرار است و امیدوارم خداوند خودش ما را در جهت خدمت به فرهنگ اسلامی یاری کند و آخرین کلام حمد خداوند می‌باشد.

عباسی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی عباسی

محل تولد: سربند اراک

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علی عباسی در سال ۱۳۶۱ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه اراک شدم. مدت یک سال در اراک تحصیل نمودم و در سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم. دوره سطح را در سال ۱۳۷۰ به پایان رساندم. از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۱ به مدت ۱۱ سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات وحید خراسانی، تبریزی، فاضل لنکرانی و هاشمی شاهرودی شرکت نمودم. در سال ۱۳۶۷ همزمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته فیزیک در دانشگاه تهران پرداختم و در سال ۱۳۷۱ مدرک کارشناسی فیزیک با گرایش اتمی دریافت نمودم. از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ نیز دوره کارشناسی ارشد فیزیک را در رشته فیزیک ذرات بنیادی در دانشگاه تربیت معلم تهران گذراندم. از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۳ دوره دکترای فلسفه تطبیقی را در واحد تربیت مدرس دانشگاه قم طی نمودم و در حال حاضر رساله دکترای خود را تحت عنوان ماده در فلسفه و فیزیک زیر نظر آقایان دکتر اعوانی و دکتر گلشنی، آماده دفاع کردم. در سالیان آغازین طلبگی به تدریس ادبیات و منطق و فقه و اصول اشتغال داشتم. اکنون عمده فعالیت علمی من تدریس مباحث فلسفی و کلامی در مراکز و مدارس حوزه است. تدریس فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، تاریخ فلسفه غرب، کلام اسلامی، کلام جدید، انسان شناسی، معرفت شناسی، شبهات کلامی در مرکز جهانی علوم اسلامی، موسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی (ره) ، مرکز تخصصی تبلیغ و برخی مراکز دیگر از این جمله است . از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۰ به پژوهش در مباحث حدیثی در مؤسسه دارالحدیث اشتغال داشتم . حاصل این دوره ، جمع آوری و تدوین و بیان نگاری بیش از ۵۰ کلاسور است که در مباحث مختلف به ویژه مباحث کلامی در دارالحدیث آماده نشر است . گمان می کنم مجموعه " العمل فی الکتاب و السنه " به تنهایی بیش از ۵ مجلد خواهد شد . از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ نیز همکاری پژوهشی نیمه وقتی با پژوهشکده حوزه و دانشگاه داشتم . در سالهای اخیر راهنمایی و مشاوره و داوری پایان نامه های متعددی را در حوزه علمیه قم و مرکز جهانی علوم اسلامی و مؤسسه امام خمینی (ره) و دانشگاه مفید بر عهده داشته ام که تعداد آنها متجاوز از ۴۰ مورد است . از سال ۱۳۸۱ در مرکز جهانی علوم اسلامی معاونت پژوهشی این مرکز و مدیریت گروه فلسفه و کلام را نیز بر عهده دارم . یکی از محصولات معاونت پژوهش نشریه اطلاع رسانی پژوهش است که اینجانب به عنوان مدیر مسئول و عضو شورای علمی آن فعالیت دارم . مسئولیت گروه حکمت فاطمی دانشنامه حضرت زهرا (س) که پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه در حال تدوین آن است نیز بر عهده اینجانب است .

عبدالله آبادی، سلیمان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سلیمان عبدالله آبادی

محل تولد : قزوین

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۲ وارد حوزه علمیه قزوین شدم و نزدیک به دو سال که در آن حوزه بودم علم صرف و نحو را آموختم و در سال ۱۳۵۴ به حوزه علمیه قم آمدم و دروس سطح را نزد اساتیدی چون استاد باکویی استاد لمعه و مرحوم عرفانیان (اصول فقه) و اعتمادی (رسائل) و مرحوم ستوده (مکاسب و کفایه) و ممدوحی (بدایه الحکمه) و انصاری شیرازی (شرح منظومه) فرا گرفتم و در حدود سال ۶۳ وارد درس خارج فقه و اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی شدم و در حدود ۱۵ سال به درس خارج ایشان رفتم و در کنار درس کتاب اسفار و بعد از آن کتاب تمهید القواعد و مصباح الانس را نزد استاد انصاری شیرازی فرا گرفتم . در سال ۱۳۷۶ رسماً وارد حوزه تحقیقات شدم که تحقیقات انجام شده را در بخش وضعیت آثار پژوهشی توضیح خواهم داد . لازم به تذکر است که در کنار خواندن دروس تدریس هم داشتم ، کتاب هایی که تدریس کردم عبارتند از صرف ساده (دو دوره) خلاصه المنطق (دو دوره) منطق مظفر (یک دوره) بدایه الحکمه (پنج دوره) اصول استنباط (یک دوره) روش تحقیق (یک دوره) و همچنین در ایام تبلیغ به مناطق مختلف کشور برای تبلیغ می رفتم و هم اکنون ۱۰ سال است که پشت سر هم از طرف نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه ها در ایام تبلیغ به دانشگاه می روم .

عبداللهی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد علی عبداللهی

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ در نیشابور به دنیا آمدم در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه نیشابور شدم و در سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه مشهد رفتم پس از فراگیری ادبیات عرب، معانی و بیان، منطق و مقداری اصول و فقه در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم در سال ۱۳۶۷ پس از اتمام سطح به درس خارج فقه و اصول راه یافتم و به مدت ۸ سال پیوسته از درس اصول آیت الله وحید خراسانی و فقه آیت الله جوادی تبریزی استفاده کردم. همزمان با تحصیل فقه و اصول در مقطع سطح به تحصیل فلسفه اسلامی پرداختم، کتابهای بدایه، نهاییه و منظومه را درس گرفتم و جلد اول اسفار را نزد آیت الله جوادی آملی خواندم. در سال ۱۳۷۱ از طریق آزمون سراسری وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته فلسفه غرب به تحصیل پرداختم در سال ۱۳۷۷ کارشناسی ارشد فلسفه غرب را از دانشگاه تهران اخذ کردم و بلافاصله وارد دوره دکتری شدم و اکنون در رشته فلسفه غرب در دانشگاه تهران مشغول نوشتن پایان نامه دکتری هستم

عبری فرغانی، برهان‌الدین عبدالله

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۴۳ ق)، متکلم، حکیم، فقیه و قاضی شافعی. در تبریز به دنیا آمد. وی قاضی تبریز بود. چند بار به بغداد سفر کرد و در همان شهر نیز درگذشت. از آثارش شرح اکثر آثار و مصنفات بیضاوی از جمله: «المنهاج الوصول الی علم الاصول» و «الغایه القصوی فی درایه الفتوی» و «المصباح الارواح» و «طوالع الانوار» است. از دیگر آثار وی: «الایضاح»، در کلام؛ «معتمد الخلائق فی علم الوثائق»؛ «شرح المصباح» مطرزی، در نحو.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۷۱ / ۴)، ایضاح المکنون (۵۰۸ / ۲)، کشف الظنون (۱۸۷۹، ۱۷۳۲، ۱۷۰۹، ۱۷۰۴، ۱۱۹۲، ۱۱۱۶، ۲۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۶ / ۶).

عبودیت، عبدالرسول

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالرسول عبودیت

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱/۱

زندگینامه علمی

عبدالرسول عبودیت در سال ۱۳۳۳ در شهر اصفهان به دنیا آمد، او پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه در اصفهان سال ۱۳۵۲ در دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شد، در سال ۱۳۵۸ فارغ التحصیل گردید، آنگاه سالهای ۵۸ و ۵۹ را در اصفهان به خواندن ادبیات و فقه و اصول گذراند در سال ۱۳۵۹ وارد حوزه علمیه قم شد و به ادامه تحصیل در فقه و اصول مشغول شد، در کنار دروس فقه و اصول به یاد گیری فلسفه در موسسه در راه حق همت گماشت و پس از چند سال شرکت در دروس خارج آیات عظام بهجت، تبریزی، منتظری و مدت کمی آقای وحید و آقای فاضل لنکرانی به طور تخصصی به فلسفه مشغول گردید.

عسگری

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عسگری مشهور به (آقابزرگ حکیم) فرزند میرزا ذبیح‌الله بن میرزا مهدی شهید از حکماء و متالیهین عصر حاضر و از رجال پاکدامن و وارسته خراسان و از کسانی بود که در وارستگی و جلالت کمتر عالمی به پایه او می‌رسد. آقای مروج در سوانح گوید. وی در مشهد از محضر شیخ موسی منطقی و حاج میرزا شفتی و میرزا محمد خادم‌باشی و در تهران از حکیم شهیر میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا ابراهیم گیلانی و در نجف سالیانی از محضر اخوند خراسانی بهره‌مند شده پس از آن به مشهد مقدس بازگشته و متجاوز از ۲۳ سال به تدریس خارج شرح لمعه و شرح قوشچی و اشارات و شوارق و شرح منظومه و اسفار و امثال اینها می‌پرداخته.

و هم اکنون عده از شاگردان دانشمند او در قید حیوه و نمونه‌های بارز اویند معظم‌له در شب ۲۹ جمادی‌الثانیه سال ۱۳۵۵ وفات یافته و حسب‌الوصیه در دامنه شرقی کوه سنگی که هم‌اکنون مزار اهل صفا هست مدفون شده است.

فرزند ارجمندش آقا میرزا مهدی از کبار افاضل عصر بوده و محافل علمی به وجود این نوباوه بوستان آل عصمت مزین و مفتخر بودند ولی صد حیف که دیر نپائید و زود محافل علمی را داغدار کرد هنوز هم افاضل خراسان از رحلت وی متأثراند.

وی یک سال پیش از وفات پدرش در ۱۳ رجب سال ۱۳۵۴ درگذشت و قلب پدر پیرش را به رحلت خود داغدار ساخت.

فروع و اصول و در خراسان مرجعیت و ریاست تامه داشته و دارای کرامات باهرات بوده و از آن جمله معروفست که چون در شبها و صحرها به زیارت آستان قدس رضوی علیه‌الصلوه والسلام مشرف می‌شدند درب روضه مطهره از برای او مفتوح می‌گردید.

و نیز می‌گویند که در نیمه شب خود به نفسه برای ارامل و ایتم حمل مایحتاج از نان و غیره می‌نمود.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

عشاقی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین عشاقی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۵/۸ زندگینامه علمی

از حدود سال ۱۳۴۷ همراه با گذراندن دوره دبیرستان وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و در آنجا حدود سه سال به ادبیات و سپس تا پیروزی انقلاب به سطوح پایه در منطق، فقه، اصول و کلام و بعد از آن تا سال ۶۴ به سطوح عالی اصول فلسفه و فقه مشغول بوده ام در سال ۶۴ برای تکمیل تحصیلات مخصوصاً فراگیری عرفان به حوزه علمیه قم هجرت نمودم و در نزد اساتیدی همچون آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی، وحید خراسانی، تبریزی، و شاه آبادی ادامه تحصیل داده و حدود ۹ سال در درس خارج فقه و اصول آن بزرگان شرکت نمودم. علاوه بر تحص

یلاست بخش عمده و قتم به تدریس سطوح مختلف مخصوصاً علوم عقلی صرف شده است و کتب رایج حوزه را همچون نهاییه الحکمه، شرح منظومه، شرح اشارات، شوارق الالهام را به طور مکرر و غیر مکرر تدریس نمودم و اینک چند سالی است به تدریس در سطوح عالی فلسفه و عرفان مشغولم. در مراکز تحقیقاتی نیز همکاری علمی داشته ام مثل استخراج محتوای متون فلسفی جهت کامپیوتری کردن آنها، و اصطلاح یابی و مقاله نویسی جهت دائرة المعارف علوم عقلی و غیره

عصار لواسانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۶ / ۱۳۵۵ - ۱۲۶۴ ق)، فقیه اصولی، مفسر، حکیم و شاعر، متخلص به عصار. در ابتدا آشفته تخلص می کرد و سپس عصار را برگزید و لقب شعری او نظام بود. اصل وی از مازندران و ساکن لواسان تهران بود. پس از فراگیری سطوح و خارج فقه، در تهران، در ۱۲۸۹ ق، به عراق رفت و از آن جا سفری به مکه نمود و در بازگشت، در ۱۲۹۶ ق، به سامراء مهاجرت کرد و تا ۱۳۰۱ ق در آن جا ماند و در این سال به تهران بازگشت. در اواخر عمر، در ۱۳۴۰ ق، به مشهد مهاجرت کرد و در همان جا ساکن شد. او با کهلوت سن و از دست دادن یک چشم و کمی دید چشم دیگر، غالباً به تألیف اشتغال داشت. عصار در مشهد درگذشت و در ایوان صحن رضوی دفن شد. از آثار وی: «التأملیات»، در بیان وجه تأملات «مکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه‌ی «القواعد الکلیه الاصولیه و الفرعیه»، شهید اول؛ حاشیه‌ی «کشف الریبه فی احکام الغیبه» شهید ثانی؛ «فقاهاه الرضویه»، فقه استدلالی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «کشف الفوائد» علامه حلّی، در شرح «قواعد العقائد» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «ناسخ التفاسیر»، در تفسیر فارسی، در سه مجلد که قسمتی از آن به خط شاگردش میرزا احمد بن صالح بادکوبه‌ای است؛ «رساله‌ی رجالیه»؛ «توحید کمالی»؛ «اخلاق کمالی»؛

«الحجج الرضویه فی تأیید الهدایه المهدویه و الرد علی البایه»، به فارسی؛ «المواهب الرضویه فی رفیع الشبهات المقوله و المنویه»، در نبوت خصاه و در جواب تشکیکات مسیحیان، بایان، بهائیان و قادیانیان، به فارسی؛ «آداب السلوک للرعیه و الملوک»، منظوم، به فارسی؛ «التحفه المدنیه»، در عروض جامع بین عربی و فارسی و قافیه عربی و قافیه فارسی، که در ۱۲۹۰ ق در مدینه تألیف کرد؛ «بیان الغیب»، دیوان شعر، در استقبال از «دیوان» خواجه حافظ؛ «لسان الغیب»؛ «نیاح الغیب»؛ «دیوان عصار»؛ «منظومه‌ی خیر الرسائل» یا شرح «دیوان گلشن راز».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷ / ۳۱۲)، اعیان الشیعه (۵۵ / ۱۰)، الذریعه (۵ / ۲۴، ۲۳۹، ۱۱۵، ۲۳ / ۳۰۹، ۱۸ / ۲۷۰، ۱۳ / ۱۰۰۰، ۷۲۴ / ۹، ۱۸۶، ۱۷۳، ۶ / ۴۸۵، ۴ / ۴۶۸، ۳۰۲، ۱۸۳، ۳ / ۳۷۷-۳۷۶، ۲۰ / ۱)، ریحانه (۱۴۰ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۶۳۷)، معجم المؤلفین (۳۱۸ / ۱۱)، مکارم الآثار (۱۷۶۶-۱۷۶۵ / ۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۸-۵۹۶ / ۵).

علوی سبزواری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۳ / ۱۳۵۲-۱۲۶۸ ق)، فقیه، محدث، حکیم، متکلم و شاعر. در هفده سالگی با اجازه حاج ملا هادی سبزواری در مجلس درس آن حکیم حاضر شد و کتاب «اسفار» را نزد آن استاد تحصیل نمود. آن گاه به عراق رفت و در محضر درس فاضل اردکانی و میرزای شیرازی حضور یافت. بعد از وفات جلوه چند ماهی در مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس ریاضی و حکمت پرداخت. پس از آن به سبزواری بازگشت و در آن شهر مرجعیت و ریاستی تمام یافت. به او در قبال حاج میرزا حسین سبزواری، میرزا حسین کبیر لقب دادند. آیت‌الله نجفی مرعشی از وی دارای اجازه بود. سید عبدالله برهان المحققین سبزواری و حاج میرزا علی اکبر نوقانی از شاگردان وی بودند. در سبزواری درگذشت و در مقبره‌ی استادش دفن شد. از آثار وی: «الارجوزه فی الفلسفه العالیه»؛ حاشیه بر «فرائد» شیخ انصاری؛ «کتاب الطهاره»؛ «کتاب الصوم»؛ «کتاب النذر»؛ «مشکاه الضیاء»، در بداء؛ تفسیر «آیه الخلافه»: (انی جاعل فی لارض خلیفه...).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۵۶ / ۶، ۴۹۱ / ۱)، ریحانه (۱۹۱ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۰-۵۶۹ / ۱۴)، المآثر و الآثار (۱۷۲)، مکارم الآثار (۱۸۹۷-۱۸۹۶ / ۶).

علوی گنابادی، سلمان

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید سلمان علوی گنابادی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۸/۱۰/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۵۸

ورود به حوزه علمیه ۱۳۷۳

پس از آشنایی با انجمن شعر و قصه قم مطالعات ادبی من جلوه جدی تری به خود گرفت. و از آن پس در محافل ادبی سراسر کشور و سمینارها و همایش های شعر دعوت شدم و در کنار استاد بزرگ خودم جناب زکریا اخلاقی به عنوان شاعران حوزوی سعی بر این داشتیم که رسالت حوزوی خویش را از رهگذر شعر و ادبیات در محافل جوان انجام دهیم. در سال ۸۴-۸۵ خدمت مقام معظم رهبری شرفیاب شدم و به فضل الهی اثری که نزد ایشان ارائه شد مورد تحسین و تأیید معظم له قرار گرفت.

گرچه تا کنون کتاب مستقلی از بنده به چاپ نرسیده لکن در نشریات، و کتاب هایی که گردآوری شده آثار شاعران است، اشعار و مقالات زیادی تا کنون از بنده به چاپ رسیده است.

پس از ورود بنده به مؤسسه امام خمینی (ره) مطالعات من شکل دیگری به خود گرفت و بیشتر در حوزه فلسفه و کلام متمرکز شدم. بالطبع فعالیت های ادبی نیز کژدار و مریض ادامه دارد لکن از سال ۸۱ (ورود به مؤسسه) تحقیقاتم را در زمینه فلسفه و کلام جدی تری گیری کردم لکن این فعالیت ها و تحقیقات بیشتر جنبه های شخصی داشته که تا کنون در صدد انتشار آنها نبوده ام. گاهی نیز تحقیقاتی - نه در این دو حوزه - داشته ام که آن نیز جنبه شخصی دارد و در صدد چاپ و انتشارش نبوده ام مثل جایگاه شرکت QI در جوامع بین المللی.

علوی نیا، سهراب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سهراب علوی نیا در سال ۱۳۲۲ در کاشان به دنیا آمد. وی ابتدا تحصیلات عالی خود را در رشته فنی دنبال کرد ولی دکترای خود را در رشته فلسفه تحلیلی با دریافت بورس از وزارت علوم از دانشگاه ویلز در بریتانیا اخذ کرد. دکتر علوی نیا تز دکترای خود را درباره پایگاه معرفت شناختی قضایای ریاضی تدوین کرد. مطالعات ایشان بطور تخصصی آراء و نظریه های ویتگنشتاین را در بر می گیرد. وی به مطالعه روی نظریه مجموعه ها و طبیعت شناسی نظریه ای مجموعه ای علاقه مند است و به کار کردن در فلسفه ریاضی و فیزیک تمایل دارد. وی در مرداد ماه سال ۱۳۸۷ بدرود حیات گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

گرایش: فلسفه تحلیلی

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سهراب علوی نیا در کاشان و در رشته ریاضی دیپلم گرفت و بعد به دانشکده فنی دانشگاه تهران راه

یافت و در سال ۱۳۴۶ با درجه فوق لیسانس در رشته مهندسی شیمی فارغ التحصیل شد. پس از آن که به عضویت هیات علمی دانشگاه تبریز در آمد با بورس وزارت علوم در ۱۳۴۹ به دانشگاه کارل پراگ رفت. اقامت وی در آنجا طولی نکشید و به علت گرفتاریهای شخصی به ایران بازگشت. علوی نیا در سال ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل به دانشگاه لندن رفت و در بدفورد کالج آن دانشگاه امتحانات ورودی دوره تحصیلات تکمیلی (qualifying Course) را با موفقیت گذراند. علوی نیا دکترای فلسفه تحلیلی خود را با بورس وزارت علوم از دانشگاه ویلز در بریتانیا گرفت.

خاطرات و وقایع تحصیل: سهراب علوی نیا در مدتی که برای ادامه تحصیلات در لندن اقامت داشت، به رشته شیمی و شغل مهندسی تمایلی نداشت. تا این که با آشنایی با عرفای اسلام، به گم شده خود رسید. شغل مورد علاقه اش معلمی و رشته مورد نظرش را فلسفه یافت.

استادان و مربیان: سهراب علوی نیا در لندن دانشجو و شاگرد هاورد ماونس بود که خود شاگرد رش ریس (Rush Rhess) دوست و شاگرد وینگشاین بوده است.

زمان و علت فوت: حضور دکتر علوی نیا در انجمن حکمت و فلسفه و گروه فلسفه شهید بهشتی به عنوان استادی فاضل و خوش برخورد و با اخلاق، حضوری فراموش نشدنی است. وی در مردادماه سال ۱۳۸۷ بدرود حیات گفت روحش شاد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سهراب علوی نیا در سال ۱۳۴۶ پس از کسب مرتبه کارشناسی ارشد در رشته مهندس شیمی به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز پذیرفته شد. در اسفند ۱۳۴۹ با بورس وزارت علوم به دانشگاه کارل پراگ راه یافت اما به علت گرفتاریهای شخصی به ایران بازگشت و در کنسرسیوم سابق نفت و سپس پتروشیمی ایران- ژاپن تا سال ۱۳۵۳ که برای ادامه تحصیل به دانشگاه لندن رفت، مشغول به کار شد.

فعالیت‌های آموزشی: وی دکترای فلسفه ریاضی خود را از دانشگاه ویلز انگلستان اخذ کرده بود. مین امر باعث شده بود مرحوم علوی نیا به خوبی در حوزه فلسفه علم و فلسفه تحلیلی نسبت‌های خاصی برقرار کند و این در نحوه تدریس و نگاه ایشان به فلسفه تحلیلی قابل مشاهده است. او همچنین به همین خاطر در دانشگاه‌های شریف و امیرکبیر مدتی به تدریس فلسفه علم اشتغال داشت. دکتر علوی نیا از سال ۱۳۶۴ در دانشگاه شهید بهشتی مشغول به تدریس شد و در دانشگاه‌های تهران، شریف، امیر کبیر و آزاد به عنوان استاد مدعو تدریس کرده است.

آرا و گرایشهای خاص: سهراب علوی نیا به این گفته راس اعتقاد دارد که «فقط کسی می تواند مسائل فلسفی را درک کند که پایه محکمی در ریاضیات و فیزیک نظری داشته باشد.» دکتر علوی نیا تز دکترای خود را درباره پایگاه معرفت شناختی قضایای ریاضی تدوین کرد. عنوان این رساله «راسل، ویتگنشتاین و کواین در جستجوی حقیقت Russell, Quine and Wittgenstein in Pursuit of Truth» است که به زبان فارسی ترجمه نشده است. دکتر علوی نیا از دو جهت به آرا و نظریه های ویتگنشتاین را پرداخته است. اول به سبب شخصیت مذهبی ویتگنشتاین است و دوم دو وجهی بودن فلسفه ویتگنشتاین است که یک وجه آن متأثر از فرگه وراسل است و وجه دیگر آن نقش شوپنهاور بر فرهنگ و اندیشه اوست. جاذبه دیگر ویتگنشتاین را تعارض فکری این فیلسوف اروپایی با مردان اندیشه دوران حاضر می داند. دکتر علوی نیا فلسفه مذهب و فلسفه اخلاق ویتگنشتاین را نزدیک به کانت می داند. و تمایل اخلاقی وی به کانت و مشابهت هایی که در این میان با کنایات عرفای اسلام می دید، از جذابیت های ویتگنشتاین می داند. دکتر علوی نیا به مطالعه روی نظریه مجموعه ها و طبیعت شناسی نظریه ای مجموعه ای علاقه مند است. و به کار کردن در فلسفه ریاضی و فیزیک تمایل دارد. مرحوم علوی نیا اعتقاد داشت تنها صورت مجاز فلسفه، فلسفه تحلیلی است و وقتی فلاسفه از مباحثی همچون وجود و عقول عشره و اتحاد عاقل و معقول و نظایر آن بحث می کنند، یا در مقام شهود و تحققند یا نه! اگر در مقام شهودند، عارف محسوب می شوند و اگر نیستند پس سخن گفتن در این مقام

نارواست. این فکر البته مقدمه‌اش به آرای راسل برگشت دارد؛ فیلسوفی که در نظر دکتر علوی نیا بسیار معتبر بود. اما وجه ممیزه دیگر این استاد فقید فلسفه، روحیه عرفانی وی به‌شمار می‌رفت. او در زندگی شخصی خود سرشار از ذوق و وجد می‌نمود و در گرایش‌های عرفانی خود نیز بسیار به اهل جذبه و اصحاب سکر گرایش داشت و باز از آن میان شیخ فخرالدین عراقی عارف و شاعر قرن هفتم را می‌ستود و دوست داشت، به طوری که در کلاس‌های خصوصی‌شان بارها لمعات عراقی را تدریس کرده بود و مقالاتی نیز درباره عراقی نوشته بود که در مجله عرفان ایران چاپ شده است. برخورد وی با عرفان، عملی و شهودی بود، از سر تصنع نبود و درحقیقت به عرفان عملی عشقی سترگ می‌ورزید.

چگونگی عرضه آثار: دکتر علوی نیا جدای از این تالیفات در حوزه فلسفه تحلیلی که تخصص‌اش بوده است اثر سترگی چون «درآمدی بر فلسفه تحلیلی» اثر جان هاسپرس را نیز ترجمه و تقدیم علاقه‌مندان این حوزه در ایران کرده بود. کتاب‌هایی مثل «معرفت شناسی ریاضی» و ترجمه کتاب «فلسفه اخلاق» نوشته اتکینسون از دیگر آثار این استاد مرحوم است. -----

آثار:

۱ تالیف کتاب ماهیت بشر از دیدگاه ویتگنشتاین

۲ تالیف معرفت شناسی ریاضی

۳ ترجمه بخش‌های فلسفه زبان و معرفت شناسی کتاب تحلیل فلسفی جان هاسپرس
ویژگی اثر: این کتاب در سال ۱۳۷۰ ترجمه گردید.

۴ ترجمه درآمدی بر رساله ویتگنشتاین اثر هاوارد ماوس

ویژگی اثر: دکتر علوی تبار هاوارد را عالمی توانا در بیان مطالب دشوار می‌داند. دکتر علوی تبار هاوارد را معلمی توانا در بیان مطالب دشوار می‌داند. و شرح ماونس را ساده‌ترین شرحی می‌داند که به رساله منطقی-فلسفی ویتگنشتاین نوشته شده است و آن را برای دانشجویان شیوا و گویا می‌داند.

۵ ترجمه فلسفه اخلاق پرفسور اتکینسون

۶ ترجمه کتاب درآمدی به رساله ویتگنشتاین

۷ ترجمه کتاب روش‌های منطق کواین

۸ مقاله در شعر عرفانی فارسی تا قرن نهم

ویژگی اثر: این مقاله در مجموعه تحقیقات اسلامی در سال ۱۳۶۶ (با مقدار زیادی غلط چاپی) بچاپ رسید. منابع زندگینامه:

۱ بانک رسانه‌ها، روزنامه همشهری، ۶-۵-۱۳۸۷^۱، عمری سرشار از ذوق و جذبه^۱

علی پور، مسیح

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مسیح علی پور

محل تولد: کهگیلویه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۸ در روستایی از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد به نام کفش کنان و در خانواده‌ای مذهبی متولد شدم. در سال‌های قبل و بعد از انقلاب تحصیلات خویش را در مقاطع ابتدایی راهنمایی و تا سال دوم دبیرستان در همین روستا و روستاهای اطراف سپری نمودم. در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه قم شده و همزمان علاوه بر حضور در جبهه‌های جنگ تحصیلات حوزوی و رسمی را نیز دنبال نمودم. در سال ۱۳۶۹ وارد دانشگاه شهید بهشتی تهران شده و تا سال ۱۳۷۳ در رشته فلسفه غرب تحصیل نمودم. در سال ۱۳۷۶ نیز در مقطع کارشناسی ارشد فلسفه از دانشگاه علامه طباطبایی فارغ التحصیل شدم. در ایام تحصیل در دانشگاه دروس حوزه را نیز مطالعه و مباحثه می‌کردم حدود ۳ سال در دروس خارج آیات عظام، مکارم شیرازی، صانعی، سبحانی و گرامی شرکت می‌نمودم. در این اثنا مدتی نیز دروس دانشگاهی را در دانشگاه‌های پیام نور و علامه تدریس کرده و به کارهای پژوهشی اشتغال داشتم. از سال ۱۳۷۸ مسئول واحد پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیر شورای پژوهشی بودم. در این سال‌ها راهنمایی و نظارت بر ده‌ها پروژه علمی اجتماعی و فرهنگی را به عهده داشته و خود نیز مجری پروژه‌های میدانی فرهنگی و اجتماعی بودم. در سال‌های اخیر سردبیر نشریه فرهنگی-پژوهشی نامه قم بودم که تا کنون ۲۹ شماره از آن منتشر شده است. همین‌طور در سال‌های گذشته سه سال به عنوان پژوهشگر برتر و نمونه استانی معرفی شدم و یک بار نیز به عنوان کارشناس نمونه استانی.

علیاری تبریزی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۷-۱۲۳۶ ق)، عالم، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم، ریاضیدان، ستاره‌شناس، ادیب و شاعر. وی در روستای سردرود تبریز به دنیا آمد. پس از فراگرفتن علوم و فنون معموله و متداوله در نزد استادانی چون میرزااحمد آقا مجتهد شبستری و حاج میرزا لطفعلی و میرزا محمد آقای مجتهد به نجف رفت و در آن جا در نزد پنج تن از مشایخ وقت چون: شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و حاج سید حسین کوه‌کمری و شیخ راضی و شیخ مهدی تلمذ نمود و به اجازه‌ی اجتهاد و روایت از هریک از ایشان نایل آمد. وی پس از فراگیری علوم به تبریز بازگشت و بی وقفه به تدریس و تألیف و تصنیف مشغول شد. او ریاضیات و «قانون» ابوعلی سینا را علاوه بر درسهای جاری تدریس می‌کرد. شاگردش شیخ محمد حسن سردودی رساله‌ای در شرح حال استاد خود در ۱۳۳۳ ق نگاشته است. از آثار وی: «بهجه‌الآمال فی علم الرجال»، که شرحی است بر «زبده‌المقال» و «منتهی‌الآمال»، در علم رجال، در پنج مجلد؛ «ایضاح الغوامض فی تقسیم الفرائض»؛ «مشکاه الوصول فی علم الاصول»، در شش مجلد؛ «مناهج الاحکام فی اصول الفقه»، شرح مزجی بر «معالم»، در پنج مجلد؛ «منهاج المله فی تعیین الوقت و القبله»؛ «دلایل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام»، در پنج مجلد؛ «ریاض المقاصد»، در شرح قصیده‌ی حسن بن راشد حلّی، در مدح صاحب الزمان (عج)؛ شرح «دعای سمات»؛ «نهج الاعلان فیما یثبت به دخول رمضان»؛ «الوافیه»، در شرح «لغز الکافی» شیخ بهایی؛ «هدایه الطالبین»، رساله‌ی عملیه؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲۸۲ / ۸)، الذریعه (۱۷ / ۲۵، ۲۴ / ۴۱، ۲۱ / ۶۴، ۱۳ / ۲۵۰، ۹ / ۷۶۰، ۳ / ۱۵۹-۱۶۰، ۳ / ۴۹۶، ۲ / ۹۷-۱۹۳)، سخنوران آذربایجان (۱۲۲-۱۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷۹-۱۴۷۶ / ۱۴)، علماء معاصرین (۹۷-۹۶)، لغت‌نامه (ذیل / علی‌علیاری)، معجم المؤلفین (۱۴۰ / ۷).

علیزاده، اکبر اسد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اکبر اسد علیزاده

محل تولد: مشکین شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از اتمام دوره راهنمایی در سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه شهرستان اردبیل وارد شدم. پس از دو سال و نیم تحصیل به جهت موفقیت بیشتر در تحصیل و استفاده از محضر اساتید مجرب در سال ۱۳۶۴ وارد حوزه علمیه قم شدم و دوره سطوح را از محضر اساتیدی چون آیات عظام وجدانی فخر، اعتمادی، تبریزی، پایانی و صالحی افغانی بهره بردم.

پس از اتمام دوره سطوح در سال ۱۳۷۲ در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی و صالحی مازندرانی شرکت کردم و همزمان از درس کلام و فلسفه استاد علامه جعفر سبحانی و مصباح یزدی نیز استفاده می‌کردم. و در سال ۱۳۷۴ رشته تخصصی کلام اسلامی را شروع و در سال ۱۳۷۸ فارغ التحصیل گردیدم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه دکترای کلام اسلامی می‌باشم.

به جهت علاقه فراوان به تألیف و تحقیق، کار تحقیقی خود را از سال ۱۳۷۱ شروع و در حال حاضر بیش از ۶۰ اثر تألیفی و تحقیقی اعم از کتاب و مقاله از ما به چاپ رسیده است. این فعالیت سبب شد در سال ۱۳۸۲ به عنوان پژوهشگر نمونه کشور انتخاب شوم و یکی از کتابهایم (سیاستهای فقر زدایی در کلام معصومین علیهم السلام) در اولین جشنواره فرهنگی صدا و سیما در سال ۱۳۸۲ به عنوان پژوهش برتر شناخته شود.

علیزاده، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر علیزاده

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱۰/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۱ با مدرک دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم دروس مقدمات تا لمعتین را در مدارس علمیه امام صادق و امام باقر گذراندم دروس سطح را در محضر اساتید محترم اعتمادی و مهری و ... آموختم و کفایتین را نیز از دروس استاد اعتمادی و گنجی بهره بردم. از سال ۱۳۷۲ با شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتید بزرگواری چون مکارم شیرازی و وحید خراسانی به مدت هشت سال از محضر آنان سود جستیم.

دروس دانشگاهی را از سال ۱۳۷۰ در رشته فلسفه غرب در گروه فلسفه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شروع کردم و بعد از فارغ التحصیل شدن در سال ۱۳۷۴ در همان رشته در دانشگاه اصفهان پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۸ آن دوره را نیز به پایان رساندم. از سال ۱۳۷۴ با دفتر تبلیغات اسلامی شروع به همکاری کردم. ابتدا با ویرایش کتب فلسفی کلامی و در سالهای اخیر با تحقیق و پژوهش در سائل و موضوعات فلسفی با این دفتر همکاری دارم

عین القضا همدانی، ابوالمعالی، ابوالفضائل عبدالله

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۲۵- ۴۹۲ ق)، فقیه، حکیم و عارف. مکنی به ابوالفضائل. معروف به قاضی همدانی. در همدان به دنیا آمد، ولی چون پدر و جدش از میانه بودند به میانجی نیز معروف شده است. قاضی در جوانی در زادگاه خویش به کسب علوم متداول پرداخت و به سرعت در ادب و حکمت و کلام مایه‌ور شد و به سبب مهارتی که در فقه پیدا کرد، به عنوان قاضی و مدرس منصوب گردید و با وجود جوانی شهرت و نفوذ فراوان پیدا کرد و همین امر باعث برانگیخته شدن حسد و رشک فقها و متکلمان شد. فلسفه و کلام، طبع حقیقت‌جویی وی را قانع نساخت و گرفتار بحرانهای روحی شد و همین امر او را دچار شک و شبهه کرد. پس از آشنایی با آثار امام محمد غزالی تا حدی خاطرش آرام گرفت و چندی بعد با احمد غزالی آشنا شد و به او دست ارادت داد و همانند احمد غزالی در بیان عقاید خود بی‌پروا بود. همین صراحت در گفتار باعث بدگمانی متشرعه شد. ابوالقاسم درگزینی که خود اندکی بعد به جرم مذهب اسماعیلی کشته شد، او را دستگیر و روانه بغداد نمود. قاضی مدتی در بغداد زندانی بود و در همین زندان رساله‌ی معروف «شکوی الغریب عن الاوطان الی علماء البلدان» را به زبان عربی، خطاب به علمای عصر نوشت و در آن، که مشحون از نکات عرفانی و فلسفی است، اتهاماتی را که به وی نسبت داده بودند رد کرد و به برخی شبهات نیز پاسخ گفت. اما چندی بعد او را به همدان برگرداندند و بر در مدرسه‌ای که ظاهراً محل تدریس او بود بر دار کردند و سپس جسدش را با نفت و بوری آتش زدند. از دیگر آثار وی: «تمهیدات»؛ «زبده الحقایق»؛ «نزهه العشاق و نهز المشتاق»؛ «نامه‌های عین القضا همدانی»؛ «رساله‌ی اجمالی». [۱]

(ع. چشم داوران) همدانی، ابوالمعالی عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی، از بزرگان مشایخ صوفیه و دانشمندان ربع اول قر.

۶. ه. (و. همدان ۴۹۲ ه. ق / ۱۰۹۸ م. - مقت. همدان ۵۲۵ ه. ق.). وی شافعی مذهب و در طریقت شاگرد احمد غزالی بود و همچنین از محضر عین‌القضاء - از صحبت باباطاهر - که بعضی نوشته‌اند - درست نیست، زیرا بابا تا زمان او زنده نبود. وی به تحصیل حکمت و عرفان و کلام و ادب عربی پرداخت و نظر به مطالعه بسیار در آثار امام محمد غزالی مع‌الواسطه شاگرد او نیز محسوب می‌شد. احمد غزالی با آن همه عظمت مقام در مکتوبهای خود بدو، او را قره‌العین خطاب میکرد. وی بیشتر اطلاعات خود را از راه تحقیق و تتبع شخصی فراهم آورد. افکار و عقاید او در عمر کوتاهش مبین کمال نبوغ اوست. از آثار اوست: یزدان شناخت در مسایل حکمت الهی و علوم طبیعی که در سه باب به نام عزیزالدین مستوفی نوشته شده، رساله جمالی در بیان مذهب سلف خود که به نام جمال‌الدین شرف‌الدوله از شاهزادگان معاصر خویش تألیف کرده، تمهیدات در تمهید ده اصل تصوف که دارای انشایی است مقرون به غلبه شوق و عشق و بسیار گیراست، زبدة‌الحقائق، رساله‌ای مختصر راجع به علم ذات و صفات خداوندی و ایمان به نبوت و قیامت، لوایح، رساله‌ای مشتمل بر ۲۰۱ فصل در حقایق عشق و احوال و اعراض آن، شکوی الغریب عن الاوطان الی علماء البلدان به زبان عربی (عین‌القضاء آن را به هنگام حبس خود از بغداد به علمای همدان نوشته) در شکایت مؤلف از محتتهایی که برای او پیش آمده و به اتهام بی‌دینی از همدان دور شده و در بغداد به زندان افتاده. مکاتیب که شامل نامه‌های اوست (نسخه‌های کتابخانه مرادمنلا - ترکیه) و کتابخانه ملی تهران). وی رباعیاتی عرفانی هم به زبان فارسی سروده. عزیزالدین از مستوفیان سلاجقه با عین‌القضاء دوستی کامل داشت از سوی دیگر عزیزالدین به دشمنی با ابوالقاسم درگزینی وزیر سلطان محمود ابن محمود و سلطان سنجر برخاست.

وزیر اخیر که بسیاری از رجال و بزرگان علم را به حيله و ترور نابود کرده و خود نیز در پایان به پاداش اعمال زشت خویش به دار کشیده شد، نقشه قتل عین‌القضاء را طرح کرد و با دسته‌ای از عوام‌الناس - که حسودان و بدخواهان عین‌القضاء بودند - توطئه چید و محضری ترتیب داد وی را به کفر و دعوی الوهیت متهم کرد و فقها نیز به قتل این جوان دانشمند فتوی دادند. پس وی را مقید به بغداد فرستادند و از آنجا مجدداً به همدان بازگردانیدند و در شب ۷ جمادی‌الآخری ۵۲۵ ه. ق. بر دار کشیدند. نوشته‌های فارسی وی مشحون از تعبیرات نغز صوفیانه است. کلام او پرسوز و گداز است. تصنع و تکلف در آثار او دیده نمی‌شود و در تبیین مسایل عرفانی به تمثیل می‌پردازد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه [۱] احوال و آثار عین‌القضاء، ایضاح المکنون (۲ / ۴۵۳)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲ / ۲۸۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۴۴ - ۹۳۶ / ۲)، تاریخ برگزیدگان (۵۸۱)، تاریخ عرفان و عارفانی ایرانی (۴۲۶ - ۴۲۵، ۴۲۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۱۱)، تصوف اسلامی و رابطه انسان و خدا (۲۰۱ - ۱۹۲، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۴، ۱۷۶)، تمهیدات (مقدمه / ۱۰۷ - ۱)، جستجو در تصوف (صفحات متعدد)، دانشمندان آذربایجان (۲۸۵ - ۲۸۳)، دایره‌المعارف فارسی (۱۷۹۵ - ۱۷۹۴ / ۲)، دره الاخبار (۷۴ - ۷۳)، دستور الوزراء (۲۰۵)، الذریعه (۲۷ / ۲۴، ۱۵ / ۱۶۷، ۱۲ / ۲۴، ۹ / ۷۸۱، ۸ / ۲۸۲)، ریاض العارفین (۱۰۸ - ۱۰۷)، ریحانه (۲۲۶ - ۲۲۴ / ۴)، سلطان العشاق (صفحات متعدد)، شذرات الذهب (۴ / ۷۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۶۶ / ۶)، طرائق الحقائق (۵۷۲ - ۵۶۸ / ۲)، العبر (۴۲۶ / ۲)، عین‌القضاء و استادان او، فرهنگ سخنوران (۶۶۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۷۷ - ۱۷۵)، کشف‌الظنون (۹۵۱)، گنج و گنجیه (۱۵۳ - ۱۴۸)، لسان‌المیزان (۳۹۹ - ۳۹۸ / ۵)، لغت‌نامه (ذیل / عین‌القضاء)، مبانی عرفانی و احوال عارفان (۴۲۵ - ۴۱۹)، مجمع‌الفصحا (۸۶۹ / ۲)، معجم‌المؤلفین (۱۳۲ / ۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۱۲ - ۱۰۱۱ / ۳)، نتایج‌الافکار (۴۵۲)، نسائم‌الاسحار (۷۶)، نفحات‌الانس (۴۱۹ - ۴۱۸)، هدیه‌العارفین (۴۵۵ / ۱)، هفت اقلیم (۵۳۴ - ۵۳۲ / ۲).

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۱ - ۱۲۹۶ ق)، فقیه اصولی، مرجع تقلید، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به مفتقر. مشهور به کمپانی. اصلش از نخجوان است. نیای او پس از سقوط قفقاز در برابر روسها به تبریز و از آنجا به اصفهان هجرت نمود، لذا این خانواده به اصفهانی مشهور شدند. شیخ محمد حسین در کاظمین به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا خواند و آن‌گاه به نجف رفت و سطوح را نزد شیخ حسن تویسرکانی خواند و از محضر آخوند خراسانی بهره‌ی کامل برد و مدت سیزده سال فقه و اصول را از ایشان و همچنین از آقا سید محمد فشارکی و آقا رضا همدانی بطور کامل فراگرفت. او علوم معقول و فنون فلسفه را از فیلسوف بزرگ حاج میرزا محم باقر اصطهباناتی شیرازی اخذ کرد، تا اینکه مرجع تقلید جمعی از شیعه شد. او علاوه بر مراتب علمی دارای ملکات اخلاقی بود. در نجف اشرف در گذشت و در صحن علوی در مقبره‌ی جنب مناره ایوان طلا- دفن شد. از او بیش از بیست کتاب و رساله بر جای مانده است. از جمله آثار وی: «نهایه الدرایه فی شرح الکفایه» آخوند خراسانی، در دو مجلد؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «اربع قواعد فقهیه»؛ «الحقیقه الشرعیه»؛ «ارجوزه‌ای در «الفلسفه العالیه»؛ «ارجوزه‌ای در «الصوم»؛ دو رساله در «المعاد»؛ «الاجتهاد و التقليد و العداله»؛ «الاصول علی منهج الحدیث»؛ «الوسیله فی اهم ابواب الفقه» یا «رساله‌ی عملیه»؛ «انوار القدسیه»، شعر عربی، بیست و چهار قصیده در تاریخ زندگانی پیامبر (ص)، عموهایش و ائمه (ع) و فرزندانشان؛ «تحفه الحکیم»، منظومه‌ای در فلسفه؛ «دیوان» غزلیات حکمت و عرفان؛ «دیوان» شعر، فارسی، در مدائح و مراثی اهل بیت (ع).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۲۸۷-۲۸۶)، الذریعه (۴۰۰ / ۲۴ / ۱۰۸۳ - ۱۰۸۱ / ۲۴۷، ۹ / ۱۸۷، ۱۴۸، ۶ / ۴۸۳، ۲۷۱ / ۱)، ریحانه (۹۳ - ۹۰ / ۵)، سخنوران نامی معاصر ایران (۲۹۷۷-۲۹۷۲ / ۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۶۲-۵۶۰ / ۱۴)، علماء معاصرین (۱۹۱-۱۹۰)، فرهنگ سخنوران (۸۶۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۲۶۷ / ۷)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۷-۷۲۶ / ۲).

غروی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد غروی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۹/۱/۱

زندگینامه علمی

سید محمد غروی در سال ۱۳۲۹ در تهران در خانواده‌ای از سلسله‌ی جلیله سادات و اهل علم به دنیا آمد، اجداد او همه از اهل علم و فضل بوده‌اند، و پدر او آیت الله سید محمد رضا غروی از علمای تهران و وکیل مورد اعتماد حضرت امام(ره) و دیگر مراجع بزرگ تقلید بود و هم اکنون در تهران امام جماعت می‌باشد و به تدریس و رتق و فتق امور مردم می‌پردازد. غروی تحصیلات حوزوی

خود را در تهران در مدرسه حاج ملا محمد جعفر که به مدرسه آقای مجتهدی معروف است در سال ۱۳۴۱ آغاز کرد او پس از طی دروس مقدمات، دروس سطح را آغاز کرد و تا اواخر رسائل و مکاسب را در تهران خواند و سپس در سال ۱۳۴۸ به قم عزیمت نمود در قم نیز دروس سطح عالی را پشت سر گذاشت، و به درس خارج استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت، او سالها در درس خارج استادان بزرگ بطور فعال شرکت می‌جست و هم اکنون خود از اساتید و محققان برجسته حوزه بشمار می‌رود. غروی در دوران تحصیل خود به محضر عالمان و فرهیختگان بسیاری راه یافت، او در تهران دروس مقدماتی از قبیل صرف و نحو و منطق و معانی بیان و بدیع را از اساتیدی چون حضرات حجج اسلام و المسلمین و آیات: حاج شیخ محمدرضا ناصری (امام جمعه فعلی شهرکرد)، حاج شیخ محسن حبیبی، و حاج آقا موسوی تهرانی و حاج آقای طبرستانی، و اخوان حاج سید حسن مصطفوی و حاج سید حسین مصطفوی آموخت، و معالم و شرح لمعه را خدمت حضرات آیات: حاج میرزا علی سعیدیان و حاج شیخ ابوالقاسم تنکابنی و حاج سید هاشم حسینی تهرانی، و دروس رسائل و مکاسب را عمدتاً خدمت حضرات آیات: حاج شیخ حسین کنی و حاج آقا مرتضی تهرانی، و حاج آقا تقی قمی، فرا گرفت، با ورود به حوزه علمیه قم در سال ۴۸ باقیمانده رسائل را نزد مرحوم آیت الله حرم پناهی (ره)، و خیارات مکاسب را نزد آیت الله العظمی فاضل لنکرانی آموخت، و پس از آن در درس کفایه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت الله سلطانی و آیت الله سبحانی شرکت کرد.

با اتمام دوره سطح به درس خارج فقه و اصول آیات عظام حاج سید محمدرضا گلپایگانی (ره)، حاج شیخ مرتضی تهرانی، حاج شیخ کاظم تبریزی، حاج شیخ محمد شاه آبادی و حاج سید محمد روحانی، و حاج شیخ حسین وحید خراسانی، و حاج شیخ جواد تبریزی رفت و سالها (حدود سی سال) از محضر آنان بهره‌مند گردید. او در بخش علوم عقلی، شرح منظومه را نزد حضرات آیات: انصاری شیرازی و محمدی گیلانی، شرح اشارات را نزد آیت الله حسن زاده آملی و نه‌ایه الحکمه و فلسفتنا و نقد فلسفه غرب را نزد آیت الله مصباح و شرح تجرید را نزد آیت الله حاج سید حسین قاضی طباطبایی و اسفار را نزد حضرات آیات: جوادی آملی و شاه آبادی آموخت. ضمناً دو دوره عرفان (تمهید و شرح الفصوص) و تفسیر را از آیت الله جوادی آملی آموخت، و چند سالی نیز از تفسیر موضوعی و درس اخلاق آیت الله مصباح استفاده نمود. ایشان در خلال چند سالی که در تهران بود (۱۳۴۸ - ۱۳۴۱) ضمن استفاده از اساتید مختلف مقدمات و سطوح، به تدریس صرف و نحو و منطق در سطوح مختلف مشغول بود و پس از هجرت به قم در کنار استفاده از دروس اساتید برجسته همواره به تدریس سطح و سطح عالی اصول، فقه، فلسفه و تفسیر اشتغال داشته است و هم اکنون نیز دارای تدریس خارج فقه می‌باشد، ضمن آنکه چندین سال در مؤسسه امام خمینی (ره) و مرکز تخصصی کلام و تفسیر تدریس می‌نمود، و هم اکنون در مؤسسه امام خمینی (ره) دارای تدریس است.

ایشان در سال ۵۴ ضمن ادامه درس و تدریس در حوزه در اولین دوره آموزشی مؤسسه در راه حق شرکت جست و برخی از دروس تفسیر و فلسفه و دیگر دروسی که در حوزه ارائه نمی‌شد، در آنجا گذراند، و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در سالهای ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ مدتهای زیادی را در شمال و خرمشهر و آبادان و بوشهر به تبلیغ و تدریس معارف در مراکز علمی و نظامی سپری کرد و در خرمشهر و آبادان و بوشهر به عنوان نمایندگی ولی فقیه فعالیت می‌نمود و پس از آن نیز دو بار دیگر به مناطق جنگی غرب کشور و جنوب کشور برای تبلیغ عزیمت نمود و از آن زمان تا کنون در قم بطور متمرکز مشغول تحقیق و تدریس می‌باشد. در سال ۱۳۶۱ که به امر حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر لزوم بازنگری در علوم انسانی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تأسیس شد (که امروزه با ارتقائی که یافته تبدیل به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گردیده است) و در کنار همه کارهای علمی حوزوی با گروه روانشناسی آن مرکز همکاری داشته و دارد که حاصل آن جزواتی است که در آن زمینه تهیه شده و همچنین تدوین دو جلد کتاب مکتبه‌های روانشناسی و نقد آن که تمامی نقدهای آن که بیشترین قسمت کتاب را تشکیل می‌دهد از ایشان است و ارائه مشاوره و نظارت جدی علمی بر حدود ده (۱۰) اثر ارزشمند در زمینه روانشناسی، جامعه‌شناسی، تفسیر و... از قبیل دو

جلد روانشناسی سلامت انسان از دیدگاه اسلام، روانشناسی اجتماعی، روانشناسی رشد (دو جلد) مکاتب تفسیری و کتاب نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، روانشناسی تبلیغ تبلیغ، روانشناسی باورهای دینی، خانواده از دیدگاه اسلام با رویکردی روانشناختی و... همچنین نامبرده در مجموعه محققان مؤسسه اسراء در گروه تفسیر جایگاه خاصی دارد و عضو عالی آن مجموعه تلقی می‌شود و تا کنون بازنگری محتوایی حدود بیست (۲۰) جلد اثر تفسیری حضرت آیت الله جوادی (اعم از تفسیر تربیتی تسنیم و دو جلد توحید در قرآن و یک جلد وحی و نبوت و یک جلد تفسیر انسان به انسان) را عهده دار بوده است و نظرات ایشان مورد توجه حضرات استاد قرار گرفته و هم اکنون نیز ادامه دارد. لازم به ذکر است ایشان پس از بازگشایی دانشگاهها از سال ۶۰ تا ۷۹ یک روز در هفته وقت خود را به تدریس در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی و... اختصاص داد و در آن مراکز علمی دروس تخصصی اسلامی از قبیل فقه، اصول، فلسفه، کلام و دیگر معارف اسلامی و انسانی را ارائه می‌نمود. در خلال سالهای اخیر اضافه به تدریس و تحقیق و تألیف و نظارت و مشاوره دادن به کارهای علمی، استاد راهنما یا مشاور و یا داور دهها رساله کارشناسی ارشد و سطح ۳ و ۴ بود، ضمن آنکه مقالاتی در مجله نور علم، حوزه و دانشگاه و معرفت و یا مصاحبه‌های علمی در مجلات حوزوی ارائه نموده است، و اکنون نیز در خلال کارهای علمی و تدریس مدیریت گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی (ره) را عهده دارد. از مسؤولیتهای ایشان عضویت در دو دوره شورای عالی سیاستگزاری حوزه علمیه و عضویت در جامعه مدرسین، عضویت در شورای مدارک علمی حوزه علمیه، و عضو هیأت علمی در گروه تفسیر پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ می‌باشد.

غرویان، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن غرویان

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

محسن غرویان در سال ۱۳۳۸ در نیشابور بدنیا آمد و پس از اخذ مدرک دیپلم فنی راه و ساختمان در سال ۱۳۵۷ راهی حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۵۸ رسماً شروع به تحصیل علوم حوزوی نمود. وی دروس مقدمات و سطح را به پایان رسانید و در درس خارج فقه و اصول از محضر آیات عظام وحید خراسانی - فاضل لنکرانی - شیخ جواد تبریزی - مکارم شیرازی و جوادی آملی بهره برد تا اینکه برای کاندیداتوری در مجلس خبرگان رهبری در دوره سوم در امتحان اجتهاد شرکت نموده و آن را با موفقیت پشت سر گذاشت. ایشان در کنار دروس فقه و اصول در موسسه در راه حق و بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) دروس کلام و فلسفه و آشنایی با مکاتب غربی را پشت سر گذاشته و هم اینک عضویت در شورای سردبیری مجله علمی - تخصصی معرفت را با مدیریت آیت الله مصباح یزدی بعهده دارد.

محسن غرویان عضو هیئت علمی و استاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) است. از ایشان تاکنون بیش از ۴۰ اثر علمی

به صورت کتاب بچاپ رسیده است و مقالات کوتاه و بلند ایشان که در مطبوعات مختلف به چاپ رسیده بالغ بر ۵۰۰ مقاله است. موسسه فرهنگی - انتشاراتی «مبین» به همت ایشان تاسیس شده و تاکنون قریب ۲۰ عنوان کتاب منتشر کرده است. محسن غروی‌ان با دو زبان انگلیسی و عربی آشناست و تاکنون در همایشها و کنگره های مختلف داخلی و خارجی مقالاتی را به زبانهای فوق ارائه نموده است. ایشان هم اکنون به تدریس خارج اصول و اسفار ملا صدرا اشتغال دارد و در کنار اشتغالش در حوزه، در مجامع مختلف علمی - سیاسی با ارائه کنفرانس و سخنرانی به امر تبلیغ می پردازد. وی از سوی بعثه مقام معظم رهبری (دام عزه) به عنوان مبلغ زبان‌دان و عضو هیئت علمی برگزیده شده است. محسن غروی‌ان نویسنده ای است که مستمرا شبهات دینی و فلسفی و اعتقادی را در نشریات و مطبوعات مطالعه می کند و مورد نقد و بررسی قرار می دهد. مجموعه این پرسش و پاسخها تاکنون علاوه بر چاپ در مطبوعات به صورت چهار جلد کتاب نیز بچاپ رسیده است. وی سفرهای متعدد علمی به کشورهای مختلف جهان داشته است: در سال ۱۳۶۱ برای تبلیغ در مجامع علمی و دانشگاهی به کشورهای فیلیپین - مالزی و هند سفر کرده است.

در سال ۱۳۶۹ برای شرکت در سمینارهای علمی، کلامی و فلسفی به کشور کانادا مسافرت نموده است. چهار سفر بعنوان زبان‌دان و عضو هیئت علمی بعثه مقام معظم رهبری به حج اعزام شده است. علاوه بر این با سفر به کشورهای سوریه و عراق با برخی چهره های علمی و فرهنگی نشستها و گفتگوهای علمی در باب ادیان و ملل و نحل داشته است. محسن غروی‌ان یکی از داوران و صاحب‌نظران در گزینش کتاب سال در حوزه دین و فلسفه است و بعنوان عضو شورای بررسی کتاب استان قم نیز بر روند چاپ و نشر کتب نظارت داشته است. وی هم اکنون عمدتاً به تحقیق و تدریس و تالیف اشتغال دارد. محسن غروی‌ان بخشی از وقت روزانه خود را صرف پاسخگویی به سوالات و شبهات علمی - اعتقادی می کند و با شماره تلفن ۲۹۳۶۰۵۴ به پرسشهای علاقمندان بخصوص نسل جوان پاسخ می گوید.

غزالی طوسی، حجه الاسلام، زین‌الدین، ابوحامد محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۰۵ - ۴۵۰ ق)، فیلسوف، حکیم، عارف و فقیه شافعی. معروف به امام غزالی. در طابران طوس به دنیا آمد و در طوس، جرجان و نیشابور تحصیل کرد. محضر امام الحرمین ابوالمعالی جوینی فقیه و متکلم بزرگ شافعی را دریافت و در بیست و هشت سالگی در بیشتر علوم زمان خود استاد مسلم بود. پس از درگذشت ابوالمعالی به خدمت خواجه نظام‌الملک طوسی رسید و بسیار مورد احترام قرار گرفت. از ۴۸۴ ق در نظامیه‌ی بغداد به تدریس پرداخت و به وعظ و تصنیف نیز اشتغال داشت. وی در سی و نه سالگی دچار تحول روحی شده از دنیا و مقامات دنیوی برید و برادرش را به جانشینی خود برگزید و به قصد سیر و سلوک و ریاضت به سفر رفت و ده سال در شهرهای شام و حجاز و جزیره به سر برد و در ۴۹۸ ق به طوس بازگشت. در ۴۹۹ ق به درخواست سلطان سنجر به نیشابور به جهت تدریس در مدرسه‌ی نظامیه رفت. در ۵۰۰ ق به طوس و خانقاه خود بازگشت و به ارشاد و تعلیم پرداخت و دیگر دعوت سلاطین و رجال را نپذیرفت و زهد و قناعت عمر را به پایان رسانید. غزالی در طوس درگذشت و در همان جا دفن شد. شمار آثار وی بسیار است. اما مشهورترین آثار او عبارتند از: «نصیحه الملوک»؛ «فضاء الانام من رسائل حجه الاسلام»؛ «احیاء علوم‌الدین» یا «احیاء‌العلوم»؛ «کیمیای سعادت»، که خلاصه و ترجمه‌ای فارسی از کتاب «احیاء‌العلوم» است؛ «تهافت الفلاسفه»؛

«المنقذ من الضلال». [۱]

(ع.) (حجة الاسلام) محمد بن محمد بن محمد بن احمد طوسی مکنی به ابو حامد و ملقب به حجة الاسلام، دانشمند معروف دوره‌ی سلجوقی (و. طابران طوس ۴۵۰ ه.ق / ۱۰۵۸ م - ف. طابران طوس ۵۰۵ ه.ق / ۱۱۱۱ م). وی در فقه و حکمت و کلام سرآمد عصر بود. پدرش مردی متعبد بود و بافندگی پیشه داشت و لقب «غزالی» به مناسبت پیشه‌ی اوست. هنگامی که محمد و برادرش احمد کودک بودند پدرشان در گذشت و آن دو در کنف حمایت ابو حامد احمد بن محمد رادکانی قرار گرفتند و مقدمات علوم دینی را نزد وی آموختند. غزالی پس از مدتی تحصیل در طوس و گرگان به نیشابور رفت و در خدمت امام الحرمین ابوالمعالی جوینی (امام الحرمین) فقیه به تحصیل فقه و کلام پرداخت، و در همه‌ی علوم دینی عصر خود استاد مسلم گردید و با این حال تا سال فوت امام الحرمین همچنان در خدمت وی باقی ماند. سپس در نیشابور به خدمت خواجه نظام الملک وزیر رفت و در نتیجه‌ی مناظره‌ای که در مجلس این وزیر ترتیب داده شده بود فضیلت و مقام وی بر خواجه معلوم گردید. پس از ۸ سال - یعنی در سال ۴۸۴ ه.ق / ۱۰۹۱ م - نظام الملک منصب تدریس مدرسه‌ی نظامیه را به غزالی - که در آن هنگام ۳۵ ساله بود - تفویض کرد. وی ۴ سال (یعنی تا سال ۴۸۸ ه.ق / ۱۰۹۵ م) بدین شغل اشتغال داشت که تحولی در روح وی پدید آمد و منصب مدرسی را به برادرش احمد واگذار کرد و در بلاد شام و حجاز به سیر و سلوک پرداخت. پس از ۱۰ سال، به سال ۴۹۸ ه.ق به طوس بازگشت و سال بعد (۴۹۹) بنا به درخواست سلطان سنجر و وزیرش - که فرزند نظام الملک بود - در نظامیه‌ی نیشابور به تدریس پرداخت. در سال ۵۰۰ ه.ق به طوس بازگشت و خانقاهی ترتیب داد و به ارشاد خلق مشغول گردید و دیگر مسند تدریس را قبول نکرد و از کسی نیز مالی نپذیرفت و از آن پس در انزوا بسر می‌برد. غزالی با آنکه از مخالفان فلسفه بود، در نتیجه‌ی سفرها و سیر و سلوک مقالات و گفتارش چاشنی عرفان پیدا کرده مورد تکفیر فقیهان قرار گرفت و خلقی به آزارش همت گماشتند. وی در طابران (طوس) در گذشت و همانجا مدفون شد. از او آثار متعددی باقی مانده که مهمترین آنها از این قرار است: کیمیای سعادت (فارسی)، نصیحة الملوک (فارسی)، احیاء علوم الدین (عربی)، تهافت الفلاسفه (در رد بر فیلسوفان، عربی)، مکاتیب، المنقذ من الضلال، جواهر القرآن، شفاء العلیل، منهاج العابدین، الجام العوام عن علم الکلام، المستصفی من علم الاصول، عقیده اهل السنه. ضح. - ۱ - غزالی: ضح. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه [۱] الاعلام (۲۴۸ - ۲۴۷ / ۷)، ایضاح المکنون (۱۱ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۲۶ - ۹۲۰، ۲۷۷، ۲۶۹ - ۲۶۸ / ۲)، تاریخ عرفانی و عارفان ایرانی (۴۲۲ - ۴۰۷)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۳۰۲ - ۲۷۵)، جستجو در تصوف (۱۱۰ - ۸۵)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۰۶ - ۱۸۰۵ / ۲)، ریاض العارفین (۱۳۲ - ۱۳۱)، ریحانه (۲۴۳ - ۲۳۷ / ۴)، سیر النبلاء (۳۴۶ - ۳۲۲ / ۱۹)، شخصیت‌های نامی (۳۵۸ - ۳۵۷)، شذرات الذهب (۱۳ - ۱۰ / ۴)، العبر (۳۸۷ / ۲)، فرار از مدرسه، فرهنگ سخنوران (۶۶۸)، الکامل (۲۶۴ / ۸)، کشف الظنون (۱۸۶۹، ۱۵۳۴ - ۱۵۳۳، ۵۱۳ - ۵۰۹)، الکنی و الالقاب (۴۹۵ - ۴۹۲ / ۲)، لغت‌نامه (ذیل / ابو حامد غزالی)، مبانی عرفان و احوال عارفان (۴۱۴ - ۴۰۴)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۵۰۵)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۳۸ - ۳۷ / ۱۹)، معجم المؤلفین (۲۶۹ - ۲۶۶ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۲۹ - ۷۲۴ / ۵)، النجوم الزاهره (۲۰۰ - ۱۹۹ / ۵)، نفحات الانس (۳۷۹ - ۳۷۶)، الوافی بالوفیات (۲۷۷ - ۲۷۴ / ۱)، وفیات الاعیان (۲۱۹ - ۲۱۶ / ۴)، هدیه العارفین (۸۱ - ۷۹ / ۲)، هفت اقلیم (۱۹۴ / ۲).

غفاری، ابوالحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسن غفاری

محل تولد : کندوان

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالحسن غفاری در سال ۱۳۶۴ شمسی در شهرستان سراب موفق به اخذ دیپلم در رشته علوم انسانی شدم و پس از آن در حوزه علمیه حاج صفرعلی تبریز مشغول تحصیل شده و همزمان با آن به تحصیل رشته های دانشگاهی پرداخته و مدرک فوق دینی و عربی را اخذ کردم دو سال بعد به حوزه علمیه المهدی سراب رفته و به ادامه تحصیل پرداخته و درس فقه را نزد مرحوم حاج آقا رسولی و حاج آقا کمالی امام جمعه محترم سراب خوانده و همچنین بخشی از فلسفه و شرح منظومه را نزد آقا کمالی خواندم در حین تحصیل دروس ادبیات و منطق را تدریس نمودم در سال ۷۱ و ۷۲ به قم مهاجرت و در درس رسائل آیت اله محمد کوه کمره ای و مکاسب مرحوم آیت اله پایانی شرکت کردم، پس از مکاسب کفایه را در نزد مرحوم پایانی خوانده و همزمان با آن در درس تفسیر حضرت آیت اله جوادی املی و دروس فلسفه دکتر بهشتی و عرفان آقای نکونام شرکت نمودم پس از پایان سطح به درس خارج فقه حضرت آیت اله جوادی املی و اصول آیت اله ملکوتی حاضر شده و هم اینک نیز در محضر آنان و درس فلسفه حضرت آیت اله انصاری شیرازی شرکت دارم از سال ۱۳۷۲ و همزمان با تحصیلات حوزه در کنکور شرکت کرده و در رشته فلسفه دانشگاه تهران پذیرفته شدم در سال ۱۳۷۶ موفق به اخذ مدرک لیسانس شده و در سال ۱۳۷۷ پس از موفقیت در امتحان ورودی در رشته فلسفه همان دانشگاه در دوره کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل شده و در سال ۱۳۸۰ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران شدم ، در سال ۱۳۸۴ در رشته فلسفه دانشگاه تربیت مدرس تهران شرکت کرده و در دوره دکتری پذیرفته شدم و هم اینک مشغول تحصیل در دوره دکتری در آن دانشگاه هستم. از سال ۱۳۷۷ در دانشگاه آزاد اسلامی مشغول تدریس دروس فقه، فلسفه، و معارف شدم و از سال ۱۳۸۲ در مرکز جهانی علوم اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد دروس فلسفه و کلام و متون مثل نهایه الحکمه و شرح تجرید و فلسفه غرب را تدریس می نمایم .

غیلان

قرن: ۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن سلمه‌ی ثقفی، حکیم و شاعر دوره‌ی جاهلیت عرب و اوایل اسلام (ف. ۲۳ ه.ق) وی از بزرگان ثقیف بود و در روز طایف مسلمان شد.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فارابی، ابونصر محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۳۳۹ / ۳۳۸ - ۲۶۰ / ۲۵۹ ق)، ریاضیدان، عارف، فیلسوف، دانشمند، حکیم و موسیقیدان. ملقب به معلم ثانی. در فاراب ماوراءالنهر به دنیا آمد. بیشتر عمر خود را در بغداد گذرانید و اکثر کتابهای خود را در آنجا نوشت. فارابی همچنین سفرهایی به شام، مصر، حران و مرو داشت و در آنجا به تعلیم و تألیف مشغول بود. او نزد استادانی چون متی بن یونس و یوحنا بن حیلان فلسفه آموخت. از شاگردان فارابی، یحیی بن عدی می‌باشد. فارابی مانند صوفیان زندگی می‌کرد و از موسیقی علمی نظری اطلاعات زیادی داشت، وی کتابی هم در این فن نوشته است. بیشترین اهمیت او در شرح آثار ارسطو است و به همین سبب او را معلم ثانی نامیده‌اند. وی در دمشق درگذشت. از آثار او: «احصاء العلوم»؛ «آراء اهل المدینه الفاضله»؛ «عیون المسائل»، در منطق؛ «الجمع بین رأیی الحکیمین» افلاطون و ارسطو، در حدوث عالم؛ «اغراض ما بعدالطبیعه»؛ «تحصیل السعاده»؛ «رساله فی (ماهیه) العقل»؛ «السیاسه المدنیه»؛ «رساله فی اثبات المفارقات»؛ «المدخل الی (صناعه) الموسیقی»، که قفطی در «اخبار العلماء» و صفدی در «الوافی بالوفیات» آن را «کتاب الموسیقی» ذکر کرده‌اند و گفته شده که وی این کتاب را به درخواست وزیر ابوجعفر محمد کرخی نگاشته است. [۱]

ابونصر محمد بن محمد، فیلسوف بزرگ اسلام در نیمه‌ی دوم قر. ۳ و نیمه‌ی اول قر. ۴ ه. (و. فاراب ۲۶۰ ه. ق/ ۸۷۴ م. - ف. دمشق ۳۳۹ ه. ق/ ۹۵۰ م.) فارابی از ماوراءالنهر برای تحصیل علوم به بغداد رفت و بعد از آموختن عربی در حلقه‌ی درس ابوبشر متی بن یونس حضور یافت و چندی بعد به حران رفت و از یوحنا بن حیلان بخشی از منطق را فراگرفت و به بغداد بازگشت و به تکمیل فلسفه مشغول شد. فارابی همه‌ی کتب ارسطو را به دقت مورد مطالعه و تحقیق قرار داد و به معانی آنها وقوف تام و در شرح و تفسیر آثار ارسطو مهارتی خاص یافت و بدین جهت او را «ارسطوی ثانی» یا «معلم ثانی» نامیدند. فارابی از بغداد به مصر رفت و از آنجا به خدمت سیف‌الدوله ابوالحسن علی بن عبدالله بن حمدان تغلبی پادشاه حلب و دمشق و شام درآمد و در کنف حمایت وی به تعلیم و تألیف مشغول گردید تا در سن ۸۰ سالگی درگذشت. فارابی به ثروت و زینت دنیوی بی‌میل بود و به امر مسکن و پیشه توجهی نداشت و غالب اوقات خویش را در تنهایی بسر می‌برد. اهمیت فارابی بیشتر در شرحهای اوست بر آثار ارسطو و به سبب همین شروع هم او را «معلم ثانی» خوانده و در مقام بعد از ارسطو، قرار داده‌اند. فارابی مانند بسیاری از فلاسفه‌ی اسکندریه و خاور نزدیک که می‌کوشیدند بین عقاید افلاطون و ارسطو را التیام دهند، در کتبی که به بحث در اتفاق آراء افلاطون و ارسطو اختصاص داده سعی بلیغ در این راه به کار برده است و کتاب «الجمع بین رأیی الحکیمین: افلاطون الالهی بین رأیی الحکیمین: افلاطون الالهی و ارسطو طالیس» را در این باب تألیف کرده. فارابی در رساله‌ی فصوص الحکم برای اثبات توحید بیشتر به اصول و عقاید نو افلاطونیان و عرفا نزدیک شده و در رساله‌ی آراء اهل المدینه الفاضله تحت تأثیر افلاطون قرار گرفته و سعادت بشر را در ایجاد اجتماع کاملی دانسته است که همانند اجتماع روحانی باشد. فارابی مانند همه‌ی دانشمندانی که در تمدن اسلامی عنوان فیلسوف داشته‌اند از همه‌ی علوم عهد خود مطلع و در آنها صاحب تصانیفی بوده است. اطلاعات وی در ریاضیات خوب ولی در طب متوسط و در موسیقی بسیار بوده است. روش فلسفی او را باید فی‌الحقیقه یک روش نو افلاطونی اسلامی نامید و این همان روشی است که پیش از فارابی به وسیله‌ی کندی شروع شد و بعد از او از طرفی در آثار اخوان‌الصفاء و از طرفی دیگر در کتب ابوعلی سینا به مرحله‌ی کمال رسید. معذک فارابی در بعض موارد با کندی و ابوعلی سینا اختلاف دارد و همچنین چون آثار او تحت تأثیر سه روش عمده‌ی افلاطون و ارسطو و فلوطینس واقع است گاه موارد اختلافی در آنها مشاهده می‌شود و وجه اشتراک همه‌ی این آثار با یکدیگر عبارتست از ترکیب عقاید مذکور با اصول دینی اسلامی. به نظر فارابی بی‌سعادت و عظمت مقام فیلسوف در ترک علائق و تجرد و گوشه‌گیری است. حاصل علم و مقدمه‌ی سعادت اخلاق است و عالمی که از مبانی اخلاقی پیروی نکند از سعادت کمال

برخوردار نیست. اثر فارابی در فلاسفه‌ی بعد از خود بسیار بوده است و با این حال از انتقادات برخی مانند ابن رشد آسوده نمانده است. ابن رشد در چند مورد از کتاب تهافت التهافت بر فارابی تاخته و او را در شمار متکلمان قرار داده است نه در زمره‌ی فیلسوفان. فارابی را در حدود صد تألیف است و مهمترین آنها عبارتند از: رساله فی مبادئ آراء اهل المدينة الفاضلة، مقاله فی معانی العقل، عیون المسائل، فصوص الحکم، رساله فی السیاسة، المسائل الفلسفیه، احصاء العلوم، اغراض ارسطو طالیس فی کتاب ما بعد الطبیعة، رساله فی اثبات المفارقات.

ابونصر محمد بن طرخان بن اوزلع و یا محمد بن محمد بن محمد بن طرخان حکیم و فیلسوف ترک معروف به (معلم ثانی). تولد این دانشمند بزرگ در (فاراب) و شهرتش نیز فارابی از اکابر فلاسفه نامی و حکماء اسلامی قرن چهارم زمان آل بویه می‌باشد و چون ارسطوی حکیم مشهور به معلم اول است وی را معلم ثانی گویند. در میان حکماء کسی به پایه وی نرسیده و در قوه مدرکه دارای اولین درجه بوده و ابن سینا با آن همه جلالت و نبوغ علمی که داشته از کتابهای او استفاده شایانی نموده و در مصنفات خود از انوار علمیه‌اش اقتباس می‌کرده است. از همین جهات است که در کلمات اکابر و بزرگان به استاد الفلاسفه و ملک الحکما توصیف شده است و او اولین حکیم و فیلسوفی است که در دوره اسلام ظهور کرده و نام فاراب را به تمام جهان رسانیده.

اجمالاً فارابی در زادگاه خود شهر فاراب علوم اولیه را فراگرفته و مسافرت به بلاد ایران نموده و به زبان فارسی و السنه دیگر آشنا شده و مسافرت به بغداد نموده و زبان عربی را هم در آنجا آموخته و با صاحب بن عباد و شیعیان آنجا مصاحبت داشته و پس از تکمیل حکمت و فلسفه در حران و غیره در بغداد به تحصیل ریاضیات و فنون حکمت اشتغال و تمام کتب ارسطو را تتبع و ممارست نموده و گویند وقتی از او پرسیدند تو داناتری یا ارسطو در پاسخ گفت اگر من زمان ارسطو را درک می‌کردم هر آینه بزرگترین شاگردان او می‌شدم.

قاضی نورالله شهید شوشتری در مجالس المؤمنین خود او را بسیار ستوده و گوید: وی معلم مقالات اهل یونان و متمم کمالات نوع انسان بوده است.

از آثار فارابی است ۱- آراء اهل المدينة الفاضله والمدينة الجاهله والمدينة الفاسقه والمدينة المبدلة والمدينة الضاله که در مصر و لیدن چاپ شده و مرحوم علامه تهرانی در الذریعه خود در چندین مورد استظهار کرده که فارابی شیعه مذهب و به عصمت ائمه طاهرین علیهم السلام معتقد بوده است.

۲- الابانه ۳- ابطال احکام النجوم ۴- احصاء العلوم و چهل کتاب دیگر که جمعاً ۴۴ تألیف می‌شود وفات این نابغه اسلامی در سال ۳۳۷ یا ۳۹ یا ۴۰ و یا ۳۴۴ واقع شده و سیف الدوله حکمران شام با جمعی بر وی نماز خوانده است از اشعار فارسی که به او نسبت می‌دهند این رباعی است.

اسرار وجود خام و ناپخته بماند

وان گوهر بس شریف ناسفته بماند

هر کس بدلیل عقل چیزی گفته

آن نکته که اصل بود ناگفته بماند

(خلاصه‌ای از ریحانة الادب و غیره)

ابونصر فارابی محمد بن محمد، از همه‌ی علوم عهد خود مطلع و در آنها صاحب تصانیفی بوده است. اطلاعات وی در ریاضیات خوب ولی در طب متوسط و در موسیقی بسیار بوده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۴۳- ۲۴۲ / ۷) تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۹- ۲۹۳ / ۱)، تاریخ الحکماء قفطی (۳۸۳- ۳۷۹)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۵۱۱- ۵۰۶)، تاریخ فلاسفه ایرانی (۱۳۰- ۹۸)، تاریخ فلسفه در اسلام (۱۸۲- ۱۶۵ / ۲)، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی (۴۴۸- ۳۹۵)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۲۱- ۱۸۲۰ / ۲)، الذریعه (۲۶۰ / ۲۳، ۲۹۱، ۲۴۷، ۲۰ / ۴۲، ۴۱، ۱۹ / ۲۳۵، ۱۶ / ۳۸۳، ۱۵ / ۲۷۳، ۱۲ / ۱۰، ۱۱ / ۲۵۰، ۱۰ / ۱۸۳، ۷ / ۳۹۷، ۶ / ۲۸۸، ۲۵۲، ۱۳۵، ۱۰۳، ۱۶ / ۵۰۰، ۵ / ۴۹۹- ۴۳۷، ۲۲۷، ۲۲۴ / ۴، ۳۹۷ / ۹۱، ۳ / ۲۵۱، ۱۲- ۱۱ / ۲ / ۳۸۶، ۳۷۶، ۲۸۹، ۲۶۹، ۱۰۰، ۶۶، ۵۶، ۳۴- ۳۳ / ۱)، روضات الجنات (۳۱۲- ۳۰۵ / ۷)، ریحانه (۲۶۶- ۲۶۱ / ۴)، زندگینامه‌ی ریاضیدانان (۳۴۱- ۳۴۰)، سیر النبلاء (۴۱۸- ۴۱۶ / ۱۵)، شخصیت‌های نامی (۳۶۰- ۳۵۹)، شذرات الذهب (۳۵۴- ۳۵۰ / ۲)، الفهرست لابن الندیم (۳۶۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۶۲- ۶۱)، الکامل (۳۳۷ / ۶)، کشف الظنون (۱۲۶۵ / ۱۰۱۱، ۵۲)، الکنی و الالقاب (۵- ۴ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / ابونصر)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۳۳۹)، معجم البلدان (۲۵۵ / ۴)، معجم المؤلفین (۱۹۶- ۱۹۴ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۹۶- ۲۹۱ / ۵)، النجوم الزاهره (۳۴۸- ۳۴۷ / ۳)، الوافی بالوفیات (۱۱۳- ۱۰۶ / ۱)، و فیات الاعیان (۱۵۷- ۱۵۳ / ۵)، هدیة العارفین (۴۰، ۳۹ / ۲).

فاضل بخشایش، جواد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جواد فاضل بخشایش

محل تولد: بستان آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب جواد فاضل بخشایش در سال ۱۳۴۵ در شهر بخشایش از توابع شهرستان بستان آباد واقع در آذربایجان شرقی در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشودم تا مقطع سیکل در زادگاه خودم تحصیل کردم پس از اتمام سیکل در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه مدرسه طالبیه تبریز شدم و مقدمات ادبیات عرب و مقداری از فقه و اصول را در آن جا فراگرفتم. سپس در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و به تحصیل فقه و اصول و فراگیری کلام و فلسفه و عرفان از اساتید بزرگوار هم‌چون مرحوم آیه الله پایانی قدس سره، حاج آقا اعتمادی، حاج آقا موسوی تهرانی و استاد اسحاق نیا حفظهم الله تعالی مشغول بوده و هستم. الان بیشتر فعالیتیم آموختن فلسفه و عرفان و تحقیق در نهج البلاغه و تفسیر می باشد. در هر هفته یک روز مدت ۸ سال است که مشغول تدریس تفسیر قرآن برای جوانان هستم. در طول این مدت با دفتر تبلیغات و موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث در تحقیق موضوعات و آثار مختلف اسلامی همکاری داشته و دارم.

فاضلی، قادر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قادر فاضلی

محل تولد: هشتگرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب قادر فاضلی در سال ۱۳۶۰ دیپلم در رشته الکترونیک را گرفته سپس وارد حوزه علمیه شدم دروس حوزوی را تا درس خارج ادامه داده و به تحقیق و تدریس پرداخته ام. در کنار دروس فقه و اصول به فلسفه و عرفان پرداخته و نزد استادانی چون علامه حسن زاده آملی، جوادی آملی و مصباح یزدی تلمذ کرده ام. وقتی از قم به تهران مراجعه کردم به محضر علامه محمد تقی جعفری شرفیاب شده و مدت قریب ۱۰ سال در موضوعات فقه و دین شناسی از خدمت ایشان استفاده نمودم. از سال ۱۳۶۷ به تدریس در دانشگاهها مشغول شده و هم اکنون نیز ادامه دارد. قریب به ۱۰ سال است که در شبکه های مختلف تلویزیونی برنامه های مختلف داشته و در راستای مسائل دینی و اجتماعی بیش از ۱۰۰ برنامه از اینجانب پخش شده است. بیش از ۳۰ مقاله علمی در مجله های داخل و خارج کشور چاپ و منتشر شده است. تا کنون قریب به ۵۰ جلد کتاب در موضوعات مختلف نوشته ام که تعداد ۲۴ عنوان از آنها به چاپ رسیده است.

فتحی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی فتحی

محل تولد: زنجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۲/۱۲/۲

زندگینامه علمی

سال (۱۳۶۵-۱۳۵۹) دوره ابتدایی را در زادگاه خود، روستای قلابرسفلی از توابع زنجان، روستایی با قدمت بیش از هزار سال گذراندم به علت محرومیت روستا، یک سال سوم ابتدایی معلم نداشتیم لذا در زمستان همان سال، به مکتب خانه رفتم و در مدت ۲ یا سه هفته روخوانی قرآن را یاد گرفته و موفق به ختم قرآن شدم و یک هفته هم به کلاس «تنبيه الغافلین» رفتم بعد استاد

گفت شما دیگر لازم نیست به کلاس بیایید.

سال (۶۸-۱۳۶۵) روستای ما، مدرسه راهنمایی نداشت. من با ۴ نفر دیگر به روستای دیگر (نیکه کند ضیائی) در حدود ۲۰ کیلومتر روستای خود رفتیم و آن چهار نفر بعد از مدتی فرار کردند و تنها من ماندم و در این مرحله نفر اول یا دوم مدرسه شبانه روزی بودم. با اصرار و رایزنیهای جدی یکی از دوستان دوره راهنمایی که یکسال قبل از من به قم آمده بود، جناب برادر ارجمند جناب حجه الاسلام عبدالله بهرامی علیرغم میل باطنی، به حوزه علمیه قم آمدم، با آن که برای اولین بار بود که قم و فضای حوزه و مدارس علمیه را میدیدم، مدرسه شهیدین را که با شرایط خاصی، گزینش می کرد، برای تحصیل انتخاب کردم. مقدمات و سطح را در مدرسه شهیدین (ره) پایه ششم مدرسه معصومیه با حفظ خوابگاه و موقعیت در شهیدین در این مرحله نیز به لطف الهی نفر اول یا دوم در برخی از پایه‌ها از نظر معدل بودم.

همزمان دوره‌ی دبیرستان را به صورت متفرقه گذراندم. در سطح دو و سه حوزه را نیز به توفیق الهی جزو ممتازین شدم. (در لیست ممتازان شناسایی شده مرکز خدمات) توفیق شرکت در دوره‌ی عالی فقه و اصول تخصصی با اشراف و نظارت، مدرسه‌ی شهیدین (ره) که مباحث به طور تفصیلی نوشته می شد و در محضر استاد ارائه می گردید؛ اصول: استاد ارجمند حاج آقای علی عندلیب از اساتید یاد شده دروس فقه آیه الله شبیری زنجانی نیز به مدت یک سال و نیم شرکت داشته‌ام و اخیراً نیز در درس اصول حاج آقای لاریجانی شرکت می کنم.

کارشناسی: رشته معارف اسلامی و علوم قرآنی؛ نفر ممتاز گردیده، توفیق تدریس همزمان با تحصیل در سطح کارشناسی تدریس دروس چون حلقات شهید صدر، درایه و علم الحدیث، علوم قرآن و... در جامعه الزهرا و مرکز جهانی علوم اسلامی و در سطح کارشناسی ارشد، تدریس متون عربی (کهن و معاصر)؛ اصول و روش ترجمه قرآن، فن ترجمه، زبان قرآن، علوم قرآن و... در جامعه الزهرا و دانشکده علوم قرآنی و...

کارشناسی ارشد: نفر اول گروه با معدل ۸۶/۱۸، موضوع پایان نامه: معیارشناسی ارتباط الفبایی آیات قرآن کریم، که با عنوان مبانی و معیارهای تفسیر قرآن به قرآن در موسسه امام خمینی با تکمیل و اصلاحات برای چاپ پذیرفته شده است. از جمله اساتید این دوره‌ها، آیه الله معرفت (ره)، حاج آقای محمود رجبی، حاج آقای یوسفی غروی، دکتر نجارزادگان دکتر رفیعی، دکتر جباری، حاج آقای حسن عرفان، دکتر شمالی و...

(ج) دکتری ۸۷-۸۶: همزمان با نگارش پایان نامه به توفیق الهی در آزمون دکترای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، رشته علوم قرآن و حدیث پذیرفته شدم. و در حال حاضر مشغول ترم دوم و از محضر اساتیدی چون دکتر معیدی روشن، حاج آقای رجبی، حاج آقای احمد واعظی، حاج آقای بابائی و حاج آقای مهدوی راد، استفاده می کنیم. خدا عاقبت ما را به خیر گرداند.

فخر داعی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(سید) محمدتقی گیلانی ملقب به فخرالمحققین و داعی الاسلام نویسنده و محقق ایرانی (ف). تهران آذرماه ۱۳۴۳ ه.ش / شعبان ۱۳۸۴ ه.ق). وی پس از تحصیل نزد شیخ محمد طالقانی، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا مسیح سمنانی، فاضل تفرشی عازم عراق عرب شد و از محضر آخوند ملاکاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی استفاده کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. در اوایل نهضت

مشروطه با آزادی‌خواهان عراق همکاری کرد. سپس از طرف آخوند ملا کاظم مأمور اداره‌ی انجمن دعوه‌الاسلام بمبئی گردید. وی علاوه بر وظایف دینی که به عهده داشت به تحقیق و تتبع مشغول بود و زبانهای انگلیسی و اردو را تحصیل کرد و مدت چهار سال در «کالج ایندور» به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. وی پس مراجعت به ایران در وزارت فرهنگ به خدمت مشغول شد و کتب ذیل را ترجمه و منتشر کرد: تمدن اسلام و عرب تألیف گوستاولوبون، تاریخ ایران تألیف سرپرسی سایکس (دو جلد)، تاریخ عرب و اسلام تألیف امیرعلی، شعرالعجم یا تاریخ منظوم ایران تألیف شبلی نعمانی (پنج جلد)، تفسیر قرآن تألیف سید احمدخان (که سه جلد آن منتشر شده)، تاریخ علم کلام تألیف شبلی نعمانی، مجموعه‌ی مقالات شبلی نعمانی، تاریخ هند تألیف امیرعلی. وی در هشتاد و پنج سالگی درگذشت.

(وف ۱۳۴۳ ش)، عالم و مترجم. ملقب به فخرالمحققین و معروف به داعی الاسلام. وی از شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی است که به مقام اجتهاد رسید. در نهضت مشروطه به پیروی از استادانش به حزب آزادیخواهان ایران مقیم عراق پیوست. وی به دستور آخوند ملا محمد کاظم خراسانی به بمبئی رفت و اداره‌ی امور انجمن دعوه الاسلام آن شهر را بر عهده گرفت و معروف به داعی الاسلام شد. او به زبان اردو و انگلیسی مسلط بود. آن گونه که توانست کتابهایی را به زبان فارسی برگرداند. فخر داعی در کالج ایندور به تدریس ادبیات فارسی و عربی پرداخت. در تهران درگذشت و در قم در کنار آرامگاه میرزایوسف مستوفی و مقابل صحن طلا دفن شد. از آثار وی: «تمدن اسلام و عرب» گوستاولوبون، ترجمه؛ «تاریخ عرب و اسلام» امیرعلی، ترجمه؛ «تاریخ هندوستان»، ترجمه؛ «تاریخ علم کلام» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان» یا «تفسیر قرآن سید احمدخان»، ترجمه؛ «سوانح مولوی» شبلی نعمان، ترجمه؛ «شعر العجم» یا «تاریخ ادبیات منظوم ایران» شبلی نعمان، ترجمه؛ «تاریخ ایران» سرپرستی سایکس، ترجمه. [۱]

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه [۱]: فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۶۰۸، ۲۰۳۲ / ۲، ۹۳۳-۹۳۲، ۷۶۸، ۷۲۷-۷۲۶، ۷۲۴، ۶۷۳ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۳-۲۳۱ / ۲)، نامها و نامدارهای گیلان (۳۷۱).

فخر رازی، فخرالدین ابو عبدالله، ابوالعالی، ابوالفضل محمد

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۶۰۶-۵۴۴ ق)، مفسر، واعظ، مصنف، حکیم، اصولی و عالم اشعری شافعی. مشهور به امام رازی و فخر رازی و امام فخرالدین، معروف به امام المشککین و موصوف به شیخ الاسلام و ابن خطیب و ابن خطیب ری. اصل وی از طبرستان بود و در ری به دنیا آمد. وی شاگرد پدرش، ضیاءالدین عمر، در کلام بود و سلسله‌ی استادانش را، از طریق پدر، به اشعری می‌رساند. در مرنده در مدرسه‌ای که قاضی مرنده، پدر، پدر محیی‌الدین بنا کرده بود، فقه و حکمت آموخت. وی در علوم عقلی و نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول، تفسیر، حکمت، علوم ادبی و فنون ریاضی یگانه‌ی عصر خود بود دانشمندان بسیاری از شهرهای دور حاضر حوزه‌ی درس او می‌شدند، و حتی در موقع سواری نیز دهها تن از فقهای شاگردانش به جهت استفاده علمی در رکابش می‌رفتند. فخر رازی به دلیل ژرف بینی در اقوال حکمای یونان و تعمق در جرح و تعدیل آنها شک و شبهه در مطالب عقلی و دینی وارد می‌کرد و به گفته‌ی ابن حجر گاه شبهات سختی وارد می‌آورد که خود از حل آن در می‌ماند. وی به خوارزم رفت و به جهت مذاکرات دینی که با علمای آنجا نمود محکوم به اخراج از آن سرزمین شد، پس به ماورالنهر رفت و باز به همان دلیل تبعید شد. وی به ری موطن خود

بازگشت و از آن جا به خراسان رفت و مورد عنایت سلطان محمدخوارزمشاه قرار گرفت. سرانجام در هرات ساکن شد و شیخ الاسلام آنجا گشت و به دو زبان عربی و فارسی وعظ گفت. او در هرات درگذشت و در دامنه‌ی کوه مزداخان نزدیک هرات دفن شد. از آثار وی: «تفسیر الکبیر» یا «مفاتیح الغیب»، تفسیر قرآن در هشت مجلد؛ «تفسیر الفاتحه»؛ «اسرار التنزیل و انوار التأویل»؛ «اساس التقدیس» یا «تأسیس التقدیس»، در علم کلام؛ «تهذیب الدلائل و عیون المسائل»؛ «لباب الاشارات»؛ «لواعب البینات فی شرح اسماء الله و الصفات»؛ «محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و حکماء و المتکلمین»؛ «المحصول»؛ شرح «قانون» ابن سینا، در طب؛ شرح «نهج البلاغه»؛ «نهایه الایجاز فی درایه الاعجاز»، در علم بیان؛ «کتاب الهندسه»؛ دائره‌المعارف «جامع العلوم» یا «حدائق الانوار فی حقائق الاسرار» یا «ستینی»، به فارسی در پیرامون شصت علم که در ۵۷۴ ق به نام علاءالدین تکش خوارزمشاه تألیف کرده است؛ رساله در «اصول عقاید»، به فارسی، در هشت باب در توحید و نبوت و معاد و امامت و اصول فقه؛ «رساله‌ی روحیه»، به فارسی، در جواب تعزیت نامه‌ای که پادشاه وقت در مرگ پسر فخررازی نوشته بود؛ رساله «الاختیارات العلائیه» یا «الاحکام العلائیه فی الاعلام السماویه»، به فارسی، در اختیارات نجومی، که به نام سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه در دو مقاله نوشته است؛ «شعر»، به عربی و فارسی. [۱]

رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی طبرستانی رازی مشهور به امام فخر فقیه شافعی و دانشمند علوم معقول و منقول معروف به ابن الخطیب و فخر رازی (و. ری ۵۴۳ یا ۵۴۴- ف. هرات ۶۰۶ ه. ق). وی در عصر خوارزمشاهیان می‌زیست و جاه و منزلت و نفوذ کلام او در نزد سلطان محمد خوارزمشاه بسیار بود. و بین او و بهاءالدین پدر جلال‌الدین مولوی اختلاف ایجاد شد. وی در علم کلام و معقولات سرآمد عصر بود، و در فنون مختلف تألیفات مهم دارد. فخر رازی در غالب اصول مسلم فلسفی شک کرده و بر فلاسفه‌ی مقدم ایراداتی وارد آورده و حکیمانی نظیر نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین رازی و میرداماد و صدرالدین شیرازی مدتها سرگرم جواب دادن به شبهات او بوده‌اند. به سبب همین قدرت در تشکیک است که وی را «امام المشککین» لقب داده‌اند. از آثار اوست: نهایه‌العقول، کتاب الاربعین، المطالب العالیه، محصل افکار المتقدمین و المتأخرین (ه. م)، البیان والبرهان فی الرد علی اهل الزيغ والطغیان، المباحث العمادیه فی المطالب المعادیه، تهذیب الدلائل و عیون المسائل، ارشاد النظار الی لطائف الاسرار، تحصیل الحق، الزبده، المعالم، مفاتیح الغیب (ه. م)، نهایه‌الاعجاز (ه. م)، المسائل الخمسون (ه. م)، شرح کلیات قانون ابن سینا، ستینی (ه. م)، الملخص (ه. م)، شرح الاشارات (در این کتاب ایراداتی بر ابن سینا وارد کرده که بعداً نصیرالدین طوسی آنها را جواب داده)، شرح عیون‌الحکمه، مباحث المشرقیه (ه. م).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۰۳ / ۷)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۷- ۱۰۱۶ / ۲)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۱۳- ۳۸۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۸۴۸- ۱۸۴۷ / ۲)، روضات الجنات (۴۴- ۳۶ / ۸)، ریحانه (۳۰۱- ۲۹۷ / ۴)، ری باستان (۳۷۷- ۳۷۴ / ۲)، سیر النبلاء (۵۰۱- ۵۰۰ / ۲۱)، شخصیت‌های نامی (۳۶۴- ۳۶۳)، شذرات الذهب (۲۲- ۲۱ / ۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۶۸- ۳۶۷)، الکامل (۳۰۲ / ۹)، کشف الظنون (۲۰۰۲، ۱۹۸۸، ۱۹۸۶، ۱۹۷۳، ۱۹۰۵، ۱۸۶۴، ۱۸۴۰، ۱۸۱۹، ۱۷۷۴، ۱۷۵۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۶، ۱۷۱۴، ۱۶۹۷، ۱۶۱۶، ۱۶۱۵، ۱۶۱۴، ۱۵۷۸- ۱۵۷۷، ۱۵۶۱، ۱۴۶۷، ۱۴۴۵، ۱۳۱۲، ۱۱۸۶، ۱۱۴۱، ۱۱۱۳، ۱۰۳۵، ۹۹۳، ۹۸۹، ۹۵۴، ۷۶۰، ۷۳۹، ۷۳۰، ۷۲۵، ۶۳۳، ۶۰۵، ۵۶۵، ۵۱۵، ۴۵۴، ۴۴۹، ۳۵۹، ۳۵۴، ۳۳۳، ۲۶۲، ۲۲۴، ۲۰۴، ۱۲۰، ۹۴، ۸۳، ۶۷، ۶۱)، الکنی و الالقاب (۱۶- ۱۳ / ۳)، لسان المیزان (۴۳۵- ۴۳۰ / ۵)، لغت‌نامه (ذیل / فخر رازی)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۶۰۶)، معجم المؤلفین (۸۰- ۷۹ / ۱۱)، منتخب التواریخ (۴۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۴- ۶۴۲ / ۵)، النجوم الزاهره (۱۷۶- ۱۷۵ / ۶)، الوافی بالوفیات (۲۵۲- ۲۴۸ / ۴)، وفيات الاعیان (۲۵۲- ۲۴۸ / ۴)، وقایع السنین و الاعوام (۳۳۵)، یادداشتهای قزوینی (۹۵ / ۶).

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۶۲۲-۵۲۸ ق)، محدث، زاهد، صفوی و متفلسف شافعی. اصلش شیرازی و ساکن مصر بود. احادیث بسیاری از سلفی شنید و آنها را به رشته تحریر درآورد و در دمشق نیز ابن عساکر حدیث شنید. برزالی و منذری و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. ذهبی نیز از طریق ابوالمعالی ابرقوهی و ابوالحسن ابن قیم نیز از وی حدیث روایت کرده است. در خانقاه ذوالنون مصری زوایه داشت و پس از مرگ در همان جان دفن شد. او در نظم و نثر توانا بود و صاحب تصنیفاتی در زمینه‌ی تصوف و کلام است، که برخی از آنها به سبک فلاسفه صوفیه است. از آثار وی: کتاب «مطیه النقل و عطیه العقل»، در اصول و کلام؛ «الاسرار و سر الاذکار/الاسکار»، که در آن بین حقیقت و شریعت جمع کرده است؛ «برق النقا و شمس اللقا»؛ «جمحه النهی عن لمحہ المها»؛ «الفرق بین الصوفی و الفقیر»؛ «تذکره مناهج السالکین»؛ «بلغه الفاصل و عروه الواصل».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۱۸۷ / ۶)، ایضاح المکنون (۵۰۲-۵۰۱، ۱۸۸، ۲ / ۳۶۵، ۱۷۶، ۷۶ / ۱)، سیر النبلاء (۱۸۱-۱۷۹ / ۲۲)، شذرات الذهب (۱۰۱ / ۵)، العبر (۱۸۸ / ۳)، لسان المیزان (۶۳۱-۶۲۹ / ۵)، معجم المؤلفین (۱۹۲-۱۹۱ / ۸)، النجوم الزاهره (۲۳۴ / ۶)، الوافی بالوفیات (۲ / ۹)، هدیه العارفین (۱۱۲-۱۱۱ / ۲).

فرید، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۷۳-۱۲۹۱ ش)، استاد دانشگاه، فیلسوف. اصل وی از یزد بود. فرید از دانشگاه سوربن موفق به اخذ دکتری فلسفه شد و پس از بازنشستگی به مدت چند سال در انجمن حکمت و فلسفه به تدریس اصول و مبانی فلسفه پرداخت. دکتر فرید با زبانهای عربی، فرانسه و آلمانی آشنا بود و اصطلاح معروف غربزدگی که بسیار شایع شده است از اوست. از آثار وی: «روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان»، ترجمه، به مشارکت عبدالحمید گلشن. [۱]

استاد.

تولد: ۱۲۹۱، یزد.

درگذشت: ۲۵ مرداد ۱۳۷۳.

دکتر سید احمد فرید دارای درجه‌ی دکتری از دانشگاه سوربن در رشته‌ی فلسفه بود. استاد فلسفه و حکمت معنوی دانشگاه تهران بود و پس از بازنشستگی نیز چندین سال به آموزش و تدریس مبانی فلسفه در انجمن حکمت و فلسفه می‌پرداخت. وی بر واژه‌شناسی زبان‌های سانسکریت، لاتین، آلمانی، عبری، و عربی تسلط داشت و از برخی از زبان‌های دیگر نیز تا اندازه‌ای اطلاع داشت. وی از لحاظ فلسفی تحت تأثیر اندیشه‌های فلسفی مارتین هایدگر قرار داشت. نوارهای بخشی از کلاس‌های ایشان در بنیاد علامه‌ی طباطبایی موجود است. مقالاتی از وی در مجله‌ی «سخن» به چاپ رسیده است.

از آثار وی است: روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان (هانری کربن، ترجمه با همکاری عبدالحمید گلشن، ۱۳۲۵).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۵۲ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۲-۴۳۱ / ۱)، نشر دانش (س ۱۵، ش ۱ و ۲، ص ۸۲).

فرشته، محمدتقی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شیخ محمدتقی فرشته (متوفی سال ۱۱۸۶ هـ.ق) از اعلام فلاسفه و اعظم علمای امامیه بود. وی پس از درک محضر علمای بزرگ زمان خود و رسیدن به درجه عالی علمی، توانست کرسی تدریس فلسفه و فقه و اصول را در قزوین به خود اختصاص دهد. شیخ محمدتقی فرشته آثاری چند به طبع و تالیف رسانده است. گروه: علوم انسانیرشته: الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب: شیخ محمدتقی فرشته فرزند شیخ محمدجعفر بن شیخ محمدکاظم طالقانی قزوینی رمضان، از اعلام فلاسفه و اعظم علمای امامیه بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای: شیخ محمدتقی فرشته پس از فراگیری مقدمات، حکمت و فلسفه را نزد علمای زمان خود آموخت و در ردیف عالمان زمان خود قرار گرفت. استادان و مربیان: شیخ محمدتقی فرشته حکمت و فلسفه را از حوزه درس پدرش شیخ محمدجعفر فرشته و میرزا حسن بن عبدالرزاق لاهیجی (متوفی سال ۱۱۲۱ هـ.ق) اخذ کرد. همسر و فرزندان: شیخ محمدتقی فرشته پدر ملانعیما طالقانی صاحی کتاب اصل الاصول و ملامحمد ملائکه متوفی سال ۱۲۰۰ هـ.ق می باشد. زمان و علت فوت: شیخ محمدتقی فرشته متوفی سال ۱۱۸۶ هـ.ق می باشد. فعالیتهای آموزشی: شیخ محمدتقی فرشته پس از درک محضر علمای بزرگ زمان خود و رسیدن به درجه عالی علمی، توانست کرسی تدریس فلسفه و فقه و اصول را در قزوین به خود اختصاص دهد. او از ائمه فتوا و تقلید بود. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: شیخ محمدتقی فرشته علاوه بر فعالیت های آموزشی، آثاری چند به طبع و تالیف رسانده است. آثار: حواشی بر اسفار ملاصدرای شیرازی، حواشی بر شرح قوشجی

منابع زندگینامه: نسیم قزوین، بنیاد فرهنگی قزوین شناسی، به کوشش محمدعلی حضرتی، دفتر اول، زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۷۰

فرهادیان، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا فرهادیان

محل تولد: همدان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۶/۱

زندگینامه علمی

به نقل از کتاب والدین مسئول و کتاب یار مهربان یادمان نخستین جشنواره انتخاب کتاب معلم: مولف در سال ۱۳۲۷ در جوار

آرامگاه حکیم و فیلسوف بزرگ شرق شیخ ال‌رئیس ابو علی سینا و شاعر شوریده بابا طاهر در شهر همدان پا به عرصه هستی گذاشت. تحصیلات را در زادگاهش آغاز کرد و پس از اخذ مدرک دیپلم در دانشگاه علم و صنعت تهران در رشته مهندسی مکانیک و دانشگاه تربیت معلم (دانشسرای عالی تهران) در رشته مشاوره و راهنمایی تحصیلی (علمی) قبول گردید به دلیل علاقه مندی به تعلیم و تربیت و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت معلم را انتخاب نموده و با طی دوره دانشگاه زمینه برای ورود به آموزش و پرورش و درآمدن به کسوت شریف معلمی فراهم شد و در سال ۱۳۵۲ با استخدام در آموزش و پرورش سالهای پر شور و به یاد ماندنی تدریس و مشاوره تعلیم و تعلم در زندگی فرهنگی او آغاز شد. با ارتباطی که با مرحوم شهید دکتر بهشتی (ره) داشت جهت فعالیتهای فرهنگی قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۳ به سمت مدیر عامل موسسه آیت فیلم انتخاب گردید. و در اسفند ماه سال ۱۳۵۷ با تایید و پیشنهاد شهید مرحوم آیت الله مدنی (ره) به سمت مدیر صدا و سیمای استان همدان منسوب گردید و در اسفند سال ۱۳۵۸ به سمت مدیر صدا و سیمای استان کردستان منسوب گردید و در سال ۱۳۶۰ به سبب احساس نیاز و علاقمندی به علوم اسلامی وارد حوزه علمیه قم شد و با علاقه فراوان به فراگیری دروس حوزه پرداخت. وی در طول سالهای خدمت در آموزش و پرورش به مطالعه، مشاوره و تحصیل دروس حوزوی اشتغال داشته و ساعاتی به عنوان مشاور و راهنمای دانش آموزان و اولیای آنها نقش موثری در پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت داشته و مسئولیت مرکز مشاوره خانواده در آموزش و پرورش استان قم از دیگر مسئولیتهای وی در آموزش و پرورش بوده است در سال ۱۳۶۷ طی حکمی عضو ستاد تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش گردید و در تدوین فلسفه تعلیم و تربیت و پیش نویس طرح بنیادی تغییر نظام آموزش و پرورش با وزارت آموزش و پرورش مشارکت نمود. در طی این دوران همچنان به دروس حوزه اشتغال داشته و به فراگیری درس خارج از اساتیدی چون آیت الله جوادی آملی، فاضل لنکرانی (ره)، مکارم شیرازی، وحید خراسانی بهره برده است و دوره تخصصی فلسفه اسلامی از منطق منظومه تا فلسفه و عرفان اسلامی را گذرانده است. وی در طول دوره های تحصیل حوزه و خدمت در آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۹ با تاسیس موسسه فرهنگی تربیتی توحید در جهت پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت اسلامی تلاش نموده و حاصل سالها فعالیت و مطالعه و تجربه مفید آموزشی و تربیتی، تالیف بیست جلد کتاب و مقالات مختلف در مجله پیوند و تربیت و سایر روزنامه ها و ویژه نامه های تربیتی وابسته به آموزش و پرورش اقدام نموده است که برخی از این کتابها بارها به چاپ رسیده است و تجدید چاپ مکرر گردیده است و در حال حاضر کماکان مدیر موسسه فرهنگی تربیتی و مجتمع آموزشی دخترانه و پسرانه توحید می باشند و با طرح ارزشیابی توصیفی، حرکتی نو در جامعه آموزشی ایران ایجاد نموده و اخیرا با وزارت آموزش و پرورش در جهت تالیف کتاب مهارتهای زندگی همکاری مستمر داشته اند. (مهر ۱۳۸۵)

فریدالدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عمر بن غیلان بلخی، معروف به فرید غیلانی، حکیم ایرانی در نیمه اول ق. ۶ ه. وی در ۵۲۳ ه. ق در نامیه مرو مشغول بوده و قسمتی از عمر خود را در سمرقند گذرانیده و فخرالدین رازی در ۵۸۲ به خانهای او رفته است فرید در فلسفه شاگرد ابوالعباس لوکری شاگرد بهمنیار شاگرد ابن سیناست آثار مهم او عبارتند از: «حدوث العالم»، «التنبیه علی تمویهات کتاب التنبیهات»، «التوطئه للتخطئه» در ذکر ایراداتی بر منطق ابن سیناست.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

فریدنی، محمد صالح

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۸ - ۱۲۴۰ ق)، حکیم، عارف و فقیه. در قریه‌ی چادگان فریدن اصفهان متولد شد. مقدمات علوم را در اصفهان آموخت. سپس به سبزوار رفت و از محضر حاجی ملاهادی حکیم سبزواری بهره جست و از شاگردان برجسته‌ی او گردید. چون به کمال رسید به اصفهان بازگشت. وی علاوه بر کمالات علمی در فضایل نفسانی نیز به مقامات والا رسید، و این راه را با کمک آقا محمد کاظم سعادت علیشاه اصفهانی پیمود، و با حاج ملا سلطان محمد گنابادی پیمان بست و سالها در موطن خویش منزوی و به عبادت و ریاضت مشغول بود. ملک‌المتکلمین اصفهانی، خطیب دوران مشروطه، از شاگردان او است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره القبور (۳۸۴-۳۸۳).

فکور، محمد حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین فکور

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین فکور در سال ۱۳۵۸ با شروع انقلاب اسلامی در ایران و علاقه به علوم حوزوی وارد حوزه علمیه شدم و به تحصیل پرداختم و مانند سایر محصلین و طلاب حوزه‌های علمیه به خواندن درسهای سطح پرداخته در این بین با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۱ به مدت یک سال تمام در جبهه‌ها حضور یافتم پس از آن مجدداً به تحصیل ادامه دادم و از اساتیدی همانند آیات عظام سید محسن خرازی، ستوده، پایانی، موسوی تهرانی، اعتمادی و فیاضی در دروس سطح بهره بردم سپس به درس خارج پرداخته و از اساتیدی همانند آیت الله شیخ محمد علی اسماعیل پور شهرضایی، وحید خراسانی، شیخ جواد تبریزی و آیت الله بهجت بهره بردم در این بین در لجنه تحقیقاتی کتاب وزین جامع احادیث الشیعه که به امر آیت الله بروجردی در حال تالیف بود و تا سالیان اخیر نیز ادامه داشت به مدت چند سال شرکت کرده و از این لجنه استفاده فراوانی بردم با توجه به علاقه ذاتی به ادبیات و نویسندگی به مطالعه آثار ادبی نویسندگان بزرگ ایران و جهان پرداخته که این امر در ارتقای مساله نویسندگی در این جانب نقشی اساسی داشت در سالهای بعد با دعوت سردبیر مجلات کودک و نوجوان، پوپک و سلام بچه‌ها در آنجا به فعالیت پرداختم

که این مساله تا کنون ادامه دارد. همزمان به تحصیل دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه قم نیز پرداختم و در سال ۱۳۸۳ موفق به دفاع از پایان نامه خود با درجه عالی با عنوان خداشناسی در مکتب اهل بیت علیهم السلام شدم.

فلاح رزومی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی فلاح رزومی

محل تولد: ساری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای علی فلاح رزومی در سال ۱۳۴۳ در خانواده‌ای دوستدار اهل بیت (ع) دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدائی، راهنمایی و متوسطه را در ساری گذرانده و در سن ۲۰ سالگی برای تحصیل علوم دینی به مشهد مهاجرت کردند نامبرده در کنار دروس حوزوی به تحصیل دروس دانشگاهی نیز پرداخت و در سال ۱۳۷۸ در مقطع ارشد رشته فلسفه و کلام از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل گشته و هم اکنون نیز در مقطع دکترا در حال تحصیل می‌باشند. ایشان همزمان با تحصیل، حوزه درسی را دایر کردند و به تربیت طلاب و دانشجویان پرداختند. ایشان ادبیات عرب را نزد حجت الاسلام و المسلمین رازینی و شرح لمعه را نزد آیت الله صالحی آموختند سپس مکاسب را نزد آیت الله واعظی و کفایه را نزد آیت الله رضازاده تلمذ کردند، پس از آن مدت مدیدی در درس خارج فقه و اصول آیت الله فلسفی شرکت کردند و نامبرده سفرهای متعدد تبلیغی نیز به خارج از کشور داشته‌اند که برخی از آنها را می‌توان چون عربستان و نامبیا نام برد.

فلاح شیروانی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد رضا فلاح شیروانی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

حقیر دوره های دبستان و راهنمایی را در شهرک خزانه تهران در مدارس دینی مناسبی گذراندم و دوره دبیرستان را در مدرسه نمونه دولتی رشد (ظاهراً اولین مدرسه نمونه دولتی آن زمان - تأسیس ۱۳۶۴) گذراندم (ورودی دوره اول آن بودم) این مدرسه هم محصول خوبی داشت. و همین تأثیرات چشمگیری روی چند منطقه جنوب شهر گذاشت. پس از دیپلم در سال ۶۸ در رشته مخابرات دانشگاه صنعتی شریف مشغول تحصیل شدم. منتها اندیشه ای که یکبار سال چهارم دبیرستان سر کوبش نموده بودم دوباره سراغم آمد و این بار جدی تر و تحلیلی تر گریبانم را گرفت. به طور جدی به این می اندیشیدم که آیا باید ادامه تحصیل در رشته مهندسی بدهم یا به حوزه بروم. مخالفتها متنوع و همه جانبه بود و موافقین برخی عاطفی برخورد می کردند و برخی تحلیلهایشان ضعیف بود. پس از چند ماه تحقیق و حتی سکونت چند ماهه در قم جهت تحقیقی در این باب بالاخره تصمیم خود را قاطعانه گرفتم و در سال ۷۱ پس از انصراف از دانشگاه وارد حوزه شدم. در عرض سه سال تا چهار سال پایه ده ۱۰ حوزه را گذراندم (سال ۷۴ تخصصی های پایه ده و در سال ۷۵ عمومیها را امتحان دادم. از سال ۷۴ به دروسهای خارج سرزدم. از همان سال اول به دروس معقول علاقه ای ویژه داشتم لذا در کنار ادبیات عرب و حلقات شهید صدر المنطق را هم (پس از مطالعه دقیق آموزش منطق غرویانی و مباحثه مفصل آن) تمام کردم و کتاب «آشنایی با فلسفه» شهید مطهری و «علم چیست، فلسفه چیست» را نیز خواندم. تابستان همان سال اول (۷۲) با کتاب در آمدی بر آموزش فلسفه آقای غرویانی و در محضر آقای معلمی رسماً دوره فلسفه را شروع کردیم و پس از آن در سال دوم آموزش فلسفه را با ایشان ادامه دادیم و تا انتهای همان سال (۷۲) هر دو جلد را تمام کردیم پس از آن به مطالعاتی در باب فلسفه غرب رو آوردیم که به صورت کامل پیگیری نشد و در سال بعد نهاییه را با نظارت جناب استاد فیاضی و برگزاری جلسات مرتب رفع اشکال توسط ایشان گذراندم. پس از آن به جهت فشار دروس اصول و فقه و اصرار بر اتمام سطح ۲ سیر فلسفی مدتی متوقف شد. در سال ۷۶ در کنار دروس فقه و اصول دوره اشارات (حکمت) را با نوارهای آیت الله حسن زاده حفظه الله شروع کردم و پس از آن «اسفار اربعه» را با نوارهای آیت الله جوادی حفظه الله مطالعه کردم. از سال ۷۷ دروس عرفان نظری با کتاب «تمهید القواعد» توسط استاد یزدان پناه حفظه الله شروع شد که توفیق شرکت مستمر در آن و پس از آن «شرح فصوص الحکم» مرحوم قیصری و در کنار آن دروس حکمة الاشراف و جلسات فلسفه بود. دروس فقه و اصول پس از پایه ۱۰ با حضور در کلاسهای آیت الله تبریزی و بهجت حفظه الله حجة الاسلام و المسلمین مددی و تحریری و همچنین حجة الاسلام شیخ صادق لاریجانی ادامه پیدا کرد؛ تا سال ۸۲ که با پذیرفتن مسئولیت بخش شهید بهشتی (فارغ التحصیلان دانشگاهی که به حوزه آمده بودند) در مدرسه معصومیه، کلاً برنامه های علمی بنده متوقف شد. پس از استعفا از مسئولیت آن بخش در سال ۸۴ دوباره برنامه دروس عرفانی و فلسفی و تحقیقات تربیتی پی گرفته شد. همزمان با استعفا از دو گروه پژوهشی اخلاق و تربیت در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول شدم. سال تحصیلی ۸۶ - ۸۷ معاونت پژوهشی مدرسه معصومیه را پذیرفتم و در زمستان همان سال (۸۶) گروه پژوهشی «اخلاق و عرفان» را به کمک تعدادی از دوستان در پژوهشکده علمی - کاربردی باقرالعلوم ع وابسته به سازمان تبلیغات طراحی و تأسیس کردیم. دغدغه ما در این گروه پژوهشی فعال کردن تحقیقات کاربردی در حوزه اخلاق و عرفان توسط پژوهشگران توانمند این عرصه بود.

فلاح نژاد، عبدالحمید

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالحمید فلاح نژاد

محل تولد: خرم آباد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه کمالیه خرم آباد شدم و دروس مقدماتی را همراه با سال سوم راهنمایی شروع کردم در سال ۵۸ به مدرسه علمیه ولی عصر (عج) بروجرده عزیمت کردم. در سال ۵۹ به حوزه علمیه مقدسه قم منتقل شدم ابتدا در مدرسه امام صادق (ع) و سپس در مدرسه حجتیه مستقر شدم در سال ۶۰ وارد مدرسه آیت الله گلپایگانی شدم و تا لمعتین را در آن مدرسه بودم سپس وارد دروس عمومی حوزه شده و تا سال ۱۳۶۸ دوره سطح عالی گذراندم. در سال ۶۸ در درس اصول آیت الله فاضل لنکرانی شرکت کردم و از سال ۶۹ در درس فقه آیت الله تبریزی و به مدت ۲ سال در درس فقه و اصول آیت الله مکارم شیرازی و از سال ۷۲ تاکنون در درس خارج فقه و اصول آیت الله وحید خراسانی حضور می یابم. جلد ۱ اسفار اربعه ملاصدرا را از محضر آیت الله جوادی آملی و مجلات ۲ تا ۹ اسفار را از محضر آیت الله ممدوحی استفاده کردم. در سال ۷۰ به صورت داوطلب آزاد دیپلم فرهنگ و ادب گرفتم در سال ۷۶ در دوره تخصصی تبلیغ حوزه قم شرکت کرده و در سال ۸۰ این دوره را به پایان رساندم و در حال حاضر مشغول تدوین پایان نامه سطح ۴ حوزه تحت عنوان شیوه جدال احسن در تبلیغ دین می باشم. در سال ۸۰ در کنکور دانشگاه آزاد مقطع کارشناسی ارشد شرکت کردم و بارتبه دوم در رشته فلسفه و حکمت اسلامی پذیرفته شدم و در سال ۱۳۸۲ این مقطع را به پایان رساندم و پایان نامه ای تحت عنوان مبانی ولایت از دیدگاه امام خمینی (ره) به نگارش در آوردم. از سال دوم طلبگی تدریس دروس مقدماتی را آغاز کردم و در سال ۷۴ در دانشگاه مشغول تدریس شدم که هم اکنون نیز ادامه دارد در سال ۷۵ در مدارس تحت پوشش حوزه علمیه قم تدریس ادبیات عرب شدم و سپس فقه و اصول را شروع کردم از سال ۸۰ تاکنون نیز دروس سطح عالی حوزه را تدریس می کنم. چند مقاله در موضوعات ارتداد ولایت فقیه امام خمینی و فلسفه تخطئه و تصویب در نظر مذاهب اسلامی به رشته تحریر در آوردم که بعضی از آنها را در اختیار بعضی مجلات قرار داده ام هم اکنون در حال تدریس در حوزه و دانشگاه می باشم.

فلاطوری، جواد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فیلسوف.

تولد: ۱۳۰۴ ق.، اصفهان.

درگذشت: ۹ دی ۱۳۷۵.

عبدالجواد فلاطوری از نوادگان آخوند ملا اسماعیل اصفهانی، استاد فلسفه‌ی حاجی سبزواری، است. فلاطوری از ابتدای جوانی علاوه بر تحصیلات دبیرستانی به کسب معارف اسلامی همت گماشت و در شهرهای اصفهان، تهران و مشهد در محضر استادانی نظیر محمدعلی شاه‌آبادی، مهدی آشتیانی، آیت‌الله محمدتقی آملی، آیت‌الله خوانساری، محمدرضا کلباسی و آیت‌الله هادی کدکنی نیشابوری به شاگردی پرداخت.

در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ کتاب جواهر را با آیت‌الله محمدرضا کلباسی مباحثه کرد و از محضر وی به اخذ روایت و گواهی درجه‌ی اجتهاد نایل آمد.

فلاطوری در سال ۱۳۳۳ برای تحصیل روانه آلمان شد و در رشته‌ی فلسفه به تحصیل پرداخت. وی در رشته‌ی «کانت‌شناسی» به درجه‌ی استادی رسید. همچنین در آلمان به تحصیل رشته‌های فلسفه، روان‌شناسی علوم تربیتی، علوم اجتماعی، و تطبیق ادیان پرداخت. در همین ایام زبان‌های لاتین و یونانی را نیز فراگرفت و پس از نوشتن مقالات و رسایل کوچکتری به نوشتن رساله‌ی استادی خود پرداخت و آن را درباره‌ی «دگرگونی بنیادی فلسفه‌ی یونانی بر اثر طرز اندیشه اسلامی» نگاشت و به درجه‌ی استادی نایل آمد. دکتر فلاطوری استاد دانشگاه کلن آلمان در رشته‌های فلسفه (به شیوه‌ی تطبیقی) و حقوق و کلام و علوم اسلامی و اسلام معاصر بود.

از جمله فعالیت‌های دکتر فلاطوری، تأسیس مرکز آکادمی کلن در سال ۱۳۵۶ بود که دست به اصلاح کتاب‌های درسی مدارس آلمان زد، و نواقص و کاستی‌های کتاب‌های درسی را در زمینه‌های اسلام و تاریخ اسلام اصلاح کرد و در این ارتباط شش کتاب تألیف شد که به عنوان مرجعی برای نویسندگان کتاب‌های درسی آلمان و دیگر کشورهای اروپا از قبیل فنلاند، فرانسه، پرتغال و اسپانیا شد و خود اروپایی‌ها براساس اقدامات و تألیفات استاد فلاطوری، مطالب کتاب‌های درسی خود را اصلاح بازنویسی کردند. دکتر فلاطوری برای این که مرکز آکادمی کلن به عنوان یک نهاد علمی جزء دانشگاه قرار بگیرد، آن را از شهر کلن به هامبورگ انتقال داد و از آن پس جزیی از دانشگاه هامبورگ شد. قصد وی این بود که در این مرکز آکادمی، دانشجوی علوم اسلامی تربیت کند و مدرک معتبر نیز بدهد.

دکتر فلاطوری در آلمان به عنوان یک مرجع اسلامی و دانشمند فلسفه و علوم اسلامی مطرح بود. هر زمان که مجلس اروپا در تجزیه و تحلیل و بیان مسایل اسلامی و تفاهم و همفکری و گفت و گوی بین پیروان ادیان اسلام و مسیحیت و یهودیت دچار مشکل می‌شدند، به وی مراجعه می‌کردند و نظرخواهی و راهنمایی می‌خواستند. وی برای ایجاد مباحثه، تفاهم، همفکری، و همکاری بین پیروان ادیان مختلف تلاش می‌کرد. وی در برپایی اجلاسی که پیش از فوتش بین مفتکران و اندیشمندان مسلمان، مسیحی و یهودی در یونان برگزار شد، مسئولیت داشت.

از آثار ترجمه‌ی اوست: تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی (تألیف برتولد اشپولر، تهران، ۱۳۴۹).

دکتر عبدالجواد فلاطوری روز یکشنبه نهم دی ۱۳۷۵ هنگام تدریس در کلاس درس بر اثر سکته‌ی قلبی درگذشت. برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

فلسفی کازرونی، محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد بن عبدالله بن محمد مظفرالدین حمیدالدین بن سعدالدین امامی فلسفی کازرونی از علماء امامی مذهب فلسفی مشرب و

اطباء قرن نهم هجریست وی در ۸۷۰ از دنیا رفته است.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

فلکی شروانی، نجم‌الدین

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۸۷ / ۵۷۷ / ۵۴۰ ق)، حکیم، منجم و شاعر، متخلص به فلکی. در قصبه‌ی شماخی از نواحی شروان به دنیا آمد. در اوایل جوانی به تحصیل نجوم پرداخت و به همین دلیل تخلص فلکی را انتخاب کرد. وی از مداحان شروانشاهان، و بویژه مداح منوچهر بن فریدون بود و گفته‌اند که توسط وی به ملک‌الشعرایی برگزیده شد. فلکی از معاصران خاقانی و نظامی بود. او شعر و ادب را نزد ابوالعلاء گنجوی فراگرفت. به گفته‌ی صاحب «آتشکده‌ی آذر» تخصص فلکی در قصیده‌سرایی بود و تحت تأثیر سبک خراسانی قرار داشت. او قصاید حبسیه‌ای نیز دارد که مربوط به زمانی است که به تهمت افشای اسرار به زندان شروانشاه افتاده بود. وی در شماخی در گذشت و در آن‌جا نیز مدفون شد. از آثارش «دیوان» شعر؛ «کتابی» در احکام نجوم.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۲۰۴-۱۹۸ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۷۶-۷۷۴ / ۲)، تاریخ گزیده (۷۴۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۶)، تذکره الشعراء (۱۱۵)، حبسیه در ادب فارسی (۲۶۹-۲۶۷)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۲-۳۰۱)، الذریعه (۸۴۶ / ۹)، ریحانه (۳۵۳-۳۵۲ / ۴)، سخن و سخنوران (۶۱۱-۶۰۱)، شخصیت‌های نامی (۳۸۱-۳۸۰)، صبح گلشن (۳۲۰)، فرهنگ سخنوران (۷۱۹)، گنج سخن (۲۵-۲۰ / ۲)، مجمع الفصحا (۹۴۸-۹۴۶ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۷-۶۶۶ / ۵).

فناپی اشکوری، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد فناپی اشکوری

محل تولد: رودسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

محمد فناپی اشکوری در سال ۱۳۴۰ در شهرستان رودسر به دنیا آمد، در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قزوین شد و ادبیات، منطق و مقداری فقه و اصول را در آنجا در مدرسه صالحیه گذراند. در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی به قم هجرت کرد و دروس سطح را طی سه سال به پایان رساند، خارج فقه و اصول را نزد آیه الله سید محمود هاشمی شاهرودی فرا گرفت و همزمان دروه چهار ساله مؤسسه در راه حق را به پایان رساند. درسهای فلسفه و عرفان را نزد حضرات آیات جوادی آملی، حسن زاده آملی

و مصباح یزدی بهره برد و به مدت دو سال در گروه تخصصی فلسفه بنیاد باقرالعلوم علیه السلام مشغول بود و همزمان در درسهای فلسفه غرب در دانشگاه تهران نزد اساتید مختلف شرکت کرد. در سال ۱۳۷۱ هجری شمسی به کانادا اعزام شد، کارشناسی ارشد را طی دو سال از مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل در فلسفه و منطق تطبیقی گذراند سپس در رشته فلسفه غرب دوره دکتری را در دانشگاه مک گیل به پایان برد. طی ده سال اقامت در شمال آمریکا در دانشگاههای مختلف آمریکا و کانادا سخنرانی داشت و در بسیاری از کنفرانسهای فلسفه و دین مقاله ارائه نمود. در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی به ایران برگشت و در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به تدریس فلسفه تطبیقی، فلسفه سیاسی و عرفان پرداخت. تا کنون حدود ده پایان نامه تخصصی در رشته های فلسفه، دین شناسی و عرفان با راهنمایی ایشان به انجام رسیده است.

فولادوند، عزت الله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عزت الله فولادوند در سال ۱۳۱۴ ش در شهرستان اصفهان به دنیا آمد. ایشان تحصیلات دانشگاهی خود را در آمریکا پی گرفت و موفق شد کارشناسی و کارشناسی ارشد فلسفه را از دانشگاه کلمبیای نیویورک دریافت کند. ایشان در کنار فعالیت در شرکت ملی نفت ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی به فعالیت های فرهنگی نیز می پردازد. از ایشان چندین ترجمه به یادگار است. ترجمه کتابهای "فلسفه کانت" و "آگاهی و جامعه" عزت الله فولادوند، به ترتیب در دوره هشتم و نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: عزت الله فولادوند بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی جهت ادامه تحصیل عازم کشور آمریکا شد و از دانشگاه کلمبیای نیویورک در رشته فلسفه موفق به دریافت لیسانس و فوق لیسانس گردید. استادان و مربیان: از اساتید برجسته عزت الله فولادوند می توان به «آرتور دانتو»، «رابرت کامینگ» و «سیدنی مورگن بسر» اشاره کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عزت الله فولادوند از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۹ در سمتهای مختلف در شرکت ملی نفت ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی مشغول به کار بوده است.

جوایز و نشانها: ترجمه کتابهای "فلسفه کانت" و "آگاهی و جامعه" عزت الله فولادوند، به ترتیب در دوره هشتم و نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است. -----

آثار:

۱ آگاهی و جامعه

ویژگی اثر: ترجمه، (هـ. استیوارت هیوز)، این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «آگاهی و جامعه»: موضوع اصلی این کتاب جستجوی پاسخی برای

این پرسش است که انسان چگونه به خود و حیات اجتماعی‌اش آگاهی می‌یابد و اصولاً علم انسان به خود و اجتماعش چگونه ممکن است. این مساله در این کتاب به صورت تاریخی بررسی شده است و قصد نویسنده روشن کردن این نکته بوده است که چگونه در میانه دهه آخر قرن نوزدهم و دهه سوم قرن بیستم میلادی از برخورد اندیشه‌ها و نگرشهای گوناگون تصور تازه از آگاهی بشری و نگرش جدیدی به اجتماع و حیات اجتماعی پدید آمد. کتاب آگاهی و جامعه از نمونه‌های خوب و موفق تاریخ فکری است و به همین دلیل هر چند بیش از یک ربع قرن از تألیف آن می‌گذرد هنوز هم خواندنی و آموزنده است. ترجمه این کتاب دقت و روشنی بیان را با هم در یکجا جمع کرده است و مترجم در انتقال مباحث گوناگون این کتاب به زبان فارسی کاملاً موفق بوده است

۲ آلبر کامو

ویژگی اثر: ترجمه، (کانر کروز اوبراین)

۳ آیا انسان پیروز خواهد شد؟

ویژگی اثر: ترجمه، (اریش فروم)

۴ امریکایی آرام

ویژگی اثر: ترجمه، (گراهام گرین)

۵ انقلاب

ویژگی اثر: ترجمه، (هانا آرنه)

۶ جامعه باز و دشمنان آن

ویژگی اثر: ترجمه، (کارل پوپر)

۷ خشونت

ویژگی اثر: ترجمه، (هانا آرنه)

۸ رشد سیاسی

ویژگی اثر: ترجمه، (سی. ایچ. داد)

۹ فلاسفه بزرگ

ویژگی اثر: ترجمه، (براین مگی)

۱۰ فلسفه کانت

ویژگی اثر: ترجمه، (اشتفان کورنر)، این کتاب در دوره هشتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «فلسفه کانت»: به گمان بسیاری از اهل نظر کانت بزرگترین فیلسوف اروپایی از زمان ارسطو و شاهکار او «نقد عقل محض»، مهمترین کتاب فلسفی پس از «مابعدالطبیعه» معلم اول بوده است. کتاب فلسفه کانت در واقع مدخلی بر فلسفه کانت به شمار می‌رود و از نظر نظم و دقت و ایجاز و وضوح عبارت و جامعیت کم‌نظیر است. مؤلف توانسته است در کتابی هر چند مختصر، اندیشه کانت را از نظر گاهی جامع و عام بررسی کند و با پاره‌ای از مسائل فلسفه معاصر پیوند دهند. مترجم نیز با سابقه درخشانی که در ترجمه آثار وزین و ارزشمند فلسفی دارند، به خوبی از عهده ترجمه کتاب برآمده و با انتقال مضامین آن به زبان فلسفه اسلامی، خدمت ارزنده‌ای به جامعه علمی نموده‌اند و در پایان کتاب نیز واژه‌نامه مفید و سودمندی به کتاب افزوده و فایده آن را فزونی بخشیده‌اند

۱۱ فیلسوفان و مورخان

ویژگی اثر: ترجمه، (ود مهتا)

۱۲ کاتالونیا

ویژگی اثر: ترجمه، (جرج ارول)

۱۳ گریز از آزادی

ویژگی اثر: ترجمه، (اریش فروم) برنده جایزه ترجمه ممتاز در علوم اجتماعی پیشرفته از یونسکو (۱۳۴۸)

فیاض لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۷۲ ق)، عالم امامی، محقق، حکیم، منطقی، متکلم، نویسنده، ادیب و شاعر. اصل وی از لاهیجان است، اما چون مدت زیادی در شهر قم اقامت داشته و در حوزه علمیه آنجا تدریس می‌کرده به قمی نیز مشهور شده است. وی شاگرد و داماد صدرالمتألهین ملا صدرا محمد بن ابراهیم بن یحیی شیرازی است. تخلص یا لقب فیاض را استادش به او داده است، چنان که لقب فیض را به دیگر دامادش ملا- محسن کاشانی. او از بزرگان علمای شیعه و از معروفترین حکیمان و عالمان عصر صفوی و معاصر شاه‌عباس ثانی (۱۰۸۷- ۱۰۵۲ ق) است. وی در مدرسه حضرت معصومه قم تدریس می‌کرد. از جمله شاگردانش فرزندش میرزا حسن لاهیجی صاحب «شمع الیقین» می‌باشد. از دیگر شاگردانش قاضی سعید قمی است. وی در قم درگذشت و همان جا دفن شد. گرچه در برخی از تذکره‌ها تاریخ وفات وی در ۱۰۵۱ ق ذکر شده اما با توجه به تاریخ تألیف «گوهر مراد» و «سرمایه ایمان» نمی‌تواند درست باشد. وی در حکمت و کلام و منطق صاحب تألیفات سودمندی است. از آثار وی: «گوهر مراد»، در اصول عقاید، به فارسی، که برای شاه‌عباس ثانی (۱۰۷۸- ۱۰۵۲ ق) تألیف کرده است؛ «سرمایه‌ی ایمان فی اثبات اصول العقائد بطریق البرهان»، که تلخیص «گوهر مراد» است به فارسی؛ «شوارق الالهام»، در شرح «تجريد الکلام»، خواجه نصیر طوسی، به عربی؛ «حاشیه» ای بر «حاشیه» شمس‌الدین محمد خفری بر «الهیات شرح تجرید»، که به درخواست شاگردانش ترتیب داد؛ «حاشیه» ای بر «حاشیه» ملا عبدالله یزدی بر «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ «حاشیه» بر «شرح الاشارات» خواجه نصیرالدین طوسی؛ «شرح الهیاکل فی حکمه الاشراق»؛ رساله‌ی «حدوث العالم»؛ «مشارق الالهام فی شرح تجرید الکلام»، ناتمام؛ «الکلمات الیهی»، در محاکمه‌ی میان میرداماد و ملاصدرا در اصالت ماهیت میرداماد یا اصالت وجود ملاصدرا، که لاهیجی به نام شاه‌عباس ثانی نگاشته است؛ «دیوان» بزرگ شعر، به فارسی، مجموعه‌ای از قصاید و ترکیب‌بند و ترجیع‌بند در منقبت پیامبر (ص) و ائمه (ع) بویژه امیرالمؤمنین (ع) و در مرثیه‌ی شهیدان کربلا (رض). [۱]

(بخش ۱) لاهیجی، عبدالرزاق بن علی متکلم و حکیم ایرانی (ف. ۱۰۵۲ ه.ق) وی داماد و شاگرد صدرالدین شیرازی بود و در ادب و شعر و کلام دست داشت. از اوست: شوارق دو جلد در شرح تجرید الکلام، گوهر مراد در کلام، سرمایه‌ی ایمان در کلام، شرح فصوص الحکم در تصوف (عربی)، شرح فصوص الحکم (به فارسی)، دیوان شعر شامل ۵۰۰۰ بیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۸۴۹- ۸۴۶ / ۲)، اعیان الشیعه (۴۷۱- ۴۷۰ / ۷)، ایضاح المکنون (۵۹ / ۲)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۶۱ / ۴)، تاریخ علم کلام (۳۲۴- ۳۲۲)، تذکره‌ی پیمانه (۴۱۲- ۳۹۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۶)، دایره‌المعارف فارسی (۱۶۶۸ / ۲)، دنباله جستجو در تصوف (۲۵۴- ۲۵۱)، الذریعه (۲۳۸ / ۱۴، ۱۶۱ / ۱۳، ۸۵۳- ۸۵۲ / ۹، ۱۹۰ / ۴)، روضات الجنات

(۱۹۴-۱۹۲ / ۴)، ریاض العارفين (۲۲۷)، ريحانه (۳۶۳-۳۶۱ / ۴)، سير در شعر فارسی (۳۸۴)، شرح حال رجال و مشاهير نامی (۴۰۶-۴۰۵)، طبقات اعلام الشيعه (قرن ۳۱۹ / ۱۱)، فرهنگ ادبيات فارسی (۴۳۰-۴۲۹)، فوائد الرضويه (۲۲۹)، فلاسفه شيعه (۳۷۷-۳۷۵)، الكنى و الالقاب (۳۷-۳۶ / ۳)، لغت‌نامه (ذيل / عبدالرزاق)، معجم المؤلفين (۲۱۸ / ۵)، منتخب التواريخ (۷۴۶)، مؤلفين كتب چاپی (۸۴۲-۸۴۱ / ۳)، هديه الاحباب (۲۱۴-۲۱۳).

فيض کاشانی، محسن

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۹۱-۱۰۷۰ ق)، عالم، عارف، محقق، فقیه، محدث، مفسر، حکیم متأله، متکلم، ادیب و شاعر. فیض و پدرش، ملا شاه مرتضی، و فرزندش، محمد علم الهدی، و برادرش، ملا عبدالغفور بن شاه مرتضی، و فرزند برادرش، ملا محمد مومن بن عبدالغفور، و برادر دیگرش، نورالدین کاشانی، و فرزند برادرش، ملا-محمد هادی یک خانواده علمی جلیل را تشکیل داده‌اند. فیض در قم نشوونما یافت. آن‌گاه به شیراز رفت و در محضر سید ماجد بحرانی علوم شرعی را آموخت و از فیلسوف بزرگ ملاصدرا، صدرالمآلهین، علوم عقلی را فراگرفت و با دختر وی ازدواج کرد. فیض از دو استادش و همچنین از شیخ بهائی و ملا محمد صالح مازندرانی و ملا محمد طاهر قمی و ملا خلیل قزوینی و شیخ محمد فرزند صاحب «معالم» حدیث روایت کرده است. علامه مجلسی و سید نعمت‌الله جزایری از وی اجازه‌ی حدیث گرفتند. گستردگی و احاطه‌ی علمی او تا بدانجاست که عده‌ای نسبت به وی، له و علیه، تعصب ورزیدند و مدح و ذمّش نمودند. گرچه عده‌ای از مخالفان آن‌گاه که بر حقیقت مطلع شدند به سویش رفتند و در مقام اعتذار خطاب به او (یا محسن! قد اتاک المسیء) گفتند. فیض در تمام فنون شعری مهارت داشت و اشعار زیبایی از خود به جای گذاشت. او در کاشان در گذشت و قبر و قبه او در آنجا مشهور است. فیض در حدود یکصد و بیست اثر در فنون مختلف دارد، که از آن جمله: «الصفای»، تفسیر قرآن کریم با احادیث، و ملخص آن به نام «الصفی»، و خلاصه‌ی «الاصفی» به نام «المصفی»؛ «الوافی»، در جمع و ترتیب احادیث کتب اربعه، با توضیح و بیان مشلکات آنها؛ «الشافی»، که خلاصه و لباب «وافی» است؛ «مفاتیح الشرایع»، تمامی مهمات احکام و مسائل دوره‌ی فقه؛ «عم الیقین فی اصول الدین»، و ملخص آن «المعارف»؛ «عین الیقین فی اصول الدین»؛ «الحق الیقین»؛ «خلاصه الاذکار»؛ «بشاره الشيعه»؛ «المحججه البيضاء فی احیاء الاحیاء»، در علم اخلاق، که در آن «احیاء العلوم» غزالی را مهذب کرد و مطالب حقی آن را با اخبار و احادیث معصومین (ع) تایید نمود؛ «الحقائق»، که لباب و ملخص «محججه» است؛ «نقد الاصول»؛ «نوادر الاخبار»؛ «سفینه النجاه»؛ شرح مختصر «صحیفه سجادیه»؛ «من لا یحضره التقویم»؛ «تشریح العالم»، در هئیت؛ «دیوان» شعر؛ «مثنویات»؛ «گلزار قدس»، در مرثی و قصائد و رباعیات و غزلیات. [۱]

(فیض) ملا محسن محمد بن شاه ملقب به محسن و معروف به ملا محسن فیض کاشانی از اجله‌ی علمای امامیه‌ی قرن یازدهم هجری قمری و عهد شاه عباس دوم صفوی است که در فقه و حدیث و تفسیر و حکمت و ادب و علوم عقلی و نقلی متبحر و استاد بوده است. وی در قم اقامت داشت لیکن برای تحصیل به شیراز مسافرت نموده علوم شرعی را از سید ماجد و علوم عقلی را از ملاصدرا و میرداماد دریافته و با دختر ملاصدرا نیز ازدواج کرد. آثارش متجاوز از ۱۲۰ می‌باشد و از میان آنها میتوان: مثنوی آب زلال، ابواب الجنان، الاستقلالیه، اصول العقاید، اصول المعارف، الامالی، انوار الحکمه، الشافی، حاشیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه، شراب طهور، من لا یحضره التقویم، الوافی، نقد الاصول الفقهیه، نوادر الاخبار، والصفای را نام برد. وفاتش در سال ۱۰۹۱ ه. ق در کاشان اتفاق افتاد و همانجا مدفون است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: ایضاح المکنون (۷۰۱، ۶۷۹، ۶۷۴، ۶۱۳، ۵۸۹، ۵۲۱، ۵۰۸، ۴۵۶، ۴۴۲، ۴۰۰، ۳۹۸، ۳۷۹، ۳۷۸، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۱۲، ۱۴۸، ۱۳۲، ۱۱۹، ۷۵، ۶۳، ۶۰، ۳۹، ۱۹، ۲ / ۶۰۶، ۵۵۹، ۵۴۳، ۴۳۳، ۴۰۸، ۴۱۰، ۳۶۳، ۳۳۵، ۲۹۰، ۲۸۷، ۱۸۳، ۱۴۳، ۹۳، ۹۱، ۹۰، ۵۴، ۳۲ / ۱)، بحار الانوار (۱۲۴ / ۱۰۷)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۶۰ / ۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۳۶-۳۲۸ / ۵)، تاریخ برگزیدگان (۳۸-۳۷)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۰۱-۱۹۸)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۵۵-۵۵۱)، تاریخ کاشان (۲۷۸-۲۷۷)، تذکره‌ی روز روشن (۶۴۱)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۵)، خاتمه مستدرک الوسایل (۲۳۶-۲۳۵ / ۲)، دایره‌المعارف فارسی (۱۹۷۱ / ۲)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۲۵۸-۲۵۴)، دویت سخنور (۳۱۳-۳۱۱)، الذریعه (۲۰۵-۹۹، ۹۸-۷۴، ۱۴-۱۳ / ۲۵ / ۳۴۴، ۳۴۸، ۲۷۳، ۲۷۳، ۱۰۳، ۹۸، ۹۷ / ۲۴ / ۳۱۷، ۳۱۶-۲۳ / ۲۳ / ۴۱۸، ۴۳۱، ۴۰۶، ۳۷۶، ۳۲۲، ۲۳۲۳۱، ۲۲ / ۳۰۳، ۲۸۰، ۲۷۹-۲۱۰، ۱۸۷، ۱۳۰ / ۶۸-۲۱ / ۶۷ / ۲۱ / ۲۶۰-۲۵۹-۱۴۶-۱۴۵ / ۲۰ / ۲۱۰، ۲۱۰، ۲۱۸، ۲۵۷، ۲۸۱-۲۸۲، ۲۸۶، ۱۹ / ۱۴۳، ۲۱۰، ۲۰ / ۱۴۵-۱۴۶، ۲۵۹-۲۶۰، ۲۱ / ۶۷ / ۳۸۵-۶۶-۶۵ / ۱۶ / ۶۵-۳۷۴، ۳۲۶، ۱۲۷، ۵ / ۱۵ / ۲۴۷، ۲۵۲، ۱۴ / ۳۵۹، ۴۵، ۴۴، ۱۰، ۱۰-۱۳ / ۹-۱۰، ۱۲۴، ۲۰۲-۲۰۳، ۱۲ / ۲-۳ / ۲۴۵، ۱۱ / ۸۵۴-۸۵۳-۶۹۹، ۹ / ۲۸۲، ۸ / ۲۱۱، ۳۸، ۲۸، ۷ / ۱۴۶، ۹۰ / ۶ / ۱۹۳، ۱۷۲، ۱۲۶، ۱۲۵، ۸۵، ۸۲، ۱۷، ۱۶-۱۵ / ۴۵۹، ۴۷۱، ۴۸۱، ۵ / ۳۸۵-۳۸۴-۴۰۳-۴۰۰-۲۳۴، ۲۰۱، ۱۸۹-۱۸۸-۱۸۲، ۱۱۷، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۰، ۱۰۹-۱۰۶، ۹۶ / ۴ / ۱۱۵-۱۱۶، ۳ / ۴۸۵-۴۸۴-۴۲۵، ۴۰۳، ۳۹۸، ۳۴۹، ۳۱۲، ۲۹۳، ۲۶۱، ۲۴۴، ۲۲۳، ۲۱۲-۲۱۱-۱۹۸، ۱۷۹-۱۷۸، ۱۲۴، ۳۳، ۲ / ۴۲۴، ۴۰۶، ۲۸۴، ۷۷، ۵۳، ۲۴، ۲ / ۱)، روضات الجنات (۹۷-۷۳ / ۶)، ریاض العارفین (۲۲۶-۲۲۵)، ریاض العلماء (۱۸۲-۱۸۰ / ۵)، ریحانه (۳۷۹-۳۶۹ / ۴)، شخصیت‌های نامی (۳۸۳-۳۸۲)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۴۰۴-۴۰۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۹۲-۴۹۱ / ۱۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۸۵-۳۸۶)، فرهنگ سخنوران (۷۲۴)، فلاسفه‌ی شیعه (۵۶۰-۵۵۶)، فوائد الرضویه (۶۴۲-۶۳۳)، الکنی و الالقاب (۴۲-۳۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / فیض)، مجمع الفصحا (۴۹-۴۸ / ۴)، مرآة المعارف (۴۰۵-۴۰۴ / ۱)، مستدرک اعیان (۳۰۹-۳۰۸ / ۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۸-۷۹۹ / ۵)، نتایج الافکار (۵۴۱)، وقایع السنین و الاعوام (۵۳۶-۵۳۵)، هدیه الاحباب (۲۳۳).

قائمی شیرازی، حبیب‌الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۷۲ / ۱۲۷۰-۱۲۲۳ / ۱۲۲۲ ق)، حکیم و شاعر، متخلص به قانمی. ملقب به حسان‌العجم و مجتهدالشعراء. اصلش از طایفه‌ی زنگنه کرمانشاه بود. در شیراز به دنیا آمد. ابتدا حبیب تخلص می‌کرد ولی بعدها حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه تخلص وی را به مناسبت آباقاآن میرزا، فرزند خود، قانمی نهاد. در جوانی به خراسان سفر کرد و در مشهد مقدس به تحصیل علوم ادبی و عربی و حکمت الهی و هیأت و نجوم و زبان فرانسه پرداخت. سپس به تهران آمد و با آشکار شدن هنر وی در شاعری و سخنوری به دربار راه یافت و از سوی فتحعلی‌شاه مجتهدالشعراء و از سوی محمدشاه حسان‌العجم لقب گرفت. در قصیده و ترکیب‌بند مهارت داشت. وی با فروغی بسطامی معاصر بود. در تهران در گذشت و مجاور قبر ابوالفتح رازی در آستانه‌ی حضرت شاه عبدالعظیم به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر، حدود هفده هزار بیت، در مدح پیامبر (ص) ائمه و شاهان؛ مقدمه‌ای بر «دیوان فریدون میرزا قاجار»؛ «قصاید قانمی»؛ «گلستان قانمی»؛ «پریشان‌نامه»؛ در مقام معارضه با گلستان؛ رساله‌ای در «علم شانه‌بینی»؛ رساله‌ای در «هندسه‌ی جدید». [۱]

(منسوب به قان) (میرزا) حبیب‌الله شیرازی متخلص به قانمی بن (میرزا) محمدعلی گلشن، شاعر ایرانی قر. ۱۳ هـ. (و. شیراز حدود

۱۲۲۲ ه.ق/ ۱۸۰۷ م. - ف. ۱۲۷۰ ه.ق/ ۱۸۵۳ م.). اصل خاندان وی از ایل زنگنه بود که در عراق و فارس سکونت کردند. پدرش شاعر بود و گلشن تخلص داشت. وی در جوانی به تحصیل علوم ادبی در شیراز پرداخت و سفری به خراسان کرد، و در آن سامان نیز به ادامه‌ی تحصیل پرداخت و شعر گفتن آغاز کرد و در آن زمان «حیب» تخلص می‌نمود، و به تدریج شهرتی یافت و در نزد حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه حاکم آن خطه مقرب گردید و قصایدی در مدح او گفت و به دستور وی تخلص خود را به «قآنی» مبدل کرد، زیرا اسم پسر شجاع‌السلطنه اگتقاآن بود. شاعر مدتی در خراسان و کرمان ملازم شجاع‌السلطنه بود و همین شاهزاده وی را فتحعلی شاه معرفی کرد. قآنی به تهران منتقل شد و بر شهرت او افزود و در دربار محمدشاه و مخصوصاً در دربار ناصرالدین شاه تقرب بسیار یافت. وی به آموختن زبان فرانسوی آغاز کرد. هنر او در قصیده‌سرایی است. در غزل و مسمط و ترجیع بند نیز دست داشت. قآنی در انتخاب کلمات خوشایند و خوش‌آهنگ و استعمال آنها در جمله و نیکویی وصف و تتبع قدما کمتر نظیر دارد. به طور کلی در اشعار وی لفظ غالب بر معنی است و معانی اخلاقی و فلسفی در گفته‌های او کمتر دیده می‌شود. وی از شاعران خراسان پیروی کرده، مخصوصاً به منوچهری علاقه نشان داده است. قآنی مداح شاهان (مخصوصاً ناصرالدین شاه) و شاهزادگان قاجاری و امرای دربار آنها بود. علاوه بر دیوان اشعار - که مکرر بطبع رسیده - کتابی به نثر به نام «پرشان» دارد که به اسلوب «گلستان» سعدی تألیف شده (۱۲۵۱ ه.ق.). آرامگاه وی در حضرت عبدالعظیم در جوار قبر ابوالفتح رازی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۴۳۳ - ۴۳۰)، از صبا تا نیما (۱۰۹ - ۹۲ / ۱)، اعیان الشیعه (۵۶۱ / ۴)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۱۶ - ۲۱۱ / ۴)، حدیقه الشعراء (۱۴۱۱ - ۱۴۰۱ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۸۱ - ۱۶۳ / ۴)، الذریعه (۲۲۱ / ۱۸، ۸۵۸ - ۸۵۷ / ۹، ۱۹۷، ۳)، ریحانه (۳۹۰ - ۳۸۷ / ۴)، سبک‌شناسی (۳۳۳ / ۳)، سخنوران نامی معاصر (۲۷۷۲ - ۲۷۶۳ / ۴)، سفینه‌المحمود (۵۲۴ / ۲)، شخصیت‌های نامی (۳۸۵ - ۳۸۴)، شرح حال رجال (۳۰۳ / ۲، ۳۱۰ - ۳۰۷ / ۱)، طرائق الحقائق (۳۳۴ / ۳)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۱۲۷ - ۱۱۲۹ / ۲)، فرهنگ سخنوران (۷۲۸ - ۷۲۷)، الکنی و الالقاب (۴۵ - ۴۴ / ۳)، گنج سخن (۲۰۵ - ۲۰۱ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قآنی)، المآثر و الآثار (۲۰۷ - ۲۰۶)، مجمع الفصحا (۸۸۶ - ۸۴۴ / ۵)، مرآت الفصاحه (۴۹۱ - ۴۸۸)، مکارم الآثار (۷۴۹ - ۷۴۵ / ۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۲ - ۴۹۰ / ۲)، یادگار (س ۳، ش ۳، ص ۷۸ - ۷۴)، یغما (س ۲، ص ۴۳۷ - ۴۳۴).

قاضی سعید، محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۱۰۳ - ۱۰۴۹ ق)، حکیم، ادیب، عارف، مفسر، محدث، محقق، قاضی و عالم امامی. معروف به قاضی سعید و ملا سعید قمی و ملقب به حکیم کوچک. از دانشمندان بزرگ شیعه و از مفاخر حدیث و حکمت و عرفان و ادبیات بود. وی از شاگردان ملا محسن فیض‌کاشانی و ملا-عبدالرزاق لاهیجی و ملا-رجبعلی تبریزی بود. او بسیار مورد توجه و تجلیل شاه‌عباس دوم و درباریانش بود. مدتی عهده‌دار منصب قضاوت قم بود و این خود حاکی از تبحر وی در شرعیات می‌باشد. در قم در گذشت. از آثار وی: شرحی بر کتاب «توحید» صدوق، در چند مجلد؛ «اسرار الصنایع»، در صناعات خمسه‌ی قیاسیه منطقیه: شعر، خطابه، برهان، جدل و مغالطه که از «صنایع» میرفندرسکی الهام گرفته است؛ «شرح حدیث بساط»، که در ۱۰۹۹ ق، در اصفهان، از تألیف آن فراغت یافت؛ رساله‌ی «کلید بهشت» در اشتراک لفظی اسماء‌الله، به فارسی؛ حاشیه بر «اثولوجیا»ی ارسطو؛ حاشیه «شرح اشارات خواجه»؛ «الاربعون حدیثا»، شرح چهل حدیث در معارف که سراسر تحقیقات علمی است؛ رساله‌ی «الاربعونیات لکشف الأنوار القدسیات»، چهل رساله، در

چهل باب از معارف که هر یک از آنها را به اسمی خاص نامیده است، رساله اول «روح الصلاه»، که آن را به استادش ملا محسن فیض کاشانی اهداء نموده و دیگری «حقیقه الصلاه» و دیگری «فوائد رضویه» و دیگری «الحدیقه الوردیه و السوانح المعراجیه» و... بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳۴۴ / ۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۰-۳۳۶ / ۵)، الذریعه (۱۳۲ / ۱۸، ۳۴۱، ۳۴۰-۳۴۰ / ۱۶، ۱۵۴-۱۵۳ / ۱۳، ۴۹، ۷ / ۳۹۱، ۱۱۱، ۱۲، ۶ / ۴۷۹، ۴ / ۵۱، ۲ / ۴۳۷، ۴۳۶-۴۱۸، ۴۱۷-۴۱ / ۱)، روضات الجنات (۱۲-۱۰ / ۴)، ریاض العلماء (۲۸۵-۲۸۴ / ۲)، ریحانه (۴۱۳-۴۱۲ / ۴، ۵۹، ۲ / ۲)، الکنی و الالقاب (۵۲ / ۳)، معجم المؤلفین (۳۸ / ۱۰).

قاضی زاده‌ی خوارزمی، شمس‌الدین احمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۹۸۸-۹۱۸ ق)، قاضی، فقیه، ادیب، محقق، مدرس، حکیم، متکلم و ریاضیدان. در قسطنطنیه به دنیا آمد. وی شاگرد جوی زاده و سعدی جلبی و ملاقادی بود. در ۹۶۳ ق به قضاوت حلب، در ۹۷۱ ق به قضاوت استانبول و در ۹۷۴ ق به قضاوت عسکر روم ایلی منصوب شد. سپس به ادرنه رفت و در دارالحدیث آنجا به تدریس پرداخت. پس از درگذشت پسرش به استانبول رفت، و در اوایل سلطنت سلطان مرادخان سوم به مقام شیخ‌الاسلامی رسید. در ۹۸۳ ق به صدارت روم ایلی نامزد شد، و در ۹۸۵ ق مفتی رسمی گردید. در قسطنطنیه درگذشت و در نزدیکی جامع سلطان محمد فاتح دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «الهیات شرح تجرید الکلام» قوشچی؛ حاشیه بر «مفتاح العلوم» سکاکی؛ حاشیه بر «اثبات الواجب» جلال‌الدین دوانی؛ «نتایج الافکار فی کشف الرموز و الاسرار»، در تکمله‌ی «فتح‌القدیر» ابن‌همام، در فروع فقه؛ حاشیه بر «التلویح»، شرح «تنقیح الاصول» تفتازانی؛ شرح «هدایه الحکمه» شیخ اثیرالدین ابهری.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۷۲۱، ۶۲۰ / ۲)، روضات الجنات (۳۷۸-۳۷۵ / ۱)، ریحانه (۴۰۹-۴۰۸ / ۴)، شذرات الذهب (۴۱۵-۴۱۴ / ۸)، کشف الظنون (۲۰۳۴، ۲۰۳۰، ۲۰۲۲، ۱۷۶۶، ۴۹۸، ۳۴۸)، الکنی و الالقاب (۴۹ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قاضی زاده‌ی افندی)، معجم المؤلفین (۱۷۱ / ۲)، هدیه الاحباب (۲۱۵).

قاینی اصفهانی، خلیل، محمد خلیل

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۳۶ ق)، فقیه، فیلسوف، مدرس، متکلم و حکیم. در اصفهان از حوزه‌ی درس آقا رضا خوانساری و برادرش، آقا جمال‌الدین خوانساری استفاده نمود. وی مدتی در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان فلسفه، کلام، کتب ابن‌سینا و کتب خواجه نصیر را تدریس کرد. سید اسدالله بن علی رضا حسینی و سید نعمه‌الله جزائری و امیرمحمد صالح قزوینی از شاگردان وی بودند. پس از فتنه‌ی افغان در ۱۱۳۴ ق به قزوین مهاجرت کرد و در همان جا درگذشت و کلمه‌ی الظهر ماده تاریخ وفاتش می‌باشد. از آثار وی: «الآلهیه» یا «نور البصر بحل مسأله الجبر و القدر»، شرح رساله «نفی الجبر و التفویض و اثبات الامر بین الامرین» امام هادی (ع) مذکور در «تحف

العقول»؛ «شرح حدیث عمران الصابی»؛ «الرد علی النصاری»؛ «البداء»؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۱۸۷-۱۸۰)، بهارستان آیتی (۲۵۳-۲۵۲)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (۱۹۹ / ۲)، الذریعه (۳۶۴ / ۲۴-۲۰۴، ۲۰۳ / ۱۳، ۲۳۲، ۱۰ / ۱۱۱، ۶ / ۵۵، ۵۴-۲۸۵، ۳ / ۲۸۴-۲ / ۲)، ریحانه (۴ / ۴۲۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۴-۲۴۳ / ۱۲)، فوائد الرضویه (۱۷۴)، لغت‌نامه (ذیل / قاینی).

قاینی، ابوشریف محمد

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۱۳۹ ق)، عالم امامی، فقیه، محدث، مفسر، مدرس، متکلم، فیلسوف و خوشنویس. چون در مناظرات علمی کسی را یارای سخن گفتن با او نبود به سلطان‌العلماء مشهور شد. در چهارده سالگی به تحصیل روی آورد. دوران تحصیلات عالی خود را در اصفهان به پایان رساند. در حوزه‌ی علمیه‌ی قاین، به تدریس فقه و فلسفه می‌پرداخت و گاه به نقاط دیگر جهت مباحثات علمی سفر می‌کرد، که سفر ۱۱۱۵ ق او به هرات و مباحثه او با علمای اهل سنت از آن جمله است. سرانجام در ماه رمضان در گذشت و (بماه رمضان) ماده تاریخش گشت. سلطان محمد پدر قطب‌الدین قاینی عالم ریاضی است. از آثارش: «تهذیب الامه»، تفسیر مفصلی بر قرآن؛ «تطهیر الاثمه (ع)»؛ «الامامه»؛ «رساله فی الوجود»، شامل مباحث و فواید فلسفی درباره‌ی وجود؛ «ام الوسائل فی ام المسائل»، تفسیر سوره‌ی حمد و برگرفته از تفسیر مفصل، به زبان عربی؛ حاشیه بر «الشرح الجدید للتجريد»؛ کتابت «ضیاء القلوب»، در حدیث، به خط نستعلیق.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۵۳۷-۵۳۱)، الذریعه (۳۶ / ۲۵، ۱۱۶-۱۱۵ / ۶، ۳۲۷-۳۲۶ / ۲)، ریحانه (۶۰-۵۹ / ۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۳۱۷-۳۱۶ / ۱۲).

قاینی، سبحانعلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۶۵ / ۱۲۶۰ ق)، فقیه، متکلم، فیلسوف، ریاضیدان، طبیب، محقق، نویسنده و شاعر. معروف به فاضل سبحانعلی خان. وی در شهر لکنه ساکن و از امیران و مراجع علمی، سیاسی و اجتماعی این شهر بود. او علاوه بر امر تدریس به امور سیاسی نیز می‌پرداخت. مدتی وزیر و مشاور حیدر پادشاه بود و سایر حکام هند، همچون یمین‌الدوله سعادت علی خان به او ارادت می‌ورزیدند. میرزا محمدعلی کشمیری (م ۱۳۰۹ ق) وی را از شاگردان شریف‌العلماء محمد شریف ابن ملا حسنعلی مازندرانی (م ۱۲۴۶ ق) ذکر کرده است. وی در هند درگذشت و طبق وصیتش پیکرش به کربلا منتقل و در آنجا دفن شد. از آثارش: «شرح حدیث الاثره»؛ «شرح حدیث الثقلین»؛ «شرح حدیث الحوض»؛ «الوجیزه»، در علم کلام و اصول دین به فارسی؛ «لطفه المقال»، که در رد اعتراضات فاضل رشید نگاشت و فاضل رشید این کتاب را در تحت نام «ایضاح لطفه المقال» پاسخ گفت و فاضل سبحانعلی خان کتاب «فذلکه

الکلام» را در جواب «ایضاح» نوشت. جواب رساله‌ی «مکاتیب» حیدرعلی فیض آبادی؛ «فیوضات سبحانی»؛ «فضائح البخاری فی صحیحه»، در مورد نویسنده و متن کتاب «صحیح» بخاری و روایات جعلی آن، که به فارسی است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۲۰۹-۲۰۷)، الذریعه (۵۰-۴۹ / ۲۵ / ۳۲۳، ۱۸ / ۲۴۹، ۱۳۰ / ۱۶ / ۱۹۸، ۱۹۵، ۱۸۷-۱۸۶ / ۱۳ / ۲۱۱ / ۱۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۹۷-۵۹۶ / ۱۳).

قائمی، محتشم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دهم و یازدهم ق)، حکیم، دانشمند، فقیه و شاعر. از اکابر قاین و جد مقیم، فرزند میرزا هادی، بود. وی در شعر و لغز و معما مهارت داشت. از آثارش: «فصول الحق»، در فلسفه و حکمت، به فارسی؛ «هادی المسترشدين»، در حکمت عملی و دعا و عبادات؛ «معنیات» که مجموعه‌ای ریاضی ادبی است؛ «دیوان» شعر. از اوست:

از نظر چون شد رخ او ناپدید

قطره‌های اشک بر دامن چکید

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۳۶۶-۳۶۳)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۲۷-۵۲۶)، الذریعه (۹ / ۹۷۱).

قائمی، میرک

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم و دوازدهم ق)، عالم، فیلسوف و خطاط. مدتی به تحصیل در حوزه‌ی علمیه اصفهان پرداخت، و از محضر آقا حسین خوانساری استفاده نمود. آثار باقیمانده از وی نمایانگر فضل و هنر اوست. از آثارش: کتابت «تهلیلیه» منسوب به جلال‌الدین دوانی با خط نستعلیق؛ کتابت «تلتحفه الرضویه» معزالدین محمد نقیب، در اصول فقه، برای امیر سید اسماعیل خاتون آبادی که حواشی و تعلیقاتی خود بر آن افزوده که نشان‌دهنده‌ی دانش قائمی در علوم عقلی است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: بزرگان قائن (۲۲۵)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران (۱ / ۳۷۹).

قائمی نیا، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا قائمی نیا

محل تولد : ارومیه

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب علیرضا قائمی نیا در سال ۱۳۴۳ در شهرستان ارومیه به دنیا آمدم و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را در همانجا به پایان رساندم همزمان در کلاسهای قرآنی و هیئت های مذهبی شروع به فعالیت کردم و با شروع انقلاب اسلامی در سال ۵۷- ۵۶ به فعالیتهای سیاسی روی آوردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر تحصیلات دولتی در دبیرستان به تحصیلات حوزوی پرداختم و در سال ۶۱ - ۶۰ برای ادامه تحصیلات حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم و تا تحصیلات درس خارج پیش رفتم و در درس خارج برخی از مراجع شرکت نمودم. همراه با تحصیل سطح، به صورت تخصصی در رشته فلسفه در موسسه امام خمینی (ره) شرکت کردم و در سال ۷۹ موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته فلسفه شدم و پس از اندکی در رشته دکتری فلسفه در دانشگاه تربیت مدرس تهران پذیرفته شدم و اکنون به تدوین رساله دکترا اشتغال دارم. در تمام این سالها همراه با تحصیل، در مراکز مختلف حوزوی و دانشگاهی به تدریس اشتغال داشته ام و مقالات و کتابهای زیادی را تالیف نموده ام که برخی منتشر شده اند و برخی در دست انتشار می باشند. در ضمن ایشان در حال حاضر سر دبیری مجله ذهن را به عهده دارند.

قربان نیا، ناصر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر قربان نیا

محل تولد : رودسر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

۱. ورود به حوزه علمیه قم پس از اخذ دیپلم علوم تجربی در سال ۶۲
۲. تحصیل در رشته فلسفه دانشگاه تهران در سال ۶۸
۳. تحصیل در رشته حقوق دانشگاه مفید در سال ۷۰
۴. قبولی در کارشناس ارشد حقوق بین الملل با رتبه دوم کشوری
۵. فارغ از تحصیل در سال ۷۶ با دفاع از رساله کارشناسی ارشد با نمره ۲۰

۶. ورود به مقطع دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰
۷. دفاع از رساله دکتری در شهریور ۸۵ با درجه عالی
۸. کسب رتبه اول در پایه ششم حوزه علمیه قم با معدل عالی، رتبه دوم در پایه هفتم، رتبه اول در پایه هشتم و نهم در امتحان همزمان
۹. انتخاب کتاب اخلاق و حقوق بین الملل به عنوان رتبه اول در جشنواره کتاب سال ۷۹
۱۰. تالیف بیش از پنجاه مقاله و چاپ آن در مجلات معتبر علمی به زبان های فارسی عربی و انگلیسی
۱۱. کسب عنوان پژوهشگر برتر کشوری، استانی و دانشگاهی در سال های متوالی ۸۱، ۸۲، ۸۳
۱۲. تدریس در دانشگاه های قم و بعضا تهران
۱۳. عضو هیئت علمی گروه حقوق و معاون پژوهشی دانشگاه
۱۴. شرکت در بیش از صد رساله کارشناسی ارشد دانشگاه به عنوان استاد راهنما، مشاور و یا داور.
۱۵. همکاری با مراکز علمی پژوهشی حوزوی و دانشگاهی
۱۶. ارائه سخنرانی های علمی در همایش های مراکز دانشگاهی داخلی و خارجی
۱۷. انتخاب کتاب «عدالت حقوقی» به عنوان رتبه دوم در جشنواره کتاب سال ۸۲

قزوینی یزدی، عبدالنبی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۱۲۵- ز ۱۱۹۷ ق)، فقیه، حکیم، فیلسوف، متکلم، رجالی و عالم امامی. اصل وی از قزوین و ساکن یزد بود. او عالم و حکیم بزرگ امامی و معاصر علامه بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ ق) است. در سفر حج در ۱۱۷۵ ق با آقا محمد باقر بهبهانی ملاقات کرد. وی از سید بحرالعلوم روایت می کند و آن جناب نیز از وی روایت کرده است، بدین گونه که هر یک از ایشان با اجازه از دیگری روایت می نمایند. بر این اساس است که در بعضی از کتب حدیث و رجال به وی عنوان شیخ سید بحرالعلوم داده اند. از آثارش کتاب «تتمیم امل الآمل» است که آن را به امر سید بحرالعلوم در ۱۱۹۱ ق تألیف نمود، و سید از این کتاب مدح بلیغی کرده است. قزوینی تقریظی بر «مشکاه الهدایه» سید مهدی بحرالعلوم دارد که آن را در ۱۱۹۷ ق نگاشته و در آن تقریظ مشایخ خود چون میر محمد صالح حسینی قزوینی و میر محمد ابراهیم قزوینی و ملا علی اصغر مشهدی رضوی را نامبرده و گفته که ایشان از علامه مجلسی و محقق خوانساری و محقق سبزواری روایت کرده اند. قزوینی تعلیقاتی بر رساله‌ی «مطالب النفس و مسائلها» حکیم حمزه گیلانی دارد. او همچنین تقریظی بر «مرآت الازمان» محمد بن محمد زمان کاشانی دارد.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: خاتمه مستدرکات (۱۰۶- ۱۰۵ / ۲)، الذریعه (۶۴ / ۲۱، ۲۶۳- ۲۶۲ / ۲۰، ۸۹، ۶ / ۳۳۹- ۳۳۷ / ۳، ۲۰۷ / ۱)، ریحانه (۴ / ۴۵۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۷۹- ۴۷۶ / ۱۲)، فوائد الرضویه (۲۵۹)، لغت نامه (ذیل / قزوینی)، معجم المؤلفین (۲۰۰ / ۶)، هدیه الاحباب (۱۷۱).

قزوینی، عارف

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کودکی و جوانی عارف در حدود سال ۱۳۰۰ هجری قمری در قزوین متولد شد. پدرش "ملاهادی وکیل" بود. عارف صرف و نحو عربی و فارسی را در قزوین فرا گرفت. خط شکسته و نستعلیق را بسیار خوب می‌نوشت. موسیقی را نزد حاج صادق خرازی فرا گرفت. مدتی به اصرار پدر در پای منبر میرزا حسین واعظ، یکی از واعظ قزوین، به نوحه خوانی پرداخت و عمامه می‌بست ولی پس از مرگ پدر عمامه را برداشت و ترک روضه خوانی کرد. ازدواج عارف در ۱۷ سالگی به دختری به نام "خانم بالا" عشق و علاقه پیدا کرد و

با او در پنهان ازدواج کرد. (تصنیف دیدم صنمی ... را در وصف ایشان سرود)

فشارهای خانواده دختر پس از اینکه مطلع گردیدند زیاد شد و عارف به ناچار به رشت رفت و پس از بازگشت با وجود عشق بسیار آن دختر را طلاق داد و تا

آخر عمر ازدواج نکرد. میان سالی و مشروطه عارف در سال ۱۳۱۶ ه.ق به تهران آمد و چون صدای خوشی داشت با شاهزادگان قاجار آشنا شد و مظفرالدین شاه خواست او را در ردیف فراش خلوتها درآورد اما عارف به قزوین بازگشت.

در سال ۱۳۲۳ در زمان آغاز ۲۳ سالگی عارف زمزمه مشروطیت بلند گشته بود، عارف نیز با غزلهای خود به موفقیت مشروطیت کمک کرد. ایرج میرزا شاعر طنز سرای معروف، منظومه عارفنامه را در هجو وی سروده است.

در سال ۱۳۳۵ یکی از دوستان عارف به نام «عبدالرحیم خان» خودکشی کرد و عارف بر اثر این به جنون مبتلا شد و نظام السلطنه مافی او را برای مداوا به بغداد برد. پس از چندی با شروع جنگ جهانی اول همراه نظام السلطنه به استانبول رفت. وی از این سفر پشیمان شد و در سال ۱۳۳۷ ه.ق به تهران بازگشت و کنسرت با شکوهی ترتیب داد.

در هنگام مرگ کلنل محمد تقی خان پسیان

در سال ۱۳۴۰ ه.ق در تشییع جنازه او شرکت نمود و به مسبب این حادثه

ناسزا گفت. هنگامی که خواستند سر کلنل را روی توپ بگذارند، عارف فریاد بر آورد:

این سر که نشان سر پرستی ستامروز رها ز قید هستی ست

با دیده عبرتش ببیند کاین عاقبت وطن پرستی ست

کهن سالی و مرگ عارف در سال ۱۳۰۵ ه.ش به دعوت دوستی به بروجرد رفت تا شرح احوال دوره □

آزادی خواهی را بنویسد. اما از بروجرد بر اثر حادثه‌ای ناخوشایند (مسموم

کردن یکی از سگهای وی و شایعات کوتاه فکرانه علیه او) خارج شده و به اراک

پناه برد. در اراک هم او را راحت نگذاشتند. او خود می‌گوید:

"بعد می‌گویند این ننگ [مقصود خود عارف است] بسته نباید در خاک قبر

بماند، ای داد، بی داد! حقیقتاً ای داد، بی داد؛ الان ده، پانزده سال است

شب و روز ورد زبان من این شده است که بگویم ای داد، بیداد."

سپس بیماریش شدت گرفت و حنجره اش گرفته، از خواندن بازماند و از معالجه ناتوان:

"آیا به که می‌شود گفت که سینه □ من گرفت و من استطاعت معالجه □ آن را نداشتم تا اینکه به کلی از بین رفت [۳۰]."

سرانجام عارف در سال ۱۳۰۷ جهت معالجه نزد دکتر بدیع به همدان رفت و برای همیشه در آنجا ماند. عارف در همدان بیمار، رنج دیده و مایوس بود و از همه جز اندک دوستانی یک دل و صمیمی کناره گرفت و انسان‌ها را شیطان و دروغگو می‌نامید. او از دشمنی اهل روزگار چنین شکوه می‌کند:

"آخر این چه بدبختی بود که دامن گیر من شده است. فرمان فرمان با من بد، سلیمان میرزا بد، قوام السلطنه بد، تقی زاده هم بد، نصرت الدوله بد، ملک الشعرا بد، مرتجع و آزادی خواه هر دو دشمن، من از هر طرف هدف تیر کینه خواهی شده

عارف باقیمانده عمر را در خانه‌ای اجاره‌ای در یک قلعه کوچک در دره^۱ مراد بیگ با یک کلفت به صورت تبعیدی و خود خواسته سکونت گزید؛ در حالی که دارایی او سه سگ و دو دست لباس کهنه بود. او در سال‌های پایانی با فقر دست به گریبان بود و اگرچه دوستان دور و نزدیک به او کمک می‌کردند، این امر به روح آزاده^۲ شاعر لطمه می‌زد و او را شرمنده می‌ساخت. خود درباره روزهای تنهایی می‌گوید:

"حالا که هنگام زوال آفتاب عمر است و پایان روزگار به غفلت گذرانده زندگانی است. که تازه دانسته‌ام تنها دوستان من این دو تا سگ هستند که معنی وفا و محبت و دوستی را در آنها دریافته‌ام

در سال ۱۳۰۸ عارف سر مکاتبه با زرتشتیان هند را باز کرد و برخی پژوهش‌های خود را برای «سردین شاه پارسی» به هند فرستاد. زرتشتیان او را به هند دعوت کردند، اما جواب رد داد و دیری نگذشت که از کرده^۳ خود پشیمان شد.

مقبره عارف در میدان ابن سینا همدان

سرانجام در روز یکشنبه یکم بهمن ۱۳۱۲ خورشیدی در حالی که عارف ۵۴ سال داشت، مرگ زودرس به سراغش آمد. جیران، کلفتش که او را به عقد خویش در آورده بود، حکایت کرده که عارف در آخرین دم از او خواست که وی را نزدیک پنجره ببرد تا آفتاب و آسمان میهن را ببیند و او پس از دیدن آفتاب چنین خواند: ستایش مر آن ایزد تابناک که پاک آمدم پاک رفتم به خاک

سپس به بستر بازگشت و لحظاتی بعد جان سپرد و در کنار آرامگاه بوعلی سینا در همدان در خاک آرمید.

تصنیف‌ها ۱. از خون جوانان وطن لاله دمیده

۲. دیدم صنمی، سرو قدی، روی چو ماهی - آواز افشاری - ۱۲۶۵

۳. ای امان از فراق امان - دستگاه شور - ۱۲۷۵ (هم‌زمان با ورود مشروطه خواهان به تهران)

۴. نمی‌دانم چه در پیمان کردی - آواز افشاری

۵. نکنم چاره اگر دل هر جایی را - آواز افشاری - ۱۲۷۶

۶. افتخار همه آفاقی و منظور منی - دستگاه سه‌گاه - (برای افتخار السلطنه - دختر ناصرالدین شاه)

۷. توای تاج، تاج سر خسروانی - آواز افشاری - ۱۲۷۷ - (برای تاج السلطنه - دختر ناصرالدین شاه)
۸. هنگام می فصل گل و گشت چمن شد - آواز دشتی - (به مناسبت افتتاح دوره □ دوم مجلس شورای ملی ایران)
۹. دل هوس سبزه و صحرا ندارد - آواز ابوعطا
۱۰. نه قدرت که با وی نشینم، نا طاق که جز وی بینم - آواز افشاری
۱۱. ننگ آن خانه که مهمان ز سر خوان برود - آواز دشتی - ۱۲۸۸ - (به مناسبت اخراج مورگان شوستر آمریکایی از ایران)
۱۲. باد فرح بخش بهاری وزید - آواز بیات زند
۱۳. بلبل شوریده فغان می کند - دستگاه ماهور - ۱۲۸۹
۱۴. گریه را به مستی بهانه کردم - آواز دشتی - ۱۲۸۷
۱۵. از کفم رها شد مهار دل - آواز افشاری - ۱۲۸۸
۱۶. ترک چشمش ار فتنه کرد راست - ابوعطا (حجاز -) ۱۲۹۴
۱۷. چه شورها که من به پا ز شاهناز می کنم - دستگاه شور - ۱۲۹۵
۱۸. بماندیم ما، مستقل شد ارمنستان - دستگاه سه گاه - ۱۲۹۷
۱۹. جان برخی آذربایجان باد - آواز دشتی - ۱۲۹۷ (برای آذربایجان - در جواب تفرقه افکنان)
۲۰. شانه بر زلف پریشان زده‌ای، به به و به - آواز دشتی - ۱۲۹۷
۲۱. رحم‌ای خدای دادگر کردی نکردی - آواز بیات زند - ۱۲۹۷
۲۲. امروزای فرشته رحمت بلا شدی - آواز افشاری - ۱۲۹۹
۲۳. گریه کن که گر سیل خون گری ثمر ندارد - آواز دشتی - ۱۳۰۰ (به مناسبت مرگ کلنل محمد تقی خان پسیان)
۲۴. تا رخت مقید نقاب است - آواز بیات اصفهان - ۱۳۰۱
۲۵. ای دست حق پشت و پناهت باز آ - دستگاه شور - ۱۳۰۰ (برای سید ضیا)
۲۶. گو به ساقی کز ایغی ترکی و ماغی
۲۷. باد صبا بر گل گذر کن - آواز شوشتری
۲۸. چه آذرها به جان از عشق آذربایجان دارم - ۱۳۰۳ (به یاد ستارخان و باقر خان)
۲۹. باد خزانی زد ناگهانی، کرد آنچه دانی - دستگاه شور - ۱۳۰۳ (برای آذربایجان)
- خوانندگان تصنیف‌ها به دلیل سادگی و نداشتن اوج در تصنیف‌های عارف و اینکه غالب تصنیف‌ها قابل اجرا روی یک یا دو گوشه است، تصنیف‌های عارف را به سادگی مردم می‌توانستند بخوانند، از زمان سروده شدن تصنیف‌ها تا به امروز به وسیله خوانندگان غیر حرفه‌ای و حرفه‌ای بارها این تصنیف‌ها خوانده شده، از جمله خوانندگان پرآوازه که برخی تصنیف‌های عارف را اجرا کرده‌اند: قمرالملوک وزیری، عبدالله دوامی، الهه (تدوین از روح الله خالقی)، محمدرضا شجریان، صدیق تعریف، محسن کرامتی.

قزوینی، محمد معصوم

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۹۹ / ۱۰۹۱ ق)، عالم امامی، حکیم، ریاضیدان، محدث و مصنف. او ریاضیات را در محضر ملا محمد باقر یزدی، صاحب «عیون الحساب»، تلمذ کرد. امیر محمد معصوم در فلسفه و کلام شاگرد میرزا رفیعا امیر رفیع‌الدین نایینی بود. «اصول کافی» را بر استادش قرائت کرد و از او به دریافت اجازه نایل آمد. وی همچنین حاشیه‌ی استادش بر «اصول کافی» را، در زمان حیات استاد، تدوین کرد. او معاصر آقا حسین خوانساری و ملا محسن فیض کاشی و ملا محمد تقی مجلسی بود. در حدیث، ریاضیات، حکمت و علوم عربی مهارت کامل داشت. از آثار وی: منتخب «الملل و النحل» شهرستانی؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی؛ حاشیه بر «الشفاء» ابن سینا؛ حاشیه بر «حاشیه‌ی خفزی بر شرح تجرید قوشچی»؛ حواشی بر «تعلیقات» میرزا رفیع نایینی؛ رساله‌ای در «ریاضیات».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴۳۸ / ۲۲، ۱۸۴، ۱۴۳، ۱۱۲ / ۶)، ریحانه (۴۵۰ / ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۷۴-۵۷۳ / ۱۱).

قشقاوی، هادی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

هادی قشقاوی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱۰/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه روحیه بابل شدم در طی ۵ سال دروس مقدمات و سطح را به پایان رساندم پس از آن به مدت ۳ سال در درس خارج فقه و اصول حضرت آیه الله محمدی در همان مدرسه مبارکه و سپس در قم در درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی، شبیری زنجانی، هاشمی شاهرودی، صادق لاریجانی در مجموع بیش از ۱۲ سال شرکت نمودم. دروس فلسفه را در قالب کتابهای آموزش فلسفه، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه اشارات شواهد الربوبیه، برخی از قسمتهای اسفار از اساتید فوق حضرات آیه الله مصباح، حجه الاسلام میانجی، استاد حشمت پور و برخی از اساتید دیگر عمدتاً به صورت غیر حضوری فرا گرفتم از سال ۱۳۶۸ تاکنون به تدریس دروس مقدمات و سطح از ادبیات و منطق، فقه و اصول کتابهای سیوطی، حاشیه ملا- عبدالله، معالم الاصول، اصول فقه، شرح لعمه، مکاسب و رسائل و کفایه مشغول می‌باشم. با عضویت در گروه فقه دانشنامه امام خمینی (ره) از سال ۱۳۸۱ به تهیه و تنظیم و تالیف و بازنویسی مقالات فقهی در مورد امام می‌باشم، موضوعات فقهی چون اتلاف، اجهاض (سقط جنین)، استحاضه، تعزیه و برخی موضوعات دیگر در موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی تحقیق نموده‌ام.

قشقای، جهانگیر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۲۸ - ۱۲۴۳ ق)، فیلسوف، فقیه، عارف و شاعر. از تیره‌ی دره شوری ایل قشقای بود. در چهل سالگی که برای تکمیل هنر به اصفهان آمد ناگهان شوق فراگیری دانش در او بیدار شد و از زندگی ایلی دست کشید و در مدرسه‌ی صدر اصفهان به فراگیری علوم دینی روی آورد. جهانگیرخان حکمت و فلسفه را نزد محمدرضا حکیم قمشه‌ای، متخلص به صهبا، و فقه را در خدمت ملا حسین علی تویسرکانی و شیخ محمدحسین نجفی آموخت و طب را نیز در محضر ملا-عبدالجواد، پزشک معروف اصفهان، فراگرفت. او در فقه و اصول و ریاضیات و حکمت مهارت یافت و پس از آن در همان مدرسه‌ی صدر مدت چهل سال دروس فقه و اصول و ریاضیات و حکمت را تدریس و شاگردان بسیاری تربیت کرد. آیت‌الله سید حسین طباطبایی بروجردی، آقا ضیاءالدین عراقی و آقارحیم ارباب از شاگردان وی بودند. جهانگیرخان در اصفهان در گذشت و در تخت فولاد دفن شد. از او اشعار پراکنده‌ای نیز بر جای مانده است؛ از آثار وی شرحی بر «نهج البلاغه» است. [۱]

(میرزا) جهانگیر (خان)؛ دانشمند ایرانی (ف. اصفهان. ۱۳۲۸ ه.ق) از خوانین قشقای و از اهالی دره شولی یا کشکولی. وی ساکن دهاقان بختیاری و جامع معقول و منقول بود و بسیاری از بزرگان قرن اخیر از محضر او استفاده کرده‌اند. از شاگردان او آیت‌الله بروجردی، سید حسن مدرس، فاضل تونی، وحید دستگردی هستند. وی در مدرسه‌ی صدر اصفهان تدریس می‌کرد. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تذکره القبور (۲۴۶)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۶۲ - ۱۶۱/۱۲)، سرآمدان فرهنگ (۲۶۶/۱)، شرح حال رجال (۲۸۴/۱)، فارسنامه‌ی ناصری (۱۵۸۱/۲)، فوائد الرضویه (۸۸).

قشقای، جهانگیر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند آقا محمّد خان درّه شوری. از اعظام حکما و متألهین، و اجلّه فلاسفه و مرتاضین بوده، در اوایل عمر اندکی تحصیل علوم نموده، به سنّ چهل سالگی به اصفهان آمده و شوق تحصیل علم در او ایجاد شده، به تحصیل معقول و منقول پرداخته، نزد آقا محمّد رضا حکیم قمیشه‌ای و میرزا محمّد حسن نجفی و جمعی دیگر تحصیل نموده، و عده‌ای کثیر از علمای اصفهان افتخار شاگردی او را دارند، و آن حکیم دانشمند از جمیع جهات ممتاز بوده، در علم و اخلاق زکّیه بر عموم علما تفوّق داشته، و در مدرسه صدر ساکن بوده، و عمری را به تجرّد و قناعت گذرانیده، و تا آخر عمر، لباس ایلی خود را تغییر نداده، و به عبا و عمامه ملبّس نگردیده.

در ۱۲۲۳ متولّد، و در شب یکشنبه ۱۳ رمضان المبارک سال ۱۳۲۸ در اصفهان وفات یافته، در تکیه آقا سید محمّد ترک، اوّل تخت فولاد مدفون گردید. وی مؤلّف شرحی است بر نهج البلاغه و اشعاری دارد.

ماده تاریخ وفاتش را جابری چنین می‌گوید:

«جهانگیر نزد خدای جهان شد»

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

قطان مروزی، عین الزمان، ابوعلی حسن

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۸-۴۶۵ ق)، حکیم، ریاضیدان و ادیب. اصل وی از بخارا بود. در مرو به دنیا آمد. در طب، ریاضیات، ادبیات و علوم دینی سرآمد ولی اشتغال وی بیشتر در علم طب بود. او از شاگردان ابوالعباس لوکری بود. وی در فتنه‌ی غزان کشته شد. قطان در عروض، انساب، طب، هیئت و ریاضی تألیفات متعدد دارد. مهمترین اثر ریاضی او کتاب «گیهان شناخت» یا «کیهان شناخت» و «اختر شناخت» است. از دیگر آثارش: «الدوحه»، در انساب؛ «رسائل»، در طب. [۱]

مروزی، عین الزمان ابوعلی حسن بن علی؛ ریاضی‌دان و طیب و فیلسوف قرنهای پنجم و ششم. اصل وی از بخارا بود و او خود به سال ۴۶۵ در مرو ولادت یافت. تحصیلات علمی وی نزد لوکری (م.ه) صورت گرفت و او در مرو می‌زیست تا در ۵۴۸ در فتنه‌ی غزان به دست آنان کشته شد. قطان در طب و علوم اوایل و ریاضیات و ادبیات و علوم دینی سرآمد زمان خود بود، ولی بیشتر به طب علاقه داشت و در مرو دکانی داشت که در آن به طبابت مشغول بود. مهمترین اثر ریاضی او «گیهان شناخت» (م.ه) است. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۲۲۰-۲۱۹ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۷-۹۶۵، ۳۱۳-۳۱۲ / ۲۹۴، ۲)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۵۸۷)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۷)، تتمه‌ی صوان الحکمه (۹۱)، الذریعه (۲۵۵-۲۵۴ / ۱۸، ۲۷۲-۲۷۱ / ۸)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۶۵)، معجم المؤلفین (۲۶۰ / ۳).

قطب رازی، قطب‌الدین، ابو جعفر محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۷۶ / ۷۶۶-۶۹۴ ق)، عالم امامی، فقیه، حکیم و ادیب. ملقب به قطب‌الدین و قطب‌المحققین و موصوف به علامه‌ی رازی. چون در مدرسه‌ای که وی تحصیل می‌کرد شخص دیگری که لقب قطب داشت مشغول تحصیل بود وی به قطب تحتانی اشتهار یافت. در ورامین از نواحی ری به دنیا آمد و چون در آنجا نشوونما پیدا کرد به رازی شهرت یافت. بدیهی است چون نسبش به آل‌بویه می‌رسد و موافق فرموده شهید ثانی از آل‌بویه قمی است که جد عالی شیخ صدوق می‌باشد. او از بزرگترین شاگردان علامه‌ی حلّی بود. او کتاب «قواعد الاحکام» علامه را به خط خود نوشته و بر او قرائت کرده و علامه نیز در پشت کتاب برایش اجازه نوشته و با عبارات بلندی او را ستوده است. قطب رازی از مشایخ شهید اول محمد بن مکی است. از دیگر شاگردان او می‌توان به میرسید شریف جرجانی و سعدالدین تفتازانی اشاره کرد. بیشتر علمای شیعه از جمله محقق ثانی و میرزا عبدالله، صاحب «ریاض العلماء»، و قاضی شوشتری و شیخ حر عاملی او را شیعه دانسته‌اند، اما صاحب «روضات الجنات» وی را سنی می‌داند و در «شذرات الذهب»، شافعی به حساب آمده است. قطب رازی مدتی در خدمت سلطان ابوسعید و وزیرش خواجه غیاث‌الدین محمد بود و دو کتاب

«شرح شمسیه» و «شرح مطالع» را به نام آن وزیر نگاشت. پس از درگذشت سلطان ابوسعید به شام رفت و در دمشق درگذشت. از آثار وی: «المحاکمات بین شرحی الاشارات»، که محاکمه مابین دو شرح «اشارات» فخر رازی و خواجه نصیر طوسی است و این کتاب را به خواست استادش، قطب شیرازی، به تحریر کشید؛ «تحریر القواعد المنطقیه فی شحر الشمسیه»؛ «لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار»، در منطق؛ «تحفه الاشراف» و «بحر الاصداف» دو حاشیه بزرگ و کوچک بر «الکشاف»؛ «تحقیق معنی التصور والتصدیق»؛ شرح و حاشیه بر «قواعد الاحکام» علامه حلی؛ رساله در «تحقیق الکلیات»؛ «تقسیم العلم»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی. [۱] رازی، محمد بن محمد بن ابوجعفر ملقب به قطب‌الدین و قطب‌المحققین و علامه رازی و سلطان‌المحققین دانشمند معروف ایرانی (ف. ۷۷۶ ه.ق). وی از شاگردان میرز علامه حلی است و قواعد علامه را به خط خود استنساخ کرده و علامه در پشت همان نسخه به سال ۷۱۳ ه.ق در قصبه‌ی ورامین برای او اجازه نوشته است. پس از وفات او را در مقبره‌ی صالحیه‌ی دمشق دفن کردند و سپس به موضعی دیگر بردند. او راست: بحر الاصداف حاشیه و شرح تفسیر کشاف، تحریر القواعد المنطقیه در شرح شمسیه، تحفه الاشراف فی شرح الکشاف که شرحی است بر کشاف و مفصلتر از بحر الاصداف، تحقیق معنی التصور والتصدیق، تقسیم العلم، حاشیه‌ی قواعد علامه مشهور به حواشی قطبیه، شرح الاشارات، شرح مطالع که شرحی است بر مطالع الانوار قاضی سراج‌الدین ارموی در منطق و کلام، المحاکمات بین شرحی الاشارات که محاکمه‌ای است بین دو شرح اشارات فخر رازی و نصیرالدین طوسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۷ / ۲۶۸)، اعیان الشیعه (۹ / ۴۱۳)، ایضاح المکنون (۲ / ۵۶، ۴۰۳، ۲۳۳ / ۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۸۹، ۲۵۶، ۲۵۴، ۲۵۳- ۲۴۶، ۲۴۴- ۲۳۷، ۱۴۷، ۴۷ / ۳)، تأسیس الشیعه (۴۰۱- ۴۰۰)، حبیب السیر (۲۲۱ / ۳)، دایره‌المعارف فارسی (۲ / ۲۰۵۹)، الذریعه (۱۰۷ / ۲۰، ۳۵۹ / ۱۸، ۱۵۶ / ۱۷، ۶۹ / ۱۴، ۳۳۷ / ۱۳، ۱۹۹- ۱۹۸ / ۴، ۳۸۸ / ۳)، روضات الجنات (۴۷ / ۳۷- ۶)، ریاض العلماء (۱۷۲- ۱۶۸ / ۱۵۶، ۵ / ۵)، ریحانه (۴۶۷- ۴۶۵ / ۴)، ری باستان (۳۸۱- ۳۸۰ / ۲)، شذرات الذهب (۲۰۷ / ۶)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۲- ۲۰۰ / ۸)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۹۹- ۳۹۸)، فوائد الرضویه (۶۱۸- ۶۱۶)، کارنامه بزرگان (۲۴۵)، کشف الظنون (۱۷۱۶- ۱۷۱۵، ۸۸۶، ۶۲۶، ۹۵)، الکنی و الالقاب (۷۱- ۷۰ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قطب‌الدین رازی)، مجالس المؤمنین (۲۱۳- ۱۲ / ۲)، معجم المؤلفین (۲۱۶- ۲۱۵ / ۱۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱۹- ۷۱۶ / ۵)، النجوم الزاهره (۷۰ / ۱۱)، هدیه الاحباب (۲۱۸- ۲۱۷)، هدیه العارفین (۱۶۳ / ۲).

قطب‌الدین شیرازی، ابوالثناء محمود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۷۱۰- ۶۳۴ ق)، طبیب، ریاضیدان، منجم، فیزیک‌دان، فیلسوف، عالم اشعری شافعی و مفسر. معروف به قطب شیرازی و ملقب به علامه. در شیراز به دنیا آمد. پدرش ضیاء‌الدین مسعود پزشک و مدرس طب در بیمارستان مظفری شیراز و در همان حال از بزرگان فرقه سهروردیه بود. قطب‌الدین محمود علم طب را نزد پدر و عموی خود فراگرفت. خرقة‌ی تصوف را در ده سالگی از دست پدر خود پوشید و از نجیب‌الدین علی بن بزغش شیرازی نیز خرقة گرفت. در چهارده سالگی پدرش فوت کرد و او به جای پدر به عنوان چشم‌پزشک در بیمارستان شروع به کار نمود. وی قرائت و شروح «قانون» را نزد استادان شیراز فراگرفت. چندی نیز شاگرد نجم‌الدین کاتبی قزوینی بود. سپس به مراغه رفت و در آنجا علم هئیت و «اشارات» ابن‌سینا را در خدمت خواجه نصیرالدین طوسی آموخت و نزد آن استاد و به یاری او به حل مشکلات «قانون» توفیق یافت. او همچنین سفرهایی به خراسان، عراق عجم، بغداد و

روم داشت. در قونیه به خدمت صدرالدین قونیوی رسید و علم شریعت و طریقت را نزد او فراگرفت. قطب‌الدین شیرازی از دانشمندان جامع و بزرگ، و در معقول یگانه زمان خود بود. او در طب و ریاضیات و نجوم و حکمت و موسیقی دست داشت و در نظم و نثر پارسی و عربی دارای مهارت کامل بود. عده‌ای از رجال علم و دانش در محضر او شاگردی کرده‌اند. از جمله شاگردان وی: قطب‌الدین رازی، کمال‌الدین فارسی و نظام‌الدین اعرج بودند. قطب‌الدین در اواخر عمر در تبریز سکنی گزید و در همان جا درگذشت و در مقبره‌ی چرنداب تبریز در کنار قاضی بیضاوی دفن شد. از آثارش: «دره التاج لغره‌الدیباج / الدباج»، معروف به «انموذج العلوم»، به فارسی؛ که به خواهش امیر دباج، پادشاه اسحاق‌وند گیلان، تألیف کرد؛ «تحفه‌ی شاهی»، در علم هئیت، به فارسی؛ «نهایه‌الادراک فی درایه‌الافلاک»، در علم هئیت، به فارسی؛ «اختیارات مظفری»، در هئیت و نجوم؛ «شرح حکمه‌الاشراق»؛ «شرح مفتاح العلوم» سکاکی، قسمت سوم؛ شرح «مختصر الاصول» حاجبی؛ «فتح المنان فی تفسیر القرآن»، در حدود ۴۰ مجلد؛ «مشکلات التفاسیر».[۱]

شیرازی، محمود بن مسعود بن مصلح فارسی کازرونی اشعری شافعی مکنی به ابوالثناء، دانشمند معروف (ف. تبریز ۷۱۰ یا ۷۱۶ ه.ق). وی نزد نصیرالدین طوسی علم آموخت و سپس به روم (آسیای صغیر) رفت و نزد صدرالدین قونیوی تلمذ کرد و قاضی سیواس، ملطیه و زارالشام گردید و سپس در تبریز ساکن شد و در امر رصدخانه با خواجه نصیر همکاری داشت. وی در اغلب علوم عصر مانند طب و نجوم و حکمت و موسیقی تبحر و نیز ذوق ادبی و قریحه‌ی شعری داشت. او راست: شرح قانون ابن سینا، شرح حکمه‌الاشراق، دره‌التاج شامل علوم حکمی به فارسی، التحفه‌الشاهیة، ترجمه‌ی تحریر اقلیدس، شرح مفتاح العلوم سکاکی، نهایه‌الادراک فی درایه‌الافلاک.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آثار عجم (۳۲۸)، الاعلام (۶۶-۶۵ / ۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۳۰-۱۲۲۷ / ۳)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۴۷۶-۴۶۰)، تاریخ گزیده (۷۰۲-۷۰۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۵۳-۵۲)، تاریخ مغول (۵۰۷-۵۰۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۴۸-۱۴۷)، تذکره‌ی روز روشن (۶۶۲-۶۶۱)، حبیب‌السیر (۱۱۷-۱۱۶ / ۳)، دائره‌المعارف فارسی (۲۰۵۹ / ۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۱۴-۲۰۵ / ۴)، الذریعه (۸۸۴ / ۹)، روضات الجنات (۱۲۹ / ۸)، ریحانه (۴۷۲-۴۷۰ / ۴)، زندگینامه‌ی ریاضی دانان (۳۵۴-۳۵۱)، شخصیت‌های نامی (۳۹۵-۳۹۴)، شرح و بررسی زندگانی و معرفی آثار علامه قطب‌الدین رازی ورامینی (۹۶-۹۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۴-۲۱۲ / ۸)، العبر (۲۵ / ۴)، فرهنگ سخنوران (۴۷۲)، کشف الظنون (۱۶۹۵، ۱۹۸۵، ۱۲۳۵، ۷۳۸، ۳۶۷، ۳۵)، الکنی و الالقاب (۷۳ / ۳)، لغت‌نامه (ذیل / قطب‌الدین شیرازی)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۷۱۰)، مرآت الفصاحه (۵۰۴-۵۰۱)، معجم المؤلفین (۲۰۳-۲۰۲ / ۱۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱-۸۹ / ۶)، هدیه‌الاحباب (۲۱۹)، هدیه‌العارفین (۴۰۷-۴۰۶ / ۲)، هفت اقلیم (۲۰۹-۲۰۸ / ۱).

قطب‌الزمان

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد ابن ابوطاهر طبسی مروزی، از حکیمان نیمه‌ی اول قرن ششم ه. پدر وی از حکام قرای مرو و مادرش خوارزمی بود و خود از شاگردان بنام لوکری (ه.ق) محسوب می‌شد. در آغاز مورد توجه نصیرالدین ابوالقاسم محمود بن ابی‌توبه‌ی وزیر بود، لیکن بعد مرحوم و محتاج ماند و در شوال ۵۳۹ بسبب بیماری فالج در سرخس درگذشت و از شاگردان او ابوالفتح بن ابوسعید فندورجی

است.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

قمرزاده، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

موسی قمرزاده

محل تولد: اهواز

شهرت: حاج قمر

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۲/۱۴

زندگینامه علمی

بنده پس از پایان جنگ و دوران دفاع مقدس وارد حوزه علمیه شدم و ابتدا در شهرستان دزفول حوزه آیت الله قاضی و سپس در قم اشتغال به تحصیل پیدا کردم. گرچه از قبل به مطالعه علاقه وافری داشتم و از همان دوران نوجوانی و در جبهه و سپاه پیوسته برنامه مطالعاتی داشتم ولی با آمدن به حوزه به این علاقه افزوده شد. هنوز مشغول به تحصیل در دوره سطح ۱ بودم که کار تدریس را نیز رسماً در مدارس شروع کردم و از همان سال تا کنون همه ساله درس یا دروسی را مشغول به تدریس بوده‌ام. علاقه ام بیشتر به مطالعه و تحقیق در حوزه علوم عقلی و سپس نقلی بوده و در کنار آن به تحقیقات پیرامون تاریخ خصوصاً تاریخ معاصر میپردازم. در زمینه موضوعاتی که تدریس کرده‌ام تحقیق و مطالعه گسترده نیز انجام می‌دهم و در حال تهیه مطالبی نیز هستم. در زمینه تاریخ معاصر نیز مجموعه‌ای در قالب کتاب در دست نوشتن دارم. همچنین جلد اول خاطرات دفاع مقدس با عنوان حدیث وصل و هجران را به چاپ رسانده‌ام که در جشنواره کتاب سال دفاع مقدس بعنوان کتاب برگزیده انتخاب شد دفتر دوم کتاب خاطراتم نیز در حال آماده شدن برای چاپ است و در زمینه ادبیات نیز کتاب نجوا با شلمچه به چاپ رسید که چاپ دوم آن در حال حاضر منتشر شده است.

قمشه‌ای، محمدرضا

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا قمشه‌ای (شهرضائی) از مشاهیر حکماء و افاضل مدرسین زمان خود بوده است.

وی قبل از ۱۳۰۰ ه از اصفهان به تهران عزیمت نموده و در مدرسه صدر (که در جلو خان مسجد شاه) است به تدریس فقه و اصول و فلسفه و غیره پرداخته و بالخصوص در علم فلسفه و عرفان ید طولای و استادی ماهر بود و جماعتی از بزرگان دانشمندان و حکماء و

فلاسفه معروف از وی استفاده معقولی نموده که هر کدام پس از او فیلسوف بزرگ و حکیمی سترک بودند که از مشاهیر آنها نامبردگان زیراند.

۱- آیت‌الله حاج میرزا ابوالفضل کلانتر

۲- علامه حکیم میرزا جهانگیر خان قشقائی

۳- آیت‌الله حاج میرزا سید حسین قمی

۴- علامه ملا حیدرخان نهاوندی

۵- آیت‌الله حاج میرزا عبدالله ریاضی رشتی

۶- علامه شیخ علی نوری تهرانی

۷- آیت‌الله میرزا علی اکبر یزدی مدرس قم

۸- علامه شیخ محمود بروجردی

۹- آیت‌الله حاج میرزا محمود قمی

۱۰- علامه میرزا هاشم رشتی

علامه قمش‌ای دانشمندی عمیق‌الفکر و دقیق‌النظر و کثیرالتفکر و خوش‌بیان و ادیبی فاضل و شاعری مبتکر و به صهبا تخلص داشت وفات او در سال ۱۳۰۶ ق روز وفات علامه بزرگوار و مجتهد عالی‌مقدار آیت‌الله العظمی حاج ملا علی کنی اتفاق افتاد فاضل مراغی او را در کتاب (المآثر والاثار) ص ۱۶۴ ذکر کرده.

و درباره وی گفته که او مردی متواضع و خوش‌اخلاق و متقی و پرهیزکار بود و در موقع احتضار و مرگش به کسانی که اطرافش نشسته بودند توجه کرده و گفت آیا دیدید اسب سفیدی را که حضرت امام مهدی ولی عصر عجل‌الله‌فرجه برای سوار شدن من فرستاده‌اند.

آثاری از آنجناب بجا مانده که از آنست کتاب (الخلافة الکبری) که در سال ۱۳۱۵ در تهران بطبع رسیده به مباشرت شاگردش شیخ محمود بروجردی با کتاب (الجمع بین‌الرأیین) معلم دوم فارابی و دیگر حواشی او بر شرح خصوص و رساله‌ای در فرق بین اسماء ذات و اسماء صفات و حدیث زندیق.

(بخش ۱) قمش‌ای، آقا محمدرضا دانشمند مدرس کتب عرفانی (ف. تهران ۱۳۰۶ ه.ق.) وی از قمشه اصفهان و مردی زیرک بود. حکمت و کلام را نزد حاجی محمد جعفر لاریجانی و میرزا حسن نوری فراگرفت و در عرفان شاگرد حاجی سید رضی بود و از شاگردانش صفای اصفهانی شاعر معروف است. از اوست: حواشی بر کتاب اسفار اربعه صدرالدین شیرازی، حواشی بر شرح فصوص‌الحکم قیصری، رساله در موضوع الخالفة الکبری، رساله در موضوع العلم (دو رساله اخیر در پایان رساله الجمع بین‌الرأیین فارابی در تهران به چاپ رسیده است.) وی مردی برسبیل تفنن اشعار عرفانی می‌سروده.

(وف ۱۳۰۶ ق)، شاعر. اهل قمشه اصفهان بود. چندین سال در آن دیار تدریس حکمت و عرفان نمود و در سال قحطی آنچه از زمین و مال داشت فروخت و صرف طلاب فقراء نمود و در اواخر به تهران آمد و در مدرسه میرزا شفیع صدر اعظم که در جلو خان مسجد شاه واقع است. به ارشاد می‌پرداخت. می‌گویند «فصوص‌الحکم» را بعد از صدر قونیوی کسی بهتر از وی مباحثه نکرده است. در تهران وفات یافت و در ابن‌بابویه نزدیک مزار حاج آخوند محلاتی دفن شد. از اوست:

ساغر ز خون ماست به اندازه نوش کن

این جام باده نیست که لبریز می‌کنی [۱]

(۱۳۰۶ - ۱۲۴۱ / ۱۲۳۴ ق)، عالم، فیلسوف، حکیم، عارف، مدرس و شاعر، متخلص به صهبا. اصل وی از قومش‌ای اصفهان بود و

مقدمات علوم را در همان جا فراگرفت، سپس برای تکمیل معلومات به اصفهان رفت و در محضر حاج ملا محمد جعفر لاهیجی و میرزا حسن نوری و آقا سید رضی لاهیجی فلسفه و حکمت و عرفان را فراگرفت. در اصفهان به تدریس کتب عرفانی پرداخت، در اواخر عمر به تهران آمد و در مدرسه‌ی صدر به تدریس حکمت و عرفان، بویژه کتب محیی‌الدین عربی و شروح آنها پرداخت. میرزا ابوالفضل کلانتری و میرزا جهانگیرخان قشقایی و میرزا سید حسین قمی و ملا حیدر خان نهبانندی و میرزا عبدالله ریاضی و میرزا هاشم اشکوری و میرزا علی محمد اصفهانی و حاج ملا علی حکیم الهی سمنانی و صفای اصفهانی و حاج ملا علی حکیم الهی سمنانی و میرزا علی اکبر یزدی مدرس و شیخ محمود بروجردی از شاگردان او بودند و همگی بر شاگردی وی افتخار می‌کردند. او با ملا هادی سبزواری معاصر بود. در تهران درگذشت و در کنار قبر حاج آخوند محلاتی در قبرستان ابن بابویه دفن شد. از آثارش وی: «الاسفار الاربعه و تحقیقها»؛ «حاشیه اسفار ملاصدرا»؛ حاشیه بر «شرح تمهید القواعد» صائن‌الدین ترکه؛ حاشیه بر «شرح القیصری لفصوص الحکم»؛ «الخلافة الكبرى»؛ «رساله فی موضوع العلم»؛ رساله‌ای در «فرق بین اسماء الذات و الصفات»؛ «دیوان» شعر. [۲]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طرائق الحقائق (۳/۵۰۸)، فرهنگ سخنوران (۳۸۲).

[۲] الاعلام (۶/۳۶۲)، اعیان الشیعه (۹/۳۳۳)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی (۸۲۷-۸۲۵)، الذریعه (۲۳/۲۶۹، ۲۳/۶۲۳، ۹/۲۳۸، ۷/۱۲۶، ۴۹/۶، ۶۰/۲)، ریحانه (۴/۴۹۶-۴۹۷)، شرح حال رجال (۶/۲۳۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۳۴-۷۳۲/۱۴)، طرائق الحقائق (۳/۵۰۸-۵۰۹)، فرهنگ سخنوران (۵۶۵)، لغت‌نامه (ذیل/قومشاه‌ای)، المآثر و الآثار (۱۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۱-۱۹۰/۳)، یادگار (س ۳، ش ۱، ص ۷۹-۷۵).

قمی، سعید

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علامه خونساری در باب سین ص ۳۰۱ روضات الجنات گوید، القاضی سعید بن محمد مفید القمی اوست مولا و فاضل حکیم بارع عارف متشرع ادیب کامل محقق صمدانی که در بعضی از نوشته‌هایش از خود تعبیر به بنده ملتجی به درب صاحبان توحید محمد معروف به سعید نموده است.

دست بازی در مراتب ولایت و عرفان و روش عالی بر طریقه اهل معرفت و وجدان دارد. وی از بزرگان فضلاء حکمت و ادب و حدیث و تأویل و مؤید به روح القدس در استنباط نکات و دقایق خفیه و اطلاع بر اسرار و ضمائر و مکاشفات بوده است.

در عصر شاه صفی صفوی ریاست روحانیت و علمیت شهرستان قم با وی بوده و در بین مردم قضاوت و داوری می‌نموده و در شرعیات نهایت تسلط را داشته است.

بیشتر و عمده تلمذ و شاگردیش در محضر محدث بزرگوار مولانا محمد محسن فیض کاشانی بوده شباهت تامی در مشرب و روش به خواهرزاده‌اش شیخ نورالدین که به منزله پیراهن تن او و زبان وی در ظاهر و باطن بوده داشته است.

تألیفات و آثار ارزنده بسیاری دارد در حدیث و اخلاق که بعضی از آن را اشاره می‌نمایم:

۱- شرح کبیری بر کتاب توحید صدوق در چندین مجلد، ۲- کتاب اربعینات که در او چهل رساله جمع کرده که از هر کدام چهل باب از بابهای معارف و تحقیقات باز می‌شود و آن از بهترین تصنیفات شیعه است.

قبر شریف این بزرگوار در نزدیک قبر جناب شیخ ابوالحسن علی بن بابویه در کنار خیابان ارم مقابل پارک فعلی شهرداری شهرستان قم می‌باشد.
برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قمی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن قمی

محل تولد: مامازند ورامین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در روستای مامازند ورامین به دنیا آمد. پدرش از کشاورزان زحمتکش و ساده زیست آن منطقه بود که به علت تدین و پارسایی زیاد به شیخ حسین معروف شده بود. او را که پنجمین فرزند خانواده بود، محسن نام نهادند. در سن پنج سالگی قرآن را از پدر خویش یاد گرفت. محسن در ۷ سالگی وارد کلاس درس شد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اندیشه به اتمام رسانید. در سال ۱۳۵۰ و در سن ۱۱ سالگی به قم رفت و به تحصیل علوم دینی در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول شد. او در دوران طلبگی شاگرد ممتاز مدرسه بود و به دفعات مکرر توسط حضرت آیت الله گلپایگانی مورد تشویق قرار گرفت و در سن ۱۴ سالگی شروع به تدریس دروس ادبیات و مقدماتی در حوزه علمیه نمود. ایشان سطوح عالی تحصیل حوزوی خود را نزد اساتید بزرگوار هم‌چون حضرات آیات فاضل لنکرانی، ستوده، اعتمادی، صلواتی و صالحی مازندرانی به پایان رسانید. حجة الاسلام والمسلمین محسن قمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تحقیق و تحصیل و تدریس در حوزه پرداخت و با شروع جنگ تحمیلی همراه با برادران خویش به ندای پیر انقلاب لبیک گفته و عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدند. در سال ۱۳۶۰ در هنگام محاصره آبادان مجروح گردیده و به مقام رفیع جانبازی نائل گشت. در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ۵ نفر از خانواده حجة الاسلام محسن قمی به فیض شهادت نایل گشتند.

قیوم زاده، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود قیوم زاده

محل تولد: یزد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۶/۱۵

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۷ در حوالی شهرستان یزد روستای حزانق متولد شدم در دوران کودکی به یزد هجرت نمودیم. در سال ۱۳۵۷ در حالی که کلاس پنجم ابتدایی بودم با شکل گیری مبارزات انقلابی اسلامی مردم جذب آنها تدبیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بلافاصله و در مدت کوتاهی قرآن را فرا گرفته و در حالی که ۱۲ سال داشتم در یزد تدریس قرآن می کردم. در سال ۱۳۶۱ پس از گرفتن سیکل وارد حوزه یزد شدم همیشه در حوزه شاگرد ممتاز بودم و در کنار تحصیل تدریس داشتم. در حوزه علمیه یزد عمدتاً ادبیات و منطق و اصول مظفر تدریس می کردم در سال ۱۳۶۶ و امتحان اصول مظفر و لمعتین وارد حوزه علمیه قم شدم. و بلافاصله شروع به تحصیل نموده و در سال ۱۳۶۸ به درس خارج آیة الله مکارم رفتم. در مدت ۱۴ سال شرکت در درس خارج به تدریس در حوزه نیز مشغول بودم در سال ۱۳۷۱ در رشته تخصصی کلام حوزه وارد شدم و این دوره را با موفقیت طی کردم و با نوشتن پایان نامه در سال ۱۳۸۰ مدرک سطح چهار حوزه را اخذ کردم. در دوره آشنایی با فقه و کلام اهل سنت که نمایندگی رهبری در امور اهل سنت بلوچستان در سال ۱۳۶۹ تشکیل داده بود به مدت دو سال شرکت کردم در سال ۱۳۷۳ در دوره کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس شرکت کردم و در سال ۱۳۷۳ با موفقیت فارغ التحصیل شدم و الان هم در کنار تحصیل در دوره های درس خارج و فلسفه به تدریس در حوزه (لمعه، بدایه، اصول فقه و دانشگاه (معارف اسلامی، اخلاق اسلامی، تعدی اسلامی، فلسفه اسلامی و کلام اسلامی) مشغول هستم. به لحاظ علاقه به مطالعات و تحقیقات فلسفی کتب منظومه (منطق و فلسفه) بدایه الحکمه، نهایت الحکمه، اشارات، شفاء، اسفار را خوانده ام و هم اکنون هم در حال پویای اندیشه فلسفی و دین خود هستم.

قیومی، محمدباقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر قیومی

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

اینجانب دوره ابتدایی و راهنمایی را در مدرسه بدر و اسلامی بابل گذراندم. دروه متوسطه در رشته تجربی تا دوم تجربی را در

مدرسه آیت الله طالقانی گذراندم. سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه روح بابل شدم و کتب صرف و نحو (جامع المقدمات، سیوطی، ملا هادی، مبادی، مغنی و مختصر المعانی) را درس گرفتم. تقریباً چند ماه پس از ورود به تدریس مشغول شدم و تا کنون (تقریباً بدون وقفه) تدریس در زمینه های گوناگون اشتغال دارم. در سال ۱۳۶۵ به قم برای ادامه تحصیل در سطح بیع مکاسب مسافرت کردم. از سال ۱۳۶۷ به طور رسمی در درس خارج شرکت جستم. در سال ۱۳۷۰ به گروه کلام جدید در بنیاد فرهنگی باقر العلوم علیه السلام (بخش تخصصی موسسه در راه حق) وارد شدم و تا سال ۱۳۷۵ درسهای کارشناسی ارشد رشته دین شناسی موسسه امام خمینی (ره) را به اتمام رساندم. در سال ۱۳۷۲ وارد دوره کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم شدم. در سال ۱۳۷۴ به تدریس در دانشگاه مشغول شدم. سال ۱۳۷۶ برای کمک در اداره حوزه شهرستان بابل رفتم و در آنجا مدیر مدرسه و مدرس آنجا گردیدم همچنین در دانشگاه و جامعه الزهرا بابل نیز درس می گفتم و بعضاً کارهای اجتماعی و نیز امامت جماعت مسجدی در بابل را بعهده داشتم. از سال ۱۳۷۷ در دوره دکتری فلسفه تطبیقی تربیت مدرس قم پذیرفته شدم. در سال ۱۳۸۲ پس از اتمام دوره آموزشی امتحان جامع را داده و موضوع پایان نامه با اصالت فاعل شناسایی در هایدگر ملا صدرا را مشغول شدم. از سال ۱۳۸۱ هیات علمی تمام وقت مرکز جهانی علوم اسلامی شدم و در گروه ادیان و مذاهب مدرسه عالی امام خمینی (ره) عهده دار تدریس و اداره گروه بودم. در این دوره ها موضوعاتی چند در زمینه های کلام، فلسفه، (اسلام و غرب) معرفت شناسی، مباحث ادیان و مذاهب (بویژه ادیان ابراهیمی) ذهن مرا اشغال کرد. و بعضاً صفحات زندگی را قلمی نمودم. مکتوب پایانی دوره کارشناسی ارشد درباره متکلمان قرن بیستم مسیحی بود. امروزه تا حدی آشنا با موضوعات ذیل می باشم: ادبیات عرب، فقه، اصول، ادیان ابراهیمی، مذاهب معتزله، اشاعره، ماتریدیه، تاریخ فقه، کلام اسلامی، فلسفه اسلامی و تاریخ آن، تاریخ فلسفه غرب، معرفت شناسی، مباحث کلام تطبیقی بین الادیان و المذاهب البته در هیچ حوزه ای ادعای تخصص نمی توانم داشته باشم. عمده اساتید بنده در حوزه های علمیه سنتی، آیات محمدی بابلی، مرحوم حاج سید حسن محقق بهشتی، محمد فاضل، حاج سید محمود شاهرودی، مرحوم سید محمد روحانی، میرزا جواد تبریزی، حاج سید علی محقق و... بودند. شاهرودی در دوره دروس جدید، جناب آقای آیت الله مصباح یزدی، حجت الاسلام فیاضی، جوادی آملی، شیخ صادق لاریجانی، شیخ علی عابدی، دکتر اخوان، دکتر پازوکی، دکتر احمدی، دکتر حداد عادل، حجت السلام توفیقی، مصطفی ملکیان، دکتر لگنهاوزن، دکتر مجتبایی، دکتر ضیاء موحدی، دکتر دینانی

کاتبی قزوینی، علی

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قزوینی، علی ابن عمر بن علی شافعی ملقب به نجم الدین و مکنی به ابوالحسن و ابوالعالی و معروف به دبیران و کاتبی قزوینی، دانشمند و حکیم (ف. ۶۷۵ ه.ق) وی در ریاضیات و هندسه و منطق و فنون حکمت تبحر داشت و در آالات رصدی ماهر بود و شاگرد نصیرالدین و استاد علامه‌ی حلی و قطب الدین محمود شیرازی بود و در قزوین تدریس می کرد و حوزه‌ی درس او مجمع افاضل بود. از آثار او است: عین القواعد در منطق و حکمت، بحر الفوائد فی شرح عین القواعد، که شرح مزجی کتاب عین القواعد (مذکور) است، جامع الدقائق فی کشف الحقائق در منطق، و آن کتابی است بزرگ و حاوی همه‌ی اصول و فروع علم منطق، حکمة العین حاوی مباحث الهیات و طبیعیات حکمت و بر آن چند شرح نوشته‌اند، الشمسیه در منطق که برای شمس الدین صاحب دیوان جوینی تألیف کرده و چند شرح بر آن نوشته‌اند.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

کار کیا لاهیجی، حسام‌الدین

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، عالم دینی، حکیم و شاعر. از آثارش: «التوضیحات»، در حکمت و عرفان، که در ۱۰۵۲ ق تألیف نموده و بعضی از اشعار خود را در آن ذکر کرده است؛ «المسالک»، در یک مقدمه، چهار مقاله و نه مسلک؛ شرح بعضی ابیات ناصر خسرو؛ رساله‌ی «نفس» و مراتب آن، سلوک در دوازده مرحله؛ شرح رساله «الشرقیة» سهروردی؛ شرح عبارتی از «تلویحات»، که در ۱۰۷۹ ق تألیف نموده است.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۶/۲۴۲)، طبقات اعلام الشیعه (۱۱/۱۳۴)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۱۳۸۴، ۲/۸۵۵)، نامها و نامدارهای گیلان (۱۳۸).

کاشانی، ابوالحسن

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه و متکلم. پدرش ملا احمد، و به آورده‌ی «ریحانه‌الادب» ملا محمد، از علمای منطق بود که حواشی بر کتب منطق نگاشته است. اصل ملا-ابوالحسن از ایبورد است. در کاشان سکنی گزید و به کاشانی منسوب شد. وی از علمای امامی عهد شاه طهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ق) می‌باشد که جامع علوم و حکمیات و فضائل و کمالات بود. ملا-ابوالحسن از پدرش و از شیخ عبدالعالی بن محقق کرکی روایت کرده است. او از اساتید سید حسین بن سید حیدر مجتهد کرکی بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی از وی به عنوان قاینی، به جای کاشانی، نام برده است. از آثار وی: «اثبات الواجب و صفاته»، که در ۹۶۳ ق تألیف آن فراغت یافت؛ «ارکان الایمان»، در اصول دین و امامت؛ «روض الجنان» یا «روضه الجنان»، در کلام و حکمت؛ «الحسنی»، در حکمت طبیعی که مختصر «روض الجنان» مذکور است؛ «التحریر»، شرح «رسالة الفرائض» خواجه نصیر طوسی، در میراث؛ «الشوارق»، در کلام؛ «مقدار الدیات و احکامها»؛ «المنطق» [۱].

(منسوب به کاشان) ابوالحسن بن محمد ایبوردی‌الاصل کاشانی المسکن، از علمای امامیه‌ی قر. ۱۰ ه. و معاصر شاه طهماسب صفوی (ف. ۹۶۰ ه. ق). وی عالم و فقیه و متکلم و جامع معقول و منقول و استاد مجتهد کرکی سید حسین بن حیدر بود. او راست: اثبات الواجب و صفاته؛ ارکان الایمان در امامت؛ الحسنی در حکمت طبیعی؛ روض الجنان (یا روضه الجنان) در کلام و حکمت؛ شرح فرائض خواجه نصیر طوسی، الشوارق در کلام؛ مقدار الایات و احکامها؛ المنطق (ریحانه‌الادب، لغ.).

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۲/۳۲۲)، الذریعه (۱۱/۲۷۴)، ۳۷۷-۳۷۶/۳، ۵۲۶-۵۲۵/۲، ۱/۱۰۲، ریاض العلماء (۴۳۷-۴۳۵/۵)، ریحانه (۱۸-۱۷/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/۵۶)، لغت‌نامه (ذیل / کاشانی).

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۸۸ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محقق، مفسر، محدث و مورخ. از علمای بزرگ اواخر قرن دهم قمری و از شاگردان مفسر بزرگ، ابوالحسن علی بن حسن زواری، بود که به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت کرده است. او همچنین از ضیاءالدین محمد بن محمود، از مقدس اردبیلی، روایت می‌کند. در «مشیخه» سید حسین کرکی سال وفاتش ۹۹۷ ق ذکر شده اما ماده تاریخ وفات وی (ملاذ الفقهاء) برابر با ۹۸۸ ق می‌باشد. از آثار وی: ترجمه قرآن به فارسی؛ «منهج الصادقین فی تفسیر القرآن المبین و الزام المخالفین»، به فارسی، در یکصد و هفتاد هزار سطر؛ «خلاصه المنهج»، به فارسی، که ملخص «تفسیر منهج» است، در سه مجلد؛ «زبدۃ التفاسیر»، تفسیری به عربی، در حدود هشتاد هزار سطر؛ شرح «نهج البلاغه»، به نام «تنبيه الغافلین و تذکرۃ العارفین»، به فارسی؛ «کشف الاحتجاج»، در ترجمه‌ی «احتجاج» طبرسی، به فارسی، که آن را برای شاه طهماسب صفوی تألیف کرده است. [۱]

(ملا) فتح‌الله بن شکرالله، فقیه و محقق و متکلم و مفسر امامی (ف. ۹۸۸ ه. ق). وی شاگرد علی بن حسن زواری بود و به واسطه‌ی او از محقق کرکی روایت دارد. او در همه‌ی علوم دینی متداول متبحر بود خصوصاً در تفسیر، وی راست: ترجمه‌ی احتجاج طبرسی که به نام کشف الاحتجاج مذکور است، ترجمه‌ی قرآن به فارسی (و آن غیر از سه فقره تفسیر قرآن مذکور در ذیل است)، تنبیه الغافلین و تذکرۃ العارفین (شرح فارسی نهج البلاغه)، خلاصه‌النهج (ملخص تفسیر منهج الصادقین مذکور در ذیل)، زبدۃ التفاسیر (تفسیر قرآن به عربی)، کشف الاحتجاج (ترجمه‌ی فارسی احتجاج طبرسی که برای شاه طهماسب تألیف شده)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین (تفسیر بزرگ به فارسی) (ریحانۃ الادب، لغ).

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] اعیان الشیعه (۸/۳۹۲)، ایضاح المکنون (۲/۵۹۲)، تاریخ کاشان (۲۸۰-۲۷۹)، الذریعه (۱۹۴-۱۹۳/۲۳، ۸-۷ / ۱۸، ۲۳/۱۲، ۲۳۴-۲۳۳/۷، ۴/۴۴۷)، روضات الجنات (۳۳۱-۳۳۰/۵)، ریاض العلماء (۳۱۹-۳۱۸/۴)، ریحانه (۲۰/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۷۸-۱۷۷/۱۰)، فوائد الرضویه (۳۴۶-۳۴۵)، لغت‌نامه (ذیل / کاشانی)، معجم المؤلفین (۸/۵۱)، هدیه العارفین (۱/۸۱۵).

کاشی، کمال‌الدین، ابوالغنائم عبدالرزاق

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۷۳۵ / ۷۳۰ ق)، حکیم، مفسر، عارف و صوفی. از مشاهیر عرفا و متصوفه علمای امامیه بود. وی معاصر با علامه حلی و شیخ علاءالدوله سمنانی می‌باشد. مابین وی و شیخ علاءالدوله سمنانی مباحثات و مکاتباتی برقرار بوده است. کاشانی در عرفان عملی و سلوک شاگرد نورالدین عبدالصمد نظری اصفهانی و خلیفه او در طریقه‌ی سهروردیه بد. در «ریحانۃ الادب» پدر صاحب عنوان، جمال‌الدین اسحاق کاشانی سمرقندی ذکر شده است. از آثارش: «اصطلاحات الصوفیه»؛ «تأویلات القرآن» یا «تأویل الآیات»؛ «تحفه الاخوان فی خصائص الفتیان»، در آیین فتوت؛ شرح «فصوص الحکم» ابن عربی؛ «خلاصه‌التدبیر»؛ «شرح الزلال»، در شرح «الالفاظ المتداوله بین ارباب الازواق و الاحوال»؛ «القضا و القدر»؛ «السراج الوهاج»، در تفسیر قرآن؛ شرح «منازل السائرین» خواجه عبدالله

انصاری هروی؛ «فتوت نامه»؛ «کشف الوجوه الغر لمعانی نظم الدر»، در شرح «التائیه» ابن فارض، در تصوف؛ «لطائف الاعلام فی اشارات اهل الافهام»، در اصطلاحات صوفیه.
 برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)
 منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۱/۵۷۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۶۴، ۸۰۹، ۸۰۸، ۱۷۲، ۳/۱۷۱)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۸)، الذریعه (۱۷۴/۲۰، ۵۱/۱۹، ۳۱۳، ۶۷/۱۸، ۱۴۸/۱۷، ۳۲۰، ۱۱۵/۱۶، ۸۸/۱۴، ۳۸۲/۱۳، ۲۳۴-۲۳۳/۱۲، ۲۱۹-۲۱۸/۷، ۳۳۰/۴، ۴۱۶-۴۱۵، ۳/۳۰۳، ۲/۱۲۲)، ریحانه (۵/۳۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱۳-۱۱۲/۸)، کشف الظنون (۱۸۲۸، ۱۵۵۲، ۱۴۹۶، ۱۲۶۳، ۹۸۵-۹۸۴، ۳۳۶، ۲۶۶، ۱۰۷)، لغت نامه (ذیل / کاشی)، مجالس المؤمنین (۷۰-۶۹/۲)، معجم المؤلفین (۵/۲۱۵)، نفحات الانس (۴۸۴-۴۸۳، ۴۸۲-۴۸۱)، هدیه العارفين (۱/۵۶۷).

کاشی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حکیم عارف بزرگوار، و فیلسوف علی‌الاطلاق، مرحوم آخوند ملا محمد کاشی، از نوادر اعصار، و در علم و عمل و زهد و تقوی و تدریس حکمت علمی و عملی یگانه روزگار بوده، در کمتر زمانی از ازمه برای او در بین علما و دانشمندان مثل و مانندی می‌توان یافت.

در اوایل در مدرسه جده کوچک، و در اواخر در مدرسه صدر ساکن بوده؛ حالات غریبه، و حکایات عجیبه از او نقل شده و عموماً به حدّ تواتر رسیده.

مدت هشتاد و چهار سال تقریباً عمر نموده، و در این مدّت مجرّد زیسته، تا سرانجام در روز شنبه ۲۰ شعبان المعظم سال ۱۳۳۳ وفات یافته، در تخت فولاد در جنب لسان الارض مدفون گردید.

و پس از آن مرحوم حاج محمد ابراهیم ملک التجار برای او تکیه‌ای احداث نمود و عدّه‌ای کثیر از فضلا و دانشمندان و حکما و شعرا و ارادتمندانش در آن حوالی مدفون شدند که بعد از این به نام عدّه‌ای از آنها اشاره خواهد شد.

ماده تاریخ وفاتش را جابری انصاری گوید:

طایری سر برون نمود و بگفت

زد محمد علم بقصر بهشت

عبارت لوح قبر آن بزرگوار چنین است:

فقیر الحق اضعف خلق الله آخوند ملا محمد کاشانی.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

کاظمی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد کاظمی

محل تولد: کرکوک

شهرت

تابعیت: عراق

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

در شهر «کرکوک» واقع در شمال عراق و دقیقاً در منطقه «تسعین» متولد شدم و در همانجا دوره ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان را سپری کردم. بعد از آن در دانشکده به عنوان «کلیه التریبه» در رشته شیمی قبول شدم. در این دانشگاه، طلاب به عنوان معلم شیمی در دوره راهنمائی و دبیرستان فارغ التحصیل می شوند ولی در سال ۱۹۹۱م در اثر نافرجامی قیام مردم عراق که در آن شرکت کرده بودم؛ دانشکده را در آخرین ترم ترک کردم و به جمهوری اسلامی پناهنده شدم.

در ایران بعد از دو سال خدمت در لشکر «بدر» در سال ۱۹۷۲ وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه «شهید صدر» که زیر نظر: (آیت الله حائری) است مشغول تحصیل شدم و بعد از سه سال تحصیل در این مدرسه به مدرسه «اهل البیت» که زیر نظر (شیخ شهید مهدی عطار) بود؛ منتقل شدم. در این مدرسه بقیه کتاب لمعه را تمام کردم و پیش از آن، مکاسب محرمه را با «قسم اول حلقه ثالثه شهید صدر» به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۸ بعد از قبولی در امتحان ورودی، مشغول دوره فوق لیسانس در رشته: «فلسفه و کلام» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و در سال ۱۳۸۱ این دوره را به اتمام رساندم و پایان نامه که با عنوان: «الخلود فی الجهنم عند المفسرین و المتکلمین و الفلاسفه» نوشته بودم و نمره عالی ۱/۱۹ گرفتم که این پایان نامه مورد پسند مرکز جهانی علوم اسلامی واقع شد و آن را در سال ۱۹۸۳ به عنوان کتاب چاپ کرده است.

در سال ۱۳۸۴ بعد از قبولی در امتحان ورودی در دوره دکتری در رشته: «فلسفه اسلامی» در مدرسه (عالی امام خمینی ره) مشغول تحصیل شدم و تا الان مشغول درس در این دوره هستم. قبل از دوره دکتری مشغول یک بحث تحقیقی شدم با عنوان: «تفکر در کتاب و سنت و مقصود از تفکر واژه تفکر نه روش تفکر» و این بحث بعد از فیش برداری فصل بندی شده است و قبل از شروع به نگارش دوره دکتری مطرح شد و مجبور شدم نگارش این بحث را به آینده موکول کنم.

کاوه نافچی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد کاوه نافچی

محل تولد: آبادان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۹/۲

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۲ دروس حوزوی را در حوزه علمیه قم شروع کردم و از همان ابتدا در کنار دروس اصلی حوزه، نه تنها کتاب های متنوعی در همان موضوع را مطالعه می کردم بلکه به مطالعات غیر دروس حوزوی می پرداختم تا این که در سال ۱۳۶۹ موفق شدم دروس سطح حوزه را تمام بکنم. همزمان با شروع درس خارج در سال ۶۹ در امتحان ورودی کنکور شرکت کردم و با آوردن رتبه ۵۰۰ در رشته فلسفه، در دانشگاه شهید بهشتی تهران پذیرفته شدم.

در سال ۷۴ در کنکور ارشد رشته «فلسفه غرب» شرکت کرده و رتبه ۱۴ را کسب کردم و همزمان در امتحان ورودی رشته تخصصی حوزه (کلام) پذیرفته شدم و در میان این دو، انتخاب رشته تخصصی «کلام» را ترجیح داده و در کنار شرکت در دروس خارج فقه: (آیت الله علوی گرگانی)، خارج اصول: (آیت الله مکارم)، به تحصیل در رشته کلام پرداختم در سال ۷۸ توانستم دروس تخصصی را با موافقت و امتیازات عالی در هر ترم به پایان برسانم.

در سال ۷۹، موضوع «معرفت دینی و معرفت علمی» را انتخاب و موضوع رساله دکتری کلام خود انتخاب کردم. بعد از دفاع از رساله خود در دانشگاه آزاد واحد جنوب تهران به عنوان: (عضو هیئت علمی) پذیرفته شدم و در گروه معارف اسلامی به ادامه تدریس دروس معارف اسلامی پرداختم.

لازم به ذکر است اینجانب از سال ۱۳۷۸ مشغول تدریس دانشگاههای: آزاد اراک، دولتی شاهرود، تربیت معلم تهران، شاهد و آزاد شاهرود شدم. در سال ۱۳۸۳ مقاله ای به نام: «مقایسه معرفت دینی و علمی» نوشتم که در مجله رواق اندیشه صدا و سیما به چاپ رسید. در سال ۱۳۸۵ مقاله ای به نام: «جلوه های رفتاری پیامبر اعظم» نوشتم که در همایش دانشگاه آزاد لاهیجان پذیرفته و در آنجا ارائه گردید.

کاویانی، منصوره

قرن: ۱۴

جنسیت: زن

ملیت: ایران

منصوره «شیوا» کاویانی، نویسنده، مترجم و شاعر، در سال ۱۳۱۶ در بندر خرمشهر زاده شد. تحصیلاتش را در رشته ی کارشناسی تاریخ و کارشناسی ارشد کتابداری در دانشگاه شیراز و دانشگاه تهران به پایان رسانید. سپس در آلمان به اخذ درجه دکترای فلسفه نایل آمد. او در زمینه فلسفه و ادیان غرب و شرق به ویژه ایران، زیباشناسی، موسیقی، جامعه شناسی و ادبیات تطبیقی در ایران و در سطح جهان مطالعه، پژوهش می نمود و تاکنون نزدیک به بیست جلد کتاب ترجمه، تحقیق و تالیف و سی و پنج مقاله به زبان فارسی و انگلیسی از روی به چاپ رسیده و یا آماده چاپ است. او از نوجوانی به سرودن شعر نیز علاقه نشان داده و در این زمینه هم به موفقیت هایی دست یافته است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: منصور کاویانی با تباری بوشهری در ندر خرمشهر زاده شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: منصوره کاویانی تحصیلاتش را در رشته ی کارشناسی تاریخ و کارشناسی ارشد کتابداری در دانشگاه شیراز و دانشگاه تهران به پایان رسانید. سپس برای ادامه تحصیل به آلمان رفته و به اخذ درجه دکترای فلسفه نایل شد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از منصوره کاویانی تاکنون نزدیک به بیست جلد کتاب ترجمه ، تحقیق و تالیف و سی و پنج مقاله به زبان فارسی و انگلیسی به چاپ رسیده و یا آماده چاپ است. او از نوجوانی به سرودن شعر نیز علاقه نشان داده و در این زمینه هم به موفقیت هایی دست یافته است.

آرا و گرایشهای خاص : منصوره کاویانی در زمینه فلسفه و ادیان غرب و شرق به ویژه ایران ، زیباشناسی ، موسیقی ، جامعه شناسی و ادبیات تطبیقی در ایران و در سطح جهان مطالعه نموده است.

آثار :

- ۱ آموزش و شناخت انتقادی
- ۲ اورو گوئه
- ۳ خرد زیبا
- ۴ خلق مدام
- ۵ دیدارها
- ۶ دیدارها
- ۷ رازوری در آیین زرتشت
- ۸ سفر دیگرگون
- ۹ شبکه اطلاعات علمی
- ۱۰ شهر در گذر زمان
- ۱۱ صوفیسم ابن عربی و آیین لائوتسه
- ۱۲ عرفان و فلسفه ی یهود
- ۱۳ فرزاندگی در آینه ی زمان
- ۱۴ فرهنگی علوم اجتماعی
- ۱۵ فلسفه ی انسانی موسیقی
- ۱۶ فلسفه ی روشنگری
- ۱۷ فهم موسیقی
- ۱۸ کتاب در ایران: کتاب نامه و مقاله نامه
- ۱۹ کتاب شناسی و طرح مطالعه ی امپریالیسم
- ۲۰ کتاب نور و روشنایی
- ۲۱ مجموعه ی داستان
- ۲۲ نفس انسان و روان شناسی اسلامی

منابع زندگینامه : دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ) ، به کوشش : پوران فرخزاد، ج ۲ ، تهران: انتشارات زریاب ، چاپ اول ۱۳۷۸ ، ص ۱۳۸۲

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقی کرامتی

محل تولد: بابل

شهرت: کرامتی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۳ با مدرک سیکل وارد حوزه علمیه فیضیه مازندران به سرپرستی «آیه الله فاضل اسر آبادی» شدم. پس از آن به حوزه علمیه امام صادق دماوند رفتم و تا سال ۶۸ را در آن حوزه به تحصیل و تدریس دروس پایه های پایین تر اشتغال داشتم و تقریباً پس از اتمام لمعتین و اصولین به قم مهاجرت کرده و دروس رسائل، مکاسب و کفایه را نزد اساتید برجسته حوزه: حضرت آیت الله استادی، آیت الله مرحوم طاهر شمس، آیت الله طاهری خرم آبادی و استاد رحمانی گذراندم. کتاب های: (بدایه الحکمه، نهائیه الحکمه، اشارات، شواهد الربویه و حکمه الاشراف) را نزد اساتیدی همچون: فیاضی، نیکزاد، حشمت پور و دکتر بهشتی گذراندم.

پس از پایان دروس سطح، در دروس خارج فقه و اصول به مدت پنج، شش سال شرکت و نزد اساتیدی همچون: آیت الله فاضل لنکرانی، استاد شیخ جواد تبریزی، صادق لاریجانی و استاد شهیدی بهره جستیم. همزمان با ادامه تحصیلات دانشگاهی به مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم وارد شدم و مقطع فوق لیسانس را در رشته «مدرسی الهیات و معارف اسلامی و گرایش فلسفه و کلام» گذراندم و با دفاع پایان نامه ام تحت عنوان «تأثیر مبانی فلسفی در تفسیر صدر المتالمین» با نمره ۱۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد گردیدم. در همان سال های پایانی، امتحان تدریس در دانشگاه توسط نهاد نمایندگی ولی فقیه را نیز با عنایت الهی پشت سر نهاده و موفق به اخذ مجوز تدریس در دانشگاهها شدم.

به دلیل حضور مستمر در جنگ و پس از آن در عرصه انقلاب و نیز علاقه به مقوله تالیف، وارد این حوزه ها نیز گردیدم. در مجموع، مدت ۶ - ۷ سال سابقه تدریس در حوزه های علمیه شهرستان دماوند، مرکز جهانی علوم اسلامی قم، تدریسی آزاد و حوزه علمیه شهرستان فریدن را دارم. کتابهای مورد تدریس: دروس سطح اول حوزه، کلام اسلامی و فلسفه می باشد و اکنون نیز امام جمعه شهرستان فریدن اصفهان هستم.

کرمانشاهی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا حسن کرمانشاهی از افاضل حکماء و اکابر فلاسفه بوده و در سال ۱۳۳۶ وفات نموده

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کرمانشاهی، محمد تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۹۹ ق)، فقیه، اصولی و منطقی. از علمای فاضل دودمان وحید بهبهانی است. در نجف درگذشت و در یکی از حجرات صحن علوی دفن شد. از او آثاری در فقه و اصول و ادب باقی است. از آثارش: شرح «زبدۃ الاصول» شیخ بهائی؛ حاشیه بر حاشیه ملا عبدالله یزدی بر «شرح التهذیب»، در منطق؛ تعلیقه بر «مبادی الاصول» علامه‌ی حلی. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۹۷/۹)، الذریعه (۲۹۸/۱۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۱۰/۱۳)، معجم المؤلفین (۱۳۵/۹)، وحید بهبهانی (۳۳۷).

کرمی، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین کرمی اسفه

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۴/۱۲

تصویر بزرگتر

زندگینامه علمی

مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان شهرضا گذراندم و سپس وارد شهرستان قم شده و در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) پذیرش شدم (در سال ۱۳۶۵)، در سال ۱۳۸۵ در مؤسسه «در راه حق» یک دوره صد روزه درباره مباحث نقد و بررسی مارکسیسم را گذراندم. در همان سال و در آزمون ورودی مؤسسه در راه حق برای گذراندن یک دوره ۶ ساله الهیات و معارف اسلامی پذیرش شدم، در این دوره دروس (فلسفه، تفسیر قرآن کریم، فلسفه اخلاق، منطق شفا و اخلاق) را نزد استاد آیه الله مصباح و پاره ای دیگر از دروس را نزد اساتید دیگر فرا گرفتم.

پس از آن به دوره تخصصی اقتصاد در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) وارد شدم. در سال ۱۳۶۷ همزمان با دروس تخصصی اقتصاد برای انجام پژوهش اقتصاد اسلامی به دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که اکنون «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» نام گرفته است راه یافتم و تاکنون در آن پژوهشگاه به پژوهش اشتغال داشته‌ام. اکنون نیز در مقطع دکترا در رشته اقتصاد پژوهش مشغول به تحصیل هستم. همراه این تحصیلات و پژوهشها، دروس متداول حوزوی را ادامه دادم و پس از اتمام سطح از محضر اساتید بزرگی، خارج فقه و اصول را استفاده نموده‌ام. در ضمن تحصیل، اقدام به نوشتن رساله شش سال درس خارج نموده و در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت مدرک آن از حوزه علمیه قم شدم.

کریمیان میقلان، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی کریمیان میقلان

محل تولد: فومن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای علی کریمیان در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان «فومن» دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و شوق ادامه تحصیل در قم، زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل بیت حضرت معصومه (سلام الله علیها)، وی را رهسپار قم و در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود، ضمن انس با آستان ملکوتی کریمه اهل بیت (ع)، با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۷۶ به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله جوادی آملی»، «استاد فیاضی»، «آیت الله مصباح»، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.

استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «مبانی نظری» در مقطع دکترا در سال ۱۳۸۷ از موسسه پژوهشی آموزشی امام خمینی فارغ التحصیل گردید. وی پس از طی تحصیلات، جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون در دانشگاه گیلان علاوه بر تدریس، «مسئول نهاد رهبری» در این دانشگاه نیز می باشد. وی در طول حیات علمی خویش از امر نگارش و پژوهش غافل نمانده است و آثاری از قبیل: «اسوه حسنه» و «سه مکتب مشاء، اشراق و حکمت متعالیه» را به رشته تحریر در آورده است.

کمره‌ای، خلیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۴۰۵-۱۳۱۷ ق)، فقیه، اصولی و استاد. در کمره، از توابع خمین، به دنیا آمد. پس از کسب علوم مقدماتی در جابلق، به خوانسار رفت و در محضر آخوند ملا-محمد بیدهندی و سید علی اکبر بیدهندی و آقا سید احمد جاده‌ای تلمذ کرد. در ۱۳۳۷ ق به سلطان‌آباد (اراک) رفت و از شاگردان نخست آیت‌الله حایری گشت و علم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج

شیخ عباس ادریس آبادی آموخت، و نزد سایر اساتید علوم عقلی و ریاضی و اخلاق را فراگرفت. در ۱۳۴۰ ق ساکن قم شد. و به افاده و استفاده مشغول گشت، و از درس میرزا علی اکبر حکمی یزدی بهره گرفت و «اسفار» را نزد آیت‌الله رفیعی قزوینی و حدیث را از محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی و آیت‌الله سید محسن جبل عاملی و اخلاق و عرفان را نزد آیت‌الله حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی تکمیل کرد و اجازه‌ی اجتهاد و نقل حدیث از استادان خود گرفت. از این زمان به حاج میرزا خلیل مجتهد معرف شد و خود به تدریس «کفایه» و «مکاسب» و اصول فقه و معقول و هیئت و هندسه پرداخت. او از مدرسین معقول و منقول حوزه و دانشگاه بود و مدت‌ها به تدریس «تفسیر» ی که بر قرآن نوشته بود اشتغال داشت. دکتر خزائی، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله کاظم گلپایگانی، حجة‌الاسلام انصاری قمی و حجة‌الاسلام تربتی از شاگردان وی بودند. در ۱۳۵۴ ق در رابطه با مسأله کشف حجاب دستگیر و زندانی و پس از یک ماه آزاد شد. آیت‌الله کمره‌ای در ۱۳۷۱ ق، به همراه آیت‌الله سید محمود طالقانی و آیت‌الله سید رضا زنجانی و سید صدرالدین بلاغی به پاکستان دعوت و در کراچی، به ریاست مؤتمر عالم اسلامی انتخاب شد. در ۱۳۷۹ ق با همین سمت به بیت‌المقدس رفت و به دستور آیت‌الله بروجردی با شیخ محمد شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر، درباره‌ی اتحاد اسلامی دیدار و گفتگو کرد. در ۱۳۹۵ ق، پاپ پل ششم، پیشوای کاتولیک‌های جهان، توسط سفارت واتیکان در تهران، دوازده مشکل کلامی را از وی استعلام نمود و پاسخ ایشان به فرانسه ترجمه و ارسال شد. از آیت‌الله کمره‌ای در حدود هفتاد اثر به جای مانده است از جمله: شرح «نهج‌البلاغه»، در بیست و سه جلد؛ «عنصر شجاعت»، در هفت مجلد؛ «افق وحی»؛ «افق اعلی»؛ «ملکه اسلام»؛ «علی و الزهراء»؛ «قبله اسلام»؛ تفسیر «سوره‌ی نور»؛ «آثار مقدس، احادیث و اخبار اسلام»؛ «علم الحدیث و طبقه‌الکبری»؛ «اسرار حج»؛ «بیت‌المقدس و تحول قبله»؛ «مادر، و وظائف زن در اسلام». [۱]

حاج میرزا خلیل کمره‌ای دامت برکاته از علماء و حکماء و دانشمندان و نویسندگان طراز اول تهرانست که در خیابان زرین نعل ساکن و در مسجد معروف فخرالدوله واقع در دروازه شمیران اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر قرآن مبین نموده و تنویر افکار و قلوب ارادتمندان و دانش جویان و حقیقت طلبان را می‌نمایند.

در سال ۱۳۱۷ قمری برابر ۱۲۷۶ شمسی در جنوب جلگه کمره که بسیار حاصلخیز و پر برکت و از قدیم مسکن شیعیان خالص بوده در بلد کوهستانی و سرچشمه رودخانه‌ها چشم بجهان باز کرده و پس از پرورش در آن هوای آزاد و تحصیل علوم ابتدائی و مقدماتی برای کسب علوم عالیتر مجبور به هجرت از وطن شده و برای ادامه تحصیلات خونسار را که یکی از زیباترین مناطق کوهساری بشمار می‌رود انتخاب نموده و در آنجا از محضر یکی از اوتاد زمان بنام آخوند ملا محمد بید هندی علاوه بر تحصیل مقدمات و فنون علم و قرائت قرآن از پارسائی و وارستگی محضر آن مرد روحانی بیش از پیش استفاده نموده و در سال ۱۳۳۷ قمری با فوت مرحوم آخوند بید هندی برای ادامه تحصیلات نزد مجتهد بزرگوار حاج سید علی اکبر بید هندی و آسید احمد جاده‌ای رهسپار شده و از محضر آن دو عالم ربانی استفاده شایان نموده و در نوروز همان سال بکمره برگشته و در سن بیست سالگی تأهل اختیار کرده و برای تحصیلات بیشتری به شهرستان اراک که مرکز علم و دانش بوده آمده و مشغول ادامه تحصیل شده و سه سال تمام در اراک علوم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد آقای سید محمد بروجردی و هم چنین درس خارج را در سال ۱۳۴۰ قمری از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی تلمذ نموده و در نوروز آنسال که آن مرحوم به قم مهاجرت و تشکیل حوزه دادند بنا بر دعوت آن مرحوم با قافله‌ای از طلاب کاروانی تشکیل و با وسائل آن روز به قم رهسپار شده و اقامت نمودند.

در آن موقع استاد فلسفه و حکمت قم مرحوم حاج میرزا علی اکبر یزدی مدرس و همدرس مرحوم فیلسوف شهیر میرزا جهانگیر خان قشقائی که در عصر خود بی نظیر بوده، دوره فلسفه و حکمت حاجی سبزواری و فلسفه عالی صدر المتألهین و دوره ریاضیات را نزد حکیم مزبور فراگرفته و نیز دو دوره درس اصول و یکدوره درس خارج فقه را در حوزه مرحوم آیت‌الله حایری یزدی تلمذ

نموده و این دروس بالغ بر چهارده سال که در قم اقامت داشتند ادامه داشت و طرز اصول اصحاب سامرا را بوسیله آیت‌الله حایری و اصول اصحاب نجف را بوسیله دیگران مانند آیت‌الله میرزا سید علی یثربی کاشانی فراگرفته و از مقایسه بین دو طرز اصول و تکمیل فلسفه و معقول و غور در مباحث عقلی که پیش آمده بود لذت وافری می‌بردند.

متعاقب آن بتدریس کفایه و مکاسب و اصول فقه و معقول و همچنین بتدریس هیئت و هندسه مشغول بودند.

در سال ۱۳۵۴ ق که غائله تغییر لباس پیش آمد ایشان تبعید به تهران شده و حدود یک ماه زندانی شده آنگاه بقید توقف در تهران آزاد گردیده و تاکنون چهل سال است که در عاصمه تشیع بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.

در سال ۱۳۶۷ ق بمکه معظمه مشرف شده و در سال ۱۳۷۱ ق بدعوت شعوب المسلمین پاکستان بکراچی رفته و در آن حفله و کنفرانس بزرگ اسلامی بیاناتی ایراد نموده که موجب اعجاب همگی گردیده و نیز سفری به بیت المقدس نموده و در مؤتمره اسلامی آنجا شرکت کرده و هم در کنگره اسلامی حجاز و مکه معظمه دعوت شده در تمام این مراحل نداء شیعه را که مغز و لب و حقیقت اسلام است ظاهر نموده و اثرات عمیقی در روح دانشمندان مسلمین گذارده است.

نگارنده گوید: علامه کمره‌ای از دانشمندان بزرگوار است که بسهم خود خدمات بسیار ارزنده از راه بیان و قلم بعالم اسلام نموده است. تألیفات و تصنیفات آموزنده‌ای شاهد این گفتار و گواه این مدعا است و فهرست آن در رساله‌ی جداگانه‌ای بطبع رسیده با شرحی از کتب مفیده آنجناب که اسامی آنها را می‌نگارم:

- ۱- کتاب افق وحی ۲- کتاب افق اعلی نگاهی بچهره محمد و علی علیهما السلام ۳- علی و الزهراء- سرچشمه آب حیات ۴- ملکه اسلام فاطمه زهراء علیها سلام ۵- ترجمه قصیده النبی محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۶- نهج البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان ۷- نهج البلاغه و جنگ ۸- پیام میلاد امیرالمومنین علیه السلام بسلاطین اهل قبله ۹- کتابی بقلم امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۰- نامه کودک در مسجد ۱۱- محنت اسلام ۱۲- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن جلد اول ۱۳- جلد دوم عنصر شجاعت ۱۴- جلد سوم عنصر شجاعت ۱۵- جلد چهارم عنصر شجاعت (مسلم بن عقیل) ۱۶- چند مرحله از زندگانی امام حسین ۱۷- تاج مأمون الرشید ۱۸- مجلس مباحثه امام رضا علیه السلام با عمران صابی ۱۹- فلسفه غیبت امام زمان عجل الله فرجه ۲۰- امامزاده عبدالله علیه السلام در ری ۲۱- شرح حال محمد بن ابی بکر ۲۲- پیام ایران بنجد و حجاز و مصر ۲۳- امناء الهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری ۲۴- خواب دیدن ائمه اطهار علیهم السلام ۲۵- قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام ۲۶- بیت المقدس و تحول قبله ۲۷- آفاق کعبه ۲۸- پنج رساله در حج و قبله ۲۹- نهیب پیغمبر صلی الله علیه و آله بملوک و امراء و فقهاء علماء از خیف منی ۳۰- کلید امن جهان ۳۱- کلید امن دنیا ۳۲- رساله مناسک و مسائل حج و عمره ۳۳- ندائی از سرزمین بیت المقدس ۳۴- اجتماع پیرامون خانه تقدیس ۳۵- اسرار حج ۳۶- تفسیر سوره نور ۳۷- ندای اذان و ثواب آن بفارسی ۳۸- دروس متون احادیث ۳۹- الحدیث عند الشیعه تا تاریخ تدوین حدیث ۴۰- تصحیح تفسیر دانشگاه (بفارسی) ۴۱- غروب آفتاب در اندلس ۴۲- کتاب مادر ۴۳- مقدمه مواقع النجوم ۴۴- تحشیه رساله لقاء الله ۴۵- تصحیح و تحشیه مراقبات السنه ۴۶- من روح الفرج بعد الشده (بعربی) ۴۷- مقاله در سالنامه نور دانش سال ۱۳۲۶ تحت عنوان اسرار موت و حیات ۴۸- آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام ۴۹- علی علیه السلام و آل محمد صلی الله علیه و آله ۵۰- آل رسول الله ۵۱- رابطه عالم اسلامی بزبان فارسی در جواب علماء کردستان ۵۲- رابطه عالم اسلامی قبس من ولاء علی علیه السلام بزبان عربی ۵۳- آراء ائمه الشعیه الامامیه فی الغلاه.

آثاری که آماده طبع است

- ۱- جلد پنجم عنصر شجاعت ۲- جلد دوم قبله اسلام ۳- جلد دوم افق اعلی ۴- تفسیر تعدادی از سور قرآن ۵- جلد دوم سرچشمه آب حیات ۶- جلد دوم افق وحی ۷- جلد دوم دروس متون احادیث ۸- پیام بلال حبشی مولای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از با کعبه بسیاهان جهان ۹- ترجمه کتاب الاسلام علی مفترق الطرق.

معظم له دارای فرزندان برومندی می‌باشند که در میان آنان دانشمند معظم و فاضل برومند جناب آقای حاج میرزا محمدحسن ناصر آقای کمره‌ای بفضل و تقوا و اطلاعات عمیقی موصوف و بیشتر امور والد ماجدش بدست با کفایت و نظر صائب او انجام می‌گیرد. علم ربانی.

تولد: ۱۳۱۷ (۱۲۷۶ ق.)، کمره از توابع اراک.

درگذشت: ۱۹ مهر ۱۳۶۳، تهران.

آیت‌الله خلیل کمره‌ای بعد از تحصیل علوم ابتدایی و مقدماتی برای کسب علوم عالی‌تر به خوانسار رفت و نزد آخوند ملا محمد بیدهندی مقدمات و متون علم قرائت قرآن را فراگرفت. با فوت ملا محمد بیدهندی به نزد سید علی‌اکبر بیدهندی و سید احمد جاده‌ای رفت و به تحصیل علوم پرداخت شد.

در سال ۱۳۳۷ ق. به حوزه‌ی علمیه‌ی اراک (مدرسه‌ی سپهدار) که توسط آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی تأسیس گردیده بود ملحق شد و جزو اولین شاگردان حوزه‌ی علمیه‌ی وی بود. سه سال تمام فقه و اصول را نزد شیخ عبدالغنی و شیخ عباس ادریس‌آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد سید محمد بروجردی و درس خارج را در سال ۱۳۴۰ ق. نزد آیت‌الله حائری یزدی تلمذ نمود.

در سال ۱۳۳۹ ق. از حوزه‌ی علمیه‌ی اراک به همراه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به قم منتقل شد و در آنجا ساکن شد و به تحصیل سطوح و فقه و اصول پرداخت در درس خارج آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی نیز حاضر می‌شد و معقول را نیز نزد آقا میرزا علی‌اکبر یزدی معروف به «حکیم» تلمذ می‌نمود پس از وفات آقا میرزا علی‌اکبر حکیم الهیات به معنی اخص اسفار را با حضرت امام خمینی (ره) مذاکره‌ی بینابین داشتند و همچنین مقداری خارج فقه جواهر را با حضرت امام (ره) و آیت‌الله میرزا عبدالله تبریزی مذاکره می‌نمود.

اساتید دیگر وی عبارتند از: آیت‌الله ملکی تبریزی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله محدث قمی و علامه عاملی. آیت‌الله کمره‌ای سپس در قم به تدریس سطوح و تفسیر و فلسفه پرداخت.

آیت‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۴۱ ق.، به سبب مخالفت با کشف حجاب، به دستور رضاشاه دستگیر و زندانی شد و سپس در تهران نفی بلد گردید. در سال ۱۳۷۱ ق. در کراچی به ریاست مؤتمر اسلامی انتخاب گردید و بار دیگر در سال ۱۳۷۹ ق. در مؤتمر اسلامی اردن شرکت کرد. در پایان مؤتمر به اشاره‌ی آیت‌الله سید حسین بروجردی همراه آیت‌الله مرتضی طالقانی برای تشکر از شیخ محمود شلتوت، مفتی اهل سنت و رئیس جامع‌الازهر، درباره‌ی فتوای ایشان در به رسمیت شناختن مذهب تشیع، به قاهره رفت و با شیخ شلتوت دیدار و گفتگو کرد. در سال ۱۳۸۵ ق. در مکه در مؤتمر عالم اسلامی شرکت کرد و به ریاست مؤتمر برگزیده شد.

آیت‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۴۹ در هزاره‌ی شیخ طوسی درباره‌ی مقام علمی شیخ طوسی ایراد کرد.

آیت‌الله کمره‌ای در شروع انقلاب اسلامی همگام با مردم حرکت نمود و در راهپیمایی تاسوعای ۱۳۷۵ به اتفاق آیت‌الله طالقانی شرکت جست. پس از حمله عراق به ایران با نوشتن مقاله «عرب این ننگ را به کجا می‌بری؟»، در روزنامه‌ی «اطلاعات» به حمایت از موضع به حق ایران برخاست.

آیت‌الله کمره‌ای در دوره‌ی دکترای دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس می‌نمود.

از آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر سوره‌ی نور (در دو مجلد)؛ عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (در تراجم شهادی کربلا، چهار جلد)؛ شرح نهج‌البلاغه؛ نهج‌البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان؛ نهج‌البلاغه و جنگ؛ ملکه اسلام فاطمه زهرا؛ نوید اسلام؛ ندای اذان و احادیث استحباب آن؛ مادر و وظیفه زن در اسلام؛ فتح مکه غروب آفتاب در اندلس؛ اسرار

حج؛ قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام؛ یک دوره کامل تفسیر قرآن؛ افق وحی؛ افق اعلی؛ نگاه‌ی به چهره محمد (ص) و علی (ع)؛ علی و الزهراء سرچشمه‌ی آب حیات؛ ترجمه قصیده‌النبی (ص) پیام امیرالمؤمنین به سلطان اهل قبله؛ کتابی به قلم امیرالمؤمنین (ع) نامه‌ی کودک در مسجد، محنت اسلام؛ چند مرحله اسلام؛ چند مرحله از زندگانی امام حسین (ع)؛ تاج مأمون الرشید؛ مجلس مباحثه‌ی امام رضا (ع) با عمران صایب؛ فلسفه غیبت امام زمان (ع) (عج) امامزاده عبدالله (ع) در ری؛ شرح حال محمد بن بکر؛ پیام ایران به نجد و حجاز و مصر؛ امناء الهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری؛ خواب دیدن ائمه اطهار (ع)؛ بیت المقدس و تحول قبله؛ پنج رساله در حج و قبله؛ کلید امن جهان؛ کلید امن دنیا؛ رساله مناسک و مسائل و حج و عمره؛ ندایی از سرزمین بیت المقدس؛ اجتماع پیرامون خانه مقدس دروس متون احادیث؛ الحدیث؛ تصحیح تفسیر دانشگاه (به فارسی)؛ کتاب مادر؛ مقدمه مواقع النجوم؛ تحشیه رساله لقاءالله؛ تصحیح و تحشیه مراقبات السنه، من روح الفرج بعد الشده (به عربی)؛ آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام؛ علی (ع) و آل محمد؛ آل محمد رسول الله؛ رابطه اسلامی (به زبان فارسی)؛ در جواب علمای کردستان؛ رابطه‌ی عالم اسلامی قبس من ولاء علی (ع) به زبان عربی؛ آراء ائمه الشیعه فی الغلاة نهیب پیغمبر (ص) به ملوک و امراء و فقهاء از خیف منی. آثاری که آماده طبع است: جلد پنجم عنصر شجاع؛ جلد دوم قبله اسلام؛ جلد دوم افق اعلی؛ تفسیر تعدادی از سوره‌های قرآن؛ جلد دوم سرچشمه آب حیات؛ جلد دوم افق وحی جلد دوم دروس متون احادیث؛ پیام بلال حبشی مولای رسول خدا (ص) از بام کعبه به سیاهان جهان؛ ترجمه کتاب علی مفترق الطرق.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: آینه دانشوران (۴۹۳-۴۹۱، ۱۸۸-۱۸۷)، الذریعه (۲۱۹/۲۲، ۴۴/۱۷، ۳۵۲/۱۵، ۱۲۶-۱۲۵/۱۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۰۵-۷۰۴/۱۳)، عنصر تلاش و کوشش، گلزار معانی (۵۸۲-۵۶۶)، گنجینه‌ی دانشمندان (۴۳/۵، ۵۴۰-۵۳۵/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۳۵-۳۲/۳).

کوه کمره ای، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد کوه کمره ای

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۱۹/۱/۱

زندگینامه علمی

الحمد لله المفیض علی الاطلاق المتجلی علی الانفس و الاخلاق، و الصلوة و السلام علی النبی الاعظم و النور الاتم و الخلق الاول محمد و آله الطاهرين و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

بر همه راهیان علم و ادب و فرهنگ و هنر و سالکان راه حق و حقیقت، پوشیده نیست که یکی از کارهای ارزشمند و مفید بر حال همه طبقات جوامع بشری احیای آثار و تراجم احوال بزرگان علم و ادب می باشد. مع الاسف این کمترین داخل در این مقوله نیست چون نه مشکلی را با بیان حل کرده و نه گره و عقده علمی را با بنان، تا صاحب تصنیف و تألیفی باشم شایسته تحسین و سزاوار

تیین، نه به مقامی واصل و نه بهره و اثری از او حاصل، لیکن بنا به منطق شرع مبین که اجابت دعوت مؤمن مستحسن است و لازم، به دعوت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (شکر الله مساعیهم) لیک گفته چند کلمه مختصر به عنوان بیوگرافی و شرح حال اجمالی نوشته و بازگویی می‌نمایم: اینجانب سید محمد کوه کمری فرزند مرحوم خلد آشیان حاج سید ابوالفضل کوه کمری (غفر الله و لنا)، به سال یک هزار سیصد و نوزده هجری شمسی و روز چهاردهم شعبان المعظم در شهرستان تبریز دیده به جهان گشوده و تحت مراقبت و کفالت پدر و مادر الهی تربیت یافته و از شیر مادری مؤمنه و عفیفه تغذی نموده ام (سقاها الله و جمیع المؤمنین و المؤمنات شراباً طهوراً) و انتساب پر افتخار و سلسله سیادت اسره و خانواده اینجانب با ۲۹ واسطه به چهارمین اختر تابناک امامت و ولایت حضرت سید الساجدین و زین العابدین علی بن الحسین (علیهما السلام) می‌رسد و از سادات صحیح النسب کوه کمره که از توابع و نواحی شهرستان تبریز شمرده می‌شود؛ می‌باشد و در این رابطه مناسب و به جا می‌بینم که متذکر و متمثل به اشعار استاد شهریار رحمه الله علیه باشم

جز یک نسب که از تو به خود بسته چیستم من آنچنانکه آل علی هست، نیستم

اما مرا هم ای علی از خود مران که من تا چشم داشتم به حسینت گریستم

پس از پایان تحصیلات ششم ابتدایی در شهرستان تبریز وارد مدارس علوم دینی شده و مشغول خواندن کتابهای ادبیات فارسی معمول و متعارف آن زمان مانند گلستان، نصاب، تاریخ معجم، کلیل و دمنه و کتابهای دیگر و بعد مشغول فرا گرفتن کتب ادبیات عربی متعارف حوزه های آن عصر از محضر اساتید بزرگوار و روحانیون عالی مقام گردیدم (غفر الله للماضین منهم و ادام الله افاضین الباقین و اداء حقوقهم) که به اسم مبارک بعضی از بزرگواران اشاره و یاد آوری می‌نمایم: مرحوم مغفور شیخ عبدالکریم دستجردی، آقای حاج شیخ موسی ناصحی، آقای میرزا رحیم قراملکی و آقای حاج شیخ جعفر اشراقی که هر سه بزرگوار در قید حیات می‌باشند (وقفهم الله لمرضاته) و در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی پس از ارتحال مرحوم حضرت آیه الله العظمی بروجردی (رحمه الله علیه) به حوزه مقدسه علمیه قم (صانها الله عن الحوادث و الفتن) مشرف شدم. پس از زحمات فراوان در مدرسه مبارکه حجتیه (اعلی الله درجات مؤسسها و بانیها) حجره گرفته و تحصیل را ادامه دادم و باقیمانده لمعتین، رسائل و مکاسب را در محضر اساتید بزرگوار و گرانقدری چون: جناب مستطاب «حاج میرزا جعفر سبحانی»، «حاج سید جواد خطیبی»، «آقای شیخ کریم ملاثانی»، «آقای میرزا ابوالفضل علمائی» و «شیخ حسین ایوبی» استفاده کردم و جلدین کفایه را در محضر انور و پر فیض «مرحوم آیه الله سید محمد باقر طباطبائی بروجردی» معروف به (سلطانی) فرا گرفته و بهره جست. (حشره الله مع اجداده الطاهرین و جزاه الله عن الاسلام خیراً).

از علوم عقلی کتاب شریف شرح تجرید را در خدمت مرحوم آقای «شیخ اسحاق آستارائی» و شرح منظومه را در خدمت مرحوم شهید بزرگوار «آیت الله دکتر محمد مفتّح» و مدت نه سال مشغول خواندن کتاب شریف اسفار مرحوم ملاصدرا در محضر نورانی و پر از معنویت و روحانی حکیم الهی «حضرت آیت الله جوادی آملی» (ادام الله ظلّه العالی) بوده و بهره کامل برده و مدت چهار سال از محضر اقدس و نورانی حکیم الهی و عارف ربانی «حضرت آیت الله حسن زاه آملی»، مقداری از هئیت قدیم و مقداری از مصباح الانس را تلمذ نموده و استفاده کافی بردم و پیش از انقلاب مقدس اسلامی مرحوم شهید بزرگوار فیلسوف عالیقدر و اسلام شناس آن هم به معنی واقعی کلمه، «حضرت آیت الله مطهری» (اعلی الله درجات العالیه و جعل ابخته مثواه) مدت کوتاهی در شب های پنجشنبه، خارج اسفار و روزها بحث شناخت، افاضه فیض می‌فرمودند و اینجانب هم افتخار شرکت داشتم.

پس از اتمام دوره سطح در علوم عقلی و نقلی قسمت خارج فقه و اصول را شروع نمودم که نسبتاً زمان طولانی بود در محاضرات و دراسات آیات عظام و اسطوانه های فقه و فقاها و مراجع گرانقدر آن زمان حضور مستمر داشتم و اول کسی که در درس خارج او شرکت نمودم و از چهره دل آرای او لذت می‌بردم؛ شخصیت والا مقام و کم نظیر، عالم متضلع و فقیه مطلق و نائب بر حق حضرت

حجة بن الحسن العسکری (علیه السلام) و بینان گذار جمهوری اسلامی ایران «حضرت آیت الله العظمی امام خمینی» بود (اعلی الله درجاته العالیه و جزاه الله عن الاسلام خیراً) و البته باید بگوییم من در آن زمان هنوز سطح را تمام نکرده بودم ولیکن به جهت شدت محبت و اردات بی شائبه‌ای که به ایشان داشتم؛ بعد از ظهرها در خارج اصول ایشان در مسجد اعظم قم افتخار محضرشان را داشتم و از جمله کسانی که از خرمن علمی آنها خوشه چینی نموده و استفاده کافی برده ام عبارتند از: «حضرت آیت الله شریعتمداری»، «حضرت آیت الله گلپایگانی»، «آیت الله علامه سید علی فانی» که مدت ۱۲ سال در محضر پرفیضشان بهره مند شدم، «حضرت آیت الله داماد»، «حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی»، «حضرت آیت الله فیروز آبادی»، «حضرت آیت الله وحید خراسانی» و سایر بزرگان علم (غفر الله الماضین منهم و اصل الله عمر الباقین).

(و اما خدمات اجتماعی): از ۲۲ سالگی وظیفه سنگین امر به معروف و نهی از منکر را به عهده گرفته و در مناطق و محل‌های مختلف مانند: تهران، تبریز، خلخال، آمل، اطراف تبریز و جاهای دیگر منبر رفته و در اشتغال مقدس تبلیغات ایفاء وظیفه نموده ام و در کنار تبلیغات در اطراف تبریز و در تهران، حمام و لوله کشی محل و حسینیه و تعمیر مساجد بنیان نهاده ام. و در خارج کشور در آذربایجان شوروی منبر رفته ام و خاطرات شیرین و بیاد ماندی دارم که به یکی از آنها اشاره می‌نمایم: در اولین شب ورودم که شب اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام بود در یک منزلی مجلس عزا و احسان منعقد شده بود. بنده هم به آنجا دعوت شدم و رفتم و پس از صرف شام، صاحب منزل آمد پیش من و گفت جناب آقا، بنده جهت این احسان مبلغ چهار هزار مانت (واحد پول آنجا) خرج و هزینه نموده ام. خمس مبارک این مبلغ چقدر می‌شود بفرومائید تا من پرداخت نمایم. برای بنده این منظره بسیار جالب بود که پس از گذشتن هفتاد و دو سال از حکومت کمونیستی و لامذهبی این چنین عقیده پاک خودش را حفظ نموده است که قدر آیه شریفه (یریدون لیطفنوا...) تداعی می‌شد.

و باز در قسمت خدمات و کار اجتماعی باید بگوییم از همان اوائل شروع به تحصیل، اشتغال مقدس تدریس و تعلیم و در کنارش تربیت را به عهده گرفته ام. یعنی از آن دوران که در تبریز بودم تا به امروز که سال ۱۳۸۷ هجری شمسی می‌باشد؛ اکثر متون و کتب درسی را در دوره های مکرر تدریس نموده ام و الان هم بحمدالله و المنه در حوزه علمیه مقدسه قم در محضر پرفیض حضرت فاطمه المعصومه (علیها سلام)، تدریس مکاسب و کفایتین ادامه دارد و از خداوند منان توفیقات هر چه بیشتر برای سالکان راه حق و حقیقت و راهیان علم و عمل عموماً و برای این کمترین و خاک پای پویندگان راه سعادت خصوصاً مسئلت می‌نمایم و حسن عاقبت و رضای حضرت حق (جل و علی) برای عموم شیعیان امامت و ولایت خواهانم. (و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین). ضمناً در کار تصحیح و تحقیق بعضی از کتابهای علمی مانند: کتاب «مهذب قاضی ابن براج» و سایر کتابها مشارکت داشتم. و ضمناً چندین سال است که امامت ظهرین و عشائین و تبلیغ و نشر احکام و تفسیر قرآن کریم در مسجد قائم واقع در بلوار شهید منتظری را تقبل نموده و مشغول هستم.

کهنوجی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی کهنوجی

محل تولد: کرمان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۱/۱

زندگینامه علمی

نامبرده تحصیلات حوزوی خود را از سال تحصیلی ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ در حوزه علمیه کرمان آغاز کرد. پس از گذراندن برخی از کتابهای مقدمات در سال ۱۳۶۵ به شهر مقدس قم هجرت نمود و در حوزه مقدس علمیه قم به فراگیری دروس حوزوی مشغول شد. در همان سال وی به علت احساس نیاز، به جبهه‌های حق علیه باطل رفته و در عملیات های کربلای ۴ و ۵ شرکت کرد و از ناحیه (شانه و فک) مجروح شد و بعد از پذیرش قطع‌نامه به تحصیلات خود ادامه داد. فراگیری دروس کلاسیک و آموزش عالی را بعد از موفقیت در امتحانهای کتبی حوزه از سال ۱۳۷۲ در رشته «فلسفه» آغاز کرد و به توفیق و عنایت خداوند متعال پیوسته در این رشته مشغول بوده است به ترتیب: «دانشگاه تهران»، «تربیت مدرس تهران» و «علوم و تحقیقات تهران» و هم اکنون در حال دفاع از رساله دکتری است.

ایشان در مدتی که مشغول به تحصیل بوده با «دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)» از سال ۱۳۷۸ همکاری پیوسته داشته است و در سه سال اخیر در گروه «تربیت محقق عرفان اسلامی» پذیرفته شده و پس از گذراندن بیش از ۸۰ واحد عرفان نظری اسلامی، هم اکنون در حال نوشتن پایان‌نامه در این رشته می‌باشد. وی تدریس خود را در مراکز علمی و دانشگاهی از سال ۱۳۸۲ شروع کرده و هم اکنون ادامه دارد. ایشان عضو «نخبگان حوزوی کرمان» و «جانبازان استان قم» می‌باشد.

کیاشمشکی، ابوالفضل

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالفضل کیاشمشکی

محل تولد: شمیران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب ابوالفضل کیاشمشکی پس از گذراندن دوران تحصیلی رسمی در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و اخذ مدرک دیپلم در رشته (ریاضی فیزیک)، به دلیل علاقه بسیار به معارف دینی وارد حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۶۳ ابتداء به حوزه علمیه «حضرت قائم (ع) چیدر» رفته و طی چهار سال دروس مقدمات و سطوح را به پایان رسانده و در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از موفقیت در آزمون های سطح و تشکیل پرونده در شورای مدیریت حوزه علمیه قم، موفق به شرکت در دروس خارج آیات عظام: «میرزا جواد تبریزی»، «وحید خراسانی»، «فاضل لنکرانی»، «میرزا هاشم آملی» و «سید محمود هاشمی شاهرودی» شدم. در کنار دروس خارج فقه و اصول، توفیق حضور در دروس (فلسفه و عرفان) اساتید فن، حضرات آیات: «حسن زاده آملی» و «جوادی آملی»

را یافتم و موفق به تحصیل کتب اساسی (فلسفه و عرفان): «اسفار اربعه»، «تمهید القواعد»، «فصوص الحکم» و «مصباح الأنس» شدم. همزمان در سال ۱۳۷۲ در آزمون تربیت مدرس دانشگاه قم شرکت نموده و پس از قبولی در آزمون و گذراندن دوره، مدرک کارشناسی ارشد در رشته (الهیات و معارف اسلامی) را اخذ نمودم. سال ۱۳۷۴ پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، در آزمون دکتری دانشگاه تهران شرکت نموده و پذیرفته شدم و در سال ۱۳۷۹ موفق به پایان دوره دکتری و دفاع رساله خود با عنوان: «معاد جسمانی در حکمت متعالیه» با درجه عالی شدم. در کنار تحصیل در دانشگاه، رساله سطح چهار حوزه (مدارج علمی) را با موضوع «تقلید میت» نوشته و مدرک سطح چهار حوزه را نیز دریافت کردم. همزمان با تحصیل، به تدریس در حوزه و دانشگاه نیز اشتغال داشتم و علاوه بر دروس (فقه، اصول و سطوح)؛ فلسفه، عرفان و کلام را نیز تدریس می نمودم. به قدر وسع فعالیت های پژوهشی نیز در قالب کتاب و مقاله داشته ام و در حال حاضر نیز تمام وقت من صرف تدریس و تحقیق در مباحث معارفی به ویژه فلسفه، عرفان، کلام و تفسیر می شود.

گرگی، ابوالقاسم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۱۳۰۰ ش)، فقیه اصولی، محقق، مدرس، استاد دانشگاه و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، در ادبیات از محضر سید محمد قصیر و آقا شیخ محمد حسین بروجردی، در فلسفه از محضر آیت الله شاه آبادی و آیت الله آقا شیخ ابراهیم امامزاده زیدی و در فقه و اصول از محضر آیت الله آقا شیخ محمد رضا تنکابنی استفاده نمود. در ۱۳۲۲ ش برای ادامه‌ی تحصیل به نجف رفت و از محضر آیت الله آقا شیخ محمد علی جمالی کاظمینی و آیت الله آقا سید عبدالهادی شیرازی و آیت الله آقا شیخ محمد کاظم شیرازی و آیت الله خوئی بهره برد و از بعضی از آنان و از آیت الله آقا شیخ محمد حسین کاشف الغطاء اجازه‌ی اجتهاد گرفت. وی در نجف به موازات تحصیل به تدریس «رسایل»، «مکاسب» و «کفایه» نیز اشتغال داشت. در ۱۳۳۰ ش به تهران آمد و در مدرسه‌ی حاج ابوالفتح فیروزآبادی و مدرسه‌ی مروی به تدریس پرداخت. در ۱۳۳۲ ش وارد دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی شد. در ۱۳۳۵ ش لیسانس منقول و در ۱۳۳۸ ش دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را به پایان رساند. وی تا ۱۳۴۷ ش در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی تهران به تدریس ادبیات عرب و از ۱۳۴۸ ش به بعد در دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی تهران به تدریس حقوق اسلامی پرداخت. از آثارش: تجدید نظر و اضافات بر «تاریخ پیامبر اسلام (ص)» دکتر محمد ابراهیم آیتی؛ «مسائل حامه من مسائل الخلاف»؛ «نگاهی به تحول علم اصول»؛ تصحیح و تعلیق «الذریعه الی اصول الشریعه» سید مرتضی علم الهدی؛ تصحیح و تعلیق «تفسیر جوامع الجامع» امین الدین طبرسی؛ «تأثیر منطق در علم اصول»؛ «صرف و نحو»؛ مقالات حقوقی متعدد. [۱]

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده: حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: تهران

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۱۲، ص ۱۶-۵)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۳/۱۱۰۸).

گرگیان عربی، محمدمهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی گرجیان عربی

محل تولد: عربخیل بابلسر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۴/۲۰

زندگینامه علمی

اینجانب در ۲۰ تیرماه ۱۳۴۲ در محله عربخیل بابلسر در یک خانواده مذهبی متولد شدم و در سن شش سالگی به تحصیل در دبستان مسعود سعد وارد شدم و دوران راهنمایی را نیز در همانجا گذراندم و دوران دبیرستان را در رشته علوم تجربی در سال ۱۳۶۰ به پایان رساندم و بعد از چند بار قبولی در دانشگاه در رشته های مختلف و شرکت در جبهه های حق علیه باطل با توجه به علاقه شدیدم به تحصیلات حوزوی به حوزه علمیه روحیه بابل وارد شدم و تحت تعلیم حضرت آیت الله محمدی طبری و آیت الله بهشتی (ره) دروس سطح را تقریباً در طی کمتر از چهار سال به پایان رساندم و در اواخر سال ۱۳۶۴ به قم مشرف شدم. به محض ورود به درس خارج فقه حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی و کفایه را نزد حضرت آیت الله محقق داماد ادامه دادم و از همان سال در درس اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شرکت می نمودم در سال ۱۳۷۵ همزمان به دانشگاه علامه طباطبائی رشته علوم اجتماعی وارد شدم و بعد از اتمام بلافاصله در مقطع حقوق لیسانس و بعد نیز بلافاصله در دوره دکتری قبول شده و ادامه تحصیل دادم و در مجموعه آموزشی موسسه در راه حق که تحت اشراف استاد مصباح یزدی بود شرکت نمودم و دوره آموزش آنجا را به اتمام رساندم و دروس فلسفه (اشارات) و عرفان (فصوص الحکم و مصباح الانس) را نزد حضرت استاد آیت الله حسن زاده آملی به اتمام رساندم و در بعضی دروس جناب استاد آیت الله جوادی آملی شرکت می نمودم ضمناً در درس فقه حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی به مدت ۷ سال شرکت نمودم، لازم به ذکر است که از همان سال سوم حوزه به تدریس دروس اشتغال داشتم (که می توان گفت بیش از ۱۹ سال مشغول به تدریس دروس حوزوی و ۱۷ سال به تدریس دروس دانشگاهی مشغول می باشم و تمام دروس سطح را چند بار تدریس نموده ام).

گرجانی، ابوالهشیم احمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم و پنجم ق)، شاعر و حکیم. وی شاعر اسماعیلی مذهب است و علاوه بر شاعری در حکمت نیز استادی یگانه بود و محمد بن سرخ از شاگردان وی بوده است. از اشعار ابوالهشیم، تنها قصیده‌ای به نام «چون و چرا» درهشتاد و هشت بیت باقی مانده است که مشتمل بر سئوالاتی است درباره‌ی بسیاری از مسایل، بی آنکه خود آنها را جواب گفته باشد. بعد از او دو تن آن را شرح کرده‌اند، یکی ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی شاعر و نویسنده‌ی مشهور اسماعیلی مذهب که به خواهش عین‌الدوله

ابوالمعالی علی بن اسد بن حارث، امیر بدخشان، کتاب «جامع الحکمتین» را در این باب نوشت و پیش از او محمد بن سرخ نیشابوری که در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم قمری می‌زیست کتابی مفصل در شرح هفتاد و شش بیت از این قصیده ترتیب داده است. مطلع این قصیده چنین است:

یکی است صورت هر نوع را نیست گذار

چرا که هیئت هر صورتی بود بسیار؟

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۵۳۱-۵۲۱/۱)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۱۹۷)، ترجمه‌ی تتمه‌ی صوان الحکمه (۷۸)، الذریعه (۹/۲۶۰)، یادگار (س دوم، ش ۸ ص ۲۱-۹).

گرگانی، سیدشریف

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی بن محمد بن علی گرگانی حسینی مشهور به میر سید شریف گرگانی در سال ۷۴۰ ه. ق متولد شد. کلیه آثار بزرگ و کوچک وی در منطق و کلام و ادب و حکمت معروف است. وی برای تحصیلات ابتدایی خود در شهر گرگان زادگاهش شروع به فراگیری علوم مختلفی نزد استادان معروف کرد. سید شریف در سال ۷۸۰ در سن ۴۰ سالگی به خدمت شاه شجاع رسید و و شروع به تدریس در مدرسه دارالشفاء کرد. بعد از شاه شجاع پسرش امیر تیمور جانشین او شد. او همراه امیر تیمور و جمعی از اکابر به سمرقند رفت و در آنجا به تدریس علوم مختلفی پرداخت. سید شریف بعد از مرگ امیر تیمور به شیراز برگشت و در مدرسه دارالشفاء شروع به تدریس کرد. او در سال ۸۱۶ در شهر شیراز دارفانی را وداع گفت.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: علی بن محمد بن علی گرگانی حسینی مشهور به میر سید شریف گرگانی در سال ۷۴۰ ه. ق متولد شد. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: علی (میر سید) شریف گرگانی از همان کودکی به تحصیل علم اشتغال داشت و فنون و شروح علمی را نزد استادان عصر خواند تا در دانشهای مختلف ادبی استادی مسلم شد. مقدمات علوم را در دیار خود آموخت. او از گرگان به هرات سفر کرد و رساله شمسیه و شرح مطالع و دیگر کتب را نزد استادش آموخت. وی به توصیه استادش به مصر رفت و علم حدیث و نحو و صرف و معانی را آنجا آموزش دید و از آنجا به بلاد روم سفر کرد و در علوم شرعیه و عقلیه و ادبیه و عربیه حاضر شد و سپس به ایران مراجعت کرد.

استادان و مربیان: از استادان علی (میر سید) شریف گرگانی می‌توان به استادی چون طاووسی که مفتاح العلوم را به او آموخت نام برد. در حجر تربیت علامه قطب الدین رازی رساله شمسیه و شرح مطالع و دیگر کتب را آموزش دید. میرک بخاری و شمس الدین محمد بن مبارک شاه هروی علم منطق را یاد گرفت. در علم حدیث، نحو، لغت، صرف، معانی پیش استاد اکمل الدین محمد بن محمد بن محمود بابرقی و در کلاس شیخ جمال الدین محمد بن محمد بن امام فخر رازی معروف به آقسرایی در علوم شرعیه و عقلیه و عربیه و ادبیه حاضر شد.

همسر و فرزندان: از فرزندان علی (میر سید) شریف گرگانی می‌توان به ذکر چند تن اشاره کرد: - امیرسید شمس الدین محمد

بن علی بن محمد حسینی جرجانی از علمای عصر خود بود که در چند فنون کتابهای مختلفی به زبانهای گوناگون نگاشته مثل دو رساله از پدرش که بنامهای کبری و صغری معروفند به زبان عربی ترجمه کرده است که در علم منطق بود و به نامهای دره و غره نام گذاری شده است. - قاضی سید نور الدین سید شریف الدین بن جمال الدین بن نورالله شمس الدین محمد شاه حسینی مرعشی شوشتری نوه سید شریف از بزرگان علمای شیعه بود. - امیر سیر ابوالفتح محمد علی بن میر عبد الباقی بن میر شمس الدین محمد بن میر سید شریف از نوه های گرگانی که در دربار شاه طهماسب بود. از او دو پسر به نامهای امیر معین الدین و میرزا امیرمانده است. - میر مرتضی شریفی شیرازی نبیره میر سید شریف بود که از دانشمندان عصر خود در رشته منطق و کلام و ریاضیات و اقسام حکمت دست داشت.

زمان و علت فوت: علی (میر سید) شریف گرگانی در سال ۸۱۶ در روز چهارشنبه، ششم ربيع الثانی در شیراز بدرود حیات گفته و آرامگاه وی در محله سردزک شیراز می باشد.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: علی (میر سید) شریف گرگانی در سن ۴۰ سالگی به خدمت شاه شجاع در شیراز می رود و پس از مصاحبت با او در مدرسه دار الشفاء شروع به تدریس می کند. بعد از فوت شاه شجاع در سال ۷۸۶ پسرش امیر تیمور جانشین او می شود و در سال ۷۹۰ امیر تیمور همراه شریف گرگانی و جمعی از اکابر شیراز به سمرقند می رود و در آنجا به تدریس می پردازد. میان شریف و تقنازانی مباحثات روی می دهد به طوری که شریف همیشه بر او غلبه می شود. پس از درگذشت امیر تیمور در سال ۸۹۷ سید شریف به شیراز برگشته و در آن جا به تدریس در مدرسه دار الشفاء ادامه می دهد.

شاگردان: از شاگردان علی (میر سید) شریف گرگانی می توان به چند تن اشاره کرد: عقیف جرهی - علامه جلال الدین دوانی - اسعد بن محمد صدیقی کازرونی - شجاع شیرازی - ابن عربشاه ابوالعباس احمد بن محمد بن عبد الله بن عربشاه - ابوالفتح نور الدین احمد بن عبد الله طاوسی ابرقوهی - مولا خواجه علی سمرقندی - فتح الله شروانی - مظهر الدین محمد کازرونی - فخرالدین عجمی - شمس الدین محمد بن مرهم الدین شیرازی

آرا و گرایشهای خاص: بسیاری از مولفین اهل سنت، علی (میر سید) شریف گرگانی را سنی حنفی مذهب دانسته‌اند از جمله: لکنوی، شوکانی، سخاوی و دیگران و گروهی از مولفین شیعه وی را شیعه مذهب دانسته‌اند. چنانکه سید محسن امین در کتاب اعیان شیعه و شیخ آغا بزرگ تهرانی در کتاب طبقات اعلام الشیعه نام میر سید شریف را جزو اعلام شیعه یاد کرده‌اند و قاضی نورالله شوشتری در کتاب مجالس المومنین بر این تاکید دارد و دلایلی هم بر اثبات تشیع میرسید شریف آورده است از آن جمله به گواهی دو تن از شاگردان گرگانی به نام های سید محمد موسوی خراسانی معروف به نوربخش متوفی ۸۶۹ هـ. ق و شیخ محمد ابن ابی جمهور احسائی متوفی پس از ۹۰۱ هـ. ق که هر دو از اکابر علما و عرفای امامیه‌اند. -----

آثار:

۱ اسکندریه

ویژگی اثر: پاسخ سئوالات میرزا اسکندر بن میرزا عمر شیخ بن امیر تیمور گورکان در سال ۸۱۵ در اصول دین می باشد.

۲ اسلام و ایمان و اعتقاد و مذاهب

ویژگی اثر: رساله ای در بیان به زبان فارسی است که نسخه خطی آن در کتابخانه الهیات تهران در شماره ۳۰۸ موجود می باشد.

۳ اصطلاحات الصوفیه الواردة فی الفتوحات المکیه

ویژگی اثر: نسخه خطی این رساله در دانشگاه کمبریج شماره ۳۷ موجود است. ادوارد فند می گوید: میرسید شریف رساله ای در تعریفات دارد که حاوی اصطلاحاتی در علوم فقه و فرائض و حدیث و کلام و نحو و صرف و تفسیر است و ابن عربی می گوید:

رساله ای در تعریفات دارد که مشتمل بر تفسیر اصطلاحات صوفیه است که در کتابخانه مکیه آمده است و این هر دو به کوشش فلوگل، دانشمند آلمانی در لایپزیک در سال ۱۸۴۵ میلادی به چاپ رسیده است.

۴ الاصول المنطقیه

ویژگی اثر: این رساله در سال ۱۳۲۸ ه. ق. ضمن مجموعه ای در بولایق به چاپ رسیده است

۵ التعریفات

ویژگی اثر: رساله ای است در اصطلاحات متداوله بین فقها و محدثین و متکلمین و نحاه و صرفین و مفسرین به ترتیب حروف به چاپ رسیده است.

۶ التوضیح شرح التنقیح

ویژگی اثر: یاد داشتهایی است بر اوائل کتاب تنقیح

۷ الدیاج المذهب فی معرفه اصول الحدیث

ویژگی اثر: این رساله در علم حدیث است که یک بار در دهلی به سال ۱۳۰۲ و بار دیگر در سال ۱۳۲۸ در مقدمه کتاب جامع ترمذی چاپ شده است

۸ الرساله الحرفیه

ویژگی اثر: این رساله کوچکی است که در معنی حرف که نسخه های خطی متعددی در ایران و عراق و قاهره و لینگراد و آمریکا موجود است

۹ الرساله الشریفیه فی قواعد البحث

ویژگی اثر: این رساله در هند به سال ۱۲۸۹ چاپ شده است و نسخه های خطی آن مکرر وجود دارد

۱۰ الزاویه

ویژگی اثر: منسوب است به میرسید شریف درسه فصل - فی بیان ما قبل.... نسخه شماره ۷۵۸/۲ در الهیات تهران

۱۱ الشافی فی الفقه

ویژگی اثر: نسخه خطی این کتاب به شماره ۱/۱۲۰۰ در کتابخانه ایاصوفیه استانبول موجود است

۱۲ الشریفیه

ویژگی اثر: رساله ای است در فرائض که در سال ۱۲۴۵ در کلکته و در سال ۱۳۲۶ با شرح عبد الحی در لنکو چاپ شده است و نسخه اصلی آن در کتابخانه آصفیه در حیدرآباد دکن است

۱۳ العلم الالی اوالتبعی و الاستقلالی

ویژگی اثر: دو نسخه از این رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است

۱۴ العلم بالوجه و العلم بالشی من ذلك الوجه

ویژگی اثر: یک نسخه از این رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است

۱۵ الفرق بین العلم بالشی و بوجه

ویژگی اثر: رساله فلسفی است که به زبان عربی است سه نسخه از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۸۸۰ و ۶۵۴۳ و ۶۸۶۹ موجود می باشد.

۱۶ الفرق بین الغرض و الغایه و الفایده

ویژگی اثر: گفتاری کوتاه است که در یک صفحه که دو نسخه از آن در کتابخانه سپهسالار تهران و یک نسخه هم در کتابخانه

مجلس در تهران است

۱۷ الفیه

ویژگی اثر: این رساله که به فارسی در بیان معما و تصاریف و اعمال آن تالیف شده است که بالغ بر ۱۵ هزار بیت می باشد.

۱۸ المصباح فی شرح المفتاح

ویژگی اثر: گزارشی است از میرسید شریف بر قسم سوم مفتاح العلوم سکاکی که در سمرقند ساخته شده که نسخه های خری آن فراوان است.

۱۹ امثله

ویژگی اثر: رساله مختصری است به فارسی در صرف که مکرر چاپ شده و منسوب به میر سید شریف است

۲۰ ترجمان القرآن

ویژگی اثر: میر سید شریف در این رساله به شرح واژه های قرآن به فارسی ساده پرداخته و چون لغتی در سوره دیگر مکرر شود آن را ذکر نکرده است بدین ترتیب که اول از سوره حمد شروع کرده و سپس از سوره ناس به ترتیب قهقرا تا سوره بقره را آورده است. در اواخر سده نهم هجری، عادل بن علی این فرهنگ نامه را به ترتیب حروف تهجی در آورده است و تحریر عادل مکرر چاپ شده است

۲۱ تعلیقه بر تفسیر بیضاوی

۲۲ تعلیقه بر عوارف المعارف سهروردی

۲۳ تعلیقه بر نصاب الصبیان فراهی

۲۴ تفسیر زهراوین

ویژگی اثر: تفسیر سوره بقره و آل عمران

۲۵ جامع التعلیل

ویژگی اثر: رساله ای است به عربی در صرف و نحو. نسخه شماره ۴۹۰/۲۱۳ خانه دکتر قریشی احمدحسین قریشی قلعه داری نزدیک گجرات پاکستان.

۲۶ حاشیه آداب البحث

ویژگی اثر: اصل آن از قاضی عضد الدین ایجی که در منطق در سال ۱۲۳۶ در قسطنطنیه چاپ شده و حاشیه از میر سید شریف.

۲۷ حاشیه اشکال التاسیس (حسینی سمرقندی)

ویژگی اثر: کتاب اشکال التاسیس به توضیح پیرامون ۳۵ شکل از کتابهای اصول اقلیدس صوری را توضیح داده است که میر سید شریف بر حاشیه آن نگاشته است.

۲۸ حاشیه التحفه الشاهیه

ویژگی اثر: این کتاب که درباره ستاره شناسی و در چهارباب که آن را به خاطر وزیر امیر شاه محمد بن صدر سعید تاج الدین معتز بن طاهرتحفه شاهی - موسوم داشته است که میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است

۲۹ حاشیه التلویح الی کشف حقایق التنقیح

ویژگی اثر: علامه صدر الشریعه، عیید الله بخاری که در اصول فقه آنرا نگاشته است به نام تنقیح الاصول. که بعد ها تفتازانی آن را به نام التلویح دریکی از شهرهای ترکستان به چاپ رساند که میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است و در کتابخانه رضوی نسخه ای از آن به شماره ۲۹۶۸ که منسوب به ملاعلی قوشچی است موجود می باشد.

۳۰ حاشیه الخلاصه فی اصول الحدیث

ویژگی اثر: این کتاب در اصول الحدیث، تألیف شرف الدین حسن بن محمد طیبی می باشد در یک مقدمه و چهارباب و خاتمه. که میر سید شریف یادداشتهای بر آن نگاشته است.

۳۱ حاشیه العباب فی شرح اللباب

ویژگی اثر: علامه تاج الدین محمد بن محمد بن احمد بن سیف در نحو نگاشته است به نام اللباب فی النحو که شامل یک مقدمه و چهار قسم است. که این کتاب راجعاً به شرح نقره کار و العباب فی شرح اللباب است که میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است.

۳۲ حاشیه العوامل الجرجانیه

ویژگی اثر: شیخ عبد القاهرین عبدالرحمان در نحو کتابی به نام العوامل المائه نگاشته است که احتمالاً نسخه ای به شماره ۲۷۸ رضوی با خط نسخ که میر سید شریف بر حاشیه آن نگاشته است.

۳۳ حاشیه الموشح فی شرح الکافیة

ویژگی اثر: این کتاب از شمس الدین محمد بن ابی بکر در نحو تألیف شده که میر سید شریف در حاشیه آن نوشته است.

۳۴ حاشیه الهدایه

ویژگی اثر: این کتاب در فقه از شیخ الاسلام برهان الدین علین ابی بکر مرغینانی می باشد و حاشیه از میر سید شریف گرگانی.

۳۵ حاشیه الوافیة فی شرح الکافیة

ویژگی اثر: ابن حاجب نحوی، عثمان بن عمر مالکی کتاب مختصری در نحو نوشته به نام الکافیة فی النحو که سید رکن الدین حسن بن محمد استر آبادی بر این کتاب سه شرح نوشته که شرح دوم شرح متوسط است که به نام وافیة نیز معروف است میر سید شریف بر حاشیه آن نگاشته است.

۳۶ حاشیه بر شرح قدیم تجرید

ویژگی اثر: کتاب تجرید از تالیفات خواجه نصیر الدین طوسی که شمس الدین محمود بن عبد الرحمان اصفهانی آن را شرح کرده و به نام شرح قدیم تجرید مشهور است که میر سید شریف بر حاشیه آن یادداشتهای عظیمی دارد. نسخه خطی این حاشیه در مشهد و قم و تهران موجود است که قدیمی ترین آنها به شماره ۱۱۵/ رضویاست با تحریر ۸۲۹ ه.ق و نسخه شماره ۹۳/۱۳۷۲۷ کتابخانه انکرلی بغداد هم که به نام حاشیه قوشچی معرف شده باید حاشیه میر سید شریف باشد.

۳۷ حاشیه تحریر اقلیدس

ویژگی اثر: این کتاب مشتمل بر هندسه مسطحه و حساب و خواص اعداد و هندسه فضایی که صوری نجار آنرا در عصر خلفای عباسی نوشته است و میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است

۳۸ حاشیه تحریر القواعد المنطقیة فی شرح الشمسیة

ویژگی اثر: این کتاب را نجم الدین علی بن عمرو قزوینی نوشته و قطب الدین محمد بن محمد تحتانی آن را شرح داده است و میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته و نسخه های خطی آن فراوان است.

۳۹ حاشیه تفسیر کشاف

ویژگی اثر: این کتاب از جار الله محمود بن عمر خوارزمی معتزلی حنفی که ضمن شرح نکات بلاغی و وجه اعجاز قرآن، مباحث اعتقادی و کلامی را به شیوه معتزله بیان کرده است که میر سید شریف از آغاز تا آیه ۲۶ سوره بقره در حاشیه آن نوشته است

۴۰ حاشیه حکمه الاشراق

ویژگی اثر: حاشیه این کتاب از میر سید شریف است

۴۱ حاشیه شرح تلخیص المفتاح

ویژگی اثر: این کتاب از تالیفات خطیب قزوینی بر شرح تفتازانی است که تلخیص المفتاح گزیده ای است بر مفتاح العلوم سکاکی و سراج الدین ابی یعقوب بن ابی بکر در معانی و بیان. میرسید شریف در حاشیه آن نوشته است. که این حاشیه در سالهای ۱۲۴۱ و ۱۲۸۹ و ۱۳۱۰ در آستانه در ۲۳۶ صفحه به چاپ رسیده است و نسخه های خطی فراوان دارد

۴۲ حاشیه شرح حکمه العین

ویژگی اثر: این کتاب تالیفی از نجم الدین ابی الحسن علیبن محمد مشهور به دبیران کاتبی قزوینی شیعی از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی است که میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است و نسخه خطی آن به شماره ۶۰۹۹ با تحریر سده ۱۱ ه. ق. در کتابخانه مرعشی در قم است.

۴۳ حاشیه شرح کافیه

ویژگی اثر: این کتاب از ابن حاجب نحوی، جمال الدین عثمان بن عمر که در نحو نگاشته است و رضی استرآبادی آن را به شرح در آورده است و میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است.

۴۴ حاشیه شرح مختصر الاصول

ویژگی اثر: این کتاب را ابن حاجب، جمال الدین عثمان بن عمر مالکی در اصول فقه نگاشته است و عضد الدین ایجی به شرح در آورده است و میرسید شریف بر این شرح، حواشی توضیحی و تحقیقی و مزجی بر حاشیه نوشته است.

۴۵ حاشیه شرح هدیه الحکمه

ویژگی اثر: کتاب هدایه الحکمه تالیف شیخ اثیر الدین مفضل بن عمر ابهری است و به شرح میرحسین بن معین الدین میبیدی حسینی و حاشیه از میرسید شریف

۴۶ حاشیه شرح وقایه الروایه فی مسائل الهدایه

ویژگی اثر: حاشیه و یادداشتهایی از میرسید شریف بر شرح صدر الشریعه دوم عبیدالله بن مسعود محبوبی در فقه حنفی

۴۷ حاشیه لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار

ویژگی اثر: حاشیه ای است بر گرگانی بر شرح قطب الدین محمد بن محمد رازی تحتانی بر کتاب مطالع الانوار تالیف قاضی سراج الدین محمود بن ابی بکر ارموی در منطق که نسخه های خطی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی و دیگر کتابخانه ها است.

۴۸ حاشیه مشکاه المصابیح

ویژگی اثر: فرا بغوی، حسین بن مسعود شافعی این کتاب را نگاشته است و ابو عبد الله محمد بن عبد الله تبریزی این اثر را به زبان انگلیسی ترجمه و در کلکته به طبع رسانده است. میر سید شریف بر حاشیه های این کتاب یادداشتهایی نوشته است و در کتابخانه جامعه ام القری در مکه مکره سه نسخه از این حاشیه به شماره های ۱۳۸۸ و ۱۱۵۹ و ۱۱۶۰ موجود می باشد.

۴۹ حاشیه مطالع الانظار فی شرح طوابع الانوار

ویژگی اثر: قاضی بیضاوی شیرازی، عبد الله بن عمر کتاب جامع و کاملی در علم کلام به نام طوابع الانوار تالیف کرده است و شمس الدین محمود بن عبد الرحمان اصفهانی بر این کتاب شرح کامل و مفیدی به نام مطالع الانظار فی شرح طوابع الانوار نوشته و میر سید شریف بر حاشیه آن نوشته است که در آستانه به سال ۱۳۰۵ در هامش به چاپ رسیده است.

۵۰ رد شبهات معتزله

ویژگی اثر: میرسید شریف آن را به زبان فارسی جهت امیرزاده محمد حاکم شیراز نوشته است که نسخه خطی آن به شماره ۱۳۰۸

الهیات تهران به جامانده است

۵۱ رساله التوحید

ویژگی اثر: نسخه خطی این کتاب به شماره ۵:۱۸۲۱ در مکتبه دارالعلوم الاسلامیه در پیشاور است

۵۲ رساله القدر

ویژگی اثر: گفتار کوتاهی است به عربی پیرامون افعال عباد با بیان آراء مختلفه در این باب و شواهدی از آیات قرآن کریم. نسخه های خطی این رساله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه های دانشکده الهیات تهران و کتابخانه های آیه الله مرعشی در قم وجود دارد

۵۳ رساله در الذیعه

ویژگی اثر: این اولین آفریده میرسید شریف است که در تهران در کتابخانه الهیات به شماره ۱۵۹ موجود می باشد. و رساله مستقلی که گرگانی نیست.

۵۴ رساله فی التردید الانفصالی

ویژگی اثر: این رساله منسوب به گرگانی است و تنها آقای دانش پژوه می گوید که این رساله از محمدبن علی گرگانی می باشد و چهار نسخه از آن را در کتابخانه دانشگاه پرینستون آمریکا نشان داده است

۵۵ رساله فی الصرف

ویژگی اثر: کتاب معروفی است که به زبان فارسی می باشد و مکرر در ایران و کلکته و لنکو چاپ شده است

۵۶ رساله فی الصوت

ویژگی اثر: لنکوی و سخاوی این رساله را جزو آثار میرسید شریف دانسته و نسخه های خطی در دست نیست.

۵۷ رساله فی الموجود و مراتبها

ویژگی اثر: میرسید شریف در این رساله مراتب موجود را به حسب موجودیت به سه قسم تقسیم کرده است از اعلی تا ادنی. دو نسخه از این رساله به شماره های ۱۲۱۶ و ۱۳۱۹ در کتابخانه سپهسالار تهران و دو نسخه هم در شماره های ۶۵۴۳ و ۶۸۶۹ در کتابخانه های آیت الله مرعشی قم و یک نسخه هم به شماره ۲۳۸ در کتابخانه پرینستون آمریکا موجود است.

۵۸ رساله فی النحو

ویژگی اثر: این رساله به زبان پارسی در علم نحو و به جهت انتساب به مولف (میرسید شریف) به نحو میر معروف است. این رساله در سال ۱۸۴۳ میلادی در هندوستان به قطع وزیری چاپ شده است و سه نسخه از آن در کمبریج و بودلیان و بنگلادش موجود است.

۵۹ رساله فی الوجود

ویژگی اثر: رساله کوتاهی است به زبان عربی در اثبات واجب الوجود و بیان معنی و مفهوم آن. نسخه خطی از آن به شماره ۸۸۰/ در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است.

۶۰ رساله فی الوجود (الوجودیه)

۶۱ رساله فی تحقیق الواقع

۶۲ رساله فی تحقیق نفس الامر

ویژگی اثر: محمد تقی دانش پژوه نسخه خطی این اثر را از علی بن محمد گرگانی دانسته است

۶۳ رساله فی تفسیر

۶۴ رساله فی تقسیم العلوم

ویژگی اثر: میر سید شریف در این رساله از چهار روشی که منطقیین و فلاسفه در تقسیم علم به کار می‌برند بحث می‌کند. دو نسخه از این رساله به شماره ۶۸۶۹ م در کتابخانه مرعشی قم و یک نسخه هم به شماره ۸۸۰ در کتابخانه مرکز دانشگاه تهران و یک نسخه هم به شماره ۱۶۳/ در کتابخانه دانشگاه تهران پرینستون آمریکا و یک نسخه هم به شماره ۱:۵۸۵/ در کتابخانه اندیافیس در لندن موجود است.

۶۵ رساله فی عدم کون افعال الله معلله بالاغراض

ویژگی اثر: نسخه ای این رساله به شماره ۹:۸۶ در کتابخانه عمومی اسکندریه موجود است

۶۶ رساله فی علم الادوار

ویژگی اثر: این رساله در علم موسیقی است

۶۷ رساله فی مناقب الخواجه بهاء الدین نقشبندی

۶۸ رساله ولدیه

ویژگی اثر: هفت نسخه از این رساله باقی مانده است

۶۹ رموز شرایع

ویژگی اثر: رساله ای است به فارسی که نسخه خطی آن ضمیمه شماره ۱۵۰۸۸/ در کتابخانه رضوی است

۷۰ روحیه

ویژگی اثر: رساله دیگری است به فارسی در حکمت

۷۱ شرح التذکره النصریه

ویژگی اثر: کتاب التذکره النصریه که نوشته خواجه نصیر الدین طوسی است و به شرح میرسید شریف که در شهر شیراز ساخته است. این کتاب قدیمی ترین نسخه خطی نسخه شماره ۵۵۶۷/ کتابخانه رضوی در مشهد به تحریر ۵۸۲۵ ه. ق وجود دارد.

۷۲ شرح امثله

ویژگی اثر: رساله مختصری است در صرف به فارس که مکرر به چاپ رسیده است

۷۳ شرح ایساغوجی

ویژگی اثر: رساله کوتاهی است در منطق که به سال ۱۳۲۱ ه. ق در مطبعه مویدر قاهره در ۳۷ صفحه چاپ شده است

۷۴ شرح تصریف عزى

۷۵ شرح خطبه البیان

ویژگی اثر: خطبه البیان منسوب به امیر المومنین است که کهن ترین نسخه ای که هم اکنون در دست است همان نسخه ضمیمه نهج البلاغه می باشد به شماره ۱۸۶۰/ دو نسخه خطی از این شرح در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و یک نسخه هم در کتابخانه ملی ملک در تهران و دو نسخه هم در نجف اشرف است که قدیمی ترین آنها نسخه شماره ۱۰۱۵/۲۶ دانشگاه تهران است.

۷۶ شرح عقاید عضدی

ویژگی اثر: کتاب عضدی تالیف عضد الدین عبد الرحمان است که شروح متعددی از آن نوشته اند از جمله میر سید گرگانی

۷۷ شرح فرائض السجاوندی

ویژگی اثر: کتاب فرائض تالیف سراج الدین محمد بن محمود سجاوندی حنفی از دانایان سده هفتم هجری قمری می باشد در بیان آراء و مذاهب چهار گانه اهل سنت. میرسید شریف در سمرقند که در سال ۸۰۴ آن را شرح داده است. کهن ترین نسخه خطی آن

به شماره ۴۶۵۵/ و دو نسخه دیگر در کتابخانه رضوی در مشهد موجود است .

۷۸ شرح فرائض نصریه

ویژگی اثر : رساله مختصری است در اصول علم و فرائض برابر مذاهب اهل بیت (ع) ، که شش شرح و تعلیقه دارد که یکی از این شرح‌های آن بنا به نقل جرجی زیدان در کتاب آداب اللغه از آن میرسید شریف است .

۷۹ شرح قصیده بانب سعاد

ویژگی اثر : کعب بن زهیر ابی سلمی از شاعران عصر رسول خدا است قصیده لامیه ای در ۵۷ یا ۵۸ بیت در بحر بسیط سروده است که به زبانهای مختلفی در کشورهای متعدد به چاپ رسیده است و میرسید شریف از جمله کسانی است که به شرح آن پرداخته است.

۸۰ شرح کافیه

ویژگی اثر : اصل این کتاب از ابن حاجب نحوی و شرح میرسید شریف گرگانی است .

۸۱ شرح کنز الدقایق

ویژگی اثر : ابو البرکات ابن کتاب را در فقه نگاشته است که میرسید شریف این کتاب را شرح کرده است

۸۲ شرح ملخص چغمینی

ویژگی اثر : شرف الدین محمود بن محمد چغمینی خوارزمی این کتاب را در علم هیات نوشته است که میرسید شریف به شرح آن پرداخته است که نسخه های خطی آن در شهر مشهد در گوهر شاد به شماره ۸۵۹/ وجود دارد.

۸۳ شرح مواقف

ویژگی اثر : کتاب مواقف السلطانیه از تالیفات قاضی عضد الدین ایجی و عبد الرحمان بن احمد فارسی شیرازی در علم کلام است که میرسید شریف آن را به شرح در آورده است نسخه شماره ۱۶۱۵/ در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است

۸۴ صغری

ویژگی اثر : رساله مختصری است به فارسی در منطق

۸۵ ظفر الامانی فی مختصر الجرجانی

ویژگی اثر : این رساله در مصطلح الحدیث است که در سال ۱۳۰۴ ه. ق در هند با مقدمه ابن صلاح چاپ شده است

۸۶ عشقیه

ویژگی اثر : رساله ای است در هفت فصل به فارسی که سه نسخه از آن در دارالکتب مصر و یک نسخه آن در کتابخانه سپهسالار و

یکی دیگر هم در کتابخانه ملک تهران

۸۷ فی تحقیق المباحث الموجودیه و المقاصد الاصولیه

۸۸ قدم و حدود قرآن

ویژگی اثر : این رساله ای است به زبان عربی در کلام .

۸۹ قضا و قدر

ویژگی اثر : این رساله ، رساله کوتاهی است به فارسی که نسخه شماره ۶۵۹۴ مجلس شورای اسلامی

۹۰ کبری

ویژگی اثر : رساله مشهور و معروفی است در منطق به فارس که مکرر به چاپ رسیده است

۹۱ کلیات فی ماهیات الاشیاء

ویژگی اثر: فقط اسماعیل پاشا از آن یاد کرده است

۹۲ مبدا و معاد

ویژگی اثر: رساله ای است به زبان فارسی که تنها ۱۷ صفحه از آن نشان داده است که نسخه ای از آن به شماره ۲۳۸۱/ توسط احمد گلچین معرفی شده است.

۹۳ مسائل علوم ثلاثه

ویژگی اثر: رساله ای است به فارسی شامل امهات مسائل علوم سه گانه یعنی علم کلام و اصول دین، علم فقه و فروع دین و علم اصول فقه که میرسید شریف آن را به نام یکی از امراء زمانش نگاشته است در سه باب و هر باب مشتمل بر مسائل یکی از علوم سه گانه.

۹۴ نسبه البصیره الی مدرکاتها

ویژگی اثر: رساله کوچکی است در کیفیت میان عقل و آنچه را که ادراک می کند. نسخه های خطی آن ۶۶۳۶/ کتابخانه آیت الله مرعشی قم با خط محمد بن علی جیلی درآستر آباد و نسخه شماره ۱۰۴/ و ۲۸:۷۳ کتابخانه اوقاف موصل

۹۵ نصیحت نامه

ویژگی اثر: رساله ای است به فارسی که در نه صفحه که آقای گلچین معنی عافاع الله تعالی به نسخه آن در مجلس شورای اسلامی اشاره کرده است که ضمن مجموعه شماره ۱۴/۲۳۸۶ می باشد.

کلبایگانی، حبیب‌الدین

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، حکیم و عارف. متولد در گوگرد، از قریه‌های کلبایگان، که مولد اکثر علمای آن دیار است. ملا محمد به احتمالی شاگرد آخوند ملا علی نوری بوده است. آثار او عبارت‌اند از: «تکملة الصافی»؛ «تقریب المرام علی القسم الاول من تهذیب الکلام»؛ «کشکول» و «واردات غیبی»، در اخلاق که در ۱۳۲۱ ق به اهتمام شیخ حسینعلی تهرانی چاپ سنگی شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۹/ ۲۵)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷/ ۵۱۰).

کلبایگانی، محمد تقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۹۸/ ۱۲۹۲- ۱۲۱۸ ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، طبیب، فیلسوف، مجتهد، عارف و زاهد. در ۱۲۵۸ ق به نجف رفت و در محضر

شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، و شیخ علی کاشف الغطاء و سید ابراهیم قزوینی و شیخ مرتضی انصاری و حجت الاسلام بروجردی تلمذ نمود. در زمان خودش، در نجف، کسی در حکمت و رشته‌های متنوع آن، برتر از او نبود. وی استاد صاحب «التکمله» در علم الهی است. در نجف درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. او کتاب‌های بسیاری در حکمت، طب و فقه تصنیف کرد. از آثارش: شرح «اصول الکافی»؛ شرح «الرساله الذهبیه»؛ منتخب «احیاء العلوم»؛ منتخب «امل الآمل»؛ منتخب «جامع السعادات»؛ منتخب «شرح الهدایه»؛ منتخب کتاب «السماء و العالم»؛ منتخب «الکشکول»؛ منتخب «الملل و النحل»؛ مختصر «مسکن الشجون»؛ رساله‌ای در علم کلام؛ رساله در علم کیمیا؛ «حاشیه»، در طب. برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/۱۹۳)، الذریعه (۲۲/۳۶۹، ۲۰۹، ۱۰۷، ۱۰۶-۹۶، ۲۰/۹۶، ۲۷۱، ۷/۲۷۰-۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۲۰۵)، فوائد الرضویه (۴۳۸-۴۳۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷/۴۹۹)، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف (۳/۱۱۱۲)، معجم المؤلفین (۱۳۳-۱۳۲/۹).

کلیانگی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

در فوائد الرضویه است: عالم ربانی زاهد استاد صاحب التکمله فی العلم الهی قال سلمه الله لم یکن فی النجف الاشرف افضل منه فی الحکمه بجمیع اقسامها حتی علم الطب کان تارکا للدنیا ساکنا احد حجر الصحن الفوقانیة و لم یتزوج حتی توفی سنه ۱۲۹۲ و دفن بالنجف کان من تلامذه حجه الاسلام البروجردی صنف کتبا کثیره فی الحکمه و الطب و الفقه. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

گلستانی، هاشم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۵، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده:، دانشگاه: آزاد اسلامی اصفهان خلاصه شرح حال تخصصی سوابق تحصیلی:

کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۸، دکترای فلسفه و حکمت اسلامی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

شرح و تفسیر و نقد متون فلسفی عربی به زبان فارسی، علوم تربیتی، علوم قضائی، استاد راهنمای ۱۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۶

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-

زمینه علمی تألیفات:

فلسفه، منطق، کلام، علم‌النفوس، روانشناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۱۲، تعداد مقالات بزبان خارجی:-

زمینه علمی مقالات:

فلسفه اسلامی، منطق، آراء، تربیتی فیلسوفان اسلامی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

گندمی نصرآبادی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا گندمی نصرآبادی

محل تولد: کاشان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱۰/۱۰

زندگینامه علمی

تحصیلات حوزوی را در مدرسه علمیه امام خمینی (ره) کاشان آغاز کردم (تیر ماه ۱۳۶۱) بعد راهی حوزه علمیه قم شدم. ابتدا در مدرسه کرمانیها مشغول به تحصیل شدم و بعد زیر نظر شورای عالی حوزه دروس حوزوی را پی گرفتم. پس از اتمام دوره سطح به مدت شش سال در درس خارج فقه و اصول حضرات آیات مکارم شیرازی و جعفر سبحانی شرکت کردم. از سال ۱۳۶۸ در کنار دروس حوزوی دروس جدید را ادامه دادم. پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۷۰ در کنکور سراسری با رتبه بالا در رشته مورد علاقه ام فلسفه غرب در دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در سال ۱۳۷۴ در آزمون کارشناسی ارشد شرکت و رتبه نخست این آزمون را احراز کردم. با موافقت اساتید از نیم سال اول کار نوشتن پایان نامه را شروع و در پایان نیم سال سوم از آن دفاع کردم و هم زمان در آزمون اعزام به خارج قبول شدم و با تلاش بسیار موفق به اخذ پذیرش از دانشگاه سوربون شدم که وزارت علوم به بهانه اتمام وقت قانونی با اعزام بنده موافقت نکرد تا این که در سال ۱۳۸۲ در آزمون دکتری فلسفه دانشگاه شرکت کردم و در حال حاضر مشغول نوشتن پایان نامه می باشم. ضمناً از سال ۱۳۷۹ تا کنون با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در گروه ادیان ابراهیمی همکاری می کنم.

گیلانی اصفهانی، حمزه

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم ق)، عالم دینی، حکیم و فیلسوف. او شاگرد برجسته‌ی ملا محمد صادق اردستانی اصفهانی (م ۱۱۳۴ ق) بود. شیخ عبدالنبی قزوینی، در «تمیم الامل»، از او تعبیر به فیلسوف اعظم و حکیم افخم می‌کند. از آثار وی: «رساله فی التشکیک»؛ «رساله فی الحکمه» معروف به «الحکمه الصادقیه» که تقریرات استادش، ملا محمد صادق، می‌باشد و لذا نام صادقیه گرفته و به «تقریرات» نیز مشهور شده است و معاصر و هم شاگردیش، ملا محمد صالح خلخالی، بر آن حاشیه نگاشته است؛ شرح قول خواجه نصیر طوسی: «الجوهریه و العرضیه من ثوانی المعقولات»؛ «قوی النفس»؛ «رساله فی مطالب النفس و مسائلها»، که تقابل با کتاب ششم «طبیعیات الشفاء» دارد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۹۸، ۱۴۱/۲۱، ۱۷/۲۴، ۱۴/۱۴۸، ۱۱/۵۸، ۷/۵۷-۶/۸۱، ۶/۳۷۶، ۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۲/۲۲۸).

گیلانی هندی، صدرالدین علی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س یازدهم ق)، عالم دینی، حکیم و طیب. اهل گیلان بود. نزد علمای ایران تلمذ کرد. سپس به هند سفر نمود و ساکن آنجا شد. میر ابوالقاسم فندرسکی که معاصر وی بود او را در هند، زمانی که مشغول تألیف شرح «قانون» ابن سینا بود، ملاقات کرد. مشهور است که گیلانی بر اندیشه‌ی میرفندرسکی تأثیرگذار بوده است. وی همان جا درگذشت. از آثارش: شرح «القانون» ابن سینا، که شرح جامع و بزرگی است؛ رساله‌ی «السؤال و الجواب»، در طب؛ «الشفاء العاجل»، که آن را در مقابل «براء الساعه» محمد بن زکریای رازی نگاشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۴/۲۰۵، ۱۳/۳۸۹، ۱۲/۲۴۶)، ریاض العلماء (۳/۳۸۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۱/۴۱۳).

گیلانی، محراب

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم ق)، عارف و حکیم. وی از مشاهیر حکما و عرفا و شاگرد آقا محمد بیدآبادی (م ۱۱۹۷ ق) و ملا اسماعیل خاجویی (م ۱۱۷۳ ق) بود. گویند که وی از محضر قطب‌الدین نیریزی نیز کسب معرفت کرده است. او شیخ و نماینده‌ی سید قطب‌الدین در

اصفهان و عراق عجم بود. محراب به وحدت وجود اعتقاد داشت و مورد طعن عده‌ای از فضلا بود. از معاصرین او می‌توان علامه نراقی را نام برد. حاجی محمدجعفر معروف به مجذوب علیشاه از شاگردان ملا محراب بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۴۳، ۲۴۱)، ذهبیه (۱/۳۲۵)، ریحانه (۵/۳۸۵، ۱/۳۰۱)، طرائق الحقائق (۳۳۹، ۲۵۸، ۲۵۵، ۲۱۷، ۲۱۴/۳)، مرآت الحق (۶۸، ۶۷)، نامها و نامدارهای گیلان (۴۹۴).

گیلانی، نظر علی

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س دوازدهم ق)، حکیم. سال ولادت و وفات وی مضبوط نیست ولی می‌دانیم که در حوزه‌های اساتید اصفهان از جمله آقا محمد بیدآبادی تحصیل کرده و عمر خویش را در گیلان و اصفهان و آذربایجان گذرانده است. وی از نخستین طرفداران فلسفه‌ی ملاصدرا و مروجین حکمت متعالیه به شمار می‌رود. برخی از آثار او عبارت‌اند از: تلخیص و تنقیح «مبدأ و معاد» ملاصدرا؛ «رساله‌ی تحفه»، در مباحث علم و برخی از مسائل وجود؛ «شرح ان الله خلق آدم علی صورته»؛ شرح «عوامل» ملا محسن.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۳/۳۷۲)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۶۲۲)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۹۱).

لاری، مصلح‌الدین، محمد

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۷۹ ق)، فقیه شافعی، منطقی و منجم. در لار فارس به دنیا آمد. ادبیات و علوم مقدماتی را در زادگاهش از شاگردان ملا جلال‌الدین دوانی فراگرفت. او همچنین از میر غیاث‌الدین دشتکی شیرازی بهره برد. در عهد همایون شاه (۹۶۳-۹۳۷ ق) به هندوستان رفت. بعد از فوت وی در ۹۶۴ ق به حلب و از آنجا به حج رفت و سپس به حلب بازگشت. پس از آن سفری به آمد کرد و در شهرهای آناتولی شرقی شهرت بسیار یافت. سرانجام در دیار بکر معلم اسکندر پاشا و فرزندان او گشت و در همان جا وفات یافت. در «شذرات الذهب» سال وفات وی حدود ۹۶۷ ق ذکر شده است. از آثار وی: شرح «الشمائل» ترمذی؛ شرح «الاربعین النوویه»، در حدیث؛ شرح «الفرائض السراجیه» سجاوندی؛ شرح «الارشاد»، در فروع فقه شافعی؛ حاشیه بر قسمتهایی از «مطول»؛ «اثبات المعاد الجسمانی»؛ حاشیه بر شرح دوانی بر «تهذیب المنطق و الکلام» تفتازانی؛ حاشیه بر «شرح طوابع» اصفهانی؛ حاشیه بر «شرح الکافی» جامی؛ تعلیقه بر شرح «المواقف» عضدی؛ حاشیه بر «شرح الهدایه» میبدی؛ شرح «هیئت فارسی» قوشچی؛ «مرآة الادوار و مرآة الاخبار»، در تاریخ از اول تا ۹۷۴ ق، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۷/۳۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۶۹-۱۶۶۳/۵)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۷۷۷-۷۷۵، ۵۳۶/۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۵۵)، الذریعه (۱/۱۰۰)، ریحانه (۵/۱۱۸-۱۱۹)، شذرات الذهب (۸/۳۵۰)، کشف الظنون (۱۸۹۳، ۱۶۴۶، ۱۳۷۲، ۱۲۴۷)

۱۱۱۶، ۱۰۶۰، ۱۰۳۹، ۵۱۶، ۴۷۵، ۱۹۱، ۶۹، ۶۰)، معجم المؤلفین (۲۹۳/۱۲، ۹۳/۱۰)، هدیه العارفین (۲/۲۵۱).

لاریجانی، رضی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم حکیم و فیلسوف جلیل از اجله شاگردان آخوند ملا-علی نوری در اصفهان بوده و در این شهر حکمت متعالیه تدریس میفرموده به تهران منتقل شده و میرزا محمد تنکابنی مولف قصص العلماء از شاگردان وی بوده و در آن شهر در سال ۱۲۶۷ یا ۱۲۷۰ وفات یافته و هم در آنجا مدفون گردیده است در اعیان الشیعه ۳۱:۶۴ به نام سید رضا مذکور است. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

لاریجانی، صادق

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

صادق لاریجانی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب صادق لاریجانی (آملی) در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در نجف اشرف دیده به جهان گشودم. پدرم مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی «قدس سره» از اعظام فقهاء و مراجع نجف اشرف و قم بوده‌اند که شاگردان بسیاری در این دو شهر بزرگ علم و تقوا پرورانده‌اند. مادرم صبیئه مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محسن اشرفی «قدس سره» است که ایشان از بزرگان شهر اشرف (بهشهر) بود و در آن شهر سمت ریاست و مرجعیت داشت و از شاگردان مبرز مرحوم آخوند خراسانی «قدس سره» محسوب می‌شد که به علت انزوای طلبی، نام چندانی از خود باقی نگذاشته است. قریب یکسال و اندی داشتم که مرحوم والد از نجف اشرف به شهر قم نقل مکان نمودند و بساط تدریس در این شهر گشودند.

تحصیلات اولیه: از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۶ در مراحل دبستان و دبیرستان به درس جدید اشتغال داشته‌ام و بحمدالله در همه این سطوح، درسها را با موفقیت تمام به پایان برده‌ام و کمتر اتفاق می‌افتاد که رتبه اول را حائز نباشم. نیک به خاطر دارم که از سال اول دبیرستان مسیر تحقیق از درسهای معمولی دبیرستان، بسیار فراتر رفت و کتابهای متعدد دانشگاهی در رشته ریاضی را خود بدون کمک استاد فراگرفتم. مثل: Precalculus نوشته Serge lang و دو مجلد Calculus نوشته Tom . Apostol و Mathematical Analysis نوشته Rudin و Measure Theor نوشته Monro و همه اینها قبل از وارد شدن به سال

چهارم دبیرستان بود. و با فراهم آمدن بورس تحصیلی از دانشگاه صنعتی شریف، عازم تحصیل در یکی از کشورهای غربی بودم که ناگهان زندگیم چرخش تمام پیدا کرد و اندیشه و شوق تحصیل در علوم و معارف اسلامی و دنبال کردن مسیر تحقیقات فقهاء و مجتهدان و فیلسوفان اسلامی، حرکتی دیگر را باعث شد. علل این شوق و اندیشه جدید خود داستان عجیبی دارد که این جا مجال بیان آن نیست.

تحصیلات علوم اسلامی: به هر حال با تغییر مسیر علمی و فی الواقع تغییر مسیر زندگی ام، از سال ۵۶ وارد عالم طلبگی شدم و با ولع و اشتیاق فراوان علوم رسمی حوزه را فرا می‌گرفتم، و در کنار آن‌ها با مباحث فیلسوفان غربی هم آشنا می‌شدم. اکثر درسهای دوره مقدمات و سطح حوزه را با اساتیدی مبرز و عمدتاً به طور خصوصی طی کردم. بحثهای خارج اصول و فقه را از محضر مرحوم والد آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی «قدس سره» و آیت الله العظمی حاج شیخ حسین وحیدی خراسانی دامت برکاته که افتخار دامادی ایشان را هم دارم، استفاده برده‌ام. فلسفه اسلامی را نیز مدتی در نزد آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن‌زاده آملی استفاده کردم. از حوالی سال ۱۳۶۸، پس از تدریس بسیاری از کتب سطح، به تدریس خارج اصول و پس از مدتی به تدریس خارج فقه پرداخته‌ام و بحمدالله تاکنون مشغول به این دو بحث هستم. در جریان انقلاب در کنار مرحوم والد، در پاره‌ای اقدامات شرکت جسته‌ام و پس از چندی حس کردم تهاجم فرهنگی غرب، کمی از تهاجم نظامی آن ندارد و لذا در حد وسع خویش و با بضاعتی مزجانه هم خویش را در مقابله با این تهاجم فرهنگی قرار دادم. تهاجمی که ایمان مردم را هدف گرفته و قطعاً در راستای اهداف شوم استعماری است. چون نیک می‌دانند این کشور اسلامی با ایمان مردم زنده مانده است نه تجهیزات مادی و اقدامات نظامی.

مدت‌هاست که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای «دام ظلّه» با بیانات مختلف به این خطر عظیم اشاره کرده‌اند و اخیراً هم با بیانی صریح و رسا به افشاء آن پرداخته‌اند. علاوه بر تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم و نگاشتن کتابها و مقالاتی در باب مباحث جدید کلامی، چند سال است که به عضویت هیئت علمی دانشگاه قم در آمده‌ام و به طور منظم در دانشگاه تربیت مدرس قم در سطح کارشناسی ارشد و دکترا، کلام جدید و فلسفه تطبیقی تدریس می‌کنم. و در دانشگاه رضوی مشهد، هم پاره‌ای از پژوهشهای فقهی و فلسفی را سرپرستی می‌کنم.

آثار قلمی این جانب برخی به طبع رسیده است که عمده‌ترین آن‌ها عبارت است از:

۱. فلسفه اخلاق در قرن حاضر، نوشته وارنک این کتاب ترجمه‌ای است از *Contemporay moral philosophy* که با تعلیقات مبسوط این جانب به طبع رسیده است. انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲.
۲. انسان از آغاز تا انجام، نوشته علامه سید محمد حسین طباطبایی، این کتاب ترجمه‌ای است از (کتاب الانسان) که با تعلیقات مبسوط این جانب همراه است. انتشارات الزهراء، تهران چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۳. سرمایه ایمان، ملاعبدالرزاق لاهیجی تصحیح این کتاب توسط این جانب صورت گرفته است. انتشارات الزهراء، تهران، چاپ سوم ۱۳۷۲.
۴. معرفت دینی، نقد نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت، مرکز ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۷۰
۵. قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۷۲
۶. واجب مشروط، انتشارات کنگره شیخ انصاری «قدس سره» ۱۳۷۴
۷. فلسفه تحلیلی، دلالت و ضرورت، انتشارات مرصاد، قم، کتابهای زیر در حال تدوینند:
۱. مکتوباتی در حسن و قبح عقلی و قاعده ملازمه، انتشارات مرصاد

۲. دین و اخلاق، (ترجمه از انگلیسی) انتشارات مرصاد

۳. فلسفه تحلیلی، تئوری‌های معناداری

۴. فلسفه تحلیلی، فعل گفتاری

۵. زبان دین

۶. براهین اثبات واجب، برهان وجودی

۷. قلمرو دین

۸. مبانی کلامی فلسفی حکومت دینی

۹. فلسفه اخلاق

علاوه بر کتابهای فوق مجموعه متعددی از مقالات کلامی، فلسفی در مجلات مختلف، همچون نقد و نظر و کیهان فرهنگی و ماهنامه صبح و ... به طبع رسانده‌ام.

در فقه و اصول، تقریباً تمامی درسهایی را که شرکت جسته‌ام، تقریر کرده‌ام و به علاوه دو مجلد در علم اصول از ابتدا تا مبحث مشتق به عربی نگاشته‌ام و رساله‌ای مبسوط در «صلوة مسافر» به شکل شرحی بر عروۃ الوثقی تصنیف نمودم که تتمه‌ای از آن باقی مانده است. در سال ۱۳۷۷ به عنوان نماینده دوره سوم مجلس خبرگان از استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافتم، و در سال ۱۳۸۰ با حکم مقام معظم رهبری به عنوان عضوی از فقهای شورای نگهبان منصوب گشتم و حکایت همچنان باقی است ... ریاست قوه قضاییه:

آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران وی را در تاریخ شنبه ۲۴ مرداد ماه سال ۱۳۸۸ به سمت ریاست قوه قضاییه منصوب کرد.

لاهیجانی، محمدجعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدجعفر بن ملا محمدصادق لاهیجانی از فلاسفه و حکماء عصر و مشاهیر مدرسین علوم عقلیه و دارای تالیفاتی از جمله حاشیه بر الهیات (شرح تجرید) و شرح (المشاعر) ملا صدرالدین شیرازی و غیره بوده و بعد از ۱۲۵۱ وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

لاهیجی قمی، عبدالرزاق

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند علی بن الحسین اللاهیجی قمی از بزرگان حکماء و متکلمین و ادباء محققین ملقب به فیاض لاهیجی است هم داماد (باجناق) مرحوم علامه ملا- محسن فیض کاشانیست که هر دو شاگرد و داماد صدرالمآلهین شیرازی بودند و لقب فیض و فیاض را از او دریافته‌اند. صاحب روضات گوید در مدرسه معصومه قم (یعنی مدرسه فیضیه) تدریس می‌نمود تالیفات ارزنده دارد که از آنهاست

«کتاب گوهر مراد» و رساله (سرمایه ایمان) و شرح تجرید الکلام موسوم «به مشارق الالهام» و «شوارق» کتاب «شرح هیاکل» و رساله‌ی در حدوث عالم، و غیر اینها از کتب و رسائل و حواشی. شاگردان بزرگوارى دارد که از آن جمله است فرزند ارجمندش جناب میرزا حسن صاحب کتاب «جمال الصالحین» در سنن و آداب «و کتاب شمع الیقین» در اصول دین به فارسی و غیر آن که قبر شریفش در حاشیه خیابان ارم مقابل شیخان بزرگ سنگ بلندی بر آن نصب است.

(ملا) عبدالرزاق بن علی بن حسین گیلانی ملقب به فیض و فیاض، متکلم منطقی، ادیب و شاعر ایرانی (و.؟- ف. ۱۰۵۱ یا ۱۰۷۲ ه. و) وی شاگرد ملاصدرا و ملا محسن فیض بود و در قم تدریس کرده. تألیفات بسیاری دارد که حاکی از تبحر وی هستند از جمله‌ی آنهاست: ۱- «شوارق الالهام»، شرح بر «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدین طوسی. ۲- «گوهر مراد» در حکمت و منطق به فارسی که برای شاه عباس ثانی نوشته. ۳- «حدوث العالم». ۴- «دیوان شعر» پارسی شامل حدود پنج هزار بیت. ۵- «کلمات الطیبه» در اصالت ماهیت وجود.

بر گرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد اول)

لاهیجی، حسن

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۱۲۱-۱۰۴۵ ق)، عالم دینی، حکیم و صوفی. اصلش از گیلان بود. در قم به دنیا آمد. در فراگیری علوم دینی از محضر پدرش، ملا عبدالرزاق لاهیجی معروف به فیاض، استفاده نمود. در قم در گذشت و در سمت شرقی قبرستان شیخان به خاک سپرده شد. از آثارش: «آئینه‌ی حکمت»، در اصول دین، به فارسی؛ «اثبات الرجعه»؛ «اصول الدین»، در پنج فصل، به فارسی؛ «الفه الفرقة»، در کلام؛ «تألیف المحبه» یا «تزکیه الصحبه»، در ترجمه و تلخیص «کشف الریبه» شهید ثانی؛ حاشیه بر «الوافی» فیض کاشانی؛ «التقیه»؛ «شمع الیقین فی معرفه الحق و الیقین»، در اصول دین و به ویژه امامت؛ «مصباح الدراییه»، در حکمت؛ «مصایح الهدی و مفاتیح المنی»، در حکمت؛ «روایع الکلم»، «بدایع الحکم»، «زواهر الحکم»، در حکمت؛ «جمال الصالحین فی اعمال السنه و الآداب المستحسنه»، به فارسی. [۱]

حسن بن حکیم متأله بن ملا- عبدالرزاق لاهیجی معروف (به فیاض) که قبرش در حاشیه خیابان ارم قم مقابل بازار شیخان واقع و سنگ بلندی بر آن نصب است.

وی فاضلی بوده صالح و در سال ۱۱۲۱ ق وفات نموده از تألیفات او کتب زیر است.

۱- آئینه حکمت ۲- اثبات رجعت ۳- اصول دین ۴- الفه الفرقة در کلام ۵- بدایع الحکم ۶- تألیف المحبه ۷- التقیه ۸- جمال الصالحین ۹- امامت ۱۰- روایع الکلم در حکمت ۱۱- زواهر الحکم ۱۲- شمع الیقین ۱۳- مصباح الهدی و غیره.
بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه [۱] الذریعه (۱۰۶، ۹۴، ۹۳/۲۱، ۲۳۳/۱۴، ۶۳، ۶۲/۱۲، ۲۶۰، ۲۵۹/۱۱، ۲۲۹/۶، ۱۳۰، ۱۲۹/۵، ۴۰۴/۴، ۳۰۰/۳، ۱۸۷، ۲/۵۲، ۱)، ریاض العلماء (۲۰۸/۱- ۲۰۷)، ریحانه (۴/۳۶۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۰- ۱۷۷/۱۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷/۱۲).

لاهیجی، صفر علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س سیزدهم ق)، حکیم و فقیه. در لاهیجان متولد شد مدتی ساکن قزوین بود و علوم معقول را در حوزه‌ی آخوند ملا علی نوری و علوم منقول را در حوزه آقا سید محمد مجاهد آموخت و به دریافت اجازه از حجت‌الاسلام شفتی نائل شد. مدتی در اصفهان به تدریس متون فلسفی پرداخت. سپس مقیم قزوین شد و در آنجا به تدریس فقه و اصول پرداخت. یکی از شاگردان او میرزا محمد تنکابنی است. برخی از آثار او عبارت‌اند از: «شرح معالم»؛ «رساله در درایه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۴/۷۱)، فوائد الرضویه (۲۱۹)، قصص العلماء (۹۴-۹۳)، مصفی المقال (۲۰۴).

لاهیجی، محمد جعفر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف بعد از ۱۲۵۱ ق)، حکیم و مدرس. وی از فلاسفه‌ی عهد محمد شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۲۵۱ ق) و از مدرسان مشهور علوم عقلی بود. از آثارش: حاشیه بر «الهیات شرح التجرید» یا حاشیه بر «الحاشیه الخفیه»؛ شرح «المشاعر» ملاصدرا شیرازی که به خواهش حاج میرزا آقاسی وزیر تألیف نموده است؛ «مصباح الخزان»، تفسیر عرفانی تأویلی. در «نامها و نامدارهای گیلان» صاحب عنوان با ملا محمد جعفر لنگرودی، شاگرد آخوند ملا علی نوری، یکی دانسته شده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۱/۱۰۶، ۱۴/۶۵، ۶/۶۵)، ریحانه (۵/۱۲۴)، طبقات اعلم الشیعه (قرن ۱۳/۲۵۷)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷/۱۲)، معجم المؤلفین (۹/۱۵۵)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۰۹).

لوکری مروزی، ابوالعباس فضل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم و ششم ق)، حکیم، فیلسوف ادیب و شاعر. اهل لوکر در کنار رود مرو بود. وی حکیمی کامل و در اجزاء علوم حکمت ماهر بود. لوکری شاگرد بهمنیار (م ۴۵۸ ق)، شاگرد ابوعلی سینا، بود و به وسیله او علم حکمت در خراسان انتشار یافت. از اقران وی در میدان حکمت می‌توان به خیام، ابن کوشک و واسطی اشاره کرد. او با خیام (م ۵۲۵ ق) و خازنی (م ۵۲۵ ق) در «زیج ملکشاهی» همکاری داشته است. از شاگردان وی می‌توان قطب‌الزمان محمد بن ابوطاهر طبسی مروزی (م ۵۳۹ ق)، مجد الافاضل قاضی عبدالرزاق ترکی، محمد بن یوسف الایلاقی (۵۳۶ ق)، فریدالدین عمر بن غیلان بلخی، عین‌الزمان حسن قطان مروزی و ابوالفتح اسعد بن محمد بن ابونصر المیهنی (م بعد از ۵۲۰ ق) را نام برد. لوکری در مرو درگذشت. از آثار وی: «بیان الحق بضممان الصدق»، که مهم‌ترین اثر وی است و از سخنان فارابی و ابوعلی سینا و حکیمان دیگر استفاده کرده است، شامل پنج بخش: ۱-

منطق ۲- طبیعیات ۳- الهیات ۴- بخشی در ذکر مسائلی از علم ما بعد الطبیعه که در حکم اسرار است ۵- فصول منتخب از «رسالة الاخلاق»، در پنج باب؛ قصیده‌ای، با شرح فارسی آن؛ «دیوان» شعر. صاحب «روضات الجنات» ضمن شرح حال بهمنیار، او را شاگرد لوکری می‌داند که به گفته‌ی «ریحانة الادب» باید فرد دیگری باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۲۹۴- ۲۹۲/۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۵-۵۴)، ترجمه‌ی تمه‌ی صوان الحکمه (۸۱-۸۰)، الذریعه (۹۴۹-۹۴۸/۹)، روضات الجنات (۲/۱۵۵)، ریحانه (۱۴۰-۱۳۹/۵).

مازندرانی، محمد بن جهانبخش

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم فاضل محقق حکیم فیلسوف، از اجله‌ی علما و فقها بوده، و در ۱۳ شعبان سال ۱۱۲۰ وفات یافته، در قبرستان آب بخشان مدفون گردید.

وی ظاهراً سال‌ها در هندوستان ساکن بوده، و در سال ۱۰۸۰ در داجرم از قرای دکن کتاب «منهاج الصلاح» علامه‌ی حلّی را استنساخ نموده، نسخه‌ی آن در کتابخانه‌ی مبارکه‌ی مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم موجود است.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

مبلغی، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید مبلغی

محل تولد: لرستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۶۱ پس از اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از طی دوره مقدمات و سطح که نام برخی از اساتید آنرا در کادر وضعیت تحصیلات حوزوی آورده ام در سال ۶۹ به درس خارج فقه و اصول مشغول شدم. کتابهای مقدماتی را تدریس کرده ام. ۴ سال در مجمع التقریب به تحقیق دیدگاههای اصولی و فقهی مشغول بوده ام. دوره تخصصی کلام اسلامی را گذرانده ام ولی پایان نامه آنرا تکمیل نکرده ام. بیش از ده سال در دانشگاهها به تدریس دروس اسلامی اشتغال داشته ام و اخیراً نیز در پژوهشگاه دفتر تبلیغات بنای همکاری دارم.

مبینی، محمدعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدعلی مبینی

محل تولد: مید

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱۱/۲

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۶۱ وارد حوزه علمیه یزد شدم و بعد از گذراندن دوره مقدمات در سال ۱۳۶۹ وارد حوزه علمیه قم شدم. در قم در کنار تحصیلات حوزوی به تحصیل در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) پرداختم و مدارک کارشناسی در رشته معارف اسلامی و کارشناسی ارشد در رشته دین شناسی را از آنجا اخذ کردم. سپس در دوره دکترای کلام در مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شده و اکنون در مرحله تدوین پایان نامه هستم. ضمناً عضو هیأت علمی پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم می‌باشم.

متقی زاده، ایرج

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ایرج متقی زاده

محل تولد: لنگرود

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب از سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه لنگرود شدم. پس از سه سال وارد حوزه علمیه قم شدم و در سال ۱۳۶۹ در رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی قبول شدم. همزمان به تحصیل و تحقیق نیز ادامه دادم، بطوری که حدود ۲ سال در قسمت مخزن کتابهای مرجع آیت الله مرعشی نجفی (ره) مشغول تحقیق بودم. از سال ۱۳۶۸ همزمان با تحصیل با جناب آقای محمد دشتی مترجم نهج

البلاغه آشنا شدم که این همکاری در موسسات تحقیقات امیرالمومنین (ع) به مدت ۸ سال مستمر ادامه داشت که حاصل تلاش آن چاپ کتابهای زیادی از جمله شعر و شاعری در نهج البلاغه در دو جلد فرهنگ لغات نهج البلاغه و ... فهرست موضوعی نهج البلاغه که اختصاصاً مربوط به اینجانب می باشد. علاوه بر آن شرح و ترجمه کتاب از جرجی زیدان نیز در طول این سالها یکی از کارهای اینجانب بود.

مجتبوی، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سیدجلال‌الدین مجتبوی در سال ۱۳۰۷ در تهران به دنیا آمد. پس از طی دوره دبستان و دبیرستان، در رشته فلسفه، در دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد و در سال ۱۳۴۶ دوره دکترای این رشته را به پایان رسانید. از سال ۱۳۴۹ رسماً با سمت استادیاری گروه فلسفه دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. اکنون نیز با رتبه دانشیاری آن گروه به تدریس اشتغال دارد. قابل ذکر است ترجمه کتابهای «تاریخ فلسفه»، جلد اول، و «علم اخلاق اسلامی» سیدجلال‌الدین مجتبوی، به ترتیب در دوره دوم و چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سیدجلال‌الدین مجتبوی پس از طی دوره دبستان و دبیرستان، در رشته فلسفه، در دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد و در سال ۱۳۴۶ دوره دکترای این رشته را به پایان رسانید.

استادان و مربیان: اساتید برجسته ایشان در دوران تحصیل عبارتند از: مرحوم فاضل تونی، مرحوم سید کاظم عصّار، مرحوم دکتر رضازاده شفق.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سیدجلال‌الدین مجتبوی از سال ۱۳۴۹ رسماً با سمت استادیاری گروه فلسفه دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. پس از پیروزی انقلاب به مدت چهار سال سرپرست گروه فلسفه دانشگاه تهران گردید. و اکنون نیز با رتبه دانشیاری آن گروه به تدریس اشتغال دارد.

جوایز و نشانها: ترجمه کتابهای «تاریخ فلسفه»، جلد اول، و «علم اخلاق اسلامی» سیدجلال‌الدین مجتبوی، به ترتیب در دوره دوم و دوره چهارم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شده است.

آثار:

۱ بنیاد حکمت سبزواری

ویژگی اثر: ترجمه از انگلیسی

۲ تاریخ فلسفه

ویژگی اثر: ترجمه از انگلیسی (برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم کتاب سال) - آشنایی با کتاب: «تاریخ فلسفه»، جلد اول این کتاب، که اثر مشهوری از فردریک کاپلستون است، به بررسی تاریخ فلسفه از آغاز تا زمان معاصر می پردازد.

تفکر فلسفی قدمتی برابر با قدمت فرهنگ بشری دارد. در طول قرن‌ها اندیشمندان گوناگون با کوشش بسیار به پی ریزی روشهای مختلف فلسفی پرداخته‌اند. در زمان حاضر آشنایی با تاریخ فلسفه برای آگاهی بر اندیشه‌های صحیح و پرهیز از انحرافات گذشتگان برای هر اندیشمندی و بویژه دانشجویان و پژوهندگان رشته فلسفه ضروری است. تاریخ فلسفه، گردآوری محض عقاید یا نقل و حکایت مطالب جدا و مجزای فکری که هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند نیست، بلکه نمایش جستجوی حقیقت از سوی انسان از طریق استدلال و برهان است. کتاب حاضر یکی از مشهورترین کتابهای تاریخ فلسفه است که مؤلف آن را نه برای فضلا و متخصصان فن، بلکه برای دانشجویان این رشته نگاشته است. جلد اول ترجمه این کتاب شامل مباحث مربوط به فلسفه پیش از سقراط، دوره سقراطی، و افلاطون می باشد..

۳ علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات مرحوم محقق نراقی)

ویژگی اثر: ترجمه-برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دوره چهارم کتاب سال-آشنایی با کتب علم اخلاق اسلامی: کتاب مشتمل بر دو جنبه علوم عقلی و نظری و - دینی و عملی با سبک و اسلوبی ویژه است مؤلف محترم در آغاز درباره نفس انسان و قوا و غرایز او سخن می گوید و هر یک از فضایل اخلاقی را به یکی از قوای نفس اسناد داده و هر یک از رذایل اخلاقی را به غریزه ای متصل و مربوط می سازد و آنگاه به شناساندن یکایک آن قوا می پردازد. سپس مطالب خود را با آیات و روایات وارده و به طور کلی با تعالیم شروع مقدس اسلام مورد تقویت و تأیید قرار می دهد و در پایان راه معالجه و درمان هر رذیلتی را به شیوه ای حکیمانه بیان می کند. و علاوه بر اینها گاه به نصیحت و موعظه می پردازد و با کلامی مؤثر خواننده را به تهذیب اخلاق و تصحیح رفتار و کردار خویش دعوت می کند. مترجم محترم در ترجمه؟ این کتاب با تحمیل زحمات عدیده به اصل احادیث و روایات رجوع کرده و اغلاط فاحش در ضبط نسخه متن را برطرف ساخته و نسخه جامع و صحیح را به دست داده است. کتاب با قلمی شیوا و روان به فارسی برگردانده شده که در خور تقدیر و شایسته تحسین است.

۴ فلسفه یا پژوهش حقیقت

ویژگی اثر: ترجمه از انگلیسی

۵ کتاب درسی فلسفه و منطق دبیرستان

ویژگی اثر: سالهای ۶۰ و ۶۱

۶ کلیات فلسفه

ویژگی اثر: ترجمه و تألیف

مجتهد تبریزی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۴۰ ق)، عالم دینی، مجتهد، متکلم، حکیم، مدرس و شاعر. پس از فراگیری مقدمات از تبریز به نجف رفت و پس از استفاده از محضر اساتید و رسیدن به مرتبه‌ی اجتهاد و دریافت اجازه به تبریز بازگشت و مدتی در آنجا ساکن گردید. سپس به مشهد رفت و در آنجا به تدریس و انجام امور دینی مشغول گردید. وی در علم کلام و حکمت متبحر بود و در سرودن اشعار عربی و فارسی قریحه‌ی خوبی داشت. تخمیس‌هایی از او باقی است. وی در مشهد در گذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش «ذخیره‌المحشر فی شرح الباب الحادی عشر»، در علم کلام و حکمت است که تبحر مؤلف را در این دو علم می‌رساند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۱۳/۱۲۲، ۱۰/۱۸، ۳/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۶۷-۱۵۶۶/۱۴)، علماء معاصرین (۱۲۷-۱۲۶)، مستدرکات اعیان الشیعه (۳/۱۵۰).

مجتهدی، کریم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

کریم مجتهدی استاد گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران است. وی آثار متعددی در زمینه فلسفه خلق کرده است که حائز اهمیت می باشند. او علاوه بر تدریس، اقدام به تهیه یک مجله کاملاً تخصصی در مورد فلسفه است که شش شماره از آن منتشر گردیده است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: حاجی میرزا جواد مجتهدی تبریزی که از علمای مشهور تبریز بود، پدر بزرگ کریم مجتهدی می باشند. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: کریم مجتهدی متولد شهر تبریز است لیکن در دوران کودکی خانواده اش به تهران نقل مکان نموده اند.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: کریم مجتهدی تحصیلات خود را در تهران در دبیرستان فیروز بهرام و کالج سابق البرز به پایان رسانید. او بعد از دوره متوسطه، جهت ادامه تحصیل راهی فرانسه شد و ابتدا مدرک لیسانس فلسفه و ادبیات را دریافت کرده و بعد ها نیز موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس و دکترا گردید.

خاطرات و وقایع تحصیل: تحصیلات دانشگاهی کریم مجتهدی در دانشگاه سوربن پاریس بود. در آن زمان و در اوایل دوران تحصیل، معلوماتی زبانی او چندان خوب و روان نبود و در فهم و شرح مفاهیم پیچیده فلسفی مشکلاتی رخ می داد و وی به لحاظ عدم هضم مفاهیم مشکل و ارتباز با محیط، در تنگنا بود.

استادان و مربیان: از مهمترین اساتید در دانشگاه سوربن پاریس می توان به گورویچ و ژان وال اشاره کرد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: کریم مجتهدی از سال ۱۳۴۳-۴۴ شمسی، عنوان استاد در دانشگاه تهران مشغول به تدریس می باشد.

فعالتهای آموزشی: علاوه بر تدریس فلسفه یکی از فعالتهای آموزشی دکتر مجتهدی اقدام به تهیه یک مجله کاملاً تخصصی در مورد فلسفه است که شش شماره از آن منتشر گردید. این مجله به عنوان ضمیمه مجله دانشکده ادبیات به دست علاقمندان رسیده است.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: برنامه روزمره کریم مجتهدی در انطباق با برنامه تدریس وی است. او بر این گمان است که بدین طریق می تواند در حیات و زندگی اجتماعی جامعه خود، شریک و سهم باشد.

همفکران فرد: یکی از همفکران کریم مجتهدی، هانری کربن دانشمند فرانسوی بود که با معاشرت داشته است. در دانشگاه تهران نیز دکتر مهدوی، دکتر خوانساری، دکتر جلیلی از جمله همفکران وی بوده اند.

آرا و گرایشهای خاص: کریم مجتهدی معتقد است که راسیو نالیسم غربی (اصالت عقل) ریشه در سنت های فلسفه اسلامی دارد و

چهره ای که از اواسط قرن سیزدهم میلادی به بعد در غرب ، نفوذ فوق العاده ای در میان اروپاییان پیدا می کند، این رشد است که اغلب متفکران اروپایی از افکار وی الهام گرفته اند . در این سنت ، عقل یک داده اولیه و ابتدایی نیست بلکه خود عقل مراحل ارتقایی را طی کرده و پیشرفت می کند که بهترین نمونه از این طرز فکر در آثار دکارت و به نحو بارزتری در آثار اسپینوز را می توان یافت .

آثار :

۱ la chute dalamout

۲ آشنایی ایرانیان با فلسفه های جدید غرب

۳ پدیدار شناسی روح بر حسب نظر هگل

ویژگی اثر : این کتاب جنبه تخصصی صرف داشته و محتوای آن از آثار ژان هیپولیت (هگل شناس معروف فرانسوی) اقتباس شده است .

۴ ترجمه مقدمه کربن بو المشاعر ملاصدرا

۵ چند بحث کوتاه فلسفی

ویژگی اثر : در این کتاب راجع به مسائل فلسفی و آراء بزرگان این رشته و ارتباط روانشناسی با منطق صحبت شده است .

۶ درباره هگل و فلسفه او

۷ دونس اسکورتوس و کانت به روایت دیگر

۸ سید جمال الدین اسد آبادی و تفکر جدید

ویژگی اثر : در این کتاب نحوه آشنایی سید جمال الدین اسد آبادی با فرهنگ غربی شرح داده شده و موضوع سیاسی و اجتماعی وی تبیین گشته است .

۹ فلسفه تاریخ

۱۰ فلسفه در قرون وسطی

ویژگی اثر : در این اثر به آرای فلاسفه غرب پرداخته شده و افرادی همانند فارابی ، کندی ، ابن سینا و غزالی در غرب مطرح شده اند .

۱۱ فلسفه غرب

ویژگی اثر : این کتاب مجموعه مقالات است

۱۲ فلسفه نقادی کانت

ویژگی اثر : این اثر ، کتابی در سطح مقدماتی است و مقالات تخصصی نزدی درباره کانت را شامل گردد .

۱۳ مدارس و دانشگاه های اسلامی و غرب در قرون وسطی

ویژگی اثر : این کتاب کار گروهی از اساتید از جمله دکتر مجتهدی است .

۱۴ منطق از نظر گاه هگل

۱۵ نگاهی به فلسفه های جدید و معاصر در جهان غرب

ویژگی اثر : این کتاب مجموعه مقالاتی است که درباره دکارت . اسپینوزا و لایب نیتس که سرد کارتی معروف قرن هجدهم میلادی محسوب می گردند .

بر گرفته از کتاب : شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه :

کریم مجتهدی ، تهران : نشر روزگار ، انتشارات جهان فرهنگ ، ۱۳۸۱، ص ۱۱

مجد الاشراف شیرازی، جلال‌الدین محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۱ / ۱۳۳۰ - ۱۲۴۹ / ۱۲۴۳ ق)، عالم دینی، حکیم، عارف، خطاط و شاعر، متخلص به قدسی شیرازی. ملقب به مجد‌الاشراف و جلال‌الدین. نسبش به سید شریف جرجانی می‌رسد. وی سر سلسله‌ی ذهبیه و متولی امامزاده شاه‌چراغ بود. مقدمات ادبیات عرب، اصول و کلام، حدیث و تفسیر، حکمت و فلسفه و ریاضی را در خدمت پدرش، میرزا ابوالقاسم راز مشهور به میرزا بابا، و میرزا حسن حکیم‌باشی فسایی، صاحب «فارسنامه‌ی ناصری»، و دیگر اساتید فراگرفت. او در برخی از دروس با صاحب تذکره‌ی «مرآت الفصاحه» همشاگردی بود. مجد‌الاشراف سپس به خراسان رفت و دروس خارج را در مشهد فراگرفت و به تکمیل فلسفه و حکمت در یزد پرداخت. وی همزمان با تحصیل علوم به سیر و سلوک و ریاضات نیز می‌پرداخت. او از خوشنویسانی بود که خطوط سه‌گانه (نسخ، نستعلیق و شکسته) را نیکو می‌نوشت. در شیراز درگذشت و در ایوان شاه‌چراغ به خاک سپرده شد. مریدان وی در مدحش اشعاری سرودند که در «رساله‌ی جلالیه» جمع‌آوری شده است. از آثارش: «تحفه الوجود»، در حکمت و عرفان؛ «تام‌الحکمه» که دیباچه‌ی «قوائم الانوار و طوابع الاسرار» پدرش، میرزا ابوالقاسم راز شیرازی، می‌باشد؛ «خلاصه‌ی الذهب»، تعریف سلسله‌ی ذهبیه رضویه؛ «قنوتیه»، فارسی و عربی؛ «تاریخ حیات قطب‌الدین شیرازی»؛ «مجلل الانوار» یا «کشکول سلسله‌ی الذهب»؛ «مرآت الکاملین»؛ «وصیت نامه»؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۴۴۸)، اعیان الشیعه (۴/۲۰۲)، حدیقه الشعراء (۱/۶۵۲)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۳۲۰-۳۱۳/۴)، الذریعه (۱۰۷/۲۵، ۲۸۲/۲۰، ۱۷۲، ۱۷۳/۱۷، ۹۶۰، ۳۴۶/۹، ۲۲۷/۷، ۴۸۰، ۳۰۰/۳)، ذهبیه (۴۰۲-۳۸۵)، ریحانه (۱۸۵-۱۸۴/۵)، شرح حال رجال (۶۹-۶۸، ۳۱-۳۰/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۶۹)، طرائق الحقائق (۴۵۷-۴۵۶/۳)، فارسنامه ناصری (۹۴۸-۹۴۷/۲)، مرآت الفصاحه (۴۹۹-۴۹۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۷۷-۲۷۵/۵).

محقق سبزواری، محمدباقر

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۹۰-۱۰۱۷ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، مدرس و شاعر. معروف به صاحب «ذخیره». اصل وی از سبزواری بود. در اصفهان سکونت گزید و نزد علمای آن شهر تلمذ نمود. معقول را از میر فندرسکی و قاضی معز و منقول را از ملا-حیدرعلی اصفهانی و ملا حسنعلی شوشتری فراگرفت. او از مجلسی اول و از نورالدین علی عاملی، برادر صاحب «مدارک»، و از شرف‌الدین علی شولستانی و از حسین مقری عاملی و حسین بن حیدر کرکی که از شاگردان شیخ بهائی بودند، روایت کرده است. در زمان شاه عباس ثانی امام جمعه و جماعت بود و منصب شیخ الاسلامی و تدریس در مدرسه ملا عبدالله شوشتری به وی تفویض شد. وی

همچنین در مدرسه‌ی سمیعیه که بعدها به مدرسه‌ی سبزواری مشهور شد تدریس می‌کرد. از شاگردان بنام او ملا محمد سراب تنکابنی و محمد شفیع بن فرج و عبدالله اردبیلی می‌باشند. گفته‌اند که شوهر خواهرش، محقق خوانساری، نیز از جمله شاگردان اوست. بین او و فیض کاشانی دوستی و مودت و همفکری کامل برقرار بود. محقق طبع روانی داشت و به نیکویی شعر می‌سرود. در اصفهان در گذشت، پیکرش به مشهد منتقل و در صحن رضوی، در مدرسه‌ی میرزا جعفر، دفن شد. از آثارش: «ذخیره‌ی المعاد فی شرح الارشاد»، در فقه شیعه؛ «کفایه‌ی الاحکام» یا «کفایه‌ی الفقه» یا «کفایه‌ی المعتقد» یا «کفایه‌ی المقتصد». این دو، کتابهای مبسوطی در فقه شیعه می‌باشند. از دیگر آثار وی: رساله‌ای در «سمت القبله»؛ شرح «زبده‌ی الاصول» شیخ بهائی؛ «رساله‌ی الخلافیه»، در عبادات؛ «روضه‌ی الانوار عباسی»، در معرفت خدا و مواعظ و آداب سلوک رعایا و ملوک و «مفاتیح النجاة»، در ادعیه و اعمال سال و «جامع الزیارات عباسی» که هر سه برای شاه عباس صفوی تألیف شده است؛ حاشیه بر «شرح الاشارات»؛ حاشیه بر «الهیات الشفاء». برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۶/۲۷۲)، ایضاح المکنون (۱/۵۴۲)، الذریعه (۲۲/۲۵۶، ۳۰۸/۲۱، ۲۱/۲۱، ۹۹، ۹۶، ۸۸/۱۸، ۲۹۰-۲۸۹/۱۱، ۱۹/۱۰، ۲۳۹/۷، ۱۴۱، ۶/۱۱۰، ۵/۵۷)، روضات الجنات (۶۷-۶۷/۲)، ریحانه (۵/۲۴۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷۲-۷۱/۱۱)، فقه‌های نامدار شیعه (۲۳۲-۲۳۰)، فوائد الرضویه (۴۲۶-۴۲۵)، الکنی و الالقاب (۱۶۱-۱۵۹/۳)، لغت نامه (ذیل / سبزواری)، معجم المؤلفین (۹/۹۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹-۶۷/۲)، هدیه‌ی العارفین (۲/۲۹۷).

محقق، مهدی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی محقق در سال ۱۳۰۸ شمسی در مشهد به دنیا آمد، و پس از تحصیلات مقدماتی، علوم حوزه‌ی او را در مشهد و تهران تا حد اجتهاد طی کرد. پس از اخذ لیسانس از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۳۹ به دبیری دبیرستانها و اداره بخش نسخ خطی کتابخانه ملی فرهنگ پرداخت. در سال ۱۳۳۷ دکترای الهیات و معارف اسلامی را به پایان رسانید و در سال ۱۳۳۸ دکترای زبان و ادبیات فارسی اخذ نمود. در سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزیده شد و در سال ۱۳۴۶ به درجه استادی ارتقا یافت. استاد از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و بعد از انقلاب نیز به مدت یک سال عهده دار ریاست دانشکده دماوند گردید. او به مدت دو سال به عنوان استاد مهمان در دانشگاه لندن و مدت هشت سال به تناوب در دانشگاه مک گیل کانادا به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۴۷ شعبه موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل را در تهران تاسیس کرد. ایشان عضو و رئیس انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیات امنای بنیاد دائره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. استاد همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر می‌باشد و در فرهنگستان‌های اردن، سوریه، هند و مجمع بین‌المللی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین‌المللی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد. استاد محقق در سال ۱۳۶۱ از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه‌های مشهد، امام صادق (ع)، تربیت مدرس، الزهراء و شهید مطهری تدریس کرده است. ایشان برگزیده همایش طرح سپاس بهمن ۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا می‌باشند.

گروه: علوم انسانی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

والدین و انساب: مهدی محقق فرزند حاج شیخ عباسعلی محقق واعظ خراسانی و نوه مرحوم آخوند ملا بمانعلی دامغانی می باشد. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: مهمترین حادثه بوقوع پیوسته در دوران کودکی مهدی محقق، واقعه خونین مسجد گوهرشاد مشهد بود. استاد از این واقعه چنین تعریف می کند: «هنوز صدای صفیر گلوله هایی که در شب واقعه شلیک می شد در گوش من طنین انداز است خصوصاً که این واقعه مصادف شد با پنهان زیستن پدرم زیرا او از کسانی بود که در شب واقعه منبر رفته بود و در ضمن در سخنانش گفته بود: «گویی ما در زیر پرچم انگلیس هستیم که هرچه آنان بخواهند باید اطاعت شود.» سرانجام پدرم پس از مدتها زندگی مخفی خود را به شهربانی مشهد معرفی نمود و از آنجا به زندان قصر منتقل شد و بیش از سه سال را در آنجا گذراند.» در سال ۱۳۱۷ با آزادی پدر از زندان، به اتفاق خانواده به تهران رهسپار شده که این مهاجرت با ممنوع المنبر شدن پدر و اوضاع بد اقتصادی خانواده توأم گشت، ناچار پدر و دو برادر بزرگترش به حجره ای در مدرسه سپهسالار رفتند و بقیه خانواده نیز در اتاقی کوچک که در بازارچه نایب السلطنه قرار داشت مقیم شدند. اوضاع نابسامان مادی و بی اطلاعی پدر باعث به تعویق افتادن تحصیل دکتر محقق شد.

تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات مهدی محقق در دبستان فرهنگ آغاز گردید و در سال ۱۳۲۱ وارد دبیرستان گردید، اما به دلیل شرایط سخت مادی برای مدتی از تحصیل فاصله گرفت و جهت کسب درآمد وارد بازار شد، طولی نکشید استاد محقق وارد مدرسه خان مروی شد و تحصیلات خود را پی گرفت. در مدت ۴ ماه صرف میر و عوامل ملا محسن و انموذج و صمدیه را نزد حاج سید هادی ورامینی فراگرفت. محقق جهت فراگیری درس سیوطی و حاشیه وارد مدرسه سپهسالار قدیم شد. پس از گذراندن این دوران و استفاده از استادان مدارس تهران، به مشهد رفته و در حوزه علمیه این شهر به کسب علم نزد علمای بزرگ پرداخت، او از این دوران به دلیل بهره مند شدن از «استادان فاضل و دانشمند» به نیکی یاد می کند. استاد در شهریور سال ۱۳۲۷ در امتحان ورودی دانشکده علوم معقول و منقول به عنوان نفر سوم برگزیده شد؛ او در سال های ۱۳۲۷ و ۱۳۳۰ همزمان با تحصیل در این دانشکده در درس مدرسان بزرگ تهران شرکت می کرد. در سال ۱۳۳۰ برای اخذ لیسانس دوم که منتهی به دکترای هم شد وارد دانشکده ادبیات شده و در سال ۱۳۳۳ لیسانس زبان و ادبیات فارسی را اخذ نمود و بلافاصله در دوره دکتری شرکت نمود. در سال ۱۳۳۴ با افتتاح دوره دکتری علوم معقول و منقول، در دوره دکتری معقول ثبت نام کرد. او توانست در سال ۱۳۳۶ دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را و در سال ۱۳۳۷ دوره دکتری علوم معقول و منقول را به پایان برد.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مهدی محقق مدتی اداره ی بخش نسخ خطی کتابخانه ملی را عهده دار بود و با شروع فعالیت های آموزشی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران را به عهده گرفت و پس از انقلاب به مدت یک سال ریاست دانشکده دماوند به وی سپرده شد. از دیگر مشاغل دکتر محقق، عضویت و ریاست انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی و عضویت هیئت امنای انجمن فلسفه ایران بوده و اکنون رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مشاور علمی و عضو هیئت امنای بنیاد دایره المعارف اسلامی و عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. وی همچنین عضو ایرانی فرهنگستان زبان و ادب مصر است و در فرهنگستان های اردن، سوریه، هند و مجمع بین المللی فلسفه در قرون وسطی و مجمع بین المللی تاریخ پزشکی نیز عضویت دارد.

فعالیت های آموزشی: شروع کار تدریس مهدی محقق به تشویق آیت الله کاشانی بود، استاد می گوید: «مرحوم آیت الله کاشانی معتقد بود که در من فصاحتی وجود دارد که در معلمی باید از آن استفاده کنم و وقتی تعلل مرا در امر استخدام دید گفت «شما بیسوادا خودتونو کنار می کشین که همه جاها را کافرا گرفتن» کلمه «بیسواد» تکیه کلام آن مرحوم بود لذا نامه ای در صلاحیت من به وزارت فرهنگ نوشت و من به تشویق آن مرحوم از آن سال کار تدریس را شروع کردم.» پس از اخذ لیسانس از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۹ به دبیری دبیرستان ها برگزیده شد و از سال ۱۳۳۹ به دانشیاری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سپس به درجه ی استادی

ارتقاء یافت. او در سال ۱۳۴۰ به مدت دو سال به عنوان استاد مهمان در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و از سال ۱۳۴۴ به مدت هشت سال به تنوع در مؤسسه‌ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل کانادا به تدریس زبان و ادبیات فارسی، تاریخ تمدن ایران و فلسفه و کلام اسلامی پرداخت. در بازگشت، مدتی در حوزه علمیه قم عهده دار تدریس «روش تصحیح انتقادی و نشر متون اسلامی» بود. استاد محقق در سال ۱۳۶۱ از سمت استادی دانشگاه تهران بازنشسته گردید و پس از آن در دانشگاه‌های مشهد، امام صادق (ع)، تربیت مدرس، الزهرا و شهید مطهری تدریس کرده است.

مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می‌آید: مهدی محقق در سال ۱۳۴۷ شعبه‌ی مؤسسه‌ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل کانادا را در تهران تأسیس کرد. وی همچنین در بنیان‌گذاری «دائرة المعارف تشیع» و «دائرة المعارف اسلامی» هم سهمی داشته است. او در کانادا پیشنهاد تأسیس کرسی «فکر شیعه» را ارائه نمود و خود وی نیز عهده دار آن گردید و فلسفه و کلام و اصول فقه شیعه تدریس نمود.

سایر فعالیتها و برنامه‌های روزمره: مهدی محقق در چندین کنگره بین‌المللی و ملی شرکت نموده و در همه‌ی آنها خطابه ایراد کرده است، که از آن جمله عبارتند از: کنگره مؤتمر اسلامی (قاهره - ۱۳۳۴)، انجمن شعر لندن (۱۳۴۰)، سمینار مقایسه‌ی گرامر زبان‌های سامی (دانشگاه لندن - ۱۳۴۱)، سمینار میراث مشترک فرهنگی ایران و پاکستان و ترکیه (تهران - ۱۳۴۳)، انجمن آمریکایی خاورشناسی (فیلادلفیا - ۱۳۴۵، نیوهاون - ۱۳۴۶ و دانشگاه برکلی کالیفرنیا - ۱۳۴۷)، کنگره بین‌المللی مستشرقین (میشیگان - ۱۳۴۶) و هفته‌ی فرهنگی ایران (دانشگاه مک‌گیل مونترال - ۱۳۴۶). وی علاوه بر تألیف چندین کتاب، مجموعه مقالاتی را نیز به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی در ایران و کشورهای همچون لبنان، سوریه، هند، پاکستان، به رشته‌ی تحریر درآورده است که از آن جمله، انتشار مقالات متعدد در مجلات دانشکده ادبیات، یغما، راهنمای کتاب، فرهنگ ایران زمین، آستان قدس رضوی، وحید، مهر، الاخاء و نشریه‌ی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه می‌باشد.

آرا و گرایشهای خاص: مهدی محقق ممیزه و مشخصه فرهنگ اسلامی نسبت به سایر فرهنگها را این می‌داند که هیچوقت دروازه‌های فرهنگ اسلامی بسته نبوده و همیشه از خاصیت تسامح برای پذیرفتن فکر تازه و جدید برخوردار بوده است. بدان علت آنچه از علوم و معارف و دانستنی‌ها و دانش‌ها که مفید تشخیص داده شده بود، از ملت‌های مختلف گرفته شده است، این علوم و معارف را از یونانی، سریانی، سانسکریت ترجمه کردند و در حقیقت تکامل و ترقی فرهنگ اسلامی را در این دانستند که آن را به موضوع خاصی منحصر نکنند.

جوایز و نشانها: مهدی محقق برگزیده همایش طرح سپاس در سال ۸۵ در فرهنگسرای ابن سینا می‌باشند.

چگونگی عرضه آثار: مهدی محقق، درباره اولین کتاب خود و جوه قرآن این چنین میگوید: «اولین کتاب من «جوه قرآن» از حبیب بن ابراهیم تفسیری، پزشکی، لغت‌شناس و قرآن‌شناس در سال ???؟ منتشر شد. من این کتاب را تصحیح کردم، مقدمه نوشتم و «جوه قرآن» را توضیح دادم. در این کتاب لغات قرآن یک به یک ذکر می‌شود که به چه معنایی آمده و بعد آیه‌اش هم ذکر می‌شود. کسانی که در حوزه قرآن مطالعه می‌کنند و در زمینه تفسیر کار می‌کنند، این کتاب مورد نیازشان خواهد بود. «جوه قرآن» از علوم است که همیشه مورد توجه مفسران و دانشمندان قرآن‌شناس بود. «جوه قرآن» در قرن هفتم نوشته شده و از نسخه‌های خطی نادر و منحصر به فردی بود که مرحوم مجتبی مینوی، زمانی که ریزن فرهنگی ایران در ترکیه بود، میکروفیلم این کتاب و حدود پنج هزار کتاب دیگر را برای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هدیه آورد. این اثر در همان دوره با سرمایه دکتر یحیی مهدوی چاپ شد که حقوق دانشگاهی‌اش را وقف چاپ آثار علمی و خطی کرده بود و تفسیر سوره‌آبادی و جوه قرآن به این صورت چاپ شد. کتاب «تأثیر قرآن در اشعار ناصر خسرو» نیز از آثار وی است که درباره این اثر این چنین میگوید: «تأثیر قرآن در آثار ناصر خسرو خیلی بیشتر و آشکارتر است. هم ناصر خسرو و هم حافظ هر دو قرآن را از حفظ بودند. حافظ می‌سراید «قرآن ز بر بخوانم

با چهارده روایت» و یا «به قرآنی که اندرسینه داری» و... از آن طرف هم ناصر خسرو می گوید «کتابت زبردارم اندر ضمیر» و... تأثیر قرآن در آثار ناصر خسرو به شکل استفاده از مضامین قرآنی، استفاده از لغات قرآنی است. وی درباره کتاب شرح و تفسیر پانزده قصیده ناصر خسرو نیز میگوید: این کتاب بعدها تبدیل به شرح و تفسیر سی قصیده شد و جزو کتاب های درسی دانشگاهی است. ناصر خسرو عالم به علوم زمان خودش بود. آثارش تجسمی از فرهنگ غنی اسلامی است و از قرآن، از حدیث، از اوستا و عهدعتیق استفاده کرده است. از فلسفه یونان هم بهره می گیرد. ناصر خسرو شاعر جامع الاطرافی بود که تربیت شده فرهنگ غنی اسلامی بود.

آثار:

۱ بستان الاطباء

۲ بیست گفتار در مباحث فلسفی و کلامی

۳ تأثیر قرآن در اشعار ناصر خسرو

۴ تحلیل اشعار ناصر خسرو

۵ ترجمه ی شرح منظومه ی غرالفرائد سبزواری

ویژگی اثر: به انضمام مقدمه ی فارسی و انگلیسی و اصطلاحات.

۶ تصحیح کتاب «مفتاح الطب و منهاج الطلاب»

ویژگی اثر: با همکاری محمد تقی دانش پژوه (کتاب برگزیده سال)

۷ تعلیقات، مقدمه و تصحیح اشترنامه عطار

۸ تعلیقات، مقدمه و تصحیح وجوه قرآن تفسیری

۹ شرح الهیات شفا ملا مهدی نراقی

۱۰ شرح باب حادی عشر علامه حلی

۱۱ شرح مشکلات و مقدمه بر پانزده قصیده از ناصر خسرو

۱۲ شیعه در حدیث دیگران

۱۳ فیلسوف ری

۱۴ فیلسوف ری محمد بن زکریای رازی

۱۵ مقدمه در شرح احوال و آثار و افکار السیره الفلسفیه رازی

۱۶ مقدمه و فرهنگ لغات لسان التزیل

۱۷ وجوه قرآن

۱۸ یادنامه ادیب نیشابوری

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

منابع زندگینامه: بانک رسانه ها- روزنامه ایران- ۲۵-۱۲-۱۳۸۱" امروز با دکتر مهدی محقق" ۲۱ برگزیده گان علمی و فرهنگی کشور

، دفتر شورای جذب نخبگان، ۲۵۵- ۳ کیهان فرهنگی، شماره ۳، خرداد ۱۳۶۶ مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال

شانزدهم، شماره ی ۱ و ۲، آذر ۱۳۴۷ میزگرد فرهنگ و تمدن اسلامی، نامه فرهنگ. سال سوم، شماره چهارم. شماره مسلسل

۱۲، زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۳

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد محمد رضایی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد محمد رضایی در اول فرودین ۱۳۳۹ در یک خانواده مذهبی در شهر مقدس قم به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در قم گذراندم. در سال ۵۷-۱۳۵۶ در رشته علوم تجربی از دبیرستان حکیم نظامی قم، دیپلم گرفتم. در دانشگاه، جهت ادامه تحصیل، رشته شیمی را انتخاب کردم. حدود ۸۰ واحد درسی را در این رشته پاس نمودم. که به جهت علاقه و نیاز دانشگاهها به مسائل فکری و عقیدتی به رشته فلسفه غرب روی آورده و لیسانس و فوق لیسانس را در همین رشته در دانشگاه تهران به اتمام رساندم. بعد از اتمام فوق لیسانس، دکترای فلسفه و کلام را در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه تربیت مدرس تهران اخذ نمودم. به جهت آشنایی با تفکر اسلامی از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۷۸ در حوزه علمیه قم به تحصیل در دوره سطح و خارج فقه و اصول و فلسفه اشتغال داشته ام

محمدی عراقی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محسن محمدی عراقی

محل تولد: نجف اشرف

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

اینجانب محسن محمدی عراقی حدود سال ۱۳۴۸ تحصیلات حوزوی خود را در حوزه مقدسه نجف اشرف زیر نظر مرحوم آیت الله والد آغاز کردم. مقدمات و قسمتی از سطوح را نزد مرحوم والد (مرحوم آیت الله العظمی میرزا حبیب الله اراکی) گذراندم. قسمتی

دیگر از سطوح را نزد آیات: خاتم یزدی، سید کاظم حائری، سید محمود هاشمی شاهرودی، مرتضوی، روشنی، رضوانی، شیخ محمد تقی جواهری به پایان رساندم. در تفسیر از محضر آیات: سید محمد باقر حکیم، محمد هادی معرفت و حاج آقا مصطفی خمینی استفاده کردم. در فلسفه و عرفان از محضر آیت عظمی مرحوم آقای شیخ عباس قوچانی استفاده کردم. پس از پایان دوره سطح در خارج فقه از مرحوم آیت الله العظمی خویی و نیز از خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر استفاده کردم.

در آغاز سال ۱۳۵۴ پس از تحت تعقیب قرار گرفتن از سوی رژیم بعثی صدام به ایران آمدم و از همان آغاز در درس خارج فقه مرحوم آیت الله العظمی میرزا کاظم تبریزی شرکت کردم و حدود ۴ سال از فقه ایشان بهره بردم (کتاب الطهاره). قریب یک دوره خارج اصول از محضر آیت الله العظمی وحید خراسانی استفاده کردم و قریب یک دوره خارج اصول نیز از محضر آیت الله حائری استفاده کردم. در خارج فقه نیز صلاه، مکاسب محرمه، احیاء میراث را از محضر آیت الله وحید خراسانی، کتاب الاجاره، کتاب الخمس، فقه العقود، کتاب القضاء، اجتهاد و تقلید، حکومت اسلامی، را از محضر آیت الله سید کاظم حائری بهره بردم. در فلسفه بخشی از اسفار را از محضر آیت الله جوادی آملی و بخشی دیگر را از محضر آیت الله شهید مطهری بهره بردم. نهایتاً حکمه را خدمت استاد آیت الله مصباح یزدی گذراندم. و از محضر ایشان بهره های فراوان بردم. در فلسفه غرب از محضر آیت الله شهید بهشتی استفاده کردم. در مجموع از ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۷۴ از محضر اساتید در فنون مختلف بهره بردم.

در تمام این مدت از آغاز آنچه می خواندم تدریس می کردم. از سال ۱۳۴۹ تدریس مقدمات را آغاز نمودم. از سال ۱۳۵۱ به تدریس لمعه و سپس رسائل و مکاسب و کفایه پرداختم و در کنار تدریس فقه و اصول سال ها به تدریس فلسفه و تفسیر نیز اشتغال داشتم. از ابتدای حضور در حوزه قم در مدارس: حقانی، آیت الله گلپایگانی، رضویه و سپس در مدارس شهیدین، باقرالعلوم (ع)، الهادی و غیر آنها تدریس کردم. سال ۱۳۵۸ حوزه علمیه ای در خرمشهر تاسیس کردم که با شروع جنگ متوقف شد. از سال ۱۳۶۰ در حوزه علمیه امام خمینی (ره) تدریس کردم. در سال ۱۳۶۵ که به دزفول رفتم در حوزه آنجا تدریس کردم و حوزه دزفول را راه اندازی نمودم.

در حوزه قم به طور آزاد موارد متعددی نظیر لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه، اشارات شیخ، شرح منظومه، شرح تجرید، خارج فقه و اصول، تفسیر و حدیث تدریس کرده ام و هم اکنون به تدریس خارج فقه و اصول و نیز تفسیر و حدیث اشتغال دارم. در سال ۱۳۶۶ مجمع الفکر الاسلامی را تاسیس کردم و در سال ۱۳۷۳ کنگره شیخ انصاری را بر پا کردم و به عنوان دبیر کلی آن فعالیت می کردم، و از سال ۱۳۷۴ تا سال ۱۳۸۳ در لندن به سمت نمایندگی مقام معظم رهبری (مد ظله) حضور داشتم که در آنجا موسسات زیادی تاسیس نمودم. از جمله: مرکز اسلامی انگلیس، کالج اسلامی لندن، اکسفورد و اکادمی که بعد به دانشگاه آزاد اسلامی واگذار شد و هم اکنون به عنوان **Azad univercity** فعالیت می کند، موسسه بوک اکسترا و ... در سال ۱۳۷۶ دانشکده اصول دین دزفول را تاسیس کردم که هم اکنون مشغول فعالیت است.

محمدی عراقی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود محمدی عراقی

محل تولد : کنگاور

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۳۱/۱/۱

زندگینامه علمی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی در سال ۱۳۳۱ در خانواده‌ای روحانی، با تقوا و اهل علم در کرمانشاه دیده به جهان گشود؛ جد بزرگ وی مرحوم حاج آقا بزرگ محمدی عراقی که از حوزه علمیه اراک برخاسته و بدین لحاظ به محمدی عراقی شهرت پیدا کرده بود، از بزرگان علم و معرفت بود که به دستور مرجع تقلید بزرگ زمان، مرحوم شیخ مرتضی انصاری (ره) به کرمانشاه عزیمت کرد و وی، حجت‌الاسلام والمسلمین بهاء‌الدین محمدی عراقی نیز پس از سالها خدمت به ساحت علم و معرفت و مردم خطه کرمانشاه در سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید. محمدی عراقی، پس از طی تحصیلات عمومی در کرمانشاه جهت تکمیل تحصیلات علوم دینی به شهر قم عزیمت کرد و همزمان با تحصیلات جدید، در به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب تلاش‌های قابل توجهی کرد. وی در دوران تحصیل از محضر اندیشمندانی نظیر شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، شهید آیت‌الله قدوسی و جمعی دیگر از بزرگان علم و ادب بهره‌ای وافر برد و علاوه بر علوم متداول در حوزه‌های علمیه، به صورت تخصصی در حوزه فلسفه و علوم قرآنی مدارج علمی را طی کرد. محمدی عراقی پس از پیروزی انقلاب و سازماندهی فعالیتهای اجتماعی و قبول مسئولیت‌های مختلف در نهادهای انقلاب اسلامی، به فعالیتهای علمی و پژوهشی روی آورد. وی در شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مشارکت داشته و چندین سال مسئولیت این دفتر و سرپرستی گروه جامعه‌شناسی را بر عهده داشت. نمایندگی حضرت امام در سپاه پاسداران نمایندگی رهبری در دانشگاه تهران و عضویت در شورای نظارت بر صداوسیما از دیگر سوابق او است. محمدی عراقی همچنین برای سالها ریاست سازمان تبلیغات اسلامی را بر عهده داشت و پس از آن، برای دو دوره و به مدت شش سال رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی شد. او در حال حاضر با حکم مقام معظم رهبری عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز، عضو شورای عالی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاهها است.

محمدی نجف آبادی، عبدالکریم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالکریم محمدی نجف آبادی

محل تولد : نجف آباد

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

متولد ۱۳۴۱ هـ.م. در شهر نجف آباد اصفهان متولد شدم در سال ۱۳۶۰ در آن شهر دیپلم خود را در رشته علوم تجربی گرفتم، پس از آن وارد حوزه علمی علمیه شدم و مستقیماً وارد قم شدم. سطوح را در مدرسه امام باقر علیه السلام گذراندم و از محضر استادانی مانند حضرات مه‌ری، میری، فتوحی، سید احمد خاتمی، محمدی، بهره گرفتم و پس از آن فلسفه را شروع کردم و از محضر آقایان فیاضی (بدایه الحکمه)، انصاری شیرازی (منظومه)، حسن زاده آملی و جوادی (اسفار و اشارات) خوشه چینی کردم. در این میان کفایتین را پیش آقای گنجی فرا گرفتم و خارج اصول و فقه را نزد استادان بنام حوزه فرا گرفتم، سال ۷۲ وارد دانشگاه شدم و تا مرحله کارشناسی ارشد در رشته فلسفه ادامه تحصیل دادم و بویژه از آقایان پازوکی، عبدالکریم رشیدیان، دنیایی استفاده کردم. از آنجایی که علاقه اصلی ام پژوهش بوده است در این خصوص سعی وافر نمودم. شایان ذکر است هم اینک مشغول تحصیل در حوزه هستم و هفته ای یک روز به عنوان استاد معارف در دانشگاه آزاد اسلامی پرنده تدریس می‌نمایم. گفتنی است به عنوان حق التدریس در این باره انجام وظیفه می‌نمایم.

محمدی، اردشیر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اردشیر محمدی

محل تولد: دزفول

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب اردشیر محمدی متولد ۱۳۵۱ در شهرستان دزفول به دنیا آمدم. دوران ابتدائی و راهنمائی و دبیرستان را در اهواز سپری کردم و بعد از اتمام دبیرستان وارد حوزه علمی مسجد سلیمان شده و بعد از اتمام مقدمات عازم قم شدم و هم اکنون ۸ سال است مشغول به تحصیل در درس خارج می‌باشم. از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ دوره تخصصی کلام اسلامی را گذراندم (سطح چهارم) و پایان نامه سطح چهار اینجانب با عنوان نقش دین در بهداشت روان از منظر قرآن می‌باشد. در ضمن حدود ۵ سال است که در دانشگاه‌های مختلف مشغول تبلیغ و تدریس بوده‌ام و هم اکنون جزء هیئت علمی دانشگاه پیام نور استان خوزستان می‌باشم و همچنین جزء هیئت منتخب گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور می‌باشم.

محمدی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسین محمدی

محل تولد: گرگان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۷/۲

زندگینامه علمی

آقای حسین محمدی در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهر گرگان دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمیه شهرستان بهشهر گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه گرگان به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام علیها رهسپار حوزه علمیه قم گردید.

از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال ۱۳۶۹ به حلقه درس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله استادی، آیت الله خاتمی، استاد علی محمدی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷۶ از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید.

وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت، و هم اکنون در دانشگاه علوم کشاورزی گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گرگان و حوزه علمیه گرگان به امر تدریس اشتغال دارد. وی در طول حیات علمی خود به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل " بررسی نگرش دانشجویان نسبت به نماز " و " تجربه دینی و شهود عرفانی " را به رشته تحریر در آورده است.

محمدی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله محمدی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

وی در سال ۱۳۳۸ در یک خانواده روحانی فرهنگی در اصفهان چشم به جهان گشود. به دلیل ذوق سرشار و استعداد استثنایی دوران تحصیلات ابتدایی را در حالی به اتمام رساند که بخشی از دروس ابتدایی حوزوی را در محضر آیت الله والدش فرا گرفته بود. بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان و پس از دو سال وارد حوزه علمیه قم شد و با جدیت و سرعت و پیشرفت چشمگیر دروس حوزوی را نزد اساتید برجسته حوزه علمیه قم و در فصل تابستان در اصفهان می آموخت. تحصیلات کلاسیک را همزمان و در عرض دروس حوزوی پی گیری کرد تا موفق به اخذ درجه دکتری تخصصی گردید. در سال ۱۳۶۹ بنا به تایید مراجع تقلید و

اساتید دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و شهادت مکتوب آنها در امتحان دروس خارج شرکت کرد و بنا به تایید هیئت ممتحنین موفق به اخذ مدرک رسمی اتمام دوره اول خارج فقه و اصول شد. ایشان از آن تاریخ تا کنون علیرغم پذیرش مسؤولیت های فرهنگی اجرایی چندین سال دیگر از درس خارج اساتید برجسته حوزه قم و تهران استفاده می نموده است.

دکتر محمدی اصفهانی در سال ۱۳۷۵ موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی از واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته عرفان اسلامی گشت. عنوان رساله دکترای وی که با درجه عالی پذیرفته شده است، ختم ولایت می باشد. در متون عرفانی با تکیه بر آراء شیخ اکبر محی الدین بن عربی و عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان سیر تکاملی نگارش منطق الطیر در اسلام از شیخ رئیس ابو علی سینا تا عطار نیشابوری است. ایشان علاوه بر طی دروس رایج حوزه علمیه از محضر اساتید بزرگ حوزه و دانشگاه، در دروس فلسفه و حکمت، اخلاق، تفسیر، عرفان نظری و عملی، هیئت و نجوم، دوره تخصصی مدیریت خلاق مکالمه زبان های انگلیسی و عربی طی سالیان متمادی بهره گرفت.

دکتر محمدی اصفهانی از سال ۱۳۵۰ تا کنون و حتی در دوره های مسؤولیت فرهنگی اجرایی به طور مستمر اشتغالات علمی، تحصیلی، تدریسی، پژوهشی و تالیفی در حوزه های علمیه، مراکز آموزش عالی تخصصی و دانشگاه های قم، تهران و بعضی از شهرهای بزرگ کشور را داشته اند. اهم مواد تدریس توسط ایشان در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ۲۵ سال گذشته به این شرح است: ادبیات، منطق، اصول فقه، فقه (لمعتین و مکاسب محرمه)، فلسفه (بدایه و نهایه علامه)، عرفان (فتوحات مکیه ابن عربی و نمط نهم اشارات و تنبیهات ابو علی سینا در عرفان، احکام (نبراس ملا هادی سبزواری)، بررسی ادیان (ادیان شناسی)، تعلیم و تربیت، مشاوره خانواده، تفسیر، روان شناسی، علم النفس، قرائت و درک متون عرفانی سیر و سلوک اسلامی، فلسفه اخلاق، کلام تخصصی، جغرافیایی سیاسی جهان اسلام و دکتر محمدی اصفهانی تا کنون حدود یک صد رساله دانشگاهی را در مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری به عنوان استاد راهنما یا مشاور به عهده داشته است که در مراکز دانشگاهی یا مراکز آموزش تخصصی دفاع شده است. ایشان علاوه بر تدریس رسمی خود در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ده سال گذشته در درس های خصوصی خود به تربیت شاگردان عرفانی خود همت گماشته است و جمع کثیری از جوانان دختر و پسر از محضر وی عرفان ناب اسلامی را شناخته و آن را از انحرافات صوفیه و مدعیان عرفان تمیز داده اند و به سیر و سلوک مشروع و منطبق با معارف شیعه پرداخته اند.

محمدیان، محمدتقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد تقی محمدیان

محل تولد: نورآباد لرستان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد تقی محمدیان در سال ۱۳۵۱ در یک خانواده مذهبی در شهرستان نورآباد لرستان متولد شدم. دوران ابتدایی را در سال ۱۳۶۲ تمام کردم. سال اول و دوم و سوم راهنمایی را در دوران جنگ سپری کردم. حال و هوای جبهه و شهادت برادر بزرگم بر روحیه من تأثیر عمیقی گذاشت و باعث شد که این حقیر، سال سوم راهنمایی عازم جبهه شوم برای اولین بار. در پاییز ۱۳۶۶ به حوزه علمیه سید مرتضی علم الهدی نورآباد رفته و ثبت نام کردم. اما آن سال را نیز با رفتن به جبهه گذراندم و اصولاً حال و هوای جبهه نمی گذاشت به درس فکر کنیم.

در طول سال ۱۳۶۶ فقط صرف میر را خواندیم. مجدداً در بهار سال ۱۳۶۷ به جبهه رفتیم که تا پایان جنگ تحمیلی ادامه داشت. سال ۶۷ و ۶۸ را در نورآباد با موفقیت تمام درس خواندیم هدایه و صمدیه را پیش استاد بزرگوار آقای رضوانی (از طلاب مهاجر افغانی) که مدرس حوزه علمیه بودند با موفقیت تمام کردیم. سیوطی و باب رابع مغنی، حاشیه ملاعبدالله در منطق و ... یادم هست که در اکثر امتحانات نمره خیلی خوبی می گرفتیم. در امتحان باب رابع مغنی بیست گرفتیم و همین باعث شد که یک تخته پتوی یک نفر به من جایزه دهند.

عطش زیادی به تحصیل در قم داشتم چندین بار اقدام می کردم اما میسر نمی شد. با دو نفر از دوستان همشهری تصمیم گرفتیم که به حوزه علمیه جعفریه پاکدشت (تهران) برویم. علت این تصمیم این بود که امام جمعه و مسئول حوزه این شهرستان حجه الاسلام و المسلمین کاظمی (آل کاظمی) از همشهریان ما بود. عالم فاضل و وارسته ای است. مخصوصاً خلف مرحوم آیت الله شیخ فرج الله موموندی است که ایشان از شاگردان آیه الله نائینی و آیت الله اصفهانی قدس سره هم بوده اند و در منطقه غرب دارای آوازه و نفوذ زیادی هستند و همین جاذبه معنوی آن مرحوم ما را به حوزه علمیه فرزندان نشان کشاند. یک سال در آنجا درس خواندم و البته ادبیات هم تدریس می کردم. ولی دوری راه و محیط این حوزه علمیه که محیط حوزه و نمی توانست ذهن و جان مرا که نام قم در گوشه گوشه ی قلبم نوشته شده بود سیراب کند لذا بعد از یک سال به بروجرد برگشتم. ریاست حوزه با مرحوم حجه الاسلام و المسلمین نواب بود، که خود ایشان و مرحوم حجه الاسلام و المسلمین حسین دوست هم استاد بودند و به این حقیر و به حجه الاسلام و المسلمین حقیان که اکنون امام جمعه شهر کرج است عنایت بسیار داشتند. شرح لمعه و اصول مظفر را در نزد این دو بزرگوار خواندیم. در عین حال بنده در بروجرد تدریس هم می کردم. ادبیات، جامع المقدمات، منطق و ... و حتی باعث تدریس حقوق می گرفتیم. بعد از اتمام لمعتین و اصول به فکر آمدن به قم افتادم. ثبت نام کردم و به طور متفرقه در امتحانات قم شرکت می کردم تا اینکه در سال ۱۳۷۳ با نمرات عالی قبول شدم و وارد حوزه علمیه قم (المقدسه) شدم. دو سال در خوابگاه جعفریه پشت بیمارستان آیه الله گلپایگانی ساکن بودم.

و در سال ۱۳۷۴ ازدواج کردم اما باز آن سال در خوابگاه بودم. از سال ۱۳۷۵ خانواده را به قم منتقل کردم تا با دقت و حدت بیشتری به تحصیل پردازم. دوران سختی را داشتیم با هفده هزار تومان شهریه که ده هزار تومان آن را به کرایه خانه می دادیم روزگار سپری می کردیم و البته فضل خدا همواره کمک و مدد بوده و هست.

به شدت به تحصیل مشغول بودم درسها را مباحثه می کردم می خواندم و می نوشتم گاهی مباحثه های ما ساعت ۹ و ۱۰ شب طول می کشید در این سالها تصمیم گرفتم که پرونده تحصیلات کلاسیک را از بروجرد (مدرسه ایثارگران) به مدرسه ایثارگران قم منتقل کنم.

و نم نمک دوره دبیرستان را هم می خواندم. در سال ۱۳۷۷ در آزمون ورودی دانشگاه مفید ثبت نام کردم و در رشته فلسفه قبول شدم. دانشگاه مفید در مقطع کارشناسی از نظر علمی، دانشگاه خوب است و اساتید قوی را دعوت می کند.

دوره کارشناسی را با رتبه الف در سال ۱۳۸۰ (بهمن ماه) تمام کردم. و همان سال در امتحانات کارشناسی ارشد سراسری شرکت کردم و با رتبه دو رقمی ۱۷ قبول شدم. رشته فلسفه را در دانشگاه علامه طباطبایی ادامه دادم.

در سال ۱۳۸۴ پایان نامه خود که در حوزه فلسفه دین (بررسی مسأله فناپذیری روح) که چندین مقاله از فیلسوفان غربی در باره جاودانگی روح و حیات پس از مرگ بود ترجمه کردم و بر اساس مبانی اسلامی و فلسفه صدرایی و مشایی نقد کردم. نمره پایان نامه من عالی شد. قصد داشتم همان سال دکترای فلسفه را هم ادامه دهم اما برخی مشکلات زندگی مانع شد. در همان سال آخر دانشگاه به عنوان محقق با موسسه پژوهشی - آموزشی امام خمینی (ره) در قم همکاری می کردم و در بخش دائرة المعارف علوم عقلی به عنوان محقق در اصطلاح یابی فلسفی مشغول بودم دو سالی در آنجا همراه با تحصیل در حوزه به حیات علمی خود ادامه می دادم.

در اول سال ۱۳۸۵ تحصیلی تقاضای سطح چهار نمودم بعد از بررسی پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آن را پذیرفته و اجازه دادند که به دنبال موضوع برای سطح چهار حوزه علمیه قم باشم.

موضوع را انتخاب کردم «تعامل فلسفه و تفسیر» و موضوع تصویب شد و طرح آن را هم نوشتم و طرح نیز پس از نقضی و ابرامی تایید شده بالاخره هم اکنون مشغول نوشتن رساله سطح ۴ هستم و استاد راهنمای این طرح آقای دکتر محمد حسن زمانی است. و استاد مشاوره بنده هم دکتر احمد عابدی می باشد.

لازم به یادآوری است که مدت یک سال است که در دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان هم به عنوان هیئت علمی دانشگاه مشغول به تدریس هستم و هم اکنون هفته ای سه روز برای تدریس به دانشگاه رفسنجان می روم.

و از تاریخ ۱۵/۱۰/۱۳۸۶ هم در واحد ترجمه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم مشغول به خدمت هستم. باشد تا خداوند سبحان عاقبت امر ما را ختم به خیر نماید. آمین. و صلی الله علی محمد و آل الطاهرین و الحمد لله رب العالمین.

مختاری غزنوی، سراج‌الدین، ابو عمر عثمان

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۵۴۴ / ۵۴۹ - ۴۷۳ / ۴۷۴ ق)، حکیم و شاعر، متخلص به مختاری. ملقب به ابوالمفاخر و ملک الکلام. وی ابتدا عثمان تخلص می کرد. او از شعرای دربار غزنویان و با ابراهیم بن مسعود غزنوی (۴۹۲ - ۴۵۰ ق) و مسعود بن ابراهیم (۵۰۸ - ۴۹۲ ق) و عضدالدوله شیرزاد بن مسعود بن ابراهیم و ابوالملوک ارسلان بن مسعود بن ابراهیم معاصر بود. علاوه بر غزنویان، او سلاجقه‌ی قاوردیان کرمان و سلاجقه‌ی عراق را نیز مدح کرده است. از شعرای معاصر مختاری می توان مسعود سعد سلمان، امیر معزی، سنایی غزنوی و ابوالفرج رونی را نام برد. او مسعود سعد را مدح گفته و سنایی وی را مدح کرده است. در تذکره‌ها برای وفات وی تاریخ‌های متفاوتی از ۵۳۴ تا ۵۵۵ ق ذکر شده است. همچنین بعضی از تذکره‌ها او را ممتاز غزنوی، استند سنایی غزنوی، می دانند که بعد از فوت سلطان ابراهیم بن مسعود به هندوستان رفته است. از آثارش: مثنوی «شهریارنامه»، در ذکر داستان شهریار پسر برزو، از نوادگان رستم زابلی، به درخواست سلطان مسعود بن ابراهیم که تقلیدی از «شاهنامه‌ی» فردوسی است؛ مثنوی «هنر نامه‌ی یمینی»، در پانصد بیت، در مدح یمین‌الدوله بهرامشاه؛ «دیوان» شعر، در حدود هشت هزار بیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۵۹۶ - ۵۸۰ / ۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۵۰۷ - ۵۰۱ / ۲)، تاریخ نظم و نثر (۷۷)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۱۶ - ۳۱۱)، دایرةالمعارف فارسی (۲ / ۲۷۰۷)، دیوان عثمان مختاری (مقدمه)، الذریعه (۳۴۳، ۲۲۹ / ۱۹، ۱۱۰۳، ۱۰۱۸ - ۱۰۱۷ / ۹)، رباعی و رباعی‌سرایان (۱۱۳)، ریحانه (۵ / ۶، ۲۶۱ / ۵)، صبح گلشن (۴۵۲ - ۴۵۱، ۳۹۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۵۶ -

(۴۵۵)، فرهنگ سخنوران (۸۲۵)، لغت نامه (ذیل / مختاری غزنوی)، مجمع الفصحا (۱۳۵۸ - ۱۳۴۳ / ۳)، المعجم فی معاییر اشعار العجم (۴۷۳، ۴۱۱، ۳۶۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۲ - ۴۱ / ۱)، هفت اقلیم (۳۳۱ - ۳۲۴ / ۱).

مدرس خاتون آبادی، ابوالقاسم

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۰۳ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مفسر، فیلسوف و مدرس. نسبش به امام زین العابدین (ع) می‌رسد. او از مدرسین مشهور اصفهان و از خانواده‌ی میر محمدحسین خاتون آبادی، سبط مجلسی بود. فلسفه را از ملا-اسماعیل خواجه‌ی و شیخ آقا محمد بیدآبادی و فقه و اصول را از سید بحرالعلوم فراگرفت. پس از رسیدن به درجات علمی بالا در مدرسه‌ی شاه اصفهانی به تدریس حکمت نظری پرداخت. او تا پایان عمر در مدرسه‌ی چهار باغ مدرس معقول و منقول از فقه و اصول بود. سید ابوالقاسم جعفر بن حسین خوانساری، جد مؤلف «روضات الجنات»، و آقا میرعبدالباقی امام جمعه و آخوند ملا علی نوری از شاگردان او بودند. سید بحرالعلوم که خود از اساتید فقه و اصول او بود در حکمت و کلام از شاگردان وی به حساب می‌آید. در اصفهان درگذشت و پیکرش به نجف منتقل و نزدیک قبر امیرالمؤمنین (ع) دفن شد. از آثارش: «تفسیر قرآن»، به فارسی؛ شرح «نهج البلاغه»؛ حاشیه بر «تفسیر کاشی»؛ حاشیه بر «کافی»؛ حاشیه بر «من لا یحضر الفقیه»؛ حاشیه بر «التهذیب»؛ حاشیه بر «الاستبصار». بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۲/۴۰۵)، تذکره القبور (۹۰)، ریحانه (۲۶۷-۲۶۶/۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵۱-۵۰/۱۳)، معجم المؤلفین (۸/۱۱۴)، مکارم الآثار (۱۳۳-۱۲۹/۱).

مدرس رضوی خراسانی، محمدتقی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۵ - ۱۲۷۴ ش)، محقق، دانشمند، مصحح و استاد دانشگاه. پدرش، میرزا محمدباقر، از علمای بزرگ خراسان و مدرس اول آستان قدس رضوی بود. در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدارس جدید زادگاهش فراگرفت. سپس به آموختن علوم قدیمه نزد اساتید آن زمان پرداخت. وی کتابهای «مغنی» و «مطول» تفتازانی و قسمتی از شرح «منظومه» حاج ملا هادی سبزواری را نزد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری آموخت. «تحریر اقلیدس» و «مجسطی» و کتب ریاضی قدیم و «شرح لمعه»، در فقه و «قوانین»، در اصول را نزد پدر خواند. سپس از محضر آقا بزرگ حکیم استفاده نمود و «شرح هدایه» و «شرح اشارات» را نزد او خواند. آنگاه مدتی از درس خارج فقه و اصول آیت‌الله قمی و آیت‌الله آقا میرزا محمد آقازاده استفاده کرد. در ۱۲۹۸ ش به تهران آمد و از محضر آقا سید محمد تنکابنی و آقا میرزا محمدطاهر تنکابنی بهره برد و به تکمیل تحصیلات قدیم و جدید خود در مدارس سپهسالار و آلیانس پرداخت. او از ۱۳۱۰ ش به معلمی و ناظمی مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) و تدریس در مدارس دارالفنون، علمیه، معرفت و شرافت پرداخت و بعد از ۱۳۱۷ ش به معلمی و بعدها به سمت استادی دانشکده‌ی علوم معقول و منقول منسوب گردید. وی نزدیک دو سال همکار علامه‌ی دهخدا در تکمیل «لغت نامه» بود. از آثار وی: «احوال و آثار خواجه

نصیرالدین طوسی؛ «تاریخ رجال خراسان»؛ «تاریخ مشهد رضوی»؛ رساله‌ای در «علم عروض»؛ تعلیقات «حدیقه الحقیقه» سنایی؛ تصحیح «المعجم فی معاییر اشعار العجم»؛ تصحیح و اهتمام «اساس الاقتباس» خواجه نصیرالدین طوسی؛ تصحیح «تاریخ بخارا»؛ تصحیح «دیوان» سید حسن غزنوی؛ مقدمه و تعلیقات «ترجمه‌ی میزان الحکمه» خازنی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «شجره الحکمه» خازنی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «شجره‌ی طیه»، در انساب سلسله‌ی سادات علویه رضویه، «دیوان» انوری و «دیوان» سنایی غزنوی. [۱]

پژوهشگر.

تولد: ۱۲۷۴ (۱۳۱۳ ق.)؛ مشهد.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۶۵.

سید محمدتقی مدرس رضوی خراسانی تحصیلات ابتدایی را در مدارس جدید مشهد فراگرفت و سپس به آموختن علوم قدیمه نزد اساتید آن زمان پرداخت. در سال ۱۳۳۸ ق. به تهران آمد به تکمیل تحصیلات قدیم و جدید در مدرسه عالی سپهسالار و مدرسه آلیانس پرداخت. وی پس از مدتی از فوت پدرش که مدرس آستان قدس رضوی بود، به مدرسی نایل آمد و بعدها به عضویت معارف درآمد و در مدارس مشهد و از سال ۱۳۱۰ در مدارس تهران به تدریس اشتغال یافت. پس از تأسیس دانشگاه به استادی در دانشکده‌ی معقول و منقول و دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی انتخاب گردید.

از آثار اوست: تصحیح آثار علوی یا کائنات جو (ابوحاتم مظفر اسفزاری، ۱۳۱۹)؛ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۳۴)؛ احوال و آثار ملک‌الشعراى بهار (به اهتمام عبدالحمید عرفانی)؛ اساس الاقتباس (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۶)؛ بیست باب در معرفت اسطرلاب (به اهتمام، ۱۳۳۵)؛ تاریخ بخارا (به اهتمام، ۱۳۱۷)؛ تعلیقات حدیقه الحقیقه (۱۳۴۴)؛ تنسوخ‌نامه‌ی ایلخانی (از خواجه نصیر طوسی، ۱۳۴۸)؛ حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه (حکیم سنایی، به اهتمام، دو جلد، ۱۳۳۰)، تصحیح دیوان حکیم سنایی (۱۳۲۰)؛ تصحیح دیوان سید حسن غزنوی (۱۳۲۸)؛ تصحیح دیوان انوری ایوردی (دو جلد، ۱۳۴۰-۱۳۳۶)؛ شجره‌ی طیه (تألیف محمدباقر رضوی، تکمله و تصحیح و تهیه‌ی مشجرات، ۱۳۴۸)؛ شرح مشکلات دیوان انوری (از ابوالحسن حسینی فراهانی، ۱۳۴۰)؛ مثنوی‌های حکیم سنایی (۱۳۴۸)؛ مجمل التواریخ (درباره‌ی تاریخ زندیه، از ابوالحسن گلستانه، ۱۳۱۹)؛ تصحیح مجموعه رسائل خواجه نصیر طوسی (شش رساله، ۱۳۳۵)؛ تصحیح المعجم فی معاییر اشعار العجم (اثر نظامی عروضی، از روی نسخه تصحیح محمد قزوینی، ۱۳۳۶)؛ ترجمه‌ی میزان الحکمه (اثر عبدالرحمن خازنی، متن قدیمی، ۱۳۴۶)؛ یادبود هفتصدمین سال خواجه نصیر طوسی (۱۳۳۵)، با مقدمه‌ی موسی عمید). تاریخ شهر مشهد نام کتاب دیگری است که در سال ۱۳۱۳ به مناسبت ساختمان آرامگاه فردوسی تألیف شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۴۷/۱۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۴۳۵، ۳۰۴۷/۲، ۹۱۳، ۱۷۷، ۱/۱۲۵)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۸، ص ۱۴-۳، س ۳، ش ۸، ص ۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۲۵۵-۲/۲۵۴).

مدرس زاده، مجدالدین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجدالدین مدرس زاده

محل تولد : تهران

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۴۲/۲/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از دوران تحصیل مقطع متوسطه در سال ۱۳۶۰ وارد حوزه مبارکه علمیه قم شده و از بدو ورود با تحصیل و آموزش در مدرسه المهدی (عج) که تحت اشراف و هدایت حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی اداره می شد مشغول به فراگیری علم و دانش و معارف الهی و آموزه های اسلامی شده ام.

برای شروع و تحصیل فقه نیم استدلالی که در آن زمان کتاب های لمعه (۲ و ۱) مرحوم شهید تلمذ می شد در درس علمای نظیر آقایان وجدانی فخر- اشتهاردی و راستی و خسرو شاهی حاضر می شدم اصول فقه را خدمت استاد حسینی بوشهری فرا گرفته و به همین ترتیب سطوح و مراتب علمی حوزوی را یکی پس از دیگری و با موفقیت در آزمون های کتبی و شفاهی موفق به گذراندن سطوح عالیّه نزد آیات عظام صالحی مازندارانی، طاهری شمسی، محفوظی و هادوی تهرانی شدم در سال ۱۳۷۰ پا به عرصه درس خارج حضرت آیت الله مکارم شیرازی (فقه و اصول) و تا سال ۱۳۷۲ همچنان ادامه داشت در همین سال ها بود که همراه با فراگیری فقه و اصول، به دوره های ویژه باقر العلوم (ع) که بعداً دانشگاه باقر العلوم (ع) شد و زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی اداره می شد شدم بدایه و نهاییه الحکمه و شرح تجرید و... را درباره فلسفه و کلام آنجا فرا گرفته و موفق به اخذ مدرک لیسانس شدم.

در سال ۱۳۷۰ وارد بنیاد فرهنگی باقر العلوم (ع) که بعداً تبدیل به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) شد و تحت اشراف و هدایت حضرت آیت الله مصباح یزدی (دامت برکاته) اداره می شود شده و ثمره تحصیل در آن اخذ مدرک کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، در سال ۱۳۷۷ شد و با دفاع از پایان نامه (که تحت عنوان بررسی سیره مدیریتی امام خمینی- شناسائی ملاک و معیارهای ایشان در تصمیم گیری) و کسب امتیاز عالی و نمره هجده موفق به اتمام آن دوره نیز شدم در این مدت قسمتی از وقت آموزشی صرف فراگیری و مباحثه درس خارج می شد که از سال ۱۳۷۲ در درس خارج اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی و درس خارج فقه حضرت آیت الله تبریزی (ره) مشغول بودم. ناگفته نماند در طول همه این سالها، در کنار تحصیل، مباحثه، فعالیت تدریسی را همیشه مفتخر به انجامش بوده ام تدریس ادبیات (سیوطی جامع المقدمات و...) فقه و اصول و.. و از سال ۱۳۷۵ وارد دانشگاه شده و به عنوان مدرس دروس معارف اسلامی (معارف ۱ و ۲- اخلاق اسلامی- تاریخ اسلام) که تاکنون نیز ادامه دارد مشغول می باشم

ناگفته نماند پس از فارغ التحصیلی در رشته مدیریت، زمینه تدریس در رشته مزبور نیز فراهم شد که بحمد اله تاکنون ادامه دارد و در مراکز دانشگاهی و آموزش عالی توفیق انتقال بخشی از آموخته ها و تجارب را به دیگران پیدا نموده ام.

آنچه که برای خود لطف بسیار حضرت حق می دانم تحصیل همزمان در فقه و اصول در حد دروس خارج و فراگیری و تدریس دروس مدیریت که از هم آمیختن این دو رشته تحصیلی و با رویکرد مدیریت اسلامی منشاء آثار و برکات برای حقیر را بیش از پیش فراهم نموده است.

و حاصل و برآیند آن را که در قالب جزوات و دسته نوشته ها و (بعضاً مقالات چاپ شده است) را امیدوارم هر چند زودتر در اختیار دیگران قرار گیرد.

مدرس زنوزی نهرانی، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۰۷ - ۱۲۳۴ ق)، فیلسوف، فقیه، عالم دینی و مدرس. معروف به آقا علی مدرس و آقا علی حکیم. در تهران به دنیا آمد. نزد پدرش که از حکمای عصر خود بود درس خواند. سپس به قصد ادامه تحصیل به عتبات رفت و پس از فراگیری کامل فقه و اصول به اصفهان مسافرت کرد و در محضر درس میرزا حسن نوری و ملا محمدجعفر لاهیجی حکمت و فلسفه خواند. آنگاه به قزوین رفت و نزد آخوند ملا- آقای قزوینی علوم معقول را تکمیل کرد. سرانجام به تهران آمد و در مدرسه سپهسالار قدیم در محله عودلاجان مدرس فلسفه شد و سرآمد اقران گشت و شاگردان بسیار تربیت کرد. شیخ محمدباقر اصطهباناتی و میرزا طاهر تنکابنی و شیخ علی نوری و شوارق و شیخ عبدالنبی نوری و ملا محمد آملی و بسیاری دیگر از شاگردان او بودند. از آثارش: «بدایع الحکم»؛ «سبیل الرشاد» یا «الرسالة المعادیة»، در اثبات معاد جسمانی؛ «تعلیقات علی مباحث الأسفار الاربعه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۷۴ - ۱۴۷۳ / ۱۴)، طرائق الحقائق (۵۰۷ - ۵۰۴ / ۳)، المآثر والآثار (۱۵۷).

مدرس زنوزی، عبدالله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۵۷ ق)، عالم دینی، حکیم و عارف. در زنوز آذربایجان به دنیا آمد. وی پدر آقا علی زنوزی است. در جوانی به خوی رفت و ادبیات و علوم عربی را در آنجا تکمیل نمود. به طوری که به ملا عبدالله نحوی شهرت یافت. آنگاه به عتبات رفت و در کربلا در محضر صاحب «ریاض» به تحصیل فقه و اصول مشغول گشت. به آورده‌ی «ریحانه الادب» در حوزه‌ی درس سید محمد مجاهد و حجة الاسلام شفتی فقه و اصول را تکمیل کرد. سپس به قم رفت و «قوانین» را نزد مؤلف این کتاب، میرزای قمی، خواند. پس از آن به اصفهان رفت و تحصیل حکمت نمود و از طرف استادش ملا علی نوری به مدرسی مدرسه مروی تعیین شد و مدت بیست سال به تدریس اشتغال داشت. او کتاب «الانوار الجلیه فی کشف اسرار الحقائق العلویه»، که شرح «حدیث کمیل» یا شرح «حدیث الحقیقه» است، را در ۱۲۴۷ ق، به فارسی، نگاشت. از دیگر آثار وی: «لمعات الهیه فی الحکمه الربوبیه»، در اثبات واجب الوجود و صفات او؛ حاشیه بر «اسفار» ملاصدرا؛ «رساله علیه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان آذربایجان (۱۱)، الذریعه (۲۰۵، ۱۳ / ۱۹۷، ۶ / ۲۰)، ریحانه (۳۹۱ - ۳۹۰ / ۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳ / ۷۶۵)، طرائق الحقائق (۵۰۶ / ۳).

مدرس شیرازی، عبدالرحمان

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۳۸ - ۱۲۶۸/۱۲۶۶ ق)، عالم دینی، حکیم و مدرس. پدرش از علما و مدرسین آستانه‌ی قدس رضوی بود. عبدالرحمان در شیراز به دنیا آمد. در ۱۲۷۹ ق به همراه پدر به مشهد رفت. ادبیات را از محضر پدر و علوم دینی را از محضر ملا عبدالوهاب شیخ الاسلام و حکمت را از محضر میرزا محمد مدرس، از شاگردان حکیم سبزواری، فراگرفت. وی در فقه و اصول و معقول و منقول تبحر داشت. پس از درگذشت پدرش (م ح ۱۲۹۰ ق)، در سمت مدرس اول آستان قدس در مدرسه فاضلیه به تدریس مشغول گشت و شاگردان بسیاری که خود از برجستگان عالم علم بودند، از محضرش بهره بردند و تمام عمر او به تألیف و تدریس گذشت. از آثارش: «الرسالة القمریة»، در علم حروف؛ «تاریخ علماء خراسان»؛ رساله در «زکاة الفطر»؛ شرح رساله‌ی «العروض» پدرش؛ حاشیه بر «تحریر اقلیدس»؛ حاشیه بر «شرح التذکره النصیریة» خفری؛ حاشیه بر «شوارق الالهام» لاهیجی؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ حواشی و تعلیقات بر بسیاری از کتب «حکمت».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۴۶۵، ۴۶۴/۷)، الذریعه (۴۲/۱۲، ۲۰۸، ۱۴۴، ۳۴/۶، ۲۶۷/۳)، شرح حال رجال (۱۳۹ - ۱۳۸/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰۹۷/۱۴)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷/۹۱)، المآثر و الآثار (۱۶۲).

مدرس موسوی بهبهانی، علی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر سید علی موسوی بهبهانی در ۱۳۰۵ در بهبهان زاده شد و پس از گذراندن تحصیلات مکتب خانه ای به قم رفت (۱۳۲۵) و پس از مدتی تحصیل در حوزه علمیه وارد دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران شد. و در ۱۳۲۸ فارغ التحصیل شد. وی در سال ۱۳۳۲ تحصیلات خود در حقوق را نیز در دانشگاه تهران به پایان رساند در سال ۱۳۳۷ نیز دکتری فلسفه خود را از همان دانشگاه دریافت کرد وی علاوه بر همکاری با دکتر معین در لغت نامه دهخدا در دانشگاه تهران نیز تدریس می کرد. وی در سال ۱۳۵۰ به دانشگاه اوترخت هلند برای تدریس زبان فارسی و اسلامی شناسی رفت و پس از بازگشت تدریس را تا بازنشستگی در ۱۳۷۷ ادامه داد. گروه: علوم انسانیرشته: فلسفه‌گرایش: فلسفه اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای: دکتر موسوی بهبهانی پس از گذراندن تحصیلات مکتب خانه ای در زادگاه خود بهبهان به قم رفت و پس از اندکی تحصیلات حوزوی، وارد دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران شد. (۱۳۲۵ ه.ش) پس از فارغ التحصیلی در ۱۳۲۸، به تحصیل حقوق در همان دانشگاه پرداخت و پس از فارغ التحصیلی در ۱۳۳۱، تحصیلات خود را در رشته فلسفه تا اخذ مدرک دکتری در سال ۱۳۳۷ ادامه داد. خاطرات و وقایع تحصیل: سفرهای استاد دکتر موسوی بهبهانی به هلند (تدریس زبان فارسی و اسلامی شناسی) و فنلاند (تدریس سیر عقاید و آرا کلامی) از وقایع مهم زندگی علمی وی بوده اند. فعالیت‌های ضمن تحصیل: استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی در حین تحصیل به تدریس در دبیرستانها و نیز مطالعه آثار گذشتگان در زمینه فلسفه و کلام می پرداخت. استادان و مربیان: نخستین معلم استاد دکتر موسوی بهبهانی پدر بزرگوارشان بود که دروس صرف، نحو، ادبیات عرب و مقدمات را به وی آموخت. وی در دانشگاه تهران در دانشکده حقوق از دکتر عمید، شهابی و شایگان بهره ها برد و نیز دکتر غلامحسین صدیقی استاد راهنمای وی در پایان نامه دکتری

بوده است. وقایع میان‌سالی: دکتر موسوی بهبهانی پس از اخذ مدرک دکتری مدتی به کار و کالت و تدریس در دبیرستانهای تهران و سپس دانشگاه تهران پرداخت و نیز به دکتر محمد معین در تدوین لغت نامه دهخدا یاری کرد. وی در سال ۱۳۴۷ با پروفسور ایزتسو آشنا شد و همکاریهای علمی با وی داشت وی در ۱۳۵۰ مدتی در هلند و در سال ۱۳۷۷ در دانشگاههای فنلاند به تدریس مشغول بود. و در سال ۱۳۷۹ بازنشسته شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مشاغل استاد دکتر موسوی بهبهانی عبارتند از: تدریس در دبیرستانهای تهران پژوهشگر در لغت نامه دهخدا مدرس زبان فارسی و اسلامی شناسی در دانشگاه اترخت هلند ۱۳۵۰ استاد دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۹ مدرس سیر عقاید و آرای کلامی در دانشگاههای فنلاند در سال ۱۳۷۷ فعالیتهای آموزشی: استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی از جوانی به تدریس در دبیرستانهای تهران می پرداخت. وی در سال ۱۳۳۶ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران گروه فلسفه شد و در سال ۱۳۷۹ بازنشسته گردید. وی در سال ۱۳۵۰ در دانشگاه اترخت هلند درسهای زبان فارسی و اسلامی شناسی و در سال ۱۳۷۷ در دانشگاههای فنلاند درس سیر عقاید اسلامی را تدریس نموده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی در کنار تدریس به تحقیق و شرح آثار کلامی و فلسفی گذشتگان از جمله میرداماد، ابن هزم اندلس، صابن الدین علی ترکه اصفهانی مشغول است. آرا و گرایشهای خاص: استاد دکتر سید علی موسوی بهبهانی به شیوه دانشمندان تهران گذشته به شرح کتب فلسفی و کلامی اسلامی از قبیل آثار میرداماد، ابن جزم و صابن الدین علی ترکه اصفهانی مشغول بوده است.

آثار: ۱ القبسات میرداماد ۲ تصحیح صابن الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی ۳ حکیم استر آبادی میرداماد ۴ شرح الدرہ الفاخره ۵ عیار دانش مشتمل بر الهیات و طبیعیات ۶ عیون المسایل و سیر حکمت و عرفان اسلامی ۷ کلیات معارف اسلامی ۸ منطق ابن حزم ۹ نگارش بخشی از لغت نامه دهخدا برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مدرسی، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران سید محمد رضا مدرسی

محل تولد: یزد

شهرت: مدرسی یزدی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آیة الله سید محمدرضا مدرسی یزدی در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی در یزد و در میان خانواده‌ای متدین و اهل علم و دوستدار خاندان گرامی پیامبر اکرم (ص) به دنیا آمد. پدرش آیة الله سید جواد مدرسی یزدی که هم اکنون نیز در قید حیات است، از علما و دانشمندان مشهور یزد به شمار می آید و سالهاست که به خدمت به جامعه اسلامی و مردمان نستوه و فداکار دیار خود می پردازد. آیة الله سید جواد مدرسی از استادان مشهور اخلاق است که سیره علمی و عملی او سر مشق جامعه اسلامی و مردمان و دین باوران بوده است. پدر آقا سید جواد، آیة الله سید احمد مدرسی - نیز از استادان مبرز حوزه علمیه به شمار می آمده است. خاندان مادری آیة الله محمد رضا مدرسی یزدی نیز از خانواده‌ای متدین و روحانی به شمار می آیند. که اینها خود در شکل گیری شخصیت استاد

مدرسی سهم بسزایی داشته است. آیه الله مدرسی یزدی در حدود ۵ سالگی به مکتب رفت و تحصیلات خود را در همان جا آغاز کرد. پیش از ۷ سالگی به دبستان رفت و پس از آن به دبیرستان راه یافت، به گونه‌ای که در کنار دروس دبیرستان، برخی از دروس مقدمات حوزه را نیز فرا گرفته بود. پس از آن با اشتیاق فراوان درس حوزه را در مدرسه معروف به مصلی آغاز کرد و در مدت کمی دروس دوره مقدمات را فرا گرفت. با اتمام دروس دوره مقدمات، دروس سطح را شروع کرد و پس از مدتی به قم عزیمت کرد. در قم نیز به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد و سالها از خرمن علم و عمل آنان خوشه چید. او در این سالها به تحصیل دروس مرسوم حوزه بسنده نکرد و در کنار آن به دروس نجوم، هیئت، فلسفه غرب و اقتصاد و نیز فراگیری زبانهای خارجی پرداخت و در رشته‌های فلسفه و کلام و تفسیر و حدیث نیز کتب بسیاری را مطالعه کرد و در این دروس نیز شرکت می نمود. با پایان یافتن دروس دوره سطح، به درس خارج استادان برجسته حوزه علمیه قم راه یافت و سالهای متمادی در آن دروس شرکت می جست. به همراه آن، در دروسهای فلسفه و کلام نیز حضور جدی داشت و هیچ گاه مطالعه دروس جنبی و دروس دانشگاهی را رها نکرد. او در سالهای تحصیل خود از محضر اساتید اخلاق نیز استفاده می برد تا علم خویش را به زیور عمل بیاراید. آیه الله مدرسی یزدی در سالهای تحصیل خود به محضر استادان بسیاری شرفیاب شد. او که غالب دروس دوره مقدمات و بخشی از دروس سطح را در محضر پدر خود فرا گرفته بود. پس از سال ۱۳۵۱ که به قم آمد، مقداری از شرح لمعه را نزد آیه الله صلواتی و آیه الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی آموخت و قسمتی از رسائل را نزد آیه الله میرمحمدی و مکاسب را عمدتاً نزد آیه الله ستوده و بیشتر کفایه را نزد آیه الله سبحانی فرا گرفت. او از اساتید متعدد دیگری نیز در این مقطع بهره برد. وی دروس هیئت و عرفان را نزد آیه الله حسن زاده آملی آموخت و در دروس فلسفه آیه الله شهید مطهری و نیز آیه الله جوادی آملی شرکت جست، در این زمینه نیز از اساتید دیگری بهره گرفت. برای فراگیری دروس خارج فقه و اصول ابتدا مدتی در درس مرحوم آیت الله شیخ کاظم تبریزی حضور یافت و سالهای متمادی به دروس آیات عظام وحید خراسانی و تبریزی رفت؛ به طوری که این دو عالم فرزانه را می توان استادان اساسی او دانست. البته او از اساتید دیگری همچون مرحوم آیت الله حائری، مرحوم آیت الله میرزا هاشم آملی و حضرت آیت الله بهجت مدظله العالی از جنبه‌های گوناگون استفاده کرد. استاد مدرسی در سالیان عمر خود تا کنون فعالیت‌های بسیاری را در عرصه علم و فرهنگ به انجام رسانده است. از جمله آنها تألیف کتب و مقالات فراوان در عرصه‌های گوناگون علمی است. ویژگی این آثار، روز آمد بودن و ژرف نگری تحسین برانگیز است. آیه الله مدرسی از سالهای نخستین تحصیل، به امر تدریس نیز اهتمام ویژه‌ای داشته است، او که بارها دروس دوره مقدمات و سطح را تدریس کرده، در مؤسسه در راه حق به تدریس فلسفه تطبیقی، فلسفه اخلاق و علم اقتصاد و نیز کتاب اقتصادنا (نوشته شهید صدر) اشتغال داشته است. در زمینه فلسفه نیز به تدریس کتاب‌های بدایه الحکمه و شرح منظومه و... پرداخته است. او مدتی نیز در دانشکده‌های مختلف تدریس کرده و روزگاری نیز به تدریس در مؤسسه باقر العلوم پرداخته است. وی از جمله همکاران و مؤلفین کتب دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در سالهای اولیه تأسیس بوده است. آیه الله مدرسی از سال ۱۳۷۲ ابتدا تدریس خارج اصول و چندی بعد خارج فقه را آغاز کرده که تا کنون یک دوره اصول به پایان رسیده و هم اکنون دوره دوم آن آغاز شده است؛ در بخش فقه نیز این تدریس ادامه داشته و از این رهگذر، طلاب و فضلاء بسیاری تربیت شده‌اند. استاد مدرسی یزدی از روزگار جوانی برای فعالیت‌های سیاسی اهمیت ویژه‌ای قائل می شده است. او در خانواده‌ای رشد یافته که پدری مبارز در آن حضور داشته است؛ آیه الله سید جواد مدرسی که با امام خمینی (ره) از طریق مرحوم آیه الله سید عباس خاتم یزدی (ره) ارتباط داشت در طول دوران مبارزه، همواره یار امام بود. او وکیل امام در یزد بود و در کمک به مبارزان نقش ویژه‌ای ایفا می کرد. فرزند این پدر نیز در راه مبارزه قدمهای استواری برداشت. از جمله اینکه در قم آیه الله العظمی گلپایگانی را از نقشه ساواک در سوء استفاده از مجلسی که برخی از علما و فضلا قرار بود در آن حضور یابند، آگاه ساخت. از فعالیت‌های سیاسی او پس از انقلاب می توان به عضویت در کمیته امام (ره) برای رتق و فتق امور استان لرستان و نیز نظارت بر انتخابات

خبرگان در یزد اشاره کرد. آیه الله مدرسی در سالهای دفاع مقدس، بارها در جبهه‌های جنگ حضور یافت. آیه الله مدرسی یزدی هم اکنون در قم حضور دارد و به تربیت طلاب می‌پردازد و همزمان از فقهای شورای نگهبان قانون اساسی است. همچنین وی از اعضای محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه است.

مرعی خراسانی، ابوالفضل احمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۳۵ ق)، عالم دینی، متکلم، مفسر، محدث و حکیم. وی از شاگردان وحید بهبهانی بود و از او و شیخ یوسف بحرانی، صاحب «الحدائق الناظرة»، روایت کرده است. او در سفر و حضر با فتحعلی شاه قاجار بود. گفته‌اند وی را با خوراندن سم شهید کردند. بر پاره‌ای از آثار وی اجازات و تقاریضی از استادان و علمای معاصرش وجود دارد. از آثارش: «اغاثة اللهفان من ورطات النیران»، در مواظ؛ «التهدیب»، در اخلاق؛ شرح «الفوائد الجدیة» بهبهانی؛ شرح «کفایه» سبزواری؛ «غنیة المصلی»، در تعقیبات؛ «منهج السداد»، در شرح «الارشاد».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳/۲۲۰)، ریحانه (۵/۲۸۸)، معجم المؤلفین (۲/۱۳۶).

مسعودی، اصغر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

اصغر مسعودی

محل تولد: نی ریز فارس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ بعد از اخذ دیپلم تجربی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه امام صادق (ع) به تحصیل پرداختم و در تابستان همان سال حاشیه و سیوطی را خواندم و از سال دوم در مدرسه امام صادق شروع به تدریس درسهایی که خوانده ام جامع المقدمات و صرف ساده نمودم و تا پایان سطح، درس را به صورت جهشی گذراندم.

متأسفانه مدتی از کار علمی صرف جدا به کار فرهنگی در معاونت سازمان تبلیغات اسلامی سنندج و مسئولیت سازمان تبلیغات

اسلامی مریوان و مهاباد خدمت نمودم و در سال ۷۲ مسئول نمونه استان کردستان برگزیده شدم. سه کتاب سیمای سنندج، وضعیت فرهنگی اجتماعی مریوان، وضعیت فرهنگی اجتماعی مهاباد را نوشتم و سپس سیری در مهاباد و جمهوری ۱۹۴۶ را به رشته تحریر در آوردم.

مدتی در قم در ستاد منطقه ۲ کشوری مسئول واحد آموزش و سر دبیر مجله پیک یاران بودم و کتاب پاسداری از حریم کتابت را نوشتم بیش از دو سال از محضر اساتید معظم خارج آیات عظام فاضل ره، مکارم حفظه الله و سبحانی حفظه الله کسب فیض نمودم. در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه باقرالعلوم ع در رشته فلسفه و کلام در مقطع کارشناسی ارشد قبول و در سال ۱۳۸۴ از پایان نامه ام با موضوع سعادت از منظر فارابی و ابن سینا دفاع نمودم و در سال ۱۳۸۴ در جشنواره ممتازین بسیجی و شاهد کشور رتبه سوم کشوری را کسب نمودم. و اکنون با گروه فلسفه و کلام مدرسه حجتیه همکاری و درس فلسفه مقدماتی را تدریس می نمایم. مدتی نیز در دانشگاه پیام نور دروس معارف، اخلاق کاربردی و کلیات فلسفه را تدریس نمودم.

مسعودی، جهانگیر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

جهانگیر مسعودی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای جهانگیر مسعودی در سال ۱۳۴۴ در خانواده‌ای متدین در شهر مشهد به دنیا آمد، ایشان در سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه مشهد راه یافت، مقدمات و سطح را در هشت سال تمام و پس از آن به مرحله عالی راه یافت و در درس خارج آیات عظام، مرتضوی و زنجانی شرکت نمود. ایشان علاوه بر تحصیل علوم حوزوی از تحصیل دروس دانشگاهی غافل نماند و در سال ۱۳۸۲ در رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع دکتر از دانشگاه تربیت مدرس تهران فارغ التحصیل شد، پس از به زادگاه خویش برگشت و بر کرسی تدریس در دانشگاهها نشست. در زمینه پژوهش نیز زحمات فراوانی را متحمل شده که به صورت مقاله و کتاب به جامعه اسلامی عرضه گشته‌اند.

مسیب نژاد، ابوالحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالحسن مسیب نژاد

محل تولد: لاهیجان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۷۰-۶۹ پس از اخذ دیپلم از شهرستان محل تولد خود لاهیجان برای شروع تحصیلات در علوم حوزوی وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدارس علمیه کرمانیها، حقانی، معصومیه، مدرسه آیت الله گلپایگانی دروس حوزوی را تحصیل نمودم. در مدرسه آیت الله گلپایگانی در دروس محمد جواد فاضل و آقای فقیهی مقداری از کفایه و مکاسب را تحصیل نمودم و در سال ۱۳۸۰ وارد درس خارج اصول آقای صادق لاریجانی شدم و هم اکنون هم در درس خارج صلاه آقای سید محمد خاتمی مشغول به تحصیل هستم همزمان با تحصیلات در بنیاد نهج البلاغه چند سالی به کارهای تحقیقی اجرائی مشغول بودم و در کنار آن با مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه در بخش تحقیقات مشغول به همکاری هستم مدتی هم با مرکز پژوهش های صدا و سیما در مجله ای در قسمت تحقیقات و نوشتن مقاله همکاری کردم. و در ضمن دروس حوزوی در سال ۸۰ وارد رشته تحصیلی کارشناسی فلسفه در دانشگاه مفید شدم و در سال ۸۴ دوره کارشناسی را به پایان رساندم. با دفتر تبلیغات حوزه نیز در بخش انتشارات چند سال است که در قسمت نمونه خوانی و تصحیح مشغول به همکاری هستم.

مسیح شرفیان، ابوالقاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم مسیح شرفیان

محل تولد: سادات شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۰۷/۴/۳

زندگینامه علمی

مادرم را در یک سالگی از دست دادم تا ده سالگی برایم به سختی گذشت در یازده سالگی قرآن آموختم و در دوازده سالگی به مدرسه جدید رفتم تا کلاس چهارم ابتدایی شاگرد ممتاز بودم ولی در سال پنجم پدرم مانع مدرسه رفتن من شد. هم کلاسی هایم به مدرسه می رفتند من شبی تا صبح به مدرسه می رفتم و به خانه برمی گشتم صبح دمید ماه رو به قبله بود من در وسط محل با خدا راز و نیاز کردم که توفیق تحصیل به من بدهد بعد به دینش خدمت کنم و ماه را شاهد گرفتم فردا پدرم ماجرا را به دوستش گفت

او چند سال علوم دینی خوانده بود به من گفتم من کتاب هایم را به تو می دهم تا پنج سال نیاز به خرید کتاب نداری . مرد نیکی بود تحصیلاتم را در علوم دینی نزد علمای محل شروع کردم تا سال بعد که سال ۱۳۲۴ شمسی بود پدرم مرا نزد جناب آیه الله حاج شیخ علی اکبر اللهیان قدس سره برد که در آن وقت در رامسر بود من و همدارم مرحوم سید ابوالقاسم الهی نیا مقدمات علم نحو را شروع کردیم و بعد از ظهرها هم درس اخلاق از کتاب معراج السعاده ملا احمد نراقی را در نزد جناب حاج شیخ اللهیان می خواندیم و با چند نفر دیگر بودیم . تابستانها جناب شیخ به بیلاق جواهر ده رامسر می رفت ما هم با او به بیلاق می رفتیم و تا سال ۱۳۲۸ هجری در رامسر و در شیخ زاهد محله چابکسر کتابهای مقدمات و سیوطی با حاشیه منطق و شرح تصریف و قدری مطول و قدری هم معالم را در علم اصول فقه خواندیم . در ماه رمضان هر سال که معمولاً آن وقتها تابستان بود در بیلاق روزها درس معمولی تعطیل بود ولی شبها علوم قرآن می خواندیم و روزها همان علوم را با جناب شیخ با قرآن تطبیق می دادیم و در طول چهار سال در اثنای دروس کرامات زیادی از جناب شیخ بروز کرد و بنده مخصوصاً در روبروی شیخ می نشستم تا چیزی دریابم در تابستان ۱۳۲۸ به جای بیلاق جواهرده حاج شیخ به طالقان رفت و من نزد برادر بزرگش جناب آیه الله حاج شیخ محمد باقر اللهیان درس خواندم و با مشورت او پاییز سال ۱۳۲۸ با دوست و هم مباحثه ام جناب سید محمد (آقانور) میرجعفری به قزوین رفتیم . فردای آن روز در اثر غربت و آینده نامعلوم در گوشه ای از مدرسه التفاتیه قزوین نشسته و فکر می کردم که ناگهان جناب حاج شیخ علی اکبر اللهیان وارد مدرسه شد و با دیدنش شاد شدم و به نزدش رفتم او اول ناراحت شد که چرا از رامسر به قزوین رفتم بعد گفت: خوب شد که به قزوین آمدی و به تهران نرفتی! سپس گفت: توسط دوستانم از متولی مدرسه برایت اجازه سکونت می گیرم که بی اجازه بیش از ۳ روز در مدرسه وقفی سکونت جایز نیست و جناب شیخ همان روز اجازه سکونت را از متولی مدرسه مرحوم صدرالمعانی که مرد با شخصیتی بود گرفت و من از فردای آن روز درسهایم را به ترتیب نزد دانشمندان بزرگوار قزوین شروع کردم: ۱- معانی و بیان را نزد دانشمند مرحوم محمدحسین اویسی قزوینی ۲- معالم را نزد زاهد بزرگوار آقاشیخ حسین قدسی ۳- شرح لمعه جلد اول را نزد آقا شیخ محمود آقا شریعت مهدوی ۴- جلد دوم را نزد آقا سید بزرگ علوم ۵- قوانین جلد یک و جلد دو را نزد آیه الله آقا سید محمد تنکابنی ۶- مکاسب شیخ اعظم را هم نزد آقا سید محمد تنکابنی خواندم که مرد بسیار شریف و بزرگواری بود ۷- و رسائل شیخ را نزد آیه الله شیخ یحیی مفیدی خواندم ۸- جلدین کفایه الاصول آخوند ملامحمد کاظم خراسانی را نزد علامه بزرگوار و فیلسوف نامدار آیه الله العظمی سید ابوالحسن رفیعی قزوینی اعلا الله مقامه الشریف خواندم . ۹- درس دوره عالی و خارج فقه را نیز نزد علامه آیه الله العظمی رفیعی قزوینی خواندم و تا سال ۱۳۳۸ شمسی که مدت ۱۰ سال گذشت (در این مدت در سال اول در شش ماه اول بسیار برایم سخت گذشت که در شبانه روز یک وعده غذا می خوردم و آن هم تمام شده بود و در شبی از شدت ضعف نماز خواندن بر من سخت شد از قضا شب نهم ربیع بود که عیدالزهره معروف است و علامه قزوینی طبق معمول آن شب به طلبه های مدرسه چلوکباب می داد و از من هم دعوت شد ولی من با این که دو روز بود چیزی نخورده بودم دعوت را نپذیرفتم چون جناب استاد حاج شیخ علی اکبر اللهیان تنکابنی به من سفارش کرده بود که هرگز غذای مفت نخورم زیرا علم نجیب است و با مفت خوری سازگاری ندارد!... در ضمن تحصیلات قدیم سال دوم ورودم به قزوین کلاس پنجم و ششم را یکدفعه تصدیق گرفتم و دوره تحصیلات متوسطه را نزد آقای احمد سرمدی که پیش من درس عربی می خواند گذراندم و من در نزد او زبان فرانسه و جبر و مثلثات و فیزیک و شیمی و هندسه فضائی و لگاریتم را آموختم سرانجام در سال ۱۳۳۸ با مشورت علامه قزوینی که چندان راضی نبود که از قزوین بروم ولی با دست خط توصیه مرحوم شیخ علی اکبر اللهیان که از دوستان مرحوم آقای بروجردی بود برای حضرت آیه الله العظمی بروجردی قدس سره در نامه ای نوشت که این طلبه مستعد است!! و همین عبارت جناب شیخ باعث شد که ۳ سال در قم جلو افتادم و بعد از چند ماه نزد آیه الله العظمی سلطانی طباطبایی بروجردی و آیه الله وحید گیلانی امتحان شفاهی از کتاب رسائل و مکاسب شیخ انصاری انجام شد و قبول شدم و امتحان کتبی من هم این بود که درس فقه خارج

صلاة يك ماه اخير آية الله العظمی بروجردی را بنویسم آن هم با زبان عربی و لذا درس خارج فقه آقای بروجردی را به زبان عربی نوشتم و به نظر آقای بروجردی رسید و ایشان نوشتند: خوب است! و همین جمله باعث شد ماه اول بعد از امتحان برایم شهریه مبلغ یکصد و چهل تومان تعیین کردند و مبلغ یکصد و چهل تومان نیز تشویقی دادند. و سپس درسهایم را در قم ادامه دادم. فقه را در محضر آیه الله العظمی بروجردی (ره) و اصول را نزد آیه الله العظمی امام خمینی (ره) در مسجد سلماسی و فلسفه و حکمت را هم در مسجد سلماسی نزد علامه طباطبایی خواندم و پس از فوت آیه الله بروجردی فقه را نزد آیه الله العظمی گلپایگانی و آیه الله العظمی مرعشی نجفی و آیه الله العظمی اراکی ادامه دادم و پس از تبعید حضرت امام خمینی (ره) در درس اصول آیه الله العظمی میرزا هاشم آملی لاریجانی شرکت کردم و ضمناً در دروس آیه الله العظمی محقق داماد در درس خارج فقه نیز شرکت کردم. و مدتی نیز در درس آیه الله العظمی حاج شیخ مجتبی قزوینی که خواهرزاده استادم حاج شیخ علی اکبر الیهان تنکابنی بود و نیز در درس حاج شیخ هاشم قزوینی در مشهد شرکت کردم. و در سال ۴۳ با استخاره در نزد علامه طباطبایی به دانشگاه تهران رفتم و در رشته فلسفه و حکمت اسلامی و وعظ و خطابه به همراه دوستانم آقایان ۱- دکتر مصطفی محقق داماد ۲- حجة الاسلام ناطق نوری ۳- حجة الاسلام مهدی کروی و جمعی دیگر موفق به کسب مدرک کارشناسی لیسانس معقول و منقول شدم که در سال ۱۳۴۸ فارغ تحصیل شدم و شاگرد ممتاز شدم و از ۲۰ واحد دروس دانشگاهی نمره الف گرفتم و بعنوان تشویق بورس مصر را به من دادند ولی رابطه دولت ایران و مصر در آن زمان تیره شد و بنده نیز به دلیل مشکلات منصرف شدم. و بعد از آن مدت ۳۰ سال و یک روز بعنوان دبیر دبیرستانهای رامسر در دروسهای معارف اسلامی و فلسفه و منطق تدریس کردم و معلم نمونه شدم و ۲۰ سال در ضمن استاد معارف اسلامی و اخلاق اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی در دانشکده پرستاری بودم که ریشه های انقلاب اسلامی را نیز در ضمن تدریس بعنوان جزوه درسی تألیف کردم و مدت ۸ سال نماینده مقام معظم رهبری در دانشکده پرستاری بودم و در سال ۱۳۸۲ بازنشست شدم و همزمان ۵۲ سال در مساجد رامسر و حومه به تبلیغ دین مشغول بودم و منبر رفتم و ۴۵ سال امامت جماعت داشتم و ۱۴ سال بعنوان امام جمعه موقت بودم و مدت ۴ سال بعنوان استاد حوزه علمیه خواهران در شیرود تنکابن بودم و نیز ۴ سال بعنوان رئیس شورای حل و اختلاف مستقر در دادگستری تنکابن بودم و ۴ سال نیز است در دانشگاه پیام نور رامسر بودم و در دانشگاه شاهد رامسر تدریس کردم و این عهدی بود که در ۶۳ سال قبل در دوران کودکی با خدای خود بسته بودم و ان شاء الله وفا کردم و خداوند قبول فرماید و توفیق بیشتر هم لطف بفرماید برای بعدها بحق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم - والسلام علیکم و رحمه الله.

مسیحی جرجانی، ابوسهل عیسی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۴۰۱ ق)، پزشک، فیلسوف و ریاضیدانان. در گرگان متولد شد و سالهای نخست زندگی خود را در بغداد گذراند، در همان جا به فراگیری دانشهای زمان خود پرداخت، سپس به گرگانج رفت و به دربار ابوعلی مأمون بن محمد خوارزمشاه راه یافت و به زودی به مقامی بلند رسید. برخی از تاریخ نگاران که پزشکانی به نام نیز بودند ابوسهل را استاد ابن سینا در پزشکی می دانند، اما ابن سینا درباره‌ی فراگیری پزشکی از کسی نام نبرده و گفته است چون این دانش چندان دشوار نیست، من در اندک مدتی بر همه‌ی آن آگاه شدم. ابوسهل در پزشکی از پیروان جالینوس بود، و در فلسفه نیز جایگاهی ویژه داشت. برخی آثار وی عبارت است

از: «المائة فی الطب»؛ «کتاب فی العلم الطبیعی»؛ «طب کلی»؛ «مقاله فی الجدی یا آبله»؛ «اختصار کتاب المجسطی»؛ «کتاب فی الوباء»؛ «تعبیر الرویا»؛ «منافع الاعضاء»؛ «فی اظهار کلمة الله تعالی فی خلق الانسان».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۲۹۸-۲۹۷/۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/۳۴۶)، تاریخ حکماء قفطی (۵۴۹)، تاریخ طب (۲/۶۷۶)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۲۵۰-۲۴۹)، چهارمقاله (۱۱۰)، دایرة المعارف فارسی (۳۲/۱)، ریحانه (۷/۱۴۸)، لغت‌نامه (ذیل / ابوسهل)، کشف الظنون (۱۵۷۶، ۱۴۹۸، ۴۱۶)، معجم المؤلفین (۸/۳۵)، الملل و النحل (۳۶۹)، نامه‌ی دانشوران (۶۱-۵۷/۱)، هدیة العارفين (۱/۸۰۶).

مسیحی، ابوالحسن سعید

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۹۵-۴۳۶ ق)، طیب و حکیم. وی از اطبای بیمارستان عضدی و طیب مخصوص رکن‌الدوله و معاصر المقتدی بامرالله و پسرش، المستظهر بالله، از خلفای عباسی، و حکیم‌باشی آنان بود. او از شاگردان ابوالعلاء بن تلمیذ، ابوالفضل کتیفات و عبدالله کاتب بود. در «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» از «الشامل فی الطب» ابوالخطاب نقل شده که علم طب در آن عصر به ابوالحسن سعید بن هبة الله منتهی می‌شده است. وی در بیمارستان عضدی مسئول مداوای بیماران و بویژه بیماران صفرآوی بود. از آثارش: «المغنی فی الطب»، که برای المقتدی بامرالله نگاشت؛ «مقاله‌ای در توصیف و کیفیت ترکیب داروها»؛ «کتاب خلق الانسان»؛ کتابی درباره‌ی «یرقان»؛ «مقاله‌ای در تحدید مبادی الفاظ در گفتارها و شماره‌ی آنها و جوابهایی که در مسائل طبی از او پرسیده‌اند»؛ «کتاب الاقناع»، در طب؛ «التلخیص النظامی»؛ «مقاله در بیان حدود و فروق»؛ «مقاله در ترکیب داروها».

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ طب (۷۰۲-۷۰۱/۲)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء (۳۱۵-۳۱۴)، کشف الظنون (۱۷۵۰-۱۴۰).

مشائی، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر محمد رضا مشائی معروف به شهاب در سال ۱۳۱۰ در شهر یزد بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته فلسفه اسلامی از دانشکده الهیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵ است. وی در سال ۱۳۵۰ در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان مربی استخدام شد و پس از طی مراتب علمی به ترتیب استادیاری، دانشیاری به درجه استادی این دانشکده نائل آمد. و در سال ۱۳۸۲ به درجه بازنشستگی نائل گشت. گروه: علوم انسانی‌رشته: الهیات و معارف اسلامی‌گرایش: منطق و کلام‌والدین و انساب: پدر دکتر مشائی مرحوم آقا شیخ مرتضی مشائی از دودمان صحابی معروف، حبیب بن مظاهر (رضی الله عنه) و از خاندان روحانی متوفی در سال ۱۳۲۱ در سن ۴۰ است. مادرش صبیبه مرحوم آیه الله حاج میرزا و از طرف مادری از دودمان پیامبر گرامی اسلام (ص) می باشد. دایی دکتر مشائی مرحوم آیه الله پویا می باشد. او روحانی بزرگ و دارای تالیفات متعدد به زبان انگلیسی و غیره و ساکن هند

و اخیراً در پاکستان بود. او صاحب روزنامه مسلم است. خاطرات کودکی: محمد رضا مشائی از کلاس پنجم و ششم ابتدایی، داستانهای "موش و گربه عیید زاکانی" و داستان مربوط به "قاضی و مردی که دارای کیسه زر بود" را به یاد دارد و همچنین از بیمار شدن پدرش که پس از انتقال به اصفهان تحت معالجه قرار گرفت ولی معالجات کار ساز نبود و بالاخره در سن ۴۰ سالگی فوت کرد خاطره تلخی بیاد دارد. دکتر مشائی از دیگر خاطرات خود چنین می گوید: "در حدود ۱۱ سالگی در یک جوی آبی که حدود ۲۵ متر عمق داشت سقوط کردم که پس از نجات و در جریان معالجه تا چند سال عوارض آن روی من باقی مانده بود". اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی: پدر محمد رضا مشائی روحانی بود و به تحصیل علوم دینی مشغول بود و ثروت زیادی هم را به ارث برده بود و از فروش آنها هزینه زندگی خود و خانواده و شش فرزند را تامین می کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات محمد رضا مشائی به قرار زیر است: - تحصیلات علوم دینی از سال ۱۳۲۴: مقدمات (صرف، نحو، منطق و معانی بیان)، معالم الاصول، نزد مدرسان خصوصی - تحصیلات کلاسیک متوسطه در سال ۱۳۲۹ بصورت متفرقه، دیپلم پنجم علمی در سال ۱۳۳۱، ششم ادبی در اصفهان در سال ۱۳۳۲ - شرکت در کلاس درس ایه الله میلانی و اخذ مدرک کارشناسی علوم معقول در سال ۱۳۳۹ - شرکت در دوره دکتری در سال ۱۳۴۲ و اخذ دکتری رشته الهیات در سال ۱۳۴۵ - کارشناسی ارشد رشته فلسفه در سال ۱۳۵۰. خاطرات و وقایع تحصیل: محمد رضا مشائی بخاطر اینکه زبان انگلیسی را در کلاس شهید دکتر بهشتی گذرانده بود بیشتر اساتید در دوره های کارشناسی و دکتری با ایشان در مورد مطالب درسی (بیشتر کتب بزبان انگلیسی بود) مشورت می کردند. دکتر مشائی در دوره های کارشناسی و دکتری بعنوان شاگرد و دانشجو ممتاز معرفی شد ولی بعلت مسائل سیاسی از معرفی او امتناع کردند. فعالیتهای ضمن تحصیل: محمد رضا مشائی در کنار تحصیل به یادگیری زبان انگلیسی و آموزش ماشین نویسی می پرداخت که در این راستا ۱۶ حرف را در یک دقیقه وارد می کرد و در نتیجه گواهی درجه یک را اخذ کرد. او همچنین به تدریس کتب دینی همچون صرف میر، هدایه و سیوطی و غیره بصورت آزاد برای طلاب و تدریس خصوصی عربی برای داوطلبان کنکور و غیره می پرداخت. استادان و مربیان: از اساتید محمد رضا مشائی می توان از مرحوم آقای بروجردی، مرحوم حاج آقای مرتضی حایری، مرحوم علامه طباطبائی و مرحوم حاج آقای یزدی (حوزوی) و مرحوم دکتر مجتهدزاده، آقای واعظ زاده، دکتر صدیقی و دکتر سکوت و غیره (اساتید دانشگاهی) نام برد. هم دوره ای ها و همکاران: مرحوم دکتر شفایی، آقای عطایی (کارشناسی) دکتر شیخ، مرحوم دکتر باهر (دکتری)، دکتر احمدی، ضیاء شهابی (کارشناسی ارشد) از همدوره ایهای محمد رضا مشائی بوده اند. همسر و فرزندان: دکتر مشائی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم فرهنگ (دارای سیکل متوسطه و خانه دار) و سه فرزند دختر می باشد که به ترتیب دارای تحصیلات و سمتهای زیر می باشند: - عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد - جراح و پزشک متخصص زنان و ساکن کرمان - عضو هیئت علمی پژوهشی وزارت جهاد کشاورزی مشاغل و سمتهای مورد تصدی: - مشاغل و سمتهای اداری محمد رضا مشائی به قرار زیر است: - مدیر گروه کلام و فلسفه دانشگاه فردوسی مشهد بمدت ۳ سال - معاون دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد بمدت یک سال - معاون آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد بمدت ۶ سال - سرپرستی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد بمدت شش سال - عضو هیئت ممیزه دانشگاه فردوسی مشهد بمدت شش سال - عضو هیئت ممیزه دانشگاه فردوسی مشهد بمدت شش سال - عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه فردوسی مشهد - منشی دفتر اسناد رسمی از سال ۱۳۲۳-۱۳۲۸ - دبیر و عضو کمیته منتخب الهیات - عضو کمیته تخصصی علوم انسانی هیئت ممیزه بمدت ۱۲ سال - سرپرستی حوزه علوم دینی یزد (با موافقت دانشگاه بصورت رفت و برگشت) - سرپرستی مدرسه علمیه آیه الله صدوقی در مشهد - عضو کمیته برنامه ریزی دانشکده های الهیات کشور - عضو موسس دانشگاه علوم اسلامی رضوی - عضو هیئت امنای و نیز تدوین کننده برنامه ریزی درسی دانشگاه علوم اسلامی رضوی - عضو شورای علمی امور فرهنگی آستان قدس رضوی (ع) - عضو هیئت تحریریه مجله مشکوه بمدت چندین سال فعالیتهای آموزشی: محمد رضا مشائی از اسفند ۱۳۴۴ تا مهر ۱۳۵۰ در محلات دبیر بودند او در سال ۱۳۵۰ با عنوان مربی در

دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد استخدام شد و پس از طی مراتب و مدارج علمی به ترتیب از استادیاری، دانشیاری به درجه استادی نائل آمد. مراکزى که فرد از بانیان آن به شمار می آید: دکتر مشائی آموزشگاه عالی خیام را در مشهد تاسیس کرده است. جوایز و نشانها: محمد رضا مشائی بخاطر شاگرد اولی در دوره کارشناسی مدال اول فرهنگ را دریافت کرده است. چگونگی عرضه آثار: محمد رضا مشائی دارای هفت مقاله چاپ شده و ده کتاب که یکی چاپ شده و یکی در شرف چاپ و بقیه نیمه تمام است. او استاد راهنمای بیش از ۳۱ پایان نامه کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می باشد. آثار: ترجمه کتاب کافه این حاجب در دو جلد که یک جلد آن تمام شده است. تصحیح و تزیین و نشر نسخه منظومه اعرجی (در منطق) ویژگی اثر: منتشر شده در نشریه هشت دانشگاه مک گیل کانادا-۳ تصحیح و ترجمه تذلیل کتاب جوهر النضید در منطق ویژگی اثر: تالیف خواجه طوسی و علامه حلی- دارای دو جلد که جلد اول آن در شرف اتمام می باشد ۴ تصحیح و حواشی و ترجمه شرح باب حادی عشر، جمع غلطهای مستعل در محاورات، نوشته ها و علوم انسانی، حواشی بر منطق مظفر، سرگذشت مذهب دری از قدیم تا کنون که قرار بود از طرف دانشکده الهیات بچاپ برسد، شواهد النحویین ویژگی اثر: ترجمه و شرح کلیه مثالهای کتاب معروف به سیوطی ۹ فرهنگ و اصطلاحات و ضرب المثلهای یزد ویژگی اثر: این کتاب در ضمن حدود سی سال بتدریج ضبط شده و حدود دو جلد می باشد ۱۰ منطق به زبان عربی ویژگی اثر: برای دانشجویان دانشکده الهیات کشور و احتمال حوزه های علوم دینی که نیمی از آن تالیف شده است.

منابع زندگینامه: تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر محمد رضا مشائی بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی- زمستان ۱۳۸۶

مشرقی شیرازی، حسن

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ز ۱۰۳۸ ق)، حکیم، عارف و شاعر. از شعرای عهد صفوی بود و در اشعارش مکرر شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) و شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ق) و امراء و حکام آنان را مدح گفته است. وی با اینکه مردی عارف مشرب و وارسته بود ولی در اشعار او مضامین عارفانه بسیار کم دیده می شود. در اشعارش گاهی ابیات بسیار عالی، در ردیف اشعار استادان بزرگ، وجود دارد و گاهی اشعار مبتذل و بی معنی، به همین علت صاحب بعضی تذکره ها معتقدند که ممکن است وی اشعار شعرای پیش از خود، خصوصاً اشعار شاعر معاصرش ملک مشرقی مشهدی (م ۱۰۵۰ ق)، را به نام خود آورده باشد. ظاهراً او در ۱۰۳۸ ق زنده بوده و در اواخر قرن یازدهم در شیراز وفات یافته است. مقبره اش در شیراز به تکیه مشرقین مشهور است. از آثارش: «کلیات» شامل: ۱- مثنوی «شمس المشرقین»، در برابر «تحفه العراقین» خاقانی، سروده شده در ۱۰۱۰ ق، ۲- مثنوی «شبستان انس»، در برابر «بوستان» سعدی، ۳- قصاید، هفت هزار و پانصد و پنجاه بیت، ۴- مراثی و ترجیعات و هفت بند، ششصد و پنجاه بیت، ۵- مقطعات در تاریخ و فیات و فتوح شاه عباس، چهارصد و پنجاه بیت، ۶- رباعیات، چهارصد بیت، ۷- غزلیات، نه هزار و پانصد بیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴۳۹-۴۳۴/۴)، الذریعه (۲۲۶، ۲۲۳-۲۲۲/۱۹، ۱۰۴۹-۱۰۴۸/۹)، طرائق الحقائق (۳/۴۹۴)، منظومه های فارسی (۵۳۷-۵۳۳).

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی مشکی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۶۲ در رشته اقتصاد مدرک دیپلم گرفتم و در همان سال در حوزه علمیه آیت الله مجتهدی تهرانی رحمه الله علیه مشغول به تحصیل شدم و مقدمات حوزوی را تا سال ۱۳۶۸ در مدرسه ایشان به پایان رساندم و در سال ۱۳۶۸ به قم مشرف شدم و همزمان با دروس حوزه (رسائل و مکاسب) در مؤسسه در راه حق که در آن زمان بخش آموزش آن زیر نظر حضرت آیت الله مصباح یزدی حفظه الله اداره می شد، مشغول به تحصیل شدم.

در سال ۱۳۷۳ پس از فراغت تحصیل در آنجا در رشته تخصصی فلسفه شرکت کردم و پس از قبولی در آن رشته و همزمان با تاسیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، رشته تخصصی فلسفه را در مؤسسه مذکور آغاز کردم و در سال ۱۳۷۸ با دفاع از پایان نامه خود که در شش ماه آن را نوشتم موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم.

پس از آن در سال ۱۳۷۹ با بخش پژوهشی مؤسسه همکاری نمودم و پژوهشی را درباره «مدرنیت» با دو نفر دیگر از دوستان آغاز کردم که بخش اول آن به نام اسلام و اومانیزم حدوداً در سال ۱۳۸۲ آماده شد و به پژوهش مؤسسه تحویل دادیم و سپس بخش دوم که «سکولاریسم» بود را به صورت فردی ادامه دادم و پس از پایان یافتن این بخش در سال ۱۳۸۴ این بخش تیر تحویل پژوهش گردید. در سال ۱۳۸۲ همراه با تحقیقات پژوهشی به عضویت هیئت علمی و پژوهشی مؤسسه در آمدم و پس از دو سال عضو هیئت علمی آموزشی شدم و از سال ۱۳۸۲ تا کنون مشغول تدریس در مؤسسه می باشم و عمده فعالیت‌های بنده در حوزه تدریس می باشد و در بخشی هم با واحد تربیت مربی اخلاق همکاری دارم.

مصباح یزدی، محمد تقی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

زندگینامه آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

تولد و دوران کودکی

استاد، آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، یازدهم بهمن ماه هزار و سیصد و سیزده، برابر با بیست پنجم شوال هزار و سیصد و پنجاه و سه هجری قمری، در دامان پرمهر خانواده ای بسیار متدین و مذهبی در شهر یزد به دنیا آمد.

زندگی پدر و مادر استاد در منزل میراثیِ مادریشان با سختی بسیار می گذشت. مادر با کمک خاله ها، در خانه جوراب می بافت تا پدر برای گذران زندگی جوراب ها را در مغازه بفروشد. این شغل بسیار کم درآمدی بود؛ به طوری که پدر می بایست هر از چندی مبلغی قرض می کرد تا به کارش سامان دوباره دهد.

استاد درباره آن روزگار چنین می گوید:

یادم می آید بهترین غذایی که دوست داشتیم و هفته ای یک مرتبه می خوردیم این بود که با برادرم از مدرسه که می آمدیم، دو ریال و ده شاهی سرشیر می خریدیم، و مادر کمی آب قند درست می کرد و با این سرشیر قاطی می کرد، و این بهترین شام آخر هفته بود.

پیش از تولد محمدتقی، مادر خواب می بیند که «قرآن» به دنیا آورده است. با نگرانی خواب خود را نزد معبری به نام سید محمد رضا امامیه، که از علمای یزد بود، بازمی گوید. سید در پاسخ می گوید: فرزندی که متولد می شود پسر است، و بشارت باد که او عالم و حامی قرآن خواهد بود.

این خواب، هر چند بعدها به فراموشی سپرده شد، ناخودآگاه موجب علاقه شدید والدین، و به خصوص مادر محمدتقی به وی و آینده اش گشت.

دوران مدرسه

روزگار کودکی محمدتقی در آغوش خانواده ای اینچنین پاکدل و باصفا، با اندوخته هایی ارزشمند از تربیت ناب دینی سپری شد، و او برای کسب دانش و معرفت بیشتر راهی دبستان گردید. محمدتقی چنان مشتاق دانستن بود که همه ساله در امتحانات پایانی، شاگرد ممتاز مدرسه شناخته می شد و همین امر موجب محبوبیت او نزد مدیر و معلمان مدرسه گشته بود، و آنان وی را تشویق می کردند که با ادامه این شیوه درس خواندن، از مخترعان و مکتشفان و دانشمندان برجسته میهن باشد. اما محمدتقی آرزویی دیگر داشت. او تنها به تحصیل علوم دینی و کسب معارف الهی می اندیشید، و بر همین اساس بود که در انشای کلاس چهارم نوشت می خواهد به نجف برود و درس دینی بخواند. این انشا آموزگار و هم شاگردی های محمدتقی را شگفت زده کرد؛ چه هم کلاس ها که خود آرزو داشتند روزی خلبان، سرهنگ، وزیر، وکیل یا... شوند، می دیدند شاگرد ممتاز مدرسه عجب پیشه ای برای آینده اش در نظر گرفته است!

آغاز طلبگی

محمدتقی نوجوان در سال تحصیلی ۱۳۲۵-۲۶ دوره ابتدایی را به پایان برد. انتظار به سر آمده بود و شیفتگی به فراگیری علوم دین موجب شد که او به جای گذراندن تعطیلات و تفریحات، از همان ابتدای تابستان وارد حوزه علمیه یزد شود. محمدتقی در یکی از حجره های مدرسه شفیعیه - واقع در میدان خان - ساکن شد و بی اعتنا به وضع نابسامان حوزه، و مخروبه بودن مدارس و حجره ها، و نیز فقدان استاد و برنامه درسی منظم، چنان به درس و بحث و مطالعه اهتمام ورزید که در مدت چهار سال، تمام مقدمات و سطوح متوسطه را تا رسایل و مکاسب، با تحقیق و جدیت فوق العاده ای به پایان برد؛ حال آنکه گذراندن این مدارج، به طور معمول حدود هشت سال زمان می طلبد.

محمدتقی، همچنین در کنار دروس رسمی حوزه، با انگیزه علم دوستی و حقیقت جویی، برخی علوم روز از قبیل فیزیک، شیمی، فیزیولوژی و زبان فرانسه را نزد روحانی فرهیخته ای به نام «محقق رشتی» که بعدها از سوی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی به آلمان اعزام شد، می آموخت.

هجرت به نجف

طلبه جوان، با ذوق و شوق فراوان گرم تحصیل بود که بار دیگر شیخ احمد آخوندی که اول بار انفاس قدسی اش او را دلباخته

معارف قرآن و عترت (علیهم السلام) ساخته بود، به میهمانی شان آمد. شیخ با مشاهده آن همه علاقه و پیشرفت، وی را تشویق کرد که برای ادامه و تکمیل تحصیلات به نجف اشرف هجرت کند و خانواده را نیز ترغیب نمود تا برای حمایت از او به نجف مهاجرت کنند و مقیم آن دیار شوند.

به این ترتیب پدر و مادر که دلبسته فرزند بودند، تصمیم گرفتند خانه و وسایل کارشان را بفروشند و به نجف هجرت کنند. قرار بود طلبه جوان با خیال آسوده به درس و تحقیق پردازد و پدر و مادر کار بافندگی خود را در آنجا از سر گیرند، اما پس از شش ماه که به زحمت در آنجا ماندند، وضع کاری خانواده رونقی نگرفت و تلاش های فراوان پدر برای کسب درآمد کارگر نیفتاد، و در نهایت مجبور شدند به ایران مراجعت کنند.

اقامت در نجف، هرچند کوتاه بود، خاطرات بسیاری به یادگار گذاشت. گرمی بازار درس و بحث و حضور علمای بزرگی چون مرحوم حکیم، مرحوم شاهرودی، مرحوم سیدعبداله‌هادی شیرازی، مرحوم میرزا آقا استهباناتی که آن روزها از علمای تراز اول بودند و امثال مرحوم خوبی که در رتبه بعد قرار داشتند، شکوه و جلال خاصی به حوزه نجف بخشیده بود. هجرت به قم

خانواده از نجف بازگشتند و قرار شد برای مدتی در تهران بمانند. اما محمدتقی تصمیم داشت برای تحصیل به قم عزیمت کند. مهدی، برادر کوچک تر محمدتقی بود، و در یک فروشگاه ظروف آلومینیوم شاگردی می کرد. او از پس انداز ناچیز خود در طول تابستان، یک چراغ فتیله ای، یک بشقاب، یک قابلمه، یک قاشق و یک قوری فلزی برای برادر خرید تا با خاطری آسوده تر در قم زندگی کند و درس بخواند.

البته محمدتقی نیز در تابستان بی کار نبود و با تدریس در کلاس های تابستانی توانست شصت تومان به دست آورد. با چهل تومان آن یک پتو خرید و بیست تومان باقی مانده را خرج راه ساخت. او حدود بیست روز مانده به آغاز درس ها راهی قم شد تا بلکه بتواند حجره ای بگیرد و سامانی بیابد.

یافتن حجره کار آسانی نبود. آن روزها دو - سه مدرسه کوچک در گوشه و کنار قم، و دو مدرسه بزرگ در نزدیکی حرم مطهر وجود داشت: یکی مدرسه فیضیه و دیگری مدرسه حجتیه. احتمال اینکه در این دو مدرسه به کسی حجره بدهند، بیشتر بود، اما با وجود این، شرط ورود به مدرسه تازه ساز حجتیه آن بود که طلبه می بایست بیست سال تمام داشته باشد، و محمدتقی هنوز ۱۹ ساله بود. به این ترتیب تنها مدرسه فیضیه باقی می ماند. پیدا کردن متولی مدرسه بسیار مشکل بود. «می بایست هر روز ساعت ها کنار حسینیه ای که نزدیک منزلش بود می نشستی که اگر یک وقت از منزلش خارج شد، پیدایش کنی و دست به دامنش شوی و از او حجره بخواهی! او هم اگر سرحال بود و حوصله داشت، برخورد خوبش این بود که "حالا شما چند روز صبر کنید، شاید حجره خالی پیدا شود!" او از این جور جواب های سربالا».

یکی دو ماه به همین صورت گذشت و او موفق نشد حجره ای پیدا کند.

این گرفتاری ها عرصه را بر او تنگ کرده بود، تا اینکه سرانجام روزی متولی را در حیاط مدرسه دید و با ناراحتی به او گفت: «آقا! من دو ماه است اینجا سرگردانم و شما هم با اینکه حجره خالی دارید، مرتب وعده می دهید و عمل نمی کنید. شاهدش هم این است که شخصی که بعد از من آمده بود، به شما مراجعه کرد و به او حجره دادید، و با اینکه من قبل از او آمده بودم، به من حجره ندادید!..». متولی مدرسه نیز در پاسخ، جواب تندی داد و کاملاً مأیوسش کرد. بر اثر ناامیدی و احساس غربت، بغضش ترکیب و با گریه زمزمه کرد: «اگر به من حجره ندهید، از شما به حضرت معصومه (علیها السلام) شکایت می کنم!» اما متولی مدرسه هیچ متأثر نشد.

طلبه جوان با حالت گریان از او دور می شد که مشهدی ماشاءالله، خادم مدرسه فیضیه، صدایش کرد و گفت: «آقای یزدی! چرا

گریه می کنی؟! و بعد آهسته گفت: ناراحت نباش، من به شما حجره می دهم!»

مشهدی این را گفت و از او دور شد. مدتی گذشت و او همچنان در انتظار آمدن مشهدی ماشاءالله بود. بالاخره خادم مدرسه با طلبه دیگری به نام سیدعلی محمد پیدا شد. او نیز جوانی یزدی بود و دنبال حجره می گشت، و به این ترتیب با هم به حجره مورد نظر رفتند. «حجره که چه عرض شود، یک فضای باریکه ای بود که در واقع انباری زیر پله های واقع در زاویه مدرسه به شمار می رفت و اسباب آبیاری و جارو و از این قبیل را آنجا نگهداری می کردند. تخت شکسته ای هم در یک گوشه آن افتاده بود. دیوارها تا سقف نم داشت و ابداً آفتاب به آنجا نمی تابید، و در آن هم شیشه نداشت!»

با وجود آنکه روزها بیشتر بیرون حجره به سر می بردند و شب ها نیز فقط برای چند ساعت استراحت به آنجا می آمدند، بعد از ده - دوازده روز هر دو، بر اثر رطوبت، دچار پادرد و کمردردی شدید شدند. مدتی با همین وضع گذشت تا اینکه روزی یکی از طلبه های یزدی نزد آنان آمد و گفت که رفیق هم حجره اش ازدواج کرده به منزل منتقل شده است، و وسایل حجره آنان را به حجره خودش برد، و به این ترتیب از آن به بعد ایشان حجره دار شدند. حجره ای که به اصطلاح آبرومند بود و می شد در آن زندگی کرد.

سال اول به این منوال در مدرسه فیضیه گذشت. محمدتقی روزانه در چهار درس شرکت می کرد: درس خیرات مکاسب مرحوم آقامرتضی حائری، که صبح ها در منزل ایشان برقرار می شد، جلد اول کفایه مرحوم آقا شیخ عبدالجواد جبل عاملی که اول طلوع آفتاب در مسجد عشقعلی برگزار می شد، و او با یکی از دوستانش پیش از طلوع آفتاب این درس را مباحثه می کردند، جلد دوم کفایه نزد مرحوم آقامرتضی حائری که عصرها در منزل ایشان برگزار می شد، و دیگری درس منظومه بود. آموختن و مطالعه و مباحثه این دروس، تمام وقت او را پر می کرد، و در شبانه روز پنج تا شش ساعت برای استراحت و دیگر امور باقی می ماند. اما وی با علاقه و شوقی وصف ناپذیر مشکلات و کاستی ها را به جان می خرید و دل مشغولی عمده اش پرداختن به درس و بحث بود. او مشکلات خود را در آن دوران این گونه توصیف می کند:

... نهایت کمکی که خانواده ام می توانستند به من بکنند ماهیانه حدود بیست تومان بود، که آن هم مرتب نمی رسید، و گاه می شد که حتی یک لقمه نان برای شب نداشتیم. طوری برنامه ریزی کرده بودیم که روزی ۶ تا ۷ قران بیشتر خرجمان نشود، و این، تنها پول یک نان سنگک و یک سیر پنیر می شد. بعضی وقت ها هم نصف نان سنگک می خریدیم و برای شب هم بعد از نماز سی شاهی می دادیم و از خشکه پزی کنار درب فیضیه یک نان کسمه کوچک می گرفتیم و این شام ما بود... یک روز پولمان کاملاً تمام شده بود و من تصمیم گرفتم پولی قرض کنم. در خلوت با خدا نجوا کردم که «خدایا می خواهم برای رضای تو و برای اعتلای دین تو درس بخوانم! خودت می دانی که توقع زیادی هم ندارم! هرگونه که خودت صلاح می دانی وسیله ای فراهم کن که من مقداری پول از کسی قرض کنم یا بگیرم! می دانی که من آدمی نیستم که بتوانم پیش کسی بروم و تقاضای حاجت کنم. خودت برسان! اگر هم صلاح نمی دانی، توفیق بده تا بتوانم صبر کنم».

[گذشت] تا اینکه عصر یک روز، که ظهرش ناهار حسابی نخورده بودم، داشتم در حیاط مدرسه فیضیه قدم می زدم که شنیدم پستیچی از طلبه ها سراغ محمدتقی یزدی را می گیرد. جلو رفتم و با ناباوری از اینکه کسی برایم نامه بفرستد، نامه را گرفتم. از یکی از علمای یزد بود که آن وقت ها ارتباطی با ایشان نداشتم. ایشان یک حواله بیست تومانی برای من فرستاده بودند، که بعد از چند ماه سفره مان رونق گرفت... .

آن زمان مرحوم آقای حجت به طلبه ها مَهر نان می داد. من هم به فکر افتادم از ایشان تقاضای مَهر نان کنم، اما نمی خواستم به دستگاه ایشان مراجعه کنم. بنابر این نامه ای به این مضمون نوشتم:

حضرت آیت الله حجت، من شخصی به این نام هستم و در قم درس می خوانم و در درس آقای حائری شرکت می کنم. شنیده ام

که مُهر نانی به طلبه‌ها می‌دهید. اگر شامل من هم می‌شود، من هم طلبه هستم.

صبح که می‌خواستم نامه را ببرم فکر کردم نکنند این کار، خلاف قاعده و برنامه حوزه باشد، و این نان به کس دیگری تعلق داشته باشد و به ملاحظه شاگردی آقای حائری بخوانند به من بدهند! این بود که نامه را پاره کردم... .

با وجود همه این دشواری‌ها شیخ محمدتقی در مدت یک سال، باقی مانده دروس سطح را به اتمام رساند، و از سال بعد در دروس خارج فقه مرحوم آیت الله بروجردی و خارج اصول امام خمینی (رحمه الله) حضور یافت. از سوی دیگر، بیست سالش تمام شده بود و با احراز شرایط اقامت در مدرسه حجتیه، در آنجا حجره گرفت. توفیق آشنایی با بزرگان و علمای وارسته‌ای همچون امام خمینی (رحمه الله)، علامه طباطبایی (رحمه الله) و آیت الله بهجت چنان لذت بخش بود که تازه می‌فهمید هجرت از نجف به قم از تقدیرات بسیار نیکوی خداوند در حق او بوده است.

آشنایی با امام خمینی (رحمه الله)

شیخ محمدتقی از همان سال اول ورود به قم، با امام خمینی (رحمه الله)، که از سال‌ها پیش استاد برجسته حوزه بود، آشنا شد و خدمت ایشان ارادت یافت. با اینکه هنوز کفایه و مکاسب می‌خواند، گاهی برای کسب آمادگی در درس خارج ایشان شرکت می‌جست و از سال دوم به بعد به طور مرتب در آن درس حاضر می‌شد.

از جمله خصوصیات بارز امام (رحمه الله)، دقت نظر، نقادی آزادانه و آزادی اندیشه بود که در درس‌های دیگر اساتید کمتر دیده می‌شد. این ویژگی‌ها برای ذهن پویای طلبه‌ای چون او بسیار جذاب بود.

آشنایی با علامه طباطبایی (رحمه الله)

آن روزها که تازه به قم آمده بود، در مدرسه حجتیه، کنار ساعت آفتابی پهلوی حوض، سیدی نورانی توجه او را به خود جلب کرد. او مردی بسیار نحیف بود که عمامه‌ای کوچک بر سر داشت، و لباس‌های بی‌پیرایه‌اش از ساده زیستی او حکایت می‌کرد. محمدتقی درباره او از دوستانش پرسید. گفتند: او قاضی کوچک است، و این ساعت آفتابی را نیز خودش ساخته و اینک برای تشخیص ساعت آمده است. تازه تنها این نیست. آشنایی با هیئت و ریاضیات نیز یکی از خصوصیات ایشان است. او امتیازات دیگری هم دارند: درس تفسیر می‌گویند، استاد فلسفه هستند، و... .

مدتی از این ماجرا گذشت تا اینکه یکی از دوستان به او پیشنهاد کرد در درس تفسیر استاد که روزهای پنجشنبه در مسجد سلماسی تشکیل می‌شد شرکت کند. او نیز پذیرفت، و پس از مشاهده حالات معنوی و روحانی علامه، و نیز روش تدریس بسیار عالی‌شان مجذوب و شیفته ایشان شد و آرزو کرد همواره در خدمت و مصاحبت ایشان باشد.

محمدتقی پس از آن در پی موقعیتی بود تا با علامه ارتباط بیشتری برقرار کند و ولی روحیه‌اش چنان بود که نمی‌توانست خود را نزد استاد مطرح سازد. از طرفی برخورد علامه نیز به گونه‌ای بود که به صورت افراد نگاه نمی‌کردند. به هر حال در درس ایشان شرکت می‌جست و گاه نکته‌هایی که به نظرش مبهم می‌رسید، پس از درس می‌پرسید و گاهی هم که سؤال کنندگان زیاد بودند دنبال ایشان به راه می‌افتاد و اگر فرصتی دست می‌داد سؤالش را مطرح می‌کرد.

سرانجام سؤال‌های هوشمندانه محمدتقی توجه علامه را جلب کرد و موجب عنایت خاص ایشان به وی گردید، و این زمینه‌ای شد که او به تدریج بتواند درخواست‌های دیگری مطرح سازد، و از ایشان بخواهد که در زمینه مسائل اخلاقی و معنوی او راهنمایی کنند.

رابطه محمدتقی با علامه چنان قوت گرفت که گاه به طور خصوصی از ارشادات اخلاقی آن بزرگوار بهره‌مند می‌شد، و علامه نیز نسخه‌های دست‌نویس تفسیر خود را پیش از چاپ به وی می‌داد تا مرور کند و اگر نکته‌ای برای اصلاح به نظرش می‌رسد، تذکر دهد.

آشنایی با آیت الله بهجت (رحمه الله)

از جمله دیگر بزرگانی که محمدتقی در همان سال های اول با ایشان آشنا شد، حضرت آیت الله بهجت (رحمه الله) بود. منزل آیت الله کنار مدرسه حجتیه قرار داشت و معمولاً در رفت و آمدها، و به خصوص صبح ها که ایشان از حرم بازمی گشتند، در کوچه با ایشان برخورد می کرد. مدتی گذشت و از دوستان شنید که آیت الله بهجت از نظر علمی بسیار برجسته اند و سال های قبل، از شاگردان ممتاز آقای بروجردی بوده اند، همچنین از نظر اخلاقی و معنوی برگزیده و اهل مقامات اند، و در نجف از شاگردان عارف کامل، مرحوم سیدعلی آقای قاضی بوده اند، که دیگر شاگردان آن مرحوم، از مقامات عالی معنوی او خبر می داده اند.

این اوصاف، محمدتقی را که همیشه تشنه فضیلت و معنویت بود، ترغیب می کرد که از چنین شخصیتی بهره برداری از آنجا که آیت الله بهجت به آسانی کسی را نمی پذیرفت، با عده ای از دوستان تصمیم گرفتند برای تقویت بنیه فقهی شان از ایشان بخواهند به طور خصوصی برای آنان فقه بگویند و به این طریق بتوانند از خصوصیات اخلاقی ایشان نیز بهره گیرند. آیت الله بهجت پذیرفتند و درس فقه پربراری همراه با دقت نظرهای کم نظیر و استقلال رأی تحسین برانگیز، ارائه فرمودند. شیخ محمدتقی که مدت پانزده سال در آن درس شرکت نمود، محضر درسی آن آیت حق را این گونه توصیف می کند:

درسی بسیار پر محتوا، دقیق و خوب بود، و آنچه بر خوبی آن می افزود این بود که ایشان غالباً پیش از درس تشریف می آوردند و به مناسبتی - که گاهی در آن زمان آن مناسبت را درک نمی کردیم - حدیثی می خواندند، یا داستانی نقل می کردند، و ضمن آن، مطالب اخلاقی و دینی ای را که مورد نظرشان بود می فهماندند، و عجیب این بود که هم من و هم دوستان دیگر، تجربه کرده بودیم مطالبی که آنجا گفته می شد و ظاهراً بدون مناسبت به نظر می رسید، در واقع نکته هایی بود که برای افراد سازندگی داشت، و اشاره به مسائلی بود که به بعضی از افراد حاضر در جلسه مربوط می شد و خود آنها درک می کردند، و گاهی هم با خیره شدن در چشم شخص، گویا به او می فهماندند که «دارم به تو می گویم!...» و همین طور گاهی درباره یک مسئله سیاسی، جریانی را قبل از وقوع آن پیش بینی می کردند. مخصوصاً آن زمان ها در کوران انقلاب و حملاتی که دژخیمان شاه به فیضیه می کردند، ایشان اصرار داشتند که باید این وقایع را نوشت و منتشر کرد. طرح این مسائل از طرف ایشان انگیزه ای شد که ما نیز بیشتر در فعالیت ها و مبارزات، مشارکت داشته باشیم.

این آشنایی پانزده ساله، زمینه ارتباط و علاقه هر چه بیشتر استاد و شاگرد را فراهم ساخت، و رفته رفته استاد نیز به استعداد و نبوغ علمی و اخلاقی شاگرد خود پی برد، و این امر سبب شد که آیت الله بهجت، او را در مقام مدرس اخلاق به مردم معرفی کند. حجه الاسلام والمسلمین، دکتر مرتضی آقاهرانی در این باره می گوید:

قبل از پیروزی انقلاب، عده ای از بازاریان قم خدمت آیت الله بهجت آمده و از ایشان درخواست کرده بودند که خودشان یا یک نفر از روحانیون مورد تأییدشان یک درس اخلاق برگزار نمایند. آیت الله بهجت فرموده بودند که جناب آقای مصباح یزدی در این زمینه مورد تأیید من است. بروید از ایشان بخواهید و من هم از ایشان می خواهم که درس اخلاق را بیان کنند. این درس اخلاق تا مدت ها در منزل مرحوم اسلامی در قم که بعداً به حسینیه یا مسجد تبدیل شد، ادامه داشت.

ابعاد علمی

شخصیت استاد مصباح به لحاظ علمی ابعاد گوناگونی دارد. در این مقام به این ابعاد می پردازیم:

تحصیلات، مطالعات و تحقیقات

استاد در زمینه های مختلف علوم اسلامی از قبیل فقه و اصول، تفسیر و فلسفه، و نیز رشته های دانشگاهی علوم انسانی و زبان خارجی (انگلیسی و فرانسه)، تحصیل، مطالعه و تحقیقات جامعی داشته اند. اینک هریک از این زمینه ها را برمی رسیم.

فقه و اصول

آیت الله مصباح در رشته فقه، از محضر اساتید بزرگی چون آیات عظام بروجردی (رحمه الله)، اراکی (رحمه الله)، امام خمینی (رحمه الله) و بهجت (رحمه الله) بهره برده اند. به گونه ای که موفق به اخذ جایزه از سوی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی شدند، و در نهایت به درجه اجتهاد نایل آمدند. بر این اساس، ایشان طبعاً در رشته های مرتبط با فقهت، مانند اصول فقه، رجال و درایه نیز به قدر کافی مطالعه و پژوهش داشته اند.

به گفته حجة الاسلام محمود رجبی استاد تفسیر حوزه علمیه قم جناب استاد مصباح حدود هشت سال به طور فعال در درس فقه مرحوم آیت الله بروجردی شرکت کردند، و در اولین امتحان درس خارج که در زمان مرحوم آیت الله بروجردی برگزار شد و ممتحنان آن مرحوم آیت الله سلطانی و مرحوم حاج مقدس اصفهانی بودند، دانش پژوه ممتاز معرفی گردیدند. به طوری که برخی اساتید پیش بینی کردند اگر چهار سال دیگر، همین گونه به تحصیل ادامه دهد، مسلماً به مرتبه اجتهاد خواهد رسید.

چیزی نگذشت که این پیش بینی تحقق یافت و ایشان در سن ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد نایل آمد. اما با این حال تا ۸ سال در دروس فقه و اصول حضرت امام خمینی (رحمه الله) و تا ۱۵ سال در درس فقه آیت الله بهجت (دام ظلّه العالی) و تا ۲ سال در درس آیت الله اراکی شرکت می کردند.

حجة الاسلام دکتر علی مصباح، فرزند استاد، یکی دیگر از فعالیت های ایشان را در زمینه فقه چنین توصیف می کند: بعد از تبعید امام خمینی (رحمه الله) و تعطیلی درس آن بزرگوار، چون به شاگردانشان توصیه فرموده بودند که درس را به صورت مباحثه های مشترک (کمپانی) ادامه دهند، استاد مصباح و چند نفر دیگر از افاضل، که عبارت بودند از: حضرت آیت الله محمد محمدی گیلانی، حضرت آیت الله محمد یزدی، حضرت آیت الله حسین مظاهری و حضرت آیت الله سیدعلی اکبر موسوی یزدیدر عمل به توصیه حضرت امام مباحثه مشترکی آغاز نمودند که این مباحثه تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. موضوعات مورد بحث در این جلسات مهم و پر بار، عمدتاً مباحث اجتماعی اسلام، مانند بحث امر به معروف و نهی از منکر و بحث تقیه و امثال آن بود.

آیت الله بهجتی، امام جمعه محترم اردکان، درباره مباحثه مزبور می گوید: این جلسات، مباحثاتی جدی بود برای اثبات وجوب مبارزه در شرایط آن زمان. می خواستند از نظر فقهی ثابت کنند مبارزه ای که امام خمینی (رحمه الله) پرچم آن را برافراشته، چون اساس اسلام در خطر قرار گرفته، مبارزه ای است که از نظر شرعی واجب است. بنده نیز گاهی به ندرت در آن جلسات شرکت می کردم. زولی جناب آقای مصباح بسیار پی گیر بودند که این مباحثه ادامه داشته باشد و ادامه هم داشت، و در آن روزگار آثار بسیار مطلوبی نیز بر طبقه تحصیل کرده حوزه داشت.

تفسیر

آشنایی با مرحوم علامه طباطبایی، و درک مقامات و کمالات روحانی و عرفانی آن اعجوبه علم و فضیلت و تقوا، سبب شد که استاد بیشتر اهتمام و مساعی خویش را صرف تعلیم علوم قرآن و تفسیر نماید. ابتدا با شرکت در جلسات درس تفسیر علامه، و سپس با استفاده از ارشادات و تعلیمات خصوصی ایشان توانست تعمق و تفکر در قرآن کریم و نکته سنجی های زیبا در آیات نورانی آن را بیاموزد، و خود در این باب صاحب نظر شود او به قدری در این وادی پیش رفت که علامه (رحمه الله) برای استفاده از نکته ها و دقت نظرهایش، کار بازخوانی تفسیر المیزان را، قبل از چاپ و نشر، به او سپرد.

البته استاد مصباح این عنایت علامه را حمل بر لطف و شاگردنوازی ایشان کرده، می گوید:

ایشان لطف می کردند، قبل از اینکه تفسیرشان را به چاپخانه بسپارند، به من می دادند و می گفتند: «تو هم نگاهی بکن» و من چون شائق فراگیری تفسیر ایشان بودم، این جزوات را می گرفتم و مرور می کردم و اگر چیزی به نظرم می رسید خدمت ایشان عرض می کردم. گاهی می فرمودند درست است، و گاه نیز اشتباه مرا رفع می کردند. از کمال لطفشان، یک بار پیشنهاد کرده بودم و ایشان

جایی را تغییر داده، کموزیاد کرده بودند و بعد برای اینکه از من در جمع دوستان تفقدی کرده باشند، گفتند: «فلانی هم در تفسیر ما شریک شده است...».

استاد مطالعات تفسیری بسیار وسیعی در کتب مختلف تفسیریاعم از تفاسیر علمای شیعه و اهل سنت داشته است. نتایج این مطالعات، در سلسله دروس تفسیر موضوعی قرآن کریم نمایان گشته است، که اولین درس تفسیر موضوعی قرآن کریم در حوزه علمیه قم به شمار می آید. محتوای عالی این دروس نشان از ژرفکاوی و مطالعه فوق العاده ایشان در زمینه آیات نورانی قرآن دارد. تا جایی که برخی از شاگردان محقق و اندیشمند استاد، ایشان را یکی از والاترین مفسران قرآن کریم، معرفی می کنند.

حجة الاسلام والمسلمین، استاد فیاضی، با سابقه سال ها مطالعه و تحقیق در آثار مفسران قرآن، چنین می گوید: بنده هم اکنون نیز معتقدم ایشان در میان افرادی که من می شناسم، یکی از والاترین مفسران قرآن است. یعنی کمتر کسی را در این زمینه می شناسم که مانند ایشان تفسیر را بر اساس اصول اجتهادی و مبانی صحیح استنباط بیان کند. فلسفه

استاد مصباح بیشترین وقت و سرمایه علمی خویش را صرف این رشته کرده است. دلیل گرایش به فلسفه نیز شیفتگی و علاقه شدید به علامه طباطبایی (رحمه الله) بوده است. استاد مصباح اسفار و شفا را نزد حضرت علامه فرا گرفت، و با به کارگیری شیوه فلسفی آن بزرگوار، خود به برخی نوآوری ها و ابتکارات در این زمینه پرداخت و به مرتبه ای رسید که امروز یکی از برجسته ترین اساتید فلسفه اسلامی در حوزه علمیه قم به شمار می رود.

او همچون استادش معتقد است برای شناخت هرچه بهتر اسلام و معارف اسلامی و نیز کسب توانایی در پاسخگویی به شبهات و هجمه ها به معتقدات دینی، مطالعه و تحقیق فلسفی می باید در رأس مطالعات حوزوی قرار گیرد، تا طلاب، ضمن آشنایی با متون اسلامی و فقهی، شیوه دفاع از عقاید دینی را نیز فرا گیرند.

زمینه های مطالعات فلسفی استاد بسیار جامع و فراگیر است. ایشان کتب فلسفی ابن سینا، بهمنیار، شیخ اشراق، فخر رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابوالبرکات بغدادی، میرداماد، صدرالمآلهین شیرازی و حاج ملاهادی سبزواری و حواشی و شرح های این کتاب ها را مطالعه و بررسی کرده اند، و پس از تحقیقات فراوان کتاب ارزشمند حاشیه بر نهیة الحکمه را (به زبان عربی) به رشته تحریر در آورده اند، و حاصل نظریات ایشان نیز در کتاب پراج آموزش فلسفه، به زبان فارسی، گرد آمده است. استاد علاوه بر تبحر در فلسفه اسلامی، از فلسفه غرب نیز اطلاع کافی دارند. اشاره ها و تطبیق های فراوان ایشان در زمینه مکاتب مختلف فلسفه غرب، گواه صدق این مدعاست.

حجة الاسلام والمسلمین فیاضی، که اکنون از صاحب نظران بنام فلسفه اسلامی به شمار می آید، می گوید: آنچه برای ما بسیار آموزنده و سازنده بود، برخورد محققانه حضرت استاد با مسائل فلسفی بود. در مسائل فلسفی، روح نقد و ارزیابی و آزاداندیشی کاملی بر ایشان حاکم بود. به طوری که پس از تبیین کامل هر مسئله ای، آن را به دقت مورد ارزیابی قرار می دادند. یعنی در صدد نقد آرای فلاسفه برمی آمدند، و ما می دیدیم آن روحیه اجتهادی که در حوزه بر فقه و اصول حاکم است در شیوه فلسفی جناب استاد مصباح به صورت بسیار قوی مشهود است. به این معنا که یک فقیه صرفاً به تقریر نظر صاحب جواهر یا شیخ انصاری و دیگر فقهای عظام اکتفا نمی کند. بلکه بعد از تقریر در صدد نقد و ایراد برمی آید.

به یاد می آورم در زمان حیات حضرت علامه طباطبایی (رحمه الله)، یک وقت ایشان می فرمودند اگر مردم علامه طباطبایی و آقای بهجت را می شناختند، خاک کفش ایشان را سرمه چشم خود می کردند. اما با وجود چنین اعتقادی درباره شخصیت علامه طباطبایی، در مطالب علمی، بسیار محققانه و با تفکر آزاد با مسائل برخورد می کردند، و از برکات انفس ایشان و از برکات شاگردی در محضر ایشان، این روحیه در ما نیز پیدا شد که با مسائل فلسفی نیز مانند مسائل فقهی و اصولی، با اجتهاد برخورد کنیم.

البته این اجتهاد در هر بابی به تناسب خود صورت می‌گیرد؛ در فقه، از طریق کتاب و سنت و استفاده از دلایل لفظی، و در فلسفه، با استفاده از عقل. به هر حال باید محققانه برخورد کرد. شیوه تدریس استاد سبب شد تا روحیه تعبد در برابر نظریات مختلف به طور کلی در ما از بین برود، و ما امروز احساس می‌کنیم که حالت تعبد در مقابل افکار ابن سینا، ملاصدرا و دیگران، هرگز در ما نیست، و این از برکات درس‌های محققانه استاد مصباح است که ایشان در این سال‌ها از آن روحیه نقد و تحلیل و تحقیق عالی‌شان در ما نیز دیدند. چنین روحیه‌ای، در سطحی که ایشان دارند، منحصر به فرد است و منحصر در خود ایشان است.

استاد فیاضی همچنین در بیان ابتکارات و نوآوری‌های فلسفی استاد، می‌گویند:

ایشان در فلسفه، افکار بسیار بلندی دارند که با افکار حوزه فلسفی موجود، هم تراز نیست. حوزه فلسفی امروز مثلاً مسئله وجود هیولا را هنوز هم امری صحیح و درست ارزیابی می‌کند، در حالی که ایشان این مسئله را با ایرادها و اشکالات محققانه‌ای مردود شمردند و کنار گذاشتند، و کنار گذاشتن این مسئله، به معنای کنار نهادن تفکر و اندیشه هیولا از فلسفه است. البته بوده اند کسانی مثل شهید مطهری و مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی که با این مسئله برخورد کرده اند و آنان نیز فرموده اند مسئله هیولا درست نیست و بی دلیل است، یا حتی دلیل برخلاف آن وجود دارد. زمانی نیز من خودم در محضر استاد جوادی آملی (دام عزه) ضمن بیان اشکالاتی که بر مسئله وارد است، صحبت‌هایی می‌کردم و ایشان لبخندی زدند و فرمودند: «استاد ما، مرحوم الهی قمشه ای نیز به هیولا قایل نبودند».

یکی دیگر از ابتکارات استاد در فلسفه برخورد ایشان با این نظر ملاصدراست که می‌گوید: «إِنَّ النَّفْسَ جِسْمَانِيَّةُ الْحُدُوثِ وَ رُوحَانِيَّةُ الْبَقَاءِ». با اینکه این مطلب، ایده‌ای نو در فلسفه اسلامی به شمار می‌رود و امروزه حوزه‌های فلسفی، با تعظیم و تجلیل بسیار از آن یاد می‌کنند، استاد مصباح اشکالات متعددی از این نظریه برآورده اند، و آن را کنار گذاشته اند. این ابتکار منحصر به ایشان است و من سراغ ندارم قبل از استاد کسی در این مسئله مناقشه و اشکال کرده باشد.

اخلاق و عرفان

استاد مصباح یزدی از اساتیدی همچون علامه طباطبایی (رحمه الله) و آیت الله انصاری همدانی (رحمه الله) و آیت الله العظمی بهجت (رحمه الله) در مقام اساتید اخلاق و عرفان خود نام می‌برد. آیت الله بهجتی در زمینه استفاده ایشان از درس‌های اخلاقی و عرفانی علامه طباطبایی (رحمه الله) می‌گوید:

به گمان من، آیت الله مصباح بهره‌های معرفتی بسیار زیادی از علامه طباطبایی (رحمه الله) بردند زیرا ایشان با اشارات مرحوم علامه به سیر و سلوک و ریاضت‌های شرعی مشغول بودند؛ به علاوه اینکه از نظر علمی هم کتاب‌های بزرگ اخلاقی و عرفانی را چه در زمینه عرفان نظری و چه در زمینه عرفان عملی، خدمت علامه طباطبایی (رحمه الله) آموختند.

حجة الاسلام والمسلمین دکتر علی مصباح، با تذکر این نکته که استاد همیشه از اینکه درباره فعالیت‌ها و مطالعات اخلاقی و عرفانی خود سخن بگویند اعراض دارند، این چند کلمه را از زبان ایشان نقل می‌کند:

در موضوع اخلاق، حدود سال‌های ۳۲ و ۳۳ بحثی هفتگی در خدمت مرحوم علامه طباطبایی داشتیم. ابتدا محور بحث ایشان، رساله منسوب به علامه بحر العلوم بود و بعد از اتمام آن رساله، حضرت علامه (رحمه الله) مجموعه‌ای از روایات اخلاقی و عرفانی را انتخاب می‌کردند و درباره آنها بحث می‌فرمودند. حدیث معراج از جمله آن روایات بود.

استاد، سفارشات عمومی مرحوم علامه طباطبایی را در سلسله دروس اخلاقی‌شان این گونه یادآور می‌شوند:

مجموعه‌ای از سفارشات عمومی بود که دیگران نیز دارند؛ یعنی همان ترک محرمات و انجام واجبات، و قدم اول هم همین هاست، و از سفارشات خاصی که می‌توانم بگویم مورد تأکید ایشان بود و برای هر کسی که توجه پیدا کند مفید است، یکی توسل به سیدالشهدا (علیه السلام) بود، یکی قرائت قرآن و یکی هم نماز اول وقت. یادم هست که از قول استادشان می‌فرمودند که من

هرچه دارم از قرائت قرآن و توسل به سیدالشهدا (علیه السلام) است. درباره نماز اول وقت هم از مرحوم آقای قاضی نقل می کردند (این را من از اساتید دیگر نیز شنیده ام) که ایشان فرموده اند اگر کسی به نماز اول وقت ملتزم شود و به مدارج عالی نرسد یک تعبیر این است که به من لعنت کند، تعبیر دیگر این بوده است که من حاضرم اهانت او را بپذیرم و او آب دهان به صورت من بیندازد...، که بعضی ها از ایشان سؤال کرده بودند آیا نماز اول وقت به همراه نوافل را می فرمایید؟ ایشان در جواب فرموده بودند: نه، فقط خود نماز واجب.

از سفارشات دیگر علامه که از استادشان نقل می فرمودند، اهتمام به زیارت عاشورا، مخصوصاً از روز عاشورا تا روز اربعین بود، و دیگر قرائت قرآن با وضو و رو به قبله و با توجه مخصوصاً شب، قبل از خواب.

علوم جدید

استاد مصباح از همان سال ورود به حوزه علمیه یزد، به مطالعه و تحصیل دروس حوزوی اکتفا نکردند و از روی علم دوستی و حقیقت جویی، در کلاس های فیزیک، شیمی و... و نیز زبان های خارجی فرانسوی و انگلیسی، که به همت روحانی دانشمندی به نام «محققی رشتی» تشکیل شده بود، شرکت جستند و با این دروس آشنا شدند.

پس از ورود به حوزه علمیه قم، رواج افکار و تبلیغات مارکسیستی سبب شد تا استاد به منظور پاسخگویی به شبهات و دفاع از حریم اندیشه دینی، آشنایی با فلسفه های غربی را در دستور کار خود قرار دهند. به این ترتیب ایشان باید برای یافتن زبانی مشترک در بحث و مناظره با تحصیل کردگان دانشگاهی، تئوری ها و اصطلاحات خاص علوم انسانی دانشگاهی را فرا می گرفتند. به این منظور با مشورت و همت آیت الله شهید دکتر بهشتی که در آن زمان مدیر دبیرستان دین و دانش قم بود قرار شد کلاسی در دبیرستان تشکیل شود تا عده ای از فضلا و طلاب حوزه در آن شرکت کنند.

در کلاس ها زبان خارجی و نیز معلومات دبیرستانی و دانشگاهی در رشته های فیزیک، شیمی، فلسفه علم، متدولوژی، ریاضیات و جامعه شناسی تدریس می شد. شرکت کنندگان این کلاس ها نیز آقای مصباح، شهید دکتر مفتاح، آقای ناصر مکارم شیرازی، آقای شیخ جعفر سبحانی، آقای یزدی، آقای دکتر احمدی و مرحوم حیدری نهایندی بودند. شهید بهشتی مسئولیت برنامه ریزی و برگزاری کلاس ها و دعوت از اساتید را به عهده داشتند.

استاد از ثمرات ارزشمند آن کلاس ها، این گونه یاد می کند:

شرکت در آن کلاس باعث شد که با اصطلاحات روز بیشتر آشنا شویم و بیشتر بتوانیم با قشر دانشگاهی تفاهم داشته باشیم و طبعاً چون پاسخ هایی که ما در مباحثات و گفتوگوها می دادیم با اصطلاحات خودشان آمیخته بود، برایشان بیشتر قابل درک بود، و همین سرمایه ای شد که ما در دوره های بعد تا حدودی بتوانیم نقش وساطت میان حوزه و دانشگاه را ایفا کنیم و بعدها دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را تشکیل دهیم.

زبان خارجی

استاد با شرکت در کلاس های مرحوم محقق رشتی در یزد، تا حدودی با زبان فرانسه و انگلیسی آشنا شد. بعدها نیز در هر فرصت مناسبی به فراگیری زبان انگلیسی ادامه می داد، و بر این اساس در کلاس های دبیرستان دین و دانش در حد مطلوبی با زبان انگلیسی آشنا شد. از آن پس نیز هر جا استاد لایقی می یافت به تکمیل آنچه آموخته بود می پرداخت. آیت الله مسعودی خمینی خاطره انگلیسی خواندن استاد را این گونه بیان می کند:

ظاهراً سال های ۴۶-۴۷ بود که به امر مبارک حضرت امام (رحمه الله) برای تبلیغ به سیرجان اعزام شدم. در خلال دوران مأموریتیم دو مرتبه آقای مصباح را برای سخنرانی دعوت کردیم و ایشان دوسه دهه در آنجا سخنرانی می کرد و همان جا نزد استادی به نام آقای «رئسی» انگلیسی هم می خواند... .

ممارست و تلاش خستگی ناپذیر استاد، به انضمام هوش و استعداد سرشارشان ایشان را در مطالعه و درک متون انگلیسی و فرانسوی توانا ساخته است. آثار گران سنگ ایشان در زمینه فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق، فلسفه سیاست، فلسفه علم، فلسفه تاریخ، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه غرب و... نشان دهنده عمق و گستره دانش ایشان است.

ابتکارات علمی

استاد مصباح در رشته‌های مختلف علوم انسانی، صاحب اندیشه‌ای مستقل و نوآوری‌ها و ابتکاراتی جالب است. در این مقام تنها به نقل برخی اظهارات در این زمینه می‌پردازیم.

پیش‌تر مطالبی از جناب استاد فیاضی درباره برخی ابتکارات فلسفی استاد مصباح نقل کردیم که در واقع اشاره‌ای بود به وسعت نظر استاد در این زمینه.

حجۀ الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی شاملی از جمله شاگردان استاد است که دکترای خود را در رشته روان‌شناسی و علوم تربیتی، با امتیاز عالی، از دانشگاه مک‌گیل کانادا اخذ کرده است. ایشان درباره ابتکارات علمی استاد در رشته روان‌شناسی می‌گوید:

ابتکارات و نوآوری‌های استاد مصباح، به خصوص در حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی، در کتاب‌ها و جزواتی که دفتر همکاری حوزه و دانشگاه گردآورده، ثبت شده است. به نظر من ایشان هنوز حرف‌های تازه فراوانی در زمینه روان‌شناسی و علوم تربیتی دارند که مجال طرح آنها را پیدا نکرده‌اند. ایشان به مناسبت‌های مختلف، در مواقعی که دغدغه‌های خود را در باب اسلامی کردن علوم انسانی و اجتماعی ابراز می‌داشتند، کدهایی ارائه می‌کردند که برای پژوهش‌های حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی جهت دهنده اند؛ برای نمونه در تبیین سازمان روانی انسان، ایشان مدل هرمی خاصی مطرح می‌کنند که من تاکنون چنین مدلی را در نوشته دیگری ندیده‌ام.

همچنین در بحثی که به مناسبت یکی از دهه‌های محرم در تبیین قیام حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) داشتند، پیش‌درآمد بحثشان، موضوع غم و شادی در فرهنگ و ادبیات اسلامی بود. در آنجا استاد درباره عوامل و موانع غم و شادی توضیحاتی دادند که می‌تواند زمینه تلاش‌های جدیدی در روان‌شناسی باشد.

رمضان همین امسال نیز در تبیین سیره تربیتی اهل بیت (علیهم السلام)، پیش‌درآمدی بر فرایند الگوگیری و مدل برداری از سیره معصومان (علیهم السلام) در حوزه تربیت فرزند ارائه کردند و در آن، ساحت‌های مختلف الگوپذیری و مدل برداری را مطرح ساختند. به اعتقاد ایشان چهار حوزه و چهار ساحت در فرایند الگوپذیری و مدل برداری از سیره معصومان (علیهم السلام) مطرح است که این ساحت‌ها باید بازشناسی و پردازش شود: حوزه باورها و اعتقادات، حوزه ارزش‌ها و باید و نبایدهای ارزشی، حوزه روش‌های رفتاری و حوزه ابزارهای ارتباطی. سه عرصه باورها، ارزش‌ها و روش‌های رفتاری نمی‌تواند از محدوده‌های احکام دینی خارج و دچار روزمرگی شود و با رویکردهای تساهلی و تسامحی ارزیابی گردد؛ اما در عرصه چهارم، لازم نیست ابزارهای ارتباطی تربیتی دقیقاً با معیارهای درون‌دینی ارزیابی شوند و در محدوده احکام دینی پیش‌بروند. این عقیده نیز از نظریات ابتکاری استاد است.

بنده در گروه علوم تربیتی پیشنهاد کرده‌ام که برای پی‌گیری اندیشه‌های نوین استاد در عرصه روان‌شناسی و علوم تربیتی، یک سلسله نشست‌های کارشناسانه برگزار شود و با طرح سؤالات و چالش‌های جدید در این حوزه از استاد مصباح درخواست داوری کنند. یکی از بهترین راه‌هایی که می‌تواند اندیشه‌های استاد را برجسته سازد راه اندازی نشست‌های کارشناسی است؛ چون معلوم است وقتی استاد در مجامع عمومی و با مخاطبان عمومی سخن می‌گویند نمی‌توانند همه آن داشته‌های فکری‌شان را عرضه کنند و از این رو بسیاری از زوایای اندیشه ایشان در روان‌شناسی و علوم تربیتی هنوز مکتوم مانده است.

حجۀ الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی شمالی با اشاره به اندیشه‌های ابتکاری استاد در باب فلسفه اخلاق می‌گوید:

بنده در واقع به پیشنهاد جناب استاد مصباح، رشته فلسفه اخلاق را انتخاب کردم و وقتی می خواستم موضوع پایان نامه دکتری ام را در دانشگاه منجستر انتخاب کنم، به نظرم رسید یکی از موضوعات بسیار مهم، بحث نسبت گرایی اخلاقی است؛ چون اگر ثبات و جهانی و جاودانی بودن ارزش های اخلاقی مورد خدشه قرار گیرد، دیگر چیزی از ارزش های اخلاقی، به ویژه ارزش های دینی، باقی نمی ماند. این بود که این موضوع را انتخاب کردم و در پایان، یک فصل را به بحث مبانی اخلاق اختصاص دادم؛ چون اگر بتوانیم مبانی اخلاق را مشخص کنیم و نشان دهیم که این مبانی عینی هستند، اشکال به طور ریشه ای حل می شود. در این قسمت، بنده از فلسفه اسلامی و مخصوصاً از نظرات آیت الله مصباح بسیار استفاده کردم. چرا که در زمینه فلسفه اخلاق، هر چند بحث های پراکنده بسیاری در کتاب های علما و فلاسفه اسلامی داریم، ولی کسانی که به طور خاص و با توجه به مسائل روز به فلسفه اخلاق پرداخته باشند کم اند، و آیت الله مصباح از معدود کسانی هستند که بحث ویژه و مستقلاً را به فلسفه اخلاق اختصاص داده اند، که بعضی از آثارشان در این زمینه منتشر شده و بعضی دیگر نیز امیدواریم انشاء الله آماده و منتشر شود. به هر حال من از مباحث ایشان بسیار بهره بردم و بعد چون می خواستم هیچ اشکالی در پایان نامه ام باقی نماند، آن را به بعضی از متفکران دادم تا بخوانند و نظرشان را بگویند. یکی از این متفکران پروفسور آرینگتون، رئیس دپارتمان فلسفه در دانشگاه جورجیای امریکا بود که از فلاسفه مطرح و از جمله کسانی است که خود در بحث نسبت گرایی چندین کتاب دارد. من از ایشان خواهش کردم که پایان نامه مرا قبل از دفاع ببیند؛ ایشان نیز پذیرفت و بعداً برای من ایمیل فرستاد و گفت: «جالب ترین قسمت پایان نامه همین فصل آخر بود که خیلی برایم جالب بود و تازگی داشت و نظریه جدید و مهمی بود؛» یعنی همین مباحثی که ما بر اساس نظرات استاد مصباح مطرح کرده بودیم، بسیار مورد استقبال ایشان قرار گرفت و گفتند بسیار خوب است که شما این بحث را تکمیل کنید و بسط دهید.

تدریس

استاد مصباح، تدریس به صورت منظم را از مدرسه حقانی (منتظریه) آغاز کرد. این کار با هدف تربیت نیروهای فکری و عقیدتی، و پرورش افراد متعهد و کارآمد برای تشکیل کادر آینده نظام و حکومت اسلامی شروع شد. ایشان ابتدا مباحث قرآنی و تفسیر و مباحث فلسفی را در آن مدرسه تدریس کرد؛ درس تفسیر در سه سطح، و هم زمان با آن، مباحث اخلاقی و تربیتی تحت عنوان «خودشناسی برای خودسازی».

استاد مصباح، در باب فلسفه نیز کتاب فلسفتنا، تألیف شهید صدر، و کتاب بدایه الحکمه، اثر علامه طباطبایی (رحمه الله) را به مدت ده سال در آن مدرسه آموزش داد.

ایشان بعد از مدتی به پیشنهاد آیت الله سیدمحسن خرازی، همکاری با مؤسسه در راه حق را پذیرفت و با تأسیس بخش آموزش در آن مؤسسه، به تدریس کتاب های فلسفتنا، اقتصادنا و نهایه الحکمه، و نیز تفسیر موضوعی قرآن کریم پرداخت.

استاد مصباح در واقع اولین استادی بود که کتاب های مزبور را به منزله متن درسی در حوزه مطرح و تدریس کرد. پیش از این، متن درسی منسجمی که ناظر به افکار و مکاتب فلسفی جدید باشد در حوزه علمیه به چشم نمی خورد. البته کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم مرحوم علامه در دسترس بود؛ اما به دلیل فارسی بودن متن آن متأسفانه در حوزه به منزله کتاب درسی، مقبول نیفتاد.

خارج از برنامه های درسی منظم مدرسه حقانی و مؤسسه در راه حق، استاد کتاب های مفصل فلسفی مانند اسفار اربعه و شفا را برای علاقه مندان تدریس می کرد. این کلاس ها در واقع، سطح تخصصی فلسفه به شمار می رفت.

«هدف اسلام و ارتباط انقلاب اسلامی با آن» بحث دیگری بود که استاد به دعوت رسمی دانشگاه نیویورک، در امریکا القا کرد.

شاگردان برجسته

ثمره تعلیم و تدریس های دلسوزانه و پی گیر استاد، پرورش شاگردان ممتاز و طلاب نمونه ای است که امیدهای آینده اسلام و نظام اسلامی به شمار می روند. انسجام فکری، قوت بیان و استدلال، و آزادی رأی، به همراه تخلق به اخلاق و آداب نیکوی

اسلامی، و حسن سلیقه و تدبیر، از مایه های ارزشمندی است که درس استاد برای زندگی حال و آینده این شاگردان به ارمغان آورده است و جملگی آنان سرمایه و بضاعت علمیاخلاقی خویش را مرهون زحمات و تلاش های مشفقانه وی می دانند. در این مقام، تنها به معرفی و ذکر نام شمار معدودی از تربیت یافتگان این استاد گران مایه، که هر کدام استادی سرآمد و متفکری صاحب نظر در علوم اسلامی به شمار می روند، می پردازیم:

حجة الاسلام والمسلمین غلامرضا فیاضی، از اساتید ممتاز حوزه علمیه قم، حجة الاسلام والمسلمین محمود رجبی، معاون پژوهشی و مدیر گروه علوم قرآنی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، حجة الاسلام والمسلمین اکبر میرسپاه، استاد موفق و ممتاز دروس معارف قرآن و اخلاق اسلامی، حجة الاسلام والمسلمین سید محمد غروی، مدیر گروه روان شناسی مؤسسه امام خمینی (رحمه الله)، حجة الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی آقاهرانی، استاد اخلاق حوزه علمیه، حجة الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، حجة الاسلام والمسلمین محسن غرویان، حجة الاسلام والمسلمین حسین ایرانی، حجة الاسلام والمسلمین حیدرعلی ایوبی، فاضل ارجمند جناب آقای عبدالرسول عبودیت، حجة الاسلام والمسلمین سید محمدرضا طباطبایی، مدیر جامعه الزهراء (علیها السلام)، حجة الاسلام والمسلمین نیری، حجة الاسلام والمسلمین صدیقی، حجة الاسلام والمسلمین مبشری، حجة الاسلام والمسلمین مؤیدی، مرحوم حجة الاسلام والمسلمین شاهرودی، نماینده دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، حجة الاسلام والمسلمین داراب کلایی، حجة الاسلام والمسلمین ابراهیمی دامغانی، حجة الاسلام والمسلمین سیدابوالحسن نواب، حجة الاسلام والمسلمین دکتر زارعان، حجة الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی شاملی، حجة الاسلام والمسلمین دکتر احمد رهنمایی، حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمد فنایی، حجة الاسلام والمسلمین نمازی، حجة الاسلام والمسلمین دکتر شمالی و بسیاری دیگر از حجج اسلام و مروجان قرآن، که جملگی، حیات علمی و فرهنگی خود را مرهون درس های پربار و ثمربخش استاد می دانند.

حجة الاسلام والمسلمین فیاضی می گوید:

درس های استاد، به خصوص دروس معارف و درس «خودشناسی برای خودسازی» به گونه ای بود که ما احساس می کردیم این مطالب را هیچ جای دیگر حوزه نمی شود پیدا کرد، والحمدلله آن درس ها برای ما بسیار سرنوشت ساز بود. معارف قرآن آن طوری که خود استاد درس می گفتند و از ایمان سرشار و اعتقادشان به معارف دینی و به حضرت ولی عصر (علیه السلام) سرچشمه می گرفتار خاصی داشت، و لازم بود چنین درس هایی در کل حوزه باشد تا طلبه ها دچار بعضی لغزش ها و تمایل به چپ و راست نشوند و در طریق مستقیم دین و اهل بیت (علیهم السلام) حرکت کنند.

حجة الاسلام والمسلمین، سید محمد غروی می گوید:

بحث های اخلاقی و قرآنی استاد و اساساً شخصیت فردی ایشان بدون کوچک ترین تعارف و مبالغه ایبه شدت تأثیرگذار بود یعنی ایشان ساختار فکری و شخصیتی دوستان را به گونه ای ساخت که همه دوستان ما، اکنون هر کدام در هر جا که هستند، در واقع با همان مایه هایی که آن زمان از درس های استاد به دست آورده اند، زندگی می کنند... یاد می رود بعضی از دوستان آن قدر شیفته درس اخلاق ایشان شده بودند که تمام هفته به امید آن بودند که پنجشنبه فرا برسد و درس اخلاق استاد را دریابند بعضی ها در کلاس حالت معنوی خاصی داشتند. خود استاد نیز طبعاً درس هایی می گفتند که بسیار تأثیرگذار بود.

حجة الاسلام والمسلمین محمود رجبی نیز چنین تعریف می کند:

بعد از تأسیس دوره آموزشی مؤسسه در راه حق، مرحله جدیدی از آشنایی بنده با حضرت استاد شروع شد، و در امتحان ورودی آنجا شرکت کردم و پذیرفته شدم. در آن دوره بیش از همه اساتید و بیش از همه بحث هایی که مطرح می شد، از مباحث ایشان فایده بردم، و اگر یک جنبه مثبتی در بنده باشد می توانم بگویم مرهون آن مباحثی است که حضرت استاد در آنجا به ما آموزش

می دادند، و این چیزی است که مورد اتفاق نظر همه برادرانی است که در آن دوره شرکت می کردند و همه معترف هستند که آن بحث های معارف قرآن و بحث خودشناسی و بحث های فلسفی ایشان، در واقع به مسیر زندگی و شخصیتشان شکل داده و برای آنان سرنوشت ساز بوده است. به تعبیر بعضی از دوستان، حضرت استاد مصباح حق حیات بر گردن ما دارند، و ما حیات معنوی و فکری و روحیمان را مرهون اندیشه های ناب اسلامی و متقن ایشان هستیم.

استاد رجبی در ادامه، مطالب مبسوطی در زمینه ابعاد علمی شخصیت استاد مصباح بیان می کنند که گزیده ای از بیانات ایشان را می آوریم:

درباره ابعاد علمی شخصیت جناب استاد، می توان در سه محور سخن گفت:

محور اول درباره ابتکاراتی است که ایشان در آموزش و پرورش نیروها داشتند؛

محور دوم درباره فعالیت های تحقیقی خودشان است؛

محور سوم در زمینه اندیشه ها و نظریات جدید ایشان است.

محور سوم را به کتاب های فلسفی و کلامی و تفسیری ایشان وامی گذارم که هر کس به آنها مراجعه کند، نوآوری های استاد را خواهد دید. در محور آموزش و پرورش نیروها، نکته بسیار مهم آن است که چه برنامه ریزی آموزشی و چه برنامه ریزی پژوهشی باید اولاً- بر اساس شناسایی نیروها و استعدادها باشد؛ ثانیاً در این امر باید نیازسنجی صورت گیرد. این دو امر، نکته هایی بسیار اساسی در برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی هستند. اگر ما نیروهایی که می خواهیم به کار بگیریم، و نیز استعدادها و توانایی های آنان را شناسیم برنامه ریزی ما دقیق و متناسب با مخاطبانمان نخواهد بود، و طبعاً موفقیت آمیز هم نیست. همین طور اگر نیازهای جامعه را در نظر نگیریم و در بُعد اندیشه های دینی و نیز در بُعد معضلات فکری، سیاسی و اجتماعی اطلاعی از کاستی ها نداشته باشیم و بدون توجه به آنها نیروهایی را تربیت کنیم یا موضوعات تحقیقی را تصویب و اجرا نماییم، محصول کار ما محصول بی فایده ای خواهد بود و نیروی پرورش یافته به درد نیازهای جامعه نمی خورد... به نظر من حضرت استاد در برنامه ریزی های آموزشی و پژوهشی، این دو نکته اساسی را دقیقاً در نظر گرفته بودند و با توجه به آنها و نیز تمهیداتی که برای نیل به این اهداف اندیشیده بودند، دوره های آموزشی و پژوهشی را برگزار می کردند. به همین دلیل نیز به نظر می رسد اگر نگوئیم موفق ترین، دست کم یکی از موفق ترین نهادهایی که توانسته است در راستای نیاز جامعه اسلامی به تبیین معارف الهی، نیروهایی تربیت کند، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله) است.

اولین دوره آموزش مؤسسه را که خود بنده در آن حضور داشتم، مثال می زنم. در آن مقطع که ایشان می خواستند اولین گروه آموزشی را با آن اهدافی که در نظر داشتند تشکیل دهند، شناسایی نیروها از طریق افرادی صورت گرفت که خود از مدرسان حوزه بودند، و به آنان گفته شده بود هر کسی را به عنوان طلبه ای فاضل می شناسید معرفی کنید. افرادی مثل جناب آقای دکتر احمدی و آیت الله خرازی و دیگران، افرادی را که می شناختند معرفی کردند. افراد معرفی شده کسانی بودند مانند آقای محمدی عراقی، آقای فیاضی، آقای غروی، آقای میرسپاه، آقای شب زنده دار، و آقای مؤمن. اینها کسانی بودند که چند سال درس خارج فقه و اصول شرکت کرده بودند و مورد تأیید افراد صاحب نظر بودند؛ در عین حال از این افراد امتحان کتبی گرفته شد، و به این امتحان کتبی نیز اکتفا نشد. با پذیرفته شدگان در امتحان کتبی، مصاحبه حضوری صورت گرفت؛ آن هم مصاحبه ای بسیار جدی که خود جناب استاد مصباح نیز از مصاحبه کننده ها بودند. آن وقت از این نیروهایی که با این کیفیت شناسایی شدند، خواسته شد که تقریرات درس خارج را نیز ارائه کنند. به این ترتیب نیرو را کاملاً از هر جنبه شناسایی کردند و همه استعدادها و توانمندی ها و سوابق کاری اش را شناختند و بعد او را پذیرفتند، و دوره آموزشی آغاز شد.

در زمینه نیازسنجی نیز با آن که خود استاد اطلاعات وسیعی داشتند، از طریق ارتباطاتی که با مرحوم شهید بهشتی و مرحوم شهید

قدوسی و دیگران داشتند و همچنین از طریق ارتباطی که با امثال آقای دکتر احمدیه لحاظ این که در دانشگاه حضور داشتبرقرار می کردند و احیاناً به سبب مسافرت هایی که مسئولان آن دوره به کشورهای مختلف داشتند، نیاز ضروری را تشخیص می دادند و ما را توجیه می کردند که مثلاً الان فراگیری زبان انگلیسی یا زبان عربی اصیل ضرورت دارد، یا امروز فلان مباحث ضروری است، و جالب آنکه بعدها از افراد آموزش دیده بارها می شنیدیم که می گفتند زمانی که ما آن درس ها را می خواندیم فکر نمی کردیم این قدر این دوره و این اطلاعات به دردمان بخورد زولی امروز درمی یابیم تنها چیزی که از درس های دوران طلبگی مان به درد ما می خورد و در تأمین نیاز فکری جامعه مؤثر است، همین درس های مؤسسه بوده است. این دلیل آن است که حضرت استاد نیاز جامعه را تشخیص داده بود، و به خوبی سنجیده بود که جامعه در آینده به چه چیزی نیاز دارد و متناسب با آن، دوره آموزشی را برنامه ریزی کرده بود.

نکته دیگر اینکه کار برنامه ریزی استاد بسیار روشمند و حساب شده بود. یعنی مانند برخی برنامه های آزمایشی نبود بلکه ایشان بسیار حساب شده پیش بینی و طراحی کرده بودند و به اجرا در می آوردند. در دوره ما حجم فراوانی از مباحث را بحث های فلسفی، به خصوص فلسفه تطبیقی که ناظر به مسائل و دیدگاه های جدید روز بود، تشکیل می داد مثلاً کتاب فلسفتنا را متن درسی ما تعیین کرده بودند، و همین طور اقتصادنا را، به این دلیل که به مکاتب فلسفی روز یا مسائل سرمایه داری و نظام مارکسیستی نگاهی تطبیقی داشتند برگزیده بودند، و این بحث ها به لحاظ عقلی مبنای کار محسوب می شدند. از یک سو بحث های معارف قرآن در برنامه گنجانده شده بود تا به لحاظ قرآنی، بنیان های فکری دانش پژوهان را شکل بدهد، و از سوی دیگر در کنار این برنامه آموزشی، روش ها نیز مطرح می شد، و به ما می آموختند که روش برخورد با مباحث عقلی یا روش برخورد با مباحث نقلی چگونه است. جایگاه عقل و نقل کجاست، و در ضمن این آموزش ها، استاد ما را به تحقیق می گماشتند.

در تدریس استاد ویژگی های ظریفی وجود داشت مثلاً خود استاد هر جلسه دو یا سه نفر را به قید قرعه تعیین می کردند که برای جلسه آینده چکیده درس را بگویند، و مشخص نبود که قرعه به نام چه کسی خواهد افتاد. این کار، بسیار مؤثر بود و موجب می شد افراد درس را جدی بگیرند و نیز مطالب را به دقت مطالعه کنند. استاد نیز بسیار جدی برخورد می کردند... همچنین به گونه های متنوعی از ما تحقیق می خواستند. گاهی ضمن درس، ما را موظف می کردند که تحقیق انجام دهیم و بعد نیز خودشان با دقت این تحقیق ها را ملاحظه می کردند و تذکرات لازم را در حاشیه آنها می نوشتند. برخورد تشویق آمیز هم داشتند، و سالی یک بار از همه، مقاله تحقیقی می خواستند و به بهترین مقاله جایزه می دادند. همچنین شیوه تحقیقی بسیار ثمربخش تری داشتند، و آن نوعی کارورزی تحقیق بود. این کار نسبتاً درازمدت بود و به صورت مرحله به مرحله، در بحث های فلسفی به یک شکل، و در بحث های معارف قرآن به شکلی دیگر انجام می شد. در بحث های فلسفی، و به خصوص مباحث فلسفی روز، استاد منابع متعددی معرفی می کردند و با محور قرار دادن روش رئالیسم، پس از بحث و مذاکره در جلسات، می فرمودند با توجه به منابع معرفی شده، تحقیق کنید و یک مقاله بنویسید. در بحث های معارف قرآن نیز استاد در مرحله اول، یک تفسیر موضوعی را در زمینه بحث هایی مثل خداشناسی، قرآن شناسی و انسان شناسی، برای ما می گفتند، و در مرحله بعد، آیاتی را درباره یک موضوع خاص معرفی می کردند و می فرمودند بروید آیات را مطالعه و دسته بندی کنید، و آن گاه از آنها نتیجه گیری نمایید. پس از انجام کار، استاد حاصل تحقیق را می دیدند و نکات مورد نظرشان را تذکر می دادند. مرحله سوم این بود که به ما موضوعی می دادند و می گفتند خودتان آیات ناظر به این موضوع را استخراج کنید و این موضوع را از آنها نتیجه بگیرید، و بعد که حاصل کار را خدمت ایشان ارائه می کردیم، تذکرات بسیار جالبی می دادند. برای نمونه می فرمودند این آیه به این دلیل چندان ربطی ندارد و آن آیه چندان ضرورت ندارد، یا فلان آیه صراحت بیشتری در مطلب دارد و... خلاصه ما را با چگونگی بررسی و فهم آیات کاملاً آشنا می کردند.

نکته دیگر، تأکید ایشان بر کارهای جمعی بود. استاد مکرر می فرمود که کار فردی در حوزه، بسیار است، اما می خواهیم افراد روحیه کار گروهی پیدا کنند. به همین دلیل به شکل های متنوعی جلسات گروهی ترتیب می دادند. برای مثال وقتی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه تأسیس شد، با تدبیر استاد، گروه های مختلف تشکیل شد و هر چند نفری با هم در یک گروه قرار گرفتند، که خود بنده با جناب حاج آقای عراقی و حاج آقای میرسپاه، بر اثر همین تأکید استاد، یک گروه شده بودیم و با هم کار می کردیم. ساختارمند کردن و نظم منطقی دادن به ذهن و فکر دانش پژوهان، یکی دیگر از ویژگی هایی بود که در دوره های درسی استاد صورت می گرفت. ذهن دانش پژوهان ساختاری منطقی می یافت و آنان از پراکنده گویی و بی نظمی در سخن، نجات می یافتند. این بدان سبب بود که اندیشه های خود استاد بسیار ساختارمند و دارای نظم منطقی بود، و مبانی و فروع افکار ایشان و نیز ارتباط اندیشه هایشان با هم، کاملاً مشخص بود و این خصوصیت به ما نیز منتقل می شد.

شیوه بیان بسیار زیبا نیز از دیگر ویژگی های تدریس استاد بود که جدای از غنای محتوای دروس، موجب می شد که ما شیفته درس های ایشان بشویم. استاد هر درسی را متناسب با خودش بیان می کردند، مثلاً در درس «خودشناسی برای خودسازی» در عین اینکه بحث، صبغه ای علمی داشت، به تناسب اینکه یک درس اخلاقی محسوب می شد، اقتضا می کرد که در ما یک حالت معنوی و اثر روحانی ایجاد شود. از این رو استاد به شیوه ای این درس را بیان می فرمودند که این حالت به ما منتقل شود. همین طور درس های فلسفی اقتضا می کرد که دقت و موشکافی در ما به وجود آید، و استاد نیز به نحوی بیان می کردند که دقت ها و توجه ها را برانگیزد، و این نشان قدرت بیان فوق العاده، توان علمی بالا و تشخیص خوب ایشان در چگونگی مطرح کردن مباحث است.

یکی دیگر از ویژگی های تدریس استاد که البته در سخنرانی هایشان نیز وجود دارد این است که مطالب را به گونه ای مطرح می کنند که با پاسخگویی به شبهات، ابهام جدیدی در ذهن مخاطب صورت نمی بندد. بسیاری افراد وقتی شبهه ای را پاسخ می دهند، چند شبهه دیگر در ذهن شنونده ایجاد می کنند، ولی خداوند به حضرت استاد لطف کرده است که مطالب را به گونه ای بیان می کنند که مسئله به گونه ای بسیار شفاف و متقن و دل نشین حل می شود و در عین حال شبهات جدیدی ایجاد نمی کند.

اما محور دومی که ناظر به ابعاد علمی شخصیت استاد است، به ویژگی های تحقیقی خود ایشان بازمی گردد. استاد مصباح در این محور نیز ویژگی های سودمندی دارند که از آن جمله دقت و وسواس علمی و حوصله و شکیبایی در تحقیق است. به هیچوجه بی حوصلگی و شتاب زدگی در کارهای تحقیقاتی ایشان وجود ندارد. گاهی که ما می خواستیم در زمینه موضوعات قرآنی تحقیق کنیم، ایشان می فرمودند برای هر موضوع ریزی باید یک دور قرآن به طور کامل دیده شود، مگر اینکه دو موضوعی باشند که بسیار به هم نزدیک بوده، تفاوت بسیار جزئی ای داشته باشند. به همین دلیل در آن دوره ای که برادران بزرگوار گروه تفسیر، درباره معجم کار می کردند شاید نزدیک به پنجاهصصت بار و بلکه بیشتر، قرآن شریف را به طور کامل دوره کردند. با وجود این جناب استاد به این میزان هم اکتفا نمی کردند و می فرمودند هر بخشی که مطالب ریزش تهیه شد، با نگاهی کلی به مجموعه بحث باید قرآن را یک دور دیگر نیز ملاحظه کرد، و اینکه یک نفر به تنهایی مرور کند و نظر بدهد کافی نیست، بلکه باید سه یا پنج نفر با هم تمام مطلب را ببینند و بعد با هم بحث کنند و محصول بحثشان را ارائه نمایند، و البته ثمره چنین دقت ها و وسواس های در علم، آن اندیشه های متقن استاد خواهد بود.

نکته دیگر در این باره، استواری اندیشه های استاد است. ایشان می فرمودند ما باید از مسائل یقینی شروع کنیم و پیش برویم و هر مسأله دیگری را بر مبنای یقینات و مسلمات حل کنیم. چنین رویه ای سبب می شود مثلاً در بحث های قرآنی، متشابهاتی که در آنها احتمالات متعدد وجود دارد، بر مبنای یقینات، رفته رفته تشابهشان برطرف شود و مفاد واقعی شان روشن گردد. این رویه در تمام اندیشه های استاد به چشم می آید. برای نمونه ایشان در معارف قرآن هر مطلبی را ابتدا از بحث مبنایی شروع می کنند و پس از آن به مسائل می پردازند. این رویه کاملاً صحیحی است که موجب استواری فکر می شود.

ویژگی دیگر استاد، رعایت مرز دانش‌ها و روش‌هاست. ایشان در بحث‌های تفسیری می‌فرمودند اینکه قرآن مجید در آیه هفتم سوره آل عمران می‌فرماید: وَالرَّيْبَةَ حُجُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا، مراد از راسخون در علم کسانی هستند که مرز هر دانشی را می‌شناسند، می‌فهمند مرز ابزارهای معرفت‌انسانی تا کجاست و می‌فهمند بسیاری از مسائلی که خداوند در قرآن بیان می‌کند، فوق‌توان ابزارهای شناخت آنهاست، و در نتیجه می‌دانند که حق است، و اینکه ابزار شناخت آنها به درک این مطلب نرسیده است، دلیل آن نیست که نادرست باشد. مقتضای رسوخ در علم این است که من مرز دانشم را بشناسم. از این رو استاد می‌فرمودند ما باید روش خودمان را در فهم سخن به کار ببریم، اگر با این روش، نتیجه به دست آمد، که مطلوب حاصل شده است، اما اگر چنین نشد، نمی‌توان گفت چون این مطلب در فلسفه، مسلم است آیه نیز حتماً باید چنین بگوید. مطلب مسلم فلسفی در جای خود صحیح است اما شاید آیه شریفه در مقام تبیین مطلب دیگری باشد. بسیاری از مفسران معلومات تخصصی شان در یک رشته خاص، به تفسیرشان رنگ داده و آن را تحت تأثیر گرفته است؛ مثلاً اگر مفسری ادیب بوده، بیشتر بحث ادبی کرده و بیشتر برداشت‌هایش ادبی است، و اگر مفسر مثل ملاصدرا، فیلسوف بوده، بیشتر آیات را فلسفی تفسیر کرده و گاه از مراد واقعی آیه دور شده است. اما شیوه استاد مصباح این گونه نیست و با آنکه ایشان در بحث‌های فلسفی کاملاً مسلط و آگاه‌اند، در مقام تفسیر، تنها روش تفسیری را با دقت و موشکافی تمام به کار می‌گیرند و تفسیر را با همان روش فهم متن به پیش می‌برند.

ویژگی دیگری که در بحث‌های تحقیقی استاد وجود دارد، بی‌طرفی علمی، در عین اعتقاد به رشته‌ها و علوم دیگر است. ایشان در مقام تحقیق، آنچه مقتضای تحقیق است مطرح می‌کنند و علایقشان در کارهای تحقیقی شان نقشی ندارد. بسیار روشن است که ایشان فیلسوف‌اند و به طور طبیعی به این رشته علاقه و دلبستگی دارند، ولی این علاقه را به هیچوجه در بحث‌های تفسیری دخالت نمی‌دهند. همچنین اگر ایشان دیدگاهی را نمی‌پذیرند یا مورد نقد قرار می‌دهند، این رد یا نقدشان با کمال بی‌طرفی علمی است و چنین است که می‌گویند این اندیشه درست هست یا درست نیست؛ حال گوینده و نویسنده هر کسی می‌خواهد باشد، به گونه‌ای که بنده خود شاهد بوده‌ام که ایشان حاضر نیستند کمالات سرسخت‌ترین دشمنانشان را انکار کنند.

جرئت و جسارت علمی، در عین رعایت احترام و ادب، از دیگر ویژگی‌های استاد گران‌قدر است. ایشان به دلیل همین جرئت علمی، نوآوری‌های فکری فراوانی دارند. چه بسا نظریه‌هایی که سالیان درازی از سوی دیگران پذیرفته شده است، و استاد به نادرستی شان پی می‌برند، و آنها را رد می‌کنند و در عوض، رأی صحیح و جدیدی ارائه می‌دهند و از آن دفاع می‌کنند.

نکته دیگر در روش تحقیقاتی استاد، نظام منطقی داشتن و ساختارگرایی در اندیشه‌هاشان است. مجموعه مباحثی که ایشان ارائه می‌دهند، همواره در چارچوبه منطقی خاصی قرار می‌گیرد. در بحث‌های معارف قرآن، در آغاز بحث خداشناسی به صراحت فرموده‌اند که آنچه ما نیاز داریم این است که مجموعه معارف قرآن را به صورت نظام‌مند، ارائه کنیم. در بحث‌های فلسفی نیز همین‌طور. ایشان نظام فکری فلسفی خاصی دارند که بر مبنای آن به ارائه دیدگاه خود و نقد دیدگاه دیگران می‌پردازند. این چنین ساختارمندی‌ای را بنده در میان اندیشمندان دیگر، کمتر مشاهده کرده‌ام.

در محور سوم که ناظر به نوآوری‌ها و ابتکارات علمی استاد است به نظر بنده ایشان در سه زمینه نوآوری دارند:

نخست، کشف و ارائه دیدگاه‌های جدید: استاد مصباح هم در فلسفه، هم در معارف و هم در مباحث سیاسی اجتماعی دیدگاه‌هایی دارند که تاکنون مطرح نبوده، یا به این شفافیت و ظرافت و دقت ارائه نشده است. در بحث‌های قرآنی، مثلاً در بحث «سیر آیات تحدی» که بسیاری از اندیشمندان به آن پرداخته‌اند، نظریه استاد که در کتاب قرآن‌شناسی نیز طرح و بررسی شده استهم با آیات قرآن سازگاری بیشتری دارد و هم دیدگاهی نوین به شمار می‌رود و در مقایسه با دیدگاه‌های دیگر، خالی از اشکال است. دوم، نوآوری‌ها در زمینه سازمان‌دهی و تئوری‌پردازی و مدل‌سازی: پیوند بسیاری از ایده‌های اسلامی با یکدیگر روشن نیست. استاد این ایده‌ها را به یک مدل ویژه تبدیل کرده است و آنها را در یک چارچوب و نظریه کلان قرار داده و سازمان‌دهی نوینی

ارائه کرده است.

سوم، نوآوری در باب نگارش: استاد مصباح در بخش نگارش نیز اهل ابتکارند. آن زمانی که بحث متن درسی، و ویژگی های آن در حوزه مطرح نبوده است، ایشان کتاب های آموزش عقاید و آموزش فلسفه را در قالب یک متن درسی تدوین می کنند. در این کتاب ها به لحاظ نگارشی، نوآوری صورت گرفته است. نوشته های استاد در عین حال، ویژگی منانت و دقت در تعبیر در عین خوش بیانی و رسایی را نیز در خود جمع کرده است. من خود در جلسه ای شاهد بودم از یکی از کسانی که رابطه خوبی هم با حضرت استاد ندارد و مخالف اندیشه های ایشان است، سؤال شد که به نظر شما به لحاظ نگارش و شیوه بیان، چگونه مطالب را ارائه نماییم؟ او بلافاصله گفت: «همان گونه که حاج آقای مصباح مطالب را بیان می کند. سبک بیان و نگارش ایشان بهترین سبک است».

استاد به تمام معنا

حجۀ الاسلام والمسلمین میرسپاه، به جنبه های دیگری از ویژگی های تدریس و شاگردپروری استاد مصباح اشاره کرده اند. در این مقام خلاصه ای از مشروح مصاحبه ایشان ارائه می شود:

آیت الله مصباح، به معنای واقعی و کامل کلمه، استاد بودند. این مبالغه نیست. اگر موارد بسیار زیادی رکه نمی توانم به همه آنها اشاره کنم توجیه قرار بدهیم، ثابت می شود که مبالغه نمی کنم. اما برای نمونه چند شاهد می آورم.

یادم هست یک بار اشکالی مطرح کردم، و استاد جواب دادند زولی من قانع نشدم. پس از پایان درس دوباره خدمت ایشان رفتم و در اتاقی که برای استراحت و صرف چای می نشستند، اشکالم را مطرح کردم. ایشان دوباره جواب دادند زولی من باز هم قانع نشدم. مکشی کردم و عرض کردم: استاد! چرا جواب شما برای من قانع کننده نیست؟!

این سؤال می تواند بعضی از اساتید را ناراحت کند و موجب ملالت آنان شود. اما جناب استاد تأملی کردند و فرمودند: می دانید چرا جواب من برای شما قانع کننده نیست؟ علت آن است که من از این واژه ای که به کار می برم یک معنا اراده می کنم و شما از آن معنای دیگری می فهمید. از این رو جواب من دقیقاً به اشکال و به پرسش شما نمی خورد. برای حل این مشکل بیاید تصورمان را در باره این واژه با هم هماهنگ کنیم.

مقداری فکر کردم، و دریافتم که ایشان درست می فرمایند و مشکل در واقع بر سر معنای آن واژه است.

باز یادم می آید که گاهی بعضی اشکالات و سؤال ها برایم پیش می آمد و با استاد مطرح می کردم، و ایشان با سعه صدر مخصوصی پاسخ می دادند. درست برخلاف آنچه بعضی مغرضان شایع می کنند که ایشان آدم بی تحملی است و در قبال دیگران سعه صدر ندارد. ایشان نه تنها با حوصله و سعه صدر کامل به اشکالات ما پاسخ می گفتند، بلکه دقت ما را نیز بیدار می کردند، و این حاکی از همان مطلبی است که عرض کردم یعنی ایشان به معنای واقعی و کامل کلمه استاد هستند مثلاً چندین بار پیش آمد که به من فرمودند: «به قید سخن توجه کن» و وقتی ما به قیود سخن توجه می کردیم متوجه می شدیم که دیگر سؤالی نداریم و مسئله حل می شد.

همچنین به یاد دارم در مجلسی که تقریباً همه شرکت کنندگان آن از شاگردان استاد بودند، به مناسبت یک بحث اجتماعی، درباره فردی خاص مطالبی عنوان شد و هر کسی نقدی و سخنی داشت. همه صحبت ها تمام شد اما استاد مصباح ساکت بودند. در انتهای جلسه به استاد گفتند که نظر شما در این باره چیست؟ ایشان یک تذکر متدیك و روشی دادند که برای همه ما بسیار آموزنده بود. استاد به جای اینکه در آن زمینه خاص نظر بدهند، نقصی که در جلسه احساس کرده بودند، به صورتی ظریف تذکر دادند. ایشان فرمودند: «هر وقت می خواهید درباره کسی قضاوت کنید، اول خودتان را جای او بگذارید و در نظر بگیرید اگر خودتان جای او بودید چه می کردید و چه می توانستید بکنید، سپس انتقاد کنید».

تذکر استاد برای اینکه در همه حاضران در جلسه دقت نظری پدید آورد، بسیار مؤثر بود.

دیگر از نکاتی که به عنوان یکی از ابعاد کمالِ استادی ایشان باید عرض کنم، شرکت کردن منظم در کلاس ها بود. ایشان همیشه سر وقت در کلاس حاضر می شدند و از زمان کلاس، به طور کامل استفاده می کردند یعنی نه از زمان شروع کلاس کم می کردند، نه از قسمت پایان آن. همین طور در تصحیح اوراق امتحانی و دیدن تحقیق ها بسیار منظم بودند. آن زمانی که ما در گروه ارشد مدرسه حقانی مشغول تحصیل بودیم، تعدادمان تقریباً به بیست نفر می رسید که به طور هم زمان تحقیق هایمان را تحویل استاد می دادیم. حال در نظر بگیرید اگر هر کسی پنجاه صفحه هم نوشته باشد، دیدن این حجم کار، چه فرصت و حوصله ای می طلبد. عجیب بود که ایشان به موقع جواب می دادند و می فرمودند تحقیقات شما را دیدم، و هم نمره نتایج داده بودند و هم نمره تحقیق، و عجیب تر این بود که برای تک تک تحقیقات، تذکرات لازم را نوشته بودند.

ویژگی دیگری که از یک استاد کامل توقع می رود، و ما آن را در ایشان آشکارا می دیدیم، این بود که استاد در راهنمایی و تذکر اشتباهات، اخلاص عجیبی داشتند. یعنی هرگز دیده نشد که بخواهند با کسی تسویه حساب کنند یا اینکه فرد را کوچک و خرد سازند، یا مسائل و رذایل اخلاقی از این قبیل در وجودشان باشد. ما هرگز این را در جناب استاد ندیده ایم.

مطلب دیگری که شاید شنیدنش برای کسانی که خودشان می خواهند تدریس کنند مفید باشد، این است که استاد شاگردانش را درک می کرد. درک شاگرد، نکته ای است که بنده بسیار از ایشان دیده ام. زمانی گمان می کردم شاید چون من زیاد در کلاس سؤال می پرسم و اشکال می گیرم و با استاد ارتباط برقرار می کنم، ایشان فقط مرا درک می کند زولی بعد دریافتم که این طور نیست بلکه استاد همه شاگردان را در نظر دارند و به تناسب روحیاتشان با آنان ارتباط برقرار می سازند. حالا نکته ای را که در مورد خودم اتفاق افتاد به عنوان خاطره عرض می کنم: یادم هست آن زمانی که ایشان امتحان می گرفتند، در پایان ترم دو یا سه سؤال مطرح می کردند. در یکی از این امتحان ها ایشان دو سؤال داده بودند. همه شاگردان می خواستند طوری امتحان بدهند که هم خودشان را بیازمایند و هم استاد را دلگرم کرده باشند، و استاد احساس کند که زحماتش به هدر نرفته است و ما واقعاً مطلب را دریافته ایم.

من سؤال اول را هم درست فهمیده بودم و هم درست جواب دادم، اما سؤال دوم را درست نخواندم و آن را خوب نفهمیدم. ایشان سؤال ساده ای داده بودند ولی من بر اساس پیش داوری خود، خیال کردم که علی القاعده منظور استاد نمی تواند چنین مطلب ساده ای باشد و ایشان می خواهد آن سؤال مشکل را پرسد. از این رو بسیار زحمت کشیدم و آن سؤال مشکل را در حدود دو صفحه به طور کامل پاسخ دادم. وقتی از جلسه بیرون آمدم دیدم رفقاً حرف های دیگری می زنند، و متوجه شدم که در پاسخ دادن به سؤال دوم اشتباه کرده ام. مثل این بود که آب سردی روی من ریخته باشند. خیلی جا خوردم و ناراحت شدم. آخر مشکل من چند تا بود: اول اینکه فکر کردم استاد با دیدن این جواب نامناسب با خود خواهد گفت ما این قدر زحمت می کشیم و اینها چگونه درس می خوانند، و دیگر اینکه اگر بخواهم ماجرا را به استاد بگویم حتماً گمان می کند که من از ایشان نمره می خواهم... سرانجام به خودم فشار آوردم و گفتم هر چه می خواهد بشود دیگر گذشته است. اما وقتی خواستم در حجره استراحت کنم، دیدم آن قدر ناراحتم که نزدیک است دق کنم. بلند شدم و به منزل استاد رفتم. در زدم، و ایشان تشریف آوردند. گفتم: من با شما کاری دارم. ایشان هم با کمال خوشرویی مرا به درون منزل دعوت کردند و نشستیم. با ناراحتی بسیار گفتم: از همین اول به شما توضیح بدهم که آقا، من نیامده ام از شما نمره بگیرم.

فرمودند: حالا بفرمایید که قضیه چیست؟!

قضیه را برایشان گفتم، و ایشان با لبخندی شیرین تا آخر حرف مرا گوش کردند. بعد شروع کردند به سخن گفتن. ابتدا فرمودند: من حالا از شما یک گله دارم!

گفتم: بفرمایید.

فرمودند: چرا شما باید فکر کنید که من تصور می‌کنم شما برای نمره گرفتن آمده اید؟! یعنی واقعاً شما فکر می‌کنید من این قدر آدم پرتی هستم که نسبت به افرادی که با آنان کار می‌کنم هیچ شناختی ندارم؟! اصلاً احتیاجی نبود این را توضیح بدهید. من یقین دارم و می‌دانم که شما برای نمره نیامده اید....

خلاصه ایشان به گونه‌ای صحبت کردند که آرامش عجیبی مرا فراگرفت و وقتی از منزلشان بیرون می‌آمدم، کاملاً سبک شده بودم.

بعدها با خود فکر می‌کردم که ایشان عجب انسانی است، چه خوب آدم را درک می‌کند! ایشان فهمیده بود که من قدری حساسم و راه درست برخورد را نیز همین دیده بود که از طریق گله وارد شود؛ یعنی طلبکارانه با من برخورد کند؛ همان طور که من طلبکارانه برخورد کرده بودم! این گونه وارد شد تا واقعاً مطلب را از ته دل من بیرون بکشد و من اصلاً ناراحت نباشم. رفتار ایشان با دیگر دوستان نیز مبتنی بر چنین درک عمیقی بود.

یکی دیگر از کارهای جالب استاد که بعداً در آموزش فلسفه انعکاس یافت این بود که ایشان ما را به وجود اصطلاحات مختلف، توجه می‌دادند. ایشان می‌فرمودند عدم توجه به گوناگونی معنایی یک اصطلاح، می‌تواند مایه خلط بحث‌های فراوانی بشود. خوب به یاد دارم که مثلاً ایشان درباره کلمه «جبر» چه زیبا تذکر می‌دادند. استاد می‌فرمود که یک جبری می‌گوییم و یک جبری می‌شنویم! جبر روان‌شناختی، جبر کلامی، جبری که صرفاً به معنای ضرورت است (جبر علی)... کدام جبر را منظور داریم؟ یا مثلاً در زمینه کلمه «عقل» ایشان می‌فرمودند وقتی عقل در آیات و روایات یا در کلمات علمای اهل سیر و سلوک و اخلاق به کار می‌رود، از آن یک چیز اراده می‌شود، و وقتی در منطق یا فلسفه به کار می‌رود، مقصود چیز دیگری است. عقل در فلسفه چندین اصطلاح دارد.... البته اخیراً با رعایت یک سلسله متدهای تحقیقی، توجه به این مطلب، قدری رواج پیدا کرده است؛ ولی آن موقع با آن غربتی که طلاب درس می‌خواندند و با آن استضعافی که ما در تحصیل داشتیم، این تذکرات بسیار مهم و قابل توجه بود.

برگرفته از کتاب: پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مصباح یزدی

مصباح، مجتبی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مجتبی مصباح

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۱۲/۲۵

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن دوره ابتدائی و راهنمائی در دبیرستان امام صادق (ع) قم مشغول تحصیل شدم در سال ۱۳۶۴ دیپلم خود را در رشته ریاضی فیزیک اخذ نمودم و از همان سال وارد حوزه علمیه قم شدم. دو سال در مدرسه منتظریه و دو سال در مدرسه

رضویه به تحصیل علوم دینی پرداختم و از آن پس همزمان با دروس آزاد حوزوی در برنامه درسی موسسه در راه حق شرکت کردم و پس از گذراندن دوره کارشناسی الهیات و معارف اسلامی از سال ۱۳۷۳ به تحصیل در رشته فلسفه پرداختم و در سال ۱۳۷۹ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد فلسفه از موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گردیدم. از سوی دیگر با اتمام دوره سطح حوزه در دروس خارج شرکت کردم در سال ۱۳۸۱ در دوره دکترای فلسفه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) پذیرفته شدم و با اتمام دروس دوره به تدوین رساله دکتری با عنوان احتمال معرفت شناختی پرداختم. از سال ۱۳۷۶ به تدریس دروس فلسفه اسلامی، معرفت شناسی و فلسفه اخلاق اشتغال داشته‌ام و عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) هستم.

مصباحی، عبدالله

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عبدالله مصباحی

محل تولد: سلماس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال تحصیلی ۱۳۵۷-۱۳۵۶ عازم حوزه علمیه قم و مشغول به تحصیل شدم پس از اتمام دوره مقدماتی به دوره متوسط وارد شدم و در این دوره کتاب لمعه در فقه را با آقایان حسینی بیگدلی مدرس افغانی و برخی از اساتید دیگر خواندم کتاب معالم قوانین و اصول فقه مظفر در اصول فقه را پیش آقایان مدرس افغانی فیض و برخی از اساتید دیگر که اسم شان را به خاطر نمی‌آورم تلمذ نمودم کتاب حاشیه ملا عبدالله جوهر النضید و منطق منظومه در منطق را به ترتیب در خدمت آقایان مدرس افغانی و مؤمنی اعرافی و انصاری شیرازی تلمذ کردم کتاب مکاسب شیخ انصاری را با آقایان پایانی ستوده و مجد ۱۳۶۵/۷ تا ۶۸/۱۰ رسائل شیخ انصاری را با آقای اعتمادی و کفایت الاصول آخوند خراسانی را با آقایان اعتمادی و فاضل لنکرانی خواندم

مصطفی پور، محمدرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدرضا مصطفی پور

محل تولد: آمل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمدرضا مصطفی‌پور فرزند ولی الله در سال ۱۳۳۰ در روستایی از دهستان امیری لاریجان از شهرستان آمل به نام آخا متولد شدم در سن هفت سالگی به مدرسه روستا رفته و تا کلاس ششم ابتدایی را در سال ۱۳۴۳ به پایان رساندم و در آبان ماه سال ۱۳۸۳ به راهنمایی یکی از روحانیون آشنا با خانواده، به حوزه علمیه آمل در مسجد جامع رفتم و چهار سال را در آن جا به تحصیل علوم حوزوی مشغول بودم و در سال ۱۳۴۷ به حوزه علمیه آمده و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی امتحان داده و پس از قبول در مدرسه‌ای که تحت نظارت ایشان اداره می‌شد مشغول به تحصیل شدم و تا پایان لمعتین و اصول فقه را در آنجا گذراندم و.

در سال ۱۳۴۷ به مدرسه سعادت که تحت نظارت آیت الله جوادی آملی و حسن‌زاده آملی اداره می‌شد رفتم. در این دوران دروس مقدماتی را در آمل خدمت حجت الاسلام سعیدی خراسانی مشغول بودم. وقتی وارد حوزه علمیه قم شدم لمعه را در خدمت مرحومین حاج حسن آقا تهرانی و سید ابوالفضل موسوی تبریزی و اصول فقه را خدمت آیت الله انسیان که اکنون امام جمعه آستانه اشریفه هستند و خدمت آیت الله استادی و پیشاپیش معالم الاصول را خدمت حضرت آیت الله مقتدایی که اکنون عضو قوه قضائیه هستند تلمذ کردم. مکاسب را خدمت حجت الاسلام مرحوم آقای مصلحی اراکی و آیت الله جوادی آملی خواندم و رسائل را خدمت آیت الله موسوی تهرانی و مرحوم آیت الله شمس گلپایگانی استفاده کردم و کفایه الاصول را خدمت مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی به پایان رساندم. ناگفته نماند در کنار دروس رسمی فقه و اصول کتاب‌های منطقی و کلامی و فلسفی و عرفانی را نیز از محضر اساتید استفاده کردم.

منطق شمسیه و حاشیه ملا عبدالله را خدمت آقای انسیان فوق الذکر و المنطق را خدمت آقای ابراهیمی بهشهری و تجرید الاعتقاد را خدمت آقای وافی یزدی و منظومه را از محضر آیت الله آقای محمدی گیلانی و منطق آن را از خدمت آقای گرامی تلمذ کردم. اشارات و شبهات را خدمت آیت الله حسن‌زاده آملی و اسفار الاربعه را خدمت آیت الله جوادی آملی بهره بردم. عرفان نیز کتاب تمهید القواعد و فصول الحکم محی الدین را خدمت آیت الله جوادی آملی و مصباح الانس را خدمت آقای حسن‌زاده آملی تلمذ کردم. دروس خارج اصول فقه را خدمت مرحوم آیت الله العظمی هاشمی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم و فقه را نیز خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله منتظری حضور پیدا می‌کردم و از افاضات آنان بهره‌مند می‌شدم. از سال ۱۳۶۲ با ارشادات دوستان به دانشگاه راه پیدا کردم و در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی و تربیت معلم تهران به تدریس مشغول شده و اکنون نیز عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم هستم. پایان‌نامه اینجانب در آمدی بر فلسفه اخلاق بود که با راهنمایی مرحوم دکتر سید جلال الدین مجتبیوی استاد دانشگاه تهران نوشتم و در سال ۶۹ از آن دفاع کردم. در کنار این فعالیت با مراکز پژوهشی قم به فعالیت پژوهشی پرداختم و اکنون در حال نوشتن رساله سطح چهار هستم.

مطهری، احمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی.

تولد: ۱۳۱۷، ساوه.

درگذشت: ۱۳۶۹.

حجت‌الاسلام احمد مطهری پس از گذراندن دوره‌ی مقدماتی دروس حوزه در ساوه، روانه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم گردید و دوره‌ی سطح را در آنجا به پایان رسانید. سپس در درس خارج آیات عظام بروجردی، امام خمینی، خویی و شاهرودی در قم و نجف اشرف حضور به هم رسانید. ایشان سالها با مؤسسه راه حق در قم همکاری می‌کرد و در ساوه اقدام به تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی ولی عصر و کتابخانه و دیگر مؤسسات عام‌المنفعه نمود.

از آثار اوست: آداب همزیستی و معاشرت (قم، ۱۳۶۹)؛ احکام قضائی: مستندات ابواب قضا، قصاص، حدود و دیات تحریر الوسیله امام خمینی (ترجمه هاشم نوری؛ با مقدمه ناصر میبیدی، چهار جلد)؛ ترجمه فارسی مستند التحریر الوسیله حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مد ظله العالی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران (ترجمه هاشم نوری)؛ جهاد در راه خداوند و ابعاد گوناگون آن (قم، ۱۳۶۴)؛ رابطه دوستی و محبت (قم، ۱۳۶۷)؛ زمامداری امام مجتبی علیه‌السلام. (قم، ۱۳۶۳).

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۲۷۷ / ۲۴، ۱۱۲ / ۲۱، ۲۹۳ / ۱۵، ۱۹۷ / ۲)، گنجینه‌ی دانشمندان (۳۱ / ۶، ۱۹۶ - ۱۹۳ / ۲).

مطهری، مرتضی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

عالم دینی، محقق، استاد.

تولد: ۱۲۹۹، قریه فریمان (مشهد).

شهادت: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله مرتضی مطهری در سن سیزده سالگی به حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد رفت. اولین استاد وی در آنجا مهدی شهیدی رضوی مدرس فلسفه الهی بود. پس از چهار سال تحصیل در آن حوزه، به حوزه‌ی علمیه‌ی قم رفت. وی تا سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ به آموختن ادبیات، منطق، سطوح متوسط و عالی، فقه و اصول پرداخت، سطوح نهایی فرائد و مکاسب و کفایه از اساتیدی چون آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی (ره) فراگرفت. دوازده سال در درس اخلاق امام شرکت کرد، منظومه حاجی ملاهادی سبزواری و اسفار ملا صدرای شیرازی و تفسیر را در محضر امام خمینی و مهدی آشتیانی و علامه طباطبایی خواند. خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سید علی یشربی کاشانی و امام خمینی (ره) و آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر فراگرفت. مرتضی مطهری بعد از پانزده سال تحصیل در حوزه‌ی علمیه‌ی قم عازم تهران شد و پس از مدتی تدریس خصوصی به تدریس در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی و نیز مدرسه‌ی علمیه‌ی مروی و حوزه‌ی علمیه‌ی قم پرداخت. ابتدا به تدریس ادبیات و در اواخر به تدریس شرح منظومه، منطق (شرح مطالع) کلام (شرح تجرید) و گاهی به تدریس مکاسب و کفایه مشغول بود.

در پانزده خرداد ۱۳۴۲ آیت‌الله مطهری به دلیل سخنرانی ضد شاه و سازماندهی نهضت در تهران، توسط ساواک بازداشت و حدود دو ماه در زندان شهربانی به سر برد. بنیانگذاری حسینیه‌ی ارشاد و فعالیت در این مؤسسه، سخنرانی در انجمن‌های اسلامی پزشکان

و مهندسان و نیز سخنرانی در مساجد مختلف و همچنین اداره‌ی مسجدالجواد برای مدتی حدود سه سال، مهم‌ترین فعالیت‌های استاد را پس از ورود ایشان به تهران را تشکیل می‌دهد.

پس از اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران، آیت‌الله مطهری در سال ۱۳۵۷ برای دیدار با امام خمینی (ره) عازم پاریس شد. در این دیدار نخستین هسته‌ی شورای انقلاب اسلامی شکل گرفت. سرانجام دو ماه و نیم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری در حالی که ریاست شورای انقلابی اسلامی را به عهده داشت توسط گروه فرقان به شهادت رسید.

از آیت‌الله مطهری آثاری به یادگار مانده است که از آن جمله‌اند: مقدمه و شرح بر اصول و روش رئالیسم (پنج جلد)؛ خدمات متقابل اسلام و ایران؛ عدل الهی؛ نظام حقوق زن در اسلام؛ علل گرایش به مادیگری؛ مسئله حجاب؛ نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (شش جلد شامل انسان و ایمان؛ وحی و نبوت؛ انسان در قرآن؛ جامعه و تاریخ؛ انسان و سرنوشت؛ زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ سیری در نهج البلاغه؛ آشنایی با علوم اسلامی (چهار جلد شامل اصول فقه و فقه؛ کلام و عرفان؛ منطق و فلسفه؛ حکمت عملی)؛ شرح منظومه‌ی حاج ملاهادی سبزواری (این کتاب در اولین دوره‌ی کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه و حکمت انتخاب شد)؛ جاذبه و دافعه حضرت علی (ع)؛ شرح مبسوط منظومه (این کتاب در نهمین دوره کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده‌ی رشته‌ی فلسفه اسلامی انتخاب شد)؛ نقدی بر مارکسیسم؛ جهان بینی توحیدی؛ اسلام و مقتضیات زمان (دو جلد)؛ امامت و رهبری؛ جهاد؛ داستان راستان سیری در سیره نبوی؛ ختم نبوت؛ پیامبر امی؛ ولاءها و ولایت‌ها؛ جاذبه و دافعه علی (ع)؛ عرفان حافظ؛ آشنایی با قرآن (پنج جلد)؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ فلسفه اخلاق؛ ده گفتار؛ بیست گفتار؛ گفتارهای معنوی؛ پیرامون جمهوری اسلامی؛ اخلاق جنسی؛ پاسخ‌های استاد؛ امدادهای غیبی در زندگی بشر؛ حق و باطل (به ضمیمه: احیای تفکر اسلامی)؛ تکامل اجتماعی انسان؛ مسأله ربا به ضمیمه بیمه، سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مسئله شناخت؛ انسان کامل؛ نظری به نظام اقتصادی اسلام؛ فلسفه تاریخ (۱)؛ فطرت؛ خاتمیت؛ توحید؛ نبوت؛ معاد؛ حکمت‌ها و اندرزها؛ طرح‌های رسالت پیرامون خدمت و زمامداری.

آیت‌الله مطهری در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ در تهران به شهادت رسید و پیکر وی در حرم حضرت معصومه (ص) نزدیک آرامگاه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به خاک سپرده شد.

۱- حجة الاسلام و استاد عالی‌مقام جناب حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی از دانشمندان و افاضل مدرسین و گویندگان و نویسندگان معاصر تهرانست.

وی در حدود ۱۳۳۸ قمری در فریمان متولد شده و دروس ابتدائی را در آنجا خوانده انگاه به مشهد آمده و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح وسطی را در مشهد فرا گرفته و در سال ۱۳۵۶ ق مهاجر به قم نموده و سطوح نهائی فرائد و مکاسب و کفایه را از اساتید و مدرسین حوزه علمیه قم مانند مرحوم آیت‌الله محقق داماد و آیت‌الله العظمی موسوی و دیگران آموخته و منظومه و اسفار و تفسیر را از محضر آیت‌الله العظمی موسوی و مرحوم آ میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی استفاده نموده و دروس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌الله العظمی آقای آ میرزا سید علی یثربی کاشانی و آیت‌الله موسوی مذکور مدظله و مرحوم آیت‌الله خونساری و آیت‌الله صدر بهره‌مند شده و به مدارج عالی علم ارتقا یافته و پس از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی به تهران منتقل و به تدریس و تألیف کتب مفیده و تبلیغ دین و نشر معارف تا حال حاضر اشتغال دارد. دارای بیانی رسا و منطقی شیوا و قلمی زیبا می‌باشد. از آثار مطبوع و ارزنده ایشان کتب زیر می‌باشد.

۱- اصول فلسفه و روش رئالیسم (مقدمه و توضیح و پاورقی)

۲- انسان و سرنوشت ۳- خدمات متقابل اسلام و ایران ۴- خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند.

۵- داستان راستان ۶- عدل الهی ۷- علل گرایش به مادی‌گری ۸- مسئله حجاب ۹- نظام حقوق زن در اسلام ۱۰- سیری در

نهج البلاغه

و تألیفات ارزنده دیگر که هنوز به طبع نرسیده است.

(ح ۱۲۹۸ - شهادت ۱۳۵۸ ش)، عالم دینی، فقیه اصولی، فیلسوف، متکلم، واعظ، نویسنده و استاد دانشگاه. در فریمان خراسان در یک خانواده‌ی اصیل و روحانی به دنیا آمد. پدرش که مردی باایمان و باتقوا بود در تربیت وی نهایت کوشش را نمود و ویژگی‌های عقیدتی خود را به فرزندش سپرد. در دوازده سالگی به مشهد عزیمت نمود و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی و قسمتی از سطوح پرداخت. در ۱۳۱۶ ش در هجده سالگی برای تکمیل تحصیلات به قم رفت و حدود پانزده سال در آنجا ماند و سطوح نهایی را از آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی و منظومه و اسفار و تفسیر را از فیلسوف بزرگ آقا میرزا مهدی آشتیانی و علامه طباطبائی و امام خمینی و خارج فقه و اصول را از محضر آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله یثربی کاشانی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله صدر فراگرفت. در ۱۳۲۰ ش در محضر آقای حاج میرزا علی شیرازی با نهج البلاغه آشنا شد. از ۱۳۲۵ ش با کتب ماتریالیستها آشنا شد و از آنجا که به فلسفه علاقه‌مند بود مطالعه کتب مادیین را پی‌گیر و بر این عقیده راسخ شد که فلسفه مادی فلسفه کسی است که فلسفه نمی‌داند. در ۱۳۲۹ ش در حوزه‌ی درس خصوصی علامه طباطبائی که برای بررسی فلسفه مادی تشکیل شده بود، زمینه‌ی تألیف کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» فراهم شد. او در سالهای آخر اقامت در قم و نیز سالهای اول مهاجرت به تهران به تحقیق بیشتر درباره‌ی این موضوع پرداخت و تا پایان عمر مبارزه با اندیشه‌های انحرافی را ادامه داد. از ۱۳۳۱ ش به موازات تدریس و تألیف، در تهران، سخنرانی‌های تحقیقی خویش را در دانشگاه‌ها، انجمن‌های اسلامی و مجالس خصوصی آغاز نمود. در ۱۳۳۴ ش تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی را شروع کرد و بیست و دو سال تدریس و تحقیق را در آنجا ادامه داد. استاد مطهری متخصص فلسفه مشاء بود. او به کتب ابن سینا احاطه کامل داشت و متن «شفاء» و «نجات» و «اشارات» را در دوره‌ی دکترا تدریس می‌کرد. وی علاوه بر کتب شیخ، «شرح منظومه» سبزواری و «شواهد الربوبیه» ملا صدرا را نیز تدریس می‌نمود. در خرداد ۱۳۴۲ ش به همراه عده‌ای از علما و روحانیون مدتی به زندان افتاد و تا پیروزی انقلاب اسلامی از ارکان فکری نهضت به حساب می‌آمد. استاد مطهری کمتر از سه ماه پس از پیروزی انقلاب به دست گروه فرقان به شهادت رسید. از آثارش: «آشنایی با علوم اسلامی»، «آشنایی با قرآن»، «اسلام و مقتضیات زمان»، شرح و توضیح «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، «امدادهای غیبی در زندگی بشر»، «انسان و سرنوشت»، «جاذبه و دافعه علی (ع)»، «حماسه‌ی حسینی»، «خدمات متقابل اسلام و ایران»، «خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند»، «داستان راستان»، «درسه‌های اسفار»، «ربا، بانک، بیمه»، «سیری در سیره نبوی (ص)»، «سیره ائمه اطهار (ع)»، «سیری در امیرالمؤمنین»، شرح مبسوط «منظومه‌ی سبزواری»، «عدل الهی»، «علل گرایش به مادگرایی»، «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»، «نظام حقوق زن در اسلام». [۱]

علامه محقق و استاد بزرگوار حاج شیخ مرتضی ابن حجه‌الاسلام حاج شیخ حسین مطهری فریمانی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم و شاگردان برجسته آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله استاد علامه طباطبائی می‌باشند.

وی در ماه جمادی الثانی ۱۳۳۸ ق برابر با ۱۲۹۹ هجری شمسی در خراسان دیده به جهان گشود.

این مجاهد بزرگ در سال ۱۳۵۶ هجری قمری برابر با ۱۳۱۶ ه شمسی از حوزه علمیه خراسان وارد حوزه علمی قم گردید و پانزده سال در دانشگاه بزرگ قم رحل اقامت افکند و از اساتید این حوزه مانند مرحوم آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله حجت و آیت‌الله داماد و علامه طباطبائی و بالاخص امام خمینی و دیگران بهره‌های کافی برد سپس در سال ۱۳۷۱ برابر با ۱۳۳۱ شمسی قم را به عزم تهران ترک گفت و در طول اقامت خود در تهران آنی از خدمات علمی و قلمی و تبلیغی غفلت نورزید علاوه بر تدریس در دانشکده الهیات و مدرسه علمیه مروی در منزل شخصی خود برای گروهی از دل‌باختگان فلسفه و تفسیر تدریس می‌کرد جلسات پر ارج دیگری نیز مانند جلسه انجمن اسلامی مهندسان و انجمن اسلامی پزشکان را اداره می‌کرد.

موج حادثه شهادت مرحوم مطهری.

مرحوم حجة الاسلام مطهری که بیش از چهل سال با ایشان آشنائی داشتم و در بسیاری از مباحث فقهی و اصولی و استفاده از محاضر آیات عظام مرحوم بروجردی و یثربی کاشانی و آیت الله حجت و دیگر آیات چون نایب الامام آیت الله العظمی خمینی با معظم له شرکت داشته و تا حدودی از نزدیک ایشانرا می شناختم دانشمندی محقق و فیلسوفی مدقق و حکیمی فرزانه و استادی آگاه و روشن بین و نویسنده ای مبارز و گوینده ای مجاهد بود از خود آثاری گرانقدر گذاشت که قسمتی از آنرا در ضمن ترجمه اش یاد نمودم.

حادثه شهادت و فاجعه ناگهانی شهید شدنش در ساعت ده و نیم بعد از ظهر دهم اردیبهشت برابر شب پنجم جمادی الثانی ۹۹ چنان موجی در سراسر ایران بی نظیر بوده و میلیونها نفر از مسلمین جهان و حتی اقلیتهای مذهبی چون مسیحیان و کلیمیان و زردتشتیان در سوک و ماتم او نشستند و صدها هزار نفر در تشییع جنازه او از دانشگاه تهران تا صحن مطهر حضرت معصومه (ع) قم و آرامگاه او شرکت و فریاد مطهری مطهری شهید انقلاب است به آسمان رسانیدند.

مرحوم مطهری شهید رئیس شورا انقلاب و دومین قربانی بزرگ و ذبح عظیم بعد از رأی جمهوری اسلامی است.

مرحوم مطهری سالها از مدرسین حوزه علمیه قم بوده و پس از فوت مرحوم آیت الله العظمی بروجردی که به تهران منتقل نیز تا آخر عمرش در دانشکده الهیات و دانشگاه به تدریس علوم و فنون مختلفه اسلامی اشتغال داشته و شهادتش ضایعه جبران ناپذیری در جهان علم و معارف الهی ایجاد و رخنه ای به وجود آورد که به این زودی تدارک نشود.

آری مرگ این فیلسوف اسلامی شرق اثر عمیق در حوزه های علمی و سیاسی رهبران دینی و آیات عظام و اساتید والامقام و بالاخص مرحوم عالیقدر و قائد عظیم الشأن آیت الله العظمی نایب الامام آقای خمینی مدظله گذارد و تمام مراجع بزرگ تقلید و زعماء حوزه های علمی تأثرات قلبی و درون خود را در این شرایط سخت از شهادت و فقدان جانکاه مرحوم مطهری در ضمن ایراد بیانیه ای اعلام که عموم مردم از طریق رادیو و تلویزیون استماع نمودند.

در میان آن اعلامیه و بیانیه ها از همه جالب تر و عمیق تر بیانات رهبر عالیقدر انقلاب نایب الامام است که دارای ویژگی های خاصی برای عموم مردم مبارز و رزمندگان و پاسداران انقلاب و نیز معرفی مقامات علمی و اجتماعی و سیاسی و معنوی مرحوم مطهری شهید است از زبان خالی از اغراق و مبالغه امام مدظله و گرچه تمام اقشار مردم از دور و نزدیک به وسیله فرستنده های روز شنیده اند اما چون شنیده ها فراموش شدنی است لازم دیدم که متن آن را در اینجا ثبت کنم که روشننگر آیندگان باشد که نهضت و انقلاب اسلامی چه قربانیهای ارجمندی داده و چه خونهای گرانقدر برای برقراری جمهوری آن اهداء گردیده است.

متن بیانات امام در ضایعه شهادت مطهری.

بسم الله الرحمن الرحيم.

انا لله و انا اليه راجعون.

این جانب به اسلام و اولیاء عظیم الشان آن و به ملت اسلام و خصوصاً ملت مبارز ایران ضایعه اسف انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالی مقام آقای حاج شیخ مرتضی مطهری قدس سره را تسلیت و تبریک عرض می کنم.

تسلیت در شهادت شخصی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کج رویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.

تسلیت در شهادت مردی که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود.

من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوک او نشستم که از شخصیت هائی بود که حاصل عمرم محسوب می شد.

در اسلام عزیز به شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست.

و تبریک در داشتن این شخصیت‌های فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند من تربیت چنین فرزندان که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمت‌ها نور می‌افشانند به اسلام بزرگ و مربی انسانها و امت اسلامی تبریک می‌گویم.

من اگر چه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد. مطهری که در طهارت روح و قدرت ایمان و قدرت بیان کم‌نظیر بود رفت و به ملاء اعلاء پیوست لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفیش نمی‌رود ترورها نمی‌تواند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند آنان نمی‌دانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم‌تر می‌شوند ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه‌های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی‌نشیند.

اسلام عزیز با فداکاری و فدائی دادن عزیزان رشد نموده برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توأم با شهامت بوده قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأی برنامه‌های اسلام است.

(و ما لكم لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان) اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند آنها گمان نکردند که از هر موی شهیدی از ما و از قطره خونی که به زمین می‌ریزد انسان‌های مصمم و مبارزی به وجود می‌آید.

شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید و الا ترور فرد هرچه بزرگ باشد برای اعاده چپاول‌گری سودی ندارد.

ملتی که با اعتماد به خدای بزرگ و برای احیای اسلام به پا خاسته با این تلاشهای مذبحانه عقب‌گرد نمی‌کنند. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه خدا مها هستیم.

اینجانب روز پنجشنبه سیزدهم اردیبهشت ۵۸ را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت عزای عمومی اعلام میکنم و خودم در مدرسه فیضیه روز پنجشنبه، و جمعه به سوگ می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می‌نمایم.

سلام بر شهدای راه حق و آزادی.

روح‌الله الموسوی الخمینی.

شهادت مطهری.

این بزرگوار سرانجام آفتاب عمر پر برکتش که قریب ۶۰ سال در خدمت اسلام و علم بود در شب چهارشنبه دوازدهم اردیبهشت (۵۸) برابر پنجم جمادی الثانی ۱۳۹۹ غروب کرد اتفاقاً در همان ماهی که دیده به جهان گشوده بود دیده از جهان فروبت.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] پاره‌ای از خورشید (۴۳-۱۷)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری (۲۴-۱۹)، سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد مطهری (۵۱-۱۱)، گنجینه دانشمندان (۶/۱۱۸)، مصلح بیدار (۴۲-۲۳)، یادنامه (۲۶-۹).

مظاهری، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

یکی از این عالمان بزرگ و سالکان مسلک دوست، معلم اخلاق و مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ حسین مظاهری مد ظله العالی است که از محضر عالمانی بزرگوار بهره برده و از نفس گرم پیران طریقت، گرمای حیات بخش معنوی گرفته‌اند.

تولد جسمانی و روحانی:

آیه الله مظاهری در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی، وارسته و مذهبی پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارند. معظم له پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی در سال ۱۳۲۶ شمسی بمنظور تحصیل علوم دینی وارد حوزة علمیة اصفهان شده و پس از اتمام دروس مقدمات، مقداری از دروس سطح حوزوی در بخشهای فقه، اصول و فلسفه را در محضر حضرات آیات خادمی، فیاض، طیب، ادیب و مفید «رحمة الله علیهم» تلمذ می‌نمایند.

ورود به حوزة علمیة قم، محضر استادان علم و عمل:

در سال ۱۳۳۱ شمسی حوزة علمیة اصفهان را به قصد حوزة علمیة قم ترک گفته و در جوار مرقد کریمه‌ی اهل بیت حضرت فاطمه معصومه «سلام الله علیها» رحل اقامت می‌افکنند و باقیمانده‌ی دروس سطح را از محضر حضرت آیات مرعشی نجفی، حاج شیخ مرتضی حائری، و حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی «رحمة الله علیهم» استفاده کرده و سپس در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: امام خمینی، بروجردی و محقق داماد «قدس سرهم» حاضر می‌شوند. استفاده‌ی بیش از هشت سال از محضر علمی و معنوی آیت الله العظمی بروجردی، مرجع علی الاطلاق شیعه در آن عصر و نیز بهره‌برداری از محفل دانش و تقوای حضرت امام خمینی در طول نزدیک به ده سال و همچنین خوشه‌چینی از خرمن علم و عمل مرحوم آیه الله العظمی سید محمد محقق داماد و نیز استفاده‌ی سالیان متمادی از دروس فلسفه و عرفان حجة الحق، حضرت استاد علامه‌ی طباطبایی «قدس سرهم»، همه و همه موجب استحکام و اتقان پایه‌های علمی و توان عملی و اخلاقی آیه الله العظمی مظاهری شده است. ثمرات این استفاده‌های ارجمند، صدها صفحه تقریرات فقهی و اصولی دروس و افادات و افاضات این اساتید عالی مقام است که در ۱۵ عنوان گرد آوری شده است.

ثمره‌ی دانش اندوزی، آثار و تألیفات:

افزون بر اینها، تألیفات معظم له می‌باشد که بویژه در زمینه‌های اخلاقی مورد استقبال گسترده علاقمندان به علم اخلاق و خصوصاً نسل جوان واقع شده است.

فهرست کلی تألیفات منتشر شده‌ی ایشان عبارت است از:

۳ جلد در زمینه‌ی علم فقه، ۲۵ جلد در زمینه‌ی علم اخلاق، ۵ جلد در زمینه‌ی علم اقتصاد، ۳ جلد در زمینه‌ی اعتقادات، ۲ جلد در زمینه‌ی تاریخ و حدیث.

همچنین فهرست کلی آثار غیرمطبوع ایشان بدین شرح است:

۱۷ عنوان در زمینه‌ی فقه، ۳ عنوان در زمینه‌ی علم اصول، ۲۴ عنوان در زمینه‌ی علم اخلاق و عرفان، ۸ عنوان در زمینه‌ی علم کلام و اعتقادات، ۵ عنوان در زمینه‌ی تفسیر قرآن شریف، ۴ عنوان در زمینه‌ی علم اقتصاد، ۷ عنوان در زمینه‌ی تاریخ و متفرقات.

استاد در کرسی تدریس:

آیه الله العظمی مظاهری یکی از اساتید با سابقه‌ی حوزة علمیة قم می‌باشند که از سال ۱۳۵۶ شمسی حوزة درس خارج فقه و اصول داشته و دهها تن از شاگردان و تلامیذ ایشان اینک در مناصب مختلف حوزوی، دانشگاهی، فرهنگی، قضایی و سیاسی در خدمت نظام مقدس اسلامی قرار دارند.

هم اکنون نیز در حوزة علمیة اصفهان، دروس خارج فقه و اصول ایشان، بزرگترین حوزة درسی خارج و محفل تعلیم افاضل

و روحانیون محترم است و به تعبیر مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین «از لحاظ شکوه و عظمت خود درس و اجتماع طلاب، در اصفهان سابقه ندارد».

افزون بر اینها، معظم له یکی از معلمان بزرگ اخلاق در عصر حاضر بوده و اینک متجاوز از سی سال است که بر بلندای منبر اخلاق، سالکان مسلک سلوک را با دروس شیوا و دلنشین اخلاقی خود، رهنمون می‌شوند. دروس اخلاق ایشان در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، یکی از دروس باعظمت و شکوهمندی بود که در زمان حیات مبارک حضرت امام خمینی «رضوان الله علیه» مورد توجه و تقدیر ایشان واقع گردید و اینک نیز در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، مشتاقان معارف اخلاقی اسلام از دروس معظم له بهره‌ی معنوی و اخلاقی می‌گیرند.

پیش از پیروزی انقلاب، دو جبهه فرهنگی و سیاسی:

همچنین معظم له به همراهی حضرات آیت مصباح یزدی و سید محسن خرازی و حجة الاسلام و المسلمین دکتر احمد احمدی دام عزم، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با تأسیس «مؤسسه‌ی در راه حق» گام نوینی را در ایجاد ارتباط علمی و فرهنگی بین حوزه و دانشگاه برداشته و صدها تن از مشتاقان معارف اسلامی در حوزه‌های علمیه را با یک سلسله از علوم جدید و معارف مورد نیاز جامعه اسلامی آشنا کرده که ثمرات بسیار عظیم آن نهاد علمی و دینی و کارنامه‌ی درخشان آن بر آگاهان پوشیده نیست.

آیه الله العظمی مظاهری یکی از اعضاء با سابقه و عالی‌رتبه‌ی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند و در زمان نهضت اسلامی و دوران مبارزات ملت عظیم‌الشأن ایران علیه رژیم ستم‌شاهی، بسیاری از اعلامیه‌های مهم اساتید و بزرگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به امضاء ایشان نیز رسیده است.

پس از پیروزی انقلاب، استمرار تلاش در هر دو جبهه:

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نیز، معظم له با استمرار مشاغل و فعالیت‌های علمی و حوزوی، در راستای تلاش برای ارتقاء سطح فرهنگی و فرهنگ دینی جامعه اسلامی، با ارائه‌ی سلسله دروس اخلاق برای نسل جوان و بویژه بسیجیان و رزم‌آوران هشت سال دفاع مقدس، به اداء مسئولیت سنگین حوزوی و دینی پرداخته و همیشه در صف مقدم یاران و پیروان قائد راحل عظیم‌الشأن حضرت امام خمینی «سلام الله علیه» بوده‌اند.

در سال‌های اول انقلاب، معظم له به همراه استاد اندیشمند و فرزانه حضرت آیت الله مصباح یزدی «دام ظلّه» براساس تفکرات نوینی که برای ساماندهی وضعیت تشکیلاتی حوزه‌های علمیه داشتند، پیگیری‌هایی را در این خصوص از محضر امام خمینی «قدس سره الشریف» و مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی «رضوان الله علیه» انجام دادند که نتیجه‌ی آن پیگیری‌ها، تشکیل شورای مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم و ایجاد یک ساختار جدید تشکیلاتی برای این حوزه‌ی مقدسه بود.

هجرت، آغاز مرحله‌ای نوین و تحولی مبارک:

یکی از نقاط عطف تاریخ زندگی پربرکت آیه الله العظمی مظاهری، هجرت تاریخی و شکوهمند ایشان از حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی قم به حوزه‌ی مقدسه‌ی علمیه‌ی اصفهان بود که در اوایل زمستان سال ۱۳۷۴ شمسی مطابق با شعبان ۱۴۱۶ قمری واقع شد.

این هجرت مبارک علاوه بر آن که در نوع خود در طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی ایران بی‌نظیر بود، همچنین سرآغاز تحولی خجسته و مبارک در حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان گردید و نمونه‌ای بارز از این فرمایش بلند حضرت امام خمینی «اعلی الله کلمته» در «منشور روحانیت» شد که فرمودند: «صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است. همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهاء بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدت علمی و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان است که بگذاریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارتهای تلخی‌هایی را متحمل شده‌اند».

باری حوزه‌ی شکوهمند اصفهان با سابقه‌ای دیرینه و برابر با چندین قرن، همواره پشتوانه‌ای عظیم برای فقه و فقهات و حراست از کیان معرفت دینی و معارف اسلامی بشمار می‌رفته است. عالمان بزرگ، فقیهان سترگ و فیلسوفان بلندپایه و عارفان روشن ضمیری که نامشان قرین اصفهان و تاریخ باعظمت این سامان است، خبر از این واقعیت بلند می‌دهند که حوزه‌ی این دیار در زمانی نه چندان دور، جایگاه رفیع علم و دانش و معرفت دین را در قبضه‌ی اختیار و اقتدار خود داشته و وجود فرزنانگانی چون شیخ بهایی، علامه‌ی مجلسی، میرداماد، سید شفتی، جهانگیرخان قشقایی و دهها و صدها تن دیگر از نام‌آوران تاریخ اسلامی ایران، در این حوزه‌ی باعظمت که آراء علمی و مقامات برجسته‌ی معنوی و فرهنگی و سیاسی‌اشان، آنان را شهره‌ی آفاق ساخته است، همه و همه نشان از شکوه دیرین این نهاد بلند مرتبه‌ی دینی و فرهنگی تشیع دارد و به تعبیر زیبای ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» این حوزه‌ی کهن و ریشه‌دار، سلف حوزه‌ی عظیم الشان قم محسوب می‌گردد.

اما این حوزه‌ی باسابقه در دهه‌های اخیر به دلیل افول ستارگان درخشان آسمان علم و به دلایل متعدد دیگری که مجال بسط آن در این فرصت کوتاه نیست به تدریج دچار رکود گردیده بود. بر این اساس مدتها بود که علماء بزرگ و فضلاء و طلاب عزیز حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به دنبال راهکاری برای جبران و اصلاح نظام تشکیلاتی و علمی این حوزه‌ی مقدسه بودند، اما این حرکت به یک «محوریت کارآمد» و یک «مرکزیت استوار» نیازمند بود تا این که با افزایش این احساس نیاز، از بین شخصیت‌های برجسته و مردان الهی، نظرها به سوی فقیهی وارسته و مجاهدی تلاشگر و معلمی بزرگ معطوف شد. این شخصیت کسی نبود جز آیه الله العظمی مظاهری.

علماء بزرگ و فضلاء ارجمند حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان پیش از آن تاریخ، بارها از محضر آیه الله العظمی مظاهری خواسته بودند که ایشان از قم هجرت کرده و در اصفهان رحل اقامت افکنند اما آن بزرگوار به دلایل مختلف از پذیرش این درخواست امتناع می‌کردند تا آن که پس از رحلت مرحوم حضرت آیه الله آقای حاج شیخ حسن صافی اصفهانی «قدس سره»، اساطین و علماء بزرگ حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، در آبان ماه سال ۱۳۷۴، طی نامه‌ی بسیار مهمی که یکی از اسناد افتخار تاریخ شکوهمند حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان است، به حضور ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مد ظله العالی»، با اشاره به مشکلات روزافزون این حوزه‌ی مقدسه، چنین مرقوم داشتند: «... با توجه به استنباط از فحای کلام حضرت تعالی نسبت به فاضل معاصر، معلم اخلاق، فقیه متبحر و اصولی کارآمد، مجتهد عالم به زمان و مکان حضرت آیه الله مظاهری دامت برکاته که یکی از برجستگان درس مرحوم امام خمینی «رحمة الله علیه» بوده‌اند، حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان آمادگی خود را جهت استقبال شایان از ایشان اعلام می‌نماید...».

در فاصله‌ای که نامه‌ی اساتید و علماء حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به محضر مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» تقدیم شد و پاسخ معظم له، تلاشهای گسترده‌ای برای جلب رضایت آیه الله العظمی مظاهری در جهت اجابت این درخواست از سوی حوزویان و دیگر اقشار مختلف صورت پذیرفت.

بالاخره، آیه الله العظمی مظاهری با توجه به اهمیت شایان عنایت درخواست علماء بزرگ حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و نیز استقبال و علاقمندی بسیار زیاد همراه با تواضع و صفای باطن مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» در این زمینه، متقاعد شده و با نشان دادن مراتب تبعیت عملی خود از ولایت فقیه، و آماده شدن برای هجرت به حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان پس از متجاوز از چهل سال تحقیق و تتبع و دانش‌اندوزی و تدریس، یکی از زیباترین صحنه‌های تاریخی التزام عالمان دین به اعتقادات علمی خود را به منصفی ظهور و بروز درآوردند.

پس از آن رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۹ آذر ۱۳۷۴ طی پیام بسیار مهمی خطاب به آیه الله العظمی مظاهری، با یادآوری سابقه‌ی باعظمت حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان نقش علماء آن در انقلاب اسلامی که مظهر اطاعت از امام راحل عظیم الشان بوده است، چنین فرمودند: «بحمدالله و المنة خود آن جناب نیز از حسنات اصفهان و هدیه‌ای ارزشمند از آن شهر فضیلت پرور به حوزه‌ی

والامقام قم و به طلاب و جویندگان علم و معرفت و اخلاق می‌باشید، و سال‌های متمادی پس از آنکه حظ عظیمی از آن سرچشمه‌ی جوشان فقه و علم و معرفت به دست آورده‌اید، خود در مسند استادی فقه و اخلاق، جمع‌کننده‌ی از فضلاء و مستعدان را از فیوضات بهره‌مند ساخته‌اید. اینک اصفهان، حوزه‌ی علمیه و مردم آن، جنابعالی را به اصفهان فرامی‌خوانند، قاطبه‌ی علمای محترم و عزیز اصفهان که در میان آنان شخصیت‌های برجسته‌ی علمی و دینی نیز حضور دارند و همواره مایه‌ی اعتلای حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان بوده‌اند، در نامه‌ای این را از اینجانب درخواست کرده و شوق خود و مردم را منعکس ساخته‌اند. لذا اینجانب مقتضی می‌دانم که جنابعالی به اصفهان نقل مکان فرموده و پایگاه رفیعی از درس و تعلیم و تحقیق بنا نهید و تربیت طلاب و فضلاء و ارشاد و هدایت عموم مردم و پاسخ‌گویی به مراجعات دینی و شرعی آنان را وجهه‌ی همت سازید. بی‌شک مردم مؤمن و فرهنگ دوست و هوشمند استان و شهر اصفهان که به روحانیت معظم عشق می‌ورزند، مقدم جنابعالی را گرامی می‌دارند، و با قدردانی از برکات وجود شریف بهره‌ای وافر از حضور علمی و اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی آن جناب خواهند برد. ان شاء الله».

پیام عدیم النظیر ولی امر مسلمین و مقام معظم رهبری «مد ظله العالی» و تجلیل معظم له از مرتبت بلند مردم مجاهد و غیور و مؤمن اصفهان و نیز تمجید از مقام شامخ آیه الله العظمی مظاهری با آن عبارات زیبا و دلنشین، همگان را به تحسین و شگفتی واداشت. دو روز پس از صدور این پیام مهم، آیه الله العظمی مظاهری در روز یکشنبه ۷۴/۹/۱۲ مصادف با ۱۰ رجب ۱۴۱۶ میلاد پربرکت حضرت جوادالائمه علیه السلام در میان استقبال عظیم علماء، طلاب و اقشار مختلف مردم بزرگوار اصفهان وارد این شهر شده و در این سامان رحل اقامت افکندند.

تبیین حوادث مبارک و باشکوهی که پس از ورود معظم له به اصفهان رخ داد مجالی واسع می‌طلبد. آنچه شایان گفتن است آن است که امروز پس از گذشت نزدیک به سه سال از آن هجرت مبارک، آرزوی بلند علماء و اساطین حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان در شکوفایی و بالندگی دوباره‌ی این حوزه‌ی مقدسه و همچنین آرمان ارجمند رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی امر مسلمین «مد ظله العالی» به مرحله‌ی بروز و ظهور رسیده است و امید است با استمرار برکات این هجرت شکوهمند، حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، سابقه‌ی عظیم الشان تاریخی خود را به دست آورد.

حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان، برکات نعمت حضور:

حرکت عظیمی که با این هجرت تحت حمایت‌های مقام معظم رهبری آغاز شد، در ذات و ماهیت خود یک حرکت به تمام معنی فرهنگی بود گرچه برکات دیگری نیز از زوایای مختلف آن جاری شده است.

این حرکت شکوهمند از ابتدای آغاز در دو بعد مهم «حوزوی» و «فراحوزوی» جریان یافته و با عنایات الهی همچنان ادامه دارد:

در «بعد حوزوی» سه محور اساسی «ایجاد نظم و تشکیلات منجسم مدیریتی»؛ «تقویت بنیه‌ی علمی و ارتقاء سطح آموزشی» و «ایجاد خدمات و تسهیلات رفاهی»، مورد توجه و امعان نظر ویژه‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان قرار گرفته است.

در این راستا به فهرستواره‌ای از برخی از اقدامات انجام شده اشاره می‌شود:

۱- تشکیل شورای طرح و برنامه حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور سیاستگذاری برنامه‌های کلان.

۲- تأسیس مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به منظور ایجاد نظام تشکیلاتی این حوزه.

۳- تأسیس مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان که دارای واحدهای بیمه درمانی طلاب، صندوق قرض الحسنه طلاب، دفتر پشتیبانی و رفاه مسکن طلاب، دفتر فنی و عمرانی می‌باشد.

۴- تأسیس مرکز آموزش و تحقیقات رایانه‌ای حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.

۵- تصویب و ثبت رسمی اساسنامه‌های حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و مرکز خدمات حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان.

۶- تأسیس مرکز آموزش‌های تخصصی حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان و ایجاد سه رشته‌ی تخصصی در گرایش‌های فقه و اصول، تفسیر،

تبلیغ.

- ۷- پذیرش نزدیک به یک هزار نفر طلاب جدید الورد در سال‌های تحصیلی ۷۶-۷۷ و ۷۷-۷۸.
 - ۸- استقلال امور مشمولیت طلاب حوزه علمیه اصفهان براساس اخذ فرمان فرماندهی معظم کل قوا.
 - ۹- بناء درسی منظم و محققانه در بخش خارج فقه و اصول توسط شخص آیه الله العظمی مظاهری.
 - ۱۰- برگزاری دروس جنبی حوزوی در زمینه‌های رجال، تفسیر، اعتقادات، فلسفه و...
 - ۱۱- آغاز طرح بزرگ انبوه‌سازی مسکن سازمانی طلاب به استعداد نزدیک به ۴۰۰ واحد مسکونی.
- هجرت در بعد فراحوزوی:

در «بعد فراحوزوی» نیز در سه محور «رسیدگی به امور مساجد»؛ «توجه به مراکز فرهنگی، اجتماعی، نظامی» و «ارتباط نزدیک با توده مردم و اقشار مؤمنین» فعالیت‌های مهمی صورت گرفته که گوشه‌هایی از آن بدین شرح است:

- ۱- تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد استان اصفهان و تنظیم اساسنامه و ثبت رسمی این مرکز.
- ۲- ارتباط مستمر و برگزاری سلسله دروس اخلاقی توسط ریاست معظم حوزه علمیه اصفهان برای دانشگاهیان، قضات عالی‌رتبه و فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و زنان و بانوان.
- ۳- برگزاری جلسات دروس اخلاق برای اقشار مؤمنین در مسجد حکیم اصفهان که پس از حضور آیه الله العظمی مظاهری در اصفهان، اینک به یک پایگاه رفیع برای اعتلاء معارف اسلام و انقلاب شکوهمند اسلامی تبدیل شده است.

این همه از دولت لطف خداست:

بدون تردید وجود این همه برکات که بر این هجرت تاریخی مترتب شده است اثر عنایات لایزال الهی و الطاف حضرت ولی الله الاعظم «ارواحنا و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء» و توجهات ویژه‌ی ولی امر مسلمین و رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله العالی» و همچنین مجاهدت و تلاش پیگیر زعیم عاقد حوزہ علمیه اصفهان «دامت برکاته» است و اگر نبود آن عنایات و الطاف و توجهات و این مجاهدتها، بدون تردید نیل به مقاصد عالی‌ای که گوشه‌هایی از آن بصورت فهرست گونه بیان شد، به هیچ روی ممکن نبود.

از خداوند منان و رحمان استمرار و استدامه‌ی این برکات را در سایه‌ی نظام بلند پایه‌ی جمهوری اسلامی طلب می‌کنیم.

انه ولی النعم و التوفیق.

آذر ماه ۱۳۷۷

شعبان المعظم ۱۴۱۹

بسم الله الرحمن الرحيم

مصاحبه‌ی مجله‌ی حوزه با

مرجع عالیقدر

حضرت آیه الله العظمی مظاهری

«مد ظله العالی»

منتشر شده در:

مجله‌ی حوزه (ویژه‌ی حوزه‌های علوم دینی).

شماره‌ی ۶۸-۶۹ (خرداد، تیر، مرداد و شهریور ۷۴)

ما، مسافریم و روزهای عمر، به منزله‌ی منزلهای سفر.

در این منزلها، برای عاقبت‌اندیشان، بهره‌هاست. بهره برای فردا. فردایی که آنچه کشته شده باشد، درویده خواهد شد. حال، برای فردا، چه کشت شود، تا به کار آید و خریدار داشته باشد، چگونه از آفات دورشان داشت، تا بمانند برای روز درو، مسأله‌ای است مهم که باید از راهیان راه معرفت و سالکان مسلک سعادت، جو یا شد.

به فرمان آنان، گردن نهاد و دوره سخت اصلاح نفس و پیرایش و پرورش باطن خویش را آغاز کرد، تا به مرحله‌ای رسید که بتوان از منزلها بهره برد و آن بذر که افشاند می‌شود حاصلی نیکو دهد و در روز واپسین، درخور عرضه به پیشگاه حق باشد. برای این مهم، به محضر معلم اخلاق، فقیه بزرگوار، حضرت آیه الله حاج شیخ حسین مظاهری، که از محضر معلمان بزرگ اخلاق بهره برده و الگوهای نیک در این سیر روحانی داشته و خود در این راه ریاضتها کشیده، شرفیاب شدیم، تا برای گذر از این راه پرخطر راهنمایی بخواهیم و از نفس گرمش، گرما بگیریم.

امید آن که آنچه از این مجلس روحانی برگرفته‌ایم و اینک تقدیم می‌داریم، همگان، بویژه علاقه‌مندان به سیر سلوک را مفید افتد. حوزه: با تشکر از حضرت عالی که مصاحبه‌ی با مجله‌ی حوزه را پذیرفتید، لطفاً، در ابتدا، شمه‌ای از زندگی تحصیلی و علمی خود را بیان بفرمایید.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقده من لسانی یفقهوا قولی.

خدا را شکر می‌کنم که توانستم خدمت شما عزیزان باشم. امیدوارم که آنچه می‌گویم، برای خود و شما و خوانندگان، مفید باشد. البته، تمایل قلبی من این است که در این مصاحبه، از مطالب کلی صحبت کنم؛ اما از باب «فاما بنعمه ربك فحدث» و به لحاظ انتقال تجربیات دیرینه به نسل حاضر و طلاب جوان و از باب این که یادی و ذکری از اساتید و بزرگان و حقداران خود کرده باشم و نیز در جهت اجابت درخواست مجله‌ی وزین حوزه، عرض می‌کنم:

در سال ۱۳۱۲ شمسی در خانواده‌ای وارسته و مذهبی متولد شده‌ام. پس از گذراندن تحصیلات غیر حوزوی، در سال ۱۳۲۶ شمسی، برای تحصیل علوم دینی، وارد حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان شدم.

حوزه‌ی اصفهان، چنان که می‌دانید، سابقه‌ی کهن و درخشانی دارد و حیف که آن سابقه‌ی ارجمند با این لاحقہ فعلی، هماهنگ نیست. در سال ۱۳۲۶، وضع حوزه‌ی علمیه اصفهان، گرچه همانند صد سال پیش نبود، ولی با وضع فعلی هم، تفاوت جدی داشت. تقریباً، از لحاظ درس و بحث، حوزه‌ی گرمی بود.

من، در مدرسه مسجد سید اصفهان، که مقبره مرحوم حجه الاسلام علی الاطلاق، یعنی سید شفتی هم در آن جاست و مسجد، منتسب به ایشان است، حجره گرفتم و مشغول تحصیل شدم.

ادبیات را خدمت دو ادیب بزرگوار، مرحوم حاج آقا جمال خوانساری و حاج آقا احمد مقدس، فرا گرفتم.

سطح را خدمت حضرات آیات: خادمی، فیاض، و طیب و ادیب خواندم.

منظومه‌ی حاجی سبزواری را در محضر مرحوم آیت الله مفید، خواندم.

این اساتید، مردان بزرگی بودند و حق بسیاری هم بر ذمه من دارند. خداوند، همه آنان را غریق رحمت خود فرماید.

در سال ۱۳۳۱ شمسی به قم آمدم. مقداری از کتاب شریف مکاسب و کتاب ارزشمند کفایه را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی، مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری تدریس کردم و بعد، بیش از هشت سال در خدمت حضرت آیت الله العظمی بروجردی و بیش از ده سال، در خدمت حضرت امام و بیش از دوازده سال در خدمت آیت الله العظمی مرحوم داماد، خارج فقه و اصول را استفاده کردم.

اسفار ملاصدرا و شفای بوعلی را هم از محضر استاد بزرگوار، علامه طباطبایی فراگرفتم.

از آغاز تحصیل، مقید بودم، تدریس هم داشته باشم. به یاد دارم که سیوطی می‌خواندم، صمدیه را تدریس می‌کردم از این روی، در اصفهان که بودم، ادبیات تدریس می‌کردم. به حوزه‌ی علمیه‌ی قم که وارد شدم، تدریس سطح را شروع کردم اکنون هم، قریب به بیست سال است که به تدریس خارج فقه و اصول، مشغول هستم.

منظومه، نهاییه و قسمتهایی از اسفار را نیز، چندین مرتبه تدریس کرده‌ام.

و توصیه‌ام هم به طلاب این است که تا می‌توانند تدریس را فراموش نکنند. تدریس، افزون بر این که ادای زکات علم است، باعث تقویت پایه‌های علمی نیز هست.

حوزه: اگر خاطره‌ای از اساتید خود دارید، بفرمایید، بویژه از مرحوم آیه الله مفید که قدری ناشناخته‌اند.

-: دوران تحصیل، آن هم در محضر این بزرگان، همه‌اش خاطره است. ولی گفتید از مرحوم آیه الله مفید بگویم، چند جمله‌ای راجع به ایشان، عرض می‌کنم:

مرحوم آیت الله مفید، از فقها و فلاسفه‌ی اصفهان بود. انسان فوق‌العاده وارسته‌ای بود، شاگرد دوست و شاگرد پرور بود. افزون بر فلسفه، خارج فقه و اصول نیز، تدریس می‌کرد.

ایشان، در بیدآباد اصفهان منزل داشتند، ما نیز همسایه‌ی ایشان بودیم. از آن جا، تا مدرسه‌ی صدر اصفهان، مسافت زیادی، راه بود، هر روز در خدمت ایشان، پیاده می‌آمدیم تا مدرسه، این، توفیقی بود برای من که بیشتر از محضر آن بزرگوار، بهره ببرم. بارها از بی‌اعتباری دنیا برایم سخن می‌گفت. نسبت به اهتمام به درس، بسیار سفارش می‌فرمود.

می‌فرمود:

«طلبه، اگر نامش در دفتر امام زمان، ثبت شود، هم دنیا دارد و هم آخرت.

طلبه، نباید از مشکلات هراسی به دل راه بدهد. با مشکلات باید دست و پنجه نرم کند، تا به جایی برسد».

گاه، این روایت مشهور را برایم می‌خواند:

أوحى الله تعالى الى داود (ع) يا داود انى وضعت خمسة فى خمسة، و الناس يطلبونها فى خمسة غيرها فلا يجدونها: وضعت العلم فى الجوع و الجهد و هم يطلبونه فى الشبع و الراحة فلا يجدونه،...

بحار، ج ۴۵۳/۷۸

خداوند به داوود (ع) وحی کرد ای داوود من پنج چیز را در پنج چیز نهادم مردم آن را در غیر آن پنج چیز می‌جویند و نخواهند یافت: علم را در گرسنگی و تلاش نهادم آنان آن را در سیری و راحتی می‌جویند نخواهند یافت...

می‌فرمود:

«من، در ایام تحصیل، مشکلات فراوان دیده‌ام. بسیاری از اوقات، لباس، به قدر نیاز نداشتم. بارها، با دست خالی به منزل رفته‌ام، ولی به لطف الهی همه را پشت سر گذاشتم و همسرم، با فداکاری این وضعیت را تحمل می‌کرد و مرا نگران نمی‌ساخت».

ایشان، مقید بود، از سهم مبارک امام، استفاده نبرد، از این روی، به همان اندازه‌ای که خویشان و بستگان وی، به ایشان هدیه می‌کردند اکتفا می‌کرد. دنیای ایشان، ختم به خیر شد و آخرت ایشان هم معلوم است. آن بزرگوار، در سال ۱۳۸۲ ه. ق رحلت کرد و در قبرستان شریف تخت فولاد اصفهان، در بقعه‌ی مرحوم آقا محمد بیدآبادی «قده» دفن شد.

چنین انسانهایی بی‌یقین، مصداق این آیه شریفه‌اند:

«يا ايها النفس المطمئنه ارجعى الى ربك راضية مرضية فادخلى فى عبادى و ادخلى جنتي».

ای روح آرامش یافته، خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت بازگرد و در زمره‌ی بندگان من داخل شو. و به بهشت من در آی.

حوزه: هر یک از اساتید، شیوه‌ای خاص در تدریس دارند، لطفاً بفرمایید اساتید شما چه شیوه‌هایی داشتند و مزایای هر کدام، در چه بود.

عرض کردم از جمله اساتید ما، حضرت آیت الله العظمی بروجردی بود. شیوه‌ی ایشان، شیوه‌ی مجتهد پرور بود. ایشان در تدریس فقه، به چند نکته اهمیت می‌دادند:

۱. بیان تاریخ تشریعی یک مسأله و ذکر اجمالی تطورات آن، از آغاز، تا پایان، در ادوار فقه شیعی و سنی. این مطلب، نگاه فقیه را به مسأله، باز می‌کند و می‌تواند تغییرات صورت گرفته در یک مسأله و علل آن را بفهمد.

۲. اهمیت به اقوال قدماء. ایشان، معتقد بودند که فقه ما، مسائل متفرقه‌ای دارد که فقها، به متون فقه، افزوده‌اند و مسائلی هم دارد که از معصومین اخذ شده و تعبیر خودشان: «اصول متلقاة» است. ایشان این دو دسته را در بحثها از هم، جدا می‌کرد و برای متون قدماء به لحاظ نزدیکی به زمان معصومین (که ویژگی مهمی بود)، اصالت خاصی قائل می‌شد خصوصاً به اقوال مرحوم شیخ الطائفه، اهمیت زیادی می‌داد و از آن فقیه بزرگوار، با احترام خاصی یاد می‌فرمود.

۳. در جمع بین روایات، بسیار محققانه عمل می‌کرد و بحق، فقیه ممتاز، زبردست و عالی قدری بود.

۴. اگر چه، همیشه در درس می‌فرمود: «احتیاط، در ترک احتیاط است»، اما در مقام فتوا، جرأت بی‌جهت و بی‌دلیل نداشت و به لحاظ مقام عملی و تقدس خاصی که داشت جانب احتیاط را از دست نمی‌داد.

اما شیوه‌ی درس امام خمینی: امتیاز درسی ایشان در چند چیز بود که به عرض می‌رسانم:

۱. فهم عرفی. این امتیاز را از استاد بزرگوارش، مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری گرفته بود. اهمیت این امتیاز در استنباط و اجتهاد برای اهل فن روشن است، مخصوصاً در مورد کسی مثل حضرت امام که یک فیلسوف و حکیم متأله بودند.

۲. بیان شیوا و سلیس، روان و گویا، که در میان همه‌ی مدرسین آن زمان، بی‌نظیر و ممتاز بود.

۳. شاگرد پروری: آن بزرگوار، به شاگرد، میدان بحث و ارائه‌ی نظر می‌داد. شاگرد را تشویق می‌کرد.

این خصوصیت، خصوصیت کوچکی نیست. بزرگان ما، اگر در درسهایشان میدانی برای ارائه نظرات خود نمی‌داشتند، چگونه رشد می‌کردند؟

۴. ایشان، از سر تحقیق، تابع دلیل بود. از این روی، از بیان قولی که احتمالاً خلاف مشهور باشد، در صورتی که مستندش به نظر ایشان قوی باشد، باکی نداشت.

۵. به اقوال شیخ انصاری اهمیت بسیار می‌داد و برای نظرات آن فقیه عالی مقام، احترام خاصی قائل می‌شد.

خلاصه، چه درس فقه ایشان و چه درس اصول ایشان، درس ارزشمند و ممتعی بود. خداوند، درجات این مرد عالی مقدار را متعالی کند.

اما شیوه درس آیه الله العظمی داماد:

۱. مرحوم آقای داماد، حقیقتاً، محقق بود و برای تدریس، زحمت بسیاری می‌کشید، مکرراً از ایشان شنیدم که فرمود: «من، دیشب برای این بحث، هفت ساعت، هشت ساعت، زحمت کشیدم».

۲. موشکافیهای عالمانه‌ای در بحث‌های ایشان وجود داشت. نظریات خود را با دقتهای ظریفی از روایات، استخراج می‌کرد.

اگر چه درس ایشان، به شلوغی برخی از درسهای دیگر نبود، ولی حقا درس ارزشمند و قابل استفاده‌ای بود.

حق ایشان بر گردن من و حق دیگر اساتید، جز با لطف خداوند، ادا نمی‌شود.

حوزه: از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خود بفرمایید.

-: از الطاف الهی نسبت به بنده این بود که از همان آغاز ورود به قم، در محضر حضرت امام بودم. ایشان، ما را به شاگردی

پذیرفتند. بودن ما در خدمت حضرت امام، خواه ناخواه ما را در مسیر حرکت سیاسی-انقلابی امام قرار می‌داد. بنده و جمعی از دوستان، از همان سال ۴۱، ۴۰ در خدمت این انقلاب بوده‌ایم و تاکنون هم، به لطف الهی توانسته‌ایم به اندازه وضع خود، از این انقلاب و نظام حمایت کنیم.

این را از امام عزیزمان آموخته‌ایم: «خدمت به این نظام، واجب عینی است.»

تذکر این نکته را لازم می‌دانم: همان طوری که امام بزرگوار، فرمودند: حفظ این نعمت و امانت الهی از اصل به دست آوردن آن، بسیار مشکل‌تر است. از این روی، باید با نهایت دقت، و احتیاط، از این نظام ارزشمند حفاظت کرد هر کسی به اندازه‌ی وظیفه خود و به اندازه‌ی وسع خود، باید در خدمت انقلاب و آرمانهای اسلامی آن قرار گیرد و سپاسگزار و قدردان این نعمت بزرگ باشد.

حوزه: شکر خدا حضرت عالی در کسب دانش دین موفق بوده‌اید، لطفا عوامل موفقیت خود را بیان کنید.

-: اگر لطف خداوند متعال و توجهات صاحب حوزه‌ی علمیه نبود، هیچ کس توفیقی نمی‌داشت. اگر ما هم توفیقی کسب کرده‌ایم، به لطف خدا بوده است.

در عین حال، من سعی کرده‌ام که اموری را در درس و تحصیل رعایت کنم که آن هم اگر انجام پذیرفته، به لطف خداوند متعال و عنایت اهل بیت، علیهم‌السلام، بوده است. از جمله آن امور:

۱. انتخاب اساتید خوب که نام آن بزرگان را بردم. استاد، نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت انسان دارد، مرحوم علامه طباطبایی، از استادشان مرحوم حضرت آقای قاضی، نقل می‌فرمودند که: «اگر نصف عمر در طلب استاد بگذرد جا دارد.»

۲. انتخاب هم‌مباحثه‌ی خوب.

۳. سعی کرده‌ام که امور دنیوی، مانع تحصیل نشود. از این روی، به لطف خدا و اعتقادی که به این راه داشته‌ام، روزانه، بیش از ده دوازده ساعت، مشغول تحصیل بوده‌ام.

۴. نظم.

استاد بزرگوار ما، حضرت امام، افزون بر این که خود منظم بود، از این که شاگردی بی‌نظم به درس حاضر می‌شد، به شدت ناراحت می‌گردید و می‌فرمود:

«من نمی‌گویم به درس من بیایید، ولی اگر می‌خواهید بیایید، منظم بیایید.»

نظم، بسیار خوب است، به عمر انسان، برکت می‌دهد. یک طلبه بانظم، بازدهی‌اش، چند برابر طلبه بی‌نظم است.

۵. خوب خواندن. این که بعضی از طلبه‌ها ده سال، بیست سال درس خارج می‌روند، ولی به جایی نمی‌رسند، به خاطر این است که دروس پایه را خوب و دقیق، نخوانده‌اند، بویژه ادبیات. طلبه، باید ادیب باشد. به این معنی که وقتی عبارت عربی را می‌بیند، ناخودآگاه، آن را صحیح بخواند. همچنین سطح را باید خوب بخواند.

حوزه: آیا در مسائل اخلاقی، استاد خاصی داشته‌اید.

-: استاد خاص به معنای مصطلح، خیر موافق آن هم نیستم. زیرا،

اولاً، استاد خصوصی، خیلی کم است، مخصوصاً در حوزه‌ی فعلی ما، که حدود سی هزار طلبه دارد، اگر بخواهیم به نسبت این تعداد، استاد خصوصی اخلاق داشته باشیم، باید تعداد زیادی استاد اخلاق داشته باشیم که چنین چیزی در حوزه‌ی فعلی ما، ممکن نیست.

این که حضرت امام، بارها نسبت به مرحوم شاه‌آبادی، اظهار ارادت می‌کرد و از ایشان، باعظمت یاد می‌کرد، بدین خاطر بود که امام، پس از تلاشهای بسیار، موفق شده بود، استادی در اخلاق، آن گونه که می‌خواهد، بیابد.

ثانیاً، استاد خصوصی به این معنی که انسان خود را در اختیار او بگذارد و فقه و اصول و دیگر مباحث را در حاشیه‌ی کار قرار دهد،

این نیز، افراط است و نادرست. به عقیده‌ی من، نه تنها سودی نخواهد داشت، که ممکن است ضرر نیز داشته باشد. علم و تزکیه باید همراه هم باشند.

افرادی را سراغ دارم که با ولع بسیار مسائل اخلاقی را این گونه دنبال می‌کردند، استاد خصوصی داشتند و... ولی در نهایت، راه به جایی نبردند و منحرف شدند و با حوزه‌ی علمیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی به معارضه برخاستند.

بنابراین، با این گونه استاد خصوصی داشتن در اخلاق، موافق نیستم و خود نیز، استاد خصوصی نداشته‌ام.

البته، از محضر حضرت امام و علامه طباطبایی، استفاده‌های اخلاقی و معنوی فراوان برده‌ام و خدا را همواره، بر این جهت شاکرم که در زمانی وارد حوزه‌ی قم شدم که دو استاد برجسته مانند امام و علامه، در آن، حضور داشتند و من توانستم در فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق از خدمت آن دو بزرگوار، بهره ببرم.

حوزه: لطفاً شمه‌ای از ویژگیهای اخلاقی امام خمینی را بیان فرمایید:

- حضرت امام مجسمه‌ی اخلاق اسلامی بود و حقیقتاً باید گفت که جنبه‌ی سیاسی ایشان بعد از نهضت، جنبه‌های دیگر آن مرد بزرگ، بویژه جنبه‌ی علمی و جنبه‌ی اخلاقی ایشان را تا قدری تحت‌الشعاع قرار داد.

۱. از امتیازهای بارز ایشان، احتراز از محرمات بود. سالهای متمادی که در خدمت ایشان بودم، یک عمل مکروه از آن مرد ملاحظه نشد، حتی اگر شبهه‌ی گناه پیش می‌آمد، حالت نگرانی از ایشان نمایان می‌شد و لذا در مقابل انجام محرمات مخصوصاً از قشر طلبه عکس‌العمل شدید نشان می‌داد.

۲. ویژگی اخلاقی دیگر امام، احترام ایشان به علماء اسلام بود.

از وحید بهبهانی، آن محقق جلیل، نقل شده است:

«اگر به جایی رسیده‌ام مرهون احترامی است که برای فقهاء و علمای اسلام قائل شده‌ام».

و این خصلت در امام، همیشه جلوه‌گر بود، نه تنها به مثل شیخ طوسی و صاحب جواهر و شیخ انصاری احترام ویژه می‌نهاد و با تجلیل از آن یاد می‌کردند، بلکه درباره‌ی امثال آیه‌الله مؤسس یا آیه‌الله بروجردی نیز، بارها می‌فرمود: «در سر حد کرامت است که یک پیرمرد، به این خوبی حوزه علمیه و بلکه عالم تشیع را اداره می‌کند».

۳. از دیگر خصائص اخلاقی ایشان، تواضع بود و همان طور که مقام و ریاست در شخصیت رسول اکرم و ائمه طاهرین، علیهم‌السلام، نتوانست اثری بگذارد، در مورد این فرزند عالی‌مقدار آنان هم این گونه بود. همان تواضعی که در دوران پیش از مرجعیت داشتند، تا آخر عمر پربرکت خود حفظ فرمودند و ما می‌دیدیم که ایشان چگونه در مقابل مردم و یا جوانان بسیجی و یا خانواده‌ی معظم شهدا و فرزندان آنان و یا جانبازان، کوچکی و تواضع و خفص جناح می‌فرمودند.

۴. امتیاز اخلاقی دیگر امام، زهد آن مرد بزرگ بود. زهد، یعنی دل بستن به دنیا و همدل نشدن با مادیات. ساده زیستی امام همیشه زبانزد بود. از تشریفات و تجملات، حقیقتاً رنج می‌برد و همیشه دیگران و بالاخص طلاب را به زهد و ساده زیستی و حفظ زی طلبگی نصیحت و توصیه می‌فرمود و شما دیدید که در همان دورانی که در رأس قدرت بودند، همان زندگی بی‌آلایش روحانی را حفظ فرمودند و اجازه ذره‌ای تجاوز از آن را به اطرافیان ندادند.

۵. خصیصه‌ی مهم دیگر شخصیت دادن به افراد بود. چنان که از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است ایشان چنان با اصحاب خود رفتار می‌کردند که هر فردی گمان می‌کرد که اعز افراد نزد پیامبر اکرم (ص) است استاد بزرگوار ما در برخورد با شاگردان و بویژه در درسهای حوزوی خود، این گونه عمل می‌کردند و با این حرکت خود، استعداد شاگردان را شکوفا می‌کردند.

۶. ویژگی دیگر ایشان که برای خود من اعجاب‌انگیز و پند بزرگی بود، این مسأله است که در مجالس غیردرسی، وقتی فرعی از فروع علمی مطرح می‌شد و هر کس به فراخور خود مطلبی را ارائه می‌کرد، تنها اگر از ایشان اظهارنظری می‌خواستند، صحبت

می‌فرمود، آن هم در حد اختصار. این روش از نظر اهل علم، جدا فضیلت بزرگی به شمار می‌آید. هینتا لاریاب النعیم نعیمهم. ۷. از ویژگی‌های دیگر ایشان که به نظر من تناسب تام با خصائص اخلاقی ایشان دارد، درک ایشان از مقام امامت و ولایت بود؛ چرا که چنان درکی را جز به متخلقان اخلاق الهی نمی‌دهند. شما اگر به کتب عرفانی امام و شروحو که بر ادعیه و روایات مرقوم فرموده‌اند، مراجعه کنید، به خوبی درمی‌یابید که ایشان مقام امامت و ولایت کبری را یافته است، نظیر آدم تشنه‌ای که تشنگی را با سراسر وجود خود دریافته. هینتا له و رزقنا الله و ایاکم. و متأسفانه حق این کتاب‌های ارزشمند و دیگر کتب ایشان در حوزه رعایت نشده است، این کتابها مورد تدریس و تدرس و مراجعه‌ی اهل تحقیق باشد.

به هر صورت مجموعه‌ی این خصائل و صفات بارز دیگر موجب شد که آن بزرگوار حاکمیت بر قلوب پیدا کند. این مطلب در قرآن شریف و روایات معصومین (ع) به صراحت وجود دارد که محبت افراد متقی در قلوب ریخته می‌شود و ابهت آنان نیز در دلها رسوخ می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

«ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا».

مریم، ۹۶

و امام حسن (ع) نیز در توصیه‌های پایان عمر شریف خود، به جناده بن ابی امیه می‌فرماید:

«و اذا اردت عزا بلا عشیره و هیبه بلا سلطان، فاخرج من ذل معصیه الله الی عز طاعة الله عزوجل».

بحارالانوار، ج ۱۳۹/۴۴

امام حقا مصداق این آیه و روایت بود.

حوزه: حضرت عالی از اساتید درس اخلاق در حوزه‌ی عملیه قم هستید، لطفا بفرمایید که چه عاملی سبب شد که به تدریس اخلاق پردازید.

- مسأله تهذیب نفس، موضوع مهمی است. قرآن شریف، به این مسأله، بسیار اهمیت داده است. تا آن جا که بعثت همه‌ی انبیاء و رسول گرامی اسلام و نزول قرآن را برای تحقق همین مهم می‌داند.

«هو الذی بعث فی الامیین رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یرکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین».

جمعه؛ ۲

اوست خدایی که به میان مردمی بی‌کتاب، پیامبری از خودشان مبعوث داشت، تا آیاتش بر آنان بخواند و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگر چه پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند.

تهذیب نفس برای طلبه، از اهمیت بیشتری برخوردار است. طلبه، همان وقتی که می‌گوید:

«بدان ایدک الله تعالی فی الدارین»، باید بگوید: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکیهم...» دو بال علم و تهذیب، باید با هم باشند. اگر بال علم باشد، بدون تهذیب، افزون بر این که علم، برای شخص، حجاب اکبر می‌شود، وزر و بالش نیز، دامنگیر افراد جامعه می‌شود.

امام خمینی، رضوان الله علیه، به مسأله تهذیب نفس، بسیار اهمیت می‌داد. هم خود مرد عمل بود و هم دیگران را، بویژه طلاب علوم دینی را هشدار می‌داد. حتی در آخرین سخن به جای مانده از ایشان؛ یعنی در وصیت نامه سیاسی-الهی مرقوم فرموده است:

«از بالا-ترین و والا-ترین حوزه‌هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد. علوم معنوی اسلامی، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله، رزقنا الله و ایاکم، که جهاد اکبر می‌باشد».

امام، در عین این که به فراگیری فقه جواهری و تمسک به روش سنتی تاکید می‌ورزید، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس را هم سفارش

می فرمود.

بنده، پیش از آن که به حوزه بیایم، به مسائل اخلاقی و مجالس موعظه، علاقه‌مند بودم. یادم هست بچه بودم در ایام محرم، در مجالس روضه می‌نشستم و از منبرهای اخلاقی و مفید، بهره می‌بردم. پس از طلبگی، این ذوق نسبت به مسائل اخلاقی، در من تشدید شد.

حضرت امام، روزهای شروع درس و پایان درس، مطالب اخلاقی می‌فرمود. این روزها، برای من، شادی آفرین بود. خیلی به وجد می‌آمدم.

اما این که چه شد درس اخلاق شروع کردم؟ پس از تبعید حضرت امام به ترکیه، گروهی از آقایان طلاب، به بنده اصرار کردند که درس اخلاق شروع کنم. من نپذیرفتم، زیرا خود را شایسته آن نمی‌دانستم.

تا این که یک روز، برای خواندن نماز ظهر به مدرسه فیضیه رفته بودم، آقای آمد استخاره‌ای خواست. استخاره گرفتم، خیلی خوب آمد. فردای آن روز، که روز پنجشنبه بود، تعدادی از طلاب آمدند که اعلامیه‌ای پخش شده که شما شب جمعه، درس اخلاق می‌گویید! معلوم شد، آن استخاره روز گذشته، برای همین بوده است. گفتند: ما هر چه اصرار کردیم، شما نپذیرفتید، استخاره کردیم، خوب آمد، اعلامیه را پخش کردیم.

دیدم، در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته‌ام. ناچار شب آمدم فیضیه، در مدرس زیر کتابخانه، که محل درس اعلام کرده بودند، درس اخلاق را شروع کردم. مدتی درس ادامه یافت. جمعیت زیادی شرکت می‌کردند و استقبال، خیلی خوب بود. تا این که ساواک، ما را از مدرسه‌ی فیضیه بیرون کرد. به مدرسه‌ی حجتیه رفتیم، از آن جا هم ما را بیرون کردند. حسینیه اراک رفتیم. چون افراد شرکت کننده زیاد بودند، بسیاری از افراد، بیرون حسینیه، در کوچه می‌ایستادند و راه مردم مسدود می‌شد، تصمیم گرفتیم به جای وسیع‌تری درس را انتقال دهیم. تا این که پس از تلاش بسیار برخی از طلاب، توانستیم به مسجد اعظم برویم.

پس از انقلاب هم، این درس ادامه یافت و بحمد الله جمعیت خوبی شرکت می‌کرد.

یک وقتی، یکی از علمای بزرگ می‌فرماید:

«به امام عرض کردم، فلانی درس اخلاق می‌گوید. جمعیت زیادی شرکت می‌کند.

امام، آن قدر خوشحال شد که سه مرتبه فرمود: الحمد لله رب العالمین».

این، نشان‌دهنده‌ی اهتمام ایشان، به علم اخلاق است و لزوم برگزاری جلسات درس اخلاق.

بنابراین، درس اخلاق من، خود به خود پیش آمد و تمایل ذاتی و ذوق اخلاقی من هم، کمک کار شد، که بتوانم آن را ادامه دهم. به لطف الهی، تلاش فراوان کرده‌ام که این درسها برای خود و شنوندگان، مفید باشد. البته درس اخلاق، درس انسان‌سازی است و کاری بسیار مشکل. به تعبیر حضرت امام که می‌فرمود:

«می‌گویند: ملا شدن چه آسان، آدم شدن، چه مشکل، اما شیخ ما می‌فرمود: ملا شدن چه مشکل، آدم شدن، محال است».

واقعیت هم، همین است. کار بسیار طاقت‌فرسایی است.

حوزه: حضرت عالی وضع کنونی اخلاق و دیگر علوم را در حوزه‌ها، چگونه می‌بینید.

- در حال حاضر، حوزه را، نه تنها از نظر اخلاق، که از نظر توجه به فقه و اصول نیز آن چنان که شایسته است، در مخاطره می‌بینم.

گر چه می‌دانم، با لطف خداوند و تلاش مدرسان و طلاب، آسویی به آن نخواهد رسید.

فراموش نمی‌کنم راجع به تشکیل شورای مدیریت، با چند نفر از بزرگان، رفته بودیم خدمت حضرت امام.

بنده به ایشان عرض کردم: آقا! حوزه را از نظر علمی در مخاطره می‌بینیم.

ایشان، با خونسردی فرمود:

«غم این که حوزه در مخاطره است، نخورید. در زمان رضا شاه، وضع به قدری بد بود که طلبه‌ها، روزها می‌رفتند بیرون از حوزه و به باغهای اطراف شهر پناه می‌بردند و شب به حوزه برمی‌گشتند. در عین حال، حوزه حفظ شد و از خطر، نجات یافت». بعد راجع به تشکیلات مدیریت فرمود:

«فکر کنید که چه باید کرد. اگر چیزی به من مربوط شد، اقدام می‌کنم.»

به بنده فرمود:

«برو خدمت آقای گلپایگانی، از ایشان نظرخواهی بکن.»

شب، با آیه الله مصباح یزدی، خدمت آیه الله العظمی گلپایگانی رفتیم. در محضر ایشان هم، من از وضعیت علمی حوزه، اظهار نگرانی کردم. از قضا، ایشان هم فرمود:

«نگران نباشید، حوزه صاحب دارد.»

ایشان هم مانند امام، به سختی‌ها و رنج‌های دوران رضا شاه اشاره کرد.

این که بنده عرض می‌کنم، حوزه در مخاطره است، نه این که آسیب‌پذیر باشد. بنده، با توجه به انتظارات فراوانی که امروز هست، عرض می‌کنم: توجه به اخلاق و فقه و اصول، کم رنگ شده است و گرنه کارهای جنبی که اکنون در حوزه برای حفظ نظام و عالم تشیع می‌شود، بسیار است. امروز، در حوزه‌های علمیه، کارهای مفید فراوانی انجام می‌شود که جای تشکر آن باقی است. ولی توصیه حضرت امام، به تهذیب و اخلاق و تأکید ایشان بر فقه و اصول را نباید از یاد ببریم لذا توصیه می‌کنم به طلاب عزیز که به اخلاق، اهمیت بدهند. فقه و اصول را جدی بگیرند. فقه، فقه جواهری و اصول هم، اصول سنتی. مقصودم از اصول سنتی، اصول، به روش بزرگان و اساتید گذشته است، نه فرو رفتن در مسائل اصول و مطرح کردن نظریه‌ای و اقوال گوناگون را درباره‌ی آن نقل کردن و به نقد و بررسی گذاردن و آن گاه، نظریه‌ای را پذیرفتن و چندین روز برای آن استدلال آوردن و...

مقصودم از اهمیت دادن به اصول، این نیست، هر چند، کار علمی است. ولی بزرگان ما، مرحوم حضرات آیات: حکیم، بروجردی، حائری، داماد، امام و... یک دوره اصول را پنج - شش سال به پایان می‌رساندند، بدون این که مطلبی را کم بگذارند و به مباحث لازم و ضروری توجه کنند.

امام بزرگوار، از این جهت بسیار خوب عمل می‌کردند. بعضی از این مباحث، نظیر بحث طلب و اراده، بحث‌های مهم و ارزشمندی هستند، اما در جای خود. اینها به علم اصول ربطی ندارند.

به قول مرحوم آیه الله العظمی بروجردی:

«اصول ما، به واسطه‌ی همین زوائد، آماس شد و باید برای زوائد آن، فکر اساسی بشود.»

امام، در بحث خارج اصول خود، وقتی به بحث انسداد رسیدند، فرمودند:

«ما چون حجیت خبر واحد را اثبات کردیم، احتیاجی به این بحث نداریم.»

در تقریراتی که از اصول ایشان نوشته‌ام، در جمادی الاولی ۱۳۷۴، این مطلب را این گونه تقریر کرده‌ام:

«هذا، تمام الکلام فی حجیة الخبر الواحد و حیث اثبتناه فدلیل الانسداد باطل بداهة اذ فی مقدماته عدم الدلیل، و الخبر الواحد، دلیل واف بمعظم الفقه، بل بتمامه مع ضم الاجماع و المشهورات و حیث ان العمر قصیر و لکل شی آفات و البحث عن دلیل الانسداد تطویل بلا طائل، بل یمکن ان یقال، ان بحثه لا یخلو عن الاشکال، فالاعرض عنه أحسن، بل واجب.»

نظر همین مطلب را در حواشی بر کفایه، که اخیرا از ایشان منتشر شده، آورده‌اند.

(انوار الهدایة، ج ۳۱۷/۱).

بنابراین، به جای چندین سال معطل ماندن در اصول و طرح مباحث صرفا علمی، به قرآن و دیگر معارف اسلامی بالاختصاص علم

اخلاق پردازیم. امروز، نیاز فراوان به این گونه بحثهاست. حوزه، چشم و چراغ تشیع و جهان اسلام است. من دو سال پیش، در جواب درخواستی از مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چهل و پنج موضوع لازم به بحث را معرفی کردم و گفتم روی این موضوعات، که بعضی فقهی و بعضی اصولی و بعضی اقتصادی بود، کار تفصیلی که نیاز امروز مردم و حکومت اسلامی را برآورده کند، نشده و این، وظیفه‌ی حوزه‌هاست که به این امور لازم پردازند. حوزه: اگر ممکن است، فهرست آن موضوعات را برای استفاده خوانندگان مجله بفرمایید. - موضوعات، چنانکه گفتم، در سه بخش: فقهی، اصولی و اقتصادی بود، بدین شرح: فقهی:

۱. بررسی تحلیلی «تغییرات» و اختیارات دولت اسلامی در این رابطه.
۲. نگرش فقهی به مسأله «حفظ و سلامت محیط زیست».
۳. بررسی فقهی مسأله «کنترل جمعیت و موالید» و حدود و اختیارات دولت اسلامی.
۴. حدود اختیارات ولی فقیه.
۵. بررسی تحلیلی «قوانین مدنی» - عام و خاص - در فقه اسلامی.
۶. بررسی مسائل مستحدثه حج.
۷. بررسی مسائل مستحدثه‌ی قضا.
۸. بررسی تحلیلی آراء و انظار امام خمینی و سیر تحولات این دیدگاهها. (به عنوان اولین ولی فقیه که موفق به تشکیل حکومت اسلامی شدند).
۹. هنرهای تجسمی: مجسمه‌سازی، معماری و...
۱۰. هنرهای تصویری: فیلم، عکس و...
۱۱. بررسی فقهی مسأله «حجاب». (با عنایت به ضرورت احیای چادر که از ارزشهای اسلامی و ملی در کشور ماست).
۱۲. بررسی فقهی معضلات و تنگناهای پزشکی: پیوند اعضا خرید و فروش اعضا و خون، تلقیح مصنوعی، جلوگیری از بارداری و...
۱۳. فقه سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی.
۱۴. فقه دفاع و امور نظامی.
۱۵. بررسی تحلیلی «موسیقی و غنا». (با عنایت به آراء سهل‌انگارانه‌ایکه بعضا در این باب ارائه می‌شود).
موضوعات اقتصادی:
۱. بررسی معاملات ارزی.
۲. بررسی و تحلیل بورس اوراق بهادار.
۳. کنترل و نظارت بر قیمتها و حدود اختیارات نظام اسلامی.
۴. بررسی مالیات و خودیاری‌ها و اختیارات نظام اسلامی.
۵. تحلیل محدوده‌ی نظام مالکیت فردی و حل تعارضات آن با مالکیت دولت.
۶. بررسی معضلات و اشکالات وارده بر بانکداری اسلامی.
۷. نگرش فقهی به مسأله زمین.
۸. تجارت خارجی و جایگاه آن در فقه اسلامی.

۹. بررسی انفال و ثروت‌های عمومی ملی و شؤون و اختیارات دولت اسلامی در رابطه با آن.

۱۰. بازننگری فقهی باب مزارعه.

۱۱. بازننگری فقهی باب مضاربه.

۱۲. بازننگری فقهی باب اجاره.

۱۳. بازننگری فقهی باب رهن.

۱۴. قواعد اصولی و کلی در باب معاملات.

۱۵. بررسی روابط کارگر و کارفرما.

موضوعات اصولی:

۱. تکلیف مدرکات حقیقی و اعتباری «حقایق و اعتباریات» در علم اصول و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه استنباط فقهی.

۲. جایگاه «عرف» در علم اصول و ارزش آن در دستیابی به قوانین فقهی.

۳. تنقیح مناط و محدوددهی ارزشی آن در فقه.

۴. بررسی تحلیلی عناصر مکان و زمان در اجتهاد.

۵. کاربرد و تأثیرات فلسفه در علم اصول.

۶. کاربرد و تأثیرات منطق در علم اصول.

۷. کاربرد و تأثیرات نحو در علم اصول.

۸. بررسی تحلیلی سیره‌ی مسلمانان و محدوددهی ارزشی آن در استنباط فقهی.

۹. تفکیک اوامر ولایی و تبلیغی معصومین و تأثیرات بازشناسی این دو در شیوه‌ی استنباط فقهی.

۱۰. نگرش روش‌شناسانه «حجیت ظهور» و بررسی شیوه‌های استظهار و ارزش این شیوه‌ها در استنباط.

۱۱. سیر تاریخی علم اصول و بررسی بالندگی و رکود آن در بستر تاریخ.

۱۲. بررسی و شناخت مذاق شریعت و روح فقه و محدوددهی ارزشی آن در استنباط فقهی. (روح فقه، عبارت است از نظریه‌های

عملی و اصولی که ساختار زیربنایی قوانین فقهی را شکل می‌دهد و به تعبیر دیگر زیربناهای فقهی، که منشاء احکام فقهی می‌شود و

فقیه در موارد سکوت ادله، یا تناقض و یا ابهام و تنافی آن، به آنها استناد می‌کند.)

۱۳. جایگاه بنای عقلاء و ارزش آن، در دستیابی به قوانین فقهی.

۱۴. میزان کاربرد عملی علم اصول در فقه (این که در کتابهای فقهی، حقیقتاً، به چه میزان از علم اصول بهره‌برداری می‌شود).

۱۵. تفکیک و تعیین مباحث کم‌فایده و بی‌ثمر در علم اصول.

حوزه: در جهت اصلاح وضعیت اخلاقی حوزه، چه پیشنهادی دارید.

- پیشنهادی به مدرسان و گردانندگان حوزه دارم و توصیه‌ای به طلاب عزیز.

پیشنهادم این است که درس اخلاق را در حوزه زیاد کنند. یکی از بزرگان می‌گفت:

«در زمان مرحوم آقا سید عبدالهادی شیرازی در حوزه‌ی نجف، سی درس اخلاق بود.» در حوزه ما، حداقل، اکنون باید سی درس

اخلاق باشد. البته کسانی که می‌خواهند درس اخلاق بگویند، باید افراد مهذب باشند که بحمدالله چنین افرادی هستند در حوزه.

مدرسانی که درس فقه و اصول و ادبیات می‌گویند، می‌توانند در ضمن بحث‌ها، نکات اخلاقی را یادآور شوند و حداقل، یک روز

در هفته را به تذکرات اخلاقی اختصاص بدهند، چنانکه روش برخی از بزرگان ما بوده است.

سفارشی هم به طلبه‌ها دارم. از اینان می‌خواهم که به اخلاق و تهذیب نفس، اهمیت بدهند. کتابهای اخلاقی را زیاد بخوانند. قرآن

را، با این نگاه، زیاد بخوانند. اصول کافی، بخصوص جلد دوم آن، روایات مفیدی را مرحوم کلینی دسته‌بندی کرده است. این را بدانید که علم بدون تهذیب نفس، ضررش، بیش از نفعش است. حجابی می‌شود که خدای نکرده، انسان را به انحراف می‌کشاند.

حوزه: از حضرت عالی، اخیراً اثری منتشر شده به نام «دراسات فی الاخلاق و شؤون الحکمة العملية» لطفاً بفرمایید به چه انگیزه‌ای دست به نگارش آن زدید و چه خلای احساس می‌کردید.

- برخی از مباحث اخلاقی که پس از انقلاب اسلامی، در نهادها و ارگانها داشته‌ام، به صورت موضوعی و مجموعه‌ای چاپ شده است که به بیش از بیست جلد می‌رسد. با اینکه گفتار بوده و تبدیل گفتار به نوشتار، نواقصی را، خواه ناخواه، در پی دارد، ولی مورد استقبال واقع شده، به گونه‌ای که برخی از آنها، تیراژ بسیار بالایی دارد. از این روی احساس کردم، جامعه به این گونه آثار نیاز دارد. از سویی، آثار مکتوب در اخلاق، کم داریم و آنها هم، کمبودهایی دارند. مثلاً، «احیاء العلوم» نوشته غزالی، ام‌الکتب در اخلاق است. این اثر، با اینکه اثری است ارزشمند، ولی نواقصی دارد، هم در محتوا و هم در روش.

مرحوم فیض، زحمت کشید و این کتاب را خلاصه کرد و روایات اهل بیت را بدان افزود، با این حال «محجۀ البیضاء» نیز، خالی از اشکال نیست. زیرا هر چه باشد، تهذیب و تصحیح همان «احیاء العلوم» است.

من، تعجب می‌کنم که چرا مرحوم فیض، با آن همه توانایی علمی، اثری مستقل در اخلاق، نگاشت.

بعدها مرحوم نراقی، جامع السعادات را نگاشت. این اثر هم، متأثر از احیاء العلوم غزالی است. از این روی، وقتی به بحثهای سنگین و ظریف اخلاقی می‌رسد، از آنچه در «احیاء العلوم» تجاوز نمی‌کند. و ضمناً متأثر از اخلاق ارسطویی و یونانی هم هست.

معراج السعاده هم، تلخیص و ترجمه جامع السعادات است به اضافه‌ی برخی از اشعار فارسی.

دیدم کتاب اخلاقی متکی بر ثقلین (کتاب و عترت) که از متن دین استخراج شده باشد، کم است. به این نکته توجه اساسی کرده‌ام که علم اخلاق باید دلربا و دل‌انگیز باشد و اگر قرار شد علم اخلاق را با مصطلحات و انقسامات فلسفی مخطوط کنیم و همان شیوه‌ی یونانی و ارسطویی را در این علم دنبال کنیم، همان طوری که ابن مسکویه در «طهارة الاعراق» و خواجه نصیر در بعض کتابهایش و نراقی در «جامع السعادات» و دیگران کرده‌اند، کام هیچ خواننده‌ای شیرین نخواهد شد و اثر لازم را در دل سالکان نخواهد گذارد و به عکس اگر اخلاق از متن دین، یعنی از دل کتاب و سنت که سرشار از معارف عمیق اخلاقی هستند، استخراج شود، بی‌هیچ تردید آن طراوت و حلاوت لازم را پیدا خواهد کرد و عقیم نخواهد ماند. از خداوند متعال، خواستم توفیق دهد، تا بتوانم، اثری در اخلاق، با تکیه بر قرآن و عترت، بنویسم.

ابتدا تصمیم داشتم، گروهی تشکیل بدهم و چندین جلد اخلاق به زبان فارسی، با استفاده از دیگر علوم وابسته، بنویسم، ولی مقدر نشد. از این روی تصمیم گرفتم، به زبان عربی بنویسم، اگر مورد قبول افتاد، دیگران آن را ترجمه کنند، تعلیقه بزنند و اشکالاتش را برطرف سازند.

تاکنون، یک جلد آن چاپ شده، مجلدات دیگر نیز، در دست اقدام است. به نظر خودم، آن چه می‌خواستم، موفق شده‌ام، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

حوزه: حضرت عالی تألیفات دیگری هم دارید، درباره‌ی آنها توضیح بفرمایید.

- در فقه و اصول، هم تألیف دارم و هم تقریر. از حضرت امام، آیه الله العظمی بروجردی و آیه الله العظمی داماد تقریرات بسیاری در فقه و اصول نوشته‌ام.

حوزه: در پایان، تقاضا داریم، توصیه‌ای برای ما و خوانندگان مجله بفرمایید.

- به جای این که خود توصیه کنم، در توصیه، از دو استاد بزرگوار خود، حضرت امام و علامه طباطبایی، برای شما نقل می‌کنم:

اوایل پیروزی انقلاب، روزی خدمت امام بودیم. گروهی از شرکت نفت، برای ملاقات و بیعت با رهبری، خدمت امام آمده بودند. سخنگوی آنان، خیلی خوب، صحبت کرد. از جمله گفت:

«آقا! نیامده‌ایم بگوییم از انقلاب، چه می‌خواهیم آمده‌ایم بگوییم انقلاب، از ما چه می‌خواهد».

امام، از این سخن، بسیار خوشش آمد و برافروخته شد. آن گاه در پاسخ این عزیزان فرمود:

«انقلاب، از شما، دو چیز می‌خواهد:

یکی تهذیب نفس. چون اگر انسان، مهذب نباشد، نمی‌تواند برای انسانیت و جامعه‌اش، مفید باشد. خودگرا و خودمحور می‌شود آن گاه، هم خود بیچاره می‌شود و هم دیگران را بیچاره می‌کند. هر چه پست و مقام، بالاتر باشد، ضررش بیشتر خواهد شد. دومین چیزی که انقلاب از شما می‌خواهد، عمل به وظیفه است. هر کس، هر جا که هست آن چه را که وظیفه‌ی اوست، خوب انجام دهد.»

راستی اگر، همه‌ی ما، این دو توصیه حضرت امام را عمل می‌کردیم، خیلی پیشرفت ما بیشتر بود. متأسفانه، این چند ساله، هر ضربه‌ای که خورده‌ایم، یا به خاطر این بوده است که خودساخته نبوده‌ایم، یا این که در عمل به وظیفه، کوتاهی کرده‌ایم.

من، این توصیه امام را تکرار می‌کنم که ما در این نظام مقدس و این نعمت بزرگ الهی، دو وظیفه داریم:

۱. تهذیب نفس.

۲. عمل به وظیفه.

اما توصیه‌ای از مرحوم علامه طباطبائی: آخرین جلسه‌ای بود که با گروهی از بزرگان، خدمت ایشان رفتیم. حال ایشان، خوب نبود. به احترام جمع، نشست، ولی حرف نمی‌زد. جلسه، طول کشید. بنده به ایشان عرض کردم، توصیه‌ای بفرمایید، تا مرخص شویم. ایشان فرمود: «چیزی یادم نیست» بعد، بلافاصله فرمود:

«این آیه، یادم آمد: اذکرونی، اذکرکم و اشکروا لی و لا تکفرون».

بعد از آن جلسه، حال ایشان بد می‌شود و ایشان را به بیمارستان می‌برند. لحظات آخر عمر شریف بود که به ملاقات ایشان رفتیم. ما که از اتاق آمدیم بیرون، از قول خانم ایشان نقل کردند:

«لحظه‌ی مرگ، ایشان چشمها را باز کردند و به گوشه‌ای خیر شدند. آن گاه، سه مرتبه فرمودند: توجه! توجه! توجه و از دنیا رفتند.» این آخرین جمله ایشان، با آن آخرین، توصیه‌ی ایشان، هر دو، برای ما، یک پیام دارد که به یاد خدا باشید، همه ما، در محضر خداایم. توجه به نعمتهای خدا، توجه به این که ما در این دنیا، باید به کمال برسیم. توجه به این که قبری هست، برزخی هست، معادی هست.

مرحوم شهید، در دستورالعمل اخلاقی خود، توصیه می‌فرماید:

«انسان، در هر روز، حداقل، باید دو مرتبه به یاد مرگ باشد.»

توجه به این که ما ساخته شده‌ایم که در رفاه مطلق و لذت مطلق باشیم. هر کسی به اندازه‌ی سعه وجودی خود.

یکی لذت مطلقش، در «جنات تجری من تحت الانهار» است.

و یکی در صحبت کردن خدا با او «سلام قولاً من رب رحیم». مباد که این لذتها را از یاد ببریم و فرو رویم در لذت‌های زودگذر دنیا اگر لذت باشند و بشود اسم لذت روی آنها گذارد.

این جمله علامه، خیلی مهم است: توجه.

از خداوند می‌خواهم، این حال توجه را به همه‌ی ما عطا کند.

حوزه: از این که مزاحم وقت شریف حضرت عالی شدیم، پوزش می‌طلبیم و از حضرت عالی، به خاطر این لطف، سپاسگزاریم.
- من هم از شما تشکر می‌کنم و امیدوارم آنچه گفتم، مورد رضایت حضرت ولی عصر (عج) و مورد توجه شما واقع شود و اگر وقت شما را گرفتم، گفته‌هایم مفید باشند.
برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

مظاهری، علی اکبر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی اکبر مظاهری

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۳/۷/۱

زندگینامه علمی

پس از تلمذ جامع المقدمات نزد عمویم با تشویق ایشان و رضایت پدرم در اطاق پسر عمویم واقع در مدرسه نواب مشهد مقدس ساکن شدم و از ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۳ تحصیلات و فعالیت علمی اینجانب به شرح زیر است:

۱. از ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ تمام کتاب سیوطی و مطول و باب اول و چهارم کتاب مغنی و حاشیه ملا عبد الله را نزد ادیب نیشابوری تلمذ نمودم و در ایام تعطیلات حوزه شرح قطر را نزد یکی از فضلا تلمذ نمودم.

۲. از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ لمعتین را نزد مرحوم میرزا احمد حسینی، مدرس رسمی حوزه و معالم الاصول و بحث الفاظ قوانین میرزای قمی را نزد مرحوم میرزا محمد اشکذری، مدرس مدرسه نواب تلمذ نمودم.

۳. از ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ مکاسب و رسائل شیخ انصاری (ره) و کفایتین مرحوم آخوند خراسانی (ره) را نزد مرحوم آیت الله حاج شیخ کاظم دامغانی، در مشهد مقدس تلمذ نمودم.

۴. از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۳ خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله سید محمد هادی میلانی شامل کتاب زکات و خمس و بیع و خیارات و مکاسب محرمة کتاب مکاسب و شامل جلد دوم کفایه را تلمذ نمودم. به دستور معظم له از شاگردان جزوه درسی سالانه دریافت و نمره داده می‌شد.

۵. از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ تفسیر قرآن کریم و درس معارف آن را نزد مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) و شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری همراه با بیان معارف مکتب تفکیک را نزد مرحوم حاج شیخ عبد النبی کجوری (ره) تلمذ نمودم.

۶. از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ جلد اول اسفار اربعه و جلد اول و سوم شرح اشارات شیخ الرئیس را نزد شیخ علی تهرانی (که متاسفانه بعد از انقلاب به منافقین پیوست) تلمذ کرده‌ام.

۷. از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ خارج فقه (کتاب طهارت و صلوه و حج) و خارج اصول (جلد اول کفایه الاصول) نزد آیت الله حاج میرزا علی فلسفی، نزیل مشهد مقدس تلمذ نمودم.

۸. از ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۳ به حوزه علمیه قم انتقال یافتیم و مقیم قم شدم و خارج فقه و اصول را از محضر آیت الله حاج رجبعلی وحید

خراسانی تلمذ نمودم هر چند در این دوران مشابه سایر طلاب و اقشار مختلف در تظاهرات و تبلیغ مسائل مربوط به انقلاب به شهرها اعزام می شدم .

۹. از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۳ کتاب نفس و قسمتی از الهیات شفا را نزد آیت الله حسن زاده و جلد ششم و هشتم اسفار اربعه را نزد آیت الله جوادی آملی تلمذ نمودم .

۱۰. از ۱۳۶۲ پس از بازگشایی دانشگاهها با اصرار حجة الاسلام لاری ، دکتر احمد احمدی نماینده امام راحل و عضو شورای انقلاب فرهنگی در آن زمان و با هدف تدریس معارف اسلامی به دانشگاه کشیده شدم و از این تاریخ تا ۱۳۷۸ به ترتیب در دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه تربیت معلم تهران و دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه علوم اراک و دانشگاه علوم پزشکی این شهر و دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک به تدریس معارف برای دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد اشتغال داشته و دارم .

۱۱. در اوقات حضور در اراک با سپاه و با کارکنان استانداری و مرکز ماشین سازی اراک همکاری تدریسی و تبلیغی مستمر داشته ام .

۱۲. از ۱۳۷۸ پس از موفقیت در امتحانات کتبی و شفاهی خبرگان بی مدرک و دفاع از رساله دکتری تحت عنوان «حدوث و قدم جهان در آثار میرداماد» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم استخدام شدم و اکنون در این واحد دانشگاهی استاد یار و عضو هیئت علمی تمام وقت می باشم . در خاتمه لازم به ذکر است که همکاری تدریس اینجانب با این واحد دانشگاهی از ۱۳۷۱ شروع و تا کنون ادامه دارد .

مظفر، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۱۵ ق)، حکیم، طیب، صوفی و شاعر، متخلص به مظفر. ملقب به مظفر علیشاه. برخی از تذکره‌ها تخلص وی را طریقتی ذکر کرده‌اند. در کرمان به دنیا آمد. در ابتدای جوانی تحصیل علوم عقلی و نقلی کرد. در کربلا نزد شریف العلماء فقه و اصول خواند. در حکمت الهی و طبیعی و علوم ادبی و عربی مرتبه‌ای عالی یافت. در نظم و نثر تحقیقات جامعی کرد. وی از مریدان و شیفتگان مشتاق علیشاه بود که پس از کشته شدن مراد، «دیوان» شعری به نام وی سرود، به همین دلیل مظفرعلیشاه را مولوی ثانی یا مولوی کرمانی خوانده‌اند، چرا که همچون ملای رومی در فراق مراد خود دیوانی سروده است. به قول صاحب «عرفای کرمان» وی پس از مشتاق علیشاه به خدمت نورعلیشاه و رونق علیشاه رسید و به دستور نورعلیشاه از رونق علیشاه ارشاد و تلقین گرفت تا اجازه‌ی ارشاد یافت و از خلفای او شد. وی سرانجام در کرمانشاه درگذشت. در چگونگی مرگ او نیز اقوال متفاوتی وجود دارد. از آثار وی: «بحر الاسرار»، شعر؛ «مجمع البحار» یا «جامع البحار»، تفسیر «سوره‌ی فاتحه»، در شرح «بحر الاسرار»؛ «دیوان مشتاقیه»، شعر؛ «کبریت احمر»؛ «خلاصه العلوم». [۱]

محمدتقی بن محمد کاظم از عارفان بنام سلسله نعمه‌اللهیه (ف. کرمانشاه ۱۳۱۵ ه.ق). وی در علوم طبیعی، ریاضی و علوم نقلی از اصول و فروع بهره کافی داشت و گروهی از محضر درس او استفاده می کردند. در آغاز مجذوب مشتاق علیشاه کرمانی شد و به خدمت نورعلیشاه رسید و از نورعلیشاه تلقین ذکر یافت. پس از قتل مشتاق علی شاه، مظفرعلی به انشاء غزلیات و قصاید و قطعات و ترجیعات و رباعیات دیوان مشتاقیه پرداخت. فتحعلی شاه به اصرار آقا محمدعلی کرمانشاهی او را به تهران احضار کرد و به صوابدید

حاجی ابراهیم خان او را به کرمانشاه فرستاد و در همان شهر درگذشت. از اوست تفسیر منظوم به نام بحرالاسرار، تفسیر منثور بنام مجمع البحار، رساله کبریت احمر (مشمول بر اوراد و اذکار طریقت نعمت‌اللهیه)، دیوان مشتاقیه. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۲۳۳)، تذکره‌ی مشاعران کرمان (۴۷۷-۴۷۱)، حدیقه الشعراء (۱۶۸۱-۱۶۷۱/۳)، دنباله‌ی جستجو در تصوف (۳۲۲)، الذریعه (۲۱/۲۰، ۱۷/۲۶۰، ۹/۱۰۶۱، ۷/۲۳۰، ۳/۲۹)، ریاض العارفین (۳۰۲-۲۸۱)، ستارگان کرمان (۳۶۱-۳۵۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۲۲۵)، طرائق الحقائق (۲۰۸-۲۰۷/۳)، عرفای کرمان (۱۰۸-۱۰۷)، فرهنگ سخنوران (۸۵۴)، لغت نامه (ذیل/ مظفر کرمانی)، مجمع الفصحا (۹۴۳-۹۳۴/۵)، معجم المؤلفین (۸۱/۱۲)، مکارم الآثار (۵۶۰-۵۵۶/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۹-۲۳۸/۲)، یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۵۴).

مظفری قزوینی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مظفری قزوینی در سال ۱۳۰۴ در شهر قزوین متولد گردید. پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه علمی قزوین شد و حدود شش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و درحوزه علمی این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود. آیت الله مظفری قزوینی پس از آنکه تحصیلات خود را به پایان برد به تدریس و تالیف و اقامه‌ی نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهده گرفت. گروه: علوم انسانی رشته: الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب: محمد مظفری قزوینی فرزند ملا ابراهیم آقا بابایی، در سال ۱۳۰۴ دیده به جهان گشود. تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: محمد مظفری قزوینی پس از دوران کودکی در سن بیست سالگی وارد حوزه علمی قزوین شد و حدود شش سال به تحصیل در این حوزه پرداخت. سپس جهت تحصیل به قم رفته و درحوزه علمی این شهر وارد شد. پس از بهره بردن از محضر درس اساتید درس این حوزه به نجف اشرف رفته و محضر درس بزرگان آن سامان را درک نمود. خاطرات و وقایع تحصیل: محمد مظفری قزوینی هنگام تحصیل در نجف اشرف به سبب بروز برخی مشکلات، مجبور به بازگشت به ایران گردید. استادان و مربیان: محمد مظفری قزوینی مقدمات را نزد آخوند ملا علی مطهری، متوسطه را نزد شیخ مهدی قاضی و آنگاه سطوح عالی را نزد آیت الله العظمی حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی فراگرفت. استادان وی در حوزه علمی قم آیت الله حاج سید حسین بروجردی و آیت الله سیدشهاب الدین الحسینی مرعشی بود. مظفری همچنین در حوزه علمی نجف نزد اساتیدی چون: آیت الله حاج سید محسن حکیم، آیت الله حاج سید محمود شاهرودی، امام خمینی (ره)، آیت الله حاج سید ابوالقاسم خویی تلمذ نمود. فعالیت‌های آموزشی: محمد مظفری قزوینی پس از آنکه مقام علمی خود را به مرتبه‌ای رساند که توانست، دانش خود را به دیگران منتقل نماید، در حوزه علمی قم به تدریس پرداخت. او سپس به نجف رفته و علاوه بر تحصیل به تدریس نیز پرداخت، سپس به زادگاه خود قزوین بازگشت و فعالیت‌های آموزشی خود را در این شهر دنبال نمود. سایر فعالیت‌ها و برنامه‌های روزمره: محمد مظفری قزوینی پس از آنکه تحصیلات خود را به پایان برد به تدریس و تالیف و اقامه‌ی نماز جماعت و بیان مسائل و احکام دین را به عهده گرفت. آثار: اسلام و فلسفه احکام و ویژگی اثر: در دو جلد ۲ اسلام و قانون بردگی، اصطلاحات منطقی، البلغه فی بلوغ المراه، الشیعه و السنه و ویژگی اثر: این کتاب به زبان عربی می‌باشد ۶ الفوائد الرجالیه، القطره فی فضائل علی علیه السلام، ایضاح الحججه فی شرح العروه و ویژگی اثر: در ۸ جلد ۹ پرسش‌ها و پاسخ‌ها

ویژگی اثر: دردو جلد ۱۰ حرمت بازی شطرنج، خاتمیت آخرین پیامبر، خلاصه البیان فی احوال شاه زمان، دانستیهای از قرآن
ویژگی اثر: این کتاب به زبان عربی می باشد ۱۴ رساله در اثبات صانع تعالی، رساله در خلقت بهشت و جهنم، شهادت ثالثه در
اذان و اقامه، طبیات، قربانی در منی
منابع زندگینامه: فرزنانگان علم و سخن قزوین، تحقیق و گردآوری: رضا صمدی ها، قزوین: بحر العلوم

معصومی اصفهانی، ابو عبدالله محمد

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۴۵۰ ق)، فقیه، طیب، فیلسوف و حکیم. وی در اصفهان به دنیا آمد. از شاگردان برجسته‌ی ابن سینا و در حکمت و فلسفه مشهور بود. ابن سینا وی را به تمامی شاگردانش ترجیح می‌داد و درباره‌ی او می‌گفت: نسبت معصومی به من به منزله‌ی نسبت ارسطو است به افلاطون، و رساله‌ی «العشق» خود را به نام معصومی و به خواهش او تألیف کرد و در آغاز کتاب او را ابو عبدالله الفقیه معصومی نامید. وی پس از درگذشت ابن سینا سالها به تدریس پرداخت. سال وفات وی را در حدود ۴۶۰ ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثارش: کتاب «المفارقات و اعداد العقول و الافلاک و ترتیب المبدعات» یا «رساله فی اثبات المفارقات» که گفته‌اند این کتاب معشوق حکما بوده است؛ «حفظ الصحه»، در طب؛ شرح «کلمات متقدمین».[۱]

ابو عبدالله محمد بن احمد المعصومی یکی از شاگردان ابن سینا است. ابوعلی سینا رساله‌العشق خود را به اسم این شاگرد و به خواهش او نوشت. وفات او را بعضی در ری دانسته‌اند و گفته‌اند به حکم محمود کشته شد. از تألیفات مهم او یکی «کتاب المفارقات و اعداد العقول و الافلاک و ترتیب المبدعات» یا رساله‌ی «فی اثبات المفارقات» که در قرون پنجم و ششم هجری شهرت بسیار داشت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱]: الاعلام (۷/۱۰۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/۳۱۹)، تاریخ طب (۶۹۲-۶۹۱/۲)، ریحانه (۳۴۵-۳۴۴/۵)، لغت نامه (ذیل/ ابو عبدالله)، نامه‌ی دانشوران (۲۲۶-۶/۱۶۵).

معصومی لاری، محمد مسعود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد مسعود معصومی لاری

محل تولد: کرمانشاه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده اگرچه در شناسنامه به خاطر مدرسه سال ۱۳۳۸ نوشته اند ولی سال ۱۳۳۹ در کرمانشاه و در یک خانواده ای که سابقاً در سلسله جلیله روحانیت بوده اند به دنیا آمده ام جد ما مرحوم آقای سید حسین معصومی لاری در همان منطقه کنگاور و کرمانشاه بوده اند البته از آن جهت به ما لاری میگویند که بخشی از خاندان ما در لار و گراش هستند ما از نوادگان مرحوم سید عباس معصومی لاری هستیم سلسله ما عموماً سلسله ای بوده اند که همه روحانی بوده اند عموهای بنده مرحوم حاج آقا حسن و حاج آقا جعفر معصومی لاری روحانی بوده اند ابوی بنده سید محمد صادق معصومی لاری در کرمانشاه از معتمدین و مسئول بازرگانی است و فعالیت های اجتماعی زیادی دارند در هر صورت در یک خانواده کاملاً مذهبی بزرگ شدیم و تا دیپلم خودمان را در کرمانشاه گذراندیم

دیپلم من مصادف شد با انقلاب اسلامی و از آن به بعد به مطالعات دروس حوزوی پرداختم اوایل انقلاب مدتی در مدرسه عالی شهید مطهری تحصیل کردم آن زمان آقای امامی کاشانی برنامه را در دست گرفته بودند اول کار بود در سال ۱۳۵۸ به هر حال تصمیم گرفتم برای تحصیل بروم خارج از کشور لذا ویزای تحصیل گرفتم و رفتم فرانسه مدت شش ماه آنجا زبان خواندم و زبان را خیلی سریع یاد گرفتم آنجا از جهت فراگیری زبان محیط خیلی خوبی بود، فارسی زبان کم بود در کاستل نوداکی (جنوب فرانسه) یکی از آن کازهایی که در زمان انقلاب فرانسه صادره شده بود تبدیلش کرده بودند به یک مرکز یا پانسیون برای خارجیها که هم زبان یاد بگیرند و هم آماده باشند برای ورود به دانشگاهها به همین جهت من زبان را در آنجا خیلی سریع یاد گرفتم خوب بعد از آن آمدم پاریس دانشگاه سوربن در رشته ادیان شناسی مشغول به تحصیل شدم و تا حدود دو سال آنجا درس خواندم در این میان به ایران هم سفر میکردم بورسیه نبودم و پدرم از ایران پول میفرستاد خوب پس از یک سال و اندی به ایران بازگشتم در جهاد سازندگی مرکز و بلافاصله بعد از آن در وزارت امور خارجه مشغول به کار شدم

اواخر سال ۱۳۶۲ وارد حوزه علمیه قم شدم البته در فرانسه هم منطق، تفسیر، قرآن، فلسفه و روش رئالیسم میگفتم به دروسهای علوم دینی زیاد علاقه داشتم و مطالعه میکردم بخصوص کتابهای مرحوم مطهری و علامه طباطبایی زیاد میخواندم

قبل از رفتن به فرانسه (اصول فلسفه و روش رئالیسم) را از آقای امجد درس گرفتم. آقای امجد، حاج آقا ممدوحی و حاج آقا نجومی اینها همه شاگردان مرحوم حاج آقا حسین لاری یعنی جد ما هستند اینها همه بخشی از اساتید من در مدرسه شهید مطهری بودند. آقای امامی کاشانی تفسیر میفرمودند خدا رحمت کند مرحوم علامه محمد تقی جعفری را، شرح تفسیر نهج البلاغه را اول آنجا ارائه میکردند و قبل از آنکه بنویسند می آمدند آنجا میگفتند و بحث و گفتگو میکردند بزرگوار دیگری بود که اسمشان را فراموش کردم ایشان به ما منطق میگفتند وقتی به قم آمدم در مدرسه علمیه کرمانیه مشغول شدم خدمت آقای موحیدی تبریزی ادبیات (جامع المقدمات) را شروع کردیم (معنی) را خدمت آقای آدینه وند بودیم و یک کمی هم از آقای مدرس افغانی استفاده کردیم در مدرسه کرمانیه منطق را آقای پرنده غیبی و احکام را آقای شیخ محمد سروش درس میدادند (اصول الفقه) را از آقای میرباقری و یکی دیگر از آقایان که اسمش را یادم نیست درس گرفتیم آقای هادوی یک درس منطق (نمیگویم خارج منطق ولی چیزی شبیه آن) میگفتند لذا ما یک کار خیلی جدی را با همراهی ایشان روی منطق انجام دادیم فلسفه را از محضر استاد فیاضی استفاده کردیم به اضافه این که قبلاً هم از آقای امجد درس گرفته بودم، رسائل را ابتدا از خدمت آقای راستی کاشانی استفاده کردیم ولی متأسفانه تا مقداری که جلو رفتیم ایشان بیماری پیدا کردند و نتوانستند بیایند دنبال آن از آقای موسوی تهرانی که بسیار بسیار در رسائل قوی هستند استفاده کردم مکاسب را خدمت آقای پایانی و لمعه را ادر محضر آقای اشتهاوردی خواندم. آقای اعتمادی خیلی قوی بود ولی آقای قدیری واقعاً ملاحظه بود مثل درس آقای راستی ایشان هم درسش همه پسند نبود سخت میگرفت و از طلبه کار میکشید

درس خارج را با آقای شیخ جواد تبریزی شروع کردم و در بخشی از خارج فقه آقای وحید شرکت داشته ام تفسیر را از محضر آقای جواد استفاده کرده ام.

معصومی همدانی، حسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر حسین معصومی همدانی (۱۳۲۷- همدان) دارای مدرک دکتری رشته فلسفه و تاریخ علم، از دانشگاه پاریس -۷ فرانسه در سال ۱۳۸۴ می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی دانشکده دانشگاه صنعتی شریف است. وی همچنین عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی می باشد. گروه: علوم انسانی رشته: تاریخ و فلسفه تحصیلات رسمی و حرفه ای: تحصیلات رسمی دکتر حسین معصومی همدانی به قرار زیر است: کارشناسی مهندسی برق از دانشگاه صنعتی شریف کارشناسی ارشد رشته فلسفه و تاریخ علم از دانشگاه پاریس -۷ فرانسه دکترای رشته فلسفه و تاریخ علم، پاریس -۷ فرانسه در سال ۱۳۸۴ مشاغل و سمتهای مورد تصدی: عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف و مدرّس تاریخ و فلسفه علم، مشاور عالی مرکز نشر دانشگاهی، عضو شورای عالی ویرایش صدا و سیما و عضو مرکز تحقیق در تاریخ و فلسفه عربی - اسلامی قرون وسطا. عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو کمیسیون تخصصی استخدام و ... فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی، مدیر گروه زبان و رایانه در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو شورای ویژه گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو گروه دانشنامه ادب فارسی، ویراستار و سردبیر مجله دانشجو فعالیتهای آموزشی: دکتر معصومی همدانی در انشگاههای تهران، شیراز و تربیت مدرس در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به امر تدریس می پردازد. جوایز و نشانها: دکتر حسین معصومی همدانی برنده کتاب سال جمهوری اسلامی برای ترجمه کتاب جزء و کل می باشد. چگونگی عرضه آثار: - تالیف و ترجمه ۵ عنوان کتاب - تالیف و ترجمه بیش از ۱۰۰ عنوان مقاله - شرکت در سمینارهای متعدد در داخل و خارج از کشور

آثار: ایرانیها چه رویایی در سر دارند؟ (تهران: ۱۳۵۷) ویژگی اثر: دیدآورنده: میشل فوکو، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: هرمس - ۰۳ مرداد، ۱۳۸۶ ۲ ترمودینامیک تعادل، ادکینز ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۷۵۳ جزء و کل، ورنر هایزبرگ ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۶۸. پدیدآورنده: ورنر هایزبرگ، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی - ۲۹ اردیبهشت، ۱۳۸۶ زندگی نام؟ علمی دانشمندان اسلامی ویژگی اثر: ترجمه- ۱۳۶۳۵ سرگذشت فیزیک نوین ویژگی اثر: پدیدآورنده: میشل بیزونسکی، لطیف کاشیگر (مترجم)، محمدرضا خواجه پور (زیرنظر)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر - ۲۳ دی، ۱۳۸۵ ۶ فلسف؟ علوم طبیعی، کارل همپل، ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۶۹۷ فیزیک: اندیشه ها و یافته ها ویژگی اثر: پدیدآورنده: ویلیام لارنس براگ، محمدرضا خواجه پور (مترجم)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر - ۲۳ دی، ۱۳۸۵۸ مردم شناسی و هنر، لوی استروس ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۷۳۹ نرم و نازک: ماده نرم، پژوهش، آموزش ویژگی اثر: پدیدآورنده: پی یرژیل دو دوژن، ماندانا فرهادیان (مترجم)، محمدرضا خواجه پور (زیرنظر)، حسین معصومی همدانی (زیرنظر) ناشر: فرهنگ معاصر - ۰۳ بهمن، ۱۳۸۵۱۰ نسبت خاص و عام و کیهان شناختی، ولفگانگ ریندلر ویژگی اثر: (ترجمه)، ۱۳۷۵. پدیدآورنده: ولفگانگ ریندلر، رضا منصوری (مترجم)، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: مرکز نشر دانشگاهی - ۱۹ اردیبهشت، ۱۳۸۵۱۱ نووه چنتو (تک گویی) ویژگی اثر: پدیدآورنده: الساندرو باریکو، حسین معصومی همدانی (مترجم) ناشر: نیلوفر - ۱۳ اسفند، ۱۳۸۵ منابع زندگینامه: <http://www.iranologyfo.com>

معلمی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن معلمی

محل تولد: فریدن

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن معلمی در سال ۱۳۳۸ در روستای دامنه از توابع فریدن اصفهان متولد شدم دوره دبستان را در همان روستا و دوره راهنمایی را در داران و سه سال هنرستان) رشته برق (را در تهران سپری کردم، در سال سوم هنرستان به دلیل مسافرتی که به قم داشتم به حوزه علمیه و طلبگی علاقه مند شدم و تابستان همان سال (۱۳۵۶) وارد قم شدم و تحصیل رسمی طلبگی را از مهرماه سال ۱۳۵۶ در مدرسه رضویه شروع کردم

مفتح، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حجه الاسلام و زبده الفضلاء الاعلام آقای حاج شیخ محمد مفتح همدانی از افاضل گویندگان و نویسندگان و اساتید ممتاز حوزه علمیه قم است در تهران.

وی در همدان متولد شده و پس از دوران تحصیل جدید و خواندن مقدمات و ادبیات در همدان به قم مهاجرت نموده و سطح نهائی را از مدرسین بزرگ حوزه به پایان رسانیده و چندین سال از محضر و دراسات فقه و اصول مرحوم آیت الله العظمی حجت کوهکمری و آیت الله العظمی امام خمینی و آیت الله شریعتمداری و آیت الله العظمی بروجردی استفاده نموده و تقریرات آنان را به رشته تحریر درآورده و معقول و تفسیر را هم از علامه شهیر استاد طباطبائی آموخته و ضمناً به تدریس سطوح عالی فقه و اصول اشتغال داشته و در ماه مبارک رمضان و ماه محرم و صفر به تهران و مناطق دیگر برای تبلیغ طبق دعوت قبلی مسافرت و از راه منبر و سخنرانی خدمات شایانی نموده است.

و اکنون در تهران به تدریس در دانشگاه و تبلیغ و تالیف کتب مفیده و اقامه جماعت اشتغال و آثار مطبوعی دارند که مورد استفاده فضلاء و محصلین می باشد.

استاد، محقق، فیلسوف، فقیه.

تولد: ۱۳۰۷، همدان.

درگذشت: ۲۷ آذر ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله دکتر محمد مفتاح، فرزند شیخ محمود از مدرسان فارسی و عربی در حوزه‌ی علمیه‌ی همدان، پس از آن که مقدمات علوم عربی و فقه و بخشی از منطق را نزد پدر و اساتید حوزه همدان و در محضر آخوند علی همدانی آموخت در سال ۱۳۲۲ به قم مهاجرت کرد و در حجره‌ای در مدرسه دارالشفاء اقامت گزید. در آنجا رسائل و مکاسب و کفایه را در طول سال‌های ۱۳۴۲ - ۱۳۲۲ نزد امام خمینی (ره)، آیت‌الله کوه کمره‌ای، آیت‌الله بروجردی، علامه طباطبائی آیت‌الله مجاهد تبریزی، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی فراگرفت، عرفان و دروس خارج فقه و اصول را نیز در عالی‌ترین سطح نزد امام خمینی تلمذ نمود. در کنار فراگیری علوم دینی، در دانشگاه نیز به تحصیل مشغول شد و در حالی که در سطوح عالی‌ی فقه و اصول را می‌گذراند موفق شد در رشته‌ی فلسفه‌ی به اخذ درجه دکتری نایل آید. پایان‌نامه‌ی وی در مقطع دکتری تحقیقی درباره‌ی نهج‌البلاغه بود. آنگاه شروع به تدریس کتاب منظومه حاج ملاهادی سبزواری پرداخت.

آیت‌الله محمد مفتاح با همکاری آیت‌الله دکتر سید محمدحسین بهشتی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای اقدام به تأسیس کانون دانش‌آموزان و فرهنگیان در قم نمود که اولین مجتمع اسلامی پر تحرک بود. آیت‌الله مفتاح در روزهایی که امام خمینی در تبعید بود برای حفظ و اداره‌ی حوزه‌ی عملیه بنیان جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم را نهاد. دکتر مفتاح هنگامی که امام خمینی در عراق به سر می‌برد و نیز وقتی که به پاریس رفت، با ایشان در ارتباط بود و مسائل و حوادث ایران را به نحوی به اطلاع ایشان می‌رسانید. یکی از مراکزی که آیت‌الله مفتاح در آن فعالیت داشت حسینیه‌ی ارشاد بود. بعد از بسته شدن حسینیه‌ی ارشاد توسط ساواک، امامت مسجد قبا را پذیرفت.

ورود آیت‌الله مفتاح به تهران در حقیقت ورود جدی به مبارزه بود و او در این دوره در کنار هم فکرائش از تهدیدات رژیم پهلوی در امان نماند. در سال ۱۳۵۴ دستگیر، زندانی و سپس به زاهدان تبعید شد. در بازگشت از تبعید همچنان به مبارزه ادامه داد. در سال ۱۳۵۴ وقتی شنید رژیم اسرائیل حملاتی را علیه مردم لبنان آغاز کرده، کمک‌هایی را از اهالی تهران جمع کرد و خود به لبنان برد.

در سال ۱۳۴۹ ساواک برای مدتی وی را از رفتن به قم منع کرد و قصد داشت با دعوت ایشان به دانشگاه برای تدریس، وی را از حوزه دور کند. او نیز همکاری با استاد مطهری را که در آن موقع در دانشکده الهیات بود پذیرفت. تأسیس مجمعی تحت عنوان «جلسات علمی اسلام‌شناسی» از جمله فعالیت‌های ایشان بود این مجمع کتاب‌هایی (تألیف و ترجمه سیزده جلد کتاب) را در زمینه‌های گوناگون اسلام‌شناسی با مقدمه‌ی دکتر مفتاح به چاپ رسانید. این مجمع پس از مدتی توسط ساواک تعطیل گردید.

وی در اولین ساعات حکومت نظامی روز هفدهم شهریور ۱۳۵۷ دستگیر و زندانی شد، وی با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و به هنگام گشوده شدن درهای زندان با همت مردم از زندان آزاد گردید در نماز عید فطر سال ۱۳۵۷ سخنرانی پر شوری نمود و بعد از آن مجدداً دستگیر و روانه زندان شد. اما دوباره آزاد شد و شاهد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ بود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عمده فعالیت آیت‌الله مفتاح حول محور تدریس در حوزه و دانشگاه و ایجاد پیوند بین این دو قشر کشور متمرکز بود. از جمله مسئولیت‌های ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود: ریاست دانشکده الهیات و معارف اسلامی تهران؛ حضور در جامعه روحانیت تهران؛ عضو ستاد برگزاری استقبال از امام خمینی؛ سرپرست کمیته انقلاب اسلامی منطقه چهار تهران؛ عضو شورای گسترش آموزش عالی کشور؛ عهده‌دار برگزاری نماز جماعت در مسجد دانشگاه تهران. از جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود.

ترجمه بعضی از مجلدات مجمع البیان. (جلد اول و دوم به قلم آیت‌الله مفتاح و آیت‌الله حسین نوری و جلد سوم با ترجمه خود وی به فارسی برگردانده شده است)؛ حاشیه بر اسفار ملا صدرا (چاپ نشده است)؛ روش اندیشه؛ شرح منظومه منطق و رساله تاریخ منطق

(۱۳۳۶)، جلد اول. جلد دوم در فلسفه الهی تدوین نشد؛ حکمت الهی و نهج البلاغه (پایان نامه تحصیلی دوره دکترای آیت الله مفتاح)؛ آیات اصول اعتقادی قرآن؛ نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم (۱۳۶۱)؛ ویژگی‌های زعامت و رهبری؛ مقالات (سلسله مقالات «نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم» در مجله «مکتب اسلام» سال چهارم؛ همچنین مقالاتی در «مکتب تشیع» و «معارف جعفری»؛ مقدمه‌نویسی بر آثار دیگران (کتاب‌هایی نظیر مصاحبه‌ای درباره خرافه و نیرنگ؛ تألیف سید کاظم ارفع؛ زیارت خرافه است یا حقیقت؛ نوشته غلامحسین رحیمی؛ جهان بینی و جهان داری علی (ع)، تألیف سید ابراهیم سید علوی؛ به سوی اسلام یا آئین کلیسا؛ نوشته حجت‌الاسلام مصطفی زمانی؛ ره‌آورد‌های استعمار؛ مهدی طارمی؛ اسلام پیشرو نهضت‌ها؛ نوشته محمد مصطفوی کرمانی و غلامحسین حقانی تهرانی؛ دعا عامل پیشرفت یا رکود؟؛ نوشته محمد مصطفی کرمانی؛ اسلام و حقوق کارگردان بردگان استعمار؛ ترجمه و نگارش سید جعفر شیخ الاسلام؛ مکتب اخلاقی و تربیتی امام صادق (ع).

آیت الله مفتاح صبح روز بیست و هفتم آذر ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان به هنگام خروج از اتومبیل جلوی در ورودی دانشکده‌ی الهیات به همراه دو محافظش (پاسداران جواد بهمنی و اصغر نعمتی) به رگبار بسته شد و هر سه به شهادت رسیدند. پیکر ایشان به صحن حضرت معصومه (ع) در قم انتقال یافت و در حجره ۲۳ صحن به خاک سپرده شد. به حرمت تلاش‌های ایشان، روز شهادتش «روز وحدت حوزه و دانشگاه» نام نهاده شد.

برگرفته از کتاب: گلزار مشاهیر

مفید، محمود

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

فرزند شیخ مفید، از سلسله‌ی مشایخ بیدآباد.

عالم فاضل فقیه زاهد حکیم فیلسوف ادیب.

از شاگردان: آخوند کاشی، و جهانگیرخان قشقائی، و آقا ضیاءالدین دری، و حاج ملا جواد آدینه‌ای، و سید حسن مشکان طبسی، و میرزا سید محمد حکیم باشی، و آخوند ملا حسین فشارکی، و حاج میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی، و آقا میر محمد تقی مدرس، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای.

و در طهران مدتی به درس حاج شیخ فضل الله مجتهد نوری شهید، و میرزا حسن حکیم کرمانشاهی؛ و در مشهد به درس حاج آقا بزرگ حکیم حاضر شده، و پس از آن که در کلیه‌ی فنون از طب و ریاضی و فقه و اصول و بالخصوص حکمت به مقام عالی رسید. در اصفهان ساکن، و حدود مدت چهل سال در مدرسه‌ی صدر به تدریس حکمت و فقه و اصول پرداخت، و جمعی کثیر از افاضل طلاب به درس او حاضر شده، مستفیض می‌شدند؛ و در این اواخر تدریس حکمت در اصفهان بلکه ایران به ایشان منحصر بود. مرحوم حاج شیخ محمود مفید بر عموم حکما از لحاظ فقاہت مقدم بود، یعنی حکیم و فقیه، و از مدرسین حکمت و فقه به شمار می‌رفت.

کتب ریاضی قدیم از خلاصه‌ الحساب و تشریح الافلاک و شرح هندسه‌ی اقلیدس و چغمینی و دیگر کتب را به خوبی تدریس می‌نمود، و از لحاظ فضایل اخلاقی و زهد و قناعت و اعراض از مردم و عدم توجه به اغنیا بی‌نظیر بود.

در حدود سال ۱۲۹۷ متولد، و در بعد از ظهر جمعه ۱۱ شوال سال ۱۳۸۲ وفات یافته، جنازه روز شنبه با تجلیلات و تشییع عظیم به تخت فولاد منتقل گردید، در بقعه‌ی آقا محمد بیدآبادی مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را ادیب فرزانه آقای برنا گوید:

برنا پی رحلتش به شمسی گفتا

لقمان زمان و عهد خود بود مفید

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

ملاصدرا شیرازی، صدرالدین محمد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۰۵۰-۹۷۹ق)، فیلسوف، حکیم، مفسر و مدرس. ملقب به صدرالدین و مشهور به صدرالمتهین و ملا صدرا. در شیراز به دنیا آمد و پس از درگذشت پدرش برای تحصیل به اصفهان رفت. استاد او در علوم نقلی شیخ بهائی است. همچنین او در معقول نزد میرداماد از اکابر فیلسوفان و عرفای عصر صفوی تحصیل حکمت و معرفت نمود. وی حکمت الهی را وارد مرحله جدیدی کرد. استاد مطهری در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» آورده است که فلسفه ملا صدرا از یک نظر به منزله‌ی چهار راهی است که در آن چهار جریان یعنی حکمت مشایی ارسطویی و سنیایی و حکمت اشراقی سهروردی و عرفان نظری محیی‌الدینی، و معانی و مفاهیم کلامی با یکدیگر تلاقی کرده و مانند چهار نهر سر به هم برآورده، رودخانه‌ای خروشان به وجود آورده‌اند. از نظر دیگر به منزله‌ی صورتی است که بر چهار عنصر مختلف پس از یک سلسله فعل و انفعال‌ها اضافه شود و به آنها ماهیت و واقعیت نوین بخشد، که با ماهیت هر یک از مواد آن صورت متغایر است. فلسفه خاص ملا صدرا را اصطلاحاً حکمت متعالیه می‌گویند. حکمت متعالیه نوعی جهش است که پس از یک سلسله حرکت‌های مداوم و تدریجی در معارف عقلی اسلامی رخ داده است. وی در برهه‌ای از سالهای زندگانی خویش در روستای کهک قم در حالت انزوا زیست و در این دوره به تصوف و عرفان اسلامی گرایش یافت. خود او در این زمینه می‌نویسد که نفس خویش را با طول مجاهده مشغول کردم و دل من با کثرت ریاضتهای سخت افروخته گشت، تا انوار ملکوت بر آن سرازیر شد... بلکه آنچه پیش از این به برهان فراگرفته بودم با فزونی‌های بیشتری از راه شهود و بالعیان دیدم. وی در اواخر عمر به خواهش الله وردی خان حاکم فارس به شیراز رفت و در مدرسه‌ی خان به تدریس پرداخت. ملا صدرا در راه هفتمین سفر حج خویش در بصره درگذشت و همان جا دفن گردید. از شاگردان معروف او، دو دامادش، ملا محسن فیض کاشانی و شیخ عبد الرزاق فیاض لاهیجی می‌باشند که از جانب استاد ملقب به فیض و فیاض گردیدند. از دیگر شاگردان او شیخ حسین تنکابنی، ملا محمد ایروانی، ابوالولی شیرازی و قوام‌الدین احمد پسر صدرا می‌باشند. از آثارش: «الحکمة المتعالیة» یا «الاسفار الاربعه»، که معروف به «اسفار» است؛ «الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة»؛ «الحکمة العرشیه»؛ «المشاعر»؛ «المبدأ و المعاد»، شرح «الهدایة الاثیریة»؛ حاشیه بر «الهیات شفا»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ شرح «اصول کافی»؛ «مفاتیح الغیب»؛ تفسیر «آیت الکرسی»؛ تفسیر «آیه‌ی نور»؛ تفسیر سوره‌های: «اعلی»، «حدید»، «جمعه»، «فاتحه»، «طلاق»، «ضحی»، «زلزال»، «واقعه»، «یس»، «طارق» و قسمتی از سوره‌ی «بقره»؛ «الواردات القلیبیه»؛ «القواعد الملکوتیه»؛ «کسر اصنام الجاهلیة»؛ «جوابات المسائل العویصه»، در حکمت. [۱]

شیرازی محمد بن ابراهیم معروف به «ملاصدرا» و «صدرالمتهین» فیلسوف بزرگ ایرانی (و. شیراز اواخر قر. ۱۰هـ. - ف. بصره ۱۰۵۰هـ. ق.) وی در جوانی به اصفهان رفت و نزد میرمحمد باقر مشهور به میرداماد حکمت آموخت و علوم شرعی را نزد شیخ بهاء‌الدین عاملی فراگرفت و در ریاضی نیز مهارت یافت. مدتی در قم به افاضه مشغول گردید و سپس به امر شاه عباس دوم به

شیراز بازگشت و در موطن خود به تدریس و افاده مشغول شد. او هفت سفر به حج رفت و در آخرین سفر در بصره درگذشت و همانجا مدفون شد. او شاگردان بسیار داشت که از آن جمله باید ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی را که به دامادی او مفتخر گشتند- نام برد. از آثار اوست در فلسفه: «اسفار اربعه» (اسفار)، شواهد الربوبیه، مبدأ و معاد، مشاعر، عرشیه، شرح «هدایه اثیری» حاشیه بر «الهیات شفا»، تعلیقه بر «حکمه الاشراق»، شرح «کافی». صدرالدین حکمت اشراق و حکمت مشاء و فلسفه عرفانی محیی‌الدین بن عربی را درهم آمیخته و حقایق ذوقی را با براهین فلسفی مزج کرده است. خود گوید: «نحن قد جعلنا مکاشفاتهم الذوقیه مطابقه للقوانین البرهانیه» (اسفار ج ۳). صدرالدین بر «حکمه الاشراق» سهروردی تعلیقه‌ای سودمند نوشته که در حاشیه شرح حکمه الاشراق قطب‌الدین شیرازی چاپ شده (حکمت اشراق و فرهنگ ایران م. معین ۴۸) ملاصدرا با اینکه حکیم اشراقی است، طریقه مشائین را نیز می‌پسندد و ضمن بیان آراء حکمای سلف، هر جا که نظر انتقادی دارد به توضیح آن می‌پردازد، چنانکه برخلاف نظر مشائین که موجودات را حقایق متباین می‌پندارند، او وجود را که اصل و حقیقت هر چیز است هیئت واحد می‌داند و برای آن مراتب متعددی که از حیث ضعف و شدت و نقص و کمال با هم فرق دارند. قایل است. این نظر ملاصدرا با نظر شیخ اشراق هم متفاوت است، چه سهروردی، شدت و ضعف و نقص و کمال را در ماهیت قایل است نه در وجود. موضوع دیگری که ملاصدرا در آن ابتکار نشان داده است، فرضیه مشهور به «حرکت جوهری» است. پیش از او اکثریت حکما از آن جمله ابن سینا حرکت را در اعراض جسم طبیعی میدانسته. ملاصدرا جوهر را نیز متحرک اعلام کرد، ولی تصریح نمود که تغییری که بر اثر این حرکت در جوهر پدید می‌آید، تغییریست اشتدادی و استکمالی، و به حقیقت جوهر جسم خدشه وارد نمی‌سازد، و آن را دگرگون نمی‌کند. چنانکه تغییراتی که انسان را در ادوار مختلف زندگی عارض می‌گردد از حیث شدت و ضعف انسانیت است نه از حیث حقیقت انسان، یعنی جوهر جسم و هسته اصلی وجود او. ملاصدرا از فرضیه حرکت جوهری نتایجی چند می‌گیرد از آن جمله اثبات معاد جسمانی است. قبل از او حکما درباره بقای نفس و معاد روحانی به تفصیل بحث کرده و دلایلی آورده بودند، لیکن درباره معاد جسمانی معمولاً به سکوت بر گزار می‌کردند یا منکر آن می‌شدند. بیان ملاصدرا در اثبات معاد جسمانی مفصل است و حاصل کلام او این است که در روز رستاخیز روح انسان به همان هسته اصلی و جوهر ثابت که ماده جسم است (نه به صورت جسم که محسوس است و در مدت حیات دستخوش تغییرات و تحولات) می‌پیوندد و آدمی به این کیفیت برای پس دادن حساب دوباره زنده می‌شود. صدرالدین برای اینکه از سب و شتم و تکفیر مصون ماند می‌کوشید تا مطالب فلسفی را با احادیث و اخبار وفق دهد و مدلل دارد که شرع و حکمت معارض یکدیگر نیستند و تألیف شرح کافی روی همین نظر بوده است (دکتر سیاسی. مبانی فلسفه. ۱۳۴۲ ص ۵۶۱-۵۵۹)

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۱۹۴- ۱۹۳/۶)، اعیان الشیعه (۳۳۰- ۳۲۱/۹)، ایضاح المکنون (۶۹۹، ۳۵۳، ۳۳۲، ۵۹/۲، ۵۵۸، ۴۱۴، ۳۰۲، ۱۱۵، ۷۹، ۷۴، ۱/۱۴)، بزرگان فلسفه (۳۸۵- ۳۸۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۲۵- ۳۱۹/۵)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (۵۴۷- ۵۲۴)، تذکره العلماء (۲۰۶- ۲۰۵)، الذریعه (۲۵/۱۰، ۳۰۵۳۸، ۳۷/۲۱، ۵۲/۱۹، ۲۹۴- ۲۹۳، ۱۷/۱۹۱، ۲۴۴/۱۵، ۲۴۳، ۱۴/۱۷۵، ۱۰۰- ۱۳/۹۹، ۵۹- ۵۸/۷، ۱۴۳، ۴۳/۶، ۲۲۸/۵، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۴۰، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۳۴، ۳۳۱/۴، ۶۰/۲)، ریحانه (۴۲۰- ۴۱۷/۳)، سیر فلسفه در ایران (۱۰۸- ۱۰۷)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۸۶- ۳۷۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۹۲- ۲۹۱/۱۱)، فوائد الرضویه (۳۸۱- ۳۷۸)، قصص العلماء (۳۳۳- ۳۲۹)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۰۴)، الکنی و الالقاب (۴۱۱- ۴۱۰/۲)، لغت نامه (ذیل / ملا صدرا)، لوامع العارفین فی احوال صدر المتألّهین (۳۰- ۱۵)، معجم المؤلفین (۲۰۴- ۲۰۳/۸)، منتخبی از تاریخ فلاسفه جهان اسلام (۲۱۶- ۲۰۳)، هدیه الاحباب (۱۸۶- ۱۸۵)، هدیه العارفین (۲/۲۷۹).

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۹۰ ق)، دانشمند، پزشک، حکیم و ریاضیدان. ملقب به ملک‌الاطباء شیرازی. اصلاً شیرازی و در تهران سکونت داشت. از طبیبان دوره‌ی فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه بود. در طبابت زبردست و با بکارگیری داروها و روشهای درمان فرنگی مخالف بود. مهارت او در تشخیص امراض را به بقراط تشبیه می‌کردند. وی از علوم دیگر بهره‌ور از حکمت و ریاضی باخبر بود. میرزاحممود، فرزند جالینوس الزمان، معروف به میرزاجان، شاگرد او است. در اواخر عمر به قصد مجاورت به عتبات رفت و در کربلا- درگذشت. از آثار وی: «البحرانیه»، مباحث بحران امراض، شامل معارضات بین او و میرزا محمد طیب تنکابنی؛ «تسهیل العلاج»؛ «الجوهریه»؛ در منع استفاده از داروها و روشهای درمان فرنگی؛ «حافظ الصحه» و «حفظ الصحه»؛ «مسکن الفؤاد»، فارسی، در علاج طاعون؛ «الرساله البوائیه» صغیر و کبیر؛ «شرح لغزالقانون» که آن را به درخواست شاگردش نوشته؛ «کلیات طب»، منظومه‌ی فارسی.

برگرفته از کتاب: اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۹/ ۱۹۱)، الذریعه (۲۰/ ۲۱، ۴۶/ ۱۴، ۲۲۹/ ۱۱، ۲۶/ ۷، ۲۳۳/ ۶، ۲۹۴/ ۵، ۱۸۲/ ۴، ۵۰-۴۹/ ۳)، ریحانه (۵/ ۳۹۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۲۰۴/ ۱۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۲۳)، معجم المؤلفین (۹/ ۱۳۰).

ملکوتی، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی ملکوتی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۲۷ هشتم مرداد در قم به دنیا آمدم که (سال اول) ابتدائی را در قم و بقیه دوره دبستان و تا کلاس ۹ را در نجف اشرف خواندم. سال ۴۳ وارد حوزه علمیه نجف شدم (در جامعه الزالجف) دروس سطح را از ابتدا تا تقریباً آخر خواندم. سال ۴۹، ۵۰ به قم در خدمت والد منتقل شدم. درس خارج اصول فقه، فقه، فلسفه و عرفان را در محضر اساتید تحصیل کردم. طبق معمول حوزه های علمیه در کنار تحصیل، مشغول تدریس ادبیات، منطق، شرح لمعه، مختصر، معانی بیان و غیره در مدرسه فیضیه، حجتیه و مقابر سخن بودم.

از حوالی سال ۵۶ همراه با هرج و مرج مردم و انقلاب به رهبری حضرت امام (ره) در کنار مردم مشغول مسائل انقلاب شدم. مسئولیت کمیته شهرستان سراب برای مدتی بعد از انقلاب به عهده این جانب بود و در دوره اول و دوم به عنوان نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی مشغول خدمت بوده (عضو بانین کمیسیون ارشاد بودم). بعد از دو دوره باز به قم برگشتم. مشغول تدریس و تحصیل شدم.

ضرورت اقتضاء کرد تا برای مدتی در تبریز در خدمت حضرت والد باشم. در آنجا مشغول تدریس رسائل، مکاسب و درس دیگر شدم. در ضمن مسئولیت احداث دوره دانشگاه در واحد سراب را هم به عهده داشتم. حدود ۱۲، ۱۳ سال مشغول آن واحد (البته به صورت کنترل از راه دور) به عهده داشتم. سال ۷۳ باز همراه والد به قم مراجعه و در قم مشغول به تدریس: فلسفه، فقه و اصول و در واحد قم هم به عنوان عضو هیئت علمی تدریس می‌کنم.

ملکی اصل، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی ملکی اصل

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از تحصیلات دوم متوسطه وارد حوزه علمیه شدم و شروع به تحصیلات همزمان با پیروزی انقلاب بود و پس از تحصیلات مقدماتی، حدود دو سال نیز در حوزه‌های تهران ادامه تحصیل دادم و سپس وارد حوزه علمیه قم شدم. در ضمن ایام تحصیلی، توفیق شرکت در جبهه‌های جنگ تحمیلی داشتم و جنگ با تمامی نیکی‌هایش، سبب رکود و تعطیلات درسی و آموزشی در کشور می‌شد. و از مدتی که در قم هستم در دروس عمومی حوزه (فقه و اصول) و تخصصی کلام و تحقیقات علمی در مراکز مختلف علمی و فرهنگی مشغول بودم و در ضمن شرکت در دروس حوزه، تدریس در دانشگاه‌های کشور را امری لازم می‌دانستم و می‌دانم و اخیراً چند سالی است که درگیر پایان‌نامه سطح چهار حوزه هستم و بحمدالله به مرحله نهایی آن رسیده‌ام و انشاءالله از آن نیز فارغ می‌شوم.

لکن مطلبی که باید مورد توجه دست‌اندرکاران حوزه و دلسوزان به کشور و نظام قرار گیرد، و متأسفانه اهتمام لازم بدان نیست، مسأله مهم فارغ‌التحصیلی حوزویان و شیوه‌های خارجی طلاب محترم و اخذ مدرک و اشتغال در مراکز لازم فرهنگی کشور می‌باشد و این امر به استعانت از نیروهای فکری حوزوی و دانشگاهی و مراکز فرهنگی کشور نیاز دارد که هنوز استارت آن جدی نیست و اهمال کاری‌ها زیاد است و این امر موجب بدبینی تعداد کثیری از افراد پاک و مستعد حوزوی‌ها می‌شود ولی باید به حوزه و ساماندهی آن کمال اهتمام داشته شود چرا که پشتوانه نظام مقدس اسلامی در گروه پرورش نیروهای مستعد فکری و علمی

می‌باشد که علاوه از بُعد علمی، باید دارای تهذیب نفس و تعهد قلبی نسبت به اسلام داشته باشد، و این امر فعلاً عمدتاً از نیروهای حوزوی بر می‌آید و البته تعدادی از افراد دانشگاهی نیز تعهد لازم را دارند.

ملکیان، محمدباقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر ملکیان

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۹/۲۴

زندگینامه علمی

اینجانب محمد باقر ملکیان متولد ۱۳۴۲ در شش سالگی ۱۳۴۸ وارد دبستان شده و پنج سال ابتدایی را در مدرسه ملی شهرمان با رتبه اول به اتمام رساندم. سه سال راهنمایی را هم در شهر محل تولد با رتبه اول تمام کردم. تابستان ۱۳۵۶ به قم آمده و در مدرسه حقانی سابق که زیر نظر «آیت الله شهید قدوسی» و «شهید بهشتی» اداره می‌شد؛ ثبت نام کردم. در امتحان ورودی ام که از متقاضیان گرفته شد؛ رتبه اول شدم و سال اول طلبگی را در آن مدرسه بودم.

از سال بعد از مدرسه خارج شدم و زیر نظر اخوی خویش که از طلاب فاضل شهر رضایی است به تحصیل ادامه دادم. ادبیات عرب را به صورت آزاد در نزد اخوی آقای طالقانی و بعضی دیگر خواندم. معالم الاصول را نزد اخوی خوانده و المنطق مرحوم مظفر را پیش استاد نجفی از فضلالی طلاب شهر رضایی که دو دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی هم شدند به اتمام رساندم. لمعه را نزد مدرسین مختلف از جمله: «آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی»، «آقای بادکوبه‌ای» و «حجّه‌الاسلام فیاضی» و نیز بعضی کتابها را نزد اخوی ام خواندم. رسائل را به طور کامل در نزد حجّه‌الاسلام فیاضی خواندم. حلقه‌های شهید صدر را نزد اخوی (حلقه اولی و ثانیه) و نزد حجّه‌الاسلام اعرافی که امروز رئیس مرکز جهانی علوم اسلامی می‌باشد (حلقه ثالثه) را خواندم.

همزمان با خواندن دروس حوزوی در اواخر سال تحصیلی ۵۹ - ۱۳۵۸ برنامه‌ای فشرده در موسسه در راه حق زیر نظر استاد مصباح یزدی در مورد بررسی و نقد مارکسیسم را گذراندم. با توجه به شرایط زمانی آن سالها این درسها بسیار با اهمیت بود. بعداً امتحان گرفته شد و قبول شده‌های در آن امتحان در موسسه در راه حق گروه آموزشی جدیدی را تشکیل دادند.

از مهر ۱۳۵۹ به مدت پنج، شش سال دروس زیادی در برنامه موسسه در راه حق در کنار فقه و اصول حوزه می‌خواندیم از جمله: «اقتصادنا و فلسفتنا شهید صدر، چند واحد علوم سیاسی، چند واحد جامعه‌شناسی، ادبیات عرب، ادبیات فارسی، انگلیسی (به مقدار بسیار زیاد)، فلسفه مرسوم از جمله بدایه‌الحکمه، نهایت‌الحکمه، سلسله مباحث فلسفه شبیه درس خارج فلسفه (استاد مصباح)، دو واحد حقوق، چند واحد معرفت‌شناسی و ... این درسها تا چند سال در موسسه در راه حق و بعداً در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه

السلام) زیر نظر استاد مصباح ادامه یافت. بعدها با ارائه واحدهای درسی و در سال حدود ۱۳۶۸ به بعد تدریس دروس مختلف را شروع کردم: ادبیات عرب، اصول الفقه، فقه، منطق، فلسفه، کلام، منطق، زبان انگلیسی و ... درس می‌دادم. در سال ۱۳۷۹ در دوره دکتری تربیت مدرس شرکت کردم و در کنکور آن رتبه اول شدم. حالا هم پایان نامه را نوشته‌ام و پیش دفاع هم کرده‌ام و به زودی باید دفاع کنم. از سال ۱۳۷۷ هم عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) بوده‌ام و در این موسسه درس اشارات، نهایی‌الحکمه و انگلیسی تخصصی و بعضی کتابهای دیگر را تدریس داشته‌ام. بعضی از رساله‌های طلاب را مشاوره و یا داوری کرده‌ام. در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) هم بعضی رساله‌ها را مشاوره و یا داوری کرده‌ام. تابستانها حدود ۸ سال برای دانشجویان برنامه‌ای با نام «طرح ولایت» اجرا می‌شد که من در آن برنامه‌های: معرفت‌شناسی، فلسفه اخلاق، منطق و خداشناسی فلسفی را مکرراً تدریس کرده‌ام. در مدارس طلبگی هم گاهی این مواد را تدریس می‌کنم.

ملکیان، مصطفی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مصطفی ملکیان در سال ۱۳۳۵ شمسی در شهرضای اصفهان متولد شد. وی به علت علاقه‌ای که به مباحث عقلی و فلسفی داشت تحصیلات خود را در رشته مهندسی رها کرد و تامقطع کارشناسی ارشد در دانشکده الهیات دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. در تعلیم مباحث فلسفی وی در کنار تحصیلات دانشگاهی تلاش مستمری در مطالعه و تحقیق در شاخه‌های مختلف علوم عقلی داشت. استاد ملکیان تالیفات و ترجمه‌هایی در زمینه فلسفه و تاریخ فلسفه عرضه داشته است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

والدین و انساب: مصطفی ملکیان در سال ۱۳۳۵ شمسی در شهرضای اصفهان متولد شد.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: مصطفی ملکیان پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی و متوسطه در شهرضا به ادامه تحصیل در رشته مهندسی پرداخت. وی به دلیل علاقه به مباحث عقلی و فلسفی آن رشته را رها کرد و تحصیلات دانشگاهی خود را تا مقطع کارشناسی ارشد دانشکده الهیات دانشگاه تهران ادامه داد. ملکیان به تحصیلات رسمی و دانشگاهی قانع نشد و خود با تلاش پیوسته و خستگی‌ناپذیر به مطالعه و تحقیق در شاخه‌ها و شعب مختلف علوم به ویژه علوم عقلی پرداخته است.

استادان و مربیان: مصطفی ملکیان خود را پیرو سنت استادی-شاگردی نمی‌داند. و این مساله را ناشی از وسواسی می‌داند که در امور علمی و فکری در اعتماد نسبت به افراد داشته است. این تفکر باعث شده است که در حوزه و دانشگاه از استادان، مخصوصاً به صورت حضوری خیلی کم استفاده کند و در دانشگاه و اغلب در کلاس درس اکثر استادان حاضر نشود. و بالعکس هر گاه استادی را در حوزه مورد علاقه اش یعنی فلسفه، عرفان و ادبیات قوی و مسلط می‌یافت با شور و شوق بصورت مستمع آزاد در کلاس درس حاضر می‌شد. به این ترتیب وی از محضر درس استادانی چون مرتضی مطهری، مرحوم دکتر امیر حسین یزگردی، مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب، مرحوم دکتر غلامحسین صدیقی، مرحوم دکتر مهرداد بهار (که او را از شریف‌ترین انسانهایی می‌داند که چشم روزگار به خود دیده است) بهره برده است.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: مصطفی ملکیان در دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس می‌کند.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مصطفی ملکیان از آنجا که فکرش خاص در انتخاب استاد داشته است که خود از آن «مشکل پسندی و دیر پسندی» نام می برد. بیشتر به مطالعه متون مکتوب روی می آورد. البته در این مورد نیز در اختیاب نویسندگان، مترجمان کتابها، رسائل و مقالات هم حساسیتهای خاص در دنبال می کند. استاد ملکیان خود حصال این وضع و حال را نوعی آموختگی ذکر می کند و محاسن و معایب آن را یاد می آورد.

آرا و گرایشهای خاص : - تاثیر شناخت تاریخ فلسفه در شناخت خود فلسفه مصطفی ملکیان معتقد است که بر تاثیر اطلاع بر تاریخ فلسفه در فهم فلسفه باید بصورت مضاعف تاکید نمود علت این تاکرد را از آن جهت مهم می داند که موضوعات مورد بحث فلسفه امور محسوس نبوده بلکه امور انتزاعی را شامل می شود و این امور انتزاعی چستی شان وابسته به مقصد کسی است که درباره آن سخن می گوید. مصطفی ملکیان این اهمیت را چنین تشریح می کند که اگر لفظ دال اییک امور انتزاعی در طول تاریخ وحدت داشته باشد و هیچگونه تغییری نکند، ولی مولفه های مفهومی آن امر آهسته آهسته در ذهن متفکران عوض بشود، در این صورت با هویتهای مختلفی سرو کار خواهیم داشت. لذا این مساله مهم است که اطلاع کسب شود که یک مفهوم اذهان متفکرانی که با لفظ متناظر آن مفهوم سرو کار داشته اند، چه تطوری پیدا کرده است. - ارائه تقسیم بندی کلی در تاریخ نگاری های فلسفه مصطفی ملکیان تاریخ نگاری های فلسفه را به چهار قسم تقسیم می کند: ۱- تاریخ نگاری فیلسوفان یا به تعبیری تاریخ نگاری فلسفه از حیث شخصیتهای فلسفی (با رعایت تقدم و تاخر تاریخی) ۲- تاریخ نگاری فلسفه بر حسب مکاتب فلسفی، که به دو صورت با لحاظ تقدم و تاخر زمان پیدایش مکاتب، دوم تاریخ نگاری مکاتب از حیث نظم و ترتیب منطقی بین مکاتب. ۳- تاریخ نگاری بر حسب سنتهای فلسفی (سنت در اینجا به معنای همه کسانی است که سلسله النسب فکریشان به شخص واحدی م ی رسد)، این نوع تاریخ نگاری کمتر متعارف است. ۴- تاریخ نگاری موضوعی - مساله ای فلسفی است (لفظ موضوعات به لحاظ تصورات فلسفی و لفظ «مسائل» را به لحاظ تصدیقات فلسفی بکار رفته است). در این شیوه که برخی دایره المعارفهای فلسفی نیز به این شیوه مدخل یابی کرده اند اگر آرا و نظریه های فیلسوفان زیر هر موضوع یا مساله با تیب تاریخی ذکر شود نوعی تاریخنگاری است. که هر چهار شیوه محاسن و معایب اص خود را دارند و مابقه المجمع هم نیستند. توصیه ملکیان در مطالعه تاریخ فلسفه از آن جهت که فهم فلسفی توقف گریز ناپذیری به اطلاع از تاریخ آن دارد، قسم چهارم تاریخ نگاری را به این منظور سودمند می داند. - معنای فلسفه اسلامی مصطفی ملکیان در خصوص فلسفه دینی معتقد است واقعا نمی توان مفاهیمی چون «فلسفه» را با مضاف الیه «مسیحیت» یا «اسلام» یا ... صفت «مسیحی» یا «اسلامی» یا ... ترکیب کرد. به دلیل این که در فلسفه هیچ نفی و اثباتی و رد و قبول و نقض و ارابی صورت نمی گیرد مگر به مقتضای برهان و دلیل عقلی. همچنین وی معتقد است در صورتی که فلسفه اسلامی را به این معنا که این فلسفه بیشتر موضوع و مسائل خود را از اسلام می گیرد تقلی می شود، با این فرض نیز دیده می شود که موضوعات و مسائل فلسفه به اصطلاح اسلامی چندان تابع میزان تاکید و اهمیتی که متون مقدس دینی برای موضوعات و مسائل قائلند نیست. در تقلی سومی که از فلسفه اسلامی به این معنا که فلسفه اسلامی، فلسفه ای است که مشتغلان و نویسندگان آن مسلمان بوده اند بر این عقیده است که در تاریخ فرهنگ اسلامی، صاحب تئولوژی و الهیات اسلامی هستیم و کسانی که به فیلسوف و در این عرصه محمد بن زکریای رازی یگانه فیلسوف (کسی که سیر فکری و عقلانی اش واقعا سیری آزاد باشد) بزرگ جهان اسلام است.

آثار :

۱ تاریخ فلسفه غرب

ویژگی اثر : این کتاب با نام مصطفی ملکیان به چاپ رسیده است و مجموعه دروس ایشان در خصوص فلسفه غرب از ابتدا تا دوره معاصر در قم است. منابع زندگینامه :

ارویکردهای متفاوت در تاریخ، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۵۲ و ۵۳، بهمن و اسفند ۱۳۸۰، فلسفه نگاری

منتظر قائم، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی منتظر قائم

محل تولد: فردوس

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

الف) دوسر حوزوی

تایستان ۱۳۵۱ برای یادگیری عربی به سبک حوزوی وارد مدرسه مصلی (حوزه علمیه یزد) شدم و آبان همان سال به قم آمدم. در مدرسه علمیه منتظریه (حقانی) به تحصیل مشغول شدم. تحصیل را تا پایان سال تحصیلی ۵۷-۵۶ ادامه دادم و اوایل سال تحصیلی ۵۸-۵۷ با تعطیلی مدرسه حقانی به امور دیگر پرداختم. آبان سال ۱۳۶۱ به حوزه علمیه قم برگشتم و به تحصیل دروس سطح پرداختم.

از سال تحصیلی ۶۲-۱۳۶۱ تا پایان سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ به تحصیل شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه پرداختم. از سال تحصیلی ۶۶-۱۳۶۵ درس خارج فقه و اصول شرکت کردم و تا سال ۷۴-۱۳۷۳ ادامه دادم. از سال ۷۱-۱۳۷۰ تدریس در دانشگاه را شروع کردم و تاکنون ادامه دارد. چند سال نیز در «جامعه الزهراء» و «دانشکده هدی» تدریس کردم.

ب) دوسر کلاسیک

دوره شش ساله دبستان (نظام قدیم) را در یزد در مدرسه تعلیمات اسلامی رضانی (از سال تحصیلی ۴۴-۱۳۴۳ تا آخر سال تحصیلی ۴۹-۱۳۴۸) گذراندم. دو سال اول دبیرستان را در یزد در مدرسه تعلیمات اسلامی «مروج» از سال تحصیلی ۵۰-۱۳۴۹ تا آخر سال تحصیلی ۵۱-۱۳۵۰ بودم. سال سوم تا ششم دبیرستان (نظام قدیم) ۵۳-۱۳۵۲ تا آخر سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶ در قم به صورت متفرقه در رشته ادبی خواندم.

در سال ۵۸-۱۳۵۷ در دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، رشته «فلسفه غرب» قبول شدم و بهمن ۱۳۶۴ با معدل ۳/۱۸ فارغ التحصیل شدم. در سال ۶۸-۱۳۶۷ در رشته «الهیات و معارف اسلامی» در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در شهریور ۱۳۷۱ با معدل ۶۵/۱۷ مدرک کارشناسی ارشد را از دانشگاه قم گرفتم. پایان‌نامه‌ام ترجمه بخشی از کتاب J.L.mak با عنوان: «The miracle of theilm» بود که با نمره ۱۹ پذیرفته شد. زمستان سال ۱۳۸۴ در امتحان زبان عمومی و اردیبهشت سال بعد در بقیه امتحان‌های رشته «فقه و مبانی حقوق» دانشکده الهیات دانشگاه تهران در مقطع دکتری شرکت کردم و قبول شدم و از سال ۸۵ تاکنون به تحصیل مشغولم.

ج) تدریس

تدریس در دانشگاه را از سال تحصیلی ۷۱ - ۱۳۷۰ در دانشگاه علامه شروع کردم. سال بعد در دانشگاه تربیت معلم درس گرفتم. از سال ۷۳ - ۱۳۷۲ تدریس در دانشکده «علوم قضایی و خدمات اداری» را شروع کردم. سال ۱۳۷۴ عضو هیأت علمی این دانشکده شدم و با رتبه مربی تاکنون مشغول تدریسم. در طول این مدت، چندین سال در جامعه الزهراء و دانشکده هدی دانشگاه قم نیز تدریس داشته‌ام.

منتظری مقدم، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود منتظری مقدم

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱/۱

زندگینامه علمی

آقای محمود منتظری مقدم در چهاردهم فروردین ۱۳۴۵ از پدری فاضل و دانشمند حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ محمد صادق منتظری زنجان (همشیره زاده مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد زنجان قدس سره) و مادری نیکوکار و زاهد (صبیه مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالحسین لنکرانی قدس سره) در شهر مقدس قم به دنیا آمد. وی در خانواده روحانی و ظلم ستیز تربیت یافت که افتخار تقدیم سه شهید را به آرمانهای انقلاب اسلامی با خود دارد: «جهادگر شهید رضا منتظری (برادر)، روحانی شهید حجة الاسلام و المسلمین کاظم منتظری (عمو)، انقلابی شهید محمد تقی منتظری (عمو). تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را در مدارس ممتاز قم (رزاقپور، دین و دانش، حکیم نظامی «امام صادق علیه السلام» سپری کرد.

در سال تحصیلی ۶۱ - ۶۲ وارد حوزه علمیه قم شد و در طول تقریباً ۷ سال تحصیلات مقدماتی، سطح و سطح عالی را سپری کرد و در آزمون پایانی سطح عالی موفق به کسب رتبه نخست شد. مهمترین استادان وی در دوره تحصیلات سطح عبارت اند از: حضرات آقایان «حجة الاسلام و المسلمین حاج سید مهدی میرباقری»، «مرحوم آیت الله آقای حاج مصلحی» و «آیت الله آقای حاج سید علی محقق» می باشد. پس از اتمام سطح عالی در یک دوره ده ساله دروس اجتهادی خارج فقه و اصول را از محضر حضرات آیات عظام: «مرحوم آقای حاج میرزا جواد تبریزی قدس سره»، «حاج آقا موسی شبیری زنجان مدظله العالی» و «آقای وحید خراسانی مدظله» استفاده نمود.

در سال ۶۹ با دعوت شورای مدیریت حوزه علمیه قم پس از موفقیت در آزمون مدرسی به عنوان استاد دروس سطح به مراکز آموزشی معرفی شد و از آن زمان تا به امروز یکی از استادان موفق حوزه علمیه قم به شمار می آید و ایشان در سال ۷۵ به عنوان استاد نمونه تدریس منطبق انتخاب و معرفی شدند. هم زمان با دروس حوزوی دروس آموزش عمومی موسسه در راه حق را زیر نظر استاد «آیت الله آقای مصباح یزدی» به مدت ۵ سال گذراند و سپس به تحصیل تخصصی در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) در رشته های «حقوق و علوم سیاسی» (به مدت ۲ سال) و «فلسفه اسلامی» به مدت ۵ سال پرداخت.

لازم به ذکر است که این بنیاد بعدها به عنوان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) به کار خود ادامه داد. مهمترین استادان وی در فلسفه اسلامی عبارتند از: «آیت الله جوادی آملی»، «آیت الله مصباح یزدی» و «حجّه الاسلام و المسلمین جناب فیاضی». با تاسیس مدرسه تخصصی فقهی از سوی «حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی» به نام مدرسه فقهی باقرالعلوم (علیه السلام) از سوی معظم له به عنوان مدیر منصوب شدند. (به مدت ۴ سال) و اکنون به عنوان عضو شورای آموزشی به انجام وظیفه هستند.

پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی و واگذاری مسئولیت کلاسهای معارف اسلامی در دانشگاههای کشور به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه از سوی این نهاد مقدس برای تدریس در دانشگاه ها دعوت به همکاری شدند و پس از موفقیت در آزمونهای مربوط در گرایشهای: (مبانی نظری اسلام، تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و ریشه های آن و اخلاق و متون اسلامی) مجوز تدریس دائم را در تمام رشته های مذکور دریافت کردند که پس از آن به مدت تقریباً ۱۴ سال با رتبه استاد یاری اشتغال به تدریس دروس معارف اسلامی در دانشگاه تهران دارند.

لازم به ذکر است مقارن با تحصیلات حوزوی دروس دانشگاهی را نیز تا پایان کارشناسی ارشد در رشته «فلسفه و کلام اسلامی» در دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) ادامه دادند و با امتیاز عالی از رساله پایان نامه خود با عنوان: «طرحی نو در بهره وری منطق» دفاع کردند. مهمترین اشتغال فعلی ایشان به ترتیب عبارت است از: تدریس، تألیف و تبلیغ می باشد.

منطقی یزدی، کمال الدین حسین

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۹۱۱/۹۱۰/۹۰۴ ق)، عالم، صوفی، نحوی، دانشمند، ادیب و شاعر، متخلص به منطقی. ملقب به کمال الدین. در شهر میبد، از توابع یزد، به دنیا آمد. در شیراز نزد علامه جلال الدین دوانی به کسب علم پرداخت. در هر یک از رشته های منطق، حکمت، ریاضی، کلام، تصوف و احکام اسلامی تحقیقات بسیار نمود و در آن مراتب صاحب نظر گردید. او علاوه بر آنکه در نثر قدرت داشت و عربی و فارسی را خوب می نوشت به فارسی هم نیکو شعر می گفت و در معما و لغز دست داشت. علامه دوانی با قاضی میرحسین، شاگرد دانشمند خویش، به تبریز مسافرت کردند و در آنجا با شیخ ابواسحاق تبریزی مباحثه ای داشتند که در این مباحثه قاضی میرحسین بر ابواسحاق تبریزی پیروز شد. به درخواست علامه دوانی از سلطان یعقوب آق قویونلو، حاکم آذربایجان، میرحسین به سمت قضاوت به یزد می رود، اما همواره، در مقام استعفا از شغل قضاوت و کار اوقاف یزد بوده است. حمام قاضی در یزد از بناهای قاضی کمال الدین بوده که اکنون از بین رفته است. بعضی از کتابها، وی را از اهل تسنن خوانده اند اما برخی نوشته اند که او بر اثر اختلاف عقیده ی مذهبی به دست شاه اسماعیل دوم صفوی (که به اهل تسنن گرایش پیدا کرده بود) کشته شده است، لذا می توان او را شیعه دانست و با توجه به آثارش شیعه بودنش محرز می شود. از تألیفات وی: شرح «الهدایة الاثیریة»؛ شرح «دیوان» امیرالمؤمنین (ع) که در ۸۹۰ ق پایان یافته؛ شرح «کافیه» ابن حاجب؛ حاشیه بر «طوالع»، در کلام؛ شرح بر «شمسیه»، در منطق؛ شرح بر «آداب بحث» شمس الدین محمد سمرقندی، به عربی؛ شرح «کلمة العین»؛ شرح «گلشن راز»؛ «جام گیتی نما»، در حکمت به فارسی، که در ۸۹۷ ق از تألیف آن فراغت یافت؛ حاشیه بر «تحریر اقلیدس»؛ «رساله»، در فن معما؛ «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول- ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۱۸۷، ۱۷۴/۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۵، ۱۰۱، ۱۰۰-۹۹/۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۷۹، ۳۶۷)، تحفه

سامی (۷۶)، تذکره‌ی سخنوران یزد (۲۸۸-۲۸۷)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۱۳-۵۱۲)، جامع مفیدی (۳۵۵-۳۵۳/۳)، حبیب السیر (۴/۶۰۷)، الذریعه (۴۰-۳۹/۲۳، ۲۹/۱۴، ۳۳۷/۱۳، ۸۷۲/۹، ۲۵۴/۹، ۱۳۶/۶، ۲۵/۵)، روضات الجنات (۲۳۵-۲۲۴/۳)، ریاض العارفین (۱۸۵)، ریحانه (۵-۴۸/۶)، سبک شناسی (۳/۲۲۵)، طرائق الحقائق (۱۲۵-۱۲۴/۳)، فرهنگ سخنوران (۸۸۲)، الکنی و الالقاب (۲۱۶-۲۱۵/۳)، لغت نامه (ذیل / حسین میبیدی)، معجم المؤلفین (۴/۶۳)، یغما (س ۱، ش ۵، ص ۲۲۲-۲۲۱).

منطقی، ابوسلیمان محمد

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بهرام بجستانی از فلاسفه‌ی بزرگ قرن چهارم هجری است. وی معاصر عضدالدوله‌ی دیلمی بود و این پادشاه توجه زیادی به وی داشت. منطقی رساله‌هایی بنام عضدالدوله در فنون حکمت و شرح کتب ارسطو تألیف کرد. اشعاری نیز به عربی دارد. از جمله‌ی آثار او است: رساله فی المحرک الاول، مقاله‌ی طبیعت اجرام علوی، مقاله فی الکمال الخاص بنوع الانسان. وفات وی بعد از سال ۳۹۱ ه. ق واقع شده است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

موحد، ضیاء

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر ضیاء موحد در سال ۱۳۲۱ ش در شهرستان اصفهان به دنیا آمد؛ و بعد از گذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در رشته فیزیک به اخذ درجه فوق لیسانس موفق گردید؛ و از آن پس جهت ادامه تحصیل به کشور انگلستان سفر کرد و در رشته منطق و فلسفه به دریافت درجه دکترا نایل آمد. وی عضویت هیات علمی وزارت علوم می باشد. ایشان در حین انجام وظایف محوله، به تألیف و مطالعه می پرداخت که حاصل آن چندین مقاله و کتاب به زبان فارسی و انگلیسی است که مشهورترین آنها کتاب «درآمدی به منطق جدید» است که در سال ۱۳۶۹ (دوره هشتم) جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

گرایش: منطق جدید

تحصیلات رسمی و حرفه ای: ضیا موحد پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در رشته ریاضی در زادگاه خود اصفهان، در سال ۱۳۳۹ وارد دانشگاه تهران شد و دوران لیسانس و فوق لیسانس را به تحصیل در رشته فیزیک گذراند. و از آن پس (۱۳۴۸) جهت ادامه تحصیل به کشور انگلستان سفر کرد و در رشته منطق و فلسفه به تحصیل مشغول شد. وی دکترای خود را در سال ۱۳۶۱ از دانشگاه لندن دریافت نمود. شایان ذکر است که دکتر موحد جهت تحصیل در رشته کتابداری به انگلستان سفر نموده بعد اما به دلیل عدم علاقه، تغییر رشته داده و به فلسفه روی آورده بود.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: ضیاء موحد در هنگام تحصیل در اصفهان سپردون شو کهنه و نو نیز مشغول بعد و گاهی عجیب به تخلص می نمود. وی در جلسات شعر انجمنی کمال در اصفهان که به ریاست جلال الدین همایی تشکیل می شد نیز حضور یافت. استادان و مربیان: ضیا موحد از محضر استادانی چون دکتر کمال جناب، دکتر محمود حسابی و دکتر روحانی نژاد در دانشگاه تهران و نیز هانس کمپ و یل هارت در انگلستان بهره برد.

وقایع میانسالی: ضیاء موحد پس از اخذ مدرک فوق لیسانس فیزیک از دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت. اما در آنجا بدلیل علاقه به فلسفه تغییر رشته داد و دکترای منطق و فلسفه خود را دریافت نمود. و پس از بازگشت به ایران به عضویت در هیات علمی وزارت علوم در آمد.

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سردبیری چکیده نامه مرکز اسناد و مدارک علمی، عضویت در هیات علمی وزارت علوم. عضویت در کمیته کنگره منطق، عضویت در کمیته علمی دوره بین المللی تابستانی منطق و نیز عضویت در انجمن حکمت و فلسفه ایران از مناسبی است که دکتر موحد در کارنامه خود دارد.

فعالیت‌های آموزشی: ضیاء موحد پس از اخذ مدرک دکترای منطق و فلسفه از انگلستان و بازگشت به ایران به عضویت در هیات علمی وزارت علوم در آمد.

مراکز که فرد از بنیان آن به شمار می آید: ضیاء موحد در هنگام تحصیل در اصفهان از موسسین جنگ اصفهان که انجمنی شو سنتی بود، به شمار رفت.

سایر فعالیت‌ها و برنامه های روزمره: ضیاء موحد در کنار فعالیت علمی در هیئت علمی وزارت علوم و نیز اجرای نقش در مراکز علمی - تحقیقاتی دیگر، به مطالعه و تالیف در زمینه فلسفه و منطق (بوژه منطق جدید) می پردازد. از این گذشته مطالعات ادبی و سرودن شو و نگاشتن مقالات ادبی و نقد ادبی از مشغولیت های همیشگی استاد می باشد.

آرا و گرایش‌های خاص: ضیاء موحد بدلیل علاقه بسیار به منطق جدید، به زبان و وجه منطقی و فلسفی آن توجه خاصی دارد. و می کوشد تا بوسیله فنون منطق به معنا شناسی زبان پردازد. وی اعتقاد دارد که یک سوی زبان، خود زبان است و سمت دیگر آن، جهان قرار دارد. از این گذشته خود در ادبیات و نقد ادبی به فعالیت هنری و علمی می پردازد. و بدلیل دیدگاه فلسفی خود اعتقاد دارد که برای اعتلای نقد ادبی باید تفکر فلسفی را جدی تر گرفت. .

جوایز و نشانها: دکتر ضیاء موحد دارای تالیفات و ترجمه های در زمینه رشته تخصصی خود می باشد. از آن جمله تعدادی در دوره های مختلف انتخاب کتاب سال به عنوان کتاب سال برگزیده شده اند. کتاب "درآمدی به منطق جدید" ضیاء موحد(در سال ۱۳۶۹)، در دوره هشتم، کتاب "نظریه ادبیات" ترجمه ایشان در دوره سیزدهم و کتاب "منطق موجهات" تالیف ضیاء موحد، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتابهای سال برگزیده شدند.

چگونگی عرضه آثار: رمز کتابهای ادبی دکتر موحد از جمله کتاب «مشتی نور سرد» در انتشارات اکنون به چاپ رسیده است ---

آثار:

۱ برآبهای مرده مروارید

ویژگی اثر: ۱۳۵۴

۲ جادوی شو گذشتگان

۳ در آمدی به منطق جدید

ویژگی اثر: کتابی درسی است در روشن نمودن مبانی منطق جدید که به زبانی ساده مطالب دقیق را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. تلاشی مولف از جهت اینکه مسائل کتاب را با مثالهایی برگرفته از فرهنگ ایرانی و مانوس برای خواننده فارسی زبان، ستودنی است. این کتاب در دوره هشتم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «درآمدی به منطق جدید»: منطق جدید که از مبانی ریاضیات جدید و فلسفه تحلیلی است، سالهاست که در برنامه درسی بیشتر دانشکده‌ها بویژه دانشکده‌های ریاضی و فلسفه و زبانشناسی کشورها گنجانیده شده است. ولی در ایران که خود میراثی غنی در منطق سنتی دارد، هنوز کتابی درسی که مبانی این علم را بدقت، اما ساده و روشن بیان کند، نوشته نشده است. کتاب درآمندی به منطق جدید از این جهت خلاء مهمی را پُر می‌کند و کتابی دقیق و در عین حال آسان‌یاب را در اختیار خواننده علاقه‌مند قرار می‌دهد. علاوه بر آن تلاش مؤلف در جهت تطبیق مسائل کتاب با مثالهایی که برگرفته از فرهنگ ایرانی و برای خواننده مانوس است؛ بر ارزش کتاب می‌افزاید

۴ روشنفکران و نقش آنان در جامعه

۵ سعدی

ویژگی اثر: تالیف

۶ سهم فلسفه معاصر در نقد ادبی

۷ شعر و شناخت و سعدی تالیفات فلسفی

۸ غراب دی سفید

۹ فلسفه منطق فرگه (۱۳۶۱)

ویژگی اثر: درباره نظریات فلسفی فرگه، بنیانگذاری منطق جدید می‌باشد که دکتر موحد آنرا به زبان انگلیسی در سال ۱۳۶۱ نگاشته است.

۱۰ مثنوی نو در سرو

ویژگی اثر: آثار ادبی دکتر موحد نیز سراسر نوآوری است چنانکه در اشعار کتاب مثنوی نور سرد، واژه سازی و ابداعاتی در زبان را به نام خود ثبت نموده است.

۱۱ مقالات متعدد فلسفی و منطقی

۱۲ منطق موجّهات

ویژگی اثر: تالیف، این کتاب، در دوره بیست و یکم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: منطق موجّهات ضیاء موحد. تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۱. این اثر نخستین کتاب در منطق موجّهات جدید به زبان فارسی است و هدف از آن آموزش گام به گام و روشمند این منطق است. منطق موجّهات با افزودن مفهوم‌ها و اصل‌ها و قاعده‌هایی به مبانی منطق جمله‌ها و محمول‌ها پایه گذاری می‌شود. از این رو، مؤلف در این کتاب به این مبانی هم در حد نیاز پرداخته است. در نوشتن کتاب تلاش بر این بوده است که خواننده علاقه‌مند بتواند مطالب آن را خودآموزی کند. لذا در بیان مطالب توان خواننده نا آشنا با موضوع در نظر گرفته شده و حلّ همه تمرین‌ها نیز در پایان کتاب آورده شده است. همچنین با طرح بحث‌های فلسفی و دلالت شناختی گوناگون کوشش شده است تا موضوع ملموس‌تر شود. میراث آثار منطق دانان ما، به ویژه ابن سینا، از راه ترجمه لاتینی به قرون وسطای اروپا رسید و نوآوری‌های ابن سینا در منطق موجّهات توجه منطق دانان آن دوره را به خود جلب کرد. با پایان گرفتن قرون وسطی (قرن پانزدهم میلادی)، در غرب نیز منطق موجّهات سرنوشتی بهتر از سرنوشت آن در دنیای اسلام نداشته است. توجه جدی به این منطق از اواسط قرن بیستم آغاز شد و با شتابی روزافزون رشد

و گسترش یافت. آگاهی از منطق موجهات جدید، گذشته از ارزش منطقی و فلسفی آن، ابزاری در اختیار ما می‌گذارد که بتوانیم با آن میراث دانشمندان خود را درک و ارزیابی کنیم.

۱۳ نظری؟ ادبیات

ویژگی اثر: ترجمه، این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب «نظری؟ ادبیات»: نظری؟ ادبیات؛ رنه ولک، آوستن وارن؛ ترجمه؟ ضیاء موحد، پرویز مهاجر؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳. نظری؟ ادبیات کتابی است کلاسیک در نقد ادبی. این کتاب تاکنون به بیش از ۱۸ زبان ترجمه شده و بنا به گزارشهای موجود در بسیاری از حوزه های فرهنگی در نظریه و روش شناسی پژوهشهای ادبی دگرگونیها و تجدید نظرهای گسترده ای پدید آورده است. این کتاب در هر موضوع عرصه؟ نقل و نقد عقیده ها و نظریه های اندیشمندان از یونان قدیم تا اوایل دهه؟ دوم قرن بیستم اروپا و آمریکا است. از این رو هیچ منتقد ادبی از آن بی نیاز نیست. کتاب حاضر چکیده؟ قرنهای تفکر و سنت ادبی است که با همکاری دو تن از محققان برجست؟ معاصر - رنه ولک و آوستن وارن - تدوین شده است و با آنکه نزدیک به سی سال از تألیف آن می‌گذرد، از هر لحاظ تازگی و اصالت دارد. نثر ترجمه از هر حیث شیوا و مفهوم است و دلیل آن تسلط مترجمان بر دو زبان مبدأ و مقصد و آشنایی با موضوع کتاب بوده و همین سبب شده است که ابهامی در آن نباشد و از ترجمه لفظ به لفظ دور بماند. این کتاب، کتابی پایه و مرجع محسوب می‌شود و به دلیل اهمیت، ترجمه؟ آن از سالها پیش مورد انتظار بود منابع زندگینامه:

۱. www.ketabesal.ir، تهران، زاده، برگزیدگان علمی و فرهنگی کشور، صص ۳-۲۴۲۳ حمید رضا ابک، روایت فیلسوف از شاعر هستند، همشهری، ص ۱۶۴ رضا انزابی نژاد، یکسینه سخن گرم، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، سال چهارم، شماره نهم، تیر ماه ۱۳۸۰، ص ۲۳۵ ضیا موحد، سهم فلسفه معاصر در نقد ادبی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، آذر و دی ۱۳۸۰، صص ۲۷-۲۰۶ علی اصغر محمد خانی، گفتگو با دکتر ضیاء موحد به مناسبت انتشار کتاب شعر و شناخت، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، آذر ۱۳۷۷، ص ۲۲۷ محمد خانی، فیلسوفانی مدیون بصیرت های شاعرانه هستند، در کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ص ۶

موحد طاهر، محمد باقر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد باقر موحد طاهر

محل تولد: بابل

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۱۳۵۴ بعد از گذراندن کلاس ۴ متوسطه آن زمان به خاطر عدم پذیرش عضویت حزب رستاخیز وارد حوزه علمیه

قم شدم و در سال اول ادبیات عرب را در مدرسه رضویه که می شود گفت از لحاظ برنامه درسی شعبه ای از مدرسه حقانی محسوب می شد؛ گذراندم و سال بعد یعنی سال ۱۳۵۵ وارد مدرسه حقانی که توسط مرحوم شهید قدوسی اداره می شد، شدم و با شروع نهضت فراگیر انقلاب اسلامی ضمن همراهی و شرکت در تظاهرات و سایر برنامه ها به عنوان یکی از طلاب جوان اداء دین نموده و در ضمن، دروس حوزه را به صورت خصوصی در زمانی که حوزه تعطیل بود خواندم.

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) دروس مکاسب و کفایه را در سال ۱۳۵۸ خواندم و سال بعد در درس خارج آیات عظام: وحید خراسانی (مکاسب محرمة) و نوری همدانی (اقتصاد اسلامی) و منتظری (حدود) را خواندم و در سال ۱۳۶۰ در برنامه یکساله ای که در موسسه در راه حق تحت عنوان «گروه دال» به منظور آموزش اساتید معارف اسلامی دانشگاه در آن موسسه برگزار می شد؛ شرکت نمودم لکن بعد از پایان این دوره چون برنامه های آموزشی در حال ارائه موسسه در راه حق توسط استاد مصباح برایم جذاب بود، شرکت در آن برنامه ها را قطع نکردم و تا سال ۱۳۶۴ این کار ادامه پیدا کرد.

در کنار این برنامه ها دورس حوزه را با شرکت در درس خارج «آیت الله وحید» که شامل دو درس اصلی حوزه یعنی اصول و فقه می شد؛ برنامه ها را ادامه دادم و شرکت در درس خارج سایر آقایان که در یک مقطع یک ساله دیگر از «آیت الله مظاهری» و «آیت الله تبریزی» هم استفاده نمودم که بیش از یک سال طول نکشید ولی شرکت در درس فقه و اصول آیت الله وحید به مدت ۱۴ سال ادامه پیدا کرد. ضمن اینکه در این مدت، برنامه های دیگر حوزه مانند شرکت در دروس تفسیر و فلسفه «آیت الله جوادی» و «آیت الله مصباح» را تعقیب می نمودم. علاوه بر برنامه های حوزوی، تدریس معارف اسلامی دانشگاه را هم داشتم و همین طور به مدت یک سال برنامه تدریسی مبانی اعتقادی اسلام را برای برادران سپاه در شمال کشور را هم به عهده داشتم.

در سال ۱۳۶۴ که برنامه تحقیقاتی موسسه باقرالعلوم (ع) توسط «آیت الله مصباح یزدی» شکل گرفت؛ در گروه فلسفه شرکت نمودم که تا سال ۱۳۷۲ این کار ادامه داشت. در سال ۱۳۷۳ به مدت دو سال و اندی برای اداره رایزنی فرهنگی به پاکستان اعزام شدم و بعد از اتمام این دوره به قم بازگشتم. در خلال این مدت تا حال ضمن تدریس دروس اصلی حوزه فقه و اصول و فلسفه در سطح عالی و همینطور ارائه مقالات در زمینه های تاریخی، فقهی و فلسفی انجام وظیفه نمودم و در سال ۱۳۸۰ با ارائه پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه با موضوع: «اصالت وجود» از موسسه امام خمینی (ره) مدرک کارشناسی ارشد را اخذ نمودم.

موحدیان عطار، علی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علی موحدیان عطار

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را تماماً در شهر اصفهان انجام دادم و از دبیرستان «هراتی» در سال ۱۳۵۹ دیپلم علوم تجربی اخذ

کردم. این زمان مصادف شد با انقلاب فرهنگی و تعطیل دانشگاه‌ها و جنگ تحمیلی. بنابراین به خدمت سربازی رفتم اما هم در دوره دبیرستان و هم در طول خدمت سربازی با موضوع معارف اسلامی و مباحث کلامی و فلسفی مانوس بودم. پس از پایان خدمت به قصد مطالعه در میراث معنوی و علمی اسلام و تشیع و به ویژه معارف امامان شیعه (علیهم السلام) به حوزه علمیه اصفهان و در سال ۱۳۶۲ به حوزه قم مهاجرت کرده و در مدرسه علمیه حقانی، که سپس با نام شهیدین ادامه کار داد، به تحصیل مشغول شدم. تحصیلات متعارف حوزوی را تا مرحله خارج فقه ادامه داده و چند سالی در دروس خارج آیات عظام، از جمله: «حضرت آیت الله العظمی بهجت (دام ظلّه)» شرکت کردم. در این بین به مطالعات فلسفی، عرفانی و کلامی نیز می‌پرداختم و چند سالی را با گروه فلسفه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در تدوین معجم موضوعی کتب فلسفی همکاری کردم. در کنار تحصیلات حوزوی در سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳ در دانشگاه قم مرکز تربیت مدرس در مقطع کارشناسی ارشد رشته «الهیات» تحصیل کردم و پایان نامه خود را در موضوع: «آسیب شناسی ایمان دینی: (ثبات در اعتقادات)» تحت نظر حضرت آیت الله معرفت دفاع کردم. بعد از آن چند سالی در دانشگاه‌های مختلف، از جمله دانشگاه رازی کرمانشاه و علامه طباطبایی تهران به تدریس دروس معارف پرداختم.

در سال ۱۳۷۵ به مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب پیوستم و مطالعات خود را در این زمینه و به طور خاص درباره ادیان هند آغاز کردم که تاکنون ادامه دارد و ره آورد آن یک کتاب، چندین مقاله و تدریس موضوعات مربوطه بوده است. علاوه بر این چند سالی است که مطالعات و پژوهش‌هایی را در زمینه «موعود باوری: در ادیان ترتیب داده و به طور فردی و گروهی مقالاتی را فراهم آورده‌ام و حاصل آن را در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی متعددی ارائه کرده‌ام. در همین سال‌ها در مقطع دکتری در رشته «کلام با گرایش فلسفه دین و مسائل جدید کلامی» در دانشگاه قم (مرکز تربیت مدرس) تحصیل کرده و پایان نامه خود را در موضوع: «ایضاح مفهومی عرفان و ویژگی‌های جوهری آن» تحت نظر و راهنمایی جناب آقای دکتر قاسم کاکائی، دکتر شهرام پازوکی و آیت الله علی عابدی شاهرودی دفاع کردم. این موضوع را از آن رو برگزیدم تا سنگ بنایی باشد برای پژوهش‌هایی در زمینه عرفان ادیان و به ویژه عرفان امامان شیعه (علیهم السلام)، از این رهگذر نیز مقالاتی فراهم آمده است که برخی از آنها را در مجلات علمی پژوهشی کشور به چاپ رسانده‌ام.

موسوی بالیگی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد موسوی بالیگی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید محمد موسوی بالیگی در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و مذهبی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۵ وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) نزد بزرگان آن دیار همچون: «آیت الله آشتیانی»، «آیت الله علم الهدی» و «مرحوم آیت الله فلسفی» تلمذ کرد.

ایشان ضمن پرداختن به وظیفه مهم دینی خویش: «تبلیغ»، به تدریس فلسفه و عرفان در دانشگاه‌های رضوی مشهد و دانشگاه تهران مشغول است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس، درس، قلم، کتاب، تحقیق، نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب‌های «آیین و اندیشه» و «تصحیح «اسرار الآیات» و ... از جمله آثار ایشان است.

موسوی بجنوردی، محمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آیت الله دکتر سید محمد موسوی بجنوردی در سال ۱۳۲۲ در نجف اشرف متولد شد ولی در شناسنامه وی ۱۳۲۴ به عنوان سال تولد رقم خورده است. ایشان تحصیلات علوم حوزوی و دینی خود را در ایران و نجف اشرف به انجام رساندند. وی به مدت ۳۰ سال در محضر استادان درجه اول فقه و اصول و فلسفه از جمله مرحومان امام خمینی (س)، پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی - صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت - آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزه نجف اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت. موسوی بجنوردی که دروس جدید و حوزوی را با هم می‌خواند در ۱۸ سالگی کفایتین (سطح ۳) را به پایان رساند. همزمان با حضور در درس خارج امام موسوی بجنوردی به مدت ۱۲ سال در کلاسهای آیت الله العظمی خویی نیز حاضر می‌شدند. موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال ۱۳۵۹ به دستور امام راحل، دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال ۱۳۶۰ به مدت دو دوره تا سال ۱۳۶۸ به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت. همزمان با این فعالیتهای اجتماعی و امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده‌های حقوق دانشگاه‌های شهید بهشتی، تربیت مدرس و نیز دانشکده‌های هیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال ۱۳۶۸ به رتبه‌دانشیاری و در فروردین سال ۱۳۸۲ به رتبه استادی رسیدند. دکتر سید محمد موسوی بجنوردی از سال ۱۳۷۱ عضو هیأت علمی و ریاست گروه هیات دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی) بودند و در حال حاضر رئیس گروه هیات و رشته حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه می‌باشند.

گروه: علوم انسانی

رشته: حقوق

گرایش: فقه و اصول

والدین و انساب: پدر معظم سید محمد موسوی بجنوردی مرحوم آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی، صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت بود

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای: سید محمد موسوی بجنوردی دارای اجتهاد در رشته فقه و اصول از نجف اشرف از سال ۱۳۳۲ تا

۱۳۵۷ است.

فعالیت‌های ضمن تحصیل: سید محمد موسوی بجنوردی در حین شاگردی در کلاس درس امام و آیت الله العظمی خویی در مسجد جامع نجف اشرف (هندی) رسائل، مکاسب و کفایتین را به زبان عربی برای شیعیان کشورهای عرب زبان همچون عراق، لبنان، سوریه و مصر تدریس می‌کردند.

استادان و مربیان: از استادان سید محمد موسوی بجنوردی می‌توان به امام خمینی (ره)، پدر معظم ایشان آیت الله العظمی میرزا سید حسن بجنوردی، آیت الله خویی و آیت الله حکیم در حوزه نجف اشرف اشاره کرد.

وقایع میانسالی: سید محمد موسوی بجنوردی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدند و در دفتر استفتائات حضرت امام مشغول به کار شدند. در سال ۱۳۵۹ به دستور امام راحل، دادگاه عالی قضات را راه اندازی کرد. ایشان از سال ۱۳۶۰ به مدت دو دوره تا سال ۱۳۶۸ به عضویت شورای عالی قضایی درآمدند که تا ارتحال حضرت امام و تغییر در قانون اساسی (که منجر به حذف شورای عالی قضایی شد) ادامه داشت. در این شورا بخش مهمی از تدوین قوانین و اصلاحیه‌های مربوط به قانون مدنی، آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و نظارت مستقیم بر احکام همه دادگاهها بر عهده ایشان بود. همزمان با این فعالیت‌های اجتماعی و امور اجرایی کار تدریس و تحقیق در دانشکده‌های حقوق دانشگاه‌های شهید بهشتی، تربیت مدرس و نیز دانشکده الهیات دانشگاه تهران را دنبال کردند. در سال ۱۳۶۸ به رتبه دانشیاری و در فروردین سال ۱۳۸۲ به رتبه استادی رسیدند

مشاغل و سمت‌های مورد تصدی: سوابق شغلی (آموزشی - اجرایی) سید محمد موسوی بجنوردی به شرح زیر است: اجرایی: - عضویت در شورای عالی قضایی (دو دوره بمدت ده سال) - رئیس دادگاه عالی انقلاب اسلامی - رئیس شعبه دیوان عالی کشور - عضو هیات عفو حضرت امام خمینی (ره) - عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی - عضو هیئت علمی موسسه عالی بانکداری - ریاست کمیسیون حقوق بشر اسلامی - عضویت در شورای عالی علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی - عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) - رئیس گروه حقوق و علوم سیاسی تربیت معلم - رئیس گروه دین و فلسفه - مدیر گروه فقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی - عضو هیات امنای مرکز بین المللی گفتگوی فرهنگها و تمدنها - عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی - عضو کمیته علمی شورای پول و اعتبار - عضو هیئت امنای مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها - عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی - عضو شورای دانشگاه تربیت معلم - عضو هیئت ممیزه دانشگاه تربیت معلم - مدیر گروه‌های حقوق و علوم سیاسی و فلسفه و دین و فقه و حقوق پژوهشکده امام خمینی (ره) - مدیر گروه دین و فلسفه دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) - مدیر گروه حقوق و علوم سیاسی (تربیت معلم) - عضو هیئت تحریریه مجله علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم - عضو هیئت تحریریه متین پژوهشکده امام خمینی (ره) - عضو هیئت تحریریه مجله نامه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی - عضو هیئت تحریریه مجله حقوق و علوم سیاسی آموزشی - آموزش از سال ۶۰ تا کنون: - دانشگاه شهید بهشتی - دانشگاه تربیت مدرس - دانشگاه تهران - دانشگاه آزاد اسلامی - مدرسه عالی شهید مطهری - موسسه عالی بانکداری ایران - دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم) - دانشگاه قم

فعالیت‌های آموزشی: سید محمد موسوی بجنوردی تدریس در دانشگاه‌های خارج از کشور را از سال ??? با تدریس در دانشگاه بریتیش کلمبیا کانادا آغاز کردند. ایشان در آن سال به دعوت دانشکده حقوق آن دانشگاه بمدت یک ترم حقوق اسلامی تدریس کردند و در پایان نیز یک رساله دکترا در موضوع «حقوق کودک در اسلام» را راهنمایی کرد. ایشان در همان سال از کانادا به آمریکا رفته در دانشگاه کالیفرنیا جلساتی را بمدت دو ماه برگزار کرد که مقارنه بین حقوق اسلام و حقوق غرب بود. این جلسات نهایتاً ترجمه و در آن دانشگاه به چاپ رسید. به دنبال همین جلسه مسؤلان دانشگاه از ایشان خواستند که بمدت چهار سال استادی آن دانشگاه را عهده دار شود که وی به علت ارجحیت دادن حضور در ایران این پیشنهاد را نپذیرفت. یکسال بعد مسؤلان دانشگاه

جرج تاون واشنگتن دی سی به واسطه دکتر سید حسین نصر پیشنهاد تصدی گری مسؤولیت بخش علوم اسلامی آن دانشگاه را به ایشان دادند ولی موسوی بجنوردی این پیشنهاد را نیز نپذیرفت. در سال ۱۹۹۹؟؟ نیز آیت الله موسوی بجنوردی بمدت یک ترم در دانشکده حقوق دانشگاه آکسفورد تدریس داشتند که در انتها راهنمایی رساله دو دانشجوی در موضوعات «سیستم حکومت در اسلام» و «بررسی حقوق خصوصی در بعد مسائل مالکیت خصوصی» را عهده دار شد. آیت الله موسوی بجنوردی از اواسط دهه هفتاد ارتباطات علمی مستمری با دانشکده حقوق دانشگاه محمد الخامس مراکش داشته است. ایشان رفت و آمد و تدریس در مراکش را بسیار مفید دانسته و از این بابت بسیار اظهار خرسندی داشته اند. سال گذشته آیت الله موسوی بجنوردی به دانشگاه سن ژوزف (القدیس یوسف) لبنان دعوت شدند و جلسات علمی را در آن دانشگاه که شاخه ای از دانشگاه سوربن می باشد برگزار کردند. به دنبال آن جلسات دعوتنامه ای از دانشگاه سوربن برای تدریس در ترم پاییز به ایشان ارسال شد. در اردیبهشت ۱۳۹۹؟؟ آیت الله موسوی بجنوردی به دعوت طنطاوی شیخ الازهر به مصر رفت و ضمن ارائه جلساتی در خصوص «نقش عقل در شریعت» ارتباطات علمی را با دانشگاه الازهر و عین الشمس برقرار کردند. یکی از جلسات جالب علمی آیت الله موسوی بجنوردی در دانشگاه بریتیش کلمبیا تدریس خصوصی به موریس کاپیتورن کمیسر عالی حقوق بشر می باشد. پروفیسور کاپیتورن که استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا است در آن سال که هنوز نماینده سازمان حقوق بشر در ایران نبوده است جلساتی درباره «حقوق جزا در اسلام» را به صورت خصوصی نزد آیت الله موسوی بجنوردی گذراند. موسوی بجنوردی در حال حاضر اشتیاق چندانی برای تدریس در دانشگاههای خارج از کشور ندارد. چراکه به اعتقاد او داخل کشور بیشتر از خارج نیازمند اسلام راستین است. ایشان هم اکنون در داخل کشور در دانشگاههای: تهران، تربیت مدرس، شهید بهشتی، تربیت معلم (خوارزمی)، دانشگاه آزاد (واحد علوم و تحقیقات، الهیات قلهک)، موسسه عالی بانکداری و پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس میکنند.

شاگردان: سیدعباس موسوی و شیخ راغب حرب از شهدای برجسته حزب الله لبنان از شاگردان سید محمد موسوی بجنوردی در آن دوران از تحصیل وی در نجف اشرف بودند.

آرا و گرایشهای خاص: زمینه‌های تحقیقاتی مورد علاقه سید محمد موسوی بجنوردی به قرار زیر است: فقه - حقوق - اصول - فلسفه - عرفان - کلام

چگونگی عرضه آثار: از سید محمد موسوی بجنوردی در داخل کشور بیش از ۵۰ مقاله در مجلات علمی و ۱۵ جلد کتاب با عناوین زیر منتشر شده است که بعضاً عنوان کتب درسی رشته حقوق در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری مورد توجه استادان و دانشجویان قرار گرفته است. - عقد ضمان - علم اصول - فقه تطبیقی - فقه تطبیقی، بخش جزایی (جلد دوم) - قواعد فقهیه جلد ۱، ۲ - مجموعه مقالات فقهی، حقوقی، فلسفی و اجتماعی ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ - مصادر التشریح عند الامامیه و السنه (به زبان عربی)؛ - مقالات اصولی. تعداد مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی = ۴۸ مقاله تعداد مقاله‌های ارائه شده در نشست‌های علمی = ۲۳ مقاله تعداد پایان نامه‌های تحت راهنمایی دکتر موسوی بجنوردی: الف) کارشناسی ارشد: در حدود ۲۲۰ پایان نامه کارشناسی ارشد ب) دکتری: در حدود ۶۰ پایان نامه دکتری پایان نامه‌های تحت مشاوره دکتر موسوی بجنوردی: الف) کارشناسی ارشد: در حدود ۲۲۰ پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر ب) دکتری: در حدود ۶۰ پایان نامه مشاوره و به همین تعداد استاد ناظر -

آثار:

۱ اندیشه‌های حقوقی حقوق خانواده

ویژگی اثر: انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد و در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است و در زمینه فقه، حقوق می باشد.

۲ عقد ضمان

ویژگی اثر: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است. این کتاب در زمینه حقوق است.

۳ علم اصول

ویژگی اثر: انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سال ۱۳۸۰ چاپ شده است. این کتاب در زمینه اصول فقه می باشد.

۴ فقه تطبیقی

ویژگی اثر: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است و در زمینه حقوق می باشد

۵ قواعد فقهیه (در دو جلد)

ویژگی اثر: انتشارات پژوهشکده امام خمینی در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳ چاپ شده است. این کتاب در زمینه فقه و حقوق است.

۶ مجموعه مقالات فقهی، حقوقی، اجتماعی فلسفی در ۶ جلد

ویژگی اثر: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سالهای ۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵ منتشر شده است. این کتاب در زمینه فقه حقوق فلسفه بحث می کند.

۷ مصادر التشریح عند الامامیه و السنه (ج ۱)

ویژگی اثر: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید. این کتاب در زمینه مدخل در علم فقه و اصول نگاشته شده است

۸ مقالات اصولی

ویژگی اثر: انتشارات امیر کبیر و در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسیده است. و در زمینه اصول است.

موسوی پور، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد حسین موسوی پور

محل تولد: بهشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد حسین موسوی پور فرزند حجت الاسلام حاج سید حبیب الله موسوی بهشهری در دوم خرداد سال ۱۳۴۴ در شهر بهشهر (از شهرهای مازندران) و در خانواده مذهبی و روحانی به دنیا آمدم. در همان سال به جهت ادامه تحصیل پدر در نجف اشرف، به همراه خانواده به کشور عراق عزیمت کرده و در زمان تسفیر ایرانیان مقیم عراق در سال ۵۰ - ۴۹ که مصادف با روی کار آمدن صدام بوده، به ایران و مستقیماً به شهر مقدس مشهد بازگشتیم.

دروس ابتدائی، راهنمایی و دوره متوسط (رشته علوم انسانی) را در مشهد در سال ۱۳۶۳ به اتمام رسانده و در همان سال وارد حوزه علمیه مدرسه علمیه «استاد موسوی نژاد» شدم. دروس مقدمات و ادبیات عرب را در تمام بخش‌ها در مدرسه این استاد عظیم‌الشان گذرانده و پس از اتمام اصول فقه نزد استاد رجائی به مدرسه «آیه الله خوئی (ره)» منتقل شدم. درس لمعه نزد استاد «آیه الله صالحی (مد ظله)»، رسائل نزد استاد «آیه الله اشرفی (مد ظله)»، بخشی از مکاسب نزد استاد «حاج شیخ جواد مروی (مد ظله)»، جلد اول کفایه نزد استاد «آیه الله رضازاده (مد ظله)» به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۲ به دلیل ضرورت حضور طلاب در عرصه‌های نوین با شرکت در کنکور سراسری به دانشگاه مفید قم را یافته و به حوز و قوه الهی در کنار دروس حوزوی مشغول مطالعات دانشگاهی در رشته فلسفه محض گردیدم. جلد دوم کفایه را در قم نزد استاد محترم «حاج شیخ علی محمدی (مد ظله)» و ادامه مکاسب را نزد مرحوم «آیه الله پایانی (رحمة الله علیه)» گذراندم. پس از پایان سطوح در سال ۷۵ - ۷۴ در درس «حضرت آیه الله وحید خراسانی (حفظه الله)» که از ابتدای بحث قطع شروع کرده بودند؛ حاضر شده و به مدت سه سال از محضر ایشان استفاده نمودم. در سال ۷۸ در درس استاد «لاریجانی» که روش و طرح جدیدی را در اصول آغاز کرده بودند؛ حاضر شدم و تاکنون (۸۵) مشغول استفاده هستم.

به لحاظ دروس دانشگاهی که از سال ۷۲ آغاز شده بود، در سال ۷۶ به اتمام رسید و در همان سال در رشته کارشناسی ارشد «فلسفه محض» دانشگاه تربیت مدرس تهران از طریق کنکور سراسری قبول شده و در سال ۷۹ آن را به اتمام رساندم. پایان نامه ارشد را با نام: «حسن و قبح از دیدگاه جرج ادوارد مور انگلیسی و خواجه نصرالدین طوسی» به صورت تطبیقی در همان سال ۷۹ دفاع کردم. و در حوزه دارای رتبه سوم می باشم.

به لحاظ فعالیت‌ها: جدای از فعالیت‌های سیاسی اجتماعی که لازمه دوران انقلاب اسلامی بوده است، در مشهد دو سال در یکی از مساجد مشهد مشغول اقامه جماعت و تبلیغات اسلامی بودم. در قم در سال ۷۶ در «دائرة المعارف علوم عقلی مؤسسه آیه الله مصباح (زیده عزه)» به عنوان محقق فلسفه مشغول به فعالیت از قبیل: کتابشناسی منابع فلسفی، توصیف منابع فلسفی، مدخل‌یابی و اصطلاح‌یابی منابع درجه اول فلسفی، مدیریت بخش پشتیبانی علمی و واحد علوم پرونده‌های علوم عقلی اسلامی شدم.

همچنین با مؤسسه طه در بخش نمایه‌سازی مجلات حوزه دین به مدت دو سال مشغول بودم. در سال ۱۳۸۱ با توجه به آشنائی با مباحث اطلاع‌رسانی و نیز انجام تحقیقات و پژوهش‌های حوزه علوم عقلی با مرکز قرآن آشنا شده و در بخش تدوین مقالات دائرة المعارف قرآن همکاری داشتم. در همان سال به پیشنهاد مدیریت دائرة المعارف قرآن و نیاز کتابخانه تخصصی مرکز فرهنگ و معارف قرآن به ساماندهی، مدیریت کتابخانه را به عهده گرفته و با توجه به موفقیت در این امر در سال ۸۳ مدیریت کتابخانه تخصصی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و پس از آن در سال ۸۴ مدیریت کتابخانه‌های حوزه معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی را پذیرفتم.

موسوی پور، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محمد حسین موسوی پور

محل تولد: بهشهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۳/۲

زندگینامه علمی

اینجانب سید محمد حسین موسوی پور فرزند حجت الاسلام حاج سید حبیب الله موسوی بهشهری در دوم خرداد سال ۱۳۴۴ در شهر بهشهر (از شهرهای مازندران) و در خانواده مذهبی و روحانی به دنیا آمدم. در همان سال به جهت ادامه تحصیل پدر در نجف اشرف، به همراه خانواده به کشور عراق عزیمت کرده و در زمان تسفیر ایرانیان مقیم عراق در سال ۵۰ - ۴۹ که مصادف با روی کار آمدن صدام بوده، به ایران و مستقیماً به شهر مقدس مشهد بازگشتیم.

دروس ابتدائی، راهنمائی و دوره متوسط (رشته علوم انسانی) را در مشهد در سال ۱۳۶۳ به اتمام رسانده و در همان سال وارد حوزه علمیه مدرسه علمیه «استاد موسوی نژاد» شدم. دروس مقدمات و ادبیات عرب را در تمام بخش ها در مدرسه این استاد عظیم الشان گذرانده و پس از اتمام اصول فقه نزد استاد رجائی به مدرسه «آیه الله خوئی (ره)» منتقل شدم. درس لمعه نزد استاد «آیه الله صالحی (مد ظله)»، رسائل نزد استاد «آیه الله اشرفی (مد ظله)»، بخشی از مکاسب نزد استاد «حاج شیخ جواد مروی (مد ظله)»، جلد اول کفایه نزد استاد «آیه الله رضازاده (مد ظله)» به اتمام رساندم.

در سال ۱۳۷۲ به دلیل ضرورت حضور طلاب در عرصه های نوین با شرکت در کنکور سراسری به دانشگاه مفید قم را یافته و به حول و قوه الهی در کنار دروس حوزوی مشغول مطالعات دانشگاهی در رشته فلسفه محض گردیدم. جلد دوم کفایه را در قم نزد استاد محترم «حاج شیخ علی محمدی (مد ظله)» و ادامه مکاسب را نزد مرحوم «آیه الله پایانی (رحمه الله علیه)» گذراندم. پس از پایان سطوح در سال ۷۵ - ۷۴ در درس «حضرت آیه الله وحید خراسانی (حفظه الله)» که از ابتدای بحث قطع شروع کرده بودند؛ حاضر شده و به مدت سه سال از محضر ایشان استفاده نمودم. در سال ۷۸ در درس استاد «لاریجانی» که روش و طرح جدیدی را در اصول آغاز کرده بودند؛ حاضر شدم و تاکنون (۸۵) مشغول استفاده هستم.

به لحاظ دروس دانشگاهی که از سال ۷۲ آغاز شده بود، در سال ۷۶ به اتمام رسید و در همان سال در رشته کارشناسی ارشد «فلسفه محض» دانشگاه تربیت مدرس تهران از طریق کنکور سراسری قبول شده و در سال ۷۹ آن را به اتمام رساندم. پایان نامه ارشد را با نام: «حسن و قبح از دیدگاه جرج ادوارد مور انگلیسی و خواجه نصرالدین طوسی» به صورت تطبیقی در همان سال ۷۹ دفاع کردم. و در حوزه دارای رتبه سوم می باشم.

به لحاظ فعالیت ها: جدای از فعالیت های سیاسی اجتماعی که لازمه دوران انقلاب اسلامی بوده است، در مشهد دو سال در یکی از مساجد مشهد مشغول اقامه جماعت و تبلیغات اسلامی بودم. در قم در سال ۷۶ در «دائرة المعارف علوم عقلی مؤسسه آیه الله مصباح (زیده عزه)» به عنوان محقق فلسفه مشغول به فعالیت از قبیل: کتابشناسی منابع فلسفی، توصیف منابع فلسفی، مدخل یابی و اصطلاح یابی منابع درجه اول فلسفی، مدیریت بخش پشتیبانی علمی و واحد علوم پرونده های علوم عقلی اسلامی شدم.

همچنین با مؤسسه طه در بخش نمایه سازی مجلات حوزه دین به مدت دو سال مشغول بودم. در سال ۱۳۸۱ با توجه به آشنائی با مباحث اطلاع رسانی و نیز انجام تحقیقات و پژوهش های حوزه علوم عقلی با مرکز قرآن آشنا شده و در بخش تدوین مقالات دائرة المعارف قرآن همکاری داشتم. در همان سال به پیشنهاد مدیریت دائرة المعارف قرآن و نیاز کتابخانه تخصصی مرکز فرهنگ و معارف قرآن به ساماندهی، مدیریت کتابخانه را به عهده گرفته و با توجه به موفقیت در این امر در سال ۸۳ مدیریت کتابخانه

تخصصی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و پس از آن در سال ۸۴ مدیریت کتابخانه‌های حوزه معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی را پذیرفتم.

موسوی راد، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین موسوی راد

محل تولد: نیشابور

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید حسین موسوی راد در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در شهرستان نیشابور دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی وارد حوزه علمیه گردید تا از خرمن پر بار حوزه‌های علمیه خوشه چینی نماید.

پس از ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از درس بزرگانی همچون: «مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی»، «آیت الله صالحی مازندرانی»، «آیت الله اعتمادی»، «آیت الله وحید» و ... کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته (فلسفه اسلامی) در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ التحصیل گردید. ایشان ضمن تبلیغ در زندگی سراسر علمی خود جز به تحقیق و نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که مقالات «شیوهای مدیریتی حضرت علی (علیه السلام)» و «جنبش نرم افزاری» از جمله آثار ایشان است.

موسوی زنجانی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۵۵-۱۲۸۴ ق)، عالم دینی، فقیه و حکیم. در زنجان به دنیا آمد و در خانواده‌ای علم و دانش و سیادت پرورش یافت. پس از فراگیری ادبیات و قسمتی از سطوح به تهران آمد و در فلسفه و معقول از محضر حکیم میرزا ابوالحسن جلوه و علامه آقا علی حکیم نوری استفاده نمود. سپس به نجف رفت و در محضر علامه آخوند خراسانی و دیگر علما تلمذ نمود و پس از رسیدن به مقام اجتهاد

به زنجان بازگشت و عهده‌دار مرجعیت امور دینی مردم و تدریس گردید و شاگردان از اطراف به گردش جمع شدند و او در آنجا تشکیل حوزه‌ی علمیه داد. در زنجان درگذشت. پیکرش به کربلا منتقل و در رواق حضرت ابوالفضل (ع) دفن شد. از آثارش کتابی در «فقه» می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: گنجینه‌ی دانشمندان (۲۵۰/۵)، معجم المؤلفین (۱۷۵/۱۱).

موسوی گرگانی، محسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید محسن موسوی گرگانی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۱/۱

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیه مشهد شدم و به گونه خستگی ناپذیر مشغول تحصیل علوم دینی گردیدم و از همه اساتید آن شهر استفاده کردم و ویژه از مرحوم «ادیب نیشابوری» استفاده‌ی فراوانی کردم و در این شهر ادبیات عرب، منطق و مقداری اصول و فقه را تحصیل کردم و کلاس ۶ دبستان را متفرقه امتحان دادم و به بهترین وجه قبول شدم و در سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شدم و با اشتیاق فراوان از علماء و دانشمندان این شهر استفاده‌ی فراوانی کردم و در مدت کوتاهی بقیه سطح را که عبارت بود از: رسائل، مکاسب و دو جلد کفایه به پایان بردم و دور اول و دوم امتحانات را در آن زمان امتحان دادم و شاگرد اول در حوزه شدم.

سپس به فلسفه و خارج فقه و اصول پرداختم و از خرمن دانش فقیهان و فیلسوفان استفاده‌ی فراوانی کردم و به ویژه از علامه مطهری، جوادی آملی و حسن‌زاده آملی و تمام مجتهدین و مراجع این شهر، و دو سه دور خارج اصول را شرکت و تقریر کردم و بسیاری از کتابهای فقه را در درس خارج حاضر شدم و تمام اسفار و شرح منظومه و شفاء ابن سینا و شواهد ربوبیه و شرح اشارات را خواندم و در تمام این مدت به تدریس انواع علوم اسلامی در حوزه علمیه مشغول بودم و تا حدود دیپلم به طور متفرقه خواندم و امتحان دادم و صدها مقاله و کتاب را به ریشه تحریر درآوردم، و اکنون مدت ۱۰ سال است که خود را بی‌نیاز از تمام رشته‌های علوم انسانی به ویژه علوم حوزوی می‌دانم.

موسوی، ابراهیم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید ابراهیم موسوی

محل تولد: قزوین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

از سال ۱۳۴۵ تحصیلات دوره ابتدائی ام شروع شد و تا سال ۱۳۵۷ دیپلم دبیرستان را گرفتم، در این مدت با برخی گروه‌های مذهبی همکاری داشتم که گاهی به مطالعه و تلخیص کتابهای دینی یا بررسی برخی آیات و ارائه در جمع و گروه مربوطه می انجامید.

از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۰ به کشور کانادا جهت تحصیل در رشته فیزیک رفتم. در آنجا با عضویت در انجمن اسلامی آمریکا و کانادا به فعالیت های جنبی تبلیغی و گاهی علمی می پرداختم، مثل: «بررسی تفاسیر قرآن»، «تحقیق موضوعی در زمینه های مختلف» و ارائه به انجمن یا در میان دانشجویان ایرانی و عرب که هر هفته در مسجدی جمع می شدیم. از آنجایی که برگزاری تظاهرات در آن کشور به تبع انقلاب و حمایت از مظلومیت ایران در جنگ علیه عراق و گاهی هم برگزاری جلسات سخنرانی در دانشگاهها که در برخی موارد به درگیری با نیروهای ضد انقلاب منجر می شد، پرونده مطلوبی در ادامه مهاجرت به کانادا نداشتم و این دلیل باعث شد ادامه حضور را در آن کشور لغو کنند.

در سال ۱۳۶۱ به ایران برگشتم و مستقیم به تحصیلات حوزوی در قم پرداختم. البته چند ماهی به مدرسه عالی شهید مطهری در تهران رفتم ولی دوباره به قم برگشتم و از آن زمان تا به حال در قم هستم. در کنار دروس حوزوی، البته پس از دروس لمعه و همراه با درس رسائل و مکاسب دوباره در دانشگاه از طریق کنکور شرکت کردم و در دانشگاه تهران به درس فلسفه پرداختم. در قم نیز هم در درس تخصصی کلام و هم در رشته دین شناسی (موسسه امام ره) شرکت کردم.

موسوی، جاسم

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید جاسم موسوی

محل تولد: میسان

شهرت

تابعیت: عراق

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۱/۱

زندگینامه علمی

ولدت و ترعرعت في احد قرى الجنوب التابعة لمحافظة ميسان الواقعة في جنوب العراق و التي تقع على مسافة قريبة من قضاء الحويزه الايراني و هناك اكملت الدراسة الابتدائية و بعد اشتداد المعارك في الحرب الظالمه المفروضه على الجمهوريه الاسلاميه نزحت مع عائلتي الى مركز المحافظة «العمارة» و ذلك بسبب وصول الجيش الاسلامي الايراني الى بعض مناطق الجنوب في العام ۱۹۸۲ م. و قد كانت هذه السنه من اصعب المراحل التي مرت بها اذ اعتقل والدي من قبل الـ من البعثي بتهمة التجسس لصالح الجمهوريه الاسلاميه ليلتحق بجهات الحق.

و بعد انتقالنا الى مركز المحافظة اكملت هناك دراستي حيث حصلت على شهادة الاعداديه و ذلك في العام ۱۹۹۰ - ۱۹۸۹ و في نفس هذا العام انتفض شيعه العراق في الانتفاضه الشيعه المعروفة و التي كادت ان تقضى انذاك على ازمرة البعثيه ، و التي انتهت بفاجعه اليسمه حيث استشهد عشراه الالاف و هاجرت الالاف من الشيعه الى الجمهوريه الاسلاميه و قد كنت من الذين من الله تعالى عليهم بالهجره الى ارض الاسلام مع والدي حيث التحق بمجرد وصولي الى ايران بمدرسه الامام الخميني (رض) التي يشرف عليها سماحه ولي الفقيه في خوزستان آيت الله السيد الجزائري، و ذلك في العام ۱۳۷۰.

و هناك اكملت المقدمات و السطح الاولى و الثاني من السطوح الحوزويه حيث تتلمذت على خيره الاساتذه هناك كسماحه الشيخ ماجد الكاظمي و السيد محسن الشفيعي و آخرون. و في سنه ۱۳۷۴ قبلت في المركز العالمي للعلوم الاسلاميه، حيث اكملت السطح الاولى و الثاني و الثالث و ذلك في العام ۱۳۷۷. و في السنه ۱۳۷۷ قبلت في مدرسه الامام الخميني للدراسات العليا في قسم الفلسفه و الكلام، و هناك تتلمذت على يد تله كبيره من خيره الاساتذه في قم المقدسه كالدكتور احمد البهشتي و الدكتور محمد مهدي گرجيان و الشيخ حسن معلمي و الدكتور علي الشيرواني و آخرون. و في العام ۱۳۸۱ اكملت الدراسات التخصصيه حيث دافعت عن رسالتي التي كانت تحت عنوان بحث تطبيقي للجبر و الاختيار، و قد كان الاستاذ المرفا الدكتور گرجيان و الاستاذ المعاون الشيخ حسن المعلمي، و كان الحكم في جلسه الدفاع الشيخ كياشمشكي و قد حصلت على درجه ۱۹ في جلسه الدفاع.

و في سنه ۱۳۸۲ ابتدأت دراسه البحث الخارج على يد اصحاب السماحات من علماء الحوزه العلميه كالشيخ الهرندي و الشيخ محمد باقر الايرواني و غيرهم. و قد احتغلت اثناء ذلك في عدده من المراكز العلميه كمؤسسه الكوثر للمعارف الاسلاميه و التي كان لها الفضل في نشر الكثير من المقالات التي كلفتنا بكتابتها و الى جانب التحصيل الدراسي مارستا مهمه التدريس فكان لنا الشرف في تدريس جامع المقدمات و معالم الدين و بعض كتب شرح اللمعه و الحلقة الاولى و الثانيه. و الحمد لله رب العالمين.

موسوي، محمود

قرن: ۱۵

جنسيت: مرد

مليت: ايران

سيد محمود موسوي

محل تولد : ميبد

شهريت

تابعيت : ايران

تاريخ تولد

زندگینامه علمی

در سال ۵۶ - ۵۵ تحصیلات علوم دینی خود را در حوزه علمیه میبد آغاز کردم و بخشی از مقدمات (ادبیات عرب) را نزد اساتیدی همچون حجج الاسلام شیخ حسن هدایی، سید اسد الله امامی و مرحوم شیخ کمال فقیهی فرا گرفتم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به قم آمدم. ابتدا در مدرسه رضویه و سپس در مدرسه فیضیه دروس حوزوی خود را پی گرفتم. دروس سطح را نزد اساتید برجسته ای نظیر آیت الله اشتهاردی، آیت الله سید علی محقق داماد، مرحوم آیت الله موسوی تهرانی، مرحوم آیت الله پایانی و تنی چند از دیگر اساتید فرا گرفتم. پس از اتمام سطح در حوزه درس آیت الله وحید خراسانی حضور یافته و تقریباً یک دوره اصول را از محضر ایشان تلمذ کردم چند سال نیز از دروس خارج فقه و اصول آیت الله میرزا جواد آقا تبریزی نیز بهره مند بودم در کنار دروس فقه و اصول بحمد الله از مباحث فلسفی و تفسیری آیت الله جوادی آملی و آیت الله مصباح یزدی استفاده نموده و فراوان بهره بردم. آشنایی اندک این بنده با علم هیئت نیز مرهون حضور در درس آیت الله حسن زاده آملی است. بحمد الله سرچشمه های علم و معرفت و معنویت در حوزه فراوان بوده و هست که نمونه هایی چند از آن اشاره شد گرچه این بنده اذعان می کند که توفیق کامل در استفاده از این سرچشمه ها نداشته و صرفاً جرعه هایی از آن نوشیده است.

در کنار دروس رسمی و غیر رسمی حوزوی بنا به ضرورت هایی که همه می دانیم در سال ۶۹ در آزمون کارشناسی ارشد مرکز تربیت مدرس (دار الشفاء) شرکت جسته و قبول شدم و در سال ۷۲ از آن مرکز فارغ التحصیل شدم. رساله ارشد را بنابر توصیه جناب آقای دکتر احمدی برای آشنایی هر چه بیشتر با زبان علمی روز دنیا ترجمه متن فلسفی کتاب ایتن ژیلسون را انتخاب کردم که بعدها آن را تکمیل و منتشر ساختم.

دوره عمومی و تخصصی زبان انگلیسی را نیز در دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم گذراندم و بعدها از طریق تدریس در مراکز مختلف از جمله مرکز تربیت مدرس، مرکز زبان دفتر، موسسه امام خمینی و دیگر مراکز حوزوی مهارت های زبانی خود را در بعد ترجمه، مکالمه بهبود بخشیدم. سفرهای علمی تبلیغی به خارج از کشور داشته ام که مهم ترین آن سفر به انگلستان جهت تبلیغ و اندونزی جهت تدریس هر کدام به مدت ۴۵ روز بوده است.

در سال ۷۷ در آزمون دکتری کلام دانشگاه قم پذیرفته شدم و رساله خود را به بررسی تطبیقی دیدگاه های مرحوم شهید مطهری و جی ال مکی در باب شرور اختصاص دادم و به اتمام رساندم از سال ۱۳۷۸ تا کنون عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام موسسه آموزش عالی باقر العلوم بوده و همچنان هستم طی سال های اخیر به ترجمه، تصحیح و مقابله متون انگلیسی اشتغال داشته ام چند سالی نیز وقت زیادی صرف کار گروهی تدوین فرهنگ های اصطلاحات علوم اسلامی نمودم که حاصل آن انتشار فرهنگ اصطلاحات عرفان اسلامی انگلیسی - فارسی ؛ فارسی - انگلیسی و نیز فرهنگ اصطلاحات فلسفه و کلام اسلامی (زیر چاپ) است.

موفق، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا موفق

محل تولد: رشت

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۴/۱۲

زندگینامه علمی

۱. اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی ۲. اتمام دوره سطح حوزه در حوزه علمیه مشهد مقدس ۳. اتمام دوره کارشناسی و اخذ مدرک آن در دو رشته «فلسفه و کلام اسلامی» و «فقه و مبانی حقوق اسلامی» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی ۴. فراگیری زبان انگلیسی (مکالمه و متن) ۵. فراگیری زبان عربی و متون جدید (مکالمه و متن) ۶. عضویت در پژوهشگاه دانشگاه رضوی به مدت یکسال و تدوین دو مقاله پژوهشی در زمینه «آزادی و دین» و انتشار آن در مجله‌ی پژوهشگاه ۷. ادامه دروس حوزه و شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتید حجت الاسلام صادق لاریجانی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله جوادی آملی، حجت الاسلام دکتر عابدی به مدت پنج سال ۸. پایان دوره کارشناسی ارشد در رشته «فلسفه و کلام اسلامی» از دانشگاه قم زیر نظر آموزش عالی با رتبه عالی و ارایه پایان نامه با عنوان «بررسی تطبیقی افکار و نظرات سارتر و مطهری» با کمک استاد راهنما حجت الاسلام صادق لاریجانی با رتبه‌ی عالی ۹. عضویت در پژوهشگاه اسراء تحت اشراف آیت الله جوادی آملی از سال ۷۸ و انجام فعالیت‌های ذیل: **نآ** تحقیق و تنظیم کتاب «نسبت دین و دنیا (نقد نظریه سکولاریزم)» تألیف آیت الله جوادی آملی **نآ** مسؤولیت پروژه کتاب «مهر استاد» (مشارکت در تدوین، تنظیم و ویرایش زندگی علمی آیت الله جوادی آملی و اساتید ایشان) **نآ** تنظیم و تحقیق کتاب «شمس الوحی تبریز» (نظرات علمی و محوری علامه طباطبایی در سه بخش قرآن، فلسفه و عرفان از منظر آیت الله جوادی آملی) **نآ** تنظیم بخشی از کتاب «شرح شواهد الربوبیه» از سری درسهای آیت الله جوادی آملی (در مرحله ارزیابی) **نآ** دیگر کارهای پژوهشی مانند بررسی شبهات جدید کلامی و همچنین برخی مقالات مانند «بررسی ارتباط عقل گرایی و دین» و «بررسی ارتباط دموکراسی و دین» برای تحویل به حضرت استاد و دیگر محققان تدوین شده است. ۱۰. تدریس در دروس حوزوی مانند ادبیات عرب، منطق، فلسفه (بدایه الحکمه) ۱۱. تدریس در دانشگاه در دروس معارف در دانشگاه قم ۱۲. تألیف کتاب «دین و معنای زندگی» به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳. مسؤولیت بخش معاونت نهاد معظم رهبری در دانشگاه قم به مدت چهار سال ۱۴. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور آران و بیدگل ۱۵. همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مولانا تبریزی، محمد

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۶۳- ۱۲۹۴ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد و مدرس. معروف به مولانا. در تبریز به دنیا آمد. مقدمات و ادبیات را در همان جا فراگرفت. در ۱۳۱۲ ق به همراه پدرش برای ادامه تحصیلات علوم اسلامی به نجف مهاجرت نمود و در حوزه‌ی درس استدلالی فقهی و اصولی فاضل شرایبانی و شیخ الشریعه‌ی اصفهانی و شیخ هادی تهرانی و شیخ آقا رضا تبریزی حاضر گردید. او همچنین در محضر شیخ آقا شیرازی معقول را فراگرفت و پس از دریافت اجازه‌ی اجتهاد و روایت در ۱۳۲۱ ق به تبریز بازگشت و به تدریس فقه و «ارشاد الانام»، در نبوت؛ «براهین الحق» یا «براهین الفقه»، در مسائل فقهی؛ حاشیه بر «الفصول»؛ «طریق الهدایه فی علم الدراییه»؛ «مصباح السالکین و زاد المسافرین»؛ «مصباح الوسائل»، در شرح «الرسائل»؛ «مفتاح المطالب»، در شرح «المکاسب»؛ «مصباح الاعلام فی مدارک الاحکام»؛ رساله‌ی «الاجتهاد و التقليد»؛ رساله‌ی «فرق بین حق و حکم»؛ تفسیری کوتاه و مختصر از قرآن.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۳۴۹، ۱۲۲، ۱۰۹، ۲۱/۱۰۲، ۱۷۱، ۱۷۰/۱۷، ۱۵/۸۳، ۳/۸۳)، ریحانه (۶/۲۸)، علماء معاصرین (۱۹۳-۱۹۱)، مستدرکات اعیان الشیعه (۳/۲۳۳)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (۱۲۵۱-۳/۱۲۵۰)، معجم المؤلفین (۱۰/۱۹۱).

مولوی شیرازی، علی‌اکبر

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۰۷ ق)، فقیه، عالم دینی، قاری، زاهد و شاعر، متخلص به مولوی. در علم تجوید و قرائت قرآن مجید متبحر بود. او در شیراز درگذشت و در تکیه‌ی حافظیه به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آثار عجم (۴۳۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵/۵۶۳)، الذریعه (۹/۱۱۲۴)، ریحانه (۶/۲۹).

مولوی، جلال‌الدین محمد

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۷۲-۶۰۴ ق)، عارف، حکیم و شاعر. معروف به مولوی، مولوی معنوی، ملای رومی، مولای روم و مولانای رومی. ملقب به خداوندگار و جلال‌الدین. وی گاهی خاموش تخلص می‌کرد. او دارای مذهب اهل سنت و حنفی بود. در بلخ به دنیا آمد. از جانب پدر به ابوبکر، خلیفه اول، می‌رسد و به همین جهت به خاندانش بکری می‌گفتند. مادر پدرش دخترزاده‌ی سلطان علاء‌الدین محمد خوارزمشاه بود و پدرش به بهاء ولد معروف. بهاء ولد از تربیت یافتگان نجم‌الدین کبری و از علماء و خطبای بزرگ و متنفذ و از بزرگان مشایخ صوفیه بود. او به دلیل رنجشی که از محمد خوارزمشاه یافت همراه فرزندش، جلال‌الدین، که کودکی پنج یا شش ساله بود، از بلخ خارج شد و از مشرق ایران به مغرب مهاجرت کرد و از راه نیشابور و بغداد و مکه به شام و از آنجا به ارزنجان رفت. گفته‌اند که پدر و پسر هنگام عبور از نیشابور به صحبت عطار رسیدند و عطار کتاب «اسرارنامه» را به ایشان داد و مولوی پیوسته آن را نزد خود داشت. مولوی به همراه پدر مدتی در شهرهای آسیای صغیر به سر برد و در شهر لارنده با گوهر خاتون، دختر شرف‌الدین لالا، ازدواج نمود. بعد از چهار سال با پدر و فرزندش، سلطان ولد، به درخواست سلطان علاء‌الدین کیقباد سلجوقی، به قونیه رفت و در آنجا سکونت گزید و به علت این اقامت طولانی در قونیه وی به رومی مشهور شد. سلطان العلماء، در ۶۲۸ ق، در همان دیار از دنیا رفت و مولوی بر مسند و عظم پدر نشست. یک سال بعد برهان‌الدین محقق ترمذی، شاگرد بهاء‌الدین ولد، به قونیه آمد و جلال‌الدین را تحت تربیت و ارشاد خود گرفت. سپس برای اینکه در علوم شرعی و ادبی کامل شود او را برای تحصیل به دمشق و حلب فرستاد. در حلب وی در خدمت کمال‌الدین ابن‌عدیم، فقیه بزرگ حنفی، به سر برد و سپس در دمشق تحصیل در فقه حنفی را با «هدایه» مرغینانی ادامه داد و گویا در همین شهر به فیض صحبت محیی‌الدین ابن‌عربی نائل گشت. بعد از اتمام این سفر، که از ۶۳۰ ق تا ۶۳۷ ق طول کشید، به قونیه بازگشت و به ریاضت ادامه داد تا اینکه از محقق ترمذی دستور تعلیم و ارشاد گرفت و چون استادش در ۶۳۸ ق درگذشت مولوی به جای وی به تدریس پرداخت. وی مدت پنج سال بر این مسند بود تا

به ملاقات صوفی وارسته، شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی، که ضمن سفرهای متعددش به قونیه رسیده بود، نایل شد. از این ملاقات و مصاحبت انقلابی روحانی در وجود مولانا پدید آمد که از اثر آن پشت پا به مقامات دنیوی زد، تا جایی که مریدانش او را سرزنش کردند و به سبب همین سرزنشها شمس تبریزی به دمشق رفت. پس از مدتی به خواهش مولانا بازگشت ولی این بار نیز با جهل و تعصب عوام روبرو گردید و چندی بعد به ناگاه از قونیه ناپدید گردید. گفته‌اند که شمس به دست گروهی از شاگردان متعصب مولوی، در ۶۴۵ ق، کشته شده است. پس از این مولوی زندگانی علمی گذشته را رها نمود و تا پایان عمر با عشقی خاص به تربیت و ارشاد سالکان و بیان حقایق عرفانی در قالب مثنوی و سرودن اشعار شورانگیز پرداخت. در این دوره شیخ صلاح‌الدین زرکوب و سپس حسام‌الدین چلبی مورد توجه مولانا قرار گرفتند و ارتباط و اتصال با ایشان مدتی او را مشغول داشت. او تعدادی از غزلیات «دیوان شمس» را به نام صلاح‌الدین زرکوب سرود و کتاب «مثنوی» را نیز با خواهش حسام‌الدین چلبی به وجود آورد. از عارفان و شاعران معاصر وی می‌توان صدرالدین قونوی و عراقی و نجم‌الدین دایه و قانع طوسی و علامه قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی و قاضی سراج‌الدین ارموی را نام برد. از دیگر مریدان او معین‌الدین پروانه، حکمران کل بلاد روم از جانب مغولان، بود. وی غالباً برای استماع مجالس مولانا می‌رفته و به همین سبب قسمتی از «فیه ما فیه» که خلاصه‌ی مجالس مولوی است خطاب به او می‌باشد. عده‌ای از سالکانی که مولوی، بعد از تحول روحی خود و ناپدید شدن شمس، در خانقاه یا مدرسه‌ی خویش تربیت و ارشاد کرد به مولویه مشهور شدند. این سلسله بعد از او در آسیای صغیر و ایران و ممالک دیگر پراکنده گشتند. مولوی سرانجام در قونیه، بر اثر بیماری، در گذشت و صدرالدین قونوی بر وی نماز خواند. پیکر او در باغ سلطان یا ارم باغچه، مقبره‌ی خانوادگیشان، در کنار پدرش، به خاک سپرده شد و بعدها بنایی به نام قبه الخضر، به نفقه‌ی بزرگان عصر و مریدان، بر تربت او ساخته شد که مدفن خانوادگی احفاد آنها گردید. از آثار منظوم وی: «مثنوی»، مشهور به «مثنوی مولوی» و «مثنوی معنوی»، در شش دفتر، در بیست و شش هزار بیت؛ «کلیات شمس» یا «شمس الحقایق»، معروف به «دیوان کبیر» که «دیوان» غزلیات اوست، حدوداً مشتمل بر سی و شش هزار بیت؛ «رباعیات»، شامل ۱۶۵۹ رباعی. از آثار منثور او: «مکاتیب»، مکتوبات او به معاصرینش؛ «فیه ما فیه»؛ «مجالس السبعه».[۱]

شهرت جلال‌الدین محمد فرزند سلطان‌العلماء محمد بن حسین خطیبی معروف به بهاء‌الدین (و. بلخ ششم ربیع‌الاول ۶۰۴ ه. ق- ف. قونیه یکشنبه ۵ جمادی‌الآخر ۶۷۲ ه. ق) پدر وی از علماء و صوفیان بزرگ زمان خود بود. بهاء‌الدین به سبب رنجش خاطر سلطان محمد خوارزمشاه در هنگامی که جلال‌الدین کودک بود، از بلخ بیرون آمد و پس از مدتی سیر و سیاحت سرانجام رخت به قونیه کشید. جلال‌الدین تحقیقات مقدماتی را نزد پدر به پایان رسانید و پس از فوت او تحت ارشاد برهان‌الدین محقق مولانا را مدتی برای تکمیل علوم و معلومات در حلب و دمشق که از بزرگترین مراکز علمی و ادبی آن زمان بود فرستاد. و مولانا پس از پایان کار به قونیه بازگشت و به تدریس و تعلیم و وعظ و تذکیر مشغول گشت. تا اینکه در سال ۶۴۲ با شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک‌داد معروف به شمس تبریزی ملاقات کرد. این ملاقات انقلابی روحانی در مولانا پدید آورد که موجب ترک مسند تدریس و فتوی گشت و این امر سبب نارضایی مردم قونیه و اعتراض مریدان گشت. شمس تبریزی تحت فشار مریدان مولانا به دمشق رفت. هجران وی مولانا را مضطرب و مشوش کرد و بالاخره پسر خود سلطان ولد را همراه گروهی در طلب شمس به دمشق فرستاد؛ شمس باز آمد و با مولانا بود تا در سال ۶۴۵ به ناگاه ناپدید گردید. اینکه گفته‌اند وی را جماعتی از مردم قونیه کشته‌اند، نباید پایه و اساسی داشته باشد. پس از فقدان شمس مولانا مسند تدریس و فتوی را ترک گفت و به مراقبت باطن و تهذیب نفس پرداخت. ارتباط او با صلاح‌الدین زرکوب و حسام‌الدین چلبی در این دوره از عمر یک‌چند او را مشغول داشت و به تشویق همین حسام‌الدین چلبی مولانا به سرودن مثنوی پرداخت. آثار مولانا از نظم و نثر عبارتند از: ۱- مثنوی: در ۶ جلد و شامل ۲۶ هزار بیت که در بحر رمل سروده شده است. محتویات مثنوی حکایات مسلسل منظومی است که از آنها نتایج دینی و عرفانی گرفته شده و

حقایق معنوی به زبان ساده بیان گشته است. ۲- دیوان غزلیات معروف به دیوان کبیر یا کلیات شمس مشتمل بر ۵۰۰۰۰ بیت. ۳- رباعیات. ۴- مکتوبات مولانا. ۵- فیه ما فیه. ۶- مجالس سبعه. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آشنایی با مولوی، از سنایی تا سعدی (۲۰۹-۲۰۰/۲)، الاعلام (۲۵۹-۲۵۸/۷)، با کاروان حله (۲۴۲-۲۲۵)، به دنبال آفتاب از قونیه تا دمشق، پله پله تا ملاقات خدا، تاریخ ادبیات در ایران (۱۲۰۷-۱۲۰۵)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (۵۲۲-۵۰۱)، تاریخ گزیده (۶۷۲)، تاریخ مغول (۵۳۶-۵۳۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۰-۱۵۸)، تذکره الشعراء (۲۲۲-۲۱۳)، التصفیه فی احوال المتصوفه (صفحات متعدد)، تصوف اسلامی و رابطه انسان با خدا (۱۲۰-۱۰۷)، جستجو در تصوف (۳۰۷-۲۷۳)، حبیب السیر (۱۱۶-۱۱۵/۳)، خدمات متقابل اسلام و ایران (۶۵۹-۶۵۸، ۶۵۵)، دایره‌المعارف فارسی (۷۴۴-۷۴۳/۱)، در قلمرو وجدان (۳۴۳-۳۴۰)، الذریعه (۳۶۰، ۳۰۳/۱۹، ۴۱۱/۱۶، ۲۲۱/۱۴، ۱۱۲۳-۱۱۲۲، ۵۳۹، ۲۸۵/۹، ۱۹۱/۶)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات (۱۹۷)، ریاض العارفین (۶۵-۵۷)، ریحانه (۳۳-۲۹/۶)، زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد، زندگینامه‌ی مولانا جلال‌الدین مولوی، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۲۸۰-۲۶۶)، صبح گلشن (۱۰۵-۱۰۲)، طرائق الحقائق (۳۳۷-۳۳۶، ۳۱۴-۳۱۳/۲)، غزلیات شمس تبریزی (مقدمه/۹۹-۵)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۲-۴۹۱)، فرهنگ سخنوران (۲۱۵-۲۱۳)، گنج سخن (۱۶۹-۱۴۷/۲)، گنج و گنجینه (۳۴۵-۳۴۱)، لغت نامه (ذیل/ مولانای روم، مولانای رومی، مولوی)، مبانی عرفان و احوال عارفان (۶۰۴-۵۷۳)، مجالس العشاق (۱۶۸-۱۶۵)، مجالس المؤمنین (۱۱۵-۱۰۹/۲)، مجمع الفصحا (۷۸۰-۷۷۹/۲)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای ۶۷۲، ۶۰۴)، مرآة الخیال (۴۳-۴۲)، مناقب العارفین (صفحات متعدد)، مؤلفین کتب چاپی (۷۵۳-۷۴۵/۵)، مولوی نامه، مولویه بعد از مولانا (صفحات متعدد)، نفحات الانس (۴۶۹-۴۶۱)، هدیة الاحباب (۲۵۰-۲۴۹)، هدیة العارفین (۲/۱۳۰)، هفت اقلیم (۵۴-۴۵/۲)، یادداشتهای قزوینی (۱۶۴-۱۶۳/۷).

مولوی، عباس

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(شکوفایی ۱۱۰۱-۱۰۸۴ ق)، عالم دینی، حکیم و فیلسوف. در فلسفه شاگرد رجبعلی تبریزی و همدرس قاضی سعید قمی بود. این دو با استادشان در اشتراک لفظی وجود همعقیده بودند اما مولوی در انکار وجود ذهنی مخالف نظریه استاد بود. از آثارش: «انوار سلیمانی» یا «الانوار السلیمانی»، که در ۱۱۰۱ ق به نام شاه سلیمان صفوی تألیف نموده است؛ نگارش اولیه «الانوار»، تحت نام «المنظرات»؛ «الفوائد الاصولیه السلیمانیة»، که در اثبات حقانیت فریق اثنی عشری و فرقه‌ی ناجیه بودن شیعه‌ی امامیه، به نام پادشاه مذکور در ۱۰۸۴ ق تألیف کرده است؛ رساله «اصول الفوائد»، در اصول مسائل حکیمه.

بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۷/۴۳۲)، الذریعه (۲۲/۲۸۰، ۱۶/۳۲۵، ۱۱/۹۰، ۲/۴۲۹)، ریحانه (۶/۲۹)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴۱۲-۴۱۱/۱۲).

مهدوی قمشای، محمدرضا

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میرزا محمدرضا مهدوی فرزند مرحوم آیت‌الله میرزا محمد مهدی که از فقهاء و حکماء نامدار بوده و در سال ۱۳۲۰ قمری در شهرضا (قمشه سابق) متولد و تحصیلات مقدماتی و فقه و اصول و فلسفه را در آغاز نزد پدر خود فرا گرفته و پس از آن به اصفهان مسافرت نموده برای ادامه و تکمیل معلومات در مدرسه صدر اصفهان از محضر مرحوم آخوند ملا-محمد کاشی و میرزا جهانگیرخان قشقائی که هر دو از فحول علماء و مدرسین نامدار حوزه علمیه اصفهان بوده‌اند استفاده نموده و پس از آن به نجف اشرف مهاجرت و از محضر مرحوم حاج شیخ مرتضی طالقانی و آقا سید حسین بادکوبه‌ای و حاج میرزا محمدصادق مدرس و آقا سید ابوالقاسم دهکردی بهره‌مند شده و به قصد دیدار والدین خود به شهرضا برگشته سپس مراجعت به نجف اشرف نموده فقه و اصول را نزد مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین غروی (معروف به کمپانی) به کمال رسانیده و در فقه و اصول و فلسفه و حکمت تبحر کامل یافته و برای خدمات دینی و روحی به زادگاه خود (قمشه) مراجعت و به راهنمایی و ارشاد و امامت و درس و بحث پرداخته و با آیات عظام بروجردی و شاهرودی و میلانی ارتباط و روابط نزدیک داشته است.

دارای اجازات جامعی از مراجع بزرگ معاصر خود چون مرحوم آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین فشارکی و غیره بوده و برای مردم شهرضا و حومه آن مخصوص طلاب علوم دینیہ ملجاء و پناهگاهی بوده تا در تیرماه ۱۳۴۷ شمسی به رحمت ایزدی پیوسته و در رواق آستانه شاهرضا به خاک رفته است.

برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هشتم)

مهدوی، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر یحیی مهدوی فرزند امین‌الضرب و متولد ۱۲۸۸ ش است. تحصیلات خود را در اروپا در رشته فلسفه پایان برد و درجه دکترا گرفت و بعد از مراجعت به ایران وارد دانشگاه شد و به استادی دانشکده ادبیات برگزیده گردید. قریب چهل سال کار او تدریس بود و به مشاغل اجرائی رغبتی نشان نمی‌داد و حقوق خود را هم صرف خیرات و مبرات می‌کرد. از پدرش امین‌الضرب ثروت زیادی به او رسید و او زیادتر کرد ولی به مردم کمک می‌نمود و به اصطلاح ناخن خشک نبود. تألیفاتی در رشته تخصصی خود دارد که بیشتر ترجمه است. از کارهای خوب او حفظ اشیاء و آثار و نوشتجات سید جمال‌الدین اسدآبادی است که سالها در حفظ و حراست آن کوشید و آن را در اختیار دانش پژوهان قرار داد.

(۱۳۷۹-۱۲۸۷ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در خانه گذراند. پس از مدتی به دارالفنون رفت و از محضر استادانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، میرزا عبدالعظیم خان قریب و گل‌گلاب بهره‌مند شد. وی تحصیلات خود را در رشته‌ی ادبیات و فلسفه در دارالمعلمین عالی ادامه داد و پس از اخذ لیسانس، در ۱۳۱۰ ش، برای ادامه‌ی تحصیلات عازم فرانسه شد. او با تلاش و کوشش فراوان موفق به دریافت گواهینامه‌های متعددی از مراجع علمی آنجا گردید. مهدوی رساله‌ی اصلی دکترای خود را با عنوان «شناسایی در نزد فلاسفه‌ی نخستین اسلام» و رساله‌ی دوم خود را با عنوان «فهرست مصنفات ابن‌سینا» نوشت. وی رسماً از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۲ ش که بازنشسته شد، در دانشگاه تهران تدریس نمود. از خدمات او تأسیس

دوره‌ی دکترای فلسفه در دانشگاه تهران می‌باشد. از شاگردان او در این دوره: دکتر احمد احمدی، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر جلال‌الدین مجتبی، دکتر فاطمه مظاهر تهرانی و دکتر مهتاب مستعان را می‌توان نام برد. از دیگر آثارش: «جامعه‌شناسی یا علم الاجتماع»؛ «شناخت روش علوم یا فلسفه‌ی علمی»، ترجمه؛ «فهرست نسخه‌های مصنفات ابن‌سینا»؛ «قصص قرآن مجید»، برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سورآبادی؛ «فلسفه‌ی عمومی یا ما بعد الطبیعه»، ترجمه؛ «بحث در ما بعد الطبیعه»، ترجمه؛ «نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن»؛ «منادولوژی» لایب نیتس، ترجمه؛ «شکاگان یونان»؛ «تاریخ فلسفه‌ی قرون وسطی و دوره‌ی تجدد»، ترجمه و تلخیص؛ «هستی‌شناسی» پل فولکیه، ترجمه؛ تصحیح و اهتمام در چاپ «مصنفات» افضل‌الدین محمد مرقی کاشانی، به مشارکت مجتبی مینوی. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینه‌ی میراث (س ۳، ش ۹، ص ۸۳-۸۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۲۹، ۲۹۶۹، ۲۹۶۷، ۲۶۷۷، ۲۶۷۶-۲۶۹۰، ۲۴۵۵، ۲۴۹۴، ۲۱۷۱، ۱۸۹۸، ۱۷۹۷، ۱۶۹۶، ۲ / ۱۴۴۲، ۱۰۰۸، ۱۰۰۳، ۹۲۲، ۸۸۴، ۸۷۵ / ۱)، کیان (س ۱۰، ش ۵۳، ص ۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۸۵۸-۸۵۶ / ۶)، مهدوی نامه (۱۰-۳).

مهندسی، محمد مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد مهدی مهندسی

محل تولد: آباده

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۱/۱

زندگینامه علمی

در زمستان سال ۱۳۵۴ رسماً وارد حوزه علمیه قم در مدرسه حقانی شده، درس‌های از اول مهر ماه تا زمستان آن سال را در فرصت کوتاهی خوانده و به سطح طلاب کلاس که چند ماهی زودتر شروع کرده بودند رسیدم. احساس شد که فضای بازتر و با سرعت بیشتری باید پیش رفت. لذا از مدرسه بیرون آمده و به طور آزاد به خواندن ادبیات پرداختم. تا شروع تظاهرات علیه رژیم پهلوی که دروس حوزه تعطیل شد تا نیمه‌هایی از جلد اول و دوم شرح لمعه چاپ قدیم از محضر «آیت الله باکوئی» و همچنین دو جلد اصول فقه و منطق و کتب ابتدائی را خواندم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۸، رسائل را در خدمت «آیت الله اعتمادی» و مکاسب محرمة را خدمت «آیت الله اشتهاوردی» و بیع و خیارت و کفایتین را در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» و همزمان شرح تجرید الاعتقاد را خدمت «آیت الله انصاری شیرازی» و بدایة‌الحکمه را در محضر «آیت الله نجفی شهر رضائی» شروع و ادامه آن را از محضر «آیت الله ممدوحی» استفاده نمودم. خارج فقه و اصول را در درس «حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» و نیز مدتی در درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» گذرانده و نیز پس از بدایة‌الحکمه، شرح منظومه سبزواری قدس سره، در منطق و فلسفه و پس از آن اسفار را در محضر «آیت الله انصاری شیرازی» بودم.

در بحث تدریس از آغاز تحصیل سعی می‌شد که تدریس کتب خوانده شده انجام گیرد. لذا به توفیق الهی همه کتب مقدّماتی و سطح عالی تا انتهای کفایه‌الاصول را یک یا برخی از آنها را چند بار تدریس داشته‌ام. در کلام و فلسفه، شرح باب حادی عشر را چند بار و شرح تجرید الاعتقاد را یک بار و بدایه‌الحکمه را چندین دوره و نیز نهایه‌الحکمه را یک دوره و شرح منظومه منطق سبزواری (ره) دو دوره و شرح منظومه حکمت را سه دوره و شرح اشارات را که هم اکنون به تدریس آن مشغولم سه دوره، تدریس داشته و در بخش تدریس علوم ریاضی، یکدوره دروس هیئت و ریاضی علامه حسن زاده آملی را تدریس نموده و در بخش عرفان، تمهید القواعد را دور سوم و نیز تدریس شرح فصوص الحکم قیصری را هم اکنون اشتغال دارم. همچنین مباحثه‌ای فقهی پیرامون مسائل عروه الوثقی داریم و چند سالی است که هفته‌ای یک بار جلسه تفسیر قرآن کریم (تا کنون به آیه ۴۸ سوره بقره) دارم.

فعلا در رشته تخصصی کلام حوزه علمیه قم و نیز در مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره) هفته‌ای دو ساعت به تدریس عرفان اشتغال داشته و در مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، آیت الله مصباح یزدی نیز به تدریس تمهید القواعد در مقطع کارشناسی ارشد مشغولم و همچنین به عنوان عضو هیئت علمی دائرةالمعارف عرفانی (در حال تدوین) همین مؤسسه در خدمت دوستان می‌باشم. در دانشگاه نیز متجاوز از ده سال است که به دروس عمومی (اخلاق و معارف) و دروس تخصصی رشته ادبیات عربی و الهیات از قبیل قرائت متون عرفانی، قرائت متون تفسیری، مقدّمات تفسیر، علوم قرآنی، فقه الحدیث و درایه الحدیث اشتغال دارم. در بخش رسانه، از آغاز راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف، تحقیقی گسترده در موضوع «اسرار نماز» که حدود ۱۰۰ ساعت بوده و همچنین شرح زیارت جامعه کبیره که تا کنون ۴۰۰ (چهارصد) بحث رادیویی انجام گرفته (تاکنون قریب یک پنجم زیارت شرح شده) و ادامه دارد. همچنین در ۱۴۳ برنامۀ، شرح چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره) بحث گردیده و پخش شده و نیز شرح دعای ندبه تاکنون ۱۵۰ بحث انجام گرفته که ادامه دارد. در بخش تبلیغات، در ایام تعطیلات دروس حوزوی - دانشگاهی به مناسبت‌های مختلف، مباحثی که عمدتاً اخلاقی، عرفانی، تفسیری، عقیدتی و ... بوده، انجام گرفته است.

میبدی

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

امیرحسین قاضی میر بن معین‌الدین حسینی میبدی ادیب و ریاضی‌دان و حکیم قرن دهم هجری (ف. ۹۰۴ یا ۹۰۹ یا ۹۱۱ ه.ق) در شیراز از جلال‌الدین دوانی و دیگر استادان زمان، علم و ادب و حکمت و تصوف آموخت، و بخصوص در هیئت و منطق و فلسفه شهرت یافت. در شعر نیز مهارتی داشت و منطقی تخلص می‌کرد. از آثار اوست: ۱- جام گیتی نما به فارسی در حکمت قدیم. ۲- شرح دیوان منسوب به حضرت امیرالمؤمنین (ع). ۳- شرح الهدایه الاثیریّه. ۴- شرح کافیه‌ی ابن‌حاجب در نحو. ۵- شرح شمسیه در منطق. ۶- شرح طالع. ۷- حاشیه‌ی تحریر اقلیدس خواجه نصیرالدین طوسی. ۸- دیوان معنیات و غیره. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

میبدی، رشیدالدین ابوالفضل

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۵۳۰ ق)، عالم، صوفی و مفسر. او یکی از صوفیان بنام قرن ششم قمری است. از آثار وی «کشف الاسرار و عده الابرار»، تفسیر عرفانی قرآن به فارسی است که در ۵۲۰ ق تألیف نموده است. وی در تألیف این تفسیر به «تفسیر» خواجه عبدالله انصاری نظر داشته و در واقع تفسیر خواجه را شرح و بسط نموده و از کلمات خواجه استشهاد نموده است، لذا «کشف الاسرار» به «تفسیر خواجه عبدالله انصاری» نیز معروف گردیده است. میدی در تفسیر خود به دو موضوع نظر داشته: نخست بیان همه‌ی اقوال مفسران عامه در وجوه قرآت و تفسیر آیات و احکام، و دوم تفسیر آیات بنابر نظر عرفا و تأویلات غریب. مؤلف «کشف الظنون» به اشتباه این تفسیر را به سعدالدین تفتازانی نسبت داده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: از سعدی تا جامی (۴۷۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۳۲- ۹۳۰، ۲/۲۵۷)، تاریخ نظم و نثر (۷۲۹- ۷۲۸)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹۴۴، ۲/۲۲۲۴)، الذریعه (۱۸/۱۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۱۰- ۴۰۹)، کشف الاسرار و عده الابرار (۱/ مقدمه)، کشف الظنون (۱۴۸۷)، لغت نامه (ذیل / میدی)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۷- ۲۱۶ / ۱).

میرداماد

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

میر محمدباقر بن محمد استرآبادی مشهور به «میرداماد» (ف. ۱۰۴۰ یا ۱۰۴۱ ه. ق) از فلاسفه و دانشمندان معروف عصر صفویه که مورد توجه مخصوص شاه عباس بوده است. منشأش استرآباد و محل تحصیلش مشهد بود و بیشتر عمر خود را در اصفهان بسر برد. وی از تلامذه‌ی شیخ حسین عاملی و شیخ عبدالعالی و بعضی از اکابر دیگر بود. ملاصدرای شیرازی از شاگردان وی بود. میرداماد در فقه و حکمت تألیفات متعدد دارد. و از آن جمله است: «الصراط المستقیم»، «قبسات»، «انموذج العلوم»، «التقدیسات» و غیره. میرداماد شاعر نیز بوده و در شعر «اشراق» تخلص می‌کرده است. یک مثنوی به نام «مشرق الانوار» سروده است.

(وف ۱۰۴۱ ق)، عالم دینی، فقیه، حکیم، عارف، ریاضیدان و شاعر، متخلص به اشراق. اصلش از استرآباد و ساکن اصفهان بود. پدرش داماد شیخ علی محقق ثانی است. میرداماد از دوستان بسیار نزدیک شیخ بهائی و از علما و فلاسفه بزرگ عصر صفوی و از مقربان درگاه شاه عباس اول و شاه صفی محسوب می‌شد. وی در علوم نقلی از شاگردان سید نورالدین علی بن ابی الحسن الموسوی و شیخ حسین عاملی، پدر شیخ بهائی، و دایی خود، شیخ عبدالعالی بن محقق ثانی، بود و از دایی خود به دریافت اجازه نایل آمد. او همچنین در علوم عقلی، مدتی در محضر امیر فخرالدین سماکی، شاگرد امیر غیاث‌الدین منصور شیرازی، به مباحثات فلسفی اشتغال ورزید. وی در جمیع علوم غریبه نیز دست داشت. از شاگردان مشهورش می‌توان به قطب‌الدین اشکوری عارف، صدرالدین شیرازی معروف به ملا صدرا، ملا محسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی اشاره نمود. میرداماد حکیمی اشراقی است وی را نمودار کامل از یک فیلسوف شیعی دانسته‌اند علو مرتبه او در حکمت از لقب معلم ثالث که به او داده‌اند پیداست. وی فلسفه مشاء و آثار ابن سینا را به طور کامل مطالعه کرده و تعالیم اشراقی سهروردی و معارف صفویه را نیز درک نموده و بر روی هم تأثیرات اشراقی و عرفانی در افکار فلسفی وی مجالی وسیع یافته است. میرداماد در سفری، به همراه شاه صفی، به عتبات عالیات، در بین راه کربلا- و نجف، درگذشت. از آثارش: «قبسات حق القین فی حدود العالم»، که به اختصار به «القبسات» معروف است؛

«حدوث العالم ذاتا و قدمه زمانا» یا «الجمع و التوفیق بین رأیی الحکیمین فی حدوث العالم»؛ «الافق المبین»، در حکمت الهی؛ «تأویل المقطعات»، در اوایل سوره‌های قرآن؛ تفسیر «سوره‌ی اخلاص»؛ «تقویم الایمان» و مقدمه آن و شرح مقدمه؛ «الایقاضات»، در خلق اعمال و افعال بندگان؛ «التقدسیات»، در حکمت الهی و رد شبهه‌ی ابن کمونه؛ «الرواشح السماویة فی شرح احادیث الامامیه»؛ «شارع النجاة»، رساله فتوایه‌ی فارسی، در اصول و فروع دین؛ «نبراس الضیاء فی معنی البداء»؛ «انموذج العلوم»، حل بیست اشکال ریاضی و کلام و فقه؛ «السبع الشداد»؛ «الصراط المستقیم»، در حکمت؛ «نفی الجبر و التفویض»؛ حاشیه «شرح مختصر عضدی»؛ حاشیه «مختلف» علامه حلی؛ حاشیه «من لا یحضره الفقیه»؛ حاشیه «استبصار»؛ حاشیه «رجال» کشی؛ «مرآة الزمان»؛ «جبل المتین»، در حکمت؛ «دیوان» شعر. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] الاعلام (۶/۲۷۲)، اعیان الشیعه (۹/۱۸۹)، بزرگان فلسفه (۴۰۱-۴۰۰)، صبح گلشن (۵/۳۰۶)، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی (۴۶۷-۴۶۱)، تذکره العلماء (۱۷۹-۱۷۷)، الذریعه (۳۸/۲۴، ۳۲/۱۷، ۳۵/۱۵، ۴/۱۳، ۲۵۷/۱۱، ۲۹۴، ۲۳۹، ۲۲۳، ۱۹۴، ۱۴۵، ۱۴۲، ۱۲۹، ۸۸/۸۷، ۱۸-۱۷/۱۶، ۱۳۴/۵، ۳۹۶، ۳۶۴، ۳۳۵/۴، ۳۰۷/۳، ۵۰۷، ۴۰۴-۴۰۵، ۲/۲۶۱)، ریحانه (۶۲-۶/۵۶)، سفینه البحار (۱/۴۶۲)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۶۸-۳۶۵)، طبقات اعلام الشیعه (۷۰-۶۷/۱۱)، فرهنگ سخنوران (۶۴)، فوائد الرضویه (۴۲۵-۴۱۸)، القیسات (مقدمه)، عالم آرای عباسی (۱۴۷-۱/۱۴۶)، کارنامه‌ی بزرگان (۲۹۷-۲۹۶)، لغت نامه (ذیل / داماد)، معجم المؤلفین (۹/۹۳).

میرفندرسکی، ابوالقاسم

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابوالقاسم فندرسکی، معروف به میرفندرسکی (ح ۹۷۰ - ۱۰۵۰ ق / ۱۵۶۳ - ۱۶۴۰ م)، حکیم و دانشمند دوره صفوی و از استادان بنام مکتب اصفهان. پدران او از بزرگان سادات استرآباد بودند و جدش میرصدرالدین در ناحیه فندرسک از قرای استرآباد صاحب املاکی بود و بعد از جلوس شاه عباس اول (۹۶۶ ق) به دربار او پیوست. پدرش میرزا بیگ نیز در دستگاه شاه عباس خدمت می کرد و مورد تکریم بود (افندی، ۵/۵۰۰، قمی، ۳/۳۵ - ۳۶).

ابوالقاسم در قصبه فندرسک زاده شد (نک: ارحدی، ۱۵۱، افندی، ۵/۵۰۱ - ۵۰۲) و ظاهراً مقدمات علوم را در همان نواحی فراگرفت، ولی بعداً برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و نزد علامه چلبی بیگ تبریزی (د ۱۰۴۱) که خود از شاگردان افضل الدین محمد ترکه اصفهانی بود، به تحصیل حکمت و علوم پرداخت (نک: اوحدی، ۱۵۱، ۱۶۸، ۲۸۲). وی سپس در همانجا به تدریس مشغول شد، ولی ظاهراً محیط فکری و علمی آن روزگار با روحیه آزادی طلب و تقید ناپذیر او سازگار نبود و او نیز چون استادش چلبی بیگ تبریزی و بسیاری دیگر از اهل علم و ادب و عرفان و هنر عازم هندوستان شد (نک: حمر، ۱۵۱، نصرآبادی، ۱۵۳). هندوستان در آن دوران به سبب روش و منش خاص اکبرشاه و سیاست «صلح کل» او، هم از لحاظ رونق اقتصادی و امنیت اجتماعی مردمان نقاط دیگر را به سوی خود می کشید و هم از لحاظ تنوع ادیان و آیینها و دوری از تعصبات مذهبی و فرقه ای برای مردمان آزاد اندیش جایگاهی امن و دلخواه بود. ظاهراً سفر اول میر به هند در ۱۰۱۵ ق و به همراهی اوحدی بلیانی (مولف تذکره عرفات العاشقین) بوده است (اوحدی، ۱۲، ۱۵۱)، به گفته اوحدی هنگامی که میر به هند رسید، به دستگاه میرزا جعفر آصف خان (ه م) که خود از شاعران و ادیبان ایرانی بود و به هند مهاجرت کرده و در آنجا به صدارت و وزارت رسیده بود،

نزدیک شد. آصف خان با رعایت احوال او، وسایل بازگشت او را به ایران فراهم نمود، ولی دیری نگذشت که میر دوباره عازم سفر هند شد، نخست به گجرات و از آنجا به دکن رفت. اوحدی در هنگامی که مشغول نوشتن عرفات العاشقین بوده - یعنی در فاصله سالهای ۱۰۲۱ تا ۱۰۲۴ ق - می نویسد که میر مکرر به جانب هند سفر کرده و در این ازمنه نیز به هند آمده، باز به عراق مراجعت نموده و باز در هند است (ص ۱۵۰). میرفندرسکی بعد از این تاریخ نیز تا اواخر عمر همواره به هند سفر می کرده و ظاهراً یک بار در ۱۰۳۷ ق و بار دیگر در ۱۰۴۶ ق به معرفی ابوالحسن اصفهانی، وزیر شاه جهان ملاقات کرده است (ریو، II/۸۱۵). میرفندرسکی در دربار ایران نیز مورد تکریم بود و به گفته نصرآبادی هنگامی که از هند به اصفهان بازگشت، شاه صفی به دیدنش رفت (همانجا). وفات او در ۱۰۵۰ ق در اصفهان روی داد (خاتون آبادی، ۵۱۴) و در همانجا در مقبره بابا رکن الدین، در محلی که امروز به تخت فولاد و تکیه میر معروف است، به خاک سپرده شد. مزار او در فضای باز قرار دارد و بر روی خاک او سنگ یکپارچه بزرگی نهاده اند که بر جانب غربی آن کتیبه ای به خط ثلث برجسته مورخ به سال ۱۰۵۰ ق نوشته شده است، ولی در پایان نسخه رساله صناعیه (شم ۸۸۷) موجود در کتابخانه آستان قدس، تاریخ وفات میر ۱۰۴۹ قید شده و در مصراع آخر یک رباعی به صورت ماده تاریخ آمده است (نک: گلچین معانی، ۳۵، حاشیه). مقبره میر همیشه در اصفهان حرمت خاص داشته و زیارتگاه مردم بوده است. گفته اند که پس از مرگ وی طبق وصیتش کتابهای او به کتابخانه سلطنتی شاه صفی منتقل شد (قمی، ۳/۳۵، مدرس، ۴/۳۵۹).

تکیه میرفندرسکی در تخت فولاد اصفهان

از زندگانی شخصی او چیزی نمی دانیم و معلوم نیست که اعقاب او چه کسانی بوده اند. از نوادگان او تنها میرابوطالب بن میرزا بیگ معروف است که از شاگردان علامه مجلسی، و مردی فاضل و شاعر بوده است و آثار فراوان دارد (نک: افندی، ۵/۵۰۰ - ۵۰۱، قمی، ۳/۳۶، مدرس، ۴/۳۶۰) و بازماندگان این خاندان، تا همین اواخر از سادات محترم منطقه استرآباد بوده اند (نک: هدایت، روضه، ۹/۱۱۲، ۴۸۹). میرفندرسکی از معاصران میرداماد و شیخ بهایی بوده و چندین تن از مدرسان علوم و حکمای معروف آن عصر، چون ملا صادق اردستانی، محمدباقر سبزواری، آقا حسین خوانساری، میرزا رفیعای نائینی و شیخ رجبعلی تبریزی از شاگردان او بوده اند (نک: خوانساری، ۲/۳۵۴، خاتون آبادی، همانجا، هدایت، همان، ۸/۵۸۶، آشتیانی، ۸۵). بعضی از مولفان صدرالدین شیرازی، حکیم بزرگ عصر صفوی را نیز در شمار شاگردان او آورده اند (مدرس، ۳/۴۱۸، براون، IV/۴۳۵)، ولی صدرالدین در هیچ یک از آثار خود از او نامی نمی برد، در صورتی که در مقدمه شرح بر اصول کافی از دو استاد دیگر خود، میرداماد و شیخ بهایی با تجلیل و تکریم فراوان یاد می کند (نک: آشتیانی، ۸۳ - ۸۴، ۸۷ - ۸۸). با این همه، به هیچ روی دور از احتمال نیست که افکار میر و تاثیراتی که وی از محیط فکری و فرهنگی هند پذیرفته و دریافت هایی که از تامل در مسائل فلسفی هندی حاصل کرده بود، به نوعی از طریق مباحثات و مذاکرات علمی به مجامع فرهنگی ایران راه یافته و انگیزه برخی تاملات و تفکرات شده باشد. به گفته نویسنده کتاب دبستان مذاهب، میر با شاگردان آذرکیوان (ه م) مصاحبت داشت و ترک آزار جاندار از صحبت شاگردان کیوان پیش گرفته بود و چون از او پرسیدند که «با استطاعت چرا به حج نمی روی؟ جواب داد: برای آن نمی روم که آنجا گوسپندی به دست خود باید کشت» (۱/۴۷). در این کتاب چند تن از آذرکیوانیان نیز از دوستان و نزدیکان میرفندرسکی شمرده شده اند (۱/۳۳۷ - ۳۳۸). ارتباط میرفندرسکی با شاگردان آذرکیوان در هند دور از احتمال نیست، ولی این که وی از افکار و آرای آذرکیوانی تاثیر پذیرفته باشد درست به نظر نمی رسد، زیرا اولاً در آثاری که از وی در دست است، هیچ گونه تاثیری از افکار آذرکیوانی و از اصطلاحات و واژگان خاص آن گروه دیده نمی شود، ثانیاً در هیچ یک از آثار و تالیفات دیگر این گروه اشاره ای به نام میرفندرسکی نیامده است. هرچند که از میر آثار فراوانی در دست نیست، لیکن عبارات و القابی که

بر کتیبه سنگ مزار او دیده می‌شود، حکایت از آن دارد که وی در دوران حیات در نظر خواص و عوام حرمت و عزت خاص داشته است و نه تنها در حکمت و علوم رسمی بلکه در معارف الهی و سیر و سلوک عرفانی نیز او را دارای مقامی بس بلند می‌دانسته‌اند. دلیل دیگر بر شهرت و منزلت او نزد مردم آن روزگار داستانهای غریب و کرامتهای گوناگونی است که به او نسبت داده‌اند (نک: زنوزی، ۴(۱)۵۲۱، نراقی، ۱۹۵ - ۲۰۲، تنکابنی، ۲۳۶ - ۲۳۷، معصوم علیشاه، ۳/۱۵۸، صبا، ۲۵) و این شهرت تا آنجا بوده است که داستان آمدن شیر به مجلس او و شیخ بهایی را نقاشان بر پرده و بر قلمدانها نقش می‌کرده‌اند (تنکابنی، همانجا، نفیسی، ۶۲ - ۶۶) و داستان رفتن او به معبد کفار موضوع منظومه‌ای دلکش در طاق‌دیس ملا احمد نراقی شده است (همانجا). حکایاتی که درباره تیزهوشی، عزت نفس، حاضر جوابی و بی‌پروایی او در پاسخ گفتن به خرده‌گیریهای امیران و شاهان نقل کرده‌اند، نیز حاکی از دقت نظر، قوت ذهن، شجاعت اخلاقی، و ارستگی و آزادمنشی اوست (نک: افندی، ۵/۴۹۹، ۵۰۱، واله، گ ۳۵ ب، زنوزی، ۴(۱)۵۲۰ - ۵۲۱، دبستان مذاهب، ۱/۴۷، خوانساری، ۱/۲۴۶، تنکابنی، همانجا، هدایت، ریاض، ۲۶۷ - ۲۶۸، قمی، ۳/۳۵، مدرس، ۴/۳۵۷ - ۳۵۸). گفته‌اند که روزی در مجلس او مساله‌ای از علم هندسه بنابر نظر خواجه نصیرالدین طوسی مطرح شد. میر برهانی در باب آن آورد و پرسید که آیا خواجه این برهان را ذکر کرده است؟ گفتند: نه. سپس چندین برهان دیگر در همان باب اقامه و در پی هر برهانی همان پرسش را تکرار کرد و جواب همان بود که اول بار شنیده بود (نک: افندی، ۵/۵۰۱، قمی، مدرس، همان جاها). از اشارات کوتاهی که در تذکره‌ها و کتب رجال به احوال او شده است، معلوم می‌شود که وی در عین آنکه از لحاظ کمالات علمی و عرفانی مورد تکریم بوده، در زندگانی شخصی بسیار ساده و بی‌تکلف می‌زیسته، از شهرت و مقامات صوری گریزان بوده، به ظواهر امور اعتنایی نداشته و از آمیزش با مردم کوچه و بازار، حتی اجامر و اوباش، پرهیز نمی‌کرده است (همان جاها). واله در بیان احوال او می‌گوید که وی «اکثر لباس نمد می‌پوشید و با اوباش و اجامره صحبت می‌داشت، در حلقه معرکه خروس بازان حاضر شده، خروسی در زیر بغل خود می‌گرفت» (همان جا). واله در پی این سخن، داستان معروف گفت و گوی میر با شاه عباس و جواب بی‌باکانه و صریح او را به اعتراض پوشیده و مودبانه شاه - که در کتابهای دیگر نیز آمده است - نقل می‌کند (همانجا، نک: هدایت، مدرس، همانجاها). میر در علوم زمان خود خصوصاً در هندسه و ریاضیات و کیمیا صاحب نظر بوده و در پاره‌ای از این موضوعات آثاری به او منسوب است. از آثاری که از او در دست است و نیز از روش و دیدگاههای فکری و فلسفی شاگردان او و تالیف آنان معلوم می‌شود که میر در کار تعلیم از استادان حکمت مشاء بوده و کتب ابن سینا را تدریس می‌کرده است (نک: آشتیانی، ۸۶ - ۸۸)، ولی ظاهراً گه‌گاه از اشارات طعن آمیز و تعریضات تلخ درباره ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی - که هر دو از بزرگان این مکتب بوده‌اند - خودداری نمی‌کرده است (نک: افندی، همانجا، خوانساری، ۳/۱۸۵). او در بیتی از قصیده معروف خود فارابی و ابن سینا را به «فهم ظاهری» منسوب می‌کند (نک: مدرس، ۴/۳۵۹) و با آنکه در برخی از آثار فلسفی خود به شیوه مشائیان قول به مثل افلاطونی را باطل می‌داند (نک: «منتخباتی از رساله حرکت»، ۸۱، ۸۶ - ۸۷)، اما قصیده معروف خود را با تصورات مربوط به مثل افلاطونی و صعود به برزخ مثالی آغاز می‌کند:

چرخ با این اختران خوب و خوش و زیباستی صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی صورت زیرین اگر با نردبان معرفت بر رود بالا
همان با اصل خود همتاستی

آثار: از میرفندرسکی چند رساله مختصر در موضوعات علمی و فلسفی، مقداری حواشی و توضیحات بر ترجمه جوگ بسشت هندویی و بعضی اشعار و قطعه‌های منظوم بر جای مانده است: ۱. مهم‌ترین اثر میر رساله فارسی معروف به صنایع است که به عنوان حقایق الصنایع نیز شهرت دارد. وی در این رساله صناعت را به مفهومی بسیار گسترده و به معنی هر چیز که از قوای عاقله و عامله آدمی به ظهور و حصول پیوندد، گرفته و در ۲۴ باب و یک خاتمه به بیان حد صناعت، انواع آن، ارتباط صناعات مختلف با هم، فایده و غایت هریک، درجات سودمندی و شرف و خست آنها و سهم و محل هریک از اهل حرف و صنایع در جامعه پرداخته

و ترتیب و ترتب صنایع را بر حسب شرف و غایت تا صنعتی که خود غایت غائی است و برای آن غایتی نیست، تعیین نموده است. در این رساله قوای نفسانی و اندامهای پیکر انسانی (عالم صغیر) و وظیفه و عمل هریک از آنها از یک سو با اجزاء و عناصر عالم هستی و عوالم عقول و نفوس (انسان کبیر) برابر و موازی قرار داده شده، و از سوی دیگر با طبقات مختلف جامعه و افراد و اعضای آن و سهم و وظیفه هریک از آنها در هیات اجتماع همانند و همسان گرفته شده است. میر در این رساله مطالب علمی و فلسفی دقیق را با زبانی روشن و فصیح آمیخته با آیات و احادیث و اقوال بزرگان و حکما بیان داشته است (برای بحث و تحلیلی درباره این رساله، نک: کربن، ۴۴ - ۳۲، نیز نک: نصر، ۴۵۹ - ۴۶۰). رساله صناعیه یک بار در هند (۱۲۶۷) با اخلاق ناصری در یک مجلد به چاپ سنگی طبع و نشر شد و بار دوم به کوشش علی اکبر شهابی در تهران (۱۳۱۷ ش) به طبع رسیده است. جلال الدین آشتیانی نیز گزیده هایی از آن را با حواشی سودمند در مجموعه منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (۶۳ - ۸۱) درج کرده است. محمدتقی نصیری طوسی ترجمه عربی رساله صناعیه را جزء کتاب ناموس اصغر قرار داده است (نک: حقوق، ۴۳۷). ۲. رساله فی الحرکه، نوشته مختصری است به زبان عربی در ۵ فصل در تعریف حرکت و اقسام آن و بیان آنکه هر حرکتی محتاج محرکی است و حرکات کلاً باید محرکی واحد آغاز شوند که محرک اول است و خود محرکی ندارد. میر این رساله را از دیدگاه طریقه مشاء نوشته و در آن به رد و انکار نظریه مثل افلاطونی پرداخته است. منتخباتی از این رساله با حواشی مفید به کوشش جلال الدین آشتیانی در منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (۸۱ - ۹۰) طبع و نشر شده است. ۳. رساله در تشکیک، نامه ای است رساله مانند که میر در پاسخ به سئوالی اقا مظفر کاشانی درباره مساله تشکیک در ذاتیات از او کرده بود، نوشته است. میر در این نامه به شیوه مشائیان سخن می گوید و برخلاف اشراقیان که به تشکیک در ذاتیات قائلند، وی ذاتیات را مقول به تشکیک نمی داند. این نامه نیز با تعلیقات جلال الدین آشتیانی در همان منتخبات (۹۰ - ۹۷) انتشار یافته است. ۴. رساله در کیمیا، به فارسی. ظاهراً رساله هایی که به نامهای ارکان اربعه، رساله در زیق و کبریت و باب الاصغر در کتابخانه ها موجود است باید نسخه ها یا تحریرهایی از همین رساله باشد. منظومه ای به زبان عربی نیز در کیمیا به او نسبت داده شده است (مرکزی، ۲/۹۶). ۵. حواشی بر جوگک بشت. متنی که میر بر آن حاشیه نوشته، کتابی است در عرفان و حکمت هندی که در زمان اکبرشاه به فارسی ترجمه شد. اصل کتاب به نام لگهویوگه و اسیشتهه ۱، خلاصه ای است از منظومه بزرگتری و واسیشتهه رامینه ۲ نیز معروف است. این منظومه طولانی، در حقیقت گفت و گویی است میان واسیشتهه، حکیم باستانی و افسانه ای هند با شاهزاده معروف «راما» یا «راماچندر» - که حماسه دینی بزرگ هند، رامینه، شرح کارها و جنگهای اوست - و در سراسر آن، استاد حکیم در ضمن بیان داستانهایی پندآمیز تعلیمات اخلاقی و فلسفی خود را برای شاگرد خویش بیان می کند. فلسفه ای که در این کتاب مطرح است کلاً همان تفکر توحید وجودی مطلق ۳ است که از مکاتب مهم فلسفی و عرفانی هند به شمار می رود و نماینده برجسته آن شنکره ۴ است. ولی افکار و آراء پیچیده و دشوار این مکتب در این منظومه به صورتی ساده تر و روشن تر بیان شده و با استفاده از افسانه ها و تمثیلات شیرین و دل انگیز، به فهم و درک کسانی که اهل تخصص نیستند، نزدیک گردیده است. کتاب اصلی به فارسی ترجمه نشده است، اما خلاصه آن که در سده ۹ به زبان سنسکریت تدوین شده بود، چنانکه گفتیم، در دوران سلطنت اکبرشاه به قلم نظام الدین پانی پتی ترجمه شد و در دوره های بعد نیز ترجمه ها و تلخیصهای دیگری از آن به فارسی نگارش یافت (نک: مجتبائی، «روابط فرهنگی»، ۸۱ - ۸۴). هنگامی که میرفندرسکی به هند رسید، با این کتاب آشنا شد و سخت مجذوب آن گردید. میر هنگام مطالعه این کتاب، نکات و توضیحات سودمندی در حاشیه آن نوشت که هنوز در برخی از نسخه های این کتاب دیده می شود (همو، «میرفندرسکی در هند»، ۶۵). ترجمه فارسی نظام الدین پانی پتی در ۱۳۶۰ ش به کوشش محمدرضا جلالی نائینی در تهران به طبع رسید، ولی این چاپ حواشی میرفندرسکی را ندارد. از حواشی میرفندرسکی بر این کتاب چنین برمی آید که وی به شناخت معارف هندوی اشتیاق وافر داشته و در این راه کوشش بسیار کرده است. وی با مقدمات زبان سنسکریت آشنایی یافته و از اشاراتی که به چگونگی این زبان و

الفاظ و اصطلاحات آن می کند (نک: همو، ۲۸۳ - ۲۸۴، «میرفندرسکی در هند»، ۶۲ - ۶۳)، چنین برمی آید که به لزوم قرائت اینگونه کتابها به زبان اصلی پی برده بوده است. در این حواشی غالباً اشارات و ملاحظات تطبیقی و مقایسه با موضوعات فلسفی یونانی و عقاید اسلامی دیده می شود و از اشاراتی که به کتاب پاتنجل بیرونی در این حواشی می کند، معلوم می شود که با نوشته های ابوریحان درباره هند نیز آشنا بوده است (همانجا). میرفندرسکی برای کتاب جوگک بسشت فرهنگ نامه ای نیز به نام کشف اللغات جوگک ترتیب داده بود که نسخه هایی از آن، هم به ضمیمه آن کتاب و هم به طور جداگانه موجود است (نک: منزوی، خطی، ۳/۲۰۱۵). الفاظ و اصطلاحات هندی در این فرهنگ نامه به ترتیب حروف تهجی تنظیم شده و تعریفات آنها غالباً از متن کتاب گرفته شده و در مواردی توضیح گونه ای از میرفندرسکی نیز بر آنها افزوده گردیده است. علاوه بر این فرهنگ نامه، امروز نسخه هایی از کتابی به نام منتخب جوگک بسشت در کتابخانه ها هست، از جمله نسخه کتابخانه مجلس شورا (شم ۶۴۰) مورخ ۱۲۶۲ و نسخه متعلق به احمد افشار شیرازی، مورخ ۱۲۳۱ ق - که به کتابخانه دانشگاه شیراز منتقل شده است - که از آثار میرفندرسکی دانسته شده و در هر دو نسخه نام ابوالقاسم میرفندرسکی به عنوان مصنف آمده است (نک: مجتبائی، همان، ۸۶). در این کتاب قطعه هایی کوتاه با مضامین عرفانی از کتاب جوگک بسشت ترجمه پانی پتی عیناً نقل شده و در پی هر قطعه یک بیت شعر فارسی با همان مفاد و مضمون از شاعرانی چون عطار، مولوی، شبستری، سیدحسینی، مغربی، حافظ و شاعران دیگر آمده است. روشن است که مقصود گردآورنده این گزیده ها ارائه یکسانی و یگانگی عوالم فکری عرفانی هندوی و اسلامی بوده است. نکته ای که درباره این منتخب قابل ذکر است، وجود ابیات فراوان از فانی اصفهانی، شاعر سده ۱۳ ق، در آن است. در نظر اول وجود ابیاتی از شاعری متاخر در این کتاب طبعاً انتساب آن را به میرفندرسکی ابطال می کند، ولی از سوی دیگر فراوانی این ابیات در سرتاسر کتاب و شمار بسیار بالای آنها نسبت به ابیاتی که از شاعران دیگر نقل شده است (بیش از نیمی از کل اشعار نقل شده در این کتاب از فانی است)، خود دلیل بر الحاقی بودن و افزوده شدن آنها به گزیده های اصلی در زمانهای بعد تواند بود (نک: همان، ۶۷ - ۶۸). این کتاب در ۱۳۴۸ ش به کوشش جلالی نائینی و تاراچند با عنوان ساختگی آداب طریقت و خدایابی و بدون نام مولف یا گردآورنده، از روی نسخه هایی که از آن در هند به دست آورده بودند، در تهران طبع و نشر شده است. ۶ اشعار. در اغلب تذکره ها اشعاری از میرفندرسکی نقل کرده اند. آنچه از او برجای مانده، دو قصیده است و چند رباعی و چند قطعه. یکی از قصاید شکوائیه ای است از روزگار نامساعد و قدرناشناسی ایام و دیگری منظومه ای است در فلسفه و حکمت الهی که پیش از این بدان اشاره شد. این قصیده معروف را چند تن شرح کرده اند (نک: منزوی، خطی مشترک، ۹/۲۲۱۱ - ۲۲۱۲). شرح محمد صالح خلخالی، از دانشمندان سده ۱۲ ق، در ۱۳۱۲ ق، همراه با شرح دعای حضرت امیر (ع) و لویح جامی در تهران به چاپ سنگی رسیده و شرح حکیم عباس شریف دارابی شیرازی به کوشش فضل الله لایق در تهران (۱۳۳۷ ق) طبع و نشر شده است. در بعضی از تذکره ها و کتب تراجم تالیفات دیگری چون تاریخ صفویه، تحقیق المزله و برخی رسالات و نوشته های دیگر (نک: مدرس، ۴/۳۵۸، امین، ۲/۴۰۳) به نام میر ذکر کرده اند که تاکنون اثری از آنها به دست نیامده است.

میرک بخاری، شمس الدین محمد

قرن: ۸

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۷۴۰ ق)، حکیم، فیلسوف و منجم. از مردم بخارا یا هرات بود. از آثارش: شرح «حکمة العین» نجم الدین دبیران، در الهیات و طبیعیات؛ شرح «تبصره فی الهیة» محمد خرقی؛ شرح «هدایة الحکمة» اثیرالدین ابهری. او احتمالاً شرحی نیز بر کتاب «الادوار فی

حل الاوتار» صفی‌الدین ارموی نوشته است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳/۲۵۵)، تاریخ نجوم اسلامی (۴۶)، دایرةالمعارف فارسی (۲۹۵۵، ۱۴۹۴/۲)، الذریعه (۱۷۵/۱۴، ۲۱۳/۱۳)، کشف الظنون (۲۰۲۹، ۶۸۵).

میر موسوی، حسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سید حسین میر موسوی

محل تولد: مشهد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۷/۱

زندگینامه علمی

آقای سید حسین میر موسوی در سال ۱۳۴۳ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین و کاملاً آگاه به مسائل مذهبی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال ۱۳۶۲ وارد دانشگاه امام صادق (ع) تهران گردید تا در کنار دروس دانشگاهی به تحصیل در دروس حوزوی هم بپردازد. از نخستین روزهای ورود به دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و از محضر درس اساتیدی همچون: «استاد آشتیانی»، «سید حسن مصطفوی» و «عابدی» بهره‌ها برد.

استاد پس از فارغ التحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در سال ۱۳۷۵ در مقطع دکترای فلسفه از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید و از رساله دکترای خویش با عنوان: «تصحیح رساله شرح تلویحات ابن کمغولی» دفاع کرد. ایشان ضمن تبلیغ، سالهای متمادی است که به تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد مشغول است. نامبرده در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس، درس، قلم، کتاب، تحقیق، نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب‌های «درآمدی بر عرفان عملی اسلام» و «ترجمه مقدمه شرح قیصری بر فصوص» و ... از جمله آثار ایشان است.

میری آشتیانی، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سیدجلال الدین میری آشتیانی، در سال ۱۳۰۴ شمسی در قصبه ی آشتیان - از مضافات سلطان آباد عراق (اراک) - دیده به جهان گشود. دوره ی ابتدایی را در دبستان خاقانی آشتیان به پایان رساند و در مکتبخانه ی قدیم، گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ معجم، ریاضیات، جامع المقدمات در صرف و نحو و قسمتی از دره نادری و نیز قسمتی از کتاب شرح سیوطی را قرائت نمود. وی در سال ۱۳۲۳ به تشویق و راهنمایی و مساعدت یکی از علمای آشتیان، آیت الله آقامیرزا ابوالقاسم دانش آشتیانی به دارالعلم قم مسافرت کرد و تحصیلات خود را در این شهر پی گرفت آنگاه به تهران عزیمت نمود. پس از آن به قزوین رفت و نزد حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی، سفر نفس اسفار خواند. استاد آشتیانی، در مهر سال ۱۳۳۸ تدریس خود را در دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد و مؤسسه ی وعظ و تبلیغ آغاز نمود. پس از آن، در بهمن سال ۱۳۳۸ با تألیف و عرضه ی «رساله ای در مبحث وجود» به استخدام دانشگاه مشهد درآمد. وی در خرداد سال ۱۳۴۰ به احراز رتبه ی دانشیاری و در آذر سال ۱۳۴۵ به احراز رتبه ی استادی نائل آمد. استاد در مهر سال ۱۳۴۶ طی مأموریت یک ساله، به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران منتقل شد. وی در آبان سال ۱۳۷۵ از خدمت در دانشگاه فردوسی مشهد بازنشسته شد و در شهریور سال ۱۳۷۷ به پیشنهاد دانشگاه مشهد و به استناد مجوز کمیسیون امور اجتماعی هیئت دولت، مجدداً به اشتغال مجدد در دانشکده الهیات مبادرت نمود.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: سیدجلال الدین آشتیانی، دوره ی ابتدایی را در دبستان خاقانی آشتیان به پایان رساند و در مکتبخانه ی قدیم، گلستان سعدی، نصاب الصبیان، تاریخ معجم، ریاضیات، جامع المقدمات در صرف و نحو و قسمتی از دره نادری و نیز قسمتی از کتاب شرح سیوطی را قرائت نمود. وی در سال ۱۳۲۳ به تشویق و راهنمایی و مساعدت یکی از علمای آشتیان، آیت الله آقامیرزا ابوالقاسم دانش آشتیانی به دارالعلم قم مسافرت کرد و آنجا کتاب مغنی و مطول و قسمت زیادی از شرح لمعه را نزد آیت الله صدوقی یزدی و چند نفر دیگر خواند. سپس جلد اول کفایه و چند سال قبل از آن، شرح شمسیه را نزد آیت الله حاج میرزا عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی قرائت کرد. آنگاه به معرفی آقامیرزا مهدی آشتیانی، نزد حاج شیخ مهدی مازندرانی امیرکلاهی شروع به قرائت شرح منظومه ی حکیم سبزواری و مکاسب شیخ اعظم انصاری نمود و تا اواخر الهیات منظومه و قسمت زیادی از شوارق و بعد قسمتی از امور عامه ی اسفار را نزد آن استاد فراگرفت. پس از آن، مدت هشت سال در درس فقه و اصول آیت الله بروجردی و مدت یک سال در درس آقاسیدمحمدتقی خوانساری حاضر شد. آنگاه در مدت دو سال اقامت در نجف، از دروس آقای حکیم و آقاسیدعبدالهادی شیرازی استفاده کرده و مرتب و بدون وقفه در درس آقامیرزا حسن بجنوردی خراسانی حاضر گردید. در حکمت و فلسفه، حدود پنج سال در درس حاج میرزا محمدحسین طباطبایی تبریزی حاضر شد و از درس تفسیر و اصول فقه آن استاد بهره گرفت. وی حدود یک سال در درس اسفار آقامیرزا احمد آشتیانی حاضر شد و آنگاه بعد از قرائت الهیات و امور عامه ی اسفار و الهیات شفا، به تهران عزیمت نمود. پس از آن به قزوین رفت و نزد حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی، سفر نفس اسفار خواند. استاد در تهران نیز مدتی در حوزه درس مرحوم میرزا احمد آشتیانی و مدتی هم به طور متفرقه در محضر مرحوم آقامیرزا مهدی آشتیانی حضور یافت. همچنین در قم از محضر درسی آقایان سیدمحمدتقی خوانساری و سیدمحمد حجت کوه کمره ای و میرزا رضی تبریزی استفاده کرد. ایشان شرح منظومه حکمت و قسمتی از مکاسب و شوارق الالهام را خدمت مرحوم حاج شیخ مهدی امیرکلاهی خوانده است.

خاطرات و وقایع تحصیل: سیدجلال الدین آشتیانی با ذکر خاطراتی از استاد آقامیرزامهدی آشتیانی، می گوید: «در اوایل طلبگی، روزی خدمت مرحوم میرزا مهدی آشتیانی شرفیاب شدم. فرمودند، به بازدید دوستی عزیز که زمانی به درس من حاضر می شد، می روم. عرض کردم، اگر مانعی نباشد، بنده هم در خدمت شما باشم. فرمودند، مانعی نیست. در آن زمان روی خوش به

عرفانیات نشان داده نمی شد و تبلیغات ناجوانمردانه ی برخی علیه فلسفه و عرفان بسیار اغواکننده بود. به هر حال بنده در خدمت مرحوم آقامیرزا مهدی، رفتیم به منزلی که در حیاط منزل جمعی نشسته بودند و مرحوم سیدجلال دوری، مثنوی درس می داد. او به ملاحظه ی احترام، از مرحوم میرزا رشته ی سخن را قطع کرد و از میرزا تقاضا کرد که موضوع سخن ما این شعر مثنوی است: پر و بال ما کمند عشق اوست موکشانش می کشد تا کوی دوست و از میرزا تمنا نمود که بیت مذکور را تعبیر نماید. مرحوم آقامیرزا مهدی با شور و حال خاص در معنای این بیت، حدود یک ساعت و نیم صحبت کرد و جهت ارتباط بین این بیت و ابیات قبل از این بیت را چنان عالی تقریر کرد که نفس ها در سینه حبس شد و حقیر برای اولین بار از عارف محقق و استاد مسلم کتاب «شرح فصوص» و «مصباح الانس» معنای بیتی از ابیات «مثنوی» را شنید و فهمید که منکران عرفان، کنه مطالب را در نمی یابند و مشکل کار آنها تعصب خام است».

استادان و مربیان: از استادان و مربیان سیدجلال الدین آشتیانی می توان به این شخصیت ها اشاره نمود: آیت الله صدوقی یزدی، آیت الله حاج میرزا عبدالجواد جبل عاملی اصفهانی، حاج شیخ مهدی مازندرانی امیر کلاهی، آیت الله بروجردی، آقاسیدمحمدتقی خوانساری، آقای حکیم، آقاسیدعبدالهادی شیرازی، آقا میرزا حسن بجنوردی خراسانی، حاج میرزا محمدحسین طباطبایی تبریزی، آقامیرزا مهدی آشتیانی، آقا میرزا احمد آشتیانی، حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سیدجلال الدین آشتیانی، در مهر سال ۱۳۴۹، آذر سال ۱۳۵۲، خرداد سال ۱۳۷۰ و خرداد سال ۱۳۷۵ به مدیریت گروه فلسفه و حکمت اسلامی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی منصوب شد.

فعالتهای آموزشی: سیدجلال الدین آشتیانی، در مهر سال ۱۳۳۸ تدریس خود را در دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد و مؤسسه ی وعظ و تبلیغ آغاز نمود. پس از آن، در بهمن سال ۱۳۳۸ با تألیف و عرضه ی «رساله ای در مبحث وجود» به استخدام دانشگاه مشهد درآمد. وی در خرداد سال ۱۳۴۰ به احراز رتبه ی دانشیاری و در آذر سال ۱۳۴۵ به احراز رتبه ی استادی نائل آمد. استاد در مهر سال ۱۳۴۶ طی مأموریتی یک ساله، به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران منتقل شد. در آبان سال ۱۳۷۵ از خدمت در دانشگاه فردوسی مشهد بازنشسته شد و در شهریور سال ۱۳۷۷ به پیشنهاد دانشگاه مشهد و به استناد مجوز کمیسیون امور اجتماعی هیئت دولت، مجدداً به اشتغال مجدد در دانشکده الهیات مبادرت نمود.

سایر فعالیتها و برنامه های روزمره: سیدجلال الدین آشتیانی، علاوه بر تألیف دهها مقاله و کتاب، سخنرانی های مختلفی نیز در محافل علمی و دانشگاهی ایراد نمودند که از جمله می توان به سخنرانی در آیین بزرگداشت حاج ملاهادی سبزواری در دانشگاه تهران و به دعوت مؤسسه ی مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا (شعبه تهران) با عنوان «سبزواری کیست؟» در بهمن سال ۱۳۴۸ و شرکت در نخستین کنگره ی ملی ایران شناسی در دانشگاه تهران در شهریور سال ۱۳۴۹ اشاره کرد. وی در بهمن سال ۱۳۳۹ به عضویت در انجمن تألیف و ترجمه ی دانشگاه مشهد به نمایندگی از دانشکده علوم معقول و منقول، در دی سال ۱۳۵۲ به عضویت در کمیته ی تألیف و ترجمه ی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، در آبان سال ۱۳۵۵ به عضویت در شورای پژوهشی دانشگاه فردوسی برای مدت دو سال، در آبان سال ۱۳۵۵ به عضویت در کمیته ی انتصابات و ترفیعات دانشکده الهیات و معارف اسلامی و در اسفند سال ۱۳۷۴ به عضویت در هیئت تحریریه ی نشریه ی علمی - پژوهشی دانشکده الهیات نائل آمد.

شاگردان: از آغاز تدریس سید جلال آشتیانی در مشهد رابطه ای محکم بین او و شاگردانش ایجاد شده است و بسیاری از طالبان دانش از محضر ایشان استفاده کرده و برخی خود در زمره دانشمندان و فلاسفه درآمده اند، این حلقه ها نه فقط در دانشگاه بلکه در خانه ایشان نیز تشکیل می شد. آشتیانی رابطه ای انسانی و پدرانه باشاگردان خود.

همفکران فرد: یکی از همفکران سید جلال آشتیانی دکتر سید حسین نصر است که آن دودرباره مسائل فلسفی به بحث و بررسی و پژوهش فلسفی می پرداختند. یکی دیگر از همفکران آشتیانی، هانری کربن بود که به اتفاق هم طرح چند جلد «منتخباتی از آثار

حکمای الهی ایران» را به نام رساندند. کرین به آشتیانی لقب «ملاصداری دوباره زنده شده» داده بود.

جوایز و نشانها: سیدجلال الدین آشتیانی، در سال ۱۳۵۵ به دریافت جایزه ی بنیاد فرهنگی البرز به خاطر آثار علمی و پژوهشی نائل آمد. وی در اسفند سال ۱۳۷۶ توسط فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران به عنوان « دانشمند برجسته » انتخاب گردید. استاد در بهمن سال ۱۳۷۷ به مناسبت انتشار کتاب « شرح قیصری بر فصوص الحکم » به دریافت جایزه ی شانزدهمین دوره ی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران نائل آمد.

آثار:

- ۱ تصحیح اثولوجیا
ویژگی اثر: با تعلیقات قاضی سیدقمی.
- ۲ تصحیح المسائل القدسیه
ویژگی اثر: تألیف: صدرالدین شیرازی.
- ۳ تصحیح تحفه المراد (شرح قصیده ی میرفندرسکی)
ویژگی اثر: تألیف: عباس شریف دارابی، با شرح خلخالی و گیلانی.
- ۴ تصحیح تحفه در مباحث علم
ویژگی اثر: تألیف: ملانظرعلی گیلانی.
- ۵ تصحیح رسائل فلسفی
ویژگی اثر: این کتاب شامل: رساله ی تحفه (ملانظرعلی گیلانی)، رساله ی وحدت وجود (ملاعلی نوری) و رساله ی بسیط الحقیقه کل الاشیاء (ملاعلی نوری) می باشد.
- ۶ تصحیح رسائل فلسفی (متشابهات قرآن، المسائل القدسیه، اجوبه المسائل)
ویژگی اثر: تألیف: صدرالدین شیرازی.
- ۷ تصحیح رساله النصوص
ویژگی اثر: تألیف: صدرالدین قونوی، با تعلیقات میرزاهاشم اشکوری.
- ۸ تصحیح شرح دعای المعرفه
ویژگی اثر: تألیف: ملامحمدعلی فاضل خراسانی.
- ۹ تصحیح شرح فصوص الحکم
ویژگی اثر: تألیف: مؤیدالدین جندی. (با همکاری دکتر ابراهیمی دینانی)
- ۱۰ تصحیح قره العیون
ویژگی اثر: تألیف: ملامهدی نراقی.
- ۱۱ تصحیح مشارق الدراری
ویژگی اثر: تألیف: سعیدالدین سعید فرغانی.
- ۱۲ تصحیح مکاتبات عرفانی
ویژگی اثر: تألیف: سیداحمد حائری و شیخ محمدحسین غروی.
- ۱۳ تصحیح هدایه الطالبین

ویژگی اثر: تألیف: حکیم سبزواری.

۱۴ تصحیح و گردآوری منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران

ویژگی اثر: این کتاب چهارجلدی، با همکاری فیلسوف فرانسوی هانری کربن در طی نزدیک به ده سال شگل گرفت و در بردارنده ی منتخبی از آثار و تألیفات حکمای چهار قرن گذشته است. مطابق نوشته ی استاد آشتیانی، قرار بود که این منتخبات در هفت جلد به پایان برسد و حکمت الهی در ایران را تا دوران معاصر معرفی کند که با مرگ نا به هنگام هانری کربن و دست تنهایی استاد، این امر مهم تاکنون به تأخیر افتاده است.

۱۵ تفسیر سور? توحید

ویژگی اثر: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۶۶ قمری.

۱۶ شرح بر زادالمسافر

ویژگی اثر: تألیف: ملاصدران. انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۹ قمری

۱۷ شرح حال و آراء فلسفی ملاصدران

ویژگی اثر: انتشارات زوار، مشهد، ۱۳۴۰ شمسی.

۱۸ شرح فصوص الحکم

ویژگی اثر: تألیف: فارابی. این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «شرح فصوص الحکم»: شرح فصوص الحکم/ محمد داود قیصری رومی؛ تصحیح سیدجلال الدین آشتیانی - تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶. یکی از مهمترین آثار شیخ اکبر محیی الدین بن عربی، فصوص الحکم است و معروفترین شرح آن، شرحی است که محمد داود بن محمود قیصری بر آن نگاشته است و به دلیل اهمیت متن و شرح و تسلط قیصری در توضیح و تفسیر مرادات محیی الدین در متن فصول، این کتاب به صورت یکی از رایجترین کتب درسی در علوم عرفان و تصوف در حوزه های علمیه در آمده است. استاد آشتیانی که خود سالهای متمادی از محضر حکیمان و عارفان بزرگ و بنام بهره برده، سالهاست که خود نیز به تدریس و تحشیه و تعلیق آثار مهم عرفانی و فلسفی اشتغال دارد. استاد، شرح فصول الحکم را پس از مقابله با ۲ نسخ? خطی و یک نسخ? چاپ سنگی به صورتی محققانه تصحیح کرده، حواشی عارف متأله آقا محمدرضا قمشه-ای و حضرت امام خمینی (ره) را نیز بر آن افزوده است، و خود هم جای جای بر کتاب، حواشی روشنگر و مفیدی نگاشته است

۱۹ شرح مقدمه ی قیصری بر فصوص الحکم

ویژگی اثر: ۱۳۴۳ شمسی.

۲۰ مقدمه، تعلیقات و تصحیح المبدء و المعاد

ویژگی اثر: تألیف: صدرالدین شیرازی.

۲۱ مقدمه، تعلیقات و تصحیح مجموعه ی رسائل سبزواری

۲۲ مقدمه شکوه شمس (سیری در آثار و افکار مولانا)

ویژگی اثر: تألیف: آن ماری شیمل، ترجمه ی حسن لاهوتی.

۲۳ مقدمه نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص

ویژگی اثر: تألیف: عبدالرحمن بن احمد جامی، تصحیح ویلیام چیتیک.

۲۴ مقدمه و تصحیح اصول المعارف

- ویژگی اثر : تألیف : فیض کاشانی.
- ۲۵ مقدمه و تصحیح الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه
ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین محمدابراهیم شیرازی.
- ۲۶ مقدمه و تصحیح اللغات الالهیه و الکلمات الوجیزه
ویژگی اثر : تألیف : ملا احمد نراقی.
- ۲۷ مقدمه و تصحیح المشاعر
ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین شیرازی ، با مقدمه های انگلیسی دکتر نصر ، فرانسوی هانری کربن و فارسی استاد همایی.
- ۲۸ مقدمه و تصحیح المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه
ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین شیرازی.
- ۲۹ مقدمه و تصحیح انوار جلیه
ویژگی اثر : تألیف : ملا عبدالله زنوزی.
- ۳۰ مقدمه و تصحیح تفسیر فاتحه الکتاب
۳۱ مقدمه و تصحیح تمهید القواعد
ویژگی اثر : تألیف : صائن الدین علی بن محمد الترکه.
- ۳۲ مقدمه و تصحیح رسائل قیصری
ویژگی اثر : تألیف : داوود بن محمود قیصری ، با تعلیقات حکیم محمدرضا قمشه ای.
- ۳۳ مقدمه و تصحیح رسائل وحدت وجود و بقاء
ویژگی اثر : تألیف : سید محمد کاظم عصار.
- ۳۴ مقدمه و تصحیح رساله النصوص
ویژگی اثر : تألیف : صدرالدین قونوی.
- ۳۵ مقدمه و تصحیح رساله ی نوریه در عالم مثال
ویژگی اثر : تألیف : حکیم بهایی لاهیجی.
- ۳۶ مقدمه و تصحیح لمعات الهیه
ویژگی اثر : تألیف : ملا عبدالله زنوزی.
- ۳۷ مقدمه و تصحیح مصباح الهدایه
ویژگی اثر : تألیف : امام خمینی (ره).
- ۳۸ هستی از نظر فلسفه و عرفان
ویژگی اثر : این کتاب ، اولین اثر استاد آشتیانی است که در سال ۱۳۳۸ و در مدت بیست روز به رشته ی تحریر درآمده است.
- منابع زندگینامه :

www.ketabesal.ir | خاطراتی از فیلسوف شرق ، روزنامه اطلاعات ، ۲۵ مهر ۱۳۷۹۳ نشریه ی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد (ویژه نامه ی نکوداشت استاد سید جلال الدین آشتیانی) ، شماره ی ۴۱ و ۴۲ ، پاییز و زمستان ۱۳۷۷ ، صص ۱۹ - ۲۶۴
نصیر سید حسین ، مدخلی بر نکو داشت مقام علمی و فرهنگی استاد سید جلال آشتیانی و استاد محمد حسن لطفی ، کتاب ماه و ادبیات ، سال اول ، شماره ششم و هفتم ، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۷ ، ص ۴

میری آشتیانی، جمال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم عقلیه، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میناگر، غلامرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

غلامرضا میناگر

محل تولد: بروجرد

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

غلامرضا میناگر در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در شهرستان بروجرد در میان خانواده‌ای مذهبی، فرهنگی به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه گویای شهرستان دورود با مدیریت پدر خود به اتمام رساند. سپس دوره متوسطه را با بازگشت خانواده اش به بروجرد ادامه داد. و در این میان علاقه مفراط به علوم دینی و الهی پیدا نموده بود به طوری که قصد داشت تا قبل از انقلاب که دوران نوجوانی وی بود؛ به حوزه علمی قم مقدسه هجرت کند اما مواجه با ممانعت‌هایی می شد.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و در اولین بهار تحصیلی به این درمان جامعه عمل پوشاند (سال ...) در مدرسه علمیه ولیعصر همان شهر به تحصیل دروس مقدماتی پرداخت که در سال بعد به قم به منظور درک بیشتر و بهتر اساتید مهاجرت نمود. او پس از اتمام مقدمات خود در مدرسه امام صادق (ع) سطح را از محضر اساتید برجسته حوزه علمیه قم از قبیل حضرات آیات: «وجدانی فخر (ره)»، «اعتمادی»، «پایانی (ره)» و... فرا گرفت و پس از آن بیش از ده سال از خارج فقه و اصول آیات عظام: «مکارم شیرازی» و اساتیدی چون «هادوی تهرانی» و ... بهره گرفت.

از سال ۷۲ تا ۷۶ جزء اولین دانشجویانی بود که در رشته فلسفه دانشگاه مفید وارد و مشغول به تحصیل شد. در سال ۸۲ به دفاع از پایان نامه سطح سه فلسفی خود تحت عنوان: «وحدت و کثرت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و غرب» پرداخت و پس از آن سه سال به فراگیری دروس تخصصی سطح سه در موسسه‌ی آموزشی و پژوهشی «فرق و مذاهب» همت گماشت و اکنون مشغول گذراندن رساله‌ی سطح چهار در حوزه علمیه قم می باشد.

ایشان از سال ۷۹ تا به کنون (۸۶)، ضمن تقبل مسئولیت دبیری گروه‌های فلسفه و کلام پژوهشگاه و نیز جلسات پاسخ به شبهات و

... از این فرصت استفاده نموده و مبادرت به نوشتن مقالات و کتاب‌هایی به منظور ارتقاء فکر فرهنگی، اعتقادی جامعه نموده است که برخی از آنها به زودی در آن موسسه به چاپ خواهد رسید. همچنین وی در خلال تحصیلات حوزه‌ای خود از توفیق تدریس دروس مقدمات و نیز فقه و اصول، منطق و فلسفه بی‌نصیب نبوده است.

مثنای پارسی

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س پنجم م)، فیلسوف، نویسنده و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. در مدرسه رها در شمال غربی الجزیره به تحصیل پرداخت، که این مدرسه به علت اینکه بیشتر ایرانیان و به ویژه نسطوریان در آن تحصیل می‌کردند به دبستان ایرانیان شهرت یافته بود. در اواخر قرن پنجم میلادی که این مدرسه بسته شد شاگردان ایرانی آن، از جمله مثنای پارسی، به ایران بازگشتند. آنان پس از بازگشت به میهن چندین مدرسه تأسیس نمودند و در این مدارس همان روش دبستان ایرانیان (که به آثار ارسطو اهمیت بسیار می‌داد)، را دنبال می‌کردند. به همین علت کتاب‌های زیادی به سریانی تألیف شد و عده‌ای از کتب فلسفی و منطقی را هم به پهلوی ترجمه نمودند. مدرسه ریواردشیر یا بیت اردشیر در ناحیه‌ی ارجان یکی از این مدارس بود که مثنای ریاست آن را بر عهده داشت. مثنای پارسی، طبق همان روش، ترجمه‌هایی از سریانی به پهلوی داشته و اشعاری نیز برای اجرای مراسم دینی سروده است. تألیفات او در کشورهای دور دست، حتی هندوستان رواج داشت. به دلیل توجه صاحب‌عنوان به فلسفه ارسطو، همچون دیگر نسطوریان، و تعلیم علوم یونانی در حوزه‌ی دینی ریواردشیر این مکان دارای اهمیتی خاص شد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی (۲۱-۲۰، ۱۹)، تمدن ساسانی (۱/۱۰۸).

ناتلی

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

شهرت ابو عبدالله ابراهیم بن حسین الناتلی، از مشاهیر رجال قرن چهارم هجری قمری. وی شاگرد ابوالفرج بن الطیب و استاد ابوعلی سینا بود و در منطق و ادبیات دست داشت.

برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

نادم، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسن نادم

محل تولد: شهرضا

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسن نادم پس از گذراندن دوران ابتدائی و ۲ سال از مقطع راهنمائی، در سال ۱۳۵۶ در سن ۱۴ سالگی جهت تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه شهرستان شهرضا قدم نهادم. همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به قم عزیمت نمودم و با گذراندن دوران مقدمات، در مدرسه «آیه الله گلپایگانی (ره)»، در سال ۱۳۵۹ در دروسهای عمومی حوزه شرکت نمودم و از محضر اساتید بزرگواری همچون حضرات آقایان: «وجدانی فخر»، «باکوئی»، «اشتهاردی»، «محامی»، «اعتمادی»، «محقق داماد»، «پایانی» و «ستوده» دروس سطح را استفاده کردم و همزمان در دروس جنبی (رجال، درایه، اعتقادات، نهج البلاغه، فلسفه و تفسیر) از اساتید بزرگواری دیگر مانند: «آیه الله نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «فاضل لنکرانی»، «مصباح یزدی»، «جوادی آملی»، «ممدوحی»، «فیاضی» و دیگر عزیزان بهره بردم.

در سال ۱۳۶۵ موفق به شرکت در درس خارج حضرات آقایان: «مکارم»، «فاضل»، «مومن»، «هاشمی شاهرودی»، «تبریزی» و «جوادی آملی» به مدت ۷ سال شدم و در ضمن این مدت در درس تفسیر «آیت الله جوادی» و فلسفه «آیه الله انصاری شیرازی» و استاد فیاضی شرکت جستم. در سال ۱۳۷۲ وارد گروه تخصصی کلام حوزه شدم و این دوره هم به پایان رساندم.

بر حسب وظیفه از طرف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، مسئولیت دفتر نهاد را در دانشکده پزشکی شهرستان فسا و دفتر فرهنگ دانشگاه آزاد اسلامی همان شهر به عهده گرفتم و همزمان تدریس دروس معارف اسلامی: (منطق، تاریخ، اخلاق، فقه، مبانی اصول و...) را داشتم. در مدت حضور در دانشگاه به تدریس در حوزه علمیه خواهران و برادران آن شهرستان در دروس: (فقه، اصول، اعتقادات، اخلاق) نیز مشغول بودم. پس از بازگشت به حوزه علمیه و تکمیل دوره تخصصی کلام توفیق همکاری با نهاد محترم مقام معظم رهبری در دانشگاههای سراسری آزاد را در سمت «معاونت فرهنگی» به عهده داشتم و همزمان در دانشگاه الهیات و دانشگاه شهید عباسپور نیز تدریس داشتم.

با گذشت این دورانها در سال ۱۳۷۶ تصمیم به ماندن به طور دائم در قم گرفتم و با ادامه درس حوزه به همکاری با مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در سمت مدیریت آموزش و پژوهش و عضویت در گروه مذاهب پرداختم. در این قسمت هم همکاری علمی اجرائی با مؤسسه فرهنگی انتظار نور داشتم و نیز همکاری با بنیاد نهج البلاغه تا اینکه سرانجام در سال ۱۳۸۱ به عضویت هیات علمی مرکز ادیان در آادم و تمام وقت به تحقیق و پژوهش پرداختم که آثار آن متعاقبا به اطلاع می رسد.

ناصر خسرو

قرن: ۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۴۸۱ / ۴۸۵ - ۳۹۴ ق)، فیلسوف، متکلم، نویسنده، واعظ و شاعر، متخلص و ملقب به حجت. از آن رو که اشعارش حاوی پند، اندرز و مطالب حکمت آمیز بود موصوف به حکیم، حکیم ناصر یا سیدالحکماء گشت. همچنین نسبت مروزی که شاعر در «سفرنامه‌ی»

خویش به آن اشاره کرده است، به سبب اقامت وی در مرو بوده که گویا مدتی در آنجا شغل دیوانی داشته است. به آورده‌ی دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران»، شهرت علوی برای ناصر خسرو مأخذ درستی ندارد و گویا ناشی از سرگذشت مجعولی است که برای او نوشته‌اند و به او نسبت داده‌اند که به پنج واسطه به امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌رسد، و یا شاید به سبب علاقه‌ی شدید او به آل علی (ع) و اظهار این علاقه در آثار خود، یک نسبت روحانی و معنوی برای او پیدا و مشهور شده باشد و یا اینکه او را با اشخاص دیگری از قبیل سید محمد ناصر علوی قرن ششم اشتباه کرده باشند. ناصر خسرو از خاندان اعیان و اشراف بلخ بود که ثروت و املاک زیادی داشتند. در قبادیان بلخ به دنیا آمد. از کودکی به کسب علوم و آداب اسلامی پرداخت. حافظ قرآن بود و در تمام علوم متداول زمان خود از معقول و منقول و به ویژه علوم اوایل و حکمت یونان تسلط داشت. علم کلام و حکمت الهی را به خوبی می‌دانست. او در ادیان مختلف تتبع می‌کرد و گفته شده که مشکلات تورات و انجیل را به فضلالی یهود و نصاری تفهیم می‌نمود. در جوانی به دربار سلاطین و امرایی چون سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی و سلاجقه راه یافت و به مرتبه‌ی دبیری رسید. او در اعمال و اموال سلطانی تصرف داشت و به کارهای دیوانی مشغول بود و عنوان ادیب و دبیر فاضل گرفت و شاه وی را خواجه خطیر خطاب می‌کرد. به آورده‌ی «ریحانه‌الادب» و «تذکره‌الشعراء»، ناصر خسرو با شیخ ابوالحسن خرقانی (من ۴۲۵ ق) معاصر و معاشر بود و فنون طریقت را نزد وی فراگرفت و به تهذیب باطن و سیر و سلوک پرداخت. ناصر خسرو بعد از تصرف بلخ به دست سلاجقه در ۴۳۲ ق به مرو که تحت حکومت ابوسلیمان جفری بیگ داوود بود، رفت. وی پس از طی مقامات، در اندیشه‌ی یافتن حقیقت و پس از خوابی که در ۴۳۷ ق دیده بود، به سفر پرداخت. در همین سال بار سفر حج بست و با برادر و غلام هندی خود روانه حجاز شد. این مسافرت هفت سال طول کشید. در این سفر چهار بار حج کرد و شمال شرقی و غربی و جنوب غربی و مرکز ایران و ممالک و بلاد ارمنستان، آسیای صغیر، حلب، طرابلس، شام، سوریه، فلسطین، جزیره‌العرب، مصر، قیروان، نوبه و سودان را سیاحت کرد. توقف وی در مصر به سال طول کشید و در این مدت با مبلغان مذهب فاطمی آشنا گشت و نفوذ سخن آنان بخصوص المؤید داعی الدعاه شیرازی و آمادگی روحی خود ناصر خسرو موجب گرویدن او به مذهب اسماعیلی شد. بعد به خدمت مستنصر بالله ابوتیمیم معد بن علی (۴۸۷-۴۲۷ ق) رسید و بعد از طی مراحل و مدارج، مرتبه‌ی حجت یافت و از طرف امام فاطمیان به مقام حجت جزیره‌ی خراسان انتخاب و مأمور نشر مذهب اسماعیلی و ریاست باطنیه‌ی آن سامان گردید. در شرح حال ناصر خسرو، در کتاب «شرح سی قصیده» که به اهتمام دکتر مهدی محقق انتشار یافته و همچنین در اولین پیوست «تحلیل اشعار ناصر خسرو» آمده است: در معرئه‌النعمان با شاعر و فیلسوف نابینای عرب، ابوالعلاء معری، که متهم به الحاد و زندقه بود ملاقات کرد و در سمنان در محضر درس علی نسائی حاضر شد. وی همچنین در تبریز با قطران تبریزی و در قاین با ابومنصور محمد بن دوست ملاقات کرد. عاقبت به تهمت بد دینی و الحاد و نیز قرمطی و رافضی بودن، مجبور به ترک وطن شد. بعد از سالها سرگردانی در مازندران و نیشابور و بلخ عاقبت در حدود شصت یا شصت و سه سالگی، بین ۴۵۳ تا ۴۵۶ ق و به گفته‌ی بعضی در ۴۶۱ ق به یمگان از اعمال بدخشان رفت و به نشر دعوت و ابلاغ رسالت خود پرداخت. او سرانجام در همان شهر درگذشت و به خاک سپرده شد. در مورد سال مرگ وی اختلافاتی وجود دارد. به آورده‌ی صاحب «سخن و سخنوران»، مؤلف کتاب «بیان الادیان»، ناصر خسرو را معاصر خود می‌داند که قبل از تألیف آن کتاب (۴۸۵ ق) وفات یافته است. ناصر خسرو از قصیده‌سرایان درجه اول زبان فارسی ایران بود و به زبان عربی نیز شعر می‌سرود. از خصوصیات برجسته‌ی شعر ناصر خسرو این است که هرگز «دیوان» خویش را به مدح شاهان و امیران معاصر خویش نیالوده و آنچه را ستوده و در شعر خود آورده، همه چیزهایی است که وی از نظر اجتماعی و مذهبی به آنها ایمان داشته است. آثار منسوب به وی: «سر اسرار»، در تسخیر کواکب؛ «اکسیر اعظم»، در منطق؛ «قانون اعظم»، در علوم غریبه؛ «سعادت‌نامه»، سیصد بیت، در پند و حکمت؛ «روشنایی‌نامه»، در وعظ و پند و حکمت؛ «کنز الحقایق»؛ «تفسیر قرآن»؛ «دستور اعظم». از آثار وی: «زادالمسافرین» یا «زادالمسافر»، در کلام؛ «وجه دین»؛ «جامع‌الحکمتین»؛ «خوان الاخوان»؛ «گشایش و

رهایش؛ «سفرنامه»؛ «بستان العقول»؛ «دلیل المتحیرین»؛ «لسان‌العالم»؛ «دیوان» شعر. [۱]

حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی (۳۹۴ ه.ق - ۴۸۱ ه.ق) ملقب به «حجت» از حکما و متکلمین اسلام. در قبادیان از حوالی بلخ تولد یافت. از اوان جوانی به تحصیل علوم و فضائل و تحقیق ادیان و عقاید و مطالعه‌ی اشعار شعرای ایران و عرب پرداخت. در دوره‌ی جوانی به دربار محمود و مسعود غزنوی راه یافت. بعد از غلبه‌ی سلاجقه بر بلخ به مرو به دربار چغری بیگ رفت و تقرب یافت و به خدمت دیوانی گماشته شد. در سال ۴۳۷ ه. خوابی دید و به قول خود ناگهان از خواب گران چهل ساله بیدار شد، کارهای دیوانی و اداری را رها کرده و به جهانگردی و سیر آفاق و انفس پرداخت و در سفر هفت ساله‌ی خود حجاز، آسیای صغیر، سوریه و مصر را دید. وی در ابتدا مذهب حنفی داشت؛ در مصر با اسماعیلیان فاطمی روابطی پیدا کرد و پیرو مذهب آنان گردید و از دعاه‌ سرسخت اسماعیلیه شد و «حجت» زمین خراسان گردید. ناصر خسرو در مراجعت از این سفر به بلخ رفت و آشکارا شروع به تبلیغ عقاید اسماعیلی کرد لیکن با مخالفت فقهای متعصب سنی مواجه گردید و امرای سلجوقی درصدد کشتن او برآمدند. وی بالاخره به یمن بدخشان گریخت و در آنجا عزلت جست و پس از عمری طولانی و آوارگی و آزار و رنجی که در آخر عمر از متعصبین و سایر مردم روزگار خود دید در یمن وفات یافت. از آثار وی یکی «سفرنامه» اوست که بعد از مراجعت از سفر هفت ساله‌ی خود در ۴۴۴ ه.ق تألیف کرد، و دیگر زادالمسافرین که یادگار دوره‌ی آوارگی او بعد از مراجعت از سفر در خراسان و مازندران و طبرستان است، آثار مهم دیگر او عبارتند از «وجه دین»، «خوان اخوان»، «دلیل المتحیرین»، «روشنائی‌نامه»، «دیوان اشعار». مقدار ابیات دیوان او را تا سی هزار بیت نوشته‌اند، ولی آنچه اکنون در دست است حدود یازده هزار بیت است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه [۱] آتشکده‌ی آذر (۱۰۳۲ - ۱۰۰۹/۳)، اعیان‌الشیعه (۲۰۴ - ۲۰۲/۱۰)، با کاروان حله (۱۰۱ - ۸۵)، بهشت سخن (۲۲۳ - ۱۹۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ صفحات متعدد، ۸۹۸ - ۸۹۳، ۴۶۹ - ۴۴۳/۲)، تاریخ ادبی ایران (۵۸۱ - ۵۸۰، ۵۷۸، ۴۴۱، ۴۰۶، ۱/۱۳۳)، تاریخ گزیده (۷۵۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۰ - ۵۸)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۲۵۱ - ۲۴۸، ۱۶۹)، تحلیل اشعار ناصر خسرو (پیشگفتار) تذکره‌الشعراء (۷۳ - ۶۹)، تقویم‌التواریخ (۹۳)، چشمه‌ی روشن (۹۰ - ۷۶)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی گوی (۱۰۵۴ - ۱۰۴۸)، حبسیه در ادب فارسی (صفحات متعدد)، حبیب‌السیر (۴۵۷ - ۴۵۶/۲)، دایرة‌المعارف فارسی (۲۹۹۳ - ۲۹۹۲/۲)، دویت سخنور (۴۲۰ - ۴۱۷) الذریعه (۱۸/۱۰۸، ۱۹۱، ۱۹۰ - ۱۸۱، ۱۱ - ۱۰/۱۲، ۱۱/۲۷۲، ۱۱/۱۱۵۴، ۹/۳۶۱ - ۳۶۰، ۸/۲۷۴، ۷/۱۵۱)، روضات الجنات (۱۵۰ - ۱۴۹/۸)، ریاض‌العارفین (۲۳۴ - ۲۳۲)، ریحانه (۱۰۳ - ۱۰۰/۶)، سبک‌شناسی (۱۵۸ - ۱۵۵، ۱۵۳ - ۱۵۱، ۲/۵۲، ۴۲۴، ۱/۴۰۱)، سخن و سخنوران (۱۹۸ - ۱۵۴)، شرح سی قصیده (۱۷ - ۸)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۸۷ - ۸۳)، صبح گلشن (۱۱۹ - ۱۱۸)، طرائق‌الحقائق (۵۵۷ - ۵۵۶/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۹ - ۴۹۷)، فرهنگ سخنوران (۹۱۲ - ۹۱۱)، کارنامه‌ی بزرگان (۱۲۸ - ۱۲۷)، کتابشناسی حکیم ناصر خسرو قبادیانی، کشف‌الظنون (۹۹۱، ۹۹۰، ۱۴۳)، گنج و گنجینه (۵۷۵ - ۵۶۷)، لغت‌نامه (ذیل / ناصر خسرو)، مجالس‌النفائس (۳۴۹ - ۳۴۸)، مجمع‌الفصحا (۱۴۰۵ - ۱۳۵۹/۳)، مرآة‌الخیال (۲۸ - ۲۷)، مؤلفین کتب چاپی (۵۰۸ - ۵۰۳/۶)، هدیه‌العارفین (۴۸۷/۱)، هزار سال شعر فارسی (۷۰ - ۶۴)، هفت اقلیم (۳۵۸ - ۳۴۸/۲)، هفت گنج کومش (۱۳۳ - ۱۳۰)، یغما (س ۱۱، ش ۱، ص ۲۳، ۱۹).

نایب‌الصداره

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(تو ۶۰۰ - وف ۶۸۸ - ۶۸۴ / ۶۷۹ ق)، فقیه حنفی، مفسر، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و شاعر. معروف به برهان. وی از علمای بزرگ حنفی بود. در علم تفسیر و اصول فقه و علم کلام صاحب تألیف می‌باشد. ساکن بغداد بود. در همان جا درگذشت و جنب مقبره‌ی ابوحنیفه دفن شد. «العقائد النسفیة» که ملا سعد تفتازانی آن را شرح کرده، به وی نسبت داده شده است. در «کشف الظنون» فقط یک عنوان کتاب تحت نام «عقائد النسفی» مربوط به نجم‌الدین عمر بن حمد نسفی ذکر شده است. از دیگر آثارش: «المقدمة فی علم الخلاف» یا «المقدمة البرهانیة» یا «فصول النسفی فی علم الجدل» یا «مقدمة فی الجدل والخلاف والنظر»؛ «منشأ النظر»، در علم خلاف و شرح آن؛ «الواضح»، که مختصر «تفسیر کبیر» فخر رازی است؛ رساله‌ای در «دور و تسلسل»؛ شرح «الاسماء الحسنی»؛ شرح «الاشارات والتنبیها» ابن سینا؛ شرح «الرسالة القدسیة» غزالی؛ «مطلع السعادة».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: ایضاح المکنون (۲ / ۱۹۴)، ریحانه (۱۷۴ - ۱۷۳ / ۶)، شذرات الذهب (۵ / ۳۸۵)، کشف الظنون (۱۸۶۱، ۱۸۰۳، ۱۷۹۹ - ۱۷۹۸، ۱۷۵۶، ۱۷۲۰، ۱۲۹۶، ۱۲۷۲، ۱۰۳۲، ۸۸۲، ۸۶۵، ۹۵)، معجم المؤلفین (۱۱ / ۲۹۷)، هدیة العارفین (۱۳۶ - ۱۳۵ / ۲).

نظامی گنجوی، جمال‌الدین، ابومحمد الیاس

قرن: ۶

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۶۱۴ / ۶۰۴ / ۶۰۲ - ۵۳۵ / ۵۳۰ / ۵۲۰ ق)، حکیم و شاعر، متخلص به نظامی. وی از مادری کرد نژاد در گنجه به دنیا آمد. بعضی از مؤلفین تذکره‌ها او را از قهستان یا فراهان یا تفرش و قم دانسته‌اند. در زمینه‌ی اسم، لقب کنیه و نسبش نیز در بین تذکره‌ها اختلاف است. نظامی همه‌ی عمر را در گنجه بوده مگر سفر کوتاهی که به دعوت اتابک قزل ارسلان به یکی از شهرهای نزدیک گنجه داشته است. نظامی با خاقانی و عوفی معاصر بود و گویند در مرگ خاقانی نیز مرثیه‌ای سروده است. بنابر بعضی از اقوال در طریقت و سیر و سلوک از مریدان اخی فرج زنجانی شمرده می‌شد. سلاطین معاصر وی همان کسانی هستند که نظامی آثار خود را به نام آنها کرده و یا در مثنویاتش آنها را ستوده است. گویند جامع علوم عقلی و نقلی بود. داستانسرایی در زبان فارسی با نظامی شروع نشد، لیکن نظامی توانست منظومه‌های تمثیلی را در زبان فارسی به حد اعلای تکامل برساند. از جمله شاعرانی که از آثار نظامی تقلید کردند عبارتند از: امیر خسرو دهلوی، جامی، هاتفی، قاسمی، وحشی، عرفی، مکتبی، فیضی فیاضی، اشرف مراغی و آذر بیگدلی، ولی هیچ کدام نتوانستند خود را به پای او برسانند. در زمینه‌ی تاریخ ولادت و مرگ وی نیز اختلاف وجود دارد، ولی برخی تذکره‌نویسان با اشاراتی که در ابیات مثنوی‌های نظامی بوده، تا حدودی توانسته‌اند به آن سالها پی ببرند. نظامی در گنجه درگذشت و مدفن وی تا اواسط عهد قاجاری باقی بود، بعد از آن رو به ویرانی نهاد تا باز به وسیله‌ی دولت محلی آذربایجان شوروی مرمت شد. از آثار وی: پنج مثنوی مشهور به «پنج گنج» یا «خمس» شامل: مثنوی «مخزن الاسرار»، مشتمل بر حدود دو هزار و دویست و شصت بیت، به نام فخرالدین بهرامشاه بن داوود در ۵۷۰ ق، مثنوی «خسرو و شیرین»، در شش هزار و پانصد بیت، به نام شمس‌الدین محمد جهان پهلوان بن ایلدگز در ۵۷۶ ق، مثنوی «لیلی و مجنون»، در چهار هزار و هفتصد بیت، به نام شروانشاه ابوالمظفر اخستان بن منوچهر در ۵۸۸ ق؛ مثنوی «بهرامنامه» یا «هفت پیکر» یا «هفت گنبد»، در پنج هزار و صد و سی و شش بیت، به

نام علاءالدین کرپ ارسلان در ۵۹۳ ق؛ مثنوی «اسکندرنامه»، در ده هزار و پانصد بیت مشتمل بر دو قسمت «شرفنامه»، به نام نصره‌الدین ابوبکر بن محمد جهان پهلوان و «اقبالنامه»، به نام دو سه تن از امرا. بنا به گفته‌ی «تاریخ نظم و نثر»، «شرفنامه» یا «مقبل‌نامه» در هندوستان به نام «اسکندرنامه‌ی بری» معروف شده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر، شامل قصاید و غزلیات. بعضی از تذکره‌ها مثنوی به نام «ویسه و رامین» را با احتمالی به وی نسبت داده و گفته‌اند که در جوانی آن را به نام سلطان محمود بن ملک‌شاه به نظم در آورده است. [۱]

نظامی گنجه‌ئی: گنج‌ای. حکیم ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی ابن مؤید نظامی (و. ۶۱۴ - ۵۳۰ ه. ق) شاعر معروف ایرانی در قرن ششم ه. ق؛ متولد گنجه. از زندگی او به طور مشروح چیزی دانسته نیست. ظاهراً هنوز چندان از سنش نگذشته بود که پدر و مادرش را از دست داد. نظامی چنانکه از اشعارش برمی‌آید، در آغاز جوانی به تحصیل ادب و تاریخ و قصص همت گماشت و بیشتر عمر خود را در گنجه گذراند؛ و کمتر از موطن مألوف خویش دوری گزید. وی با اصول عرفان آگاه بود و عملاً نیز طریق زهد و تصوف می‌سپرد و پادشاهان رعایت مقام او می‌نمودند، و در حضور وی از می و مطرب پرهیز می‌کردند. مهمترین اثر نظامی پنج گنج یا خمسه‌ی نظامی (ه. م) است، و دیگر دیوان اوست شامل قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات که بطبع رسیده است. بر گرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آتشکده‌ی آذر (۱۳۴۳ - ۱۳۲۷/۳)، احوال و آثار و شرح مخزن‌الاسرار نظامی گنجوی (مقدمه/ ۱۵۳ - ۱)، ارمغان (س ۵، ش ۲، ص ۲۷۳، ۲۶۲، ۱۷۷ - ۱۵۵، ۷۷ - ۶۷)، از سعدی تا جامی (۷۸۵ - ۷۸۰)، از سنایی تا سعدی (۱۰۲ - ۹۱/۲)، با کاروان حله (۲۰۳ - ۱۹۵)، پیر گنجه در جستجوی، ناکجاآباد، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۵۳/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۲۴ - ۷۹۸/۲)، تاریخ گزیده (۷۵۳ - ۷۵۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۶ - ۱۰۴)، تذکره‌الشعراء (۱۴۶ - ۱۴۲)، تذکره‌ی میخانه (۲۶ - ۱۱)، حماسه‌سرایی در ایران (۳۵۱ - ۳۴۱)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۵ - ۳۸۱)، دایره‌المعارف فارسی (۳۰۳۷ - ۳۰۳۶/۲)، الذریعه (۲۳۳ - ۲۳۲/۲۵، ۳۹۸/۱۸، ۱۲۰۸ - ۱۲۰۷/۹)، ریاض‌العارفین (۱۵۴ - ۱۴۹)، ریحانه (۲۱۵ - ۲۱۱/۶)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (۳۰۲ - ۲۹۴)، طرائق‌الحقائق (۶۲۵ - ۶۲۴/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۳ - ۵۱۲)، فرهنگ سخنوران (۹۴۴ - ۹۴۳)، کتابشناسی نظامی گنجوی، گنج سخن (۱۹ - ۱/۲)، لباب‌الالباب (۳۹۷ - ۳۹۶/۲)، لغت‌نامه (ذیل / نظامی گنجوی)، مجمع‌الفصحا (۱۴۴۷ - ۱۴۱۲/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۷۰۶ - ۶۹۹/۶)، نتایج‌الافکار (۷۰۵ - ۷۰۴)، نفحات‌الانس (۶۰۷ - ۶۰۶)، هفت اقلیم (۵۰۱ - ۴۹۳/۲)، یادگار (س ۴، ش ۹ و ۱۰، ص ۹۳ - ۹۲)، یغما (س ۷، ش ۱۰، ص ۴۷۶ - ۴۷۴).

نعمت پور، ناصر

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ناصر نعمت پور

محل تولد: هشتروند

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۵/۱۰/۱

زندگینامه علمی

حقیر خود را لایق نوشتن یک زندگی نامه علمی نمی‌دانم زیرا که به فرموده آن استاد عزیز که درباره خودشان فرموده‌اند: «این کمترین درباره خود چه بنگارد که نه تألیفی شایان تعریف دارد و نه تضمینی سزاوار تعیین، نه عقده‌ای را به بنان خود گشوده است، نه مشکلی را به بیان خود حل کرده است. نه اهل حل و عقد است و نه مرد رتق و فتق، نه به مقامی واصل شده است و نه بهره‌ای از او حاصل - گویی درباره وی گفته‌اند: «نه شکوفه و نه برگی، نه ثمر، نه سایه دارم همه حیرتم که دهقان، به چه کاری کشت ما را» البته صدور این سخنان از آن عزیز، نشان دهنده معرفت و تواضع ایشان است. ولی اینجانب خود را به حقیقت فقیر می‌دانم ولی از آنجایی که جواب تحیت لازم و نوع ادب است؛ چند جمله‌ای در این موضوع می‌نگارم:

در حدود سال ۱۳۵۳ ه. ش بود که به طور دسته جمعی از منطقه «هشترود» از توابع آذربایجان شرقی به شهر مقدس قم هجرت کردیم و در اولین سال ورود به این شهر مقدس، تا سال ۱۳۵۹ شمسی مشغول گذراندن تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه بودیم و در سال ۱۳۶۰ ه. ش با توفیق ربانی و با مشورت با یکی از دوستان شهیدم، به طور رسمی وارد حوزه علمیه قم شدم، البته لازم به ذکر است که همه تحصیلات حوزوی حقیر، در شهر مقدس قم و در حوزه علمیه قم بوده است.

دروس ابتدایی حوزوی را در مدرسه علمیه «ابوالصدق» قم گذرانیدیم و در دروس مقدماتی از محضر اساتید گرانقدری همانند: (مرحوم حجة الاسلام دکتر ضیائی، حجة الاسلام نظری، مهدی زاده و دیگران) بهره بردیم. و دروس سطح مقدماتی از قبیل: لمعه، معالم، صرف، نحو، معانی بیان را در محضر اساتید بزرگوار از قبیل: استاد «آیت الله رضا استادی»، «سید احمد خاتمی»، «مرحوم حجة الاسلام وجدانی فخر»، «حجة الاسلام مدرس افغانی» و «استاد محمدی» بهره‌مند شدیم. تا آنجایی که یادم هست، کتاب ارث و بعضی کتب دیگر لمعه را پیش مرحوم «حجة الاسلام وجدانی فخر» تلمذ کردیم؛ در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی و کتاب حج را پیش استاد محترم «آیت الله رضا استادی» در مسجد امام رضا (ع) تلمذ نمودیم. و کتاب نکاح را پیش استاد «حجة الاسلام سید احمد خاتمی» و معالم الاصول را پیش استاد محترم «حجة الاسلام علی محمدی» بهره‌مند شدیم.

دروس سطح عالی حوزه را عمدتاً از محضر اساتید گرانقدرم حضرات آیات: «محفوظی»، «محقق داماد»، «محسن دوزدوزانی»، «صلواتی»، «سید محمد حجت» و ... تلمذ نمودیم. و درس تفسیر قرآن را از محضر اساتید گرانقدر: مرحوم «طاهر شمس»، «مرحوم آیت الله معرفت» و «آیت الله شب زنده‌دار» فراگرفتیم. و درس اخلاق نظری را از محضر اساتید گرانقدر: «آیت الله شب زنده‌دار» و «حجة الاسلام کربلایی» و درس اخلاق عملی را از محضر مقدس «آیت الله العظمی بهجت» بهره‌مند شدیم.

به هر حال در سال ۱۳۷۰ ه. ش دروس سطح حوزه را تمام کردیم و بعد وارد دروس خارج فقه و اصول که در آن زمان متداول بود؛ شدیم و از آن زمان تاکنون به فضل الهی در دروس خارج فقه و اصول بزرگان شرکت می‌کنیم و بهره ما از این خرمن با برکت چیده‌ایم. نزدیک چهارده سال است که در دروس خارج فقه و اصول حوزه شرکت می‌کنیم. به عنوان مثال: سه سال درس خارج فقه «آیت الله العظمی مکارم شیرازی» کتاب حدود و تعزیرات شرکت کردیم. و از سال ۱۳۷۵ الی سال ۱۳۸۵ ه. ش در درس خارج فقه مرحوم مغفور «آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» شرکت نمودیم، از کتاب تیمم تا کتاب الصلاة احکام الظل الواقع فی الصلوات و نزدیک یک دوره هم درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» و بیش از ۵ سال است که در درس خارج اصول «آیت الله وحید خراسانی» شرکت می‌کنیم.

در طول این مدت، نزدیک دو سال، (تاریخ اسلام) را از محضر استاد «رسول جعفریان» و (آشنایی با کلام یهود، نصاری و ادیان زنده جهان) را نزد استاد «حسین توفیقی» و درس (اسفار) را نزد «استاد دکتر بهشتی، آیت الله سبحانی، آیت الله گرامی» و (کلام جدید) را از محضر استاد «دکتر مصطفی ملکیان» و (کلام قدیم) را از محضر «استاد سبحانی» و (منطق و برخی از معارف دینی) را

از محضر «استاد ربانی» و (بدایه و نهاییه) را از محضر «استاد ممدوحی» و «رحمانی سبزواری» و (جغرافیای سیاسی) را از محضر «استاد کریم‌پور» بهره‌مند شدیم.

در این مدت با موفقیت، دوره تخصصی کلام را در موسسه امام صادق (ع) با معدل ۱۷ پایان بردیم و در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۲۰ ه. ش از پایان‌نامه دکترای کلام خود دفاع کردیم و در بین سالهای ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۰ در حدود چهار سال، معارف دینی و تاریخ اسلام را در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تبریز تدریس کردیم و بیش از ۷ سال در برنامه طرح تابستانی دفتر تبلیغات شرکت کردیم و بیش از ۱۵ سال است که سابقه تبلیغ در شهرهای مختلف داریم. و فعلاً در حوزه مشغول تحصیل هستم و به طور آزاد، برخی از کتب کلامی را تدریس می‌کنم و روحانی عمره هستم و توفیق خدمتگزاری در یکی از مساجد قم را نیز داریم. در این مدت، نوشته‌هایی را هم داریم از جمله:

۱. تقریرات درس خارج فقه مرحوم آیت الله تبریزی.
۲. تقریرات دروس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی.
۳. برهان نظم.
۴. توحید در عبادت از دیدگاه قرآن.
۵. پایان نامه سطح چهار حوزه - نقد و بررسی منابع اجتهاد اهل سنت و...

نقدعلی فروشانی، علیرضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

علیرضا نقدعلی فروشانی

محل تولد: خمینی شهر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۱/۱

زندگینامه علمی

بنده در سال ۱۳۴۹ در «خمینی شهر» اصفهان متولد شدم. و دوران ابتدایی و راهنمایی را در این شهر سپری کردم. به علت علاقه ای که مادرم به علوم دینی داشت؛ همزمان با آغاز دوران دبیرستان مرا نزد مرحوم «آیت الله امامی» که از اساتید برجسته بود؛ بردند و با ایشان علوم حوزوی را آغاز کردم. پس از اینکه در کنکور رشته ریاضی امتیاز عالی (رتبه زیر ۱۰۰) آوردم؛ برادر بزرگترم اصرار داشت که در رشته «مهندسی برق» در دانشگاه، ادامه تحصیل دهم و مادرم اصرار داشت که بنده یک مجتهد و عالم دینی شوم. با مشاوره ای که با مرحوم «امامی» انجام شد، بنا شد با پایان دوره لیسانس «مهندسی برق در دانشگاه صنعتی اصفهان»، دروس سطح حوزه نیز به اتمام برسد. و بنده به علت علاقه ای که به علوم دینی پیدا کردم؛ دروس فنی را در مقطع فوق لیسانس ادامه ندادم و به قم آمدم.

از سال ۷۱ تا ۷۶ در دروس خارج فقه مرحوم «حضرت آیت الله جواد تبریزی»، و اصول «حضرت آیت الله وحید» شرکت کردم. همزمان به علت علاقه ای که به فلسفه داشتم؛ به درس اسفار و نیز واحد الربوبیه (استادحشمت پور) می رفتم. همچنین در سال ۷۵ به

علت علاقه ای که در مطالعات ادیان داشتم و قبلاً از طریق دکتر «محمود بینا» در دانشگاه صنعتی با ادیان هند و مسیحیت آشنائی پیدا کرده بودم؛ جذب مرکز ادیان و مذاهب شدم و فعلاً به عنوان مدرس و عضو هیئت علمی این مرکز مشغولم. هم اکنون تدریس فلسفه برای دانشجویان مقطع فوق لیسانس رشته «دین پژوهی» را مشغولم. در ضمن، کتاب: «فلسفه یهودی در قرون وسطی» توسط بنده ترجمه شده و نیز کتاب: «گرایشهای اصلی عرفان یهود» نیز آماده چاپ است. تعدادی مقالات در زمینه (عرفان اسلامی)، (فلسفه اسلامی)، (عرفان یهودی) و (ادیان ابراهیم و هند) نوشته ام.

نقیب زاده، عبدالحسین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:

دکترای فلسفه از دانشگاه تربیت معلم تهران.

مرتبه علمی:

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

آموزش فلسفه، فلسفه تربیتی افلاطون، روسو و دیوئی.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۵

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

فلسفه و آموزش و پرورش.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: -

زمینه علمی مقالات:

فلسفه.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نگارش، حمید

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حمید نگارش

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

حجة الاسلام و المسلمین دکتر حمید نگارش عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی با رتبه استاد یاری و استاد دانشگاه صنعتی شریف می باشند. فعالیت های نامبرده اجمالاً به شرح ذیل می باشد: فعالیت های آموزشی: مدت ۲۲ سال تدریس دوس؛ «معارف اسلامی»، «اخلاق اسلامی»، «انقلاب اسلامی و ریشه ها»، «تاریخ اسلام»، «کلام اسلامی»، «انسان شناسی»، «متون اسلامی» و ... را در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه ها و مراکز آموزشی همچون: «دانشگاه شهید بهشتی»، «دانشگاه هوایی»، «دانشگاه امام حسین علیه السلام»، «دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن»، «مرکز مدیریت حوزه علمیه قم (طرح هجرت)»، «دانشگاه پیام نور»، «مرکز عالی رسته ای نیروی هوایی ارتش»، «دانشگاه صنعتی شریف» و ... داشته اند (از سال ۶۲ تا به حال). همچنین نامبرده دروس حوزوی سطح یک، دو و سه را در مدارس علمیه تهران و قم تدریس داشته اند.

نمازی اصفهانی، محمود

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمود نمازی اصفهانی

محل تولد: اصفهان

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمود نمازی اصفهانی فروردین ماه سال ۱۳۴۱ شمسی در خانواده ای مذهبی در شهر اصفهان متولد و دوره ابتدائی، متوسطه و دبیرستان را در همان شهر گذراندم. شهریورماه ۱۳۵۶ با معرفی حضرت «آیه الله فاضل اصفهانی»؛ استاد حوزه علمیه اصفهان و امام جماعت مسجد محله تلواژگان اصفهان، به مرحوم «آیه الله قدوسی» (رحمهما الله)، وارد حوزه علمیه قم شده، مقدمات و سطح را تا سال ۱۳۶۴ نزد اساتید بزرگ و حضرات حجج اسلام: «مدرس افغانی»، «مسعودی»، «اعتمادی»، «پایانی»، «ستوده»، «شب زنده دار»، «فیاضی» و آیات عظام: «خرازی»، «اشتهاردی» و «فاضل لنکرانی» به پایان بردم.

دروس سطح عالی حوزه، خارج فقه و اصول را نیز به مدت ۷ سال تا سال ۱۳۷۱ از محضر اساتید و آیات عظام: «بهجت»، «مکارم شیرازی»، «سید محمود هاشمی شاهرودی»، «سید کاظم حائری»، «میرزا جواد تبریزی» و «استادی» بهره بردم. در طول تمام این سالها و سالهای بعد، این افتخار را داشتم که پیوسته از محضر پر برکت دروس اخلاق «حضرت آیه الله مصباح»، «آیه الله بهجت» و «آیه الله مظاهری اصفهانی» کسب فیض کنم.

همزمان با دروس حوزه از سال ۱۳۵۸ در برنامه‌ی آموزشی موسسه در راه حق که با نظارت اساتید و حضرات آیات عظام: «مصباح یزدی، خرازی و مظاهری» اداره می شد؛ دروس مطالعات موضوعی قرآن کریم، فلسفه: (بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، شفا و دروس فلسفه) را نزد «آیه الله مصباح» و دروس عمومی: (جامعه شناسی، روانشناسی، حقوق، علوم تربیتی و اقتصاد اسلامی) را نزد اساتید آن دوره تلمذ نمودم. در این دوره موفق به اخذ دو معادل لیسانس از موسسه در راه حق در زمینه «مطالعات اسلامی» و در سالهای بعد معادل لیسانس «فقه و حقوق اسلامی» از مرکز مدیریت حوزه شدم.

از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۶۸ دوره کارشناسی ارشد پیوسته اقتصاد را در بنیاد عالی فرهنگی باقرالعلوم (ع) با موفقیت به پایان بردم و مدرک معادل فوق لیسانس پیوسته رشته اقتصاد را (که معادل ۱۴۶ واحد درسی دانشگاهی بود) از این موسسه دریافت کردم. سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۱ را به پژوهش در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه مشغول بودم که حاصل این دوره؛ کتاب چاپ نشده: «پول و بانک در اقتصاد اسلامی» و مقاله: «سیاستهای بازسازی در کلام امام» است که موفق به دریافت جایزه وزیر علوم و فن آوری وقت: آقای معین شد که با همکاری همکاران بود. مقاله در همان زمان در مجموعه مقالات سمینار بازسازی اقتصاد اسلامی به چاپ رسید. بخشهایی از کتاب نیز در سالهای بعد به چاپ رسید.

سال ۱۳۷۱ همراه با تعدادی از دوستان با نظارت استاد بزرگوار «حضرت آیه الله مصباح یزدی» تحت اشراف بنیاد عالی فرهنگی باقرالعلوم (ع) که در سال ۱۳۷۵ به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) تغییر یافت؛ موفق به اخذ پذیرش از دانشگاه «مک گیل شهر مونترال» در کشور کانادا شدم، دوره کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته «فلسفه و فلسفه عرفان» در این دانشگاه تا سال ۱۳۷۹ با نمره ممتاز به پایان بردم. سالهای ۷۳ تا ۷۸ هر سال در کنفرانس های سالانه فلسفه شهر «بینگهمن آمریکا» شرکت فعال همراه با ارائه مقاله داشته ام، در این کنفرانس ها، ضمن آشنایی با اساتید و پروفیسورهای فلسفه، عرفان، دین شناسی و کلام اروپا و آمریکا، بحثهای علمی تطبیقی فلسفه و کلام اسلامی طرح و پی گیری می شد که ضمن استقبال آنها موجب نشر تفکر فلسفی کلامی شیعه نیز می شد.

سالهای اقامت در کشور کانادا به فعالیتهای مذهبی هم به جد اشتغال داشته و سخنرانی های متعددی را در ابعاد مختلف معارف اسلامی برای عموم مردم و دانشجویان دانشگاه های مهم شهرهای: «کبک (دانشگاه لاوال)، اتاوا (دانشگاه اتاوا)، تورنتو (دانشگاه تورنتو)، کانادا» و شهرهای: «واشنگتن، نیویورک و یوستن (تکزاس) آمریکا» داشته ام. در این راستا پیوسته مشمول عنایات مولی و سرور کائنات امام مهدی علیه السلام بوده و از توجهات آن عزیز گمگشته خوشه ها چیده ام.

در دوران تحصیل در کانادا «کارشناسی ارشد و دکتری»، موفق به نوشتن بیش از بیست مقاله درسی و کنفرانسی انگلیسی به غیر از رساله کارشناسی ارشد و رساله دکتری (که به اختصار مطالب آنها را به فارسی و انگلیسی و فرانسه در ضمیمه خواهم آورد) شده ام و از زمان برگشت به ایران در سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۶ مدت ۷ سال به عنوان عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، مشغول تدریس و تحقیق می باشم. کتاب «مدخلی بر فلسفه عرفان: علیت و وحدت وجود از دیدگاه ملا صدرا» و مقاله «مفهوم و خاستگاه تجربه دینی و ویژگیهای تجربه دینی» و مقاله انگلیسی «رابطه عقل و وحی از دیدگاه سید حیدر آملی» حاصل تحقیقات این دوره و تدریس تاریخ فلسفه معاصر، کلام جدید و مبانی نظری علم اخلاق اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد، کارشناسی و دکتری و استاد راهنما، مشاور و یا داور رساله های کارشناسی ارشد رشته های «دین شناسی، کلام، فلسفه» و راهنمایی

و نظارت بر ده‌ها رساله کوچک و بزرگ کلاس‌های ارشد و کارشناسی و نیز نظارت بر تهیه و ارائه ده‌ها گزارش فنی از کتب رشته‌های یاد شده؛ بخشی از کارهایم در بخش آموزش بوده است. در پنج سال اخیر، طرحهای متعددی را نیز نظارت، راهنمایی و اجرا کرده‌ام که و طرح (شیما) شناخت و معرفی اسلام، یکی از آنها است که در حال اجرا است. در زمینه آشنائی با زبانهای رایج با زبان عربی و انگلیسی آشنائی کامل و با زبان فرانسه در حد ترجمه متون فلسفی آشنا هستم.

نمازی اصفهانی، ملا فتح الله

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملافتح الله اصفهانی

در زمستان سال ۱۲۲۸ ش. (۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۶ ق) (۱۴۲۷) باز شدن غنچه‌ای در خانه محمد جواد نمازی اصفهانی، بهار را نوید داد. آن غنچه خوشبو را فتح الله نامیدند.

فتح الله در دامان پر مهر مادری مومن که هیچ‌گاه او را بدون وضو شیر نمی‌داد و پدری دلسوز که لحظه‌ای از تربیت فرزندش غافل نمی‌شد، رشد کرد و پس از سپری کردن دوران بازیهای کودکانه راهی کلاس قرآن و دیگر کتابهای مذهبی شد. در حوزه‌های نور

او ابتدا در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل مشغول شد. استعداد و پشتکار فتح الله موجب شد که بتواند با سرعت، مقدمات علوم اسلامی را فرا گرفته، در درس فقه و اصول بزرگان مدارس علمیه زانوی ادب به زمین بزند. با این حال حضور در درس بهترین اساتید حوزه علمیه اصفهان نتوانست تشنگی دانش اندوزی او را فرو نشاند. از این رو راهی حوزه علمیه مشهد مقدس شد.

در آن شهر از محضر اساتید برجسته‌ای چون آیه الله حاج میرزا نصرالله مدرس، آیه الله محمد ابراهیم بروجردی و سید مرتضی حائری بهره فراوان جست تا در ردیف اساتید آن دیار شناخته شد. سپس به سوی اصفهان مراجعت کرد. تا آن زمان نظریات شیخ مرتضی انصاری در اصفهان شهرتی نداشت ولی شیخ شریعت به بیان مسلک شیخ مرتضی انصاری همت گماشت. (۱۴۲۸)

او در سال ۱۲۹۵ ق. راهی نجف اشرف شد و در محضر مراجع تقلید آن زمان (آیات بزرگوار شیخ محمد حسین کاظمی و میرزا حبیب الله رشتی) حاضر شد و خود نیز مجلس درس مهمی تشکیل داد که بسیاری از دانشمندان حوزه علمیه نجف در آن شرکت می‌کردند.

شیخ الشریعه در سال ۱۳۱۳ ق. به شوق معشوق رو به خانه معبود نهاد. او در مکه به مباحثه و گفتگو با علمای اهل سنت پرداخت به گونه‌ای که آنها از احاطه کامل وی به کتابهای اهل سنت در شگفت شدند. (۱۴۲۹)

پس از بازگشت از حج پروانه‌های فضیلت پیرامون آن شمع شریعت گرد آمدند. در این زمان درس او از مهم‌ترین درسهای نجف به شمار می‌رفت که صدها نفر در آن شرکت می‌کردند. این درسها عبارت بودند از:

۱. دروس عالی فقه و اصول

۲. رجال و درآیه

۳. تفسیر و علوم قرآن

۴. فلسفه و کلام

۵. درس خلافیات که در این درس علت اختلاف نظریات و فتوایهای فقیه بررسی می‌شد. او بعلاوه خطیبی توانا بود که جمعه‌ها

منبر می رفت و به موعظه پرداخت. از دیگر امتیازات ایشان اینکه وی به تحصیل طب و ریاضیات همت گماشته و علاوه بر فرمولها و معادلات ریاضی مطالب زیادی درباره علم پزشکی آموخته بود.

گویند روزی ایشان بیمار شد و وقتی پزشک برای معالجه بر بالین او آمد شیخ الشریعه در مورد بیماری اش از کتاب قانون بوعلی سینا مطلبی گفت. پزشک تصور کرد چون شیخ نوع بیماری خود را می دانسته تنها همان قسمت کتاب را به خاطر سپرده است ولی در گفتگوهای بعدی مشخص شد او بیشتر مطالب قانون را آماده در ذهن دارد.

اساتید

شیخ الشریعه در محضر شریعتمداران زیادی درس شریعت آموخت تا شیخ شریعت شد به پاس احترامشان نام آنان در ذیل می آید:

۱. ملا حیدر علی اصفهانی
۲. آیه الله نصر الله مدرس
۳. شیخ محمد صادق تنکابنی
۴. ملا احمد سبزواری
۵. شیخ عبدالجواد خراسانی
۶. آیه الله ملا محمد باقر اصفهانی
۷. شیخ حسین علی تویسرکانی ملایری
۸. آیه الله شیخ محمد تقی هروی
۹. آیه الله شیخ محمد رحیم بروجردی
۱۰. آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی
۱۱. آیه الله میرزا حبیب الله رشتی

شاگردان

صدها نفر از طلاب علوم دینی در جلسات درس ایشان شرکت می کردند که بسیاری از آنان بعدها در زمره مراجع تقلید در آمدند و نامی ترین آنان عبارتند از:

- آیات عظام : ۱. شیخ عبدالکریم حائری
۲. سید محمد حسین بروجردی
۳. سید ضیاء الدین عراقی
۴. سید ضیاء الدین عراقی
۵. سید شهاب الدین مرعشی نجفی
۶. سید عبدالهادی حسینی شیرازی
۷. سید محسن طباطبایی حکیم
۸. سید محمد کوه کمره ای (حجت)
۹. سید محمد تقی خوانساری
۱۰. محمد علی شاه آبادی .

قلم نور

از آنجا که شریعت در علوم گوناگون اسلامی مهارت داشت در بسیاری از رشته ها نوشته هایی پر بها از خود به یادگار گذاشت که

هر یک در علوم مختلف حاکی از فزونی دانش اوست. از آن همه، پاره‌ای رساله در موضوعات فقهی و اصولی است. در علم تفسیر، فلسفه، کلام و ادبیات عرب نیز دارای آثاری نیکوست.

مرجعیت

پس از وفات آیه الله میرزا حبیب الله رشتی و آیه الله شیخ محمد حسین کاظمینی شماری از مردم از شیخ الشریعه تقلید می‌کردند ولی پس از رحلت میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ الشریعه یگانه مرجع جهان تشیع شد. با این حال وی رهبری دینی را چون باری سنگین بر دوش خود احساس می‌کرد. او در خلوت دیده شده بود که اشک ریزان با خدای خود چنین مناجات می‌کرد: ((خدایا، در آخرین روزها زندگیم در دنیا به ریاست مبتلا(!) شده ام و باید سنگینی این بار امانت را به دوش کشم! بار اله، من طاقت تحمل این امر بزرگ را ندارم... و حال آنکه تو فردای قیامت از من سوال خواهی کرد...))

شیخون

شیخ الشریعه در پی مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن کتابخانه مهمی ایجاد کرد که دانش پژوهان از آن استفاده می‌کردند و از دیگر اقدامات ایشان صدور اعلامیه‌های فراوان بود که پرده از چهره استعمار می‌زدود در قسمتهایی از یکی از این اعلامیه‌ها آمده است. ((خدمت علمای بزرگ... و عموم مردم روستاها و شهرها و کوچ نشینان...))

بر آقایان و هوشیاران... پوشیده نیست که بیگانگان از سده‌های پیشین و مدتها قبل کوشیده‌اند دارایی مسلمانان را برزدند و شهر و کشورشان را تصاحب کنند... قرآن سراسر حکمت را از میان آنان بردارند و آنچه از وسایل مادی و معنوی نزد آنان است نابود سازند، بیگانگان همواره برای دستیابی به این هدفها نقشه‌هایی ترتیب داده‌اند، آنگاه آیه الله شریعت چندین نمونه از نقشه‌ها و هدفهای دشمن را در ۱۰ مورد بازگو کرده، در پایان دردمندانه از مسلمانان و ایرانیان می‌خواهد که در صف واحد در برابر دشمن متجاوز بایستند. (۱۴۳۰)

دزدان فرهنگ

در زمانی که عراق تحت سلطه انگلستان بود حکومت استعمارگر به مزدوران خود دستور داده بود هر جا کتاب نفیس و قدیمی یافتند آن را تصاحب کرده، به کتابخانه لندن بفرستند!

در این میان روحانیون آگاهی که نمی‌خواستند فرهنگ اسلامی به دست کفار غارت شود در مقابل آنان می‌ایستادند و استعمارگران با به زندان افکندن ایشان سعی می‌کردند به اهداف شوم خود جامه عمل بپوشانند. ولی شیخ شریعت به کمک طلاب آمده، آنها را از بند نجات می‌داد. برای نمونه می‌توان به زندان افتادن آیه الله مرعشی نجفی برای خریدن یک کتاب و سپس آزادی او به همت شیخ الشریعه اشاره کرد.

تقسیم ایران

یک سال پس از انقلاب مشروطه (در سال ۱۹۰۷ م) دو کشور استعمارگر روسیه و انگلستان در یک توافق سری ایران را به ۳ منطقه تقسیم کردند؛ مناطق جنوبی سهمیه انگلستان و شمال ایران از آن روسیه شد و برای آنکه با هم اختلافی پیدا نکنند قسمتهای مرکزی را به عنوان منطقه بی طرف سهم ایران قرار دادند. در این هنگام که تمامیت ارضی و استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار داشت، شیخ الشریعه و دیگر علما درسهای حوزه علمیه را تعطیل و خود را برای جهاد آماده کردند؛ چنانکه در تلگرافی که بدین مناسبت انتشار دادند می‌خوانیم:

((اخبار موحشه مداخله اجانب در بلاد اسلامیة خصوصاً به اشتهاار معاهده میثومه جدیده با دولتین موجب وحشت عموم علمای اعلام... (شده است). قاطبه علمای این مشاهد مشرفه وظایف مقامیه را تعطیل و در حفظ اسلام به ادای آخرین تکلیف (جهاد) حاضر...))

ایران در آتش

در سال ۱۳۳۰ ق با حمله روسیه به ایران شهرهای تبریز، گیلان، رشت، مشهد مقدس و چندین شهر و روستای ایران اشغال شد. در این زمان که ایران در سراسیسی سقوط قرار گرفته بود مراجع تقلید شیعه که در آن ایام در عراق بودند تصمیم گرفتند با مقاومتی قهرمانانه جلو متجاوزان را بگیرند.

در یازدهم محرم ۱۳۳۰ هیات علمیه نجف به همراه صدها نفر از طلاب حوزه علمیه و دویست هزار تن از عشایر مسلح به طرف ایران حرکت کردند. آنان تصمیم گرفتند در سر راه خود به ایران چند روزی در کاظمین توقف کرده، پس از آماده کردن مقدمات لازم به طرف ایران حرکت کنند. از جمله اقدامات آنان در کاظمین می توان به ارسال هیات هایی به کشورهای مختلف برای مذاکره با سران آن کشورها و ارسال اطلاعیه های فراوان به مسلمانان جهان اشاره کرد.

و دیگر آماده کردن عشایر ایران برای جهاد بود که با ارسال تلگرافهای متعدد آنان را به جهاد دعوت کردند. در یکی از این برگه های زرین چنین می خوانیم :

به عموم حجج اسلام، سرداران عظام و روسای عشایر... از قدیم زمان الی کنون به واسطه مردانگی عشایر... هرگز به خیال اجانب نمی رسید که دست اندازی به خاک ایران نمایند چه رسد به سوق عساکر و جسارت... در ممالک اسلامی. مگر در این عصر مردانگی ایرانیان محو و نابود و عقاید اسلام پشت گوشها افتاده.. یاللمسلمین یک مشهد مقدس... در مملکت شماست، آیا رواست که با وجود امثال شماها به تصرف کفار درآید و ننگ تاریخی برای شما، باقی بماند!...)) (۱۴۳۱)

وقتی مردم مسلمان و عشایر غیور ایران خود را برای دفاعی جانانه آماده کردند و ثوق الدوله که در آن زمان ریاست هیات وزرا را به عهده داشت با نیرنگ اولاً از حرکت علما به طرف ایران ممانعت کرد. وانگهی از عشایر و دیگر امت مسلمان ایران خواست از هر گونه اقدامی که مخالف سیاستهای روسیه و انگلستان باشد خودداری کنند و به آنها هشدار داد که اگر با نیروهای در حال پیشروی انگلستان مقابله کنند دولت آنها را مواخذه خواهد کرد. و از طرف دیگر مصرانه از علما خواست که از کاظمین متفرق شوند.

عقب نشینی نیروهای روسیه و اقدامات و ثوق الدوله کارگر افتاد و تندی که می رفت خصم را بسوزد توسط دولت ایران خاموش شد و علما که نمی خواستند جنگ داخلی مشکلات ایران را دو چندان کنند از حرکت به طرف ایران منصرف شدند.

نبرد اقتصادی

شیخ شریعت در کنار دیگر علما در برابر هجوم اقتصادی دشمن دو اقدام مهم انجام داد.

۱- تشویق مردم به ایجاد شرکت های تعاونی

۲. تحریم خرید و فروش اجناس و وسایل روسیه و انگلستان .

البته در این جبهه نیز زمانی که می رفت این مبارزه منفی شکوفه دهد سفارت انگلیس با یک نامه فدایت شوم به وثوق الدوله نوشت که از علما بخواهد فتوای خود را ملغی اعلام کنند و وثوق هم همین کار را کرد.

مجتهد مجاهد

عراق در جنگ جهانی اول به تصرف انگلستان درآمد و شیخ الشریعه ضمن صدور فتوای جهاد خود به جبهه شتافت و فرماندهی جبهه قرنه را به عهده گرفت .

یکبار که مجتهد مجاهد با کشتی کوچکی به طرف یکی از جبهه ها در حرکت بود. کشتی آنها شکست و نزدیک بود ایشان غرق شود که دیگر مجاهدان وی را نجات دادند.

نیروهای مردمی به فرماندهی علما به مدت هیجده ماه در برابر نیروهای عظیم انگلستان مقاومت کردند و اگر پیروزی نهایی متفقین

و ضعف شکست عثمانی و دیگر متحدانش نبود اشغالگران هیچ گاه موفق به اشغال عراق نمی شدند. (۱۴۳۲)

در بستر انقلاب

نیروهای انگلستان و همدستانش در جنگ جهانی اول با طرح این شعار که هدف ما رهایی کامل ملت‌هاست توانستند عراق و دیگر کشورهای عربی را تصرف کنند اما پس از اشغال عراق نه تنها به آنها استقلال ندادند که سعی کردند با برگزاری فرماندم فرمایشی به اشغال خود حالت قانونی دهند و آنگاه که عده ای از آزادیخواهان درخواست استقلال کردند آنها را تبعید و زندانی کردند و متعاقب این اوضاع شیخ الشریعه با ارسال تلگرافهایی به حاکمان انگلیسی و فرماندهان ارشد نظامی آنان از این درخواست سرباز زدند و سعی کردند با سرکوب جلو انقلاب را بگیرند.

در این هنگام آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی با صدور فتوایی به عراقیان اجازه داد که اگر انگلیسیان از دادن حقوق آنها سرباز زدند آنان دست به اسلحه برند و حق خود را باز پس گیرند. و این گونه بود که آتش انقلاب در عراق زبانه کشید.

در هنگامی که تمامی شهرهای عراق در آتش انقلاب می سوخت ناگهان آیه الله میرزا محمد تقی شیرازی که در این زمان رهبری انقلاب را به عهده داشت به طور مرموزانه ای در گذشت ولی در آن لحظات حساس آیه الله شریعت اصفهانی علم بر زمین افتاده میرزای شیرازی را برداشت و با صدور بیانیه ای از مردم عراق خواست به انقلاب ادامه دهند و سپس در اجتماعی که در صحن حضرت علی علیه السلام برگزار شده بود حاضر شد و در حالی که به علت کهولت و ناتوانی نمی توانست به تنهایی راه برود با کمک چند نفر از اطرافیان بر فراز منبر قرار گرفت و پس از تسلیت از دست دادن میرزا، مجاهدان را به استقامت فراخواند و آنگاه آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد و پرچم جهاد را به دست او سپرد.

در همین ایام ویلسون، نماینده انگلستان در عراق تصمیم گرفت با فرستادن پیام تسلیتی باب گفتگو با شیخ را باز کند، او را به پندار خود بفریید اما نتوانست و انقلاب همچنان ادامه یافت. (۱۴۳۳)

متعاقب این اوضاع نیروهای انگلیسی که در ایران و هند مستقر بودند به طرف عراق روانه شدند تا اینکه تعداد آنها به یکصد و پنجاه هزار نفر رسید که به انواع سلاحهای پیشرفته و هواپیماهای جنگی مجهز بودند. قدرت روز افزون نیروهای انگلستان، تمام شدن منابع مالی مجاهدان و قرار گرفتن آنان در محاصره اقتصادی و نظامی، نیز تغییر سیاست انگلستان و پیشنهاد تشکیل حکومت ملی در عراق از طرف دیگر موجب شد که بین رهبران جهاد اختلاف افتد و انقلاب متوقف شود. دولت انگلستان به طور رسمی تغییر سیاست خود را اعلام کرد و بدین سان استقلال خود را هر چند ناقص به دست آورد. اگر انقلاب به پیروزی نظامی می رسید علما می توانستند با تشکیل حکومت اسلامی عراقی آباد و آزاد بسازند عوامل فوق در کنار سستی که به مناسبت شروع فصل کشاورزی در مردم عراق پدید آورده بود باعث شد که نیروهای انگلستان بتوانند به طرف شهرهای مقدس پیشروی و کربلا، کوفه و آنگاه نجف را اشغال کنند.

پس از اشغال نجف ۱۷ تن از علما و از جمله حسن فرزند شیخ الشریعه دستگیر و برای تبعید روانه بصره شدند.

خاندان

آیه الله شریعت با یکی از نوادگان آیه الله شیخ محمد حسین اصفهانی مولف کتاب فصول ازدواج کرده بود و حاصل این ازدواج ۳ فرزند پسر بود:

۱. شیخ حسن: وی فرزند بزرگ شیخ الشریعه بود و در انقلاب نقش بسزایی داشت.
۲. شیخ مهدی، او تقریبات درس پدرش را به رشته تحریر کشید و کتاب ((اعلام الاعلام بمولد خیر الانام)) از اوست.
۳. شیخ محمد شریعت (۱۲۸۳ - ۱۳۵۷ ق.): وی در نجف به تکمیل علوم خود پرداخت. در سال ۱۳۳۱ ش. آیه الله بروجردی او را به عنوان نماینده خود راهی اصفهان کرد. شیخ محمد پس از رحلت آیه الله بروجردی امام امت (ره) را به عنوان مرجع اعلم معرفی

کرد که عده ای از علمای پاکستان هم به پیروی از ایشان امام را مرجع تقلید اعلم به مردم معرفی کردند. (۱۴۳۴)

صبح تیره

سرانجام روح پر فتوح آیه الله شریعت اصفهانی پس از عمری تلاش در راه اسلام و قرآن در شب یکشنبه هشتم ربیع الثانی سال ۱۳۳۹ ق. قفس تن را درید و آن نفس مطمئنه به سوی پروردگارش پر کشید و پیکر مطهرش در جوار قبر امیر مؤمنان علیه السلام به خاک سپرده شد.

در سال ۱۳۶۶ ق. که آیه الله حاج آقا حسین قمی دار فانی را وداع کرد و می خواستند او را کنار شیخ الشریعه دفن کنند در هنگام حفر قبر مقداری از قبر شیخ شریعت خراب شد و حاضران با تعجب دیدند جسد آن فقیه فرزانه هنوز کاملاً تازه است چنانکه گویا روز پیش به خاک سپرده شده است.

نواب اصفهانی، محمد

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۲۴۰ ق)، عالم دینی، مفسر، حکیم و منجم. مشهور به نواب و میرزا باقر نواب. اصلش از لاهیجان و ساکن اصفهان بود. وی از حکما و علمای عهد فتحعلی شاه قاجار است. در حکمت، فلسفه، منطق و نجوم متبحر و چندی نیز عهده‌دار سمت وزارت جعفرخان زند بود. با مرگ جعفر خان، میرزا باقر به کار تألیف و تدریس در اصفهان مشغول شد و از عالم سیاست کناره گرفت. وی در تهران در گذشت و در شهر ری به خاک سپرده شد. از آثارش «تحفه الخاقان»، در تفسیر قرآن به اسلوبی جدید، در چهار مجلد: اولی در «قصص»، دومی در «ذکر»، سومی در «احکام» و چهارمی در «وقایع یوم‌القیام». در «الذریعه» و «طبقات اعلام الشیعه» این کتاب در پنج بخش شامل: «آیات القصص»، «آیات الاحکام»، «آیات المعارف»، «آیات المواعظ» و «آیات الوعید» معرفی شده که آن را به خواهش فتحعلی شاه قاجار تألیف نموده است.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۹/۴۰۷)، تذکره القبور (۱۸۹-۱۸۸)، الذریعه (۱۴۵-۱۴۴/۴، ۴۳۲-۴۳۱/۳)، روضات الجنات (۱۴۷-۱۴۶/۷)، ریحانه (۵/۱۲۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۸۹-۱۸۸/۱۳)، فوائد الرضویه (۶۲۱)، کتاب گیلان (۶۷۶-۶۷۵/۲)، مکارم الآثار (۱۲۳۴-۱۲۲۹/۴)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۰۸).

نواب، ابراهیم

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ابن میرزا محمد باقر بن محمد بن محمد باقر نواب. عالم فاضل، امام جماعت مسجد ذوالفقار، از شاگردان آقا میرزا احمد مدرس، و آخوند گزی، و آقا سید محمد باقر درچه‌ای، و آقا شیخ محمد رضا نجفی و جمعی دیگر بوده، در اول صفر ۱۳۶۶ وفات یافته، در لسان الارض مدفون گردید.

برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نوایی جغتایی، نظام‌الدین امیر

قرن: ۹

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حکیم، نویسنده و شاعر. معروف به امیر کبیر. او به دو زبان ترکی و فارسی شعر می‌گفت و به ذواللسانین مشهور بود. در شعر ترکی، نوایی و در شعر فارسی، فنایی یا فانی تخلص می‌نمود. اصل او از ترکان جغتایی بود و در هرات به دنیا آمد. پدرش از امرا و رجال عهد تیموریان است که در خدمت بعضی از سلاطین آن سلسله مانند میرزا ابوالقاسم بابر، فرزند بایسنقر میرزا، و سلطان ابوسعید میرزا به سر بدر. نوایی نیز همراه پدر مدتی ملازم با برگورکانی در مشهد بود. از کودکی با سلطان حسین بایقرا در مکتب مصاحب و همدرس بود. پس از مرگ بابر، همراه سلطان حسین میرزا به مرو رفت و چندی در هرات در ملازمت سلطان ابوسعید به سر برد و سپس به ماوراءالنهر رفت و به تکمیل دانش پرداخت. پس از مدتی به خراسان سفر نمود و در اوایل قدرت سلطان حسین، به خدمت او درآمد و همراه سلطان به سمرقند و سپس به هرات رفت. او از امرای معروف عهد سلطان حسین و ندیم و مقرب خاص وی بود که از مشوقین بزرگ ادیبان و شاعران به حساب می‌آمد. نوایی از معاصران عبدالرحمان جامی است که به او ارادتی خاص داشت. در ۸۶۲ ق منصب امارت دیوان اعلیٰ به او تفویض گشت. امیر علیشیر یک سال نیز حاکم مازندران بود و در استرآباد به سر می‌برد. پس از آن به هرات بازگشت و در خدمت سلطان زیست. وی در شکوفایی و رونق ادب و هنر در دوران سلطان حسین بایقرا تأثیر فراوان داشت و هرات در این عصر یکی از بزرگترین مراکز ادب و هنر به شمار می‌آمد. وی در هرات در گذشت و در محله‌ی عیدگاه این شهر، زیر گنبدی در شمال مسجد جامع دفن گردید. لازم به ذکر است که صاحب «مجمع الفصحا» تاریخ فوت وی را ۹۰۷ ق ذکر کرده است. از آثار خیر او: ایوان جنوبی صحن عتیق آستان رضوی، نهر آب بالا خیابان، در مشهد؛ رباط سنگ بست؛ رباط دیزآباد؛ بند آجری قریه‌ی تروق در نزدیکی طوس؛ مقبره‌ی قاسم انوار، در قریه‌ی لنگر نزدیک تربت جام؛ تعمیر قسمتی از مزار عطار نیشابوری. از تألیفات او: «تذکره‌ی مجالس النفاثین»، در شرح حال شاعران عهد خود، به ترکی جغتایی؛ «لسان الطیر»، به تقلید از «منطق الطیر» عطار؛ «قصه‌ی شیخ صنعان»؛ «خمسه‌ی المتحیرین»، رساله‌ای در شرح حال جامی، در یک مقدمه و یک خاتمه و سه مقاله، به ترکی؛ «منشآت ترکی»؛ «منشآت فارسی»؛ «خمسه‌ای به تقلید از «پنج گنج» نظامی، به ترکی شامل: «فرهاد و شیرین» و «لیلی و مجنون» و «سد سکندری» و «حیرت الابرار» یا «حیات الابرار»، در برابر «مخزن الاسرار» و «سبعه‌ی سیاره»، در برابر «هفت گنبد»؛ «محاكمة اللغتين»؛ چهار «دیوان»، به ترکی شامل: «غرایب الصغر»، «نوادیر الشباب»، «بدایع الوسط» و «فوائد الکبر»؛ «دیوان» شعر، به فارسی، در حدود پنج هزار بیت.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: آتشکده‌ی آذر (۸۲-۸۰/۱)، از سعدی تا جامی (۷۴۴-۷۳۸، ۶۳۷-۶۳۴، ۵۴۶، ۵۲۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۶-۴/۳۸۲)، تاریخ برگزیدگان (۱۷۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۹۱-۲۸۹)، تحفه سامی (۳۳۸-۳۳۴)، تذکره‌ی روز روشن (۸۵۱-۸۵۰)، تذکره‌ی الشعراء (۵۷۴-۵۵۹)، تذکره‌ی نصرآبادی (۵۰۰)، حبیب‌السیر (۲۵۷، ۱۸۴-۱۸۳، ۱۷۹، ۱۷۰، ۱۴۵، ۱۳۷، ۴/۷۱)، دایرة‌المعارف فارسی (۲/۱۷۶۵)، الذریعه (۲۴/۳۴۷، ۲۱/۳۶۴، ۲۰/۳۷۲، ۲۸۵، ۲۸۴-۲۵۸، ۲۰۳، ۲۰۲، ۱۹/۱۶۳، ۱۸/۳۰۶، ۱۷/۹۵، ۱۶/۳۰-۳۱، ۱۸۹، ۳۵۶، ۱۴۲، ۱۴/۱۴۱-۱۵۳، ۱۲/۱۳۱، ۱۲۲۶، ۸۴۹، ۸۴۸، ۸/۱۰۴، ۹/۲۶۵-۲۶۴، ۷/۱۲۵، ۴/۱۳۲، ۲۳۶، ۳/۶۶، ۲/۶۱-۶۲)، روضه‌الصفاء (۷/صفحات متعدد)، ریحانه (۲۴۲-۶/۲۳۸)، سرآمدان فرهنگ (۲۰۰-۱/۱۹۸)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۱۵۵-۱۰/۱۵۴)، طرائق‌الحقائق (۱۱۰-۳/۱۰۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۵۰-۳۴۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۳-)

۹۵۲)، کارنامه‌ی بزرگان (۳۲۷-۳۲۸)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۲۴-۴۲۳)، کشف‌الظنون (۱۹۷۹، ۱۶۱۱، ۱۵۹۱، ۱۵۷۲، ۱۳۰۱، ۱۲۵۸، ۱۱۹۵، ۹۷۷، ۹۸۲، ۶۴۵، ۲۳۰)، لغت‌نامه (ذیل / عیشیر نوایی و نظام‌الدین)، مجالس‌العشاق (۳۳۸-۳۳۵)، مجالس‌النفائس (مقدمه / د- لو، ۳۵۸-۳۵۷، ۱۳۶-۱۳۳)، مجمع‌الفصحا (۸۴-۸۲ / ۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷۸-۶۷۷ / ۱)، هدیه‌العارفین (۷۴۰-۱ / ۷۳۹).

نوبختی، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق

قرن: ۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(س چهارم ق)، عالم دینی، حکیم و متکلم امامی. از جمله آثارش کتاب «الیاقوت» یا «فص‌الیاقوت» است که از قدیم‌ترین کتابهای کلامیه‌ی شیعه می‌باشد و بسیاری از علما به آن توجه داشته‌اند و علامه حلی «انوار‌الملکوت» خود را در شرح بر این کتاب نگاشته است و از مؤلف آن، ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت، تعبیر به شیخ اقدم و امام اعظم شیعه می‌کند. به تبع علامه حلی، محدث قمی و سید محسن امین و دیگران این کتاب را به ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق نسبت داده‌اند. اما در «ریاض‌العلماء» و «الشیعة و فنون الاسلام» و «الذریعة»، ابن نوبخت اطلاق بر برادر ابراهیم، شیخ اسماعیل بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت شده و کتاب «الیاقوت» به وی منتسب شده است. از دیگر آثار وی: «الابتهاج فی اثبات اللذة العقلیة لله تعالی».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۱۱۱-۱۱۰ / ۲)، بحار‌الانوار (۱ / ۱۷)، خاندان نوبختی (۱۸۰-۱۶۶)، الذریعه (۲۷۲-۲۷۱ / ۲۵، ۶۲ / ۱)، ریحانه (۲۴۷-۲۴۶ / ۶)، الکنی واللقاب (۱ / ۹۴).

نوبختی، ابوالعباس فضل

قرن: ۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۸۵ ق)، حکیم، فیلسوف، متکلم، منجم و مترجم. گروهی او را به جدش منسوب کرده و فضل بن نوبخت خوانده‌اند. وی از مشاهیر و پیشوایان متکلمان امامیه به شمار می‌آید. ابونواس از شاعران معاصر او بود که در مدح خاندان نوبختی شعر می‌سرود. فضل از منجمان و فیلسوفان عهد هارون‌الرشید و خزانه‌دار کتابهای حکمی به حساب می‌آمد که بسیاری از کتب حکمت اشراقی قبل از اسلام را، از زبان پهلوی به عربی، ترجمه نمود. همچنین در حکمت کتابهایی تألیف کرد و در نجوم نیز آثاری دارد. سید جمال‌الدین ابن‌طاووس، در کتاب خود «فرج‌المهموم» آورده که تصانیف نجومی او را دیده و تبحر او را در این فن تصدیق می‌نماید.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۴۱۲-۴۱۰ / ۸)، خاندان نوبختی (۲۰، ۱۴، ۳)، دایرة‌المعارف فارسی (۳۰۶۰ / ۲)، ریحانه (۲۵۰ / ۶)، الفهرست ابن‌الندیم، ترجمه (۲۷۷، ۲۳۶، ۲۰۰، ۱۴)، لغت‌نامه (ذیل / نوبختی).

نورائی، عبدالله

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۰۸، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: تهران
برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

نوروزی، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن نوروزی

محل تولد: قم

شهرت: نوروزی

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۵۷/۶/۳۰

زندگینامه علمی

این جانب حسن نوروزی در سال ۱۳۵۷ در شهر مقدس قم متولد شدم. مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در قم گذراندم و به جهت علاقه فراوان به فراگیری علوم اسلامی تحصیلات دبیرستان را نیمه‌تمام گذاشته و در سال ۱۳۷۴ به حوزه مقدسه قم وارد شدم. شش سال نخست حوزه را در مدرسه علمیه شهیدین و حقانی طی کردم و هم‌زمان با اتمام دوره سطح در مدرسه فیضیه و مدرسه گلپایگانی، پا به درس خارج گذاشتم. بخشی از اساتیدی که از محضر آنها بهره‌های فراوان برده‌ام عبارتند از: حجت‌الاسلام والمسلمین عالی (ادبیات)، حجت‌الاسلام والمسلمین صفایی بوشهری (فقه)، حجت‌الاسلام والمسلمین صادقی (فقه)، حجت‌الاسلام والمسلمین ربانی (کلام)، حجت‌الاسلام والمسلمین حیدری (اصول)، حجت‌الاسلام والمسلمین مختاری (اصول)، حجت‌الاسلام والمسلمین عباسی (فلسفه)، حجت‌الاسلام والمسلمین علم‌الهدی (اصول)، حجت‌الاسلام والمسلمین میرباقری (کلام) و ... اکنون در کنار تحصیلات حوزوی به پژوهش زیربنایی و روبنایی در خصوص مبانی فلسفی و تئوریک تمدن نوین اسلامی، مهندسی فرهنگی کشور، مدیریت تحول در حوزه‌های علمیه، و روش تحقیق مشغولیت دارم

نوروزی، رضا

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

رضا نوروزی

محل تولد : خمینی شهر

شهرت

تابعیت : ایران

تاریخ تولد : ۱۳۵۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب پس از گذراندن مقاطع ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان (رشته علوم تجربی)، در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و تا سال ۱۳۷۷ در این حوزه به تحصیل پرداختم. در سه سال حضور در حوزه اصفهان، ۶ پایه اول دروس حوزوی را پشت سر گذاشتم. در کنار آن به تحصیل دروس دیگری مثل «فلسفه غرب» و «فلسفه اسلامی» (تاریخ فلسفه غرب کاپلستونو بدایة الحکمه) نزد اساتید خصوصی پرداختم. در سال ۱۳۷۷ وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال ۱۳۸۰ پایه های دیگر را پشت سر گذاشته و سطح را تمام کردم. همچنین در دانشگاه تربیت مدرس قم «مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم» در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش فلسفه و کلام، کارشناسی ارشد خود را دریافت نمودم. از سال ۱۳۸۰ به دروس خارج فقه و اصول مشغول شدم که همچنان نیز مشغول می باشم.

از سال ۱۳۸۳ دوره سه ساله تربیت محقق عرفان اسلامی در مؤسسه امام خمینی (ره) را شروع کردم که هم اکنون مشغول پایان نامه آن می باشم و محقق دائرةالمعارف علوم عقلی در مؤسسه امام خمینی (ره) می باشم. در سال ۱۳۸۵ در آزمون دکترای رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق در دانشگاه تهران پذیرفته شدم که اکنون پس از گذراندن دوره آموزشی مشغول به پایان نامه می باشم. در کنار تحصیل، به عنوان مبلغ از طرف نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه به دانشگاههای مختلف اعزام شده ام. همچنین در «دانشگاه تهران» و «دانشگاه تربیت معلم تهران» مشغول به تدریس دروس معارف می باشم.

نوری طبرسی، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، مدرس و زاهد. از علمای مقیم نجف بود. در محضر شیخ مرتضی انصاری و میرزا حبیب الله رشتی و میرزای شیرازی تلمذ نمود. پس از رسیدن به مقامات علمی به بحث و تدریس فقه و اصول پرداخت. او در کاظمین درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در صحن شریف علوی به خاک سپرده شد. از آثار او: «کفایة الموحدین»، در سه مجلد به فارسی که یک مجلد آن تحت نام «عصمة الولاية»، در مبحث امامت است، «وسيلة المعاد فی شرح نجاه العباد»؛ کتاب «اصول الفقه».

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: اعیان الشیعه (۳/۳۱۲)، الذریعه (۲۵/۸۴، ۱۸/۱۰۰، ۱۵/۲۷۵، ۲/۲۰۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۵۱)، فوائد الرضویه (۴۴)، المآثر والآثار (۱۵۸)، معجم رجال الفكر والادب فی النجف (۳/۱۳۰۷)، معجم المؤلفین (۲/۲۶۰)، میرزای شیرازی

(۱۱۴).

نوری طبرسی، محمدتقی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۲۶۳ - ۱۲۰۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و شاعر. وی پدر میرزا حسین نوری، صاحب «مستدرک الوسائل» است. در نور مازندران به دنیا آمد و برخلاف پدرش که شغل دیوانی داشت، به تحصیل علم روی آورد و به اصفهان مهاجرت نمود. پس از فراگیری مقدمات علوم، در محضر عده‌ای از علما از جمله حکیم ملا علی نوری تلمذ نمود. سپس به عراق رفت و در محضر سید محمد مجاهد و دیگران به تکمیل معلومات خویش پرداخت. آنگاه به ایران بازگشت و به تحقیق و انجام امور دینی مبادرت نمود. او در سعادت‌آباد، از قرای نور در گذشت، پیکرش به نجف منتقل و در وادی السلام دفن گردید. از آثارش: «دلائل العباد»، در شرح «الارشاد»؛ «المدارج»، در اصول فقه، در دو مجلد؛ «کشف الحقائق»؛ «هدایة الانام»، در دو مجلد؛ «مخزن الصلاة»؛ «النارجیلة»؛ «کشف الاوهام»؛ رساله‌ای در «اشتقاق»، به فارسی؛ رساله‌ای در «امامت»؛ رساله‌ی «الصومیة»؛ رساله‌ی «الرضاعیة»؛ منظومه‌ی «تهذیب المنطق»؛ «ماتمکده»، در مقتل، به فارسی، منظوم و مثنوی؛ «تشویق العارفين»، در مواعظ، منظوم به فارسی؛ مجموعه‌ی قصائد در مدح ائمه (ع)؛ مجموعه‌ی قصائد در مراثی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول - ششم)

منابع زندگینامه: اعیان‌الشیعه (۱۹۸/۹)، الذریعه (۱۷۴/۲۵، ۲۳۶، ۲۲۶/۲۰، ۱۶/۱۹، ۲۹، ۲۲/۱۸، ۲۰۵، ۱۹۰/۱۱، ۲۵۱/۸، ۱۹۲/۲)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن ۲۲۴ - ۲۲۲/۱۳)، فوائد الرضویه (۴۳۶ - ۴۳۵)، معجم المؤلفین (۱۳۲/۹).

نوری، علی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۴۶ ق)، حکیم و از اعظام فلاسفه‌ی پیرو مکتب ملاصدرا. پس از تحصیلات مقدماتی در مازندران و قزوین، در فقه و اصول، به اصفهان رفت و در محضر استادانی چون محمد بیدآبادی و میرزا ابوالقاسم مدرس به تکمیل تحصیل پرداخت. آنگاه به تدریس معقول آغاز و حوزه‌ی فلسفی عظیمی تأسیس کرد. وی تدریس ۴۰۰ نفر از دو هزار شاغل به تحصیل معقول را شخصاً عهده‌دار بود. برخی از شاگردان او عبارت‌اند از: میرزا ابوالقاسم راز شیرازی، میرزا حسن نوری (فرزندش)، آخوند ملا آقا حکمی قزوینی، آخوند ملا- عبدالله زنوزی، آقا سید رضی لاریجانی و حاجی ملاهادی سبزواری. اکثر قریب به اتفاق استادان متأخر از آخوند نوری مع الواسطه شاگردان وی بوده‌اند، چه سلسله‌ی اساتید آنان به حاجی سبزواری، آقا محمدرضا قمشه‌ای، آقا علی مدرس و میرزای جلوه که به حکمای اربعه مشهوراند منتهی می‌شود. آخوند نوری تمام عمر را به تدریس فلسفه‌ی ملاصدرا مشغول بود. او دارای طبع شعر و غزلسرا و رباعی‌گوی بود و در اشعار خویش نوری تخلص می‌کرد. آخوند ملا علی نوری در خط شکسته سرآمد زمان خویش بود. پس از مرگ، پیکرش را به نجف بردند و براساس وصیتنامه‌اش در کفش کن روضه‌ی امیرالمومنین (ع) مدفون ساختند. برخی از آثار آخوند نوری عبارت‌اند از: «حجت‌الاسلام»، در رد پادری (کشیش مسیحی) که مطالب نادرستی

درباره‌ی اسلام نوشته بود؛ «حواشی اسفار»؛ «حواشی مشاعر»؛ «حواشی شوارق»؛ «حواشی اسرار الآیات»؛ «حواشی شرح اصول کافی»؛ «حواشی تفسیر کبیر»؛ «تفسیر سوره‌ی توحید»، متجاوز از سه هزار سطر؛ «رساله در وحدت وجود»؛ «مجموعه‌ی سوال و جواب»، به فارسی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: خدمات متقابل اسلام و ایران (۵۹۷-۵۹۶)، الذریعه (۴/ ۳۳۵)، روضات الجنات (۳۹۳-۳۹۱/ ۴)، ریاض العارفين (۲۳۹-۳۲۸)، ریحانه (۲۶۲-۲۶۱/ ۶)، سفینه‌ی محمود (۶۳۳-۶۳۲/ ۲)، شرح حال رجال (۱۵۵-۱۵۴/ ۶)، فرهنگ سخنوران (۹۵۸)، فوائد الرضویه (۳۴۰-۳۳۹)، قصص العلماء (۱۵۳-۱۵۰، ۱۳۴، ۶۶)، مستدرکات اعیان (۱/ ۱۱۸)، مصطبه‌ی خراب (۲۰۰-۱۹۹).

نوظهور، یوسف

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

دکتر یوسف نوظهور در سال ۱۳۴۵ در شهرستان مراغه بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای فلسفه از دانشگاه تهران (در سال ۱۳۷۴) می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی فلسفه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز است.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

تحصیلات رسمی و حرفه ای: یوسف نوظهور، تحصیلات ابتدایی را در دبستان عدل به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال ۱۳۶۳ از دبیرستان امام خمینی اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته فلسفه را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد فلسفه را در سال ۱۳۶۹ از دانشگاه تهران دریافت نموده‌اند و در سال ۱۳۷۴ مدرک دکتری در رشته فلسفه را از دانشگاه تهران با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایاننامه: الف - کارشناسی ارشد: تقسیم بندی قضایا در فلسفه کانت و اهمیت آن در فلسفه غرب ب- دکتری: عقل و وحی و دین و دولت در فلسفه اسپینوزا

وقایع میانسالی: یوسف نوظهور در سال ۱۳۷۴ مدرک دکتری در رشته فلسفه را از دانشگاه تهران با موفقیت اخذ کرده‌اند و از سال ۱۳۷۵ بعنوان عضو هیات علمی در گروه فلسفه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی مشغول خدمت شده‌اند.

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: سمتهای اجرایی یوسف نوظهور به قرار زیر است: قبلی: معاون دانشکده ادبیات - مدیر امور فرهنگی دانشگاه - ریاست دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی - دبیر کمیته فلسفه سازمان سمت - معاون دانشجویی و فرهنگی دانشگاه فعلی: عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی فلسفه دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه تبریز
فعالتهای آموزشی: فعالتهای آموزشی یوسف نوظهور: تدریس: ۱- دوره کارشناسی: تاریخ فلسفه از بیکن تا هیوم - تاریخ فلسفه از کانت تا نیمه دوم قرن ۱۹ - فلسفه معاصر - متون فلسفی به زبان خارجی، زبان خارجی تخصصی ۲- تحصیلات تکمیلی: متون فلسفی به زبان خارجی - فلسفه معاصر - فلسفه کانت

چگونگی عرضه آثار: فعالتهای پژوهشی: تعداد مقاله‌های منتشر شده: ۴ مورد تعداد مقاله‌های ارائه شده در کنفرانسها: ۸ مورد
تعداد کتابهای تالیف شده: ۱ مورد تعداد کتابهای ترجمه شده: ۱ مورد تعداد پایاننامه‌های کارشناسی ارشد: ۳ مورد

واحد تبریزی، رجبعلی

قرن: ۱۱

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۰۸۰ ق)، حکیم، عارف و شاعر، متخلص به واحد. اهل تبریز بود. تمام مدت عمر، دست از مطالعه برنداشت تا در حکمت، منطق، طبیعیات و الهیات مهارت یافت. وی مدتی در مدرسه‌ی شیخ لطف‌الله تدریس می‌کرد. صاحب «ریاض‌العلماء»، محمد تنکابنی (م ۱۱۲۴ ق) و حکیم محمد سعید، معروف به حکیم کوچک و ملا عباس مولوی، صاحب «اصول‌الفوائد» و محمد شفیق اصفهانی را از شاگردان او می‌داند. واحد به عباس‌آباد اصفهان رفت و ساکن شد. شاه‌عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ ق) بنا به ارادتی که به وی داشت خانه‌ای در شمس‌آباد، خارج از اصفهان، برایش خریداری کرد. گویند واحد در اواخر عمر به دلیل ضعف و پیری، درس و بحث را کنار گذاشت. او در اصفهان درگذشت. بعضی از تذکرها تاریخ وفات وی را ۱۰۰۸ و بعضی ۱۰۶۵ ق نوشته‌اند. اشعاری از او در تذکرها آمده است. از آثارش: «وجودیه» یا «اثبات واجب»، به فارسی. عده‌ای از مؤلفان کتاب «کلید بهشت» را نیز از او می‌دانند.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۲-۳۴۰/۵)، تذکره‌ی روز روشن (۸۶۳-۸۶۲)، تذکره‌ی نصرآبادی (۱۵۴)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۰)، الذریعه (۱۲۴۷/۹، ۱۰۵-۱۰۴/۱)، ریاض‌العارفین (۲۳۷)، ریاض‌العلماء (۲۸۴-۲۸۳/۲)، ریحانه (۲۸۵/۶)، طرائق‌الحقائق (۱۶۲/۳)، فرهنگ سخنوران (۹۶۶)، لغت‌نامه (ذیل / واحد تبریزی).

واحدالعین، اسماعیل

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۱۲۷۷-۱۲۷۱ ق)، عالم و فیلسوف. معروف به واحدالعین. از شاگردان آخوند ملا علی نوری بود و در زمان حیات او، تدریس حکمت و فلسفه در اصفهان به او اختصاص داشت. آثار وی: حاشیه‌ی «اسفار» ملاصدرا؛ حاشیه‌ی «شوارق» ملا عبدالرزاق لاهیجی؛ حاشیه‌ی «مشاعر» ملاصدرا؛ شرح «عرشیه‌ی» ملاصدرا.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تذکره‌القبور (۱۳۸)، الذریعه (۲۰/۶)، ریحانه (۲۸۵/۶)، مکارم الآثار (۲۱۵۳-۲۱۵۲/۶).

واعظ جوادی آملی، اسماعیل

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: -، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: فلسفه و معارف اسلامی، دانشکده: -، دانشگاه: آزاد اسلامی بابل

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

دارای تحصیلات عالی فلسفه نزد حکیم آیت‌الله مطهری و دکترای فلسفه (معقول) از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ و فوق دکترای فلسفه.

مرتب علمی:

پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی بابل.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

فلسفی، تربیتی اسلامی، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۳۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: -

زمینه علمی تألیفات:

فلسفه، روانشناسی تربیتی اسلامی، جغرافیای تاریخی، تاریخ عرفا، کتاب‌شناسی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۲۰، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

فلسفه، عرفان، روانشناسی، تاریخ فلسفه، کتاب‌شناسی.

برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

واعظی، احمد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احمد واعظی

محل تولد: شهر ری

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

دیپلم ریاضی را در سال ۱۳۵۹ اخذ کردم، شروع تحصیلات حوزویم تابستان سال ۱۳۵۹ بود. البته از دو سال قبل در تابستانها نزد یکی از طلابی که دانشجوی رشته فیزیک بود؛ ادبیات عرب می خواندم. سال ورود به حوزه علمیه قم ۱۳۶۱ و اتمام سطح در سال ۱۳۶۵ می باشد. درس خارج فقه و اصول را در محضر اساتیدی نظیر حضرات آیات عظام: وحید خراسانی (۶۹ - ۶۵)، شیخ جواد

تبریزی (۷۲ - ۶۵)، سید کاظم حائری به مدت ۶ سال استفاده کردم. به مدت ۶ سال بحث اصول فقه را در خدمت جناب حجة الاسلام و المسلمین «صادق لاریجانی» بودم که محفلی خصوصی بود و تقریر مباحث شهید سید محمد باقر صدر (بحوث فی علم الاصول) محور بررسی بود.

فلسفه (بدایه و نهایت الحکمه) را از محضر «حجت الاسلام و المسلمین فیاضی» و «حضرت آیت الله مصباح یزدی» بهره بردم (هر دو به صورت نوار) و یکسال در محضر «حسن زاده آملی» بخش هایی از اشارات بوعلی و جلد ۱ اسفار را استفاده کردم. عمده تحصیل فلسفه ام در محضر «آیت الله جوادی آملی» (حفظه الله تعالی) بود که به مدت قریب هفت سال چند مجلد از اسفار (۱ و ۲ و ۹) را آموختم که عمده مباحث در محفل خصوصی با حضور چند تن از فضلاء حوزه بود. از سال ۱۳۶۷ به طور جدی مباحث کلام جدید و فلسفه غرب و زبان تخصصی را آغاز کردم.

از سال ۱۳۶۶ تدریس در دانشگاه را شروع کردم که عمده آن تدریس دروس تخصصی نظیر کلام، فلسفه، فقه، فلسفه اخلاق و کلام جدید بود. تدریس در حوزه را از سالهای اول تحصیل داشته ام. از سال ۱۳۸۰ که جهت تدریس به مدت ۳ سال به انگلیس دعوت شدم؛ دو سال در دانشگاه «کمبریج دپارتمان شرق شناسی» به تدریس اشتغال داشتم. در ضمن آن در «کالج اسلامی لندن» در مقطع فوق لیسانس و نیز در حوزه علمیه لندن به تدریس اشتغال داشتم. تمام این تدریس ها به زبان انگلیسی القاء می شد. علاقه پژوهشی من ابتدا معطوف به «فلسفه عمومی غرب و مباحث کلام جدید» بود. از سال ۱۳۷۵ به طور همزمان در دو محور (هرمنوتیک و اندیشه سیاسی) به پژوهش پرداختم. ثمره این تحقیقات تألیفاتی در هر دو حوزه است. و هم اکنون نیز پژوهش جانبی من در کنار تدریس و تحقیق معمول حوزوی معطوف به هر دو حوزه است.

وحید دستگردی، حسن

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(ح ۱۳۲۱ - ۱۲۵۸ ش)، ادیب، مصحح، نویسنده و شاعر، متخلص به وحید. در قریه‌ی دستگرد، از توابع اصفهان، به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت و در پانزده سالگی به اصفهان رفت و در مدرسه میرزا حسن علوم ادبی را نزد میرزا یحیی مدرس بیدآبادی، معروف به کاشی پز، و علوم دینی را نزد عبدالکریم گزی و سید محمدباقر درچه‌ای آموخت و از محضر جهانگیرخان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی استفاده نمود. وی از طرفداران مشروطیت بود و اشعار و مقالاتی در این زمینه در روزنامه‌های اصفهان منتشر می کرد. دستگردی در آغاز جنگ بین الملل اول، روزنامه‌ی «درفش کاویان» را در اصفهان منتشر نمود. او همچنین با روزنامه‌های «پروانه»، «زاینده رود» و «مفتش ایران» نیز همکاری می کرد. وی در ۱۳۳۸ ق به تهران آمد و انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی را تأسیس کرد و همچنین در ۱۳۳۸ ق مجله‌ی ادبی «ارمغان» را طی دوره‌ای بیست و دو ساله در تهران تأسیس و منتشر نمود. وحید در اوایل ورود خود به تهران در حلقه‌ی مریدان صافی علیشاه درآمد. وی مدتی در اداره‌ی انطباعات وزارت معارف مشغول کار گشت. او در شعر ابتدا لمعه تخلص می کرد، ولی بعدها به دستور میرزا یحیی بیدآبادی تغییر تخلص داد. وی در تهران در گذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری دفن شد. از دیگر آثارش: «انقلاب ادبی»؛ «ره آورد وحید»، سفرنامه چهار محال و تاریخچه‌ی وقایع اصفهان و جنوب ایران؛ «سرگذشت اردشیر»، به شعر؛ تصحیح و تحشیه‌ی «سبعه» حکیم نظامی گنجوی شامل: ۱- «مخزن الاسرار» ۲- «خسرو و شیرین» ۳- «لیلی و مجنون» ۴- «هفت پیکر» ۵- و ۶- «شرف‌نامه» و «اقبال‌نامه»

که این دو همان «اسکندرنامه» است ۷- «گنجینه‌ی گنجوی» یا «دیوان» شعر نظامی؛ تصحیح کتابهای: «تذکره‌ی نصرآبادی» میرزا محمد طاهر نصرآبادی و «جلایرنامه» قائم‌مقام فراهانی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «تحفه‌ی سامی» سام میرزای صفوی، «جام جم» یا «جام جهان‌نما» اوحدی مراغی، «دیوان» امیر فراهانی و «دیوان» بابا طاهر عریان. [۱]

حسن فرزند محمدقاسم متخلص به وحید و مشهور به وحید دستگردی از مردم اصفهان (و- ۱۲۹۸ ه.ق- ف. دی ماه ۱۳۲۱). وی تا سال ۱۳۱۲ ه.ق در دستگرد و سپس در شهر اصفهان به تحصیل ادبیات فارسی، عربی، حکمت، فقه و اصول پرداخت. ادبیات را از میرزا یحیی مدرس و فلسفه را از جهانگیرخان حکیم قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی فراگرفت. در آغاز مشروطه و انقلابات اصفهان به خاک بختیاری مهاجرت کرد و در این شهر مجله‌ی ارمغان را منتشر کرد. دو کتاب منظوم هم دارد یکی بنام «سرگذشت اردشیر» و دیگر «ره‌آورد وحید» که بطبع رسیده است. وحید در انواع شعر صاحب قدرت بود و به نظامی گنجوی علاقه‌ی مخصوصی داشت و بیشتر سبک نظامی را پیروی می‌کرد. بر اثر این علاقه انجمن ادبی را که خود تأسیس کرده بود «انجمن حکیم نظامی» نام داد و به تصحیح و مقابله‌ی خمسه‌ی نظامی پرداخت و پس از قریب پانزده سال تحقیق و مطالعه آن را با اصلاحات و تعلیقات مفید به چاپ رساند. دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی و دیوان ادیب‌الممالک فراهانی را نیز تصحیح کرده است. برگرفته از کتاب: فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

منابع زندگینامه: [۱] ادبیات نوین (۳۴۷، ۳۴۰، ۷۶، ۵۱، ۴۵، ۴۳)، از صبا تا نیما (۳۲۵- ۳۲۲ / ۲)، تاریخ جراید (۲۸۴، ۵۲، ۵۱ / ۲)، ۱۳۶ (۱۲۱- ۱ / ۱)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۵۲۹- ۵۲۶)، تذکره‌القبور (۲۷۳)، چهار صد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (۱۱۴۳)، دایرة‌المعارف فارسی (۲ / ۳۱۴۹)، الذریعه (۱۱ / ۳۰۹، ۱۲۶۶- ۱۲۶۵ / ۹)، سخنوران نامی (۵۱۴- ۴۹۸ / ۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۴۷- ۳۸۴۲ / ۶)، شخصیت‌های نامی (۵۰۶)، شرح حال رجال (۵ / ۶۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۹۶، ۳۴۰۵، ۳۱۷۰، ۱۵۰۴، ۱۲۸۹، ۱۲۸۸- ۱۲۶۶، ۱۰۴۶، ۹۸۶، ۸۳۸، ۸۰۱، ۳۷۷، ۳۰۳، ۲۱۳ / ۱)، گلزار معانی (۷۳۷- ۷۲۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۴- ۲ / ۶۲۳).

هادوی تهرانی، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی هادوی تهرانی

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۰/۱/۱

زندگینامه علمی

استاد مهدی هادوی در سال ۱۳۴۰ در تهران زاده شد. وی پس از طی دوره دبستان و راهنمایی، به عنوان شاگرد ممتاز از دبیرستان خوارزمی که از دبیرستانهای بسیار معتبر روزگار خود بود، در رشته ریاضی و فیزیک دیپلم گرفت و به عنوان یکی از پذیرفته شدگان ممتاز کنکور، در رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف مشغول به تحصیل شد. وی پس از مدتی

تحصیل غیر رسمی، تحصیلات رسمی حوزوی خود را از سال ۱۳۵۹ در قم آغاز کرد و در ادامه تحصیل، ادبیات و منطق را نزد آیت الله خوش وقت در تهران، فراگرفت. سپس بار دیگر به قم بازگشت و دوره سطح را در مدت پنج سال به پایان رساند و در امتحانات حوزه بارها به عنوان فرد ممتاز معرفی شد. پس از آن به تحصیل خارج فقه و اصول پرداخت و از اساتید بزرگی همچون آیات عظام شیخ جواد تبریزی، وحید خراسانی، بهجت فومنی، مکارم شیرازی، میرزا هاشم آملی و شیخ جعفر سبحانی استفاده کرد و بیش از همه در محضر درس آیت الله سید کاظم حائری به تحصیل پرداخت. استاد هادوی در فلسفه از محضر بزرگانی همچون آیت الله انصاری شیرازی، حسن زاده آملی، و مصباح یزدی بهره جسته و سالها به خوشه‌چینی از خرمن حکمت حکیم متأله آیت الله جواد آملی مشغول بوده است. افزون بر این، وی از ابتدای حضور خود در قم، با سالک واصل حضرت آیت الله بهاء‌الدینی، مراد و ارتباط مستمر و وثیق داشت و این ارتباط تا هنگام رحلت آن عارف فقیه برقرار بود. وی در نزد آن بزرگوار علاوه بر اخلاق و عرفان به تحصیل فقه و تفسیر قرآن و حدیث پرداخت. استاد هادوی این توفیق را داشته است که تقریباً تمام دروس مقدمات و سطح حوزه علمیه را تدریس نماید و از سال ۱۳۶۹ به تدریس خارج فقه و اصول (عالترین دوره آموزشی حوزه علمیه) اشتغال پیدا کند. در درس فقه روش ابتکاری وی که بر مقایسه بحث های فقهی اسلامی با حقوق جدید بر اساس متون اصلی، استوار است، نظر محققین را به خود جلب کرده است. افزون بر این، استاد به تدریس مباحث منطقی، فلسفی و کلامی اشتغال داشته و دارند و برخی آثار قلمی وی حاصل همین تحقیقات است. استاد هادوی علاوه بر تدریس در حوزه علمیه، با دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور همکاری علمی دارد. وی عضو شورای بررسی متون علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس گروه فقه و حقوق این شورا و عضو شورای علمی کارشناسی ارشد فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف است. استاد هادوی همچنین در برخی از علوم جدید مانند اقتصاد، کلام جدید، فلسفه علم و فلسفه هنر، مطالعات و تحقیقات گسترده ای دارد که بعضی از آنها در قالب کتب و مقالات عرضه شده است. وی به دو زبان انگلیسی و عربی تسلط کامل دارد و تا حد زیادی با زبان فرانسه و آلمانی نیز آشناست. مهارت در زبان انگلیسی و کاربرد کامپیوتر، این امکان را برای وی فراهم کرد که اولین پاسخگوی مسائل اسلامی در ایران روی شبکه جهانی کامپیوتری (اینترنت) باشد. استاد هادوی ضمن ارتباط و حضور در مراکز دینی و علمی کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی و آفریقایی در تأسیس مراکز فرهنگی اسلامی از جمله انجمن اهل بیت علیهم السلام در سوئیس، انجمن محمدیه در تایلند، مرکز اسلامی هلند و شورای جهانی رهبران دینی (World Council of Religious Leaders WCRL) مشارکت داشته است.

هادوی، محمدحسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمدحسن هادوی

محل تولد: کاشمر

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمّد حسن هادوی در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در شهر «کاشمر» از توابع استان خراسان در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشودم. پدرم کشاورز و مادرم معلّم قرآن بود. تحصیلات ابتدائی را در کاشمر گذرانده و در بهار سال ۱۳۵۳ وارد حوزه علمیه شدم. دروس مقدماتی حوزه مانند: «نصاب الصبیان گلستان سعدی»، «جامع المقدمات»، «شمسیه»، «سیوطی» و «مغنی» را در مدرسه حاج سلطان کاشمر نزد اساتیدی مانند: (حجج اسلام برهانی، فرقانی، و پیش نمازی) با مدیریت آیه الله سعیدی گذراندم. سپس در تابستان ۱۳۵۵ به شهر یزد رفته و ادامه دروس حوزوی را به مدّت دو سال، در مدرسه خان با مدیریت «آیه الله علمی» گذراندم. در حوزه علمیه یزد، (حاشیه، معالم و مختصر) را نزد اساتیدی مانند: (حجج اسلام علمی، مظفری، انوری، براتی، عجمین، و میرزایی) خواندم.

در تابستان ۱۳۵۷ وارد حوزه علمیه قم شدم. ابتدا در منزلی که «آیه الله مشکینی» در کوچه آبشار نزدیک حرم مطهر اجاره نموده بودند، ساکن شده و پس از مدتی به مدرسه مؤمنیه و سپس به مدرسه خان و نهایتاً به مدرسه ولی عصر (عج) رفتم. در حوزه علمیه قم، کتبی مانند: (شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه) را نزد اساتیدی مانند آیات عظام: (اعتمادی، ستوده، پایانی و محقق) در طول حدود ۶ سال گذراندم.

سپس دروس خارج فقه و اصول را نزد آیات عظام حوزه: «فاضل لنکرانی»، «هاشمی شاهرودی»، «وحید خراسانی»، «مکارم شیرازی»، «شیخ جواد تبریزی»، «بهجت» و «مددی» گذراندم. همزمان با تحصیل علوم حوزوی در قم، در سال ۱۳۶۲ جهت تحصیل علوم جنبی حوزه، به مؤسسه در راه حق با مدیریت استاد مصباح یزدی وارد شده و مدت ۶ سال به تحصیل علوم انسانی طبق برنامه های رسمی آن پرداختم. برخی از اساتید دوره عبارت بودند از: (مصباح، مظاهری، مصباحی، برهان، میر سپاه، دکتر محمدی، دکتر ماهر، دکتر صدیقی و دکتر قدیری).

در سال ۱۳۶۸ پس از فارغ التحصیلی از مؤسسه در راه حق، جهت گذراندن دوره تحصیلات تخصصی در رشته فلسفه، وارد بنیاد باقرالعلوم، با مدیریت استاد مصباح شده و دروس تخصصی این دوره را به مدت ۷ سال گذراندم. در این دوره از اساتیدی مانند استاد: (مصباح، جوادی، فیاضی، دکتر حداد عادل، دکتر نادری، دکتر سجادی، دکتر سمیعی و دکتر لگنهاوزن) استفاده نمودم. پس از اتمام دروس تخصصی بنیاد باقرالعلوم، برنامه چکیده نویسی و نمایه نویسی مجموعه آثار صدر المتألهین را که استاد مصباح به توصیه مقام معظم رهبری در نظر گرفته بودند؛ همراه با سایر اعضاء گروه فلسفه ۱ و ۲ بنیاد باقرالعلوم انجام داده و سپس به نگارش پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «معرفت شناسی نفس از دیدگاه حکمت متعالیه» پرداختم. استاد راهنمای این پایان نامه: دکتر احمدی و استاد مشاور استاد فیاضی بودند. نمره این رساله ۱۹ است.

از ابتدای سال ۱۳۷۷ به عنوان عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به تحقیق در مرکز پژوهشی دائرة المعارف علوم عقلی اسلامی و همزمان تدریس در دوره های طرح ولایت و دوره های خود مؤسسه، مشغول شدم و اینک بخشی از وقت خود را به تدریس آموزش فلسفه و بخشی دیگر را به تحقیقات کتاب شناسی، مقاله نویسی، برنامه ریزی علمی و سایر فعالیت های سیاسی و فعالیت های این مرکز اختصاص داده ام. نسبت به فعالیت های سیاسی و اجتماعی در دوران انقلاب در تظاهرات و برخی فعالیت های فرهنگی و انقلابی شرکت داشتم.

در دوران دفاع مقدّس نیز پس از چند دوره آموزش نظامی چند مأموریت از طرف دفتر تبلیغات و بسیج به جبهه داشته و مدّتی در جمع رزمندگان اسلام گذراندم. از جهت تبلیغی نیز بیش از ۱۰۰۰ منبر در شهرهای مختلف ایران داشته ام. دو سفر تبلیغی نیز از طرف سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به هندوستان داشتم. اکنون نیز جزء روحانیون سازمان حج و زیارت بوده و چند سفر حج

و عمره در خدمت زائران بیت الله الحرام بوده ام. و الله هو الموفق و المعین.

هاشمی، محمدحسین

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محمد حسین هاشمی

محل تولد: قم

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب محمد حسین هاشمی سال ۱۳۴۹ طلبه شدم و با مدرک شش ابتدائی اشتغال به دروس حوزوی را شروع کردم و در مدرسه آیت الله گلپایگانی تا شرح لمعه در مدرسه آن مرحوم ادامه دادم. سپس وارد دروس آزاد حوزه شدم و مکاسب را از محضر درس «آیت الله صناعی» و کفایه جلد اول را خدمت «آیت الله صلواتی» و جلد دوم را در محضر درس «آیت الله فاضل لنکرانی» تلمذ کردم.

سپس وارد درس خارج شده و یک سال فقه و اصول در محضر درس «آیت الله وحید خراسانی» - شش ماه درس اصول «آیت الله مؤمن» - حدود دو سه ماهی درس خارج اصول «آیت الله مکارم» و حدود هفت سال درس فقه و پنج سال درس اصول «آیت الله میرزا جواد تبریزی» و روزهای چهارشنبه درس قضاء ایشان شرکت می کردم و چهار سال درس خارج زکات و ولایت فقیه یکی از علماء قم شرکت داشتم و حدود چهار سال درس فقه (خارج حج) درس «آیت الله زنجانی» شرکت کردم (توضیحاً باید عرض کنم از فطرت آیات تبریزی - زنجانی شرکت در درس خارج دارم).

همزمان با این دروس در سال ۵۹ وارد موسسه در راه حق شدم که در آن زمان تحت مدیریت آقایان خرازی و مصباح مظاهری اداره می شد. چهار سال درس فلسفه شامل فلسفه عمومی؛ (که بعداً تحت عنوان آموزش فلسفه چاپ شد)، نهایی الحکمه، برهان شفاء، اسفار جلد ۹، در درس «آیت الله مصباح یزدی» شرکت کردم و در زمان تدریس فقه آیت الله شاهرودی شب‌های جمعه در دروس فقه ایشان که راجع به مسائل مستحدثه بود استفاده می کردیم.

تدریس در دانشگاه را از سال ۶۱ شروع و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشکده ادبیات علامه طباطبایی به تدریس دروس معارف اسلامی مشغول شدم و از همان ابتداء و از طرف دفتر اعزام به دانشگاه که زیر نظر جامعه مدرسین اداره می شد؛ مجوز تدریس تمام دروس دانشگاهی را گرفتم. یک سال در موسسه در راه حق درس استاد دکتر احمدی (فلسفه غرب) را استفاده کردم و زبان انگلیسی (ریدینگ) را تا ناین هاندرد طی دو دوره تابستانه و روزی سه چهار ساعت خواندم و مکالمه زبان عربی را تا حدود زیادی کار کردم و قادر به تکلم هستم ۷۰٪ درصد. سه سال در دانشگاه تهران دانشکده های مختلف، هفت سال دانشگاه علامه، چهار سال دانشگاه آزاد واحد بروجرد، سه سال دانشگاه واحد شهر ری و اخیراً پنج سال است که در دانشگاه آشتیان (به

جهت نزدیکی) تدریس می‌کنم و عضو هیئت علمی می‌باشم. چند سالی است که از نهاد خبرگان بدون مدرک وزارت علوم، مدرک مربی (کارشناسی ارشد) گرفته‌ام و حدود ده سالی است که از طرف دفتر ستاد مقام معظم رهبری با عنوان استادیار در دانشگاه تدریس دارم.

در حوزه هم چند سال قبل دروس: «ادبیات عرب»، «فلسفه»، «رسائل» و «معالم» را تدریس کرده‌ام. حدود دو سال در موسسه در راه حق (بعداً به موسسه پژوهشی امام خمینی (ره) تغییر نام یافت) با گروه تفسیر با مدیریت جناب آقای رجبی همکاری می‌کردم و نیز چند صبحی در موسسه در راه حق درس (اقتصاد اسلامی) نزد یکی از اساتید دانشگاه تهران به نام دکتر درخشان و درس مقدمه عمومی علم حقوق نزد دکتر جعفری لنگرودی (الان در انگلیس هستند) و علوم سیاسی نزد استاد دکتر منوچهر محمدی استاد دانشگاه تهران می‌خواندم و در حال حاضر هم به مطالعه کتابهای تفسیری و فقهی و شرح نهج البلاغه اشتغال دارم.

ایام تبلیغی اکثر اوقات به شهرها و اماکن مختلف جهت تبلیغ و منبر رفته‌ام و حاصل کلام اینکه پروردگار و حضرت حجت ابن الحسن العسکری (عج) قرار بگیرد و همواره خدمتگزار کوچکی در سنگر فرهنگ اسلامی و شیعی و خادم کوچکی در نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغ و دانشگاه و حوزه بوده و هستم. ضمناً در خاتمه باید به عرض برسانم برای دانشجویان در طول دوره تدریس، مقالات و جزواتی در زمینه انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن و درس متون عربی و همینطور درس انسان شناسی در اسلام نوشته و ارائه کرده‌ام که جزوات و مقالات موجود است.

هجری تفرشی، محمدصادق

قرن: ۱۲

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ح ۱۱۸۰ ق)، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به هجری. وی تحصیلات مقدماتی را نزد دایی خود، اقا محمد مؤمنای داعی گذراند و پس از آن برای تکمیل تحصیلات به قم و اصفهان سفر کرد. او در اصفهان به فراگیری معقول و منقول، ادب، عرفان و اخلاق نزد بزرگان علم و دانش از جمله مولانا محمد صادق اردستانی مشغول شد و به مدارج بالایی رسید. هجری چندی نیز به تعلیم و تربیت رضاقلی میرزا، فرزند نادرشاه پرداخت که به دلایلی از دربار به خراسان رفت و پس از مدتی بازگشت و تا پایان عمر در حوالی تفرش عزلت گزید. مؤلف «نگارستان دارا» آورده که وی در مشهد در گذشت. هجری در سرودن ماده تاریخ، غزل، رباعی و بخصوص مثنوی مهارت داشت. از آثارش می‌توان به دو مثنوی اشاره کرد که در اولی تعبیراتی از اکثر علوم همچنین: صرف، نحو، منطق و تصوف به کار برده شده است و مثنوی دیگر او مشتمل بر صد و نود و یک بیت، در ذکر داستان شکار مأمون و امام جواد (ع) و غیره است. [۱]

میرزا ابوالقاسم پسر میرزا صادق تفرشی (ف. ۱۱۸۰ ه. ق) از رجال ادب است و اشعاری نیکو سروده است. آنچه مسلم است او در اواخر دولت صفوی تا زمان کریم‌خان زند می‌زیست. در علوم معقول و منقول و عرفان به مدارج عالی رسید و چند سالی در قم و اصفهان بسر برد و مدتی معلم رضاقلی میرزا فرزند نادر بود.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] سفینه‌المحمود (۴۴۳-۴۴۱/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۹۷)، لغت‌نامه (ذیل / صادق)، نگارستان دارا (۲۲۰-۲۱۹)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۱۰۰-۹۲).

هرندی، ابو تراب

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

از سلسله نحوی‌های هرند، ساکن اصفهان است که عموماً به فضل و دانش مشهورند. در شعبان سال ۱۳۲۱ وفات یافته، در صحن سرقبر آقا (مقبره امام جمعه) مدفون گردید. برگرفته از کتاب: دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

هروی، رکن‌الدین مسعود

قرن: ۷

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(مقتول ۶۷۱ ق)، حکیم و شاعر. از بزرگان فضل و حکمت در عصر خود و از مشاهیر علما ماوراءالنهر بود. چنانچه در تعلیقات «لباب الالباب» آمده، عوفی در «جوامع الحکایات» او را از مشایخ خود شمرده است. سرانجام در واقعه‌ی حمله‌ی مغول به خراسان و ماوراءالنهر، وی با دیدن مظالم و مفسد آنان، همراه با پسرش به جنگ با مغولان می‌پردازد و در نهایت هر دو به شهادت می‌رسند. ظاهراً او داستان حضرت یوسف را می‌نوشته ولی فرصت نکرده است که آن را به پایان برساند. رکن‌الدین شعر نیز می‌سروده و اشعاری از وی نقل شده است که بیشتر رباعی می‌باشد.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: تاریخ مغول (۲۹)، تذکره‌ی روز روشن (۳۱۱)، صبح گلشن (۴۰۶)، فرهنگ سخنوران (۸۴۰)، لباب الالباب (۳۳۹)، ۱۸۲- (۱ / ۱۸۱).

همایی، جلال‌الدین

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

محقق، ادیب، شاعر.

تولد: ۱۳ دی ۱۲۷۸ (۱ رمضان ۱۳۱۷ ق.)؛ اصفهان.

درگذشت: ۲۸ تیر ۱۳۵۹، تهران.

جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما» فرزند ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن‌شناسان و استادان معاصر)؛ تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیماورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.

سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سید محمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمد کاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمدصادق خاتون آبادی و آقا سید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملا صدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.

وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال ۱۳۰۲ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد، هفته‌ای چند ساعت هم در دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکده‌ی حقوق تهران به عنوان استاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال ۱۳۴۵ بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.

استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی؛ شرکت در کنگره‌ی فردوسی (۱۳۱۳)؛ شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان (تیر ۱۳۲۵)؛ شرکت در کنگره‌ی ابن سینا (اردیبهشت ۱۳۳۳)؛ سفر به بیروت (۱۳۳۴)؛ جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (۱۲ آبان ۱۳۳۴)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان ۱۳۳۶)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیو ایران؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن ۱۳۳۸)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۹)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (۱۳ تیر ۱۳۵۰)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (۱۳۵۲).

استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.

علاوه بر مقاله‌های وی در مجلات و رونامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایران‌شناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، ۱۳۴۶)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، ۱۳۰۹-۱۳۰۸، در سال ۱۳۰۸، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحماد غزالی، ۱۳۱۷)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، ۱۳۵۷)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (۱۳۵۴)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعراى اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضه‌الصفاء، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول ۱۳۵۴، جلد دوم ۱۳۵۵)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات‌الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (۱۳۴۲)؛ شرح حال احوال سرورش اصفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محبوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه ۱ الی صفحه ۹۰)؛ صرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب

درسی فارسی - دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، ۱۳۲۹-۱۳۲۸)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸)؛ تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۶۲)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد ۱۳۶۴). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (۱). دیوان غبار. ۲. غزلیات سنا، ۳. دیوان زرگر اصفهانی، ۴. غزلیات دیوانه‌ی قمته، ۵. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، ۱۳۴۲، به اهتمام همایی)؛ نصیحة الملوک (امام محمد غزالی، ۱۳۱۶)؛ التفهیم لأوائل صناعة التنجیم (ابوریحان بیرونی، ۱۳۱۶)؛ مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة (عزیزالدین محمود کاشانی، ۱۳۲۵)؛ دیوان طرب (۱۳۴۲)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، ۱۳۶۱)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاء‌الدین ولد، ۱۳۱۶)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۰)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری (۱۳۳۵)؛ نصیحة الملوک (امام محمد غزالی)؛ کنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ معیارالعقول (۱۳۳۱)؛ رساله شعوبیه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا) (۱۳۴۳)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق (۱۳۷۳).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان ۱۴۰۰، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر ۱۳۵۹ درگذشت و در تکیه لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح ۱۳۵۸-۱۲۷۸ ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقلعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمدتقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمد کاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف‌آبادی مدرس و آیت‌الله حاج میرزا عبدالحسن سید العراقرین خاتون‌آبادی پاقلعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود ۱۳۰۰ ش برای تدریس به مدرسه‌ی صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود ۱۳۰۷ ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایة» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدنامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»،

خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری. [۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۶، ش ۷ و ۸، ص ۶۲۴-۶۱۶)، از نیما تا روزگار ما (۱۶۶-۱۶۰)، تاریخ اصفهان (سیزده-چهل و سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (۲۵۰-۲۴۷)، چهره‌های آشنا (۶۶۷-۶۶۵)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۲۰۸-۱۹۵/۳)، الذریعه (۱۶/۵۱، ۹/۴۷۲، ۳/۲۳۰)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (۱۸۱۲-۱۸۰۷/۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۳۷۵، ۳۲۸۰، ۳۲۵۰، ۳۱۳۹، ۳۰۹۳، ۳۰۸۴، ۳۰۵۹، ۳۰۲۷، ۲۶۹۱، ۲۳۸۵، ۲۳۸۴-۲۳۶۹، ۲۳۶۸، ۲۳۶۷، ۲۳۶۶، ۲/۲۲۵۶، ۲/۱۵۹۳، ۱۵۵۵، ۱۵۵۳، ۱۵۴۹، ۱۴۹۶، ۱۴۲۳، ۱۴۲۲، ۱۳۵۰، ۹۳۶، ۶۶۲، ۴۸۹، ۲۴۰، ۱/۱۴۰)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۴، ص ۳۹-۳۸)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۲-۳۷۰/۲)، همایی‌نامه.

همتی، همایون

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

همایون همتی یکی از فرهیختگان و دانشمندان معاصر ایران است. او استاد دردانشگاه می باشد. ازوی آثار متعددی به چاپ رسیده است که هر کدام به نوبه خود ارزش گران سنگی دارد. همتی درمورد مسائلی همچون دین و آزادی صاحب نظر می باشد.

گروه: علوم انسانی

رشته: فلسفه

مشاغل و سمتهای مورد تصدی: همایون همتی استاد دانشگاه است.

فعالیت‌های آموزشی: دین پژوهی مهمترین فعالیت همایون همتی است. او این امر را دررا بطه با انسان پی می گیرد. وی بر این نظر است که مساله انسان به این شکلی که الان درروزگار ما مطرح است هم جنبه انتولوژیک یا هستی شناسی دارد و هم جنبه ایستولوژیک یا معرفت شناسی، از طرف دیگر نیز به لحاظی از نظر دین شناسی و جامعه شناسی و روان شناسی مورد بحث است که خود انسان اساسا موجودی است دارای ساحت های مختلف ویک موجود تک بعدی نیست.

آرا و گرایشهای خاص: همایون همتی در مورد دین معتقد است که دین منادی و موید آزادی است. زیرا ادیان فرهنگی برای رشد و تعالی بشر آمده اند و تعالی و کمال بشر جز با آزادی میسر نیست و بین این دو نه تنها تضاد و تعارضی نیست بلکه هم پیوندی و تلازم وجود دارد، منتها باید تلقی روشنی از دین و مقوله آزادی داشته باشیم و با تصویری واضح ازاین مفاهیم به بحث پردازیم. منابع زندگینامه:

ادین و آزادی /گفت و گو با دکتر همایون همتی، کیهان فرهنگی، سال هیجدهم، شهریور ماه ۱۳۸۰، پیاپی ۱۷۹، ص ۴

همدانی، حسینقلی

قرن: ۱۳

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(۱۳۱۱-۱۲۳۹ ق)، عارف، حکیم و فقیه. ملا حسینقلی در شونند درگزین از روستاهای همدان متولد شد. کودکی را به شبانی

گذاراند، و سپس در تهران در حوزه شیخ عبدالحسین تهرانی (شیخ العراقین) در رشته معقول درس خواند. چندی بعد عازم سبزوار شد و نزد حاج ملا هادی سبزواری حکمت و فلسفه خواند. پس از مدتی در محضر درس شیخ مرتضی انصاری در نجف حاضر گشت و بسیاری از تقریرات او را در فقه و اصول به رشته‌ی تحریر درآورد. اخلاق و عرفان را از محضر آقا سید علی شوشتری فراگرفت. از جمله شاگردان و اصحاب وی: شیخ محمد بهاری، سید احمد تهرانی، میرزا جواد ملکی تبریزی، سید حسن صدر و سید جمال‌الدین اسدآبادی است. وی در کربلا مدفون است. آثار او عبارت‌اند از: «نامه‌ها و منشآت»، در آداب سلوک که پاره‌ای از نامه‌های او در مجموعه «تذکره المتقین» در ۱۳۲۹ ق به چاپ رسیده؛ «مناجاتها»؛ «تقریرات در اخلاق»؛ «کتاب الرهن»؛ «تقریرات شیخ انصاری»، در فقه و اصول.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الذریعه (۴/ ۴۶)، ریحانه (۶/ ۳۷۶)، فوائد الرضویه (۱۴۸)، گنجینه‌ی دانشمندان (۷/ ۳۷۲).

هومن، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مدرس.

تولد: ۱۲۸۷، تهران.

درگذشت: مهر ۱۳۵۹.

محمود هومن تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تهران انجام داد. تحصیلات عالی و مهندسی را نیز در دانشکده‌ی صنعتی ایران و آلمان به پایان رسانید. در سال ۱۳۱۲ تدریس شیمی معدنی و اصول تجزیه‌های شیمیایی شعبه‌ی مهندسی شیمی دانشکده‌ی صنعتی دانشگاه تهران را عهده‌دار گردید. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۲ مدیریت شعبه‌ی مهندسی شیمی و استادی اصول تجزیه‌های شیمیایی و شیمی معدنی به عهده وی واگذار شد. در سال ۱۳۲۷ برای تدریس فلسفه و تاریخ قرون اولیه اسلامی به دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تبریز انتقال یافت. بعدها در دانشگاه تربیت مدرس نیز به تدریس فلسفه پرداخت.

از آثار اوست: از زندگانی چه می‌دانیم؛ تاریخ فلسفه (۱۳۳۷)؛ حافظ چه می‌گوید (۱۳۱۷)؛ زیست یا زندگی (درباره فلسفه، ۱۳۲۴).

(۱۳۵۹-۱۲۸۷ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، تحصیلات عالی خود را در دانشکده‌ی صنعتی ایران و آلمان ادامه داد. در ۱۳۱۲ ش به تدریس شیمی معدنی و اصول تجزیه‌های شیمیایی شعبه‌ی مهندسی شیمی دانشکده‌ی صنعتی تهران پرداخت. او همچنین مدتی مدیریت شعبه‌ی مهندسی شیمی و استادی اصول تجزیه‌های شیمیایی و شیمی معدنی را به عهده داشت. در ۱۳۲۷ ش برای تدریس فلسفه و تاریخ قرون اولیه اسلامی به دانشکده‌ی ادبیات تبریز رفت و مدتی نیز در دانشگاه تربیت معلم به تدریس فلسفه پرداخت. از آثار وی: «از زندگانی چه می‌دانیم»؛

«تاریخ فلسفه»؛ «حافظ چه می‌گوید»؛ «زیست یا زندگی».[۱]

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: [۱] آینده (س ۶، ش ۱۲-۹، ص ۹۳۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۸۷۹/۲، ۱۱۴۵/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۰-۱۰۹/۶).

یارشاطر، احسان

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

احسان یارشاطر در فروردین ماه ۱۲۹۹ خورشیدی در همدان متولد شد. پدرش هاشم یارشاطر نیز اهل علم و دانش بود. زبان عربی و اسپرانتو را فرا گرفت و به تدریس آن پرداخت. احسان یارشاطر تحصیلات ابتدائی را در دبستان های همدان و کرمانشاه و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان های شرف و تربیت و دانشسرای مقدماتی به پایان رسانید، و به تحصیل در دانشکده ادبیات در رشته زبان و ادبیات فارسی پرداخت و پس از دریافت لیسانس به شغل دبیری اشتغال ورزید و به تحصیل در رشته دکترای ادبیات ادامه داد و رساله دکترای خود را با عنوان (شعر فارسی در نیمه قرن نهم) تهیه کرد. با دریافت بورس تحصیلی به انگلستان رفت و درجه دکترا نیز از دانشگاه های انگلستان دریافت داشت. دکتر احسان یارشاطر پس از مراجعت به ایران به تدریس در دانشگاه پرداخت، با مجله سخن همکاری کرد، به کارهای تحقیقی و فرهنگی بیشماری پرداخت که از جمله (دانشنامه ایران و اسلام) بود. با تأسیس (انجمن کتاب) به دبیری انجمن فلسفه و علوم انسانی وابسته به یونسکو برگزیده شد. از سال ۱۳۳۷ برای تدریس در دانشگاه کلمبیا دعوت شد و در آنجا به تأسیس کرسی مستقل ایران شناسی پرداخت. کار بسیار مهم دکتر احسان یارشاطر تهیه و تنظیم (ایرانیکا) در خارج از کشور می باشد که با همکاری دانشگاه کلمبیا و کمک ایرانیان تا کنون چند جلد کتاب آن منتشر شده است. دکتر یارشاطر در سال ۱۳۴۰ با لطیفه الویه ازدواج کرد که صاحب فرزندی نیست ولی آنقدر کتاب و مجله و نشریه و مقاله تهیه و تنظیم کرده که همه اینها فرزندان او هستند. اکنون در آمریکا اقامت دارد و برای جلب کمک ایرانیان به نشریه (ایرانیکا) به نقاط مختلف دنیا سفر می کند. مجله گردون می نویسد: سرانجام همت انسانی فرهنگدوست از نقطه ای که در ذهنش پدید آمده بود به مثابه هسته ای در دل خاک، درختی تناور و پربرگ، بال گسترد و دانشنامه ایران شکل گرفت تا فرهنگ ما را برای جهانیان تعریف کند.

یثربی، یحیی

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

آقای سید یحیی یثربی در سال ۱۳۲۱ در روستای «چراغ تپه سفلی» از توابع شهرستان تکاب دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۲۶ وارد مکتب خانه روستا گردید و با آموختن قرآن و سپس خواندن و نوشتن ادبیات فارسی آشنا گردید. سال ۱۳۳۵ وارد حوزه علمیه زنجان گردید و علوم مقدماتی را در آنجا فرا گرفت. در سال ۱۳۳۷ جهت ادامه تحصیل در علوم حوزوی، وارد حوزه علمیه قم و حریم عش آل محمد گردید. اساتید ایشان در شهر مقدس قم بزرگانی چون: «آیت الله مرحوم ستوده»، «دوزدوزانی»، «علامه طباطبائی»، «مفتح سلطانی»، «منتظری»، «مکارم» و بودند. در کنار دروس حوزوی در مقطع دکترا در رشته (فلسفه و حکمت اسلامی) از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید.

تحصیلات:

ابتدایی: در مکتب خانه روستای (چراغ تپه)، در شمال «تکاب آذربایجان غربی» ابتدا قرآن آموخته، سپس با خواندن و نوشتن و

ادبیات زبان فارسی آشنا شدم. از سال ۱۳۲۶ شمسی تا ۱۳۳۴.

حوزه ای: از سال ۱۳۳۵ در حوزه علمیه زنجان به تحصیل علوم مقدماتی (صرف، نحو و منطق) پرداخته، سپس در سال ۱۳۳۷ وارد حوزه علمیه قم شدم.

از آن تاریخ تا سال ۱۳۴۴ در دو زمینه به تحصیل مشغول شدم:

* در اصول فقه و فقه که سطح را تمام کرده، و مدتی هم (اگر چه در مقیاس حوزه بسیار کم) از درس خارج مراجع تقلید بهره بردم.

* در علوم عقلی، که شرح منظومه، شرح اشارات و قسمتی از اسفار اربعه را خواندم.

دانشگاهی: دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران، از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۸ با امتیاز گذراندم.

استادان:

حوزه: حضرات آیات: دوزدوزانی، ستوده، سبحانی، مکارم، مفتاح، منتظری، سلطانی و در اواخر مرحوم علامه طباطبایی.

دانشگاه: استادان بزرگوار: شهابی، زرین کوب، ملک شاهی، مطهری، جلیلی، صاحب الزمانی، آریان پور، یزدگردی، فلاطوری، حائری، تفضلی، الهی قمشه ای و ...

یزدی مطلق، محمود

قرن: ۱۴

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سال تولد: ۱۳۱۲، مرتبه علمی: استاد، رشته: فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد

خلاصه شرح حال تخصصی

سوابق تحصیلی:

تحصیلات قدیمه مانند: صرف و نحو، معانی و بیان و بدیع، منطق، فلسفه، فقه و اصول فقه تا سطح خارج، کارشناسی فلسفه از دانشگاه مشهد، دکترای فلسفه از دانشگاه تهران.

مرتبه علمی:

مربی آموزشی دانشکده الهیات مشهد، استادیار دانشگاه مشهد، دانشیار و استاد دانشکده الهیات دانشگاه مشهد.

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:

بررسی و مطالعه وقفنامه‌های موجود در اداره اوقاف خراسان، بررسی نقش وقف در آموزش و پرورش، تحقیق در پژوهش در خصوص علم کلام بویژه اشاعره و معتزله به مدت ۳۰ سال، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر ۴ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.

تألیفات

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: ۱۴

تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: -

زمینه علمی تألیفات:

علم کلام، فلسفه، معرفی نسخه‌های خطی، عرفان، روش تحقیق نسخه‌های خطی، زندگانی معصومین (ع)، علوم قرآنی.

مقالات

تعداد مقالات بزبان فارسی: ۷۲، تعداد مقالات بزبان خارجی: ۲

زمینه علمی مقالات:

کلام، تفسیر، شرح حال معصومین (ع)، بررسی نسخه‌های خطی موجود در ایران، پاکستان و ترکمنستان. برگرفته از کتاب: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

یزدی، عبدالله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

ملا عبدالله یزدی از بزرگان و مشاهیر علماست و (استاد شیخ بهائی) صاحب تألیفاتی از جمله حاشیه ملا عبدالله در منطق است که نسخه‌ای از آن به خط خودش مورخ ۹۶۲ به شماره ۶۶۲ در کتابخانه ملک موجود است. ملا عبدالله بر حسب نوشته منتظم ناصری سال ۹۸۸ وفات نموده است. برگرفته از کتاب: گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

یزدی، نجم‌الدین عبدالله

قرن: ۱۰

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

(وف ۹۸۱ ق)، عالم دینی، فقیه و منطقی. جامع معقول و منقول بود. وی همدرس ملا احمد مقدس اردبیلی و ملا میرزا جان باغنوی شیرازی بود و در فراگیری علوم عقلی نزد ملا-جمال‌الدین محمود، شاگرد علامه دوانی، تلمذ نمود. شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «معالم»، و سید محمد بن ابوالحسن عاملی، صاحب «مدارک»، بر او قرائت کرده‌اند. او نیز به نوبه‌ی خود نزد ایشان علوم شرعیه را فرا گرفته است. در «هفت اقلیم» از خود وی نقل شده که گفته است. در «هفت اقلیم» از خود وی نقل شده که گفته است اگر برهان و دلایل عقلی بر مسائل فقهی بیاورم علم فقه را چنان مدلل سازم که مجال چون و چرا نماند. وی صاحب حاشیه‌ی معروف بر «تهذیب المنطق» تفتازانی مشهور به «حاشیه ملا عبدالله» و از اساتید شیخ بهائی می‌باشد. اصحاب تراجم مراتب علم، تقوی، زهد و ورع او را ستوده‌اند. در اواخر دولت شاه طهماسب صفوی در عراق عرب درگذشت. در «الاعلام» و «معجم المؤلفین» وفات وی ۱۰۱۵ ق در اصفهان ذکر شده است. از دیگر آثار او: «التجارة الرابعة فی تفسیر السورة والفتاحه»؛ «الدره السنیه فی شرح الرسالة الالفیة» که شرح «الفیه» شهید اول است؛ حاشیه بر «حاشیه خطائی»؛ حاشیه بر «شرح شمسیه» قطبی؛ حاشیه بر «استبصار»؛ شرح «القواعد» در فقه؛ حاشیه بر «مطول»؛ شرح «العجالة» محقق دوانی.

برگرفته از کتاب: اثر آفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه: الاعلام (۴/۲۰۹)، الذریعه (۳۶۸-۳۶۷/۱۳، ۲۰۳، ۷۳-۷۲، ۷۱، ۶۰/۶، ۳/۳۴۸)، روضات الجنات (۲۲۴-۲۲۲/۴)، ریحانه (۳۹۱-۳۹۰/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰/۱۳۵)، فوائد الرضویه (۲۴۹)، کشف الظنون (۴۷۶)، معجم المؤلفین (۶/۴۹)، هدیة العارفین (۴۷۴-۴۷۳/۱)، هفت اقلیم (۱/۱۵۵).

یوسف زاده، حسینعلی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسینعلی یوسف زاده

محل تولد: تربت حیدریه

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۹/۵/۸

زندگینامه علمی

بنده در یک خانواده متوسط روستائی در ۸/۵/۱۳۴۹ چشم به جهان گشودم. تا یازده سالگی در کنار خانواده و تا کلاس چهارم ابتدائی را گذراندم. پس از آن و بعد از اتمام پایه چهارم به خواسته پدرم و تمایل خودم برای ادامه تحصیل در حوزه علمیه «تربت حیدریه» وارد شدم. در سال ۱۳۶۲ در همان ابتداء به این نتیجه رسیدم که گذراندن دروس جدید و خواندن آن همراه با دروس حوزوی خالی از فایده نیست لذا علی رغم ممانعت ریاست محترم وقت حوزه به صورت متفرقه سعی کردم به آن نیز پردازم.

ذکر این خاطره همیشه برایم شیرین بوده است که «ما دو نفر بودیم و امتحان کلاس پنجم که باید به صورت متفرقه امتحان می دادیم در ماه رمضان بود و یک دوره کتاب پنجم بیش نداشتیم. با دوستم قرار گذاشتیم کتابی که باید فردای آن روز امتحان می دادیم روز تا شب در دست ایشان باشد و مطالعه کند و شب تا سحر من آن را مطالعه می کردم در حالی که برای مطالعه هر یک از کتاب ها چند ساعتی بیش وقت نداشتیم. به حول و قوه الهی بدون هیچ مشکلی نمره خوبی را گرفتیم».

در همان ابتداء سئوالاتی ذهن مرا به خود مشغول کرده بود از جمله اینکه: (شنیده بودم کسی وارد حوزه می شود درس او پایانی ندارد و یا لااقل ۳۰ سال باید بخواند. با خودم می گفتم من سی سال درس بخوانم که تنها قادر باشم بروم روی منبر و یک منبر و یک روضه برای مردم بخوانم و تمام؟). لذا دلسرد شده بودم تا اینکه یک روز در حال رفتن به مسجد برای نماز، این نکته به ذهنم رسید که امام خمینی نیز از همین رشته رفته اند جلو و درس حوزوی ایشان را قادر ساخته تا بتوانند ایران و به تبع آن جهان را متحول سازند. این نکته نقطه امیدی شد برای دلگرمی بیشتر، به همین جهت سعی کردم این افکار را دور ریخته و مشغول تحصیل جدی شدم. در این بین گرچه وسوسه های برخی از دوستان و اظهار دلسردی آنان زیاد بود اما بنده تسلیم نشدم و سعی کردم به کار خودم ادامه دهم به همین جهت در سن ۱۴ سالگی به تنهایی به مشهد مقدس سفر کردم و به دنبال پذیرش به یکی از مدارس علمیه مشهد وارد شدم اما توفیقی حاصل نشد. از طرفی حوزه «تربت» برای مدتی با مشکلاتی مواجه بود که برای ادامه تحصیل با مشکل مواجه شدم.

در یکی از سفرهای سیاحتی و زیارتی به همراه دوستان به کاشمر رفتم و به مدرسه علمیه، سری زدیم. از حوزه آنجا خوشم آمد. در همان سفر درخواست پذیرش به مدیر مدرسه دادیم و پذیرفته شدیم. به همراه عده ای از دوستان رفتیم و به عنوان طلبه حوزه علمیه کاشمر در مدرسه «دانش» مستقر شدیم. پس از یکسال و اندی با توجه به اینکه دروس آنجا کافی نبود و هر چه درخواست می کردیم لااقل دو یا سه درس برای ما در روز گذاشته شود مسئول مدرسه که وقت نداشت موافقت نمی فرمود؛ تصمیم به هجرت گرفتیم. با مشورت یکی از دوستان مقصد را «قم» انتخاب کردیم. در سال ۱۳۶۵ به قم جهت تشکیل پرونده رفتیم و در آنجا با

مشکلات عدیده مواجه شدیم. خدمت حضرت آیه الله فاضل لنکرانی (دام عزه) رفتیم و ایشان با درخواست از یکی از آقایان، به صورت موقت در خوابگاهی در آذر مستقر شدیم. پس از یک سال به دلیل نداشتن پرونده (لمعه امتحان باید می دادیم) عذر ما را خواستند و به مشهد رفتیم. در سال ۱۳۶۶ در حوزه مشهد پذیرفته شدیم در آنجا ضمن خواندن درس های معمولی حوزه، سعی کردیم از محضر استاد «حجت هاشمی» استفاده بیشتر ببریم و لذا (ادبیات) را بعضاً تکرار و (مطول) را نیز خواندیم. در سال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه رضوی و سال ۱۳۷۷ فارق التحصیل در دوره کارشناسی و در همان سال، همزمان برای کارشناسی ارشد (فلسفه و کلام) در دانشگاه رضوی و دانشگاه قم پذیرفته شدم که قم را اختیار نمودم. در سال ۱۳۸۰ از پایان نامه ام دفاع کردم. همزمان دروس حوزه را ادامه دادم. از سال ۱۳۷۶ تا کنون در دروس اساتید بزرگوار (فقه و اصول) شرکت می کنیم. از اساتیدی چون: آیه الله «رضازاده»، «فلسفی»، «مرتضوی در مشهد»، «وحید» و «فاضل لنکرانی» در قم بهره برده ام.

یوسفی راد، مرتضی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مرتضی یوسفی راد

محل تولد: ورامین

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب در سال ۶۳ - ۶۴ به حوزه علمیه قم آمده و دروس حوزوی را از ابتدای مقدمات شروع نموده و تا کنون، سطوح مختلف آن را طی کرده و اکنون ۸ سال است که درس خارج را از اساتیدی همچون: «آیت الله وحید خراسانی»، «حاج شیخ جواد تبریزی» و «آیت الله بهجت» فرا گرفته ام. در کنار دروس حوزوی به جهت ضرورت فراگیری دروس دانشگاهی و ارتباط با دانشگاه و اساتید آن، از سال ۶۷ - ۶۸ به تحصیل دروس علوم سیاسی در موسسه آموزش عالی باقرالعلوم در مقطع کارشناسی بر آمدم و در سال ۱۳۷۳ فارغ التحصیل شدم و در ادامه در همان موسسه در مقطع کارشناسی ارشد وارد شدم و در سال ۱۳۷۹ فارغ التحصیل این رشته در این مقطع شدم.

در طی دوران آموزش و تحصیل خود، از سال ۱۳۷۴ وارد حوزه تحقیقات در علوم اسلامی در زمینه بررسی نظریات، آراء و اندیشه های سیاسی فیلسوفان مسلمان و موضوعات سیاسی شدم. در کنار تحصیل علوم حوزوی، دانشگاهی و تحقیقات در زمینه علوم اسلامی، حدود پنج سال نیز در فاصله سالهای ۷۷ تا ۸۱ به تدریس در دانشگاههای «آزاد اسلامی اراک»، «شهید چمران اهواز» و «علوم پزشکی اهواز» در درس (ریشه های انقلاب اسلامی) مشغول بودم.

در حال حاضر در زمینه تحقیق و پژوهش در پژوهشکده (علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و زیر نظر آموزش عالی متمرکز هستم و مدت سه سال است که مدیر گروه فلسفه سیاسی و هیئت علمی این پژوهشگاه می باشم.

یوسفی، سجاد

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

سجاد یوسفی

محل تولد: تبریز

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

در سال ۱۳۷۶ وارد حوزه علمیه شدم. در سال ۱۳۸۱ سطح را تمام کردم و حدود چهار سال است که از دروس آیت الله «جوادی آملی»، «تبریزی»، «خراسانی»، «مکارم»، «شیری» و «سبحانی» استفاده نموده‌ام. مدتی در حوزه تبریز و مقداری در قم مشغول تدریس (اصول فقه) و (فلسفه) بودم و کتابهای جواهر النضید، کشف المراد، بدایه الحکمه، نهایت الحکمه، معالم الاصول و اصول فقه را تدریس نموده‌ام. در ضمن در موارد مختلف به حول خدا توانسته‌ام قلم فرسایی کنم و در سنگرهای مختلف شرکت کنم و در رشته «فلسفه» کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم و مشغول تدوین پایان نامه سطح ۳ حوزه می باشم.

یوسفیان، حسن

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

حسن یوسفیان

محل تولد: تهران

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۱/۱

زندگینامه علمی

اینجانب حسن یوسفیان در سال ۱۳۶۱ شمسی در مهدی شهر (سمنان) تحصیل علوم دینی را آغاز کردم و پس از دو سال به قم آمدم. در دوران جنگ تحصیلی، چند سالی تقریباً ترک تحصیل کرده بودم، اما پس از پایان یافتن جنگ، پیشرفت تحصیلی رضایت بخشی داشتم و در امتحانات سراسری حوزه در سال ۱۳۷۵ شمسی در «پایه دهم» نفر اول شدم. در سال ۱۳۷۳ شمسی در «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» پذیرفته شدم و دوره کارشناسی را در سال ۱۳۷۶ و دوره کارشناسی ارشد دین شناسی (کلام) را در سال ۱۳۸۱ به پایان رساندم.

کار تألیف و پژوهش را در سال ۱۳۷۵ با نگارش کتاب «پژوهشی در عصمت معصومان» آغاز کردم. و این اثر اول، پس از چاپ در سال ۱۳۷۸ به عنوان کتاب سال حوزه و نیز کتاب سال دانشجویی کشور برگزیده شد. تألیفات دیگر حقیر نیز به لطف خداوند با توفیقاتی همراه بوده؛ چنان که کتاب «عقل و وحی» به عنوان پژوهش برگزیده کنگره دین پژوهان کشور در سال ۸۱ و نیز کتاب سال حوزه در سال ۸۴ انتخاب شده است. پژوهش «باورهای دینی و چالش‌های نو» نیز در سال ۸۳، اثر برگزیده کنگره دین پژوهان شده است.

هم اکنون این جانب علاوه بر تحصیل در مقطع دکتری در رشته کلام (دانشکده تربیت مدرس دانشگاه قم)، به کار تألیف و تدریس در مؤسسه امام خمینی اشتغال دارم.

یوسفیان، مهدی

قرن: ۱۵

جنسیت: مرد

ملیت: ایران

مهدی یوسفیان

محل تولد: ----

شهرت

تابعیت: ایران

تاریخ تولد

زندگینامه علمی

این حقیر در سال ۱۳۶۳ وارد حوزه علمی قم شدم و دوران تحصیلی ادبیات عرب را که سه سال به طول انجامید؛ در مدرسه علمی «ابوالصدق» و سپس «رضویه» گذراندم. از اساتید قابل ذکر در این دوره می توانم به استاد مرحوم «مهدی زاده»، استاد «طالقانی» و «عرفان» اشاره کنم. سپس برای ادامه تحصیل که به دوره سطح معروف است از محیط مدرسه خارج شدم. این دوره که از (شرح لمعه و اصول فقه) شروع می شود و پس از «رسائل و مکاسب» به «کفایه» تمام می شود از اساتیدی که می توان نام برد: آیت الله (استادی، عراقچی، پایانی) و حجج اسلام (سعیدی، محمودی و بیگدلی) بودند. در همین اوان مشغول به تحصیل در دوره سطح، تبلیغ و تبیین معارف را شروع کردم. محدوده تبلیغ گسترده بود یعنی هم در روستا، هم در شهر، هم در محیط های علمی و هم نظامی، فعالیت تبلیغی را ادامه می دادم.

تقریباً سال ۱۳۷۰ بود که وارد مؤسسه (در راه حق) شدم و در کنار درس فقه و اصول، تحصیل در فلسفه و معارف قرآن را شروع کردم. این دوره حدوداً پنج سال به طول انجامید و موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم. پایان نامه ای که نوشتم در رابطه با (مناظرات کلامی انبیای اولوالعزم در قرآن) بود که در نوع خود بحث تازه ای بود و در رابطه با آن، کار خاصی صورت نگرفته بود. البته در کنار تحصیل و تحقیق در این مؤسسه، که به (مرکز آموزشی پژوهشی امام خمینی) تحت سرپرستی استاد بزرگوار آیت الله (مصباح) تغییر نام داد، بحث فقه و اصول را نیز ادامه می دادم و در دروس آیات عظام: (وحید خراسانی، تبریزی، زنجانی و محقق) شرکت می کردم که تا کنون ادامه دارد.

در کنار تحصیل به تدریس پرداختم. یک ترم در دانشگاه آزاد به تدریس «اخلاق» اقدام کردم ولی به علت مشکلاتی آن را رها کردم و به همان یک ترم بسنده نمودم. نزدیک ۹ سال است که در (مرکز جهانی علوم اسلامی) که مربوط به طلاب و دانش پژوهان خارجی است؛ مشغول تدریس (فقه، عقاید و فلسفه) هستم و سه سال به عنوان استاد نمونه برگزیده شدم. نزدیک سه سال در مدرسه علمیه (امام جواد علیه السلام) که مخصوص حافظین قرآن است به تدریس (عقاید و منطق) پرداختم. نزدیک دو سال است که در «مرکز مهدویت قم و اصفهان» به تدریس مباحث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام اشتغال دارم. البته این غیر از تدریس های متفرقه است که در طول این سال ها داشته و دارم. مثل: تدریس (ادبیات و اخلاق) در حوزه علمیه خواهران یا تدریس (عقاید در جهاد قم و...).

در کنار تحصیل و تدریس به تحقیق و تالیف نیز روی آوردم و اولین اثر مکتوب و قابل عرضه را در مرکز جهانی علوم اسلامی نوشتم. علت تالیف آن نیز نیازی بود که طلاب تازه وارد به مرکز نسبت به کلیاتی از عقاید داشتند. این اثر که الهام گرفته از عقاید آیت الله مکارم بود در میان طلبه ها مورد استقبال واقع شد و تعداد زیادی از آنان درخواست اجازه ترجمه آن را به زبان خود خواستند. در ادامه این اثر، پنج جزوه دیگر نوشتم در رابطه با (خدا شناسی، اندیشه اسلامی)، (نبوت ۲)، (امامت ۳)، (معاد ۴) و (فلسفه مقدماتی یا آشنایی با فلسفه).

از سال ۱۳۸۰ نیز وارد مرکز تخصصی (مهدویت) شدم و پس از طی مراحل تحصیلی و آشنایی با مباحث مربوط به امام زمان علیه السلام و تحقیق در این زمینه، چند مقاله نوشتم که در مرکز اصفهان، ارتش و قم مورد استفاده قرار می گیرد. جزوهایی که عرضه کردم از این قرارند: «امام مهدی علیه السلام در قرآن»، «طلوع خورشید»: (دوران کودکی حضرت)، «فواید امام غایب»، «امکان دیدار حضرت در زمان غیبت»، «شرایط و علائم ظهور»، «مسیر حرکت و قیام حضرت». اکنون نیز در این مرکز در قسمت (پرسش و پاسخ) مشغول هستم.

در کنار این جزوات، که به صورت فردی نگاشته شده است، کتابی پیرامون حضرت به همراه برادران بزرگوار حجت الاسلام (مهدی حامدی پور و محمد امین بالادستیان) عرضه کردیم به نام «نگین آفرینش» که کلیاتی از زندگی حضرت را از ولادت تا رحلت در بر می گیرد و در نوع خود، دارای مطالب جدیدی می باشد. همراه با این فعالیتها، در صدا و سیمای مراکز مختلف مانند: (آبادان، اراک، قم و جام جم) مباحثی پیرامون حضرت عرضه کرده ام. حدود دو سالی نیز به فراگیری زبان خارجی «انگلیسی» پرداختم.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

